

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization



محورهای کلی همایش:

- ۱- تبیین مفهومی تمدن نوین اسلامی و پیشینه تاریخی آن
- ۲- تمدن نوین اسلامی و خاستگاه های الهی آن
- ۳- نقش حوزه و دانشگاه در تمدن سازی نوین اسلامی
- ۴- حکمرانی مطلوب و تمدن نوین اسلامی
- ۵- آموزش و پرورش و تمدن نوین اسلامی
- ۶- نقش فرهنگ در تمدن نوین اسلامی
- ۷- اندیشمندان و تمدن نوین اسلامی
- ۸- آینده پژوهی و تمدن نوین اسلامی
- ۹- نقش رسانه و فناوری های عصر جدید در تمدن نوین اسلامی

زمان: سه شنبه و چهارشنبه، ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳

مکان: ارومیه، خیابان شهید بهشتی، دانشگاه ارومیه، سالن آمفی تئاتر پژوهشکده آرتیمیا و آبی پیروزی

آخرین مهلت ارسال اصل مقالات: ۱۵ مهر ۱۴۰۳

آخرین مهلت ثبت نام در همایش: ۲۰ مهر ۱۴۰۳

آدرس اینترنتی همایش: iconmic1.urmia.ac.ir

آدرس ایمیل همایش: iconmic1@urmia.ac.ir

آدرس دبیرخانه: ارومیه، بلوار والفجر، خیابان صدا و سیما، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

تلفن: ۰۴۴۳۳۳۶۴۵۰ • فکس: ۰۴۴۳۳۳۶۹۷۱۶

کد پستی: ۵۷۱۹۸۸۴۳۷۵





The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization



General Topics of the conference

1. Conceptual Explanation of the Modern Islamic Civilization and its Historical Background
2. The Modern Islamic Civilization and its Divine Origins
3. The Role of the Seminary and University in the Modern Islamic Civilization
4. Good Governance and the Modern Islamic Civilization
5. Education and the Modern Islamic Civilization
6. The Role of Culture in the Modern Islamic Civilization
7. Scholars and the Modern Islamic Civilization
8. Futurology in the Modern Islamic Civilization
9. The Roles of Modern Media and Technologies in the Modern Islamic Civilization

Conference Date: Tuesday and Wednesday 29-30 October 2024

Conference Venue: Urmia, Shahid Beheshti St., The International Campus of Urmia University, Amphitheater of Artemia and Aquaculture Research Institute

Submission Deadline: 6 October 2024

Registration Deadline: 29 October 2024

Website: iconmic1.urmia.ac.ir

E-mail: iconmic1@urmia.ac.ir

Secretariat address: Urmia, Valfajr Blvd, Seda-Sima Street
Faculty of Literature and Humanities

Phone: 04433364500 Fax: 04433369716 Postal code: 5719884375





اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



ساختار سازمانی همایش

رئیس دانشگاه ارومیه و رئیس شورای سیاستگذاری همایش: دکتر احمد علیجانپور
معاون پژوهشی دانشگاه ارومیه و رئیس همایش: دکتر عباس بانج شفیعی
دبیر علمی: دکتر بهمن نزهت، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه
دبیر علمی: دکتر محمت حاکی آما، استاد دانشگاه ایغدیر ترکیه
دبیر اجرایی: دکتر محمدحسن جوادی، دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه

اعضای کمیته علمی همایش

دکتر بهمن نزهت: استاد دانشگاه ارومیه
دکتر محمدحسن جوادی: دانشیار دانشگاه ارومیه
دکتر مهدی گلشنی: استاد دانشگاه صنعتی شریف
دکتر فاطمه جان احمدی: استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر اصغر منتظرالقائم: استاد دانشگاه اصفهان
دکتر محمد مهدی پور: استاد دانشگاه تبریز
دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد: استاد دانشگاه اصفهان
دکتر اسحاق طغیانی: استاد دانشگاه اصفهان
دکتر عباسعلی وفایی: استاد دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر مرتضی شجاری: استاد دانشگاه تبریز
دکتر علیرضا ملایی توانی: استاد پژوهشگاه سمت
دکتر نجمه دری: دانشیار دانشگاه تربیت مدرس
دکتر شیرزاد طایفی: دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر جواد نعمتی: دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز
دکتر غلامرضا ذکیانی: دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر محمد رضایی: دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
دکتر مهدی نادری: دانشیار دانشگاه شاهد
دکتر سید احمد رضا خضری: استاد دانشگاه تهران
دکتر احمد بادکوبه هزاوه: دانشیار دانشگاه تهران
دکتر اصغر قائدان: دانشیار دانشگاه تهران



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



دکتر علی بیات: دانشیار دانشگاه تهران
دکتر عبدالحسین کلاتری: دانشیار دانشگاه تهران
دکتر سید احمد غفاری قره باغ: دانشیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
دکتر عبدالله محمدی: استادیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
دکتر پریسا قربان نژاد: دانشیار دانشگاه الزهرا
دکتر سید مهدی قریشی: دانشیار دانشگاه ارومیه
دکتر سید مهدی صالحی: دانشیار دانشگاه ارومیه
دکتر سیامک جعفرزاده: دانشیار دانشگاه ارومیه
دکتر رضا نیکخواه سرنقی: دانشیار دانشگاه ارومیه
دکتر سلمان علیپور قوشچی: استادیار دانشگاه ارومیه
دکتر زهرا احمدی ناطور: استادیار دانشگاه ارومیه
دکتر ابوالقاسم ولی زاده: دانشیار دانشگاه ارومیه
دکتر دلبر شجاع: استادیار دانشگاه ارومیه
دکتر محمد حیدری زاد: استادیار دانشگاه ارومیه
دکتر حسن فلاوندی: استاد دانشگاه ارومیه
دکتر اسماعیل سلیمانی: دانشیار دانشگاه ارومیه
دکتر محسن مومنی: دانشیار دانشگاه ارومیه
دکتر زینب احمدوند: استادیار دانشگاه ارومیه
دکتر خدیجه جوان: دانشیار دانشگاه ارومیه
دکتر سعید سلطانی بهرام: استادیار دانشگاه ارومیه

Dr. Mehmet Hakki ALMA: Professor, Iğdır University
Dr. Abdurrahman Candan: Professor, Van Yüzüncü Yıl University
Dr. Sait Yıldırım: Associate professor, Iğdır University
Dr. Hasan Ocak: Professor, Iğdır University
Dr. Mehmet Ali Sevgi: Assistant professor, Iğdır University
Dr. Veysel Güllüce: Professor, Atatürk University
Dr. Zeki Tan: Professor, Iğdır University
Dr. Ömer Bozkurt: Professor, Mardin Artuklu University
Dr. Abdulhalim Oflaz: Associate professor, Iğdır University
Dr. Emel Sünter: Associate professor, Dokuz Eylül University
Dr. Ahmet Kamil Cihan: Professor, Erciyes Artuklu
Dr. Salih Yalın: Associate professor, Erciyes University
Dr. Fevzi Yiğit: Associate professor, Sivas Cumhuriyet University



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

فهرست مقالات

۱. اصلاح دانش؛ رسالت اصلی دانشگاه‌ها در تولید گفتمان تمدن نوین اسلامی
۲. نقش علم و آگاهی در تمدن نوین اسلامی
۳. بررسی تصرفات حقوقی منافی بر مبیع در عقد معلق
۴. بررسی تأثیر مسجد در شکل‌گیری مدارس اسلامی
۵. واکاوی جایگاه و نقش علم نافع در شکوفایی تمدن نوین اسلام
- 6. Ottoman Empire Political Culture and Ahmed Jevdet Pasha's Jurisprudential thought**
۷. الگوی حکمرانی مطلوب توسعه محور در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری
۸. نقش حوزه و دانشگاه در تحقق تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری امام خامنه‌ای
۹. هوش مصنوعی و تمدن سازی اسلامی: چالش‌ها و فرصت‌های نوظهور
۱۰. بررسی و تبیین چالش‌ها و راهکارهای تربیت فرهنگی در مدارس
۱۱. نقش آموزش و پرورش در تمدن نوین اسلامی آسیب‌ها و راهکارها
۱۲. بررسی رابطه جو اخلاقی سازمان با بالندگی سازمانی در مدارس متوسطه اول شهر خرم‌آباد
۱۳. تجلی فرهنگ و تمدن اسلامی بر شکل‌گیری الگوی سکونت
۱۴. هندسه علم در تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله جوادی آملی
۱۵. بررسی اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی، شهید مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای در تمدن نوین اسلامی
۱۶. نقش زنان مسلمان در تمدن سازی نوین اسلامی از منظر رهبری
۱۷. ظهور تمدن اسلامی از نگاه علامه طباطبائی رحمه الله علیه
۱۸. جایگاه علم امام معصوم در تمدن اسلامی
۱۹. بررسی تاثیر شهاب‌الدین سهروردی در تمدن اسلامی
۲۰. سبک زندگی عرفانی-اسلامی از منظر شیخ اشراق
۲۱. تبیین نقش و رسالت زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی با رویکردی بر آموزه‌های قرآنی
۲۲. جایگاه علم و اثرات کمال آفرین آن در تحقق تمدن نوین اسلامی
۲۳. نقش آموزش و پرورش مقطع ابتدایی در تحقق تمدن نوین اسلامی
۲۴. ترسیم و تحلیل نقشه موضوعی تولیدات علمی حوزه تمدن نوین اسلامی: یک مطالعه علم‌سنجی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

۲۵. آینده‌نگری سازمان‌ها با توجه به بیانیه گام دوم
۲۶. سبک زندگی از منظر اسلام
۲۷. بررسی مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی بانظم نوین جهانی از منظر ایدئولوژی
۲۸. نقش علم در تمدن و پیشرفت ایرانی- اسلامی
۲۹. جایگاه علوم تشریح و پزشکی در خدانشناسی و تمدن نوین اسلامی
۳۰. نقش رهبری و مردم در تمدن نوین اسلامی با عنایت به آیه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم/۵)
۳۱. نقش مناظرات قرآنی امام رضا(ع) در گسترش اسلام و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی
۳۲. درآمدی بر ادغام رویکردی اسلامی به روانشناسی در نظام آموزش عالی
۳۳. موقعیت راهبردی جغرافیایی کشورهای اسلامی در تمدن نوین اسلامی
۳۴. واقع‌گرایی هستی‌شناختی در تمدن اسلامی با توجه به «تمدن نوین اسلامی»
۳۵. بازشناسی لکانی «من» ایرانی- اسلامی در غزلیات حافظ
۳۶. تحلیل روانکاوانه مفهوم ورع به مثابه نگاه خیره در «کیمیای سعادت»
۳۷. آسیب‌های ارزشی و اخلاقی ناشی از استفاده نامناسب از شبکه‌های اجتماعی مجازی در خانواده‌های ساکن شهرهای استان آذربایجان شرقی
۳۸. نگرش و راهبردهای تنظیم‌گری فرهنگی در فضای مجازی جهت تحقق تمدن اسلامی
۳۹. حقوق کودکان در فقه و حقوق اسلامی
۴۰. نقش آموزه‌های دینی در رابطه با سلامت و تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی
۴۱. نقش آموزش و پرورش در تمدن نوین اسلامی
۴۲. جایگاه واقعی هوش مصنوعی در نظام آموزشی تمدن زمینه‌ساز ظهور
۴۳. تأثیر پیاده‌روی اربعین بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در توسعه تمدن نوین اسلامی
۴۴. تعامل بین ادیان و مذاهب در تحقق تمدن نوین اسلامی بر اساس آیات قرآن
۴۵. شیوه‌های علمی درمان بیماری سرطان از منظر پزشکان مسلمان در تمدن اسلامی قرون سوم تا دهم هجری
۴۶. تأثیر نخستین مدرسه دینی بانوان اصفهان در گسترش تمدن نوین اسلامی
۴۷. آسیب‌شناسی تشکیل تمدن نوین اسلامی از منظر امام خامنه‌ای



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

- ۴۸. واکاوی ضعف‌ها و قوت‌های حکمرانی مسعود غزنوی در تاریخ بیهقی؛ سرمشقی برای حکمرانی مطلوب
- ۴۹. بانوان و بازتولید ارزش‌های فرهنگی بین‌نسلی
- ۵۰. تمدن نوین اسلامی؛ ریشه‌های تاریخی
- ۵۱. انتظار، آموزه‌های مهدوی و تمدن سازی نوین اسلامی (با رویکرد آینده‌پژوهی)
- ۵۲. سبک زندگی دینی منطبق با سیره نبوی در تمدن نوین اسلامی
- ۵۳. توسعه فرهنگی لازمه ایجاد تمدن نوین اسلامی با تأکید بر عقلانیت ارزشی
- ۵۴. بازخوانی مراحل تطور فرجام شناسی انسان در حکمت متعالیه
- ۵۵. نقش فرهنگی و اجتماعی زنان ترک مغولی هند در تمدن اسلامی

56. Philosophical, Wisdom, and Epistemological Theory of the Islamic Utopia and the Possibility of the Emergence of a New Islamic Civilization

57. The Ideal City in the New Islamic Civilization

- ۵۸. مبانی معرفتی و فلسفی ملاصدرا در عینیت و تعالی انسان
- ۵۹. عقل و عقلانیت در تکوین تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی
- ۶۰. تاثیر تخریبی تفکرات تکفیری بر تمدن نوین اسلام
- ۶۱. نقش خانواده و سبک زندگی ایرانی اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی
- ۶۲. عناصر تمدن ساز نوین اسلامی در منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)
- ۶۳. رسالت تمدنی انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم
- ۶۴. راهبردها و ظرفیت دانشگاه و مراکز آموزش عالی در تحقق تمدن نوین اسلامی
- ۶۵. بررسی نقش مدیریت فرهنگی در مواجهه با جهانی شدن فرهنگ و ایجاد تمدن نوین اسلامی
- ۶۶. بررسی کارکرد گفتمان بینش تمدن‌گرا در جامعه دینی با تطبیق بر اندیشه شهید مطهری
- ۶۷. تأملی بر نقش شبکه‌های اجتماعی؛ در ارتقاء همکاری و توانمندی حرفه‌ای معلمان مقطع ابتدایی
- ۶۸. مرجعیت علمی زبان فارسی و نظریه دفاع تمدنی
- ۶۹. اهمیت و جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی با تکیه بر بیانات مقام معظم رهبری
- ۷۰. پویایی تمدن نوین اسلامی با سواد آموزی بانوان در منظر اسلام
- ۷۱. بازخوانی تجارب تاریخی اندیشمندان اسلامی در علم اندوزی، راهبردی بر توسعه علمی با هدف تحقق تمدن نوین اسلامی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

۷۲. واکاوی جایگاه تربیت دینی از منظر حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)
۷۳. نقش اجتماعی زنان در تحقق تمدن اسلامی در دوره میانه اسلامی
۷۴. نقش و جایگاه عدالت در تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی
۷۵. بررسی تاریخی تمدن اسلامی و نسبت تمدن تاریخی و تمدن نوین
۷۶. مبانی قرآنی هجرت و دلالت های تربیتی آن در تمدن نوین اسلامی
۷۷. اهمیت و نقش علوم تجربی در تحقق تمدن نوین اسلامی
۷۸. ملزومات و مولفه های تمدن نوین اسلامی
۷۹. از تعالیم ائمه تا شکوفایی فرهنگ اسلامی: تحلیل تاریخی تمدن اسلامی
۸۰. خاستگاه تعلیم و تربیت اسلامی در بستر تمدن اسلامی با تکیه بر مراکز آموزشی و کتابخانه ها
۸۱. عزت و اقتدار تمدنی در پرتو اقتصاد مقاومتی از نگاه امام خامنه ای
۸۲. تاثیر فرگشت زبان در تکوین و تکامل تمدن اسلامی
۸۳. برنامه راهبردی قرآن در تمدن سازی جهانی با تأکید بر آیه تألیف قلوب
۸۴. مبانی نظری تمدن اسلامی
۸۵. مؤلفه های تمدن ساز نهضت عاشورا
۸۶. تمدن سازی و ارتباط خانواده و حکومت اسلامی
۸۷. نقش زنان در تداوم زندگی با محوریت مهریه در نگاه پیمایشی
۸۸. حکمرانی مطلوب و تمدن نوین اسلامی
۸۹. شناسایی اولویت های بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط با استعداد های برتر علمی کشور
۹۰. جهانی سازی و تمدن نوین اسلامی
۹۱. حدود و ثغور دو تعارض دو حق در تصرفات منافی ناشی از اعمال حق شفعه
۹۲. انسان به مثابه حرکت در تمدن نوین اسلامی
۹۳. تحلیل و بررسی ابعاد تفسیر اعجازی و علمی قرآن کریم در پیشرفت تمدن نوین اسلامی
۹۴. جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۹۵. عدالت از منظر حقوق و در اسلام

96. The Possibility of the Revival of Islamic Civilization and its Integration with the Modern World

97. The Role of Judicial Jurisprudence in the Construction of a Common Culture



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



98. **İslam Medeniyetinde Bağımlilikten Bağımsizliğa**

99. **Socio-Cultural Interaction in Modern Islamic Civilization**

100. **A Comparative Analysis of Social Thought and the Dominant Materialist Thought in the Formation of the New Islamic Civilization**

101. **Social Construction in The Modern Period Within the Axis of Reason and Comparison and an Evaluation on the Function of Universities**

102. **The Place and Importance of Knowledge in Islamic Civilization**

103. **İslam Ve Batı Arasında Bir Düşünür: Aliya İzzetbegović'in Fikirleri Ve Etkileri**

104. **Literary Presentation of Medical Knowledge in the Ottoman Empire and the Use of This Knowledge Today**

۱۰۵. **تعلیم و تربیت و تمدن نوین اسلامی، آسیب ها و راهکارها**

۱۰۶. **از جهان چندتمدنی به جهان چندقطبی: چالشی مفهومی در برابر جهانی شدن**

۱۰۷. **نگاه منظومه ای به تحول علوم انسانی**

۱۰۸. **تبیین توانمندسازی دانشجویان در فرآیند دانشگاه تمدن ساز اسلامی (با تأکید بر نقش اساتید)**

۱۰۹. **فرهنگ نامیرای ایرانی و تحقق تمدن نوین اسلامی**



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

اصلاح دانش؛ رسالت اصلی دانشگاه‌ها در تولید گفتمان تمدن نوین اسلامی

محمد خاقانی اصفهانی*^۱

۱- نویسنده مسئول: استاد گروه عربی دانشگاه اصفهان

چکیده

به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی در دهه‌های گذشته، دانشگاه‌های کشور از نسل صرفاً آموزشی به آموزشی پژوهشی، و سپس به نسل جامعه‌محور متحول شدند، و در تلاش‌اند تا در ارتباط واقعی با صنعت و جامعه به رفع نیازهای فوری کشور بپردازند، و جمهوری اسلامی ایران را به تراز آنچه در روایات ما علم نافع خوانده شده است برسانند. اما آنچه می‌تواند تهدیدی جدی برای دانشگاه‌های تراز انقلاب محسوب شود عدم توجه به برنامه‌ریزی‌های درازمدت جهان اسلام به بهانه فوری بودن نیازهای کوتاه‌مدت است. پژوهشگر در این مقاله بر این عقیده است که آرمان حرکت از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله تمدن نوین اسلامی در بخش نخبگانی و دانشگاهی با دو مانع بزرگ روبروست. نخست این‌که ماهیت علوم در دانشگاه‌های ما سکولار و دستاورد وارداتی از تمدن غرب معاصر است، که باید سازوکار تبدیل آن به علم نافع در دانشگاه‌ها تحلیل و تعیین شود. مانع بزرگ دوم این است که پارادایم فکری تمدن کهن اسلامی شناخت جهان و پارادایم تمدن غرب معاصر تغییر جهان بود. تلاش برای تأسیس تمدن نوین اسلامی بیش از هر چیز مستلزم تعیین پارادایم متفاوتی برای آن است. در این مقاله با رویکرد توصیفی تحلیلی پارادایم (تسخیر جهان) با رهیافت‌هایی قرآنی عرضه خواهد شد.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، علم سکولار، علم نافع، پارادایم تسخیر جهان

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

طبق راهبردهای بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری، دانشگاه‌های کشور اسلامی ما به موازات توجه به نیازهای فوری ملت ایران با شعار "جامعه محوری"، موظفند در راستای تلاش برای "تمدن سازی"، به نیازهای درازمدت امت اسلامی نیز بیندیشند و برای رفع آن‌ها برنامه ریزی کنند.

دو کلیدواژه مزبور در راهبرد جدید را می‌توان به این شکل تعریف کرد:

- **جامعه محوری:** نماد ورود دانشگاه به فضای علم نافع و در جهت رفع نیازهای علمی و تخصصی کشور است که در سطح

ملی برای ارتقاء جایگاه ملت ایران در میان ملت‌های منطقه و جهان صورت می‌گیرد.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

- تمدن سازی: تمرکز بر برنامه ریزی درازمدت علمی پژوهشی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی در سطح جهان اسلام است.

بنابراین در شاخص جامعه محوری اولاً رفع نیازهای فوری مد نظر است، ثانیاً بستر این شاخص ملت ایران است و در سطح ملی قرار می گیرد. در حالی که تمدن سازی اولاً نگاه به افق های دوردست در آینده را می طلبد و ثانیاً نمی تواند یک مقوله ملی قلمداد شود. تأسیس یک تمدن آرمانی فرامرزی است که باید در سطح امت اسلامی تعریف و برنامه ریزی شود. شاخص های اصلی دو راهبرد بالا به قرار زیرند:

تمدن سازی

- رفع نیازهای دراز مدت
- چارچوب بین الملل اسلامی

جامعه محوری

- رفع نیازهای فوری و فعلی
- چارچوب ملی

توجه موازی و همزمان به نیازهای کوتاه مدت (زمان حال) و درازمدت (آینده) مورد تأکید بسیاری از آموزه های اسلامی

ماست، که برای تیمن و تبرک به دو مورد زیر اشاره می شود:

- در دو آیه شریفه أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (غاشیه ۱۷/۱۸) ابتدا خدای بزرگ از مخاطبان عرب بادیه نشین خود می خواهد در افق دید کوتاه خود به شتر بنگرند که چگونه نیازهای زندگی روزمره آنان را برآورده می کند، ولی بلافاصله آسمان بی کران را به یاد آنان می اندازد، که در افق های دوردست بر آنان احاطه دارد.
- در حدیث شریف امام علی (ع): رحم الله امرأ علم من أين وفي أين وإلی أين (الوافی، جلد ۱: ۱۱۶)، توجه به گذشته و حال مقدمه ای برای نگاه به آینده و حرکت در مسیر آن معرفی شده است.

خوشبختانه به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی در دهه های گذشته، دانشگاه های کشور از نسل صرفاً آموزشی به آموزشی پژوهشی و سپس به نسل جامعه محور متحول شدند، و در تلاشند تا در ارتباط واقعی با صنعت و جامعه به رفع نیازهای فوری کشور بپردازند، و جمهوری اسلامی ایران را به تراز آنچه در روایات ما علم نافع خوانده شده است برسانند.

اما آنچه می تواند تهدیدی جدی برای دانشگاه های تراز انقلاب محسوب شود عدم توجه به برنامه ریزی های درازمدت جهان اسلام به بهانه فوری بودن نیازهای کوتاه مدت است. باید پذیرفت که مصرف کردن همه انرژی ها برای جامعه محوری و



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

ارتباط با صنعت و عدم توجه به افق کلان انقلاب و همسویی با سایر ملت های مسلمان برای تولید تمدنی شایسته شأن جهان اسلام، بازی کردن در زمین دشمن است. دشمنان ما می کوشند با درگیر کردن ما به نیازهای جزئی و مقطعی، فرصت نگاه کلان به دوردست ها و ساختن تمدنی باشکوه بر پایه های ایمان به اسلام ناب محمدی (ص) را از ما بگیرند. به عقیده ما عمق معنی انتظار فرج، اهمیت نگاه درازمدت در کنار رفع نیازهای آنی و فوری است.

۱-۲. روش تحقیق و فرضیه های آن:

این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی بر آن است که دو فرضیه زیر را اثبات کند:

۱. تداوم فعالیت دانشگاه های کشور ما در ریل گذاری تمدن غرب معاصر برای رویکرد دانش نمی تواند گام های لازم را برای تأسیس یک تمدن نوین اسلامی بردارد. بنابراین تغییر ریل گذاری برای حرکت دانش و شعبه های مختلف و متنوع آن اولین بایسته اجتناب ناپذیر برای حرکت به سمت آرمان تمدن سازی است، و تحقق این مقدمه ضروری نیازمند **انقلابی اساسی در تعریف دانش** برپایه آموزه های اسلامی ماست.

۲. هر تمدنی باید فصل ممیزی نسبت به تمدن های پیشین داشته باشد. این فصل ممیز را باید در پارادایم فکری حاکم بر نخبگان مؤسس آن تمدن جستجو کنیم. پارادایم فکری حاکم بر پیشتازان تمدن اسلامی کهن که در قرن چهارم هجری به اوج شکوفایی رسید و تا ۴۰۰ سال پیش تمدن غالب در جامعه بشری بود **شناخت جهان** و درک اسرار شگفت انگیز آن بود. این پارادایم در تمدن بعدی یعنی تمدن غرب معاصر به سمت: **تغییر جهان** چرخش کرد، و به ناچار باید تمدن آینده اسلامی با تعیین پارادایمی مناسب خود و حرکت در آن سمت و سو همراه باشد. گزینه شایسته برای این پارادایم از نظر این پژوهشگر **تسخیر جهان** است که در این جستار به تبیین آن خواهیم پرداخت.

۱-۳. پژوهش های پیشین:

مبانی موضوع مورد بحث بسیار گسترده است، و تحقیقات فراوانی هم در حوزه چیستی تمدن و فرهنگ و هم در زمینه چیستی علم و رسالت ها و اهداف آن در اختیار است. برخی از این پژوهش ها توسط مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت منتشر شده که از باب نمونه به چند تحقیق مرتبط با این مقاله اشاره می شود:



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

- جمشیدی ها، غلامرضا و همکاران. (۱۳۹۹). آسیب شناسی تولید علوم انسانی دینی در ایران بر اساس دیدگاه‌های برخی از صاحب نظران برجسته حوزه و دانشگاه. نویسندگان تلاش کرده اند در این جستار به این سؤال ها پاسخ دهند: مهم ترین موانع پیش رو در مسیر تولید علوم انسانی بومی (دینی) در ایران چیست؟ موانع معرفت شناسانه پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی) چیست؟ موانع ساختاری و مدیریتی پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی) چیست؟ موانع ذهنی، اخلاقی و روان شناختی پیش روی تولید علوم انسانی بومی (دینی) چیست؟
 - قزلسفلی، محمدتقی. (۱۳۹۷). بنیادهای عدالت فضیلت مند و الگوی ایرانی اسلامی عدالت. به اعتقاد او کلیدواژه عدالت یکی از کهن ترین و در عین حال مهم ترین اهداف مذاهب، مکاتب فکری و نظام های سیاسی از گذشته تا به امروز بوده است.
 - نوذری، حمزه. (۱۳۹۵). تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با بررسی نسبت میان دین اسلام و توسعه. به نظر این نویسنده: علم با بهره گیری از دانش بشری در تفسیر واقعیت نگاهی فارغ از توجه به دین داشته است و دستاوردهای خود را مبتنی بر قراردادهای بشری و بی نیاز از آموزه های وحیانی بنا کرده است. این تفسیر تک بعدی از عالم در قرن بیستم دچار تردیدهایی شد و علم مدرن و توسعه مبتنی بر آن دچار چالش هایی گردید. گروهی سخن از تمایز میان این دو به میان آوردند و گروهی دیگر امکان مکملیت بین این دو را مطرح ساختند.
 - قزلسفلی، محمدتقی و آمنه میرخوشخو. (۱۳۹۵). معرفت شناسی توسعه در سه دوره پیشامدرن، مدرنیته و پسامدرن. در این پژوهش، ضمن ارائه تصویری جامع و کامل از مباحث نظری و دیدگاه های مربوط به پیشرفت و توسعه، نشان می دهد که چگونه انگاره های معرفت شناختی در دوره های سه گانه یاد شده، منتهی به طرح دیدگاه های متفاوتی در موضوع تعالی، پیشرفت، توسعه و نقد توسعه شده است.
 - باقری، شهلا. (۱۳۹۴). ظرفیت تمدن سازی گفتمان انقلاب اسلامی. دوفصلنامه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. سال سوم شواره پنجم پاییز و زمستان ۱۳۹۴
- در باب تمدن به تحقیقات زیر اشاره می شود:
- دورانت، ویل و دورانت آریل (۱۳۸۷). تاریخ تمدن. ترجمه بطحایی و دیگران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 - پهلوان، چنگیز. (۱۳۸۸). فرهنگ و تمدن. تهران: نشر نی
 - آشوری، داریوش. (۱۳۸۰). تعریف ها و مفهوم فرهنگ. تهران: نشر آگه.
 - اباذری، یوسف و دیگران. فراروایت تمدن یا فرایند تمدن ها؛ مروری بر پروبلماتیک و تحلیلهای فرهنگ و تمدن فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. دوره ۴ شماره ۱۴. تابستان ۱۳۹۰. صص: ۱-۱۹



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

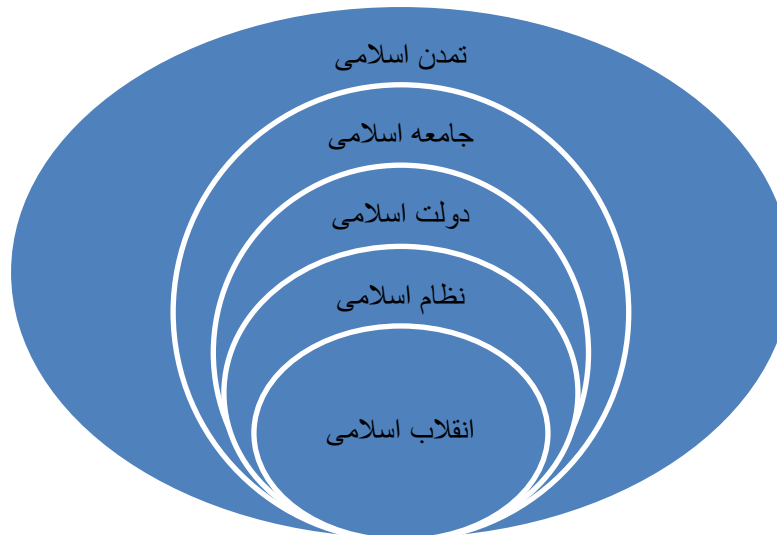


۲. تلاش های انجام شده برای راهبرد تمدن سازی در سطح کشور و موانع آن

این که ذهن ها متمرکز بر رفع نیازهای فوری باشد کاملاً طبیعی است، و سوق دادن نگاه ها به نیازهای درازمدت کاری دشوار و نیازمند جهادی بزرگ است.

رهبری معظم انقلاب در دهه های اخیر کوشیده اند همت مسئولان کشور و خبرگان را از برنامه های یک ساله و پنجساله توسعه ابتدا به برنامه ۲۰ ساله (افق ۱۴۰۲)، و سپس به افق ۵۰ ساله معطوف نمایند. ایشان در تحقق این هدف به دو کار بزرگ دست زده اند:

- **کتابت و نشر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی** که پس از برگزاری جشن چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و برای تعیین راهبرد چهل ساله دوم نگاشته شد. در این اثر جاودانه، مقام معظم رهبری برای نخستین بار پنج مرحله خیزش مردمی ملت مسلمان ایران را تعیین و به شرح زیر تدوین کردند:



به نظر ایشان بهمن ۵۷ نماد پیروزی (انقلاب اسلامی) و تلاش های چهل سال اول را نماد شکل گیری (نظام اسلامی) معرفی کردند. در این نقشه راه، تحقق (دولت اسلامی) و (جامعه اسلامی) برای رسیدن به آرمان بزرگ (تمدن اسلامی) باید شاکله فعالیت های مردم و نظام ما را جهت دهد.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

• تأسیس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در دوم خرداد ۱۳۹۰، این مرکز تا کنون با تشکیل ۱۳ اندیشکده و نشر تک نگاشت های فراوان، و برگزاری ۱۲ همایش ملی موفق به نگارش سند نهایی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شده است، که برای بازخوانی و تأیید نهایی به مرکز پژوهش های مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شده است.

۳. چستی تمدن

۳-۱. انسان و تمدن

انسان موجودی است مدنی الطبع، و بالفطره نیازمند روابط با دیگر هم نوعان خویش. در میان انواع موجودات زنده، این گونه منحصر به فرد، با داشتن عقل نظری و عملی پیوسته در حال حرکت تکاملی است، "و در این مسیر با دستانی توانمند برای بکارگیری ابزارهایی است که محصول تراشات فکری او، و مولود نیازهای در حال گسترش اوست، و زندگی فردی و اجتماعی خود را با درک روزافزون اسرار آفرینش و تسخیر سنت های آن به پیش می برد. این فرایند را تمدن سازی می نامیم" (خاقانی. ۱۳۹۹: ۳۰).

تمدن مهمترین دستاورد زندگی اجتماعی انسان ها در تاریخ بشریت است. دانشمندان نظریه سیستم ها از جمله بولدینگ، لازلو و مینجرز در طبقه بندی سیستم های موجود در محیط زندگی ما تا کنون ۸ طبقه را شناسایی و معرفی کرده اند. در این طبقه بندی ها تمدن به عنوان پیشرفته ترین شکل نهادهای اجتماعی در طبقه هشتم قرار می گیرد.^۱

تمدن های شکل گرفته در تاریخ پر نشیب و فراز زندگی بشر، هر یک با ویژگی هایی از تمدن های پیشین تمایز می یابند. طبق اصل مسلم در رویکرد فرایندگرایی، برای شکل گیری هر تمدن جدید بسته ای حاوی اطلاعات و میراث تمدن های پیشین لازم است. این بسته باید در حافظه تاریخی یک ملت که آرمان تمدن سازی را در سر می پرورانند مانده باشد، تا در زمان و مکان مناسب تمایز یابد.

۳-۲. فهرست عمده ترین تمدن های بشری از آغاز تا کنون:

۱. سیلک کاشان و شوش (عیلامی) ۱۱۰۰۰ سال پیش

۲. تمدن سومری از سال ۳۵۰۰-۲۳۳۴ قبل از میلاد مسیح.

۳. تمدن مصر ۳۲۰۰-۳۴۳ قبل از میلاد مسیح.

۴. تمدن دره سند هزاره ۳۳۰۰-۱۷۰۰ قبل از میلاد مسیح.

¹ <https://olgou.ir/fa/>

² <https://nashr.olgou.ir/content/الملل-اسلامی%E2%80%8C%8Cفرایند-درختی-تمدن-بین>

³ www.papyrus.ir/Wikies/499/System-Theory-نظریه-سیستم-ها



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

۵. تمدن بین النهرین (میان رودان). قدمت: ۶۵۰۰ تا ۵۳۹ سال قبل از میلاد.

۶. تمدن چین. دستاورد مهم: دیوار چین

۷. تمدن یونان

۸. تمدن روم

۹. تمدن ایران

۱۰. تمدن اسلامی.

۱۱. تمدن غرب. دستاورد: دوره دیجیتال

۳-۳. رهیافتی قرآنی از شاکله تمدن:

قرآن کریم در آیه شریفه زیر کلمه طیبه را به شجره طیبه همانند کرده است، و آن را مثالی دانسته است که می تواند دارای مصادیق متعدد و متنوع باشد:

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ
تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ. ابراهیم/۲۴ و ۲۵

وقتی در سخنان امام خمینی (ره) بسیج مصادق ملموسی از شجره طیبه معرفی می شود، تمدن بی شک می تواند مصادق اتم

و اكمل آن باشد.

با این رهیافت قرآنی این پژوهشگر موارد تشابه شاکله درخت را با شاکله تمدن استخراج کرده و در جدول زیر به دست داده

است. این آموزه قرآنی می تواند تعریف درستی از تمدن و رابطه مؤلفه های آن با یکدیگر را برای ما ترسیم کند. مقایسه مؤلفه های

تمدن با اجزاء درخت که پدیده ای زنده (دینامیک) است می تواند در فهم ما از تمدن به عنوان یک حقیقت پویا و بالنده کمک کند:

مقدمات درخت	مقدمات تمدن
زمین	جامعه
آب	دانش، اطلاعات
نور	نیرو- انگیزه - حماسه
هوا	فضای باز - محیط مناسب
باغبان	اتاق فکر - اتاق فرمان



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

مقومات تمدن	مقومات درخت
میراث تمدن های پیشین	هسته (نقشه ژنتیکی درخت):
بسیج همگانی	ریشه
زبان (قوة نطق)	تنه
گونه های زبان و سخن	شاخه
محصولات تمدن	محصولات درخت
فرهنگ (محصولات معنوی یا نرم افزاری)	برگ
هنر (محصولات نرم زیبا)	شکوفه
فناوری (محصولات مادی یا سخت افزاری)	میوه

بر اساس این تمثیل قرآنی تمدن درختی است که همه اجزاء تحول در جامعه بشری از اندیشه تا زبان و فرهنگ و هنر و سرانجام میوه ممتازی به نام فناوری را شامل می شود.

۳-۴. تمدن سازی؛ آری یا نه؟

اصطلاح تمدن سازی با دو مانع عمده یا دو شبهه فکری روبرو است:

- نخست این که نیازهای فوری جامعه که بر زمین مانده محقق نشده اند. در اولویت هستند. مادام که این نیازها تأمین نشوند اندیشیدن به رفع نیازهای درازمدت کاری بیهوده و رویایی دست نیافتنی است. در رفع این شبهه باید گفت اتفاقاً توجه به نیازهای درازمدت و افق های کلان ما را در نحوه تعامل با نیازهای فوری و فوتی کمک می کند. داشتن هدف درازمدت خود بهترین شاخص برای برنامه ریزی در رفع نیازهای کوتاه مدت است. این موضوع در بند ۲ مورد تحلیل قرار گرفت.
- دوم این که انگاره تمدن سازی اساساً غلط است. نه هیچ دانشگاهی و نه حتی هیچ دولت و نظامی نمی تواند مدعی تمدن سازی باشد. تمدن یک موضوع فرمایشی نیست که در دستور کار یک نهاد یا دولت قرار گیرد بلکه فرایندی پیچیده، زمانمند، و فرامرزی و فراملی است که تحقق آن باید به شکل کاملاً طبیعی و در بستر تحولات اجتماعی فرهنگی و سیاسی جامعه بشری رخ دهد. در پاسخ باید گفت هرچند پیش فرض این شبهه یعنی فرمایشی نبودن و دستوری نبودن تولید تمدن موضوعی کاملاً درست است، اما نباید مانع از این شود که امکانات دولت های اسلامی بویژه دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی بر این آرمان متمرکز شود و به



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

ترویج گفتمان تمدن در میان اقشار جامعه بویژه نخبگان بپردازد. این گفتمان است که اولاً باعث استقرار تعریفی درست از تمدن می شود و ثانیاً ملزومات تحقق تمدنی متعالی تر از تمدن حاضر را فراهم می نماید.

۳-۵. تمدن کنونی: تمدن غرب معاصر

تمدن کنونی غربی بدون شک دستاورد گذار از عصر تاریکی^۱ یا قرون وسطی به دوره روشنگری^۲ است.

این تمدن، با تحقق تغییرات بنیادین زیر به جایگاه (فعلاً) بلامنازع خود در جامعه بشری دست یافته است: پیش از فناوری شگفت انگیز دنیای مدرنیته، از مهار نیروی بخار و کشف الکتریسته و صنعت چاپ و اختراع میکروسکوپ و تلسکوپ و سرانجام رایانه و ابررایانه ها و موتورهای جستجو، که تمام دستاورد تلاش مهندسان و متخصصان حوزه های علوم پایه و علوم تجربی و علوم فنی و مهندسی است، متخصصانی در حوزه های علوم انسانی و در رأس آن ها فلاسفه، با تحقق زیرساخت های لازم مقدمات ریل گذاری و تغییر مسیر قطار تمدن بشری قرون وسطی به سمت افق های نو فراهم کردند.

۳-۶. آیا تمدن کنونی تمدنی جهانی است؟ یا تمدنی صرفاً غربی؟

هرچند در دهه های اخیر بسیاری از شرقیان و نیز نخبگان مسلمان بویژه ایرانیان در تولید علم و دانش در تمدن غرب نقش های ممتازی داشتند و به همین جهت برخی تحلیل گران به غلط تمدن غرب معاصر را یک تمدن جهانی معرفی می کنند اما باید گفت تمدن حاضر دستاوردی ۱۰۰٪ غربی است، چون خاستگاه آن غرب است، و با مدیریتی غربی و با پارادیمی برخاسته از اندیشه غربی ظهور و بروز یافته است.

۳-۷. افول تمدن دیجیتال غرب معاصر و چشم انداز تأسیس تمدنی جدید در آینده نزدیک

تمدن غربی که در سالیان اخیر با گسترش فناوری های فوق پیشرفته به اوج شکوفایی خود رسیده است، همزمان، و به اعتقاد بسیاری جامعه شناسان و تحلیل گران، دوران افول خود را آغاز کرده است. این افول به دلایلی مانند موارد زیر اجتناب ناپذیر، و مصداقی بر این آیه شریفه است: ((و اذا اراد الله بقوم سوء فلا مرد له و ما لهم من دونه من وال)). الرعد/۱۱:

الف) فناوری در بستر دنیای دیجیتال که اساس سایر سازوکارهای تمدن غربی است، در حال اشباع شدن است. تداوم سرعت بشر نیازمند فتح افق های نو در مرزهای دانش امروز است. همانطور که فناوری دیجیتال پرشی اساسی برای گذار از قرون وسطی به تمدن مدرن بود، امروز نیز باید فناوری کاملاً متفاوتی برای رقم زدن تمدن آینده بشری ابتکار شود.

ب) پارادایم تمدن غربی، جایگزین کردن آرمان تغییر جهان به جای آرمان شناخت جهان بود. ولی برخی تغییرات حاصل از فناوری های این تمدن به ضرر انسان ها تمام شد. نمونه بارز آن افزایش گازهای گلخانه ای و دمای کره زمین و آلودگی های زیست

^۱. Dark Area

^۲. Light Area



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



محیطی است، و بشر امروز نیازمند تمدن متفاوتی است که با سازوکاری پیشرفته تر، اما سازگارتر با نیازهای واقعی او مشکلات موجود را برطرف کند.

ج) به علاوه، تمدن غربی در بخش های پیشاتمدنی خود (دانش، زبان، فرهنگ) دچار چالش های اساسی است، و به تنگناهای مختلفی برخورد کرده است. مثلاً در بخش دانش، تخصص گرایی علمی، علوم مختلف را به جزایر مستقل از هم تبدیل کرد، و در بخش زبان، هیچیک از نظریات زبانشناسی نتوانستند الگوی درستی از ساختار زبان انسان ها به دست دهند. به ویژه در بخش فرهنگی، این تمدن با چالش های اساسی در انهدام نظام خانواده، و پیرشدن عمر جمعیت در کشورهای پیشرفته، و تعارض حقوق اکثریت فقیر با معدودی از کلان ثروتمندان، و افزایش روزافزون فاصله های طبقاتی مواجه است.

نهضت اسلامی امام خمینی (ره) با نسخه (جمهوریت و اسلامیت) معجزه قرن حاضر بود که نویدبخش تغییری بنیادین در سرنوشت امت اسلامی با شعار اسلام ناب محمدی (ص) شد، و نظام جمهوری اسلامی ایران با امامت رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حرکت به سوی تأسیس تمدن نوین اسلامی را که به عقیده ما می تواند مهیاکننده شرایط ظهور انقلاب جهانی اسلام به امامت حضرت صاحب العصر و الزمان (عج) باشد آغاز کرده است.

۴. ساختار دانش در تمدن غرب معاصر

۱-۴. سکولاریسم: هویت اصلی دانش در تمدن غرب معاصر

تا پیش از رنسانس و در قرون مشهور به قرون وسطا مدارس دینی هم در جهان اسلام و هم در غرب مسیحی تنها متولیان رشد آموزش و پژوهش های علمی بودند. با این تفاوت که در غرب مسیحی بخصوص در سده های پیش از رنسانس نظارت و کنترل روند دانش های بشری توسط پاپ و کلیسا با استبداد دینی شدیدی همراه بود که نتیجه آن برگزاری محاکم تفتیش عقاید و سوزاندن برخی استادان بزرگ مانند جوردانو در آتش به دلیل اظهار نظرهای علمی غیر منطبق با تفسیر رسمی کلیسا از کتاب مقدس بود.

در این شرایط به تدریج دانشمندان آزاد و سرخورده از استبداد دینی به تدریج ابتدا در ایتالیا و سپس به تدریج در سایر کشورهای اروپایی کالج های علمی مستقل از کلیسا را تشکیل دادند و سپس با اتحادی که میان این کالج ها بوجود آمد دانشگاه هایی (Universitas) برای نخستین بار تأسیس شد. جوهره این حرکت علمی نفی استبداد دینی در مسیر پژوهش های علمی بود که خط قرمز خود را آمیختگی علم با دین اعلام کرد. به این ترتیب، پرهیز دانشمندان و پژوهشگران از هر نوع گرایش دینی در مسیر پژوهش های اصل بنیادین دانشگاه های مدرن شناخته و اعلام شد. آزادسازی روند دانش بشری از استبداد کلیسا به تحولات شگرف و فناوری های مفید و گسترده ای منجر شد که این امر پشتوانه درستی اصل سکولاریسم و بی طرفی علم در مسائل دینی را تحکیم کرد.



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

دانش سکولار و غیرمتعهد به ارزش‌های دینی و اخلاقی هرچند افق‌های ارزشمندی را پیش روی جهان دانش گشود و قدرت تغییر جهان توسط انسان را صدها برابر افزود، اما به نوبه خود تالی فاسد بزرگی به همراه داشت، و آن، امکان سوء استفاده قدرت‌های ضد بشری از دستاوردهای علمی دانشمندان بود که به بهانه عدم تعصب دینی نباید در مسیر دانش بشری به ارزش‌های اخلاقی و دینی می‌اندیشند. متأسفانه جدایی علم از دین حقیقی و رویکرد سکولاریستی دانشگاه‌ها در تمدن معاصر غرب به راحتی دستاوردهای علمی را در اختیار شیاطینی قرار داد که در جنگ جهانی اول و دوم و سایر نبردهای خونین مانند جنگ ویتنام و اخیراً نبرد غزه و نیز در سایر عرصه‌ها مانند فساد محیط زیست و درهم‌کوبیدن ارزش نهاد خانواده و بی‌بند و باری‌های جنسی بزرگترین خسارت‌ها را به جامعه بشری وارد آوردند.

البته در غرب سکولار نیز جلوه‌هایی از تعهد اخلاقی از جمله در سوگند اخلاقی پزشکان و دانش‌آموختگان یافت می‌شود ولی این اخلاق چون برخاسته از بندگی خدا نیست در عمل هیچ‌گه‌ای را از مشکلات اخلاقی بشر نگشوده است. متأسفانه دانشگاه‌های جهان اسلام نیز که ادامه طبیعی دانشگاه‌های غربی بودند درست تسلیم اصل سکولاریسم علمی شدند و بر بی‌طرفی دانش و دانشمندان نسبت به ارزش‌های الهی و اخلاقی تأکید کردند. بدون شک دستاوردهای فعلی دانشگاه‌های جهان اسلام هر چند استادان و دانشجویان آن مسلمان باشند ادامه طبیعی تمدن در حال افول غرب است.

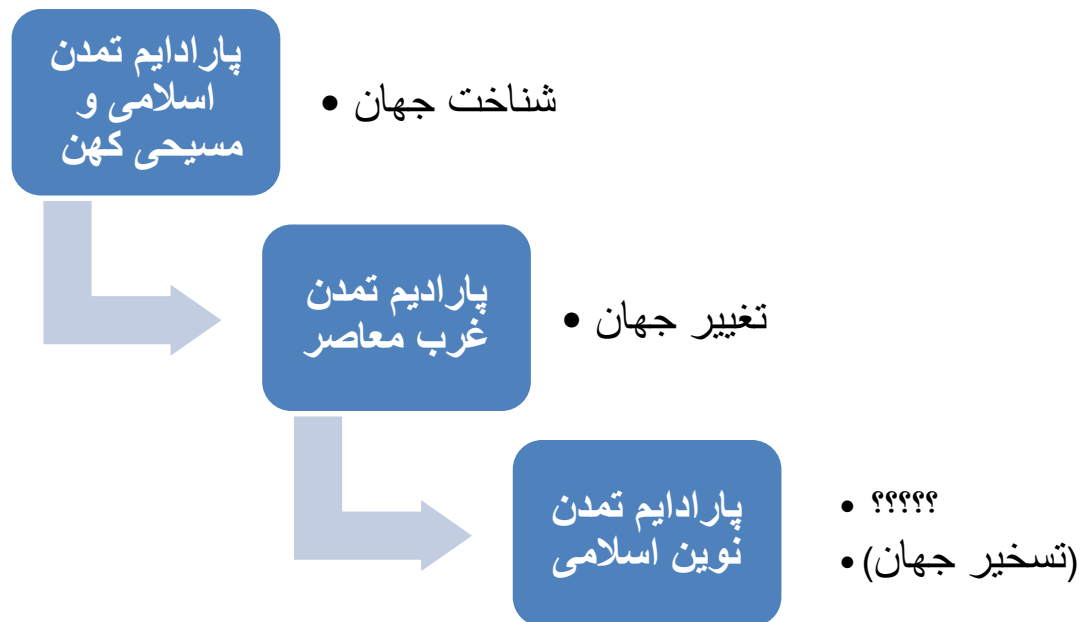
۲-۴. نفی سکولاریسم دانش، مهمترین ریل‌گذاری دانشگاه در فرایند تأسیس تمدن نوین اسلامی

جنبش نوین انقلاب اسلامی در جهت تأسیس تمدن نوین اسلامی نمی‌تواند زاینده علم سکولار باشد. بنابراین تغییر مسیر اساسی دانشگاه‌های جهان اسلام از رویکرد سکولار به سمت علم نافع و متعهد به ارزش‌های اخلاقی مهمترین اقدام انقلابی عالمان و نخبگان مسلمان است.

باید تأکید کرد که التزام عملی دانشگاه به علم نافع و متعهد به ارزش‌های اسلامی ابتدا با ترس از استبداد دینی در مسیر علم و دانش همراه نیست. به این دلیل که برخلاف مسیحیت که شجره ممنوعه در بهشت آدم را درخت دانایی معرفی کرده بود اسلام درخت دانایی را با تعبیر ((کلمه طیبه کشجره طیبه)) درختی پاک می‌داند که ریشه اش در ثوابت است ((اصلها ثابت)) و برگ و بارش در متغیرات زمانی و مکانی ((فرعها فی السماء)) و با ربط تغییرات و تحولات به حقیقت ثابت حضرت حق و اسماء و صفات او پیوسته از میوه‌های پاک این درخت بهره می‌گیرد ((توتی اکلها کلّ حین یاذن ربها)). اسلامی که قرآنش با پیام ((اقرء)) آغاز شد و کلیدواژه‌هایش در حوزه ارزش دانایی (مانند بصیرت، تفقه، علم، عقل، شعور و...) در صدر واژگان پربسامد قرآن قرار می‌گیرد ذاتاً استبداد را به هیچ شکل بویژه در شکل استبداد علمی و دینی بر نمی‌تابد و خداگرایی علم و دانش را از بند همه استبدادها رها می‌سازد ((لیضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت علیهم)).

۵. پارادایم فکری تمدن اسلامی کهن و تمدن غرب معاصر و تمدن نوین اسلامی

در دومینوی تمدن های بشری که در ده هزار سال گذشته یکی پس از دیگری پا به عرصه حیات گذاشته اند، هر یک از این تمدن ها مرهون یک خاستگاه فکری و فلسفی و جهان شناختی و به تعبیر امروزیان وابسته به یک پارادایم فکری است. برای توضیح بیشتر به پارادایم دو تمدن اسلامی کهن و غرب معاصر اشاره می کنیم:



- پارادایم تمدن اسلامی و مسیحی قبل از دوره رنسانس شناخت جهان بود. حکمای اسلامی درک اسرار جهان آفرینش را هدف اساسی حکمت اسلامی معرفی می کردند: الحکمة صیرورة الإنسان عالما عقليا مضاهيا للعالم العینی
- تمدن غرب معاصر اما هدف خود را تغییر جهان معرفی کرد. بنیانگذاران این تمدن براین عقیده بودند که هدف شناخت جهان انسان را در وضعیت انفعال (ابژه) قرار می دهد در حالی که انسان باید سوژه یعنی خود را هدف نهایی دانش و تمدن معرفی کند. چرخش از ابژه به سوژه با کوژیتوی رنه دکارت فرانسوی (۱۵۹۶) کلید خورد. او گفت: من می اندیشم پس من هستم. این انسان محوری رکن اصلی تمدن غرب معاصر شد، و به اومانیسم غربی و سرانجام به لیبرالیسم منجر شد، و جایگزینی انسان به جای خدا پایه تمام تحولات غرب معاصر از جمله رشد فناوری برای تغییر جهان گردید.
- نظریه پردازان تمدن نوین اسلامی باید کلیدواژه و یا شاه کلیدواژه خود را از میان مفاهیمی که می تواند در این بستر بسیار گسترده و عمیق مطرح باشد انتخاب، و با تمرکز بر آن در سطح جهانی فرهنگ سازی کنند.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

این کلیدواژه می تواند عدالت جهانی باشد، تا بسترسازی برای ظهور منجی (عج) را در دستور کار اصلی خود قرار دهد. اما مفهوم عدالت، صرفا بار ارزشی دارد، و فاقد بار دانشی است، در حالی که در روایات ما آمده است که اگر علم ۷۲ جزء داشته باشد هفتاد جزء آن پس از ظهور منجی کشف و تحصیل خواهد شد. لذا این پژوهشگر پارادایم: **تسخیر جهان** را گزینه مناسب می داند.

تفاوت **تسخیر جهان** با **تغییر جهان** این است که در تغییر جهان انسانی که خدا را از زندگی خود و نظام آفرینش حذف کرده خود را شایسته هر تغییری که بخواهد می داند حتی اگر این تغییر نظم عالم را برهم زند و به تعبیر قرآن در بر و بحر فساد به پا کند. اما تسخیر جهان به کارگیری مثبت و درست نیروهای جهان در چارچوب اهدافی است که انسان را به خدا می رساند. ((وَسَخَّرَ لَكُمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)).

۶. برخی مبانی تمدن نوین اسلامی

۶-۱. نسبت تمدن نوین آینده اسلامی با تمدن اسلامی کهن

جهان اسلام در تاریخ ۱۴۰۰ ساله اش پرچمدار و مؤسس یکی از باشکوه ترین تمدن های بشری بوده است. این تمدن که در قرن ۴ هجری با نقش آفرینی دانشمندان و فرهیختگان ایرانی در خلافت عباسی اول به دوران طلایی خود رسید در تقریبا تمام رشته های دانش آن روزگار از علوم اسلامی و فلسفه و کلام تا نجوم و موسیقی و پزشکی و ریاضی و اختراع ساعت و تأسیس رشته مکانیک (علم الحیل) و تنظیم جبر و مثلثات و غیره دستاوردهایی را عرضه کرد که تا آغاز شکل گیری تمدن غرب معاصر علاوه بر مسلمانان همه حوزه های علمی مغرب زمین را تغذیه می کرد.

اما با افول آن تمدن و شکوفایی تمدن غرب معاصر، جهان اسلام دیگر نه می تواند در دوره ما به عقب بازگردد و تمدنی مانند تمدن قرن چهارم را مجددا بسازد، و نه حتی آن را با همان پارادایم تمدن سابق احیا کند. بدیهی است هر تمدنی فقط در شرایط زمانی و مکانی خود می تواند پاسخگوی نیازهای بشر باشد.

به یقین تمدن نوین اسلامی احیای تمدن اسلامی کهن نیست و بازگشت به عقب (سلفی گرایی) امری محال و نامعقول است. پس این تمدن اگر بخواهد تأسیس شود، باید با استفاده درست از ارث تمدن غرب معاصر با ریل گذاری متفاوتی جهان را به چشم اندازها و افق های نو در علم و فناوری برساند.

میوه تمدن نوین اسلامی فناوری هایی است که باید با فناوری های تمدن غربی ذاتا متفاوت باشد مهندسی معکوس تولید یک تمدن نوین نیست در تمدن نوین اسلامی نه خبری از تلفن همراه هست نه اتومبیل نه هواپیما... مبتکر چنین تمدنی بی شک نخبگان علمی هستند البته با پارادایمی کاملا متفاوت با پارادایم تمدن غرب معاصر. (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۹).



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

۲-۶. تأسیس تمدن نوین اسلامی اولویت نخست جهان اسلام:

جهان اسلام در سه صده گذشته پس از افول تمدن اسلامی اول، به دلایل مختلف از جمله بی کفایتی رهبران سیاسی و حکومتی و وادادگی پیشوایان مذهبی و نخبگان فکری در بست تسلیم تمدن غرب معاصر شد. اوج این واماندگی را می توان در رخدادهای زیر مشاهده کرد:

- حاکمیت بلامنازع سیاسی و نظامی و امیتی غربیان بویژه فرانسه و انگلیس و اخیرا آمریکا بر کشورهای اسلامی، چه در قالب استعمار کهن (بویژه بر کشورهای اسلامی در آفریقا) و چه با لوای استعمار نو.
- تجزیه امپراطوری مقتدر عثمانی و حاکمیت و قیمومت فرانسه و انگلیس بر سرزمین های تجزیه شده عربی،
- تشکیل دولت جعلی اسرائیل و پیروزی نمادین رژیم صهیونیستی در جنگ های ۶۷ و ۷۳ بر ارتش های عربی،
- متلاشی شدن راهبرد امت اسلامی با رواج تجزیه گرایی در قالب هایی مانند پان ترکیسم و پان عربیسم و ملی گرایی های افراطی مانند ناصریسم مصریان و سوسیالیسم حزب بعث و میشل عفلق،
- ناتوانی حرکت های اسلامی مدعی احیای امت اسلامی مانند اخوان المسلمین بدلیل عدم توفیق در جمع میان مردمسالاری و دین سالاری.

در این سیصد سال بویژه در دهه های اخیر ناکامی های مذکور مسلمانان ناامید از تحقق آرمان امت اسلامی را به شدت تسلیم پارادایم تمدن غرب معاصر کرد، که بارزترین شکل آن را می توان در فرار مغزها و مهاجرت نخبگان و درخواست پناهندگی آنان از کشورهای غربی مشاهده کرد.

بنابراین تنها راه احیای امت اسلام و رهایی ملت های مسلمان از در یوزگی در برابر غربیان بازگشت به خویشتن و هویت اسلامی است و این جهاد بزرگ جز با جنبش فکری عظیمی که بتواند افق هایی نوی از دانش و فناوری را در پرتو آموزه های اسلامی بگشاید امکان پذیر نیست.

تأکید مقام معظم رهبری در دهه های اخیر بر جنبش نرم افزاری و جهاد علمی در راستای حدیث شریف (العلم سلطان من وجده صال ومن لم یجده صیل علیه) از امام صادق (ع) به عنوان تنها راه ممکن برای تحقق تمدن نوین اسلامی به همین دلیل است.

۳-۶. ارزیابی تمدن در جهان اسلام معاصر

جهان اسلام در دوره معاصر قریب یک پنجم جمعیت جامعه بشری را تشکیل می دهد. ما امتی هستیم معتقد به خدای یگانه، و دست کم در سخن تابع شریعت اسلام. آداب و رسوم ما رنگ و بوی اسلامی دارد، و فرهنگی داریم متمایز از آنچه در سایر ادیان و مذاهب یافت می شود. نمادهای اسلامی مانند مسجد و اذان و نماز و روزه و رفتارهای اسلامی دیگر مانند پاسداشت شعایر دینی و گرامیداشت مناسبت ها و اعیاد دینی و مذهبی از خصایص ما مسلمانان است. ضمن این که تأثیرات فرهنگی ما از فرهنگ غربی دست کمی از



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

بخش بومی و اسلامی فرهنگ ما ندارد. ما مفاهیم دموکراسی و سیستم حکومت مبتنی بر انتخاب مردم، تفکیک قوای سه گانه، نظام آموزشی، ارتش، بانک، و هزاران مؤسسه اجتماعی دیگر را وامدار غرب هستیم. و این یعنی این که فرهنگ ما نیمه اسلامی نیمه غربی است.

اما بدون کمترین تردید، فناوری های مورد استفاده در زندگی روزمره ما اکنون تحقیقا غربی است. (هرچند تا قرن ۱۰ اسلامی بوده است). زندگی ما مسلمانان انباشته از ابزار تمدن غربی است. قلم و کاغذ و برق و الکتریسته و قطار و هواپیما و رایانه و اینترنت و گوشی های هوشمند و زندگی دیجیتالی ما سراسر غربی و محصول خرد غربی و دانشگاه های و مراکز صنعتی مغرب زمین است. (حتی اگر در کشورهای اسلامی یا شرقی کپی یا بازتولید شود).

به ظاهر ملت های مسلمان مانند مردم هند و چین و ژاپن و سایر ممالک شرق با این تغییر خود را سازگار کرده اند. آنها پذیرفته اند که در کنار پاسداشت فرهنگ های بومی و ملی و میهنی خود سلطه فناوری غرب را بپذیرند. آنان در واقع در این فناوری هضم و جذب شده اند، ولی همچنان خود را مسلمان یا شرقی می دانند. توجیه آنان برای سازگاری با این چالش یا پارادکس مبتنی بر یکی از دو استدلال زیر است:

الف) برای این که مسلمان باشیم کافی است فرهنگ ما اسلامی باشد. حتی اگر فناوری ما اجنبی باشد. مبنای شرعی آن هم این است که پیامبر گرامی (ص) به ما دستور داد علم و فناوری ناشی از علم را به دست آوریم حتی اگر در چین یا نزد کافران باشد. اشکالی در این نیست که من مسلمان به ارزش های اسلامی وفادار و به رفتار اسلامی و تکالیف اسلامی پایبند باشم، ولی در تمام زندگی خود را بر پایه فناوری غربی بنا کنم، و دکوراسیون خانه و کاشانه و اتومبیل و گوشی همراه خود را از غرب وارد کنم. به علاوه ما می توانیم تکنولوژی غرب را فراگیریم، و با مهندسی معکوس آن را بومی سازی کنیم، تا حتی تغییر ظاهری میان فرهنگ خودی و تمدن اجنبی هم رخت بر بندد.

ب) فرهنگ ما اسلامی است، اما نباید فرض کرد که فناوری ما اجنبی است چرا که فناوری اساسا یک مقوله جهانی است. درست است که به ظاهر فناوری مدرن در غرب شکل گرفته است، اما غربیان اولاً برای ابتکار آن، کار خود را با آموزش دانش شرقیان و مسلمانان آغاز کردند، و علوم امثال بوعلی سینا و ابن رشد و فارابی و رازی و خوارزمشاهیان و خواجه نصیر طوسی و خلیل بن احمد فراهیدی و بیرونی و دیگر بزرگان اسلام و شرق را گرفتند، و گسترش دادند. و ثانياً: در طراحی فناوری نوین از بسیاری از مغزهای متفکر شرقی بهره بردند. بنابراین فناوری حاضر ماهیتاً غربی نیست، بلکه فرامنطقه ای و جهانی است، و به همین دلیل آرمان جهانی شدن را درس می پروراند، و دنبال می کند. بنابراین باید فرض کنیم فرهنگ ما اسلامی و فناوری ما بشری است، و ما به عنوان یک خانواده بشری سزاوار استفاده از مواهب این تمدن هستیم. پس ما مشکلی نیست و خاطر ما آسوده است.

ولی هیچیک از دو استدلال بالا با توضیحات زیر درست نیست:



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



الف) در مورد استدلال اول، باید گفت آموزه های اسلامی برای کسب دانش حتی در چین و از کافران، تنها به معنی استفاده از فناوری آنان برای رفع فاصله و عقب ماندگی از آنان، و مرحله ای برای گذار به دوره تمدن سازی است. به این دلیل که در صدر اسلام نیز مسلمانان در سه قرن اول با همان آموزه ها دستاوردهای غیر مسلمانان را اندوختند، ولی با گذار از آن مرحله، خود تمدنی بزرگ را آفریدند که با نام تمدن اسلامی یکی از تمدن های باشکوه بشری را رقم زد.

ب) در مورد استدلال دوم نیز، ضمن قبول مقدمات استدلال، نتیجه آن غلط است. درست است که غربیان از مغزهای متفکر و استعداد های برجسته همه ملت ها برای آفرینش فناوری مدرن بهره جستند، ولی متأسفانه از آنان به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف خویش که ناشی از فرهنگ آنان است، و ربطی به فناوری ندارد سوء استفاده کردند. آنها مغزهای متفکر را از سراسر جهان جذب کردند، و آن ها را مدیریت کردند. دانشمندان شرقی که در دانشگاه های غرب به کرسی های بالای علمی دست یافتند، تنها مجاز بوده و اکنون مجازند به گسترش مرزهای دانش و فناوری بپردازند. آنها اشرافی بر پارادایم غربی و دکترین غربی، و آنچه در اتاق های فکر نظام سلطه می گذرد ندارند، بلکه در آن محورها اساساً سهمی ندارند. گردانندگان تمدن غرب، با استفاده از مواهب علمی و استعدادها و خلاقیت های اندیشمندان کشورهای مختلف، همه را در جهت ساختن نظم نوین جهانی به کار گرفتند. سلطه آمریکا بر نظم نوین جهانی، و دیکته دکترین مورد نظر رهبران آن بر سازمان های بین المللی و اقتصاد جهانی، و تحمیل شرایط آنان بر ملت های دیگر واقعیتی غیر قابل انکار است.

۴-۶. بحران هویت در جهان اسلام

وقتی خاستگاه فناوری یک ملت با فرهنگ آن دوگانه باشد طبیعی ترین نتیجه آن بحران هویت است، که مشکل عمده همه جوامع شرقی است. هم توقع غرب و هم تلاش بی وقفه غربیان صادرات فرهنگ غربی همزمان با صادرات فناوری غربی است. در این سو نیز، تلاش ما برای پذیرش فناوری غرب، و زدودن آثار فرهنگی غرب از آن امکان پذیر نیست، و این واقعیت به طور طبیعی به بحران هویت در جهان اسلام و سایر ملت های شرقی منجر می شود.

ساموئل هنتگتون جامعه شناس بزرگ عربی، در مقاله ای که این نویسنده آن را از ترجمه عربی منتشر شده در روزنامه السفیر لبنان به فارسی برگرداند، و در مجله سروش صدا و سیما به چاپ رسید، تلاش برخی روشنفکران مسلمان از جمله حسن الترابی و مرحوم دکتر شریعتی را برای صدور فناوری بدون صدور فرهنگ از غرب به شرق مورد انتقاد شدید قرار داده، و به این شخصیت ها هشدار می دهد که اجزای فناوری و فرهنگ به شدت در هم آمیخته اند، و نباید تصور کنند که می توانند مانند خرید در یک سوپرمارکت گزینشی عمل کنند. یا باید همراه با فناوری غرب، فرهنگ و ارزش های غربی را نیز بپذیرند، یا باید از دسترسی به دستاوردهای تمدن غرب محروم شوند (خاقانی، ۱۳۷۶: صص: ۷-۱۳). ساده اندیشی است اگر گمان کنیم غرب بدون پذیرش فرهنگش توسط شرقیان و مسلمانان، فناوری خودش را در اختیار ما می گذارد. صدور ساندویچ مکدونالدز و شلوار جینز که در این



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

جستار از اجزاء فناوری محسوب می شوند، در واقع برای صدور ارزش های آمریکایی است. نویسنده با دکترین این جامعه شناس غربی، از نظر پذیرش پیوند ناگسستنی میان فناوری و فرهنگ کاملاً هم عقیده است، و درستی این دیدگاه را بر اساس آموزه های اسلامی در بخش بعد واکاوی خواهد کرد.

در جهان امروز، عقاید و باورهای ما اسلامی، فرهنگ ما نیمه اسلامی نیمه غربی، ولی فناوری ما تمام غربی است؛ سه رکن هویت جامعه بشری که با یکدیگر همخوانی ندارد! درخت زندگی ما در جهان اسلام درختی است: با هسته و ریشه و تنه و شاخه بومی اسلامی، ولی با برگ و شکوفه و میوه وارداتی. چه درخت عجیبی!! فقط یک درخت مصنوعی می تواند این چنین باشد! هم انتظار غرب، هم تلاش بی وقفه غربیان: صادرات فرهنگ همزمان با صادرات فناوری به مشرق و جهان اسلام است. و در این شرایط، تلاش ما برای پذیرش فناوری غرب، و زدودن آثار فرهنگی آن محکوم به شکست است. این ها اجزای یک درختند. (نگاه فرابندگرا)

بحران هویت، در اثر دوگانگی میان خاستگاه فرهنگ و فناوری شکل می گیرد. نسل جوان امروز در جوامع شرقی به ویژه جهان اسلام نمی تواند اعتقادات اسلامی را با فناوری غربی سازگار کند (و در اصل نمی شود). فطرت آدمی و دلایل علمی هر دو بر این تأکید می کنند که آن که سازنده فناوری است باید از فرهنگ متعالی تری برخوردار باشد، چون فناوری محصول مادی فرهنگ متافیزیکی است، درست به همان صورت که زبان (لفظ) محصول مادی اندیشه غیر مادی است. بنابر این خود را مجبور می بیند که از میان دو راه یکی را برگزیند:

- التزام به فرهنگ اسلامی، و ماندن در وطن، و پذیرش امکانات تمدنی دست دوم و بسیار محدود،
- یا هجرت به غرب، و هضم شدن در فرهنگ غربی، به امید دستیابی به امکانات رشد بیشتر و شکوفایی تمدنی بیشتر.
ممکن است معبود افرادی برای جمع میان این دو تلاش کنند، ولی بدون شک، جوانی که دوره تخصص خود را در غرب می گذرانند، حتی اگر آن را به شرق بیاورد، یا آن را کپی کند، و در خدمت مردم خود قرار دهد، خود را در درون وامدار غرب می داند. واضح است که تمام مظاهر فناوری مورد استفاده ما یا عیناً واردات غرب است، یا کپی آن ها، و در متن و بطن خود ارزش ها و فرهنگ غرب را یدک می کشد.

به عقیده راقم این سطور، تنها راه برون رفت از این بحران، حرکت به سمت تأسیس یک تمدن نوین اسلامی است، که برخاسته از فرهنگ اسلامی و باورهای اسلامی ملت های مسلمان باشد، و امیدوار است به مدد حضرت حق و عزم رهبری و نظام جمهوری اسلامی و همراهی ملت های اسلامی با پرچمداری ملت بزرگ و پرافتخار ایران در آینده ای نه چندان دور محقق و از این طریق مقدمات ظهور حضرت ولی عصر (عج) منجی عالم بشریت و وعده الهی خلافت الهی شایستگان در این کره خاکی حاصل آید.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

نویسنده برای مراعات امانت علمی اعلام می کند که موضوع بحران هویت در اثر تعارض میان فرهنگ اسلامی و تمدن غربی را نخستین بار از آقای محمد خاتمی رئیس وقت جمهوری اسلامی ایران در یک سخنرانی در سال ۱۳۷۵ در دانشگاه لبنان شنیده است. اما نظریه ساختار درختی تمدنی برای برون رفت از این بحران ابتکار خود اوست.

۵-۶. سازندگان تمدن آینده بشری

با ظهور و بروز نشانه هایی از افول یا مرگ قریب الوقوع تمدن غربی، که مورد اعتراف جامعه شناسانی مانند ساموئل هنتگتون نیز هست، پرسش اساسی این است که:

تمدن آینده و جایگزین تمدن غرب معاصر چه تمدنی است؟ و خاستگاه آن کدامیک از اقوام بشری است؟

ذکر این نکته لازم است که شرط تأسیس تمدن جدیدی در آینده، مرگ تمدن حاضر است. به قول ماکس پلانک فیزیک دان: هر قدم پیشرفت علم، با یک خاک سپاری اتفاق می افتد^۱.

هرچند نظام هایی مانند دولت چین و دولت مالزی، به موازات جمهوری اسلامی ایران، در حال برنامه ریزی و اندیشیدن به امکان تأسیس تمدن آینده، و انتخاب سازوکارهای آن را دارند، اما یک احتمال قوی و دست کم آرمان ما این است که تمدن آینده تمدن نوین اسلامی با مدیریت انقلاب اسلامی ایران باشد.

۶-۶. بین المللی بودن هویت تمدن نوین اسلامی

آرمان تمدن بسیار فراتر از یک آرمان ملی و کشوری است، و نیازمند اجماع نخبگانی در سطحی بین المللی است. تمدن اسلامی کهن و تمدن غرب معاصر نیز ماهیتی فرامرزی داشته و با شراکت کشورها و ملت های مختلف ظهور یافتند. بین المللی بودن این تمدن، مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفته است: ایشان فرموده اند:

"ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله ی بعد تشکیل تمدن بین الملل اسلامی است." (بیانات امام خامنه ای، ۸ شهریور ۱۳۸۳)^۲

۶-۷. چشم انداز تمدن نوین اسلامی

طبق الگوی تمدن سازی، تمدن نوین اسلامی باید در صورت شکل گیری، قافله فناوری را به جهانی نو و ناشناخته برای ما هدایت کند.

¹. <http://tarjomaan.com/neveshtar/8234/>

². <https://hawzah.net/fa/Article/View/93762/%D8%B8%D9%87%D9%88%D8%B1-%D8%AA%D9%85%D8%AF%D9%86-%D8%A8%DB%8C%D9%86-%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%D9%84%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C>



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

تمدن مزبور باید از دانش و نظامات فناوری تمدن غرب بهره برداری کند، ولی نمی تواند در آن ها بماند.

این که دستاوردهای مهم تمدن مزبور بجای اتومبیل و رایانه و اینترنت و موشک و ماهواره چه چیزهایی خواهند بود، از اکنون نه قابل پیش بینی است، و نه برای حرکت بسوی تمدن سازی نیازی به پیش بینی آنهاست. غربی ها نیز در پایان قرن شانزدهم میلادی با شروع گام های نخستین شکل گیری تمدن خود نمی توانستند - حتی در مخیله های خود - تصور کنند که مثلاً چیزی به نام فلش مموری یعنی ریزتراشه ای با قابلیت حمل در دسته کلید ولی محتوی صدها جلد کتاب خواهند ساخت، یا گوشی تلفن های آینده همزمان چراغ قوه و ماشین حساب و دوربین فیلمبرداری و نیز خواهد بود.

با این حال، موارد زیر با خیال پردازی نویسنده، برخی از احتمالات فناوری در تمدن آینده است:

- خط و نوشتار، بجای تایپ با رایانه، شکل جدیدی به خود خواهد گرفت. شاید بلوتوث اندیشه ها میان مغز انسان ها جایگزین گوشی های هوشمند فعلی و ابزارهای خط و نوشتار شود.

- زندگی در خارج از منظومه شمسی برنامه ریزی خواهد شد.

- هوش مصنوعی و فناوری رباتیک، ماشین های انسان نما را ارتقاء داده، و از آن ها نوعی شبیه سازی انسان نما با داشتن قدرت تصمیم گیری و حتی تمرّد خواهد ساخت.

توجه به تفاوت فاحش دستاورد تکنولوژی غرب در مقایسه با قرون وسطی، و شاخص های فناوری در افق ۵۰ ساله برای

پیشنازی جهان اسلام در فناوری، و تأکید بر اصیل بودن و بومی بودن فناوری های حاصل از این تمدن، و کپی نبودن آن ها، باید در دستور کار قرار گیرد.

۷. نتایج پژوهش

بر اساس این تحقیق، بنیاد علم در دانشگاه های جهان و دانشگاه های کشور ما در جهان معاصر مبتنی بر سکولاریسم و جدایی علم از دین است. این جدایی در آغاز دوره روشننگری در اروپا کلید خورد و علت اصلی آن استبداد دینی مطلق کلیسا و خفقان علمی ناشی از آموزه های غلط مسیحی بود که در متن و بطن خود درخت ممنوعه را در آموزه های دینی کلیسا درخت دانش معرفی می کرد، و طبیعی بود که وجدان های علمی آزاد مسیر درست دانش را در رهایی از این استبداد دینی تعریف کنند.

اما بی تفاوتی دانشمندان و پژوهشگران نسبت به ارزش های اخلاقی و دینی مسئولیت آنان را نسبت به سوء استفاده از دستاوردهای تحقیقاتی شان توسط نظام سلطه منتفی می دانست و مدیریت علم سکولار توسط نظام های ضدبشری به فسادهای فراوان اخلاقی و اجتماعی و زیست محیطی در کره زمین انجامید. در این شرایط وظیفه دانشمندان مسلمان اصلاح ساختار علم با نفی سکولاریسم امکان پذیر است تا روشن کنند که تعهد دانش و دانشمندان به ارزش های اخلاقی و دینی به هیچ وجه به معنی استبداد دینی نیست.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

و نتیجه دوم این جستار این بود که هر تمدنی وابسته به یک پارادایم فکری بنیادین است که مسیر دانش را مشخص کند. اگر این پارادایم در تمدن کهن اسلامی شناخت جهان بود و در تمدن غرب معاصر تغییر جهان بود، حرکت نخبگانی جهان اسلام باید پارادایم مناسب تمدن نوین اسلامی آینده را تعیین و تبیین و به جهان معرفی کند. پارادایم پیشنهادی این محقق بر اساس آموزه های قرآنی "تسخیر جهان" است که باید مورد نقد و بررسی جدی قرار گیرد.

۸. توصیه های پژوهش

مهمترین توصیه این پژوهشگر به دانشگاه های ایران اسلامی برای ورود جدی به فرایند تمدن سازی تشکیل ستادی به عنوان: **ستاد عالی راهبرد تمدن سازی** در وزارتخانه های عتف و علوم پزشکی، آموزش و پرورش و حوزه علمیه است. این ستاد اساسنامه ای با اصول زیر خواهد داشت:

۱. تعریف و تبیین تمدن نوین اسلامی بر اساس بیانیه گام دوم

۲. تبیین نقش علم و نقش دانشگاه در فرایند تمدن سازی

۳. بررسی سازوکارهای ایجاد گفتمان تمدنی در دانشگاه ها

زیرمجموعه ستاد عالی راهبرد تمدن سازی ستادهای دانشگاهی هستند که با نمودار تشکیلاتی به شرح زیر راه اندازی می شوند:

رئیس ستاد: رئیس دانشگاه

- شورای عالی متشکل از: رئیس دانشگاه، معاونان فرهنگی، آموزشی، پژوهشی، دانشجویی، رئیس نهاد رهبری، رئیس

روابط علمی و بین المللی، دبیر ستاد

شورای علمی: به ریاست معاون پژوهش و فناوری و عضویت یک استاد از هر دانشکده به انتخاب شورای عالی و

عضویت دبیر ستاد

شورای اجرایی متشکل از: معاونت اداری و مالی، رؤسای دانشکده ها، و دبیر ستاد

برنامه های آموزشی، شامل:

۱. تدوین سند راهبرد آموزشی فرایند تمدن سازی دانشگاه

۲. برگزاری کارگاه های آموزشی برای تبیین اهداف و برنامه ها

۳. تدوین پیوست تمدنی برای برنامه های آموزشی و درسی تمام گروه های آموزشی در ستادهای سیاستگذاری آموزشی و

درسی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

۴. تدوین سرفصل درس (راهبرد تمدنی) برای افزودن به دروس اختصاصی تمام رشته های دانشگاهی در هر سه مقطع تحصیلی

۵. تدوین طرح توجیهی رشته دکتری پژوهش محور تمدن بین الملل اسلامی در دانشکده ادبیات (بین رشته ای – مستقر در گروه فلسفه با همکاری اندیشکده آینده پژوهی و رشته هوش مصنوعی)

برنامه های پژوهشی، شامل:

۱. تدوین سند راهبرد پژوهشی فرایند تمدن سازی دانشگاه
۲. برگزاری کارگاه های پژوهشی برای تبیین اهداف و برنامه ها
۳. افزودن پیوست تمدنی برای تدوین پارساها
۴. پیشنهاد اصلاح جدول ارتقاء اعضای هیأت علمی با نگاه تمدنی

برنامه های فرهنگی:

۱. تدوین سند راهبرد فرهنگی فرایند تمدن سازی دانشگاه
۲. برگزاری کارگاه های فرهنگی برای تبیین اهداف و برنامه ها
۳. تدوین پیوست تمدنی برای ایجاد نگاه تمدنی در فعالیت های فرهنگی
۴. برگزاری کرسی های آزاد اندیشی و مسابقات دانشجویی برای پرسمان تمدن

برنامه های دانشجویی:

۱. تدوین سند راهبرد دانشجویی فرایند تمدن سازی دانشگاه
۲. برگزاری کارگاه های دانشجویی برای تبیین اهداف و برنامه ها
۳. تدوین پیوست تمدنی در فعالیت های دانشجویی

برنامه های اجرایی ستاد:

۱. برگزاری همایش های (دانشگاه تمدن ساز)
 - نخستین همایش ملی در سال ۱۴۰۴
 - نخستین همایش بین الملل اسلامی چهار زبانه در سال ۱۴۰۵
 - پیشنهاد تأسیس ستاد منطقه ای راهبرد تمدن سازی دانشگاه اسلامی با مشارکت دانشگاه های کشورهای حوزه مقاومت
 - پیشنهاد تأسیس ستاد بین الملل اسلامی راهبرد تمدن سازی دانشگاه اسلامی با مشارکت دانشگاه های کشورهای اسلامی
- از طریق سازمان آیسسکو



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

فهرست منابع:

قرآن کریم

اباذری، یوسف و دیگران (۱۳۹۰). فرا روایت تمدن یا فرایند تمدن ها؛ مروری بر پروبلماتیک و تحلیل های فرهنگ و تمدن فصلنامه

تحقیقات فرهنگی ایران. دوره ۴ شماره ۱۴. تابستان ۱۳۹۰. صص: ۱-۱۹

آشوری، داریوش. (۱۳۸۰). تعریف ها و مفهوم فرهنگ. تهران: نشر آگه.

باقری، شهلا. (۱۳۹۴). ظرفیت تمدن سازی گفتمان انقلاب اسلامی. دوفصلنامه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. سال سوم شماره

پنجم پاییز و زمستان ۱۳۹۴

پهلوان، چنگیز. (۱۳۸۸). فرهنگ و تمدن. تهران: نشر نی

جمشیدی ها، غلامرضا و همکاران. (۱۳۹۹). آسیب شناسی تولید علوم انسانی دینی در ایران بر اساس دیدگاه های برخی از

صاحب نظران برجسته حوزه و دانشگاه. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

خاقانی اصفهانی، محمد. (۱۳۹۹). فرایند درختی تمدن بین الملل اسلامی. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

دورانت، ویل و دورانت آریل (۱۳۸۷). تاریخ تمدن. ترجمه بطحایی و دیگران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

قزلسفلی، محمدتقی و آمنه میرخوشخو. (۱۳۹۵). معرفت شناسی توسعه در سه دوره پیشامدرن، مدرنیته و پسامدرن. در این

پژوهش، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

قزلسفلی، محمدتقی. (۱۳۹۷). بنیادهای عدالت فضیلت مند و الگوی ایرانی اسلامی عدالت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی

پیشرفت.

نوذری، حمزه. (۱۳۹۵). تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با بررسی نسبت میان دین اسلام و توسعه. تهران: مرکز الگوی

اسلامی ایرانی پیشرفت.

منابع اینترنتی:

<https://nashr.olgou.ir/content/فرایند-درختی-تمدن-بین-الملل-اسلامی>

www.papyrus.ir/Wikies/499/-System-Theory

<https://hawzah.net/fa/Article/View/93762/%D8%B8%D9%87%D9%88%D8%B1-%D8%AA%D9%85%D8%AF%D9%86-%D8%A8%DB%8C%D9%86-%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%D9%84%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C>



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه
The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

نقش علم و آگاهی در تمدن نوین اسلامی

مهرداد برون^۱

۱- ایمیل نویسنده مسئول: mehrdadboroon95@gmail.com

چکیده

یکی از پایه‌های تمدن اسلامی توجه اسلام به علم بود. تمدن اسلامی به سرعت با علوم مختلف ارتباط برقرار کرد و با معارف غنی خود زمینه رشد علوم مختلف در بین مسلمانان فراهم شد. این شکوفایی علمی عوامل متعددی دارد که می‌توان از آن به‌عنوان رهیافتی در بازآفرینی نقش علم در تمدن سازی نوین اسلامی بهره برد. در این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی به عوامل شکوفایی علم در تمدن اسلامی پرداخته می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد نقش آموزه‌های اسلامی در تشویق به فراگیری علم و اهمیت آن، وقایع صدر اسلام و اختلافات مسلمانان در مباحث کلامی مختلف، هم‌جواری اسلام با ادیان دیگر، لزوم تفسیر و تبیین تعالیم دینی، تشویق اسلام به فراگیری علوم جدید و زبان واحد علمی و دینی زمینه لازم را برای طرح مباحث علمی و رشد علوم مختلف در بین مسلمانان فراهم کرد.

واژگان کلیدی: دین، اسلام، تمدن، تمدن نوین اسلامی، علم، آگاهی

مقدمه

ارمغان جاودانه اسلام برای بشریت فرهنگ و تمدن عظیم و انسانی جامعی بود که بشریت را برای همیشه وامدار خود نمود. این تمدن در دوره‌ای ظهور نمود که جهان در تاریکی فرو رفته و مردم در گمراهی بودند. مهم‌ترین و اولین ویژگی تمدن اسلامی اصالت و غنای فرهنگ اسلام است. در این تمدن قرآن کریم مرکز ادبیات مدون عرب و نقطه اساسی علم و علم‌آموزی شد. در مرتبه پس از قرآن، سخنان و تعالیم پیامبر که از آن به سنت تعبیر می‌شود و در مرحله بعد تعالیم ائمه و بزرگان دین قرار دارد. با استفاده از این ویژگی بود که مسلمانان توانستند در همان قرن نخست هجری و پیش از انتقال علوم دیگران، خود صاحب فرهنگی اصیل، وسیع و عمیق گردند.

از ویژگی‌های دیگر این تمدن که باعث تمایز آن شده، عقل‌محوری و ارزش نهادن به معنویت است. تمدن اسلامی در حقیقت همان تمدن عقل می‌باشد نه هوا و هوس، زیرا محور اساسی این تمدن تعالی انسان است که قوام او عقل او می‌باشد. آیات فراوانی در قرآن مجید انسان را به تفکر و اندیشه دعوت می‌نماید. این آیات عقل انسان را ترغیب می‌کند که در آیات الهی بیندیشد تا به شناخت واقعی و درست دست یابد.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

ویژگی دیگر تمدن اسلامی توجه به علم و دانش و توجه ویژه به دانشمندان است. اسلام از همان ابتدا به حمایت از علم و دانش برخاست و تحصیل علم را برای هر فرد لازم شمرد و علما را به آموزش شاگردان و توسعه و گسترش فرهنگ و دانش تشویق و ترغیب کرد.

از امتیازات خاص تمدن اسلامی به عنوان یک ویژگی خاص زبان واحد علمی و دینی آن است که میلیون‌ها مسلمان همه به یک زبان عبادت می‌نمایند و زبان علمی آنها عربی بود که خود عامل مهمی در پیشرفت تمدن اسلامی به شمار می‌رود. از ویژگی‌های دیگر تمدن اسلامی عدم تمرکز علمی است. با وجود اینکه برخی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمی در شهرهای بزرگ قرار داشت ولی در کنار آن در بسیاری از شهرهای کوچک و حتی روستاها، مخصوصاً در ایران، مدارس علوم اسلامی تأسیس شد که در آن رشته‌های گوناگون علوم تدریس می‌شد و چه بسا که به یمن حضور یک یا چند تن از بزرگان اساتید و شخصیت‌های برجسته علمی، یک شهر دورافتاده یا یک روستا، کانون جاذبه علمی نیرومندی می‌شد که جویندگان علم و محققان و دانشمندان رده‌های عالی را به سوی خود جذب می‌کرد و حوزه‌های معروف و بزرگی چون بلخ، بخارا، نیشابور، مشهد، ری، قم و نجف بدان محتاج بودند.

در کنار این ویژگی‌ها، ویژگی‌های دیگری نیز مانند مساوات و برابری انسان‌ها و ارزش نهادن به انسان، شناخت دیگران و دیگرپذیری، سازگاری و دگرگونی را نیز می‌توان نام برد. باید یادآوری نمود که این تمدن، تمدن قوم و ملت خاصی نیست و این امر نیز در جای خود ویژگی مهمی به شمار می‌رود.

نهضت شکوفایی علمی در تمدن اسلامی

ارج نهادن قرآن به علم و کتابت و سفارشات موکد پیامبر اسلام و بزرگان دین در امر آموختن علوم و دانش‌ها، مسلمین صدر اسلام را به گونه‌ای شگفت‌آور به فراگیری علم، کتابت و تدوین علوم هدایت نمود. در این راه قرآن کریم و سیره پیامبر(ص) دو منبع اصلی و پراهمیت برای بالا بردن سطح دانش و فرهنگ مسلمین بودند. افکار مسلمانان با آموزشهای گرانهای این دو منبع بزرگ که مشتمل بر عقائد، حقوق، ادبیات و هنر، ضرب‌المثل‌ها، داستان‌های آموزنده و تاریخ بود در سطح بالایی قرار گرفت. دکتر زرین‌کوب در این زمینه می‌نویسد: «آمادگی مسلمین برای اخذ و نشر علوم و احادیثی که از پیغمبر(ص) در تشویق به دانش‌طلبی نقل می‌باشد، به علاوه وجود اسباب و موجبات دیگر، شروع یک نهضت علمی را در قلمرو اسلام سبب شد.»

مسلمانان از همان ابتدا با الهام از این دو منبع شروع به تدوین و تالیف علوم انسانی نموده گام‌های بزرگی در این راه برداشتند. نتیجه این امر تقویت مبانی دینی و هدایت فکری و نیز تکامل علمی بود. پیروان اسلام طی معرفت خالق و آشنایی با فلسفه عالی خلقت که به منزله زیربنای کلیه تعالیم دین و سنگ بنای ترقی و تعالی است، با منشا و ریشه علوم نیز آشنا شدند. این مرحله، آغاز نهضت علمی در اسلام بود که تدریجاً توسعه پیدا کرد و مسلمانان را به کسب علوم و دانشهای سایر ملل واداشت. نهضت علمی در اسلام



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

نهضتی اصیل بود که متعاقب نهضت عقیدتی و ایمانی و بر اثر آن به وجود آمد. مسلمانان ابتدا هدف اصلی قرآن از توجه و تفکر در هستی را مد نظر قرار داده با تقویت بنیه ایمانی به استفاده از سایر علوم پرداختند. این توجه به علوم دیگران در نیمه دوم قرن دوم هجری صورت گرفت. زیرا مسلمانان تا پایان قرن اول و قسمتی از قرن دوم هجری به دلیل اشتغال به فتوحات مجال چندانی برای پرداختن به مسائل غیر نظامی نداشتند. لذا در این مدت گام‌های اندکی در فراگیری علوم و تعلیم و تربیت برداشته شد. با فروکش کردن تدریجی دامنه فتوحات و ارتباط با ملل دیگر و نیز آرامش نسبی و رفاه اقتصادی نوعی حرکت و نهضت علمی در آنها پدید آمد و در کنار علوم نقلی توجه به علوم عقلی نیز رایج شد.

در دوره بنی‌امیه در ممالک اسلامی گفتگوی چندانی از علم و حکمت در میان نبود، اما از دوره عباسیان کم‌کم میدان برای فعالیت‌های علمی باز شد و طولی نکشید که سیل دانش مسلمین، سراسر دنیای اسلام را فراگرفت. علاوه بر دو منبع ذکر شده، ترجمه نیز یکی از پایه‌های جهش فکری مسلمانان به شمار می‌رود. آنان پیوسته آثاری از زبان‌های مختلف به عربی برمی‌گرداندند. کار ترجمه و نقل علوم از زبان‌های مختلف به عربی در قرن دوم و سوم با قوت تمام در بیت‌الحکمه و دیگر مراکز علمی دنبال شد و در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم ادامه یافت. هارون و مامون مترجمان بسیاری را در رشته‌های مختلف، مأمور ترجمه و تالیف نمودند و بدین ترتیب کلیه آثار و اندیشه‌های علمی دنیای قدیم در اختیار دانشمندان مسلمان قرار گرفت و ایشان با استفاده از آنها و تجارب و اطلاعات خویش قدم‌های بلندی در هر یک از علوم برداشتند. حاصل این فرایند شکوفایی تمدن اسلامی و بارور شدن آن در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری بود. در این دوره بزرگ‌ترین علمای اسلامی در هر یک از شعب علوم عقلی و نقلی ظهور کردند. این دوره را به دو علت دوره طلایی تمدن اسلامی نام نهاده‌اند: دلیل اول این است که در این دوره دولت اسلامی هم از لحاظ ثروت و سیادت و هم از حیث فرهنگ و معرفت به قله مجد و رفعت رسید. دلیل دوم این است که بیشتر علوم اسلامی در این دوره نشأت یافت و بیشتر علوم «دخیله» در این روزگار به زبان تازی (عربی) ترجمه شد.

از نتایج شکوفایی علمی، طبقه‌بندی علوم توسط دانشمندان مسلمان بود. ایشان علوم را به دو دسته علوم اسلامی و غیر اسلامی تقسیم نمودند. علوم اسلامی شامل قرائت، تفسیر، حدیث، فقه، اصول، کلام، تصوف، عرفان، و علوم غیر اسلامی شامل ریاضیات، نجوم، فیزیک و مکانیک، طب، کیمیا، فلسفه، منطق، تاریخ، جغرافیا و ادبیات می‌شد.

نهادهای سیاسی، اجتماعی و علمی تمدن اسلامی

برای شناخت تمدن اسلامی بایستی با نهادهای تشکیل دهنده آن و وظایف هر کدام آشنا شویم.

حکومت اسلامی: مهم‌ترین نهاد در تمدن اسلامی نهاد حکومت است. با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه اولین نهاد تمدن اسلامی نیز شکل گرفت. البته این دولت نوپا که تحت اداره مستقیم پیامبر بود بیشتر به یک دولت‌شهر ابتدایی شبیه می‌باشد. زیرا هنوز سازمانهای اداره‌کننده‌ای تشکیل نشده بود، ولی سنگ بنای کلیه نهادهای اعصار بعدی ریشه در این مرحله دارد. هر چه سرزمین‌های



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

اسلامی گسترش می‌یافت، احتیاجات جدید، ایجاد موسسات و دیوانهای خاصی را موجب می‌شد و سبب تکمیل این نهادها مطابق نیازهای زمان می‌شد؛ ولی پایه و شالوده تمام آنها همان اساسی بود که پیشوای بزرگ اسلام با وحی الهی بنا کرده بود. گسترش اسلام به خارج از مرزهای شبه جزیره عربستان لزوم اداره این سرزمین‌ها و شهرهای بزرگ و ساکنان آنها موجب شد تا دستگاه‌های مختلف اداری به نام دیوان به وجود آید. این دیوان‌ها بسته به نوع فعالیت، نام‌های مختلفی به خود گرفت:

دیوان خراج یا استیفا: یکی از اولین و در عین حال مهم‌ترین دیوان‌های تشکیل شده دیوان خراج یا استیفا بوده است. وظیفه این دیوان آنگونه که از نامش مشخص است سرپرستی امور مالی سرزمین‌های اسلامی بود. ثبت دارایی سرزمین‌های اسلامی، گردآوری خراج، تقسیم بیت‌المال و رتبه‌بندی مسلمانان جهت دریافت سهم خود از بیت‌المال مهم‌ترین وظیفه این دیوان بود. این دیوان که در سرزمین‌های اسلامی حضور فعالی داشت در اعصار بعدی گسترش بیشتری یافت و فعالیت و وظایف آن نیز پیچیده‌تر شد. محاسبه عایدات عمومی، تنظیم و برآورد هزینه‌ها، و اعزام متولیان مالیاتی به نقاط مختلف از وظایف این دیوان به شمار می‌رفت.

دیوان برید: این دیوان برای خبررسانی، انتقال فرامین و اخبار از اطراف به مرکز و بالعکس فعالیت می‌نمود ولی کم‌کم تبدیل به مهم‌ترین سازمان امنیتی سرزمین‌های اسلامی شد و به تدریج وظیفه جاسوسی نیز بر آن اضافه شد. مسئول این دیوان که صاحب برید نامیده می‌شد یکی از ارکان مهم حکومت به شمار می‌رفت. در امپراطوری اسلامی نیز به تقلید از تمدن‌های دیگر و برای تسریع امر اطلاع‌رسانی به توسعه راه‌ها و کاروانسراها توجه خاصی به عمل آمد. در این کاروانسراها و ایستگاه‌ها همیشه تعدادی اسب تازه نفس وجود داشت که در آنها اقدام به تعویض اسب می‌نمودند.

دیوان انشاء یا رسائل: از نوشته‌های تاریخی چنین به نظر می‌رسد که این دیوان در عصر پیامبر شکل گرفته است زیرا آن حضرت پیوسته با سران قبایل و سرزمین‌های همسایه مکاتبه می‌نمود، اما به مرور زمان وظایف این دیوان نیز گسترش یافت. مهم‌ترین وظیفه این دیوان تنظیم و ارسال نامه‌ها و فرامین خلفا و حکام به سراسر قلمرو اسلام بود.

دیوان جیش یا جند: با وحدت شبه جزیره عربستان دولت مدینه صاحب نیروی نظامی شد که تا آن روز در عربستان تشکیل نشده بود. لذا در زمان خلیفه دوم به تشکیل آن به مقیاس کوچکی اقدام شد. وظیفه این دیوان در آغاز تاسیس، سرشماری و تهیه اسامی شرکت کنندگان در جنگ‌های صدر اسلام بود تا سهم هر یک به میزان شرکت در آنها محاسبه شود. به مرور زمان وظیفه این دیوان گسترش یافت و سرپرستی نیروهای نظامی و تهیه آمار جنگاوران و تهیه سلاح و لوازم نبرد و همچنین پرداخت حقوق نظامیان بر عهده این دیوان نهاد شد. در منابع سرپرست این دیوان را ناظرالجیش نوشته‌اند. این دیوان بعدها تبدیل به «دیوان عرض» شد.

دیوان بیت‌المال: سابقه تشکیل بیت‌المال به صورت یک دیوان به عصر خلیفه دوم بازمی‌گردد. در این دوره قسمتی از مسجد پیامبر(ص) را به محل نگهداری بیت‌المال اختصاص دادند و عده‌ای را برای نگهداری آن به کار گرفتند. به مرور زمان یکی از مهم‌ترین نهادهای مالی حکومت از دل آن بیرون آمد. این دیوان درآمدها و مصارف معینی داشت. درآمدهای آن از محل «فیء»



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

«غنائم» و صدقات فراهم می‌شد و صرف تهیه وسایل مورد نیاز مردم و بالا بردن سطح زندگی مسلمین و نیز جهت پرداختن حقوق مجاهدان، تهیه اسلحه و آزادی اسیران و غیره می‌گردید.

دیوان مظالم: یکی از دیوان‌های بزرگ اسلامی که می‌توان آن را با دادگستری امروز مقایسه نمود، دیوان مظالم است. این دیوان وظیفه رسیدگی به شکایات و اختلافات مردم را به عهده داشت. کار اداره این دیوان بر عهده قاضی القضاات بوده است. منصب قضاوت لقب مخصوص کسانی بود که واجد خصائص برجسته و صفات عالی بودند. این قضاات وظیفه اداره محاکم را به عهده داشتند. اداره حسبه: نهاد دیگری که نقش مهمی در کنترل اوضاع شهرها داشت و بر روی فعالیت‌های افراد در جامعه و به ویژه اصناف و بازار و جلوگیری از اعمال منافی عفت نظارت داشت حسبه نامیده می‌شد. مسئول اداره حسبه را «محتسب» می‌نامیدند که بایستی دارای شرایط ویژه‌ای بود. وظایف محتسب عبارت بود از ۱- نظارت بر بازارها و حرفه‌ها ۲- نظارت بر اخلاق عمومی جامعه ۳- نظارت بر قیمت‌ها و ترازها ۴- نظارت بر اجرای عبادات مردم ۵- نظارت بر راه‌ها و ساختمان‌ها ۶- وظایف قضایی محدود مانند بررسی کم‌فروشی و حيله در فروش ۷- وظایف موردی و متفرقه. محتسب تنها وظیفه نظارتی داشت و نمی‌توانست خطاکاران را تنبیه کند.

مراکز علمی: غیر از نهادهای سیاسی، اجتماعی نهاد مهم‌تری وجود داشت که نقش اصلی را در گسترش و استحکام تمدن اسلامی به عهده داشت. نهادهای علمی از مراکز مختلفی تشکیل شده بود که در ادامه به چند نمونه از آن به اختصار پرداخته می‌شود. مسجد: مسجد به عنوان محل تجمع و عبادت نقش خاصی را در عصر نبوی به عهده داشت و علاوه بر مرکزیت اداری سیاسی، محل علم و آموزش و به منزله محلی برای وعظ و ارشاد و حل و فصل اختلافات مسلمین و نخستین مرکز تعلیم به شمار می‌رفت. در سال‌های آغاز قرن دوم تحولی جدید در آن به وجود آمد و نقش عمده‌ای در زمینه آموزشی و علمی به عهده گرفت که نتیجه آرامش بعد از عصر فتوحات بود. شکوفایی مساجد تا پایان سده سوم هجری ادامه داشت ولی بایستی یادآوری نمود که در همه مساجد به امر آموزش پرداخته نمی‌شد و این امر منحصر و محدود به دسته‌ای مساجد بود که به خاطر شرایط محلی، فرهنگی و مذهبی و برخی عوامل دیگر بر سایر مساجد برتری داشتند و نقش نوعی دانشگاه عمومی را عهده‌دار بودند. نخستین مرکز رسمی جهت گسترش علوم و فنون، بیت الحکمه نام داشت که در بغداد عصر عباسی تاسیس شد. اساس آن از کتابخانه‌ای کوچک پایه‌ریزی شده بود و در زمان مامون توسعه یافت.

از دیگر مراکز علمی دارالعلم‌ها بودند که در شهرهای مختلف دنیای اسلام وجود داشتند. مکتب نیز از محل‌های آموزش بود که در نقاط مختلف مخصوصاً در مساجد وجود داشت و توسط مکتبداران اداره می‌شد. همچنین مدارس نیز که نخستین آنها توسط ناصر کبیر در آمل ایجاد شد در گسترش علوم نقش داشتند.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

مشهورترین و مهم‌ترین مرکز علمی که در مقابل الازهر قاهره قرار گرفت مدارس نظامیه بودند که به سعی خواجه نظام‌الملک، ابتدا در شهرهای بغداد و نیشابور ایجاد شدند. اکثر اساتید این دانشگاه‌ها مانند ابواسحاق شیرازی، غزالی، عمر خیام و... از افراد بنام زمان خود بودند. از مراکز دیگر آموزشی در جهان اسلام بیمارستان‌ها و دانشکده‌های پزشکی را می‌توان نام برد. این مراکز غیر از درمان بیماران مرکز تحقیق و مطالعه نیز بود و کتابخانه‌های تخصصی در زمینه‌های مورد نیاز داشتند. غیر از این موارد خانقاه‌ها و رصدخانه‌ها نیز محل انتشار علم در تمدن اسلامی بودند.

علل اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی شکوفایی تمدن اسلامی

در پیدایش و شکوفایی تمدن اسلامی علل و عوامل مختلفی نقش داشتند که پرداختن به همه آنها کاری بس دشوار و خارج از حوصله بحث ماست. آیین اسلام مهم‌ترین قوه محرکه تمدن اسلامی بوده و هنوز هم یکی از عوامل اساسی این تمدن است و شالوده‌ای لایتغیر بدان داده است. لذا به برخی از مهم‌ترین آنها به صورت خلاصه اشاره می‌شود.

توصیه قرآن و سنت: بی‌تردید قرآن و تعالیم پیامبر(ص) مهم‌ترین عامل توجه مسلمین به کسب علم و دانش بود. نخستین آیه‌ای که بر پیامبر نازل شد نیز تاکید بر همین امر داشت: «بخوان به نام پروردگارت.» اگر قرآن را به دقت بخوانیم برتری انسان نسبت به سایر مخلوقات را در علم و دانش او می‌داند. قرآن عامل بسیار موثری در بالا بردن فکر و اندیشه مسلمانان بود و ایشان را به تفکر و تحقیق سوق می‌داد. «قرآن، پس از جلب نفوس به فلسفه خلقت و پی‌ریزی شالوده ایمان و زیربنای اصلاحات، افکار را برای هرچه بهتر و بیشتر اندیشیدن و آموختن بسیج کرد، پی در پی مردم را به تفکر و تعقل ترغیب کرد و جهل و بی‌خبری را نکوهش نمود و مردم نادان و بی فکر را کر و کور و لال و در ردیف چهارپایان به شمار آورد. در سراسر قرآن کلماتی از ماده علم و حکمت، معرفت، بصیرت، شعور، فکر، فهم، عقل، تدبیر، و استنباط، با اسلوبی موثر و موکد، بسیار آمده است. این بیانات موجب افزایش ارزش علم و تفکر در نزد عموم و در نتیجه جامعه نیز به سوی دانش و اندیشه سوق یافت. در کلام نبوی و ائمه نیز مطالب بسیاری در مورد آموختن علم و دانش وجود دارد.

و جوب طلب علم: دعوت اسلام به ایمان همراه با آگاهی و شناخت بود. هر مسلمانی مکلف بود که تحصیل ایمان کند و در این نظام کسب آگاهی و شناخت بر هر مسلمان به عنوان مقدمه ایمان شخصی و اجتهادی به اندازه توانایی عقلی او واجب است.

برتری دانشمندان: اهمیتی که دین اسلام به عالمان و دانشمندان داده است بسیار روشن است. اگر آیات الهی و سخنان پیامبر و ائمه را در تکریم دانشمندان گرد آوریم صفحات چندین جلد کتاب را پر خواهد نمود. همین تعالیم والا بود که جامعه اسلامی را از بزرگ و کوچک به سوی طلب علم و آگاهی سوق داد. بعضی احادیث رسول اکرم(ص) که به اسناد مختلف نقل می‌شد حاکی از بزرگداشت علم و علماء بود. از دیدگاه امام علی(ع) پاداش عالم نزد خداوند از پاداش روزه‌دار نماز شب‌خوان که در راه دین جهاد نماید، بیشتر



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

است و امام صادق(ع) عالمان را میراث‌داران پیامبران معرفی نموده است. با توجه به این مطالب مسلمین دین، علم و اخلاق را ملاک بزرگی اشخاص می دانستند و در این فرایند رنگ و نژاد و ملیت نقشی نداشت.

شوق، شور و اراده؛ غیر از موارد مذکور و عوامل تحت تاثیر آنها، اراده و شور و شوق زیادی نیز برای کسب علم ایجاد شد. گوستاولوبن در این مورد می نویسد: جدیدی که مسلمانان در فراگرفتن علوم از خود نشان دادند، حقیقتاً حیرت‌انگیز است. آنها هر وقت شهری را می گرفتند اولین اقدامشان بنای مسجد و آموزشگاه بوده است.

نقش حکومت‌های اسلامی: امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) ضمن بیان یک رشته سخنان پرارزش، توسعه علم و دانش و گسترش و بسط فرهنگ را از وظایف حکومت اسلامی دانسته می فرماید: «ای مردم من بر شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی، اما حق شما بر من این است که همواره شما را اندرز و نصیحت کنم و خیرخواهتان باشم و سرمایه‌های مالی و حقوقی‌تان را زیادتر کنم و برای آنکه در جهل و نادانی نمانید و در مقام عمل خوشرفتار و مودب باشید نسبت به آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت شما قیام کنم.» حکومت‌های اسلامی به دلایل مختلف علاقه‌مند بودند امور رعایا را در مسیر طبیعی و صحیح قرار دهند. لذا تا حدود زیادی امور تعلیمات را به دست گرفتند. فرزندان اقشار مختلف در مقابل مبلغی اندک در مدارس مشغول تحصیل بودند. اکثر معلمان توسط حکام به کار گماشته می شدند و در برخی موارد آموزش رایگان بود. رقابت حکام در حمایت و جذب علما نیز در بالا بردن علم و دانش نقش زیادی داشت.

ایجاد مدارس و دانشگاه‌ها: به تدریج که جامعه اسلامی جلوتر می رفت نیاز به موسسات تعلیمی در آن بیشتر احساس می شد. مساجد و مکتب‌ها نخستین محل تعلیم و تربیت بودند. تشکیل دارالعلم‌ها و در مرحله بعد بیت‌الحکمه و در کنار آن کتابخانه‌ها و رصدخانه‌ها نقش عمده‌ای در شکوفایی تمدن مسلمانان داشت. این روند با تاسیس جامع‌الازهر و نظامیه‌ها به اوج خود رسید. غیر از موارد یادشده علل دیگری مانند ممنوع بودن احتکار علم و دانش، قائل نبودن زمان خاص برای کسب علم، کسب علم از هر کس که باشد و لو غیر مسلمان، نیز در سیر و پیشرفت مسلمین موثر بوده است.

تأثیر فرهنگ‌ها و تمدن‌های پیشین

فرهنگ و تمدن اسلامی تمدنی اصیل و بر پایه قرآن و سنت بود و این اصالت در همان سده اول خود را نشان داد. ولی در کنار این دو، بر اثر فتوحات عظیمی که در نیمه اول همین قرن نصیب مسلمین گردید ایشان خود را در مقابل تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و عقاید گوناگون و ریشه‌داری یافتند و جامعه اسلامی محل تلاقی این تمدن‌ها گردید و فرهنگ نوپای اسلامی علاوه بر سرمایه‌های عظیم معنوی خود میراث‌دار تمدن‌های مختلف آن روز شد. البته نباید از این نکته غافل شد که تمدن اسلام که بدینگونه وارث فرهنگ قدیم شرق و غرب شد، نه تقلید کننده صرف از فرهنگ‌های سابق بود، نه ادامه دهنده محض؛ بلکه ترکیب کننده بود و تکمیل سازنده.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

زمانی که مسلمین به اخذ علوم دیگران روی آوردند صاحب روحیه اجتهادی و تحقیقی بودند. ایشان با نظری مشرفانه به استفاده از علوم دیگران پرداختند. برخی از مطالب را پسندیدند و برخی را نه، و هرچه را نیز پسندیدند در بوته تحقیق گذاشتند و آن را تنقیح کردند و به اصلاح آن مبادرت نمودند.

آلفرد گیوم در این مورد می نویسد: «عده ای ممکن است بگویند که تمدن اسلامی آنچه اشاعه و انتشار داده چیزی به غیر از آنچه از دیگران به ارث برده نیست، ولی این موضوع تا اندازه ای منصفانه نیست و اگر چنین بگوئیم اهمیت واقعی معرفت دنیای اسلامی را کوچک کرده ایم.»

چهار مرکز عمده که مسلمین از ایشان متاثر شدند عبارتند از: ایران، مصر (اسکندریه)، مراکز سریانی و هند.

ایران: ایران از جمله مراکزی است که قبل از ظهور اسلام دارای تمدن درخشانی بود و با وجود حاکم بودن نظام طبقاتی به عنوان کانون علم و دانش محسوب می شد. از مراکز مهم علمی در عصر ساسانی شهرهای مداین، جندی شاپور و ریوآردشیر و برخی مراکز علمی دیگر را می توان نام برد. ایرانیان تا این زمان در علوم مختلف مانند موسیقی، طب و ریاضیات بر اثر ارتباط با مشرق و مغرب و مللی مانند هندوان و بابلیان و ملل آسیای صغیر به پیشرفت هایی نائل شده بودند. در عصر ساسانی ریاضیات و نجوم از علوم مورد توجه بوده و وجود زیج هایی که مورد استفاده منجمین اسلامی قرار می گرفت، پیشرفت ایرانیان در این زمینه را روشن می کند. علاوه بر آن کتابخانه هایی مشتمل بر کتب مختلف پهلوی و یونانی وجود داشت. بعضی از این کتابها را ابن مقفع و پسر او محمد به عربی ترجمه کردند.

مصر (حوزه علمی اسکندریه): از دوره بطالسه یعنی جانشینان بطلمیوس (۳۲۳ - ۲۸۲ ق.م) یکی از سرداران اسکندر که کنترل مصر را به دست گرفت، اسکندریه کم کم مرکزیت علمی پیدا نمود و تبدیل به وارث تمدن یونانی و محل تلاقی افکار علمی به ویژه در زمینه فلسفه شد و کم کم مدارس و کتابخانه و رصدخانه ای در آن ایجاد شد و دانشمندان بزرگی در ریاضیات و نجوم و طبیعیات و طب و جغرافیا از آنجا ظهور کردند که عمدتاً دنباله رو فلاسفه یونان بودند. از جمله علمای تربیت یافته این حوزه اقلیدس، ارشمیدس، ابولونیوس و بطلمیوس را می توان نام برد. شهرت این مرکز در طب و تشریح به خاطر وجود اطبایی مانند سقراط است. علاوه بر این در فلسفه نیز مقام والایی داشت و روش های جدیدی را در فلسفه ارائه نمود. از فلاسفه معروف، فیلون اسکندرانی و سکاس بنیانگذار فلسفه افلاطونی جدید، وابسته به این مرکز علمی بودند. این حوزه تا اواخر قرن اول هجری فعال بود ولی اندکی بعد به انطواکیه منتقل شد. تقریباً همه آثار آن مورد استفاده مترجمان و طبیبان حوزه های علمی بعدی بخصوص حوزه علمی بغداد قرار گرفت.

سوریه (مرکز علمی سریانی): سریانی یکی از لهجه های آرامی است. در آغاز دوره مسیحیت آرامیان در ناحیه وسیعی که شامل سوریه، بین النهرین، شوش و الجزیره می شد پراکنده بودند و به زبانهای مختلف که ریشه آرامی داشت صحبت می کردند. این مناطق



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

در محل برخورد دو قدرت آن روز قرار داشت و غالباً دست به دست می‌گشت، لذا از هر دو تمدن ایران و روم تاثیر پذیرفته بود. از شهرهای مهم این بخش رها، نصیبین، قنسرین و آمد مشهورتر بودند. شهر رها بعدها تبدیل به مرکز تبلیغ مسیحیت شد و انجیل به سریانی نوشته شد و لهجه سریانی تبدیل به زبان کلیسا گردید و در شرق فرات انتشار یافت. ایشان برای تمایز از آرامیان غیر مسیحی خود را سریانی نامیدند. از منسوبین به این حوزه البردیسانی و هرمونیوس را می‌توان نام برد. دانشمندان سریانی‌زبان در عین اثبات اصول معتقدات دینی و مذهبی خود به علمی یونانی مثل منطق، ریاضیات، طبیعیات، الهیات، نجوم، کیمیا و طب سرگرم بوده و به ترجمه کتب معتبر یونانی خاصه ارسطو، افلاطون و افلاطونیان جدید به سریانی توجه بسیار داشته و از کتب پهلوی نیز ترجمه می‌کرده‌اند. این مدارس بعد از اسلام نیز مدتی رونق خود را حفظ کردند. این قوم واسطه نقل علوم یونانی به عربی شدند و تقریباً کلیه کتب فلاسفه، اطباء، ریاضی و نجوم یونانی و اسکندرانی را به عربی ترجمه کردند و بیش از سایر اقوام در انتقال علوم یونانی به تمدن اسلامی نقش داشتند. ایشان در عصر اسلامی نیز به عنوان معلمین و اساتید برخی از قدرتمندان نقش واسطه را ایفا نمودند. معارف هندوان: یکی دیگر از مراکز علمی تاثیرگذار در تمدن اسلامی علوم هندوان است که انتقال آن عمدتاً به وسیله ایرانیان صورت گرفت و در این انتقال مرکز علمی جندی شاپور نقش زیادی داشت. مهم‌ترین آثار طبی، ریاضی و نجومی هندوان در فاصله میان قرن سوم پیش از میلاد و قرن هشتم میلادی به وجود آمد. دانشمندان و پزشکان هندی در آغاز دوره عباسی در ترجمه کتب هندی به عربی نقش داشتند. از جمله این افراد کنکه و ابن‌دهن و سندھانتا را می‌توان نام برد.

در اینجا بایستی این نکته را نیز روشن نمود که بغداد مهم‌ترین محل گفتگو و تلاقی این تمدن‌ها بود و اسلام موفق شد بسیاری از علوم را به زبان اصلی خود که در همه جا، چه در نزد توده‌ها و چه به وسیله بزرگان به کار گرفته می‌شد، بیان نماید.

خدمات متقابل اسلام و ایران

خدمات متقابل اسلام و ایران را می‌توان به دو برهه زمانی تقسیم کرد:

الف- ارتباط و تعامل قبل از عصر فتوحات

ب- ارتباط و تعامل بعد از تشکیل امپراطوری اسلامی

از همان ابتدای اسلام، ایرانیان مقیم یمن به رهبری باذان و شهر بن‌باذان موجب تقویت اسلام در آن ناحیه شدند. شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

علاقه ایرانیان به دین مقدس اسلام از همان آغاز ظهور این دین مقدس شروع شد. قبل از اینکه شریعت مقدس اسلام توسط مجاهدین مسلمان به این سرزمین بیاید، ایرانیان مقیم یمن به آیین اسلام گرویدند و با میل و رغبت به احکام قرآن تسلیم شدند و از جان و دل در ترویج شریعت اسلام کوشش نمودند و حتی در راه اسلام و مبارزه با معاندین نبی اکرم(ص) جان سپردند».



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



این ایرانیان در زمان انوشیروان یمن را تصرف نموده و دولتی ایرانی در آنجا ایجاد نمودند. همزمان با دعوت اسلامی باذان اسلام آورد و در پی آن عده‌ای از ایرانیان مسلمان شدند. در زمان جنگ‌های رده و ارتداد، ایرانیان نقش خاصی ایفا نمودند و شورش اسود انسی را که نخستین مرتد در اسلام بود با کشتن وی از بین بردند. این نخستین خدمت ایرانیان به اسلام بود. از جمله ایرانیانی که در این جریان نقش داشتند، فیروز، دادویه، جیش دیلمی، آزاد و شهرین‌بازان را می‌توان نام برد. این حوادث پیش از رحلت پیامبر(ص) بوده است. بعد از رحلت پیامبر، قیس بن عبد یغوث از دین خارج شد و با فیروز به جنگ پرداخت. او با مکر و فریب سعی در از میان برداشتن سرداران ایرانی کرد و عده‌ای را با نیرنگ کشت. در این جریان نیز ایرانیان خدمتی دیگر به اسلام نمودند. با شروع فتوحات و سقوط امپراطوری ساسانی دوره‌ای جدید در حیات ایرانیان آغاز شد و عظمت و واقعیت اسلام را در نظر ایرانیان بیشتر کرد. خدمتی که اسلام به ایرانیان نمود به صورت برآوردن یک نیاز مقطعی نبود و بسیار اساسی بود و بیشتر در ایجاد تحول در اندیشه و روح یک ملت بود و موجب ایجاد طرز فکری نو و واقع‌بینانه شد و جامعه از نظر اخلاقی و تربیتی بهبودی حاصل نمود و سنن و نظامات کهنه و دست و پاگیر را برانداخت. اسلام به جای عقاید شرک‌آمیز ایمان و ایده‌ای عالی به ایرانیان بخشید و هیجان کار، کوشش، دانش‌طلبی، نیکوکاری و از خودگذشتگی را در جامعه تقویت نمود. بررسی اوضاع فکری و اعتقادی، اجتماعی، خانواده، اخلاق و سیاست ایران عصر ساسانی و مقایسه آن با بعد از اسلام عمق و عظمت خدمت اسلام به ایران را به روشنی نشان می‌دهد. در اینجا به اختصار چند نمونه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

ادیان و ایران: همزمان با شروع دعوت اسلامی شاهد حضور جدی ادیان و مذاهب مختلف در ایران ساسانی می‌باشیم که هر یک در ناحیه‌ای خاص در حال گسترش بودند. از جمله این ادیان یکی آیین مسیحیت بود که بعد از فشارهای مختلف راه خود را در ایران باز کرد و آسیب‌پذیر بودن مبادی اعتقادی زرتشتیان نیز بدان یاری می‌رساند. این دین در اواخر عهد ساسانی چنان گسترش یافته بود که حتی وابستگان به دستگاه حکومت و برخی خاندان‌های اصیل زرتشتی نیز بدان گرویده بودند. اگر اسلام ایران را فتح نکرده بود مسیحیت در غرب ایران گسترش می‌یافت و آیین زرتشت به دست عیسویان از بین می‌رفت.

غیر از مسیحیت، ادیان غیر آسمانی نیز حضوری جدی در ایران داشتند و از جمله ادیان بودایی، مانوی و مزدکی را می‌توان نام برد که اولی از سمت شرق در حال گسترش بود. آیین بودا با حضور اسلام در ایران تاب مقاومت نیاورد و به تدریج از صحنه ایران محو شد. آیین مانوی و مزدکی هر دو از داخل ایران برخاستند و برای مدتی به سرعت در ایران گسترش یافتند. با وجود فشار و سختگیری و سرکوب، این دو فرقه تا عصر اسلام، تا دو سه قرن به حیات خود ادامه دادند و در جریان نهضت‌های ضد اسلامی نقش زیادی داشتند. مسلماً اگر اسلام ظهور نمی‌کرد این دو آیین به واسطه خصوصیات که داشتند و عللی که موجب پیدایش آنها شده بود دوباره مجال ظهور و بروز می‌یافتند.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

حضور اسلام موجب شد تشتت افکار و عقاید مذهبی برای اولین بار به وحدت در عقیده تبدیل شود. استاد مطهری در مورد نقش اسلام در حذف سایر ادیان در ایران می نویسد: آن چیزی که به فعالیت بودایی در ایران خاتمه داد و مسیحیت را در اقلیت ناچیزی قرار داد، و جلوی پیشروی بودایی به سمت غرب و پیشرفت مسیحیت به سمت شرق را گرفت که هنوز هم کشیشان و مستشرقان کشیش مسلک آه حسرت آن را می کشند، اسلام بود.

منابع و مأخذ:

- 1- استانیلاس گویارد، سازمان های تمدن امپراطوری اسلامی، سید فخرالدین طباطبائی بی جا، زرین نگارپویا ج اول، ۱۳۷۹.
- 2- تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، علی محمد الماسی، تهران، نشر دانش امروز، ج اول، ۱۳۷۰.
- 3- اصول و پایه های تمدن اسلامی، سید محمد تقی مدرس، محمد صادق پارسا، تهران، محبان الحسین، ج اول، ۱۳۷۹.
- 4- دستاوردهای تمدن اسلامی و نقش اسلامی آن در رنسانس، عبدالله ناصح علوان و مولود مصطفایی، تهران، احسان، ج اول، ۱۳۸۴.
- 5- تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران
- 6- منابع فرهنگ اسلامی، م. م. شریف، ترجمه سید خلیل خلیلیان، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ج اول ۱۳۵۹.
- 7- دانش مسلمین، محمد رضا حکیمی، قم، دلیل ها، ج یازدهم، ۱۳۸۲.
- 8- دین و دولت در اندیشه اسلامی، محمد سروش، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج اول، ۱۳۷۸.
- 9- کارنامه اسلام، عبدالحسین زرین کوب، تهران، امیر کبیر، ج پنجم ۱۳۷۶.
- 10- سیر حکم در اروپا، محمد علی فروغی، تهران، هرمس، ج اول، ۱۳۸۳.
- 11- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، علی جواهری کلام، تهران، امیرکبیر، ج دوم ۱۳۳۶.
- 12- تمدن اسلام و عرب، گورستان ولویون، سید هاشم حسینی، تهران، اسلامیه، ج سوم، ۱۳۵۸.
- 13- تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، عبدالرحیم غنیمه - نورالله کسائی - یزدان - ج اول، ۱۳۶۴.
- 14- فرهنگ اسلام در اروپا، زیگرید هونکه، مرتضی رهبانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ششم ۱۳۸۳.
- 15- مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن، نورالله کسائی، تهران، امیر کبیر، ج سوم، ۱۳۷۴.
- 16- خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ج ۲۸، ۱۳۷۹.
- 17- نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در شکل گیری رنسانس، تابان، ج اول، ۱۳۷۸.
- 18- میراث اسلام، زیر نظر سرتماس آرنولد و آلفرد گیوم، ترجمه مصطفی علم، تهران، کتابفروشی مهر، بی تا.
- 19- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران، انتشارات مجید، ج اول ۱۳۸۴.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

علم در اسلام

در قرن دوم هجری (قرن هشتم میلادی) مسلمانان از نظر سیاسی و نظامی بر سرزمین‌های وسیعی حاکمیت یافتند و دوره سازندگی فرهنگی جای پیشروی نظامی را گرفت. از این زمان به بعد، مسلمانان با بهره‌گیری از امنیت، ثروت و قدرت به کسب و تمرکز هنرها، دانشها و مهارتهای مردم سرزمین پهناور حکومت اسلامی و موارث فرهنگی نقاط دیگر جهان پرداختند.

بیت الحکمه

نقشه شهر بغداد در زمان منصور خلیفه دوم عباسی و به راهنمایی خالد بن برمک ایرانی، در سال ۱۴۱ هجری طرح ریزی شد. محل ساختن شهر بغداد به معنی باغ خدا را نوبخت و ماشاالله بن اثری که هر دو منجم ایرانی بودند انتخاب کردند. پس از ساختن و استقرار مرکز حکومتی در آن، منصور خلیفه مسلمین به دعوت دانشمندان پرداخت و گردهمایی مختلفی را در اطراف خود گرد آورد. خاندان برمکیان با خود موارث فرهنگی هند و چین و ماورالنهر را به بغداد منتقل کردند و رئیس بیمارستان جندی شاپور که برای معالجه خلیفه به بغداد رفته بود، بخشی از فرهنگ ایران را که شامل نظام آموزش و پرورش و طبابت و جهانبینی فلسفی بود با خود برد و به دنیای اسلام وارد کرد.

هارون الرشید خلیفه مسلمین، به جمع آوری کتابهای خطی بزرگان یونان فرمان داد و مأمون -پسرش- به جمع آوری و تشویق دانشمندان کوشید و بیت الحکمه را در بغداد پایه گذاری کرد و نیز به تأسیس رصدخانه پرداخت نحو مدیریت بر یک جامعه دانشمند، جلب و جذب آنها به همکاری و آسانگیری در اعتقادات شخص آنها سبب شد که دانشمندان یهودی، مسیحی، هندو، زرتشتی و مسلمان در یک مجمع علمی گرد آیند و به انتقال موارث فکری خود از زبانهای یونانی، سریانی، سانسریک، و پهلوی ۳ به زبان عربی پردازند. مدت یکصد و پنجاه سال ترجمه آثار علمی بزرگانی چون: بقراط، ارسطو، افلدیس، بطلموس، جالینوس، به زبان عربی صورت گرفت و این زبان برای چندین قرن مهمترین زبان علمی جهان شد.

پس از هارون الرشید، پسرش مأمون که مادر و همسرش ایرانی بودند به تشویق حکما، فقها و ستاره شناسان پرداخت و به تقلید از دارالعلم قدیم جندی شاپور - فرهنگستان علمی به نام (بیت الحکمه) را در بغداد دایر کرد. بیت الحکمه شامل کتابخانه، دارالترجمه و رصدخانه بود. در دارالترجمه آن استادان بزرگی که از پیروان و ادیان مذاهب مختلف بودند، به تشویق خلیفه، وزیران و امیران به کار پرداختند. ذیلاً به برخی از دانشمندان ایرانی مسلمان می پردازیم.

معرفی چند دانشمند مسلمان ایرانی

جابر بن حیان



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

وی در حدود ۱۰۰ سال پس از هجرت به احتمال زیاد در طوس به دنیا آمد و در بغداد کیمیاگر دربار هارون الرشید شد وی همواره در این اندیشه بود که فلزات کم ارزش مانند مس ، سرب را به طلا تبدیل کند او گرچه در این کار توفیقی نیافت ولیکن پایه گذار شیمی تجربی شد.

آثار جابر

حدود سه هزار ساله که کتاب جابر نسبت می دهند از جابر نیز کتابهایی به زبانهای اروپایی نیز منتشر شده است که اصل عربی آن موجود نیست مهم ترین کتابهای معروف جابر این حیان مجموعه ۱۱۲ جلدی است که موضوعات آن عبارتند از : فیزیک، مکانیک ، فلسفه ، طب و کیمیا ،

محمد بن موسی خوارزمی

وی در سال ۱۵۹ هجری در خوارزم بدنیا آمد. او نخستین ریاضی دان برجسته دنیای اسلام است که در بیت الحکمه پرورش یافت و برای کسب علوم هندی به هندوستان سفر کرد. در این سفر با اعداد ارقم هندی آشنا شد و آنها را در کتاب خود بکار برد. پس از ترجمه کتاب جذر مقابله به زبان لاتین انقلابی در علم ریاضی بوجود آمد . آثار خوارزمی : کتاب الجذر مقابله خوارزمی نخستین تالیف اسلامی در علم جبر بود. این کتاب با نام الگوریتم به لاتین ترجمه شد و نام لگاریتم را از نام او بر رشته ای از علم حساب که خود کاشف آن است گذاشتند. کتاب دیگر وی در علم جغرافیاست.

ابوبکر محمد زکریای رازی

وی در سال ۲۵۸ هجری قمری در ری زاده شد و در سال ۳۳۹ در همان شهر در گذشت. او کیمیاگر، فیزیکیان و بزرگترین پزشک بالینی جهان بود . وی را با جالینوس و ابن سینا مقایسه کرده اند. رازی از دانش پیشینیان بهره بسیار برد و کتابهایش از نوشته های جالینوس و بقراط مایه دارد. گفته اند هنگامی که مأموریت یافت در بغداد بیمارستانی بنا کند ، برای تعیین مناسبترین محل دستور داد گوسفندی را بکشند و گوشت آن را به قطعاتی تقسیم کنند و هر یک از قطعات را در یکی از محله های شهر در ارتفاع مشخصی از زمین بیاویزند . رازی پس از سه روز گوشت ها را جمع آوری کرد آنها را با هم مقایسه کرد و بیمارستان ر در محلی ساخت که رنگ و بوی گوشت در آنجا کمتر تغییر کرده بود.

آثار رازی

بزرگترین تالیف پزشکی او الحاوی است این کتاب حجیم ترین اثر اسلامی در طب است. ترجمه رساله آبله و سرخک وی (مقاله فی جدری والحصبه) تا قرون جدید مورد استفاده مدارس طب مغرب زمین بود .

ابن سینا



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



ابوعلی سینا در سال ۳۷۰ هجری در افشنه در روستای بخارا بدنیا آمد و در سال ۴۲۸ در همدان دیده از جهان بست. او بزرگترین فیلسوف - دانشمند اسلام است و در ۱۶ سالگی به طبابت پرداخت و در ۱۸ سالگی بر همه علوم زمان خویش مسلط شد. او مدتی از دست ماموران سلطان محمود غزنوی آواره بود و بخشی از زندگی خویش را در وزارت حکمرانان آل بویه گذراند. آثار ابن سینا: وی ۲۵۰ اثر با حجم های مختلف نوشت. بعضی از آنها را بر پشت اسب در هنگام سفر املاء حجی کرد و دیگران نوشتند از میان کتابهای بسیار معروف او قانون در طب است. کتاب شفاء دایره المعارف عظیمی است در ریاضی، منطق، فیزیک و موسیقی که قسمتی از آن در قرن ششم هجری به لاتین ترجمه شده است.

ابوریحان بیرونی

وی در سال ۳۶۲ هـ-ق در خوارزم بدنیا آمد و او از لحظه تولد تا دم مرگ از یادگیری غافل نماند. بیرونی همراه سلطان محمود به سفر هندوستان رفت و برای آن که به فرهنگ غنی آن سرزمین دست یابد زبان (سانسکریت) را آموخت ارمغان این سفر مالهند است که گزارشی است درباره رسوم و مذهب در هندوستان.

آثار بیرونی

حدود ۱۸۰ اثر نوشته شده به ابوریحان نسبت داده می شود. کتاب آثارالباقیه از جشن ها و گاه شماری و رسوم ملل مختلف سخن می گوید. قانون مسعودی وی در نجوم تألیف شده است. کتاب (التفهیم لاوائل صناعه التنحیم) او را در نشر علمی زبان فارسی یگانه دانسته اند.

عمر خیام

حکیم عمر خیام در سال ۴۲۹ یا ۴۴۰ هجری در نیشابور به دنیا آمد. خیام ریاضی دان بزرگ و منجمی مبتکر و شاعری بی مانند بود. اگر چه وی را به رباعیات نغزش می شناسند لیکن بزرگترین ریاضی دان هزاره بعد از میلاد است. کتاب جبر او حاوی حل هندسی و جبری معادله درجه دوم طبقه بندی معادله درجه سوم است. بسط دو جمله ای $(a+b)^n$ از جمله کارهای اوست. جالبترین کار خیام اصلاح تقویم است. این تقویم که به نام تقویم جلالی یا تقویم ملکی معروف است نسبت به تقویمی که پنج قرن بعد در اروپا اصلاح و رایج شد (تقویم گری گوری) کاملتر است

آثار خیام

از خیام ۱۲ اثر علمی و فلسفی به جا مانده است. مهم ترین اثر او در جبر است (رساله فی البراهین الجبر و المقابله) که در سال ۱۸۵۱ میلادی به زبان فرانسه منتشر شد. ترجمه فارسی این اثر در سال ۱۳۳۹ شمسی توسط مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب تحت عنوان حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر در ایران چاپ و منتشر شد. رباعیات خیام نیاز به معرفی ندارد.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



پاورقی ها

منابع :

۱- اسفندیار معتمدی، نامداران علم، نشر مهاجر، تهران ۱۳۸۰

۲- بیان

۱- منسوب به سوریه، یکی از زبانهای سامی که در حدود دو هزار سال پیش در سوریه رواج داشته است

۲- زبان مردم هندوستان در ۲۵۰۰ سال پیش که اکنون کاملاً متروک است

۳- از زبانهای متروک ایرانی است که گفته می شود لهجه عجمی (لاری و اوزی) شاخه ای از آن است



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

بررسی تصرفات حقوقی منافی بر مبیع در عقد معلق

طاہر اعیادی مغانلو^۱، سیامک جعفرزاده^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)

Taherayadi1995@gmail.com

۲- دانشیار فقه و حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. s.jafarzadeh@urmia.ac

چکیده

عقود معلق در حقوق ما به رسمیت شناخته شده‌اند؛ البته عقود معلقی که تأثیر آن بر حسب انشا، موقوف بر امر دیگری نباشد. به عبارت دیگر تعلیق در منشأ فقط صحیح انگاشته شده است نه تعلیق در انشا. سؤال اصلی این مقاله در مورد تصرف حقوقی بدون اذن مشتری توسط باید بر مبیع می‌باشد. اینکه وضعیت این تصرف چگونه خواهد بود و در قالب کدام یک از تأسیسات حقوقی اعم از عدم نفوذ؛ غیرقابل استناد و ... خواهد گنجید. برای پاسخ به این سؤال ابتدا ماهیت حق اعطایی به مشتری در عقد معلق را بررسی خواهیم کرد و نهایتاً به حالت مراعی خواهیم رسید. حالت مراعی بدان معناست که تصرف حقوقی با رعایت در حالت انتظار به سر خواهد برد تا وضعیت شرط تعلیق مشخص شود و در صورت عدم وقوع شرط، تصرف حقوقی به خودی خود نفوذ حقوقی خواهد یافت.

واژگان کلیدی: عقد معلق، تعارض منافی، غیر نافذ مراعی، غیرقابل استناد

۱- مقدمه

عقود مطابق یک تقسیم بندی به منجز و معلق تقسیم می‌شوند. بحثهای بسیاری در مورد صحت یا بطلان عقود معلق صورت گرفته است که نهایتاً مهر تایید بر این عقود در حقوق ایران زده شده است. با توجه به مقدمه چینی‌های فوق، پرسش اصلی که برای راقم این سطور مطرح است این است که اگر در عقد معلق، با رعایت در مبیع، تصرف حقوقی منافی با حقوق مشتری انجام دهد، مثلاً مبیع را ثالث منتقل کند، وضعیت این تصرفات چگونه خواهد بود؟ فرضیه‌ی نویسنده در مورد وضعیت حقوقی تصرفات، حالت مراعی است. در این مقاله بر آن هستیم که تأسیسات مختلف حقوقی اعم از عدم نفوذ (موقوف و مراعی) را بیازماییم تا پی بر صحت و سقم این فرضیه ببریم. ناگفته نماند اهمیت این بحث فقط در مورد موضوع این مقاله خلاصه نمی‌شود. بلکه شاید بتوان پاسخی را که به این حالت داده می‌شود در موارد مشابه نیز به کار برد. مثلاً در مورد معاملات به قصد فرار از ادای دین مدیون موضوع ماده‌ی ۲۱۸ قانون مدنی یا در مورد تصرفات حقوقی منافی حق مرتهن توسط راهن. به گمان نویسنده، تمام این موارد حکمی مشابه دارند که البته این موارد از حوصله‌ی این نوشتار خارج است.

۱). مفهوم شناسی:



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

۱-۱. مفهوم تعلیق: تعلیق یعنی معلق کردن اثر عقد بر حسب انشا بر امر دیگر. مثلاً بایع بر خریدار شرط کند که خانه‌ام را به تو فروختم به شرط آنکه با من نکاح کنی. تملیک در این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که نکاح بین آن دو واقع گردد.

۱-۲. اقسام تعلیق و احکام آن: در مورد اقسام تعلیق همانگونه که بارها اشاره شد، فقط تعلیق در انشای معاملات از موجبات بطلان دانسته شده است و آن را صرفاً قول و وعده‌ای نسبت به آینده به حساب آورده‌اند (۸). اما قانونگذار در موادی مانند ق. م ۷۲۳، ۳۵۰ قانون تجارت مهر تایید بر پذیرش تعلق در عقود زده است. حال که پی بر صحت تعلیق در منشا در قوانین ایران بردیم، بهتر است. «اجرت خواهد بود تفاوت این نحو از تعلیق را با تعلیق در انشا با ذکر مثالی روشن سازیم. اگر بایع به خریدار بگوید: خانه‌ام را به تو فروختم به شرط آنکه با من نکاح کنی، تعلیق در منشا رخ داده است که صحیح است. اما اگر بایع به خریدار بگوید: خانه‌ام را به تو خواهم فروخت به شرط آن که با من نکاح کنی، تعلیق در انشا اتفاق افتاده است که باطل است. اما شروط تعلیق باید شرایطی داشته باشند. اول اینکه بر خلاف شروط تقییدی، شروط تعلیقی اگر نامشروع باشند، عقد شکل نخواهد گرفت. در حالیکه در شروط تقییدی، فقط شرط باطل خواهد بود و عقد صحیح است. همچنین شرط تعلیق باید موکول به حادثی خارجی باشد. از طرفی باید سرنوشت آثار عقد، دست کم بین دو طرف معلوم نباشد. مثلاً تعهد، موقوف بر رسیدن نوروز آینده نباشد (۱۲) زیرا که چنین شرطی احتمالی نیست و وقوع آن قطعی است. نکته‌ی قابل ذکر دیگر این است که تعلیق عقود به شرایط صحت آنها، تعلیق به معنای واقعی شمرده نمی‌شود، اگرچه صحیح است. همانگونه که ماده ۷۰۰ قانون مدنی بیان می‌کند.

۲. عدم نفوذ:

۱-۲. عدم نفوذ و اقسام آن:

مفهوم عدم نفوذ مفهومی است بینابین صحت و بطلان. برای فهم بهتر این حالت بهتر است با ذکر مثالی در حقوق ایران مفهوم را دریابیم. مقنن در مواردی اعمال حقوقی را غیرنافذ دانسته است؛ همچون معاملات فضولی یا معاملات اکراهی به شرط آنکه مکره فاقد قصد نباشد. زیرا که در این حالت، معامله باطل است نه غیرنافذ. البته در موارد دیگری هم لفظ عدم نفوذ در مورد تاثیر معاملات آورده شده است که باید مقصود مقنن را بر تاسیس حقوقی دیگری حمل کرد نه عدم نفوذ. همچون ماده ۲۰۰ قانون مدنی که اشعار می‌دارد: «اشتباه وقتی موجب عدم نفوذ معامله است که مربوط به خود موضوع معامله باشد». مقصود از غیر نافذ در این ماده، بطلان به دلیل اساسی بودن اشتباه واقع در معامله است.

تاسیس عدم نفوذ حقوقی را می‌توان به دو دسته‌ی عدم نفوذ موقوف و مراعی تقسیم کرد. در حالت عدم نفوذ موقوف، در عقد نقص جزئی وجود دارد که باعث توقف عقد از تاثیر و مانع بروز آثار حقوقی می‌شود. مثلاً مالک نبودن عاقد فضولی، نقصی است که نمی‌گذارد آن عقد پیش از صدور اجازهی مالک آثار خود را ظاهر سازد و فقها آن را عقد موقوف می‌نامند (۳). اجازه و رضا، شرط نفوذ عقد است نه شرط وقوع آن (۳). اما در حالت مراعی وضعیت دگرگونه است. مراعی در لغت به معنی رعایت کننده است (۲). و در



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

اصطلاح حقوقی، وضعیت مجهول عقد یا مال که باید انتظار رفع آن را کشید(۵). عقدی که در حالت مراعی است به نوعی منتظر و رعایت کننده‌ی حق ثالث است. البته که حق ثالث غیرقطعی و بالقوه است و الا باید در مورد معامله‌ی فضولی هم اثر عقد را نه عدم نفوذ موقوف که مراعی می‌دانستیم. بعد از اینکه عقد در حالت مراعی قرار گرفت به نوعی انتظار خواهد کشید تا تعیین تکلیف حقوقی وضعیت حق ثالث. با بیان توضیحات معلوم می‌گردد که رد ثالث ذیحق نیز موثر بر عقد نخواهد بود بلکه تنها ردی موثر است که در مقام اعمال حق باشد(۱۴). بنابراین ثالث ولو عقد را رد کرده باشد اما بعدها مشخص شود که حقی زایل شده است، عقد صحیح خواهد بود. به بیان دیگر عقد موقوف یعنی تأثیرش موقوف بر یک شرطی است و اگر آن شرط نیاید، این یعنی اجازه در «العقد موقوف علی الاجازه» عقد اثر نمی‌گذارد. در عقد موقوف اگر گفتیم مراعی یعنی خود عقد، «العقد مراعی» تأثیرگذاری این عقد دخالت دارد. اما اگر گفتیم تام التاثير است در اثر خودش و اجازه به عنوان یک علامت است. یا به بیان صاحب مفتاح الکرامه «و حاصل کلامه بیان الفرق بین المراعی و الموقوف بان المراعی یكون وجود ما يتوقف علیه الحكم به کاشفاً عن صحته فی نفس الامر حين وقوعه و الموقوف یكون وجود الموقوف علیه الحكم سبباً»(۶).

حال که تفاوت حالت مراعی و عدم نفوذ موقوف را دانستیم بهتر است مثالهایی برای درک بهتر حالت مراعی بزنیم. مثلاً طبق ماده ۶۵ قانون مدنی: «صحت وقفی که به ضرر دیان واقع شده است، منوط بر اجازه‌ی دیان است». در چنین وقف غیر نافذی، اگر کسی بعداً مالی به واقف بذل کند که رافع اضرار مذکور باشد، دیگر اجازه دیان نسبت به وقف ضرورت ندارد(۴). همچنین در عقد رهن، هرگاه طلب مرتهن پرداخته شود، مورد رهن آزاد خواهد شد و دیگر برای نفوذ تصرفات حقوقی بر مال مرهونه توسط راهن نیازی به اذن مرتهن نیست(۱۱).

۲-۲. مقایسه عدم نفوذ با غیر قابل استناد:

وضعیت غیرقابل استناد جمع میان صحت و بطلان است و به این اعتبار ضمانت اجرایی خفیف تر از عدم نفوذ به حساب می‌آید. صحت و اعتبار میان طرفین عمل حقوقی و بی اعتباری و نیستی در برابر اشخاص ثالث(۱). با توجه به توضیحات فوق معلوم می‌شود که استنادناپذیری وضعیتی است مختص اشخاص ثالث نه طرفین قرارداد. در مقام مقایسه‌ی عدم نفوذ موقوف با تاسیس غیرقابل استناد می‌توان گفت که اگر عدم نفوذ قرارداد ناشی از اکره باشد، مکره که اختیار تنفیذ یا رد معامله‌ی اکره‌ی را دارد، نسبت به عقد ثالث محسوب نمی‌شود و یکی از طرفین قرارداد است برخلاف وضعیت غیرقابل استناد. همچنین اگر عدم نفوذ ناشی از معامله‌ی فضولی باشد و اگر مالک را در رابطه‌ی فضول و مشتری ثالث بدانیم باز هم وضعیت متفاوت از تاسیس غیرقابل استناد خواهد بود. زیرا که در حالت غیرقابل استناد، عقد دست کم بین طرفین معامله صحیح و نافذ است و اثر حقوقی کامل دارد مادامی که ثالث توافق را نادیده نگرفته است. اما در حالت عدم نفوذ موقوف، تا تنفیذ از جانب مالک یا مکره صورت نگیرد معامله اثر حقوقی نخواهد داشت. حال که تفاوت عدم نفوذ موقوف و استنادناپذیری در مقابل ثالث را دانستیم بهتر است به تمایزات حالت مراعی و غیرقابل



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

استناد پردازیم. اگرچه برخی مشابهت‌ها بین این دو تاسیس وجود دارد که همین مشابهت‌ها باعث شده برخی اثر این دو را یکسان بپندارند و به جای استفاده از نهاد عاریتی غیرقابل استناد، تاسیس حقوقی مراعی را که دارای پشتوانه ی فقهی است، پیشنهاد بدهند (۱۳). اما باید تصور یکسان بودن این دو نهاد را از ذهن زدود. تاسیس غیرقابل استناد را پایگاه، حقوق تجارت است نه حوزه مدنی. از طرفی زمانی معاملات را غیرقابل استناد باید دانست که شرایط شکلی اثباتی رعایت نشده است، در حالی که حالت مراعی در صورت عدم رعایت شرایط ماهوی و نه شکلی اثباتی به وجود می‌آید، البته ناگفته نماند عقد در حالت مراعی، نقصان ماهوی ندارد (۷). و همچون عقد معلق می‌ماند که منوط بر امر دیگر است و با تعیین تکلیف امر دیگر، وضعیت عقد نیز مشخص خواهد شد.

۳. آثار عقد معلق:

در این فصل به بررسی آثار عقد معلق قبل از زمان حصول معلق علیه و بعد از آن زمان در فرض حصول معلق علیه یا عدم حصول معلق علیه خواهیم پرداخت.

۳-۱. آثار عقد معلق قبل از حصول معلق علیه:

در این مرحله ی بنیابین، حق خاصی به وجود آمده است که از حیث آثار و خصوصیات میانه‌ی امید به صاحب حق شدن است (۱۲). اما با ملک ان یملک (حق تملک) متفاوت است. اگرچه ملک ان یملک هم نوعی حق حالت انتظار است و ملکیت در آن حاصل نمی‌شود اما حق تملک نوعی استحقاق تملک است و به اراده ی ذیحق بستگی دارد (۱۵). ولی حق حاصل از بیع معلق قبل از وقوع شرط برای مشتری استحقاق ملکیت است و به اراده ی مشتری بستگی ندارد. حال باید بدانیم که چنین حقی واجد آثاری است که باید آنها را شناخت، از جمله اینکه عقد معلق واقع شده را اصولاً نمی‌توان یک جانبه فسخ کرد و نیز حقی مشروط به وجود آمده که قابل نقل و انتقال است (۹). همچنین فروشنده متعهد به نگه داشتن مبیع از جهت مادی و حقوقی در شرایط زمان انشای عقد است و نمی‌تواند ناقل عین یا منفعت یا حق مربوط به مورد معامله یا تصرف مادی که موجب تغییر عینی مورد معامله شود، انجام بدهد (۸). همچنین قبل از وقوع شرط نیز هریک از طرفین می‌توانند اقداماتی را که برای حفظ وضع موجود و حقوق احتمالی آینده ی او ضرورت دارد انجام دهد. برای مثال خریداری که مالی را به طور معلق انتقال گرفته است در حفظ آن از نظر مادی و حقوقی ذینفع است و می‌تواند در دعوی که بین مالک و دیگران نسبت به ملکیت آن جریان دارد، به عنوان ثالث وارد شود (۱۲).

۳-۲. پس از زمان حصول معلق علیه:

در این فرض ذکر چند نکته الزامی است. اول اینکه از تاریخ وقوع شرط، اثر بر عقد بار خواهد شد. زیرا که طرفین عقد چنین می‌خواهند و از طرفی تاثیر شرط بر گذشته امری استثنایی است که محتاج دلیل است (۹). نکته ی دومی که می‌توان بیان کرد این است



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

که اگر بایع بدون اذن مشتری، تصرف حقوقی منافی حقوق وی انجام بدهد سپس شرط تعلیق واقع شود، مشتری حق رد یا تنفیذ تصرفات را خواهد داشت. زیرا که تمام آن تصرفات فضولی است و مشتری مالک بالفعل مبیع است البته پس از حصول معلق علیه. ۴. عدم حصول معلق علیه:

در صورت عدم حصول معلق علیه باید گفت که اولاً حق رد یا تنفیذ هر نوع تصرف حقوقی انجام شده توسط بایع از مشتری سلب خواهد شد. از طرفی ولو مشتری تصرفات حقوقی را سابقاً رد کرده باشد با عدم حصول معلق علیه، تصرفات حقوقی به خودیخود نفوذ حقوقی خواهد یافت. این نتیجه‌گیری با قاعده‌ی «اذا ازال المانع عاد الممنوع» نیز سازگار است (۱۶). این قاعده بدان معناست که اگر حکمی وضعی یا تکلیفی به خاطر وجود مانعی غیرنافذ گشته باشد، بعد از برطرف شدن مانع، حکم ثانویه غیرقابل اجرا گشته و حکم اولیه در حق ملکف نافذ می‌گردد (۱۰).

۵. وضعیت حقوقی تصرفات منافی حق مشتری توسط بایع در مبیع در عقد معلق قبل از حصول معلق علیه:

مباحثی که ذیل این فصل مورد بحث واقع می‌شوند، پاسخی است که به پرسش اصلی این تحقیق داده می‌شود. به بیان واضح تر، اگر بایع در مبیع تصرفی حقوقی انجام دهد که منافی حق مشتری است، این تصرف چه اثر حقوقی خواهد داشت؟ البته منظور تصرفاتی است که قبل از حصول معلق علیه در عقد معلق واقع می‌شوند. نکته‌ی قابل ذکر دیگر این است که تاسیسات حقوقی صحت و بطلان و قابلیت فسخ، ذیل این فصل مطرح نشده‌اند. زیرا که بدیهی است این تصرفات با حقوق مشتری تنافی دارد و صحیح دانستن قابل اشکال است. از طرفی باطل دانستن آنها هم دور از منطق حقوقی است زیرا وقتی که معاملات فضولی غیرنافذند و نه باطل، به طریق اولویت نباید تصرفات بایع را باطل دانست. از طرفی قابل فسخ دانستن این تصرفات به نظر راقم این سطور بعید آمد زیرا که قابل فسخ بودن به معنای پذیرش صحت این تصرفات است. تا تصرفی صحیح نباشد، قابلیت فسخ آنها توسط مشتری بی معنا خواهد بود. به همین دلیل این تاسیس حقوقی هم مورد بحث واقع نشد.

۵-۱. عدم قابلیت استناد:

همانگونه که سابقاً اشاره شد، غیرقابل استناد یعنی صحت و اعتبار میان طرفین عمل حقوقی و بی اعتباری و نیستی در برابر اشخاص ثالث. یعنی اینکه تصرفات حقوقی بایع در مقابل ثالث بی اعتبار است. اما میان طرفین صحیح می‌باشد. اگرچه این تاسیس، جمع میان صحت می‌تواند مورد توجه قرار «خیر الامور اوسطها» و بطلان است. راه میانه ای می‌باشد و از باب گیرد اما اتخاذ چنین موضعی محل اشکالاتی است. اول اینکه تاسیس استنادناپذیری در مقابل ثالث همانگونه که اشاره شد، تاسیسی است که در حقوق تجارت کاربرد دارد نه حقوق مدنی. از طرفی این نهاد حقوقی فاقد پشتوانه‌ی فقهی و حقوقی داخلی است. چرا زمانی که می‌توانیم نهاد بومی را به عنوان اثر معامله انتخاب کنیم، آنچه را که هنوز در حقوق ما استخوان بندی درستی نیافته و باید نخستین گامها را برایش با احتیاط برداریم (۷). برگزینیم؟ هم چنین نهاد غیر قابل استناد در امور شکلی اثباتی است نه ماهوی.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

۵-۲. عدم نفوذ:

۵-۲-۱: عدم نفوذ موقوف:

در حالت غیرنافذ موقوف، اگر ذیحق عقد را تنفیذ کند، عقد صحت خواهد یافت اما اگر آن را رد کند، معامله باطل خواهد شد. حال اگر تصرفات بایع را غیرنافذ بدانیم، با تنفیذ مشتری، تصرفات صحیح خواهد بود و با رد وی تصرفات باطل خواهند شد. اما عدم نفوذ موقوف دانستن تصرفات حاوی اشکالاتی است. اول اینکه مالکیت امری مقول به تشکیک است یعنی ذومراتب می باشد. به بیان ساده تر حق مالک در معامله ی فضولی به مراتب قویتر و مستحکم تر است از حق متزلزل خریدار در عقد معلق. بنابراین قیاس و یکسان انگاری نهاد حقوقی این هر دو، دور از انصاف حقوقی است. اشکال دومی که می توان مطرح کرد این است که با توجه به اصل استحکام قراردادی، چرا باید سرنوشت عقد را به دست مشتری بدهیم که خود معلوم نیست در آینده مالک مبیع بشود یا نشود (از جهت تحقق یا عدم تحقق شرط تعلیق). اگرچه باید به حقوق مشتری احترام گذاشت اما می توان مسیر بهتری را پیمود که هم اصل استحکام قراردادی محفوظ بماند و هم حق مشتری تضمین شود.

۵-۲-۲: عدم نفوذ مراعی:

همانگونه که سابقاً اشاره شد، عقدی که در حالت مراعی است به نوعی منتظر و رعایت کننده ی حق ثالث است. البته که حق ثالث غیرقطعی و بالقوه است. همچنین رد ثالث ذیحق نیز موثر بر عقد نخواهد بود بلکه تنها ردی موثر است که در مقام اعمال حق باشد. بنابراین ثالث ولو عقد را رد کرده باشد اما بعدها مشخص شود که حقش زایل شده است، عقد صحیح خواهد بود. با مرور این مطالب پاسخ پرسش اصلی این مقاله به ذهن متبادر می شود. یعنی مراعی دانستن وضعیت تصرفات حقوقی بایع که هم با اصل استحکام اذا قراردادی سازگاری دارد و از طرفی دارای پشتوانه ی فقهی است. همچنین با قاعده ی نیز مطابق است. به این معنا که اگر در عقد معلق، شرط تعلیق « ازال المانع عاد الممنوع » واقع نشود، تصرفات منافی حقوقی مشتری که غیرنافذ تلقی می شد به خودی خود نفوذ حقوقی خواهد یافت زیرا که مانع مرتفع شده است.

۲- نتیجه گیری

پرسش اصلی که در این تحقیق بدان پرداخته شد از این قرار بود که اگر بایع در عقد معلق، تصرفی منافی حق مشتری انجام بدهد، وضعیت این تصرفات چگونه خواهد بود؟ بدیهی است که باطل یا صحیح نیستند. زیرا که باطل دانستن آن ها به دور از منطق حقوقی است چون که وقتی معامله ی فضولی، غیرنافذ است به طرق اولویت تصرفات بایع نباید باطل باشد. از طرفی صحیح دانستن تصرفات نیز با حقوق مشتری منافات دارد. نهاد حقوقی دیگری نیز که پیشنهاد شد در این مقال، عدم قابلیت استناد در مقابل مشتری بود که با اشکالات مهمی از جمله نداشتن پشتوانه ی فقهی و حقوقی داخلی، مطرح بودن این نهاد در حقوق خارجی آن هم در حقوق تجارت نه حوزه ی مدنی و در نهایت مطرح شدن این تاسیس حقوقی در امور شکلی اثباتی نه امور ماهوی، مواجه شد. بعد از این مراتب به



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

حالت عدم نفوذ موقوف رسیدیم. یعنی تصرفات با تنفیذ مشتری صحیح خواهند بود و با رد وی ابطال خواهد شد که این تاسیس هم با اصل استحکام قراردادی تعارض یافت. زیرا که تعیین تکلیف تصرفات را به مشتری داد که معلوم نیست خود در آینده مالک مبيع می شود یا نه و قیاس این مورد با معامله ی فضولی نیز قیاسی نارواست. به این دلیل که در معامله ی فضولی، دارنده ی حق رد یا تنفیذ معامله، مالک است و حق وی در مالکیت شدت و حدت بیشتری دارد نسبت به مشتری در عقد معلق. زیرا همانگونه که اشاره شد مالکیت امری ذومراتب و مقول بر تشکیک است. بعد از جرح و رد این تاسیسات حقوقی به حالت مراعی رسیدیم که هم دارای اذا پشتوانه ی فقهی است و هم با اصل استحکام قراردادی سازگار است. از طرفی با قاعده ی نیز منطبق است. حالت مراعی در مورد تصرفات حقوقی منافی «ازال المانع عاد الممنوع» حقوق مشتری توسط بایع در عقد معلق بدان معناست که تصرفات منوط بر مشخص شدن وضعیت شرط تعلیق خواهد بود و با عدم تحقق شرط تعلیق، تصرفات به خودی خود نفوذ حقوقی خواهند یافت ولو سابقاً توسط مشتری، رد شده باشند. اما در صورت تحقق شرط تعلیق، تصرفات حقوقی وضعیت دیگری یافته و غیرنافذ خواهند بود.

منابع

- ۱- ایزانلو، محسن و شریعتی نسب، صادق (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی عدم قابلیت استناد در حقوق ایران و فرانسه. مجله علمی حقوق خصوصی، ۹(۲)، ۳۵-۶۶.
- ۲- انوری، حسن (۱۳۹۰). فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۷، تهران. انتشارات سخن.
- ۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). تأثیر اراده در حقوق مدنی. تهران. گنج دانش.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۲، چاپ دوم، تهران. گنج دانش.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰). مجموعه محشی قانون مدنی. تهران. گنج دانش.
- ۶- حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد و خالصی، محمدباقر (۱۳۹۱). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، قم. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۷- ساعت چی، علی؛ محقق داماد، سید مصطفی و حقانی، سعید (۱۳۹۷). بازخوانی جایگاه وضعیت استنادناپذیری اعمال حقوقی با نگاهی به حقوق فرانسه. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۱(۱۳)، ۱۱-۳۴.
- ۸- شهیدی، مهدی (۱۳۹۸). تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد ۱. تهران. انتشارات مجد.
- ۹- صفایی، سیدحسین (۱۳۹۴). دوره مقدماتی حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۲. تهران. انتشارات میزان.
- ۱۰- عابدی سراسیا، علیرضا و رحمانی، عادل (۱۳۹۴). درآمدی بر قاعده ی زوال مانع (بازگشت ممنوع در صورت زوال مانع)، مطالعات اسلامی فقه و اصول، ۴۷(۲)، ۱۵۹-۱۸۱.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). دوره عقود معین، جلد ۲، تهران. گنج دانش.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۱۲- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). دوره حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها: مفهوم، انعقاد و اعتبار قرارداد (جلد ۱)، تهران. شرکت سهامی انتشارات.

۱۳- کریمی، عباس (۱۴۰۱). تلاشی برای ساماندهی نظریه عدم نفوذ مراعی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۱۷(۵۸)، ۱۵۷-۱۸۸.

۱۴- کریمی، عباس و شعبانی کندسری، هادی (۱۳۹۶). وضعیت حقوقی مراعی به منزله وضعیتی در عرض صحت، بطلان و عدم نفوذ. مطالعات حقوق خصوصی، ۴۷(۴)، ۶۸۳-۷۰۲.

۱۵- نعمت الهی، اسماعیل (۱۳۹۳). بررسی نظریه‌ی ملک ان یملک، مجله‌ی حقوق اسلامی، ۱۱(۴۱)، ۲۹-۶۲.

۱۶- نیک نژاد، جواد (۱۳۹۶). تصرفات حقوقی منافی حق مشتری در بیع معلق، مجله حقوق اسلامی، ۱۴(۵۳)، ۱۵۰-۱۷۲.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

بررسی تأثیر مسجد در شکل‌گیری مدارس اسلامی

نیلوفر عسل‌علیزاده

چکیده

از مسائل مهم در خوانش بررسی شکل‌گیری مساجد و رابطه آن با مدارس، تعامل برخاسته از نگاه فکری اسلامی و ایدئولوژی آموزشی آن است که به تکوین آن با مخاطب مسلمان و مخاطب جویای علم کمک می‌کند تا همگی بتوانند به نحوی مؤثر با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند و در میان علم و دین جدایی نیفتند. این مدارس که در میانه مساجد شکل گرفته‌اند از مضامینی نشانه شناختی و عناصر تصویری تشکیل شده‌اند که با آمیختن در مفاهیم عرفانی صورتی دیگر از چهره اسلام را نمایش می‌دهند که به آن وقار می‌بخشد. در واقع مدارس شکل گرفته در تمدن اسلامی، چهره اسلام را به دیگر ادیان و کشورها، چهره‌ای دانش‌پژوه، دانشمندپرور، موافق هنر و ادب و مایل به مباحثه نشان داده تا چهره‌ای که تاریخ در حال نشان دادن از حکومت‌های اولیه عرب می‌باشد که به اسم اسلام دست به شمشیر و کشورگشایی زدند را کنار نهد و صورت واقعی از دین اسلام را که همه در سایه‌اش در امان هستند را متجلی نماید؛ این امر سبب جذب دانشمندان دیگر ادیان به مدارس اسلامی و گرویدن آن‌ها به اسلام شد. در این پژوهش سعی شده است به بررسی معماری مساجد-مدرسه پردازیم و نوعی گفت‌وگو بصری را در میان هردو دریابیم. شیوه این پژوهش شیوه‌ای (توصیفی-تحلیلی) می‌باشد و روش آن کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: مسجد، مدرسه، مدارس اسلامی، هنر اسلامی ایرانی

مقدمه

در تمامی موارد شکل‌گیری دین یا شیوه عبادت در اقصی جهان، پیروان و گردآوردندگان مذاهب و عقاید، اقدام به ساخت مکانی برای گردهم آیی با هدف اصلی عبادت و در ادامه با بحث و تبادل نظر یا عضوگیری و یا تعیین فرایض و تعلیمات دینی نموده‌اند. جهان اسلام نیز از این شیوه مستثنی نبوده است. از آنجا که پیامبر اسلام همواره بر فضیلت دانش و دانش‌اندوزی تأکید کرده است و سلاله پاک او نیز بر آن اصرار ورزیده‌اند باعث شده تمدن اسلامی در عمر هزارساله خود به این عظمت و شکوه در کسب دانش دست یابد. در جریان شکل‌گیری دین نوظهور جدید که در حال گسترش جغرافیای خود به خارج از مرزهای شبه جزیره عربستان بود و در شرق و غرب در حال گسترش بود و ایرانی و هندی و چینی و سغدی و... را به زیر پرچم خود در آورده بود تا در سایه دینی واحد زندگی کنند. این گسترش و پراکندگی جغرافیای باعث گوناگونی در فرهنگ اسلامی گردید. گوناگونی در شکل، گروه و تزئینات به گونه‌ای که یافتن دو، دوره کامال یکسان با یکدیگر بسیار دشوار می‌باشد.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

از آنجا که اسلام به یکپارچگی خود از آغاز تاکید داشته بود و این امر را حتی در فرایض دینی نمود داده است با فراهم آوردن مساجد مکانی را به جهت گردهم آیی معرفی نمود تا تعلیمات اسلامی خود را رشد و نمو دهد. این عامل موثر در جهان باعث به وجود آمدن تمدن اسلامی گردید که چهارده قرن دوام داشته است. تحولات انسانی که در طول تاریخ اسلامی شکل گرفت سهم بزرگی از مدنیت انسانی را در تاریخ انسانی تکمیل کرد که تاکنون دوام خود را داشته است. مدینتی که در شرق شکل گرفت اما به سوی غرب رهسپار شد و آن را تحت تاثیر قرار داد و از هدایای علمی و فرهنگی خود بی نصیب نگرداند. گوستاو لوبون مورخ و نویسنده فرانسوی، در مقدمه کتاب تمدن اسلام و عرب، «تمدن اسلام را در راه شناخت تمدن بزرگ انسانی و جوامع مختلف بشری موثر دانسته و آن را زیر بنای تمدن کنونی انسانی معرفی می کند و می گوید نه تنها در قرون تاریک اروپا مسلمانان شرق را با مشعلهای بر افروخته علم و هنر و فلسفه و صنعت روشن ساخته بودند در آن هنگام در غرب نیز بر اثر رهبری علمی و تحقیقی عرب، افق جدیدی پدید آمد» (لوبون، ۱۳۹۵، ۷). جرجی زیدان، نویسنده مبتکر مصری، در کتاب تاریخ تمدن اسلام می گوید: «قرنها زمام هدایت بشر را مسلمانان در دست داشتند و معتقد است که اسلام در طول تاریخ دانشمندان نابغه و بزرگ در هر رشته داشته و تمدن اسلامی به دانش و تکامل بشری کمکهای فراوان کرده است؛ و شالود تمدن درخشان بزرگی به دست مسلمانان در ریشه های زندگی جوامع مختلف پایه گذاری شده است و هیچ قومی در قرون وسطی خود را از علوم اسلامی بی نیاز نمی دانسته است» (زیدان، ۱۳۹۵، ۳۶۷).

اما درخشش ابدی اسلام در طول زمان و تاریخ، پیوسته و در گذر زمان انجام گرفته است. بطور مثال شکوه امروزه مساجد در سالهای نخستین اسلام اینگونه نبوده است. در صدر اسلام مساجد بسیار ساده و با مصالح بوم آورد ساخته می شده است. از معماری خاصی تبعیت نمی نموده و جنبه های هنری و زیبایی شناسی ویژه ای نداشته است. تمرکزش بر نیروی دینی و امر والا بوده و تدریس گاهاً به صورت غیر مستقیم انجام می گرفت. گسترش مرزهای جهان اسلام، گوناگونی ها را به وجود آورد که بیم دور افتادگی از یکپارچگی را نمایان می ساخت. لذا دست به مطالبه عمومی زد که با پایه های تفکر اسلامی، ساده زیستی، دوری از ظواهر دنیوی، توجه به امر الهی و توجه به ذات قدسی در همه امور دنیوی عجین شد و هنر و معماری اسلامی را به وجود آورد که حتی اگر شخصی که شناختش از هنر و معماری محدود به مطالبی ساده باشد با دیدن ساخته های گوناگون اسلامی مانند تکه عاج های آندلسی، پارچه های مصری، جلد های قرآن ایرانی یا سفالینه های لعابی نیشابور بدون شک اسلوب یگانه آنها را در نسبت دادن به هنر مسلمانان در می یابد و تردیدی روا نمی دارد.

این نگرش یکپارچه سازی سبب گردید که به مرور، تکامل شیوه های معماری مساجد به نوعی اجزا اصلی برسد که در تمام اقلیم شبیه باشد و تنها در پوشش فرم، فرق نماید؛ بگونه ای که این آبنیه به عنوان اثر بزرگ هنری و اثری مهم شناخته شود که معرف مظهر قدرت روحی و خردی عظیمی باشد که خود سخن بگوید و کمال وحدت در وحدت و کثرت در وحدت را متجلی نماید.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

معماری اسلامی

در توضیح اینکه معماری اسلامی چیست یک تعریف کلی وجود دارد: شیوه ای از معماری که تحت تاثیر فرهنگ اسلامی به وجود آمده است و معرف جهان اسلام می باشد و شامل گستره ای از جهان می شود که ما با عنوان جهان اسلامی می شناسیم. این معماری تحت تاثیر ایدئولوژی اسلام در کشورهای فاتح به دست مسلمانان که شامل: ایران، افغانستان، مصر، ترکیه، اسپانیا، سوریه، لبنان، تونس و الجزایر، مراکش و هند و... است رواج داشته است.

اما این معرفی تنها شامل دین اسلام و معماری اسلامی نیست، مگر نه آنکه مسیحیت نیز پای به هر اقلیمی نهاد فرهنگ وامدار از مکتبهای هنری-معماری خود را اجرا کرد و شبیه سازی نمود؟!

تفاوت فرهنگ اسلامی اینجا جلوه می نماید که اسلام پای به هر سرزمینی که گذاشت با فرهنگ آن مکان التقاط پیدا کرد؛ لذا اگر مسجدی در شهر و کشوری ساخته می شد متفاوت و ناجلوه با معماری و فضای آرگونومی اطرافش نبود. زیرا همواره از دو جنبه این پدیده را مورد رصد قرار می داده است: ۱- بحث زیبایی شناسی و ۲- سود بخشی دینی.

به همین دلیل مساجدی که در صدر اسلام در ایران ساخته می شدند تا به امروز در بافت شهری از نظر زیبایی شناسی دوام آورده اند و نامرتب با دیگر اجزای شهری نیستند. در مورد دوم باید به موارد زیر اشاره نمود که: ۱- شبیه معماری منطقه بودند. ۲- چون از مصالح بوم آورد استفاده می نمودند متفاوت از نظر جنس نبودند. ۳- در محل گذر مردم و عبور و مرور ساخته می شدند که بیشتر نزدیک بازار یا کاروانسرا بود. ۴- از کسب و کار مسلمانان دور نبودند. ۵- برگرفته از ایمان توحیدی و نگرش به تنها منبع گرانبگر (قرآن کریم) بودند. اینها همگی از جمله عواملی است که می توان ذکر کرد که باعث شد که هنرمند مسلمان ایرانی، پایگاه والای اسلامی را در کشور بنا سازند.

در مقایسه با هنر مسیحی، می توان گفت پیروی از مکتب روز در زمان تاسیس (گوتیک، رنسانس، بیزنس) باعث شد که نوعی فرهنگ غالب را در تمدن های راه یافته اجرا نماید که می توان تاکنون نیز آن را نامتعارف، غیر بومی، و گاه نازیبا خواند. این شیوه در کشوری چون ایران برای ساخت ابنیه مذهبی دیگر ادیان کمتر دیده می شود.

ورود ترویجی مسیحیت به بلوک شرقی و کشور ژاپن و تغییر دین مردمان یکی از اهداف کلیسای کاتولیک بود. ژاپن تا سالهای با عنوان باتالقی مسیحیت شناخته می شد و تا مدتها در مقابل تغییر آیین سرسختانه ایستاد و فرستاده های کلیسا روم را یا گردن میزد یا در صورت عفو نمودن وادار به تغییر ایدئولوژی و پذیرفتن آیین بودا میکرد!.

امروزه ژاپن با پذیرفتن دین مسیحیت اقدام به ساخت کلیساهای کرده که متفاوت با سازه های معماری ژاپنی است. در واقع حل نشدن جریان فکری مسیحیت در جریان فرهنگی ژاپن باعث به وجود آمدن چنین سطحی از اختلاف فرهنگی گشته که حتی کلیساهای که امروزه مدرن خوانده می شوند وجهی ناملموس با فرهنگ و یا معماری مدرن ژاپن داشته باشند. بطور مثال کلیسای



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



«هیروشیما» که در شهر توریستی هیروشیما ساخته شده است و وامدار از مصالح ساخت و هنرهای سنتی ژاپن است تا فرهنگ الهام بخش ژاپن که در نقاشی و شعرهای تصویری خود را بروز داده است را نمایان سازد.

با آنکه بیشتر مصالح برگرفته از چوب است که از نظر احساسی و نزدیکی مصالح، شبیه مصالح ساختمانی خانه های ژاپنی است تا همان احساس را در مخاطب برانگیزد، اما حاوی مضمون های کاملاً مدرن می باشد که با طرح های گل و گیاه و در قالب چوب و خیزران پیاده سازی شده اند و تصویر دیداری کمتری برای نشان دادن شکل کلیسا دارد. (تصویر ۱).

در نمونه دیگر می توان به کلیسای مدرن با نام «روبان» اشاره نمود که فقط برای مراسم عروسی ساخته شده است و از کارکرد اصلی کلیسا بدور است. (تصویر ۲). این کلیسای کوچک و فوق مدرن دو پلکان مجزا دارد که زوجین از دو طرف به یکدیگر می رسند و در انتهای پلکان کلیسا می توانند مناظر را با دیدی پانورامایی مشاهده نمایند. این در حالی است که کلیساهای صدر مسیحیت «کاتاکومب ها» به جهت گردهمایی مسیحیان اولیه و توجه به مسائل الهی و شهادت و عروج حضرت عیسی (ع) برقرار گردیده و ساخته شده بود و تا به امروز آن شیوه خود را حفظ نموده است.

این مدرن سازی کلیسا در فرهنگ سنتی ژاپن امروزه تبدیل به جاذبه توریستی شده است. مساجد ایرانی صدر اسلام نیز جاذبه توریستی می باشند اما از لحاظ بصری در نگاه فرد ایرانی تازه مسلمان شده ۱۳۰۰ سال پیش جدا از آنچه از ورود اسلام دیده است نبوده و همچنان کارکرد اولیه خود را حفظ کرده است. مانند مسجد جامع نائین که بنا بر اظهارات باستان شناسان در میانه قرن سوم هجری بنا نهاده شده است (تصویر ۳) و با آنکه در طول دوران های مختلف تعمیر یا بخش های به آن الحاق شده است اما همچنان از دوران اوج خود تا به امروز پابرجاست و مورد استفاده قرار می گیرد؛ با آنکه برای بازدید گردشگران از مسجد باید بلیط ورودی تهیه شود اما اگر چنانچه مسافری آدرس مسجد در آن نزدیکی را بپرسد افراد بومی آن مکان را به عنوان مسجد می شناسند و آنجا را نشان می دهند و هنوز کسبه محلی در آن مسجد نماز می گذارند.

این مسجد که هنر دست هنرمندان آل بویه و استادکاران آل مظفر را بر پیکره خود دارد و در بافت خانه های همجوار چنان با تناسب تکنیکی به خوبی قرار گرفته که بیننده و فضای اطراف را گویی در آغوش گرفته است و با آنکه در میان بافت شهری است، نه نیاز به مسطح نمودن وسعت دید دارد نه با تناسب بدنی انسان ناموزون می باشد که به بیننده احساس کوچک شماری در برابر بنا را بدهد یا در میان خانه ها احساس خفگی و سردرگمی ایجاد نماید. زیرا به گفته هوگ: «مسجد پایگاه اجتماعی - مذهبی مسلمانان و پناهگاهی برای زندگی پرآشوب و پرتلاطم شهر بشمار می آید». (حاتم، ۱۳۸۸، ۲۳).

بنای مسجد جامع نائین نشان می دهد که ترویج دین با از بین بردن فرهنگ کشور غالب تنها باعث جدایی بزرگ میان ایمان

آورندگان و حتی تغییر بناهای مقدس می شود. مانند کلیسای روبان که اگر نام کلیسا را از آن برداریم تنها به مکانی زیبا و مفرح

برای گرفتن جشن عروسی تبدیل می گردد. این بر خالف مساجد ساخته شده در ایران است که کارکرد اولیه خود را از آغاز



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



ساخت تا امروزه حفظ نموده اند که نشان می‌دهد جریان های سیاسی، پذیرفتن تمام و کمال: دین اسلام و جنبه ای شناختی اش چقدر می تواند در پابرجایی فکر و ایدئولوژی اولیه نقش داشته باشد.

مسجد

ذات وجودی مسجد از ارتباط میان مخلوق و خالق الهام گرفته شده است و به معنای مکانی است که در آن نام خداوند طنین انداز باشد. با آنکه واژه مسجد ۲۸ بار در قرآن کریم آمده است اما هر کجای این عالم خاکی از آنجا که ساخته خداوند می‌باشد مسجدی است برای اظهار بندگی انسان در نزد پروردگار.

مسجد درونی ترین مکان روحی عبادی هر فرد مسلمان است؛ زیرا از هر قشر از نمازگزاران نیز وقتی وارد مسجد می شوند به درون می گروند و تمایل دارند برای لحظاتی از نگرانی ها روحی روانی و چالش های زندگی دور شوند و نهایت ممکن آرامش را تجربه نمایند. این مهم انسانی بوده است که معمار مسلمان را برای ساخت مکانی مقدس که جایگاه اسم پروردگار است بر آن می دارد که با توجه به منع کشیدن شمایل، دست به تجرید طبیعت بزند و هندسی طبیعی را که در طبیعت که ساخته دست پروردگار می باشد و تصویرش از ذهن الهی جاری می باشد را آستره نموده و تبدیل به گنبد و بنا، گلدسته نماید تا نمازگران را در ذرات پراکنده روح، ادغام نماید تا به آرامش و حضور در نزد خداوند دست یابند.

گنبد مسجد از دایره های پیوسته ای تشکیل شده که با حرکتی اسپیرال به سمت آسمان کشیده شده است و در انتها به نقطه می رسد. این نقطه در دید ناظر نقطه اتصال با آسمان است؛ جایی است که چشم توقف می نماید و معطوف به آسمان که جایگاه قدسی خداوند در باور عام است می گردد و این باور را تصور می کند که از آسمان شعاع پراکنده انوار لطف الهی جمع گردیده از نقطه اتصال گذشته و گنبدی دوار را به وجود آورده که بر ساختمانی مربع شکل نشسته است. این قرار گیری دایره بر مربع امری اتفاقی و تنها وابسته به داینامیک نیست. بلکه برگرفته از تفکر عرفانی و خداجویی معمار و مهندس مسلمان ایرانی کلاسیک نیز می باشد. مربع در تفکر افلاطونی و نگرش دنیای باستان، کاملترین شکل و نمایانگر عالیترین فضیلت است؛ اما در عرفان ایرانی مربع خالی از کشف و شهود است، پویا نیست و این چالش هنرمند سنتی بوده است که با ایجاد حرکت در آن یا پدیداری یک نقطه فعال درون چرخشی در مرکز مربع سعی در از میان برداشتن کیفیت ختشی زمینی خود را دارد. «چلیپا» نمونه بارز از چرخش مربع به نشانه از سرگیری پویایی است. شکل چلیپا در مرکز مربع سعی در از میان برداشتن کیفیت ختشی و زمینی خود را دارد. شکل مسجد که مربعی است که دایره ای اسپرال بر آن قرار دارد اشاره به رسیدن آدم از خاک به افلاک است. شکل ضمنی مربع با چلیپای در خود، چرخندگی را از دل مربع به دل دایره و نقطه اتصال به آسمان را نشان می دهد .



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

غزالی در کتاب احیاء می گوید: «کعبه رمزی است برونی، در این عالم مادی از آن حضوری که به چشم نمی آید، که در عالم الهی مأوا دارد، همچنان که جسم رمزی است برونی در این عالم مشهودات، از دل که به چشم نمی آید. چرا که از عالم غیب است.» (دولت آبادی، ۱۳۹۶، ۱۱۷).

معمار ایرانی با الهام از طرح خانه خدا و درک طرح فضایی مربع و تکثیر آن به مکعبی چند وجهی به بهترین شکل می تواند یک نوع از ستون به سمت آسمان را تصور کند. مانند خانه خدا در تکرار شکل مکعبی ۳اش به ستون نوری شباهت می یابد که از آسمان به زمین و از زمین به آسمان کشیده شده است و با چشم دل است که می توان آنرا دید. دیگر آنکه شکل مربع به تن آدمی تشبیه می شود که اشرف مخلوقات است و این چرخش انسان به دور خانه خداوند نشان از معرفت و دل آگاهی ۳اش و تجدید پیمان با پروردگارش است که همچنان به اشرف مخلوقات بودن خود آگاه است و بر عهد خود با خدا برقرار است. دیگر آنکه مربع در نقوش به معنی زمین می باشد و با مربع ساخته شدن خانه خداوند این تایید وجود دارد که زمین ارض مبارک خداوند است که برکتش را در آن جاری ساخته است و در ارض خداوند فقط حضور دل است که به سرالله راه می یابد و این دل است که به دور آن می چرخد و این دل است که آنجا همه را راهنماست.

هنرمند سنتی ایرانی با قرار دادن گنبد بر روی این ستون به آسمان کشیده، تاکید بر جمع لطایف الهی و بخشیدن آن به آدمی می نماید و مجدد به آسمان و جایگاه خداوندی اشاره می نماید. «کعبه نوعی هندسه الهی است که هم خشک و هم صریح است و هم غیرقابل پیش بینی.» (دولت آبادی، ۱۳۹۶، ۱۱۷).

در تفاسیر نظام یافته عرفان ایرانی اسلامی، هر چهاروجه مربع به طبایع چهارگانه ای چون: طبیعت، چهار طبع انسانی، چهار فصل، چهار هفته در یک ماه، چهار ربع عالم و چهار ربع روز، چهار قوت انسانی (نظری، عملی، شهوی، غضبی) که هر کدام به ترتیب با چهار اصول اخلاقی حکمت، عدالت، عفت و شجاعت تطبیق داده شده است اشاره دارد. همچنین به تفسیر نجم الدین رازی به چهار سوی دل و تن و چهار زانو نشستن به مثابه مربع نشستن اشاره می کند.

ساخت و شکل مسجد در ایران با کشورهای مسلمان متفاوت است. مساجد ایران چهارگوش با گنبدی بر آن ساخته شده است که شکل اولیه آن بر پایه کعبه ساخته شده است و مساجد اولیه به دلیل آنکه بر آتشکده ها بنا می شده است شکلی چهارگوش را به خود داشته اند اما در دیگر کشورها مساجد مربع های با فضای وسیع که از اطراف با بازوهای متصل کشیده شده است ترکیب می شود و مناره و گلدسته بر آن قرار می گیرد و باز نیز وامدار هنر ایرانی می باشد.

معماری اسلامی در مقطع مهم شکل گیری اش مدیون هنر ایرانی می باشد زیرا تاثیرپذیری بسیاری از مساجد ساخته شده با تاثیر از هنر ایرانی می باشد. اما امروزه شاهد می باشیم که مساجد ساخته شده در ایران و در زمان کنونی متفاوت تر از هنر متاخر ساخته می شوند و بیشتر به سمت هنر معماری اسلامی اخیر گرایش دارند و به سبکی از (خود درآوری) رسیده اند. استفاده از الگو و فرم



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

های سنتی بکار گرفته در مساجد نیز صرفاً تقلیدی از آثار قدیمی می باشد و بار معنای هویت گرایی خود را از دست داده است. دیگر محل ساخت مسجد است. مساجد در گذشته در کنار آب انبارها، بازار، کاروانسرا ساخته می شده است که دسترسی آسانی برای عموم مردم داشته باشد. اما امروزه هر جا واقفی پیدا شود مسجد نیز ساخته می شود به دور از دسترسی سهل مردم است و این متفاوت از کارکرد اولیه ساخت و مساجد است که گردهمایی تشکّل مسلمانان و آبادی را درون خود داشته است.

تصویر ۳-مردی با شمشیری در دست بر منبر، قرن سیزدهم میلادی، موزه بریتانیا
دایره حداکثر گستردگی و تعین بیشترین طرح نقطه در فضا است. در دیدگاه عرفانی دایره نمادی از دیدگاه سرمدی است بدون آغاز، بدون انجام و بدون تغییر می باشد. در هنرهای تجسمی دایره شکلی پویاست اما در جامعه شناسی دایره شکلی کهنه گراست که ذات آن کشف و تازگی نیست بلکه همه تکرار است.

این تکرار در هنرهای اسلامی مخصوصاً هندسه اشکال با کاربرد تزئینات هنر تذهیب، اشکال هندسی با کاربردی تزئین آئینه مذهبی، نوعی تجرید را به وجود می آورد که به وحدتی یکپارچه می رسد.

ایدئولوژی هنر اسلامی بر پایه هندسه است که در زمان و مکان تغییر نمی کند ولی در زمان و مکان خود بر پایه هنر وقت عرضه می گردد. همچنین استفاده از محاسبات ریاضی جزو اساسی ترین بخش های هنر اسلامی ایرانی است.

تقسیم بندی گره ها و واگیره ها بر ارتفاع محراب، محاسبه اندازه کاشی بر پوسته گنبد همگی علاوه بر ریاضیات و هنر از معرفت دینی بهره برده اند. در بنای مسجدی نمی توان دیواری را یافت که کاشی نصفه یا واگیره ها زیاد آمده باشد. این زیبایی باعث به وجود آمدن قرینه و چرخش در اندام ساختمان به وسیله تکرار در چشم بیننده می گردد.

تکرار از نظر هنر هندسی چنان زیبنده بوده که با طبیعت در آمیخته می شود و نوعی فراکتال تصویری را به وجود می آورد. بطور

مثال مسجد امام در اصفهان و کوه صفه در پس زمینه برای دید بیننده اشاره به نوعی تکرار فراکتالی دارد. معمار ایرانی مسلمان با

توجه به آنکه هر آنچه که در این دنیا وجود دارد توسط خداوند ساخته شده است و آنچه که به دست انسان ساخته می شود نباید

از جلوه خلق الهی بکاهد با آگاهی گنبد را در دید ناظر به گونه ای تعبیه کرده است که منقطع کوه ها نمی گردد بلکه شبیه تکرار

قله در قله و اشاره به کثرت در وحدت می باشد. زیرا تکرار در نظر فرد مسلمان خالی و تهی از مضمون نمی باشد. تکرار اسماء

متبرکه یا دایم الذکر بودن، تکرار نماز خواندن در روز، تکرار در وضو سازی و حتی تکرار در خواندن آیات نماز، برای فرد

مسلمان نشانه بیهودگی و مردگی نمی باشد و بیشتر این باور را می رساند که عمل بر عامل و فعل بر فاعلی است که مکررات آن

خوشایند است. مانند تکرار روزهای هفته و تکرار فصول که در صورت، تکرار است اما در ماهیت جلوه بسیار دارد. طبیعت طبق

قوانین دایره دایماً در حال دگر شکلی است.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



در نقوش سنتی ایرانی چرخه گردون را با شکل چلیپایی نیز نشان می دهند چرا که همانطور که در پیشتر نیز گفته شد خصیصه گردش محوری به مانند شکل دایره در این شکل برآمده از مربع نیز وجود دارد.

«در علم سنتی حرکت آسمان ها به شکل دایره ای و نه بیضی شکل فرض شده است چرا که این حرکت به دلیل شکل بسته و بی زاویه خود نقطه آغاز و سرانجامی ندارد و بدون تناهی ادامه خواهد داشت و در نمادپردازی عدالت اندیش انسان سنتی، تمامی جهات در شکل این حرکت با مرکز قرینه برابر است.» (دولت آبادی، ۱۳۹۶، ۱۱۹).

دایره به نقل از عزیز نسفی - طبع آب دارد: ... از جهت آن که آب به طبع خود مدور است.» (دولت آبادی، ۱۳۹۶، ۱۱۸). دایره در عرفان ایرانی برای نشان دادن رابطه میان مراتب معنایی وابسته به هم ساز سطح و عمق به کار گرفته می شود. «از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر / یادگاری که در این گنبد دوار بماند.» (حافظ، عزل ۱۷۸). از نمونه های همخوان ترکیب دایره و مربع می توان به نقش شمس اشاره داشت.

از آنجا که فرهنگ مسجد در بطن عقیدتی مردم ایران جای دارد، با آنکه بنای الحاقی در فرهنگ ایرانی است اما به دلیل وجوه مثبتی و کارکرد معارفی آن در فرهنگ ایران پالایش گردیده و چنان عجین شده که جایگاه مسجد به افسانه ها، داستان ها و شعر های ایرانی نیز وارد شده است. مثلاً در داستان پوریای ولی، او مادر ورزشکار رقیب را در مسجد ملاقات می کند و در مسجد با خدای خود عهد می بندد.

در گذشته نیز با ورود اسلام به ایران و دیگر کشورها برخی از آتشکده ها در ایران و کلیساها در ترکیه، اسپانیا، به مساجد اولیه تغییر می یابند. یکی از این بناها در ایران، مسجد تاریخانه در دامغان می باشد. این بنا خشتی است و در دهه دوم هجری و در زمان ساسانیان ساخته شده است که با ورود اعراب مسلمان تبدیل به مسجد می گردد. این بنای عظیم و قدیمی تاکنون چندین بار مورد مرمت قرار می گیرد و در دوره سلجوقی مناره به آن اضافه می شود.

مناره نیز یکی از هدایای ایرانیان به مسجد است. تا پیش از آن برای آنکه صدای مؤذن به مسلمانان برسد از پلکان خشتی به بام مسجد راهی می شده است. اما از آنجا که ایرانیان از قدیم برای آنکه راه برای کاروانیان گم نشود اقدام به ساخت ستون های بلند با پلکان مارپیچ می نمودند که در سر آن هنگامه تاریکی شب آتشی روشن می نمودند تا چون فانوسی راهنما باشد. بعد از ورود اسلام به ایران و تکمیل بنای قراردادی مسجد، مناره ها و گلدسته که بر فراز مناره جای دارد یکی از پیشکش های ایرانیان به جهان اسلام بود.

دیگر ملزوماتی که به مسجد اضافه شد، وجود کتابخانه در آن است. این رسم کتابخانه تا اکنون نیز در برخی از مساجد و مقبره ها پابرجاست بگونه ای که کتابخانه حرم امام رضا(ع)، وقف و اهدایی و در جوار آرامگاه ایشان می باشد؛ می توان پنداشت که در مساجد اولیه مکانی برای نگهداری قرآن های کتابت شده بوده که در اختیار مراجعه کنندگان قرار می گرفته است. یا کتابهای درسی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



فقه و اصول که برای طالبان حلقه های درسی فقها بوده است. اما به مرور و تکثیر و افزون شدن منابع متعدد نیاز به کتابخانه در مسجد پیش می آمد.

« صالح صفوی در کتاب عیون التواریخ و یاقوت حموی در کتاب معجم الادباء بهنگام شرح حال شاعر و نویسنده ای بنام قاسم بن ناقیا متوفی بسال ۴۸۵ هجری می گویند که شاپور وزیر، کتابخانه ای در بغداد بساخت و آنرا دارالعلم نامید و محل آن بین دو باروی شهر بغداد بود که یکی را السوادالدخلی و دیگری را السورالخارجی می گفته اند تا مردم شهر بتوانند در برابر حمله دشمن استقامت کنند و شهر را از خطر سیل و ویرانی نیز در امان بماند. این کتابخانه پس از حمله طغرل شاه سلجوقی به بغداد دچار حریق گردید». (غفرانی، ۱۳۵۵).

از تزئینات مسجد می توان گفت مساجد بر سه پایه جمال و کمال و جلال توسط معمار مسلمان با توجه به اینکه خداوند زیباست و زیبایی ها را دوست دارد و با رویکرد به آنکه هرچه از ذات خداوند نشأت می گیرد زیباست و آنچه توسط او خلق می شود کمال آفرینش است و جلال خداوند در سادگی است و پرهیز از زینت مسجد که پیامبر آنرا اتلاف ثروت مومنین می دانسته است، دست به ساخت مساجد می زدند.

مدرسه

برای توضیح و توصیف مدارس اسلامی، باید پرسید که جامعه دینی عهد رسول(ع) چگونه ماموریت پرورش و تعلیم را پیاده سازی نموده بود تا بهتر بتوانیم به بحث نسبت مسجد و مدرسه واقف آییم.

برای نوشتن از مدارس کشورهای اسلامی در عصور گذشته باید از مساجدی سخن راند که در قرنهای نخست اسلام علاوه بر مرکز پرستش پروردگار، مجمع مسلمانان برای رسیدگی به امور مورد بحثشان نیز بوده است. با مورد استقبال قرار گرفتن دین اسلام و تعدد پیروان مذهبی احتمالاً به جهت حفظ آرامش عبادت کنندگان به مرور نیاز به فضای دیگر برای این قبیل امور شدت پیدا کرد و شبستان و حجره ها به بدنه مساجد اولیه اضافه شد. امروزه هنوز در بین فقهای ایران مرسوم است که غالباً در مساجد یا شبستانها مدارس قدیم حلقه های درس خود را تشکیل می دهند. این آداب به پیروی از سنت پیامبر(ع) بود که پس از آدای فریضه نماز به ستونی تکیه می زدند و مسلمانان را با تعالیم قرآنی آشنا می کرد. لذا پیروان و فقها نیز مسجد را در درجه نخست مرکز تعلیم علوم دینی قرار داده و حتی به هنگام حضور در جلسه، شاگرد و استاد وضو می گیرند تا از باب احترام و حضور قلب در جلسه حاضر شوند. لذا مسجد بجز عملکرد ویژه اش که عبادت بوده مکانی برای پرداختن به علوم رایج زمان و بحث های متعدد نیز شناخته می شده است. «تا آغاز قرن چهارم هجری غالباً مساجد در غیر اوقات نماز، حکم مدارس را داشتند...جلسات آموزشی در زمان پیامبر(ع) در مسجد به گونه ای بود که نمایندگان قبیله ثقیف از کوشش مسلمانان در فراگرفتن احکام و معارف اسلامی به شگفت می آمدند». (اسلامی فرد، ۱۳۹۸، ۳۹).



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

مدارس در ایران

در ایران و عصر ساسانیان بود که برای نخستین بار نهادهای آموزشی مستقلی به نام مدرسه به وجود آمد. همچنین در بعد از اسلام گزارش های وجود دارد که بیان می دارد نیشابور در قرن ۴ ه.ق، مهد نخستین مدارس ایران بوده است. اساس آموزش در ایران مدتها توأم با آموزه های دینی بود و مباحث فلسفی و ادبی و اجتماعی با مباحث دینی مطرح می شد.

لازم به ذکر است که برای شناخت مدارس ایران باید آنها را به دو دوره تقسیم نماییم: قبل از حمله مغول و بعد از آن. رشد علم و دانش و فراگیری علوم تا قبل از حمله مغول در شهرهای مختلف ایران بخوبی در حال انجام بوده است و در شهرهای همچون نیشابور، شیراز، اصفهان مدارس متعدد دینی تشکیل شده بود؛ در فاصله قرن اول و دوم هجری مساجد جامع که مدارس نیز محسوب می شدند از جمله مراکز معتبر تعلیم اسلامی به شمار می رفتند. این مدارس در شهرهای همچون بخارا، بلخ، فارس و نیشابور موجود بودند. در قرن ۴ و ۵ ه.ق مدارس مهمی چون مدرسه بیهقی، صاعدی بعدتر مدرسه نظامیه، مدرسه صابونیه در نیشابور که از اعتبار فرهنگی و پایتختی برخوردار بود تاسیس و برپا گردید که به چند نمونه آن می پردازیم:

۱-خراسان- نیشابور

«مهمترین شهری که در قرن چهارم مرکز علمی ایران و دارای مدرسی بود شهر نیشابور است.» (فالح پور، ۱۳۹۹)، سابقه تاسیس مدرسه در خراسان به نیمه اول قرن چهارم باز می گردد. نیشابور تا پیش از تاخت یاغیان از مراکز مهم و بزرگ علمی و اقتصادی محسوب می شد. مدرسه بیهقیه که توسط امام ابوالحسن محمد شعیب بیهقی (متوفای ۳۲۴) مفتی شافعیان در نیشابور ساخته و آماده گردید و تا اواخر قرن ششم هجری معمور و پابرجا بود. مدرسه بیهقیه به دلایل نامعلومی در عصر محمودغزنوی (۴۲۱-۳۸۷) از فعالیت بازماند تا اینکه بیهقی دیگری به نام ابوالحسن علی بن حسین (متوفای ۴۱۴) آن مدرسه را نوسازی کرد و محل سکونت متکلمان و شاگردان و محل رفت و آمد صوفیان نیز شد.

مدرسه بیهقیه دارای کتابخانه ای نیز بوده که البته این کتابخانه پس از ساخت مدرسه ساخته و به بنا مجموعه اضافه شد. کتابخانه بیهقیه جزو موسسات علمی برجسته بود و در زمان امرای ساسانی به دلیل اشراف به کتب یونانی منابع خوبی از کتب را فراهم نموده بود.

دیگری مدرسه مطرزی است که به تعلیم مسائل دینی می پرداخت و کتابخانه معتبری نیز در آن وجود داشته است. این مدرسه در سال ۵۴۸ با حمله مغول غارت و ویران می گردد.

حمله ویرانگر مغول سبب ایجاد وقفه ای در نظام آموزشی و تعلیمی ایرانیان شد. تخریب مدارس و به آتش بی خردی کشیده شدن کتابخانه ها، رشد توسعه فرهنگی را تا مدتها دچار وقفه کرد. روحیه جنگجو و خُلق تند متعارضین مغول با روحيات ایرانیان عاشق شعر و ادب و هنر هیچ سنخیت و شباهتی نداشت؛ اما پای کدام غریبه و بیگانه ای به این مرز و بوم رسید و عاشق فرهنگ و منش



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

ایرانی نشد و فرهنگ ایرانی آنرا در خود حل نمود؟! لذا اینگونه در تاریخ مغول سر فصل جدیدی گشوده شد که از نقاط های فرهنگی ایران کهن با قوم مغول از آن می توان یاد کرد. از نظر خلق و خوی آرامتر شدند و بیابانگردی را کنار گذاشتند. استحکام بناهای ایرانی را دیدند و علاقه مند به هنر معماری ایرانی شدند. به دانش دست یافتند و علم روز را آموختند. پس به جهت منافع سیاسی از بیم روحیه آزاده خواهی ایرانیان، وزرای ایرانی انتخاب نمودند و می توان گفت تا مدتی ایران که در آتش مغول می سوخت و ایرانیانی که به دست مغول نسل کشی شدند، در مناطق تحت سیطره اشغالی آنان آرامشی نسبی یافتند.

از آنطرف حکمرانان مغول که به جهت منافع سیاسی مسلمان نیز شده بودند با مملکتی ویرانه مواجهه شدند که خودشان باعث و بانی آن بودند، لذا به جهت آرام نگه داشتن جو سیاسی آن زمان، به کوشش در جهت اعتلای حکومت و آرام نگه داشتن مردم، خود را علاقمند به هنر و معماری و فرهنگ ایرانی نشان دادند و از متفکران و دانشمندان و بزرگان دینی کمک گرفتند و دست به ساخت و ساز زدند. بطور مثال در ساخت مدرسه، مسجد، اماکن مقدس، رصد خانه کوشش نمودند اما بناهای که شامل حمام، بازار، راههای ارتباطی و... بود که برای مردم عام است را در میان خدماتشان نمی بینیم. حتی به بناهای که به دلیل حمله مغول نیمه کاره مانده بود نیز توجهی نشان ندادند تا نام خود تمام و کمال در تاریخ ثبت شود. بطور مثال مسجد مدرسه ملک زوزن که در زمان حمله مغول در شهرستان خواف در حال ساخته شدن بود هیچ گاه توسط دولتهای متشکله مغول تکمیل نشد و تا کنون به همان شکل نیمه کاره باقی مانده است. (تصویر ۱۰)

به سبب ایجاد مراکز فرهنگی و مذهبی است که تاکنون شاهکارهای هنری دوره ایلخانی و تیموری پابرجا مانده است. بعد از تیمور، در زمان پسرش شاهرخ، این جنبش بیشتر شدت گرفت. علاقه دو پسر شاهرخ به علم و هنر ایران زمین باعث شد که نمونه های بسیاری از آن دوره به یادگار بماند. بطور مثال رصد خانه اُلغ بیگ در سمرقند، مسجد گوهرشاد در مشهد، مدرسه پریزاد در مشهد، میدان امیرچخماق در یزد و... از بناهای بجامانده از قرن نهم هجری می باشد.

۲-مدارس

برای شناخت مدارس باید آن را به دو دسته تقسیم نماییم: ۱-مکتب خانه ۲-مدرسه (دارالعلم) مکتب خانه مخصوص گذراندن دوره مقدماتی تحصیلات بود و اغلب در گوشه ای از مسجد، حجره معلم و یا منزل ایشان برپا می گردید. در مکتب فرد خواندن و نوشتن، واجبات دینی و قرآن را فرا می گرفت و سپس زمانی که به سن رشد می رسید به مدرسه پا می نهاد.

علوم فراگرفته در دارالعلم یا مدارس دروس سنگین تری بود که شامل: اخلاق، علوم ادبی و عربی، تفسیر، فقه...می بودند. زمینه پیدایش مدارس در کتابهای تاریخی و ایجاد فضای جداگانه از مسجد از سده های ۵ ه.ق به وجود آمد.



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

حیات هنر اسلامی در مدارس اسلامی

از آنجا که معماری مدارس دینی ایرانی در شباهت کامل با مساجد ایرانی برپا گشته بود به همین دلیل شباهت بسیاری در عناصر تزئینی و موتیف‌ها با یکدیگر دارند. آنچه اکنون ما به عنوان هنر اسلامی می‌شناسیم حاصل اخذ هنر از کشور هایست که اسلام بدان پای گذاشته است و هنر اسلامی زاده شده در دل هنر ایرانی است که بهتر می‌باشد با نام هنر اسلامی ایرانی از آن یاد شود. در واقع برای یافتن سرمنشأ هنر اسلامی باید همراه کاروان از بالای گلدسته‌های مسجد امام در اصفهان سفر کنیم و از بیابانهای مصر و مساجدش عبور کرده و از پله‌های مسجد پیچان متوکل در بغداد بالا رویم، از صحرای آفریقا و مساجد اسلامی اش به سمت مسجد قیروان و تونس حرکت نمایم و مسجد آیاصوفیه ترکیه را از دور نظاره کنیم و روبروی اولین مسجد جهان اسلام (مسجد قبا) زانوان مرکب خود را بر زمین بگذاریم.

آنچه امروز ما از مسجد قبا می‌بینیم صورت چندین بار بازسازی شده آن است. دیگر نمی‌توان دقیق گفت که کدام سنگ به دست پیامبر بر سنگ دیگر گذاشته شده است؛ چهره کنونی مسجد با آنچه در صدر اسلام ساخته شده است تفاوت‌های بسیاری دارد و آنچه اکنون است را ما معماری هنر جهان اسلام می‌دانیم.

مهاجرین و فاتحان عرب مسلمان بعد از گذشتن از صحراها به جهت کشورگشایی سیاسی و جغرافیای با نام دین بر خلاف پیامبر به ترویج دین با شمشیر و یغما پرداختند. دولت تضعیف شده ساسانی در ایران، به دلیل داشتن غنایم با ارزش و دلایل جغرافیای، گزینه مناسبی برای ادامه کشورگشایی و حمله بود. بعد از ایران تمدن‌های مصر، بابل، یونان، بخش‌های از اسپانیا، زمینه خوبی برای کشورگشایی بودند.

« هنگامی که اسلام جهان کلاسیک قرن هفتم میلادی را فرا گرفت چهره بسیاری از کشورها دگرگون شد. با مسلمان شدن تدریجی این کشورها نژادهای گوناگون... در ساختن تمدن تازه که تمدن اسلامی نام دارد شریک شدند. از جمله کشورهای که در این تمدن و هنر سهم زیادی دارد ایران را می‌توان نام برد. با انتشار بیشتر اسلام در ایران، در هر گوشه‌ای از این مرز و بوم، ساختن مسجد شروع شد. ویلسن به نقل از پروفیسور پوپ درباره مناسبات هنر معماری ایران و اعراب و اسلامی می‌نویسد: «معماری ایران را در قرون وسطی غالباً اقتباس از اعراب می‌دانستند و خود ایرانیان تصور می‌کردند که گنبد و مناره‌های زیبا که مساجد قشنگ آنان را زینت داده، مانند دین اسلام از خارج به ایران آمده و منسوب به اعراب است، ولی این مسئله کاملاً با حقایق تاریخی مغایرت دارد. اعراب مهاجم غیر از چادر و کلبه گلی یا چوبی دارای بنای نبودند و از ساختمان بنا بیش از این خبری نداشتند و معماری ایران از حیث اصول طرز عمل به هیچ وجه مدیون آنان نیست. از طرف دیگر هم، در موقع هجوم اعراب بعضی از بهترین معماریهای دنیا که در دست کارگران ایرانی و از روی اصول معماری آنان ساخته شده بود، نه تنها در داخل ایران بلکه در نواحی مجاور و ممالک



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

متصرفه شاهنشاهی وجود داشت... بنابراین نباید تصور کرد که فتح اعراب تغییرات بزرگ و ناگهانی در صنایع ایران داد، زیرا اگرچه تغییرات اجتماعی به تدریج صورت گرفت، ولی زندگانی عادی پس از فتح اعراب به همان روش سابق ادامه یافت... اصول صنعتی که در عصر ساسانیان مراعات می شد تا مدتی پس از استیالی اعراب ادامه یافت. این مسئله از روی سکه های حکمرانان عرب که به اسلوب شاهنشاهان آخر ساسانی سکه ضرب می کردند و حتی یک طرف آن تصویر آتشکده بود ثابت می گردد». (حاتم، ۱۳۸۸، ۹۹). در آغاز تکوین جامعه اسلامی، نخستین مساجد با شکل های ساده و برگرفته از معماری خانه پیامبر (ع) ساخته می شد و کمترین نقوش را داشت. بوریا به عنوان پوششی برای کف زمین بود و شاخه های نخل سایه بان. در واقع جامعه فساد زده تجارتي، مدنی، ازدواجی، پرستشی و... عرب جاهلیت آنقدر بیمار بود که پیامبر تنها توانست برخی از آداب زشتشان را پاک نماید و روش درست زندگی کردن را به آنان بیاموزد. ۱- رفتار صحیح در تجارت، ۲- جلوگیری از قتل یکدیگر و فرزند ۳- احترام گذاشتن ۴- منع ازدواج با محارم و مسائل بهداشتی ۵- مبارزه با مسائل خرافی و بت و فرشته پرستی ۶- منع برده داری و خرید فروش انسان و دیگر آلودگی های فکری و دینی... مسائلی بود که دیگر وقتی برای پیامبر نمی گذاشت که بخش زیبایی شناسی فرهنگی را به جامعه اولیه اسلام یاد بدهد و آن را اعتلا بخشد اما همواره در میان سخنان و احادیث و روایتها توجه ایشان را به این امر می بینیم، لذا با تاویل گرایی می توان در سخنان ایشان تفکر کرد. زیرا برخی از احادیث از پیامبر برجای مانده است که در خلل آموزش برخی مسائل دینی به زیبایی شناسی نیز اشاره داشته است. بطور مثال فرموده اند: شایسته است نمازگذار لباس تمیز و روشن بپوشد. و یا فرموده اند که در موقع مطالعه به رنگ سبز نگاه کنید تا نور چشم افزایش یابد.

اعرابی که سابقه و سبکی در معماری و دیگر هنرهای اصلی نداشتند و اغلب هنرشان منحصر به نساجی و بوریا بافی یا ساخت بت بود با وارد شدن به سرزمین های دیگر با هنرهای مختلف آشنا شدند که چون از درک آن هنر و درک دین غافل بودند گاهاً بر روی دستورات دینی نیز پای می گذاشتند. بطور مثال کاخ قصرالحیر غربی در دمشق (۱۱۲ه.ق) بر خالف موازین اسلام داری نقوش انسانی و حیوانی بود. این نقوش شامل تصاویر انسانی، شکارچیان و تصویر زنان رقصنده بود.

« در دوره خلافت عباسی که پایتخت به بغداد منتقل شد نفوذ هنر و معماری ایرانی یا بگویم ساسانی بر معماری وقت غلبه یافت. طاق و گنبد به کار گرفته شد و آجر در جرز و پلکان استفاده گردید. در واقع ایران از همان نخستین قرن هجری، میراث هنری مستقلی به جهان اسلام عرضه کرد. شیوه ساختن طاقهای سکنج دار و گنبدهای ضربی آجری و نیز بکارگیری کاشیهای الوان، برای تزئین رویه های بنا شیوه ایرانی بود. از بناهایی که خصوصاً توسط معماران ایرانی طرح افکنی شد مدرسه بود». (مرزبان، ۱۳۸۴، ۱۸۰) و باز هم این هنرمندان ایرانی بودند که صورت و شکل ممنوعه را با هندسه در آمیختند. درختان و گلها را ساده نمودند و در پیچ و فرم ختایی و اسلیمی خالصه نمودند. نقش افلاک و ستارگان را بر سقف و گنبدها زدند و گیاهان را با فرم های پیچان بر دور آنان



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

تیندند و تمام این نقوش را از روحیه توحید جویی خود، صبر در مقام سرنوشت، بردباری در موقع تنش، لطافت کلام در مقام شعر، فلسفه و عرفان ایرانی را پروراندند.

آنچه امروزه ما تزئینات اسلامی می خوانیم حاصل تفکر و التقاط دین و عرفان و هنر ایرانی اجداد گذشته مان است که متأسفانه دیگر کشورهای مسلمان امروزه بهره بیشتری از آن می برند و به پارودی هنرهای شکل گرفته در دل اسلام پرداخته اند و هیچ کدام از این کشورها سهم ایران را در نظر نمی گیرند.

معرفی مدارس تاریخی ایران

1- مدرسه غیاثیه خرگرد

بیشترین شکوه معماری و هنر ایران نخست در دوران سلجوقی و سپس در دوره تیموری بود. گفته شده بیشترین حجم کالای که در آن زمان به فروش می رسیده کتاب بوده است. شاید از دوره تیموری بتوان به رنسانس ایران اشاره کرد که مستقیماً به وجود اهمیت علوم در مدارس ارتباط داشته است. مدرسه غیاثیه، یکی از بناهای باشکوه در ایران که در دوره تیموری (شاهرخ شاه) ساخته شده است و تقریباً جزو آخرین بناهای ساخته شده به دست سلسله تیموری است. این بنا امروزه نیز همچنان شکوه و صلابت خود را حفظ نموده است و همچنان چشم هر بیننده ای را به خود محصور می دارد. از شکوه و زیبایی این بنا هر چه قلم معماران و تاریخ نویسان بنویسند کم است.

وجود چنین مدرسه بزرگی نشان می دهد که شهر قدیم خرگرد از رونق علمی و اقتصادی بسیاری برخوردار بوده است و حلقه های تدریس بسیاری در آن وجود داشته است و این نشان می دهد که چندین بسیار نفر فقیه و استاد و شاگرد این شهر داشته و مشغول کسب علم بوده اند.

بنای مدرسه غیاثیه خرگرد در سال ۱۳۱۰ ثبت گردید و در تاریخ ۱۳۹۴ مورد ثبت ملی قرار گرفت. قدمت آن به ۸۴۸ ه. ق بر می گردد و در زمان دولت تیموری و به همت (غیاث الدین پیراحمد خوافی) بنیان گذاشته شده است. او که وزیر دربار شاهرخ شاه تیموری بود بعد از کناره گیری از وزارت به طواف مکه رفت و در هنگام بازگشت زندگی را بدرود گفت و نامش با ساخت این مسجد در دنیا جاودان شد. (تصویر ۱۳).

این مدرسه در دو طبقه شامل سر در وردی، نمازخانه و در دو سوی هشتی، ۳۲ غرفه و حجره، برج های طرفین، ایوان ورودی با پایه های هشت وجهی و تزئینات آجرکاشی، مقرنس های گچی و کتیبه های تاریخی است. یادگار نوشته های بر جای مانده در این بنا مربوط به سال ۹۹۴ تا ۱۱۱۰ هجری می باشد. مهمترین جلوه های زیبایی این بنا استفاده از پوشش کاشی معرق های است که در زمره شاهکارهای قرن نهم هجری به شمار می رود و زیبای چشمگیر و افسوس برانگیزی دارد. (تصویر ۱۴). دیگر ویژگی منحصر به فرد این مدرسه آنست که در برخی کلاس ها، صدای استاد به بیرون از کلاس نمی رفته اما صدای راهرو و اطراف واضح در



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



کلاس شنیده می شده است. این ویژگی در کاروانسرای شاه عباسی در نیشابور و زاویه شمالی از کاخ هشت بهشت موجود بوده است.

چند ضلعی بودن این مسجد از دیگر ویژگی های آن است که بر زیبایی آن و چرخش چشم در فضا افزوده است. این شاهکار همانند دیگر شاهکارهای دوره تیموری از سرانگشتان هنرمند مهندس ایرانی «قوام الدین» نشأت گرفته است که آثارش نماینده معماری دوره تیموری است. آرامگاه این مهندس ایرانی بنای ۴ وجهی و ساده ای است که روبروی همین مدرسه واقع شده است. گویی قوام الدین برای همیشه نظاره گر شکوه ساخته خودش است.

از دیگر زیبایی های مدرسه غیائیه، سقف های مقرنس کاری شده آن است. این سقف ها که از بیرون گنبدی ساده ای می باشند از داخل شمسه های مقرنس شده و تو در توی زیبایی هستند که چشم بیننده را خیره به خود می سازد. این سادگی بیرون و زیبایی درون را فقط در گنبد و بارگاه حافظ شیرازی می توان بعدتر ببینیم.

پروفسور برنارد اوکین استاد تاریخ دانشگاه آمریکایی قاهره درباره این اثر تاریخی می نویسد که: مدرسه غیائیه خرگرد سالم ترین مدرسه بجای مانده از دوره تیموری در جهان و یکی از زیباترین مدارس تاریخی است. موقعیت ژئوفیزیکی مدرسه غیائیه با وجود کاوش های اطراف آن نشان می دهد که شهر خرگرد در گذشته دارای اهمیت ویژه و کسب و رونق و فراوانی بوده است. چنانکه در بیشتر و زمان سلجوقیان نیز این شهر مورد توجه برای مدارس نظامیه واقع شده بود. لذا اینکه دولت تیموری و همت بانیان آن باعث ساخت چنین مدرسه ای شده نشان از آبادانی و ظرفیت های علمی این منطقه را داشته است.

تصویر ۱۳ مدرسه غیائیه خرگرد، دوره تیموری

رونق مدرسه زیبایی غیائیه تا اواخر تیموری وجود داشته و علما و فضائل بسیاری در آن تحصیل نموده بودند تا آنکه با روی کار آمدن سلسله صفوی و تفاوت در ائدیولوژی فکری، باعث گردید که عمر علمی این مدرسه بر خلاف عمر بنا خیلی کوتاه رو به افول نماید و از مرکزیت علمی خارج شود. گفته شده که صفویان زمانی که بر اریکه قدرت تکیه زدند شاه اسماعیل توجهش به خراسان جلب شد و گردن هفتاد تن از مدرسین و طلبه غیائیه را بجرم تفاوت مذهبی از تیغ تعصب خود گذراند. و مدرسه خاموش شد.

شاید این گفته راست نباشد اما تاریخ حیات مدرسه غیائیه نشان می دهد که دیگر نمی توانسته به شکل قدیم رونق خود را داشته باشد و به مرور صدای ورق خوردن کتاب های طلبه ها در فضای این مدرسه دیگر طنین انداز نشد.

تصویر ۱۴ سردر ورودی مدرسه غیائیه در خرگرد، دوره تیموری

ایراد خانقاه ها بعنوان مدرسه های دینی این می باشد که محصلین فقط به دین و مسائل آن می پردازند و دیگر همچون مدارس در گذشته که علم حساب، نجوم، پزشکی و غیره را فرا می گرفتند تنها به یک شاخه از دین تا درجه فقیه شدن مشغول بوده اند.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

امروز این بنای فاخر در حال تعمیر است و کاش همچون مدارس اصفهان و شیراز که همچنان مورد استفاده آموزش و پرورش می باشند مورد استفاده قرار بگیرد و به کارکرد اولیه خود یعنی مدرسه یا دانشگاه برگردد.

۲-مدرسه مسجد آقا بزرگ کاشان

تاریخ هنر معماری ایران برای نوشتن از ویژگی های مدرسه آقا بزرگ کلمه کم می آورد. شکوه این مسجد در سادگی آن است. مینیمال ترین آجر کاری ها در این مسجد انجام شده است که در نوع خود بی نظیر است. ساده ترین مصالح تزئین یعنی آجرهای لعاب دار، در این مدرسه چنان زیبا کار شده است که چشم انسان به دوران می افتد. این مسجد را در قیاس با مسجد شیخ لطف الله، داماد و دیگری را عروس می خوانند.

این مسجد به کوشش و سرمایه حاج محمدتقی خانبان در سالهای ۱۲۵۰ تا ۱۲۶۰ و در زمان سلسله قاجار جهت برگزاری نماز جماعت و درس دامادش «ملاهادی نراقی» ملقب به آقا بزرگ بنا شده است.

شاید بتوان گفت که زیبایی اما در عین سادگی این مدرسه مسجد، از نوع زندگی و آداب رفتاری فردی که بنام او ساخته شده و اکنون نیز بنام او خوانده می شود گرفته شده است. در وصف ملاهادی گفته شده در زمان تحصیل در نهایت فقر و تنگدستی زندگی می گذرانیده، تا آنجا که از تهیه روغن برای روشنایی چراغ عاجز بوده، لذا هنگامه شب به وضوخانه می رفته تا از روشنایی آن بهره مند شود و به مطالعه بپردازد .

در مورد مسجد آقابزرگ می توان گفت که بر روی آثار به جامانده از زلزله ۱۱۹۲ ه.ق و یا دوره های گذشته ساخته شده باشد، دیگر آنکه از زیبایی های چشم نواز آنست که بنای گنبد دار مسجد با طبقه پایین از نظر شباهت یکی می باشد گویی نمای مسجد در یک حوض نامرئی یا انعکاسی آینه وار تکرار شده است. این تکرار از همان بحث فراکتال و تکرار در هنر ایرانی گرفته شده است. (تصویر ۱۵).

مسجد آقابزرگ بزرگترین گنبد قاجاری با آجر می باشد که ساخته شده است که نوعی آجر لعابی نیز برای تزئین در آن بکار رفته است .

دیگر ویژگی این بنا زنجیر بلندی است که از نوک گنبد تا پایین کشیده شده است و آویزان است. کاربرد این زنجیر برای زمانی است که برف سنگین بر روی گنبد می نشیند و به جهت پارو کردن استفاده می شود. سر زنجیر را فردی میگیرد و به دور گنبد می چرخد، تا برف از روی گنبد پاک شود. همینطور جرز دیوارهایش است که در ستون های اصلی این بنا و در میانه دیوارها ملات ریخته نشده است بلکه شن در دیوار ریخته شده. این سیستم ساده باعث می شود که در زمان وقوع زلزله کل بدنه ساختمان سیستمی ارتجاعی به خود بگیرد و هیچ جای ساختمان فرو نریزد. شاید همین راهکار ساده در این بنای خشتی بزرگ باعث گردیده که تا کنون هیچ ترکی ناشی از زلزله یا رانش های خفیف زمین و قدمت بنا، در آن ایجاد نشود.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



دیگر ویژگی منحصر به فرد در این بنا در ساختمان کتابخانه است. در کف حیاط که سقف کتابخانه نیز محسوب می شده شش سنگ مربعی مرمر شفاف شبیه به عقیق یمنی، بکار رفته است که وظیفه عبور نور و روشنای کتابخانه را بر عهده داشته است گفته شده است این سنگ را از عربستان آورده اند و از مجموع ۶ سنگ تنها دو سنگ اصلی در ساختمان مدرسه آقا بزرگ در محل کتابخانه موجود است. (تصویر ۱۶). تنها نمونه دیگری بکار رفته از این سنگ در مسجد جامع نایین و شبستان زیرزمینی آن است. که در نورگیرها بکار رفته است. (تصویر ۱۷).

دیگر ویژگی این مدرسه تلفیق شبستان مسجد با مدرسه با حفظ کارکرد؛ یکی از زیباترین نمونه های ایجاد هماهنگی و اتصال بنا در کنار هم را شامل می شود که تا امروزه نیز مورد استفاده قرار می گیرد. طلاب همچنان در طبقه پایین این بنا به تحصیل مشغول هستند.

نتیجه گیری

از دیرباز تاکنون تمام آئین ها برای انجام مراسم دینی خود نیاز به مکانی مستقل از مکان های عمومیت یافته داشته اند. دین اسلام با پیدایش و گسترش با الگوسازی از اولین محل تجمع و برگزاری آیین یعنی خانه پیامبر اقدام به ساخت مسجد های اولیه نمود. به مرور و با التقاط های فرهنگی معماری که یافت مساجد بزرگتر، زیباتر و موافق با آموزه های اسلامی ساخته شد.

بحث مدارس در ایران به دلیل آنکه پیشتر نیز مکان هایی به دلیل هم نشینی با رومیان و یونانیان داشته اند وجود داشته است. این مدارس با آنچه که در پس از اسلام به وجود آمده متفاوت بود. لذا مکتب خانه و یا دارالعلم بصورت گسترده تر در ایران شکل گرفت.

دوره سلجوقی اوج شکوفایی مدرسه سازی در ایران بود. مدارس نظامیه شاهکارهای هنری در جهت ترویج علم بودند که ساخته می شدند و باعث گردید به مرور مسجد از مدرسه جدا گردد. تیموریان نیز در جهت ساخت مدرسه کوشش های فراوانی کردند و مدارس عالی را تاسیس کردند. امری که با ورود صفویه و تعصبات دینی مجدد خانقاه گشایی رواج داده شد و مکتب خانه ها شکل گرفت؛ برخی علما برای ایجاد حلقه های خود گام به سوی عراق نهادند و تشکیل درس در آنجا دادند. اتفاقی که در قاجار به بالاترین میزان خود رسید. اتفاقی که باعث گردید که مکتب خانه ها و مدارس دارالفنون به همت امیرکبیر به دایره تحصیل برگردند اما به مرور رو به افول آموزشی نهادند. این افول باعث گردید که ضعف تحصیل نمایان گردد و در میانه قاجار فرانسویان و ارمنیان در ایران اقدام به تاسیس مدارس تحصیلی برای فرزندان ایرانی نمایند. امری که در پهلوی اول برچیده شد و مدارس در یک نظام یکپارچه تحت سیستم آموزش و پرورش، همسان سازی و اداره گردید.

آنچه امروزه ما از مدرسه بیان می داریم تفاوت های بسیاری با کارکرد و عملکرد اولیه خود دارند. تحصیلات آکادمیک، مدرک گرایی و سمت و سیاق معماری ابنیه به سوی مدرنیزاسیون، باعث گردیده است که با پدیده های همچون مدارس هوشمند یا مدارس



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

اینترنتی مواجه شویم که بجز تغییر فرهنگ و معماری بر امر آموزش نیز اثر گذاشته است. این امر اجتناب ناپذیر، از زندگی مدرن انسان هوشمند فعلی نمی باشد و باید سعی نمود هرچه بیشتر در احیا هنرهای سنتی گذشته و نزدیک نمودن آن به زندگی انسان امروزی کوشید. زیرا هر کدام از این بناها در زمان خود با مدرن ترین تجهیزات و بهترین مهندسیین زمان خود ساخته شده اند و کم لطفی است که بگوییم اکنون برای انسان معاصر کارایی چندانی ندارد.

منابع

- ابوالحسن علی ابن زید بیهقی. ۱۴۰۲. تاریخ بیهقی. به تصحیح سید کلیم الله حسینی با گفتاری از احمد بهمنیار. نشر اساطیر. تهران
- اسلامی فرد، زهرا. ۱۳۹۸. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. چاپ هجدهم. انتشارات دفتر نشر معارف. تهران
- آژند، یعقوب. نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران). چاپ اول ۱۳۸۹. نشر سمت. تهران
- حاتم، غلامعلی. ۱۳۸۸. هنر و تمدن اسلامی. چاپ پنجم، بهمن ماه. انتشارات سمت. تهران
- زیدان، جرجی. ۱۳۹۵. تمدن اسلام و عرب. ترجمه محمد تقی فخرداعی گیلانی. نشر بدرقه جاویدان. تهران
- فغوری، محمدحسن. ۱۴۰۲. معرفت و هنر قدسی. انتشارات سوره مهر. تهران
- کمالی دولت آبادی، رسول. ۱۳۹۶. بازخوانی عرفانی در مبانی هنرهای تجسمی. چاپ اول. انتشارات سوره مهر. تهران
- مرزبان، پرویز. ۱۳۸۴. خلاصه تاریخ هنر. چاپ سیزدهم. تابستان. انتشارات علمی فرهنگی. تهران
- ملک عباسی. منصور، هندسه فراکتال در جغرافیا. فصلنامه رشد آموزش جغرافیا. دوره هفدهم. شماره ۶۲. تابستان ۱۳۸۱. ۴۹-۴۶
- غفرانی، محمد. ۱۳۵۵. مدارس مشهور در دوران نخستین اسلام. فصلنامه مکتب امام. جایگاه تعلیم و تربیت در اسلام. شماره ۸۳. آبان ماه. از صفحه ۱۳ تا ۱۹
- فالح پور، الهام. محمد سپهری. ۱۳۹۹. جایگاه و کارکرد مدرسه بیهقیه در نظام آموزش دوران اسلامی. پژوهش نامه تاریخ و تمدن اسلامی. سال پنجاه و سوم. شماره یکم. بهار و تابستان. از صفحه ۱۸۲ تا ۱۹۳



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

واکاوی جایگاه و نقش علم نافع در شکوفایی تمدن نوین اسلامی

دوست علی سنچولی^۱

۱- استادیار گروه تاریخ دانشگاه زابل، زابل، ایران

چکیده

در پیدایش و شکوفایی تمدن‌ها مؤلفه‌های گوناگونی دخالت دارند که علم و دانش از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آنهاست. در ظهور و بروز تمدن اسلامی نیز علم نقش و جایگاه ویژه‌ای داراست و از ارکان مهم تمدن اسلامی به شمار می‌رود. در این پژوهش سعی بر آن شده با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، جایگاه و نقش علم نافع در رشد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد و به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که علم و دانش چه جایگاه و نقشی در شکوفایی تمدن نوین اسلامی دارد؟ در فرهنگ اسلامی بر جایگاه و نقش علم برای سعادت انسان در ابعاد مادی و معنوی تأکید فراوانی شده است. در قرآن کریم و روایات اسلامی و دیدگاه اندیشمندان و متفکران مسلمان به علم نافع تقدس بخشیده شده و آن را موجب عزت و اقتدار و سعادت‌مندی جوامع اسلامی دانسته‌اند. تجربه تاریخی امت اسلامی نشان می‌دهد که عمل مسلمانان به آموزه‌های اسلامی درباره کسب علم و بهره‌مندی از مواهب آن موجب پیدایش و شکوفایی تمدن اسلامی در قرون نخستین اسلامی شد و عصر طلایی را برای امت مسلمان رقم زد. توجه به جایگاه و اهمیت علم و دانش در تعالیم دین اسلام و عمل به آموزه‌های حقیقی دین تمدن ساز اسلام، می‌تواند بار دیگر موجب رشد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر گردد؛ امری که مقام معظم رهبری (مدظل العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب تحقق آن را با تولید علم نافع نوید داده است.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، علم نافع، فرهنگ اسلامی، علما و اندیشمندان

۱- مقدمه

پس از رکود تمدن اسلامی در قرون گذشته، مصلحان و اندیشمندان مسلمان در تلاش هستند تا بار دیگر جهان شاهد اعتلا و شکوفایی تمدن اسلامی باشد و از دستاوردهای مادی و معنوی آن بهره‌مند گردد. در بازسازی و شکوفایی تمدن اسلامی مؤلفه‌های گوناگونی دخیل هستند که توجه به علم نافع یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم آن محسوب می‌شود. علم و دانش و تقدس آن در دین اسلام و آموزه‌های حیات‌بخش آن مورد توجه زیادی قرار گرفته و بر آن تأکید فراوانی شده است. مسلمانان در قرون نخستین اسلامی به آن توجه کرده و با عمل به آموزه‌های اسلامی به کسب علم و دانش پرداختند و با تولید علم نافع تمدن اسلامی را به اوج اعتلا و شکوفایی رساندند و از دستاوردهای مادی و معنوی آن جهان را بهره‌مند ساختند. در فرهنگ اسلامی، مسلمانان تشویق و ترغیب شده‌اند تا در زمینه پیشرفت و تعالی و کسب فضایل مادی و معنوی و اعتلا و شکوفایی تمدن و پیشرفت و توسعه گام بردارند.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

فعالیت‌های علمی که پیشران تمدن اسلامی است تنها در جامعه‌ای ممکن است که فرهنگ آن جامعه مفاهیم، ارزش‌ها و باورهای مناسبی نسبت به پژوهش علمی داشته باشد و توجه به علم و جهاد در آن را یک امر ضروری برای سعادت و پیشرفت افراد جامعه بداند و به این کار ارج نهد. اسلام از انسان‌ها می‌خواهد برای کسب علم و دانش اهتمام جدی ورزد و هرگونه سختی و دشواری آن را با جان و دل پذیرا گردد. بر اساس آموزه‌های دینی، برای آموختن علم هیچ‌گونه محدودیت زمانی و مکانی وجود ندارد و انسان مسلمان، باید از گهواره تا گور در طلب علم و دانش باشد؛ زیرا علم نافع موجب سعادت انسان در دنیا و آخرت می‌گردد. البته اسلام علم همراه با مسئولیت و اخلاق را تشویق نموده است؛ چون علم هدف‌مند موجب اعتلای تمدنی خواهد شد که انبیای الهی به دنبال آن بوده‌اند و برای تحقق آن تلاش می‌کردند. شهید مطهری در این زمینه می‌فرماید: «یک مطلب اساسی در تمدن این است که چه چیز باید هدف تمدن و هدف بشریت و هدف اجتماع باشد. قطعاً پیامبران توانستند هدف مشخصی را عرضه بدارند و یک تمدن هدف‌دار به وجود آورند، در حالی که بشر امروز هنوز نتوانسته است هدفی برای تمدن خویش عرضه بدارد. پیامبران گفتند؛ هدف، خدا و لایتناهی و زندگی ابدی و دائمی باید بوده باشد و در عین حال توانستند رابطه‌ای میان یک زندگی معقول و مرفه و متکامل و میان آن هدف برقرار کنند؛ ولی بشر امروز نتوانسته است یک هدف معقول و مشخص معرفی کند و در عین حال میان یک زندگی آبرومند و شرافتمندانه و پر از کار و نشاط و جوشش و تکامل و آن هدف رابطه صحیح و معقول برقرار نماید» (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج: ۶، ۶۵).

سفارش و دستورات دین مبین اسلام و مشوق‌های آن، محرک قوی و نیرومندی برای انجام پژوهش‌های علمی و کسب فضایل اخلاقی و انسانی به وجود می‌آورد و در سایه این مشوق‌های دینی، علم در زمینه‌های مختلف به سرعت رشد کرده و شکوفا خواهد شد، بر این اساس بود که در قرون نخست تاریخ اسلام، مسلمانان در رشته‌های مختلف علوم، به پیشرفت‌های سریع و چشمگیری نائل آمدند و با فاصله گرفتن از ارزش‌های دینی، دوره افول و رکود علم و دانش و به تبع آن رکود تمدن اسلامی آغاز شد. حال سؤالی اصلی این است که علم نافع در رشد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی چه نقش و جایگاهی دارد؟ لذا برای یافتن پاسخ این سؤال و با این هدف که حقیقت را برای جویندگان آن روشن کنیم، به بررسی و تجزیه و تحلیل نقش و جایگاه علم نافع در رشد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی می‌پردازیم.

۲- ویژگی‌های تمدن اسلامی

تمدن اسلامی با سایر تمدن‌ها از جمله تمدن غربی تفاوت دارد و نگاه آن به نقش و جایگاه علم با تمدن غربی متفاوت است. از آن‌جا که اساس و بنیاد تمدن اسلامی «خدامحوری» است و دین همه مظاهر آن را در برمی‌گیرد، به علم و عالمی ارج می‌نهد که در راستای معارف دینی و الهی عمل نماید و در زمینه شکوفایی و اعتلای تمدنی تلاش نماید که سعادت انسان را در دنیا و آخرت تأمین کند و موجب پیشرفت و سعادت مادی و معنوی وی گردد. امام موسی صدر، «خداشناسی، ابدیت فرهنگ اسلامی، فرهنگ



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

جامع الاطراف، فرهنگ سازنده و متحرک و وحدت و یکپارچگی فرهنگ اسلامی از ارکان فرهنگ و تمدن اسلامی می‌داند» (دهقانی، بی تا: ص ۸۹). همچنین مقام معظم رهبری دربارهٔ ویژگی تمدن نوین اسلامی می‌فرمایند: «مسأله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و فقط گلیم خود را از آب بیرون بکشیم. مسأله این است که ملت ایران همچنان که در شأن اوست در حال پدیدآوردن یک تمدن است. پایه تمدن بر صفات و تکنولوژی و علم نیست، پایه اصلی تمدن بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم می‌کند و علم را برای او به ارمغان می‌آورد، ما در این صراط و جهت هستیم. بنابر این می‌بایست معنی تمدن نور را در تغییر کلمه عناصر نظام ارزشی و نظام فکری جامعه و روابط سازنده آن شناسایی نمود. تمدن مادی که بر پایه حداکثر نمودن سود مادی و رفاه مادی، قرار دارد، پایان خود را قرین یافته است، اما تمدن الهی بر پایه اصالت دادن به تقرب به خدای متعال در همه شئون، خود را مطرح می‌کند، ما در حال پدیدآوردن موجود جدیدی در جهان هستیم و بشر امروز با مشاهده و لمس ناکامی‌های گذشته، بلوغ لازم برای دستیابی به وضعیت جدید را پیدا کرده است» (ناشناس، ۱۳۸۲: ص ۲۲).

علامه جعفری به برخی از ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها و از جمله خودکشی در تمدن غرب اشاره می‌کند و از صاحب‌نظران می‌خواهد که دست کم این لایه‌ها از موقعیت تمدنی غرب را نیز در نظر آورند. ایشان می‌فرمایند: «باید ابتدا دربارهٔ جنبه‌های معنوی و روحی تمدن چاره‌ای اندیشید و آنگاه پیشروی در حوزهٔ امور و شئون مادی را طلبید. بیایید نخست دربارهٔ آبادی دل‌ها و سلامت عقول انسان‌ها بیندیشیم، سپس در پیشبرد استحکام و زیبایی‌های قالب‌های مادی، مانند قصرها و کاخ‌ها و دیگر وسایل زندگی گام برداریم» (جمشیدی، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۵). امام خمینی (ره) نیز به نقد تمدن غربی پرداخته و دربارهٔ دو اشکال اساسی آن می‌گوید: «یکی آن که انسان را در ردیف سایر حیوانات قرار داده و تمامی استعدادها و کمالات وی را با ترازوی ماده وزن می‌کند؛ دوم آن که آنان صرفاً به ادراکات مادی و امور عینی اهمیت می‌دهند؛ یعنی صرف «عالم طبیعت» در حالی که عوالم دیگری نیز وجود دارد که از عینیت بیشتری نسبت به عالم طبیعت برخوردارند» (ر.ک.: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۹). با توجه به این دیدگاه امام، تمدن اسلامی نباید این دو ایراد تمدن غربی را داشته باشد و برای سعادت مادی و معنوی انسان ذیل فرامین الهی تلاش نماید.

از منظر مقام معظم رهبری، تمدن‌سازی نوین اسلامی عبارت است از: «پیشرفت همه جانبه مظاهر مادی و معنوی مسلمانان در دو بخش ابزاری و سخت افزاری، از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین المللی و ... و بخش نرم افزاری تمدن اسلامی، به عنوان حاکمیت «سبک زندگی اسلامی» در همهٔ مظاهر زندگی؛ بر اساس عقلانیت دینی معرفتی، عقلانیت اخلاقی حقوقی و عقلانیت ابزاری - جهت شکوفا کردن مادیات و دنیای مسلمانان- در جهت پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی» (معینی‌پور و لک‌زایی، ۱۳۹۱: ۵۵-۵۶). در تمدن اسلامی علم پیشران و حرکت‌آفرین است و نقش بسیار مهمی در پویایی و شکوفایی آن ایفا می‌نماید.

۳- جایگاه علم و دانش در فرهنگ اسلامی و نقش آن در تمدن‌سازی

یکی از مهم‌ترین ارکان و مؤلفه‌های تمدن‌سازی و رشد و شکوفایی آن توجه و اهتمام جدی به علم و دانش و علما و اندیشمندان است. در فرهنگ اسلامی اهتمام و توجه ویژه‌ای به علم و فراگیری و تولید آن شده و آن را یکی از اساسی‌ترین عوامل شکوفایی تمدن اسلامی دانسته‌اند. با وجود این که اسلام در سرزمینی ظهور کرد که به علم و علما توجه نمی‌شد و مردم آن از جهل و بی‌سوادی رنج می‌بردند و در سرزمین مکه فقط هفده نفر سواد خواندن و نوشتن داشتند (بلاذری، ۱۹۹۸: ص ۶۵۴). پیامبر اسلام (ص) بر اساس دستورات قرآن کریم در این سرزمین انقلاب علمی و فرهنگی به وجود آورد و به علم و دانش تقدس بخشید و آن را بر همه لازم و ضروری دانست و این فرهنگ علم پرور نقش بسزایی در رشد و شکوفایی تمدن اسلامی داشته و دارد.

۳-۱- جایگاه علم در قرآن کریم و نقش آن در شکوفایی تمدن نوین اسلامی

اهمیت و جایگاه علم و دانش در فرهنگ اسلامی به حدی است که خداوند اولین سفارشی که به پیامبر اسلام (ص) می‌نماید «اقرأ» یعنی «بخوان» است که از مهم‌ترین ابزار علم‌آموزی می‌باشد. پروردگار عالم درباره توجه انسان‌ها به اهمیت علم و عالمان در قرآن کریم این سؤال انکاری را مطرح می‌کند که آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند برابرنند؟ در حقیقت خردمندان هستند که پند می‌پذیرند (زمر، ۹). واضح و مبرهن است که برتری و رجحان از آن عالمان و صاحبان خرد و اندیشه است و آنان که می‌اندیشند و می‌دانند نزد خداوند برتری دارند. قرآن ایمان و علم را مایه سرافرازی و سربلندی انسان می‌داند: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله، ۱۱). همچنین خداوند درباره علما می‌فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر، ۲۸). از منظر قرآن کریم، فلسفه آفرینش دانش‌گستری است و خداوند می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طلاق، آیه ۱۲) و هدف بعثت پیامبر (ص) نیز تعلیم و تربیت است «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره، آیه ۱۵۱). همچنین خداوند در راستای تشویق به فهم عمیق و تعقل و اندیشیدن برای درک صحیح و بهره کافی از علم و دانش تأکید به ژرف‌نگری دارد. «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص، آیه ۲۹). قرآن بر خرد ورزی به عنوان یک امتیاز برای انسان‌ها نگرسته است. «وَمِنَ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبُرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم، ۲۴) و تمجید از علم پرداخته است. «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (بقره، آیه ۲۶۹). خداوند در قرآن کریم راه کسب پیشرفت‌های مادی و کسب ثروت را ناشی از علم می‌داند. «فأروا كيف أتت ثروتهم من العلم» (فأروا كيف أتت ثروتهم من العلم) (قصص، ۷۸)

بنابراین قرآن یکی از منابع اصلی تمدن‌سازی محسوب شده و به اندازه‌ای به علم و دانش که از ارکان مهم پیدایش و شکوفایی تمدن است اهمیت داده، به گونه‌ای که در بیش از ۷۵۰ آیه مسلمانان را به یادگیری علم ترغیب نموده و در ۲۷ آیه از قرآن کریم با استفاده از جمله «اعلموا»، «بدانید» دعوت صریح به فراگیری علم شده است (صدیقی، بی‌تا: ۲۱۶). از طرف دیگر این کتاب آسمانی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

با کاربرد اصطلاحات «أَفَلَا تَعْقِلُونَ، لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» و... انسان‌ها را به تفکر و تدبیر در آفریده‌ها دعوت نموده است و از این جهت مسلمانان موظف بودند که درباره طبیعت مطالعه و آن را به وجهی عقلانی تعبیر و تفسیر کنند و این امر در ترغیب به علم آموزی و شکوفایی تمدن اسلامی نقش اساسی داشته و دارد. قرآن کریم به این ترتیب با دمیدن روح جدید برپیکر نیمه جان جهان آن روز فضای علمی و فرهنگی تازه ای پدید آورد و این امر نشان دهنده نگرش اسلام به علم و تمدن بوده و تمدن پر شکوه اسلامی ناشی از رویکرد قرآن به علم و علم اندوزی است و این نگاه و رویکرد قرآن به علم می‌تواند بار دیگر موجب رشد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی گردد و مسلمانان را به آن اقتدار و عزتی که در گذشته داشتند باز گرداند.

۳-۲- جایگاه علم در روایات اسلامی و نقش آن در شکوفایی تمدن نوین اسلامی

علاوه بر قرآن کریم که برای علم ارج و جایگاه والایی قائل است و نقش آن را در سعادت و پیشرفت زندگی مادی و معنوی انسان بسیار تأثیرگذار می‌داند، در روایات معصومین علیهم‌السلام نیز بر آن تأکید فراوان شده و نقش آن در شکوفایی و اعتلای تمدن اسلامی بی‌بدیل در نظر گرفته شده است. در همین راستا است که پیامبر اسلام(ص) و جوب تحصیل علم را برای همگان لازم و واجب می‌داند (نوری، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۲۴۹)؛ و جهت تشویق مسلمانان به علم و دانش و فراگیری و تولید آن می‌گوید: «طلب علم نزد خدا برتر است از نماز و روزه و حج و جهاد در راه خدا» (صدیقی، بی‌تا: ۲۱۶). کارنامه درخشان تمدن اسلامی نشان می‌دهد که عالمان مسلمان با توجه به همین روایات رسول خدا(ص) بوده است که در هر رشته و موضوعی که به کار علمی می‌پرداختند، انسان‌هایی با ایمان بوده‌اند که گاه کار علمی را بر خود واجب دانسته‌اند (صدیقی، بی‌تا: ۲۱۶). پیامبر اسلام(ص) در مواجهه با معتکفین مسجد در قالب دو گروه که عده‌ای دعا می‌خواندند و عده‌ای دیگر گفتگوی علمی می‌نمودند با نیک شمردن هر دو کار، گفتگوی علمی را افضل دانسته و خود به آن گروه می‌پیوست (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۵). آزادی اسیران جنگ بدر در قبال آموزش به ده نفر مسلمان (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۲۶) از دیگر موارد سیره عملی آن حضرت درباره اهمیت دادن به علم و دانش و برجسته کردن نقش آن در رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی است.

در احادیث و روایات معصومین علیهم‌السلام به اندازه‌ای از علم اندوزی و دانشمندان علوم مختلف تجلیل به عمل آمده که هیچ موضوعی به این اندازه مورد سفارش قرار نگرفته است. اسلام برای علم و دانش حد و مرز قومی و نژادی و حتی دینی و مذهبی نمی‌شناسد و آن را موهبتی الهی می‌داند. خداوند از پیامبرش(ص) می‌خواهد تا برای فزونی یافتن دانش خویش دعا کند: «و بگو: پروردگارا بر دانش من بیفز» (طه، آیه ۱۱۴). در روایات آمده است که دانش‌پژوهی به همان مبارکی پرستش خداست. هرگونه دشواری در راه آن، یک جهاد به شمار آید (اسلامی فرد، ۱۳۸۹: ص ۳۵). مؤمنان واقعی بر اساس تعالیم اسلامی، علم و دانش را حق خود می‌دانند. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «دانش راستین گمشده مؤمن است، پس آن را فراگیر و بیاموز ولو از مردم منافق» (نهج البلاغه، حکمت ۸۰). مسلمانان خود را وارث اصلی حکمت‌های جهان می‌دانند و حکمت را نزد دیگران امری «عاریت» تصور می‌نمایند. آنان



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

ایمان دارند که علم و ایمان نباید از یکدیگر جدا زیست کنند، حکمت در محیط بی‌ایمانی، غریب و بیگانه است، وطن حکمت، قلب اهل ایمان است (مطهری، ۱۳۵۷: ۳۸۸). براساس همین روایات بود که مسلمانان برای اعتلای تمدن اسلامی در نخستین مراحل تکوین خود از اقوام و مذاهب مختلف و حتی مخالف خویش برای تثبیت هویت خویش و برای وسعت دادن به دامنه آگاهی و شناخت خود بهره گرفتند و آن تمدن بزرگ را آفریدند. بنابر این می‌شود در حال حاضر نیز با استفاده از همین توصیه‌های بزرگان دین اسلام، از وسایل و امکانات علمی و صنعتی و تکنولوژی غرب استفاده کرد و هم فرهنگ اسلامی و تمدن اسلامی را حفظ و حراست کرد و از هجوم فرهنگ آلوده به شهوت و توأم با پوچی و مبتنی بر ثروت‌اندوزی جلوگیری کرد. تمدن اسلامی در گذشته نیز از تمدن‌های مقارن زمان خود اقتباس کرد، اما نه هر چیزی را، زیرا آن‌چه با اصول توحیدی و الهی سازگار نیست، نباید پذیرفت و امروزه هم چنین باید کرد و با استفاده از دستاوردهای علمی و فناوری دیگران برای اعتلای تمدن نوین اسلامی بهره برد.

با توجه به همین سیره نظری و عملی پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام و تأکید قرآن کریم بر اهمیت علم و دانش بود که در قرون نخستین اسلامی نهضت علمی شکوهمندی در قلمرو اسلام پدید آمد. علم‌آموزی در موضوعات مختلف تأسیس مدارس، و کتابخانه‌ها (ولایتی، ۱۳۸۰: ۳۱۸ - ۱۶۲)، زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۰۷ - ۵۲) از برکات این نهضت علمی و جلوه‌هایی از تمدن اسلامی است. این سبک و سیاق را می‌شود دوباره به کار گرفت و تمدن نوین اسلامی را شکوفا کرد.

۳-۳- جایگاه و نقش علم در تمدن اسلامی از منظر متفکران و اندیشمندان

از منظر دانشمندان و متفکران مسلمان و غیر مسلمان علم و دانش یکی از ارکان مهم پیدایش و رشد و شکوفایی تمدن اسلامی است و بر نقش و جایگاه آن در پیشرفت و تعالی تمدن اسلامی تأکید فراوانی داشته‌اند. براساس اعتقاد اندیشمندان در عصر حاضر نیز علم و دانش می‌توان نقش بسیار مهمی در اعتلا و شکوفایی تمدن نوین اسلامی داشته باشد.

قداست و اهمیت علم و دانش نزد مسلمانان و تلاش برای رسیدن به علوم مختلفی که اسلام برای پیشرفت مادی و معنوی مسلمانان بر آن تأکید کرده، موجب شد تا برخی از خاورشناسان غیر مسلمان اعتراف نمایند که: اسلام طی پنج قرن از (سال ۸۱ تا ۵۹۷ هـ.ق) برابر با (۷۰۰ تا ۱۲۰۰ م) از لحاظ نیرو و نظم، بسط قلمرو حکومت، تصفیه اخلاق و رفتار، سطح زندگانی، وضع قوانین منصفانه انسانی، تساهل دینی، دانشوری، علم طب و فلسفه، پیشاهنگ جهان بوده‌است (دورانت، ۱۳۷۱، ج ۴: ۴۳۲). چنان که «وات» مسلمانان را نمایندگان یک تمدن با دستاوردهای بزرگ می‌داند (مونتگمری وات، ۱۳۷۸: ۱۰). «بریفولت» در کتاب «ساخته شدن بشریت» بر این باور است که علم بزرگترین سهمی است که تمدن عرب (اسلام) به جهان جدید بخشیده است (اقبال لاهوری، بی‌تا: ۱۵۰-۱۴۹). واگلری نیز می‌گوید: «ما در این کتاب (قرآن) مخزن‌ها و ذخایری از علوم می‌بینیم که فوق ظرفیت و استعداد باهوش‌ترین اشخاص و بزرگ‌ترین فیلسوفان و قوی‌ترین مردان قانون و سیاست است» (واگلری، ۱۳۴۴: ۵۳). کمتر کسی تردید دارد در این که تمدن اسلامی قرون چهارم و پنجم هجری اوج کامیابی‌های اسلامی بود و نه تنها دوران زرین جهان اسلام بود، بلکه سراسر جهان و



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

سراسر دوران (فرای، ۱۳۶۳: ۲۴۸). اندیشمندان و متفکران غیر مسلمان با اعتراف به شکوه و عظمت تمدن اسلامی نقش علم و اهمیت و جایگاه آن در فرهنگ اسلامی را یکی از مهم‌ترین علل پیدایش عصر طلایی تمدن اسلامی می‌دانند که مسلمانان با توجه به علم و دانش و به کارگیری دستاوردهای علمی در تمامی ابعاد زندگی خود تمدن اسلامی را به اوج عظمت رساندند.

اندیشمندان مسلمان نیز بر این عقیده‌اند که توصیه و تشویق مؤکدی که اسلام در توجه به علم و علما می‌کند از اسباب عمده در آشنایی مسلمانان با فرهنگ و دانش انسانی است. شهید مطهری بر این باور است که قرآن کریم مکرر مردم را به تفکر و تدبیر در احوال کائنات و به تأمل در اسرار آیات دعوت می‌کند. مکرر به برتری اهل علم و درجات آن‌ها اشاره نموده است (مطهری، ۱۳۵۷: ۳۹۰). آیت الله بهجت (ره)، مانع اصلی ما را در توسعه علم و اعتلای تمدن اسلامی فقدان عبودیت و بندگی خداوند و عدم عمل به رهنمودهای انبیای الهی می‌داند و بر این عقیده است که اصالت دادن به عمل و ترک معصیت در اعتقادات، راهگشای تمامی علوم و شکوفایی دوباره فرهنگ و تمدن اسلامی و حل همه معضلات و مجهولات است. ایشان در کتاب «به سوی محبوب» ذیل حدیثی می‌فرمایند: «هرکس به معلوماتش عمل کند، خداوند مجهولاتش را روشن می‌کند، درست مانند معلوماتی که فعلاً دارد و در زمان طفولیت نداشت و به تدریج خداوند همین معلومات را به او یاد داد» (دهقانی، بی‌تا: ص ۹۳).

مقام معظم رهبری مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، را چراغ راه تمدن اسلامی می‌داند و می‌گوید: «فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم سلطه‌آور است و جامعه، صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. باید علم را فراگرفت و بلکه بایسته است تولید کننده و صادر کننده آن شد و به مصرف آن نباید بسنده و دل خوش کرد» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۹ / ۱۲ / ۰۹). مقام معظم رهبری مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم را از مهم‌ترین وظایف علما و اندیشمندان مسلمان برای تحقق شکوفایی تمدن نوین اسلامی می‌داند. مجاهده یعنی تحمل سختی‌ها و مشکلات ناشی از کسب علم و معرفت، امری که در گذشته جواب داده و اندیشمندان مسلمان با تحمل مشکلات و گرفتاری‌های کسب علم توانستند زمینه‌ساز شکوفایی تمدن اسلامی در قرون چهارم و پنجم هجری گردند. به تعبیری نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود و این مسئله را نخبگان و اندیشمندان ما در عصر حاضر باید بپذیرند و برای رسیدن به تعالی و پیشرفت مصایب و مشکلات آن را متحمل شوند. در روزگار زرین تمدن اسلامی نیز رنج و تلاش و مجاهده فراوان دانشمندان مسلمان برای کسب علم و دانش به خوبی به چشم می‌خورد. ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی جغرافی‌دان نامی قرن چهارم هجری در مقدمه احسن التقاسیم خود درباره مشکلات و سختی‌های کسب علم و دانش چنین می‌نگارد: «من اقلیمی نماند مگر بدانجا شدم و کوچک‌ترین راه‌ها را نیز شناختم ... به آموزشگاه‌ها رفتم، در محفل‌ها دعوت کردم، و چه بیابان‌ها که درنوردیدم و در صحرا سرگردان گشتم. ... چند بار نزدیک بود غرق شوم، بارها راه بر کاروانیان زده شد. ... به زندان‌ها افتادم و به اتهام جاسوسی گرفتار آمدم. ... بارها بی‌نوا و برهنه شدم ...» (زمانی محبوب، ۱۳۹۰: ۱۲۳؛ نقل از: مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ج ۱: ۶۳). روش‌شناسی تولید علم از نظر مقام معظم رهبری، اجتهاد به معنای مصطلح یعنی استنباط از منابع دینی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

و رجوع به عقلی که پشتوانه آن وحی است، می‌باشد. در این صورت است که تولید علم می‌تواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی باشد. نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان در باب علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. تأکید ایشان بر این است که تحجر و جزم‌گرایی در باب یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاد اندیشی راه برون رفت از این آفت است (خامنه‌ای، بیانات: ۰۹ / ۱۲ / ۱۳۷۹). به نظر معظم له نباید صرفاً مصرف کننده علم بود باید آن را تولید کرد و به مرزهای علم رسید تا بتوان در رقابت با دنیا جلو افتاد و با تولید علم و به کارگیری دستاوردهای علمی اقتدار به دست آورد، زیرا براساس دیدگاه رهبری که اقتباس از فرهنگ اسلامی است علم سلطان است و سلطه‌آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. به تعبیر دیگر این دانایی است که توانایی می‌آورد. مقام معظم رهبری در گام دوم انقلاب به قدرت‌آفرینی علم اشاره کرده و می‌فرماید: «دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند و با وجود تهی‌دستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد. ما به سوء استفاده از دانش، مانند آن چه غرب کرده است»، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۹۷).

شهید مطهری درباره علم نافع و نقش و جایگاه آن از منظر فرهنگ اسلامی می‌نویسد: «هر علم و دانش و فنی که برای فرادستی و عزت جامعه اسلامی مورد نیاز باشد واجب کفایی است ... و آن همه تأکیدات و ثوابی که اسلام برای علم می‌شمرد، شامل هر علمی است که برای عزت و سربلندی جامعه اسلامی لازم است» (مطهری، بی تا: ۳۴).

بر اساس دیدگاه اقبال لاهوری، متفکر و اندیشمند مسلمان پاکستانی، درباره نقش و جایگاه علم و راه‌های تولید آن بر این باور است که قرآن کریم مطالعه در آیات هستی را به عنوان «مشاهده تجربی» و «دقت و نظر» درباره آنها را یکی از راه‌های معرفت و شناخت معرفی می‌کند. وظیفه مسلمانان آن است که درباره این آیات بیندیشند و همچون «کور و کر» سرسری از برابر آن نگذرند. اما با جایگزینی فلسفه یونانی به جای روش شناخت در قرآن که همان روش تجربی بوده است، شکست در تمدن اسلامی واقع می‌شود و جامعه اسلامی روی به فلسفه یونانی (که تأکید بر بُعد نظری دارد نه تجربی) بیاورد و از روش تجربی فاصله می‌گیرد. اما ظهور فلسفه تجربی جدید عصر حاضر، در واقع روح فرهنگ اسلامی بوده است که «راجر بیکن» پایه‌های آن را از جهان اسلام یاد می‌گیرد و آن را «روش مطالعه علم» قرار می‌دهد که سبب تحول عمیق در فرهنگ و تمدن عصر جدید می‌گردد (ثقفی، ۱۳۴۱: ۴۴). اندیشمندان مسلمان باید براساس تعالیم قرآن و دستاوردهای فرهنگ و تمدن جدید غرب از روش تجربی برای تولید علم نافع بهره گیرند و از آن برای اعتلا و شکوفایی تمدن نوین اسلامی استفاده کنند. یکی از روش‌های غلطی که در میان اندیشمندان ما در مراکز علمی و دانشگاهی وجود دارد این است که برخی تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند که تعداد زیادی مقاله برای ارتقای علمی خود در



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

مجلات داخلی و خارجی تولید کنند و امتیاز بگیرند بدون آن که دغدغه حل مشکلات جامعه اسلامی را داشته باشند و علم خویش را در راستای حل مسائل جامعه اسلامی به کار گیرند. صرفاً این روش تحقیقاتی نمی تواند علم نافع تولید کند که سبب اعتلای تمدن نوین اسلامی گردد. دانشمندان مسلمان نباید از فرگیری علوم روز و تمدن جدید غرب اجتناب نمایند، بلکه باید از دستاوردهای تمدن جدید بهره برده، به آن صبغه اسلامی بخشند، در آن صورت است که نوسازی تمدن اسلامی حاصل خواهد شد. امروز زمان آن فرا رسیده است که جهانی بیندیشیم، اما منطقه ای و محلی عمل کنیم، از غرب جسورانه بگیریم، ولی در برابرش مسحور نشده و در پی استفاده از تمدن جدید غرب بوده، ولی به جای مصرف به تولید بیندیشیم (زمانی محبوب، ۱۳۹۰: ۱۲۴). با واکاوی تمدن اسلامی در قرون نخستین اسلامی این حقیقت آشکار می شود که علمای مسلمان از اندوخته های علمی سایر تمدن ها بهره برده ولی فقط مصرف کننده و تقلید کننده صرف از فرهنگ های دیگر و پیشرفت های علمی آنان نبودند، بلکه آن را نقد کرده و سره را از ناسره جدا نموده و خود در سایه تعالیم اسلام به تولید علم پرداختند و زمینه اعتلا و شکوفایی تمدن اسلامی را فراهم ساختند.

علاوه بر استفاده از روش های نوین در تولید علم نافع و مجاهده در راه کسب آن، باید اندیشمندان مسلمان افزون بر علم، به دین و ایمان مذهبی - به عنوان دو بال تمدن اسلامی - متکی بوده و مسلمانان اندیشمند تلفیق میان علم و وحی را کشف کنند و آن را با گذشت زمان از طریق مدل سازی های متعدد اصلاح نمایند (سریع القلم، ۱۳۷۳: ۵۲۰). از نظر اندیشمندان مسلمان علم جدایی از دین نیست و نه تنها تعارضی با معنویت و دین ندارد، بلکه دین اسلام مشوق و محرک تولید علم نافع است و تلاش و مجاهده عالمان را برتر از عابدان دانسته و به آن تقدس بخشیده است. مقام معظم رهبری به مغالطه ای که برخی فیلسوف نماهای غربی و مقلدان داخلی آن ها مطرح می کنند، اشاره کرده و می گوید: «این افراد می گویند جامعه را با ایدئولوژی و مکتب نمی شود اداره کرد، اما تمام تجربیات تمدن ساز، نشان می دهد که مکتب، هدایت کننده و اداره کننده حرکات عظیم اجتماعی است و بدون داشتن مکتب و ایدئولوژی، و بدون «ایمان و تلاش و پرداخت هزینه های لازم»، هیچ تمدنی امکان تحقق نمی یابد (خامنه ای، بیانات ایشان در جمع دانشجویان، دانش آموزان و سایر جوانان خراسان شمالی، مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳).

از منظر امام خمینی (ره) مراد از عقل - به عنوان یکی از ارکان و مبانی تمدن نوین اسلامی - مستند به حدیث شریف «العقل ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۱) عقل سلیمی است که بتواند انسان را به ارزش های انسانی برساند؛ لذا از منظر ایشان، ممکن است شخصی دانشمند باشد، اما عقل نداشته باشد و دانش خود را صرف فساد و تباه کردن ملت ها کند (ر.ک.: خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸، ص ۲۰۸). امام خمینی (ره) علم را به عنوان یکی از ارکان و مبانی تمدن نوین اسلامی دانسته و بر این باور است که تمام علوم با نیت الهی، «الهی» محسوب می شوند. همچنین تقارن علم با عمل، ضرورتی تام دارد؛ به طوری که علم و عمل دو بالی هستند که انسان را به مقام انسانیت می رسانند. بنابراین علم تنها اثر ندارد، بلکه گاهی مضر است و عمل بدون علم، بی نتیجه است (ر.ک.: خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۲۶۸).



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

شایسته است اندیشمندان و نخبگان علمی جهان اسلام بر اساس آموزه‌های دینی، کسب علم و تولید آن را بر خود تکلیف دینی دانسته و با تولید علم و فناوری نیازهای مادی و معنوی جامعه اسلامی را بر طرف نموده و بر عزت و استقلال ملل اسلامی بیفزایند.

ابن خلدون، تعلیم دانش و تولیدات افکار را از جمله «صنایع» می‌داند که قدرت و دولت در زایش و زوال آن عاملی تعیین کننده است. از این رو، به تکرار تأکید می‌کند، همچنان که شکوفایی در عمران و قدرت دولت موجب رویش انواع دانش‌هاست، خرابی عمران و ضعف و زبونی دولت‌ها سبب نقصان و زوال تولیدات فکری - همانند دیگر صنایع و تولیدات انسانی - است. دولت‌های کم دوام و کم عمر، هرگز قادر به تأسیس دانش‌های استوار نیستند، زیرا تأسیس دانش مستلزم فرصت تاریخی و لوازم و الزامات بسیاری است که فقط در دولت‌های قوی و با دوام امکان‌پذیر است (فیرحی، ۱۳۸۰: ۱۶۳). تاریخ به ما می‌گوید که تولید علم و استفاده از دستاوردهای علمی با قدرت و اقتدار جوامع نسبت معناداری دارد و بر هم اثرگذار هستند. هرگاه جوامع و حکومت‌ها مقتدر باشند فضای بیشتری برای علم فراهم می‌شود علم در فضای امن و با اقتدار رشد و شکوفا می‌شود و علم هم وقتی تولید شد و از دستاوردهای آن به درستی استفاده شد موجب اقتدار روزافزون جوامع و حکومت‌ها و تمدن‌ها می‌گردد. این امر را در زمان اقتدار دستگاه خلافت عباسی در زمان هارون و مأمون شاهد هستیم و امروزه هم در تمدن غربی مشاهده می‌کنیم که چگونه علم باعث اقتدار و قدرت و ثروت غربیان شده و اقتدار و ثروت و امنیت نیز موجب رشد و تولید علم و جذب اندیشمندان و نخبگان عملی گردیده است.

۴- نتیجه‌گیری

علم و دانش یکی از ارکان بسیار مهم و تأثیرگذار در پیدایش و رشد و شکوفایی تمدن‌هاست. براساس همین نقش و جایگاه مهم است که دین اسلام و فرهنگ اسلامی بر کسب علم نافع تأکید فراوان نموده و حتی به آن قداست بخشیده است. در قرآن کریم بر نقش و جایگاه علم و استفاده از آن در تمامی ابعاد زندگی و پیشرفت و تعالی در امور مادی و معنوی سفارش شده است و اولین دستور خداوند به پیامبر اسلام (ص) که توسط جبرئیل به رسول خدا (ص) اعلام می‌گردد، ابزار کسب علم یعنی «خواندن» است. خداوند انسان‌های عالم و اندیشمند را برتر از دیگران می‌داند و به خاطر تعقل و خردورزی و تولید علم به آن‌ها امتیاز می‌دهد. در روایات اسلامی نیز بر نقش و جایگاه علم نافع تأکید فراوانی شده و پیامبر اسلام (ص) کسب علم و دانش را بر همه لازم و واجب دانسته و حد و مرزی و سن و سالی برای آن قائل نشده است. توجه به نقش علم و دانش و به کارگیری آن در زندگی خود توسط مسلمانان در قرون نخستین اسلامی باعث پیدایش و رشد و شکوفایی تمدن اسلامی گردید و عزت و اقتدار را برای امت اسلامی به بار آورد. با فاصله گرفتن مسلمانان از فرهنگ اسلامی و کم توجهی به علم و دانش و یا سرگرم شدن به علم غیر سودمند موجب رکود تمدن اسلامی شد. در عصر حاضر برخی از اندیشمندان و رهبران جهان اسلام به ویژه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در بیانیه



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

گام دوم انقلاب اسلامی توجه و اهتمام خاصی به علم و دانش برای اعتلا و شکوفایی تمدن نوین اسلامی نموده و از جوانان اندیشمند و عالمان و متفکران درخواست نموده با مجاهده و تلاش زیاد در راه کسب علم و تولید آن عزت و اقتدار را به امت اسلامی برگرداندند و تمدن نوین اسلامی را به جهان عرضه کنند، چرا که بشر از تمدن مادی و ضد انسانی و ضد اخلاقی غرب خسته شده است. امید است مسلمانان با استفاده از تجربیات گذشته و استفاده از ظرفیت‌های علمی خود در آینده نه چندان دور تمدن نوین اسلامی را به اوج عظمت و اعتلای آن برسانند و عزت و اقتدار را به امت اسلامی برگردانند و جهانیان را از دستاوردهای مادی و معنوی آن بهره‌مند سازند.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

اسلامی فرد، زهرا، (۱۳۸۹)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام، قم: دفتر نشر معارف، چاپ: اول.

اقبال لاهوری، محمد، (بی‌تا)، احیای فکر دینی، ترجمه احمد آرام، تهران: رسالت قلم.

بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، (۱۹۹۸)، فتوح البلدان، بیروت: دار و مکتبه الهلال.

ثقفی، سیدمحمد، (۱۳۴۱)، «علم و اندیشه در تمدن اسلامی»، مکتب اسلام، شماره ۱۰، صص ۴۱-۴۷.

خامنه‌ای، سیدعلی، (بی‌تا)، «برنامه‌ها و معیارهای توسعه و پیشرفت تمدن سازی نوین اسلامی». فصلنامه قرآنی کوثر. شماره ۴۴.

خامنه‌ای، سیدعلی، مجموعه بیانات، قابل دسترسی در وبگاه: www.khamenei.ir

خمینی، سیدروح الله، (۱۳۸۵)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

جمشیدی، مهدی، (۱۳۹۳)، «تمدن اسلامی باید انسان‌گرا باشد/ تلازم اقتداریابی با تمدن پردازی». فصلنامه علوم انسانی اسلامی

صدرا. ش ۱۱ و ۱۲. پاییز و زمستان.

جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۰)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، قم: دفتر نشر معارف، چاپ دوم.

دهقانی، مهدی و دیگران، (بی‌تا)، «ارتباط تمدن سازی دینی با نهضت تولید علم با نگاهی راهبردی». مجموعه مقالات همایش تولید

علم و جنبش نرم افزاری در حوزه معارف اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری اسلامی.

دورانت، ویلیام جمیز، (۱۳۷۱)، تاریخ تمدن (عصر ایمان)، ترجمه ابوالقاسم پاینده و دیگران، تهران: سازمان انتشارات و آموزش

انقلاب اسلامی، چاپ سوم.

زرین کوب، عبد الحسین، (۱۳۶۹)، کارنامه اسلام، تهران: امیر کبیر، چاپ چهارم.

زمانی محجوب، حبیب، (۱۳۹۰)، «نوسازی تمدن اسلامی»، تاریخ در آیین پژوهش، سال هشتم، شماره اول، بهار، صص ۱۱۷-۱۳۵.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

- سریع القلم، محمود، (۱۳۷۳)، «قواعد تمدن سازی و آینده تمدن اسلامی»، مطالعات خاورمیانه، زمستان، شماره ۳، صص ۵۱۹-۵۳۲.
- صدیقی، محبوبه، (بی تا)، «تحلیل مدل و روش های تولید علم در عرصه دین (بررسی تمدن اسلامی و نوآوری آن در علوم)»، مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم افزاری در حوزه معارف اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری اسلامی، صص ۲۲۹-۲۱۳.
- فرای، ریچارد نلسون، (۱۳۶۳)، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: سروش، چاپ دوم.
- فیرحی، داود، (۱۳۸۰)، «دولت اسلامی و تولیدات فکر دینی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۱، صص ۱۵۷-۱۹۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۵)، اصول کافی، ترجمه صادق حسن زاده، تهران: قائم آل محمد.
- مطهری، مرتضی، (بی تا)، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۵۷)، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری.
- معینی پور، مسعود، لکزایی، رضا، (۱۳۹۱)، «ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
- ناشناس، (۱۳۸۲)، «ارکان تمدن و نقش انقلاب اسلامی در اعتلای مجدد تمدن اسلامی»، فصلنامه اطلاع رسانی، سال اول، شماره ۲.
- مونتگمری، وات، (۱۳۷۸)، تأثیر اسلام بر قرون وسطی، ترجمه و توضیح حسین عبدالمحمدی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- واگلری، لوراواکچیا، (۱۳۴۴)، پیشرفت سریع اسلام، ترجمه غلام رضا سعیدی، تهران: انتشار، چاپ دوم.
- ولایتی، علی اکبر، (۱۳۸۰)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: وزارت امور خارجه.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



Ottoman Empire Political Culture and Ahmed Jevdet Pasha's Jurisprudential thought

amirreza mahmoudi, Assistant Professor, Department of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran
amirreza.mahmodi@gmail.com

mohadeseh ghavamipour sereshkeh, , PhD student in criminal law and criminology, Lahijan branch, Islamic Azad
University, Lahijan, Iran (corresponding author)
mohadeschghavamipour@gmail.com

Abstract

In the article, firstly, the theoretical framework about political culture, which is an important factor in explaining the difference and stability of political regimes, was presented, some characteristics of Turkish political culture were determined in this framework, and a holistic methodological framework was proposed for political culture studies. Then, Ahmed Jevdet Pasha as a key transition period scholar and statesman is discussed in order to see the points of continuity and change of Turkish political culture from past to present. After specifying the place of knowledge, which was both an important actor and an interpreter of the reforms in the Tanzimat period, in the history of Turkish modernization and ideas, it was examined with examples how he reflected the political culture in his works, thanks to his personality synthesizing the horizontal and vertical dimensions of political culture and the balancing role he assumed in this critical process. Despite his conservative personality, Pasha, who gave material and ideological support to the reform movement aimed at 'saving the state', continued to follow the dominant themes of political culture in the new regime where the state-society relations did not change in essence.

Keywords: Political culture, Ottoman Empire, Tanzimat, Ahmed Jevdet Pasha. Jurisprudence.

Introduction

Politics is a phenomenon that arises from the necessity of people living together as a society. Every society has to meet its needs within a division of labor in order to survive, and for this, it has to go to an organization we call the 'political system'. What distinguishes the organization, which we call the political system, from other organizations in the society, is that its decisions are binding on all members of the society (Turan, 1986: 10). Political culture, on the other hand, is of fundamental importance in the functioning of a political system. However, there is an ambiguity in the definition of the concept, due to both different theoretical approaches and arbitrary use in everyday and academic language. For example, the informal rules that mark political life, the goals expressed by the prevailing political ideology in that society are called political culture, and various features of political life, from political prejudices to political style, from political mood to things that are considered legitimate or not, are considered within the scope of this concept (Saribay, 2000: 63). However, it is possible to highlight two main theoretical approaches about the concept (citing from Patrick (1984), Saribay, 2000: 63-5). First, the 'subjective' conceptualization developed by the



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



behaviorists Almond and Verba, which takes political culture as a pattern of individual attitudes and orientations towards the political process, based on the cognitions, feelings and judgments of the members of a political system. The second is the 'heuristic' approach, based on empirical, that is, historical-sociological research, advocated by Lucian W. Pye. Pye (2000 19), among these perspectives, which can also be called micro and macro, while appreciating the importance of psychological tendencies pointed out by the subjective tendency in the formation of political culture, he prioritizes the importance of socio-cultural factors in the historical dimension. According to him, political culture includes the traditions of a society, the spirit of public institutions, civic bond, collective reasoning, and the political style of leaders. According to this approach, the characteristic of political culture is that the traditions of the society, the spirit of its institutions, the common interests and aspirations of its members, and the political style of its leaders fit together to form a meaningful and specific whole, rather than a coincidental relationship in historical experience, and a clear and understandable network of relations. It is embodied in both the total history of a society and the socio-economic life of the people who compose it (Yücekök, 1987: 13).

In our article, we will mainly rely on this approach. In fact, this approach of Pye has classical foundations. For example, XVIII. In an approach going back to the 19th century, Montesquieu argued that it would be appropriate to associate a nation's constitutional principles with its 'morals and customs' (Femia, 1994: 476). In his famous work, Democracy in America, Tocqueville also focused on 'moral and intellectual characteristics' specific to a country, in today's sense of 'political culture' (Miller, 2002: 1). Political culture is a feature and derivative of social culture in general. The dimensions of political behavior that enable the functioning of political systems are affected by the political and social culture, which is a superstructure product of that society's socio-economic experience (Yücekök, 1987: 12-7). In general, just as culture provides unity and order in social life, political culture provides meaning and direction to political life. Political culture includes the system of beliefs that exist in a society. These are beliefs about how the political environment is or should be.

To give some general definitions about the concept, for example, it would be useful to adapt the conceptual framework developed by the famous anthropologist Clifford Geertz (1973: 220) on culture in general to the definition of political culture: It is a set of norms and values that gives direction and thus ensures the continuity of political-social life thanks to a common consciousness that will be formed among the members of the society. In the words of the pioneer of the concept, Almond (1956: 402), political culture is a 'cognitive map' that helps people to give meaning to the socioeconomic environment in which they live. The definition given by David Miller (2002) in his lecture notes on American political culture is also helpful: "Political culture is the distinctive and stereotyped way of thinking about how political and economic life should be conducted." In a more



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



technical definition, political culture is the attitude and attitude patterns of a community towards political objects (such as the constitution, state, parties, democracy, human rights, political history of the country) (Parla, 1994: 10). The beliefs and values that make up the American political culture, which function as a distinctive source of national identity, have been named as 'the American creed' (Huntington, 1981: 4). In this context, for example, the difference from ideology (Geertz, 1973: 216), which is a 'programme' that functions as a pattern for the regulation of the organic process and gives the direction of action, in short, is that political culture has a more organic quality (About the difference between political culture and ideology). Also see Saribay, 2000a: 70-3.). The predominantly conservative character of a political culture, such as in England, for example, differs from conservatism as a systematic ideology as developed by Burke. When a political ideology becomes dominant in society, it becomes one of the most determining elements of political culture (Parla, 1994: 11).

İlter Turan (1986: 33-7) identifies four sources/factors that play a role in the formation of political culture. The first, as we have mentioned, is the material, that is, the socio-economic experience of society. For example, in a society that has reached a differentiated structure as a result of industrialization and increasing specialization, individuals will naturally develop a more critical and participatory culture towards the political system. It is possible to observe this difference, for example, in different periods of socio-economic development in Turkey, or even in the East and West regions with different development levels in the same period. The second is the general social culture and international cultural movements, which we have also mentioned. Due to the nature of political culture, it cannot be expected to develop independently of the general social culture from which it derives. For example, as some authors such as Harry H. Eckstein (Turan, 1986: 35) have examined (Turan, 1986: 35), while other dimensions of culture emphasize values such as obedience to authority and unlimited discipline, the political system's desire for values such as equality, participation and pluralism is a cultural phenomenon. As a matter of fact, as we see it, the turning point in associating general culture with political culture was the "authoritarian personality" thesis developed by Adorno from the Frankfurt School after the rise of fascism in Italy and Germany in the interwar period. Accordingly, it has been argued that the cultural patterns and habits learned from one's parents, who play a role as a model for authority relations in the society, in the family, from childhood, lay the groundwork for an authoritarian political culture based on blind obedience (Meloan, 2000: 115).

Indeed, the social culture towards authority in general will also leave its mark on the political culture. For example, the social culture expressed in the Turkish proverb "you will kiss the wrist you cannot bend" will be reflected in the political culture as submission to the political authority. Especially in a society like the Ottoman Empire, which is organized according to a traditional



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



monistic-holistic worldview in which religion, law, morality and politics are intertwined, there will be a much tighter relationship between general social and political culture. Principles such as obedience to authority, submission to power rather than right, modesty, leaving the job to the masters including politics, obeying the herd, community spirit, intolerance to difference and opposition are the indicators of the relationship between these layers of culture. The effect of international cultural movements on the shaping of political culture can be explained with the concept of 'acculturation'. In the sense of 'culture acquisition', acculturation is a term used in sociology to express the interaction of different cultures as an important dynamic of the social change process, the fundamental changes that occur in the original cultural patterns of each, as a result of a first-hand, continuous relationship between them. The French influence on Turkish political culture as a result of the interaction in the Tanzimat and Republican periods after the French Revolution is defined, for example, with the concept of 'Jacobinism'.

As a third source/factor playing a role in the formation of political culture, the elites who direct the political system can take the initiative in reshaping the political culture. As T. Parla (1994: 11) stated in the example of Kemalism, when a political ideology becomes dominant in society, it becomes one of the most determining elements of political culture. The aim of the Turkish revolution, defined as modernization, also meant equipping the society with new culture and values. As examined by T. Alkan (1989: 178), in the process of redesigning society and culture with a social engineering vision by the Kemalist staff, it was aimed to transform the political culture in a way that would support the new regime through political socialization based on education. However, given that culture is an organism that is not easily manipulated, the degree of success of this manipulation effort will become questionable.

As a fourth source/factor that plays a role in the formation of political culture, we can give political experiences and memories. These can be both individual and social (Yücekök, 1987: 20; Turan, 1986: 36). People who generally tend to hold their own convictions need to revise them only in the face of new experiences that seriously challenge them. Likewise, the historical experiences of societies in general and the painful events experienced also have a significant impact on the shaping of political culture. For example, the weakness of people's trust in each other in Italy is that the events in history are generally divisive in the country.

This article consists of two main parts. First, to present a theoretical framework about political culture and, accordingly, Turkish political culture, as mentioned above, and secondly, to position Ahmed Jevdet Pasha in the context of Turkish political and intellectual modernization history in general, and political culture in particular, and how to explain his Turkish political culture with examples.

1: Political Culture



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



Political culture studies, in a sense, developed out of the concern of explaining the diversity and stability of political regimes with a cultural structure to a certain extent. For example, the pioneering work of Almond and Verba (1963) explained the stability of liberal democracies in terms of the value systems that underpin them. The work of the classical pioneers of the subject, Montesquieu and Tocqueville, arose from similar concerns. The conclusion drawn from these classical approaches is that there is an inherent relationship between general social and political culture. In this context, contemporary political culture studies have tended to explain the development of fascism in Germany and democracy in the Anglo-American world. The difference between countries that show different characteristics despite belonging to the same ideology, such as communist regimes, is explained by the tendency of the revolutionaries of each country to adapt the Marxist model to their own cultural heritage. Two fundamentally interdependent functions of political culture can be mentioned. First, culture facilitates the functioning of political life through the formation of certain rules of behavior and values. Second, the political system gains legitimacy and continuity thanks to political culture (Turan, 1986a: 39). Therefore, the importance of political culture research in terms of these two functions comes from the fact that it contributes to the explanation of the performance of a political system (Femia, 1994: 477).

Political culture, which has long been used in political theory as a category of political analysis, but in an impressionistic way, can now be measured more systematically with the development of research techniques (Parla, 1994: 10). There is, however, intense debate over the degree of possibility and the philosophy and method of a rigorous determination of political culture, particularly in the subjectivist sense. (For a summary of these, see Faulks (2000: 107-25) For example, the open prejudices of Almond et al. in favor of Anglo-American, especially British democratic culture have been the subject of criticism. An idealized concept of political culture called 'American creed' is Huntington's (1981:43) It is much more evident in the American-centric approach Pye (2000: 22-3), who draws attention to the difficulties of assessing the subjective dimension of culture inherent in the cognition and emotions of the individual for various reasons, states that this difficulty is even more evident in the case of political culture. Because the basic concepts of politics, power and authority, are phenomena that appeal to emotions rather than reason, lay the groundwork for emotional evaluations and imagination rather than rational reasoning in terms of their sensitive impact on individuals. They are only images and this makeshift culture, a society It is difficult to say that it represents a permanent political culture. Political behavior and symbols, taken as a basis by behaviorists like Almond, are the most easily observable, but the most difficult and misleading elements of the cultural phenomenon. Therefore, the use of quantitative field research methods such as survey and sample analysis, but in an integrated manner with the comparative and interpretive macro-empirical method between cultures will provide us with more satisfactory data about the general characteristics of the political culture of any country.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



In this regard, for example, the quantitative findings of Ergüder's (1991) field research on "Values of Turkish Society" were completed by interpreting, for example, the historical sociological findings on political culture of scholars such as Sabri Ülgener.

Therefore, a multidimensional and holistic methodology is needed for the development of political culture studies. In our opinion, five methods can be used in this regard. First, as the folkloric approach constitutes the main source of popular/social culture, it is possible to extract general characteristics of our social and political culture through text-content analysis on folkloric materials such as proverbs, idioms, poetry and anecdotes. Kurt's (1997) study is an example of this. Likewise, Nasreddin Hodja anecdotes are also a rich source in our opinion. Second, the historical-sociological approach; In Marxist terms, the studies of scholars such as Sabri Ülgener and Şerif Mardin, who aim to determine the effects of socio-economic transformations on socio-cultural characteristics in history in the context of infrastructure-superstructure interaction, are examples of this approach. Third, the intellectual history or sociology of knowledge approach includes the analysis of the Turkish political culture tradition thanks to the ideas of milestone scholars who have the capacity to represent Turkish political culture with their intellectual backgrounds, such as Ahmed Jevdet Pasha, which we have discussed in this article. For example, the work of Süleyman Seyfi Ögün (2000) is an example of this approach. Fourth, the normative approach deals with the degree of transformation of official ideology into political culture. As T. Parla (1994) did, some basic official texts such as Atatürk's Speech, Afet Inan's Civil Information, Recep Peker's Revolution Lessons, or T. Alkan's (1989: 177-322) analysis of primary school civics textbooks of the Single Party period is an example of this approach. As T. Parla (1994: 173) said, the analysis of official texts will give an important idea about the political culture that is subject to change, since the founders of the Republic guided the existing socio-political culture in a transitional period by taking data. And fifth, the empirical-quantitative approach provides the opportunity to get an approximate idea of the current political culture and to identify points of continuity and change through surveys and sample studies.

For example, Huntington's (1981) work on American political culture can be said to be the product of such a holistic and synthetic approach. The aim of this holistic methodological approach is to reach a comprehensive idea about political culture with its mass and elite dimensions. Because the subjectivist approach developed in Almond's line seems to reduce political culture to people, citizens, who are subjects and objects of politics. An approach in the form of 'citizens' political opinions' paradoxically bases itself on a distinction unique to the world of elite politics, such as 'the rulers and the ruled'. However, in the modern era of mass politics, at least in principle, the distinction between the rulers and the ruled is not absolute. Secondly, Montesquieu, one of the philosophers who belong to a monistic or holistic world view, who considers politics as an extension of morality, in the value framework valid in human relations as a whole, defines this



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



organic, moral relationship between the rulers and the ruled in the sense that "people are governed as they deserve". Therefore, political culture, as an extension of social culture, belongs to the society as a whole with the rulers and the ruled. A concrete example of this can be given from folkloric material. For example, our political culture of the political elite is said to be of a skeptical nature, taking people as potential criminals. However, in addition to proverbs such as "You will crush the head of the snake when you are small", we also know that Nasreddin Hodja beat his child before committing a possible crime, before the "water jug was broken".

As Turan (1986: 44) states, coherence, stability, legitimacy and continuity of the regime and administration of the political society can only be achieved if the mass has a common political culture. As a matter of fact, Lucian W. Pye considered the political style, that is, the style of making politics specific to a society, and the differences in understanding related to the nature of politics itself, as one of the sources and elements of political culture (cited in Yücekök, 1987: 19). However, apart from a general political culture that binds the society together, it is a fact that there is a certain cultural differentiation between the rulers and the ruled in terms of the role they play in the social control relationship. If we separate the political elites in terms of mass politics, the political style of the leaders or political actors who fall under the category of "elected" in general, as Pye puts it, generally reflects the style of administration specific to that society, their understanding of politics and their view of the masses. An elite dimension of political culture indicates, for example, some formal rules of conduct that we can call 'politics' (Turan, 1986: 45). It can be said that the political elite, the civil servants, that is, the 'appointed' group that constitutes the bureaucracy, has been able to develop a more specific culture in this sense. Şükrü Özen (1996) reached interesting findings about the extent to which bureaucratic culture overlaps with general social and political culture and differs from it in his important empirical research titled Bureaucratic Culture: Social Foundations of Administrative Values.

There may be a difference between mass culture and elite culture, for example, in terms of lower legitimating symbols. According to Ali Yaşar Sarıbay (2000: 74-5), the difference between the elections and the political cultures of the masses is determined by the level of cognition arising from the level of education and political ability. The elite have the ability to manipulate symbols and dictate to the audience, thanks to a higher level of education and cognition. By institutionalizing symbols through framing and isolating political culture as much as possible from accidental signs, they imprison them within the human community. Thanks to this social control, the continuation of a desired socio-political order is ensured. This is the reason why the concept of political culture is seen as peculiar to the governed. So the question is, is this difference a degree or not? Whether there is a difference in nature, besides this functional difference, whether there is a common language (idiom) that connects these two cultures structurally at a higher level. As we have stated, the legitimacy and continuity of political administration and, more generally, of the



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



system is possible only if there is a certain degree of overlap between these two spheres of political culture. Şerif Mardin (1991a) has identified the existence of such a common language in the traditional Ottoman system, despite the horizontal differences between the elites and the mass culture that vertically connects them, embodied in the imagination of an ideal Islamic community. However, since the Tanzimat, which eroded the patrimonial character of the regime and brought forward its bureaucratic character, the angle between these two cultural spheres began to widen and thus the legitimacy crisis began to appear. As Turan (1986: 46) states, in societies undergoing rapid change, there may be serious differences between the political cultures of the masses and the elite. The new set of values represented by the cadre who founded the Republic was significantly separated from the political culture of the mass.

From a macro-historical perspective, it is possible to talk about traditions belonging to some cultures and civilizations, such as horizontal-vertical or large-small traditions that played a role in the formation of Turkish political culture. For example, Turkish, Chinese, Islamic, Persian, Byzantine, Mediterranean and Western European represent these major traditions. Although there has not been a comprehensive and systematic study on this subject so far, the concept of 'obedience' is probably the first in the scale or hierarchy of values that make up political culture. For example, Anglo-Saxon culture is characterized by legitimate protest and 'civil disobedience' against political authority, while Turkish-Islamic political culture is generally characterized by absolute obedience. Depending on a high level of social hierarchy and status stratification between the rulers and the ruled, a social morality based on 'pretentiousness' and as a result, leaving politics to its masters, and the understanding of "the ones in charge know better" have created a political culture characterized by depoliticisation. Intolerance of opposition, dissent and individuality, emphasis on harmony and collectivity, status quoism are some of the other distinguishing features of this culture. However, the norm of obedience has acquired very different tones and forms in our political culture under the influence of different traditions. A number of heterogeneous, even contradictory, elements in this culture are also the product of these partially contradictory main sources of influence. For example, prescriptivism, which represents an important and widespread value in our political culture, 'conformism' or formalism-formalism in the sense of 'to abide by the common norms valid in the society' are often in conflict with opportunism and Machiavellianism.

Likewise, while the concept of 'trust' has a very important place in Anglo-American political culture, there is a serious lack of trust in Turkish culture, both horizontally, that is, between the members of the society, and vertically, between the society and the government. When the mottos such as 'divide and rule', which came from Rome and left their mark on the political culture, combined with constant foreign interventions, wars and divisions, mistrust, skepticism, conspiracy theorism become an integral part of the political cultures of countries such as Italy, Turkey and Iran. In our opinion, these negative features in our political culture, such as 'obedience to power



rather than right', are the heritage of Byzantium-Iran. The result of such a legacy is, for example, the pejorative translation of the views of an important philosopher like Machiavelli into indigenous political culture, deviating from the specific context and meaning in which it was embodied. For example, positive values such as 'order, authority, discipline' manifest themselves in our political culture as 'prohibition', with a negative definition of 'what not to do rather than what to do'. Almost all studies on Turkish political culture (Akarlı 1975; Ergüder 1987; Heper 1985; As Özbudun 1993) emphasized, almost worshipful devotion to the state, and statism is a basic feature of our political culture that should be considered a value in itself.

2: Ahmed Jevdet Pasha and Turkish Political Culture

It can be said that in our history, apart from political leaders such as Sultan Abdul Hamid, Atatürk or İnönü, very few people have reached the level of representing the critical periods in which they lived with their knowledge and actions. With his versatile personality as an intellectual (scholar) and statesman, Ahmed Jevdet Pasha's name was almost identified with the Tanzimat. Thanks to him, it was possible for the Tanzimat to walk within the framework of certain legitimacy without slipping to the extremes. As Tanpınar (1997: 165), most of the things done in the country from 1850 to 1895 are his work. While Sultan Abdul Hamid was celebrating the 50th anniversary of his arrival in Istanbul with such compliments, he was rewarding the country's number one businessman (Mardin, 1996a: 152; Tanpınar, 1997: 166).

In essence, he was a member of the ulema who represented the Islamic tradition, and with the declaration of the Tanzimat edict in 1839, a process started against this class and the tradition to which it belonged. Literally, 'regulations', or more precisely, the reform process, which is called modernization and primarily aimed at 'saving the state', increasingly confined Islamic principles, institutions and identity to the sphere of the community, thus resulting in the legitimacy and identity crisis as a result of the 'discord between ideology and reality'. The ulema, which represented the natural, legitimate focus of opposition to such a trend, lost their activism as a whole class, and individual efforts began to fill the gap that emerged. Namık Kemal and his friends, called the New Ottomans, came closer to the people and its cultural framework, Islam, and started an opposition from this front against the despotism that started with the bureaucratic group to which they belonged in the Tanzimat period. Although they understood that there was little chance of re-establishing an ideal Islamic community, a Platonic/Farabi-esque 'medina-i fazila' (virtuous city), they at least advocated a constitutional regime that would provide optimal justice. However, after a short-term dream of a constitution and constitutionalism after 1876, especially Namık Kemal continued his intellectual activities by choosing the path of reconciliation with the 'caliph of time' Sultan Abdul Hamid.

While most of the ulema, which were hopeful in the face of a world that constantly challenges them, turned to passive resistance, while some of them moved to revolutionary channels such as



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



Ali Suavi, very few scholars such as Ahmed Jevdet Pasha tried to keep the tradition alive. Although he is generally seen as a member of a conservative-traditionalist tendency, the initiative he took in the modernization processes will lead us to define him as the 'most active traditionalist'. Jevdet Pasha's determination to take the initiative in a reform process in which the tradition to which he was attached was discarded, so to speak, is the result of his belief in both the potential and the active power of the tradition. What defines him as an 'active traditionalist' is that it also represents the aspect of tradition that is open to innovations that will keep it alive; In other words, it mobilizes the 'bid'at-i hasene' to the dynamism of the Sunnah. Tradition is as much "continuity and succession" as stability, and only in this way preserves its vitality. In other words, tradition envisages its dynamism in the face of new conditions, rather than the continuation of a fixed, frozen structure as it is. The only thing that tradition cannot tolerate is to go to innovations 'once', as Jevdet Pasha put it, and to turn a white page by resetting the ground, as modernism or revolutions do. Pasha, who thinks that the unchanging are divine laws and that human laws are always open to change, seeks the optimal balance between 'changeable and unchanging' (Meriç, 1979: 39-41). Ahmed Jevdet Pasha, who saw that it was no longer possible to continue the tradition in the face of a rapidly changing world, and that there was a possibility of abandoning it completely and introducing modern principles and institutions, against this 'all or nothing' approach, both in his administrative duties and in the decision-making processes himself. He also took a side of tradition in his scientific studies.

A: Mecelle-i Ahkam-ı 'Adliyye

One of his best-known achievements on this path is Mecelle. Mecelle-i Ahkam-ı 'Adliyye, with its full name, has a special place in Islamic history due to the nature of Islamic law, which was prepared by a commission consisting of the leading Islamic jurists of the time under the presidency of Ahmed Jevdet Pasha, claiming to be a kind of Islamic civil law. What made it important was the style of writing rather than the content itself. In the transformation process in the legal system, which started as a result of interaction with European civilization, regular courts emerged alongside the shari'a courts operating in accordance with the valid Islamic law. The regular courts, which in a sense correspond to the secular courts, were established in 1871 to deal with civil and murder cases outside the jurisdiction of the community courts, and also on cases outside the jurisdiction of the commercial courts. The gap that emerged in the legal legislation to be taken as a basis in these brought the traditionalists and those who wanted the translation of the French civil code to a crossroads. Jevdet Pasha blocked the importing trend with the formation of Mecelle. Thus, Mecelle, which has two characteristics such as being a binding shari'a law for Muslim people and a state binding 'law' for non-Muslim subjects (Berkes, 1978: 221), was made "mer'iyü'licra in all of the law and order". However, Sh. With the determination of Mardin (1995: 46), Mecelle, which emerged as the mirror of the new Islamic law, does not show the victory of Islamic law, but a kind



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



of defeat due to the decisiveness of systematic Continental European law based on codification in terms of form and method.

Those who admire the mission of Ahmed Jevdet Pasha, who was born on March 27, 1823 in Lofça, now within the borders of Bulgaria, will need to look at his extraordinary upbringing for an explanation. Since his childhood, his extraordinary enthusiasm and determination to learn, and his personality like a bee to take honey from every flower, enabled him to go beyond his time. In short, Pasha had succeeded in integrating the madrasah, school and dervish lodge, which symbolized the different dimensions of the tradition. He had acquired a solid supply-equipment before embarking on a long and arduous expedition with the intent to change the world. He knew how to make maximum use of the alternative madrasah programs of the time and the best teachers in the Fatih Mosque. Moreover, not being contented with this, he had privately studied 'mental (natural, spiritual) sciences' from his teacher, Miralay Nuri Bey, who was his teacher of Muhendishane-i Berr-i Hümâyün (Chambers, 1973: 448, 455; Tanpınar, 1997: 160). Pasha, in addition to the madrasa education, XIX. Having gained great fame in the first half of the century, a favorite place where the ulema and the udeba gathered, and almost a university, he enjoyed both mysticism and literature with the 'mesnevi-han' license he gained by attending the lodge of Murat Molla. From here, he entered the mansion of Mustafa Reşid Pasha to give private lessons to his children, taking a very good reference. This mansion becomes a 'school' that opens the Pasha's horizons, determines his view of life, and teaches that the world will be changed through politics. Pasha combines the 'şer-i şerîf' culture he had acquired with the 'sacred state' culture here, and with this unique formation, he stands out from the ulema class that is now a spectator to the flow of history.

As Ebul'ula Mardin (1996a: 58) states, Pasha was the only person in Ottoman history who jumped from the rank of kazasker to the rank of vizier. He was perhaps the only person who showed social and political mobility in line with the trend of the age. XIX. With the exception of some areas of education and the judiciary, the sphere of influence of the ulama was greatly reduced in the 19th century. As he himself admits (Neumann, 1999: 95), despite the decline of the ulema, the scribes who were educated in the offices of the imperial council and the grand vizier, as knowledgeable in international relations, which gained importance with the entry of the Ottoman Empire into the European state system, came to the fore, and they gradually began to gain more effectiveness in execution. The ulema, in short, fell for a reason that we can call the violation of the 'scientific meritocracy', and became unable to recognize and make sense of the political world they lived in. According to Pasha, as a result of losing their ability to think about 'Mebâhis-i Mülkiye' (political issues), there was no opportunity to actively participate in the political decision-making mechanism of the ilmiye. Therefore, he advocated the restriction of the powers of the class to which he belonged, the abolition of his exemptions, the clear definition of his duties and integrating them with the general administrative mechanism. The result was the DE politicization of the ulama class



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



with the loss of its internal autonomy. Ahmed Jevdet Pasha, instead, advocates that the only scholar he deems valuable to take active administrative duties individually, as he did (Neumann, 1999: 1). The purpose of this was to restore the "honor of the state and honor" (Neumann, 1999: 92). As we have stated, he is the representative of both the vertical/Islamic and the horizontal/monarchical dimensions of political culture, both the 'shar'-i sharif and the 'sacred state' culture. His extraordinary effort to reconcile these cultures just as he was at the breaking point was, therefore, pregnant with both brilliant success and disappointment. The drama of the Pasha is that he squirms between 'hikmet-i devlet' and 'Islamic tradition', with his own words, 'glorious state' and 'honor of sharia', with an attitude that can be summarized as 'neither passing through, nor passing through' (Neumann, 1999:23-4). "For the benefit of the state Jevdet Pasha (1980: 52) did not give a visa to Ali Pasha's dismissal because thinking is predestined to everything. In fact, there is no contradiction in the phrase "wisdom-i government", which symbolizes the two basic qualities that Farabi, who is considered the father of political philosophy in Islam, sought in the ruler for an ideal government. As it is known, the term 'state', designed by Machiavelli as a power apparatus, a legal entity against the Church, would eventually turn into the motto of 'reason of state' (Merkl, 1972: 57). Lit., meaning 'wisdom-i state', the Ottomans transferred this idiom to their world as 'wisdom-i government'. However, in parallel with the development of modernity, an inherent contradiction emerged with the transformation of the government into the state and the 'wisdom-i government' into the 'wisdom-i state' (Gencer, 2000: 106-12).

B: Tanzimat

The Tanzimat era was a period when the conflict between the "state-community" and, on the other hand, "law-sharia" became evident. Although Ahmed Jevdet Pasha is aware that they are in conflict in essence, he tries to minimize these contradictions with the concept of 'state', which he uses in a special sense (Neumann, 1999: 187, 190). As a scholar of a transitional period, it is possible to find both traditional, extended and modern, special meanings of the state intertwined in him. In other words, the understanding of the state as an impersonal governing body, which includes the society in the sense of 'country' on the one hand. Throughout his life, he tries to establish a balance between these two dimensions by making mutual concessions. Two events in his career symbolize the concession from tradition to the modern state. First, as we mentioned, an attempt contrary to the nature of Islamic law was Mecelle, which means 'bid'at'. It is doubtful whether this initiative has contributed to Islamic law and its representatives. Mecelle's life span was 57 years, from April 20, 1969, when its first book was enacted, to October 4, 1926 (Öztürk, 1973: 106). With the very accurate determinations of Tanpınar (1997: 165), Pasha narrows the life field and status of the class he grew up in in every field. As he spreads fiqh through the Mecelle he prepared, to the life that should be his main property, he virtually destroys the function of the group and institutions that have embraced it for centuries.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



The second concession from tradition to the state is the Islamic justification of the regular courts. When these courts, which narrowed the jurisdiction of the Shari'ah courts, were met with objections by the ulema, Jevdet Pasha translated the treatise named *Dîvân-ı Def'i Mezâlim* by one of the classical Islamic jurists, Celaleddin Devvânî, and set the 'courts of atrocities' as a precedent for the regular courts (Berkes, 1978: 219). It is difficult to say that the 'mazâlim' courts, which operate within the scope of the 'tazirat' penalty recognized for *ulu'l-amre*, other than the 'hadd' penalty in Islamic law, correspond to the regular courts. The atrocities courts, on the face of it, functioned like a human rights court, especially against administrative abuses. According to Pasha (1986: IV/90), "The first duty of the states is the *ihkâk-ı Hukuk-ı ibâd* decree, and in every century, care has been taken to fulfill this duty." Now, since trade and transactions have increased too much in the *mamâlik-i mahrusa*, whose capacity has expanded considerably, there was a strong need for the establishment of *divans*, such as regular courts, apart from the *shari'a* courts. Thus, Pasha states that he silenced the dissenters.

In the third example we will give, in the discussions between Namık Kemal and his *Law on the Esâsî*, Pasha can no longer make concessions to the modern state against tradition; shows an attitude consistent with his own tradition. Unlike Namık Kemal, who advocated the limitation of political authority by a constitution, Ahmed Jevdet Pasha opposed the idea of *Law Essentials* because he accepted Islamic law (*fiqh*) as an unwritten constitution for a government. According to him (1980: 199), the basis of all legal legislation in every state is the civil law, which includes transactions. Since the state-i 'Aliyye is also based on the *shar'i*, all its legislation must be based on these *shar'i* laws. According to Berkes (1978: 220), Jevdet Pasha totally opposed the view that the basic law of the state should be the constitution, because of his view of basing constitutional law on civil law instead of basing civil law on a constitution. According to him, sufficient foundations were given in the *Tanzimat Edict* in terms of public law; that was enough under the presidency of a mature and wise ruler. Civil law was the most important thing for the existence of the Islamic nation.

It is quite interesting to see that Pasha followed the Montesquieu line in linking political culture with the political and legal system. As a first possibility, we can think that Montesquieu was among the other European scholars influenced by Pasha in historiography and that he read it from the special translations Ali Şahbaz Efendi and Sahak Ebru made for him (Neumann, 1999: 4). Second, Jevdet Pasha developed these views, probably thanks to Ibn Khaldun, who is called the 'Arab Montesquieu'. Montesquieu argued that it would be appropriate to associate a nation's constitutional principles with its 'morals and customs', which we can understand as its political culture (Femia, 1994: 476). According to him, laws should be in accordance with the character and nature of the people to which they are applied. It is not possible for laws specific to one country to be applicable to another country. Interestingly, Jevdet Pasha, like Montesquieu, attaches special



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



importance to the culture of England, which is considered the stronghold of tradition among European countries. Considering the country's history and political culture in a positive way, Pasha attributes 'honor and restraint' to the British as a national characteristic (Neumann, 1999: 178). Jevdet Pasha (1986: I/63) opposes the importation of the French Civil Code, acting on the same logic as Montesquieu. "However, it would not be permissible to go this way, since it would be like annihilation of a nation to convert the heart of a nation like this, and the ulema crowd would blaspheme those who strayed from that plagiarism." (Neumann, 1999: 122).

In the words of Tanpınar (1997: 165), the "communal conscience" that he felt at Ali Pasha's funeral had an impact on the recovery of Pasha, who "realized that he had given himself to the Tanzimat well". Ahmed Jevdet Pasha, who cooperated with secular reformers in the implementation of some policies in the first years of the Tanzimat, chose a silence that meant a protest against Ali Pasha's maverick Westernization policies, instead of the classic answer of 'We knew the deceased well', in response to the imam's question asked by the imam at the funeral. (1986: I/44) created a sense of avoidance of actions 'contrary to public opinion'. But he continued to vacillate between conflicting motives, cultures, and loyalties. Pasha belongs to both places and nowhere. Pasha (1980: 51), who over time got rid of both the science he came from and the politics he joined later on, is always alone. His impartiality, which he did not hesitate to repeat throughout his life, is the result of this loneliness (Tanpınar, 1997: 165).

Pasha is a prototype of Kantian morality of duty, idealism. It is essential for him to give justice to his work and not to turn the means into an end. It is a typical example of statesmen who do not do everything they know and think for the sake of "wisdom of the state" and take their secrets to the grave. The information and comments in History-i Jevdet, which he wrote himself, have been removed or changed in various editions of the work; the reason is not official censorship, but Pasha's own censorship (Ortaylı, 1987: 182). Seeing politics as a tool, away from the pursuit of leadership or success, Pasha, therefore, as Tanpınar (1997: 167) put it, was never a first-class man, he always remained subordinate. He has always prepared his scientific works based on a concrete need and demand. As he classified it in terms of scientific quality, there were actually many scholars who would surpass Jevdet Pasha in basic Islamic sciences in his time, some of whom had already gathered in the Mecelle commission. Basically, what Pasha did during his reign, who had knowledge in the sciences of grammar, logic and rhetoric, called instrument sciences, which gave him a sharp observation and reasoning power, was basically an orchestration. It was only possible with such an orchestration to activate the idle potential, both scientifically and administratively, and to mobilize different resources in line with a certain goal.

Jevdet Pasha is one of the best sources for those who want to get to know the transition period Turkish political culture, which we call the Tanzimat, due to its unique position in many respects. A systematic reading of his works will give us the opportunity to clearly see the points of continuity



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



and change in Turkish political culture from past to present. Because one of the words that best describe it would be 'bridge'. Bridge between old and new, people and state, vertical/Islamic and horizontal/monarchical cultures, theory and practice; a man of balance and compromise between extreme tendencies. Because of his unique position representing both ends of politics, Pasha has always been a person who does not identify himself with the state and bureaucracy, and always listens to the voice of public conscience. He has been at the same time the creator, writer, important actor and narrator of the extraordinarily important piece of history in which he lived. History-i Jevdet, which is accepted as a standard narrative of the history of the Ottoman Empire between 1774-1826, has been a mirror of the Tanzimat process with its writing period spanning thirty years. For this reason, parallel to the changes in the Tanzimat process, the meaning of the work has changed throughout its formation. However, the main purpose is to justify the Tanzimat, which is embraced as a process of creating order. XIX. The 21st century reform politics can be taken as an extension or a result of the events described throughout the text in History-i Jevdet (Neumann, 1999: 217). For this reason, he adopted a pragmatic and sociological approach in his work.

Unlike the previous chroniclers, Pasha, as Tanpınar (1969: 213) puts it, as 'Ibn Khaldun's last disciple', brought a social scientific perspective to historiography, and reached an understanding of history that we can call 'why-how' from an 'informative' understanding. According to C. Neumann (1999: 218), rather than a normative-ideological approach, Jevdet Pasha expresses his view from the position of a statesman who examines the conditions of a certain historical phenomenon. In other words, his main concern is to find a justification for the socio-economic and political change and to legitimize it. His 'state-initiated' pragmatic approach here, on the other hand, gives him a more 'secular' portrait despite his Islamist-traditionalist image (Neumann, 1999: 208). Pasha, S. As Mardin (1991: 25) points out, while describing the expenditures during the Tanzimat period, which were considered wasteful, as "disgraceful", in fact, an ideological definition based on the existing social culture makes legitimation rather than an ideological attitude towards creating a new framework of legitimacy. Thus, the justification of the problematic situations described throughout history is based on the existing social and political culture. According to him, the problems related to the Janissaries he mentioned in his History stem from the violation of the "order", which is the basic concept of social and political culture. As Neumann (1999: 117) points out, the discussion or legitimacy of military reform has never been the sole focus of his thoughts on the Janissaries. Because it is an aspect of political culture that is also important to him.

Ahmed Jevdet Pasha can be considered a pioneer of the empirical approach in administration, as well as the cultural conception of politics in horizontal and vertical dimensions. Pasha draws inspiration from Ibn Khaldun's empiricism in his analysis of social phenomena, such as Edmund Burke, who advocated British empiricism against French rationalism, in line with the empirical tendency of the traditionalist worldview. It presupposes good due diligence for good management



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



through empirical methods, observation and experimentation. In a letter dated 1032/1884, possibly referring to Âlî and Fuâd Pashas, he states that although some wise people put their external affairs in order, the regulations they made did not give the desired positive result everywhere because they did not know the situation of the country (Ahmed Jevdet Pasha, 1986: IV/221). According to Tanpınar (1997: 166), the virtue of the Pasha is 'knowing and sorting out the existing'. In administration, in the organization, in drafting laws, and in all of his other intellectual works, he starts with a survey that captures its subject more and more closely. The secret of his success in his temporary administrative duties, especially in Shkodër and Bosnia-Herzegovina, is these on-site investigations.

It is possible to find the dominant themes of Turkish political culture, which we have more or less identified above, in typical forms in the writings of Ahmed Jevdet Pasha. During the Tanzimat period, with the legal reforms that started to change the relationship between the rulers and the ruled, the political culture also began to undergo a transformation. While the core values remained essentially the same, the way they were manifested had begun to partially change. Perhaps the most basic value of political culture is obedience to the ruler, who represents political legitimacy (Neumann, 1999: 126). Since disobedience to the ruler, or even assassination, could not be brought to mind, no provision was made regarding this in the Penal Code, which included Jevdet Pasha among the members of the preparatory commission (Ahmed Jevdet Pasha, 1986: II/83). In particular, there is no tolerance for organized political opposition. Pasha perceives any political movement in society as 'fitna and mischief'; that is, a counter-order that brings disorder (Neumann, 1999: 190). The label of "sedition and mischief society", which is unique to our political culture and affixed to organized opposition social movements, is also frequently encountered in Pasha. For example, in the famous Kuleli case that took place in 1859, the group that was caught during the preparations for the coup under the leadership of Sheikh Ahmed from Süleymaniye is always referred to as "cem'iyet-i fesâdiyye" (Ahmed Jevdet Pasha, 1986: II/82). Pasha (1986: III/139), who took the task of "preparing the affliction" for the people around Adana Kozan, where some bandits were descended from, emphasized the importance of obedience to the ruler and the state in a declaration he prepared to be distributed to the local people, and said: It is in the warning that there will be icray-ı te'dîbât.

Also, does not recognize a political initiative to the people, whom he sees as "nikü bed incapable of appeal," with a standardized expression in official writings (Neumann, 1999: 115, 140). The public manifestation of the people, deprived of the ability to develop an autonomous movement, can only control the savings from above. Despite the DE politicization of the people, Pasha (1986: II/21) is also against the elitist, personalist and autocratic tendencies that are openly expressed by Âlî Pasha. In Jevdet Pasha's writings, it is possible to find a rational administrative system in line with a rule of law. His demand (1986: IV/103), as we have seen in his suggestions for the ulama,



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



is to determine the duties and responsibilities of civil servants and to employ them on the basis of performance and merit. The whole point is to ensure the 'safety' of the state, which constitutes the most concrete form of 'order', the basic concept of traditional culture, and which represents a common interest authority above the society. "The duty of the dignitaries of the state is to act in accordance with the state's self and loss in any case, in balance." (As cited in Neumann, 1999: 194).

Conclusion

When he complains about the ulema or the state officials called bailiffs, he does not mean the unlawful acts that cause distress to the subjects, but the damage suffered by the state law. What the Pasha wanted from the civil servants was loyalty to the state rather than loyalty to the sultan. He said that since the pendulum role and control of the sultan in the patrimonial framework was lost during the Tanzimat period, the bureaucracy was not able to work with the understanding of 'me', and it was not possible to switch to a rational administration, and the bureaucratic corruption that emerged as a result of this. it seems to undermine his confidence. Emphasizing state powers and fulfilling the law are also in line with the criticism leveled at the ulema. In many places, Pasha makes almost law-abiding justifications (Neumann, 1999: 188). FAQ as Ögün (2000: 308) states, this formalism of Pasha Points to a contradiction between legality and sharing. Since the Ottoman Empire understood politics primarily in terms of law-making, it ignored the gap between this formalist policy and social practice.

Sources

1. Ahmed Jevdet Paşa (1980), Ma'ruzât. Yusuf Halaçoğlu (yay.), İstanbul.
2. (1986), Tezâkir. I-IV, Cavid Baysun (yay.), Ankara: TTK.
3. (1997), Vefatının 100.Yılına Armağan (Sempozyum: 9-11 Haziran 1995) Ankara: TDV.
4. Akarlı, Engin Deniz (1975), 'The State as a Socio-Cultural Phenomenon and Political Participation in Turkey,' Political Participation in Turkey: Historical Background and Present Problems, Engin D. Akarlı and Gabriel BenDor (eds.) 135-155, İstanbul: Bogazici University Publications.
5. Alkan, Türker (1989), Siyasal Bilinç ve Toplumsal Değişim. Ankara: Gündoğan.
6. Alkan, Türker, Doğu Ergil (1980), Siyaset Psikolojisi. Ankara: Turhan.
7. Almond, Gabriel A. (1956), 'Comparative Political Systems,' Journal of Politics 18: 391-408.
8. Almond, Gabriel A. Sidney Verba (1963), the Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations. Princeton: Princeton University Press.
9. Berkes, Niyazi (1978), Türkiye'de Çağdaşlaşma. İstanbul: Doğu-Batı.
10. Chambers, Richard L. (1973), 'The Education of a Nineteenth-Century Alim. Ahmed Jevdet Paşa.' International Journal of Middle East Studies IV/440-64.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



11. Davison, Roderic H. (1963), Reform in the Ottoman Empire 1856-1876. Princeton: Princeton University Press.
12. Eatwell, Roger (ed.) (1997), European Political Cultures. London: Routledge.
13. Ergil, Doğu (1980), Yabancılaşma ve Siyasal Katılma. Ankara: Olguç.
14. Ergüder, Üstün (1987), 'Decentralization of Local Government and Political Culture in Turkey,' Democracy and Local Government: Istanbul in the 1980. Bridlington, Eothen Press.
15. Ergüder, Üstün, Yılmaz Esmer-Ersin Kalaycıoğlu (1991), Türk Toplumunun Değerleri. İstanbul: TÜSİAD.
16. Fatma Aliye (1332), Ahmed Jevdet Paşa ve Zamanı. Derseadet.
17. Faulks, Keith (2000), Political Sociology: A Critical Introduction. New York: New York University Press.
18. Femia, Joseph (1994), 'Political Culture,' The Blackwell Dictionary of the Twentieth-Century Social Thought, William Outhwaite-Tom Bottomore (eds.), 475-77, Oxford: Blackwell.
19. Gencer, Bedri (2000), 'Osmanlı Siyasi Felsefe ve Rejimi: Kuruluşun 700. Yıldönümü Münasebetiyle Bir İcmal.' Akademik Araştırmalar Dergisi II/4-5 (Şubat-Temmuz): 103-154.
20. Geertz, Clifford (1973), the Interpretation of Cultures. New York: Basic Books.
21. Göze, Ayferi (1998), Siyasal Düşünceler ve Yönetimler. İstanbul: Beta.
22. Heper, Metin (1985), the State Tradition in Turkey. Walkington, England: The Eothen.
23. (1993), 'Political Culture as a Dimension of Compatibility,' Turkey and the West: Changing Political and Cultural Identities, M. Heper-A. Öncü-H. Kramer (eds.), 1-21, London: I. B. Tauris.
24. Huntington, Samuel P. (1981), American Politics and the Promise of Disharmony. Cambridge, Mass. The Belknap Press of Harvard University Press.
25. Kalaycıoğlu, Ersin (1988), 'Elite Political Culture and Regime Stability: The Case of Turkey,' Journal of Economics and Administrative Sciences, Bogazici University II/2: 149-179.
26. (1996), 'The Turkish Political Culture in Comparative Perspective,' Society and Politics in South-Eastern Europe, International Conference, 18-20 May 1995. Sofia.
27. Kalaycıoğlu, Ersin, Ali Yaşar Sarıbay (yay.) (1986), Türk Siyasal Hayatının Gelişimi. İstanbul: Beta.
28. Kavanagh, Dennis (1972), Political Culture. London: Macmillan.
29. Kurt, İhsan (1997), Türk Atasözlerine Psikolojik Bir Yaklaşım. Konya: Mikro.



اولين همایش بين المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



30. Kütükoğlu, Mübahat (yay.) (1986), Ahmed Jevdet Paşa Semineri (27-28 Mayıs 1985). İstanbul: İ.Ü. Edebiyat Fak.
31. Lehman, Edward W. (1972), 'On the Concept of Political Culture: A Theoretical Reassessment,' Social Forces 50: 361-370.
32. Mardin, Ebul'ula (1996), Medeni Hukuk Cephesinden Ahmet Jevdet Paşa. Ankara: TDV.
33. Mardin, Şerif (1983), Din ve İdeoloji. İstanbul: İletişim.
34. (1991), 'the Just and the Unjust,' Daedalus 120/3(summer): 113-129
35. (1991), Türk Modernleşmesi. İstanbul: İletişim.
36. (1992), Türkiye'de Toplum ve Siyaset. İstanbul: İletişim.
37. (1995), Türkiye'de Din ve Siyaset. İstanbul: İletişim.
38. (1996), Yeni Osmanlı Düşüncesinin Doğuşu. İstanbul: İletişim.
39. Meeker, Michael E. (1972), 'The Great Family Aghas of Turkey: A Study of a Changing Political Culture,' Rural Politics and Social Change in the Middle East, Richard Antoun-Iliya Harik(eds.),237-266, Bloomington: Indiana University Press.
40. Meloen, Jos D. (2000), 'The Political Culture of State Authoritarianism,' Political Psychology: Cultural and Crosscultural Foundations, Stanley A. RenshonJohn Duckitt (eds.), 108-127, New York: New York University Press.
41. Meriç, Ümit (1979), Jevdet Paşa'Nin Cemiyet ve Devlet Görüşü. İstanbul: Ötüken.
42. Merkl, Peter H. (1972), Political Continuity and Change. New York: Harper & Row.
43. Miller, David (2002), 'American Political Culture,' http://www.socialstudieshelp.com/APGOV_Notes_WeekFour.htm.
44. Neumann, Christoph K. (1999), Araç Tarih Amaç Tanzimat: Tarih-i Jevdet'in Siyasi Anlamı. İstanbul: Tarih Vakfı Yurt Yayınları.
45. Ortaylı, İlber (1987), İmparatorluğun En Uzun Yüzyılı. İstanbul: Hil.
46. Öğün, Süleyman Seyfi (2000), Türk Politik Kültürü. İstanbul: Alfa.
47. Özbudun, Ergun (1993), State Elites and Democratic Political Culture in Turkey,' Political Culture and Democracy in Developing Countries, Larry J. Diamond (ed.), 247-268, Boulder, Colo.: Lynne Rienner.
48. Özen, Şükrü (1996), Bürokratik Kültür 1: Yönetmel Değerlerin Toplumsal Temelleri. Ankara: TODAİE:
49. Öztürk, Osman (1973), Osmanlı Hukuk Tarihinde Mecelle. İstanbul: İİAV.
50. Patrick, G. M. (1984), 'Political Culture,' Social Science Concepts: A Systematic Analysis, Giovanni Sartori (ed.) 271-80, and Beverly Hills: Sage.
51. Pye, Lucian W.-Sidney Verba (1965), Political Culture and Political Development. Princeton: Princeton University Press.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



52. (1968), 'Political Culture,' International Encyclopedia of the Social Sciences, XII/218-224, and New York: Macmillan.
53. (2000), 'The Elusive Concept of Culture and the Vivid Reality of Personality,' Political Psychology: Cultural and Crosscultural Foundations, Stanley A. Renshon-John Duckitt (eds.), 18-32, New York: New York University Press.
54. Parla, Taha (1994), Türkiye'de Siyasal Kültürün Resmi Kaynakları, I-III. İstanbul: İletişim.
55. Rosenbaum, Walter A. (1975), Political Culture. London: Thomas Nelson.
56. Sarıbay, Ali Yaşar (2000a), Global Bir Bakışla Politik Sociology. İstanbul: Alfa.
57. (2000), Kamusal Alan Diyalojik Demokrasi Sivil İtiraz. İstanbul: Alfa.
58. (2001), Postmodernite Sivil Toplum ve İslam. İstanbul: Alfa.
59. Sözen, Kemal (1998), Ahmet Jevdet Paşa'nın Felsefi Düşüncesi. İstanbul: MÜ İFAV.
60. Tachau, Frank (1984), 'The Political Culture of Kemalist Turkey,' Atatürk and the Modernization of Turkey, Jacob M. Landau (ed.) 57-76, and Boulder, Co: Westview Press/Leiden: E.J. Brill.
61. Tanpınar, Ahmet Hamdi (1969), Edebiyat Üzerine Makaleler. İstanbul: MEB.
62. (1988), 19uncu Asır Türk Edebiyatı Tarihi. İstanbul: Çağlayan.
63. Turan, İlder (1984), 'The Evolution of Political Culture in Turkey,' Modern Turkey: Continuity and Change, Ahmet Evin (ed.), 84-112, Opladen: Leske and Budrich.
64. (1986a), Siyasal Sistem ve Siyasal Davranış. İstanbul: Der.
65. (1986b) 'Türkiye'de Siyasal Kültürün Oluşumu,' Türk Siyasal Hayatının Gelişimi, Ersin Kalaycioglu-Ali Yaşar Sarıbay (yay.), and İstanbul: Beta.
66. (1991), 'Religion and Political Culture in Turkey,' Islam in Modern Turkey: Religion Politics and Literature in a Secular State, Richard Tapper (ed.), 31-55, and London: I.B. Tauris.
67. Yücekök, Ahmet N. (1987), Siyaset'in Toplumsal Tabanı. Ankara: SBF.



الگوی حکمرانی مطلوب توسعه محور در تمدن نوین اسلامی

با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری

محمد رضوی قره قشلاق^۱، محسن پورقلی^۲، علی هدایت فسندوز^۳

۱- دانشجوی مقطع دکتری رشته علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، نویسنده اول www.garageshlog@gmail.com

۲- استادیار، دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، فرهنگ و ارتباطات شهید محلاتی ره، قم، ایران.

۳- دانش‌آموخته دکترای مدیریت دولتی

چکیده

مفهوم حکمرانی خوب یا مطلوب در منشور سازمان ملل متحد مورد اشاره واقع شده است اما توجه به آن به‌عنوان شیوه‌ای برای بهبود زیست بشری سابقه‌ای کمتر از دو دهه دارد. در این مقاله تلاش گردید تا به این سؤال پاسخ داده شود که الگوی حکمرانی مطلوب توسعه محور در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری چه می‌باشد و محورهای اساسی و کارکرد اصلی این الگو کدام‌اند؟ برای این منظور ابتدا به تبیین مفهوم حکمرانی خوب پرداخته شد و سپس شاخص‌های حکمرانی مطلوب اسلامی در تمدن نوین اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری شناسایی گردید. با ترکیب شاخص‌ها، چهار بُعد شامل استقلال ملی، عدالت اجتماعی، تمدن اسلامی، اتحاد و توانمندی شناسایی شد که با فراترکیب آن‌ها الگوی استقلال ملی و توانمندی جهانی برای الگوسازی تمدن نوین اسلامی به‌عنوان الگوی حکمرانی مطلوب توسعه محور در تمدن نوین اسلامی معرفی گردید و در پایان نیز محورها و کارکردهای اصلی این الگو مطرح شد.

واژگان کلیدی: حکمرانی مطلوب، توسعه، تمدن نوین اسلامی، استقلال.

۱- مقدمه

حکمرانی مطلوب یکی از مفاهیمی است که در منشور سازمان ملل متحد بدان اشاره شده و در دهه‌های اخیر با حمایت‌های این سازمان در راستای زیست بهتر انسان و ارتقای کیفیت زندگی بشری مورد توجه اندیشمندان مختلف علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد قرار گرفت. حکمرانی خوب تلاش می‌کند تا با اتخاذ راهکارهای مدیریتی شفاف و پاسخگو، اصل اساسی مردم‌سالاری را در اداره و حکمرانی جوامع به منظور رسیدن به توسعه اجتماعی پایدار تحقق بخشد. این نوع حکمرانی محصول مشارکت سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است (هداوند، ۱۳۸۴، ۴).



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

انسان‌ها در ذیل چنین مفهومی تلاش کرده‌اند تا با تمرکز دایی از قدرت و رسیدن به شیوه‌ای مطلوب از مشارکت دسته‌جمعی شهروندان در اداره امور جوامع، شکاف‌های متنوع حاصل از ناکارآمدی دولت‌ها را ترمیم بخشند. پرواضح است که ناکارآمدی دولت‌ها در استفاده از عقل جمعی، موجب پیدایش مباحثی گردید که جایگاه نهادهای مدنی و غیر دولتی را در کنار سایر نهادهایی دولتی وابسته به قدرت تقویت می‌کردند و در ادامه چنین روندی بود که برنامه توسعه سازمان ملل متحد با طرح مفهوم حکمرانی مطلوب، شاخص‌هایی را نیز برای آن برشمرد. کارگروه وظیفه نظام سازمان ملل در گزارشی که با همکاری یونسکو و کمیسیون امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل تحت عنوان حکمرانی و توسعه تهیه کرده بود، حکمرانی مطلوب را اینگونه تعریف کرد: «اعمال اقتدار اداری، سیاسی و اقتصادی در تمامی سطوح اداره عمومی کشور که شامل روش‌ها، نهادها و فرآیندهایی می‌شود که از طریق آنها، شهروندان و گروه‌ها با حفظ اختلافات خود، منافع خود را نیز بیان می‌کنند، حقوق خود را اعمال می‌نمایند و با تلکیف خود روبرو می‌شوند» (یونسکو، ۲۰۱۲، ۳).

در اسناد بانک جهانی، شاخص‌هایی برای حکمرانی خوب بیان گردیده که عبارتند از: ثبات سیاسی و نبود خشونت، کنترل فساد، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و حق اظهارنظر و پاسخگویی. هدف مبنایی چنین شاخص‌هایی رسیدن به توسعه پایدار با اعمال حکمرانی مطلوب است که بر سه اصل مهم آزادی، کرامت انسانی و حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش از طریق مشارکت دموکراتیک استوار می‌باشد (عظیمی شوشتری، ۱۳۹۸، ۱۳۲). در واقع حکمرانی مطلوب در تلاش است تا مشارکت سه نهاد مهم دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی را به عنوان لوازم جدی توسعه انسانی پایدار در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن معرفی نماید.

البته باید توجه داشت که اصول مطرح شده در معیارها و شاخص‌های حکمرانی مطلوب در تعریف سازمان ملل، بر اساس مبانی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اومانیستی مطرح شده و لیبرال دموکراسی را به عنوان بهترین شکل حکمرانی در یک نظام سیاسی معرفی می‌کنند. این در حالی است که اساس حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس آموزه‌های دینی و قرآنی و نوع نگاه به انسان به عنوان خلیفه الله بوده و متفاوت با غایت چنین رویکردی می‌باشد. ذکر این نکته نیز لازم است که در دین مبین اسلام و نیز حکمرانی موجود در ایران اسلامی، هیچگونه تضاد و مخالفتی با ظواهر اصول مطرح شده حکمرانی مطلوب در تعریف سازمان ملل وجود ندارد و محور اصلی اختلاف این است که این اصول بر مبنای نگاه لیبرالیستی و توجه به زیست مادی انسان‌ها تنظیم شده و جایگاه سعادت اخروی انسان را که به عنوان مهمترین هدف آفرینش در دین اسلام به شمار می‌آید، مورد توجه قرار نداده است.

روی دیگر مسئله آن است که حکمرانی اسلامی تلاش دارد تا انسان و جامعه را در مسیر رسیدن به کمال دنیوی و اخروی ترغیب نماید در حالی که اومانیسم غربی و سازوکارهای سیاسی و اجتماعی آن سعادت را محصور در زندگی مادی و این دنیایی خلاصه



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

می کنند. بر همین اساس، حکمرانی مطلوب اسلامی با برخورداری از آموز های وسیع دین اسلام و بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری در تلاش است تا علاوه بر بسط و گسترش زمینه های ارتقای دینی و اخروی انسان، بسترهای توسعه انسانی پایدار را نیز به منظور بهره گیری عادلانه و عاقلانه افراد از موهبت های مادی و دنیوی مهیا سازد. چنین امری نیازمند طراحی الگویی از حکمرانی مطلوب توسعه محور است که در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، علاوه بر تحکیم و بسط عدالت، زمینه های پیشرفت و توسعه همه جانبه بشری را نیز مهیا سازد. بدیهی است که وجود چنین الگویی برای رهبری و راهبری ایران در تمدن نوین اسلامی لازم و ضروری است. این مقاله در تلاش است تا به این سوال اساسی پاسخ دهد که «الگوی حکمرانی مطلوب توسعه محور در تمدن نوین اسلامی با تاکید بر اندیشه های مقام معظم رهبری چه می باشد؟ محورهای اساسی و کارکرد اصلی این الگو کدام است»؟

برای این منظور اهداف زیر مورد توجه قرار گرفته است:

- شناسایی شاخص های حکمرانی مطلوب اسلامی در تمدن نوین اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری
- شناسایی الگوی حکمرانی مطلوب توسعه محور در تمدن نوین اسلامی با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری
- شناسایی محورها و کارکرد اصلی الگوی مطلوب توسعه محور در تمدن نوین اسلامی

۲- تعریف مفاهیم:

۱-۲ حکمرانی مطلوب:

منظور از حکمرانی مطلوب در منابع مختلف جهانی، بکارگیری الگویی برای استفاده حداکثری از قابلیت های متنوع موجود در جامعه برای رسیدن به اهداف مطرح در توسعه پایدار و بویژه توسعه انسان محور است. این شیوه حکمرانی بیشتر به دنبال مشارکت دادن شهروندان در فرایند تصمیم گیری و تصمیم سازی، ایجاد فرصت های برابر برای آنها و توانمند سازی توأم حکومت و مردم برای اداره بهتر جامعه است. بانک جهانی نخستین مرجعی بود که در این زمینه مباحثی را مطرح نمود و در گزارش خود در سال ۱۹۸۹ میلادی، آن را به عنوان «ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو» تعریف کرد (کینس^۱، ۱۹۹۳، ۳۹۳).

۲-۲ توسعه

مایکل تودارو^۲ توسعه را جریانی چندبعدی میداند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. از دیدگاه وی، توسعه در اصل باید نشان دهد که

^۱ Keneth

^۲ Michel Todaro



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد (تودارو، ۱۳۶۶، ۱۳۶).

۲-۳ تمدن نوین اسلامی:

از دیدگاه مقام معظم رهبری، تمدن نوین اسلامی پیشرفت همه جانبه‌ای است که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها، بعد معنوی و روحی آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند (بیانات، ۱۳۹۱). از نظر تاریخی نیز تمدن اسلامی به عنوان یکی از تمدن‌های بزرگ بشری، حاصل مبانی دین اسلام و باور به آن بوده است (منصوری و صمدی، ۱۳۹۹، ۲۲۸). این تمدن دارای دو بخش ابزاری و حقیقی است که بخش ابزاری آن شامل پیشرفت‌های موجود در عرصه علم، صنعت، اختراع، سیاسی، اقتدار دفاعی و نظامی و اعتبار بین‌المللی است و بخش حقیقی آن را سبک زندگی تشکیل می‌دهد که در متن زندگی انسان‌ها بوده و شامل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس و... می‌شود (فرزانه و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۸۱). بنابراین پایه اصلی تمدن نوین اسلامی نه بر صنعت، فناوری و علم که بر فرهنگ، بینش، معرفت و کمال فکری انسان است (هدایت فسندوز و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۳۱). تمدن‌ها همواره در مسیر حرکت یا اعتلای خود، با آسیب‌ها و چالش‌هایی مواجه می‌شوند و تلاش می‌کنند از هویت فرهنگی خود محافظت کنند. با پیروزی انقلاب اسلامی، احیای تمدن نوین اسلامی و رجعت دوباره بشر معاصر به باورهای دینی با تأسی از آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) در سراسر جهان طنین انداز شد (سهل آبادی و امینی، ۱۳۹۸، ۳۲۷). تمدن‌سازی را می‌توان حرکت هوشمندانه یک ملت و یا بخشی از یک ملت به سوی استقرار دستاوردهای مورد قبول و خواست آن‌ها دانست. یک ملت ممکن است خود دارای تمدن باشند اما تمدن‌سازی نکنند و برعکس ملتی ممکن است دارای تمدنی ضعیف باشند اما به سوی تمدن‌سازی حرکت کنند (گودرزی، ۱۳۹۶، ۴۳). هر تمدن و هر فرهنگی تحت تأثیر فرهنگ‌ها و تمدن‌های همزمان قرار می‌گیرد و مواردی را از سایر تمدن‌ها اخذ می‌کند (قادری^۱، ۲۰۲۰، ۲۷۹).

در اندیشه مقام معظم رهبری تمدن نوین اسلامی شامل پنج مرحله به ترتیب زیر است:

¹ Qadri



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



شکل ۱: مراحل تحقق تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

۳- شناسایی شاخص‌های حکمرانی مطلوب اسلامی در تمدن نوین اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری

با مروری بر بیانات و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری به عنوان ایده‌پرداز اصلی طرح تمدن نوین اسلامی، می‌توان شاخص‌های مطرح شده در بیانات ایشان را در پنج بستر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جهانی دسته بندی کرد. این بیانات به صورتی نظام‌مند در راستای شرح الزامات و شاخص‌های حکمرانی مطلوب اسلامی در دهه‌های اخیر مطرح شده و در قالب یک نظام فکری منسجم، علاوه بر ترسیم مختصات تمدن نوین اسلامی در ابعاد مختلف، به دنبال طراحی الگوی مناسب رفتاری مسئولان و کارگزاران حکومت اسلامی در مسیر ساخت درونی قدرت و ارتقای جایگاه ایران در منطقه و جهان به عنوان «ام‌القرای جهان اسلام»^۱ می‌باشند. در جدول زیر به شاخص‌های حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی در قالب بسترهای پنج‌گانه ترسیم شده است:

جدول شماره ۲: شاخص‌های حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری*

برآیند	شاخص‌ها	بستر	
--------	---------	------	--

^۱ ایده‌ی «ام‌القرای جهان اسلام» را محمد جواد لاریجانی، در سال ۱۳۶۳ برای دفاع از تمامیت ارضی کشور و تبیین سیر حرکت ایران در نظام جهانی و صدور انقلاب اسلامی مطرح کرد.

• سایت اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، فیش‌های تمدن نوین اسلامی به آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۲۶۳۴>



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

<p>آزادی بیان معقول</p> <p>مردم سالاری دینی</p> <p>حکمرانی اسلامی</p> <p>بصیرت سیاسی</p> <p>رعایت حقوق سیاسی</p> <p>برابر اقوام</p> <p>استقلال و عزت ملی</p>	<p>-زندگی علوی مسئولان سیاسی برای تمدن سازی(۱۳۸۳/۸/۶)</p> <p>-سیاست ورزی دین محورانه در رکان مختلف اجرایی و مدیریتی کشور(۱۳۸۳/۳/۲۲)</p> <p>-آزادی بیان در عین نقد سالم و گفتگوی آزاد(۱۳۸۱/۱/۱۶)</p> <p>-اسلام سیاسی عزت خواه و دولت ساز(۱۳۸۷/۵/۲۸)</p> <p>-مردم سالاری دینی(۱۳۹۱/۵/۲۲)</p> <p>-نظام سازی، قانون نویسی و مدیریت کشور بر مبنای اسلام(۱۳۹۰/۱۱/۱۴)</p> <p>-اهمیت انتخابات و مراجعه به آرای عمومی در حکمرانی(۱۳۹۰/۳/۱۴)</p> <p>-باور به اسلام سیاسی جامعه ساز و تمدن ساز(۱۳۹۴/۲/۲۰)</p> <p>-نگاه کلان به مسائل , ترویج عدالت اجتماعی, بصیرت, برخورداری از قدرت تحلیل سیاسی, سبک زندگی(۱۳۹۵/۵/۳۱)</p> <p>-الگوسازی از ایران یکپارچه با اقوام مختلف و متعدد(۱۳۹۵/۵/۱۱)</p> <p>-اصل استقلال، عزت و رفاه(۱۴۰۰/۱۱/۲۸)</p>	<p>سیاسی</p>	
<p>حقوق بشر اسلامی</p> <p>گسترش عدالت اجتماعی</p> <p>کارآمدی نسل جوان</p> <p>تعمیق سرمایه اجتماعی</p>	<p>- احترام به حقوق بشر و اصالت های بشری(۱۳۸۶/۵/۲۸)</p> <p>- عدالت اجتماعی در عین پیشرفت مادی همه جانبه در علم و تکنولوژی(۱۳۸۵/۸/۲۰)</p> <p>- تربیت نسل انقلابی و نخبه باسواد منضبط خردمند و متدین(۱۳۹۵/۷/۲۸)</p> <p>- تربیت نسل جدید کارآمد و مقتدر در آموزش و پرورش(۱۳۹۸/۲/۱۱)</p> <p>- اصل جذب رضایت و حمایت مردم(۱۴۰۲/۱۰/۲۶)</p>	<p>اجتماعی</p>	
<p>تمدن ایرانی اسلامی</p> <p>الگوی اسلامی ایرانی</p> <p>پیشرفت نسل جوان کارآمد</p>	<p>- دانشگاه تمدن ساز ضد تحجر(۱۳۷۶/۶/۱۹)</p> <p>- فرهنگ تعاون و همکاری افراد در محیط اقتدار سیاسی(۱۳۷۶/۲/۳)</p> <p>- طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت(۱۳۹۱/۱۲/۱۴)</p> <p>- استفاده از نسل جوان کشور به عنوان موتور محرک تحولات سیاسی و اجتماعی(۱۳۹۲/۹/۱۹)</p>	<p>فرهنگی</p>	



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

عنوان محوری	اقتصادی
عدالت محوری	- اصل عدالت و پیشرفت همه جانبه (۱۴۰۰/۱۱/۲۸)
اتحاد جهانی	- تلاش برای اتحاد جهانی و فرامرزی مسلمانان (۱۴۰۲/۲/۲۷)
مقاومت اسلامی	- ترویج اصل مقاومت در برابر نظام سلطه (۱۴۰۱/۲/۲۱)
اسلام سیاسی	- ارتقای توانمندی های سیاسی و نظامی در برابر نظام سلطه (۱۳۹۹/۱۰/۱۹)
توانمندی همه جانبه	- وحدت همه جانبه مسلمانان در برابر نظام سلطه (۱۳۹۸/۱۰/۲۷)
	- وحدت امت اسلامی (۱۳۹۸/۸/۲۴)
	- ظرفیت فرهنگی سیاسی اربعین برای ساخت تمدن نوین اسلامی (۱۳۹۸/۶/۲۷)
	- احیای تفکر اسلام سیاسی (۱۳۹۴/۴/۲۰)

۴- شناسایی الگوی حکمرانی مطلوب توسعه محور در تمدن نوین اسلامی با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری

با بررسی بیانات مقام معظم رهبری در مورد تمدن نوین اسلامی، میتوان هر بخش از این شاخص ها را در برآیندهای مختلفی مورد ترکیب و جمع بندی قرار داد. پس از بررسی یازده شاخص سیاسی، می توان الگوهایی مانند آزادی بیان معقول، مردم سالاری دینی، حکمرانی اسلامی، بصیرت سیاسی، رعایت حقوق سیاسی برابر اقوام، استقلال و عزت ملی را مورد شناسایی قرار داد. در بررسی پنج شاخص اجتماعی نیز الگوهایی مانند حقوق بشر اسلامی، گسترش عدالت اجتماعی، کارآمدی نسل جوان، تعمیق سرمایه اجتماعی قابل حصول است. در چهار شاخص فرهنگی نیز الگوهای سه گانه تمدن ایرانی- اسلامی، الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و نسل جوان کارآمد شناسایی شدند. با تحلیل سخنرانی های ایشان در شاخص اقتصادی، بحث عدالت محوری به عنوان هسته اصلی حکمرانی مطلوب توسعه محور در تمدن نوین اسلامی مورد ارزیابی قرار گرفت و در شاخص های هفت گانه جهانی نیز موارد مانند حرکت به سمت اتحاد جهانی مسلمانان، مقاومت اسلامی، اسلام سیاسی و توانمندی همه جانبه به عنوان پیشران های حکمرانی مطلوب توسعه محور در تمدن نوین اسلامی شناسایی گردید.

برای رسیدن به الگویی واحد از نظام فکری مقام معظم رهبری در زمینه حکمرانی مطلوب توسعه محور در تمدن نوین اسلامی، نیازمند فراترکیب الگوهای شناسایی شده در یک گزاره نهایی هستیم که بتواند به عنوان مرکز ثقل بحث حکمرانی مطلوب، زمینه های نقش آفرینی ایران اسلامی در الگوسازی برای تمدن نوین اسلامی را نیز مهیا نماید. با فراترکیب این شاخص ها می توان الگوی «استقلال ملی و توانمندی جهانی برای الگوسازی تمدن نوین اسلامی» را به عنوان کارآمدترین و بهترین فراترکیب حاصل از شاخص های مطرح شده شناسایی کرد. در شکل زیر تلاش می شود روند دستیابی به این الگو از طریق فراترکیب بیان کرد:

جدول شماره ۳: شناسایی الگوی حکمرانی مطلوب توسعه محور در تمدن نوین اسلامی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری

فرا ترکیب	ترکیب	الگوها	بستر	
استقلال ملی و توانمندی جهانی برای الگوسازی تمدن نوین اسلامی	استقلال ملی	آزادی بیان معقول / مردم سالاری دینی / حکمرانی اسلامی / بصیرت سیاسی / رعایت حقوق سیاسی برابر اقوام / استقلال و عزت ملی	سیاسی	شناسایی الگوی حکمرانی مطلوب توسعه محور در تمدن نوین اسلامی با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری
	عدالت اجتماعی	حقوق بشر اسلامی / گسترش عدالت اجتماعی / کارآمدی نسل جوان / تعمیق سرمایه اجتماعی	اجتماعی	
	تمدن اسلامی	تمدن ایرانی اسلامی / الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت / نسل جوان کارآمد	فرهنگی	
		عدالت محوری	اقتصادی	
	اتحاد و توانمندی	اتحاد جهانی / مقاومت اسلامی / اسلام سیاسی / توانمندی همه جانبه	جهانی	

5- محورها و کارکردهای اصلی الگوی استقلال ملی و توانمندی جهانی برای تشکیل تمدن نوین اسلامی

با بررسی بیانات مقام معظم رهبری در زمینه‌ی تمدن نوین اسلامی و نیز با نگاهی به بایسته‌های حکمرانی اسلامی، می‌توان محورهای اساسی تشکیل دهنده «الگوی استقلال ملی و توانمندی جهانی برای تشکیل تمدن نوین اسلامی» را شامل موارد زیر دانست:

الف) توانمندسازی نظام حکمرانی برای تداوم مسیر استقلال و پیشرفت همه جانبه با توجه به ساخت درونی قدرت

ب) تعمیق بصیرت سیاسی در بین شهروندان و امت‌های مسلمان برای تقویت اتحاد در مقابل جبهه استکبار

ج) باور به قابلیت و توان پیشرفت اسلامی و ایرانی بدون وابستگی به قدرت‌های بزرگ و استعمارگر

د) توجه به رشد متوازن در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با اتخاذ الگوی بومی توسعه‌محور

ه) توجه به آموزه‌های قرآنی به عنوان دکترین رفتار سیاسی مسلمانان حکمرانی مطلوب و تمدن نوین اسلامی

و) مشارکت شهروندان در فرآیند رشد کشور و مسئولیت‌پذیری آنها در عین توجه به اصل شهروندی جهان‌وطنی

این الگو می‌تواند کارکردهای زیر را نیز به عنوان مهمترین نیازمندی‌های تحقق تمدن نوین اسلامی با محوریت حکمرانی مطلوب توسعه محور در جوامع اسلامی به همراه داشته باشد:



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

- الف) تضمین ماندگاری انقلاب اسلامی به عنوان مدل پیشرفته حکمرانی در میان کشورهای مسلمان جهان
- ب) کمک به ترمیم شکاف‌های سیاسی و اقتصادی موجود در ایران و سایر کشورهای اسلامی
- ج) بالابری ضریب سرمایه اجتماعی نظام حاکم با رعایت حقوق شهروندی و مردم‌سالاری دینی
- د) بازتولید قدرت تاثیرگذاری ایران در سطح منطقه و جهان به عنوان ام‌لقرای جهان اسلام
- ه) فراهم آوردن قابلیت تاثیرگذاری ایران بر روندهای منطقه‌ای و جهانی در تقابل با استکبار جهانی
- و) کارآمدسازی نظام حکمرانی برای خشونت‌زدایی، شفاف‌سازی و اثربخش‌سازی ساختارهای سیاسی

جمع بندی و نتیجه‌گیری

امروزه حکمرانی مطلوب یکی از مفاهیمی است که در ارزیابی عملکرد نظام‌های سیاسی بیشتر مورد توجه و کنکاش قرار می‌گیرد. این مفهوم در تلاش است تا با مشارکت دادن مردم و نهادهای مدنی در ارگان‌های تصمیم ساز، گام جدید را برای بهبود کیفیت توسعه در کشورها بردارد. در این مقاله تلاش گردید تا با شناسایی شاخص‌های حکمرانی مطلوب در طرح تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جهانی، الگوی حکمرانی مطلوب توسعه محور در طرح تمدن نوین اسلامی با روش فراترکیب ارائه گردد. به همین منظور پس از شناسایی ۲۸ شاخص در عرصه‌های پنج‌گانه مذکور، تعداد هجده برآیند ارائه گردید که با ترکیب آنها در چهار محور استقلال ملی، عدالت اجتماعی، تمدن اسلامی و اتحاد و توانمندی، فراترکیب «استقلال ملی و توانمندی جهانی برای الگوسازی تمدن نوین اسلامی» به عنوان بهترین و محوری‌ترین الگوی حکمرانی مطلوب توسعه محور در تمدن نوین اسلامی با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری مورد شناسایی قرار گرفت.

سپس هر کدام از محورها و کارکردهای اصلی الگوی استقلال ملی و توانمندی جهانی برای تشکیل تمدن نوین اسلامی در شش بند ذکر گردید. بدیهی است تداوم مسیر ایران برای تاثیر گذاری بر کشورهای اسلامی و راهبری آن در منطقه و جهان، نیازمند توجه به محورهای مذکور و تلاش برای ارتقای سطح کمی و کیفی آنها می باشد. در صورت تحقق چنین روندی، کارکردهای این الگو نیز بهبود یافته و علاوه بر ساخت درونی قدرت، حکمرانی مطلوب توسعه محور برای تمدن نوین اسلامی به همگان معرفی خواهد شد.

شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، بزرگترین آرمان نظام جمهوری اسلامی است. آرمانها، یکی مسئله‌ی تشکیل جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی است؛ یعنی احیای تفکر اسلام سیاسی؛ یک‌عده‌ای از قرن‌ها پیش، سعی کردند اسلام را از زندگی، از سیاست، از مدیریت جامعه هرچه می‌توانند دور کنند و منحصرش کنند به مسائل شخصی؛ مسائل شخصی را هم یواش یواش محدود کنند به مسائل قبرستان و قبر و مجلس عقد و از این حرف‌ها؛ نه، اسلام آمده است که "أَلَا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ" فقط هم اسلام نیست؛ همه‌ی پیغمبران



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

همین‌جورند. ادیان الهی آمده‌اند برای اینکه در جامعه پیاده بشوند، در جامعه تحقق واقعی پیدا کنند؛ این باید اتفاق بیفتد. یکی از مهم‌ترین آرمانها این است (امام خامنه ای، ۱۳۹۴، سخنرانی).

منابع

۱. تودارو، مایکل (۱۳۶۶)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: نشر کوهسار. ص: ۱۳۶.
۲. خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۹۴/۰۴/۲۰)، «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان»،
www.farsi.khamenei.ir
۳. خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۹۱/۰۷/۲۳)، دیدار با جوانان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۴. سهل آبادی، ابوالقاسم خسرو؛ امینی، سیدجواد (۱۳۹۸)، نگرش کیفی به تمدن اسلامی در هزاره جدید، فصلنامه علمی مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی، سال نهم، شماره ۳۶، ۳۵۲-۳۲۵.
۵. عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۹۸)، ماهیت و شاخص های حکمرانی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی، دوفصلنامه پژوهش های سیاست اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان. ص: ۱۳۲.
۶. فرزانه، محمدباقر، خیاط علی، صفرپور، هادی (۱۳۹۷)، تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهش های اجتماعی اسلامی، سال ۲۴، شماره سوم، پاییز و زمستان. ص: ۱۸۱.
۷. گودرزی، غلامرضا (۱۳۹۶)، مدل سازی ویژگی های نیروی انسانی در راستای تحقق تمدن زمینه ساز، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، سال نهم، شماره ۲۴، ۵۳-۳۹.
۸. منصور، سمانه؛ صمدی، مجتبی (۱۳۹۹)، ترسیم نقش و جایگاه مفهوم سرمایه اجتماعی در شکل گیری تمدن نوین اسلامی، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، شماره ۲، ص: ۲۵۸-۲۲۱.
۹. هداوند، مهدی (۱۳۸۴)، حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر، نشریه حقوق اساسی، سال سوم، شماره چهارم، ص: ۴.
۱۰. هدایت فسندوز، علی؛ بیک زاد، جعفر؛ رضانی، مجتبی و نژاد ایرانی، فرهاد. (۱۴۰۱). واکاوی پیامدهای دانشگاه تمدن ساز. فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵، شماره (۲): ۱۲۷-۱۵۴.
11. Stowe, Keneth (1992), Good Piano Won't Play Bad Music: Administrative Reform and Good Governance, Public Administration, 70, pp. 387-394, p: 392
12. UN System Task Team (2012). Governance and development, Thematic Think Piece, UNDESA, UNDP, UNESCO, p: 3.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



13. Qadri, Allah Ditta (2020). The Tradition of Innovation in Islamic Civilization: An Exclusive Study of Early Ages of Islam. *Almilal Journal of Religion and Thought Pakistan*, Available at SSRN: <https://ssrn.com>.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



نقش حوزه و دانشگاه در تحقق تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری امام خامنه‌ای

اصغر رجبی ده برزویی^۱، محمد بیدگلی^۲

۱- استادیار گروه معارف، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول. asgharrajabi021@gmail.com

۲- استادیار گروه حقوق، واحد ورامین- پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران mohammad.bidgoli@yahoo.com

چکیده

تمدن‌ها همواره در مسیر اعتلای خود فراز و فرودهایی داشته‌اند و در رویارویی با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، می‌باید تلاش کنند از ایده‌ها، دستاوردها و هویت فرهنگی خود حفاظت نمایند. تمدن نوین اسلامی که اولین بار توسط مقام معظم رهبری تئوریزه گردیده، در واقع همان احیاء تمدن اسلامی است که با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران نگاه‌ها به آن معطوف گردیده است. در منظومه فکری مقام معظم رهبری، علم مهم‌ترین ابزار آبرو، پیشرفت و اقتدار کشور و حوزه و دانشگاه نیز مهم‌ترین تربیت‌کننده مدیران آینده کشور است. حال پرسش این است که نقش حوزه و دانشگاه در تحقق تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) چیست؟ در فرضیه بیان می‌شود که حوزه و دانشگاه در تحقق شاخصه‌های تمدن ساز نقش اساسی دارند. پژوهشگران در این مقاله با استفاده از روش اسنادی با اتکا به منابع مکتوب کتابخانه‌ای به واکاوی شاخص‌های تمدن اسلامی از دیدگاه تعالیم اسلام از جمله ایمان، اخلاق، علم، عدالت، عقل‌گرایی و مجاهدت پرداخته و نتایج این تحقیق حاکی از آن است که حوزه و دانشگاه در تحقق شاخص‌های تمدن نوین اسلامی از جمله خدامحوری، علم‌آموزی و خردگرایی، خلاقیت، پیوند علم و عمل، کرسی‌های آزاداندیشی و کسب مرجعیت علمی از دیدگاه مقام معظم رهبری تأثیر گذارند.

واژگان کلیدی: امام خامنه‌ای، تمدن نوین اسلامی، حوزه و دانشگاه، کرسی‌های آزاداندیشی، کسب مرجعیت علمی

-مقدمه

حوزه و دانشگاه در جامعه اسلامی ما از جایگاهی بس والا و مهم برخوردار است. دوره جدید شکوفایی حوزه‌ها در ایران با هجرت آیت الله شیخ عبدالکریم حائری از نجف به قم آغاز می‌شود و سپس با زعامت و مرجعیت آیت الله العظمی بروجردی رونق بیشتری یافته به طوری که توجه بسیاری را به سمت خود جلب می‌کند (علم الهدی، ۱۳۹۳: ۱۵). تمدن اسلامی که در طول تاریخ، فراز و فرودهایی داشته و با بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان دوباره مورد توجه مسئولان قرار گرفته است، در سخنرانی‌های مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی)، جایگاه ویژه‌ای دارد. موضوع نقش اجتماعی و سیاسی روحانیون و نقش‌آفرینی این قشر در عرصه مسائل جامعه یکی از نقاط مورد بحث و چالش‌برانگیز ایران بوده است. امروزه نقش حوزه و دانشگاه در پیشبرد اهداف عالی انقلاب چنان اهمیت یافته است که بدون توجه بدانها این روند به هدف نخواهد رسید. حضور روحانیون و دانشگاهیان در عرصه‌های مختلف جامعه از جمله مجلس شورای اسلامی، نهاد دولت، راس هرم قدرت در شکل‌ها و اجتماعات بسیار اهمیت دارد. لذا ضرورت نقش



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

حوزه و دانشگاه در تحقق تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری امام خامنه ای مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت. در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، علم مهمترین ابزار آبرو، پیشرفت و اقتدار کشور و حوزه و دانشگاه نیز مهمترین تربیت کننده مدیران آینده کشور است؛ مقام معظم رهبری معتقدند که این علم است که نیازهای کشور و نقاط کور بخش های مختلف از جمله صنعت را برطرف می کند و این همان نقطه ثقل ارتباط علم، دانشگاه و صنعت در منظومه فکری رهبر انقلاب است. هر چند که ایشان بر تدوین نظام نوآوری تأکید کردند ولی هنوز جای این نظام خالی است و هنوز سندی برای آن تدوین نشده است.

حال پرسش این است که نقش حوزه و دانشگاه در تحقق تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری امام خامنه ای (مدظله العالی) چیست؟ در فرضیه بیان می شود که حوزه و دانشگاه در تحقق شاخصه های تمدن ساز نقش اساسی دارند. پژوهشگران در این مقاله با استفاده از روش اسنادی با اتکا به منابع مکتوب کتابخانه ای به واکاوی شاخص های تمدن اسلامی از دیدگاه تعالیم اسلام از جمله ایمان، اخلاق، علم، عدالت، عقل گرایی و مجاهدت پرداخته و نتایج این تحقیق حاکی از آن است که حوزه و دانشگاه در تحقق شاخص های تمدن نوین اسلامی از جمله خدامحوری، علم آموزی و خردگرایی، خلاقیت، پیوند علم و عمل، کرسی های آزاداندیشی و کسب مرجعیت علمی از دیدگاه مقام معظم رهبری تاثیرگذارند.

۲- پیشینه پژوهش

در خصوص نقش حوزه و دانشگاه در تحقق تمدن نوین اسلامی هم از جهت نظری و هم تحقیقاتی، پیشینه ای چندان قوی وجود ندارد؛ به ویژه در در منظومه فکری امام خامنه ای (مدظله العالی) که معدودی مقاله، همه داشته های ما در این حوزه را شامل می شود. در خصوص نقش حوزه و دانشگاه پژوهش هایی توسط اندیشمندان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه صورت گرفته است که در ذیل به برخی از آنها که در برخی جنبه ها به این پژوهش نزدیک تر بودند اشاره شده است:

-مقاله واکاوی شاخصه های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله) نوشته آقایان اکبری و رضایی به روش توصیفی - تحلیلی، در سال ۱۳۹۴ انجام پذیرفته که یافته های آن از دیدگاه مقام معظم رهبری گسترش و ترقی تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته جمعی نیاز دارد که در سایه اخلاق، کار و تلاش، ایمان به خدا، عقلانیت، توانایی علمی، اقتصاد شکوفا، برخورداری از رسانه های قوی و روابط بین الملل به وجود می آید.

-مقاله نقش حوزه انقلابی در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای (زید عزه) نوشته آقای غلامرضا ضابط پور کاری به روش توصیفی - تحلیلی در سال ۱۳۹۶ انجام گردیده که یافته های پژوهش نشان می دهد که ایجاد تمدن نوین اسلامی و در نتیجه استحاله فرهنگ مادی غرب درون تمدن اسلامی در گرو حل رابطه بین اسلامیت و تمدن، جامعه و دولت اسلامی است که بی تردید این مسئله از طریق حوزه های علمیه و به شرط انقلابی ماندن حوزه و حکومت حل خواهد شد.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

-مقاله الگوی نقش آفرینی حوزه و دانشگاه در تمدن سازی مبتنی بر منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی نوشته آقای حامد نجاران طوسی با روش تحلیل مضمون در سال ۱۴۰۱ انجام پذیرفته که یافته های آن اشاره دارد که با استخراج ۱۷۳۶ مضمون اولیه، الگویی مشتمل بر ابعاد، مؤلفه ها و شاخص های نقش آفرینی نهاد علم در تحقق تمدن نوین اسلامی تدوین گردید. این الگو دو بُعد اساسی «پرورش انسان» و «توسعه حکمت» دارد. «پرورش انسان» ۴ مؤلفه «الزامات کلی»، «تربیت فکری و اعتقادی»، «تربیت فرهنگی و اخلاقی» و «تربیت علمی و مهارتی» داشته و «توسعه حکمت» شامل ۴ مؤلفه «الزامات کلی»، «تولید فکر»، «تولید علم» و «فناوری و نوآوری» است.

-مقاله جایگاه حوزه های علمیه و دانشگاه ها در تولید تمدن اسلامی نوشته آقای سید محمد عابدی با روش توصیفی-تحلیلی در سال ۱۳۹۵ انجام پذیرفته که یافته های تحقیق حاکی از آن است که با تشریح ابعاد تمدن اسلامی چگونگی تاثیر حوزه های علمیه و دانشگاه ها بر آن را کشف نموده و نمونه هایی از آن را در طول تاریخ سراغ بگیرد. برای این منظور، نقش حوزه های علمیه و دانشگاه ها در سه نظام اساسی تمدنی یعنی نظام فرهنگی، نظام سیاسی و نظام اقتصادی مورد گفتگو قرار خواهد گرفت و علاوه بر تحلیل چگونگی ارتباط، نمونه هایی برای وجود ارتباط وثیق بین حوزه و دانشگاه و تولید تمدن اسلامی ارائه خواهد شد.

-مقاله نقش دانشگاه اسلامی - ایرانی در تولید علم دینی نوشته آقای مهدی ایمانی و صدرالدین شریعتی به روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک در سال ۱۳۹۰ انجام گردیده که یافته های مقاله نشان می دهد که ما دانشگاه را به عنوان مظهر و نماد علم مدرن وارد کشور کرده و در بستری آن را کشت کرده ایم که هیچ گاه به ثمر نخواهد نشست؛ زیرا تناسبی با هویت و فرهنگ و تاریخ ما ندارد. در واقع؛ دانشگاه های ما عقب های در جامعه ندارند و برای تولید علم دینی با مشکل مواجهند. از طریق دانشگاه اسلامی - ایرانی میتوان به تولید علم دینی رسید و از آن طریق، باعث پیشرفت جامعه ایرانی - اسلامی شد.

-مقاله آینده پژوهی انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین دینی با تاکید بر اندیشه آیت الله خامنه ای نوشته آقایان شاکری زوردهی و مولوی وردجانی به روش توصیفی تحلیلی، در سال ۱۳۹۷ انجام پذیرفته که یافته های آن چشم انداز و منتها الیه انقلاب اسلامی پس از گذشت چهار دهه از حیات خود، تمدن نوین اسلامی را ترسیم ساخته است؛ چراکه به جهت برخورداری از ماهیت دینی، ظرفیت های تمدنی، بینش مردمی، وجود شخصیت های سیاسی مذهبی راهبر، گام های موثری در مسیر تمدن سازی نوین متناسب با ساخت و بافت ذهنی و عینی اسلام و ایران برداشته شده و چشم انداز آینده آن هموار شده است.

نقش حوزه و دانشگاه در تحقق تمدن نوین اسلامی با چالش ها و مشکلاتی همراه بوده است که به بررسی های زیادی در این زمینه نیاز دارد. همان طور که در جدول فوق دیده می شود پژوهش هایی در خصوص نقش حوزه و دانشگاه در تاریخ معاصر ایران توسط پژوهشگران مختلف صورت گرفته است، اما مقاله پیش رو به نقش حوزه و دانشگاه در تحقق تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

امام خامنه ای (مدظله العالی) می پردازد. با تلاش صورت گرفته و تحلیل متون سخنان مقام معظم رهبری در چارچوب نظری یاد شده، نقش حوزه و دانشگاه در تحقق تمدن نوین اسلامی استخراج شده است که در قسمت یافته ها ذکر می گردد.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر به نقش حوزه و دانشگاه در تحقق تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری امام خامنه ای (مدظله العالی). برای جمع آوری اطلاعات، روش اسنادی و مبتنی بر تفسیر متن مورد استفاده قرار گرفته است. روش های اسنادی در زمره روش ها یا سنجه های غیرمزاحم و غیرواکنشی به شمار می آید. مراجعه به اسناد و مدارک در پژوهش های تاریخی یا بررسی هایی انجام می شود که موضوع آنها، مطالعه پژوهش های پیشین درباره پدیده های موجود است یا پژوهش هایی که موضوع آنها این مراجعه را ایجاب می کند (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۲۵۴). در این روش دو مرحله گردآوری و سپس تحلیل، تبیین و داوری، قابل تصور است. دستاوردهای این پژوهش از نوع کاربردی است.

۴- تمدن اسلامی

واژه civilization معادل تمدن یا حضاره است. این واژه در زبان انگلیسی از لغت لاتینی civis به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت مورد استفاده قرار گرفته است که دستاورد شهرنشینی است یا برای پیشرفت و ترقی افراد و جمعیت هایی که در شهرها زندگی می کنند (سپهری، ۱۳۸۵: ۳۵). به تعبیر دیگر تمدن در عربی از «مدن» اخذ شده است که معنای آن اقامت کردن است و در تعریف اجتماعی، همان شهرنشینی است (ولایتی، ۱۳۸۴: ۳۳/۱).

در تعریف اصطلاحی تمدن می توان به نظر مرحوم علامه جعفری اشاره داشت که تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان های یک جامعه که تصادمها و تزاخم های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آنها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعداد های سازنده آنها باشد (جعفری، ۱۳۷۳: ۶/۲۳۳). لوکاس، فرهنگ و تمدن را یکی دانسته، ولی دامنه و زمان فرهنگ را محدودتر از تمدن تلقی کرده است. فرهنگ و تمدن، راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان است (لوکاس، ۱۳۸۴: ۲۰/۱). در اندیشه امام (ره) مفهوم تمدن در قالب تعریف مشخص و ثابتی ارائه نشده است و معانی مختلفی از آن برداشت می شود. ایشان تمدن را از فرهنگ متمایز کردند و آنها را جداگانه به کار بردند که نشان می دهد معنای متفاوتی را از این دو مفهوم مورد توجه داشته اند: فرهنگ یک ملت در رأس تمدن واقع شده، فرهنگ باید فرهنگی موافق با تمدن باشد. ایشان پیشرفت های صنعتی و اقتصادی در قالب آبادانی و تأسیس نهادها و ساخت ابزارهای جدید را مصادیق تمدن می دانند (فوزی و صنم زاده، ۱۳۹۱: ۲۲). تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه های آن بر محور اسلام می گردد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی های تمدن الهی در چهارچوب آموزه های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی،



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

۱۳۸۸: ۵۲-۵۱). به اعتقاد زرین کوب جامعه اسلامی جامعه‌ای بود متجانس که مرکز آن قرآن بود (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۲۹). به نظر می‌رسد تمدن اسلامی می‌تواند بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه باشد که ابعاد وجودی فرد و جامعه دینی را پوشش می‌دهد.

۵- زمینه‌های پیدایش تمدن اسلامی

برآیند گسترش دین اسلام در سرزمین‌های وسیع و به تبع آن، ایجاد بستری نو و حضور متفکرانی که در این چهارچوب فرصت اندیشه و بازاندیشی یافتند، تمدنی درخشان بود که البته به ناحیه خاصی تعلق نداشت و تنها نام فرهنگ و تمدن اسلامی برآزنده آن بود. همه تمدن‌های تحت حوزه نفوذ اسلام، بخش برجسته فرهنگی خود را به حوزه اسلام آوردند و کار ویژه دین اسلام این بود که امکان سازش و همکاری میان این فرهنگ‌های متفاوت و گاه متناقض را با آموزه‌های خود فراهم کرد و از تفاوت‌ها فرصت ساخت که می‌توان زمینه‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی را به صورت ذیل برشمرد:

الف- جایگاه دانش و فراگیری علم، که در منابع اسلامی سفارش‌های اکیدی نسبت به آن شده است. در قرآن و روایات اسلامی سفارش اکیدی نسبت به فراگیری علم و تعلیم آن شده است که اگر این اندازه اولیای اسلام بر فضیلت دانش و دانش‌اندوزی تأکید نکرده بودند هرگز تمدن اسلامی به این پایه از عظمت نمی‌رسید. قرآن کریم در آیه ۱۱ سوره مجادله این آیه شریفه بر اهمیت علم، برتری علما و رفعت مقام آنان تصریح نموده و فرموده است: *يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ*؛ خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد.

ب- انتقال علوم و جذب دانشمندان از یونان که بیشترین علوم، غیر مستقیم و بصورت ترجمه به دست مسلمانان رسید. منبع اصول عقلی که به جهان اسلام راه یافت، یونان و محفل علمی آن بود. مورخ انگلیسی رنان مولف اثر معروف و مستند تاریخ علم کمبریج در این خصوص می‌گوید: فاتحان مسلمان علاوه بر چیزهای دیگر، علم یونانیان را از شهرهای هلنی (فتوحات مسلمین در منطقه مدیترانه) و فرهنگ ایرانیان از شهرهای ساسانی به ارث بردند (رنان، ۱۳۷۱: ۲۸۲).

ج- نهضت ترجمه، که پس از فتوحات مسلمانان و فراغت از تدوین علوم اسلامی شکل گرفت، در واقع توجه به علوم و صنایعی بود که عمدتاً در اختیار تمدن‌های غیر مسلمان قرار داشت. آنچه بیش از همه در فراهم آوردن شرایط این حرکت اهمیت داشت، فتوحات مسلمانان و به ویژه استیلای آنان بر سراسر قلمرو ساسانیان و بخش‌هایی از امپراطوری روم شرقی بود. البته نهضت علمی در زمان مامون و دیگر خلفاء علم‌گرایی در حقیقت یک نهضت طبیعی خودجوش نبود بلکه یک نهضت ترجمه بود. دارالحکمه نیز یک دانشگاه نبود بلکه بیشتر یک دارالترجمه بزرگ بود (زیباکلام، ۱۳۷۸: ۲۲۴).

د- تاسیس مراکز علمی مانند بیت‌الحکمه، نظامیه‌ها، و... یکی دیگر از عوامل شکل‌گیری تمدن اسلامی می‌باشد. با استقرار نظام نوپدید اسلامی و تکامل درونی این اجتماع، به تدریج نهادهای آموزشی به وجود آمد که نقش برجسته‌ای در پرورش و گسترش



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

علوم و فنون داشت. به طور کلی می توان گفت که مراکز آموزشی و علمی در قلمرو اسلامی بسیار متعدد و متنوع بوده اند. یکی از فراگیرترین مراکز آموزشی، مساجد است که در سراسر قلمرو اسلامی پراکنده شده بود. بیمارستان های جهان اسلام ضمن درمان بیماران، مراکز تحقیق و مطالعه پزشکان به شمار می آمدند و کتابخانه های تخصصی داشتند (رضوانی، ۱۳۶۸: ۶۸۹).

۶- تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری

رهبر معظم انقلاب با درایت خویش و با درک مقتضیات زمان، همواره ضرورت توجه به مسائل نوین را در رأس برنامه های خود قرار داده است. یکی از آن ها مسأله تمدن نوین اسلامی است که تحقق آن طبعاً ضرورت توجه به مسائل نوینی را می طلبد که اشاره می فرمایند: «راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟ راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیات که آن خصوصیات این ها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش گام، خودباور، غیور؛ -البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم، چنین نسلی لازم داریم و به تعبیر امیرالمؤمنین «أَعْرِ اللَّهَ جُمُوعَتَكَ، (خطبه، ۱۱) زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند؛ معنای انقلابی این است.»

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان علمی جوان ۱۳۹۵/۰۷/۲۸

«کشورهای اسلامی می توانند به یکدیگر کمک کنند، هم افزایی کنند، آنهایی که بالاترند در هر بخشی، دست آن کسانی را که پایین تر هستند بگیرند؛ این هم یک مرحله ای از وحدت است. مرحله بالاتر هم این است که همه دنیای اسلام متحد بشوند در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی. این چیزی است که جمهوری اسلامی هدف غایی قرار داده: رسیدن به تمدن اسلامی، منتها تمدن متناسب با این زمان، تمدن نوین اسلام.»

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی. ۲۴/۰۸/۱۳۹۸.

۷- شاخص های تمدن از دیدگاه تعالیم اسلامی

تمدن اسلامی که در طول تاریخ، فراز و فرودهای بسیار زیادی داشته است از این رو لازم است شاخصه های تمدن را از دیدگاه تعالیم اسلامی مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار می دهیم.

۱-۷-۱- ایمان

در مورد معنای ایمان گفته شده است: ایمان عبارت از جایگیر شدن اعتقاد در قلب و از امن گرفته شده، گویی مومن به آن چه بدان ایمان پیدا کرده، امنیت و مصونیت نمی دهد که در آن مورد دچار شک و تردید نمی شود، چرا که شک و تردید آفت اعتقاد است (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۷۲ / ۱). در روایاتی از رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله ایمان چنین شناسانده شده است: ایمان تصدیق با قلب، اقرار با زبان و عمل با اعضا و جوارح می باشد (مجلسی، ۱۳۶۹: ۶۶ / ۶۸).

۲-۷-۱- اخلاق



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

کلمه اخلاق جمع خُلق و به معنای نیرو و سرنوشت باطنی انسان است که تنها با دیده بصیرت و غیر ظاهر قابل درک است. در مقابل، خُلق به شکل و صورت محسوس و قابل درک با چشم ظاهر گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۱۵۹). علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد (طوسی، ۱۳۵۶: ۴۸).

۳-۷-علم و خردورزی

یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی، نیروی عقل و خردورزی انسان است که او را از میان سایر موجودات عالم متمایز می‌سازد. علم و خردورزی دارای ارزش ذاتی می‌باشد و در دین مبین اسلام به علم ارزش و بهای بالایی داده شده است. هدف قرآن کریم تشویق مردم به تحصیل علم و تعمیق در اعتقادات و تعهد آنها است تا ایمانی راسخ و استوار به دنبال داشته باشد. آنقدر دانش در اسلام ارزشمند است که امیرالمؤمنین علیه السلام میان آن و ثروت، به هفت دلیل علم و دانش را انتخاب می‌نماید. این همه مزیت و اعتبار، برای معرفتی است که هم رساننده و هم بازدارنده باشد و علمی باشد که از طریق صواب، بدست ما رسیده باشد. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز آمده است: «وقتی که عالم و عابد در روز قیامت بر صراط اجتماع کنند به عابد گویند به بهشت درآی و از عبادت خویش بهره‌مند شو و به عالم گویند که اینجا بمان و از هر کسی که می‌خواهی و دوست داری شفاعت نما زیرا هر که را تو شفاعت کنی پذیرفته خواهد شد، پس عالم در مقام پیامبران می‌ایستد و از دوستان و یاران خویش تا آنجا که می‌تواند شفاعت می‌نماید. زیرا در قیامت سه گروه شفاعت می‌کنند: پیامبران، دانشمندان و شهدا (پاینده، ۱۳۲۴: ۲۴/۱).

۴-۷-مجاهدت

جهاد یک قانون عمومی در عالم آفرینش است و همه موجودات جهان اعم از نباتات و حیوانات بوسیله جهاد مانع را از سر راه خود برمی‌دارند تا بتوانند به کمال مطلوب خود برسند و با عوامل نابودی خود مبارزه کنند. جهاد را تلاش توأم با رنج معنی می‌کنند. جهاد، مصدر است به معنی تلاش و نیز اسم است به معنی جنگ و جنگ را از آن جهت جهاد گویند که تلاش توأم با رنج است. خداوند در آیه ۲۵۱ سوره بقره به یک قانون کلی اشاره کرده و می‌فرماید: و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند سراسر زمین فاسد می‌شود.

۵-۷-عدالت

عدالت از مفاهیم بنیادینی بوده که همه ادیان الهی با هدف تحقق این اصل از سوی خدای متعال بواسطه انبیاء نازل گشته‌اند. مهمترین دغدغه پیام‌آوران الهی بعد از شناخت خدا و نزدیک کردن انسان به او، ایجاد و بسط عدالت بوده است. دین اسلام نیز به عنوان خاتم ادیان، تحقق عدالت را در سر لوحه اهداف خود قرار داده است. در آیه شریفه ۲۵ از سوره حدید می‌خوانیم: «لقد أرسلنا رُسُلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتابَ و المیزانَ ليقومَ الناسُ بالقسط» بر این اساس، فلسفه ارسال رسل، کتاب و میزان برای این است



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

که انسان‌ها در جامعه خود اقامه قسط و عدل کنند. بنابراین، در نظام اسلامی عدالت بر پایه قسط محور است. هدف غائی و اصلی حکومت عدالت می‌باشد. به عبارت دیگر، حکومت اصالتاً چیزی نیست که هدف باشد و ذاتاً محبوبیت و مطلوبیتی ندارد، بلکه حکمت و فلسفه آن اقامه قسط و عدل است.

۸- نقش حوزه و دانشگاه در تحقق تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

تمدن اسلامی که در طول تاریخ، فراز و فرودهایی داشته و با بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان دوباره مورد توجه مسئولان قرار گرفته است، در سخنرانی‌های مقام معظم رهبری، جایگاه ویژه‌ای دارد. از این رو لازم است شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه معظم‌له مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. مقام معظم رهبری در باب تمدن می‌فرمایند: «ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. البته اسلام بنمایه‌های یک چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است. بنمایه‌های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق، حقوق؛ اینها را اسلام در اختیار ما قرار داده است. اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت.»

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی ۲۳/۷/۱۳۹۱

حوزه و دانشگاه در همه ساحت‌های خود، چه ساحت آموزشی، چه ساحت پژوهشی و چه ساحت تبلیغی و چه سایر ساحت‌ها، در جامعه پردازی به عنوان مرحله اصلی تمدن‌سازی، نقش کلیدی دارد که به اهم آنها از دیدگاه مقام معظم رهبری اشاره می‌شود :

۱-۸- خدامحوری

برای آموختن و انجام آن می‌بایست نیت خوب داشته باشیم زیرا نیت و انگیزه تحصیل بیش از خود عمل اهمیت دارد و ماهیت هر عمل با توجه به نیتی که فرد در انجام آن داشته است مشخص می‌گردد: حسن فعلی یعنی خوب بودن کار و حسن فاعلی یعنی نیت خوب داشتن در انجام آن (صرفاً برای رضایت خداوند انجام گرفته باشد) نشانه اخلاص و نیت الهی داشتن به آن است که هر اندازه علم و دانش انسان افزایش می‌یابد، ذلت درونی او در برابر خودش و تواضعش در برابر مردم و خوف و خشیتش در برابر خداوند متعال افزایش می‌یابد. پیامبر اکرم در این خصوص می‌فرمایند: کسی که برای رضای الهی در پی کسب دانش باشد، هر بایی از دانش که برای او گشوده می‌شود، ذلت و خودکم بینی اش در برابر خودش، تواضعش در برابر مردم، ترسش در برابر خداوند و تلاشش در امور دینی افزایش می‌یابد. چنین شخصی از علمش بهره می‌برد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴).

مهم‌ترین شاخص جامعه و تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب، همان خدامحوری و ایمان به خالق انسان‌هاست که باید در همه سطوح جامعه اجرا شود و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر اساس آن شکل می‌گیرد. امام خامنه‌ای در این خصوص اشاره دارند که: «مقاومت جز در سایه ایمان بالله و اتکاء بالله و اعتماد به وعده الهی ممکن نیست؛ خدای متعال وعده



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

فرموده است، با تأکید فرموده است: وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ؛ با تأکید، وعده نصرت داده است؛ این وعده تحقق پیدا خواهد کرد. اگر چنانچه ما خودمان را اصلاح کنیم و این نسخه حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است.»
بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۰۴/۰۹/۱۳۹۷
۲-۸-علم آموزی و خردگرایی

به اعتقاد امام خامنه ای ارزش علم منوط به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هر گونه ارزشی است. زیرا علم بدون معنویت همان چیزی می شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است. تمدنی که با روش های پیچیده علمی توانست موفقیت های بزرگی به دست آورد. اما به لحاظ معنویت دچار عظیم ترین خسارت ها گردید. تأکید رهبر معظم انقلاب بر علم همراه با معنویت به این دلیل است که علم با خود قدرت می آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه انگیزی می شود. ایشان در این زمینه اشاره دارند که: «امروز به برکت اسلام، به برکت قرآن و به برکت الهامی که به پیغمبر ما شد - که اوج قله دانش ممکن برای یک انسان است، و به او وحی شد: «وقل رب زدنی علما و از او خواسته شد که علم را بیش از پیش از خدا طلب کند - امروز کشور ما در راه یک تحول بزرگ دارد حرکت می کند.»

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مسئولان و نخبگان استان همدان ۱۹/۰۴/۱۳۸۳
برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود. عقلانیت به معنای محافظه کاری، مسامحه و تساهل نیست. ایشان اعتقاد دارند که خرد خیلی مهم است. عقل گرایی در تصمیم گیری ها بسیار حائز اهمیت است. تصمیم، خردمندانانه و شجاعانه. «خردمندی را به معنای ترس و گریز و عقب نشینی نباید معنا کرد. خردمندی همراه با شجاعت. انبیاء خردمندترین انسانها بودند. در روایتی از پیغمبر اکرم است که: هیچ پیغمبری را خدا مبعوث نکرد، مگر آن وقتی که عقل او کامل شده باشد. اما همین پیغمبر، بیشترین جهاد را، بیشترین مبارزه را، بیشترین خطرپذیری را می کند؛ یعنی شجاعت با عقل مداری باید همراه باشد.»

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام. ۲۷/۰۵/۱۳۸۹

۳-۸-خلاقیت

برای پیشرفت در صنعت، اقتصاد، سیاست و همه علوم، نیازمند تفکری خلاق و نوآور هستیم، خلاقیتی که در ضمیر همه ما نهفته و در نحوه زندگی ما تأثیر دارد از این رو باید گفت تحولات سریع عصر کنونی ما، نیازمند حل مسائل و مشکلات به گونه ای خلاق است. هرچند علم، توسعه و پیشرفت نیاز اولیه بشر امروزی است، ولی باید گفت که علم به خودی خود، ضامن حل بسیاری از مسائل و مشکلات آینده ای که ما با آنها مواجه خواهیم شد نیست و تنها نیروی فوق العاده و قدرتمند خلاقیت است که می تواند مسائل و مشکلات را به طرز خارق العاده ای از سر راه بشر بردارد. امام خامنه ای در اهمیت خلاقیت می فرمایند: «من به همه جوانان



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

و همه کسانی که در راه علم حرکت می‌کنند، موکدا توصیه می‌کنم که رشته‌ی علم و تحقیق و نوآوری در دانش و زنده کردن روح ابتکار و خلاقیت و آفرینش درونی و حقیقی خود را رها نکنند.»

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه ۱۳۸۴/۰۲/۱۸

۴-۸-پیوند علم و عمل

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «هدف دانش باید محتوایی باشد که سلامت آفرین، درمان آفرین و حل کننده مسائل اساسی جامعه باشد. تحول در هدف هم یعنی اینکه دانشگاه بداند کجا می‌خواهد برود و با علمش می‌خواهد چه اتفاقی را رقم بزند. مقام معظم رهبری در این خصوص اشاره دارند که: علم مجرد و به تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنید به صنعت، و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه کشور.»

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۵/۰۱/۰۱

حضرت علی (ع) در خصوص کاربردی علم می‌فرماید:

إِنَّمَا زَهَدَ النَّاسُ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لِمَا يَرُونَ مِنْ قَلِهِ انْتِفَاعَ مَنْ عَمِلَ بِإِلَا عَمَلٍ. مردم به دنبال علمی که فایده‌ای در عمل از آن نبینند نمی‌روند. (دیلمی، ۱۴۰۹، ۱۵/۱).

عِلْمٌ بِإِلَا عَمَلٍ كَشَجَرٍ بِإِلَا ثَمَرٍ. علم بدون کاربرد مانند درختی است که میوه نداشته باشد. (الامدی، ۱۴۰۷، ۱۵۲) لذا علم برای زندگی است، ما می‌آموزیم تا روح از محدودیت‌ها خارج شود و به پهنه بی‌انتهای هستی متصل شود، انسان‌ها می‌خواهند به کمال برسند پس باید نیازها و نواقص خود را برطرف کنند.

۵-۸-کرسی‌های آزاداندیشی

ضرورت حاکم بر طرح و اجرای کرسی‌های آزاداندیشی از سوی مقام معظم رهبری در راستای سیاست‌های کلان کشور به عنوان جزئی از تلاش برای احیاء و نوسازی تمدن ایرانی اسلامی و به عنوان فرصت و امکانی به حساب می‌آید که در پرتو فضای مناسب طرح مباحث بنیادین علمی بیش از هر چیز به تحقق جنبش نرم‌افزاری، توسعه علمی و جلوگیری از تصلب و تعصب علمی و فکری منجر شود. همچنین تحقق این ایده همراه شدن با اقتضائات زمانه در زندگی اجتماعی و درک عمیق شرایط روز و ناشی از باور به خردمندی انسان، استعدادهای مهم و بسیار بالای مادی و معنوی کشور و ظرفیت‌های فرهنگی و سودمندی طرح دیدگاه‌های مختلف برای ایجاد رشد و تعالی مادی و معنوی کشور می‌باشد.

امام خامنه‌ای در این باب می‌فرماید: «خیلی از این حرف‌هایی که دوستان در اینجا گفتند، حرف‌هایی است که تکلیف آنها باید در خود جلسات دانشجویی و در بحث‌های آزاد دانشجویی معین بشود؛ که من یادداشت کردم، این کرسی‌های آزاد اندیشی که ما



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

مطرح کردیم که مستلزم بحث های آزاد دانشجویی در محیط دانشگاهها است، بسیاری از مسائلی را که در اینجا دوستان مطرح کردند، می تواند تعیین تکلیف کند، روشن کند؛ جهات مثبت و منفی هر مطلبی را در بحث های دانشجویی باید بتوانند به دست بیاورند.»
بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان ۱۳۹۳/۰۵/۰۱

۶-۸-کسب مرجعیت علمی

واژه مرجعیت علمی اولین بار توسط مقام معظم رهبری مطرح و موجب شکل گیری گفتمانی جدید در حوزه علم و دانش کشور گردید و امروز این واژه، به عنوانی رایج در گفتمان دانشگاهی و علمی کشور ورود پیدا کرده و به صورتی متواتر در اسناد بالادستی بدان اشاره شده است. در سال های اخیر بحث های خوبی در زمینه مرجعیت علمی در کشور صورت گرفته و تحلیل های قابل قبولی نیز منتشر شده است؛ ولی هنوز در مورد بعضی از اصول مانند تعریف دقیق، مبانی نظری و نقاط قوت و مزیت های واقعی کشور و زیرساخت تشکیلاتی و مدیریتی ضروری برای دستیابی به مرجعیت علمی، اجماع وجود ندارد. باید بپذیریم که شناخت برخی از مفاهیم مثل مرجعیت علمی کاری سهل و ممتنع است و آشکار نمودن جنبه های مختلف این واژه از پیچیدگی خاصی برخوردار است. برای اینگونه مفاهیم باید ابتدا دید چه مفاهیم دیگری زیر بنای آن را تشکیل می دهد و برای مفهوم مورد نظر تعریفی تحلیلی انجام دهیم.

امام خامنه ای در خصوص بحث مرجعیت علمی می فرمایند که: «البته اشتباه نشود؛ من کسی را به آنارشیزم علمی و به مهمل گویی علمی توصیه نمی کنم. در هر زمینه ای، کسانی که از دانشی برخوردار نیستند، اگر بخواهند به خیال خودشان نوآوری کنند، به مهمل گویی می افتند. ما در زمینه برخی از علوم انسانی و معارف دینی این را می بینیم. آدمهای ناوارد بدون این که از ذخیره و سواد کافی برخوردار باشند، وارد میدان می شوند و حرف می زنند و به خیال خودشان نوآوری می کنند؛ که در واقع نوآوری نیست، مهمل گویی است. بنابراین در زمینه مسائل علمی، من این را توصیه نمی کنم. باید فراگرفت؛ اما نباید صرفاً مصرف کننده فرآورده های علمی دیگران بود. باید علم را به معنای حقیقی کلمه تولید کرد. البته این کار، روشمندی و ضابطه لازم دارد. مهم این است که روح نوآوری علمی در محیط دانشگاه زنده شود و زنده بماند. خوشبختانه من این شوق و میل را در دانشجویان احساس کرده بودم و در اساتید هم آن را می بینم. اینها باید دست به دست هم بدهد و سطح علمی کشور را بالا ببرد. آن وقتی که علم با هدایت ایمان، عواطف صحیح و معرفت روشن بینانه و آگاهانه همراه شود، معجزه های بزرگی می کند و کشور ما می تواند در انتظار این معجزه ها بماند.»

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم مشترک دانش آموزان دانشگاه های افسری ارتش ۱۳۹۰/۰۹/۲۱

۹-نتیجه گیری :

انقلاب اسلامی ایران به رهبری بزرگترین مصلح و احیاگر دینی معاصر با اتکاء به تمدن غنی اسلامی موفق گردید این تمدن را که بر اثر دشمنی ها، غفلت ها و جهالت ها در ورطه و سراسیمگی سقوط و تحریف قرار گرفته بود نجات بخشیده و عزت و افتخاری



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

بزرگ برای اسلام و مسلمین به ارمغان آورد. مقام معظم رهبری به عنوان ادامه دهنده راه امام راحل و عظیم الشان، با تبیین این نکته که آنچه در غرب به عنوان تمدن شناخته می شود تنها جنبه ابزاری و سخت افزاری دارد که نتوانسته نیازهای حقیقی از جمله سعادت، امنیت و آرامش روانی، هدفمندی زندگی را برای جامعه غرب به همراه بیاورد، پس تمدن غرب نمی تواند تمدن مطلوب و آرمانی جامعه اسلامی باشد بلکه تمدن نوین اسلامی با بهره مندی از شیوه زندگی و نوع نگاه اسلامی و دینی به زندگی است که شکل خود را پیدا می کند. بدیهی است انقلاب اسلامی با پشتوانه قوی دینی و برخورداری از روحیه شهادت طلبی، ایستادگی در برابر ظلم و نجات از سلطه استعماری ظالمان و دست نشاندهگان آنان را مهمترین هدف خود قرار داد و موفق گردید تأثیرات عمیقی در بیداری مسلمانان تحت سلطه جهان برجای گذارد و بر اهمیت نقش دین در میان توده های اجتماعی و پیشبرد اهداف آنان تأکید ورزد. شاخص های تمدن اسلامی از دیدگاه تعالیم اسلام از جمله ایمان، اخلاق، علم، عدالت، عقل گرایی و مجاهدت می باشد.

نتایج این تحقیق حاکی از آن است که حوزه و دانشگاه در تحقق شاخص های تمدن نوین اسلامی از جمله خدامحوری، علم آموزی و خردگرایی، خلاقیت، پیوند علم و عمل، کرسی های آزاداندیشی و کسب مرجعیت علمی از دیدگاه مقام معظم رهبری تأثیرگذارند. منابع و مأخذ:

-قرآن کریم

-نهج البلاغه

-الامدی، عبدالواحد (۱۴۰۷)، غررالحکم و دررالکلم، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات

-بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان ۱۳۹۳/۰۵/۰۱

-بیانات مقام معظم رهبری در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۵/۰۱/۰۱

-بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه های افسری ۱۳۹۹/۰۷/۲۱

-بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه ۱۳۸۴/۰۲/۱۸

-بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام. ۱۳۸۹/۰۵/۲۷

-بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مسئولان و نخبگان استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۹

-بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان علمی جوان ۱۳۹۵/۰۷/۲۸

-بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

-بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۸/۰۱/۱۴

-بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی. ۱۳۹۸/۰۸/۲۴

-بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۷/۰۹/۰۴



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۲۴)، ترجمه نهج الفصاحه، نشر دنیای دانش
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف.
- جعفری، علامه محمدتقی (۱۳۷۳)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، جلد ۶. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۹)، ارشاد القلوب، قم: نشر شریف رضی
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶)، المفردات الفاظ القرآن، بیروت: نشر دارالقلم
- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۶)، اسلام شناسی و پاسخ به شبهات، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم
- زرنان، کالین (۱۳۷۱)، تاریخ علم کمبریج، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۴)، کارنامه اسلام، چاپ نهم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۸)، ما چگونه ما شدیم، تهران: انتشارات روزنه
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی (اصول و مبانی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- سپهری، محمد (۱۳۸۵)، تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران: نورالثقلین.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۵۶)، اخلاق ناصری، تهران: کتاب فروشی اسلامیه
- علم الهدی، منصور (۱۳۹۳)، درآمدی بر شناخت حوزه و روحانیت، مؤسسه امام خمینی (ره)، چاپ اول
- فوزی، یحیی و صنم زاده، محمود رضا (۱۳۹۱)، «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، سال سوم، شماره ۹
- لوکاس، هنری (۱۳۸۴)، تاریخ تمدن، جلد ۱، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، چاپ ششم، تهران: سخن
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶)، بحار الانوار، چاپ چهارم، نشر اسلامیه
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: وزارت امور خارجه



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

هوش مصنوعی و تمدن سازی اسلامی: چالش‌ها و فرصت‌های نوظهور

معصومه دانیالی^۱

۱. کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر، اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی، اراک، ایران، نویسنده اول، m_daniali36@yahoo.com

چکیده

هوش مصنوعی به‌عنوان یکی از فناوری‌های نوین، تأثیرات چشمگیری بر جوامع و تمدن‌ها داشته است. این پژوهش به بررسی نقش و تأثیرات هوش مصنوعی در تمدن سازی اسلامی پرداخته و هم‌زمان فرصت‌ها و چالش‌های نوظهور آن را شناسایی کرده است. فرصت‌های هوش مصنوعی در زمینه‌های آموزش، قضائی، مدیریت منابع و احیای میراث فرهنگی اسلامی شامل بهبود کارایی، افزایش دسترسی به منابع و توسعه مهارت‌های شناختی است. با این حال، چالش‌هایی همچون مسائل اخلاقی، عدم انطباق با اصول اسلامی، تأثیرات فرهنگی و تهدیدات امنیتی نیز به همراه این فناوری مطرح شده است این چالش‌ها می‌توانند مانع از پذیرش گسترده هوش مصنوعی در جوامع اسلامی شوند. در این مقاله، با تأکید بر ضرورت تدوین چارچوب‌های اخلاقی و دینی، به لزوم مدیریت مناسب این چالش‌ها پرداخته شده است. همچنین پیشنهاداتی برای توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، آموزش و فرهنگ‌سازی و ایجاد مقررات امنیتی ارائه شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هوش مصنوعی، در صورت همخوانی با ارزش‌های اسلامی و مدیریت چالش‌های مربوطه، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای تقویت تمدن اسلامی و توسعه پایدار به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، تمدن اسلامی، فناوری، دین، توسعه

۱. مقدمه

در طول تاریخ، فناوری و دانش همواره نقش اساسی در پیشرفت تمدن‌ها ایفا کرده‌اند. تمدن اسلامی نیز با بهره‌گیری از این دو مولفه در دوره‌های مختلف توانسته است به دستاوردهای چشمگیری در زمینه‌های مختلف دست یابد. امروزه، هوش مصنوعی (AI) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و پیشرفته‌ترین فناوری‌های عصر حاضر، تأثیرات گسترده‌ای بر جوامع و تمدن‌ها گذاشته است. هوش مصنوعی به‌عنوان شاخه‌ای از فناوری اطلاعات، شامل سیستم‌ها و الگوریتم‌هایی است که توانایی شبیه‌سازی هوش انسانی را در زمینه‌هایی مانند پردازش داده‌ها، یادگیری، تصمیم‌گیری و حل مسئله دارند. این فناوری نه تنها در حوزه‌های علمی و فنی، بلکه در ابعاد اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی نیز نفوذ کرده است و تحولات گسترده‌ای را به دنبال داشته است (۲۰).

^[1] Artificial Intelligence



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

تمدن اسلامی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین تمدن‌های بشری، بر پایه آموزه‌های دین اسلام شکل گرفته و تأثیرات گسترده‌ای در ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها داشته است. این تمدن با تلفیق معنویت و مادیات، توانسته است توازن بی‌نظیری میان معنویت و دنیا برقرار کند، به طوری که نه تنها جنبه‌های مادی زندگی انسان را بهبود بخشیده، بلکه بر ارتقای معنویت و رشد اخلاقی نیز تأکید داشته است. تمدن اسلامی در دوره‌های مختلف تاریخی در حیطه‌های علمی، فنی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به اوج شکوفایی رسیده و به عدالت، برابری و هم زیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام و ادیان مختلف دست یافته است (۶).

با توجه به قابلیت‌های گسترده هوش مصنوعی در پردازش اطلاعات و خودکارسازی، این فناوری می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای توسعه و بهبود حوزه‌های مختلف تمدن اسلامی مانند آموزش، حقوق اسلامی و مدیریت منابع به کار گرفته شود. با این حال، به کارگیری هوش مصنوعی با چالش‌هایی مانند چالش‌های اخلاقی، دینی و فرهنگی همراه است که نیازمند بررسی دقیق و تدوین راهکارهای مناسب است (۱۲،۲۳).

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. ابتدا به منظور جمع‌آوری داده‌ها، از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده و منابع علمی معتبر شامل کتاب‌ها، مقالات پژوهشی و گزارش‌های علمی مرتبط با کاربرد هوش مصنوعی و تمدن اسلامی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پس از گردآوری اطلاعات، تحلیل محتوا به عنوان روش اصلی تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. در این تحلیل، تأثیرات مثبت و منفی هوش مصنوعی بر تمدن اسلامی، به ویژه در زمینه‌های آموزش، قضائی، مدیریت منابع و فرهنگ شناسایی و دسته‌بندی شده‌اند. در ادامه، فرصت‌ها و چالش‌های استفاده از هوش مصنوعی بررسی و مورد ارزیابی قرار گرفتند. برای مقابله با چالش‌های مطرح شده، راهکارهایی بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی ارائه شدند که می‌تواند به بهره‌برداری مؤثر از این فناوری کمک کنند. پژوهش حاضر با تأکید بر تحلیل مفهومی و استدلال نظری به بررسی دقیق و جامع فرصت‌ها و چالش‌های هوش مصنوعی در تمدن‌سازی اسلامی پرداخته است.

۲. پیشینه پژوهش

تحولات هوش مصنوعی (AI) در سال‌های اخیر تأثیرات عمیقی بر جوامع و تمدن‌ها داشته است. هوش مصنوعی به عنوان یکی از فناوری‌های کلیدی، فرصت‌ها و چالش‌های زیادی در تمدن‌سازی اسلامی ایجاد کرده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی می‌تواند در راستای توسعه و بهبود ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و دینی مسلمانان به کار گرفته شود، اما با موانع اخلاقی و فرهنگی نیز روبه‌رو است. مطالعاتی که به کاربردهای هوش مصنوعی در تمدن اسلامی پرداخته‌اند به چالش‌های اخلاقی و معنوی که ممکن است در پذیرش این فناوری در جوامع اسلامی وجود داشته باشد اشاره کرده‌اند. Ziaee (۲۳) در مطالعه‌ای به تحلیل ارتباط ارزش‌های دینی مانند تقوا و حلال و حرام در بهره‌گیری از هوش مصنوعی پرداخته است و نتیجه گرفته است که این چالش‌ها می‌تواند مانعی بر سر راه توسعه فناوری‌های هوشمند در جوامع اسلامی باشد (۲۳). از سوی دیگر، Khoirunisa و



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



همکاران (۱۲) به بررسی تهدیدات و فرصت‌های ناشی از ورود هوش مصنوعی به جوامع اسلامی پرداخته‌اند آن‌ها نشان دادند که اگرچه هوش مصنوعی می‌تواند به‌طور مؤثر به نیازهای جوامع اسلامی پاسخ دهد اما تهدیداتی همچون سوءاستفاده برای ترویج ارزش‌های غیر اسلامی و افراط‌گرایی نیز وجود دارد (12). علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای ارتقای کیفیت زندگی در جوامع اسلامی به کار گرفته شود. به‌عنوان مثال، Rabiei Zadeh (۲۰) به کاربردهای هوش مصنوعی در علوم اسلامی اشاره کرده و نشان داده که استفاده از این فناوری‌ها در مطالعات قرآنی و فقهی می‌تواند باعث ارتقای سطح دانش دینی شود (20). از جنبه‌های اقتصادی نیز نتایج مطالعه‌ای مربوط به کاربرد هوش مصنوعی در بانکداری اسلامی نشان داد که هوش مصنوعی می‌تواند در مشاوره‌های مالی اسلامی، به‌ویژه در زمینه انطباق با شریعت، نقش مؤثری ایفا کند (۱۱). به‌طور کلی، Dwivedi و همکاران (3) نشان می‌دهند که هوش مصنوعی در کنار فرصت‌های نوین، چالش‌هایی نظیر مسائل شفافیت و تصمیم‌گیری خودکار را نیز به‌همراه دارد که نیازمند مقررات و سیاست‌گذاری‌های خاص است (۳). همچنین، Matyuk (۱۶) با تحلیل خطرات و فرصت‌های ناشی از هوش مصنوعی نشان می‌دهد که فقدان رویکردهای مشترک در ارزیابی این فناوری می‌تواند به چالش‌هایی در زمینه‌های امنیتی و اخلاقی برای جوامع اسلامی منجر شود (۱۶). در نهایت، Bécue و همکاران (۲) با بررسی فرصت‌ها و تهدیدات امنیتی هوش مصنوعی در صنعت و تولید، به اهمیت توسعه تکنولوژی‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در تولید محصولات اسلامی و حفظ امنیت در فرایندهای تولید اشاره دارند (۲). این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که هوش مصنوعی هم‌زمان با فراهم کردن فرصت‌های بی‌نظیر برای توسعه جوامع اسلامی، چالش‌های مهمی در زمینه‌های اخلاقی، فرهنگی و امنیتی ایجاد می‌کند.

۳. بحث و تحلیل

۱.۳. فرصت‌های نوظهور هوش مصنوعی در تمدن‌سازی اسلامی

۱.۱.۳. آموزش: هوش مصنوعی با ایجاد تحولات گسترده در حوزه آموزش، به بهبود فرایند یادگیری و تدریس کمک کرده است. فناوری‌های نوینی مانند واقعیت افزوده (AR¹) و واقعیت مجازی (VR²)، محیط‌های تعاملی و پویا ایجاد کرده‌اند که به دانش‌آموزان امکان می‌دهد مفاهیم پیچیده را بهتر درک کنند و تجربه‌های یادگیری معنادار تری داشته‌باشند (14). همچنین، توسعه پلتفرم‌های آنلاین و ابزارهای دیجیتال، دسترسی گسترده‌تری به منابع آموزشی فراهم کرده و در شرایط بحرانی مانند COVID-19 به ادامه تحصیل کمک کرده است (۴). این فناوری‌ها با تقویت تفکر انتقادی و خلاقیت، مهارت‌های شناختی را ارتقا داده و عملکرد معلمان و دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشند (۱).

[1] Augmented Reality

[2] Virtual Reality



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

۲.۱.۳. **نظام قضائی:** هوش مصنوعی در نظام قضائی، به ویژه در تحلیل خودکار پرونده‌ها و ارائه توصیه‌های قانونی، نقش مهمی ایفا می‌کند. این فناوری با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین می‌تواند سرعت و دقت در تصمیم‌گیری‌های قضائی را افزایش داده و بار کاری قضات را کاهش دهد. به عنوان مثال، در برخی از سیستم‌های قضائی پیشرفته مانند ایالات متحده و کانادا، از هوش مصنوعی برای ارزیابی اعطای وثیقه یا آزادی مشروط استفاده می‌شود. این فناوری می‌تواند با کاهش دخالت تعصبات شخصی، قضاوت‌ها را بهبود بخشد و تصمیم‌گیری‌ها را بر اساس داده‌ها و الگوریتم‌های بی‌طرف انجام دهد (۹).

۳.۱.۳. **مدیریت منابع:** در حوزه مدیریت منابع، هوش مصنوعی به بهینه‌سازی تخصیص منابع اقتصادی و بهبود فرآیندهای مالی مؤسسات کمک می‌کند. الگوریتم‌های یادگیری ماشینی می‌توانند داده‌های مالی را تحلیل کرده و تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تری را در مورد تخصیص منابع ارائه دهند. این فناوری به بهبود عملکرد مؤسسات اسلامی، کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری اقتصادی کمک می‌کند (۲۱).

۴.۱.۳. **احیای میراث فرهنگی اسلامی:** هوش مصنوعی در حفظ و احیای میراث فرهنگی اسلامی نقش بسیار مهمی دارد. با استفاده از این فناوری، می‌توان برنامه‌های آموزشی تعاملی و دیجیتالی برای حفظ آثار تاریخی و فرهنگی طراحی کرد. همچنین می‌توان هوش مصنوعی را برای بازسازی دیجیتالی آثار باستانی و معرفی آن‌ها به نسل‌های جدید و محققان استفاده کرد که به تقویت ارتباط نسل‌های جوان با تاریخ و فرهنگ اسلامی کمک می‌کند (۸).

۵.۱.۳. **بخش سلامت و بهداشت:** هوش مصنوعی در زمینه سلامت نیز کاربردهای گسترده‌ای دارد. این فناوری می‌تواند به تشخیص سریع‌تر و دقیق‌تر بیماری‌ها، مانند سرطان و بیماری‌های قلبی کمک کند. همچنین، هوش مصنوعی با تحلیل داده‌های بزرگ به مدیریت بهتر سلامت عمومی و بهبود نتایج درمانی کمک می‌کند که این امر می‌تواند به افزایش کیفیت خدمات بهداشتی در جوامع اسلامی منجر شود (۱۹).

۶.۱.۳. **زنجیره تأمین و لجستیک:** هوش مصنوعی به بهینه‌سازی زنجیره‌های تأمین و لجستیک کمک می‌کند. با استفاده از این فناوری، می‌توان هزینه‌ها را کاهش داده و بهره‌وری اقتصادی را افزایش داد. این فناوری می‌تواند به کشورهای اسلامی که در تلاش برای رشد اقتصادی هستند کمک کند تا فرآیندهای تأمین کالا و خدمات خود را بهینه‌سازی کنند و در نتیجه رشد اقتصادی پایدار داشته باشند (۱۷).

۷.۱.۳. **توسعه پایدار و محیط‌زیست:** هوش مصنوعی می‌تواند به بهبود پایداری محیطی کمک کند. این فناوری با بهینه‌سازی مصرف انرژی و کاهش آلودگی، نقش مهمی در دستیابی به اهداف توسعه پایدار، به ویژه در کشورهای اسلامی ایفا می‌کند. هوش مصنوعی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

می تواند به مدیریت بهتر منابع طبیعی و کاهش فشارهای زیست محیطی کمک کند و در نهایت، به تحقق اهداف توسعه پایدار منجر شود (۵).

این موارد نشان دهنده کاربردهای وسیع هوش مصنوعی در توسعه و بهبود جنبه های مختلف تمدن اسلامی است که می تواند موجب تقویت ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این تمدن شود.

۲.۳. چالش های نوظهور هوش مصنوعی در تمدن سازی اسلامی

با وجود فرصت های عظیمی که هوش مصنوعی به همراه دارد، چالش های اخلاقی و فرهنگی نیز در مسیر استفاده از این فناوری در تمدن سازی اسلامی وجود دارد.

۱.۲.۳. مسائل اخلاقی و دینی: یکی از چالش های اصلی استفاده از هوش مصنوعی در تمدن سازی اسلامی، مسائل اخلاقی مرتبط با نحوه اجرای این فناوری است. هوش مصنوعی باید با ارزش های دینی و اصول اخلاقی جوامع اسلامی همخوانی داشته باشد و این امر نیازمند تدوین چارچوب های اخلاقی و دینی خاص است که با استفاده از این فناوری همسو باشند به عنوان مثال، تصمیم گیری های خودکار هوش مصنوعی در حوزه های قضائی و اقتصادی باید با اصول شریعت اسلامی تطبیق داده شود (۲۳).

۲.۲.۳. عدم انطباق با ارزش های اسلامی: چالش دیگری که در مسیر اجرای هوش مصنوعی در جوامع اسلامی وجود دارد، عدم انطباق با اصول اسلامی است. برخی پژوهش ها نشان داده اند که هوش مصنوعی، به دلیل ماهیت غیر انسانی خود، ممکن است بی اعتمادی در میان جوامع اسلامی ایجاد کند و منجر به عدم پذیرش گسترده آن شود. این بی اعتمادی می تواند باعث ایجاد مقاومت در برابر پذیرش فناوری های پیشرفته در زمینه های مختلف تمدن سازی شود (۱۲).

۳.۲.۳. تأثیرات فرهنگی و هویتی: توسعه سریع هوش مصنوعی می تواند منجر به تغییرات فرهنگی و چالش هایی در زمینه هویت اسلامی شود. برخی پژوهشگران به تأثیرات منفی این فناوری بر هویت فرهنگی و معنوی جوامع اسلامی اشاره کرده اند. این چالش به عنوان یکی از موانع اصلی در مسیر پذیرش فناوری مطرح شده است. مسئله این است که استفاده از هوش مصنوعی می تواند به تقویت فرهنگ های غیر اسلامی و تهدید ارزش های اسلامی بینجامد (۱۰).

۴.۲.۳. تهدیدات امنیتی: یکی دیگر از چالش های نوظهور، تهدیدات امنیتی مرتبط با هوش مصنوعی است. این فناوری با امکان نفوذ به سیستم های حساس و سوء استفاده برای اهداف غیر اخلاقی، می تواند به تهدیدات امنیتی جدیدی منجر شود. کشورهای اسلامی نیازمند تدوین چارچوب های امنیتی مناسب هستند تا از سوء استفاده های بالقوه جلوگیری و امنیت ملی خود را تضمین کنند (۲).



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

۵.۲.۳. چالش‌های اجتماعی: استفاده گسترده از فناوری‌های هوش مصنوعی می‌تواند به اعتیاد به فضای مجازی، کاهش تعاملات اجتماعی و انزوای اجتماعی منجر شود علاوه بر این، استفاده بی‌رویه از فناوری‌های دیجیتال می‌تواند تمرکز و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان را که یکی از ارکان اصلی تمدن‌ساز جوامع اسلامی هستند را کاهش دهد (۱۳،۱۵).

۶.۲.۳. شکاف دیجیتال و نابرابری: نابرابری در دسترسی به فناوری‌های نوین، به‌ویژه اینترنت پرسرعت و ابزارهای دیجیتال، می‌تواند به شکاف دیجیتال و افزایش نابرابری‌ها در دسترسی به آموزش منجر شود. در بسیاری از کشورهای اسلامی، دسترسی به فناوری‌های پیشرفته هنوز به‌صورت نابرابر توزیع شده‌است و این امر می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را تشدید کند (۱۸).

۷.۲.۳. عدم آمادگی زیرساختی و قانونی: چالش دیگری که در بسیاری از کشورهای اسلامی وجود دارد، نبود زیرساخت‌های مناسب برای استفاده بهینه از هوش مصنوعی است. برخی از این کشورها چارچوب‌های قانونی و مقررات مناسبی برای نظارت بر توسعه و استفاده از هوش مصنوعی ندارند که این امر می‌تواند به کاهش کارآمدی و افزایش ریسک‌ها منجر شود این چالش به‌ویژه در حوزه‌های قضائی و مالی که تصمیم‌گیری‌ها باید با اصول عدالت اسلامی همخوانی داشته‌باشند، بسیار مهم است (۳،۷).

۴. راهکارهای مقابله با چالش‌های استفاده از هوش مصنوعی در تمدن‌سازی اسلامی

برای بهره‌برداری مؤثر از هوش مصنوعی در تمدن‌سازی اسلامی و مدیریت چالش‌های مرتبط با آن، چند پیشنهاد عملی ارائه می‌شود:

۱.۴. تدوین چارچوب‌های اخلاقی و دینی: برای بهره‌گیری از هوش مصنوعی در راستای تمدن‌سازی اسلامی، تدوین چارچوب‌های اخلاقی و دینی که به‌طور مستقیم با اصول شریعت اسلامی همخوانی داشته‌باشد، ضروری است. این چارچوب‌ها باید استفاده از هوش مصنوعی را در حوزه‌هایی مانند آموزش، قضاوت و مراقبت‌های بهداشتی با اصول اسلامی هماهنگ کنند. برای مثال، در نظام قضائی، باید تعیین شود که الگوریتم‌های هوش مصنوعی چگونه می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های خودکار بدون نقض حقوق انسانی و اسلامی عمل کنند. همچنین، باید مشخص شود که چه نوع داده‌هایی مجاز به پردازش هستند و کدام جنبه‌های اخلاقی باید در تصمیم‌گیری‌های خودکار رعایت شوند تا عدالت اسلامی و جلوگیری از تبعیض یا ظلم حفظ شود. برای تدوین این چارچوب‌ها، همکاری میان علما، کارشناسان فناوری و حقوق‌دانان ضروری است تا دستورالعمل‌هایی که با ارزش‌های دینی و اجتماعی همخوانی دارد، ارائه شود (۲۳).

۲.۴. تقویت زیرساخت‌های دیجیتالی: یکی از مشکلات جوامع اسلامی در حوزه هوش مصنوعی، شکاف دیجیتال است که مانع از دسترسی برابر به فرصت‌ها و منابع می‌شود برای مقابله با این مشکل، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری شامل اینترنت پرسرعت به‌ویژه در مناطق روستایی و محروم و ابزارهای دیجیتال پیشرفته ضروری است. همچنین، باید برنامه‌های آموزشی تخصصی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

برای آموزش نیروی کار متخصص در زمینه‌های یادگیری ماشینی، امنیت سایبری و برنامه‌نویسی هوش مصنوعی تدوین شود. این اقدامات می‌تواند به کاهش نابرابری‌های دیجیتال و افزایش بهره‌وری فناوری‌های هوشمند کمک کند.

۳.۴. آموزش و فرهنگ‌سازی: یکی از موانع اساسی برای پذیرش عمومی هوش مصنوعی در جوامع اسلامی، نگرانی‌ها در مورد چالش‌های اخلاقی و تطابق با ارزش‌های دینی است. برای رفع این نگرانی‌ها، نیاز به آموزش و فرهنگ‌سازی گسترده وجود دارد. این آموزش‌ها باید در دو سطح عمومی و تخصصی برگزار شوند. در سطح عمومی، کارگاه‌ها، برنامه‌های رسانه‌ای و کمپین‌های آگاهی‌بخشی می‌توانند به افراد جامعه کمک کنند تا با مزایا و چالش‌های هوش مصنوعی آشنا شوند و از نگرانی‌های بی‌مورد کاسته شود. در سطح تخصصی، آموزش نیروهای متخصص در حوزه‌های مختلف مانند نظام قضائی، آموزش و بهداشت ضروری است تا بتوانند از فناوری هوش مصنوعی به صورت مؤثر و با رعایت اصول اسلامی استفاده کنند. این برنامه‌های آموزشی می‌توانند اعتماد عمومی به فناوری‌های هوشمند را افزایش دهند و همچنین به بهبود مهارت‌های دیجیتال در جوامع اسلامی کمک کنند (۲۰).

۴.۴. تدوین مقررات امنیتی و قانونی: هوش مصنوعی به دلیل ماهیت پیچیده و خودکار خود، پتانسیل زیادی برای سوءاستفاده‌های امنیتی و نقض حریم خصوصی دارد. برای جلوگیری از این تهدیدات، تدوین مقررات امنیتی و قانونی جامع ضروری است. این مقررات باید به حفظ داده‌های شخصی، جلوگیری از نفوذ سایبری و استفاده‌های غیراخلاقی از فناوری‌های هوشمند توجه ویژه داشته باشند. به عنوان مثال، الگوریتم‌های هوش مصنوعی که در حوزه‌های حساسی مانند تشخیص چهره یا تصمیم‌گیری‌های قضائی استفاده می‌شوند، باید تحت نظارت‌های قانونی دقیق قرار بگیرند تا از سوءاستفاده یا تصمیم‌گیری‌های ناعادلانه جلوگیری شود. علاوه بر این، مقررات باید شامل الزام به شفافیت در عملکرد الگوریتم‌ها باشند تا تصمیمات خودکار به صورت عادلانه و بی‌طرفانه انجام شوند. این قوانین می‌توانند به کاهش نگرانی‌های امنیتی و افزایش اعتماد عمومی کمک کنند (۳).

۵.۴. ایجاد همکاری‌های بین‌المللی: کشورهای اسلامی باید برای بهره‌برداری کامل از پتانسیل‌های هوش مصنوعی و مقابله با چالش‌های آن، در همکاری‌های بین‌المللی فعال باشند. همکاری‌های علمی و فناوری با کشورهای پیشرو در حوزه هوش مصنوعی می‌تواند به انتقال دانش و تجربیات کمک کند. این همکاری‌ها می‌توانند شامل برنامه‌های تحقیقاتی مشترک، مبادلات دانشگاهی و پروژه‌های نوآورانه باشند. از طرف دیگر، همکاری‌های بین‌المللی می‌توانند در تدوین چارچوب‌های اخلاقی و دینی که با اصول اسلامی همخوانی دارند، مؤثر باشند. کشورهایی که در توسعه هوش مصنوعی پیشگام هستند می‌توانند تجارب خود را با جوامع اسلامی به اشتراک بگذارند و به توسعه پایدار و نوآورانه این فناوری کمک کنند. چنین همکاری‌هایی می‌توانند به افزایش بهره‌وری فناوری‌های هوشمند و بهبود وضعیت علمی و اقتصادی کشورهای اسلامی منجر شوند (۲۲).

این اقدامات می‌تواند به بهره‌برداری مؤثر و پایدار از هوش مصنوعی در راستای تقویت تمدن اسلامی کمک کرده و زمینه‌های لازم برای مدیریت چالش‌های نوظهور را فراهم کند.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۵. نتیجه گیری

هوش مصنوعی به عنوان یکی از فناوری‌های کلیدی در عصر حاضر، فرصت‌های گسترده‌ای را برای توسعه و تقویت تمدن اسلامی فراهم می‌کند. این فناوری با ارتقای کارایی و بهبود فرآیندها در حوزه‌هایی همچون نظام آموزشی، نظام قضائی، مدیریت منابع و احیای میراث فرهنگی اسلامی، توانسته است به رشد و توسعه جوامع اسلامی کمک کند. با وجود این فرصت‌ها، چالش‌های نوظهوری نیز همراه با استفاده از هوش مصنوعی وجود دارد. این چالش‌ها شامل مسائل اخلاقی، عدم انطباق با اصول اسلامی، تغییرات فرهنگی و هویتی، تهدیدات امنیتی و شکاف دیجیتال است که ممکن است مانع از پذیرش گسترده این فناوری در جوامع اسلامی شوند. برای بهره‌برداری مؤثر از هوش مصنوعی و مدیریت این چالش‌ها، ضروری است که چارچوب‌های اخلاقی و دینی مناسب تدوین شود و زیرساخت‌های دیجیتال تقویت گردد. جوامع اسلامی باید از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی، آگاهی عمومی را افزایش داده و به صورت فعالانه به مقابله با تهدیدات امنیتی و اجتماعی این فناوری بپردازند. علاوه بر این، تدوین مقررات قانونی دقیق می‌تواند از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کرده و امنیت فناوری‌های هوشمند را تضمین کند.

منابع

- [1] Aashiq, et al., Impact of emerging technologies on cognitive development. IJERI: International Journal of Educational Research and Innovation, 2023.
- [2] Bécue, A., I. Praça, and J. Gama, Artificial intelligence, cyber-threats and Industry 4.0: challenges and opportunities. Artificial Intelligence Review, 2021. 54: p. 3849 - 3886.
- [3] Dwivedi, Y.K., et al., Artificial Intelligence (AI): Multidisciplinary perspectives on emerging challenges, opportunities, and agenda for research, practice and policy. International Journal of Information Management, 2019.
- [4] Edeh, M., et al. Impact of Emerging Technologies on the Job Performance of Educators in Selected Tertiary Institutions in Nigeria. 2020.
- [5] Goralski, M.A. and T.K. Tan, Artificial intelligence and sustainable development. The International Journal of Management Education, 2020.
- [6] Haghnavaz, J., Islam and Islamic Civilization. Research Journal of Humanities and Social Sciences, 2014. 5: p. 10-16.
- [7] Hoseini Moghadam, M., Artificial Intelligence and the Future of University Education in Iran. Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education, 2023.
- [8] Huang, W., J. Zheng, and W. Chen, The Construction of Intelligent Education for Intangible Cultural Heritage into the Classroom. Advances in Natural Computation, Fuzzy Systems and Knowledge Discovery, 2020.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- [9] Jain, P., Artificial Intelligence for Sustainable and Effective Justice Delivery in India. Sustainable Technology eJournal, 2018.
- [10] Kaplan, A.M. and M. Haenlein, Rulers of the world, unite! The challenges and opportunities of artificial intelligence. Business Horizons, 2020. 63: p. 37-50.
- [11] Khan, S.N. and M.R. Rabbani, Artificial Intelligence and NLP -Based Chatbot for Islamic Banking and Finance. Int. J. Inf. Retr. Res., 2021. 11: p. 65-77.
- [12] Khoirunisa, A.S., et al., Islam in the Midst of AI (Artificial Intelligence) Struggles: Between Opportunities and Threats. SUHUF, 2023.
- [13] Latifi, M., et al., Third-Millennium Challenges in Virtual-Learning Contexts: A Systematic Review in Developing Countries. ACTA MEDICA IRANICA, 2022.
- [14] Leoste, J., et al. Integrating Emerging Technologies into Higher Education – The Future Perceptions. 2021.
- [15] Lobanova, N.I. and L.V. Logunova, New challenges to online learning: Ethical aspect. Alma mater. Vestnik Vyshey Shkoly, 2022.
- [16] Matyuk, Y.V., ARTIFICIAL INTELLIGENCE: NEW CHALLENGES AND PROSPECTS. Advances in Law Studies, 2020. 8: p. 42-48.
- [17] Mhlanga, D., Artificial Intelligence in the Industry 4.0, and Its Impact on Poverty, Innovation, Infrastructure Development, and the Sustainable Development Goals: Lessons from Emerging Economies? Sustainability, 2021. 13: p. 5788.
- [18] Moshinski, V., et al., Modern education technologies: 21st century trends and challenges. SHS Web of Conferences, 2021.
- [19] Owoyemi, A., et al., Artificial Intelligence for Healthcare in Africa. Frontiers in Digital Health, 2020. 2.
- [20] Rabiei Zadeh, A., Artificial Intelligence and Modern Information Technologies Applications in Islamic Sciences: A Survey. International Journal on Perceptive and Cognitive Computing, 2023.
- [21] Vaio, A.D., et al., Artificial intelligence and business models in the sustainable development goals perspective: A systematic literature review. Journal of Business Research, 2020. 121: p. 283-314.
- [22] Zain, N.R.M., A. Ismail, and R. Hassan. Enhancing Islamic Banking and Finance in Southeast Asia Through the Application of Artificial Intelligence. 2018.
- [23] Ziaee, A., A PHILOSOPHICAL APPROACH TO ARTIFICIAL INTELLIGENCE AND ISLAMIC VALUES. IIUM Engineering Journal, 2012. 12.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

بررسی و تبیین چالش‌ها و راهکارهای تربیت فرهنگی در مدارس

معصومه خنکدار طارسی^۱

۱- استادیار فلسفه تعلیم تربیت دانشگاه محقق اردبیلی. اردبیل، ایران. ایمیل: Masi_kh@yahoo.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی و تبیین چالش‌ها و راهکارهای تربیت فرهنگی در مدارس می‌باشد. روش این پژوهش استنتاجی-تحلیلی است. ابزار گردآوری اطلاعات، سندکاوی است که با بهره‌گیری از نتایج تحقیقات جمع‌آوری شده است. نتایج پژوهش نشان داد که روند چالش‌ها، موانع و کارکردهای نادرست فرهنگی- تربیتی مدارس، عرصه‌ای وسیع از فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی مدرسه را تحت الشعاع قرار داده است. نظام آموزش و پرورش در تلاش جهت درک عناصر فرهنگ و بلوغ فرهنگی دانش‌آموزان ناکام مانده و به دلیل فقدان سیاست آموزشی مدون و راهبردی در زمینه تربیت فرهنگی از ارائه یک برنامه منسجم و دقیق باز مانده است. بنابراین برای مواجهه و حل مسائل مطرح‌شده، هوشیاری رهبران تربیتی و برنامه‌ریزی راهبردی در هر یک از موارد و ارائه نظام آموزشی مبتنی بر فرهنگ بومی جامعه اسلامی - ایرانی ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: چالش، فرهنگ، تربیت، فرهنگ بومی

مقدمه

عصر ما، عصر چالش‌ها و بحران‌هایی است که ضمن ایجاد تغییرات عمده و زیربنایی در انسان‌ها، تحولات و پویایی‌های خاصی را در جنبه‌های گوناگون زندگی او سبب می‌شود. این تحولات و تغییرات، سبب دگرگونی در فرایند تربیت، می‌شود. رفاه و عظمت هر جامعه با تعلیم و تربیت نسبت مستقیم دارد به طوری که به اعتقاد برونر، همواره در موقعیتهای فرهنگی است که یادگیری و اندیشیدن اتفاق می‌افتد (ابراهیمی، ۱۴۰۰: ۸). لذا، ریشه بسیاری از نابسامانی‌ها و مشکلات در جامعه، ناشی از مسائل تربیتی و فرهنگی است (اسماعیلی، ۱۴۰۰: ۹۶). واضح است با توجه به تحولات شگرف در همه ابعاد زندگانی بشر، دیگر آموزش و پرورش با متدهای کهنه و به عنوان پایه‌ای‌ترین عامل در تحولات جامعه نمی‌تواند خود را از فرایند تحولات نوین امروزی دور نگه دارد. سیر صعودی تعلیم و تربیت به سمت ماشینی شدن، عدم کنترل مدارس بر آموخته‌ها و کیفیت و جهت‌گیریهای آموزش، تضعیف نظامهای آموزش محلی و ملی، کاهش حضور عوامل انسانی در امر تعلیم و تربیت، القاء نگرش سودمدارانه در مورد تعلیم و تربیت، تغییر جهت‌گیری برنامه‌های تربیتی از حالت بلند مدت به کوتاه مدت و تسلط فرهنگ غیر دینی غرب و سکولاری شدن نظام‌های تربیتی، مسائلی را به دنبال داشته است که این عوامل کار نظام آموزشی و مدارس را در تربیت را مختل می‌سازد (سجادی، ۱۳۸۲: ۱۲۴). لذا، به اعتقاد



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

بنک^۱، جهان برای تربیت و آماده‌سازی افراد با چالشهای زیادی روبه روست (بنک، ۲۰۰۹: ۸). بی تردید لازمه بقا و پویایی هر نظام سیاسی و اجتماعی، توجه به فرهنگ، هویت فرهنگی - تاریخی و تربیت فرهنگی به عنوان عمیقترین لایه نظام اجتماعی در تحولات و رفتارهای اجتماعی است. ناکامی و شکست ما در دوره های اخیر ناشی از بیگانگی با فرهنگ و هویت خودی است، بنابراین شناخت، معرفی، ظرفیت‌سنجی و سیاستگذاری در فرهنگ و بویژه تربیت فرهنگی ضروری جلوه می‌کند (خنکدار طارسی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). سیاستگذاری فرهنگی، به پژوهش و تحقیق در زیرساختهای فرهنگی - اجتماعی نیاز دارد و باید بر تجزیه و تحلیل های عمیق فرهنگی مبتنی باشد. تربیت و فرهنگ دو مقوله بسیار پیچیده و مؤثر بر یکدیگرند. تربیت زمینه ساز رشد و شکوفایی استعدادها و بروز توانمندی افراد جامعه و فرهنگ بر چگونگی ظهور این استعدادها می‌باشد (پورعزت، ۱۳۸۷: ۱۰). تربیت فرهنگی یکی از مهمترین ابزارهای پرورش انسان مطلوب است (فرمینی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). لاگو^۲ معتقد است که تربیت فرهنگی، بینش‌هایی را درباره توانایی افراد برای از عهده برآمدن موقعیتهای چند فرهنگی، درگیر شدن در معادلات بین فرهنگی و عمل کردن در گروههای کاری متفاوت فراهم می‌کند (لاگو، ۲۰۰۷). به اعتقاد ارلی^۳، تربیت فرهنگی، سازگاری مؤثر فرد با قالب های نوین فرهنگی است (ارلی، ۲۰۰۳). تربیت فرهنگی شامل بینش های فردی است که تاثیر بسزایی در انطباق با موقعیت او تعاملات میان فرهنگی دارد (وندینی^۴، ۲۰۱۰). تربیت فرهنگی فرآیندی است که منجر به تسهیل فهم فرهنگ، میراث فرهنگی، ارزش‌سنجی و توسعه میراث فرهنگی می‌گردد (اسماعیلی، ۱۴۰۰: ۹۶) و به عقیده پاتز^۵، این امر از طریق نظام آموزش و پرورش می‌باشد (پاتز، ۲۰۰۸: ۱۷). به اعتقاد مرسیر^۶، دو نهاد اجتماعی نظام آموزش و پرورش و خانواده، وظیفه تربیت و ارائه قواعد و الگوهای رفتاری و اخلاقی در جهت رشد معنوی و آمادگی فرزندان برای برعهده گرفتن نقش های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارد (مرسیر، ۲۰۱۵: ۵۲۷). خانواده می‌تواند از طریق درونی کردن ارزش ها در فرزندان، عامل انتقال فرهنگ جامعه به نسل های بعدی و مانع از گرایش آنها به فرهنگ های بیگانه شود (کیوان آرا، ۱۳: ۱۱۹). هدف تربیت فرهنگی، پرورش و تربیت قوای اجتماعی فکری و نظری و معرفتی جامعه است (حسینی، ۱۳۹۹: ۱۱۱) تا انسان را محیط های فرهنگی غیر صحیح دور نگه دارد. ارائه این توانمندی ها باید بر طبق اصول منطقی و استعداد های فرد باشد تا در جهت معیارهای مکتب اسلامی پیش بروند (رحیم زاده، ۱۳۹۰: ۲۷). نوع باورها و ارزش های حاکم بر یک جامعه، تربیت فرهنگی هر نظامی را شکل می‌دهد (نجفی، ۱۳۹۴: ۲۶). الگوی تربیت فرهنگی در جامعه اسلامی باید بر اساس اصول و مبانی اسلامی و با ویژگی هایی همچون: معنویات اخلاق، جهان بینی توحیدی و توجه به نیازهای مادی و معنوی

¹ -Bonk

² -Lugo

³ -Earley

⁴ -Van dyne

⁵ -Putz

⁶ -Mercier



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

باشد (اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۳۹). لذا، دین با ارائه جهان بینی و ایدئولوژی ویژه ای، زیربنای تربیت فرهنگی در ایران را شکل می دهد بنابراین، برای نیل به تربیت فرهنگی متناسب با آموزه های اسلامی ضروری است تا نظام آموزش و پرورش، مربیان، برنامه ریزان تربیتی قواعد و اصول متناسب با مبانی انسان شناسی و حیانی را اساس تربیت قرار داده تا به اهداف والای تربیت فرهنگی نایل شوند (نجفی، ۱۳۹۴: ۱۴). توجه به تربیت فرهنگی و مهندسی آن از دغدغه های مهم اسلام به شمار می رود چرا که آیه ۲۵ سوره انفال و آیه ۱۱ سوره رعد بر قابل تغییر، کنترل و مدیریتی بودن فرهنگ تاکید دارد. روند تحول نظام آموزشی و رسالت انتقال میراث فرهنگی را می توان در سه رویکرد مد نظر قرار داد. رویکرد محافظه کارانه^۱، رویکرد بازسازی گرایانه^۲ و رویکرد نقادانه^۳. با گذشت چهار دهه از استقرار نظام اسلامی، به نظر می رسد که نظام آموزشی ما هم از جمله نظام هایی است که عمدتاً به صورت پنهان و غیرمستقیم بر اساس رویکرد محافظه کارانه عمل می کند و همواره این ضعف در ساختار نظام تربیت معلم بیشتر مشاهده می شود (شمشیری، ۱۳۹۶: ۱۱۲). ضمن تلاش های انجام شده در حوزه تربیت فرهنگی دانش آموزان در جهت آشناسازی آنها با اصول و مفاهیم فرهنگی، تربیتی، دینی و اخلاقی، اما تحقیقات نشان داد که این حوزه در وضع نامطلوبی قرار داشته و گاهی با تأثیرات معکوس که سبب بروز بحران آفرینی و کاستیهای بسیاری در رفتارهای دانش آموزان شده نیز همراه بوده است (عبدی، ۱۳۹۳: ۸۷). از طرفی دیگر، باور معنوی و انجام رفتارهای فرهنگی با یکدیگر ارتباط متقابل داشته به طوری که شناخت یقینی و ایمان افراد در سوق دادن افراد به انجام رفتارهای ارزشی و فرهنگی تاثیرگذار است اما در تحقیقات انجام شده در حوزه آموزش دینی به دلایلی از جمله: برنامه های درسی، نیروی انسانی و امکانات، وضع موجود، قابل قبول نبوده و سبب دلزدگی دانش آموزان نسبت به دروس دینی شده است (مرادی، ۱۳۹۰: ۲۸). وجود روابط عاطفی میان والدین و فرزندان، پای بندی خانواده به امور مذهبی، تلاش در جهت درک مشکلات فرزندان سبب ایجاد نگرش مثبت نسبت به محیط و جامعه و فرهنگ در آنها شده و تاثیر مثبت بر پذیرش فرهنگ دارد و بالعکس، انعطاف ناپذیری و سختگیری والدین و فرزندسالاری بصورت منفی در روند فرهنگ پذیری تاثیر منفی دارد (کیوان آرا، ۱۲۱). به اعتقاد اندرسون، نظامهای آموزشی جزء نهادهای تربیتی و فرهنگ ساز بوده اما امروزه این ارگان، تنها به انتقال بعد دانشی اکتفا کرده و از رسالت هنجاری و ارزش بنیان خود دور مانده است (اندرسون، ۲۰۱۴: ۱۴۳). تنوع قومیت های فرهنگی در کشور، چالشی را به عنوان آموزش، مدارس و کلاسهای چند فرهنگی ایجاد کرده که می تواند برای نظام آموزشی مشکلاتی را به همراه داشته

۱ - در این رویکرد، فرهنگ پذیری صرفاً به معنای انتقال میراث فرهنگی گذشته به همان صورتی که شکل گرفته، معنا می یابد

۲ - این رویکرد معتقد است که فرهنگ پذیری و جامعه پذیری به شکل سنتی نه تنها منجر به رشد و توسعه جامعه نمی شود، بلکه برعکس مانع توسعه تلقی شده و به همین دلیل تداوم و حفظ آن را نیز در معرض خطر قرار می دهد.

۳ - پیروان رویکرد نقادی بر این باورند که در اغلب اوقات، ظلم و نابرابریها در جامعه از طریق انتقال میراث فرهنگی گذشتگان تثبیت و تشدید می شود و نظام آموزشی مانند ابزاری است در اختیار طبقات حاکم، برای تثبیت و تأیید وضعیت موجود.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

باشد. به اعتقاد رضایی (۱۳۹۴) اکثر دانش آموزان و نسل های تحت تعلیم در ایران، فاقد ویژگی ها، اندیشه ها، رفتارهای دینی - اخلاقی و انقلابی هستند (رضایی، ۱۳۹۴: ۲۵). لذا علیرغم پیشینه غنی فرهنگی، بستر رشد جریانات انحرافی و ناهنجار در ایران فراهم شده و تربیت فرهنگی در جایگاه مطلوبی قرار ندارد (اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۳۵). نظام آموزش و پرورش در تلاش جهت درک عناصر فرهنگ و بلوغ فرهنگی دانش آموزان ناکام مانده و به دلیل فقدان سیاست آموزشی مدون و راهبردی در زمینه تربیت فرهنگی از ارائه یک برنامه منسجم و دقیق باز مانده است. برنامه های درسی مدارس و شرایط کلاس درس، همیشه منعکس کننده برنامه های آشکار و ارزشهای فرهنگی بیان نشده ای است که حاوی ملاحظاتی در مورد طبقه اجتماعی، جنسیت و حقوق قدرتهای اجتماعی است (هواس بیگی، ۱۳۹۷: ۳۷۶). از طرفی دیگر، برنامه های درسی خشک و متمرکز، منجر به عدم توجه به ظرفیت های جوامع محلی، عقاید، زبان، فرهنگ و آداب و رسوم شده است (قادری، ۱۳۹۳: ۱۱). نهاد خانواده نیز به عنوان رکن اساسی دارای تاثیرات عمیق و گسترده ای در تربیت بخصوص تربیت فرهنگی دانش آموزان داشته و به عنوان یک بازیگر فعال در عرصه تعاملات تربیتی با مدرسه می باشد که امروزه در موقعیت نامطلوب قرار گرفته است چرا که خانواده های ایرانی دارای شرایط فرهنگی متنوعی هستند و نمی توان با یک تصور واحد از خانواده ایرانی، در صدد ساماندهی به تعاملات خانه و مدرسه و در نتیجه بهبود عملکرد دانش آموزان در امر تعلیم و تربیت، بخصوص تربیت فرهنگی برآمد (مهرمحمدی، ۱۳۹۱: ۲۷۹). یکی از ویژگیهای نظام آموزشی، ترویج تکثرگرایی فرهنگی است. در نظام تعلیم و تربیت باید تمام گروهها با تمام اختلافات خود در کنار یکدیگر قرار بگیرند. از آنجا که جامعه ایران متشکل از اقوام و فرهنگ های گوناگون است، لذا بدیهی است این بسترسازی نیازمند فراهم کردن مقدمات و زمینه های فرهنگی و ارائه برنامه تربیت فرهنگی و آموزشی مناسب از طریق نظام آموزشی و برنامه های درسی است بنابراین، برنامه درسی نباید در چارچوب متنها، روشها، تجربیات از پیش تعیین شده و قطعی محدود شود؛ باید به دانش آموزان اجازه داد بر اساس تجارب خود محتواها را درک و برنامه ریزی کنند (ابراهیم، ۱۳۸۹). لذا بر اساس سه تعریف از رویکرد مطرح شده، مطابق با نظر اندیشمندان رویکرد انتقادی، برای برون رفت از این شرایط لازم است تغییراتی در مفهوم تعلیم و تربیت بخصوص از جنبه فرهنگ پذیری انجام شده و فرهنگ پذیری از معنای درونی سازی ناخودآگاه میراث فرهنگی به «خودآگاهی فرهنگی»^۱ تغییر پیدا کند. بنابراین یکی از رسالت های اصلی نظام آموزش و پرورش و مدارس نقد وضعیت فرهنگی موجود و گذشته برای کشف آثار و کارکردهای پنهان آن می باشد. در زمینه موانع استفاده از تجهیزات آموزشی در مدارس (جو فیزیکی) می توان به مواردی از جمله: تراکم دانش آموزان در کلاس درس، حجم زیاد مطالب درسی، نگرش منفی مدیران و معلمان، فقدان دانش و اطلاعات کاربران، کمبود امکانات و تجهیزات و فضاهای نامناسب آموزشی اشاره کرد. مهمترین ویژگی در جو فیزیکی نظام آموزشی، انعطاف پذیری و تغییر الگوی کلاس هاست

۱- هشیار و آگاه شدن نسل های جدید درباره آنچه که در لایه های زیرین و زیرپوستی جامعه رخ می دهد و به تداوم نظام سلطه، ظلم و بی عدالتی منجر می شود.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



که در ایران از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست چرا که به موازات پیشرفت در روش های جدید تدریس و تاکید بر دانش آموز محوری، همچنان چیدمان نیمکت های دانش آموزان در کلاس به سبک قدیمی می باشد. به طور کلی کلاس ها و مدارس فاقد استانداردهای جهانی بوده و ارتباطی بین مدرسه و جامعه برقرار نیست. علاوه بر جو فیزیکی، جو فرهنگی حاکم بر نظام آموزشی را می توان در چند حیطه که عبارتند از: احساس همدردی و همدلی، تعهد و مسئولیت شناسی، احترام، جو اعتماد، شوق و انگیزه و جو شادی و نشاط ذکر کرد که همه این عناصر در بحث تعلیم و تربیت و بخصوص تربیت فرهنگی دانش آموزان موثر می باشد که اکثر این موارد در نظام آموزشی ما از عملکرد ضعیفی برخوردار بوده اند (زمانی، ۱۳۸۶: ۷۸).

پیشینه پژوهش:

چالش هایی که در این موضوع می توان به آن پرداخت این است که آیا با وجود عنصر فرهنگ و تنوع آن، می توان کیفیت و اثربخشی آموزش تربیت فرهنگی را افزایش داد؟ آماده سازی معلمان کارآمد نیاز مبرم جامعه های دارای تنوع فرهنگی است (بویی^۱، ۲۰۱۳). از آنجا که هر فعالیتی در حیطه تربیت با فرهنگ مرتبط است، لذ ضروری است تا نظام آموزش و پرورش و بخصوص معلمان آگاهی کاملی به نقش و تاثیر فرهنگ در طراحی و اجرای فعالیت های آموزشی خود داشته باشند. به اعتقاد جکسون^۲ (۲۰۱۵) ضعف کارآمدی معلمان در زمینه تربیت فرهنگی وجود دارد. مکرونی در پژوهشی نشان داد که معلمان به مولفه های فرهنگی توجه کمی دارند. استفنز^۳ (۲۰۰۷) در پژوهشی نشان داد که نظام آموزش و پرورش نقش قابل توجهی در توسعه تربیت فرهنگی داشته و فرهنگ نیز بر توسعه آموزش و پرورش موثر است. صادقی^۴ (۱۳۹۱) در پژوهشی (تحلیل اسناد بالادستی) نشان داد که غفلت هایی در زمینه مولفه های راهبردهای یادگیری در جهت رسیدن به اهداف چند فرهنگی صورت است. مهدوی^۵ (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان داد که توسعه یافتگی فرهنگی مادر در خانواده، موجب احساس رضایتمندی و افزایش اعتماد به نفس او شده که در تعلیم و تربیت فرزندان و اتخاذ تصمیم های مهم در حوزه خانواده و اجتماع مفید می باشد. وان هک^۶ (۲۰۱۵) در پژوهش خود نشان داد که بین نمونه های فرهنگ والدین و فرهنگ های والدین فعال تفاوت وجود داشته و مشارکت فرهنگی والدین با کودکان و بدون آن، اثرات مثبت داشته است. عراقیه^۷ (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان داد که زمینه های خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان در تمسخر بعضی فرهنگ ها، احساس برتری و تعبات فرهنگی، ضعف اطلاعات دینی در دانش آموزان مشهود است. پکران^۸ (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان داد که عواملی مثل خانواده که آموزش های غیر رسمی را بر عهده دارند، در بیان احساسات مهم هستند. جاج^۹ (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی نشان داد که نیازهای معنوی در تنظیم رفتار را می توان یکی از مهمترین عوامل در ایجاد یکی رفتار فرهنگی و ایجاد روحیه معنوی در نظر گرفت.

¹ -Bui

² - Jackson

³ - Stephens

⁴ -Van Hek

⁵ -Pekrun

⁶ -Judge



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



نتیجه گیری

اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد لذا، تغییر و تحول و سعادت و شقاوت جوامع به فرهنگ وابسته است. محیط فرهنگی در تکوین، حفظ، تغییر و تحول هویت جامعه نقش برجسته ای دارد. در این میان مفهوم تربیت فرهنگی میتواند به عنوان عاملی مؤثر تلقی شود که بینشهایی را درباره تواناییها و قابلیت‌های افراد برای از عهده بر آمدن موقعیت های چند فرهنگی، درگیر شدن در معادلات بین فرهنگی و عمل کردن در گروه های کاری متفاوت از نظر فرهنگی فراهم کند. مهمترین راهکار برای حل مسائل فرهنگی، بازگشت به فرهنگ اسلامی - ایرانی و تحقق این امر نیز در گرو تربیت فرهنگی است؛ براین اساس تربیت فرهنگی، نوعی هدایت انسانها در مسیر الهی بیان است. از مهمترین راههای رویارویی با فرهنگ بیگانه، مرعوب نشدن در مقابل فرهنگ غرب و ارائه نظام آموزشی مبتنی بر فرهنگ بومی جامعه اسلامی - ایرانی و ارائه یک برنامه منسجم در زمینه تربیت فرهنگی است.

منابع

- ابراهیمی، زینب، مهر محمدی، محمود، صادقی، علیرضا، نوروزی، امید (۱۴۰۰). طراحی الگوی کارآمدی فرهنگی معلمان دوره ابتدایی مبتنی بر پداگوژی برخوردار از روابط فرهنگی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره سوم، سال ۳۷.
- اسماعیلی، محبوبه، کاوسی، اسماعیل، قیومی، عباسعلی (۱۴۰۰). بررسی رابطه فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی دانش آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهر تهران، فصلنامه پژوهش های جامعه شناختی، سال پانزدهم، شماره سوم.
- اسماعیلی، محبوبه، کاوسی، اسماعیل (۱۳۹۹). ارائه مدل تربیت فرهنگی بر اساس آموزه های دینی نهج البلاغه، فصلنامه مطالعات رفتاری در مدیریت، سال یازدهم، شماره ۲۳.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۷). الگوی مطلوب طراحی دانشگاهها در عصر جهانی شدن. ماهنامه دانشگاه آزاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۱، ۲۲ - ۳.
- حسینی، حسین (۱۳۹۹). نقد به مثابه تربیت فرهنگی. فصلنامه پژوهش های عقلی نوین، سال پنجم، شماره نهم.
- خنکدار طارسی، معصومه، سلحشوری، احمد (۱۳۹۲). عوامل تربیت فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره). فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم تربیت اسلامی، سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۲۰.
- رحیم زاده، کبری و همکاران (۱۳۹۰). اصول تعلیم و تربیت در قرآن و سنت. چکیده مقالات همایش ملی امام خمینی و تعلیم و تربیت. قم: دانشگاه قم.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- رضایی، علی (۱۳۹۴). بررسی راههای افزایش گرایش علمی جوانان به مسایل دینی از نگاه فرهنگ اسلامی. پایاننامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک.
- زمانی، بی بی عشرت، نصر اصفهانی، احمدرضا(۱۳۸۶). ویژگی های فیزیکی و فرهنگی فضاهای آموزشی دوره ابتدایی چهار کشور پیشرفته جهان از دید دانش آموزان ایرانی و والدین آنان، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال ششم، شماره بیست سوم.
- سجادی، سیدمهدی(۱۳۸۲). جهانی شدن و پیامدهای چالش برانگیز آن برای تعلیم و تربیت، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دوره ۱۰، شماره ۳-۴ صص ۱۲۸-۱۱۳.
- شمشیری، بابک(۱۳۹۶). نقش و جایگاه تربیت فرهنگی در نظام تربیت معلم، فصلنامه پژوهش در تربیت معلم، سال اول، شماره دوم.
- صادقی، علیرضا (۱۳۹۱). ویژگیها و ضرورت های تدوین برنامه هدرسی چند فرهنگی در ایران: بررسی چال شها و ارائه راهبردها. راهبرد فرهنگ، سال پنجم، شماره ۱۷ و ۱۸.
- عبدی،عباس (۱۳۹۳). مقدمه ای بر پژوهش در جامعه شناسی خانواده در ایران. تهران: نشر نی.
- عراقیه، علیرضا و فتحی واجارگاه، کوروش(۱۳۹۱). جایگاه چند فرهنگی در آموزش مدرس های و آموزش عالی. راهبرد فرهنگ، سال پنجم، شماره ۱۷ و ۱۸.
- کیوان آرا، محمود، اسماعیلی، رضا، یقینی، فروغ الزمان (). نقش خانواده در درونی کردن ارزش های فرهنگی در نوجوانان دختر ۱۸-۱۴ ساله دبیرستان شیخ فضل ا... نوری شهر اصفهان، فصلنامه جامعه شناسی، دوره پنجم، شماره ۲.
- فرمهبینی فراهانی، محسن(۱۳۹۰). فرهنگ توصیفی علوم تربیتی. تهران: نشر شباهنگ.
- قادری، مصطفی ، کرم کار، سودا(۱۳۹۳). برنامه درسی و فرهنگ؛ رویارویی ها و به هم آوری ها تهران: آوای نور.
- مرادی، زهرا (۱۳۹۰). بررسی علل گرایش جوانان به دین در شهر همدان. پایاننامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.
- مهدوی، محمدصادق، وکیل ها، سمیرا(۱۳۹۴). بررسی تاثیر توسعه فرهنگی بر کارکرد خانواده، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره دوم.
- مهرمحمدی، محمود(۱۳۹۱). فرهنگ خانواده: مبنای مغفول در ساماندهی تعاملات خانه و مدرسه، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره هفدهم و هجدهم.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



-نجفی، حسن، وفايي، رضا، جعفری هرندي، رضا(۱۳۹۴). بازيايی اصول تربيت فرهنگي از آموزه های اسلامي، فصلنامه معرفت، سال بيست و چهارم، شماره ۲۰۹.

- هواس بيگي، فاطمه، صادقي، عليرضا، ملكي، حسن، قادري، مصطفي(۱۳۹۷). واکاوي مقوله های آموزش چند فرهنگي در كتاب های درسي مطالعات اجتماعي دوره آموزش ابتدائي ايران، فصلنامه مطالعات جامعه شناختي، دوره ۲۵، شماره ۲.

- Anderson, D. (2014). Character Education: Who is Responsible? *Journal of Instructional Psychology*, 27 (3): 139- 159.
- Bonk, Curtis J. (2009). *The World is Open: How Web Technology is Revolutionizing Education*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Earley, P.C., & Ang, S. (2003). "Cultural intelligence: Individual interactions across cultures". Stanford University Press.
- Putz, B. (2008). "The promotion of cultural knowledge, creativity and intercultural understanding through education", Paris: Committee on Culture, Science and Education
- Van dyne, I., Ang, S., & Kon, S. (2010). *Personality Correlates of the four factor. Group and organization Management*.
- Lugo, M. (2007). *An Examination of cultural and Emotional Intelligences in the Development of Cultural Intelligence*. Doctor of philosophy.
- Bui, Y. N., & Fagan, Y. M. (2013). The effects of an integrated reading comprehension strategy: A culturally responsive teaching approach for fifth grade students' reading comprehension. *Preventing School Failure: Alternative Education for Children and Youth*, 57(2), 69-59.
- Jackson, J. A. (2015). *Culturally responsive teaching for diverse students: Inherent dispositions and attitudes of effective teachers*. (Doctoral dissertation). University of California, San Diego.
- Van Hek, M., Kraaykamp, G. (2015). How do parents affect cultural participation of their children?: Testing hypotheses on the importance of parental example and active parental guidance. *Poetics*. Volume 52, pp124-138.
- Pekrun, R., & Perry, R. P. (2014). Control – value Theory of achievement emotions. In R. Pekrun & L. Linnenbrink – Garcia (Eds), *International handbook of emotions*. New York: Routledge.
- Judge, T. A., Kammeyer – Mueller, J. D. (2012). Job Attitudes. *Annual Review of cultural diversity approaches a role: A multi-informant and mixed-methods study*. *Learning, Culture and Social Learning*.
- Mercier, J. & McDonough (2015) "Family Planning Education. How Do Adults Feel about it?" *Family Relation*. Vol:33, No: 4, PP:523-530.
- Stephens, David, 2007, *Culture in Education and Development principles, Practice and Policy*, Oxford, Symposium books.



نقش آموزش و پرورش در تمدن نوین اسلامی، آسیب‌ها و راه کارها

جواد طلوع رضائی صفار

چکیده

تمدن نوین اسلامی در سالهای اخیر مدنظر اندیشمندان اسلامی بوده و رهبر انقلاب اسلامی نیز، به تمدن نوین اسلامی توجه ویژه ای داشته و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز در راستای رسیدن به تمدن نوین اسلامی و تحت نظارت رهبر انقلاب اسلامی تدوین شده است. برای رسیدن به اهداف تمدن نوین اسلامی، ارگان های آموزشی و به ویژه آموزش و پرورش، از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند. در این پژوهش آسیب های موجود در آموزش و پرورش در راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی بررسی شده و راهکارهایی برای رسیدن به آن مدنظر قرار گرفته است. در این پژوهش که به شیوه تحلیل توصیفی صورت گرفته نتیجه گیری شد که در این پژوهش مشخص شد، اصول مرتبط با آموزش و پرورش در تمدن نوین اسلامی مدنظر اندیشمندان اسلامی به ویژه رهبر انقلاب اسلامی، عبارت از محوریت قوانین قرآن، اخلاق، علم و خردورزی بوده و مدارس با چالش های گوناگونی از جمله آموزش معارف غیر ضروری و ناپایدار و نپرداختن به ضروریات زندگی و مشخص نشدن کاربرد علمی همچون ریاضی، فیزیک و شیمی برای دانش آموزان مواجه بوده و لازم است برنامه ریزی ها در مدارس و بالاتر از آن در وزارت آموزش و پرورش، کاهش تناقضات نامبرده و رسیدن به شاخص های آشنایی با قرآن، اخلاق نیکو، علم آموزی و خردورزی، در دستور کار مدارس قرار گیرد.

کلید واژگان

تمدن نوین اسلامی، آموزش و پرورش، آسیب ها، راهکارها

مقدمه

یکی از اهداف متعالی انقلاب اسلامی ایران، نظریه پردازی در راستای تحقق «تمدن نوین اسلامی» است. بنابر نظریه های ارائه شده که مرجعیت علمی و پرچمدار اصلی آن رهبری معظم انقلاب هستند؛ فرآیندهایی (شکلگیری انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، برپایی دولت اسلامی، تشکیل جامعه اسلامی و برپایی تمدن نوین اسلامی) برای دستیابی به این هدف مهم تعریف شده است. علیرغم پیشرفتهای قابل توجهی که در چهار دهه اولیه عمر انقلاب رخ داده اما این فرآیند رو به پیشرفت، در سومین مرحله آن یعنی «برپایی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

دولت اسلامی» با موانع و مشکلاتی جدی روبه رو بوده است. به تصریح رهبر انقلاب، گام اصلی حرکت تمدنی انقلاب اسلامی در مقطع کنونی، ایجاد دولت اسلامی است که بدون تحقق آن، دستیابی به دو مرحله بعدی میسر نخواهد شد. از اینرو، داشتن خط مشی برای گام های بعدی انقلاب و صیانت از ارزش های انقلابی و جلوگیری از انحراف از ارزشهای انقلابی، ضروری به نظر می رسد. اقتدار ایران ظرفیت امروز کشور است، ما پای میز مذاکره ای می نشینیم که آمریکا و قدرت های اروپایی و قدرت شرق آسیا مقابل ما می نشینند. ما یک طرف ماجرا هستیم و تمام قدرت های دیگر طرف دیگر ماجرا به شمار می روند. امروز جمهوری اسلامی ایران به علت اقتدار نظامی، معنوی، فکری و هوشیاری اجتماعی، ظرفیت جهانی پیدا کرده است. این ظرفیت بسیار بزرگ بوده و تغییر ماهیت در چالش های بین المللی و منطقه ای ایجاد کرده است. در حال حاضر چالش در سطح بین المللی بین اسلام و استکبار است. معادلات قدرت عوض شده است و قدرت بر مبنای صرفا توانایی نظامی، مالی، سیاسی یا منطقه ای رقم نمی خورد. این تقابل اسلام انقلابی و استکبار است که جایگاه دین را در معادلات قدرت تغییر داده است.

در تعریف اصطلاحی، تمدن تعاریف متعددی ارائه شده است که به دو تعریف اشاره میشود. به اعتقاد علامه جعفری، تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسانهای یک جامعه که تصادمها و تزاخم های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آنها بنماید؛ به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعداد های سازنده آنها باشد» (جعفری، ۱۳۷۳: ۲۳۳). در تعریف دیگری تمدن را پیشرفت و توسعه همه جانبه ناشی از مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر که حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است تعریف می کنند (ولایتی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۲).

تمدن اسلامی نیز تمدنی دینی است که همه مؤلفه های آن بر محور اسلام است و بر اساس نگرش توحیدی و مجموعه ای از ساخته ها و اندوخته های معنوی و مادی انسان را به سوی سعادت و کمال سوق می دهد (الهامی و جان احمدی، ۱۳۹۱: ۵۱-۵۲). بنابراین تمدن اسلامی تمدنی است که پیشرفت مادی و معنوی آن در عرصه های مختلف بر اساس آموزه های اسلامی ساخت یافته است. بنابراین برای درک جایگاه آموزش و پرورش در تحقق تمدن نوین اسلامی، ابتدا باید منشأ اندیشه تمدن نوین اسلامی را بررسی کرد.

آرمان ترسیم شده در بیانیه؛ ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای قیام مهدوی است. نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدید های متعددی از بیانیه احصا شده است. راهبردها و سیاستهای انقلاب اسلامی براساس این سند عبارتند از: دفاع از نظریه نظام انقلابی، پایبندی به اصول و حفظ مرزبندی با دشمنان انقلاب، شناخت درست گذشته به منظور برداشتن گام های استوار آینده، لزوم بهره گیری از مدیریت های جهادی و روحیه ما می توانیم، لزوم توجه به شعارهای انقلاب و جریان های انقلابی، دمیدن امید و نگاه خوشبینانه به آینده در جامعه، جهاد علمی به منظور عبور از مرزهای دانش در مهم ترین رشته ها، لزوم اتخاذ منش و رفتار اخلاقی و معنوی از سوی حاکمیت و زمینه سازی برای ترویج معنویت، برجسته کردن ارزشهای معنوی به منظور رشد هرچه بیشتر شعور



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه، عملیاتی نمودن سیاست های اقتصاد مقاومتی، مبارزه دائمی با فساد در دستگاه های حکومتی به منظور استقرار عدالت تا رفع محرومیت ها، حراست از استقلال ملی و آزادی اجتماعی به عنوان دو ارزش اسلامی و عطیه الهی، لزوم حفظ عزت ملی و مرزبندی با دشمن، لزوم به میدان آمدن جوانان در تمامی عرصه های جهادی، جهادی همه جانبه و هوشمندانه در مقابله با ترویج سبک زندگی غربی (دولابی، ۱۳۹۸).

آموزش و پرورش در شکل گیری نوع خاصی از زندگی که مطابق با فرهنگ آرمانها و هنجارهای جامعه است، دارای جایگاهی رفیع می باشد. در دنیای امروز جوامع مختلف برای رسیدن به برتری، علمی، سیاسی نظامی و عمرانی فرهنگی با هم رقابت میکنند و آن کشورهایی موفق تر هستند که سبک زندگی صحیح و ایده ال را سرمنشاء و سرلوحه ملت خود قرار داده اند از اهداف مهم نظام جمهوری اسلامی ایران زمینه سازی در راستای تحقق اهداف متعالی دین اسلام و فرهنگ اصیل ایرانی و تشکیل تمدن نوین اسلامی - ایرانی است. از اهم نهادهای اساسی و زمینه ساز در این مسیر، نظام آموزش و پرورش است. لذا در این مقاله به بررسی نقش نظام آموزش و پرورش در زمینه سازی شکل گیری تمدن نوین اسلامی پرداخته میشود که به صورت مروری بر متون نظری مرتبط با موضوع انجام گردید. نظر به این که، تمدن، محصول دانش و تعالی فرهنگی است و شکل گیری تمدن نوین اسلامی ایرانی مستلزم اجرای همه جانبه اسلام در قالب فرایند توسازی جامعه از مجرای آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش از طریق تبیین اهداف فردی و اجتماعی در جامعه بر اساس موازین شریعت اسلام، ایجاد آگاهی و گرایش نسبت به، اسلام انتقال ارزشها و آداب، اسلامی ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی تربیت اخلاقی فردی و اجتماعی تولید علم و فناوری و زمینه سازی جهت دستیابی به رفاه نسبی زمینه ی لازم جهت شکل گیری تمدن اسلامی ایرانی است. تمدن و مدنیت در اصطلاح نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی است که در جامعه ویژه رخ می نماید. تمدن مجموعه ای پیچیده از پدیده های اجتماعی قابل انتقال شامل جهات دینی و مذهبی اخلاقی، زیباشناختی، فنی یا علمی مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یک دیگر است فرهنگ علوم اجتماعی ص (۴۷) برخی تمدن را جنبه مادی فرهنگ بر شمرده اند و گفته اند که تمدن وجه تجسم و بیرون فرهنگ است. فرهنگ نیز در این معنا عبارت از هر چیزی است که انسان آن را اندیشیده و یا آفریده است که دربردارنده هنرهای معماری سنتها و آیین رسوم و آداب، قوانین نوشته و نانوشته انسانی، فن آوری و مانند آن است. به نظر می رسد که تمدن، در سایه دولتها و قدرتهای فرهنگی شکل می گیرد و تمدن بدون دولت به معنای تمدن بدون فرهنگ خواهد بود که معنا و مفهوم درست و مقبولی نخواهد داشت. تمدن هر چند که جنبه مادی و تجسمی فرهنگ است اما این تجسمیایی بیش از آن که به هنرهای معماری و فن آوری ارتباط باید با جنبه دولت قانونی و جامعه مدنی و قدرت مشروع معنا و مفهوم می یابد (مرادی و شیری، ۱۳۹۷: ۸۰).



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



روش شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش تحلیلی توصیفی استفاده شده و وضعیت موجود ارزیابی شده و آسیب ها و راهکارهای موجود تجزیه و تحلیل میشود.

روش گردآوری اطلاعات پژوهش اسنادی- کتابخانه ای بوده و با استفاده از تهیه چک لیست تجزیه و تحلیل صورت میپذیرد.

تجزیه و تحلیل

به طور کلی حرکت اسلامی معاصر شامل پنج مرحله انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی است. تا به امروز دو مرحله اول به طور کامل و سه مرحله اخیر به طور نسبی و ناقص محقق شده است.

شناخت منظومه فکر و عمل رهبر معظم انقلاب با استناد به جدیدترین و جامع ترین دیدگاه ایشان (در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی) که در اوج نقطه پختگی و کمال اندیشه و تجربه ایشان ارائه شده، جوامع هدف بیانیه را در پیگیری و تحقق بخشیدن به دیدگاه های مطرح در بیانیه موفقتر خواهد کرد.

واقعیت دیگر، اهمیت بحث از نقش بیانیه گام دوم را دوچندان میکند. تحول به سوی دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی، برآیند و نتیجه میزان توافق نظر سه رکن "امام"، "امت" و "دولت" است. هرچه اندیشه و نگاه این سه، افق نزدیکتری داشته باشد، میتوان به تحقق کاملتر و سریعتر دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی امید منطقی و عقلانی داشت.

اگر توجه کنیم که جهت گیریها، هدف گذاریها و اولویت بندیهای مطرح در دیدگاههای رهبر معظم انقلاب، مستند شرعی عملکردهای اجتماعی جوامع هدف بیانیه است، اهمیت این کارکرد مضاعف میشود.

برای تحقق این مهم، باید براساس خود بیانیه و قراین پیرامونی تبیین شود که اولاً بیانیه با چه اهدافی تهیه و ارائه شده است. ثانياً محتوای بیانیه تامین کننده چه فوایدی است. سپس تشریح شود که این اهداف و فواید، چه نسبتی با ارزشهای انقلاب اسلامی دارد و چگونه از آن صیانت می کند.

اسلام به عنوان دین کامل برای همه ابعاد زندگی ما برنامه دارد و هیچ کدام از ساحت های زندگی انسان خالی از ارزش های اسلامی نیست. تحقیقات زیادی در مورد استقراء ارزش های اسلامی در ساحت مختلف زندگی صورت گرفته است؛ اما مطلبی که کمتر به چشم می خورد، رتبه بندی و بیان سلسله مراتب ارزش هاست. از سوی دیگر، برای بیان جایگاه هر ارزش، لازم است ملاک ارزیابی و رتبه بندی ارزش ها مشخص شود تا براساس آن، ارزش ها در ساحت مختلف مورد مقایسه قرار بگیرند.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

ثبات نسبت سایر مؤلفه های سیاسی و اقتصادی جامعه هم تأثیر پذیر و هم تأثیر گذار است. در تبیین راهبرد ملی، باید توجه خاص به مؤلفه عنصر فرهنگی داشت زیرا عنصر فرهنگی همیشه در کنار راهبرد نظامی و اقتصادی هر کشور قرار دارد نهادها و مؤسسات آموزشی، رسانه های گروهی و ارتباط جمعی و بنیادهای فرهنگی در کشورهای مختلف ارتباط تنگاتنگی با پیشرفت فرهنگ و انتقال باورهای ارزشی و معرفتی اجتماعی آنجامعه دارند عنصر فرهنگی همچنین یکی از عوامل وحدت و یکپارچگی جامعه به شمار میآید تضادها و مناقشات موجود در اروپا و آسیا بیشتر به علت تعلق ارزشی و معرفتی نسبت به یکدیگر بوده است (پنجی، ۱۳۸۱: ۱۲۳-۱۳۴)

برای درک نقش آموزش و پرورش در تحقق تمدن نوین اسلامی ابتدا لازم است، تمدن نوین اسلامی به خوبی شناسایی شود.

شاخصه های تمدن اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری را میتوان در دسته بندی ذیل خلاصه کرد:

در اندیشه معظم له شاخصه های تمدن نوین اسلامی، بهره مندی انسان ها از همه ظرفیت های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۲/۹).

محوریت قوانین قرآن

در اندیشه مقام معظم رهبری، قرآن و جایگاه قوانین آن در تمدن اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. به اعتقاد ایشان شکل گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد. بدیهی است که اولین و عالی ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن عظیم است. ایشان همچنین عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی را همین موضوع یعنی محوریت قوانین الهی برگرفته شده از قرآن می داند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲۶). علت اهمیت بسیار قرآن کریم، جامعیت قوانین آن و جوابگویی آن به همه نیازهای فردی و اجتماعی بشر است. همچنین امام (ره) اعتقاد به محوریت قوانین قرآن را از پیش فرض های امت واحده و تمدن نوین اسلامی دانسته اند (امام خمینی ره، صحیفه ج ۱۰: ۴۴۹).

بنابراین باید در مدارس، با دقت در مسیر آموزش های قرآنی قدم بردارند تا بتوانند در مسیر رسیدن به تمدن نوین اسلامی نقش داشته باشند.

خردورزی

رهبر معظم انقلاب بر «خردورزی» به عنوان مهم ترین بن مایه سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. در لسان روایات، یک ساعت اندیشیدن در آغاز و فرجام زندگی و اعتقادات دینی که نوعی خردورزی است، از عبادت چندین ساله برتر شمرده شده است. خداوند در قرآن سیصد مرتبه انسان را به خردورزی دعوت کرده است (طباطبایی، ج ۳، ۱۳۷۴: ۵۷). همچنین امام (ره) معتقدند انسان به طور کلی سه نشئه دارد و صاحب سه مقام و عالم است - نشئه آخرت، عالم غیب و مقام روحانیت و عقل؛ نشئه برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام خیال؛ نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت - از این رو، به اعتقاد ایشان انسان از سه لایه عقلی، قلبی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

و ظاهری برخوردار است که بعد عقلی، نیازمند به کمال؛ بعد اخلاقی نیازمند تربیت؛ و بعد ظاهری او نیازمند به عمل است و دستورات انبیا و اولیاء الهی برای عقل، کمال و برای قلب، تربیت و برای جوارح حسی، عملی مناسب محسوب می‌شود (امام خمینی ره، ۱۳۷۷). ایشان معتقد به سه سطح برای عقلانیت انسان هستند. الف: «عقلانیت معرفتی»؛ ب: «عقلانیت اخلاقی»؛ ج: «عقلانیت ابزاری» (معینی‌پور و لکزایی، ۱۳۹۱: ۶۶-۶۵). از دیدگاه امام (ره) مراد از عقل مستند به حدیث شریف «العقل ما عُبدَ بهِ الرَّحْمَنُ» (کلینی، ج ۱، بی تا: ۱۱) عقل سلیمی است که بتواند انسان را به ارزش‌های انسانی برساند؛ بنابراین، از دیدگاه ایشان، ممکن است شخصی دانشمند باشد، اما عقل نداشته باشد و دانش خود را صرف فساد و تباه کردن ملت‌ها کند.

ارکان، مبانی و چارچوب نظری دیدگاه رهبری معظم انقلاب در حوزه تمدن‌سازی نوین اسلامی، برگرفته از مبانی فکری امام خمینی (ره) است و در برخی موارد شکوفاسازی، گسترش و تکمیل آن مبانی است. چنانچه معظم له در مراسم اولین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) تصریح نمودند: «راه ما همان راهی است که امام بزرگوارمان ترسیم کردند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۳/۱۴). مقام معظم رهبری عقلانیت را که یکی از شاخصه‌های بارز و مهم تمدن اسلامی است، چنین تعریف کرده‌اند: «عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود. عقلانیت به معنای محافظه‌کاری، مسامحه و تساهل نیست». همچنین به اعتقاد ایشان یکی از مشکلات بزرگ مسلمانان، به کار نبستن عقل و خرد خدادادی است که سبب خسارت‌های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی شده و تشکیل امت بزرگ واحد اسلامی را با اختلال مواجه کرده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹). معظم له دوری روحانیت غربی از عقلانیت و خردورزی در دوره قبل از رنسانس را عامل اصلی پیدایش تمدن منحرف غربی معرفی می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲). خردورز کردن دانش آموزان، وظیفه مدرسه در تمام نقاط دنیا است. اما در اینجا با توضیحات داده شده، عقلانیت و خردورزی و آموزش آن در مدارس، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

علم

رسالت پیامبر (ص) با خواندن آغاز و این باعث تفاوت اسلام با سایر ادیان شد (اکبری، ۱۳۹۰: ۲۰). قرآن در آیه ۹ سوره زمر بر برتری عالمان بر کسانی که از این ارزش برخوردار نیستند، تصریح کرده است. در سوره طه آیه ۱۱۴ «... وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» به پیامبر (ص) امر می‌شود که از درگاه الهی افزایش علم خود را طلب کند. در آیات دیگر قرآن مانند بقره/۲۸۰، نحل/۹۵، عمران/۱۹۰، انعام/۱۱، یونس/۵، عنکبوت/۱۵ و ... کسانی که اهل علم نیستند، پیوسته سرزنش می‌شوند. نکات فوق بیانگر اهمیت علم در قرآن است. در قرآن علم و ایمان در کنار هم است: «وَقَالَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِئْتُمْ» (روم، ۵۶). سفارش‌های مکرر پیامبر (ص) درباره دانش‌افزایی مسلمانان بسیار فراوان است که گاهی موجب تعجب عموم پژوهشگران شده است (اکبری، ۱۳۹۱: ۲۰). روایاتی مانند «خداوند نیک‌بختری هر کسی را بخواهد، او را در دین دانا گرداند» (بخاری، ج ۱، ۱۹۸۱ م: ۲۸)؛ «فرشتگان بال‌های خود را زیر پای دانشجویان می‌گسترانند» (کلینی، ج ۱، بی تا: ۳۴)؛ «دانشمندان وارثان پیامبران‌اند» و «نزدیک‌ترین مردم به درجات نبوت، اهل



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

علم و جهاد هستند» (فیض کاشانی، ۱۳۶۱: ۱۴-۱۳) بیانگر اهمیت علم در اسلام و نزد آن حضرت است. «خوب پرسیدن نیمی از دانش است» (حرانی، ۱۳۸۷: ۹۵). «برای طلب و فراگیری دانش تا چین بروید، پس فراگیری علم برای همه مسلمانان واجب است» (مجلسی، ج ۱، بی تا: ۹۶). پیامبر(ص) برای آزاد کردن بعضی از اسرایی که در جنگ بدر اسیر شدند و پول کافی نداشتند تا خود را آزاد کنند، شرط گذاشت که اگر ده نفر از مسلمانان را باسواد کنند، از قید اسارت آزاد می‌شوند (حسن ابراهیم حسن، ۱۳۸۶: ۴۵۴). اهتمام ویژه اسلام به دانش‌پروری و نیاز به درک صحیح آموزه‌های اسلامی باعث گردید مسلمانان درصدد توسعه علم و دانش و گسترش فرهنگ و پیشرفت تمدن انسانی برآیند و به گسترش تعلیم و تربیت پردازند (قربانی، ۱۳۷۰: ۶۵).

از این رو، در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان، فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه‌آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. ایشان به میزان بسیاری تأکید می‌کنند که علم را باید فراگرفت و به تولید و صدور آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. روش‌شناسی تولید علم از دیدگاه ایشان، اجتهاد به معنای مصطلح، یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است. در این صورت تولید علم می‌تواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی باشد. به اعتقاد ایشان دشمن از هیچ تلاشی برای عدم تحقق این اصل فروگذار نمی‌کند و بنابراین، باید ترندهای دشمن را شناخت. نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان درباره علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. به اعتقاد ایشان، تحجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

دیدگاه راهبردی امام (ره) در زمینه علم به عنوان یکی از ارکان و مبانی تمدن نوین اسلامی آن است که همه علوم با نیت الهی، «الهی» محسوب می‌شوند. همچنین تقارن علم با عمل، ضرورتی تام دارد؛ به طوری که علم و عمل دو بالی هستند که انسان را به مقام انسانیت می‌رسانند. بنابراین علم تنها اثر ندارد، بلکه گاهی مضر است و عمل بدون علم، بی‌نتیجه است (امام خمینی ره، ج ۸، ۲۶۸). در آثار امام به میزان بسیاری تأکید شده است که علم غیر از ایمان است و تصریح می‌فرمایند: «ممکن است انسان، برهان داشته باشد، ولی در مرتبه کفر و شرک باقی بماند» (خمینی، بی تا، ج ۳: ۳۵۴).

بنابراین علم آموزی در مدارس که به ظاهر مهمترین اقدام هر مدرسه ای است، باید در راستای اصول تمدن نوین اسلامی باشد و در آن جهت حرکت کنند.

اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که فقط با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک است. علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۴: ۱۶-۱۵). قرآن مسأله اخلاق را در ردیف اهداف اصیل عامه نبوت می‌داند و زندگی انسان را در ساحت اخلاق، زندگی سعادت‌مند و زندگی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

بدون اخلاق را متضرر می‌داند (عصر، ۱). اخلاق یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌های بارز تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری است. ایشان معنویت و اخلاق را همان عامل می‌داند که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب، به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها دنیا را اداره کرد و امروز نیز دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی گردید، در غیر این صورت چنین تمدن ماندگاری با انگیزه‌ها و تلاش‌های مادی به وجود نمی‌آمد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱). رهبر انقلاب شرط اصلی ساختن یک تمدن پیشرفته و دارای کمترین اشکالات را معنویت متکی بر دین اسلام می‌دانند و معتقدند که معنویت دینی زمینه‌ساز شناخت استعدادها و بهره‌گیری مناسب از آنها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد و با کمترین آسیب خواهد بود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴).

ایشان به عنوان مبانی کارگشای تمدن نوین اسلامی «اسلام، خردورزی، اخلاق و حقوق را مایه اصلی فرهنگ صحیح می‌داند و ما نیز باید به طور جدی به این مقولات پردازیم و گرنه پیشرفت اسلام و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). معظم‌له در زمینه اینکه اخلاق چیست و وجود و عدم آن در جامعه چه نقش دارد؟ چه ارتباطی با عقلانیت و دیانت و علم دارد؟ می‌فرمایند: «اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند». اخلاق که از دیدگاه ایشان مهندسی و مدیریت لایه دوم وجود آدمی را بر عهده دارد، عبارت است از هوای لطیف، یعنی انسان‌ها به همان مقدار به اخلاق نیاز دارند که به هوا، نه به آب و نه به غذا (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹). بنابراین در سایه محیط سالم است که تمدن شکل می‌گیرد.

توجه به اخلاق نیز از مهمترین خصوصیات دروس مدارس است که با هدف رسیدن به تمدن نوین اسلامی، در مسیر تعلیم و تعلم گام برمیدارند.

آسیب‌های آموزش و پرورش در رسیدن به تمدن نوین اسلامی

آموزش در مدارس، مطابق دستورالعمل‌های آموزش و پرورش با چالش‌های گوناگونی روبرو است. از جمله موارد ذیل که به نظر مهمترین چالش‌های آموزش و پرورش در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی است:

الف) آموزش معلومات ناپایدار

یکی از اشکالات مهم آموزش و پرورش فراموشی اغلب آموخته‌هاست؛ اغلب معلوماتی که دانش‌آموزان در همه درسها اعم از فیزیک شیمی زیست، ریاضیات ادبیات، زبان عربی، زبان انگلیسی، دینی و... یاد می‌گیرند پس از مدتی از یاد آنها می‌رود به گونه‌ای که اگر مجدداً آزمون برگزار شود و همان سؤالاتی را که سالها قبل بدان پاسخ داده و قبول شده اند مجدداً سؤال شود علی‌الغالب از کسب نمره قبولی ناتوان خواهند بود.

بر اساس پیمایشی که به منظور سنجش پایداری معلومات دانش‌آموزان انجام شده است میزان پایداری معلومات بسیار پایین بوده است توضیح این که از دانش‌آموزانی که با معدل بالای ۱۸ دیپلم گرفته و در دانشگاه قبول شده اند با فاصله یک تا پنج سال از



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



قبولی در دانشگاه، مجدداً تعدادی از سؤالات کنکور پرسیده شده است که نتایج حکایت از فراموشی اغلب آموخته ها دارد (آرام، ۱۳۹۶: ۸۰-۷۹).

ب) آموزش معلومات غیر ضروری

اشکال دومی که به کلیت آموزش و پرورش وارد است ضروری نبودن بسیاری از مطالب است. معلومات فراموش شده که وقت زیادی صرف فرا گرفتن آنها شده است خوشبختانه نقشی در زندگی دانش آموزان ندارند بعید است برای فردی مشکلی در زندگی رخ بدهد و او با افسوس بگوید: ای کاش وزن عروضی اشعار فردوسی در یادم بود اگر وزن آن یادم بود این مشکل پیش نمی آمد. یا مثلاً بگوید اگر یادم بود که پرکامبرین به چه دورانی گفته می شود از حل این مشکل دوران ساز بر می آمدم یا بگوید اگر میدانستم ظرفیت گرمایی ویژه آب چقدر است الان از ظرفیتهای زندگی استفاده بهتری می کردم

حجم عمده ای از معلوماتی که در دروس فیزیک شیمی زیست شناسی زمین شناسی، هندسه مثلثات، عربی، انگلیسی، جغرافی به دانش آموزان آموخته میشود گرهی از مشکلات زندگی آنها را حل نمیکند و کمکی به داشتن زندگی بهتر نمی نمایند. این میزان، شیمی، فیزیک، ریاضی، زبان انگلیسی زبان عربی کاربردی در زندگی فرد ندارد. این از یاد رفته ها کمکی به داشتن ارتباط بهتر انسان با والدین دوستان همکاران همسایگان و هموعانش نمی کند. متأسفانه از اوایل قاجار و از همان وقتی که ایران در جنگ با روسیه شکست خورد و علت عقب ماندگی برای امثال عباس میرزا مسئله شد (ژوبر ۱۳۲۲: ۹۵) نقش علوم طبیعی و فناوری در «سویلیزاسیون» و «پروغره» بیش از حد برجسته شد. چاره جبران عقب ماندگی ایران، آموزش حداکثری و همگانی این علوم شد و این گونه بود که علوم طبیعی جایگاهی بسیار بالاتر از جایگاه واقعی خود کسب کرده اند.

ج) نپرداختن به ضروریات زندگی

دانش آموزان آموزش جدی ای در زمینه نحوه رفتار با پدر و مادر برادر و خواهر، استاد، همسر، فرزند، بزرگ تر و کوچک تر از خود نمی بینند. البته نکات مهم و مفیدی در این زمینه گفته می شود مثل احترام به والدین اما این توصیه های کلی کافی نیست اگر به چیزی نیاز داشتیم چگونه باید نیاز خود را با دیگران در میان بگذاریم و تقاضای خود را مطرح کنیم. اگر کسی از ما تقاضایی داشت و ما توان یا تمایل برآورده کردن آن تقاضا را نداشتیم چگونه باید پاسخ دهیم. اگر کسی اسباب زحمت ما بود باید چگونه این مسئله را با او در میان بگذاریم. اگر کسی به ما دروغ گفت یا ما را تحقیر کرد چه رفتاری با او داشته باشیم به چه نحوی باید از طبیعت و نعمات خدادادی آن استفاده کنیم این امور مبتلا به همگانی در نظام آموزشی نیست.

ده ها نکته ریز و فنی را در خصوص ترکیب شیمیایی آب و ظرفیت گرمایی آن فرا می گیریم اما چگونه مصرف کردن آب را علی الاغلب بلد نیستیم. در حالی که مصرف آب خانگی مردم آلمان با میانگین بارندگی ۹۲۰ میلی متر در سال ۱۲۹ لیتر در روز است میانگین مصرف آب خانگی در کشور ما با میانگین بارندگی ۲۵۰ میلیمتر در سال ۱۸۰ لیتر در روز است (سیدزاده، ۱۳۹۹). بنابراین در کنار علوم ریاضی و فیزی و شیمی که کسی منکر اهمیت آموزش آنها نیست، باید کاربرد این علوم و فنون در زندگی نیز به دانش آموزان آموزش داده شود.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

نتیجه گیری

در فضای ۴۰ سالگی که سن بلوغ و پختگی انقلاب است انتظار یک حرکت تحولی و گام جهشی در گفتمان انقلاب می رفت و این زمینه را رهبر معظم انقلاب اسلامی از چند سال پیش با کلید واژه 'تمدن نوین اسلامی' مطرح کردند اما در بیانیه گام دوم به نحو کاملتری به این موضوع پرداختند و یک فضای جدید همراه با نگاه نوینی را در عرصه گفتمان انقلاب ایجاد فرمودند. در چنین شرایطی، همه عرصه ها از جمله آموزش و پرورش باید جهت دار به سوی تمدن نوین اسلامی برنامه ریزی نمایند.

برنامه ریزان و متولیان حوزه فرهنگ از طریق تلویزیون، رادیو، آموزش و پرورش، رسانه های مکتوب، سازمان های فرهنگی و فرهنگسراها، واعظان، خطیبان و سایر سازمان ها و نهادهای متولی در این بخش باید در سیاست گذاری و اجرای برنامه های فرهنگی و آموزشی در جهت ایجاد تعادل و نزدیکی اقوام مختلف ایران و نیروهای اجتماعی تلاش کنند و با در نظر گرفتن اشتراکات و یکپارچگی تاریخی، تاریخ این کشور را به دو دوره قبل و بعد از اسلام تقسیم نکنند.

در این پژوهش مشخص شد، اصول مرتبط با آموزش و پرورش در تمدن نوین اسلامی مدنظر اندیشمندان اسلامی به ویژه رهبر انقلاب اسلامی، عبارت از محوریت قوانین قرآن، اخلاق، علم و خردورزی بوده و مدارس با چالش های گوناگونی از جمله آموزش معارف غیر ضروری و ناپایدار و نپرداختن به ضروریات زندگی و مشخص نشدن کاربرد علوم همچون ریاضی، فیزیک و شیمی برای دانش آموزان مواجه بوده و لازم است برنامه ریزی ها در مدارس و بالاتر از آن در وزارت آموزش و پرورش، کاهش تناقضات نامبرده و رسیدن به شاخص های آشنایی با قرآن، اخلاق نیکو، علم آموزی و خردورزی، در دستور کار مدارس قرار گیرد.

منابع

الهامی علی، جان احمدی فاطمه، (۱۳۹۱)، بازکاوی تاثیر ساختار قدرت سیاسی خلافت عباسیان بر فراز تمدن اسلامی از ۱۳۲ تا ۲۴۷ق، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۳(۶): ۲۹-۴۰.

اکبری، مرتضی، (۱۳۹۰)، درآمدی بر آموزش در اسلام و ایران. ایلام: جوهر حیات

بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم، (۱۹۸۱م)، صحیح بخاری، جلد ۱، ترکیه: انتشارات معاصر استانبول

پنجی، غلامحسین (۱۳۸۱). «نقش فرهنگ و ارزش ها در اقتدار ملی»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک: تابستان و پاییز، شماره ۱۳ و ۱۴.

جعفری، علامه محمدتقی، (۱۳۷۳)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، جلد ۶. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

حرّانی، شیخ ابو محمد، (۱۳۸۷ ق)،، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه صادق حسن زاده، چاپ دهم، قم: انتشارات آل علی.

خمینی، سید روح الله، (بی تا)، تقریرات فلسفه، مقرر سید عبدالغنی اردبیلی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

- ژوبر، پیر آمدی امیلین (۱۳۲۲). مسافرت به ایران و ارمنستان (ترجمه محمود هدایت). تهران: شرکت چاپخانه تابان.
- سیدزاده، سید علی (۱۳۹۹/۰۷/۱۲). وضعیت سرانه مصرف آب در ایران و سایر کشورها.
- فیض کاشانی، محمدحسن بن‌الشاہ مرتضی، (۱۳۶۱)، کتاب‌العلم (ارزش دانش و دانشمند در اسلام)، ترجمه اسدالله ناصح، بی نا.
- قربانعلی دولابی، مجید، ۱۳۹۸، تدوین راهبردهای گام دوم انقلاب اسلامی براساس بیانیه گام دوم، همایش ملی جستارهای پژوهشی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب، گرگان
- قربانی، زین العابدین، (۱۳۷۰)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی
- کلینی رازی، ابوجعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق، (بی تا)، اصول کافی، جلد ۱ و ۲، تعلیقات محمد آخوندی، تهران: حیدری
- مرادی حسین، شیرین شهربانو (۱۳۹۷)، بررسی جایگاه نظام تعلیم و تربیت اسلامی در ایجاد تمدن نوین اسلامی مرادی شیرین فصلنامه روانشناسی و علوم فناوری ایران، ۲(۱۳): ۷۹-۸۷
- معینی پور، مسعود، و لک زایی، رضا. (۱۳۹۱). ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری. مطالعات انقلاب اسلامی، ۹(۲۸)، ۵۱-۷۶.
- ولایتی، علی اکبر، (۱۳۸۴)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: وزارت امور خارجه.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

بررسی رابطه جو اخلاقی سازمان با بالندگی سازمانی در مدارس متوسطه اول شهر خرم‌آباد

فرونوش شمس

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد

چکیده

مقدمه: در این پژوهش رابطه بین جو اخلاقی (سه مؤلفه؛ پابندی به اصول، خودمحوری و خیرخواهی) با بالندگی سازمانی در مدارس متوسطه اول شهر خرم‌آباد بررسی شده است. روش کار: جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دبیران (مرد و زن) مدارس متوسطه اول ناحیه ۱ و ۲ شهر خرم‌آباد بوده است. تعداد اعضای جامعه آماری در مجموع ۸۵۸ نفر بوده که با استفاده از جدول مورگان تعداد ۲۶۹ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. برای سنجش رابطه جو اخلاقی با بالندگی سازمانی از پرسشنامه استاندارد شده جو اخلاقی ویکتور و کالن (۱۹۹۸) و پرسشنامه استاندارد شده بالندگی سازمانی از پرسشنامه استاندارد شده جو اخلاقی ویکتور و کالن (۱۹۹۸) و پرسشنامه استاندارد شده بالندگی سازمانی که توسط نجارپور استادی و تقی‌زاده (۱۳۹۱) به کار برده شده بود استفاده شده است. پس از تعیین روایی و پایایی پرسشنامه‌ها، اطلاعات لازم جمع‌آوری و تلخیص گردیده است. ضمن بررسی طبیعی بودن داده‌ها، از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه از نوع گام‌به‌گام و آزمون t مستقل استفاده شده است. یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در آموزش و پرورش شهر خرم‌آباد بین جو اخلاقی و بالندگی سازمانی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد، نتیجه‌گیری: در پایان ضمن ارائه نتایج پژوهش، راهکارهای لازم برای تقویت جو اخلاقی سازمان و بالندگی سازمانی ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: جو اخلاقی، بالندگی سازمانی، معلمان مدارس متوسطه اول

مقدمه

در دهه کنونی سازمان‌ها در محیط‌های متحول و پویا قرار گرفته‌اند. مدیران و رهبران سازمان‌ها باید با موانعی که در مقابل کوشش‌های آنها در جهت زنده نگاه داشتن سازمانشان وجود دارد، مقابله کنند. به طور کلی، هر سازمان با دگرگونی‌های پیوسته و بی‌شماری درگیر است. دگرگونی‌های سازمانی که گاهی به نام «بالندگی سازمانی» از آن یاد می‌شود به دگرگونی رفتار فرد توجه ندارد و سازمان را در کل به عنوان یک نظام یا مجموعه به هم بافته در نظر می‌گیرد. نیروهای دگرگونی فقط به بخش بازرگانی و تجاری محدود نمی‌شوند؛ سازمان‌های غیر تجاری مانند نهادهای آموزشی، بیمارستان‌ها و دولت‌ها نیز با دگرگونی روبرو هستند (طوسی، ۱۳۸۰). عصر امروز، عصر تغییرات شتاب‌زا و عدم اطمینان نسبت به آینده و نبود داده‌های در دسترس و کافی جهت تصمیم‌گیری برای مدیران است. تغییراتی که اگر سازمان خود را با آن موافق و همراه نسازد، چه بسا سازمان را به ورطه نابودی بکشاند؛ از این رو سازمان باید یک ویژگی مهم داشته باشد و آن عبارت از توانایی تغییر و تطبیق مدام است (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۲).



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

به بیان دیگر، دوام و توسعه سازمان‌های قرن ۲۱ در گرو همسو شدن با تحولات سریع، توسعه و بالندگی می‌باشد چرا که تغییر و تحولات سریع محیطی، بهبود و بالندگی سازمانی را در موقعیت‌های گوناگون اجتناب ناپذیر می‌سازد (فاروک، ۲۰۱). به عبارتی تکیه بر جایگاه مدیریت و رهبری و کسب توفیق در انجام دادن وظایف و مأموریت‌های آن نیازمند احراز سه نوع توانایی و قابلیت است؛ دانش، مهارت و اخلاق.

درباره اخلاق سازمانی می‌توان گفت که مدیریت و رهبری تنها با آگاهی‌های عمومی و تخصصی و نیز مهارت‌ها و زبردستی در اجرای آموخته‌ها به سامان نمی‌رسد؛ بلکه عنصر نقش‌آفرین دیگر در این زمینه اخلاق است. منظور از عنصر اخلاق در اینجا، منش، روحیه و شخصیت اخلاقی ویژه‌ای است که مدیران و رهبران باید آن را احراز کنند. (دبرا و شریل، ۲۰۰۸)

امروزه پرداختن به اخلاق و ارزش‌های اخلاقی یکی از الزامات در تجزیه و تحلیل رفتار سازمان‌ها است. پیامدهای اجتماعی فعالیت‌های سازمان‌ها و تاثیرات آن‌ها بر صاحبان منافع به دلیل رشد و توسعه سازمان‌ها و افزایش نقش آن‌ها در اجتماع، اهمیتی روزافزون یافته است. به گونه‌ای که عملکرد اخلاقی و اجتماعی انسان‌ها بر عملکرد کلی سازمان تاثیرات بزرگی دارد (سلاجقه و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). حاکمیت جو اخلاقی مناسب در سازمان به میزان بسیار چشمگیری سازمان را در جهت کاهش تنش‌ها و موفقیت در تحقق اثربخش هدف یاری می‌نماید و سازمان را پاسخگو می‌سازد. امروزه داشتن جو اخلاقی صحیح به عنوان یک مزیت رقابتی در سازمان مطرح است.

فردآر. دیوید می‌گوید در سازمان، اصول اخلاقی خوب از پیش شرط‌های مدیریت استراتژیک خوب است؛ اصول اخلاقی خوب یعنی سازمانی خوب (مجتبوی دلویی، ۱۳۸۷). رعایت نشدن برخی معیارهای اخلاقی در شرایط کنونی، نگرانی‌های زیادی را در بخش‌های دولتی و غیردولتی به وجود آورده است؛ لذا یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های مدیران کارآمد در سطوح مختلف، چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی شاغل در تمام حرفه‌ها است تا آن‌ها با احساس مسئولیت و تعهد به حرفه خود بپردازند و اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود را رعایت کنند (تولایی، ۱۳۸۸: ۴).

ضعف اخلاقی بر عملکرد سازمان تاثیر دارد. زمانی که رفتار سازمانی از نظر اخلاقی ضعیف باشد به صورت آشکار و پنهان هزینه عملکرد بالا می‌رود. این هزینه را می‌توان در حوزه‌های مختلف سازمانی شناسایی کرد مانند: پایین بودن بهره‌وری، کندی پویایی سازمان، عدم شفافیت و به هم ریختگی ارتباطات سازمانی. ضعف در سیستم اخلاق منجر به کاهش ارتباطات و افزایش خسارات در سازمان می‌گردد و مدیریت، بیشتر بر روی واپایش گذشته‌نگر تکیه خواهد کرد؛ زیرا افراد به مدیریت، اطلاعات را نمی‌رسانند و در این صورت انرژی سازمان به هدر می‌رود به عبارتی دیگر توان سازمان به جای این که صرف هدف شود شایعه، غیبت، کم‌کاری و... خواهد شد (مظاهری، ۱۳۸۲: ۸).



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



لازم به ذکر است که بهبود سازمان همزاد تشکیل سازمان‌های بشری است و بهسازی سازمان به مسائل انسانی، یعنی افرادی ارتباط پیدا می‌کند که در آن سازمان کار می‌کنند. به همین دلیل گفته‌اند که بهسازی سازمان به تغییرات برنامه‌ریزی شده، یعنی به ارتباط بین سازمان و انسان مربوط می‌شود (لوتانز، ۱۳۷۴: ۹۲۳). و چون امروزه تعاملات سازمان‌ها با جامعه فراتر از الگوهای سنتی چندین دهه قبل است به طوری که سازمان‌ها به غیر از تعاملاتی که با کارکنان، سهامداران، رقبا، مشتریان، عرضه‌کنندگان مواد اولیه و عمده‌فروشان و خرده‌فروشان دارند باید پاسخگوی افکار عمومی و رسانه‌های ارتباط جمعی نیز باشند. این تعاملات سرآغازی برای سازمان در رعایت اصول اخلاقی و پاسخگویی به خواسته‌های جامعه است (الوانی و قاسمی، ۱۳۷۷: ۳). بنابراین پژوهش حاضر به دنبال این پرسش است که رابطه بین جو اخلاقی سازمان و بالندگی سازمانی در مدارس متوسطه اول شهر خرم‌آباد چگونه است؟

روش کار

با توجه به این که در پژوهش حاضر میزان تغییرات متغیر ملاک (بالندگی سازمانی) بر اساس تغییرات متغیر پیش بین (جو اخلاقی) مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد روش پژوهش از شاخه تحقیقات همبستگی می‌باشد و با توجه به این که هدف پژوهش افزایش جو اخلاقی در سازمان و در پی آن بهبود و بالندگی سازمانی در جامعه مورد مطالعه است، لذا پژوهش از نوع کاربردی می‌باشد. به عبارت دیگر تحقیق حاضر از حیث هدف، کاربردی و از حیث نحوه گردآوری داده‌ها، از دسته تحقیقات همبستگی می‌باشد. با توجه به مسئله تحقیق، جامعه آماری تحقیق حاضر دبیران مدارس متوسطه اول شهر خرم‌آباد (ناحیه ۱ و ۲) می‌باشد. که تعداد آن‌ها در مجموع ۸۵۸ نفر می‌باشد.

در تحقیق حاضر نیز برای جمع‌آوری داده‌ها از دو پرسشنامه که در تحقیقات نجفی و همکاران (۱۳۸۹) و نجاریپور و نقی‌زاده (۱۳۹۱) به کار گرفته شده و مورد اعتبار یابی قرار گرفته بودند، استفاده شده است که به اختصار به معرفی آنان پرداخته می‌شود. پرسشنامه جو اخلاقی سازمان و پرسشنامه بالندگی سازمانی.

برای جمع‌آوری اطلاعات، ضمن اخذ مجوزهای لازم از اداره آموزش و پرورش شهر خرم‌آباد به مدارس متوسطه اول ناحیه یک و دو مراجعه شد و ضمن تبیین هدف‌ها و اهمیت تحقیق از دبیران این مدارس خواسته شد تا همکاری لازم را با محقق داشته باشند پس از این مرحله به دفتر امور دبیران در هر مدرسه مراجعه و از آنان خواسته شد تا پرسشنامه‌ها را تکمیل نمایند و تجزیه و تحلیل داده از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. همچنین از آمار توصیفی و استنباطی نیز استفاده شده است.

یافته‌ها



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

در نمونه آماری ۱۰۴ نفر (۰/۳۸/۷) مرد و ۱۶۵ نفر (۰/۶۱/۳) زن می باشند. تعداد ۱۶ نفر (۰/۵/۹) دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم و ۱۷۸ نفر (۰/۶۶/۲) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی و ۷۵ نفر (۰/۲۷/۹) نیز دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس میباشند و تعداد ۲۶ نفر (۰/۹/۷) در دامنه سنی بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۹۹ نفر (۰/۳۶/۸) دارای دامنه ی سنی بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۳۷ نفر (۰/۵۰/۹) دارای دامنه سنی بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۷ نفر (۰/۲/۶) دارای سنی بیش از ۵۰ سال بودند.

جدول (۱) «آمار توصیفی»

متغیر	تعداد	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۳۸/۷
	زن	۶۱/۳
سطح تحصیلات	فوق دیپلم	۵/۹
	لیسانس	۶۶/۲
	فوق لیسانس	۲۷/۹
دامنه سنی	۲۰ تا ۳۰ سال	۹/۷
	۳۱ تا ۴۰ سال	۳۶/۸
	۴۱ تا ۵۰ سال	۵۰/۹
	بیشتر از ۵۰ سال	۲/۶

جدول (۲) یافته های توصیفی مربوط به متغیر جو اخلاقی و ابعاد آن را نشان می دهد. جدول (۳) یافته های توصیفی مربوط به متغیر بالندگی سازمانی و ابعاد آن را نشان می دهد. بیشترین میانگین در متغیر اصلی جو اخلاقی ۶۵/۵۷ و کمترین آن ۲۰/۸۶ می باشد و همینطور در بالندگی سازمانی بیشترین میانگین در متغیر اصلی بالندگی سازمانی ۳۴/۰۱ و کمترین آن ۶/۴۴ می باشد

جدول (۲): یافته های توصیفی مربوط متغیر جو اخلاقی و ابعاد آن

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	واریانس
جو اخلاقی	۶۵/۵۷	۱۰/۲۳	۹۷/۰۰	۲۹/۰۰	۱۰۴/۷
خود محوری	۲۲/۲۹	۵/۳۳	۳۱/۰۰	۷/۰۰	۲۸/۴۱



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

۲۰/۵۰	۱۰/۰۰	۳۴/۰۰	۴/۵۲	۲۰/۸۴	خیر خواهی	ابعاد جو
۲۶/۱۹	۱۲/۰۰	۴۴/۰۰	۵/۱۱	۲۲/۴۱	پابندی به اصول	اخلاقی

جدول (۳): یافته‌های توصیفی مربوط به متغیر بالندگی سازمانی و ابعاد آن

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	واریانس
بالندگی سازمانی	۳۴/۰۱	۷/۴۷	۲۰/۰۰	۶۸/۰۰	۲۰/۰۰
ابعاد بالندگی سازمانی	۶/۸۳	۱/۹۵	۴/۰۰	۱۵/۰۰	۳/۸۰
	۷/۳۷	۲/۰۳	۴/۰۰	۱۵/۰۰	۴/۱۵
	۶/۸۶	۲/۰۲	۴/۰۰	۱۵/۰۰	۴/۱۰
	۶/۴۸	۱/۹۷	۴/۰۰	۱۵/۰۰	۳/۹۰
	۶/۴۴	۱/۸۰	۴/۰۰	۱۵/۰۰	۳/۲۶

رابطه همبستگی بین جو اخلاقی و بالندگی سازمانی و همچنین رابطه همبستگی بین ابعاد جو اخلاقی و ابعاد بالندگی سازمانی مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور بررسی آن آزمون همبستگی پیرسون، آزمون t و رگرسیون گام به گام استفاده شد. از آنجا که هر دو متغیر جو اخلاقی و بالندگی سازمانی در سطح مقیاس فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند و با توجه به اینکه براساس نتایج جداول داده‌ها به نسبت نرمال توزیع شده‌اند، بنابراین می‌توان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کرد که نتایج آن در جدول (۴) آمده است:

جدول (۴): نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین جو اخلاقی و بالندگی سازمانی

رابطه همبستگی	(R)	(sig.)
جو اخلاقی - بالندگی سازمانی	۰/۳۳۶	۰/۰۰۰

نتایج ضریب همبستگی پیرسون جدول فوق نشان می‌دهد که ضریب همبستگی پیرسون با مقدار $+0/333$ و در سطح $0/000$ معنی‌دار است. معنی‌داری این ضریب حاکی از آن است که بین نمرات جو اخلاقی و بالندگی سازمانی دبیران رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. بدین معنی که با افزایش نمره جو اخلاقی، نمره بالندگی سازمانی دبیران نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. همچنین برای بررسی رابطه خود محوری و ابعاد بالندگی سازمانی (گشودگی و شفاف بودن، اعتماد متقابل یا اعتماد به یکدیگر، بازخورد از درون و بیرون، مشارکت با دیگران، کم لایه بودن ساختار سازمانی) از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول (۵) نمایش داده شده است.

جدول (۵): نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین خود محوری و ابعاد بالندگی سازمانی

کم لایه بودن	مشارکت با دیگران	بازخورد از درون و بیرون	اعتماد متقابل	گشودگی و شفافیت بودن	ضریب همبستگی پیرسون	خود محوری
-۰/۱۵۵	-۰/۱۲۰	-۰/۰۱۵	-۰/۰۲۲	-۰/۰۵۲		
۰/۰۱۱	۰/۰۴۹	۰/۸۰	۰/۷۱۸	۰/۳۹۵	سطح معناداری (P)	

ضریب همبستگی پیرسون و سطوح معناداری برای رابطه بین خود محوری و ابعاد بالندگی سازمانی (گشودگی و شفاف بودن، اعتماد متقابل یا اعتماد به یکدیگر، بازخورد از درون و بیرون، مشارکت با دیگران، کم لایه بودن ساختار سازمانی) نشان داد که، بین خود محوری و بعد گشودگی و شفاف بودن دبیران ($r=0/395, p<0/000$) رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد، بین خود محوری و بعد بازخورد از درون و بیرون دبیران ($r=0/80, p<0/000$) رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد، بین خود محوری و بعد مشارکت با دیگران دبیران ($r=0/049, p<0/000$) رابطه منفی و معناداری وجود دارد، بین خود محوری و بعد کم لایه بودن دبیران نیز ($r=0/011, p<0/000$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین دال بر وجود رابطه بین خود محوری و ابعاد بالندگی سازمانی (گشودگی و شفاف بودن، اعتماد متقابل یا اعتماد به یکدیگر، بازخورد از درون و بیرون، مشارکت با دیگران، کم لایه بودن ساختار سازمانی) دبیران دوره اول متوسطه شهر خرم‌آباد مورد تأیید قرار نگرفت.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

برای بررسی رابطه خیرخواهی و ابعاد بالندگی سازمانی (گشودگی و شفاف بودن، اعتماد متقابل یا اعتماد به یکدیگر، بازخورد از درون و بیرون، مشارکت با دیگران، کم لایه بودن ساختار سازمانی) از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول (۶) نمایش داده شده است.

جدول(۶):نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین خیر خواهی و ابعاد بالندگی سازمانی

کم لایه بودن	مشارکت با دیگران	بازخورد از درون و بیرون	اعتماد متقابل	گشودگی و شفافیت بودن	ضریب همبستگی پیرسون	خیر خواهی
۰/۲۷۹	۰/۲۴۵	۰/۳۴۷	۰/۲۶۹	۰/۳۷۳		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری (P)	

ضریب همبستگی پیرسون و سطوح معناداری برای رابطه بین خیر خواهی و ابعاد بالندگی سازمانی (گشودگی و شفاف بودن، اعتماد متقابل یا اعتماد به یکدیگر، بازخورد از درون و بیرون، مشارکت با دیگران، کم لایه بودن ساختار سازمانی) نشان داد که، بین خیر خواهی و بعد گشودگی و شفاف بودن دبیران ($r=0/373, p<0/001$)، بین خیر خواهی و بعد اعتماد متقابل دبیران ($p<0/001$)، $r=0/269$ ، بین خیرخواهی و بعد بازخورد از درون و بیرون دبیران ($r=0/347, p<0/001$)، بین خیر خواهی و بعد مشارکت با دیگران دبیران ($r=0/245, p<0/001$)، بین خیرخواهی و بعد کم لایه بودن دبیران ($r=0/279, p<0/001$) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بنابراین دال بر وجود رابطه بین خیر خواهی و ابعاد بالندگی سازمانی (گشودگی و شفاف بودن، اعتماد متقابل یا اعتماد به یکدیگر، بازخورد از درون و بیرون، مشارکت با دیگران، کم لایه بودن ساختار سازمانی) دبیران دوره اول متوسطه شهر خرم‌آباد مورد تأیید قرار می‌گیرد.

برای بررسی رابطه پایبندی به اصول و ابعاد بالندگی سازمانی (گشودگی و شفاف بودن، اعتماد متقابل یا اعتماد به یکدیگر، بازخورد از درون و بیرون، مشارکت با دیگران، کم لایه بودن ساختار سازمانی) از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول (۷) نمایش داده شده است.

جدول (۷): نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین پابندی به اصول و ابعاد بالندگی سازمانی

کم لایه بودن	مشارکت با دیگران	بازخورد از درون و بیرون	اعتماد متقابل	گشودگی و شفافیت بودن	ضریب همبستگی پیرسون	پابندی به اصول
۰/۲۸۵	۰/۳۳۲	۰/۴۰۸	۰/۳۳۹	۰/۳۰۹	سطح معناداری (P)	
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱		

ضریب همبستگی پیرسون و سطوح معناداری برای رابطه بین پابندی به اصول و ابعاد بالندگی سازمانی (گشودگی و شفاف بودن، اعتماد متقابل یا اعتماد به یکدیگر، بازخورد از درون و بیرون، مشارکت با دیگران، کم لایه بودن ساختار سازمانی) نشان داد که، بین پابندی به اصول و بعد گشودگی و شفاف بودن دبیران ($r=0/309, p < 0/001$)، بین پابندی به اصول و بعد بازخورد از درون و بیرون دبیران ($r=0/408, p < 0/001$)، پابندی به اصول و بعد مشارکت با دیگران دبیران ($r=0/332, p < 0/001$)، بین پابندی به اصول و بعد کم لایه بودن دبیران ($r=0/285, p < 0/001$) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بنابراین دال بر وجود رابطه بین پابندی به اصول و ابعاد بالندگی سازمانی (گشودگی و شفاف بودن، اعتماد متقابل یا اعتماد به یکدیگر، بازخورد از درون و بیرون، مشارکت با دیگران، کم لایه بودن ساختار سازمانی) دبیران دوره اول متوسطه شهر خرم‌آباد مورد تأیید قرار می‌گیرد.

به منظور بررسی تفاوت بین مدارس پسرانه و دخترانه از نظر بالندگی سازمانی متوسطه اول، از آزمون t مستقل استفاده شده است، که با توجه به نتایج به دست آمده، بین مدارس پسرانه و دخترانه از نظر بالندگی سازمانی تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول (۸): تعیین تفاوت مدارس پسرانه و دخترانه از نظر بالندگی سازمانی بر حسب آزمون t مستقل

شاخص متغیر	تفاوت خطای انحراف استاندارد	تفاوت میانگین ها	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنادار sig.
جنسیت و بالندگی	۰/۹۳	۱/۷۲	۱/۸۵	۲۶۷	۰/۰۶۵

آزمون t و سطوح معناداری جنسیت بر بالندگی سازمانی با تفاوت خطای انحراف استاندارد ۰/۹۳ و تفاوت بین شرایط میانگین ۱/۷۲ درجه آزادی ۲۶۷ نشان داد که، بین جنسیت و بالندگی سازمانی دبیران مدارس متوسطه اول شهر خرم آباد تفاوت معناداری وجود ندارد (۰/۰۶۵ < p, t=۱/۸۵) و آزمون t نشان داد که تفاوت میان شرایط معنی دار نیست. بنابراین دال بر وجود تفاوت بین مدارس پسرانه و دخترانه از نظر بالندگی سازمانی، (مدارس متوسطه ی اول شهر خرم آباد) مورد تأیید قرار نمی گیرد. یعنی می توان گفت که مدارس پسرانه و مدارس دخترانه از نظر سطح بالندگی سازمانی تفاوتی با هم ندارند.

به منظور بررسی تفاوت بین مدارس پسرانه و دخترانه از نظر جو اخلاقی دبیران متوسطه اول، از آزمون t مستقل استفاده شده است، که نتایج آن در جدول شماره (۹) ارائه گردیده است. با توجه به نتایج به دست آمده، بین مدارس پسرانه و دخترانه از نظر جو اخلاقی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول (۹): تعیین تفاوت مدارس پسرانه و دخترانه از نظر جو اخلاقی بر حسب آزمون t مستقل

شاخص متغیر	تفاوت خطای انحراف استاندارد	تفاوت میانگین ها	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنادار sig.
جنسیت و جو اخلاقی	۱/۳۷	۴/۶۳	-۳/۳۷	۱۵۷/۸۸	۰/۰۰۱

آزمون t و سطوح معناداری جنسیت و جو اخلاقی با تفاوت خطای انحراف استاندارد ۱/۳۷ و تفاوت بین شرایط میانگین ۴/۶۳ و سطح اطمینان ۰/۹۵ برای تخمین میانگین تفاوت برای جامعه بین ۷/۳۴ - و ۱/۹۱ - بود آزمون t مستقل نشان داد که، تفاوت معناداری بین جنسیت و جو اخلاقی مدارس متوسطه اول شهر خرم آباد وجود دارد (۰/۰۰۱ < p, t=-۳/۳۷). بنابراین دال بر وجود تفاوت بین مدارس پسرانه و دخترانه از نظر جو اخلاقی مدارس متوسطه ی اول شهر خرم آباد مورد تأیید قرار می گیرد. یعنی می توان گفت که مدارس پسرانه و دخترانه از نظر جو اخلاقی با هم تفاوت دارند.

تحلیل رگرسیون چندگانه استاندارد به روش گام به گام برای تعیین سهم هر کدام از متغیرهای خود محوری، خیر خواهی و پایبندی به اصول در تبیین تغییرات متغیر بالندگی سازمانی انجام گرفت که نتایج آن در جدول (۱۰) نشان داده شده است:

جدول (۱۰): ضرایب همبستگی چندگانه (R)، ضرایب تعیین (R2) و آزمون های معنی داری مربوطه (f)

مراحل رگرسیون	متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	متغیرهای پیش بین باقیمانده در تحلیل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R ²)	آماره - F	سطح معنی داری (sig)
------------------	------------	---------------------	---	--------------------------------	---------------------------------	-----------	------------------------



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

۰/۰۰۰	۶۴/۱۴۹	۰/۱۹۴	۰/۱۹۱	پایبندی به اصول	جو اخلاقی	بالندگی سازمانی	۱
۰/۰۰۰	۴۱/۴۷	۰/۰۴۴	۰/۲۳۲	پایبندی به اصول و خیرخواهی	جو اخلاقی	بالندگی سازمانی	۲
۰/۰۰۰	۳۱/۰۰	۰/۰۲۲	۰/۲۵۱	پایبندی به اصول، خیر خواهی و خود محوری	جو اخلاقی	بالندگی سازمانی	۳

همانطور که نتایج جدول (۱۰) نشان می دهد، تحلیل رگرسیون اجرا شده در سه گام صورت گرفته است. در گام اول از بین متغیرهای پیش بین وارد شده در تحلیل بر اساس بیشترین سطح معناداری، پایبندی به اصول در تحلیل باقی مانده است که حدود ۱۹ درصد از واریانس نمرات بالندگی سازمانی را تبیین می کند ($R^2 = 0/194$, $F = 64/149$, $P < 0/000$). در گام دوم، علاوه بر پایبندی به اصول، خیر خواهی نیز وارد تحلیل شده است که در مجموع این دو متغیر، حدود ۲۴ درصد از واریانس نمرات بالندگی سازمانی را به خود اختصاص داده اند ($R^2 = 0/044$, $F = 41/47$, $P < 0/000$). در گام سوم، علاوه بر پایبندی به اصول و خیرخواهی، خود محوری نیز وارد تحلیل شده است که در مجموع این دو متغیر، حدود ۲۵ درصد از واریانس نمرات بالندگی سازمانی را به خود اختصاص داده اند ($R^2 = 0/022$, $F = 31/00$, $P < 0/000$).

نتیجه گیری

در دهه کنونی سازمان ها در محیط های متحول و پویا قرار گرفته اند. مدیران و رهبران سازمان ها باید با موانعی که در مقابل کوشش های آنها در جهت زنده نگه داشتن سازمان شان وجود دارد، مقابله کنند. به طور کلی، هر سازمان با دگرگونی های پیوسته و بی شماری درگیر است. بالندگی سازمانی یعنی، فراهم آوردن موجبات رشد و بالنده شدن سازمان ها از راه پرورش مردمانی که در سازمان به عنوان گرانبهاترین سرمایه به کار می پردازند. امروزه بسیاری از سازمان ها تلاش می کنند تا در تکامل تدریجی فرایندهای خویش، بلوغ بیشتری پیدا نمایند. درصد زیادی از این سازمان ها از جمله سازمان آموزش و پرورش به دنبال بالندگی سازمانی خود می باشند. از جمله عوامل موثر بر بالندگی سازمانی، جو اخلاقی است که خود زیر مجموعه جو سازمانی و به نوعی بیانگر شخصیت آن سازمان است. جو اخلاقی به عنوان متغیر سازمانی است که می تواند به ارتقاء محیط کمک کند و بر رفتار اخلاقی کارکنان اثر گذارد و همچنین، زمینه ای برای عملکرد حرفه ای آنان ایجاد کند و باعث تغییر و بهبود سازمان شود (خزنی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۰). برای مفهوم جو اخلاقی از نظریه ویکتور و کالن استفاده شده است. و تاثیر سه مولفه جو اخلاقی شامل (خودمحوری، خیرخواهی، پایبندی به اصول) بر بالندگی سازمانی مدارس در تحقیق حاضر بررسی شده است.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

نتیجه حاصل از این تحقیق با نتیجه تحقیق عمر فاروک (۲۰۱۲) همسو می‌باشد وی در تحقیق خود به این نتیجه رسید که بین خودمحموری کارکنان و بازخورد سازمانی رابطه همبستگی منفی وجود دارد. نتیجه تحقیق گله دار (۱۳۹۲) نیز بدین صورت بود که بین خودمحموری و گشودگی و شفاف بودن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، بین خودمحموری و مشارکت با دیگران همبستگی منفی وجود دارد، بین خودمحموری با کم لایه بودن ساختار سازمان رابطه معناداری وجود ندارد، بین خودمحموری و بازخورد از درون و بیرون همبستگی ضعیفی وجود دارد. همچنین غلامی و همکارانش (۱۳۹۱) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که خودمحموری و عدم تفویض اختیار تصمیم‌گیری به کارکنان باعث کمتر شدن مشارکت در کار و تعهد سازمانی کارکنان می‌شود. کریمی و همکارانش (۱۳۸۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که خودمحموری و یکجانبه‌گرایی مدیران سازمان‌ها در تصمیم‌گیری‌ها باعث کاهش اعتماد کارکنان سازمان می‌شود.

از طرف دیگر همچنین گله دار (۱۳۹۲) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که بین خیرخواهی و گشودگی و شفاف بودن همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد، بین خیرخواهی و بازخورد از درون و بیرون همبستگی ضعیفی وجود دارد، بین خیرخواهی و اعتماد متقابل همبستگی معناداری وجود دارد و بین خیرخواهی و گشودگی و شفاف بودن همبستگی معناداری وجود دارد. و همچنین با توجه به ملاک‌های کوهن می‌توان گفت بین خیرخواهی و ابعاد بالندگی سازمانی بخصوص گشودگی و شفاف بودن رابطه معناداری برقرار است. نتیجه این تحقیق با تحقیق قانع‌راد و حسینی (۱۳۸۴) همسو می‌باشد آن‌ها در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بین روابط انسان دوستانه در محل کار و بازخورد سازمانی رابطه معناداری وجود دارد.

عمر فاروک اونا (۲۰۱۲) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که بین پایبندی به اصول و کم لایه بودن ساختار سازمانی رابطه معناداری وجود ندارد. اسماعیل طرزی و همکارانش (۱۳۹۱) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بین رفتارهای اخلاقی و میزان اعتماد آفرینی مدیران و همچنین میزان مشارکت کارکنان در کار رابطه معنی دار و مستقیمی وجود دارد. همچنین ساگناک (۲۰۱۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که بین رفتارهای اخلاقی و بازخورد سازمانی همبستگی معناداری وجود دارد و نیز در تحقیق طولابی مقدم (۱۳۹۳) نیز این نتیجه به دست آمد که بین جو اخلاقی و جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد. بر اساس نتایج به دست آمده از این تحقیق، پیشنهادهایی کاربردی ارائه می‌گردد که عبارتند از:

به مدیران پیشنهاد می‌گردد از رفتارهای خودکامه و خودخواهانه پرهیز نموده و موانع سازمانی مانند روابط خشک مبتنی بر رئیس - مرئوسی، ساختارهای دیوانسالاری و برنامه‌ریزی متمرکز را برطرف نمایند. به مدیران پیشنهاد می‌گردد که با ایجاد جوی اخلاقی، انسان دوستانه، پایبندی به قوانین و مقررات مدرسه و تشریح عملکرد خود، میزان بازخورد سازمانی را بالا ببرند. به مدیران پیشنهاد می‌شود که اصول اخلاقی را در قالب یک منشور تدوین کنند و این مقررات اخلاقی در صورتی می‌تواند تاثیر مثبتی داشته باشد که چهار شاخص در آن رعایت شود: ۱. میان همه کارکنان توزیع شده باشد ۲. مدیریت عالی حمایت کامل از آن به عمل آورد. ۳. اعمال



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



ویژه با معضلات اخلاقی که احتمالاً کارکنان با آن‌ها مواجه خواهند شد را شامل شود. ۴. به طور یکسان با پاداش و تنبیه تقویت شود.

منابع

- ❖ اسماعیلی طرزی، ز، بهشتی فر، م. و اسماعیلی طرزی، ح.، ۱۳۹۲، بررسی رابطه هوش اخلاقی با میزان اعتماد آفرینی مدیران در دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هشتم، شماره ۱.
- ❖ الوانی، س، م، حسن‌پور، ا؛ داوری، ع.، ۱۳۸۹، تحلیل اخلاق سازمانی کارکنان با استفاده از الگوی دایره اخلاق، فصلنامه اخلاق در علوم فناوری، سال پنجم، شماره ۳ و ۴.
- ❖ تولایی، ر، ا.، ۱۳۸۸، عوامل تاثیرگذار بر رفتار اخلاقی کارکنان در سازمان، دو ماهنامه توسعه- منابع انسانی پلیس، شماره ۲۵.
- ❖ سلاجقه، س؛ سیستانی خنامان، ف.، ۱۳۸۹، بررسی رابطه میان اخلاق کار و کیفیت خدمات در سازمان‌های دولتی شهر کرمان، همایش‌های ملی چالش‌های مدیریت و رهبری در سازمان‌های ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات اصفهان.
- ❖ طوسی، م. ع.، ۱۳۸۰، بالندگی سازمانی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی
- ❖ لوتانز، ف.، ۱۳۷۴، رفتار سازمانی، مترجم غلامعلی سرمد، تهران، موسسه بانکداری ایران، جلد اول، چاپ دوم.
- ❖ مجتنبوی دلوثی، آ. م.، ۱۳۸۷، بررسی اخلاق سازمانی کارکنان شعب بانک ملت، گروه منابع انسانی، مرکز تحقیقات و فناوری.
- ❖ مظاهری، ح.، ۱۳۸۲، اخلاق در اداره، قم، انتشارات بوستان کتاب.
- ❖ Debra, W. Sherril (2008). An exploratory study of ethical climate perceptions of the mortgage banking industry. United states: capella university
- ❖ Faruk,u. (2012), relationship Between Organizational Commitment and Ethical climate: The Mediating Role Of Job Satisfaction Dimension (A Study in A Group Of Companies in turkey), Journal Of WEI Business and Economics, Volume 1 number 1.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



تجلی فرهنگ و تمدن اسلامی بر شکل‌گیری الگوی سکونت

حدیث سلوکانه میان‌دوآب^۱ علی اکبری*^۲ سجاد مؤذن^۳

۱- گروه معماری، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

۲- نویسنده مسول. استادیار، گروه معماری، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳- استادیار، گروه مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

چکیده

معماری اسلامی واژه‌ای پرتکرار در پژوهش‌های مربوط به فرهنگ و تمدن اسلامی است و طیف وسیعی از آثار موجود در قلمرو جهان اسلام را با این کلمه نام‌گذاری کرده‌اند و پژوهشگران مختلفی نیز سعی در تعریف و ذکر ویژگی‌های آن از گذشته تا به امروز داشته‌اند. در این مقاله سعی بر این بوده که با توجه به تعریف فرهنگ معماری و تمدن اسلامی و آموزه‌های دین اسلام و ظرفیت‌های هر یک و نحوه بهره‌گیری از این مفاهیم با مبنا قرارداد تعالیم دین اسلام، رابطه بین آن‌ها و چگونگی استنباط از این مفاهیم را به شکلی کاربردی در حوزه معماری اسلامی ارائه نموده و بر اساس آن تعریفی از معماری اسلامی مبتنی بر تعالی انسان در بستر زیستی مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و تمدنی اسلامی ارائه نماید. هرچند در اغلب آن‌ها، نسبتی بین اسلام به‌عنوان یک دین الهی و معماری برقرار نشده است و صرفاً به ذکر ویژگی‌های ابنیه ساخته‌شده بعد از اسلام پرداخته شده است. در این مقاله که از لحاظ روش جزء تحقیقات توصیفی - تحلیلی است و گردآوری اطلاعات آن به روش کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. لذا بر اساس استنباط از آیات قرآنی و تعالیم دینی، معماری اسلامی به‌گونه‌ای از معماری اطلاق می‌شود که بیش از آنکه در پی شکل و فرم مشخصی باشد، باید در خدمت انسان مسلمان برای رسیدن به تعالی و کمال بوده و هدف غایی از خلقت انسان را که همانا عبادت الهی است را پیگیری کند. این‌گونه از معماری هم‌زمان با بعثت رسول اکرم (ص) آغاز شده و تا نهایت نیز ادامه پیدا می‌کند و منحصر به منطقه‌ای خاص و زمان مشخصی نیز نخواهد بود.

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، آموزه‌های قرآنی، معماری اسلامی، فرهنگ اسلامی، جوامع اسلامی

مقدمه

فرهنگ در معماری و شکل سکونت هر جامعه ای نمایش ایدئولوژی‌هایی است که با احجام عینی نمود پیدا میکند و در این فرایند دگرگون شدن معماری شکل می‌گیرد. فرهنگ معماری مشتمل بر هر بنایی است که اندیشه ذهنی طراح خود را از طریق شکل ظاهری خود عینیت میبخشد (عزیز مقدم و هاشمی طغرالجردی (۱۴۰۱) هنگامی که فرهنگ در یک جامعه شکل می‌گیرد سازوکاری ایجاد میشود که درصدد ایجاد تعادل بین خواسته‌های فردی و اجتماعی است معماری همیشه بین دو قطب احساس و



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

عقل در رفت و آمد است و این از تلفیق دانش و هنر بودن معماری نشأت می گیرد در گذر زمان گاهی تفکرات حاکم بر جامعه معماری را دچار تغییراتی میکند که در نتیجه سبک معماری متناسب با آن تغییرات را شکل میدهد معماری که فقط مبتنی بر نفس معماری باشد و عینیتی از نمود فرهنگ جامعه نباشد اصلاً وجود ندارد. بدین سبب هر بنای معماری یک شاهد فرهنگی است چه دارای مفهوم خوب باشد چه مفهوم بد آن محیطی که انسانها در اطراف خود شکل میدهند تابع فرهنگشان است اما عموماً به این مسئله توجه کافی نمیشود سیستم ارزشی یک نظام اجتماعی با فرهنگ بازتاب و نمود پیدا می کند. به طور کلی میتوان گفت این بازتاب در دانش و هنر مصداق میباید در حالی که این دانش مشتمل بر عقلانیت گام برمیدارد و با عقل، منطق و شعور انسان سروکار دارد و هنر عموماً با احساس ناظرین خود مرتبط میشود (نوری نژاد، ۱۳۹۱). فضای پیرامونی انسان و نحوه معماری آن بازندگی رابطه ای ناگسستنی دارد؛ انسان پس از تولد و در فضایی جدید قرار می گیرد، که همان فضای معماری است. در آن زندگی میکند و به آن میاندیشند و فضای جدید خلق مینماید معماری دانشی است که توسط معمار در طراحی فضا منتقل میشود و به روح و روان انسان تأثیر میگذارد؛ انسان همواره در تعامل با محیطی است که متضمن معانی و سطوح مختلفی بوده و در برابر هر یک از آنها رفتار خاصی از خود بروز میدهد از سوی دیگر همین رفتار به محیط بازمی گردد (حجازی و سراج، ۱۳۹۳)؛ طراحی بنا با شاخصهای درست تأثیرات مثبت روحی و روانی بر انسان دارد و طراحی نامناسب موجب اثرات مخرب و حتی دل مردگی انسان میشود. (عسگری و همکاران، ۱۳۹۸). مجموع شاخصه های معماری مهمترین و اصلیتین دریافتهای مخاطب را از خصوصیات یک معماری نشانه میروود و صفات معماری را عیان میکند صفاتی که حاصل تمامی تجربه های روی هم قرار گرفته برای فضا سازی آن در یک قوم هستند (حاجی قاسمی، ۱۳۹۱). معماری در اسلام با بنای مسجد توسط پیامبر آغاز شد، خداوند در آیه ۱۸ سوره مبارکه توبه ((*إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ* آباد کردن مساجد خدا فقط در صلاحیت کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز را بر پا داشته و زکات پرداخته و جز از خدا نترسیده اند آیه ۱۸)، توبه ترجمه انصاریان؛ مساجد به عنوان اجتماعی ترین محل حضور مسلمانان، مکان اتصال دین و هنر اسلامی نیز میباشد و عمده عملکردهای متنوع معماری را به طور یکجا در خود دارد علاوه بر محل عبادت، مکانی برای ارائه تمام رویدادهایی است که به صورت مستقیم و غیر مستقیم با امر دین پیوند دارند. و معماری اسلامی ایران متمایز از سایر کشورهاست حفظ آن ارتباطی مستقیم با حفظ فرهنگ و اعتقادات در ایران دارد، به ویژه که محصول کار معماران بوده است. از این میان عوامل مؤثر در معماری اسلامی جهت دستیابی به نظم هماهنگی و زیبایی دخیل است که میتوان با توجه به اصول ارتباطی بین معماری معنا و روانشناسی به مواردی مانند، معناگرایی خصوصیات سازه ای و ارتباط میان معنا، زیبایی و فرم اشاره نمود (حجازی و سراج، ۱۳۹۳). تعالی از نظر لغوی (تعال) فعل امر از باب تفاعل است به معنای بیا بالا در اصل (تعال) زمانی به کار میرود که کسی در مکانی بالاتر باشد و فرد دیگری را که در پایین است ندا کند لفظ (تعالوا) هفت بار در قرآن آمده است (علی) صیغه مبالغه و به معنای بسیار برتر و بسیار رفیع القدر است، (اعلی)



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



یعنی بالاتر و برتر که هم برای علو مکانی و هم در علو مقامی (مکانتی) به کار می‌رود (متعال) نیز به معنی رفیع‌المقام و عالی است (قریشی بنایی، ۱۴۱۲ ق). در واقع (تعالی) به معنای حرکت در یک سطح وجودی نیست بلکه به معنای حرکت صعودی و فراروی در مراتب باطنی وجود است به بیان دیگر تعالی معنوی به معنای تحول و افزایش درجه وجودی است با تعالی معنوی، انسان کمال می‌یابد و سطح و مرتبه وجودی اش بالا می‌رود و وارد سطوح بالاتری از ادراک، انسان قرآن و جهان می‌شود قریشی بنایی، ۱۴۱۲ ق). معمار با توجه به نیاز جامعه و فرهنگ و خرده فرهنگ‌ها همواره بر آن است تا خواسته مخاطب را با دانش معماری ترکیب و به محیط زندگی فرد مسلمان بر اساس باورها و عقایدش شکل دهد تا جایی که وقتی به محیط به باورها و عقاید آن هجوم می‌آورد، باعث ناآرامی و نارضایتی و آشفتگی آن می‌شود؛ از این رو محیطی که در آن است از اهمیت بالایی برخوردار است. در حال حاضر عدم توجه و شناخت شاخصه‌های معماری اسلامی به صورت کمی و کیفی در بناها و عدم توجه به نیازهای فردی، اجتماعی و معنوی به مکان‌ها به وضوح قابل درک است؛ به طوری که در ساختن بناهای جدید این شاخصه‌ها و تعالی انسان نادیده گرفته می‌شود، در صورتی که باید به عنوان یکی از مهمترین اصول در ساخت بناها در نظر گرفته شود. در این راستا پژوهش حاضر سعی دارد تا ضمن بررسی و معرفی تعالیم اسلامی حاصل از فرهنگ و مبانی اسلامی در رابطه با معماری، به چگونگی استنباط مفاهیم و تجلی آنها در کالبد فضایی سکونتگاه‌ها بپردازد.

۲. روش تحقیق:

روش تحقیق حاضر از نوع مطالعه‌ی اسنادی و توصیف و تحلیل محتواست. در ادامه روند پژوهش با عنایت به این که، نوشتار حاضر از نوع میان رشته‌ای است؛ در وهله‌ی اول به بررسی و واکاوی اسناد کتابخانه‌ای و متون مرجع، در حوزه‌ی دین اسلام پرداخته و به چگونگی استخراج و استنباط مفاهیم و ارزش‌های برگرفته از فرهنگ و تمدن اسلامی در باب سکونتگاه‌ها پرداخته شد و در نهایت بهره‌گیری از این متون اصیل در معماری مسکن پرداخته شده است.

۳. پیشینه پژوهش:

از دهه‌های پیش پژوهش پیرامون تمدن اسلامی آغاز شده است و در هنگام مطالعه هنر جوامع اسلامی تاکید ویژه‌ای به معماری اسلامی شده است که بسیاری از این تحقیقات بیشتر بر جنبه‌های تاریخی و ظاهری آثار معماری موجود در جهان اسلام تاکید دارند و با دسته‌بندیهای مختلف ذیل حوزه‌های گوناگون تمدنی جهان اسلام و یا دوره‌های مختلف تاریخی به پژوهش در این حوزه پرداخته شده است. از مشهورترین پژوهشگران این عرصه می‌توان به ریچارد اتینگهاوزن و الک گرابار اشاره کرد که در کتابی تحت عنوان هنر و معماری اسلامی ۶۵۰-۱۲۵۰ م در کنار سایر هنرها به معرفی و مطالعه بسیاری از بناهای موجود در جهان اسلام پرداخته‌اند. (اتینگهاورن و گرابار، ۱۳۸۲) شایان ذکر است که از محققان فوق‌الذکر پژوهشهای دیگری نیز در این حوزه منتشر شده است که اکثر آنها نیز بیشتر ویژگی‌های تاریخی و باستان‌شناسی آثار را مورد توجه قرار داده‌اند. هیلند براند نیز در کتابی تحت



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

عنوان معماری اسلامی شکل کار کرد، معنی با تاکید بر معماری جهان اسلام به معرفی و واکاوی بناهایی از جمله مسجد، آرامگاه، کاخ، کاروانسرا و.... پرداخته است. (هیلند براند، ۱۳۸۳) در ایران نیز محققان مختلفی به بحث پیرامون معماری و شهرسازی اسلامی پرداخته اند که از جمله آنها می توان به نقره کار اشاره نمود که در تالیفات مختلف خود سعی نموده است از منظرهای گوناگونی چون هویت اسلامی در معماری نقره کار و رئیس (۱۳۹۱) معنا شناسی و... به این موضوع بپردازد. همچنین ایشان تلاش داشته اند تا بر اساس برخی متون اسلامی به بازخوانی معماری بپردازد. تا آنجا که وی معماری اسلامی را در راستای رجوع و بازگشت به سنت ها نمی داند و به بی زمانی و مکانی بودن اصول اشاره دارد (نقره کار و دیگران ۱۳۹۷) (نقره کار، ۱۳۹۴) در این میان افراد دیگری نیز سعی داشته اند به بررسی اصول فقهی با تاکید بر معماری به ویژه مسکن بپردازند. (بمانیان و دیگران، ۱۳۹۲) تحقیقات فوق هرچند از منظر تاریخ هنر و معماری اسلامی بسیار ارزشمند هستند اما آنچنان از منظر منابع دینی به چگونگی تجلی مفاهیم اسلامی از متون پرداخته اند.

۴. چارچوب نظری پژوهش:

شناخت مفهوم فرهنگ:

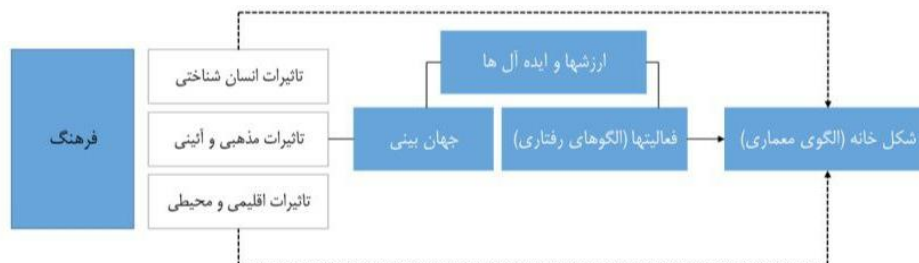
فرهنگ به معنای علم و، دانش عقل، ادب، بزرگی و سنجیدگی است و از «فر» و «هنگ» از ریشه تنگ Thang اوستایی به معنای کشیدن ساخته شده است. فرهنگ و فرهیختن در مفهوم مطابق با اجوکیت (educat) و اجور (edure) به معنای کشیدن و کشش و نیز به معنای آموزش تعلیم و تربیت در) زبان اروپایی اجوکیشن education و در پهلوی فرهنگ farhang آمده است، معین، ذیل کلمه فرهنگ). لغت نامه دهخدا واژه فرهنگ را از دو جزء «فر» و «هنگ» فر به معنای شکوه شان و منزلت و هنگ به معنی کشیدن و وقار) به معنی بیرون کشیدن ذکر کرده است. (دهخدا، ذیل کلمه فرهنگ فرهنگ عمید واژه ی فرهنگ را به معنای دانش ادب، علم آموزش و پرورش هنر و معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت و نیز به معنای کتاب آورده است عمید، ذیل کلمه فرهنگ یک منبع دیگر معتقد است که فرهنگ از کلمهی لاتین کالچر (culture) در آغاز قرن ۱۴ ه ش به زبان فارسی راه یافته است (زیاری، ۹۶، ۱۳۸۲)

مفهوم فرهنگ از منظر صاحب نظران غربی:

زیگموند فروید فرهنگ را چنین تعریف میکند: «فرهنگ مجموعه تواناییها و وسایلی است که زندگی ما را از زندگی اجداد حیوانی ما دور میکند و در خدمت دو هدف است: محافظت از بشر در مقابل طبیعت و تنظیم روابط انسانی بین افراد گروتر (۱۳۷۵، ۵۸). مطابق تعریف آموس راپاپورت، «فرهنگ مجموعه ای از ارزش ها و عقاید دربردارنده ی ایده آلهای گروهی از مردم است که در فرآیند، فرهنگ، آموزی میان اعضای آن گروه منتقل میشود و منظور او از فرهنگ آموزی، انتقال ارزشها عقاید از نسلی به نسل دیگر در میان اعضای یک فرهنگ و مشابه است (یزدانفر و همکاران ۱۳۹۲، ۲۰).

مفهوم فرهنگ از منظر اندیشمندان اسلامی:

شهید مطهری فرهنگ را مجموعه اندوخته های معنوی، فکری، روحی، عقلی اخلاقی و اجتماعی یک قوم میدانند. علی شریعتی فرهنگ را به معنای «مجموعه ای از اندوخته ها و دستاوردهای معنوی جامعه ی بشری دانسته و یافته ها و دستاوردهای مادی جامعه بشری را تمدن معرفی میکند. علامه جعفری، نیز فرهنگ را چنین تعریف می کند: فرهنگ عبارتست از شیوه ی انتخاب شده برای کیفیت زندگی که با گذشت زمان و مساعدت عوامل محیط طبیعی و پدیده های روانی و رویدادهای نافذ در حیات یک جامعه به وجود می آید (همان، ۲۰). با بررسی نتایج مطالعات و پژوهشهایی در حوزه ی فرهنگ، میتوان به عواملی اشاره کرد که بر ایجاد و شکل گیری فرهنگ یک جامعه تأثیر گذارند این عوامل عبارتند از: عامل آئینی و مذهبی عامل اقلیمی عامل ادراکی و شناختی انسان. پژوهش حاضر با به بررسی بیش از پیش تأثیرات مذهبی و آئینی در شکل گیری فرهنگ جامعه، سعی بر این دارد تا با شناخت ارزشها و اصول حاصل از دین اسلام به چگونگی نمود ظاهری این ارزشها و اصول در کالبد فضایی خانه ها بپردازد؛ که لزوم پرداختن به این موضوع در عصر حاضر معماری این سرزمین، امری ضروری است.



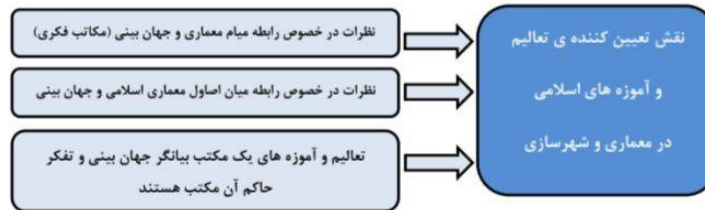
نمودار ۲. عوامل تاثیرگذار در شکل گیری فرهنگ و تاثیرات مذهبی بر کالبد فضایی خانه (ماخذ: نگارندگان با اقتباس از

یزدانفر، حسینی و زرودی، ۱۳۹۳)

آموزه ها و مفاهیم در نصوص اسلامی

دین مبین اسلام مجموعه ای از عقاید اخلاق و قوانین و مقررات اجرایی است که خداوند برای هدایت به شر فرستاده است تا در پرتو تعالیم آن بر هوا و هوس خود مسلط شده و آزادی خود را تامین کند. (اخلاصی و نقوی (۱۴۰۱: ۶۸) تعالیم اسلام به نحوی که مسلمانان زندگی خود را در برابر یکدیگر و در برابر خداوند سازماندهی میکنند از جمله ویژگیهای ممتاز مکتب اسلامی در مقام تعریف عملیاتی کردن انسجام و همبستگی در حیات فرهنگی و اجتماعی مسلمانان است امامی تاج الدین، ۱۴۰۲، ۷۶) چنانکه ملاحظه شد بنا به نظراندیشمندان حوزه معماری و معماری اسلامی با توجه با اینکه تعالیم و آموزه های یک مکتب بیانگر

نوع برداشت و خطی مشی فکری آن مکتب است، بین معماری و شهرسازی و جهانبینی رابطه ای بنیادین وجود دارد. بنابراین آموزه های اسلام نقش تعیین کننده ای در ساحت معماری و شهرسازی به عنوان بستری برای زیست مسلمانان دارند.



نمودار ۲. اهمیت آموزه ها و تعالیم دینی در الگوی سکونت؛ (ماخذ: نگارندگان

تعالی انسان در گرو تعالیم اسلامی:

در واقع (تعالی) به معنای حرکت در یک سطح وجودی نیست بلکه به معنای حرکت صعودی و فراروی در مراتب باطنی وجود است. به بیان دیگر تعالی معنوی به معنای تحول و افزایش درجه وجودی است قریشی، بنایی ۱۴۱۲ ق). هدف از تعالی انسان از دیدگاه قرآن این است که نیل به سوی خدا کرده و به مقام قرب الهی نائل آید انسان از دیدگاه قرآن دارای رشد و کمال محدود و معینی نیست و موجودی است که حدود مرزی ندارد، بلکه تا هر جایی که بخواهد و تا هر اندازه که کمر همت بر بندد میتواند رشد و تکامل پیدا کند. (آموزگار، ۱۳۷۲)، روح عمل (نیت) است و عمل در صورتی قرب آفرین است که به نیت خدایی یعنی با نیت پاک انجام شود. (ابوترابی، ۱۳۸۹) مهمترین مبانی فکری انسان معنوی در اندیشه علامه طباطبایی عبارت اند از: ۱- وحدت وجود ۲- مبدئیت محض حق تعالی - شرافت نفس ناطقه - ۴ فطرت الهی ۵ فقر محض کائنات. در نظام معرفتی عقیدتی و ارزشی انسان معنوی خدا و متفاوتی یک جایگاه ویژه و برجسته ای دارد. در این الگو، وجود مبدأ و خالق که محور همه چیز است به خوبی جلوه مینماید و به عنوان وجود حقیقی و بی نیاز مطلق که عین، کمال خیر و حقانیت محض است، در بالاترین بررسی تأثیرات شاخصه های معماری اسلامی بر ارزشهای تعالی بخش انسان درجه تعالی و در رأس هرم تکامل قرار دارد؛ از طرفی انسان معنوی به سبب دامنه درک و عمق شناختش که ورای یافته های حسی است، خود را در دنیای مادی و ظاهری محصور نمیداند و دارای نوعی حیاط اصیل و در عین مقبولیت و جاودانگی است. لذا به سعادت واقعی و دائمی دست مییابد کریم زاده و اکبریان، ۱۳۸۹). در قرآن و روایات معصومین با توجه به گرایش ذاتی انسان برای نیل به سعادت و کمال برای کاهش خطا در تشخیص



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

مصادیق عینی و نشانه های کمال توجه شده است و در واقع قرآن و روایات میکوشند تا انسان را در مسیر درست کمال و سعادت قرار دهند، در تبیین قرآنی و اسلامی، انسان موجودی خیر طلب و کمال جو است. (نیک زاده و سینائی، ۱۴۰۲)

اهمیت القاء روشمند مفاهیم اسلامی در ادبیات دینی و فرهنگی:

با کاوش و دقت نظر در گفتار و رفتار پیامبر و اهل بیت در میابیم که استفاده روشمند از فرصتها رفتار و فضا برای انتقال و تعمیق معارف مورد تأکید میباشد؛ به عنوان مثال امام صادق علیه السلام میفرمایند: *كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اُلْسِنَتِكُمْ*: (کافی جلد ۲:۷۸) با غیر زبان خویش مردم را به سمت خداوند و معارف الهی دعوت کنید؛ در این کلام اشاره به اثرگذاری بر سایرین از طریق اعمال و نمادها است که ظهور خارجی دارند و قابل رؤیت میباشند و یکی از مصادیق بارز آن معماری است که در طول زندگی انسان به طور مستقیم بر جسم و روح انسان مؤثر و به تبع آن بر رفتار انسان اثر می گذارد. با توجه به مطالعات نظری صورت گرفته در زمینه معماری اسلامی برخی معانی و نمادها از این سبک معماری به دو بخش تقسیم بندی شده است. بخش معانی ضمنی برمبنای احساسات فرهنگ و ارزش و بخش معانی صریح برمبنای خصوصیات عینی که برگرفته از اصول مشترک در بناهای اسلامی بوده است. (نیکزاد و سینائی، ۱۴۰۲)

مبانی فرهنگ و معماری به عنوان بستر شکل گیری کالبد سکونت

فرهنگ نیز همانند بسیاری از مفاهیم همسنخ خود واجد معانی و مراتبی است که متضمن هنجارها، آداب، سنن، ذهنیت و الگوها، روش زیست نوع نگرش جهان، بیننی قواعد ارتباطات، انسانی تبیین نگرش و ارتباطات انسان با محیط اعم از طبیعی و انسان ساخت است که انواع آن نزد افراد و جوامع مختلف ارزشمند یا فاقد ارزش میباشد. در واقع فرهنگ فضای زیستن و فعالیت و مبین ارتباطات انسان با جهان خارج است. فرهنگ با هدایت و جهت دادن فعالیت های انسان، به مثابه بستر، فضا و معنای زندگی ایفای نقش مینماید. فرهنگ برخاسته از گرایش، معنوی اصول، اخلاقی راستی و صداقت عدالت، تعاون، قناعت مناعت و ایثار و انفاق و نوع دوستی، خداجویی، اصالت، آزادی جوانمردی و ... را تبلیغ میکند اصولی که در معماری به آنها نیاز است؛ و فرهنگی که حاصل گرایش مادی انسان است به بروز منیت و خودخواهی دنیا طلبی بی اعتنایی به دیگران، تفاخر، تقلید، غرور، احساس از خود بیگانگی و حقارت در مقابل غیر و بحران هویت در فرد و جامعه نیز می گردد. بنابراین با توجه به نقش فرهنگ در حیات جامعه و در معرفی هویت و در تکامل مادی و معنوی، آن به نظر می رسد که نمی توان حیطة عمل فرهنگ را به موارد خاص محدود نمود؛ بلکه بایستی به عنوان فضایی برای حیات فرد و جامعه به آن نگرست (نقی زاده، ۱۳۸۷: ۳۴-۳۵) با توجه به مطالب مطرح شده فرهنگ به عنوان عنصری وابسته به معماری، مخصوصا در محیط هایی که عملکردهای متفاوت خاص معنوی و دارای شان اسلامی میباشد، به عنوان یک اصل، باید مورد اهمیت قرار بگیرد. دین به عنوان اصلی ترین عامل در شکل دهی فرهنگ هاست و اسلام محوری ترین عامل در مهندسی فرهنگ کشور می باشد. بنابراین برای مهندسی فرهنگ و پیوست فرهنگی کشور



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

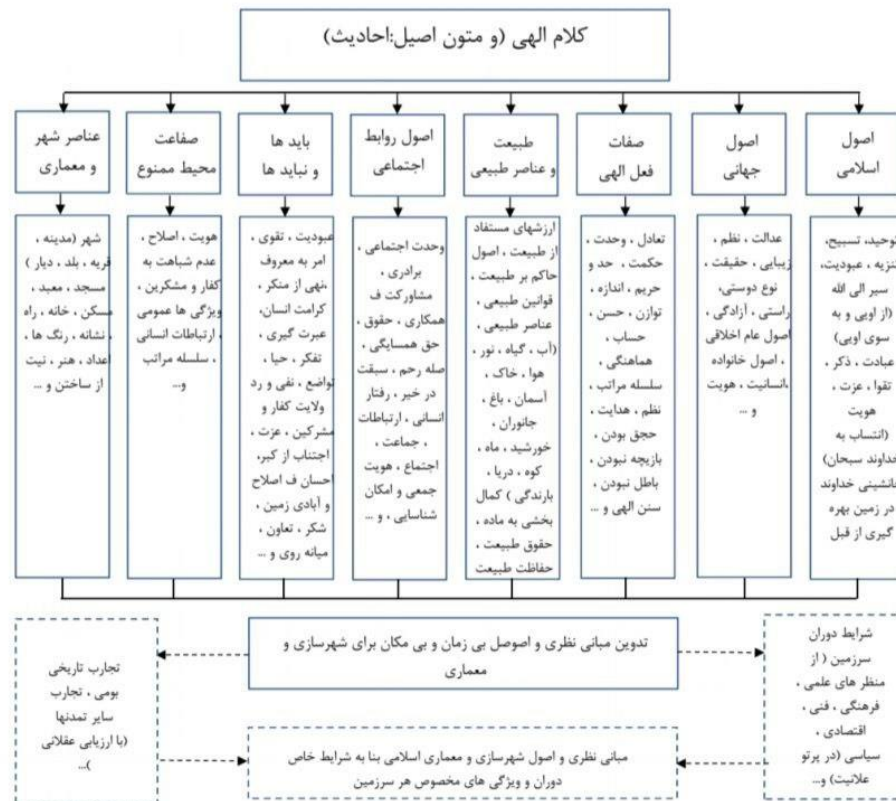
The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

اولی ترین موضوع تعیین رابطه دین و فرهنگ است. سازگاری میان این دو مقوله کالبدی و اجتماعی یا فرم و محتوا به افزایش کیفیت زندگی و سلامت اجتماعی منجر می گردد. در معماری نیز سنت و طراحی بومی تبدیل به الگویی پایدار برای چنین جوامعی میگردد و این الگو راهی برای بیان نمادهای فرهنگی و جهان بینی ملت می گردد. در نتیجه از طریق معماری و بناهای پایدار، فرهنگ و نمادهای آن انتقال و آموزش داده می شود.

چگونگی استناد و بهره گیری از تعالیم و نصوص اسلامی

یکی از موضوعات اصلی که در مطالعات مربوط به سکونت و زیست در شهر اسلامی به ویژه در تبیین نگاه اسلام نسبت به مفهوم سکونت و اجزاء آن، ذهن و مطالعات پژوهشگران را به خود مشغول میکند. دریافت و تفسیر خوانا و درست نصوص میتواند همچون پلی عمل نماید و امکان پیوند یک فرهنگ به فرهنگ دیگر را فراهم سازد. در واقع به مدد تاویل و دریافت صحیح از متون اسلامی میتوان غیر عرب زبانان و یا حتی عرب زبانانی را که علم کافی برای درک مفاهیم ژرف و سعادت بخش اسلام ندارند رل با تعالیم و دستورات این دین مقدس و الهی آشنا نمود فارسیان و اسماعیلی (۱۳۹۳) چگونگی دریافت نظر اسلام از متون اصیل و نصوص در باب شهر معماری و شهرسازی است در این زمینه روشهای مختلفی اتخاذ میشود که نتایج مختلفی را در پی خواهد داشت که در اینجا با اشاره به روش استفاده از قرآن کریم که یکی از معیارهای مهم و اصلی بحث در خصوص تبیین نظر اسلام راجع به هر یک از اجزاء شهر بوده است بیان می گردد. نکته ی قابل توجه آن است که این شیوه: - اولاً، در استفاده از متون اصیل دیگر نیز قابل تعمیم است. ثانیاً، از طریق آن معیارهایی و شاخصهایی حاصل خواهد شد که این معیارها و سیله ای برای ارزیابی سایر روشها نیز خواهند بود. در مواجهه اندیشمندان و صاحب نظران حوزه معارف اسلامی با نصوص دینی دو واکنش را میتوان مشاهده کرد. طیفی از اندیشمندان، نصوص دینی از جمله آیات قرآن کریم را بی نیاز از تشریح تبیین و توضیح و به ظواهر آن تمسک میجویند طیف مقابل متفکرانی هستند که نصوص دینی را تنها بر اساس ظاهر تفسیر نمیکنند بلکه به باطن آیات نیز مینگرند. (رجبی، ۱۳۹۵: ۹۰) بارها شنیده شده است که در بحث های مرتبط با معماری و شهرسازی و رابطهی آموزه های اسلامی و به ویژه رابطه ی قرآن کریم با آنها، در کلام الهی بطور مستقیم به مقولات معماری و شهرسازی اشاره نشده است؛ و عده ای بر این اساس، این ادعا را مطرح میکنند که اسلام در خصوص شهر و محیط زیستی افراد نظرات اظهار نموده و همه امور را به دست تجربه افراد واگذار کرده است لیکن میبایست توجه داشته باشیم که اگر مقصود بیان جزئیات و مصادیق باشد این نظر میتواند صحیح که انجام امور به عهده عقل واگذار شده است. اما میبایست توجه داشت که در وهله اول: معماری و شهر سازی هم مانند سایر مقولات مرتبط با زندگی انسان بر مبانی نظری استوار است و این مبانی در هر جامعه ای از جهانی بینی و فرهنگ حاکم بر آن جامعه سرچشمه میگیرند در وهله دوم به دلیل بی زمانی و بی مکانی بودن اصول ذکر شده در قرآن کریم (که باید در همه زمانها و مکان ها قابل بهره مندی و اجراء باشند) قرآن کریم تنها اصول و ارزشهایی را بیان کند که همیشه و در همه جا مطابق با شرایط

محیطی و اقلیمی و اقتصادی و اجتماعی و فن آوری و می امثالهم مورد استفاده است. سوم آنکه، معماری و شهرسازی صرفا چیدن مصالحی روی هم نیستند و نه فقط با عوامل انسانی و محیط طبیعی مرتبط بوده بلکه باید به عنوان زمینه و بستر حیات و زیست تکامل و تعالی انسان ایفای نقش کنند. بنابراین کلیه اجزاء و عناصر فیزیکی و غیر فیزیکی مرتبط با عوامل انسانی محیط طبیعی و محیط مصنوع و همچنین صفات و ویژگی های آنها به همراه شرایطی که موجب رشد و تعالی انسان خواهند شد؛ میبایست آنها را جستجو کرده و مورد توجه قرار داد.



نمودار ۳. مؤلفه ها و مفاهیم مطرح شده در مقیاس مسکن، محله و (شهر) مقتبس از متون اسلامی (ماخذ: نقی زاده، ۱۳۹۴)

تعالیم اسلامی میتواند مجموعه ای از اصول اولیه و بنیادی را به عنوان راهنما و چهارچوب برای الگوی سکونت و معماری مسکن در اختیار ما قرار دهد با توجه به ضرورت تقویت و بکارگیری الگو و اصول معماری و شهرسازی اسلامی - ایرانی، توجه



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

به مفاهیم اسلامی و اصول معماری سکونتگاه‌ها در آموزه‌های اسلامی برای معماری معاصر ضروری به نظر می‌رسد. (حیاتی و همکاران ۱۳۹۶: ۳۲) با توجه به دیدگاه برخی متفکران اسلامی مانند شهید صدر، لازمه‌ی تحقق سبک زندگی اسلامی پایبندی به آموزه‌های اسلامی در چهار نوع ارتباط شامل رابطه از جمله ارتباط انسان با خدا ارتباط انسان با دیگران و ارتباط انسان با خود و ارتباط انسان با طبیعت تبیین می‌گردد. (کاویانی، ۱۳۹۸: ۱۲۱)

۵. نتیجه‌گیری:

ادیان الهی از جانب خداوند متعال، در قالب برنامه‌هایی الهی جهت هدایت و راهنمایی بشر به زندگی سعادت‌مند نازل شده‌اند که در نهایت آدمی را به کمال رهنمون می‌سازد چنانکه فلسفه وجودی دین مبین اسلام نیز از این قاعده مستثنی نیست دین اسلام نیز چون برنامه‌ای کامل در تمامی زمینه‌ها چراغ راهی است برای بشر. این برنامه‌ی کامل، در حوزه‌ی زندگی و مسکن نیز مبین ویژگیها و چهارچوبی آمیخته با مبانی و اصول فکری است با مطالعه و تفکر در منابع دین و شریعت چهارچوبی را برای محیط زندگی انسان میتوان ترسیم کرد که پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی ساکنینش باشد. (یاران و بهرو، ۱۳۹۶) تکالیف دینی و برنامه‌ای که از سوی خداوند متعال بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و به منظور تأمین سعادت دنیوی و اخروی بشر نازل شده است. این تکلیف تمامی امور را که به نحوی در سعادت دنیا و آخرت انسان نقش دارد در بر میگیرد. (مصباح یزدی ۱۳۹۱) و با توجه به آیه ۸۹ سوره نحل و آیه ۷۱ سوره اسرا تأکید شده است که تمامی بخشهای زندگی بشر و ادوار مختلف آن برنامه مشخص دارد که پیروی از سعادت دنیا و آخرت را در پی دارد، از طرفی تمامی فعالیت‌های انسان از دیرباز در جهت پاسخگویی به نیازها بوده است. معماری مبتنی بر تعالیم اسلامی نیز که در پی فراهم کردن محیط و فضای مناسب برای سکونت است نقش مهمی در تأمین نیازهای مادی و معنوی بشر ایفا میکند (محقق، ۱۳۶۲). لذا در بررسی تعالیم مستخرج از آیات قرآنی شاهدیم که مبحث معماری سکونتگاه‌ها در برخی آیات مورد توجه قرار گرفته و فرمان‌هایی در این زمینه صادر شده است، که این اصول و قواعد باعث تعالی انسان در محل‌های زیستی می‌شود. در نهایت با درک درست و شناخت اصول عملی فرهنگ و تعالیم اسلامی در باب سکونتگاه‌ها میتوان با ترویج و نهادینه کردن این اصول و همراستا کردن آنها با نیازهای روز مردم در جوامع اسلامی، در طراحی خانه‌ها و محلات مسکونی متناسب با این مفاهیم و ارزش‌ها پرداخت.

۶. منابع:

[۱] قرآن کریم

[۲] اصول الکافی (۱۳۷۵)، مترجم: محمد باقر کمره‌ای، نشر: اسوه، قم - ایران.

[۳] امامی تاج‌الدین (۱۴۰۲)، تاثیر دین و آموزه‌های اسلامی در کاهش آسیب‌های اجتماعی در مناطق روستایی کشور، (مطالعه

موردی: دهستان قره باشلو شهرستان درگز)، مجله علمی - پژوهشی جغرافیا و روابط انسانی، شماره چهار، ص ۷۰ - ۸۵، بهار.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

- [۴] اخلاصی، عزیزه؛ نقوی، ام فروه (۱۴۰۱)، نقش " الگو " در تربیت دینی بر اساس آموزه های اسلامی، دو فصلنامه علمی - تخصصی، مطالعات پژوهشی زنان، سال نهم، شماره شانزدهم، ص ۶۵ - ۹۰، بهار و تابستان.
- [۵] اتینگهاورن، ریچارد؛ الگ گرابار (۱۳۸۲)، هنر و معماری اسلامی ۱، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- [۶] بمانیان، محمدرضا؛ ارجمندی، سحر؛ علی محمدی، فرزانه (۱۳۹۲)، تاثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن (نمونه موردی: سه موردی از خانه های ایرانی - اسلامی)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش (۱۲)، ص ۸۹ - ۱۰۰.
- [۷] حیاتی، حامد و امین پور، احمد و مدنی، رامین (۱۳۹۶) روش شناسی استخراج و استنباط صحیح از آموزه های اسلامی برای دریافت راهبردهای طراحی بر مبنای اصول اخلاقی و ایمانی (نمونه موردی: طراحی مسکن اسلامی)، فصلنامه پژوهش های اخلاقی، سال هشتم، شماره ۲، زمستان.
- [۸] حجازی، مهرداد؛ مهدی زاده و سراج، فاطمه (۱۳۹۳)، رابطه معنا، زیبایی، شکل و سازه در معماری دوران اسلامی، پژوهش معماری اسلامی، ۱ (۲)، ۷-۲۲.
- [۹] دهخدا، ع. ا. (۱۳۹۰) لغتنامه . تهران: سروش.
- [۱۰] رجیبی، ابوذر (۱۳۹۵)، چیستی و چرایی تاویل نصوص دینی از منظر غزالی، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال ۱۲، شماره ۵، ص ۸۹ - ۱۱۰، تابستان.
- [۱۱] زیاری، کرامت اله (۱۳۸۲)، تاثیر فرهنگ در ساخت شهر، فصلنامه جغرافیا و توسعه، (۲)، ص ۹۵ - ۱۰۸.
- [۱۲] عسگری، اباصلت؛ فرازمهر، پریسا (۱۳۹۸)، تحلیل و بررسی تاثیرات متقابل معماری و جهان بینی اسلامی و آسیب های تربیتی معماری مخرب، کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.
- [۱۳] کاویانی، محمد (۱۳۹۸)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- [۱۴] مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱)، پرسش ها و پاسخ ها، جلد سوم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- [۱۵] محقق، محمد حسین (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، مترجم، عباس قوچانی، بیروت؛ دارو الاحیاء، التراث العربی
- [۱۶] نیک زاد، حمید؛ سینائی، بهداد (۱۴۰۲)، بررسی تاثیر شاخصه های معماری اسلامی بر ارزش های تعالی بخش انسان، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه شناسی فرهنگ و هنر؛ ش ۳، ص ۲۱ - ۳۳.
- [۱۷] نقی زاده، محمد (۱۳۹۴)، آموزه های قرآنی و شهر آرمانی اسلام، فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی، شماره ۸، سال سوم، ص ۶۶ - ۶۷.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



[۱۸] نوری نژاد، سمیه (۱۳۹۱)، نسیم روحبخش، معماری ایران بر کالبد معماری هند پس از اسلام، پژوهشنامه فرهنگی هرمزگان، (۴)، ص ۱۴۲ - ۱۵۷.

[۱۹] نقی زاده، محمد (۱۳۸۷) شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)، انتشارات مانی، اصفهان، چاپ اول.

[۲۰] نقره کار، عبدالحمید؛ حمزه نژاد، مهدی؛ رنجبر کرهانی، علی محمد (۱۳۹۷)، تبیین معماری و شهرسازی مبتنی بر هویت اسلامی - ایرانی، جهاد دانشگاهی، قزوین.

[۲۱] نقره کار، عبدالحمید؛ رئیسی، محمد منان (۱۳۹۱)، تحقق پذیری هویت اسلامی در آثار معماری، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش (۷)، ص ۵ - ۱۲.

[۲۲] یاران، علی؛ بهرو، حسین (۱۳۹۶)، تأثیر فرهنگ و اخلاق اسلامی بر مسکن و کالبد فضایی خانه‌ها (نمونه موردی: خانه‌های عصر قاجار در شهر اردبیل)، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال پنجم، شماره پانزدهم، تابستان.

[۲۳] یزدانفر، عباس؛ باقر، حسینی؛ زرودی، مصطفی (۱۳۹۲)، فرهنگ و شکل خانه، مسکن و محیط روستا ۳۲، (۱۳۳) ص ۱۷ - ۳۲.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه
The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

هندسه علم در تمدن نوین اسلامی از منظر آیت الله جوادی آملی

صابر خلیلی^۱، فاطمه نعیمی زاده^۲

۱- دانشجوی دکتری، مدرسی معارف گرایش تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، گروه تاریخ و تمدن دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران،

kh.saber.ali@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد، علوم و تربیتی گرایش تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد، اراک، ایران

چکیده

مهندسی هر تمدنی باید بر اساس مبانی خاص صورت بگیرد تا بتوان از آن رابطه «هست‌ها» و «بایدها» را به درستی تبیین کرد. در مهندسی تمدن نوین اسلامی نیز این مبانی به درستی طرح ریزی شوند و هر یک از علوم مخصوصاً علوم تمدن‌ساز در جایگاه خود قرار گیرد و رابطه‌شان با دیگر بخش‌ها به خوبی تبیین شود تا خروجی مدنظر را داشته باشد. در این راستا آیت الله جوادی آملی با ارائه نظریه کاشفیت به دنبال ارائه‌ی هندسه‌ای از این نظام است تا جایگاه علوم مختلف را برای ساخت یک تمدن دینی نشان دهد و تعارض مطرح شده در رابطه علم و دین را رفع نماید و راهکاری برای اسلامی سازی علوم که مبنای تمدن می‌باشد ارائه نماید. **واژگان کلیدی:** تمدن نوین اسلامی، آیت الله جوادی آملی، نظریه کاشفیت، تعارض عقل و دین، علم دینی

مقدمه

اندیشه‌های تمدن‌ساز آیت الله جوادی آملی را باید برخاسته از فهم عمیق ایشان از مبانی دینی دانست که گره خورده با فهم عمیق از قرآن و تسلط بر مباحث عقلی و فلسفی است. آنچه ایشان به عنوان مهم‌ترین پایه یک تمدن معرفی می‌کنند هماهنگی ارکان دین و عقل بشری در یک جریان معرفت‌شناختی می‌باشد که توان ساختن یک تمدن را دارد. لذا کتاب «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی» ایشان را باید یکی از مبانی تمدن‌سازی در اندیشه‌ی وی دانست که ناظر به روش‌شناسی تمدنی است. آیت الله جوادی آملی به عنوان یک فقیه فیلسوف و مفسر عالی‌قدر قرآن در کتب مختلف خود به بحث رابطه علم و دین پرداخته‌اند و نظریه‌ی خود را با عنوان «نظریه کاشفیت» مطرح نموده‌اند. این نظریه بیانگر جایگاه عقل در کنار سایر ابزارهای معرفت دینی است.

تبیین نظریه «کاشفیت علم»

بر طبق نظریه ایشان، عقل در برابر نقل است نه در برابر دین و خارج از قلمروی معرفت دینی. علم و معرفت علمی خارج از محدوده‌ی حوزه معرفت دینی نیست تا سخن از تعارض علم و دین و ترجیح یکی بر دیگری پیش آید بلکه عقل تجریدی که عهده



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

دار شناخت تجربی طبیعت است در صورتی که معرفتی توأم با قطع یا طمأنینه در اختیار نهد (هرچند به سرحد یقین و قطع منطقی و برهان نرسد) در هندسه معرفت دینی جای می‌گیرد و نقاب از چهره خلقت و فعل خداوند بر می‌افکند همچنان که نقل معتبر (کتاب و سنت) پرده‌دار حریم معرفت دینی‌اند و هیچ کدام از دیگری پرده‌داری نمی‌کند. برای درک بهتر نظریه ایشان آن را در موارد ذیل دسته‌بندی و ارائه می‌کنیم:

تبیین مفاهیم عقل و دین

مراد از دین در نظر آیت‌الله جوادی آملی عبارت است از: «مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی که از ناحیه خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین شده است» (۶، ص ۱۹).

عقل نیز در نظر ایشان: «خصوص عقل تجریدی محض که در فلسفه و کلام براهین نظری خود را نشان می‌دهد، نیست، بلکه گستره‌ی آن، «عقل تجربی» که در علوم تجربی و انسانی ظهور می‌یابد، «عقل نیمه تجریدی» که عهده‌دار ریاضیات است و «عقل ناب» که از عهده عرفان نظری بر می‌آید را نیز در بر می‌گیرد» (۶، ص ۲۵).

باید توجه داشت که ایمان یک فعل نفسانی و امری اختیاری است یعنی میان نفس انسان و ایمان که فعل اختیاری او است اراده متخلل است. متعلق ایمان گزاره‌های دین هستند که فهمیدن آنها امری اختیاری نیست اگرچه مقدمات حصول علم که شامل اموری مانند گوش دادن، مطالعه و فکر کردن و نقد و بررسی می‌شود اختیاری‌اند. به عبارت دیگر هنگامی که برهانی قطعی بر مطلبی ارائه می‌شود شخص نمی‌تواند بگوید من آن مطلب را نمی‌خواهم بفهمم ولی وقتی که فهمید می‌تواند به آن ایمان بیاورد یا نه. لذا عقل صرفاً عهده‌دار ادراک و فهم قوانین دینی است و به هیچ رو سهمی در بعد هستی‌شناختی دین ایفا نمی‌کند. یعنی عقل هرگز حکمی را ایجاد نمی‌کند تا تصور شود که احکام عقلی سهمی در بخش احکام و قوانین دینی دارند. عقل دین‌ساز مبدأ شریعت و میزان آن نیست بلکه همچون آینه نمایانگر دین و همچون چراغ روشنگر محتوا آن است.

نکته دیگری که ایشان با توضیح این مفاهیم بیان می‌کنند آن است که وحی و شخص دریافت‌کننده آن در سه مقطع معصوم‌اند: مقطع تلقی، مقطع ضبط و نگهداری، مقطع ابلاغ و املاء وحی. البته باید گفت سر اختلاف فهم متکلمان، فقیهان و عالمان اصول درباره مضامین قرآنی همین است که ایشان در خدمت الفاظ منقول‌اند نه در خدمت محتوایی که عین وحی است به عبارت دیگر عقل همتای نقل است نه همتای وحی و اساساً سخن گفتن از نسبت وحی و فلسفه یا وحی و عرفان نظری به کلی نارواست زیرا هیچ دانشمند عادی دسترسی به عین وحی ندارد و هیچ‌کس نباید تصور کند عقل در مقابل وحی است زیرا هم سطح وحی نیست. توجه ایشان در تبیین مفاهیم دین، عقل و نقل بسیار دقیق است و بر پایه همین نکات است که به دنبال رفع تعارض عقل و نقل بر می‌آیند تا روش بهره‌گیری از علم را در دین تبیین کنند و در تمام مباحث باید منظور ایشان را مد نظر داشت تا از شبهاتی که ریشه در اشتراک لفظی دارند، پرهیز شود.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

شأن عقل در قلمرو دین

هدف از درک جایگاه عقل آن است که بدانیم آیا عقل میتواند قانون دینی جعل کند؟ آیا میتوان با عقل صحیح یا اشتباه بودن احکام دینی را مشخص کرد؟ در واقع ما با این بحث جایگاه هستی‌شناختی آن را در تمدن اسلامی مشخص می‌کنیم تا حیطة استفاده از آن مشخص گردد.

از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، برای شناخت دین سه منبع عقل، نقل و وحی وجود دارد. در این میان، عقل به مانند نقل فقط مسئول در ادراک دین است و توان انشاء احکام دینی ندارد، و این که گفته می‌شود «حکم عقل» به معنای کشف عقل است. به عبارت دیگر عقل مفتاح و مصباح است نه میزان. از سوی دیگر عقل به عین وحی دسترسی ندارد، لذا توان درک وحی را ندارد تا در مقابل آن باشد بلکه عقل به بررسی الفاظ حاکی از محتوای وحی می‌پردازد و در این سطح می‌توان شاهد اختلاف متکلمان، مفسران و فقیهان بود. در واقع تنها منبع هستی‌شناختی دین (بایدها و نبایدها) فقط خداوند است که دارای علم به تکوین (بودها و نبودها) است؛ و عقل همچون نقل تنها ادراک کننده و کاشف دستوره‌های خداوند است. از این رو است که عقل تنها می‌تواند عاصیان را تقبیح کند، بر خلاف شارع واقعی احکام دین که عاصیان را عقاب می‌کند (ر.ک: ۶، ص ۳۹-۴۵).

توضیح آن که انشاء حکم مولوی و صدور باید و نباید از عهده کسی بر می‌آید که حق ربوبیت داشته و به جمیع مصالح و مفساد آگاه و قدرت بر پاداش و کیفر و عقاب داشته باشد و عقل آدمی چنین توانایی ندارد. حاکم واقعی آن است که گذشته از علم مطلق و آگاهی همه جانبه به ملاک‌های دنیا و آخرت (حکمت نظری) اگر به دستور او عمل نشود عتاب و عقاب کند و این امر از عقل بر نمی‌آید و تنها کار عقل درباره عاصیان تقبیح و مذمت آنها است و این معنی در حکم عقل کشف واقع است نه جعل و انشاء. اما در خارج ما به گونه‌ای دیگر عمل می‌کنیم چرا که ادراک ملاک حکم (ملزوم) مستلزم ادراک لازم آن (حکم) است و این دو ادراک از هم منفک نیستند و از این روی ما حکم را به عقل نسبت می‌دهیم در حالی که عقل تنها به ادراک مصالح و مفساد واقعی حکم دست یافته است. آنکه حکم خداوند را می‌فهمد و ادراک می‌کند عقل نظری است که شأن حکم کردن ندارد و آنکه در حوزه شخصی حکم می‌کند و می‌تواند ولایت و آمریت فردی داشته باشد عقل عملی است که دیگر ربطی به دیگران ندارد چنان‌که ربطی به حریم دین ندارد.

در نتیجه عقل در برابر دین قرار ندارد بلکه عقل چون ابزار معرفتی است و داخل در حوزه معرفت دینی است، باید با دیگر ابزارهای معرفتی مانند نقل و یا وحی برابری کند و آنگاه سخن از برتری یکی بر دیگری گفت. عقلی که به شناخت طبیعت به وسیله تجربه و حس می‌پردازد اگر همراه با قطع یا طمأنینه باشد می‌تواند برای خود در هندسه معرفت دینی جایگاهی داشته باشد و به عنوان یک کاشف از رازهای خلقت و فعل خداوند پرده بردارد. یعنی همانطور که نقل معتبر (کتاب و سنت) در غالب موارد،



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

کاشف «قول و گفته خداوند» است، عقل نیمه تجربیدی نیز کاشف «فعل خداوند» است. پس هر دو (عقل و نقل) به دنبال کشف اسرار عالم هستند و از معارف دینی حکایت می‌کنند و با یکدیگر تقابلی ندارند (۶، ص ۱۵).

ایشان عقول کامله را نیز همانند سایر عقول فاقد قدرت جعل احکام می‌دانند، با این تقریر که حتی تصور اینکه تأمین بخشی از محتوای دین به پیامبر (ص) و ائمه (ع) تفویض شده باشد، به این معنا که اراده و علم ازلی الهی تعیین کننده محتوای برخی از احکام نباشد بلکه آن را به ایشان واگذار کرده باشد ناصواب و محال است، چرا که شأن تشریحی پیامبر (ص) و ائمه معصومان (ع) برابر با حدیث قرب نوافل (۷، ص ۳۵۲) (۲، ص ۱۹۰) تحت تکفل الهی است و به علت آن که همه‌ی احوالات و شئون ایشان از خطا و هوای نفس مصون می‌باشد در مجرای بروز اراده تشریحی خداوند قرار گرفته‌اند زیرا اولاً عدم اعمال قدرت خداوند مساوق فقد ربوبیت است و ثانیاً فقیر محض نمی‌تواند مستقل باشد نه تنها در امر تشریح بلکه در هر امر دیگری. (۶، ص ۴۵-۵۰)

البته دستورات مقطعی به عنوان تدبیر امور جامعه از انسان‌های معصوم صادر می‌شود چنان‌که درباره افراد عادی مانند پدر و مادر نسبت به فرزند خودشان ولایت مشروع که با ارزش‌ها، اصول و مبانی شریعت منافات نداشته باشد قابل تصور است.

نتیجه آنکه بعد هستی شناسی دین به طور انحصاری توسط اراده و علم ازلی پروردگار رقم می‌خورد و عقل بشری تنها شأن ادراکی را نسبت به محتوای دین حائز است.

عقل از نظر معرفت شناختی، مصباح شریعت است و کسانی که آن را میزان دین و شریعت می‌پندارند نگاهی افراطی به شأن عقل در قلمرو دین دارند که ثمره آن را می‌توان در تفسیر ناصواب از خاتمیت مشاهده کرد که می‌گویند: وقتی عقل بشری رشد کرد دیگر نیازی به وحی نیست، چون عقلی که مبنای سنجش و صحت و سقم محتوای دین است خود مستقیماً هادی و راهبر انسان در شئون فردی و جمعی می‌شود. در مقابل عده‌ای را تفریط پیموده و عقل را مفتاح شریعت و کلید ورود بشر به عرصه دین می‌شمارند. ولی ایشان عقل را هم مفتاح و هم مصباح شریعت می‌دانند. ایشان به این نکته هم متذکر می‌شوند که عقل توان ادراک برخی عرصه‌های دین را ندارد. مانند ادراک ذات خداوند و کنه صفات خداوند که عین ذات او است. آنچه برای عقل می‌ماند توانایی درک فعل خداوند است که تجلی خود او است و بلا مانع می‌باشد. یکی دیگر از محدودیت‌های عقل به مقوله جزئیات دینی مربوط می‌شود، در این حیطة، عقل بی مدد نقل ره به جایی نمی‌برد (۶، ص ۵۶-۶۰).

ایشان در تفسیر تسنیم به جایگاه عقل در هندسه معرفت دینی هم نگاه دارند و آن را هم سطح با نقل در درون دین می‌دانند نه در مقابل آن و بیرون از آن. که می‌توان به تفسیر برخی آیات که عقل را در کنار نقل قرار داده‌اند رجوع کرد، مانند: انبیاء/۲۴ و نمل/۶۴ که بیان می‌کنند که شما که غیر از الله را رب خود قرار داده‌اید برای این کار برهان آورید یا احقاف/۴ بیان می‌کند این برهانی که می‌آورید باید نشان دهد غیر از الله خالق است یا در خلق شریک است و اگر این برهان را یا از راه عقل و یا از راه نقل بیان کنید مقبول است.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



حجیت عقل

حجیت در منطق به معنای کاشفیت از واقع است. از نظر منطقیان، استدلالی حجیت است که میان مقدمه و نتیجه آن، رابطه ضروری برقرار باشد و لذا از میان انجای سه گانه رابطه که در سه قالب قیاس و استقراء و تمثیل ظاهر می شود، فقط استدلال قیاسی برهانی را حجیت و کاشف از واقع می داند. ولی حجیت در علم اصول فقه به معنای ((ما یصح به الاحتجاج)) است که کاربرد آن در حکمت عملی است و آثار فقهی و حقوقی دارد. این حجیت اصولی داخل در قراردادهای اعتباری حکمت عملی است و لذا موضوع برای اعتبار واقع می شود و می توان چیزی را به اعتبار و تعبد، حجیت اصولی قرار داد. پس حجیت اصولی هم می تواند علم باشد و کاشف از واقع و هم می تواند علمی باشد یعنی دلیلی که به تعبد شارع نازل منزله علم شده و با جعل متمم کشف اعتبار یافته باشد. البته این حکم در اصول عملیه نیست پس به این ترتیب دلیل ظنی خاص (مثل خبر واحد یا ظاهر کتاب و سنت) پشتوانه یقین پیدا کند. توجه کنید که قطع قطاع حجیت منطقی نیست ولی حجیت اصولی هست. از سوی دیگر درست است که همه قضایای علوم تجربی، آثار و نتایج عملی به دنبال نمی آورند تا حجیت اصولی داشته باشند و همچنین این قضایا به سرحد یقین نمی رسد تا حجیت منطقی داشته باشد؛ اما بسیاری از آنها به نحوی با حوزه عمل مکلفان مربوط می شوند مثلاً اگر کسی با علم به اطمینان آور بودن این کشفیات و توصیه های پزشکی به آنها اعتنا نکند و جان خود یا بیمار خود را به خطر اندازد شرعاً مسئول و متعاقب است یا آنکه اگر کسی توصیه های اطمینان آور هواشناسی درباره بارندگی و اوضاع جوی یک منطقه را نادیده گرفت و بدون تجهیزات و آمادگی لازم به سفر رفت، سفر او سفر معصیت است و آثار آن مانند نماز تمام و روزه بر آن مترتب می شود. پس میتوان گفت حجیت شرعی علوم در ظرفی که از حد فریضه و صرف ظن فراتر رفته و به مرز علم آوری یا طمأنینه عقلایی رسیده باشند، مجوز استناد به شارع مقدس است و کاربرد این صحت استناد در آنجا است که محتوای ادله نقلی با این مدرکات بشر ناسازگار باشد، در این هنگام معرفت اطمینان آور عقلی و علمی به عنوان مخصص یا مقید لبی ظاهر می شود و آن ادله نقلی را تقیید و تخصیص می زند و اگر مجالی برای اینکار نباشد آنچه اقوی است اخذ می شود. پس مطابق نظریه ایشان «فهمیدن» یک عمل مکانیزه است که در آن درک انسان از عالم خارج تابع اراده و اختیار او نیست بلکه ساختار ذهنی انسان، آن را پیش می برد و از این رو می توان گفت: علم ذاتاً کاشف است و به همین دلیل علم همیشه اسلامی است چرا که محتوا و ساختار علم متناسب اراده الهی شکل گرفته است. از پیامدهای حجیت ذاتی داشتن علم آن است که، احکام و دستورات عقل حجیت شرعی پیدا می کنند و عمل به آنها رافع تکلیف است. اگر علوم از حد فرضیه فراتر رفته و به مرز علم آوری یا طمأنینه عقلایی برسند دارای حجیت شرعی می باشند و مخالفت با آنها جایز نیست (ر.ک: ۶، ص ۲۰-۲۳ و ص ۱۱۲-۱۱۸).

این نکته بسیار حائز اهمیت است چرا که حجیت ذاتی علم سبب می شود که برای اثبات آن به نقل احتیاجی نباشد، چرا که

مستلزم دور است (ر.ک: ۵، ص ۹۶ و ص ۱۱۶).



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

میزان اسلامیت و دینی بودن معرفت‌ها، مرهون درجه علمی بودن آنها است. اگر ثبوت علمی آنها قطعی باشد، استناد آن به اسلام یقینی است. اگر میزان ثبوت آنها ظنی باشد، مقدار اسناد آنها به اسلام در حد مظنه است (۴، ص ۸۰ و ص ۳۶۸ و ص ۳۶۹). با تبیین جایگاه و حجیت عقل است که می‌توان به اهمیت آن برای ساختارسازی و احکام تمدنی منطبق بر دین پی برد. مطمئن بود که حرکت برای ایجاد تمدن با توجه به آن ابزار عقل که خداوند در اختیار انسان قرار داده است دارای حجت شرعی می‌باشد.

تعارض عقل و نقل

ظاهر برخی روایات که تخطئه عقل در برابر نقل را افاده می‌کند خصوص قیاس فقهی و تمثیل منطقی است نه برهانی که اطمینان آور است که سال‌ها پیش از بیان این روایات، عقل برهانی بر بی‌اعتباری ظن و گمان برخاسته و بر علیه تمثیل منطقی (قیاس فقهی) فتوا داده است و لذا این روایات مؤید عقل و منطقی است. عقل برهانی نه تنها در روایات تخطئه نشده بلکه به عنوان حجت درونی در کنار حجت بیرونی (نقل معتبر) مورد تأکید قرار گرفته است.

لازم به ذکر است که معیار و میزان در پذیرش عقل، حصول یقین یا اطمینان عقلایی است و واقعیت این است که عقل عرفی در بسیاری از موارد به طمأنینه عقلایی می‌رسد. از این رو فقها و اصولیون به این تعلیل‌های عرفی و عقلایی اعتماد و اطمینان می‌کنند پس عقل به معنای وسیع آن حجت شرعی است نه خصوص عقل تجریدی محض. همین وضعیت در عقل تجربی و علوم طبیعی وجود دارد. در علوم طبیعی و تجربی، یقین ریاضی و فلسفی به ندرت بدست می‌آید، اما طمأنینه فراهم است و زمانی که می‌گوییم عقل در کنار نقل حجت شرعی است و منبع معرفت شناسی دین را تأمین می‌کند به این مصادیق وسیع طمأنینه عرفی و عقلایی نظر داریم.

راه‌های مختلفی برای جمع عرفی و عقلایی در رفع تعارض عقل و نقل وجود دارد. اما در مواردی که عقل و نقل متباین هستند و امکان جمع وجود ندارد، باید دلیلی که قطعی است را اخذ کرد و دیگری را تأویل برد. نکته مهم آن است که توجه داشته باشیم به کار گرفتن عقل در کنار نقل یعنی امکان مخصص یا مقید عقلی بودن برای دلیل نقلی همیشه وجود دارد و همانگونه که باید در وجود مخصص و مقید نقلی جستجو کرد، در مخصص و مقید عقلی نیز باید به فحص پرداخت و در صورت فقدان عامل تقیید و تخصیص نوبت به اخذ به عموم و اطلاق فرا می‌رسد. به هر حال در مورد تعارض عقل و نقل ضابطه کلی وجود ندارد. و علت آنکه در ادله نقلی و کتاب و سنت پیشگیری چنین موارد نشده آن است که یکی از اهداف اولیاء و ارسال وحی الهی، شوراندن و اثاره عقل است و ممکن نیست عقل بشر به حال دینه‌ای خود پنهان باقی بماند و ثوره و انقلابی در آن صورت نپذیرد آنگاه توقع داشته باشیم ظرائف حقایق عالم و لطایف قرآنی و حدیثی را درک کند. اگر بنا بود همه چیز به سادگی در دسترس بشر قرار گیرد، قرآن رساله عملیه می‌شد. مطالب عمیقی که در روایات و آیات بیان شده است عقل و فهم بشر را می‌شوراند. پس در مواردی که به حسب ظاهر عقل با نقل معارض است، تعارض بدئی است و راه جمع عرفی و عقلایی میان آن دو باز است. در مواردی هم که عقل و نقل



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

متباین‌اند و تعارض آنها بدئی نیست چاره‌ای جز رجوع به قطع و ظن یا اظهار و اقوی وجود ندارد. براین اساس هر کدام از عقل و نقل قوت بیشتری داشت به آن اخذ شده و دیگری تأویل می‌شود یا علم آن به اهلش واگذار می‌گردد. (۶، ص ۷۴-۷۶).

با توجه به این که دلیلی نقلی حاکی از ثبوت محمول برای موضوع است نه ضرورت، دلیل عقلی و تجربی می‌تواند به عنوان مخصص یا مقید عمل کند و تعارض رفع شود. مثلاً اگر در زیست‌شناسی ثابت شد که در ترکیب برخی از موجودات زنده آب به کار نرفته است و یقینی شد که بعضی موجودهای زنده از آب پدید نمی‌آیند و بدون آن یافت می‌شوند این شاهد یقینی علمی و تجربی به مثابه مخصص لبی آیه «و جعلنا من الماء کل شیء حی» قرار می‌گیرد نه نافض آن. (۶، ص ۹۱) در حکمت نظری که عقل به دنبال کشف «بود و نبود» است دیگر توان تخصیص ندارد چرا که در این قضایا محمول از عوارض ذاتی موضوع است و قابلیت تخصیص و تقیید خوردن ندارد مثل: العدل حسن، الظلم قبیح. (۶، ص ۹۸) آشکار است که با کنار هم قرار دادن عقل و نقل و رفع تعارض آنها می‌توان مبادی دینی را به راحتی در حرکت تمدنی به کار گرفت و از آن به عنوان میزان برای فعالیت تمدن‌سازی بهره برد.

علم دینی

یکی از مهمترین ابزارهای ساخت یک تمدن دینی و اسلامی، دست یافتن به علم دینی است. ایشان در تقسیم علوم به دینی و غیر دینی ملاک را همسویی با دین در حداقل یکی از محورهای موضوع، روش و هدف می‌دانند. توضیح آن که این علوم مانند فن انسان‌شناسی، زمین‌شناسی، آسمان‌شناسی، سیاره‌شناسی، صنایع اتومبیل، کشتی و هواپیما و... از لحاظ موضوع و روش قابلیت دینی شدن ندارند ولی از ناحیه غایت قابل انقسام‌اند. یعنی اگر کسی خواست علوم یاد شده را دینی کند می‌تواند آنها را با رویکرد اسلامی و هدف‌مداری دینی تألیف و تدریس کند. از سوی دیگر علوم که در هیچ یک از این سه محور قابلیت همسو شدن را ندارند، نمی‌توان دینی دانست و لذا علوم نیمه تجربیدی مانند ریاضیات از دایره علوم دینی خارج می‌شوند ولی علوم تجربیدی محض و تجربی چون کاشف قول و فعل خداوند هستند همیشه در زمره علوم دینی باقی می‌مانند، پس این علوم همه دینی‌اند و علم سکولار نداریم و سکولار صفت عالم است نه علم. در واقع قید اسلامی بودن علوم توضیحی است نه احترازی (۶، ص ۸۵-۹۳).

بنابراین در نگاه ایشان اندیشمندان دنیای مدرن، با توسعه پیدا کردن علوم و ریز شدن در شاخه‌های مختلف آن از حوزه‌های معرفتی فاصله گرفتند (۳، ص ۳۱) و از جهان‌بینی توحیدی و یکپارچگی دور شدند و به تدریج خود را از الهیات و حکمت بی‌نیاز دانستند و دیگر به دنبال علت فاعلی و غایی نبودند، و لذا با نگاه استقلالی به علم تجربی، به تدوین فلسفه و جهان‌بینی الحادی روی آوردند.

نکته دیگر آنکه برهان عقلی اعم از تجربیدی و تجربی در صورت افاده یقین راجع به حکمت نظری و جهان‌بینی یا اعم از آن و طمأنینه علمی راجع به حکمت عملی و ایدئولوژی، حجت شرعی است به طوری که امتثال آن به قصد قربت گذشته از نیل به



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

مصالح دنیایی، اجر اخروی را به همراه دارد و ترک عمدی آن گذشته از حرمان از مصالح دنیا، سبب کیفر اخروی است. از این روی می توان ساختار سیاسی و حکومتی معین به عنوان جمهوری اسلامی را به لحاظ ظرف و مظروف شکل و محتوا با هم دینی دانست؛ نه آنکه محتوای آن اسلامی باشد و ظرف آن بشری و غیر دینی؛ زیرا اگر عقل جمعی و تجربی به این نتیجه رسید که تنها راه برقراری نظام جامعه مسلمان و یا بهترین راه حفظ استقلال و آزادی آنان روش جمهوریت است نه راه های دیگر، در حال تعیین ظرف حکومت و شکل سیاست اسلامی است نه بشری، چون ادراک عقلی حجت الهی است و الهام خداوند؛ نه محصول تلاش بشر و نه جدای از افاضه آسمانی و چنین عقل تجربی، همانند دلیل نقلی معتبر مایه احتجاج متقابل خداوند و بندگان وی در معاد است. آیت الله جوادی آملی آیه یونس/۱۶ را دلیل نقلی اعتماد به فهم مردم در اصل پذیرش رهبری رهبران الهی دانسته و دلیل نقلی امضای جمهوریت می شمارند زیرا در آن به عقل جمعی و تجربی مردم استدلال شده است. حال اگر شرایط، اوضاع و احوال، ویژگی محلی، خصوصیت منطقه و مختصات بین المللی عوض شد فتوای عقل جمعی و تجربی هم عوض خواهد شد، زیرا حکم خدا در موضوعات متنوع و مسائل متغیر عصر و نسل گوناگون است و اگر همه شرایط یاد شده ثابت و بدون تغییر ماند؛ لیکن عقل جمعی و تجربی ساختار دیگری را تنها راه تأمین استقلال و آزادی یا بهترین راه آن دانست، همانند خطای در اجتهاد در دلیل نقلی فتوا عوض شده و ساختار دیگر انتخاب می شود، پس حجت شرعی بودن با اشتباه صاحب نظران منافات ندارد، همانطور که در تشخیص محتوا و مظروف نیز خطا رخ می دهد (۶، ص ۸۳-۸۴).

نتیجه

برای استفاده از عقل و دستاوردهای آن در ساخت یک تمدن باید تعارضی با دین نداشته باشد و آیت الله جوادی آملی با طراحی یک نظام دقیق جایگاه عقل را در ابعاد هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی مشخص می کنند. ایشان در طرح خود نگاه به رشد طولی علم دارند.

حقیقت آن است که اسلامی کردن علوم به معنای رفع عیب و نقص حاکم بر علوم تجربی رایج است و اینکه علوم طبیعی را هماهنگ و سازگار با دیگر منابع معرفتی ببینیم، نه آنکه اساس علوم رایج را ویران کرده و محتوای کاملاً جدیدی را در شاخه های مختلف علوم انتظار بکشیم مثلاً فیزیک و شیمی اسلامی تافته ای جدا بافته از علوم طبیعی رایج نیست تا تخیل شود علم دینی محتوایی کاملاً متفاوت از علم رایج را در اختیار می گذارد چرا که علمی که او را کتاب تکوین الهی را ورق می زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی دارد به ناچار اسلامی و دینی است و معنا ندارد که آن را به دینی و غیر دینی و اسلامی و غیر اسلامی تقسیم کنیم. منشأ توهم تعارض علم و دین آن است که حوزه دین را به نقل محدود کرده و عقل را از چارچوب معرفت دینی خارج بدانیم. در اینجاست که اگر مطلبی نقلی از جهتی ناسازگار با یافته علمی و تجربی یا فلسفی و تجریدی باشد از مصادیق تعارض و تقابل علم یا فلسفه و دین می شود و ایشان به خوبی این مشکل را حل کردند.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

علاوه بر آنکه ایشان محدودیت قلمرو تجربه را نیز به خوبی نشان می‌دهند و مرزی را که راهی برای عقل نیست مشخص می‌کنند. در مدل ایشان علم هیچگاه سکولار نیست، چرا که فلسفه مطلق که اساس فلسفه علم و در نتیجه ریشه خود علم است، دوران میان نفی خدا و اثبات آن است و ممکن است دانشمند از این نکات غافل باشد ولی این غفلت واقع امر دانش را تغییر نمی‌دهد، پس علم سکولار نداریم اگرچه عالم سکولار داشته باشیم زیرا واقع علم یکی است چون حقیقتاً عالم، صنع خدای متعال است پس علم لاجرم الهی و دینی است و هرگز علم الحادی نداریم و از آن جهت که علم، کشف و قرائت طبیعت و جهان است و صدر و ساقه جهان فعل خداوند است، پرده از فعل خدا بر می‌دارد و چون علم، تفسیر و تبیین فعل خداست، الهی و دینی است. این عالم است که بر اثر اتکای به فلسفه الحادی و فلسفه مطلق الحادی، علم را ابزار الحاد خود قرار می‌دهد و تفسیر محرف از جهان عرضه می‌دارد و عنوان خلقت را به جهان طبیعت تبدیل می‌نماید (۶، ص ۱۵۰ - ۱۷۳).

منابع و مراجع

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۱ق، صحیح البخاری، جلد ۷، دارالفکر، بیروت، لبنان.
- (۳) پارسانیا، حمید، ۱۳۸۸ش، علم و هویت، فصلنامه حکمت اسراء، شماره یک، مهر ۱۳۸۸، موسسه اسراء، قم، ایران، (۲۹-۳۶).
- (۴) جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲ ش، شریعت در آیین معرفت، نشر رجاء، قم، ایران، ۴۶۴.
- (۵) جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۰ ش، انتظار بشر از دین، مرکز نشر اسراء، قم، ایران، ۳۰۸.
- (۶) جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶ ش، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، چاپ چهارم، مرکز نشر اسراء، قم، ایران، ۲۵۶.
- (۷) کلینی ابی جعفر، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۱ق، الکافی، چاپ چهارم، دارصعب- دارالتعارف، بیروت، لبنان.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

بررسی اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی، شهید مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای در تمدن نوین اسلامی

عبدالقدیر حمیدی^۱

۱- دانشجوی مقطع دکتری رشته اصول فقه اسلامی - جامعه المصطفیٰ العالمیه نمایندگی گلستان

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، شهید مرتضی مطهری و آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در زمینه تمدن نوین اسلامی می‌پردازد. مسأله اصلی این است که چگونه این سه متفکر برجسته با رویکردهای مختلف خود به شکل‌گیری و توسعه بنیان‌های تمدن نوین اسلامی کمک کرده‌اند. شناخت و تحلیل اندیشه‌های آنان می‌تواند به تقویت مسیر تمدن‌سازی اسلامی و ارائه راهکارهایی برای مقابله با چالش‌های جهان معاصر کمک کند. هدف از این تحقیق، بررسی تطبیقی اندیشه‌های این سه شخصیت و تأثیر آن‌ها بر شکل‌دهی به تمدن اسلامی مدرن است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی دیدگاه‌ها و آثار این متفکران پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سید جمال‌الدین اسدآبادی با تأکید بر اتحاد اسلامی و مبارزه با استعمار، بیداری اسلامی را پایه‌ریزی کرد. شهید مطهری با تبیین نسبت علم و دین و توجه به مفاهیم آزادی و عدالت، در تحول نهادهای علمی و فکری اسلامی نقشی مهم ایفا کرده است. آیت‌الله خامنه‌ای نیز با تأکید بر نقش علم، فناوری و مقاومت اسلامی، به تقویت ارزش‌های اسلامی و پیشبرد تمدن نوین اسلامی کمک کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های جزئی در رویکرد این متفکران، آن‌ها در اصولی همچون اتحاد اسلامی، پیشرفت علمی و عدالت اجتماعی هم‌نظر بوده و به‌طور مشترک به تمدن‌سازی نوین اسلامی پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: اندیشه، تمدن نوین اسلامی، فناوری، تفکر اسلامی

مقدمه

تمدن اسلامی یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های بشری است که در طول تاریخ تأثیرات عمیقی بر فرهنگ، علم، هنر و سیاست جهان گذاشته است. با این حال، پس از دوره‌ای از شکوفایی، این تمدن با چالش‌های متعددی از جمله استعمار، تهاجم فرهنگی، انحطاط علمی و سیاسی مواجه شد. در نتیجه، متفکران اسلامی همواره در پی آن بوده‌اند که با بازگشت به اصول و ارزش‌های اسلامی، احیای این تمدن را ممکن سازند. در این میان، سید جمال‌الدین اسدآبادی، شهید مرتضی مطهری و آیت‌الله سید علی خامنه‌ای از جمله شخصیت‌هایی هستند که با تلاش فکری خود، نقشی مهم در بازسازی و تقویت تمدن نوین اسلامی ایفا کرده‌اند.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

مسئله اصلی این پژوهش این است که چگونه اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، شهید مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای می‌تواند در شکل‌دهی و تقویت تمدن نوین اسلامی نقش ایفا کند؟ این متفکران با دیدگاه‌های متفاوتی به مقوله‌هایی چون اتحاد اسلامی، علم و دین، عدالت اجتماعی، مبارزه با استعمار و استکبار و نقش فرهنگ و علم پرداخته‌اند. تحلیل این اندیشه‌ها می‌تواند به ارائه راهکارهای مناسبی برای مقابله با چالش‌های کنونی جهان اسلام کمک کند.

اهمیت این پژوهش در آن است که بررسی تطبیقی اندیشه‌های این سه متفکر برجسته می‌تواند به درک بهتر مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی و یافتن راهکارهایی برای مقابله با چالش‌های جهان معاصر کمک کند. جهان اسلام در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری نیازمند راهبردهایی است که بر پایه وحدت اسلامی، پیشرفت علمی و عدالت اجتماعی استوار باشند.

هدف از این تحقیق، تحلیل و بررسی تطبیقی دیدگاه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، شهید مرتضی مطهری و آیت‌الله سید علی خامنه‌ای درباره تمدن نوین اسلامی است. این پژوهش قصد دارد نشان دهد چگونه اندیشه‌های این متفکران می‌تواند به توسعه و تقویت بنیان‌های تمدن اسلامی معاصر کمک کند.

تاکنون تحقیقات زیادی درباره هر یک از این سه متفکر به صورت جداگانه انجام شده است؛ اما پژوهش‌های جامع و تطبیقی که به بررسی مشترک دیدگاه‌های آنها در زمینه تمدن نوین اسلامی بپردازد، کمتر انجام شده است. بنابراین، این تحقیق با توجه به خلأ موجود، به دنبال ارائه تحلیلی جامع و مقایسه تطبیقی این اندیشه‌ها است.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در این راستا، آثار و نوشته‌های سه متفکر مورد بررسی قرار گرفته و از طریق مقایسه تطبیقی، دیدگاه‌های مشترک و متفاوت آنان تحلیل می‌شود. بنابراین مهمترین سوالات این تحقیق قرار ذیل است:

۱. چگونه اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، شهید مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای به احیای تمدن نوین اسلامی کمک می‌کند؟
۲. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در دیدگاه‌های این سه متفکر درباره موضوعات کلیدی تمدن نوین اسلامی وجود دارد؟
۳. رویکردهای این متفکران به چالش‌های جهان اسلام و راهکارهای آنها برای مقابله با این چالش‌ها چیست؟



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



مفهوم شناسی

۱. اندیشه

در لغت: به معنای فکر، خیال، تصور، تفکر، تأمل و تردید آمده است (۷، ۱، ۴۵۳). در زبان عربی به معنای به کار

انداختن ذهن و تأمل در امور برای دریافت معنا یا حل مشکلی است (۱، ۲، ۶۴۵).

در اصطلاح: ۱. از منظر فلسفه اسلامی، اندیشه به عنوان فعالیتی عقلانی تعریف می شود که در آن ذهن انسان به تحلیل و شناخت

مراتب مختلف وجود و حقیقت می پردازد. اندیشه ابزاری است برای حرکت از عالم محسوسات به عالم معقولات و شناخت

حقیقت نهایی (۹، ۱، ۱۲۰). ۲. در علم منطق، اندیشه فرایندی است که ذهن انسان از طریق استدلال های منطقی و قیاسی به نتیجه

می رسد (۱۸، ۱، ۴۵).

۲. تمدن نوین اسلامی

در لغت: به معنای شکل جدیدی از شهرنشینی، پیشرفت اجتماعی و فرهنگی است که بر اساس اصول و ارزش های اسلامی

شکل گرفته است. «تمدن» به معنای شهرنشینی و پیشرفت اجتماعی، «نوین» به معنای جدید و تازه، و «اسلامی» به معنای مرتبط با

دین اسلام است (۱۹، ۱، ۲ و ۵، صفحات مختلف). تمدن نوین اسلامی یعنی تمدنی که مبتنی بر ارزش های اسلامی است و در عین

حال مدرن، تازه و همراه با پیشرفت اجتماعی و فرهنگی است.

در اصطلاح: ۱. تمدن نوین اسلامی از منظر فلسفه اسلامی، بازگشت به اصول معرفتی اسلامی و تلفیق آن با دستاوردهای عقلانی

و تجربی جدید است. این تمدن بر پایه اصول حکمت متعالیه، یعنی عقلانیت، وحی، و شهود بنا شده و هدف آن ارتقای اخلاق و

معنویت در کنار پیشرفت مادی است (۵، ۱، ۸۰).

۲. در فقه، تمدن نوین اسلامی به معنای بازنگری و تطبیق احکام و فتاوی شرعی با نیازهای روز جامعه است. این تمدن با

استفاده از اصول اجتهادی و در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و علمی مدرن شکل می گیرد تا بتواند به طور مؤثر پاسخگوی چالش های

جدید در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد (۸، ۱، ۵۵).

۳. فناوری

در لغت: فناوری: از دو بخش «فن» و «آوری» تشکیل شده است. «فن» به معنای مهارت، صنعت، هنر و دانش است و

«آوری» به معنای تولید و ایجاد. بنابراین، فناوری به معنای مجموعه ای از مهارت ها، دانش ها و ابزارها برای تولید یا ایجاد چیزی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

در عرصه‌های صنعتی و علمی است (۷، ۱۲، ۱۸۹). فناوری در عربی معادل واژه «تقنیة» از ریشه «تقن» است که به معنای استفاده از فنون و مهارت‌ها برای ساختن و ایجاد ابزارها، دستگاه‌ها و تجهیزات است. این واژه همچنین به معنای کاربرد دانش‌های علمی در امور صنعتی و تولیدی است (۲، ۱۲، ۵۶۴).

در اصطلاح مهندسی: عباس مقدس در کتاب «مدیریت فناوری، مفاهیم و کاربردها» به بررسی مفاهیم و کاربردهای فناوری در مدیریت می‌پردازد و فناوری را به‌عنوان مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها، و روش‌هایی که برای طراحی و بهره‌برداری از سیستم‌ها و محصولات پیچیده استفاده می‌شود، تعریف می‌کند (۲۰، ۱، ۵۵).

در کل، فناوری «به معنای کاربرد مهارت‌ها و دانش‌های فنی و علمی برای تولید ابزارها، ماشین‌آلات و به‌کارگیری آنها در عرصه‌های مختلف صنعتی و روزمره است.

۴. تفکر اسلامی

در لغت: «تفکر اسلامی» به معنای اندیشه‌ورزی و تأمل بر اساس اصول، ارزش‌ها و تعالیم دین اسلام است. این نوع تفکر به کارگیری عقل و تأمل با توجه به آموزه‌های اسلامی برای درک مسائل مختلف زندگی، جهان‌بینی، اخلاق و فلسفه اسلامی است. «تفکر» به معنای اندیشیدن و تعقل، و «اسلامی» به معنای مرتبط با دین اسلام و تعالیم آن است (۲، ۱-۱۰، ۴۳۷ و ۶۳۴).

در اصطلاح: در فلسفه سیاسی اسلامی، تفکر اسلامی به معنای ارائه نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی است که مبتنی بر اصول اسلام درباره حکومت، عدالت، و نظم اجتماعی است. این تفکر بر اساس ارزش‌های قرآن و سنت شکل می‌گیرد و هدف آن برقراری نظامی است که در آن عدالت، آزادی و توحید محور باشند (۱۳، ۱۰۰، ۱).

سید جمال‌الدین اسدآبادی و بنیان‌های فکری تمدن نوین اسلامی

سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ هجری قمری) از برجسته‌ترین متفکران و مصلحان جهان اسلام بود که در دوره‌ای حساس از تاریخ مسلمانان، تلاش کرد تا مسلمانان را به بیداری و اتحاد فرا خوانده و با استعمار و نفوذ فرهنگ غربی مبارزه کند. اندیشه‌های او نقش بزرگی در شکل‌گیری جریان بیداری اسلامی و احیای تمدن اسلامی داشت. سید جمال‌الدین در بسیاری از کشورها فعالیت کرد و تأثیر او به‌ویژه در مبارزات ضد استعماری و اتحاد اسلامی همچنان برجسته است.

۱. معرفی سید جمال‌الدین اسدآبادی و نقش او در احیای تفکر اسلامی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

سید جمال‌الدین اسدآبادی که به "افغانی" نیز معروف است، در یک خانواده مذهبی در اسدآباد همدان به دنیا آمد و از همان اوایل جوانی با تفکر و علوم دینی آشنا شد. او به‌عنوان متفکری جهانی با سفرهای متعدد به کشورهای اسلامی و اروپایی تلاش کرد تا مسلمانان را از خواب غفلت بیدار کند و آنان را به بازگشت به اصول و ارزش‌های اسلامی و استقلال از قدرتهای استعماری فراخواند. محمد عماره در کتاب *سید جمال‌الدین الأفغانی: حیات و افکار* به این مهم اشاره کرده و می‌گوید: "سید جمال، مسلمانان را به شناخت وضعیت خود و بازگشت به ریشه‌های اصیل اسلام دعوت می‌کرد" (۱۲، ۵۴).

۲. بررسی دیدگاه‌های سید جمال درباره اتحاد اسلامی

سید جمال‌الدین اسدآبادی یکی از نخستین متفکرانی بود که به ضرورت اتحاد اسلامی تأکید کرد. او معتقد بود که مسلمانان باید اختلافات مذهبی و قومی را کنار بگذارند و با اتحاد و همبستگی در برابر دشمنان خارجی مقاومت کنند. در کتاب *نامه‌ها و آثار سید جمال‌الدین آمده است*: "سید جمال مسلمانان را به همبستگی و ترک تفرقه‌های مذهبی فرا می‌خواند، چراکه او بر این باور بود که وحدت مسلمانان تنها راه رهایی از سلطه استعمارگران است" (۶، ۸۸). او معتقد بود که تنها با یکپارچگی امت اسلامی می‌توان در برابر تهاجم نظامی و فرهنگی غرب مقاومت کرد.

اتحاد اسلامی در اندیشه سید جمال نه تنها یک ضرورت دینی، بلکه یک ضرورت سیاسی و اجتماعی نیز بود. او بر این باور بود که اختلافات مذهبی و فرقه‌ای بین مسلمانان، ابزار اصلی قدرتهای استعماری برای تفرقه‌افکنی و تسلط بر جهان اسلام است. تحلیل سیاسی این دیدگاه نشان می‌دهد که سید جمال‌الدین به نوعی از "پان‌اسلامیسم" معتقد بود که امروز نیز در بسیاری از جنبش‌های اسلامی به‌عنوان یک ایده مهم باقی مانده است. مفهوم اتحاد اسلامی به‌عنوان یک نیروی مقاومت در برابر نفوذ و سلطه بیگانگان همچنان در گفتمان سیاسی جوامع اسلامی مطرح است و بسیاری از متفکران معاصر از آن بهره می‌برند.

۳. بررسی دیدگاه‌های سید جمال درباره مبارزه با استعمار

سید جمال یکی از پیشگامان مبارزه با استعمار در جهان اسلام بود. او تأکید می‌کرد که استعمارگران نه تنها به منابع طبیعی کشورهای اسلامی دست‌اندازی می‌کنند، بلکه با تحمیل فرهنگ و ارزش‌های غربی، هویت دینی و فرهنگی مسلمانان را نیز نابود می‌کنند. به گفته رسول جعفریان در کتاب *اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی*: "سید جمال بر این باور بود که استقلال فکری و فرهنگی مهم‌تر از استقلال سیاسی است و بدون احیای فرهنگ اسلامی، مسلمانان نمی‌توانند به آزادی و پیشرفت واقعی دست یابند" (۴، ۱۵۷). او بارها در سخنرانی‌ها و نامه‌های خود به نقش مخرب استعمارگران اشاره کرد و مسلمانان را به مبارزه برای استقلال و آزادی دعوت نمود.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

سید جمال‌الدین در این زمینه، رویکردی دوگانه داشت: از یک سو به استقلال سیاسی تأکید می‌کرد و مسلمانان را به مقاومت در برابر استعمارگران فرامی‌خواند، و از سوی دیگر به ضرورت استقلال فکری و فرهنگی اشاره داشت. او بر این باور بود که تا زمانی که مسلمانان از نظر فکری و فرهنگی وابسته به غرب باشند، نمی‌توانند به استقلال سیاسی دست یابند. تحلیل این بخش از اندیشه او در دنیای امروز اهمیت زیادی دارد، زیرا جوامع اسلامی همچنان با چالش‌هایی مانند نفوذ فرهنگی غرب و وابستگی به الگوهای غربی در عرصه‌های مختلف مواجه هستند.

۴. بررسی دیدگاه‌های سید جمال درباره تجدد

سید جمال‌الدین اسدآبادی، برخلاف برخی از متفکران هم‌عصر خود، نه تجدد غربی را به‌طور کامل رد می‌کرد و نه آن را بی‌قید و شرط می‌پذیرفت. او معتقد بود که مسلمانان باید از دستاوردهای علمی و فنی غرب بهره‌مند شوند، اما در عین حال باید از حفظ ارزش‌های اسلامی غافل نباشند. در کتاب *الفکر الإسلامی الحدیث عند السید جمال‌الدین الأفغانی* اثر فؤاد سید آمده است: "سید جمال تأکید داشت که تجدد باید با هویت اسلامی سازگار باشد و مسلمانان نباید در جریان تجدد، فرهنگ و اصول دینی خود را فراموش کنند" (۳، ۱۰۵). او بر این باور بود که تنها از طریق پذیرش تجدد به‌گونه‌ای که با اسلام سازگار باشد، مسلمانان می‌توانند به پیشرفت علمی و تمدنی دست یابند.

در شرایط امروز، که بسیاری از کشورهای اسلامی در مسیر توسعه و پیشرفت قرار دارند، این دیدگاه سید جمال‌الدین همچنان به‌عنوان یک راهبرد عملی مطرح است. پذیرش تجدد و دستاوردهای علمی مدرن در حالی که هویت و ارزش‌های اسلامی حفظ می‌شود، یکی از چالش‌های مهم برای جوامع اسلامی است. سید جمال با تأکید بر این که تمدن اسلامی در گذشته نیز بر پایه علم و دانش بنا شده بود، مسلمانان را به احیای سنت علمی و فرهنگی خود فرا می‌خواند. این رویکرد سید جمال به نوعی الهام‌بخش بسیاری از جنبش‌های اسلامی و اصلاح‌طلبانه معاصر بوده است که به دنبال ایجاد توازن میان سنت‌های اسلامی و تجدد هستند.

۵. تأثیر اندیشه‌های سید جمال بر بیداری اسلامی

اندیشه‌های سید جمال تأثیر عمیقی بر جنبش‌های اسلامی و بیداری فکری در جهان اسلام داشت. او با فعالیت‌های خود در کشورهای مختلف اسلامی از جمله مصر، ایران و هند، الهام‌بخش جنبش‌های ضد استعماری و اصلاح‌طلبانه شد. محمد عبده، یکی از شاگردان برجسته او، در کتاب *الأعمال الكاملة لسید جمال‌الدین الأفغانی* می‌نویسد: "سید جمال با افکار و نوشته‌های خود، نقش مهمی در بیداری نسل جدید مسلمانان داشت و آنان را به مبارزه با استعمار و بازگشت به اصول اصیل اسلامی فراخواند" (۱۱، ۲). (۹۰،



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

در نتیجه، می توان گفت که اندیشه های سید جمال الدین اسدآبادی درباره اتحاد اسلامی، مبارزه با استعمار و تجدد، تأثیرات عمیقی بر بیداری اسلامی و شکل گیری تمدن نوین اسلامی داشته است. او با تأکید بر لزوم استقلال فکری و فرهنگی و بازگشت به اصول اصیل اسلامی، راه را برای احیای مجدد تمدن اسلامی و مقابله با چالش های غرب هموار ساخت. این اندیشه ها تا به امروز الهام بخش بسیاری از متفکران و رهبران اسلامی در جهان بوده است.

شهید مرتضی مطهری و نگاه او به تمدن نوین اسلامی

شهید مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸) یکی از متفکران بزرگ اسلامی در قرن بیستم بود که نقش مهمی در احیای تفکر اسلامی و تلاش برای ایجاد تمدن نوین اسلامی ایفا کرد. او با بهره گیری از تعالیم فلسفی و دینی، به دنبال حل چالش های دوران معاصر و ارائه دیدگاهی جامع برای پیشرفت جامعه اسلامی بود. مطهری در آثار خود به موضوعات اساسی مانند رابطه میان علم و دین، مفهوم آزادی و عدالت و نقش آن ها در پیشبرد تمدن اسلامی توجه ویژه ای داشت. در ادامه، به بررسی مفصل دیدگاه های او و تأثیرات آن ها بر تحولات فکری و علمی پرداخته خواهد شد.

۱. معرفی شهید مرتضی مطهری و جایگاه او در حوزه تفکر اسلامی معاصر

شهید مطهری از مهم ترین شاگردان علامه طباطبایی و امام خمینی (ره) بود و در حوزه های فلسفه، فقه و علوم اسلامی به درجه استادی رسید. مطهری علاوه بر تدریس در حوزه های علمیه، در دانشگاه ها نیز حضور فعالی داشت و با تأسیس حسینیه ارشاد، به یکی از پیشگامان ترویج اسلام در میان جوانان و نخبگان فرهنگی تبدیل شد. او نقش مهمی در انقلاب اسلامی ایران ایفا کرد و پس از پیروزی انقلاب، به عنوان یکی از اصلی ترین ایدئولوگ های نظام جمهوری اسلامی شناخته شد.

از منظر مطهری، تفکر اسلامی معاصر باید بتواند پاسخگوی نیازهای زمانه باشد و نباید به سنت گرایی افراطی یا تقلید کورکورانه از دستاوردهای غربی محدود شود. او بر این باور بود که اسلام به عنوان یک دین جامع، نه تنها در حوزه معنوی بلکه در حوزه های اجتماعی، سیاسی و علمی نیز راهکارهایی ارائه می دهد. (۱۷، ۲، ۸۹).



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

بررسی دیدگاه‌های شهید مطهری درباره نسبت علم و دین، آزادی و عدالت، و نقش آن‌ها در تمدن نوین اسلامی

۲. نسبت علم و دین

مطهری معتقد بود که علم و دین به هیچ وجه با یکدیگر در تعارض نیستند و می‌توانند به‌عنوان دو بال برای پیشرفت انسان در حوزه‌های مختلف به کار گرفته شوند. به گفته مطهری، علم به انسان ابزارهایی برای درک جهان مادی و توسعه فنی ارائه می‌دهد، در حالی که دین به عنوان یک راهنمای اخلاقی و معنوی، مسیر زندگی را مشخص می‌کند. او تأکید می‌کند که دین همواره به دنبال تشویق انسان به علم‌آموزی بوده و قرآن نیز در آیات متعدد بر اهمیت علم تأکید کرده است. (۱۷، ۲، ۵۶).

مطهری در کتاب «اسلام و مقتضیات زمان» بیان می‌کند که یکی از دلایل عقب‌ماندگی جوامع اسلامی، جدایی میان علم و دین بوده است. او بر این باور بود که اگر جوامع اسلامی بخواهند دوباره به شکوه گذشته بازگردند، باید به این جدایی پایان دهند و از علم به عنوان وسیله‌ای برای رشد و توسعه استفاده کنند، در حالی که دین باید اخلاق و معنویت را در جامعه تقویت کند. (۱۷، ۱، ۱۰۲).

۳. آزادی

مطهری در بحث آزادی، نگاه متعادل و جامعی داشت. او معتقد بود که آزادی از ارکان اصلی تمدن نوین اسلامی است و انسان‌ها باید از آزادی‌های فردی و اجتماعی برخوردار باشند. اما این آزادی نباید به معنای بی‌بندوباری و تخریب ارزش‌های اخلاقی باشد. مطهری در آثار خود تأکید دارد که آزادی تنها در چارچوب عدالت و اخلاق می‌تواند به پیشرفت جامعه کمک کند. (۱۶، ۷۷).

مطهری معتقد بود که بدون آزادی فکری و سیاسی، تمدن نوین اسلامی نمی‌تواند شکل بگیرد. او بر این باور بود که حاکمیت‌های استبدادی در تاریخ اسلام یکی از عوامل اصلی عقب‌ماندگی بوده‌اند و برای بازسازی تمدن اسلامی باید به این نوع حکومت‌ها پایان داد و حکومت‌های مبتنی بر عدالت و آزادی ایجاد کرد. (۱۷، ۱، ۳۳).

۴. عدالت

مطهری در کتاب «عدل الهی» به تفصیل به مفهوم عدالت پرداخته است. او معتقد بود که عدالت یکی از اصول بنیادی اسلام است و بدون آن هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به سعادت برسد. به عقیده او، عدالت در تمدن اسلامی به معنای توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع،



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

برابری حقوقی و رفع تبعیض‌ها است. مطهری تأکید می‌کرد که عدالت نه تنها در عرصه اقتصادی، بلکه در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز باید برقرار شود تا جامعه به تعادل برسد. (۱۶، ۱۱۵).

او همچنین بر این باور بود که عدالت باید در نهادهای حکومتی و سیاسی نیز جاری باشد. به عبارت دیگر، حکومت‌ها باید به عنوان حافظان عدالت عمل کنند و حقوق همه اقشار جامعه را بدون تبعیض تضمین کنند. مطهری معتقد بود که تمدن نوین اسلامی زمانی می‌تواند پایدار باشد که عدالت در تمامی جوانب زندگی اجتماعی و سیاسی برقرار باشد. (۱۷، ۳، ۲۱۰).

۵. تأثیر اندیشه‌های شهید مطهری در تحول نهادهای علمی و فکری و در تقویت بنیان‌های تمدن نوین اسلامی

اندیشه‌های شهید مطهری در حوزه‌های علمی و فکری تأثیر عمیقی بر جوامع اسلامی به‌ویژه ایران گذاشت. او همواره به دنبال ایجاد نهادهایی بود که بتوانند آموزه‌های اسلامی را در چارچوب‌های نوین علمی به جامعه ارائه دهند. مطهری در آثار خود از ضرورت پیوند میان حوزه‌های علمی و دانشگاه‌ها سخن می‌گفت و معتقد بود که اگر نهادهای دینی و علمی به‌جای تقابل، همکاری کنند، تمدن اسلامی می‌تواند دوباره به شکوفایی برسد.

یکی از مهم‌ترین تأثیرات مطهری در حوزه علمی، ایجاد حسینیّه ارشاد بود. این نهاد به‌عنوان یکی از مراکز فکری و علمی مهم دوران معاصر ایران، نقش بسزایی در ارتقای سطح دانش عمومی و ترویج تفکر اسلامی داشت. مطهری در این نهاد با برگزاری کلاس‌ها و سخنرانی‌های مختلف، به دنبال آموزش و پرورش نسلی بود که بتواند با ترکیب علم و دین، به بازسازی تمدن اسلامی کمک کند. (۱۵، ۱، ۱۳۲).

مطهری همچنین به‌عنوان یکی از اساتید برجسته در حوزه و دانشگاه، در تربیت نسل جدیدی از دانشمندان و متفکران اسلامی نقش اساسی داشت. او با ترویج اندیشه‌های نوین و تأکید بر اهمیت علم و دین در کنار یکدیگر، زمینه‌ساز تحولاتی در نظام آموزشی و فکری ایران شد که هنوز هم تأثیرات آن قابل مشاهده است.

شهید مرتضی مطهری به‌عنوان یکی از متفکران بزرگ معاصر، تأثیرات فراوانی در حوزه تفکر اسلامی و تلاش برای بازسازی تمدن اسلامی داشت. او با بررسی رابطه علم و دین، تأکید بر عدالت و آزادی، و نقش نهادهای علمی و فکری، دیدگاهی جامع و نوین ارائه کرد که به احیای تمدن اسلامی کمک می‌کرد. مطهری معتقد بود که تنها با ترکیب دانش و معنویت، و ایجاد عدالت اجتماعی و آزادی‌های فردی، تمدن اسلامی می‌تواند به سمت پیشرفت و تعالی حرکت کند. آثار او هنوز هم به‌عنوان منابع مهم فکری در جوامع اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد و اندیشه‌های او همچنان الهام‌بخش تحولات فکری و فرهنگی است.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

آیت‌الله سید علی خامنه‌ای و تمدن نوین اسلامی

آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران، یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان معاصر در حوزه تفکر اسلامی است. او در دوران رهبری خود، همواره بر لزوم شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی تأکید کرده و تلاش کرده است تا با ترکیب اصول و ارزش‌های اسلامی با دستاوردهای علمی و فناوری مدرن، راهی برای پیشرفت و توسعه جوامع اسلامی در مقابل چالش‌های عصر مدرن بیابد.

۱. معرفی آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر معاصر و نظریه‌پرداز در حوزه تمدن نوین اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای پس از رحلت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۸ به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. او در دوران سه دهه رهبری خود نه تنها نقش اساسی در هدایت جمهوری اسلامی ایران داشته، بلکه به عنوان یک نظریه‌پرداز برجسته در حوزه تمدن نوین اسلامی شناخته شده است. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های رهبری او، گفتمان تمدن‌سازی نوین اسلامی است که به عنوان یکی از اهداف راهبردی جمهوری اسلامی و جهان اسلام مطرح شده است.

او همواره بر این باور بوده که تمدن اسلامی باید از راه بازگشت به اصول اصیل اسلامی و ترکیب آن‌ها با ابزارها و دانش مدرن به دست آید. او در سخنرانی‌های خود، تمدن اسلامی را به عنوان یک مدل جامع و مستقل معرفی می‌کند که برخلاف تمدن‌های غربی، بر پایه معنویت، عدالت و اخلاق اسلامی بنا شده است.

در یکی از سخنرانی‌های خود به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای بر اهمیت تمدن نوین اسلامی تأکید کرد و گفت: «تمدن نوین اسلامی باید بر پایه علم، عدالت و مقاومت در برابر استکبار بنا شود و به عنوان یک مدل جهانی به جوامع بشری عرضه گردد» (۲۱).

بررسی دیدگاه‌های او درباره تمدن اسلامی و نقش فرهنگ، علم و فناوری در تحقق تمدن نوین اسلامی

۱. نقش فرهنگ

آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که فرهنگ یکی از اصلی‌ترین ارکان تمدن اسلامی است. او بر این باور است که فرهنگ اسلامی نه تنها باید هویت مسلمانان را تقویت کند، بلکه باید در برابر نفوذ و تهاجم فرهنگی غرب ایستادگی نماید. او در بیانات خود همواره



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

بر ضرورت احیای فرهنگ اسلامی تأکید کرده و معتقد است که فرهنگ اسلامی باید در همه جنبه‌های زندگی مردم مسلمان نهادینه شود.

در دیدار خود با دانشجویان در سال ۱۳۸۹، او فرهنگ را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای مقابله با نفوذ فرهنگی غرب معرفی کرد و گفت: «تهاجم فرهنگی امروز یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که جهان اسلام با آن مواجه است. فرهنگ اسلامی باید احیا شود و در برابر تهاجم غرب مقاومت کند» (۲۱).

آیت‌الله خامنه‌ای به نقش رسانه‌ها، هنر و ادبیات اسلامی در تقویت هویت فرهنگی اسلامی اشاره کرده و همواره از نخبگان فرهنگی و هنری خواسته است که با ترویج فرهنگ اسلامی، مقاومت در برابر نفوذ فرهنگی غرب را تقویت کنند. او معتقد است که هنر و فرهنگ می‌توانند نقشی کلیدی در آگاهی‌بخشی به مردم و تقویت ارزش‌های اسلامی داشته باشند.

۲. نقش علم و فناوری

یکی از دیگر جنبه‌های مهم دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص تمدن نوین اسلامی، تأکید بر اهمیت علم و فناوری است. او همواره بر این باور بوده است که توسعه علمی و فناوری یکی از ضروری‌ترین عناصر برای ایجاد تمدن نوین اسلامی است. او به‌ویژه بر ضرورت خودکفایی علمی کشورهای اسلامی تأکید کرده و معتقد است که این کشورها باید خود را از وابستگی به علم و فناوری غرب رها کنند و به تولید علم بپردازند.

در یکی از سخنرانی‌های خود با عنوان "نقش علم و فناوری در تمدن اسلامی"، او به دستاوردهای علمی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و پیشرفت‌های کشور در حوزه‌هایی مانند نانو فناوری، بیوتکنولوژی و انرژی هسته‌ای را نمادهایی از تلاش‌های مستقل علمی معرفی کرد که می‌تواند بنیان‌های تمدن نوین اسلامی را تقویت کند. او همچنین تأکید کرد که علم و فناوری باید در خدمت معنویت و اخلاق اسلامی باشد و به توسعه عدالت اجتماعی و پیشرفت جوامع اسلامی کمک کند (۲۱). آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی‌های متعدد خود به دستاوردهای علمی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده و این پیشرفت‌ها را به‌عنوان نمونه‌ای از تلاش‌های



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

مسلمانان برای استقلال علمی و تحقق تمدن نوین اسلامی معرفی کرده است. او به ویژه بر نقش جوانان و نخبگان در توسعه علمی تأکید کرده و همواره از آن‌ها خواسته است که به تولید علم بپردازند و از وابستگی علمی به کشورهای غربی رها شوند.

تحلیل دیدگاه‌های ایشان درباره مقاومت اسلامی، مبارزه با استکبار و تأثیر آن بر سیاست‌های جهانی

۳. مقاومت اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای از برجسته‌ترین نظریه پردازان مفهوم مقاومت اسلامی است. او مقاومت را به عنوان یکی از ارکان اصلی در گفتمان تمدن نوین اسلامی مطرح کرده است. مقاومت اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای تنها به مقابله نظامی محدود نمی‌شود، بلکه به عنوان یک راهبرد کلی برای ایستادگی در برابر نفوذ و تسلط غرب و استکبار جهانی در تمامی عرصه‌ها معرفی شده است. او در بسیاری از سخنرانی‌های خود به ضرورت مقاومت در برابر فشارهای بین‌المللی و تهدیدات استکبار تأکید کرده است.

در یکی از بیانات خود در دیدار با دانشجویان در سال ۱۳۸۹، او به جوانان مسلمان توصیه کرد که مقاومت را به عنوان یک اصل اساسی در سیاست‌های جهان اسلام دنبال کنند و با ایستادگی در برابر فشارهای سیاسی و اقتصادی استکبار، استقلال و آزادی خود را حفظ کنند (۲۱).

مقاومت اسلامی از نظر آیت‌الله خامنه‌ای نه تنها در برابر استکبار جهانی بلکه در برابر "تهاجم نرم" فرهنگی و اقتصادی نیز باید انجام شود. او همواره بر لزوم خودکفایی اقتصادی و علمی تأکید کرده و از کشورهای اسلامی خواسته است که به سوی استقلال اقتصادی و علمی حرکت کنند.

۴. مبارزه با استکبار

مبارزه با استکبار جهانی یکی دیگر از ارکان گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای است. او استکبار جهانی را به عنوان بزرگ‌ترین تهدید برای جهان اسلام معرفی کرده و همواره تأکید کرده است که کشورهای اسلامی باید جبهه‌ای متحد در برابر استکبار تشکیل دهند. او استکبار را نه تنها در عرصه نظامی بلکه در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به عنوان تهدیدی جدی برای هویت و استقلال جهان اسلام معرفی کرده است.

در سخنرانی خود در سال ۱۳۸۹ با عنوان "گفتمان مقاومت اسلامی"، او به نقش مقاومت اسلامی در مقابله با نظام سلطه پرداخت و بر لزوم تقویت جبهه مقاومت در سراسر جهان اسلام تأکید کرد (۲۱). او مبارزه با استکبار را نه تنها به عنوان یک وظیفه دینی بلکه



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

به عنوان راهی برای دستیابی به عدالت و پیشرفت معرفی کرده است. این دیدگاه‌ها به طور مستقیم در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و تعاملات این کشور با کشورهای دیگر تأثیرگذار بوده است.

۵. نقش آیت‌الله خامنه‌ای در تقویت ارزش‌های اسلامی و ترویج گفتمان تمدن نوین اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای همواره بر لزوم تقویت ارزش‌های اسلامی و احیای اصول اسلامی در تمامی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تأکید کرده است. او در تمامی سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود به اهمیت بازگشت به اصول اصیل اسلامی و ضرورت تطبیق آن‌ها با مقتضیات زمان اشاره کرده است.

او به ویژه به نقش نخبگان، دانشگاهیان و جوانان در احیای تمدن نوین اسلامی تأکید کرده و از آن‌ها خواسته است که با بهره‌گیری از منابع فرهنگی و دینی اسلامی، به چالش‌های عصر مدرن پاسخ دهند. در سخنرانی خود در جمع اساتید دانشگاه‌ها در سال ۱۳۸۵، او به نقش اساسی علم و فناوری در تمدن نوین اسلامی اشاره کرد و تأکید کرد که دانشگاه‌ها باید به مراکز تولید علم و اندیشه تبدیل شوند (۲۱).

او همچنین تأکید کرد که گفتمان تمدن نوین اسلامی باید به عنوان یک مدل جامع و جهانی معرفی شود که بر پایه عدالت، آزادی و معنویت اسلامی بنا شده است.

مقایسه تطبیقی اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، شهید مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای

اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، شهید مطهری و آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، هر سه به طور عمده بر مسائل بنیادین جهان اسلام نظیر اتحاد اسلامی، پیشرفت علمی و عدالت اجتماعی متمرکز است. هرچند در بسترهای تاریخی و جغرافیایی متفاوتی زیسته‌اند و با چالش‌های مختلفی مواجه بوده‌اند، اما اندیشه‌های آنان به همدیگر پیوند می‌خورد و نقاط اشتراک بسیاری دارند. در عین حال، تفاوت‌های مهمی در رویکردها و راهکارهای آنان نیز وجود دارد که ناشی از تحولات زمانی و نیازهای جهان اسلام در دوران‌های مختلف است.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه
The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

بررسی نقاط اشتراک

۱. اتحاد اسلامی

یکی از مشترکات کلیدی میان این سه متفکر، تأکید بر اتحاد اسلامی به عنوان راه حل اساسی برای رفع مشکلات جهان اسلام است.

سید جمال‌الدین اسدآبادی که از پیشگامان اندیشه اتحاد اسلامی در قرن نوزدهم میلادی است، معتقد بود که تفرقه میان مسلمانان عامل اصلی ضعف و شکست آنان در مقابل استعمارگران است. او با سفرهای فراوان خود به کشورهای اسلامی از جمله ایران، عثمانی و هند، به دنبال ایجاد وحدت بین ملل مسلمان و احیای روحیه مقاومت در برابر استعمار بود. او شعار «اتحاد اسلام» را در شرایطی مطرح کرد که جهان اسلام در برابر سلطه غرب دچار پراکندگی سیاسی و فرهنگی شده بود.

شهید مرتضی مطهری نیز در آثار خود به شدت بر اهمیت وحدت میان مسلمانان تأکید می‌کند و وحدت را شرط لازم برای پیشرفت علمی و فرهنگی مسلمانان می‌داند. مطهری وحدت را نه تنها از بعد سیاسی، بلکه به عنوان یک ضرورت فرهنگی و اعتقادی می‌بیند و از مسلمانان می‌خواهد که با تأکید بر اصول مشترک دین، اختلافات جزئی را کنار بگذارند.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران، بارها بر اهمیت اتحاد اسلامی تأکید کرده است. او وحدت امت اسلامی را کلید مقابله با «استکبار جهانی» و جلوگیری از نفوذ قدرت‌های بیگانه می‌داند. آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که کشورهای اسلامی باید با اتحاد و همبستگی، در برابر سلطه فرهنگی و سیاسی غرب مقاومت کنند و برای تحقق تمدن نوین اسلامی گام بردارند. او در بسیاری از سخنرانی‌های خود به‌ویژه در کنفرانس‌های وحدت اسلامی، به لزوم وحدت مذاهب اسلامی تأکید کرده است.

۲. پیشرفت علمی

هر سه متفکر بر لزوم پیشرفت علمی به عنوان عامل اصلی برای ارتقای جایگاه مسلمانان در جهان تأکید دارند.

سید جمال‌الدین اسدآبادی یکی از عوامل عقب‌ماندگی مسلمانان را عدم توجه به علم و دانش می‌داند. او به کشورهای اسلامی توصیه می‌کند که با استفاده از دانش و فناوری غربی، خود را تقویت کنند، اما این علم باید با ارزش‌های اسلامی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

همه‌پندگ شود. او معتقد بود که بدون علم و آگاهی، مسلمانان نمی‌توانند در برابر سلطه غرب ایستادگی کنند و باید به اصول دینی خود در کنار استفاده از دستاوردهای علمی پایبند باشند.

شهید مطهری نیز در اندیشه‌های خود، پیشرفت علمی را به‌عنوان ضرورتی برای بازیابی هویت مسلمانان می‌دانست. او معتقد بود که جامعه اسلامی بدون دستیابی به علم و فناوری نمی‌تواند جایگاه خود را در دنیا باز یابد. مطهری بر این باور بود که علم و دین باید در کنار هم رشد کنند و مسلمانان باید از پیشرفت‌های علمی برای تحقق عدالت و معنویت استفاده کنند.

آیت‌الله خامنه‌ای به‌طور خاص در دوران رهبری خود، بر لزوم توسعه علمی در جهان اسلام تأکید زیادی داشته است. او معتقد است که علم و فناوری می‌تواند پایه‌گذار تمدن نوین اسلامی باشد و از این‌رو خواستار توجه ویژه به نهادهای علمی و دانشگاهی در کشورهای اسلامی است. آیت‌الله خامنه‌ای، پیشرفت‌های علمی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند نانو، بیوتکنولوژی و انرژی هسته‌ای را به‌عنوان نمونه‌هایی از این رویکرد معرفی می‌کند و از دانشمندان مسلمان می‌خواهد که به استقلال علمی دست یابند.

۳. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی نیز یکی از موضوعات کلیدی در اندیشه‌های هر سه متفکر است.

سید جمال‌الدین اسدآبادی بر این باور بود که نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی از دلایل ضعف و تفرقه در جهان اسلام است. او معتقد بود که برای تحقق عدالت اجتماعی، باید قدرت‌های استعماری از جهان اسلام خارج شوند و مسلمانان به حقوق خود در جامعه بین‌المللی دست یابند. او به‌طور خاص به مشکلات اقتصادی و اجتماعی مسلمانان تحت سلطه استعمار توجه داشت.

شهید مطهری عدالت اجتماعی را یکی از ارکان اساسی حکومت اسلامی می‌دانست. او معتقد بود که بدون برقراری عدالت در تمامی ابعاد اجتماعی و اقتصادی، حکومت اسلامی نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد. مطهری در آثار خود به مسائل عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلامی پرداخته و به‌ویژه بر ضرورت تحقق عدالت در نظام‌های اقتصادی و سیاسی تأکید کرده است.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز عدالت اجتماعی را یکی از پایه‌های اصلی تمدن نوین اسلامی می‌داند. او بارها تأکید کرده است که بدون برقراری عدالت اجتماعی، هیچ تمدنی نمی‌تواند پایدار باشد. خامنه‌ای از دولتمردان و نخبگان مسلمان خواسته است که



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه
The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

تلاش خود را برای کاهش فقر، نابرابری و بی عدالتی در جوامع اسلامی افزایش دهند و عدالت را به عنوان هدف نهایی در نظر بگیرند.

۴. تفاوت های رویکرد به چالش های جهان اسلام و راهکارها

رویکرد سید جمال الدین اسدآبادی

سید جمال الدین اسدآبادی عمدتاً به مقابله با استعمار و تفرقه داخلی میان مسلمانان توجه داشت. او معتقد بود که بزرگترین چالش جهان اسلام، سلطه قدرت های استعماری و نفوذ غرب است. راهکار او برای مقابله با این چالش ها، ایجاد وحدت میان مسلمانان، احیای خلافت اسلامی و مقابله با سلطه غرب از طریق بیداری اسلامی بود.

رویکرد شهید مطهری

شهید مطهری بر احیای فرهنگ و اندیشه اسلامی و ارائه یک اسلام پویا و معاصر تأکید داشت. چالش اصلی در نظر او، مقابله با جریان های انحرافی فکری و فرهنگی درون جهان اسلام و نیز استبداد داخلی بود. مطهری معتقد بود که بازگشت به اصول اصیل اسلامی و تفسیر مجدد آن ها برای شرایط معاصر، راهکار اصلی برای مقابله با این چالش ها است. او به ویژه به مبارزه با جریان های مارکسیستی و غرب گرایی در ایران و جهان اسلام پرداخت.

رویکرد آیت الله خامنه ای

آیت الله خامنه ای چالش های جهان اسلام را در چند بُعد می بیند: نفوذ فرهنگی و سیاسی غرب، وابستگی علمی و اقتصادی به قدرت های بزرگ و ضعف در ساختارهای داخلی جوامع اسلامی. او راهکار اصلی برای مقابله با این چالش ها را ایجاد تمدن نوین اسلامی از طریق ترکیب ارزش های اسلامی با دستاوردهای علمی و فرهنگی مدرن می داند. مقاومت در برابر استکبار جهانی و تلاش برای خودکفایی علمی و اقتصادی، از اصول محوری اندیشه اوست.

سید جمال الدین اسدآبادی، شهید مرتضی مطهری و آیت الله سید علی خامنه ای هر سه بر احیای جهان اسلام و مقابله با چالش های پیش رو تأکید دارند، اما رویکردهای آنان با توجه به شرایط تاریخی متفاوت است. سید جمال بر وحدت اسلامی و مقاومت در برابر استعمار تأکید می کند، مطهری بر اصلاح فکری و فرهنگی درونی مسلمانان و خامنه ای بر تحقق تمدن نوین اسلامی از طریق پیشرفت



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

علمی و مقابله با نفوذ غرب. هرچند در روش‌ها و رویکردهایشان تفاوت‌هایی وجود دارد، اما هدف مشترک آنان احیای قدرت و هویت جهان اسلام است.

۶. نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، شهید مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای، هرچند در بسترهای تاریخی و اجتماعی متفاوتی شکل گرفته‌اند، به‌طور کلی بر اصول مشترکی چون اتحاد اسلامی، پیشرفت علمی و عدالت اجتماعی متمرکز هستند. این متفکران بر اهمیت بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلامی، همگام با توسعه و بهره‌گیری از دستاوردهای مدرن تأکید دارند.

سید جمال‌الدین اسدآبادی با تأکید بر اتحاد مسلمانان و مبارزه با استعمار، راهی را برای بیداری اسلامی و مقابله با نفوذ غرب هموار کرد. او با اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه خود، به دنبال احیای شکوه و عظمت تمدن اسلامی بود.

شهید مطهری با ارائه نظریات جامع در زمینه رابطه علم و دین، عدالت اجتماعی و آزادی، تلاش کرد تا فرهنگ و تمدن اسلامی را با نیازهای جامعه مدرن سازگار کند. او از یک سو به بازگشت به اصول اسلامی تأکید داشت و از سوی دیگر به پذیرش علم و دانش مدرن برای پیشرفت جوامع اسلامی.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز با گسترش گفتمان تمدن نوین اسلامی، به نقش علم و فناوری در احیای تمدن اسلامی پرداخته و همواره بر مقاومت در برابر نفوذ فرهنگی و سیاسی غرب تأکید کرده است. او خودکفایی علمی و اقتصادی را لازمه تحقق تمدن اسلامی دانسته و بر اهمیت اتحاد و مقاومت اسلامی تأکید می‌کند.

بنابراین، رویکردهای مشترک این سه متفکر در مسیر احیای تمدن نوین اسلامی، بر مبنای اصولی همچون وحدت، عدالت و توسعه علمی قرار دارد و هر کدام با توجه به مقتضیات زمان، راهکارهایی برای مقابله با چالش‌های جهان اسلام ارائه کرده‌اند.

فهرست منابع

۱. ابراهیم، مصطفی و همکاران. بی تا. المعجم الوسیط. قاهره: دار الدعوة.
۲. ابن منظور، محمد ابن مکرم. (۱۹۹۰). لسان العرب. قاهره: دار المعارف.
۳. بدوی، عبدالرحمن. (۱۹۹۵). الفكر الإسلامی الحدیث عند السید جمال‌الدین الأفغانی. قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

۴. جعفریان، رسول. (۱۳۷۸). اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی. تهران: نشر نی.
۵. جوادی آملی، عبدالله (2005). اخلاق اسلامی. قم: انتشارات اسراء.
۶. خسرو شاهی، هادی. (۱۳۵۷). نامه‌ها و آثار سید جمال‌الدین اسدآبادی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۷. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
۸. سبحانی، جعفر (2016). تمدن نوین اسلامی در فقه معاصر. قم: مؤسسه امام صادق.
۹. شرازی، صدرا، (1981). اسفار اربعه. قم: انتشارات صدرا.
۱۰. شیلینگ، ملیسا آ (2013). مدیریت استراتژیک نوآوری فناوری. (چاپ چهارم). مک‌گرو هیل.
۱۱. عماره، محمد. (۱۹۶۸). الأعمال الكاملة لسید جمال‌الدین الأفغانی. قاهره: دارالفکر العربی.
۱۲. عماره، محمد. (۱۹۸۴). سید جمال‌الدین الأفغانی: حیات و افکاره. بیروت: دارالنهار.
۱۳. قطب، سید (1979). اندیشه سیاسی اسلام. بیروت: دارالشروق.
۱۴. مجمع اللغة العربیة. (۱۹۷۲). المعجم الوسیط. قاهره: انتشارات مجمع اللغة العربیة.
۱۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). جامعه و تاریخ. تهران: انتشارات صدرا.
۱۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). عدل الهی. تهران: انتشارات صدرا.
۱۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵). اسلام و مقتضیات زمان. تهران: انتشارات صدرا.
۱۸. مظفر، عبدالحسین. (1998). منطق مظفر. تهران: انتشارات دانشکده الهیات.
۱۹. معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی معین. تهران: امیرکبیر.
۲۰. قدسی، عباس میرزا (۲۰۱۵). اقتصاد اسلامی و تمدن نوین. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای. <https://khamenei.ir>



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

نقش زنان مسلمان در تمدن سازی نوین اسلامی از منظر رهبری

زهرا مرادی پورا^۱

۱-دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، z.setareh.1402@gmail.com

چکیده

در جهان بینی اسلامی دو رکن اساسی «انسان سازی» و «تمدن سازی» جهت رسیدن به اهداف متعالی الهی، درخششی بی بدیل دارد. تمدن نوین اسلامی تمدنی است که هدفش مردم سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه و پیشرفت همه جانبه امت اسلامی است احیای و اعتلای این تمدن، نیازمند بهره گیری از اندیشه و عمل انسانی است. زنان به عنوان نیمی از جمعیت انسانی نظام اسلامی می توانند نقش مؤثری در ساخت تمدن نوین اسلامی داشته باشند و لازم است این نقش ها در جامعه تبیین شود تا زنان نقش خود را بشناسند و در معرفی تمدن مؤثر باشند. مقام معظم رهبری با تبیین الگوی زن سوم، شاخص هایی را برای نقش آفرینی مؤثر زنان در عرصه های خانوادگی و اقتصادی بیان کرده است که می تواند رهگشای عمل جامعه ی زنانه ایران در جهت احیای تمدن نوین اسلامی گردد بنابراین، پژوهش حاضر باهدف شناخت نقش زنان اندیشمند در تمدن سازی نوین اسلامی از منظر رهبری با روش تحلیل محتوای انجام شد. نتایج نشان داد که؛ مقام معظم رهبری همسر داری، فرزند آوری و خانه داری را از وظایف اصلی زنان معرفی کرده و نقش آفرینی محوری زن در خانواده که معطوف به «پرورش و تربیت انسان» و رشد و شکوفایی نسل انسانی است، را نقشی بی بدیل دانسته که هیچ کس غیر از زنان قادر به انجام آن نیست. ایشان در حوزه اجتماعی وظیفه ی اصلی زنان را در احیای تمدن نوین اسلامی تبیین هویت دینی – اسلامی زن در جامعه، کسب علم و دانش و حضور همه جانبه در مناسبات و فعالیت های اجتماعی و سیاسی معرفی کرده اند.

کلیدواژه ها: مقام معظم رهبری، تمدن نوین اسلامی، زنان



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۱- مقدمه

در جمهوری اسلامی ایران «توجه به نقش زنان در جامعه به عنوان نیمی از اعضای آن و همچنین تربیت کنندگان نیم دیگر آن، در حوزه زن و خانواده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. طبعاً دین اسلام در این حوزه، دیدگاه و نظریه ویژه‌ای را در قالب آموزه‌های وحیانی و معارف قرآنی ارائه نموده است» (سیاح و شرفی، ۱۳۹۸)؛ که تشریح آن و نیز بررسی بیانات بزرگانی چون مقام معظم رهبری که خود از آموزه‌های قرآنی و روایی نشأت گرفته است، می‌تواند در تعیین مسیر مطلوب برای احیای تمدن نوین اسلامی در یک جامعه دینی راهگشا باشد چرا که؛ رویکرد مقام معظم رهبری درباره نقش زن در خانواده خود، یک رویکرد تمدن گرایی اسلامی است و نگاه جاهلی سنتی که زنان را محبوس در خانه می‌کند و نگاه جاهلی مدرنیته که زنان را رها از قید و بند خانواده می‌کند، نمی‌پذیرند. همچنین حق و تکلیف در مورد مباحث زنان را، دو روی یک سکه می‌دانند زیرا رعایت حقوق زنان و متعهد بودن زنان در انجام وظایف خویش، موجب کارآمدی و استحکام خانواده می‌شود. از سویی دیگر؛ حضور زنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی - اجتماعی با رعایت الزامات دینی زن مسلمان می‌تواند تبیین کننده‌ی هویت دینی زن مسلمان در جامعه باشد.

از منظر مقام معظم رهبری تقویت الگوهای ایرانی - اسلامی زن مسلمان در جامعه می‌تواند به گسترش فرهنگ سیاسی شیعی و اعتدالی تمدن نوین اسلامی کمک نماید. بنابراین نقش خانوادگی و اجتماعی زنان در احیای تمدن نوین اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری، غیرقابل انکار است، زیرا در نگاه ایشان زنان همانند مردان یکی از ارکان اساسی زندگی خانوادگی - اجتماعی بوده و بسامانی خانواده و اجتماع به حضور و فعالیت زن و مرد نیازمند است بنابراین شناخت و تبیین نقش زنان در این حوزه‌ها در جهت احیای تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری ضروری است.

تعریف تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه ی مؤلفه های آن بر محور دین اسلام می گردد، به دلیلی وجود همین پسوند از یک سو قابلیت تحدید زمانی و تعریف معنایی دارد، زیرا آغاز و انجامش مشخص است و از سوی دیگر دارای گستردگی مفهومی و موضوعی بسیاری است که همه پیچیدگی ها، ظرایف و جهان شمولی دین اسلام را به عنوان دین الهی در خود دارد. بدین ترتیب تمدن اسلامی دارای همه ی ویژگیهای تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم است و مولفه های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین و مقررات اصول دینی و ... است.

چنان که مدینه النبی شهر نو بنیاد پیامبر اکرم (ص) بر اساس همین ارکان استوار شده و تمدنی را ایجاد کرد که مبانی آن قرآنی و نبوی بود. در آن مدینه فاضله، انسان به عنوان موجودی برگزیده در مقام خلیفه الله، وظایف خطیری بر عهده داشت و در تکاپوی رسیدن به قرب الی الله و رضایت خدا، همه مراحل رشد و تعالی را با تمسک به قوانین الهی و سنت



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



نبوی طی می‌کرد (جان احمدی، ۱۳۸۸، ص ۵۲-۵۱). دکتر سید جعفر شهیدی تمدن اسلامی را مجموعه آداب و رسوم مشترک میان ملت های مسلمان می داند، نباید پنداشت چون این تمدن نام اسلامی به خود گرفته، مظاهر آن همگی بر گرفته از قرآن و سنت بوده و اگر گران پذیر نیست، این دقیقا نقطه عزیمت و افتراق تمدن از حکم شرعی است، بدین رو هر چند با گذشت زمان مظاهر تمدن تغییر یابد، باز هم باید آن را تمدن اسلامی نامید. تمدن عصر چاپاری تمدن اسلامی بود، تمدن عصر ماهواره و اینترنت هم تمدن اسلامی است (صاحب الزمانی، ۱۳۸۰، ص ۸۹). با این بیان می توان تمدن اسلامی را اینگونه تعریف نمود: تمدن اسلامی تمدنی است با مولفه های دین، اخلاق، علم، عقل، عدالت، قوانین و ... که هدف نهایی اش تامین نیاز های مادی و معنوی بشر و به عبارتی سعادت دنیوی و خروی می باشد. بنابراین تمدن اسلامی که به عنوان مجموعه ای از باورها آداب و رسوم معارف اسلامی منابع مادی و معنوی مشترکی است که در میان تمام ملل مسلمان وجود دارد نمونه کامل تمدن دینی است (ولایتی، ۱۳۸۷، ص ۹۲).

تمدن سازی نوین اسلامی از منظر رهبری

محور بیانات رهبر معظم انقلاب در نظر ایشان به خراسان شمالی مهرماه ۱۳۹۱ موضوع پیشرفت ملت ایران و حرکت به سمت «تمدن سازی نوین اسلامی» بود، ایشان در خصوص تعریف تمدن اسلامی می گویند: «تمدن سازی فرآیندی است که در طی چندین قرن از تسلی به نسل دیگر منتقل می شود و عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شکل گیری آن دخیل اند. تمدن سازی از معانی گونا گونی برخوردار است، یکی از معانی آن را مقام معظم رهبری را اینگونه بیان داشتند: پیشرفت همه جانبه در واقع همان تمدن سازی نوین اسلامی است. ما اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد، اینجور بگوییم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱).

شرایط و عناصر اصلی تمدن سازی از دیدگاه رهبری

از دیدگاه رهبری برای ایجاد یک تمدن اسلامی مانند هر تمدن دیگر دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر و دیگری پرورش انسان.

- شرط اول تولید فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است، یک اقیانوس است، هر کسی که لب اقیانوس رفت نمی تواند ادعا کند که اقیانوس را شناخته است، هر کسی هم که نزدیک ساحل پیش رفت و یا چند متری در آب یک منطقه ای فرو رفت نمی تواند بگوید اقیانوس را شناخته است، سیر در اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن که از کتاب و سنت همه اینها استفاده می شود کاری است که همگان باید بکنند، کاری است که در طول زمان باید انجام بگیرد، تولید فکر



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است (بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹).

- شرط دوم پرورش انسان (انسان سازی): حال، جایی که فکر و انسان باید تولید شود و ببینید نقش آفرینان چه کسانی هستند. نقش آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند، این یک بعد قضیه است چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق طی شدنی نیست. باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند، بدون شک مسولان و مدیران جامعه فروتنی آفرینانند. سیاستمدان متفکران و روشنفکران احاد مردم هر کدام به نحوی نقش آفرینی می کنند، اما نقش علمای دین، نقش یکسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می کنند. یک نقش یگانه است، نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای آنکه بتوانند درست نقش آفرینی کنند به علمای دین احتیاج دارند (بیانات در جمع اساتید فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹).

۲-۱-۲- مولفه های تمدن سازی نوین اسلامی از نگاه رهبری

هر تمدنی از یکسری مؤلفه هایی تشکیل شده است، که ممکن است یکی بر دیگری تقدم داشته باشد. مقام معظم رهبری در طی سفری که در مهر ماه ۱۳۹۱ به استان خراسان شمالی داشتند، مولفه های تمدن سازی را به دو بخش سخت افزاری و نرم افزاری تقسیم نمودند:

۱- بخش ابزاری (سخت افزاری) بخش ابزاری؛ عبارت است از همین ارزش هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می کنیم، علم اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ، اینها همه بخشی از ابزار تمدن است، وسیله است. ما در بخش ابزاری پیشرفت خوبی داشتیم، هم در زمینه ی سیاست، هم در زمینه ی مسائل علمی، هم در زمینه ی مسائل اجتماعی، هم در زمینه اختراعات ... بطور کلی در بخش ابزاری علی رغم فشارها و تهدیدها و تحریم ها و این چنین ها پیشرفت کشور خوب بوده است (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱).

۲- بخش متنی و اصلی و اساسی (نرم افزار) بخش حقیقی؛ آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد که همان سبک زندگی است. این بخش حقیقی و اصلی تمدن است، مثل مسئله ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله ی خط، مسئله ی زبان، مسئله ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، در دانشگاه، در مدرسه، با فرزند، با رئیس، با مرئوس، با دولت، با دشمن، با بیگانه، اینها آن بخش های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان را تشکیل می دهد (همان).



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



– نقش زنان در حوزه خانوادگی

همسرمداری و مادری

بنا به سخنان مقام معظم رهبری یکی از نقش‌های زن در خانواده همسرمداری است: «زن در خانواده یک وقت در نقش همسری ظاهر می‌شود، یک وقت در نقش مادری ظاهر می‌شود؛ هر کدام یک خصوصیتی دارند... من بارها گفته‌ام، عقیده‌ام هم همین است، که مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظایف زن هم اینها است» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان، ۱۴۰۱). در آموزه‌های دینی نیز آمده است که؛ زن پس از ورود به محیط زندگی مشترک علاوه بر حفظ هویت خود نقش همسری را خواهد پذیرفت. ضمن اینکه حسب فرموده امام علی (ع): «جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ: جهاد زن خوب شوهرمداری کردن است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹). بنابراین؛ وظیفه اصلی زن در نقش همسری، خوب شوهرمداری کردن است.

مقام معظم رهبری مسئولیت‌پذیری را در زندگی مشترک وظیفه زن و مرد دانسته و فرموده است: «تفاوت‌هایی در طبیعت زنانه و مردانه وجود دارد که در مسئولیت‌پذیری فردی در خلنه و اجتماع اثرگذار است و طبعاً زن یا مرد نباید برخلاف این طبیعت رفتار کند.» (همو، بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان، ۱۴۰۱). ایشان همچنین هدایت و تقویت روحی شوهر را از وظایف اصلی زن دانسته است (به نقل از بانکی پورفرد، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۴۷) از منظر مقام معظم رهبری خانواده رکن اصلی است و همسران نسبت به هم موظف به مهرورزی، وفاداری، شریک دانستن یکدیگر در سرنوشت حذر از گره اندازی در زندگی، صبر، متانت چشم پوشی از مشکلات بی اهمیت، احترام متقابل اعتماد، مراقبت اخلاقی، غمخواری، یاری هستند (خامنه‌ای، بیانات در دیدار برخی از مردم، ۱۴۰۰).

در بیانات مقام معظم رهبری فرزندآوری، فرزندداری و دامان پرورش فرزند، کار زن است؛ از مرد این کار بر نمی‌آید، از دیدگاه ایشان مسئله‌ی خانواده و حضور در خانه و نقش «مادری» مهم‌ترین نقش دانسته شده است.

ایشان نقش مادری، را نقش حق حیات زن دانسته و آورده است: «زن در خانواده یک وقت در نقش همسری ظاهر می‌شود، یک وقت در نقش مادری ظاهر می‌شود؛ هر کدام یک خصوصیتی دارند... من بارها گفته‌ام، عقیده‌ام هم همین است، که مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظایف زن هم اینها است... در مورد مادری نقش زن، نقش حق حیات است؛ یعنی زن تولیدکننده‌ی موجوداتی است که از او به وجود می‌آیند. این [جور] است دیگر. او است که حمل می‌کند، او است که وضع می‌کند، او است که تغذیه می‌کند، او است که نگهداری می‌کند. جان انسانها در مشت مادرها است؛ مادرها به فرزند حق حیات دارند. محبتی که خدای متعال در دل مادر نسبت به فرزند قرار داده، یک چیز بی‌نظیر است؛ یعنی اصلاً هیچ



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



عشقی از این نوع نیست، به این کیفیت نیست که آن را قرار داده. صاحب حق حیات است، بعد ادامه‌ی نسل؛ مادرها مایه‌ی ادامه‌ی نسلند، یعنی نسل بشر با «مادری» است که ادامه پیدا میکند.» (همو، بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان، ۱۴۰۱).

نقش زنان در حوزه اجتماعی

اعتلای هویت دینی - اسلامی زن مسلمان

اولین و مهمترین نقش فرهنگی زنان در جامعه اسلامی بروز خصوصیات زن مسلمان ایرانی است. بر طبق نظر مقام معظم رهبری زن ایرانی در ایران اسلامی، باید کوششش این باشد که هویت والای زن اسلامی را آنچنان زنده کند که چشم دنیا را به خود جلب کند. این امروز وظیفه‌ی است بر دوش زنان مسلمان؛ بخصوص زنان جوان و دختران دانش‌آموز و دانشجو. مقام معظم رهبری

«چرا در محیط‌های غربی، روزبه‌روز بی‌مبالاتی زن در حفظ حرمت و شخصیت زنانگی خودش بیشتر میشود و حرمت زن روزبه‌روز بیشتر شکسته می‌شود؟ چرا در مجالس رسمی‌ای که در اروپا و در آمریکا برگزار می‌شود، زن می‌تواند حتی با پوشش نیمه‌عریان در این جلسات رسمی شرکت کند اما مرد بایستی با لباس کامل، کراوات هم بزند یا پاپیون هم بزند و شرکت کند؟ چرا زن آن‌جور می‌تواند بیاید، [اما] اگر چنانچه مرد در مجالس رسمی مثلاً فرض کنید با شلوارک بیاید، خلاف آداب عمل کرده؟ علت چیست؟ زن با مینی‌ژوپ بیاید اشکال ندارد، اما اگر لباس این [مرد] یک خرده سبک باشد اشکال دارد؛ چرا؟ چرا در محیط‌های غربی روزبه‌روز فحشا و روسپی‌گری بیشتر دارد ترویج میشود؟ این اتفاق دارد می‌افتد. چرا هم‌جنس‌بازی به عنوان یک شیوه‌ی مرفقی شناخته میشود که اگر کسی انکار کرد، به عنوان یک فکر عقب‌افتاده، یک شخص عقب‌افتاده، یک ملت عقب‌افتاده تلقی می‌شود؟ چرا؟ هم در محیط‌های سیاسی ترویج می‌شود، [هم در] محیط‌های اجتماعی ترویج می‌شود؛ رؤسای جمهور، مسئولان کشورها آن را ترویج می‌کنند و بعضی‌ها افتخار می‌کنند که ما این‌جوری هستیم! چرا؟ این چه منطقی دارد؟ چرا در محیط‌های بی‌مبالات غربی، مسائل جنسی سه‌جانبه یا چهارجانبه طبق آمارهایی که خودشان میدهند و اطلاعاتی که در اختیار ما هست و میدانیم؛ اطلاعات پنهانی نیست، اطلاعات آشکار است — روزبه‌روز افزایش پیدا میکند؟ همه‌ی چیزهایی که خانواده را منهدم میکند، روزبه‌روز در غرب دارد افزایش پیدا میکند. همه‌ی این چیزها منهدم‌کننده‌ی اساس خانواده است؛ آزادی جنسی و افراط در گسترش تعرضات جنسی، خانواده را منهدم می‌کند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف بانوان - در آستانه ولادت حضرت زهرا (س) -، ۱۴۰۲/۱۰/۰۶).



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



کسب علم و دانش

رهبر معظم انقلاب، تأکید ویژه‌ای بر حضور زن در زمینه تحصیل علم و دانش دارند و این حضور و حق زنان در این عرصه را منطبق با مبانی و احکام اسلامی می‌دانند و می‌فرمایند:

«زنان می‌توانند تحصیلات عالی‌ه کنند. بعضی‌ها خیال می‌کنند که دختران نباید تحصیل کنند این، اشتباه و خطاست. دختران باید در رشته‌هایی که برای آنها مفید است و به آن علاقه و شوق دارند، تحصیل کنند. جامعه، به تحصیلات دختران هم نیازمند است همچنان که به تحصیلات پسران نیازمند است.» (بیانات مقام معظم رهبری، اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵).

این فقیه گرانقدر، تحصیل زن را نسبت به سایر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، مهمتر و دارای اولویت می‌دانند و در این باره اینگونه بیان می‌دارند:

«البته فعالیت علمی، خیلی خوب است و بر سایر فعالیتها ترجیح دارد. من به خانواده‌ها توصیه می‌کنم که اجازه دهند دخترهایشان درس بخوانند. مبدا پدر و مادری، از روی تعصب دینی، خیال کنند که باید جلو دختر را بگیرند تا تحصیلات عالی‌ه نکند؛ نه؛ دین چنین چیزی نگفته است. دین، برای تحصیل علم، میان دختر و پسر فرقی نمی‌گذارد. اگر پسر شما تحصیلات عالی‌ه میکند، بگذارید دختر شما هم به تحصیلات عالی‌ه بپردازد. بگذارید دختران جوان ما درس بخوانند، علم بیاموزند، آگاهی پیدا کنند، به شأن خودشان واقف شوند و قدر خود را بدانند، تا بفهمند که تبلیغات استکبار جهانی در خصوص زن، چقدر بی‌پایه و اساس و پوچ است. در سایه سواد، میشود اینها را فهمید. امروز متدین‌ترین، انقلابی‌ترین، پاکترین و با ایمانترین دختران و زنان جوان ما، در میان قشرهای تحصیلکرده هستند. کسانی که اهل تجمل و چسبیدن به زر و زیورآلات هستند و یا کورکورانه و چشم بسته می‌خواهند از الگوهای غربی در لباس و پوشاک و وضع زندگی تقلید کنند، غالباً از سواد و معلومات و معرفت کافی بهره ندارند. کسی که معلومات داشته باشد، می‌تواند رفتار خود را کنترل کند و آن را با هر چه حق و حقیقت و خوب است، تطبیق دهد. بنابراین، در میدان علمی، همه راه‌های فعالیت باید برای زنان باز باشد. دختران، حتی در روستاها هم درس بخوانند. توصیه من به پدران و مادران این است که بگذارند دختر بچه‌هایشان به مدرسه بروند و سواد بیاموزند. اگر آنها استعداد دارند و مایلند پس از طی مراحل ابتدایی به تحصیلات عالی‌ه و دانشگاهی بپردازند، ممانعت نکنید. بگذارید در جامعه اسلامی ما آنها جزو انسانهای با سواد و دارای معلومات شوند.» (بیانات مقام معظم رهبری، جمع زنان شهر ارومیه، ۱۳۷۵).



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان

همانطور که زن از لحاظ جایگاه فطری و معنوی، هیچ گونه محدودیت و نقصانی ندارد، از لحاظ اجتماعی نیز جایگاه زن، تام و تمام است به این معنا که زن در همه عرصه های اجتماعی می تواند حضور یابد. رهبر گرانقدر انقلاب در این باره می فرماید: «عرصه ی دوم، عرصه ی فعالیتهای اجتماعی است؛ اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت علمی، درس خواندن، درس گفتن، تلاش کردن در راه خدا، مجاهدت کردن و همه ی میدان های زندگی در صحن جامعه. در این جا هم میان مرد و زن در اجازه ی فعالیت های متنوع در همه ی میدانها، هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست. اگر کسی بگوید مرد می تواند درس بخواند، زن نمی تواند؛ مرد می تواند درس بگوید، زن نمی تواند؛ مرد می تواند فعالیت اقتصادی انجام دهد، زن نمی تواند؛ مرد می تواند فعالیت سیاسی کند، زن نمی تواند، منطق اسلام را بیان نکرده و بر خلاف سخن اسلام حرف زده است. از نظر اسلام، در همه ی این فعالیت های مربوط به جامعه ی بشری و فعالیت های زندگی، زن و مرد دارای اجازه ی مشترک و همسان هستند. البته بعضی از کارها هست که باب زنان نیست؛ چون با ترکیب جسمانی آنها تطبیق نمی کند. بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آنها تطبیق نمی کند. این موضوع ربطی به این ندارد که زن می تواند در میدان فعالیت های اجتماعی باشد یا نه. تقسیم کار، بر حسب امکانات و شوق و زمینه های اقتضای این کار است. اگر زن بخواهد شوق داشته باشد، می تواند فعالیت های گوناگون اجتماعی و آنچه که مربوط به جامعه است، انجام دهد» (بیانات مقام معظم رهبری، اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵).

این حکیم فرزانه در جای دیگر می فرماید: «از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است. زنان به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت هایشان اجازه می دهد، می توانند در فعالیت ها شرکت کنند. آنها هر چه می توانند، تلاش اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کنند شرع مقدس، مانع نیست» (بیانات مقام معظم رهبری، جمع زنان شهر ارومیه، ۱۳۷۵).

پس، در عرصه ی فعالیت های اجتماعی و سیاسی و علمی و فعالیت های گوناگون دیگر، زن مسلمان مثل مرد مسلمان حق دارد آنچه را که اقتضای زمان است و آن وظیفه ای را که بر دوش خود حس می کند، انجام دهد. در اسلام همه تکالیف بطور یکسان زن و مرد را مورد خطاب قرار می دهد. بطور مثال «من اصبح لا یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم» یعنی کسی که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد مسلمان نیست» یعنی در فعالیت های اجتماعی زن و مرد هر دو مسئولند.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



رهبر معظم انقلاب هم چنین وجود زنان الگو در عرصه مشارکت سیاسی در طول تاریخ را خود برهانی بر جواز این امر می دانند و می فرمایند:

«خود الگوی فاطمه ی زهرا سلام الله علیها که در دوران کودکی، در بعد از هجرت پیغمبر به مدینه، در داخل مدینه و در همه ی قضایای عمومی آن روز پدرش که مرکز همه حوادث سیاسی اجتماعی بود حضور داشت، نشان دهنده نقش زن در نظام اسلامی است. البته فاطمه زهرا سلام الله علیها قله این فضائل است. زنان برجسته دیگری هم در صدر اسلام بودند؛ با معرفت، با خرد، با علم، حاضر در میدان ها، حتی حاضر در میدان های جنگ؛ حتی تعدادی که نیروی بدنی داشتند، حاضر در میدان دلاوری در جنگ؛ شمشیرزنی و سربازی. البته این را اسلام برای بانوان واجب نکرده و از دوش آنها برداشته است؛ چون با طبیعت جسمی و نیز با عواطف آنها سازگار نیست. شخصیت زهرا ی اطهر، در ابعاد سیاسی و اجتماعی و جهادی، شخصیت ممتاز و برجسته ای است؛ به طوری که همه ی زنان مبارز و انقلابی و برجسته و سیاسی عالم می توانند از زندگی کوتاه و پرمغز او درس بگیرند. زنی که در بیت انقلاب متولد شد و تمام دوران کودکی را در آغوش پدری گذراند که در حال یک مبارزه ی عظیم جهانی فراموش نشدنی بود. آن خانمی که در دوران کودکی، سختی های مبارزه ی دوران مکه را چشید، به شعب ابی طالب برده شد، گرسنگی و سختی و رعب و انواع و اقسام شدت های دوران مبارزه ی مکه را لمس نمود و بعد هم که به مدینه هجرت کرد، همسر مردی شد که تمام زندگیش جهاد فی سبیل الله بود و در تمام قریب به یازده سال زندگی مشترک فاطمه ی زهرا و امیر المومنین (ع)، هیچ سالی، بلکه هیچ نیم سالی نگذشت که این شوهر، کمر به جهاد فی سبیل الله نبسته و میدان جنگ نرفته باشد و این زن بزرگ و فداکار، همسری شایسته ی یک مرد مجاهد و یک سرباز و سردار دائمی میدان جنگ را نکرده باشد.

۵- نتیجه گیری

این مطالعه با هدف نقش زنان اندیشمند در تمدن سازی نوین اسلامی از منظر رهبری انجام شد. نتایج نشان داد بر طبق بیانات مقام معظم رهبری؛ وظایف همسری و مادری زنان مهمترین و اصلی ترین وظیفه زن در خانه معرفی شده است. زنان نقش موثری در تأمین آرامش خانواده را بر عهده دارند نوع، کار و کنش مادری زنان نیز منحصر به فرد است که کسی به جز زنان نمی تواند انجام دهد و این یک امتیاز و قدرت است. زنان نقش موثری در تربیت فرزند، انتقال هویت و فرهنگ اسلامی به نسل جدید بر عهده دارند. از نظر مقام معظم رهبری زن در خانواده عنصر محوری است و باید بر روی کار زنهای خانه دار ارزش گذاری ویژه بشود. همچنین از منظر ایشان؛ اولین و مهمترین نقش فرهنگی زنان در جامعه اسلامی بروز خصوصیات زن مسلمان ایرانی است. ایشان معتقدند که کوش و تلاش زن مسلمان باید این باشد که هویت والای زن اسلامی را زنده نماید یعنی در عین حفظ هویت و خصوصیات زنانه خود، احساسات و عواطف رقیق خود در مسائل



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



اجتماعی و سیاسی نیز صبر و مقاومت، درک و هوش سیاسی خود را افزایش دهد هم در عرصه فردی و خانوادگی سرآمد باشد هم در میدان معنویت و علم و تحقیق به سوی خدا تقرب جوید. کسب علم و دانش و حضور و مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان از دیگر مقوله‌های قابل استخراج در بیانات مقام معظم رهبری بود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. بانکی پورفرد، امیرحسین. (۱۳۹۷). زن و خانواده. تهران: نشر انقلاب اسلامی.
۳. جان احمدی، فاطمه. (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: دفتر نشر معارف.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸-۱۴۰۱). بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، نرم افزار حدیث ولایت.
۵. سیاح، مونس، شرفی، نیلوفر. (۱۳۹۸). مقایسه رویکرد حکمرانی در حوزه زنان و خانواده در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ براساس مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام، اولین همایش ملی حکمرانی، تهران.
۶. سیمبر، رضا و رضایور، دانیال. (۱۳۹۷). جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی ایران. فصلنامه زن و جامعه، ۹(۳۴)، ۱۳۳-۱۵۴.
۷. صاحب الزمانی، ناصرالدین. (۱۳۸۰). سهم اسلام در تمدن جهانی، تهران: انتشارات بعثت.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. ولایتی، علی اکبر. (۱۳۸۷). فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: دفتر نشر معارف.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

نقش دین در ایجاد تمدن اسلامی از نگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)

مرتضی سیاح شعاع^۱، زینب سیاح شعاع^۲، زهرا حجازی پور^۳

۱- استاد راهنما، استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، گرایش علوم عقلی.

۲- طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، قم.

۳- طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، قم.

چکیده

در رابطه با مقوله دین و تمدن و ارتباط این دو مقوله با یکدیگر، همیشه مباحث و پرسش‌هایی مطرح بوده است. همواره دین یکی از ارکان اصلی تمدن به حساب می‌آید. چراکه تحقیقات این دو مقوله، یعنی نقش اسلام و مسلمانان در تمدن اسلامی قابل تفکیک نیست و اگر این دو را از هم جدا کنیم، به نوع جدیدی از بلیه شعوبی گری دچار خواهیم گشت. علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) از جمله افرادی هستند که به نقش دین در ایجاد تمدن اسلامی پرداخته‌اند. از این رو این پژوهش به تبیین نقش دین در ایجاد تمدن اسلامی از منظر علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) پرداخته است. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام شده و از منابع تفسیری و اعتقادی استفاده شده است. به این اساس یافته‌های این تحقیق از نگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)، ارائه قوانین و مبانی ثابت، اهتمام به علوم و پاسداری از فرهنگ اسلامی از جمله نقش در ایجاد تمدن اسلامی به حساب می‌آیند.

کلیدواژه‌ها: تمدن، تمدن اسلامی، علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)، دین

مقدمه

ادیان همواره در تاریخ بشر تمدن ساز بودند که البته این تمدن سازی نیز درجاتی دارد، بعضی ادیان توحیدی همانند اسلام بیش تر در این زمینه موفق بودند به همین دلیل اغلب دانشمندان در بررسی تمدن و عوامل آن دین را از عوامل و عناصر تمدن ساز به شمار آوردند و این بدان جهت بوده که تاثیر دین در جوامع بشری یک واقعیت انکارناپذیر است. از این رو دین اسلام که از تمدن بحث می‌کند، صرف یک شعار نظیر تمدن غرب نیست؛ زیرا خداوند متعال با فرهنگ‌ترین و با فضیلت‌ترین، افراد بشر را به عنوان رهبر جامعه معرفی کرده است، به طوری که در مقابل اهانت‌ها و بی‌احترامی‌ها با کمال ادب با مخالفین خود، رفتار می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۲۳-۲۲۴)؛ چرا که حضرت هود (علیه السلام) وقتی او را دیوانه و سفیه و مجنون و... خطاب می‌کردند، جواب



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



آن حضرت به قوم خود کاملاً منطقی و مؤدبانه بود؛ «گفت: ای قوم من! دستخوش سفاهت نشده‌ام بلکه پیغمبری از ناحیه پروردگار جهانیانم»^۱ (اعراف: ۶۷). از این رو باید توجه داشت که منشاء رفتارهای مناسب انبیاء با مردم، قول حضرت باری تعالی در قرآن است که می‌فرماید: «و بندگان خاص خدای رحمان آن کسانی که سنگین و با تواضع بر زمین راه می‌روند و چون جهالت پیشگان، خطابشان کنند سخن ملایم گویند»^۲ (فرقان: ۶۳). بنابراین اسلام برای به وجود آوردن یک تمدن سعادت بخش، نه تحمیل زور و نه آزادی مطلق را قبول دارد به طوری که هر قانونی که مطابق خواست او بود تشریح نماید و لو مخالف حق باشد؛ چرا که این دو روش سعادت معنوی بشر را با آسیب مواجه می‌سازد؛ بلکه از نظر اسلام تنها قانونی می‌تواند، بشر را به مدنیت و فرهنگ برساند که سعادت مادی و معنوی بشر را تأمین نماید و گرنه منجر به شکست خواهد بود.

بر این اساس نگاه دین به تحولات اجتماعی و توسعه و تمدن بشری بر چنین نگرشی استوار است زیرا در این آیه به روشنی بیان می‌شود که توسعه و تحول اجتماعی، مبتنی بر تحول درونی و روانی افراد است. البته این تحول باید در سطحی فراگیر و گسترده انجام گیرد تا به تحولات در جامعه منتهی شود و جامعه تبدیل به تمدن اسلامی شود. لذا تحول درونی، یک تحول بنیادین بوده و تحولات دیگر همه از آن نشأت می‌گیرند لذا در زمینه نقش دین در ایجاد تمدن اسلامی تحقیقات فراوانی نوشته شده است: مانند مقاله نقش دین در ایجاد و تداوم تمدن (ولایتی، ۱۳۸۱، ص ۱)، دین را از عوامل و عناصر تمدن به شمار می‌آید و این بدان جهت بوده است که تأثیر دین در جامعه‌های بشری یک واقعیت غیر قابل انکار است، مقاله نقش دین در تمدن سازی (رهبران و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱)، مقاله رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن نبی (الویری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱) اما بیش تر این منابع به صورت پراکنده مورد بررسی قرار گرفته‌اند و بدون بیان و تبیین نقش دین در ایجاد تمدن اسلامی از منظر علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)، سعی کردند در قالب گزاره‌های کلی، به مسأله نقش دین در ایجاد تمدن بپردازند. از این رو با توجه به اهمیت نقش دین در ایجاد تمدن اسلامی از منظر علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)، این پژوهش به روش توصیفی، تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای در صدد پاسخ به این پرسش است که آیا پیشرفت‌های امروز بشر مدیون تمدن غرب است یا این که اسلام نیز در به وجود آوردن چنین تمدنی نقش ایفا کرده است؟ برای روشن شدن مطلب، ابتدا مفهوم تمدن، مورد کنکاش قرار می‌گیرد و سپس به نقش دین در ایجاد تمدن و علل تولد و انحطاط تمدن اسلامی از نگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) پرداخته می‌شود.

۱. «قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

۲. «عِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا».



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۱. مفهوم شناسی

از جمله مباحثی که امروزه ذهن پژوهشگران را به خود مشغول کرده، این است که رابطه بین اسلام و تمدن چیست؟ آیا پیشرفت‌های امروز بشر مدیون تمدن غرب است یا این که اسلام نیز در به وجود آوردن چنین تمدنی نقش ایفا کرده است؟ برای روشن شدن مطلب، ابتدا مفهوم تمدن، مورد کنکاش قرار می‌گیرد و سپس به نقش دین در ایجاد تمدن اسلامی پرداخته می‌شود.

۱-۱. مفهوم تمدن

در فرهنگ و لغت فارسی، واژه‌ی تمدن به معنای «شهر نشین شدن و با اخلاق و آداب شهریان خوگرفتن است» (معین، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۱۳۹). در زبان عربی کلمه «الحضاره»، که معادل تمدن است به معنای شهر نشینی است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۰۶). در غرب هم تمدن چنین معنایی داشته است؛ چرا که تمدن را به نظام اجتماعی پیشرفته تعریف کرده‌اند و گفته‌اند تمدن به فرهنگ‌ها و جوامعی اختصاص دارد که دارای خط و نوشتار جوامع شهری باشند. همان طور که ویل دورانت نیز می‌گوید: «تمدن عبارت از نظم اجتماعی است که در نتیجه وجود آن خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند» (شایان مهر، ۱۳۷۷، ص ۱۷۹).

از این رو اگر فرهنگ و تمدن را دو پدیده جدا از هم بدانیم باید بین این دو رابطه مستقیم تصور کنیم؛ چون فرهنگ، روح تمدن است که بدون آن همانند جسمی راکد و بی تحرک خواهد بود.

فرهنگ، مجموعه عوامل انسانی است که شالوده و زیر بنای تمدن است. از این رو می‌توان گفت هیچ تمدنی بدون پیش زمینه‌ی فرهنگی پدید نمی‌آید، و از آنجا که دین با ظهور خود فرهنگ خاص و نویی را بر جامعه بشری عرضه داشته، پس به هیچ وجه نمی‌شود اثر سازنده و اثر گذار دین را در تاریخ تمدن انسان نادیده انگاشت (سبحانی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۵۴). بر این اساس لازم است، نقش دین در به وجود آوردن تمدن اسلامی در این گفتار بیان شود.

۲. نقش دین در ایجاد تمدن اسلامی

حال که ادعا شد منشأ مدنیت‌ها و فضایی که در جهان بشریت وجود دارد، دین است؛ سؤالی که پیش می‌آید، این است که دین با چه ساز و کارهایی، می‌تواند تمدن اسلامی را به وجود آورد؟ از این رو برای پاسخ به این سوال لازم است برخی از راهکارهای اسلام جهت به وجود آوردن تمدن اسلامی مطرح شود.

۲-۱. ارائه قوانین و مبانی ثابت



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

یکی از راهکارهایی که اسلام جهت به وجود آوردن تمدن اسلامی و نهادینه کردن مدنیت‌ها و فضائل برای بشر به ارمان آورده است، تدوین قوانین ثابت، جهت تکامل و پیشرفت است تا نقشه راهی جهت تکامل بشریت باشد. علامه (رحمه الله علیه) در این باره می‌گوید: «برای این که یک تمدن اسلامی در جامعه به وجود آید احتیاج به شرایط و عواملی دارد که با وجود آن شرائط و عوامل ثابت، جامعه همیشه به سوی تعالی و پیشرفت حرکت می‌کند. از این رو جامعه باید همیشه از یک نقشه‌ی راه و عناصر ثابتی مانند: روابط محبت آمیز افراد جامعه نسبت به هم، نظم و انضباط، پاکي و درستکاری، آزاد اندیشی، استفاده هر چه بیش‌تر از نیروی عقل و... برخوردار باشد؛ زیرا همه‌ی این امور از عناصر و اصول پیشرفت شمرده می‌شود. (سیاح شعاع، ۱۴۰۳، ص ۱۲۳) اما اگر جامعه‌ای برخلاف این اصول، حرکت کرد؛ یعنی دچار ظلم و ستم، دنیا پرستی، خود محوری، نزاع و درگیری و... شود؛ دیگر تکامل و پیشرفت را نباید از چنین جامعه‌ای انتظار داشت، بلکه چنین اجتماعی مادامی که این گونه است در حال انقراض و سقوط سیر می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۳۰-۳۱). از این رو تمدن امروزی اگر چه در علوم و اختراعات و اکتشافات پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرده است؛ ولی دچار یک اشتباه فاحشی شده است و آن این است که عناصر مذکوره را قابل تغییر و تحول می‌داند و لازمه‌ی چنین تفکری این است که صفات اخلاقی به مرور زمان دچار تغییر و تحول شوند و بشر را در معرض تباهی و فساد قرار دهد و در نتیجه بشر دچار انواع بیماری‌های روحی و روانی می‌شود؛ به طوری که نتوان برای آن علاجي پیدا کرد. همان طور که دانشمندان مغرب زمین از این نکته پرده برداشته و در کتاب‌های خود از این انحراف عظیم سخن گفته‌اند. برای نمونه، گفته دکتر الکسیس کارل، نقل می‌شود: «تمدن مادی علاوه بر زوال حس مذهبی و از میان بردن صفای اخلاقی، همه چیز را در معرض تباهی و فساد قرار داده و بیماری‌های روانی به تدریج، عمومی می‌شود. عفت جنسی زایل شده، جنایت‌کاران با دسته‌های منظم، امنیت معنوی را به خطر انداخته و آدمی پناهگاهی حتی در قلب خود برای آرامش روان خود در محیط زندگانی ندارد» (طباطبایی، همان، ص ۳۴).

بنابراین با مطالبی که بیان شد روشن می‌شود، دین اسلام از ظرفیت‌های بالایی برخوردار است که با بکار بردن آن‌ها می‌تواند جامعه را متحول کرد؛ زیرا محیطی که اسلام جهت تأمین سعادت بشر به وجود می‌آورد، محیطی است که کاملاً، زمینه‌ی پیشرفت علمی و صنعتی را برای آن جامعه فراهم می‌کند؛ چرا که از نظر اسلام محیطی می‌تواند کمالات مادی و معنوی بشر را به وجود آورد که دارای مبانی ثابت و پایداری باشد تا زندگی فردی و اجتماعی در آن مجتمع دچار تزلزل نشود؛ چون یک محیط غوغا سالار و پر آشوب و... نمی‌تواند، افراد خود را به تأمل و تفکر وا دارد، و هم چنین افراد آن جامعه نمی‌توانند، اندیشه‌ی پیشرفت و اکتشاف را داشته باشند. از این



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



رو افراد چنین اجتماعی دچار انحطاط اخلاقی و اجتماعی می‌شوند و به جای تلاش و کوشش برای دانش و پیشرفت، دائماً باید با عوامل تباهی و عقب افتادگی و فساد بجنگند. (سیاح شعاع، ۱۴۰۳، ص ۱۲۴)

جامعه‌ای که اساس آن بر جهل، دروغ، تقلب، هوی و هوس و... باشد، محال است که افراد آن جامعه روی ترقی و پیشرفت را به خود ببیند. از این رو اسلام در وهله‌ی اول و قبل از هر چیزی، محیط را از عوامل و موانع پیشرفت مثل فساد و تباهی و... پاک می‌کند و به اموری، نظیر امر به تفکر و علم آموزی و... ترغیب و تشویق می‌کند. بر این اساس اسلام از یک طرف به عوامل مثبت تشویق و ترغیب می‌کند و از سوی دیگر نیز با عوامل منفی برخورد می‌نماید، نظیر تهیه و آماده کردن نیرو، برای مقابله‌ی با دشمنان و هم چنین برای این امر دستورات لازم و ضروری نیز داده است مثل: «خدا تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشند»^۱ (نساء: ۱۴۱). علاوه بر آن از نظر اقتصادی نیز باید جامعه اسلامی، جامعه‌ای ثروتمند و بی‌نیاز باشد تا مدینه‌ی فاضله‌ی مورد نظر اسلام محقق شود» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۳۷)؛ چون قوام جامعه به اقتصاد آن متکی است؛ «اموالی که خدا قوام زندگانی شما را به آن مقرر داشته به تصرف سفیهان مدهید»^۲ (نساء: ۵).

۲-۲. اهتمام به علوم

یکی از اموری که در ایجاد تمدن اسلامی نقش مهمی ایفا می‌کند، فرا گرفتن علوم و فنون است؛ بر این اساس جامعه‌ی که افراد آن از چنین ویژگی برخوردار باشند سعادت و پیشرفت را به دنبال دارد. از این رو دین مقدس اسلام یکی از وظایف دینی مسلمین را آموختن علوم و فنون بیان می‌کند؛ همان طور که پیغمبر خدا می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسَلِمَةٍ» (منسوب به جعفر بن محمد (ع)، ۱۴۰۰ ق، ص ۱۳). و تحصیل علم را بدون هیچ قید و شرطی واجب می‌داند؛ چرا که آن حضرت می‌فرماید: «أَطْلَبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالسَّيْنِ» (ابن حیون، ۱۳۸۵ ق، ج ۱، ص ۸۰). بنابراین اسلام معتقد است، ملتی رو به کمال و پیشرفت است که اساس اجتماع آن بر مبنای تفکر و تدبر باشد، از این جهت تفکر و تعقل را منحصر به کره زمین نکرده است و با کمال صراحت می‌فرماید: «بگو نظر کنید به موجودات گوناگونی که در آسمانها و زمین است، ولی چه فایده از این آیات و این اندازها، برای مردمی که ایمان نمی‌آورند»^۳ (یونس: ۱۰۱). بنابراین اسلام طلب علم را یک امر حسن و مطلوبی می‌داند؛ چرا که بدون آن پیشرفت و مدنیت معنا ندارد.

۱. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا».

۲. «وَلَا تَتَّبِعُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالِكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا».

۳. «قُلِ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ».



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



نتیجه

تمدن نظم اجتماعی است که در نتیجه آن خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان پیدا می کند. فرهنگ روح تمدن است که بدون آن همانند جسمی راکد و بی تحرک خواهد بود. دین اسلام از تمدن بحث می کند اما یک شعار نظیر تمدن غرب نیست زیرا خداوند برای ایجاد تمدن دین را به همراه با فرهنگ ترین و با فضیلت ترین رهبران به جامعه معرفی کرده است. از نظر اسلام تنهای قانونی می تواند بشر را به مدنیت و فرهنگ برساند که سعادت مادی و معنوی بشر را تأمین نماید و گرنه منجر به شکست خواهد بود. از این رو مقاله حاضر نقش دین در ایجاد تمدن اسلامی از نگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) را بررسی کرده و در پایان بدین نتیجه رسیده است که ارائه قوانین و مبانی ثابت، اهتمام به علوم و پاسداری از فرهنگ اسلامی از جمله نقش دین در ایجاد تمدن اسلامی می باشد.

منابع و ماخذ

قرآن الکریم

۱. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ق)، دعائم الاسلام، قم، نشر آل البیت.
۲. راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد، (۱۴۱۶ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، نشر دارالشامیه.
۳. رهبران، همایون؛ رکابیان، رشید؛ آریایی راد حسن رضا، «نقش دین در تمدن سازی»، (۱۴۰۰)، فصلنامه سیاست متعالیه، ش ۳۵.
۴. سیاح شعاع، مرتضی، کارکرد ها و آثار دین از نظر علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)، چاپ اول، نشر ضامن آهو، مشهد، ۱۴۰۳.
۵. شایان مهر، علیرضا، (۱۳۷۷)، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران، نشر کیهان.
۶. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، نشر جامعه مدرسین.
۷. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۸۷)، روابط اجتماعی در اسلام، چاپ اول، قم، نشر بوستان کتاب.
۸. معین، محمد، (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی، چاپ ششم، تهران، نشر امیر کبیر.
۹. منسوب به جعفر بن محمد (ع)، امام ششم، (۱۴۰۰ق)، مصباح الشریعہ، چاپ اول، بیروت، نشر اعلمی.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۱۰. ولایتی، کریم، (۱۳۸۱)، «نقش دین در ایجاد و تداوم تمدن»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش

۱۸۴.

۱۱. الویری، محسن؛ مهدی نژاد، سید رضا، (۱۳۹۲)، «رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن نبی»، تاریخ و تمدن

اسلامی، ش ۱۸.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



جایگاه علم امام معصوم در تمدن اسلامی

نجمه نبوتی^۱

۱- هیات علمی دانشگاه پیام نور، ایران

چکیده

در فرهنگ شیعی امام معصوم دارای فضائل، علوم، اوصاف بی نظیر و عظیم هستند که افراد عادی در تصورشان هم نمی گنجد. زیرا علم امام معصوم از خزینه‌ای متصل به علم خدای لایزال و از منشأ لایتناهی الهام می گیرد. علم امام، منحصر و محدود به دانستن معارف و احکام شرعی نیست بلکه شامل اموری از قبیل: دانستن اسم اعظم الهی، علوم طبیعی، علوم اجتماعی، روانشناسی، جغرافیایی و در تعریف کلی تر علم ما کان و مایکون علم به آنچه اتفاق خواهد افتاد. از قبیل علم بلایا و علم تمام زبان‌ها، علم بر تمام عوالم از جمله عالم برزخ، عالم ملکوت، عالم جبروت، عالم هاهوت، عالم قیامت و... برای تبیین بهتر علم امام از منابع متعدد بهره برده شده و با روش توصیفی و تحلیلی گردآوری داده‌ها به موضوع پرداخته می شود. که با بررسی ابعاد مختلف آن به تمدن نوین اسلامی و خواستگاه‌های الهی بسیار نزدیک خواهیم شد و از راهکارهای ارائه شده در تمدن اسلامی، برای پرورش و آموزش نفوس مستعد انسانی در رسیدن به مقام والا و کرامت نفس انسانی و راه‌های رسیدن به آن بهره می گیریم.

واژگان کلیدی: علم امام، تمدن اسلامی، کرامت انسانی

- مقدمه

یافته های ما گواهی می دهد علم امام معصوم، منحصر و محدود به دانستن معارف و احکام شرعی و فقه و اصول نیست، بلکه شامل اموری از قبیل: دانستن علوم توحید، معرفت نفس، علم آنچه اتفاق می افتد و خواهد افتاد و علوم زیست شناسی و علم به کتب پیامبران پیشین و علم به عوالم وجود از جمله عالم برزخ و قیامت و احوال بهشت و جهنم و جفر احمر و جفر ابیض و مصحف فاطمه سلام الله کتابی که در آن حوادث آینده رخ میدهد و نام کسانی که تا قیامت به حکومت میرسند در آن موجود است و در آن تمام نیازها از جمله دیه خراش ذکر شده است. در حدیث قدسی خداوند به صراحت فرموده است: یابن آدم اطعنی اجعلک مثلی انا حی لا اموت انت تکن حیا لاتموت انا اقول للشیء کن فیکون انت تقول للشیء کن فیکون (مجلسی محمد باقر، ۱۳۹۰) ای بنی آدم پیروی ام کن تا تورا چون خودم سازم من زنده نامیرا هستم. در آنچه دستورت میدهم، پیروی ام کن تا تورا به گونه ای قرار دهم که به هر چیزی بگویی (باش) به وجود آید. این وعده خداست



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



وامام معصوم که به این عهد خدا پایبند تام بوده است در مقام علم هم به درجات بی نظیر دست یافته است. دسترسی به این مقام عظیم حتی نزدیک شدن به علم امام معصوم در راستای رسیدن به تمدن نوین اسلامی وخاستگاه الهی آن گامی بسیار گرانبه و پرفایده خواهد بود. چرا که امام معصوم ع از طرف خدای سبحان حجت بر خلقش هستند که راه الهی را برای انسانها تبیین کنند.

۲- جایگاه علم:

برای ورود بهتر به مباحث اصلی در زمینه علم امام معصوم، ابتدا به معناشناسی برخی از واژگان میپردازیم: علم: دانستن، آگاهی، ادراک، معرفت (دهخدا، ۱۳۷۷) علم: یعنی ادراک حقیقت یک چیز (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳) لغت شناسان درباره معنای لغوی علم معنای مشابهی را ارائه کرده اند. علم گاهی به معنای اظهار و روشن کردن است. (قرشی بنابی، ۱۳۰۷)

ارزش علم و دانش به اندازه ای است که خداوند متعال به قلم و آنچه مینویسد سوگند خورده است. نقش علم در زندگی این است که راه سعادت، تکامل و راه ساختن را به انسان می آموزد. پیامبر اکرم (ص) پیروانش را به فراگیری علم و دانش تشویق میکردند. کودکان اصحابش را وادار میکردند که علم بیاموزند. این همه تاکید و سفارش و تشویق ها درباره علم سبب شد مسلمانان با همت و سرعت بی نظیری به جست و جوی علم در همه جهان پرداختند. نکته قابل توجه این است که اسلام تنها دانشی را علم مینامد که جهت توحیدی داشته و بر خوف و خشیت او بیفزاید.

لذا قرآن کریم در آیه ۲۸ سوره فاطر می فرماید: (انما یخشی الله من عباده العلماء): از میان بندگان خدا، تنها عالمان از او میترسند. در روایت از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: کفی بخشیه الله علما. علم برای خشیت و ترس از خدا کافی است. (مجلسی محمد باقر، ۱۳۸۸)

بنابراین تفاوت عمده اسلام با مکاتب بشری در تعریف علم این است که اسلام را به عنوان یک واژه مقدس در جهت رشد، تعالی و سعادت بشر به خدمت می گیرد و لذا جهت گیری الهی را در آن شرط می داند و مطلق دانستن را علم نمی شمارد. از این رو اسلام علم را نوری می داند که خدا در قلب بندگان قرار می دهد. (العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء) (مصطفوی حسن، ۱۳۸۳)

تعریف علم در کلام علامه حسن زاده آملی(ره): علم معرفت واقعی به مصنف کتاب نظام هستی و کلمات وجودی آن به قدر طاقت بشری است. علم وجود نوری و فعلیت مجرد از ماده است و انسان به یافتن فعلیت های وجودی نوری استکمال می یابد و ترقی وجودی می کند. و فعلیت بر فعلیت می افزاید و از نقص به کمال میرود و چون علم و عمل دو جوهر انسان سازند و عالم و عامل را اتحاد وجودی بدانها است در حکمت الهی فرموده اند و چه نیکو فرموده اند که (انسان به فرا



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



گرفتن حکمت، که همان تحصیل علم و عمل است، عالم عقلی مشابه با عالم عقلی مشابه با عالم عینی می گردد. و چون علم، چشم ذات نفس ناطقه ی انسانی می شود، و انسان به نور علم، حق را از باطل تمییز می دهد، و مدینه فاضله به دست می آید، و سعادت جاویدانی خود را کسب میکند، حضرت خاتم انبیا محمد مصطفی صلوات الله علیه فرموده است: العلم امام العمل.

گوهر علم، نوری است که عین حقیقت عالم و چراغ فرا راه او میگردد و اصلا علم عالم است و عالم علم است. و به عبارت پیغمبر (ص): علم، نفس عقل، و فهم، و روح آن است. دین همواره انسان را ترغیب به تحصیل این نور میکند و پایه معارج انسان را به لذازه علم او میداند. قرآن کریم میفرماید: وتلك امثال نضربها للناس وما يعقلها الا العالمون، عالمون انسانهای به معارج علمی رسیده اند که ارباب عقل و اهل تعقل اند. (صمدی آملی داود، ۱۳۹۳)

در نهج البلاغه، امیرالمومنین علی (ع) علم را به دو قسم مطبوع و مسموع تقسیم کرده است. علم مطبوع یعنی علمی که در طبیعت، سرشت و فطرت انسان نهاده شده است و علم مسموع یعنی علمی که با شنیدن به دست می آید. علما و مفسران اسلامی نیز علم را به دو قسم موهبتی یعنی خدادادی و اکتسابی تقسیم میکنند و علم موهبتی را مصون از خطا و اشتباه می دانند و علوم انبیا را از این قسم به حساب می آورند، ولی علم اکتسابی را مصون از خطا نمی دانند. این تقسیم نیز به جهاتی مشابه آن تقسیم است. لکن آن چه مهم است این است که از دیدگاه اهل بیت ع هر علمی که بتوان از نگاه اسلامی علم نامید، نوری است از جانب خداوند متعال که به روشن گری مومن می انجامد.

۳- علم آموزی، هدف بعثت انبیا:

لقد من الله على المومنين اذ بعث آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وان كانوا من قبل لفى ضلال مبين ۶۴/آل عمران. خداوند بر مومنان منت نهاد، هنگامی که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت پیاموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکار بودند. (صمدی آملی داود، ۱۳۹۳)

از جمله نکاتی که از اهمیت فوق العاده علم و علم آموزی از دیدگاه قرآن کریم اثبات میکند، این است که تعلیم بشر توسط پیامبران هدف از بعثت آنها بیان شده است. بشر بدون تعلیم از سوی پروردگار متعال در جهالت و گمراهی و ضلالت خواهد بود و تنها خالق هستی و نمایندگان و حجتهای او هستند که به همه خیرها و حدود و تعادل در زندگی در تمام جنبه های آن چه جسمی چه روحی واقف هستند. و این وعده خداست که اگر از آنها پیروی شود از گمراهی نجات پیدا میکند و به هدایت دست می یابد. در آیه ۳۸ سوره بقره خداوند سبحان می فرماید: فلنا اهبطوا منها جميعا فاما ياتينكم منى هدى فمن تبع هداي فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون (گفتیم همگی از بهشت نزول کنید اگر هدایتی از من به سوی شما



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



آمد. آنها که هدایت مراپیروی کنند، هرگز نه بیمی دارند و نه اندوهگین شوند. این آیه بیان میدارد، توجه به علم و هدایت که از طرف خداوند سبحان باشد نتیجه آن آرامشی است که نه ترس و نه اندوه به دنبال دارد.

از روایتی که در اصول کافی، راجع علم امام از خود امام سوال شده استفاده میکنیم که کامل ترین بیان از زبان خودشان میباشد. ابوبصیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: قربانت کردم، از شما پرسشی دارم، آیا در اینجا کسی (نامحرم) هست که سخن مرا بشنود؟ امام صادق (ع) پرده ای را که در میان آنجا و اطاق دیگر بود، بالا زد و آنجا سرکشید، سپس فرمود: ای ابا محمد هر چه خواهی بپرس، عرض کردم: قربانت کردم. شیعیان حدیث می کنند که پیغمبر (ص) به علی (ع) بایی از علم آموخت که از آن هزار باب علم گشوده گشت، فرمود: ای محمد پیغمبر ص به علی هزار باب از علم آموخت که از هر باب آن هزار باب گشوده میشد. عرض کردم: بخدا که علم کامل و حقیقی اینست. امام صادق ع ساعتی (برای اظهار تفکر) به زمین اشاره کرد و سپس فرمود: آن علم است ولی علم کامل نیست. ای ابا محمد همانا جامعه نزد ماست، اما مردم چه می دانند؟ جامعه چیست؟ عرض کردم قربانت کردم جامعه چیست؟ فرمود: طوماریست بطول هفتاد ذراع پیغمبر ص به املاء زبانی آن حضرت و دست خط علی ع، تمام حلال و حرام و همه احتیاجات دینی مردم، حتی جریمه خراش در آن موجود است. سپس با دست به بدن من زد و فرمود: به من اجازه میدهی ای ابا محمد؟ عرض کردم من از شما میم هر چه خواهی بنما، آنگاه با دست مبارک مرا نشگون گرفت و فرمود: حتی جریمه این نشگون در جامعه هست. حضرت خشمگین به نظر می رسید. من عرض کردم به خدا که علم کامل این است، فرمود: این علم است ولی باز هم کامل نیست، آنگاه ساعتی سکوت نمود.

سپس فرمود: همانا جعفر نزد ماست، مردم چه میدانند جعفر چیست؟ عرض کردم: جعفر چیست؟ فرمود: مخزنی است از چرم که علم انبیاء و اوصیا و علم دانشمندان در آن است عرض کردم همانا علم کامل این است. فرمود: این علم است ولی علم کامل نیست. باز ساعتی سکوت کردند، سپس فرمودند: همانا مصحف فاطمه علیها السلام نزد ماست، و مردم چه میدانند مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟ فرمود مصحفی است سه برابر قرآنی که در دست شماست به خدا حتی یک حرف قرآن هم در آن نیست. عرض کردم به خدا علم کامل این است. فرمود: این هم علم است ولی علم کامل نیست. آنگاه ساعتی سکوت نمود، سپس فرمود: علم گذشته و آینده تا روز قیامت نزد ماست. عرض کردم به خدا علم کامل همین است، فرمود: این هم علم است ولی علم کامل نیست. عرض کردم: قربانت کردم پس علم کامل چیست؟ فرمود علمی است که در هر شب و روز راجع به موضوعی پس از موضوعی دیگر و چیزی پس از چیز دیگر تا روز قیامت پدید آید. (مصطفوی سید جواد، ۱۳۶۹) در برداشت از این حدیث گراندقدر از امام صادق ع به این نتیجه میرسیم که علم امام معصوم ع و رای



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



اینهاست. در زمان رسول اکرم (ص) خیلی از احکام پیش نیامده بود که سوال کنند و جوابش را بفهمند. ولی اینکه تمام احکامی که در آینده پیش خواهد آمد رو یادداشت کرده بودند حتی به اندازه ی دیه خراش.

۴- بررسی نقش دین در رونق گرفتن علم:

در این که پیدایش تمدن عظیم اسلامی، سرمایه ترقی و تعالی غرب در همه شعب معارف شده است جای انکار هیچ بخرد فرزانه ای نیست به عنوان نمونه که اندکی از بسیار ومشتی از خروار است، یکی میراث اسلام، یا آنچه مغرب زمین به ملل اسلامی مدیون است. این کتاب به قلم سیزده نفر از مستشرقین و استادان دانشگاههای انگلستان نوشته شده است، و به ترجمه و مقدمه فارسی آقایان مصطفی علم وسعید نفیسی در ایران به طبع رسیده است. مولف آن (آلفرد گیوم) در آغاز مقدمه آن گوید: کتاب میراث اسلام در جستجوی آن دسته از اصول علمی، صنعتی، فرهنگی معنوی اروپاست که از دنیای اسلامی اخذ شده و از جهان عربی مشرق سرچشمه گرفته است.

همین مذهب اسلام وامپراطوری بزرگ اسلامی بوده است که علوم وصنایع ملل گوناگون را با یکدیگر ترکیب و آن را به صورت کامل وزیبایی به جهان علم وصنعت اهدا کرده است. (.. واز این گونه اعترافات صادقانه در کتاب یاد شده از نویسندگان آن بسیار است.

کتاب دوم به نام علوم اسلامی ونقش آن در تحویل علمی جهان نوشته آلدو میه لی است که به ترجمه فارسی آقایان محمد رضا شجاع رضوی، ودکتر اسدالله علوی، به اهتمام بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی به طبع رسیده است و دین اسلام همواره انسان را ترغیب به تحصیل این نور میکند وپایه مدارج علم او می داند.

۵- نتیجه گیری:

علم امام معصوم علیه السلام چون به خزینه علم متصل هست وهمه جنبه بشری را در نظر میگیرد یعنی در تمام ابعاد وجودی انسان اعم از حس، خیال، وهم، عقل، قلب، سر، باطن ونفس احاطه علم شهودی وحقیقی دارد وتمام گفتار وفعلش وحركاتش مطابق قرآن است. که امام قرآن ناطق میباشد. وقرآن هم مادبه وادبستان خداست وعلم حقیقی بدون خطا واشتباه را فرا روی بشریت قرار میدهد وراههایی که کسب علم آن موجب رسیدن به کمال وسعادت بشری خواهد شد. البته علمی که تبدیل به عمل شود. به قول ملاصدرای: حکمت آن است که متکی به وحی وقول معصوم باشد وآنچه این ویژگی را ندارد، قابل اعتماد نیست. (ملاصدرای، ۱۳۷۸ش: ۴۲ص) یعنی آنچه را عقل به دست آورده، در موافقت با وحی پذیرفتنی است. درنتیجه با نزدیک شدن به علم امام معصوم علیه السلام یعنی نزدیک شدن به سعادت وکرامت وخوشبختی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



واقعی و حقیقی انسان که در این راه باید تلاش فراوان کرد چه در راه نشر علوم و حیاتی کتاب قران و سنت و تبیین آن و پرورش وجود انسانی و ترغیب جامعه مخصوصا جوانان به تحصیل این نور که پایه معارج انسان به اندازه مدارج علم او می باشد. و موجب سعادت جاودانی اوست.

منابع:

- مجلسی محمد باقر، ۱۳۹۰، بحارالانوار، جلد ۵، صفحه ۹۴، باب ۳، انتشارات: دار الکتب الاسلامیه
- دهخدا علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، انتشارات: دانشگاه تهران
- راغب اصفهانی، حسین، ۱۳۸۳، المفردات فی غریب القرآن، انتشارات: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثارالجغفریه
- قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۳۰۷، قاموس قرآن، جلد ۵، صفحه ۱۲۷۳، انتشارات: دارالکتب الاسلامیه،
- مجلسی محمد باقر، ۱۳۸۸، بحارالانوار، جلد ۲، صفحه ۲۷، انتشارات: دارالکتب الاسلامیه
- مصطفوی حسن، ۱۳۸۳، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، انتشارات: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی
- داود صمدی آملی، ۱۳۹۳، شرح رساله رابطه علم و دین، انتشارات: روح و ریحان
- کلینی، محمد بن یعقوب (مترجم: مصطفوی، سید جواد)، ۱۳۶۹، اصول کافی، حدیث ۵۰۵، انتشارات: کتاب فروشی علمیه
- اسلامیه



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



بررسی تاثیر شهاب الدین سهروردی در تمدن اسلامی

آرش ابوالفتحی

دانشجوی دکتری، دانشگاه ارومیه

چکیده

آثار سهروردی راهی نو در روزگار فلسفه اسلامی گشود و متفکران و روحانیون بی شماری در این مکتب فکری ادامه دهنده بینش سهروردی هستند. او سنن فکری ایران باستان را با افکار حکیمان و الهیات الهی همساز گرداند. و نظام فکری نوی را در تمدن اسلامی به جای گذاشت نظر ایشان در مورد حکومت، تنها حکومت الهی است که عادلانه و صحیح باشد و سیاست آن مرتبط به عالم غیب باشد و از تباهی ها و تغییرات مستمر عالم محسوس فراتر رود. کوشش های علمی فراوان ایشان در احیای تمدن اسلامی مخصوصاً بزرگترین شاهکار وی «حکمت الاشراق» است که در آن فلسفه پارسیان را با ذکر منابع گردآورده است. تا جائیکه تأثیر آن را در معماری اسلامی در دوره صفویه نیز می توان دید. و همچنین شیخ اشراق را نخستین نظریه پرداز عالم مثال در تمدن اسلامی نیز می دانند. در نهایت در این مقال سعی بر این است که به صورت کلی به زوایای بررسی تأثیر سهروردی در تمدن اسلامی پرداخته شود چه بسا با روش بررسی و تأثیر بزرگان در تمدن اسلامی به ارزش و جایگاه آنان پی خواهیم برد و بدین وسیله آن ها را در ترازوی سنجش و ارزیابی نیز می توان قرارداد.

واژگان کلیدی: سهروردی، فلسفه، حکمت اشراق، تمدن اسلامی، عالم مثال

مقدمه

تلاشهای مبتکرانه سهروردی در اندیشه های فلسفی

علامه محمد اقبال لاهوری درباره سیر حکمت ایرانیان در دوران بعد از اسلام چنین نوشته است:

حکمت صوفیانه ایران در دوران بعد از اسلام دارای سه نحله، جنبه یا شیوه است که در واقع از سه نظر به حقیقت نهایی نگریسته و مکمل یکدیگرند. برخی از صوفیان حقیقت وجود را در « اراده خود آگاه یافتند که شفیق بلخی و ابراهیم ادهم و رابعه عدویه نمایندگان آن بشمار می روند. برخی دیگر آن را « زیبایی » یا « جمال » شمردند که معروف کرخی نماینده آن بشمار می رود.

سومین نحله آن نحله اصحاب نور یا فکر است که با یزید بسطامی، حسین منصور حلاج، و شیخ ابوالحسن خرقانی نمایندگان آن بشمار می روند.

نظریه پیروان این نحله بر اینست که ذات حقیقت، نور یا فکر است و باید با اشراق یا تفکر بدان راه برد.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



اصحاب نور بر خلاف اصحاب جمال، این نوافلاطونی را از دست نهادند و بر اثر پیوند الهیات اسلامی با روش های جدلی یونانیان، روح انتقاد در عرصه تفکر اسلامی ظاهر شد، نخستین جلوه این روح انتقاد را در افکار ابوالحسن اشعری و کامل ترین نمودار آن را در آثار ابو حامد محمد غزالی می یابیم. در میان خرد گرایان اعتزالی هم، مردان نکته سنجی چون ابواسحاق نظام سر بر آوردند و به جای پیروی از فلسفه یونانی، با دیدی انتقادی بدان نگرستند، مدافعان دین و از آن جمله محمد غزالی و فخرالدین رازی و ابوالبرکات بغدادی و ابوالحسن علی آمدی تمام ارکان فلسفه یونانی را مورد حمله قرار دادند. و ابو سعید حسن سیرافی و قاضی عبدالجبار و ابوالمعالی عبد الملک جوینی و ابوالقاسم کعبی بلخی به ویژه تقی الدین ابوالعباس احمد تیمیه بر اثر انگیزه های دینی، در باز نمودن ضعف منطق یونانی کوشیدند. (رفیع، ۱۳۷۸: ۹۲)

به برکت رهایی فکری مسلمین، شهاب الدین یحیی سهروردی در قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) (شهادت به سال ۵۸۷ هجری) پدید آمد و آهنگ ساختن فلسفه ای نو کرد. سهروردی یک سره از مفاهیم دیرینه چشم پوشید، ولی به اقتضای فکر اصیل ایرانی خود، علی رغم تهدیدات منتقدان تنگ نظر، به استقلال اندیشید. در فلسفه او سنن فکری ایران باستان که اندکی در آثار محمد زکریای رازی و ابو حامد محمد غزالی و اسماعیلیان و اخوان صفا جلوه گر شده بود با افکار حکیمان و الهیات الهی همساز گردید. (رفیع، ۱۳۷۸: ۹۳)

جزم اندیشان خون که در همه اقالیم و اعصار برای پوشانیدن ناتوانی فکری خود به زور توسل جسته اند بر او رشک بردند و به سلطان صلاح الدین نوشتند که تعالیم سهروردی اسلام را به خطر می اندازد و سرکوبی آن لازم است. سلطان خواست آنان بر آورد. پس فیلسوف جوان ایرانی در سال سی و ششم عمر با آرامش به مرگ تن در داد. مرگی که او را در زمره شهیدان حقیقت در آورد. و به او نامی جاوید بخشید. امروز مردم کشان و بسا مردم کشان دیگر مرده و پوسیده اند ولی فلسفه ای که به بهای جانی ارجمند تمام شد همچنان زنده است و انبوه حقیقت جوینان را به سوی خود می کشد. (همان)

سهروردی شخصیتی ممتاز داشت. از استقلال فکری و قدرت تعمیم و نظام پردازی برخوردار و از اینها بالاتر نسبت به سنن ایرانی وفادار بود. در مورد قضایای مهم گوناگون با فلسفه افلاطون در افتاد و فلسفه ارسطو را صرفا مقدمه نظام فلسفی خود شمرد و آزادانه انتقاد کرد هیچ موضوعی از انتقاد او بر کنار نماند. حتی منطق ارسطویی را مورد بررسی دقیق قرار داد و برخی از اصول آن را ابطال کرد. (رفیع، ۱۳۷۸: ۹۳)

وی به راستی نخستین نظام پرداز تاریخ فلسفه ایران بود که حقایق همه شیوه های فکری ایران را باز شناخت و با کاردانی در هم آمیخت و نظام نوی پرداخت. خدا را مجموع هستی های خسی و انگاری شمرد و از این رو به فلسفه وحدت وجود کشانیده شد. بر خلاف برخی از صوفیان پیش از خود جهان را حقیقتی و نفس انسانی را واجد فردیتی متمایز دانست. در زمینه علت نهایی وجود با حکیمان متشرع هماهنگ گردید و گفت که علت نهایی هر نمود، نور مجرد است و جهان سراسر



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



، اشراق نور مجرد است . در روان شناسی از ابو علی سینا پیروی کرد ولی روان شناسی او از روان شناسی ابو علی منظم تر بود و بیش از آن به تجربه گرایش داشت. در عرصه فلسفه اخلاق به راه ارسطو رفت و مفهوم میانه گزینی او را بادقت تام تشریح کرد از این ها بالاتر با دگرگون کردن آیین نو افلاطونی دیرین ، نظام فکری مخصوصی ترتیب داد که از یک طرف به فلسفه افلاطون متمایل بود و از طرف دیگر دو گرایی کهن ایرانی را پیش کشید و بدان صورتی روحانی بخشید. هیچ یک از متفکرانی که از ایران بر خاسته اند نتوانسته اند مانند او با اصول اساسی چندی ، همه جنبه های وجود عینی را تبیین کنند. سهروردی در سراسر نظام فکری خود به تجربه گرایید و نیز کوشید که همه چیز ها و حتی نموده های جسمانی را با نظریه اشراق خود باز نماید. عینیت هستی که در همه خدایی افراطی و ذهنی پیشینیان گم و مستهلک شده بود در نظام سهروردی اعتباری در خور یافت و مورد تدفیق و تبیینی تمام قرار گرفت. (رفیع، ۱۳۷۸:۱۰۷)

تاثیر آیین های کهن ایرانی در فلسفه اشراق

احسان طبری پیرامون رد پای مهر در تاریخ ایران بعد از اسلام می نویسد:

« اندیشه اصالت نور بمتابه ماده و هبولای اساسی و واحد وجود سه بار در تاریخ تکامل جهان بینی در ایران ظهور می کند دو بار بشکل خالص مذهبی (در مزده بسنه و مهر پرستی) و یکبار به شکل فلسفی و استدلالی (در فلسفه اشراق یا حکمت النوریه سهروردی) (مقتول به سال ۵۸۷ هجری) خود را مجدد و نو گزار فلسفه خسروانی و (فهلویان) می داند... بدین ترتیب باید سوال کرد که : آیا اندیشه مهر پرستی پس از تسلط اسلام در ایران فرو مرد؟ سخت بعید به نظر می رسد. احتمال زیاد می رود که آیین مهر در تکامل طولانی خود به جهان بینی عرفانی بدل شده بود. (رفیع، ۱۳۷۸:۱۱۰)

دکتر منوچهر خدایار محبی درباره تاثیر آیین مهر در ایران بعد از اسلام چنین می نویسد:

« نمونه انسان» با فرهنگ» در ایران باستان «مهر» و فرهنگ ایران اسلامی «علی» است و دین « ودا» میترا یا مهر خدای روشنایی و راستی و نیکوکرداری و عدالت است. در ایران مهر خالق و نجات دهنده ارواح است که میان خداوند متعال و مردم واسطه است . او بصورت آتشی مقاومت ناپذیر، فروزش جهان را ریاست می کند. تاریکی را می زداید و به بدیها پایان می بخشد . همچنین مانند سوشیانت (سوشیانس) مزدیسنا مردگان را دوباره زنده می سازد. در کرده در مهر یشت اوستا، مهر و اهورامزدا در کنار یکدیگر تقدیس می شوند... مهر گاهی خالق و زمانی مخلوق و در جایی واسطه میان مردم و خداست. همانطور که غلات شیعه و اهل حق در ایران مقام علی را برتر از انسان می دانند گروهی دیگر او را مخلوق الهی می شمارند و واسطه میان خدا و مردم می دانند « علی » مانند «مهر» در فرهنگ ایران جای دارد. با این اختلاف که هر دسته مطابق با ذوق خویش او را در مقامی قرار می دهند و تقدیس و تحلیل می کنند... مهر کلید رمز عرفان ایران باستان و علی نشان حقیقت تصوف اسلامی و نمونه انسان کامل فرهنگ ایران است. در یک ردیف قرار گرفتن و دو کلمه مهر و علی با



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



یکدیگر نه تنها دوستی و عشق به علی را می رساند بلکه به طور کلی نماینده فرهنگ کهن ایران است. ترکیب این دو با هم « مهر علی» ارتباط و اتصال فرهنگ ایران باستان را با ایران اسلامی (تشیع) نمایان می سازد» (رفیع، ۱۳۷۸: ۱۱۲)

انتشار فلسفه اشراق در جهان اسلام

نفوذ سهروردی در دنیای اسلام به ویژه در مذهب شیعه بسیار زیاد و بر عکس در غرب بس کم بوده است. ولی در شرق از لحظه مرگش نبوغ وی در بنیانگذاری یک آیین جدید در حکمت سنتی شناخته گردید و بزرگترین نفوذ را در مذهب شیعه باقی گذارد. با ضعف آئین ارسطو گرایی در قرن ششم هجری عنصری جایگزین آن گردید که نفوذ زیادی در زندگی عقلانی اسلامی باقی گذارد. این عنصر ترکیبی از صوفی گرایی عقلانی ابن عربی و حکمت اشراقی سهروردی بود. (رفیع، ۱۳۷۸: ۳۲۳)

آیین سیاسی سهروردی

به نظر سهروردی تنها «حکومت الهی» عادلانه و صحیح است. او هر جا که درباره حکومت سخن می گوید، آنرا با تدبیر الهی پیوند می زند و فقط در صورتی حکومت را معتبر و مشروع می داند که سیاست مدینه مرتبط به عالم غیب باشد و از تباهی ها و تغییرات مستمر عالم محسوس فراتر رود. حاکمان بایستی نشانه ای از الهی بودن حکومت خود در دست داشته باشند. آیین سیاسی اشراقی ترکیبی است از «نبوت» در اسلام و باورهای اسلامی در باب معجزات و کرامات، از یک سو، و از «خره کیانی» یا «فرّه» پادشاهان صاحب «نیرنگ» چون کیخسرو و فریدون، از سوی دیگر. و نیز سنت کهن ایرانی در باب وزرای خردمند همچون بزرگمهر که حکمت خود را در خدمت شاهان برای گسترش عدالت برقرار می دهند. اما بیشترشان جانشان را نیز در راه همین خدمت از دست می دهند. (اکبری، ۱۳۸۹: ۲۳)

کوشش های علمی سهروردی

اکنون بنابه آنچه نوشته شد می توان اهمیت آثار شهاب الدین یحیی سهروردی فیلسوف نامی ایران را که به نام شیخ اشراق معروف است با مقیاسی صحیح بررسی کرد. اهمیت آثار او در نقشه ای خیالی در نقطه انشعاب طرق فکری و تقاطع راههای اندیشه قرار دارد. سهروردی درست هفت سال قبل از ابن رشد این جهان را بدرود گفت. پس از طرفی در همان وقت ها در اسلام باختری افکار (مکتب مشایی عربی) در آثار ابن رشد با فلسفه عام مدت های مدید چنین می پنداشتند که روزگار فلسفه در اسلام به پایان رسیده است اما از طرف دیگر در خاور منجمله در ایران، آثار سهروردی راهی نو گشود که متفکران و روحانیون بشمار در آن راه هنوز هم به سیر فکری ادامه می دهند. (رفیع، ۱۳۷۸: ۸۵)

همین مجموعه آثار و شرح هایی که در طول مدت هفت قرن بر آنها نوشته شده، منبع اطلاع مکتب اشراقی را می سازد، گنجینه ای از حکمت است که در آن رموزی از میراث های متعدد زرتشتی و فیثاغورسی و افلاطونی و هرمسی به رموز و تمثیلات اسلامی افزوده شده، چه سهروردی از منابع مختلف کسب فیض می کرده است. وی در این باره هیچ تردید نمی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



کرد که هر چه را ملایم و متناسب با نظر کلی خویش بیابد از هر جا که باشد بپذیرد و در نظر خویش وارد کند، ولی جهان وی نیز مانند جهان ابن عربی جهانی اسلامی است که بر افق آن بعضی از تمثیلات و رموز پیش از اسلام دیده می شود، همان گونه که کلیسای جهانی که دانتی تشریح کرده است نیز کلیسای مسیحی است که تزئین هائی اسلامی و اسکندرانی بر آن قابل مشاهده است. (رفیع، ۱۳۷۸: ۴۵۸)

شمس الدین محمد بن محمود اشراقی شهرزوری در کتاب تاریخ الحکمای خود موسوم به «نزهة الارواح و روضه الافراح» تاریخچه زندگانی و شرح حال و خصائل اخلاقی و مقام روحانی و فلسفی استاد خود شیخ شهاب الدین سهروردی را به تفصیل ذکر کرده و فهرستی از کتابها و رساله های فارسی و عربی و دیگر آثار و سخنان منظوم و منثور او را آورده است. (همان)

شهرزوری در حدود چهل و چهار کتاب و رساله پارسی و عربی از آثار سهروردی را در فهرست خود یاد کرده است. جز اشعار متفرق و قصیده ها و نامه ها و سخنان منظوم و منثور پارسی و عربی او که از شمار مذکور بیرون است. (رفیع، ۱۳۷۸: ۴۵۹)

شاهکار سهروردی

در میان همه آثار و تالیف های شهاب الدین یحیی سهروردی کتاب « حکمت الاشراق » بزرگترین و مهم ترین اثر وی می باشد. این کتاب در حد خود یک شاهکار بی نظیر و بی مانند فکری بشمار میرود. زیرا او زبده و نخبه اصول و مسائل حکمت اشراقیان، فلسفه پارسیان را با ذکر منابع گرد آورده است. (رفیع، ۱۳۷۸: ۴۶۸)

حکمت شرقیان یعنی فلسفه عالی پارسیان در دوران بعد از اسلام مدت شش قرن در اثر توجه زیاد بیشتر عالمان اسلامی به فرهنگ سامی در بوته فراموشی و در سراسیمه تهاهی و نابودی افتاده بود، سهروردی با گرد آوردن آن در این کتاب زندگی نوین به آن بخشید و روحی تازه در تاریخ فلسفه اسلامی دمید. فلسفه پارسیان یا حکمت شرقیان فصلی از فرهنگ خالص ملی ایران است و نتیجه و ثمر ارزنده فکری آن از روح و اندیشه و خرد ایرانیان اندیشمند ریشه گرفته و در تاریخ بشری جلوه کرده و همواره بالیده است. (همان)

فلسفه اشراق پس از سهروردی

اینک هشت قرن از شهادت شیخ اشراق می گذرد ولی نفوذ فکری وی در طول این هشت صد سال رو به فزونی بوده است. بیشترین تاثیر فکری مکتب اشراق در دنیای تشیع و به ویژه فرهنگ ایران است. (کرمانی، ۱۳۸۸: ۱۴۷)

بنابراین می توان گفت در طول هشت قرنی که از سعادت سهروردی می گذرد همواره فلسفه وی در حال اعتلاء بوده است و مکتب فکری وی یکی از تاثیر گذارترین نحله های فلسفی ایران به حساب آمده هر چند در چهار صد سال اخیر بسیاری از افکار سهروردی به نام فلسفه صدرایی رایج شده است. بنابراین می توان گفت فلسفه معاصر اسلامی بر سه ستون اصلی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



متکی است: ابن سینا، شیخ اشراق و صدرای شیرازی . هر چند شیخ اشراق حلقه واسط میان فلسفه مشاء و فلسفه صدرایی است. (کرمانی، ۱۳۸۸: ۱۵۲)

به دلایل مختلفی آثار سهروردی به زبان لاتین ترجمه نشد و دنیای غرب تا قرن بیستم وی را نمی شناخت. گر چه احتمالاً قبایلیان یهود با حکمه اشراق آشنا بوده اند و آقار وی به اسپانیای جنوبی رسیده بود. بعنوان نمونه ابن سبعین در رساله الفقریه خود به تلویحات سهروردی اشاره می کند. در قرن بیستم هانری کربن فرانسوی در راستای ترویج فلسفه اشراق تلاش بسیاری کرد و بخش مهمی از آثار سهروردی را به جامعه غرب و به ویژه فرانسه شناساند. آثار وی در توجه بیشتر جامعه های اسلامی به شیخ اشراق هم کاملاً موثر بوده است. گر چه هنوز آنچنان که شایسته فلسفه اشراق است گام های اصلی برداشته نشده است و دنیای اسلام در راستای بازیابی و اعتلای فرهنگی خود و دفاع از عقلانیت شرق ناچار است به متفکرانی چون سهروردی توجه خاصی داشته باشد و میراث فکری وی را ترویج و تعمیق کند. میراثی که وجوه سه گانه نقل، عقل و کشف را به نحو سازگاری ارائه می کند و تفسیری عقلانی و معنوی باطنی از وحی ارائه می دهد و از شریعت اسلامی تفسیری استدلالی و عرفانی ارائه می کند. چنانکه عرفان باطن فقه و فقه، شکل ظاهری عرفان محسوب می شود و عقلانیت روح حاکم بر فقه و عرفان به حساب می آید. و نور حقیقت در آینه استدلال و تجربه بر آدمی می تابد و ذهن، زبان و زندگی وی را نورانی میکند. (کرمانی، ۱۳۸۸: ۱۵۳)

تأثیر حکمت اشراق در معماری اسلامی

ایران همواره در حوزه معماری دارای آثار و سبک های منحصر به فردی بوده است. بخش عمدهای از این آثار متعلق به دوره اسلامی است. به طوریکه در دوره صفویه هنر اسلامی- ایرانی و در امتداد آن معماری رونق یافت. بررسی معماری عصر صفویه نشاندهنده رسوخ عمیق بنیانهای فکری و فلسفی اسلامی در آن است. یکی از مکاتب فلسفی مربوط به دوره اسلامی مکتب اشراق است. ارتباط تنگاتنگ معماری عصر صفوی با فرهنگ اسلامی سبب گردیده است تا محققان به این مسئله توجه جدی داشته باشند. با گسترش روابط خارجی و افزایش داد و ستدهایی فرهنگی میان جوامع مختلف، ایران نیز از این ارتباط فرهنگی تأثیر پذیرفت. این تأثیر در ابعاد مختلف جامعه قابل مشاهده است. معماری نیز یکی از این عرصه هایی است که بدون شک تحت تأثیر این مسئله قرار گرفته است. با بررسی تطبیقی آثار باقیمانده از دوره صفوی به عنوان میراث فرهنگ اسلامی با معماری دوره معاصر میتوان به کاربست مفاهیم و نمادهای حکمت اشراق در معماری این دوره دوره تاریخی پی برد(اطمینان و همکاران: ۱۳۹۹)

چنانکه بیان شد با وجود آن که سهروردی نیز چون بسیاری از حکمای اسلامی مستقیماً به هنر نپرداخته است، اما اندیشه نور محور اشراقی تأثیری عمیق و وسیع بر هنر سنتی ایرانی - اسلامی و از جمله معماری بر جای گذاشته است. گواه این سخن



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



مصادیق بسیاری است که می توان آنها را در نگاهی از سر تامل بر ابنیه مکتب اصفهان به عنوان آثاری که در اوج شکوفایی اشراق پدید آمده اند، به روشنی دید. (فتاحی و همکاران: ۱۳۹۶)

عالم مثال در حکمت اشراق

شیخ اشراق را نخستین نظریه پرداز عالم مثال در تمدن اسلامی می دانند. دیدگاه مهم او در حکمه اشراق و دیگر آثارش در اثبات عالمی میان عالم انوار و جهان ماده به عنوان برزخ بسیط میان عالم حاضر و آخرت (یا همان عالم المثال و جهان قائم بالذات صور و اشباح مابین عالم ملکوت و جهان مادی مشهود)، تاثیر مهم و بسزایی در بیان مراتب عالم در حکمت اسلامی گذاشت که تاثیر بر حضرات خمس ابن عربی از آن جمله است (فتاحی و همکاران: ۱۳۹۶)

نتیجه گیری :

با توجه به مطالب گفته شده تاثیرات سهروردی را از زوایای گوناگون بر تمدن اسلامی از نوع ایرانی را می توان مشاهده کرد. حکمت خسروانی او با اصالت ایرانی، تمدنی از نوع اسلامی - ایرانی را بوجود آورده و مدینه فاضله ای را ترتیب داده که در نوع خود منحصر به فرد بوده و یک حکومت الهی عادلانه را برای جامعه بشری معرفی کرده که عاری از تباهی و فساد می باشد

تفکر و بینش او در حکمت نورانی اشراق به قدری وسیع است که تاثیر آن در افکار و حتی در بناهای تاریخی را می توان دید. او با وجود عمر کوتاه اما پر برکت خویش افق های تازه را برای متفکران بعدی بوجود آورد و تمدن بزرگ ایرانی را با تمدن اسلامی، جهانی کرد و فخر ملی و نیاکان ما را دوباره به رخ جهانیان کشاند چرا که ایرانیان در قرون خیلی دور ادیانی پاک و یگانه و خسروانی عادل در حکومت را دارا بودند تاثیر مهم ایشان در بیان مراتب عالم و همچنین کوشش های علمی او موجب انشعاب طرق فکری و ایجاد راه های اندیشه در تمدن بزرگ اسلامی شد. و فلسفه شیخ اشراق را می توان حلقه واسط فلسفه مشایی و فلسفه صدرایی نام برد، که در واقع سه نوع فلسفه اسلامی مشایی، اشراق و صدرایی را می توان از مصادیق تمدن اسلامی نام برد.

منابع و مأخذ:

- ۱- تدین، عطاءاله، ۱۳۷۷، سهروردی شیخ اشراق مدیحه سرای نور، انتشارات تهران،
- ۲- حقیقت، عبدالرفیع، ۱۳۷۸، سهروردی شهید فرهنگ ملی ایران، انتشارات بهجت، انتشارات گومش، ایران،
- ۳- اکبری، فتحعلی، ۱۳۸۹، درآمدی به فلسفه اشراق، نشر آبادان، ایران
- ۴- حقیقت، عبدالرفیع، ۱۳۷۸، نقش ایرانیان در تاریخ تمدن جهان، کومش، تهران



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- ۵- کرمانی، عزیزالله افشار، ۱۳۸۸، طلوع فلسفه اشراق (مروری بر زندگی و آثار شیخ شهاب الدین سهروردی)، انتشارات همشهری، ایران، تهران
- ۶- فتاحی جم، سمیرا و ضیایی، ناجی پژمان، ۱۳۹۶، بازنمایی تاثیر حکمت اشراق بر شکل گیری ساختار فضایی در معماری اسلامی ایران، کنفرانس بین المللی مطالعات نوین در عمران، معماری و شهرسازی با رویکرد ایران اسلامی، مشهد، <https://civilica.com/doc/۷۳۲۷۵۳>
- ۷- اطمینان، لیلا، حسینی، سید بهشید، پناهی، سیامک. ۱۳۹۹. بررسی تطبیقی حکمت اشراق در معماری مساجد دوره صفویه و معاصر. هنر اسلامی، ۱۷(۳۹)، ۵۶-۲۸
[dx.doi.org/10.22034/1as](https://doi.org/10.22034/1as)

سبک زندگی عرفانی-اسلامی از منظر شیخ اشراق

بهمن زاهدی^۱، الناز نبلو^۲

۱. استادیار گروه الهیات و علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

zahedi@uma.ac.ir

۲. دانشجوی ارشد گروه الهیات و علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

elnaznabilo@gmail.com

چکیده

سبک زندگی به شیوه‌ی نسبتاً پایدار افراد و جوامع در جهت نیل به اهداف و یا حل مسائل و مشکلات خود اطلاق می‌شود و با تمام ابعاد و زوایای زندگی بشر سروکار دارد. هرچند سبک زندگی بیش‌تر متوجه رفتار انسان‌هاست؛ اما این رفتارها و گفتارها و حرکات و سکنات در سایه‌ی اندیشه‌ها و باورها به وجود می‌آید. پژوهش حاضر سبک زندگی عرفانی-اسلامی را از منظر شیخ شهاب‌الدین سهروردی مورد بررسی قرار داده و در راستای گردآوری اطلاعات از روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات کتابخانه‌ای بهره‌مند گشته است. تأمل در مبانی نظری و عملی شیخ اشراق بهترین الگوهای سبک زندگی را به بشریت عرضه می‌دارد. این الگوها در چهارچوب آموزه‌های دینی قرار داشته و در حل معضلات بشر در همه‌ی حیطه‌های فردی، اجتماعی، مادی و معنوی می‌تواند بسیار مؤثر و کارآمد باشد. نتایج حاصله حاکی از آن است که شیخ اشراق با طرح معانی‌ای همچون: وحدت نور، خمیره‌ی ازلیه‌ی حکمت، ریاضت و ترک تعلقات در راستای رسیدن به معرفت حقیقی و نیز اعتدال و میانه‌روی در توجه به زیبایی‌های مادی در جهت نیل به زیبایی حقیقی، و تبیین و ایده پردازی‌های ناب در هر یک از این زمینه‌ها، بهترین مؤلف‌های سبک زندگی را در ساحت‌های فردی، اجتماعی، مادی و معنوی ارائه نموده است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، شیخ اشراق، وحدت نور، خمیره‌ی ازلیه‌ی حکمت، ریاضت و ترک تعلقات، زیبایی‌های مادی

۱- مقدمه

سبک زندگی اصطلاحی مرکب از دو واژه‌ی «سبک» و «زندگی» می‌باشد. واژه‌ی سبک در زبان عربی معادل با واژه‌ی «اسلوب» و در زبان انگلیسی معادل با واژه‌ی «style» کاربرد دارد. ترکیب «lifestyle» (سبک زندگی) را برای نخستین بار دو جامعه‌شناس آلمانی به نام‌های جورج زیمل و ماکس ویر در آثار و تألیفات خود مورد استفاده قرار دادند (آتشین صدف، ۱۳۹۹: ۷۹، ۱۱۵)، ولیکن از آنجایی که آثار آنان تا دهه‌ی پنجاه قرن بیستم به انگلیسی ترجمه نشد، مشهور این است که آلفرد آدلر، بنیان‌گذار روان‌شناسی فردی، این اصطلاح را در سال ۱۹۲۹ میلادی برای توصیف ویژگی‌های زندگی آدمیان به کار برده است (فلاحتی، ۱۳۹۵: ۸).

در حقیقت، سبک زندگی شیوه‌ی کم و بیش ثابت و پایدار افراد، گروه‌ها و جوامع برای پیگیری اهداف و حل مشکلات خود است (کاوایانی، ۱۳۹۶: ۵۳). برخی سبک زندگی را نظام‌واره و سیستم خاص زندگی می‌دانند که به فرد، خانواده یا جامعه، با هویت ویژه

اختصاص دارد (شریفی، ۱۳۹۸: ۲۷). جامع‌ترین سبک زندگی، برنامه‌ای است که از آموزه‌ها و تعالیم اسلامی و قرآنی نشأت گرفته باشد. در همین راستا اندیشمندان مسلمان نیز در چهارچوب مبانی نظری و عملی خویش و با تأسی از دریافت‌های شهودی و تعالیم ناب اسلامی به ارائه‌ی الگوها و سبک‌های زندگی اقدام نموده‌اند. هرچند که سبک زندگی بیش‌تر به رفتار می‌پردازد؛ ولی تعیین این رفتار در سایه‌ی اندیشه‌ها، باورها و یافته‌هاست. لذا ما در پژوهش حاضر در صدد آن هستیم تا با تأمل در مبانی فکری و عملی شیخ شهاب‌الدین سهروردی، دستورالعمل‌ها و الگوهای شایسته‌ای را برای حیات بشریت استخراج نماییم. الگوهایی که در راستای تعالیم دینی بوده و با دیدی جامع‌نگر، بهترین راه‌حل‌ها را برای حل معضلات زندگی انسان در همه‌ی ابعاد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی در اختیار وی قرار می‌دهد. از این رو، مباحث این تحقیق در ذیل پنج عنوان طراحی شده و در هر عنوان ضمن پرداختن به مبانی حکمت اشراق در زمینه‌های وحدت نور، خمیره‌ی ازلیه‌ی حکمت، ریاضت و ترک تعلقات، جایگاه زیبایی‌های مادی در عروج معنوی، به دستاوردهای حاصله از هر کدام در جهت سامان دادن زندگی فردی، اجتماعی، مادی و معنوی اشاره می‌گردد.

۲- محبت فراگیر (صلح کل)

در عرفان اسلامی تمام جریان تفکرات عقلی و دریافت‌های شهودی، بر مبنای سه محور اساسی نور، وجود و عشق استوار است. در واقع سه نظریه‌ی «وحدت وجود»، «وحدت نور» و «وحدت عشق» شاهراه‌های اصلی عرفان اسلامی هستند که با بررسی دقیق‌تر آن‌ها متوجه می‌شویم که هر سه دارای عقیده‌ی واحد بوده و بیانگر یک مطلب مشترکی می‌باشند که به مقتضای زمان خود، در این سه ظرف بروز و ظهور یافته‌اند. بسیاری از استدلال‌های فلسفی که در مورد یکی از آن‌ها صادق باشد، عمدتاً در ارتباط با دو مورد دیگر نیز صدق کرده و همان نتایج به دست می‌آید. در بالاترین مرتبه‌ی هر سه، ذات احدیت مطرح می‌گردد که یکی آن را واجب‌الوجود، دیگری نورالانوار و آخری عشق حقیقی بلکه عشق و عاشق و معشوق ذاتی اصلی و حقیقی نامیده است. اوج اندیشه درباره‌ی نور در حکمت اشراق و در نزد پیروان شیخ شهاب‌الدین سهروردی (۵۵۰-۵۸۱هـ) مشاهده می‌گردد (افراسیاب پور، ۱۳۸۰: ۱۱۹). شیخ اشراق خداوند را در اوج قلّه‌ی زیبایی و جمال تصویر می‌کند. از این روی می‌گوید: «.....در عالم چیزی کامل‌تر و زیباتر از نورالانوار نبود.» (سهروردی، ۱۳۶۷: ۲۴۶) چرا که چیزی ظاهرتر از باری تعالی برای ذات خودش و برای دیگران وجود ندارد. و این میزان ظهور پروردگار برای ذات خویش، ادراک ویژه‌ای را نیز در پی دارد. و ادراک بیش‌تر نسبت به زیبایی، لذت بیش‌تر و عشق افزون‌تری را به دنبال خواهد داشت. لذا خداوند عاشق ذات خود و معشوق ذات خویش و دیگران است (سهروردی، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۳۵-۱۳۷). و این عشق به ترتیب در سایر موجودات عالم نیز تسری یافته است و جملگی از عشق الهی بهره دارند، چراکه از خداوند و زیبایی بهره دارند. شیخ اشراق همین معنا را در الالواح‌العمادیه چنین آورده است: «و الحق الأول اشدّ مبهجاً بذاته لآنه اشدّ الأشياء کمالاً و اشدّها ادراکاً لکماله، فهو عاشق لذاته فحسب، و معشوق لذاته و لغیره، و بعد عشقه و لذته بذاته، عشق‌المقربین و لذتهم به.» (سهروردی، ۱۳۹۷: ۶۰) شیخ اشراق این عشق فطری را اساس خلقت دانسته و تمام حرکات و تحولات و روابط وجودی میان اجزاء عالم اعم از انوار و برازخ را با این عشق تفسیر می‌نماید. به اعتقاد وی برترین عشق و عشق حقیقی، لقای پروردگار است. و تمام موجودات

هستی در آرزوی آن محبوب ازلی در حرکت و تطوّرند و تمام شور و شررهای عالم از آن مبدأ سرچشمه می‌گیرد. شیخ اشراق عشق را غایت و مستتهی درجه‌ی محبت می‌داند و چنین می‌گوید: «عشق خاص‌تر از محبت است، زیرا که همه عشقی محبت باشد اما همه محبتی عشق نباشد، و محبت خاص‌تر از معرفت است زیرا که همه محبتی معرفت باشد اما همه معرفتی محبت نباشد. و از معرفت دو چیز متقابل تولّد کند که آن را محبت و عداوت خوانند.» (سهروردی، ۱۳۸۸: ۲۸۶/۳)

بنابراین با توجه به عقیده‌ی وحدت وجود، مهرورزی به همه‌ی اجزاء جهان از اصول اساسی عرفان اسلامی و حکمت اشراق می‌باشد. زیرا بر مبنای این عقیده همه‌ی ذرات هستی از ذات باری تعالی نشأت گرفته و اساساً در جهان چیزی غیر از او وجود ندارد. پس هر چه هست از او بوده و سزاوار عشق و ورزیدن است. چنین دیدگاهی که از وحدت وجود آغاز می‌شود، در نهایت به صلح کل انجامیده و روابط انسان با جماد و نبات و حیوان و نیز سایر انسان‌ها بر مبنای آن تعریف می‌گردد. بخصوص توصیه می‌شود که انسان با هم‌نوعان خود در کمال مهر و عطوفت رفتار نموده و نسبت به آن‌ها گذشت و مدارا پیشه نماید. این پیام همیشگی عرفان به انسان‌هاست و به عنوان اصلی همه‌جانبه در تفسیر و تبیین هستی مورد استفاده قرار می‌گیرد. روشن است که گسترش این حس محبت و نوع‌دوستی تا چه پایه در اصلاح روابط فردی و اجتماعی مؤثر است. به نحوی که می‌تواند دل‌های مکدر را جلا داده و فجع‌ترین معطلات و مصائب تمدن بشری را چاره‌جویی نماید و چنین به نظر می‌رسد که تمدن پیش رو نیاز مبرمی به چنین دیدگاهی خواهد داشت.

۳- شادی، نشاط و خرسندی از هستی

از سوی دیگر، اگر همه‌ی هستی تجلی خداوندی است که زیبایی و نشاط و شادی مطلق است، قاعده‌ی ستخیت چنین اقتضاء می‌کند که موجودات وابسته‌ی به او نیز چنین ویژگی‌هایی داشته باشند. یعنی سراسر در شادمانی و نشاط باشند. بنابراین یکی از مهم‌ترین دستاوردهای چنین نگرشی، خشنودی نسبت به هستی و توجه به شادی و نشاط سایر انسان‌هاست که این ویژگی در دیگر عرصه‌های عرفانی نیز تأثیرگذار بوده است. دلیل و انگیزه‌ی اصلی این شادی و نشاط تجلی جمال الهی در تمام هستی است و در واقع مشاهده‌ی این زیبایی‌هاست که شادی و خرسندی می‌آفریند. به عبارت دیگر چنانچه هستی شور و گرمای خود را مدیون زیبایی و عشق است و آدمی نیز از همین مسیر به آسمان معنویت عروج کرده و مقامات عالی‌ی انسانی را می‌پیماید، شادی و خوش‌بینی نیز از همین‌جا نشأت می‌گیرد و چنین جهانی که تجلی‌گاه جمال الهی است، مملوء از عشق به خداوند بوده و همه‌ی ذرات آن در حال رقص و پایکوبی به سر می‌برند. سعدی شیرازی از بزرگان مکتب جمال این معنا را چنین بیان می‌دارد:

«به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست / عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست» (سعدی، بی‌تا: ۴۴۰)

نشاط و عشق با ذات و سرشت چنین جهانی درآمیخته است و هرگونه رنج و اندوهی در آن امری ناپایدار، عارضی و نسبی است. بنابراین وظیفه‌ی هر انسانی این است که شاد باشد و در شادی سایر انسان‌ها بکوشد تا بدین ترتیب هم‌سو با نظام هستی حرکت کرده و در کار آن اختلال ایجاد ننماید. چنانچه جناب سعدی می‌سراید:

«چرخ شنید ناله‌ام گفت منال سعدیا / کاه تو تیره می‌کند آینه‌ی جمال من» (همان، ۱۹۸)

در همین راستا همه‌ی ادیان و مذاهب نیز با وضع احکامشان در صدد بوده‌اند تا غم و اندوه را از میان بردارند و شادی را مهمان قلب‌های نوع بشر نموده و در نهایت موجب تقرّب آن‌ها به منبع محبت گردند. روایات بسیاری از شادمانی و نشاط پیامبران و امامان نقل شده است. از جمله این‌که درباره‌ی پیامبر(ص) آمده است که «وی با یارانش شوخی می‌نمود و به انواع ممکن آن‌ها را شادمان می‌ساخت.» (الجزائری، ۱۹۶۵م: ۷)

۴- تسامح و تساهل (کثرت‌گرایی)

هر دو واژه‌ی تسامح و تساهل از مصدر باب تفاعل بوده و تقریباً در یک معنای مشترک کاربرد دارند که عبارت است از: مدارا طلبی، آسان‌گیری، گذشت و اغماض، میانه‌روی و مخالف‌دوستی؛ و در اصطلاح به معنای برخورد احترام‌آمیز با سایر عقاید و آسان‌گیری در احکام دینی می‌باشد. البته این بدان معنا نیست که شخص عقاید خود را کنار بگذارد یا عقاید مخالفان را کاملاً درست بپندارد بلکه تساهل و تسامح در جامعه به این معناست که از روی آگاهی و با سعه‌ی صدر و از موضع قدرت به عقاید، روش‌ها، منش‌ها و جریانات سیاسی مخالف امکان ظهور و وجود بدهیم و وجود تکثر و تنوع عقاید و افکار را بپذیریم (فولادی، ۱۳۷۹: ۱۰۰-۱۰۱).

دین مبین اسلام به اقتضای این‌که برترین دین است همواره جانب کثرت‌گرایی و آزاد اندیشی را گرفته و در ضمن حفظ احترام عقاید دیگر، باورهای خود را مطرح نموده است. همه‌ی اولیای الهی و امامان معصوم نیز به همین شیوه موجب جلب قلوب انسان‌ها به سوی حق گشته‌اند. چنانچه پیامبر رحمت(ص) می‌فرماید: «بعثت بالحنيفية السمحة السهلة» (طریحی، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۵۸۸)؛ «من به دیانت سهل و آسان (نه حاد و مشکل) مبعوث گشتم.» از این‌جا می‌توان نتیجه گرفت که اسلام «دین سهله سمحه» دانسته شده است.

عرفای اسلامی نیز در ضمن پایبندی به شریعت همواره توجه خود را به باطن کلام خداوند معطوف داشته و با تأکید بر عناصر مشترک ادیان، تأویل‌ها و تفاسیر مختلف را پذیرفته‌اند. لذا از منظر آنان «الطرق الی الله بعدد نفوس الخلاق» است. یعنی راه‌های به سوی خداوند به تعداد انسان‌هاست. به موجب چنین دیدگاهی است که در تاریخ اسلام، عرفا عمده‌ترین تأثیر را در تغییر عقاید و راهنمایی و ارشاد دیگران بر عهده داشته‌اند. «در عرفان هر کسی که در جست‌وجوی خداوند باشد محترم و قابل تقدیر است. این مرحله‌ی اول و مهم‌ترین گام به سوی هدایت است. در مرحله‌ی دوم به این نکته می‌پردازیم که این شخص به خطا رفته یا راه را درست پیدا کرده، این قضاوت ثانوی و در درجه‌ی دوم است. عرفان و تصوف رعایت این مراحل را می‌نماید و ابتدا با کثرت‌گرایی به مرحله‌ی اول رسیدگی می‌کند و در این مرحله، جنگ هفتاد و دو ملت را عذر می‌نهد و در مرحله‌ی بالاتر به قضاوت ثانوی می‌رسد. از نظر عرفا، بت‌پرست هم از این نظر که گمان می‌کند خداوند را یافته و آن را پرستش می‌کند، مأجور و محترم است، اگر بت را به جای خداوند یکتا گرفته، دچار خطا و اشتباه گردیده، فردی که اشتباه کرده، غیر از مجرم در خطای عمدی است و نباید مرتد، کافر، مشرک و غیره شناخته شود و اعدام گردد. بلکه بایستی او را متوجه اشتباهش نمود. لذا از دیدگاه عرفا همه‌ی عقاید و ادیان در مرحله‌ی اول درست و به‌جا هستند و در این مرحله، مسجد و کلیسا و کنیسه و بتکده تفاوتی ندارد.» (افراسیاب‌پور، ۱۳۸۰: ۲۸۲-۲۸۳)

چنین باوری به صورت گسترده در سلوک عرفانی شیخ اشراق قابل پیگیری است. وی در کلمه‌التصوف بیان زیبایی دارد و می‌فرماید: «لا یلعبن بک اختلاف العبارات فأنه «إذا بعثر فی القبور» و أحضر البشر فی عرصه‌الله تعالی يوم القيامة، لعل من کلّ الف تسعمائة و تسع و تسعين، یبعثون من اجدانهم، و هم قتلی من العبارات، ذبائح سیوف الاشارات، الحقیقه شمس واحده لا تتعدد بتعدد مظاهرها من البروج. المدینه واحده و الدروب کثیره و الطرق غیر یسیره.» (سهروردی، ۱۳۹۷هـ. ق: ۴۳۱) مبدا اختلاف عبارات، تو را بازیچه‌ی خویش سازد. چه، آن‌گاه که آن‌چه در گورستان‌هاست، برانگیخته می‌شوند و در روز رستاخیز در عرصه‌ی الهی حضور می‌یابند، از هر هزار نفر، بتقریب، نهصد و نود و نه نفرشان کسانی‌اند که کشته عباراتند و مذبح شمشیرهای اشارات. حقیقت خورشید یگانه‌ای است و با تعداد برج‌ها که مظاهر اویند، چندگانگی نمی‌پذیرد. شهر یکی است و درها بسیار است.

در واقع شیخ اشراق قائل به خمیره‌ی ازلیه‌ی حکمت است و حقیقت حکمت را امری واحد می‌داند هرچند که راه‌های رسیدن به آن متفاوت باشد. از این رو، وی تلاش گسترده‌ای در زمینه‌ی تفسیر و تعبیر عقاید سایر ادیان و مذاهب داشته است. شیخ در کلمه‌التصوف (بند ۵۱) حتی اعتقاد به اقانیم ثلاثه در نزد مسیحیان را توجیه عقلی نموده است؛ و در همان‌جا (بند ۵۲) اعتقاد یهودیان را در نسخ توضیح داده و حقیقت مطلب زرتشتیان را بیان کرده است. به باور سهروردی، انبیاء (سهروردی، ۱۳۸۸: ۱/ ۱۱۱-۱۱۲؛ همان، ۱۵۶/۲) و حکمای فارس (همچون جاماسف و فرشاوستر و بوزرجمهر و زرتشت و دیگران) (همان، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۱) و حکمای یونان (همچون هرمس و انبازقلس و فیثاغورس و سقراط و افلاطون و دیگران) (همان، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۰، ۱۵۶) و حکمای هند (همچون بوداسف و دیگران) (همان، ۲/ ۲۱۷) و صوفیان و عارفان (همچون حلاج و ابویزید بسطامی و دیگران) (همان، ۴/ ۴۹) از این حکمت مقدس، آگاه بوده و به توحید و عوالم نوری معتقدند؛ اما چون به زبان رمز و مجاز و اشاره از آن خبر می‌دادند، گفتارشان متفاوت گشته است (همان، ۱/ ۱۱۲؛ همان، ۲/ ۱۰-۱۱). روشن است که چنین باوری از هر گونه برخورد متعصبانه‌ای به دور است. چرا که هیچ‌کس در آن عقاید خود را مطلق و کامل ندانسته و یا خط بطلانی بر عقاید دیگران نمی‌کشد. از این رو، عناصر مثبت هر اندیشه‌ای را پاس داشته و حضور یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر را برای هدایت بشر مغتنم می‌شمارد. بلکه لطف و رحمت الهی را شامل تمامی نوع بشر می‌داند و معتقد است هر کس از هر مسیری به سوی حق برود، مشمول رحمت و هدایت الهی می‌گردد. در این صورت است که هرگونه دو دستگی و اختلافی خاتمه می‌یابد و فرصت انتخاب، تفکر و حق‌جویی برای همگان فراهم می‌شود و هیچ‌کس در صدد تحمیل باورهای خود بر دیگران نخواهد بود.

در واقع چنین دیدگاهی بهترین الگوی سبک زندگی در ساحت فردی و اجتماعی را با خود به ارمغان آورده و با نگاهی کلی‌نگر همه‌ی ذرات هستی را جلوه‌ی جمال الهی می‌داند که با عشق او در حرکت‌اند و اساساً غیر از خدا وجود ندارد و چیزی در مقابل او نیست. حتی از نظر عرفا وجود شیطان نیز نیکو و زیباست. چرا که شیطان هم در دایره‌ی حکمت الهی قرار داشته و در خدمت اراده‌ی پروردگار است. این باور کاملاً در مقابل اعتقاد فقها و متشرعین قرار دارد که سعادت را تنها منحصر به افراد معدودی از داخل مذهب خود می‌دانند و رسالت همه‌ی پیامبران را باطل و پوچ شمرده و افراد خارج از مذهب خود را کافر و نجس و در آتش جهنم تصور می‌کنند. آنان با چنین دیدگاهی موجب ایجاد فرقه‌ها و مذاهب مختلف گشته و به اختلافات دامن زده و تاریخ بشر را خونین کرده‌اند.

۵- ترک دنیا و ریاضت

البته این نه به معنای رهبانیت است. بلکه به شیوهی خاص شیخ اشراق در حصول معرفت حقیقی و کشف واقع اشاره دارد. چرا که متدولوژی و روش شناخت حقیقت در نظام اشراقی مبتنی بر اندیشه و شهود است. اما در این روش، توصیهی مؤکدی بر کشف و شهود می شود. تعبیر خود شیخ اشراق در این رابطه چنین است که اگر ذوق بدون بحث باشد، ناقص است. اما اگر بحث بدون ذوق باشد، ناقص غیر معتبر است. یعنی نه تنها ناقص است بلکه از درجهی اعتبار نیز ساقط بوده و قابل اعتنا نیست (سهروردی، ۱۳۸۸: ۱/۳۶۱). بنابراین وی منافاتی میان عقل و عشق قائل نیست. بلکه آن دو را مکمل هم دیگر می داند و معتقد است که هر کدام در بخشی از مسیر تعالی دستگیر انسان شده و او را هدایت می کند. فلسفه‌ی اشراقی او نیز مشحون از نکات عرفانی ناب است. آثاری که توسط متقدمان در رابطه با احوال سهروردی تألیف شده است، گواهی می دهند که شیخ اشراق پیش‌تر از منش صوفیانه برخوردار بوده و به رسم آن‌ها جامه می پوشیده و به سبک و سیاق آن‌ها زندگی می کرده است. شیوهی زندگی او به شخصیت‌هایی مانند بایزید بسطامی و حلاج قرابت داشته است، نه این‌که مانند حکیمان و فلاسفه زندگی کرده باشد (ابن‌الوردی، ۱۹۹۶م: ۲/۱۰۲؛ مرآة‌الجنان، ۱۳۳۷هـ ق: ۳/۴۳۴). شیخ اشراق خود نیز صراحتاً به این موضوع اشاره می کند که حقایق بسیاری، از سنخ عالم عقل و عالم مثال و غیره را مکرراً مشاهده کرده است (سهروردی، ۱۳۸۸: ۱۰/۲). بنابراین، قرائن و شواهد حاکی از آن است که شیخ اشراق به طور مسلم از دقائق عرفانی نابی بهره‌مند بوده و از اشراقات معنوی و دریافت‌های شهودی نصیب‌های فراوان داشته است؛ و طبیعتاً ریاضت و دل‌کندن از تعلقات دنیوی از لوازم رسیدن به درجهی کشف و شهود است که شیخ اشراق بدان توجه دارد. سهروردی نفس انسان را نیز یکی از انوار مجرد می داند و به حکم این که می گویند نور ظاهر بالذات و مظهر للغير است، علم حضوری نفس به خود را می توان همان ظهور و تابش نورانیت نفس نزد خودش قلمداد کرد. در واقع نفس انسان به مثابه یک منبع نور هم خودش عین روشنایی است و هم همه چیز در پرتو انوار آن مبرهن و آشکار می گردد. و انسان هر چقدر که نفس خود را از آلودگی‌ها و زنگار گناه و توجه به کثرات دنیوی باز دارد و سعی بر مرتفع ساختن این حجب ظلمانی نماید، نفس او نورانیت و درخشش بیش تری یافته و در نتیجه مجلای حقایق افزون تری خواهد بود. از این جاست که می توان توصیه‌ی سهروردی را در تهذیب نفس، عبادت، دعا و نیایش درک کرد. او خود نیز در سیر باطنی اش، گاهی به فراخور احوالات خویش نجوایی با خداوند و ملکوتیان دارد. این نیایش‌ها همگی به یک اندازه نیستند و در میانشان کوتاه و بلند دیده می شود. در این نیایش‌ها از نظر محتوایی نیز تفاوت‌های چشم‌گیری دیده می شود و برخی فقط منحصر به حمد الهی و یا صلوات و درود بر پیامبر و آل او (ع) هستند و در برخی درخواست‌هایی از خداوند یا موجودات علوی صورت گرفته است (حبیبی و نصیری نصر، ۱۳۹۴: ۷۷). سهروردی در رساله‌ی «بستان القلوب دستورالعمل‌های نغزی در جهت ریاضت کشی دارد که رعایت آن‌ها چشم حقیقت بین سالک را می‌گشاید؛ و بهترین الگو و سبک زندگی را برای بشریت عرضه می‌دارد. طبق این رساله، سهروردی مهمترین ریاضات را گرسنگی، فکر و ذکر می‌داند. وی برای تأثیر غذا در سلوک عملی انسان اهمیت فراوان قائل است و گرسنگی را از صفات حق تعالی می‌شمرد. چرا که «هو

یطعم و لا یطعم»، لذا هر چقدر انسان کم تر بخورد بیش تر به صفات پروردگار موصوف می گردد و به تبع این صفت، صفت دیگر خداوند یعنی بی خوابی «لا تأخذہ سنۃ و لا نوم» نیز در او نمایان می شود. زیرا افرادی که کم می خورند به تبع آن کم تر نیز می خوابند. و در نتیجه ی کم خوردن و کم خوابیدن، شهوت و غضب نیز در آن ها رو به ضعف می نهند (سهروردی، ۱۳۸۸: ۳/ ۳۹۷). وی بعد از گرسنگی، فکر و ذکر را از اهمّ ریاضات شمرده و می گوید: «بعد از گرسنگی فکرست دایم در آلاء حق تعالی به عالم عنصریات و عالم ملکوت و فکر بعد از ذکر باشد» (همان). شهرزوری شاگرد و شارح کتاب حکمت الاشراق در باب نحوه ی سلوک و ریاضت و مجاهده شیخ این گونه نوشته است: « مسیحا شکل بود و قلندری صفت، ریاضت هایی می کشید که دیگران از تحمل آن ناتوان بودند. به دنیا بی توجه بود و کم التفات و در باب خوردنی و پوشیدنی پروا نمی کرد. به آن چه می آمد می ساخت. به ریاست و جاه و مقام و افتخار اعتنایی نداشت. بیش تر عبادتش گرسنگی و بیداری و تأمل و تفکر در عوالم الهی بود. اوقات زیادی را در اعتکاف می گذراند، کم حرف بود و به خود مشغول، سماع و موسیقی را به غایت دوست می داشت.» (شهرزوری، ۱۹۷۶: ۱۲۳-۱۲۴)

۶- اعتدال و میانه روی

شیخ اشراق در بند افراط و تفریط نبوده و معتقد است که باید از همه ی غرایز طبیعی و علایق ذاتی در جهت رشد و بالندگی و تعالی استفاده نمود. از این رو، وی زیبایی های مادی را نیز محل توجه قرار می دهد و از آن ها برای تعالی و رسیدن به مقاصد معنوی بهره می گیرد و بدون نادیده گرفتن این غرایز ذاتی، از آن ها استفاده ی درست و به جا می نماید. در تبیین جایگاه و نقش زیبایی های مادی باید گفت، چه بسا برای همگان میسر نباشد که بدون مقدمه چینی و استفاده از وسائط به جمال مطلق الهی نائل شده و از آن متلذذ گردند. لذا چنین افرادی باید از مراتب نازل زیبایی آغاز کرده و به کمک حس کمال طلبی، در نهایت به زیبایی مطلق برسند. بنابراین عشق ورزی به زیبایی های مادی در صورتی نتیجه بخش بوده و مورد تأیید قرآن نیز می باشد که انسان تنها به این زیبایی ها بسنده نکرده و بلکه آن ها را به عنوان وسیله و پُلّی برای نیل به مقاصد معنوی و کمالات برتر در نظر بگیرد.

شیخ اشراق تمام حقیقت زیبایی را منحصر در زیبایی عینی که مشهود حواس ماست، نمی داند. بلکه معتقد است که زیبایی های حسی و زمینی سایه و نمودی از حقایق ماوراء آن ها می باشند. و چه بسا افلاطون اولین فیلسوفی است که به این امر توجه داشته است. چرا که از دیدگاه وی زیبایی های محسوس در عالم طبیعت، سایه و نشانه ای از حقیقت زیبایی مطلق است که روح آدمی قبل از این که به بدن تعلق گیرد، آن را بی پرده و حجاب مشاهده نموده است. و از این رو زیبایی های حسی یاد آن زیبایی مطلق را در وجود انسان تداعی کرده و او را به سوی آن سوق می دهد (افلاطون، ۱۳۶۶: ۳/ ۱۳۲۱). لذا شیخ اشراق نیز به پیروی از افلاطون تمام زیبایی های زمینی و عشق های مجازی را واسطه ای برای نیل به جمال حقیقی می داند. دکتر ابراهیمی دینانی در این مورد می فرماید: « بررسی آثار سهروردی به خوبی نشان می دهد که این فیلسوف اشراقی بر اساس اصول فلسفی خود، لذت های حسی را صنم و سایه ئی از لذت های عقلی دانسته، و با تمسک به اشراقات انوار و عقول، نظام آفرینش را تفسیر کرده است.» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۰: ۵۸۱) بنابراین شیخ

اشراق در کنار لذت‌های عقلی، لذت‌های حسی را نیز به رسمیت شناخته و همه‌ی لذت‌ها را ناشی از امری نوری می‌داند. از دیدگاه شیخ اشراق حتی لذت شهوانی وقاع نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد. چرا که پیکر بی روح انسان مورد علاقه و اشتیاق واقع نمی‌شود، ناچار باید گفت جاذبه و جمال آدمی معلول نور اسپهد و نفس ناطقه‌ی وی می‌باشد. «... و کل لذة برزخیة ایضاً انما حصلت بأمر نوری رش علی البرزخ حتی ان لذة الوقاع ایضاً رشحٌ عن اللذات الحققة...» (سهروردی، ۱۳۸۸: ۲/ ۲۷۷) وی حتی انزعاج موجود در سماع را نیز با تابش انوار تبیین می‌نماید (همان، ۳/ ۳۱۹). اگر گزارش‌های حسین گازرگاهی را در مجالس‌العشاق درست بدانیم، در این کتاب شواهدی مبنی بر شاهدبازی شیخ اشراق نیز دیده می‌شود. چنانکه می‌خوانیم: «مرکز دایره‌ی اطاعت و شمول، حضرت شیخ شهاب‌الدین مقتول که مؤلف «حکمت اشراق» است، بر جوانی به غایت صاحب جمال از فرزندان حضرت شیخ شهاب‌الدین سهروردی (صاحب عوارف‌المعارف) عاشق بود.» (گازرگاهی، ۱۳۷۶: ۱۰۸)

یکی دیگر از جلوه‌های زیبایی، نغمه‌های دلگشا و روح‌انگیز است که استماع آن‌ها نقش مؤثری در تعالی روحی سالک دارد. از این رو مجالس سماع و ملزومات آن مانند رقص و دست‌افشانی مورد تأکید سهروردی بوده است. وی در رساله‌ی فی حالة‌الطفولیة در رابطه با فلسفه‌ی رقص صوفیانه چنین می‌گوید: سالک با سماع به یاد موطن اصلی خود می‌افتد و زمانی که جان قصد رفتن به عالم بالا را داشته باشد، مانند مرغی است که می‌خواهد قفس خود را شکسته و آزاد شود. مرغ جان وقتی این قدرت شکستن را ندارد قفس را با خود می‌گرداند و خود نیز سرگردان است. اگر این مرغ قوی باشد قفس را می‌شکند و پرواز می‌کند و کالبد او در زمین می‌ماند (سهروردی، ۱۳۸۸: ۳/ ۲۶۴) این رقص از نظر سهروردی رقص روح و جان سالک است که هوای پرکشیدن و رفتن دارد.

۷- نتیجه‌گیری

سبک زندگی به شیوه‌ی نسبتاً پایدار افراد و جوامع در جهت دستیابی به اهداف و یا حل مسائل و مشکلات خود اطلاق می‌شود. در پژوهش حاضر با تأکید بر بخشی از مهم‌ترین مبانی فکری و عملی شیخ اشراق، بهترین و کارآمدترین مؤلفه‌های سبک زندگی در ساحت‌های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی حیات بشریت حاصل آمده است که ملخص آن‌ها بدین قرار می‌باشد:

- نورالانوار در اوج قلّه‌ی زیبایی و عشق حضور دارد لذا مخلوقات او نیز به حسب اصل سنخیت، از این زیبایی و عشق نصیبی داشته و به مدد این عشق در حرکت و تطورند. دستاورد چنین باوری عرفان مثبت است که صلح کل و محبت فراگیر را برای جهانیان به ارمغان می‌آورد. چرا که بنا بر عقیده‌ی وحدت وجود (وحدت نور) تمام موجودات از ذات لایزال الهی نشأت گرفته‌اند و اساساً در جهان چیزی غیر از خداوند وجود ندارد، پس تماماً شایسته‌ی محبت و عشق‌ورزی می‌باشند. این باور رابطه‌ی انسان با جماد و نبات و به ویژه هم‌نوعانش را به نحو احسن سامان می‌دهد و بهترین اصول سبک زندگی فردی و اجتماعی را به بشریت عرضه می‌دارد.

- از سوی دیگر، اگر همه‌ی هستی تجلی خداوندی است که زیبایی و نشاط و شادی مطلق است پس مخلوقات وابسته‌ی به او نیز چنین ویژگی‌هایی دارند. به عبارتی دیگر، همان‌طور که هستی شور و گرمای خود را مدیون زیبایی و عشق است، شادی و خوش‌بینی نیز از همین‌جا نشأت می‌گیرد و چنین جهانی که تجلی‌گاه جمال الهی است، مملوء از عشق به خداوند بوده و همه‌ی ذرات آن در

حال رقص و پایکوبی به سر می‌برند؛ و وظیفه‌ی انسان این است که او نیز هم‌سو با کاروان هستی به شادمانی روی آورده و همچنین در شادی سایر انسان‌ها بکوشد. چرا که هر گونه غم و اندوه، نسبی و عارضی و ناپایدار بوده و با ذات و سرشت چنین جهانی در تضاد است.

- شیخ اشراق قائل به خمیره‌ی ازلیه‌ی حکمت بوده و حقیقت حکمت را امری واحد می‌داند هرچند که راه‌های رسیدن به آن متفاوت باشد. از این رو، وی تلاش گسترده‌ای در زمینه‌ی تفسیر و تعبیر عقاید سایر ادیان و مذاهب داشته است. به اعتقاد وی همه‌ی حکمای گذشته از این حکمت مقدس آگاه بوده و به توحید و عوالم نوری معتقدند؛ اما چون به زبان رمز و مجاز و اشاره از آن خبر می‌دادند، گفتارشان متفاوت گشته است. این معنا همان کثرت گرایی یا پلورالیسم غربی است که جوامع غربی در سال‌های اخیر مدعی آن گشته‌اند. روشن است که در نتیجه‌ی چنین باور ارزشمندی، هرگونه دودستگی و اختلافی خاتمه می‌یابد و فرصت انتخاب، تفکر و حق‌جویی برای همگان فراهم می‌شود و هیچ‌کس در صدد تحمیل باورهای خود بر دیگران نخواهد بود.

- متدولوژی و روش شناخت حقیقت در نظام اشراقی مبتنی بر اندیشه و شهود است. اما در این روش، توصیه‌ی مؤکدی بر کشف و شهود می‌شود. طبیعتاً ریاضت و ترک تعلقات از لوازم رسیدن به چنین مرتبه‌ای می‌باشد. البته این به معنای رهبانیت نیست بلکه به معنای ویژه‌ای از زهد دلالت دارد که بیش‌تر متوجه قلب و دل آدمی بوده و به معنی دل‌کندن از هوس‌های دنیوی و تعالی اهداف زندگی می‌باشد. بررسی شرح حال شیخ اشراق بیانگر این است که خود وی گاهی به فراخور احوالات خویش نجوایی با خداوند و ملکوتیان دارد. همچنین سهروردی در رساله‌ی *بستان‌القلوب دستورالعمل‌های نغزی* در جهت ریاضت‌کشی دارد که رعایت آن‌ها چشم حقیقت بین سالک را می‌گشاید؛ و بهترین الگو و سبک زندگی عارفانه و اشراقی را برای بشریت عرضه می‌دارد.

- شیخ اشراق در بند افراط و تفریط نبوده و معتقد است که باید از همه‌ی غرایز طبیعی و علایق ذاتی در جهت رشد و بالندگی و تعالی روحی استفاده نمود. از این رو، وی زیبایی‌های مادی را نیز به رسمیت شناخته و همه‌ی این زیبایی‌ها را با نور تبیین می‌نماید؛ و تاثیر آن‌ها را در رسیدن به زیبایی‌های حقیقی متذکر می‌شود. نظریات و رقص و سماع از جمله‌ی مواردی بود که در ذیل این عنوان مورد بررسی قرار گرفت.

مراجع

- ۱- آتشین صدف، ع. ۱۳۹۹، نظریه پردازان سبک زندگی؛ اندیشمندان غربی، انتشارات تیماس.
- ۲- افراسیاب‌پور، ع. ۱۳۸۰، زیبایی‌پرستی در عرفان اسلامی، انتشارات طهوری، تهران.
- ۳- ابراهیمی دینانی، غ. ۱۳۹۰، شعاع اندیشه و شهود در فلسفه‌ی سهروردی، انتشارات حکمت، تهران.
- ۴- ابن‌الوردی، ع. ۱۹۹۶م، تاریخ ابن‌الوردی، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- ۵- الجزایری، ن. ۱۹۶۵م، *زهرالربیع*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۶- افلاطون، ۱۳۶۶، مجموعه آثار، ترجمه و تدوین محمد حسن لطفی، انتشارات خوارزمی، تهران.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه
The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

- ۷-حبیبی، م.ع، نصیری نصر. زمستان ۱۳۹۴، منابع و مبانی نیایش ها و ادعیه در حکمت اشراق شیخ شهاب الدین سهروردی، نشریه حکمت معاصر، سال ششم، شماره چهارم.
- ۸-سعدی، بی تا، کلیات، مقدمه و شرح محمد علی فروغی، انتشارات جاویدان.
- ۹-سهروردی، ش. ۱۳۸۸، مجموعه مصنفات (۱)، به تصحیح و مقدمه هانری کرین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ۱۰-سهروردی، ش. ۱۳۸۸، مجموعه مصنفات (۲)، با تصحیح، تحشیه و مقدمه هانری کرین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ۱۱-سهروردی، ش. ۱۳۸۸، مجموعه مصنفات (۳)، با تصحیح، تحشیه و مقدمه سید حسین نصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ۱۲-سهروردی، ش. ۱۳۸۸، مجموعه مصنفات (۴)، با تصحیح، تحشیه و مقدمه نجفقلی حبیبی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ۱۳-سهروردی، ش. ۱۳۹۷ق، سه رساله، الألواح العمادیه، کلمة التصوف، اللمحات، تصحیح نجفقلی حبیبی، انجمن حکمت و فلسفه، تهران.
- ۱۴-سهروردی، ش. ۱۳۶۷، حکمة الاشراق، ترجمه و شرح از دکتر سید جعفر سجادی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۵-شریفی، الف. ۱۳۹۸، همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)، نشر معارف، قم.
- ۱۶-شهرزوری، ش. ۱۹۷۶م، نزهة الارواح و روضه الافراح (۲)، به کوشش خورشید احمد، دایرة المعارف العثمانیه، حیدر آباد دکن.
- ۱۷-طریحی، ف. ۱۴۱۴ق، مجمع البحرین، مؤسسه البعثه، قم.
- ۱۸-فلاحتی، ح. ۱۳۹۵، سبک زندگی؛ شاخص ها و زمینه ها، مؤسسه فرهنگی و هنری دین و معنویت آل یاسین.
- ۱۹-فولادی، م. ۱۳۷۹ش، تساهل و تسامح از منظر دین، مجله معرفت، شماره ۳۵.
- ۲۰-کاویانی، م. ۱۳۹۶، سبک زندگی خانوادگی از دیدگاه قرآن و مدرنیته، مجله تربیت اسلامی ۱۲ (۲۴).
- ۲۱-گازرگاهی، الف. ۱۳۷۶، مجالس العشاق، به کوشش طباطبایی مجد، نشر زرین، تهران.
- ۲۲-یافعی، ع. ۱۹۹۷م، مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان، دار الکتب العلمیه، بیروت.

تبیین نقش و رسالت زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی با رویکردی بر آموزه‌های قرآنی

دکتر آمنه شاهنده دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران shahande_a@pnu.ac.ir

چکیده

تمدن نوین اسلامی یکی از مسائل مهم و حیاتی جامعه اسلامی است که همواره مورد توجه و تأکید اسلام و مسلمانان بوده است. یکی از عناصر مهم هر جامعه‌ای در این مسئله حساس، زنان هستند که در عرصه‌ها و اعصار مختلف تأثیرات بسزایی در به ثمر رسیدن تمدن نوین اسلامی داشته‌اند. با توجه به رسالت ویژه زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی، این مقاله به روش مطالعه کتابخانه‌ای و با متدولوژی تحلیلی-توصیفی به تبیین رسالت و نقش زن در تحقق تمدن نوین اسلامی با رویکردی بر آیات قرآن کریم و بیانات مقام معظم رهبری می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نقش زن به‌عنوان عضوی از جامعه اسلامی و عضوی از خانواده خود، در رسالت‌های مادری، همسری و دختری تأثیرات ماندگاری را در تحقق تمدن نوین اسلامی داشته و خواهد داشت. در قرآن کریم نیز تأکیدات موجدی، بر وظیفه مادری و همسری زن نقش او در ارتقا تمدن و فرهنگ تک‌تک اعضای خانواده، آموزش فرزندان خانواده با رفتار صحیح و عالمان زن با شوهر در بطن و متن خانواده شده است.

واژگان کلیدی: زنان، رسالت، تمدن نوین اسلامی، آموزه‌های قرآنی

۱- بیان مسئله

مطابق با آراء و نظرات دین مبین اسلام، آنچه که در مسیر رشد و کمال و قرب الهی برای انسان موثر واقع می‌شود، تقوا و پرهیزکاری اوست که طبق وعده صادق الهی، عمل هیچ انسانی اعم از زن و مرد ضایع و باطل نخواهد شد. چه بسا زنانی که در این میدان، گوی سبقت را از مردان ربوده و به عنوان زن موثر و موفق و الگو، در جامعه شناخته می‌شوند. تفاوتها و تمایزات زن و مرد، با توجه به پتانسیلها و استعدادهای وجودی هر یک در نهاد او به ودیعه گذاشته شده است. مسئولیتها و وظایف هر دو از طرف خداوند حکیم، تبیین شده که مساوی با عدل و داد خداوندی است. یکی از نقشهای بسیار ویژه و کلیدی زن در جامعه که عموماً مورد غفلت قرار می‌گیرد، نقش و مسولیت حساس مادر و تربیت فرزند است. زن بر اساس نقش مادری خود، نقش حساس و مهمی را در تحقق و ایجاد تمدن و فرهنگ یک جامعه به عهده می‌گیرد. هر چند نقش مادری، محدود به دوران طفولیت فرزند نبوده و در همه شرایط بر عهده مادر است، اما مادر به عنوان یک زن فقط عهده دار این مسئولیت سنگین نبوده و در دیگر نقشهای خود اعم از نقش همسری، نقش خواهری، در تربیت فرهنگی دیگر افراد جامعه و نهایتاً تعالی فرهنگی و ارتقاء تمدن اسلامی جامعه نیز موثر است.

در اکثر مواقع، بی توجهی به مقام زن، و عدم دقت در تاثیرگذاری او در تحقق تمدن اسلامی، باعث اسبب دیدن اقشار مختلف جامعه می‌شود. زن هم به صورت مستقیم و حضور در جامعه و هم به صورت غیر مستقیم و با تاثیرگذاری در دیگر افراد جامعه، نقش

حیاتی خود را در تحقق تمدن اسلامی نشان می دهد. با این توصیف در صدد تبیین مسئولیت و نقش حیاتی در دارتقاء تمدن اسلامی هستیم.

۲- سوالات و فرضیه های تحقیق

- سوال اصلی: آیا زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی نقشی و رسالتی دارند؟
- سوالات فرعی:
 - ۱- آیا از منظر آموزه های قرآن کریم زن می تواند در ایجاد تمدن در کشور و جامعه نقشی ایفا بکند؟
 - ۲- آیا از منظر آیات قرآن زن می تواند در ایجاد و تحقق تمدن نوین اسلامی رسالتی را بر عهده داشته و آن را به نحو مطلوب انجام دهد؟
 - ۳- از نظرگاه قرآن، زن در چه نقشهایی در تحقق تمدن نوین اسلامی می تواند رسالت خود را انجام دهد؟
- فرضیه اصلی: زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش و رسالتی را بر عهده دارند.
- فرضیه های فرعی:
 - ۱- از نظر قرآن کریم، زن می تواند در ایجاد تمدن در کشور و جامعه خود نقشی ایفا بکند.
 - ۲- از نظر آموزه های قرآنی، زن می تواند در ایجاد و تحقق تمدن نوین اسلامی رسالتی را بر عهده داشته و آن را به نحو مطلوب انجام دهد.
 - ۳- از نظرگاه قرآن، زن به عنوان عضوی از اعضای جامعه، به عنوان مادر و به عنوان همسر، می تواند رسالت خود را در تحقق تمدن نوین اسلامی انجام دهد.
- ۳- پیشینه پژوهش
 - فرزانه محمدبار و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله ای تحت عنوان: تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری، معتقدند: تمدن نوین اسلامی برای ایجاد و بقاء، مولفه ها و شاخص هایی دارد که برخی همانند توجه به علم، تساهل و تسامح، تلاش و پشتکار در تمدن های دیگر نیز یافت می شود. و برخی نیز همانند مبنا بودن دین و اخلاق، توجه به عقلانیت معرفتی و ارزشی، خاص تمدن نوین اسلامی است.
 - یاسری زینب و اخوان نیلچی نفیسه (۱۳۹۷) در مقاله ای تحت عنوان تبیین الگوی مفهومی نقش آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی بر این باور هستند که: تبیین نقش زنان در تامین عناصر مورد نیاز برای تحقق تمدن نوین اسلامی گام اول تحقق این امر مهم به شمار می رود. زنان می توانند علاوه بر انگیزش، ترغیب و تشویق اعضای خانواده در درون خانواده و آحاد افراد جامعه در اجتماع در مسائل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از طریق اندیشه دهی و بروز کنش آگاهانه در برابر مسائل مبتلا به نظام اسلامی در موضوعات مربوط در سطح اجتماع و فراتر از آن در سطح جهان نیز نقش آفرینی کنند.

- طیبی ناهید و علیپور فاطمه (۱۴۰۲) در مقاله ای تحت عنوان بازخوانی جایگاه و نقش مادر و فرهنگ مادری در تمدن نوین اسلامی معتقدند: نقش و جایگاه مادر و فرهنگ مادری در تمدن سازی از آن جهت که مادران در ایجاد نسل و تداوم آن جایگاهی اساسی دارند و از دیگر سو، در تربیت انسانهای تمدن ساز، ایفای نقش می کنند، از مهمترین نقشهاست. اما بازخوانی کدهای موجود در داده های تاریخی و آموزه های اسلامی می تواند این نقش می تواند با وضوح بیشتر و حتی به طور مستقل و متمرکز بر نقش مادری بنمایاند. مادران انتقال دهنده تمام صفات پسندیده از نسلهای پیشین به نسلهای پسین و حلقه اصلی اتصال باورها و فرهنگها به آیندگان هستند و با وجود پاسداشت این حلقه اصلی می توان انتظار ایجاد تمدن نوین اسلامی را محقق ساخت.
- محمودی نسب معصومه و نیکوخصال معصومه (۱۴۰۰) در مقاله ای با عنوان: نقش بانوان در ایجاد تمدن نوین اسلامی با تاکید بر قرآن کریم و منویات مقام معظم رهبری معتقدند: جایگاه و موقعیت زن در همه مباحث مرتبط با تمدن اسلامی، به عنوان معیاری برای سنجش این تمدن در نظر گرفته شده است. از آنجا که تاریخو آینده در دستان مادران و زنان ی جامعه است، بررسی نقش زن در سه بعد خانوادگی، اجتماعی و فردی، به شناخت این جایگاه کمک می کند. زن مسلمان به عنوان حیاتی ترین عنصر تشکیل دهنده یک خانواده، اساسی ترین رکن یک جامعه و مهم ترین عنصر تغییر و ساخت سبک زندگی و تشکیل تمدن اسلامی است. زن تمد ساز اگر از جهت بعد فردی خود را تجهیز نکرده باشد، نمی تواند در سایر عرصه ها نیز تاثیرگذار و تمدن ساز باشد. بعد فردی وجود زن در دو ساحت شناختی و ارزشی تعریف می شود. در بعد شناختی، زن باید به مقام و منزلت خود پی ببرد و با حفظ ارزشهای وجودی خود، از وجود با برکت دردانه هایی همچون حضرت خدیجه کبری (س)، حضرت فاطمه (س) و حضرت زینب (س) الگو گیرد تا بتواند در مسیر تمدن سازی اسلامی موثرتر نقش آفرینی کند.

۴- مفاهیم

۴-۱ سبک زندگی

سبک زندگی به مجموعه ای از تمام رفتارها و فعالیتهای یک فرد در زندگی روزمره گفته می شود که تا حدودی نیازمند مجموعه ای از عاداتها است که از نوعی وحدت و هماهنگی برخوردار است و ارتباط بین گزینش های فرعی موجود در یک الگوی منظم را تبیین می کند. (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۱۲۱). سبک زندگی افراد تحت تاثیر مولفه هایی مانند فرهنگ، پوشش، شغل، هنر و ادبیات، و ... که پایه های فرهنگی و اجتماعی جامعه را شکل می دهند، قرار دارد. در شکل گیری سبک زندگی افراد عواملی مانند: علم، تکنولوژی، تاریخ، ادبیات، عرف جامعه و ... نقش اساسی دارند و با توجه به متغیر بودن این عوامل، سبک زندگی افراد جامعه نیز در حال تغییر خواهد بود. گفتنی است که سبک زندگی از مولفه های تاثیرگذار بر جامعه است که به دلیل متغیر بودن، در تمدن جامعه نیز موثر بوده و فرهنگ و تمدن جامعه نیز تغییر خواهد کرد.

۴-۲ تمدن

تمدن به معنای شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن و انتقال از حالت خشونت، توحش و جهل به ظرافت، انس و معرفت (عمید، ۱۳۷۶، ص ۶۱۵، دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۶۹۷۲) و در مقابل بادیه نشینی (گلستان قرآن، بیتا، ص ۳۸)

است. تمدن مجموع ساخته ها و اندوخته های مادی و معنوی جامعه انسانی است. (شریعتی، ۱۳۶۸، ص ۸). تمدن امری پویا و در حال تغییر است که در اثر رابطه میان به مادی و بعد معنوی ایجاد می شود، لذا برای حفظ پویایی تمدن، باید بعد مادی و معنوی آن پویایی و تحرک لازم را داشته و حفظ کند. (مقصودی و تیشه یار، ۱۳۸۰، ص ۱۵۸).

گفتنی است تمدن به حالتی از توسعه در زندگی فرد اطلاق می شود که توسعه فکری، فرهنگی، مادی و همچنین توسعه علمی و هنری را در بر می گیرد. لذا تمدن به مثابه فرهنگ یا جامعه ای است که در منطقه ای خاص و یا در دوره ای مشخص بروز پیدا می کند. در اصطلاح، مجموعه تدابیری است که انسان برای استفاده از طبیعت به منظور تامین احتیاجات زندگی به کار می برد، چون مبارزه با طبیعت و استفاده از آن مستلزم تعاون افراد با یکدیگر و تشکیل هیئت اجتماعی است. (شمیم، ۱۳۴۴، ص ۳۰۵). از نظر مقام معظم رهبری، تمدن به معنای زندگی توأم با نظم علمی، تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت های زندگی است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴).

۴-۳ تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، تمدنی است که همه مولفه های آن بر محور دین اسلام می گردد و با توجه به پسوند اسلامی خود، دارای آغاز و انجام است (جان احمدی، ۱۳۹۶، ص ۵۱). تمدن اسلامی، مجموعه افکار، عقاید، علوم، هنرها و صنایع است که با الهام از آموزه های دینی توسط مسلمانان پدید آمده است. به طور کلی می توان گفت، تمدن اسلامی با نگرش توحیدی تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه ای از ساخته ها و اندوخته های معنوی و مادی جامعه اسلامی، که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می دهد. تمدن اسلامی، مخصوص یک ملت یا نژاد خاص نیست. بلکه مقصود، تمدن ملتهای اسلامی است که عربها، ایرانیان، ترک ها و دیگران را شامل می شود که به وسیله دین رسمی، یعنی اسلام و زبان علمی و ادبی با همدیگر متحد شده اند. (دیانت، ۱۳۳۷، ص ۷). تمدن اسلامی، نه تقلیدکننده صرف از فرهنگهای سابق بود و نه ادامه دهنده محض، بلکه ترکیب کننده بود و نه تکمیل سازنده. (زرین کوب، ۱۳۸۱، ص ۲۹). این تمدن به درجه ای از عظمت و کمال و پهناوری است که آگاهی از همه جنبه های آن و احاطه بر همه انحای آن، کاری بس دشوار است.

۴-۴ تمدن نوین اسلامی

مقام معظم رهبری درباره مفهوم تمدن نوین اسلامی می فرماید: تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه جانبه است. اگر ما به دنبال یک مصداق عینی و خارجی برای درک معنای تمدن نوین اسلامی باشیم، می توانیم بگوییم هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳).

۵- نقش زن در تحقق تمدن اسلامی

همانطور که می دانیم سبک زندگی و تمدن از امور پویا در جامعه هستند و با توجه به نیازمندیهای جدید، سبک زندگی افراد یک جامعه تغییر کرده و در جهت پاسخگویی به نیازهای جدید برمی آید. با تغییر سبک زندگی نقش های جدیدی به افراد محول می شود. لذا می توان گفت که این افراد با ایفای نقشهای جدید خود به تغییرات اجتماعی پاسخ می دهند. زن به عنوان بخشی از عناصر

اصلی جامعه در این فرایند مهم نقش متفاوتی را ایفا می کند. نقشها و مسئولیتهای جدیدی که به عهده زن گذاشته می شود می تواند همسو با هنجارها و آرمانهای تعیین شده از سوی منابع تمدنی باشد و یا اینکه با آن منافات داشته باشد. تقریباً در تمام مباحثی که در رابطه با تمدن مطرح می شود، جایگاه و موقعیت زنان به عنوان معیاری برای سنجش سطح تمدن در نظر گرفته می شود. (مازیلش، ۲۰۰۴، ص ۱۵۷). مهمترین نقشی که دین مبین اسلام بر عهده زن گذاشته و زن می تواند با انجام بهینه آن وظیفه، در تحقق تمدن اسلامی نقش خود را به بهترین شکل ایفا کند، نقش تربیتی اوست. این نقش در نهاد خانواده با عنوان نقش و مسئولیت مادری در کنار دیگر نقوش زن من جمله نقش همسری توصیف می شود.

در جامعه امروزی که سبک زندگی به دلیل تکنولوژی و ارتباطات، در حال تغییر و دگرگونی است، نقشهای زنان متنوع تر و متفاوت تر از گذشته می شود. تغییر در سبک زندگی جامعه نیز بر تغییر در سبک زندگی زنان موثر می شود. لذا آنچه که باید در فرایند تمدن سازی و توجه به سبک زندگی متناسب با فرهنگ ایرانی به آن اهمیت داده شود، نقشهایی است که زن در فرایند دست یابی به تمدن باید به عهده بگیرد. بنابراین برای ساخت تمدن اسلامی لازم است که هویت تمدنی همیشه در مسیر تعالی و تکامل، تقویت شود و فقط از این طریق است که می توان به رسیدن به تمدن متفاوتی از دیگر تمدنها امید داشت و این هویت زمانی به طور صحیح شکل می گیرد که ریشه در ارزشهای ایرانی اسلامی داشته باشد.

۶- ابعاد مسئولیت و نقش آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی

زنان در تمام ابعاد زندگی خود اعم از فردی، اجتماعی و خانوادگی می توانند در تمدن سازی و فرهنگ سازی گامهای موثر و اساسی را برداشته و نقش خود را به نحو احسن ایفا کنند.

۶-۱ زن به عنوان عضوی از اعضای جامعه

دین مبین اسلام، با توجه به نگاه جمعی به انسان، برای او شخصیت اجتماعی نیز قائل است. هر فردی با توجه به جنبه اجتماعی زندگی خود یک سری وظایف و مسئولیتهای اجتماعی را نیز به عهده دارد. افرادی که در عرصه اجتماع، هویت و شخصیت اجتماعی را درک کرده و خطوط اصلی و مرزهای جامعه را شناخته باشند، مطمئناً جهت ارتقاء و پیشرفت جامعه از هیچ اقدامی قصور و کوتاهی نخواهند داشت. مقام معظم رهبری درباره حضور زن در اجتماع معتقد است: در عرصه فعالیتهای اجتماعی، سیاسی، علمی، زن مسلمان مانند مرد مسلمان حق دارد آنچه که مقتضای زمان است، آن خلایی را که احساس می کند، آن وظیفه ای را که بر دوش خود حس می کند، انجام دهد. چنانچه دختری مایل است پزشک شود یا فعالیت اقتصادی کند، یا در رشته های علمی کار کند یا در دانشگاه تدریس کند یا در کارهای سیاسی وارد شود یا روزنامه نگار شود، برای او میدانها باز است. به شرط رعایت عفت و عفاف و عدم اختلاط و امتزاج زن و مرد، در جامعه اسلامی میدان برای زن و مرد باز است. شاهد بر این معنا همه آثار اسلامی است که زن و مرد را به طور یکسان از مسئولیت اجتماعی برخوردار می کند. زنان هم باید در امور مسلمانان و جامعه اسلامی و امور جهان اسلام و همه مسائلی که در دنیا می گذرد، احساس مسئولیت کنند و به آن اهتمام ورزند. (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۷۵/۱۲/۲۰). مقام معظم رهبری در مورد پیروزی انقلاب اسلامی و مشارکت زنان در آن معتقدند: زنها ما را پیروز کردند، مادران شهدا، همسران جانبازان،

همسران اسرا و آزادگان ما، مادران اینها با صبر خود یک فضایی را در یک منطقه محدودی به وجود آوردند که آن فضا جوانها را، مردان را، به حضور مصممانه تشویق کرد و این در سراسر کشور گسترده شد. نتیجه این شد که فضای کشور ما یکسره فضای مجاهدت شد، فضای فداکاری و گذشت شد. اگرزنها در صفوف مقدم حضور خودشان را تقویت کنند و ادامه بدهند، پیروزی یکی پس از دیگری نصیب آنها خواهد شد. در این هیچ تردیدی وجود ندارد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۴/۲۱).

۶-۲ زن در نقش عضوی از اعضای خانواده

زنان نقش محوری در خانواده دارند و خانواده اساسی ترین بنیاد جامعه است؛ جامعه متمدن برگرفته از خانواده متمدن است. اگر خانواده متمدن شود و ارزشها، نگرشها و فرهنگ در آن به نحو مناسب شکل بگیرد جامعه حرکتی تمدنی را آغاز می کند در حالی که امروزه در آموزه های فمینیستی، زنان صرفاً به خارج از خانه هدایت می شوند تا توان تمدنی خود را از دست بدهند. زیرساخت تمدن اسلامی حاکمیت خداوند است و انسانها باید دست به دست هم دهند تا مبتنی بر ارزشها، رفتارها و نهادهای مشترک در جهان علیه ظلم ستیز کنند و مردان و زنان هرکدام نقش اصلی خود را در جامعه ایفا کنند. (قائمی، ۱۳۷۳، ص ۷۲).

نظام خانواده تمدن ساز است اما منظور کدام خانواده است؟ منظور ما خانواده ای است که در آن مادر محور است و روابط و ارتقای امنیت و آرامش در نهاد خانواده هدفمند و مبتنی بر عاطفه و اصول احترام متقابل است و مؤلفه هایی همانند کرامت مداری، تهذیب اخلاق، توسعه خرد، غایت محوری، و جامعه پذیری در آن وجود دارد و این گامی به سوی تمدن نوین اسلامی است. این آن چیزی است که در ادیان توحیدی، مخصوصاً تعالیم اسلام و شریعت نبوی و سیره معصومین (ع) برای یک زن مسلمان تبیین شده است. مسئولیت زن تمدن ساز مبتنی بر مؤلفه هایی است که اولین شاخصه آن علم و بصیرت مندی در انتخاب همسر و جایگاه اجتماعی شایسته است و اگر این اصول، معرفتی نباشد یقیناً زنان نمی توانند مسئولیت های خود را به خوبی انجام دهند.

اگر هدف این است که خانواده مقدس و پابرجا بماند، نقش و رسالت زن در حفاظت و گرمی آن فوق العاده است. زن نقشها و رسالتهای متعدد و فوق العاده ای در حیات اجتماعی و در سازندگی نسل بر عهده دارد که مهمترین آنها رسیدگی به خانه و خانواده و حفظ حریم خانواده است. زن ستون خسیمه خانواده است که ایستادگی آن به وجود قامت ایستای زن است. ارزش و بهای آن کانون زمانی مشخص است که در آنجا زنی در حال حرکت، تلاش، تکاپو و سازماندهی و ساماندهی باشد.

زن با تاثیرگذاری بر افراد جامعه در محور خانواده می تواند تاثیرات مطلوبی را در تک تک افراد خانواده خود داشته باشد. از نظر مقام معظم رهبری خانواده یکی از فرصتهای مهم و حیاتی انسان در جهت خودسازی و دگرسازی است. (خامنه ای، ۱۳۹۲، ص ۳۱) در این عرصه مهم زن می تواند هم خودسازی کرده و هم دیگر اعضای خانواده خود را تربیت کرده و ارتقا بخشد.

اصولاً خانواده بدون وجود زن زنگ و بوئی ندارد و خانه ای که در آن همه باشند و زن نباشد، خانه ای بی بها و بی رونق است. زن محیط خانه را گرم و مطبوع برای اعضای خانواده می سازد. زن در غیاب همسر و فرزندان به سازماندهی و سرو سامان دادن امور خانواده می پردازد و با ایجاد تغییرات مطلوب در آن، محیط خانه را گرم و مانوس ساخته و موجباتی فراهم می کند که همسر و فرزندان در آن به استراحت و آرامش پرداخته و خانه را مسکن و محل آرامش بدانند. زن مسلمان با دارا بودن نقش همسری و مادری

و با الهام گیری از آموزه های قرآن و بیانات مقام معظم رهبری، به عنوان عنصری کلیدی و نقش آفرین می تواند تأثیری چشمگیر در روند ایجاد تمدن نوین اسلامی در بطن خانواده داشته باشد. چرا که خانواده سالم باشد، قطعا آن خانواده و نهایتا جامعه مربوط به سعادت و نیکنامی خواهند رسید. مقام معظم رهبری، کرامت، عزت، ظرافت فطری و کارکرد زن را از خصوصیات گفتمان زن در اسلام بر شمرده و معتقدند خداوند جنس زن را به گونه ای خلق کرده که برخی امور عاطفی، تربیتی و حتی مدیریتی در خانه، فقط با ظرافت روحیه زنان قابل انجام است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با بانوان برجسته و فعال ۱۳۹۲/۲/۲۹).

در آیات ۶۷-۷۱ سوره مبارکه هود به نقش رفتاری و برخورد محترمانه زن به عنوان پذیرای مهمان و پذیرای اعضای خانواده اشاره کرده و می فرماید: «وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِأَبْشَرٍ قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامًا قَالُوا لَيْتَ أَنْ جَاءَ بِعَجَلٍ حَنِيدٍ فَلَمَّا رَأَىٰ أَسْبَدِيهِمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» و فرشتگان ما برای ابراهیم بشارت آوردند، گفتند: سلام، گفت: سلام و چیزی نگذشت که ابراهیم (ع) برای آنان گوساله ای بریان شده آورد و چون دید که دستانشان به سوی آن دراز نمی شود، به آنان احساس بیگانگی کرد و از آنان ترسی در دل یافت. گفتند: مترس ما به سوی قوم لوط فرستاده شده ایم و همسر او ایستاده بود و از بشارت الهی می خندید، آنگاه او را به اسحاق و پس از اسحاق، به یعقوب بشارت دادیم». این آیات نشانگر رفتار و برخورد گشاده روی یک زن برای میهمانان خانه و احساس راحتی آنها را در منزل نشان می دهد که چطور با روی گشاده و دست باز از میهمانان و فرستاده های خداوند پذیرایی می کند.

۳-۶ زن در نقش همسری

نقش همسری زن، نقشی بی بدیل و حساس است که جایگزری یا جانشینی برای آن وجود ندارد. زن در کانون خانواده در نقش همسری با رفتار مدبرانه، عالمانه و عادلانه خود همانند راهبری راهنما، برای تک تک اعضای خانواده نقش آفرینی می کند. زن با رفتار، کردار و گفتار صحیح خود، درس زندگی و همسررداری به فرزندان خود داده و آنها را زندگی خانوادگی، و حیات اجتماعی آشنا می کند و به آنها می آموزد که با همسران آینده خود مهربان و نیک رفتار باشند. امام خمینی (ره) معتقد بودند: از دامن زن، مرد به معراج می رود. (خمینی (ره) ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۳۴۱). مقام معظم رهبری معتقدند: برخی از افراد خیال می کنند، کمبود زن این است که مشاغل بزرگ ندارد، خیر این مشکل زن نیست. حتی آن زنی هم که شغل بزرگی دارد، به محیطی امن در خانواده، به یک شوهر مهربان و تکیه گاهی مطمئن نیاز دارد. طبیعت و نیاز عاطفی زن این است و باید برآورده شود. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

نقش زن در خانواده به عنوان همسر، نقش حساس و کلیدی خانواده است که هیچ بدل و جایگزینی نمی توان برای آن ترسیم کرد. زن در کانون خانواده به عنوان همسر، با رفتار و برخورد مدیرانه و مدبرانه همانند استادی ماهر و توانمند برای تک تک اعضای خانواده عمل می کند. فرزندی که رفتار محبت آمیز زن با شوهر و دیگر اعضای خانواده را در بطن خانواده خود می بیند، قطعا در آینده می تواند همسری رثوف و مادری و پدری مهربان برای فرزندان خود باشد. نتیجه رعایت اصول و موازین اخلاقی در خانه و خانواده از طرف مادر، ایجاد رضایت، آرامش، خرسندی، اطمینان خاطر، عزت نفس و حیاتی مسرت بخش و نهایتا تربیت فرزندان

متعادل و خوش اخلاق است. از نظر قرآن کریم، خانواده محل سکون و آرامش است و بر اساس مهر و محبت بنا نهاده شده است. خداوند در آیه ۲۱ سوره روم می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». «و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند».

زن به عنوان همسر وقتی به خوبی با اخلاق نیک و پسندیده، محبت و با تدبیر و آگاهانه با شوهر خود مرادده می کند و با همدلی و همراهی همسر خود در ایفای وظایف خود در خانواده و نهایتاً در جامعه برای پیشبرد تمدن نوین اسلامی و پیشرفت همه جانبه تلاش می کند، گامی مهم و اساسی برای تحقق تمدن نوین اسلامی برداشته است. در روایتی از امام باقر(ع) آمده است: خداوند متعال جهاد را بر مردان و زنان واجب کرد. جهاد مرد در این است که از مال و جاننش درگذرد تا در راه خدا کشته شود، و جهاد زن این است که بر آزار و اذیت های شوهرش صبوری پیشه کند و غیرتش را پاسداری نماید. (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۱۱).

۶-۴ زن به عنوان مادر خانواده

مادری بزرگترین و مهمترین مسئولیت زن است. مادری نقش عالی و ملکوتی انسان است و مادر از عجایب خلقت خداوندی است. او زنی است که جلوه ای از رحمانیت و عطوفت، مهر و محبت خداوندی را درباره طفل خود به منصفه ظهور می رساند. مهربانی و شفقت مادر بر فرزند خود و عاطفه اش نسبت به دیگران، ضرب المثلی بی بدیل و بی مانند است.

ایفای صحیح و درست رسالت مادری که بر عهده زن گذاشته شده است، در صورت انجام بهینه، تضمین کننده سلامت خانواده و جامعه خواهد بود. هر فردی از دوران طفولیت خود زیر نظر مادر و تحت تربیت او قرار گرفته و بزرگ می شود. وظایف و مسئولیت های خود را از همان اوان کودکی از نزدیکترین فرد خود یعنی مادر می آموزد و از همان کودکی یاد می گیرد که در آینده چطور ایفای نقش در جامعه داشته باشد تا بتواند فردی مفید و مطلوب برای جامعه خود باشد. نقش تاثیرگذاری مادر حتی در دوره جنینی نیز بر روی فرزند نیز به اثبات رسیده است. در دوره جنینی تمام حرکات و سکنات مادر، گفتارها شنیدارها و حتی تفکرات مادر در روح و روان فرزند خود تاثیر بسزایی دارد. مادر در خانه باید وقت خود را صرف تربیت، پرورش و نگهداری فرزندان بکند. به تناسب نیاز خانواده، خواست فرزندان و وسع مالی خانواده، تغییراتی را در خانه ایجاد کرده و محیط مناسب تربیتی- آموزشی و پرورشی مناسبی را برای فرزندان ایجاد می کند. ابتکارات و نوآوری های را در خانه بکار می برد تا خانه همچنان گرم، مطبوع، خواستنی و دلربا باشد و فرزندان در آن محیط گرم، احساس خوشایند و خوشبختی کرده و خانه و خانواده را محل امن و امان خود تلقی کنند.

مادر، عامل رشد و پرورش احساسات زبرگ و به ظهور رساندن استعدادها و شکوفا کردن توانمندی های درونی و موجب سعادت انسانها در همه اعصار و قرون است. مادر، دنیای کودک است. کودکی که از نوازشهای مادرانه، همصدائی و همزبانی مادر محروم باشد، هرگز بزرگ و مستقل نخواهد شد. فرزندگی که نخستین هسته وجودی او تحت تربیت و راهنمایی مادری متعهد، مقید و متقی شکل بگیرد، چنین فردی در آینده دچار آسیب های فردی و اجتماعی نشده و با تمام توان و قدرت خود گام های اساسی را در پیشرفت جامعه انسانی و اسلامی برخواهد داشت.

۷- نتیجه گیری

زنان عنصری سازنده و خلاق در جامعه که علاوه بر رسالتهای اجتماعی خود، وظیفه پرورش و تربیت نسلها را بر عهده دارند. نقش و رسالت زن در دین مبین اسلام به طور کامل و صحیح مشخص شده است. وظیفه اصلی زن، پرورش نسل خوب و تحویل به جامعه است. قسمتی از فعالیتهای زن در سبک زندگی جدید، به نهادهای اجتماعی واگذار شده است. نتایج این تغییرات در تمدن زن و فرزندان او پدیدار شده و باعث تغییر در تمدن و فرهنگ می شود. مهمترین نقشی که اسلام بر عهده زن نهاده و آن را زیر بنای ساخت یک تمدن اسلامی می داند، نقش مادری اوست. چرا که تمام تمدنها و فرهنگها توسط انسانهایی که تحت تربیت مادرانی فهیم قرار گرفته اند ساخته شده است لذا خواسته اسلام از زن، ارتقا سلامت روح و روان خود و ایجاد تاثیرات سهمگین و مثبت در روح و روان تک تک اعضای خانواده و رویت این تاثیر در جامعه است. در نهایت گفتنی است که اگر زن تمدن ساز از بعد فردی و اجتماعی تجهیز شده و بتواند شرایط ارتقاء سطح همسر و فرزندان خود را در خانه و خانواده تامین کرده و نقش مادری و همسری خود را به نحو مطلوب ایفا کند، می تواند در سایر عرصه ها نیز تاثیرگذار بوده و در تحقق جامعه آرمانی و تمدن نوین اسلامی موثر واقع شود.

- منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰
- ۳- بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴
- ۴- بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۰/۱۰/۱۴
- ۵- بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۴/۲۱
- ۶- بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳ دیدار با جوانان خراسان شمالی
- ۷- بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۲/۲/۲۹ در دیدار با بانوان برجسته و فعال
- ۸- جان احمدی فاطمه، ۱۳۹۶، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، معارف.
- ۹- خامنه ای سیدعلی، ۱۳۹۲، خانواده(به سبک ساخت زندگی مطول در محضر مقام معظم رهبری، تهران، مرکز صهبا، موسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی.
- ۱۰- خمینی روح الله، ۱۳۷۸، ج ۷، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- ۱۱- دهخدا علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.
- ۱۲- زرین کوب عبدالحسین، ۱۳۸۱، مارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر.
- ۱۳- شریعتی علی، ۱۳۶۸، تاریخ تمدن، تهران، قلم.
- ۱۴- شمیم علی اصغر، ۱۳۴۴، فرهنگ شمیم، بی جا، مدبرپ.
- ۱۵- طبرسی حسن بن فضل، ۱۳۶۵، مکارم الاخلاق، ترجمه، ابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

- ۱۶- طیبی ناهید و علیپور فاطمه، ۱۴۰۲، بازخوانی جایگاه و نقش مادر و فرهنگ مادری در تمدن نوین اسلامی، مطالعات اسلامی زنان و خانواده، سال ۱۰، ش ۱۹..
- ۱۷- عمید حسن، ۱۳۷۷، فرهنگ فارسی عمید، چ ۱۱، تهران، امیرکبیر.
- ۱۸- فرزانه محمدباقر و خیاط علی و صفرپور هادی، ۱۳۹۷، تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری، پژوهش های اجتماعی اسلامی، سال ۲۴، ش ۳.
- ۱۹- قائمی علی، ۱۳۷۳، حیات زن در اندیشه اسلامی، امیری.
- ۲۰- گلستان قرآن، بی تا، تهران، مرکز توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی.
- ۲۱- گیدنز آنتونی، ۱۳۸۲، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران.
- ۲۲- Mazlish, Bruce (2004) Civilization and its Contents. Stanford, CA: Stanford University -- Press.
- ۲۳- محمودی نسب معصومه و نیکوخصال معصومه، ۱۴۰۰، نقش بانوان در ایجاد تمدن نوین اسلامیا تاکید بر قرآن کریم و منویات مقام معظم رهبری، مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت، سال ۴، ش ۸.
- ۲۴- مقصودی مجتبی و تیشه یار ماندانا، ۱۳۸۸، تمدن ایرانی فرانسوی مرزها، تهران، تمدن ایرانی.
- ۲۵- یاسری زینب و اخوان نیلچی نفیسه، ۱۳۹۷ تبیین الگوی مفهومی نقش آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، ش ۲.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

جایگاه علم و اثرات کمال آفرین آن در تحقق تمدن نوین اسلامی

سید الیاس میر احمدی

رتبه علمی: سطح ۳/کارشناسی ارشد، تخصص: حوزوی (علوم اسلامی انسانی)، دانشگاه/حوزه علمیه اصفهان

پست الکترونیک: salaaam403@gmail.com

چکیده

بارها و به طور متعدد در مورد ارزش عمل مقرون با علم در بیان معصومین (علیهم السلام) سخن به میان آمده است تا حدی که آثار آن بر کیفیت رفتار و اعمال مسلمین و بالتبع رشد و تحقق تمدن نوین اسلامی نشأت گرفته از آن را نمی توان نادیده گرفت. با بررسی آیات و روایات در این بحث معلوم می شود تحقق تمدن نوین اسلامی، به کیفیت رفتار و اعمال مسلمین بستگی دارد. و هر تلاشی برای تکامل و بهتر شدن، در جهت هدف خلقت بشر است که در اعلی مرتبه (حدیث شریف کساء) به نقل متواتر از شیعه و اهل سنت خلقت خداوند را بر اساس وجود و محبت انوار مقدسه الهی یعنی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت ایشان (سلام الله علیهم اجمعین) به حساب می آورد چنانکه می توان گفت ایجاد تمدن نوین اسلامی در گرو الگو قرار دادن سیره مبارک حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت گرامی ایشان (سلام الله علیهم اجمعین) که متصف به علم الهی بوده اند و عمل به آن می باشد به طوری که این آبرومندان درگاه الهی هستند که غایت خداوند از خلقت انسان را تجلی بخشیده اند.

واژگان کلیدی: علم، انسان، اسلام، تمدن نوین اسلامی

مقدمه

در چهارچوب نگرش دینی، هم ایمان به خداوند به شناخت و معرفت وابستگی تام دارد، هم عمل به دستورهای دینی متفرع بر شناخت بوده و هم به دست آوردن کمالات معنوی و ارزش های اخلاقی در گرو علم و معرفت است. پس ایمان به خدا و عمل صالح که شرط های لازم برای دستیابی به سعادت اخروی از دیدگاه اسلام و ادیان آسمانی است نیز بر علم و معرفت مبتنی می باشد. هر چند مقالات و کتابهایی در حوزه ی عمومی با این زمینه به رشته نگارش درآمده، اما به صورت تخصصی این بحث مورد توجه قرار نگرفته است در حالی که این تحقیق سعی دارد تا نقش علم و ارتباط آن با تحقق تمدن اسلامی را برای جویندگان راه کمال و انسانیت بیشتر روشن گرداند. می توان گفت علم و معرفت نقش بی بدیلی در اعمال و رفتار انسان ایفا می کند. انسان باید علم خود را با مجاهدت و تلاش پی گیر در صحنه عمل صیقل دهد و از هرگونه پیرایه و شائبه ای مصون دارد. تنها چنین علم و شناختی است که با عمق وجود انسان پیوند خورده و در ایمان، نیت و عمل او متجلی شده و می تواند زمینه سعادت ابدی او را فراهم آورد. عمل و کردار مسلمین هم در پرتو علم و معرفت، ارزشمند خواهد شد و به درجه کمال می رسد تا بدان جا که می توان گفت تحقق تمدن نوین اسلامی به عنوان یک مقوله تمدنی جدید در عصر حاضر که مهمترین مؤلفه های آن دین، معنویت و اخلاق؛ علم و فناوری،

تعقل و خودباوری، وحدت، مجاهدت و استقامت، استقلال، آزادی و کرامت، عدالت، مردم سالاری دینی، اقتدار و امنیت و رفاه و پیشرفت است و وابسته به نقش بنیادین علم و دانش می باشد که در این مقاله به آن می پردازیم.
ارزش انسان ز علم و معرفت پیدا شود *** قدر ما در پای میزان عمل پیدا شود

علم و دانش

امروزه اهمیت علم و دانش بر بشریت مخفی نیست، همه مکاتب بشری و ادیان آسمانی بر کسب علم و دانش تأکید دارند و پیشرفت و ترقی در مسیر علم را افتخار آمیز می شمارند. لکن بدون تردید دین مبین اسلام بیش از هر دین و آیین دیگری به علم بها داده و انسانها را به تعلیم و تعلم فراخوانده است. آیات متعددی در قرآن کریم و احادیث بی شماری در مجموعه ارزشمند سخنان معصومین (علیهم السلام) در بیان اهمیت علم، جایگاه، تعریف، اقسام، شرایط و مسائل علم و آموزش و نیز مذمت جهل و آثار آن آمده است.

تعریف علم

علم به معنای دریافتن چیزی و به حقیقت آن پی بردن است.
امام صادق (علیه السلام) می فرماید: *الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ: (امام صادق علیه السلام، جلد ۱، صفحه ۱۶)* علم نوری است که خداوند آن را در دل هر کس از بندگانش که بخواهد، می افکند.
در لغتنامه دهخدا علم به معنای نشان کردن و آنچه بدان بر چیزی راه یابند، آمده است.

فلاسفه، تعریفهای مختلفی از علم ارائه نموده اند. از جمله آنان معتقدند: علم عبارت است از حاصل شدن تصویر چیزی در صفحه ذهن. برخی دیگر از فلاسفه علم را اینگونه تعریف کرده اند: علم قدرتی است که اشیاء با آن تشخیص داده می شوند.

نکته ای که نباید از آن غفلت ورزید این است که تعریف علم در مکاتب مختلف متفاوت است هر چند که وجه مشترکی نیز بین همه آنها وجود دارد. وجه مشترک آنها این است که همه به دانستن چیزی که انسان قبلا نمی دانست، علم می گویند، اما اسلام تنها دانشی را علم و ارزشمند می داند که جهت توحیدی داشته و بر خوف و خشیت انسان بیافزاید. لذا قرآن کریم می فرماید: *إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ: (سوره فاطر، آیه ۲۸)* از میان بندگان خدا، تنها عالمان از او می ترسند.

و در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: *(كَفَى بِخَشْيَةِ اللَّهِ عِلْمًا وَ كَفَى بِالْإِعْتِرَارِ بِهِ جَهْلًا)* (حرانی، جلد ۱ / صفحه ۳۶۴)
برای دستیابی به دانش ترس از خدا کافی است و برای فریفته شدن نادانی کافی است.

علم و اثرات کمال آفرین آن:

۱- طلب علم بر هر مسلمانی واجب است و فرا گرفتن علم در صورتی که با انگیزه الهی همراه باشد، به خودی خود کمال آفرین است ولی چون کمال انسان صرفا در سایه علم به سرانجام نمی رسد، از جهتی می توان گفت: علم وسیله است نه هدف. علم زمینه و انگیزه عمل و رفتار را در انسان ایجاد می کند و این دو با یکدیگر، کمال انسان را تأمین می کنند تا دنیا و آخرت او را آباد سازند.

۲- کمال انسان در علم و عمل است. برای رسیدن به کمال باید با دو بال علم و عمل پرواز کرد. علم بدون عمل و تقوا، انسان را زمین می زند همان گونه که پرنده با یک بال به زمین می خورد. علم بدون عمل همان علمی است که امام خمینی (رحمه الله علیه)

فرمود: العلم هو الحجاب الاكبر. (خمینی، ص ۱۸) که این عبارت روایت نیست اما جمله ای عرفانی است که بزرگانی همچون امام خمینی در کتب اخلاقی و عرفانی خود از این تعبیر استفاده کرده‌اند و هیچ منافاتی با روایات مربوط به فضیلت علم و عالم ندارد. البته عمل بدون علم نیز راه به جایی نمی‌برد و چه بسا موجب خسارت و گمراهی انسان شود.

۳- علم، بینش و معرفت می‌آورد، معرفت نیز یقین را ازدیاد می‌بخشد و ثمره یقین، اخلاص است. اخلاص هم با کمال عمل رابطه مستقیم داشته و توفیق رسیدن به (أحسن عملاً) را حاصل می‌نماید.

۴- خداوند در قرآن می‌فرماید: ((قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...)) (سوره زمر، آیه ۹) ای پیامبر! بگو: آیا کسی که عالم است با کسی که نمی‌داند برابر است؟ از این آیه معلوم می‌شود که عالم و غیر عالم در عمل یا کمال و تقرب به خداوند نیز با هم برابر نیستند.

۵- عالمی که به علمش عمل می‌کند، از عابدی که علم ندارد بسیار برتر است تا آن جا که امام باقر علیه السلام فرموده اند: عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ (کلینی، جلد ۱، صفحه ۳۳) عالمی که علمش مورد استفاده قرار گیرد از هفتاد هزار عابد برتر است. زیرا علم، دید انسان را وسعت می‌بخشد و بر روی تمام افعال انسان اثر می‌گذارد و از طریق علم و معرفت است که تمام حرکات و سکنات انسان، خدایی می‌گردد. رسول خاتم صلی الله علیه و آله، این نکته را به زیبایی، بیان می‌فرمایند: (وَالَّذِي نَفْسٌ مُحَمَّدٌ بِيَدِهِ لَعَالِمٌ وَاحِدٌ أَشَدُّ عَلَىٰ إِبْلِيسَ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ لِأَنَّ الْعَابِدَ لِنَفْسِهِ وَالْعَالِمَ لِغَيْرِهِ) (متقی هندی، جلد ۱۰، صفحه ۱۷۴، ح ۲۸۹۰۸) فرمود: قسم به خداوندی که جان محمد در دست او است، یک عالم بر شیطان سخت تر و دشوارتر از هزار عابد است چون عابد برای خود کار می‌کند (و تنها خود را حفظ می‌کند) ولی عالم علاوه بر خود برای دیگران نیز کار می‌کند (دیگران را نیز نجات داده و هدایت می‌کند) ۶- در آیه ۱۰۱: إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ (سوره فاطر، آیه ۲۸): از بندگان خدا، تنها علما و دانشمندان هستند که از او خشیت دارند و در روایات یکی از مصادیق أحسن عملاً (خشیت الهی) در عمل معرفی شده است: الإمام الصادق علیه السلام - فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا: لَيْسَ يَعْنِي أَكْثَرَ عَمَلًا وَلَكِنْ أَصْوَبَكُمْ عَمَلًا، وَإِنَّمَا الْإِصَابَةُ خَشْيَةُ اللَّهِ، وَالنِّيَّةُ الصَّادِقَةُ وَالْحَسَنَةُ.) (کلینی، جلد ۲، صفحه ۱۶، ح ۴)

امام صادق علیه السلام - در باره این سخن خدای عزّ وجلّ: (شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید): می‌فرمایند: منظور، بیشترین کار (عمل) نیست بلکه منظور، درستکارترین است. درستکاری، خشیت از خدا و داشتن انگیزه راست و درست است. پس خشیت الهی، کمالی در عمل انسان محسوب می‌شود و ثمره علم و آگاهی اوست بنابراین در می‌یابیم که عمل انسان بر علم و آگاهی استوار است.

در پایان این بخش می‌توان گفت علم و دانش، در اجرای عمل نیز نقش عمده‌ای دارد، به گونه‌ای که عمل آگاهانه و با معرفت، بسیار برتر و بالاتر از عملی است که با جهل و نادانی انجام شود و تحقق کردار خردمندانه و اعمال شایسته مسلمین و به دنبال آن تشکیل تمدن نوین اسلامی در گرو علم و معرفت است. إنشاء الله امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با ظهورشان بیایند و آرزوی دیرینه همه انبیاء و اوصیاء الهی برآورده گردد و پرچمداری انقلاب اسلامی ایران به دست مبارک ایشان برسد تا جهل ما را بزدایند و

با از بین بردن آن، مدینه فاضله‌ای عاری از افراطی‌گری در اسلام و مبری از جریان‌ها و اندیشه‌های تکفیر و فرقه‌های ضاله را تشکیل دهند که انتظار صالحان و مصلحین جهان است.

أَيْنَ مَبِيدِ الْعَتَاةِ وَالْمَرَدَّةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضَلُّبِ وَالْإِلْحَادِ أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مَذِلِّ الْأَعْدَاءِ. (فرازی از دعای ندبه)

شایان ذکر است، انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه‌ی پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند.

در چنین نقطه‌ی عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه‌ی این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند.

بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد.

این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) هست» نزدیک خواهد کرد. (خامنه‌ای، فراز ابتدائی بیانیه گام دوم انقلاب: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

نتیجه‌گیری

با پیروزی انقلاب اسلامی انگیزه‌ها و اراده‌ها برای احیای یک تمدن نوین اسلامی بر اساس مبانی دینی و علمی قوت یافت. علم و معرفت در فرهنگ اسلامی جایگاه والایی دارد و در آیات قرآن کریم و روایات به نقش علم در رشد و اعتلای فرهنگ و تمدن جوامع بشری تاکید شده است. فرهنگ متعالی اسلام به علم و دانش بشری برای رسیدن به رستگاری و سعادت انسان جهت می‌دهد و علم در بستر این تمدن و فرهنگ رشد یافته و موجب پیشرفت جامعه می‌شود.

نظر به این که دین اسلام آخرین دین الهی، مکمل و متمم دیگر ادیان آسمانی است و یکی از مؤلفه‌های مهم رفتار و اعمال مسلمین مؤلفه علم و معرفت می‌باشد، شایسته است به مقتضای این علم و آگاهی، پیروان سایر ادیان و مذاهب با انتخاب احسن به دین مبین اسلام و مذهب شیعه اثنی عشری که نقطه اوج آن انقلاب اسلامی ایران است، ایمان آورده و ملحق شوند تا خود را در راستای کمال و کمک به تحقق تمدن نوین اسلامی قرار دهند.

با بررسی آیات و روایات در این بحث معلوم می‌شود، هر تلاشی برای تکامل و بهتر شدن، در جهت هدف خلقت بشر است، و از این حیث که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت ایشان (سلام الله علیهم اجمعین)، مصداق کامل انسانیت در بین بشر هستند باید گفت خلقت خداوند هم به برکت وجود این انوار مقدسه الهی صورت گرفته است و تشکیل تمدن نوین اسلامی متوقف بر اجرای سیره ی مقدس و خواسته‌های این بزرگوران و در امتداد آن توجه به منویات ولی امر مسلمین امام خامنه‌ای عزیز (حفظه الله) می‌باشد.

و چه تعبیر زیبا و حکیمانه ایست انسان ۲۵۰ ساله که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) با خلق این تعبیر ائمه معصومین پس از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را به منزله یک انسان می دانند، (خامنه ای، فرازی از مقدمه کتاب) چرا که این عزیزان و مقربان هستند که به علم الهی متصف هستند و غایت خلقت خداوند از انسانیت را محقق ساخته اند همانطور که حدیث شریف کساء (قمی: صفحه ۱۲۲۶) به نقل متواتر از شیعه (علامه حلی، ص ۲۲۸ و ۲۲۹) و اهل سنت (حسکانی، جلد ۲ صفحه ۳۸ تا ۱۳۹)، این موضوع را تأیید می کند.

خداوند توفیق خدمت خالصانه جهت رشد و شکوفایی اسلام و مؤمنین عنایت بفرماید و بشریت و مسلمین را در مسیر علم نافع تمدن ساز و تحقق تمدن نوین اسلامی قرار دهد.

به امید تحقق یافتن هر چه زودتر مصداق آیه ی شریفه ((وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)) (سوره قصص، آیه ۵) و پایان یافتن درگیری های قومی - مذهبی و ظهور اراده ی الهی به دستان مبارک و با کفایت حضرت مهدی، قائم آل محمد (علیه السلام) تا همچون موسای کلیم (علیه السلام)، پشت طاغوتیان و فرعونیان زمان را بشکند و دستان استعمار و استکبار جهانی را قطع نماید و جامعه خسته از ظلم و بی عدالتی را در قالب تشکیل تمدن نوین اسلامی از نور علم و مهر و عدالت خود پر کند. (يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا) -- انشاء الله

در انتها خود را از دعاهای پر گوهر رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) برگرفته از فرازهای اخیر بی نصیب نسازیم:
پروردگارا! ما به این ملت شجاع، مؤمن، پراکنگیزه و حاضر در صحنه، افتخار و پیش تو شکرگزاری می کنیم.
ما به مکتب امام افتخار و شکرگزاری می کنیم. پروردگارا! خیر و رحمت و لطف خود را بر این ملت نازل کن. پروردگارا! دشمنان این ملت را منکوب کن. پروردگارا! این ملت عزیز و مؤمن را به همه هدفهای والا و آرمانهای خودش برسان. پروردگارا! از این ملت جزای خیری به امام بزرگوار - که این راه افتخار را به روی ما باز کرد و جلوی پای ما گذاشت - بفرست. پروردگارا! امام بزرگوار ما را با اولیائش محشور کن. پروردگارا! برکات خود را بر ملت و کشور ما نازل کن. و السلام علیکم و رحمۃ الله.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. امام صادق علیه السلام. ۱۴۰۰ق، مصباح الشریعہ و مفتاح الحقیقہ. بیروت: مؤسسۃ الأعلمی، چاپ اول
۲. حرانی، ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول، مؤسسہ النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین
۳. حسکانی، حاکم، ۱۴۱۱ق، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، نشر مؤسسہ طبع و نشر، تهران
۴. خمینی، سید روح الله، سال ۱۳۷۸ ه. ش، جهاد اکبر. مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
۵. خامنه ای، سید علی، سال ۱۳۹۶، همزمان حسین علیه السلام، انتشارات انقلاب اسلامی
۶. خامنه ای سید علی، سال ۱۳۹۷، فراز ابتدائی از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، دفتر رهبر معظم انقلاب
۷. علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۹۸۲م، نهج الحق و کشف الصدق، دارالکتاب اللبنانی، بیروت، چاپ اول



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه
The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۸. قمی، شیخ عباس، سال ۱۳۹۰، کلیات مفاتیح الجنان: نشر آئین دانش
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، اصول کافی، دارالکتب الإسلامیه، تهران
۱۰. متقی هندی، علی بن حسام الدین، ۱۴۰۱ ه / ۱۹۸۱ م، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال. مؤسسه الرساله

نقش آموزش و پرورش مقطع ابتدایی در تحقق تمدن نوین اسلامی

عاطفه مهدی زاده، آموزگار ابتدایی، کاشان، ایران

چکیده

آموزش ابتدایی نقش حیاتی در شکل‌دهی به جنبه‌های بنیادین هویت فردی، اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان دارد که برای ساخت تمدن نوین اسلامی ضروری هستند. به‌عنوان نخستین مرحله رسمی آموزش، این دوره برای نهادینه‌سازی ارزش‌ها و اصول فرهنگی اسلامی در کودکان بسیار مهم است. با گنجاندن آموزه‌های اسلامی در برنامه درسی و به‌کارگیری روش‌های خلاقانه آموزشی، مدارس ابتدایی می‌توانند دانش‌آموزانی پرورش دهند که به ارزش‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی پایبند باشند. این دانش‌آموزان برای مشارکت فعال در جامعه اسلامی آماده خواهند شد. در فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی، آموزش ابتدایی حساس‌ترین مرحله برای انتقال ارزش‌های دینی و فرهنگی به نسل‌های آینده است. از طریق برنامه‌های آموزشی مناسب و فعالیت‌های یادگیری تعاملی، کودکان می‌توانند مفاهیم بنیادین اسلامی مانند عدالت، مسئولیت‌پذیری و احترام به دیگران را درک و درونی‌سازی کنند. به‌این‌ترتیب، مدارس می‌توانند در شکل‌گیری نسلی مؤمن، مسئولیت‌پذیر و آماده برای مشارکت در شکل‌دهی یک جامعه اسلامی پیشرفته و عادلانه نقش مؤثری ایفا کنند. با تقویت توانایی‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان، آموزش ابتدایی آن‌ها را برای مشارکت فعال در جامعه آماده می‌کند. این دوره، بنیانی برای پرورش نسلی است که می‌تواند به رشد و پیشرفت تمدن نوین اسلامی کمک کند و در کنار پیشرفت‌های علمی و فناوری، عدالت، اخلاق و تعالی معنوی را ترویج دهد.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، آموزش و پرورش، هویت فردی، هویت اجتماعی

۱. مقدمه

تمدن نوین اسلامی به ایده‌ای اشاره دارد که در آن اصول و ارزش‌های اسلامی به عنوان مبنای اصلی برای توسعه همه‌جانبه جوامع مسلمان در نظر گرفته می‌شود. این تمدن بر اساس آموزه‌های دینی اسلام و با تأکید بر عدالت، اخلاق، علم و فناوری، مشارکت اجتماعی، و شکوفایی انسان در تمامی جنبه‌های زندگی شکل می‌گیرد. این تمدن نوین به دنبال ترکیب اصول اسلامی با دستاوردهای مدرن علمی و فناوری است تا جامعه‌ای پیشرفته، عادلانه و مبتنی بر عدالت اجتماعی، حقوق بشر، و مسئولیت‌های جمعی شکل دهد. تمدن نوین اسلامی نه تنها بر پرورش انسان‌های با اخلاق و دین‌مدار تمرکز دارد، بلکه از طریق تقویت آموزش، پژوهش، اقتصاد و نوآوری به تحقق یک جامعه پویا و شکوفا نیز می‌پردازد. در این دیدگاه، اسلام به عنوان یک نظام کامل زندگی دیده می‌شود که می‌تواند راه‌حل‌های مؤثری برای چالش‌های فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی مدرن ارائه دهد و به ایجاد تمدنی جهانی و فراگیر کمک کند.

تمدن نوین اسلامی مفهومی است که به بازآفرینی و احیای ارزش‌ها و اصول اسلامی در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی اشاره دارد. این تمدن بر پایه تعالیم اسلام به‌ویژه قرآن و سنت استوار است و هدف آن

ایجاد یک جامعه مبتنی بر عدالت، اخلاق، پیشرفت و معنویت است (مطهری، ۱۳۸۸). تمدن نوین اسلامی برخلاف تمدن‌های مادی‌گرا، به انسان به‌عنوان موجودی دو بُعدی می‌نگرد که هم نیازهای مادی و هم نیازهای معنوی دارد.

در این راستا، تمدن نوین اسلامی به دنبال ایجاد نظام‌هایی است که نه تنها در حوزه‌های فناوری و علمی به پیشرفت می‌رسند، بلکه این پیشرفت‌ها در خدمت تعالی اخلاقی و انسانی جامعه قرار دارند. بنابراین، یکی از اهداف کلیدی این تمدن، ایجاد پیوندی میان علم و دین است، به‌گونه‌ای که توسعه و پیشرفت مادی به افزایش تقوا و اخلاق جامعه منجر شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰). این تمدن تلاش دارد تا روحیه ظلم‌ستیزی، مقاومت و عدالت‌خواهی را در جوامع اسلامی تقویت کند.

آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، نقش اساسی در شکل‌دهی آینده جوامع اسلامی ایفا می‌کند. این نهاد نه تنها به انتقال دانش و مهارت‌ها به نسل‌های جدید می‌پردازد، بلکه ارزش‌ها، فرهنگ و هویت اسلامی را نیز تقویت می‌کند. در جوامع اسلامی، آموزش و پرورش ابزاری برای تربیت نسلی مؤمن، بااخلاق و توانمند است که بتواند به پیشرفت و توسعه تمدن اسلامی کمک کند. مطالعات نشان می‌دهند که تربیت دانش‌آموزان با آگاهی از ارزش‌های اسلامی و اصول اخلاقی، منجر به ایجاد جامعه‌ای مقاوم‌تر در برابر چالش‌های جهانی و فرهنگی می‌شود (Esposito, ۲۰۱۹). همچنین، نظام آموزشی که بر مبنای آموزه‌های اسلامی و ارزش‌های قرآنی باشد، نقش مهمی در تقویت هویت دینی و فرهنگی دانش‌آموزان دارد. آموزش و پرورش در جوامع اسلامی نه تنها به ارتقای دانش علمی و مهارت‌های فنی دانش‌آموزان توجه دارد، بلکه به تقویت هویت دینی و اخلاقی آن‌ها نیز اهمیت می‌دهد. تربیت نسل‌هایی که از نظر دینی آگاه و از لحاظ اخلاقی مسئولیت‌پذیر باشند، یکی از اهداف کلیدی آموزش در این جوامع است (نقیب‌زاده، ۱۳۹۲).

همچنین، آموزش و پرورش در جوامع اسلامی می‌تواند بستری برای رشد استعدادهای خلاق و پیشرفت‌های علمی باشد که در خدمت بهبود شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه قرار می‌گیرد. از این رو، توسعه نظام‌های آموزشی کارآمد و به‌روز که بر پایه اصول و ارزش‌های اسلامی بنا شده باشد، می‌تواند به رشد عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها کمک کند (باقرزاده، ۱۳۹۵). بعلاوه، آموزش و پرورش در جوامع اسلامی باید نقش فعالی در تربیت شهروندانی آگاه و توانمند داشته باشد که بتوانند در برابر چالش‌های فرهنگی و اجتماعی جهان معاصر ایستادگی کنند و به ساختن یک تمدن نوین اسلامی کمک نمایند. علاوه بر این، نهادهای آموزشی می‌توانند با ترویج ارزش‌های مشترک انسانی مانند عدالت، احترام متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز، نقش مهمی در ایجاد تفاهم و همبستگی میان ملت‌های اسلامی و غیراسلامی ایفا کنند. در واقع، آموزش و پرورش به‌عنوان ابزاری کلیدی در دست جوامع اسلامی، نه تنها به توسعه داخلی بلکه به تعامل سازنده با دیگر جوامع نیز کمک می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

دوره ابتدایی یکی از حساس‌ترین و تأثیرگذارترین مراحل آموزشی در پرورش ارزش‌های اخلاقی و دینی است. این دوره نه تنها اولین قدم برای انتقال دانش به دانش‌آموزان است، بلکه مرحله‌ای کلیدی برای شکل‌دهی شخصیت و باورهای دینی آنان به شمار می‌رود. بر اساس تحقیقات تربیتی، ارزش‌هایی که در این دوران به کودکان آموزش داده می‌شود، تأثیر عمیقی بر رفتار و نگرش‌های آن‌ها در آینده دارد (Vygotksy, ۱۹۷۸). این دوره به دلیل تأثیر عمیق بر شخصیت و هویت کودک، فرصت مناسبی برای

آموزش و نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی و دینی است. در این مقطع، کودکان در سنین حساس و پذیرایی قرار دارند و آموزه‌های اخلاقی و دینی به سرعت در ذهن و قلب آن‌ها جای می‌گیرد. به‌گفته پیازه، کودکان در سنین ابتدایی به‌دنبال الگوهای رفتاری خود هستند، و بنابراین، معلمان و والدین نقش کلیدی در تربیت اخلاقی و دینی آن‌ها ایفا می‌کنند (پیاژه، ۱۹۶۵).

یکی از دلایل اهمیت دوره ابتدایی در پرورش ارزش‌های دینی این است که در این سنین، کودکان توانایی درک مفاهیم ساده اما بنیادی دینی مانند عدالت، احترام به دیگران، و مسئولیت‌پذیری را دارند. از طریق فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مانند داستان‌گویی، نمایش‌ها و بازی‌های گروهی، این مفاهیم به‌طور طبیعی در زندگی روزمره آن‌ها نهادینه می‌شود (میرزایی، ۱۳۹۰). این فعالیت‌ها نه تنها به تقویت ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کنند، بلکه حس تعلق به جامعه و مسئولیت اجتماعی را نیز در کودکان پرورش می‌دهند. علاوه بر این، آموزش دینی در دوره ابتدایی باید به گونه‌ای باشد که کودکان به‌صورت طبیعی و با علاقه با مفاهیم دینی آشنا شوند. این امر نیازمند روش‌های جذاب و تعاملی است که آموزه‌های دینی را به زندگی واقعی کودکان پیوند دهد. به گفته برخی محققان، اگر ارزش‌های دینی و اخلاقی به‌درستی در این دوره آموزش داده شوند، تأثیرات عمیقی بر رفتار و نگرش‌های فرد در دوره‌های بعدی زندگی خواهند داشت (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

۲. نقش آموزش ابتدایی در تبیین اصول و ارزش‌های اسلامی

آموزش قرآن و مفاهیم دینی در دوره ابتدایی نقش اساسی در شکل‌دهی به شخصیت و تربیت دانش‌آموزان ایفا می‌کند. در این مقطع، کودکان به دلیل ذهن آماده و انعطاف‌پذیری که دارند، بهتر می‌توانند آموزه‌های دینی را دریافت و در زندگی خود به کار بگیرند. بر اساس آموزه‌های اسلامی، دوران کودکی فرصت مهمی برای کاشتن بذره‌های ایمان در قلب و ذهن کودکان است (مجتهدی، ۱۳۸۹).

آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی در دوره ابتدایی، به کودکان کمک می‌کند تا از سنین پایین به اصولی مانند صداقت، عدالت، همدلی و مسئولیت‌پذیری آشنا شوند. این مفاهیم به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در تعاملات اجتماعی خود از این ارزش‌ها استفاده کنند و در مواجهه با چالش‌های زندگی، تصمیمات درست بگیرند. تربیت دینی نیز در این دوره نقش مهمی در تقویت هویت دینی و اعتقادی دانش‌آموزان دارد، به طوری که آن‌ها از طریق آشنایی با آموزه‌های اسلامی و اخلاق دینی، پایه‌های ایمانی خود را مستحکم می‌کنند (Mujahid, ۲۰۰۲). بنابراین، دوره ابتدایی نه تنها فرصتی برای پرورش دانش‌های علمی است، بلکه بستری مناسب برای رشد شخصیت دینی و اخلاقی کودکان فراهم می‌آورد که به آن‌ها کمک می‌کند تا در آینده انسان‌های مؤمنی باشند که ارزش‌های دینی را در زندگی خود به کار می‌گیرند. در آموزش ابتدایی، مهم است که قرآن به‌عنوان کتاب هدایت معرفی شود و دانش‌آموزان علاوه بر خواندن، بتوانند مفاهیم عمیق آن را درک کنند. روش‌های تدریس باید متناسب با سن دانش‌آموزان باشد و از تکنیک‌های جذاب و تعاملی مانند داستان‌گویی و بازی‌های آموزشی استفاده شود تا انگیزه و علاقه آن‌ها به این مفاهیم تقویت شود (نوروزی، ۱۳۹۳).

ترویج اصول اخلاقی و معنوی از طریق آموزش‌های ابتدایی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا این دوره از زندگی کودکان به‌عنوان مرحله‌ای بنیادین در شکل‌گیری شخصیت و رفتار آن‌ها محسوب می‌شود. آموزش‌های ابتدایی می‌توانند به‌طور مؤثری ارزش‌های اخلاقی و معنوی را در کودکان نهادینه کرده و تأثیرات بلندمدت بر رفتار و نگرش‌های آنان داشته باشند. آموزش اخلاقی از طریق الگوهای عملی: در دوره ابتدایی، کودکان به‌طور طبیعی از معلمان و والدین خود الگو می‌گیرند. معلمان با رفتارهای خود و نحوه تعامل با دانش‌آموزان، می‌توانند ارزش‌های اخلاقی مانند احترام، صداقت، و همدلی را به کودکان منتقل کنند. این الگوهای عملی باید به‌گونه‌ای باشند که به‌طور غیرمستقیم و به‌طور روزمره به دانش‌آموزان نشان دهند که چگونه می‌توانند اصول اخلاقی را در زندگی خود به کار برند (کریمی، ۱۳۹۴). آموزش‌های ابتدایی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که به جذابیت و تعامل کودکان توجه داشته باشند. استفاده از روش‌های خلاقانه مانند داستان‌گویی، بازی‌های گروهی، و نمایش‌های آموزشی می‌تواند به انتقال مفاهیم اخلاقی و معنوی به شیوه‌ای مؤثر و ماندگار کمک کند. این روش‌ها نه تنها آموزش‌های اخلاقی را جذاب‌تر می‌کنند بلکه به یادگیری عمیق‌تر و عملی‌تر کمک می‌کنند (سلیمانی، ۱۳۹۲).

تربیت نسلی آگاه و مؤمن به اصول اسلام نیازمند تلاش‌های منسجم و استراتژیک در تمامی ابعاد آموزشی و تربیتی است. برای تربیت نسلی آگاه به اصول اسلام، لازم است که آموزش‌ها به‌صورت عمیق و جامع انجام شود. این آموزش‌ها باید شامل مفاهیم بنیادی اسلام مانند توحید، نبوت، معاد، و اخلاق اسلامی باشد. استفاده از منابع معتبر دینی و متون اسلامی، مانند قرآن و سنت پیامبر (ص)، به‌عنوان مبنای اصلی آموزش‌ها، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا درک صحیح و مستحکم‌تری از اصول اسلامی پیدا کنند (آیت‌الله مکارم شیرازی، ۱۳۹۵). برای مؤمن ساختن نسل جدید، تنها آموزش نظری کافی نیست؛ بلکه باید به‌طور عملی نیز اصول اسلامی را به‌کار گرفت. معلمان و والدین باید با رفتارهای خود، به‌ویژه در مواجهه با چالش‌ها و مسائل روزمره، الگوهای عملی از ایمان و عمل به اصول اسلامی باشند. این رفتارها باید نشان‌دهنده تطابق میان آموزه‌های دینی و عمل فردی باشد (مطهری، ۱۳۸۸).

بعلاوه، ترویج فرهنگ پرسش و پاسخ و ایجاد فضای گفت‌وگو در مورد اصول اسلامی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا تفکر انتقادی و تعمق در آموزه‌های دینی را تقویت کنند. این امر به‌ویژه در دوره نوجوانی که فرآیندهای شناختی و تفکری به بلوغ می‌رسند، اهمیت دارد. آموزش مهارت‌های تفکر نقادانه و تحقیق در مورد مسائل دینی به‌طور فعال به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا باورهای خود را بر اساس شناخت عمیق و آگاهانه بنا کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۲).

۳. تأثیر آموزش و پرورش بر شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی

مدارس ابتدایی نقش اساسی در تقویت هویت اسلامی دانش‌آموزان دارند، زیرا این دوره از زندگی کودکان فرصت مناسبی برای شکل‌دهی به هویت و شخصیت آن‌ها است. در اینجا به سه جنبه کلیدی که مدارس ابتدایی می‌توانند در تقویت هویت اسلامی دانش‌آموزان مؤثر باشند، اشاره می‌کنیم. اولین مورد آموزش مفاهیم بنیادی اسلامی است. مدارس ابتدایی باید برنامه‌های آموزشی خود را به‌گونه‌ای طراحی کنند که مفاهیم بنیادی اسلامی مانند توحید، نبوت، معاد و اصول اخلاقی به‌طور منظم و جذاب به دانش‌آموزان آموزش داده شود. استفاده از روش‌های تعلیمی مناسب نظیر داستان‌گویی، بازی‌های آموزشی و فعالیت‌های گروهی می‌تواند به درک

بهرتر و جذب بیشتر این مفاهیم کمک کند. تحقیقات نشان داده است که آموزش اولیه و منسجم مفاهیم اسلامی تأثیر عمیقی بر تقویت هویت دینی و اسلامی دانش‌آموزان دارد (فراست‌پور، ۱۳۹۷).

در مرحله بع مدارس ابتدایی باید محیطی فراهم کنند که در آن ارزش‌ها و اصول اسلامی به‌طور عملی و ملموس رعایت شود. این شامل رعایت آداب اسلامی در تعاملات روزمره، برگزاری مراسم و جشن‌های اسلامی، و تشویق به انجام عبادات در مدرسه است. همچنین، معلمان باید با رفتار و گفتار خود به‌عنوان الگوهای عملی برای دانش‌آموزان عمل کنند و اصول اسلامی را در زندگی روزمره خود به نمایش بگذارند (نجفی، ۱۳۹۴). نقش والدین و جامعه در تقویت هویت اسلامی دانش‌آموزان نیز بسیار مهم است. مدارس باید ارتباط نزدیکی با والدین برقرار کنند و آن‌ها را در فرآیند تربیت دینی و اسلامی فرزندان خود مشارکت دهند. برگزاری جلسات آموزشی برای والدین، مشارکت در فعالیتهای مذهبی و فرهنگی مدرسه، و ترویج فعالیت‌های جمعی که به تقویت هویت اسلامی کمک می‌کند، از جمله اقداماتی است که می‌تواند تأثیر مثبت داشته باشد (مهدوی، ۱۳۹۶). پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری و تعاون در کودکان از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌تواند تأثیرات مثبت بلندمدتی بر رشد شخصیت و مهارت‌های اجتماعی آن‌ها داشته باشد. در اینجا به سه روش کلیدی برای تقویت این ویژگی‌ها در کودکان اشاره می‌شود:

به‌منظور تقویت هویت جمعی و اسلامی، آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی برای دانش‌آموزان اهمیت دارد. این مهارت‌ها شامل توانایی کار تیمی، احترام به نظرات دیگران، و حل اختلافات به‌طور سازنده می‌شود. مدارس می‌توانند از طریق فعالیت‌های گروهی، بازی‌های آموزشی، و کارگاه‌های مهارتی، این مهارت‌ها را به دانش‌آموزان آموزش دهند. تقویت این مهارت‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به‌طور مؤثرتر با دیگران تعامل داشته و به توسعه یک جامعه اسلامی و همبسته کمک کنند (سلیمانی، ۱۳۹۵). جدول ۱ تأثیر آموزش و پرورش بر شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی بصورت خلاصه آمده است.

جدول ۱ تأثیر آموزش و پرورش بر شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی

نمونه‌های اجرایی	توضیحات	ابعاد تأثیر
برنامه‌های مشاوره و راهنمایی، فعالیت‌های خودشناسی و تقویت اعتماد به نفس، و آموزش مهارت‌های تصمیم‌گیری.	آموزش و پرورش نقش کلیدی در توسعه ویژگی‌های فردی، ارزش‌ها و اعتقادات شخصی دانش‌آموزان دارد. فردی	شکل‌گیری هویت
فعالیت‌های گروهی، پروژه‌های فردی، و تمرین‌های خودارزیابی.	کمک به دانش‌آموزان برای شناخت نقاط قوت و ضعف خود و آگاهی از ویژگی‌های شخصی خود.	تقویت خودآگاهی و خودشناسی
برگزاری فعالیت‌های گروهی، بازی‌های تعاملی، و مهارت‌های ارتباطی در کلاس‌های آموزشی.	آموزش و پرورش تأثیر زیادی بر تعاملات اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان دارد.	توسعه مهارت‌های اجتماعی

ابعاد تأثیر	توضیحات	نمونه‌های اجرایی
شکل‌گیری هویت اجتماعی	آموزش و پرورش به شکل‌گیری هویت اجتماعی از طریق آموزش فرهنگ، تاریخ و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی کمک می‌کند.	درس‌های اجتماعی، فعالیت‌های جمعی، و پروژه‌های مربوط به مسئولیت‌های اجتماعی.
ایجاد احساس تعلق و همبستگی	آموزش و پرورش به ایجاد احساس تعلق به گروه‌های اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کند.	فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، و برنامه‌های مربوط به جشنواره‌ها و مناسبت‌های خاص.
تقویت ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی	آموزش اصول اخلاقی و فرهنگی که به توسعه هویت فردی و اجتماعی کمک می‌کند.	تدریس ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی در قالب داستان‌ها، درس‌ها، و کارگاه‌های آموزشی.
تأثیر بر رفتار و نگرش‌ها	آموزش و پرورش تأثیر زیادی بر رفتار و نگرش‌های فردی و اجتماعی دارد.	ایجاد محیط‌های آموزشی مثبت، برنامه‌های تربیتی و توسعه مهارت‌های زندگی.
ترویج مشارکت و مسئولیت‌پذیری	آموزش و پرورش می‌تواند موجب ارتقاء احساس مسئولیت و مشارکت فعال در جامعه شود.	مشارکت در پروژه‌های اجتماعی، فعالیت‌های داوطلبانه، و مسئولیت‌های گروهی.

۴. پرورش مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی در راستای تمدن نوین اسلامی

تقویت مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان ابتدایی از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا این مهارت‌ها به کودکان کمک می‌کند تا به‌طور مؤثری با چالش‌های روزمره زندگی مواجه شوند و به یک فرد مستقل و مسئول تبدیل شوند. در اینجا به سه روش کلیدی برای تقویت این مهارت‌ها در دانش‌آموزان ابتدایی اشاره می‌شود. مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به‌طور مؤثری با چالش‌های زندگی مواجه شوند و تصمیم‌های منطقی بگیرند. مدارس می‌توانند از طریق فعالیت‌هایی مانند حل معماها، پروژه‌های گروهی، و بازی‌های آموزشی، این مهارت‌ها را تقویت کنند. به‌عنوان مثال، استفاده از بازی‌های فکری و معماهایی که نیاز به تحلیل و تفکر دارند، می‌تواند به تقویت توانایی‌های شناختی و حل مسئله کودکان کمک کند (سلیمانی، ۱۳۹۷).

مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی شامل توانایی‌های گوش دادن، بیان خود به‌طور مؤثر، و تعامل مثبت با دیگران است. مدارس باید فعالیت‌هایی را طراحی کنند که به کودکان فرصت دهد تا این مهارت‌ها را تمرین کنند. از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به بازی‌های گروهی، بحث‌های کلاسی، و پروژه‌های مشترک اشاره کرد. همچنین، آموزش نحوه حل اختلافات به‌طور سازنده و احترام به نظرات دیگران به تقویت روابط مثبت و ایجاد محیطی حمایتی در کلاس کمک می‌کند (مرادی، ۱۳۹۶). مهارت‌های خودمراقبتی و مدیریت زمان به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به‌طور مستقل وظایف خود را انجام دهند و زمان خود را به‌طور مؤثر مدیریت کنند. این مهارت‌ها

شامل انجام وظایف شخصی، حفظ نظم و ترتیب، و برنامه ریزی برای فعالیت های روزانه است. برای آموزش این مهارت ها، مدارس می توانند از روش هایی مانند تقویم های روزانه، فهرست برداری از وظایف، و استفاده از تکنیک های ساده مدیریت زمان استفاده کنند. این فعالیت ها به کودکان کمک می کند تا مسئولیت پذیری و خودنظمی را در زندگی روزمره خود تقویت کنند (حسینی، ۱۳۹۸). جدول ۲ می تواند به عنوان راهنمایی برای طراحی برنامه ها و فعالیت های آموزشی به منظور تقویت مهارت های زندگی در دانش آموزان ابتدایی استفاده شود.

جدول ۲ تقویت مهارت های زندگی در دانش آموزان ابتدایی

مهارت زندگی	توضیحات	فعالیت ها و روش های اجرایی
مدیریت زمان	آموزش دانش آموزان به منظور برنامه ریزی مؤثر و استفاده بهینه از زمان.	ایجاد جدول های زمان بندی برای فعالیت های روزانه و آموزش روش های برنامه ریزی و اولویت بندی.
مهارت های اجتماعی	تقویت توانایی های ارتباطی و تعامل مؤثر با دیگران.	برگزاری فعالیت های گروهی، بازی های تعاملی، و کارگاه های آموزشی درباره احترام و همدلی.
انتقادی	راه حل های خلاقانه.	استفاده از فعالیت های حل مسئله و معماها، و تشویق به تفکر پرورش توانایی تجزیه و تحلیل مسائل و یافتن حل مسئله و تفکر خلاق از طریق پروژه های تحقیقاتی و تجربی.
مهارت های مالی	مسئولانه از منابع مالی.	برگزاری کارگاه های آموزشی درباره پس انداز، بودجه بندی، آموزش اصول اولیه مدیریت مالی و استفاده و خریدهای مسئولانه.
سلامت و بهداشت	فردی و عمومی.	آموزش بهداشت فردی، تغذیه سالم، و ورزش منظم از طریق ارتقاء آگاهی دانش آموزان درباره اصول بهداشت کلاس های آموزشی و فعالیت های عملی.
ارتباطی	گوش دادن فعال.	تمرین های گفتاری و نوشتاری، داستان گویی، و فعالیت های تقویت توانایی های گفتاری و نوشتاری و توانایی مهارت های گروهی برای تقویت مهارت های ارتباطی.
انضباط	برای رسیدن به اهداف شخصی.	ارائه تمرینات و فعالیت هایی برای تقویت خودمدیریتی و آموزش تکنیک های خودکنترلی و انضباط فردی خودمدیریتی و ایجاد عادات خوب روزانه.
نفس	قوت و ضعف خود و ایجاد اعتماد به نفس.	برگزاری فعالیت های تشویقی، شناسایی موفقیت ها، و ارائه کمک به دانش آموزان برای شناخت و پذیرش نقاط توسعه اعتماد به بازخورد مثبت و سازنده.

مهارت زندگی	توضیحات	فعالیت‌ها و روش‌های اجرایی
مهارت‌های تصمیم‌گیری	تحلیل پیامدهای آموزش روش‌های منطقی و مؤثر برای تصمیم‌گیری مهارت‌های مختلف تصمیمات از طریق بازی‌ها و فعالیت‌های گروهی. صحیح و مسئولانه.	

۵. تأثیر آموزش و پرورش بر توسعه علمی و فناوری

نقش مدارس ابتدایی در پرورش خلاقیت و نوآوری بسیار مهم و اساسی است، زیرا این دوره از زندگی کودکان زمان مناسبی برای توسعه مهارت‌های ذهنی و ابتکاری آن‌هاست. در اینجا به سه روش کلیدی برای تقویت خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان ابتدایی اشاره می‌شود. محیط کلاس باید به گونه‌ای طراحی شود که خلاقیت و نوآوری را تحریک کند. این شامل استفاده از وسایل آموزشی متنوع، فضاهای کارگاهی، و امکاناتی است که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا ایده‌های خود را به عمل درآورند. استفاده از ابزارهای مدرن مانند نرم‌افزارهای آموزشی و تکنولوژی‌های جدید می‌تواند به تحریک تفکر خلاق کمک کند. همچنین، فضای کلاس باید به گونه‌ای طراحی شود که به دانش‌آموزان احساس آزادی و اعتماد به نفس در بیان و تجربه ایده‌های جدید را بدهد (رستمی، ۱۳۹۸).

آموزش علم و فناوری در راستای اهداف تمدن نوین اسلامی به منظور ارتقاء دانش و مهارت‌های فنی و علمی در جهت تحقق اصول اسلامی و توسعه پایدار جامعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از اهداف اصلی تمدن نوین اسلامی، ترکیب اصول و ارزش‌های اسلامی با پیشرفت‌های علمی و فناوری است. آموزش علم و فناوری باید با تأکید بر اصول اخلاقی و اسلامی، مانند صداقت، عدالت، و احترام به انسانیت، طراحی شود. در این راستا، برنامه‌های درسی باید شامل آموزش‌هایی باشند که به دانش‌آموزان یاد بدهند چگونه می‌توانند از فناوری و علم در خدمت ارزش‌های اسلامی و بهبود جامعه استفاده کنند. به عنوان مثال، آموزش‌های مرتبط با فناوری‌های نوین باید به دانش‌آموزان نشان دهد چگونه می‌توانند از این فناوری‌ها به طور اخلاقی و مسئولانه بهره‌برداری کنند (حسینی، ۱۳۹۸). تمدن نوین اسلامی بر توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی در جامعه تأکید دارد. به همین دلیل، آموزش علم و فناوری باید به گونه‌ای طراحی شود که به تقویت مهارت‌های علمی و فناوری در راستای نیازهای جامعه کمک کند. برنامه‌های آموزشی باید دانش‌آموزان را برای حل مشکلات واقعی جامعه و ارتقاء سطح زندگی مردم آماده کنند. این شامل پروژه‌های عملی، تحقیقاتی، و کاربردی است که به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا با مشکلات و چالش‌های جامعه آشنا شوند و راه‌حل‌های علمی و فناورانه برای آن‌ها ارائه دهند (عباسی، ۱۳۹۷). جدول ۳ می‌تواند به عنوان یک راهنما برای طراحی برنامه‌های آموزشی و تحقیقاتی در راستای اهداف تمدن نوین اسلامی استفاده شود.

جدول ۳ آموزش علم و فناوری در راستای اهداف تمدن نوین اسلامی

مفهوم	توضیحات	مثال‌های اجرایی
اصول توسعه پایدار	تجدیدپذیر در پروژه‌های علمی و آموزشی. به حفظ منابع طبیعی و محیط زیست کمک کند.	طراحی و استفاده از فناوری‌های سبز و انرژی‌های پاک بر استفاده از فناوری‌ها و علوم به گونه‌ای که
نوآوری و خلاقیت	ایجاد فضاهای خلاق برای ایده‌پردازی. مسائل اجتماعی و اقتصادی.	برگزاری مسابقات علمی و فناوری برای دانش‌آموزان و تشویق به نوآوری در علوم و فناوری به منظور حل
عدالت اجتماعی	دانش‌آموزان. توسعه فناوری‌های آموزشی به ویژه در مناطق کمتر برخوردار و فراهم آوردن ابزارهای آموزشی برای همه استفاده از علم و فناوری برای کاهش فاصله‌های اجتماعی و اقتصادی و افزایش عدالت.	توسعه فناوری‌های آموزشی به ویژه در مناطق کمتر برخوردار و فراهم آوردن ابزارهای آموزشی برای همه
اسلامی	اصول اسلامی بپردازد و پروژه‌های تحقیقاتی مرتبط با آن. اسلامی.	طراحی دوره‌های آموزشی که به بررسی تطابق بین علم و ترکیب مفاهیم علمی با اصول و ارزش‌های اعتقاد به آموزه‌های
بین‌المللی	همایش‌های جهانی با موضوعات مرتبط با تمدن اسلامی. تبادل دانش و تجربه‌های علمی.	مشارکت در پروژه‌های علمی بین‌المللی و برگزاری ایجاد ارتباط و همکاری با کشورهای دیگر به منظور همکاری‌های
آینده	فناوری‌های نوین در برنامه‌های درسی. آینده از طریق آموزش مهارت‌های جدید.	آموزش مهارت‌های دیجیتال، برنامه‌نویسی و استفاده از آماده‌سازی دانش‌آموزان برای مواجهه با چالش‌های آموزش مهارت‌های
کاربردی	حمایت از پروژه‌های تحقیقاتی که مشکلات محلی و ملی تمرکز بر پژوهش‌هایی که به حل مسائل واقعی پژوهش‌های	را بررسی و راه‌حل‌هایی ارائه دهند. جامعه کمک کند.
و تحلیلی	استفاده از روش‌های تدریس مبتنی بر حل مسئله و تحلیل تقویت توانایی دانش‌آموزان در تحلیل و نقد مسائل توسعه تفکر انتقادی	داده‌ها در کلاس‌های علمی. علمی و فناوری.

یکی از اصول مهم تمدن نوین اسلامی، تشویق به تفکر انتقادی و نوآوری است. آموزش علم و فناوری باید به گونه‌ای طراحی شود که به دانش‌آموزان توانایی تحلیل مسائل پیچیده و ارائه راه‌حل‌های نوآورانه را آموزش دهد. استفاده از روش‌های آموزشی مبتنی بر پروژه، آزمایش‌های عملی، و حل مسئله‌های واقعی می‌تواند به تقویت این مهارت‌ها کمک کند. این رویکردها به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهند تا در زمینه‌های علمی و فناوری به‌طور خلاقانه و انتقادی فکر کنند و به توسعه تکنولوژی‌های جدید و راه‌حل‌های ابتکاری بپردازند (زارعی، ۱۳۹۹).

پرورش استعداد های علمی برای ساختن آینده ای بهتر یکی از اهداف کلیدی نظام های آموزشی مدرن است. این فرایند نه تنها به ارتقاء فردی و حرفه ای دانش آموزان کمک می کند بلکه به توسعه پایدار و پیشرفت جامعه نیز منجر می شود. در اینجا به سه جنبه مهم در این زمینه پرداخته می شود. شناسایی و تقویت استعدادها از سنین پایین: شناسایی و تقویت استعداد های علمی باید از سنین ابتدایی شروع شود. معلمان و مدارس باید به طور فعال به شناسایی استعداد های خاص هر دانش آموز بپردازند و برنامه های آموزشی متناسب با این استعدادها طراحی کنند. این شامل ارائه فعالیت های متنوع، چالش های علمی، و پروژه های تحقیقاتی است که به دانش آموزان این امکان را می دهد تا استعداد های خود را شناسایی و پرورش دهند. به عنوان مثال، ایجاد باشگاه های علمی و تکنولوژی، برگزاری مسابقات علمی و فراهم کردن فرصت های پژوهشی می تواند به رشد استعداد های علمی دانش آموزان کمک کند (حسینی، ۱۳۹۹).

فراهم کردن منابع و امکانات آموزشی متنوع: برای پرورش استعداد های علمی، دسترسی به منابع و امکانات آموزشی متنوع و پیشرفته ضروری است. مدارس باید به تجهیز خود با امکانات مدرن مانند آزمایشگاه های علمی، ابزارهای فناوری اطلاعات و نرم افزارهای آموزشی بپردازند. همچنین، تأمین منابع آموزشی مناسب و فرصت های آموزشی خارج از کلاس، مانند کارگاه های تخصصی، دوره های تابستانی، و برنامه های تبادل علمی، می تواند به ارتقاء دانش و مهارت های علمی دانش آموزان کمک کند (موسوی، ۱۴۰۰).

تشویق دانش آموزان به تحقیق و نوآوری یکی از روش های کلیدی برای پرورش استعداد های علمی است. معلمان باید به دانش آموزان فرصت دهند تا پروژه های تحقیقاتی و علمی خود را به طور مستقل یا در گروه های کوچک انجام دهند. این فعالیت ها می تواند شامل طراحی و اجرای آزمایش ها، تحقیق در زمینه های جدید علمی، و ارائه نتایج به دیگران باشد. همچنین، فراهم کردن فرصت هایی برای مشارکت در کنفرانس ها و نمایشگاه های علمی به دانش آموزان کمک می کند تا نتایج تحقیقات خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و از تجربیات دیگران بهره برداری کنند (کریمی، ۱۳۹۸).

۶. نقش معلمان ابتدایی در تربیت نسل آینده

نقش معلمان به عنوان الگوهای رفتاری در فرآیند آموزشی و تربیتی بسیار حیاتی است. معلمان نه تنها به عنوان منبع علمی و آموزشی عمل می کنند، بلکه رفتار و نگرش های آن ها نیز به طور مستقیم بر دانش آموزان تأثیر می گذارد. معلمان با رفتار و اخلاق حرفه ای خود، الگوهای رفتاری را برای دانش آموزان فراهم می کنند. دانش آموزان به طور طبیعی به رفتار و تعاملات معلمان خود توجه می کنند و از آن ها تقلید می کنند. اگر معلمان به اصول اخلاقی و رفتار حرفه ای پایبند باشند، این تأثیر مثبت را بر رفتار و نگرش های دانش آموزان خواهد داشت. برای مثال، معلمان که احترام متقابل، صداقت، و تعهد به وظایف را نشان می دهند، به طور طبیعی دانش آموزان را نیز به این رفتارها ترغیب می کنند (سلیمی، ۱۳۹۷).

معلمان به عنوان الگوهای مثبت می توانند به تقویت انگیزه و اعتماد به نفس دانش آموزان کمک کنند. از طریق تشویق و حمایت مستمر، معلمان می توانند دانش آموزان را به تلاش بیشتر، پذیرش چالش ها، و پیگیری اهداف خود ترغیب کنند. هنگامی که

معلمان به دانش آموزان خود اعتماد دارند و به موفقیت آن‌ها ایمان دارند، این اعتماد به نفس را به دانش آموزان منتقل می‌کنند و آن‌ها را به تلاش و پیشرفت بیشتر ترغیب می‌کنند (موسوی، ۱۳۹۸). معلمان با نقش آفرینی به‌عنوان الگوهای رفتاری می‌توانند فرهنگ آموزشی مثبت را در کلاس ایجاد کنند. با ارائه رفتارهای مثبت، مسئولانه، و احترام‌آمیز، معلمان می‌توانند به ترویج ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در میان دانش آموزان کمک کنند. این شامل احترام به قوانین کلاس، همکاری با دیگران، و رعایت اصول اخلاقی است. ایجاد چنین فرهنگی به دانش آموزان کمک می‌کند تا ارزش‌های مثبت را در زندگی خود نهادینه کنند و به توسعه اجتماعی و اخلاقی آن‌ها کمک می‌کند (فراهانی، ۱۴۰۰).

تربیت معلمان متعهد و آگاه به ارزش‌های اسلامی برای تحقق اهداف آموزشی و تربیتی در نظام‌های آموزشی اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این معلمان نه تنها باید از نظر علمی و حرفه‌ای توانمند باشند، بلکه باید به اصول و ارزش‌های اسلامی نیز پایبند باشند تا بتوانند الگویی مناسب برای دانش آموزان باشند. آموزش اصول و مفاهیم اسلامی در دوره‌های تربیت معلم: برای تربیت معلمان متعهد، ضروری است که دوره‌های تربیت معلم شامل آموزش‌های جامع در زمینه اصول و مفاهیم اسلامی باشد. این آموزش‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که معلمان با مبانی اخلاقی، فلسفی، و اجتماعی اسلام آشنا شوند و بتوانند این اصول را در فرآیند آموزش و تربیت دانش آموزان به کار ببرند. برنامه‌های آموزشی باید شامل مباحثی نظیر فقه تربیتی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، و تاریخ اسلام باشد تا معلمان توانایی تحلیل و درک عمیق‌تری از ارزش‌های اسلامی پیدا کنند (حسن‌زاده، ۱۴۰۰).

تقویت مهارت‌های عملی در پیاده‌سازی ارزش‌های اسلامی: علاوه بر آموزش‌های نظری، معلمان باید. این روش‌ها که در جدول ۴ بصورت خلاصه بیان شده اند، می‌توانند به‌طور خلاقانه به آموزش مفاهیم اسلامی در کلاس‌های ابتدایی کمک کنند و موجب جذب بیشتر توجه و علاقه دانش آموزان شوند.

جدول ۴ روش‌های خلاقانه آموزش اسلامی در کلاس‌های ابتدایی

توضیحات	روش‌های خلاقانه
طراحی بازی‌های آموزشی که مفاهیم اسلامی مانند اخلاق، داستان‌های پیامبران و اصول دین را به صورت سرگرم‌کننده آموزش دهند.	۱. بازی‌های آموزشی اسلامی
استفاده از داستان‌ها و نمایش‌های کوتاه برای انتقال آموزه‌های اسلامی و تقویت مفاهیم اخلاقی.	۲. داستان‌گویی و نمایش
انجام پروژه‌های گروهی در زمینه‌های مختلف مانند تحقیق درباره زندگی پیامبران یا ۳. پروژه‌های گروهی با موضوعات فعالیت‌های اجتماعی با محوریت اصول اسلامی.	اسلامی
استفاده از هنرهای تجسمی، نقاشی، و کاردستی برای آموزش مفاهیم اسلامی و خلق آثار هنری مرتبط با آموزه‌های دین.	۴. یادگیری از طریق هنر و خلاقیت



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

توضیحات	روش های خلاقانه
به کارگیری نرم افزارهای آموزشی و اپلیکیشن های مرتبط با قرآن و مفاهیم اسلامی برای تسهیل یادگیری و تعامل بیشتر.	۵. استفاده از فناوری های آموزشی
برگزاری کارگاه های عملی و فعالیت های تجربی برای آموزش آموزه های اسلامی به طور عملی و ملموس.	۶. فعالیت های تجربی و کارگاهی
ترتیب جلسات قصه خوانی و محافل قرآنی در کلاس برای آشنایی بیشتر با داستان های قرآن و ارتقاء مهارت های تلاوت.	۷. برگزاری جلسات قصه خوانی و محافل قرآنی
برگزاری مسابقات و چالش های مرتبط با مباحث اسلامی به منظور افزایش انگیزه و رقابت سالم در یادگیری.	۸. مسابقات و چالش های اسلامی
تشویق دانش آموزان به مشارکت در فعالیت های خدماتی و اجتماعی مانند کمک به نیازمندان و همکاری در پروژه های خیریه.	۹. فعالیت های خدماتی و اجتماعی
بهره گیری از کتاب های داستان، فیلم های آموزشی، و منابع آنلاین برای ارائه محتوای اسلامی به شیوه های مختلف.	۱۰. استفاده از منابع آموزشی متنوع

نتیجه گیری و پیشنهادات

آموزش ابتدایی فرصتی طلایی برای معرفی و تقویت اصول و ارزش های اسلامی از سنین پایین فراهم می آورد. برنامه های درسی و فعالیت های آموزشی در این دوره می توانند شامل مفاهیم اخلاقی، دینی، و فرهنگی اسلامی باشند که به تربیت نسل های جوانی با پایبندی به اصول اسلامی کمک می کند. این فرایند نه تنها به تقویت هویت اسلامی دانش آموزان می انجامد بلکه آنها را برای ایفای نقش مؤثر در جامعه اسلامی آماده می سازد (حسن زاده، ۱۴۰۰).

آموزش ابتدایی به طور مؤثر به شکل گیری پایه های اخلاقی و فرهنگی دانش آموزان کمک می کند. با آموزش مفاهیم اخلاقی نظیر صداقت، احترام، و مسئولیت پذیری و نیز مبانی فرهنگی اسلامی، مدارس ابتدایی می توانند به توسعه ویژگی های شخصیتی مثبت و ایجاد فرهنگ اسلامی در میان نسل های آینده کمک کنند. این مبانی اخلاقی و فرهنگی، به عنوان زیرساخت های مهم برای ساخت تمدن نوین اسلامی عمل می کنند (کریمی، ۱۳۹۹). برای تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی، نیاز به معلمان و مدیران آموزشی آگاه و

متعهد به اصول اسلامی وجود دارد. آموزش ابتدایی می‌تواند به تربیت این افراد از طریق برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای ویژه بپردازد. معلمان با درک عمیق از مبانی اسلامی و توانایی‌های آموزشی لازم، می‌توانند نقش مؤثری در انتقال این مفاهیم به دانش‌آموزان و شکل‌گیری نسل‌هایی مؤمن و آگاه ایفا کنند (موسوی، ۱۴۰۱).

آموزش ابتدایی با فراهم کردن فرصت‌های یادگیری و فعالیت‌های اجتماعی، به تقویت توانمندی‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان کمک می‌کند. این دوره، پایه‌ای برای مهارت‌های زندگی، تفکر انتقادی، و توانایی‌های اجتماعی فراهم می‌آورد که در راستای ساخت تمدن نوین اسلامی، به‌ویژه در زمینه‌های همکاری، همدلی، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اهمیت زیادی دارد (حسینی، ۱۴۰۰). آموزش ابتدایی به رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان در ابعاد جسمی، ذهنی، اجتماعی، و معنوی کمک می‌کند. این رشد همه‌جانبه به‌ویژه در چارچوب اصول اسلامی می‌تواند به شکل‌گیری نسلی مؤمن، توانمند، و مسئول کمک کند که قادر به مشارکت فعال و مثبت در جامعه اسلامی خواهد بود (عبدی، ۱۳۹۹).

با توجه به این جنبه‌ها، آموزش ابتدایی به‌عنوان بنیادی‌ترین مرحله از فرآیند آموزشی، نقش حیاتی در شکل‌گیری و تحقق تمدن نوین اسلامی دارد. برای بهبود آموزش ابتدایی در جهت تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی، می‌توان پیشنهادات زیر را مد نظر قرار داد. برنامه‌های درسی باید به‌گونه‌ای تدوین شوند که اصول و ارزش‌های اسلامی به‌طور مؤثر در آنها گنجانده شود. این برنامه‌ها باید شامل مفاهیم دینی، اخلاقی، و فرهنگی اسلامی باشند و به‌طور همزمان به تقویت مهارت‌های علمی و اجتماعی دانش‌آموزان بپردازند. برنامه‌های درسی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که هر دو جنبه آموزش و تربیت را به‌طور متوازن پوشش دهند و به تقویت هویت اسلامی و رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان کمک کنند (حسن‌زاده، ۱۴۰۰).

تربیت و آموزش معلمان باید به‌گونه‌ای باشد که آنها با اصول و مفاهیم اسلامی آشنا شوند و توانایی انتقال این مفاهیم را به دانش‌آموزان داشته باشند. برنامه‌های حرفه‌ای برای معلمان باید شامل آموزش‌های عمیق در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، روش‌های تدریس متناسب با اصول اسلامی، و مهارت‌های آموزشی باشد. همچنین، دوره‌های بازآموزی و کارگاه‌های آموزشی برای معلمان می‌تواند به ارتقاء کیفیت تدریس و تحقق اهداف آموزشی کمک کند (موسوی، ۱۴۰۱). مشارکت فعال خانواده‌ها و جامعه در فرآیند آموزشی می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش ابتدایی کمک کند. برنامه‌هایی برای آگاه‌سازی خانواده‌ها و تشویق آنها به مشارکت در فعالیت‌های مدرسه می‌تواند به تقویت ارتباط بین خانه و مدرسه و افزایش پشتیبانی از دانش‌آموزان کمک کند. همچنین، همکاری با نهادهای محلی و اجتماعی برای ارتقاء فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی می‌تواند به تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی کمک نماید (حسینی، ۱۴۰۰).

محیط‌های آموزشی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که به ارتقاء روحیه مثبت و اخلاقی در میان دانش‌آموزان کمک کنند. ایجاد محیطی که به تقویت اصول اخلاقی، همدلی، و مسئولیت‌پذیری کمک کند و از رفتارهای نادرست جلوگیری نماید، می‌تواند به تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی کمک کند. فعالیت‌های گروهی، پروژه‌های اجتماعی، و برنامه‌های فرهنگی می‌توانند به ایجاد چنین محیطی کمک کنند (عبدی، ۱۳۹۹). فناوری‌های آموزشی می‌توانند به بهبود فرآیند یادگیری و آموزش کمک کنند. استفاده از ابزارهای دیجیتال،



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

نرم افزارهای آموزشی، و پلتفرم‌های آنلاین می‌تواند به ارتقاء کیفیت آموزش، تسهیل یادگیری، و افزایش دسترسی به منابع آموزشی کمک کند. همچنین، استفاده از فناوری برای ایجاد محتوای آموزشی جذاب و تعاملی می‌تواند به جذب و نگهداری توجه دانش‌آموزان کمک نماید (خداداد، ۱۳۹۹).

بنابراین، آموزش ابتدایی نقشی اساسی در تربیت نسل‌های آینده دارد و می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی باشد. با ارائه مفاهیم اخلاقی و دینی در این دوره حساس، دانش‌آموزان نه تنها هویت اسلامی خود را تقویت می‌کنند، بلکه برای ایفای نقش مؤثر در جامعه اسلامی آماده می‌شوند. همچنین، ایجاد فرصت‌های یادگیری اجتماعی و معنوی به رشد همه‌جانبه آن‌ها کمک می‌کند و بستر مناسبی برای تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم می‌سازد. بنابراین، سرمایه‌گذاری در آموزش ابتدایی با تأکید بر مبانی اسلامی، آینده‌ای روشن و پایدار برای جامعه اسلامی به همراه دارد.

ترسیم و تحلیل نقشه موضوعی تولیدات علمی حوزه تمدن نوین اسلامی: یک مطالعه علم‌سنجی

منصوره صراطی شیرازی^۱، روح اله خادمی^۲

۱- استادیار، مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC)، شیراز، ایران serati@isc.ac

۲- استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران r.khademi@semnan.ac.ir

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی ساختار موضوعی مقالات حوزه تمدن نوین اسلامی نمایه شده در پایگاه ISC با استفاده از تکنیک تحلیل هم‌رخداد واژگان است. با جستجوی واژه تمدن نوین اسلامی در این پایگاه، ۳۵۵ مقاله بازیابی شد که با استفاده از نرم‌افزار راورماتریس، فرمت داده‌ها جهت تحلیل و ترسیم توسط نرم‌افزارهای یوسی نت و نت درا آماده شد. نتایج نشان داد که با مطرح شدن ایده تمدن نوین اسلامی از سوی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۱ روند تولیدات این حوزه بیشتر شده و از نرخ رشد مثبت برخوردار شده است. بیشترین مقالات این حوزه در نشریه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی منتشر شده است. بررسی نقشه علمی حاصل از هم‌رخدادی نشان می‌دهد که ۶۹ واژه اصلی تشکیل‌دهنده نقشه علمی این حوزه بوده‌اند و واژگان آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی و بیانیه گام دوم بیشترین هم‌رخداد و پیوند را با واژه تمدن نوین اسلامی داشته‌اند.

واژگان کلیدی: نقشه علمی، هم‌رخداد واژگان، تمدن نوین اسلامی

۱. مقدمه

به صورت کلی، مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های اسلامی و نمود آن در پیشرفت علم و هنر و همچنین ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی در بین ملت‌ها و مردمی که اسلام را به‌عنوان دین خود پذیرفته‌اند، فرهنگ و تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهد. فرهنگ و تمدن اسلامی، در طی چند قرن نخست توانست تمدنی عظیم و یکتا را در بخش‌های وسیعی از دنیا به وجود آورد به گونه‌ای که مسلمانان از نیمه دوم قرن دوم هجری تا اواسط قرن هشتم (در حدود شش قرن) رهبری علمی جهان را در دست داشتند (الله وکیل جزی، ۱۳۹۰). از آنجا که در جهان‌بینی اسلامی، انسان‌سازی و تمدن‌سازی جهت رسیدن به اهداف متعالی الهی بسیار حائز اهمیت است، و تمدن‌سازی جهت ایجاد فضایی مناسب جهت تحقق انسان‌سازی جایگاه ویژه‌ای دارد، پرداختن به موضوع تمدن‌سازی اسلامی و فعالیت‌های انجام شده در این حوزه، مساله بسیار مهمی است (بنائی، قاسمی و پناهی، ۱۴۰۳). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری، در بیاناتشان در مدرسه فیضیه در سال ۱۳۷۹ جمله "خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است" را بیان فرمودند (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۱). ایشان در سفری به استان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۱ تعبیر جدیدی را مطرح و در نقشه‌ای جامع، اهداف نظام اسلامی را "پیشرفت" معنا کردند. ایشان، معنای این پیشرفت را "تمدن نوین اسلامی" تعبیر کردند و هدف جامعه و ملت ایران و هم‌چنین هدف انقلاب اسلامی ایران را، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی معرفی کردند و رسیدن به این تمدن نوین اسلامی را در پنج مرحله ترسیم نموده‌اند که شامل انقلاب،

تشکیل نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی است. همچنین ایشان در این زمینه، از همه دانشگاهیان، حوزویان و پژوهشگران طلب یاری خواسته و همه افراد را در این زمینه مسئول دانستند (فرزانه، خیاط، سفرپور، ۱۳۹۷). از این رو با مطرح شدن این موضوع و تأکید بر مسئولیت و اهمیت آن، پژوهش‌های مختلفی جهت روشن شدن ابعاد و حل مسائل آن و همچنین پیش بردن مرزهای دانش در آن حوزه، توسط پژوهشگران انجام گرفت. اما با وجود برخی منابع در این حوزه، به‌منظور سیاست‌گذاری علمی و پژوهشی و روشن شدن ابعاد مختلف پژوهش‌های انجام شده در این موضوع، باید ساختار موضوعی این مسئله روشن شود تا هم افراد مختلف از جمله پژوهشگران با ساختار موضوعی آن آشنا شده و هم مدیران بتوانند سیاست‌گذاری علمی پژوهشی در راستای آن، داشته باشند. یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند به این مسئله می‌پردازد، علم‌سنجی است. در علم‌سنجی با تکنیک‌های مختلفی ساختار موضوعی یک حوزه بررسی می‌شود که هم رخدادهای واژگانی یکی از کاربردی‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها است و خروجی آن به شکل نقشه ساختار علمی شناخته می‌شود.

تحلیل هم رخدادهای واژگانی که در سال ۱۹۸۳ توسط کالون مطرح شد، بر این فرض استوار است که کلیدواژه‌های استفاده شده برای توصیف محتوای یک مقاله، بلوک‌های سازنده ساختار حوزه پژوهشی هستند (کالایک^{۳۶}، ۲۰۰۰) همچنین حضور واژه‌ها یا مفاهیم در کنار یکدیگر نشان‌دهنده محتوای آن مدرک است؛ بنابراین، با اندازه‌گیری میزان این هم رخدادهای می‌توان شبکه مفاهیم یک زمینه علمی را ترسیم کرد (عصاره و احمدی، ۱۳۹۶). احمدی و عصاره (۱۳۹۶) در یک جمع‌بندی از تعاریف مختلف در مورد هم رخدادهای واژگانی، این تکنیک را به‌عنوان شیوه‌ای از تحلیل محتوا تعریف می‌کنند که "از طریق هم رخدادهای واژه‌ها یا مفاهیم موجود در متون و منابع حاصل می‌شود و از طریق آن می‌توان مفاهیم اصلی یک زمینه یا حوزه علمی را شناخت و به‌واسطه این شناخت، الگوها و رویدادهای مفهومی، ساختار علمی، شبکه مفهومی، روابط سلسله‌مراتبی مفاهیم، و مقولات مفهومی آن حوزه را کشف، ترسیم، و مدیریت کرد. تحلیل هم‌واژگانی، ابزاری برای کشف الگوهای پنهان و رویدادهای نوظهور مفهومی است".

از این رو هدف این پژوهش بررسی علم‌سنجی مقالات حوزه تمدن نوین اسلامی منتشر شده فارسی نمایه شده در پایگاه ISC و ترسیم نقشی علمی و ساختار موضوعی شکل‌گرفته از این مقالات با استفاده از تکنیک هم رخدادهای واژگان است.

۲. پیشینه پژوهش

در خارج و داخل کشور پژوهش‌های مختلفی حوزه‌های موضوعی و پژوهشی را با استفاده از تکنیک تحلیل هم رخدادهای واژگانی مورد بررسی قرار داده‌اند. برای نمونه می‌توان به پژوهش صدیقی (۱۳۹۳) در بررسی حوزه اطلاع‌سنجی، خادمی و حیدری (۱۳۹۵) در مطالعه حوزه مدیریت اطلاعات، مکی زاده و حاضری (۱۳۹۶) در بررسی حوزه اعتیاد، سهیلی، خاصه و کرانیان (۱۳۹۷) در مطالعه حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، کریمی و حیدرنیا (۱۳۹۸) در بررسی حوزه جامعه‌اطلاعاتی، رحیمی، سهیلی و شرفی (۱۴۰۰) در مطالعه حوزه آموزش عالی ایران، حسینی و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه حوزه هستان‌شناسی.

³⁶. Cahlik

به لحاظ مطالعات علم‌سنجی حوزه‌های موضوعی که نزدیک به موضوع این پژوهش بوده‌اند می‌توان به پژوهش شرفی، شفاقی و پاشنگ (۱۳۹۸) اشاره کرد که تولیدات علمی حوزه تمدن اسلامی در پایگاه وب آو ساینس را بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که روند انتشار مقالات این حوزه با کمی نوسان در سال‌های مختلف صعودی بوده و بیشترین موضوعات مقاله‌ها به ترتیب در حوزه‌های موضوعی علوم سیاسی، مذهب و جامعه‌شناسی بوده است. بیشترین هم‌رخدادی بین کلمه اسلام و تمدن اسلامی بوده است. در پژوهش دیگری غفاری و کمالی (۱۳۹۹) با استفاده از شاخص‌های علم‌سنجی حوزه معارف اسلامی را با استفاده از داده‌های پایگاه وب آو ساینس مطالعه کرده‌اند. همچنین فرح گل و خوشاب (۱۴۰۰) حوزه پژوهشی حکمرانی اسلامی را بر اساس داده‌های پایگاه وب آو ساینس مورد مطالعه قرار داده‌اند.

در یک جمع‌بندی می‌توان بیان داشت که تکنیک تحلیل هم‌رخداد واژگان در حوزه‌های موضوعی مختلفی استفاده شده است؛ اما بررسی پیشینه‌ها نشان داد که حوزه تمدن نوین اسلامی با استفاده از رویکرد علم‌سنجی به‌خصوص هم‌رخداد واژگانی بررسی نشده است، همچنین بیشتر پژوهش‌ها از پایگاه وب آو ساینس جهت گردآوری داده‌ها استفاده شده و به پژوهش‌های داخلی نپرداخته‌اند. به‌منظور مشخص شدن ساختار موضوعی شکل‌گرفته از پژوهش‌هایی که تا کنون در این زمینه انجام شده است این شکاف پژوهشی وجود دارد و از این رو این پژوهش به این موضوع پرداخته است.

۳. روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کاربردی است که با استفاده از تحلیل هم‌رخداد واژگان و ترسیم نقشه علمی از روش‌های رویکرد علم‌سنجی، انجام شده است. جامعه پژوهش را تمامی مقالات نمایه شده در پایگاه ISC تشکیل می‌دهند که واژه "تمدن نوین اسلامی" را در عنوان، چکیده یا کلیدواژه‌های خود استفاده کرده‌اند. پس از ذخیره مقالات بازبایی شده در فایل اکسل، بخش کلیدواژه‌های مقالات جدا شده و جهت ورود به نرم‌افزار راورماتریس (توکلی‌زاده راوری، ۱۳۹۳) به فایل متنی ساده منتقل شد. در این مرحله واژگان مورد پالایش قرار گرفت چرا که برخی از واژگان به شکل‌های مختلف به کار رفته بودند و نیاز به یکدست‌سازی داشتند مانند واژگان "آیت الله العظمی خامنه‌ای، آیت الله خامنه‌ای، امام خامنه‌ای و مانند آن که به شکل یکدست با توجه به بیشترین تکرار همگی به عنوان واژه "آیت الله خامنه‌ای" در نظر گرفته شدند. سپس ماتریس هم‌رخدادی با آستانه حداقل ۳ هم‌رخداد، با استفاده از این نرم‌افزار استخراج و جهت ترسیم نقشه علمی به نرم‌افزار یوسی نت^{۳۷} (بورگاتی، ایورت و فریمن^{۳۸}، ۲۰۰۲) اضافه شد تا داده‌ها به فرمت مناسب جهت ترسیم توسط نرم‌افزار نت درا^{۳۹} (بورگاتی، ۲۰۰۲) آماده شود. سپس با استفاده از نرم‌افزار نت درا، نقشه هم‌رخداد واژگان به دست آمد.

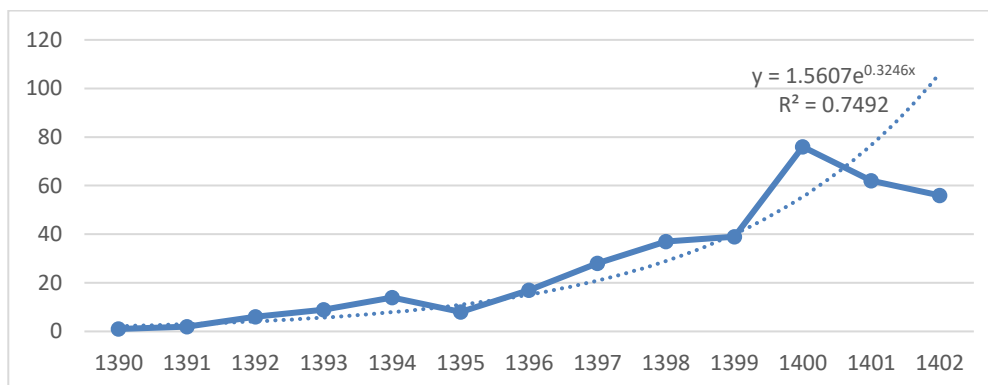
۴. یافته‌های پژوهش

37. Ucinet

38. Borgatti, Everett and Freeman

39. NetDraw

بررسی داده‌ها نشان داد که در مجموع ۳۵۵ مقاله در حوزه موضوعی تمدن نوین اسلامی در پایگاه ISC تا زمان گردآوری داده‌ها (شهریورماه ۱۴۰۳)، نمایه شده است. بررسی نرخ رشد تولیدات این حوزه با استفاده از رگرسیون نمایی^{۴۰}، ۳۲/۴۶ درصد را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. نرخ رشد تولیدات علمی نمایه شده در پایگاه ISC در حوزه موضوعی تمدن نوین اسلامی

بررسی مجلات منتشرکننده این مقالات نشان می‌دهد که مجله "مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی" با انتشار ۱۳۴ مقاله و مجله "مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی" با انتشار ۶۸ مقاله در رتبه بعدی قرار دارد. مجله مطالعات راهبردی ناجا با فاصله زیادی با انتشار ۹ مقاله در رتبه سوم قرار دارد. در جدول ۱ مجلاتی که حداقل ۵ مقاله در این حوزه منتشر کرده‌اند نشان داده شده است.

جدول ۱. مجلات با انتشار بیشترین مقالات حوزه تمدن نوین اسلامی

رتبه	عنوان مجله	تعداد مقالات منتشر شده
۱	مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی	۱۳۴
۲	مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی	۶۸
۳	مطالعات راهبردی ناجا	۹
۴	مطالعات انقلاب اسلامی	۸
۵	مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی	۸
۶	آینده پژوهی انقلاب اسلامی	۷
۷	پژوهشنامه انقلاب اسلامی	۶
۸	تحقیقات بنیادین علوم انسانی	۵
۹	سیاست متعالیه	۵

⁴⁰. exponential regression

حضرت آیت الله خامنه‌ای در سال ۱۳۹۱ روند رشد پژوهش‌ها و مقالات در این موضوع شروع شده است و با نرخ رشد مثبت در سال ۱۴۰۰ با ۷۶ مقاله به اوج رسیده است. به لحاظ مجلات منتشرکننده این مقالات، دو مجله مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی و مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی که از عنوان آن‌ها مشخص است که به شکل تخصصی به این موضوع می‌پردازند بیشترین مقالات را منتشر کرده‌اند؛ اما دیگر مجلات نیز به مقالاتی را در این موضوع منتشر کرده‌اند. بررسی نقشه علمی نیز نشان می‌دهد که ساختار موضوعی در نقشه علمی به دست آمده نیز این مسئله به خوبی نمایان است. بررسی نقشه موضوعی شکل گرفته نیز نشان می‌دهد که هرچند ۶۹ واژه و مفهوم ساختار اصلی این نقشه علمی را تشکیل داده‌اند؛ اما بیشترین ارتباط واژه تمدن نوین اسلامی با واژگان آیت الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب بوده است. نتیجه به دست آمده به خوبی نشان‌دهنده ساختار اصلی این مفهوم و جریان است.

این نقشه و ساختار برگرفته از مقالات فارسی نمایه شده در پایگاه ISC است و بررسی پایگاه‌های استنادی بین‌المللی مانند وب آو ساینس (که به ISI شناخته می‌شود) نشان می‌دهد که مقالات زیادی در این زمینه به زبان انگلیسی منتشر نشده است. از این رو نیاز است که در مورد این مفهوم و جریان مقالاتی به زبان انگلیسی نیز منتشر شود.

فهرست منابع

۱. الله وکیل جزئی، مرضیه (۱۳۹۰). فرهنگ و تمدن اسلام، در دانشنامه اسلامی، قابل دسترسی از https://wiki.ahlolbait.com/%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF_%D9%88_%D8%AA%D9%85%D8%AF%D9%86_%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (۱۳۹۱). تمدن نوین اسلامی، قابل دسترسی از <https://khl.ink/f/21453>
۳. حسینی بهشتی، ملوک السادات؛ خوئینی، سهیلا و اسمعیل پونکی، الهام (۱۴۰۲). مطالعه کتاب سنجی و تحلیل شبکه هم‌نویسندگی و خوشه‌های موضوعی پژوهش‌های هستان‌شناسی. پژوهش نامه علم‌سنجی، ۹ (شماره ۱، بهار و تابستان)، doi: 10.22070/rsci.2021.14558.1500 ۳۱۲-۲۸۷
۴. خادمی، روح اله و حیدری، غلامرضا (۱۳۹۵). ترسیم ساختار موضوعی مدیریت اطلاعات با استفاده از روش همبندی واژگان طی سال‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۲. علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۲ (۲)، ۹۳-۵۹.
۵. رحیمی، صالح، سهیلی، فرامرز و شرفی، ناهید (۱۴۰۰). شناسایی و تحلیل ساختار دانشی مطالعات آموزش عالی ایران بر اساس تحلیل شبکه-ی هم‌واژگانی مقالات در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام. دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۱۲ (۲۴)، ۳۳۱-۳۳۱.
۶. شرفی، علی؛ شقاقی، علی و پاشنگ، محمدرضا (۱۳۹۸). تحلیل علم‌سنجی تولیدات علمی در حوزه تمدن اسلامی. علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۵ (۳)، ۵۶-۳۳.

۷. صدیقی، مه‌ری. (۱۳۹۳). بررسی کاربرد روش تحلیل هم رخدادی واژگان در ترسیم ساختار حوزه‌های علمی (مطالعه موردی: حوزه اطلاع‌سنجی). پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۰(۲)، ۳۷۳-۳۹۶.
۸. غفاری، سعید؛ کمالی، زهره (۱۳۹۹). بررسی تولیدات علمی حوزه "معارف اسلامی" در پایگاه استنادی وب علوم: با استفاده از شاخص‌های علم‌سنجی. دومین کنفرانس بین المللی دین، معنویت و کیفیت زندگی. مشهد، سازمان بین المللی مطالعات دانشگاهی
۹. سهیلی، فرامرز؛ خاصه، علی اکبر و کرانیان، پریوش (۱۳۹۷). روند موضوعی مفاهیم حوزه علم اطلاعات و دانش شناسی ایران براساس تحلیل هم رخدادی واژگان. نشریه مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۲۹(۲)، ۱۷۱-۱۹۰.
۱۰. فرح گل، پوریا؛ خوشاب، سپیده (۱۴۰۰). علم‌سنجی حکمرانی اسلامی بر اساس پایگاه وب آو ساینس. جهان نوین، ۱۵(۴)، ۶۰-۷۵.
۱۱. کریمی، رضا و حیدرنیا، زهرا (۷۸۱). ترسیم و تحلیل نقشه علم‌نگاشتی برون‌دادهای حوزه جامعه اطلاعاتی از طریق هم رخدادی واژگان در پایگاه استنادی وب آو ساینس و آی اس سی. علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۳۵(۳)، ۱۵۷-۱۸۵.
۱۲. مکی زاده، فاطمه؛ حاضری، افسانه (۱۳۹۶). ترسیم نقشه موضوعی مقالات مرتبط با اعتیاد با استفاده از تحلیل شبکه‌های اجتماعی در پایگاه مدلاین. فصلنامه علمی اعتیادپژوهی، ۱۱(۴۱)، ۶۵-۸۴.

1. Borgatti, S.P., Everett, M.G. and Freeman, L.C. 2002. *Ucinet 6 for Windows: Software for Social Network Analysis*. Harvard, MA: Analytic Technologies.
2. Borgatti, S.P. 2002. *NetDraw: Graph Visualization Software*. Harvard: Analytic Technologies.
3. Cahlik, T. (2000). *Comparison of the maps of science*. *Scientometrics*, 49(3), 373-387.

آینده‌نگری سازمان‌ها با توجه به بیانیه گام دوم

اسماعیل شفاهی^۱، جواد زاهدی^۲

۱- اسماعیل، شراهی، استادیار جامعه المصطفی (ص)، ایمیل: Chezani@ut.ac.ir

۲- جواد، زاهدی، دانشجوی دکتری، رشته قرآن و علوم، گرایش مدیریت، مدرسه عالی قرآن و علوم - جامعه المصطفی (ص)، نویسنده

و مسئول، ایمیل: mo. Javad.zahedi@gmail.com

چکیده

در این پژوهش «آینده‌نگری در سازمان‌ها» با توجه به «بیانیه گام دوم» مورد مطالعه قرار گرفت. بر اساس بررسی پیشینه پژوهش و مدل مفهومی محقق ساخته، سؤال اصلی این پژوهش «آینده‌نگری در سازمان‌ها با توجه به بیانیه گام دوم چیست» است. سؤال‌های فرعی این پژوهش «آینده‌نگری در سازمان‌ها» و «آینده‌نگری در سازمان‌ها در بیانیه گام دوم» است. روش تحقیق این پژوهش، از نظر هدف بنیادی، از نظر نوع داده‌ها مفهوم‌سازی بنیادی و از جهت روش یا راهبرد توصیفی - تحلیلی و از جهت ابزار اسنادی می‌باشد. مدارک نشان‌دهنده این است که تحول سازمان‌ها از همان آغاز نظریه‌های سازمان و مدیریت مطرح گردید و آینده‌نگری جزء لاینفک سازمان‌هاست. آینده‌نگری از دیدگاه اسلام در ابعاد فردی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مطرح است. آینده‌نگری با روش «پوش محیطی» برای تحقق این تحقیق استفاده گردید. نتیجه این تحقیق نشان داد که آینده‌نگری سازمان‌ها در بیانیه گام دوم، در ابعاد علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی، مطرح است.

واژگان کلیدی: سازمان‌ها، آینده، بیانیه گام دوم، آینده‌پژوهی.

مقدمه

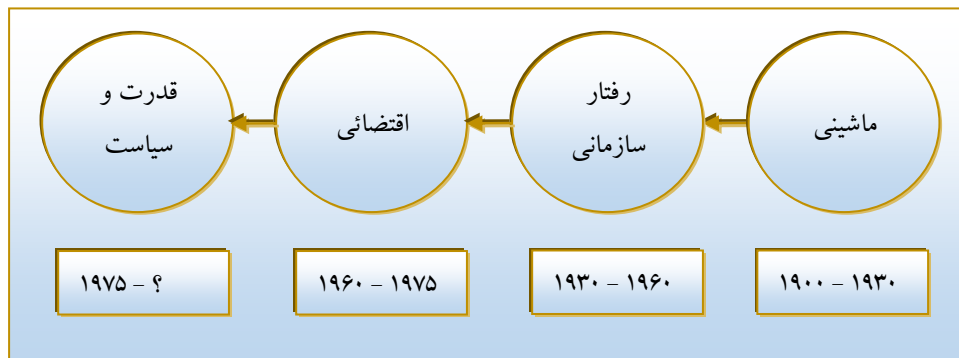
آینده و آینده‌نگری در تفکر و اندیشه انسان‌ها نهفته است و در طول تاریخ به دنبال درک و پیش‌بینی آینده بودند. ردپایی گرایش و آگاهی به آینده را می‌توان در داستان‌ها، اساطیر و تاریخ دید. این تفکر ریشه در کمال یابی انسان‌ها دارد تا از خطرهای احتمالی جلوگیری نمایند. این گرایش را در عصر فناوری اطلاعات و سازمان‌ها نیز مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم که به صورت برق‌آسا محیط ما تغییر می‌کند. نهادها و سازمان‌ها نیز از این تحولات مصون نیستند و روزبه‌روز تغییر می‌کنند و فرجه می‌شوند. با این وجود در عصر چرخه‌ی تغییر با شیب تند و آشفته‌گی‌های غیرقابل پیش‌بینی قرار داریم که دانشمندان از آن، به «عصر اطلاعات» و یا «صنعت تکنولوژی» یاد می‌کنند. این تغییرات تمام ابعاد فردی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سازمانی زندگی ما را فراگرفته است. سازمان‌ها به عنوان نهادهای اجتماعی، با بحران تغییرات غیر پیش‌بینی روبرو گردیده‌اند که از سویی به عنوان یک تهدید محسوب می‌گردد و در اصول اساسی سازمان‌ها، تأثیر می‌گذارد و ساختار فیزیکی و اجتماعی سازمان‌ها را تغییر می‌دهد. از سویی دیگر فرصت‌هایی را نیز برای سازمان‌ها فراهم می‌سازد و اثربخشی و کارایی را تسهیل می‌کند. تحول و تغییر سازمان‌ها خیلی معمول هستند و هر سازمانی در

طول عمر خود تغییر می‌یابند و در تلاش‌اند که خود را با محیط و تکنولوژی روز وفق دهند. در طول تاریخ دانشمندان در تلاش بودند تا بتوانند آینده را در عرصه‌های گوناگون پیش‌بینی کنند؛ تا برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی درستی را برای آینده داشته باشند. در این پژوهش تلاش می‌شود تا ویژگی‌های را برای سازمان‌های آینده با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به دست آورند. همچنین این تحقیق به دنبال پاسخ این سؤال است که آینده‌نگری در سازمان‌ها با توجه به بیانیه گام دوم چیست؟ همین‌طور به پرسش‌های زیر نیز پاسخ داده می‌شود؛ آینده‌نگری در سازمان‌ها چیست؟ آینده‌نگری در سازمان‌ها در بیانیه گام دوم کدامند؟

۱. پیشینه

۱-۱. تطور تغییر سازمان‌ها

تغییر و تحول سازمانی، از همان آغاز نظریه‌های سازمان و مدیریت مطرح گردید و در مرور زمان تکامل یافت. در ابتدای قرن بیستم، تیلور ۴۱ و فایول ۴۲ اصول مدیریت علمی و اداری را ارائه کردند و وبر ۴۳ نظریه بوروکراسی را مطرح ساخت. دیدگاه روابط انسانی و رفتار سازمانی در دهه ۳۰ قرن بیستم مطرح گردید و سپس نظریه‌های سیستمی و اقتضایی پا به عرصه وجود نهاد و در نهایت منجر به چهار پارادایم غالب گردید (الوانی، ۱۳۸۵: ۱۵ - ۱۶). در دهه‌ی ۱۹۰۰ شاهد حضور مکتب «کلاسیک‌ها» هستیم که باعث ظهور مدیریت گردید. در دهه‌ی ۱۹۵۰ دوره «مدرن» شروع می‌شود. دهه‌ی ۱۹۸۰ را دوره «نمادین - تفسیری» به خود اختصاص داد و دهه ۱۹۹۰ را «پست‌مدرن» نامیده است (ماری، ۱۳۹۳: ۲۵). همان‌گونه که نظریه‌های مدیریت و سازمان در مرور زمان تکامل پیدا کرد، ساختار فیزیکی و اجتماعی سازمان‌ها نیز تغییر کردند و فرایند را مانند نمودار زیر سپری نموده‌اند.



نمودار شماره ۱ فرایند تطور تحول سازمانی، برگرفته از (رابینز، ۱۳۸۷: ۴۲۹)

با توجه به نیاز اصلی سازمان‌ها به برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی، توجه به آینده و آینده‌نگری را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد. در اصل برنامه‌ریزی فرایندی برای پیش‌گویی شرایط آینده و آمادگی مواجه شدن با آن به شمار می‌آید. با این وجود آینده‌پژوهی و آینده‌نگری جزء لاینفک سازمان‌ها به حساب می‌آید (حاجیان، ۱۳۹۱، ۴۵).

⁴¹ . Fredrick W. Taylor

⁴² . Henri Fayol

⁴³ . Max Weber

دانش آینده پژوهی در قرن سیزدهم تا پانزدهم، در اروپا شدت گرفت. اندیشمندان با الهام از کتاب «جمهوری» افلاطون، توانستند آرمان‌شهرهای خود را ترسیم کنند؛ مانند «مور» که کتاب «جزیره آرمانی» را در سال ۱۵۱۶ میلادی تألیف کرد (صادقی، ۱۳۹۶: ۱۱۱). علم آینده پژوهی، پس از جنگ جهانی دوم، باهدف مطالعه آینده و سوق دادن سازمان‌ها به سوی آینده پدید آمد (همان، ۳۰).

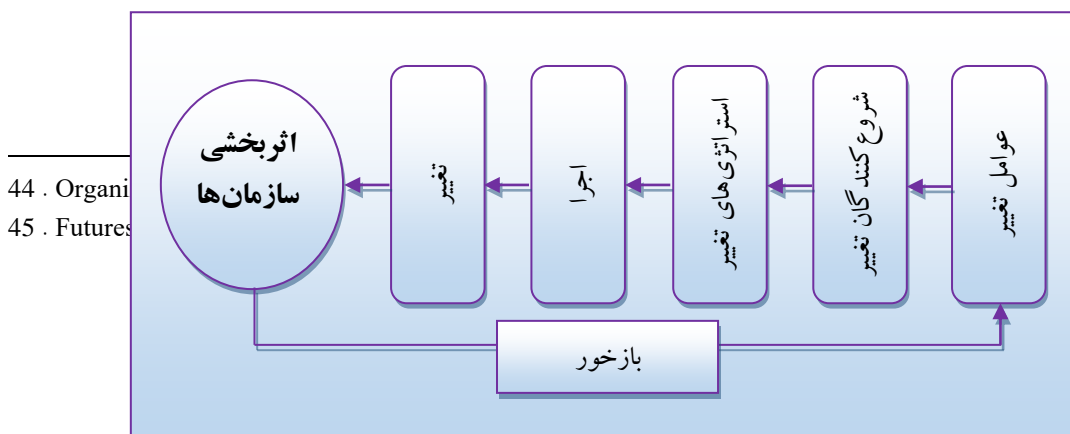
۱-۲. مفهوم شناسی

الف: سازمان^{۴۴}؛ سازمان در لغت به معنای گروهی از افراد که گرد هم می‌آیند تا سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مشترکی را به‌کارگیرند و برای دستیابی به هدف مشترک بکوشند است (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۶۹ و عباس‌زادگان، ۱۳۷۸: ۲۳۳). سازمان در اصطلاح به معنای «پدیده‌ای اجتماعی است که به‌طور آگاهانه هماهنگ شده و دارای حدود و ثغور نسبتاً مشخصی بوده و برای تحقق هدف یا اهدافی، بر اساس یک سلسله مبنایی دائمی فعالیت می‌کند» است (رابینز، ۱۳۸۷: ۲۱) و همین‌طور در تعریف دیگر «مجموعه‌ای از افرادی که برای تحقق اهدافی معین همکاری می‌کنند» است (رضائیان، ۱۳۸۷: ۱۰).

ب: آینده پژوهی^{۴۵}؛ آینده پژوهی در لغت به معنای «مطالعه هدفمند بر آینده پیش رو» است. در اصطلاح تعاریف گوناگون گردیده که در کتاب «آینده پژوهی با رویکرد دینی» نزدیک به سی تعریف بیان شده است. تعریفی که نسبتاً از جامعیت برخوردار است عبارت است از «اندیشه‌ای دینی، فلسفی، سیاسی و علمی درباره آینده و کشف و درک پیشامدها، پیشرفت‌ها، پسرفت‌ها، بحران‌ها و کاستی‌ها، گزینش آگاهانه وضعیت مطلوب و برنامه‌ریزی برای دستیابی به آن و رهایی از مشکلات و دشواری‌ها» (صادقی، ۱۳۹۶: ۳۰ - ۳۷). **ب: بیانیه گام دوم؛** این بیانیه توسط رهبر حکیم انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای در سالروز چهل سالگی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲/۱۱/۹۷ به‌عنوان «بیانیه گام دوم انقلاب» صادر گردید. این بیانیه در اصل بازخوانی کارنامه و سرگذشت انقلاب اسلامی و فتوحات و افتخارات و برکات گذشته و تبیین آسیب‌ها و تهدیدها و ظرفیت‌های مختلف کنونی و طراحی استراتژی و خط‌مشی حرکت آینده انقلاب اسلامی است (میرباقری، ۱۳۹۸: ۱۲).

۱-۳. مبانی نظری

تغییر سازمان‌ها ممکن است اتفاقی رخ دهد یا به‌صورت از پیش تعیین شده و برنامه‌ریزی شده باشد. از طرف دیگر ممکن است تغییر در سطوح مختلف از سازمان‌ها مانند فردی، گروهی و ساختاری اتفاق بیفتد. در سطح فردی هدف جامعه‌پذیری، آموزش و انجام مشاوره است. در سطح گروه آموزش حساسیت و بررسی بازخور منظور است. در سطح ساختاری در مورد الگوهای اختیار، دسترسی به اطلاعات، تخصیص پاداش‌ها، فناوری و ... توجه می‌شود (رابینز، ۱۳۸۷: ۳۳۲). به‌صورت کلی نمودار تغییر را می‌توان به گونه زیر ترسیم نمود.





نمودار شماره ۲ فرایند تغییر سازمانی، برگرفته از (رابینز، ۱۳۸۷: ۳۳۳).

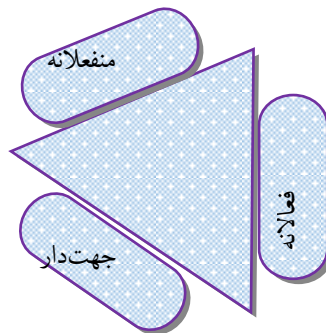
۱-۳-۱. انواع تحول سازمانی

تحول سازمانی انواع مختلفی دارد که فردی و گروهی و یا ساختاری باشد که به صورت کلی می‌توان به گونه زیر دسته‌بندی کرد.
الف: تحول عدم برنامه‌ریزی شده؛ برخی از رهبران و مدیران در نهادهای اجتماعی و صنعتی به مقوله تغییر به عنوان یک رویداد اتفاقی برخورد می‌کنند. این رویکرد تحولی شگرفی را نیز نخواهد داشت، زیرا تغییر برای توسعه و رشد سازمان صورت نمی‌گیرد (رابینز، ۱۳۸۷: ۳۳۱).

ب: تحول برنامه‌ریزی شده؛ تغییر برنامه‌ریزی شده، برای بقا و تداوم فعالیت سازمان است. سازمان‌ها سیستم‌های بازی هستند که در مقابل تحولات محیطی مانند مقررات و خط‌مشی‌های مالیاتی دولت، مواد اولیه نایاب و نیروی کاری واکنش نشان می‌دهند (رابینز، ۱۳۸۷: ۳۳۱ - ۳۵۰). این تغییر و تحول مستلزم آگاهی‌های کلی، رویکرد اصولی و هدف مداری، دانش معتبر در مورد پویایی سازمانی و چگونگی تغییر سازمان‌هاست (فرنچ و اچ بل، ۱۳۸۱: ۱۳ - ۱۴). فرایند تغییر برنامه شده در نمودار شماره ۲ ترسیم گردیده است.

۱-۳-۲. روش آینده‌پژوهی مطلوب

روش‌های آینده‌پژوهی به گونه‌های مختلفی مطرح گردیده است مانند روش‌های آینده‌پژوهی بر مبنای اکتشافی و یا هنجاری، کمی و کیفی، فرضیه و یا دیدگاه متخصصان و بر مبنای هدف. آنچه در این پژوهش کاربرد دارد «روش پویای محیطی» است. منظور از پویای محیطی، نوعی توجه و هشدار در خصوص تغییرات آینده است و می‌تواند تغییرات محیطی را شناسایی و اعلام کند. منظور از واژه «محیط» در این روش، شامل محیط طبیعی جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی، تجاری، سیاسی، اجتماعی، داخلی و بیرونی می‌شود (صادقی، ۱۳۹۶: ۱۹۸ - ۱۹۹). این روش نمودار مثلث شکل را تشکیل می‌دهد که می‌توان به گونه زیر نشان داد.



نمودار شماره ۳ انواع فعالیت پویا محیطی.

در فعالیت «منفعلا نه» به بررسی رسانه‌های ارتباط جمعی محدود می‌شود و هدف از آن به‌روز بودن اطلاعات است. در فعالیت «فعالانه» منابع مشخصی را به‌طور منظم تحت پویا قرار می‌دهد. در فعالیت «جهت‌دار» از رویکرد سیستمی استفاده می‌برد و برای مسائل جدید و اکتشافی کاربرد دارد (صادقی، ۱۳۹۶: ۲۰۲-۲۰۳).

علت انتخاب این رویکرد، از میان رویکردهای دیگر این است که در این روش محیط را به‌صورت جامع در نظر گرفته است و محیط داخلی و بیرونی نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... به‌عنوان یک نظام کلی مورد توجه دارد.

۱-۳-۳. آینده‌نگری از دیدگاه اسلام

آینده‌نگری و آینده‌اندیشی در عرصه‌های مختلف فردی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و مسائل دیگر در آموزه‌های اسلامی مطرح و از سنت‌های الهی است (سید قطب، ۱۳۵۹: ۲-۳) که در آیات و روایات تأکید بسیار شده است.

یک: فردی؛ آینده‌اندیشی و عاقبت‌نگری فردی در اسلام و به‌خصوص قرآن کریم به مقولات مانند ایمان به خدا، عبادت، توکل، تقوا، صبر، مسئولیت‌پذیری و برنامه‌ریزی بر اساس تعقل و مشورت مورد تأکید قرار گرفته است.

۱. ایمان به خدا؛ مانند آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا» (قرآن کریم: العصر، ۲-۳).

۲. عبادت؛ خداوند می‌فرماید «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (قرآن کریم: العنکبوت، ۴۵).

۳. توکل؛ قرآن بارها به‌صراحت و کنایه انسان‌ها را به توکل به خداوند امر نموده است مانند آیه ۱۲۲ و ۱۵۹ آل عمران و آیه ۱۲

و ۲۶ سوره مائده و آیه ۵۲ سوره توبه. همچنین نسبت به سرانجام توکل و اعتماد به خداوند می‌فرماید «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» هر کس بر خدا اعتماد کند، برای او بس است» (قرآن کریم: الطلاق، ۳). با توکل به خداوند انسان به خاسته‌های شرعی خودش دست میابد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/، ۵۲۷).

۴. تقوا؛ خداوند در ابتدای سوره بقره می‌فرماید «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» قرآن وسیله هدایت برای پرهیزگاران است» (قرآن کریم: البقره،

۲).

۵. صبر؛ کلمه «صبر» در قرآن قریب به «هفتاد» مورد بیان شده (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/، ۵۱۸) و به صورت عام به معنای پایداری و شکیبایی نسبت به آنچه را عقل و شرع اقتضا دارد آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۷۴) نظیر «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ: خداوند با صابران است» (قرآن کریم: البقره، ۱۵۳).

۶. مسئولیت پذیری و برنامه ریزی بر اساس تعقل و مشورت؛ بنا به دستورات قرآن کریم، انسان در مقابل رفتارهای خود مسئولیت دارد مانند «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا: همانا گوش و چشم و دلها همه مسئولاند» (قرآن کریم: الاسراء، ۳۶).

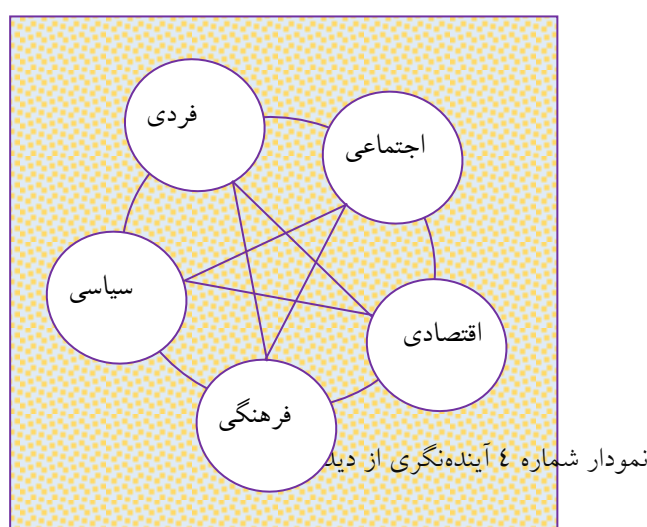
دو: سیاسی؛ در حوزه تشکیل حکومت و مسایل سیاسی، افراد جامعه را فارغ از مرزهای جغرافیایی یا نژادی گرد هم آورد (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) (قرآن کریم: آل عمران، ۱۰۳) و امت اسلامی را در نظر دارد و از دیکتاتوری و تمامیت خواهی دوری می جوید. قرآن کریم بر پایه ای قانون الهی و به عنوان یک خط مشی فردی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی استوار است (فاکر میبیدی و رفیعی، ۱۳۹۸: ۲۱ - ۲۲). همچنین انسان را به عنوان خلیفه خود در روی زمین قرار داده است مانند که می فرماید «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (قرآن کریم: البقره، ۳۰). این جانشینی و خلیفه قراردادن پیامبران و اولیا و تداوم خلیفه الله، گویایی مسائل سیاسی و حکومتی است که استراتژی برای تمدن سازی و آینده نگری را برای ما به ارمان آورده است.

سه: اجتماعی؛ منشأ تحول عصر حاضر، ظهور اسلام و سنت های اجتماعی آن است که حتی دانشمندان منصف غربی نیز منکر این تأثیر شگرف نیستند (فاکر میبیدی و رفیعی، ۱۳۹۸: ۲۲). اسلام برخلاف ادیان دیگر الهی، بشر را به زندگی اجتماعی امر می کند و برای توسعه جامعه اسلامی مسئله نظارت بر خود، جامعه و حکومت را بیان می دارد مانند «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ: مردان و زنان باایمان ولی (یار و یاور) یکدیگرند امر به معروف و نهی از منکر می کنند» (قرآن کریم: التوبه، ۷۱). منظور از کلمه «أَوْلِيَاءُ» این است که جامعه اسلامی و مؤمنین اولیای یکدیگر هستند و در برابر همدیگر مسئولیت دارند. وعده خداوند به جامعه باایمان حقیقت رستگاری است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹/، ۴۵۶)؛ مانند این آیه که می فرماید «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...» (قرآن کریم: التوبه، ۷۲).

چهار: فرهنگی؛ از فرهنگ سازمانی به عنوان مجموعه از ارزش ها، باورها، عقاید و هنجارهای مشترک یاد می کنند. فرهنگ مطلوب از دیدگاه اسلام مقوله های قدرت، ولایت مداری، ایثار، جهاد، توکل، ایزاع (الهام باطنی)، اسبغ (سیر و سیراب نمودن)، احساس مسئولیت، امانت و اهلیت و تقوا هستند. از فرهنگ «قدرت» مانند «أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (قرآن کریم: البقره، ۱۰۶) به عنوان یک امانت منظور است. قدرت توأم با امانت مقدس است، مانند حضرت سلیمان (ع) (قرآن کریم: نمل، ۱۹)؛ و حضرت یوسف (ع) (قرآن کریم: یوسف، ۱۰۱) که از خداوند قدرت می طلبند و در آخر از خداوند می خواهند که در زمره صالحان قرار گیرند و از قدرت به عنوان یک امانت الهی نگاه می کنند (قوامی، ۱۳۹۳: ۲۴۱ - ۲۶۴).

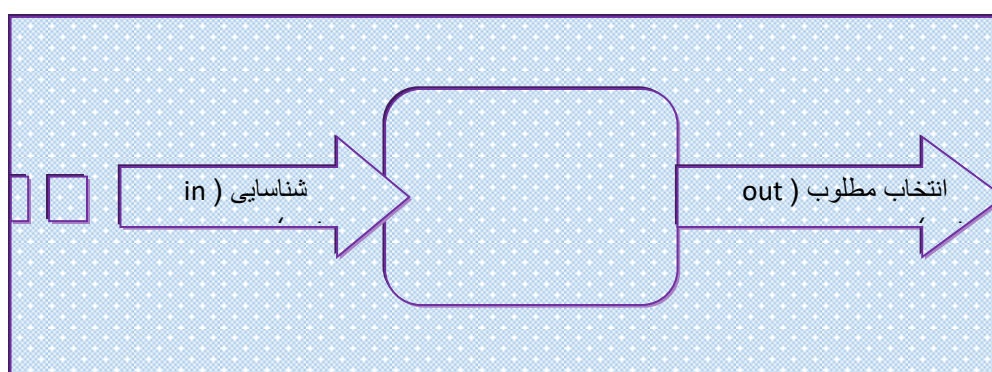
پنج: اقتصادی؛ اقتصاد به عنوان یکی از مهم ترین مسائل زندگی انسان ها مطرح است و اسلام نیز به آن توجه خاصی دارد. نظام اقتصادی اسلامی، به معنای مجموعه قواعد کلی ارائه شده در زمینه ی روش تنظیم حیات اقتصادی انسان و رفع مشکلات اقتصادی که در راستای

تأمین عدالت اجتماعی برای رسیدن به سعادت بشر و جامعه است، می‌باشد (جعفرزاده کوچکی، ۱۳۹۵: ۲). قرآن کریم مسائل اقتصادی و ثروت را عامل پایایی و قیام فرد و جامعه می‌داند مانند «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا: اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان ندهید» (قرآن کریم: النساء، ۵). هدف نظام اقتصادی اسلامی، تأمین رفاه عمومی و از بین بردن فقر از جامعه و نیز رسیدن به استقلال اقتصادی و عدالت اجتماعی است (عبداللّهی عابد و قبادی، ۱۳۹۳: ۱۱۰ - ۱۱۱). به صورت کلی می‌توان آینده‌نگری از دیدگاه قرآن را به صورت زیر ترسیم کرد.



۲. مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مبانی نظری می‌توانیم مدل مفهومی پژوهش را به گونه زیر در نظر گرفت.



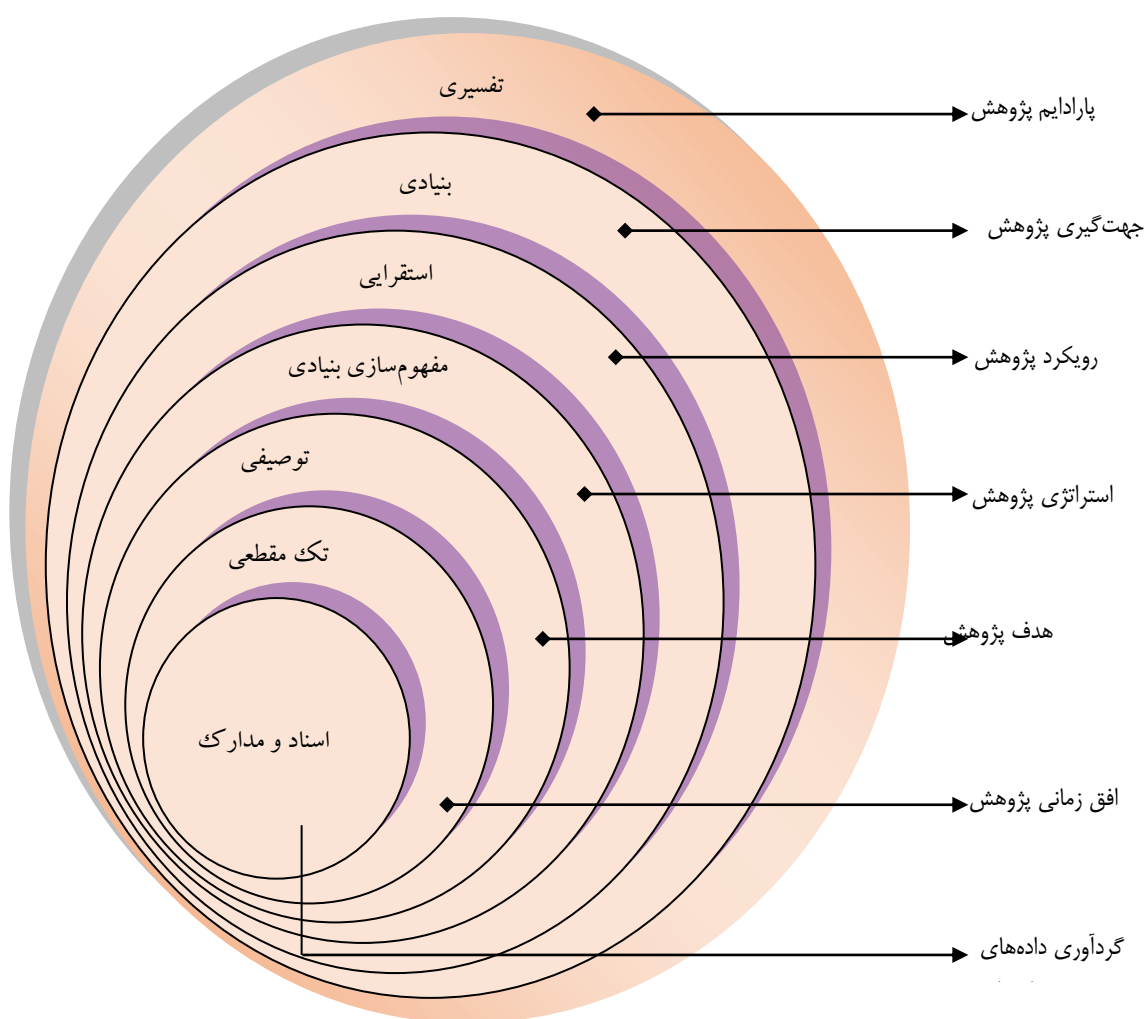
نمودار شماره ۵ مدل مفهومی پژوهش محقق ساخته.

در نمودار شماره ۵ هدف این است که در ابتدا شناسایی ویژگی‌های سازمان‌های آینده صورت می‌گیرد و بعد از تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، ویژگی‌های مطلوب انتخاب می‌گردد.

۳. روش پژوهش

استراتژی‌های پژوهش، طریق پژوهش را در اختیار ما می‌گذارد. مسیر پژوهش در واقع نوعی استراتژی پژوهش است که جمع‌آوری داده‌ها را دربر می‌گیرد. انتخاب مسیر پژوهش، به جمع‌آوری داده‌های پژوهش تأثیر می‌گذارد. استراتژی مشخص به مهارت‌های مختلف، پیش‌فرض‌ها و رویه‌های پژوهشی دلالت دارند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۷). پژوهش حاضر بر اساس پیاز پژوهش (ساندرز، دانایی فرد) به گونه نمودار زیر، انجام گرفته است.

۴. ویژگی‌های سازمان‌های آینده



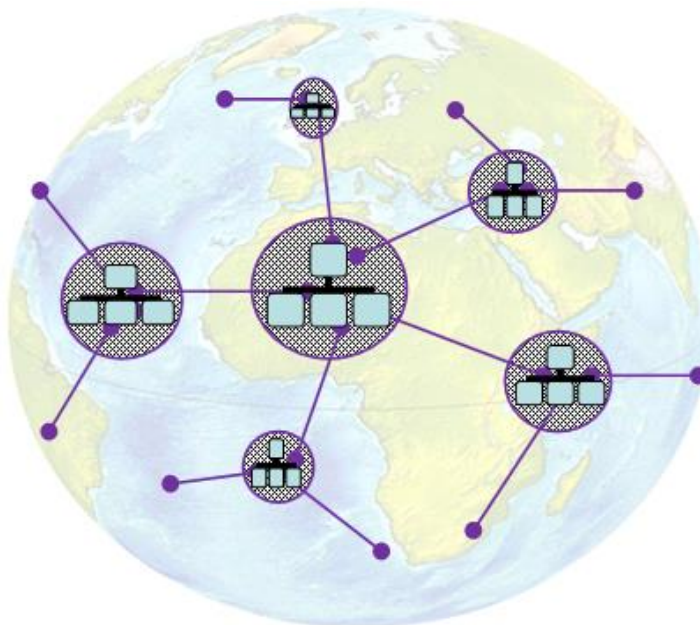
نمودار شماره ۶ فرایند پژوهش.

سازمان‌های آینده تسهیل‌کننده در ارتباطات، هماهنگی و کنترل خواهند بود. با این روش منجر به افزایش تفکیک افقی و عمودی، ایجاد واحدهای سازمانی در فعالیتهای سازمان‌ها می‌گردد. سازمان‌های آینده به‌طور اثربخش فعالیت‌ها را هماهنگ و کنترل نمایند و

تعداد زیادی از مدیران ستادی و میانی را کاهش خواهند داد. با توجه به تبعات انقلاب فناوری اطلاعات، امکان هم‌زمان تمرکز و عدم تمرکز را فراهم سازند. ساختار سازمانی را مسطح‌تر می‌کند و شکل آینده سازمان‌ها را تغییر می‌دهند. انقلاب فناوری اطلاعات، کار کردن در منزل را برای کارکنان فراهم خواهند نمود و مرزهای سازمان‌ها را نامشخص خواهند ساخت. فناوری اطلاعات موجب سازمان‌های فرا منطقه‌ای و جهانی خواهد شد (رابینز، ۱۳۸۷: ۴۱۷ - ۴۲۶). در آینده سازمان‌های کارایی و اثربخشی خواهند داشت که از هوش، اطلاعات و ایده‌ها پیروی کنند. سازمان‌های آینده خواستگاه دستیابی به کیفیت، ماشین‌های هوشمند، افراد هوشمند (دارای حرفه‌های جدید)، اعتبار جدید (مدیران باسواد بالاتر) و گسترش فرهنگ یادگیری برای نوعی حاکمیت هستند (هندی، ۱۳۸۷: ۱۵۱). سازمان‌های آینده از سیستم دوگانه برخوردار هستند و از ساختار سلسله‌مراتب و شبکه‌ای استفاده می‌کنند (کاتر، ۱۳۹۴: ۳۴ - ۳۵). این سیستم به اصول زیر استوار است:

- افراد متعدد از تمام سطوح سازمان، هدایت تغییر را در دست دارند.
- از ذهنیت «خواستن» به جای «باید» برخوردار است.
- قلب‌محور و عقل‌محور است.
- رویکرد مشارکتی دارد.

باین‌وجود نمودار ساختار سازمان‌های آینده به گونه نمودار زیر است.



نمودار شماره ۷ ساختار سازمان‌های دوگانه، برگرفته از (کاتر، ۱۳۹۴: ۳۴ - ۳۵).

۵. آینده‌نگری در بیانیه گام دوم

در گذشته بیان گردید که سازمان‌ها در سطح خرد و کلان و با توجه به محیط‌های داخلی و خارجی، به دنبال تغییر «برنامه‌ریزی شده» هستند و فرایندی را انجام می‌دهند (رابینز، ۱۳۸۷: ۳۳۳). برای این تحول نیازمند روش روشن و فراگیر «آینده‌پژوهی» مطلوب است. از طرفی دیگر آینده‌نگری از دیدگاه اسلام در عرصه‌های مختلف فردی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و مسائل دیگر مطرح است. در اینجا در ابتدا «اهداف انقلاب اسلامی» با توجه به بیانیه گام دوم بیان می‌گردد و بعد «بیانیه گام دوم» با توجه به روش «پویش محیطی» مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت «ویژگی‌های سازمان آینده» استخراج می‌گردد.

۱-۵. اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی با توجه به بیانیه گام دوم

هر انقلابی با مبنای فکری شکل می‌گیرد و مطابق آن تداوم می‌یابد. مبنای فکری انقلاب اسلامی اسلام و آموزه‌های اسلامی است که سنخیت با تفکر و فرهنگ مردم داشت (شفیعی فر، ۱۳۷۸: ۹۴-۹۶). لذا اهداف و آرمان‌های انقلاب، خواست‌ها، اهداف و انتظاراتی است که مردم خواهان آن بوده‌اند و در جهت دستیابی به آن‌ها تلاش می‌کردند که با پیروزی انقلاب، اهداف مورد نظر محقق گردد. آرمان‌ها و اهداف یک انقلاب را می‌توان از رهبری و نخبگان انقلاب، مردم و توده‌های انقلابی، نقش و کارکرد طبقات اجتماعی، تأسیسات نظام سیاسی جدید و نقطه‌ی آغازین انقلاب یک جامعه فهمید (تاجیک و درویشی، ۱۳۸۳: ۱۴۳-۱۴۴). ماهیت آرمان و اهداف انقلاب اسلامی از اصول مانند خدامحوری، حق تعیین سرنوشت انسان‌ها، همبستگی دیانت و سیاست، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و معنویت‌گرایی و عام بودن، پیروی می‌کند (همان، ۱۴۷). در کل می‌توان اهداف انقلاب اسلامی را به گونه زیر بیان نمود:

الف: بعد سیاسی؛ آنچه در این بعد در نظر دارد مبارزه با ظلم استکبار جهانی، صدور انقلاب به جهان، بیداری ملت‌ها، قطع ریشه فساد، نهراسیدن از دشمن، حمایت از مستضعفان جهان و... است.

ب: بعد فرهنگی؛ در این اهداف استقلال جامعه، معرفی صحیح احکام اسلامی، مبارزه با فرهنگ کفر، تحول فرهنگی و خودباوری فرهنگی را در نظر دارد.

ج: بعد اقتصادی؛ آنچه در این بعد مورد توجه قرار دارد عدالت اجتماعی، تأمین امنیت مالی، خودباوری و پشتکار و تلاش برای دستیابی به دانش فنی و فناوری است (بهداروند، ۱۳۹۵: ۱۱۱-۱۳۸).

به‌طور کلی اهداف انقلاب اسلامی در «بیانیه گام دوم» در راستای شعار و اهداف «گام اول انقلاب اسلامی» است. به‌طور مشخصاً اهداف انقلاب اسلام در سال ۵۷ استقلال، آزادی، عدالت و معنویت بود که در بیانیه گام دوم اخلاق، عزت، عقلانیت و برادری افزوده شده است (<https://paydarymelli.ir/fa/print/52644>).

۲-۵. بیانیه گام دوم با توجه به روش «پویش محیطی» آینده‌نگری

در روش پویش محیطی فعالیت‌های محیطی منفعلانه، فعالانه و جهت‌دار مورد توجه هستند (صادقی، ۱۳۹۶: ۲۰۲-۲۰۳). این فعالیت با توجه به «گام دوم» به گونه زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف: محیط منفعلانه در بیانیه گام دوم؛ این مؤلفه در «گام اول» و «گام دوم» جایگاهی ندارد، زیرا در ابتدا ظهور انقلاب اسلامی بر مبنای آموزه‌های اسلام و رشد و تحول پایه‌گذاری گردید و اهداف را در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ترسیم نمود. شعار و استراتژی عدالت اجتماعی، استقلال، تأمین امنیت مالی، آزادی، اخلاق، عزت، عقلانیت، معنویت، برابری، بیداری ملت‌ها، قطع ریشه فساد، حمایت از مستضعفان جهان، مبارزه با ظلم استکباری جهانی و مبارزه با فرهنگ کفر را سرلوحه خود قرارداد (بهداروند، ۱۳۹۵: ۱۱۱-۱۳۸). انقلاب اسلامی در بدو ظهورش تا به امروز، در محیط داخلی و بیرونی به صورت فعالانه عمل نمود و در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و اجتماعی تأثیر گزار بوده است. همان‌گونه که در بیانیه گام دوم آمده است «آن روز ... انقلاب اسلامی ایران، چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی را ... به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدید را اعلام نمود.» و در جای دیگر آمده است که «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده ... است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست» (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

ب: محیط فعالانه در بیانیه گام دوم؛ بیانیه گام دوم، با محیط داخلی و بیرونی رویکرد فعالانه دارد و محیط داخلی را به‌عنوان یک الگوی پیشروی برای آینده ترسیم کرده است. همان‌گونه که راجع با محیط داخلی آمده است «... انقلاب پُرشکوه ملت ایران ...، انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاد ... و اینک وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.» در جای دیگر این بیانیه آمده است که «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده ... است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده ...، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلاب تا ابد دفاع می‌کند.» در راجع با محیط بیرونی آمده است که «جمهوری اسلامی، ... در برابر پدیده‌ها ... نوبه نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به‌شدت پایبند و ... با رقیبان و دشمنان به‌شدت حساس است. ... این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردد» (همان).

ج: محیط جهت‌دار در بیانیه گام دوم؛ بیانیه گام دوم با توجه به گذشته پرافتخار، انقلاب اسلامی را به‌عنوان «برکات بزرگ انقلاب اسلامی» یاد می‌کند و افق آینده را به صورت روشن ترسیم کرده است. این بیانیه، محیط جهت‌دار را با شعار «ما می‌توانیم» شروع کرده است و استراتژی انقلاب اسلامی را با هفت راهبرد اساسی، نظیر «ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی»، «موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی»، «به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی»، «ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم»، «سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور»، افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه» و «ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان» (همان) مشخص کرده است.

۵-۳. آینده‌نگری سازمان‌ها در بیانیه گام دوم

به صورت کلی ویژگی‌های سازمان‌ها و نظام آینده در بیانیه گام دوم، در هفت بعد توصیه شده است.

یک: علم و پژوهش؛ سازمان‌های آینده می‌توانند با علم و تحقیق در زندگی خود ادامه دهند. سازمان‌ها باید خود را با علم و تکنولوژی روز مجهز کنند، زیرا دانش آشکارترین وسیله قدرت در سازمان‌های خرد و کلان است. در این بیانیه، شعار «توانا بود هر که دانا بود» را برای رشد و تداوم یک‌نهاد بیان می‌کند (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

دو: معنویت و اخلاق؛ این ویژگی اشاره به تحول ساختار اجتماعی و فرهنگی سازمان‌ها دارد و منظور از «معنویت و اخلاق» این است که منابع سازمان‌ها از ارزش‌های معنوی برخوردار باشند. ایثار، توکل، ایمان، خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع و اعتماد به نفس به‌عنوان فرهنگ سازمان‌ها در نظر گرفته شود و جهت دهنده‌ی رفتار و فعالیت افراد در سازمان‌ها باشد (همان).

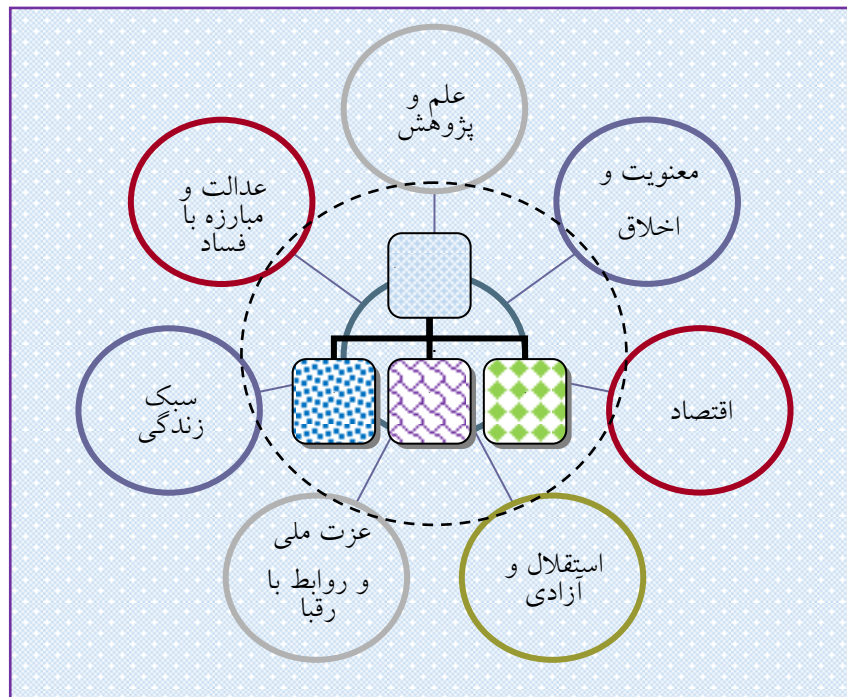
سه: اقتصاد؛ این بعد از ویژگی سازمان‌ها، راجع به اقتصاد سازمان‌ها به‌عنوان یک وسیله‌ی برای توسعه سازمان‌ها می‌پردازد. اقتصاد مبتنی بر توزیع عادلانه و به‌دوراز اسراف و تولیدات باکیفیت، منجر به توسعه اثربخشی سازمان‌ها می‌گردد. در این ویژگی توجه به چند محصولی، اولویت‌بندی آن‌ها و کاهش هزینه‌های زائد سازمان‌ها شده است (همان).

چهار: عدالت و مبارزه با فساد؛ منظور از عدالت و مبارزه با فساد، نظارت و کنترل فراگیر سازمان‌ها است. سازمان و نظامی موفق خواهد بود که افراد آن، خودکترلی داشته باشند و در نظارت خود و دیگران، قاطعیت و حساس باشند. قدرت، تنبیه و تشویق در سازمان با توجه به صلاحیت افراد و به‌صورت عادلانه توزیع گردد و شایسته‌سالاری در سازمان‌ها حاکم باشد. به‌عنوان نمونه، آمده است که «بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن ... دانا و کاردان سپرده شود» (همان).

پنج: استقلال و آزادی؛ آزادی اجتماعی به این معناست که در سازمان‌ها و نهادها، زیردستان و افراد پایین‌دست، هم در چارچوب قوانین و ارزش‌های سازمانی، حق تصمیم‌گیری داشته باشند. استبداد ری، خلاقیت و نوآوری را در سازمان‌ها نابود می‌کند. سازمان‌ها تنها به محیط داخلی معطوف نباشند و به محیط بیرونی نیز توجه داشته باشند (همان).

شش: عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛ این ویژگی توجه به سازمان‌های چندملیتی دارد. سازمان‌های زنده خواهند ماند که توجه به محیط بیرونی و رقبای خود، در سطح بین‌الملل داشته باشند. سازمان‌های چندملیتی در مقابل رقبای خود، مجهز به قدرت و دانش روز باشند و در روابط با آن‌ها، توجه به مصلحت و منفعت را لحاظ کنند و از تهدید و تبلیغات رقبا هراسی نداشته باشند و از استراتژی خود عقب‌نشینی نکنند (همان).

هفت: سبک زندگی؛ منظور از سبک زندگی، توجه به فرهنگ سازمان‌هاست. سازمان‌ها توجه به فرهنگ و ارزش‌های مطلوب در محیط خارجی و داخلی خود داشته باشند و با فرهنگ‌های زیان‌بار و مخرب، به‌صورت آگاهانه و خودجوش مقابله کنند (همان). ویژگی‌های سازمان‌های آینده در بیانیه گام دوم را می‌توان به‌صورت نمودار زیر نشان داد. نمودار شماره ۸ ویژگی‌های سازمان‌های آینده در بیانیه گام دوم.



۶. نتیجه پژوهش

این تحقیق به دنبال «آینده نگری در سازمان‌ها» با توجه «بیانیه گام دوم» است. سازمان‌ها به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی است که به‌طور آگاهانه برای تحقق هدف مشخصی فعالیت می‌کنند. تحول سازمان به‌صورت برنامه‌ریزی شده و یک فرایندی است که برای توسعه، در طول سال‌ها به‌صورت آگاهانه اتفاق افتاده است. آینده‌نگری در اسلام در ابعاد فردی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، مطرح است. با توجه به مدل مفهومی پژوهش و روش تحقیق، آینده‌نگری در سازمان‌ها، مورد ارزیابی قرار گرفت و ویژگی‌های سازمان‌های آینده مشخص گردید. آینده‌نگری اهداف انقلاب اسلامی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با توجه به بیانیه گام دوم، مورد بررسی قرار گرفت و ویژگی‌های سازمان‌های آینده با توجه به بیانیه گام دوم نیز مطرح شد. نتیجه‌ی که از بررسی منابع و اسناد به دست آمد، آینده‌نگری در سازمان‌ها و ویژگی‌های سازمان‌های آینده در بیانیه گام دوم، در ابعاد علم و پژوهی، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی، مشخص گردید.

فهرست منابع

قرآن.

الوانی، سیدمهدی ۱۳۸۵، *مدیریت عمومی*، چ. بیست‌وهفتم، تهران: نشر نی.

بهداروند، محمدمهدی، (۱۳۹۵)، *انقلاب اسلامی، مسائل و راهبردها*، چاپ اول، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

جعفرزاده کوچکی، علیرضا ۱۳۹۵، *الزامات و مبانی اقتصاد اسلامی در قرآن کریم*، چ. اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

چارلز، هندی ۱۳۸۷، *عصر سنت‌گریزی*، م. مخبر، عباس، چ. چهارم، خرم‌شهر: انتشارات طرح نو.

چیمز، چمپی و نیتین، نوریا ۱۳۷۷، *با شتاب به پیش*، م. طلوع مکانیک، محمود، چ. اول، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

حاجیان، ابراهیم ۱۳۹۰، *مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی*، چ. اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

دانائی فرد، حسین و همکاران (۱۳۸۳)، *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت (رویکرد جامع)*، چاپ اول، تهران: صفار.

رابینز، استیفن ۱۳۸۷، *تئوری سازمان (ساختار و طرح سازمانی)*، مم. الوانی، مهدی و دانایی‌فرد، حسن، چ. بیست و دوم، تهران: صفار.

رضاییان، علی ۱۳۸۷، *مبانی سازمان و مدیریت*، چ. دوازدهم، تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

زاهدی، شمس‌السادات و همکاران ۱۳۸۸، *فرهنگ جامع مدیریت*، چ. چهارم، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

سید قطب ۱۳۵۹، *آینده در قلمرو اسلام*، م. خامنه‌ای، سیدعلی، چ. هفتم، بی‌جا.

شفیعی فر، محمد (۱۳۷۸)، *درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی*، چاپ اول، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

صادقی، عبدالمجید ۱۳۹۶، *آینده پژوهی با رویکرد دینی*، چ. دوم، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).

طباطبایی، محمدحسین ۱۳۷۴، *ترجمه تفسیر المیزان*، ج ۱، م. موسوی، محمدباقر، چ. پنجم، ایران - قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، محمدحسین ۱۳۷۴، *ترجمه تفسیر المیزان*، ج ۱۹، م. موسوی، محمدباقر، چ. پنجم، ایران - قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، محمدحسین ۱۳۷۴، *ترجمه تفسیر المیزان*، ج ۹، م. موسوی، محمدباقر، چ. پنجم، ایران - قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

عباس زادگاه، سیدمحمد ۱۳۷۸، *فرهنگ واژگان و اصطلاحات مدیریت*، چ. اول، تهران: مؤسسه انتشارات سوره.

فرنچ، وندل و اچ بل، سسیل ۱۳۸۱، *مدیریت تحول در سازمان*، م. الوانی، سیدمهدی و دانایی فرد، حسین، چ. چهارم، تهران: صفار - اشراقی.

قوامی، سیدمصمصام الدین ۱۳۹۳، *تفسیر موضوعی قرآن کریم (دانش مدیریت در قرآن)*، چ. اول، قم: نشر معارف.

کاتر، جان ۱۳۹۴، *با شتاب به پیش*، م. عیسی خانی، احمد، چ. اول، تهران: فرا.

ماری، جوهرچ ۱۳۹۳، *نظریه سازمان*، م. دانایی فرد، حسن، چ. ششم، تهران: مهربان نشر.

میرباقری، سید محمد مهدی ۱۳۹۸، *عصر جدید (خواتشی از مفاهیم و راهبردهای بیانیه گام دوم)*، چ. پنجم، قم: تمدن نوین اسلامی.

مجلات

تاجیک، محمدرضا و درویشی، فرهاد (۱۳۸۳)، *آرمان های انقلاب اسلامی در عصر جهانی شدن (چالش ها و واکنش ها)*، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۳، صص. ۱۴۰ - ۱۷۱.

عبداللهی عابد، صمد و قبادی، مهری ۱۳۹۳، *راهکارهای قرآن برای رونق اقتصادی*، مجله سراج منیر، سال ۵، شماره ۱۶، صص. ۱۱۰ - ۱۲۹.

فاکر میبیدی، محمد و رفیعی، محمدحسین ۱۳۹۸، *مرجعیت علمی قرآن از نگاه علامه طباطبایی*، فصلنامه علمی - تخصصی، مطالعات علوم قرآن، سال اول، شماره ۱، صص. ۸ - ۳۷.

سایت ها

<https://paydarymelli.ir/fa/print/۵۲۶۴۴>

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

سبک زندگی از منظر اسلام

لیلی خیدانی^۱

۱- استادیار گروه معارف اسلامی - دانشگاه پیام نور تهران - ایران

چکیده

این مقاله به بررسی دقیق مفهوم سبک زندگی از منظر اسلامی پرداخته و به نقش بی بدیل الگوهای ایده آل دینی در هدایت فرد و اجتماع توجه دارد. خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی، با تکیه بر آموزه های قرآنی، به عنوان محیطی برای تقویت آرامش، مهربانی و ایمان معرفی می شود. مقاله با رویکردی تحلیلی، سه حوزه کلیدی اعتقادی، اخلاقی و رفتاری سبک زندگی اسلامی را مورد واکاوی قرار داده و تأکید می کند که چگونه این جنبه ها می توانند بر اساس اصول توحیدی، نیازهای روزمره و رفتارهای اجتماعی صحیح را تنظیم و انطباق دهند. در نهایت، مقاله با تأکید بر اهمیت تلفیق آموزه های اسلامی با فرهنگ ایرانی، به ارائه الگویی عملی مشغول است که بتواند در تبیین مسیر صحیح زندگی فردی و اجتماعی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، اسلامی، اعتقادی، اخلاقی، خانواده، ایران

مقدمه

سبک زندگی، به عنوان یکی از مفاهیم محوری در علوم اجتماعی، به نحوه تعامل فرد با محیط اجتماعی و فرهنگی اش اشاره دارد. این مفهوم فراتر از آثاری است که به صورت ظاهری و سطحی در رفتار افراد نمود پیدا می کند و به ماهیت عمیق تر و کلی تر تجربیات انسانی می پردازد. آدلر در تعریف خود، سبک زندگی را به عنوان «کلیتی بی همتا» در نظر می گیرد که همه فرآیندهای زندگی فرد تحت آن قرار دارند. او بر این باور است که این سبک زندگی، نه تنها بیانگر رفتار و رجحانات فرد است، بلکه طرحی گسترده از درک و تعامل فرد با جهان اطرافش ایجاد می کند.

همچنین، کلاکسون سبک زندگی را به عنوان مجموعه ای از الگوهای خودآگاه و دقیقاً توسعه یافته ترجیحات فردی در رفتار شخصی مصرف کننده تعریف می کند. این رویکرد به تأثیر انتخاب ها و سلیقه های فرد در شکل گیری سبک زندگی و همچنین در رفتارهای مصرفی اشاره دارد. از سوی دیگر، لیزر سبک زندگی را طرز مشخص و متمایز زندگی گروهی از افراد می داند که تحت تأثیر فرهنگ، ارزش ها و نمادهای اجتماعی شکل می گیرد.

بنابراین، سبک زندگی نه تنها نمایانگر قشر اجتماعی افراد است، بلکه به عنوان یک عامل هدایت کننده در تصمیمات، رفتارها و تعاملات اجتماعی آنان عمل می کند. درک عمیق تری از این مفهوم و نقش آن در زندگی روزمره می تواند به ما یاری رساند تا تأثیرات فرهنگی و اجتماعی را در تحلیل رفتارهای مختلف جامعه بشری به نحو بهتری شناخته و بررسی کنیم.

مفهوم و اصول سبک زندگی اسلامی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

سبک زندگی اسلامی بر پایه دو اصل اساسی، یعنی بینش اسلامی منش اسلامی بنا شده است. بینش اسلامی به مبانی اعتقادی و باورهای اسلامی اشاره می‌کند که ساختار اصلی سبک زندگی را تشکیل می‌دهند. در مقابل، **منش اسلامی** شامل دو بعد کلیدی است: **مبانی اخلاقی** و **حقوقی**، که با فراهم کردن چارچوبی معنایی، بر رفتارها و اعمال افراد تأثیر می‌گذارد. به طور کلی، هسته مرکزی سبک زندگی اسلامی را **توحید** و **خداابوری** شکل می‌دهد که اساسی‌ترین بخش از دین اسلام به شمار می‌آید. این مولفه‌ها با دیگر اعتقادات اسلامی تعامل داشته و زنجیره‌ای از آداب و رسوم را خلق می‌کنند که ابعاد اجتماعی زندگی انسان را به تصویر می‌کشد.

مفهوم اسلامی بودن، مجموعاً به انعکاس عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی اشاره دارد که به منظور اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها طراحی شده است (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۹۳). این دین، با فراهم کردن چارچوبی برای زندگی، به عنوان راهنمای انسان در این دنیا عمل می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ص ۶۱۳). سبک زندگی اسلامی از نهضتی همه جانبه به سمت تکامل حمایت می‌کند، که شامل چهار بعد اصلی می‌باشد اصلاح فکر و عقیده، پرورش اصول عالای اخلاق انسانی، حسن روابط بین افراد اجتماع، و حذف تبعیضات نادرست

علاوه بر این، هر دینی از دو بخش اصلی تشکیل شده است :

۱. عقاید که اصول بنیادین دین را معرفی می‌کنند، مانند اعتقاد به توحید و معاد؛

۲. برنامه حرکات به سوی هدف **که شامل احکام و تکالیف است و به تدوین اخلاقیات و احکام فقهی می‌پردازد (مصباح یزدی، ۱۳۷۰، ص ۱، ج ۲۸)**

در نهایت، سبک زندگی اسلامی نه تنها فلسفه وجودی انسان را تبیین می‌کند بلکه الگویی را برای تعاملات اجتماعی و اخلاقی ارائه می‌دهد که افراد را قادر می‌سازد در جامعه‌ای متوازن و سالم زندگی کنند.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی

سبک زندگی منطبق با معیارهای اسلامی در چهارچوبی قرار می گیرد که به مقتضای آن، رخدادهای عالم به حق و باطل تقسیم می گردد. توصیف نظام حق و باطل براساس آیات قرآن کریم، بحث گسترده ای است. به طور اجمال، قرآن، باطل را سرابی می داند که در نگاه پندارگرایان بسیار عظیم به نظر می رسد. باطل همواره به لحاظ فلسفی امر موهومی از جنس عدم نیست، بلکه ممکن است یک قدرت بزرگ، یک ثروت کلان یا یک عمل مرئی باشد، ولی به لحاظ آثار پایدار به منزله امر غیرواقعی است.

اثر پایدار در قاموس دینی، به اثری گفته می شود که بتواند در تئوری دین راجع به تاریخ جهان، پایا باشد. در این تئوری، اول آنکه؛ پایان جهان با متقین است (قصص: ۸۳). دوم آن که؛ حق همواره زنده می ماند حتی اگر پیروانش اندک باشند (نور: ۲۵). سوم آن که؛ باطل همواره نابود می شود (انبیاء: ۱۸) حتی اگر پیروانش زیاد و قدرت و ثروت مادی آن فراوان باشد (انفال: ۶۵؛ توبه: ۲۵؛ مائده: ۱۰۰). چهارم آن که؛ اراده حق به بار می نشیند (یونس: ۱۰۳) و اراده های معطوف به باطل به اهداف نهایی خود نمی رسند (سبأ: ۴۹؛ انفال: ۸).

با آنکه تاریخ، شواهد بی شماری از نگاه تاریخی دین به حق و باطل را نشان می دهد، اما فریفتگی بشر به اقتدار موهوم باطل همچنان تکرار می شود. سرّ این مطلب را قرآن کریم تشنگی و فقر نفسانی انسان می داند (نور: ۳۹). از نظر وجود شناختی، باطل، باطل است اما بیننده آن را حق می پندارد، نظیر تشنه ای که سراب را آب می پندارد. بنابراین، منشأ مشکل، پندار آدمی است. ضعف شخصیت و عدم کفایت درونی که ناشی از فقدان تربیت و شکوفایی استعدادهای درونی انسان است، در نگرش جهان - بینانه فرد، اثر دارد. افزون بر آنکه عدم آگاهی از داوری اسلامی درباره ارزشمندا و غیرارزشمندا نیز در این باره مؤثر است.

پس از ذکر این مطالب، می توان بیان نمود که یکی از ارکان با اهمیت سبک زندگی اسلامی، تقسیم رخدادهای به لحاظ هستی شناختی و تقسیم اعیان و افعال به لحاظ ارزشی به حق و باطل است. بدون این نگرش، ارائه سبک زندگی اسلامی هنجارین امکانپذیر نمی باشد. فکر اسلامی در این باره به عینیت ها و ابژه ها معنا می دهد و نظام معنایی حاصل از این فکر به اجزاء و ابعاد ریز و درشت زندگی، سایه انداخته و جایگاه آنها را در زندگی ما جابه جا می کند. زندگی خود را مطابق خواست آنها تنظیم نمی کند، از حق گویی، درست کاری و عدالت ورزی خودداری نمی کند، حتی اگر به نظر برسد در کوتاه مدت مناسبات حق مدار کم فایده یا بی فایده اند. در برابر باطل مقاومت می کند زیرا کاه آن را کوه نمی پندارد اما امور حقیقی و صحیح را سخت کوشانه دنبال می کند، زیرا کم آن را بزرگ می شمرد (نهج البلاغه، ح ۴۲۲). در چنین سبکی از زندگی است که رفتارهای درست محقق و دائماً بازتولید می شوند و رفتارهای غلط به تدریج محو می گردند. برای این جامعه، معیار، حق است. بنابراین، اگر تحولات اجتماعی اقتصادی فرهنگی به ظاهر مقتضی ارزش

های غیراسلامی باشند تن دادن به تحولات را گریزناپذیر نمی داند، بلکه حق به مثابه یک تراز، تحولات را جهت می دهد و انسان حقگرا می کوشد از ویژگی های جامعه در ابعاد فوق از عمود منصفی به نام حق، کمترین زاویه را پیدا کند.

چشم اندازاسلامی ایرانی در زمینه سبک زندگی

الگوی اسلامی ایرانی، یک نمودار بیانگر کلان نظریه ای برآمده از نظریه ها خرد و بزرگ درباره ی دین، هستی، انسان، جامعه، طبیعت تاریخ، تمدن و پیشرفت مبتنی بر آموزه های مکتب اهل بیت (ع) است که بهره مند از یافته های علوم جدید، برنامه پذیر، مورد وفاق نسبی نخبگان و قابل اجراء در ایران در جهت تحقق آرمان های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است (الویری، ۱۳۹۱، ص ۷۸).

بر اساس معنی ارائه شده فوق از الگو، آیا ترکیب « سبک زندگی اسلامی - ایر » ترکیبی درست و بامعنی است یا نه؟ پاسخ مثبت است. این الگو، الگویی است در آن از ترجیحات دینی یا مبتنی بر مبانی دینی پدید آمده است. به لحاظ عینی ما می توانیم درون هر نوع فرهنگ مبتنی بر مذهب و مکتبی (اعم از شیعه، سنی، مسیحی، بودایی و ...) این الگو ها را دنبال کنیم و اتفاقاً این یکی از حوزه های مطالعاتی فعال در مورد سبک زندگی در مجامع علمی است. در حوزه اندیشه و فرهنگ اسلامی و شیعی هم مطالعاتی شده و می توان تحقیقات بسیار دیگری انجام داد، چون اسلام همه حوزه های زندگی را پوشش داده و برایشان دستور دارد. لذا اسلام کامل ترین سبک های زندگی را عرضه می کند. در اصل جریان خلقت همه ی انسان ها حرکت « اِنَّا لِلّٰهِ و اِنَّا اِلَيْهِ راجعون » را طی می کنند. صراط یکی است. شاهراه یکی است، اما سُبُل متعدد است. قناعت به معنای اکتفا به کفاف (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱، ص ۸۵۸) و یک مبنا برای شکل دادن به زندگی است که در وهله اول، یک خصلت درونی زاینده است (نهج البلاغه، ح ۵۷) و به فرد احساس رضایت از زندگی و آرامش می بخشد (مجلسی، ۱۴۰۴، صص ۷۸ و ۱۲۸). برای همین، فرد قانع، فرد شاکر است (دبلمی، ۱۴۱۲، ص ۳۰۴).

شکر که در واقع سرمنشأ رضایت مندی فرد در زندگی می شود، ابتدا در قلب پدید می آید ولی سپس فرد را به انتخاب بهترین واکنش در قبال نعمت ها و داشته ها سوق می دهد. بهترین واکنش نیز در جای خود از استهلاک نیرو و امکانات و تباه کردن داشته ها جلوگیری می کند.

برای مثال؛ فرد قانع از دارایی خود به هر اندازه که هست خشنود است و خود را به عنوان پاسدار نعمت، موظف به حفاظت و مدیریت همان مقدار می داند. برای همین گفته شده قناعت دارایی فناپذیر است (حر العاملی، ۱۳۷۴؛ علاسوند، ۱۳۹۱، ص ۲۷۸).

این عبارت به دو معناست: اول آنکه؛ احساس بی نیازی درونی در فرد همیشگی است. دوم آنکه؛ فرد هم وارهِ می کوشد دارایی عینی و بیرونی را هم پاس داشته و برای آن برنامه ریزی کند، زیرا شکر یعنی گزیده ترین واکنش در قبال

نعمت. از آن رو که انسان قانع همواره در امور مادی به آنچه دارد می نگرند، به زمانی که در اختیارش قرار گرفته فکر می کند، به همسر و فرزندی که پیش روی او هستند نظر دارد... می داند که با چه واقعیت هایی روبرو است و قدرت شناسایی نقاط ضعف و قوت را داشته، می تواند برای عینیت ها برنامه ریزی کند و از این حیث، نگرشی ابژکتیو دارد. برای ابژه ها همواره می توان پیش بینی حداکثری کرد و با اطمینانی نسبی برنامه ریزی نمود. این، در حالی است که فرد غیر قانع به طور دایم در آمال و آرزوها اندیشه می کند (نهج البلاغه، ح ۳۴).

آمال و آرزوها وجود ندارد و برای نداشته ها، برنامه ریزی بسیار خیال پردازانه است. به همین دلیل فرد غیرقانع به طور دائم فرصت سوزی می کند (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۰۶) و خود را در این باره متهم نمی داند. سوژه متهم در از دست دادن فرصت ها، « دیگری » است، « دیگری » موهومی است که می تواند منشأ نارضایتی ها و ناسازگاری های خانوادگی و اجتماعی باشد. در مقیاس کلان، تراکم این نارضایتی ها به نابرداری های اجتماعی و ضعف مدارای مردمی و حتی ترمدهای سیاسی بینجامد. از سوی دیگر جهان بینی کلان نگر فرد قانع، جهان بینی نعمت گراست. جهان بینی نعمت گرا، انسان شاکر می سازد نه انسان شاکی. اضطراب، دیگربینی آزارنده ای که در اخلاق، نامش را چشم و هم چشمی یا حسد می گذارند، میل به تنوع طلبی و احساس نیاز به تحول دائمی در ابعاد زندگی مادی را ایجاد می کند و بلندپروازی ها که معمولاً به فرد احساس شکست و ذلت می چشانند (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۵) از نتایج روان شناختی جهان بینی غیر نعمت گراست که فرد غیرقانع از آن روزن به هستی می نگرند.

تأثیرات بی توجهی به مرزبندی حق و باطل بر هویت اجتماعی و فرهنگی

عدم اعتقاد به وجود ارزش های پایدار، چالشی انسان شناختی است. در هم ریختگی تعریف انسان که فلسفه های پساساختارگرا بدان دامن زده اند (۵، صص ۸۷۵ و ۸۷۶)، آثار خود را به عنوان یک نظریه در رابطه انسان و اخلاق نشان داده است. نفی بعد متافیزیکی در انسان، مساوی با نفی ثبات و ارزش های ماوراء مادی به مفهوم الهی از حقانیت است. عناصر اخلاقی، زمانی که از پشتوانه متافیزیکی برخوردار نباشند تحول پذیر و موقعیت محور بوده، اطلاق و حتمیت خود را از دست می دهند. در صورت اعتقاد به حقانیت و اطلاق در اصول اخلاقی، می توان از حریم اخلاق دفاع کرد، مسئولیت عمل را پذیرفت و دیگران را به موازین اخلاقی مورد توافق عقل و خرد همگانی دعوت کرد. لیکن «در همه صدهای اخلاقی، هیچ کس نمی تواند دیگران را ساکت کند و افراد با ذهنیت خود، به مثابه یگانه مرجع اخلاقی غایی تنها می مانند (باومن، ۱۳۸۴، ص ۳۱).

نسبی گرایی اخلاقی و ارزشی، ذاتاً عاری از قوت و قدرت درونی نیرومندی برای انسان ها و پیروان خود است. آدمیان در این شرایط، هیچ انگیزه ای برای وفاداری به قواعد اخلاق ندارند. این مسأله در جای خود بسیار عمل گرایانه است، چرا که به طور چشم گیری در ایجاد فاصله میان نسل جدید و نسل پیشین تأثیر گذاشته، باعث می شود که نسل جدید ارزش های والدین خود را ارزش های خود نداند. شکاف نسلی نیز به تطورات بیرویه در خانواده دامن می زند. در همین



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



فرض، ممکن است نسلی انقلاب کند و نسل بعدی نخواهد آرمان‌های انقلاب را حفظ نماید. در واقع، خانواده به مرور ارزش‌هایش سیال‌تر شده و اساساً به پدیده مقاومت متعهد نمی‌ماند. اگر برای خانواده، عفت عمومی، غیرت و رزق، قناعت، ارزش‌های اجتماعی مثل جمع‌گرایی، دلسوزی، عدالت و ... مهم باشد، می‌تواند اعتراض اجتماعی و شبکه‌ای را در راستای حفظ این ارزش‌ها شکل دهد. وجود شبکه‌های خانواده‌گرا که صرفاً بر اساس خواست خودجوش مردمی شکل می‌گیرند به مطالبات آنها عمومیت بخشیده و آنها را نیرومند می‌سازد (علاسوند، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۵۷). به دنبال این مهم، انتخاب‌های مردم، معماری‌های ساختمان‌ها، تفریحات، روش‌های گذران اوقات فراغت و شیوه‌های ارتباطات فامیلی و اجتماعی - حتی ساختارهای کلان اجتماعی مرتبط با عناوین فوق - تحت تأثیر قرار خواهند گرفت.

فقدان باورداشت جدی به نظام حق و باطل در زندگی برخی مسلمانان باعث گردیده است دین، بخشی از هویت خود را که بعد سلبی است از دست بدهد. این مسأله، اثر زیادی در تسلیط سبک زندگی بیگانه در زندگی آنان داشته و اساساً موجب کم‌همتی مسلمانان در سبک‌سازی، روش‌سازی و ساختارسازی شده است. در مجموع می‌توان بیان داشت نگاه دینی به سبک زندگی هنگامی هنجارشناختی است. پیش‌درآمد سبک‌سازی با رویکرد دینی، حاکمیت اصولی مانند قناعت، پرهیز از مسیر لهوی در زندگی و باورداشت به نظام حق و باطل است. هر یک از این اصول به فراخور اقتضانات خود در شکل‌دهی به شخصیت و سازمان روحی افراد، منطبق فهم آنها از زندگی و روابط در آن به ویژه رابطه عارفانه با حیات، نظام تربیتی مطلوب، جهت‌گیری‌های خانوادگی، انتخاب‌گری به مثابه رفتار انسان عامل و پای‌بندی به اصول و مفاهیم وابسته به درست - نادرست و خیر و شر، اثر تعیین‌کننده دارند. از آن‌جا که خانواده اولین جایگاه برای تربیت افراد و بهترین موقعیت برای درونی‌سازی نهاده‌های اساسی فکری و اصول حاکم بر رفتار است، اولین نهاد مسؤول برای سبک‌سازی دینی نیز به شمار می‌آید. مقاومت خانواده‌های مذهبی برای زندگی متدینانه با وجود احاطه ساختارهای اجتماعی، حاکی از قدرت خانواده در صورت پایبندی به اصول است (علاسوند، ۱۳۹۲، ص ۶۱).

نتیجه‌گیری

بررسی رابطه میان سبک زندگی و آداب اسلامی در جامعه معاصر نشان‌دهنده اهمیت عمیق عناصر اصلی هویت اجتماعی است. باورها، ارزش‌ها و سبک زندگی به عنوان ارکان بنیادین هویت اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی رفتارهای فردی و اجتماعی دارند. برای ایجاد یک جامعه پایدار و مؤثر، ارتباط معنادار و مداوم میان این عناصر ضروری است.

شکاف موجود میان آموزه‌های اسلامی و شیوه‌های زندگی روزمره، به کاهش اعتبار و کارایی باورهای دینی در نزد افراد منجر می‌شود. این فاصله، غالباً ناشی از عدم آگاهی کافی از آداب اسلامی و ناتوانی در تطبیق این آداب با زندگی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



مدرن است. غفلت از تطابق سبک زندگی با ارزش‌های اسلامی نه تنها موجب انحراف در رفتارهای فردی و اجتماعی می‌شود، بلکه می‌تواند احتمال انکار آموزه‌های دینی و تحقیر آن‌ها را نیز افزایش دهد. انحراف در سبک زندگی، به تدریج می‌تواند به افکار و رفتارهای ضد دینی منتهی شود.

آیات قرآن به وضوح به اهمیت رفتار مناسب و پیروی از اصول اسلامی اشاره دارند. این آیات، به‌ویژه در زمینه تنبیه گناهان و انحرافات رفتاری، ما را به پایبندی به اصول دینی توصیه می‌کنند. انحراف در سبک زندگی، به تدریج می‌تواند به تصورات منفی نسبت به آموزه‌های دینی و انکار آیات الهی منجر شود. بنابراین، توجه به لزوم دوری از دنیاطلبی و تأکید بر ارزش‌های پایدار از طریق تعالیم قرآنی، نشانگر ضرورت این است که برای درک بهتر و عمل به آموزه‌های دینی، باید از جذابیت‌های مادی و سطحی فاصله بگیریم.

برای دستیابی به هماهنگی میان آموزه‌های اسلامی و سبک زندگی، ترویج آموزش‌های اسلامی و بهبود آگاهی در مورد اصول و آداب اسلامی از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی ضروری است. ایجاد فضاهای فرهنگی و اجتماعی که در آن اصول اسلامی به صورت عملی و انگیزشی ترویج شوند، نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین، تشویق افراد به مسئولیت‌پذیری در رفتارهای فردی و اجتماعی بر اساس ارزش‌های اسلامی می‌تواند به تقویت این پیوند کمک کند.

در نهایت، توجه به آگاه‌سازی، آموزش و ترویج سبک زندگی اسلامی، می‌تواند به بازسازی هویت اجتماعی منجر شده و به تحقق جامعه‌ای متعهد و مؤمن کمک کند. این فرآیند نیازمند همت جمعی و تلاش مستمر همه اعضای جامعه است تا به یک هم‌پیوستگی مطلوب دست یابیم.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- اکبریان، رضا، ۱۳۹۳، فصلنامه تخصصی علوم انسانی اسلامی صدر، شماره ۱۰، تابستان ۹۳.
- ۲- آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۶۶۱۳، غررالحکم و دررالکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
- ۳- باومن، زیگموند، ۱۳۸۴، اشارت‌های پست مدرنیته، حسن چاوشیان، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۴- بستان، حسین، ۱۳۹۰، گامی به سوی علم دینی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، جلد ۱، ص ۱۳۵.
- ۵- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲، اخلاق در قرآن، قم، اسرا.
- ۶- حر عاملی، محمدبن حسن، ۰۹۴۱ق، وسایل الشیعه، قم، آل البیت.
- ۷- دیلمی، الحسن بن ابی الحسن، ۱۲۴۱ق، ارشاد القلوب، قم، شریف رضی.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- ۸- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۶۳، تفسیر المیزان، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی
- ۹- طبرسی، علی بن الحسن، ۱۳۸۵، مشکات الانوار، النجف الاشرف: الحیدریه.
- ۱۰- علاسوند، فریبا، ۱۳۹۱، تعامل خانواده و دولت، زن و خانواده: کتاب اندیشه های راهبردی، تهران: پیام عدالت.
- ۱۱- الفت، سعیده، سالمی، آزاده، ۱۳۹۱، مفهوم سبک زندگی، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال اول، شماره اول.
- ۱۲- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء
- ۱۳- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۰، آموزش عقاید، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۴- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، اسلام و مقاضیات زمان، تهران، انتشارات صدرا.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



بررسی مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی بانظم نوین جهانی از منظر ایدئولوژی

سیامک جعفر زاده ۱، سحر نجفی قامت ۲

دانشیار، دکتری، رشته فقه و حقوق اسلامی، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه،

ایران (نویسنده مسئول)

s.jafarzadeh@urmia.ac.ir

طلبه سطح سه، رشته تفسیر و علوم قرآنی، گروه معارف، حوزه علمیه الزهرا(س)، ارومیه، ایران،

sahar.najafi.ghamat@gmail.com

چکیده

هر جامعه‌ای ایدئولوژی‌هایی دارد، هر ایدئولوژی وابسته به ارزش‌های فرهنگی، باورها و هنجارهای آن جامعه است. با بررسی دقیق می‌توان، عدم یکسان بودن این ارزش‌ها را در تمدن‌های مختلف فهمید، زیرا که هرکدام از تمدن‌ها ایدئولوژی مخصوص خودشان را دارند. به‌طور نمونه در برخی از تمدن‌ها ارزش‌های دنیوی و دستیابی به قدرت و سلطه‌ی جهانی صرف و بدون رعایت اخلاقیات انسانی و در برخی تمدن‌های دیگر، جهت‌گیری ارزش‌ها در گرایش به روشننگری معنوی و آرمان‌های الهی است. پرواضح است کشف ابعاد مختلف باورهای و ایدئولوژی هر تمدن در تحلیل نظری آن تمدن نقش مهمی دارد. بنابراین هدف از تدوین این مقاله، شناخت جنبه‌های مختلف تمدن نوین اسلامی و تلاقی مؤلفه‌های ایدئولوژی گرایانه آن بانظم نوین جهانی است. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی به این موضوع پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که مبانی نظری تمدن نوین اسلامی مبتنی بر پایه‌های الهیاتی و ارزش‌های انسانی است به‌طوری‌که حتی کسب علم و دانش نیز بانگیزه الهیاتی و مبتنی بر نجات انسان معنا می‌یابد و درنهایت ایدئولوژی این تمدن با آرامانشهر عدل وار و جهان‌شمول منجی موعود همراهی می‌کند. اما از سویی دیگر گردانندگان ایدئولوژی نظم نوین جهانی با ابعاد ماتریالیستی و جایگزینی فلسفه بر وحی توأم با تک‌قطبی‌گری و حذف حاکمیت ملی کشورها، سعی در به دست آوردن سلطه و کنترل افکار جهان را دارد.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، نظم نوین جهانی، ایدئولوژی

مقدمه

یکی از تمدن‌های عظیم تاریخی که هزاران سال به طول انجامید، تمدن اسلامی است. این تمدن که پس از پشت سر گذاشتن چندین قرن درخشش با موانع بیرونی و مشکلاتی درونی عجیب و سپس دچار افول و رکود گشت و بعدها با ظهور انقلاب اسلامی منجر به بازسازی تمدن اسلامی گردید. از سویی با انحلال اتحاد جماهیر شوروی و فروپاشی بلوک شرق در پی رکود اقتصادی و ناکارآمدی نظام سوسیالیستی، شوروی تجزیه و ایالات متحده آمریکا به عنوان یک ابرقدرت ظاهر شد و به محض خاتمه جنگ خلیج فارس، جرج بوش رئیس‌جمهور سابق آمریکا، ادعای استقرار یک نظم نوین جهانی شد. نظم نوین جهانی یک برنامه نظری و عملی تمامیت‌خواه برای رسیدن به سلطه جهانی آمریکا

است. در مقابل آن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بیداری اسلامی به صورت گسترده در ممالک اسلامی گسترده شد و رهبر معظم ایران نظریه ای مبنی بر «تمدن نوین اسلامی» را مطرح کرد. اکنون که در عصر مدرنیسم، امپریالیسم غرب در تلاش برای گسترش و نفوذ ایدئولوژی خود تحت عنوان نظم نوین جهانی است، شناخت مولفه های ایدئولوژی نظم نوین جهانی و تمدن نوین اسلامی، سبب درک و شناخت ارزش های حاکم در دو تمدن و تصمیم درست در فرایند تعامل یا تقابل در تمدن ها می گردد و در صورت عدم توجه به این موضوع، جهان بینی ما محدود گشته و در احیای هویت تمدن اسلامی دچار مشکل خواهیم شد. اکنون این سوال پیش می آید مولفه های تمدن نوین اسلامی و نظم نوین جهانی از منظر ایدئولوژی چیست؟

پیشینه پژوهش

در زمینه پژوهش حاضر می توان به موارد ذیل اشاره کرد: محمد سعیدی (۱۳۹۱) در مقاله ای به عنوان «ایدئولوژی تضاد در عرصه سیاسی بررسی نقادانه دوگانگی ذاتی غرب و اسلام» به بررسی عرصه سیاسی غرب می پردازد و در مورد خطرات و بی ارزشی منظر های سیاسی و اخلاقی غرب استدلال می کند. ملکوتیان (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «ظهور تمدن نوین اسلامی و افول تمدن غربی» به شکل گیری تمدن غربی و علل افول تمدن غرب پرداخته و مقایسه ای به جامعیت آرمانی انقلاب اسلامی، می پردازد. سید محمد مهدی میر باقری (۱۳۹۵) در پژوهش خود «افول غرب و برآمدن تمدن نوین اسلامی» به جریان های محورساز و ساز و کارهای غرب در تحول اجتماعی که در مدرنیته و آرمان های جهانی غرب اشاره می کند. با توجه به اینکه مقالات یاد شده ارتباط تنگاتنگی با موضوع دارند اما تاکنون این مباحث در ابعاد ایدئولوژی آن پرداخته نشده است لذا در این تحقیق، نگاه ایدئولوژیک این مساله مورد بررسی قرار داد می شود.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- تمدن نوین اسلامی

تمدن اسلامی بیانگر تمدنی است که همه جنبه های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه و ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می دهد. این تمدن، تمدن دینی بوده و همه مولفه های آن دارای محوریت اسلام می باشد، بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی های تمدن الهی در چهارچوب آموزه های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم برخوردار است. مقام معظم رهبری برای توسعه تمدن اسلامی، نظریه جدید «تمدن نوین اسلامی» را مطرح کرده است و این تمدن فضایی است که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوب الهی برسد. (علی پور و اسدی کوه باد، ۱۳۶۰: ۱۴۰۳)

۱-۲- نظم نوین جهانی

در سال ۱۹۹۰ رئیس جمهور وقت امریکا پس از شکست عراق در جنگ کویت، نظم نوین جهانی را مطرح کرد. نظم نوین جهانی که وابسته به رهبری آمریکا، قدرت آمریکا و معیارهای ارزشی این کشور است در حقیقت تلاشی بین المللی برای تحقق منافع آمریکا در جهان است. به نظر آن ها مشروعیت دارد، زیرا آمریکایی ها و جهان غرب از تمام شرارت های دنیای قدیم بری هستند، لذا به عنوان ملت برگزیده شایستگی رهبری جهانی را دارند. (عیوضی، ۱۴۰۳:۱۴)

۲- مولفه ها و ایدئولوژی تمدن نوین اسلامی

۱-۲- جهانی بینی: الهیاتی و توحید محوری

قله ی هرم تمدن نوین اسلامی، دین اسلام، جهان بینی توحیدی دارد. اساس جهان بینی تمدن اسلامی وحدانیت الهی است می توان در آیات فراوان، اثبات نمود من جمله: (قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أُنْتُمْ مُسْلِمُونَ انبیاء: ۱۰۸) پس به آنان بگو: جز این نیست که به من وحی می شود که معبود شما فقط خدای واحد است، پس آیا شما تسلیم هستید» و در آبات فراوانی نمونه هایی وجود دارد. بنابراین در تمدن اسلامی محور همه چیز خداست و آموزه های دینی در پدیداری و اعتلای تمدن نقش تعیین کننده دارد. (فولادی و حسینی، ۱۳۹۸:۵۵)

۲-۲- باور به ارزش های اخلاقی

باور به اخلاق و اجرای آن در اسلام از پایه های تشکیل دهنده امت واحده اسلام است و ریشه ی شناخت هنجاری و نظام های نظری عملی برآمده از تمدن نوین اسلامی در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مهم ترین فصل ممیز تمدن اسلامی از سایر تمدن ها، اخلاق است. (جهان بین و معینی پور ۱۳۹۶:۳۶)

۲-۳- علم و صنعت در راستای اهداف الهی و بشر دوستانه

در میان تمام ادیان آسمانی و تمدن بشری، دین اسلام به کسب علم توجه بسیاری نموده است. مسلمانان در پرتو تعالیم دینی، رهنمود های دین اسلام، دانشمندان بزرگ و شایسته ای را به جهان عرصه کردند. در نگاه اسلام بهترین و زیباترین تعبیرها و تعریف ها درباره ی علم و دانش است. (فروتنی و بحرانی، ۱۴۰۲:۲۱۲) در اندیشه ی تمدن اسلامی، علمی ارزشمند است که در خدمت به بشریت مورد استفاده قرار بگیرد. برای همین مولفه علم آموزی تمدن اسلامی وابسته خلوص نیت و ایمان است. یعنی بایسته های متخصص علوم باید همراه با یاد خدا و ایمان به او علم آموزی کند. (رهنمایی و شهابی نژاد، ۱۴۰۲:۷۲)

۲-۴- هویت جمعی مشترک و ارزش ها گذاردن به ملت ها

یکی از عوامل مهم در شکوفایی تمدن اسلامی، وحدت دنیای اسلام است. مهمترین دستاورد امت اسلامی با تکیه بر وحدت و همدلی، توانسته به قله والای تمدن دست بیابد. در اندیشه ی دینی به صراحت به وحدت و یک دلی و اطاعت از حاکمان الهی فرا خوانده شده است و در سایه آن مردم را از پراکندگی نهی کرده است تا زمینه ای برای

پیشرفت و تعالی باشد. وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران: ۱۰۳) همگی به ریسمان الهی چنگ زبید و پراکنده نشوید. (خاکی وحسینی، ۱۳۹۹: ۱۰۲)

۲-۵- آرمان شهر مهدوی

از آموزه هایی که در قرآن اشاره شده فراگیری اسلام و حکومت اسلامی در کل جهان است. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكُوِّرَهُ الْمُشْرِكُونَ توبه: ۳۳. او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند. نظام حکومتی در جامعه ی مهدوی رنگ عدل و قسط دارد و در احادیث متواتر از اهل بیت به ماموریت بزرگ و جهانی حضرت مهدی را برای استقرار عدل جهانی اعلام نموده اند. مریجی و قنبری نیک (۱۴۰۱: ۸۴)

۳- مولفه ها و ایدئولوژی های تمدن غرب (نظم نوین جهانی)

۳-۱- تبیین جهان: معرفت شناسی بر پایه ی نظریات فلسفه ی غرب

بررسی تاریخ غرب نشان می دهد که در مبانی تمدن غرب فیلسوفان، پیامبران دنیای متجدد، غرب است. (میر خلیلی، ۱۳۴۲: ۲۶۰) با نگاه به آغاز دوره ی رنسانس با تغییر در ارزش های اجتماعی و غلبه ی مادی گرایی در میان بخشی ذی نفوذ از متفکران اجتماعی و سیاسی در غرب، مادی گرایی و سکولاریسم مبنای روابط اجتماعی و تشکیل ساختارهای سیاسی قرار گرفت و غربی ها منادی یک تغییر کلی در جهت گیری های فکری و فلسفی خود را آغاز کردند و به سمت جهان بینی مادی رفتند. آنان از روش های علمی گرفته تا نظریه پردازی و از سیاست گرفته تا فرهنگ و اقتصاد و اخلاق و از تدوین قوانینی داخلی گرفته تا روابط بین الملل و سیاست خارجی، اصل مادی گرایی را سرلوحه اهداف و رفتارهای خود کردند و تمایلات و منافع نفسانی و شخصی را اولویت داده و عدالت را در نابودی ضعفا و تقویت اقویا دانستند. در این رویکرد اگر گاهی از خدا، اخلاق و سایر موضوعات معنوی سخن به میان آید، مفهوم واقعی آنها مد نظر نیست؛ منظور آنها خدایی است که در این امور دنیوی دخالتی ندارد. (ملکوتیان، ۱۳۹۳: ۵۶۷)

۳-۲- فروکاست ارزش ها و بنیان های اخلاقی

در فلسفه غرب سال هاست که انسان از ارزش و اعتبار افتاده است و تا حد یک ماشین پایین آمده و روح و اصالت آن مورد انکار گرفته شده است، در این نگاه انسان ماشینی است متحرک، او جز منافع اقتصادی نیست. دین و اخلاق و فلسفه و... صرفا جلوه های اقتصادی زندگی انسان است. (ابوترابیان، ۱۳۹۲: ۲۰۱) آمارهای ذکر شده از خود دانشمندان غربی نیز نشانگر فروکاست ارزش های اخلاقی اند، و میتوان به مواردی زیر اشاره کرد:

۱. یک سوم جمعیت آمریکا مبتلا به انواع بیماری های ناشی از مقاربت جنسی هستند.

۲. بالاترین نرخ آبستنی نوجوانان و جوانان دارند.

۳. ۸۹ درصد تصاویر پرونوگرافی در آنجا تولید و منتشر می گردد.

۴. تعداد کودکانی که هر ساله از طریق سقط جنین کشته می شوند، برابر تعداد کشتگان نیروهای مسلح آمریکایی در جنگ های است که آمریکا درگیر آن است و... اشاره کرد. (رهنمایی و شهابی نژاد، ۱۴۰۲: ۷۴)

۳-۳- رویکرد ماتریالیسمی به علم و صنعت

با سیر نگرش در تمدن غرب همواره به وضوح می توانیم این حقیقت را درک کنیم که فراگیری علم و دانش از دو ملاک پیروی می کند: ۱. قدرت ثروت. ۲. تولید ثروت. این دو عنصر بر ماهیت تمدن غربی تبلور یافته، و سبب شده است که جوامع غربی از دینداری و معنویت دور بمانند همین وجه جدایی معنویت از دانش ثمره علم را در حد ساخت بمب اتم تقلیل داده و با این تکنولوژی سبب کشتار جمعی مظلومان و بی دفاعان در لبنان و فلسطین و عراق و... می شود. بر این اساس می توان گفت نگرش تمدن غرب به کسب دانش، اغلب جلب منافع مادی است، و همین وجه تمایز ملاک نفع در اسلام و غرب است. (رهنمایی و شهابی نژاد، ۱۴۰۲: ۶۸)

۳-۴- اصالت فردمحوری

در تمدن غربی بالاخص (آمریکا) با اولویت دادن به فردگرایی و با گذر از تابعیت های دینی - سیاسی به استقلال و خوداتکابی و رها شدن فرد از تقیید و تعبد برای رسیدن به تعقل حاصل از سنت یونانی و پروتستانی اعتقاد دارند. (بیگدلی و حاجیوند ۱۳۹۱: ۳۱) بر همین اساس آنان بر اساس رفتار و دستاورد های خود مورد قضاوت قرار می گیرند و دیگران را هم با این دیدگاه مورد قضاوت قرار می دهند. آنان نه تنها به گروه های مذهبی، قومی، نژادی، و... که فرد به آن ها تعلق دارد اهمیت نمی دهند بلکه به این سازمان های مظنون هستند که با آزادی فردی آنان مقابله کنند به همین جهت در مقابل این سازمان ها جبهه می گیرند. (جهان بین و فتاحی، ۱۳۹۶: ۵۰)

۳-۵- تک قطبی گری و تضعیف حاکمیت ملی

جهانی شدن به عنوان یک پروژه تاریخی یا سیاسی غرب است و کشور آمریکا در تلاش است که باورها و هنجارهای جوامع غرب را بر جوامع دیگر حکم فرما سازد. از ابتدای قرن نوزدهم جهان غرب درصدد سیطره بر تمامی کشورهای جهان برآمد و به جهت داشتن هژمونی و سلطه، اقدام به این کار کرد و مدعی شد که بشر راهی جز غربی شدن ندارد. (نقلبری، ۱۳۹۳: ۷۳) این تفکر استعلائی غرب که در همه ی عرصه ها یکه تازی می کنند با نادیده گرفتن نظام های ارزشی سایر ملت ها و تمدن ها پارادوکس بزرگی را صحنه ی فرهنگ و تمدن بوجود آورده است. (ذاکر اصفهانی ۱۳۸۳: ۶۵۷)

نتیجه گیری

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان، کتابی است که متضمن برنامه زندگی انسان ها در ابعاد جسمانی و روحانی است در این کتاب حتی اگر از مادی ترین بخش زندگی بشری (حکومت) سخن به میان آمده، همگی در راستای رسیدن به رستگاری و سعادت اخروی و دینی است. به همین جهت همه مباحث ایدئولوژی بخش در تمدن نوین اسلامی جنبه



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



ی الهیاتی دارد. تمدن اسلامی سال ها پیش با درخشش خود در عرصه ی تاریخی در بهترین وجهش در حافظه ی تاریخ ظاهر شد ولی بعدها دچار افول گشت در عرصه ی همین افول تمدن غرب با عنوان نظم نوین جهانی جهانی ظاهر گشت و با هژمونی و سلطه به قدرت رسید.

در این مقاله از مهمترین جنبه های ایدئولوژی گرایانه تمدن نوین اسلامی می توان : باور به ارزش های اخلاقی، اهداف الهیاتی کسب علم ودانش، حفظ ارزش های مشترک و وحدت بخش و درنهایت برقراری حکومت مهدوی را نام برد و در مقابل نظم نوین با رویکردی هم چون فروکاست بنیان های اخلاقی، ماتریالیسمی دیدن علم و صنعت، فردگرایی و تضعیف حاکمیت ملی و تک قطبی گری همراه است.

همه این رویکرد ها نشان می دهد که سیستم جهانی غربی که تحت عنوان نظم نوین جهانی در عرصه ی جهانی حکومت دارد، نه تنها با تمدن نوین اسلامی از منظر ایدئولوژیک رویکردی متضاد دارد بلکه نظم نوین جهانی با روح انسانیت انسان هم در تضاد است زیرا که با مادی نگری و انکار الهیات و سلطه گری در جهان دیگر جایی برای حفظ ارزش های انسانی باقی نمی ماند.

منابع

بیگدلی، علی و حاجیوند، مهدی مبانی نظری تمدن غرب، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، شماره ۲۴، ۱۳۹۱، ص ۲۵-۴۱
همتی، حیدر، قمی، محسن، شاخصه های تمدن ساز در اصول اعتقادی از منظر آیت الله خامنه ای، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۸۱، ۱۳۹۸، ص ۶۷۱-۶۸۶.

عیوضی، محمد رحیم، مهمترین مؤلفه های راهبردی تقویت قدرت جمهوری اسلامی ایران در نظم نوین جهانی از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، فصلنامه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی، دوره ۱، ۱۴۰۱، شماره ۱، ص ۹-۳۷.

خاکی، محمد و حسینی، سید قاسم، نقش راهپیمایی اربعین حسینی در ایجاد تمدن نوین اسلامی، پژوهش نامه معارف حسینی، شماره ۱۳۹۹، ص ۹۳-۱۱۴.

جهان بین، فرزاد و معینی پور، مسعود، فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت الله خامنه ای، فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، سال ۱۱، شماره ۳۹، زمستان ۱۳۹۳، ص ۲۹-۴۶.

فروتنی، زهرا و بحرانی، عطیه، علم و فناوری در چشم انداز تمدن نوین اسلامی از منظر امام خامنه ای، نشریه مدیریت اسلامی، شماره ۱۲۳، ۱۴۰۲، ص ۲۰۵-۲۳۸.

علی پور، بهرام و اسدی کوه باد، هرمز، نقش و جایگاه عدالت در تمدن نوین اسلامی، فصلنامه مطالعاتی راهبردی علوم انسانی و اسلامی، شماره ۶۳، ۱۴۰۳، ص ۱۷۱-۱۸۷.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



ذاکر اصفهانی، علی رضا، چالش های بنیادین اسلام با ماهیت دیپلماسی غرب، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۳، شماره ۳، ۱۳۸۸، ص ۶۶۱-۶۶۰

مریجی، شمس الله و قنبری نیک، محسن، ویژگی های اجتماعی جامعه مهدوی از دیدگاه آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، فصلنامه علمی - ترویجی جامعه مهدوی، سال سوم، شماره دوم، ۱۴۰۱، ص ۷۲-۹۲.

فوزی، یحیی و صنم زاده، محمودزاده، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی زمستان ۱۳۹۱، سال سوم، شماره ۹۷ ص ۷-۴۰

ابوترابیان، فاطمه، بررسی سبک زندگی غربی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم، چاپ اول، ۱۳۹۲.

فولادی، محمد و حسینی، فاطمه السادات، تحلیلی بر ابعاد و مولفه های تمدن نوین اسلامی؛ از منظر مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی معرفت فرهنگی و اجتماعی، شماره ۴۱، ۱۳۹۸، ص ۴۷-۷۰

جهان بین، فرزاد و فتحی، محمد جواد، بررسی و مقایسه مولفه های تمدنی میان ایران و آمریکا، پژوهش نامه انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲، ۱۳۹۷، ص ۶۶-۴۱.

میر خلیلی، سید علی اصغر و دیگران، چالش های فرا روی مبانی تمدن غرب از دیدگاه غرب، فصلنامه مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، شماره ۶، ۱۴۰۲، ص ۲۵۰-۳۷۴

ملکوتیان، مصطفی، ظهور تمدن اسلامی وافول تمدن غربی، همایش تمدن اسلامی، ۱۳۹۴

امیدی نقلبری، اسلام، جهانی شدن و جهانی سازی، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، چاپ دوم، ۱۳۹۳. ش.ه



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



نقش علم در تمدن و پیشرفت ایرانی - اسلامی

فرهاد کرامت ۱

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور (fkeramat@pnu.ac.ir)

چکیده

رهبر فرزانه انقلاب، به‌طور کلی مبانی الگوهای رایج توسعه جهانی را غلط و آن‌ها را ناکارآمد ارزیابی می‌کنند و به همین دلیل ارائه الگوی جدید اسلامی - ایرانی را برای کشور ضروری و فرآیند تحقق هدف‌های اسلامی را یک فرآیند طولانی و البته دشوار می‌دانند. ایشان فرآیند تحقق اهداف انقلاب را تا رسیدن به نقطه مطلوب در پنج گام «انقلاب اسلامی؛ نظام اسلامی؛ دولت اسلامی؛ کشور اسلامی؛ تمدن بین‌المللی اسلامی» ترسیم نموده‌اند. از نظر رهبر انقلاب، الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی لازمه تحقق «تمدن اسلامی» است و استفاده از الگوهای رایج نمی‌تواند ما را به این هدف برساند. «اسلامی بودن» الگوی پیشرفت اساس کار است و لازمه تحقق این موضوع، تحقیقات عمیق اسلامی و ارتباط وثیق و پیوسته با حوزه‌های علمیه و فضایی متفکر، آگاه و مسلط بر مبانی فلسفی، کلامی و فقهی است. ضمناً توجه به وجه ایرانی در عنوان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز مهم است زیرا ایران، زمینه‌ی تحقق این الگوست و اگر به فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، اقلیم، آداب و سنن و سرمایه‌های انسانی و طبیعی کشور توجه نشود، الگوی پیشرفت، سندی غیرقابل تحقق و بدون استفاده خواهد شد». از همین جهات است که علم و دانشگاه نقش برجسته‌ای باید ایفا نموده و گفتمان سازی متناسب با الگوی مطرح‌شده را با توجه به وضعیت کنونی تولید نماید. در این مقاله به نقش علم و دانشگاه در گفتمان سازی الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: علم، دانشگاه، تمدن، تمدن اسلامی، تمدن نوین اسلامی، توسعه، پیشرفت

مقدمه

به‌طور مشخص مطالعات توسعه در اواخر دهه ۱۹۵۰ زیر نفوذ مکتب نوسازی آغاز شد و تسلط پیدا نمود. مکتب انقلابی وابستگی در اواخر دهه ۱۹۶۰ با سلطه آن به معارضة برخاست. در اواخر دهه ۱۹۷۰، با پیدایش مکتب نظام جهانی، دیدگاه دیگری برای بررسی مسئله توسعه پدیدار گشت و بالاخره از اواخر دهه ۱۹۸۰ با تحولاتی که به وجود آمده به نظر می‌رسد که هر سه مکتب به سمت نوعی تقارب و همگرایی پیش می‌روند (سو، ۱۳۸۶).

مکتب نوسازی، توسعه را از منظره ایالات متحده و کشورهای غربی می‌نگرد. ظهور ایالات متحده بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان ابرقدرت؛ گسترش جنبش جهانی کمونیسم؛ و تجزیه امپراتوری‌های استعماری در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، زمینه‌های شکل‌گیری این مکتب شد. (سو، ۱۳۸۶). از آنجایی که در دوران پس از جنگ جهانی

دوم فضای حاکم بر روابط بین الملل به صورت جنگ سرد میان دو قطب سرمایه‌داری و سوسیالیستی نمایان شد، لذا محققین غربی تحت تأثیر این وضعیت الگوها و تئوریهایی را در رابطه با توسعه ارائه دادند که عمدتاً رنگ ایدئولوژیک داشته و مبین تحولات و دگرگونی‌هایی بود که در جهان غرب به وقوع پیوسته بود (قوام، ۱۳۷۹). در نگرش مدرنیستی به توسعه، هر آنچه تکرار تجربه تجدد غربی است تحت عنوان امر مدرن، مطلوب تلقی می‌شود و هر چه غیر از آن، با عنوان سنت، مطرود است. مسیر توسعه طبق این دیدگاه، گذار از سنت به تجدد غربی است.

تصور طرفداران این دیدگاه این بود که مدرنیزاسیون مطمئناً همان مسیری را طی می‌کند که در غرب دنبال شد. بنابراین، برای پیش بینی آینده این جوامع، مطالعات کلاسیک توسعه اروپا، نظیر آثار دورکیم (۱۹۳۳)، وبر (۱۹۶۸)، مین (۱۹۶۱) و تونیس (۱۹۵۷) را مورد بازبینی قرار دادند. آنها استدلال کردند که بسیج اجتماعی امروز، مقدمه‌ای برای دموکراتیک شدن سیاسی فردا است و با پیشرفت مدرنیزاسیون، جوامع در حال توسعه شبیه جوامع غربی می‌شوند (Lancaster & Walle, 2018).

در رویکرد‌های جدیدتر مطالعه توسعه، به جای تمرکز بر نمونه‌های آرمانی مدرنیته و سنت و به جای ارائه یک الگوی جهانی وابستگی و کلیتی از نظام جهانی، بازگشت به تاریخ، عمدتاً عنایت به موانع مشخص و معین تاریخی و پرسش‌هایی از قبیل علل فروپاشی شوروی، چگونگی ظهور جوامع تازه صنعتی شده آسیای شرقی و امثالهم مورد توجه قرار گرفته است. از سویی تحقیقات جدید در زمینه توسعه، حالت تحلیل چند نهادی را دارا هستند و محققان به جای تأکید و تمرکز بر متغیرهای خاص، تعاملات پیچیده میان نهادهای گوناگون را مورد توجه قرار می‌دهند. از این رو در چارچوب مطالعات مزبور بر ارتباط متقابل عواملی چون خانواده، مذهب، گروه‌های قومی، طبقات، دولت و جنبش‌های اجتماعی، شرکت‌های چند ملیتی و اقتصاد جهانی برای شکل دادن به توسعه تاریخی جوامع جهان سوم تأکید می‌گردد. (قوام، ۱۳۷۹).

تمدن نوین اسلامی و توسعه و پیشرفت:

تمدن سیر و بسط یک نحوه تفکر و ظهور آثار تفکر در مناسبات افراد و اقوام و در رفتار و کردار و علوم فنون به هم پیوسته، لاینفک و برخوردار از یک اصل و ریشه است. (داوری، ۱۳۸۰) «تمدن اسلامی یعنی نوعی از زندگی که انسانها بتوانند به همه ابعاد مادی و معنوی خود به کامل‌ترین شکل جواب دهند (ظاهر زاده، ۱۳۸۹) به لحاظ تاریخی نیز تمدن اسلامی به عنوان یکی از تمدنهای بزرگ بشری حاصل مبانی دین اسلام و باور به آنها بوده است (جمشیدی، ۱۳۹۴) شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «ملل بسیاری به اسلام گرویدند و در خدمت این دین درآمدند و در راه نشر و بسط تعالیم آن کوشیدند و با تشریک مساعی با یکدیگر تمدنی عظیم و باشکوه به نام تمدن اسلامی به وجود آوردند» (مطهری، ۱۳۷۶)



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



تاریخ بشریت عبارت است از تاریخ تحولات اجتماعی، بر اساس ایجاد تمدن های کامل تر و نوتری بر روی تمدن های پیر، که تاریخ همواره از آغاز بدویت شروع و به سمت تکامل تمدنی پیش می رود. در یک تعریف واضح، تمدن نوین اسلامی عبارت است از ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفتهای هدفمند، نظامند و نوظهور امت اسلامی با محوریت ایران، بر اساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه های اجتماعی که شکل معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک می کند. (نجفی، ۱۳۹۷) تمدن نوین اسلامی از رهگذر بازخوانی مجدد تمدن اسلامی با توجه به مقتضیات زمان و مکان و بازسازی مفهومی و عملی نظام اعتقادی اسلام قابلیت آن را دارد که در دوران گذار در نظام بین الملل به نقش آفرینی در هندسه جدید قدرت جهانی بپردازد. نظر به اینکه اسلام نه محدود به مکانی خاص و نه مختص به طبقه ای خاص است بلکه متعلق به همه بشریت با افقی وسیع است تا برادری انسانی را تحقق بخشد تمدن نوین اسلامی که بر نظام اعتقادی اسلام و آموزه های آن برای تحقق وظایف مختلف دینی متناسب با دنیای جهانی شده استوار است، قابلیت آن را دارد که دستورها سنتها و آیین ناشی از مجموعه اعتقادات اسلامی را فارغ از هر گونه تبعیض نژادی قومی و زبانی تحقق بخشد. تمدن نوین اسلامی ضمن تحکیم اخوت و برادری همه گروه های قومی و نژادی این امکان را برای آنان فراهم می آورد که با یکدیگر در زمینه های مختلف علمی، اجتماعی و فرهنگی همکاری و به توسعه زندگی فکری و فرهنگی خود در سطح فراملی اقدام کنند (دهشیری، ۱۳۹۴) تمدن نوین اسلامی در پی آن است که ضمن بهره برداری از امکانات و ابزارهایی که در اثر پیشرفت های علمی و فنی تمدنی بشر به دست آمده است، در کنار ایجاد رفاه و آسایش مادی، آرامش معنوی بشر را نیز به او اعطاء کند. (فرمینی، ۱۳۹۵)

توسعه در جمهوری اسلامی ایران:

در جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه تا کنون الگوی خاصی برای توسعه متناسب با معیارها و آرمان های انقلاب اسلامی و جامعه ایرانی اندیشیده و ارائه نشده، همان برداشت و الگوی غربی توسعه هم چندان کامل و همه جانبه و متوازن مطرح و عملیاتی نشده و گاهی نظام سیاسی را دچار از هم گسیختگی و تعارضاتی کرده و هزینه های امنیتی و سیاسی زیادی را تحمیل کرده است (شفیعی فر، ۱۳۹۴).

روند توسعه در جمهوری اسلامی، آن چیزی نیست که انقلاب اسلامی مدعی آن بوده است. بدین ترتیب باید الگوی بومی-آرمانی از توسعه طراحی و اجرا شود که به همه عرصه ها و جوانب توجه کند. از این منظر، فراز و فرود تحولات سالهای پس از انقلاب شامل درس هایی است که در طراحی مدل اداره کشور، به ویژه الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت باید مدنظر قرار گیرد. ترسیم افق های آینده انقلاب اسلامی در گرو طراحی الگویی از اداره جامعه است که ضمن تبدیل جامعه ایرانی به جامعه ای پیشرفته و توسعه یافته به مفهوم جدید، در مولفه ها و نتایج شبیه مدل غربی نباشد. این امر دغدغه اصلی بعد از انقلاب اسلامی و در واقع آرمان نهایی انقلاب اسلامی است که همچنان متفکران و

نخبگان جامعه را به سوی خود فرا می‌خواند. فقط با طراحی و ارائه این الگو و تبدیل شدن آن به گفتمانی فراگیر و اجتماعی، امکان تحقق عملی مدینه فاضله انقلاب اسلامی (حیات طیبه) وجود خواهد داشت (شفیعی فر، ۱۳۹۴).
با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران، هر گونه برنامه ریزی برای توسعه باید در چارچوب اهداف انقلاب، نگرش رهبران سیاسی و واقعیت‌های جامعه ایران و در عین حال در تناسب (نه دنباله روی) با روندهای بین المللی انجام پذیرد. به همین دلیل لازم است نظرات رهبری انقلاب در این خصوص مورد بررسی قرار بگیرد.

توسعه و سیر آن از دیدگاه مقام معظم رهبری:

آیت الله خامنه ای، به طور کلی مبانی الگوهای رایج توسعه جهانی را غلط و آنها را ناکارآمد ارزیابی می کند و به همین دلیل ارائه الگوی جدید اسلامی - ایرانی را برای کشور ضروری می داند (خامنه ای ۱۳۹۵/۲/۶).
ایشان همواره در بیانات خود به تداوم جنبش انقلابی مردم ایران اشاره داشته و ضمن بزرگداشت دستاوردهای انقلاب اسلامی و تلاشهایی که در سالهای پس از پیروزی انقلاب انجام شده، به خطاها و کژی ها و عبرت ها نیز اشاره کرده و همواره با مخاطب قرار دادن جوانان، تاکید داشته اند که انقلاب و جنبش انقلابی تمام نشده و نباید به این دستاوردها اکتفا کرد. ایشان فرآیند تحقق هدفهای اسلامی را یک فرآیند طولانی و البته دشوار می داند (خامنه ای ۱۳۸۰/۹/۲۱). در بیانیه گام دوم انقلاب چنین آمده است که: «انقلاب اسلامی پس از نظام سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می کند».

حصول هیچ تمدنی، دفعی نیست، بلکه در یک فرایند تاریخی شکل می گیرد و نباید انتظار داشت که یک باره همه ی لوازم آن احصاء شود. رهبر انقلاب فرایند تحقق اهداف انقلاب را تا رسیدن به نقطه مطلوب در پنج گام «انقلاب اسلامی؛ نظام اسلامی؛ دولت اسلامی؛ کشور اسلامی؛ تمدن بین المللی اسلامی» (خامنه ای ۱۳۸۳/۸/۶) ترسیم نموده اند.

«برای این که این کار تحقق پیدا کند، در درجه‌ی اول ما یک حرکت انقلابی لازم داشتیم؛ برای این که بنای ضایع و پوسیده و کج و بدبنیان رژیم‌های استبدادی را از بین ببریم. این کار را ملت با کمال قدرت و با موفقیت کامل انجام داد. بعد از آن که این حرکت عظیم را ملت عزیز ما انجام داد، حرکت بعدی این بود که یک نظام اسلامی - یعنی ترتیب اداره‌ی کشور، همان طوری که اسلام گفته است - در این کشور به وجود بیاورید. این کار را هم ملت ما با موفقیت انجام داد. هنر بزرگ امام خمینی (ره) ایجاد نظام اسلامی بود که در آن: قانون اساسی تنظیم شد؛ آرایش و چینش سیاسی به وجود آمد؛ مردم سالاری دینی بر این مملکت حاکم شد و مردم مسؤولان کشور را - از رهبری گرفته تا ریاست جمهوری تا دیگر مسؤولان - مستقیم یا غیر مستقیم انتخاب می کنند» (خامنه ای ۱۳۹۵/۲/۶) به عقیده ایشان: «دین، مایه



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



و پایه و محور قانون و اجرا در این کشور است. حرکت مردم به سمت اهداف و آرمانهای دینی است؛ این معنای نظام اسلامی است؛ این تحقق پیدا کرد؛ لیکن کافی نیست» (خامنه ای ۱۳۸۴/۵/۲۸).

«مرحله ی بعد از نظام اسلامی، دولت اسلامی است. در این راه هم حرکت کردیم. مسؤولان مؤمنی، وزرای خوبی، نمایندگان خوبی، رؤسای جمهور با ایمانی، یکی پس از دیگری امور کشور را بر عهده گرفتند؛ اما دولت اسلامی بی که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آنها داشت، تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه خواری نباشد، کم کاری نباشد، بی اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی گری نباشد، حیف و میل بیت المال نباشد، و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است» (خامنه ای ۲۸/ ۵/ ۱۳۸۴)

ایشان مرحله کنونی را همین مرحله «تشکیل دولت اسلامی» بر اساس الگوها و معیارهای کاملاً اسلامی دانسته و اظهار می دارند: تا وقتی این مرحله به طور کامل محقق نشده است، نوبت به «تشکیل جامعه اسلامی» نمی رسد و در این صورت، موضوع سبک زندگی اسلامی نیز صرفاً در سطح گفتمان سازی در جامعه باقی خواهد ماند. ایشان گام نهایی در مراحل پنجگانه اهداف انقلاب اسلامی را تحقق «تمدن اسلامی» می دانند معظّم له تمدن را محصول فکر، معرفت و سبک زندگی عالمانه دانسته و در تبیین مفهوم تمدن و ارتباط آن با تدین می فرمایند: «تمدن، یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت های زندگی، و تدین یعنی جهت درست در زندگی داشتن» (خامنه ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴) ایشان تمدن اسلامی را فضایی می دانند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آنها خلق کرده است که زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، (ابراهیمی کوشالی، ۱۴۰۰) انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است. (خامنه ای، ۱۳۹۲/۶/۱۴) تمدن اسلامی از نظر ایشان، کشورگشایی نیست بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملتها از اسلام است (خامنه ای ۱۳۹۵/۲/۶)

از نظر رهبر انقلاب، الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی لازمه تحقق «تمدن اسلامی» است و استفاده از الگوهای رایج نمی تواند ما را به این هدف برساند. «الگوهای رایج توسعه، از لحاظ مبانی، غلط و بر پایه اومانیزم و اصول غیر الهی هستند و از لحاظ آثار و نتایج نیز نتوانسته اند وعده هایی را که در خصوص ارزشهایی نظیر آزادی و عدالت داده بودند، محقق کنند. وضعیت نامناسب برخی کشورهای دنبال کننده این الگوها در شاخص هایی نظیر بدهی های کلان مالی دولتها، بیکاری، فقر و اختلاف طبقاتی شدید، نشانه هایی از ناکارآمدی الگوهای رایج هستند. این جوامع اگرچه پیشرفت هایی نیز داشته اند اما پیشرفته تا اعماق آن جوامع نفوذ نکرده و به «اخلاق، عدالت، معنویت و امنیت» منتهی نشده است، بنابراین ما باید الگوی پیشرفت بومی خود را متکی بر مبانی اسلامی و فرهنگ ایرانی، تعریف و ارائه کنیم. «اسلامی بودن» الگوی پیشرفت اساس کار است و لازمه تحقق این موضوع، تحقیقات عمیق اسلامی و ارتباط وثیق و پیوسته با حوزه های علمیه و فضایی متفکر، آگاه و مسلط بر مبانی فلسفی، کلامی و فقهی است. ضمناً توجه به وجه ایرانی در



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



عنوان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز مهم است زیرا ایران، زمینه‌ی تحقق این الگوست و اگر به فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، اقلیم، آداب و سنن و سرمایه‌های انسانی و طبیعی کشور توجه نشود، الگوی پیشرفت، سندی غیرقابل تحقق و بدون استفاده خواهد شد. اسلام بر اساس آموزه‌های وحیانی خود حرارت و تحرک را در روح، ذوق و عقل ایرانی دمید که در امتزاج فرهنگ اسلام با روح حقیقت خواه و تلاش و ذوق و خلاقیت و اخلاص ایرانی تمدن درخشان بنیان نهاده شد. به نحوی که ایرانیت نقش غیر قابل انکاری بر تمدن اسلامی گذارد؛ به نظر می‌رسد در تمدن نوین اسلامی هم هویت ایرانی نقش مهمی داشته باشد. ایرانیان بیش از اقوام دیگر در خدمت به تمدن جوان اسلامی از هرگونه تلاش و فداکاری دریغ نمودند و مهمترین مبلغان و مروجان در میان ملل دیگر بودند. (مطهری، ۱۳۷۶) به بیانی بهتر در این دیدگاه تمدن نوین اسلامی جمع میان تمدن اسلامی و ایرانی مد نظر می‌باشد که با انقلاب اسلامی به هم گره خورده اند لذا تمدن نوین اسلامی بر پایه سه مولفه، اسلام، انقلاب اسلامی و هویت ملی مستقر می‌شود.

نقش علم در تمدن اسلامی:

«دانش توانمندی است. هر کسی بدان دست یافت چیره شد و هر کس از آن بازماند؛ بر او چیره می‌شوند» (نهج البلاغه، ۱۳۶۲) رهبر معظم انقلاب نیز معتقد است «اگر امروز دنیای اسلام از لحاظ اقتصادی عقب است، از لحاظ فرهنگی یا سیاسی عقب مانده است این به خاطر آن است که رقیب یعنی دنیای غرب، مجهز به سلاح علم است. از سلاح علم برای غلبه در میدانهای سیاست اقتصاد و فرهنگ استفاده می‌کند. ما باید این سلاح را به دست آوریم؛ باید بتوانیم مسلح به علم شویم تا تهدید رقیب نتواند آن طوری که تاکنون کارآمد بوده است کارآمد باشد ما باید این را داشته باشیم. این یک هدف راهبردی بسیار بلندمدت و بسیار مهم و حیاتی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۶/۲۵) مقام معظم رهبری در همین زمینه می‌فرمایند: «ببینید عزیزان من! ما میخواهیم کشور را علمی کنیم؛ اما هدف از علمی شدن کشور این نیست که کشور را غربی کنیم. اشتباه نشود. غربیها علم را دارند اما در کنار علم و آمیخته با این علم چیزهایی هم دارند که از آنها می‌گریزیم ما نمیخواهیم غربی بشویم؛ ما میخواهیم عالم بشویم. علم امروز دنیایی که عالم محسوب میشود علم خطرناکی برای بشر است علم را در خدمت جنگ، در خدمت خشونت در خدمت فحشا و سکس در خدمت مواد مخدر، در خدمت تجاوز به ملتها، در خدمت استعمار در خدمت خونریزی و جنگ قرار داده اند. چنین علمی را ما نمی‌خواهیم؛ ما این جور عالم شدن را نمیخواهیم ما میخواهیم علم در خدمت انسانیت باشد در خدمت عدالت باشد در خدمت صلح و امنیت باشد. ما اینجور علمی می‌خواهیم اسلام به ما این علم را توصیه می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲) با توجه به نحو نگاه رهبر انقلاب به مبحث توسعه و پیشرفت باید به زیر ساختهای یک جامعه در راستای چگونگی رسیدن به آن اهداف مورد توجه قرار گیرد. همانطور که می‌دانیم علوم انسانی در جهت گیری فن آوری بسیار موثر است به نحوی که علم بدون اخلاق و معنویت به ابزاری برای هوس های نفسانی و استضعاف دیگران تبدیل خواهد شد. (خامنه‌ای ۱۳۷۲/۸/۲۴) از این جهت است که ایشان معتقدند که باید علوم انسانی تغییر نماید و بنیان های

تمدن اسلامی را شکل دهد. ایشان در نقد علوم انسانی غربی آن را مضر می‌دانند و می‌فرمایند: «ما نمی‌گوییم علوم انسانی غیر مفید است؛ ما می‌گوییم علوم انسانی به شکل کنونی مضر است؛ بحث سر این است ... بحث سر این نیست که ما جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی یا علم مدیریت یا تعلیم و تربیت نمی‌خواهیم یا چیز خوبی نیست یا فایده‌ای ندارد چرا قطعاً خوب است؛ قطعاً لازم است. من یکی از حرفهایی که دارم همین رشته تعلیم و تربیت در حوزه است. بحث در این نیست که این علوم مفید نیست؛ بحث در این است که اینی که امروز در اختیار ما قرار دادند مبتنی بر یک جهان بینی است غیر از جهان بینی ما علوم انسانی مثل پزشکی نیست مثل مهندسی نیست، مثل فیزیک نیست که جهان بینی و نگرش نسبت به انسان و جهان در آن تأثیر نداشته باشد؛ چرا تأثیر دارد شما مادی باشید یک جور علوم انسانی تنظیم میکنید. علوم انسانی ما برخاسته از تفکرات پوزیتیویستی قرن پانزده و شانزده اروپاست قبلاً که علوم انسانی‌ای وجود نداشته است؛ آنها آمده‌اند همین اقتصاد را همین جامعه‌شناسی را در قرن هجدهم و نوزدهم و یک خرده قبل، یک خرده بعد تدوین کردند و ارائه دادند؛ خوب این به درد ما نمی‌خورد. این علوم انسانی، تربیت شده و دانش آموخته خود را آنچنان بار می‌آورد که نگاهش به مسائل مبتلابه آن علم و مورد توجه آن علم - چه حالا اقتصاد، باشد چه مدیریت باشد، چه تعلیم و تربیت باشد - نگاه غیر اسلامی است. می‌بینیم همان شخص متدین در داخل دانشگاه که فرض کنید مدیریت یا اقتصاد خوانده، هرچه با او درباره مبانی دینی این مسائل حرف می‌زنیم، به خرجش نمی‌رود. نه اینکه رد می‌کند نه اما آنچه که شما در باب اقتصاد اسلامی با او حرف می‌زنید، با یافته‌های علمی او با آن دو تا چهار تاهایی که او در این علم تحصیل کرده، جور در نمی‌آید.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۸/۲)

بنابراین، ما در سیره علمی و عملیاتی و اقدامهای عالمانه خود نه تنها حق نداریم مرجعیت‌های ناصالح را بپذیریم بلکه خود باید تلاش کنیم تا با تولید علم همراه با اخلاق و معنویت جهت‌گیری آن را درست کنیم جهان معاصر به اندازه کافی از علم بدون ایمان و اخلاق رنج برده است و هم اکنون نیز شاهد تلخ‌ترین آثار آن است. بنابراین، این یک رسالت بر دوش انقلاب و نظام مقدس ماست که همانگونه که در عرصه آزادی، استقلال طلبی و استکبارستیزی آئینه‌ای تمام‌نما برای جهانیان به ویژه مسلمانان محسوب میشود، در جهت ترویج علم و گسترش علم نافع قیام کند و با تلاش، شجاعت جسارت و جهاد علمی، مرجعیت شایسته خود را احراز نماید. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «آمیزش علم و معنویت، علم و ایمان علم و اخلاق خلا امروز دنیاست دانشگاه اسلامی، علم و ایمان، علم و معنویت، علم و اخلاق را با هم همراه می‌کند علم را می‌آموزد و جهت‌گیری علم را از اخلاق و ایمان می‌گیرد این که گفتند علم با دین می‌سازد یا نمی‌سازد، این ندیدن منطقه نفوذ علم و دین است؛ اینها هر کدام یک منطقه نفوذ دارند؛ تلفیق اینها، این است که علم (یعنی سلاح را ایمان یعنی آن به کار برنده می‌گیرد و جهتش را مشخص می‌کند؛ با این سلاح می‌شود بهترین و بدترین آدمها را هدف قرار داد؛ منتها تا این سلاح دست که باشد؟ این سلاح «علم» است



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



و «ایمان» جهت آن را مشخص می کند (خامنه ای، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹). این دو بال های تحقق تمدن نوین اسلامی می باشند و به بیان بهتر دین روح تمدن نوین اسلامی و دانش پیکره آن را می سازد.

نتیجه گیری:

توسعه در همه ابعاد آن باید در چارچوب دین اسلام تحقق بیذیرد، لذا انواع غربی توسعه مردود است و لا اقل در نتیجه و غایت، توسعه غربی در چارچوب اندیشه حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران پذیرفتنی نیست. مراحل پنجگانه توسعه از دید رهبر انقلاب، در واقع مسیر اصلی تمام تحرکات برنامه ریزی شده در جمهوری اسلامی ایران است و در این طرح، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، میثاقی است که قرار است جامعه ایران را در یک افق پنجاه ساله به مرحله تمدن اسلامی رهنمون سازد که دانشگاه ها در آن نقش بسیار مهمی را خواهند داشت و در این رابطه باید تلاش های لازم را صورت دهند.

خط مشی های عمومی بایستی طوری تدوین شود که در آن به ارزشها و هنجارهای جامعه، منافع و مصلحت عامه مردم، عوامل تعیین کننده حد و مرزها انعطاف و آینده نگری اخلاق مدارای شفافیت و روشنی، قابلیت انطباق، قابل فهم بودن و حل مسائل و مشکلات عموم مردم توجه گردد، تا با گذر از دولت اسلامی و تحقق جامعه اسلامی زمینه ایجاد تمدن نوین اسلامی محقق گردد.

آنچه در این مرحله در فضای رسمی کشور قابل طرح و برنامه ریزی است، در نظر گرفتن مرحله دولت سازی، و زمینه سازی برای حرکت به سمت جامعه و تمدن اسلامی است که مورد تاکید رهبر انقلاب نیز می باشد. رعایت اصول اسلامی، پرهیز از طاغوت در همه جوانب آن، کارآمدی، سلامت، خدمت رسانی عمومی، زدودن فقر، فساد و تبعیض در داخل و رعایت عزت، حکمت و مصلحت در امور خارجی جزو اصول این حرکت است و برنامه ریزی توسعه، باید در درون مرزهای چنین طراحی و پیاده سازی گردد و دانشگاه ها باید زمینه های آن را فراهم آورند.

در واقع توسعه در جمهوری اسلامی ایران، پیاده سازی اصول زندگی به روش اسلامی در همه شئون است و غایات توسعه در جوانب مختلف نمی تواند خارج از این چارچوب باشد. اگرچه در تدبیر و پیشبرد امور جامعه، بهره گیری از تجربه های جهانی جایز است، اما غایت و سرانجام توسعه در جمهوری اسلامی ایران نمی تواند غیر اسلامی و به شیوه طرح های غربی، صرفا رفاه مادی و دنیوی را هدفگذاری کند. در مجموع می توان چنین گفت که نظریه های رایج توسعه، توسعه را صرفا مقدمه و زمینه ای برای دستیابی به توسعه اقتصادی و رفاه مادی قلمداد می کنند. غایت توسعه از این چشم انداز صرفا به جنبه های این دنیایی توجه دارد. در حالی که غایت توسعه در جمهوری اسلامی به طور کلی نمی تواند صرفا جنبه های مادی و دنیایی زندگی بشر باشد اما تاکید بر آخرت گرایی و تمدن سازی اسلامی باید ما به ازای بیرونی خود را ترسیم و خلق کند.

چنین طرحی مستلزم طراحی و پیاده سازی نوعی سیاست هویت است که باید در چارچوب مکتب اسلام طراحی و پیاده سازی شود. البته باید این نکته را در نظر داشت که چنانچه سیاست هویت به جای تعیین غایات توسعه بخواند طرحی نوین و خیالی در عرصه ابزارها و روشهای کشورداری دراندازد و همزمان انبان آن از ارائه جایگزین های کارآمد و موثر خالی باشد، چیزی جز ناکارآمدی، سرخوردگی و آسیب زدن به آرمان ها و غایات (حیات طیبه و تمدن سازی اسلامی) به بار نخواهد آورد.

آنچه مسلم است در جمهوری اسلامی ایران، دولت و جامعه ظرف و اسلام و قواعد آن مظلوم هستند. هر گونه تحولی باید در راستای تحقق گسترده تر و استحکام بیشتر قواعد و آموزه های اسلامی برای سعادت بشری باشد. نظام حکمرانی قابل پذیرش در چینی شرایطی باید روشها و غایات اسلامی را در بر داشته باشد و برنامه توسعه باید پیاده سازی چینی طرحی را بر عهده بگیرد و به پیش ببرد. در چنین شرایطی دولت دنباله رو جریان های سیاسی و اجتماعی داخلی و بین المللی نیست و ادعا بر آن است که طرح و برنامه از قبل موجودی برای پیشبرد جامعه بر اساس آموزه های اسلامی دارد که هم دولت و هم جامعه باید در مسیر آن قرار بگیرند که دانشگاه ها باید این برنامه و طرح ها را با جزئیات تئوریزه نمایند.

باید توجه داشت که چنانچه به روال گذشته برنامه مشخصی برای توسعه در جمهوری اسلامی ایران در راستای مد نظر طراحی نشود، به طور قطع شدت و دامنه وقوع مسائل مستحدثه، ذهن و دست برنامه ریزان و مدیران نظام را چنان به خود مشغول خواهد کرد که غفلت از آرمان ها و فراموشی اهداف از نتایج مسلم آن خواهد بود. در سالهای اخیر با توجه به اهمیت روزافزون مسائل اقتصادی، بخش زیادی از انرژی و تلاش مسئولان متوجه رفع مشکلات این بخش شده است. حضور اقتصاددان ها در موقعیت گفتمان سازی عمومی و ترویج ادبیات رایج اقتصادی به مثابه گفتمان عمومی (به جای گفتمان تخصصی)، یکی از آفت هایی است که نتیجه فقدان برنامه راهنمای توسعه به معنای مورد نظر جمهوری اسلامی است. در چنین شرایطی، غفلت از برنامه توسعه، ضعف نظریه پردازی را به دنبال داشته و مشکلات ناشی از آن می تواند علاوه بر گم کردن مقصد، ناکارآمدی روزافزون در عرصه های مختلف مدیریت امور عمومی را سبب شده و جامعه مطلوب اسلامی و مسیر تمدن سازی اسلامی را به شدت دچار آسیب های جبران ناپذیر کند.

در همین چارچوب مراکز علمی به منزله نماد و مصداق سازمانهای فکری قادر خواهند بود با برخورداری از ظرفیتهای بالا جهت دریافت ایده ها، اصلاح و بازسازی افکار و عقاید اولاً به سازماندهی فکری و الگوسازی در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کمک کنند و ثانیاً علاوه بر کمک به تقویت نفوذ و اثربخشی نخبگان در جامعه سبب شوند تا نخبگان بتوانند بر اساس درک از نیازهای مختلف و شناسایی چالشها و مشکلات پیش رو، امکان نیروها و عملیاتی سازی الگوها جهت رشد و حرکت به سوی تحقق تمدن اسلامی را فراهم نمایند. بسیج صحیح در همین چشم انداز نخبگان و اندیشمندان در صورتی به مرجعیت فکری و راهبری جوامع خود نائل میشوند که بتوانند اولاً

متناسب با ویژگیهای اصیل جوامع، شناخت نیازها و مطالبات مردمی و ثابا با شناخت ظرفیتهای و شیوه های تعاملاتی جدید مانند فضای مجازی ایده های خود را تبدیل به ارزشهای فراگیر در جامعه نمایند. چنانچه نخبگان فکری در جایگاه واقعی خود جهت هدایت و خط دهی صحیح جامعه قرار بگیرند میتوان انتظار داشت تا ظرفیتهای جهان اسلام در مسیر توسعه و بالندگی و نهایتاً تحقق الگوی تمدن نوین اسلامی بکار گرفته شوند. در مقابل باید گفت هر اندازه که نخبگان نسبت به نیازهای جامعه دور شده و یا از مقتضیات روز (مثل شناخت و درک تحولات جدید) فاصله بگیرند، امکان سردرگمی رکود و عقب گرد در عرصه های مختلف شدت می یابد. (سرخیل، ۱۳۹۹)

منابع:

ابراهیمی کوشالی، حسین و مهدی حیدری (۱۴۰۰) کارکردهای ممتاز دانشگاه در فرایند شکل گیری تمدن نوین اسلامی بر اساس منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) دو فصلنامه علمی اندیشه مدیریت راهبردی، سال پانزدهم، شماره اول، بهار و تابستان

حسین پور، داود و فتاح شریف زاده و وجه الله قربانی زاده و یوسف زال (۱۳۹۹) مولفه های تدوین خط مشی های عمومی در دولت اسلامی با رویکرد تمدن سازی نوین اسلامی (با محوریت بیانات مقام معظم رهبری) دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره سوم، شماره ۱
جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۴) «مبانی دینی تمدن از منظر اسلام»، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد، ۱۶مهر

خامنه ای، سیدعلی، بخش فارسی سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای به آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir>

داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۰) اتوبی و عصر تجدد، تهران، نشر ساقی

دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴) «تمدن نوین اسلامی؛ بنیادها و چشماندازها»، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد، ۱۶مهر

سرخیل، بهنام (۱۳۹۹) چینش نخبگانی، جوانان و چالش های پیش روی تمدن نوین اسلامی؛ تأکید بر نخبگان دانشگاهی، دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن اسلامی، دوره ۳، شماره ۲

سو، آلوین ی. (۱۳۸۶)، تغییر اجتماعی و توسعه: مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی

شفیعی فر، محمد (۱۳۹۴). "رشد توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست، دوره ۴۵ شماره ۱

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲) سند اسلامی شدن دانشگاه، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی

طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۹) تمدن زایی شیعه، چ اول، اصفهان: لب المیزان



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
 October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



فرههینی فراهانی، محسن (۱۳۹۵) فصلنامه مطالعات ملی سال هفدهم شماره ۳
 قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹). چالشهای توسعه سیاسی. تهران: نشر قومس.
 ملکی حسن و یاسر ملکی (۱۳۹۲) «اخلاق، معنویت، عقلانیت و تمدن نوین اسلامی» مطالعات معرفتی در دانشگاه
 اسلامی، دوره هفدهم، شماره ۴

مطهری، مرتضی (۱۳۵۷) «خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: انتشارات صدرا
 نظامی اردکانی، مهدی و فرهاد توسکی (۱۳۹۴) الگوی تحول همه جانبه دانشگاه، تهران، نشر آثار فکر
 نجفی، موسی و رضا غلامی (۱۳۹۷) انقلاب اسلامی و نقش محوری آن در شکل گیری تمدن نوین اسلامی با
 تأکید بر دکتین امامت؛ فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۵
 Lancaster, C., & Walle, N. Van de. (2018). The Oxford Handbook of the Politics of
 Development (p. 733)

ارجاعات به بیانات مقام معظم رهبری (دام ظلّه):

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» ۱۳۹۵/۰۲/۶

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام؛ ۱۳۸۰/۹/۲۱

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام؛ ۱۳۸۳/۸/۶

بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۴/۵/۲۸

بیانات رهبر معظم انقلاب در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۵/۶/۲۵

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۶/۶/۱۲

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم ۱۳۸۹/۸/۲

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام) ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته‌ای ۱۳۸۵/۳/۲۵

بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم بیست و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۳/۳/۱۴

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و

فناوری ۱۳۹۴/۸/۲۰

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها ۱۳۸۳/۱۰/۱۷

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان و نوجوانان ۱۳۷۶/۱۱/۱۴

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۶/۱۴



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



جایگاه علوم تشریح و پزشکی در خدانشناسی و تمدن نوین اسلامی

یحیی شفیع^۱

۱-استادیار، دکتری تخصصی بهداشت مواد غذایی، گروه علوم و صنایع غذایی، واحد خوی، دانشگاه آزاد

اسلامی، خوی، ایران.

چکیده

علم واقعی علمی است که انسان را به خدا نزدیک سازد، او را به سرمنشأ علم بی‌کران الهی وصل کند و نه علمی که او را از خدا دور سازد. وقتی به خلقت انسان می‌نگریم و تأمل می‌کنیم هر چه بیشتر به خدا نزدیک می‌شویم. در این تحقیق جایگاه علوم تشریح و پزشکی در خدانشناسی و تمدن نوین اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و به نظریه‌های برخی از دانشمندان خداپاور و خداناباور پرداخته شده است. اگر انسان با یادگیری این علوم متحول نشود در حقیقت به بی‌راهه رفته است. نگرش مادی به علوم و نظریه‌هایی که مبنای آن‌ها گمراه ساختن بشر از هدفمند بودن جهان هستی و وجود آفریدگار یکتا بوده است. مانند نظریه مهبانگ استیون هاوکینگ و نظریه تکامل و انتخاب طبیعی داروین که ادعا می‌کنند خلقت جهان و پدیده‌های موجود در آن به‌طور کاملاً شانسی و تصادفی بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که صرف نگرش مادی گریانه و فیزیکی به علوم مختلف نمی‌تواند جوابگوی حل مسائل مهم فلسفی و ایدئولوژیک انسان مانند وجود خدا، منشأ جهان و هدف از آفرینش هستی باشد.

واژگان کلیدی: خدانشناسی، تشریح، علم پزشکی، تمدن نوین اسلامی

مقدمه

از دیدگاه اسلام علمی که انسان را وادار به تفکر و تأمل در مورد خدا نکند و او را به خدا نزدیک نسازد و در پایه‌های فکری، عقیدتی و مذهبی او در جهت رسیدن به خدا تحول ایجاد نکند باعث خودشناسی نشود، نه تنها مفید نبوده بلکه می‌تواند آسیب‌رسان و فاجعه‌بار نیز باشد. در حقیقت علم واقعی علمی است که انسان را به سمت خدانشناسی و خودشناسی هدایت کند و بینش، معرفت و درک او را از جهان هستی و خالق یکتا بیشتر کند و او را به سمت انسانیت، حقیقت و خدمت خدا و خلق خدا رهنمون سازد. بدن انسان که سراسر زیبایی‌ها و شگفتی‌های خلقت خداوند متعال می‌باشد و شعور الهی در آن جریان دارد، اگر بدرستی شناخته شود و این شناخت توأم با تأمل در خالق این زیبایی‌ها باشد می‌تواند انسان را به سمت خدانشناسی و معرفت واقعی او سوق دهد. به قول استاد شهید مطهری «علم با تعقل و ایمان است که حاصل بخش است». از دیدگاه ایشان «تفکر بدون تعلیم و تعلم امکان‌پذیر نیست. مایه اصلی تفکر تعلیم و تعلم است و اینکه در اسلام دارد که تفکر عبادت است، غیر از این است که تعلم عبادت است» (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۱). پیامبر اکرم (ص) در این خصوص می‌فرماید: «بار پروردگارا! من پناه می‌برم به تو از علمی که نفع نرساند، و از قلبی که

خشوع نداشته باشد، و از چشمی که اشک نبارد، و از نفسی که سیر نگردد؛ و من پناه می‌برم به تو از شرّ این چهار صفت» (قال صلی الله علیه و آله و سلم: «اللهم اِنّی اَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ، وَنَفْسٍ لَا تَشْبَعُ؛ وَاعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ هَوْلَاءِ الْاَرْبَعِ») (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰: ۳۵).

دانشگاه به عنوان یک مرکز علم‌آموزی و معرفت‌افزایی نقش مهمی در تمدن نوین اسلامی داشته و هر فردی که وارد دانشگاه می‌شود و علم و دانش او در هر زمینه‌ای زیاد می‌شود باید بتواند از این علم و دانش به عنوان وسیله‌ای در جهت رسیدن به خدا و زیبایی‌های خلقت خداوند بهره برده و به علم و معرفت واقعی دست یابد. در غیر این صورت علمی که بدون بینش باشد و در آن هیچ‌گونه تدبری وجود نداشته باشد سازنده نبوده و صرف یادگیری یکسری دانستنی‌های موجود و انباشته نمودن این اطلاعات تکراری در مغز که بسیاری از آن‌ها نیز برگرفته از علوم غربی و یافته‌های دانشمندان غربی می‌باشد که در پایه‌های اساسی فکری‌شان و در جهان‌بینی آن‌ها اشکالات اساسی دیده می‌شود و دنباله روی از آن‌ها هیچ‌گونه دردی را دوا نخواهد کرد. چنانچه استاد شهید مطهری می‌فرماید: «یکی از مشکلات عصر حاضر علم بدون ایمان است و یگانه دوی درد انسان معاصر، نیاز توأمان به علم و ایمان و پرواز با این دو بال است» (مطهری، ۱۳۷۷: ۳۲-۳۵). از میان عللی که فلاسفه بر وجود خدا ارائه کرده‌اند «برهان نظم» و «برهان جهان‌شناختی» بیش از بقیه مورد توجه دانشمندان علوم تجربی قرار گرفته است. بر پایه برهان نظم، درجات بالایی از نظم در عالم هستی دیده می‌شود که این نظم نیاز به تبیین دارد که فقط با وجود خدا فراهم می‌شود. بر اساس برهان جهان‌شناختی موجودات این جهان مبین خود نیستند و تبیین جهان در خودش نبوده و بلکه در وجودی است که مبین خود باشد. عنوان «جهان‌شناختی» به دسته‌ای از براهین اشاره دارد که مقدمه نخست آن‌ها بیانگر حکمی درباره عالم است و مقدمه دوم صورتی است از اصل علیت (پترسون و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴۲). جهان‌نیازمند علتی است که آن علت یا خداوند است و یا در نهایت به خداوند منتهی می‌شود. پس نتیجه گرفته می‌شود که خداوند وجود دارد (سبحانی، ۱۳۸۶: ۶۶). هدف از این تحقیق بررسی جایگاه علوم تشریح و پزشکی و تبیین ابعاد معنوی و نقش و اهمیت این علوم در معرفت‌افزایی و خداشناسی و تمدن نوین اسلامی می‌باشد.

۲. جایگاه علم تشریح و پزشکی در معرفت‌افزایی و خداشناسی

در جزء به جزء بدن انسان وقتی می‌نگریم و در آن تأمل می‌کنیم نشانه‌ها و معجزات خداوند متعال را به وضوح می‌بینیم و در حقیقت علم تشریح بدن و پزشکی، درس خداشناسی و معرفت‌افزایی بوده و انسان می‌تواند با بهره‌مندی از آن به علم و قدرت لایتناهی خداوند حکیم و دانا پی برده و بر ایمان خود بی‌افزاید. بدن انسان سراسر شگفتی و عظمت خداوند بی‌همتا می‌باشد. زیبایی‌ها، تناسب‌ها، اندازه‌ها، شکل‌ها، هماهنگی‌ها، و پیچیدگی‌هایی که در بدن بکار رفته وصف‌ناپذیرند. شکل کلی بدن، اندام‌های بدن، سلول‌ها و هماهنگی و یکپارچگی بین آن‌ها و ارتباط و تعاملات آن‌ها با

یکدیگر قابل تأمل است. کوچک ترین خطایی در خلقت انسان وجود نداشته بلکه خلقت او مملو از زیبایی، علم و حکمت است و هر چیزی به اندازه و بمقدار آفریده شده است.

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ «خداوند از هر آنچه جنس ماده حمل می کند و نیز از آنچه رحم ها کم می کنند و هر آنچه افزون می کنند آگاه است و هر چیز نزد او به اندازه است» (رعد/۸). کلمه بمقدار در این آیه اشاره به این دارد که خلقت خداوند متعال بر اساس اندازه گیری ها و محاسبات بسیار دقیق و حساب شده می باشد.

شکل ظاهری اندامها و نسبت های طلائی بکار رفته در آنها (Sharma and O'Leary, 2015) به همراه عملکرد فوق العاده دقیق و منظم آنها که از لحظه تولد (و حتی قبل از آن از لحظه شکل گیری یک سلول تخم و تکامل و بلوغ آن در رحم مادر) تا لحظه مرگ و در طول حیات دنیوی فرد ادامه می یابد معجزه و تجلی قدرت پروردگار متعال می باشد. ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ۚ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ «آن گاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان ساختیم و سپس بر استخوانها گوشت پوشانیدیم (و پیکری کامل کردیم) پس از آن (به دمیدن روح پاک مجرد) خلقتی دیگرش انشا نمودیم؛ آفرین بر (قدرت کامل) خدای که بهترین آفرینندگان است» (مؤمنون/۱۴).

اندامها و اعضایی که هر کدام به خودی خود یکی از معجزات پروردگار بوده و بااراده خداوند متعال وظایفی را که بر آن محول شده به درستی و بدون هیچ کم و کاستی انجام می دهند. اندامها و بافت های مختلف بدن شامل مغز، اعصاب، عروق، قلب، غدد، چشم، گوش، بینی، زبان، حلق، حنجره، ریه ها، کلیه ها، کبد، معده، روده ها، خون، استخوان، عضله، پوست، مو، ناخن و غیره، که هر کدام از آنها از بااهمیت ترین شان (مغز و قلب) گرفته تا کم اهمیت ترین آنها از نظر ما (مو و ناخن) معجزات پروردگار متعال بوده و نشانه ها، آیات و حکمت های زیادی در آنها نهفته است. إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ «همانا در آن، نشانه هایی است برای کسانی که تفکر و اندیشه می کنند» (جاثیه/۱۳).

شاید مهم ترین عضو بدن از نظر وسعت و پیچیدگی عملکرد آن مغز باشد، که از حدود ۱۰۰ میلیارد سلول عصبی یا نورون ساخته شده که در بخش کورتکس مغز انجام وظیفه می کنند. ارتباطات فوق العاده منظم، پیچیده و سازمان یافته بین آنها وجود دارد بطوری که تعداد این ارتباطات به ۱۵۰ تریلیون می رسد و بدین وسیله کلیه اعمال بدن را تحت کنترل دارد. گفته می شود که اگر بخواهیم مغز انسان را شبیه سازی کنیم، کامپیوترهای عظیم الجثه و گول پیکر به اندازه یک ساختمان بزرگ نیاز است تا شاید بتواند بخش کوچک و ناچیزی از کار مغز را انجام دهد. هر چند که این کار به نظر محال و غیرممکن می باشد (Wenk, 2015).

عضو شگفت انگیز دیگر در بدن چشمها می باشند که به وسیله آنها امکان دیدن جهان هستی و زیبایی های خلقت از سوی پروردگار متعال برای ما فراهم شده است. تحقیقات نشان داده است که چشم انسان دارای رزولوشن ۵۷۶

مگا پیکسل بوده و وضوح تصویر آن حداقل ۵ برابر بیشتر از پیشرفته‌ترین دوربین‌های عکاسی دیجیتالی بوده و قابلیت‌های منحصر به فردی دارد که این دوربین‌های پیشرفته ساخت دست بشر از آن عاجزند (Soliman et al, 2023). با این وجود که چشم انسان یک عضو زنده بوده و از سلول و پروتئین ساخته شده و بخش داخلی آن مایع است. با وجود اینکه سلول‌ها نیاز به خون‌رسانی و تغذیه دارند ولی در ساختمان قرنیه و عدسی هیچ‌گونه مویرگی وارد نمی‌شود و تغذیه سلول‌ها در این بخش‌ها از طریق انتشار صورت می‌گیرد تا شفافیت آن‌ها حفظ شود (Khurana, 2017). آیا این موضوعات اتفاقی و شانسی بوده یا دلیلی بر وجود یک خالق دانا، مدبر و حکیم است؟ هارون یحیی در کتاب خود تحت عنوان «معجزه خلقت انسان» می‌نویسد: «هرکسی که به نظم سیستم‌های بدن، خلقت بی‌نظیر آن‌ها در تمام جوانب پی می‌برد متوجه می‌شود که کسی باید این بدن را خلق کرده باشد که دارای قدرت و بینش برتر است (Yahya, 2003).

نفسی که می‌کشیم موهبت الهی است، اگر فقط یک لحظه نتوانیم نفس بکشیم، نتوانیم حرکت کنیم و یا دست خود را تکان دهیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ یا مثلاً حس بویایی و چشایی مان از بین برود و مزه غذاها را تشخیص ندهیم. چه اتفاقی می‌افتد؟ لذتی که از خوردن غذاهای گوناگون داشتیم را از دست می‌دهیم و از خوردن غذاها دیگر لذت نخواهیم برد. در حدیثی از حضرت علی علیه‌السلام است که می‌فرماید: «بالعافیه توجد لذت الحیاه» یعنی لذت زندگی در سایه سلامتی است (میزان الحکمه، ح ۲۷۷۱). در خطبه ۱۰۹ نهج‌البلاغه پس از حمد خداوند تاکید شده است که «و ما اسبغ نعمک فی الدنیا» به این معنا که چقدر نعمت‌های تو در دنیا کامل بوده و هیچ چیز کم نگذاشته است. انسان قدر داشته‌های خود را زمانی می‌داند که از دست داده باشد. سلامتی بزرگ‌ترین موهبت الهی است و اینکه همه بخش‌های بدن به درستی و با نهایت دقت و به طور خستگی‌ناپذیری کار می‌کنند به اذن پروردگار متعال و به لطف و کرم و رحمت اوست.

۳. سلول و خدانشناسی

سلول‌های بدن زنده بوده و دارای شعور، احساس و ادراک هستند. شعوری که در سلول‌ها وجود دارد تحت عنوان شعور و آگاهی مبتنی بر سلول^{۴۶} نامیده می‌شود (Reber, 2018). این شعور لایتناهی که برگرفته از شعور الهی می‌باشد در کل بدن نیز وجود دارد و می‌توان آن را شعور لایتناهی بدن^{۴۷} بنامیم. از کوچک‌ترین ذره یعنی الکترون‌ها، اتم‌ها، مولکول‌ها گرفته تا سلول و همچنین کل بدن شعورمند بوده و شعور الهی در آن جریان دارد و بدون آن هیچ‌گونه اراده عمل و حرکت منظم و باقاعده‌ای ممکن نبوده و تمامی اعمال بدن مختل خواهد شد.

سلولی که کوچک‌ترین واحد سازنده بدن موجودات زنده است در حقیقت به وسعت یک شهر بزرگ است که درون آن انواع کارخانجات، سیستم‌های ارتباطی و مخابراتی، سازمان‌های به خصوص، سیلوهای ذخیره‌سازی، ژنراتورها، نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و سیستم‌های حمل‌ونقل پیشرفته‌ای که به طور مدام در حال کار و فعالیت هستند قابل

⁴⁶ - Cell Based Consciousness

⁴⁷ -Infinite Body Consciousness

مشاهده است (Zoppe & Monica, 2017). سلول دارای یک اسکلت سلولی با معماری خاص و سازه‌های منحصر به فرد است که در درون خود یک مرکز فرماندهی بنام هسته را جای داده و خود هسته به عنوان یک دنیای ناشناخته درون سلول است که مرکز اطلاعات، نقشه‌های ژنی و وراثت بوده و ورود و خروج مواد در آن با دقت کنترل می‌شود (Rafelski & Marshall, 2008). انواع کارخانجات ساخت و تولید پروتئین‌ها، هورمون‌ها، آنزیم‌ها و مواد شیمیایی (ریبوزوم)، پالایشگاه و کارخانجات تجزیه، تبدیل و بازیافت مواد (لیزوزوم)، کارخانجات بسته‌بندی و آماده‌سازی و ترشح مواد (دستگاه گلژی)، نیروگاه و ژنراتورهای تولید و ذخیره‌سازی انرژی (میتوکندری) و غیره (Rebecca Woodbury, 2020).

شگفتی‌های تقسیم سلولی میتوز و میوز، لحظه تصمیم‌گیری سلول برای این پدیده، تکثیر و همانندسازی مواد ژنتیکی با دقت فوق‌العاده بالا جهت انتقال صحیح و بدون نقص وراثت و ژن‌ها به سلول‌های جدید همگی نشانه‌های قدرت خالق یکتاست. خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ ۗ سَأْرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ «طبیعت بشر به گونه‌ای است که گویا انسان، از عجله آفریده شده، (اَمَّا) من به زودی آیاتم را به شما نشان خواهم داد، پس (در تقاضای عذاب از من) شتاب مکنید!» (انبیاء/۳۷).

۴. بدن انسان و خداشناسی

در بدن ما در هر لحظه میلیاردها واکنش بیوشیمیایی به طور فوق‌العاده هماهنگ و یکپارچه در حال وقوع است تا اینکه ما بتوانیم زنده مانده و اعمال فیزیولوژیک و حیاتی خود را انجام دهیم. به طوری که اگر فقط یک لحظه این واکنش‌ها متوقف شوند و یا اختلال جزئی در این واکنش‌ها رخ دهد کل بدن از تعادل خارج شده و دچار عارضه می‌شود. به عنوان مثال استیل کولین یک ماده واسط شیمیایی یا نروترنسمیتر می‌باشد که در پاسخ به پیام‌های عصبی از انتهای اعصاب در ترمینال عصبی در ناحیه پیش سیناپسی آزاد می‌شود و باعث تحریک می‌شود و در کمتر از چند صدم ثانیه نیز توسط آنزیم کولین استراز شکسته شده و از محل سیناپس برداشته می‌شود و اگر این کار صورت نگیرد تحریک عضلات به طور بی‌وقفه ادامه یافته و فرد دچار تشنج و یا لرزش خواهد شد (Wenk, 2015). یا به عنوان مثال هماهنگی بی‌نظیری که در کار قلب وجود دارد. به طوری که بطن‌ها همزمان با یکدیگر و دهلیزها نیز همزمان باهم منقبض می‌شوند (Hall & Guyton, 2011).

بدن انسان به منزله یک کارخانه عظیم هوشمند و باشعور می‌باشد که فقط از یک سلول تخم بعد از رشد و تمایز سلولی به وجود آمده و تکامل، بلوغ، تولیدمثل و ترمیم و بازسازی و بقاء آن بر عهده خود بدن و برنامه‌های تعریف شده در آن بوده و به طور منظم و بی‌وقفه بااراده پروردگار متعال از لحظه تولد تا لحظه مرگ به فعالیت و حیات خود ادامه می‌دهد (پرویر و پیله چیان لنگرودی، ۱۳۷۷). تنظیمات بدن بسیار دقیق بوده و مواد در اندازه‌های بی‌نهایت و در لحظه معین ترشح می‌شوند. مثل آزادسازی انواع هورمون‌ها، آنزیم‌ها و مواد شیمیایی در مواقع نیاز، ترشح اسید و آنزیم‌های معدی بعد از مصرف غذا برای هضم غذا، تولید بی‌کربنات سدیم توسط لوزالمعده و ترشح آن در دوازدهه برای خنثی‌سازی

اسید معده، ترشح صفرا برای به امولسیون درآوردن چربی‌ها و کمک به هضم و جذب آن‌ها، ترشح انسولین و گلوکاگون برای حفظ تعادل غلظت قند خون و رساندن گلوکز به سلول‌ها، تنظیم فشارخون با کمک بارورسپتورهای (گیرنده‌های حساس به فشار) موجود در دیواره داخلی آئورت و تغییر قطر عروق در جهت تعدیل فشارخون در هر لحظه، تعدیل غلظت کلسیم خون و استخوان‌ها با ترشح دو هورمون کلسی تونین و پاراتورمون به ترتیب از غده تیروئید و پاراتیروئید (Hall & Guyton, 2011). نکته جالب این است که غدد پاراتورمون به صورت چهار غده ریز در چهار گوشه بر روی غده تیروئید قرار داشته و قبل از اینکه این غدد شناخته شوند در عمل جراحی تیروئیدکتومی غدد پاراتیروئید نیز به همراه تیروئید برداشته می‌شد.

بسته شدن اسفنکترهای کاردیا و پیلور برای شروع فرایند هضم غذا و جلوگیری از ورود محتویات اسیدی معده به مری و دوازدهه و همچنین ترشح بی‌کربنات سدیم (جوش شیرین) از لوزالمعده که یک ماده قلیایی است جهت خنثی سازی اسید معده از معجزات دیگر خداوند سبحان در دستگاه گوارشی و بدن می‌باشد. اسید، باز و خنثی (خون) را در کنار هم قرار می‌دهد بدون اینکه با همدیگر قاطی شوند و ماهیتشان تغییر یابد. مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ - بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ - فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ «دو دریا (ی شور و شیرین) را روان ساخت که به هم می‌رسند. (اما) میان آن دو فاصله‌ای قرار داد که به هم تجاوز نکنند. پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟» (ارحمن/۱۹ تا ۲۱)

ارگان‌های مختلف بدن و اعمال متعددی دارند به طوری که اخیراً مشخص شده که استخوان‌ها و قلب هر کدام یک هورمون‌های خاصی را ترشح می‌کنند و نقش غدد را نیز ایفا می‌کنند. مهم‌ترین هورمونی که از استخوان‌ها ترشح می‌شود استئوکلسین نام دارد که بر روی قند خون و ذخیره چربی بدن تأثیر می‌گذارد. همچنین این هورمون ترشح انسولین را افزایش داده و حساسیت بدن به آن را زیاد می‌کند (شفیعی، ۱۳۹۶). از عضلات دهلیزی قلب دو نوع هورمون ترشح می‌شود تحت عنوان کاردیوناترین و کاردیویدیلانتین یا (پپتید ناتریوریتیک دهلیزی). فقط از بخش قدامی یک غده کوچک با فعالیت‌های مهم و حیاتی در بدن بنام هیپوفیز به قطر تقریبی ۱ سانتی‌متر و وزن حدود ۰/۵ گرم در یک فرد بالغ، ۸ نوع هورمون مختلف تولید و ترشح می‌شود که هورمون رشد و هورمون محرک تیروئیدی جزو آن‌هاست (Mescher, 2021)

محافظت اعضاء مهم بدن توسط استخوان‌ها از جمله مغز، نخاع، قلب، محافظت از مواد ژنتیکی در هسته سلول‌ها، سیستم‌های ترمیمی برای ترمیم زخم‌ها و شکستگی‌های استخوانی، ساختمان منحصر به فرد استخوان‌ها و سازه‌های معماری بکار رفته در آن، مراحل تشکیل تخم و رشد جنین در بدن مادر قابل تأمل می‌باشد (Alhinai & Saleh, 2015). هماهنگی‌های بسیار پیچیده در فعالیت بافت‌ها و سلول‌های بدن، تناسب، اندازه‌ها و شکل‌های هندسی بکار رفته در آن‌ها با نسبت‌های طلایی، دقت و صف ناپذیر در اندازه‌گیری‌ها و محاسبات پیچیده ریاضی با دقت بی‌نهایت در بدن، تولید انواع

مختلف مواد در بدن در مقادیر طلایی و ترشح آن‌ها در لحظه طلایی همه از نشانه‌های قدرت لایزال الهی در آفرینش بدن انسان بوده و قابل تفکر و تأمل است.

۵. بحث

علوم تشریح و پزشکی در خداشناسی و تمدن نوین اسلامی نقش بسزایی داشته است. بدن انسان سراسر زیبایی و شگفتی‌های خداوند متعال است. اگر علم پزشکی و تشریح بدن انسان ما را متحول نکند و ما را به خدا نزدیک نسازد آن علم، علم واقعی نبوده و در آن هیچ‌گونه تدبیر و تفکری وجود نداشته است. و حال آنکه چگونه می‌شود یک انسان ضعیف به جایی می‌رسد که می‌گوید "طبیعی است که پیش از درک دانش به خدا باور داشته باشیم ولی امروز علم توضیح متقاعدکننده‌تری ارائه می‌کند و دیگر نیازی به وجود خدا نمی‌بینم." این گفته در کمال تأسف گفته‌های یک فرد دانشمند نمای غربی است بنام آقای استیون هاو کینگ است. وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكُمْ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ «مثل کافران (در شنیدن سخن انبیاء و درک نکردن معنای آن) چون حیوانی است که آوازش کنند و او از آن آواز (معنایی درک نکرده و) جز صدایی نشنود، کفار هم (از شنیدن و دیدن حق) کر و گنگ و کورند، زیرا تعقل نمی‌کنند» (بقره/۱۷۰). چگونه می‌شود انسان با وجود این همه دلایل علمی، فلسفی و عقلی به وجود خدا باور نداشته باشد و آن هم زمانی که توهم دست‌یابی به نهایت علم و دانش در او بروز پیدا می‌کند و بجای نزدیک شدن به خداوند متعال از او دور می‌شود؟ آیا اگر فردی فقط یک ترم در دانشگاه تحصیل علم کند و دانش او زیاد می‌شود و در کنار آن معرفت و بینش کسب نماید می‌تواند خدا را انکار کند؟ خیر

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ - الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ - فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ - كَلَّا بَلْ تُكَدِّبُونَ بِاللِّغِينِ «ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار بزرگوارت مغرور و فریب داده است؟ همان که تو را آفرید و (اندامت را) استوار ساخت و متعادل کرد. و به هر صورت که خواست، تو را ترکیب کرد. با این همه، (شما روز) جزا را دروغ می‌پندارید» (انفطار/ ۶ تا ۹). آیا با سفر به درون بدن و درون تک‌تک سلول‌ها، مولکول‌ها، اتم‌ها و الکترون‌ها این نظم و زیبایی‌ها قابل مشاهده نیست؟ آیا میلیاردها میلیارد معجزه و شگفتی که در این سفر برای شما آشکار می‌شود و از آن‌ها پرده برداشته می‌شود برای رسیدن به خدا و ایمان به علم و عظمت لایتناهی او کافی نیست؟ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ «محققان در خلقت آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز دلایل روشنی است برای خردمندان عالم» (آل عمران/۱۹۰).

ایان گریم باربور^{۴۸} پژوهشگر اهل ایالات متحده آمریکا در زمینه روابط بین دانش و مذهب وابستگی متقابل نظم و زیبایی در جهان را مطرح می‌کند و عقیده دارد که همه چیز در جهان بر اساس قوانین طراحی شده‌اند و نمی‌توان تصور

⁴⁸- Ian Graeme Barbour

کرد جهانی که می‌بینیم ناشی از شانس و تصادف باشد. او همچنین به وجود خداوند به عنوان پروردگار زندگی و طبیعت اعتقاد دارد. هرچند که از نظر استاد شهید مطهری ایراداتی نیز در نظریه و دیدگاه باربور وارد می‌باشد از جمله اعتقاد به وجود تغییر و تحول در ذات خداوند و اینکه خداوند مانند هستی‌های دیگر بالفعل در حال تکامل است (قنبری همایکوه و دیگران، ۱۳۹۷).

جان سی. لن نوکس^{۴۹} یکی از مشهورترین ریاضی‌دانان دانشگاه آکسفورد در کتاب خود با عنوان «آیا علم توانسته است خدا را دفن کند؟» در مرز میان فلسفه، عرفان و علم قدم برمی‌دارد و درصدد است تا به سرمنشأ جهان برسد. جان لنوکس ضمن تشریح نظریات دانشمندان خداناباور عصر مدرن، جهان‌بینی متفاوت با جهان‌بینی ایشان را پیش چشم مخاطب می‌گذارد. این نویسنده سرمنشأ جهان را خالق می‌داند که نظم موجود را آفریده است و صراحتاً الحاد علمی را رد می‌کند (لنوکس، ۲۰۰۹). بنا به عقیده جان لنوکس، نظریه‌های دانشمندان خداناباور مانند استیون هاوکینگ (نظریه مه بانگ) و چارلز داروین (نظریه فرگشت یا تکامل)، نمی‌توانند وجود خالق را زیر سؤال ببرند. آنچه که در این کتاب نقش محوری داشته و به عنوان یک سؤال اساسی مطرح می‌شود، این است: کدام نگرش با علم سازگارتر است، الحاد یا خداباوری؟ (لنوکس، ۲۰۰۹). قطعاً جواب این سؤال خداباوری است. علم واقعی علمی است که انسان را به خدا نزدیک سازد چون سر منشأ واقعی تمامی علوم خداوند متعال است. چنانچه استاد مطهری علم و دین (علم و ایمان) را مکمل یکدیگر قرار داده و علم‌گرایی محض^{۵۰} و تربیت علمی خالص را نفی می‌نماید و عقیده دارد علم‌گرایی محض نمی‌تواند انسان را به درجه کمال و انسان تمام برساند (مطهری، ۱۳۸۱/ ج ۱: ۲۵).

وی در کتاب دیگر خود تحت عنوان «خدا و استیون هاوکینگ» سعی کرده پاسخی سریع و صریح به کتاب «طرح بزرگ» اثر «استیون هاوکینگ» بنویسد. در واقع لنوکس قصد دارد با نگاه دقیق‌تری به منطق این فیزیکدان انگلیسی بپردازد. استیون هاوکینگ^{۵۱} در کتاب طرح بزرگ، سؤالاتی مطرح می‌کند که تا به حال کمتر به این شکل و از نظر یک دانشمند، بیان شده است: آیا خدا وجود دارد؟ چرا ما وجود داریم؟ چرا جهان هست؟ چرا قوانین طبیعت به شکلی که هستند، وجود دارند؟ (لنوکس، ۲۰۱۱). او در این کتاب بیان می‌کند که هاوکینگ میان علم و دین، تعارض و درگیری عمیقی می‌دید. در حالی که، لنوکس اعتقاد دارد چیزی که سبب شد به وجود خدا ایمان پیدا کند، همین علم است. هر چقدر به هماهنگی و عظمت پدیده‌های جهان بیشتر پی می‌برید، بیشتر اطمینان پیدا می‌کنید که چنین خلقتی نمی‌تواند تصادفی بوده باشد. نه تنها دنیا بلکه همه پدیده‌های آن، به یک آفریدگار نیاز دارند: خدایی که اگر وجود نداشت، ما نیز نبودیم. به نظر این نویسنده، قوانین و فرضیه‌های علمی، نمی‌توانند به خودی خود، باعث آفرینش چیزی باشند. این قوانین حتی امکان سنجش و آزمایش را نیز ندارند و در واقع، فقط مفاهیمی ذهنی برای توضیح پیدایش بعضی پدیده‌های واقعی

⁴⁹ - John C. lennox

⁵⁰ - Scientism

⁵¹ - Stephen Hawking

هستند(لنوکس، ۲۰۱۱). باید گفت که هر ذره در عالم هستی دارای شعور بوده که برگرفته از همان شعور الهی است و باراده خداوند متعال در مداری که خداوند متعال مقرر فرموده حرکت می کند و کار و وظیفه ای که بر عهده آن گذارده شده را به خوبی و به نحو احسن انجام می دهد بدون کوچک ترین نافرمانی و خطا! از منظر استاد شهید جهان با عنایت و مشیت الهی نگهداری می شود و اگر لحظه ای عنایت الهی از جهان برگرفته شود نیست و نابود می گردد(مطهری، ۱۳۵۷: ۱۹).

۶. نتیجه گیری

چنین نتیجه گرفته می شود که علم تشریح و پزشکی می تواند ما را به خداشناسی و تمدن نوین اسلامی رهنمون سازد به شرطی که نگاه ما نسبت به مسائل و موضوعات علمی کشف شده و یافته هایی که هر روز از آن ها پرده برداشته می شود عمیق بوده و در آن ها تفکر و تأمل داشته باشیم و در جهت معرفت افزایی و خداشناسی از آن بهره مند شویم.

۶. منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

الراغب الأصفهانی، أبواقاسم الحسین. (۱۴۲۰)، *محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء*، بیروت: شرکه دار الأرقم بن أبی الأرقم، ج ۱، ص ۳۵.

پرویز، کاظم و پیله چیان لنگرودی، رضا. (۱۳۷۷). *زیست شناسی سلولی و مولکولی*. چاپ دوم، انتشارات پیروز.

سبحانی، جعفر و محمد رضایی، محمد. (۱۳۸۶). *اندیشه اسلامی*. قم، نشر معارف، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۶۶.

شفیعی، یحیی (۱۳۹۶). *کلسیم عامل پوکی استخوان*. چاپ اول. انتشارات عمیدی، ص ۱۱۲.

قنبری همایکوه، امیر؛ ایراندخت، فیاض؛ ایمانی نائینی، محسن و صالحی، اکبر. (۱۳۹۷). نسبت علم و دین در فلسفه

ایان باربور و نقد آن از منظر استاد مرتضی مطهری. *پژوهش های علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات*

فرهنگی، سال نهم، شماره دوم، ص ۴۹-۷۱.

پترسون، مایکل؛ هاسکر، ویلیام؛ رایشنباخ، بروس؛ بازینجر، دیوید. (۱۳۸۷). *عقل و اعتقاد دینی*. ترجمه احمد نراقی و

ابراهیم سلطانی، ص ۱۴۲.

محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۴)، *میزان الحکمه*. درالحديث. ح ۲۷۷۱.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران. انتشارات صدرا، ص ۲۱.

مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). *جهان بینی توحیدی*. تهران، انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). *مجموعه آثار، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی*. انتشارات صدرا، ج ۲، ص ۳۲-۳۵.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). *اسلام و نیازهای زمان*. جلد اول، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات صدرا.

نصری، عبدالله. (۱۳۹۴). *انسان شناسی در قرآن*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ نهم.

Alhinai, Saleh (2015). *Scientific and Medical Miracles in the Human Body*. 1st Edition. Ministry of Health, Sultanate of Oman.

Hall, J. E., and Guyton, A. C.(2011). *Guyton and Hall Textbook of Medical Physiology*. 12th Edition. Saunders Elsevier.

Khurana, A. K., and Khurana, I.(2017). *Modern System of Ophthalmology*, Anatomy and Physiology of Eye. CBS.

Lennox, J.C.(2009). *God's Undertaker, Has Science Buried God*. Lion Books.

Lennox, J.C.(2011). *God and Stephen Hawking, whose design is it anyway?*. Lion Hudson.

Mescher, A. L.(2021). *Junqueira's Basic Histology Text & Atlas*. 16th Edition. McGraw Hill/ Medical.

Persaud-S. D., and O'Leary J. P. (2015). Fibonacci Series, Golden Proportion, and the Human Biology. *Austin J Surg*. 2(5): 1066.

Soliman, B., Khafagy, M., and Sherif, K.(2023). Consideration of Producing Cinematic Films for Viewing on Digital Platforms Taking into Account the Human Eye Resolution Perception. *Journal of Design Science and Applied Arts*, 4(2), pp:264-274.

Zoppe, M.(2017). Towards a perceptive understanding of size in cellular biology. *Nature Methods*, 14(7): 662-665.

Woodbury, R.(2020). *The Cell: A Tiny City*. Real Science-4-Kids Book.

Yahya, H.(2003). *The Miracle of Human Creation*. Goodworld Books.

Wenk, G. L.(2019). *Your Brain on Food: How Chemicals Control Your Thoughts and Feelings*. 3rd Edition, Oxford University Press.

نقش رهبری و مردم در تمدن نوین اسلامی با عنایت به آیه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم/۵)
قربان ابراهیمی^۱

۱- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، مهاباد ایران. ghorban_ebrahimi@pnu.ac.ir

چکیده

آهنگ پیشرفت همه‌جانبه برای داشتن زندگی راحت و برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی (تمدن نون اسلامی) از درون و بیرون به گوش می‌رسد اما تیرگی‌های نفسانی و تاریکی‌های طاغوتیان در هر عصری و مصری این مهم را به چالش کشیده و به مخاطره انداخته است. این پژوهش با روش توصیفی — تحلیلی به شیوهی کتابخانه‌ای و اسنادی به دنبال پاسخ به این پرسش است که راه‌های دستیابی به تمدن نون اسلامی، با عنایت به آیه‌ی ۵ سوره ابراهیم چیست؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که از طرفی رهبران الهی مأموریت دارند که ۱- مردم را با تعلیم کتاب و حکمت، تهذیب نفس، مبارزه با طاغوتیان و به‌ویژه با ایجاد نظام اسلامی و حاکمیت دینی روشنایی بخشند. ۲- با یادآوری ایام‌الله، امتی صبور و شکور تربیت کنند؛ و از طرف دیگر مردم وظیفه‌دارند با حضور آگاهانه در صحنه صبورانه و شکورانه رهبران الهی را در رسیدن به اهدافشان یاری رسانند. نتیجه این فرایند تحقق تمدن اسلامی در پرتو حاکمیت دینی است.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، رهبری، مردم، ظلمات، معرفت افزایی، ایام‌الله، امتی صبور و شکور

مقدمه

«پیشرفت، حرکت و سیورورت مستمر و توقف‌ناپذیر است، چون استعدادهای بشری حد یقف ندارد و پیشرفت در مفهوم اسلامی برخلاف فرهنگ غربی که یک‌بعدی یا دوی‌بعدی است، همه‌جانبه و چندبعدی است» (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳، <https://khl.ink/f/21252>) و علاقه و اشتیاق به آن امری فطری و همگانی است؛ زیرا آفریدگار هستی سرشت انسان را بر کمال خواهی آفریده و توان رشد را نیز در وجودش نهاده است. بر این اساس نیز امیرالمومنین علی (ع) یکی از اهداف رهبران الهی را برانگیختن و شوراندن دینه‌های عقلی بشر بیان می‌کند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱).

تعالیم اسلام نیز بر این مهم تأکید دارد؛ پیغمبر اکرم (ص) فرمود: «اگر کسی دو روزش یکسان باشد

^۱، گرفتار غبن و زیان است و هر کس فردایش از امروز بدتر باشد ملعون است» (ابن‌بابویه، ۱۴۰۳: ۳۴۲). پیداست پیشرفت در هر عرصه‌ای مبتنی بر علم و آگاهی است و انسان هر غرامتی می‌پردازد ریشه در جهل و نادانی دارد و از

^۱ منظور از «روز» هم شبانه روز یا روز در مقابل شب نیست. بنابراین، اگر کسی دو ساعت و حتی دو لحظه‌اش یکسان باشد، ضرر کرده است؛ (جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، ۲۵)

این روی در مکتب اسلام نه تنها عالمان و اندیشه‌وران از لحاظ ارج و حرمت برتر از دیگرانند؛ «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر/۹) و پیامبر اکرم (ص) «فراگیری دانش را بر هر مسلمان لازم می‌داند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰ / ۱). بلکه در اهمیت علم همین بس که آغازین آیات نزول قرآن در خصوص خولندن، علم‌آموزی و تعلیم الهی است (علق/۱-۴). و خدای سبحان در قرآن از قلم و نوشتار با قسم یاد می‌کند (قلم/۱). در روایات ائمه اطهار (ع) نیز علم پیشوای عقل و پیشوای عمل دانسته شده است (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۸) و انگهی یافته‌های تجربی حاکی از آن است که علم افزون بر آگاهی بخشی، معرفت افزایی، جهل زدایی و خرافه ستیزی، فن‌آوری و صنعت را به ارمغان آورده و آن نیز سرعت و سهولت در انجام فعالیت را در پی داشته و منجر به تولید ثروت، قدرت، رفاه و آسایش می‌شود؛ اما برای داشتن زندگی متمدنانه اسلامی علم و فن‌آوری تنها بخش سخت‌افزاری آن را تأمین می‌کند ولی بخش مهم و نرم‌افزاری آن که امنیت روحی و روانی و سعادت دنیوی و رستگاری اخروی انسان را در پی دارد در ایمان به اسلام و رعایت بایدونباید حقوقی و اخلاقی است که در اصطلاح اسلامی به آن «عقل معاش» می‌گویند. آیات فراوانی از قرآن و نیز سیره پیامبران الهی و ائمه معصومین (ع) ناظر به آن‌ها است و از میان آن‌ها همه تأسیس نظام اسلامی و حاکمیت دینی برای اقامه دین و براندازی نظام طاغوتی، از همه مهم‌تر است؛ زیرا «مطالبه‌ی اسلام از مسلمین، ایجاد نظام اسلامی به نحو کامل است؛ مطالبه‌ی اسلام، تحقق کامل دین اسلام است» (خامنه‌ای، ۲۱/۱۲/۱۳۹۳، <https://khl.ink/f/29151>).

حال سؤال این است بر اساس آیه شریفه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم/۵) نقش رهبران دینی و مردم برای تمدن‌سازی نوین اسلامی چیست؟

در پاسخ به این پرسش گفتنی در منطق اسلام «پیشرفت انقلابی، یا پسرفت به معنای ارتجاع، بستگی دارد به اراده‌ی انسان‌ها» (امام خامنه‌ای، ۱۴/۰۳/۱۳۹۹، <https://khl.ink/f/45814>)؛ انسان‌ها اگر درست حرکت بکنند، پیشرفت می‌کنند «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱)؛ اگر چنانچه غلط حرکت بکنند، پسرفت خواهند داشت «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (انفال/۵۳) بر اساس آیه محل بحث برای پیشرفت همه‌جانبه، مردم و رهبران الهی هر دو وظیفه‌دارند طبق نقشه راه ترسیمی از سوی خداوند سبحان حرکت کنند. رهبران الهی از طرفی مأموریت دارند با آگاهی بخشی و معرفت افزایی در تمام ابعاد زندگی انسان‌ها را از تاریکی‌های نفسانی و انسانی (حاکمیت طاغوت) خارج کرده و به نور مطلق (خداوند) نزدیک کنند و از طرف دیگر با بادآوری ایام‌الله امتی صابر و شاکر تربیت کنند. مردم نیز وظیفه‌دارند با آگاهی و بصیرت صبورانه و شکورانه رهبران الهی را در تأسیس نظام اسلامی و حاکمیت دینی یاری رسانند.

مفاهیم

تمدن: واژه «تمدن» در مقابل بدویت است و ارتباط نزدیکی با مفهوم شهر، شهرنشینی دارد (عمید، ۱۳۷۱: ۶۱۵). برای مفهوم اصطلاحی تمدن، تعاریف بسیار به‌کاربرده‌اند که در بین اندیشمندان اسلامی، خواجه‌نصیرالدین طوسی و ابن خلدون، تمدن را حالت اجتماعی شدن انسان (طوسی، ۱۳۶۴: ۲۵۱، ابن خلدون، ۱۳۵۹: ۷۷) و علامه جعفری، تشکّل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت معنا کرده است (جعفری، ۱۳۵۹: ۱۶۲)

تمدن نوین اسلامی: این اصطلاح از ابداعات امام خامنه‌ای است و منظور از آن پیشرفت همه‌جانبه هست که دارای دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. بخش سخت‌افزاری آن عبارت است از علم، فن‌آوری، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ... و اما بخش نرم‌افزاری آن که مهم‌تر است همان سبک زندگی اسلامی است که در اصطلاح از آن به «عقل معاش» تعبیر می‌شود که بسیاری از آیات و روایات ناظر به آن است (ر.ک: خامنه‌ای، ۲۳/۰۷/۱۳۹۱، <https://khl.ink/f/21252>)

۱- نقش رهبران الهی در تمدن سازی

۱-۱- رهانیدن از ظلمت‌ها و رساندن به نور

بر اساس آیات قرآن و حکم عقل که خلیفه باید کار مستخلف عنه را به‌جا آورد همه انبیا مبعوث شده‌اند که به اذن خداوند مردم را از ظلمت‌ها به نور خارج کنند. خدای سبحان می‌فرماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره/۲۷۵) در این آیه خداوند ولی و سرپرست مؤمنین دانسته شده که آنان را از ظلمات، از همه انواع ظلمات و تیرگی‌ها به سوی نور می‌برد در مقابل، ولی کفار طاغوت است که آن‌ها را از نور به ظلمات می‌کشد. وانگهی قرآن کریم در آغاز سوره «ابراهیم»، هدف نزول قرآن را چنین ترسیم می‌نماید: «الرَّكِبُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم ۱/۱) البته این رهانیدن از ظلمت‌ها و رساندن به نور به دستور و اجازه پروردگار است و راه نورانی شدن مردم، همانا پیمودن راه راست خداوند عزیز و نفوذناپذیر و پیروز بر هر چیز هست. البته دوری از خداوند که هستی محض، کمال صرف و نور سماوات و زمین است (نور/۳۵) تیرگی است و او تنها مبدئی است که توان رهانیدن از تاریکی را دارا است؛ لذا ولایت این امر را در آیه ۲۵۷ سوره بقره به خود نسبت داده است و اگر در این آیه آن را به رسول اکرم (ص) اسناد داد، برای این است که انسان کامل خلیفه خداست و خلیفه کار مستخلف عنه را انجام می‌دهد، لذا در آیه مزبور اخراج از ظلمت‌ها به نور به اذن خدا مقید شده است.

در تبیین مصادیق ظلمات گفتنی است: «بدون شک یکی از مصادیق این ظلمات، جهالت‌ها و نادانی‌هاست و قرآن بشر را از این ظلمات به روشنایی علم می‌برد؛ اما اگر ظلمت‌ها تنها در نادانی‌ها خلاصه می‌شد، فلاسفه هم می‌توانستند این مهم را به انجام برسانند، لکن تاریکی‌های دیگر وجود دارد به‌مراتب خطرناک‌تر از ظلمت نادانی که مبارزه با آن از

عهده علم خارج است. از جمله این ظلمت‌ها منفعت‌پرستی و خودخواهی و هواپرستی است که تاریکی‌هایی فردی و اخلاقی به حساب می‌آید و نیز ظلمت‌های اجتماعی نظیر ستم، تبعیض (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۶/۴۵) و بالاتر ظلمت‌های حکومت‌های فاسد و سیاست‌های باطل که از سوی آن حکومت‌ها مهندسی و اعمال می‌شوند و نمونه آشکار آن در عصر حضرت موسی (ع) حکومت فرعونیان بود و در عصر حاضر حکومت‌های غربی و به‌ویژه آمریکای جهان خوار است. لذا امام خمینی (ره) در تبیین مصادیق آن می‌گوید: «تمام ناروایی‌ها ظلمات است. تمام عقب‌افتادگی‌ها ظلمت است. تمام توجه‌های به عالم طبیعت ظلمت است. همه غربت‌زدگی‌ها ظلمت است. این‌هایی که توجهشان به غرب است، توجهشان به اجانب است، قبله‌شان غرب است، رو به غرب توجه دارند، این‌ها در ظلمات فرو رفته‌اند؛ اولیایشان هم طاغوت است» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۴۶/۹).

«شاخص‌ترین کار حضرت موسی (ع) در نورانی کردن بنی‌اسرائیل، تشکیل حکومت حق و عدل و نبرد با سیاست باطل و ستم فرعونیان و قیام علیه شرک و اقدام در راه اعتلای توحید و جهاد با حاکمان مستکبر و اجتهاد در تأسیس نظام الهی بود؛ زیرا بدون فضای باز سیاست حق و قسط، تنفس آزاد میسر نیست و بدون حکومت عدل، تهذیب نفس و تزکیه روح شدنی نیست؛ چنان‌که بارزترین کار طاغوتیان در تاریخ کردن جامعه بشری، تشکیل حکومت باطل و تعطیل حدود الهی و اجرای قوانین صرفاً بشری و ترویج الحاد و تضاد با توحید و دعوت به دوزخ است» (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۵۲).

طبق نصوص قرآن حضرت موسی (ع) برای بیدار کردن دل‌ها و روشن کردن افکار که توسط آل فرعون پر از تیرگی و ترس شده بودند از سوی خداوند مأمور بود که مردم را از سیطره فرعونیان ظالم و طغیانگر رهایی بخشد و تحت ولایت خویش که در طول ولایت الهی است درآورد؛ اولین و آخرین سخن آن حضرت این بود: «أَنْ أَدُوَّ إِلَيْ عِبَادِ اللَّهِ إِيَّيْ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» (دخان/ ۱۸)؛ «أَنْ أُرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ» (شعرا/ ۱۷) و هنوز هم فرمان ظلم‌روبی: «أَذْهَبْ إِلَي فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (نازعات/ ۱۷) به سوی فرعون برو که او طغیان کرده است در سامعه تاریخ طنین‌افکن است و دستور ستم‌سوزی: «وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (شعرا/ ۱۰) می‌خروشد.

۲-۱- تذکر به ایام‌الله

در آیه محل بحث از حضرت موسی (ع) خواسته شده ایام‌الله را به قومش یادآوری کند چراکه این یادآوری پایداری در سختی‌ها و شکور بودن در نعمت‌ها را در پی دارد.

پیداست هرروز، روز خداست، چنان‌که هر مکانی از آن خداست؛ لیکن اختصاص برخی از روزها به ذات اقدس الهی همانند اختصاص برخی از مکان‌ها به او مثل کعبه که «بیت‌الله» نامیده می‌شود جنبه تشریفی دارد و از شرافت ویژه آن زمان یا مکان حکایت می‌کند. هرروزی که ظرف ظهور قدرت ویژه خداوند متعالی باشد، یوم‌الله است؛ خواه ظهور نعمت خدا باشد یا ظهور انتقام او از گردنکشان.

مفسران در بیان معنای آن برخی به این معنا اشاره و برخی مصداق‌های آن را بیان کرده‌اند: «روزهایی که در آن‌ها نعمت‌های الهی شامل حال پیامبران و پیروان آن‌ها شده است؛ مانند رهایی قوم حضرت موسی (ع) از دست فرعونیان، بیرون آمدن قوم حضرت نوح (ع) از کشتی نوح و رهایی حضرت ابراهیم (ع) از آتش» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۳/۲۳۹)؛ «روزهایی که در آن‌ها عذاب بر اقوام سرکش مانند قوم عاد و ثمود نازل شده است» (پیشین، ۲۲۷/۱۱). «هرروزی که یکی از فرمان‌های خدا در آن‌چنان درخشیده که بقیه امور را تحت‌الشعاع خود قرار داده است» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۶۷۶). «هرروز که در آن فصل تازه‌ای در زندگی انسان‌ها گشوده و درس عبرتی به آن‌ها داده شده است، مانند ظهور یک پیامبر یا نابودی یک پادشاه ظالم و مشرک، جزء ایام‌الله است» (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۰/۲۷۲) در تفاسیر روایی «ایام‌الله» را به «روز قیام قائم، روز رجعت، روز مرگ و روز قیامت مربوط دانسته‌اند (حویزی، ۱۴۱۵: ۲/۵۲۶). علامه طباطبایی «روز مردن، برزخ، روز قیامت و روز تحقق عذاب استیصال را از مصادیق ایام‌الله دانسته است» (۱۶۴/۱۸: ۱۴۱۷). بر همین اساس امام خمینی (ره) از برخی روزها در تاریخ جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ایام‌الله یاد می‌کند. روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید (۱۳۶۹: ۱۰/۱۹). به‌زعم ایشان قضایایی که در ایام‌الله رخ داده، برای انسان‌ها در طول تاریخ آموزنده و بیدارکننده است. از این رو وی معتقد بود که ایام‌الله باید زنده نگه‌داشته شود (۱۳۶۹: ۱۱/۱۷). او در ادامه می‌گوید: «ذکر «ایام‌الله» که خداوند به آن امر کرده است، انسان‌ساز است و حوادث بزرگ تاریخ که قرآن هم از بعضی از آن‌ها یاد کرده است، سرمشقی پربرکت برای ساختن جامعه‌ها و اشخاص است» بنابراین هر حادثه‌ای مظهر قدرت خداست؛ لیکن رخدادهای مهم که در آن حق، پیروز و باطل شکست خورد، به نام «ایام‌الله» مطرح‌اند؛ مانند روز پیروزی موسای کلیم (ع) بر فرعون که در آن حق پیروز شده و باطل از بین رفته و از این رو خداوند سبحان در آیه موردبحث آن را «یوم‌الله» خوانده و به رسول خود فرمان داده برای ساختن جامعه و اشخاص ایام‌الله را به مردم یادآور شود.

۲- همراهی صابرا نه و شاکرانه مردم با رهبری

بی‌تردید نورانی کردن جامعه در پرتو براندازی حاکمیت طاغوت و پی‌ریزی نظام نوین دینی است و برای دستیابی به آن افزون بر رهبری الهی، امدادهای غیبی و یادآوری ایام‌الله، حضور و همراه مؤمنانه مردم رهبری الهی را لازم است. قرآن در این خصوص می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انفال / ۶۴)؛ «هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِبَصَرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» (انفال/ ۶۲) و بر این اساس نیز حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بُوْجُودِ النَّاصِرِ ... لِأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا» (نهج البلاغه، الخطبة ۳). البته مستفاد از آیه محل بحث از همراهی مؤمنانه مردم در آیه به امتی پایدار و شکور تعبیر آمده است «و ذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» «صَبَّارٌ» از مادّه «صَبَّرَ» و «شَكُورٌ» هر دو صیغه مبالغه است که یکی فزونی صبر و استقامت را می‌رساند و دیگری فزونی شکرگزاری نعمت» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۳۰) روشن است که توجه به پایداری امت‌های گذشته در نیل به

اهدافشان، زمینه‌ی صبر و شکر را در انسان به وجود می‌آورد. یادآوری مصیبت‌ها و تلخی‌های گذشته و برطرف شدن آنها، انسان را به شکر وادار می‌کند. توجه به پایداری امت‌ها و پیروزی آنان، آدمی را به صبر و مقاومت دعوت می‌کند. «گاهی خداوند قدرتش را از پرده غیب بیرون می‌آورد و حکومت اسلامی به دست صالحان بر زمین استوار می‌شود؛ به این شرط که مردم آن عصر در متن مبارزه صابر باشند و پس از پیروزی آن شکور. اگر کسی در زمان نبرد، استواری را از دست دهد، پیروز نمی‌شود و اگر پس از پیروزی، آن را غنیمت جنگی بداند و ظفر را پدیده مادی تلقی کند و خود را طلبکار انقلاب بداند، شاکر نمی‌شود؛ اما با آمدن دو ویژگی صبر و شکر، نظام اسلامی مستقر می‌گردد» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۸)

در بقا و نگهداری نظام اسلامی نیز سپاس فراوان لازم است و کیفیت سپاسگزاری، آن است که انسان تمام نعمت‌ها را از خدا بداند و از نعمت خدادادی بیش‌ترین بهره صحیح را ببرد و هرگز مغرور تنعم نگردد. خداوند در چند مورد از قرآن فرمود: ما عده‌ای را از بین بردیم و شما را روی کار آوردیم تا دریابیم چگونه رفتار می‌کنید؛ «ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ» (یونس/۱۴)؛ «عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ» (اعراف/۱۲۹) این امید است که خداوند سلسله دشمن شما را منقرض کند و حکومت را به دست شما مردم دهد تا ببیند شما چه می‌کنید. هرگز ممکن نیست نعمتی به کسی برسد، مگر این‌که در کنار آن نعمت، آزمون الهی مطرح است.

نتیجه‌گیری

تمدن نوین اسلامی از لیداعات مقام معظم رهبری و به معنای پیشرفت همه‌جانبه است که دارای دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری (سبک زندگی اسلامی) است که باید بخش سخت‌افزاری در خدمت بخش نرم‌افزاری قرار بگیرد و در غیر این صورت انسان تبدیل می‌شود به حیوان قدرتمند.

هر آنچه انسان را از ذات اقدس الهی که هستی محض و نور مطلق است دور کند مانند نادانی، خودخواهی، منفعت‌طلبی، بیگانه‌پرستی و ظلم و ستم همه تاریکی است و از همه ظلماتی‌تر تیرگی حاکمیت طاغوت است. لذا قرآن کریم که نور است، در تشریح چگونگی نورانی نمودن جامعه، حیاتی‌ترین مسئله اجتماع بشری را که همان حکومت عدل و سیاست قسط است مطرح می‌کند و تنها راه نورانی کردن مردم را در پرتو سیاست راستین رهبران آسمانی آن‌ها می‌داند و بدون حکومت وحی و سیاست‌گذاری پیامبران و سیاستمداران الهی، جامعه بشری را تاریک می‌شمارد.

پیامبران مبعوث شده‌اند که با اذن خداوند مردم را از تیرگی‌ها به سوی نور خارج کنند و شاخص‌ترین کار حضرت موسی (ع) در نورانی کردن بنی‌اسرائیل، جهاد با حاکمان مستکبر و اجتهاد در تأسیس نظام الهی برای اعتلای توحید و براندازی شرک و کفر بود.

هر روزی که ظرف ظهور قدرت ویژه خداوند سبحان باشد، یوم الله است؛ خواه ظهور نعمت خدا باشد یا ظهور انتقام او از گردنکشان. یادآوری ایام الله به مردم توسط رهبران الهی از طرفی پایداری در سختی ها و شکر در نعمت ها را در پی دارد و از طرف دیگر سرمشقی برای انسان سازی و جامعه پردازی است.

منابع و مآخذ

ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۵۹، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳ ق، تحف العقول، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین.
ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، معانی الأخبار، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

پدیدآور: خمینی، روح الله، ۱۳۸۹ ه. ش، صحیفه امام، ۲۲ جلدی، ایران- تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

جعفری، محمد تقی، ۱۳۵۹، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، هدایت در قرآن، محقق علی عباسیان، چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسراء.
_____، ۱۳۸۴، بنیان مرصوص امام خمینی (ره)، محقق: محمد امین شاه جویی، چ هشتم، قم، مرکز نشر اسراء.

_____، ۱۳۸۸، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، محقق: سعید بند علی، چ پنجم، قم، مرکز نشر اسراء.

حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ه. ق، تفسیر نور الثقلین، مصحح: رسولی، هاشم، چاپ چهارم، ایران- قم، اسماعیلیان

خامنه ای، سید علی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای: <https://farsi.khamenei.ir>
طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلدی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: با مقدمه محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو .

طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ه. ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، ۳۰ جلدی، چ اول، لبنان- بیروت، دار المعرفة

طوسی، نصیرالدین، ۱۳۶۴، اخلاق ناصری، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



عمید، حسن، ۱۳۷۱، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی (ط-الإسلامیة)، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ۸ جلدی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴ ه. ش، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ۳۰ جلدی، چاپ هفتم، ایران- تهران، صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

_____، ۱۳۸۷ ه. ش، لغات در تفسیر نمونه، چاپ اول، قم، امام علی بن ابی طالب علیه السلام

نقش مناظرات قرآنی امام رضا(ع) در گسترش اسلام و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی

رقیه صادقی نیری

اعظم حسین پور اصل

چکیده

فرهنگ و تمدن اسلامی از عصر پیامبر(ص) شکل گرفت و این فرهنگ با تلاش امامان معصوم(ع) به دیگر نسل‌ها انتقال یافت. اما، دوران طلایی و عصر شکوفایی تمدن اسلامی مرهون تلاش‌های امام رضا(ع) است. زیرا ایشان فعالیت‌های بی‌شماری را در این دوره انجام دادند. از مهم‌ترین این فعالیت‌ها تشکیل جلسات مناظره و حوزه علمی در منزل خویش و مسجد مرو بود. در این جلسات، امام فضای علمی مناسبی را جهت طرح نظرات و اندیشه‌های مخالف ایجاد کردند؛ تا با این شیوه از عقاید آن‌ها باخبر شده و در طی جلساتی به اصلاح عقاید انحرافی آن‌ها پردازند. بنابراین در مورد علم آن حضرت (ع) می‌توان از جهات مختلف گفتگو کرد. از مهم‌ترین دلایل گسترده علم آن حضرت، مناظرات ایشان با علمای مکاتب و مذاهب مختلف می‌باشد که سرانجام به تسلیم آن‌ها در مقابل نقطه نظرات و علم سرشار آن حضرت منتهی می‌شد. مهم‌ترین دلیل تسلیم افراد و گروه‌های مختلف در مقابل نظرات امام، استنادهای مناسب ایشان به آیات نورانی قرآن کریم است. چراکه دوران حیات امام هشتم شیعیان، دورانی است که افکار و اندیشه‌های مختلف فلسفی و کلامی بسیاری در معرض برخورد و رویارویی با یکدیگر قرار داشتند. آن وضعیت موجود، به‌طور طبیعی وظیفه‌ای خطیر را برای امام رقم می‌زد و از این‌روست که می‌بینیم امام رضا(ع) در راستای روشن ساختن افکار عمومی مسلمانان و شیعیان به تبیین معارف دینی و یا تشکیل جلسات مناظره و... پرداخته و با استفاده از عنصر عقل و منطق و بهره‌گیری از نورانیت آیات قرآن کریم به اثبات حقانیت اعتقادات اسلامی می‌پردازند. مقاله حاضر درصدد پرداختن به مناظرات امام رضا(ع) و استنادهای قرآنی در مناظرات و نقش مناظرات در ایجاد شکوفایی و بالندگی تمدن اسلامی است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، مناظرات، امام رضا(ع)، تمدن و فرهنگ اسلامی

مقدمه

هر تمدنی برای اینکه تأسیس شود و شکل بگیرد، نیازمند مقدماتی است که یکی از آنها بنیاد فرهنگی است. یک اجتماع، اگر فرهنگ قوی و غنی نداشته باشد، نمی‌تواند تمدنی را تأسیس کند. مدیران و نخبگان سیاسی - مذهبی به دو صورت در تمدن تأثیر می‌گذارند، برخی نقش تأسیسی دارند و برخی دیگر نقش توسعه‌ای. بنیانگذاران ادیان یا پیامبران که شریعتی آورده‌اند؛ نقش تأسیسی در تمدن دارند، هر چند در عصر آنها تمدنی شکوفا نشده باشد. به تعبیر برخی از

صاحب نظران غربی، هر تمدن بزرگی بر یک دین بزرگ تکیه دارد، بنابراین تا آن دین بزرگ با محتوای غنی ارائه نشود، تمدنی پدید نمی آید.

بنابراین، فرهنگ و تمدن اسلامی از عصر پیامبر(ص) شکل گرفت و این فرهنگ با تلاش بی وقفه امام معصوم(ع) به دیگر نسلها انتقال یافت. اما مورخان، عصر شکوفایی تمدن اسلامی را مدیون تلاشهای عصر امام رضا(ع) و قرن دوم تا سوم هجری می دانند. تاریخ نویسان، دوران امام رضا (ع) را به لحاظ شکوفایی علمی و جهانی شدن تمدن اسلامی در آن، عصر طلایی نامیده اند.

سیطره علمی مسلمانان در این دوره به اوج خود رسیده و فعالیت های علمی در عرصه های مختلف، رشد زیادی کرده و پیشرفت تمدن اسلامی در این مقطع تاریخی، به بالاترین حد رسیده بود.

وجود نشست های علمی، رفع موانع در راستای تحقیق و مطالعه اهل نظر، تشکیل محافل علمی در عرصه های مختلف و گفتگو پیرامون موضوعات گوناگون علمی و تأسیس کتابخانه های متعدد در کشورهای اسلامی در این دوره، زمینه تحقیقات جدی اندیشمندان اسلامی و تمرکز دانشمندان غیراسلامی را در قلمرو حکومت اسلامی، به وجود آورد. یکی از حرکت های علمی قابل توجه در دوران حضرت رضا (ع) و از عناصر مهم در پیشرفت علمی مسلمانان، ترجمه کتاب ها از زبان های خارجی به زبان عربی بود. تحقیق در موضوعات مختلف کتاب های وارداتی از جمله پزشکی، ریاضیات، فلسفه، علوم سیاسی، نجوم و... توجه به تحقیقات علمی را تقویت کرد. یکی از مظاهر علمی آن دوره ایجاد رصدخانه و ترسیم نقشه های جهانی است که مأمون دستور آنها را داده بود. نگاهی به علوم مهم متداول در عصر امام رضا علیه السلام و توجه اندیشمندان به آنها نیز می تواند ما را در شناسایی بیشتر موقعیت علمی و اقبال عمومی عصر امام رضا علیه السلام، به علم و دانش اندوژی یاری دهد که برخی از آنها عبارتند از: علم تفسیر، علم کلام، علم حدیث، علم اصول، علم پزشکی، علم شیمی، معماری و تحقیقات مهندسی. ارتقای علم نجوم و دستاوردهای آن رادر عصر امام رضا، علیه السلام، نیز نباید از نظر دور داشت.

آنچه گذشت اجمالی از برخی علوم بود که در زمان حضرت رضاعلیه السلام توسعه پیدا کرد و از جمله مظاهر ارتقای علمی مسلمین و شکوفایی تمدن اسلامی بود. اما نقش حضرت ثامن الحجج علیه السلام، در شکل گیری این نهضت علمی و شکوفایی تمدن اسلامی از جهات مختلفی قابل توجه است. امام رضا (ع) برای احیای تمدن اسلامی و پیشرفت آن به طرق مختلف تلاش های زیادی را انجام دادند که یکی از این شیوه ها مناظره می باشد. مناظره یکی از سنت های حسنه ای است که جایگاه ویژه ای در فرهنگ اسلام دارد. در حقیقت فشرده ترین کلاسی است که اربابان اندیشه در آن زور آزمایی کرده و حقیقت پندار خویش را بر دیگر مدعیان اثبات می کنند و از شیوه های تربیتی غیر مستقیم است که از آن برای اثبات حق و هدایت افراد استفاده می شود.

مسافرت‌ها و مناظره‌های امام رضا(ع) از یک موقعیت حساس برخوردار بود، زیرا عوامل انحراف فکری به اوج خود رسیده بود، این انحرافات که عمدتاً ناشی از ورود اندیشه‌های غیر تصفیه شده بیگانه به جامعه اسلامی و نیز آزادی افسار گسیخته که از سوی دستگاه عباسی در استقبال از اندیشه‌ها داده شده بود، بدعت‌هایی را وارد دین کرد. این شرایط خاص فکری و فرهنگی که وارد جامعه شده بود، وظیفه سنگینی را بر دوش امام گذاشت و وی را بر آن داشت تا به عنوان حافظ دین خدا و نجات مسلمین از شرک و الحاد، دست به اقداماتی بزند، از جمله مسافرت به مراکز پخش این اندیشه‌ها از قبیل بصره و کوفه و انجام جلسات مناظره با سران این افکار الحادی، استفاده از فرصت ولایتعهدی در راستای تبلیغ دین و آنچه را شریعت ختمیه برای هدایت بشر آورده است. یکی دیگر از اقدامات آن حضرت در این خصوص مناظره‌هایی است که آن حضرت با بزرگان و رؤسای فرق و ادیان مختلف انجام دادند چه قبل از ولایتعهدی و چه پس از آن، و با توجه به روش مناظره آن حضرت که زبان زد عالمیان بود، زیرا بر صبغه عقلانی و منطقی استوار بود، و دفاع آن حضرت از دین و گزاره‌های دینی که یکی از آنها لزوم تحصیل علم و دانش در رشته‌های مختلف و نافع است همه و همه گواه آن است که در سیره عملی آن حضرت علم و دین با هم هماهنگ اند.

۱- تعریف و پیشینه مناظره

مناظره گفتمانی برای ایجاد فهم مشترک و درک متقابل توأم با اثربخشی دوجانبه است؛ از این رو، ائمه معصوم(ع)، به ویژه، حضرت رضا (ع) آن را به عنوان یکی از روش‌های آموزشی در موضوعات پرچالش علمی در خور دقت و تأمل بسیار می دانستند.

مناظره واژه ای عربی از ریشه نظر، نظراً، منظرأ و منظره است. اصل معنای آن دیدن با چشم است. که در نتیجه ی توسعه ی معنایی، به مفهوم تدبّر و تفکّر در یک امر نیز به کار رفته است (ابن فارس، بی تا: ج ۵، ماده نظر؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ذیل کلمه نظر)

مناظره در ادب فارسی به معانی جدال کردن، با هم بحث کردن، با هم سؤال و جواب کردن، با هم نظر کردن، یعنی فکر کردن، مجادله و نزاع با همدیگر و نیز بحث بایکدیگر در حقیقت و ماهیت چیزی به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۱۵۶۲/۱۴)

و از دیدگاه اصطلاحی، مکالمه و گفت و گویی دو طرفه است (Dialogue) که هر یک با استدلال و ارائه براهین سعی می کند برتری و فضیلت خویش را بر دیگری به اثبات برساند. (رزمجو، ۱۳۷۰: ۱۳۲) چنانکه راغب اصفهانی درباره مناظره می گوید: «مناظره عبارت است از گفت و گو و نکته بینی طرفینی رو در رو، و به میان آوردن هر آنچه به آن معتقد است.» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۴۹۸)

گفتگو، مناظره و احتجاج از همان آغاز آفرینش، از اساسی‌ترین ابزارهای ارتباط جمعی انسان‌ها برای تفهیم و تفاهم بوده است. تاریخ ادیان توحیدی نشان می‌دهد که پیامبران بزرگ الهی نیز همواره در موقعیت‌های گوناگون تبلیغی از این ویژگی عمومی و فطری بشر بهره‌های فراوان برده‌اند. احتجاج حضرت نوح، هود، صالح، ابراهیم، لوط، شعیب، موسی و عیسی علیهم‌السلام با کافران قوم و مخالفان فکری خود، در قرآن، آمده است.

از شیوه‌های تبلیغی انبیا (ع) این بود که برای دعوت قوم خود، به سخن گفتن با آنها می‌پرداختند و با طرح مسائل مختلف و از راه‌های گوناگون درصدد این بودند که قلوب مردم را نسبت به پذیرفتن شریعت خود آماده کرده و حقانیت دعوت خود را برای آنها اثبات نمایند. قرآن کریم در موضعی، ضمن بیان آیات مربوط به ماجرای انبیا به موارد بحث و جدل و مناظره آنها با قومشان اشاره می‌کند که با رعایت ادب، احترام، حق‌گرایی و استدلال متین و قاطع به مناظره با مخالفان می‌پرداختند و این همان جدال احسن است که در فرهنگ قرآنی بدان توصیه شده است. «و جادلهم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/ ۱۲۵)

اولین مناظره‌ای که در قرآن آمده است، گفتگوی خداوند متعال با فرشتگان است و این مناظره قبل از خلقت حضرت آدم بوده است.^۱ (حسینی زفره‌ای، ۱۳۷۵: ۸)

۲- هدف از مناظره و فوائد آن

هدف اصلی مناظره‌های رسمی، رسیدن به حقیقت یک امر است؛ بر خلاف مجادله‌ها که هدف از آنها، اسکات خصم و غلبه بر او است. اما این هدف همیشه در مناظره‌ها لحاظ نمی‌شود. یکی از اهداف مناظره آموزش است؛ آموزشی غیر مستقیم که به دلیل شیوه خاص مناظره در اذهان ماندگار است. (حجتی، ۱۳۷۴: ۵۵۱) مهم‌ترین فایده مناظره، فایده آموزشی آن است. آموزش علوم مختلف، دین، عقاید، اخلاق و... اهمیت این آموزش‌ها نیز در آن است که اولاً، چون نتیجه بحث و استدلال است، در اذهان ماندنی است و ثانیاً به دلیل غیر مستقیم بودن، پذیرفتنی‌تر و جذاب‌تر است. یکی دیگر از فایده‌های مناظره این است که محاسن و معایب مسئله یا موضوع مورد بحث آشکار می‌شود و در نتیجه امکان توسعه و تکامل آن فراهم می‌آید. همچنین مناظره به منظور باز یافتن دقیق مآخذ و اسناد علم و آگاهی صورت می‌گیرد. (همان: ۵۵۲)

یکی از برترین وسائل تبلیغی هر گروهی در زمان امام رضا (ع)، تشکیل محافل علمی و مناظره میان جمعی از هواداران یک فکر خاص و دانشمندان یک مکتب بود تا سرانجام فردی که از پاسخ دادن به سؤال طرف مقابل عاجز می‌شود، در برابر گروهی از مردم به عجز استدلال خود اعتراف نموده و تسلیم طرف مقابل شود. این مناظرات ترکیبی از بحث‌های تفسیری، روایی، کلامی، و فلسفی بود که به شیوه برهان و جدل منطقی برگزار می‌شد. امام ضمن انجام

۱. ر.ک: سوره بقره آیه ۳۰-۳۳

مناظرات فراوان با منحرفان فکری و اعتقادی، اعم از مادیین و زنادقه، خوارج یا علمای معتزله و دیگر علمای اهل سنت، از شرایط زمان و مکان برگزاری این محافل برای تبلیغ رسالت الهی خویش سود می جستند. لازم به ذکر است که اکثر این مناظرات با تحریک افراد توسط مامون صورت گرفت تا از این طریق بتواند شخصیت امام را تضعیف نماید که البته در همه موارد، مناظره به نفع امام خاتمه می یافت.

۳- موضوعات مطرح شده در مناظرات امام رضا و شیوه‌های ورود به بحث

موضوعاتی که برای بحث در هر مناظره ای مطرح می شود، از یک طرف نشان دهنده اهمیت و ارزش آن و از سوی دیگر حاکی از فضا و تفکرات حاکم بر محیط فرهنگی جامعه آن زمان است. این مسئله هنگامی آشکارتر می شود که مناظره بین متفکران و اندیشمندان برجسته و پرچمداران برگزیده یک تفکر صورت پذیرد. این دو مسئله در مناظرات امام رضا (ع) مشهود است. با توجه به بررسی‌های انجام شده در مناظرات امام رضا مسائلی که در بحث‌ها مطرح می شد مشتمل بر دو نوع گفتار می باشد: ۱- مطالبی که حضرت در مقام استدلال و اقناع طرف مقابل خود انتخاب کرده و مطرح می نمودند. به این صورت که حضرت با چند مقدمه مناسب، نتیجه مورد نظر را از بحث می گرفتند.

۲- مطالب و موضوعاتی که در پاسخ به سؤالات فرد یا افراد مقابل بیان می کردند که در این صورت خود حضرت در طرح چنین مباحثی پیشگام نبودند، بلکه صرفاً در مقام پاسخ به سؤالات، مطالبی را بیان می فرمودند. مباحث امام رضا علیه السلام در مناظره های خود معمولاً درباره خداشناسی مبدأ و معاد و برزخ امامت و زمامداری خلق، پس از رسول خدا و مباحث مربوط به علوم از طبیعیات، پزشکی، نجوم و حتی جنبه‌های مربوط به گیاهشناسی و جانورشناسی و ... می باشد (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۲۸)

با بررسی مناظرات و شیوه بحث‌ها و گفتارهای امام رضا، نحوه ورود ایشان به بحث در گفت و گوهایشان استنباط می شود. شیوه بحث‌ها و گفتارهای حضرت با دیگران به روشنی گواه این مطلب است که ایشان پیوسته از ارائه جملات به منظور اسکات فرد مقابل، امتناع می ورزیدند. حضرت در استدلال‌ات از مقدمات یقینی استفاده می کرد. القای روح آزاد اندیشی به منظور سرسپاری به حرف حق و تعمیق هرچه بیشتر مطالب و مباحث در قلب افراد، از روش‌های وی می باشد.

۴- جایگاه مناظرات امام رضا (ع) در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی

یکی از مشخصه‌های بارز دین اسلام، دفاع از علم و تبلیغ و تشویق نسبت به فراگیری آن است که در کتاب و سنت به عنوان یک ضرورت غیر قابل اهمال مورد تأکید قرار گرفته است. در این میان غیر از مؤدیات کتاب و سنت، سیره علمی و عملی اهل بیت - علیهم السلام - نیز بر این مهم، تعلق گرفته است و هر یک از آن بزرگواران در راستای اعتلای کلمه علم و دانش افزونی، اقدامات تابنده‌ای داشته‌اند به گونه‌ای که در طول تاریخ پرافتخار اسلام، انسانیت از زلال

اقدامات علمی آن بزرگواران، سیراب گردیده و خواهد گردید. یکی از ستارگان همیشه فروزان آسمان ولایت و امامت که تأثیر سیره علمی و عملی او در شکوفایی تمدن و بالندگی علم مسلمین، زبانزد عالم است، حضرت امام علی بن موسی الرضا - علیه السلام - است. در عصر امام رضا(ع)، اوج شکوفایی تمدن اسلامی صورت می‌گیرد؛ یعنی دورانی که تمدن اسلامی حرکت خودش را شروع کرده و نزدیک به ۸۰ سال از عمر آن می‌گذرد و به یک دستاوردهایی رسیده است و امام هشتم(ع) در این برهه از زمان به اوج شکوفایی آن کمک می‌کنند. در این دوره، حرکت علمی عمیقی شروع شد، که در آن دانشمندان، مردم و... همه به دنبال تحول علمی بودند.

دوران آن حضرت را نقطه اوج نهضت ترجمه می‌دانند. اما از سویی نیز قهراً وقتی ترجمه کتب بیگانه با دامنه وسیعی در محیط جامعه اسلامی رواج پیدا کند و با توجه به اینکه کتب ترجمه ای وارداتی هم می‌توانست مشتمل بر فواید علمی باشد و هم مشتمل بر مطالب غیر مفید و بلکه انحرافی، به همین علت است که می‌بینیم در لابلای کتب ترجمه‌ای که وارد جامعه اسلامی شد، آثاری از عقاید خرافی و انحرافی و غیر اسلامی وجود داشت و قهراً چنین امری از تأثیرگذاری بر افکار عمومی و انحراف آنها خالی نبود. یک هیئت علمی هم که بتواند آثار علمی بیگانگان را مورد ارزیابی قرار دهد در عباسیان وجود نداشت. وجود فرقه‌های منحرف و زنادقه وضعیت علمی و فرهنگی جامعه را متلاطم کرده بود. عقل‌گرایی محض که از کتب عقلی یونانی و سریانی و غیر آنها به وجود آمده بود خیلی را به مذهب اعتزال سوق داد به گونه‌ای که گمان کردند تنها عقل است که سرچشمه معرفت است و تدریجاً خود را بی‌نیاز از وحی دانستند(مکارم شیرازی؛ ۱۳۸۸: ۴۳۲-۴۳۴).

آشفتگی دوم در جامعه مسلمین پس از شهادت امام کاظم - علیه السلام - بود که پس از زندانی شدن امام که منتهی به شهادت او نیز گردید پیروانش به عقاید مختلفی از جمله واقفیه^۱، بشریه^۲، قطعیه^۳ متغیر شدند. بدیهی بود که با این وضعیت، انحراف فکری به اوج خود برسد. آن وضعیت موجود، طبیعتاً وظیفه ای خطیر را برای امام رقم می‌زد. «بهینه‌ترین اقدام در این وضعیت ترویج فرهنگ دینی و عقاید اصیل اسلامی با ارایه طرق شناخت حق از باطل و در واقع یک کار معرفت‌شناختی در خصوص عقاید رایج در راستای تثبیت عقاید حقه بود که امام رضا - علیه السلام - با انجام مسافرت‌هایی به مراکز پخش این اندیشه‌های انحرافی از قبیل بصره و کوفه و انجام مناظره با آنها، تأثیری مهم در نگرش صحیح مسلمین به مسائل دینی و علمی گذاشت»(مرتضوی، ۱۳۷۵: ۳۰) آن حضرت با تشکیل جلسات

۱. واقفیه، معتقد بودند امام موسی بن جعفر(ع) زنده است و او همان مهدی موعود است - اینها دشمن‌ترین افراد نسبت به امام رضا - علیه السلام - بودند. (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۲۸)

۲. بشریه، معتقد بودند امام موسی بن جعفر(ع) نه مرده است و نه زندانی شده است بلکه غایب شده و او مهدی موعود است، با این تفاوت که می‌گفتند پس از غیبت، محمد بن بشیر را به عنوان جانشینی خود انتخاب کرده و او بعد از موسی بن جعفر، امام است. (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۲۸)

۳. قطعیه: وفاداران به امام رضا - علیه السلام - که معتقد بودند امام کاظم در زندان به شهادت رسیده و فرزندش امام رضا - علیه السلام - پس از او امام است. (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۲۸)

مناظره راه و رسم تحقیق و تحصیل علم را - به مردم و اهل علم معرفی می کند و آنها را از خطر انحراف نجات می دهد.

از دیگر عوامل مؤثر مناظرات امام رضا(ع) در هدایت فکری، ایجاد فضای علمی مناسب جهت طرح نظرات و اندیشه های مخالف بود. از آنجا که محیط جامعه اسلامی مملو از نظرات و اندیشه های صحیح و سقیم بود و اهل اندیشه بلکه جامعه به طور روزمره با این اندیشه ها درگیر بودند، طبیعتاً درصد تأثیرپذیری از اندیشه های انحرافی در صورتی که بطلان آنها ثابت و محرز نشود، بالا می رود. برای رهایی از چنین ورطه ای لازم بود اندیشه های مخالف به خوبی مطرح شود و پس از آن مورد نقد و بررسی قرار بگیرد. بدیهی است رسیدن به چنین هدفی مستلزم ایجاد فضای مناسب علمی جهت طرح اندیشه هاست تا در سایه آزادی بیان مطالب طرح شود و سپس مورد نقد و بررسی منطقی و عقلانی قرار گیرد. دقیقاً چنین رویه ای از سوی امام رضا - علیه السلام - پیگیری می شد و ایشان با ایجاد فضای مناسب، در بیان آزادانه اندیشه های مخالف و سپس نقد عقلانی آنها، در نگرش صحیح و منطقی مسلمین در خصوص تحقیق در گزاره های دینی و علمی و یا فرضیه های ارایه شده قابل بحث و نظر، تأثیر شگرفی ایجاد کردند.

یکی دیگر از موارد تأثیرگذار مناظرات امام رضا - علیه السلام - بر نوع تفکر جامعه متحول آن زمان، القاء این نکته بود که دفاع از هر قضیه ای، باید بر اسلوب منطقی و متد عقلانی منطبق باشد. «دفاع عقلانی از یک اعتقاد، امری بود که امام - علیه السلام - در مواضع متعدد آن را به عنوان روش منطقی و عقلانی مورد توجه قرار می دادند، با این رویکرد، صاحب هر عقیده ای اول کاری که بایستی انجام می داد منطبق کردن مدعای خود با اسلوب منطقی و عقلانی بود و همه طرف های گفت و گو در این امر مشترک بودند - هر کس که مدعایش منطبق با اصول عقلانی بود، به مرحله بعد که اثبات ادعا باشد می رسید والا در همان مرحله ابتدایی قابلیت بحث و بررسی را از دست می داد. با ترویج و تأکید بر این مهم توسط امام - علیه السلام - راه هرگونه مغالطه و سفسطه و مجادله های غیر منطقی بسته شد. نتیجه چنین رویکردی آن شد که جامعه علمی در راستای شناخت و پذیرش انظار و اندیشه های مختلف، به ارزیابی عقلانی و منطقی آنها پردازد و همین مسئله باعث شد که بطلان بسیاری از فرقه ها، مذاهب و اندیشه های رایج، روشن شده از موجودیت ساقط شوند.» (شریعتمداری، ۱۳۶۶: ۱۷۸) و این خود از بزرگترین تأثیرهایی بود که امام - علیه السلام - به نگرش فکری جامعه اسلامی گذاشتند.

از ارکان فرهنگ و تمدن اسلامی مبحث خداشناسی است که نخستین شالوده فرهنگ اسلامی است که فرد و اجتماع را با پروردگار عالم مربوط می سازد. فرهنگ اسلامی براساس ایمان به خدای یگانه استوار است و جهان را با همه خصوصیات و پدیده هایش بنده گوش به فرمان قانون علت و معلول و مشیت پروردگار می داند، مشیتی که همه موجودات را زیر بال رحمت خود گرفته و هیچ گاه مانع از ارتباط و تأثیر علت در معلول نمی باشد. در همین راستا

یکی از مناظرات امام رضا(ع)، درباره امور خداشناسی، با «صبح بن نصر هندی» و «عمران صابی» درباره خدا، پیدایش زمین، تغییر اشیاء است که در احیای تمدن اسلامی نقش به سزایی را داشت.

۵- شیوه‌های مناظرات امام رضا(ع) در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی

مثلاً زندگی بشر را دین، فرهنگ و تمدن می‌سازد، به طوری که هیچ قومی نمی‌توان یافت مگر آن که شکلی از مذهب در آن وجود داشته باشد. (حجازی، ۱۳۶۰: ۵۸) امام رضا (ع) کسی بود که تمدن اسلامی را در میان شیعیان و ایرانیان احیا کرد. نقش حضرت ثامن الحجج (ع)، در شکل‌گیری این نهضت علمی و شکوفایی تمدن اسلامی از چند جهت قابل توجه است، یکی این که ایشان توجه خاص به علم و دانش و تشویق و ترغیب مسلمین به فراگیری علم در عرصه‌های مختلف داشتند. حوزه‌های معلومات امام از چیزهایی است که شخصیت امام را متمایز می‌سازد، معلومات امام در زمینه الهیات، ادیان و کتابهای آسمانی، علوم و معارف قرآنی، پزشکی، طرح اصول فقه و فلسفه احکام، فلسفه غسل و وضو، فلسفه زکات، فلسفه حرمت شراب جز اینها همه گسترش دامنه معلومات امام را می‌رساند که در این میان مناظرات آن حضرت از جایگاه خاصی برخوردار است. هدف اصلی امام رضا علیه السلام از مناظراتشان احیای تمدن اسلامی بود و برای رسیدن به این هدف از شیوه‌های مهم و تأثیر گذاری در مناظراتشان بهره برده‌اند که از آن میان به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

۶-۱ استفاده از مسلمات رقیب

بارها در این مناظره امام ابتدا از فرد مقابل نسبت به موضوعی که قرار است پایه استدلال قرار بگیرد اعتراف می‌گیرند و می‌خواهد اعتقادات خود را با زبان خود بیان کند و به وسیله اعتقادات او سخنان خود را به کرسی بنشانند و پایه‌های تمدن اسلامی را محکم‌تر کند. وی پاسخ خود را بر مبنای اعتقاد شخص مخاطب بیان می‌فرمودند؛ و این مظهر دیگری از توانمندی‌های امام بود. مانند این فراز از مناظره:

«لذا هنگامی که مأمون از بزرگ مسیحیان (جاثلیق) خواست با امام(ع) مناظره کند، او گفت چگونه با کسی بحث کنم که به کتابی استدلال می‌کند که من آن را قبول ندارم و به گفتار پیامبری احتجاج می‌کند که من به او ایمان ندارم؟ و حضرت فرمود: ای مرد مسیحی اگر از انجیل برایت دلیل بیاورم می‌پذیری؟ جاثلیق گفت: آیا می‌توانم گفتار انجیل را انکار کنم به خدا قسم آری قبول می‌کنم.

امام: تو را سوگند می‌دهم آیا در انجیل این هست که یوحنا گفته: مسیح مرا از آیین محمد عربی خبر داد و به من مژده داد که پس از او محمد می‌آید من هم این مژده را به حواریون دادم و آنها به محمد ایمان آوردند؟

جاثلیق: یوحنا به نبوت مردی و نیز به خاندان و وصی او مژده داده ولی روشن ننموده که او چه موقعی ظهور می‌کند و نام آنها را بیان نکرده است.

امام: اگر کسی را بیاوریم که نام محمد و خاندان و پیروانش را از انجیل بخواند به او ایمان می آوری؟
جائلیق: آری ایمان محکم
سپس امام نام محمد و خاندان و پیروانش را از انجیل قرائت کرد.
جائلیق: آنچه را وجودش در انجیل برایم ثابت و روشن شد انکار نمی کنم و به آن اعتراف دارم.» (صدوق، ۱۳۷۸: ۳۲۰/۱؛ حر، ۱۳۸۷: ۱۲۸)

۶-۲ استفاده از استدلال عقلی

یکی از ویژگی‌های جاودانگی و پویایی تمدن اسلامی، برهانی بودن آموزه‌های آن است. به گونه‌ای که جایگاه والای عقل در اسلام به عنوان یکی از ابزارهای مهم شناخت، امری غیرقابل انکار است. چنان که توجه به علم و دانش در اسلام مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. امام رضا(ع) نیز در خلال جلسات علمی فراوان که با صاحبان اندیشه‌های غیرتوحیدی و مخالف داشت، از عنصر عقل و استدلال و برهان، فراوان بهره می برد و طرف‌های مقابل را با این روش استدلالی و عقلی وادار به خضوع و اقتناع و پذیرش عقاید حق می کرد.
آن حضرت در مناظرات خود با سران ادیان به دنبال برتری جویی نبودند و با استفاده از عنصر عقل و منطق به اثبات حقایق اعتقادات اسلامی می‌پردازند:

« امام فرمود: ای جائلیق! من زنده کردن مردگان را به دست حضرت عیسی (ع) را انکار نمی‌کنم، ولی او به اذن خداوند مردگان را زنده می‌کرد. جائلیق گفت: زنده کردن مرده از افعال خداوند است و هر کس چنین کند یا کر و کور را شفا دهد، شایسته عبادت است.

امام فرمود: الیسع (یکی از پیامبران) نیز مانند حضرت عیسی، مردگان را زنده می‌کرد و کورها را شفا می‌داد و روی آب راه می‌رفت، ولی امت او هرگز او را خدای خود ندانستند. آیا هر کس مردگان را زنده کند باید پرستش شود؟ اگر چنین است پس همه این پیامبران باید پرستش شوند. چه می‌گویی؟ جائلیق گفت: حق به جانب تو است و خدایی جز خدای یگانه نیست.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۹)

۶-۳ استفاده از ترفند مناسب برای اثبات حقایق سخنانش

از مطالب جالب در برخی مناظرات امام رضا(ع) استفاده آن حضرت از تکنیک اتهام وارد کردن و دروغ گفتن است. آن حضرت در فرازی از مناظره با عالم مسیحی، با استناد به یکی دیگر از عقاید مسلم مسیحیت، که در انجیل نیز بازتاب یافته است، اعتقاد به الوهیت حضرت عیسی(ع) را از زاویه‌ای دیگر به چالشی بنیادین کشیدند. وی به خاطر این که بفهماند حضرت مسیح نیز بنده خداوند است و اثبات کند که تمدن اسلامی بهتر از هر آیین و مذهب دیگری هست،

جائلیق را با فطرت خداجوی خود به درگیر می کند تا این که او تسلیم امام و فطرت خود می شود. توضیح اینکه آن حضرت خطاب به عالم مسیحی گفتند:

« تنها عیبی که عیسای شما داشت این بود که او مردی ضعیف و ناتوان بود و روزه کم می گرفت و نماز کم می خواند.

جائلیق: علم خود را تباه کردی و ناتوانی خود را از نظر علمی آشکار نمودی. من پیش از این سخن فکر می کردم که شما داناترین مسلمانان هستی؟ ... او هیچ روزی را افطار نکرد و هیچ شبی را نخوابید. او همه روزها روزه و همه شبها را مشغول عبادت بود.

امام: بنابراین، او که به عقیده شما خداست برای چه کسی آن همه روزه می گرفت و نماز می خواند؟
جائلیق از پاسخ امام فرو ماند.» (صدوق، ۱۳۷۸: ۳۲۲/۱)

۶-۴ پیدا کردن نکته مشترک

یک اصل در مناظره وجود دارد و آن این که نمی شود با هیچ فردی مناظره کرد مگر این که مشترکاتی بین افراد وجود داشته باشد، به عبارت دیگر هر انسان حتی اگر بخواهد از دیگری سؤالی داشته باشد، باید یک امر مشترک بین آنها وجود داشته باشد و از آن نقاط مشترک برای رفع مجهولات استفاده شود، در واقع باید از مشترکات برای رسیدن به اختلاف ها و رفع آن حرکت کرد. امام می خواست با جائلیق مسیحی از روی اعتقادات او بحث کند. پیدا کردن نکات مشترک نشان از جامعه متمدانه ای است که امام رضا (ع) از آن استفاده می کرد.

«امام (ع) فرمود: آیا یوحنا دیلمی را قبول داری؟ جائلیق گفت: به به! نزدیک ترین دوست مسیح!» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۵)

۶-۵ سخن گفتن با رمز و کنایه

امام گاه سخنان خود را با رمز و کنایه می گفت، تا هم فرد مقابل و هم اطرافیان بیشتر جذب سخنان امام شوند تا بتوانند رمز شکافی کنند. در مناظره زیر امام حقانیت تشیع و تمدن اسلامی را برای همه اثبات می کند.

« امام فرمود: ای یحیی، نظر تو درباره کسی که ادعا می کند راستگوست ولی به راستگویان، نسبت دروغ گویی می دهد، چیست؟ آیا چنین کسی راستگو و پیرو دین حق است یا دروغگو؟

یحیی مدتی به فکر فرو رفت و چیزی نگفت

مأمون گفت: چرا جواب نمی دهی؟

یحیی گفت: سؤالی از من کرد که نمی توانم پاسخ دهم.

مأمون از حضرت رضا علیه السلام پرسید: منظورتان از این سؤال چه بود؟

امام فرمود: من از یحیی با کنایه پرسیدم اگر ابوبکر راستگو بوده، پس راویان صادق و راستگو که گفته اند ابوبکر بر فراز منبر رسول خدا اعلام کرد: شما مرا امیر خود قرار دادید ولی من بهتر از شما نیستم. باید این سخن هم راست باشد و اگر این سخن ابوبکر راست است می‌گوییم امیر باید از رعیت بهتر باشد، پس ابوبکر امام نیست. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۸/۱۰)

۶-۶ مستندسازی به قرآن و آیات

امام رضا(ع) در بسیاری از موارد در ضمن سخنان خود، آیه‌های قرآن را در ضمن سخنان خود مستند می‌کرد و در تأیید سیره خویش از قرآن شاهد می‌آورد، چون قرآن کامل‌ترین تمدن ساز بشریت است. «امام رضا(ع) در پاسخ عمران صابی که از ایشان می‌پرسد که خدا در خلق است و یا خلق در خدا چنین می‌فرماید: خداوند منزله از چنین سخنانی است. اینک به لطف الهی برایت مثلی می‌زنم که مطلب را درک کنی. بگو بدانم وقتی به آینه می‌نگری و خود را در آن می‌بینی تو در آینه ای یا آینه در توست؟ اگر هیچ کدام از شما در هم قرار نداشت پس به چه چیزی خود را در آن می‌بینی؟»

عمران گفت: به وسیله نوری که میان من و آینه قرار دارد.

امام فرمودند: آن نوری که در آینه است بیشتر از نوری است که در چشم خود می‌یابی؟
گفت: آری.

فرمود: به ما نشانش بده.

عمران عاجز ماند.

سپس حضرت فرمود: پس در واقع نور واسطه شده که خود و آینه را ببینی بدون اینکه در یکی جز شما داخل شود. برای این مسأله غیر از این مَثَل امثال بسیاری است و البته در این مثال جایی برای اشکال نادان نیست و (لله المثلُ الاعلی) برای خداوند مثال‌های برتر است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۶۳). این آیه را امام (ع) از سوره نحل آیه ۱۶ قرائت فرمودند.

"برای کسانی است که به آخرت ایمان ندارند و بهترین وصف از آن خداست و اوست ارجمند حکیم."

۶-۷ مناظره به صورت نوبتی و تک به تک

یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که امام رضا (ع) در انجام مناظره در پیش گرفتند، مناظره به صورت تک به تک است. بدین شکل که هر یک از افراد به نوبت، مطالب خود را مطرح می‌کردند و امام به سوالات او پاسخ می‌دادند و بعد از آنکه او قبول شکست می‌کرد به سراغ نفر بعدی می‌رفتند.

امام (ع) بعد از اتمام سؤالات وی بار دیگر به او فرمود: ای جاثلیق، هر چه می خواهی سوال کن، او از هرگونه سوالی خود داری کرد و گفت: اکنون شخص دیگری غیر از من سوال کند، قسم به حق که گمان نمی کردم در میان مسلمانان کسی مثل تو باشد.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به رأس الجالوت عالم بزرگ یهود رو کرد و فرمود: تو از من سؤال می کنی یا من از تو سؤال کنم؟... (همان: ۴۷)

۶-۸ اقرار گرفتن از شاهدان و به نحوی مشارکت دادن دیگران در بحث

امام رضا(ع) با به دو راهی کشاندن مخاطب و قرار دادن مسیر مناظره در حالتی است که شخص مخاطب در یک دوراهی قرار گیرد که هر دوی آنها به شکست منتهی می شود و راه فراری برای مناظره کننده باقی نمی ماند به نحوی هم در پایان از شاهدان اقرار می گیرد.

آن حضرت در مناظره با جاثلیق از او پرسید: «ای نصرانی، در برابر این گفته های انجیل چه می گویی؟! اگر انجیل را قبول نکنی و حضرت عیسی(ع) و حضرت موسی(ع) را تکذیب کنی که قتلت واجب است!

جاثلیق گفت: من به مطالب انجیل ایمان دارم. سپس فرمود همگی شاهد باشید که او اقرار کرد» (حسینی زفره ای، ۱۳۷۵: ۱۴۵)

۲-۹ هدف تعلیم در مناظره

امام رضا (ع) در مناظره های خود هدف تحقیر مخاطب را نداشت بلکه می خواست به او تعلیم و آموزش دهد و به او بفهماند، دین اسلام و تمدن اسلامی حق است و این مورد را می توان از این قسمت مناظرات حضرت کاملاً فهمید. «امام وقتی به قسمتی از سؤالات عمران صابی پاسخ داد به او فرمودند: آیا فهمیدی؟

و عمران عرض کرد: آری.» (محمدزاده، ۱۳۸۸: ۳۸۵)

۲-۱۰ ایجاد حس علاقه به یادگیری

ایجاد فضای مناسب علمی به منظور طرح اندیشه و آرای مختلف و مخالف، یکی از موارد عمده تأثیرگذاری بر نگرش صحیح مسلمین به علم و عقاید دینی است که از سوی امام انجام می گرفت. امام علیه السلام راه را بر طرف مقابلش نمی بست؛ بلکه او را آزاد می گذاشت تا به هر صورتی که می خواهد، همه مسایل خود را بیان کند و چیزی برای او ناگفته نباشد.

«رأس الجالوت: شهادت موسی را از کجا اثبات می کنی؟

امام علیه السلام: آیا می دانی که موسی به بنی اسرائیل گفت: به زودی پیامبری از فرزندان برادران شما می آید؛ سخن او را بشنوید و کلامش را تصدیق کنید. آیا برای بنی اسرائیل برادرانی جز فرزندان اسماعیل وجود دارد؟ لابد می دانی اسرائیل فرزند اسحاق و اسحاق برادر اسماعیل است و هر دو فرزندان ابراهیم اند.
رأس جالوت: درست است. این سخن موسی است.

امام علیه السلام: آیا از برادران بنی اسرائیل (از دودمان اسماعیل) کسی غیر از محمد (ص) ظهور کرده است؟
رأس الجالوت: نه.

امام علیه السلام: آیا همین برای تو کافی نیست؟

رأس الجالوت: خوب است، ولی دوست دارم شاهد دیگری از تورات بیاوری. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۵۳)

سخن آخر جالوت که گفت دوست دارم شاهد دیگری از جالوت بیاوری، به این معناست که من حقانیت دین اسلام را پذیرفتم ولی به دلیل علاقه مندی، دوست دارم باز سخنانت را بشنوم.

هم چنان که گفتیم یکی از ویژگی های حضرت امام رضا (ع) سخنان زیبایش است که باعث حس علاقه به شنیدن سخنانش از طرف فرد مقابل می شود. چنان چه ابونواس در مدح این ویژگی خاص امام چنین می سراید:

قيل لى انت اوحده الناس فى كل كلام من المقال بديه
لك فى جوهر الكلام قنون ينثر الدر فى يدى مجتنيه (قمی، بی تا: ۱/ ۱۶۹)

"به من گفته شد تو بی نظیرترین مرد در فن جملات مشهور هستی، و در نغز گوئی و سخن شناسی، در رشته های گوناگون، کارشناس هستی. سخنان تو، همانند گوهرهایی، معانی را در پیش روی دریافت کننده اش می گستراند. یعنی در سخنان تو نکته های نو و ظریفی است که مانند مروارید به صاحبش سود و فایده می دهد."

۶- نتیجه گیری

با توجه به وضعیت علم و دین در عصر حضرت رضا، علیه السلام، و نیز نقش ایشان در ترویج این دو مهم، به این معنا می رسیم که بین علم و دین در عصر آن حضرت نه تعارض بوده است و نه تمایز بلکه هر کدام از علم و دین در هدایت انسان به سوی حق متعال مکمل یکدیگر بوده و هیچکدام دیگری را نفی نکرده اند. مناظره یکی از شیوه های پذیرفته شده امام رضا(ع) بود که دستیابی به هر دو مقوله (علم و دین) را همزمان دنبال می کرد که در نهایت باعث رواج تعالیم اسلام و پرورش ذهن و پیمودن راه استدلال و برهان و شکوفایی فکری طرف مقابل از سوی امام می شد. امام ضمن انجام مناظرات فراوان با منحرفان فکری و اعتقادی، اعم از مادیین و زنادقه، خوارج یا علمای معتزله و دیگر علمای اهل سنت، از شرایط زمان و مکان برگزاری این محافل برای تبلیغ رسالت الهی خویش سود می جستند. ایشان در راه اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی از هیچ کوششی فرور گذار نکردند. در واقع یکی از مهم ترین تأثیر مناظرات ایشان گسترش تشیع و عقل گرایی دین اسلام است.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



امام رضا(ع) در مناظرات خویش با علمای اهل کتاب، بر اساس منطقی محکم و استوار و با استناد به کتاب مقدس آنان، نادرستی شماری از عقاید و باورهای بنیادین دینی آنان را به اثبات رساند و به چالش هایی که از سوی آنان متوجه مبانی فکری و عقیدتی مسلمانان بود، پاسخ داد و موجب شد که یکی از پویاترین کانون های علوم اسلامی به ویژه شیعی در خراسان پا گرفته و در دوره های بعد به ایفای نقش حیاتی در پاسداری از اسلام و تشیع و ترویج آن پرداخت.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دار الجبل، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ط ۳، ۱۴۱۴.
- حجازی، فخرالدین، نقش پیامبران در تمدن اسلامی، تهران، انتشارات پیک، ۱۳۶۰.
- حجتی، محمد باقر، ترجمه منیه المرید، قم، موسسه دارالکتاب، ۱۳۷۴.
- حرّ، حسن، امام رضا(ع) و ایران، خراسان، دفتر نشر معارف، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
- حسینی زفره ای، محمد باقر، مناظرات در قرآن و عترت، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، موسسه چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- راغب اصفهانی، حسین، المفردات، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۶۲.
- رمزجو، حسین، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- شریعتمداری، علی، روح علمی و سعه صدر در شخصیت حضرت رضا - علیه السلام -، مجموعه آثار دومین کنگره حضرت رضا - علیه السلام -، ۱۳۶۶.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، عیون اخبار الرضا(ع)، ترجمه محمد تقی اصفهانی، تهران، انتشارات جهان، ۱۳۷۸.
- قمی، عباس، الکنی و الالقاب، قم، انتشارات بیدار، بی تا.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳.
- محمدزاده، مرضیه، علی بن موسی الرضا(ع)، قم، دلیل ما، چاپ پنجم، ۱۳۸۸.
- مکارم شیرازی، ناصر، مناظرات تاریخی امام رضا(ع) با پیروان مکاتب و مذاهب دیگر، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- مرتضوی، سید محمد، نهضت کلامی در عصر امام رضا - علیه السلام -، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۵.



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



درآمدی بر ادغام رویکردی اسلامی به روانشناسی در نظام آموزش عالی

لیلا خدایار^۱، مهدیه خلیلی خضرآبادی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی، آموزش راهنمایی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان - پردیس علامه طباطبایی ارومیه، ارومیه،

ایران، (leylakhodayar687@gmail.com)

۲- دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران،

(khalili.mahdieh@yahoo.com)

چکیده

روانشناسی اسلامی با موردتوجه قرار دادن هردو بعد مادی و غیرمادی انسان، سازگاری بافرهنگ جوامع اسلامی و ایجاد فرصت‌ها و افق‌های جدید برای پژوهش در زمینه روانشناسی، موردتوجه پژوهشگران جهان و ایران قرار گرفته است. هدف این پژوهش بررسی رویکرد اسلامی سازی روانشناسی در آموزش عالی است. روش تحقیق حاضر به صورت توصیفی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای است. یافته‌ها بیان‌گر این موضوع هستند که امروزه در راستای ترویج و مطالعه روانشناسی اسلامی، مطالعاتی در قالب کتاب و مقاله و پایان‌نامه انجام شده است، همایش‌ها و نشست‌های بسیاری در مراکز آموزشی برگزار و نیز رشته‌ای تحت عنوان روانشناسی اسلامی در دانشگاه تدوین شده است که همچنان نیاز به شناخت، توسعه و گسترش در سیستم آموزش عالی کشور را دارد. با در نظر گرفتن توسعه دانش نظری و برون‌دادهای مثبت در این رشته به‌ویژه در جوامع اسلامی به پژوهشگران توصیه می‌شود مطالعه ابعاد روانشناسی اسلامی و نقش آن در پرورش روانشناسان آتی را موردتوجه قرار دهند. به سیاست‌گذاران آموزشی عالی پیشنهاد می‌شود با اقداماتی از قبیل ادغام و ایجاد برنامه درسی هم‌راستا با روانشناسی اسلامی در برنامه‌ریزی آموزش عالی و ایجاد بستری برای شناساندن جنبه اسلامی روان انسان برای مقابله با بحران‌های روحی نسل جوان و دانشجویان، توسعه رویکرد اسلامی در روانشناسی را در آموزش عالی محقق سازند.

واژگان کلیدی: روانشناسی، روانشناسی اسلامی، آموزش عالی

مقدمه

انسان مورد نظر اسلام و اندیشمندان اسلامی از دو جنبه مادی و غیرمادی تشکیل شده است و نسبت به مخلوقات دیگر از برتری بیشتری برخوردار است. انسان می‌تواند با استفاده از استعدادها و نهفته در وجود خود و با معرفتی که خدا در اختیار او قرار داده است به حقایق و علوم عالم هستی دست یابد (احسان دوست و حکمت، ۲۰۲۳). از این رو خداوند در قرآن و پیامبران و اهل بیت در احادیث انسان را در دستیابی به علم و حقایق تشویق کرده‌اند. آیه‌هایی مثل

آیه ۹ سوره‌ی زمر «آیا کسانی که نمی‌دانند با کسانی که می‌دانند با هم یکسان هستند؟» بر این موضوع دلالت دارند. از سویی دیگر خودشناسی (معرفت نفس) را مقدم بر علوم دیگر می‌دانند که امام علی (ع) در این باره می‌فرماید «کسی که به خویشتن جاهل است چگونه غیر خود را می‌شناسد؟» (مشایخی‌پور و همکاران، ۲۰۱۸).

خودشناسی (معرفت نفس) در طول زمان به شکل‌ها و شیوه‌های مختلف و زیرنظر علوم مختلف مورد بحث قرار گرفته‌است (تمیمی و فرامرز قراملکی، ۲۰۲۱). روانشناسی^۱ نیز یکی از این علوم است که نفس در آن مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه‌های مختلفی در مورد آن مطرح شده‌است (جهانگیر، ۲۰۱۱). علم روانشناسی در دوره توسعه فلسفی خود بیشتر به نفس پرداخته‌است. روانشناسی با ورود به عرصه علمی خود، به انسان همانند ماشینی پیچیده نظر داشته‌است و انسان را به صورت تک‌بعدی مورد مطالعه قرار داده‌است (روحانی و بهرامی احسان، ۲۰۲۲) و با دور شدن از رویکرد مورد قبول اسلام نیازهای بعد غیرمادی انسان به فراموشی سپرده شده‌است. در پس سیر تکاملی مکاتب گوناگون، نهایتاً در قرن بیست و یکم با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در علم و صنعت، روانشناسی مورد قبول غرب به طور کامل پاسخگوی بحران‌های روانی ایجاد شده نبود؛ روانشناسان برای حل این بحران‌ها به تدوین گرایش‌های جدیدی همچون روانشناسی مثبت^۲ روی آوردند که در مبانی این گرایش‌های نو ظهور، می‌توان رگه‌هایی از ارزش‌های اخلاقی مورد قبول اسلام را مشاهده کرد (خوشحال و عباسی، ۱۳۹۶).

حال با توجه به این شرایط این مسئله مطرح می‌شود که آیا با مطالعه روانشناسی به صورت اسلامی می‌توان پاسخگوی نیازهای هر دو بعد انسان بود؟ یا به صورت دقیق‌تر می‌توان روانشناسی اسلامی را ترویج داد و در سطح آموزش عالی پیاده کرد؟ آیا اقداماتی در راستای ترویج این علم در دانشگاه‌ها صورت گرفته است؟

۱.۴. تاریخچه پیوند اسلام و روانشناسی

روانشناسی از نظر تاریخی دارای دو دوره اصلی است. به دوره اول آن دوره فلسفی روانشناسی گفته می‌شود. این دوره مدت زمان زیادی بالغ بر دو هزارسال بر روانشناسی غالب بوده‌است و مباحثی که فلاسفه طرح می‌کردند در روند کار روانشناسی تأثیر داشته‌است؛ به همین خاطر در آن زمان روح و چیستی روح و رابطه‌ی آن با بدن، موضوع اساسی روانشناسی بوده‌است (روحانی و بهرامی احسان، ۲۰۲۲).

دوره دوم روانشناسی که به دوره علمی روانشناسی شهرت دارد. بیشتر تحت تأثیر علوم طبیعی، علم فیزیک، زیست‌شناسی و فیزیولوژی بوده‌است؛ به دلیل استفاده این علوم از روش تجربی روانشناسی نیز در این دوره جنبه تجربی به خود گرفته‌است. روح و نفس و بعد غیرمادی انسان از مبانی این دوره حذف شده‌اند و انسان به صورت تک‌ساحتی

1. Psychology
2. Positive Psychology

مورد مطالعه قرار گرفته است. این دوره شامل رویکردهایی مثل اثبات‌گرایی^۱، ماده‌گرایی^۲، تجربه‌گرایی^۳ می‌شود که نقش زیادی در ساخت بنیادهای فلسفی روانشناسی داشتند. بعد از این رویکردها روانشناسی درگیر مکاتب و رویکردهای گوناگونی مثل ساخت‌گرایی^۴، کارکردگرایی (کنش‌گرایی)^۵، رفتارگرایی^۶، گشتالت^۷، روانکاوی^۸، انسان‌گرایی^۹ و روانشناسی شناختی^{۱۰} شد (روحانی و بهرامی احسان، ۲۰۲۲).

نکته حائز اهمیت این است که تعریف معین و مورد توافقی از روانشناسی در این مکاتب و رویکردها وجود ندارد (روحانی و بهرامی احسان، ۲۰۲۲). اما تعریفی از روانشناسی که بیش‌تر مورد قبول عام است تعریف اتکینسون^{۱۱} در کتاب زمینه روانشناسی است «بررسی علمی رفتارها و فرایندهای ذهنی» جنبه‌های آشکار کنش‌های ما مثل اعمال ظاهری و واکنش‌های ماهیچه‌ای و گفتار، رفتار محسوب می‌شوند و جنبه‌های نهان آن مانند عواطف، هیجان، تفکر و تصمیم‌گیری فرایند ذهنی به حساب می‌آیند (آذربایجانی، ۲۰۱۷). برخی صاحب‌نظران در این رشته نیز روانشناسی را این‌گونه تعریف کرده‌اند «روانشناسی، دانشی است که به صورت علمی و روشمند، فرایندهای روانی و رفتارهای انسان را مطالعه می‌کند تا قانون‌های حاکم بر رفتار را کشف کند و از طریق رفتارها و فرایندهای روانی به توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل آن‌ها اقدام کند» (پسندیده، ۲۰۱۶).

روانشناسی از ابتدای تاسیس نیز اهدافی مانند کاستن از بیماری‌های روانی، افزایش رضایت و شادمانی و پرورش انسان برجسته و فرهیخته را مدنظر داشته است (پسندیده، ۲۰۱۶). در راستای تحقق این‌اهداف گرایش‌های بسیاری در روانشناسی شکل گرفته‌اند. یکی از گرایش‌های نوظهور روانشناسی مثبت است که سعی دارد با ایجاد فکری مثبت و توجه به زیبایی‌ها و ویژگی‌های برتر انسانی، انسان را از ورطه خستگی و افسردگی برهاند. در مبانی روانشناسی مثبت برخی فضایل مورد قبول اسلام قابل رویت است که می‌تواند نقطه مشترکی بین روانشناسی و اسلام محسوب شود (خوشحال و عباسی، ۱۳۹۶).

با توجه به پژوهش‌های انجام شده پیوند اسلام و روانشناسی تاریخچه بلند بالایی دارد (روحانی و بهرامی احسان، ۲۰۲۲) اما آنچه در این پژوهش حائز اهمیت است سیر تاریخی روانشناسی اسلامی در جهان و ایران است؛ البته بررسی این روند نیز حداقل به دو دلیل دشوار است. اول به خاطر منسجم نبودن این علم و دوم پراکندگی نوشته‌ها و پژوهش‌های صورت گرفته در دهه‌های مختلف قرن بیستم (رفیعی و آذربایجانی، ۲۰۲۳). یافته‌های موجود در این زمینه نشان می‌دهند

3. Positivism
4. Materialism
5. Empiricism
6. Structuralism
7. Functionalism
8. Behaviorism
9. Gestalt
10. Psychoanalysis
11. Humanistic Psychology
12. Cognitive Psychology
1. Atkinson

که اصطلاح «روانشناسی دینی»^۱ برای اولین بار در قرن ۲۰ به کار رفته است و طرح «روانشناسی اسلامی»^۲ از دهه ۱۹۴۰م (دهه ۱۳۲۰ شمسی) مورد بحث واقع شده است، اما ریشه های فکری و بحث های شاخه ای این علم از یک سو در نوشته های حدیثی دانشمندان اسلامی و از سوی دیگر در نوشته های علمی اندیشمندان اسلامی قابل رویت است (رفیعی و آذربایجانی، ۲۰۲۳).

بعد از مطرح شدن روانشناسی اسلامی برداشت های مختلفی از آن صورت گرفت که هیچ کدام آن ها، عاری از ایراد نبودند و منتقدانی داشتند. عمده ترین آن ها عبارتند از: ۱. «مجموعه آموزه های قرآن و سنت در خصوص ماهیت انسان و مفاهیم روان شناختی است» که رایج ترین برداشت موجود بود. البته برخی پژوهشگران به محدودیت و کافی نبودن این تعریف و وابستگی بیشتر آن به علم روانشناسی نوین اشاره کرده اند. ۲. «مجموعه آراء و دیدگاه های اندیشمندان و دانشمندان مسلمان در خصوص ماهیت انسان و مفاهیم روانشناسی» از نظر بعضی پژوهشگران این روش نیز به دلیل متکی بودن به اندیشه های گذشته از قدرت کافی برای رقابت با پژوهش های علم روانشناسی نوین برخوردار نیست. ۳. «استنتاج دلالت های روانشناسی از مفاهیم و آموزه های قرآن و سنت» این تعریف به دلیل استنتاجی بودن حالت ابداعی و نوآورانه دارد و در مقایسه با دومعنی قبلی از پویایی بیشتری برخوردار است اما به دلیل کم برخوردار بودن از فرضیه های قابل آزمایش از رقابت با نظریه های روانشناسی نوین جامی ماند. ۴. «استنتاج دلالت های روانشناسی از آراء فلسفی اندیشمندان مسلمان» این برداشت به دلیل وابستگی به گذشته باعث کاهش پویایی و به روز بودن روانشناسی اسلامی می شود. ۵. «روانشناسی اسلامی به عنوان شاخه ای از علم دینی» این برداشت نسبت به معانی دیگر از پویایی و رقابت پذیری بیشتری برخوردار است اما با توجه به گفته های پژوهشگران باید از سطح نظر، بالاتر رفته و در عمل تحقق پیدا کند تا بتواند ظرفیت های خود را آشکار کند. هر کدام از این معانی طرفدارانی داشته اند و در شناساندن و پیشرفت روانشناسی اسلامی کمک های بسزایی کرده اند. (شمشیری، ۲۰۱۰).

امروزه نیز برخی صاحب نظران روانشناسی اسلامی را این گونه تعریف کرده اند «روانشناسی اسلامی با مطالعه دقیق و علمی منابع اسلامی ابعاد روانشناسی آن ها را کشف و ایده هایی برای دانش روانشناسی استخراج می کند تا با گذراندن مراحل علمی به نظریه های علمی تبدیل شوند» (پسندیده، ۲۰۱۶).

۲.۴. ضرورت تاسیس و ترویج روانشناسی اسلامی

روانشناسی معاصر و روانشناسی اسلامی در برخی موارد با هم شباهت و در برخی دیگر با هم تفاوت دارند. شباهت های موجود عبارتند از: ۱. از نظر تعریف مطابقت دارند؛ روانشناسی علم مطالعه رفتار و فرایندهای ذهنی و روانی است. ۲. هر دو روش های تجربی و کمی را معتبر می دانند و آن ها را مورد استفاده قرار می دهند. ۳. از نظر اهداف تئوری

2. Religious psychology

3. Islamic psychology

نیز مطابقت دارند؛ هردو به توصیف، تبیین، پیش‌بینی، دگرگونی یا ویرایش رفتار می‌پردازند. ۴. نتایج حاصل از هردو می‌توانند مورد بررسی و نقد صاحب‌نظران قرار بگیرد (کاویانی، ۲۰۱۸). تفاوت‌های موجود عبارتند از: ۱. روانشناسی اسلامی فقط محدود به روش تجربی نیست و علاوه بر رویکرد توصیفی رویکرد تجویزی نیز دارد. ۲. روانشناسی اسلامی از منظر مبانی و اصول انسان‌شناختی و هستی‌شناسی با روانشناسی معاصر تفاوت‌هایی دارد. ۳. روانشناسی اسلامی در حیطه احساس و ادراک به ادراک فراحسی نیز اهمیت می‌دهد. ۴. مسئله‌های روانشناسی اسلامی برخلاف روانشناسی معاصر فقط مختص به امور دنیایی نیستند. (کاویانی، ۲۰۱۸).

علی‌رغم وجود شباهت‌هایی میان این دو علم، وجود کاستی‌هایی چون سوگیری، خطای مبانی، ناسازگاری فرهنگی، روش تجربی صرف، ناکارآمدی در توصیف و تبیین برخی جنبه‌های وجودی انسان، فقدان ارزش‌مداری حقیقی در روانشناسی معاصر و وجود ظرفیت‌های سازنده‌ای مانند ایجاد فرصت‌ها و افق‌های جدید برای پژوهش‌های پیش‌رو، نگاه به روانشناسی از جوانب مختلف، نگاهی جامع به معارف روانشناختی، کمک به تحقق جامعه اسلامی و توجه به نیازهای جامعه اسلامی، تاسیس و ترویج روانشناسی اسلامی را قوت می‌بخشد (ترحمی اصل و همکاران، ۲۰۲۲).

۳.۴. نقش آموزش عالی در اسلامی سازی روانشناسی

یکی از زیربناهای نظام آموزشی هر کشوری آموزش عالی آن است. می‌توان از وظایف آن به پرورش افراد کاربلد و خبره در زمینه و عرصه‌های مختلف و عرضه‌ی خدمات و آموزش‌های تخصصی در حوزه‌های مختلف علم و فناوری اشاره کرد. به دلیل متفاوت بودن روند کار آموزش عالی در کشورهای مختلف نمی‌توان تعریف یکسانی برای آن در نظر گرفت. اما یکی از تعاریف جامع آموزش عالی عبارت است از: آموزش فراتر از سطح مدرسه که در دانشگاه‌ها، کالج‌ها، سایر موسسه‌های مرتبط ارائه می‌شود» (کیایی جمالی و همکاران، ۲۰۱۸). آموزش عالی خود نیز قلمروها و حوزه‌های مختلفی مانند پژوهش، آموزش، برنامه‌های درسی، بررسی و ارزیابی را در برمی‌گیرد (تیچلر^۱، ۲۰۱۵). برنامه درسی یکی از عناصر مهم آموزش عالی است که در صورت هماهنگی با تحولات موجود و نیازهای بشری و جامعه می‌تواند تاثیر بسزایی در میزان موفقیت نظام آموزش عالی ایفا کند (کیایی جمالی و همکاران، ۲۰۱۸). با توجه به اهمیت برنامه درسی همگام با نیاز جامعه برخی پژوهشگران اسلامی سازی علوم اسلامی به ویژه روانشناسی و ترویج آن را ضروری دانسته‌اند (فداکارداورانی و همکاران، ۲۰۲۰).

با بررسی پژوهش‌های انجام شده در حوزه روانشناسی اسلامی می‌توان نکاتی درمورد روند رشد این حوزه در آموزش عالی استخراج کرد که نویدبخش پیشرفت روانشناسی اسلامی هستند. این نکات عبارتند از: ۱. پژوهش‌ها از حالت فردی به حالت دانشگاهی و آموزشگاهی ارتقا یافته‌اند. ۲. وجود و اهمیت روانشناسی اسلامی تاحدودی مورد قبول عام قرار گرفته‌است. (البته هر رشته‌ای منتقدان خود را نیز دارد). ۳. بحث‌های این حوزه علاوه بر حالت نظری و

1. Teichler, U

دانشگاهی سمت و سوی عملکردی برای توجه به نیازهای روانشناختی جامعه اسلامی نیز پیدا کرده است. ۴. بحث‌ها، مسئله‌ها و چالش‌های مطرح شده در این حوزه از جدیت بیشتری برخوردار شده است که جدال واقعی با حوزه‌های مربوطه را ممکن می‌سازد (کاویانی، ۲۰۱۸).

به تعبیر برخی روانشناسان (پاشازیدی^۱، ۲۰۲۱) روانشناسی اسلامی با این که در حال پیشرفت، تکامل و تاثیرگذاری است اگر در کنار این روند اقداماتی از قبیل: ۱. برقراری روابط پویا میان سازمان‌ها و افراد برجسته علمی با برگزاری همایش‌ها و انجمن‌های مشترک در زمینه روانشناسی اسلامی در سطح کشوری. ۲. افزایش ترجمه نوشته‌ها و کتاب‌های علمی روانشناسی اسلامی به زبان‌های انگلیسی، عربی و سایر زبان‌های مطرح دنیا. ۳. برقراری روابط پویا و سازنده بین ایران و سایر کشورهای اسلامی برای تبادل یافته‌ها و بسط دادن روانشناسی اسلامی به واسطه نشست‌های مشترک و همایش‌های علمی و پژوهشی بین المللی. ۴. برقراری روابط فعال ایران و کشورهای اسلامی با مراکز روانشناسی اروپایی - آمریکایی و تبادل اطلاعات با اجرای نشست‌های مشترک. ۵. ارائه رشته‌ها و گرایش‌های کاربردی در زمینه روانشناسی اسلامی که در ارتباط با مسئله‌های جهانی و نیازهای روزمره و جامعه است، صورت بگیرند می‌توان شاهد پیشرفت‌های روز افزون در این زمینه بود (رفیعی و آذربایجانی، ۲۰۲۳).

در ایران نیز بزرگانی چون آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، آیت الله سید محمد غروری و شاگردان ایشان در گروه‌های روانشناسی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، موسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی (ره)، دانشکده قرآن و حدیث، موسسه امام رضا(ع)، موسسه اخلاق و تربیت، مجتمع آموزش عالی امام خمینی(ره)، موسسه آموزش عالی علوم انسانی و بعضی دانشگاه‌ها و موسسه‌های علمی در قم کارهای ارزنده‌ای در رابطه با روانشناسی اسلامی انجام داده‌اند. مراکز هم‌چون دانشگاه علوم پزشکی ایران و انستیتو روان پزشکی، دانشگاه فردوسی مشهد، آستان قدس رضوی، دانشگاه الزهرا تلاش‌های زیادی در این راستا داشته‌اند و این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند (کاویانی، ۲۰۱۸). به تازگی نیز در کمیسیون روانشناسی شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی با تلاش شماری از روانشناسان اسلامی رشته‌ای تحت عنوان «روانشناسی اسلامی» در دانشگاه تدوین شده است و به تصویب وزارت علوم، تحقیقات، فناوری رسیده است. این رشته اهداف بلند مدتی چون معرفی دیدگاه اسلام در رابطه با موضوعات روانشناختی انسان، زمینه سازی برای تعلیم و تربیت استاد و اندیشمند در حوزه روانشناسی اسلامی، بسط دادن علم روانشناسی با عملکرد اسلامی، کاربردی سازی نتیجه‌های به دست آمده از پژوهش‌های روانشناسی اسلامی متناسب با نیازهای جامعه، تکمیل کردن واحدهای اسلامی کارشناسی، ایجاد زمینه‌ای برای توسعه روش‌شناسی در روانشناسی اسلامی را دنبال می‌کند (رفیعی و آذربایجانی، ۲۰۲۳).

۵. بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی پژوهش‌های موجود مشخص شد که روانشناسی اسلامی با مورد توجه قرار دادن هر دو بعد مادی و غیرمادی انسان، رفع کاستی‌های موجود در روانشناسی معاصر و داشتن ظرفیت‌های سازنده نه تنها پاسخگو نیازهای افراد جامعه است بلکه در تحقق جامعه اسلامی نیز تاثیر قابل توجهی دارد.

با توجه به هدف پژوهش حاضر که بررسی رویکرد اسلامی سازی روانشناسی در آموزش عالی است نتیجه می‌گیریم که در راستای ترویج این علم نوشته‌های بسیاری در قالب کتاب، مقاله، پایان نامه توسط پژوهشگران و بزرگان این عرصه نگاشته شده است. همایش‌ها و نشست‌های بسیاری برگزار شده است که تعدادی از آن‌ها جنبه تئوری و تعدادی دیگر جنبه کاربردی داشته‌اند. دانشگاه‌ها نیز به عنوان یک نهاد علمی و جزئی از آموزش عالی در پیشرفت این علم تاثیر بسیاری داشته‌اند. صاحب‌نظران این حوزه رشته‌ای تحت عنوان روانشناسی اسلامی در دانشگاه تدوین کرده‌اند که برای آشنایی روانشناسان جدید با این حوزه مفید است.

با نظر به توسعه دانش نظری در علم روانشناسی اسلامی و برون‌دادهای مثبت در این زمینه به ویژه در جوامع اسلامی به پژوهشگران توصیه می‌شود به مطالعه ابعاد روانشناسی اسلامی و نقش آن در پرورش روانشناسان آتی بپردازند. روانشناسی اسلامی خواستار توجه بیشتر سیاستگذاران آموزشی عالی است و به سیاستگذاران پیشنهاد می‌شود که با اقداماتی از قبیل ادغام و ایجاد برنامه درسی هم‌راستا با روانشناسی اسلامی در برنامه ریزی درسی آموزش عالی، معرفی این رشته به علاقه‌مندان روانشناسی، استفاده از این رشته برای مورد توجه قرار دادن جنبه اسلامی روان انسان درمقابل به بحران‌های روحی و روانی نسل جوان و دانشجویان و فراهم سازی زمینه‌ای برای معرفی این رشته در سطح جهانی، توسعه رویکرد اسلامی به روانشناسی را در آموزش عالی محقق سازند.

۶. منابع

۱- خوشحال، ط؛ ز، عباسی، (۱۳۹۶)، «مردم‌گرایی و نوع‌دوستی در عرفان اسلامی و مقایسه‌ی آن با روانشناسی مثبت»، نشریه‌ی علمی _ پژوهشی پژوهش‌های ادب عرفانی، ۱۱، ۲ (۵۴-۲۹)

1-Azarbayjani, M, (2017), “Zrfytshnasy psychology for lifestyle”, Research Bulletin for Lifestyle, Vol. 2, No. 2 (pp. 29-44) (In Persian)

2-Ehsandoust, M: N, Hekmat, (2023), “Analysis and investigation of the idea of the permanence of human self-awareness in Allameh Tabatabai's view”, Metaphysics, Vol. 15, No. 36 (pp. 33-50) (In Persian)

3-Fadakar davarani, F: A, Borjali: M, Esmaeily: kh, Bagheri, (2020), “An investigation and analysis of the essence of Islamic psychology in the so called ptudies of Islamic psychology”, Counseling Culture and Psychotherapy, Vol. 11, No. 41 (pp. 1-26) (In Persian)



- 4-Jahangir, A: M, Karbakhsh: B, Mousavi: F, Farzadi: F, Mftoon: J, Seddighi, (2011) "Elm-o-Nafs in the Holy Quran, Islamic Philosophy, Psychology and Neuroscience", Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine, Vol. 2, No. 2 (pp. 147-154) (In Persian)
- 5-kavyani arany, M, (2018), "The Perspective of Islamic Psychology as a School", Journal of Studies in Islam & psychology, Vol. 12, No. 23 (pp. 69-100) (In Persian)
- 6-kiaee jamali, M: K, Fathi vajargah: N, Moosapoor :A, Khorasani, (2018), "The evolution of curriculum in Iran's higher education system", Al-Zahra University, Vol.14, No.2 (pp. 41-76) (In Persian)
- 7-Mashayekhi, M: A, Faraamarz garamaleki: H, Sadeqi, (2018), "Investigating the Concept of "Self-Knowledge" in the View of Imam Ali", Religious Anthropology A Research Biannual, Vol. 16, No. 39 (pp. 25-47) (In Persian)
- 8-Pasandideh, A, (2016), "Islamic psychology: Islamization of psychology, or theorization of psychological teachings of Islam", Journal of Islamic Psychology, Journal of Islamic Psychology, Vol. 1, No. 1 (pp. 3-8) (In Persian)
- 9- Pasha- Zaidi, N, (2021), "Indigenizing an Islamic Psychology", Psychology of Religion and Spirituality, Vol. 13, No. 2 (pp. 194 – 203)
- 10-Rafiei-honar, H: Azarbayjani, M, (2023), "Islamic psychology in Iran: past, present, and future", Journal of Islamic Psychology, Vol.9, No.18 (pp. 47-82) (In Persian)
- 11-Rohani, Z: H, Bahrami Ehsan, (2022), "Comparison of the concept of soul in Quran and psyche in psychology", Journal of Social Theories of Muslim Thinkers, Vol. 11, No. 4 (pp. 33-56) (In Persian)
- 12-Shamshiri, B, (2010), "The role of philosophy constructing and producing of Islamic psychology", Psychological Models and Methods, Vol. 2, No. 5 (pp. 31-44) (In Persian)
- 13-Tamimi, M: Faraamarz garamaleki , A, (2021), "The meaning of self-knowledge in the philosophy of sadr al-mutalehin", Sadra'i Wisdom, Vol.9, No.2 (pp. 53-65) (In Persian)
- 14-Tarahomiasl, A: Ghotb, I: Salarifar, M, (2022), "A systematic research and meta-synthesis of studies on the why of Islamic psychology school", Journal of Studies in Islam & Psychology, Vol. 16, No.30 (pp. 105-124) (In Persian)
- 15-Teichler, U.(2015). Higher education research , International encyclopedia of the social & Behavioral sciences , Vol. 2 , No.10 (pp. 862-869)

موقعیت راهبردی جغرافیایی کشورهای اسلامی در تمدن نوین اسلامی

رقیه علی زاده^۱

۱- استادیار گروه معارف، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

جهان اسلام امروز، میان کشورهای متعددی تقسیم شده است که هرکدام از آن‌ها علاوه بر تعداد متعادلی از مسلمانان، دارای شرایط اقلیمی و جغرافیایی خاصی نیز می‌باشد. وجود عوامل مساعد طبیعی و جغرافیایی به همراه عوامل فکری و فرهنگی بستر تکوین یک تمدن را فراهم می‌آورد. به اعتقاد برخی محققان، عامل جغرافیایی تمدن به‌عنوان شرط لازم وقوع تمدن در نظر گرفته می‌شود. در مقاله حاضر باروش توصیفی تحلیلی در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش که عامل جغرافیایی در شکل‌گیری و تکوین تمدن نوین اسلامی چه تأثیری داشته و چه نقشی ایفا کرده است؟ تلاش شده است موقعیت راهبردی جغرافیای جهان اسلام در یک تحلیل علمی بازنمایی و تأثیرش در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی سنجش شود. به نظر می‌رسد اگرچه عامل جغرافیایی و منطقه‌ای در ایران و جهان اسلام بستر و زمینه لازم را جهت امکان تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم می‌کند، تکیه بر این عامل به‌عنوان شرط لازم و کافی نمی‌تواند کافی باشد؛ چراکه علاوه بر عوامل جغرافیا، جمعیت، ثروت، دانش، فناوری و مسائل معنوی، نوعی انسجام درونی و ایجاد هم‌گرایی در تحقق تمدن اسلامی ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: جهان اسلام، موقعیت راهبردی، تمدن نوین اسلامی، ژئوپولیتیک

۱. مقدمه

تمدن اسلامی، تمدنی است که همه مؤلفه‌های آن مبتنی بر آموزه‌های اسلام ناب است و برخوردار از ویژگی‌هایی است که در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت نبوی و ادامه‌دهندگان راه پیامبر اعظم (ص) است و مؤلفه‌های آن: دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین و مقررات اسلامی و... است و همبستگی ملی، امنیت و آرامش، تحمل و بردباری، حفظ وحدت و یکپارچگی، خردورزی، رعایت حقوق مظلومان و... از عوامل و عناصر تمدن اسلامی است. رسیدن به هویت حقیقی تمدن اسلامی و احیای آن و رسیدن به تمدن نوین اسلامی مستلزم آگاهی از ظرفیت‌های موجود در جهان اسلام است که از مهم‌ترین آنها موقعیت راهبردی جغرافیایی کشورهای اسلامی می‌باشد. وسعت زیادی از کره خاکی را کشورهای اسلامی با پیوستگی جغرافیایی تشکیل داده‌اند. این گستره، دربرگیرنده منطقه اسلام مرکزی و اسلام پیرامونی است که مجموع عظیم مسلمانان جهان را دربرمی‌گیرد. جمعیت جهان اسلام

براساس برآوردهای خوش بینانه، بیش از یک میلیارد و ششصد میلیون نفر است. عمده این جمعیت ها در قالب ملیت های مختلف، پیرو دین اسلام هستند. گستره جهان اسلام حدود یازده هکتار کیلومتر طول جغرافیایی، از غربی ترین نقطه در شمال آفریقا تا جزایر جاوه اندونزی و حدود ۶ هکتار کیلومتر عرض جغرافیایی، از شمال قزاقستان تا جنوب سودان را دربرمی گیرد.

جغرافیای جهان اسلام دارای عوامل و شاخه های گوناگونی می باشد که هر کدام به نوبه خود دارای اهمیت است. این عوامل که در حوزه جغرافیای انسانی و طبیعی قرار دارند عبارت است از جمعیت مسلمانان، پیوستگی جغرافیایی، ذخایر انرژی و معدنی، موقعیت راهبردی، تنگه ها و آبراهه های بین المللی، وسعت، هیدروپلیتیک و رودخانه ها و دریاها. مسأله مورد نظر این تحقیق این است که آیا موقعیت جغرافیایی کشورهای اسلامی می تواند بر ایجاد و تحقق تمدن نوین اسلامی اثرگذار باشد؟

علیرغم اینکه، بخشهای وسیعی از جغرافیایی کره زمین و مواهب آن در اختیار کشورهای اسلامی است، ولیکن در صحنه های بین المللی همچنان دچار وادادگی و حقارت هستند و دلیل آن عدم وحدت و بهره برداری از ظرفیت های موجود آنهاست و این درحالی است که مهم ترین نقاط راهبردی جهان و بیشترین ذخایر انرژی و معدنی در جغرافیایی کشورهای اسلامی قرار دارد. بنابراین عضویت دارد که در جهت ایجاد قدرت برای امت اسلامی به این موضوع مهم پرداخته شود که چه عواملی می توانند در ایجاد وحدت و تحقق تمدن نوین اسلامی، بیشترین اثر خود را داشته باشند.

۲. مفهوم شناسی

راهبرد: راهبرد طرحی است جامع، منسجم و انعطاف پذیر که ما را در رسیدن به اهدافمان یاری می رساند به عبارت دیگر راهبرد راهی است که ما را در رسیدن به هدف راهنمایی می کند بنابراین هر سازمان یا مؤسسه آگاهانه یا ناآگاهانه از یک راهبرد پیروی می کند و هیچ سازمان یا مؤسسه ای وجود ندارد که راهبرد، هر چند متفاوت، نداشته باشد. (حسن بیگی، ۱۳۹۳: ۶۵) واژه « استراتژی» که در فارسی به راهبرد ترجمه شده است؛ در ادبیات نظامی، شامل برنامه ها، طرحها و مدیریت نظامی در سطوح کلان است - از قدمت دیرینه ای برخوردار می باشد. واژه مذکور که در قرن اخیر، دستخوش تحولات عمیقی گشته و از حوزه نظامی صرف، به عرصه های سیاست، اقتصاد، فرهنگ، مدیریت و ... نیز راه یافته است؛ دیگر به صورت یک مفهوم عام مورد استفاده قرار می گیرد راهبرد امری حیاتی، سرنوشت ساز و بلندمدت می باشد که در محیط رقابتی مطرح می شود و معمولاً در برابر تهدید و در یک فضای رقابتی شکل گرفته و معنا و مفهوم پیدا می کند و منحصر به سطحی خاصی از سازمان نیست - در سطوح مختلف می تواند وجود داشته باشد- هر سازمانی راهبرد را برای مقابله و سازگاری با تغییرات محیطی به کار می برد .

جهان اسلام: جهان اسلام از نظر تقسیمات جغرافیایی، منطقه ای مشتمل بر مجموعه فضای پیوسته از کشور مغرب در آفریقای شمالی تا شبه قاره هند و آسیای مرکزی و از قزاقستان تا مشرق آفریقا و چند قسمت ناپیوسته در جنوب و جنوب شرقی آسیا و اروپا و حوزه‌های کوچنک مسلمان نشینی جهان می باشد. (گلی زواره، ۱۳۸۶: ۲) تعری کاربردی تری از جهان اسلام، توسط سازمان همکاری کشورهای اسلامی بیان گردیده که برابر این تعریف، جهان اسالل به سرزمین هایی گفته می شود که بیشتر مردمان آن پیروان دین اسلام باشند، چه این مردمان در کشورهای اسلامی زندگی کنند و چه در کشورهای غیراسلامی و چه در کشورهایی که می توان آنها را اسلامی دانست ولی تاکنون به سازمان کشورهای اسلامی، ملحق نشده اند. (سایت رسمی سازمان کشورهای اسلامی) جهان اسلام یک مفهوم بسیار کاربردی است که یکپارچگی آن را مصلحان مسلمان بسیاری در تاریخ معاصر آرزو داشته اند و هدف اصلی جنبشهای سیاسی اجتماعی بوده که در میان مسلمانان به وقوع پیوسته است کشورهای اسلامی که در مجموع یک پنجم وسعت جهان مسکون را تشکیل می دهند نزدیک به چهار برابر وسعت قاره اقیانوسیه و در حدود ۳ برابر قاره اروپا و مقداری کمتر از کل وسعت قاره آفریقا می باشد. البته اگر نواحی مسلمان نشین آسیای مرکزی، آسیای جنوبی، چین، اروپای شرقی و سایر نقاطی را که محل سکونت اقلیت های مسلمانان است به وسعت مزبور بیفزاییم، قلمرو جهان اسلامی مساحتی برابر کل وسعت قاره آفریقا خواهد داشت که خود به لحاظ سیاسی و استراتژیکی و از نقطه نظر ژئوپلیتیکی می تواند در حد بالایی حایز اهمیت باشد.

تمدن نوین اسلامی: تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می دهد (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳: ۱۱۳). تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می گردد... بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۱). به اعتقاد ابن نبی برای حصول تمدن اسلامی، باید مجموعه‌ای از شروط اخلاقی و مادی حاصل گردد. عناصر تمدنی در نگاه وی «انسان، خاک و زمان» است (بابایی، ۱۳۹۰: ۴۹-۴۶). به اعتقاد زرین کوب «... جامعه اسلامی جامعه‌ای بود متجانس که مرکز آن قرآن بود...» (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۲۹).

«تمدن نوین اسلامی» تعبیری است که بسیار در سخنان آیت الله خامنه‌ای به کار رفته است و عبارت است از: ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت های هدفمند، نظام مند و نوظهور امت اسلامی، با محوریت ایران، بر اساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه های اجتماعی، که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک می کند.

در این تعریف، روی چند عنصر تاکید شده است.

یکم. بر روی دو جنبه مادی و معنوی تمدن نوین اسلامی به مثابه دو روی یک سکه.
دوم. بر روی پیشرفت‌های نوظهور که تا حدی مرز ما با تمدن تاریخی را مشخص می‌کند.
سوم. بر روی محوریت ایران که محور و کانون تمدن نوین اسلامی تلقی می‌شود.
چهارم. بر روی تعالیم اسلامی که درون مایه و جهت تمدن نوین اسلامی را معین می‌کند.
پنجم. بر روی تمامی عرصه‌های اجتماعی که از طریق آن، سوق یافتن تمدن نوین اسلامی به سمت تمدن‌های تک‌ساخته یا مادی‌گرا نفی می‌شود.

در تحقیق حاضر از تعریف امام خامنه‌ای یعنی ارائه سبک زندگی و مدنیت جدید بر پایه احکام و قوانین مترقی اسلامی در گستره جهان به عنوان مدل اصلی برای تحقیق استفاده کرده است. (آیت الله خامنه‌ای، ۲/۹/۱۳۹۲)

۳. مناطق جغرافیایی کشورهای اسلامی

برای آشنایی کلی با جغرافیای کشورهای اسلامی، می‌توان آنها را به چند گروه دسته‌بندی و مورد مطالعه قرار داد که به آنها به شرح‌یل اشاره می‌شود:

الف) آسیای جنوب غربی: منطقه‌ای است که بیشتری تعداد کشورهای اسلامی را در خود جای داده است هرچند بر سر محدوده اصلی آن توافقی صورت نگرفته است ولی هنوز اکثر جغرافی دانان برای نکته اتفاق نظر دارند که آسیای جنوب غربی از مغرب به دریای مدیترانه و دریای احمر و از مشرق به حدود غربی شبه قاره هند یعنی مغرب پاکستان و شمال آن از سواحل دریای سیاه تا منتهی الیه انشعابات شرقی البرز و جنوب آن به دریای عرب و اقیانوس هند محدود است.

ب) آسیای میانه: آن دسته از کشورهای اسلامی که اخیراً استقلال یافته‌اند در منطقه آسیای میانه قرار دارند. (نبوی، ۱۳۹۳: ۲)

ج) آسیای جنوبی: سومین منطقه‌ای که پیروان مذهب اسلام در آن استقرار دارند، منطقه جنوب آسیا می‌باشد. با اینکه کشورهای اسلامی‌ای منطقه در ظاهر از کشورهای پاکستان و بنگلادش بیشتر نمی‌باشند. اما تعداد زیادی مسلمانان در کشورهای جزیره‌ای سیلان و مالدیو و کشورهای هندوستان و برمه بسیار چشمگیر است و حداقل یکدهم جمعیت دنیای اسلامی را تشکیل می‌دهند.

د) آسیای جنوب شرقی: منطقه‌ی آسیای جنوب شرقی از شبه جزایر و مجمع‌الجزایر گسترده‌ای تشکیل یافته که در بیش از ۴۳ درجه طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ پراکنده گردیده‌اند. خط استوا از مرکز این منطقه می‌گذرد.

ه) آفریقا شمالی: منطقه مسلمان نشین آفریقا شمالی تمامی سواحل جنوبی دریای مدیترانه تا شمال منطقه ساوان و از سواحل غربی دریای احمر تا سواحل شرقی اقیانوس اطلس را دربر می گیرد. این منطقه نیز مانند آسیای جنوب غربی از تعداد زیادی از کشورهای اسلامی پرجمعیت و کم جمعیت تشکیل یافته است.

۴. موقعیت راهبردی جغرافیایی کشورهای اسلامی

الف) جغرافیای طبیعی کشورهای اسلامی

قلمرو جغرافیایی جهان اسلام را که از اکثریت جمعیت بیش از ۵۰ درصد مسلمان، برخوردار است می توان به یازده منطقه جغرافیایی محدودتر شامل جنوب شرق آسیا، جنوب آسیا، فلات ایران، آسیای مرکزی، قفقاز و ترکیه، اروپای جنوب شرقی، شمال آفریقا، شرق آفریقا، غرب آفریقا، آفریقای مرکز و شبه جزیره عربستان ترسیم کرد (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۱)

جهان اسلام، دربرگیرنده محدود وسیعی است که از ساحل غربی اقیانوس اطلس در امریکای جنوبی تا حد سواحل غربی اقیانوس آرام در قاره آسیا را دربر گرفته است. این وسعتی که کشورهای اسلامی را در خود جای داده است، از نظر موقعیت جغرافیایی و گستردگی طولی و عرضی دارای اهمیت فوق العاده ای بوده، حدود ۲۲ درصد از مجموع خشکی های جهان را دربر می گیرد و بخش های وسیعی از دو قاره آسیا و آفریقا و بخش های کوچکی از قاره اروپا و امریکا را شامل می شود (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۲۵ و ۲۴۴). از نظر موقعیت جغرافیایی سرزمین های اسلامی بین ۶۱ درجه طول غربی (از نصف النهار گرینویچ) و ۱۳۰ درجه طول شرقی و نیز بین ۲۵ درجه عرض جنوبی و ۵۵ درجه شمالی از خط استوا قرار گرفته اند. غربی ترین کشور عضو سازمان اجلاس اسلامی کشور گویان در قاره امریکا و شمال امریکای جنوبی و شرقی ترین آن کشور اندونزی واقع در جنوب شرق آسیاست. شمالی ترین کشور قزاقستان واقع در آسیای مرکزی و جنوبی ترین کشور اسلامی موزامبیک در جنوب قاره آفریقا است (گلی زوار، ۱۳۸۵: ۱۶۰)

ب) وسعت سرزمینی جهان اسلام

کل جهان اسلام با وسعتی بیش از ۳۱ میلیون کیلومتر مربع حدود ۲۲ درصد مساحت خشکی های کره زمین را دربر می گیرد که بدنه اصلی آن به شکل مستطیلی از کرانه های اقیانوس اطلس و شمال آفریقا تا غرب آسیای اسلامی، آسیای مرکزی، جنوب غربی آسیا، بخش بزرگی از هند، تمام بنگلادش و کشورهای جنوب شرق آسیا و درحقیقت بخش عمده ای از قاره ی آسیا و آفریقا و بخشی از اروپا را شامل می شود. کل مساحت جهان اسلام حدود سه برابر قاره ی اروپا و نزدیک چهار برابر وسعت قاره اقیانوسیه است که این وسعت و موقعیت نسبی و ریاضی از منظر جغرافیای سیاسی و دیدگاه های ژئوپولیتیکی حائز اهمیت است (صغوی، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۴)

ج) موقعیت ژئوپولیتیکی برتر جهان اسلام

جهان اسلام شامل ۵۷ کشور مسلمان است که به لحاظ راهبردی از سوی غرب با جهان مسیحیت (سکولار و لائیک) مواجه است و از سوی شرق با بودیسم و هندوئیسم روبه روست. این کشورها در سه قاره و پنج منطقه جغرافیایی پرمجمعیت و برخوردار از غنای تاریخی، اقتصادی و تمدنی قرار دارند. (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۰۳)

د) تنگه ها و آبراهه ها

تنگه ها و آبراهه های بزرگ مصنوعی از عوارض درخورذکر در جهان اسلام به شمار می روند. این عوارض به دلیل موقعیت سوق الجیشی در ارتباطات بین الملل، نقش مهم و روزافزونی در جغرافیای سیاسی جهان دارند و تقریباً در سراسر قلمرو اسلامی از مغرب تا مشرق دیده می شوند. اهمیت سوق الجیشی تنگه های جبل طارق در مغرب جهان اسلام، مرمهره و داردانل در ترکیه، سوئز، باب المندب و هرمز در غرب آسیا و مالاکا در آسیای جنوب شرقی بیشتر از بقیه است و نقش تعیین کننده های در سرنوشت مردم جهان دارند (دره، ۱۳۷۳، ج ۱، ۲۰۶)

ه) منابع طبیعی و منابع عظیم انرژی

منابع طبیعی که منشأ آن خاک و لالش و فعالیت انسان در زمین است. اساس این نوم منابع طبیعی، کشاورزی و دامداری است که کشورهای اسلامی عمدتاً از این منابع برخوردارند. از لحاظ منابع آب، جهان اسلام بسیار غنی است. اکثریت کشورهای مسلمان در نقاطی واقعند که به آبهای آزاد جهان دسترسی داشته و حتی برخی در گلوگاه های راهبردی تنگه ها و آبراهه های جهان قرار گرفته اند. خود این کشورها نیز دارای دریاچه ها، رودخانه ها و چشمه های متعددی هستند. دریاچه های کشورهای اسلامی بر سواحل آن واقع شده اند، عبارت است از: دریای مدیترانه واقع بین آفریقای شمالی، اروپایی جنوبی و آسیای غربی. دریای سیاه در شمال ترکیه، دریای مرمهره در شمال غربی این کشور که رابط بین دریای سیاه و دریای مدیترانه است. دریای مرمهره قسمت آسیائی ترکیه را از بخش اروپائی جدا می کند. دریای سرخ که حد فاصل بین شبه جزیره عربستان و آفریقای شرقی است. دریای آدریاتیک در غرب آلبانی و جمهوری بوسنی و هرزگوین - دریای عمان در جنوب جمهوری اسلامی ایران (صفوی، ۱۳۹۲)

نفت و گاز در جهان اسلام؛ چشم انداز عمومی اقتصاد کشورهای اسلامی بیانگر وابستگی عمیق مرکز جغرافیایی جهان اسلام به انرژی نفت و گاز است. بنا بر آمار سال ۱۳۷۳ ش/ ۱۹۹۴م، حدود ۷۳ درصد نفت خام جهان و ۳۹ درصد گاز طبیعی جهان در کشورهای اسلامی است. کانون های اصلی این منابع، به ترتیب، خلیج فارس و حاشیه آن، آفریقای شمالی، شام و آسیای جنوب شرقی (اندونزی و مالزی) است (محمد عبدالمجید عامر، ۱: ۴۰۹)

۵. نتیجه گیری

آنچه موجب موقعیت استراتژیک بسیار مهم کشورهای اسلامی نسبت به کل کره زمین شده، ویژگی‌های آن است که به آنها اشاره می‌شود:

اول: دنیای اسلام مرکز جهان بوده و تمدن کهن که روزگاران زیادی از آن گذشته، بر دریای مدیترانه مشرف و این امر موجب شده که بخش وسیعی از جهان اسلام به نقطه اتصالی تبدیل شود که ساکنان سه قاره کهن را که در حال حاضر بیش از سه چهارم ساکنان کره زمین را تشکیل می‌دهند، به هم ارتباط دهد.

دوم: هم‌جواری با دریاها، مدیترانه، سرخ، سیاه، دریای عرب و ... و مشرف بودن بر اقیانوس‌های بزرگی چون اقیانوس اطلس، هند و آرام. بدین ترتیب حجم زیادی از مبادلات تجاری اکثریت مردمان روی زمین از این طریق انجام می‌شود.

سوم: مشرف بودن بر تنگه‌هایی که ناوبری بین‌المللی در آنها انجام می‌شود، از جمله تنگه جبل الطارق میان اروپا و آفریقا، تنگه داردانل میان اروپا و آسیا، کانال سوئز و باب المندب میان آسیا و آفریقا، تنگه هرمز میان شبه جزیره عرب و آسیای میانه و تنگه مالاکا در مالزی میان دو اقیانوس آرام و هند. این مسئله اقتصاد جهانی را مجبور می‌کند که وضعیت جهان اسلام و تحولات آن را در نظر بگیرد، به ویژه که اهمیت این تنگه‌ها تنها به مبادله کالاهای مصرفی منحصر نمی‌شود بلکه این نکته در آن نهفته است که تنگه‌ها جایی برای عبور ناوهای بزرگ دریایی حامل کالاهای استراتژیک جهانی و کالاهای تولید انرژی است.

۶. منابع

بابایی، حبیب‌اله، (۱۳۹۰)، *تمدن و تجدد*، قم: پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.

جان احمدی، فاطمه، (۱۳۸۸)، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، تهران: انتشارات نشر معارف.

حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۹۳)، *مدیریت راهبردی*، تهران، سمت

حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (دام عزه‌ العالی)، *بیانات*، (بر گرفته از سایت www.khamenei.ir)

زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۴)، *کارنامه اسلام*، چاپ نهم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

گلی زواره، غلامرضا، (۱۳۸۶)، *شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین جهان*، تهران

حافظ نیا، محمدرضا و زرقانی، سیدهادی (۱۳۹۱)، *چالش‌های ژئوپولیتیک همگرایی در جهان اسلام*، پژوهش‌های جغرافیای انسانی.

دره، میرحیدر (۱۳۷۳)، *مبانی جغرافیای سیاسی*، تهران، انتشارات سمت.

صفوی، سیدیحیی (۱۳۸۷)، *وحدت جهان اسلام*، تهران: انتشارات شکیب.

صفوی، سیدیحیی (۱۳۹۲)، *جغرافیای سیاسی جهان اسلام*، ژئوپولیتیک جهان اسلام.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



محمد عبدالمجید عامر، الثروات المعدنیة فی العالم السالمی، ۱: ۴۰۹، در: بحوث المؤتمر الجغرافی الاسلامی الاول.
مدیریت حوزه علمیه قم، (۱۳۸۳)، درآمدی بر آزاد اندیشی و نظریه پرداززی در علوم دینی، قم: انتشارات مرکز
حوزه علمیه قم.

نبوی، رحمت الله (۱۳۹۳)، ژئوپلیتیک جهان اسلام، تهران،

واقع‌گرایی هستی‌شناختی در تمدن اسلامی با توجه به «تمدن نوین اسلامی»

حسن پناهی آزاد^۱

۱-دانشیار گروه مبانی نظری اسلام دانشگاه معارف اسلامی hasan.panahiazad@yahoo.com

چکیده

تمدن اسلامی، مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی است. در این جهان‌بینی، نظام هستی محدود به موجودات مادی و محسوس نیست؛ بلکه در دایره هستی امکانی یعنی مخلوقات خداوند واحد متعالی، مراتب وجودی برتر از ماده و طبیعت، به نام عالم مثال و عالم عقل نیز وجود دارند که از قوت و منزلتی بیشتر و برتر از عالم طبیعت برخوردار بوده و مُشرف بر آن و در حقیقت بطن و ریشه تکوینی عالم طبیعت هستند. همه این مراتب، واقعیت‌هایی هستند که وصول و شناخت حقایق وجودی آن‌ها برای انسان ممکن است. حکمت اسلامی، تبیین و اثبات وجود این مراتب و ویژگی‌های موجودات آن‌ها را بر عهده دارد. این موضع و عملکرد حکمت اسلامی، واقع‌گرایی نام دارد که معطوف به مراتب هستی، واقع‌گرایی هستی‌شناختی خوانده می‌شود. آموزه‌ها و بایستگی‌های تمدن اسلامی، به تبعیت از فرهنگ و حیانی اسلام، بر اساس توجه به مراتب برتر از عالم طبیعت سازمان‌یافته‌اند؛ بنابراین، تمدن اسلامی، در عین دینی بودن، تمدنی واقع‌گرا است. نوشتار حاضر، با تکیه بر منابع حکمت اسلامی، تبیینی از این کارکرد حکمت اسلامی، محدود به مبحث هستی‌شناسی، ارائه می‌کند.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، واقع‌گرایی هستی‌شناختی، عالم مثال، عالم عقل، جهان‌بینی اسلام

۱. بیان مسئله تحقیق

یکی از پرسش‌های ناظر به مفهوم تمدن اسلامی، وجه اسلامی خواندن آن است. حکمت اسلامی، مبانی، دلایل و فرایند این نامگذاری را ارائه می‌کند. این ماموریت در زمینه‌های هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، مبدأشناسی، فرجام‌شناسی و... انجام یافته و در دسترس محققان قرار دارد. تاریخ و جغرافیای اسلام، لبریز از تبلور مظاهر و اصالت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است که ریشه در حقایق متعالی دارند. عقلانیت، ویژگی جهان‌بینی اسلامی است که در همه ساحت‌های یادشده حاضر و تعیین‌کننده بوده و هرکدام در مجموعه‌های دانشی مستقل و مبسوط شرح یافته‌اند. نوشتار حاضر در صدد است، تبیینی از ابتدای تمدن اسلامی بر جهان‌بینی اسلامی، با تمرکز بر معنای فلسفی «واقع‌گرایی» در ساحت هستی‌شناسی، ارائه کند.

مفهوم «هستی» در حکمت اسلامی همه موجودات، از نازل‌ترین موجود تا برترین وجود، یعنی خدای تعالی را در گستره معنایی خود دارد و انسان نیز ارجمندترین عضو مجموعه هستی است که می‌تواند صلاحیت جانشینی خدای تعالی در دایره هستی را به دست آورد. از منظر فرهنگ و حیانی اسلام، تمدنی حقیقی و پذیرفته است که با نگاه

واقع‌گرایانه و شناخت صحیح از هستی و واقعیت‌های آن، ابعاد و مناسبات زندگی دنیوی انسان را در راستای نیل به کمال حقیقی ترسیم و گزاره‌ها، آموزه‌ها و مظاهر خود را براساس واقعیت‌های هستی سازمان داده باشد.

۲. پیشینه تحقیق

قرآن کریم و سنت معصومین (ع)، نخستین منابع بیان‌کننده محتوا و اصول و بایستگی‌های تمدن اسلامی هستند. این معارف والا، در ادوار پس از حیات معصومین (ع) با مراجعه، تحلیل و تبیین‌های اندیشمندان مسلمان توسعه و تعمیق یافته و در دوره‌های متأخر و معاصر، در قالب متون آموزشی و تحقیقی تدوین و ارائه شده است. از میان آثار دربردارنده مطالب یادشده، به شماری اشاره می‌شود. کتاب تمدن اسلام و عرب، اثر گوستاو لوبون، کتاب تاریخ تمدن اسلام، اثر جرجی زیدان، کتاب تاریخ تمدن در اسلام، اثر علی اصغر حلبی، کتاب علم و تمدن در اسلام، اثر سید حسین نصر، کتاب پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، اثر علی‌اکبر ولایتی، کتاب اصول و پایه‌های تمدن اسلامی، اثر سید محمدتقی مدرس، کتاب تمدن اسلامی، اثر ژوزف بورلو، کتاب تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، اثر فاطمه جان‌احمدی، کتاب تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، اثر محمدرضا کاشفی، کتاب تمدن پژوهی، اثر سیدحسین حسینی و... اشاره کرد. همچنین مفهوم و ابعاد تمدن اسلامی در اندیشه امام خمینی «ره»، در کتاب منظومه فکری امام خمینی «ره»، اثر عبدالحسین خسروپناه، فصلی به خود اختصاص داده است. همچنین نقطه نظرات، آراء و تبیین‌های آیت‌الله خامنه‌ای در مقوله تمدن اسلامی همراه با توجه به آسیب‌های تمدن غربی و نیز مولفه‌های تمدن اسلامی با نگاه به ابعاد پیشرفت جوامع اسلامی، در کتاب منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، از همان نویسنده، جمع‌آوری و ارائه شده است. مقاله «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، اثر محمدرضا بهمنی، با استناد به آثار گفتاری و نوشتاری آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۳، هندسه کلان اندیشه تمدنی، را با ارائه سه مبحث امکان تمدن اسلامی، معنای تمدن اسلامی و تکوین و ایجاد تمدن اسلامی ارائه کرده است. مقاله «فلسفه تمدن نوین اسلامی»، اثر علی‌واسعی، در صدد است هدفمندی هستی، عدالت عمومی، تعادل بین دنیا و آخرت، امت اسلامی و جهان‌وطنی را به عنوان اصول تمدن نوین اسلامی معرفی کند. مقاله چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی، اثر آصف کاظمی، این محتوا را پرداخته است که در صورت توجه جهان اسلام به هویت مشترک خود، می‌تواند در قامت تمدنی جهانی ظاهر گشته و شکوه حقیقی گذشته خود را بازیابد. مقاله «مبانی معرفت‌شناختی تمدن نوین اسلامی با تکیه بر اصول کافی»، اثر علی قاسمی و هادی کاظم‌زاده، با الگوی روشی - متنی، به عقل‌گرایی و شمول‌گرایی موجود در تمدن نوین اسلامی بر اساس محتوای روایات کتاب شریف اصول کافی پرداخته است. مقاله «بنیان‌های فکری تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، اثر مصطفی سلطانیان، مهدی فرمانیان و نبی‌الله روحی، به تبیین ابتدای تمدن نوین اسلامی را در اندیشه و آثار آیت‌الله خامنه‌ای، بر توحید، همراهی عقل و نقل، کرامت انسان و سعادت حقیقی در حیات اخروی پرداخته است.

نوشتار حاضر، در صدد است جایگاه واقع‌گرایی به عنوان یکی از مباحث مندرج در حکمت اسلامی را در تمدن نوین اسلامی تبیین کند. واقع‌گرایی، یکی از مبانی و خطوط اصلی حکمت اسلامی است که در ساحت‌های مختلف هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و... حضور تعیین‌کننده داشته و منشأ انتخاب مسیر و دستورالعمل‌های مختلف می‌باشد. این جستار، متمرکز بر معنای فلسفی واقع‌گرایی، در ساحت هستی‌شناسی، به روش تبیینی با استناد به منابع مکتوب فرهنگ و حکمت اسلامی تدوین یافته است.

۳. مفاهیم پژوهش

تمدن اسلامی که با قید «نوین» نیز کاربرد دارد و واقع‌گرایی با قید هستی‌شناختی، دو مفهوم محوری این نوشتار هستند که در ادامه معرفی می‌شوند.

۱-۳. تمدن اسلامی

واژه تمدن که معادل آن در زبان عربی «الحضارة» و زبان انگلیسی «civilization» است، در لغت به معنای «اخلاق و آداب شهرنشینی» است. (دهخدا؛ ۱۳۷۷، ۱۵: ۹۴۲) اما در نگاه اصطلاحی، نمی‌توان این واژه را یک واحد معنایی بسیط دانست. همچنین نمی‌توان آن را در قلمرو یک رشته علمی منفرد گنجانند. امروزه تمدن، چندین ضلع و بخش مختلف یافته و با مفاهیمی عمیق همچون انسان، جامعه، فرهنگ، دین و... تنیده است. (حسینی، ۱۳۹۵: ۱۷) از این رو باید گفت تمدن و البته تمدن اسلامی، کل واحد، نظامی جامع و منسجم و پیکره‌ای متشکل از خرده‌نظام‌ها و اجزاء در دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. این معنا، مشتمل بر مجموعه سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای متشکل از بینش، دانش، اخلاق، رفتار، فن، صنعت و... است که همگی در خدمت ارتباطات صحیح انسانی قرار دارند. (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۶۵۰) ناگفته پیداست که این مجموعه، همیشه با تنش‌ها، چالش‌ها و موانعی برخاسته از ترجیح‌ها و انتخاب‌های افراد و گروه‌های جامعه مواجه بوده است؛ از این رو، رکن مهم هر تمدنی، قانون جاری و حاکم در آن است. قوانین تمدن‌ها نیز چارچوب الزام افراد و گروه‌ها برای تامین اهداف و آرمان‌های هر تمدن است که در منابع و بنیان‌های نظری و بنیادهای عملی آن تمدن تدوین شده است. اکنون می‌توان گفت اگر مبنا و مبدأ تمدنی، ابعاد زیست‌دنیوی و برخوردارهای جسمانی و مادی انسان باشد، اهداف و آرمان‌های آن تمدن محدود به همان قلمرو، یعنی حیات جسمانی و مادی انسان است و اگر تمدنی، انسان را دارای ابعادی فراتر از حیات جسمانی و مادی ترسیم کند، اهداف و آرمان‌های آن تمدن، فرامادی و برتر از حیات جسمانی دنیوی خواهند بود. چنان که در تعریف علامه جعفری از تمدن آمده: «هماهنگی ارتباطات انسانی جامعه برای برطرف کردن نزاحمات مخرب در راستای بروز استعداد‌های سازنده انسانی» می‌داند. (جعفری، ۱۳۶۸، ۱۶: ۲۳۴) می‌توان تمدن اسلامی را به «نظامات منسجم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری حیات اجتماعی انسان در راستای نیل به رشد و کمال حقیقی یعنی همان قرب الهی» معنا کرد. هدف از اصالت داشتن حیات اخروی، در تمام آموزه‌های مبسوط قرآن و سنت پیشوایان معصوم اسلام (ع) تحصیل قرب الهی است. در فرهنگ

اسلامی، هستی، انسان و آگاهی‌های او، همیشه در ارتباط با مبدأ و مقصد حقیقی او، یعنی حق تعالی، به هدف و هویت حقیقی خویش نایل می‌شوند.

۱-۳. جلوه‌های سخت‌افزاری تمدن اسلامی

وسعت قلمرو جغرافیایی تمدن اسلامی، در تاریخ تغییراتی داشته؛ اما در هر مقطع زمانی و موقعیت مکانی از این پیشینه، مصادیقی از تمدن اسلامی به چشم می‌خورد. توسعه علوم طبیعی و تجربی، مانند طب و تاسیس بیمارستان‌ها، کیمیا، نجوم، (حلبی، ۱۳۸۲: ۲۱۲ و ۲۳۲ و ۲۴۲ و ۲۶۵ و...؛ نصر، ۱۳۸۸: ۶۸) فیزیک، مکانیک، جغرافیا، (ولایتی، ۱۳۸۴، ۱: ۱۸۷ و ۲۹۵؛ نصر، ۱۳۸۸: ۱۱۹) هنرهای مانند معماری، خطاطی و...، مسجد، مدرسه، کتابخانه و...، (ولایتی، ۱۳۸۴، ۲: ۱۷۱؛ حلبی، ۱۳۸۲، ۴۰۸ و ۴۱۶؛ نصر، ۱۳۸۸: ۱۷۱ و ۱۹۸) جلوه‌های سخت‌افزاری تمدن اسلامی هستند که پیام‌ها و مؤلفه‌هایی از توجه به توحید و آموزه‌ها و بنیان‌های معرفتی اسلام را در بر دارند. از این‌رو تمدن اسلامی، همانند تمدن روم و...، تمدنی صرفاً هنری، ادبی یا... نیست. (ولایتی، ۱۳۸۴، ۱: ۱۸۴؛ مطهری، ۱۳۷۲، ۱۳: ۸۰۴ و ۱۴: ۵۴)

۲-۳. جلوه‌های نرم‌افزاری تمدن اسلامی

مظاهر سخت‌افزاری تمدن اسلامی، ریشه در بنیان‌های نرم‌افزاری دارند. تبلور این معنا، علوم مختلفی است که در تاریخ اسلام، تبیین حقایق و سازماندهی حیات انسان در راستای کمال حقیقی و توحیدمحوری را بر عهده داشته است. یکی از مصادیق مشهور این جنبه، کتاب «تحقیق ما للهدی» اثر ابوریحان بیرونی است که به جامعه‌شناسی اختصاص یافته است. (نصر، ۱۳۸۸: ۲۵۱-۲۵۶) علوم دیگر، مانند قرائت، تفسیر، حدیث، فقه و اصول، (ولایتی، ۱۳۸۴، ۲: ۲۵، ۳۳، ۵۳ و ۵۹) اخلاق (حلبی، ۱۳۸۲: ۱۸۷) و... نیز در قالب آثاری پرشمار و گسترده تدوین یافته‌اند. در این میان، از علومی که در عین ارتباط با آثار تمدن‌های خارج از جهان اسلام، مانند یونان، رشد و توسعه قابل توجهی یافته، (مطهری: ۱۳۷۲، ۱۴: ۴۵۸) حکمت اسلامی، در شاخه‌های کلام، فلسفه و عرفان است. (حلبی، ۱۳۸۲: ۹۰ و ۹۱) این علوم تبیین و اثبات بنیان‌های معرفتی اسلام را برعهده دارند و ویژگی متمایزشان، همراهی با آموزه‌های وحی و پیام‌های انبیاء الهی است. (ولایتی، ۱۳۸۴، ۱: ۲۵۱؛ نصر، ۱۳۸۸: ۳۱۹) علاوه بر ابعاد یادشده، تأسیس سازمان‌هایی برای اداره جامعه مانند دیوان و انجام اموری مانند خراج و حسبه و... (ولایتی، ۱۳۸۴، ۲: ۱۲۳، ۱۴۷ و ۱۵۷) از دیگر مظاهر تمدن اسلامی است که حد مشترک دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تمدن اسلامی به شمار می‌روند.

۴. تمدن نوین اسلامی

اصطلاح «تمدن نوین اسلامی» در دوره حاضر از سوی آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شد و در مجامع مختلف مورد بررسی قرار گرفته و گاه به عنوان یک مفهوم مرکب و گاه به عنوان یک نظریه شناسایی شده است. (بهمنی، ۱۳۹۳؛ جمالی، ۱۴۰۱) تمدن نوین اسلامی، همانند تمدن اسلامی، دارای دو جنبه است. نخست بخش سخت‌افزاری متشکل از ابزارها و امکاناتی همچون علم، اختراع، فنون، صنعت، سیاست، اقتصاد و... و دوم بخش نرم‌افزاری، متشکل از نوع سازمان

خانواده، نوع مسکن، نوع تولید، نوع مصرف، نوع اعمال قدرت و... که در یک کلمه، سبک زندگی، خواننده می‌شود. (خسروپناه، ۱۳۹۸، ۲: ۶۵۲ و ۶۵۳) به بیان دیگر، حضور فرهنگ و تمدن اسلامی در صحنه‌های نوپدید زندگی اجتماعی بشر، که با پیدایش ابعاد نوینی از علوم، فنون، توانمندی‌ها، امکانات و اجزاء بی‌سابقه، همان تمدن نوین اسلامی نام می‌گیرد. ارکان عمده تمدن نوین اسلامی، که در پیشینه تمدن اسلامی ظهور نمایانی نداشتند، اما امروزه نیاز به آنها هرچه واضح‌تر و جدی‌تر گشته است، عقلانیت، عبودیت، معنویت، علوم و فنون، سیاست، حکومت، امنیت، هنر، رسانه و ارتباطات، سلامت و بهداشت است. (خسروپناه، ۱۴۰۱: ۶۵۵) این مطلب، با مراجعات و مطالعات تاریخ‌پژوهانه صراحت و وضوح می‌یابد. تمدن نوین اسلامی، نظامی است مبتنی بر مبادی و معیارهای تمدن اسلامی که تعالی از دست رفته خود را دیگربار یافته و با توجه به مقتضیات نوین حیات اجتماعی انسان، نخست حیاتی دنیوی مطلوب و توأم با عزت و سعادت را برای انسان تامین می‌کند و سپس، حرکت جامعه بشری به سوی تمدن مطلوب قرآنی را ترسیم می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱) این تمدن، به دو مصداق پیش از خود، یعنی تمدن عصر نبوی (ص) و تمدن غربی، نیز توجه دارد و معیارها و آرمان‌های خود را با عطف توجه به داشته‌ها و یافته‌ها و نقص و ضعف‌های آن دو مصداق تمدن، ترسیم می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۱۸ و ۱۳۸۳/۳/۱۴) یکی از ویژگی‌های مهم تمدن اسلامی، اهتمام به علم و توسعه آن است. فرهنگ اسلام، علاوه بر توجه به ارزش و منزلت علم، تعالی عینی جهان اسلام را در گرو جهش علمی جامعه اسلامی می‌داند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۷/۵) غایت تمدن نوین اسلامی، نیل به آرمان‌نهایی انبیا (س) و ائمه معصومین (ع)، یعنی استقرار تام و جهانشمول اسلام در گیتی است که در فرهنگ شیعی، با آموزه درخشان مهدویت نامبردار است. (رضایی، ۱۴۰۲)

۲-۳. واقع‌گرایی

واقع‌گرایی در لغت، از ماده واقع، («صفت فاعلی از وقوع»، درست، محقق، صحیح، یقینی و... ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۵: ۲۳۰۹۰) به معنای پذیرش امور محقق و صحنه نهادن بر وجود داشتن آنها و معادل آن رئالیسم (Realism) (آریانپور، ۱۳۸۷، ۶: ۴۹۰۴) و در کاربرد فلسفی به معنای پذیرش وجود واقعیت‌ها اعم از انسان و غیر او است. (طباطبایی، ۱۴۱۶: ۹) در مقابل رئالیسم، جریان‌هایی مانند ضدواقع‌گرایی (Donald M. Borchert, 2006, Vol 8: p. 273) (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱: ۳۶۸۵) قرار دارد که طبق گزارش‌های (Edmard Carig, 1998. p.115) و ایده‌آلیسم (Idealism) (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱: ۳۶۸۵) قرار دارد که طبق گزارش‌های آثار فلسفی، در وجود واقعیت‌ها، اعم از هستی انسان و غیر او تردید یا انکار روا می‌دارد. (آیان پور، ۱۳۸۷، ۴: ۲۹۷۸) (Donald M. Borchert, 2006, Vol 4. P. 552) جریان سوفسطائیان و شکاکان و چهره‌هایی مانند پیرهون، هیپاس، پروتاگوراس و... (کاپلستون، ۱۳۷۵، ۱: ۶۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹) دارای این مشرب و گرایش بودند. (Edward Carig, 1998, Vol 4 p. 662)

واقع‌گرایی هستی‌شناختی، به معنای نفی و رد شکاکیت و سفسطه، نسبت به وجود واقعیت‌ها، اعم از انسان و دیگر موجودات، در دایره هستی است. این معنا، مبدأ عزیمت حکمت اسلامی در ترسیم و تبیین جهان‌بینی، نظام معرفتی و ایدئولوژی اسلام (طباطبایی، ۱۴۱۶: ۹) بوده و گام بعدی آن، ترسیم ابعاد حیات اجتماعی انسان در راستای چشم‌انداز و بایستگی‌های تمدن اسلامی است. تمدن اسلامی، بر بنیان پذیرش وجود، خواص، آثار و ارتباط میان واقعیت‌ها تأسیس شده است که بخشی از آن به واسطه قرآن و سنت بیان شده و بخشی نیز از راه کاربست قوای ادراکی انسان، به ویژه عقل‌شناسایی می‌شوند.

واقعیت در حکمت اسلامی، محدود به موجودات مادی و قلمرو حواس ظاهری انسان نیست. بلکه مراتب برتر هستی، در عوالم مثال و عقل و مراتب بالاتر، یعنی عالم اسماء و صفات الهی و برتر از همه عوالم و مراتب، یعنی ذات حق تعالی، همه مشمول معنای واقعیت هستند. این مطلب در آثار مبسوط حکمت اسلامی، با تبیین‌ها و دلایل مختلف شرح و بسط داده شده است. بدین بیان، واقع‌گرایی در حکمت اسلامی، به معنای پذیرش تحقق موجودات مادی و فرامادی و برخوردار بودن هر کدام از آنها از خواص و آثار در مرتبه خویش است.

اکنون با عطف توجه به موضوع پژوهش، می‌توان گفت: یکی از خدماتی که حکمت اسلامی به تمدن اسلامی ارائه می‌کند، تبیین ابتدای ارکان تمدن اسلامی بر حقایق هستی است. به این معنا که آموزه‌ها و دستورالعمل‌های تمدن اسلامی، در نهایت مبتنی بر حقایق تکوینی هستند که تبیین اخباری و انشائی آن حقایق، در لسان قرآن و سنت انجام یافته است. تمدن اسلامی بر اساس شناخت صحیح واقعیت‌های هستی؛ مشتمل بر انسان و غیر انسان، استوار شده و شناسایی واقعیت‌ها و حقایق هستی به شیوه عقلی، بر عهده حکمت اسلامی بوده است. واقع‌گرایی، در کاربرد حکمی، به معنای پذیرش تحقق موجودات مادی و فرامادی و امکان شناخت آنها و تاسیس نظام و ساختار تمدن بر اساس خواص و آثار آن واقعیت‌ها در مراتب مادی و فرامادی است. همه این ابعاد مدنظر فرهنگ و معارف اسلامی قرار داشته و تمدن، به معنای کمال حیات اجتماعی دنیوی انسان، در صورت توجه به همه ابعاد مادی و فرامادی مصادیق «واقعیت» و دخالت آن ابعاد در ارکان و سازمان تمدن، موسوم به «تمدن اسلامی» خواهد بود. بنابراین، تمدن اسلامی، تمدنی واقع‌گرا است. اکنون که معنایی فشرده و اجمالی از واقع‌گرایی به دست آمد، باید گفت: این نوشتار بر آن است که واقع‌گرایی تمدن اسلامی را در جنبه هستی‌شناختی تبیین کند.

۴. واقع‌گرایی هستی‌شناختی در حکمت اسلامی

واقع‌گرایی هستی‌شناختی در حکمت اسلامی، به معنای پذیرش واقعیت‌های مختلف مستقل از انسان است. حکمت اسلامی، بر اساس براهینی همچون «امکان و وجوب» و «حدوث و قدم» و... مبدأ حقیقی هستی را ذات حق تعالی و همه موجودات امکانی را معلول او می‌داند. بر این اساس، همه هستی به دو بخش واجب (خدای تعالی) و ممکن (ماسوی الله = ممکنات) تقسیم می‌شود. مرتبه ممکنات یا همان مخلوقات یا عالم امکان، خود، به سه مرتبه منقسم می‌شود.

نخست، عالم طبیعت، برتر از آن، عالم مثال و برترین مرتبه امکانی، یعنی عالم عقل. مرتبه طبیعت، همان مرتبه ماده و جسم مادی است. اما دو مرتبه برتر، که در حکمت اسلامی به تأسی از قرآن کریم «عالم غیب» (بقره: ۴؛ یس: ۸۲؛ زمر: ۴۶؛ فاطر: ۲۸؛ جن: ۲۶ و...) نام دارد، موطن موجوداتی فرامادی و برتر از زمان و مکان است که بر موجودات عالم طبیعت، که «عالم شهادت» (زمر: ۴۶؛ جن: ۲۶ و...) نیز نام دارد، اشراف و تسلط دارند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱: ۴۵؛ ۲۰۰۶، ۲: ۲۵۰۳)

۱-۴. عالم طبیعت

عالم طبیعت، که عالم شهادت و عالم ناسوت نیز نامیده شده، مرتبه ماده، زمان و حرکت است. عالم مثال، که عالم برزخ و عالم خیال هم نامیده شده، مرتبه موجودات فاغ از زمان و مکان؛ اما دارای صور است که به مجرد مثالی تعبیر می‌شود و عالم عقل، که عالم جبروت یا عالم ملائکه و... نیز نام دارد، مرتبه مجرد تام عقلی و فارغ از هرگونه مختصات جسم و صورت است. انسان، عالم طبیعت را با حواس پنجگانه مشهور، شناسایی می‌کند. (طوسی، ۱۳۶۹، ۲: ۱۹۲؛ شیرازی، ۱۴۱۰، ۲: ۲۴۶ و ۵: ۲۵۹؛ همو، ۱۳۸۲: ۱۹) این عالم، موطن حرکت و تجدد و انقضاء و نیازمند به مبدئی برتر از حرکت و زمان است. این مبدأ در حکمت اسلامی، عالم مثال است. (شیرازی، ۱۴۱۰، ۲: ۲۴۶) یکی از موجوداتی که ذاتا متعلق به این مرتبه است و در عین حال در مرتبه مادون، یعنی ماده، حضور و تصرف دارد، نفس انسان است. ادراک عالم طبیعت نیازی به برهان ندارد و برای هر انسان برخوردار از حواس ظاهری، بدیهی است.

۲-۴. عالم مثال

عالم مثال، مبحثی مهم و امتیاز طلایی در هستی‌شناسی حکمت اسلامی است. عالم مثال موطن موجودات نورانی و عالمی مستقل از ماده است. (فرغانی، ۱۳۷۹: ۴۲۹) موجودات این مرتبه، امتداد فیض وجودی الهی متنزل از عالم ربوبی بر عالم عقل هستند که در تجلی دیگر، از عالم مثال بر عالم طبیعت سریان می‌یابد. عالم مثال، حدفاصل و واسطه بین دو عالم طبیعت و عقل است. (قیصری، ۱۳۷۷: ۹۷) انسان زمانی می‌تواند موجودات و حقایق عالم مثال را دریابد، که از تعلقات مادی و جسمانی إعراض کرده و توجه تام بدان مرتبه داشته باشد. همچنان که اولیاء الهی از این توان برخوردارند. حکمای مسلمان برای اثبات عالم مثال از دو برهان «امکان اشرف» و «امکان اخس» بهره برده‌اند. (ابن عربی، بیتا، ۲: ۳۰۹؛ بهایی لاهیجی، ۱۳۷۲: ۱۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ و ۶۰؛ ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۰، ۱: ۳۳ و ۴۲) مفاد این برهان این است که، به حکم این که موجودات مادی، که در عالم طبیعت مستقرند، در اثر کسب فیض الهی تحقق یافته‌اند، باید مرتبه برتری از وجود نیز باشد که در مرتبه خود، از فیض الهی سهم و مرتبه بیشتری از عالم ماده دریافت کند و در غیر این صورت عالم ماده وجود نمی‌یافت. آن مرتبه برتر، همان عالم مثال است. شیخ الرئیس بوعلی سینا معتقد است فیض الهی در عالم امکان، نخست در مرتبه عقل و سپس عالم مثال یا مرتبه نفس، تجلی کرده است. فیضی که هرگز محدود و وابسته به زمان و مکان نیست. (ابوعلی سینا، ۱۳۸۳: ۱۴ و ۱۵؛ همو، ۱۴۰۴: ۳۵۵ و ۳۷۶؛ بهایی لاهیجی، ۱۳۷۲: ۱۴۰-۱۳۸) به بیان

شیخ اشراق، عالم مثال، مرتبه‌ای از عالم امکانی است که موجودات آن نورانی و مُشرف و مُدبّر عالم طبیعت و برتر از زمان و حرکت هستند؛ از این رو بر حواس ظاهری انسان پوشیده‌اند. (سهروردی، ۱۳۷۳، ۲: ۲۳۲ و ۵۱۱) اما انسان می‌تواند با قوای باطنی، به مشاهده آن موجودات نایل گردد و معانی و مفاهیم یافته از آن مرتبه را در عالم حواس ظاهری با زبان و به صورت علم حصولی، بیان کند. همان‌گونه که مدرکات از باطن انسان به حس مشترک و سپس مرتبه حواس ظاهری و بدن مادی انعکاس می‌یابد. درک معانی و حقایق از عالم مثال، که همواره برای اولیاء الهی عملی است، با دخالت عناصر و الوان طبیعی و صوت مسموع به طریق تموّج هوا و... نیست؛ اما در عین حال، صورت و نغمه‌ای جذاب‌تر از صور و نعمات عالم مثال، وجود ندارد. (قطب‌الدین شیرازی، بیتا: ۴۵۰ و ۵۳۶)

۳-۴. عالم عقل

عالم عقل، برترین مرتبه عوالم امکانی است. عالمی که بیشترین و قوی‌ترین هستی امکانی را دارد. در عرفان اسلامی، از این مرتبه، به تاسی از قرآن کریم «ألا له الخلق والأمر» (اعراف: ۵۳)، با نام «عالم امر» یاد می‌شود. حقایق آن عالم، در نور احدیت مُندک و مُستهلک بوده و هیچ تعین ماهوی یا وجودی از خود ندارند. (سبزواری، ۱۴۲۳، ۳: ۶۹۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۶: ۳۵۵) این عالم، همان منزلتی است که در بیان عرفا، «بِأَسْمِ اللَّهِ» همان منزلگاه انسان کامل و مبدأ ظهور موجودات امکانی و آحاد و افراد و اعداد است. (شیرازی، ۱۳۶۳: ۲۱؛ زنوزی، ۱۳۷۸، ۱: ۴۹۰) حقیقت کلی عقل، شریف‌ترین مخلوق الهی است که حق تعالی خطاب به آن فرمود: «ما خلقت خلقاً أكرمَ علىَّ ولا أَحَبَّ الیَّ منك بک أَخَذُ و بک أُعْطِ و بک أُتِيب و بک أَعاقِب» (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۶۴) نام دیگر عالم عقل، عالم جبروت است؛ زیرا این عالم منبع جبران نواقص موجودات عوالم مادون است. آنچه حقایق و امتیازات وجودی در این عالم مُجمَل و نهان است، در عالم مثال و طبیعت تفصیل و ظهور می‌یابد. عالم عقل، عالم ثبات و قرار است نه عالم تغیر و انقطاع و هر موجودی به سوی این عالم حرکت کند، از کاستی و اضمحلال به سوی کمال و بقا سیر می‌کند. در بیان حکما، عالم عقل، مأوای ارواح است. زیرا در آن مرتبه سکون و اطمینان تام برای موجودات حاصل می‌شود. (شیرازی، ۱۳۶۰: ۵۶) نفوس انسانی، با ارتقاء به این مرتبه، به کسب معرفت نسبت به حقایق تجردی تام که صوری از آنها در عالم مثال و طبیعت متمثل بود، نایل می‌شوند. این مرتبه، همان مرتبه خزائن هستی است که قرآن کریم بدان تصریح دارد: «إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ» (حجر: ۲۱) و «لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ». (منافقون: ۷) نفس انسان در عالم طبیعت و مثال، با قوای متناسب با همان مرتبه به آگاهی و درک حقایق نایل می‌شود و به دلیل استقرار تجدد و غیاب و ظهور و زوال در آن مراتب، نسیان و خطا در نفس صورت می‌گیرد؛ اما عالم عقل، مبراً از نقصان و قوه و تغیر و تبدل است و از این رو نسیان و خطا در نفوس حاضر در آن مرتبه، راه ندارد. البته نیل به تمام و کمال وجودی آن مرتبه، مطلوب ذاتی نفس تعالی خواه و کمال طلب انسان است. (شیرازی، ۱۴۱۰، ۳: ۳۶۸، ۵: ۱۹۷) عالم عقل مستقل از انسان است؛ اما مظهر آن مرتبه، در وجود انسان، عقل انسانی است. (مطهری، ۱۳۷۷: ۳۹ و ۶۴) این مرتبه، همان مرتبه‌ای است که به تصریح قرآن

کریم و بیان حکمت اسلامی، قلب انبیاء الهی به دریافت وحی نایل می شود: «نزل به الروح الامین علی قلبک» (بقره: ۹۷؛ شعرا: ۱۹۴). (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱: ۲۲۹) وحی، پیامی الهی است که از عالمی برتر از عالم عقل، با سرعت و خفا بر عقل و قلب انبیا نازل می شود (نسا: ۱۱۳). (قیصری، ۱۳۷۷: ۳۶؛ آملی، ۱۳۷۱: ۵۹۰؛ خمینی، ۱۳۷۶: ۵۳) برخی حکما، این مرتبه را مرتبه قلم و نفس و قلب انبیا را «لوح» (بروج: ۲۲) و «ام الكتاب» (زخرف: ۴) نیز نامیده اند. (شیرازی، ۱۳۶۶، ۳: ۳۸۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۸: ۱۴)

۴-۴. تمدن اسلامی و نظام هستی

منظومه ای که تنها بخشی از آن ارائه شد، جهان بینی اسلامی است که پشتیبانی از ایدئولوژی اسلامی را بر عهده دارد. همه مراتب و مخلوقات هستی امکانی، معلول ذات الهی بوده و هستی خود را بر اساس اصل جهان شمول علیت، در مرتبه خود از منشأ حقیقی و بالذات هستی، یعنی حق تعالی دارند. در جهان بینی توحیدی همه هستی، سرچشمه گرفته از حق تعالی بوده و مقصد حقیقی هستی نیز همان مبدأ حقیقی است و همه ممکنات به سوی حق تعالی بازخواهند گشت. (مطهری، ۱۳۷۲، ۲: ۸۵ و ۱۲۸) فرهنگ اسلامی، ایدئولوژی و دستورالعمل ها و باید و نبایدهای خود را بر اساس همین معیار و ملاک استوار ساخته و بر همین اساس ایدئولوژی و جهان بینی اسلام، ایدئولوژی و جهان بینی توحیدی نام دارد. (مطهری، ۱۳۷۲، ۲: ۵۸) اکنون اگر تمدن در سازمان و اجزاء و بایستگی های خود، از این اصل جهان شمول پیروی کند، تمدن اسلامی تحقق می یابد و این همان معنای واقع گرایی هستی شناختی تمدن اسلام است. بنابر این تبیین از مراتب هستی، به ویژه عالم عقل و وحی، اگر تمدنی بر اساس آموزه های وحی و معارف و حیانی اسلام بنا گردد، در حقیقت بر اساس حقایق متعالی هستی که در عوالم برتر هستی مستقر و برای انسان قابل درک و شناسایی اند، شکل گرفته است. این ویژگی، یعنی ابتدا بر حقایق ثابت، زوال ناپذیر و برتر از عرف و توافق و قراردادهای بشری، امتیاز حقیقی و بی بدیل تمدن اسلامی بر دیگر تمدن ها است.

ناگفته پیداست که تمدن، بدون حضور انسان، معنایی ندارد. اما مهم این است که کدام تمدن، حقیقت وجودی انسان را به درستی شناخته و مناسبات حیات اجتماعی او را بر اساس شناخت صحیح از انسان بنا کرده است. انسان در فرهنگ و حکمت اسلامی، موجودی ممتاز و دارای استعداد تعالی بی پایان است. (خمینی، ۱۳۸۵: ۳۰۰) ساختار وجودی او متناظر با هستی دارای مراتب ظاهری و باطنی است. به این معنا که با جنبه ظاهری خود در عالم طبیعت حضور دارد و از آن مرتبه کسب آگاهی می کند و با جنبه و مراتب باطنی خود، می تواند حقایق را از عوالم برتر دریابد. اگر انسان ابعاد مختلف نظام حیات اجتماعی خود، اعم از سیاست و حقوق و اقتصاد و... را بر اساس حقایق عالم غیب و تابع معیارهای عقل منور به نور وحی تنظیم و سازماندهی کند، (همان: ۲۸۵) در مسیر کمال حقیقی خود گام بر می دارد. (خمینی، ۱۳۸۶، ۳: ۳۶۶) فرهنگ قرآن، اساس جامعه انسانی را بر توحید فطری و فضایل اخلاقی بنا نهاده است که خود بر ریشه در تکوین دارد. همان امتیازی که تمدن های صرفاً مادی و بشری، از آن محرومند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱: ۶۳، ۴: ۱۲۰)

تمدن در اندیشه متفکران بزرگ اسلامی، پیشرفت و تعالی در ساختار و نهادهای حیات اجتماعی انسان است؛ اما تمدنی مفید و سازنده است که بر اساس مبانی دینی بنیان یافته باشد. از این رو، نهضت اسلامی، یکی از مصادیق تمدن اسلامی است که از سه رکن عام دین، سیاست، عقلانیت برخوردار است. این تمدن است که آبادی و پیشرفت را برای هر دو جنبه دنیوی و اخروی وجود انسان به ارمغان می‌آورد. (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۸۷۸) سلام، با ایدئولوژی خود، تمدنی نو بنا کرد که برای همه جوامع انسانی نوین و بی‌همانند بود. ویژگی این تمدن، این بود که نه بر جنگ و فتح و غلبه نظامی و سخت‌افزاری، بلکه بر حقایق متعالی فطری و حرکت به سوی کمال حقیقی بنا شده است. همان حقیقتی که همه ابناء بشر در طلب آن هستند؛ هرچند آگاه تفصیلی از آن ندارند. تفصیل این حقیقت، در حکمت اسلامی، به پیروی از آموزه‌های وحیانی اسلام، ارائه شده است.

۵. حکمت اسلامی و تمدن نوین اسلامی

«تمدن نوین اسلامی» اصطلاحی است که در دوره حاضر، توسط آیت‌الله خامنه‌ای به کار رفته است. تمدن در نگاه ایشان، «زندگی همراه با نظم علمی، تجربیات خوب زندگی، پیشرفت‌های مادی و معنوی و رفاه مشروع برای همه انسانها است. (خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۱۱/۱۴ و ۱۳۷۷/۷/۲۶) تمدن حقیقی، تمدنی است که در آن، علم روز همراه با معنویت و دینداری باشد و معیارها و فضایل اخلاقی در بالاترین حد خود در جامعه جاری باشند. همه مردم به همدیگر احترام بگذارند، از فرهنگ صحیح برخوردار بوده و در راه نیل به هدف تعالی الهی حرکت کنند. این تمدن در مواجهه با مظاهر تمدن‌های دیگر، منفعل نیست؛ بلکه امتیازات و تجربه‌های مفید آنان را مورد توجه قرار می‌دهد؛ اما با مؤلفه‌های انحطاط و تباهی مبارزه می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۲) مردمان این تمدن، روح خطرپذیری، ابتکار و فعالیت منضبط دارند که حاصل آن پیشرفت است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۱۹) اوج تمدن مادی، انباشت ثروت و امکانات و قدرت مادی است؛ اما تمدن اسلامی علاوه بر تولید ثروت و قدرت، امنیت، آرامش، رفاه و معنویت را برای همه مردم می‌خواهد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۷/۲۰) تمدن اسلامی، بر اساس مقابله با جهل، خرافات، تبعیض، ظلم، فساد و حرکت در مسیر استیلائی حق و عدالت شکل گرفت و از همین رو بود که مورد استقبال جوامع غیر اسلامی قرار گرفت. (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۷/۱۹؛ ۱۳۸۰/۷/۲۳)

امروزه، تحقق تمدن نوین اسلامی، ضرورتی نازدودنی است که شاخص‌های آن عبارتند از: حرکت به سوی یک جامعه متفکر، (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱/۱) همراهی پیشرفت مادی با پیشرفت معنوی و اخلاق، (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۲۰) مدیریت قوی از خودگذشته، (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۲۷) همت، ایمان، بصیرت و نشاط، (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۶/۳۱) پرهیز از ضدارزش‌ها (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱/۳) و جهاد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱/۲۶) تمدن اسلامی معیارها و ویژگی‌های یادشده را در پیشینه تاریخی خود به تناوب داشته است؛ اما بازیابی آن تمدن به صورتی گسترده و عمیق، همان تمدن نوین اسلامی است که با ابعاد نوپدید حیات اجتماعی انسان در ارتباط و در آن موثر است. جهان امروز با مشکلات پیچیده‌ای دست به گریبان است

که در تاریخ بشر مصداقی نداشته است. ناامنی، افسردگی، تزلزل فکری، بی‌ثباتی روحی و شخصیتی، با وجود ثروت‌های انباشته و امکانات فراوان و سرعت سیر زندگی، از گرفتاری‌های انسان مدرن است. آنچه انسان غرق در تکنیک و صنعت و ثروت را از این معضلات رهانیده و راه انبساط روحی و نشاط و سعادت را به او می‌نمایاند و جوامع انسانی را به عدالت و عزت و اقتدار و شکوفایی رهنمون می‌شود، دین حقیقی است. (خامنه‌ای، ۳۷۴/۳/۳) مسیری که وحی معرفی می‌کند و همان مقصدی که فطرت حق‌جو و کمال‌طلب انسان در پی آن است. یعنی «قرب الهی». اینجاست که حکمت اسلامی، به عنوان علمی مبسوط و عمیق، خدمتی بنیادین به آموزه‌های وحیانی اسلام ارائه می‌کند. یعنی با پایبندی به مبانی، دلایل و معیارهای برهانی، واقعیت‌های عوالم هستی، از جمله عوالم امکان و انسان را شناسایی و به انسان جویای کمال و سعادت حقیقی ارائه می‌کند تا از راه اصلاح حیات ظاهری، به صلاح حیات باطنی و اخروی نایل گردد. شخص آگاه از چیستی، از کجایی و رو به کجایی هستی و انسان، در میان هیاهوی جهان مدرن، مسیر تعالی حقیقی و سعادت ابدی خود را با مدد وحی و عقل بازمی‌یابد و در این راه هرگز دچار ضعف و تباهی نمی‌شود. نسخه جهانی این حرکت و پویایی، تمدن رفیع، عظیم و جهانشمول نوین اسلامی است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۷، ۱۳۷۶/۵/۱، ۱۳۸۳/۸/۶)

۶. خاتمه

آنچه ارائه شد، یکی از کارکردها و خدمات حکمت اسلامی به محتوای وحیانی آموزه‌های اسلام از منظر تمدن اسلامی بود. در تمدن اسلامی، همه ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و ساحت تشریع و باید و نبایدهای فردی و اجتماعی، بر بنیان هست‌ها و نیست‌ها و به تعبیر حکمت اسلامی، افعیت‌ها استوار گشته است. در فرهنگ و حکمت واقعیت‌های هستی، محدود و منحصر به قلمرو ماده و جسمانیات و محسوسات نیست؛ بنابراین، تمدن اسلامی، به ویژه تمدن نوین اسلامی، هنگامی منطبق بر اسلام و شایسته وصف اسلامی بودن است که نظام بایستگی‌های خود را بر اساس شناخت صحیح از واقعیت‌های هستی در همه مراتب مادی و فرامادی بنا کرده باشد. بی‌گمان تمدنی که هستی و انسان را محدود و منحصر به حیات دنیوی مادی بداند، شعاع تبیین و ترسیم نظام‌های آن، ناقص و محدود به قلمرو مادی خواهد بود و در نتیجه نمی‌توان آن را تمدنی حقیقی و واصل به نتیجه تام و کامل دانست.

پژوهش حاضر، تنها گزارش‌گونه‌ای از کارکرد واقع‌گرایی هستی‌شناختی در تمدن اسلامی بود. اما واقع‌گرایی در حکمت اسلامی، سطوح ابعاد دیگری، از جمله انسان‌شناختی، مبدأشناختی و فرجام‌شناختی دارد که هرکدام مجال مستقل و وسیع می‌طلبد.

منابع

قرآن کریم

ابراهیمی دینانی، غلامحسین؛ قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.

- ابن عربی، محی‌الدین؛ فتوحات مکیه، بیروت، دار صادر، بیتا «۴جلدی»، ج ۲.
- ابوعلی سینا؛ الهیات شفاء، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ابوعلی سینا؛ رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب و مسببات، مقدمه و حواشی موسی عمید، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۸۳.
- آریانپور، منوچهر؛ فرهنگ انگلیسی فارسی پیشرو آریان‌پور، تهران، جهان رایانه امین، ۱۳۸۷.
- آملی، سید حیدر؛ جلوه دلداری، ترجمه سید حسین ابراهیمیان، تهران، رسانه، ۱۳۷۱.
- بورلو، ژوزف؛ تمدن اسلامی، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.
- بهای لاهیجی، محمدبن محمد سعید؛ رساله نوریه در عالم مثال، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
- بهمی، محمدرضا؛ «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، نقد و نظر، سال ۱۹، شماره ۷۴، تابستان ۱۳۹۳.
- جان احمدی، فاطمه؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، نشر معارف، ۱۳۹۲.
- جعفری محمدتقی؛ شرح نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۱۶.
- جمالی، مصطفی؛ «مهندسی تمدن نوین اسلامی از نگاه حکیم تمدن»، پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۱.
- جهامی، جیرار؛ الموسوعه الجامعه لمصطلحات الفكر العربی و الاسلامی، بیروت، ناشرون، ۲۰۰۶، ج ۲.
- حسین طباطبایی، سید محمد؛ رسائل توحیدی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
- حسینی، سیدحسین؛ تمدن پژوهی، تهران، جامعه‌شناسان، ۱۳۹۵.
- حلی، علی اصغر؛ تاریخ تمدن در اسلام، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲.
- خسروپناه، عبدالحسین؛ اسلام شناسی، قم، بوستان کتاب، ۱۴۰۱.
- خسروپناه، عبدالحسین؛ منظومه فکری امام خمینی «ره»، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵.
- خسروپناه، عبدالحسین؛ منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۸، ج ۲.
- خمینی، امام سید روح‌الله؛ شرح چهل حدیث، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
- خمینی، امام سید روح‌الله؛ مصباح الهدایه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶.
- خمینی، امام سید روح‌الله؛ صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۳.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج ۱ و ۱۵.
- رضایی، مصطفی؛ «نسبت‌سنجی مهدویت و تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری رهبری»، انتظار موعود، سال بیست‌وسوم، شماره هشتادویک، تابستان ۱۴۰۲.
- زنوزی، ملاعبدالله زنوزی؛ مجموعه مصنفات حکیم زنوزی، تهران، موسسه اطلاعات، ۱۳۷۸، ج ۱.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- زیدان، جرجی؛ تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۴.
- سبزواری، حاج ملاهادی؛ شرح منظومه، قم، ناب، ۱۴۲۳ق.
- سهروردی، شهاب الدین؛ مجموعه مصنفات، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، ج ۲.
- شیرازی، صدرالدین محمد؛ اسرار الآیات، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰.
- شیرازی، صدرالدین محمد؛ اسفار، بیرت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۰ق
- شیرازی، صدرالدین محمد؛ شرح اصول کافی، ج ۳، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۶.
- شیرازی، صدرالدین محمد؛ مفاتیح الغیب، تهران، موسسه مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۳.
- شیرازی، صدرالدین محمد؛ الحاشیه علی الالهیات، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۲ش.
- شیرازی، قطب الدین؛ شرح حکمه الاشراق، قم، بیدار، بی تا.
- طباطبایی، سید محمد حسین طباطبایی؛ بدایه الحکمه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق، ج ۱.
- طباطبایی، سید محمد حسین؛ سید محمدحسین طباطبایی؛ نهایه الحکمه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.
- طوسی، خواجه نصیرالدین؛ شرح اشارات، قم، بلاغه، ۱۳۶۹، ج ۲.
- فرغانی، سعدالدین؛ مشارق الدراری، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۹.
- قیصری، داوود بن محمد؛ شرح فصوص الحکم، تهران، انوارالهدی، ۱۳۷۷.
- کاپلستون، فردریک؛ تاریخ فلسفه، ترجمه سید جلال الدین محتبوی، تهران، سروش، ۱۳۷۵.
- کاشفی، محمدرضا؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ق، ج ۱.
- لوبون، گوستاو؛ تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۸.
- مدرسی، سید محمدتقی؛ اصول و پایه های تمدن اسلامی، ترجمه محمدصادق پارسا، تهران، محبان الحسین، ۱۳۷۹.
- مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۷۲، ج ۲ و ۱۳ و ۱۴.
- مطهری، مرتضی؛ مسأله شناخت، تهران، صدرا، ۱۳۷۷.
- نصر، سیدحسین؛ علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
- ولایتی، علی اکبر؛ پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.

سایت دفتر آیت الله خامنه ای Khamenei.ir و Leader.ir

Donald M. Borcher, Encyclopedia Of Philosophy, Macmilan. USA. 2006. Thomson
Gale. Vol 8.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- Edmard Carig, Rotledge Encyclopedia of Philosophy, london, Rotledge. 1998. Vol 8.
Donald M. Borchert, Encyclopedia Of Philosophy, Macmillan. USA. 2006. Thomson
Gale. Vol 4.
Edward Carig, Rotledge Encyclopedia of Philosophy, london, Rotledge. 1998. Vol 4.

بازشناسی لکانی «من» ایرانی - اسالمی در غزلیات حافظ

شیرزاد طایفی^۱

۱-دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

شعر این امکان را دارد که محملی برای شناسایی «من» به‌منزله هویت باشد. حافظ از شاعرانی است که به سبب دغدغه‌های جهانی شمول‌اش، نزد متفکران ایرانی و اسالمی مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین، تأمل در اندیشه‌های او، می‌تواند مجالی را برای تحلیل و بازشناسی «من» ایرانی - اسالمی فراهم کند. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل کیفی و با تکیه بر اندیشه‌های روانکاوانه ژاک لکان به‌ویژه من آرمانی و آرمان من، «من» ایرانی - اسالمی را در غزلیات حافظ تحلیل و بازشناسی کرده‌ایم. دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد که حافظ از دیدگاه‌های وسواسی محافظه‌کارانه که تعمیم دهنده آرمان من یا آرمان دیگری هستند، به تدریج فاصله گرفته است و در عوض، به دیدگاه‌های هیستریک که محافظه‌کاری را کنار می‌نهد و تعمیم دهنده من آرمانی یا آرمان حقیقی وی است، نزدیک می‌شود. حافظ به میانجی معرفی سوژه رند این مهم را برآورده می‌سازد. دیدگاه‌های محافظه‌کارانه در سوژه زاهد بروز می‌کند و رند می‌کوشد با آشکار نمودن فقدان در دیدگاه‌های زاهد، در حقیقت فقدان در دیگری را آشکار سازد و آرمان من را کنار بزند و دوباره من آرمانی از دست‌رفته را تا حدودی احیا نماید. در زمانه این شاعر، هویت «من» ایرانی - اسالمی بیش از هر چیز با دال تزویر و ریا - که حامل نوعی دوگانگی است - تعریف و بازشناسی شده است و حافظ قصد دارد با انتقاد و در پی آن نفی این دوگانگی، تعریف تازه‌ای از «من» ایرانی - اسالمی ارائه دهد.

واژگان کلیدی: حافظ، ژاک لکان، من ایرانی - اسالمی، روانکاوی، من آرمانی، آرمان من

تحلیل روانکاوانه مفهوم ورع به مثابه نگاه خیره در «کیمیای سعادت»

توحید شالچیان ناظر^۱

۱-دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

ورع از جمله مفاهیم مشترک در اندیشه شریعت و طریقت اسلامی است و اهل سلوک از آن تأویل‌های متفاوتی داشته، بر این باورند که سالک باید در مسیر طریقت، از آنچه حضرت حق وی را بر حذر داشته است، پرهیزد و سبب این پرهیز خوفی است که سالک از ابتلای به معصیت یا نافرمانی از حضرت حق دارد؛ به همین دلیل، وی در مقام سوژه دال میل حقیقی خود را اخته و دال میل دیگری بزرگ، یعنی حضرت حق را برآورده می‌کند. خوف از حضور نمادین حضرت حق برای سالک سبب بازداری از عصیان یا به تعبیری دیگر، اختگی او می‌شود. در اندیشه ژاک لکان، از این خوف می‌توان با تعبیر نگاه خیره دیگری بزرگ یادکرد. در این پژوهش، با تکیه بر اندیشه روانکاوانه ژاک لکان و با استفاده از روش تحلیل کیفی بر آن بوده‌ایم که از مفهوم ورع به میانجی تعبیر نگاه خیره، تحلیلی روانکاوانه ارائه دهیم. دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد که غزالی باور داشته ورع دارای مراتبی است و اهل سلوک در طریقت خویش اهل احتیاط بوده‌اند. با بازخوانی لکانی مفهوم ورع به مثابه نگاه خیره متوجه می‌شویم که سالک حضور نمادین دیگری بزرگ را همانند سایه‌ای جدانشدنی از خود درک می‌کرده که همین امر سبب اختگی، و سرانجام کسرشدگی وی شده است. حضور نگاه خیره سبب شده سالک دال میل دیگری بزرگ را بر دال میل حقیقی خویش ترجیح دهد و نتواند فقدان موجود در خود را پُر کند.

واژگان کلیدی: عرفان اسلامی، روانکاوی، ابو حامد محمد غزالی، ژاک لکان، کیمیای سعادت، ورع، نگاه خیره

آسیب‌های ارزشی و اخلاقی ناشی از استفاده نامناسب از شبکه‌های اجتماعی مجازی در خانواده‌های ساکن

شهرهای استان آذربایجان شرقی

تورج هاشمی^۱، نعیمه ماشینچی عباسی^۲

^۱ عضو هیئت علمی، استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز،

ایران

^۲ عضو هیئت علمی، استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تبریز، پسادکتری علوم اعصاب شناختی دانشگاه تبریز،

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران-نویسنده مسئول

چکیده

هدف پژوهش حاضر، آسیب‌شناسی ارزشی و اخلاقی آثار شبکه‌های اجتماعی مجازی در حوزه خانواده بود. جامعه مورد مطالعه، خانواده‌های ساکن شهرهای استان آذربایجان شرقی بود. این پژوهش با توجه به اهداف، از نوع آمیخته (کمی-کیفی) بود که در بخش کیفی، مبتنی بر دیدگاه متخصصان نسبت به شناسایی عوامل آسیب‌زای شبکه‌های اجتماعی در خانواده‌ها اقدام شد. سپس، مبتنی بر این دیدگاه‌ها، نسبت به ساخت ابزار مناسب جهت اندازه‌گیری متغیرهای شناسایی شده، اقدام شد. از این رو، از روش مصاحبه و روش دلفی در بخش اولیه طرح استفاده شد. روی هم رفته، بر اساس مراحل ۳گانه دلفی و با توجه به نظر متخصصان و جرح و تعدیل‌های انجام گرفته بر روی مؤلفه‌ها و آسیب‌های شناسایی شده، آسیب‌های اعتقادی، ارزشی و اخلاقی با ۳۱ زیر مؤلفه شناسایی شد. نتایج نشان داد کاربست افراطی و نابجای شبکه‌های اجتماعی مجازی دارای اثرات منفی در حوزه‌های اعتقادی، ارزشی و اخلاقی بوده و این امر در سنین مختلف قابل مشاهده است. بر این اساس، می‌توان استنباط نمود که در خصوص استفاده صحیح از شبکه‌های اجتماعی مجازی باید راهکارهایی توسط متخصصان حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علم ارتباطات ارائه گردد.

واژگان کلیدی شبکه‌های اجتماعی مجازی، آسیب‌های اعتقادی، آسیب‌های اخلاقی، آسیب‌های ارزشی

مقدمه

انسان قرن بیست و یکمی در عصری زندگی می‌کند که در آن، شکل‌گیری شبکه‌های گوناگون اجتماعی آنلاین، شیوه‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی نوینی به عرصه گسترده ارتباطات اجتماعی معرفی کرده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مجازی سایت‌هایی هستند که از یک سایت ساده مانند موتور جستجوگر با اضافه شدن امکاناتی مانند چت و ایمیل و امکانات دیگر خاصیت اشتراک‌گذاری را به کاربران خود ارائه می‌دهند (سلطانی فر، ۱۳۸۹؛ به نقل از فرزانه و فلاحتی شهاب‌الدینی، ۱۳۹۴).

امروزه تحت تأثیر رسانه‌ها و فناوریهای اطلاعاتی، در عصر جدیدی از روابط انسانی به سر می‌بریم. ظهور فضای سایبر و امکاناتی که فناوریهای اطلاعاتی به همراه آورده اند، امیدها، آرزوها و کابوس‌هایی را بدنبال داشته است. در این دوران، استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، روز به روز محبوبیت بیشتری پیدا می‌کند. امروزه، سایت‌های شبکه‌های اجتماعی، بعد از پرتال‌های بزرگی مانند یاهو، یا ام اس ان یا موتورهای جستجویی مانند گوگل، تبدیل به پرکاربردترین خدمات اینترنتی شده‌اند. به تعبیر مانوئل کاستلز^۱ فناوریهای نوین اطلاعات، نقاط دور عالم را در شبکه‌های جهانی به همدیگر پیوند می‌دهند، ارتباطات رایانه‌ای مجموعه‌ای از جوامع مجازی را بوجود می‌آورند که در نتیجه آن، همه ساختارها و فرایندهای مادی و معنوی بشر دگرگون می‌شوند (به نقل از خدایاری، دانشور حسینی و سعیدی، ۱۳۹۳). در این راستا، می‌توان بیان داشت که رسانه‌ها، فرهنگ‌ساز هستند اما نوع فرهنگی که توسط رسانه‌ای چون تلفن همراه در قالب پیامک، بلوتوث، موسیقی، عکس، تصویر و ساخته و ترویج و بعضاً نهادینه می‌شود (سگالن، ۱۳۷۵). مسأله اصلی اینجاست که با وجود تمامی مزایا و معایبی که در کاربرد شبکه‌های اجتماعی مطرح است، باید اذعان داشت که بسیاری از جنبه‌های فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی و پایگاه‌هایی که در قالب رسانه‌های اجتماعی کار می‌کنند، هنوز ناشناخته و مکتوم مانده است. با توجه به اهمیت رسانه‌های نوین اجتماعی که بعنوان جزئی جدایی‌ناپذیر در توسعه جامعه ارتباطی نقش ایفا می‌کنند، نگاه‌های متفاوتی به دسترسی و مدیریت شبکه‌های اجتماعی وجود دارد. از این رو، به نظر می‌رسد شناخت صورت مسأله و چیستی رسانه‌های نوین اجتماعی و شبکه‌های مجازی می‌تواند در بهره‌مندی از ابزارهایی که آثار مثبت و منفی آنها به چگونگی تربیت و میزان آگاهی کاربران برمی‌گردد، مؤثر افتد.

آنچه در خانواده از اهمیت برخوردار است، توجه به ارزش‌ها بویژه ارزش‌های خانوادگی و اجتماعی است. ارزش‌های اجتماعی از اساسی‌ترین عناصر نظام اجتماعی هستند که از طریق آنها می‌توان جامعه را کنترل کرد و به سوی زوال یا تعالی سوق داد. بنابراین، خانواده‌ها باید عواملی را که موجب پیدایش، شکل‌گیری و تقویت ارزش‌ها و ارتباطات خانواده و جامعه می‌شوند، بشناسند (کفاشی، ۱۳۸۹). گسترش فناوریهای نوین در عرصه الکترونیک و رایانه در چند دهه گذشته، موجب پدیدار شدن انواع و لوازم و برنامه‌های الکترونیکی و رایانه‌ای از جمله اینترنت، تلفن همراه، ماهواره و بازیهای رایانه‌ای در جهان شده است. با این حال، مدتی است که موضوعی با عنوان آسیب‌های نوپدید بویژه آسیب‌های ناشی از اینترنت، تلفن همراه، ماهواره و بازیهای رایانه‌ای از سوی مسئولان و کارشناسان ذیربط مطرح شده است و بر لزوم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه پیشگیری از این آسیب‌ها تأکید می‌شود. آسیب‌شناسی را می‌توان شناسایی مجموعه عوامل و شرایطی دانست که موجب عدم سازگاری فعالیت‌ها و اعمال اجتماعی و روانی فرد با هنجارهای اجتماعی و روان‌شناسی می‌گردند (ابراهیم‌پور کومله و خزایی، بی‌تا). بر این اساس می‌توان گفت که فناوریهای ارتباطی جدید، مزایا و معایب متعددی دارند. از این رو، با توجه به قدرتی که این فناوریها از نظر اجتماعی

¹ Manuel Castells

دارند، فناوری اطلاعات و ارتباطات بعنوان یک فناوری که در جهت توسعه و تغییر ارتباطات اجتماعی گام بر می دارد، باید بیشتر مورد بررسی قرار گیرد (آلسنا^۱، ۲۰۰۹). امروزه فرهنگ رسانه‌ای اینترنت، فضای ذهنی جوانان را اشغال کرده است و این مسأله نقش والدین را در کنترل تربیتی فرزندان و نظارت اخلاقی بر آنها نشان می‌دهد. بروز رسانه‌های نوظهور می‌تواند زمینه‌ساز انواع جدید آسیب‌های اجتماعی و روانی باشد. به همین دلیل، برنامه‌ریزی برای شناسایی، پیشگیری و کاهش آسیب‌های نوظهور، لازم و ضروری می‌نماید. این آسیب‌ها، مرتبط با فناوریهای جدید هستند که آسیب‌های ناشی از استفاده از ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای، تلفن همراه و اینترنت، می‌توانند در این مجموعه قرار گیرد. تربیت، در یک بستر ارزشی رخ می‌دهد، غایت آن نیز تربیت افراد، متناسب با ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی، دینی و فرهنگی مورد قبول جامعه است (رایلی^۲، ۲۰۰۴). شناسایی نظام ارزشی نوجوانان، به سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌ها کمک می‌کند تا با شناخت بیشتر از مخاطبان خود، برنامه‌های معتبر و مطمئن‌تری، طراحی و تدوین کنند. مبتنی بر آنچه که ذکر شد و با توجه به نتایج متناقض، هدف پژوهش حاضر، آسیب‌شناسی ارزشی و اخلاقی آثار شبکه‌های اجتماعی در حوزه خانواده است.

روش پژوهش

این پژوهش باتوجه به اهداف و شیوه جمع‌آوری داده‌ها، از نوع آمیخته (کمی-کیفی) بود. جامعه مورد مطالعه، خانواده‌های ساکن شهرهای استان آذربایجان شرقی بود که روزانه بطور میانگین ۲ ساعت در شبکه‌های اجتماعی مجازی تحت وب و تلفن همراه فعالیت داشتند که پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان و شرکت‌کنندگان براساس شیوه تحلیل محتوا و شناسه‌های تکرار شده استخراج شد.

ابزار اندازه‌گیری

باتوجه به ماهیت موضوع و عدم وجود سیستم و نظام معین و سازماندهی شده در زمینه آسیب‌های ناشی از بکارگیری نامناسب شبکه‌های اجتماعی مجازی، بهترین راه شناسایی این آسیب‌ها، استفاده از نظرات متخصصان و کارشناسان حوزه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علم ارتباطات بود. در این راستا، مدل دلفی بعنوان مدلی که می‌توانست در شکل‌دهی ابزار پژوهش و زمینه‌سازی برای جمع‌آوری داده‌ها یاری‌رسان باشد، مورد استفاده قرار گرفت. بر این اساس، اعضای گروه دلفی برای این پژوهش به صورت نمونه‌گیری غیرتصادفی و ترکیبی از روش‌های هدفدار، قضاوتی و زنجیره‌ای برگزیده شدند. بنابراین، ابتدا یک فهرست اولیه از ۲۰ نفر از اساتید دانشگاه‌های تبریز تهیه شد. بدنبال آن، جلب مشارکت متخصصان برای شرکت کردن در این مرحله از پژوهش به صورت جداگانه و به صورت حضوری انجام شد. با تک‌تک متخصصان تماس گرفته شد و قرار ملاقات‌های جداگانه‌ای تنظیم شد. پس از نهایی شدن اعضای گروه دلفی، پرسشنامه

¹ Al-Sanaa

² Riley

اصلی در ۳ دور به صورت حضوری تهیه گردید. پس از طی شدن مراحل چندگانه دلفی، علاوه بر شناسایی آسیب‌های ناشی از بکارگیری نابجای شبکه‌های اجتماعی مجازی، نسبت به دسته‌بندی این آسیب‌ها تحت عناوین آسیب‌های آسیب‌های اعتقادی، ارزشی و اخلاقی اقدام گردید.

یافته‌ها

جدول ۱: توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان بر حسب سطوح سنی

جنس	فراوانی	درصد فراوانی
۱۸ تا ۱۶	۱۷۰	۵٪/۶۶
۲۱ تا ۱۹	۱۹۷	۶٪/۵۷
۲۴ تا ۲۲	۲۰۲	۶٪/۷۳
۲۷ تا ۲۵	۲۱۷	۷٪/۷۳
۳۰ تا ۲۸	۲۲۰	۷٪/۷۳
۳۳ تا ۳۱	۲۰۰	۶٪/۶۷
۳۶ تا ۳۴	۲۱۹	۷٪/۸۰
۳۹ تا ۳۷	۱۹۹	۶٪/۶۳
۴۲ تا ۴۰	۱۹۵	۶٪/۵
۴۵ تا ۴۳	۱۶۵	۵٪/۵
۴۸ تا ۴۶	۱۶۰	۵٪/۳۳
۵۱ تا ۴۹	۱۴۹	۴٪/۹۷
۵۴ تا ۵۲	۱۳۵	۴٪/۵
۵۷ تا ۵۵	۱۲۷	۴٪/۳۳
۶۰ تا ۵۸	۱۰۷	۳٪/۵۷
۶۳ تا ۶۱	۹۷	۳٪/۲۳
۶۶ تا ۶۴	۸۷	۲٪/۹
۶۹ تا ۶۷	۷۱	۲٪/۳۷
۷۲ تا ۷۰	۵۹	۱٪/۹۷
۷۵ تا ۷۳	۴۴	۱٪/۴۷

جدول ۲: توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان بر حسب جنسیت

جنسیت		شاخص
مؤنث	مذکر	
۱۳۴۸	۱۶۵۲	فراوانی
۴۴٪/۹۳	۵۵٪/۱۰۷	درصد فراوانی

جدول ۳: توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان بر حسب شهرهای محل سکونت

شهر	فراوانی	درصد
کل	۳۰۰۰	۱۰۰٪
خارناوا و خداآفرین	۱۰۰	۳٪/۳۳
هشترود و چاراویماق	۱۰۰	۳٪/۳۳
بستان‌آباد و تیکمه‌داش	۱۰۰	۳٪/۳۳
هریس و ورزقان	۱۲۰	۴٪
جلفا و هادی‌شهر	۱۲۰	۴٪
اسکو، آذرشهر، سهند	۲۲۰	۷٪/۳۳
شیراز و صوفیان	۱۶۰	۵٪/۳۳
اهر و کلیبر	۱۶۰	۵٪/۳۳
سراب، دوزدوزان و	۲۰۰	۶٪/۶۶
میانه و قره‌آغاج	۱۸۰	۶٪
بناب و عجب‌شیر	۱۸۰	۶٪
مرند و زنوز	۱۶۰	۵٪/۳۳
مراغه و ملکان	۲۰۰	۶٪/۶۶
تبریز	۱۰۰۰	۳۳٪

در راستای تحلیل داده‌های مربوط به این سؤال که آیا شبکه‌های اجتماعی مجازی در تغییر نظام ارزشی خانواده‌ها دارای اثرات منفی است؟، ابتدا با استفاده از روش دلفی، نسبت به معین کردن زیرمؤلفه‌های مربوط به آسیب‌های ارزشی و اخلاقی ناشی از کاربردهای نابجا و افراطی شبکه‌های اجتماعی مجازی با استفاده از نکته‌نظرات متخصصان رسانه‌ها، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی انجام گرفت که مبتنی بر برون‌دادهای حاصل از این روش، ۵۳ زیرمؤلفه شناسایی شد. با این حال، جهت دسته‌بندی کردن این زیرمؤلفه‌ها، در قالب عامل‌های بنیادی و استخراج این عامل‌ها، از روش تحلیل خوشه‌ای استفاده شد که نتایج نشان می‌دهد که آسیب‌های ارزشی و اخلاقی ناشی از استفاده نابجا و افراطی از شبکه‌های اجتماعی مجازی در سه (۳) خوشه بزرگ قرار دسته‌بندی شده‌اند، بدین معنی که در خوشه اول، آسیب‌های اخلاقی و ارزشی مربوط به ازدواج و روابط بین دختران و پسران قرار گرفته‌اند که حاوی ۲۰ زیرمؤلفه است. از طرفی، در خوشه دوم، آسیب‌های اخلاقی و ارزشی مربوط به رفتارهای بین فردی ضدارزشی قرار گرفته‌اند که حاوی ۱۴ زیرمؤلفه است. علاوه بر این، در خوشه سوم، آسیب‌های مربوط به تزلزل و سست شدن اعتقادات و باورهای دین قرار گرفته‌اند که حاوی ۱۹ زیرمؤلفه است.

در راستای مشخص کردن اینکه آیا خوشه‌های استخراج‌شده در قالب ۳ عامل زیربنایی قابل تفسیر هستند یا نه، از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. در این مرحله، با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی، عامل‌های بنیادی استخراج گردید که زیرمؤلفه‌های ۵۳ گانه آسیب‌های ارزشی و اخلاقی ناشی از استفاده نابجا و افراطی از شبکه‌های اجتماعی مجازی، در قالب ۳ عامل بنیادی دسته‌بندی شدند، به نحوی که عامل اول با ارزش ویژه (۴/۲۸) قادر است حدود ۳۰ درصد از واریانس آسیب‌های ارزشی و اخلاقی ناشی از شبکه‌های اجتماعی مجازی را بطور معنی‌دار تبیین نماید. از سویی، عامل دوم با ارزش ویژه (۴/۱۲) قادر است حدود ۲۸ درصد و عامل سوم با ارزش ویژه (۲/۴۹) قادر است حدود ۱۶/۵ درصد از واریانس کل آسیب‌های ارزشی و اخلاقی ناشی از شبکه‌های اجتماعی مجازی را بطور معنی‌دار تبیین کند. از سوی دیگر، بررسی محتوای زیرمؤلفه‌های عامل‌های ۳ گانه نشان می‌دهد که عامل اول، "آسیب‌های مربوط به ازدواج و روابط غیرهمجنس" را تحت پوشش قرار می‌دهد، در صورتی که عامل دوم "آسیب‌های بین فردی ضدارزشی" را پوشش می‌دهد و از سویی، عامل سوم نیز "آسیب‌های مربوط به تزلزل اعتقادات و باورهای دینی" را تحت پوشش قرار می‌دهد. علاوه بر این، در جهت مشخص کردن سهم هر یک از زیرمؤلفه‌های ۳ گانه استخراج‌شده از روش چرخش واریماکس استفاده شد تا علاوه بر خوشه‌بندی زیرمؤلفه‌ها در عامل‌های ۳ گانه مذکور، بارهای عاملی هر یک از زیرمؤلفه‌ها نیز معین شود. نتایج این بخش در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۴: بارهای عاملی زیرمؤلفه‌های عامل‌های ۳ گانه استخراج‌شده با استفاده از روش چرخش واریماکس

عامل	زیرمؤلفه		
	۱	۲	۳



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۰/۸۲	علاقمندی به ازدواج اینترنتی	۱
۰/۸۴	تغییر معیارهای همسرگزینی	۲
۰/۸۰	غیرمهم شدن روابط دختر و پسر قبل از ازدواج	۳
۰/۷۶	تلقی بیهوده بودن ازدواج	۴
۰/۷۲	تلقی غیرمهم بودن سقط جنین	۵
۰/۷۰	اعتقاد پیدا کردن به ازدواج سفید	۶
۰/۷۶	بی تفاوتی به روابط زن و مرد در خارج از دایره ازدواج	۷
۰/۷۵	بی تفاوتی به روابط بدون قید و شرط افراد با یکدیگر	۸
۰/۷۲	افزایش تلاش برای برقراری روابط جنسی با غیرهمجنس	۹
۰/۷۰	قائل شدن به رفع موانع از برقراری روابط بین افراد غیرهمجنس	۱۰
۰/۷۱	تلاش به برقراری ارتباط با فرد متأهل در فضای مجازی	۱۱
۰/۷۹	مشروع دانستن دوستی‌های اینترنتی بین دختران و پسران	۱۲
۰/۷۹	دسترس پذیر شدن برقراری ارتباط با جنس مخالف	۱۳
۰/۸۲	بی تفاوتی به روابط بین دختران و پسران	۱۴
۰/۸۱	تغییر معیارهای ازدواج	۱۵
۰/۷۲	افزایش وسوسه برای دیدن سایت‌های جنسی	۱۶
۰/۷۵	افزایش توجه به جنس مخالف	۱۷
۰/۷۰	حریص شدن به برقراری رابطه با جنس مخالف	۱۸
۰/۷۱	تلاش به حفظ رابطه با فرد متأهل در فضای مجازی	۱۹
۰/۷۹	کلنجار رفتن با مسائل جنسی	۲۰
۰/۷۵	تمایل به دروغگویی	۲۱
۰/۷۵	گرایش به خودارضایی	۲۲
۰/۸۲	حریص شدن به دیدن فیلم‌های غیراخلاقی	۲۳
۰/۸۵	افزایش میزان بدگویی از دیگران در فضای مجازی	۲۴
۰/۷۶	برقراری رابطه با گردانندگان سایت‌های پورنوگرافی	۲۵
۰/۷۱	زورگیری اینترنتی از دیگران	۲۶

۰/۷۰	منتشر کردن تصاویر و ایمیل‌های دیگران در فضای مجازی	۲۷
۰/۷۵	بی‌آبرو کردن و هتک حرمت دیگران در فضای مجازی	۲۸
۰/۷۲	به اشتراک گذاشتن تصاویر و فیلم‌های مستهجن	۲۹
۰/۶۹	پخش و انتشار دادن اطلاعات شخصی دیگران در فضای مجازی	۳۰
۰/۶۷	دانلود کردن غیرمجاز فیلم‌ها	۳۱
۰/۷۱	وارد شدن در سایت‌های پورنوگرافی	۳۲
۰/۷۶	هک کردن فیلم‌های شخصی دیگران	۳۳
۰/۷۲	هرزه‌نگاری در فضای مجازی	۳۴
۰/۸۲	عدم حساسیت به توهین‌های ابراز شده به مقدسات	۳۵
۰/۷۶	تجسم تصاویر مستهجن هنگام ادای نماز	۳۶
۰/۷۲	تغییر نوع پوشش	۳۷
۰/۷۱	فراموشی اوقات نماز	۳۸
۰/۷۰	کاهش حضور در مراسم مذهبی	۳۹
۰/۶۹	بی‌رنگ شدن اعتقادات مذهبی	۴۰
۰/۶۶	بی‌معنی شدن امور اخلاقی	۴۱
۰/۶۵	بی‌معنی شدن امور ارزشی	۴۲
۰/۷۲	از دست دادن نمازهای اول وقت	۴۳
۰/۶۷	تمایل به استفاده از مشروبات الکلی	۴۴
۰/۶۲	تمایل به قماربازی در فضای مجازی	۴۵
۰/۶۲	وارد شدن به حریم خصوص دیگران در فضای مجازی	۴۶
۰/۷۶	دروغ‌پراکنی در فضای مجازی	۴۷
۰/۷۵	مشاهده تصاویر مسهجن در فضای مجازی	۴۸
۰/۷۲	تغییر در کیفیت حجاب	۴۹
۰/۷۱	شک و تردید در مورد باورهای دینی	۵۰
۰/۸۱	شک و تردید در مورد خوبی و بدی رفتارها	۵۱
۰/۸۰	شک و تردید در مورد ارزش‌های اخلاقی	۵۲

مندرجات جدول ۴ نشان می‌دهد که زیرمؤلفه‌های ۵۳ گانه آسیب‌های ارزشی و اخلاقی ناشی از استفاده نابجا و افراطی از شبکه‌های اجتماعی مجازی در قالب ۳ عامل بنیادی دسته‌بندی شده‌اند که در عامل اول، ۲۰ زیرمؤلفه تحت عناوین (علاقه‌مندی به ازدواج اینترنتی، تغییر معیارهای همسرگزینی، غیرمهم شدن روابط دختر و پسر قبل از ازدواج، تلقی بیهوده بودن ازدواج، تلقی غیرمهم بودن سقط جنین، اعتقاد پیدا کردن به ازدواج سفید، بی‌تفاوتی به روابط زن و مرد در خارج از دایره ازدواج، بی‌تفاوتی به روابط بدون قید و شرط افراد با یکدیگر، افزایش تلاش برای برقراری روابط جنسی با غیرهمجنس، قائل شدن به رفع موانع از برقراری روابط بین افراد غیرهمجنس، تلاش به برقراری ارتباط با فرد متأهل در فضای مجازی، مشروع دانستن دوستی‌های اینترنتی بین دختران و پسران، دسترس‌پذیر شدن برقراری ارتباط با جنس مخالف، بی‌تفاوتی به روابط بین دختران و پسران، تغییر معیارهای ازدواج، افزایش وسوسه برای دیدن سایت‌های جنسی، افزایش توجه به جنس مخالف، حریص شدن به برقراری رابطه با جنس مخالف، تلاش به حفظ رابطه با فرد متأهل در فضای مجازی و کلنجار رفتن با مسائل جنسی) قرار دارند. بررسی بارهای عاملی این زیرمؤلفه‌ها نشان می‌دهد که این زیرمؤلفه‌ها دارای بارهای عاملی در محدوده ۰/۷۰ تا ۰/۸۴ هستند که همه این بارهای عاملی قابل توجه و معنی‌دار هستند. علاوه بر این، محتوای این ۲۰ زیرمؤلفه حاکی از آن است که عامل بنیادی آنها دربرگیرنده "آسیب‌های ارزشی و اخلاقی مربوط به ازدواج و روابط دختران و پسران" است. از سویی، مندرجات جدول نشان می‌دهد که عامل دوم استخراج‌شده، حاوی ۱۴ زیرمؤلفه (تمایل به دروغ‌گویی، گرایش به خودارضایی، حریص شدن به دیدن فیلم‌های غیراخلاقی، افزایش میزان بدگویی از دیگران در فضای مجازی، برقراری رابطه با گردانندگان سایت‌های پورنوگرافی، زورگیری اینترنتی از دیگران، منتشر کردن تصاویر و ایمیل‌های دیگران در فضای مجازی، بی‌آبرو کردن و هتک حرمت دیگران در فضای مجازی، به اشتراک گذاشتن تصاویر و فیلم‌های مستهجن، پخش و انتشار دادن اطلاعات شخصی دیگران در فضای مجازی، دانلود کردن غیرمجاز فیلم‌ها، وارد شدن در سایت‌های پورنوگرافی، هک کردن فیلم‌های شخصی دیگران و هرزه‌نگاری در فضای مجازی) است که بارهای عاملی آنها در محدوده ۰/۶۷ تا ۰/۸۵ قرار دارد و همه بارهای عاملی بدست‌آمده از نظر آماری معنی‌دار هستند. همچنین، محتوای این ۱۴ زیرمؤلفه نشانگر یک عامل بنیادی تحت عنوان "آسیب‌های ارزشی و اخلاقی مربوط به رفتارهای بین فردی ضد ارزشی" است. همچنین، مندرجات جدول نشان می‌دهد که عامل سوم استخراج‌شده، حاوی ۱۹ زیرمؤلفه (عدم حساسیت به توهین‌های ابرازشده به مقدسات، تجسم تصاویر مستهجن هنگام ادای نماز، تغییر نوع پوشش، فراموشی اوقات نماز، کاهش حضور در مراسم مذهبی، بی‌رنگ شدن اعتقادات مذهبی، بی‌معنی شدن امور اخلاقی، بی‌معنی شدن امور ارزشی، از دست دادن نمازهای اول وقت، تمایل به استفاده از مشروبات الکلی، تمایل به قماربازی در فضای مجازی، وارد شدن به حریم خصوص دیگران در فضای مجازی، دروغ‌پراکنی در فضای مجازی، مشاهده تصاویر مستهجن در فضای مجازی، تغییر در کیفیت حجاب،

شک و تردید در مورد باورهای دینی، شک و تردید در مورد خوبی و بدی رفتارها، شک و تردید در مورد ارزش‌های اخلاقی و شک و تردید در مورد ارزش‌های خانواده) با بارهای عاملی قابل توجه در محدوده ۰/۶۲ تا ۰/۸۳ است، به نحوی که این ۱۹ زیرمؤلفه "آسیب‌های مربوط به تزلزل اعتقادات و باورهای دینی" را بعنوان عامل بنیادی پوشش می‌دهند.

بحث

پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی ارزشی و اخلاقی شبکه‌های اجتماعی مجازی در خانواده‌های ساکن شهرهای استان آذربایجان شرقی صورت گرفت. در این راستا، یافته‌های پژوهش نشان داد که استفاده نامناسب و افراطی از شبکه‌های اجتماعی مجازی در دارای آسیب‌های ارزشی و اخلاقی در کاربران است. در این راستا، قاسمی و عبدالرحمانی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر استفاده از فضای مجازی بر گرایش به هنجارشکنی اخلاقی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر زنجان پرداختند که نشانگر این است که میزان استفاده دانشجویان از اینترنت، میزان دل‌بستگی به اینترنت، مکان استفاده از اینترنت و عوامل فردی یعنی جنسیت، سن و وضعیت تأهل در گرایش به هنجارشکنی اخلاقی در فضای مجازی مؤثر است. علاوه بر این، شفیع‌پور مطلق (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان بررسی رابطه گرایش مذهبی اسلامی کاربران با نوع کنکاش‌های اینترنتی را انجام داد نتایج نشان داد، کاربرانی که گرایش مذهبی اسلامی در آنها قوی‌تر است، در کنکاش‌های اینترنتی، بیشتر به مسائل اخلاقی و ارزشی توجه دارند. نتیجه‌گیری پژوهش حاکی از آن است که نهادهای کردن اخلاق اسلامی در کاربران، بهترین راهبردی است که می‌تواند آنها را از کنکاش‌های اینترنتی غیراخلاقی دور کند. همچنین، شریفی و شهرستانی (۱۳۹۶) در پژوهشی با هدف بررسی تأثیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی موبایلی (تلگرام) بر رفتار کاربران این شبکه‌ها با رویکرد دینی دریافتند که بین میزان استفاده از تلگرام و متغیرهای آسیب به روابط خانوادگی، روابط جنسی نامناسب، عدم رعایت ادب و عدم خود واقعی، رابطه معنی‌دار مشاهده شد. نتایج بدست آمده از پژوهش حاکی از آن است که میزان استفاده از تلگرام بر رفتار و اخلاق اجتماعی کاربران تأثیرگذار است و این تأثیر، در ابعادی که در این پژوهش بررسی شده، تأثیر نامطلوبی است.

در این راستا، بولن و هاره در پژوهش‌های خود بر این امر تأکید دارند که در خصوص تعامل انسانی، مسائل حاکی از آن هستند که هرچه افراد زمان بیشتری را صرف اینترنت کنند، از مدت زمانی که درون محیط‌های اجتماعی سپری می‌کنند کاسته می‌شود و همواره خطراتی از جانب اینترنت و شبکه‌های مجازی جوانان را تهدید می‌کند، از جمله ماهیت سانسورنشده اینترنت و مشکلات نوجوان در ارزیابی دقیق اطلاعاتی که با آن مواجه می‌شوند یا خطرات بالقوه ناشی از افشای جزئیات شخصی یا ترتیب ملاقات شخصی با افرادی که به صورت آنلاین ملاقات کرده‌اند، تأثیرات منفی مواجهه با هرزه‌نگری ناخواسته وقوع و تأثیرات تحریکات جنسی، تأثیرات مواجهه با سایت‌ها یا منابع آزاردهنده و تهدیدکننده (اوجی، زارع و کردی، ۱۳۹۳).

کاستلز معتقد است حوزه فرهنگ و مذهب که نظام‌هایی از عقاید و رفتارها را شامل می‌شود و ساخته تاریخ است، با ظهور تکنولوژی جدید دستخوش دگرگونی‌های بنیادین می‌گردد و بدنبال آن، ساختار مناسبات و ارتباطات انسانی نیز شکل جدیدی به خود می‌گیرند (قاسمی و عبدالرحمانی، ۱۳۹۱). همچنین، شورت (۲۰۱۵) در پژوهشی به این نتیجه رسید که افراد مذهبی، نسبت به افراد غیرمذهبی علاقه بسیار کمتری به تماشای سایت‌های پورن دارند. نتیجه‌گیری دیگر این پژوهش این بود که استفاده از سایت‌های اینترنتی پورن، میزان دینداری و معنویت دانشجویان را شدیداً کاهش می‌دهد.

علاوه بر این، برخی از آسیب‌های این شبکه‌ها، آسیب‌های اخلاقی است. نمونه‌ای از آثار ایجاد شده، در فرضیه ژرفا بیان شده است که بیان می‌کند که فناوری‌های رسانه‌های نوین، کاهش چشمگیری در عمق فکری عادی افراد ایجاد کرده‌اند. از سویی، دیگر آسیب‌های اخلاقی عبارتند از: اعتیاد اینترنتی و غفلت زدایی، روابط آزاد بین افراد نامحرم، حیازدایی و نقض احکام شرعی، اشاعه اخبار دروغ و شایعه، اشاعه فساد و بی‌بندوباری. نتایج پژوهش کاوه قهفرخی و تاجیک اسماعیلی (۱۳۹۶) نشان داد که هرچه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و اعتماد به شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد، میزان شرکت در مراسم مذهبی، مشارکت در مراسم مذهبی و باور به مراسم مذهبی کاهش می‌یابد.

درخصوص اثرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر ارزش‌های اجتماعی، بررسی‌های متنوعی بعمل آمده و نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد که شبکه‌های مجازی تلفن همراه می‌تواند موجب بوجود آمدن ارتباطات نابهنجار اجتماعی شود. این تهدیدها در کنار خطرات ناشی از استفاده ناصحیح از نرم‌افزارهای اجتماعی تلفن همراه که به دلیل ضعف فرهنگی استفاده از تکنولوژی نوین وجود دارد، به جای آنکه ارتباطات را آسان نماید، برعکس باعث سطحی‌تر شدن روابط، ایجاد مزاحمت‌ها و تعرض به حریم خصوصی افراد گردیده و با آسان شدن ارتباطات در جهت روابط جنسی نامشروع، نه تنها بنیان خانواده، بلکه سلامت اخلاقی و روانی جامعه را به خطر می‌اندازد.

علاوه بر این، یکی از تهدیدها و چالش‌های استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه در حوزه ارزش‌های اجتماعی با عنوان "تضعیف ارزش‌های اخلاقی و خانوادگی" به مفاهیم فرعی دیگری همانند؛ "بی‌توجهی به روابط و مسئولیت‌های خانوادگی"، "توجه و رسیدگی کمتر به وضعیت تحصیلی فرزندان"، "شکل‌گیری و تسهیل ارتباطات جنسی نامشروع"، "کاهش وابستگی‌های خانوادگی"، "شکل‌گیری ارتباطات احساسی کاذب و غیرواقعی" تقسیم بندی شده است. در میان تمامی نهادهای اجتماعی، نهاد خانواده بعنوان اولین خاستگاه اجتماعی بشر در صورتی که مورد حمله فرهنگی قرار گیرد، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به جامعه تحمیل خواهد کرد. بی‌توجهی به روابط و مسئولیت‌های خانوادگی و توجه و رسیدگی کمتر به فرزندان، عادی‌سازی خشونت، توهین و مسائل جنسی، شکل‌گیری و

تسهیل ارتباطات جنسی نامشروع، کاهش وابستگی‌های خانوادگی و شکل‌گیری ارتباطات احساسی کاذب و غیر واقعی هر یک به نوبه خود می‌تواند بنیان یک خانواده را سست و حتی ویران کند.

در این پژوهش با توجه به استفاده از ابزار خودگزارشی، ممکن است امکان سوگیری در پاسخدهی وجود داشته باشد. با توجه به نتایج پژوهش گام اول در جهت کاهش آسیب‌های هر رسانه، شناخت رسانه مورد نظیر و کارکردهای آسیب‌زای آن است که این کار با آموزش در مقاطع مختلف و برگزاری کلاس‌هایی در جهت ارتقاء سواد رسانه‌ای کاربران قابل انجام است. افزایش سواد رسانه‌ای زوجین در برخورد با محتوا و مطالب شبکه‌های اجتماعی مجازی سبب افزایش استفاده درست و ارزشی از تکنولوژی‌های نوین می‌شود. همچنین برنامه‌ریزی فرهنگی بر روی نهاد خانواده برای کنترل و جهت‌دهی شیوه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند در ترویج فرهنگ صحیح استفاده از این رسانه‌های نوظهور مؤثر باشد. عرضه محصولات فرهنگی و اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها از طریق نهادهای فرهنگی مانند ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ورزش و جوانان، معاونت اجتماعی- فرهنگی شهرداری و ... می‌تواند سواد رسانه‌ای خانواده‌ها را گسترش دهد و شرایطی فراهم کند که زوجین با خیالی آسوده بتوانند از رسانه‌های جدید ارتباطی استفاده کنند و از گزندهای آن نیز در امان باشند. برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر امور فرهنگی در شهرستان‌ها به منظور آشنا نمودن و اطلاع‌رسانی به والدین در مورد فناوری‌های جدید بویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی و جرایم ناشی از آن و پخش آگهی‌های آموزنده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در رادیو و تلویزیون در جهت افزایش آگاهی خانواده‌ها در خصوص خطرات ناشی از اینترنت از پیشنهاد‌های این پژوهش است.

منابع

ابراهیم‌پور کومله، سمیرا؛ و خزایی، کامیان. (۱۳۹۱). آسیب‌های نوپدید: شبکه‌های اجتماعی مجازی در کمین خانواده ایرانی. نخستین کنگره فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید، تهران.

اوجی، فرزانه؛ زارع، زهرا؛ و کردی، ناهید. (۱۳۹۳). بررسی عوامل فردی و خانوادگی مؤثر بر درخواست حمایت‌های اجتماعی از شبکه‌های مجازی (آنلاین) در بین دانشجویان دانشگاه آزاد تهران. مطالعات رسانه‌ای، ۹(۲۵)، ۱۵۲-۱۳۹.

خدایاری، کلتوم؛ دانشور حسینی، فاطمه؛ و سعیدی، حمیده. (۱۳۹۳). میزان و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد). فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۲۱، ۱ (پیاپی ۷۷)، ۱۹۲-۱۶۷.

سگالن، مارتین. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز، ص ۹.
فرزانه، سیف‌الله؛ و فلاحتی شهاب‌الدینی، راضیه. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دختر متوسطه دوره دوم شهر بابل). دوفصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، ۱، ۱-۲۲.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- قاسمی، حامد؛ و عبدالرحمانی، رضا. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به هنجارشکنی اخلاقی در فضای مجازی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های شهر زنجان). *فصلنامه دانش انتظامی زنجان*، ۲، ۵، ۱۹۹-۱۵۹.
- کاوه قهفرخی، محمدجواد؛ و تاجیک اسماعیلی، سمیه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین استفاده جوانان از شبکه‌های اجتماعی و شرکت در مراسم مذهبی. *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲، ۲، ۳، ۹۰-۶۱.
- کفاشی، مجید. (۱۳۸۹). آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان. *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ۳، ۶.
- میرمحمد صادقی، میلاد. (۱۳۹۱). تحلیل شبکه‌های اجتماعی با **Nodexl** تهران، کیان.

the Al-Sanaa, B. (2009). Intimate strangers and estranged intimates: An investigation of impact of instant messaging and Short Message Service on the size and strength of networks in Kuwait, ProQuest LLC, *Ph.D. Dissertation, The University of social Southern Mississippi*.

future not Riley, K. (2004). Reforming for democratic schooling: Learning for the learning: *The Democratic yearning for the post*. In John Macbeath & LejfMoos. Falmer *challenge to school effectiveness*. New York: Routledge

Short, M.B. (2015). The relationship between religiosity and internet pornography Use. *Journal of Religion and Health*, 54(2), 571-583.

نگرش و راهبردهای تنظیم گری فرهنگی در فضای مجازی جهت تحقق تمدن اسلامی

اکرم رحیمی^۱

۱- استادیار، دکتری، مبانی نظری اسلام، هیئت علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه، akram.rahimi@pnu.ac.ir

پیام نور، تهران، ایران

چکیده

تمدن نوین اسلامی با نگرشی جامع، ایجاد زیست مطلوب و تراز را بر اساس آموزه‌های دین اسلام در دنیای مدرن فراهم می‌نماید، این پژوهش با بهره‌گیری یکی از ابزارهای دنیای مدرن یعنی « فضای مجازی » نگرش و راهبردهای تنظیم گری فرهنگ در فضای مجازی را در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی مورد بررسی و واکاوی قرار داده است، با توجه به مهر و مومیت فضای مجازی، تنظیم گری در دو محور اندیشه صحیح و شناخت لایه‌های وجودی انسان انجام گرفته و به این راهبرد قرآنی دست یافته که رشد تمدن نوین با پردازش صحیح داده‌ها در ابعاد چند حسی اعم از بینایی، شنوایی و حرکتی و توجه به نیاز کاربران و نه میل و خواسته آن‌ها می‌تواند تنظیم گری فرهنگ را در جهت رشد تمدن نوین اسلامی سامان‌دهی کند از این روی به این نتایج دست یافته که برای انتقال فرهنگ در فضای سیال مجازی شناخت ابعاد و لایه‌های وجودی انسان، رشد و نمو تمدن را به همراه دارد، در واقع سوق دادن ذهن مخاطب به اندیشه صحیح برای ایجاد تمایل درونی در جهت نهادینه شدن رفتاری که متکی به اعتقاد و معرفت اسلامی باشد انتقال فرهنگ را برای تحقق تمدن نوین جهت می‌دهد. روش پژوهش به صورت توصیفی و تحلیل محتوا است و رویکرد آن کیفی است با هدف درک عمیق از فضای مجازی و چگونگی بهره‌گیری از آن برای تحقق تمدن نوین اسلامی است.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، نگرش، راهبرد، تمدن نوین اسلامی

مقدمه

در دنیای مدرن امروز، زیست مطلوب آرزوی هر انسانی است و از آنجا که دین اسلام جامع است و می‌تواند جامعه‌ی تراز و مطلوبی را ایجاد کند که خورشید تمدن در آن متلاؤل باشد لذا برخورداری از رویکردها و راه‌های مناسب مسیر رسیدن به تمدن نوین را هموارتر می‌کند، این پژوهش با بهره‌گیری از یکی از ابزارهای دنیای مدرن یعنی « فضای مجازی » نگرش و راهبردهای تنظیم گری فرهنگ در فضای مجازی را در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی مورد بررسی و واکاوی قرار داده است. در عصر حاضر فضای مجازی از اهم مسائل و اولویت‌ها است و نگاه جامع به آن و تعامل آن با همه عرصه‌های زندگی، نیازمند ضرورت و توجه خاص است زیرا که دنیای مجازی موقعیت از پیش تعیین شده نیست از این روی شایسته است در تنظیم گری و راهبردهای فرهنگی جهت تحقق تمدن نوین اسلامی نگرشی ظریف و چند بعدی داشت. پژوهش حاضر در صدد پاسخ گویی به این سوالات است؟

۱- راهبردهای تنظیم‌گری نگرش فرهنگی در فضای مجازی جهت تحقق تمدن اسلامی چگونه است؟

۲- با شناخت لایه‌های وجودی انسان تنظیم‌گری نگرش به فضای مجازی چگونه است؟

در مورد پیشینه پژوهش می‌توان گفت که در مقاله‌ای از علی زرودی با عنوان «تأثیرات و پیامدهای تربیتی فضای مجازی در تحقق تمدن نوین اسلامی» با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد کیفی به ارائه مدلی برای شناسایی و تأثیرات فضای مجازی در تحقق تمدن نوین اسلامی پرداخته است که هشت پیامد مثبت تربیتی، نه تأثیر و پیامد منفی و چهار تأثیر و پیامد دو گانه تربیتی ارائه داده است (زرودی، ۱۳۹۹: ۳۶۹-۳۲۹)، حیدری در مقاله «تنظیم‌گری فضای مجازی در جستجوی معنا» این چنین یادداشت می‌نویسد که هر جا سخن از تنظیم‌گری است قوه و اقتدار برتر و مقبولی وجود دارد اعم از دولتی یا غیر دولتی، تنظیم‌گری فضای مجازی به موضوعی تبدیل شده که حکایت فیل و انسان کور را دارد. (حیدری، ۱۴۰۱: ۸۱-۷۲)، خرم‌دل در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های مربوط به منبع تنظیم‌گر و ناظر بر تولیدات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» با روش توصیفی تحلیلی ضرورت وضع قانون در خصوص رسانه‌ها جهت تولیدات صوت و تصویر در رسانه تأکید دارد (خرم‌دل، ۱۴۰۱: ۵۱-۳۱) در پیشینه‌های فوق فضای مجازی یا از طریق وضع قانون یا رویکردهای تربیتی مورد بررسی قرار گرفته است لیکن پژوهش حاضر نگرش و راهبرد تنظیم‌گری فرهنگ را که بر مدار نگرش و شناخت اندیشه صحیح مبتنی است جهت تحقق تمدن اسلامی مورد توجه قرار داده لذا چنین پژوهشی از نگاه زیر ساختی، با توجه به ابعاد وجودی انسان به فضای مجازی نظر دارد بنابراین نوآوری این پژوهش از جهت بررسی زیر ساختی ابعاد انسان است که با دقت در این بُعد، بهتر می‌توان انتقال فرهنگ از فضای مجازی به دنیای واقعی را مشاهده نمود که این خود می‌تواند نقش بسزایی در ایجاد تمدن اسلامی داشته باشد.

آشنایی با مبانی نظری پژوهش و مفاهیم واژه‌ها ما را در درک این پژوهش یاری می‌رساند؛

فرهنگ، در لغت به این معانی به کار رفته است:

کشیدن؛ تعلیم و تربیت؛ علم و دانش و ادب؛ کتاب لغت؛ مجموعه آداب و رسوم؛ مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم. دهخدا در لغت‌نامه می‌نویسد: «فرهنگ مرکب از «فر» که پیشاوند است و «هنگ» از ریشه تنگ اوستایی به معنای کشیدن و فریختن و فرهنگ مطابق است با ریشه ادوکات (،) و آدوره، در لاتین که به معنای کشیدن و نیز به معنای تعلیم و تربیت است (حاشیه برهان، به تصحیح دکتر معین)؛ به معنای فرهنگ است که علم و دانش و ادب باشد (همان) ... آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، امور مربوط به مدارس و آموزشگاه‌ها، کتاب لغات فارسی را نیز

گویند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۸۸ ؛ دهخدا، لغت‌نامه؛ معین، فرهنگ معین، ماده ی فرهنگ)

درباره «فرهنگ» از نظرات اصطلاحی، تعریف‌های متعددی ارائه شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود

فرهنگ مجموعه برداشت‌ها، موضع‌گیری‌های فکری، هنر، ادبیات، فلسفه، آداب، سنن و رسوم و روابط حاکم اجتماعی

است (باهنر، ۱۳۷۱، ۱۰۴)

بی‌شک، بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. (امام خمینی ره، ۱۳۶۳، ج ۱۵: ۱۶۰) فرهنگ یعنی: مجموعه تعلیم و تربیت و عقل و خرد و دانش و حکمت و هنر و (اما) معرفت یک انسان یا یک جامعه که در رفتار و نحوه زندگی و شکل حیات او تجلی نموده و در عمق جان او نفوذ کرده و همه اعمال و کردار او را متأثر از خود می‌سازد. و در واقع، فرهنگ مجموعه بینش‌ها و گرایش‌ها و ارزش‌های یک ملت است. (اکبری، ۱۳۷۵: ۱۸، رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۸۹-۸۸)

تمدن عبارت است از مجموعه دستاوردهای سخت افزاری و نرم افزاری بشری که با مبانی و اهداف و رویکرد اسلامی تحقق پیدا کند. (خسروپناه، ۱۳۹۸: ۲۶۷)

انگیزه ای که گام‌ها را به سوی چنین پژوهشی کشاند آن است که گسترش فضای مجازی و پیامدهای ناآگاهانه ای که بر اندیشه و اعتقادات و باورها و تربیت دارد ایجاب می‌کند که در فضای مجازی فرهنگ مورد توجه باشد زیرا که تغییر فرهنگ در رشد یا افول تمدن‌ها نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند. ارزش و اهمیت این پژوهش در این است که فضای مجازی مقولات ثابت و منحصر به فرد نیستند لذا فضایی که سیالیت دارد و مبتنی بر فهم خواننده است نیازمند تنظیم گری است زیرا می‌تواند در تحقق یا افول تمدن‌ها اثرگذار باشد. روش گردآوری داده‌ها مبتنی است بر کتابخانه ای که به صورت تحلیل داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، لازم به ذکر است که کیفیت پژوهش مبتنی بر داده‌های قرآنی هست.

پیش فرض‌ها و اصول موضوعه در این پژوهش عبارت است از:

- تحول‌پذیری و سیالیت فضای مجازی

- مبتنی بودن اندیشه صحیح بر نگرش صحیح

- فضای مجازی ابزار موثری است برای رشد تمدن نوین.

۱- تبیین نگرش فضای مجازی

فضای مجازی با تلاطم و سرعت زیاد درخروش و حرکت است؛ آنچه خواه ناخواه بر ذهن‌ها چنبره می‌اندازد فرهنگی است که از این فضا بر اندیشه‌ها حاصل می‌شود لذا در مداربزرگ انتقال فرهنگ نکته قابل تامل آن است که از انتقال فرهنگ اسلامی در فضای مجازی غفلت نشود سرعت و سیالیت چنین فضایی و عدم ثبات، سرعت انتقال فرهنگ را بشدت متأثر کرده است از این روی نگاه زیر ساختی به وجود و لایه‌های شناختی انسان می‌تواند نوع نگرش صحیح به اثرگذاری‌هایی از فضای مجازی که می‌تواند در رشد نگرش و تقویت فرهنگ در تحقق تمدن

نوین اسلامی موثر گردد مطمح نظر قرار بگیرد. برای اثر بخشی و رسیدن به نتیجه دهی از دو مقدمه بهره گرفته می شود:

مقدمه اول: تنظیم گری نگرش صحیح کاربران در فضای مجازی منوط به تبدیل ایده ها به ساختارهای عینی است

مقدمه دوم: با شناخت لایه های وجودی انسان، تنظیم گری نگرش صحیح در فضای مجازی سهل تر است

۱-۱ تنظیم گری نگرش صحیح کاربران در فضای مجازی منوط به تبدیل ایده ها به ساختارهای عینی است

آنچه در فضای مجازی ایجاد می شود و کاربران به کار می برند می تواند انتقال فرهنگ را به همراه داشته باشد. فهمیدن به کار بستن، تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی مولفه هایی است که در اندیشه ی کاربر رخ می دهد، حال فرهنگ را می توان از حلقه هایی دانست که در مدارهای تجزیه تحلیل و به کار بستن محتوا مشاهده نمود که خود در ظهور و بروز تمدن نوین نقش بسزایی ایفا می کند. توجه به این نکته ظریف در آیات کریمه قرآن این چنین آمده است که یکی از وظایف انبیا و کتب آسمانی، تغییر فرهنگ مردم است. «لیس البر ... و لکن البر» (بقره/۱۷۷)، دأب قرآن در انتقال فرهنگ و آموزش ذکر مصداق در کنار مفهوم است که در تمامی بیاناتش وقتی میخواید مقامات معنوی را بیان کند، با شرح احوال و تعریف رجال دارنده آن مقام، بیان میکند و به بیان مفهوم تنها قناعت نمیکند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۶۴۹) بر طبق دأب قرآن انتقال فرهنگ صحیح و تأثیر فرهنگ جهت تحقق تمدن نوین اسلامی تبدیل ایده های نظری به ساختارهای عینی است که نقش فضای مجازی در این خصوص می تواند این گونه باشد که تمدن نوین نه تنها از یک ایده به مرحله عمل رسید که نمونه اش را در انقلاب اسلامی مشاهده می شود بلکه این تمدن در حال گسترش است که می توان نمونه آن را «گفتمان فراملی» (شریعتمداری، ۱۳۹۰: ج ۱، ۱۴۶) مورد توجه قرار داد این ایده از مرزهای ایران فراتر رفته و بر سایر جوامع مسلمان در خاورمیانه، شمال آفریقا، و حتی اروپا تأثیر گذاشته است. جریانهای مقاومت اسلامی و همچنین جنبش های فرهنگی و فکری در کشورهای مسلمان، نمایانگر این فرآیند هستند که یک مفهوم فرهنگی در مقیاس جهانی تجلی پیدا می کند.

۲-۱ با شناخت لایه های وجودی انسان، تنظیم گری نگرش صحیح در فضای مجازی سهل تر است

برای ایجاد نگرش صحیح کاربران که نتیجه آن انتقال فرهنگ را به همراه دارد می توان بر اساس شناخت لایه های وجودی انسان صورت بگیرد، انسان دارای سه لایه وجودی است، «عقل»، «قلب»، «اعضا و جوارح» یکی از لایه های وجودی انسان «موهبت عقل» است که بدان وسیله اندیشه صحیح را می تواند کسب کند. در این میان به لایه وجودی دوم یعنی «موهبت قلب» هم نبایستی بی تفاوت بود زیرا بهره گیری از این موهبت در یادگیری موثر است. ولایه سوم

که اعضا و جوارح است و بازتاب اندیشه صحیح و تربیت صحیح را می توان در اعضا و جوارح دید. انسان با توجه به لایه های وجودی که دارد با علوم کسب شده می تواند ارتباط و همگنی برقرار کند، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند همانا علم منحصرأ سه چیز است: نشانه قرص و استوار [که مربوط به اعتقادات است که بر براهین و ادله قطعی عقلی استوار است]، واجب متعادل [که مربوط به اخلاق است که بر تعادل قوا استوار است به گونه ای که هر قوه ای حقیقت داده شود تا نه محروم بماند و نه زیاده بر حقیقت داده شود] و روش عملی بر پایستاده [که مربوط به اعمال است] (بروجردی، ۱۳۸۰ ق: ج ۲۲، ص: ۵۰۹) و غیر از اینها فضیلت است.»

براین اساس از یک طرف لایه های شناختی که در انسان وجود دارد و از طرف دیگر از دو اصل ارتباط و ناهمگنی (سجادی و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۸-۷۰) که در فضای مجازی برقرار است می بایست برای تنظیم گری فرهنگی فضای مجازی استفاده نمود به این صورت که دوست داشتنیهای مورد علاقه کاربران را توجه داشت به عبارت دیگر با توجه به سلسله مراتب وجودی انسان لازم است لایه وجودی دوم یعنی قلب را ابتدا قرار داد بهره گیری از موهبت «قلب» اثر بیشتری بر نگرش کاربران می تواند داشته باشد، دقیقاً روشی که در قرآن وجود دارد به این صورت که قرآن کریم در انتقال فرهنگ سه لایه را مورد توجه قرار داده؛ لایه عقلی: (یتلون کتاب الله) - لایه قلبی: (ان الصلاة تنهی عن الفحشا) - لایه عملی: (أقاموا الصلاة) که تقدم و تأخر هر کدام از این لایه ها را با توجه به موضوع خاص می توان مورد نظر قرار داشت اما توجه به لایه قلبی از این جهت بیشتر مورد نظر است که استدلال و مقام عقل با مفاهیم و استدلال سرو کار دارد لذا هر کاربری به آن توجه ندارد اما لایه قلبی بیشتر مورد پسند عموم کاربران است و حتی برخی معتقدند که برتر از لایه ی عقلی است (اعوانی، ۱۳۸۶: ۶۹-۶۷). به هر روی اثر گذاری از طریق قلب پذیرش بیشتری دارد. در واقع دو اصل ارتباط و ناهمگنی فضای مجازی را با توجه به لایه شناختی قلب یعنی دوست داشتنیهای کاربران تنظیم گری نمود

۲- راهبردهای قرآنی تحقق تمدن اسلامی با کاربری فضای مجازی

برای بیان راهبردهای قرآنی دو مرحله پردازش می شود.

انسان دارای سه لایه وجودی است که هر یک از این سه علم به یکی از آنها مربوط می شود:

الف- عقل که کارش اندیشیدن و تشخیص و تمیز دادن حق از باطل و خوب از بد است که «آیه محکمه» به آن اشاره دارد.

ب- دل که مرکز محبت و نفرت است و گرایشها و تمایلات، از آن سرچشمه می گیرد که علم اخلاق متکفل اصلاح آن است و «فریضه عادل» به آن اشاره می کند؛ زیرا فریضه به معنای سهمیه تعیین یافته است و هر قوه ای از قوای انسانی مثل قوه شهویه و قوه غضبیه تقاضایی دارد که اگر بجا و متعادل سهمش پرداخت گردد، اخلاق تعدیل یافته و ثمره اش تکامل انسان است، چنانچه خدا فرموده است: «وَأْتِ كُلَّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ» حق هر مستحق را به او بده و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله: «فریضه عادل» به آن اشاره دارد و اگر فریضه به معنای واجب آمده به خاطر این است که اندازه و همه اجزا و ابعادش از نظر زمان و مکان و غیره از طرف شارع تعیین شده است. همانند همه واجبات.

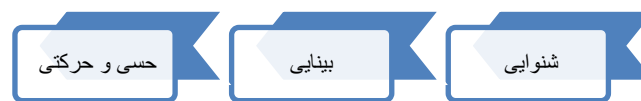
ج- اعضا و جوارح که همچون قوه مجریه اجراکننده فرامین دل هستند که در سخن پیامبر صلی الله علیه و آله از آن به «سنه قائمه» تعبیر شده است و سنت به معنای شیوه عملی است و قائمه به معنای سرپا و ایستاده است که اگر سنتی در عمل، اجرا نشود، آن سنت می خوابد، بلکه می میرد و با عمل است که سنت، زنده و قائم می شود. و از همین روست که خداوند درباره نماز که یک وظیفه عملی است، فرموده: «أَقِمُوا الصَّلَاةَ»؛ نماز را به پا دارید.

۱-۲ پردازش صحیح داده ها در تعاملات چند حسی

۲-۲ پردازش داده ها بر مبنای نیاز

حال که روشن شد آموزش مجازی نیازمند به رشد اندیشه صحیح است که با شناخت لایه های وجودی انسان و تقدم و تأخر آنها می تواند در فرهنگ کاربران چقدر موثر واقع بیفتد، اینک از آیات کریمه قرآن بهره گرفته می شود و در دو محور پردازش صحیح داده ها و حرکت بر مبنای نیازمندی شرح داده می شود.

۱-۲ پردازش صحیح داده ها در تعاملات چند حسی



سه روشی که دنیای بیرون را از نظر ذهنی می فهمیم، عبارتند: بینایی، شنوایی حرکتی. تصویر، صدا و احساس. حال این سبک فکر با فرهنگی که شخص در آن زندگی می کند ارتباط دارد (اندرو بردبری، ۱۳۸۴: ۳۵) در فضای مجازی لازم است که برای یک ارتباط مؤثر و فعال از زبان شنوایی مؤثری بهره گرفته شود، برای نمونه تحقیقات عصب شناختی نشان می دهند دروندادهای حسی که ما دریافت می کنیم قبل از آنکه به بخشهایی از مغز ما که مربوط به تحلیل منطقی داده هاست برسند از مراکز هیجان محور مغز می گذرند. یعنی آنکه هیجانها و عواطف مقدم بر تفکرند. اگر داده های حسی مورد تحلیل و بررسی عقلانی قرار نگیرند چه بسا انسان تحت تأثیر این احساسات به تصمیمات نسنجیده و ناشایستی دست بزنند که موجبات فرصت سوزی و پشیمانی عمیقی و طولانی در پی داشته باشد. لذا اگر بخواهیم رتبه بندی داشته باشیم ابتدا شنوایی بعد بینایی در آموزش مجازی مهم است. در شنوایی آوای صدا زیر یا بم بلند و پایین، صاف یا خشن است سرعت صدا تند یا یواش، پیوسته یا منقطع، یکنواخت یا متغیر است. مردمی که از طریق شنوندگی عمل می کنند، صحبت کردنشان بسیار حساب شده و با صدایی جالب است. افرادی که از طریق چشم و دیدن عمل می کنند معمولاً تند و بلند صحبت می کنند (اندرو بردبری، ۱۳۸۴: ۴۴) بنابراین از نحوه بیان و زبان گوش و زبان چشم در فضای مجازی که در انتقال فرهنگ تمدن سازی کاربردی است نباید غافل شد. توجه به زبان شنوایی و بینایی که هم در محتوای ارائه شده و هم در نحوه بیان کاربران موثر واقع می نماید. در قرآن نیز ضمن رعایت تقدم سمع و سپس ابصار، از اهمیت شنوایی و سپس بینایی خبر می دهد وَ لَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَ جَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَ أَبْصَارًا وَ أَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَ لَا أَبْصَارُهُمْ وَ لَا أَفْئِدَتُهُمْ... (أحقاف: ۲۶) همچنین در شوره کهف نیز این چنین آمده است: وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (ملک: ۱۰)

نکاتی که از آیات فوق قابل بررسی است به شرح ذیل است:

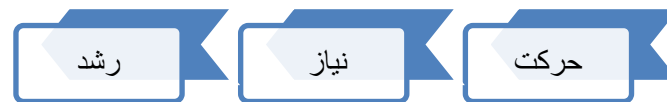
-تقدم شنوایی بر بینایی؛ روشن است که حس شنوایی وظیفه خود را بدون اندک تأملی انجام می دهد

-واژه سمع نسبت به ابصار به صورت مفرد به کار برده شده است و این خود به خاطر هماهنگ بودن مسموعات در برابر دیدنیها و مدرکات است .

- قرار گرفتن شنوایی در کنار تعقل از اهمیت تأثیر شنوایی بر ادراک دارد

- در فیزیک جدید نیز امواج صوتی قابل استماع، تعداد نسبتاً محدودی است و از چندین ده هزار تجاوز نمی کند در حالی که امواج نور و رنگهایی که قابل رویت هستند از میلیونها می گذرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۱: ۹۰) با توجه به اهمیت شنیدن آنگاه دیدن و سپس حس کردن لازم است پردازش محتوا صورت بگیرد برای مثال الگوی پیشرفت ایرانی، اسلامی نمونه ای است که می توان به آن پرداخت. زیرا با بهره گرفتن از تعاملات چند حسی در فضای مجازی می توان از ارتباط بیانی و شنیداری و تجربه های فیزیکی به صورت هماهنگ استفاده نمود که خود افزایش همبستگی اجتماعی و درک عمیق تراز تعاملات در بین افراد جامعه ایجاد می کند .

۲-۲ پردازش داده ها بر مبنای نیاز کاربران و نه میل.



جهت تحقق تمدن نوین با ابزار فضای مجازی لازم است که حرکت بر اساس نیاز باشد نه میل، زیرا که نیاز عقل و قلب را سوق می دهد در جهت رشد و کمال فردی و اجتماعی. حرکت هدایتی قرآن نیز بر این مبنا است که تمامی دستاوردهای شریعت نیاز محور است و بر اساس آن زمینه رشد را محقق می کند. به این معنی که فرهنگ گام به گام و به صورت حرکت بر اساس نیاز مورد توجه باشد برای روشن شدن این طرح بهتر است تفاوت میل با نیاز روشن گردد. در بیان تفاوت میل و نیاز این چنین آمده است که نیاز همیشه واقعی و درست است مثل نیاز به غذا اما میل گاهی کاذب و گاهی درست است، همچنین غالباً منشأ نیاز درونی است در حالیکه میل در اکثر مواقع عامل بیرونی دارد، نیاز همیشه ضروری است که اگر در جهت رفع نیاز تلاش نکنیم زندگی با اختلال روبه رو می شود اما میل یک گرایش ضروری نیست. (<http://hajipour.blog.ir>) بنابراین با روشن تفاوت میل و نیاز آنچه برای کاربران لازم است در تحقق تمدن نوین با ابزار فضای مجازی حرکت بر اساس ضرورت نیاز کاربران است نه بر اساس میل مخاطبین. برای نمونه در قرآن این چنین آمده که خداوند هدایت را برای انسان قرار داده و کسی که تبعیت از هدایت کند نه غم گذشته را دارد م نه

ترس از آینده. قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَاِذَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره ۳۸): در واقع بر اساس نیازهای واقعی انسان خداوند احکام، مسائل اخلاقی، حلال و حرام و هر آنچه از مایه های تربیتی و قوانین جهت رشد و ادب و کمال انسان بوده است با کمک قلب و عقل سوق داده و اعضا و جوارح را برای اجرای فرامین الهی به کار گرفته است در واقع هدایت بر اساس نیاز واقعی انسان برای رسیدن به کمال است. در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی حرکت بر اساس نیاز باید باشد برای نمونه تمدن نوین باید بر اساس بنیادهای اخلاقی و علمی باشد که نیازهای اساس و بلند مدت انسانها است که همبستگی اجتماعی و عدالت را منجر می شود.

نتیجه پژوهش

لازمه ی داشتن نگرش صحیح، اندیشه صحیح است که اندیشه صحیح نیز نیازمند آگاهی از لایه های شناختی وجود انسان است. با دقت نظر در لایه های شناختی انسان می توان محتوای های مجازی را در راستای رشد و تحقق تمدن هدایت نمود و ایده های را به ساختارهای عینی تبدیل نمود به این صورت که ارتباط و ناهمگنی که در فضای مجازی وجود دارد را می توان با توجه به لایه شناختی که در قلب انسان است، دوست داشتنیهای کاربر را مورد نظر قرار داد و از این طریق راه انتقال فرهنگ را برای اندیشه متمدن که در نهایت به جامعه ی متمدن تبدیل می شود مورد توجه کرد البته دوست داشتنیهای مخاطب نه هر آنچه که بر اساس میل آنان باشد که این امر مطرود است بلکه بر اساس نیازهای واقعی آنان باید باشد پس با پیامدهای ناآگاهانه ای که فضای مجازی بر اندیشه و اعتقادات دارد با تنظیم گری نگرش و تصحیح اندیشه، فرهنگ تحقق تمدن نوین را به کاربران منتقل کرد طرح حرکت بر اساس نیاز و همچنین پردازش داده ها بر اساس سه روش بینایی، شنوایی حرکتی و همچنین توجه خاص نمودن به تقدم و تأخر این سه روش که شنوایی را باید مقدم بر دو روش دیگر دانست، فرهنگ سازی تمدن نوین را گسترش داد و به فرهنگ غالب بدل نمود.

فهرست منابع

قرآن کریم

- اکبری حسن علی، (۱۳۷۵) تهاجم فرهنگی از دیدگاه آیات و روایات و فقه، سازمان تحقیقات و خودکفایی بسیج اعوانی غلامرضا، (۱۳۸۶) مولانا و دین، تهران، موسسه پژوهشی فلسفه و حکمت ایران
بروجردی آقاحسین، (۱۳۸۰ق) منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، تهران، انتشارات فرهنگ سبز
بردبری، اندرو (۱۳۸۴) پیشرفت در ان ال پی، ترجمه سعید مینویی، تهران، انتشارات جیحون
باهنر محمد جواد، (۱۳۷۱) فرهنگ انقلابی اسلامی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی
حیدری مهرداد، (۱۴۰۱)، «تنظیم گری فضای مجازی در جستجوی معنا»، نشریه علوم انسانی اسلامی صدر، شماره ۴۰، صص ۷۲-۸۱

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۸) بیست گفتار درباره فلسفه و فقه علوم اجتماعی، قم، انتشارات بوستان کتاب



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- خیمینی روح الله، (۱۳۶۳) صحیفه نور، تهران، مرکز چاپ و نشر آثار امام خمینی رحمه الله
- خرمدل مهدی، علایی دکتر حسین، ضرابی حمید، استواری سنگری کوروش، (۱۴۰۱) «چالش های مربوط به منبع تنظیم گر و ناظر بر تولیدات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی»، نشریه حقوق اداری، شماره ۳۰، صص ۳۱-۵۱
- رضایی اصفهانی محمدعلی، (۱۳۸۵) باران مهر، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن
- رضایی اصفهانی محمدعلی، (۱۳۸۵) ترنم مهر، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن
- زرودی علی، برزویی محمدرضا، (۱۳۹۹) «تأثیرات و پیامدهای تربیتی فضای مجازی در تحقق تمدن نوین اسلامی»، نشریه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، شماره ۱، دوره ۳، صص ۳۲۹-۳۶۹
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴) تفسیرالمیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم
- سجادی سید مهدی، ایمانزاده علی، (۱۳۸۸) بررسی و تبیین فضای ریزوماتیک ودلالاتهای آن در برنامه درسی، مجله مطالعات برنامه درسی، صفحات ۷۰-۴۸
- شریعتمداری حمید رضا، (۱۳۹۰) گفتمان ادیان، فصلنامه هفت آسمان، قم: ناشر دانشگاه ادیان و مذاهب
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶) تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامی

حقوق کودکان در فقه و حقوق اسلامی

نادره حکمتی شیروانه ده ۱، ابوالقاسم ولی زاده ۲

چکیده

حقوق کودک مجموعه‌ای از حقوق بشر ویژه کودکان است که به پشتیبانی و نگهداری از افراد کودک تمرکز دارد. حقوق بشر شامل هویت فردی، حق حیات، برقراری ارتباط با والدین و نیازهای اساسی برای حفاظت فیزیکی، غذا و آموزش و عواملی از این قبیل می‌باشد. هدف از این پژوهش بررسی حقوق کودکان از منظر فقهی و حقوقی و اهمیت آن در جامعه است. مطالب این پژوهش با روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و گردآوری مطالب از منابع مکتوب کتابخانه‌ای و اینترنتی فراهم شده است. نتایج پژوهش حاکی است که دین اسلام در مورد حقوق کودکان و شیوه‌های تربیتی آنان رهنمودهای مهمی ارائه نموده است که می‌تواند منشور حقوق جهانیان باشد و لازم است این معارف جهت رعایت منافع کودک در قانون‌گذاری در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: حقوق کودک، حضانت، سن بلوغ شرعی، هویت کودک

مقدمه

با توجه به این که آینده سازان جامعه کودکان هستند باید از همان بدر تولد برای آنان حقوقی قائل باشیم و تربیت آنان را از پر اهمیت ترین مسائل جامعه بدانیم و قرآن کریم جامع ترین کتاب قوانین جهان است و به این موضوع پاسخ صریح داده است و کودک را به کرامتش برتر می‌شمارد اولین رهنمود دین مقدس اسلام به دوران جنینی کودک بر می‌گردد سرنوشت هر انسانی به شرایط محیطی و تربیتی والدین بستگی دارد و این نشانگر آن است که محیط خانواده بهترین محل برای پرورش کودک است که باید از نظر مادی و معنوی نیازهای کودک برای رشدباید در اختیارش قرار گیرد.

در این تحقیق به سوالات زیر پاسخ داده شده است؟

۱- کودک کیست و چه سنی برای کودک در قانون و فقه در نظر گرفته شده است؟

۲- در آموزه های دینی و حقوق اسلامی چه ساز و کار حمایتی برای تربیت و تنبیه کودک در نظر گرفته می شود؟

۳- حضانت کودک چیست و تا چه سنی باید والدین حضانت او را برعهده بگیرند؟

در ابتدای این مقاله به حقوق کودک که شامل تعریف کودک سن بلوغ و سن کار کردن کودکان و شرایط آن و این که اسلام از زمان تشکیل نطفه برای آن حق قائل شده پرداخته است. در ادامه ساز کارهای حمایتی در فقه در مورد تربیت و شرایط تنبیه کودکان و آموزه های دینی برای تربیت کودکان بیان شده است سپس به هویت کودک که بیان نسب مشروع

بودن کودک وثبت ولادت او در ثبت احوال مطرح کرده و در آخر به حضانت کودکان و شرایط آن و رویه قضایی که در این مورد بیان شده پرداخته است و در انتها با استناد به قوانین پیشنهاداتی در جهت حفظ منافع کودک ارائه شده است.
حقوق کودک :

در حقوق ایران با توجه به ماهیت اسلامی بودن قوانین و تاثیر مستقیم فکر امامیه قانون گذار در تبیین مفهوم کودک و سن بلوغ به نظر فقهای امامیه گرایش داشته و در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ را سن کودک دانسته است که در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در باب مسئولیت کیفری در ماده ۱۴۷ در تبصره او ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ را مورد تاکید قرار داده است. حداکثر سن کار کودکان در مقاله نامه ۱۸۲ مصوب ۱ ژوئن ۱۹۹۹ سازمان قانون جهانی کار، شرایط کار کودکان و سن کودکان برای کار کردن، اشاره کرده افراد کمتر از ۱۸ سال را کودک می داند کاری که آنها می کنند نباید سخت باشد و به جسم آنها لطمه وارد کند و مانع تحصیلات آنان شود ماده ۳ کنوانسیون نیز در صورت سخت بودن ماهیت کار و آسیب به سلامت و بهداشت ایمنی و اخلاقی کودکان ۱۸ سال را ملاک قرار داده است. اولین تاکید دین اسلام در مورد وظایف والدین بر ارزش های معنوی آن است به گونه ای که برای آن ارزش عبادت خداوند و پاداش اخروی قرار داده است. دین اسلام برای کودک از همان ابتدای تکوین و نطفه، حقوق قائل شده است توجه اسلام به همه ابعاد رشد کودک و توصیه های ویژه به والدین در زمینه تغذیه، رشد جسمانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی است اسلام تاکید دارد برای مثال در روایات مطرح شده، تغذیه نوزاد از ابتدای تولد با شیر مادر است (سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روان شناختی، ص ۸۱).

تا قرن بیستم هیچ قانون مدنی وجود نداشت اولین قانون حمایت از کودکان در سال ۱۹۳۴ توسط جامعه ملل که توسط یک سازمان غیر دولتی بین المللی تهیه شد پس از آن در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ مورد تصویب قرار گرفت و به دلیل وضعیت خاص کودکان مسائل کودکان به طور بارز و مشخص از ابتدای تاسیس سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفت و در سال ۱۹۵۹ طی قطع نامه ای به اتفاق آرا پیش نویس تهیه شد توسط کمیسیون حقوق بشر تحت عنوان اعلامیه جهانی مورد تصویب قرار گرفت و ایران در سال ۱۳۷۲ به این کنوانسیون پیوست. شورای نگهبان در نظریه ۵۷۶ مورخ ۷۲/۱۱/۰۴ موارد مخالفت کنوانسیون با موازین شرع را اعلام کرد اما در نهایت همان تحفظ کلی را پذیرفت و مصوبه مجلس را تایید کرد. اول باید سن بلوغ را مشخص کرد و بعد به حقوق او اشاره کرد. در دیدگاه امامیه اغلب فقها بلوغ شرعی را ملاک قرار داده است (شهید اول، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۸۵ موسوی بجنودی، ۱۳۸۶، ص ۷-۱۷) و تبصره ۱ ماده ۱۲ ۱۰ قانون مدنی سن بلوغ در پسران ۱۵ سال تمام قمری و در دختران ۹

سال تمام قمری است و نباید کودک را با رسیدن به سن بلوغ جنسی از تمام حمایت‌های خاص کودکان خارج کرد و حمایت او تا زمان رشید شدن ادامه دارد. (صفایی، ۱۳۸۲، صص ۲۳۹-۲۴۰) در قوانین اسلام نطفه حتی پیش از دمیده شدن روح حرمت دارد و احکام جزایی و مدنی خاصی برای جنین در نظر گرفته شده است که در کتب فقهی آمده است و برخی از آنها عیناً در قوانین موضوع ایران انعکاس یافته است در قانون مدنی حمل از زمان انعقاد نطفه عیناً مثل کودکی متولد شده از حقوق مدنی متمتع است مشروط به اینکه زنده متولد شود ولو بعد از تولد هم فوراً فوت نماید (ماده ۹۶۷ و ۹۵۶ قانون مدنی)

در آیه ۲۳۳ سوره بقره اشاره به "شیر دادن نوزادان کرده" به گونه‌ای که این کار هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ عاطفی که بین مادر و نوزاد برقرار است مفید است علامه حلی نیز فرمودند: «وای به والدینی که فرزند خویش را به عصیان و آزار خودشان وادار دارند. و باعث قطع رابطه محبت شوند و در جای دیگری فرمودند فرزندان خود را احترام کنید و به آنان مودبانه برخورد کنید. اذیت کودکان از جرایم عمومی بوده و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد (بند الف ماده ۹ قانون این دادرسی کیفری). و هر کس می‌تواند بلافاصله پس از اطلاع و مشاهده کودک آزاری به عنوان مطلع از وقوع جرم مراتب را به دادستان عمومی محل وقوع جرم اطلاع دهد رسیدگی خارج از نوبت یکی دیگر از ویژگی‌های این جرائم است چرا که طولانی شدن تاخیر در رسیدگی و طولانی شدن فرایند کیفری می‌تواند آثار و تبعات مخربی بر اطفال داشته باشد. در خصوص موارد بالا به حضانت پدر و مادر که در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی که برای تکمیل و گسترده کردن این مباحث آمده اشاره شده است و بیان شده که تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف باشد نیز شامل آزار جسمی یا روحی طفل مطرح می‌شود.

لازم است که در اینجا مفهوم حدود متعارف تنبیه و تادیب به نحو مقتضی و تبیین و تشریح شود. تنبیه به لحاظ تربیت، قوانین موجود در ایران در زمینه تنبیه بدنی اطفال به دو صورت است بعضی از قوانین، تنبیه بدنی طفل را به لحاظ تربیتی با وجود شرایط جایز می‌دانند از ماده ۸۸ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان پرداخته و برخی ضرب و جرح و تکرار آن را خارج از حد متعارف منع می‌نمایند ماده ۱۱۷۳ و ۸۷۹ قانون مدنی ظاهراً با جمع این دو دسته قوانین معلوم می‌گردد که در موارد ضروری جواز تنبیه بدنی مشروط به عدم تکرار و عدم خروج از حد متعارف است. مسئله حائز اهمیت این است که غیر از والدین، سرپرستان صغار و عندالقتضا قانون اصلاح و تربیت هیچکس نمی‌تواند به تنبیه بدنی طفل مبادرت ورزد که این شامل معلمان مدیران و مسئولان آموزشگاه‌های فرهنگی نمی‌شود منظور قانونگذار از تنبیه بدنی اطفال به منظور تربیت می‌باشد همانا تربیت و میزان مصلحت هیچگونه تعریفی نشده راه سوء استفاده باز گذاشته شده است.

سازگارهای حمایتی در فقه
در اسلام برای حمایت از کودکان در برابر تنبیه آمده که با قطع نظر از روایات تنبیه کودک جایز نیست چون خدای متعال انسان را آزاد آفریده و کسی بر دیگری تسلط ندارد مگر اینکه او اجازه دهد که بنا به مصلحت‌هایی می‌باشد (ابن فحده حلی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۶) به علاوه تنبیه و زدن دیگری ایذا و اذیت و ظلم به او است و برخی آیات و روایات آن را کفر و حرب با خدا می‌داند امام صادق فرمودند هر ظلمی الحاد است یعنی به منزله کفر است، (کلینی، ۱۴۰۷، ه. ق. ج ۴، ص ۲۲۷)

رسول خدا فرمودند: "نوزادان خود را به خاطر گریه‌هایشان نزنید زیرا گریه ایشان در چهار ماه اول گواه به وحدانیت خدا است در چهار ماه دوم درود بر پیامبر خدا و خاندانش است و در چهار ماه سوم دعا برای والدینش است" (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ه. ق. ص ۳۳۱)

۱- ضرورت حفظ حرمت کودک
کودک دارای احترام ویژه‌ای است که امام صادق فرمودند خدا رحمت کند کسی را فرزندش را در نیکوکاری یاری نماید. (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۶، ص ۸۵۶)

امام موسی کاظم در مورد تربیت فرمودند: "فرزندت را زن بلکه از او دوری نما و قهر کن ولی این را نیز طول مده." (ابن فهد حلی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۶)

۲- لزوم آموزه‌های دینی برای تربیت کودک
جزای بدی مانند آن بدیست پس هر کس درگذرد و نیکوکاری کند پاداش او با خداست به راستی که خدا ستمکاران را دوست نمی‌دارد هر که پس از ستم دیدن ببخشد بر او پاداش نیکوییست. هدف مجازات در اسلام حفظ نظم و خیر فرد و اجتماع می‌باشد و یکی از شرایط اعمال مجازات همان دارا بودن مسئولیت و آن هم مسئولیت اخلاقی است تا زمانی که کسی مسئولیت نداشته باشد قابل مجازات نیست عدم مسئولیت صغیر در اسلام فقط در مواردی که حق الله در بین باشد است و گرنه در حق الناس اساساً طفل از لحاظ حقوقی مسئول است و مسئولیت کیفری بر او متصور شناخته نمی‌شود و در ارتکاب هر ظلمی عقل، بلوغ، اختیار و آگاهی به جهت عمل ارتكابی مفروض می‌باشد و اگر یکی از این ارکان چهارگانه از جمله بلوغ نباشد حکم حد و قصاص جاری نیست و در موارد استثنایی مجازات خفیف تعزیری آن هم تحت شرایطی در مورد کودکان اعمال می‌شود (ابروشن، ۱۳۸۴، ص ۹۲) خانواده علاوه بر ابعاد مهم و متعددی که دارد نهاد حقوقی است که مجموعه‌ای از قوانین بر آن حاکم است ویرای برقراری نظم عمومی باید اجرا شوند.

تضمین هویت کودک

الزام به ثبت ولادت ماده ۷ کنوانسیون تولد کودک بلافاصله پس از به دنیا آمدن باید ثبت شود برای حفظ ارتباط خانوادگی بند ۱ ماده کنوانسیون حقوق کودک، کودکان علی رغم خواسته‌شان از والدین خود جدا نشوند مگر در مواردی که مقامات ذی صلاح متعاقب قوانین و مقررات و پس از بررسی قضایی مصمم شوند که این جدایی به نفع کودک است در حقوق ایران از هویت فردی تعریفی به عمل نیامده و عناصر آن به تفکیک احصا نگردیده است و به طور ضمنی از عناصر تشکیل دهنده هویت کودک حمایت شده است. برخی حقوقدانان ممیزات شخصی طبیعی را شامل نام، اقامتگاه و اسناد ثبت احوال دانسته‌اند. (اسدی، لیلیا، ۱۳۸۷، حق کودک بر هویت، ص ۳۲).

۱-نسب

نسب به معنی قرابت علاقه و رابطه‌ای است که به واسطه انعقاد نطفه و وجود رابطه خونی بین طفل و والدین ایجاد می‌شود. (اسدی، ۱۳۷۸، حق کودک بر هویت، ص ۳۳).

در حقوق ایران به وجود نکاح صحیح اعم از دائم و غیر دائم بین والدین و زمان انعقاد نطفه توجه فراوانی شده است که این نشانگر مشروع یا غیر مشروع بودن کودکان است.

۲-ثبت احوال

مطابق ماده ۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ یکی از وظایف سازمان ثبت احوال ثبت ولادت و صدور شناسنامه است این حمایت کلیه اطفال متولد در ایران را صرف نظر از تابعیت پدر شامل می‌شود در شناسنامه باید نام، نام خانوادگی صاحب سند و جنس و نام پدر و مادر و تولد تاریخ تولد فرد است قانونگذاران ایران به منظور حفظ هویت ضمانت‌های اجرایی را آن قرار داده است جرم انگاری، رفتارهایی که می‌تواند هویت طفل را به مخاطره اندازد بعضاً در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین خاص در مورد کودکان به چشم می‌خورد.

۱-حمایت از هویت کودک در قانون مجازات اسلامی
فصل هفدهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در مواردی به طور غیر مستقیم از هویت کودک بیان کرده در ماده ۶۲۱ و مواد ۶۳۱-۶۳۴ قانون مجازات اسلامی،
دزدیدن طفل تازه متولد شده و مخفی کردن یا قلم داد نمودن طفل به زدن دیگری عدم استرداد طفلی که به امانت گذاشته شده، رها کردن طفل ربودن طفل خرید و فروش طفل و مواردی این چنینی جرم انگاری شده است.
در قانون حمایت از کودکان در مصوب ۱۳۹۹ ضمانت‌های اجرایی را برای کودک آزاری قرار داده که حمایت از کودکان است.

حق کودک بودن با اقارب در ایران
ارتباط کودک با والدین در حقوق ایران در نهاد حضانت مورد توجه گرفته شده است و نهاد حقوقی دیگری ملاقات را هم تا حدی تضمین کننده ارتباط کودک با والدین است.

۱- تعریف حضانت

حضانت عبارت از اقتداری که قانون به منظور نگهداری و تربیت طفل به پدر و مادر اعطا کرده (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۳۹) ماهیت حضانت حق و تکلیف است فقها بحث مستقلی در باب تربیت کودکان ندارد از نظر امامیه نیز حضانت را ولایت و سلطنت بر تربیت طفل و هرچه لازم آن است می‌داند (نجفی، ۱۴۱۲، ه.ق، ص ۱۸۳) در آیه ۶ سوره تحریم آمده است: "ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید خود با خانواده خویش از آتش دوزخ دور نگه دارید" که بر مسئولیت تربیتی خانواده تاکید صریح دارد. نگهداری طفل تکلیفی به عهده والدین است نتیجه می‌گیریم که حضانت قابل اسقاط نیست چرا که در تکلیف اسقاط و اعراض وجود ندارد. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی صراحت به حق و تکلیف بودن حضانت بر پدر و مادر است اما ماده ۱۱۶۹ اولویت مادر تا ۷ سالگی را مطرح می‌کند و در ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی بیان شده اگر مادر ازدواج کند موجب اسقاط حق حضانت می‌شود. ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی بیان کرده در صورت امتناع مادر از حضانت پدر ملزم به نگهداری نمی‌شود بلکه صرفاً حکم پرداخت نفقه از ناحیه پدر برای مخارج حضانت طفل توسط فرد ثالث صادر می‌شود. رویه قضایی حضانت را حق و تکلیف ابویین می‌دانند و امکان اعراض از آن را نمی‌دهند نظریه شماره ۱۳۶۱/۴-۱/۱۳۷۴/۷ حقوقی قوه قضاییه حضانت اطفال برای ابویین هم حق و هم تکلیف است و قابل اثبات یا مصالحه نمی‌باشد و باید اجرا شود زیرا حقوقی را که مقنن و شارع پیش بینی کرده جنبه امری دارد افراد مکلف به اجرای آن هستند. طبق رویه قضایی ۳۹۴۵/۷-۱۳۷۷/۰۷/۰۶ پدر و مادر با توافق می‌توانند حضانت را به عهده یکدیگر بگذارند ولی بر عهده اشخاص ثالث نمی‌توانند محول نمایند. مستمبظ از ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی حق حضانت برای پدر و مادر به صورت تکلیف است بنابراین حضانت از جمله حقوقی نیست که پدر و مادر بتوانند آن را از خود ساقط نمایند لذا انتقال این حق از پدر و مادر یا بالعکس وجود دارد اما به شخص دیگر نمی‌توان واگذار کرد.

۲ سن- حضانت

مشهور فقها مادر را تا ۷ سالگی (نجفی، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۱۱ ص ۱۸۴) برخی ۹ سالگی را نیز ذکر کردند (حلی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۷۰۹).

در اصلاحیه وارد بر ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی در تاریخ ۸/۹/۱۳۸۲ حضانت مادر برای پسر نیز تا هفت سالگی قرار داده است.

قانون مدنی به پایان مدت حضانت تصریح نکرده اما در تمامی موارد طفل به کودک غیر بالغ اطلاق می شود احکام حضانت را بر غیر بالغ بار نموده اند.

حقوق دانان معتقدند ولایت و حضانت با رشد طفل پایان می یابد و رویه قضایی ۷۶۲۶/۷-۲/۸/۱۳۸۰ در نظریه مشورتی بر همین منوال است.

با رسیدن به سن بلوغ موضوع حضانت اطفال منتفی است و افراد بالغ با هر یک از والدین که بخواهند می توانند اتخاذ تصمیمی کنند و با او بماند. (اسدی، ۱۳۸۸، حق کودک بر بودن با والدین و خویشاوندان، ص ۱۳)

در مورد ملاقات نیز فرزند بالغ اگر تمایلی به ملاقات با هر کدام از پدر یا مادر نداشته باشد الزام وی به انجام ملاقات موجه نیست.

در باب هایی غیر از باب حضانت نیز از وجوب تکلیف والدین به تربیت کودک یافت می شود شیخ در خلاف می نویسد بر والدین واجب است کودک را تا سن ۷ یا ۸ سالگی تادیب کنند و پدر باید نماز روزه را به او بیاموزد و از ۱۰ سالگی کودک را به نماز روزه وادارد و این بر ولی واجب است. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۰۷).

قانون مدنی ایران باب دوم از کتاب هشتم را به مبحث نگهداری و تربیت اطفال اختصاص داده است و در مواد ۱۱۰۴ و ۱۱۷۸ مستقیم به بحث تربیت اطفال و وظیفه والدین پرداخته است ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند. ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی آمده "والدین مکلف هستند در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند" این دو ماده تنها مواد قانونی هستند که عنوان تربیت در آنها لحاظ شده است (صفایی، امامی، ۱۳۸۳، مختصر حقوق خانواده، تهران)

در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۲۳/۲/۱۳۹۹ در مورد جرایم علیه کودکان و ضمانت های اجرای آن و اقدامات تأمینی و تربیتی و مددکاران اجتماعی سازمان بهزیستی با واحد حمایت دادگستری قوانینی بیان شده است.

قانون اساسی در اصل ۱۳ و ۱۲ در مورد رعایت احوال شخصیه غیر شیعه بیان شده که در کودکان نیز باید رعایت شود و در اصل ۳۰ نیز دولت موظف شده است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه تاپایان دوره متوسطه فراهم سازد.

حق والدین از منظر اسناد بین الملل هرچند که در اسناد بین الملل به مسئله حق والدین به تربیت کودک به صورت مجزا پرداخته نشده است اما در اسنادی به تربیت کودک توجه شده است والدین مسئول اصلی در تربیت کودک معرفی شده اند



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



بر اساس بند یک ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر والدین یا قیم قانونی مسئول اصلی برای رشد و پیشرفت کودک را به عهده دارند و اساسی‌ترین مسئله آنها منافع عالی کودک است در اقدامات مربوط به کودکان که توسط موسسات رفاه اجتماعی عمومی یا خصوصی دادگاه‌ها مقامات اجرایی یا ارگان‌های قانونی انجام می‌شود رعایت منافع کودک از اهم ملاحظات است (طیبی جبلی، علیان، راعی دهقی، ۱۳۹۲، سازوکارهای حمایت از حقوق کودک در برابر مجازات و تنبیه از نظر فقه و حقوق، ص ۶).

کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ مسئولیت اصلی والدین در تربیت کودکان را به بیان کرده در بند ۳ ماده ۲۶ این کنوانسیون آمده است حق تقدم در انتخاب نوع آموزش فرزندان با والدین است.

نتیجه‌گیری

- ۱- خانواده مهم‌ترین نقش را در زمینه‌سازی رشد و تحول فرزندان را بر عهده دارند.
- ۲- تنبیه بدنی آثار سوء در تربیت کودکان دارد و اسلام نیز از تنبیه بدنی نهی کرده است.
- ۳- در تربیت کودک نه تنها این دنیا بلکه باید به گونه‌ای باشد که آخرت کودک را در نظر گرفت باشیم.
- ۴- کودکان باید مورد احترام بزرگترها قرار گیرند و تنبیه بدنی باید در حد تربیت صورت بگیرد.
- ۵- بر اساس ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی والدین نباید در امر تربیت کودکان خود اهمال کنند اما برای آن ضمانت اجرای تعیین نکرده و این نقص باید مرتفع شود.
- ۶- آزار جنسی در عصر ما به دلیل آنکه آموزش به کودکان داده نمی‌شود زیاد شده است باید به آنها آموزش داده شود که در برابر دیگران از خود دفاع کنند و اگر آزاری به آنها رسید به والدین خود بگویند تا این آزار پنهان نماند.
- ۷- اذیت کودک نه تنها آثار منفی جسمی و عاطفی برای کودک دارد آثار بدی نیز در اجتماع دارد.
- ۸- آزار و اذیت روانی می‌تواند واجد اثرات منفی روانپزشکی یا روانشناسی بیش از آزار و اذیت جسمی باشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

کتاب

- ۱- آبروشن، هوشنگ، ۱۳۸۴، کودک آزاری و کنوانسیون حقوق کودک، تهران، آریان
- ۲- امامی، سید اسدالله، صفایی، سید حسین، ۱۳۸۵، مختصر حقوق خانواده، ج ۱۱، تهران، میزان
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، ۱۳۸۹، التوحید، قم، بی‌جا
- ۴- ابن فهد حلی، احمد بن محمد، غفاریساروی، حسین، ۱۳۷۵، آیین بندگی و نیایش ترجمه عده الداعی، قم، بنیاد معارف



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



اسلامی

- ۵- جعفر بلنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۶۸، ترمینولوژی حقوق، چ ۱۲، تهران، گنج دانش
۶- جعفری، محسن، عبدالهیان، محمد، ۱۴۰۰، حقوق اساسی، تهران، کتاب آوا
۷- حلی -جعفر بن حسن (محقق حلی)، ۱۳۶۴، شرایع الاسلام، ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی، چ ۴، تهران، دانشگاه تهران

۸- سالاری فر، محمدرضا، ۱۴۰۰، خانواده در نگرش اسلام و روانشناختی، چ بیستم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

۹- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۵، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد و ژوبین

۱۰- شهید اول، جمال الدین محمد، ۱۳۸۲، المعه الدمشقیه فی فقه الامامیه، چ ۲۱، قم، دارالفکر

۱۱- صادقی، جواد، ۱۳۹۴، قانون آیین دادرسی کیفری، تبریز، آیدین

۱۲- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷، تهذیب الاحکام، چ ۴، تهران، دارالکتب اسلامیة

۱۳- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۲، حقوق خانواده، چ ۳، تهران، شرکت انتشار و بهمن برنا

۱۴- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷.ه.ق، الکافی الاسلامیه، بی جا

۱۵- مصطفی زاده، فهیم، ۱۳۹۴، قانون مجازات اسلامی، چ ۸، تهران، خرسندی

مقالات

۱- اسدی، لیلیا، ۱۳۸۸، "حق کودک بر بودن با والدین و خویشاوندان"، دو فصلنامه علمی و ترویجی فقه و حقوق

خانواده، ش ۲۱، صص ۱۰ الی ۱۶

۲- اسدی، لیلیا، ۱۳۸۷، "حق کودک بر هویت"، دو فصلنامه علمی و ترویجی فقه و حقوق خانواده، ش ۴۹، صص ۳۳ و ۳۲

۳- طبیبی جبلی، مرتضی، علیان، آزاده، راعی، مسعود، ۱۳۹۲، "سازگارهای حمایت از حقوق کودک در برابر مجازات و تنبیه

از نظر فقه و حقوق"، دو فصلنامه علمی و ترویجی فقه و حقوق خانواده، ص ۶

۴- عباسی سرمدی، مهدی، زنگی اهرمی، عهدیه، ۱۳۹۴، "بررسی سن کودک و آثار حقوقی از منظر اسناد بین الملل"، دو

فصلنامه علمی و ترویجی فقه و حقوق ندای صادق، ش ۶۳، ص ۲۹

سایت ها

۱- قانون مدنی، مجموعه قوانین و مقررات در پایگاه خبری اعتبار www.ekhtebare.com

۲- کنوانسیون حقوق کودک، پایگاه خبری اعتبار www.ekhtebare.com

۳- مقاله نامه ۱۸۲ سازمان جهانی کار، انجمن حمایت از کودکان کار <https://apcl.org.ir>

نقش آموزه‌های دینی در رابطه با سلامت و تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی

فریبا میرزائی باویل

چکیده

لازمه‌ی شکل‌گیری یک تمدن و پایداری و دوام آن در هر جامعه منوط به سلامت جسم و روان افراد آن جامعه است. آموزه‌های دینی اسلام، راه را برای نیل به این هدف هموار ساخته است. وجود دستورالعمل‌هایی در قرآن مجید و سنت پیامبر و ائمه معصومین، در راستای ارتقای سطح بهداشت و اهمیت بخشیدن به پاکیزگی، تغذیه سالم، پیشگیری از بیماری‌ها و نیز شکل‌گیری و توسعه نظام‌های بهداشتی و درمانی در تمدن اسلامی و گسترش آموزش و پژوهش در زمینه بهداشت و درمان همه در راستای ارتقای سلامت جسم و روان افراد جامعه و ایجاد و پایداری تمدن اسلامی است.

واژگان کلیدی: اسلام، سلامت، تمدن

مقدمه

بر هیچکس پوشیده نیست که برای آنکه تمدنی شکل بگیرد، رشد کند و زنده بماند نیازمند آن است که اعضای آن جامعه از سلامت برخوردار باشند.

دین اسلام که جامع‌ترین و کامل‌ترین دین است شاخص‌های مهمی برای تحقق سلامت بشر در نظر گرفته است. شاید بتوان به جرات گفت اهمیتی که تمدن اسلامی به این مقوله داشته است با سایر ادیان قابل قیاس نیست. نظام تربیتی دین اسلام هیچگاه نگاهی تک بعدی به انسان نداشته و همواره کوشیده است با آموزه‌های دینی علاوه بر بعد روحانی و معنوی انسان، به بعد جسمانی او نیز پرداخته و دستوراتی در راستای ارتقای سلامت جسم نیز ارائه دهد. در جای جای قرآن با آیاتی برمی‌خوریم که خداوند متعال انسان را به استفاده بهینه از نعمتهایی که در اختیار او قرار داده است دعوت می‌کند تا به کمک سلامت روح و جسم به تعالی خود بپردازد (۲۲). علاوه بر آیات قرآنی سیره و سیرت پیامبر اسلام، رسول اکرم (ص) و سایر ائمه اطهار نیز مکمل دستورات الهی بوده اند.

آموزه‌های دینی در اسلام نقش مهمی در شکل‌دهی به نگرش‌ها و رفتارها در زمینه‌های مختلف زندگی، از جمله سلامت، ایفا کرده‌اند. این آموزه‌ها نه تنها بر بهداشت فردی و اجتماعی تأثیرگذار بوده، بلکه بر ساختارهای نظام بهداشت و درمان

در تمدن اسلامی نیز تأثیرات عمده‌ای گذاشته‌اند. این مقاله به بررسی نقش آموزه‌های دینی در رابطه با سلامت و تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی می‌پردازد و تأثیرات این آموزه‌ها را در توسعه نظام‌های بهداشتی و درمانی مدرن تحلیل می‌کند.

۱. آموزه‌های دینی اسلام و اصول سلامت

آموزه‌های اسلامی به‌ویژه در قرآن و سنت پیامبر اسلام، اصول و دستورالعمل‌هایی برای حفظ و ارتقاء سلامت فردی و اجتماعی ارائه داده‌اند. از جمله‌ی این اصول می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۱: پاکیزگی و بهداشت

در قرآن و سنت پیامبر، اهمیت پاکیزگی و بهداشت به‌عنوان یکی از اصول بنیادین زندگی اسلامی تأکید شده است. برای مثال، آیات قرآن به پاکیزگی بدن، لباس و محیط اطراف اشاره دارند و سنت پیامبر نیز به وضو و غسل تأکید نموده و نظافت را از ایمان می‌شمارد. برای استحمام، کوتاه کردن ناخن، موهای زائد بدن، استعمال مسواک و خلال دندان، شستشوی دستان قبل از غذا، استعمال عطر، رعایت بهداشت در تهیه غذا و... دستوراتی در قرآن و سیره ائمه آمده است. خداوند در سوره بقره آیه ۱۹۵ میفرماید که خود را با دست خود به هلاکت نیندازید که دلیلی واضح بر وجوب رعایت مسائل بهداشتی و اهمیت دادن به سلامت در دین اسلام است (۱، ۲، ۵، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۲۴).

۱-۲: تغذیه سالم

قرآن و سنت پیامبر توصیه‌هایی برای تغذیه سالم دارند. مصرف غذاهای حلال، پرهیز از غذاهای مضر، و اهمیت خوردن غذاهای سالم به‌طور مکرر در متون دینی آمده است. وجود دستوراتی چون حلال و حرام، مکروه، مستحب در رابطه با خوردن و آشامیدن، همه و همه به منظور سوق دادن مسلمانان بطرف تغذیه صحیح بوده است؛ چنانچه خداوند متعال خوردن چیزهای پاک را حلال و چیزهای پلید را حرام می‌خواند (۲۱). در آیات قرآنی و نیز سیره معصومین به یک سری میوه‌ها و خوردنی‌ها از جمله غسل اشاره شده است که مصرف آنها برای سلامتی توصیه شده است (۶) و در مقابل مصرف برخی حرام اعلام شده است که می‌توان دلیل حرام بودن آنها را با ادله علمی ثابت نمود، از جمله شراب و مسکرات و گوشت برخی حیوانات (۱۹، ۲۳). در تایید این موضوع می‌توان به داستان طیب مسیحی هارون الرشید اشاره کرد که وقتی با دانشمندان مسلمان مناظره نمود با ادله‌ای که مواجه شد اذعان داشت که قرآن و پیامبر شما برای جالینوس طبی باقی نگذاشته‌اند (۱۶). در این قسمت اشاره به حکایت چهارم در باب سوم گلستان سعدی خالی از لطف نیست:

"یکی از ملوکِ عَجَمِ طَبِیعی حاذق به خدمتِ مصطفی، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فرستاد. سالی در دیارِ عرب بود و کسی تَجَرِبِه پیش او نیاورد و معالجه از وی درنخواست. پیش پیغمبر آمد و گله کرد که: مر این بنده را برای معالجتِ اصحاب فرستاده‌اند و در این مدت کسی التفاتی نکرد تا خدمتی که بر بنده معین است، به جای آورد. رسول، علیه‌السلام، گفت: این طایفه را طریقتی است که تا اشتها غالب نشود، نخورند و هنوز اشتها باقی بود که دست از طعام بدارند. حکیم گفت: این است موجبِ تندرستی. زمین ببوسید و برکت (۳).

۳-۱: اهمیت به ارتقای سلامت و پیشگیری از بیماری‌ها

در آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه در سنت پیامبر، اهمیت پیشگیری از بیماری‌ها و توجه به ارتقای سلامت توصیه شده است. خداوند متعال در سوره اعراف ۳۱ می‌فرماید: بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید. در دعای کمیل میخوانیم، "قو علی خدمتک جوارحی". پیامبر اسلام می‌فرماید: مومن نیرومند نزد خدا محبوب تر از مومن ضعیف است (۴). توصیه به ورزشهایی چون تیراندازی و اسب سواری و شنا، توصیه به روزه داری برای تندرستی (۲۸) نشان میدهد که امکان عبادت بی نقص منوط به داشتن سلامت است.

۲. تأثیر آموزه‌های دینی بر ساختار نظام‌های بهداشتی و درمانی در تمدن اسلامی

آموزه‌های دینی تأثیر زیادی بر شکل‌گیری و توسعه نظام‌های بهداشتی و درمانی در تمدن اسلامی داشتند:

۲-۱: تأسیس بیمارستان‌ها و مراکز درمانی

بیمارستان‌ها و دارالشفاهای اسلامی با توجه به اصول بهداشتی و درمانی اسلامی تأسیس شدند. این مراکز به‌طور گسترده به ارائه خدمات پزشکی به عموم مردم پرداخته و به عنوان نمونه‌هایی از انطباق اصول دینی با علم پزشکی عمل کردند (۲۹،۳۰).

۲-۲: توسعه دانش پزشکی و بهداشتی

علم پزشکی اسلامی بر پایه آموزه‌های دینی و فلسفه‌های علمی توسعه یافت. پزشکان اسلامی، با توجه به اصول اسلامی، به تحقیق و نوآوری در زمینه پزشکی پرداختند (۳۱،۳۲).

۳. تأثیر آموزه‌های دینی بر تمدن نوین اسلامی

در تمدن نوین اسلامی، آموزه‌های دینی همچنان تأثیرات عمده‌ای بر نظام‌های بهداشتی و درمانی دارند.

۳-۱: ادغام اصول دینی با سیستم‌های مدرن بهداشتی

در بسیاری از کشورهای اسلامی، اصول دینی به‌ویژه در زمینه‌های بهداشت عمومی، پزشکی، و تغذیه در سیستم‌های مدرن بهداشتی و درمانی ادغام شده‌اند. این ادغام به‌ویژه در قوانین بهداشتی و استانداردهای درمانی مشاهده می‌شود (۲۵، ۲۶).

۳-۲: گسترش آموزش و پژوهش در زمینه بهداشت و درمان

آموزه‌های دینی همچنان بر ارتقاء آموزش و پژوهش در زمینه بهداشت و درمان تأثیر می‌گذارند. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی اسلامی به‌ویژه در زمینه‌های پزشکی و بهداشت، به توسعه و تحقیق در این زمینه‌ها ادامه می‌دهند (۲۷، ۲۰).

لازم به ذکر است آیات و روایات زیادی نیز در راستای ارتقای سطح فرهنگ و آداب درست زیستن و به دنبال آن دستیابی به سلامت روح و روان و به تبعه آن سلامت جسم وجود دارد که در نهایت به وجود جامعه‌ای با تمدن والا منجر خواهد شد. آداب معاشرت و نحوه برخورد با دیگران، احترام گذاشتن به پدر و مادر، آداب نشست و برخاستن، آداب سخن گفتن، توصیه به خوش خلقی، فروتنی، همدلی و خیر خواهی و ... همه نمونه‌هایی بارز از آموزه‌های دینی اسلام جهت ارتقای سطح فرهنگ و تمدن اسلامی است (۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵).

نتیجه‌گیری

آموزه‌های دینی اسلامی تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر زمینه‌های بهداشت و سلامت در تمدن اسلامی گذاشته‌اند. این آموزه‌ها، با تأکید بر اصول پاکیزگی، تغذیه سالم، و پیشگیری از بیماری‌ها، به شکل‌گیری نظام‌های بهداشتی و درمانی پیشرفته کمک کرده‌اند و همچنان تأثیرات قابل توجهی بر تمدن نوین اسلامی دارند. ادغام اصول دینی با سیستم‌های مدرن بهداشتی و درمانی به‌عنوان راهی برای ارتقاء سلامت عمومی و نیز ادامه تحقیق در زمینه‌های پزشکی راه را برای رسیدن به یک تمدن بی نقص هموار می‌کند.

منابع:

۱. اعراف ۳۲



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۲. اعراف ۱۵۷
۳. انصاری قمی، مهدی، ۱۳۸۴، غررالحکم، نشر دلیل ما، قم، ایران، ص ۴۸۳
۴. بان پور، احمد، ۱۳۹۳، نهج الفصاحه، انتشارات استوار، مشهد، ایران. ص ۵۴۷-ح ۱۸۵۴
۵. بقره ۲۰۱-۲۰۲-۱۰۸
۶. بقره ۲۱۹
۷. توبه ۶۱
۸. حجرات ۱۰-۱۲
۹. دشتی، محمد، ۱۳۷۹، نهج البلاغه، نشر دانش، قم، تهران، نامه شماره ۳۱.
۱۰. دشتی، محمد، ۱۳۷۹، نهج البلاغه، نشر دانش، قم، تهران، قصار الحکم ۳۳۳
۱۱. دشتی، محمد، ۱۳۷۹، نهج البلاغه، نشر دانش، قم، تهران، قصار الحکم ۳۸۲.
۱۲. شعرا ۲۱۵
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، فقهی، محمد هادی، ۱۳۹۰، سنن النبی، چاپ یازدهم، انتشارات اسلامی، تهران، ایران.
۱۴. فرقان ۴۸
۱۵. فرقان ۶۳
۱۶. فروغی، محمدعلی، گلستان سعدی، ۱۴۰۰، انتشارات مرسل، تهران ایران، باب سوم.
۱۷. قصص ۲۸
۱۸. مائده ۸
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۵۳، تفسیرنمونه ج ۶، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ایران. ص ۱۵۳
۲۰. مجادله ۱۱
۲۱. نحل ۶۸-۶۹
۲۲. نحل ۷۱
۲۳. نحل ۱۱۵
۲۴. نور احراری، عبدالعلی، ۱۳۸۶، صحیح البخاری، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، تربت جام، ایران.

25. Ahmed, S. M., ۲۰۰۰, Women and Change The Ahfad Journal, Omdurman ۱۷(۲),

۶۱-۶۳.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



26. Azaizeh, H., Bashar Saad, B., Cooperand O. S., ۲۰۱۰, Traditional Arabic and Islamic Medicine, a Re-emerging Health Aid, eCAM ۲۰۱۰;۷(۴):۴۱۹-۴۲۴.
27. Cook, M., ۲۰۲۴, A History of the Muslim World: From Its Origins to the Dawn of Modernity, Princeton university press, oxford.
28. Gutas, G. ۱۹۸۸, Avicenna and the Aristotelian Tradition: Introduction to Reading Avicenna's Philosophical Works. Brill Leiden, New York.
29. Maārifī ,Gh.R., Ḥasanniyā, A., ۲۰۲۰, The “Autonomy Principle” in Islamic Medical Ethics, with an Emphasis on the Quranic Views, Journal of Contemporary Islamic Studies(JCIS), (۱), ۵۱-۳۹.
30. McGinnis, J., ۲۰۱۰, Islamic Medicine and the Classical Tradition: Ibn Sina and the Tradition of Hippocrates and Galen. Routledge, Oxford University Press, London, UK.
31. Siraisi, N. G., ۲۰۱۲, Medicine, ۱۴۵۰-۱۶۲۰, and the History of Science. Isis ۱۰۳ (۳):۴۹۱..۵۱۴
32. Tavaokkoli, S.N., Nejad sarvari, N. & Ebrahimi, A., ۲۰۱۵, Analysis of Medical Confidentiality from the Islamic Ethics Perspective. J Relig Health ۵۴, ۴۲۷-۴۳۴



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



نقش آموزش و پرورش در تمدن نوین اسلامی

سید علاء الدین شاهرخی^۱، سحر جعفری^۲

۱-استاد گروه تاریخ دانشگاه لرستان: shahrokhi.a@lu.ac.ir

۲-کارشناس ارشد تاریخ تشیع: shrj9535@gmail.com

چکیده

تمدن اسلامی از تعالیم آسمانی و وحی الهی سرچشمه یافته است و آموزه‌های پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) و همچنین تلاش‌های اندیشمندان و محققان سخت‌کوش در جهان اسلام در شکل‌گیری آن نقش اصلی را عهده‌دار بودند. تعالیم و رهنمودهای انگیزشی اسلام برای تشویق جامعه و بخصوص دانش‌پژوهان و عالمان در این راستا نقش بسیار مهمی داشتند؛ لذا با بهره‌گیری از تجارب تاریخی تمدن اسلامی و امکانات و روش‌های نوین دوران معاصر بازم بنای تمدن نوین اسلامی عمدتاً بر دوش مراکز آموزشی و توسط استادان و دانش‌پژوهان و دانش‌آموزان است از این رو ضرورت دارد اهتمام ویژه‌ای برای نیل به این مهم مبذول گردد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی انجام پذیرفت؛ یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از نهادهای اثرگذار، با آموزش صحیح و از راه‌های گوناگون نقشی انکارناپذیر در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی دارد؛ استفاده از روش‌ها و متدهای اثرگذار آموزشی، مخاطب‌شناسی دقیق گروه‌های مختلف بر پایه جنسیت و رده‌های سنی گوناگون، انتقال هدفمند تجارب سودمند فرهنگ و تمدن اسلامی، غنی نمودن متون درسی، ایجاد و تقویت روزافزون انگیزهای نسل جوان هر یک گام‌هایی استوار در افزایش ارتباط هدفمند نظام آموزش و پرورش در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است.

واژگان کلیدی: آموزه‌های اسلامی، تمدن اسلامی، آموزش و پرورش، تمدن نوین اسلامی

مقدمه:

مقوله‌ی تمدن و تمدن‌سازی همواره از مسائل مهم و مورد توجه در تعالیم و آموزه‌های اسلام بوده است، به طوری که علاوه بر سنت پیامبر اکرم (ص) با مطالعه‌ی سیره‌ی زندگانی و روش‌های تربیتی ائمه‌ی معصوم (ع) نیز می‌توان به اهمیت این امر نزد ایشان و نقشی که در ایجاد، حفظ و ترویج تمدن اسلامی داشته‌اند پی برد. وجه تمایز تمدن اسلامی از دیگر تمدن‌ها ریشه یافتن آن از قرآن کریم و سنت نبی اکرم (ص) است، این تمدن اگر چه از زمان شکل‌گیری با ایجاد نخستین حکومت اسلامی توسط پیامبر (ص) با فراز و فرودهایی مواجه بوده اما به دلیل برخورداری از سرچشمه‌ی وحیانی طی چهارده قرن همچنان به حیات خود ادامه داده است. به رغم بقای تمدن اسلامی، امروزه این تمدن در تداوم و استمرار خویش با چالش‌های گوناگونی روبرو می‌باشد، بنابراین وجود موانع بقای تمدن اسلامی، ایجاد تمدنی نوین

متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی موجود را به امری اجتناب ناپذیر مبدل نموده است. با توجه به آن که در شرایط کنونی فرهنگ و تمدن غرب در حال تسخیر جهان و دستکاری تمدنی و هویتی در سایر جوامع بشری است، آن چه پیش از گذشته ضرورت می‌یابد، ایجاد تمدن نوین اسلامی ضمن پابندی به اصول و ارزش‌های این تمدن می‌باشد به طوری که با الگوبرداری از تمدن اصیل اسلامی در به روز رسانی این تمدن تلاش نموده تا از این طریق آسیب‌های ناشی از تغییرات تمدنی و هجمه‌های فرهنگ و هویت بیگانه را به ویژه در نسل جوان کاهش داد. جهت تحقق تمدن نوین اسلامی سایر نهادها و به طور خاص نهاد آموزش و پرورش و مدارس نقشی اساسی دارد. آموزگاران به عنوان محور اصلی تعلیم و تربیت با آموزش صحیح متریبان به اشکال گوناگونی مانند ترغیب به؛ علم آموزی، عدالت، اندیشه‌ورزی قادر به تحقق تمدن نوین اسلامی خواهند بود. هدف از پژوهش حاضر مطالعه‌ی برخی از روش‌هایی است که آموزگاران با الگو برداری از تعالیم و آموزه‌های اسلام و سیره‌ی تربیتی معصومین(ع)، به وسیله‌ی آن قادر به تحقق تمدن نوین اسلامی خواهند بود.

۱) تمدن:

برای واژه‌ی تمدن تعاریف و معانی گوناگونی ذکر گردیده است. تمدن در لغت به معنای شهرنشینی، اسالیب شهرنشینی گزیدن آمده است که ناظر بر بیرون آمدن انسان از حالت وحشی‌گری و خارج شدن یک جامعه از مرحله‌ی ابتدایی است (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه‌ی تمدن، عمید، ۱۳۷۱، ص ۶۱۵). در تعریفی دیگر و از دیدگاه اهل لغت، تمدن بر وزن تفاعل واژه‌ی عربی است که از ریشه‌ی «مدن» و «مدینه» اشتقاق یافته و در آن با توجه به معنای عبارت «مَدَنٌ بِالْمَكَانِ» مفهوم سکونت و اقامت در جایی خاص و با توجه به معنای عبارت «مَدَنُ الْمَدَائِنِ» مفهوم آبادسازی و آبادی لحاظ شده است (ر.ک: جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۲۰۱، ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۴۰۲). در مجموع مفهوم تمدن از سوی لغت‌شناسان و اندیشمندان علوم مختلف در ابعاد گوناگون خود دارای معانی گسترده‌ای است، اما در تعریفی عام و جهان‌شمول می‌توان تمدن را مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی و قابل انتقال در نظر گرفت که دارای جنبه‌های گوناگون اخلاقی، مذهبی، علمی بوده که در بین اعضای یک یا چندین جامعه به طور مشترک در جریان است. و نیز تمدن به تشکلهای هماهنگ انسانی که در جهت پیشبرد اهداف مادی و معنوی خویش در همه‌ی ابعاد با هم در ارتباطند اطلاق می‌شود.

۲) تمدن نوین اسلامی:

تمدن اسلامی، تمدنی الهی مبتنی بر مولفه‌ها و اصول دین است که از تعالیم و آموزه‌های اسلام و قرآن مانند؛ علم، اخلاق، عدالت، اصول و مقررات دین و نیز سنت رسول اکرم(ص) ریشه می‌یابد. این تمدن دارای نگرشی توحیدی است که سعی دارد جامعه‌ی انسانی را به سوی کمال مادی و معنوی سوق دهد. درباره ظهور تمدن اسلامی اشاره به این نکته ضروری است که تمدن اسلامی با تولد اولین حکومت اسلامی در شهر مدینه توسط پیامبر اکرم(ص)

شکل گرفت و با نهضتی علمی و بی مانند با محوریت قرآن و سیره ی رسول الله(ص) به اوج شکوفایی رسید، در واقع دین اسلام خالق تمدنی عظیم و همه جانبه شد و ملل گوناگون را به یکدیگر پیوند داد(پور موسوی، ۱۴۹۴، ص ۲). در توضیح مفهوم تمدن اسلامی باید گفت، نوین بودن این تمدن نسبت به گذشته نیست بلکه نسبت به تمدن غرب نوین می باشد، تمدن حاکم بر جهان که خود را به نوعی به دنیا تحمیل می کند. تمدن نوین اسلامی یک تقریر جدید و نواز تمدن گذشته است، بنابراین تمدن سازی نوین اسلامی یعنی احیای تمدن اسلامی بر اساس الگوهای جدید و مطابق با مقتضیات زمان و مکانی با الگو گرفتن از تجربه های تمدن پرشکوه اسلامی در گذشته ی تاریخ و نیز درس عبرت گرفتن از علل و عواملی که باعث انحطاط آن تمدن شد و علت نوین خواندن آن این است که این تمدن، با الگوهای جدید و کارآمدتر و با رها کردن نواقص و ضعف های تمدن سابق در حال شکل گیری می باشد.(شمشیری، ۱۳۹۹، ص ۵).

۳) تمدن نوین اسلامی و ارتباط آن با نهاد آموزش و پرورش:

در عصر حاضر با توجه به گستردگی شبکه های ارتباطی امکان هر نوع از تغییر و دگرگونی در امر تمدن، نسبت به گذشته با سرعت و سهولت بیشتری امکان پذیر است، بنابراین لازم است نظام های آموزشی و پرورشی در جهت حفظ تمدن اسلامی از دستبرد تهاجمات گوناگون فرهنگی-تمدنی گام برداشته و پرورش و تقویت مظاهر تمدن اسلامی را از گزند عناصر بیگانه سرلوحه ی کار خود قرار دهند. امروزه ایجاد جامعه ای با یک تمدن، فرهنگ و هویت منسجم از وظایف مهم آموزش و پرورش می باشد به طوری که علاوه بر حفظ تمدن اصیل اسلامی، برای ایجاد تمدنی جدید، از جمله تمدن نوین اسلامی نیازمند تحولی اساسی هستیم. ایجاد یک تمدن نوین بدون ایجاد نهادهای نوین ممکن نیست، به تعبیر دیگر لازمی تحقق تمدن نوین به وجود آمدن نهادهای نوین است و از میان نهادهایی که به منظور تعلیم و تربیت تاسیس شده اند، آموزش و پرورش دارای نقشی برجسته و ممتاز است زیرا تقریباً همه ی اعضای جامعه را برای مدتی طولانی در شکل پذیرترین دوران عمر آنها از هفت تا هجده سالگی در بر می گیرد(خلیلی، ۱۴۰۱، ص ۱۴۲). بنابراین آموزش و پرورش به عنوان یکی از نهادهای اثرگذار، با آموزش صحیح و از راه های گوناگون نقشی انکار ناپذیر در شکل گیری تمدن نوین اسلامی دارد. در این میان آموزگاران به عنوان رکن اصلی آموزش و پرورش، ایفاگر نقشی اساسی در زمینه شکل دهی تمدن اسلامی می باشند به طوری که می توانند با الگوبرداری از آموزه های تعلیم و تربیتی اسلام، پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) در سایر ابعاد تربیتی و به شکلی خاص در زمینه ی شکل دهی تمدن اسلامی گام بردارند.

۴) تقویت تمدن نوین اسلامی از طریق آموزش و پرورش

۱-۴) تمدن سازی به وسیله ی تعلیم و ترغیب به علم:

علم آموزی از اساسی ترین مباحث مورد تأکید در تعالیم و آموزه های اسلام است. به طوری که نخستین پیام وحیانی پروردگار، امر به خواندن بوده و خداوند بارها در کتاب آسمانی خویش به شکلی خردگرایانه و جهل ستیزانه به ارزش و اهمیت فراگیری علوم و نیز برتری عالمان نسبت به سایر انسانها اشاره نموده است. توانایی کسب علم به عنوان وجهی تمایز بخش بین انسان و سایر مخلوقات سبب برتری جایگاه و منزلت وی در عالم خلقت و نزد پروردگار است، علم و دانش یکی از مهم ترین مؤلفه های تمدن ساز می باشد که از نخستین دوران ظهور اسلام در رشد و نمو تمدن اسلامی دارای نقشی اثرگذار بوده است. نقطه ی آغاز شکوفایی علوم در تمدن اسلامی قرآن است (حلی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۷). به این شکل که مسلمانان در تلاش برای فهم و درک آیات قرآن، درصدد تفسیر کلام وحی بودند تا از این رهگذر به منبع و مرجعی قابل اعتنا جهت اجتهاد و استنباط احکام دست یابند. دین اسلام و کتاب آسمانی آن، از آغازین روزهای خود با سفارش انسان به جستجوی علم و دانش در صدد استمرار و شکل دهی به تمدن اسلامی و نمایاندن راه سعادت و کمال برای بشر از طریق برگزیدگان الهی بوده است. در این میان رسول اکرم (ص) و ائمه ی اطهار (ع) به عنوان برترین آموزگاران بشر، همواره در پرورش علوم و تمدن اسلامی و تشویق و ترغیب به علم آموزی، پیشرو و سردمدار بوده اند. در این باره در روایتی از امام علی (ع) چنین آمده است: «آل محمد مایه ی حیات و زنده بودن علم و دانش هستند و نادانی در میانشان مرده است. حلم آنان شما را از علمشان آگاه می سازد و سکوتشان شما را از حکمت و منطق خود مطلع می کند» (دستی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۹). بنابراین تولید علم و تمدن سازی، در شیوه های تعلیمی نبی اکرم (ص) و اهل بیت (ع) همواره امری مهم و مورد اعتنا بوده است، برای نمونه امام علی (ع) با احاطه و مهارت فراوان، واضع و بانی دستور زبان و ادبیات عرب بودند، ایشان پیش از سایر فلاسفه به مطالعه ی فلسفه ی الهی پرداختند، و مسائل فلسفی تازه ای را مطرح نمودند که تا قبل از آن توسط فلاسفه ی جهان مطرح نشده بود. امروزه در حیطه آموزش پرورش، موضوع تولید علم از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و لازم است مربی در ایفای نقش تمدن ساز خویش، از این مهم غفلت نرزد و با ترغیب و تشویق متریبان به فراگیری و کسب علم و دانش با الگوبرداری از آموزه های اسلام و شیوه ی تعلیمی برگزیدگان دین، در ایجاد تمدن نوین اسلامی حرکت نمایند. برای تحقق بخشیدن به این هدف، ضرورت دارد تا محیط های آموزشی چون مدارس و در مدارج بالاتر دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، به عنوان محل و مرکز تولید و نشر علوم با به روز رسانی همه جانبه از رخوت و جمود علمی جلوگیری نمایند. امر تولید علم به ویژه در مدارس در جایگاه یکی از ارکان اصلی تعلیم و تربیت نخستین فرد، باید توسط مربیان و با هدف آموزش و انتقال علوم جدید به متریبان صورت پذیرد. با توجه به نقش و جایگاه تمدن ساز نظام آموزش و پرورش از طریق ترغیب و ترویج علم و دانش، می توان نتیجه گرفت که ضرورت تربیت و آموزش انسان تمدن ساز غیرقابل انکار است و مدرسه به عنوان نخستین و شاید مهم ترین مرکز علم آموزی و پرورش فکری، در جهت اعتلای تمدن یا تمدن سازی نقش گسترده دارد).

فرهنگی فراهانی، بی تا، ص ۸۶). در تعلیم و تربیت نخستین فرد، مربیان دارای نقشی مؤثر در زمینه سازی پرورش تمدن نوین اسلامی از طریق توسعه و تحول علوم می باشند، به طوری که می توانند با شناسایی و پرورش استعدادها و گوناگون متربیان و تشویق و ترغیب آنها به فراگیری هر چه بیشتر علوم، زمینه‌ی استمرار تولید انواع علم را به عنوان عنصری تمدن ساز فراهم آوردند.

۲-۴) تمدن سازی با تکیه بر تعلیم و ترغیب به عدالت :

مفهوم عدالت یکی از برترین مفاهیم مرتبط با زندگی انسان به ویژه در بعد اجتماعی است. عدالت به عنوان عنصری اثرگذار در شکل گیری تمدن نوین اسلامی به شکلی تخطی ناپذیر در تعالیم اسلام، سیره و روش تربیتی رسول اکرم (ص) و ائمه‌ی معصوم (ع) از جایگاه و اهمیت والایی برخوردار بوده است. عدالت از اصول دین و یکی از شاخصه‌های عمده‌ی تمدن اسلامی می باشد که در آیات بسیاری از قرآن کریم مورد امر قرار گرفته است، از جمله آن که در آیه‌ی « لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ » (حدید، ۲۵) خداوند در این آیه عدالت را در وصف کل مردم آورده که خود دلیل بر اهمیت روح عدالت ورزی در تمدن اسلامی است. از سوی دیگر در تاریخ یکی از عوامل اصلی زوال تمدن‌ها ظلم می باشد که نقطه‌ی مقابل آن عدل است (علی پور، اسدی کوه باد، ۱۴۰۳، ص ۱۷۸). عناصر متعددی را می توان برای تمدن نوین اسلامی در نظر گرفت که مورد توجه و بررسی تمدن‌های دیگر قرار گرفته‌اند، از جمله امنیت، آزادی، وحدت، حق، عدالت، ایمان، اخلاق، ولایت پذیری، معنویت و عقلانیت از مهم ترین عناصر تمدن نوین اسلامی است، اما عنصر عدالت وجه ممیزه و خاص تمدن نوین اسلامی با دیگر تمدن‌هاست (ر.ک؛ شمشیری، ۱۳۹۹، ص ۵-۴). عدالت به عنوان یکی شاخصه‌های اساسی در امر تمدن سازی از مهم ترین نیازها و حقوق افراد است که در سایه ی تعلیم و پرورش، قابل آموختن می باشد بنابراین یکی از وظایف نظام های تربیتی، توجه به پرورش این فضیلت در افراد است. عدل و انصاف از بارزترین ویژگی های فردی است که اعتقاد و عمل به آن، زمینه ساز بروز دیگر فضایل نیک اخلاقی در آدمی می شود و زمینه‌ی شکل گیری جامعه‌ای مبتنی بر روابط عادلانه‌ی اجتماعی را فراهم می سازد. در مکتب اسلام، عدالت از جایگاه و اهمیت والایی برخوردار است، به طوری که از مهم ترین اهداف بعثت پیشوایان دین و برگزیدگان الهی برپایی قسط و عدالت در جامعه‌ی بشری به عنوان یکی از راهکارهای توسعه‌ی تمدن اسلامی می باشد. در این میان امامان شیعه (ع)، ضمن برقراری عدالت در سیره و روش عملی و تربیتی خویش، مسلمانان را به رعایت این امر نسبت به یکدیگر تشویق و سفارش می نمودند. امام علی (ع) در توصیف عدالت فرموده است: «إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ، وَ نَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ، فَلَا تُخَالِفُهُ فِي مِيزَانِهِ، وَلَا تُعَارِضُهُ فِي سُلْطَانِهِ : عدالت، ترازوی خدای سبحان است که آن را در میان خلق خود نهاده و برای بر پا داشتن حق، نصب کرده است. پس برخلاف ترازوی او عمل مکن و با قدرتش مخالفت موز» (غررالحکم، بی تا، ج ۲، ص ۵۰۸). در حیطه‌ی تعلیم و تربیت برقراری عدالت آموزشی از

سوی مریبان به عنوان نخستین گام شکل دهی عدالت در دانش آموزان، شالوده و بنیان تعهد به عدالت اجتماعی را در آنان بنا می نهد. از این رو لازم است تا مریبان با الگوبرداری از آموزه های اسلام از طریق پرورش ویژگی عدل در کودکان، زمینه ی تحقق عدالت فردی و اجتماعی که از عناصر تحقق تمدن نوین اسلامی می باشد را فراهم نمایند.

۳-۴) تمدن سازی با تکیه بر تعلیم و ترغیب به عقل گرایی:

عقلانیت و قوه ی تفکر وجه تمایز بشر نسبت به سایر مخلوقات می باشد و در اندیشه ی اسلامی به پرورش جنبه های عقلانی در ساماندهی به نظام فکری و ایدئولوژی انسان اهمیت زیادی داده شده، به گونه ای که برخی اعتقاد دارند از ویژگی های اصلی تربیت اسلامی تکیه بر عقل و تأکید بر جنبه ی عقلانی است (شریعتمداری، ۱۳۸۲، ص ۴۹). امر تعقل و مبارزه با جهل و نادانی در آموزه های اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که در بسیاری از روایات و متون دینی، هدف خداوند از فرستادن انبیاء، معصومین و اوصیاء الهی، هدایت انسان به سوی زندگی خردمندانه در جهت رسیدن به کمال و سعادت عنوان شده است. از جمله آن که امام علی(ع) در این باره فرموده اند: " خداوند سبحان رسولان خود را برانگیخت و پیامبران خود را پیاپی به سوی مردم فرستاد تا از آنان بخواهد که فطرت الهی را ادا کنند تا گنجینه های عقول آنان را برانگیزانند (نهج البلاغه، شهیدی، بی تا، خطبه ۱، ص ۶). از سوی دیگر یکی از مبانی مهم و اساسی هر تمدنی میزان اتکاء و تأکید آن بر عقل و خردورزی است که این مهم در باب تمدن اسلامی نیز صدق می کند. کارایی عقلانیت در هر تمدنی به شناخت مفاهیم و صورت بندی های مختلف عقل و بهره گیری صحیح از آن در زمینه هایی چون معرفت شناسی، ایجاد ساختارها و نهادهای عقلانی و کنار زدن موانع موجود در برابر آن بستگی دارد. در تشخیص فضائل از رذایل اخلاقی، عقل و اخلاق دو رکن مهم می باشند که در طول تاریخ جوامع بشری سر و سامان دادن به موارد مهمی چون نظم اجتماعی و تربیت افراد را برعهده دارند. بر این اساس عقل پیوندی استوار با اخلاق و داوری های اخلاقی دارد به گونه ای که منشأ صفات حسنه و حرکت صحیح در مسیر زندگی برخاسته از عقل و خرد دانسته می شود (طرفداری، ۱۴۰۱، ص ۸۵-۸۴). کارکرد عقل باوری و عقلانیت محوری این است که انسان را به شخصیتی آزاد، مختار، مرید و مستقل، پویا و سعادت مند تبدیل می سازد که از رسالت، مسئولیت و توان برخوردار بوده و به او کرامت و شرافت ذاتی می دهد (رهبران و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۶۶). خردورزی و عقلانیت در ابعاد گوناگون خود از مهم ترین بن مایه های شکوفایی و تقویت تمدن نوین اسلامی در برابر تمدن و فرهنگ های نوظهور بیگانه به ویژه در امر آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان است، از این رو در نظام های آموزشی توجه به پرورش عقلانیت دینی، اخلاقی، حقوقی، ابزاری در کودک و نوجوان، جهت شکوفایی زندگی اجتماعی و دنیوی و نیز سعادت اخروی امری ضروری است، بنابراین آموزگاران در ارتباط با متریبان باید با پرورش تمام ابعاد قوه تعقل به عنوان یکی از مظاهر اساسی در امر شکل دهی تمدن نوین اسلامی، به نحوی شایسته عمل نمایند.

۴-۳) تمدن سازی با تکیه بر تقویت هویت دینی:

مقوله ی تمدن و تمدن سازی از مسائل مهم و مورد توجه در تعالیم اسلام است. با مطالعه ی سیره ی زندگی و روش های تربیتی پیامبر اکرم (ص) و ائمه ی معصوم (ع) می توان به نقش ایشان در ایجاد، حفظ و ترویج تمدن اسلامی پی برد از آن جا که عنصر زمان همواره از عناصر اثر گذار در تغییر فرهنگ و تمدن بوده است، هنجارهای فرهنگی تمدنی به مرور و در ادوار مختلف جایگزین یکدیگر می شوند. با ظهور دین اسلام، تمدنی در این منطقه از جهان ایجاد شد که تمدن های دیگر را تحت تاثیر قرار داد و آن ها را در خود ادغام نمود، بدین سبب در بررسی مسائل اجتماعی و انسانی، نادیده گرفتن عامل دین به هر علتی که باشد بی شک تعصب جاهلانه و مخالفت با حقایق تاریخی و عینیت خارجی تلقی خواهد شد. لذا، جوامع همه دارای پیامبر بودند: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ: امتی نبوده، مگر این که پیامبری در میانشان وجود داشته است» (یونس، ۴۷). با توجه به مطالعات قرآنی و روایی از زندگی انبیاء، به طور حتم می توان گفت جوامعی که انبیاء در آن می زیستند، به هیچ وجه غیر متمدن و ابتدایی نبوده اند. این جوامع، چه از لحاظ معنوی و چه از لحاظ مادی، دارای تمدن و فرهنگ بوده و فرهنگ انبیاء بر آن ها حاکم بوده است (رهبران و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۵۳). تمدن اسلامی از تعالیم آسمانی و وحی الهی سرچشمه یافته است و پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) در والاترین مقام بشری به عنوان مبلغان و مروجان فرهنگ و تمدن اسلامی به این تمدن تداوم بخشیدند. در عصر حاضر به دلیل هجوم ارزش های ضد دینی و بیگانه به ویژه از سوی جوامع غربی، تغییر و دگرگونی های هویتی از جمله هویت دینی با سرعت و سهولت بیشتری امکان پذیر گردیده، از این رو شایسته است نظام های آموزشی و پرورشی نسبت به حفظ و اعتلای به هویت دینی که از عوامل اثر گذار در شکوفایی و تقویت تمدن نوین اسلامی است اهتمام ورزند.

نتیجه گیری:

تمدن اسلامی از نخستین ایام ظهور آن، یعنی از هنگام آغاز بعثت پیامبر اکرم (ص) علاوه بر آن که به تدریج منجر به تحولات عظیم اجتماعی در جامعه ی زمان خود گردید، با برخورداری از رسالتی جهانی در کمتر از یک قرن در ابعاد گوناگون علمی و فکری، ایدئولوژیک بر بخش عظیمی از عالم سیطره یافت، به طوری که از بدو ورود به هر سرزمینی نه تنها در فرهنگ و تمدن آن سرزمین مستحیل نگردید بلکه مردم به ویژه عالمان و اندیشمندان هر منطقه در بیشتر موارد از تمدن جدید استقبال نموده و با آن تعامل و همکاری فکری نمودند؛ به تدریج و در طی چند قرن نخست هجری تعالیم اسلامی با همراهی ملل مختلف در مسیر شکوفایی قرار گرفت و تمدن باشکوه پیشرفته ای شکل گرفت که به نام تمدن اسلامی اشتهار یافت. پیامبران و اهل بیت (ع) در والاترین مقام عصمت بشری به عنوان مبلغان و مروجان فرهنگ و تمدن اسلامی به این تمدن تداوم بخشیدند. از آن جا که در عصر حاضر به واسطه ی ظهور و گستردگی وسایل گوناگون ارتباطی، فرهنگ و تمدن اسلامی با سرعت و سهولت بیشتری دستخوش دگرگونی خواهد بود، بنابراین

نظام‌های آموزشی و در راس آن مدارس وظیفه دارند با الگو قرار دادن تمدن نوین اسلامی به احیای تمدن اسلامی به شکلی نوین و با توجه به مقتضیات زمان و مکان پردازند.

منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن منظور، محمدبن مکرّم (۱۴۱۴ ه ق)، *لسان العرب*، بیروت؛ انتشارات دار صادر.

پورموسوی، یعقوب (۱۳۹۴)، «بررسی نقش آموزش و پرورش در زمینه سازی شکل گیری تمدن نوین

اسلامی-ایرانی» دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.

تمیمی آمدی، محمدبن عبدالواحد (۱۳۹۲)، *غررالحکم و دررالکلم*، مترجم؛ رسولی محلاتی، هاشم، تهران؛ دفتر نشر

فرهنگ اسلامی.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ ه ق)، *الصحاح، تاج اللغه و صحاح العربیه*، بیروت؛ انتشارات دارالعلم للملایین.

حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۳)، *مبادی الاصول الی علم الاصول*، قم؛ انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی.

خلیلی، علی (۱۴۰۱)، «نقش آموزش و پرورش در تمدن نوین اسلامی؛ از منظر نظام تأمین نیاز، نشریه مطالعات میان

رشته ای تمدنی انقلاب اسلامی»، نشریه مطالعات میان رشته ای تمدنی انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲.

دشتی، محمد (۱۳۸۶)، ترجمه نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین (ع) با تجدید نظر و اضافات، مشهد؛ انتشارات سنبله.

دهخدا و همکاران (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران؛ ناشران: موسسه چاپ، دانشگاه تهران.

رهبران، همایون، رکابیان، رشید، آریایی راد، حسن رضا (۱۴۰۱)، «نقش دین در تمدن سازی»، فصلنامه

علمی-پژوهشی سیاست متعالیه، سال نهم، شماره ۳۵.

شریعتمداری، علی (۱۳۸۲)، *تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران؛ انتشارات امیرکبیر.

شمشیری، علیرضا، شمشیری، ابراهیم (۱۳۹۹)، «نقش عدالت در تمدن نوین اسلامی»، کنفرانس ملی مولفه‌های تمدن

ساز در بیانیه گام دوم انقلاب.

علی پور، بهرام، اسدی کوه باد، هرمز (۱۴۰۳)، «نقش و جایگاه عدالت در تمدن نوین اسلامی»، فصلنامه پژوهش نامه

مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، سال پنجم، شماره ۶۳.

عمید، حسن (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران؛ انتشارات امیرکبیر.

طرفداری، منصور (۱۴۰۱)، «تأملی بر مفهوم عقل در تمدن اسلامی با تأکید بر دیدگاه محمد بن زکریای رازی»

۳۱۳-۲۵۱ ه ق»، نشریه علمی علم و تمدن در اسلام، سال چهارم / شماره ۱۳.

فرمیپنی فراهانی، محسن (۱۳۸۹)، *تربیت شهروندی*، تهران؛ انتشارات آبیژ.



جایگاه واقعی هوش مصنوعی در نظام آموزشی تمدن زمین‌ساز ظهور

فاطمه مرتضی پور^۱

۱- سطح ۳، تفسیر و علوم قرآنی، حوزه علمیه حضرت خدیجه سلام‌الله علیها بابل، آموزش پرورش، قائم‌شهر،

ایران. mortezapour.f@chmail.ir

چکیده

امروزه استفاده از هوش مصنوعی به شدت در حال گسترش است و متصدیان امر تعلیم و تربیت، معلمان را ترغیب به به‌کارگیری هوش مصنوعی در فرآیند تولید محتوا و تدریس و آموزش می‌نمایند. هر ابزاری از یک فکر و فرهنگ نشأت می‌گیرد، هوش مصنوعی نیز از فرهنگ و تمدن غرب و دیدگاه فلسفی مادی‌انگاری نسبت به جهان سرچشمه می‌گیرد. بعلاوه نوع و تعداد داده‌هایی که ما با هر بار استفاده از هوش مصنوعی در اختیار شرکت‌های پشتیبان و برنامه‌ریز آن قرار می‌دهیم، امکان انواع بهره‌گیری‌های ضدونقیض را برای آنان فراهم می‌کند. در این تحقیق که به روش توصیفی انجام گشته درصد بررسی این مطلب بوده که هوش مصنوعی با تمام ویژگی‌ها، خاستگاه، کارکردها و فواید و مضرات احتمالی در تمدن زمین‌ساز ظهور چه جایگاهی خواهد داشت، آیا نیاز به تغییر نگرش نسبت به این موضوع وجود دارد یا خیر. در مسیر تمدنی زمین‌سازی برای ظهور منجی عالم بشریت، به نظر می‌رسد جامعه منتظر باید از حالت منفعل نسبت به پدیده‌های این‌چنین خارج گشته و به حالت فعال تغییر وضعیت داده و کمی تلاش و برنامه‌ریزی نسبت به بومی‌سازی این تکنولوژی اقدام نموده تا از آسیب‌ها و خطراتی که کشور را تهدید می‌کند، جلوگیری گردد.

واژگان کلیدی: تمدن زمین‌ساز ظهور، فناوری، نظام آموزشی، هوش مصنوعی

مقدمه

در چند ساله اخیر شاهد بروز تکنولوژی جدیدی به نام هوش مصنوعی در سطح جهانی هستیم که روز بروز کاربرد جدیدی از این فناوری در زندگی روزمره و معرفی می‌شود. از آنجا که نسبت به تمام پدیده‌های جهانی باید نگاه سیستمی داشت و جایگاه آن را در کل سیستم در نظر گرفت، اهمیت این مطلب دوچندان می‌شود، اجرای سند ۲۰۳۰ در کشور، بروز کرونا (به عنوان فریب قرن) و گسترش استفاده از تلفن همراه و فضای مجازی و بلافاصله بعد آن مطرح شدن هوش مصنوعی با تنوع باور نکردنی‌اش در تولید محتوا، نمی‌تواند تصادفی باشد، به نظر می‌رسد این واژه‌ها مانند حلقه‌های زنجیر به هم متصل باشند که به طور سلسله‌مراتبی، اهداف خاص و معینی را محقق می‌سازند. تجربه نشان داده که اپلیکیشن‌ها و پیام‌رسان‌هایی که منبع اصلی آنها در خارج از کشور وجود دارد، از انواع داده‌های کاربران استفاده‌های غیر مجاز دیگری نیز انجام می‌دهند. این پیام‌رسان‌ها در مقایسه با کارایی و توانایی هوش مصنوعی بسیار



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



ناچیز به نظر می‌رسد و لذت در استفاده از هوش مصنوعی و قرار دادن هرگونه اطلاعاتی در آن باید کمی با دیده تردید نظر کرد، چرا که حزب شیطان و نظام سرمایه داری و کشورهای استعمارگر تکنولوژی‌هایی را رونمایی می‌کنند که چندین سال از کشف آن می‌گذرد و امروز که، آن را مطرح کرده‌اند قطعاً از نظر پیشرفت، در آن شاخه علمی، در پله‌های بالاتری قرار دارند. ابزارها در هر تمدنی از یک فرهنگ و یک تفکر نشأت می‌گیرند، لذا در استفاده از ابزارها باید دلبه بودن و سوگیریهای مختلف ابزارها را مد نظر داشت، کاربردهای متنوع در انواع حیطة‌ها از پزشکی گرفته تا صنعت و کشاورزی و آموزش در یک سو و امکان جاسوسی از انواع داده‌ها و برنامه‌ریزی فتنه‌های بعدی آخرازمانی برای تنها کشوری که حکومت تشیع دارد، از سوی دیگر، باعث می‌شود عقل حکم به احتیاط در استفاده از این ابزارهای ظاهراً کاربردی در عصر حاضر دهد. هوش مصنوعی سوگیری‌هایی در تولید محتوا و خروجی‌هایی که کاربران از آن درخواست می‌کنند، نشان می‌دهد. از شکل ظاهری خروجی انسان‌ها که در برخی هوش مصنوعی‌ها حتی جهت، تعداد، زاویه انگشتان دست با واقعیت خلقت انسان تفاوت داشته و محتوای خروجی حتی در تعداد انگشتان دست اضافه یا کمتر دارد یا قیافه‌هایی که در پس زمینه قرار می‌دهد نوعی خلقت غیر طبیعی و فرامادی از موجودات غیر انسانی را به نمایش می‌گذارد، به نظر می‌رسد در حال عادی‌سازی جریانی در طرز تفکر کاربران خصوصاً نسل جوان می‌باشد و یا خروجی‌هایی که حتی بعد از چندین بار تکرار و تصحیح در نوشتن **prompt** از دادن خروجی خانم محجبه ابا داشته و یا در تصاویر دخل و تصرف می‌نماید. اینها فقط چند نمونه ناچیز از روزمرگی‌ها در کاربست انواع هوش‌های مصنوعی است. حال اگر بخواهیم از هوش مصنوعی در فرآیند آموزش و تدریس و ارزشیابی استفاده کنیم باید کاملاً در نظر داشت که در حال استفاده از تکنولوژی هستیم که نمی‌دانیم سرمنشأ اصلی آن مادی است یا فرامادی؟ چرا مرورگرهای که هوش مصنوعی معرفی کرده‌اند برایش مهم است که کاربر در کدام منطقه جغرافیایی حضور دارد! و با توجه به اینکه کاربر در کدام کشور و در کدام منطقه و با چه دین و فرهنگی هست، خروجی می‌دهد؟ پس نمی‌توان بی‌تفاوت از کنار همه این نقاط هشدار عبور کرد و تنها زرق و برق و تبلیغات فراوان استفاده از هوش مصنوعی در بالابردن سرعت و بهبود عدالت آموزشی را در نظر گرفت. بر همگان واضح و مبرهن است که هوش مصنوعی ساخته بشری است که هیچ اعتقادی به معنویت نداشته و غایتی برای زندگی دنیایی در نظر ندارد و انسان را در همین جسم و ماده خلاصه کرده است، بشری که در زمان پیش از ظهور به دنبال جهانی سازی بوده، و هوش مصنوعی را به عنوان ابزاری هوشمند در جهت اهداف خود به کار می‌گیرد، چنانچه برای روند یکپارچه‌سازی جهان، انسان زمان پیش از ظهور را بیش از پیش از خود بیگانه کرده و به ابزاری چون هوش مصنوعی وابسته می‌نمایند. برآستی پروتکل‌های هوش مصنوعی را چه کسی می‌نویسد، واضح است کسی یا چیزی یا جریانی که پروتکل‌های هوش مصنوعی را می‌نویسند، کنترل آینده جهان را در نظر آنان، در اختیار خواهد داشت، درمقابل ما مسلمانان معتقد به جریان انتظار و ظهور منجی هستیم جریانی که با ظهور و بروز آن بر تمام سیستم‌های علمی و تکنولوژیکی جهان توفیق خواهد داشت و در ضمن

برتری جریان حق بر جریان باطل تنها از منظر تکنولوژیکی نخواهد بود، به عنوان مثال در عصر سرعت و تکنولوژی، جریان پیاده روی اربعین چرا دشمنان را برافروخته و ناتوانی جریان باطل را به دنبال داشته است، در عصری که همه به دنبال سرعت و سریعتر رسیدن هستند یک انسان کیلومترها پیاده برای هدف مقدسی راه می‌رود، این با معادلات انسان غربی ناسازگار و در تعارض است، به نظر می‌رسد در تمامی جریان پس از ظهور که گفته می‌شود تا قبل ظهور فقط دو بخش از ۲۷ بخش علم کشف می‌شود و تمام ۲۵ جزء باقیمانده در زمان ظهور انسان کامل و امام زمان عج محقق خواهد شد، پس می‌توان انتظار داشت که هوش مصنوعی و علمی که سرمنشأ نامشخص دارند و کارکردی نامعلوم و ابزاری دوسویه و بیشتر در جهت اهداف نظام سرمایه‌داری و لابی‌های صهیونیستی هستند، نمی‌توانند جایگاهی در دوران ظهور دارا باشند. این مقاله به بررسی جایگاه واقعی هوش مصنوعی در تمدن زمینه‌ساز ظهور پرداخته شده است.

آهنگران در مقاله‌ای با عنوان «امکان یا عدم امکان حرکت به سمت کاربست هوش مصنوعی در فرایند تولید علوم اسلامی» بیان می‌دارد که هوش مصنوعی می‌تواند یاری‌بخش ما در تولید تفکر انسانی و به تبع آن عامل تولید علوم انسانی و اسلامی باشد. در این پژوهش چهار نسبت تساوی، کارکرد کامل، کارکرد ناقص و فاقد کارکرد برای نشان دادن میزان کارکرد هوش مصنوعی ضعیف به کار برده شده است، هوش مصنوعی در هیچ‌یک از اقسام علم و آگاهی دارای نسبت تساوی با انسان نیست (با توجه به تحلیل صدرایی از معرفت که علم را حضور معلوم در نزد عالم می‌داند، و اینکه برای رایانه امکان حضور وجود ندارد) و درست این است که بگوییم رایانه اصلاً نمی‌تواند عالم به معنای حقیقی گردد، اما در مورد کارکرد، رایانه در مورد علم حضوری به دلیل اینکه تنها برای مجردات معنا دارد فاقد کارکرد است. در مقابل از رایانه توقع می‌رود که در مورد تصورات جزئی، معقولات اولیه و نیز تصدیقات، دارای کارکرد کامل باشد. اگر موجودی صرفاً مادی باشد امکان حصول معرفت برای آن منتفی است، در نتیجه در ارتباط با دیدگاه‌های که رویکردهای کاملاً مادی‌انگارانه به ذهن و ویژگی‌های آن دارند می‌توان گفت در ارائه یک تحلیل مناسب از هویت معرفت ناتوان هستند. ولی پور و اسماعیلی در مقاله‌ای با عنوان «امکان‌سنجی مسئولیت مدنی هوش مصنوعی عمومی ناشی از ایجاد ضرر در حقوق مدنی» اذعان می‌دارد که نمی‌توان هوش مصنوعی را شخص نامید، زیرا نه به موجب قانون، اعتبار حقوقی‌ای مثل شرکت دارد و نه دارای روح است که مانند شخص حقیقی مخاطب حق و تکلیف باشد. پس باید سازندگان، مالکان و کاربران آن را مسئول دانست. کریمی و اردلانی در مقاله‌ای با عنوان «بدن زیسته مرلوپونتی و جایگاه بدن در فلسفه ترابشریت» به این موضوع می‌پردازد که فلسفه ترابشری از طریق شناخت انسان و ترکیب آن با تکنولوژی، تصویری از آینده انسان مطرح می‌کند که در علم، جامعه‌شناسی، روانشناسی، هنر و فلسفه تأثیرگذار است و به این نتیجه رسیدند که وقتی هوش مصنوعی تجسد یافته (انسان-ربات) بتواند از طریق بدن به معرفتی دست یابد، تصویر جدیدی از انسان و آینده اثر ارائه خواهد کرد. رحیمی‌زاده و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی امکان استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش شهر تهران با استفاده از هوش مصنوعی به این نتایج دست یافته اند که توسعه

و استفاده از هوش مصنوعی در آموزش و پرورش تهران می‌تواند بهبود چشمگیری در فرآیندها و کیفیت آموزشی داشته باشد و موجب بهبود شاخص‌های عملکرد آموزشی، مهارت‌های دانش‌آموزان و ارتقاء سطح دانش و فناوری در شهر تهران گردد. توکلی دوگونچی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر برنامه درسی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان» ضمن بیان مزایای بسیار استفاده از هوش مصنوعی در آموزش بیان می‌دارد که هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین معلم شود زیرا تنها انسان است که می‌تواند انسان را تربیت کند تا انسان‌های بزرگی در آینده شوند. تشکری صالح و رجبی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی توان رقابت هوش مصنوعی با ذهن انسان از منظر قرآن» بیان می‌دارد که عمده تفاوت‌های میان نظریه قرآن با اصول نظریه هوش مصنوعی، به نوعی به مسأله «روح» و یک بعدی یا دوبعدی دانستن وجود انسان بازمی‌گردد. (اگرچه در فضای فکری غرب، بحث از امکان تحقق هوش مصنوعی قوی به طور جدی مطرح است، اما در فضای فکری اسلام و در میان فلاسفه اسلامی این بحث رونق چندانی ندارد، و علت آن ناسازگاری نظریه هوش مصنوعی با مبانی انسان‌شناختی قرآن کریم و به تبع آن مبانی انسان‌شناختی فلسفه اسلامی است. باحجب قدسی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر استفاده از راهبرد هوش مصنوعی در جریان تدریس و تأثیر آن بر دانش‌آموزان» بیان می‌دارند که در خودکارسازی یا همان اتوماسیون کارهای مختلف از جمله امور اداری، ارزیابی آزمون‌ها و نمره‌دهی طی فرآیند آموزش، فواید بسیاری نهفته است. هوش مصنوعی همچنین به ایمن‌تر شدن آزمون‌های آنلاین کمک می‌کند و اجازه تشخیص چهره کمک می‌کند که توجه دانش‌آموزان را در سخنرانی‌ها حفظ می‌کند و استفاده از فناوری تشخیص چهره، نیاز به کارت دانشجویی را برطرف می‌کند. دانش‌آموزان می‌توانند با تجربه شخصی‌سازی شده‌ای که این فناوری ارائه می‌دهد، پیشرفت خود را بهبود بخشند. طبق مطالعه انجام شده، در بیشتر مقالات انجام شده در زمینه هوش مصنوعی و آموزش، پذیرش اولیه «خودِ هوش مصنوعی» مورد قبول واقع شده، تنها کارکردها و کاربردهای هوش مصنوعی مورد بررسی قرار گرفته است، به بیان دیگر در کشور ما بین چستی، چرایی و چگونگی هوش مصنوعی بیشتر به بررسی چگونگی کاربرد هوش مصنوعی توجه شده است در عمل نیز وزارت آموزش و پرورش و دبیرخانه‌های کشوری رشته‌های مختلف، بدون توجه به این نکته قابل اهمیت، به برگزاری وبینارهای مختلفی درباره آموزش انواع هوش مصنوعی‌ها و کارکرد هر کدام برای معلمان اقدام می‌نمایند.

تمدن زمینه‌ساز ظهور

تمدن از نظر لغوی «مدن» به معنای اقامت کردن و پیدا کردن اخلاق شهرنشینان است. (حسینی‌دشتی، ۱۳۸۵) این کلمه ترجمه «civilization» به معنای شارمند مشتق شده است. در فرهنگ‌های فارسی نیز «تمدن» به معنای شهرنشین شدن، به اخلاق و آداب شهریان خو گرفتند همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی آمده است. اگر چه هم در زبان شرقی و هم در زبان لاتین، انتساب به شهر و شهرنشینی ملاک تمدن است، اما باید توجه داشت که

تمدن لزوماً به معنای شهرنشینی نیست، بلکه انسان متمدن انسانی است که وارد مرحله شهرنشینی شده باشد. در واقع شهرنشینی معلول تمدن است، نه علت آن. (قانع‌آبادی، ۱۳۷۱) معنای اصطلاحی تمدن نیز به نظامی اجتماعی که در نتیجه وجود آن خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند، در هر تمدن چهار رکن و عنصر اساسی وجود دارد، پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سیاسی، سنت اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر. (ویل‌دورانت، ۱۳۷۴) در مورد رابطه فرهنگ و تمدن باید گفت که این دو پدیده برهم تأثیر می‌گذارند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. تمدن بیشتر جنبه عملی و عینی دارد ولی فرهنگ اغلب دارای جنبه ذهنی و معنوی است. بنابراین فلسفه، ادبیات، هنر و اعتقادات در قلمرو فرهنگ قرار دارد. تمدن تأمین‌کننده پیشرفت انسان در حوزه اجتماع است اما فرهنگ می‌تواند ناظر به تکامل فردی انسان نیز باشد. تمدن و فرهنگ با هم رابطه دارند ولی لازم و ملزوم نیستند. می‌توان جامعه‌های متمدنی را تصور کرد که فرهنگ در آنها به پایین‌ترین درجه تنزل کرده باشد، بنابراین همانگونه که تمدن بی‌فرهنگ داریم، بافرهنگ بی‌تمدن نیز وجود دارد. (ربانی، ۱۳۵۶) نسبت میان فرهنگ و تمدن را نسبت بود و نبود می‌دانند، یعنی تمدن نمود فرهنگ و فرهنگ به منزله روح تمدن معرفی می‌شود. از این منظر تمدن عبارت است از اندوخته‌های مادی و معنوی انسان و هر دو ساحت مادی و معنوی نمود فرهنگ می‌باشد. یعنی با دگرگونی ژرف در اجزای تشکیل‌دهنده یک فرهنگ (نظام شناخت‌ها و باورها، ارزش‌ها و گرایش‌ها، رفتارها و کردارها) نمود مادی و معنوی آن (تمدن) تغییر اساسی خواهد کرد. تأثیر فرهنگ در تمدن اثر زایشی است، یعنی از فرهنگ تمدن، زاده می‌شود و در پرتو آن رشد و بالندگی می‌یابد و تأثیر تمدن بر فرهنگ افزایشی است، یعنی تمدن در توسعه و نفوذ فرهنگ در جامعه موثر است. این فرهنگ است که تمدن‌ها را پدید آورده و آن‌ها را هدایت می‌کند. (صحرایی، ۱۳۹۲). تمدن زمینه‌ساز باید از نظر ابعاد سه‌گانه معرفتی، گرایشی و رفتاری، به وضعیتی برسد تا پس از ظهور امام عیج امر ایشان بر زمین نماند. تمدن زمینه‌ساز در جمله‌ای کوتاه، یعنی «ایجاد تمدن اسلامی». در مورد رابطه تمدن و علم باید گفت هیچ تمدنی بدون علم ساخته نشده است. در عصر کنونی، با وجود آفات و انحرافات فکری، نسبت به گذشته، فرصت شناخت بیشتری درباره جهان وجود دارد. علم، اساسی‌ترین رکن و لایه تمدن از مهم‌ترین دست‌آورد انبیای الهی و فرهنگ نیز در ابعاد مختلف آن، فرایند بعثت آنان بوده است. علم در عرصه تمدن از ریشه وحی آغاز می‌شود. تمام انبیای الهی از آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، یوسف، داوود، سلیمان، ادریس و محمدص دست‌آوردی مهم و زیربنایی به نام علم وحی و علم الهی برای بشریت داشته و به تناسب درک و کشش انسان‌ها و مقتضای زمان خود، به ترویج انواع علوم در عصر خویش پرداخته‌اند. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، برسد. (منزوی‌بزرگی، ۱۳۹۵) در تمدن زمینه‌ساز ظهور باید به دنبال تربیت انسان‌های ترازوی بود که هرکدام در هر جایگاهی هستند، بتوانند در جهت اهداف حکومت الهی و در جهت تحقق هرچه سریعتر آن گام بردارد. چیزی که دشمن و نظام سرمایه‌داری و لابی

فناوری

فناوری به معنای لغوی، دانش و فن انجام کارها با استفاده از دانش و اطلاعات علمی است. فناوری کاربرد دانش بشری است. فناوری هر نوع دانش فنی نظام مند است، که بر اساس تجارب یا نظریه‌های علمی بوده و باعث افزایش ظرفیت جامعه، برای تولید کالاها و خدمات می‌شود. فناوری اطلاعات عبارت است از فناوری‌هایی که فرد را در ضبط، ذخیره‌سازی، پردازش، بازیابی انتقال و دریافت اطلاعات یاری می‌دهند. هوش مصنوعی یکی از پدیده‌های نوظهور جهان امروز می‌باشد. (آقورن لوئی، ۱۴۰۲، ۱)

نظام آموزشی

مقصود از «نظام تعلیم و تربیت» یا «نظام آموزشی» مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، مفاهیم و عناصر منسجم، سازمان‌یافته و هدفمند درباره‌ی تعلیم و تربیت است که از روابط متقابل و نوعی همبستگی درونی برخوردار بوده، بیانگر چگونگی فرایند آموزش است. (امامی، ۱۳۹۸) نظام آموزشی، دربرگیرنده تمام مؤلفه‌های موثر در آموزش یک موضوع یا گستره‌ای از دانش‌ها و تجربه‌هاست. بنابراین می‌توان گفت: «نظام آموزشی، مجموعه برنامه‌ها، روش‌ها و مواد فراهم آمده برای دستیابی به اهداف مشخص آموزشی است.» (پاکدل، ۱۳۹۵) نظام آموزشی یک مجموعه پیچیده‌ای است که در آن اجزاء متشکله و زیرنظام‌ها به گونه‌ای سازمان یافته تا در اثر تعامل مداوم، هدف‌های از پیش تعیین شده را تحقق بخشد. (عابدینی، ۱۳۹۰) نظام آموزشی که امروزه در ایران اجرا می‌شود نظامی تقلیدی از نظام آموزشی غربی است. محتوای علمی سیستم آموزشی کنونی در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها انباشته از فرضیاتی است که هرچند کاملاً به اثبات نرسیده‌اند اما به گونه‌ای تدریس می‌شوند که گویی علم مطلق هستند و هیچ تردیدی در آنها وجود ندارد. (آوینی، ۱۳۹۲، ۱۸۰) لذا با یک نظام آموزشی ناهمگون با بوم و فرهنگ ایرانی - اسلامی و ناهماهنگ با فطرت انسان و غیرهم‌راستا با نیازهای دانش‌آموز ایرانی، که هویت و امید خود را در طول ۱۲ سال آموزشی در مدرسه جای گذاشته و فارغ‌التحصیل می‌شود، نمی‌توان انتظار داشت که با تزریق محتواهای تولیدی با هوش مصنوعی و جذاب کردن کلاس‌ها و فرآیند تدریس با هوش مصنوعی حلقه گمشده نیاز نظام آموزشی پیدا گشته و این درد درمان شود چراکه هنوز به اثبات نرسیده این داروی هوش مصنوعی برای خود غرب و نظام آموزشی غرب داروی جواب‌گو بوده باشد، لذا معلوم نیست در چند سال آینده چه بلایی در فراروی سیستم نظام آموزشی ما خواهد بود.

هوش مصنوعی

بشر در روند اختراع و استفاده از اینترنت، بعد از چندین دهه به هوش مصنوعی رسیده است. هوش مصنوعی به کاربران اجازه می‌دهد تا پایگاه‌های داده‌ای که قبلاً ذخیره شده بودند را به هم متصل کنند تا بتوان دستاوردها و نتایج بهتری را به دست آورد. (حقیقی فرد، ۱۴۰۲) هوش مصنوعی داده‌ها را با استفاده از مدل‌های آماری و روش‌های یادگیری ماشین



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



پردازش می‌کند. هوش مصنوعی در سیستم‌های خبره براساس مجموعه‌ای از قوانینی که قبلاً تنظیم شده‌اند، انتخاب می‌کند. قوانین برگرفته، از سیستم انسانی است که اجازه می‌دهد مانند یک فرد متخصص در زمینه‌های خاص عمل کند. (اسکندری، ۱۴۰۲) موفقیت‌های کسب شده برای دانش هوش مصنوعی تنها در زمینه‌های خاص و تک منظوره اند. (رمضانی، ۱۳۹۲)

مبانی انسان‌شناسی هوش مصنوعی در فلسفه ذهن عبارتند از نظریه «کارکردگرایی» و «رفتارگرایی» و برخی بر نظریه «تکامل داروینی». در کارکردگرایی سیستم محاسباتی انسان را مدل خود قرار داده‌اند، روال‌های محاسباتی انسان و روال‌های محاسباتی ماشین شبیه‌ساز آن، در مواد فیزیکی ساختمانی آنهاست. این مواد ساختمانی در انسان مواد آلی و در کامپیوتر فلزات و نیمه‌هادی‌هاست. اگر ماشین بتواند از پس همه فعالیت‌های شناختی درونی ما، با کلیه جزئیات آن، برآید، آنگاه به عنوان اشخاص حقیقی به رسمیت نشناختن آنها فقط و فقط صورتی جدید از تبعیض نژادی خواهد بود. رفتارگرایی فلسفی مدعی است که هر جمله‌ای درباره یک حالت ذهنی را می‌توان، بدون از دست رفتن معنا، با جمله طولانی و پیچیده‌ای بازنویسی کرد که بیان‌گر رفتار قابل مشاهده‌ایست که شخص مورد بحث در موقعیت‌های گوناگون قابل مشاهده بروز خواهد داد. روند پیش روی توسعه هوش مصنوعی به گونه‌ای است که بتواند هر هدفی را به خوبی در هر موجود هوشمند دیگری محقق کند؛ (عزیزی علویجه، ۱۴۰۲) هوش مصنوعی از دیدگاه فلسفی نیز حائز اهمیت است. علوم زیستی تا قرن نوزدهم که چارلز داروین نظریه تکامل خود را مطرح می‌کند، قدرتمند و تأثیرگذار نبوده است. بعد از قرن نوزدهم زیست‌شناسی به یکی از علوم مهم و تأثیرگذار در فلسفه تبدیل شد. فیلسوفان بعد از داروین از نظریه تکامل وی برای معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی انسان استفاده کردند. به باور برخی فیلسوفان، در اوایل قرن بیستم زیستن و علوم زیستی فلسفه را تحت الشعاع خود قرار داد و بسیاری از مسائل فلسفی از طریق علوم زیستی توسط دانشمندان توجیه می‌شده است؛ اما در دهه ۹۰ میلادی با نظریه «تراشیریت» علم و تکنولوژی و فلسفه با هم در تنیده شده است. به باور آنان انسان برای بقا و ادامه حیاتش به تکامل احتیاج دارد. طبق نظریه مرلوپوتنی با توجه به تسلط ادراکی بدن انسان بر قدرت معرفت‌شناختی و سطح آگاهی‌اش، با اضافه کردن تکنولوژی در ساختار بدنی انسان می‌تواند به شکل جدیدی به انسان تکامل یافته دست یابد که بتواند حداقل چهارصد سال عمر کند. تراشیریت یک جنبش روشنفکری و فرهنگی است که می‌تواند به شکلی تمامی غیرممکن‌ها و ناتوانی‌ها برای بهبود وضعیت بشر را کنار بگذارد. این جنبش با استفاده از تکنولوژی‌های مختلف محدودیت عمر انسان را حذف می‌کند و ظرفیت‌های ذهنی، فیزیکی و روان‌شناختی انسان را ارتقاء می‌بخشد. زمانی که افراد این گروه از هوش مصنوعی صحبت می‌کنند، منظور از هوش مصنوعی صرفاً چیزی به نام سیستم پردازش یا مرکزیت تعقل نیست؛ بلکه هوش مصنوعی شکل جدیدی از انسان است که همچون نظریه داروین، شکل تکامل یافته اوست. (کریمی، ۱۳۹۶)

امروزی هوش مصنوعی به نوعی باعث حاکمیت از راه دور استعمارگران بر سایر کشورهای مصرف کننده شده است.

هوش مصنوعی به نوعی ساختار کنترل کننده برای کنترل جوامع شده است، به طوری که در آینده‌ای نه چندان دور باید منتظر هدف نهایی و مقاصد مالکان واقعی هوش مصنوعی برای یکپارچه سازی جهان و کنترل و استعمار نوین بر جهان بود. موضوع قابل تأمل که دانشمندان حوزه هوش مصنوعی مطرح می کنند، بحث زمان تکینگی (برتری هوش مصنوعی بر هوش انسانی) هوش مصنوعی است که تا سال ۲۰۴۵ محقق خواهد شد و سیطره هوش مصنوعی بر مناسبات انسان و جوامع فزونتتر خواهد شد. این نوع از برداشت از انسان با تلقی قرآن از انسان به عنوان اشرف مخلوقات در تعارضی آشکار است. در قرآن قدرت عقل و تعقل در انسان وجه تمایز و برتری انسان بر سایر موجودات و عامل مکلف بودن انسان معرفی شده است، آنچه که انسان غربی از علم و تمدن تعریف می کند تفاوت ماهوی بسیاری دارد با آنچه که در مبانی دینی ما بیان شده است. به عنوان مثال در کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت هیچ اشاره‌ای به ماجرای ساختن کشتی و حرکت دادن آن در زمان حضرت نوح علیه السلام نشده است. یا اینکه آموزش‌هایی که خداوند به حضرت آدم و حوا دادند، ﴿وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ﴾ «و به [داوود] فن زره [سازی] آموختیم،» و یا آموزش صنعت ذوب آهن که به حضرت داوود علیه السلام داده شد، اصلاً از نظر ویل دورانت مهم نبوده که در سیر تمدن بشری بخواند به آن اشاره کند. و تنها به مظاهر تمدنی اشاره کرده که دستاورد صرفاً بشری بوده است. دانشمندان علم هوش مصنوعی نیز از تکینگی سخن می گویند. به نظر جایی خلأ و پوچی و تو خالی بودن این نظریه‌های صرفاً مادی نمایان خواهد شد. در ماجرای قصه موسی علیه السلام در قرآن بیان شده، در آن دوره فترت و فاصله قبل از آمدن موسی علیه السلام ساحران به نوعی از علم دست یافته بودند که به نظر مردمان کارهایشان سحر و جادو بود، خداوند موسی علیه السلام را از کودکی به گونه‌ای تربیت کرد که یک نمونه کامل از انسان تراز مدنظر خداوند بود، ﴿وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي﴾ (طه ۴۱) «و تو را برای خود پروردم.» موسی علیه السلام به سوی قوم رفتند با معجزه‌ای که آن معجزه وقتی در دستان یک انسان کامل و تراز قرار گرفت تبدیل به اژدها شد و سحر ساحران را بلعید. آنچه که موسی علیه السلام به عنوان منجی بنی اسرائیل به عنوان معجزه به همراه آورده بودند فقط چیزی نبود که فراتر از علم و تکنولوژی ساحران باشد بلکه چون شخص موسی علیه السلام تربیت شده خداوند آورده بود، موضوعیت داشت. (عباسی، بی تا) در عصر ظهور امام زمان عج نیز با ظهور انسان کاملی مواجه خواهیم بود که صرف وجود ایشان برای تغییر و تحول در تمام عرصه ها کافی است و به خاطر حضور ایشان علم و تکنولوژی پیشرفتی ۱۳ برابری خواهد داشت و ۲۵ قسمت باقی مانده از ۲۷ جزء علم و تکنولوژی قابل یافتن توسط بشر، کشف خواهد شد.

اصول مهم نظریه هوش مصنوعی

۱. انسان موجود مادی محض است، نظریه هوش مصنوعی از پیامدهای تجربه گرایی مادی در دهه‌های اخیر بوده و یکی از مبنایی ترین اصول آن این است که انسان را موجودی تک ساحتی و کاملاً مادی می بیند، طبیعتاً در چنین فرضی است

که می‌توان تصور کرد موجود مادی دیگری (مثلاً یک رایانه فوق پیشرفته) بتواند عملکرد مغز را که بخشی از بدن انسان است، شبیه‌سازی کند. طرفداران نظریه هوش مصنوعی مغز انسان را که مرکز دستگاه عصبی اوست، عامل درک و منبع تمام شناخت‌های انسان معرفی می‌کنند، از نظر آن‌ها، حتی پیچیده‌ترین عملکردهای ذهن انسان صرفاً محصول فعل و انفعالات فیزیکی سلول‌های عصبی است.

۲. توانایی موجود مادی مشابه مغز، بر انجام همه فعالیت‌های ذهن، از نظر طرفداران نظریه هوش مصنوعی، اگر یک رایانه پیشرفته بتواند دقیقاً رفتار مغز انسان را تقلید کند، باید بپذیریم که یک ذهن مانند ذهن انسان است. (تشکری صالح، ۱۳۹۷)

هوش مصنوعی به عنوان شاخه‌ای از علم معرفی می‌شود که سعی می‌کند روش‌هایی را که انسان برای حل مسائل خود از آن‌ها بهره می‌گیرد، شبیه‌سازی کند. متخصصان هوش مصنوعی سعی می‌کنند به ماشین یاد بدهند مثل انسان عمل کند. اصطلاح هوش به عنوان صلاحیت یا قابلیت در حل مسأله تعریف می‌شود و مصنوعی یعنی هرگونه روش نظام مند انسانی که ممکن است هدف‌های حل مسأله را به انجام برساند. ابزارهای هوش مصنوعی عمدتاً با ۳ اصل اساسی مطابقت دارند:

یادگیری: کسب و پردازش تجربه جدید، ایجاد مدل‌های رفتاری جدید

تصحیح خود: اصلاح الگوریتم‌ها برای اطمینان از دقیق‌ترین نتایج

استدلال: انتخاب الگوریتم‌های خاص برای حل یک کار خاص. (خیامی و همکاران، ۱۴۰۲)

هوش مصنوعی فناوری سه‌کاره‌ای در نظر گرفته می‌شود که می‌توان از آن برای مقاصد غیرنظامی، نظامی و مجرمانه استفاده کرد. (ابوذری، ۱۴۰۲) برای هوش مصنوعی دو رویکرد عمده «هوش مصنوعی ضعیف» و «هوش مصنوعی قوی» وجود دارد. رویکرد قوی به مسئله هوش مصنوعی در پی آن است که ماشینی بسازد که تمامی قابلیت‌هایی که تداعی‌گر هوش در انسان است از قبیل آگاهی، اراده، تفکر، فهم معنا و زبان عواطف و ... را از خود بروز دهد، تعاریفی مانند «خودکارسازی فعالیت‌های مرتبط با تفکر انسان مانند تصمیم‌گیری، حل مسأله، عواطف و ...» در مقابل در رویکرد ضعیف به هوش مصنوعی تنها به داشتن کارکرد مشابه، آن هم در برخی زمینه‌های هوش مصنوعی اکتفا می‌شود، به عبارت دیگر همین توانایی‌هایی که امروزه در رایانه‌ها برای انجام امور محاسباتی دیده می‌شود، هوش مصنوعی به معنای ضعیف آن است، تعاریفی مانند مطالعه این‌که چگونه رایانه‌ها را می‌توان وادار به انجام کارهایی کرد که در حال حاضر انسان‌ها آن‌ها را بهتر انجام می‌دهند. (آهنگران، ۱۴۰۲، ۴۹) اگرچه در فضای فکری غرب، بحث از امکان تحقق هوش مصنوعی قوی به طور جدی مطرح است، اما در فضای فکری اسلام و در میان فلاسفه اسلامی این بحث رونق چندانی ندارد، و علت آن ناسازگاری نظریه هوش مصنوعی با مبانی انسان‌شناختی قرآن کریم و به تبع آن مبانی انسان‌شناختی فلسفه اسلامی است. (تشکری صالح، ۱۳۹۷)

امروز دانش هوش مصنوعی به دو دسته تقسیم می‌شود: هوش مصنوعی سمبلیک یا نمادین، هوش غیر سمبلیک یا پیوندگرا. هوش مصنوعی سمبلیک از رهیافتی مبتنی بر محاسبات آماری پیروی می‌کند و اغلب عنوان «یادگیری ماشین» طبقه بندی می‌شود. هوش سمبلیک می‌کوشد سیستم و قواعد آن را در قالب سمبل‌ها بیان کند و با ننگاشت اطلاعات به سمبل‌ها و قوانین به حل مسأله بپردازد، سیستم‌های خبره و شبکه‌ها از این دسته اند. هوش پیوندگرا متکی بر یک منطق استقرائی است و از رهیافت «آموزش/بهبود سیستم از طریق تکرار» بهره می‌گیرد. این آموزش نه براساس نتایج و تحلیل‌های دقیق آماری، بلکه مبتنی بر شیوه آزمون و خطا و «یادگیری از راه تجربه» است. در هوش مصنوعی پیوندگرا، قواعد از ابتدا در اختیار سیستم قرار نمی‌گیرند، بلکه سیستم از طریق تجربه، خودش قوانین را استخراج می‌کند. روش‌های ایجاد شبکه‌های عصبی و نیز به کارگیری منطق فازی در این دسته قرار می‌گیرد. (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۸)

ویژگی‌های لازم برای مدل‌های هوش مصنوعی

برای استفاده از یک مدل هوش مصنوعی، اینک فقط دقت خوبی داشته باشد، کافی نیست؛ بلکه یک‌سری پارامترها و ویژگی‌هایی هم باید داشته باشد؛ اول اینکه مدل هوش مصنوعی باید عمومیت‌پذیر باشد، یعنی این مدل، فقط در محیط آزمایشگاهی کار نکند؛ در عمل، در محیط‌های دیگر هم بتواند کار کند؛ یعنی دقت. دوم آنکه استحکام داشته باشد یعنی اگر شرایط تغییر کرد باز هم کار کند؛ سومین ویژگی مدل هوش مصنوعی، این است که سیستم باید حریم خصوصی کاربران و توسعه‌دهندگان را حفظ کند. چهارمین ویژگی عدالت است؛ یعنی سیستم باید مثلاً برای همه استان‌های کشور خوب کار کند؛ نه اینکه فقط برای پایتخت خوب جواب بدهد. این چالش در کشورهای غربی وجود دارد؛ یعنی سیستم‌های هوش مصنوعی آنها، برای رنگین‌پوست‌ها دقت بسیار پایین‌تری دارند. چون دیتاهایی که جمع‌آوری شده، سوگیری به سمت سفیدپوستان داشته، در مورد رنگین‌پوستان سیستم ناعادلانه برخورد می‌کند. مثلاً وقتی از چت جی.پی.تی خواسته شد جمله‌ای در مورد اسرائیل بگوید، جمله کاملاً حمایت‌گر و مثبت می‌گفت؛ اما وقتی جمله‌ای در مورد فلسطین خواسته می‌شد، می‌گوید: این مسائل پیچیده است، بهتر است در مورد آن صحبت نکنیم. آخرین ویژگی مدل هوش مصنوعی، موضوع تفسیرپذیری است. باید دانسته شود در دل این سیستم، چه خبر است. دلیل اینکه در سیستم‌های امنیتی از هوش مصنوعی استفاده نمی‌شود همین موضوع است، چون هنوز کسی از درون این سیستم اطلاعات کافی و دقیقی ندارد. (کتابداری، ۱۴۰۲)

قاعده نفی سبیل، استقلال جامعه و لزوم علم آموزی

در مسأله تعلیم و تربیت اسلامی اولین مسأله علم و تعلیم در کنار پرورش عقل است، این دو از یکدیگر متفاوتند و باید به صورت توأمان رشد کنند. مسأله علم همان آموزش دادن است و متعلم فراگیرنده است. اما صرف این یادگیری معلومات و انباشتن مغز از اطلاعات برای یک تربیت صحیح کافی نیست بلکه هدف پرورش عقلانی و استقلال فکری

است. چنین افرادی با روحیه نقاد و منصف با پدیده‌های مختلف به طور صحیح مواجه می‌شوند و چنین جامعه‌ای در برابر انواع مشکلات ابهامات و فتنه‌های گوناگون مصونیت بیشتری خواهد داشت. دین اسلام به عنوان کاملترین دین، دعوت به یادگیری علم به طور مطلق کرده است، یعنی ما در اسلام برای یاد گرفتن علوم؛

شرط زمانی «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى الْاِحْدِ»

شرط مکانی «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ»،

شرط جنسیتی «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»

و حتی شرط یکی بودن دین و مذهب هم نداریم «خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ»، در اسلام علم آموزی و طلب علم بر هر مسلمانی واجب است و هیچ استثنایی نیز ندارد. (مطهری، ۱۳۹۱)

علم دو جنبه دارد؛ گاهی علم ذاتاً خوب و مفید است و گاهی علم بهترین وسیله زندگی است، در واقع نوعی قدرت و توانایی است. با در نظر گرفتن جامعیت و خاتمیت اسلام، هر علمی که به حال اسلام و مسلمین نافع باشد، علم دینی به شمار می‌رود. (مطهری، ۱۳۹۱)

یک اصل همیشگی در اسلام این است که خداوند متعال نمی‌پسندد که کافران بر مسلمانان سیطره و تسلط داشته باشند، «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً»، اصل دیگر اینکه هر تحولی در دنیا بر پاشنه علم می‌گردد، ضمن اینکه علم یک کلید و مفتاح برای انجام سایر فرایض و منظوره‌های اسلامی شناخته شده است، به اصطلاح فقها، واجب تهیوئی است یعنی علم به انسان آمادگی می‌دهد که سایر وظایف خود را بتواند انجام دهد. در استفاده از هوش مصنوعی باید توجه داشت دفع خطر احتمالی شرط عقل است، اگر این احتمال داده شود که داده‌هایی که امروز برای تولید انواع محتوا در اختیار هوش مصنوعی قرار می‌گیرد در آینده دور یا نزدیک ممکن است برای منافع ملی کشور آسیب‌زا باشد، باید به دنبال چاره‌جویی برای بومی سازی این فناوری یا کم کردن خطرات احتمالی بود، البته واژه بومی سازی هوش مصنوعی کمی غیر علمی به نظر می‌رسد. چیزی که صفر تا صد آن را تفکر اومانستی تولید کرده، ما از میانه راه و از جزئیات آن نمی‌توانیم بومی کنیم، در هر حالتی اطلاعات ما مورد سنج و اندازه‌گیری توسط سرویس‌های امنیتی آنان قرار می‌گیرد.

اسلام در محیط علم بهتر رشد می‌کند تا در محیط جهل

رشد یعنی لیاقت و شایستگی برای نگهداری و بهره‌برداری از امکانات و سرمایه‌هایی که در اختیار انسان قرار داده شده است. رشد اسلامی مسئولیت ما در قبال خود اسلام سرمایه‌های معنوی، ثروت معنوی که در اختیار ماست. مسئولیت شناخت، مسئولیت حفظ، مسئولیت نگهداری، مسئولیت بهره‌برداری. از دست دادن این سرمایه‌ها نشانه بی‌رشدی است. قدرت ارزیابی یعنی یک جامعه به آنجایی برسد که ارزش سرمایه‌های خود را درک کند. قدرت پیش بینی و حساسیت

داشتن نسبت به موضوعات اساسی نیز یکی دیگر از نشانه‌های رشد یافتگی است، اینکه هر ابزار و فناوری و تکنولوژی که به عنوان غذای علمی و فرهنگی از جوامع غرب و تمدن غرب ظهور کند بدون در نظر گرفتن نوع تفکر و فرهنگ پشت آن، بپذیریم و بدون پیش‌بینی پیامدها، در جامعه اجرا و کاربردی شود، و بعد از بروز مشکلات و معضلات پیگیر راه درمان و برون‌رفت از آسیب آن ابزار یا تکنولوژی بودن، نشان‌دهنده رشد نیافتگی جوامع است. (مطهری، ۱۳۹۱، ب) اگر ما جهاد علمی نکنیم، دیگران جهاد علمی می‌کنند و ثمره‌اش را می‌بینند و طبق مقاصد خودشان ما را از جهالت بیرون می‌کشند!

پیامبر اسلام ص فرمودند: «مَنْ أَحْيَى أَرْضَ مَوْتٍ فَهُوَ لَهُ» هر کس زمین مرده را احیاء کند، آن زمین مال خودش است. هرچند این قاعده یک قانون تشریحی است و مربوط به زمین است، اما در مورد تکوینیات هم صادق است. هر گروهی که بیایند ملتی را احیاء کنند، آنها را از جهل و فقر و بدبختی نجات دهند، مللک دل‌ها و روح‌ها و عقیده‌های آن مردم خواهند شد. (مطهری، ۱۳۹۱) اسلام با قراردادن هدف‌ها در قلمرو خود و واگذاشتن شکل‌ها و صورت‌ها و ابزارها در قلمرو علم، از هرگونه تصادفی با توسعه و فرهنگ و تمدن پرهیز کرده است. اسلام شاخصه‌هایی در خط سیر بشر نصب کرده است. آن شاخصه‌ها از طرفی مسیر و مقصد را نشان می‌دهد و از طرفی دیگر با علامت خطر انحراف‌ها و سقوط‌ها و تباهی‌ها را ارائه می‌دهد. (صحرائی، ۱۳۹۲) محتواهای تولید شده که با صلاح‌دید و سلیقه هوش مصنوعی تولید می‌شود، به طور ضمنی در حال انتقال نوعی تفکر و به تبع آن نوعی فرهنگ است. هوش مصنوعی و تفکر غالب آن در حال شکل دادن فضای فکری ماست.

تربیت در سند تحول بنیادین

تمام آنچه در نهان و آشکار جامعه اسلامی رخ می‌دهد، باید مقدمه و مقوم برای سعادت انسان که همانا قرب الی الله است، باشد. به همین علت تربیت صحیح اسلامی نسبت به تمدن‌سازی اسلامی هم مقدمه است و هم نتیجه. (صحرائی، ۱۳۹۲) نتیجه فرآیند تربیت، آماده شدن افراد جامعه برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، در مسیر قرب الی الله است و حیات طیبه دارای ابعاد فردی و اجتماعی است. حیات طیبه در حقیقت حاصل ارتقاء و استعلائی حیات حیات طبیعی و متعارف آدمی با صبغه الهی بخشیدن به آن است که با پذیرش حاکمیت نظام ربوبی بر شؤون مختلف زندگی آدمی و انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری این نظام معیار تحقق می‌یابد. (محسن‌لو و همکاران، ۱۴۰۲)

نگرش مسلط بر جوامع غربی، زاینده اندیشه‌های انسان مدارانه‌ای است که به خصوص پس از تحولات رنسانس و مؤلفه‌های ایجاد شده آن، جهان فکری غرب را بنا نهادند. مکاتب فکری شکل گرفته در طول چند قرن اخیر در غرب، خود را به کل خالی از هرگونه نشانه‌ی خداپرستانه و دین‌محوری نموده‌اند. آنها الگویی را ساخته و پیشنهاد می‌دهند که در آن انسان آزاد و مستقل از نیروهای معنوی بر طبیعت چیره است و برای نایل آمدن در این پیشرفت به طور کلی بر خود متکی است. (وکیلی، ۱۳۹۹) در نظام طولی، علم به پدیده‌های مادون به عالم مافوق خود مرتبط است و نیز عالم فرشتگان در تحولات زمین و زمینیان نقش اساسی دارند، ولی در مذهب مدرنیته نظام طولی عالم فراموش شد، و بشر سرگردان عالم کثرت گشت، بدون آنکه متوجه باشد باید این کثرات را به عالم وحدت وصل کند و اذا نسبت‌ها، جای حقایق را می‌گیرد و در نتیجه انسان در توهم معرفتی قرار می‌گیرد. در غفلت از نظام طولی انسان موجودی خودمدار و مستغنی از وحی و بی‌نیاز از معنویت درونی می‌شود، باطناً هیچ تعلقی به عالم غیب ندارد و خودش را برای شناسایی عالم و آدم کافی می‌داند. (طاهرزاده، ۱۳۸۰)

دیدگاه و رویکرد بشری، رویکرد فلسفی غرب در مواجهه با حوزه‌های مختلف دانش از جمله حقوق و اخلاق و سیاست است. برپایه دیدگاه بشر محور و دیدگاه اومانستی، خواست و اراده انسان، متعالی‌ترین مرجع تعیین اهداف جامعه انسانی است. به همین مناسبت، با تغییر نیازها و خواست‌های انسان، حقوق و اخلاقیات وی نیز تغییر می‌یابند. در نقطه مقابل دیدگاه اسلام و تمامی ادیان آسمانی بر محوریت خالق و تعریف سایر مناسبات عالم بر گرد وی است. دین مبین اسلام جامعه متعالی انسانی را، نه بر پایه خواست و اراده متحول و متغیر بشر، بلکه بر پایه نیازهای طبیعی و فطری وی و همچنین مصلحت خاصه پروردگار تعیین و تبیین می‌نماید. (غمامی، ۱۳۹۸) اولین تافلر در کتاب موج سوم می‌نویسد: آموزش و پرورش مادامی که برپایه مدل کارخانه‌ای طرح‌ریزی شده بود، خواندن و نوشتن حساب و قدری تاریخ، موضوعات درسی دیگر را یاد می‌داد. این برنامه درسی آشکار بود، اما در پشت آن یک برنامه درسی نهایی وجود داشت که اساسی‌تر بود؛ این برنامه مشتمل بر سه درس است: درس وقت شناسی، درس اطاعت، و درس تکراری طوطی‌وار. (آوینی، ۱۳۹۲)

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار متصدیان امر آموزش و پرورش فرمودند: «... فکر کنیم چرا این قدر طواغیت عالم و فراعنه عالم به فکرند و اصرار دارند که در آموزش و پرورش کشورها نفوذ پیدا کنند؛ روی این یک قدری باید تأمل کرد....» (رهبری، ۱۳۹۹) این مسأله نشان می‌دهد که دشمن با طرح این سند در صدد نفوذ و استحاله در جامعه ما هست. شکست طرح‌های متعدد براندازی، دشمن را به سمت استحاله نظام از درون سوق داده است. استحاله مهم‌ترین ابزار استعمار فرانو محسوب می‌شود که می‌تواند جای جلا و شهید را عوض کند و زمینه‌ساز نفوذ دشمن شود. (رهبری، ۱۳۹۹) بر طبق آمار، تا سال ۲۰۲۵، دو میلیارد نفر از سراسر جهان، جوان‌ترین نسل را تشکیل می‌دهند. به کودکان متولد شده بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۵، نسل آلفا گفته می‌شود. این نسل به عنوان نخستین نسلی شناخته می‌شود که برای تمام

عمر خود از ارتباطات و رسانه‌های دیجیتال استفاده خواهند کرد. نسل آلفا از زمانی که چشم به جهان گشوده‌اند در اطراف خود به طور گسترده‌ای با فناوری‌های پیشرفته‌ای همچون اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، گوشی‌های هوشمند و دستیاران صوتی روبرو هستند. کودکان نسل آلفا از فناوری‌های نوظهور در مدرسه نیز بهره می‌برند. فناوری‌هایی همانند واقعیت افزوده، واقعیت مجازی، واقعیت ترکیبی، رباتیک و هوش مصنوعی در حال تغییر آموزش کودکان در مدارس است. (دورقی، ۱۴۰۲) آموزش حساس‌ترین فعالیتی است که در یک کشور صورت می‌گیرد. اصولاً با آموزش می‌توان همه تغییرهای دلخواه را به وجود آورد. (محمدیوسفی، ۱۳۹۸) چهارمین اصل سند ۲۰۳۰ آموزش است که «تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه» را مورد تأکید قرار می‌دهد. لذا در کاربرد هوش مصنوعی در فرایند آموزش بسیار باید با دقت وارد عمل شد و پیش از در نظر گرفتن تمامی جوانب وارد حیطه نشد و با اطلاع از تمامی گمانه‌زنی‌ها وارد عرصه شد. هانتینگتون - نظریه پرداز آمریکایی - در تئوری «رویارویی تمدن‌ها» می‌گوید: «تقابل اصلی آینده جوامع بشری برخورد فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی است.» (رهبری، ۱۳۹۹) سند ۲۰۳۰ از لحاظ نظری، قصد دارد با ارزش‌ها، فرهنگ و اصول فکری و اخلاقی جوامع بشری را با منافع و سیاست‌های برخی از قدرت‌های بزرگ و ذی‌نفوذ در سازمان ملل متحد همراه نماید. در مرزهای بهم گره خورده جهان پیچیده معاصر، تغییرات رادیکالی ظهور کرده‌اند که نتیجه مستقیم عصر اطلاعات و شکل‌گیری روابط گسترده مجازی هستند. چنین روابط مجازی فارغ از محدودیت‌های تحمیل‌شده به مرزهای فیزیکی، باعث بروز هویت‌های انسانی جدیدی می‌شوند که هرچند ناپایدار و زودگذر ولی گاهاً فراتر از هویت و یا هویت‌های شناخته شده در چهارچوب مرزهای جغرافیایی-سیاسی خاصی قرار می‌گیرند. متناسب با ساختار سیاسی جدید شکل گرفته، قدرت در اشکال جدیدی خود را بازنمایی می‌کند. بنابراین ارکان‌های سلطه در وضعیت فعلی با ساز و برگ جنگی و نظامی خود را تقویت نمی‌کنند، بلکه به انحای بسیار نرم و نامحسوس در چارچوب هژمونی جهانی و غیرمستقیم خود را بر سایر نقاط جهان بازتولید می‌کند. کشور ایران همواره با چالش‌هایی روبروست که بخش عمده‌ای از آنها در قالب جنگ نرم و تهدید نرم و بدون توسل به زور و اجبار آشکار می‌شوند. لذا آموزش و تربیت نسلی کارآمد، متعهد و هوشیار به موقعیت‌های مختلف ضروری به نظر می‌رسد. (وکیلی، ۱۳۹۹) حرکت نرم و خزنده فرهنگی دشمن یک استراتژی معین و حساب شده‌ای است که سالیان است در دستور کار آنان قرار دارد. ۲۰۳۰ حلقه‌ای از حلقات استحاله و جنگ نرم است. (رهبری، ۱۳۹۹) منطق حاکم بر نظام بین‌الملل کسب و ارتقای قدرت است و از آنجا که علم و فناوری برترین منبع قدرت در جهان معاصر تلقی می‌شوند، کشورها در بستری از رقابت و همکاری برای کسب آن‌ها در ابعاد مختلف در تکاپو هستند. (رشیدی، ۱۴۰۰) لذا برنامه‌ریزان عرصه علمی و فرهنگی کشور باید به فکر علاج پیش از وقوع باشند. عوامل زیادی در فرایند آموزش نقش دارند که هریک به تنهایی می‌توانند بر یادگیری تأثیر داشته باشند. از میان این‌ها باید به معلم به عنوان عامل انسانی اشاره کرد. برنامه‌های درسی و منابع لازم برای اجرای برنامه از دیگر عوامل تأثیرگذار در

فرایند یاددهی و یادگیری است. اما مهم‌تر از همه محیط و فضای حاکم بر یادگیری است که بیشتر به چگونگی اجرای برنامه‌های درسی، نگرش معلمان نسبت به یادگیری، فرهنگ رفتاری و سازمانی مؤسسه آموزشی، دیدگاه دانش‌آموز نسبت به محیط یادگیری و درک وی از شرایط اجتماعی مربوط می‌شود. محیط حاکم بر آموزش، عاملی تعیین‌کننده در ایجاد انگیزه برای یادگیری است زیرا تقویت رفتارهای مثبت در جهت یادگیری، باعث پیشرفت تحصیلی می‌شود. (خوافی و همکاران، ۱۴۰۲) از جمله مزایای استفاده از هوش مصنوعی می‌توان به شخصی‌سازی آموزش (ارائه آموزش تطبیق‌پذیر)، تشخیص نیازهای شاگردان، ارزیابی روند یادگیری، پیشبینی و پیشنهاد سازوکارها و محتوای آموزشی مناسب به شاگردان نام برد. (رحیمی‌زاده، ۱۴۰۲) یکی از جذاب‌ترین کاربردهای هوش مصنوعی در آموزش استفاده از واقعیت مجازی و واقعیت افزوده در کنار رباتیک است که می‌تواند تأثیر قابل توجهی در بهبود یادگیری و ایجاد علاقه و انگیزه فرد داشته باشد. تلفیق واقعیت مجازی با قابلیت‌های هوش مصنوعی در آموزش به خصوص در مواردی که مستلزم آشنایی با موقعیت‌های خطرناک و یا هزینه‌بر است می‌تواند بسیار مفید باشد. وقتی از دین محوری آموزش صحبت می‌شود، در اینجا به طور خاص منظور ما دین اسلام می‌باشد، چرا که هیچ‌یک از ادیان تا این اندازه قادر به ارائه یک برنامه جامع و کامل برای تمام ابعاد زندگی انسان نبوده است. همان‌طور که در ماده ۴ سند تحول بنیادین آمده است: «تعلیم و تربیت در همه ابعاد اعتقادی، عبادی، اجتماعی و سیاسی، زیستی و بدنی، زیباشناختی و هنری، اقتصادی و حرفه‌ای برنظام اسلامی استوار است. علاوه بر سند ۲۰۳۰ در سند «اصول حاکم بر نظام آموزش و پرورش ج.ا.ایران» آمده است: «در آموزش و پرورش نه تنها تعلیمات دینی خاص، بلکه همه برنامه‌ها و آموزش‌ها به عنوان اجزای یک مجموعه هماهنگ اسلامی بر حسب اقتضاء و گنجایش، جنبه و جهت دینی داشته باشد.» (وکیلی، ۱۳۹۹) براساس پیروی از چشم‌انداز برنامه ۲۰ ساله و سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص توسعه علمی کشور برای رسیدن به جایگاه نخست تولید علم، فناوری و صنعت، بخش مهمی از تحقق این مهم در گسترش و تقویت فناوری نهفته است. فناوری‌های جدید، مقدمه دستیابی به اهداف کلان علمی، صنعتی، اقتصادی و فرهنگی به‌شمار می‌رود. (پوری، ۱۳۹۴) به گفته صاحب‌نظران یکی از اهداف مهم هوش مصنوعی در آموزش و پرورش ارائه راهنمایی در یادگیری یا حمایت از دانش‌آموزان براساس وضعیت یادگیری، ترجیحات ویژگی شخصی آن‌هاست. هوش مصنوعی در آموزش و پرورش باعث تسهیل آموزش، یادگیری و تصمیم‌گیری می‌شود. هوش مصنوعی می‌تواند به خودکار شدن نمردهی و درجه‌بندی دانش‌آموزان کمک کند و به معلمان زمان بیشتری بدهد. همچنین هوش مصنوعی می‌تواند دانش‌آموزان را ارزیابی کند و با نیازهای آن‌ها سازگار باشد و با هر فرد متناسب با سرعت او کار کند. هوش مصنوعی می‌تواند نحوه یادگیری و مکان یادگیری دانش‌آموزان را تغییر دهد. (آقورن‌لوئی، ۱۴۰۲) حال با توجه به این حجم داده که در اختیار هوش مصنوعی قرار می‌گیرد، آیا امکان و احتمال بهره‌برداری‌های غیر علمی از داده‌های کاربران وجود ندارد.

از جمله پیامدهای استفاده از هوش مصنوعی برای دانش‌آموزان افزایش تمرکز، توجه و حافظه؛ فراهم کردن تجربیات تعلیمی تعاملی، ارائه بازخورد فوری، انطباق با نیازهای فردی، ایجاد شرایط یادگیری مناسب، افزایش خلاقیت و نوآوری؛ آموزش تعاملی و سفرهای یادگیری مبتنی بر تجربه با استفاده از هوش مصنوعی. (رخشانی و همکاران، ۱۴۰۲)

حفظ حریم شخصی و امنیت داده‌ها در فرایند آموزش یک موضوع مهم است. یکی از چالش‌های استفاده از تکنولوژی هوش مصنوعی در آموزش، ایجاد محتوای آموزشی مناسب است. این محتواها با توجه به اختلافات فرهنگی، اجتماعی و زبانی در جوامع مختلف، مناسب‌سازی شوند.

هوش مصنوعی و مشکلات شناخت آن

نخستین و اصلی‌ترین مشکل در مواجهه با پدیده هوش مصنوعی آن است که شناخت دقیق از آن وجود ندارد و با توجه به ماهیت فنی آن به نظر می‌رسد که در آینده هم این شناخت حاصل نخواهد شد. برخلاف فناوری‌های قبلی، هوش مصنوعی به طور کامل تحت سیطره و اختیار انسان نیست. جهش دو دهه پیش در هوش مصنوعی مدیون استفاده از روش یادگیری ماشینی است که جایگزین الگوریتم محور قبلی شده است. در این روش برخلاف الگوریتم‌های پیچیده، همه مراحل محاسبه و نتیجه‌گیری هوش مصنوعی تحت فرمان انسان برنامه‌نویس نیست بلکه خود ماشین می‌تواند از طریق کارکردن با خودش، قدرت یادگیری و تبع آن محاسبات و استنتاج خود را افزایش دهد. در روش یادگیری ماشینی یک هدف روشن و مشخص برای ماشین تعریف می‌شود تا خود ماشین با تکرار و یادگیری با روشی که خودش به آن دست می‌یابد (و الزاماً برنامه‌نویس از آن مطلع نیست) به هدف مزبور دست یابد. عدم آگاهی از آنچه درون هوش مصنوعی می‌گذرد بدان معناست که عاملیت و اثرگذاری انسان بر آن کمتر است و می‌تواند در آینده کمتر هم بشود. لذا انسان برای نخستین بار در تاریخ با پدیده‌ای مواجه شده که خود آن را خلق کرده اما از نحوه عملکرد و استنتاج آن آگاهی لازم را ندارد و نمی‌تواند اقدامات آن را کامل پیش‌بینی کند. (قهرمان‌پور، ۱۴۰۱) در این راستا کمیسیون اروپا، اصل احتیاط را استراتژی مدیریت خطر دانسته و معتقد است در فرایند تولید و توسل به فناوری‌های نوین - که هوش مصنوعی نیز یکی از مصادیق آن می‌باشد - اجرای این اصل باید در قالب چهار مرحله انجام گیرد:

اول: ارزیابی شرایط با هدف آشکارسازی احتمال وجود خطر،

دوم: اتخاذ تصمیم در خصوص توسل به فناوری نوین یا عدم توسل با توجه به فقدان وجود قطعیت علمی،

سوم: شفاف سازی نتایج حاصل از توسل یا عدم توسل به فناوری مورد نظر و پیامدهای آن

چهارم: تصمیم‌گیری در جهت ساماندهی اقداماتی که باید در آینده صورت پذیرد.

حامیان اصل احتیاط، آن را ابزاری در جهت کسب توانایی‌های لازم در جهت مواجهه با خطراتی که هنوز ماهیت‌شان بطور کامل شناخته نشده است می‌دانند. (سیفی، ۱۴۰۲) در چرایی استفاده از امکانات هوش مصنوعی در آموزش ایهامات زیادی وجود دارد از جمله: محتوای آموزشی برای کاربران مختلف با چه هدفی تنظیم می‌شود؟ تفاوت‌های فرهنگی و اخلاقی در کشورهای مختلف در آموزش جهانی چگونه لحاظ می‌شود؟ آیا محتواهای ارائه شده رویکرد دینی دارد یا سکولار؟ نقش دین و اخلاق با توجه به تنوع فرهنگی ملل مختلف در محتواهای ارائه شده در هوش مصنوعی چگونه است؟ جایگاه مهدویت و ظهور و تسلط اسلام بر جهان در سوگیری‌های هوش مصنوعی کجاست؟ متخصصان حیطه هوش مصنوعی از وعده حضور در دنیایی بهتر خبر می‌دهند؛ پرسش اینجاست که: منظور آنها از زندگی بهتر چیست؟ آیا آنها فقط بعد جسمانی و مسائل مربوط به آن را در نظر گرفته‌اند؟ آیا این وعده‌ها و ظهور این عصر به معنای مرگ ارتقای اخلاقی و روحانی بشر است؟ (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱) به طور کلی ذهن انسان از دو بخش خودآگاه و ناخودآگاه تشکیل شده است. اینکه رسانه به عنوان ورودی‌های عالم مجازی تعیین میکند که چه چیزی را ببینیم و بشنویم و چه چیزی را نبینیم و نشنویم؛ به چه چیز بیاندیشیم، چگونه بیاندیشیم و چگونه نتیجه بگیریم، به گونه‌ای است که به تدریج بخش ناخودآگاه انسان فعال و بخش خودآگاه و انرژی‌بر ذهن انسان در پایین‌ترین سطح فعالیت قرار می‌گیرد. این مسأله یعنی حاکمیت ناخودآگاهی و زوال خودآگاهی پیامدهای فراوانی دارد که غفلت، اولین و سپردن اراده خود به دیگران آخرین آن است. (حسنی، ۱۳۸۵) دور کردن انسان از خود، کنار گذاشتن فطرت خدایی، وابستگی به تکنولوژی، کم شدن خلاقیت، پذیرفتن ولایتی غیر از ولایت الهی، و باور به همه چیز دانی هوش مصنوعی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای انسان عصر حاضر به دنبال دارد.

مهندسی اجتماعی

با ورود رایانه‌های بزرگ در دهه ۱۹۶۰، شاهد امواج نوآوری فناورانه یکی پس از دیگری هستیم. همگرایی و بلوغ این فناوری‌ها، در دهه ۱۹۹۰، اینترنت را به ارمغان آورد. نقطه آغاز، اینترنت اسناد بود، سپس اینترنت تجارت، اینترنت مردم (رسانه‌های اجتماعی) و در حال حاضر اینترنت اشیاء مطرح گردیده است. هر موج برپایه تکانه و حرکتی است که توسط موج پیشین ایجاد شده است و لذا هریک از جریان‌های نوآورانه، نسبت به جریان قبلی، توانایی نفوذ بیشتری در زندگی مردم دارد. تمامی این نوآوری‌ها از سه محرک فناوری بنیادین نشأت گرفته است؛ کاهش مستمر در هزینه‌های محاسباتی، ذخیره‌سازی و اتصال. موج اول یعنی اینترنت اسناد، صفحات وب و ایمیل را در اختیار ما قرار داد که صدها میلیون نفر از این طریق به اینترنت متصل شدند. موج بعدی، یعنی اینترنت تجارت، خرید و فروش آنلاین را فراهم ساخت و تعداد افراد متصل به اینترنت را ۳ تا ۵ برابر افزایش داد. اینترنت مردم یا رسانه‌های اجتماعی، بیش از نیمی از انسان‌ها

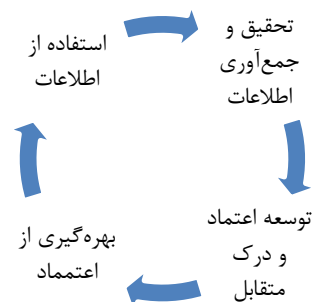
را به اینترنت متصل نمود. همچنین اینترنت اشیاء نیز بین ۲۰ تا ۳۰ میلیارد وسیله را در سه یا چهار سال آینده به اینترنت متصل و دنیای جدیدی را خلق می کند. (خسروآبادی، ۱۳۹۷)

جدی شدن استفاده از هوش مصنوعی، ریشه در همراه شدن سه روند عمده جهانی دارد. در وهله اول موضوع داده مطرح است. پیش تر منابع داده ای که هم اکنون در دسترس است، وجود نداشت؛ اما امروزه در دنیای زندگی می کنیم که با توسعه اینترنت اشیاء استفاده از تلفن های هوشمند، جمع آوری اطلاعات توسط سیستم های فوق پیشرفته مانند ماهواره ها هر شهروند خود یک سنسور و تولید کننده داده به حساب می آید. در وهله دوم موضوع توان سیستم های پردازشی مطرح است که به تازگی در اختیار ما قرار گرفته است. و سومین موضوع که به تبع دو مورد پیشین حادث می شود، توسعه نرم افزاری در حوزه هوش مصنوعی است. (منوریان، ۱۴۰۲)

قدرت ملی از تلاقی قدرت اقتصادی و قدرت نظامی ناشی می شود، اگر چه در طول زمان یک پایگاه اقتصادی قوی برای حفظ مزایای نظامی ضروری است؛ بنابراین رهبری هوش مصنوعی به عنوان یک عامل حیاتی برای موفقیت اقتصادی آینده، جهت موازنه قدرت و رقابت بین المللی حیاتی است. (فتاحی منش، ۱۴۰۲)

مهندسی اجتماعی هنر بهره وری از رفتارهای آسیب پذیر انسان ها برای ایجاد شکاف امنیتی بدون هیچ ظن و گمانی از سوی قربانی است. مهندسی اجتماعی انسان ها را با روش های مختلف فریب داده و با متقاعد کردنشان از آن ها برای دستیابی به اطلاعات سوء استفاده می کنند. مهندسی اجتماعی برای تغییر رفتار استفاده می شود. مهندسی اجتماعی هنر بهره وری از ویژگی های انسانی برای دستیابی به اطلاعات است. در سال ۲۰۰۵ مؤسسه مدیریت و سرپرستی (IOMA) مهندسی اجتماعی را به عنوان مهم ترین خطر و تهدید امنیتی معرفی نمود. (قوچانی و همکاران، ۱۳۹۴) با توجه به ذات حملات مهندسی اجتماعی که در آن قربانی به صورت ناخود آگاه مورد حمله قرار می گیرد و اطلاعات را افشاء می کند، باید بتوان ابتدا کسانی که در معرض خطر هستند را با حملات آشنا کرد تا در صورت مواجهه با نشانه ها بتوانند برای مقابله اقدام کنند. (قوچانی و همکاران، ۱۳۹۴)

چرخه شکل گیری حملات را به صورت ذیل می باشد:



امروزه ابرشاهراه‌های اطلاعاتی به عنوان ژئوپلیتیک عمومی مطرح‌اند و در قالب شبکه‌ای، توان انتقال هنجارها را در راستای هویت‌سازی، ملت‌سازی و فروپاشی ملت‌ها در شکل فضای مجازی دارند و می‌توانند حکومت‌ها را تحت فشار قرار دهند. جنگ اطلاعات با تأکید بر اطلاعات به عنوان هدف، آن را به عنوان سلاحی قدرتمند در تمرکز تلاش‌ها قرار می‌دهد و با استفاده از فناوری آن را در اختیار می‌گیرد. (رشیدزاده، ۱۳۸۵) امروزه دانش مهندسی اجتماعی به قدری رشد کرده که می‌توان در پرتو آن، هم در مقام تخریب و هم در مقام تأسیس، به صورت برنامه‌ریزی شده حرکت کرد. مهندسی اجتماعی میان‌رشته‌ترین دانش زمان است که سعی می‌کند با استفاده از دستاوردهای همه‌ی علوم و معارف بشری، بهره‌گیرد. (خاکبان، ۱۳۸۸) امروزه در جوامع ناامنی‌های مانند قتل‌های خاموش، تغییر در روند حیات، تغییر در آثار مثبت خوراکی‌ها، ایجاد مزاحمت‌ها، تغییر در روند اقتصاد، تغییر در کسب و کار وجود دارد، هرچند بعضی از این موارد با جرائم اینترنتی، جنگ سایبری، بیوتروریسم، تجارت الکترونیکی همسو می‌باشند، اما در هوش مصنوعی شکل دیگری از این جرائم صورت می‌پذیرد که با موارد پیش گفته متفاوت است و محدودیتی در تولید ندارد. برای مثال در جرائم اینترنتی محدود تولید جرم مانند فضای واقعی است و گاه می‌تواند محدودتر نیز باشد، اما در این دانش به هیچ عنوان محدودیت وجود ندارد و هر روز شکل تازه‌تری ایجاد می‌شود. چون هوش مصنوعی این قابلیت را دارد که خود به خود مجرای تازه‌ای را ایجاد کند و سازندگان آن نمی‌توانند درک کنند این الگوریتم چگونه عمل کرده و ایجاد شده است. لذا تولید جرم در هوش مصنوعی بسیار خطرناک‌تر و گسترده‌تر از موارد مشابه است. (حکیم، ۱۴۰۲) منبع و منشأ هوش مصنوعی برای ما ناشناخته است اما سیستم‌های امنیتی کشورهای استعمارگر کاملاً اطلاعات هوش مصنوعی را رصد کرده و از آن برای کنترل سایر ملت‌ها استفاده می‌کنند.

آینده تمدنی و هوش مصنوعی

فرهنگ از لایه‌های عقاید و باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها تشکیل شده است. لایه‌های ارزش‌ها و عقاید از لایه‌های زیرین و اصلی یک فرهنگ محسوب می‌شوند و هنجارها و نمادها از لایه‌های سطحی یک فرهنگ هستند. تغییر در لایه‌های عمیق یک فرهنگ تحول فرهنگی و دگرگونی در لایه‌های سطحی تغییر فرهنگی نامیده می‌شوند. چهار عامل اصلی وجود دارند که می‌توانند در لایه‌های مختلف فرهنگ تغییراتی ایجاد کنند و آن را دچار دگرگونی کند:

۱. نوآوری و نوجویی

۲. پذیرش اجتماعی

۳. طرد اجتماعی

۴. تلفیق و انطباق. (سهرابی، ۱۴۰۱)

تکنولوژی‌های موجود در برخی از فیلم‌های علمی-تخیلی حوزه هوش مصنوعی، یا «ادامه تکنولوژی‌های موجود» هستند و یا «آرزوهای بشر». در این فیلم‌ها، انسان بسیاری از آرزوهایی را که قرن‌ها در قالب اسطوره و دین جست‌وجو کرده است، اکنون امید بسته است که شاید پیشرفت تکنولوژی آن‌ها را محقق کند.

از ویژگی‌های آرمان‌شهری جوامع آینده در فیلم‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
اگر حیات جاودانه دست‌کم در این جهان میسر نیست و ناباوری به جهان پس از مرگ در میان مردم جهان افزایش یافته است، و اگر آب حیات را به هر کسی نمی‌دهند که بنوشد، تکنولوژی شاید این امید را محقق ساخته و انسان را جاودانه کند یا دست‌کم طول عمر انسان را بسیار افزایش دهد.

تکنولوژی می‌تواند اندام و بدن و حتی مغز انسان را ترمیم کند یا اساساً فرایند پیری را معکوس کند.
تکنولوژی می‌تواند باعث امنیت بیشتر، عمر طولانی‌تر، تحمل سختی‌های کمتر در کار و زندگی، تأمین بهتر نیازهای عاطفی و جنسی و افزایش قلمرو در هستی شود.

دفاع از انسان از سوی ربات‌ها یا هوش مصنوعی
کمک ربات‌ها به رفع خلأ عاطفی افراد (سالمدان)

امکان ادامه زندگی پس از مرگ

امکان سفر یا نقل مکان به سیارات دیگر.

از ویژگی‌های ویران‌شهری فیلم‌ها نیز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

سلطه هوش مصنوعی بر انسان، قتل عام یا سلطه هوش مصنوعی بر انسان
کشتار و شکنجه انسان‌ها، هوش مصنوعی که دارای خودآگاهی شده و به خاطر سلطه خود بر انسان دست به کشتار می‌زند.

تضعیف عواطف و احساسات، توسط قرص‌ها

تسلط بیشتر قدرتمندان بر مردم و گسترش ظلم، تبعیض و کشتار

نابودی محیط زیست

نامنی ناشی از اتکا به ربات‌ها و هوش مصنوعی. (حسینی، ۱۳۹۷)

هوش مصنوعی از بستر فضای مجازی استفاده می‌کند، و آن را مدیریت می‌نماید. تا سال ۲۰۲۵ میلادی، ۷۵ زتابایت (zettabytes) اطلاعات بارگزاری شده در اینترنت وجود خواهد داشت. در سال ۲۰۲۱ میلادی، حدود ۳۳ زتابایت حجم داده اینترنت وجود داشت، و این حجم در طول ۴ سال، حدوداً دوبرابر می‌شود که حجم بزرگی از داده است. مدیریت این بیگ‌دیتا، توسط هوش مصنوعی، با طراحی نظام سلطه است. امروزه از این طریق میتوان فهمید که انسان‌ها از چه محتوایی استفاده کرده و اینکه علاقه، فکر، خواب و خوراک آنها چیست. هوش مصنوعی مبتنی بر این داده‌های

بزرگ یا بیگ‌دیتاست. الگوریتم‌های مختلف داده‌کاوی که قابلیت پردازش اطلاعات را داده، به همراه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، قابلیت تحلیل شبکه‌های اجتماعی را می‌دهد. الگوی تمدنی جهان دچار تغییر شده است. در گذشته استعمار کهنه بیشتر دنبال فیزیک و بدن بود اما با بروز استعمار نو، بعد از جنگ جهانی دوم، فرهنگ در کانون توجه قرار گرفت و استعمار مجازی با استفاده از ابزارهای فناورانه در حال وقوع است. این استعمار فیزیک و فرهنگ را به صورت ترکیبی در اختیار گرفته است تا جنگ ترکیبی را به نفع خود رقم زند. تمدن نوین، نیازمند تولید قواعد و مؤلفه‌های جدید است. هوش مصنوعی مطلوب آن است که راه را برای ما به سوی اطاعت الهی باز کرده و رضایت حق را برای ما فراهم کند. بنابراین نظیر بمب اتم، که فی‌نفسه مطبوع نیست، هوش مصنوعی نیز بدون در نظر گرفتن این هدف عالی، موضوعیت ندارد. شاید دشمنان سلاح تاکتیکی خود را بفروشند؛ اما قواعد اداره جامعه را به ما یاد نمی‌دهند؛ چراکه قواعد پیروزی را برای خود در نظر می‌گیرند. بنابراین، دشمن هیچ‌گاه «سلاح راهبردی» به ما نخواهد داد. (حسینی‌آهنگر، ۱۴۰۱) در استفاده از رسانه‌ها دچار خوش‌بینی غیر واقعی نشویم، نیل پستمن بیان می‌کند: «وقتی با تکنولوژی جدیدی روبرو می‌شویم، هرچه می‌خواهد باشد، باید سه پرسش را پیش خود مطرح کرد؛ اول اینکه این تکنولوژی آمده است تا چه مشکلی را از ما حل کند؟ دوم اینکه چنین مشکلی واقعاً مشکل چه کسانی است؟ سوم اینکه اگر به راستی این تکنولوژی مشکلی را از سر راه بشر برمی‌دارد، خالق چه مشکلات جدیدی برای آدمی است؟» (حسینی، ۱۳۸۵)

ظهور

عصر ظهور منجی عالم بشریت مهدی عج، تداوم طبیعی عصر غیبت و صورت تکمیلی آن است. تکوین و رشد ایجابیات عصر ظهور، بستر تاریخی و زمینه سازانه دارد، یعنی عصر غیبت به مثابه ظرفی است که امکانهای فهم و اجرای احکام دین در مقایسه با عصر حضور متفاوت، حداقلی و مهیاگرانه است. عصر ظهور، امری تازه یا دفعی و موقت نخواهد بود، بلکه نتیجه طبیعی هدف خداوند متعال از خلقت و در جهت تلاش انبیاء و اولیاء و شهدا خواهد بود. (احمدی، بی‌تا) ظهور امری تحصیلی است و نه حصولی. تلاش انسان‌ها و اراده و اختیار آنها در تحقق ظهور، مسئله‌ای اثرگذار است. ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ «...در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند...» (رعد/۱۱) تلاش انسان‌ها و اراده و اختیار آنان در تحقق ظهور موثر است. حقیقت انتظار، همان آمادگی و زمینه‌سازی برای ظهور است و برای زمینه‌سازی، به چیزی بیش از روایات انتظار (أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ) زمینه‌سازی در لغت به معنای فراهم کردن بسترها و مقدمات امری است. براین اساس زمینه‌سازی ظهور به معنای فراهم کردن مقدمات ظهور و بسترهای لازم برای ظهور است. (منزوی‌بزرگی، ۱۳۹۵) تمدن بشر دو جنبه دارد: مادی و معنوی. جنبه مادی تمدن، جنبه فنی و صنعتی آن است که دوره به دوره تکامل یافته تا به امروز رسیده است، جنبه معنوی تمدن مربوط به روابط انسانی انسان‌هاست. جنبه معنوی تمدن مرهون تعلیمات پیامبران است و در پرتو جنبه معنوی

تمدن است که جنبه‌های مادی آن نیز مجال رشد می‌یابد. نقش پیامبران در تکامل جنبه معنوی تمدن به طور مستقیم است و در تکامل جنبه مادی به صورت غیر مستقیم. (صحرايي، ۱۳۹۲) علم پایه تمدن و از لوازم تمدن‌سازی است. (منزوی بزرگی، ۱۳۹۵) امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: علم و دانش بیست و هفت حرف است و همه آن‌چه پیامبران آورده‌اند تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده، آن را بین مردم نشر و گسترش می‌دهد. از این روایت استفاده می‌شود که بشر هرچه از نظر علم و دانش پیشرفت کند در روزگار حضرت مهدی علیه السلام به یکباره بیش از سیزده برابر رشد و گسترش یابد؛ این مطلب چیزی است که ما به عنوان شیعه و مسلمانان از آموزه‌های دینی‌مان برداشت می‌کنیم، حال آنکه در مقابل، کارکردهای که از هوش مصنوعی مطرح می‌شود، سطح بسیار بالایی از علم و دانش را به رخ می‌کشد. ضمن آنکه آنچه به عنوان پیشرفت در علم و تکنولوژی و صنعت در عصر حاضر به انسان عرضه می‌شود تماماً به نفع انسان نیست و مضرات و مخاطراتی در پی دارد، مثلاً کشف انواع داروهایی که عوارض جانبی برای مصرف کننده ایجاد می‌کند. پیشرفت در زمینه هوش مصنوعی بهره‌گیری از آن نیز دو جهت دارد، فعلاً کشورهای مصرف کننده صرف را مشغول و سرگرم جهت سفید آن کرده‌اند و هنوز از جهت سیاه و اغراض استعماری آن رونمایی نشده است، لذا باید منتظر گذر زمان بود تا تمام نقاط مبهم روشن گردد.

نبود توازن، افراط و تفریط و فراز و فرودهای ناهمگون، ویژگی عصر فناوری است. اگر انسان دوره جهانی شدن، در برخی عرصه‌های علوم طبیعی، به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافته است، در مقابل از نظر اخلاق، معنویت و ارزشهای انسانی، افت شدید و سقوط وحشتناکی کرده است. با این وجود انسان همواره شناخت تکامل یافته‌تری از جهان اطراف خویش دارد و همواره تفکر بشری در سمت و سوی تسخیر عرصه‌های ناشناخته جدید سیر کرده است و فرصت شناخت بیشتری نسبت به جهان وجود دارد. علت تأخیر حکومت جهانی آن حضرت، تحقق نیافتن شرایط و لوازمی از قبیل آمادگی فکری و زمینه پذیرش عمومی است و تا زمانی که انسانها به چنین فکر و آمادگی نرسند، شرایط فراهم نمی‌گردد. در واقع انسانها با پی بردن به نقص مکاتب بشری دست به دامان وحی می‌شوند. (منزوی بزرگی، ۱۳۹۵) دست یافتن به آرامش را می‌توان از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های انسان معاصر دانست که بن‌مایه آن، چگونگی دستیابی به رضایت در سطوح مختلف رابطه (با خدا، خود، دیگران و طبیعت) است. انسان در آموزه‌های وحیانی دارای فطرتی الهی است که با یاد خدا آرام می‌گیرد. انسانی که خداوند را توانا بر هر چیزی و دارنده تمامی قدرت، ملک، عزت و هستی بداند، تمام تلاش خود را مصروف خواهد داشت که بتواند به رضایت الهی دست یابد. (خانی مقدم، ۱۳۹۴) آنچه در مورد هوش مصنوعی در اذهان القاء می‌شود چیزی شبیه به «تنها دادرس» و یاور همیشگی تمام مشکلات است. در ادبیات دینی تنها درباره علم و دانش ائمه مطرح شده است که اگر از هر حیطه‌ای از آنها سوال می‌شد توانایی پاسخ‌گویی داشتند. هوش مصنوعی در حال القاء کردن این مطلب است که چیزی به غیر از وحی و بعد الهی نیز می‌تواند پاسخگوی

تمامی نیازهای بشر امروزی باشد. بنا بر باور بسیاری از نظریه پردازان، هوش مصنوعی مشغول تربیت کردن انسان‌هایی است که تابع محض اویند، در حالیکه در جامعه منتظر و زمینه‌ساز ظهور افراد باید آمادگی و قابلیت پذیرش حقیقی ولایت حضرت مهدی علیه السلام و تبعیت محض از اوامر آن حضرت را پیدا کنند. منتظر پویا باید تلاش‌گر باشد، هر انسانی باید نقشی در جهان هستی ایفا نماید، اما با رویکرد هوش مصنوعی انسان‌ها به موجوداتی تبدیل می‌شوند، ساکن و کم تحرک که تمامی کارها را ماشین انجام داده و انسان از تعاملات اجتماعی کمی برخوردار است. با رویکردهای پیش‌روی هوش مصنوعی ناچیزانگاری، پوچ‌انگاری، رواج احساس بی‌باوری و به حال خود رهاشدگی و هیچ دانستن خود و به تبع آن هیچ دانستن نقش خود در هستی و در سیر حرکت عالم به وفور مشهود است. با روند فعلی اینگونه در اذهان جا اندازی می‌شود که انسان بی‌پناه رهاشده و تنها دادرس «هوش مصنوعی» است.

تمدن نوین اسلامی یعنی فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایت مطلوبی که خدای متعال او را برای ان خلق کرده است؛ برسد. تمدن اسلامی بر چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق بنا شده است، (سلیمانیان، ۱۳۹۹) به نظر می‌رسد در عصر حاضر علم، سه قسمت دیگر را تحت شعاع قرار داده است. اینگونه علمی که مطلوب تمدن غرب است، انسان را به‌گونه‌ای تربیت می‌کند که تنها سر در پیله خود فرو برد و تنها به زندگی خود دل خوش کند و به جای «نگاه کلان داشتن به زندگی» و ارائه طرح جامع و مطلوب برای انسان و فردای تاریخ بشر، تنها به خُرد و جزء زندگی دل خوش کند. آنچه از هوش مصنوعی به ما القاء می‌شود «قانع شدن، قبول کردن هر آنچه او برایمان مهیا نموده» و قبول کردن و راضی بودن، وضع موجود است.

انتظار منجی حرکت است، انتظار سکون نیست؛ انتظار رها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت گیرد؛ نیست. تمدن اسلامی «انسان محور» است و این به معنای «کرامت انسانی» است. محور این حرکت انسان است؛ انسانی که توحید را پذیرفته و به مقام عبودیت رسیده باشد. لذا باید به دنبال ساخت انسان تراز تمدنی بود، آنچه از شواهد پشت پرده اهداف فراروی هوش مصنوعی بدست می‌آید، این است که؛ انسان را از سطح تراز تمدنی، تنزل می‌دهد.

علاوه بر فراهم شدن جنبه‌های نظری تمدن، یک تمدن به انسانهایی توانا نیاز دارد؛ افرادی که در عین باور به استعدادها و امید به ایجاد تمدن اسلامی، برای ورود به این کار جرأت و شجاعت داشته باشد. در فرآیند «جامعه‌سازی»، «آرمان‌طلبی و نگاه حداکثری به آرمان‌های بشری» در کنار «معنویت‌گرایی» یکی از لوازم اصلی فرهنگ و تمدن است. (برزویی، ۱۳۹۹) آنچه در پس پرده هوش مصنوعی وجود دارد این مطلب است که بدون ظهور و حضور مداوم امام زمان عج (منجی) نیز هیچ مشکلی، بدون راه‌حل وجود نخواهد داشت.

آرمان‌گرایی به معنای چاره‌اندیشی برای دست‌یابی به آرزوهای بلند تاریخی است که بشر همواره تشنه آن بوده و تاکنون بدان دست نیافته است؛ که یکی از ویژگی‌های جامعه مهدوی عصر ظهور است، به صورت متمرکز در

دستاوردهای هوش مصنوعی گنجانده شده است. تمدن اسلامی دو بخش دارد؛ بخشی که قبل از ظهور امکان تحقق دارد و زمینه ساز ایجاد جامعه مهدوی و ظهور حضرت حجت علیه‌السلام است و بخشی که پس از ظهور محقق می‌شود و حدّ اعلای تمدن اسلامی است. (منزوی بزرگی، ۱۳۹۵) طبق تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای تنها راه برون رفت از این حیطه تلاش در راه بومی سازی و رشد علمی کشور در تمام حیطه‌ها از جمله هوش مصنوعی، در این برهه از زمان به شدت احساس می‌شود. انسان‌ها در گذار از چالش‌های آخرالزمانی با دیدگاه‌های مختلفی برخورد می‌کنند که بسته به سرمنشأ آن دیدگاه‌ها که الهی باشد یا مادی و بشری، پاسخ‌های متفاوتی به این نیازها داده می‌شود. نیاز به جاودانگی، نیاز به معنویت، فقدان خدا و معنویت در زندگی بشر امروز کار را به جایی رسانده که تنها با کمک تکنولوژی به دنبال پاسخ این امیال فطری می‌باشد.

قدرت انتقال اطلاعات از سلول‌های عصبی انسان در تقابل با سرعت انتقال اطلاعات توسط یک سیستم پردازش که سرعت انتقالش به اندازه سرعت نور است، انسان‌ها را برای تکامل یافتن وسوسه خواهد کرد. هدف نظریه پردازان ترا بشری درهم تنیدگی طبیعت و تکنولوژی است و یا به بیان دیگر درهم تنیدگی بدن و طبیعت است. هدف آنان این نیست که انسان را نابود کرده و موجوداتی جدید به وجود بیاورند، بلکه هدف آنان نگه داشتن اصول و عقاید انسانی و ترکیب بدن بیولوژیکی و تکنولوژی است. ایجاد تعادل بین بخش‌های بیولوژیکی و تکنولوژیکی بدن یک انسان-ربات می‌تواند بسیاری از نگرانی‌های بشری مربوط به آینده را برطرف سازد؛ منظور از این تعادل این است، همان قدر که می‌توان انسان را به ربات شبیه‌سازی کرد، ربات را نیز بتوان به انسان بیولوژیک شبیه کرد. رباتی که بتواند با محیط زیست خود درهم‌تنیده شود. آنان به دنبال این هستند که بدن انسان تکامل یافته را با محیط پیرامون خود تطبیق دهند و اعضای مصنوعی، هوش مصنوعی قابلیت ادراک و دریافتی مشابه با هوش انسان و یا اعضای بیولوژیکی بدن انسان داشته باشد. اهدافی مثل به حداقل رساندن سن انسان به ۴۰۰ سال و یا بازسازی یک انسان مرده با ظاهری مشابه و خاطراتی یکسان که بدون باورداشتن به تکنولوژی فکرکردن رسیدن به آنها میسر نخواهد بود. بدن به مهمترین عنصر و بزرگترین چالش دانشمندان و نظریه پردازان هوش مصنوعی تبدیل شد. تصویری که فلسفه ترابشری از آینده جهان ارائه می‌دهد، تصویری است که در آن انسان خالص به معنای انسان تبدیل نیافته در آن جایی ندارد و برای زیستن باید به موجود ترکیبی از گوشت و خون و فلز تبدیل شد. جهانی با رویکرد کامل مادی‌گرایی که بسیاری از مفاهیم در آن دوباره و این بار بر اساس انسان دگرگون یافته تعریف می‌شود. (کریمی، ۱۳۹۶). و این مطلب با آموزه‌های دینی ما کاملاً در تعارض است. میل به جاودانگی در انسان وجود دارد، خداوند در قرآن از حضرت نوح علیه‌السلام نام می‌برد که عمری در حدود ۲۵۰۰ سال داشتند، بر طبق روایات امام زمان علیه‌السلام متولد سال ۲۵۰ هجری قمری هستند، لذا عواملی غیر از آنچه که بشر امروز با تکیه صرف بر تکنولوژی به دنبال آن هستند، در طول عمر بشر موثر است و انسان علم‌زده امروز، راه را به بیراهه رفته و به جای رجوع و بازگشت به معنویات، با کنار گذاشتن معنویات و بعد روحانی زندگی انسان، صرفاً

روی ماده و جسم و اصول و نظریات بشر مادی گرا متمرکز شده و به دنبال رسیدن به امیال فطری خود است. آنچه از روایات بدست می آید در آستانه ظهور امام زمان علیه السلام ما با جهش فوق العاده‌ای در رشد فکری و بینش انسان‌ها در تمام کره زمین مواجه خواهیم بود، و انسان به ما هو انسان به انسان تراز مدنظر اسلام نزدیک خواهد شد، به گونه ای که وقتی انسان کامل یعنی امام زمان علیه السلام ظهور کنند، سایر انسان‌ها آگاهانه و داوطلبانه در مدار انسان کامل قرار می‌گیرند و هم جهت با ایشان حرکت می‌کنند و این مطلب با نظریه‌های علمی انسان ترکیب یافته با تکنولوژی ناسازگار است.

نظام آموزشی زمینه‌ساز ظهور

در نظام آموزشی کنونی، مبادی علوم جدید که دستاوردهای عظیم تکنولوژیک به همراه داشت، میل به استیلا و تسلط بر طبیعت بود، که این خود از مبادی جدیدی بود که در غرب پا گرفت و به ظهور مذهب اصالت انسان «اومانیزم» انجامید. جوهر علم جدید در این سخن قصار فرانسویس بیکن نمایان است که می‌گفت: «علم قدرت است و کسب علم، برای تحصیل قدرت بر تصرف کردن در طبیعت یعنی تغییر و تبدیل اجسام» (نصیری، ۱۳۸۰). علوم تجربی موجود معیوب است، زیرا در سیری افقی به راه خود ادامه می‌دهد، نه برای عالم و طبیعت مبدئی می‌بیند و نه غایت و فرجامی برای آن در نظر می‌گیرد و نه دانشی که خود دارد، عطای خدا و موهبت الهی می‌یابد. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶) اگر بخواهیم نظامی آموزشی بر مبنای اعتقاد به معاد بنا کنیم چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا باز هم مواد اصلی دروس ما همین‌هاست که اکنون در مدارس و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود؟ با تغییر در غایت و هدف دو تحول اساسی در نظام آموزش و پرورش رخ می‌دهد که یکی در موارد درسی است و دیگری در روش تعلیم. برای شناخت کامل ماهیت نظام آموزشی کنونی باید ماهیت این گرایش علم به سمت تورم یافتگی اقتصادی را شناخت، چراکه این سیستم آموزشی برای تأمین نیازهای تخصصی تورم اقتصادی طراحی شده و تحقق یافته است. این نظام آموزشی بر محور تعلیم و تربیت مطلق یا تعلیم و تربیت اخلاقی انسان طراحی نشده است، بلکه هدف اصلی آن آموزش مهارت‌های فنی لازم و تأمین کادرهای تخصصی برای دست یافتن به توسعه یافتگی است، نظام آموزشی غربی محصول جدایی علم از دین است و بدین ترتیب برای اصلاح آن باید مبنای علوم را بار دیگر بر حقیقت عالم یعنی معتقدات دینی بنا کرد. مفهوم این کار یعنی پایه‌گذاری مبنای علوم بر حقیقت عالم این نیست که فی‌المثل با زبان فیزیک یا شیمی به اثبات وجود خدا یا تبیین معتقدات مذهبی بپردازیم، دین از این اثبات و تبیین‌ها بی‌نیاز است، هر تمدنی برای پایدار ماندن ناچار است مجاری آموزش و پرورش را تنها در جهت تأمین نیازهای خویش باز بگذارد و دیگر راه‌ها را مسدود و محدود کند. (آوینی، ۱۳۹۲) حکومت جهانی حضرت فقط پیش‌بینی الگوسازی برای آینده نیست بلکه الگوی زندگی امروز بشر می‌باشد. بلکه مدل و الگوی زندگی امروزی

نیز هست. این ایده هم نظر به حال دارد و هم نظر به آینده و می‌توانیم از الگوهای اخلاقی، دینی، سیاسی و اقتصادی آن برای رفع کاستی‌ها و نابسامانی‌های اخلاقی و معنوی جوامع استفاده کنیم. (واسعی، ۱۳۹۳) آموزه‌های اسلام، بن‌مایه جهش علمی و تمدنی مسلمانان در گستره تاریخ بوده است. اما آیا اسلام بالفعل همه دستاوردهای مادی و تمدنی را مطلوب می‌داند و از نامیدن آنها به عنوان اسلامی استقبال می‌کند؟ دین اسلام شرطی را برای اسلامی نامیدن یک تمدن مطرح کرده است و آن شرط «حیات طیبه» و رسیدن به سعادت اخروی است. الگوپذیری از نمادهای فرهنگ و تمدن در جامعه عصر ظهور می‌تواند زمینه‌ساز احیای فرهنگ و تمدن اسلامی در جامعه منتظر باشد. از این‌رو، توجه به الگوهای فرهنگی و تمدنی جامعه عصر ظهور به دلیل نقش راهگشای آن در الگوسازی و پی‌ریزی ساختارها و نظام‌های اجتماعی جامعه منتظر، از مهمترین الزامات فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز در عصر انتظار است. جامع‌ترین شاخص الگوپذیری که می‌تواند همه بخش‌ها را پوشش دهد، اقتدای دینی جامعه منتظر به امام عصر عج است. نقش الگویی جامعه موعود برای جامعه منتظر در رویکرد توحیدی، جامع‌نگری، آرمان‌گرایی و عدالت‌محوری آن است. ضرورت اقتدای فرهنگی و تمدنی به الگوهای عصر ظهور، بایستگی عام است که آحاد جامعه و نیز نهادهای فرهنگی و سیاسی را دربرمی‌گیرد. دولت زمینه‌ساز، دولتی است که متناسب با اهداف آرمانی خویش، با اقدامات بنیادین و تحول‌آفرین در راستای نزدیک‌شدن به اهداف ظهور گام بردارد و هدف‌گذاری‌ها و سیاست‌های آن در راستای تعمیق فرهنگ مهدوی در سطح داخلی و جهانی و هم‌افق و هم‌سو با اهداف مورد نظر در الگوی آرمانی جامعه عصر ظهور باشد، این راهی بس طولانی است، اما گام برداشتن در راه دستیابی بشر به آرمان‌های والای انسانی و ارتقای فرهنگی و تمدنی با هدف زمینه‌سازی ظهور آخرین منجی موعود عج در هر سطحی که باشد، توسعه و تکامل بشر را به همراه خواهد آورد و جامعه منتظر را به سمت الگوی هدف نزدیک خواهد کرد. (صمدی، ۱۳۹۴) نظام آموزشی زمینه‌ساز ظهور، علم و دین را در مقابل هم قرار نمی‌دهد، دین در منظری فراتر از علم می‌نشیند و علم و عقل را داخل در حریم خویش جای می‌دهد. تغییر اساسی در نگاه به علم و طبیعت و تدوین متون درسی سرآمد و صاعد و هماهنگ دیدن حوزه‌های معرفتی و بازگشت به طبیعیات به دامن الهیات است، آن وقت علوم و دانشگاه‌های از سیر محدود و افقی خویش دست برداشته و در سیر صعودی گام برمی‌دارند و در علوم تجربی عنوان «طبیعت» برداشته شود و به جای آن عنوان «خلقت» قرار گیرد، بعلاوه عنوان «خالق» که مبدأ فاعلی است نیز لحاظ شود، یعنی آفریدگار حکیم صحنه خلقت را چنین قرار داده است که دارای آثار و خواص ویژه ای باشند، هدف خلقت که پرستش خدا و گسترش عدل و داد است به عنوان مبدأ غایی منظور شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶) قیام و انقلاب حضرت مهدی عج قیامی انفجاری نیست بلکه از قرن‌ها قبل اقدامات انسان‌ها در طول تاریخ مانند حلقه‌های زنجیر به هم متصل بوده و هر حلقه از نظر ابعاد از حلقه قبلی بزرگتر بوده تا به آخرین حلقه یعنی قیام مهدی عج منجر می‌شود. این قیام‌های قبل از عصر ظهور مستلزم تربیت انسان‌هایی رشد یافته، فطرت غبار زدایی شده، با بصیرت، میل و گرایش به دین داشته است، و این مسئولیت خطیر برعهده نظام آموزشی است، جایی که باید به بعد

اخلاقی و فطری بشر توجه ویژه شود، حال آنکه به نظر می‌رسد چیزی که امروزه در حال وقوع است با آن هدف فاصله‌ای بسیار دارد.

نتیجه‌گیری

یکی از نشانه‌های رشد یافتگی یک جامعه قدرت پیش‌بینی شرایط امروز، در آینده است. در تاریخ کشور ما مواردی وجود دارد که با اجرایی شدن نسخه پیچیده غربی، برای کشور، در آینده‌ای نه چندان دور شاهد عواقب جبران‌ناپذیر و تبعات منفی آن اقدامات برای جامعه بودیم، مثلاً موضوع تنظیم جمعیت در کشور ... طبق بررسی انجام شده در استفاده از هوش مصنوعی به عنوان ابزار و تکنولوژی که از فکر و فلسفه و فرهنگ و تمدن غرب سرچشمه می‌گیرد باید نهایت احتیاط را مبذول داشت، چرا که نظام آموزشی که در کشور ما سال‌ها در حال اجرا شدن است، نظام آموزشی وارداتی و تقلیدی و مربوط به فرهنگ و تمدن غرب است. حال در این میان هوش مصنوعی به عنوان محصول و ابزاری دیگر که از تفکر و فرهنگ و تمدن غربی نشأت گرفته، رفته رفته در حال تزریق به سیستم آموزشی ما می‌باشد، فلسفه هوش مصنوعی و چرایی بروز و ظهور این تکنولوژی در این برهه از تاریخ، اوضاع و اتفاقات فرا روی حال و آینده بشر ایجاب می‌کند که قبل از وارد کردن هوش مصنوعی در تمام ساحت‌ها و حیطه‌های زندگی بشر از جمله در فرایند آموزش و تدریس، اندکی تأمل نمود و بررسی کرد در آنچه بدست می‌آوریم و آنچه از دست می‌دهیم و آنچه از داده که در اختیار سرویس دهنده‌های این تکنولوژی قرار می‌دهیم و در آینده‌ای نه‌چندان دور، با همین داده‌هایی که امروز در اختیار آنان قرار می‌دهیم، در سویه‌ای جدید مواجه خواهیم شد، چراکه هوش مصنوعی ابزار تولید شده در تفکر و فرهنگ و تمدنی است که به مبدأ و معاد اعتقادی نداشته و بر طبق دیدگاه کاملاً مادی شکل گرفته است، هوش مصنوعی در حال القاء کردن این مطلب است که چیزی به غیر از وحی و بعد الهی نیز می‌تواند پاسخگوی تمامی نیازهای بشر امروزی باشد. بنا بر باور بسیاری از نظریه پردازان، هوش مصنوعی مشغول تربیت کردن انسان‌هایی است که تابع محض اویند، در حالی که طبق باورداشت شیعه، خروجی نظام آموزشی مقدمه‌ساز ظهور، باید انسان‌هایی باشد که مطیع امر مولا و ولی باشند و این با کارکرد و جاننگاری هوش مصنوعی در اذهان مصرف‌کنندگان این پدیده، در تعرض است. از جهتی دیگر نمی‌توان کاملاً به رد این فناوری و عدم استفاده از آن معتقد بود، لذا به نظر می‌رسد حداقل بومی‌سازی و آگاه‌سازی بخشی از این فرایند در کاهش خطرات احتمالی مثمر ثمر خواهد بود. در مورد مرحله گذار و عبور از نظام آموزشی فعلی به نظام آموزشی مورد نیاز تمدن زمینه ساز ظهور و چگونگی این گذار و جایگاه هوش مصنوعی در این فرایند نیاز به تحقیق و پژوهش ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- احمدی، ظهیر. (بی تا). ویژگی های فرهنگی و تمدنی عصر ظهور و نقش الگوآفرینی آن در فرهنگ و تمدن زمینه ساز ظهور، همایش بین المللی دکترین مهدویت، فرهنگ و تمدن زمینه ساز فراهبردها و راهکارها، ج ۳، ۱۸۳-۲۲۰.
- ابوذری، مهنوش؛ برزگر، محمدرضا؛ نادری، زهرا. (۱۴۰۲). امکان سنجی مسئولیت کیفری سلاح های جنگی مبتنی بر هوش مصنوعی و مسئله بی کیفرمانی در دادگاه کیفری بین المللی، حقوق فناوری های نوین (ب)، ۱۲۰-۱۳۵.
- امامی، مرتضی؛ یآوری سرسختی، محمدجواد. (۱۳۹۸). تبیین و تحلیل تاریخی-حدیثی شاخصه های نظام آموزشی و تربیتی امامیه، (۲۱)، ۶۲-۷۱.
- اسکندری، زهرا. (۱۴۰۲). چگونه آینده مدیریت دانش با هوش مصنوعی گره خورده است؟، مدیریت دانش و نوآوری دانا، (۲۳)، ۳۹-۴۳.
- آوینی، مرتضی. (۱۳۹۲). توسعه و مبانی تمدن غرب، تهران: واحد.
- آهنگران، روح الله. (۱۴۰۲). امکان یا عدم امکان حرکت به سمت کاربست هوش مصنوعی در فرآیند تولید علوم اسلامی، مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی (۵۹)، ۷۲-۴۵.
- آقورن لوئی، لیلا. (۱۴۰۲). هوش مصنوعی، مزایا و کاربردها، همایش پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱۷۴۸-۱۷۵۵.
- برزویی، محمدرضا؛ عربور، امیرحسین. (۱۳۹۹). نقش «انتظار انقلابی» در تحقق تمدن جدید اسلامی، با تأکید بر منظومه فکری آیت الله خامنه ای مدظله العالی، انتظار موعود (ب)، ۶۸-۵۰.
- پاکدل، مهدی؛ فرجی، اسماعیل. (۱۳۹۵). توصیف و تحلیل کتاب های میانی مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی از بعد طراحی آموزشی (براساس شاخص های «لشین» و همکاران در طراحی آموزشی)، مطالعات آموزش زبان فارسی، (۲)، ۱۱۷-۱۳۳.
- پوری، احسان، رباطی، مریم. (۱۳۹۴). ضرورت ایجاد شهر رسانه ای براساس سند چشم انداز ۱۴۰۴، رسانه (۱۰۱)، ۱۹-۳۲.
- تشکری صالح، ابودر؛ رجبی، محمود (۱۳۹۷). بررسی توان رقابت هوش مصنوعی با ذهن انسان از منظر قرآن کریم، قرآن شناخت، (۲۱)، ۵-۲۰.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: اسرا.
- حقیقی فرد، محمد، پنج روش برای نشان دادن ارزش مدیریت دانش در عصر هوش مصنوعی، مدیریت دانش و نوآوری دانا، (۲۱)، ۱۹-۲۵.
- حسینی دشتی، مصطفی. (۱۳۸۵). معارف و معاریف، ج ۵، تهران: مؤسسه فرهنگی آریا.
- حسینی، روح الله؛ صبار، شاهو (۱۳۹۷). حیات هوش طبیعی در روزگار هوش مصنوعی نگاهی به جامعه آینده از دید فیلم های علمی - تخیلی مبتنی بر هوش مصنوعی، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، (۵۳)، ۹-۳۰.

- حکیم، مجتبی؛ ابراهیمیان، حسین. (۱۴۰۲). بررسی فقهی و حقوقی سلب امنیت شهروندی در هوش مصنوعی، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی (۷۲)، ۷۴-۱۰۱.
- حسنی، محمد. (۱۳۸۵). جستارهایی در نسبت فرهنگ و رسانه، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم: دفتر عقل.
- حسنی آهنگر، محمدرضا. (۱۴۰۱). نقش هوش مصنوعی در پژوهش های علوم اسلامی و انسانی؛ (۸۱)، ۳۶-۴۴.
- خانی مقدم، مهیار. (۱۳۹۴). شاخصه های مبنایی برای ترسیم راهبردهای تحقق فرهنگ و تمدن زمینه ساز، پژوهش های مهدوی (۱۳)، ۲۹-۴۸.
- خوافی، محمد؛ حسینی سورکی، زهرا؛ جعفری، فائقه السادات، دهرآزما، گلناز. (۱۴۰۲). ادغام هوش مصنوعی در آموزش زبان؛ پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، (۶۲)، ۳۷۸-۳۹۴.
- خسروآبادی، حمیدرضا. (۱۳۹۷). چالش های اداره امور عمومی در دنیای هوش مصنوعی و ریات ها، تحول اداری (۵۶)، ۱۰۶-۱۰۹.
- خاکبان، سلیمان. (۱۳۸۸). قرآن کریم و مهندسی اجتماعی، پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم، اول (۳)، ۷-۱۶.
- خیامی، مهسان؛ طلوعی، مهدیه؛ حدادکاشانی، نرجس. (۱۴۰۲). ادغام هوش مصنوعی در آموزش و یادگیری، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی. (۵۷)، ۳۷۱-۳۸۸.
- دورقی، علیرضا؛ دورقی، بسنه؛ بهمن نژاد، ابوزر. (۱۴۰۲). بررسی راهبردهای استفاده از هوش مصنوعی در نظام آموزش و پرورش، مطالعات روان شناسی و علوم تربیتی (۵۹)، ۶۰۵-۶۱۵.
- ربانی، محمدباقر. (۱۳۵۶). جهانی شدن تنوع یا وحدت فرهنگی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره.
- رشیدزاده، فتح الله. (۱۳۸۵). عصر اطلاعات و جنگ اطلاعاتی، مدیریت نظامی (۲۱)، ۴۱-۷۰.
- رضائی، مجید، فیضی درخشی، محمدرضا. (۱۳۹۲). اخلاق ماشین: چالش ها و رویکردهای مسائل اخلاقی در هوش مصنوعی و ابرهوش، اخلاق در علوم و فناوری، ۸(۴)، ۳۵-۴۳.
- رهبری، سیف الله. (۱۳۹۹). فرهنگ؛ سند ۲۰۳۰ برگ جدیدی از استعمار فرانو، کیهان فرهنگی، (۴۰۳، ۴۰۲، ۴۰۱)، ۴۴-۴۷.
- رحیمی زاده، سبوحان؛ خلسه، کامران؛ عباسی، مرتضی (۱۴۰۲). بررسی امکان استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش شهر تهران با استفاده از هوش مصنوعی، همایش پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱۵۸۳-۱۵۹۰.
- رخشانی، یگانه؛ خلیلی، الهه. (۱۴۰۲). اهمیت و پیامدهای آموزش هوش مصنوعی برای دانش آموزان، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۹(۴)، ۳۷-۴۴.
- رشیدی، احمد. (۱۴۰۰). استراتژی هوش مصنوعی روسیه، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (۱۱۶)، ۵۹-۹۰.
- روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، (۶۲)، ۳۷۸-۳۹۴.

- سهرابی مقدم چافجیری، ایمان؛ اکبرنژاددموچالی، حسین. (۱۴۰۱). نقش هوش مصنوعی در فرهنگ نوین تمدن اسلامی، جستارنامه فرهنگ و هنر اسلامی (۲)، ۳۹-۵۱.
- سیفی، آناهیتا، رزم خواه، نجمه. (۱۴۰۲). نقدی بر پیش نویس توصیه های یونسکو در اخلاق هوش مصنوعی از منظر حق بر محیط زیست سالم، پژوهش حقوق عمومی (۷۸)، ۱۲-۴۷.
- سلیمانیان، خدامراد؛ حامد، شاهرخی. (۱۳۹۹). تحلیل روایی مبانی و اصول انتظار در بیانات آیت الله خامنه ای، پژوهش های مهدوی، (۳۳)، ۲۵-۴۳.
- صمدی، قنبرعلی. (۱۳۹۴). ویژگی های فرهنگی و تمدنی عصر ظهور و نقش الگویی آن در فرهنگ و تمدن زمینه ساز، پژوهش های مهدوی، (۱۴)، ۵۵-۷۶.
- صحرائی، محمدطیب. (۱۳۹۲). بایسته های تمدن اسلامی در آثار شهید مطهری، اصفهان: آرما.
- طاهرزاده، اصغر. (۱۳۸۸). فرهنگ مدرنیته و توهم، اصفهان: لب المیزان.
- عابدینی، ابوالفضل؛ قهرمانی، مهدی. (۱۳۹۰). مقایسه نظام آموزشی و مراکز علمی آل بویه و سلجوقیان، پژوهشنامه معارف قرآنی، (۵)، ۱۶۳-۱۹۷.
- قانع عزآبادی، احمدعلی. (۱۳۷۱). علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- قوجانی، محمد مهدی؛ موسوی، امیر؛ حسین پور، داود. (۱۳۹۴). حفاظت و امنیت اطلاعات با ارائه الگوی مفهومی مهندسی اجتماعی؛ پژوهش های حفاظتی و امنیتی، (۱۴)، ۶۵-۸۴.
- قهرمان پور، رحمن. (۱۴۰۱). تحلیل هوش مصنوعی: فناوری پیشرفته یا ظهور عصری جدید، دیده بان امنیت ملی، (۱۲۸)، ۱۱۳-۱۱۸.
- کریمی، یاشار؛ اردلانی، حسین. (۱۳۹۶). بدن زیسته مرلو پونتی و جایگاه بدن در فلسفه ترا بشریت، هستی و شناخت؛ دوره چهارم (۲)، ۷۶-۸۹.
- کریمی، یاشار؛ شریف زاده، محمدرضا؛ رایانی مخصوص، مهرداد. (۱۴۰۱). نسبت شورمندی در فلسفه کی یرگگور و زندگی در عصر ترا بشریت و هوش مصنوعی، متافیزیک (۳۴)، ۹۹-۱۱۴.
- عزیزی علویجی، مصطفی. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی هوش مصنوعی و هوش طبیعی از دیدگاه ابن سینا با تاکید بر امکان مسئولیت حقوقی، فلسفه حقوق، دوم، (۳)، ۲۲۹-۲۴۶.
- غمامی، محمد مهدی، مقدمی خمایی، نیلوفر. (۱۳۹۸). چالش های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سند توسعه پایدار (سند ۲۰۳۰)، حکومت اسلامی، (۹۱)، ۵-۳۲.
- فتاحی منش، مریم؛ رستمی، فرزاد. (۱۴۰۲). تأثیر فناوری بر آینده موازنه قوا در غرب آسیا، غرب آسیا (۲)، ۳۶-۵۰.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۱). عقل و علم، تهران: بینش مطهر.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۱ب). تربیت و رشد اسلامی، تهران: بینش مطهر.
- محمدیوسفی، ولی. (۱۳۹۸). نقد سند ۲۰۳۰، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۵۷۷-۱۵۹۶.
- محسن لو، اعظم، رضایی، علیرضا، قاسمی ترکی، محمدعلی. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی-تحلیلی مؤلفه های انسان مطلوب و انسان توسعه یافته در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش و سند ۲۰۳۰. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، (۱۴)، ۲۱۰-۱۸۳.
- مقیم فیروزآباد، معصومه؛ آل امین، علیرضا. (۱۳۹۸). آینده پژوهی هوش مصنوعی در آموزش و پرورش. همایش پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱۵۵۵-۱۵۶۱.
- منزوی بزرگی، جواد؛ حبیبیان، سجاد. (۱۳۹۵). ابعاد و مولفه‌های تمدن زمینه‌ساز ظهور با تکیه بر مبانی دینی و اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، پژوهش‌های مهدوی، (۱۹)، ۵۵-۸۶.
- منوریان، عباس؛ صادقی، جواد؛ پیران‌نژاد، علی. (۱۴۰۲). چارچوب خط مشی‌گذاری برای به‌کارگیری سامانه‌های هوش مصنوعی در حوزه شهری با استفاده از رویکرد فرا ترکیب، مدیریت دولتی، پانزدهم (۳)، ۵۱۲-۵۵۲.
- نصیری، مهدی. (۱۳۸۰). اسلام و تجدد، تهران: کتب صبح.
- ویل‌دورانت؛ آرام، احمد. (۱۳۷۴). تاریخ تمدن، تهران: علمی فرهنگی.
- وکیلی، خاتون. (۱۳۹۹). تهدیدات نرم سند ۲۰۳۰ و ارائه الگوی بومی ایرانی-اسلامی در حوزه آموزش و پرورش. مطالعات قدرت نرم، ۱۰(۲۳)، ۶۵-۹۴.
- واسعی، علیرضا؛ عرفان، امیرحسین. (۱۳۹۳). باورداشت آموزه مهدویت و نقش آن در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، هشتم، (۲۹)، ۱۳۴-۱۱۳.
- عباسی، حسن؛ سخنرانی تکینگی هوش مصنوعی، سایت آپارات

تأثیر پیاده‌روی اربعین بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در توسعه تمدن نوین اسلامی

فرشته رحیمی^{۱*}

*- دانشجوی کارشناسی، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه پیام نور، مرکز ثلاث باباجانی، ایران.

f.rahimi1384@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تأثیر پیاده‌روی اربعین بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در توسعه تمدن نوین اسلامی است. روش این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری کلیه زائران اربعین در موكب‌های شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند به روش در دسترس به صورت تصادفی ۲۰۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش از پرسشنامه فرهنگ ایثار و شهادت قبادیان بگیان کوله مرزی و موسیوند (۱۴۰۱) بوده که روایی آن توسط صاحب‌نظران مربوطه مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آنان با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه گردید. ابزار تجزیه و تحلیل داده در این پژوهش نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ بود. تحلیل آماری نشان داد بین متغیرهای پیاده‌روی اربعین بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در توسعه تمدن نوین اسلامی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین متغیر «پیاده‌روی اربعین» در پیش‌بینی متغیر وابسته «ولایت مداری، خدامحوری، استقامت و پایداری، مجاهدت زیستی، امر به معروف و نهی از منکر، نیایش و خودسازی، هویت ملی و فرهنگ پذیری، عزت‌نفس/ ظلم‌ستیزی، علم و آگاهی، احترام به دیگران، عدالت‌طلبی، عدم تعلق به دنیا و خلاقیت و نوآوری» تأثیرگذار است. می‌توان نتیجه گرفت پیاده‌روی جمعی اربعین بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در توسعه تمدن نوین اسلامی تأثیر دارد.

واژگان کلیدی: پیاده‌روی اربعین، فرهنگ ایثار و شهادت، توسعه تمدن نوین اسلامی

مقدمه

تمدن نوین اسلامی عبارت است از: ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، نظام مند و نوظهور امت اسلامی، با محوریت ایران، بر اساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه‌های اجتماعی، که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک می‌کند (غلامی، ۱۳۹۶/۵/۱). بر اساس رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) با پیروزی انقلاب اسلامی موقعیت بی‌نظیر و استثنایی برای ملت ایران و امت اسلامی به وجود آمد تا زمینه‌های لازم برای تشکیل تمدن نوین اسلامی فراهم شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) در رهنمودهای خود بر این نکات محوری تأکید دارند که: ۱- در ایران اسلامی، انقلابی بی‌سابقه بر مبنای اسلام به وقوع پیوسته است؛ ۲- بر اساس این انقلاب نظامی با مختصات و ویژگی‌های اسلامی شکل گرفته است؛ ۳- لازم بوده و ملت ایران تلاش کرده است دولت مطلوب اسلامی مبتنی بر نظام اسلامی شکل دهد؛ ۴- ساختن دولت اسلامی لازمه تحقق کشور اسلامی و جامعه نمونه اسلامی است؛ ۵- برپایی تمدن برتر اسلامی که در جهان امروز خلأ آن احساس

می‌شود، هدف نهایی انقلاب اسلامی است تا بر اساس این فرایند امت واحده اسلامی شکل گیرد و مسلمانان به جایگاه شایسته و بایسته خود برسند. ۶- و... (دفتر مکتب و اندیشه دفاعی، ۱۳۹۹/۱۲/۱۸). مناسک مهم پیاده روی اربعین یکی از مستحبات مؤکد و ویژه مذهب شیعه است. پس از شهادت امام حسین علیه السلام در سال ۶۰ هجری، زیارت قبر شریف آن حضرت و به طور خاص با پای پیاده مورد تأکید بوده است. این سنت در طول قرون گذشته با فراز و فرودهای زیادی همراه بوده است. پس از سقوط صدام و از بین رفتن محدودیت و منع شدیدی که برای پیاده روی اربعین وجود داشت، مردم عراق این مراسم را به صورت باشکوهی برگزار می‌کنند. در سال‌های بعد، ملت‌های شیعه، مسلمان و حتی غیرمسلمان از کشورهای مختلف به خصوص ایران حضوری گسترده در اربعین داشته و دارند. استقبال خالصانه‌ی مردم عراق از زائران حسینی و رنگ باختن تمایزات ملی، قومی و زبانی در این مراسم موجب شهرت جهانی و تعجب همگان شده است. این مهمان‌نوازی به حدی است که زائرین صرفاً از منزل خارج می‌شوند و در مسیر پیاده روی قرار می‌گیرند، تمامی نیازهای خوراکی و استراحت توسط موکب‌ها در مسیر تأمین می‌شود. مادی کنونی که تمامی مناسبات بر اساس سود و زیان سنجیده و تعریف می‌شود؛ این گونه رفتارهای ایثارگرانه از سوی مردم عراق که عموماً زندگی فقیرانه‌ای هم دارند به شدت مورد استقبال جهان و مطالعه‌ی اندیشمندان و پژوهشگران واقع شده است (قاسمی، ۱۴۰۲). چنانچه رهبر انقلاب فرمودند: «در شرایطی که دشمنان اسلام از همه ابزارها و وسائل و از تمام امکانات مالی و مادی برای مقابله با امت اسلامی استفاده می‌کنند، خداوند متعال راهپیمایی اربعین را ناگهان اینگونه عظمت و جلوه می‌دهد و آن را بعنوان یک آیت عظمی و نشانه بزرگ از پیروزی نهایی جبهه حرکت اسلامی بر جبهه کفر و استکبار به نمایش می‌گذارد.» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳/۵/۸۹). رهبر انقلاب اسلامی در ۲۱ مهرماه سال ۹۸ راهپیمایی اربعین را قوت اسلام و جبهه مقاومت برخواندند و فرمودند: «یکی از مصادیق قوت را امروز دنیای اسلام دارد مشاهده می‌کند و آن، راهپیمایی اربعین است؛ وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ. راهپیمایی اربعین قوت اسلام است، قوت حقیقت است، قوت جبهه‌ی مقاومت اسلامی است که این جور اجتماع عظیم میلیونی راه می‌افتند به سمت کربلا، به سمت حسین، به سمت قلّه و اوج افتخار فداکاری و شهادت که همه آزادگان عالم باید از او درس بگیرند. از روز اوّل هم که اربعینی به وجود آمد، اهمّیت اوّلین اربعین به همین اندازه بود. اهمّیت اربعین اوّل این بود که رسانه پُر قدرت عاشورا است. از روز عاشورا تا روز اربعین -بنا بر یک روایت روزی است که اهل بیت برگشتند به کربلا- این چهل روز، چهل روز فرمانروایی منطق حق در میان دنیای ظلمانی حاکمیت بنی‌امیه و سفیانی‌ها بود. (گزیده‌ای از بیانات مقام معظم رهبری درباره حماسه اربعین حسینی، ۱۴۰۳/۶/۴). فرهنگ، پایه و اساس پیشرفت و ارتقا، تعالی انسان‌ها است و نشان‌دهنده اصالت یک جامعه یا فرهنگ یک ملت می‌باشد. در تمام ملت یا جوامع بشری، ارزش‌هایی موجود است که پایه و بنیان اصلی فرهنگ آن جامعه را شکل می‌دهد. جایگاه و اهمّیت این ارزش‌ها به گونه‌ای می‌باشد که هر ملتی، حیات اجتماعی و هویت و سیاست خود را در احترام و پای بندی به آنها برای انتقال کامل تمامی نسل‌های

آینده می‌داند (قربانعلی سبکتکین ریزی و جعفری، ۱۳۹۷). ایثار معنای بذل و بخشش، ترجیح دادن بعضی بر بعضی دیگر، گذشت کردن از حق خود برای دیگران (رک دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ۳۱۶۶). در فرهنگ و دین اسلامی، شهادت به معنای مردن و کشته شدن در راه خداوند که والاترین اعمال نیکو نزد خداوند است. شهادت طلبی شیوه انسان‌های دین‌دار و مؤمن عاشقی است که برای اثبات محبت و عشق خویش، بالاترین سرمایه و دارایی خود را در کالبد بهترین عمل‌ها به محبوبش یعنی خداوند تقدیم می‌کند (مروتی، ۱۳۹۴). شهادت مجموعه‌ای از اعتقادات و آموزه‌هایی است که باعث شکل‌گیری روحیه شجاعت، مبارزه و جهاد در راه خدای متعال و نهایتاً کشته شدن در راه ایمان و عقیده است. محور اصلی این فرهنگ نیز همان شهید و انگیزه‌های متفن و مقدسی است که او را به سمت شهادت طلبی سوق می‌دهد (شعبانی فرد و عباسی، ۱۳۹۵). تبیین و شناساندن فرهنگ ایثار و شهادت از مکانیزم‌های دفاعی اسلام برای تسلیح جامعه در برابر هجوم فرهنگ‌های غیرخودی است. ایثارگری و شهادت طلبی نقش بسزایی در حفظ دین و ارزش‌های آن و استقلال کشور ایفا می‌کند. مراکز آموزشی در سطوح مختلف آن بستر مناسبی برای ایجاد و نهادینه کردن فرهنگ صحیح می‌باشند زیرا از ابزارهای نفوذ فرهنگ، تغییر نگرش در افراد آن جامعه است و قشر دانشجویان به جهت خصوصیات روانشناختی، اثرپذیرترین گروه‌های جامعه هستند که بیشترین و مفیدترین اوقات خود را در مراکز آموزشی می‌گذرانند. لذا با برنامه‌ریزی و سیاست‌ها گذاری‌های علمی و جامع، می‌توان فرهنگ ایثارگری و شهادت را در این مراکز به سطح قابل قبولی ارتقاء بخشید (کرد نائج و خلیلی پالادی، ۱۳۹۷). نقش مکتب ایثار و شهادت در تعمیق تمدن نوین اسلامی از ابعاد مورد تأکید مقام معظم رهبری است؛ به طوری که بارها در فرمایشات معظم له، نقش آفرینی روحیه ایثار و شهادت را شکل‌گیری و توسعه ارکان تمدن ساز اسلامی مشاهده می‌گردد. از این رو تجزیه و تحلیل راهکارهای لازم مطابق با اندیشه متعالی و همچنین بررسی راهبردهای سازنده در متن و بیان ایشان، از اهم مطالعات محسوب می‌شود (حمیدی، ۱۴۰۲). در این پژوهش در صدد آنیم آیا پیاده روی اربعین بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در توسعه تمدن نوین اسلامی تأثیر دارد.

پیشینه پژوهش

ردیف	نام پژوهشگر و سال پژوهش	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
۱	طالبی (۱۴۰۳)	آموزش و انتقال فرهنگ شهادت و ایثار به نسل جوان در جامعه اسلامی	شهادت جایگاه معنوی والایی در جامعه دارند زیرا جان خود را فدا می‌کنند تا انسانهای دیگر از محیطی سالم برای رسیدن به کمال برخوردار باشند. فرهنگ شهادت شامل تمام آثار معنوی شهید مثل باورها، اعتقادات، رفتارها، اهداف او است



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



که الهام گرفته از قرآن و آموزه‌های معصومین علیهم السلام می‌باشد. وظیفه افراد جامعه در برابر عمل شهید پس از بزرگداشت و احترام، انتقال فرهنگ شهادت و ایثار به نسل جوان است.			
چهار بُعد وحدت امت اسلامی، مردمی سازی امنیت، الفت فرهنگی - تمدنی و گفتمان انقلابی تمدن ساز با ظهور بازیگران مردمی بیشترین تأثیر را در تمدن سازی داشته و ارتباط مثبت و معناداری بین پیاده روی اربعین و تمدن سازی وجود دارد.	ظرفیت سنجی پیاده روی اربعین و تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی	قاسمی (۱۴۰۲)	۲
ضمانت ارزش‌های فطری در مدار توحید محوری، عدم وابستگی به بیگانگان در کمال عزت طلبی، ایجاد جامعه مدنی با اتکاء به قانون گرایی، خنثی کردن فتنه‌ها بواسطه دشمن شناسی و بالاخره تأمین نیازمندی‌ها در میدان توسعه علمی از اصلی ترین دستاوردهای فرهنگ ایثار و شهادت بوده است. بطوریکه جملگی بعنوان عناصر تمدن ساز، شکوفایی تمدن نوین اسلامی را محقق نموده اند.	بررسی راهبردهای اجتماعی و سیاسی فرهنگ ایثار و شهادت در توسعه تمدن نوین اسلامی (با استناد به فرمایشات مقام معظم رهبری)	حمیدی (۱۴۰۲)	۳
مراسم اربعین به موازات تقویت همسویی جوامع اسلامی، باعث ظهور عناصر تمدن اسلامی مانند محوریت ارزشهای الهی، ظهور امت واحده اسلامی و تحقق همبستگی ملی گردید. بعلاوه تعمیق بیداری اسلامی، شناخت دشمن مشترک و تقویت جبهه مقاومت بعنوان نتایج بازشناسایی هویتی، در خلال پیاده روی به قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده اند. ضمناً انتظام عملی حاصل از اتحاد زائران پیاده، ضمن تأمین امنیت بواسطه نهاد مردمی، مقابله با تروریسم را ابعادی جدید بخشید. این گفتمان فراملی با تأکید بر تساهل اسلامی	تجلی عناصر تمدن اسلامی در پیاده روی اربعین، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران	حمیدی (۱۴۰۰)	۴

و تکیه به ارزشهای مشترک انسانی، امت اربعینی را بعنوان بزرگترین اجتماع تمدنی از مرزها عبور داد و ضمن پیوند ملتها، به هویت یابی جوامع در سطوح تمدنی انجامید.			
پس از سه مرحله کدگذاری، ۱۳ مضمون فرعی در توضیح جهان ذهنی مشارکت کننده پیاده روی اربعین استخراج شد که ذیل چهار مضمون اصلی ایستارها، ایمازها، انگاره‌ها و تفسیرها جای گذاری و تشریح گردید.	بررسی ابعاد و اجزای ذهنی مشارکت جمعی در پیاده روی اربعین	رمضانی تمیجانی (۱۳۹۹)	۵
این مقاله بر ساختار کلی و رئوس اصلی تشکیل دهنده اندیشه تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای متمرکز شده است. از این رو، سه بخش اصلی مقاله عبارتند از: (۱) بررسی امکان یا امتناع تمدن نوین اسلامی؛ (۲) مفهوم‌شناسی (چیستی) تمدن نوین اسلامی؛ (۳) ایجاد و تکوین تمدن نوین اسلامی. در بخش سوم که به چگونگی رسیدن به تمدن اسلامی می‌پردازد، مقوله‌های زیر بررسی شده‌اند: الف) پیش‌نیازهای شکل‌گیری تمدن اسلامی؛ ب) مراحل تکوین تمدن اسلامی؛ ج) الزامات رسیدن به تمدن اسلامی. گفتنی است به دلیل ویژگی عینیت‌گرایانه اندیشه تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای، مباحث این مقاله، ماهیت انضمامی ناظر به حرکت تمدنی جمهوری اسلامی ایران را نیز دارد.	تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (چیستی و چگونگی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران)	بهمنی (۱۳۹۳)	۶

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری کلیه زائران پیاده روی اربعین در موكب‌های شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند. به روش در دسترس به صورت تصادفی ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل: پرسشنامه فرهنگ ایثار و شهادت براساس بیانات مقام معظم رهبری (۱۴۰۱) توسط قبادیان بگیان کوله مرزی و موسیوند طراحی و تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۱۱۰ سؤال در ۱۳ عامل (ولایت مداری، خدامحوری، استقامت و پایداری، مجاهدت زیستی، امر به معروف و نهی از منکر، نیایش و خودسازی، هویت ملی و فرهنگ پذیری، عزت نفس/ ظلم ستیزی، علم و آگاهی، احترام به

دیگران، عدالت طلب، عدم تعلق به دنیا و خلاقیت و نوآوری) طرحی و تدوین شده است. نحوه پاسخگویی به پرسشنامه در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم= تا کاملاً موافقم= ۵ نمره گذاری می‌شود. حداقل نمره در این پرسشنامه ۱۱۰ و حداکثر آن ۵۵۰ می‌باشد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه فرهنگ ایثار و شهادت ۰/۹۸ و برای ولایت مداری ۰/۹۰، خدامحوری ۰/۸۰، استقامت و پایداری ۰/۹۱، مجاهدت زیستی ۰/۸۲، امر به معروف و نهی از منکر ۰/۸۵، نیایش و خودسازی ۰/۸۹، هویت ملی و فرهنگ پذیری ۰/۸۷، عزت نفس / ظلم ستیزی ۰/۹۴، علم و آگاهی ۰/۸۳، احترام به دیگران ۰/۸۶، عدالت طلبی ۰/۸۶، عدم تعلق به دنیا ۰/۹۰ و خلاقیت و نوآوری ۰/۸۷ به دست آمد. ابزار گردآوری داده‌ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ استفاده شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها با آزمون آماری همبستگی و رگرسیون استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. ضریب همبستگی برای متغیرهای اردوی راهیان نور بر فرهنگ ایثار و شهادت

سطح معناداری	ضریب همبستگی	متغیرها	
۰/۰۰۰	۰/۸۹۸	ولایت مداری	فرهنگ ایثار و شهادت
۰/۰۰۰	۰/۹۱۷	خدامحوری	
۰/۰۰۰	۰/۹۰۱	استقامت و پایداری	
۰/۰۰۰	۰/۸۰۹	مجاهدت زیستی	
۰/۰۰۰	۰/۸۶۵	امر به معروف و نهی از منکر	
۰/۰۰۰	۰/۷۵۸	نیایش و خودسازی	
۰/۰۰۰	۰/۷۹۶	هویت ملی و فرهنگ پذیری	
۰/۰۰۰	۰/۸۹۱	عزت نفس / ظلم ستیزی	
۰/۰۰۰	۰/۷۲۵	علم و آگاهی	
۰/۰۰۰	۰/۷۳۹	احترام به دیگران	
۰/۰۰۰	۰/۸۶۷	عدالت طلبی	
۰/۰۰۰	۰/۸۹۰	عدم تعلق به دنیا	
۰/۰۰۰	۰/۶۹۲	خلاقیت و نوآوری	

با توجه به سطح معناداری بدست آمده که از ۰/۰۱ کمتر می‌باشد با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت فرض آماری دال بر وجود رابطه بین متغیرهای اردوی راهیان نور بر فرهنگ ایثار و شهادت دانشجویان پذیرفته می‌شود. یعنی بین متغیرهای مورد نظر رابطه معناداری وجود دارد. و با توجه به علامت ضریب همبستگی، نتیجه می‌شود ارتباط متغیرهای وابسته و مستقل از نوع مثبت می‌باشد.

جدول ۲. ضرایب رگرسیونی

Sig	T	ضرایب استاندارد		متغیرها
		Beta	Std B	
۰/۰۰۱	۲/۹۵۸		۰/۱۸۱	ثابت رگرسیونی
۰/۰۰۰	۱۱/۳۹	۰/۹۰۳	۰/۰۷۶	ولایت مداری
۰/۰۰۰	۹/۲۸	۰/۸۶۹	۰/۰۹۹	خدامحوری
۰/۰۰۳	۵/۶۷	۰/۴۴۹	۰/۰۹۸	استقامت و پایداری
۰/۰۰۰	۱/۲۵۸	۰/۳۲۸	۰/۱۶۳	مجاهدت زیستی
۰/۰۰۰	۴/۱۲	۰/۵۸۱	۰/۱۲۸	امر به معروف و نهی از منکر
۰/۰۰۲	۵/۳۱	۰/۶۲۷	۰/۱۸۹	نیایش و خودسازی
۰/۰۰۰	۱۴/۶۸	۰/۹۲۹	۰/۲۲۸	هویت ملی و فرهنگ پذیری
۰/۰۰۳	۴/۲۵	۰/۲۴۶	۰/۰۹۲	عزت نفس / ظلم ستیزی
۰/۰۰۰	۴/۳۹	۰/۵۷۴	۰/۱۵۲	علم و آگاهی
۰/۰۰۰	۸/۲۹	۰/۶۸۲	۰/۱۹۳	احترام به دیگران
۰/۰۰۰	۶/۳۶	۰/۸۳۹	۰/۲۱۸	عدالت طلبی
۰/۰۰۱	۶/۵۹	۰/۶۵۸	۰/۱۴۳	عدم تعلق به دنیا
۰/۰۰۰	۴/۲۳	۰/۶۱۶	۰/۱۳۲	اخلاقیت و نوآوری

در جدول ۲. ضرایب رگرسیونی می‌توان ضرایب رگرسیون و آزمون‌های مربوط به آن را مشاهده کرد. در این جدول هر ضریبی که سطح معنی داری آن از ۰.۰۵ کمتر باشد در مدل رگرسیونی قرار می‌گیرد لذا بر اساس ضرایب این جدول مشاهده می‌شود که متغیر «اردوهای راهیان نور» در پیش‌بینی متغیر وابسته «ولایت مداری، خدامحوری، استقامت و پایداری، مجاهدت زیستی، امر به معروف و نهی از منکر، نیایش و خودسازی، هویت ملی و فرهنگ پذیری، عزت

نفس / ظلم ستیزی، علم و آگاهی، احترام به دیگران، عدالت طلبی، عدم تعلق به دنیا و خلاقیت و نوآوری» تأثیرگذار است.

بحث و نتیجه‌گیری

طبق جدول ۲. ضرایب رگرسیونی می‌توان ضرایب رگرسیون و آزمون‌های مربوط به آن را مشاهده کرد. در این جدول هر ضریبی که سطح معنی داری آن از ۰.۰۵ کمتر باشد در مدل رگرسیونی قرار می‌گیرد لذا بر اساس ضرایب این جدول مشاهده می‌شود که متغیر «اردوهای راهیان نور» در پیش‌بینی متغیر وابسته «ولایت مداری، خدامحوری، استقامت و پایداری، مجاهدت زیستی، امر به معروف و نهی از منکر، نیایش و خودسازی، هویت ملی و فرهنگ پذیری، عزت نفس / ظلم ستیزی، علم و آگاهی، احترام به دیگران، عدالت طلبی، عدم تعلق به دنیا و خلاقیت و نوآوری» تأثیرگذار است. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های طالبی (۱۴۰۳)، قاسمی (۱۴۰۲)، حمیدی (۱۴۰۲)، حمیدی (۱۴۰۰)، رضانی تمیجانی (۱۳۹۹)، بهمنی (۱۳۹۳) همسو می‌باشد.

در تبیین این پژوهش می‌توان گفت که پیاده‌روی اربعین به عنوان یک رویداد مذهبی و اجتماعی بزرگ، نه تنها به عنوان یک نماد از عشق و ارادت به اهل بیت (علیهم‌السلام) شناخته می‌شود، بلکه تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و در نهایت توسعه تمدن نوین اسلامی دارد. پیاده‌روی اربعین با ترویج ارزش‌هایی چون ایثار، فداکاری و محبت، به تقویت فرهنگ اسلامی کمک می‌کند. این ارزش‌ها به عنوان پایه‌های تمدن نوین اسلامی شناخته می‌شوند و می‌توانند به بهبود روابط اجتماعی و انسانی در جامعه کمک کنند. این رویداد با جمع‌آوری میلیون‌ها نفر از اقشار مختلف جامعه، حس همبستگی و اتحاد را در بین مسلمانان تقویت می‌کند. این همبستگی می‌تواند به ایجاد یک جامعه منسجم و همدل منجر شود که در آن فرهنگ ایثار و شهادت به عنوان یک اصل اساسی پذیرفته شده است. پیاده‌روی اربعین به عنوان یک نماد از جانفشانی و ایثار، فرصتی برای بزرگداشت یاد شهدای کربلا و دیگر شهدای تاریخ معاصر فراهم می‌آورد. این فرهنگ می‌تواند به نسل‌های آینده منتقل شود و آن‌ها را به پیروی از الگوهای ایثار و فداکاری ترغیب کند. این رویداد به تقویت هویت اسلامی و شیعی کمک می‌کند و احساس تعلق به یک جامعه بزرگ و متحد را در بین مسلمانان ایجاد می‌کند. هویت قوی می‌تواند به توسعه تمدن نوین اسلامی کمک کند و زمینه‌ساز همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های مختلف باشد. پیاده‌روی اربعین به عنوان یک حرکت جهانی، پیام عاشورا و فرهنگ ایثار و شهادت را به دیگر ملل و فرهنگ‌ها منتقل می‌کند. این امر می‌تواند به ایجاد یک فهم مشترک از ارزش‌های انسانی و دینی کمک کند و به گسترش فرهنگ ایثار در سطح جهانی منجر شود. تأثیر پیاده‌روی اربعین بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در توسعه تمدن نوین اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این تأثیرات نه تنها به تقویت ارزش‌های انسانی و اسلامی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد یک جامعه منسجم و همدل منجر شود که در آن فرهنگ ایثار

و شهادت به عنوان یک اصل اساسی پذیرفته شده است. با توجه به این اهمیت، لازم است که این رویداد به عنوان یک فرصت برای ترویج و تقویت فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهادات:

پیاده روی اربعین می‌تواند به عنوان یک فرصت برای برگزاری کارگاه‌ها، سمینارها و برنامه‌های آموزشی در زمینه فرهنگ ایثار و شهادت عمل کند.

پیاده روی اربعین می‌تواند به توسعه دانش و آگاهی در مورد این ترویج فرهنگ ایثار و شهادت کمک کند و به تقویت آن در جامعه منجر شود.

منابع

بهمنی، م. ر. (۱۳۹۳). تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (چیستی و چگونگی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران)، مجله نقد و نظر، ۱۹(۷۴)، ۲۳۷-۱۹۸.

حمیدی، س. (۱۴۰۰). تجلی عناصر تمدن اسلامی در پیاده روی اربعین، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ۱۱(۴)، ۵۵-۸۳.

حمیدی، س. (۱۴۰۲). بررسی راهبردهای اجتماعی و سیاسی فرهنگ ایثار و شهادت در توسعه تمدن نوین اسلامی (با استناد به فرمایشات مقام معظم رهبری)، مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ۷(۳)، ۲۱۴-۲۳۰.

دفتر مکتب و اندیشه دفاعی، ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

دهخدا، ع.ا. (۱۳۷۷). لغتنامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

رمضانی تمیجانی، ص. (۱۳۹۹). بررسی ابعاد و اجزای ذهنی مشارکت جمعی در پیاده روی اربعین. دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق/ نامه صادق، ۲۷(۱)، ۳۸۴-۳۵۷.

شعبانی فرد، م.، و عباسی، ح. (۱۳۹۵). چگونگی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در نظام تعلیم و تربیت، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۲(۳)، صص ۱۲۳-۱۶۵.

طالبی، م. (۱۴۰۳). آموزش و انتقال فرهنگ شهادت و ایثار به نسل جوان در جامعه اسلامی، پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۶(۵۸)، ۶۲-۶۶.

غلامی، ب. فلسفه تمدن نوین اسلامی، ضرورت، تمایزات، تعریف و مراحل تمدن نوین اسلامی، ۱۳۹۶/۵/۱

قاسمی، ب. (۱۴۰۲). ظرفیت سنجی پیاده روی اربعین و تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۶(۲)، ۲۵-۵۰.

قربانعلی سبکتکین ریزی، ق.ع. و جعفری، ا. (۱۳۹۷). بررسی تأثیرگذاری اجتماعی- فرهنگی اردوهای راهیان نور دانش آموزی (مطالعه موردی دانش آموزان متوسط شهر کرج)، فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۶(۳)، صص ۱۷۰-۱۵۳.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



کردنائیچ، ا. و خلیلی پالندی، ف. (۱۳۹۷). تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت بر سرمایه اجتماعی با میانجی گری باورهای دینی، مدیریت اسلامی، ۲۶(۳)، صص ۳۷-۵۸.

گزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری درباره حماسه اربعین حسینی، ۱۴۰۳/۶/۴

مروتی، س. (۱۳۹۴). بررسی مبانی و موانع گسترش فرهنگ ایثار و شهادت در قرآن و حدیث، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ایلام.

تعامل بین ادیان و مذاهب در تحقق تمدن نوین اسلامی بر اساس آیات قرآن

حسن مهدی فر^۱، ابراهیم عزیزی^۲

۱-استاد یارگروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور hmahdifar@pnu.ac.ir

۲-مدرس دانشگاه ارومیه

چکیده

وجود ادیان مختلف با گرایشات و مذاهب متفاوت واقعیتی غیر قابل انکار است. پیروان تمامی آنها خود را حق می پندارند از این رو متحد سازی تمامی انسانها در دین و مذهب واحد آرمانی دست نیافتنی است. بنابراین چاره ای جز زندگی مسالمت آمیز با ادیان و مذاهب مختلف نیست. در چنین وضعیتی، تحقق تمدن نوین اسلامی چگونگی تعامل بین ادیان را به عنوان بهترین گزینه ممکن برای ما هدف گذاری می کند. یقیناً گزینه جنگ و نزاع و نابود سازی یا مجبور کردن دیگر فرقه ها برای قبولاندن دین و مذهب منتخب خود، با تحقق تمدن نوین اسلامی سازگاری ندارد. پس به ناچار باید برای تحقق ورشد و شکوفایی تمدن اسلامی، تعامل و گفتگو و زندگی مسالمت آمیز را هدف راهبردی خود قرار دهیم. البته این به معنای تسلیم شدن یا حق دانستن راه، منش، افکار و اعمال پیروان سایر ادیان و مذاهب نیست. دست آورد این تحقیق حاکی است که گفتگو، تعامل و تسامح با پیروان سایر ادیان و مذاهب از شاخصه های تمدن نوین اسلامی است، و از مهم ترین آسیب های این تمدن می تواند تعصبات، تبعیض نژادی، تفرقه برخی از فرقه ها و نحله های دینی و مذهبی باشد. همه این موارد ذکر شده با ادله و روش نقلی و توصیفی در این تحقیق به اثبات رسیده است.

واژگان کلیدی: تمدن، تمدن اسلامی، ادیان، مذاهب، تعامل بین ادیان، قرآن

مقدمه

وجه تمایز انسان از حیوان و بالا رفتن سعه وجودی انسان از حیوان به دلیل داشتن قوه تفکر است. انتظار اینکه همه انسانها در همه مسائل دارای یک تفکر واحد باشند؛ انتظاری غیر عملی است. با آمدن دین های مختلف از سوی خدای تبارک و تعالی و تغییرات ایجاد شده در این دین ها توسط پیروان و دیگران، بر این تشتت فکری و عقیدتی افزوده است. حتی در دوره حضور خود پیامبران و معصومین علیهم السلام نیز آرمان یکپارچه سازی افکار و ادیان حتی با وجود معجزات بزرگ عملی نشد. بنابراین باید واقعیتی به نام تفاوت ادیان، مذاهب و افکار را پذیرفت و زندگی را با تسالم و همزیستی مسالمت آمیز پیش برد. این مقاله در پی واکاوی اصول حاکم بر گفتگوی میان ادیان و زندگی مسالمت آمیز از منظر و منطق قرآن کریم در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی است.

کلیات و مفاهیم

تعریف دین

با مبنا قرار دادن قرآن کریم برای فهم معنای دین در می یابیم که اولاً کلمه دین در قرآن همیشه مفرد آمده است و به صورت جمع نیامده است. برخی از قرآن پژوهان از این نکته این چنین برداشت کرده اند که دین واحد است و تکثر بردار نیست. (سبحانی، ۱۴۳۳: ج ۲، ص ۲۹۵) می توان گفت که دین حق و دین قیم این خصوصیت را دارد ولی دین های کافران که به عبادت بت ها مشغول بودند و قرآن با جمله لکم دینکم و لی دین می فهماند که پرستش و روش عبودیت آنان نیز با کلمه دین متصف می شود. بنابراین دین دارای مفهومی اعم از دین حق و باطل است. (سبحانی، همان، ج ۲، ص ۲۹۷)

مذهب

مذهب از ریشه ذهب یذهب به معنی رفتن اخذ شده است. راه، رسم، پیشه، طریق و طریقه فکری و عقیدتی اطلاق می شود. در معنای اصطلاحی رایج مذهب به مکاتب، فرقه، گروهها و زیر شاخه های درون یک دین را مذهب گویند. گاهی به خود دین نیز مذهب اطلاق می شود.

تمدن

در فرهنگ فارسی تمدن چنین تعریف شده است: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» (عمید، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۵۳۰)

تعریف اصطلاحی تمدن:

به اعتقاد علامه جعفری «تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان های یک جامعه که تصادمها و تراحم های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آنها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعداد های سازنده آنها باشد» (جعفری، ۱۳۷۳: ج ۶، ص ۲۳۳)

تمدن اسلامی

تمدن اسلامی از همه ویژگی های تمدن الهی در چهارچوب آموزه های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، ۱۳۸۸: ص ۵۲-۵۱)

چارچوبهای نظری

در موضوع تمدن اسلامی بایستی اصول و قواعد حاکم بر گفتگوی ادیان از منظر قرآن کریم با دقت استخراج گشته و تثبیت شوند. با توجه به جامعیت قرآن و تبیان گری آن در تمامی موضوعات، در بحث گفتگوی ادیان و شیوه تعامل بین آنها در جهت تحقق تمدن اسلامی نیز بهترین و منطقی ترین منش و کنش از سوی قرآن ارائه شده است.

اصول حاکم بر گفتگوی ادیان از منظر قرآن کریم

۱- اصل کرامت ذاتی همه انسانها

هر انسانی فارغ از هر دین و آیینی فقط و فقط از آن جهت که انسان است؛ دارای ارزش ذاتی و وجودی است. و از این جهت قابل حرمت می باشد. وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا. ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم. (الإسراء، ۷۰) معلوم می شود که مراد از آیه، بیان حال جنس بشر است، صرفنظر از کرامت های خاص و فضائل روحی و معنوی که به عده ای اختصاص داده، بنا بر این آیه مشرکین و کفار و فاسقین را زیر نظر دارد، چه اگر نمی داشت و مقصود از آن انسان های خوب و مطیع بود معنای امتنان و عتاب درست در نمی آمد.. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۳، ۲۱۵)

۲- اصل احترام متقابل

در استراتژی تمدن اسلامی، نفرت پراکنی، توهین، تخریب، ایجاد کدورت و دشمنی ضد هدف و دور کننده از هدف تمدن اسلامی هست. قرآن کریم ما را به دشنام ندادن به کسانی که غیر خدا را پرستش می کنند دعوت می کند و این یعنی احترام انسانی طرف مقابل خود را حفظ کنید چرا که این خصیصه نیکو با رفتار مثبت طرف مقابل به احترام متقابل به خود افراد و معتقدات خواهد داشت. وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ و به کسانی که غیر از خدا را می خوانند، دشنام ندهید، چرا که آنان از روی دشمنی، بدون هیچ دانشی، خدا را دشنام می دهند؛ این چنین برای هر امتی کردارشان را آراستیم؛ سپس بازگشت آنان فقط به سوی پروردگارشان است؛ و آنان را از آنچه همواره انجام می دادند، آگاه خواهد ساخت. (الأنعام، ۱۰۸) مطابق فرمایش قرآن کریم مسلمانان باید به بازتاب برخوردهای خود توجه کنند که کمتر کسی جواب بی ادبی و توهین را با ادب می دهد. و با فحش و ناسزا، نمی توان مردم را از مسیر غلط باز داشت. و ناسزاگویی، عامل بروز دشمنی و کینه و ناسزا شنیدن است. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۲، ۵۲۷)

۳- اصل عدم اجبار و اکراه در دین

با وجود اعتقاد همه ما به حقانیت دینی که به آن پایبند هستیم بایستی به یک اصل انسانی و عقلایی و اصل قرآنی پایبند باشیم و آن اصل اجباری و زوری نبودن انتخاب دین می باشد. یکی از مشهورترین آیات قرآن کریم آیه لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَ

اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابراین کسی که به طاغوت [بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست. " (البقره، ۲۵۶) اکراه به معنای آن است که کسی را به اجبار وادار به کاری کنند. در جمله: "لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ"، دین اجباری نفی شده است، چون دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارفی عملی به دنبال دارد، و جامع همه آن معارف، یک کلمه است و آن عبارت است از "اعتقادات"، و اعتقاد و ایمان هم از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد.

و در اینکه فرمود: "لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ"، دو احتمال هست، یکی اینکه جمله خبری باشد و بخواهد از حال تکوین خبر دهد، و بفرماید خداوند در دین اکراه قرار نداده و نتیجه‌اش حکم شرعی می‌شود که: اکراه در دین نفی شده و اکراه بر دین و اعتقاد جایز نیست و اگر جمله‌ای باشد انشایی و بخواهد بفرماید که نباید مردم را بر اعتقاد و ایمان مجبور کنید، در این صورت نیز نهی مذکور متکی بر یک حقیقت تکوینی است، و آن حقیقت همان بود که قبلاً بیان کردیم، و گفتیم اکراه تنها در مرحله افعال بدنی اثر دارد، نه اعتقادات قلبی. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲، ۵۲۴)

۴- اصل تاکید بر اشتراکات

در بین ادیان نقاط اختلاف و نقاط اشتراک وجود دارد. لازمه تفاوت و غیریت ادیان وجود اختلاف و تفاوت نظر و دیدگاه می‌باشد. اما در مذاکره بین ادیان و نزدیکی برای زندگی مسالمت آمیز ادیان در کنار هم توجه و تاکید بر آن نقاط اشتراک باید باشد. بحث در نقاط اختلافی نه تنها باعث وحدت نمی‌شود بلکه دوری و دشمنی را بزرگتر خواهد کرد. قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است (انبیاء و کتاب‌های آسمانی بر آن متفقند) گرد آییم، و آن این که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نکنیم و برخی از ما برخی دیگر را خدایانی به جای خدا نگیرند. پس اگر (از این پیشنهاد) روی گرداندند بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم. (آل عمران، ۶۴) گرد آمدن بر سر سخن مشترک نشان می‌دهد که در گفتگو با دیگر ادیان می‌بایست بر مشترکات تاکید فراوان باشد.

۵- اصل عقلانیت و منطق

عقل و منطق عمومی ترین زبان مشترک بین انسانها با هر دین و مسلکی است. مواضع، رفتار و دلایل ما می‌بایست مطابق با عقل و منطق باشد. هر چند که طرف مقابل از باورها و رفتارهای نادرست دم زده و ادله غیر منطقی بیاورید. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَٰئِكَ هُمُ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ. و چون به آنها گفته شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی فرستاده او بیایید، گویند: آنچه که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم (از عقاید و رفتار) ما را بس است! آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانسته و (به راه راستی) هدایت نیافته باشند (باز هم کورکورانه از آنها تقلید می‌کنند) (المائدة، ۱۰۴) معلوم است که وقتی عدم پیروی از پدران به دلیل علمی و منطقی نبودن راهشان مطرود قرآن است حرف هایی که از سوی خدای حکیم نازل گشته و مردمان را برآن دعوت می کنیم بایستی حکیمانه باشد.. وقتی خدا عالمانه و حکیمانه سخنان مطابق با عقل و منطقی و علم می زند؛ پیروان و بندگان خدا نیز می بایست همین گونه حکیمانه سخن بگویند و حق بجویند.

۶- اصل صلح و پرهیز از خشونت و نفرت

هر انسان عاقل که بین جنگ و صلح مخیر باشد؛ به منطقی عقل و وجدانش صلح را اختیار و انتخاب می کند. قرآن کریم نیز به مسلمین به عنوان اصل اولی و استراتژی دستور به صلح داده است. وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَ اطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ خصوصتیهایی را که در میان شماست، آشتی دهید! و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید. (الأنفال، ۱) در آیه دیگر این دستور ا تعلیل فرموده که خیر بهتر از آشتی و دعواست. الصُّلْحُ خَيْرٌ وَ صلح، بهتر است. (النساء، ۱۲۸) اگر کسی اطلاع اندک جامعی از اسلام بدون پیش داوری خشونت آمیز داشته باشد؛ اذعان می کند که دفاع تاکتیک مسلمین در برابر دشمنان متجاوز جنگ طلب است. و جنگ و خونریزی خواسته اولیه خدا و مومنین نیست.

۷- اصل تعامل

وقتی وجود ادیان و مذاهب در جامعه یک واقعیت انکار ناپذیر است و وقتی قتل و جنگ و کشتار امری مذموم است. نمی شود کنار هم بدون هیچ تعاملی زندگی کرد. لازمه تامین نیازهای اساسی زندگی اصل تعامل سازنده و رو به جلو را پیش روی ما می گذارد. همان کاری که پیامبر اکرم بعد از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه با اهل ادیان دیگر همانند یهودیان مدینه انجام داده و با آنان پیمان همکاری متقابل بستند. إِنْ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا. کسانی که با تو بیعت می کنند (در حقیقت) تنها با خدا بیعت می نمایند، و دست خدا بالای دست آنهاست؛ پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است؛ و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، بزودی پاداش عظیمی به او خواهد داد. (الفتح، ۱۰)

اصل وفاداری بر پیمانها

مومنان از سوی خدا وظیفه دارند به عهد و پیمانی که می بندند وفادار بوده و عهد شکنی نکنند. " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ. " ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمانها (و قراردادهای) وفا کنید! (المائدة، ۱) در این دستور قرآن

کریم اشاره ای نشده که این عهد و پیمان با چه کسانی باشد وفا کنید بنابراین اطلاق آیه می رسانید که به تمامی عهدها با هر کسی که می بندید وفا کنید حتی عهدهایی که کفار با مشرکین بسته می شود. و همچنین می فرماید "وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ" و هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید! و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید، در حالی که خدا را کفیل و ضامن بر (سوگند) خود قرار داده‌اید، به یقین خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (النحل، ۹۱) و فرموده "وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا" و به عهد و پیمان وفا کنید، زیرا [روز قیامت] درباره پیمان بازخواست خواهد شد (الإسراء، ۳۴). البته وفاداری به عهد و پیمانهایی که با کفار و مشرکین بسته شده است دارای یک قید و محدوده ای می باشد. که در آیه ۷ سوره توبه می فرماید: فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ" پس تا زمانی که [به پیمانشان] با شما پایداری کنند، شما هم به پیمانتان با آنان پایداری کنید؛ زیرا خدا پرهیزکاران را دوست دارد. بنابراین محدوده ی وفاداری مومنین به عهد و پیمانشان با غیر مسلمانان تا جایی است که آنان به عهد خود وفادار باشند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۹، ۲۰۱).

۸- اصل احترام به آزادی و حق انتخاب دین

مراعات حق انتخاب آزادانه دین از اول تا آخر گفتگو می بایست مد نظر باشد. جمله لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ. دین شما برای خودتان، و دین من برای خودم. (الکافرون، ۶) ثابت می کند ما اهل ادیان دیگر را در انتخاب دین باید آزاد بگذاریم هر چند که دین آنها در نظر ما دارای معایب و ایرادات بزرگ و اساسی باشد. یعنی توسل به زور و جنگ برای متدین کردن دیگران امری ناپسند می باشد. و اگر اهل ادیان دیگر آمادگی پذیرش ایرادات اساسی افکار و ادیان خود نبودند ما آنها را به حال خودشان می گذاریم. قرآن کریم به مسلمین دستور داده اگر مشرکین برای تحقیق درباره دین از شما پناه خواستند به آنها فرصت دهید تا در مورد حق پژوهش کنند و این یعنی احترام به اصل آزادی در انتخاب دین. وَ إِن أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكُمْ بَأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پس پناهش بده تا سخن خدا را بشنود، آن گاه او را به جایگاه امنش برسان؛ این به سبب آن است که آنان گروهی هستند که [حقایق را] نمی‌دانند [باشد که در پناه تو و شنیدن سخن حق مسلمان شوند. (التوبه ۶)، بنابراین پذیرش دین حق باید با اختیار باشد و در اصول اعتقادی باید علم یقینی حاصل شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ۲۰۸). چرا قرآن کریم از تبعیت بدون علم منع کرده است. وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا. از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئولند (الإسراء، ۳۶). این دستورات شرعی و تعبدی محض نیستند؛ بلکه احکام امضایی و ارشادی هستند که عقل سلیم نیز بدان امر می کند.

نتیجه گیری

اولا وقتی کلام الله مجید تبیان کننده همه چیز است. (وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَىٰ لِّلْمُسْلِمِينَ وَ مَا اِیْنِ كِتَابٍ رَا بَر تُو نَا زِلْ كَرَدِیْم كِه بِنَا نِگَر هَمِه چِیز، وَ مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است) (النحل، ۸۹)) پس اصول و منطق گفتگوی ادیان را نیز بیان کرده است و از این جهت نیز نقصانی ندارد. بنابراین اصول و قواعد تعامل با اهل ادیان و فرقه های مختلف را باید از قرآن استنباط کرد و از تفسیر به رای خودداری کرد. تا از گرفتاری در وادی افراط و تفریط و انحراف مصون ماند.

ثانیا قرآن کریم ضمن ارج نهادن به کرامت ذاتی همه انسانها را اصل تبعیت از حق دعوت کرده و سپس اصل تعامل و زندگی مسالمت آمیز و گفتگو را در اولویت قرار داده است.

ثالثا در قرآن کریم دفاع مسلحانه و جنگ و قتال مختص دشمنان پیمان شکن و خون ریز است که حاضر به زندگی مسالمت آمیز نیستند. بنابراین برای تحقق تمدن نوین اسلامی بایستی به آغوش قرآن برگردیم و آموزه های تعامل و گفتگوی قرآن را به عنوان راهبردهای متعالی تمدن اسلامی مد نظر قرار دهیم.

منابع و مأخذ

ابن منظور، جمال الدین، (۱۴۰۵) لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه .

جعفری، محمد تقی، (۱۳۷۳)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی

راغب، حسین، (۱۴۰۴)، مفردات فی غریب القرآن، بی جا، دفتر نشر کتاب

سبحانی، جعفر، محمدرضایی، محمد، (۱۳۸۴)، اندیشه اسلامی ۱، قم، دفتر نشر معارف.

سبحانی، جعفر، (۱۴۳۳) رسائل و مقالات، قم، موسسه امام صادق (ع)

طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴) موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات

اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم

طریحی، فخر الدین، (۱۴۱۶ ه ق)، مجمع البحرين، کتابفروشی مرتضوی، تهران - ایران، چ سوم. عمید، حسن، (۱۳۹۳)

تهران، امیر کبیر

راهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ه ق)، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چ دوم.

قرشی، سید علی اکبر، (۱۴۱۲ ه ق)، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چ ششم.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه

مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲ ه ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز الکتب للترجمه و النشر، تهران.

شیوه های علمی درمان بیماری سرطان از منظر پزشکان مسلمان

در تمدن اسلامی قرون سوم تا دهم هجری

دکتر زینب احمدوند^۱، فاطمه علیان^۲

۱- استادیار گروه تاریخ دانشگاه ارومیه. (نویسنده مسوول) z.ahmadvand@urmia.ac.ir

۲- دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه اصفهان.

چکیده

اطبای مسلمان حدود هزار سال قبل و اولین بار در تاریخ پزشکی اسلامی موثرترین روش درمان سرطان را جراحی توصیف کرده‌اند، آن‌ها از سرطان به عنوان ورم‌های خبیثه یاد نموده و به این امر آگاه بودند که باید به وسیله قطع کردن و جراحی، سرطان را از بین برد که باید علاوه بر اصل ورم، هرچه که از ورم تأثیرپذیر شده و از آن منشعب گردیده و در پیرامون ورم موجود است بریده شود، همچنین آن‌ها معتقد بودند که این ورم به ندرت با دارو علاج‌پذیر است و باید با چاقو درمان شود و عضو مبتلا به ورم را نیز باید با تیغ قطع کرد، نظرات این پزشکان امروزه نیز پذیرفتنی است زیرا یگانه راه درمان این ورم را، جراحی آن در دوره‌های نخستین این بیماری می‌دانند به طوریکه قطع ریشه آن باید عمیق و وسیع باشد. طبیبان مسلمان در کتب خود به این موضوع اشاره کرده‌اند که حتی با این معالجات باز هم معالجه قطعی نیست و ممکن است مرض دوباره ریشه بزند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف روشهای تشخیص و درمان سرطان از منظر اطبای مسلمان از قرن سوم تا دهم قمری می‌باشد. همچنین در این پژوهش تلاش شده تا به این سوال پاسخ داده شود که راه‌های تشخیص و درمان سرطان در کتب طبیبی اطبای مسلمان به چه صورت بوده است؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پزشکان مسلمانی مانند ابن سینا، زکریای رازی، سید اسماعیل جرجانی و دیگران در آثار طبیبی خود در قرون مورد نظر به این موضوع پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، سرطان، جراحی، ورم خبیثه، اطبای اسلامی، غدد

مقدمه

بیشک سرطان یکی از مهم‌ترین و کشنده‌ترین بیماریهای انسان از ابتدا تاکنون بوده است که سالانه میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا به علت ابتلا به انواع سرطان‌ها با بسیاری از معضلات روحی و جسمی دست‌وپنجه نرم می‌کنند یا جانشان را از دست می‌دهند.

شناخت سرطان به قرن‌ها قبل بازمی‌گردد، پزشکان مصری، چینی، هندی، یونانی و ایرانی‌ها این بیماری را می‌شناختند و نظریات زیادی در این باره ابراز کرده‌اند. پزشکان ایرانی مسلمان در طی قرنهای سوم تا دهم هجری کسانی مانند: مجوسی اهوازی، زکریای رازی، ابن سینا، سید اسماعیل جرجانی نیز در قسمت‌هایی از دائرةالمعارف‌های بزرگ پزشکی خود به روشهای شناخت و درمان بیماری سرطان پرداخته‌اند و بعضاً تنها راه درمان سرطان را جراحی و قطع ورم سرطانی از ریشه عنوان نموده‌اند. این اطبا در زمینه جراحی سرطان به نکات تشریحی، آسیب‌شناسی، علت‌شناسی و تشخیصی آن توجه داشتند و آن را به نحوی مورد بررسی و تفحص قرار داده که با وجود یک فاصله زمانی در حدود هزار سال هنوز هم پایه‌های علمی آن استوار و پابرجا می‌باشد و صفحاتی چند از کتب طبّی خود را به موضوع غدد سرد که شامل غدد چربی، فیبرون و غدد سرطانی می‌گردد، اختصاص داده‌اند و معتقد بودند که غده سرطانی، ورمی است سوداوی؛ یک چنین اورامی ممکن است سخت یا نرم باشند که اولی سقیروس و دومی غده سرطانی است آنها به همه جایی بودن این غده واقف بودند و به شیوع بیشتر آن در بین زنان در رحم و زبان بوده درحالی‌که در مردها اغلب در گلو و بیضه‌ها به وجود می‌آید و در درمان این نوع سرطان‌ها از روش‌های جراحی به خصوص بهره می‌بردند، در ادامه به برخی از نظرات آنها اشاره می‌گردد.

روش پژوهش

روش در این مطالعه مروری و کتابخانه‌ای، کتب مرجع و مهم، برخی از اطباء و پزشکان مسلمان در طی قرون سوم تا دهم هجری، نظیر «قانون» بوعلی سینا، «ذخیره خوارزمشاهی» جرجانی، «التصریف» زهراوی، «هدایه‌المتعلمین» اخوینی، «کامل‌الصناعه‌الطیبه» مجوسی اهوازی، «التنویر» قمری بخاری، «المنصوری فی الطب» زکریای رازی مورد بررسی قرار گرفت و مطالب مربوط به روشهای تشخیص و درمان بیماری سرطان که بسیار کاربردی می‌باشد، جمع‌بندی شد، سپس به منظور سهولت در کاربرد، همه مطالب دسته بندی و منظم شدند. همچنین جهت تجزیه و تحلیل و نیز مقایسه اطلاعات موجود با سایر محققین، واژه‌های سرطان، ورم خبیثه، روشهای درمان سرطان، اطباء مسلمان، در پایگاه‌ها اطلاعاتی، Magiran، IranDoc، IranMedex، UpToDate، Google Scholar جستجو و مستندات علمی جمع‌بندی شد.

تشخیص بیماری سرطان از منظر اطباء مسلمان

سرطان در کتب طبّی اسلامی با معنی خرچنگ شناخته می‌شود. (فرهنگ نفیسی، بی تا: ۱۳۴۴/۲) این نوع از ورم را که شبیه خرچنگ است را سرطان نامیده‌اند و کلمه سرطان معنی خرچنگ می‌دهد. ابن سینا بیان می‌کند که در نامگذاری این ورم به سرطان، یکی از دو حالت زیر را در نظر داشته‌اند: ورم سرطان به اندام ورم‌زده چنان چنگ اندر زده است که

خرچنگ شکار خود را در بر گرفته و چنگ اندر آن می‌زند، دوم اینکه ممکن است از آن رو نامش را سرطان گذاشته باشند که ورم به شکل و شمایل خرچنگ بوده و مستدیر است همچنین رنگش به رنگ خرچنگ شبیه است و شعبه‌هایی را از خود پراکنده است که به پاهای خرچنگ- که در پیرامونش قرار دارند- شباهت دارد. (ابن سینا، ۱۳۶۷: ۳۸۸/۶) در برخی کتب طب اسلامی این بیماری با عنوان جذام هم شناخته می‌شود و در مورد اینکه جذام چیست و سبب آن کدام است گفته شده که جذام از بیماری‌های بسیار بد و سخت است، سبب جذام انتشار یافتن خلط مراری سودا در سراسر بدن است که مزاج اندامهای تن را فاسد می‌کند و شکل و هیأت اندامها را تباه می‌گرداند و در نتیجه وقتی استحکام یابد، پیوند اندامها را از هم بگسلد و اندامان را بخورد و اندام چرکین شود و بیفتد. جذام به سرطانی شبیه است که سراسر بدن را دربر گرفته باشد، جذام نیز همانند سرطان ممکن است چرکین شود و ممکن است نشود، گاهی بیمار مبتلا به جذام سالهای زیاد با این بیماری به زندگی ادامه می‌دهد. (اخوینی، ۱۳۷۱: ۵۸۳) بقیه اطباء اسلامی سرطان را بیماری متفاوت از جذام دانسته اند، در سرطان ماده خلط سودایی ناپسند و بدجنس اگر به یک اندام از اندامهای بدن درآید، حالت سفتی یا ورم سقیروس و یا سرطان- که این بسته به نوع بدی و بدتری سودا و نوع اندام دارد. (ابن سینا، ۱۳۶۷: ۳۹۷/۶)

ابن مطران عین عبارت جالینوس را بدون کم و زیاد بدون ذکر مأخذ نقل کرده است و درباره ورم فلغمونی با این عبارت توضیح داده: هر ورمی که در بدن حادث می‌شود از زیادی خلطی است که بر عضو ورم کرده فرومی‌ریزد حال اگر این خلط از جنس خون باشد ورم «فلغمونی» خوانده می‌شود و اگر از جنس بلغم باشد که ورم سست را بوجود آورده باشد آن را «تهیج» گویند و اگر از جنس مرار باشد آن ورم را «حمره» و اگر از جنس سودا باشد آن را «صلابه» خوانند که این آخری معروف به سرطان است. (ابن مطران، ۱۳۶۸: ۱۰۹)

سرطان آماسی سخت است که در تن ریشه‌هایی بسیار می‌دواند و رگ‌هایی سبز، آن را سیراب می‌کند و در هنگام دست‌مالش زبری در آن دیده می‌شود، ولی گونه‌ی چرکین آن به دمل می‌ماند که دارای دهانه‌ای سفت و رو به بیرون با رنگی سرخ و سبز می‌باشد، چه بسا آماس آن در آغاز به اندازه‌ی نخود و یا باقالی بوده سپس افزایش یافته تا به اندازه‌ی خربزه‌ای بزرگ و یا بزرگتر شود و شاید آماس در جای نفس کشیدن و یا قورت دادن خوراک روی دهد که سبب مرگ بیمار می‌گردد و چنانچه کارد به آن برسد از این درمان جز سرطانی چرکین چیزی بدست نمی‌آید مگر آن که در جایی قرار گرفته باشد که آمادگی بریدن و دسترسی به ریشه‌ها و سپس داغ کردن و ریشه‌کن کردن آن باشد. (رازی، ۱۳۸۷: ۳۶۲)

شاه ارزانی در باب سرطان آورده است؛ ورم سوداوی است که شدید الصلابه و کمد اللون و مستدیر الشكل باشد، وسطش آکنده و در عضو فرو رفته و در نواحی آن، رگهای سرخ و سبز پدید آید و مجموع به سرطان ماند. علاجش تقیه سوداست بتدریج و در اصلاح مزاج جگر کوشیدن و در ابتدا ضماد کردن تا متقرح نشود و بعد تقرح، آنچه مسکن

و مانع ازدیاد بود بکار برند، چون: سپیده ارزیز و توتیای مغسول و جز آن به روغن گل آمیخته است در علاج این مرض موثر است. (شاه ارزانی، ۱۳۸۰: ۱۶۸)

سرطان، آماسی است سخت و بتن اندر، بیخ بسیار دارد، و رگهایی بود کبود که وی را آب دهد و چون دست برنهند گرم بود همچون پاره آتش برفروخته، و اندر آویخته باندامهای اصلی اندر، و مردان را بذکر، و زنان را بر پستان و زهدان، و چون پدید آید چون نخودی بود و چون طولانی شود مانند خربزه گردد، و چون روزگار برآید دراز ریشی گردد سخت زشت. (قمری، ۱۳۸۷: ۶۲)

سرطان ورمی است سخت و آن را بیخهای بسیار باشد و سبب سرطان ماده سوداوی باشد که در اعضای متخلخل ریزد و زنان را در پستان و رحم بسیار افتد و مردان را در حوالی حلق و قضیب و اثیان. علاج: تدبیر صواب او آن است که آنچه پدید آمده باشد، نگذارد که زیادت شود و رگ اکحل باید گشودن و استفراغ سودا کردن پیایی به مطبوخ ایتیمون و حب ایتیمون و آنچه در علیج جذام و مالیخولیا است، اینجا همان معالجت باید کردن و ماء العین با سکنگین در این مرض سودمند است. (گنجینه بهارستان (غیایه)، ۱۳۸۶: ۲۰۶/۱)

ابن سینا نظارات جامعی در باب تشخیص سرطان ارائه نموده است و سرطان را در زیر شاخه بیماریهای ورم غیرگرم قرار می دهد و ورمهای غیر گرم سه نوعند؛ ورمهای سرطانی، ورمهای سخت و ورمهای غدهای. اکثر ورمهای سخت و ورمهای سرطانی، حریفی (کناره نشین) هستند. ورمهای غدهای عبارتند از خنازیر و سلعه (بافت غدهای مانند نرم). فرق میان ورمهای غدهای از یک طرف و ورمهای سرطانی و ورمهای سخت از طرف دیگر این است که، ورمهای غدهای یا از داخل خود غدهها بروز می کنند؛ مانند ورم کردن خود غده، و یا ورم به سطح غده چسبیده است، مانند خنازیر. لیکن ورمهای سرطانی و ورمهای سخت در اندام فرو میروند و با گوهر اندام درمی آمیزند. فرق بین ورمهای سرطانی و ورمهای سخت این است که ورم سخت آرام و بی حرکت است و حس را از بین می برد و یا اندام را تباه می گرداند و هیچ دردی همراه ندارد و لیکن ورم سرطانی جنبنده است، فزونی می یابد، درد و آزار همراه دارد، بیخ و ریشه های آن در اندامها ریشه می دواند و با وجود سرطان، حس از بین نمی رود مگر اینکه ورم سرطانی بسیار دوام یابد که آنگاه اندام را می کشد و حس اندام نابود می شود. بعید نیست که ورم سرطانی و ورم سخت در گوهر یکی ولی در روی آورد و پدیده متفاوت باشند. ورمهای سخت سودائی از ریشه سخت پدید می آیند و ممکن است برخی از آنها به ویژه آنهایی که خونی (دموی) هستند در اصل سخت نباشند و بعدا سخت گردند و احتمالا در ورمهای سخت بلغمی نیز چنین حالتی روی می دهد. (ابن سینا، ۱۳۶۷: ۱۷۸/۱) سرطان به صورتی است که ورم حس می شود ولی دردی ندارد، چون ورم سرطان اندام گرفتار شده را از حس محروم کرده است. (همان: ۲۵۶) ابن سینا جلد ششم کتاب قانون فی طب را به ورم های سرطانی (در کردی شیرپنجه) اختصاص داده است و معتقد است که ورمی را سرطان می نامیم که منشأش سوخته ماده خلط صفراوی تبدیل شده به ماده سودائی است. یا نوعی دیگر از خلط است که سوخته است و ماده صفراوی

در آن بوده و به سودایی تبدیل شده است و فرق میان ورم سرطان و ورم سقیروس از قرار زیر است: ورم سرطان درد دارد، به شدت و حدت آزاردهنده است، نوعی تبیدن دارد و به سرعت افزایش می‌یابد؛ زیرا ماده به وجودآورنده‌اش در اندازه زیاد است و بادکردگی همراه دارد. سبب این بادکردگی آن است که ماده به وجودآورنده ورم وقتی از جای خود به حرکت درافتد و به سوی اندام راهی شود که در حالت غلیان و جوشش باشد. در ورم سرطان رگ‌ماندهایی (شعبه‌هایی) همانند پاهای خرچنگ از ورم کشیده شده‌اند و اطراف ورم را اشغال کرده‌اند. ورم سرطان به سرخ‌رنگی ورم فلغمونی نیست. سرخ‌رنگیش تمایل به سیاه‌رنگی و بدرنگی و سبزرنگی دارد؛ که ورم سقیروس این حالت‌ها را ندارد. ورم سرطان اکثراً بدون سابقه سر برمی‌آورد، اما ورم سخت- که سقیروس نامیده می‌شود- اکثراً از ورم گرم نتیجه می‌شود. ورم سرطان با ورم سقیروس خالص، فرقی در این است که ورم سرطان دارای حساسیت است اما ورم سقیروس خالص هیچ حساسیتی ندارد. ورم سرطان اکثراً در اندامان متخلخل و نافشرده برمی‌آید و از این رو بیشتر زنان بدان مبتلا می‌شوند. به عبارت دیگر ورم سرطان در اندامهای متخلخل پی‌آلود بیشتر سر بر می‌آورد. ورم سرطان وقتی که شروع می‌کند ناپیداست و بعد از مدتی نمودار می‌شود و همین‌که ظهور کرد و آشکار شد، انسان را با دشواری‌هایی روبرو می‌سازد. اکثراً ورم سرطان اول می‌آید و بعد از آمدنش نشانیهایش روی می‌آورد. در نخستین مرحله پیدایش، ورم سرطان به حجم یک دانه باقالی کوچک دیده می‌شود، سخت و گرد و مدور است و به رنگ زرد مایل به سیاه مات می‌نماید، و تا اندازه‌ای حرارت هم دارد. ورم سرطان چندین نوع گوناگون دارد که از این قرارند: ورم سرطانی که بسیار درد دارد، ورم سرطانی که کمتر درد دارد و آرام است، ورمی سرطانی هست که چرک می‌کند. این نوع از ماده سودایی به وجود آمده است که آن ماده سودایی نیز سوخته خلط صفراوی خالص است و با ماده دیگری مخلوط نیست، ورمی سرطانی هست که ثابت و بی‌حرکت است و چرکین نمی‌شود و یا گاهی رخ می‌دهد که ورم سرطان چرکین شده به ورم سرطان بدون چرک تبدیل شود و گاهی اتفاق می‌افتد که ورم سرطانی بدون چرک به ورم سرطانی چرکین تبدیل گردد؛ این حالت وقتی رخ می‌دهد که طبیب آن را عمل کرده و با نیشتر زنی ورم را به چرک کردن درآورده است و در نتیجه کناره‌های ورم غلیظتر و سخت‌تر شده‌اند. (ابن سینا، ۱۳۶۷: ۳۸۸-۳۸۷/۶)

روشهای درمان بیماری سرطان از منظر طبای مسلمان

در کتب طبای ایرانی و مسلمان برای درمان سرطان روش‌های متفاوتی تجویز شده است و به دلیل خطرناک بودن این بیماری، جدی‌ترین اعمال انجام می‌شد. شرحی که ابن سینا درباره درمان بیماری بدخیم سرطان نوشته، روشی است که امروزه نیز همان را بیان می‌دارند، به نظر وی تنها راه چاره این است که بیمار در مراحل اولیه آن تحت نظر قرار گیرد، ابن سینا بعداً اضافه می‌کند که حتی باز هم معالجه قطعی نیست. (الگود، ۱۳۵۶: ۳۲۶) جرجانی اظهار عقیده می‌کند که تشخیص غدد سرطانی در مراحل اولیه پیدایش کار دشواری است، زمانی هم که تشخیص آسان می‌گردد درمان مشکل است. غدد سرطانی که کوچک و دور از اندام‌های شریفه بدن باشند را می‌توان از راه جراحی درمان کرد به شرط آنکه

ریشه‌های آن خوب درآورده شود به این صورت برای درمان سرطان بعد از درآوردن آن، در طب گذشته تجویزهای متفاوتی ارائه شده است از جمله درمان‌های دارویی، غذایی و جراحی که از همه بیشتر استفاده می‌شده است. برنامه‌ی خوراکی بیمار دارای گوشت بره و مرغ و شراب آبکی بوده و بیمار باید از خوراکی‌ها و داروهای گرم که خون را سیاه می‌کنند، بپرهیزد، اگر چنانچه غده سرطان بسیار بزرگ شود کاری جز مدارا و با نرمی بر خوردن با بیماری نیست تا چرکین نگرده، باید از گرم کردن آن با دارو پرهیز شود در این مرحله تنها باقالی را ساییده و روی آن گذاشته تا آن را سرد کند. همچنین می‌توان چرک آن را با این مرهم (مرحم باقالی) بیرون ریخت که بسیار سودمند است و با کارد (جراحی) بافت خون چکان را می‌برند و ریشه‌کن می‌کنند، چه بسا درمانگرانی که کار را اشتباه انجام می‌دهند و با درمان خود، وخامت و سختی بیشتر را برای بیمار به ارمغان می‌آورند، زیرا نشانه‌های پدید آوردن سرطان را فراهم می‌سازند. اگر در اینجا سرطانی نمایان شود، هیچ‌گونه درمان دارویی و جراحی کارساز نخواهد بود بلکه نیاز به رفتار نرم‌جویانه و شناخت بیماری و درمان آن با خون‌گیری و روان‌کننده‌ها می‌باشد، پزشک باید بداند که این توده، سرطانی است یا آماس سخت می‌باشد که کام را نیز دربر گرفته است. (رازی، ۱۳۸۷: ۳۶۴-۳۶۳)

پزشکان اسلامی درمان بیمار سرطانی را در مراحل ابتدایی بیماری، امکان‌پذیر دانسته‌اند و علل شکست درمان و پیشرفت بیماری را، عدم تشخیص به موقع و روش غلط درمان دانسته‌اند: گاه اتفاق افتاده که ورم سرطانی چون در سرآغاز پیدایش به علاجش پرداخته‌اند از بین رفته و بیمار شفا یافته است، اما اگر ریشه دوانید و خود را محکم کرد، علاجش نیست و شفا نمی‌یابد. این پزشکان در درمان بیمار سرطانی از چهار روش بهره می‌بردند: پیشگیری و مرحله‌ی پیش از درمان، غذا درمانی، دارو درمانی با داروهای گیاهی، حیوانی یا معدنی و در نهایت جراحی. (الگود، ۱۳۵۶: ۳۲۶)

ابن سینا چهار هدف کلی برای دارو درمانی بیمار سرطانی ذکر می‌کند: از بین بردن سرطان به‌طور کلی که بسیار مشکل است، جلوگیری از پیشرفت بیماری، ممانعت از چرکین شدن، درمان ورم چرکین. وی در مقوله ورم‌های خبیثه (سرطان) سخنی می‌گوید که در روزگار ما نیز پذیرفتنی است: یگانه راه درمان این ورم، جراحی آن در دوره‌های نخستین این بیماری است و قطع ریشه آن باید عمیق و وسیع باشد، ولی این کار به تنهایی کافی نیست و طبیب باید پس از قطع ریشه نیز همه قسمت‌های باقی را عقیم سازد، اما باز شفا صد درصد نیست. (حلبی، ۱۳۸۲: ۲۲۷)

برخی اطبا برای درمان و پیشگیری از سرطان، خولنجان را مفید دانسته زیرا بدن را در برابر ابتلا به مرض سرطان مقاوم می‌سازد و سرعت پیشرفت آن را نیز کم می‌کند. (دمیرچی، ۱۳۸۹: ۱۱۲) خولنجان ریشه گیاهی است از تیره زنجبیل و نیز ریشه درختی است به نام «پان» که بیشتر در سرزمین هندوستان و بنگلادش می‌روید و طبیعت آن گرم است. این گیاه، سرخ رنگ و سیاه فام است و تند مزه و خوشبوی و سبک وزن. خولنجان همان «خسرودارو» که در برخی کتب طبی آمده است. خواص درمانی خولنجان این است که اگر آن را در دهان نگه داشته و بمکند، بوی بد دهان را برطرف

می‌سازد. خولنجان بدن را در برابر ابتلا به مرض سرطان مقاوم می‌سازد و سرعت پیشرفت آن را نیز کم می‌کند. (ابن سینا، ۱۳۶۷: ۳۴۲)

برخی دیگر گیاه گزنه را در درمان سرطان مفید دانسته، نام‌های دیگر این گیاه، گزنک، گزما، گزگز، نبات النار، شعر العجوز، کجیت، لبات النار، هرتیک و گزنه دو پایه است. گزنه گیاهی است از خانواده «Urticaceae» که گونه‌هایی بدین شرح دارد، گزنه درشت یا گزنه دو پایه و یا انجره کبیر، گیاهی است چند ساله با ساقه چهارگوش به بلندی یک متر که پوشیده از تار و پرزهای چسبناک است. پرزهای چسبناک و گزنده آن به مجرد تماس با پوست بدن سوزش و خارش ایجاد می‌کند. گزنه کوچک یا گزنه یک پایه و یا انجره صغیر، گیاهی است علفی و کوچک که بلندی آن کمتر از نیم متر است. رنگ تخم گزنه شبیه رنگ تخم تره و از آن زردتر و درخشان‌تر است، اما از تخم تره کوتاه‌تر بوده و به هر جای بدن برسد (حتی روده‌ها) آن را می‌گزد. خواص درمانی اگر گزنه را با عسل شیاف کنند و بردارند، خلطهای بد خارج می‌شود، ضماد گزنه همراه با سرکه، دمل‌های درونی را می‌ترکاند و در مداوای ورم‌های سخت، مؤثر است. اگر خاکستر یا تخم انجره را ضماد کنند، در ورم سرطانی نافع است. (ابن سینا، ۱۳۶۷: ۷۲)

توتیا نیز از گیاهان دارویی بود که برخی اطباء برای درمان سرطان و و قوت بیمار سرطانی تجویز می‌کردند که برای درمان ریشهای سرطانی سودمند است و ریش چشم را منفعت کند و چشم را قوی گرداند و بصر تیز کند و تاریکی از چشم ببرد. (هروی، ۱۳۴۶: ۸۲) یکی از خواص مهم عسل، خاصیت ضد سرطانی آن است به‌همین جهت در گذشته با عسل‌ده‌ای از مبتلایان به سرطان را درمان می‌کردند ولی چنانچه در تمام بیماران مؤثر نشده است «عسل آن قلبی» بوده است. (همان)

برخی داروهایی که برای درمان و پیشگیری سرطان در کتب طبی تجویز شده عبارت است از: تودری (تودرنج) بذرالوهو، قصبه، قدومه، مار درخت، درینه، که اگر با آب و عسل در آمیخته شود و بر سرطان ضماد کنند نافع است. (انصاری شیرازی، ۱۳۷۱: ۸۴) همچنین طلای پنیر مایه خرگوش ماده به غایت سودمند است. (همان: ۴۹) حسینی شفایی، دارویی را به عنوان مرهم السرطان معرفی میکند و می‌نویسد که صفت آن: مردار سنگ پنج درم، کندر، بارزد، اشق، از هر یک ده درم، علك البطم، سرنج، از هر یک هشت درم، آن چه گداختنی است در روغن زیتون بگذازند، آن چه باید کوفت بکوبند و به آن ممزوج سازند و در هاون بمالند تا مرهم شود. (حسینی شفایی، ۱۳۸۳: ۳۱۵) علاوه بر این پیشینیان در درمان این بیماری داروهای گوناگون به کار برده و آزمایش‌های بی‌حدی نموده‌اند. از جمله آنکه علف مشهور به «اشترخار» (گیاهی که ترنجبین را از آن به دست می‌آورند) را سائیده و نرم کرده به روی زخم می‌پاشیدند و نتیجه مؤثر از آن می‌گرفتند. (احمدیه، ۱۳۸۶: ۲۱۲/۳-۲۱۳) همچنین مرهم سرنج هم در سرطان سود دهد؛ صنعت آن: مرداسنگ پنج درم، علك البطم و سرنج از هریک شش درم، در آن چه توان سحق کرد و آن چه نتوان کرد در روغن زیت یا روغن گل بگذازند و بمالند. (رازی، ۱۳۸۷: ۱۲۴) انجیر نیز خوراکی ضد سرطان است که در طب نوین هم براین

خواص انجیر اشاره شده است، اخیرا دانشمندان ژاپنی مؤسسه‌ی تحقیقات فیزیکوشیمیایی در مؤسسه‌ی پژوهشی میتسویشی مربوط به تحقیقات علوم زندگی در توکیو؛ یک ماده‌ی شیمیایی ضد سرطان را از انجیر جدا کرده و آن را برای کنترل سرطان به کار برده‌اند. (دریایی، ۱۳۸۸: ۲۰۱) جراحی هم بهترین ضمادی که برای سرطان نام میبرد این است که صبر و سفیداج را بصلا به "سرب" بسایند، با آب گشنیز تر، و طلی میکنند تا مدتی بگذارد بی رنج. (جراحی، ۱۳۶۹: ۲۳۷) سنگدان خروس پاک گردانند و بخورند و اگر زیره به یاری او برند و بر علت سرطان نهند نافع باشد (مراغی، ۱۳۸۸: ۱۴۴)

اگر در سرآغاز پیدایش ورم سرطان به علاج بردازی ممکن است بتوانی در حالتی که هست آن را نگهداری و نگذاری بزرگ تر شود و بیشتر نمو کند و نگذاری به چرکین شدن برسد. گاه گاهی اتفاق افتاده که ورم سرطانی چون در سرآغاز پیدایش به علاجش پرداخته‌اند، از بین رفته و بیمار شفا یافته است. اما اگر ورم ریشه دوانید و خود را محکم کرد. علاجش نیست و شفا نمی‌یابد. ممکن است ورم سرطان در اندرون بدن پیدا شود و به حالت پنهانی باشد؛ در این باره چنانکه بقراط فرماید بهتر آن است ورم تحریک نشود؛ زیرا همین که به حرکت درآمد به مرگ بیمار خاتمه می‌یابد. اما اگر ورم را به حالت خود بگذاری و به علاجش نپردازی ممکن است مدت ماندگار بودن ورم به طول انجامد و تا حدی بیمار احساس بهبودی کند؛ بویژه اگر غذای بیمار سازگار باشد، یعنی غذاهایی بخورد که سردی بخش و رطوبت‌زا باشند و ماده غذایی آرام و سالم تولید کنند. غذاهای سازگار با بیمار سرطان زده از قبیل: آبجو، ماهی رضاضی، زرده تخم نیم‌بند و امثال آنها است. اگر با وجود سرطان حرارت هم بود، دوغ در مشک به هم زده تصفیه شده، غذاهایی که با سبزیهای شاداب درست می‌شوند و حتی کدو هم خوب است. (ابن سینا، ۱۳۶۷: ۳۸۸/۶-۳۸۹)

اگر ورم سرطان کوچک باشد شاید وسیله قطع کردن از بین برود. دستور جراحی کردن و بریدن سرطان چنین است: باید علاوه بر اصل ورم هرچه که از ورم تأثیرپذیر شده و از آن منشعب گردیده و در پیرامون ورم موجود است و می‌دانی که ممکن است به همه رگها چنگ بزند، همه را به کلی ریشه کن کنی و از بیخ و بن برآوری و چیزی از آن باقی نماند که از ورم آبیاری شود. بگذار خون زیاد از اثر جراحی از جای جراحی شده بیرون ریزد. چنین برمی آید که ابن سینا از متاستاز خونی سرطان‌ها نیز آگاه بوده است. به طور کلی ابن سینا جراحی غده‌ی سرطانی را هنگامی که هنوز کوچک است توصیه می‌کند. همچنین اعتقاد داشته است که در موقع برداشتن غده‌ی سرطانی، تمام قسمت‌های متورم اطراف و ریشه‌های تغذیه‌کننده‌ی سرطان باید برداشته شوند و در جای دیگر به وضوح به برداشتن غدد لنفاوی منطقه اشاره می‌کند. وی پس از برداشتن غده‌ی سرطانی در صورت امکان محل آن را داغ می‌گذاشته است و می‌نویسد: ممکن است بعد از بریدن ورم نیاز به داغ گذاشتن بر جای بریده شده باشد داغ گذاشتن خطری بزرگ در برداشته باشد؛ یعنی در حالتی که ورم سرطان به اندام اصلی و بسیار حساس نزدیک باشد و داغ بر جای ورم سرطان بگذاری حال بیمار بسیار بد می‌شود. برای پیشگیری از انتشار سلول‌های سرطانی به سایر نقاط بدن پس از عمل جراحی داروهایی مثل روغن گل

خیری را به صورت حلقه‌وار اطراف غده سرطانی قرار می‌دهد. پس از انجام عمل جراحی رژیم غذایی پرنرژی برای بیمار توصیه می‌کرده و اقداماتی را در جهت تقویت عضو مبتلا و دفاع بدن در برابر بیماری‌ها انجام می‌دهد؛ باید وسیله غذاهای خوب اندام سرطان‌زده را چندان نیروبخشی که تاب دفع کردن ماده ورم را داشته باشد. هرچند بریدن ورم در اکثر حالات اندام ورم‌زده را از بد، بدتر می‌کند. (ابن سینا، ۱۳۶۷: ۳۸۸/۶-۳۸۹) ابن سینا در مورد متاستاز سرطان‌ها در جای دیگری می‌نویسد: یکی از پزشکان پیشینه روایت می‌کند که زمانی طبیعی را دیده که پستان سرطان‌زده را از بیخ بریده و در نتیجه پستان دیگر به سرطان مبتلا شده است. من در این باره می‌گویم یا پستان دومی در راه مبتلا شدن به سرطان بوده و وقتی پستان اولی را بریده، تصادفاً در آن وقت سر برآورده و یا ماده‌ی سرطان‌زا از پستان اولی (قبل از قطع شدن) یا از جای دیگر به پستان دوم منتقل شده است، که این احتمال دوم از نظر من موجه‌تر است. ابن سینا به تغییرات دما در پستان مبتلا به سرطان اشاره کرده و به افزایش درجه حرارت عضو سرطان‌زده پی برده است. (همان) سابقاً اشاره کردیم که باید بدن بیمار را از ماده بدجنس ورم‌زا تخلیه و پاکسازی کنی و در این پاکسازی خونگیری و اسهال را به کار گیری. خون‌گیری از رگ اکحل (رگ بازو) در آغاز بیماری و بکار بردن پی‌درپی روان‌کننده‌ها ایتیمون پخته (دم کرده) و خوردن خوراکی‌های سازنده‌ی تلخ‌آب مانند عدس و قنبیط (کلم) و گوشت گاو و گوشت درندگان (جانداران رام‌نشدنی) و شراب سیاه ناب و مانند آنها که سفتی خون را بالا برند، بیماری را ایستا می‌کند. (رازی، ۱۳۸۷: ۳۶۲)

این «ورم» به ندرت با دارو علاج‌پذیر است و باید با چاقو درمان شود و عضو مبتلا به «ورم» را نیز باید با تیغ قطع کرد. همچنین اگر سرطان غده‌ای ودی (بدخیم) بزرگ شود، معالجه آن امکان ندارد و باید آن را به گونه‌ای برداشت که اثر و ریشه‌ای از آن باقی نماند. درباره بیرون آوردن غده‌ها و کیست‌ها نیز چنین می‌گوید: ابتدا باید پوست را شکافت، بی‌آنکه کیسه محتوی غده پاره شود. سپس باید کیسه را با کمک قلاب گرفت، به گونه‌ای که از کیسه چیزی بر جای نماند تا دوباره عود کند. (مجوسی اهوازی، ۱۳۸۷: ۲۲۹-۲۳۵)

قمری نیز مانند بقیه اطبا اعتقاد دارد که بعضی بادها می‌تواند به اندامهای مختلف بیفتد، چون سرطان، که «آماسی بود سخت و بیخ بسیار دارد. در مردان به روزگان برآید و به روی، و زنان را بر پستان و زهدان و استسقاء یعنی، به تعبیری، «آماس همه تن یا آماس بزرگی اندر شکم است» (قمری، ۱۳۵۹: ۴۶-۴۸)

در کل پزشکان مسلمان درمان بیمار سرطان را در مراحل ابتدایی بیماری، امکان‌پذیر دانسته‌اند و علل شکست درمان و پیشرفت بیماری را، عدم تشخیص به موقع و روش غلط درمان دانسته‌اند: گاه اتفاق افتاده که ورم سرطانی چون در سرآغاز پیدایش به علاجش پرداخته‌اند از بین رفته و بیمار شفا یافته است، اما اگر ریشه دوانید و خود را محکم کرد، علاجش نیست و شفا نمی‌یابد. پزشکان مسلمان در درمان بیمار سرطانی از روشهایی مانند: پیشگیری و مرحله‌ی پیش

از درمان، غذا درمانی، دارو درمانی با داروهای گیاهی - حیوانی یا معدنی و جراحی بهره می بردند. (شمس اردکانی ۱۳۸۹: ۱۳۸-۱۳۹)

نتیجه گیری

با توجه به مباحث فوق در طب سنتی هم مانند پزشکی نوین، تنوع روش های درمان بیماری سرطان زیاد بوده است. بررسی رساله های طبی و دائره المعارف های پزشکی دانشمندان مسلمان روشن می کند که آنها با روش های خاص خود بیماری سرطان را تشخیص می دادند و درمان می کردند.

از جمله موضوعاتی که در تالیفات طبیبان، جالب توجه است این است که این اطبا اقسام مختلف بیماری سرطان را می شناختند و حتی دسته بندی هایی از آن را ارائه نموده اند و به ذکر دلایل و نشانه های این بیماریها پرداخته اند و روش های دارویی، غذایی و جراحی بسیاری را برای آن تجویز کرده اند.

اگر نوع تشخیص و نشانه هایی که از این نوع بیماری بیان کرده اند را با کتب پزشکی امروزه تطابق دهیم، دیده می شود که چندان تفاوت دیدگاه وجود ندارد. نکته جالب تر اینکه در هیچکدام از این تالیفات اشاره ای به روش های خرافی و توسل به جادوگری و امور ماوراء الطبیعه وجود ندارد و همه روش های درمانی بر اساس روش های دارویی و جراحی است.

پزشکانی هم چون ابن سینا، زکریای رازی، علی بن مجوسی اهوازی، اخوینی، اسماعیل جرجانی، علی بن احمد بغدادی و دیگران که در این زمان با نبوغ فراوانی که در زمینه طب کسب کرده بودند روشهایی برای تشخیص و درمان بیماری مهلک سرطان را بیان نموده اند که در مطالب فوق به آنها اشاره شد. امید است بتوان نتایج این تحقیق، که بررسی یافته های طبیبان اسلامی در حیطه روش های مختلف درمان بیماری سرطان است را با مسائل پزشکی نوین به روز رسانی کرد و بعضی از آنها را هم امروزه به کار برد و به این شکل جامعه پزشکی با دیدگاه های پزشکان اسلامی، آشنا شوند.

منابع و ماخذ

- ابن سینا، ابوعلی (۱۳۶۷) قانون در طب، کتاب سوم، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، تهران: نشر سروش.
- ابن زهر، عبدالملک (۱۴۰۳) التیسیر فی المداواه و التدبیر، جلد دوم، تصحیح میشل الخوری، دمشق: دارالفکر.
- ابن مطران، ابونصر اسعد بن الیاس (۱۳۶۸) بستان الاطباء و روضه الالباء، مقدمه مهدی محقق، تهران: مرکز انتشارات نسخ خطی.
- ابن مطران، ابونصر اسعد بن الیاس (۱۳۸۶) بستان الاطباء و روضه الالباء، مصحح مهدی محقق تهران: ناشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اخوینی بخاری، ابوبکر ربع بن احمد (۱۳۷۱) هدایه المتعلمین فی الطب، به اهتمام جلال متینی، مشهد: نشر دانشگاه فردوسی.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- احمدیه، عبدالله (۱۳۸۶) راز درمان، تهران: انتشارات اقبال.
- انصاری شیرازی، علی بن حسین (۱۳۷۱) اختیارات بدیعی، تهران: شرکت دارویی پخش رازی.
- الگود لوید، سیریل (۱۳۵۶) تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه باهر فرقانی، تهران: امیرکبیر.
- الگود لوید، سیریل (۱۳۵۷) طب در دوره صفویه، ترجمه محسن جاویدان، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- بغدادی، علی بن احمد (۱۳۶۲ ه ق) المختارات فی الطب، جلد چهارم، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیه.
- جرجانی، اسماعیل (۱۳۶۹) ذخیره خوارزمشاهی، جلد دوم، به کوشش محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، قم: دفتر نشر معارف.
- حسینی شفقانی اصفهانی، مظفر بن محمد (۱۳۸۳) قرابادین شفقانی، تهران: نشر سفیر اردهال.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۸۲) تاریخ تمدن در اسلام، تهران: انتشارات اساطیر.
- شاه ارزانی، میر محمد اکبر (۱۳۸۰) میزان الطب، مصحح هادی نصیری، قم: نشر مؤسسه فرهنگی سما.
- رازی، محمد بن زکریا (۱۳۸۷) المنصوری فی الطب، تهران: نشر دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- زهراوی، ابوالقاسم خلف بن عباس (۱۳۷۲) التصریف لمن عجز عن التألیف، ترجمه احمد آرام و مهدی محقق، تهران: نشر مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- دریایی، محمد (۱۳۸۸) دانشنامه طب اهل بیت (ع)، تهران: ناشر پیام کتاب.
- دمیرچی، شهاب الدین (۱۳۸۹) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام، قم: دفتر نشر معارف.
- شمس اردکانی، محمد رضا (۱۳۸۹) مروری بر تاریخ و مبانی طب سنتی اسلام و ایران، تهران: انتشارات صهبای دانش مکان.
- قمری بخاری، حسن بن نوح (۱۳۸۷) التنویر، مصحح: اصفهانی، تهران: دانشگاه علوم پزشکی.
- گنجینه بهارستان (غیائیه) (۱۳۸۶) رساله پزشکی، تهران: مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- مجوسی اهوازی، علی بن عباس (۱۳۸۷) کامل الصناعه الطیبیه، جلد اول و دوم، تحقیق مؤسسه احیاء طب طبیعی، قم: جلال الدین.
- مراغی، عبد الهادی بن محمد (۱۳۸۸) منافع حیوان، مصحح محمد روشن، تهران: ناشر: بنیاد موقوفات.
- نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطباء) (بی تا)، فرهنگ نفیسی، تهران: کتاب فروشی خیام.
- هروی، موفق بن علی (۱۳۴۶) الأبنیه عن حقائق الأدویه، تصحیح احمد بهمینار، تهران: دانشگاه تهران.

تأثیر نخستین مدرسه دینی بانوان اصفهان در پیدایش زمینه‌های فکری انقلاب اسلامی

محمد رضا عسکرانی^۱

۱-دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. askarani@pnu.ac.ir

چکیده

زنان نقش‌های کلیدی در تعلیم و تربیت و ترویج آموزه‌های فرهنگی دارند؛ ولی پیش از وقوع انقلاب اسلامی، تربیت دینی دختران با چالش‌های جدی روبه‌رو بود. چگونگی پلایه‌گذاری مدرسه دینی بانوان در اصفهان، مسئله‌ای است که نیاز به واکاوی دارد. این مقاله باهدف تبیین جایگاه نخستین حوزه علمیه بانوان اصفهان در پیدایش زمینه‌های فکری انقلاب اسلامی با رویکردی توصیفی - تحلیلی و روش «کتاب‌خانه‌ای» و «اسنادی» درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است: نخستین حوزه علمیه بانوان اصفهان چه نقشی در آماده‌سازی زنان برای حضور در انقلاب اسلامی داشته است؟ چنین به نظر می‌رسد که بانو امین با درک شرایط خاص فرهنگی اصفهان، وجود مدارس دینی مخصوص بانوان را گامی اساسی برای فراهم کردن زمینه‌های ساختن جامعه‌ای در تراز تمدن نوین با معیارهای تمدن شیعی می‌دانست. نتایج این تحقیق نیز نشان می‌دهد که نقش حوزه علمیه بانوان اصفهان در فضای فکری جامعه، مهم و چندبعدی بوده و افزون بر این که حلقه اتصال بین تعلیم و تربیت نوین با تعلیمات سنتی بانوان گردید، سبب شد تا نسلی جدید از زنان عالم دینی تربیت شوند. نسلی که بر اثر آشنایی با آثار و فعالیت‌های علمی بانو امین، آماده حضور در عرصه‌های علمی و اجتماعی شدند و در آستانه بروز انقلاب اسلامی، به حفظ و انتقال ارزش‌های اسلامی پرداختند.

واژگان کلیدی: آموزش دختران، اصفهان، بانو امین، تربیت دینی، انقلاب اسلامی

۱. مقدمه

آموزش دختران در دوران معاصر با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. در دوره قاجاریه به‌ندرت دختران امکان آموزش در مدرسه را می‌یافتند. پس از مشروطه نیز که مدرسه‌های دخترانه توسط برخی از پیشگامان تعلیم و تربیت نوین در ایران پلایه‌گذاری گردید، به دلیل چالش‌هایی که بر سر راه آموزش دختران قرار داشت، نتوانست مانند مدرسه‌های پسرانه در جذب فراگیران موفق باشد. با شروع دوران حکومت پهلوی نیز به دلیل مطرح‌شدن موضوعاتی مانند کشف حجاب، برخی از خانواده‌های مذهبی از سپردن دخترانشان به مدارس اجتناب می‌ورزیدند و به همی سبب

برخی از این دختران، خانه نشین شدند و چه بسا تا پایان عمر از این سعادت بی نصیب ماندند؛ اما از طرفی بانوان خلاق و پیگیر در گوشه و کنار کشور، تلاش‌هایی را برای تأسیس، حفظ و تقویت مدارس دینی مخصوص دختران شروع نمودند که اصفهان نیز یکی از نخستین شهرهایی بود که در این زمینه گام برداشت.

برخی محققان چگونگی تحصیل زنان در اصفهان توجه کرده‌اند. محمدحسین ریاحی (۱۳۷۵) هم مشاهیر زنان اصفهان را در کتابی معرفی نموده که شامل بانو امین هم هست. مؤلفه‌های تربیت علمی و اخلاقی در شاگرد پروری بانو امین نیز توسط مریم رضازاده و همکاران (۱۳۹۹) مورد توجه قرار گرفته و در کتاب ناهید طیبی (۱۳۸۰) مطالب مفیدی در مورد زندگی و اقدامات بانو امین ذکر شده است؛ ولی این اثر بیشتر بیان خاطرات نویسنده از مکتب فاطمیه و ابعاد شخصیتی بانو امین است. مهدی فرزین (۱۳۸۹) نیز کتابی در خصوص فعالیت‌های علمی و عملی بانو امین منتشر کرده است و مجموعه مقالات اولین کنگره بزرگداشت بانوی امین (۱۳۷۲) هم حاوی مقالات سودمندی است؛ ولی با وجود تحقیقاتی که در خصوص آموزش بانوان در دوره معاصر صورت گرفته، حوزه‌های علمیه و مراکز آموزشی دینی بانوان بسیار کم مورد توجه پژوهشگران بوده است و این مقاله، ضمن استفاده از اسناد آرشیوی، از نظر تمرکز بر شناخت پیشینه و تبیین جایگاه حوزه علمیه بانوان اصفهان و نیز چالش‌هایی که در راه پایه‌گذاری آن وجود داشت، نوآورانه بوده و مستخرج از یک تحقیق دانشگاهی است!

۲. پیدایش زمینه‌های فکری آموزش دختران در اصفهان

پیش از مشروطه اگر میان هزاران زن، کسی سواد داشت، این توانایی تنها به خواندن سوره‌های قرآن و روخوانی کتاب‌هایی مانند گلستان و بوستان سعدی، مثنوی و کتاب‌های مذهبی محدود بود؛ ولی از نوشتن بی نصیب بودند (میرعمادی، ۱۳۸۰: ۸۵). در آستانه انقلاب مشروطه چند تن از زنان به «انجمن محترم اتحادیه طلاب» در تهران عریضه‌ای نوشتند و خواستار حقوق جنسیتی خود برای دانش‌اندوزی طبق حدیث نبوی شدند؛ اما هنوز اختلاف نظر زیادی در این زمینه وجود داشت. سنت‌گرایان تأسیس مدارس دخترانه را موجب آزادی‌های نامشروع زنان و دین‌گریزی آنان می‌دانستند؛ ولی تجددگرایان به دنبال کاهش اعتراض و نگرانی سنت‌گرایان بودند؛ آن‌ها با بیان ویژگی‌های آموزش علمی و نوشتن آثار، در صدد اصلاح این تفکر برآمدند. یکی از نوشته‌هایی که در روزنامه مظفری چاپ شد، ترجمه مقاله‌ای از نویسنده‌ای مصری بود که با استناد به احادیث و تاریخ صدر اسلام، تربیت دختران و فراهم کردن امکان فعالیت‌های اجتماعی زنان را ضروری می‌دانست (ملک زاده، ۱۳۶۶: ۳/۱۸۰).

نخستین کوشش برای برپایی مدرسه ملی دختران به دست سید حسن رشیدی صورت گرفت که با مخالفت شدید روبه‌رو شد و این مدرسه تعطیل گردید (اتحادیه، ۱۳۸۰، ۱۶۵). در اوایل مشروطه موضوع آموزش زنان با احتیاط پیش

۱ - استکی، مرضیه، (بهمن ۱۴۰۰)، «پیشینه و روند تأسیس حوزه‌های علمیه و مراکز آموزش دینی بانوان در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش.)»، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد - تالیبی)، استاد راهنما محمد رضا عسکرانی، استاد مشاور محمود کوه‌کن، اصفهان: گروه تاریخ دانشگاه پیام نور مرکز اصفهان.

کشیده شد. روزنامه «تربیت» نامه یکی از زنان تبریز را چاپ کرد که نویسنده در کنار اشاره به تأثیر پیروزی مشروطه در زدودن آثار نادانی، نوشت: «به میخه فردی از افراد خطور نمی‌کند که مدرسه نسوان نیز باید افتتاح شود و این جنس هم محتاج به قدری معرفت است»؛ ولی مدیر روزنامه به بهانه ناامنی در سطح جامعه نوشت: «ما مردم را به چه خاطر جمع می‌وادر کنیم که دختران خود را در کوچه و بازار راه بیندازند و به مدرسه بفرستند» (روزنامه تربیت، ۱۳۲۵ق.، ش ۷/۴۳۳-۵).

پس از پیروزی مشروطه، مطبوعات اصفهان به روشنگری پرداختند و ضرورت برپایی آموزشگاه‌های دختران را در شهری که زنان در انزوایی رقت‌بار می‌زیستند؛ مطرح کردند. میرزا عبدالحسین خوانساری مقاله‌ای با عنوان «تربیت نسوان» نوشت که با اشاره به سطح بالای سواد در بین زنان انگلیس، تأکید کرد که تربیت زنان به حال وطن نافع‌تر از تربیت مردان است (روزنامه زاینده‌رود، ۱۳۲۷ق.، ش ۱/۳۹). این مقاله با واکنش‌های تندی روبرو شد. سید عباس عضو انجمن ولایتی اصفهان در نامه‌ای به روزنامه نوشت: «تربیت نسوان معنی ندارد»، نوشت: «خیلی متشکر هستیم که آن‌ها [زنان] سواد خواندن ندارند، والا به واسطه خواندن این جریده [زاینده‌رود] به بهانه تحصیل کمال... در سر پل‌ها یا مجامع دیگر، حاضر می‌شدند و با شوهر بیچاره، همه‌روزه در زدو خورد بودند... تکلیف فعلی شرعاً و عقلاً آن است که زن‌ها ابداً از خانه بیرون نیایند؛ مگر به حمام، به قبرستان و مسجد و روضه هم نروند» (روزنامه انجمن ملی اصفهان، ۱۳۲۸ق.، ش ۴/۴۴).

۳. شروع آموزش دختران در اصفهان

نخستین مدرسه‌هایی که دختران اصفهان نیز در آن به تحصیل پرداختند، در محله آرامنه مسیحی تأسیس شد. آرامنه در توسعه روابط سیاسی ایران با دنیای خارج سهم داشتند و آشنایی آن‌ها با زبان و شرایط زندگی اروپایی، باعث شد از ایشان به‌عنوان پیک و مترجم استفاده شود (آرشیو اسناد موزه کلیسای وانک). در مدرسه‌ای که کشیشی به نام «بروس» حدود سال (۱۲۹۲ق. / ۱۸۷۵م.) پایه‌گذاری کرد، علاوه بر پسران، تعداد ۵۱ نفر از دختران ارمنی نیز در ساختمانی جداگانه تحصیل می‌کردند (روزنامه فرهنگ، ۱۲۹۶ق.، س ۱، ش ۷ / ۲۰؛ ۲-۱). مدرسه دیگری هم که بافاصله زمانی اندکی پا گرفت، «آلیانس» بود که توسط «آلبرت کنفینو» در سال ۱۲۸۰ ش / ۱۹۰۱ م. تأسیس شد. این مدرسه در محله یهودیان بود و در آغاز ۷۵ دانش‌آموز دختر داشت؛ ولی در ۱۹۰۴م. تعدادشان به ۲۷۰ نفر رسید (ناطق، ۱۳۷۵: ۱۳۴؛ ۱۳۸).

با بالا گرفتن احساسات ضد بیگانه در نتیجه جنبش مشروطه، برخی از روزنامه‌های اصفهان نیز با توجه به مدارس جدیدی که توسط مسلمانان راه‌اندازی شده بود، فرستادن اطفال مسلمانان به مدارس مسیحی را جایز ندانستند و حاج آقا نورالله از روحانیون برجسته شهر نیز به کسانی که کودکانشان را به مدارس خارجی می‌بردند تا پنج روز مهلت داد و اعلام کرد در صورت سرپیچی افراد، فتوا خواهد داد: «مسلمانان با آنان معامله اسلامیت نکنند و آن‌ها را به

حمام‌ها و مساجد راه ندهند» (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ۱۳۲۵ق.، س ۱، ش ۸، ص ۵-۴). در چنین شرایطی «مدرسه دوشیزگان» که گاهی «دوشیزگان ایتم» نیز نامیده می‌شد، در سال ۱۳۲۸ ق. / ۱۲۸۹ ش. توسط میرزا آقاخان محاسب الدوله راه‌اندازی گردید (روزنامه انجمن اصفهان، ۱۳۲۷ق.؛ ش ۲/۳۷)؛ ولی باوجود حمایت‌های مادی و معنوی مشروطه‌خواهان (روزنامه زاینده‌رود، ۱۳۲۷ق.؛ س ۲، ش ۴/۴۳)، پس از یک سال و نیم تعطیل شد (ایمانیه؛ ۱۳۵۵: ۱۹۸). در نیمه صفر ۱۳۳۳ق. صدیقه دولت‌آبادی به کمک بدرالدجی «مدرسه دخترانه ام‌المدارس» را راه‌اندازی کرد. وی در نامه‌ای برای مدیر روزنامه شکوفه چنین نوشت: «اصفهان که چقدر محروم است از تربیت دختران، این شهر بزرگ هنوز غیر از مدرسه کلیمیان و یک مدرسه انگلیسی‌ها، مدرسه انائیه نیست. چه اندازه بدبختی برای اهل یک همچو شهری است. در یک زمانی که دوره ترقی است، دختران امروز که مادران فردا خواهند شد، هنوز بویی از تحصیل و تربیت به مشام آن نرسیده باشد» (روزنامه شکوفه، ۱۳۳۳ق.؛ س ۳، ش ۲/۵). به‌زودی بر اثر مخالفت‌هایی که صورت گرفت، این مدرسه هم بسته شد (روزنامه زبان زنان، ۱۳۳۹ق.؛ س ۲، ش ۳۰/۴۰). از دیگر بنیان مدارس دخترانه در اصفهان، حاج سید سعید طباطبایی نائینی بود که در سال ۱۳۳۴ق. دبستان دخترانه‌ای با نام «اناث گل‌بهار» را به سرپرستی بی‌بی خانم جناب، که به‌تازگی تحصیلاتش را در آلیانس به پایان رسانده بود، راه‌اندازی کرد (دهکردی، ۱۳۸۰: ۹۸-۹۷). «اناث گل‌بهار» مشکلات کمتری نسبت به «ام‌المدارس» داشت؛ زیرا به پایگاه اجتماعی خانواده جناب از خانواده دولت‌آبادی در اصفهان مستحکم‌تر بود (خسرو پناه، ۱۳۷۷: ۲۲۱). «همدم استاد» نیز که دوره متوسطه را در مدرسه «آلیانس» به پایان رسانده بود، درخواستی به اداره تازه تأسیس معارف اصفهان فرستاد که در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۲۹۸ امتیازنامه دبستان شش کلاسه دخترانه به نام وی صادر شد (اسناد بایگانی موزه آموزش و پرورش استان اصفهان). این مدرسه نیز سرانجام به دلیل کمی تعداد شاگردان و درآمد ناکافی، تعطیل گردید (روزنامه راه نجات، ۱۳۳۸ق.؛ س ۵، ش ۴/۴).

۴. زندگی و آثار بانو امین و نقش خانواده امین‌التجار در آموزش دختران اصفهان

حاجیه‌خانم سیده نصرت بیگم آقا معروف به «نصرت امین» یا «بانوی ایرانی» در سال ۱۲۶۵ ش. در اصفهان دیده به جهان گشود (ساکما، ۱۳۴۵: شناسه سند ۲۹۷/۱۴۱۰۴). وی هرچند در مدارس دخترانه آن زمان شرکت نکرد؛ ولی تحصیلات ابتدایی را نزد مادرش و معلمی در خانه، فراگرفت. بانو امین پس از ازدواج نیز در منزل همسرش به تحصیل زیر نظر معلمانی که به خانه می‌آمدند، ادامه داد و در کنار انجام وظایف همسری و فرزند داری، در منزل از محضر استادان محرز علوم دینی مانند آیت‌الله زفره‌ای و آیت‌الله سید علی نجف‌آبادی هم برای تکمیل تحصیلات عربی و صرف نحو فقه و اصول و حکمت استفاده کرد.

در سال ۱۳۱۱ ش. زمانی که میس‌آیدین دبیرستان دوشیزگان (بهشت‌آیین) را به نزدیکی عمارت هشت‌بهشت انتقال داد، در خانه‌ای متعلق به «میرزا حسین امین‌التجار» در قسمت جنوب شرقی دبیرستان اقامت گزید. در سال ۱۳۱۹

هرچند به دستور دولت، مدارس خارجی برچیده شد؛ اما در مدرسه‌های دولتی، هنوز از معلم مرد استفاده می‌کرد و خانواده‌هایی بودند که به همین دلیل اجازه حضور دخترانشان را در این دبیرستان‌ها را نمی‌دادند. در چنین شرایطی، حاج سید محمدعلی امین‌التجار با کمک معلمان دبیرستان دوشیزگان، زمینه ادامه تحصیل دخترش در خانه را فراهم کرد. بانو امین در گوشه‌ای از خاطراتش به علاقه شدیدش به مطالعه و ادامه تحصیل اشاره می‌کند (ریاحی، ۱۳۷۵: ۷۸). وی در جای دیگر درباره علایق دوران جوانی گفته است: «هرگاه از یک عالم یا واعظی چیزی از اوصاف حق تعالی می‌شنیدم، قلبم به سخن او میل مفرطی می‌نمود و گویا سرتاپا گوش می‌شدم و به تحصیل مقدمات از صرف نحو و غیرها از مقدمات فقه و منطق و حکمت مشغول شدم و خدا می‌داند که این راه را با چه سختی و اضطرابی گذراندم». استادان بانو امین در درس صرف و نحو آیت‌الله زفره‌ای و آقا میرزاعلی اصغر شریف، مدرس مدرسه بید آباد بودند. آیت‌الله آقا سید علی نجف‌آبادی نیز علوم معقول و منقول را به او آموزش دادند (فرزین، ۱۳۸۹: ۹۰).

بانو امین بین علم حقیقی و غیرحقیقی تمایز قائل می‌شد و بین عالم و عالم نماها تفاوت قائل بود و مدعیان فراگرفتن برخی اصطلاحات یا حفظ کردن معانی الفاظ را فقط «لاف‌زنان علم» معرفی می‌کرد (رضازاده، ۱۳۹۱: ۱۲۵)؛ و معتقد بود: «علم باید بر نورانیت انسان بیفزاید، نه اینکه حجاب ظلمت او را زیاد کند» (امین، ۱۳۹۲، ص ۷۳). وی در کنار علوم دینی، به تحصیل نجوم، ریاضی و علوم جدید نیز می‌پرداخت؛ اما صرف و نحو، فقه، اصول و فلسفه را با ذائقه معنوی خویش سازگارتر می‌دید و با قرآن و روایات الفتی ویژه داشت (طیبی، ۱۳۸۰: ۳۸). بانو امین با اینکه برنامه‌های تحصیلی، تحقیقاتی و تألیفاتش را بیشتر در محیط بسته خانه انجام می‌داد؛ اما با فضای جامعه آشنا بود و برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، درصدد فرهنگ‌سازی بود و هدایت زنان را مقدمه آن می‌دانست. او با درک موقعیت دختران در آن زمان که مجبور بودند برای کسب علم و دانش راهی مدرسه‌های استعمارگران انگلیسی با آموزگاران مسیحی شوند، اقدام به تأسیس دبیرستان دخترانه کرد تا خانواده‌های مذهبی با اطمینان کامل دخترانشان را به آنجا بفرستند. (ساکما، ۱۳۴۵/۶/۱: شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴). وی هم‌چنین حوزه علمیه «مکتب فاطمه» را تأسیس کرد که بسیاری از زنان اصفهانی در این حوزه موفق به تحصیلات مذهبی شدند (ساکما، ۱۳۴۵/۴/۲۱، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴). علاوه بر این، جلسات تفسیر قرآن و مباحث مذهبی که توسط وی به صورت هفتگی برای عموم زنان برگزار می‌شد، از دیگر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی این بانو بود. وی با زنان فامیل نیز جلسات دوره‌ای داشت که در این جلسات خانوادگی، به مسائل دینی زنان پاسخ می‌داد. با بالا گرفتن موضوع کشف حجاب و در پاسخ به کسانی که آن را مانع کسب علوم و صنایع و تجارت می‌دانستند، نیز معتقد بود: «هر دانشمندی می‌داند که تعلیم و تعلم و کسب علوم به هیچ وجه باحجاب منافات ندارد و حجاب مربوط به رشد عقلی و علمی زن نیست. مدارس دخترانه و پسرانه از هم ممتاز و جداسست و زن نیز می‌تولند هرگونه علم و صنعت را در منزل خود باکمال عفت و نجابت فراگیرد» (امین، ۱۳۸۷: ۴۶) وی در مصاحبه‌ای که در این زمینه با وی صورت گرفت گفت: «من مخالف تحصیل کردن خانم‌ها نیستم.

تحصیل کنند و علم بیاموزند؛ لیکن با حفظ نفس و آبروی اسلام. پاره کردن حجاب در حقیقت پاره کردن اوراق قرآن است» (امین، ۱۳۸۷: ۱۱۶). بانو امین در نوشته‌هایش به جای نام نویسنده، با تواضع از عنوان «بانوی ایرانی» استفاده می‌کرد؛ و به گواهی کسانی که با او معاشرت می‌کردند، فروتنی، حلم و آرامش روحی فوق‌العاده‌ای داشت (رضازاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۳). دانشمندانی که از کشورهای دیگر با بانو امین ملاقات کرده‌اند، جایگاه علمی و شخصیت دینی وی را بسیار ستوده‌اند (مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت بانوی مجتهده امین، ۱۳۷۲: ۲۵۴).

در سال ۱۳۵۴ق. اجازه اجتهاد ایشان توسط آیت‌الله محمدکاظم شیرازی از استادان برجسته حوزه صادر شد (ساکما، ۷ صفر ۱۳۵۴ق. شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴). درجه اجتهاد بانو امین سال‌ها بود که در بین عالمان دینی مسلم شده بود؛ ولی به نظر می‌رسد، متن کتبی اجازه‌های مذکور، به‌منظور ارائه به آموزش و پرورش صادر شده باشد؛ زیرا در همین ایام نیز اداره آموزش و پرورش اجازه اجتهاد وی را تأیید کرد (ساکما، ۱۳۴۵، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴). در طی سال‌های متمادی، بسیاری از استادان حوزه مانند علامه طباطبایی، آیت‌الله مرعشی نجفی، آیت‌الله حائری شیرازی و دیگر بزرگان علم و حکمت، با بانو امین دیدار داشتند. علامه محمدتقی جعفری در خصوص بانو عقیده داشت: به‌طورقطع می‌توان ایشان را یکی از علمای برجسته عالم تشیع معرفی نمود و روش علمی ایشان هم کاملاً قابل‌مقایسه با سایر دانشمندان بوده بلکه با نظر به مقامات عالی‌ه روحی باید ایشان را از گروه نخبه‌ای از دانشمندان به شمار آورد که به‌اضافه فراگرفتن دانش، به تولد جدید در زندگی نیز نائل می‌شوند (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین کنگره بزرگداشت بانو امین، ۱۳۷۲: ۴۵). استاد مرتضی مطهری نیز پس از آن که در اصفهان به ملاقات وی رفت و یکی از مسائل فلسفی را مطرح کرد، گفت: «بعد از پاسخ بانو، دیدم که باید دست و پای خود را جمع کنم» (طیبری، ۱۳۸۰: ۶۲). بانو امین آثار قلمی فراوانی دارد که هنگام درخواست اجازه تأسیس دبیرستان و مکتب فاطمیه به تعدادی از آن‌ها اشاره کرده است (ساکما، ۱۳۴۵، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴).

گردانندگان و چگونگی تأسیس مکتب فاطمیه

از بین شاگردان و تربیت‌یافتگان بانو امین برخی بودند که در آینده خود از گردانندگان مکتب فاطمیه شدند. بانو عفت‌الزمان امین، دختر حاج سید احمد امین معروف به افتخارالتجار، از جمله آنان است. وی دروس مقدماتی حوزوی را نزد آقا میرزا علی اصغر شریفی مدرس مدرسه بید آباد گذراند و سپس نزد دیگر استادان حوزه، مشغول فراگرفتن فلسفه شد. عفت‌الزمان امین نیز در اواخر عمر موفق به دریافت اجتهاد روایتی از آیت‌الله شاهرودی گردید و از برجسته‌ترین شاگردان بانو امین بود و در اداره کردن مکتب فاطمه و دبیرستان امین نقش بسزایی داشته است (ریاحی، ۱۳۷۵: ۷۲). یکی دیگر از شاگردان مکتب فاطمیه، «زینت‌السادات علویه همایونی»، مشهور به بانو همایونی است که سال ۱۲۹۶ شمسی در اصفهان متولد شد و تحصیلات ابتدایی را در منزل نزد مادر آغاز کرد. از سال ۱۳۱۲ نیز هرروز نزد بانو امین درس‌های جنبی مانند رساله عملیه و اخلاق را فرامی‌گرفت و چون به ریاضی و منطق علاقه‌مند

بود، منظومه حکمت سبزواری و کتاب مغنی را نزد حاج آقا صدر رونوشتی فراگرفت. وی در سال ۱۳۴۳ش. در امتحان طلاب مدرسه سه‌سالار شرکت کرد... تا آن روز هیچ زنی در آزمون این مدرسه شرکت نکرده بود. از ۳۷۰ نفر داوطلب، تنها پنج نفر در رشته معقول ثبت‌نام کرده بودند و بانو همایونی نیز جزو پنج نفر پذیرفته‌شده در آزمون بود؛ ولی به اصرار برادرش در دانشکده وعظ و تبلیغ تهران (دانشکده الهیات دانشگاه تهران) ثبت‌نام کرده و در این دانشکده به تحصیل پرداخت. به مدت دو سال، وی تنها زنی بود که باحجاب کامل در بین طلبه‌های مرد در کلاس‌ها حاضر می‌شد؛ ولی سپس مسئولین دانشکده که وجود طلبه زن در بین مردان را برنمی‌تافتند، پیشنهاد کردند تا وی باقی‌مانده دوران تحصیلاتش را در دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان بگذارند و همین امر موجب شد که وی از ادامه تحصیل در دانشگاه انصراف دهد. در مدت دو سالی که علویه همایونی در دانشگاه رفت‌وآمد داشت، محیط را جذاب و مطلوب می‌دید و به فکر افتاد که چنین محیطی را دست‌کم در سطح دبیرستان، برای خانم‌ها فراهم کند. این موضوع در جلسه تفسیر روز چهارشنبه بانو امین مطرح شد و بانوان شرکت‌کننده، از بانو امین درخواست نمودند که برای تأسیس دبیرستانی مخصوص بانوان؛ اقدام کند. سرانجام تقاضای بانوان و تلاش‌های بی‌وقفه علویه همایونی، بانو امین را برای تأسیس چنین آموزشیگاهی مصمم کرد و درخواستی را ارسال نمود (ساکما، ۱۳۴۵: شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴). برای گرفتن مجوز رسمی، باید مدارکی مانند داشتن تمکن مالی و نداشتن سوء پیشینه نیز ارائه می‌شد (ساکما، ۳۴۵/۵/۱۵؛ ساکما، ۱۳۴۵/۷/۱۰، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴)؛ و پس از پیگیری بسیار، سرانجام مجوز رسمی شورای عالی فرهنگ برای تأسیس یک دبیرستان دخترانه (ساکما، ۱۳۴۵/۸/۲۹، ۲۹۷/۱۴۱۰۴) صادر شد. همچنین برای اولین بار مدرک اجتهادی یک بانوی ایرانی با تأسیس یک حوزه علمیه بانوان موافقت شد (ساکما، ۱۳۴۵/۶/۶، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴). پس از گرفتن مجوز، منزل بزرگ و مناسبی خریداری شد. اندرونی این منزل به دبیرستان امین اختصاص یافت و قسمت خلوت خانه که به طرف بازارچه بید آباد راه داشت، در اختیار آموزشگاه مکتب فاطمه (س) قرار گرفت. این محل مورد بازدید بازرسی اداره آموزش و پرورش و اداره شهرداری قرار گرفت و هر دو اداره آن را تأیید کردند (ساکما، ۴۵/۵/۱۷؛ ساکما، ۴۵/۵/۱۷، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴).

به علت حضور دبیران مرد و دور بودن از آموزش‌های دینی در دیگر مدارس زمان پهلوی، خانواده‌ها استقبال زیادی از دبیرستان دخترانه امین کردند؛ اما هنوز بعضی از اهالی، ماهیت مکتب فاطمه را به‌عنوان حوزه علمیه باور نداشتند و نگران آینده آن بودند. سرانجام با وجود مخالفت‌های آشکار و پنهان، مکتب فاطمه (س) باهدف آگاهی بانوان از دستورات شرعی و رعایت نکات اخلاقی در تاریخ مهر سال ۱۳۴۴ هم‌زمان با دبیرستان امین با شصت نفر دانشجوی طلبه از دوشیزگان و بانوان با تدریس سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی تشکیل شد (علویه همایونی، ۱۳۹۴: ۷۶). در آن سال نظام جدید آموزشی اعلام‌شده بود و با نظارت دولت، برنامه‌ریزی دبیرستان انجام شد. مأموران آموزش و پرورش پس از تنظیم برنامه دبیرستان، به سراغ برنامه‌های آموزشگاه مکتب فاطمه (ع) آمدند. آن‌ها با



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

برنامه‌های حوزوی آشنا نبودند و این اولین تجربه‌ی تعلیم علوم دینی به خواهران بود که مفهومی برای مردم و دولت ناآشنا بود. نخست می‌خواستند مکتب را هم مانند مدارس جدید برنامه‌ریزی کنند، اما بانو امین مانع شد و به آنان تذکر داد: این وظیفه را به علویه همایونی واگذار کنید (طیبی، ۱۳۸۰: ۱۲۶). خانم‌ها قلمکاریان، حکیمیان، گلستانیان و سدهی از مدرسان اولیه مکتب بودند. قرار بر این شد که علاوه بر ادبیات عرب و علوم قرآنی و دیگر مقدمات علوم دینی، ادبیات فارسی و زبان انگلیسی هم جزو برنامه درسی قرار گیرد و تفسیر و اصول عقاید نیز توسط بانو همایونی تدریس شود. بانو همایونی مدیر و معلم اصلی آموزشگاه مکتب فاطمه (ع) بود و برنامه زمانی کلاس‌ها را نیز از ساعت ۲ تا ۵ بعدازظهر به مدت سه ساعت زمان‌بندی شد (علویه همایونی، ۱۳۹۴: ۸۲). در ابتدا حدود ۶۰ نفر از دختران دبیرستان و ۶۰ نفر هم برای حضور در مکتب و خواندن دروس دینی و حوزوی ثبت‌نام کردند. هر چهار ماه یکبار هم گزارش و آمار برنامه‌ها برای اداره فرهنگ ارسال می‌شد. در این زمان با اینکه بانو امین مشغول نوشتن جلد ششم تفسیر «مخزن‌العرفان» بود؛ اما در هر فرصتی از مکتب و کیفیت برنامه‌ها جویا می‌شد و برنامه سخنرانی چهارشنبه‌ها را از منزلش به محل مکتب فاطمه (س) انتقال داد تا هم مردم با حوزه بانوان آشنا شوند و هم حضورش مهر تأییدی بر برنامه‌های مکتب باشد.

دبیرستان امین با استقبال زیادی مواجه شد و با افزایش شاگردان، مدرسه از نظر مکان مشکل پیدا داشت و به همین دلیل در سال تحصیلی ۱۳۴۹-۵۰ مکتب فاطمیه به جای دیگری انتقال یافت. پس از حدود سه سال نیز بخش‌نامه‌ای مبنی بر تعطیلی مدرسه‌های ملی اسلامی و غیردولتی، صادر شد. از آنجاکه مکتب فاطمه (ع) و دبیرستان امین از نظر جغرافیایی در یک مکان قرار داشتند، بانو امین تصمیم گرفت: مکتب را به علویه همایونی سپرده و دبیرستان را هدیه کند. از این رو بین دبیرستان و مکتب فاطمیه جدایی افتاد و طلبه‌های آن به محل اولیه در بازارچه بید آباد بازگشتند و دبیرستان را به آموزش و پرورش واگذار شد.

ایجاد حوزه‌های علمیه خواهران قبل از وقوع انقلاب اسلامی، در فضای فرهنگی اصفهان بسیار تأثیرگذار بود. این اقدام، زمینه تحصیلات عالی در معارف اسلامی را برای دختران فراهم آورد و آنان در فضایی آکنده از اخلاق اسلامی، فرصت یافتند تا در این مکتب از چنان عمق علمی برخوردار شوند که هر کدام برای ادامه تحصیل یا آزمایش علمی یا تدریس در هر حوزه و دانشگاه و کانون علمی آمادگی پیدا کنند. در این مکتب، زمینه رشد فکری در مسائل اجتماعی و امور سیاسی برای بانوان فراهم شد و در سال‌های بعد نیز با ایجاد گردهمائی و دعوت از میهمانان خارجی و داخلی و برگزاری سخنرانی‌های متنوع، بانوان را با مسائل روز آشنا می‌گردیدند. بانوانی که در این حوزه تحصیل نمودند، از دانش عمیقی برخوردار شدند؛ به طوری که در هر مقامی قرار گرفتند، از شایستگی و مهارت برخوردار بودند. به مرور ایده تأسیس مدرسه دینی بانوان به دیگر شهرها هم رفت و بنیان‌گذار اولین حوزه علمیه خواهران در ایران، زمینه تحصیل علوم حوزوی را برای عموم طبقات زنان در دیگر شهرها پایه‌ریزی نمود.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، اقدامات زیادی از سوی حکومت برای پیاده‌سازی فرهنگ غربی صورت گرفت و موجب شد که برخی از زنان مسلمان به فرهنگ، کنش‌ها و رفتارهای اخلاقی غربی متمایل شوند. غلبه سکولاریسم و به ویژه جریان فمینیستی که از دهه پنجاه میلادی در مغرب زمین شدت گرفت، در ایران نیز بازتاب یافت. کتاب ساختار شکن «جنس دوم» نوشته سیمون دوبوار که در سال ۱۹۴۹ منتشر شد، حتی در اروپا نیز واکنش‌های شدیدی را برانگیخت و کلیساهای کاتولیک خواندن و نشر آن را ممنوع اعلام کردند. این اثر به فاصله کوتاهی به فارسی برگردان و در ایران منتشر شد. در چنین فضائی انتشار آثار «بانوی ایرانی» که معیارهای متفاوتی را برای زندگی و فعالیت‌های زنان مسلمان ارائه می‌کرد، مخاطبانی پیدا کرد و رویکرد عرفانی وی که بر پرورش انسان‌ها در محیط خانواده و نقش آفرینی «مادر» در این شیوه تربیتی تأکید می‌ورزید، مورد توجه قرار گرفت. بانو امین به جایگاه مادری و همچنین نقش همسر زن در اعتلای انسان و رسیدن به مراحل بالای عرفانی و شیعی، توجه داشت و افزون بر این که بر حضور زنان در عرصه‌های گوناگون جامعه تأکید می‌کرد، در صدد جلوگیری از فساد، ناهماهنگی اخلاقی و ضربه خوردن کرامت نفس انسانی و اخلاقی بانوان بود.

حضور زنان در جنگ تحمیلی و پیروزی انقلاب اسلامی اثرگذار بود و اکنون نیز نقش زنان در جریان مقاومت اسلامی در کشورهای اسلامی به اندازه‌ای است که می‌تواند در نیل به تمدن نوین جهان اسلام مؤثر باشد. بانوان ظرفیت بالایی برای ساختن تمدن نوین اسلامی دارند و بر خلاف جریان وهابیت که امروز با فعالیت زنان در عرصه‌های علمی و چه بسا فعالیت‌های اجتماعی آنان به شدت مخالف است، نخستین حوزه علمیه بانوان که در اصفهان تأسیس شد، فعالیت‌های زنان در عرصه‌های مختلف را تبلیغ می‌کرد. بدین ترتیب حوزه علمیه بانوان اصفهان در تمدن نوین اسلامی، نقشی مهم و چندبعدی برعهده گرفت و در کنار تربیت نسلی جدید از زنان عالم دینی که ارزش‌های اسلامی را به بدنه جامعه منتقل کردند، حلقه اتصال بین تعلیم و تربیت نوین با تعلیمات سنتی بانوان بود و سبب شد تا برخی از خانواده‌هایی مذهبی که از سپردن دخترانشان به مدارس دیگر نگران بودند، برای سوادآموزی آنان در این مدرسه اقدام کنند و آثار قلمی بانو امین نیز در آگاه‌سازی جامعه تأثیرگذار بود.

۵. نتیجه‌گیری

تمدن نوین اسلامی مرهون مشارکت حداکثری همه مسلمانان از زن و مرد است. بانوان به‌عنوان نیمی از جامعه سهم بزرگی در تمدن‌سازی دارند و آموزش و ارتقای فکری آنان زمینه‌ساز پیشرفت‌های فرهنگی و اجتماعی است. در دوران معاصر کوشش‌های فراوانی از سوی مسلمان فرهیخته، برای آموزش دختران در ایران صورت گرفت. این کوشش‌ها گاهی با مخالفت‌های سنت‌گرایان نیز مواجه می‌گردید، به‌نحوی که تأسیس مدرسه‌های دخترانه با مشکلات جدی مواجه می‌شد، ولی در اصفهان که از مذهبی‌ترین شهرهای ایران بود، حرکتی آغاز شد که یکی از مؤثرترین گام‌ها برای آموزش دینی بانوان بود. در دوره مشروطه علاوه بر این که اصفهان شاهد تأسیس مدرسه‌های دخترانه فراوانی بود

که روحانیون برجسته از آن حمایت می‌کردند، بلکه نخستین حوزه علمیه خواهران نیز در این شهر پایه‌گذاری شد. بانو مجتهده امین بانی با درک ضرورت حضور بانوان در عرصه‌های علمی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، هم دبیرستانی دخترانه با معیارهای اسلامی و هم حوزه علمیه‌ای با عنوان مکتب فاطمیه (س) را بنیان نهاد و در این راه بانو علویه همایونی و تنی چند از دیگر شاگردانش در اعتلای این دو مرکز آموزشی بسیار کوشیدند. تکاپوی بانو امین و دست‌اندرکاران حوزه علمیه فاطمیه برای تبلیغ نگاه عرفانی به زن و اهمیت دادن به جایگاه مادری و همسری، آن هم در اوج رواج فمینیسم غربی، جریان فکری نیرومندی را ایجاد کرد که از آموزه‌های تشیع و میراث تفکر عرفانی الهام می‌گرفت. آثار علمی و اخلاقی به یادگار مانده از بانو امین نیز منابع مناسبی برای آشنایی با مؤلفه‌های آموزشی و تربیتی حوزویان و دانشگاهیان به حساب می‌آید و نمونه‌ای از تلاش‌های قلمی نسلی است که برای گسترش تمدن نوین اسلامی از طریق تربیت اخلاقی و معنوی جامعه به‌ویژه بانوان می‌کوشید.

۶. فهرست منابع

- آرشیو اسناد موزه کلیسای وانک (طبقه‌بندی نشده).
- اسناد بایگانی راکد موزه آموزش و پرورش استان اصفهان (طبقه‌بندی نشده).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران - شعبه اصفهان (ساکما)، ۱۳۴۵/۵/۳، عنوان سند: شناسنامه‌ی بانو امین، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴
- ساکما، ۱۳۴۵/۴/۲۱، عنوان سند: درخواست بانو امین از اداره فرهنگ برای صدور امتیاز مکتب فاطمیه، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴
- ساکما، ۱۳۴۵/۸/۲۹، عنوان سند: اجازه دبیرخانه شورای عالی فرهنگ مبنی بر تأسیس دبیرستان امین، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴
- ساکما، ۱۳۴۵/۵/۱۵، عنوان سند: دستخط درخواست بانو امین برای بازدید از مکان دبیرستان، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴
- ساکما، ۱۳۴۵، عنوان سند: گواهی‌نامه آموزش و پرورش مبنی بر تأیید اجتهاد بانو امین، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴
- ساکما، ۷ صفر ۱۳۵۴ق. عنوان سند: دستخط اجازه اجتهاد از آیت‌الله محمدکاظم شیرازی، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴
- ساکما، ۱۳۴۵، عنوان سند: اعلام عناوین تألیفات بانو امین، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴
- ساکما، ۴۵/۸/۱، عنوان سند: برگه مشخصات اجازه تأسیس دبیرستان امین، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴
- ساکما، ۴۵/۵/۱۵، عنوان سند: گواهی‌نامه عدم سوءپیشینه بانو امین، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴
- ساکما، ۴۵/۵/۱۵، عنوان سند: درخواست بانو امین جهت تأیید تمکن مالی، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴
- ساکما، ۴۵/۵/۱۷، عنوان سند: بازدید بازرس از محل پیشنهادی دبیرستان، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴

ساکما، ۴۵/۷/۷، عنوان سند: گزارش بررسی مکان توسط شهرداری و بلامانع بودن افتتاح دبیرستان، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴

ساکما، ۴۵/۷/۱۰، عنوان سند: ارسال مدارک بانو امین به اداره کل تعلیمات متوسطه، شناسه سند: ۲۹۷/۱۴۱۰۴ اتحادیه، منصوره، (تابستان ۱۳۸۰)، «نقش زنان در انقلاب مشروطه»، تهران: تاریخ معاصر ایران، (سال ۵، شماره ۱۸، صص ۱۵۷ تا ۱۶۹).

امین، نصرت بیگم، (۱۳۸۷) روش خوشبختی، اصفهان: نشر رشاد، چاپ دوم
امین، نصرت بیگم، (۱۳۸۹) النفحات الرحمانیه، اصفهان: نشر نشاط، چاپ سوم
خسرو پناه، محمدحسین، ۱۳۷۷، هدفها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، تهران: پیام امروز، چاپ اول.

دهکردی، عباس، (۱۳۸۰)، «معرفی عده‌ای از مشاهیر تعلیم و تربیت اصفهان و سهم آنها در گسترش موج نوگرایی آموزشی»، مجموعه مقالات همایش سیر تحول آموزش و پرورش با نگاهی ویژه به استان اصفهان، اصفهان: اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.

رضازاده، مریم؛ مراد نجف‌آبادی، زهره؛ کافی موسوی، اباذر، (۱۳۹۹)، «مؤلفه‌های تربیت علمی و اخلاقی در شاگرد پروری بانو امین»، نشریه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره ۸، شماره ۱۵، صص ۲۲۹ تا ۲۴۰.

روزنامه انجمن اصفهان، سال سوم، شماره ۳۷، (سه‌شنبه ۲۱ ذی‌الحجه، ۱۳۲۷ ق).

روزنامه انجمن ملی اصفهان، سال سوم، ش ۴۴، ص ۴ (شنبه ۱۷ محرم، ۱۳۲۸ هـ ق).

روزنامه انجمن ملی اصفهان، سال اول، ش ۸، ص ۵-۴ (یکشنبه ۱۱ محرم، ۱۳۲۵ هـ ق).

روزنامه تربیت، سال یازدهم، شماره ۴۳، (پنجشنبه ۲۲ محرم ۱۳۲۵ ق / ۷ مارس ۱۹۰۷ م).

روزنامه راه نجات، سال پنجم، شماره ۴، (یکشنبه ۱۳ شعبان، ۱۳۳۸ ق / ۱۲ اردیبهشت ۱۲۹۹ ش).

روزنامه زاینده‌رود، سال اول، ش ۳۹، (چهارشنبه ۱۷ ذی‌القعدة، ۱۳۲۷).

روزنامه زاینده‌رود، سال دوم، ش ۴۴، (پنجشنبه ۲۱ ذی‌الحجه، ۱۳۲۸ ق).

روزنامه زاینده‌رود، سال دوم، شماره ۴۳، (چهارشنبه ۲۲ ذی‌الحجه، ۱۳۲۷ ق).

روزنامه زبان زنان، سال دوم، ش ۴۰، (شنبه ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۹ ق / ۱۰ دی ۱۲۹۸ ش).

روزنامه شکوفه، سال سوم، ش ۵ (۲۳ ربیع‌الاول، ۱۳۳۳ ق).

روزنامه فرهنگ، سال اول، ش ۷ (۲۶ رجب ۱۲۹۶ هـ ق / ۱۷ ژوئیه ۱۸۷۹ م)

ریاحی، محمدحسین، (۱۳۷۵)، مشاهیر زنان اصفهان از گذشته تا عصر حاضر، اصفهان: اداره فرهنگ و ارشاد استان اصفهان.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- طیّبی، ناهید، (۱۳۸۰)، زندگانی بانوی ایرانی مجتهده نصرت السادات امین، قم: سابقون، چاپ اول.
- فرزین، مهدی، (۱۳۸۹) فریده عصر؛ بررسی علمی و عملی عالمه عارفه بانو مجتهده امین، تهران: هستی نما، چاپ اول. مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین کنگره بزرگداشت بانوی مجتهده سیده نصرت امین رحمت‌الله علیها، (۱۳۷۲)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی، واحد امور فرهنگی زنان، چاپ اول.
- ملک زاده، مهدی، (۱۳۸۳) تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: نشر سخن
- میرعمادی، عقیفه و دیگر نویسندگان، (۱۳۸۰)، سیر تکوین دبیرستان بهشت‌آیین اصفهان؛ یادنامه یک صدمین سال تأسیس دبیرستان بهشت‌آیین، گردآورنده عقیفه میرعمادی، اصفهان، اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، چاپ اول.
- ناطق، هما، (۱۳۷۵)، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، پاریس: چاپ اول، خاوران.
- همایونی، زینت‌السادات، (علویه همایونی)، (۱۳۸۳) زندگانی بانوی ایرانی؛ بانوی مجتهده نصرت السادات امین، اصفهان: نشر گلپهار



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



آسیب‌شناسی تشکیل تمدن نوین اسلامی از منظر امام خامنه‌ای

مظاهر احمدیان چهاربرج^۱، هادی سلطانی^۲

۱-استاد یار گروه معارف دانشگاه ارومیه. ma.ahmadian@urmia.ac.ir

۲-دانش آموخته سطح یک حوزه علمیه. hadisoltani5632@gmail.com

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی نقشه راهی برای رسیدن به اهداف این انقلاب ترسیم شد. در این نقشه مراحل پنجگانه اهداف والای انقلاب اسلامی مشخص شد. انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت تمدن اسلامی از اهداف انقلاب شکوهمند اسلامی بود. منظور از تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و مادی رشد کند و به اهدافی که خداوند بخاطر آن اهداف انسان را خلق کرده برسد. رسیدن به این مرحله یکی از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی بود که در تشکیل آن مشکلاتی اعم از دورنی و بیرونی وجود دارد. این پژوهش که به روش تحلیلی توصیفی و از نوع کتابخانه‌ای نگارش شده است در تلاش است تا موانع تشکیل تمدن نوین اسلامی با تکیه بر نظریات مقام رهبری را بیان کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که؛ از جمله موانع درونی تشکیل تمدن نوین اسلامی اسلامی عبارتند از: سستی بینش، غفلت و اعتماد به دشمن، عدم التزام به سیاست‌های رهبری، عدم توجه به ظرفیت‌های درونی، بد فهمی و کج فهمی، مقابله با عناصر انقلابی، تنبلی، سرگرمی به کارهای حزبی و جزئی و عملکرد ضعیف برخی مدیران. از موانع بیرونی نیز می‌توان به دشمنان قسم خورده انقلاب اشاره کرد که با تقابل عملی و نظری در صدد ضربه زدن به ایران اسلامی بوده‌اند.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، دولت اسلامی، تمدن اسلامی، تمدن نوین، امام خامنه‌ای

مقدمه

هر جامعه‌ای در تلاش است تا به اهداف والای خود دست یابد. هدف نهایی از انقلاب اسلامی رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. رسیدن به این هدف دارای مقدماتی است که یکی از مهمترین مقدمات آن تشکیل دولت اسلامی می‌باشد. دولتی که تمام احکام اسلام را عملی کرده و زمینه را برای رسیدن به جامعه اسلامی و در نهایت تمدن اسلامی فراهم کند. رهبر معظم انقلاب تاکید فراوانی بر تمدن نوین اسلامی دارند که با رهنمودهای حکیمانه ایشان و تلاش‌های مسئولین مقدمات تشکیل تمدن نوین اسلامی فراهم خواهد شد. البته برای رسیدن به این امر بسیار مهم، موانعی متعددی وجود دارد، اعم از موانع داخلی و خارجی، وظیفه مسئولین نظام است که با الگوگیری از منویات رهبر انقلاب این موانع را برداشته و شرایط را برای برپایی تمدن نوین اسلامی فراهم کنند. البته در این زمینه اگر به منویات رهبر انقلاب عمل شود این کار بسیار مهم عملی شده و شرایط تشکیل تمدن نوین اسلامی فراهم خواهد شد، لازم به ذکر است، برای

رسیدن به این امر موانعی وجود دارد که باید با سرلوحه قرار دادن فرمایشات رهبر معظم انقلاب و تلاش مجدانه مسئولین، زمینه‌های رسیدن به این امر بسیار مهم که هدف نهایی انقلاب شکوهمند اسلامی است، فراهم خواهد شد.

پیشینه تحقیق

در مورد تمدن اسلامی مقالات و تحقیقات متعددی نگاشته شده است که می‌توان به؛ مقاله «الگوی سبک زندگی تمدن ساز از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای» (۱۴۰۲) که توسط آقای محمد کریم حکمت آرا و آقای علی قادری نوشته شده است.

مقاله «تحلیل شاخصه‌های تمدن اسلامی با محوریت دیدگاه علامه طباطبایی» (۱۴۰۲) که به قلم سرکار خانم پریا (نور خسرو شاهی به رشته تحریر در آمده است).

مقاله «مؤلفه‌های تاثیرگذار خودسازی در شکل‌دهی تمدن اسلامی از منظر قرآن» (۱۴۰۲) که توسط سرکار خانم سمیه آشنا و سرکار خانم رقیه دوروقی نوشته شده است.

کتاب ارزشمند «کتاب تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» به قلم جناب آقای احمدرضا بهنیا فر.

کتاب «تمدن زایی شیعه» نوشته جناب آقای اصغر طاهرزاده. اشاره کرد.

این نوشته‌های ارزشمند هرکدام به قسمتی از ابعاد مختلف تمدن اسلامی اشاره کرده اند ولی موانع تشکیل تمدن نوین اسلامی در هیچ یک از تحقیقات انجام گرفته از منظر رهبر معظم انقلاب مورد بررسی قرار نگرفته است. در این مقاله موانع تشکیل تمدن نوین اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تعریف تمدن

۱-۳. **تعریف لغوی:** مُدُن جمع مدینه که به صورت مدائن هم می‌آید که در فارسی معادل شهرهاست (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۵/۱۳) مُدُن المدائن یعنی بنا کردن و شهرسازی و تَمَدَنَ الرجل یعنی آراسته شدن به اخلاق اهالی شهرها و انتقال از خشونت و جهالت به حالت ظرافت و انس و معرفت (الشرتونی، ۱۳۹۳: ۱۷۸/۳) همچنین تمدن از کلمه‌ی مدینه و به معنی شیوه زندگی در جامعه شهری است (سیدی، ۱۳۸۸: ۷) این واژه توسط دانشمندان علوم اجتماعی در قرن ۱۹ به کار برده شده و ترجمه واژه (civilization) است که در زبان فارسی به معنی شهر نشین شدن، خوی شهر گزیدن، زندگی اجتماعی، همکاری افراد یک جامعه در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است (کاشفی، ۱۳۸۴: ۳۳) و به معنای فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش است (عمید، ۱۳۷۹: ۷۲۶/۱).

۲-۳. **تعریف اصطلاحی:** مفهوم تمدن به طور عام از دیرباز وجود داشته و ابن خلدون با کلید واژه‌های «العمران» و «الحضاره» بدان پرداخته است. (ابن خلدون، ۱۳۷۷: ۳۷۱/۱) ولی واژه و مفهوم اصطلاحی تمدن به معنای امروزی بر اساس دیدگاه انسان محور در مغرب زمین شکل گرفته و دانشمندان علوم اجتماعی تعریف‌های متفاوتی از آن ارائه داده اند، گروه زیادی آن را مترادف با فرهنگ یا شکلی پیشرفته تر از آن دانسته و برخی دیگر حوزه معنایی

آن دو را از یکدیگر جدا کرده اند (ولایتی، ۱۳۸۳: ۲۵-۲۷) علامه جعفری در تعریف تمدن گفته اند: «تشکل هماهنگ انسانها در حیات معقول به همراه روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه ها در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسانها در همه ابعاد مثبت.» (جعفری، ۱۳۶۲: ۱۶۱/۵) در تعریفی دیگر به این شکل آمده است: «نظمی اجتماعی که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان پیدا می کند» (دورانت، بی تا: ۵) و در تعریفی دیگر، «تمدن بالاترین گروه بندی فرهنگی و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می آید.» (ساموئل، بی تا: ۴۷).

انسان، سازنده تمدن است و تمدن، میراثی است که از یک نسل برای نسل بعد از خود می گذارد و نسل جدید بر میراث نسل گذشته می افزاید، تمدن محصول توان انسان بر غلبه بر نیروهای طبیعی از طریق شناسایی قوانین حاکم بر آن از مسیر علم و دانش و امکان کنترل و تصرف نیروهای آن به نفع خواسته های بشریه وسیله تکنولوژی است. (خسرو پناه، ۱۴۰۰: ۱۳۰۸/۲)

جایگاه تمدن در منظومه فکری مقام معظم رهبری به این گونه است که تمدن به عنوان روند رو به رشد جامعه، باید پایبند به اصول اسلامی باشد، اصول اسلامی عبارت است از: توحید، عدالت، انصاف با مردم، ارج نهادن به حقوق مردم، رسیدگی به ضعفا، ایستادگی در مقابل جبهه های ضد اسلام و ضد دین، پا فشاری بر مبانی حق اسلام و دفاع از حق و حقیقت؛ این گزینه ها در همه زمان ها قابل پیاده شدن است. (همان، ۱۳۱۳)

«تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خداوند متعال او را برای آن غایت خلق کرده برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمند داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این.» (خامنه ای، ۱۳۹۸: ۲۳)

«جامعه ای که در آن، هم علم هست، هم پیشرفت هست، هم عزت هست، هم عدالت هست، هم مقابله با امواج جهانی هست، هم ثروت هست؛ یک تصویر اینجوری، ما به این می گوئیم تمدن نوین اسلامی» (همان، ۲۴)

نقشه راه انقلاب اسلامی

هر کاری، برای رسیدن به اهداف خود به نقشه راه نیاز دارد، تا با استمداد از آن به اهداف نهایی دست یابد، انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و از همان ابتدای کار برای رسیدن به اهداف والای خود نقشه راه ترسیم کرده است.

در منظومه فکری مقام معظم رهبری برای رسیدن به تمدن اسلامی نقشه راهی تنظیم شده است که دارای پنج مرحله می باشد، در نظر ایشان وجود نقشه راه از اهمیت بالایی برخوردار بوده و ضروری است. چنانچه در این باره فرموده اند: «باید یک نقشه راه وجود داشته باشد؛ یعنی هدف حرکت معلوم باشد، چشم انداز حرکت معلوم باشد، خط سیر این

حرکت ترسیم شده باشد، بعد هم فهم دائمی و درست و رصد کردن دائم از این حرکت. این برای یک ملت لازم است. امروز این ها جزو مسائل اصلی ما است.» (اجتماع مردم بجنورد ۱۳۹۱/۰۷/۱۹)

رهبر معظم انقلاب در جای دیگری فرموده اند: «هدف های این حرکت، از اول انقلاب ترسیم شد؛ هم در شعار های مردم، هم در بیانات امام ۸ نقشه راه به طور اجمالی معلوم شد؛ بعد هم در طول زمان، در این سی سال، نقشه راه تدوین شد، ریخته شد، تکمیل شد؛ امروز ملت ایران می داند که چه میخواهد و دنبال چیست.» (اجتماع مردم بجنورد ۱۳۹۱/۰۷/۱۹)

مراحل پنج گانه انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مراحل پنج گانه در نقشه راه ترسیم شد تا این انقلاب شکوهمند با این نقشه اهداف بلند مدت خود را ترسیم کرده و برای رسیدن به آنها تلاش کند:

انقلاب اسلامی

اولین مرحله انقلاب اسلامی بود که با الگو گیری از ائمه صورت گرفت چراکه، تشکیل حکومت اسلامی هدف نهایی مبارزات ائمه بوده است. رهبر انقلاب در این باره فرموده اند: «بدون شک هدف نهایی حضرت سجاد ایجاد حکومت اسلامی است و همان گونه که در روایات آمده خداوند سال ۷۰ را برای حکومت اسلامی در نظر گرفته بود و چون در سال ۶۰ حضرت حسین بن علی به شهادت رسید، به سال ۱۴۷ و ۱۴۸ به تأخیر افتاد؛ این کاملاً حاکی از این است که هدف نهایی امام سجاد و سایر ائمه، ایجاد حکومت اسلامی است.» (خامنه ای، ۱۴۰۰: ۱۹۴)

در جای دیگر بیان کرده اند: «می خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدف ها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرایند طولانی و دشواری دارد و شروع آن از انقلاب اسلامی است.» (محمّدی، ۱۴۰۰: ۱۶۸)

در نتیجه انقلاب اسلامی ایران با الگو گیری از ائمه که هدفشان تشکیل حکومت اسلامی بود شکل گرفت و حکومت اسلامی را به جای حکومت طاغوت بر سر کار آورد.

نظام اسلامی

نظام اسلامی بلا فاصله بعد از انقلاب اسلامی بوجود آمد تا مقدمات اجرای احکام الهی در جامعه را بوجود آورد. چنانچه رهبر معظم انقلاب فرموده اند: «بعد از انقلاب نوبت نظام اسلامی بود که، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل این که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی گزینشی جایگزین می شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می کند؛ یعنی نظام اسلامی.» (محمّدی، ۱۴۰۰: ۱۶۹-۱۶۸)

دولت اسلامی

پس از تشکیل نظام اسلامی باید دولت اسلامی شکل بگیرد دولتی که تمام احکام اسلام را اجرا کرده به دستورات اسلام جامه عمل بپوشاند. برای شکل‌گیری دولت اسلامی باید مشکلات زیادی را حل کرده و با دشمنان داخلی و خارجی مبارزه کنیم. تشکیل دولت اسلامی اهمیت زیادی دارد و از بیانات رهبر معظم انقلاب می‌توان به این موضوع پی‌برد. ایشان در این زمینه فرموده‌اند: «بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه‌ی اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ به تدریج و با تلاش باید به وجود آید.» (محمدی، ۱۴۰۰: ۱۶۹)

رهبر انقلاب در مورد دولت اسلامی فرموده‌اند: «اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشور ما اسلامی خواهد شد. اگر من و شما در معاشرتمان، در رفتارمان، در طلب مالمان، در مجاهدتمان، نتوانستیم خود را به حدّ نصاب برسانیم، از آن دانشجو، از آن جوان بازاری، از آن عنصر در رده‌های پایین دولتی، از آن کارگر، از آن روستایی، از آن شهری چه توقعی می‌توانیم داشته باشیم که اسلامی عمل کنند؟ چرا مردم را بیخود ملامت می‌کنیم؟ نباید ملامت کنیم. اگر کمبودی هست، خودمان را باید ملامت کنیم.» (سیاهپوش، ۱۳۹۸: ۶۶۰)

کشور اسلامی (جامعه اسلامی)

یکی از آرمان‌های ما برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان تشکیل جامعه اسلامی و در مرحله بعد تمدن اسلامی است. اگر جامعه اسلامی باشد به تبع آن جمعی که در آن پرورش می‌یابند هم اسلامی خواهند شد. مرحله چهارم - که بعد از این است - کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به تدریج ریشه کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاه کشور در روابط بین‌الملل ارتقا پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی. (محمدی، ۱۴۰۰: ۱۷۰)

یکی از آرمان‌های واقع‌بینانه ایجاد جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است؛ یعنی احیاء تفکر اسلام سیاسی؛ یک عده‌ای از قرن‌ها پیش، سعی کردند اسلام را از زندگی، از سیاست، از مدیریت جامعه هر چه می‌توانند دور کنند و منحصرش کنند به مسائل شخصی؛ مسائل شخصی را هم یواش یواش محدود کنند به مسائل قبرستان و قبر و مجلس عقد و از این حرف‌ها؛ نه، بایستی هدف‌ها را دنبال کرد. (رهبر معظم انقلاب اسلامی ۷۹/۱۲/۲۲)

تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، هدف نهایی انقلاب اسلامی است رهبر انقلاب در این باره فرموده‌اند: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خداوند متعال او را برای آن غایت خلق کرده برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمند داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای

اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این.» (خامنه ای، ۱۳۹۸: ۲۳) از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایر آن در دنیا به وجود می آید. (خطبه های نماز جمعه ۱۳۸۴/۰۵/۲۸)

دولت و جامعه اسلامی مقدمه تمدن نوین اسلامی

رسیدن به تمدن اسلامی که مورد تاکید مقام معظم رهبری است نیازمند زیر ساختهایی است که یکی از ضروری ترین آنها تشکیل دولت اسلامی است. البته رسیدن به تمدن اسلامی بدون تشکیل دولت اسلامی امکان پذیر نخواهد بود. عمل اسلامی مسئولان، مقدمه اسلامی شدن رفتار مردم است و به تبع آن کشور ما اسلامی خواهد شد و ما به سمت ایجاد تمدن اسلامی حرکت خواهیم کرد.

رهبر معظم انقلاب در این باره فرموده اند: «اول، ما اسلامی می شویم؛ وقتی اسلامی شدیم، آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد، هم احکام و مقررات اسلامی است، هم اجرا اسلامی است، هم دولتمردان اسلامی اند، هم مردم به تبع حال و به تبع دولتمردان از لحاظ اخلاقی اسلامی خواهند شد. البته شیطان نمی میرد؛ شیطان زنده است. همیشه عده ای، جریانی، مجموعه هایی هستند که تسلیم شیطان بشوند؛ اما شکل کلی، اسلامی خواهد شد.» (سیاهپوش، ۱۳۹۸: ۶۶۰)

اصلاح توده مردم، به اصلاح زبندگان و نخبگان هر کشور و جامعه بستگی دارد؛ پیامبرص فرمود: «لا تصلح عوام هذه الأمة إلا بخواصها» پرسیدند «و ما خواص أمّتك؟» زبندگان چه کسانی هستند؟ فرمود: «خواص أمّتی العلماء والأمرء؛» (مشکینی، ۱۳۹۲: ۳۳۶) دانشمندان، روشن فکران، آگاهان، امرا و زمامداران، خواص و نخبگان هستند. (دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۰۷/۰۲)

اگر دستگاه مدیریت جامعه، صالح و سالم باشد، خطاهای متن جامعه، قابل اغماض است و در مسیر جامعه، مشکلی به وجود نخواهد آورد؛ اما اگر مدیریت و رأس جامعه، از صلاح و سلامت و عدل و تقوا و ورع و استقامت دور باشد ولو در میان مردم صلاح هم وجود داشته باشد، آن صلاح بدنه مردم، نمی تواند این جامعه را به سر منزل مطلوب هدایت کند. تأثیر رأس قلّه و هرم و مجموعه مدیریت و دستگاه اداره کننده در سبک جامعه، اینقدر فوق العاده است. (دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به تدریج ریشه کن می شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می آید؛ جایگاه اش در روابط بین الملل ارتقا پیدا می کند؛ این می شود کشور اسلامی. اول، ما اسلامی می شویم؛ وقتی اسلامی شدیم، «کونوا دعاة الناس بغير السنتکم» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۵: ۳۶۰۲/۴) (دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

آن وقت عمل ما، مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد؛ هم احکام و مقررات اسلامی است، هم اجرا اسلامی است، هم دولتمردان اسلامی اند، هم مردم به تبع حال و به تبع دولتمردان از لحاظ اخلاقی اسلامی خواهند شد. (دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸) معنای «اللهم إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ» (قمی، ۱۳۸۸: ۲۹۱) این است که پروردگارا! ما از تو دولت کریمه می خواهیم. خود دولت کریمه هم شرایطی دارد. دولت کریمه، دولتی است که عزیز و معتقد راسخ به آن، نفوذ ناپذیر است. دولت کریمه دارای پیام است و برای دنیا حرف نو دارد. ما این حرف نو را داریم. امروز مردم سالاری دینی ای که ما در کشور خود مطرح می کنیم، یک حرف نو است. (خسرو پناه، ۱۴۰۱: ۸۰۸/۲) در نتیجه برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی در مرحله اول باید مقدمات تشکیل دولت اسلامی و سپس جامعه اسلامی فراهم آید تا به مرحله تشکیل تمدن نوین اسلامی برسیم، پس می توان گفت یکی از مقدمات رسیدن به تمدن نوین اسلامی تشکیل دولت اسلامی و به تبع آن رسیدن به جامعه اسلامی است تا به مرحله تشکیل تمدن نوین اسلامی برسیم.

ارزیابی تمدن نوین اسلامی با توجه به موانع درونی و بیرونی

هدف اصلی انقلاب اسلامی ایران ساخت کشوری با این خصوصیات بود؛ مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه جامعه عظیم بشری در علم و بقیه دستاورد های بشری، برخوردار از آزادی با همه معانی آزادی؛ ایران با این خصوصیات، مطلوب انقلاب بود. (بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸: ۴۴) رسیدن به این هدف، زمان زیادی نمی خواست؛ ولی برای رسیدن به این هدف والا موانعی بر سر راه بود. این موانع چه بودند؟ ما دو نوع موانع داشتیم: یکی موانع درونی، یکی موانع بیرونی. موانع درونی یعنی آن چیزهایی که در درون خود ما انسان ها -چه تصمیم گیرانمان، چه آحاد مردممان، چه ناظرین بیرون از گود مبارزه و انقلاب- وجود دارد؛ این ها موانع درونی است. موانع درونی ضعف ها است؛ ضعف های فکری است، ضعف های عقلانی است، راحت طلبی است، آسان گرایی است، آسان پنداری است؛ این گاهی اوقات خودش یکی از موانع تحقق آن چیز است. باید برآورد و تقویم نسبت به کار و مشکلات کار، مطابق با واقع یا لااقل نزدیک به واقع باشد. آسان پنداری هم مثل آسان گیری و سهل انگاری است؛ آن هم یکی از موانع راه است. گریز از چالش هم یکی از ضعف های درونی ما است. به گریز از چالش، به غلط می گویند عافیت طلبی مواجهه با مشکلات. این ها ضعف های درونی ما است. یکی دیگر از ضعف های درونی عبارت است از تربیت های اجتماعی موجود و عادت های تاریخی که این ها در ما ملت ایران در آغاز انقلاب بود خشم و شهرت های بی مهار و تربیت نشده، دل بستگی به عادات و عقاید خرافی میراثی و بد فهمیدن دستور دین جزو ضعف های درونی است. می بینید این ها همه موانع درونی ای بود که بعد از آن که انقلاب پیروز شد، ما ملت ایران با این زمینه ها می خواستیم کشور را به سمت آن اهداف ببریم. خوب، این ها هر کدامش یک مانع بود؛ خوب این ها عوامل درونی بود.

آن وقت عوامل بیرونی است که دیگر الی ماشاءالله وجود داشته است؛ همه کسانی که به نحوی از انقلاب یا از هدف های انقلاب متضرر می شدند، این ها جلوی انقلاب ایستادند. از امنیت یک عده ای متضرر می شوند، از نفی حاکمیت طاغوت یک عده ای متضرر می شوند، از نفی سلطه بیگانه یک جماعتی متضرر می شوند، از نفی استبداد یک عده ای متضرر می شوند. این ها را شما می دانید؛ توضیح لازم ندارد. چه کسانی از عدالت، از استقلال یا از آزادی و امثال این ها متضرر می شوند؟ این ها همه در مقابل انقلاب صف کشیده اند. تا الان هم این صف کشی ادامه دارد. این ها همه در مقابل این حرکت عظیم ایستادند. (بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸: ۳۴۳) (صلح میرزایی، ۱۴۰۱: ۲۴۹)

دشمنان درونی و بیرونی تمدن اسلامی

انقلاب اسلامی ایران از همان روزهای ابتدایی به موانع مختلفی روبرو شد، تا آن را از اهداف والای خود دور کند، برای تشکیل تمدن نوین اسلامی موانع زیادی بر سر راه وجود دارد. این موانع را می توان به موانع درونی و بیرونی تقسیم کرد. رهبر انقلاب اسلامی در این مورد فرموده اند: «دولت اسلامی دشمنانی هم دارد. دولت اسلامی دو دسته دشمن دارد؛ یک دسته دشمنان شناخته شده هستند. همه سلطه گران و دیکتاتورهای دنیا به دلایل واضح دشمن دولت اسلامی اند؛ چون دولت اسلامی با اصل سلطه و دیکتاتوری مخالف است. کسانی هستند که به دین یا به ورود دین در عرصه زندگی معتقد نیستند - به اصطلاح سکولارها- این ها هم با دولت اسلامی مخالف اند؛ می گویند اقتصاد باید از دین جدا باشد، تحرکات و نشاط های مردمی عمومی از دین جدا باشد. مخالفت ها هم در طیف وسیعی انجام می گیرد؛ از مخالف بودن، تا مخالفت کردن، تا معارضة های جدی کردن. مترفین بین المللی - یعنی ثروتمندان عظیم جهانی که نفت و منابع عمده جهانی را در اختیار خودشان می خواهند و برای این کار دارند حداکثر تلاش علمی و عملی را می کنند- این ها هم جزو دشمنان بیرونی دولت اسلامی اند. عرض کردیم دشمن ها لزوما دشمنی نمی کنند؛ بعضی از آن ها دشمن اند، بعضی دشمنی کردنشان به صورت مخالفت و اعتراض است، بعضی وارد میدان می شوند و گلاویز می شوند. بنابراین انواع و اقسام دشمنی وجود دارد و باید با هر کدام به نحوی برخورد کرد.» (پورفاضلی، ۱۳۹۹: ۷۰) (سیاهپوش، ۱۳۹۸: ۴۳۳)

موانع درونی تشکیل تمدن اسلامی

موانع مختلف درونی برای تشکیل تمدن اسلامی وجود دارد که می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- سستی بینش و ایمان انقلابی و اسلامی

یکی از مهمترین موانع درونی تمدن اسلامی سستی بینش و ایمان انقلابی است، مقام معظم رهبری در این باره بیان کرده اند: «مهمترین نقاط ضعف در زمینه مسئولان چند مورد می باشد: یکی مسئله سستی بینش و ایمان انقلابی و اسلامی در بعضی از مسئولان است. این افراد مجذوب نسخه های سیاسی غرب اند؛ آن هم نسخه های غلط از آب درآمده.» (دیدار جوانان اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۱۲) اصلی ترین عنصر تشکیل دهنده نظام عبارت است از اسلام گرایی و تکیه بر مبانی

مستحکم اسلامی و قرآنی. خیلی ها از این حقیقت بسیار مؤثر غفلت کردند؛ اما راز پیروزی انقلاب در این نکته بود؛ چون ملت ایران از اعماق قلب به اسلام معتقد و مؤمن و وابسته بود و هست. بعضی از کسانی که خودشان را در شمار زبندگان و نخبگان و احزاب سیاسی و صاحب نظران مسائل سیاست به حساب می آورند، این را نمی پسندیدند. جدای از کسانی که به اسلام عقیده نداشتند، بعضی کسان به اسلام عقیده داشتند، اما نظام اسلامی را قبول نمی کردند، لذا از اول انقلاب، در عرض و به موازات خط امام، جریانی پیدا شد که به یک نظام لائیک و الگو برداری شده از نظام های غربی دعوت می کرد؛ منتها با رنگ و لعاب اسلامی؛ اسم اسلامی، اما باطن غیر اسلامی؛ ساخت اسلامی اما جهت گیری غیر اسلامی. (مراسم ارتحال امام خمینی ۱۳۸۰/۰۳/۱۴)

در مجموعه انقلاب، از اول انقلاب یک تفکر غلطی وجود داشت و آن این بود که انقلاب تا وقت تشکیل نظام است؛ وقتی که نظام تشکیل شد و نهادها و مقررات و دیوان سالاری و مانند این ها مستقر شد، دیگر انقلاب برود دنبال کارش؛ دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنا می کنند به تنش و دعوا و سر و صدا و کارهای غیر قانونی و از این حرف ها.

یک چنین تفکری مال امروز نیست و از روز اول پیروزی انقلاب یک چنین تفکری وجود داشت؛ این تفکر، غلط است. (دیدار دانشجویان ۱۳۹۷/۰۳/۰۷)

۲- غفلت و اعتماد به دشمن

اعتماد به دشمن و عمل به سیاست های نا درست آنها یکی دیگر از موانعی است که رهبر انقلاب بر آن تاکید دارند: «غفلت از دشمن بیرونی، خطای راهبردی عظیمی است که ما را دچار خسارت خواهد کرد.» (دیدار اساتید دانشگاه ها در چهارمین روز ماه مبارک رمضان ۱۳۹۳/۰۴/۱۱) خطوط فاصل با دشمن باید در نظر باشد و برجسته باشد. نگذارید خطوط فاصل با دشمنی که با انقلاب دشمن است، با نظام دشمن است، با امام دشمن است، کم رنگ بشود. بعضی از جریان های داخل کشور ما از این نقطه غفلت کردند، خطوط مرزی خودشان را با دشمن حفظ نکردند، (خطوطشان) ضعیف شد، کم رنگ شد؛ مثل خطوط مرزی کشور، اگر خط مرزی نباشد، آن طرف ممکن است کسی اشتباهها بیاید این طرف، از این طرف ممکن است کسی اشتباهها برود آن طرف؛ خطوط مرزی را حفظ کنید. (مراسم بیست و هفتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی ۱۳۹۵/۰۳/۱۴)

یکی از موانعی که موجب شده ما از این ظرفیت ها استفاده نکنیم، اعتماد کردن به نسخه های بیگانگان بوده. عرض کردم مردم ما در مقابل بیگانگان منفعل نیستند. بعضی از مسئولین ما در گوشه کنار کشور به نسخه بیگانگان اعتماد بیشتری دارند تا به نسخه داخلی و این هم خطای بزرگی است. یکی دیگر، (عمل کردن به) سیاست های بانک جهانی، سیاست تعدیل، سیاست های مربوط به بعضی از معاهدات بین المللی، به قول خودشان کنوانسیون ها؛ این سیاست ها را عمل کردن، جزو موانع پیشرفت در کشور است. (دیدار زائران و مجاوران حرم رضوی ۱۳۹۷/۰۱/۰۱)

۳- عدم التزام به سیاست های رهبری

عدم توجه به سیاستهای رهبر انقلاب از جمله اموری است که مانع محقق شدن تمدن اسلامی است؛ «مهمترین کار رهبری عبارت است از تعیین سیاست های کلان کشور؛ یعنی آن چیزهایی که جهت گیری کشور را مشخص می کند؛ که همه قوانین، مقررات و عملکردها باید در این جهت باشد. حضور رهبری در همه بخش های کشور، به معنای حضور سیاست های رهبری است که باید با دقت اجرا شود؛ و من به شما عرض کنم، هر جایی که این سیاست ها اجرا شده، کشور سود کرده است؛ اما در طول سال های گذشته هر جا از این سیاست ها تخلف شده، کشور ضرر کرده است؛ که گاهی ضررش را فهمیده اند، گاهی هم بعد از گذشت مدتی ضررش را فهمیده اند. بنابراین حضور رهبری، جدی است.» (دیدار مردم اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۰۸)

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکرد های ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم اثر و حتی بی اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف های مدیریتی است.

مهمترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش هایی از اقتصاد که در حیطة وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه بندی معیوب و نامتوازن و سرانجام عدم ثبات سیاست های اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویت ها و وجود هزینه های زائد و حتی مسرفانه در بخش هایی از دستگاه های حکومتی است. نتیجه این ها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان ها، فقر درآمدی در طبقه ضعیف و امثال آن است.

راه حل این مشکلات، سیاست های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه های اجرائی برای همه بخش های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت ها پیگیری و اقدام شود. درون زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدای گری نکردن دولت، برون گرایی با استفاده از ظرفیت هایی که قبلا به آن اشاره شد، بخش های مهم این راه حل ها است. (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

۴- عدم باور به ظرفیت های درونی

علت اینکه از این ظرفیت ها استفاده نشده است، وجود موانع است، یکی از این موانع باور نداشتن بعضی از مسئولین ما به همین ظرفیت ها است؛ یا باور ندارند یا به این ها اهمیت نمی دهند. وجود این همه جوان در کشور، یک ظرفیت مهمی است؛ بعضی از مسئولین ما، در طول زمان ها، به این اهمیتی نمی دادند؛ بعضی ها این را باور نداشتند، اهمیتی نمی دادند. این را که از دست این جوان ها کار بر می آید، بعضی ها قبول نداشتند، باور نداشتند.

به نظر من مهمترین چالش کشور ما یک چالش ذهنی است، یعنی همین که افکار عمومی نمی دانند چقدر ثروت در اختیار کشور است؛ بعضی از مسئولین ما هم متأسفانه نمی دانند چقدر ثروت - ثروت انسانی و ثروت طبیعی - در اختیار کشور است؛ دشمن هم از همین دارد استفاده می کند. دشمن می خواهد بگوید که شما نمی توانید یا ندارید؛ بنده اصرار دارم به مردم بگویم که ما می توانیم و ما دارا هستیم و امکاناتمان فراوان است. (دیدار زائران و مجاوران حرم رضوی ۱۳۹۷/۰۱/۰۱)

یکی از چالش ها، تردید در توانایی های درونی است؛ اینکه به جوان دانشمند خودمان اعتماد نکنیم، به مجموعه های مردمی و غیر دولتی در امور اقتصادی اعتماد نکنیم، یکی از چالش ها است. بایستی اعتماد کرد، بایستی مردم را وارد جریان عظیم اقتصادی کشور کرد. (دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۴/۰۴/۰۲)

۵- بد فهمی، کج فهمی و سهل اندیشی

دشمن سه هدف مرحله ای و مقطعی را تعقیب می کند ... تخریب وحدت ملی، تخریب باور های کارساز و مقاومت بخش و تخریب روح امید. اسم این تخریب ها را هم «اصلاح» می گذارند! من کاری به این دوستان و خودی های غافل ندارم؛ بحث من بر سر دشمن است که سلسله جنبان این حرکت، به بیرون از مرزها مربوط است. جبهه دشمن، غیر از آن آدم غافلی است که خودی هم هست؛ منتها بیچاره دچار غفلت و اشتباه و فریب می شود؛ بر اثر حادثه ای، عقده و کینه ای پیدا می کند و در مقابل نظام می ایستد؛ در مقابل سخن حق می ایستد؛ در مقابل امام و راه امام می ایستد.

این، آن دشمن اصلی نیست؛ این یک آدم فریب خورده است؛ این یک آدم قابل ترحم است! دشمن اصلی آن کسی است که پشت سر این قرار می گیرد، اما خودش را نشان نمی دهد. در داخل کشور، خودش را نشان نمی دهد؛ در خارج کشور چرا؛ در جبهه جهانی، در جبهه بین المللی، به عنوان یک عضو وفادار سازمان جاسوسی سیاسی آمریکا، یا موساد صهیونیست ها چرا.

یک وقت می بینید طرف یک روحانی است، اما غافل و فریب خورده و بی خبر؛ یا یک دانشجو است، اما اسیر احساسات شده و نیندیشیده؛ یا یک فرد معمولی حتی انقلابی است، اما زمان را نشناخته، دشمن را نشناخته، یا احیانا دچار عقده و کینه ای شده است. حرف از زبان این فرد خارج می شود؛ اما این بیچاره حرف خودش نیست؛ حرف دشمن است! دشمن ما آن کسی است که: *قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ* (آل عمران، ۱۱۸) دشمن ما آن کسی است که برای این انقلاب، نه فقط دل نسوزانده است، بلکه حتی در مقابل این انقلاب، در برهه هایی از زمان شاید ایستاده است.

مشکل کنونی کشور متأسفانه به خاطر وجود آدم های بعضا بی خیال و بعضا سهل اندیش است که البته معدودند، اقلیتند؛ در مقابل انبوه عظیم جمعیت انقلابی و آگاه و بصیر کشور چیزی نیستند اما فعّالند: می نویسند، می گویند، تکرار می کنند؛

تکرار می‌کنند! دشمن هم به این‌ها کمک می‌کند. (دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه و خانواده‌های آنان
(۱۳۹۴/۰۷/۱۵)

وقتی که دشمن برای داخل کشور برنامه دارد، چه کار می‌کند؟ از نفوذی استفاده می‌کند. معنای نفوذی این نیست که
حتما رفته باشد پول گرفته باشد برای اینکه بیاید در فلان دستگاه نفوذ کند و خودش هم بداند چه کار دارد می‌کند؛ نه،
گاهی نفوذی، نفوذی است، خودش هم نمی‌داند! امام (ع) فرمودند: گاهی حرف دشمن با چند واسطه کاری می‌کند که
از زبان فلان آدم موجه که نه پولی از دشمن گرفته، نه تعهدی به دشمن داده، بیرون بیاید. (دیدار مردم نجف اباد
(۱۳۹۴/۱۲/۰۵)

یک عده از این موانع، موانع درونی خود ما است؛ حال می‌گویند که فلانی همه اشکالات را می‌اندازد گردن آمریکا و
غیره؛ البته خدا لعنت کند آمریکا و انگلیس خبیث را، خیلی از مشکلات ما ناشی از آنها است؛ اما نه، من بیشترین
اشکالات را به خودمان می‌کنم؛ موانع ما عمدتاً موانع درونی است؛ آن‌ها هم دارند از این موانع درونی سوء استفاده
می‌کنند؛ موانع درونی وجود دارد.

یکی درست نفهمیدن مسئله است؛ عدم فهم درست مسائل کشور و مسئله کشور، مسئله انقلاب؛ این، شما دانشجویان
را و عناصر فکری را موظف می‌کند که روی این مسئله کار کنید. یکی از برادران عزیز به من گفتند که «سفارش کنید
عناصر فکری با دانشجویها کار کنند»؛ بله، حتما لازم است این کار انجام بگیرد؛ چه از حوزه، چه از دانشگاه، عناصر
مؤمن انقلابی صاحب فکر؛ و خود شماها دنبال اش بروید و خود شماها فکر کنید؛ بنابراین درست نفهمیدن مسئله یکی
از موانع است.

درست نشناختن محیط؛ این هم یکی از موانع کار است. بعضی‌ها هستند محیط را درست نمی‌شناسند؛ وقتی ما محیط
را نشناختیم، احتمال خطا و اشتباه برایمان زیاد است؛ وقتی که جنگاور و رزم آور ندانست کجا قرار دارد، دشمن کجا
است، دوست کجا است، ممکن است سر اسلحه اش را به طرف دوست بگیرد، به خیال اینکه دارد به دشمن شلیک می
کند؛ محیط را باید شناخت، جبهه بندی‌ها را باید دید، باید شناخت. بعضی از کارهایی که بعضی‌ها می‌کنند، مثل همین
شخصی است که گفتم در سنگر خوابش برده، حال بیدار شده و می‌بیند صدای تقّ و توق می‌آید، نمی‌داند دشمن
کدام طرف است، دوست کدام طرف است، همین طور بی‌هوا توپخانه را یا خمپاره را یا تفنگ را آتش می‌کند به یک
سمتی؛ اتفاقاً به سمت دوست شلیک می‌شود.

بعضی‌ها کارهایشان این جور است؛ نمی‌فهمند با چه کسی دارند مبارزه می‌کنند؛ بنابراین شناخت محیط خیلی لازم
است. (دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۷/۰۳/۰۷)

۶-مقابله با عناصر متدین و انقلابی

عناصر متدین و انقلابی در هر زمانی برای کمک به انقلاب اسلامی پیش قدم بودند و یکی از آمل این قشر تشکیل تمدن نوین اسلامی بود، عدم توجه به خواسته های آنان و مخالفت با این قشر از جمله موانع تشکیل تمدن اسلامی است که رهبر انقلاب نیز بر این امر اشاره دارند: «شعار دولت، اعتدال است؛ اعتدال، شعار بسیار خوبی است، ما هم تأیید می کنیم اعتدال را؛ افراط محکوم است و بد است. سفارشی که من می کنم این است که مراقب باشید جریان های مؤمن را با شعار اعتدال کنار نزنند؛ بعضی ها این کارها را دارند می کنند، من می بینم در صحنه سیاسی کشور؛ با شعار اعتدال، با شعار پرهیز از افراط، سعی می کنند جریان مؤمن را که در خطر ها آن جریان است که زودتر از همه سینه سپر می کند، آن جریان است که دولت ها را در مشکلات واقعی به معنای حقیقی کلمه حمایت می کند، کنار بزنند؛ مراقب باشید. اسلام، مظهر اعتدال است.» (دیدار مسئولان نظام ۱۶/۰۴/۱۳۹۳)

۷- تنبلی و کم کاری

کم کاری و تنبلی در هر کاری مانع بزرگی است در تشکیل تمدن اسلامی نیز یکی از موانع بسیار بزرگ کم کاری مسئولین است رهبر انقلاب بر این امر اشاره کرده فرمودند: «یک مانع دیگر کم کاری ها است. بعضی از افرادی که در بخش های مختلف مسئول اند، متأسفانه دچار تنبلی و کم کاری بوده اند و هستند. وضع کشور اقتضا می کند کار پر توان و پر تلاش را؛ مسئولین و مدیران در هر جا که هستند، بایستی تلاش را افزایش دهند.» (دیدار زائران و مجاوران حرم رضوی ۱/۰۱/۱۳۹۷)

پیامبر گرامی اسلام به مسئولیت و تکلیف الهی همه افراد اشاره می کند و می فرماید: «أَلَا كَلَّمَكُم رَاعٍ وَ كَلَّمَكُم مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَلَأَسِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى رَعِيَّتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ» آگاه باشید که همه شما نگاهبان و وظیفه مند بوده، در مورد وظایف خویش مورد سؤال هستید. پس حاکم بر مردم سرپرست آن ها و در مقابل آنان مسئول است، مرد نسبت به اهل خانه اش سرپرست است و در مقابل آنان مسئولیت دارد. (عبده، ۱۳۷۶: ۴۰۴)

یکی از موانع، بی ارادگی است؛ یکی از موانع، تنبلی است؛ یکی از موانع، بی صبری است. بی صبری؛ بعضی از فعالیت هایی که برادر ها و خواهر ها های خوب انقلابی یک جاهایی انجام می دهند، ناشی از صبور نبودن است؛ صبوری لازم است؛ صبر هم یکی از خصلت های انقلابی است. بله، خشم انقلابی داریم اما صبر انقلابی هم داریم. مظهر اتم و اکمل عدالت، امیر المؤمنین است دیگر، از او عادل تر که نداریم، اما امیر المؤمنین هم یک جاهایی صبر کرد؛ تاریخ زندگی امیر المؤمنین را می بینید دیگر. یک جا می گوید: «فَصَبَّرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَذَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجًّا» (مکارم، ۱۳۹۸: ۳۶) یک جا هم در مقابل فشار خوارج و مانند این ها در جنگ صفین صبر می کند و به حکمیت تن می دهد؛ پس یک جاهایی صبر ضروری است، لازم است؛ یک جاهایی صبر، (از روی) ناچاری است، یک جاهایی هم نه، ناچاری نیست اما لازم است که انسان این صبر را انجام بدهد. (دیدار جمعی از دانشجویان ۳/۰۷/۱۳۹۷)

۸- دنیا زدگی و اشرافی گری

دنیای طلبی ریشه و مرکز همه خطاهای ما است. (خطبه های نماز جمعه تهران در روز هجدهم رمضان ۱۳۸۷/۰۶/۳۰)
اولین ضعف ما گرایش به دنیا طلبی بود که گریبان بعضی از ماها را گرفت. بعضی از ما مسئولین دچار دنیا طلبی شدیم، دچار مادی گرایی شدیم؛ برای ما ثروت، تجمل، آرایش، تشریفات و اشرافی گری یواش یواش از قبح افتاد. وقتی ما این جور شدیم، این سرریز می شود به مردم. میل به اشرافی گری، میل به تجمع، میل به جمع ثروت و استفاده از ثروت به شکل نامشروع و نامطلوب، به طور طبیعی در خیلی از انسان ها است. وقتی ما خودمان را رها کردیم، ول کردیم، دچار شدیم، این سرریز می شود به مردم؛ در مردم هم این مسئله پیدا می شود. (خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

امروز عده ای متأسفانه کارشان این شده است که مرتب دشمن را بزرگ و خود را کوچک کنند، عظمت دشمن را به رخ همه بکشند و دائماً بگویند ما نمی توانیم! یعنی ما هم مثل خیلی از کشورها و دولت ها باید برویم در هاضمه استکبار جهانی هضم شویم! این ها اشتباه می کنند؛ خودشان ضعیف و از درون پوک اند، لذت های دنیا آن ها را پوک کرده است؛ دنیا طلبی آن ها را بی ارزش و بی هویت کرده است؛ بنابراین خیال می کنند همه مثل آن هاند. (دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت سالروز آزادی خرمشهر ۱۳۸۱/۰۳/۰۱)

۹- قانون شکنی

در حوزه اندیشه، قانون شکنی می کنند. حوزه اندیشه و فکر هم قوانینی دارد و باید از آن قوانین پیروی کرد. اگر کسی درباره یک مبنای فکری شبهه ای دارد، قانون اش این است که آن را در مراکز تخصصی و محافل علمی مطرح کند. یا باید شبهه را برطرف کرد و از ذهن خود زدود، یا اگر شبهه اشکال واقعی است، آن را به یک نظریه تبدیل کرد و ذهن های اهل علم و اهل نظر را نسبت به آن متقاعد نمود. این حضرات از این قانون پیروی نمی کنند. شبهه ای به ذهن می آید، خودشان دچار بی اعتقادی می شوند و بر اثر هزار گونه استدلال و گرفتاری، پایه های ایمان عمیق قلبی شان را موربانه هوی و هوس و رفاه زدگی و دنیا طلبی می جود و می خورد و شبهه دار می شوند؛ آنگاه می بینید شبهه را در افکار عمومی مطرح می کنند و اسمش را هم تجدید نظر می گذارند! این خیانت به افکار عمومی است. تجدید نظر یعنی چه؟ یک وقت معنای تجدید نظر این است که انسان از خطایی، اندیشمندانه و منصفانه بر می گردد. این امر بسیار خوبی است؛ اما تجدید نظر های سیاسی، مصلحتی و ناشی از تغییر موقعیت ها و تطمیع دشمن، تجدید نظر نیست؛ این ها هرهری مسلکی است.

نباید تابع حزب باد باشیم و هر روز، باد به هر طرف که وزید، آن گونه تصمیم بگیریم؛ یا نگاه کنیم ببینیم دشمن چه ژستی می گیرد، ما هم ژست خود را با او تطبیق کنیم؛ اگر او اخم کرد، ما چهره ترس آلود بگیریم؛ اگر او حرف تندی زد، ما چهره معذرت طلبانه به خود بگیریم! اینکه نشد. (دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۱۲)

۱۰- کوتاهی در اجرای عدالت اجتماعی

عدالت یکی از لوازم تشکیل تمدن اسلامی است و قطعاً یکی از اهداف ما از تشکیل تمدن اسلامی رسیدن به عدالت است.

بدون تأمین عدالت اجتماعی، جامعه ما اسلامی نخواهد بود. اگر کسی تصور کند که ممکن است دین الهی و واقعی - نه فقط دین اسلام- تحقق پیدا کند، ولی در آن عدل اجتماعی به معنای صحیح و وسیع آن تحقق پیدا نکرده باشد، باید بداند که اشتباه می‌کند.

هدف پیامبران، اقامه قسط است: لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید: ۲۵)؛ اصلاً پیامبران آمدند تا اقامه قسط کنند. البته، اقامه قسط یک منزل در راه است و هدف نهایی نیست؛ لکن آن‌ها که آمدند، کار اولشان این است که اقامه قسط کنند و مردم را از شرّ ظلم و جور طاغیان و ظالمان نجات دهند. هدف حکومت ولی عصر عج در آخر الزمان هم باز همین عدل است. (کریمی، کشفی ۱۴۰۰: ۱۲)

یکی از مشکلات ما، عدم مبارزه جدی با فساد است. (دیدار زائران و مجاوران حرم رضوی) یا بحث آسیب‌های اجتماعی است، بحث عدالت اجتماعی است که این همه حرف عدالت اجتماعی را می‌زنیم، این همه راجع به عدالت اجتماعی می‌گوییم، جزو واضحات و مسلمات است. خوب کو؟ حالا تحقق پیدا کرد عدالت اجتماعی؟ ضریب جینی روز به روز بالاتر رفته است، بدتر شده است. چرا؟ علت چیست؟ این فکر درست، چرا در کشور تحقق پیدا نمی‌کند؟ (دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه ۱۳۹۶/۰۳/۳۱)

حقیقتاً مبارزه با فساد مهم است. نگذاریم کانون‌های چرکین شکل بگیرند که علاج آن‌ها مشکل باشد. اگر نظارت درستی باشد، گاهی اوقات در قدم‌های اول جلوی یک حرکت خطا و گناه آلود را گرفت؛ اگر ما در قدم‌های اول جلوی آن را نگیریم و این بیماری پیشرفته شد و این زخم ناسور شد، آن وقت علاج آن مشکل می‌شود، سخت می‌شود؛ اگر به علاج هم برسد با سختی و با دشواری و با تحمل خسارت‌ها خواهد رسید؛ از اول جلوی آن را باید گرفت. (دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۳/۰۳/۰۴) ما در مورد عدالت اجتماعی عقبیم. (مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۹۶/۰۳/۱۴)

امیر المؤمنین علی ع خطاب به شریح قاضی فرمود: «قَدْ جَلَسْتَ مَجْلِسًا لَا يَجْلِسُهُ إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ نَبِيٍّ أَوْ شَقِيٌّ» همانا تو در جایگاهی نشسته‌ای که نمی‌نشیند در آن مگر نبی یا وصی نبی یا شقی. (کلینی، ۱۳۹۳: ۴۰۶/۷)

از روایت فوق به خوبی جایگاه ارزشی قوه قضائیه معلوم می‌شود و نیز روشن می‌شود که کار قضا یک کار پر افتخار و برجسته است و به لحاظ دینی حسنه محسوب شده و پاداش عظیمی نزد خدای متعال دارد. البته کار قضا دشوار و پر خطر است، و دلیل ارزشمندی آن نیز همین است. (خسروپناه، ۱۴۰۱: ۹۷۴/۲)

۱۱- سرگرم شدن به کارهای جزئی و حزبی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



بعضی از مشکلات ما ناشی از ضعف بعضی از مدیریت ها است که به کارهای جزئی و فعالیت های سیاسی و حزبی سرگرم و مشغول می شوند. این قدر که من در این خصوص تأکید می کنم، بعضی کسان می گویند فلانی با حزب و تحزب مخالف است؛ در صورتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین حزب را ما درست کردیم. اگر تحزب به معنای واقعی کلمه وجود داشته باشد، من طرف دار آن هستم. منتها من تحزب را این نمی دانم که عده ای از داعیه داران سیاسی، به شعار و ایجاد هیجان و جذابیت های دروغین، مردم یا گروه هایی از مردم را به این طرف و آن طرف بکشاند و مرتب دعوا و اختلاف راه بیندازند و برای این که بی کار نمانند، یک مسئله کوچک را بزرگ کنند؛ یک چیز کم اهمیت را پر اهمیت جلوه دهند و روزها و هفته ها درباره اش بحث و تحلیل کنند؛ بر اساس آن دوست و دشمن را معین کنند؛ فلان کس، فلان طرفی است، پس دشمن است؛ فلان کس، فلان طرفی است، پس دوست است. بنده این ها را تحزب نمی دانم. این ها روش غلط سیاسی است که در دنیا هم رایج است. (دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۱۲)

یکی از موانع، سرگرمی به چیزهای خراب کننده و ویران کننده و گمراه کننده است؛ مثل اختلافات سر چیزهای بیخودی. اختلافات کوچک و بهانه های کوچک، گاهی مایه اختلافات بزرگ می شود؛ مثل حواشی ای که وجود دارد. (دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۷/۰۳/۰۷)

۱۲- عملکرد ضعیف مدیریتی

ما مشکلاتی داریم که این مشکلات غالباً ناشی از عملکرد مجموعه خود ما است. (دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۲/۰۶/۰۵)

یکی از آن ها بی ایمانی و ضعف ایمان است. این آسیب درون است. یکی، سوء عملکرد در همه زمینه ها است. (دیدار شرکت کنندگان در همایش آسیب شناسی انقلاب ۱۳۷۷/۱۲/۱۵)

مسئله کنونی کشور ما این نیست که ما طرح نداریم، حرف درست نداریم؛ مسئله ما این است که حرف درست و طرح درست را آن چنان که شایسته است دنبال نمی کنیم؛ این اساس مسئله است. مباحث لفظی و محفلی و روشنفکری کار را پیش نمی برد؛ حرکت و اقدام لازم است. سهل انگاری در عمل، چالش بزرگ ما است. ما هر جا یک مدیریت انقلابی فعال پر تحرک داشتیم، کار پیش رفته است؛ هر جا مدیریت های ضعیف، بی حال، نا امید، غیر انقلابی و بی تحرک داشتیم؛ کارها یا متوقف مانده است، یا انحراف پیدا کرده است. (اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۶/۰۱/۰۱)

موانع بیرونی دولت اسلامی

دشمنان ایران اسلامی از همان روزهای اول انقلاب دست به دست هم دادند تا این انقلاب به ثمر نرسد و در همان روزهای اول در نطفه خفه شود، این دشمنی ها در اعصار مختلف تا به امروز ادامه داشته است. این موانع بیرونی نیز باعث شده است تا تشکیل دولت اسلامی که از اهداف والای انقلاب است به تاخیر بیافتد.

رهبر معظم انقلاب در این باره نکاتی را بیان داشته اند: «همه کسانی که به نحوی از انقلاب یا از هدف های انقلاب متضرر می شوند، این ها جلوی انقلاب ایستاده اند. از امنیت یک عدّه ای متضرر می شوند، از عدالت یک عدّه ای متضرر می شوند، از نفی حاکمیت طاغوت یک عدّه ای متضرر می شوند، از نفی سلطه بیگانه یک جماعتی متضرر می شوند، از نفی استبداد یک عدّه ای متضرر می شوند. این ها را شما می دانید؛ توضیح لازم ندارد. کی ها از عدالت یا از استقلال یا از آزادی و امثال این ها متضرر می شوند؟ این ها همه در مقابل انقلاب صف کشیده اند. تا الان هم این صف کشی ادامه دارد.

امروز بدون تردید همه آن صف آرای هایی که روز اول علیه این انقلاب بود، وجود دارد؛ بعضی شکل عوض کرده، بعضی صف آرای هها هم به مرور زمان اضافه شده است... الان شما هم می بینید آمریکا با همه توان خودش امروز در مقابل ملت ایران ایستاده است. این، همه توان آمریکا است؛ توان تبلیغاتی، توان سیاسی، توان اقتصادی، نفوذ بین المللی.» (دیدار دانشجویان دانشگاه های شیراز ۱۳۸۱/۰۲/۱۴)

بنابراین این را شما توجه داشته باشید که نظام در یک کارزار عظیمی قرار دارد. اینکه گفتم جای خودمان را بدانیم، مسئله را بشناسیم، اصل مسئله این است: شما در وسط میدان کارزارید، یک کارزار همه جانبه عظیم؛ این کارزار را باید احساس کنید، طرف مقابل را باید بشناسید و این جور، تکلیف همه ما معین می شود.

روش های مقابله دشمن با جمهوری اسلامی

تقابل عملی

تقابل عملی، یعنی اقدام برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی از راه های مختلف. تقابل عملی از همین قطعنامه سنای آمریکا شروع شد. در این جا کودتای نظامی راه انداختند. کودتای پایگاه شهید نوژه معروف است... مسدود کردن حساب های بانکی کشور ما در هر جایی که این ها می توانستند دخالت کنند، تقابل عملی دیگری بود. (محمّدی، ۱۴۰۰: ۶۰-۶۱)

تقابل نظری

آمریکا بعد از اینکه سال هایی را در مقابل جمهوری اسلامی و ملت ایران با این روش عمل کرد، به این نتیجه رسید که تقابل عملی کافی نیست و باید در کنار آن، تقابل و تفاهم و مبارزه نظری را هم شروع کند. معنای تقابل نظری چیست؟ یعنی مبارزه با جمهوری اسلامی در صحنه اعتقاد و در زمینه فرهنگ و مسائل اخلاقی. البته قبلا هم مبارزه آن ها جدی بود؛ منتها احساس کردند باید نقطه ثقل این باشد. فکر کردند با مبارزه اعتقادی می توانند بخش عظیمی را فلج کنند و یک مانع را بردارند. فکر کردند با مبارزه در زمینه های اخلاقی، یک بخش دیگر از امکان و سلاحی را که در اختیار جمهوری اسلامی است، بگیرند. (محمّدی، ۱۴۰۰: ۶۰-۶۱)

ویژگی های مسئولین برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی

با بررسی آیات و روایات این نکته به دست می‌آید که ویژگی‌ها و خصوصیات حاکمان جامعه بر مردم اثر گذار است و به همین دلیل ضرورت حکومت صالحان اهمیت دارد. همان‌طور که در بیانات رهبر انقلاب می‌توان به این مسئله پی برد:

علی‌الظاهر از امام صادق ع است که ایشان حدیث قدسی را روایت می‌کنند که فرمودند: «لَا عَذْبَنَ كَلَّ رِعْيَهُ فِي الْإِسْلَامِ اطَاعَةُ أَمَامًا جَائِرًا لَيْسَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كَانَتِ الرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً وَتَقِيَّةً» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۹۰/۷۱)

مضمون حدیث این است: اگر سررشته نظام یک جامعه، به دست انسان‌های فاسد و ناباب و ستمگر و منحرف باشد، حرکات مؤمنانه افرادی که در این جامعه هستند، به جایی نمی‌رسد؛ و اگر در آن چنان جامعه‌ای تسلیم باشند و از آن ستمگران اطاعت کنند، خدا آن‌ها را هم عذاب می‌کند. البته در همین حدیث، عکسش هم هست: «وَأَعْفُونَ» عن كَلَّ رِعْيَهُ فِي الْإِسْلَامِ اطَاعَةُ أَمَامًا هَادِيًا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كَانَتِ الرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةً مَسِيئَةً؛ که حالا این‌ها شرح دارد، نمی‌شود به همین ظاهر اکتفا کرد. خلاصه مطلب و جان مطلب این است که اگر چنانچه در یک نظامی، در یک مجموعه‌ای، در یک کشوری، در یک جامعه‌ای، حاکمیت و نظام، نظام الهی است، نظام عادلانه است، آن کسانی که اطاعت از این نظام می‌کنند، مورد عفو الهی هستند؛ ولو خطاهایی هم داشته باشند و شما می‌توانید این را در مقیاس یک کشور، در مقیاس یک امت، در مقیاس یک جامعه محاسبه کنید؛ در مقیاس یک سازمان، مثل سازمان ارتش هم می‌توانید این را ملاحظه و محاسبه کنید. (سیاهپوش، ۱۳۹۸: ۹)

اولین گام در تحول این است که رفتار خودمان، کیفیت کارمان، عزل و نصب خودمان، اعمال مدیریت خودمان، جذبه‌ای که به خرج می‌دهیم، انعطافی که به خرج می‌دهیم، برخوردی که با طبقات مخاطب و مراجع به خودمان انجام می‌دهیم، اسلامی باشد.

اگر امروز احکام اسلام در این مملکت اجرا شود با همه گره‌ها و مشکلات باز و حل خواهد شد. ما هر چه عقب مانده ایم، به خاطر این است که در این زمینه‌ها یا کوتاهی کرده ایم یا نشده است. اسم ما دولت اسلامی باشد کافی نیست؛ باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی باشد. اگر در این‌ها اختلال پیدا شد، حرکت مستمر و مداوم و پویانده‌ای که لازم است تا دولت اسلامی به صورت کامل شکل بگیرد، دچار نُکث می‌شود و طبعاً کار عقب می‌افتد. البته در دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد؛ ما به قدر تلاش و توان خود می‌خواهیم مجموعه کارگزاران حکومت را به نقطه‌ای برسانیم که با نصاب جمهوری اسلامی تطبیق کند. (سیاهپوش، ۱۳۹۸: ۶۶۰)

نتیجه‌گیری

تشکیل دولت اسلامی مقدمه‌ای برای رسیدن به تمدن اسلامی خواهد بود و به همین خاطر تشکیل دولت اسلامی بسیار مهم است. ولی موانعی بر سر راه این کار بسیار مهم وجود دارد که در فرمایشات امام خامنه‌ای به این مطالب اشاره شده است. از جمله موانع داخلی می‌توان به سستی و ضعف ایمان، غفلت، عدم التزام به منویات رهبری، قانون شکنی

و... و از موانع خارجی به دشمنی های متعدد اشاره کرد. این موارد از جمله موانع تشکیل تمدن اسلامی است. تا زمانی که این موانع از سر راه برداشته نشود تشکیل تمدن اسلامی با مشکل مواجه خواهد شد. البته باید توجه کرد که برداشتن این موانع با پیروی از فرامین رهبر معظم انقلاب و پیگیری مجدانه مسئولین امکان پذیر است و همه این موانع اعم از داخلی و خارجی را می توان با اتکا به منویات رهبر معظم انقلاب و پیگیری مسئولین بر طرف کرده و شرایط تشکیل دولت اسلامی را مهیا کرد، تا مقدمه ای برای تشکیل تمدن نوین اسلامی باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- _ابن خلدون، عبد الرحمن ابن محمد، (۱۳۷۷)مقدمه، دار نهضه مصر: قاهره.
- _ابن منظور، جمال الدین، (۱۴۱۴) لسان العرب، چاپ سوم، نشر دار صادر: بیروت.
- _الفراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۲۴ق)العین، دارالکتب العلمیه: بیروت.
- _پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای.
- _پورفاضلی، سید امیر، دشمن شناسی، چاپ نهم، انتشارات انقلاب اسلامی: تهران، ۱۳۹۹ش.
- _جعفری، محمد تقی، (۱۳۶۲) ترجمه و شرح نهج البلاغه، فرهنگ اسلامی: تهران.
- _جمالی، حسین، تاریخ و اصول روابط بین الملل، چاپ اول، نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه: تهران، ۱۳۸۰ش.
- _خامنه ای، سید علی، جامعه اسلامی، چاپ اول، دفتر نشر معارف: قم، ۱۳۹۸ش.
- _خامنه ای، سید علی، حماسه امام سجاد، چاپ پنجم، انتشارات انقلاب اسلامی: تهران، ۱۴۰۰ش.
- _خامنه ای، سید علی، دولت اسلامی، چاپ اول، دفتر نشر معارف: قم، ۱۳۹۸ش.
- _خسرو پناه، عبد الحسین، (۱۴۰۰) منظومه فکری آیه الله العظمی خامنه ای، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: قم.
- _خسرو پناه، عبد الحسین، منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه ای، چاپ هشتم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: تهران، ۱۴۰۱ش.

_دورانت، ویل، تاریخ تمدن (مشرق زمین: گاهواره تمدن)، ترجمه احمد آرام، ع. پاشایی و امیرحسین آریانپور، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی: تهران، ۱۳۶۵.

- دورانت، ویل، تاریخ تمدن (مشرق زمین: گاهواره تمدن)، ترجمه احمد آرام، ع. پاشایی و امیرحسین آریانپور، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.
- سیاهپوش، امیر، سیاست خارجی از منظر آیت الله خامنه ای، چاپ اول، انتشارات انقلاب اسلامی: تهران، ۱۳۹۸ش.
- سیاهپوش، امیر، سیاست داخلی از منظر آیت الله خامنه ای، چاپ اول، انتشارات انقلاب اسلامی: تهران، ۱۳۹۸ش.
- صلح میرزایی، سعید، جهاد تبیین در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای، چاپ هفدهم، انتشارات انقلاب اسلامی: تهران، ۱۴۰۱ش.
- عبده، محمد، نهج البلاغه، چاپ دوم، صبا: تهران، ۱۳۷۶ش.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، راه رشد: تهران، ۱۳۸۹ش.
- قمی، عباس، کلیات مفاتیح الجنان، چاپ ششم، انتشارات زائر: قم، ۱۳۸۸ش.
- کاشفی، محمدرضا، (۱۳۸۴) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ یکم، نشر مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه: قم.
- کریمی، کشفی، مهران، سید علی، کتاب عدالت، چاپ چهارم، نهضت نرم افزاری: تهران، ۱۴۰۰ش.
- کلینی، ثقه الإسلام، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، انتشارات اسلامی: تهران، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، چاپ چهارم، اسلامی: قم، ۱۳۸۶ش.
- محمّدی ری شهری، محمّد، میزان الحکمه، چاپ هفتم، دارالحدیث: قم، ۱۳۹۵ش.
- محمّدی، علی، رجل سیاسی، چاپ دوم، انتشارات انقلاب اسلامی: تهران، ۱۴۰۰ش.
- مشکینی، علی، تحریر المواعظ العددیّه، چاپ اول، دارالحدیث: قم، ۱۳۹۲ش.
- مکارم، مسعود، نهج البلاغه، چاپ اول، انتشارات امام علی بن ابی طالب: قم، ۱۳۹۸ش.
- ولایتی، علی اکبر، (۱۳۸۳) پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران.

واکاوی ضعف‌ها و قوت‌های حکمرانی مسعود غزنوی در تاریخ بیهقی؛ سرمشقی برای حکمرانی

مطلوب

یحیی حسینی - کیومرث مولادوست

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی و واکاوی نقاط ضعف و قوت حکمرانی مسعود غزنوی در تاریخ بیهقی انجام شده است. این پژوهش، از نظر فایده و هدف از نوع تحقیقات کاربردی است که با رویکردی کیفی انجام گرفته است. متون ادب فارسی به دلیل ماهیت و حوزه گسترش آنها با سایر رشته‌های علوم انسانی مرتبط هستند. بنابراین با مطالعه و بررسی این آثار و بازآفرینی نقش‌ها و مفاهیم ارزشمند موجود در آن، می‌توان گام موثری در جهت شناسایی الگوهای حکمرانی مطلوب در تمدن اسلامی با توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی آن روزگار برداشت. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی است و می‌کوشد به این پرسش اصلی پاسخ دهد: «ضعف‌ها و قوت‌های دوران حکمرانی مسعود غزنوی در تاریخ بیهقی کدامند؟» نتایج این بررسی نشان می‌دهد؛ بی‌اعتمادی به فرماندهان و حکمرانان محلی، دهن‌بین بودن، گریز از خرد جمعی، عدم شایسته‌سالاری، گماشتن اشخاص سست‌عقیده در مشاغل حساس، تصمیم‌گیری‌های نسنجیده و استبدادطلبی از جمله نقاط ضعف حکمرانی مسعود؛ و در بخش دوم، خوش‌رفتاری با مردم، نمایش اقتدار نظامی، انتخاب جانسین، احتیاط و دوراندیشی و اجرای تدابیر راهبردی از جمله نقاط قوت حکمرانی مسعود غزنوی است.

واژگان کلیدی: مسعود غزنوی، ضعف‌ها و قوت‌ها، حکمرانی، تاریخ بیهقی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

برای کسب موفقیت و پیشبرد اهداف در هر سازمانی، بهره‌گیری از تجربه‌های تاریخی و شناخت ضعف‌ها و قوت‌های رهبران و حکمرانان پیشین لازم و ضروری است. اگر ضعف‌ها و قوت‌ها یا به عبارتی، علل شکست‌ها و پیروزی‌ها مشخص گردد، کارگزاران و عواملان حکومتی در مسیر اهدافشان با بینش و دقت بیشتری گام برمی‌دارند و با بهره‌گیری از آموزه‌های ادبی، زمینه رشد و تعالی به بهترین شکل ممکن فراهم می‌شود. یکی از عرصه‌های جدید پژوهشی، بررسی مسائل علمی با رویکرد میان‌رشته‌ای است که به تازگی در حوزه‌های ادبی و تاریخی مورد توجه قرار گرفته است. مدیریت و رهبری در هر جامعه‌ای با فرهنگ جامعه، و فرهنگ آن جامعه نیز با تاریخ و ادبیات ارتباط تنگاتنگی دارد؛ لذا بررسی شاخص‌های حکمرانی مطلوب از طریق انطباق رویدادهای تاریخی- ادبی کهن با اوضاع و احوال فرهنگی و اجتماعی حاکم بر آن جامعه حائز اهمیت است؛ از سوی دیگر، شناسایی ضعف‌ها و قوت‌های حکمرانان و کارگزاران

می تواند قدرت دفاعی و نظامی هر کشوری را افزایش می دهد و از بسیاری بحران ها و حوادث غیرمترقبه جلوگیری می کند.

هر اثر ادبی بازتاب اندیشه و آرای شاعر یا نویسنده است که به شکل های گوناگون و متفاوتی مخاطب را در شناخت جهان و پدیده های پیرامون یاری می کند. یکی از این متون ارزشمند، کتاب «تاریخ بیهقی» است؛ بنابراین بازخوانی متون کهن ادبی از جمله «تاریخ بیهقی»- که تعاملات سیاسی و اجتماعی حاکمان، وزیران و اطرافیان پادشاه را به طور دقیق و عینی نمایان می سازد- می تواند تجربیات مفید و نکات عبرت آموز زیادی را در اختیار فرماندهان و کارگزاران آینده قرار دهد.

پس از مرگ سلطان محمود، تا مدت ها، قدرت محمودی به دشمنان و معاندان مسعود، اجازه خودنمایی نمی داد. شکوه و قدرت سلطان محمود در نواحی مختلف ایران و هندوستان زبان زده خاص و عام بود. بی تردید این امپراتوری بزرگ، بدون برنامه ریزی و مدیریت قوی نمی توانست اداره شود تا بتواند این شکوه و اقتدار را خلق کند؛ مسئله ایجاست که چرا مسعود نتوانست از امکاناتی که در اختیارش بود، به نفع خود و کشورش استفاده کند؟ چه ضعف هایی در شیوه حکمرانی مسعود بود؟ چه عواملی دست به دست هم داد تا امپراتوری عظیم غزنوی که در دوره سلطنت محمود، به اوج قدرت رسیده بود، در زمان سلطنت مسعود رفته رفته افول پیدا کرد؟ البته ناگفته نماند که اخلاق و شخصیت مسعود، مسائل اعتقادی، جبر محیطی، مسائل اقتصادی، فساد اجتماعی و فرهنگی و ... از جمله عوامل درونی است که بدون شک در شیوه حکمرانی تاثیرگذار بوده و در نقاط قوت و ضعف مسعود غزنوی نیز اثرگذار بوده است.

۲. اهداف و پرسش های پژوهش

هدف غایی از انجام این پژوهش، شناسایی ضعف ها و قوت های حکمرانی مسعود غزنوی در تاریخ بیهقی است؛ ضمن اینکه اهدافی همچون بهره گیری از آموزه های ارزشمند متون ادبی در مطالعات میان رشته ای و کاربرد آنها با توجه به نیازهای عصر حاضر از جمله اهداف فرعی این پژوهش بی شمار می رود. در این راستا پرسش های اصلی این پژوهش به شرح زیر است: ۱- «ضعف ها و قوت های دوران حکمرانی مسعود غزنوی در تاریخ بیهقی کدامند؟» ۲- گزاره های مستخرجه (قضایا) از روابط میان داده ها و مفاهیم مرتبط با موضوع کدامند؟

۳. پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهشی با این رویکرد در باب موضوع مورد بحث صورت نگرفته، اما در این حوزه، پژوهش های ارزشمندی انجام شده که برخی از آنان به شرح زیر است:

حسین ثقفی (۱۳۸۹) در پایان نامه خود با عنوان «سیاست در زبان تاریخ بیهقی» ضمن تعریف علم سیاست در معنای خاص و عام و تشریح روند تفکرات سیاسی از عهد باستان تاکنون، به بررسی آموزه های سیاسی در تاریخ بیهقی پرداخته و نمونه هایی از تعاملات سیاسی میان دولت ها و حکومت ها را بیان می کند. قاسم صحرائی و همکاران (۱۳۹۰) در

مقاله‌ای با عنوان «بی‌اعتمادی در دستگاه مسعود غزنوی و دلایل آن در تاریخ بیهقی» نشان می‌دهد که میان فضای بی‌اعتمادی شکل گرفته در دربار پادشاه با عدم انسجام، خودسری و شکست و ناکامی‌های دوران سلطنت مسعود ارتباط معناداری وجود دارد. بهزاد اویسی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب هدایت و رهبری در آثار ادبی در خصوص سلاطین غزنوی» با رویکرد تطبیقی و به روش ساختارگرایی گلدمن کوشیده است تا ویژگی‌های رهبری در مدیریت نوین را بررسی نماید و به این نتیجه می‌رسد که مطابق نظریه هوش گارنر، سلاطین غزنوی و کارگزاران رده بالای آنها، دارای استعداد و هوش برتری نسبت به سایرین در زمینه‌های گوناگون هستند. خانم پاکرو (۱۳۹۶) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی مدیریت در تاریخ بیهقی» ضمن بیان کلیاتی در باب علم مدیریت و اصول مدیریت و رهبری، آن را در پنج اصل: فرماندهی، نظارت، برنامه‌ریزی، مشاوره و ایجاد امنیت تقسیم و در هر اصل نمونه‌هایی را تشریح می‌کند. ابراهیم برزگر و سعید حسن‌زاده (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی کشورداری در سیاست نامه‌ها: مطالعه موردی تاریخ بیهقی» با روش داده بنیاد، الگویی مفهومی را از متن تاریخ بیهقی استخراج می‌کند که در پایان، هشت مولفه را در سه حوزه بینش، گرایش و کنش برای کارگزاران سیاسی تدوین کرده است.

۴. مبانی نظری پژوهش

غزنویان نخستین حکومت ترک‌نژاد ایرانی بودند که برخلاف بسیاری از حکومت‌های ایرانی، قدرت یافتن آنان مبنای قبیله‌ای نداشت. حاکمان غزنوی نه روسای قبایل، بلکه غلام‌سپهسالارانی بودند که رده‌های مختلف نظامی را با تلاش خویش به دست آورده بودند و خصلت نظامی‌گری و استبداد در وجودشان ریشه داشت. (اویسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۵) در همین دوره است که نویسنده‌ای توانمند و باریک‌اندیش به نام «خواجه ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی» در سمت دبیر دیوان رسالت خاندان غزنوی منصوب می‌شود و به دلیل موقعیت شغلی خود، از نزدیک شاهد بسیاری از رویدادها و مناسبات بوده و به‌امور حکومتی و سیاسی آگاهی کامل دارد.

بیهقی کتاب خود را به خواهش یا فرمان کسی ننوشت و از هرگونه تعصب و غرض‌ورزی پرهیز کرد. او از نزدیک، بسیاری از فعل و انفعالات تاریخی و اجتماعی عصر غزنوی را دیده و ضمن ریشه‌یابی علل وقوع حوادث و نقد دقیق جامعه، به شکل غیرمستقیم نقاط ضعف و قوت اطرافیان و صاحب‌منصبان را بر می‌شمارد. بیهقی در حدود ۶۵ سالگی نگارش کتاب را آغاز می‌کند؛ بنابراین تحت‌تأثیر جوسازی‌ها و ترس حکومت از کنار برخی مسائل نمی‌گذرد و تمامی رویدادها را -چه درست و چه غلط- با مخاطبانش به اشتراک می‌گذارد؛ از این رو می‌توان از آن به‌عنوان منبعی موثق و دقیق در شناسایی و بررسی ضعف‌ها و قوت‌های حکمرانی استفاده کرد. البته باید اشاره کرد که گرایش‌های دینی و استفاده ابزاری از مسائل اعتقادی، شیوه تفکر فلسفی ابوالفضل بیهقی و اعتقاد وی به جبرگرایی، همچنین فسادی که در نظام اقتصادی حکومت غزنویان ریشه دوانده بود، موضوعی است که در نحوه قضاوت درباره مسعود و نگارش تاریخ

بیهقی بی تاثیر نیست؛ ضمن اینکه این موضوع، بی کفایتی و ضعف‌های حکمرانی دوران مسعود غزنوی را نیز تشدید می‌کند.

۵. روش تحقیق

بدون شک تحقیق درباره تاریخ بیهقی، می‌تواند افق جدیدی را پیش‌روی پژوهشگران و علاقه‌مندان به مباحث علمی قرار دهد؛ مشروط به اینکه در یک چارچوب خاص و به روش علمی مناسبی انجام شود. جامعه آماری پژوهش حاضر، کتاب «تاریخ بیهقی» و حجم نمونه آماری شامل مجلد پنجم تا نهم این کتاب است. روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است. پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های کاربردیست که به روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است. در گام نخست، با خوانش دقیق متن کتاب و فیش‌برداری از داده‌های موجود، نکات مرتبط به موضوع مقاله جمع‌آوری شد؛ در گام دوم هر کدام از ضعف‌ها و قوت‌های شیوه مدیریت و حکمرانی مسعود غزنوی جداسازی و دسته‌بندی شد. سپس به منظور شفافیت موضوع و فهم بهتر خوانندگان، برای هر کدام از شاخص‌های مرتبط، توضیح مختصری بیان شد. در پایان با جمع‌بندی یافته‌های تحقیق و بر اساس ارتباط میان مفاهیم مستخرج، چند گزاره کاربردی احصاء گردید.

۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها

پیش از پرداختن به بحث اصلی ذکر این نکته ضروری است که در بررسی شیوه حکمرانی و بیان نقاط قوت و ضعف، ملاحظات دینی، سیاسی، اقتصادی و محیطی، ویژگی‌های شخصیتی ابوالفضل بیهقی، جبر محیطی حاکم بر دوران زندگی نویسنده و مواردی از این قبیل لحاظ نشده است؛ چرا که هدف اصلی این مقاله واکاوی این ضعف‌ها و قوت‌ها از درون متن و منبع اصلی تحقیق، بدون دخالت دادن سایر ملاحظات و بدون هیچ‌گونه پیش فرضی بوده است.

شاید در ظاهر برخی از قوت‌ها و ضعف‌ها با یکدیگر تناقض داشته باشد؛ اما باید به این نکته توجه کرد که «فرد مستبد هر جا شرایط را آماده ببیند، برای رسیدن به هدف خود، در نهایت قدرت و خودکامگی است، و رفتارهای متناقض انجام می‌دهد. آنجا که نیازمند یاری و حمایت اطرافیان است، قدرت و خودکامگی دارد؛ این‌گونه رفتارها از بالاترین قدرت حکومت غزنوی تا ارکان اصلی و سایر سپاهیان و افراد عادی به وفور دیده می‌شود.» (صحرائی، ۱۳۹۰: ۱۲۶). برای مثال، سلطان گاهی از عمال حکومتی می‌خواهد که به زور از مردم مالیات بگیرند و از سوی دیگر، بخشش‌های بی‌حد و اندازه دارد؛ به طوری که بسیاری از بدهکاران را که بدهی‌های سنگینی دارند، می‌بخشد. (بیهقی، ۱۳۸۴: ۱۵۵؛ به نقل از صحرائی، ۱۳۹۰: ۱۲۷)

۶-۱ ضعف‌های دوران حکمرانی مسعود غزنوی

ضعف دولت غزنویان از زمان امارت امیر مسعود غزنوی (سال ۴۲۹ قمری به بعد) شروع شد؛ بدین معنی که سلطان مسعود از کاردانی و تدبیر پدرش بهره‌ای نداشت و از طرفی به لشکرکشی‌های متعدد به نواحی مختلف ایران و هند مشغول شد و از مرزهای شمالی قلمرو غزنویان (ماوراءالنهر) غفلت کرد؛ در نتیجه گروهی دیگر از ترکان (ترکان سلجوقی) وارد خراسان شدند و نیشابور و قسمت اعظم خراسان به وسیله طغرل سلجوقی از دست غزنویان خارج شد.

۱-۱-۶ بی‌اعتمادی نسبت به فرماندهان و حکمرانان

حکومتی که بر اساس ترس فراگیر بنا شود، موجب بی‌اعتمادی و زمینه‌ساز خیانت در کارگزاران می‌شود. «در دوره حکومت سلطان مسعود، جو بدبینی و بی‌اعتمادی در لایه‌های مختلف جامعه و دربار به قدری گسترش یافته بود که تمام تلاش افراد معطوف به رفع این بدبینی‌ها و جلب اعتماد صاحبان قدرت می‌شد.» (حجازی، ۱۳۸۷: ۱۰).

الف) ایجاد حس بدگمانی و بی‌اعتمادی در بین سران و بزرگان سپاه، به شکل آشکاری خودنمایی می‌کند. مسعود غزنوی به تحریک اطرافیان، تصمیم گرفته بود تا همه بزرگانی را که در زمان پدرش صاحب قدرت و نفوذ بودند براندازد؛ یکی از این افراد، خوارزمشاه آلتون‌تاش بود. این اقدام، جو بی‌اعتمادی شدیدی را ایجاد کرد که در نظام حکمرانی مسعود تأثیر منفی داشت: «و تدبیری دیگر ساختند در برانداختن خوارزمشاه آلتون‌تاش، سخت واهی و سست و نرفت [میسر نشد]، و بدگمانی مرد [آلتون‌تاش] زیادت شد و ...» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۷۷ / ۵)

ب) جو بی‌اعتمادی در میان بزرگان و طرفداران مسعود کاملاً مشخص است. او حتی در زمان اعزام عمویش به ولایت بُست، به او اعتماد ندارد و به‌منظور پیشگیری از هرگونه توطئه و شورش احتمالی، جاسوس و گماشته‌ای برای تعیین می‌کند: «و شنوادم به‌درست که این سرهنگان را پوشیده سلطان مسعود فرموده بود [پنهانی به سرهنگان دستور داده بود] که گوش به یوسف می‌دارید [حواستان به کارهای یوسف باشد]، چنانکه به‌جایی نتواند رفت. و نیز شنوادم که طغرل حاجبش را بر وی در نهان مشرف کرده بودند [دربان خود را به‌شکل پنهانی برای جاسوسی گماشته بود] تا انفاس یوسف می‌شمرد [به‌سختی او را زیر نظر داشت] و هر چه رود باز نماید.» (همان: ۵۷)

۲-۱-۶ دهن‌بین بودن

مدیران و رهبران نظامی می‌بایست بعد از مشورت کردن با اطرافیان، به عقل رجوع کنند و تصمیم نهایی و منطقی را طبق عقل و مصلحت بگیرند. دهن‌بینی سبب می‌شود تا تمامی اطرافیان، در پی تلقین نظرها و اندیشه‌های خود باشند. مدیرانی که توانایی تجزیه و تحلیل مسائل و تفکر منطقی درباره یک پدیده را داشته باشند، با جامع‌نگری و استدلال درست، اسیر گفته‌ها و ابراز سلیقه‌های اطرافیان نمی‌شوند.

الف) مسعود هم از این ضعف شخصیتی مستثنا نبود: «چه در مورد پاداش‌ها و انعامی که امیر محمد به اطرافیان بخشیده بود، به تحریک بوسهل به آن صله‌ها [بخشش و پاداش] برات [سند پرداخت] نوشتند و چه بعد از جنگ ترکمانان، به تحریک بوالحسن عبدالجلیل به استر و شتر بزرگان برات نوشت که همه اینها باعث رنجش اطرافیان از مسعود شد.»
ب) دخالت اطرافیان و تاثیرگذاری آنان بر فرمان‌های سلطان مسعود از جمله نقاط ضعف مدیریتی اوست: «خداوند بزرگ نفیس است و نیست همتا [بی‌همتا] و حلیم و کریم است، لیکن بس شنونده [بسیار دهن‌بین] است و هر کسی زهره آن دارد که نه به اندازه پایگاه خویش با وی سخن گوید، و او را بدو نخواهند گذاشت.» [سلطان را به حال خود نمی‌گذارند] (همان: ۷۲)

ج) زمانی که سلطان مسعود حکم خوارزم را به نام آلتون‌تاش می‌زند، همان شب آلتون‌تاش یکی از دبیران خود را به نزدیک بونصر (وزیر دربار) می‌فرستد و اعلام می‌کند که تصمیم گرفته، پیش از اینکه سایر بزرگان از حکم انتصاب وی آگاه شوند به سمت خوارزم حرکت کند تا مبدا اطرافیان سلطان با بدگویی و بداندیشی، سلطان را تحت‌تاثیر قرار دهند و نظر وی را تغییر دهند: «... و فردا شب که آگاه شوند، ما رفته باشیم ... این گروهی مردم که گرد او درآمده‌اند، هر یکی چون وزیری ایستاده، و وی سخن می‌شنود و بر آن کار می‌کند، این کار راست نهاده را تبه خواهند کرد و من رفتم و ندانم که حال شما چون خواهد شد که اینجا هیچ دلیل خیر نیست. تو که بونصری باید اندیشه کار من داری [به فکر من باشی]، همچنانکه تا این غایت داشتی» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۷۱ / ۵)

۳-۱-۶ گریز از خرد جمعی

به گفته ابوالفضل بیهقی، اگر این پادشاه نظر خیرخواهان و وزیران و سرداران لشکر را می‌پذیرفت، هرگز گرفتار سرنوشت شوم نمی‌شد. «در اغلب موارد، امیر به جای آنکه به خطا و استبدادرای خود اعتراف کند، گناه اشتباهات خود را به قضا و قدر منسوب می‌کرد.» (پاکرو، ۱۳۹۶: ۱۷۱) مسعود بارها از اینکه نظر خیرخواهان را نپذیرفته و گرفتار تبعات خودسری‌های خود شده، از اعمال خویش اظهار ندامت کرده است. «امیر مسعود وقتی با ارکان دولت مشورت می‌کند، سعی دارد طوری وانمود کند که مشورت از نظر او اهمیت دارد و به آن معتقد است ولی بعد از مشورت معمولاً به خواسته خود عمل می‌کند.» (همان: ۱۷۱). «اغلب جلسات شور و مشورت در حکومت مسعود ریاکارانه و به‌منظور سرپوش نهادن بر خودرایی‌ها و خطاهاست؛ زیرا تصمیم نهایی چیزی است که حاکم در سر می‌پروراند و قبلاً طراحی کرده‌است.» (ثقفی، ۱۳۸۹: ۱۷۳)

الف) مسعود، چندین بار برای فرار از انتقاد و نصیحت بزرگان، دربار را ترک کرده و به شکار می‌رود. این بار نیز تحت‌تاثیر اقدام بوسهل در پس‌گرفتن اموال بزرگان در زمان حکمرانی برادرش (محمد) چاره‌ای جز تسلیم نداشت: «و نسخه صلوات و خلعت‌ها که در نوبت پادشاهی برادرش، امیر محمد، بداده بودند اعیان و ارکان دولت و حشم و هرگونه

مردم را بکردند؛ مالی سخت بی‌متها و عظیم بود و امیر آن را بدید و به بوسهل زوزنی داد و گفت: ما به شکار پره [نوعی شکار که در آن سواره و پیاده شکار را محاصره و سپس صید می‌کنند]. خواهیم رفت و روزی بیست کار گیرد [به قدر بیست روز طول می‌کشد] چون ما حرکت کردیم، بگو برات‌ها بنویسند این گروه را بر آن گروه و آن را برین تا مال‌ها مقاصت شود [تا وضع این مال‌ها روشن شود] و آنچه به خزانه باید آورد، بیارند. گفت: چنین کنم.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۷/ ۴۰۹)

ب) پس از مرگ قائد، سلطان با بونصر خلوت کرده و در این گفتگو، خواجه بونصر به او یادآوری می‌کند که پنهان کردن تصمیم و عدم بهره‌مندی از خرد جمعی تا چه اندازه می‌تواند پیامدهای ناگوار داشته باشد: «و بوسهل نیکو نکرد و حق نعمت خداوند را نشناخت بدین تدبیر خطا که کرد. و بنده نداند تا نماند داشتن آنچه کرده آمد از بنده چرا بوده است؟ که خطا و صواب این کار باز نمودمی [درست و غلط این کار را می‌گفتم]. امیر گفت: بودنی بود، اکنون تدبیر چیست؟...» (همان: ۴۶۱)

۴-۱-۶ عدم شایسته‌سالاری

بخش عمده‌ای از موفقیت هر سازمانی، بهره‌گیری از کارکنانی لایق و توانمند است. همان‌طور که مدیران باید توانایی و شایستگی لازم را داشته باشند، نیروهای تحت‌امر آنان نیز بایستی توان انجام مسئولیت‌های محول را مبتنی بر اهداف تعیین شده داشته باشند. یکی از ضعف‌های دوران حکمرانی مسعود، انتصاب افراد نالایق در مشاغل بالاست.

الف) اطرافیان از اینکه می‌دیدند، شخصی چون حاجب غازی در دوره سلطان محمود هیچ توجهی به او نمی‌شد و در این دوره با حمایت‌های پوشالی و دست به دست دادن تمامی عوامل به قدرت می‌رسد، خشمگین می‌شوند: «و این قوم را سخت ناخوش می‌آمد، وی را در آن درجه دیدن که خرد دیده بودند او را می‌زکیدند و می‌گفتند و آن همه خطا بود و ناصواب، که جهان بر سلاطین گردد و هر کسی را که برکشیدند، برکشیدند.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۶/ ۱۸۹)

ب) علی‌قرب تمام تلاش خویش را برای فرو گرفتن امیر محمد به‌کار بسته و همراه سپاهی بزرگ برای استقبال از سلطان مسعود به‌راه افتاده بود. او در گفتگویی با دوست خود بونصر مشکان از «قومی نوآیین» که سلطان را در میان خویش گرفته‌اند، اظهار دلتنگی و ناامیدی می‌کند: «قومی نوآیین، کار فرو گرفته‌اند [افرادی تازه به دوران رسیده بر امور مسلط شده‌اند]، چنانکه محمودیان در میان ایشان به منزلت خائنان و بیگانگان باشند؛ خاصه که بوسهل زوزنی بر کار شده است و قاعده‌ها بنهاد و همگان را بخریده. و حال با سلطان مسعود آن است که هست، مگر آن پادشاه را شرم آید و گرنه شما بر شرف هلاکید.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۵/ ۴۵)

ج) حاجب بزرگ در هنگام مشورت با مسعود درباره تعیین سپهسالاری ری، به مسعود غزنوی تذکر می‌دهد که هر کس از شغل اصلی خودش به مسئولیت دیگری گماشته شود، باعث خلل و آسیب در امور می‌گردد: «و این اعیان که بر

درگاهند، هر کسی که شغلی دارد؛ چون حاجب بزرگی و سالاری غلامان سرایی و جز آن، از شغل خویش دور نتواند شد که خلل افتد.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۷/ ۴۱۳)

۵-۱-۶ گماشتن افراد نادان و سست عقیده در مشاغل حساس

از جمله ضعف‌های نظام حکمرانی سلطان مسعود، رزالت و بداخلاقی اطرافیان دربار بود؛ این رزالت و پستی به نوعی انعکاس نابسامانی‌های اجتماعی و همچنین سُستی مبانی اعتقادی در میان سران حکومت است. اشخاصی که به چیزی جز جایگاه و منافع خود فکر نمی‌کنند. رهبران و مدیرانی که نسبت به محیط داخلی و حوادث پیرامونی خویش بی تفاوت هستند یا شناخت کافی ندارند، باید خود را آماده‌ی رویارویی این گونه مشکلات و مصائب نمایند.

الف) در داستان حسنک وزیر، بوسهل زوزنی شب قبل از بر دار کردن حسنک، به نزد حسن میمندی می‌آید تا مبادا او بر حسنک رحم کند و بخواهد دستوری مبنی بر شفاعت حسنک صادر کند یا امان‌نامه‌ای برای حسنک بنویسد که اوج رزالت بوسهل در این صحنه دیده می‌شود: «بوسهل نزدیک پدرم آمد، نمازِ خفتن [هنگام نماز عشا]. پدرم گفت: چرا آمدی؟ گفت: نخواهم رفت تا آنگاه که خداوند بخشید [بخوابد] که نباید رُفتی نویسد به سلطان در باب حسنک بشفاعت. پدرم گفت: «بنوشتمی [به یقین می‌نوشتم]، اما شما تباه کرده‌اید و سخت ناخوب است.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۷/ ۲۳۳)

ب) پستی و رزالت در صحنه‌سازی دروغین برای یکسره کردن کار حسنک وزیر نیز دیده می‌شود: «و آن روز و آن شب تدبیر بر دار کردن حسنک در پیش گرفتند و دو مرد پیک راست کردند با جامه‌ی پیکان [دو فرستاده آماده کردند که لباس فرستادگان بر تن داشت] که از بغداد آمده‌اند و نامه‌ی خلیفه آورده که حسنک قَرْمَطی [مخالف دین و مذهب] را بر دار باید کرد.» (همان: ۲۳۳)

ج) بیهقی در قضیه شکست مسعود در دندانقان، خیانت و بدعهدی بعضی از نیروها و پیوستن آنان به سپاه دشمن را مهمترین علت شکست سپاهیان مسعود بر می‌شمارد: «بگتغدی و غلامان در پره بیابان [کناره بیابان] می‌راندند بر اشتر و هندوان به هزیمت بر جانب دیگر و کرد و عرب را کس نمی‌دید و خیل‌تاشان [فرمانده سواران] بر جانب دیگر افتاده و نظام میمنه و میسر تباه شده، و هر کسی می‌گفت: نُفسی، نُفسی! [جان خودم، جان خودم را باید دریافت]» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۹/ ۹۵۵)

د) یکی از دلایل ضعف و شکست در دوران حکمرانی مسعود، حضور افراد نادان و کوتاه‌فکر در میان اطرافیان سلطان بود، به طوری که نظر سلطان را تغییر می‌دادند: «و آن یکسواره [افراد کم‌رتبه] و خرده مردم [افراد نادان] بدتر، که بسیار گفتار و دردسر باشد. و ندانم تا کار کجا باز ایستد که این مُلکِ رحیم و حلیم را بدو باز نخواهند گذاشت، چنانکه بر وی کار دیده آمده و این همه قاعده‌ها بگردد.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۷/ ۴۰۸)

۶-۱-۶ تصمیم‌گیری‌های نسنجیده و نادرست

تصمیم‌گیری‌های راهبردی موفق می‌تواند از سازمان‌ها و نیروها در هنگام چالش‌ها یا تهدیدها محافظت کند؛ برخلاف آن یک تصمیم نسنجیده و ضعیف، موجب آشفتگی، ورشکستگی و در نهایت شکست کامل یک سازمان می‌شود. سلطان مسعود با تصمیم‌گیری‌های غلط خود، نه تنها محیطی ناامن ایجاد کرد، بلکه تهدیدات دشمنان در سرزمین‌های اطراف را نیز بیشتر کرد. بخشی از تباهی‌ها و غارت‌های سلجوقیان نیز در نتیجه تصمیم‌های نابجا و نسنجیده سلطان مسعود بود. الف) یک مورد از این تصمیم‌ها در باب رفتن سلطان به «قلعه هاسنی» بود. زمانی که خراسان منشأ فتنه بود، نیروهای مسعود در حال راندن ترکمانان و سلجوقیان از مرزها بودند؛ این نیروها اصرار داشتند که شخص سلطان برای راندن دشمنان در آن منطقه حضور یابد، اما سلطان به دلیل طمع‌ورزی و عدم عاقبت‌اندیشی، توجهی به این هشدارها نداشت و به‌نقش خویش به‌عنوان عامل هماهنگی و تقویت نیروها عمل نکرد؛ همین عامل باعث شد تا نیروهای دشمن نه تنها از مرزها خارج نشوند، بلکه جسورتر شوند و پیشروی‌های بیشتری کنند: «وزیرگفت: من به هیچ حال روا ندارم که خداوند به هندوستان رود، چه صواب آن است که به بلخ رود و ببلخ هم مقام نکند و تا مرو رود، تا خراسان بدست آید و ری و جبال مضبوط شود.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۸/ ۷۵۴)

ب) تصمیم‌های عجولانه و نسنجیده سلطان به‌حدی است که وزرا و بزرگان دربار مجبور می‌شوند با ذکر دلایل متعدد و یادآوری عواقب کار، سلطان را به تصمیم‌گیری درست وادار کنند. برای نمونه، بونصرمشکان درباره جنگیدن یا صلح کردن با ترکمانان این‌گونه مسعود را راهنمایی می‌کنند: «اما چون من وزیرم و مصالح کار مسلمانان و دوست و دشمن را اندیشه باید داشت، ناچار در چنین کارها سخن گویم تا شمشیرها در نیام شود و خون‌های ناحق ریخته نیاید و رعیت ایمن گردد.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۹/ ۹۱۴)

ج) مشورت سلطان مسعود با حاجب بزرگ، علی قریب، برای بازداشت و موقوف کردن برادرش، محمد، که خواست سلطان، قبل از پاسخ علی قریب معلوم است؛ به‌عبارت‌دیگر، او پیش از مشورت، تصمیم خود را پیشاپیش گرفته است: «سلطان، حاجب بزرگ را گفت: برادرم محمد را از آنجا [غزنه] به کوهتیز بیاورد داشت و یا جای دیگر. که اکنون بدین گرمی به درگاه آوردن روی ندارد [شایسته نیست] و ما قصد بلخ داریم این زمستان؛ آنگاه وقت بهار چون به غزنین رسیدیم، آنچه رای واجب کند در باب وی فرموده آید.» (مجلد پنجم، ص ۶۵)

۶-۱-۷ استبداد طلبی

نظام ارزشی حاکم بر مدیریت دروه غزنویان به اصطلاح الهی است و از نظر پادشاه، این همان منصب خلافت الهی است که خداوند به پیامبر و به‌واسطه آن به خلفای بعد از خود واگذار کرده است؛ این چنین است که پادشاه را فرمانروا و صاحب‌اختیار مطلق می‌دانند و این خود موجب ایجاد روحیه دیکتاتوری در شخص پادشاه می‌شود. در چنین حالتی

است که زبردستان به خود جرئت دخالت در تصمیم‌گیری‌های خلیفه یا پادشاه را نمی‌دهند؛ بدین سبب «در هنگام مشاوره، حاضران غالباً سعی می‌کردند نخست به نظر سلطان پی ببرند تا چیزی برخلاف آن نگویند.» (یوسفی، ۱۳۷۳: ۲۵۱).

الف) در خصوص نظر امیر مسعود برای رفتن به گرگان، خواجه احمد عبدالصمد (وزیر) و خواجه بونصر مشکان، تمام تلاش خود را به کار بستند، اما نتوانستند او را از این تصمیم که در آن مقطع به سود کشور نبود منصرف کنند. در نهایت امیر مسعود گفت: «هم بر آن حمله‌ایم که پس فردا برویم. خواجه گفت: مبارک باشد و همه مراد حاصل شود.» (تاریخ بیهقی، ۱۳۸۴: ۵۷۸).

ب) سلطان مسعود با وجود استبداد، به اطرافیان وانمود می‌کرد که اهل مشورت است و بدون مشورت با بزرگان کاری انجام نمی‌دهد. «چون پادشاه درباره کار خوارزمشاه از وی سوال می‌کند و بونصر یقیناً به علت آشنایی با خلق و خوی پادشاه، از جواب دادن خودداری می‌کند و می‌گوید: هر چه خداوند اندیشیده عین صواب است؛ پادشاه به او می‌گوید: «به از این می‌خواهم، بی‌حشمت نصیحت باید کرد و عیب این کارها باز نمود.» (یاحقی، ۱۳۷۴: ۷۴).

ج) وقتی امیر مسعود تصمیم می‌گیرد لشکری را به سمت نسا بفرستد، به مشورت می‌پردازد و می‌گوید: با توجه به اینکه جاسوسان خبر رسانند که سلجوقیان آرام شده‌اند و نمی‌شود به آنها اعتماد کرد، تدبیر چیست؟ نظر امیر این بود که آنها را یا باید به آن طرف رود جیحون فرستاد یا به خدمت آیند و تحت بندگی شما قرار گیرند. بگتغدی نظر به جنگ داد و دیگران نیز همین نظر را داشتند. تصمیم گرفتند سالار و سپاه، بگتغدی باشد؛ اما بگتغدی با توجه به اینکه بسیاری از بزرگان و طرفداران سلطان مسعود و محمودیان باتجربه در این جنگند با گفتن این جمله که «دیگ به نبالان بسیار به جوش نیاید» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۷/۷۰۵) و اینکه پیر شده و در سالاری نباید مخالفتی رود، درخواست کرد برای سپهسالاری کسی دیگر انتخاب شود ولی امیر در جواب گفت: «کسی از این سالاران زهره نباشد که از مثال تو زاستر شود» همان و بسیاری نیز مخالفت کردند و جرئت اظهار نظر نداشتند؛ استبداد شاه را نشان می‌دهد و بونصر به خواجه می‌گوید: «چون خداوند و سالاران این می‌گویند، جز خاموشی روی نیست.» (همان: ۷۰۶)

۲-۶ نقاط قوت حکمرانی مسعود غزنوی

هر چند در پایان حکمرانی سلطان محمود، زمان افول و زوال سلسله غزنویان فرا رسیده بود، اما با این حال در کنار تمامی ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های مسعود، نباید از برخی اقدامات مثبت و راهبردهای حکومتی مسعود غزنوی غافل شد. این اقدامات و تدابیر چه از جانب خود ایشان و چه به راهنمایی و ارشاد دیگران در هر صورت می‌تواند چراغ راه و سرمشقی برای رهبران و فرماندهان هوشمند و توانمند باشد.

۱-۲-۶ نیکی و خوش رفتاری با مردم

بدون شک هیچ عاملی برای پیشرفت و تکامل یک جامعه، مهمتر از امنیت و آرامش در آن نیست. یکی از مصادیق امنیت و آرامش، ارتباط مناسب با مردم است. «ایجاد مناسبات صحیح انسانی در میان کارکنان سازمان یکی از مهمترین شروط موفقیت مدیران است.» (علی‌آبادی، ۱۳۹۲: ۲۹۴) یکی از نقش‌های ارتباطی مدیران توانمند در برقراری ارتباط و جلب اعتماد زیردستان، قدردانی از تلاش‌ها و زحمات کارکنان و مجموعه تحت کنترل است؛ چراکه کارکنان تحت‌امر نسبت به درک متقابل و همبستگی سازمانی، شاد و دلگرم می‌شوند.

الف) سلطان مسعود هنگامی که منصب شحنگی ری را به حسن سلیمان واگذار می‌کند، با او این چنین سخن می‌گوید: «و با مردمان این نواحی نیکور و سیرت خوب دار و یقین بدان که چون ما به تخت مملکت رسیدیم و کارها به مراد ما گشت، اندیشه این نواحی بداریم و» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۲۰ / ۵)

ب) چون امیر، به خوارزمشاه حکم فتح بخارا داد، لشکریانی را هم برای کمک به آن لشکر با تمامی ساز و برگ آماده کرد و به سرهنگان و به دو سالار خود -بگتگین چوگانی پدری و پیری آخورسالار مسعودی [رئیس پرستاران ستور] - را صدا می‌کند و به آنها سفارش می‌کند که نگذارند لشکر به رعیت خود و دشمنان ستمی کنند: «چون لشکر به تعبیه بگذشت [با آرایش جنگی عبور کرد]، امیر آواز داد این دو سالار بگتگین چوگانی پدری و پیری آخورسالار مسعودی را و سرهنگان را که «هشیار و بیدار باشید و لشکر را از رعیت چه در ولایت خود و چه در ولایت بیگانه و دشمن دست کوتاه دارید تا بر کسی ستم نکنند» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۷ / ۴۸۰)

ج) مسعود پس از رسیدن به نیشابور و نشستن بر تخت، در حضور بزرگان و مرتبه‌داران، روی به همگان کرد و گفت: «این شهری بس مبارک است، آنرا و مردم آنرا دوست دارم و آنچه شما کردید در هوای من، به هیچ شهر خراسان نکردند و شغلی پیش داریم، چنانکه پیداست که سخت زود فصل خواهد شد به فضل ایزد، عزه ذکره، و چون از آن فراغت افتاد، نظرها کنیم اهل خراسان را و این شهر به زیادت نظر مخصوص باشد. و اکنون می‌فرماییم به عاجل الحال تا رسم‌های حسنکی نو را باطل کنند و قاعده کارها به نیشابور در مرافعات [شکایت بردن پیش حاکم] و جز آن همه به رسم قدیم باز برند که آنچه حسنک و قوم او می‌کردند، به ما می‌رسید، بدان وقت که به هرات بودیم و آنرا ناپسند می‌بودیم، اما روی گفتار نبود. و آنچه کردند، خود رسد پاداش آن بدیشان. و در هفته دو بار مظالم [دادخواهی و دادرسی] خواهد بود. مجلس مظالم و در سرای گشاده است، هر کسی را که مظلومی است ببايد آمد و بی‌حشمت سخن خویش گفت تا انصاف تمام داده آید.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۳۲ / ۵)

د) سلطان مسعود در هنگام انتصاب تاش فراش [حاکم و سپهسالار خراسان در زمان سامانیان] به سپهسالاری، خلعتی بسیار فاخر و گرانبها به وی اهدا می‌کند و به‌نوعی از خدمات شایسته و ارزشمند او قدردانی می‌نماید: «این نام بر تو نهادم و این کرامت ارزانی داشتیم که تو ما را به ری خدمت کنی ... و ما اینک می‌آییم و چون به خراسان رسیدیم و خلل‌ها

را تلافی فرموده آید، بدین خدمت وفاداری که نمود، وی را به محلی رسانیده آید که به خاطر وی نگذشته است.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۹/ ۸۸۱)

۲-۲-۶ نمایش اقتدار نظامی

نمایش توان و اقتدار نظامی، علاوه بر افزایش قدرت بازدارندگی در برابر سایر اقوام و حکومت‌های متخاصم و متجاوز، نوعی مصونیت سیاسی و اجتماعی را نیز فراهم می‌کند.

الف) نمایش قدرت نظامی با استفاده از قدرت‌نمایی لشکریان از دیگر روش‌های اقتدارگرایی شاهان غزنوی از جمله مسعود است: «و امیر مسعود به روستای بیهق رسید، در ضمان سلامت و نصرت و غازی سپاه سالار به خدمت استقبال رفت با بسیار لشکر و زبیتی و اهبتی تمام ساخت.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۵/ ۳۱)

ب) حرکت سلطان مسعود از ری به جانب خراسان با نمایش اقتدار نظامی در جلوی چشم مردم همراه است: «و امیر فرموده بود تا کوبه‌ای و تکلفی ساخته بودند [جماعت مردم و خدم و حشم را فراهم کرده بودند] سخت از این و بسیار غلام بر در خیمه ایستاده و سوار و پیاده بسیار در صحرا در سلاح غرق.» (همان: ۱۷)

ج) سلطان مسعود در هنگام اعزام احمد ینالتگین به هندوستان، یکبار دیگر شکوه و اقتدار نظامی حکومت خود را به نمایش می‌گذارد. از جنبه دیگر، سلطان در کنار نمایش اقتدار نظامی، به افزایش میزان شأن و منزلت اجتماعی فرماندهان نظامی خود نیز توجه دارد؛ چراکه «کاهش منزلت اجتماعی، موجب تضعیف قدرت نظامی و در نهایت افزایش تهدیدات احتمالی است.» (آقامحمدی، ۱۳۸۵: ۷): «و مویکی سخت نیکو با بسیاری مردم آراسته با سلاح تمام بگذشت از سرهنگان و دیلمان و دیگر اصناف که با وی نامزد بودند، و بر اثر ایشان صد و سی غلام سلطانی بیشتر خط آورده [بیشتر آنها تازه موی بر چهره آنان روئیده بود] که امیر آزاد کرده بود و بدو سپرده، ...» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۷/ ۴۲۰)

د) پس از آنکه بوسهل حمدوی به کدخدایی ری انتخاب می‌شود، بر وی خلعت پوشانند و روز دیگر، امیر مسعود با خواجه بزرگ و بونصر مشکان از بوسهل حمدوی خواستند تا امکانات و تجهیزات مورد نیاز خود را اعلام نماید. بوسهل حمدوی وقتی می‌خواهد به ری برود، بیان می‌کند که باید از اینجا لشکری را با خود ببرم تا در دل دشمنان ترس و وحشت ایجاد شود که هر لحظه نیروی کمکی از طرف هرات خواهد رسید: «بوسهل گفت: هر چند آنجا لشکری بسیار است، بنده باید که از اینجا ساخته رود با لشکری دیگر تا هم جانب بنده را حشمتی افتد در دلِ موافق و مخالف [در دل موافق و مخالف ترس ایجاد شود] و هم پسر کاکو و دیگران بدانند که از جانب خراسان، لشکری دُمدام است و حشمتی تمام افتد.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۸/ ۶۲۱)

۲-۲-۳ جانشین‌سازی (تفویض اختیار)

انتخاب جانشین متعهد و شایسته از طریق تربیت و پرورش صحیح کارکنان میسر می‌شود؛ بنابراین با آینده‌نگری و مصلحت‌اندیشی درست، افراد لایق و کاردان شناسایی و در زمان مناسب در مشاغل مربوطه منصوب می‌شوند.

الف) پس از مرگ سلطان محمود، چون مسعود می‌داند که برادر بزرگترش (محمد) ممکن است به سرعت دست به کار شود و تاج و تخت را تصاحب کند؛ از این رو با جدیت و سرعت قصد دارد خودش بر تخت سلطنت بنشیند، اما می‌اندیشد که پس از آرام گرفتن اوضاع، برای نواحی دیگر نیز امیران و فرماندهانی منصوب کند: «... و به هیچ حال آنرا مُهمل فرو نتوان گذاشت [نمی‌توان بدان بی‌توجه بود] که اصل است و چون از آن کارها فراغت یابیم، تدبیر این نواحی بواجبی ساخته آید، چنانچه یا فرزندی از فرزندان خویش فرستم یا سالاری با نام و عدت و لشکری تمام ساخته» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۱۷/۵)

ب) بعد از قرار گرفتن مسعود در گرگان و مذاکره با پسر منوچهر، تصمیم می‌گیرد با کالیجار به دهستان برود و در این بین امیر، فرزندش مودود را به جانشینی خود در آنجا می‌گذارد و به همگان گوشزد می‌کند که گوش به فرمان او باشند. سلطان در هنگام رفتن به دهستان، فرمان‌های لازم را به فرزندش ابلاغ کرد: «و پس از عهد بگویی خان را که: چون کاری بدین نیکویی برفت و برکات این آعقاب را خواهد بود، ما را رای افتاده است تا از جانب خان دو وصلت باشد، یکی به نام ما و یکی به نام فرزند ما، ابوالفتح مودود، که مهتر فرزند ماست و بعد از ما ولیعهد ما در مُلک وی خواهد بود.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۲۶۱/۶)

ج) مسعود برای سرکشی به نواحی خراسان و خوارزم و ری و جبال، قصد عزیمت به سوی بست را می‌کند تا از آنجا به سوی هرات برود و از هرات که واسط خراسان است، مراقب اوضاع باشد و فرمان‌های لازم را صادر کند؛ برای همین، فرزندش امیر سعید را به‌عنوان جانشین در غزنین می‌گذارد: «امیر مسعود، امیرسعید را خلعت داد و حضرت غزنین [پایتخت غزنین] بدو سپرد، چنانکه بر قلعت بسرای امارت نشینند و مظالم آنجا کند [در آنجا دادرسی و داددهی کند] و سرهنگ بوعلی کوتوال پیش خداوندزاده باشد مشیر [رای‌دهنده] و مدبر کارها. و دیگر فرزندان امرا را با خانگیان و خادمان و خدمتکاران به قلعت نای و دیری فرستاد.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۶۵۶/۸)

د) تأثیر حضور فرمانده نظامی در ناحیه تحت سلطه سلطان مسعود در گفتار وی پیداست. او که به اهمیت جانشینی اریارق آگاه است، دغدغه‌مند است تا شخصی لایق و کاردان جانشین ایشان گردد: «امیر خواجه را گفت «هندوستان بی‌سالاری راست نیاید؛ کدام کس را باید فرستاد؟» گفت: «شغل سخت بزرگ و بانام است؛ چون اریارقی آنجا بوده‌است و حشمتی بزرگ افتاده. کسی باید در پایه او. هرچند کارها به حشمت خداوند پیش رود. آخر سالاری کاردان باید؛ مردی باید شاگردی کرده.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۲۶۷/۶)

۴-۲-۶ احتیاط و دور اندیشی

رهبران و مدیران کاردان باید در عین صداقت و دوستی، جوانب احتیاط و دوراندیشی را رعایت کند؛ چراکه به هر حال در میان هر جمعی، تعدادی افراد انگشت‌شمار پیدا می‌شوند که درصدد اختلاف‌افکنی و حيله‌گری هستند. لذا باید ضمن شناسایی آنان، از هر لحاظ مراقب رفتارهای مشکوک این گونه افراد بود.

یکی از نمونه‌های احتیاط و دوراندیشی در سپاه مسعود، حضور سپاهیان از اقوام و نژادهای مختلف بوده است؛ به‌گونه‌ای که در سپاهیان وی، گروه‌های مختلف ایرانی، عرب، ترک و هندی حضور داشته‌اند. «تنوع نژادی افراد نظام، سبب استحکام دولت و دوام آن می‌گردد و این مورد، مخصوصاً بدان جهت که نژادها و قبایل مختلف هر یک دارای مهارت مختص به خود بودند و مجال ابراز لیاقت را در صحنه مشترک نظام می‌یافتند.» (باسورث، ۱۳۸۷: ۴۳).

الف) سلطان مسعود غزنوی از تمامی قبایل سران، سر دسته‌هایی را برای کنترل و نظارت بیشتر در بین لشکریان خود سازماندهی کرده بود تا توطئه و خیانت به حداقل برسد: «نقیب هر طایفه برفت و لشکر به جمله بازگشت و فرود آمد و حاجب بزرگ علی بازگشت و همه بزرگان سپاه را از تازیک و ترک با خویشتن برد و خالی بنشستند.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۷/۵)

ب) پس از اینکه خبر فوت سلطان محمود به‌طور مخفیانه به دست مسعود می‌رسد، او نیز برای عادی‌سازی شرایط و پرهیز از فتنه‌انگیزی بدخواهان، خبر را به شکل پوشیده و مخفیانه به گوش افراد معتمد می‌رساند: «پس از آنکه امیر مسعود از هرات به بلخ آمد و کارها یکرویه گشت، [فیصله یافت] امیر مسعود چاشتگاه این روز مرا بخواند و خالی کرد و گفت: پدرم گذشته شد و برادرم را به تخت مُلک خواندند و ...» (همان: ۱۱)

ج) مسعود پس از اعزام احمد ینالتگین به هندوستان، پسر احمد را به‌عنوان گروگان نگه‌می‌دارد تا وی در هندوستان هرگز در اندیشه خیانت نباشد: «و مرا شرم آمد این با تو گفتن و نه از تو رهینه [گروگان] می‌باید، و هر چند سلطان در این باب فرمانی نداده است، از شرط و رسم در نتوان گذشت و مرا چاره نباشد از نگاهداشت مصالح ملک اندک و بسیار و هم در مصالح تو و مانده تو» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۷/۱۹)

د) زمانی که تعدادی از مقدمان و بزرگان محمود نزد امیر مسعود می‌آیند و آمادگی خود را جهت پیوستن به مسعود اعلام کردند، او با کیاست و هوشیاری این اختلاف و دشمنی را مخفی می‌کند: «... اگر خداوند فرماید، بندگان و غلامان جمله در هوای تو یکدلیم. امیر گفت: البته همداستان نباشم که از این سخن بیندیشم تا بکردار چه رسد که امیر محمود پدر من است و من نتوانم دید که بادی تیز بر وی وزد» (مجلد ششم، ص ۱۸۴).

ه) چنانکه در جنگ خوارزمشاه و علی تگین، احمد عبدالصمد با تیزهوشی خود، پیکر بی‌جان خوارزمشاه را بر مهد فیل می‌نشاند و اجازه نمی‌دهد که دشمن از مرگ خوارزمشاه مطلع شود. «این کیاست و تدبیر احمد عبدالصمد باعث می‌شود، مرگ خوارزمشاه پس از سپری کردن هفت فرسنگ و دور شدن کامل از دشمن آشکار شود و سپاه خوارزمشاه

از شکست حتمی نجات یابد.» (وفایی، ۱۳۹۴: ۱۰۹): «چون خوارزمشاه فرمان یافت، ممکن نشد تابوت و جز آن ساختن که خبر فاش شدی. مهد پیل راست کردند [آماده کردند] و شبگیر وی را در مهد بخوابانیدند و خادمی را بنشانند تا او را نگاه می‌داشت و گفتند: از آن جراحی نمی‌تواند نشست و در مهد برای آسانی و آسودگی می‌رود.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۴۸۹/۷)

و) احمد عبدالحمید خبر مرگ خوارزمشاه را مدتی مخفی نگه‌داشت تا از علی تگین دور شدند؛ کم‌کم خبر مرگ وی در سپاه پیچید و احمد عبدالحمید برای جلوگیری از شورش، به فرماندهان وعده داد که با آنها به‌خوبی رفتار خواهد شد. خواجه احمد با سرهنگان خواجه گفتگو کرده و اعتماد آنان را جلب می‌کند، اما برای رعایت ملاحظات امنیتی و پیشگیری از هرگونه خیانت و توطئه احتمالی^۱ دستور می‌دهد تا اسبهایشان را بگیرند و غلامانی را برای مراقبت از آنان تعیین می‌کند: «یک امشب اسبان از شما جدا کنند و بر اشتران نشینید، فردا اسبان به شما داده آید، این یک منزل روی چنین دارد. در این باب لختی تامل کردند تا آخر برین جمله گفتند که فرمان برداریم بدانچه خواجه فرماید. از هر وثاقتی [اتاقی] ده غلامی یک غلام سوار باشد و با سرهنگان رود تا دل ما قرار گیرد.» (همان: ۴۹۱)

۵-۲-۶ اجرای تدابیر راهبردی

«مدیران عالی پس از تحلیل محیط داخلی و خارجی قادر می‌شوند که نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات سازمان را شناسایی کنند و بر این اساس، استراتژی مناسبی جهت رسیدن به اهداف تدوین نمایند.» (شهلایی، ۱۳۸۶: ۱۰۳)؛ بنابراین توجه به محیط و سنجیدن شرایط و موقعیت‌ها در اجرای تدابیر راهبردی بسیار حائز اهمیت است. الف) قبل از اجرای ماموریت‌های بزرگ باید به پرداخت حقوق و مایحتاج کارکنان تحت امر توجه شود؛ همان‌طور که وقتی سلطان تصمیم می‌گیرد گروهی از سپاهیان را به مکران بفرستد، از علی حاجب در خصوص پرداخت حقوق آنها می‌پرسد: «سلطان طاهر دبیر را گفت، حاجب را بگوی که لشکر را بیستگانی [حقوق و جیره] تا کدام وقت داده است و کدام کس ساخته‌تر باشد؟ ... طاهر برفت و باز آمد و گفت: حاجب بزرگ می‌گوید که بیستگانی لشکر تا آخر سال به تمامی داده آمده است و سخت ساخته‌اند [بسیار آماده‌اند]، هیچ عذر نتوانند آورد و هر کس را که فرمان باشد، برود. سخت نیکو آمده است، باید گفت حاجب را تا باز گردد.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۴۸/۵)

ب) یکی دیگر از تدابیر راهبردی سلطان مسعود دور کردن و فرستادن برخی از صاحبان قدرت به‌نواحی اطراف و سپردن شحنگی ولایات و سرزمین‌های اطراف تا هم خطر شورش و قدرت‌طلبی آنان را خنثی کند و هم آنان را با پرداخت پاداش و نیرو راضی نگه‌دارد. ضمن اینکه عمومی خود^۲ را با نواخت و لشکر به‌سوی بست می‌فرستد: «سلطان مسعود او

^۱ پیوستن آنان به سپاه علی تگین

^۲ امیر عضدالدوله یوسف

را بناخت و خلعتی گرنامه داد و گفت: به مبارکی برو، و چون ما از بلخ حرکت کنیم سوی غزنین، پس از نوروز ترا بخواهیم، چنانکه با ما تو برابر به غزنین رسی [تو همزمان با ما به غزنین می‌رسی]» (همان: ۵۷)

ج) یکی از تدابیر راهبردی سلطان مسعود، کنار گذاشتن و حذف پدیران بود. مسعود این کار را از طریق افرادی انجام داد که به خون پدیران تشنه‌اند. «و گردنان [صاحبان قدرت] چون علی قریب و اریاق و غازی همه برافتادند، خوارزمشاه آلتوناش مانده است که حشمت و آلت و لشکری دارد، اگر او را برانداخته آید و معتمدی از جهت خداوند آنجا نشانده آید، پادشاهی‌ای بزرگ و خزانه و لشکر بسیار برافزاید.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۷/ ۴۵۶)

د) مسعود مجبور است برای جلوگیری از بروز فتنه و زیاده‌طلبی اطرافیان به آنها رانت پرداخت کند و سرپرستی و حکومت ولایت‌های اطراف را به بزرگان و اعیان صاحب نفوذ بسپارد: «و شغل درگاه همه بر حاجب غازی می‌رفت که سپاه سالار بود و ولایت بلخ و سمنگان او داشت. و کدخدایش سعید صراف^۱ در نهران با وی مشرف بود که هر چه کردی پوشیده باز نمودی. و هر روزی به درگاه آمدی به خدمت، قریب سی سپر به زر و سیم دیلمان و سپر کشان در پیش او می‌کشیدند و چند حاجب با کلاه سیاه و با کمر بند در پیش و غلامی سی در قفا، چنانکه هر کسی به نوعی از انواع چیزی داشتی.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۶/ ۱۸۸)

ه) یکی دیگر از تدابیر راهبردی سلطان مسعود، جسارت و قاطعیت وی در گفتار و صدور دستورها، و کنار گذاشتن تعارفات است. سلطان مسعود برای تدبیر در امور سرزمین ری، شحنة‌ای را منصوب می‌کند و با صراحت دستورهای لازم را ابلاغ می‌کند: «پس اگر به‌خلاف آن باشد، از ما دریافتن [تلافی] ببینند فراخور آن ... و ناحیت سپاهیان و مردم آن جهانیان را عبرتی تمام است. باید که جوابی جزم و قاطع دهید نه عشو و پیکار، چنانکه بر آن اعتماد توان کرد.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۵/ ۱۸)

و) تنبیه و مجازات سران و فرماندهان نظامی، یکی دیگر از تدابیر زیرکانه در دوران حکمرانی سلطان مسعود بود؛ چراکه این اقدام، باعث درس عبرت گرفتن سایرین می‌گردید: «و چون کار این مرد از حد بگذشت و خیانت‌های بزرگ وی ما را ظاهر گشت، فرمودیم تا دست وی از عرض کوتاه کردند و وی را جایی نشانند و نعمتی که داشت پاک بستند تا دیگر متهوران بدو مالیده گردند [تا افراد گستاخ دیگر به واسطه او تنبیه شوند] و عبرت گیرند» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۷/ ۴۶۹)

ز) سلطان مسعود برای کاستن از محبوبیت یک فرمانده نظامی، لشکری را به فرماندهی آن سپاه‌سالار برای پشتیبانی از نیروهای در حال جنگ می‌فرستد، که البته این ترفند به‌منظور دورشدن فرمانده نظامی از چشم لشکریان و کاستن حشمت و محبوبیت اوست: «[سلطان مسعود] امیر یوسف را با ده سرهنگ و فوجی لشگر به قصدار فرستاد تا پشت جامه‌دار

^۱ . جاسوس مسعود غزنوی

باشد و کار مکران زود قرار گیرد. و این بهانه بود؛ چنانکه خواست که یوسف یک چند از چشم وی و چشم لشکر دور ماند و به قصدار چون شهربندی باشد و آن سرهنگان بر وی موکل.» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۲۵۰/۶)

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شناسایی و کشف ضعف‌ها و قوت‌ها، راهکاری مناسب و کارآمد برای مقابله با مشکلات احتمالی و رسیدن به وضعیت مطلوب است. این اقدام در تمامی زمینه‌ها می‌تواند سرمشقی برای حکمرانی مطلوب در ساختن تمدن اسلامی باشد؛ ضمن اینکه جلوی بسیاری از بحران‌ها و حوادث ناگوار را بگیرد؛ هر چند کتاب «تاریخ بیهقی» بیشتر به‌عنوان یک اثر تاریخی-ادبی مورد توجه است، اما در این مقاله توانستیم از آن به‌عنوان منبع قابل اعتماد و مفیدی برای کسب تجربه و درس‌آموزی در راه رسیدن به حکمرانی مطلوب استفاده کنیم؛ چراکه نویسنده کتاب در اغلب رویدادهای حساس و مهم دوران حکمرانی مسعود غزنوی حضور داشته است؛ بسیاری از آنها را از نزدیک به شکل دقیق مشاهده کرده یا از اشخاص قابل اعتمادی شنیده است.

در این مقاله ضمن شناسایی ضعف‌ها و قوت‌های دوره حکمرانی مسعود غزنوی، متن کتاب «تاریخ بیهقی» بررسی و تحلیل گردید. در بخش پایانی و بر پایه مفاهیم و مثال‌های گردآوری شده، قضایا و گزاره‌هایی به‌شرح زیر به‌دست آمده است:

- وجود افراد منفعت‌جو و مصلحت‌طلب در ارکان حکومت، موجب تضعیف و زوال حکومت می‌شود؛ بنابراین باید در گزینش افراد برای مشاغل حساس بیشتر دقت شود.
- دستورهای مدیران باید قاطع و صریح باشد تا افراد سودجو و فرصت‌طلبی همچون بوسهل زوزنی نتوانند در تصمیم‌گیری‌های حساس دخالت کنند و تاثیر منفی بگذارند.
- بی‌اعتمادی نسبت به مقامات رده بالا و وجود جو بدبینی، ضمن تضعیف روحیه کارکنان تحت امر، میزان کارایی آنان را کاهش می‌دهد.
- دهن‌بینی مدیران باعث سوءاستفاده اطرافیان و مسئولان فرصت‌طلب شده که این ضعف، موجب ایجاد اختلاف در بین سایر مسئولان و بی‌انگیزگی زیردستان می‌شود.
- گریز از خرد جمعی و خودخواهی، همچنین تصمیم‌گیری‌های خودسرانه، پیامدهای ناگواری را در مسیر پیشرفت سازمان و همکاری و تعامل کارکنان به همراه دارد.
- عدم شایسته‌سالاری و به‌کارگیری مسئولان نالایق، موجب خشم عمومی و در نتیجه ناامیدی و بی‌انگیزگی سایر افراد زیرمجموعه خواهد شد.
- تصمیم‌گیری‌های نسنجیده و نابجا به چند دلیل است: حضور افراد نادان و کوتاه‌فکر در سطوح بالای تصمیم‌گیری؛ خودخواهی و خودپسندی مدیران؛ دهن‌بینی بیش‌ازحد مدیران؛ د) عدم آینده‌نگری و فکر نکردن به سرانجام کارها.

- رهبران و فرمانروایان خردمند با اعطای پاداش، تشویق به موقع، داشتن انصاف، حمایت از زیردستان، پوشیده داشتن اسرار و رازهای مردم و راستی و صداقت، علاوه بر کسب مقبولیت، اعتماد آنها را به خودشان جلب می کنند.
- به دلیل برخورداری سلطان مسعود از وزیران و مشاوران کاردان و باتجربه، خطاهای تصمیم گیری وی بسیار کمتر بود؛ چرا که آنان عواقب و پیامدهای اقدام نابجا را سریعاً به سلطان مسعود گوشزد می کردند.
- نمایش اقتدار نظامی مسعود اغلب به دلایل زیر انجام می گرفت: ارتقای میزان منزلت و اعتبار اجتماعی فرماندهان و مدیرانی که برای حکمرانی به قبایل و سرزمین های اطراف اعزام می شدند؛ زهرچشم گرفتن از مخالفان احتمالی در هر شهر و منطقه؛ و ایجاد نوعی مصونیت سیاسی و نظامی.
- با توجه به وسعت قلمرو حکومتی سلطان مسعود، او لازم می دید تا پس از تصرف هر منطقه، شخصی لایق و کاردان را به عنوان جانشین برای فرماندهی آنجا منصوب کند.
- حضور افرادی از نژادها و قومیت های مختلف؛ مخفی کاری در نامه نگاری و خبررسانی ها؛ گروگان گیری فرزندان یا شخص به عوض مسئولیت سپاری و خاموش کردن توطئه؛ پنهان نگه داشتن اختلاف و دشمنی داخلی از جمله نمونه های احتیاط و دوراندیشی سلطان مسعود بود.
- غافلگیری و حمله نظامی در زمان خستگی و تشنگی نیروهای دشمن؛ اعطای پاداش به نیروها برای ارتقای روحیه نظامی؛ دور کردن صاحبان قدرت و آشوبگران به نواحی دوردست؛ کنار گذاشتن و کشتن مخالفان حکومتی؛ پرداخت رانت برای جلوگیری از بروز فتنه و اختلاف؛ تنبیه و مجازات نیروهای بالادست برای درس عبرت گرفتن سایر زیردستان، از جمله تدابیر و اقدامات راهبردی سلطان مسعود بود.
- یکی دیگر از نقاط قوت حکمرانی سلطان مسعود، نیکی و خوش رفتاری با مردم بود؛ هر چند که این اقدامات را اغلب از روی عوام فریبی و برای افزایش محبوبیت و مقبولیت در بین مردم انجام می داد.

۸. پیشنهادها

- مبتنی بر یافته ها و قضایای مستخرجه، پیشنهادهای کاربردی زیر مطرح می شود:
- به منظور تداوم پژوهش و توسعه دانش در این حوزه به پژوهشگر آتی توصیه می شود، پژوهش هایی در ارتباط با سایر ابعاد و محورهای حکمرانی سلطان محمود یا مسعود تهیه و تدوین نمایند.
- به دلیل اهمیت پژوهش های کاربردی به پژوهشگر آتی توصیه می شود، پژوهش هایی در ارتباط ضعف ها و قوت های شخصیت های برجسته و تاثیرگذار در سایر داستان ها و متون ادبی تهیه و تدوین نمایند.

- شناسایی قوت‌ها و ضعف‌ها می‌تواند از بسیاری از بحران‌ها و نابسامانی‌ها پیشگیری کند؛ بنابراین به مسئولان و مدیران عالی‌رتبه پیشنهاد می‌شود تا جهت مدیریت بحران، کاهش ضریب خطاها و پرهیز از تکرار خطاهای گذشته، نهایت استفاده را از شیوه‌های حکمرانی اشاره شده به عمل آورند.

- به دست‌اندرکاران و پژوهشگران در حوزه مستندسازی تجربیات کارکنان توصیه می‌شود، در کنار ثبت موفقیت‌ها و دستاوردها، قوت‌ها و ضعف‌های مسئولان نیز (بدون ذکر نام آنان) برای نسل‌های بعدی ثبت و ضبط شود.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها

- ۱- الوانی، سید مهدی (۱۳۹۱)، مدیریت عمومی. چ ۴۵، تهران: نی.
- ۲- باسورت، کلیفورد دادموند (۱۳۸۷)، تاریخ غزنویان. ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- ۳- بیهقی، محمدبن حسین (۱۳۳۸)، تاریخ بیهقی. به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: سعدی.
- ۴- رضائیان، علی (۱۳۸۳)، اصول مدیریت. تهران: سمت.
- ۵- علی‌آبادی، علیرضا (۱۳۹۲)، مدیران جامعه اسلامی. چ ۱، تهران: امین.
- ۶- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۴)، یادنامه ابوالفضل بیهقی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۷- یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۳)، فرخی سیستانی بحثی در شرح احوال و روزگار و شعرا، چ ۴، تهران: علمی.

ب) مقالات و پایان‌نامه‌ها

- ۱- آقامحمدی، داود (۱۳۸۵)، «گونه‌شناسی تهدیدات احتمالی ناشی از کاهش منزلت اجتماعی نظامیان». فصلنامه مدیریت نظامی، سال هفتم، (۲۲)، ۲۲-۵.
- ۲- اویسی، بهزاد و دیگران (۱۳۹۲)، «بازتاب هدایت و رهبری در آثار ادبی در خصوص سلاطین غزنوی». نشریه جستارهای تاریخی، سال چهارم، شماره اول، صص ۲۵-۱.
- ۳- اویسی، بهزاد؛ رستمی، بتول؛ یاری، سیاوش (۱۳۹۲)، «تحلیل نظام حکومتی محمود و مسعود غزنوی در آثار ادبی-تاریخی براساس نظریه لیکرت». فصلنامه پژوهش‌های تاریخی اصفهان، دوره جدید سال پنجم، صص ۱۲۴-۱۰۵.
- ۴- ثقفی، حسین (۱۳۸۹)، سیاست در زبان تاریخ بیهقی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
- ۵- حجازی، بهجت‌السادات (۱۳۸۷)، «روانشناسی شخصیت در تاریخ بیهقی». مجله کاوش‌نامه، سال نهم، ش ۱۶، ۹-۳۹.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- ۶- شهلائی، ناصر (۱۳۸۶)، «مدیریت استراتژیک در نیروهای مسلح». فصلنامه مدیریت نظامی، سال هشتم، ش ۴، ۱۰۱-۱۴۰
- ۷- شیرازی رومنان، حسن؛ مطلبی کربکندی، محمدعلی (۱۳۹۱)، «تبیین شایستگی‌های اساسی مورد نیاز مدیران سطوح راهبردی کشور». فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال دوازدهم، ش ۴۸، ۹۹-۱۲۶
- ۸- صحرائی، قاسم؛ میرزایی مقدم، مریم (۱۳۹۰)، بی‌اعتمادی در دستگاه مسعود غزنوی و دلایل آن در تاریخ بیهقی، پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، شماره سوم، صص ۱۳۰-۱۱۳.
- ۹- مدنی، سیدمصطفی؛ آبسالان، محمد (۱۳۹۴)، «تاثیر رهبری تحول‌آفرین بر ارتقای توان رزمی در یک سازمان دفاعی». فصلنامه مدیریت نظامی، ش ۵۹، ۳۲-۵۸.
- ۱۰- وفایی قدیمی، رضا؛ اختیاری، زهرا (۱۳۹۴)، «تاریخ بیهقی و علوم نظامی». فصلنامه جستارهای ادبی، ش ۱۹۱، ۸۹-۱۱۴.

بانوان و بازتولید ارزشهای فرهنگی بین‌نسلی

منیر مجرد^۱

۱-دانشیار گروه زمین‌شناسی دانشگاه ارومیه

چکیده

این مقاله به بررسی ویژگی‌های اساسی تمدن نوین اسلامی، به ویژه تعامل آن با فرهنگ، معنویت و نقش زنان می‌پردازد. نوشتار به موضوع کلیدی نقش زنان در تحقق تمدن اسلامی در میان چالش‌های معاصر تمرکز نموده و به دنبال بازتعریف توسعه فرهنگی در این چارچوب است. مسئله اصلی پژوهش شامل درک نقش زنان در توسعه فرهنگی و سهم آنها در پیشرفت تمدن اسلامی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که توانمندسازی و مشارکت فرهنگی زنان برای دستیابی به توسعه اجتماعی و اقتصادی در جوامع اسلامی بسیار مهم است. زنان به عنوان مشارکت‌کنندگان فعال در ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی شناخته می‌شوند و مشارکت آنها منجر به تکامل فرهنگی عمیق‌تر و پیشرفت اجتماعی می‌شود. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه آموزه‌های اسلامی نقش زنان را در پرورش پویایی خانواده و جامعه تأیید می‌کند و در نتیجه به عنوان ستون‌های ثبات فرهنگی و اجتماعی عمل می‌کند. این مطالعه بر نیاز به یک رویکرد یکپارچه برای توسعه فرهنگی که شامل دیدگاه‌ها و نقش‌های زنان باشد، تأکید می‌کند. این گزارش نشان می‌دهد که تقویت عاملیت آموزشی و سیاسی زنان برای پرورش یک جامعه متعادل و دستیابی به توسعه همه‌جانبه حیاتی است. این رویکرد خواستار سیاست‌هایی است که نابرابری‌های جنسیتی را از بین می‌برد و نمایندگی برابر را بر اساس شایسته‌سالاری، در بخش‌های مختلف اجتماعی ترویج می‌کند.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، نقش زنان، توسعه فرهنگی، مشارکت اجتماعی - سیاسی، رهبر انقلاب

۱- مقدمه

از ابتدای تاریخ حیات بشر، زنان به همراه مردان در تمامی عرصه‌های زندگی حضور داشتند. زنانی که با تربیت مردان بزرگ تاریخ استمرار حیات بشر را رقم زدند. بانوان همواره سهم به‌سزایی در تأثیرگذاری بر جوامع مختلف با شئون متفاوتی داشته‌اند. ادیان الهی و به خصوص دین اسلام بر نقش زنان در صحنه خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی تأکید داشته و آن را تکمیل‌کننده نقش مردان در سیر ایجاد تمدن نوین اسلامی دانسته است (محمودی نسب و نیکو خصال، ۱۴۰۰).

تمدن، از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی): پیشرفتی همه‌جانبه (مادی و معنوی) است که دارای دو بخش ابزاری (صنعت و فناوری، علم و اختراع) و اصلی (فرهنگ و سبک زندگی) است و هدف آن، تکامل مادی و معنوی انسان، رسیدن به حیات طیبه و تحقق عبودیت و قرب الهی است (همتی و قمی، ۱۳۹۸). شهید مطهری نیز، تمدن

حقیقی را مجموعه‌ای بر می‌شمارد که ابتدا کمال و استعداد‌های انسان تعریف کنند و بعد کمال جامعه را که همان کمال انسان است مشخص کنند که جامعه در چه نظامی می‌تواند انسان را به نهایت استعداد‌های خودش، به کمال فرهنگی خودش، به کمال معنوی خودش برساند (مطهری، ۱۳۶۹). تمدن خواهی برای انسان یک امر فطری است و انسانها به صورت فطری و غریزی به سوی ایجاد تمدن رانده می‌شود (صمدی، ۱۳۹۶).

مالک ابن نبی، متفکر الجزایری تمدن را اینگونه تعریف می‌کند: «تمدن مجموعه‌ای از عوامل اخلاقی و مادی است که به یک جامعه فرصت می‌دهد برای هر فردی از افراد خود، در هر مرحله‌ای از مراحل زندگی، از کودکی تا پیری، همکاری لازم را برای رشد به عمل آورد و تمدن موجب مصونیت زندگی انسان و تأمین روند حرکت و فراهم آوردن نیازمندی‌های فرد است و همچنین وسیله‌ای است برای حفاظت از شخصیت ملی و دینی او» (سحمرانی، ۱۳۶۹). یوکیچی فوکوتساوا، نویسنده و متفکر ژاپنی تمدن را در اثر برجسته خود تحت عنوان "نظریه تمدن"، بدین شکل توصیف می‌کند: «تمدن چیزی است نسبی که حتی و مرزی ندارد. پیشرفتی است تدریجی از سطح ابتدایی. انسان بنا به طبیعت، حیوانی است اجتماعی. تمدن بسان یک اقیانوس است و نهادهای گوناگون، ادبیات و مانند اینها رودهایی هستند که در آن می‌ریزند و آن را تغذیه می‌کنند. رودهای بزرگ و کوچکی وجود دارند. تمدن همچنین بسان یک انبار است. همه چیزها وارد انبار می‌شود؛ لوازم روزانه، سرمایه و نیروهای انسانی» (فوکوتساوا، ۱۳۷۹). بنابراین در تعریف تمدن می‌توان گفت که شکل خاصی از توسعه انسانی (به صورت اجتماعی) می‌باشد و بر پایه‌های عمومی و مشترک درون جمعی نظیر قوانین و مقررات، هنجارها، ارزشها و باورها و سیستم مدیریت منظم استوار است و تأثیرات آن در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی قابل رؤیت است.

برای ساخت تمدن نوین اسلامی ضروری است که هویت تمدنی در مسیر تعالی و تکامل، باز تولید و تقویت شود و تنها از طریق این است که می‌توان به دست یابی به تمدنی متفاوت از سایر تمدنها امید داشت و این هویت نیز زمانی به طور صحیح شکل می‌گیرد که ریشه در ارزشهای اسلامی ایرانی داشته باشد. بنابراین آنچه که باید در فرآیند تمدن سازی به آن اهمیت داده شود، نقشهایی است که زن در فرایند دست یابی به تمدن بایستی بر عهده بگیرد.

زنان به عنوان عنصری سازنده در جامعه که علاوه بر نقشهای اجتماعی خود، وظیفه‌ی پرورش و تأثیر بر نسلها را دارند تأثیر بسزایی بر جوامع خود می‌گذارند و حتی می‌توانند بر سیر تاریخی جامعه اثر گذار باشند تا جایی که می‌توان سعادت و شقاوت یک جامعه را به دست آنان رقم زد. در طول تاریخ زنان عناصری مؤثر در تغییر ارزشها، باورها و رفتارهای اجتماعی دانسته شده‌اند. زن به واسطه جایگاه تربیتی اش، محور کلیدی خانواده است و خانواده به عنوان مهمترین عنصر نظام اجتماعی و هسته بنیادین تحولات آن، نهاد فعال جامعه ساز تلقی می‌شود؛ بنابراین زن در خانواده نقش بی بدیلی در انتقال تکامل گرایی به افراد خانواده و مهمتر از آن با واسطه به جامعه ایفا می‌نماید. بر این اساس هدف اصلی این مقاله بررسی جایگاه و چگونگی نقش آفرینی زنان در انتقال ارزشها مابین نسلها و ممانعت

از تغییر آنها و یا حتی تبدیل آنها به ضد ارزش در طی زمان باشند. این مهم تنها از طریق استخراج شاخصه های اصلی تمدن اصیل اسلامی مقدور است (کام ور، ۱۳۹۹). این مقوله در دو محور به این مسئله می پردازد. در محور اول به نقش آفرینی زنان امروز در حوزه تربیتی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی پرداخته است تا نقش آفرینی زنان در تمدن نوین اسلامی را نشان دهد و در محور دوم به بررسی جایگاه نقش آفرینی زنان در ادوار تاریخ اشاره دارد تا زنان جامعه با الگوگیری از زنان تاریخ عبرت گرفته و آنان را سرمشق خود در ایجاد تمدن نوین اسلامی قرار دهند.

۲- بحث

۱-۲ فرزندآوری، فرزندپروری و انسان سازی

باید توجه داشت که انسان، وقتی میتواند مأموریت الهی خود را به نحو مطلوب انجام دهد که فرایند "انسان سازی" به شکل صحیحی در مسیر خواست الهی و آرمان اصلی انسانی قرار گیرد. از مراجعه به متون دینی هم درک می شود که زن در این فرآیند از نقش مهم و ممتازی برخوردار است. گویا در وزنی که برای این دو عنصر انسانی، جهت تحقق مأموریت الهی و آرمان نهایی تعریف می شود، خود به خود کفه ی مربوط به زنان سنگین تر است. این نگاه ویژه به زنان، برخاسته از حساسیت نقشها، رسالت و جایگاه ارزشی ایشان است؛ زیرا به همان اندازه که این نقش از حساسیت بیشتری برخوردار می شود، از ایشان انتظار بیشتری می رود. مقام معظم رهبری در خصوص هدف از آمدن انبیای الهی میفرماید که یکی از اهداف آنها که هدفی مهم و اساسی است، انسان سازی است. پیراستن انسان از بدیها، آراستن انسان به نیکیها و فضیلتها. حال که خوب دقت کنیم م یوانیم نقش مادری را در راستای این هدف والای انبیای الهی بخوانیم. بانوان هر جامعه ای هم با پرورش فرزندان در دامن خود در طول انبیا به انسان سازی مشغول می باشند (سیدعلی خامنه ای، ۱۳۹۲).

برای ایجاد یک تمدن نوین اسلامی نیز ابتدا نیاز به نیروی انسانی خواهیم داشت دوم این که آن نیروی انسانی باید افراد پرورش یافته با اخلاق حسنه و توحیدی باشند. قاعداً ما برای ایجاد یک تمدن نیاز به امثال علی اکبرها، ابوالفضلها و شهدای دفاع مقدس و مدافعان حرم خواهیم داشت و این فقط از دستان پرتوان بانوان این جامعه برخوردار است. امام خمینی (ره) در این خصوص می فرماید: اگر شما یک فرزند خوب به جامعه تحویل دهید، برای شما بهتر است از همه ی عالم. اگر یک انسان را شما تربیت کنید، برای شما به قدری شرافت دارد که من نمی توانم بیان کنم... دامن مادرها دامنی است که انسان از آن باید درست بشود. انبیا آمده اند که انسان درست کنند. انبیا مامورند که افراد را - افرادی که بشر هستند و از همین با حیوانات فرق ندارند - که اینها را انسان کنند، تزکیه کنند، مزکی کنند، پاکیزه کنند. شغل انبیا همین است و باید شغل مادرها همین باشد نسبت به بچه هایی که در دامنشان هست تزکیه کنند.

نهاد خانواده مهمترین نهاد هر جامعه است و در جامع هی مدرن و امروزی که سبک زندگی به دلیل ارتباطات گسترده، مدام در حال تغییر و تحول است نقش هایی که به زنان، به عنوان عضوی از جامعه که سبک زندگی آنها بر

جامعه تأثیر به سزایی می تواند داشته باشد، محول می شود، متنوع تر است و با گذشته فرق دارد. مقام معظم رهبری مادر را انتقال دهنده ی فرهنگ و تمدن در سراسر زندگی می خوانند. ایشان در سخنانی می فرمایند که فرزندی که به دوران جوانی رسیده یا از دوران جوانی هم عبور کرده، باز تحت تأثیر عطف و محبت و شیوه های مادرانه است. مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با عقل خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می کند (واحد گردآورنده بیان معنوی، ۱۳۹۷). آری به درستی که مادر پرورش دهنده ی سفیران فرهنگ و تمدن به جوامع دنیا خواهند بود.

۲-۲ نقش اقتصادی

نقش دیگری که برای بانوان در تمدن سازی می توان در نظر گرفت تأثیر به سزای آنان در پیشبرد اهداف اقتصادی جامعه است. اولین نقش اقتصادی یک زن در خانه و خانواده است. از آنجایی که تمام فرایندهای مالی و تصمیمات اقتصادی خانواده مسئولیتی دو طرفه بوده و زن و شوهر هر دو با هم و به یک نسبت در این زمینه مسئول می باشند. باید در تنظیم لیست هزینه های ماهانه هم هر دو با هم حضور داشته باشند. لذا زن در محیط خانواده با طبقه بندی هزینه ها و تشخیص اهمیت آنها و اولویت بندی آنها می تواند به پیشبرد اهداف اقتصادی خانواده کمک شایانی نماید. از دیدگاه اسلام، اولویت نخست برای زن، اشتغال به کارهای خانه و ارائه خدمات خانگی است. البته اینکه زنی بتواند با تلاش دوچندان و از خودگذشتگی فراوان، فعالیت اجتماعی خود را به طور کامل انجام دهد و در اداره ی منزل نیز همه جوانب را رعایت کند و کاملاً موفق باشد، عال است و نمونه های آن در اسلام فراوان است. لذا یک زن در جامعه با نگاه به الگوهای شاخص می تواند هم فعالیت اقتصادی و هم وظایف محوله خانه را به نحو احسن انجام بدهد.

در بیانیه گام دوم انقلاب مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مباحث گسترده ای را عنوان می نمایند. همان طور که مشخص است مخاطب این بیانیه یک گروه یا قشر خاص از جامعه نیست بلکه به همه اقشار جامعه از جمله بانوان نیز مرتبط است. هدف اصلی از صدور این بیانیه نیز همان ایجاد تمدن نوین اسلامی است که در ابتدای آن رهبر معظم انقلاب تأکید می فرمایند که جامعه پردازی، خودسازی و تمدن سازی دومین مرحله از انقلاب اسلامی ماست (سیدعلی خامنه ای، ۱۳۹۲). اقتصاد قوی، نقطه ی قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذ ناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ی ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است.... در مبحث اقتصادی چند مورد که می توان نقش بانوان را در آنان به جدیت دنبال کرد اول استفاده از کالاهای داخلی، دوم بحث تعاونی ها و ایجاد تعاونی امروزه با توجه به ظرفیتهای خاصی که وجود دارد از جمله شبکه گسترده اینترنت هر خانم می تواند در منزل شخصی خود به عنوان یک کارآفرین خانوادگی نمونه اقدام نماید. مقام معظم رهبری در خصوص اشتغال بانوان می فرمایند: اشتغال بانوان از جمله چیزهایی است که ما با آن موافقیم بنده با انواع مشارکتهای اجتماعی موافقم؛ حال چه از نوع اشتغال

اقتصادی باشد، چه از نوع اشتغالات سیاسی و اجتماعی و فعالیتهای خیرخواهانه و از این قبیل باشد؛ اینها هم خوب است.

۲-۳ نقش اجتماعی

مشارکتهای اجتماعی بانوان مسلمان تازگی ندارد و به تقلید از زنان غربی و بر مبنای لیبرالیستی صورت نمی گیرد بلکه پیشینه ای به قدمت ظهور اسلام داشته و با پیروی از الگوهای زنان مبارز مسلمان و بر مبنای اعتقادی دین مبین اسلام بوده است و از معارف ناب کتاب آسمانی جاودان آن، قرآن کریم و سنت نبی اکرم و اهل بیت تغذیه می گردد. احساس مسئولیت بانوی مسلمان نسبت به اوضاع جامعه و ایفای نقش در اصلاح آن برخاسته از نگرش قرآن کریم به جایگاه زن است. زنان هم دوش مردان پس از آشنایی با مفاهیم قرآن کریم و ایمان به ارزشهای اسلامی در عرصه های اجتماع حضور پیدا کردند و همراهی و همدلی خود را با رهبر بزرگ اسلامی اعلان نمودند که یکی از روشن ترین این صحنه ها صحنه ی بیعت با پیغمبر و حضرت امیر مومنان است. شهید مطهری می فرماید: شکل سومی هم وجود دارد و آن این است که زن به صورت یک شخص گرانها دربیاید. هم شخص باشد و هم گران بها؛ یعنی از یک طرف شخصیت روحی و معنوی داشته باشد، کمالات روحی و انسانی نظیر آگاهی داشته باشد و ... از طرف دیگر در اجتماع مبتدل نباشد؛ یعنی آن محدودیت نباشد و آن اختلاط هم نباشد؛ نه محدودیت و نه اختلاط، بلکه حریم مسئله ای است بین محدودیت زن و اختلاط زن و مرد.

رهبر معظم فرمودند که اسلام به معنای واقعی زن را تکریم کرده است. اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه می کند، یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت های زن در داخل خانواده تکیه می کند، به هیچ وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیتهای عمومی مردم منع کردند ... قضیه این گونه نیست؛ هم باید مادر خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند. نقش بی بدیل بانوان در ایجاد انقلابهایی چون انقلاب اسلامی ایران، تونس، بحرین و ... می باشد.

۲-۴ شاخصه های تمدن اسلامی کهن

تمدن اسلامی، با محوریت قرآن و نهضت علمی پیامبر اکرم (ص) در شهر مدینه بنیان نهاده شد و با دستاوردهای مختلفی که در زمینه های گوناگون به دست آورد، توانست جایگاه والایی به خود اختصاص دهد (صمدی، ۱۳۹۹)، به گونه ای که تمدن اسلامی، میراث مشترک همه مردم و ملتهایی است که روزگاری اسلام در سرزمین آنها نفوذ کرد و در ساخت و شکوفایی آن ایفای نقش کردند. به این ترتیب، تمدن اسلامی نه به نژاد خاصی و نه به تمدن خاصی تعلق دارد، بلکه همه گروههای نژادی و قومی را که در پیدایش، رونق، طراوت و گسترش آن نقش داشته اند، را در بر می گیرد (زرین کوب، ۱۳۷۶). همچنان که مقام معظم رهبری، آرمان انقلاب اسلامی را ایجاد تمدن نوین اسلامی معرفی می کند (وجدانی، ۱۳۹۸).

در نگاه امام خمینی (ره)، از اصیل ترین و مهمترین مؤلفه ها و عناصر تمدن اسلامی، می توان به این موارد اشاره کرد: علم و دانش، دین و معنویت، امنیت، سیاست، توکل به خدا، وحدت اسلامی، امت اسلامی و پیشرفت اسلامی (محمدآبادی و یاری دهنوی، ۱۳۹۹). آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، تمدن اسلامی را فضایی می داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است. از آن جایی که تمدن ارتباط مستقیمی با فرهنگ سالم و سازنده دارد برای رسیدن به تمدن صحیح اسلامی، تربیت پسران و دختران جوان براساس معیارهای دینی و اسلامی ضروری به نظر می رسد (پیشگاهی فرد و امیدآوج، ۱۳۸۸). در تعریف مطلق تمدن بطور اعم، اجزاء تمدن عبارتند از خرد سیاسی، همکاری، مهربانی ... و زنان (ونگرو، ۲۰۱۸).

۲-۵ بازتعریف فرهنگ

شهید مطهری، عنصر "فرهنگ" را به منزله روح جاری در کالبد یک ملت می داند و از بین بردن فرهنگ یک ملت را، سبب مرگ تدریجی آن می شمارد که توان پیشرفت را از آن سلب می کند (صمدی، ۱۳۹۶). به فرمایش رهبر انقلاب فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام بخش مردم در حرکات و اعمال آنها است. از آنجا که مبنای توسعه انسانی، فرهنگ است، توسعه فرهنگی زیربنای توسعه همه جانبه و پایدار است به همین دلیل یونسکو سال ۱۹۹۰ را سال فرهنگ نامید و از اعضای خود خواست در پیشرفت و اعتلای فرهنگ کشور خود بکوشند. این رهیافت اجازه میدهد نقش ارزشهای اجتماعی، آداب و رسوم رایج و مسلط شناسایی شود، به عبارت دیگر، فرایند ارتقاء شئون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب را توسعه فرهنگ می نامند که بستر و زمینه مناسب را برای رشد و تعالی انسانها فراهم می گردد (خواجهوی، ۱۳۹۴).

رشد و توسعه اقتصادی و یا سیاسی بدون توجه به ارزشهای والای فرهنگی می تواند موجبات سستی و اعوجاج در اصول اعتقادی و ملی جامعه را فراهم آورد (سعادت، ۱۳۹۲). توسعه فرهنگی نیازمند قبول جذب افراد جامعه از یک سو و آموزش مستمر آنها از سوی دیگر است. این قبول و جذب در صورتی رخ می دهد که افراد آگاهانه آن را بپذیرند و برای خود سودمند بدانند (کر و گلشاهی، ۱۳۹۹). به عبارت دیگر افراد باید احساس کنند که برای تعادل ارتباط خود با محیط ناگزیر از پذیرش آن هستند. زمانی که نوآوری، تغییر، حساسیت به زمان، ارزش دادن به کارهای گروهی و نه فردی، انتقاد پذیری، ارج گذاشتن به آموزش، توجه به شخصیت و حقوق دیگران به یک باور فرهنگی تبدیل شود (خواجهوی، ۱۳۹۴).

۲-۶ جایگاه زنان در تمدن اسلامی

یکی از مهمترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگ اسلامی، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می باشند (قیطاسی و عزیزی، ۱۳۹۹). اکنون نگاه جهان، بیشتر به سوی زنان معطوف شده است زیرا امروزه برای تحقق توسعه اجتماعی، تسریع فرایند توسعه اقتصادی و محقق شدن عدالت اجتماعی، چنانچه به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، قطعاً تاثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت (چتری، ۱۳۹۶). بر پایه نگرش توحیدی اسلام، رسالت تاریخی زنان به معنای حضور آنان در تغییر ارزشها و ارتقای تفکرات و تعالی رفتار عمومی جامعه به شمار رفته و زنان عناصری موثر در تغییر ارزشها، باورها و اخلاقیات جامعه دانسته می شوند. (یاسری و اخوان نیلچی، ۱۳۹۷). بررسی و شناخت نقش هر یک از زنان و ارزش نهادن به جایگاه آنان باعث تحکیم بیش از پیش بنیان خانواده و به تبع آن تجلی یافتن هر چه بیشتر دستاوردهای ارزشمند معنوی و فرهنگی در سطح جامعه می شود (پاکنیت و همکاران، ۱۳۹۷).

از نظر علمای دین، زنان به عنوان منبع آرامش خانواده و جامعه معرفی شده است چراکه با ارزش قائل شدن به منزلت و شخصیت زن و سپس با یک برنامه ریزی مناسب می توان پیشرفت آن جامعه را از وجوه مختلف تضمین کرد (کر و گلشاهی، ۱۳۹۹). امام خمینی (ره) در این باره می فرماید که ما نهضت خودمان را مدیون زنها می دانیم. زنان، نه تنها در پیروزی انقلاب اسلامی سهم بزرگی ایفا کردند، بلکه در تثبیت نظام جمهوری اسلامی و تداوم انقلاب اسلامی حرف نخست را زدند... زنان مسلمان ایران هم پای مردان و با اطاعت از ولایت فقیه در همه میدان های فرهنگی و مبارزاتی و سازندگی به فعالیت خود ادامه دادند تا به تشکیل نظام اسلامی به رهبری امام خمینی نایل گردیدند و برترین الگو برای زنان مسلمان عصر حاضر شدند (یاسری و اخوان نیلچی، ۱۳۹۷).

رهبری انقلاب مهمترین رسالت جوامع اسلامی را ساختن دنیای مطلوب، و گام برداشتن در راستای ایجاد مراتبی از الگوی تمدن اسلامی در این عصر را نه تنها یک امر لازم، بلکه سرنوشت محتوم و اجتناب ناپذیر امت اسلامی می شمارد. ایشان فرآیند شکلگیری تمدن نوین اسلامی را در پنج مرحله اساسی مطرح نموده اند. بنا بر فرمایشات ایشان، ایجاد تمدن نوین اسلامی، فرآیندی است سلسله وار که حلقه ی اول آن، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی، بعد تشکیل دولت اسلامی، بعد تشکیل جامعه اسلامی و نهایتاً تشکیل امت اسلامی است.

در تمدنسازی اسلامی علاوه بر ایجاد حکومت اسلامی و پرداخت به جنبه های عینی و مادی جامعه، نیاز به اسلامی نمودن جنبه های ذهنی، فرهنگی و معنوی تمدن به عنوان سازه های اصلی تمدن برای ایجاد تمدن نوین اسلامی نیز می باشد. در تمدنسازی اسلامی، نگاه جامع به تعالی بخشی در تمام جنبه های زندگی بشر و نیازهای او لحاظ شده است (همتی و همکاران، ۱۳۹۸). اسلام اگر چه در ذات خود قابلیت تمدنسازی دارد، اما خود تمدن نمی سازد، بلکه این انسانها هستند که با کار و تلاش پیگیر و به کمک دستورات اسلام تمدن می سازند. در واقع کنشگر اصلی در تمامی

ابعاد تمدنسازی، انسان است؛ و آنچه که از صفر تا صد در تمدنسازی اتفاق می افتد، برای انسان و در جهت ایجاد بسترهای رشد و تعالی انسان است (زرودی و برزویی، ۱۳۹۹).

نقش زنان در توسعه فرهنگی رشد و بالندگی زنان پس از بعثت رسول خدا (ص) و در پرتو آیین اسلام، جای تردیدی ندارد و جهت گیری کلی آیات قرآنی، سخنان و سیره پیامبر و اهل بیت ایشان (ع) نیز، عامل اصلی این حرکت تکاملی به شمار می رود (محسنی، ۱۳۹۶). نقش آفرینی زنان در حوزه فرهنگی به معنای تاثیرگذاری آنان در باورها، هنجارها، ارزشها و آداب و رسوم جامعه و همچنین ارتقاء سطح اندیشه جمعی افراد می باشد (یاسری و اخوان نیلچی، ۱۳۹۷).

تاثیرگذاری زنان در چهار سطح قابل تعریف است که در این سطوح زنان نقش کلیدی و اساسی خویش را ایفا می نمایند. الف) منزلت و شخصیت زن: اندیشه های فرهنگی و اجتماعی امام نسبت به زنان از این قاعده مستثنی نیست. ایشان اقتدای به دخت گرامی رسول اکرم (ص) را که آراسته به همه ویژگیهای انسان کامل است، شایسته زن مسلمان می دانند (صحیفه امام). ب) خانواده: خانواده جزء اساسی و بنیادی جامعه و تمدن اسلامی به حساب می آید. خانواده اولین طبقه اجتماعی است که در آن زنان از طریق نقشهای همسری، مادری، خواهری و دختری به ایفای نقش می پردازند. ج) جامعه: مقیاس اجتماعی به کلیه نقش آفرینی های زن فرای نقشهای خانوادگی اطلاق می شود. به عبارت دیگر منظور از اجتماعی در این نگاه خرده سیستمهای آموزشی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است که نظام اجتماعی تعریف می شود (یاسری و اخوان نیلچی، ۱۳۹۷). د) جهانی: زنان از جمله کسانی اند که نقش بسیار مهمی در بنیان نهادن ابعاد توسعه و پیشرفت انسان دارند. شخصیت و هویت انسانها و ارزشها، باورها و اعتقادات آنان نسبت به مسائل مختلف بر منبای پایه و اساسشان شکل می گیرد. همیشه زنانی وجود دارند که در گوشه ای از یک شهر کوچک با انجام یک فعالیت فرهنگی و نفوذ این فعالیتها و انجام مکرر آنها در سایر جوامع، توانسته اند یک جریان جدید و یا یک تحول فرهنگی در سطح جهان ایجاد کنند که تا سالهای سال پایدار مانده است.

زنان به صورت مستقیم (مانند دخالت مستقیم در فعالیتهای فرهنگی مختلف) و غیرمستقیم (مثلا از طریق تربیت فرزندان شایسته در خانه) در توسعه فرهنگی جامعه خویش دخیل و تاثیرگذار هستند. در تعالیم آسمانی اسلام، زن در عرصه حیات انسانی تفاوتی با مرد ندارد. دین اسلام، با کشیدن خط بطلان بر کج رویها و انحرافات تاریخی که قرنهای افکار انسانها را اسیر خود کرده بود، تمدن جدیدی بنا نهاد و درباره مسئله نقش زنان در توسعه فرهنگی، تحولی شگرف ایجاد کرد. اندیشمندان دینی و علمی زیادی اعم از امام علی (ع)، امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب، شهید مطهری، ویل دورانت و... با اسلام درباره مسئله مذکور هم رأی هستند و از نظر ایشان، زنان با یک سازماندهی و برنامه ریزی مناسب به شرط تکریم و دریافت توجه، حمایت و پشتیبانی همه جانبه می توانند نقش به سزایی در توسعه فرهنگی با رویکرد تمدنسازی اسلامی از خانه تا جهان داشته باشند.

مشارکت زنان برای دستیابی به توسعه سیاسی و اقتصادی ضروری است. چون موقعیت زنان در جامعه عمیقاً تحت تأثیر شرایط و سطوح توسعه در کشورها است، هرچه کشورها توسعه یافته تر باشند شکاف بین توسعه یافتگی زنان و مردان کاهش می‌یابد. به عبارتی، بدون توجه به شرایط زنان، دستیابی به توسعه برای هیچ کشوری میسر نخواهد بود. یکی از شاخصهای تأثیرگذار بر روی مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان آموزش و توانمندسازی آنان است. به هر میزان بر روی آموزش و مهارت آموزی زنان برنامه ریزی و سرمایه‌گذاری گردد، اثر مستقیم و غیرمستقیم بر روی مشارکت اقتصادی و سیاسی کشورها دارد (حیدری، ۱۳۹۷).

برخلاف معیارهای توسعه اقتصادی که کمیت پذیرند و از طریق شاخصهایی چون تولید ناخالص ملی، درآمدسرانه، افزایش یا کاهش قدرت خرید، میزان اشتغال و... می‌توان مشارکت نقش زنان و میزان توسعه اقتصادی را در چارچوبهای آماری با محاسبات دقیق مورد ارزیابی و سنجش قرار داد، اما در توسعه فرهنگی یا سیاسی قادر به انجام چنین کاری نیستیم؛ زیرا به علت کمیت ناپذیری عناصرکیفی توسعه اجتماعی نمی‌توان پارامترهای آن را به طور دقیق اندازه‌گیری نمود.

۲-۷ هشدارها

مؤسسه‌های فرهنگی و اتاق فکرهای بیگانه درباره وضعیت زنان در ایران مطالعات گسترده‌ای انجام داده و در بزنگاهها با سوءاستفاده از برخی خلاءها درباره آنان، به بهره‌برداری سیاسی و اجتماعی روی می‌آورند. یکی از گزاره‌ها که توسط اندیشکده مطالعات خاورمیانه به قلم فریبا پارسا (استاد دانشگاه جورج میسون آمریکا) در سال ۲۰۲۰ به چاپ رسیده عبارت است از: "بیش از یک قرن است که زنان ایرانی برای تغییر تلاش کرده و برای آزادی خود مبارزه کرده‌اند. با این حال، بر اساس سیستم موجود در جمهوری اسلامی، آنها همچنان با تبعیض قانونی سیستماتیک و گسترده روبرو هستند. قانون با آنها به عنوان شهروندان برابر در مورد جرم و مجازات، آزادی فردی مانند سفر و کار، و وضعیت شخصی مانند ازدواج، طلاق و ارث رفتار نمی‌کند. زنان ایرانی با وجود موانعی که در حال حاضر با آن روبرو هستند، با سازماندهی، وحدت و هدف مشترک، قادر به تغییر تاریخ و ساختن آینده‌ای جدید برای کشورشان هستند." بنابراین برای ایجاد تمدن اسلامی پایدار لازم است زمینه تبعیض‌های موجود رفع شده و موجبات ایجاد توازن و شایسته‌سالاری بین زنان و مردان در ایران اسلامی به تدریج فراهم شود. چرا که به این تبعیض‌ها در این اندیشکده‌ها اشاره می‌شود: "در ایران، ۹۷ درصد زنان باسواد هستند و بیش از ۶۰ درصد دانشجویان اکنون زن هستند. پیش از این هرگز زنان زیادی به اندازه روزنامه نگار، پزشک، وکیل، مهندس و هنرمند تحصیل نکرده بودند. با این حال، این در نمایندگی برابر در نیروی کار منعکس نمی‌شود. در واقع، تنها ۱۵/۲ درصد از زنان ایرانی شاغل هستند، در مقایسه با ۶۴ درصد مردان، و نمایندگی آنها در زندگی سیاسی حتی کمتر است: در حال حاضر تنها ۱۷ نماینده مجلس زن وجود دارد - در مجموع

فقط ۶ درصد از نمایندگان مجلس - در مجلس ایران که در سال ۲۰۱۶ انتخاب شد. در انتخابات سال ۱۳۵۹ تنها ۴ زن (۱ درصد) به عضویت اولین مجلس جمهوری اسلامی انتخاب شدند."

برخی پژوهشگرها حتی پا را فراتر نهاده و با قدرت بیشتری سعی در القاء وضعیت نامطلوب زنان در ایران را در جامعه جهانی دارند از جمله در اندیشکده زن، صلح و امنیت دانشگاه جورج تاون آمریکا گزارشی از دکتر نینا آنساری در سال ۲۰۲۱ به چاپ رسیده و در آن نوشته شده "زنان در ایران از طریق دستورات قانونی در سیستم آپارتاید جنسیتی گرفتار شده‌اند که آنها را به وضعیت فرودستی تنزل می‌دهد و از حقوق اولیه خود محروم می‌کند. اما، این زنان مقاوم از عقب نگه داشته شدن خودداری می‌کنند و با وجود موانع به گام برداشتن ادامه می‌دهند." این نشان از زنگ خطری است در برابر تحکیم پایه‌های تمدن نوین اسلامی که دشمن هرگاه بخواهد از آن سوء استفاده نموده و زمینه تزلزل تمدن اسلامی را فراهم نمود. قطعاً باید ناظر بر این مسئله چاره‌ای اساسی اندیشیده شود.

۳- جمع بندی

- زنان در تاریخ بشر همواره نقش کلیدی در تربیت و پرورش نسل‌ها داشته‌اند و این نقش در ایجاد تمدن نوین اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- با توجه به تأکیدات دینی و اجتماعی، زنان به عنوان محور خانواده و جامعه، می‌توانند با ایفای نقش‌های مختلف، به انتقال ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی کمک کنند و در پیشبرد اهداف اقتصادی و اجتماعی مؤثر باشند.
- وضعیت زنان در ایران گاهی تحت تأثیر تبعیض‌های قانونی و اجتماعی قرار دارد که مانع از دستیابی به حقوق عدالت محور و مشارکت فعال آنها در جامعه می‌شود. با وجود این موانع، زنان ایرانی با سازماندهی و وحدت، توانایی تغییر وضعیت خود و ساختن آینده‌ای بهتر را دارند. نقش حکمرانی نظام اسلامی در این میان در توزیع دقیق عدالت و کمک به پیاده سازی شایسته‌سالاری علوی بیشتر به چشم می‌آید. در صورت رعایت این مهم می‌توان به جایگاه ظریف و کلیدی بانوان در انتقال مفاهیم فرهنگی بین نسل‌ها و تحقق تمدن نوین اسلامی امید بست.

منابع

- امام خمینی، ر. (۱۳۸۵) صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- پاکنیت، خ.، غلامی نژاد، ف. و عینی میرکوهی، ک. (۱۳۹۷) واکاوی نقش و جایگاه زنان در توانمندسازی معنوی و توسعه فرهنگی از منظر قرآن کریم با تاکید بر آیه ۳۵ سوره احزاب. چهارمین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم.
- پیشگاهی فرد، ز. و امیدآوج، م. (۱۳۸۸) هویت دختران و زنان جوان ایرانی و نقش آنان در تمدنسازی. دانشگاه تهران: نشریه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۳۷-۱۵۷.

- چتری، ش. (۱۳۹۶) نقش فرهنگ و اخلاق اسلامی بر توسعه‌یافتگی شخصیت زن و خانواده. پژوهشهای اخلاقی، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران، سال هشتم، شماره ۲، پیاپی ۳۰، صص ۴۹-۶۶.
- حیدری، ف. (۱۳۹۷) نقش و مشارکت زنان در توسعه پایدار. فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان. سال سوم، شماره بهار.
- خواجوی، ز. (۱۳۹۴) نقش زنان در توسعه فرهنگی. دومین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم: موسسه سفیران فرهنگی مبین.
- دورانت، و. (۱۳۶۸) درآمدی بر تاریخ تمدن، چ ۲، ترجمه احمد بطحایی و خشایار دیهیمی. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- صمدی، ق. (۱۳۹۶) تمدن اسلامی؛ مفهوم، ویژگیها و بایستهها. اولین همایش بین المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی با تاکید بر شهر مقدس مشهد، جامعه المصطفی العالمیه مشهد.
- فوکوتساوا، ی. (۱۳۷۹) نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان، چ ۲. تهران: انتشارات گیو.
- قرآن کریم
- قیطاسی، ش.، عزیزی، ن. (۱۳۹۹) نقش زنان دانشگاهی در توسعه پایدار و همه جانبه. نشریه علمی زن و فرهنگ، صص ۹۷-۱۰۹.
- کام ور، ص. (۱۳۹۹) نقش زنان در شکوفایی تمدن اسلامی. همایش نقش عقلانیت و همگرایی مسلمانان در شکل گیری تمدن نوین اسلامی. جامعه المصطفی العالمیه.
- کر، ا.، گلشاهی، ش. (۱۳۹۹) واکاوی نقش زنان در توسعه فرهنگی با رویکرد تمدن سازی اسلامی از دیدگاه علمای دین و اندیشمندان. همایش نقش عقلانیت و همگرایی مسلمانان در شکل گیری تمدن نوین اسلامی.
- محسنی، ط. (۱۳۹۶) نقش زنان شیعه قرن چهارم هجری در گسترش علوم اسلامی. اولین همایش بین المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی با تاکید بر شهر مقدس مشهد، جامعه المصطفی العالمیه مشهد.
- مطهری، م. (۱۳۵۷) نظام حقوقی زن در اسلام. قم: انتشارات صدرا.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹) ترجمه استاد محمد دشتی. قم: نشریه الهادی.
- وجدانی، ف. (۱۳۹۸) بررسی نسبت میان فلسفه تعلیم و تربیت با تمدن نوین اسلامی و تبیین فلسفه تربیتی مطلوب بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری. مجله آینه معرفت، شماره ۵۹، صص ۱۲۹-۱۵۲.
- یاسری، ز. و اخوان نیلچی، ن. (۱۳۹۷) تبیین الگوی مفهومی نقش آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی. دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۵۲.

Ansary, N. (2021) What Iranian Women Want the World to Know About their History. Georgetown Institute for Women, Peace and Security.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



Parsa, F. (2020) The role of women in building Iran's future. Middle East Institute.
March 24.

Wengrow, D. (2018) How men stole civilization. University College London.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



تمدن نوین اسلامی؛ ریشه‌های تاریخی

محمد رضائی^۱

۱-دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

چکیده

اگرچه لزوم تحقق تمدن نوین اسلامی مطروحه از سال ۱۳۷۹ که در پی صدور بیانیه گام دوم انقلاب مورد تأکید بیشتر قرار گرفت، ناشی از الزامات و نیازهای عصر جدید است و از این نظر با آنچه به‌عنوان تمدن اسلامی در قرون اولیه پس از اسلام شکل گرفته دارای تفاوت‌هایی است، ولی بنیان‌ها و ریشه‌های آن تا حدودی در پیوند با تمدن گذشته دنیای اسلام به‌ویژه ایران فرهنگی است. شکل‌گیری تمدنی شکوفا از دوره باستان و تداوم همراه با تحول و شکوفایی در پی اسلام‌پذیری ایرانیان نشان از امکان بالقوه تمدن‌سازی در قلب دنیای اسلام است. آنچه به‌عنوان دوره شکوفایی تمدن اسلامی شناخته می‌شود و ایرانیان مسلمان نقش محوری و تأثیرگذار در عرصه‌های مختلف آن ایفا نموده‌اند، واجد ویژگی‌هایی همچون اخلاق‌مداری، معنویت ناشی از مبادی دینی، تساهل و تسامح، عقل‌گرایی، توجه به علم و عالمان، ایجاد مراکز علمی و کسب مرجعیت در عرصه‌های مختلف علمی است که به‌عنوان پایه‌های تاریخی در نیل به تمدن نوین اسلامی حائز اهمیت است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای می‌کوشد ضمن بازشناسی مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن اسلامی پیوندی میان گذشته و حال ایجاد و پاسخی به سؤال اصلی بیابد. کدام مؤلفه‌های تمدن اسلامی را می‌توان با توجه به ویژگی‌های عصر حاضر در نیل به تمدن نوین اسلامی مورد استفاده

قرار داد؟

واژگان کلیدی: تمدن، ایران اسلامی، علم، مرجعیت علمی

انتظار، آموزه‌های مهدوی و تمدن سازی نوین اسلامی (با رویکرد آینده پژوهی)

محمد حیدری زاد^۱

۱- استادیار دانشگاه ارومیه

چکیده

در آموزه‌های اسلامی به انسان مؤمن چنین تعلیم داده می‌شود که همیشه با رویکردی آینده‌پژوهانه و با امید فراوان به آینده درخشان و باهدف رسیدن به قلّه‌های کمال در زندگی تلاش نماید. در معارف اهل‌بیت(ع) انتظار فرج، به‌عنوان راهبرد اصلی زندگی مؤمنان منتظر قلمداد می‌شود و اهمیت زیادی دارد به‌طوری‌که سکون و بی‌حرکی در زندگی منتظر واقعی معنا ندارد و تلاش و حرکت در مسیر حق و مبارزه علمی و عملی با ظلم و رساندن جامعه به دست امام صالحان(ع) و تحقق حاکمیت دین در گستره عالم اصل اساسی در باور و عمل مؤمنان است. در نگاهی عمیق به تاریخ درمی‌یابیم که پیوند عاشورا و اربعین و قیام مهدی موعود(عج) درس بزرگ تاریخی اهل‌بیت(ع) برای مسلمانان و شیعیان و آزادگان جهان جهت همراهی با ولی خدا و تحقق حکومت جهانی مهدی موعود(ع) است. و معتقدیم که آموزه‌های مهدویت و انتظار دولت جهانی موعود(عج) این ظرفیت را دارد که تمدن نوین اسلامی را جهانی سازد و بر دولت اسلامی در دوره غیبت کبری بایسته است که این هدف بزرگ را در تمام برنامه‌های خویش دنبال کند و زمینه‌های ظهور قائم آل محمد(ع) را فراهم نماید که ساخت تمدن حقیقی اسلامی به دست باکفایت آن حضرت محقق خواهد شد و انتظار دولت کریمه موعود(ع) به معنای انتظار تبلور حیات طیبه در مقیاس جهانی است.

واژگان کلیدی: انتظار، تمدن نوین اسلامی، مهدویت، راهبرد، آینده‌پژوهی

مقدمه

اسلام یک دین و مکتب تمدن‌ساز است و برنامه کاملی برای همه ابعاد و سطوح و مستویات زندگی بشر را ارائه می‌دهد و برای همه ابعاد زندگی بشر برنامه‌ای منسجم و هماهنگ و منظومه‌ای متناسب با مقتضیات زمان و مکان دارد. اسلام در عین تحفظ بر عمق و اصالت، دارای انعطاف است و می‌تواند، همراه با تحولات جلو آمده و زندگی بشر را اداره کند. اسلام دین جاودانه و معارف آن تمام تاریخی و تمام بشری است لذا در آموزه‌های حکیمانه اسلامی نگاه به آینده و زمینه سازی برای تحقق جامعه آرمانی توحیدی که با ظهور مهدی موعود(عج) و برپایی دولت کریمه و حاکمیت دین برگستره عالم اتفاق خواهد افتاد از بخش‌های اساسی معارف دین و تعالیم روح بخش امامان معصوم(ع) بوده است. به همین منظور در نظام تعلیمی و تربیتی اولیاء الهی ارائه راهبرد انتظار دولت مهدوی و مجاهدت جهت سازی ظهور موعود منتظر یک اصل اساسی در سیره معصومین(ع) بوده است و زندگی مومنان منتظر با آن راهبرد معنا پیدا می‌کند. انتظار در مکتب تشیع یک حالت انسانی است که انسان به خاطر وجود آن، ضمن پیراستن وجود خویش از بدیها و آراستن آن به خوبیها،

در ارتباط مستمر با امام و حجت زمان خویش، همه همت خود را صرف زمینه سازی ظهور مصلح آخرالزمان میکند و در جهت تحقق وعده الهی نسبت به برپایی دولت کریمه اهل بیت - علیهم السلام - با تمام وجود تلاش می کند

۱- تعالیم حکیمانه اهل بیت(ع) در فرهنگ سازی انتظار فرج

در تعالیم انسان ساز اهل بیت(ع) مومن همیشه با نگاه بلند رو به سوی آینده ای روشن و درخشان دارد و هرگز شرایط دشوار او را از امید به جامعه آرمانی و رسیدن به شرایط مطلوب جامعه انسانی باز نمی دارد و با بهره گیری از تعالیم قرآن و آموزه های اهل بیت(ع) همیشه با رویکردی آینده پژوهانه در صدد رسیدن به قله های کمال در تمام ابعاد زندگی می باشد. و سیره اهل بیت(ع) هم چنین روش و سبک زندگی را تعلیم می دهد. و لذا با بررسی حوادث تاریخی و شرایط فکری و سیاسی بعد از شهادت حضرت سیدالشهداء(ع) و نگاه عمیق جامعه شناختی به جامعه اسلامی عصر امویان و عباسیان به انسان این معرفت را می دهد تا هم فضای فکری و فرهنگی آن زمان را بتواند تحلیل درست نماید و هم اقدامات حکیمانه امامان معصوم در هدایت مسلمانان و شیعیان در آن شرایط سخت و پیچیده را مورد ارزیابی قرار دهد تا به این مهم دست یابد که ائمه معصومین(ع) چگونه توانسته اند، با تزریق روح امید و فرهنگ انتظار حرکت آفرین مسلمانان و شیعیان اهل بیت را در بحرانی ترین مقاطع تاریخی و گردنه های بسیار سخت حوادث راهبری نموده و از آن عبور بدهند و با ترسیم جامعه آرمانی مهدوی، فکر و ذکر موحدان و مومنان را به آن خورشید امامت و ولایت و قله نظام توحیدی ارتباط دهند و با ترسیم نقشه راه و راهبرد اصلی زندگی مومنان و مجاهدانه آنان را به مسئولیت تاریخی و ایمانی آشنا سازند تا با حرکتی آگاهانه رو بسوی آینده درخشان با همراهی ولی خدا برای حاکمیت اسلام بر کل جهان گام بردارند(علی بنائی، محمدهادی قاسمی(۱۴۰۳)، ص ۶۳)

بر اساس معارف اهل بیت(ع) امام حسین(ع) منجی دین اسلام است و هدف قیام آن حضرت با نهضتی خونین برای احیاء دین و اقامه حدود الهی و زدودن بدعت ها و حاکمیت بخشیدن اسلام در کل عالم بود همان اهدافی که منجی عالم مهدی موعود(عج) آن را محقق خواهد ساخت. پیروان اهل بیت(ع) با نگاهی به قیام خونین حسینی از یک سو و با نگاهی به حکومت جهانی مهدوی از سوی دیگر، آن دو را حقیقت واحد در امتداد تاریخ می بینند و با تمام وجود برای باورند که منجی عدالت گستر حقیقی امام زمان(ع) که از نسل پیامبر اسلام(ص) بوده و دوازدهمین امام معصوم شیعیان است، وقتی ظهور می کند بر سنت جد خود عمل نموده و عدالت را به معنای واقعی در جهان برقرار می کند و ریشه های ظلم و جور و نفاق را از ریشه بر خواهد کند. چنانکه در زمان حاضر مشاهده می شود ارتباط معنوی زائران اربعین حسینی با حضرت مهدی موعود(عج) و اظهار ارادت و یادآوری آن حجت الهی در کل مسیر پیاده روی اربعین از یک معرفت

و آمادگی کامل جهت کمک به ولی خدا جهت تحقق اهداف توحیدی و قیام جهانی آن حضرت حکایت دارد. و این حقیقت را به نمایش می گذارد که جهانیان به حرکت بزرگ بسوی ظهور و برای همراهی با ولی خدا آماده می شوند

بر اساس تعالیم حیات بخش اهل بیت(ع) که در دعاها و زیارت نامه ها و احادیث فراوان موج می زند، انتظار فرج موعود آسمانی پشتوانه قوی برای برپایی حکومت اسلامی و آماده سازی جامعه به لحاظ فکری و علمی و فرهنگی، جهت رسیدن به دوران ظهور است که اوج حرکت کمالی انبیاء و اولیاء الهی و حاکمیت دین اسلام برگستره عالم خواهد بود (لکزائی نجف، شکوفایی عدالت انبیاء در عدالت مهدوی، ۱۰۸) در معارف دینی و قرآنی فرهنگ انتظار اهمیت زیادی دارد و سکون و بی تحرکی در آن راهی ندارد و تلاش و حرکت در مسیر حق و مبارزه علمی و عملی با ظلم و رساندن جامعه به دست کسی است که توانایی اجرای عدالت به معنای حقیقی را دارد.

اربعین امام حسین(ع)؛ تجلی انتظار است، ظهور حضرت مهدی (عج)، سرآغازی است بر انقلابی بزرگ، گسترده و فراگیر در راستای انتقام از همه ستم دیدگان تاریخ به ویژه حسین بن علی (ع) با شعار خونخواهی از شهید کربلا به عنوان نماد مظلومیت حق در طول تاریخ، که همه بنیانهای اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی بشر را دگرگون می کند. این دگرگونی بزرگ در جهان هستی - همانند قیام و نهضت همه پیامبران و شایستگان - که به طور عمده با اسباب و علل طبیعی شکل می گیرد، نیازمند فراهم شدن شرایط و زمینه هایی بایسته و شایسته است. حضور مردم در این انقلاب از شرایط برجسته این شکل گیری است. نتیجه این که پیوندهای گسترده در شخصیت دو امام مظلوم و امام موعود و مشترکات فراگیر در زمینه ها و اهداف و فرایند قیام، برای زائران اربعین درس های فراوانی از جهت شناسایی راهبردهای امام یآوری دارد زیرا بر اساس روایات، آستانه ظهور، شباهتی تام با زمان قیام سیدالشهدا (ع) دارد و جریان باطل در آستانه هر دو قیام چنان فراگیر می شود که خطر دورافتدگی از امام غائب را مانند بازماندگان از یآوری سیدالشهدا (ع) احتمال می رود. (سیدنژد، صادق (۱۳۸۲)، مجله موعود، ش ۴۲، ص ۴۴)

در تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی ارتباط وثیق فرهنگ انتظار و دولت جهانی موعود(ع) به زیبایی بیان شده است ایشان می فرماید: امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت گستری بیاید و این غلبه ظلم و جور را که همه بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکنند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسان ها بوزاند، تا انسان ها احساس عدالت کنند. این نیاز همیشگی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است؛ انسانی که سر در پیله خود نکرده باشد، به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه می کند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد. این معنای انتظار است. انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی

خدا، حضرت حجت بن الحسن، مهدی صاحب (الزمان صلوات الله علیه و عجل الله فرجه و ارواحنا فداء) تحقق پیدا خواهد کرد (بیانات رهبری در نیمه شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷)

۲- انتظار، راهبرد اصلی اهل بیت (ع) برای زمینه سازی دولت کریمه حضرت مهدی (ع)

با تأمل در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) انسان به این باور می رسد، که امیدآفرینی و الگودهی؛ عصاره روایات دوران ظهور حضرت حجت (ع) می باشد. یک جهت صدور این روایات امیدآفرینی است تا از نگرانی و افسردگی در اثر فشارهای زندگی و بی عدالتی هایی که باعث ناامیدی هستند، نجات پیدا کنیم و نسبت به آینده امیدوار باشیم؛ چراکه امید مایه حیات و ادامه زندگی است

وجهت دیگر روایات، الگودهی است. یعنی اگر می خواهیم زندگی مهدوی داشته باشیم، باید بدانیم زندگی مهدوی دارای چنین شاخص-هایی و تمدن و حکومت مهدوی، دارای چنین ملاک هایی است. در واقع تلاش ما برای رسیدن به زندگی مهدوی، برابر است با دستیابی به چنین شاخصه هایی و این یک نوع جهت دهی و الگودهی است که باید از این جهت دهی و الگودهی استفاده کنیم برای این کار باید نصوص دینی را که برای ما تمدن و حکومت مهدوی را ترسیم می کند، در برابر خود قرار دهیم و چنین وضعیتی را به عنوان یک وضعیت آرمانی در نظر بگیریم. در مرحله دوم، ضعف های خودمان را کم کرده و ظرفیت های محدود خودمان را ارتقاء بدهیم تا به وضعیت مطلوب و آرمانی برسیم. در سیره تعلیمی و تربیتی امامان معصوم به یک برنامه منسجم حکیمانه ای برخورد می کنیم که آن حضرات در سخنان و سفارشات و حتی در دعاها و زیارت نامه های معتبر پیروان خویش را به یک برنامه زندگی پویا و با نگاه آینده پژوهانه توجه داده اند و مومنان را به یک راهبرد حیاتی برای ادامه مسیر زندگی مومنان هدایت فرموده اند امام باقر (ع) و امام صادق (ع) این راهبرد را در زیارت عاشورا و زیارت اربعین امام حسین (ع) به زیبایی طراحی و به مسلمانان و پیروان اهل بیت و موحدان عالم ارائه و تعلیم داده اند و شاید رمز تأکید بر این دو زیارت از سوی امامان معصوم و ثواب عظیم بر این دو زیارت بخاطر این باشد که شیعیان و دوستان امام حسین (ع) همیشه با این راهبرد زندگی کنند یعنی تمام اندیشه ها و حرکات و رفتارهای خود را با امام هماهنگ نمایند. در زیارت عاشورا می خوانیم «انّی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حربکم» و همچنین در فراز دیگر آمده است «و اسئله ان یبلغنی المقام المحمود لکم عندالله و ان یرزقنی طلب ثاری مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم» (بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۹۲) در این فراز مومن منتظر از خداوند سبحان می خواهد که او را به مقام محمود برساند که همان مقام معیت با امام جهت خونخواهی از ثارالله به همراهی با امام حی قائم است.

پیوند عاشورا و اربعین و قیام مهدی موعود (عج) درس بزرگ تاریخی اهل بیت (ع) برای مسلمانان و شیعیان و آزادگان جهان برای حرکت بزرگ جهانی جهت تحقق دولت کریمه قائم آل محمد (ص) است. چنانکه در زیارت اربعین آمده

است « وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم متبع ونصرتی لکم معدّه حتی یأذن الله لکم فمعکم معکم لامع عدوکم» (بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۳۲) در این فراز فرهنگ انتظار به زیبایی تمام بیان شده و راهبرد همراهی با امام و تبعیت از امام و آمادگی کامل برای فداکاری در رکاب امام جهت انتقام از خون سیدالشهداء (ع) و حاکمیت حکومت جهانی به زائر امام حسین (ع) تعلیم داده می‌شود که زندگی خود را با این معرفت ادامه دهد. امام هادی (ع) در زیارت جامعه کبیره که می‌توان آن را شرح تفصیلی و حکیمانه زیارت عاشورا و اربعین حضرت سیدالشهداء (ع) توصیف کرد؛ راهبرد حرکت بسوی ظهور ولی خدا (ع) و برپایی دین در گستره عالم را حکیمانه تبیین فرموده است « وقلبی لقلبکم مسلم ورأیی لکم تبع ونصرتی لکم معدّه حتی یحیی الله تعالی دینه بکم ویردکم فی ایامه ویظهرکم لعدله ویمکنکم فی ارضه فمعکم معکم لا مع غیرکم » (بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۳۰). در این فراز آمادگی کامل مومن منتظر برای نصرت ولی خدا و حرکت به سمت ظهور برای احیاء دین خدا به همراهی و پیشوایی امام به عنوان سبک زندگی مومنان منتظر بیان شده است.

۳- ساخت تمدن نوین اسلامی مسئولیت تاریخی دولت منتظر برای برپایی تمدن حقیقی اسلامی مهدوی (ع)

آموزه های مهدوی به ما این باور را می‌دهد که نظام جهانی مبتنی بر عدالت و صلح و حاکمیت قطعی دین به دست مهدی موعود (عج) برپا خواهد شد و به تعبیر رهبر حکیم انقلاب اسلامی، مهدویت همان چشم انداز نهایی و نقطه مطلوب حرکت به سوی ساخت تمدن اسلامی است؛ چنان که فرمودند: تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد (بیانات رهبری در فیضیه، ۱۴/۷/۱۳۷۹)

بر اساس این باور متعالی همه مومنان و مصلحان و مجاهدان باید آن را به عنوان الگوی کامل سعادت بخش در نظر بگیرند و تمام مبارزات و تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود را جهت رسیدن به آن آرمان مطلوب انجام دهند. یکی از اساسی‌ترین اقدامات در دوره غیبت امام عصر (عج) برپایی نظام اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت رسول خدا (ص) و معارف اهل بیت می‌باشد. امام خمینی (ره) دولت دوره غیبت را که توسط فقیه جامع الشرائط و مومنان منتظر همراه ایشان ایجاد می‌گردد به نام دولت منتظر تعبیر می‌کند که مهم‌ترین وظیفه آن برداشتن موانع ظهور یعنی دولت‌ها و دستگاه‌های مرتبط به نظام‌های طاغوتی از یک سو و زمینه‌سازی مقدمات ظهور از سوی دیگر است که با گسترش فرهنگ و معارف دینی در جامعه و تعمیق ارزش‌های توحیدی در زندگی و روابط انسان‌ها میسر می‌گردد. از تعلیمات و سفارشات معصومین بر پیروان خود چنین بر می‌آید که شیعیان در دوره غیبت دو وظیفه اصلی دارند اول: کفر به طاغوت و امتناع از مراجعه به طاغوت و حرام دانستن آن. دوم: مراجعه به فقهاء و مجتهدین اسلام شناس جهت اخذ دین و نیازهای شرعی و حل و فصل اختلافات خود از طریق حکم آنان به عنوان نایبان امام عصر (عج) و حجت ایشان بر مردم. نتیجه این دو وظیفه شکل‌گیری رابطه معنا داری بین مردم و نهاد مرجعیت خواهد بود که می‌تواند منشأ تحولات عظیم اجتماعی باشد و سبب انقلاب‌های بزرگ گردد چنانکه در جریان نهضت تنباکو و مشروطیت خواهی و انقلاب اسلامی اتفاق افتاد.

از طرفی فقهاء وعالمان دینی نیز رسالت سنگینی در دوره غیبت امام عصر(ع) دارند که ضمن تبیین معارف واحکام دین به مردم وهدایت آنان جهت دوری از طاغوت وهمراهی با نائبان عام امام زمان (ع) بتوانند با قدرت مردم نظام اجتماعی اسلام را رهبری نموده پایه های تمدن اسلامی را برپا نمایند. واز این طریق به ساخت مدینه انتظار دست پیدا کنند که این مهم مقدمه برای دولت ظهور به محوریت معصوم (ع) باشد.

نکته مهم این است شکل گیری نظام سیاسی اسلامی و ساخت مدینه انتظار نیازمند تحول ژرف و اساسی در فقه است وآن گذار از فقه سنتی به فقه حکومتی و نظام ساز است. فقه حکومتی فقهی است که ظرفیت و توان تمدن سازی را دارد. واز نقش نظاره گری تمدن های موجود که یک نقش انفعالی است خارج می شود. غفلت از فقه حکومتی ریشه تمام اشکالاتی است که به رابطه فقه و تمدن وارد شده است. البته تحقق فقه حکومتی نیز خود وامدار نظام سازی است که زمینه گسترش ابعاد فقه را در سطوح مختلف جامعه فراهم می کند.

در نظامی که فقیه در رأس آن باشد در صورتی امکان اعمال ولایت و خلق تمدن میسر خواهد بود که ساختارها و نهادهای اعمال حاکمیت وروابط حاکم برآن ها بر آمده از فقه و دارای حجّت باشد. فقیه در مصدر حکومت اگر بخواهد به اصدار حکم بپردازد الزاماتی دارد، که مهم ترین آن نظام سازی است. فقه برای نظام سازی در حوزه های مختلف جامعه نیازمند طراحان فقه های مضاف است تا از آفت شرعی سازی وضعیّت موجود که بر پایه نوعی اقتباس از تمدن مادی استوار است برهد. اگر خرده نظام های درون حاکمیت برآمده از فقه نباشد، نظام آن گونه که باید نمی تواند اعمال ولایت نماید و خود را برای ساخت تمدن نوین اسلامی آماده نماید. (سعدی، حسین علی، ۱۳۹۴، مشرق موعود، ش ۳۴، ص ۳۲)

در اندیشه های مقام معظم رهبری بزرگترین وظیفه و فلسفه وجودی نظام اسلامی ایجاد تمدن نوین اسلامی در دنیای مدرن امروز می باشد. تمدن نوین اسلامی از دیدگاه ایشان، پیشرفت همه جانبه ای است که علاوه بر در نظر گرفتن شرایط مطلوب برای پاسخگویی به نیازهای طبیعی انسانها، به ابعاد معنوی و روحی آنان نیز توجه نشان میدهد. و جامعه را در سطح جهانی به مسئولیت بزرگ آخرالزمانی توجه می دهد

مقام معظم رهبری در تعریف تمدن نوین اسلامی میفرماید:

تمدن نوین اسلامی یعنی آن تمدنی که انسان هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی در آن رشد کند و به سعادت اخروی که خدای متعال برای او پدید آورده است، دست یابد. زندگی خوب در تمدن نوین اسلامی، زندگی عزتمندی است که انسان را دارای قدرت، اراده، ابتکار، سازنده جهان طبیعت میداند. تمدن نوین اسلامی هدف نظام جمهوری اسلامی ایران و یک آرمان است (بیانات رهبری در ۱۳۹۲/۶/۱۴)

امروز بحث از تمدن نوین اسلامی نیازمند رویکردی مبتنی بر آینده پژوهی است که عدالت والگوسازی بر مبنای آن، توجه به فرهنگ معنویت در اسلام، و تربیت نیروهای متخصص، متعهد وهمچنین ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی

از حیث تربیتی و فرهنگی می‌توانند به عنوان خصائص فرهنگی و تربیتی و به عنوان پیش‌رانه‌های تمدن نوین اسلامی در نظر گرفته شوند. (حسن نرمانی، غفار زارعی (۱۴۰۰)، ص ۷۱) آموزه های مهدویت و انتظار دولت جهانی موعود (عج) این ظرفیت را دارد که تمدن نوین اسلامی را جهانی سازد و دولت اسلامی دوره غیبت کبری باید این هدف بزرگ را در تمام برنامه های خویش دنبال کند. ما معتقدیم انتظار ظهور منجی و تحقق حکومت جهانی عدل مهدی موعود (عج) که به ساخت تمدن حقیقی اسلامی خواهد انجامید به معنای انتظار تبلور حیات طیبه در مقیاس جهانی است.

نتیجه گیری

یکی از سفارش‌های پایه‌ای قرآن به مؤمنان در برابر دشمنان، به دست آوردن و نگهداری آمادگی آنان است. (انفال-۶۰) از این رو آمادگی‌های مناسب هر عصر برای یاری حق در برابر باطل، امری اساسی و بایسته است. از این آمادگی در تعبیر روایات مهدوی و در دوران غیبت با عنوان «انتظار» یاد شده است. البته انتظاری که سازنده، حرکت آفرین برای قیام به حق و ایستادگی در برابر جباران و ستمگران باشد نه انتظاری سکون‌زا و موجب انفعال در برابر ظلم. براساس مبانی مکتب حیات بخش اهل بیت (ع)، قیام جهانی حضرت مهدی (عجل الله فرجه)، برای برپایی حکومت شایستگان بر پایه عدل و قسط است و یاری آن امام بزرگوار، امری ضروری است و برای این یاری، باید مقدمات و زمینه‌هایی فراهم شود. از مهمترین اقدامات در این زمینه، برپایی دولت اسلامی جهت اقامه عدل و حدود الهی و مبارزه با قدرت‌های طاغوتی و ساخت تمدن نوین اسلامی است. البته تعمیق و گسترش فرهنگ انتظار می‌تواند انسان‌ها را برای همراهی با ولی خدا آماده سازد اربعین حضرت سیدالشهداء در سال‌های اخیر جلوه ای از حرکت جهانی به سمت ظهور و یاری حجت خداست که تقویت آن می‌تواند نوید بخش آمادگی انسان‌ها برای کمک به حاکمیت توحید در گستره عالم باشد.

منابع

- سیدنژد، صادق (۱۳۸۲)، ارتباط امام مهدی (ع) با امام حسین (ع)، مجله موعود، ش ۴۲، ص ۴۴
- سعدی، حسین علی (۱۳۹۴)، مشرق موعود، ش ۳۴، ص ۳۲
- مجلسی محمدباقر، بحارالانوار، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ه.ق
- لکزائی نجف (۱۳۸۳)، شکوفایی عدالت انبیاء در عدالت مهدوی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، مجله انتظار
- علی بنائی، محمدهادی قاسمی (۱۴۰۳) پیش‌نیازها و پیش‌رانه‌های تمدن نوین اسلامی، نشریه آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ش ۲، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران
- حسن نرمانی، غفار زارعی (۱۴۰۰)، پیش‌رانه های تربیتی و فرهنگی جهت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، دو فصلنامه آینده پژوهی ایران، شماره ۱، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی،

سبک زندگی دینی منطبق با سیره نبوی در تمدن نوین اسلامی

بهمن نزهت^۱

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه ارومیه

چکیده

یکی از بنیادی‌ترین مقولات نظریه تمدنی و دفاع از ماهیت آن، کارآمدی فرهنگ و اندوخته‌های معنوی و مادی آن تمدن است. یک تمدن قوی عمیق‌ترین لایه‌های فکری و حیاتی مردم خود را در روزگاران مختلف حفظ کرده و در عرصه چالش‌های فکری و فرهنگی، راهکارهای حیاتی و تعیین‌کننده‌ای را پیش روی مردمان خود قرار می‌دهد. فرهنگ و تمدن اسلامی به اذعان تاریخ نویسان جهان از جمله تمدن‌های جهانی است که از آغاز طلوع و ظهور خود تا عصر حاضر توانسته است هویت دینی و ملی مردمان خود را در برخورد‌های تمدنی حفظ نموده، گسترش دهد. فرهنگ و تمدن اسلامی در طول قرون متمادی ضمن این‌که با جامعیت و کفایت خود در ارائه برنامه‌های متعالی برای حیات اجتماعی مردم خود، نقش اساسی داشته، از حیث گستره جغرافیایی نیز توجه ادیان و ملل دیگر را به خود جلب نموده است.

واژگان کلیدی: تمدن اسلام، تمدن غرب، پیامبر اکرم، سیره نبوی

- مقدمه

حکما سبک را اغلب در رابطه با گفتار انسان تعریف کرده و آن را کیفیت و امتیازی می‌دانند که گوینده‌ای به لحاظ برخوردار از الگوی مناسب و شایسته کلام از آن بهره‌مند است؛ یا آن را خاصیت ذاتی کلام دانسته معتقدند هر اثری دارای سبک است؛ حال این سبک ممکن است پست، متوسط یا عالی باشد. برخی سبک را در رابطه با تفکر انسان تعریف نموده آن را «سیمای فکر انسان» می‌دانند که راهی مطمئن برای شناخت خلق و خوی انسان است. با عنایت به این تعاریف در یک تعریف منطقی می‌توان سبک را چنین بیان کرد که سبک، کیف نفسانی است که در نفس حاصل می‌شود و با اندیشه و گفتار و رفتار انسان در ارتباط است. این کیف اگر در نفس به صورت فضایل اخلاقی تثبیت شود از ملکات اخلاقی است و گفتار و کردار و در نهایت زندگی انسان را تعالی خواهد داد. سبک زندگی یک فرد، یعنی شیوه زندگی خاص یک فرد است که مجموعه‌ای از افکار، اعتقادات، برداشتها، آموزه‌ها، رفتارها، حالات و سلاقی فرد در همه امور زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد. چه بسا با سیطره آن بر گروه یا جامعه، عمویت یافته بر جوامع دیگر رسوخ پیدا کند و شمولیت یابد چنان‌که ما در حال حاضر نوع غربی آن را تجربه می‌کنیم. گاهی در مطالعات سبک زندگی آن را در سطوح مختلف از جمله، فردی، موقعیتی (طبقاتی)، ساختار (جغرافیایی) تقسیم بندی می‌کنند و وجه اشتراکشان را در پویا یا ایستا بودن بر اساس ارزشهای فردی می‌دانند.

بنابر این سبک زندگی مجموعه‌ای از ارزشها، نگرشها و رفتارهای افراد است. این معنا در کتاب مفاتیح الحیات آیت الله جوادی اینگونه آمده است که جهاندانی، جهاندار ی و جهان آراییی همان نگرشهای انسان مؤمن به جهان هستی است (جوادی آملی، ۴۷). هر جامعه زمانی میتواند ثمره جهانبینی خود را به دیگران نشان دهد که سبک زندگی او متناسب با باورها و ارزشهایش شکل گرفته باشد، پس ناآشنایی با سبک زندگی، خسارات جبران ناپذیری بر شخص و جامعه وارد میکند.

امروز به دلیل ارتباطات وسیع و گسترده جوامع انسانی و با یک تبلیغات گسترده رسانه‌ای با انواع سلاقی فکری و رفتاری و تنوع سبک زندگی رو در رو هستیم. در عصر حاضر شاهد ظهور انواع مکتبها و نحله‌ها و سبک فکری و زیستی اعم از لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، پزیتویسم، ماتریالیسم، ایدئالیسم، رئالیسم و ... هستیم، اما نکته مهم این که انسان در میان این همه از مکاتب فکری، می بایست فطرتا دست به انتخاب بزند و برای زیست این جهانی خود نیز هدف و غایتی داشته باشد که تا زندگی برای او معنا دار گردد.

معنادار بودن یعنی یک کیفیت متعالی که مورد قبول عقل، وجدان، دین و ایمان انسان باشد. به همین دلیل برای رسیدن به یک سبک نوین زندگی و تمدن ساز نیاز مند شناخت (خود شناسی، هستی شناسی)، اصلاح و تغییر هستیم. تغییر خود یک حرکت است، و در فلسفه حرکت آغاز کمال است. یعنی گذر از یک حال به حال دیگر، دگرگونی از حالت موجود به حالت دیگر که اگر مطلوب باشد موجب کمال بوده، اصلاح صورت می گیرد.

برای مفهوم تمدن در طی قرون متمادی، معانی و تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان ذکر شده است. گاهی توسعاً آن را به شهر نشینی و اقامت در شهر معنی کرده اند. در تعریف اصطلاحی، آن را به مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی معرفی می‌کنند. یا آن را در رابطه با فرهنگ، تعریف می‌کنند. یعنی برقراری نظم اجتماعی برای همکاری و تعاون انسانها با یکدیگر. در روزگار معاصر برخی نیز تمدن را با علم و تکنولوژی به یک معنا تلقی کرده و مشخصه اصلی تمدن را علم و تکنولوژی دانسته اند. در این نوشته منظور ما از تمدن نوین، تمدنی است که در عین حفظ وجهه فرهنگی و معنوی و مادی انسان و جامعه نیل به کمال، رستگاری و سعادت دارد و در مسائل پیشرفته فناورانه روز نیز اهتمام دارد. از این روی تمدن نوین اسلامی با تمدن پیشین اسلامی متفاوت بوده و از حیث هدف و غایت و مبانی در تقابل و متغایر با تمدن غالب عصر حاضر یعنی تمدن غرب است.

- مکاتب و سبک های زندگی نوین

هرچند روش های و سبک های زندگی اجتماعی جوامع پیشرفته امروزی توجه دیگر ملل را به خود جلب کرده و قدرت فناوری آنها مردمان روزگار را به حیرت واداشته است، اما باید توجه داشت که همین جوامع پیشرفته خود دچار مشکلات عدیده‌ای شده‌اند. نزاع و کشمکشهای بین المللی آنها برای جلب منافع، موجب قتل و غارت و خون ریزی و حوادث شومی شده است. این تمدن و سبک زندگی اثبات کرده که در بطن خود اخلاق و صفات ناپسند و رذایلی مثل

حرص، طمع، خودخواهی و غرور، تکبر، نژادپرستی، خونخوار و بی رحمی را دارد و از این روی مدنیت بر ساخته آن نمی تواند یک سبک زندگی جهانی و الگو برای جهانیان ارائه باشد. انسان تا جهان‌شناسی خاصی نداشته باشد به قانون اخلاقی و حقوقی مخصوص نخواهد رسید. انسانی که جهان بینی ملحدانه دارد قوانین اخلاقی و حقوقی را به گونه ای تنظیم می کند که با تأمین لذتها و شهوت‌های او هماهنگ باشد. طرح شعارهایی مانند نان، مسکن، و آزادی در محدوده این جهان‌نگری معنا می یابد و آزادی ناظر به بی اعتنایی به قوانین فراطبیعی و معنوی است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۱۲).

در دین مبین اسلام هستی از یک منبع لایزالی جریان دارد که سراپا خیر محض است، جهان مادی نیز به عنوان یکی از مخلوقات فیاض ازلی می بایست از این خیر بهره مند شده و طبق قانون و ناموس الهی رستگاری کل انسان‌های هستی را رقم بزند. لیکن پیشرفتهای نسبی و جزئی که برخی ملل در مدت کوتاهی بر اساس منافع گروهی و جمعی خاص به آن دست می یابند، پاسخ گوی این نیاز بشری نمی تواند باشد.

از این روی برای رسیدن به آرامش حقیقی و درک حقایق امور و شناخت ارزش و مقام والای انسان باید از طریق حقایق والای دینی و معارف عمیق حاصل از آن، تصورات موهوم را کنار زد.

بعثت پیامبران الهی و نزول کتاب‌های آسمانی، نقش مهم و سرنوشت‌سازی را در دستیابی انسان به این هدف ایفا کرده است. از آنجا که هر فرهنگی دارای مؤلفه‌های متعدد همچون منابع، مبانی، مبادی و ویژگی‌های خاص خود است، لازمه اصلاح فرهنگ و تمدن و دستیابی به فرهنگ مطلوب، ایجاد تغییرات مناسب در منابع، مبانی و ویژگی‌های آن فرهنگ، همراه با بکارگیری روش‌های مناسب می‌باشد. تمدن اسلامی در عصر جدید فناوری نیز که پویایی از ویژگی‌های ذاتی و الهی آن است، با تاسی به سیره پیامبر اکرم و معصومین علیهم السلام کارآمدی خود را در عصر مدرن به جهانیان نشان داده است. منظور از سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این نوشته تعالیم و آموزه‌هایی است که بخشی از آن در قرآن کریم آمده و بخش دیگر تحت عنوان «سنت» که مجموعه اقوال، افعال و تقریر معصوم است که روش زندگی، آداب و سنن حضرت را نیز شامل می‌شود.

کتاب خدا، شخصیت حضرت رسول اکرم و سنت صحیح و عترت پاکش همگی نورند و مؤمنان وحدت و اتحاد خود را در سایه سار این انوار معنوی کسب می‌کنند. چون در دل، ایمان و اندیشه‌ای واحد دارند و به تعبیر قرآن کریم امتی واحدند که هیچ افتراقی در میان‌شان قابل تصور نیست. این مؤلفه‌ها مبانی و منابع بنیادین از حیث جهان بینی، حکمی، فلسفی، چنان غنی هستند که برای برنامه ریزی و اعتلای یک تمدن در عصر حاضر کفایت می‌کند:

حکمت دنیا فزاید ظن و شک حکمت دینی برد فوق فلک

به همین خاطر مسلمانان در ایجاد تمدن نوین اسلامی که ناگزیر همراه با فناوری‌های پیشرفته و متریقی است می بایست سبک زندگی خود را نیز برگرفته از قرآن و سبک زندگی شخصیت پیامبر اکرم که شخصیت عینی انسان قرآنی است اتخاذ نموده، و منطبق با آن عمل نمایند و وحدت و اتحاد خود را حفظ کنند.

- واژگان کانونی و تحلیل مفاهیم

در این بحث با مطالعه کلام گهربار پیامبر اکرم (ص) برخی از واژگان کانونی بر اساس کتب حدیث و کتاب سنن النبی (ص) علامه طباطبایی مورد بررسی قرار گرفتند. واژگانی کانونی، واژگانی هستند که از حیث مفاهیم غنی، وسیع هستند و مصادیق متعددی از فرهنگ را شامل می شوند. در حقیقت ارتباط این واژگان با دیگر مجموعه های زبان و مفاهیم دینی، مجموعه بسیار منسجم و در عین حال گسترده ای را شکل می دهد که در نهایت به صورت ژرفترین و غنی ترین واژه با کیفیتی ظریف و مؤثر رابطه انسان، جهان و خدا را تبیین و تشریح می کند. (رک. ایزوتسو، ۱۳۹۵: ۳). این واژگان در روند شکل گیری تمدن اسلامی بار معنایی متعالی و فحیمی به خود گرفته اند و تفکر و تعالیم پیروان این دین مبین بر اساس آنها شکل می گیرد. توحید، ایمان، تقوا، عدالت، تعلیم و تربیت، علم، ادب و اخلاق، وحدت، عقل و عمل، ایثار و شهادت، حرمت اهل فضل و دانش، تواضع، حیاءورزی، از جمله این واژگان کلیدی هستند. در این بررسی بر مبنای ارتباط میان مفاهیم مورد نظر، گزاره هایی از متن روایات استخراج شد و مفاهیم یادشده در ارتباط با مبانی سبک زندگی بدون هیچ گونه تعصب و جانبداری مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت. همه مفاهیم ضمن این که ارتباط معنایی و وجه مشترک (ملازم هم) میانشان ملاحظه شد، در ارتباط با زندگی روزمره پیوند ضروری و ماهوی دارند و برای زندگی و رستگاری بشر و آرامش او در عصر مدرن امری ناگزیر هستند و جان و روان انسان را برای یک زیست معنادار پرورش می دهند:

جان پرور است قصه ارباب معرفت رمزی برو پیرس و حدیثی بیا بگو

به عنوان نمونه در آداب معاشرت آن حضرت در کتاب ارشادالقلوب آمده است:

«پیامبر صلی الله علیه و آله لباس و کفش خود را وصله می زد و گوسفند خود را می دوشید و با برده غذا می خورد و روی زمین می نشست و از اینکه چیزی از بازار بخرد و به منزل ببرد شرم نداشت و با ثروتمند و فقیر مصافحه می کرد و دست خود را از دست هیچکس نمی کشید تا طرف مقابل دست خود را بکشد و به هر کس که با او روبرو می شد ثروتمند یا فقیر، کوچک یا بزرگ سلام می کرد و هر چه را که به آن دعوت می شد بزرگ می شمرد هر چند که یک خرمای پوسیده می بود. هزینه های بزرگ زندگی او اندک و طبع او بسیار بزرگ و معاشرت او نیکو بود. برخوردار خوش و همیشه بدون اینکه بخندد متبسم و بدون اینکه عبوس باشد همواره اندوهگین، و بدون اینکه خوار و خفیف باشد متواضع و بدون اینکه اسراف کند بخشنده بود. وی بسیار رقت قلب و نسبت به هر مسلمانی مهر و محبت داشت.» (به نقل از سنن النبی، ۷۸)

از این روی ادب و فرهنگی که در جامعه در همه شئون فردی اجتماعی اعم از رفتار، گفتار و پندار و افکار که در جامعه بروز و ظهور می یابد اگر منطبق با روایات و سنن نبی اکرم باشد در امور مربوط به آداب معاشرت، نظافت، تکریم دانشمندان، مسکن و شیوه زندگی با همسایگان، لباس و پوشش، امور زناشویی، خوردن و آشامیدن و آداب عبادی

در عصر حاضر زندگی بسیار تلطیف خواهد شد و امور روز مره با دقت، ظرافت و لطافت خاصی جریان خواهد یافت بدون این که آشفته‌گی و پریشان بر روح و جان آدمی مستولی شود.

- مفاهیم و گزاره‌های مسائل مرتبط با مؤلفه ادب و اخلاق:

واژگان «ادب و اخلاق» یک نمونه از این واژگان کلیدی است که سبک زندگی فرد و اجتماع را رقم می‌زند و در حقیقت از بنیادی‌ترین مولفه‌های تمدن ساز محسوب می‌شود و در یک نگاه کلان به عنوان حقیقت در همه شئون فرهنگی، اجتماعی، پرورشی، سیاسی و اقتصادی سایه انداخته است. حکما و اندیشمندان اسلامی و غیر اسلامی نیز در هر عصری اندیشه‌های فلسفی - اخلاقی را جزو مهمترین مباحث آثار خود ذکر کرده‌اند. این مؤلفه‌های مهم تمدن ساز در کلام گهربار نبی اکرم (ص) با یک مفهوم عمیق و مؤثر در ارتباط با هدف بعثت و فلسفه آن که ترکیه و درآمدن از ظلمات جهل به سوی نور است، آمده است: ادب: صفات فعل انسان است و بعد خارجی دارد. کاری که مورد پسند دین و عقل است و به نیکوترین وجهی انجام شود. اخلاق: صفات نفس انسان است و بعد روحانی انسان دارد، باطنی است.

أَدْبَنِي رَبِّي فَأَحْسِنَ تَأْدِيبِي، مرا خداوند تربیت کرد و نیکو تربیتم کرد. (بحار الانوار، ۱۶ / ۲۱۰)
أِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. همانا من برای به کمال رساندن صفات نیکوی اخلاقی برانگیخته شده‌ام. (بحار الانوار جلد ۶۷ و ۶۸).

امام علی (ع) می‌فرمایند: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَدَبُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَهُوَ أَدْبَنِي، وَأَنَا أُؤَدِّبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ أُورِثُ الْأَدَبَ الْمُكْرَمِينَ: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را خداوند تربیت کرد و او مرا و من مؤمنان را تربیت می‌کنم و برای بزرگواران، ادب به ارث می‌گذارم. (بحار الانوار ۱/۲۶۷/۷۷).

- مفاهیم و گزاره‌های مسائل اخلاقی مرتبط با ایمان و توحید:

یک شاخص اصلی تمدن نوین اسلامی ماهیت ایدئولوژیک و اعتقادی آن است که بیانگر تفاوت ذاتی و ماهوی آن با دیگر تمدنهاست و آن جهان بینی توحیدی این تمدن است.
پیغمبر فرمود: قُولُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، تَفْلِحُوا. (مسند أحمد؛ ۲۵ / ۴۰۴).
توحید یعنی ایمان به خدا و یگانگی خدا - است. بنیاد و اساس تعالیم و آموزه‌های اسلام و دیگر ادیان توحیدی و ابراهیمی است. در رویارویی توحید و شرک، عملاً به تمامی می‌توان تقابل خیر و شر را مشاهده نمود. آثار شرک تباهی و خسران است. امیرمؤمنان در نهج‌البلاغه خطبه توحید می‌فرمایند: «سنگ بنا و گام اول در دین، معرفت خداست و کمال این معرفت، باور داشت اوست. این باور با توحید خداوند به کمال می‌رسد». بازخورد اجتماعی و اخلاقی این اعتقاد برپا شدن حاکمیت الهی و نیز رستگاری در بندگی خدا بودن و عدم سرسپردگی به صاحبان زر و زور است:

ایمان که یک مفهوم کانونی و بنیادین در دین مبین اسلام و ادیان الهی است، نقش مهمی در سعادت و رستگاری انسان و جامعه دارد. حقیقت ایمان را علمی می دانند که به مرتبه قلب و وجدان رسیده و همراه با اطمینان و انقیاد و خضوع است. (امام خمینی، ۸۸). اساس تمدن اسلامی و شاخص عمده‌ی این حکومت عبارت است از استقرار ایمان؛ ایمان به خدا، ایمان به تعالیم انبیاء و سلوک در صراط مستقیمی که انبیاء الهی در مقابل پای مردم قرار دادند. اساس، ایمان است. در اسلام ایمان و عمل دو روی یک سکه و ملازم هم اند تا ایمان ثمره محسوس و سازندگی و موجب پیشرفت جامعه شود:

اساس تمدن اسلامی و شاخص عمده‌ی این حکومت عبارت است از استقرار ایمان؛ ایمان به خدا، ایمان به تعالیم انبیاء و سلوک در صراط مستقیمی که انبیاء الهی در مقابل پای مردم قرار دادند. اساس، ایمان است.

الإيمان معرفة بالقلب و قولاً باللسان و عملاً بالأركان

ایمان، شناخت با دل است و گفتن با زبان و عمل با ارکان. کنز العمال: ۲.

لا يُقبلُ إيمانٌ بلا عملٍ ، و لا عملٌ بلا إيمانٍ

ایمان بی عمل و عمل بی ایمان، پذیرفته نمی شود. (کنز العمال : ۲۶۰).

گاهی مسائل اخلاقی موجب کمال ایمان می شود و موجب رشد و پایداری و تقویت آن می گردد:

حَسَنٌ خُلِقَكَ يَكْمَلُ إيمانَكَ، اخلاقت را خوب کن، ایمانت کامل می شود. (کنز العمال: ۴۱۵۴)

الْإيمانُ شَجَرَةٌ، أصلُها اليقينُ، وَ فَرْعُها التَّقِيُّ وَ نُورُها الْحَياءُ وَ ثَمَرُها السَّخاءُ؛ ایمان درختی است که ریشه اش یقین، شاخه اش تقوا، شکوفه اش حیا و میوه اش سخاوت است (شرح غررالحکم، آمدی، ۴۷/۲).

لا يَسْتَكْمِلُ عبدٌ الإیمانَ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ ما يُحِبُّ لِنَفْسِهِ، وَ حَتَّى يَخافَ اللَّهَ في مِزاجِهِ وَ جِدِّهِ

بنده به کمال ایمان نمی رسد مگر آنکه آنچه را برای خود دوست دارد برای برادرش نیز دوست بدارد (کنز العمال:

۱۰۶)

لا يُؤمِنُ عبدٌ حَتَّى يُحِبَّ لِلنَّاسِ ما يُحِبُّ لِنَفْسِهِ مِنَ الخَيْرِ؛ هیچ بنده ای مؤمن نیست مگر آن که هر خوبی که برای خود

می خواهد برای مردم نیز بخواهد. (شرح فارسی شهاب الاخبار: ص ۳۴۶، باب ششم، ح ۶۳۷)

شایان ذکر است، واژه فرهنگ در ادب فارسی نیز با همان گستردگی مفهومی در معنای ادب به کار رفته و حکیم فردوسی آن را در سطح وسیع معادل دین و آیین و رفتارهای سودمند و مفید انسان که مورد پسند دین و عقل است، قلمداد کرده است:

چو هنگام فرهنگ باشد ترا به دانایی آهنگ باشد ترا

بی آزاری و سودمندی گزین که این است فرهنگ و آیین و دین

(فردوسی، شاهنامه)

- مفاهیم و گزاره های مسائل انگیزشی مرتبط با مؤلفه علم و ایمان و معاش:

روایتی انگیزشی که برای رسیدن به ایمان حقیقی برای انسان نیرو و توان شگفت انگیزه می دهد تا به کسب علم، تحمل و تاب آوری در سختیها و میانه رو در امرار معاش باشد و به هدف خود که تکمیل ایمان است برسد چون ایمان حقیقی سعادت است:

لا یكون المؤمن مؤمنا ولا یستكملُ الإیمانَ حتّٰی یكونَ فیهِ ثلاثُ خصالٍ: اقتباسُ العلم، و الصبرُ علی المصائب، و ترُقُّ فی المعاشِ (کنز العمال: ۸۲۸) مؤمن، مؤمن نیست و ایمان را به کمال نمی رساند مگر سه خصلت داشته باشد: فراگیری دانش، شکیبایی بر گرفتاریها، و اعتدال در معاش.

- مفاهیم و گزاره های مسئله علم مرتبط با مؤلفه حکمت و عمل:

علم: علم سودبخش، هر علمی که برای بشریت مفید باشد و به نوعی در مصالح دینی و دنیوی او نقش داشته باشد از نظر اسلام فراگرفتن آن لازم شمرده شده است.

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ بُغَاءَ الْعِلْمِ؛ دانشجویی بر هر مسلمانی واجب است، همانا خدا دانشجویان را دوست دارد. یا علم، راه بهشت است.

علم منشا همه خوبی هاست:

الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ، وَالْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ؛

دانایی سرآمد همه خوبیها و نادانی سرآمد همه بدی هاست (بحار الأنوار / ۱۷۵)

حکمت: علم و دانشی که حق بوده و هیچ خلل و سستی در آن راه ندارد یا شناخت حقایق چنان که هستند و به قگفته ابن سینا صنعت و فن نظری است تا به واسطه آن نفس به مرحله کمال برسد (دانشنامه اسلامی، ذیل حکمت).

- علم بدون حکمت و خدانشناسی چه بسا سودی به حال انسان و جامعه نداشته باشد

قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبَيْتٍ خَرِبَ فَتَعَلَّمُوا وَعَلَّمُوا وَتَفَقَّهُوا دَلِيٌّ أَنَّ حِكْمَتِي لَيْسَتْ، مَانَد خَانَه ویران است، پس بیاموزید و آموزش دهید، بفهمید.

(ماکس پلانک، دانشمند فیزیک و برنده جایزه نوبل، می گوید اگر علم فیزیک به یک معرفت تمام (حکمت) مستوفای از موضوع خود نرسد، هر فعالیت علمی بی فایده خواهد بود، به نظر علمی موجب سعادت و رستگاری انسان میشود که دانشمند در آخرین لحظه های عمر خود از آن علم ابراز رضایت نماید. او در کتاب «علم به کجا می رود؟» می گوید که مطلوب حقیقی خود را از این اعداد و ارقام در فیزیک نیافتم و در جسجوی علمی هستم که مرا به رستگاری برساند و آن همان حکمت یعنی علم الهی است، علم بدون حکمت چون خانه خرابی است که بر سر انسان آوار می شود. می

گوید. در پایان کار تحقیقات فیزیک از جهانی که همه جنبه حسی داشت به یک جهان واقعی متافیزیک رسیدیم. این سرزمین اسرار آمیز است و حقیقت آن را با نیروی فکر بشری نمی توان دریافت، هر کس که می خواهد معنی حیات را بفهمد بایستی درباره این مساله بیندیشد و تفکر کند و به چیزی برسد (پلانک، ۱۵۰).

عمل صالح و عمل به اندوخته های علمی، دانش بی شمار به صاحبش خواهد داد:

الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ، وَالْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ؛

دانایی سرآمد همه خوبی ها و نادانی سرآمد همه بدی هاست (بحارالأنوار، ۷۴ / ۱۷۵).

مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ وَرَثَةُ اللَّهِ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمَ.

هر کس به آنچه می داند عمل کند، خداوند دانش آنچه را که نمی داند به او ارزانی می دارد

الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ يُلْهِمُهُمُ بِهِ السُّعْدَاءُ وَيَحْرِمُهُمُ الْأَشْقِيَاءُ

دانش پیشوای عمل و عمل پیرو آن است. به خوشبختان دانش الهام می شود و بدبختان از آن محرومند. به قول اهل

حکمت بر اساس چنین مؤلفه های بنیادین اسلامی، جهانی که ساخته می شود برنامه آن بر پایه ارزشهای متعالی خواهد

بود و موجب انگیزه و کنش های مثبت و رسیدن به تعالی و رستگاری است:

زندگی در صدف خویش گوهر ساختن است در دل شعله فرو رفتن و نگذاختن

مکتب زنده دلان خواب پریشانی نیستن از همین خاک جهان دگری ساختن است

- مفاهیم و گزاره های مرتبط با مؤلفه اتحاد و همبستگی:

شخصیت حضرت رسول اکرم (ص) نیز مهمترین موضوع وحدت و اشتراک میان مسلمانان است. حضرت اسوه ایمان،

الگوی اخلاق و ادب و رفتار نیکو است. از حیث علمی با توجه به میراث مشترک و بحث و فحص علمی و منطقی در

مورد وحدت هم در کتاب خدا به آن تاکید شده إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ این است شما که

امتی یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید (انبیاء / ۹۲). «واعتصوا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا (آل عمران /

۱۰۳). و هم در حدیثی معتبر از حضرت رسول اکرم که به حدیث ثقلین مشهور است و حضرت در آن به کتاب خدا و

عترت پاکش تاکید کرده است. إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنْهُمَا

لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

محبت اهل بیت ع در دل اهل سنت است و بوده از میان علما و حکمای اهل سنت افراد بزرگی هستند که با محبت

تمام شاگردی اهل بیت را کرده اند.

نبی اکرم (ص) فرمودند: الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَى دِمَاؤُهُمْ وَ هُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سَوَاهِمُ (کافی، جلد ۱، ص ۴۰۴)

مؤمنان با هم برادرند و خونشان برابر است و در برابر دیگران و دشمن متحد و یکدست هستند.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: لَا تَخْتَلِفُوا، فَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ اِخْتَلَفُوا فَهَلَكُوا (کنز العمال، حدیث ۸۹۴) اختلاف نکنید، آنان که قبل از شما بودند اختلاف کردند و هلاک شدند.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: ... فَأَنْتُمْ أَهْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ بِهِمْ تَمَّتِ النُّعْمَةُ وَاجْتَمَعَتِ الْفُرْقَةُ وَانْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ (الکافی، جلد ۱، ص ۴۴۶)

شما اهل بیت، اهل الله هستید که به برکت شما، نعمت کامل گشته و پراکندگی بر طرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است.

دشمن از حیث قومیتی نیز در سدد ایجاد تفرقه هستند مثلاً مهم جلوه دادن اصالت و نژاد یک قوم در برابر دیگران یا مهم و اصیل جلوه دادن زبان یک قوم نسبت به اقوام دیگر که باز نزاع بر سر این برتری جویی پیش می‌آید و مانع از رسیدن به وحدت دینی و ملی می‌شود. اما حقیقت همه این موارد در این نکته اصلی نهفته است که عامل اصلی انسجام و وحدت هویت قومی و ملی، اسلام ناب محمدی (ص) است، این هر دو مقوله در این دین الهی به وحدت حقیقی می‌رسند و هویت می‌یابند.

- نتیجه

طبق بررسی انجام گرفته بر اساس مفهوم شناسی و واژگان کانونی، در کلام گهربار نبی اکرم (ص) مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با مؤلفه مسائل اعتقادی و دینی، تربیتی، اخلاقی، انگیزشی و رفتاری، اتحاد و همبستگی، خردگرایی و عمل‌گرایی بیشترین فراوانی را نسبت به سایر مؤلفه‌ها به خود اختصاص داده است.

در کلام گهربار نبی اکرم (ص) انسان با سختکوشی در راه باورها و فراتر از جریان عادی زندگی می‌اندیشد و در سبک زندگی اسلامی با تحمل سختیها و دشواری‌ها و داشتن روحیه ایثار و از خودگذشتگی، آگاهانه در مسیر تمدن‌سازی حرکت می‌کند. طبق این الگو ظواهر زندگی، امور تکراری و عاداتی روزمره اهمیت چندانی ندارد. انسان در مسیر حیات طیبه سختیها را برای رسیدن به هدفی والاتر می‌پذیرد. انسان باورمند به آینده روشن، هدفمند به امور می‌نگرد و به یاری دیگران و دفاع از ستمدیدگان می‌پردازد و این مثبت‌اندیشی در امر تمدن‌سازی، جامعه را به سمت فدارکاری و عزت و اهداف الهی و متعالی سیر می‌دهد. نتیجه رعایت ادب و اخلاق و معنویت دینی آرامش و رستگاری انسان است و این نوع رفتار به علم و اندوخته‌های علمی انسان جهت می‌دهد و علم و نتایج حاصل از آن را در خدمت رفاه واقعی و حفظ آرامش روحی و سعادت انسان قرار می‌دهد. این نوع علم در تمدن نوین اسلامی انسان را به خودسازی سوق می‌دهد و هدف از علم آموزشی منفعت‌طلبی و کسب مقام و موقعیت مادی نیست. تعلیم و تربیتی در سبک زندگی اسلامی نخست در تربیت فرزندان و روابط خانودگی، معنا می‌یابد و به واسطه والدین در عمل خود را نشان می‌دهد و اخلاق پسندیده‌ای و ادب و معنویت دینی در رفتار و کردار خانواده نهادینه می‌شود و به جامعه تسری می‌یابد.

فهرست منابع

- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق) *غرر الحکم و درر الکلم*؛ تصحیح مهدی رجایی؛ قم: دارالکتب الاسلامی.
- اقبال لاهوری، محمد (۱۳۸۸) کلیات، نشر نگاه.
- ایزوتسو، توسیهیکو (۱۳۹۴) مفاهیم اخلاقی، دینی در قرآن کریم، ترجمه فریدون بدره ای، انتشاراتفرزان.
- پلانک، ماکس (۱۳۴۷) علم به کجا می رود، شرکت سهامی انتشار.
- حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۷۲) دیوان. نشر صفی علیشاه.
- حرانی ابو محمد بن شعبه (۱۳۶۳) *تحف العقول*؛ بتصحیح و التعليق علی اکبر الغفاری؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۲) شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- طباطبائی محمدحسین (۱۳۷۴) *ترجمه تفسیر المیزان* مترجم محمدباقر موسوی همدانی؛ قم: انتشارات اسلامی.
- عبدالله جوادی آملی (۱۳۹۱) شمس الوحی تبریزی، سیره علمی علامه طباطبائی، انتشارات اسراء. قم.
- عبدالله جوادی آملی (۱۴۰۲) *مفاتیح الحیاء*، انتشارات اسراء، قم.
- علاءالدین علی بن حسام الدین ابن قاضی خان القادری الشاذلی الهندی (۱۴۰۱ق / ۱۹۸۱م). *کنز العمال فی سنن الأئوال و الأفعال*؛ تحقیق بکری حیانی؛ صفوه السقا، الطبعة الخامسة؛ مؤسسه الرسالة.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۳) شاهنامه، انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- کلینی؛ محمد بن یعقوب (۱۳۹۰) *اصول کافی*؛ تصحیح ترجمه و توضیح حسین استاد ولی؛ تهران: دارالتقلین.
- مجلسی محمدباقر (۱۳۸۲) *بحار الانوار*؛ مع تعالیق سید جواد علوی و شیخ محمد الاخوندی؛ چ سوم؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- احمد بن محمد بن حنبل (۱۴۱۹ق / ۱۹۹۱) *مسند احمد*؛ تحقیق شعیب ارنؤوط؛ بیروت: مؤسسه الرسالة،
- مولوی جلال الدین (۱۳۷۳) *مثنوی معنوی* به کوشش توفیق ه. سبحانی؛ تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

توسعه فرهنگی لازمه ایجاد تمدن نوین اسلامی با تأکید بر عقلانیت ارزشی

پریسا قربان نژاد^۱

۱-استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

چکیده

توسعه فرهنگی مبنای همه توسعه‌ها در عصر حاضر است. دنیای پیچیده چالش‌های متعدد آن، انسان‌ها را با وضعیت نابسامان فرهنگی و تفکرات شبه عقلانی مواجه نموده است. از آنجاکه دنیای مدرن بر عقلانیت ابزاری (منفعت) تکیه دارد و بشریت درگیر بحران‌های آخرالزمانی است و اقتناع‌سازی انسان‌ها برای حفظ ارزش‌ها کاری بس دشوار است، لذا تمدن نوین اسلامی به منظور نهادینه کردن ارزش‌ها و هدایت انسان به سوی سعادت و تعالی، به پشتوانه محکم عقلانی و منطقی نیاز دارد. در این میان تقویت «عقلانیت ارزشی» که ویژه فرهنگ و تمدن اسلامی است، می‌تواند امری مؤثر باشد. اینکه چگونه عقلانیت ارزشی را می‌توان به سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی تبدیل کرد؟ سؤال اصلی پژوهش حاضر است. یافته‌ها حاکی از آن است عقلانیت ارزشی پایداری اجتماعی و هویتی را تثبیت و به منظور انتخاب بهتر، فرد را در شناخت ارزش‌ها و اصول اخلاقی کمک می‌کند و توان پاسخگویی به چالش‌های جهانی را دارد. نتایج نشان می‌دهد نظام خانواده، اجتماع و آموزش رسمی در ایجاد این مهارت نقش مهمی دارند و فرهنگ گفتگو و مبادله در محیطی عقلانی، علمی، انتقادی و نوآورانه نقش مستقیم در ورزیدگی عقلانیت ارزشی خواهد داشت. مقاله حاضر به روش تحلیلی در پی پاسخ اولیه به این مسئله است که عقلانیت ارزشی را چگونه می‌توان نهادینه کرد تا حکمت و خردورزی در جامعه نمادسازی شود.

واژگان کلیدی: توسعه فرهنگی، عقلانیت ارزشی، تمدن نوین اسلامی، سبک زندگی اسلامی

مقدمه و بیان مساله:

توسعه فرهنگی در تمدن نوین اسلامی همان سبک زندگی ویژه ای است که انتظار می‌رود مسلمانان در عصر کنونی به عنوان الگوی برتر بدان پایبند باشند و به جهانیان عرضه کنند. مقوله عقلانیت به همراه موضوعات آن از فراخ‌ترین چالش‌های فکری و فرهنگی عصر مدرن است و تمامی هم‌آن در دنیای نوین بر حسن تدبیر حیات استوار است و تنش میان قلمروهای مختلف تحت الشعاع آن، ستیز بین دو نوع عقلانیت ابزاری و ارزش‌شناختی و در نهایت تقابل میان دین و دنیا است.

عقلانیت ارزشی، به مراتب عمیق‌تر از تصمیم‌گیری بر مبنای منافع مادی یا کارایی است. این مفهوم به افراد کمک می‌کند تا انتخاب‌های خود را بر اساس اصول اخلاقی، ارزش‌های انسانی و انتظارات اجتماعی ارزیابی کنند. عقلانیت ارزشی به معنای در نظر گرفتن تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تصمیمات بر روی خود، جامعه و محیط زیست

است. مسئله عقلانیت جایگاه ویژه‌ای در تحلیل‌های اجتماعی دارد. اگر عقلانیت اجتماعی و تاریخی تحلیل نشود. هرگز موانع توسعه فرهنگی رفع نخواهد شد. جامعه‌ای که جنس عقلانیت خویش و گره‌گاه‌های تاریخی آن را نشناسد، نمی‌تواند برای توسعه متوازن و پایدار خویش برنامه‌ریزی کند. مسئله عقلانیت یک مسئله محوری در تحلیل مسئله توسعه فرهنگی در هر جامعه‌ای است. ازینرو برای راه اندازی تمدن نوین اسلامی نخست باید این عقلانیت و انواع مفاهیم و سطوح آن را شناخت و نسبت به کارکردهای درست و نادرست آن آگاه شد. ازینرو هدف از مقاله حاضر تاکید بر این نکته است که صاحب نظران در این عرصه وارد شوند و راهکارهایی برای تبیین عقلانی ارزش‌ها و نهادینه کردن آن ارائه نمایند.

۱- تعریف مفاهیم:

۱-۱ توسعه فرهنگی: «توسعه» مفهومی متعالی است که هدف از آن، ایجاد زندگی پر ثمر برای انسان است (گراوند، ۱۳۹۷، ۱۳۰). این مفهوم با برنامه اسلام نیز هماهنگ است، زیرا رشد و سعادت انسان غایت تمدن اسلامی است. با اینکه در هر تمدنی بدون زمینه‌های مناسب فرهنگی، تحول امکان پذیر نیست (نظرپور، ۱۳۷۸، ۶؛ اسدی، ۱۳۶۹، ۷۸). اما توسعه از نوع «فرهنگی» و با محوریت «انسان» در تمدن اسلامی اهمیت ویژه ای دارد.

«فرهنگ» نیز که باید بستر این توسعه باشد، معانی مختلفی دارد^۱. اما در این مقاله به معنی پرورش عقل گرفته شده با این فرض که «عقل تربیت شده» یا همان «عقلانیت» انسان را به حکمت رهنمون می‌سازد و زمینه ساز ایجاد تمدن می‌گردد. لذا برای تعریف فرهنگ در این مقاله به قول علامه محمدتقی جعفری استناد می‌شود: «فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیتهای حیات مادی و معنوی انسانها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکاملی باشد» (جعفری، ۱۳۷۳: ۷۷). در این تعریف، فرهنگ همسان با عقلانیت ارزشی گرفته شده که التزام به آن توسعه را متوازن و پایدار خواهد نمود (عبیری، ۱۳۷۹، ۲۶).

بر این اساس «توسعه فرهنگی» در اسلام همان ایجاد تحول و خلق ارزشها، روابط اخلاقی و هنجارها بر اساس عقل سلیم برای زندگی پرثمر است و پیاده سازی اصول کلی توسعه، نظیر قانون پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط، افزایش توانایی های علمی، اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه مبتنی بر پویایی عقلانی و خردمندانه است (آشوری، ۷۸، نظر پور، ص ۴۵؛ آگوستین، ۱۳۷۲، ۲۲۶). لازم به ذکر است توسعه فرهنگی یک امر تدریجی است و برای آنکه جامعه‌ای این خط سیر را طی کند، نیازمند تکامل نهادی پیچیده و دراز دامنه‌ای در عقلانیت است (رنانی، ۱۳۹۹، ۴۷) مسلماً تمدن برخاسته از این نوع توسعه از درون نگری و غنای لازم برخوردار خواهد بود.

^۱ - هر چند به معانی دیگری نیز نظیر نیکویی، تربیت و پرورش، بزرگی و عظمت، فضیلت و کار، شکوهمندی، حکمت، هنر، معرفت و علم فقه و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد، آمده است (آشوری ۱۳۵۷: ۳۲-۷۱؛ اقایخشی و دیگران، ۱۳۷۵؛ اختر شهر، ۱۳۸۶، ۹۸). معروفترین و شاید جامع ترین تعریفی که از فرهنگ ارائه گردیده است، متعلق به ادوارد تایلر است که می‌گوید: کلیت درهم تافته ای شامل دانش، دین، هنر، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی از جامعه به دست می‌آورد (همان، ۱۱۲).

۲-۱ تمدن نوین اسلامی: پیشرفت همه جانبه مسلمانان در بخش سخت افزاری و نرم افزاری بر اساس عقلانیت دینی و معرفتی عقلانیت اخلاقی، حقوقی و ابزاری برای سعادت دنیوی و اخروی است (امام خامنه ای؛ ۱۳۹۱/۷/۲۳).

۳-۱ عقلانیت ارزشی: عقلانیت ارزشی ویژه تمدن اسلامی است. همان انتخاب ابزار مناسب برای دستیابی به اهداف ارزشمند است. هدفی دارای عقلانیت ارزشی است که عقل انسان، ارزش اصیل یا ذاتی آن هدف را درک و تصدیق می کند (مبینی، ۱۴۰۲، ۳۵). افکار، اندیشه ها، قضایا و... همه از مقولات ارزشی هستند و چون انسان در انتخاب آنها آزاد است، می توانند عقلایی باشد (صادقی، همایش بین المللی دین و فلسفه خبرگزاری دانشجو ۱۰/۳/۱۳۹۱).

۲- بحث و بررسی:

۲- ۱- انسان، موضوع توسعه فرهنگی در تمدن اسلامی.

موضوع توسعه فرهنگی، انسان است. زیرا شاخص های توسعه ی فرهنگی مانند گسترش آموزش و پرورش، آموزش عالی، ایجاد فضای مناسب برای پژوهش و آفرینندگی فرهنگی و توانایی در شکوفا سازی استعداد انسان ها، سیاست گذاری مناسب در جهت نهادینه کردن بینش علمی و تحقیقی، قانون پذیری، نظم و انضباط و... همه بر محوریت انسان است (ستاریفر، ۹۵).

در تمدن اسلامی نیز انسان محور توسعه فرهنگی است، زیرا نظام معرفتی قرآن جایگاه انسان را تبیین می کند و علوم را در مسیر تعامل و تعالی انسان بکار می گیرد و انطباق عقلانی آن با نیاز فطری انسان را تضمین می کند (آیینه وند، ۱۳۷۹، ۴۱). کنشگر اصلی در تمامی ابعاد تمدن، انسان است تا زمانی که انسان در طراز فرهنگ اسلامی پرورش پیدا نکرده باشد، گام نهادن در مسیر شکل گیری تمدن اسلامی ممکن نیست (غلامی، ۱۳۹۸، ۵۱). بنابراین اسلام برمبنای نظام معرفتی و عقلایی باید انسان را پرورش و بر اساس همان نظام، آماده تعالی نماید

تاریخ پرفراز و نشیب اسلام حاکی از آن است که گرچه پیامبر اسلام (ص) با برنامه الهی و هدف تربیت انسان مبعوث شد، اما پس از ایشان حاکمان وقت به این هدف مقدس توجهی نکردند و تمدن اسلامی نتوانست به سنتی علمی منطبق و همسو با نظام معرفتی و دینی خود دست یابد و از قرن پنجم ق رو به ضعف نهاد. همچنین نخبگان وابسته به حکومت های وقت از طراحی یک نظام معرفتی براساس هستی شناسی و انسان شناسی قرآنی عاجز ماندند که حاصل آن شعوبی گری و اشعری گری شد و به مقابله با عقلانیت و ابداع متفکران انجامید (آیینه وند، ۴۲).

اما از سوی دیگر در بستر جامعه جریان معرفتی و نهاد محور هم که نگاه علوی و راهبری نخبگان را به همراه داشت، شکل گرفت (طبری ۱۹۶۹، ۴۳۵/۵). که تکیه آن بر فهم دینی بود (دینوری، ۱۴۳، ۱۹۶۰). انسان های مومن و معقولی پرورش یافتند که با پرچم عدللت خواهی علوی و نگاه جامع به حیات و هدفداری به تفسیری معقول از اسلام و تاسیس مدنیتی موزون و متعادل دست یافتند که بار عقلانیت آن بر دوش بخش عظیمی از اندیشمندان مومن قرار

داشت «حاصل این نگاه، تمدنی بالنده و حاکمیتی فرخنده بود که بر بنیاد حضور حاکمان حکیم پی نهاده شد. این جریان به عرضه طرح جامعی از اسلام توفیق یافت که بر مبنای آن، عدالت علوی و کرامت انسانی در آوردگاهی از جولان عقل و عرفان و هنر قدسی پدیدار شد» (عزیز، ۱۹۹۷، ۲۱۵). بنابراین تجربه تاریخی نشان می دهد برای پایه ریزی تمدن بالنده ی اسلامی، نهادینه سازی عقلانیت و معنویت در انسان جزء ضروریات است.

مقام معظم رهبری نیز در ذکر شاخصه های تراز برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی از تربیت انسان و نسلی سخن می گوید که داری صفات والای انسانی باشد (خامنه ای، ۱۳۸۳/۷/۱۱). پس به طور کلی توسعه و به طور اخص توسعه فرهنگی وابسته به تربیت انسان های توانمند است که با کسب مهارت عقلانیت بتوانند در گذار به تمدن نوین اسلامی از استفاده از عقلانیت حافظ ارزش ها و سنت ها باشند و آنها را نهادین و نمادین کنند. امروزه نکته اصلی یافتن راهی برای حل این مساله است که چگونه با استفاده از عقلانیت ارزش ها و سنت ها را حفظ و نهادینه کنیم؟ نظر به اینکه در این مقاله محور توسعه فرهنگی، با تمرکز بر رشد عقلانیت انسان تعریف می شود، لذا به عقلانیت و اهمیت آن در بر پایی تمدن نوین اسلامی پرداخته خواهد شد.

۳- مهارت عقلانیت مهمترین گام در توسعه فرهنگی انسان

سیستم های انسانی و اجتماعی برای خلق ارزش و هنجار آفرینی (توسعه فرهنگی) و آرمان سازی باید به توانایی «عقلانیت» مجهز باشند (سجادیه، ۱۴۰۲، ش ۱۲۳، ۱۷۲). زیرا نهادینه سازی ارزش ها و هنجارها تنها با منطق عقلانیت امکان پذیر است. باید توجه کرد که تبدیل عقل به عقلانیت، زمان بر و نیازمند رخ دادن تحولاتی در ساختار فرهنگی جامعه است. در این میان فکر و اندیشه حلقه اتصال زنجیره تحول «عقل به عقلانیت و خردمندی» است. فکر سازوکاری است که به عنوان ابزاری عمل می کند تا انسان یا جامعه انسانی بتواند تحلیل، برنامه ریزی، تصمیم گیری و کشف راه حل کند. هرچه در جامعه ای سازوکارهای اندیشیدن تکامل یافته تر باشد و فناوری فکر و اندیشه در آن پیشرفته تر باشد، فرآیند تبدیل عقل به عقلانیت و عقلانیت به خردمندی سریع تر رخ خواهد داد (رنانی، ۱۳۹۹). و انسان ها به این مهارت مجهز خواهند شد و جزء سبک زندگی اشان خواهد شد.

عقلانیتی که در توسعه فرهنگی مورد توجه است، یک «مهارت» اکتسابی اجتماعی و تاریخی است که باید به عنوان یک امر فرهنگی در انسان پرورش یابد. این مهارت نیازمند تجربه و آموزش در بستر اجتماع است و اقدام به آن بر عهده نظام خانواده، نظام آموزش و نظام اجتماعی است (الستر، ۱۳۱). بخشی از مسیر تکاملی عقلانیت را خانواده و نهادهای اجتماعی از طریق انتقال سنت ها، عادت ها، آداب و رسوم و ارزش ها به انسان منتقل می کنند. این همان وجه تاریخی عقلانیت است. بخشی از آن در فرآیند آموزش رسمی با کسب «داده» و تلاش برای کاربرد «منطق» به منظور تبدیل داده ها به «اطلاعات» و سپس تبدیل اطلاعات به «علم» طی می شود (رنانی، پیشگفتار عقلانیت نهادی، ۴). و فرد در کاربرد عملی قوه عقل، ورزیدگی پیدا می کند. وجه دیگر عقلانیت، وجه اجتماعی آن است. انسان ها در اجتماع و با

یادگیری از رفتارهای دیگران و تعامل با انسان‌های دیگر موفق‌تر و کارآمدتر می‌شوند (تیموری، ۱۳۹۵). در این صورت انسان در انجام هرکاری منطق عقلانیت را به کار می‌بندد و پایبندی بدان جزء خصوصیات انسان می‌شود و انسان در برابر انجام هر امری از اصالت و منطق آن مطلع می‌گردد. در واقع پروژه توسعه فرهنگی پروژه رشد عقلانیت ارزشی در تمدن نوین اسلامی است.

۴- سطوح عقلانیت انسان در تمدن اسلامی:

عقلانیت و خردورزی، بنمایه تمدن اسلامی است. مقام معظم رهبری عقلانیت و خردورزی را یکی از شاخص‌های بارز تمدن اسلامی می‌شمارد «برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود» (بیانات مقام معظم رهبری در عیدمبعث، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹). برای فهم جایگاه عقلانیت در تمدن سازی اسلامی، ابتدا لازم است به سطوح مختلف آن که وجه تمایزش با تمدن غربی است، توجه شود.

۱- سطح اول عقلانیت معرفتی است. این سطح از عقلانیت، به دنبال شناخت فلسفه حیات و موقعیت انسان در آن و شأن عقل در تنظیم رابطه انسان با جهان و خالق هستی و حصول حقیقت توحید است. (امام خمینی، ۱/۱۳۷۸؛ همو ۲/۲، ۱۳۷۹)

۲- سطح دوم عقلانیت، اخلاقی و ارزشی است. عقلی که بایدها و نبایدهای اخلاقی و ارزشها را مطرح می‌کند. شأن عقل در این مورد، به رابطه انسان و اخلاقیات او باز می‌گردد. در این ساحت از عقلانیت، انسان در پی آن است که عمل خود را در مسیر رسیدن به اهدافش، مطابق اخلاق حسنه و ملکات فاضله کند. این نوع از عقلانیت، پایه مجاهده با نفس و کسب خلیات حسنه است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۶).

۳- سطح سوم عقلانیت، ابزاری (عقل معاش) است. کارکرد عقل در اینجا، مهندسی معیشت فردی و اجتماعی بشر است (فروتنی، ۱۴۰۱، ۱۵).

۴- سطح چهارم عالی‌ترین و پیچیده‌ترین سطح بروز عقلانیت در زبان، اخلاق و هنر (سیستم نمادین) است. سنت عقلاء یا حکمت گذشتگان به صورت ضرب‌المثل‌ها و نکات اخلاقی و الگوهای رفتاری به تدریج در یک فرآیند تاریخی در هنر، شعر، زبان و اخلاق ظهور پیدا کرده و منتقل می‌شوند (رنانی، ۱۳۹۹، ۵) در واقع ویژگی مهم سیستم‌های نمادین آن است که منعکس‌کننده قابلیت‌ها و دانش ضمنی انباشتی جامعه هستند که به آنها «خردمندی یا حکمت» می‌گویند. خردمندی یا حکمت پیشرفته‌ترین دستاورد سیستم‌های اجتماعی است. در واقع خردمندی یا حکمت پیشرفته‌ترین سطح الگوی کنش انسانی و اجتماعی را به نمایش می‌گذارد. این حکمت‌ها برخاسته از عقل جمعی و سنتی و ارزشی یک جامعه است (همان، ۴).

۵- عقلانیت ارزشی لازمه توسعه فرهنگی در تمدن نوین اسلامی

سطح دوم عقلانیت «عقل تربیت شده» در مکتب اسلام، عقل تعالی بخش و توحید محور است. انسان را به مقام قرب الهی می رساند. در عین حال قادر به تنظیم محاسبات و مادیات زندگی است. از نظر امام خامنه ای عقلانیت باید بر تمام ارکان نظام حاکم باشد. اما توجه به عقلانیت معرفتی و ارزشی، خاص تمدن اسلامی است. عقلانیت مورد نظر ایشان مبتنی بر تعالیم اسلامی، انقلابی، ارزش های انسانی و اخلاقی، آرمان گرایی و واقع بینی است (فروتنی، ۱۴۰۱، ۲۷). ایشان به تبع امام خمینی عقلانیتی را مورد تأکید و توجه قرار می دهد که تحت تصرف و تربیت شرع باشد نه در اختیار هوی و هوس و امیال نفسانی (خامنه ای، ۱۳۸۰/۱۲/۱). عقلانیت از نظر ایشان یعنی کار سنجیده، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات؛ همچنین توجه به ظرفیت و کارکارشناسی، مطالعه درست و ملاحظه جوانب و آثار و تبعات یک اقدام است (همان، ۱۳۸۱/۸/۶). بنابراین دقت در این بیانات، نشانگر ذکر سبک جدیدی از زندگی تحت عنوان سبک زندگی اسلامی یا سبک زندگی مؤمنانه در تمدن نوین اسلامی است که عقل در آن حاکم و رئیس وجود است و بقیه قوا تحت حاکمیت آن قرار دارند. در این صورت است که عدالت در سرزمین وجودی انسان مؤمن و به تبع آن در جامعه اسلامی حکمفرما خواهد بود و در مسیر سعادت گام خواهد برداشت و تبدیل به الگویی برای همه مردم جهان خواهد شد. ایشان اصل قضیه تمدن سازی نوین اسلامی را درست کردن سبک زندگی، رفتار اجتماعی، اخلاق عمومی و فرهنگ زندگی مطرح کرده اند که عقلانیت ارزشی در آن نقش کلیدی دارد (همان، ۱۳۷۱/۱/۱۲).

عقلانیت ارزشی تحول آفرین و هویت زا است. در واقع ارزش ها، برخی اختلاف ها را حل کرده یا بعضی رفتارها و کنش ها را در جامعه مدیریت می کنند. به طور کلی می توان گفت خود ارزش ها برای حل مسائل تاریخی بشر به وجود آمده اند، پس عقلانیت ارزشی در نهایت معطوف به حل مسئله است. جامعه ای که در آن نهادهای مذهبی و اخلاقی بسیار قوی باشند سهم عقلانیت ارزشی بالاست بنابراین در جوامعی که خصیصه هویت بخش اصلی آنها دین است بخش زیادی از تصمیماتشان مبتنی بر عقلانیت ارزشی است (الستر، ۱۳۷۸، ۷۶).

عقلانیت ارزشی به دلایل متعددی در برپایی تمدن نوین اسلامی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است:

۱. **تصمیم گیری اخلاقی:** تصمیمات اخلاقی در جوامع امروز به خصوص در زمینه هایی مانند کسب و کار، سیاست و محیط زیست اهمیت دارد. عقلانیت ارزشی به افراد و سازمان ها کمک می کند تا تصمیماتی بگیرند که نه تنها به منافع شخصی، بلکه به منافع جمعی نیز توجه داشته باشند (حائری، ۱۳۴۷، ۳۸).
۲. **پایداری اجتماعی:** از آنجایی که عقلانیت ارزشی به توازن میان منافع اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تأکید می کند، می تواند به پیشرفت یک جامعه پایدارتر و عادلانه تر منجر شود. این نوع عقلانیت موجب

می‌شود که تصمیمات به گونه‌ای گرفته شوند که حداقل آسیب را به جامعه و محیط زیست برسانند(همان، ۴۹).

۳. تقویت فرهنگ و هویت اجتماعی: عقلانیت ارزشی می‌تواند به تقویت فرهنگ‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی کمک کند. در جوامعی که ارزش‌ها و اصول اخلاقی به‌درستی شناخته شده‌اند، افراد به انتخاب‌های بهتری دست می‌زنند که منجر به تقویت هویت اجتماعی آن‌ها می‌شود (پناهی، ۱۳۹۴، ۲۲).

۴. پاسخگویی به چالش‌های جهانی: چالش‌هایی مانند تغییرات اقلیمی، نابرابری اجتماعی و بحران‌های انسانی نیاز به رویکردهای جدید و همه‌جانبه دارند. عقلانیت ارزشی می‌تواند به ایجاد راه‌حل‌هایی خلاقانه و پایدار کمک کند(همان، ۱۲۲).

۶- روشهای پیاده‌سازی و کاربردی نمودن عقلانیت ارزشی در تمدن نوین اسلامی

همانگونه که گفته شد عقلانیت ارزشی به معنای ادغام عقلانیت و ارزش‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری و عمل در زندگی فردی و اجتماعی است. پیاده‌سازی این مفهوم نیازمند مجموعه‌ای از روش‌ها و رویکردها است که نباید محدود به یک حوزه خاص شود. این روش‌ها به صورت جامع و نظام‌مند، می‌توانند به تقویت و نهادینه‌سازی عقلانیت ارزشی در جامعه و پایداری تمدن نوین اسلامی کمک کنند

اما مساله اصلی چگونگی پرورش عقلانیت ارزشی میان نسل حاضر و تمدن نوین اسلامی است. زیرا با ورود کشورها به تحولات دنیای مدرن کم‌کم سنت‌ها و ارزش‌های تاریخی-اجتماعی در تعارض با تحولات دنیای مدرن قرار می‌گیرند و بخشی از آنها تضعیف می‌شوند. وقتی ساختارهای سنتی و ارزشی تخریب می‌شود دیگر کمکی به حل مسئله نمی‌کنند. این مرحله‌ای است که برای جوامع در حال توسعه، به‌عنوان «مرحله گذار» نامیده می‌شود. در دوره گذار به علت اقتضائات مربوط به تحولات فناوری و بازارها، بازیگران اجتماعی مجبورند تا حد زیادی به تصمیمات از جنس عقل ابزاری متکی شوند؛ بنابراین سطح عقلانیت ابزاری به‌سرعت بالا می‌رود درحالی‌که سطح عقلانیت ارزشی و سنتی پایین می‌آید که این مورد خطر جدی در مسیر توسعه فرهنگی است(رنانی، ۱۳۹۹، ۴۵).

در مراحل توسعه‌یافتگی که ارزش‌ها و ساختارهای مدرن برآمده از تحولات توسعه شکل می‌گیرد و سازوکارهای نهادینه اجتماعی برای حل مسئله در چارچوب‌های مدرن پدیدار می‌شود، حافظه جمعی این بار در شکل نهادهای مدرن جایگزین روش‌های سنتی و ارزش‌های گذشته می‌شود و ظرفیت آن دوباره شروع به افزایش می‌کند به‌طوری‌که ظرفیت شناخت فردی همزمان با نهادهای مدرن مسئولیت حل مسئله را برعهده می‌گیرند. نکته کلیدی این است که در فرآیند توسعه و نوشتن ارزش‌ها حفظ شوند و به حل مسائل جامعه کمک نمایند. در این دوران حافظه

جمعی با مسائل جدیدی روبرو می‌شود که امکان حل آنها را ندارد و زمان می‌برد که نهادهای جدید شکل بگیرند تا بتوانند آن مسائل را حل کنند (منتظری، ۱۴۰۱، ۳۸). ذیلا روش‌هایی جهت نهادینه سازی عقلانیت ارزشی در جامعه کنونی و تمدن نوین اسلامی پیشنهاد می‌شود:

۱- تبیین و تعریف ارزش‌ها و تحلیل فلسفی و نظری: بررسی ریشه‌های نظری و فلسفی ارزش‌ها و تعریف روشن آن‌ها. شناسایی ارزش‌ها و انجام پژوهش‌ها و نظرسنجی‌ها برای شناسایی ارزش‌های غالب در جامعه و نیازمندی‌ها.

۲- آموزش و تربیت: طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی در سطوح مختلف (مدرسه، دانشگاه، کارگاه‌های عمومی) برای آموزش مفهوم عقلانیت ارزشی و ارزش‌ها. طرح‌های مشاوره‌ای و ارائه مشاوره‌های فردی و گروهی حول محور عقلانیت ارزشی و چگونگی پیاده‌سازی آن در زندگی.

۳- نهادینه‌سازی ارزش‌ها تدوین قوانین و مقررات: قانون‌گذاری در زمینه ارزش‌ها و رعایت آن‌ها در چارچوب‌های اجرایی (مثلاً در نظام‌های حقوقی و سازمان‌ها). جایگزینی و تقویت نهادهایی که ارتقای ارزش‌ها را تسهیل می‌کنند، مانند نهادهای مدنی، مذهبی و اجتماعی.

۴- توسعه زیرساخت‌های فرهنگی رسانه‌ها: استفاده از رسانه‌ها (تلویزیون، رادیو، اینترنت و مطبوعات) برای ترویج ارزش‌ها و فرهنگ عقلانیت. برگزاری رویدادها و مراسم‌ها و برنامه‌های اجتماعی که افراد را به یادآوری و تجلیل از ارزش‌های صحیح دعوت می‌کند.

۵- شکل‌دهی به محیط اجتماعی مشارکت عمومی: تشویق شهروندان به مشارکت در برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی برای ایجاد بسترهای مناسب عقلانیت ارزشی. گفت‌وگوهای اجتماعی گفتگو در فضای باز برای گفتگو و تبادل نظر حول ارزش‌ها و چالش‌های آنان.

خاطر نشان می‌سازد، اصلی‌ترین شاخص توسعه یافتگی جامعه و راه عملی کردن عقلانیت «مهارت گفت‌وگو» در درون و بیرون یک جامعه است. تقریباً همه ویژگی‌های فکری و الگوهای رفتاری و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی که برای توسعه یافتگی وجود دارد بدون وجود مهارت گفت‌وگو در جامعه، امکان تحقق ندارند. مهارت عملی، آمادگی ذهنی و روانی، تلاش جدی برای تحقق گفت‌وگو از مهمترین اقدامات است. «گفت‌وگو خود توسعه است؛ گفت‌وگو یعنی توسعه و ملتی که مهارت گفت‌وگو دارد توسعه یافته است و ملتی که توسعه یافته است مهارت گفت‌وگو دارد. بذر گفت‌وگو در کودکی کاشته می‌شود و مهارت گفت‌وگو در کودکی شکل می‌گیرد.» (رنانی، گفتگوهای توسعه، ۱۳۹۸، ۵۶).

بنابراین فرهنگ گفتگو و مبادله در روندی عقلانی، علمی، انتقادی، نوآورانه و آزاد نقش و تأثیری مستقیم و قاطع در تمدن سازی و به عبارتی دیگر در توسعه در ابعاد مختلف آن دارد. البته چنین ایستارهایی به خودی خود نمی توانند تأثیرگذار باشند و باید به حوزه ساختار در ابعاد اقتصادی - اجتماعی و سیاسی نیز سرایت کنند (موثقی، ۱۳۶۸، ۳۴).

۶- مدیریت تعارضات ارزشی توسعه مهارت‌های حل تعارض: آموزش مهارت‌های حل تعارض و مذاکره برای رسیدن به توافق‌های ارزشی. ایجاد ساز و کارهای مشاوره‌ای کمک به افراد و گروه‌ها برای شناسایی و مدیریت تعارضات ارزشی.

۷- نظارت و ارزیابی توسعه سیستم‌های پایش: ایجاد سیستمی برای نظارت و ارزیابی پیاده‌سازی ارزش‌ها و عقلانیت در سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی. بازخورد و جمع‌آوری بازخوردها از افراد در مورد چگونگی اثرگذاری ارزش‌ها بر تصمیم‌گیری‌ها و عملکردها.

۸- تطبیق با تغییرات اجتماعی تحلیل روندهای اجتماعی: شناسایی تغییرات اجتماعی و فرهنگی و تطبیق ارزش‌ها با آن‌ها. سازگاری و ایجاد انعطاف در رویکردهای عقلانی و ارزشی تا با چالش‌های جدید اجتماعی و فرهنگی هماهنگ شوند.

۹- ایجاد شفافیت و پاسخگویی شفافیت در تصمیم‌گیری: اطمینان از اینکه فرآیند تصمیم‌گیری بر اساس ارزش‌ها و عقلانیت شفاف باشد. مسئولیت‌پذیری و تاکید بر اهمیت پاسخگویی نسبت به تصمیمات اتخاذ شده و چگونگی تأثیر آن‌ها بر افراد و جامعه.

۱۰- توسعه تحقیق و پژوهش تحقیقات کاربردی: انجام تحقیقات برای بررسی تأثیرات عقلانیت ارزشی بر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی. توسعه منابع شناختی: ایجاد و نشر منابع علمی و آکادمیک برای ارتقاء دانش و آگاهی درباره عقلانیت ارزشی
نتیجه:

بررسی‌ها نشان می‌دهد عقلانیت ارزشی به عنوان یک امر فرهنگی برای تبدیل به سبک زندگی اسلامی نیاز به ورزیدگی دارد. این ورزیدگی از طریق آموزش از مراحل کودکی و در سطوح مختلف خانواده، اجتماع و آموزش رسمی قابل اجراست. به نظر می‌رسد برای دست یافتن به این مهارت، اولین و مهمترین قدم ایجاد شوق گفتگو و مهارت آن در درون و برون جامعه است. بدون گفتگو امکان توسعه خصوصاً از نوع فرهنگی امکان پذیر نیست. نهادینه کردن ارزش‌ها نیز نیاز به فضای آزاد و نوآورانه دارد که همواره برای ایجاد تمدن نوین اسلامی گفتگوهای آزاد اندیشی مورد تاکید رهبری بوده است. میراث این حرکت قطعا نمودی به عمق خردورزی خواهد داشت.

منابع:

اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

- آشوری، داریوش، (۱۳۵۷). تعریفها و مفهوم فرهنگ، تهران، انتشارات مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- آیینه وند، صادق (۱۳۷۹). «فتوح تغلبی و فلبی در اسلام»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، سال اول، ش دوم.
- اسدی، علی، (۱۳۶۹). «جامعه شناسی توسعه»، نشریه علمی فرایند توسعه، دوره ۴، شماره ۱.
- اشکذری، محمدجمال (۱۳۸۶) «شاخص های توسعه انسان محور در جامعه مطلوب و آرمانی اسلام»، فصل نامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ۷ شماره ۲۸.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۴) «توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی»، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال ۳، شماره ۲۲.
- تیموری، عباد (۱۴۰۱) عقلانیت نهادی، تهران، انتشارات طرح نو.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- جمشیدی ها، غلامرضا؛ نادى زینب (۱۳۹۸) «بررسی عقلانیت ارزش شناختی و چگونگی حصول آن در اندیشه ماکس وبر تجزیه و تحلیل منطقه خاکستری»، مجله جامعه شناسی ایران، سال بیستم، ش ۳.
- حائری یزدی (۱۳۴۷). مهدی. کاوشهای عقل نظری، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ای.
- حسینی خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۷) بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران .
- دینوری، ابوحنیفه، (۱۹۶۱). اخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره، دارالاحیاء الکتب العربیه.
- ستاریفر، محمد (۱۳۷۴). در آمدی بر سرمایه و توسعه، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- الستر، یون (۱۳۹۸). عقل و عقلانیت، مترجم محسن رنانی، تهران، انتشارات نور.
- طبری، محمدبن جریر (۱۹۶۹م). تاریخ الامم والملوک، قاهره دارالمعارف.
- عزیز، سیدجاسم (۱۹۹۷)، علی بن ابی طالب سلطه الحق، بغداد، دارالاحیاء التراث.
- غلامی، رضا (۱۳۹۶). فلسفه تمدن نوین اسلامی، تهران، انتشارات سوره .
- فروتنی، زهرا و بحرانی، (۱۴۰۱). «عطیه مفهوم و نقش عقلانیت در انقلاب و تمدن نوین اسلامی از منظر آیه الله خامنه ای، پژوهش های گفتمان تمدن نوین اسلامی سال ۲، ش ۴ .
- گراوند، مجتبی، (۱۳۹۷). «توسعه فرهنگی و بررسی ویژگیها، ابعاد و اهداف آن از دیدگاه امام خمینی»، پژوهشنامه متین سال بیستم، ش ۷۸.
- لاجوردی، سید شهاب؛ معینی پور، مسعود (۱۳۹۹). «جایگاه عقلانیت در شکل گیری مراحل رسیدن به تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی و خامنه ای» فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه، سال ۸ ش ۲۸ .
- مبینی، محمدعلی (۱۴۰۲). «بررسی رابطه عقلانیت ارزشی با عقلانیت معرفتی با تاکید بر نقد دیدگاه هیوم»، دو فصلنامه علمی تخصصی سال ۳، ش ۶ .



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



منتظری، زهرا؛رنانی، محسن (۱۴۰۱). «توسعه : تاکید بر اهمیت مهارت های غیرشناختی» پژوهشهای اقتصادی ایران، دوره ۲۷ ش ۹۰ .

موثقی، سیداحمد(۱۳۸۶)، « گفتگو و توسعه»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۷، شماره ۲.

نظرپور، محمدنقی(۱۳۷۸). ارزش ها و توسعه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

بازخوانی مراحل تطور فرجام شناسی انسان در حکمت متعالیه

دلبر شجاع اباجلو

چکیده

انسان‌شناسی در حکمت فلسفی ملاصدرا از مبنایی‌ترین اصولی است که به جایگاه انسان می‌پردازد؛ استفاده از روش توصیفی درون‌دینی و برقراری ارتباط با نظام عقلانی علم النفس فلسفی از مهم‌ترین رویکردهای حکمت متعالیه در موضوع فوق می‌باشد. پژوهش پیش رو کوشیده است نگرش فلسفی ملاصدرا در مسأله جایگاه انسان را با رویکرد فلسفی وی بررسی نماید؛ علاوه بر حفظ روابط منطقی بین نگاه هستی‌شناسانه ملاصدرا که بر کل نظام فکری وی سایه افکنده است، نظام معرفت‌شناختی و فرجام‌شناسی و ارتباط این سه مبنای فکری با مراتب انسان در قوس صعود را با توجه به اصول مهم حرکت جوهری اشتدادی نفس، حقیقت انسان رسیدن به مراتب نهایی عقل، کمال نفس و اصالت وجود نفس؛ به‌عنوان پارادایم وجود شناختی انسان در جایگاه متعالی واکاوی شود و در نهایت تئوری‌های معنا بخشی زندگی را با رویکرد مبنا شناختی حکمت متعالیه مورد تحلیل و بازخوانی قرار دهد.

واژگان کلیدی: مبنا شناختی، انسان‌شناسی فلسفی، علم النفس صدرایی

مقدمه

سؤال از حقیقت انسان در حقیقت پرسش از چرایی، هدف، ارزش و کارکرد زندگی است. این نحوه از پرسش‌ها، از دیرباز تاکنون، اندیشمندان و فلاسفه غرب و شرق عالم را درگیر خود ساخته است و هر کس به فراخور دامنه شناخت شناسی و مبانی معرفتی به ابعاد آن پرداخته‌اند. تردیدی نیست که کام‌یابی در ارائه راهکارهای مطلوب به جامع بشری، مرهون نگاه متعالی شناخت‌شناسانه از انسان و ظرفیت وجودی اوست و این هم در سایه تعالیم روح‌بخش الهی ممکن است. واژگانی چون: سعادت و رستگاری در سایه تعقل و تدبیر، زندگی فضیلت محور، حیات طیبه در اثر تعالیم ناب ادیان الهی، تعالی روح و غیره، نمونه‌های انسان به معنای حقیقی آن است که در طول تاریخ اندیشه از جایگاه مهمی برخوردار بوده است. سقراط «سعادت انسان» را غایت نهایی و مطلوب همه انسانها دانست (فروغی، ۱۳۶۶: ۲۷؛ کاپلستون، ۱۳۸۸: ۱/۱۲۹). افلاطون معنا و «سعادت» را فضیلت و تعالی روح شمرد (فروغی، ۱۳۶۶: ۳۶) و ارسطو جایگاه رفیع انسان را در گرو تعقل و تفکر یافت (همان: ۵۵؛ پاپکن، ۱۳۸۵: ۱۸-۱۵).

فلاسفۀ اسلامی نیز به سهم خود در مباحث غایت‌شناسی از واژه «سعادت» به عنوان هدف، غایت شناخت انسان استفاده کرده‌اند؛ به عنوان مثال، کندی سعادت غایی انسان را مفارقت روح دانست (کندی، ۱۳۶۹: ۱۳۰-۱۲۱)، فارابی سعادت را خیر اعلی نشان داد (فارابی، ۱۴۲۱: ۱۰۶-۱۰۳)، ابن‌سینا حیات ابدی و قرب الهی را سعادت دانست (ابن‌سینا، ۱۳۸۸: ۲۰۹-۲۰۲) و غزالی علم و عمل نیک را مبنای سعادت و کام‌یابی انسان شمرد (غزالی، ۱۳۷۶: ۱۰۶-۱۰۳). ملاصدرا، در مباحث شناخت انسان و نحوه بیان کیفیت آن نیز هم راستا با مبانی جهان‌شناسی و وجودشناسی فلسفی گام برداشته که خود موضوعی در خور تأمل می‌باشد و با الهام از کلام وحی و سنت نبوی، و رویکردی متفاوت از کیفیت فرجام

زندگی مادی انسان به دست داده است؛ اکنون این مسئله سزاوار طرح است که آیا این فیلسوف بزرگ که به سهم خود مباحث ارزنده و منحصر به فردی را در مسئله معنای حیات ارائه نموده است، در باب اثبات آن، مبانی و اصول فلسفی خود را از کلام الهی استخراج می‌کند و یا برعکس؛ محتوای کلام وحی را بر اساس مبانی و نظام فلسفی خود تفسیر می‌کند؟ تحقق این امر مهم از رهگذر تبیین و تحلیل مبانی و مفاهیم اصلی مؤلفه‌های معناداری و ارتباط وثیق آن در انسان‌شناسی فلسفی فیلسوف امکان‌پذیر و دست‌یافتنی تر شده است. این پژوهش کوشیده است، مبانی حکمت متعالیه را که تلفیقی از عقل و دین است، به دقت بازخوانی کند تا دریابد که آیا با استفاده از روش توصیفی درون‌دینی و برقراری رابطه با اصول فلسفی صدرایی می‌توان به دیدگاه جامع در مسأله انسان متعالی رسید؟ همچنین تلاش ما بر این است تا با استفاده از حرکت جوهری نفس که حکایت از پویایی نفس دارد و اتحاد عاقل و معقول، معنابخشی دیدگاه اعتقادی و فلسفی ملاصدرا را از منظری دیگر بازخوانی گردد.

بدون تردید، تحلیل عقلی مسائل مبناشناختی انسان در فلسفه ملاصدرا با آورده‌های وحیانی ارتباط عمیق پیدا کرده است. او فیلسوفی است که هم‌سخنی دین، عقل، عرفان و شهود در بیان حقیقت انسان را به خوبی تصویر کشیده است به عبارت دیگر، ملاصدرا در ساختن نظام فلسفی متعالی از منابع دینی و دستاوردهای عرفانی بهره فراوان برده است و فلسفه و عرفان و شرع را سه مشرب بیگانه از هم نمی‌داند؛ بلکه عقل را در مقام معنابخشی و فهم گزاره‌های دینی مدافع و همراه نقل و شهود را مایه بصیرت می‌شمارد. بدین روی، ملاصدرا عقل و وحی و کشف عرفانی را زبان‌های مختلف یک حقیقت قلمداد کرده است (اکبریان، ۱۳۸۶: ۲۳۸) و پیشنهاد ملاصدرا برای رسیدن به نور حکمت درباره مسائل اسرارآمیز شناخت انسان، بهره‌گیری از انوار وحی و نبوت حضرت خاتم (ص) است و بر این باور است که خود او در گشودن رازهای شناخت غایت انسان، انوار حکمت را از مشکلات نبوت گرفته است (ملاصدرا، ۱۴۳۰: ۱۵۵/۹).

با بررسی رویکرد ملاصدرا در تبیین شناخت انسان، در مجموع می‌توان چند مسئله را باز شناخت که در ادامه در باره آنها بحث خواهد شد. رویکرد دینی و کلامی ملاصدرا در تبیین معرفت‌شناختی آفرینش انسان که سرشار از آموزه‌های قرآنی است، با سبک و روش فلاسفه پیش از او تفاوت دارد؛ او آموزه‌های دینی راز خلقت و غایت زندگی را بر خلاف سطحی‌نگری‌های متکلمان، با براهین و مبانی عقلی مستدل ساخته است. به همین سبب، با توجه به التزامی که ملاصدرا بر معنای ظاهری آموزه‌های قرآنی و حفظ ظاهر شریعت دارد و گرایش عمیق وی به تفسیر وجود انسان بر اساس عوالم (طبیعت، مثال و عقل) دارد و می‌توان گفت آموزه‌های وحیانی در شکل‌گیری برخی مبانی و اصول حکمت متعالیه الهام بخش بوده است (همو، ۱۳۶۱: ۲۳۱-۲۳۲)؛ اما در مورد تبیین راز زندگی انسان کامل، ملاصدرا اولین فیلسوفی است که جرأت به کارگیری زبان عقلی را از خود نشان داد. به عبارت دیگر، رهیافت او را می‌توان سر آغاز نوعی گفت و گوی عقل و دین در این مسأله دانست.

استفاده از روش توصیفی درون دینی و برقراری رابطه تناظر بین مراتب عالم و مراتب نفس بر اساس نظام عقلی حکمت متعالیه، از ویژگی‌های رویکرد فلسفی ملاصدرا است. به همین سبب، در نوشتار حاضر سنجش میزان هم‌آوایی شریعت و عقل در تبیین عینیت انسان بررسی می‌شود. در این میان، استفاده از اصل حرکت جوهری اشتدادی و به دنبال

آن تشریح ویژگی قوه خیال، تجرد و عینیت بخشی به صور خیالی انسان به عنوان عمل خلاق مستقل نفس در مراتب عالم مثال و بالاتر از جمله فرضیه‌های مهم و اصلی ملاصدراست. بدون شک، رویکرد عقلی-تحلیلی وی در تبیین انسان به دنبال اثبات گزاره‌هایی است که بر عینیت بخشی به حقیقت و صفات انسان در دنیا و بازتاب آن‌ها در آخرت دلالت دارند. به همین مناسبت، در این مجال ضمن بازخوانی اصول فلسفی ملاصدرا، زمینه را برای محققین در باره یافتن پاسخ اساسی مبنای انسانشناسی فلسفی فراهم می‌کند.

۱- نحوه وجود و پیدایش نفس در نظام ملاصدرا

ملاصدرا همانند فارابی (فارابی، ۱۳۷۶: ۴۱؛ کرد فیروزجایی ۱۳۹۰) و بر خلاف دیدگاه افلاطون و ابن‌سینا که از آغاز پیدایش نفس را مجرد از ماده می‌دانند، نفس را موجودی مجرد نمی‌داند بلکه معتقد است هستی آن، هماهنگ با کل نظام آفرینش، حرکت یکپارچه را از ذات مستعد و ناآرام طبیعت مادی شروع می‌شود، به واسطه قوای جسم شروع به نشو و نما می‌کند (نفس در حدوث جسمانی است) و در بستر حرکت ذاتی و جوهری خود به تجرد بار می‌یابد (نفس در بقا روحانی است) (همان: ۵۲-۵۱ ملاصدرا، ۱۴۳۰: ۷۵/۹؛ همو، ۱۳۶۱: ۲۳۵).

یادآوری این نکته شایسته است که بنا بر دیدگاه ملاصدرا، نفس انسان همانند سایر موجودات جهان در نهاد خود همواره (به طور هوشمند) در حال تغییر و تحول است و به‌طور طبیعی، حرکتی در درون و ذات آن شروع شده است (همان، ۱۴۱۳: ۷۳) و به واسطه علم و عمل (عقل نظری و عقل عملی) همواره به سوی خیر و کمال لایق ابدی سوق می‌یابد و بدان رهنمون می‌سازد (همو، ۱۳۸۲: ۲۸۴). در این نگاه، ملاصدرا نفس را هویتی ممتد و زمانی می‌داند که در بستر حرکت جوهری تکامل می‌یابد و از مادیت به تجرد مثالی و سپس به تجرد کامل عقلانی می‌رسد.

او حلقه اتصال حقیقی نفس و بدن را همان روح بخاری می‌داند. بر این اساس، بدنی که نفس بی‌واسطه با آن مرتبط است، روح بخاری است نه بدن عنصری ظاهری (همو، ۱۴۳۰: ۶۸-۶۷/۹). نفس در هر یک از مراتب تکامل یافته خویش با بدن متناسب آن مرتبه متحد است. در نتیجه، نفس مادامی که نفس است و به مقام تجرد عقلی بار نیافته، نیاز ذاتی به بدن دارد (همو، ۱۳۶۱: ۲۳۸) و در هر عالمی ناگزیر از بدن است؛ در عالم طبیعی ماده عنصری دارد، در عالم برزخ ماده برزخی و در عالم عقل از ماده نفسانی برخوردار است. نفس کمالات خود را در هر سه نشئه از حاق بدن به دست می‌آورد و این نیاز، به سبب عروض اضافه نفسیت، یعنی تعلقش به بدن، ذاتی است نه عارضی.

به نظر ملاصدرا انسان موجود در دنیا، با بدن برزخی و اخروی خود مصاحبت دارد (همان: ۲۴۰) و هنگام مرگ، بدن مادی خود را به دور افکنده و با بدن اخروی وارد عالم آخرت می‌شود. همچنین، از گفته‌های ملاصدرا چنین برداشت می‌شود که بدن برزخی و اخروی به سبب آنکه از لوازم نفس است، همراهی وجودی و رابطه تکوینی با خلیات و اعمال و ملکات نفس دارد و نیاز به جعلی جدا از جعل نفس ندارد (همو، ۱۴۳۰: ۳۰/۹) و نفس انسانی هم اکنون که در بدن طبیعی به سر می‌برد با آن دو بدن برزخی و اخروی نیز که در طول یکدیگرند نیز همراه است، منتها به صورت بالقوه و به واسطه حرکت جوهری به شکلی متناسب با نیت و ملکات و افعال خود در می‌آید (همان: ۷).

ملاصدرا در این دیدگاه دو اصل مبنایی را پیش فرض گرفته است: حدوث جسمانی نفس و حرکت جوهری اشتدادی آن. بدین معنا که نفس در ابتدای تکون، فاقد هر گونه صورت کمالی است و صرفاً موجود جسمانی است که استعداد

رسیدن به صور گوناگون را دارد و در سیر دنیوی خود، همواره به سوی یکی از صور فرشتگی، شیطانی، بهیمی و درندگی در حرکت است و بدین وسیله، بدن عالم برزخ و آخرت خود را می‌سازد. پس از آن که در هر کدام از این امور به فعلیت رسید و ذاتش در اثر رسوخ یکی از انواع، به آن نوع مبدل گشت، دیگر قوه و استعداد از او زایل می‌شود و در این هنگام بدن عنصری را رها می‌کند و با بدن ساخته شده از اعتقادات، نیات و اعمال خود که از ماده و استعداد منزّه است، به سر خواهد برد. در حقیقت، نفس مادامی که نفس است، هیچ‌گاه بدون بدن نخواهد بود و مراتب مافوق را در مدت زمان زندگی دنیوی شکل می‌بخشد و بدین ترتیب زمینه‌های معناداری زندگی فراهم می‌گردد.

تفاوت بدن طبیعی با بدن برزخی در آن است که بدن برزخی محصول ملکات و اعمال نفس در حیات دنیوی است. با رسوخ صفات درنده‌خویی در نفس، بدن مثالی و برزخی او به شکل حیوانات درنده مجسم می‌شود، زیرا حقیقت این نفس در پایان حرکت خود همان حیوان درنده‌ای است که در آن فعلیت یافته است (همان: ۲۹). این تجسم در حیات دنیوی به دلیل فقدان ظرفیت دنیا در حکایت‌گری از باطن اعمال و ذات انسان‌ها، معمولاً شهود نمی‌شود؛ مگر برای کسانی که چشم برزخی و باطن‌بینی آنها گشوده شده باشد. عالم برزخ و آخرت به عنوان باطن دنیا (همان: ۱۳۶)، عالم ظهور حقایق است و صورت‌های باطنی در آن ظاهر و حقیقت نفوس آشکار می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۶۱: ۲۵۱-۲۵۲).

ملاصدرا آیات و روایاتی را که حکایت از تجسم اعمال دارد، در این زمینه به عنوان مؤید استفاده می‌کند (همان: ۲۴۲-۲۴۳؛ همو، ۱۴۳۰: ۶۹/۹ و ۲۹-۳۱). بدین ترتیب، آنچه در نص در باره معنای آلام و لذات که از مظاهر سعادت و سقاوت وارد شده است، با زبان عقل قابل تبیین می‌داند و با نظر دقیق، حکم می‌کند که همه آیات در مورد چگونگی فرجام انسان با هم توافق و سازگاری دارند (همو، ۱۳۸۲: ۳۵۶).

بدین وسیله، ملاصدرا بر اساس «حرکت جوهری اشتدادی» که از اصول ابتکاری وی محسوب می‌شود، به حل مشکل همراهی موجود مجرد با ماده در دنیا و مرتبه برزخی در برزخ و همراهی مرتبه اخروی در آخرت توفیق یافت. البته بر اساس مبانی فلسفی وی، حقیقت نفس در حدوث و بقا، برخلاف اشراق و مشا یکسان نیست. نفس در آغاز موجودی مادی است و حرکت خود را از ماده محض آغاز می‌کند و هنگامی که در رحم است، مرتبه او مرتبه نفوس نباتی است که همه مراحل جمادی را طی کرده است. در این مرحله نبات بالفعل و حیوان بالقوه است که هنوز حس و حرکت ارادی آغاز نشده است. همین موجود با رسیدن به وجود استقلالی در دنیا به درجه نفس حیوانی می‌رسد. در این مرحله نفس انسان، حیوان بالفعل و انسان بالقوه است. ملاصدرا این مرحله را بلوغ صوری می‌نامد. سپس با رسیدن به مرتبه ادراک عقلی صور معقولات و به کارگیری عقل عملی، بلوغ معنوی و رشد باطنی آن آغاز می‌شود. در این مرحله که حدوداً در چهل سالگی است، انسان بالفعل می‌شود و بعد از آن در سیر مراتب انسانی با حرکت جوهری به مرتبه تجرد می‌رسد (همو، ۱۴۳۰: ۱۲۱/۸).

بنابراین، در نظام فکری صدرایی، نفس موجودی نیست که از خارج بدن با آن ارتباط برقرار کند بلکه با توجه به حرکت و تحولات جوهری اشتدادی (همان: ۱۴/۹-۱۱) در یک وجود ممتد، که از بطن ماده آغاز و به مراتب بالاتر (تجرد برزخی عالم مثال) و سپس به درجه عالی (مقربین) بار می‌یابد. در مرحله اخیر، به مقامی نایل آمده است که جسم مادی در این مقام راهی نیست. در این مقام شاید نتوان اسم نفس بر آن گذاشت، زیرا جوهر نفس پس از طی مراتب کمالات و تحولات به مرتبه تجرد تام می‌رسد و در این مرحله، اتحاد نفس و بدن، به قوی‌ترین شکل آن محقق است؛ به گونه‌ای

که در مرحله وجود عقلی به وجود واحد و بدون مغایرت موجودند (همان: ۸۷) با فعلیت یافتن آن، دیگر نیاز به بدن مثالی نیست و اساساً همراهی جسم در این نشئه بی‌معناست (همان: ۱۹).

۲- جسم عنصری مبدأ قابل تحول نفس

بدون تردید، در نظام فکری ملاصدرا بدن عنصریه عنوان مبدأ قابل برای نفس مطرح است (همو، ۱۳۴۰، ج ۸: ۵) نفس زائیده عالم طبیعت است؛ به طوری که نفس در ابتدا به عنوان «صورت معدنی» به همان ماده بدن (حال در جسم است) افزوده می‌شود (همو، ۱۳۶۱: ۲۷). صورت معدنی از مراتب نفس، بخشی از حقیقت انسان است که در هیچ مقطعی از حیات انسانی، از او جدا نیست؛ حتی با انتقال نفس به جهان واپسین، ذیل و یا دامنه نفس که همان صورت معدنی و صورت نباتی است، از بین نمی‌رود (بنا بر اصل حرکت جوهری اشتدادی) و نفس در عالم برزخ کارکرد و نقش اصلی صورت معدنی که همان «حفظ مرکب از پراکندگی» است را در بدن برزخی ایفاء می‌کند و همچنین، کارایی اصلی صورت نباتی را که همان تغذیه است، در عالم برزخ حفظ می‌کند (همو، ۱۳۸۲: ۳۴۳). نفس در دیدگاه ملاصدرا موجودی واحد و بسیط است که از مرتبه ضعف آن، ماده بدنی و از مرتبه قوت آن، صورت نفسی انتزاع می‌شود. صورت اخیر آن، تمام حقیقت انسان و واجد کمالات مراتب مادون خود است. به بیان واضح‌تر، نفس حقیقتی است که دارای مراتب ضعیف و شدید است. مرتبه معدنی و مرتبه نباتی آن، حال در جسم و مراتب حیوانی و انسانی آن غیر حال است، به گونه‌ای که همواره حرکت از قوه به فعل در آن لحاظ می‌شود. به بیان دیگر، نفس در مراتب اولیه وجود خود، همان صورت جسمیه لا بشرطی است که در سیر تکاملی خود به صورت نباتی - صورتی مادی و جسمانی است - تبدیل می‌شود و در ادامه حرکت، به نفس حیوانی که به مرتبه تجرد ناقص خیالی و یا به مرتبه نفس انسانی که تجرد تام عقلی است ارتقا می‌یابد (همان: ۳۱۶-۳۱۴؛ همو، ۱۳۶۱: ۳۳؛ حسن زاده‌آملی، ۱۳۶۵: ۱۹).

مبانی فلسفی برگرفته از نصوص قرآنی، حکایت از آن دارد که نه تنها حقیقت انسان به نفس ناطقه اوست بلکه با توجه به مبانی ملاصدرا - از جمله: النفس فی وحدتها کل القوی - جسمانیت نیز مرتبه‌ای از حقیقت او را تشکیل می‌دهد و نفس به تدریج و پا به پای بدن، کمال و فعلیت می‌یابد و به مدد ملکات، افکار و افعال هیئت جوهری خود را پیدا می‌کند (ملاصدرا، ۱۴۳۰: ۸ / ۲۸۷؛ همو، ۱۴۲۰: ۴۱۳-۴۱۲).

ملاصدرا با استناد به کتاب اثنولوجیا در مورد سیر تطور جسم در عوالم سه‌گانه (طبیعت، مثال یا عالم نفسانی و عقل) بدن را به عنوان مهمترین مولفه متغیر در ارتباط با نفس در هر سه نشئه معرفی می‌کند؛ به گونه‌ای که نقش تعیین‌کننده‌ای در بیان ماهیت نفس در دنیا و آخرت دارد (همو، ۱۴۳۰: ۸۶/ ۹). از نظر ملاصدرا، نفس انسان در هر نشئه‌ای با بدن جسمانی از سنخ آن عالم همراه است؛ در دنیا با بدنی مادی و نفسی مجرد، در برزخ با بدن برزخی؛ همان بدنی که انسان در رؤیا با آن سر و کار دارد و نشأت گرفته از ملکات و هیئات نفسانی است (عبودیت، ۱۳۹۱: ۱۲۳). بدین ترتیب، ملاصدرا معتقد است نفس با قدرت فعال خود واقعیت صور پنهان شده از ملکات خویش را در عالم خیال که مرتبه‌ای از نفس است (عالم خیال متصل انسانی) عینیت می‌بخشد و بر اساس ملکات نفسانی، نوع او مشخص می‌شود. بر اساس این دیدگاه، حقیقت انتقال یافته به آخرت حکایت از ملکات نفسانی دارد که از رهگذر مرگ به عالم برزخ و آخرت

منتقل می‌شود و آدمی در هر عالمی متناسب با آن عالم ناگزیر از بدنی است که در دنیا به واسطه اعمال و ملکات نفسانی تحکیم بخشیده است.

به دلیل همین وابستگی است که برای اهل بصیرت، دیدن امور اخروی و شهود بهشت و اهل آن، قبل از ورود به آخرت و برپا شدن قیامت کبری نیز ممکن است. برای مشاهده حقیقت انسان‌ها نیازی به مرگ طبیعی نیست و کسی که در همین زندگی مادی، حواس اخروی پیدا کند، می‌تواند آخرت را در همین دنیا مشاهده نماید و بر این عقیده می‌تواند شواهد متعددی از آیات و روایات ارائه داد (ملاصدرا، ۱۴۳۰: ۹/۲۴۷-۲۴۵). بدین سبب می‌توان گفت: ثواب و عقاب از آثار تکوینی ملکات و اعتقاداتی است که در دنیا شکل گرفته‌اند. در این افق فکری صدراست که راه توجیه و تبیین پاداش و کیفرهای دنیوی با همین اعضا و جوارح باز می‌شود؛ منتها اعضا و جوارح و بدنی که به تعبیر ملاصدرا نور حس و حیات ذاتاً در آن ساری است و هرگز نفس مادامی که نفس است، آن را رها نمی‌کند (همان: ۸۶-۸۷). ملاصدرا با این نگرش حیات بدن اخروی را حیات ذاتی می‌داند و حقیقت و معنای زندگی در آن تحقق دارد و در مقابل حیات بدن دنیوی حیات عرضی است (همو، ۱۳۶۱: ۳۵۱).

بدین ترتیب، نفس مادامی که در طبیعت به سر می‌برد، با سه لایه از بدن همراه است: بدن طبیعی به صورت بالفعل موجود است و به صورت تکوینی به کمال خود ادامه می‌دهد. بدن برزخی و بدن اخروی به عنوان مرتبه دوم و سوم، در اثر اعمال و ملکات و نگرش‌ها و بینش‌های نفسانی در طول عمر دنیوی انسان شکل می‌گیرد. بنابراین، انسان فاقد مرتبه وجودی از پیش تعیین شده است که با حرکت جوهری ارادی حاصل از علم و عمل، مداوم دارای تحول وجودی می‌شود (همان: ۲۹۵-۲۹۳).

اساسی‌ترین بحثی که ملاصدرا در مورد مسائل انسان‌شناسی ارائه کرده این مطلب است که نفس و بدن در عین تفاوت از حیث مرتبه، موجود به وجود واحدند و هر چه وجود نفس کامل‌تر شود بدن نیز تلطیف و تسویه شده و اتحاد و اتصال بین آنها شدیدتر می‌شود، به طوری که وقتی نفس به مرتبه تجرد کامل رسید دیگر مغایرتی بین نفس و بدن باقی نخواهد ماند. روشن است که مقصود ملاصدرا از این بدن، نه همین بدن عنصری و مادی بلکه بدنی است که اولاً و بالذات در تصرف نفس است و ثانیاً نفس نسبت به آن فاعلیت بالذات دارد (همو، ۱۴۳۰: ۹/۸۶-۸۷ و ابن‌سینا، ۱۳۷۵: ۲۴۹ و ملاصدرا، ۱۳۶۱: ۲۵۱-۲۵۲).

۳- تشخیص و حقیقت انسان

بدن مورد نظر ملاصدرا، مرکب است از ماده عنصری و صورت انسانی؛ به این صورت انسانی، بدن انسان گفته می‌شود؛ زیرا، قبلاً گفته شد که بدن مجموعه‌ای از ماده طبیعی و صورت انسانی است، اما چون ماده در حقیقت شیء دخالت نداشت و به جهت قصور صورت، به عنوان متکای آن به حساب می‌آمد. با این وصف، ملاصدرا ماده عنصری را دخیل در حقیقت شیئی ندانسته بلکه صورت را بدن حقیقی می‌نامد و ماده را از این جهت برای صورت لازم می‌داند که صورت قصور در وجود دارد و احتیاج به متکایی دارد و متکای هم در عالم ماده همراه جسم طبیعی است. ملاصدرا تا اینجا با فارابی (فارابی، ۱۳۷۶: ۵۱-۵۳) هم سخن است اما در ادامه با توجه به مبانی و اصولش نتایج فرجام‌شناسی

می‌گیرد. او معتقد است در عالم برزخ، جسم برزخی است و در عالم آخرت، جسم اخروی و بدین وسیله حقیقت انسان را در سه نشئه به اثبات می‌رساند.

روشن است که صدرا، بدن را مرکب از: ماده و صورت جسمانی می‌داند و این صورت، بدن واقعی است که نیاز به نگهدارنده و حامل دارد. مادامی که در عالم عنصری به سر می‌برد، این حامل از جنس مواد و ترکیبات عنصری است و از لحظه پیدایش، دایم در معرض تغییر و تحول بوده است. در طول عمر انسان این مواد عنصری است که هر آن در معرض تغییر و تحول است و برعکس، صورت انسانی همانی است که بوده است. عوض شدن مواد عنصری، حقیقت انسان را تغییر نمی‌دهد، زیرا همواره تغییرات فیزیکی از اول عمر تا آخر عمر بوده و این تغییرات در عالم دنیا، «من حقیقی و صورت انسانی» را عوض نکرده است؛ به گونه‌ای که هر کس آن شخص را در دنیا دیده باشد و در آخرت ببیند، می‌شناسد؛ گرچه بگوید: فلانی جوان و یا پیر شده است.

نفس و بدن انسان از اول تا آخر یکی است. فقط بدن عنصری و فیزیکی متحول می‌شود و تحول آن نیز نقشی در تغییر نفس ندارد، زیرا مواد و ترکیبات عنصری نه در حقیقت نفس نقش دارد و نه در حقیقت بدن و عوض شدن آن، نه حقیقت نفس را و نه حقیقت بدن را تغییر نمی‌دهد. بنابراین، همان طور که در دنیا تغییر و تحولات مواد عنصری (بدن مادی) تشخیص شخص را عوض نمی‌کند، در عالم برزخ و آخرت نیز اگر آن بدن عنصری مادی را به انسان ندادند و متناسب با آن نشئه، بدن برزخی و یا بدن اخروی داده شد، تشخیص و فردیت شخص از بین نمی‌رود. نفس و صورت بدن که همان صورت انسانی است، از اول عمر تا آخر عمر عوض نمی‌شود.

نتیجه گیری

- نفس بنابر رأی ملاصدرا جوهر مستقلی است که نخست به صورت جسم ظاهر می‌شود که با دگرگونی درونی از مراحل گوناگون می‌گذرد تا سرانجام از قید ماده و تغییر به طور مطلق آزاد می‌گردد.
- در نظام فکری ملاصدرا فرجام‌شناسی انسان، که همان بازگشت وجود؛ از جمله انسان به سوی خداوند است، به عنوان یکی از سنت‌های الهی محسوب شده و بر اصل کلی نظام حاکم بر وجودشناختی او مبتنی است و دیگر اصول هستی‌شناسی و جهان‌شناسی به مثابه اصول فرعی اصالت وجود به حساب آمده است؛ همگی به نوبه خود به عنوان اصول اصالت بخشی به زندگی معنادار انسان محسوب شده است.
- اساسی‌ترین بحثی که ملاصدرا در مورد مسائل انسان‌شناسی مورد مطالعه قرار داده است، این مطلب است که نفس و بدن در عین تفاوت از حیث مرتبه، موجود به وجود واحدند و هر اندازه وجود نفس کامل‌تر شود، بدن نیز تلطیف و تسویه و اتحاد و اتصال بین آن دو شدیدتر می‌شود؛ به طوری که وقتی نفس به مرتبه تجرد کامل رسید، دیگر

مغایرتی بین نفس و بدن باقی نخواهد ماند. روشن است که مقصود ملاصدرا از این بدن، نه همین بدن عنصری و مادی است؛ بلکه بدنی است که اولاً و بالذات در تصرف نفس واقع شده است و ثانیاً نفس نسبت به آن فاعلیت بالذات دارد. بنابر مطلب فوق و تفسیر وجودشناختی ملاصدرا از انسان، به این نتیجه می‌توان دست یافت که ملاصدرا نه قائل به تک ساحتی انسان است و نه به طور قطع دو ساحتی بودن او را اثبات نمود؛ بلکه ساحت مادی را به گونه‌ای متفاوت تفسیر می‌کند و از این جهت مادامی که در دنیا زندگی می‌کند در تلاش بوده تا ظرفیت‌های وجودی را تکمیل نماید.

• در نظام علم النفس فلسفی ملاصدرا نه تنها حقیقت انسان به نفس و روح اوست؛ بلکه بدن نیز به عنوان مراتب نازلۀ نفس، بخشی از حقیقت انسان است که در هیچ مقطعی از نشأت وجودی، از او جدا نیست. بر این اساس ملاصدرا در بحث از معناشناختی؛ رهیافت‌های عقلانی خود را همانند مبدأشناسی بر گرفته از انوار حکمت الهی و مشکلات نبوت می‌داند و به مطابقت تفسیر خود با شریعت همراه با تصویر معقول و معنادار از فرجام انسان اصرار دارد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن‌سینا، ابوعلی، ترجمۀ رسالۀ اضحویه در امر معاد، با تصحیح و مقدمه و تعلیقات حسین خدیوچم، مترجم نامعلوم، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴.
۳. _____، الهیات من کتاب الشفاء و من کتاب النفس، تحقیق حسن حسن‌زاده آملی، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۶.
۴. _____، المبدأ و المعاد، به اهتمام عبدالله نورانی، دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۶۳.
۵. _____، الاشارات و التنبيهات، نشر بلاغه، قم: ۱۳۷۵.
۶. اکبریان، رضا، حکمت متعالیه و تفکر فلسفی معاصر، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳.
۷. آشتیانی، جلال‌الدین، شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا، بوستان کتاب، قم: ۱۳۷۸.
۸. _____، شرح بر زادالمسافر ملاصدرا «معاد جسمانی»، انتشارات امیر کبیر، تهران: ۱۳۷۹.
۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الاسفار الاربعه، طلیعه النور، قم: ۱۴۳۰.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۱۰. _____ الشواهد الربوبیه، به تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، ویراست دوم، چاپ پنجم، مؤسسه بوستان کتاب، قم: ۱۳۸۲.
۱۱. _____ المبدأ و المعاد، دار الهادی، بیروت: ۱۴۲۰هـ.
۱۲. طباطبایی (علامه)، سید محمد حسین، مباحث علمی در تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: ۱۳۸۴.
۱۳. عبودیت، عبدالرسول، درآمدی به نظام حکمت صدرایی، ج سوم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چ اول، قم: ۱۳۹۱.
۱۴. غزالی، ابی حامد، تهافت الفلاسفه، دارالکتب العلمیه، چ اول، بیروت: ۱۴۲۱هـ، ۲۰۰۰ م.
۱۵. فارابی، ابونصر، السیاسه المدینه، ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، انتشارات سروش، چاپ اول، تهران: ۱۳۷۶.



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



نقش فرهنگی و اجتماعی زنان ترک مغولی هند در تمدن اسلامی

صادق بافنده ایماندوست^۱، ژاله غزل ایاق^۲

۱-دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (imandoust@pnu.ac.ir)

۲- دانش‌آموخته دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

(jaleh219@gmail.com)

چکیده

دوره حکومت ترکان مغولی هند خصوصاً از دوره بابر تا اورنگ‌زیب (۱۱۱۸-۹۳۲ق) یکی از درخشان‌ترین دوران تاریخی هند می‌باشد. در این دوره علاوه بر شکوفایی هنر هند، شبه‌قاره هند پذیرای هنرمندان ایرانی نیز شد و زبان فارسی و درباری همچون دوره‌های جلوتر باقی ماند. پادشاهان ترک مغولی به علم و هنر، معماری و فرهنگ ایرانی علاقه‌مند شدند و فرهنگ ایرانی و اسلامی وارد دربار مغولان هند شد. این جلوه فرهنگی در نگاه آزادانه مغولان به زنان سیمای تازه‌ای از حکومت را به نمایش گذاشت. به این منظور جهت شناخت این دوره به بررسی وضعیت زنان پرداخته‌شده و هدف از این بررسی عبارت است از: الف) نقش فرهنگی زنان در دوره مغولان هند. ب) نقش اجتماعی زنان در دوره مغولان هند می‌باشد. روش تحقیق این پژوهش تاریخی، توصیفی و اطلاعات موردنیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به‌دست آمده است. این مطالعه نشان می‌دهد که زنان در این دوره تا چه اندازه در رونق امور فرهنگی و اجتماعی در تمدن اسلامی نقش داشتند و تأثیرگذار بودند.

واژگان کلیدی: گورکانیان هند، زنان، دربار، تمدن اسلامی

۱-مقدمه

پیش از آنکه اسلام ظهور کند اقوام و ملت‌های بسیاری دارای فرهنگ و تمدن بودند. پس از گسترش مرزهای جغرافیایی اسلام، مسلمانان با فرهنگها و تمدنهای گوناگون از جمله هند آشنا شدند. هند در شمار سرزمینهایی است که به گواه مورخان چون یعقوبی و مسعودی در زمان ظهور اسلام از نظر دانش و علم بویژه در زمینه‌های طب و نجوم و ریاضیات از پیشینه درخشانی برخوردار بود که نه تنها مسلمانان بلکه دیگر ملتها هم از این دانش بهره‌مند شدند. با پیشرفت و گسترش اسلام دریچه‌هایی از آداب، رسوم و فرهنگ غنی اسلامی وارد این سرزمین شد و در ابعاد علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر فرهنگ هند تأثیرگذار شد. پادشاهان ترک مغولی هند در دوره حکومت خود مقتدر و در پی ایجاد صلح و تفاهم و برقراری روابط با سایر حکومت‌های همسایه جهت ایجاد توازن در قدرت بودند. زنان جایگاه ویژه در

دربار آنان به لحاظ فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی داشتند. زنان مغولی هند همانند فرمانروایان هند در زمان حیات و پس از مرگشان مفتخر به عناوین بوده‌اند: بعنوان مثال حمیده بانویبگم مادر اکبر ملقب به مریم مکانی بود یعنی کسی که در جای مریم مقدس قرار داشت. مانماتی (جودابای) همسر اکبر و مادر جهانگیر که یک شاهزاده راجپوتی بود لقب مریم زمانی یا مریم عصر خود را داشت. یوده‌بای (جاگات‌گوسین) همسرجهانگیر و مادر شاهجهان نیز یک شاهزاده راجپوتی بود و عنوان بلقیس مکانی داشت و مقامی برای او در حد ملکه صبا دانسته‌اند. ارجمندبانویبگم همسر شاهجهان القابی چند یافت: ملکهجهان، مهدعلیا و حتی پس از فوت آرامگاه وی ممتازمحل نام یافت. نام عمومی این آرامگاه تاج‌محل می‌باشد که نوعا در همه جا از این عنوان استفاده می‌شود. جهان‌آرایبگم که به وی صاحب‌الزمانه می‌گفتند، دخترشاهجهان و ممتازمحل بود. فرمانروایان مغولی هند از ویژگی‌های جامعه پدرسالاری یا پدرشاهی برخوردار بودند. از اینرو شاهزادگان و وارثان سلطنت تحت آموزش و تربیت قرار می‌گرفتند. با این همه، از آموزش زنان به عنوان الگوهای تربیتی غافل نبودند. بزرگترین کار و هدف از نظر آموزش و تعلیم زنان، آماده ساختن و تعلیم مهارت‌های زندگی به زنان درباری بعنوان یک زن خانه‌دار بود. امتیازآموزشی مخصوص زنان درباری این بود که باید خواندن و نوشتن و ادبیات فارسی می‌دانستند در حالیکه عموم زنان در خارج از حرم از این امتیاز بهره‌ای نداشتند. بعضی از زنان درباری مغول در زمینه زبان فارسی پیشرفت جدی و خوبی داشتند و حتی به تاریخ‌نویسی نیز مبادرت ورزیدند و این توانایی را داشتند تا وقایع دوران خود را بنویسند مانند گلبدن بانویبگم دختر بابر و خواهر همایون که همایون‌نامه را تالیف کرد. چنانکه باید به نورجهان همسرجهانگیر و ممتازمحل همسر ایرانی تبار شاهجهان و زیب‌النسا دختر اورنگ‌زیب اشاره کرد که آنان نیز زنان باسوادی بودند(۱) قُتلق نگارخانم مادر بابر و عایشه دولت‌بیگم مادر بزرگ بابر از جمله زنان محترم درباری بودند که آموزش دیده و باسواد بودند. گلرخ‌بیگم همسر بابر از زنان دربار مغول بود که ترجمه آیات قرآن را به فارسی و ترکی می‌دانست. از این رو باید گفت زنان درباری همانند مردان از نعمت سواد برخوردار بودند و این آنان را کمک می‌کرد تا توانایی مدیریتی بالایی برخوردار باشند. در حقیقت راه آموزش زنان و مردان درباری در سنین نوجوانی از هم جدا می‌شد و زنان مهارت‌های خاص خانه‌داری، همسرداری، بزرگ کردن کودک و در کنار آن هنرها و مهارت‌هایی چون بافندگی، آشپزی، نقاشی، خوشنویسی و ادبیات را می‌آموختند(۳). زنان مغولی هند با همراه داشتن چنین مهارت‌هایی در امورسیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشارکت داشتند. اکبر از پادشاهانی بود که در زمان حکومتش به همسرانش اختیارات متعددی داد و به مشارکت زنان در امور داخل قصر و نقش آنان اهمیت می‌داد(۴). زنان دربار مغولان هند که در حرمسرا بسر می‌بردند از لحاظ خویشاوندی با پادشاه متفاوت بودند. آنان شامل مادر، نامادری‌ها، همسران، خواهران اصلی و ناتنی، دختران، مادر بزرگان و عمه‌ها و همچنین زنانی که در مرتبه دوم بودند مانند زنان صیغه‌ای و سوگلی‌ها و زنانی که پادشاه از سایر سرزمین‌ها بعنوان هدیه می‌پذیرفت(۵). در مرتبه سوم زنانی بودند که در دربار به زنان دسته اول خدمت می‌کردند و در جوار آنان زندگی می‌کردند مانند ندیمه‌ها، حکیمه‌ها، ماماها،

شماطه‌گران و کارگران زن مورد اطمینان داخل آشپزخانه بودند که تقریباً بطور دائم در دربار حضور داشتند. تعدادی از زنان هم به داخل دربار رفت و آمد می‌کردند و این امر بر حسب نیاز زنان درباری بود مانند زنانی که کالاهای مورد نیاز زنان حرمسرا را از قبیل عطر و عود و وسایل آرایشی را از خارج از قصر تامین می‌کردند. محیط حرم به گونه‌ای بود که زنان حرم به راحتی با یکدیگر در ارتباط بودند (۴). زنان در محیط حرم از آرامش، امنیت و رفاه کامل برخوردار بودند. انجام کار و مسئولیت آنان در مقایسه با زنان عادی خارج از حرم کاملاً متفاوت بود. زنان داخل حرم بیشتر به خود می‌پرداختند. در صورتی که از سواد بهره داشتند و علاقه به کتاب داشتند در کتابخانه از کتب مختلف در زمینه هنر و حتی علوم استفاده می‌کردند. انجام مسئولیت همسری، تربیت فرزندان و وظایف مادری، سرکشی به امور مختلف داخل دربار و حرمسرا بر حسب وظیفه و مقام و جایگاهی که داشتند تعیین می‌شد (۶). در زمینه اهمیت زنان در دربار پادشاهان مغولی هند، سفرنامه‌نویس انگلیسی رابرت کورت تایید می‌کند که ملکه مقامی بود که در پادشاهی مغول از زمان حکومت هندوها وجود داشت و با حکومت مغولان مسلمان از بین نرفت. در واقع ملکه یا همسر برگزیده پادشاه بعد از فرمانروا از اهمیت و مقام ویژه‌ای برخوردار بود. دیگر زنان شاه در کنار او می‌نشستند و برحسب موقعیتشان این جایگاه تعیین می‌شد و گاه این موقعیت بر حسب شرایطی تغییر می‌کرد. رسم بر این بود که ملکه در کنار پادشاه و بقیه همسران در قسمت پایین‌تر از شاه و با فاصله از او می‌نشستند. رسم پرده نیز رایج بود و زنان پشت پرده می‌نشستند. رسم صیغه و سوگلی در بین اشراف و درباریان وابسته به شاه نیز وجود داشت (۷).

۲- نقش و وظایف زنان در دربار گورکانیان هند

نقش زنان مغولی هند از مامن و پناهگاه زنان یعنی حرم آغاز می‌گردد. حرم به معنای جایی است که ورود مردان بجز پادشاه به آن ممنوع است و محل تجمع زنان بود. کلیه وظایف و نقش‌های زنان دربار در همین حرم و در پشت پرده صورت می‌گرفت. برخی از وظایف را زنان درباری گاهی انجام می‌دادند انجام وظایفی همچون: اعزام زائران به خانه خدا، گردش به شهرهای نزدیک و در قلمرو پادشاهی مغولی هند، برگزاری جشن‌ها، اعیاددینی و غیردینی، فستیوال‌ها، رسیدگی به مشکلات مردم در غیاب پادشاه، قضاوت و وساطت در مورد مجازاتها، کمک به فقرا و ایتام، تجارت با داخل و خارج از قلمرو مغول، توجه به شعر و ادبیات و نویسندگی، توجه به هنرهای همچون خوشنویسی و نقاشی، دخالت در مسائل سیاسی و مشاوره دادن به پادشاه در صورت نیاز و کمک به بهبود روابط با همسایگان. پاره‌ای از وظایف را اصلاً زنان درباری انجام می‌دادند مانند: رسیدگی به مسائل و امورات حرم، حل کردن مشکلات داخل حرم، دخل و خرج حرم، انتخاب مشاغل مورد نیاز داخل حرم مانند طبیب، خواجهگان حرمسرا، آشپز، نقاش دربار، استخدام معلم برای تربیت شاهزادگان، برگزاری مسابقات ورزشی برای زنان حرم مانند اسب سواری، تیراندازی، همگی در داخل حرم صورت می‌گرفت. به تعبیر سفرنامه‌نویسان حرم به عنوان محلی امن، مورد توجه همه درباریان بود و از آنجا به عنوان جایگاهی که امکانات مناسبی را برای زنان حرم فراهم می‌آورد یاد شده است (۴).

۲- نقش اجتماعی زنان درباری

زنان درباری مغول از لحاظ اجتماعی در دربار دارای وظایفی بودند که معمولاً با توجه به توانایی، تحصیل و تعلیم و لیاقت و تجربه این وظایف به آنان داده می‌شد. یکی از این نقش‌ها و وظایف عنوان داروغه حرمسرا بود که جهت سازماندهی نیازمندی‌های زنان ساکن حرمسرا بوجود آمده بود و هدف از آن ایجاد آرامش، جلوگیری از تعدی زنان به یکدیگر، دزدی و ایجاد امنیت در حرمسرا بود. این شغل و استفاده از واژه داروغه اولین بار توسط ایلخانان مغول بکار رفت و معمولاً عنوان مردانه‌ای بود، اما از آنجا که زنان حرمسرا زیاد بودند این پست در دوره حکومت مغولان هند، نیز بوجود آمد و در دوره اکبر شکل گرفت (۱۰). با توجه به این که حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ زن در حرمسرا بودند که علاوه بر خاندان سلطنتی شامل ندیمان، خدمتکاران، تنبور زنان و پرستاران می‌شدند، مدیریت مالی این گروه کثیر نیازمند فردی آگاه به امور حرمسرا بود. هزینه بسیار زیاد این گروه که در واقع عمده خلوت شاهان بودند و این هزینه در حقیقت صرف عیش و عشرت شاهان می‌شد، واقعاً یکی از مخارج هنگفت دربار بود. این کار بر عهده فردی بنام تحویلدار انجام می‌شد. داروغه حرمسرا، امور اجرائی و انضباطی را مدیریت می‌کرد و تحویلدار امور مالی حرمسرا را تمشیت می‌نمود. این تحویلدار زن که به وی محلدار می‌گفتند، دارای قدرت نسبتاً زیادی بود، زیرا برای هزینه مخارج با وزیر امور مالی یا مستوفی در ارتباط بود و معمولاً از میان زنان باهوش و مدیر انتخاب می‌شد و بطور مستقیم زیر نظر پادشاه بود و توسط شخص شاه انتخاب می‌شد (۵). محلدار زن در دربار مغولان هند گاه به علت سازماندهی و مدیریت بالا دست به تجارت می‌زد و سود بسیار از سهام و درآمد حاصل از شهرهای مختلف بدست می‌آورد. جودابای همسر اکبر و مادر جهانگیر، جهان‌آرا و روشن‌آرا دختران شاه‌جهان و نوه‌های جهانگیر از جمله زنانی بودند که وظیفه محلداری را بر عهده داشتند. آنان موفقیت خود را مدیون ترکیب فعالیت‌های اقتصادی با فعالیت‌های سیاسی بودند و این امر پادشاهی مغولان هند را قدرتمند ساخت (۹). از نقش‌های مهم زنان در دربار، مدیریت داخلی حرمسرا بود. نظم داخلی در حرمسرا و برنامه‌ریزی برای جشن‌ها و مناسبت‌ها و اعیاد با هماهنگی مدیریت داخلی انجام می‌شد. کلیه تقاضاهای زنان حرم اعم از مالی و غیرمالی توسط مدیریت داخلی برای تحویلدار فرستاده می‌شد و با هماهنگی تحویلدار برای وزیر خزانه می‌فرستادند. البته به تقاضای مورد نظر و امکان انجام آن و شرایط لازم، هماهنگی و پذیرش آن انجام می‌شد (۸). با همه وظایف اجتماعی مهمی که زنان در داخل حرمسرا بر عهده داشتند، اما محدود به پرده‌نشینی بودند و در حقیقت قدرت اندک آنان از پشت همان پرده اعمال می‌شد. پیتر موندی^۱ یکی از سفرنامه‌نویسان به گردهمایی اجتماعی زنان دربار و حضور پُررنگ و فعال آنان در مکانی به نام بازار یاد می‌کند که توسط شاه برای زنان درباری در ایام نوروز ایجاد می‌شد و زنان درباری ساکن در حرمسرا در آن شرکت داشتند. در این بازار زنان کلیه هنرهای دستی خود مانند سوزن‌دوزی، زیورآلات، لباس و شیرینی‌جات خود را برای فروش به سایرین در معرض نمایش می‌گذاشتند و همانند یک فروشنده،

¹ Mundy, Peter

به فروش کالا اقدام می‌کردند، حتی اگر پادشاه شخصا به بازار برای خرید می‌آمد. تشکیل این بازار و ایده آن صرفاً به این خاطر بود که تنوعی در زندگی یکنواخت زنان داخل حرم ایجاد شود و چون زنان حرم اجازه خارج شدن از حرم به محیط خارج از قصر را نداشتند، با این بازار سرگرم می‌شدند و از کلیه فعالیت‌های روزانه خارج از حرم آگاهی می‌یافتند و تا اندازه‌ای حال و هوای خارج از قصر بر آنان مشخص می‌شد (۱۲).

۲-۲ نقش فرهنگی و هنری زنان درباری

زنان درباری از لحاظ فرهنگی و هنری در ساختن ابنیه و آثار مذهبی و خیریه نیز نقش داشته‌اند. ساختن مساجد، مدارس، بیمارستان و قرار دادن موقوفاتی برای این موسسات از جمله فعالیت‌های مهم زنان درباری بوده است که به دستور آنان و توسط دیگران انجام می‌شد و این به سبب علاقه آنان به معماری و آثار هنری و امور خیریه بوده است. در حقیقت نقش اجتماعی و هنری و فرهنگی زنان دربار تا حدودی در هم آمیخته بود به گونه‌ای که قابل تفکیک نبود. زنان درباری در کنار ساخت بناهایی که به دستور آنان انجام می‌شد ذوق و سلیقه خود را نیز اعمال می‌کردند. به هر حال معماری اسلامی و غیراسلامی دوره بایریان برخاسته از فرهنگ هند و تلفیقی از معماری ایران است اما، تکرار نقش‌مایه‌های ریز و پرکار و ریزه‌کاری‌های ظریف در ساخت مجسمه‌های گوناگون موجود در یک بنا که تعداد آن گاه به هزاران می‌رسد بیانگر ذوق و هنر هند است (۹). مسجد جامع دهلی یا مسجد جهان‌نما از مهم‌ترین بناهای معماری واز زیباترین مساجد عالم اسلام تا اواخر قرن بیستم بوده است. این مسجد از ماسه و سنگ قرمز و دیوارها از سنگ قرمز و مرمر سفید و سیاه ساخته شده و دارای دو مناره و سه گنبد اصلی و چند گنبد و مناره کوچکتر می‌باشد. ساخت این مسجد به پیشنهاد ممتاز محل و بدستور شاه‌جهان پنجمین پادشاه مغولی هند و سازنده تاج محل انجام شده است. یک مدرسه و یک بازار بزرگ (میدان نقره) توسط جهان‌آرایبگم دختر شاه‌جهان نیز ساخته شد که یادآور هنر مغولان هند است (۱۳). از بناهای مشهور دوره مغولان هند بنای شهر فتح‌پورسبکری و بنای مسجد جامع در این شهر است که بنا به خواسته جودابای همسر اکبر انجام شد. جودابای شاهزاده راجپوتی و هندو بود و تحصیل کرده و علاقه‌مند به هنر و معماری بود (۱۴). قصر جودابای از بزرگ‌ترین قصرهای فتح‌پورسبکری است و مسجدی در کنار آن قصر ساخته شده بود که معروف به مسجد مریم‌الزمانی بود. این مسجد همان است که گفتیم بدستور جودابای ساخته شده است. مسجد دیگری نیز به دستور جودابای و توسط جهانگیرشاه در لاهور به نام مسجد بیگم ساخته شد که در نزدیکی مقبره اکبرشاه مغول به آگرا و در مکانی که سکندر نامیده می‌شد قرار داشت (۱۴). زنان دربار مغولان هند به ساختن باغ و محوطه‌های زیبا نیز علاقه داشتند. فرهنگ باغ‌سازی و علاقه به کاشتن درختان و گلها از دوره حکومت بابر متداول شد. اکثر این باغها فضای باز و محوطه قصر پادشاهان مغول بودند که عموماً بر اساس سبک چهارباغ ایران ساخته می‌شدند. حمیده بانوبیگم، مهم‌بیگم، جودابای (مریم‌الزمانی)، ممتاز محل و جهان‌آرایبگم از زنانی بودند که علاقه به ساختن باغ داشتند، ضمن اینکه به معماری نیز علاقه‌مند بودند. باغ‌های بسیاری در دوره حکومت مغولان هند یا بنا به خواست شاه و یا به

درخواست ملکه‌ها و زنان ساخته شد. پاهری محل، چشمه شاهی، وردی تاک باغ، باغ‌های شالیمار و آچا بال گاردن از باغ‌های معروفی هستند که در این دوره ساخته شدند (۱۵) مقبره اکبرشاه مغول در سکندره در راه دهلی به آگرا به دستور جودابای و بوسيله جهانگیر ساخته شد. این مقبره نیز مانند دیگر بناهای ساخته شده توسط مغولان هند، معماری اسلامی داشته و از سنگ مرمر سفید و قرمز ساخته شده است (۱۶). نورجهان همسرجهانگیر که اصالتا ایرانی بود به معماری علاقه بسیار داشت. در دوره حکومت جهانگیر بیشتر بناهای ساخته شده بدستور نورجهان ساخته شد. ساختن پل و مدرسه و تاسیس بنگاه‌های خیریه برای یتیمان با مدیریت نورجهان انجام شد.

۳- زنان مهم و تاثیرگذار دربار مغولان هند

۳-۱ زنان مهم دربار بابر

عایشه سلطان بیگم، همسر و دخترعموی بابر از نسل پادشاهان تیموری بود. او دختر احمد میرزا حاکم سمرقند و بخارا بود و در خُجند با بابر ازدواج کرد، سپس در فرغانه به او پیوست. عایشه سلطان بیگم اولین همسر بابر بود. تاثیر او بعنوان یک زن درباری صرفا این بود که او اولین همسر بابر سر سلسله مغولان هند بود (۱۷). زینب سلطان بیگم، شاهزاده تیموری و پنجمین دختر سلطان محمود میرزا بود و دختر عموی بابر بود. زینب بیگم برخلاف تکبر و چهره نازیبا خوشبختانه از زنان تاثیرگذار حرم بابر بود. در دوره حکومت بابر او مدیریت داخلی حرم و رفع نیازها و احتیاجات داخل حرم را بر عهده داشت (۱۸). مهم بیگم، سومین همسر بابر بود. مهم بیگم از لحاظ سیاسی و اجتماعی نقش مهمی در دوره حکومت بابر داشت. او زنی باهوش و زیبا بود مضافا اینکه بابر پس از ازدواج با وی صاحب فرزندی بنام همایون شد. در داخل حرمسرا نیز او زنی مدیر و با درایت بود و مدتی مدیریت داخلی حرم را بر عهده داشت، همچنین حقوق زنان حرمسرا زیر نظر او پرداخت می‌شد. او قسمتی از وقتش را در قصر به آموزش شاهزادگان می‌گذراند و پسر خود همایون را نیز تحت آموزش و تعلیم قرار داده بود. مهم بیگم حتی فرزندان دیگر بابر مانند گلبدن بانو بیگم و هندال میرزا را که فرزندان او نبودند، به فرزندی پذیرفت و آنان را نیز همانند فرزند خود تعلیم داد (۵). مهم بیگم حتی در دوره حکومت پسرش همایون شاه نیز زنی موفق و مدیر بود. در کلیه امور اجتماعی و در سازماندهی حرمسرا همچنان فعالیت و شرکت داشت. تشکیل بازار برای گردهمایی زنان و تزئین شهر به هنگام پیروزی‌ها و برگزاری جشن‌ها و اعیاد از نقش‌های او در دربار مغول بود. مهم بیگم در امور خیریه نیز فعالیت داشت و در زمان حیاتش به حدود ۷۰۰ نفر کمک مالی کرد (۱۷).

۳-۲ زنان مهم دربار همایون

بیگه بیگم، اولین همسر همایون شاه مغول بود و از سال ۹۳۴ق/۱۵۲۷م همسر و مشاور همایون در امور حکومتی به شمار می‌رفت. بیگه بیگم ملقب به حاجی بیگم بود (۲۱). او به معماری علاقه‌مند بود و در حفظ و خلق آثار هنری توسط هنرمندان می‌کوشید. توجه او به معماری و آثار بجا مانده از دوره او و همایون در واقع بر روی معماری تاج محل در

دوره شاهجهان تاثیر گذاشت. چنانکه آرامگاه‌هایی که در این دوره ساخته شد در بناها و آرامگاه‌های دوره‌های بعد بخصوص دوره معماری طلایی شاهجهان تاثیرگذار بود. (۲۲). بیگه بیگم اصالتاً از خراسان بود و عموزاده مادری همایون، (طغای) بود. بیگه بیگم زن باسواد و آموزش دیده‌ای بود و در زمینه پزشکی و مداوای بیماران تبحر داشت. او داروهای گیاهی را می‌شناخت و در درمان از آن استفاده می‌کرد. بیگه بیگم در سال ۹۳۴ق/۱۵۲۷م با همایون ازدواج کرد. بیگه بیگم همیشه بخاطر مدیریت و درایت مورد توجه و احترام همایون بود و تا هنگام مرگش مدیریت داخلی حرم را بر عهده داشت (۵). بیگه بیگم در این دوره به یادگیری هنر و کارها و فعالیت‌های مورد علاقه خود در ایران پرداخت. بیگه بیگم به هنر و معماری نیز علاقه‌مند بود، و از کارهای او ساخت آرامگاه با استفاده از هنر معماری ایرانی میرزا قیاس معروف به میرک بود. بیگه بیگم به آموزش و تاسیس مدرسه نیز علاقه فراوان داشت و در این زمینه مدارس نیز ساخت، اما عمده کارهای او در زمینه معماری و بناهای یادبود می‌باشد (۲۳).

۳-۳ زنان تاثیرگذار دربار اکبر

رقیه سلطان بیگم، اولین همسراکبر بود. او بانوی اول حرم بود و زنی مدیر و باسیاست بود و به عنوان ملکه اول نفوذ زیادی در دربار داشت و مدت‌ها ریاست و مدیریت داخلی حرمسرا را بر عهده داشت (۲۶). از نکات جالب زندگی رقیه بیگم، مسئولیت نگهداری نوه محبوب اکبر، یعنی شاهزاده خرم ملقب به شاهجهان فرزند جهانگیر بود. با آن که جاگات‌گوسین مادر شاهزاده خرم، در قید حیات بود، اما قیمومیت و سرپرستی خرم به رقیه بیگم داده شد (۲۶). رقیه بیگم، مدیریت حرمسرا، نیازهای ساکنان حرم، رسیدگی به امور مالی را با دقت و درایت انجام می‌داد. حضور او در مدیریت حرمسرا بعد از ورود جودابای همسر راجپوتی اکبر، کم‌رنگ شد، اما وظایف او همچنان پابرجا بود با این تفاوت که حضور اجتماعی زنان درباری در میان مردم عادی و سهم شدن مردم در مراسم و اعیاد بیشتر شد. معماری و ساخت باغ و بناهای یادبود از دستاوردهای رقیه بیگم بود. در سال ۹۸۶ق/۱۵۷۸م رقیه بیگم برای اولین بار باغ‌هایی را به باغ‌های بابر در کابل افزود. در کنار این باغ‌ها آرامگاه پدرش هندال میرزا قرار داشت که بازسازی و تعمیر شد. رقیه بیگم در معماری بناهای ساخته شده بوسیله جهانگیر و شاهجهان نیز بی‌نظر نبود (۲۹). سلیمه سلطان بیگم، دومین همسر اکبر است. سلیمه بیگم، دختر عمه اکبر (دختر گلرخ بیگم) بود. همسر اول سلیمه بیگم، بایرام خان خانان، نایب‌السلطنه و وزیر همایون و اکبر بود. سلیمه بیگم از سال ۹۶۵-۹۶۹ق/۱۵۵۷-۱۵۶۱م و به مدت چهار سال همسر بایرام خان بود (۲۸). در سال ۹۶۹ق/۱۵۶۱م سلیمه بیگم با اکبر ازدواج کرد و رسماً همسراکبر شد. سلیمه بیگم از مرتبه و درجه بالایی در میان همسران اکبر به سبب درایت و تحصیل برخوردار بود. سلیمه بیگم در داخل حرمسرا نیز همدم و مشاور خوبی بود و از زنان تاثیرگذار هم در داخل حرمسرا و هم نزد همسرش اکبرشاه مغول بود. او در زمینه‌های سیاسی و اداره امور کشور به اکبر شاه مشاوره می‌داد (۲۹). سلیمه بیگم به نویسندگی علاقه‌مند بود. او در زمینه نویسندگی، شعر و خواندن کتاب نقش مهمی از لحاظ فرهنگی در میان زنان حرم و شاهزادگان درباری داشت و تخلص شعری مخفی را برای خود برگزید

. او نه تنها به شعر، بلکه به کتاب خواندن نیز علاقه داشت و گاه در داخل حرم شاهزادگان را گرد خود می‌آورد و آنان را تعلیم و آموزش می‌داد. گاه برای شاهزادگان کوچکتر کتاب می‌خواند و با تعریف کردن داستان‌های زیبا آنان را تشویق به کتابخوانی می‌کرد و ساعاتی از روز را صرف آموزش شاهزادگان می‌کرد. سلیمه بیگم برای خود کتابخانه‌ای جداگانه داشت و بیشتر کتاب‌های او در زمینه‌های ادبی و شعر و یادگیری علوم بود، او حتی از کتابخانه سلطنتی نیز استفاده می‌کرد (۲۴). سلیمه بیگم، وجهی را که به عنوان یکی از زنان حرمسرا به او تعلق می‌گرفت پس‌انداز می‌کرد و برای کارهای مهم از آن استفاده می‌نمود. با این پس‌اندازها توفیق زیارت حج را یافت. همچنین بخشش‌هایی که برای افراد فقیر و ناتوان و یا زنان بی‌سرپرست و دختران جوان انجام می‌داد (۲۴). جودابای، سومین همسر اکبرشاه مغول است. ازدواج اکبر با جودابای شاهزاده راجپوتی در سال ۹۷۰ق/۱۵۶۲م نیز یک وصلت با مصلحت سیاسی بود و راجپوت‌ها و مغولان هند به هم نزدیک شدند. اگر چه جودابای از موقعیت‌های بوجود آمده بعد از تولد شاهزاده سلیم سود می‌برد و لقب مهم مریم‌الزمانی را از اکبر دریافت کرد، اما خود وی نیز زن باسیاست و توانایی بود و همسرش اکبر را در جهت سیاست‌های حکومتی و پابرجاماندن حکومت سوق می‌داد. او زنی بود که جهت انجام وظیفه‌اش و برای رسیدگی به امور حتی از مرز حرمسرا و قصر نیز بیرون می‌آمد (۲۴). در زمینه صدور احکام مربوط به حرمسرا و حقوق زنان درباری زنانی چون حمیده بانو بیگم، نورجهان، ممتازمحل و جهان‌آرا بیگم در دوره خود صاحب اختیار و قدرت بودند.

۳-۴ زنان مهم دربار جهانگیر

پادشاه بیگم، ملقب به نورجهان همسر جهانگیر بود. نورجهان از زنان منحصر به فرد دوره مغولان هند بود و اولین زنی بود که سگه به نامش ضرب شد (۲۰). نورجهان در هنگام حضور شاه در بارعام در کنار جهانگیر حضور داشت و این جرات را داشت که نظرات خود را مطرح سازد. او به مسائل داخل و خارج از حرم به خوبی واقف بود و این کار را از طریق افرادی که کارگزار او بودند انجام می‌داد. جهانگیر قبل از هر تصمیمی و هر دستوری او را ملاقات کرده و از او نظرخواهی می‌کرد. نورجهان به اقتصاد و تجارت نیز علاقه‌مند بود. او مانند جودابای همسر اکبر به تجارت بخصوص تجارت پارچه، می‌پرداخت و سود حاصل از آن را خرج ساختن بناهای باشکوه می‌کرد. او به ساختن قصرها و کاخ‌هایی پرداخت که نمونه بودند. نورجهان مسجد پاتار در سری‌نگر را ساخت و همچنین مقبره خودش را در لاهور بنا کرد. جاگات‌گوسین یکی دیگر از همسران جهانگیر بود که در هندی به معنای بانوی جهان است. او در سال ۹۸۱ق/۱۵۷۳م در جوداپور راجستان متولد شد. از سوی جهانگیر ملقب به بلقیس مکانی شد که لقب بسیار مهم و ارزشمندی بود. او علاوه بر زیبایی و فریبندگی‌اش، بخاطر عقل و درایت و هوش و بذله‌گویی‌اش مورد توجه بود. او زنی سخنور، لایق و توانا بود و همیشه در کنار جهانگیر بود (فیندلی، ۲۳). نورالنسای بیگم، به معنای نوری در بین زنان در سال ۹۷۸ق/۱۵۷۰م متولد شد. او از شاهزادگان تیموری و همسر چهارم جهانگیر بود. نورالنسای بیگم به سبب اصالت خانوادگی از تعلیم و تربیت خاص شاهزادگان برخوردار بود و زنی با درایت و اهل علم و شعر و ادبیات بود. از مهمترین کارهای نورالنسای بیگم

در دربار جهانگیر، بوجود آوردن دیوان کامران بود. دیوان کامران شامل مجموعه اشعاری بود که از نوشته‌های پدربزرگش کامران میرزا بود و نورالنسا آنها را گردآوری کرد. صالحه بانویبگم، یکی دیگر از همسران جهانگیر بود که مشهور به پادشاه بانو یا پادشاه محل می‌باشد. بنظر می‌رسد خانواده صالحه بانویبگم بطور ارثی در خدمت و خانه زاد بابرین بودند (۲۴). در دوره حکومت جهانگیر، صالحه بانویبگم به بانوی مقتدر و با لیاقت مشهور شد و به او پادشاه بیگم نیز می‌گفتند. صالحه بیگم از زنان تاثیرگذار دربار بوده و مدیریت حرمسرا را بر عهده داشت.

۳-۵ زنان تاثیرگذار دوره شاه‌جهان

قندهاری بیگم، شاهدخت صفوی و همسر نخست شاه‌جهان بود. قندهاری بیگم، به معماری علاقه‌مند بود. ساخت باغ بسیار مورد علاقه او بود و بیشتر زنان درباری به ساخت باغ توجه داشتند. قندهاری بیگم باغی را در آگرا ساخت و مسجدی متصل به همین باغ به امر او ساخته شده بود. این مسجد سه دروازه و یک گنبد داشت و از آجر ساخته شده بود. قندهاری بیگم در آگرا و در باغی که خود ساخته بود دفن شد. در زمان وی بناهای دیگری پیرامون مقبره او ساخته شد که در زمان اورنگ‌زیب ویران شدند (۲۴). ارجمند بانویبگم، ملقب به ممتازمحل نیز ملکه امپراتوری مغول و همسر شاه‌جهان بود. ممتازمحل زنی دانا و فرزانه بود. او معانی آیات قرآن را می‌دانست و اشعار زیادی را نیز از حفظ داشت. در نوجوانی به سبب زیبایی، صداقت و لیاقت مورد توجه اشراف بود و سرانجام با شاه‌جهان پسر جهانگیر ازدواج کرد. پس از ازدواج با شاه‌جهان به سبب برتری بر سایر زنان درباری از لحاظ ظاهر، هوش، کاردانی و لیاقت، لقب ممتازمحل از شاه‌جهان گرفت.

تاثیر ممتازمحل فقط منحصر به داخل حرم و امور سیاسی و حکومتی نمی‌شد، بلکه او برای رسیدگی به امور مردم نیز همیشه آماده بود. در قضاوت‌ها و در کمک به فقرا و بینوایان مشارکت داشت. ممتازمحل قسمتی از درآمد خود را به انفاق و رسیدگی به دختران جوان و فقیر که درآمدی نداشتند و مردان مستمند عائله‌دار که درآمد آنان کفاف زندگیشان را نمی‌کرد و افراد پیر و ناتوان اختصاص می‌داد. ممتازمحل، اهل هنر و مشوق شاعران نیز بود. او از افراد مستعد و علاقه‌مند به هنر حمایت می‌کرد. ممتازمحل به زبان سانسکریت نیز آشنایی داشت. رِناکا، نات بر این باور است که او به زبان سانسکریت نیز شعر گفته است. همانند یک سنت بابر می‌ممتازمحل نیز به معماری و ساخت بنا علاقه‌مند بود، اما او بیشتر وقت خود را در حرم و انجام وظایفی که بر عهده او بود می‌گذراند. از بناهای ساخته شده توسط ممتازمحل، زهرا باغ بود که باغ بسیار زیبایی در کنار رود جَمنا بود و بنایی که در وسط باغ به دستور او ساخته شده بود. عزالنساء بیگم، سومین همسر شاه‌جهان بود و معمولاً با لقب اکبرآبادی محل شناخته شده است. علت این لقب این است که او اصالتاً اهل شهر اکبرآباد بود. مسجد اکبرآبادی در شاه‌جهان‌آباد به دستور عزالنساء ساخته شد. شاه‌جهان از این مسجد برای نماز تا سال ۱۰۸۷ق/۱۶۷۶م استفاده می‌کرد. مشابه این مسجد، مسجدی در فتحپوری محل توسط شاهزاده جهان‌آرا دختر شاه‌جهان ساخته شد. جهان‌آرابیگم، شاهزاده مغولی و بزرگترین دختر شاه‌جهان از همسر محبوبش

ممتاز محل بود. جهان‌آرایگم ملقب به بیگم صاحب(شاهزاده شاهزادگان) مشهور است. او خواهر بزرگ داراشکوه و اورنگ‌زیب بود. جهان‌آرایگم زن توانا و تحصیلکرده‌ای بود. او تحصیلات خود را نزد ساتی النساء خانم که زنی شاعره و فاضل بود گذراند. طالب‌آملی نیز معلم قرآن، ادبیات فارسی، معلومات عمومی بود، ضمن این که جهان‌آرایگم تحت آموزش و تعلیم مادر خود ممتاز محل خانه‌داری و داروسازی نیز فراگرفته بود. زنان درباری از دوره اکبر حق دسترسی به کتابخانه را داشتند. کتابخانه اکبر یکی از بهترین کتابخانه‌هایی بود که در زمینه مذاهب، معلومات عمومی، ادب و شعر به زبانهای فارسی، ترکی و هندی، کتاب داشت. جهان‌آرا نیز از زنانی بود که اهل کتاب خواندن بود و از این امکانات بهره برد. جهان‌آرایگم در زمان حیاتش مقبره خود را در دهلی ساخت. ساختمان این آرامگاه از سنگ سفید مرمر همراه با طرح مشبک‌کاری می‌باشد. جهان‌آرایگم کاروانسرای نیز ساخت که در کنار بازاری مشهور به چاندنی‌چوک بود که امروزه در بافت کهنه دهلی می‌باشد. همچنین جهان‌آرایگم مسجد جامعی در شمال شهر دهلی ساخت و مدرسه‌ای در کنار آن برای آموزش قرار داد. جهان‌آرایگم همچنین یک سرا، حمام و نیز باغ‌هایی احداث کرده است. در سال‌های بین ۱۰۴۴/۱۶۳۴م و ۱۰۵۰/۱۶۶۰م او سرگرم تعمیر شکل بعضی از پروژه‌های باغ‌سازی در کشمیر بود(۲).

۳-۶. زنان مهم دربار اورنگ‌زیب

دل‌راس بانویگم، در سال ۱۰۳۲/۱۶۲۲م در ایران متولد شد. او اولین همسر و ملکه اورنگ‌زیب بود و از سوی اورنگ‌زیب ملقب به ربیع‌الدورانی شد. دوره حکومت اورنگ‌زیب، آخرین دوره عظمت و شکوه مغولان هند بود، زیرا با روش و منشی که اورنگ‌زیب در حکومت در پیش گرفت حکومت‌های پس از او رو به سقوط رفتند. دل‌راس بانویگم با توجه به این که همسر اورنگ‌زیب بود، او نیز دوره کاملاً متفاوتی از سایر ملکه‌ها و زنان درباری را می‌گذراند(۲۲). دل‌راس بانویگم اصالتاً ایرانی و از نسل سلسله صفوی و شیعه بود. عمده فعالیت و نقش دل‌راس بانو در حرم و به عنوان مدیریت حرمسرا بود. زنان دوره اورنگ‌زیب که در حرمسرا بودند کاملاً متفاوت در رفتار و پوشش و وظایف بودند. نواب‌بای یا رحمت‌النساء بیگم، همسر دوم اورنگ‌زیب در سال ۱۰۳۳/۱۶۲۳م در راجوری کشمیر به دنیا آمد. او دختر راجا تاج‌الدین‌خان از ایالت راجوری کشمیر بود. نواب‌بای به معماری علاقه‌مند بود. او چندین سرای ساخت. ساخت سرای در فرداپور و بنیانگذار سرای بای‌جیپورا در اورنگ‌آباد از کارهای اوست. با تمام علاقه‌ای که نواب‌بای به معماری داشت، اما او نیز همانند دل‌راس بانویگم، همسر اول اورنگ‌زیب بیشتر وقت خود را در حرمسرا می‌گذراند و حتی حق مشاوره در امور سیاسی و حکومتی را نداشت. اورنگ‌آبادی محل، سومین همسر اورنگ‌زیب است. نام او به معنای تاج سعادت و نیکبختی است. اورنگ‌آبادی محل متعلق به شهر اورنگ‌آباد بود و این شهر به روایتی توسط اورنگ‌زیب ساخته شده بود. او همانند سایر همسران اورنگ‌زیب در حرمسرا و تابع قوانین حرمسرا بود(۲۲). زیب‌النساء، شاهزاده مغولی و بزرگترین دختر اورنگ‌زیب و دل‌راس بانو می‌باشد. او در سال ۱۰۴۸/۱۶۳۸م در دولت‌آباد هند متولد شد. زیب‌النساء شاعر بود و تخلص او در شعر مخفی بود. پس از آشکار شدن قریحه شعری او و شرکت در مجالس

مشاعره به سبب عدم علاقه اورنگ‌زیب به هنر شعر، توسط پدرش در قلعه سلیم‌گره در دهلی زندانی شد. زیب‌النساء نوشته‌ها و اشعارش را در مجموعه‌ای تحت عنوان دیوان مخفی می‌نوشت. زیب‌النساء نیز قرآن را در مدت ۳ سال حفظ کرد و در سن هفت سالگی حافظ قرآن بود. بواسطه این موفقیت اورنگ‌زیب برای او جشنی ترتیب داد و معلم قرآن زیب‌النساء از اورنگ‌زیب ۳۰۰۰۰ سکه طلا بواسطه این موفقیت دریافت کرد زیب‌النساء علوم را نزد محمدسعیداشرف مازندرانی، شاعر بزرگ ایرانی آموخت. او همچنین فلسفه، ریاضی، ستاره‌شناسی، ادبیات، خانه‌داری و عربی را یاد گرفت. زیب‌النساء در شعر از شعرای بزرگ تقلید می‌کرد و خط بسیار زیبایی نیز داشت. کتابخانه او مجموعه‌ای از کتاب‌های خاص بود. او حتی نسخ خطی جمع‌آوری می‌کرد و متخصصینی را استخدام کرده بود که نسخ را برای او کپی می‌کردند. کتاب‌های کتابخانه او در باره موضوعاتی چون حقوق، ادبیات، تاریخ و الهیات و خداشناسی بود (۳۱).

۴- نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان گفت، همسران بابر صرفاً به جهت اینکه بابر سرسلسله مغولان هند بود، اهمیت داشتند و بجز مدیریت و یا حضور در حرم فعالیت خاصی نداشتند. همسران همایون به جهت تثبیت قدرت و حکومت همایون ابتدا به لحاظ سیاسی و سپس اجتماعی و فرهنگی نقش ایفا می‌کردند. بعضی از زنان نقش نیمه مستقل داشتند. آنان زنانی تحصیلکرده و با فرهنگ و از خانواده‌های اصیل و درباری بودند و در امور سیاسی و اجتماعی همسران خود دخالت داشتند و مشاوره می‌دادند. آنان پاره‌ای از امور فرهنگی و هنری را نیز بر عهده داشتند مانند حمیده بانوی بیگم همسر همایون و مادراکبر و سلیمه بیگم و جودابای همسران اکبر. حتی بعضی از زنان مانند نورجهان و ممتازمحل در این دوره از لحاظ فرهنگی و هنری نسبتاً مستقل بودند و به تنهایی تصمیم می‌گرفتند. در دوره بعد از شاه‌جهان زنان در عرصه سیاست دیده نشدند و در حیطه اجتماعی، فرهنگی و هنری نقش کم‌رنگی داشتند و قدرتمند نبودند، زیرا به آنان اجازه تصمیم‌گیری در امور حکومتی و سایر امور به سبب تعصب مذهبی داده نمی‌شد. دل‌راس بانوی بیگم همسر اورنگ‌زیب و دخترانش شاهزاده زیب‌النساء و شاهزاده زینت‌النساء از زنانی بودند که تحصیل کرده و عالم بودند، اما به سبب اینکه رای آنان در نظر گرفته نمی‌شد، نقشی در رشد و شکوفایی فرهنگی و هنری در جامعه زمان خود نداشتند. آنان زنانی محدود به حیطه حرمسرا بودند و کمتر از توان واقعی خود در نظر گرفته می‌شدند. با این وجود می‌توان گفت، دیده شدن زنان و نقش آنان در جامعه بستگی به تسامح شاهان مغول داشته است و این نقش به مرور در این سلسله کم‌رنگ شده، اما کاملاً از بین نرفت. حتی زنانی که مستقیماً به دربار تعلق نداشتند، با توجه به نقشی که ایفا می‌کردند جایگاهی داشتند. دایه، طیب، نقاش، خدمتکار و آشپز و حتی خواجگان حرمسرا با توجه به اینکه برای چه کسی خدمت می‌کردند از اهمیت و قدرت برخوردار بودند. آنچه مهم بنظر می‌رسد این است که همه اختیارات بوسیله پادشاهان تفویض می‌شد. و البته دامنه اختیارات بانوان با توجه به توسعه امور سیاسی و اجتماعی و اقتصادی تعیین می‌شد. برخی بر آنند که تنها تا دوره اورنگ‌زیب زنان نقش پررنگی در رتق و فتق امور داشته‌اند که این درست بنظر می‌رسد. اما در



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



همین دوره اورنگ‌زیب نیز بخاطر فرهیختگی همسر و دخترانش، هم بحث‌های مذهبی شیعه و سنی رونق گرفت، هم برخی از بزهکاران از عقوبت‌های سنگین و بی‌مورد رهایی یافتند و هم شعر و شاعری و کتاب‌نویسی و مسائل عرفانی و مذهبی همچنان رونق داشت.

منابع

۱. نورالحسن آگره، ۲۵۳۶/۱۳۵۶، دانشنامه ایران و اسلام، ج ۱، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ص ۱۳۲-۱۳۳.
۲. شیمل، آنه‌ماری، ۱۳۸۹، در قلمرو خانان مغول، ترجمه: فرامرزنجد سمیعی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ص ۱۸۸.
3. Anjum, Faraz, 2011, Stranger, s Gaze: Mughal Harem and European travellers of Seventeenth Century, University of panjab, p71, 73.
4. Ahmed, Laila, 1982, Western Ethnocentrism and Perceptions of Harem Femenis Studies, Published by Femenist Studies, pp (521-534), p524.
5. Lal, K.S, 1988, Mughal Harem, NewDelhi: Aditya Prakshan Pub, p10.
6. Marshal,John,1927,India:Notes and Observations in Bengal(1668-1672),Shafaat Ahmad Khan,Oxford University Press,London,Humphry Milford Pub,P397.
7. Covert,Robert,1971,A True and Almost Incredible Report of an Englishman,London:Thomas Archer and Richard Redmer,Reprint Amesterdam:Theatrum Orbis Terrarum,NewYork,Dacapo Press,p141.
8. Mukherjee, Soman, 2001, Royal Mughal Ladies and Their Contributions, NewDelhi: Gyan Publishing House, p15.
9. Sharma, Karuna, 2009, A Visit to the Mughal Harem: Lives of the Royal Women, South Asia, Journal of South Asian Studies, p155-156.
10. Ghose, Indira, 1998, Women Travellers in Colonial, India: The Power of the Female Gaze, Delhi: Oxford University Press, p11.
11. Lal, K.S, 1988, The Mughal Harem, NewDelhi, Aditya Prakshan Pub, p14, 52.
12. Mundy,Peter,(1907-1914),The Travel of Peter Mundy in Euroup and Asia(1608-1667),Translated Richard,vol3,Cambridge,The Hakluyt Society,p238.
13. Habib, Irfan, 2007, Medieval India, The Study of a Civilization, National Book Trust, India, p233.
14. Gupta, Subatra, 2013, Fathehpursikri: Akbar, s Magnificent City on a Hill, Muygi Book Publisher.p146.
15. Asher, Catherine, 1992, Architecture of Mughal India, part1, Vol4, Cambridge University Press, p19.
16. Viva, Simah, 2006, The Jats: Their Role and Contribution to the Socio-Economic Life and Polity of North-West India, vol2, University of Michigan, p100.
17. Babur,Zahir-Ed Din,1826,Emperor of Hindustan,Memories of Zahir-ED Din Mohamad Babur,Translated Waddington,Charles,Longman Brown and Green,p22.
18. Zinat, Kausar, 1992, Muslim Woman in Medieval India, The University of California, p22.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



19. Begum, Gulbadan, 1902, The History of Homayun (Homayun Nama), Royal Asiatic Society, p262.
20. Aftab, Tahera, 2008, Inscribing South Asian Muslim Woman: An Annotated Bibliography and Research Guider, Introduced by Dilip, Leiden, Brill Pub.
21. Banerje, S.K, 1938, Humayun Badshah, Oxford University Press, p97.
22. Eraly, Abraham, 2007, The Mughal World: Life in India, s Last Golden Age, Penguin Books, p191.
23. Capper, John, 1997, Delhi the Capital of India, NewDelhi: Asian Educational Services, p81.
24. Findly, Ellison Banks, 1993, Nur Jahan Emperor of Mughal India, NewYork: Oxford University Press, p94.
25. Bose, Mandakranta, 2000, Faces of the Faminine in Ancient, Medieval and Modern India, Oxford University Press, Retrived2009, p203.
26. Faru qui, Munis.D, 2012, Princes of the Mughal Empire (1504-1719), Cambridge University Press, p148.
27. Sarkar,Kobita,2007,Shah Jahan and his Paradise on Earth:The story of Shah Jahan,s Creations in Agra and Shah JahanAbad in the Golden Day of the Mughal,First Pub,Kolkata,Bagchi,K.P and co,p187-188.
28. Jahangir, Noor-Al-Din Mohamad, 1968, Tuzuk-i-Jahangiri or Memoirs of Jahangir, Munshiram Manoharlal Pub, p232.
29. Sarkar, Mahuna, 2008, Visible Histories Disappearing Women Producing Muslim Womanhood in Late Colonial Bengal, Durham: Duke University Press, p73.
30. Agrawal,C.M,1986,Akbar and His Hindu Officers:A Critical Study,London,p27.and Chief Smith,Bonnie,2008,The Oxford Encyclopedia of Women in World History,Oxford University Press,656.
- 1967, Women in Mughal India(1526-1748), Munshiram 31. Mishra, Rekha, Manoharlal,p112.



Philosophical, Wisdom, and Epistemological Theory of the Islamic Utopia and the Possibility of the Emergence of a New Islamic Civilization

Mohammad Esmaeil Abdollahi, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: m.e.abdollahi@ut.ac.ir

Abstract:

This research examines the philosophical, wisdom, and epistemological theory of the Islamic utopia and the possibility of the emergence of a new Islamic civilization. The Islamic utopia is one of the key concepts in Islamic philosophical and religious thought, discussed by thinkers such as Al-Farabi, Avicenna (Ibn Sina), and Mulla Sadra. The aim of this research is to analyze how Islamic principles align with the needs of contemporary societies and the creation of a society where justice, spirituality, and ethics are harmoniously integrated.

This study investigates the role of Islamic philosophy, particularly transcendent wisdom (Hikmat Muta'aliya), in establishing the theoretical foundations of this utopia and addresses the challenges in realizing it in the modern world. The results indicate that despite social, cultural, and political barriers, a return to Islamic principles along with innovative approaches to contemporary issues can lead to the emergence of a new civilization that serves as a model for both Islamic societies and humanity. Achieving this goal requires a profound reconsideration of philosophical, theological, and jurisprudential concepts to provide the necessary strategies for creating a just, ethical, and spiritual society.

Keywords: Islamic Utopia, New Islamic Civilization, Islamic Philosophy, Transcendent Wisdom, Social Justice, Islamic Ethics, Spirituality, Modern Challenges, Islamic Society.

Introduction: The Islamic utopia, as a concept presented throughout the history of Islamic thought by prominent philosophers and thinkers such as Al-Farabi, Avicenna, and Mulla Sadra, has always been one of the fundamental ideals in the civilization-building of the Islamic world. This idea, rooted in the philosophical and religious teachings of Islam, does not merely aim to establish a just and ethical society but seeks to create a community where all human dimensions, both material and spiritual, reach perfection and transcendence.



Given the numerous challenges facing the Islamic world in contemporary times, including identity, cultural, and political crises, rethinking the concept of the Islamic utopia and examining the possibility of the emergence of a new Islamic civilization has gained special importance. This new civilization, based on the foundational principles of Islam and in harmony with the requirements and needs of the modern world, should be able to present a comprehensive and innovative model of human life. A model that not only addresses social and economic justice but also places special emphasis on the spiritual and moral development of the human being.

The hypothesis of this research is based on the premise that revisiting Islamic philosophical and religious concepts, especially Islamic philosophy and transcendent wisdom, can help design an ideal society grounded in justice, ethics, and spirituality. Additionally, this study seeks to explore the possibility of aligning jurisprudential and religious approaches with modern challenges and aims to answer the following question: Is the emergence of a new Islamic civilization possible, and how can authentic Islamic values be integrated with scientific and social advancements?

Therefore, the present research aims to provide an answer to how, in light of Islamic philosophy and transcendent wisdom, a new Islamic civilization can be realized as a model for all humanity and as a step toward creating a more just and spiritual society

Jafari, Mohammad (2011) examines the Islamic utopia from the perspective of Al-Farabi. This article concludes that Al-Farabi's ideas are compatible with contemporary conditions and can provide a suitable model for realizing the Islamic ideal society.

Hosseini, Seyed Kazem (2013) analyzes the philosophy of Transcendent Wisdom in achieving the Islamic utopia. The article concludes that Transcendent Wisdom, emphasizing spirituality and rationality, plays a key role in realizing a new Islamic civilization.

Mousavi, Hassan (2015) studies the role of justice in the concept of the Islamic utopia. The results show that justice, as one of the fundamental principles of Islamic civilization, plays a crucial role in the structure of the ideal Islamic society.

Razavi, Mehdi (2017) discusses the impact of contemporary changes on the ideals of the Islamic utopia. The article concludes that despite social and cultural transformations, it is still possible to move toward the realization of an Islamic utopia by adapting Islamic principles to these changes.

Pourhosseini, Alireza (2019), in his research on Islamic utopia's future studies, focuses on examining the future realization of the Islamic utopia based on social and intellectual transformations. The author concludes that achieving the Islamic utopia in the future depends on revising certain Islamic philosophical and social concepts.

Fārūqī, I. R (2006) examines Islamic utopian thought in a modern context. The aim of this research is to analyze the impact of the Islamic utopia on modern thought and the challenges of its realization. This article concludes that reconstructing Islamic intellectual foundations allows the emergence of a new Islamic civilization, but there is a need for integration between tradition and modernity.

Kadi, W. (2008) explores the role of philosophy in the Islamic utopia. The results indicate that Islamic philosophy, emphasizing justice and spirituality, can play an important role in realizing the ideal Islamic society.



Sadiki, L (2012) studies the Arab uprisings and the search for an Islamic utopia. The research concludes that social movements in the Arab world, inspired by Islamic ideals, seek to establish justice and democracy within the framework of Islamic values.

Delong-Bas, N (2014) examines gender and utopia in contemporary Islamic thought. The author concludes that women's roles in achieving an Islamic utopia have gained more emphasis, but significant challenges remain in this area.

Nasr, S. H. (2017) presented an article titled "Islamic Civilization and the Revival of Utopian Thought." The goal of this article is to analyze the return to utopian thought among Islamic thinkers. It examines the trend of returning to utopian principles in the Islamic world and shows how these principles can form the foundation of a new Islamic civilization.

These studies demonstrate various approaches to the realization of the Islamic utopia and the new Islamic civilization. Each study addresses different dimensions of this subject. The innovation in this research lies in combining these new aspects with existing viewpoints to clarify and expand the concept of the Islamic utopia in the modern context, which could be considered one of the most important scientific achievements in this field.

Islamic Utopia and Its Challenges in the Modern World

The Islamic utopia, as a social ideal based on Islamic religious and ethical principles, has always held a special place in the thoughts of Islamic scholars. This ideal society is based on justice, public welfare, and the spiritual and moral growth of humanity. Philosophers like Al-Farabi and Avicenna have elaborated on the concepts and principles of this society, attempting to depict an ideal city (Medina al-Fadila) where everyone moves toward perfection and happiness. However, in the modern world, realizing such a society faces many challenges. Cultural, social, and economic changes caused by modernity and globalization have led many Islamic societies into an identity and cultural crisis as they try to reconcile traditional values with new needs (Nasr, 2001).

One of the biggest challenges in realizing the Islamic utopia in today's world is how to adapt these values and principles to the rapid transformations of modern society. Modern technologies, global communications, and social changes are quickly altering people's lifestyles, leading to many traditional religious and cultural values being subject to change or even loss. To overcome these challenges, a rethinking and redefinition of Islamic principles in a way that aligns with modern developments is strongly felt. This reconsideration must preserve the core tenets of Islam while also addressing the new social and cultural needs of Islamic societies (Sardar, 2015).

The Role of Islamic Philosophy in Shaping the Utopia and the New Islamic Civilization

Islamic philosophy, especially during its golden age through prominent philosophers such as Al-Farabi, Avicenna (Ibn Sina), and later Mulla Sadra Shirazi (Mulla Sadra), has played a crucial role in explaining the principles and foundations of the Islamic utopia. In his famous work "Al-Madina al-Fadila" (The Virtuous City), Al-Farabi describes a society where governance is led by wise and just individuals, and all members of society move toward human perfection and ultimate happiness. He draws inspiration from Platonic philosophy and seeks to explain moral and philosophical concepts within an Islamic framework, organizing society based on justice, wisdom, and virtue (Nasr, 2001).



Mulla Sadra's philosophy of "Transcendent Wisdom" (Hikmat Muta'aliya) has also significantly contributed to the development of Islamic thought and a deeper understanding of the connection between reason and revelation. Sadra, particularly focusing on the concept of substantial motion (Harakat al-Jawhariyyah), emphasizes continuous growth and perfection toward an ultimate goal for every being. This view, as the intellectual foundation of the ideal Islamic society, creates an environment for constant spiritual and social progress. Thus, Islamic philosophy not only addresses individual concepts of happiness and perfection but also discusses the necessary social and political structures for realizing an ideal society (Seyyed Hossein Nasr, 2006).

On the other hand, Imam Khomeini, as a contemporary Islamic thinker, utilized Islamic philosophy in designing the Islamic political system and linked it to jurisprudential and legal concepts. In his theory of "Guardianship of the Jurist" (Wilayat al-Faqih), he emphasized the necessity of establishing a government based on Islamic justice and religious authority, where Islamic ethical and philosophical principles are directly applied in governing society. This theory is one of the key points in the effort to connect Islamic philosophy with modern politics and has greatly contributed to the formation of a new Islamic civilization (Khomeini, 1981).

Utopia in Islamic Thought: From Al-Farabi to Imam Khomeini

Al-Farabi's ideas about the utopia are recognized as one of the earliest and most prominent efforts to define an ideal society within the framework of Islamic philosophy. In his book *Al-Madina al-Fadila*, Al-Farabi describes an ideal society, or a virtuous city, where the leader is a wise philosopher who governs according to reason and Islamic law. Like Plato, he believes that governance should be based on wisdom and virtue, and its primary goal should be to lead people toward happiness and human perfection. In this society, justice, ethics, and social coexistence are founded on rational and religious principles, and all members of society move toward transcendence and happiness (Nasr, 2001).

Not only does Al-Farabi emphasize the importance of philosophy and wisdom in leadership, but he also sees the role of individuals in aligning with the larger goals of society as essential. He believes that each person in the virtuous city must fulfill their duties according to their abilities and skills, as collective cooperation is the only way to advance society toward perfection. These ideas represent one of the earliest attempts to combine Platonic and Islamic philosophy in shaping an ideal society (Seyyed Hossein Nasr, 2006).

Over time, the concepts of the Islamic utopia were expanded by philosophers like Mulla Sadra Shirazi. As the founder of *Hikmat Muta'aliya*, Mulla Sadra, relying on the principle of "substantial motion," believed that not only individuals but also all beings and society itself are on a path of spiritual and material growth and perfection. This principle is crucial in the understanding of the Islamic utopia because it views society as a living and evolving entity, constantly progressing toward an ideal state. In this framework, the utopia is not described as a static and complete society but as a continuous process of spiritual and social development (Seyyed Hossein Nasr, 2006).

In the contemporary era, Imam Khomeini, through his ideas on the *Wilayat al-Faqih*, contributed to the development of the Islamic utopia concept. He believed that to achieve the Islamic utopia, an Islamic government must be led by a just and knowledgeable jurist



who has the ability to guide society according to Islamic law. In his theory of *Wilayat al-Faqih*, Khomeini argued that a government based on justice, morality, and Islamic religion could lead society toward happiness and perfection. This view not only provides an intellectual framework for constructing the Islamic utopia but also emphasizes the importance of the combination of religion and politics in contemporary Islamic society (Khomeini, 1981).

Philosophical Wisdom and *Hikmat Muta'aliya* in the Structure of the Islamic Utopia
Islamic philosophical wisdom, developed by thinkers such as Avicenna and Al-Farabi, played a fundamental role in shaping the structure of the Islamic utopia. This philosophy seeks to harmonize rational and revealed principles, thus constructing a society where individuals can attain happiness and perfection. Islamic philosophical wisdom is based on the belief that both reason and religion point to the same truth, and therefore, a society founded on these two principles can approach an ideal society. In such a society, individuals must cultivate moral virtues, and governance must be based on justice and wisdom to ensure that all members can reach their ultimate perfection (Nasr, 2001).

Hikmat Muta'aliya, founded by Mulla Sadra, marked a significant step forward in the development of Islamic philosophy, leading to a deeper understanding of human beings and the world. Mulla Sadra's introduction of principles such as substantial motion and the primacy of existence added a new dimension to Islamic philosophy, which posits that every being is on a path of spiritual progress. This principle is especially influential in understanding the concept of the Islamic utopia because it portrays society as a living, dynamic entity that is constantly moving toward perfection. In this society, individuals must achieve intellectual and spiritual knowledge while also adhering to religious law to attain personal and social transcendence (Seyyed Hossein Nasr, 2006).

One of the most important features of *Hikmat Muta'aliya* in the design of the Islamic utopia is its emphasis on the connection between reason and the heart. Mulla Sadra believed that to reach ultimate perfection, not only must rationality be strengthened, but mystical and spiritual experiences must also be present in people's lives. In other words, in the Islamic utopia based on *Hikmat Muta'aliya*, rational virtues alone are not sufficient; spiritual and emotional virtues must also be cultivated in individuals. This perspective outlines the structure of an Islamic society where people grow not only scientifically and philosophically but also spiritually and mystically (Chittick, 1989).

In the structure of the Islamic utopia based on *Hikmat Muta'aliya*, governance must guide society with the principles of wisdom and ethics. Leadership in this society must not only follow the laws of the Sharia but also manage the community based on rational and moral principles. The ruler must be a wise and just person who can balance the worldly and spiritual interests of the people and lead them toward ultimate happiness. Mulla Sadra's view of governance laid the foundation for the theory of *Wilayat al-Faqih* in the modern era, which was presented by Imam Khomeini as a solution for realizing the Islamic utopia within the framework of the Islamic Republic (Khomeini, 1981).

Epistemological Reflections on the Possibility of Realizing a New Islamic Civilization

The possibility of realizing a new Islamic civilization has been a significant subject in Islamic philosophy and sociology. One of the main issues in this regard is how to coexist with Islamic teachings and the requirements of the modern world. The new Islamic civilization must be structured in a way that is not only based on Islamic principles and



values but also capable of addressing the needs of contemporary societies. Therefore, rethinking Islamic epistemological and philosophical principles and adapting them to current realities is essential. According to Islamic thinkers like Seyyed Hossein Nasr, to achieve a new Islamic civilization, a cohesive and dynamic relationship between rationality and spirituality must be established to harmonize traditional values with modern needs (Nasr, 2001).

In the context of exploring the possibility of realizing a new Islamic civilization, the concept of *Hikmat Muta'aliya* (Transcendent Wisdom), founded by Mulla Sadra, plays a central role. By combining reason, revelation, and intuition, this philosophy has established a firm foundation for reconsidering Islamic values and achieving a civilization based on those values. From Mulla Sadra's perspective, an Islamic society can achieve cultural, scientific, and spiritual advancements by integrating modern sciences with revealed teachings. Additionally, the concept of substantial motion, one of the fundamental principles of *Hikmat Muta'aliya*, allows for the continuous evolution of society toward progress (Seyyed Hossein Nasr, 2006).

Beyond Sadra's philosophy, the role of religion in politics and governance is also a key issue in realizing a new Islamic civilization. Imam Khomeini's theories on the *Wilayat al-Faqih* (Guardianship of the Jurist) and Islamic governance emphasize that rulers must be competent in both knowledge and ethics. In this regard, the new Islamic civilization requires a government that not only adheres to the laws of Sharia but also upholds rational and ethical principles. Based on the experience of the Islamic Republic of Iran, Imam Khomeini believed that an Islamic government must not only preserve religious values but also respond to modern social and economic needs (Khomeini, 1981).

However, the challenges of modernity and globalization are significant obstacles to the realization of a new Islamic civilization. Modernity, with its materialistic and individualistic values, stands in contrast to many Islamic teachings. Therefore, achieving a new Islamic civilization requires finding constructive ways for Islam to engage with the modern world. Islamic thinkers such as Mohammad Baqir al-Sadr also believe that the new Islamic civilization can achieve sustainable and balanced development by accepting certain achievements of modernity while maintaining Islamic authenticity. In summary, the new Islamic civilization must remain faithful to Islamic values while being able to address new challenges (Mohammad Baqir al-Sadr, 1984).

The Role of Religion and Sharia in the Islamic Utopia and Contemporary Civilization Building

Religion and Sharia play a fundamental role in shaping the Islamic utopia and contemporary civilization-building. In the Islamic view, the utopia is a society based on religious and ethical principles, with the goal of attaining human happiness and perfection. Islam, through its comprehensive and coherent framework of Sharia laws, guides the individual and social life of Muslims. This framework addresses not only spiritual and devotional aspects of life but also social, economic, and political matters. Indeed, one of the distinguishing features of Islamic civilization is the emphasis on the connection between spirituality and daily life, which manifests in the form of Sharia (Nasr, 2001).

As philosophers like Al-Farabi and Mulla Sadra have described, the Islamic utopia is a society where people move toward perfection by practicing divine commands and



cultivating moral virtues. Islamic Sharia, as a legal and ethical system inspired by the Qur'an and Sunnah, plays a key role in guiding both individuals and society. From the perspective of Islamic philosophers, divine law, as manifested in Sharia, is the best guide for governing society and can bring about social justice. In this regard, an Islamic government must ensure the implementation of Sharia laws and uphold individuals' rights and duties to pave the way for the realization of the Islamic utopia (Seyyed Hossein Nasr, 2006).

In contemporary civilization-building, religion and Sharia also play an important role, especially in Islamic societies seeking to reconstruct their cultural and religious identity. Imam Khomeini, as a contemporary thinker, argued that an Islamic government must be based on Sharia and religious principles through his theory of *Wilayat al-Faqih*. He believed that Islam not only addresses spiritual matters but also offers solutions for political and social issues. In fact, he believed that Islamic Sharia could provide solutions to modern problems and lay the foundation for the emergence of a new civilization that is both faithful to Islamic values and responsive to contemporary needs (Khomeini, 1981). However, the challenges of modernity and globalization also present obstacles to Islamic civilization-building. Contemporary thinkers like Mohammad Baqir al-Sadr argue that Islam, with its comprehensive system of laws and regulations, can serve as a framework for addressing these challenges. He believed that by reviving the principles of Sharia and adapting them to current needs, Islamic civilization could once again become a leading and influential civilization in the world. In other words, Islamic Sharia, as the foundation of the new Islamic civilization, must evolve with the transformations of the era and respond to new issues (Mohammad Baqir al-Sadr, 1984).

Rethinking the Islamic Utopia in Light of Today's Needs

Throughout history, the Islamic utopia has always been envisioned as an ideal society that aims to achieve social justice, ethics, and spiritual growth. However, in the face of today's world, which faces challenges such as globalization, modernity, and the complexities of modern life, the need to rethink the concept and implementation of this utopia is felt more than ever. In this regard, many contemporary Islamic thinkers believe that the core principles of the Islamic utopia can be adapted to new conditions, but this adaptation requires updates and reconsideration. For example, the Sadrian philosophy (*Hikmat Muta'aliya*), which emphasizes the connection between reason and revelation, can play a role in creating a society that responds to both spiritual and material needs (Nasr, 2001). One of the main challenges in this rethinking is the conflict between traditional Islamic values and the requirements of the modern world. On the one hand, Islamic Sharia and ethical principles must continue to be the foundation of individual and social life; on the other hand, the modern world requires flexibility and responsiveness to rapid economic, cultural, and technological changes. Thinkers like Mohammad Baqir al-Sadr have emphasized that revisiting Sharia and Islamic rulings to respond to new challenges is necessary. He believed that by maintaining the general principles of Sharia and updating its interpretations, an Islamic society can be created where religious values and modern needs are balanced (Mohammad Baqir al-Sadr, 1984).

Another issue in rethinking the Islamic utopia is the role of Islamic politics and governance. Thinkers like Imam Khomeini, through the theory of *Wilayat al-Faqih*, believed that an Islamic government should be based on the principles of Sharia and

religious leadership to implement social and moral justice. However, to respond to today's needs, this government must be designed to interact with global systems, new technologies, and modern economic needs. Rethinking the concept of Islamic leadership and creating a system that can remain faithful to religious values while addressing new challenges is one of the immediate needs of the Islamic world (Khomeini, 1981).

In conclusion, one of the key factors in rethinking the Islamic utopia is paying attention to the spiritual and moral needs of contemporary humanity. Globalization and new technologies have caused significant changes in the social and cultural structures of societies, and thus, creating an environment that can respond to the spiritual and moral aspects of humanity seems essential. *Hikmat Muta'aliya*, which emphasizes the necessity of spiritual growth for both individuals and society, can serve as a guide for creating a society where material and spiritual development occurs in harmony (Nasr, 2006). This philosophy stresses that a society solely focused on material progress cannot fully realize human happiness and perfection.

Political Philosophy and Utopia: Criticism and Review of Theories

Islamic political philosophy has always sought to provide theories that can guide the establishment of a just and divine society. One of the most important concepts in this philosophy is the utopia or *Madina Fadhila*. Philosophers such as Al-Farabi have extensively discussed this topic in their works, defining the Islamic utopia as a society where moral virtues and social justice are fully realized. In this society, rulers are wise and just individuals who guide society based on religious and rational principles. Criticisms of these theories often focus on their abstract and unrealistic nature in today's world, as many of these ideas were designed without considering the complex social and political structures of the present (Nasr, 2001).

One of the most important political theories in contemporary Islamic philosophy is the theory of *Wilayat al-Faqih*, comprehensively developed by Imam Khomeini. He believed that an Islamic government should be founded on Sharia and led by jurists with sufficient knowledge of religion and politics. In this theory, the jurist, as the representative of God on earth, is tasked with governing society based on Islamic principles. While this theory has been praised by some as a practical response to contemporary political issues, it has also faced criticisms for its centralization of power and potential conflict with democratic principles. Critics argue that this theory may lead to authoritarianism and limit the people's right to participate in governance (Khomeini, 1981).

Another theory examined in Islamic political philosophy is the theory of the Caliphate, which has been regarded for centuries as a model for Islamic governance. In this theory, the Caliph, as the successor to the Prophet Muhammad, is responsible for governing society based on Islamic law. However, this theory has also been criticized by various thinkers. One of the main criticisms of the Caliphate is its excessive focus on the individual aspects of leadership and neglect of the complex social and political systems of the modern world. In today's world, democratic political structures and human rights have been accepted as fundamental principles, and many critics believe that the Caliphate theory cannot fully align with these concepts (Seyyed Hossein Nasr, 2006).

Ultimately, utopian theories in Islamic political philosophy have always faced a significant challenge: how to implement ideal religious and moral principles in the real world? Philosophers like Mohammad Baqir al-Sadr believed that by revisiting and



adapting Sharia laws to meet the needs of the modern world, an Islamic society could be created that is both faithful to religious values and meets modern needs. He believed that fundamental principles of Islamic political philosophy, such as justice and respect for human rights, must be redefined within new social and economic frameworks to address today's challenges. This view has also been criticized for its lack of clarity in the details of execution and the complexities of the contemporary world (Mohammad Baqir al-Sadr, 1984).

The Islamic Utopia: The Connection Between Theoretical Wisdom and Social Practice

The **Islamic Utopia** refers to an ideal society envisioned based on Islamic principles and values, portraying a complete and perfect community. Islamic philosophers such as **Al-Farabi** have described this utopia as a society where ethics, social justice, and spiritual virtues are fully realized. In his book *Al-Madina al-Fadila* (The Virtuous City), Al-Farabi explains that **theoretical wisdom**, or the true understanding of the world and its origin, is the foundation of this ideal society. In this view, theoretical wisdom serves as the intellectual and philosophical backing of rulers, guiding the society toward spiritual and social perfection (Nasr, 2001).

However, the connection between theoretical wisdom and social practice requires attention to the practical aspects of governance. Al-Farabi and later philosophers, especially **Mulla Sadra**, believed that in order to achieve the Islamic utopia, rulers must not only possess theoretical wisdom but also be able to apply this wisdom to social realities. **Mulla Sadra**, through the development of his philosophy called **Transcendent Wisdom (Hikmat Muta'aliya)**, emphasized that wisdom must be transferred from theory to action. He argued that rulers must adhere to Islamic ethics and Sharia law to create a just and divine society. According to Mulla Sadra, social practice without the foundation of theoretical wisdom is incapable of realizing the Islamic utopia (Mulla Sadra, 2002).

In the modern world, the concept of the Islamic utopia is still relevant, and many Islamic scholars have tried to adapt this idea to contemporary needs. **Imam Khomeini**, relying on the theory of **Wilayat al-Faqih (Guardianship of the Jurist)**, established this connection between theoretical wisdom and social practice. He believed that jurists, as the successors of the infallible Imams, should guide society based on Islamic Sharia while also considering the needs of the people and social changes. In his view, the Islamic utopia is a society where Sharia laws are implemented in such a way that social justice and human spirituality grow simultaneously (Khomeini, 1981).

Thus, the concept of the Islamic utopia, through the connection between theoretical wisdom and social practice, does not remain an abstract theory but seeks practical solutions for governing Islamic societies. This connection can only be realized through a deep understanding of religious and philosophical principles and their adaptation to contemporary realities. As scholars like **Seyyed Hossein Nasr** have pointed out, this adaptation requires a deep comprehension of both theory and practice to respond to the challenges of the modern world while preserving Islamic values (Nasr, 2006).



The Emergence of a New Islamic Civilization in the Light of Islamic Wisdom and Religious Knowledge

The **new Islamic civilization**, as one of the great aspirations of contemporary Muslim thinkers, is based on the principles of Islamic wisdom and religious knowledge. This civilization is built on a return to Islamic principles and values and their application in the context of social, political, and economic transformations in today's world. **Islamic wisdom**, which has been developed over centuries by philosophers like **Al-Farabi**, **Avicenna**, and **Mulla Sadra**, not only includes theoretical principles related to cosmology and anthropology but also offers practical solutions for governing society. Islamic philosophers have sought to link reason and Sharia to create a stable and comprehensive civilization (Nasr, 2001).

Islamic wisdom, especially through Mulla Sadra's philosophy and his theories on **Hikmat Muta'aliya**, shows that an Islamic civilization must not only reach intellectual excellence but also possess the ability to adapt to contemporary needs. Mulla Sadra, with his theory of **substantial motion**, explained the changes and transformations in both the material and spiritual worlds. He proposed that Islamic civilization should be dynamic and move in sync with social and historical changes. He believed that to build a new Islamic civilization, a connection must be established between reason, experience, and revelation so that Islamic wisdom can be used to solve contemporary problems (Mulla Sadra, 2002).

Imam Khomeini, as one of the pioneers of the new Islamic civilization in the modern era, sought to establish a civilization that is both inspired by Islamic principles and responsive to the political and social needs of today's world, emphasizing the theory of **Wilayat al-Faqih**. He believed that religious knowledge and adherence to Sharia can serve as the foundation for creating a new civilization in which social justice, political independence, and spiritual growth are realized simultaneously. According to Khomeini, this new Islamic civilization is only possible under the leadership of religious scholars who guide society based on Islamic principles (Khomeini, 1981).

The emergence of a new Islamic civilization requires that religious knowledge and Islamic wisdom be applied simultaneously and harmoniously across all social, cultural, and political dimensions of Muslim societies. **Seyyed Hossein Nasr**, a prominent contemporary scholar, emphasizes that Islamic civilization, while remaining faithful to its traditional roots, must also respond to the challenges of modernity. He believes that the new Islamic civilization can be presented as a solution to the problems of the modern world, but this goal will only be achieved when Muslims reexamine the principles of wisdom and Sharia and adapt them to the realities of today's world (Nasr, 2006).

The Role of Islamic Philosophy of History in the Possibility of a New Civilization

In **Islamic philosophy of history**, history is seen as a stage for the manifestation of divine will and a test for humanity. From this perspective, history is not merely a sequence of events but a process guided toward perfection and evolution. One of the central ideas in this context is the concept of **divine traditions (sunan Allah)** mentioned in the Qur'an, which are universal laws governing all human societies. The decline and progress of societies are analyzed based on their interaction with these divine traditions. This understanding of history provides insight into how divine civilizations emerge and how human civilizations that deviate from God's path collapse (Qutb, 2001).



Philosophers such as **Ibn Khaldun** have considered history as the science of studying social laws and the dynamics of societies. In his introduction (*Muqaddimah*), Ibn Khaldun proposed the theory of '**Asabiyyah** (social cohesion), which focuses on the relationship between social solidarity and the strength of civilizations. He argued that societies that achieve moral and social cohesion have the power to form and sustain civilizations, but when this cohesion is lost, civilizations begin to collapse. This theory can be applied to the efforts to build a new Islamic civilization since such a civilization would be founded on the moral and spiritual cohesion rooted in Islamic teachings (Ibn Khaldun, 1967).

Given these philosophical foundations, the **Islamic philosophy of history** plays a crucial role in analyzing the possibility of the emergence of a new Islamic civilization. In this view, history is seen not only as a tool for understanding the past but also as a guide for the future. The Qur'anic verses emphasize the importance of studying the history of past nations and learning from their successes and failures. These teachings encourage Muslims to deeply understand why past civilizations fell and highlight the importance of adhering to divine principles to build a sustainable civilization. Thus, Islamic philosophy of history can serve as a framework for the emergence of a new civilization where Sharia and Islamic ethics are fully integrated into the social, political, and cultural structures of society (Nasr, 2006).

Finally, another key aspect of Islamic philosophy of history is the belief in the spiritual and intellectual evolution of humanity throughout history. This evolution, based on divine revelation and humanity's quest for understanding the truth, ultimately leads to the emergence of a complete and perfect society where divine values are fully realized. In this view, the new Islamic civilization is not only a social ideal but also a historical and spiritual goal, aligned with humanity's journey toward closeness to God. This perspective, rooted in the teachings of philosophers like **Mulla Sadra**, can provide a framework for analyzing and planning the realization of a new Islamic civilization in the modern era (Mulla Sadra, 2002).

The Connection Between Islamic Ethics and the Utopia in a New Islamic Civilization
Islamic ethics is a fundamental pillar of Islamic civilization that contributes to the formation of a society based on virtue and justice. In Islamic thought, the utopia, or *Madinah al-Fadhilah* (the Virtuous City), is a society in which the ethical principles of Islam are fully implemented, and all members of society strive to achieve the moral, spiritual, and social values of Islam. These principles, including justice, benevolence, honesty, and respect for the rights of others, are not only reflected in individual interactions but also in all social, political, and economic institutions of society. The Islamic utopia, as described by Al-Farabi in his work *Ara Ahl al-Madinah al-Fadhilah* (The Opinions of the People of the Virtuous City), depicts a society where ethics and divine knowledge reach their highest level, and all individuals collaborate towards achieving perfection and closeness to God (Al-Farabi, 1985).

In the new Islamic civilization, Islamic ethics serves as the foundation for organizing human relations and formulating social laws and regulations. According to Islamic teachings, Islamic ethics is not limited to personal interactions but has broader dimensions, including social justice, environmental care, and economic responsibilities. In reality, Islamic ethics is concerned not only with individual happiness but also with collective welfare, and every individual in the Islamic society is obligated to take steps



toward realizing these ideals. Therefore, the new Islamic civilization can only be realized if these ethical principles are institutionalized in all sectors of society and Islamic values are considered the primary criteria in social and political decision-making (Nasr, 2001). The connection between Islamic ethics and utopia lies in the fact that the new Islamic civilization envisions a society where ethics functions as a comprehensive and holistic system for guiding individual and social life. This civilization is based on the belief that worldly and hereafter happiness is only possible through adherence to the ethical and religious principles of Islam. Contemporary thinkers like Seyyed Hossein Nasr emphasize that returning to the ethical principles of Islam is the key to solving many of the challenges of the modern world, and the new Islamic civilization can act as a model for achieving a balance between spirituality and scientific and technological advancement (Nasr, 2006).

Challenges in Realizing the Islamic Utopia in the Modern World

Realizing the Islamic utopia in the modern world faces significant intellectual and epistemological challenges, many of which stem from the fundamental differences between traditional Islamic concepts and the demands of modernity. One of these challenges is the issue of compatibility between Islamic Sharia and globalized values. While Islamic Sharia provides a comprehensive system of religious laws and regulations, many of these laws may conflict with secular values and modern human rights. For instance, the interaction of Islam with issues such as individual freedoms, women's rights, and minority rights is a subject of debate. Therefore, one of the most important intellectual challenges is finding a solution that, while preserving Islamic principles, can respond to the needs of the global community and modern values. This issue has been particularly addressed by thinkers like Seyyed Hossein Nasr and Fazlur Rahman, who have each in their own way sought compatibility and re-examination of some principles of Sharia (Nasr, 2006; Rahman, 1982).

Another challenge in the path of realizing the Islamic utopia is the relationship between science and religion. Modern civilization is built on scientific and technological advancements, but there are concerns about the impact of modern science on religious and ethical values. In the Islamic view, science should not be seen merely as a tool for material progress, but should be understood as something sacred and connected to divine truth. This perspective is challenged because many scientific achievements in the modern world not only lack a connection to religion but sometimes conflict with Islamic theological and ethical foundations. This issue has been prominently discussed by thinkers such as Mehdi Bazargan and Muhammad Iqbal Lahori, who have redefined the role of science in Islam and created a convergence between modern knowledge and religious values (Iqbal, 1930; Bazargan, 1978).

A significant intellectual challenge is the interaction between Islamic rationality and modern Western philosophies. Modern philosophies, especially in areas such as epistemology and ethics, present principles that directly or indirectly contradict Islamic teachings. For example, modern idealism and humanism are often at odds with Islam's monotheistic view of humanity and the world. On the other hand, some Islamic thinkers like Morteza Motahhari and Mohammad Hossein Tabataba'i have attempted to use Western philosophical tools to strengthen Islamic thought. However, the main challenge remains how to utilize modern rationality and knowledge while avoiding conflicts with



Islamic teachings and providing a ground for dialogue and coexistence (Motahhari, 1980; Tabatabai, 1974).

Finally, another important intellectual challenge is the role of globalization and its impact on Islamic societies. Globalization has led to the spread of Western cultures and values worldwide and, on the other hand, has challenged the concept of Islamic identity. In a world where cultural and social norms are diverse and changing, maintaining Islamic identity and religious values has become a complex issue. This topic has been extensively discussed by thinkers such as Taha Abdurrahman and Jaber al-Alwani, who have both examined the effects of globalization on Islamic thought and offered solutions for dealing with this phenomenon (Abdulrahman, 2005; Al-Alwani, 1991).

The Intellectual Foundations for the Emergence of a New Islamic Civilization

The intellectual and philosophical foundations for the emergence of a new Islamic civilization can be examined by looking at Islamic history, philosophy, and religious thought. One of the most important foundations is the revival of epistemological and philosophical concepts that existed in classical Islamic civilization, through which Muslim scholars were able to integrate science and religion in an epistemological and ontological framework. During the Golden Age of Islam, scholars such as Avicenna and Al-Farabi, by using Greek philosophy and adapting it to Islamic principles, provided a strong foundation for natural sciences, philosophy, and Islamic wisdom. This type of epistemology can serve as a model for the new Islamic civilization that seeks to return to Islamic philosophical roots while addressing the scientific and intellectual challenges of the modern world (Nasr, 2006).

Another intellectual foundation is the examination of the role of Islamic rationality in shaping the new civilization. In many Islamic sources, there is a strong emphasis on reason and thought, which is repeatedly mentioned in the Qur'an and the sayings of the Imams. The new Islamic civilization requires the revival of this rationality and the reinterpretation of Qur'anic and philosophical concepts in a framework that can address contemporary needs. Thinkers such as Morteza Motahhari and Seyyed Hossein Nasr believe that returning to Islamic wisdom and reviving Islamic rational principles can lay the groundwork for the emergence of a new Islamic civilization. Islamic rationality serves as a bridge between religious values and the scientific and technological advancements of today's world (Motahhari, 1980; Nasr, 2001).

Philosophical foundations also play a crucial role in this process. Islamic wisdom, which is a combination of religious, philosophical, and mystical knowledge, can serve as a comprehensive framework for offering a new intellectual and philosophical system. This system must be able to meet the spiritual and material needs of contemporary humans. Mulla Sadra's wisdom, known as Hikmat Muta'aliya (Transcendent Wisdom), is one of the most prominent examples where an effort has been made to create a deep connection between reason and mysticism, matter and meaning. This type of wisdom can provide a foundation for a new Islamic civilization where attention to spirituality and social justice accompanies scientific and technological development (Corbin, 1993).

In conclusion, the intellectual foundations for the emergence of a new Islamic civilization must also address issues such as social justice, human rights, and economic development. Thinkers such as Ali Shariati and Mohammad Baqir al-Sadr have emphasized that the new Islamic civilization should be based on social justice and the fair distribution of



resources. This philosophical perspective not only pays attention to the individual and spiritual aspects of life but also values the social dimension, aiming to rebuild political and economic institutions based on Islamic principles. Therefore, the new Islamic civilization must simultaneously focus on both the spiritual and social dimensions and strive to create a balance between the two (Shariati, 1977; Sadr, 1982).

The Islamic Utopia and a Return to Authentic Religious Values in the Contemporary World

The Islamic utopia, envisioned as a virtuous city based on authentic Islamic principles and values, has been a constant topic of discussion and analysis in the contemporary world. This utopia serves as a model of a society where justice, spirituality, and ethics dominate all aspects of life. In this context, one of the main issues is the return to authentic religious values, which can provide solutions to the moral, social, and cultural challenges of the modern era. Seyyed Hossein Nasr, in his works, emphasizes that one of the most significant needs of today's world is the revival of Islamic spiritual and philosophical values to stand against the moral and spiritual crises that have arisen in the modern world. He believes that a return to Islamic principles and values can be the key to resolving many of the current problems facing human societies (Nasr, 2006).

In this regard, one of the important aspects of the Islamic utopia is social justice, which is emphasized as a fundamental principle in the Qur'an and Islamic tradition. Ali Shariati, in his views, mentions that achieving social justice is only possible through a return to authentic religious values and making fundamental changes in social and economic structures. He believes that to reach the Islamic utopia, current economic and political systems need to be re-examined and reformed to operate in a more just and humane manner (Shariati, 1977).

Moreover, another aspect of this Islamic utopia is the emphasis on spirituality and the connection between humans and God. Morteza Motahhari believes that despite the scientific and technological advancements, modern civilization has experienced a crisis in the spiritual dimension and needs to return to spirituality and religious values. He argues that reviving Islamic wisdom and spiritual values can be a response to the spiritual and moral crises of the contemporary world and guide humanity toward a meaningful and divine life. Based on this, Islamic civilization can offer a model that achieves a balance between science, technology, and spirituality (Motahhari, 1980).

In conclusion, one of the main challenges in realizing the Islamic utopia is interaction with the modern world and globalization. Mohammad Baqir al-Sadr has addressed this issue, emphasizing that Islam, as a global religion, must actively participate in global issues and introduce its values at the international level. He believes that Islamic civilization can only achieve its utopia if it aligns with global realities and responds to the needs of the global community (Sadr, 1982).

Conclusion

The Islamic utopia and the return to authentic religious values in the contemporary world require examining several key aspects. One of these angles is the importance of preserving and reviving Islamic values in the modern world. The contemporary world faces multiple challenges, including a crisis of spirituality, social and economic



inequalities, and the gap between moral values and technology. Islamic thinkers believe that returning to Islamic principles can act as a comprehensive solution to these problems. Seyyed Hossein Nasr and other thinkers argue that despite its achievements, modern civilization is caught in a spiritual crisis, and only by focusing on the moral and spiritual principles of Islam can this crisis be managed.

Another aspect of returning to religious values is the establishment of social justice, which is at the core of Islamic teachings. Justice must be realized at all levels of society, from individual to social and economic levels. Ali Shariati emphasizes that only through a return to Islamic principles can social justice be achieved and economic and social systems be rebuilt on the basis of fairness and equality. This return not only has a spiritual dimension but also requires a deep reevaluation of economic and social structures.

Reviving Islamic spirituality and wisdom plays a crucial role in addressing the moral and spiritual crises of the modern world. Morteza Motahhari and other thinkers believe that Islamic civilization can be a bridge between knowledge and spirituality in such a way that scientific and technological advancements align with religious values. This combination can serve as a solution to the current crises in societies and simultaneously fulfill both the material and spiritual needs of humanity.

The issue of Islam's interaction with the globalized world is also a key subject in this discussion. Mohammad Baqir al-Sadr emphasizes the importance of Islam's active participation in global issues and believes that Islamic civilization should respond to the challenges of globalization using its authentic values. From Sadr's perspective, Islam should not be confined to local issues but should strengthen its role as a global religion.

In conclusion, achieving the Islamic utopia is only possible through a return to authentic religious values and intelligent interaction with the modern world. This return involves reviving spirituality, establishing social justice, and actively participating in the global arena. In this way, Islamic civilization can address its internal challenges and emerge as a global model.

Sources

- Abdulrahman, T. (2005). *The Spirit of Modernity and Islamic Tradition*. Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Al-Alwani, T. J. (1991). *The Crisis of the Muslim Mind*. International Institute of Islamic Thought.
- Al-Farabi, A. (1985). *The Political Regime*. Cambridge University Press.
- Bazargan, M. (1978). *Science and Islam*. Tehran University Press.
- Chittick, W.C. (1989). *The Sufi Path of Knowledge: Ibn al-Arabi's Metaphysics of Imagination*. SUNY Press.
- Corbin, H. (1993). *History of Islamic Philosophy*. Kegan Paul International.
- Farabi, A. (1985). *Al-Madina Al-Fadila*. Cairo: Dar al-Ma'arif.
- Ibn Khaldun. (1967). *The Muqaddimah: An Introduction to History*. Princeton University Press.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- Iqbal, M. (1930). *The Reconstruction of Religious Thought in Islam*. Oxford University Press.
- Izutsu, T. (2002). *Ethico-Religious Concepts in the Qur'an*. McGill-Queen's University Press.
- Khomeini, R. (1981). *Islam and Revolution: Writings and Declarations*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mohammad Baqir al-Sadr. (1984). *Our Philosophy (Falsafatuna)*. Islamic Foundation.
- Motahhari, M. (1980). *Islamic Thought*. Sadra Publications.
- Mulla Sadra. (2002). *The Transcendent Philosophy of the Four Journeys of the Intellect*. Edited by Ibrahim Kalin. Oxford University Press.
- Nasr, S.H. (1989). *Knowledge and the Sacred*. SUNY Press.
- Nasr, S.H. (2001). *Islamic Philosophy from Its Origin to the Present*. SUNY Press.
- Nasr, S.H. (2006). *The Heart of Islam: Enduring Values for Humanity*. HarperOne.
- Qutb, S. (2001). *Social Justice in Islam*. Islamic Book Trust.
- Rahman, F. (1982). *Islam and Modernity: Transformation of an Intellectual Tradition*. University of Chicago Press.
- Sadr, M.B. (1982). *Iqtisaduna (Our Economics)*. Islamic Foundation.
- Sardar, Z. (2015). *Mecca: The Sacred City*. Bloomsbury Publishing.
- Shariati, A. (1977). *Islamology*. Tehran University Press.
- Tabatabai, M.H. (1974). *The Principles of Islamic Philosophy*. McGill-Queen's University Press.



The Ideal City in the New Islamic Civilization

Mohammad Esmaeil Abdollahi, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran,
Iran.

Email: m.e.abdollahi@ut.ac.ir

Abstract

The aim of this study is to explore and analyze the key components in creating an ideal city in the new Islamic civilization. This research seeks to identify the role of social institutions, social cohesion, modern technologies, and social justice in ensuring social and spiritual security in such cities. In this regard, library research methods and analysis of scientific texts and related articles have been utilized. Initially, the role of social institutions such as mosques and cultural centers as tools for enhancing social security and reducing crime was examined. These institutions not only help in the education and promotion of Islamic values but can also increase social participation and strengthen relationships among community members. Subsequently, the importance of social cohesion in establishing spiritual security was addressed. Social cohesion, by creating strong bonds among community members, can help reduce social tensions and conflicts. Organizing religious and cultural events and establishing support groups are some of the strategies that can strengthen this cohesion. Furthermore, the role of modern technologies, including smart surveillance systems and digital platforms, in enhancing social security and public trust in governmental institutions was reviewed. These technologies enable the collection of accurate and timely information and can assist security agencies in promptly responding to incidents. Finally, social justice, as one of the fundamental pillars of the ideal city in the new Islamic civilization, was emphasized. Providing equal access to opportunities and resources for all segments of society can improve social conditions and reduce inequalities. The results of this study indicate that the combination of the above elements can lead to the creation of safe, spiritual, and just cities based on Islamic principles and provide an appropriate model for urban development in the contemporary world.

Keywords: Ideal Islamic City, New Islamic Civilization, Social Justice, Islamic Architecture, Natural Resource Management, Ethical Governance, Resilient Economy, Family and Social Institutions, Technology and Innovation, Public Transportation, Social Security, Cultural Heritage.

Introduction

In the new Islamic civilization, the ideal city is defined as a symbol of balance and harmony between the spiritual values and material needs of the Islamic society. The main

question of this research is how can Islamic principles and values be applied in urban design and management in such a way that, in addition to meeting the modern needs of urban living, it also provides a foundation for the spiritual and moral growth of citizens?

The ideal Islamic city, relying on principles such as social justice, community solidarity, security, and respect for individual rights, creates an environment where public welfare and cultural growth move forward in harmony. In this city, modern urban needs such as economic development, advanced infrastructure, and social services are integrated with the fundamental Islamic values of justice, equality, and environmental protection.

The use of modern technologies and optimal resource management provides the basis for delivering public services in an intelligent and efficient manner. Furthermore, special attention to cultural heritage and the preservation of Islamic identity are considered key elements in the design of future Islamic cities.

Consequently, the ideal city in the new Islamic civilization is not just a physical space for social and economic life, but also provides a foundation for the spiritual and moral growth of individuals. These cities are designed in such a way that material progress and social welfare serve to enhance the quality of spiritual life and promote human virtues.

Literature Review

1. **Mousavi, Mohammadreza (2019)** examined “Islamic Architecture and Urban Design in Contemporary Iran.” In this study, Mousavi analyzed the impact of Islamic architecture on urban design in contemporary Iran. Through the analysis of mosques, bazaars, and historical Islamic buildings in various Iranian cities, he sought to demonstrate how these ancient principles can play a role in modern urban design and preserve Iran’s cultural identity. This research particularly focuses on the efforts made to integrate Islamic architecture with the modern needs of contemporary Iranian society.
2. **Kazemi, Sara (2018)** studied the “Role of Public Spaces in Islamic Cities of Iran.” She explored the importance and role of public spaces such as squares, bazaars, and parks in Islamic cities of Iran. She believes that these spaces not only serve as venues for social and cultural interactions but also help strengthen Islamic identity and create a sense of belonging among citizens. The study also addresses the challenges of designing these spaces in the face of modernity and social changes.
3. **Ahmadi, Ali (2017)** focused on “Urban Sustainability and Islamic Principles in Urban Design.” This research centers on the concepts of urban sustainability and how they can be aligned with Islamic urban design principles. Ahmadi demonstrated that traditional Islamic concepts such as social justice, natural resource conservation, and attention to the needs of all social groups can be incorporated into modern sustainability principles and play an important role in urban design. This study is particularly applicable to cities striving to balance development with the preservation of Islamic identity.

4. **Najafi, Zahra (2021)** conducted research titled “Challenges of Urban Management in Islamic Cities of Iran.” In this study, Najafi examined the challenges faced by urban management in Islamic cities of Iran. She focused on issues such as insufficient resources, rapid demographic changes, and increasing needs in infrastructure and public services. Najafi also proposed solutions for managing these challenges through the application of Islamic principles and fostering extensive collaboration between the community and urban managers.
5. **Abdi, Mehdi (2020)** studied “The Role of Technology in the Development of Smart Islamic Cities.” Abdi explored the role of information and communication technologies in the development of smart cities in Iran. He attempted to show how the use of modern technologies such as the Internet of Things, data analytics, and smart city systems can help improve the quality of life of citizens and enhance urban management. This research specifically focuses on how these technologies can be integrated with Islamic values to promote sustainable development.
6. **Said, M. (2018)**: “Islamic Urban Design: Principles and Practices in the Modern Era.” Said examined the principles of Islamic urban design in the modern era. He believes that these principles, including social justice, harmony with nature, and preservation of cultural identity, can still be applied in the design of modern cities. He provided examples from both old and modern Islamic cities to show how these principles can be maintained in contemporary urban environments.
7. **Abdullah, R. (2019)**: “Sustainability in Islamic Cities: Challenges and Opportunities.” Abdullah focused on the challenges and opportunities related to sustainability in Islamic cities. He particularly emphasized environmental issues, natural resource conservation, and social interaction in Islamic cities. This study shows how Islamic principles can contribute to modern sustainability solutions while also preserving Islamic identity.
8. **Al-Hashmi, A. (2020)**: “Public Spaces and Social Cohesion in Middle Eastern Cities.” In this study, Al-Hashmi explored the role of public spaces in Middle Eastern cities and their impact on social cohesion. He showed that these spaces play a vital role in promoting social interactions and strengthening cultural identity. His research indicates that proper design of these spaces can help create a sense of belonging and social solidarity.
9. **Khan, H. (2021)**: “Technological Innovations in Islamic Urbanism.” Khan examined the technological innovations in the field of Islamic urbanism. He believes that the use of modern technologies such as artificial intelligence, smart cities, and sustainable transportation can improve the efficiency of Islamic cities and enhance the quality of life for citizens. This research specifically focuses on how these technologies can be adapted to align with Islamic values.
10. **Yusuf, N. (2022)**: “Identity and Urbanism: Islamic Perspectives in a Globalized World.” Yusuf explored the challenges and strategies for preserving Islamic identity in a globalized world. He addressed issues related to cultural changes and the impact of globalization on Islamic cities, offering solutions for maintaining Islamic identity in the face of these challenges.

Differences and Innovations of This Research Compared to Other Studies

1. **Combination of Traditional and Modern Concepts:** This study specifically addresses how to combine Islamic principles with the modern needs of urban life, whereas many similar studies focus on either the traditional or modern aspects alone. This integration ensures that Islamic cities not only preserve their cultural and religious identity but also meet the contemporary needs of society.
2. **Focus on Social Justice as a Central Axis:** Unlike some studies that treat social justice as a secondary aspect, this research places social justice at the core of the ideal city in the new Islamic civilization. It thoroughly examines social justice in the structure and urban planning processes.
3. **Use of Modern Technologies:** This study investigates the application of advanced technologies such as artificial intelligence, the Internet of Things (IoT), and smart systems in Islamic urban management. In previous studies, this topic has not been addressed as comprehensively.
4. **Special Attention to Social and Spiritual Security:** The study emphasizes the importance of social and spiritual security and examines the role of social institutions such as mosques and cultural centers in strengthening this security. Many previous studies primarily focus on the material aspects of urban security.
5. **Role of Family and Social Institutions:** This research specifically highlights the role of family and social institutions in the ideal Islamic city, identifying this as one of the key components of Islamic cities, a topic that has been less explored in other studies.

The Role of Social Justice in the Design of the New Islamic City

The topic “The Role of Social Justice in the Design of the New Islamic City” emphasizes the importance of ensuring equality and fair access to urban resources and facilities. In the framework of Islamic civilization, this issue is deeply rooted in the ethical and religious principles of Islam, which regard social justice as a fundamental requirement for successful social living. In Islamic urban design, social justice can be implemented through equal access to housing, public services, educational and healthcare facilities, and the fair distribution of economic opportunities. [Azizi, 2016]

One key principle of social justice in Islamic urban planning is equitable access to resources and facilities. This means the fair distribution of urban spaces, natural resources, and essential infrastructure such as water, electricity, and public transport. In many modern cities, resource distribution is unequal, which contradicts Islamic values. Modern urban planning in Islamic civilization should focus on these principles so that all citizens benefit equally from opportunities and resources. [Sharifi, 2021]

Furthermore, social justice in Islamic cities must emphasize equality in access to adequate housing. Islam places great importance on ensuring proper housing for all segments of society. Thus, the design of Islamic cities must ensure that all individuals, regardless of their social or economic class, have access to decent housing and urban services. This can be achieved through affordable housing policies and comprehensive urban planning. [Ahmadi & Mousavi, 2019]

In conclusion, social justice in the design of the new Islamic city should not only focus on material aspects but also include spiritual and cultural dimensions. Islam emphasizes social cohesion, respect for others' rights, and the promotion of moral values. Therefore, public spaces in Islamic cities should be designed in such a way that they provide opportunities for social interactions, strengthen a sense of community, and promote ethics and spirituality. [Karimi, 2018]

Natural Resource Management in the Ideal Islamic City

Natural resource management is one of the key topics in designing a city based on Islamic values. In Islam, environmental conservation and the optimal use of natural resources are essential principles. Natural resources should be managed in a way that not only meets the needs of the present generation but also preserves them for future generations. This principle stems from the Islamic concept of “Khilafah” (stewardship), which portrays humans as responsible for the care of the earth and its resources. [Rahmani, 2020]

Sustainable use of natural resources in the ideal Islamic city means fair and effective utilization of water, soil, air, and energy resources. Especially in many Islamic countries where water scarcity is a significant issue, water resources must be managed efficiently. This management could involve technologies such as water recycling systems to reduce waste and preserve water resources. Moreover, Islamic cities should move towards renewable energy sources such as solar and wind energy to prevent environmental degradation. [Abbasi, 2019]

Natural resource management in Islamic cities should not be limited to technical and material aspects; it must also include ethical and spiritual dimensions. Islam teaches that excessive consumption and environmental destruction are considered moral wrongs. Therefore, urban design should aim to minimize resource consumption while ensuring that human needs are met with respect for the environment. Green urban spaces, sustainable architecture, and reducing environmental pollutants are all measures that can contribute to the realization of the ideal Islamic city. [Safavi, 2018]

Islamic Architectural Model for Modern Urban Planning

The Islamic architectural model for modern urban planning seeks to integrate traditional Islamic architectural principles with the needs of contemporary living. Islamic architecture, rooted in the religious and cultural values of Islam, emphasizes concepts such as proportion, simplicity, order, and harmony with nature. These principles can be applied to modern design, offering sustainable and environmentally friendly solutions for today's urban challenges. In Islamic architecture, public and private spaces are carefully delineated, and respect for individual and social privacy is emphasized—concepts that can be preserved in modern urban life. [Hosseini, 2019]

One of the significant aspects of Islamic architecture that can be integrated with modern urban planning is the use of natural elements such as water, light, and plants. In many



Islamic structures, water is used as a cooling and calming element. This characteristic can be applied in modern urban design to improve quality of life and reduce energy consumption. Islamic architecture also pays special attention to natural light, and intelligent use of light in both interior and exterior spaces is a key principle of design. In modern architecture, using natural light can lead to reduced energy use and increased urban comfort. [Karimi, 2018]

Another important feature of Islamic architecture that aligns with modern needs is the focus on social interactions and creating spaces that foster human connections. Mosques, bazaars, and gardens in Islamic cities have always served as gathering points and places for social interactions. In modern urban planning, creating public spaces such as parks, sidewalks, and cultural centers that encourage social relations is essential. Using Islamic architectural models in the design of these spaces can create more pleasant and humane environments. [Namati, 2021]

Ethical Governance in the Ideal Islamic City

In the ideal Islamic city, ethical and religious principles act as a guiding framework for all aspects of urban life. Ethical governance in an Islamic urban environment is based on the teachings of the Quran and the traditions of the Prophet Muhammad, emphasizing values such as justice, fairness, respect for others' rights, and responsibility. These principles not only apply to individual behavior but also influence social, economic, and environmental systems in the Islamic city, strengthening social justice and public welfare. [Hosseini, 2019]

One of the most critical aspects of ethical governance in the ideal Islamic city is the provision of social justice. Within this framework, all citizens must have equal access to urban resources and facilities, with no discrimination based on gender, social class, or race. This issue can be reinforced by creating laws and regulations aligned with Islamic ethical values, such as respect for public rights, preventing oppression and corruption, and encouraging acts of charity. [Karimi, 2018]

Urban Design in the New Islamic Civilization

Urban design in the new Islamic civilization should distinguish between public and private spaces in a way that promotes healthy social interactions. Creating spaces such as parks, sports centers, and recreational areas that families can easily access helps strengthen the family unit. These spaces not only provide an environment for leisure and relaxation but also serve as venues for social and cultural interactions among community members (Namati, 2021).

Another important aspect of the role of family and social institutions in the ideal Islamic city is ensuring social security and welfare. The security of families should be one of the top priorities in the structure of the Islamic city. Urban spaces should be designed in alignment with security principles and should encourage peaceful coexistence.



Additionally, social institutions play a vital role in providing social support for families, which can help reduce social inequalities and strengthen social solidarity (Rahimi, 2020).

The Impact of Technology and Innovation in Modern Islamic Cities

Utilizing Modern Technology in Urban Services

Modern technologies, especially in the field of urban management, have brought about a significant transformation in the new Islamic cities. Tools such as the Internet of Things (IoT), artificial intelligence (AI), and cloud technologies allow for the optimization of urban services, including transportation, energy management, and water and waste systems. These technologies can help create smart cities that reduce resource consumption, improve efficiency, and align better with environmental concerns (Al-Roumi, 2020).

Sustainable and Smart Management in Islamic Cities

The use of sustainable and smart technologies in new Islamic cities can lead to more efficient natural resource management, improved public services, and enhanced social security. Implementing renewable energy sources like solar and wind energy, combined with smart energy management systems, plays a critical role in reducing environmental impacts and preserving natural resources. These technologies also contribute to the optimal distribution of energy and resources across the city and help curtail excessive consumption (Zein, 2019).

Technology's Role in Social and Cultural Development

Innovation in communication and information technologies offers tools that can be used by social and cultural institutions in new Islamic cities to promote and expand Islamic values. Digital platforms can enhance social interaction, facilitate online education, and raise religious and cultural awareness within society. Moreover, advanced communication tools can increase public participation in urban decision-making processes, leading to cities that embrace digital democracy and participatory governance (Farahani, 2021).

Challenges and Opportunities of Technology in New Islamic Cities

Although modern technologies offer endless opportunities for improving Islamic cities, their use requires careful management and comprehensive planning. Challenges such as digital inequality, increasing dependence on complex technologies, and cybersecurity issues are some of the main concerns in this field. However, if these challenges are managed properly, technology can contribute to the sustainable development of new Islamic cities and improve the quality of life for their residents (Hassan, 2022).

The Role of Technology in the Preservation and Revival of Cultural Heritage



Modern technologies can play a significant role in the preservation of cultural heritage in Islamic cities. Digital tools such as augmented reality (AR) and 3D modeling can assist in documenting and restoring historical and cultural artifacts. These technologies not only contribute to the preservation of cultural heritage but also enhance public access and experience of these treasures. By utilizing such tools, future Islamic cities can showcase a blend of modernity and tradition, achieving sustainable development (Rahman, 2021).

Integrating Cultural Heritage with Urban Planning

Urban planning must find an appropriate balance between preserving cultural heritage and addressing modern urban needs. The design of public spaces and streets should both help maintain the traditional and historical beauty of the city and meet the growing needs of citizens. For instance, Islamic architectural patterns can be incorporated into the design of new buildings to maintain the cultural and religious identity of cities. This approach not only enhances the aesthetic appeal of the city but also prevents the erosion of its cultural identity (Alavi, 2019).

The Role of Public Participation in Cultural Heritage Preservation

Another effective method for preserving cultural heritage in Islamic cities is fostering public participation. Citizens can play an active role in the preservation and restoration of cultural heritage through awareness, education, and involvement in restoration projects. Local and national institutions should implement programs that inform the public about the importance of preserving cultural heritage and create opportunities for their participation. This approach encourages citizens to feel a deeper sense of responsibility for their cultural and historical identity (Ahmed, 2022).

Conclusion:

The ideal city in the new Islamic civilization is a manifestation of harmony between Islamic values and the needs of modern urban life. This research shows that by emphasizing principles such as social justice, attention to Islamic architecture, optimal utilization of natural resources, and governance based on ethics, a city environment can be created that not only meets the material needs of its citizens but also provides a foundation for their spiritual and moral growth.

Ideal Islamic cities should utilize modern technologies for the smart management of urban services and the sustainable use of resources. Additionally, the role of family and social institutions as fundamental pillars of society, along with a resilient economy based on Islamic principles, plays a key role in achieving sustainable development.

Preserving cultural heritage and maintaining Islamic identity are also essential for fostering a sense of belonging and solidarity within the community. Together, these elements make the ideal Islamic city a model for the new Islamic civilization. Achieving



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



this goal requires careful planning, active community participation, and an effective integration of modernity and tradition.

References:

- Azizi, M. (2015). *Social Justice in Islamic Cities*. Tehran: Aghah Publishing.
- Sharifi, H. (2021). *Urban Design and Concepts of Justice in Islam*. Mashhad: Dana Publishing.
- Ahmadi, S. & Mousavi, F. (2019). *Housing and Social Justice Realization*. Tehran: University Press.
- Karimi, N. (2018). *Spiritual Values and Social Justice in Islamic Urbanism*. Qom: International Publishing.
- Rahmani, M. (2020). *Natural Resource Management in Islamic Civilization*. Tehran: Aftab Publishing.
- Abbasi, A. (2019). *Sustainable Resource Use in Islamic Cities*. Isfahan: University Press.
- Safavi, H. (2018). *Environmental Ethics in Islam and Urbanism*. Qom: International Publishing.
- Hosseini, M. (2019). *Principles of Islamic Architecture and Modern Urbanism*. Tehran: Danesh Publishing.
- Karimi, N. (2018). *Integration of Nature and Islamic Architecture in Urban Design*. Qom: International Publishing.
- Naemati, R. (2021). *Public Spaces and Social Interactions in Islamic Urbanism*. Mashhad: City Planner Publishers.
- Rahimi, A. (2020). *Environment and Sustainable Development in Islamic Urbanism*. Tehran: Science Publishing.
- Mahdavi, S. (2018). *Resilient Economy in Islamic Urbanism*. Tehran: Rahbord Publishing.
- Al-Roumi, A. (2020). *Smart Urban Services in Islamic Cities*. *Journal of Urban Technology*, 27(4), 56-70.
- Zein, M. (2019). *Sustainable Resource Management in Islamic Smart Cities*. *Renewable Energy Journal*, 32(3), 451-468.
- Farahani, R. (2021). *Digital Platforms and Social Innovation in Islamic Urbanism*. *International Journal of Islamic Studies*, 18(2), 89-102.
- Hassan, S. (2022). *Cybersecurity and Smart Cities in the Islamic World*. *Islamic Technology Review*, 45(1), 134-150.
- Jameel, A. (2021). *Sustainable Public Transportation in Islamic Cities*. *Environmental Research Journal*, 45(3), 245-260.

مبانی معرفتی و فلسفی ملاصدرا در عینیت و تعالی انسان

دلبر شجاع اباجلو

چکیده

توجه به «اصالت وجود» و اتحاد عقل و عاقل و معقول شاخصه اصلی تفکر حکمت متعالیه است. در نظام فکری ملاصدرا تبیین متفاوت از هستی‌شناسی دینی و فلسفی مراتب وجودی انسان شده است. تفسیر وجودی و عینی از سیر انسان در مراتب وجودی و کمال، هم سو با ظاهر شریعت نمایه معناداری به حکمت متعالیه یخسیده است. از کلیدی‌ترین آن اصول؛ اتحاد عاقل و معقول با تفسیر حرکت جوهری اشتدادی نفس و تجرد قوه خیال است که به عنوان محلّ بایگانی صور حسّی مطرح است. جستار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی نظام فلسفی حکمت متعالیه را با رویکرد بنیادی در مقوله عینیت‌بخشی مراحل معرفتی انسان بازخوانی نموده و به نتایج متفاوت از آنچه در اسلاف وی (اشراق و مشاء و ابن عربی) مطرح بوده است، نایل آمده است. ملاصدرا بهره مهمی که از اصول معرفتی و فلسفی در عینیت مراحل حیات انسان می‌برد این است که نفس انسانی با توجه به اصالت وجود در تمام مراحل استکمالی در حرکت جوهری اشتدادی هیچ کدام از مراحل قبلی را از دست نمی‌دهد؛ بلکه با حفظ مراحل مادون که جزو آثار و لوازم نفس انسانی‌اند و مراحل مافوق که جزو حقیقت انسان‌اند، از رهگذر مراحل فرجام، آدمی به عالم دیگر منتقل می‌شود. معنا و هدف هستی نیل به بالاترین مرتبه کمال همان خلیفه خداوند و جامع اسماء و واسطه فیض الهی در تمام عوالم باشد.

واژگان کلیدی: انسان‌شناسی، حکمت صدرایی، وجود‌شناسی، مبانی معرفتی، عینیت انسان

مقدمه

نظام معرفتی فلسفی ملاصدرا یک نظام منسجم و واحد است که ارتباط معقولی میان سه حوزه خداشناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی برقرار می‌کند. به طوری که شناخت یکی بدون دیگری امکان پذیر نیست و همین انسجام و پیوستگی میان این سه مفهوم این امکان را به ملاصدرا می‌دهد تا انسان‌شناسی متفاوتی از دیگر مکاتب فلسفی ارایه دهد. ملاصدرا از اصول هستی‌شناسی خود به نام اصالت وجود، تشخیص و عینیت، تشکیک و حرکت جوهری کمک می‌گیرد و مباحث نفس‌شناسی را در مرتبه عینیت و تشخیص و... را شرح می‌دهد و از طرف دیگر نفس انسان را مثال خداوند دانسته که در ذات، صفات و افعال شبیه باری تعالی است و از اصول خداشناسی به جامعیت و بساطت و خلاقیت انسان در مراحل و مراتب کمال بار می‌یابد.

البته نظریه ملاصدرا هرچند منحصر در اوست؛ اما در بسیاری از آثار اندیشمندان و شعرا و حکمای جهان اسلام، کم و بیش با تعبیرات مختلفی به چشم می‌خورد. ابوحامد محمد غزالی و محی الدین عربی و شیخ اشراق هر کدام سعی در تلفیق و تفهیم مضامین فوق بوده‌اند.

۱. اصول هستی‌شناختی

مسأله معنای زندگی و ارتباط آن با شناخت انسان و فرجام زندگی او در فلسفه اسلامی از مسائل بسیار پیچیده و دشوار است. نگاه اعتقادی و تربیتی آیات الهی درباره معنا و حقیقت انسان، نشان از عظمت و رکن اصلی آن در دین، حکمت و عرفان دارد (ملاصدرا، ۱۴۲۰: ۵۳۹ و همو، ۱۴۳۰: ۱۵۵/۹). در این میان، اگر تبیین مبانی فیلسوفی به گونه‌ای در راستای آن حقایق قرار گیرد، بی‌تردید دایره باور به آن، بسیار گسترده و دارای شمول بیشتری خواهد بود. درباره حقیقت و واقعیت انسان، ملاصدرا با توجه به آموزه‌های نصوص الهی و با در دست داشتن منابع علمی و عقلی و با التزام به اصول فلسفی خود، به تفسیر آن پرداخته و از زاویه قوانین فلسفی پی به ابعاد بسیار پیچیده آن پی می‌برد.

۱-۱- صالت وجود

آنچه در خارج واقعیت دارد، از آن وجود است. وجود اصیل و غیر از ماهیت است؛ ماهیات به تبع آن (همان: ۱۶۱) به حدود و مراتب دریافت می‌شوند. ماهیات اموری تبعی و ظلی هستند و حکایت از تحقق و مراتب وجود دارند (همان: ۶۳-۶۸/۲). ملاصدرا در این نگاه هستی‌شناسانه که بر سراسر نظام فکری وی سایه افکنده است، متن واقع و ثابت را از آن وجود می‌داند و ماهیت و اوصاف مختلف آن را نه ورای وجود بلکه ویژگی متن وجود قلمداد می‌کند.

۱-۲- تشکیک وجود

در فلسفه ملاصدرا «وجود» تنها یک مفهوم و یا تصور ذهنی نیست، بلکه یک حقیقت واحد عینی است که دارای مراتب گوناگون است. وجود ذاتاً دارای مراتب شدید و ضعیف است که مرتبه کامل آن به لحاظ وجود، عین مرتبه ناقص است. داشتن مراتب شدید و ضعیف این امکان را فراهم می‌کند که امر وجودی با حفظ وحدت اتصالی از مراتب ضعیف به سوی مراتب مافوق میل کند و در عین حال، در تمامی این مراحل هویتش محفوظ بماند (همان: ۱۶۲/۹؛ اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱۶۱-۱۶۲).

۱-۳- حرکت جوهری اشتدادی

وجود ذاتاً قابل اشتداد و تضعف است، یعنی، حرکت جوهری اشتدادی می‌پذیرد (آشتیانی، ۱۳۸۷: ۹۰-۵۳). بر اساس این اصل، حرکت در ذات اشیا ساری و جاری است و دگرگونی در اعراض و ظواهر ریشه در ذات و جوهر اشیا دارد (ملاصدرا، ۱۴۳۰: ۱۶۲/۹).

روشن است که نیازمندی و فقر به «موجد» (الهی) در اعماق وجود موجوداتی که ذاتشان جز تجدد و سیلان نیست، راه یافته است (همان: ۳/۳۴). وجود انسان همواره و بدون انقطاع از مرتبه نقص به مرتبه کمال، آن هم با حرکت جوهری در حرکت است (همان: ۱۶۲/۹). به گونه‌ای که وجود آن در هر لحظه غیر از وجود آن در لحظه‌ای دیگر است. می‌توان از هر لحظه او ماهیتی را انتزاع کرد و به اسمی که متناسب آن ماهیت است، نامید؛ مانند: صورت عنصری، صورت نباتی، صورت حیوانی، صورت انسانی و... یک شخص واحد است که حرکت اشتدادی دارد و در هر مرتبه کمالی، کمالات قبلی را حفظ کرده و از دست نمی‌دهد (همو، ۱۳۸۲: ۳۴۳).

اشیا به جوهر و حقیقت ذاتشان رو به تکامل‌اند. بنابراین، در حرکت اشتدادی، سیر حرکت طبیعی موجود جوهری رو به تعالی است؛ به هر مرتبه کمالی برسد، آن مرتبه اصل حقیقت است و مادون آن حقیقت، جزء لوازم آن محسوب

می‌شود (همان‌جا؛ همو، ۱۴۳۰: ۱۶۲/۹). به بیان دیگر، در این روند تکاملی، نه تنها کمالات مراتب قبلی از دست نمی‌رود بلکه کمالات قبلی را — بنابر قول مشاء جزو آثار و لوازم نفس و بنابر قول ملاصدرا جزو مراتب نفسند — با اضافهٔ کمال جدید محفوظ می‌دارد. به بیان دیگر، هر حدی را انتزاع کنیم، در آن حد، کمالات حدود قبلی را به اضافهٔ کمال جدید آن مرتبه ملاحظه خواهیم کرد (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۳۴۳).

شخص در همهٔ مراحل کمال، شخص واحدی است. همانطور که با کم و یا زیاد شدن وزن شخص، شخصیت فرد عوض نمی‌شود و او را همان انسانی که بود، می‌نامیم. در مورد سیر طبیعی کمالات نیز وضع به همین ترتیب است؛ عینیت انسان در طول زندگی محفوظ است. در واقع، عینیت شخص اخروی با شخص دنیایی در این اصل مورد تأکید است (همان‌جا؛ همو، ۱۴۲۰: ۴۷۷-۴۷۹).

بنابراین، ملاصدرا بهرهٔ مهمی که از این اصل در معناشناختی حیات انسان می‌برد این است که نفس انسانی با توجه به حرکت جوهری اشتدادی، هنگام انتقال به جهان آخرت هیچ کدام از مراحل قبلی را از دست نمی‌دهد؛ بلکه با حفظ مراحل مادون که جزو آثار و لوازم نفس انسانی‌اند و مراحل مافوق که جزو حقیقت انسانند، از رهگذر مرگ به عالم دیگر منتقل می‌شود (همو، ۱۳۸۲: ۳۴۳). معنا و هدف هستی نیل به بالاترین مرتبهٔ کمال است، در نتیجه هر موجودی که از مراتب بالاتری از حیات و شعور برخوردار باشد، به معنا و هدف هستی نزدیک‌تر و از معنای زندگی در سطح بالاتری برخوردار است.

حکمای مشاء معتقدند انسان فقط با قوهٔ عاقله که غیر مادی است، حیات دوباره می‌یابد (آشتیانی، ۱۳۷۸: ۶۴-۷۴) و به غیر از قوهٔ عاقله، همهٔ لوازم مادون را در دنیا رها می‌کند؛ قوای نباتی، حیوانی و قوای حاسه و متخیله به دلیل مادی بودنشان همه را از دست می‌روند (ابن‌سینا، ۱۳۶۴: ۴۶۲-۴۷۲). اما ملاصدرا معتقد است نفس در هنگام انتقال به عالم آخرت، با تمام مراتب و مراحل مادون که جزو مراتب و عوارض نفس‌اند، منتقل می‌شود. حتی قوای نباتی، قوای حاسه و متخیله و هر آنچه در دنیا داشته با خود می‌برد. بنابراین، انسان در عالم آخرت متناسب با آن نشئه، محسوسات را حس می‌کند و از تخیلاتش که نسبت به دنیا قوی‌تر است، بهره خواهد برد (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۳۴۳؛ اکبریان، ۱۳۸۶: ۴۳۷).

۲- اصول تعالی بخش انسان‌شناسی

در نظام فکری ملاصدرا تبیین متفاوت از هستی‌شناسی دینی و مراتب وجودی انسان، متناظر با عوالم مادی، مثالی و عقلی بستر مناسب تبیین عقلانی مفاهیم دینی را به دست داده است (ملاصدرا، ۱۴۲۰: ۴۷۵-۴۹۱) و تصویری وجودی و عینی از سیر انسان در مراتب برزخ و آخرت سازگار با ظاهر شریعت به دست می‌دهد و به تناسب تبیین علمی، آیات قرآن را به عنوان مؤید بهره می‌برد (همو، ۱۳۶۶، ج ۵: ۲۳۹). از کلیدی‌ترین آن اصول؛ اتحاد عاقل و معقول با تفسیر حرکت جوهری نفس و تجرد قوهٔ خیال است که به عنوان محلّ بایگانی صور حسی مطرح است. قوهٔ خیال به عقیدهٔ ملاصدرا نمونه‌ای از عالم خیال است که قدرت خلق صور را دارد. با مرگ بدن این قوه نیز همانند قوهٔ ناطقه

نوعی زندگی مستقل را ادامه می‌دهد و اگر در نفس، غالب باشید، حتی نفس را به درون عالم برزخ هدایت می‌کند (ابن‌سینا، ۱۳۷۵: ۲۴۹).

۱-۲- اتحاد عاقل و معقول

یکی از اصولی که ملاصدرا در تبیین عینیت به عنوان مؤلفهٔ انسانشناسی بدان توجه ویژه نشان داده است، اصل اتحاد نفس با علوم و ملکات خود است. این اصل از اصول پیچیده و دشواری است که ملاصدرا معرفت به آن را حاصل فتوح الهی و توجهی ربّانی می‌داند (ملاصدرا، ۱۴۳۰: ۲۴۷/۳). مدعای ملاصدرا در بحث اتحاد عاقل و معقول، آن است که وجود نفس به جهت اتحاد وجودی با حقایق کلیه، صور علمیه و ملکات اعمال اشتداد وجودی می‌یابد و استکمال و اتحاد ذاتی تحصیل می‌کند. بر این اساس، هر چه انسان معقولات و مدرکات بیشتری کسب کند، نفسش وسعت وجودی بیشتری می‌یابد و به سبب اتحاد وجودی نفس با صور علمی و معارف و ملکات اعمال، اشتداد و تکامل پیدا می‌کند (همو، ۱۳۸۲: ۳۲۸).

نفس با مجموع صور نفسانی اتحاد وجودی دارد و با پذیرفتن هر صورت مدرکه در هر مرتبه از مراتب ادراکی — حس، خیال و عقل — عین آن صورت حسی، خیالی و معقول می‌شود؛ یعنی عاقل و معقول در وجود متحدند پس اگر عاقل جوهری مجرد است، معقول او نیز چنین است (مطهری، ۱۳۸۴: ۷). بنابراین اصل چهرهٔ جوهری یافتن افعال انسانی و ملکه شدن آنها توجیه مناسبی برای خلود و جاودانگی انسان در اختیار می‌نهد، زیرا در صورتی که منشأ ثواب و عقاب همان اقوال و افعال زایل شده باشد، بایسته است که معلول در عین زوال علّت موجود باشد. به علاوه، چگونه ممکن است که افعال جسمانی محدود موجب جزایی باشد که در کالبد زمان نمی‌گنجد (دیوانی، ۱۳۷۶: ۲۰۸-۲۰۹).

۲-۲- تجرد قوهٔ خیال

قوهٔ خیال مجرد است. قوهٔ خیال جوهری است که در هیچ قسمتی از اعضای بدن حلول نکرده است؛ بلکه قوه‌ای که به تجرد برزخی مجرد از ماده است و برای آن احکام مجردات اعم از خلق و ایجاد بار می‌شود. آنچه ملاصدرا از این اصل برای معناداری مراتب شعور انسان به عنوان یکی از مقدمات مهم بهره می‌گیرد و اسلاف او همانند ابن‌سینا و غزالی نتوانستند بدان نایل شوند، این است که قوهٔ خیال امر مجردی است که با تلاشی بدن متلاشی نمی‌شود و به احکام ماده محکوم نیست، بلکه خود این امر مجرد، مدبر بدن و قوای آن است. بنابراین، وقتی نفس تعلق خود را از بدن قطع کرد، بین احساس و تخیل تفاوتی نخواهد بود، زیرا، موانع ادراک حسی برطرف شده است. در حقیقت، نفس در ادراک و فعل انفعالاتش در دنیا، به اعتبار ضعفش به شرایط مادی نیازمند است اما وقتی اشتداد جوهری یافت و به عالم دیگر قدم گذاشت، ضعف از او برطرف شده و همان کارهایی را که با قوهٔ حس انجام می‌داد، اینک، بدون نیاز به شرایط و تمهیدات مادی با قوهٔ خیال انجام می‌دهد (ملاصدرا، ۱۴۳۰: ۸/۱۹۲). بنابر دیدگاه ملاصدرا، قوهٔ خیال که مرتبه‌ای از مراتب نفس است، با انتقال نفس به دار آخرت، منتقل می‌شود و هر آنچه در دنیا به عنوان علم و معرفت

کسب کرده است، به عنوان بذر مشاهده در آخرت بهره‌مند می‌شود (همو، ۱۳۸۲: ۳۳۴). بدین ترتیب سعادت حقیقی برای نفس در وجود و حصول معارف عالیه است، نه جمع‌آوری و حفظ و ضبط آنها؛ لذت کامل در گرو مشاهده است نه شناسایی محض، زیرا وجود لذیذ و کمال آن لذیذتر (همان‌جا).

۲-۳- صدور صور خیالی نفس

قیام صور ادراکی خیالی به نفس، قیام صدور است، نه حلولی! مطلبی که به عنوان مقدمه بحث در این اصل استفاده شده است این است که صور و مقادیر مادی، یا با مشارکت ماده از سوی فاعل ایجاد می‌شود، یا بدون مشارکت ماده؛ همانند: افلاک و کواکب که به صورت ابداعی خلق می‌شوند؛ یعنی، ماده و صورتشان از سوی مبادی فعال، بدون سابقه مادی ایجاد می‌شوند (همان: ۳۴۳). - تناظر به افلاک و کواکب به عنوان رفع استبعاد استفاده شده است - مطلب اول در این اصل این است که قوه خیال نیز در انسان بدون مشارکت ماده، صوری را که غایب از حواس اند در صقع نفس و در عالم خیال ابداع می‌کند. مطلب دوم این است که، اگر صورتی را در ماده قرار ندادیم، برای ماده حاصل نیست؛ بلکه برای فاعل حاصل است. مطلب سوم این که؛ اولاً شرط حصول، حلول نیست. ثانیاً حصول للفاعل قوی‌تر از حصول للقابل است؛ زیرا که حصول شیء برای فاعل به لزوم و وجوب است و حصول شیء برای قابل به امکان است. بنابراین، اتصاف صور بر نفس حلولی نیست؛ بلکه صور در صقع نفس برای انسان حاصل است. این صور با این که از جسمیات گرفته شده، مجرد از ماده جسمانی است و در قوه خیال محفوظند، البته قائم بر جرم دماغی (مغز) و یا وابسته به عالم مثال کلی (مثال منفصل) هم نیستند (همان). بنابراین، صور خیالی در صقع نفس در عالم مثال متصل خود شخص بدون استمداد از ماده، ابداع می‌شود. البته صور خیالی، مادامی که نفس در این عالم به سر می‌برد و به بدن تعلق دارد، با توجه به اشتغالاتی که نفس از سوی قوای طبیعی پیدا می‌کند و همچنین، بنا بر دلایل درونی فرد همانند: ضعف همت و علایق و مشغله‌های متعدد، نسبت به صور جسمانی ضعیف جلوه می‌کند و نفس بعد از خلع بدن عنصری، به دلیل رفع اشتغالات قوا و نیز به دلیل جمع همت در قوه متخیله، جمیع ادراکات خود را به جهت واحد شهود می‌کند و همین شهود بصر نفس است و نوریت و خلاقیت آن همان قدرت نفس است. به تعبیر دیگر، هر آنچه نفس تصور و تخیل می‌کند، بالعین نیز در خارج به صورت واقعی ظاهر می‌گردد و علم او عین قدرت او جلوه می‌کند و انسان از مشاهده آن متنعم و یا معذب می‌شود (همان و ملاصدرا، ۱۳۷۳: ۲۴۰).

با توجه به این اصل، نفس از طریق ملکات ناشی از اعمال و صور کسب شده در دنیا، صورت‌سازی می‌کند. اگر جسم اخروی انسان یا لذات و آلام او ناشی از صور در نفس وی نباشد، باید معلول علتی بیرون از نفس وی باشد که با بسیاری از آیات قرآن کریم از جمله: «کل نفس بما کسبت رهینه»، معارض است. لذا، هرگز نمی‌توان به علت تأکید ملاصدرا بر تجرد قوه خیال و نقش آن در تجرد و بقای نفس، وی را به اعتقاد فرجام خیالی که ناشی از او هام باشد، متهم کرد. ملاصدرا تصریح دارد که نمی‌توان هیچ یک از مراتب وجودی انسان در قوس صعود و رجوع به حق را معطل دانست. اجسام اخروی به خلاف اجسام دنیوی معلول صور نفسانی انسان هستند که به اذن خداوند به وسیله قوه خیال حفظ و خلق شده‌اند (همان: ۲۷ و ۲۸ و ۱۵۱-۱۵۵).

۲-۴- فاعلیت نفس در فقدان هیولی

در مرتبه‌ای که ماده و هیولا نیست، برای ایجاد شیء، علت فاعلی کفایت می‌کند و نیاز به علت قابل نیست. بنابر دیدگاه ملاصدرا قوه خیال از مراتب نفس و مجرد است و صور خیالی هم دارای تجردند، قیام آنها به نفس، نه قیام حلولی؛ بلکه قیامی صدوری است؛ به همین دلیل تمامی آنچه قوه خیال درک می‌کند، صوری هستند که توسط جهات فاعلی نفس، ایجاد و انشاء می‌شود. این صور، صوری غیر مادی‌اند و توسط نفس مجرد و بدون نیاز به تقدم ماده قابل ابداع می‌شوند. با این وصف، در عالم آخرت، ادراک صور بدون نیاز به ماده قابل، توسط جنبه فاعلیت نفس ایجاد می‌گردد (ملاصدرا، ۱۴۳۰، ج ۹: ۳۰۲ و همو، ۱۳۸۲: ۳۴۴) و این اصل هر چند در کلام ابن‌سینا به طور تلویحی مطرح گشته است (ابن‌سینا، ۱۳۶۴: ۳۰۰-۳۰۳)؛ اما نتایج آن در مسئله معاد به طور آشکارا تبیین نشده است.

۳- لوازم اصول هستی‌شناختی و انسان‌شناختی

۱. حقیقت انسان به نفس ناطقه اوست. ۲. عینیت انسان در دنیا و آخرت محفوظ است. به عبارت دیگر، عینیت در بدن طبیعی و برزخی و اخروی برقرار و محفوظ است. ۳. «صورت و نفس» بدن حقیقی انسان است و نفس و بدن به ترکیب حقیقی و اتحادی به یک وجود موجودند. ۴. بدن و قوای بدن به عنوان علت قابل و علت اعدادی تکامل نفس‌اند. ۵. باطن و حقیقت انسان در عالم برزخ و آخرت همراه با جسم برزخی و جسم اخروی در قالب حشر جسمانی عینیت یافته و بدین وسیله همه آیاتی که حکایت از معاد جسمانی دارند، نمود حقیقی پیدا کرده و در نظام فکری ملاصدرا ثواب و عقاب انسان با دلایل عقلی قابل توجیه است.

در این که ملاصدرا در اثبات معاد جسمانی چقدر مسأله را با نص صریح، هماهنگ پیش برده و محتوای وحی را چقدر با اصول خود هماهنگ و سازگار دانسته است و از اصول فلسفی خویش به چه میزان در تفسیر لایه‌های عقلانی آیات معاد بهره جسته است، خود تحقیق جداگانه‌ای می‌طلبد. مدعای ملاصدرا در تطبیق شریعت و عقل فلسفی، به معنای تطبیق صددرصد قرآن و سنت با مکتب حکمت متعالیه نیست؛ بلکه به معنای استوارسازی پایه‌های فلسفی حکمت متعالیه بر اساس معارف و محتوای شریعت است (ملاصدرا، ۱۴۳۰، ج ۹: ۱۵۱-۱۵۳). مجموعه معارف قرآن و سنت و اهداف آن در هدایت بشریت بسیار فراتر و گسترده‌تر از هر مکتب فلسفی است. ملاصدرا آیات قرآن را با معیار دستاوردهای فلسفی خویش نمی‌سنجد؛ بلکه به عکس، با دستیابی به حقایق از طریق عقل و بهره‌گیری از وحی و رسالت، دستاوردهای فلسفی خویش را با محک قرآنی می‌سنجد.

واقعیت این است که ملاصدرا با پشتوانه اصول و مبانی هستی‌شناسی گام جدیدی در بخش فرجام‌شناسی انسان به خصوص، در لایه‌های زیرین مباحث معرفت‌شناسی ملاک معناداری زندگی برداشت. وجود را با خیر و سعادت مساوق دانست؛ به این معنا که هر مرتبه‌ای از وجود که به مبدأ هستی و حقیقت وجود نزدیک‌تر است از درجه بالاتری از وجود تشکیکی برخوردار است و دارای سعه وجودی بیشتری است و هر چه وجود در مرتبه بالاتری باشد، خیریت آن بیشتر خواهد بود (ملاصدرا، ۱۴۳۰: ۳۲۹/۱)

بر اساس آن چه ارائه شد، مبانی عقلی و دینی، معنای زندگی در فلسفه ملاصدرا به معنای ختم حیات موجود در عالم دنیا نیست؛ بلکه به معنای صدور واقعیاتی مطابق ملکات اکتسابی انسان است که در طول زندگی او شکل گرفته و

بر اثر حرکت جوهری به مرتبه برتر و مناسب با عوالم و مراتب بعدی رسیده است، در نتیجه هر موجودی که از حیات و مراتب بالاتری برخوردار باشد، به معنا و هدف خلقت نزدیک‌تر و از معنای زندگی برخوردار است.

نتیجه‌گیری

- نفس بنا بر رأی ملاصدرا جوهر مستقلی است که نخست به صورت جسم ظاهر می‌شود که با دگرگونی درونی از مراحل گوناگون می‌گذرد تا سرانجام از قید ماده و تغییر به طور مطلق آزاد می‌گردد.
- در نظام فکری ملاصدرا فرجام‌شناسی انسان، که همان بازگشت وجود؛ از جمله انسان به سوی خداوند است، به عنوان یکی از سنت‌های الهی محسوب شده و بر اصل کلی نظام حاکم بر وجودشناختی او مبتنی است و دیگر اصول هستی‌شناسی و جهان‌شناسی به مثابه اصول فرعی اصالت وجود به حساب آمده است؛ همگی به نوبه خود به عنوان اصول اصالت بخش و عینیت به زندگی انسان محسوب شده است.
- اساسی‌ترین بحثی که ملاصدرا در مورد مسائل انسان‌شناسی به عنوان اندیشه‌های متناسب مورد مطالعه قرار داده است، این است که نفس و بدن در عین تفاوت از حیث مرتبه، موجود به وجود واحدند و هر اندازه وجود نفس کامل‌تر شود، بدن نیز تلطیف و تسویه و اتحاد و اتصال بین آن دو شدیدتر می‌شود؛ به طوری که وقتی نفس به مرتبه تجرد کامل رسید، دیگر مغایرتی بین نفس و بدن باقی نخواهد ماند. روشن است که مقصود ملاصدرا از این بدن، نه همین بدن عنصری و مادی است؛ بلکه بدنی است که اولاً و بالذات در تصرف نفس واقع شده است و ثانیاً نفس نسبت به آن فاعلیت بالذات دارد. بنا بر مطلب فوق و تفسیر وجودشناختی ملاصدرا از انسان، به این نتیجه می‌توان دست یافت که ملاصدرا نه قائل به تک ساحتی انسان است و نه به طور قطع دو ساحتی بودن او را اثبات نمود؛ بلکه ساحت مادی را به گونه‌ای متفاوت تفسیر می‌کند و از این جهت مادامی که در دنیا زندگی می‌کند در تلاش بوده تا ظرفیت‌های وجودی را تکمیل نماید.
- خوانشی که از اصل حرکت جوهری اشتدادی در فرجام جسمانی صدرایی می‌توان داشت این است که نفس انسان، هنگام انتقال به جهان آخرت هیچ کدام از مراحل قبلی را از دست نمی‌دهد؛ بلکه با حفظ مراحل مادون که جزء آثار و لوازم نفس انسانی‌اند و مراحل مافوق که جزء حقیقت انسانند، از رهگذر مرگ به عالم دیگر منتقل می‌شود. در صورتی که مشاء معتقد است؛ انسان فقط با قوه عاقله که غیر مادی است، نمایه می‌شود و به غیر از قوه عاقله همه لوازم مادون را در دنیا رها می‌کند؛ قوای نباتی، حیوانی و قوای حاسه و متخیله به دلیل مادی بودنشان همه را از

دست می‌دهد؛ اما ملاصدرا معتقد است که نفس در هنگام انتقال به عالم آخرت با تمام مراتب و مراحل مادون که جزء مراتب و عوارض نفس‌اند، منتقل می‌شوند؛ حتی قوای نباتی، قوای حاسه و متخیله و هر آنچه در دنیا داشته با خود می‌برد و متناسب با آن نشئه؛ محسوسات را حس و از تخیلات محفوظ، که نسبت به دنیا قوی‌تر است، بهره خواهد برد.

- بنابر اعتقاد ملاصدرا، انسان به لحاظ وجودی دارای مراتبی است که به پهنای نظام هستی عالم، از عالم عقلی تا عالم خیال و حس و ماده، امتداد و گسترش یافته است. نحوه وجود آن در عالم عقل با نحوه وجود آن در عالم برزخ و عالم طبیعت تفاوت دارد. بنابراین، چنین حقیقتی محصور در عالم ماده و یا فوق آن نیست؛ بلکه می‌تواند در نشئات گوناگون ظهور و حضور پیدا کند؛ بدین ترتیب انسان با وقوف بر این مراحل و ظرفیت‌های وجودی، زندگی معنادار را با افق متعالی بر خود سامان می‌دهد. ملاصدرا این نوع رهیافت را با الهام از وحی و نبوت، در فلسفه خود با زبان عقل و استمداد از کشف و شهود عرفانی به محتوای قرآنی نزدیک ساخته است.
- معناشناختی ملاصدرا بر محوریت معرفت عقلانی می‌چرخد و تعالی آدمی را در گرو تکامل وجودی می‌داند و بدین وسیله بین تعالی روحانی و ادراک سعادت تناسب محکم برقرار می‌نماید.
- ملاصدرا اصالت انسان را در میزان برخورداری از معارف حقیقی و ادراک کمال عقلانی و اتصال به خالق متعال می‌داند. بر این اساس عود انسان به سوی خداوند که همان معنای اساسی نهفته در واژه فرجام‌شناسی است را کانون معنابخشی زندگی دانسته است و از این جهت روح معناداری را مورد تبیین فلسفی قرار داده است.

منابع

۱۶. قرآن کریم
۱۷. ابن‌سینا، ابوعلی، ترجمه رساله‌ی اضحویه در امر معاد، با تصحیح و مقدمه و تعلیقات حسین خدیوجم، مترجم نامعلوم، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴.
۱۸. _____، الاشارات و التنبیها، نشر بلاغه، قم: ۱۳۷۵.
۱۹. اردبیلی؛ سید عبد الغنی، تقریرات فلسفه (اسفار) امام خمینی (ره)، ج اول، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران: ۱۳۸۱.
۲۰. اکبریان، رضا، حکمت متعالیه و تفکر فلسفی معاصر، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۶.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۲۱. آشتیانی، جلال‌الدین، شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا، بوستان کتاب، قم: ۱۳۷۸ .
۷. دیوانی، امیر، حیات جاودانه پژوهشی در قلمرو معادشناسی، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، قم: ۱۳۷۶.
۸. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الاسفار الاربعه، طلیعه النور، قم: ۱۴۳۰
۹. _____، الشواهد الربوبیه، به تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، ویراست دوم، چاپ پنجم، مؤسسه بوستان کتاب، قم: ۱۳۸۲.
۱۰. _____، المبدأ و المعاد، دار الهادی، بیروت: ۱۴۲۰هـ.
۱۱. _____، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح محمد خواجوی، انتشارات بیدار، قم: ۱۳۷۳.

. یادداشت‌ها

عقل و عقلانیت در تکوین تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

محسن الویری^۱، حسن عبدی^۲، کریم صفری^۳

۱-استاد دانشگاه باقرالعلوم قم

۲-استادیار دانشگاه باقرالعلوم قم

۳-دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه باقرالعلوم قم (نویسنده مسئول)

چکیده

واژه تمدن در علوم اجتماعی از واژه‌هایی است که در تحلیل‌های تاریخی-اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تمدن‌ها بر اساس شکل‌گیری اشکال مختلفی دارند و هر یک دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌توان به وسیله آن ویژگی‌ها، تمدن‌ها را از یکدیگر بازشناخت و تقسیم‌بندی نمود. یکی از این تمدن‌ها، تمدن اسلامی است که مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی بوده و با نگاهی متعادل به عرصه‌های مختلف حیات بشری اعم از مادی و معنوی در پی سعادت بشر است. عناصر زیادی در رشد و شکوفایی تمدن اسلامی دخالت دارند که در این میان عنصر عقل و عقلانیت در کنار نقل، رکن رکین و عنصر پویای آن به شمار می‌رود. این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی در بستر مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته در پی آن است که با تمرکز بر دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی-دامت برکاته- به این پرسش اصلی که عقل و عقلانیت چه نقش و جایگاهی در فرآیند استنباط در قلمروهای گوناگون تمدن اسلامی دارد، پاسخ گوید.

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، عقل، عقلانیت، مبانی نظری، جوادی آملی.

۱- مقدمه:

عقل موهبتی است که خداوند متعال در سرشت انسان به امانت گذارده و به واسطه آن امکان شناسایی حقایق و تمییز حق از باطل را به او اعطا نموده است. از این جهت است که عقل در عرض سایر منابع دینی، حجت الهی و منبع مستقل قلمداد می‌شود. اهمیت عقل و حجیت آن، در قرآن کریم و سنت نبوی بسیار مورد تأکید است. شاید یکی از علل آن، این است که عقل هرگز نمی‌تواند در برابر شرع قرار گیرد و صف آرایی کند. بر اساس روایات، ثابت شده است که «كَلِمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ وَ كَلِمَا حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ»؛ برخلاف نقل (البته نه نقل و حیانی) که همراه و مکمل عقل است و گاهی اوقات با آن تعارض پیدا می‌کند.

تحلیل تأثیر عناصر مادی و معنوی جامعه انسانی گویای آن است که عوامل مختلفی در رشد و شکوفایی تمدن‌ها تأثیر داشته است و تمدن اسلامی هم از این قاعده مستثنی نیست. اگرچه عناصر اصلی و تأثیرگذار فرهنگ و تمدن اسلامی در عقل و عقلانیت خلاصه نمی‌شود اما بسیاری از زیرساخت‌های فکری و نظری تمدن اسلامی، حیات خود را

وامدار تضارب و تعامل همین عناصر یعنی عقل و نقل هستند^۱ شکی نیست که این دو عنصر یعنی عقل و نقل، دو عنصر تمدن اسلامی محسوب می‌شوند و تقریباً در همه ادوار اسلامی آن دو را با اندک تفاوت‌های ماهوی در حرکت در کنار هم می‌بینیم و هرگاه که مقصود از نقل، وحی الهی باشد چنین نقلی منبع عقل بوده و عقل ذاتاً ارزش و اعتبار خود را از آن دریافت کرده است^۲ (افتخاری، ۱۳۸۸: ۳۳).

علی‌رغم توجه بسیار زیاد قرآن کریم و روایات معصومین - علیهم السلام - به نقش و جایگاه عقل در تمام عرصه‌های حیات بشری، آشکار نساختن سهم بایسته آن در استنباط قلمروهای گوناگون دین و تمدن اسلامی از یک سو و در رشته‌های گوناگون دانش - اعم از علوم انسانی و سایر علوم - از دیگر سو، باعث آشفتگی‌های فراوانی در طول تاریخ اسلام، بویژه سده‌های اخیر در ترسیم جایگاه عقل و عقلانیت شده است.

تمامی فلاسفه و متکلمان بر حجیت عقل بدیهی متفقاند و بحث اختلافی ایشان در محدوده و اقسام عقل می‌باشد. هدف از تحقیق پیش رو، بررسی حجیت و اعتبار عقل از دیدگاه آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته) می‌باشد و سعی شده مفهوم، اقسام و جایگاه و نقش عقل در ایجاد و پیشبرد تمدن اسلامی از دیدگاه ایشان تبیین گردد.

۱-۱- بیان مسأله:

یکی از مبانی مهم نظری در هر تحقیق تعریف مفاهیم مندرج در آن موضوع است. در موضوع پیش روی، با سه مقوله عقلانیت، عقل و تمدن اسلامی سر و کار داریم.

مقوله نخست، عقلانیت است. موضوع «عقل» در مقوله تمدن و تمدن‌سازی از دیرباز مورد توجه تحلیلگران تمدن و فرهنگ بوده است. این موضوع، بویژه پس از تحولات عظیم صنعتی در اروپا و رشد نهضت «اومانیزم» در این قاره همواره دغدغه فکری روشنفکران بوده است. در این میان، شماری از تحلیلگران خمیرمایه اصلی تمدن و تکنولوژی اروپا را «عقلانیت» می‌دانند و البته باید اذعان کرد این ادعا تا حدود زیادی واقعیت بیرونی دارد.

عقلانیت مصدر صناعی و مجعول از صفت عقلانی به معنی منسوب به عقل است و مثل انسانیت که مصدر صناعی از انسانی به معنی منسوب به انسان است و شناختش بر شناخت انسان متوقف است، تصور عقلانیت نیز متفرع بر شناخت عقل است.

عقلانیت، مجموعه منسجمی از اندیشه‌هاست که در چارچوب مبانی، اهداف، اصول و راهبردها با یکدیگر پیوند یافته‌اند. این انسجام، هم می‌تواند مراتب مختلفی داشته باشد و هم می‌تواند از منابع معرفتی گوناگون دینی، تجربی،

۱. زرین کوب، عبدالحسین، «کارنامه اسلام»، (تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۸۰) ص ۱۱.

۲. افتخاری، سید رضا، ۱۳۸۸، «سیر تحول عقل‌گرایی و نقل‌گرایی در جهان اسلام و تأثیر آن در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی»، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، ۱۳۸۸، سال ۶، شماره ۲۲، صفحه ۳۳.

استدلالی، شهودی و حتی خواسته‌های بشری بهره‌جسته باشد. عقلانیت‌ها گاه برآمده و همسو با معرفت دینی و داده‌های وحیانی‌اند که با مدد عقل، عقلانیت دینی را تولید می‌کنند و می‌توانند نسبت‌های گوناگونی با دین داشته باشند؛ چنان که معرفت‌های بریده از وحی نیز عقلانیت‌های خودبنیاد را رقم می‌زنند^۱ (نعیمیان، ۱۳۸۹: ۵۵).

عقل در اصل لغت به معنی گرفتن و در بندکردن و باز ایستادن. گره زدن است. چنانکه می‌گویند: عَقَلَ الْبَعِيرَ بِالْعِقَالِ: شتر را با پای‌بند یا زانو بند بست. و عَقَلْتُ شَعْرَهَا: زن موهای خود را بست یا گره زد. و به دژ از آنجا که حمله دشمنان را سد می‌کند مَعْقِلٌ گفته‌اند^۲. در اصطلاح فلاسفه - اعم از متقدمین و متأخرین - در دو مورد مشخص به کار می‌رود: یکی به معنی جوهری که ذات و فعل مجرد و منزّه از ماده بوده و مستقل است و دیگری به معنی نیروی ادراک کلیات^۳. آیت الله جوادی آملی هم بر آن است که فلاسفه عقل را به دو معنی به کار برده‌اند: معنی اول موجودی که ذاتاً و فعلاً مجرد باشد و معنی دوم یکی از قوای نفسانی انسانی که در حقیقت یکی از مراتب نفس به حساب می‌آید. عقل به معنی دوم به لحاظ مدرکاتش به دو قسم تقسیم می‌شود:

۱- عقل نظری: محور عقل نظری، علم به « هست و نیست » یعنی حکمت نظری و « باید و نباید » ها یعنی حکمت عملی است^۴.

۲- عقل عملی: محور عقلی عملی، فعالیتی است که امور انسان را اداره می‌کند و به تعبیر ائمه - علیهم السلام - عقل عملی نیرویی است که به وسبیل آن خدای رحمان عبادت شده و بهشت به دست می‌آید^۵.

بنا بر نظر آیت الله جوادی آملی، در تعریف عقل نظری اختلافی نیست؛ خلاف تفسیر عقل عملی. عقل نظری، نیرویی است که با آن اموری فهمیده می‌شود که هستی آنها در اختیار انسان نیست و در جایگاه خود ثابت هستند، پس نیرویی که می‌تواند به جهان بینی راه یابد، عقل نظری نامیده می‌شود^۶. ایشان در جای دیگر، بیان داشته‌اند: عقل نظری به جنبه‌ای از عقل گفته می‌شود که حاصل به کارگیری آن پدید آمدن علوم و مدرکات بشری است. این عقل خود به دو بخش تقسیم می‌شود زیرا علومی که محصول عقل نظری است گاه مسائل نظری صرف و خارج از قدرت و اختیار بشر است یعنی وجود و عدم وجود انسان در وجود و عدم این مدرکات تأثیری ندارد^۷. بنابراین هرچه که مربوط به ادراک

۱. نعیمیان، ذبیح الله ۱۳۸۹، «بنیادشناسی و زمینه‌شناسی عقلانیت»، (قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۹)، ص ۵۵.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶، «مفردات الفاظ القرآن»، (دمشق، دار القلم و الدار السامیه، الطبعة الأولى، بیروت، ۱۴۱۶)، ص ۵۷۸.

۳. طباطبایی، محمد حسین، «ابداً به الحکمه»، ترجمه و شرح علی شیروانی، (قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، جلد دوم، چاپ سوم، ۱۳۷۴) ص ۱۹۵.

۴. جوادی آملی، عبدالله، «تفسیر تسنیم»، (قم، مرکز چاپ و انتشارات اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۵، ج ۱۲)، ص ۴۴۰.

۵. همان

۶. جوادی آملی، عبدالله، «تفسیر تسنیم»، ج ۱۱، ص ۵۲۷.

۷. جوادی آملی، عبدالله، «حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه»، (قم، مرکز چاپ و انتشارات اسراء، چاپ نهم، ۱۳۹۶)، ص ۳۶.

آدمی است تحت عنوان عقل نظری جای می‌گیرد چون کار عقل نظری درک است در مسائل حکمت عملی نیز این قوانین و نبایدها و نبایدها است که درک می‌شود لذا در تقسیم بندی عقل نظری واقع می‌شود.^۱

متعلق ادراک عقل نظری از دیدگاه آیت الله جوادی آملی می‌تواند درک مفاهیم کلی و حقایق عالی باشد. عقل با در نظر گرفتن مفاهیم جزئی شبیه به هم یک معنی کلی را از آنها استنباط می‌کند. زمانی که انسان یک مفهوم کلی معقول را مجرد از جمیع اضافات ادراک می‌کند این عمل را توسط عقل نظری خود انجام داده است. در واقع می‌توان گفت تمام علوم بشری بر پایه ادراک همین مفاهیم کلی بنا نهاده شده است. عقل پس از درک مفاهیم کلی در مسیر طولانی شناخت به تدریج قادر به شناخت کلی دیگر یعنی شناخت مجردات می‌شود. این حقایق عالی که متعلق شناخت بشر قرار می‌گیرد و توسط عقل نظری درک می‌شود شامل تجرد صفات نفسانی و تجرد موضوع آنها یعنی نفس است و ابن سینا در نمط چهارم اشارات از فقدان ویژگی‌های مادی در اندیشه‌های عقل نظری و همچنین از مادی نبودن حالات نفسانی مانند محبت و اخلاص و اراده و عزم بر تجرد آنها و بر تجرد موصوف آنها یعنی نفس استدلال می‌کند.^۲ فهم خوب که متعلق آن « هست و نیست» یعنی حکمت و فلسفه) یا « باید و نباید» یعنی فقه و اخلاق و حقوق است، از آثار عقل نظری است. فهم قوی و توان شناخت حقایق هستی (حکمت نظری) و همچنین شناخت وظیفه عملی (حکمت عملی)، نیمی از کمال عقل نظری است.^۳

عقل نظری دارای مراتبی است. و آن مراتب هر کدام دارای احکام و فروع مختلف‌اند. احساس، تخیل، توهم و تعقل، مراتب طولی آن هستند. درجات ادراک انسان، از احساس و تخیل و توهم و تعقل شکل می‌گیرد، زیرا گاه ادراک جزئی است و به ماده و وضع و مقدار و شکل بسته است؛ و گاه مجرد و از این امور پیراسته است. احتمال، وهم، شک، ظن و اطمینان و همچنین علم، جزم و یقین، اموری اند که از ضعیف، متوسط و قوی بودن فهم نیروی نظری سرچشمه می‌گیرند، بنابراین از مرحله احساس تا تعقل و از احتمال تا یقین، همگی اموری هستند که عقل نظری آنها را بر عهده دارد.^۴ (همو، ۱۳۸۵: ۱۱/۵۲۶)

و اما عقل عملی گاه به نیرویی تفسیر شده است که با آن امور عملی دریافت می‌شود که بود و نبود آنها به اختیار انسان است؛ مانند وجوب، حرمت، حسن و قبح، خیر و شر، نفع و ضرر. عقل عملی کارش درک نیست بلکه او قوه محرکه است که کارش عزم و اراده و تصمیم، محبت، اخلاص، ایمان و مانند آن است. به دیگر سخن، بخش عمل به عقل عملی مربوط است. گاهی هم به نیرویی تفسیر شده که از آن به مدیر و مدبر تعبیر می‌شود و کار آن سیاست و تدبیر و فرماندهی امور شخصی است، البته شخصی که عقل عملی او مسلط بر قوا و شؤون مملکت وجودی او می

۱. همان، ص ۳۷.

۲. جوادی آملی، ۱۳۷۸، «تبیین براهین اثبات خدا»، تنظیم حمید پارسانیا، (قم، مرکز چاپ و انتشارات اِسرائ، چاپ سوم، ۱۳۷۸)، ص ۲۷۳.

۳. جوادی آملی، عبدالله، (تفسیر تسنیم)، ج ۱۲، ص ۴۴۱.

۴. جوادی آملی، عبدالله، «تفسیر تسنیم» ج ۱۱، ص ۵۲۶.

شود، این مدیریت و رهبری را می‌تواند اعمال کند.^۱ عقل عملی عهده‌دار کار است و چون کار خوب و بد دارد عقل عملی هم دارای کارهای خوب و بد است چنانکه عقل نظری هم گاه درست می‌فهمد و زمانی به خطا می‌رود.^۲ عقل عملی که افعال مجرد از آن صادر می‌شود و بر پایه‌ی عقل نظری بنا نهاده شده است در قبال رساندن آدمی به کمال مطلوب رسالت عظیمی به عهده دارد و آن ایجاد عزم عملی در انسان است. آنچه عقل عملی را در این رسالت خود یاری می‌دهد فطرت الهی نهفته در وجود انسان است که با وجود الهام دو طرفه فجور و تقوا در روح آدمی گرایش به خوبی و تقوا را در وجود او افزایش داده و او را در انتخاب سیر کمال از درون تقویت می‌کند^۳ و متعلق عقل عملی، کار و فعل انسانی نظیر ایمان، اخلاص، عبادت، محبت، تولی، تبری و ... می‌باشد.^۴

آیت الله جوادی آملی معتقدند که تقسیم خود عقل به نظری و عملی نمی‌تواند تقسیم صحیحی باشد بلکه با در نظر گرفتن متعلق عقل است چنین تقسیم‌بندی صحیح خواهد بود. باید قوای نفس به لحاظ شؤون مختلف خود آن قوا قسمت شوند، زیرا انسان کارهای گوناگونی دارد که آنها را با نیروهای مختلف انجام می‌دهد و با در نظر گرفتن تعدد کار و نیروهای انسان، باید عقل نظری و عملی را تفسیر کرد، پس باید گفت که انسان دو نیرو دارد: با یکی می‌فهمد و با دیگری عمل می‌کند. عقل نظری نیروی اندیشه و فهم است و عقل عملی، نیروی انگیزه و اراده و نیت و تصمیم^۵. مقوله دوم، تمدن اسلامی است. تمدن که در لغت به معنی شهرنشینی و ناظر به بیرون آمدن و گذر انسان از زندگی ابتدایی به زندگی شهری و مدرن است در اصطلاح، «مرحله یا نوعی خاص از فرهنگ که در عصر معینی موجودیت یافته و حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است»، می‌باشد^۶ (لوکاس، ۱۳۶۶: ۱۶). در واقع، یک گونه نظم اجتماعی سازمان یافته است و می‌توان آن به صورت «پیشرفت و توسعه همه جانبه ناشی از مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر که حاصل تعالی فرهنگی و علمی و پذیرش نظم اجتماعی است» تعریف نمود^۷. و اما تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن حول محور دین اسلام می‌گردد. به دلیل وجود همین پسوند اسلامی، از یک سو قابلیت تحدید زمانی و تعریف معنایی دارد؛ زیرا آغاز و انجامش مشخص است و از سوی دیگر، دارای گستردگی مفهومی و موضوعی بسیاری است. بدین ترتیب، تمدن اسلامی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) و پیشوایان

۱. همان، ص ۵۲۵.

۲. همان، ص ۵۲۷.

۳. جوادی آملی، عبدالله، «دین شناسی» (قم، انتشارات اسراء، ج اول، ۱۳۸۳)، ص ۱۳۷.

۴. جوادی آملی، عبدالله، «شمس الوحی تبریزی» (قم، انتشارات اسراء، ج اول، ۱۳۸۶) ص ۴۴.

۵. جوادی آملی، عبدالله، «تفسیر تسنیم»، ج ۱۱، ص ۵۲۶.

۶. لوکاس، هنری، «تاریخ تمدن»، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، (تهران، انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۶) ص ۱۶.

۷. ولایتی، علی اکبر، «پویایی فرهنگ و تمدن اسلام»، (تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، جلد اول، سال ۱۳۸۶)، ص ۲۲.

دینی است^۱. با این توضیحات، تمدن اسلامی بر اساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد. مقصود از ساخته‌ها آن بخش از حیات تمدنی است که در شرایط عادی در جامعه وجود ندارد و انسان آن را می‌سازد و مقصود از اندوخته‌ها آن چیزهایی است که از انباشت تجارب و در طول زمان به دست آمده است.

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق:

با توجه به «علینا إلقاء الأصول» و با توجه به اینکه میدان تولید علم و تمدن سازی فضایی بسته نیست و دستیابی به این مهم، اجتهاد پویا و همکاری متخصصان و خبرگان و عقل جمعی را می‌طلبد و اساساً بنا به بیان حضرت آیت الله جوادی آملی «بدون این همکاری دستیابی به آرمان تمدن اسلامی بالنده و فرهنگ اسلامی الگو، خیالی واهی بیش نیست»^۲. از این روی، لازم است که عقل و ناهمسانی دریافت‌های عقلانی مورد توجه و مطالعه قرار گیرد.

رهبر معظم انقلاب، حضرت امام خامنه‌ای هم بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید را قضیه‌ای جدی دانسته و در یکی از بیانات خود خطاب جوانان فرموده‌اند: باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش آنهاست^۳ (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳) ایشان پنج مرحله برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی ذکر می‌کنند که عبارتند از: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی (لاجوردی، ۱۳۹۹: ۶۱).

۱-۳- پیشینه تحقیق:

با اینکه در زمینه تعاریف و اقسام عقل از دیدگاه‌های مختلف از جمله از دیدگاه عالم فرزانه، حضرت آیت الله جوادی آملی - دامت برکاته- آثار تحقیقی زیادی وجود دارد که از آنها می‌توان به تحقیق محمد علی سوادی (۱۳۹۱) با عنوان «عقل و نقل از منظر آیت الله جوادی آملی» اشاره کرد همچنین در زمینه کارکرد و نقش و جایگاه عقلانیت به عنوان یکی از ارکان تمدنی دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است که از این تحقیقات می‌توان به تحقیق زیر اشاره کرد:

- لاجوردی، سید شهاب، معینی پور، مسعود، ۱۳۹۹، «جایگاه عقلانیت در شکل‌گیری مراحل رسیدن به تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال ۸، شماره ۲۸، صفحات ۷۰-۵۴.

۱. لاجوردی، سید شهاب، معینی پور، مسعود، «جایگاه عقلانیت در شکل‌گیری مراحل رسیدن به تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی ره و آیت الله خامنه‌ای» فصلنامه سیاست متعالیه، سال ۸، شماره ۲۸، سال ۱۳۹۹، صفحه ۵۶.

۲. جوادی آملی، عبدالله، «دین‌شناسی»، (قم، انتشارات اسراء، چاپ اول)، ص ۸۰.

۳. خامنه‌ای، سید علی، (سخنرانی در جمع جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

۴. لاجوردی، سید شهاب، معینی پور، مسعود، «جایگاه عقلانیت در شکل‌گیری مراحل رسیدن به تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی ره و آیت الله خامنه‌ای» فصلنامه سیاست متعالیه، سال ۸، شماره ۲۸، سال ۱۳۹۹، صفحه ۶۱.

ولی در زمینه نقش و جایگاه عقلانیت در تمدن نوین اسلامی از دیدگاه حضرت آیت الله جوادی آملی به عنوان پرچمدار عقلانیت در روزگار ما، به تحقیق قابل توجهی دسترسی پیدا نکردیم.

۲- نقش عقلانیت در تکوین تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی:

واژه عقل از دیدگاه آیت الله جوادی آملی - دامت برکاته - واژه‌ای است که دارای بار ارزشی است و از این جهت طبیعی است که معنی و موارد اطلاق آن افراد و مکاتب الهی و الحادی، متعدّد و متفاوت باشد. این تقابل در معنی برای بار ارزشی این واژه است که از یک سو به حق و باطل در حکمت نظری و از سوی دیگر به حسن و قبح در حکمت عملی مرتبط است. از این رو وثنی‌ها و صنمی‌های (بت‌پرستان) باطل‌گرای حجاز، حضرت رسول اکرم (ص) را که عقل ممثّل بود مجنون می‌پنداشتند، چه اینکه اسلام نیز آنها را فاقد شعور انسانی دانسته و از آنها با تعبیرات مانند «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»^۱. (اعراف / ۱۷۹) یاد کرده است.^۲

موارد اطلاق عقل به قدری پراکنده و جدای از هم‌اند که گویا هیچ وجه جامعی میان آنها نیست، لذا از اشتراک آن موارد در واژه عقل به عنوان اشتراک اسمی (لفظی) یاد شده و صدرالمتألهین (قدس سره) بعد از ذکر برخی از مصادیق آن در اسفار، آن را مشترک اسمی دانسته است. همین پراکندگی موارد اطلاق، باعث شده است که در ابواب و فصول گونه‌گون حکمت از آن یاد شود. گفتنی است که برای واژه عقل می‌توان جامع انتزاعی ترسیم کرد که هم در تمام مکتب‌ها و نحله‌ها به معنی واحد استعمال شود - هرچند مصداق‌ها تفاوت فراوانی دارند - و هم در همه موارد یاد شده اخیر به یک مفهوم به کار رود، هرچند که آن موارد کاملاً از یکدیگر جدا باشند.^۳

عقل به معنی نیروی ادراکی ناب است که از گزند وهم و خیال و قیاس و گمان مصون است و پیش از هر چیز گزاره اولی؛ یعنی اصل تناقض را به خوبی می‌فهمد و در ظل آن گزاره‌های بدیهی را کاملاً ادراک می‌نماید؛ مانند، بطلان جمع دو ضد، چه اینکه ضرورت ثبوت شیء برای نفس خود را نیز به عنوان بدیهی نه اولی ادراک می‌کند و در فرق میان اولی و بدیهی چنین می‌یابد که اولی غنی از دلیل است و بدیهی مستغنی از آن؛ نه غنی از آن. آن‌گاه سایر مطالب نظری را با ارجاع به بدیهی مبین می‌نماید و شعاع چنین عقل نظری کلی نگر و جهان بین که بطل عرصه فلسفه بطلان ناپذیر الهی است، حکمت عملی را در برمی‌گیرد، زیرا حکمت عملی شامل، اخلاق، فقه و حقوق در ردیف علوم جزئی است و تحت اشراف علم کلی و فلسفه اعلا است.^۴

آیت الله جوادی آملی برای عقلانیت اقسام و مراتبی قائل است. ایشان عقلانیت را به عقلانیت شهودی، عقلانیت برهانی، عقلانیت تجربیدی و عقلانیت نیمه تجربیدی و عقلانیت تجربی تقسیم کرده‌اند. اگر چیزی با چشم باطن دیده شود،

۱. اعراف، آیه ۱۷۹.

۲. جوادی آملی، عبدالله، «منزلت عقل در هندسه معرفت دین»، (قم، انتشارات اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۹) ص ۳۰.

۳. همان، ص ۳۱.

۴. جوادی آملی، عبدالله، (منزلت عقل در هندسه معرفت دینی)، ص ۳۲.

می‌توان از آن مفهوم انتزاع کرد، سپس آن را تجزیه و تحلیل کرد و تعمیم داد و بر آن اساس، برای او برهان اقامه نمود^۱؛ عقلانیت شهودی امکان مشاهده حقایق امور جزئی وجود دارد. پس از مشاهده حق بودن امور جزئی، می‌توان آنها را توجیه کرد؛ اگرچه برای غیر شاهد، همچنان در پرده ابهام عقلی است. این در حالی است که عقل برهانی از اقامه برهان بر جزئیات دین، قاصر است؛ از ارائه دلیل بر بطلان آنها نیز عاجز است. از این رو، حق داوری درباره آنها را ندارد. عقلانیت برهانی یا حصولی، عقلانیتی است که با آن کلیات دین، قابل دفاع مستقیم عقلی است؛ و مقصود از عقلانیت تجربیدی، عقل فلسفی و کلامی است که توان اثبات وجود خداوند، وحدت حیات، علم، قدرت، سمع، بصر، اراده و سایر اسمای حسنی الهی را داراست. چنانکه بر اثبات وجود وحی، نبوت، رسالت، ولایت، عصمت، اعجاز، فرق معجزه با علوم غریبه و دیگر معارف توانمند است. رهاورد عقل در همه این مطالب دینی، معقول و مقبول بوده و هست^۲.

این عقل برهانی، منبع دین است و با ملاحظه دلیل معتبر نقلی، فتوایش همان فتوای دین است؛ مانند دلیل معتبر نقلی که هر آنچه را با ملاحظه برهان عقلی ثابت کند، همان به حساب دین می‌آید. از این رو، اگر کسی برخلاف آنچه که برهان عقلی ثابت کرد عمل کند، در معاد محکوم می‌شود؛ مثلاً اگر به فتوای عقل عملی و با دید کارشناسی، برای استقلال کشاورزی کشور باید از ماشین و کشاورزی مکانیزه استفاده شود و نیز برای تأمین آب آن، باید سد بتونی احداث گردد، اما افرادی عمداً مخالفت کرده، سد خاکی ساختند و بیت المال را در این جهت صرف کردند، محکمه عدل اسلامی آنان را محاکمه، و محکوم می‌کند و در قیامت نیز چنین شخصی محکوم و معذب است^۳.

عقلانیت نیمه تجربیدی عقلانیتی است که عهده دار ریاضیات است. ریاضی از نظر برهان، بسیار غنی و قوی است. مباحث ریاضیات در محور کم و کیف و کم متصل و کم منفصل بسیار عمیق و عریق است؛ ولی در مسائل متافیزیکی که فصل و وصل، کم و کیف، جمع و تفریق، ضرب و تقسیم و هیچ‌گونه حرکتی ندارد، مجالی برای فن ریاضی نیست، پس هرگز با ریاضی نمی‌توان دانست آیا جهان آغازی دارد و فرشته هست و بر فرض وجود، فرشته مجرد است یا خیر، زیرا این موجودات عددپذیر نیستند. ریاضی حقیقت اینها را نه اثبات می‌کند و نه نفی، بلکه فقط باید بگوید «نمی‌دانم»^۴. علوم ریاضی گرچه یقین‌آور است و مسائل جزئی آن فراوان است، لیکن هم در مبادی اساسی خود مانند هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، موضوع‌شناسی و مانند آن نیازمند حکمت الهی است و هم قلمرو آن محدود است؛ زیرا در موجود عینی و خارجی که از قید هرگونه اندازه منزّه است و از بند هرگونه مقدار مبراست اصلاً کارآمد نیست و اگر گاهی از فرمول‌های ریاضی برای حل برخی از معارف ماورای طبیعی استعانت می‌شود و از مبادی فن ریاضی برای تحریر و تحلیل مسائل تجربیدی صرف استمداد می‌شود، حتماً بعد از ترقیق مطلب منزّه از کمیت و اندازه و بعد از تشبیه معقول به محسوس است و گرنه موجود مجرد محض که از تهدید به تحدید زمانی، زمینی، طول و عرض و عمق

۱. جوادی آملی، عبدالله، (دین‌شناسی)، ص ۱۷۴.

۲. جوادی آملی، عبدالله، (منزلت عقل در هندسه معرفت دینی)، ص ۲۶.

۳. جوادی آملی، عبدالله، «دین‌شناسی»، ص ۱۳۰.

۴. جوادی آملی، عبدالله «تفسیر انسان به انسان در قرآن»، (قم، انتشارات اسراء، چاپ اول، سال ۱۳۸۹)، ص ۱۰۴.

و نظایر آن مبراست هرگز در کمان حساب یا کمند هندسه در نمی آید و تنها با برهان عقلی ناب صید می شود. آنگاه سلطنت فلسفه الهی و ملکه بودن آن نسبت به سایر علوم استدلالی از قبیل طبیعی، ریاضی، منطقی و اخلاقی معلوم می شود.^۱

ضعیف ترین روش شناخت این است که انسان منحصراً چیزی را با حواس ظاهری خود حس کند؛ مثلاً شیئی را با چشم مسلح یا نامسلح ببیند؛ یا تجربه حسّی داشته باشد که معمولاً در داروسازی و علم طب و علمی از این دست، از این روش حسّی و تجربی کمک گرفته می شود. این روش در این علوم، بازدهی فراوانی دارد؛ ولی برای جهان بینی کافی نیست، چون با این میزان نمی توان همه جهان را شناخت؛ مانند این است که کسی بخواهد سلسله جبال را با ترازویی عادی بسنجد؛ یا بخواهد کره زمین را با باسکولی معمولی وزن کند که هرگز شدنی نیست. مسائلی مانند محال بودن دور و تسلسل، آغاز و انجام جهان، خدا، معنای واحد و وحدت و توحید و... هرگز در باسکول حسّ و تجربه نمی گنجد و با آن سنجیده می شود. مددگیری از حسّ و تجربه، موضوعاتی ویژه و بازاری مخصوص دارد که این روش برای آن سودمند است. به هر روی، عقلانیت تجربی برای جهان بینی کارآمد نیست. جهان بینی یعنی مجموع جهان را یکجا دیدن و بررسی کردن و این با علمی چون سپهرشناسی، زمین شناسی، دریاشناسی و هواشناسی تفاوت دارد. به نظر آیت الله جوادی آملی، عقلانیت تجربی یعنی اینکه ما محسوسات را با حس درک می کنیم و پس از تجربه، آن را با عقل توسعه و تعمیم می دهیم.^۲

عقل در حرکت های علمی، هم در رتبه فاعلی و هم در مقام ارزیابی و داوری، بر حسّ مقدم است. در فضای داده های عقلی، امکان آزمون و فرمان تجربه صادر می شود و در نهایت نیز میزان های عقلی، حدود اعتماد و حوزه شمول احکام تجربی را بیان می کند.^۳

نتیجه و خلاصه سخن آنکه، عقلانیت تجربی بخشی از عقل نظری است که به امور طبیعی می نگرد و از محسوسات استفاده می کند و قیاسات تجربی را تشکیل می دهد.

به نظر آیت الله جوادی آملی، علم تجربی کنونی در جهت افقی در حال امتداد پیدا کردن است و سیر عمودی ندارد و به همین جهت علمی افسرده است که خود نمی داند به کجا می رود. این علم، دنیا را مانند مردار و لاشه ای در نظر می گیرد که هیچ مبدأ و غایتی ندارد. علم تجربی و حسّی سراغ علت فاعلی و غایی اشیا نمی رود؛ بلکه تمام هم و غم اش این است که علت های مادی و صوری اشیا را جستجو کند. از این جهت، نگاه دانشمندان علوم طبیعی و تجربی از سنخ

۱. جوادی آملی، عبدالله، «حیات عارفانه امام علی ع»، (قم، انتشارات اسراء، چاپ نهم، ۱۳۹۵) ص ۳۲.

۲. جوادی آملی، عبدالله، «دین شناسی»، ص ۱۷۱.

۳. جوادی آملی، عبدالله، «تفسیر انسان به انسان در قرآن»، ص ۱۰۴.

معرفت و علمی نیست؛ چون حکایت قابل اعتمادی از واقع ندارند. بنابراین در قبال دین ساکت‌اند نه ناطق؛ و سکوت، عدم احتجاج است نه احتجاج بر عدم^۱.

علم تجربی بر اساس دلیل لَبّی نمی‌تواند علم نقلی را تخصیص بزند؛ بلکه دسترسی علوم عقلی و تجربی به اموری که اصالتاً تجربه پذیر نیستند مانند صدقه، دعا، صلّه رحم و مانند آن نفیاً و اثباتاً درست نیست. ممکن است علم تجربی برخی از مسائل متافیزیک را با چالش در پاسخ مواجه کند ولی به هیچ وجه نمی‌تواند آن را نفی و یا اثبات کند. چون این قبیل امور اساساً در حوزه و حیطة او قرار ندارند. نهایت چیزی که تجربه می‌تواند بگوید این است که با پیمودن راه الف نتیجه ب به دست می‌آید. ولی دیگر قادر به اظهار نظر در این مورد نیست که رسیدن به ب منحصرأً از طریق الف حاصل می‌شود^۲.

آیت الله جوادی آملی، بر این عقیده‌اند که علوم مابعد الطبیعه و متافیزیک از علوم هستند که ابزارهای خودشان را جهت شناخت لازم دارند و با همان ابزارها کار می‌کنند و نمی‌توان به صرف تجربی نبودن آنها را نفی کرد. ایشان نسبت به نگرانی بعضی‌ها نسبت به ندرت وقوع قطع در حوزه دانش و علوم تجربی معتقدند که این واقعیت نباید مایه نگرانی در حجیت شرعی علوم اطمینان آور باشد؛ چرا که این ندرت قطع و یقین در مورد دلیل نقلی هم صدق می‌کند. در ادله نقلی عمدی اتکای اصولیان و فقها به امارات و ظنون اطمینان آور است و نقل قطعی و متواتر بسیار اندک است. همانطور که جزم یقینی و منطقی شرط حجیت شرعی ادله نقلی دین نیست. برهانی بودن و قطعی بودن یافته‌های علمی نیز شرط حجیت شرعی بودن علوم تجربی نیست. عمده آن است که از مرز مظنه فراتر رفته و در حدّ طمانینه عقلایی باشد. با این بیان، برای عقل در هندسه معرفت دینی جایگاهی فرض کرده‌ایم و اگر عقل در هندسه معرفت دینی جایگاهی داشته باشد دیگر مقابل نقل قرار نمی‌گیرد که با ایجاد اندک زاویه آنها با یکدیگر حکم به جدایی آنها از هم کنیم^۳.

عقلانیت در فرایند تمدن سازی اسلامی از جهتی هم (طریقیت) دارد و هم به عنوان رکن یا وسیله در برپایی تمدن اسلامی باید مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر، نه تنها در طراحی و مهندسی تمدن اسلامی باید عقلانی عمل کنیم و از مولفه‌های عقل مدد گیریم بلکه باید در متن تمدن نیز به رکن رکن عقلانیت - علی الإطلاق - توجه نماییم.

مکتب اسلام به لحاظ ارزش فوق العاده‌ای که برای عقل قائل است راهکارهایی هم که برای دفاع از حریم عقلانیت ارائه می‌دهد. البته منهای حمایت شریعت، عقل به تنهایی قادر به برون رفت از موانع و قیود برخاسته از خواهش های نفسانی نیست. به همین علت، یگانه مکتبی که ظرفیت‌های مستور عقل را شکوفا می‌سازد و مسیر عقل‌ورزی را تا رسیدن به حقیقت امور هموار می‌نماید مکتب اسلام است.

۱. جوادی آملی، عبدالله، «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی»، ص ۱۱۲.

۲. جوادی آملی، عبدالله، «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی»، ص ۱۲۲.

۳. همان، ص ۱۱۸.

در پرتو عقلانیت است که آرامش و امنیت راستین بر وجود انسان سایه می‌افکند و هر اندازه که اختلاف و تشنج از حیطه حیات معنوی انسان برجیده می‌شود به همان اندازه به جایگاه بلندی صعود می‌کند. اگر عقلانیت حاکم باشد، مجالی برای دیگر قوا نخواهد بود و چون عقل همانند وحی (نقل و حیانی) از خطا مصون و محفوظ است، به انحراف کشیده نمی‌شود، در نتیجه استقلال شخص ثابت می‌ماند؛ و چنانچه نفسانیت چیره شود، عقل اسیر او می‌شود، در نتیجه به میل او عمل می‌کند و خواسته او عقل را جهت می‌دهد و مسیر را تعیین می‌کند و صاحبش را از کرامت و استقامت باز می‌دارد؛ زیرا هوای نفس به دنبال اغراض و اهداف زودگذر و موقت دنیایی است و نه تنها هدف معین را دنبال نمی‌کند بلکه آن را که متعلق عقل است، سست و اهداف واهی را جایگزین آن می‌سازد و شخص دچار توهم شده و نردبانی برای ارتقای انسانی ندارد^۱ (همو، ۱۳۹۵: ۱۸۰).

آیت الله جوادی آملی، بیان می‌دارند که اگر عقل انسان فعلیت یابد، تخیل به حد کمال اعتدالی خود می‌رسد و از افراط و تفریط مصون می‌ماند و کسی که در پرتو عقل، خیال خود را تعدیل کند، هرگز به رذیلت‌های خودنگری، خود بزرگ‌بینی و تحقیر دیگران دچار نمی‌شود و اگر به مقامات دنیوی دست یابد و از ثروت و موقعیت‌های فراوانی بهره‌مند شود، هیچ‌یک را حقیقتاً عامل کمال واقعی تلقی نمی‌کند، بلکه در پرتو نور عقل چنین می‌اندیشد که آنچه اکنون به دست ماست، آزمون الهی است و پیش از این در اختیار دیگران بوده و دسترسی به آن در اثر تناوب است؛ یعنی عده‌ای از آن سوی این صف بیرون رفته‌اند تا جای ورود ما باز شده است و در امتداد این صف نیز خردسالانی به نوبت ایستاده‌اند و دیری نمی‌پاید که جایگاه خویش را به آنان وا نهاده و به دیگرانی که رفتند و همه چیز را رها کردند، می‌پیوندیم؛ یعنی نه ما می‌مانیم و نه مال؛ زیرا هم اموال در تحول است و هم مالکان. اما اگر نیروی تخیل بدون رهبری عقل، رشد کاذب یافت و راه فعلیت عقل را بست، انسان را به خیال‌زدگی می‌کشاند و انسان خیال‌زده، چون از رهبری عقل محروم است، مختالانه به سرمی‌برد و با غفلت از حقیقت صف‌گونه دنیا دچار خسارتی جبران‌ناپذیر می‌شود^۲.

به بیان ایشان، وجود پر برکت افرادی که در پرتو هدایت عقل و نقل، فطرت الهی خود را شکوفا کرده‌اند، چون چشمه جوشانی است که با تلاش و کوشش، بر صخره‌ها سر می‌کوبد و از سنگلاخ‌های سخت می‌گذرد تا تشنگان را سیراب سازد. این گروه، همان متمدن‌های بالفطره‌ای هستند که از توحش طبیعی رسته‌اند و در عین آنکه دارای یک زندگی طبیعی هستند، طبیعتشان در سایه باروری فطرت، مبدل و دگرگون می‌شود و به نوعی زندگی نایل می‌شوند که عقلشان با گذر از مرحله حیوانیت، فعلیت می‌یابد. در این مرحله است که عقل با در اختیار گرفتن رفتار و کردار آدمی از یک سو و فکر و نظر از سوی دیگر، انسان را به مقامی می‌رساند که جز مطابق حکم خداوند عمل نمی‌کند و جز به رضایت او نمی‌اندیشد. او در این مقام، همواره به یاد خداست و هیچ حادثه تلخ و شیرینی او را از یاد خدا غافل نمی‌کند:

۱. جوادی آملی، عبدالله، «حیات عارفانه امام علی ع»، ص ۱۸۰.

۲. جوادی آملی، عبدالله، «حیات حقیقی انسان در قرآن»، (قم، انتشارات اسراء، ۱۳۹۱)، ص ۱۲۴.

« رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ » (نور: ۳۷). چنین انسانی که یاد خدا تمام ذهن و فکرش را به خود مشغول داشته است، به تحوّل دست می‌یابد که براساس آن، تمام افعالش در حدّ تسبیح و تقدیس است. این تحوّل، همان تبدّل «توحش طبعی» به «تمدن فطری» است، پس انسان متمدن، همان انسان الهی است که در عین عمل و رفتار اجتماعی و فردی خود، جز با خدا سخن نمی‌گوید و جز با او زیست نمی‌کند.^۱

از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، گستره عقل، عقول عملی، نظری، دینی، برهانی، تجربی، تجریدی، نیمه تجریدی و ناب یا شهودی را در بر می‌گیرد. عقل به ادراک دین می‌پردازد و کاری با انشای احکام دینی ندارد؛ یعنی عقل چیزی بر دین نمی‌افزاید؛ بلکه همانند آینه‌ای است که حکم خدا را نشان می‌دهد. از دید ایشان، عقل ربوبیت و مولویت و نیز قدرت بر ثواب و عقاب ندارد و حکم عقل به معنی کشف عقل است. عقل مانند طیب است؛ اهل درایت و معرفت است.^۲

بی هیچ گمانی مهم‌ترین ابتکار آیت جوادی آملی در زمینه بیان نقش و کارکرد عقل و عقلانیت در تمدن‌سازی و تعالی علوم، بیان نظریه عقلانیت و حیانی است.

بر اساس این نظریه با درهم آمیختن گونه‌های چهارگانه عقل تجربی، نیمه تجربی، تجریدی و ناب و همچنین با استفاده متوازن و صحیح از عقل و نقل زمینه بهروزی و سعادت بشر در همه ابعاد و ساحت‌های زندگی و تعالی علوم و برپایی تمدن نوین اسلامی فراهم می‌آید.^۳ (گنجور، ۱۳۹۹: ۱۴۶). لازم به ذکر است که و حیانی به عنوان صفت عقلانیت مشتق از وحی است که در اصطلاح به معنی ادراک غیراکتسابی معارف و حقایق الهی است که از مبادی ماورای طبیعی بر قلب و خیال انبیاء افاضه می‌شود و از دیدگاه آیت الله جوادی آملی از سنخ علم حضوری بوده و کامل‌ترین مراتب آن است و خطاناپذیری مهم‌ترین مؤلفه آن است.

به نظر می‌رسد که ایشان سنت نبوی را هم مصداق نقل و حیانی می‌دانند. زیرا در مصاحبه‌ای بیان داشته‌اند که ما کاملاً به وحی دسترسی داریم و آن قرآن و سنت است؛ دو تا اصل را قرآن کریم تبیین کرده؛ یکی، ما هر چه که گفته‌ایم برای مردم بوده است، دیگر اینکه پیامبر (ص) هیچ چیز نگفت مگر به اجازه ما؛ یکی موجه کلیه است، یکی سالبه کلیه؛ آن که موجه کلیه است آن است که « وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (**) إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (**) عِلْمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ » (نجم: ۳-۵) پیامبر (ص) هر چه می‌گوید وحی است. سالبه کلیه این است که پیامبر (ص) هیچ چیز وحی را کتمان نکرده است؛ « وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ » (تکویر: ۲۴).

۱. جوادی آملی، عبدالله، «شمس الوحی تبریزی»، (قم، انتشارات اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۶)، ص ۲۱۶.

۲. رضایی، محمد جعفر و همکاران، «کارکردهای عقلانی از دیدگاه جوادی آملی»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۶، شماره ۳۶، صفحات ۲۹-۵۳.

۳. گنجور، مهدی، «مبانی وجود شناختی توسعه و تعالی علوم بر پایه عقلانیت و حیانی با تأکید بر اندیشه‌های آیت الله جوادی آملی»، دو فصلنامه علمی حکمت صدرایی، سال ۹، شماره ۱، پیاپی ۵۲، صفحات ۱۶۱-۱۴۵.

پس می‌شود دو تا اصل کلیه؛ یکی موجب کلیه که هر چه می‌گوید عقل است و یکی سالبه کلیه که هیچ چیزی را کتمان نکرد^۱ (<https://rasanews.ir>).

نتیجه:

عقل یکی از ممیزه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی و در کنار نقل (وحی الهی) دو بال پرواز اندیشه اسلامی بوده است. آیت جوادی آملی معتقدند که تقسیم خود عقل به نظری و عملی نمی‌تواند تقسیم صحیحی باشد بلکه با در نظر گرفتن متعلق عقل است چنین تقسیم‌بندی صحیح خواهد بود. ایشان برای عقلانیت اقسام و مراتبی قائل است. ایشان عقلانیت را به عقلانیت شهودی، عقلانیت برهانی، عقلانیت تجریدی و عقلانیت نیمه تجریدی و عقلانیت تجربی تقسیم کرده‌اند. نظریه عقلانیت وحیانی و نقش آن در توسعه و تعالی علوم بشری از ابتکارات آیت الله جوادی آملی شناخته می‌شود که بر اساس آن با درهم آمیختن عقول تجربی، نیمه‌تجربی، تجریدی و ناب و استفاده از نقل (وحیانی یعنی قرآن و سنت) می‌توان به یک الگوی صحیحی جهت تعالی علوم و برپایی تمدنی کارآمد، دست یافت. بنابر این عقل به تنهایی کاری از پیش نخواهد برد و کمیت او در ساختن تمدن اسلامی لنگ خواهد بود. زیرا عقلانیت منهای نقل وحیانی اعم از کتاب و سنت، سوداگرانه و مصلحت‌جویانه و عافیت طلبانه عمل می‌کند.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها:

• قرآن کریم.

۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲، «شناخت شناسی در قرآن»، به کوشش حمید پارسانیا، مرکز چاپ و انتشارات اِسرائ، چاپ دوم، قم
۲.، ۱۳۷۸، «تبیین براهین اثبات خدا»، تنظیم حمید پارسانیا، مرکز چاپ و انتشارات اِسرائ، چاپ سوم، قم
۳.، ۱۳۸۳، «دین شناسی»، مرکز چاپ و انتشارات اِسرائ، چاپ اول، قم
۴.، ۱۳۸۵، «تسنیم تفسیر قرآن کریم»، مرکز چاپ و انتشارات اِسرائ، چاپ اول، قم (ج ۱۱)
۵.، ۱۳۸۶، «تسنیم تفسیر قرآن کریم»، مرکز چاپ و انتشارات اِسرائ، چاپ اول، قم (ج ۱۲)
۶.، ۱۳۸۶، «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی»، تحقیق احمد واعظی، مرکز چاپ و انتشارات اِسرائ، چاپ سوم، قم
۷.، ۱۳۸۶، «شمس الوحی تبریزی»، مرکز چاپ و انتشارات اِسرائ، چاپ اول، قم

«<https://rasanews.ir>» .^۱

۸.، ۱۳۸۹، «تفسیر انسان به انسان در قرآن»، مرکز چاپ و انتشارات اِسرائ، چاپ اول، قم
۹.، ۱۳۹۱، «حیات حقیقی انسان در قرآن»، مرکز چاپ و انتشارات اِسرائ : قم
۱۰.، ۱۳۹۵، «حیات عارفانه امام علی(ع)»، تنظیم علی اسلامی، مرکز چاپ و انتشارات اِسرائ، چاپ
نهم، قم
۱۱.، ۱۳۹۶، «حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه»، به کوشش سید حسین شفیعی، مرکز چاپ
و انتشارات اِسرائ، چاپ نهم، قم
۱۲.، ۱۳۹۸، «ادب قضا در اسلام»، انتشارات اِسرائ، چاپ چهارم، قم.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶، «مفردات الفاظ القرآن»، دار القلم و الدار السامیه، الطبعة الأولى، دمشق -
بیروت.
۱۴. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۰، «کارنامه اسلام»، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، تهران.
۱۵. طباطبائی، علامه سید محمدحسین، ۱۳۷۴، «بایه الحکمه»، ترجمه و شرح علی شیروانی، مرکز انتشارات دفتر
تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سوم، قم. (جلد دوم)
۱۶. لوکاس، هنری، ۱۳۶۶، «تاریخ تمدن»، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، مؤسسه انتشاراتی کیهان، چاپ اول: تهران.
۱۷. نعیمیان، ذبیح الله، ۱۳۸۹، «بنیادشناسی و زمینه‌شناسی عقلانیت»، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی،
چاپ اول، قم.
۱۸. ولایتی، علی اکبر، ۱۳۸۶، «پویایی فرهنگ و تمدن اسلام»، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول: تهران (جلد
اول).
- ب) مقالات:
۱۹. افتخاری، سید رضا، ۱۳۸۸، «سیر تحول عقل‌گرایی و نقل‌گرایی در جهان اسلام و تأثیر آن در شکوفایی فرهنگ و
تمدن اسلامی»، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، سال ۶، شماره ۲۲، صفحات ۳۵-۹
۲۰. رضایی، محمد جعفر و همکاران، ۱۳۹۷، «کارکردهای عقلانی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی»، فصلنامه پژوهش
در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۶، شماره ۳۸، صفحات ۵۳-۲۹
۲۱. گنجور، مهدی، ۱۳۹۹، «مبانی وجودشناختی توسعه و تعالی علوم بر پایه عقلانیت و حیانی با تأکید بر اندیشه‌های
آیت الله جوادی آملی»، دو فصلنامه علمی حکمت صدرایی، سال ۹، شماره ۱، پیاپی ۵۲، صفحات ۱۶۱-۱۴۵



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۲۲. لاجوردی، سید شهاب، معینی پور، مسعود، ۱۳۹۹، «جایگاه عقلانیت در شکل گیری مراحل رسیدن به تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال ۸، شماره ۲۸، صفحات ۷۰-۵۴

۵۴

ج) پایان نامه‌ها:

۲۳. صفری، کریم، ۱۳۹۵، «مبانی نظری تمدن اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های آیت الله جوادی آملی»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه باقرالعلوم قم گروه مدرسی معارف، با راهنمایی دکتر محسن الویری، مشاوره دکتر حسن عبدی.

د) تارنماها:

۲۴. خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۱ / ۷ / ۲۳)، بیانات معظم له در جمع جوانان استان خراسان شمالی، قابل دسترسی در تارنمای زیر:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content>

- <https://rasanews.ir>

تأثیر تخریبی تفکرات تکفیری بر تمدن نوین اسلام

محمدجواد شکرزاده چهاربرج^۱، رضا شکرزاده چهاربرج^۲

۱- محمدجواد شکرزاده چهاربرج، طلبه سطح یک حوزه علمیه ولیعصر عج بناب، ایران. (نویسنده مسئول)

۲- شکرزاده رضا استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی ارومیه، ایران

چکیده

تکفیر در همه تابعان ادیان، وجود داشته و دردین خاتم هم از طرف آحاد و گروه‌هایی درهمه ادوار گوناگون، برای پیشبرد اهدافی خاص و گاه برای جامه عمل پوشاندن به کینه‌ها و نفرت‌ها به آن دامن زده شده است. شگفت آنکه تیغ تکفیر از آغاز تاکنون، از سوی کسانی به روی مسلمانان و یا گروهی از مسلمانان کشیده شده که به هیچ‌روی، پای بند به آموزه‌ها و سیره نبی اعظم نبوده و برای رسیدن به اهداف دنیوی، گام در این مسیر گذارده‌اند. جریان‌های تکفیری در جهان اسلام که گاه در گذر زمان به جریانی فکری و حتی سیاسی تبدیل شده است نقش تخریبی قابل‌ملاحظه‌ای بر فرهنگ و تمدن اسلامی داشته است. در اهمیت این پژوهش می‌توان گفت در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی، مسئله تکفیر، با شیوه‌های غیر منطبق با آموزه‌های دینی؛ آثار و تبعات مصیبت باری برای جوامع مخصوصاً، جوامع اسلامی به بار آورده و بی‌هیچ‌انگیزه اصلاح، باعث رکود و عقب‌ماندگی شده و مازاد بر نمایش چهره‌ای خشن و غیرعقلانی در سیمای تمدن اسلامی، بسیاری از اندوخته‌های باارزش فرهنگی و تمدنی را مخدوش کرده است. در تحقیق پیش رو نقش تخریبی تکفیر بر فرهنگ و تمدن اسلامی را مورد پژوهش قرار خواهیم داد، تا آراستگی این آیین مقدس از رفتارهای نسنجیده و زشت تکفیریان در تاریخ اسلام نمایان شود. به اثارسوتخریبی در حوزه تمدن نیز به مواردی اشاره خواهد شد. با توجه به اینکه مقاله، پژوهشی در جهت نمایاندن حقیقت تأثیر تخریبی تفکرات تکفیری بر تمدن نوین اسلام است لذا در این راستا از شیوه تحقیق، کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از منابع معتبر و قابل قبول با رویکرد تاریخی استفاده خواهد شد.

واژگان کلیدی: تأثیر تخریبی، تکفیر، تمدن نوین اسلام، تفکرات

مقدمه

تمدن اسلامی، تمدن دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور دین اسلام است و دارای همه ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت نبوی بوده و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات و اصول دینی و.. است. چنان که مدینه النبی، شهر نوین پیامبر بر اساس همین ارکان استوار شده و تمدنی را ایجاد کرد که مبانی آن قرآنی و سنت بود. تمدن اسلامی بر اساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق

می دهد. مقصود از "ساخته ها" آن بخش از حیات تمدنی است که در شرایط عادی در جامعه وجود ندارد و انسان آن را می سازد. مراد از "لندوخته ها" نیز آن چیزی است که از انباشتن تجربه ها و داده ها، دانش ها، قراردادهای و اختراعات گذشته جوامع بشری، تحت نفوذ حکومت الهی به جامعه اسلامی به میراث رسیده است. (جان احمدی، ۱۳۹۶: 51) از سوی دیگر نباید پنداشت چون این تمدن، نام اسلامی به خود گرفته، مظاهر آن همگی برگرفته از قرآن و سنت بوده و دگرگون پذیر نیست این دقیقاً نقطه عزیمت و افتراق تمدن از حکم شرعی است بدین رو هرچند باگذشت زمان مظاهر تمدن تغییر یابد، بازهم باید آن را تمدن اسلامی نامید. (صاحب الزمانی، ۱۳۵۳: 2) شاخصه ی بارز تمدن اسلامی، رحمت و مغفرت نسبت به آفریدگان، همسویی با فطرت دینی فراگیر و جهان شمول و قابلیت تطبیق با همه ی زمان ها و مکان ها است. این جامعیت تمدنی سبب شده که فطرت های سالم و نهادهای پاک و بیدار از هر سو به آن گرویده و هرچه غور و تعمق در آن افزون شود، ژرفای مفاهیم آن بیشتر آشکارگردد. اما با وجود تعالیم روح بخش اسلام و کتاب الهی، فتنه ها در عالم برخاسته که نه تنها امت اسلامی را با خطر تفرقه، تکفیر و دیگرکشی مواجه کرده، بلکه، دامان تمامی بشریت را گرفته است و متأسفانه، همه ی این فتنه و آشوب، از آلوده نمودن ساحت دین و مقدسات به خرافات و موهومات و نیز دگم اندیشی و کوته فکری با ادعای غیرت بر سلامت دین و محافظت از آن برمی خیزد. برپایه ی این حمیت و غیرت ظاهری، پدیده های شوم و خطرناک با نام تکفیر شکل گرفته که جنایتی عظیم بر ضد بشریت است و آرامش و امنیت بسیاری از جوامع را تحت شعاع خود قرار داده، زیربنای اقتصادی کشورهای درگیر را متزلزل نموده و جان و مال افراد را به خطر انداخته است و متأسفانه هر روز شاهد افزایش آمار قربانیان تکفیر و خشونت در جای جای جهان هستیم.

جنبش های تکفیری، سلفی و افراطی، یکی از چالش ها و نگرانی های اصلی در صورت و سیمایی جهان اسلام، منطقه خاورمیانه و بخش های از جنوب آسیا قلمداد می شود امروزه، یکی از چالش ها و مسائل اساسی جهان، گسترش جنبش های تکفیری و رشد تروریسم در پوشش دین و مذهب است. این پدیده؛ صورت ها، اهداف و عوامل مختلفی دارد.

ترویج و نهادینه شدن فرهنگ خشونت گرایی و خشونت پروری، کاهش مدارا و تساهل اجتماعی، افزایش تنش های قومی - مذهبی، وهن و بدنامی دین اسلام، بازتولید و نهادینه شدن فرهنگ تکفیر و نیز محدود شدن فضای نوآوری، نواندیشی و پلورالسیم فرهنگی و تخریب و تهدید آئین ها و عناصر فرهنگی ایران کهن از مهم ترین آسیب های فرهنگی؛ فعالیت گروه های افراطی - تکفیری بوده است. جریان های تکفیری در جهان اسلام که گاه در گذر زمان به جریانی فکری و حتی سیاسی تبدیل شده است نقش تخریبی قابل ملاحظه ای بر فرهنگ و تمدن اسلامی داشته است. در خصوص نقش تخریبی اندیشه های افراطی تکفیری بر تمدن اسلامی بحث را پی گرفته و جهات متعدد این آسیب ها را در ضمن مباحثی بیان خواهیم کرد.

الف) از بین بردن فرهنگ اسلامی

خیزش تکفیری ها پیامدهای زیانباری برای مسلمانان و بشریت به دنبال دارد. که یکی از آن ها از بین بردن فرهنگ اسلامی است که به چند مورد از مصادیق و عواقب آن اشاره می شود.

۱- کشتار مردم بی گناه

کشتن مردان، زنان و کودکان بی گناه از شدیدترین محرمات در اسلام شمرده می شود ارتکاب چنین عملی، دشمنی بر جان بشریتی به حساب می آید و خداوند متعال آن را حرام کرده است. کشتن بی گناهان در اندیشه تکفیری بر پایه هایی مانند اختلاف در دین یا مذهب و یا اندیشه بنا نهاده می شود. دین اسلام چنین اعمالی را تکذیب و رد می کند. قرآن کریم کشتن یک انسان بی گناه را به منزله کشتن بشریت می داند؛ همان گونه که نجات دادن هر انسانی از مرگ به منزله نجات همه بشریت شمرده می شود. (شریفات، ۱۳۹۴، ذیل کشتار مردم بی گناه)

۲- تخریب چهره اسلام و تحریف مبانی آن

ارتکاب اعمال تروریستی از سوی افراد بی خرد و جاهل و منتسب به اسلام، چهره اسلام را در نگاه جوامع دیگر خدشه دار کرده است و تصویر نادرستی از دین، مفاهیم اساسی اسلام و شریعتی که دارای تسامح و بردباری است به جهانیان ارائه نموده است. ارتکاب اعمال تروریستی بر ضد مردم بی گناه تاثیر ژرف و نادرستی در ذهن آنها گذاشته است و بر این باورند که اسلام به خشونت و کشتار دعوت می کند؛ در حالی که اسلام، دین صلح، مهرورزی و تسامح است. (شریفات، ۱۳۹۴، ذیل تخریب چهره اسلام و تحریف مبانی آن).

۳- ضربه زدن به منافع مسلمانان

اقدامات تروریستی که در کشورهای غربی یا در کشورهای اسلامی به وقوع پیوسته است؛ تاثیرات منفی بزرگی بر منافع و موقعیت مسلمانان، جدای از خسارت های جانی و خسارت های مالی بر جای گذاشته است. این ضررها به خسارت های مالی محدود نشده بلکه خسارت های معنوی و روانی را هم در بر گرفته است. ضرر این خسارت ها تا میزان بسیار زیادی از خسارت های مادی بیشتر است و تعداد زیادی از مسلمانان در کشورهای غربی روزانه گرفتار خشونت های سختی می شوند که بیشتر این ها نتیجه اعمال خشونت آمیز گروه های تروریستی است. (همان، ذیل ضربه زدن به منافع مسلمانان).

۴- انتشار روحیه انزجار در بین ملت ها

اقدامات تروریستی در نشر فرهنگ انزجار و کینه توزی در بین امت ها و ملت ها نقش بسزایی داشته است. کشتار، ربودن و تخریب منازل مردم بی گناهان احساس انزجاری را در بین مردم بر ضد دین و تمدن اسلامی به وجود می آورد؛ در حالی که دین اسلام مردم را به شناخت فرهنگ های دیگر دعوت نموده و معیار برتری را در تقوی الهی قرار داده است و

آشنایی با یکدیگر، تنها در فضایی آکنده از محبت، دوستی و تسامح میان مردم محقق می شود. نه ترور و کشتار یکدیگر که چیزی جز نفرت و انزجار نخواهد داشت.

۵- تضعیف محور مقاومت و تسلط استعمار بر جهان اسلام

شاخص گروه های تکفیری - تروریستی، افراط گرایی است و افراط گرایی همه ظرفیت های موجود را تضعیف و نابود می کند و جرأت دشمن برای حمله به کشورهای اسلامی را دوچندان خواهد کرد. زیرا در آن صورت با جامعه ضعیف و شکست خورده روبرو است. گروه های مقاومت اسلامی که داعیه دار استقلال کشورهای اسلامی و اعتلای تمدنی ملل مسلمان در برابر انواع تهدیدها به ویژه نظامی و میدانی رژیم صهیونیستی و توطئه های امریکا هستند، حضور تروریسم تکفیری باعث شده است که بسیاری از نیروهای ارزنده و توانمند خود را صرف مقابله با آنان نموده و در این راستا متحمل خسارت هایی شوند. (تغریذ رشید کاظم، بی تا)

۶- نابودی زیرساخت های کشورهای اسلامی

تکفیری ها با به راه انداختن جنگ های فرسایشی داخلی، بسیاری از تجهیزات و زیرساخت های کشورهای اسلامی را نابود کرده اند. شکی نیست که تخریب و نابودی زیرساخت های کشورهای اسلامی و به ویژه کشورهای محور مقاومت، که مانع بسیار جدی در راه پیشرفت این کشورهاست، همواره از آمال استکبار جهانی بوده است. این تخریب ها بدان روست که افراط گرایی در مرحله طغیان، توانایی تفکر و پیشرفت و ایجاد راه حل برای مشکلات را کم رنگ می کند و افراد به گونه ای دنباله رو اهداف بدخواهان، استقلال و امورسرنوشت ساز و آینده را فراموش می نمایند. (همان)

۷- تخریب نظام مند آثار باستانی و اماکن مقدس

تخریب نظام مند مساجد تاریخی، بقاع متبرکه، کلیسا، مقابر باستانی و معابد و بی حرمتی به آنها و نیز تخریب گسترده آثار باستانی که معرف میراث غنی تمدن اصیل اسلامی و جهان بشریت است و نشان می دهد که این افراطیون با مساعدت و پشتیبانی آشکار و پنهان استکبار جهانی و ایادی و وابستگان آن چگونه آینده ای را برای جهان اسلام در ذهن دارند.

ب) از بین بردن نظم و امنیت

نظم؛ در واقع قانونی است که وظایف انسان ها را در قبال خود، خانواده، جامعه، هموعان، محیط زندگی و حاکمان بیان کرده است و این مسئله از اهمیت بسزایی در تشکیل تمدن برخوردار است. امنیت نیز که به معنای آرامش و احساس راحتی است در سایه ی حکومت، دولت، قانون و نظم حاصل می شود و دارای شئون متعددی از قبیل امنیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... است و تا این عنصر حاصل نگردد به وجود آمدن تمدن ممکن نخواهد شد، که در قرآن به انواع آن اشاره شده است. (بقره، ۱۷۹-۱۷۸)

اسلام، برای سعادت و بهروزی بشر برنامه و سیاست مدونی را عرضه کرده در جهت ایجادیک جامعه ایده آل، راهکارهای مناسبی ارائه کرده است تا حکومت مبتنی بر تعالیم اسلامی بتواند به تکلیف خویش در ایجاد صلح، عدالت و امنیت، برای همه شهروندان عمل کرده و با مجازات اخلال کنندگان در امنیت عمومی، بستر رشد و تعالی انسان را فراهم کند که در جامعه امن امکان پذیر است. (انصار محمدی: ۱۳۹۴، ص ۲)

اندیشه تکفیر، اما همیشه به دنبال سلب امنیت و نا امنی است تا بتواند به اهداف و خواسته های مورد نظر خود برسد. برای نمونه به تهدید داعش و از بین بردن امنیت و نظم منطقه و ایران می توان اشاره کرد. از جمله مهم ترین تهدیدات و چالش های ناشی از ظهور داعش در منطقه عبارتند از: تهدید مرزها و به خطر افتادن تمامیت ارضی، عملیات تروریستی، رادیکال شدن فضای منطقه از طریق شکاف بین شیعه - سنی، ایجاد حاشیه امن برای اسرائیل و حضور قدرتهای فرامنطقه ای مثل آمریکا در منطقه خاورمیانه، تضعیف جبهه مقاومت در منطقه و منحرف کردن بیداری اسلامی. (بصری و دیگران: ۱۳۹۶)

ج) عدم عدالت و وجود ظلم

عدالت، یکی دیگر از شاخص های عمده تمدن اسلامی است. قرآن به عدالت ورزی امر می کند: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! قیام به عدالت کنید. (نسا: ۱۳۵) در طول تاریخ یکی از عوامل اصلی زوال تمدن ها بوده است (حکیم: ۱۳۸۸، ص ۵۷). اما در اندیشه تکفیر عدالت معنا ندارد. به عنوان مثال به عدم عدالت در اجرای احکام و مجازات می توان اشاره کرد که توسط تکفیری ها انجام می پذیرد.

یکی از اهداف مجازات ها، اصلاح مجرم است. برای نمونه، مجازاتی که در قرآن مجید برای محاربان و مفسدان فی الارض در نظر گرفته شده، مجازات سنگین و شدیدی است، شدت مجازات به دلیل حفظ جان انسان ها و اموال آنان است و برای اینکه از تهاجم و مزاحمت های آدم های متجاوز جلوگیری شود. چهار نوع مجازات قتل، آویختن به دار، اول قطع دست راست و سپس پای چپ و نفی بلد را به تناسب درجه جرم برای آنان پیش بینی کرده است. اما اندیشه تکفیر در این زمینه عدالت را اجرا نمی کند و برای جرم های سبک، از احکام ناعادلانه گردن زدن یا پرتاب از ساختمان ها و ... را در نظر می گیرند و برای جهان اسلام چهره ای خشن نمایان می کنند هرگونه استفاده ابزاری از دین قطعاً مذموم و ناپسند است اما بدتر از همه اینکه مدعی دینداری برای از میدان به در بردن مخالف به جای برخورد طبیعی و مشفقانه و به اصطلاح عادلانه و به کارگیری دلیل و برهان بر فرض اثبات حقانیت دیندار وی را مخالف خدا نامد و نسخه تفسیق و تکفیر او را می پیچد. چنین دینداری عملاً مدافع خدا و دین نیست بلکه خود راپشت خدا و دین پنهان کرده و آنها را فدای مطامع دنیوی خود می نماید. (انصار محمدی: ۱۳۹۳، ص ۵۰)

د) عدم تعاون و انسجام اجتماعی

تعاون و انسجام اجتماعی در پیشرفت تمدن ها نقش عظیمی را ایفا کرده و قرآن کریم به صراحت به وحدت و یک دلی و اطاعت از حاکمان الهی فرا می خواند تا به پیشرفت و تعالی برسند. اما تکفیری ها به عدم تعاون و انسجام اجتماعی دامن می زنند. این امر را می توان در قالب یارگیری نهادهای جاسوسی از پیروان جریان های سلفی - تکفیری، شکل گیری وتعدد گروهک های تروریستی ضد شیعی، تضعیف شاکله همبستگی فکری - عقیدتی در جهان اسلام و تعمیم اقدام ها و تفکرهای خصمانه جریان های سلفی - تکفیری به اهل سنت، ملاحظه نمود. (نیاز آذری: ۱۳۹۶، ذیل تکفیر، عامل تندروی مذهبی و اختلاف مسلمانان).

ه) سلب آزادی و تسامح اجتماعی

آزادی و تسامح تضمین کننده بقای اصول و ارزشهای انسانی و نظم اجتماعی است و یکی از مهمترین ویژگی های تمدن اسلامی است که آن را از دیگر تمدن ها جدا می سازد؛ که یکی از آن ها آزادی یهودیان و مسیحیان و اهل کتاب در عبادات و مراسم آن هاست. زیرا اهل ذمه همانند یهودیان و مسیحیان نه تنها با کوچکترین تعرضی مواجه نشدند، بلکه در ساخت تمدن اسلامی مشارکت نیز داشتند. (محرمی، ۱۳۸۲، ش ۹)

طبق منابع تاریخی پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به یهودیان و مسیحیان شهر مدینه و اطراف با آزادی کامل برخورد می کرد تا آنها بتوانند با امنیت خاطر به احکام و شریعت خود عمل کنند. یا به قبایل اطراف تضمین می داد که آنها بتوانند با آزادی و آسایش نسبت به اعمال مذهبی خود بپردازند. همچنین، پیامبر به اسقف ها و از آن جمله اسقف ابوالحارث نجرانی و پیروان و راهبان ایشان نوشت و تاکید کرد که خدا و رسول خدا اسقفی از اسقف ها و راهبی از راهبان و کاهنی از کاهنان ایشان را تغییر نخواهد داد و حقی از حقوق آنان و حاکمیت ایشان را ضایع نخواهد کرد و چیزی را از آنچه که بر آن بوده اند، دگرگون نخواهد ساخت و مادامی که از ستم، ستم پیشگان روی گردانند، همیشه از حفاظت و حمایت خدا و رسول خدا برخوردار خواهند بود (آیتی، بی تا، صص ۵۵۰-۵۴۸).

اما در اندیشه تکفیر آزادی و تسامح برای دیگر ادیان جایگاهی ندارد و در صورت عدم پذیرش اسلام تکفیری ها، یا باید گردن به تیغ تکفیری ها نهند و یا باید نوامیس شان را در اختیار رهبران تکفیر قرار دهند. که نمونه آن را در سوریه و عراق می توان یاد کرد که توسط داعش انجام می شد

و) عدم توجه به کار و مجاهدت

بدون تردید پایه گذاری، تکوین و گسترش تمدن ها فقط در پرتو تلاش مستمر انسان ها میسر است و یکی از شاخصه های بارز تمدن ها، تلاش و کوشش مستمر افراد آن است.

اسلام به صراحت درباره همه امور جهادی که در جهت رضای الهی باشد، وعده موفقیت قطعی و نصرت الهی داده است؛ بنابراین، مجاهده یکی از ارکان شکل گیری تمدن اسلامی است. (طبرسی، ۱۳۶۰، ص ۲۶)

واژه جهاد و مجاهده، در آیات قرآن، در مورد کوشش هایی به کار رفته که انسان در مسیر تحقق اهداف صحیح و خداپسند انجام می دهد و بار ارزشی مثبت دارد. این گونه تلاش های مثبت گاهی صرفاً با استفاده از ابزارهای اقتصادی است، که به آن جهاد مالی می گویند؛ گاهی نیز این تلاش ها جنبه نظامی دارد، که طبعاً در آن، خطرها و تهدیدهایی برای جان انسان وجود دارد و گاهی تا حد جان بازی و شهادت ممکن است پیش برود اما در اندیشه تکفیر چنین مجاهده و کوشش مشاهده نمی شود. به عنوان مثال داعش، جهاد در برابر دشمن اسلام یعنی اسرائیل را و نهاده و با آن ها دست اخوت داده اند و در برابر مسلمانانی که عقاید و آیین آن ها را نمی پذیرند - اعم از شیعه و سنی - جهاد نابرابر و ناحق می کنند و آن ها را کافر دانسته و سر از تن جدا می کنند و آن را جهاد در راه خدای شمارند و بر این اندیشه ناصواب خود پافشاری می کنند.

نتیجه گیری

تکفیر در میان پیروان ادیان، وجود داشته و در اسلام هم از سوی افراد و گروه هایی در ادوار گوناگون، برای پیشبرد اهدافی خاص و گاه برای جامه عمل پوشاندن به کینه ها و نفرت ها به آن دامن زده شده است. شگفت آنکه تیغ تکفیر از آغاز تاکنون، از سوی کسانی به روی مسلمانان و یا گروهی از مسلمانان کشیده شده که به هیچ روی، پای بند به آموزه های اسلام و سیره رسول گرامی صلی الله علیه و آله نبوده و برای رسیدن به اهداف دنیوی، گروهی و فرقه های خود، گام در این مسیر گذارده اند. نقش های تخریبی اندیشه های تکفیر بر فرهنگ اسلامی عبارتند از: جلوگیری از تفکر و تعقل و نواندیشی و نوآوری؛ منزوی کردن و از میدان خارج کردن رقیب؛ سرکوب شخصیت ها و تفکرات مخالف حکومت ها مانند آنچه در دوران خالفت عثمانی واقع شد و به تکفیر شیعه می پرداختند؛ فرقه گرایی و ضدیت با مذهب شیعه؛ جلوگیری از وحدت امت اسلامی. نقش های تخریبی اندیشه های تکفیری بر تمدن اسلامی شامل موارد ذیل می شود: از بین بردن فرهنگ اسلامی؛ از بین بردن نظم و امنیت؛ ضدیت با عدالت و وجود ظلم؛ عدم تعاون و انسجام اجتماعی؛ سلب آزادی فردی و اجتماعی؛ عدم توجه به کار و مجاهدت. راه کارهای مقابله با پیامدهای تکفیرگرایی در جهان اسلام موارد زیر را در بر می گیرد: اتحاد امت اسلامی؛ بزرگ داشتن شعائر دینی برای وحدت بخشی؛ تداوم فرهنگ اسلامی گفتگو؛ بازخوانی مفهوم اسلام و فهم صحیح از قرآن؛ تاسی به سیره نبوی و معصومین در مدارا با دیگران؛ حفظ جایگاه ادیان در عین به رسمیت شناختن آنها؛ زدودن تبعیض حاصل از نژاد پرستی و خودبرتربینی و..

منابع و مأخذ:

- (۱) ابن الأثیر، عزالدین ابوالحسن علی، الکامل فی التاریخ، تحقیق مکتب التراث، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- (۲) ابوزهره، محمد، تاریخ المذاهب الاسلامیه، قاهره، دار الفکر العربی، ۱۵۵۶ م.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- ۳) انصار محمدی، جلیل، پایان نامه کارشناسی ارشد بررسی اتهام خشونت طلبی به اسلام و قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم دانشکده علوم قرآنی آمل . ۱۳۹۳
- ۴) الجزری، ابن اثیر علی بن محمد ، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
- ۵) جمعی از نویسندگان، پدر خواندگان تکفیر، پایگاه دیدبان. ۱۳۵۳
- ۶) خسروشاهی، سید هادی، میزگرد تقریب بین مذاهب اسلامی، کلبه شروق، مرکز بررسی های اسلامی، قم، ۱۳۸۰
- ۷) دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، مترجمین، احمد بطحائی و همکاران، انتشارات علمی و فرهنگی تهران، تهران، ۱۳۳۸
- ۸) سبحانی، علیرضا، فتنه تکفیر چالش قرن بیست و یکم ، قم، توحید . ۱۳۵۵
- ۹) ستوده ،محمد و علیزاده موسوی، سید مهدی ، بررسی تأثیرات سلفی گری تکفیری بر بیداری اسلامی، مجله علوم سیاسی، ش ۶۵.
- ۱۰) سعادت، قادر، تکفیر و اقسام آن در نگاه شیعه، پژوهشنامه نقد وهابیت؛ سراج منیر، ش ۱۳، ۱۳۹۳.
- ۱۱) قاضی زاده ، حسین ، بررسی موانع تکفیر از دیدگاه وهابیت با تأکید بر مانعیت تأویل، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، به کوشش مهدی فرمانیان، قم، دارالاعلام لمدرسه اهل بیت علیه السلام. قم، ۱۳۹۳.
- ۱۲) کرم زادی، مسلم، سلفی گرایی جهادی تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، ش ۱.
- ۱۳) وحیدی منش، حمزه علی، عناصر تمدن ساز دین اسلام ، معرفت، شماره ۱۲۳، اسفند ۱۳۸۶.



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



نقش خانواده و سبک زندگی ایرانی اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

جعفر مکرم کشتیبان^۱

۱- استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی ارومیه ایران kashtiban12@gmail.com

چکیده

تأمین نیروی انسانی یکی از مهم‌ترین رکن اساسی تمدن نوین اسلامی است در این راستا خانواده نقش مهمی در تربیت این نیرو دارد. همچنانکه مقام معظم رهبری عقیده دارند مادران، مایه انتقال عناصر هویت ملی هستند هویت یک ملت، در درجه اول به‌وسیله مادران انتقال می‌یابد؛ مادر فرهنگ و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، باروح و با رفتار خود دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند. این مقاله بر آن است تا با شیوه کتابخانه‌ای و با روش توصیفی و تحلیلی، خانواده و نقش آن در تربیت منابع انسانی برای شکوفایی تمدن اسلامی بر اساس سبک زندگی ایرانی اسلامی مورد مطالعه قرار دهد. یافته‌ها گویای آن است که خانواده و والدین نقش مستقیم در تأمین منابع انسانی یک تمدن داشته و سبک زندگی صحیح و ارتقای روزافزون دانش و ایمان والدین می‌تواند نیروی انسانی متعهد، متخصص و بااخلاق تربیت کند تا در ساختن تمدن نوین اسلامی گره‌گشا باشد.

واژگان کلیدی: خانواده، سبک زندگی، تمدن، تمدن نوین اسلامی

مقدمه

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از هجرت به مدینه با اقدامات خود تمدن جدیدی بر اساس آموزه‌های اسلامی بنیانگذاری کرد. این تمدن که به مرور با حرکت جمعی و تدریجی مسلمان به مسیر خود ادامه داد بسیار باشکوه‌تر از تمدن رم و ایران که دو ابرقدرت آن روز بودند، شد. تمدنی که با بنای مسجد النبی شروع شد تا نشان دهد تمدنی مطلوب است که رنگ توحیدی داشته باشد و معیارهای مادی تمدنی را در هم شکند.

انسان از مهم‌ترین ارکان تمدن بوده و عامل اصلی در ایجاد و انحطاط تمدن بوده و نقش اساسی در دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند ایفا کند. اساس تمدن اسلامی خود اسلام بوده و برخاسته از فرهنگ و اندیشه اسلامی است و وجود گونه‌های مختلف انسانی نظیر رهبران دینی، عالمان، اندیشمندان، هنرمندان و مهندسان در عرصه پیشرفت بر اساس آموزه‌های اسلامی پای ثابت این تمدن است. برای هر کشوری، هیچ ثروتی، هیچ منبع نیرویی ارزشمندتر از نیروی کارآمد و مؤمن و آزاده و سرافراز نیست. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۷/۰۷) حتی یکی از ارزنده‌ترین سرمایه‌های هر کشور را انسان‌های مؤمن و پرانگیزه و کارآمد دانستند. (تأکید بر بنای مدنیت و زندگی انسان بر استفاده از منابع طبیعی و انسانی) (۱۳۸۲/۰۲/۱۰) گویای اهمیت نیروی انسانی است. اینکه یک کشور

اگر می‌خواهد به معنای واقعی بازسازی کند، باید بیشترین نگاه و توجهش به انسان و نیروی انسانی باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰) در همین راستا قابل ارزیابی است.

تعلیم و تربیت صحیح نیروی انسانی بر اساس تعلیمات اسلامی و گام برداشتن در مسیر پیامبران الهی در کنار عوامل دیگر می‌تواند در تمدن سازی و شکوفایی نقش اساسی داشته باشد. ارتقای کیفیت نیروهای انسانی از لحاظ ایمان، در درجه‌ی اول اهمیت است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۰۱/۳۰) بر اساس نگاه ایشان سازندگی انسان از همه سازندگی‌ها بالاتر است؛ یعنی سازندگی آنان‌ها، سازمان‌های انسانی و تشکیلات بشری (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۰۳/۰۳) حاکی از نقش محوری نیروی انسانی در پیشرفت و شکوفایی تمدنی جامعه است. لازمه این امر آن است که سبک زندگی خانواده‌ها اسلامی بوده و والدین بخصوص مادران، فرزندان با ویژگی‌های اخلاقی پسندیده، متعهد و اراده قوی تربیت کنند. سنگ زیر بنای اخلاق انسان‌ها در این اجتماع کوچک نهاده می‌شود. بنابر این خانواده‌ها در جامعه اسلامی با پیمودن سبک زندگی ایرانی اسلامی می‌توانند زمینه را برای شکوفایی چنین انسان‌هایی مهیا کنند. در صورتی که همین انسان با تربیت غیر اسلامی دچار رذائل اخلاقی شده و با ایجاد فساد، استبداد، ظلم، دنیاگرایی و ... سبب رکود و انحطاط تمدن می‌شود. بر همین اساس هر چقدر منابع انسانی تمدن اسلامی با ایمان و معنویت، خردمند، سالم و با نشاط، دانشمند، کارآمد و مدیر باشد به همان اندازه در توسعه تمدنی می‌تواند نقش آفرین باشد.

خانواده

خانواده اصلی‌ترین نهاد اجتماعی بشر و ریشه اصلی جوامع انسانی است و در تاریخ بشر نقش حیاتی در ایجاد تمدن دارد. نهادی که بر پایه ازدواج، شکل و با تولید مثل توسعه می‌یابد و اساس سازندگی شخصیت انسان و مهم‌ترین عامل تکامل جامعه بشر است. (ری شهری، ۱۳۹۳: ۱۱) این نهاد از منظر اسلام، دارای جایگاه و قداست ویژه‌ای است تا جایی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر اساس این روایت «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ التَّزْوِيجِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ۳، ۳۸۳) آن را محبوب‌ترین بنیادها نزد خداوند دانسته است. حکمت قداستی که اسلام به خانواده بخشیده است ارزش گذاری معنوی بر پیوند خانوادگی، زمینه سازی برای تقویت این پیوند و پیشگیری از فروپاشی آن است. قداست خانواده، سد محکمی در برابر سوء استفاده جنسی از زن به عنوان یک کالا و در واقع، مانع بردگی نوین زن است. (ری شهری، ۱۳۹۳: ۱۲)

خانواده کارآمد

خانواده کارآمد، خانواده‌ای است که کانون محبت، انعطاف و رحمت باشد از این رو آرامش روانی و کاهش اضطرابات، مهم‌ترین کارکرد خانواده سالم است و خداوند این رحمت و آرامش را در نهاد خانواده قرار داده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (۲۱:۳۰)

و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

کارکرد زیستی خانواده ضامن بقای جامعه انسانی است و کارکرد پرورشی آن زمینه ساز تربیت فرزندان است که برای ساختن جامعه فردا آماده می‌شوند. تعادل روانی، استحکام شخصیتی و قوت اراده، دیگرگرایی، قدرت رویارویی با مشکلات و صبر بر ناملایمات، میل به تلاش و تمایل به سازندگی و ابتکار، ارتباط با خداوند و میل به عبودیت، همگی صفاتی اند که در شکل‌گیری و تقویت آنها خانواده مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند و در یک کلام می‌توان خانواده سالم را بهترین بستر رشد فرهنگی و سلامت جسم و روان و مهم‌ترین عامل انتقال ارزش‌ها و پرورش عاطفی و مهم‌ترین عامل کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقای امنیت هر جامعه دانست و زن به عنوان عنصری پرورش دهنده و فرهنگ ساز مهم‌ترین عامل در تحقق این آثار شگرف است. اگر توسعه انسانی مهم‌ترین عامل توسعه جوامع شمرده می‌شود، خانواده به دلیل موقعیت منحصر به فرد آن که کانون پرورش و آموزش با محوریت عاطفه و نظارت است، بهترین زمینه ساز توسعه انسانی است و زن می‌تواند در این فرآیند، نقش آفرین‌ترین عامل باشد. (پیام زن، ۱۳۸۳: ۲۶) آنچه حائز اهمیت است خانواده امروز که نقش مهمی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی دارد دچار آسیب و مخاطره شده است.

نهاد خانواده که دیروز مهد امنیت، تربیت، انتقال آداب، اخلاق و فرهنگ اجتماعی و دینی بود و اعضای خانواده بزرگ در پیوند و همدلی با یکدیگر احساس قدرت و پشتوانه می‌کردند و حضور در جمع خانواده، بهترین منبع تأمین و تلطیف عواطف و نیازهای روحی بود، امروز آن امنیت بخشی و تأثیر تربیتی را تا حد زیادی از دست داده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱: ۲۶) بنابراین با آسیب شناسی خانواده امروز می‌توان موانع تربیتی را برطرف کرد تا خانواده آن رسالت سنگین خود یعنی تربیت انسان به عنوان مهم‌ترین ارکان تمدن نوین اسلامی را به خوبی انجام دهد.

سبک زندگی

سبک در لغت به معنای ذوب کردن طلا و نقره و در قالبی ریختن است. (فیروزآبادی، ۱۴۲۴: ۸۶۸) (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۴۳۸) سبک زندگی هم به این معناست که زندگی و رفتار انسان در چه قالبی ریخته شده است یعنی روش و منش که از جهان بینی و ایدئولوژی و باور انسان نشأت می‌گیرد و در رفتار و کردار و گفتار و در تمام انتخاب‌ها اثر می‌گذارد سبک سیمای فکر انسان است. سبک کیفیتی است که با تفکر انسان رنگ آمیزی شده است و به عبارت دیگر سبک، مجموعه‌ای از اعتقادات، آموزه‌ها، رفتارها و سلیق انسان را در بر می‌گیرد.

هویت انسانی، ماهیتی سه لایه دارد باورها و اعتقاد لایه زیرین و ارزش‌ها لایه میانی هویت انسانی به شمار می‌روند و سبک زندگی لایه بیرونی هویت انسانی است. باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌ها در شکل دهی به هویت انسانی نقش آفرینی می‌کند سبک زندگی به آن بخش از هویت انسانی اطلاق می‌شود که جنبه «بیان گرانه» و «نمایش گرانه» دارد. (شریفی، ۱۳۹۴: ۳۰)

سبک زندگی ایرانی اسلامی

سبک زندگی ایرانی اسلامی به معنای انتخاب دیدگاه اسلام از بین مکاتب دیگر است مکاتبی که مبنای عقلانی ندارد و بر اساس تفکر نیست بلکه صرفاً با شرایط زمان و نیازهای جامعه پی ریزی می شود به همین دلیل است که این مکاتب همیشه ابتر است و پیروان آنها هیچ وقت نتوانسته اند به نیازهای روحی خود و پیروانشان پاسخ دهند.

تمدن غربی به جهت روح کمیت گرایش، به ظرائف روح انسانی توجه ندارد، و لذا تصمیماتی برای انسان ها می گیرد که رعایت آن ظرائف در آن مطرح نیست، به همین جهت انسان در مناسبات دنیای مدرن عضو پیکر ماشین محسوب شده و از هویت خود خارج گشته است و دیگر نمی تواند حکیمانه بیندیشد. حال ذهن و فکر چنین انسانی را به راحتی می توان با یگ کار تبلیغاتی به هر طرفی کشانید به طوری که آنها را واداشت که به غلط باور کنند به خودی خود انتخاب می کنند و کسی بر آنها حاکمیت ندارد، و اینکه متوجه نیستند خودشان آنچه را انتخاب کرده اند، انتخاب نکرده اند و این خود دلیل بر پایین آمدن فهم آنهاست و نشانه سقوط تمدن جدید است. (طاهرزاده، ۱۳۸۸: ۱۶۴)

باور انسان نقشه راه اوست باور ما این است که طبق آیه «إن الدین عندالله الاسلام» دین اسلام جامع ترین و کامل ترین راه است که می تواند روح انسان را سیراب کند و انسان را به تعالی و سر منزل مقصود برساند و هدف از خلقت انسان را تأمین کند.

عقل و دین مکمل هم هستند عقل حجت و رسول باطنی و دین حجت و رسول ظاهری است عقل و دین هیچ وقت باهم تعارض نمی کنند عقل بدون دین ناقص است و دین بدون عقل بیان نمی شود سبک زندگی بر اساس اسلام یعنی کیفیت دادن، معنا دادن و سیراب کردن رفتارها و کردارها براساس عقل و دین یعنی حرکت انسان به هدف نهایی که قرب است باید بر اساس عقل و دین باشد.

شاخص سبک زندگی ایرانی اسلامی

برای اینکه بتوان شاخص درستی از سبک زندگی ارائه داد ابتدا باید دین را تعریف کرد. دین، مجموعه عقائد و اخلاق و قوانین و مقررات و حیانی و عقلی است که برای اداره فرد و جامعه بشری و تربیت انسان در اختیار او قرار گرفته است (جوادی املی، ۱۴۳۶: ۱۵) برای رسیدن به سبک زندگی اسلامی باید شاخص ها نیز اسلامی باشد و اسلامی بودن شاخص ها منوط به این است که مؤلفه های آن دینی باشد. با توجه به تعریف دین این شاخص ها باید جنبه و حیانی عقلانی داشته باشد و تابع سه محور عقائد، اخلاق و قوانین عملی که همان اصول دین است باشد:

۱- عقائد: همان توحید، نبوت، امامت، عدل و معاد است که پایه های سبک زندگی اسلامی است و تمام گفتارها و رفتارها و تصمیم گیری های بین مبدأ و معاد تنظیم شود.

۲- اخلاق: که آموزه های آن برگرفته از وحی الهی و تعالیم انبیاء و معصومین (علیهم السلام) و نیز عقل و فطرت است بیانگر فضایل و رذایل و چگونگی سیر اخلاقی انسان بر اساس آنهاست. (شریفی، ۱۳۹۳: ۲۱)



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- ۳- قوانین و مقررات عملی: که همان رفتار انسان را شامل می‌شود و برای تمامی رفتارهای انسان حکم و قانون خاص دارد.
 - علاوه بر این باورهای دینی چند شاخص دیگر نیز قابل تأمل و بررسی است البته این دو شاخص که در ذیل بیان می‌شود زمینه‌ای برای آغشته شدن به باورهای دینی است:
 - ۴- خانواده: که نقش مهمی در نهادینه کردن باورهای دینی در فرزندان دارد و اساس جامعه سالم در گرو تربیت خانواده است.
 - ۵- تعلیم و تربیت: رسالت تعلیم و تربیت هم بر عهده خانواده و هم بر عهده آموزش و پرورش و رسانه است تعلیم و تربیت عبارت است از مجموعه‌ای از اعمال عمدی و هدفدار یک انسان (مربی) بر انسان دیگر (متربی) (داودی ص ۲۲) تربیت در حقیقت شکوفا کردن نیست بلکه شکوفا شدن است.
 - ۶- علم: سبک زندگی اسلامی تک بعدی نیست و تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ابعاد دیگر را شامل می‌شود به خاطر همین به علم باید آگاهی یافت.
 - ۷- ایمان: علوم مذکور در صورتی محتوی پیدا می‌کند و در صورتی پویا می‌شود که با ایمان همراه شود.
- آنچه که در تعلیم و تربیت مهم است این است که خانواده‌ها خود عامل باشند چون فرزندان ما آنچه که هستیم می‌شوند. امیرالمؤمنین (ع) به اموری سفارش می‌کردند که خود پیش از سفارش بدان عمل می‌کرد و از اموری نهی می‌کرد که خود پیش از نهی دیگران، از آن دوری می‌کرد. (دلشاد، ۱۳۹۴: ۳۵) آن حضرت در خطبه ۱۷۵ می‌فرمایند: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي وَ اللَّهِ مَا أَحْتَكُمُ عَلَى طَاعَةِ إِلَّا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا، وَ لَا أَنهَأَكُمُ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَ أَنهَأِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا» ای مردم، به خدا سوگند! من شما را به هیچ طاعتی ترغیب نمی‌کنم، مگر این که خودم پیش از شما به آن عمل می‌نمایم و شما را از هیچ معصیتی باز نمی‌دارم، مگر این که خودم پیش از شما از آن دوری می‌جویم.

تمدن

واژه «تمدن» معانی مختلفی در دارد اما اصلی‌ترین معنایی که محققان بر آن اتفاق نظر دارند شهرنشینی شدن و اقامت در شهر است بر همین پایه، این کلمه معادل واژه «شهرآیینی» و به معنای «حسن معاشرت» است. کلمه تمدن در عربی معادل واژه «الحضاره» به معنای اقامت در شهر است و از ریشه «حضر» به معنای شهر، قریه، و روستاست و در مقابل بدویت و بادیه نشینی قرار دارد. (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۶، ۲۸۶) بدین معنا تمدن مرحله‌ای از تکامل فکری، علمی، هنری، ادبی و اجتماعی جامعه خواهد بود. (جان احمدی، ۱۳۸۶: ۲۴) بنابراین تمدن یا مدنیت، مفهومی در برابر «بدویت» است که همان زندگی ابتدایی در قالب غارنشینی، بیابان گردی، صحرا نشینی و چادر نشینی است (اسعدی، ۱۴۰۱: ۲۹)

تمدن در اصطلاح نیز تعاریف مختلفی دارد که به یک مورد بسنده می‌شود: تمدن حاصل تعالی فرهنگ و پذیرش نظم اجتماعی است تمدن خروج از بادیه نشینی و گام نهادن در شاهراه نهادینه شدن امور اجتماعی است. (ولایتی، ۱۳۸۴: ۲۲)



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



تمدن اسلامی

تمدن اسلامی دارای همه ویژگی های تمدن الهی در چارچوب آموزه های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است. (جان احمدی، ۱۳۸۶: ۵۲)

یک تمدن حقیقی از دیدگاه اسلامی، آن است که همه جنبه های آن، انسان را متوجه خداوند و فطرت خویش سازد اصالت یک تمدن از دیدگاه اسلام بستگی به این دارد که آن تمدن چقدر می تواند زمینه توجه مردان و زنان را به هدف عالی زندگی انسانی، یعنی پرستش خداوند و رفتار درخور جانشینی او در میان مخلوقات فراهم سازد. (سعیدی، ۱۳۹۸: ۳۶)

از ویژگی هایی که باعث تمایز تمدن اسلامی شده و در آن تبلور می یابد، این است که تمدن اسلامی در حقیقت همان تمدن عقل می باشد نه هوا و هوس، زیرا ذات انسان می تواند چراگاه شیطان و وسوسه های او باشد و نیز می تواند نشیمنگاه فرشتگان مقرب خداوند شود. اسلام می خواهد تمدنی بنیان نهد که افرادش حامل روح فرشتگی باشد، روح والایی که در جستجوی کمال مطلق است. (مدرسی، ۱۳۷۹: ۳۱)

تمدن نوین ایرانی اسلامی

مقام معظم رهبری می فرمایند: هدف نهائی را باید امت واحده ی اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه ی دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار داد (مقام معظم رهبری: ۱۳۹۰/۶/۲۶) به نظر ایشان «نوین» بودن تمدن اسلامی به این است که از ابزارهای موجود جهانی استفاده کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت. همچنانکه پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) روحی تازه در این دنیا دمید و فضای جدیدی را ایجاد کرد. (مقام معظم رهبری: ۱۳۹۴/۱۰/۸)

به نظر ایشان تمدن نوین دو بخش دارد: بخش سخت افزاری که همان علم، اختراع، سیاست، اقتصاد و... است و بخش نرم افزاری آن سبک زندگی است که اگر ما در بخش دوم پیشرفت نکنیم پیشرفت در بخش اول نمی تواند به ما امنیت و آرامش بدهد و ما را به رستگاری برساند. (خامنه ای، ۱۳۹۸: ۲۳)

تمدن نوین اسلامی در واقع احیاء عزت و کرامت انسان مسلمان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی و پیشرفت همه جنبه در ابعاد مادی و معنوی زندگی انسان است. تمدن نوین اسلامی با ایجاد تعادل بین تمام ارکان خود و در نظر داشتن اسلام حقیقی به عنوان چراغ راه، تلاش می کند طرحی جدید در اندازد تا از آفتی که تمدن اسلامی گذشته بدان دچار گردید در امان بماند. تمدن نوین اسلامی در حقیقت عالی ترین سطح نظام اجتماعی بر پایه اسلام حقیقی می باشد که توان پاسخگویی به همه نیازهای جامعه در تمامی ابعاد وجودی انسان را دارد. البته این پاسخگویی هم برگرفته از علوم تجربی و انسانی تولید شده در آن جامعه می باشد و هم به وسیله بومی سازی عقلانیت و تجربه های بشری جوامع دیگر در علوم مختلف، به دست می آید؛ در نهایت این تمدن جدید می تواند با تکیه بر

دستاوردهای خود در زمینه علم، فرهنگ و اقتصاد با هویت فرهنگی مستقل، در مناسبات جهانی شرکت کرده و قدرت نفوذ ایجاد کند. (سعیدی، ۱۳۹۸: ۳۹)

اگر بنا باشد جامعه ای را متمدن بنامیم باید از هر جهت متمدن باشد نه فقط در صنعت، بلکه از لحاظ معنوی باید رشد کند به گونه ای که روح خداشناسی و توحید در تمام عرصه ها حکم فرما باشد. (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۸۷۷)

رابطه خانواده و سبک زندگی اسلامی با تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین انسانی یا به تعبیر تمدن شکوفایی اسلامی، تمدن اسلامی ای که استعدادهای متناسب با زمان شکوفا بشود و خودش را نشان بدهد. زیر ساخت اصلی هر تمدنی منابع انسانی است، یعنی آنکه می تواند یک تمدن را محتمل کند و ممکن کند و تحقق ببخشد، عبارت است از نیروی انسانی؛ این نیروی انسانی در کشور ما چه کسانی هستند؟ چه کسی می تواند در آینده چنین کار بزرگی انجام بدهد؟ یک نسلی که با یک امتیازاتی همراه باشد؛ نسلی که خود ساخته است، دارای هویت است؛ هویت ایرانی- اسلامی محکم و عمیقی دارد، دلباخته و فریفته ای این و آن و بازمانده های تمدن منسوخ شده ی شرق و غرب نیست. نسلی است دانا، دانشمند، کارآمد، ماهر، آشنا به سبک زندگی اسلامی و سنت های ایرانی؛ یک چنین نسلی لازم است تا بتواند آن تمدن را بسازد. (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱)

سبک زندگی ایرانی اسلامی آغاز مقدمه ای برای تمدن سازی نوین اسلامی و در نهایت تحقق پیشرفت و توسعه ایرانی اسلامی است پیروی از سبک اسلامی و درونی سازی آن در بطن جامعه، آغازی برای اجرای اصول دینی و تحقق آرمان ها و اهداف اسلامی در جامعه می باشد لازمه این امر تبعیت از احکام و فرهنگ دینی و پرهیز از الگوهای غربی است. (خیر خواده، ۱۳۹۴، ۳۳۸۰)

سبک زندگی، نوع دیدگاه و باورهای اصیل و اعتقادات مردم را نشان می دهد. شیوه و نوع زندگی مردم مهمترین بخش از عرصه حیات اجتماعی را تشکیل میدهند، از این رو پیروی مردم یک جامعه از سبک و شیوه زندگی اصیل و بومی لازمه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی است. (سبحانی نژاد، ۱۳۹۶: ۲۳۶۵) و تزریق این سبک از زندگی به جامعه بر عهده خانواده و بالخصوص مادران است. که مادران مدار خانواده هستند زن مسلمان، در عائله وظایفی دارد و آن، همان رکنیت اساسی خانواده و تربیت فرزندان و هدایت و تقویت روحی شوهر است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰)

بنابر این زن فرزانه، با ایمان، هوشمند و دانشمند هم به عنوان همسر و هم به عنوان مادر می تواند همسر و فرزندان را پرورش دهد. هر چند از نقش محوری مرد با چنین صفاتی نیز در چنین سبک نادیده نمی شود و هر دو می توانند در هویت سازی فرهنگی نقش آفرین باشند.

زن در آیین اسلام سهم بسزایی در حیثیت خانواده و اجتماع دارد که شاید آن جایگاه را مرد نداشته باشد، به همین سبب وقتی با تأمل به آیات و روایات نگریده می شود این نکته به دست می آید که خطاب الهی به زن خطاب و لحن ویژه ای است که نشان دهنده مسئولیت خطیر اوست. (جوادی، ۱۳۸۴: ۳۱۵)

پدران و مادران برای آن که بتوانند نیروی متعهد، متخصص و بااخلاق تربیت کند باید از هدف خلقت آگاهی داشته باشد هدف از خلقت، قرب است و رسیدن به این قرب منوط به این است که استعدادهای بالقوه انسان تبدیل به بالفعل

شود اما این استعدادها چیست و چه کسی باید این استعدادها را تشخیص دهد. امام موسی کاظم (سلام الله علیه) می فرماید:

يا هِشامُ ، ما بَعَثَ اللهُ أَنْبِيَاءَهُ وَ رُسُلَهُ إِلَى عِبَادِهِ إِلَّا لِيَعْقِلُوا عَنِ اللهِ ، فَأَحْسَنُهُمْ اسْتِجَابَةً أَحْسَنُهُمْ مَعْرِفَةً ، وَ فَأَحْسَنُهُمْ اسْتِجَابَةً أَحْسَنُهُمْ مَعْرِفَةً ، وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللهِ أَحْسَنُهُمْ عَقْلاً ، وَ أَكْمَلُهُمْ عَقْلاً أَرْفَعُهُمْ دَرَجَةً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. (كلینی، ۱: ۴۲۹ ج ۱، ۳۵)

امام کاظم علیه السلام: ای هشام! خداوند پیامبران و رسولان خود را به سوی بندگانش نفرستاد، مگر برای اینکه عقل خود را از خدا فرا بگیرند. بنا بر این، هر که این دعوت را بهتر پذیرا باشد معرفتش بهتر باشد، و هر که خردمندتر است، به امر خدا داناتر باشد و هر که خردش کاملتر باشد، مقامش در دنیا و آخرت بالاتر است.

امام رضا سلام الله علیه) می فرماید:

...لَمْ يَكُنْ بَدَلَهُمْ مِنْ رَسُولٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُمْ مَعْصُومٍ ، يُؤَدِّي إِلَيْهِمْ أَمْرَهُ وَ نَهْيَهُ وَ آدَبَهُ ، وَ يَقْفُهُمْ عَلَى مَا يَكُونُ بِهِ اجْتِرَارُ مَنْفَعِهِمْ وَ مَضَارِهِمْ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۶۰)

پس چاره ای جز این نیست که میان خداوند و مردم، پیام آوری معصوم باشد که اوامر و نواهی و ادب او را به ایشان برساند و آنها را به آنچه مایه سود و زیانشان است، آگاه سازد.

طبق این دو روایت این امام و نبی است که نشان می دهد استعدادها را چيست و قتی ائمه را الگوی خودمان قرار دادیم انسان، معقول می شود اما اگر بدون ائمه حرکت کردیم انسان، موهوم می شود انسان اگر معقول شود جامعه معقول می شود به دنبال آن تمدن، معقول می شود اما اگر انسان موهوم شود تمدن، موهوم می شود.

اساس تمدن، انسان و اندیشه اوست و اساس انسان و شخصیت او خانواده است و اساس خانواده، باورهای و حیانی است.

انسان با ایمان بارور می شود محتوی پیدا می کند انسانی که در او ایمان رخنه کرده انسان معقول می شود. در اینجا رسالت خانواده این است که با بازگشت به قرآن و وحی به زندگی خود معنا و کیفیت دهد یعنی با تمسک به ائمه استعدادها را از قوه به فعل برساند و ظرفیتهای خود را بروز دهد در این صورت زندگی به سبک اسلامی می شود و نتیجه آن تربیت فرزندان خواهد بود که از ارکان تمدن اسلامی هستند و جامعه آینده را با تمدن نوین اسلامی که بذر آن را رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کاشته، می سازد.

نتیجه

سبک زندگی اساس هر تمدنی است تمدن نوین اسلامی همان تمدن معقول است که انبیاء و ائمه برای پی ریزی آن آمده اند تا به جهان ثابت کنند که در صورتی انسان، معقول است که پیرو ما باشد؛ جامعه ای معقول است که با ولایت و رهبری ما یا جانشینان ما اداره شود و این مستلزم آن است که روح اسلام را از ائمه بگیریم و طبق آن جامعه را اداره کنیم تا تمدن نوین اسلامی شکل بگیرد و این رسالت به عهده خانواده است تا با استعانت از آموزه های دینی فرزندان و به عبارتی مهم ترین رکن تمدن اسلامی را تربیت کرده و به جامعه تحویل دهند. تا این فرزندان با آمیختن علم با ایمان

تمدنی را پی ریزی کنند تا در عرصه های مختلف چه مادی و چه معنوی، پاسخگوی نیاز بشری باشد و زمینه ای باشد بر ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، تا شعاع این تمدنی که با فرهنگ ایرانی اسلامی سیراب شده است در جهان گسترش یابد.

منابع

- ۱- قرآن
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- ابن بابویه، محمد، ۱۳۶۳، من لایحضره الفقیه، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ایران، ۶۱۲
- ۴- ابن منظور، محمد، ۱۴۱۴، لسان العرب، دارصادر، بیروت، لبنان، ۵۱۷
- ۵- اسعدی، مصطفی، ۱۴۰۱، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، نشر معارف، قم، ایران، ۲۸۸
- ۶- جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۶، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دفتر نشر معارف، قم، ایران، ۲۸۸
- ۷- جوادی آملی، عبدالله، ترجمه عادل غریب، ۱۴۳۶، حقیقت الدین، موسسه العرفان للثقافه اسلامیه، بغداد، عراق، ۲۳۷
- ۸- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، حقوق و تکلیف در اسلام، نشر اسراء، قم، ایران، ۳۷۱
- ۹- جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، موسسه بوستان کتاب، قم، ایران، ۹۸۸
- ۱۰- خامنه ای، علی، ۱۳۹۸، سبک زندگی اسلامی در کلام امام خامنه ای (مد ظله العالی)، سراج اندیشه اسلامی، قم، ایران، ۲۸۷
- ۱۱- خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، عبدالحسین، ۱۳۹۵، منظومه فکری امام خمینی (ره)، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران، ۹۶۰
- ۱۲- داوودی، محمد، ۱۳۹۶، اخلاق اسلامی، دفتر نشر معارف، قم، ایران، ۲۰۸
- ۱۳- دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۴، سبک زندگی در نهج البلاغه، دریا، تهران، ایران، ۱۳۸
- ۱۴- ری شهری، محمد مهدی، ترجمه حمید رضا شیخی، ۱۳۹۳، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم، ایران، ۵۲۰
- ۱۵- زبیدی، مرتضی، ۱۴۱۴، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر، بیروت، لبنان، ۵۶۲
- ۱۶- سعیدی فاضل، روح الله، ۱۳۹۸، تمدن نوین اسلامی، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران، ۲۶۵
- ۱۷- شریفی، عنایت الله، ۱۳۹۳، درس نامه اخلاق اسلامی، دفتر نشر معارف، قم، ایران، ۲۹۶
- ۱۸- شریفی، احمد حسین، ۱۳۹۴، سبک زندگی اسلامی ایرانی، آفتاب توسعه، تهران، ایران، ۲۵۶
- ۱۹- طاهرزاده، اصغر، ۱۳۸۸، علل تزلزل تمدن غرب، لب المیزان، اصفهان، ایران، ۳۸۸
- ۲۰- فیروز آبادی، یعقوب، ۱۴۲۴، القاموس المحيط، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ۱۲۴۵
- ۲۱- کلینی، محمد، ۱۴۲۹، الکافی، دارالحدیث، قم، ایران، ۷۱۵



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- ۲۲- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحارالانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان،
۲۳- مدرس، محمد تقی، ترجمه محمدصادق پارسا، اصول و پایه های تمدن اسلامی، محبان الحسین (علیه السلام)، قم،
ایران، ۴۴۰
۲۴- ولایتی، علی اکبر، ۱۳۸۴، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، تهران، ایران،
۱۴۲۸

کنفرانس

- ۲۵- خیرخواه، حوا، ۱۳۹۴، ارتباط سبک زندگی اسلامی و تمدن اسلامی در پیشرفت ایران، کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی
پیشرفت، ۳۳۷۶ تا ۳۴۱۱، ایران
۲۶- سبحانی نژاد و همکاران، مهدی، ۱۳۹۶، نسبت سبک زندگی اسلامی با تمدن سازی، کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی
پیشرفت، ۲۳۴۰ تا ۲۳۷۲، ایران

مجله

- ۲۷- دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۳، زنان و کارآمدی خانواده راهبرد نظام اسلامی، پیام زن، (۱۵۶)، ۲۴ تا ۳۳

سایت

KHAMENEI.IR

عناصر تمدن ساز نوین اسلامی در منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

حسین آقاییارلو^۱

۱- استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی ارومیه ایران h.aghayarluoo@uut.ac.ir

چکیده

تحقق تمدن نوین اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین هدف و افق نهایی انقلاب اسلامی، همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار داشته است. رسیدن به این آرمان برتر بدون کاربست منظومه فکری امام خامنه‌ای به‌عنوان راهبر جامعه اسلامی، میسر نخواهد شد. منظومه فکری به معنای مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و راهبردهای فکری امام خامنه‌ای است. هدف نوشتار حاضر تبیین و تحلیل عناصر تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری امام خامنه‌ای است. مقاله حاضر تلاش می‌کند با گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و با روش توصیفی و در برخی موارد به‌صورت تحلیل داده‌ها، منظومه فکری تمدن ساز مقام معظم رهبری را تبیین نماید. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد؛ عناصر تمدن ساز نوین اسلامی به دو بخش تقسیم می‌شود که یک بخش آن ابزاری است. مانند توسعه زیرساخت‌های علمی و آموزشی، گسترش زیرساخت‌های اقتصادی و برقراری عدالت اجتماعی است و بخش دیگر آن متنی، اصلی و اساسی است. همانند ایمان و معنویت، تقلید نکردن از غرب و سبک زندگی که به‌عنوان یک نقشه راه، برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی هستند.

واژگان کلیدی: امام خامنه‌ای، تمدن نوین اسلامی، منظومه فکری، مراکز علمی، معنویت

مقدمه

نقطه مشترک همه انسان‌ها و حکومت‌ها پیشرفت و رسیدن به قله‌ها و تمدن خویش است و هر حکومت و جامعه‌ای نیز برای رسیدن به این اهداف نیاز به عناصر و نظام فکری دارد. به بیان دیگر هر ملتی که می‌خواهد تمدن سازی کند، نیازمند یک مکتب و ایدئولوژی خاص است. منظومه فکری یک رهبر می‌تواند نشان دهنده ارزش‌ها، اصول، و چشم‌اندازهایی یک ملت باشد که در راستای ایجاد و پیشرفت یک تمدن به کار گرفته می‌شود مانند هجرت پیامبر(ص)، که آغازی بر شکل‌گیری حکومت دینی بر اساس ارزش‌ها و اصول اسلامی بود که جامعه را در مدت زمان کوتاهی به اوج تمدن اسلامی رساند. اما بعدها این تمدن اسلامی بخاطر عوامل مختلف دچار تغییرات و افول شد. در سده‌های اخیر مصلحان و رهبران اسلامی تلاش کردند تا جامعه را به تمدن اسلامی برگردانند. مانند حضرت امام خمینی(ره) که با پایه ریزی نظام اسلامی به نوعی دنبال بازآفرینی تمدن اسلامی بود. بعد از بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، رهبر معظم انقلاب اسلامی در مناسبت‌های مختلف نقشه راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی را ترسیم کردند. برای رسیدن به قله تمدن نوین اسلامی بدون کاربست منظومه فکری امام خامنه‌ای به‌عنوان راهبر جامعه اسلامی، میسر نخواهد شد.

بخاطر همین برای دستیابی به منظومه فکری تمدن ساز معظم له، مطالعات بسیاری از جمله کتاب‌ها و مقالات مختلفی به نگارش درآمده که به بررسی دیدگاه‌ها و اصول فکری ایشان پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای نوشته عبدالحسین خسروپناه و جمعی از پژوهشگران و نیز مختصات نظم نوین جهانی در منظومه فکری امام خامنه‌ای تألیف دکتر علی قادری و الگوی سبک زندگی تمدن‌ساز از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای به قلم محمد کریم حکمت آرا و علی قادری و همچنین می‌توان به منظومه فکری و تمدن ساز مقام معظم رهبری در چهار دهه انقلاب اسلامی تحقیق محمود شرفی و هادی عبدالملکی اشاره کرد. البته آن چه مهم است دستیابی به عناصر تمدن‌ساز نظام فکری امام خامنه‌ای است که اگر روی این عناصر تأکید و اهتمام صورت گیرد، باعث رشد و حرکت نظام جمهوری اسلامی به تمدن نوین اسلامی می‌شود. در تحقیق حاضر ابتدا مفهوم تمدن باز تعریف و سپس به تمدن نوین اسلامی و ضرورت آن اشاره شده است و در ادامه عناصر تمدن ساز در منظومه فکری رهبر انقلاب اسلامی در دو بخش یعنی عناصر تمدن ساز ابزاری و عناصر تمدن ساز متنی و اصلی تبیین، و در خاتمه نتیجه‌گیری شده است.

۱. مفهوم تمدن

تمدن از نظر واژگانی مصدر عربی از ریشه «مَدَن» مترادف «حضارت و الحاضرة» برعکس بادیه به معنای شهرنشینی (جوهری، ۱۴۰۴: ج ۲، ۶۳۲) خوی شهری گزیدن (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۵، ۳۰۶) شهرنشینی شدن و زندگانی اجتماعی و فراهم ساختن اسباب ترقی آمده است. (عمید، ۱۳۶۳: ج ۱، ۶۱۵) اقامت کردن در شهر و تخلق به اخلاق شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت نیز آورده‌اند. (دهخدا، ۱۳۹۰: ج ۱، ۷۸۰) در زبان‌های فرانسه و انگلیسی معادل واژه (civilization) از ریشه (civitas) به معنای شهر و شهروندی است. (عالمی، ۱۳۸۹: ۴۵) اندیشمندان فرانسوی در سده ۱۸ نخستین بار این واژه را در برابر مفهوم بربریت مطرح کردند. (همان) و در سیر اصطلاحی خود به صورت‌های مختلفی تعریف شده است. برخی آن را به معنای اجتماع انسان‌ها، همیاری و کمک رساندن به هم در خوراک و پوشاک و نیازهای اولیه تعریف کردند. (احمدنگری، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۵۰) و بعضی دیگر به شبکه پایدار، منعطف، پویا و رو به رشد ساختارها و سیستم‌های معرفتی، فرهنگی و اجتماعی در مقیاس جمعی که به دنبال پاسخ‌گویی به نیازهای فردی و اجتماعی انسان‌ها در جهت یک هدف کلان در همه عرصه‌های اجتماعی است، تفسیر کردند. (اعرافی، ۱۳۹۸: ۲۱) البته به نظر هانتینگتون تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی است. (ولایتی، علی اکبر، ۱۳۷۸، تجدید حیات فرهنگ و تمدن اسلامی، فصلنامه علمی قیاسات، دوره ۴، ش ۱۴، ۶۲-۷۵) بعضی از متفکران دو معنای محدود و گسترده را برای تمدن قائل شدند. مانند فوکوزاوا یوکی شی که قائل است تمدن در معنای محدود آن یعنی فقط افزایش دادن آنچه که انسان مصرف می‌کند و جملات ظاهری که به ضرورت‌های روزانه زندگی اضافه می‌شوند. و در معنای گسترده آن یعنی نه فقط آسایش در زمینه ضرورت‌های روزانه، بلکه پالایش معرفت و پرورش فضیلت به نحوی که زندگی بشر را به مرتبه‌ی بالاتر ترفیع دهد. (منصورنژاد، ۱۳۸۱: ۲۸) استفان هگل، نیکلاس ابر کرامبی تمدن را در اعتدالی علوم طبیعی می‌دانند و معتقدند: این مفهوم، پیوند ناگسستنی با اندیشه پیشرفت اجتماعی

دارد. (رضوانی، ۱۳۹۴: ۲۳) چنان که ملاحظه می‌شود، هر کس از یک بُعدی تمدن را تعریف کردند. برخی آن را از بُعد امور مادی و صرف زندگی در شهر و برخی پیشرفت در امور طبیعی و فرهنگی و برخی پیشرفت در تکنولوژی را تمدن نامیدند. اما می‌شود به صورت جامع تمدن را این‌چنین تعریف کرد؛ تمدن به معنای پاک‌سازی، تعالی و پیشرفت که حاصل همکاری همزمان انسان‌ها و جامعه در پیرامون امورات مادی و معنوی است.

۲. تمدن نوین اسلامی

تمدن اسلامی با آغاز نزول اولین آیات وحی الهی بر پیامبر گرامی اسلام با این ویژگی شروع شد که ابتدا در دوران آغازین به صورت پنهانی و بعدها به صورت آشکار موجودیت خود را اعلام کرد. این تمدن در سده‌های متممادی به رشد خود ادامه داد تا جایی که به یکی از مهم‌ترین و بزرگترین تمدن‌های بشری تبدیل شد. البته بعدها این تمدن اسلامی بخاطر علل و عوامل مختلف تنزل پیدا کرد، تا به دوران رنسانس رسید. امروزه با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی که جهان اسلام در قرن بیست و یک با آن مواجه است، مقام معظم رهبری با ارائه نظریه تمدن نوین اسلامی به دنبال احیای تمدن اصیل اسلامی است. معظم له در بیانات و سخنرانی‌های مختلف تمدن نوین اسلامی را این‌چنین تعریف می‌کند. تمدن نوین اسلامی دو بخش دارد: یک بخش آن ابزاری است و بخش دیگر آن متنی، اصلی و اساسی است. منظور از بخش ابزاری همان پیشرفت‌های علمی، صنعتی، سیاسی، اقتصادی، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ است. اما بخش اصلی و حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است مانند: مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، و (سخنرانی مقام معظم رهبری ۱۳۹۱/۰۷/۲۳) لذا تمدن نوین اسلامی به معنای تلاش‌ها و پیشرفت‌های گوناگون سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای بازسازی و نوسازی تمدن اسلامی در جهان معاصر خواهد بود.

۳. ضرورت نوسازی تمدن اسلامی

نوسازی تمدن اسلامی از موضوعات با ارزش در منظومه فکری بسیاری از آزادی‌خواهان، اندیشمندان و رهبران اسلامی از جمله امام خامنه‌ای است. تمدن اسلامی در گذشته به دلیل برخورداری از فرهنگ غنی و ارزش‌های الهی توانسته بود جامعه اسلامی را به سوی پیشرفت هدایت کند. در این خصوص مقام معظم رهبری می‌فرماید: تمدن اسلامی بر اوج قله‌ی تمدن بشری در دوران مناسب خود قرار گرفت؛ یعنی در قرن سوم و چهارم هجری، در هم‌هی دنیای آن روز، با سابقه‌ی تمدن‌ها، با حکومت‌های مقتدر، با میراث‌های گوناگون تاریخی، هیچ تمدنی به عظمت و رونق تمدن اسلامی مشاهده نشده است. (سخنرانی مقام معظم رهبری ۱۳۹۰/۰۴/۰۹) بازسازی این تمدن باعث حفظ و انتقال این ارزش‌ها به نسل‌های بعد می‌شود.

همچنین نوسازی تمدن اسلامی می‌تواند غرور ملی و اعتماد به نفس جوانان را تقویت کند. رهبری در دیدار با معلمان می‌فرماید: باید یک ملت بتواند در مقابل زورگویی‌ها مقاومت بکند؛ این از نوجوانی باید در {جوانان} ما نهادینه

بشود. یا ارزش برخورداری از اعتماد به نفس؛ اینها چیزهایی است که لازم است و باید انجام بگیرد. با اینها آن وقت آن نسل سازنده‌ی تمدن به وجود می‌آید. (سخنرانی مقام معظم رهبری ۱۴۰۱/۰۲/۲۱) بسیاری از جوامع اسلامی تحت تأثیر فرهنگ و ارزش‌های غربی قرار می‌گیرند که ممکن است با ارزش‌های اسلامی در تضاد باشند. بازسازی تمدن اسلامی می‌تواند بستری برای مقاومت در برابر این نفوذ فرهنگی فراهم نماید.

۴. عناصر تمدن ساز ابزاری

عناصر تمدن‌ساز ابزاری به مجموعه‌ای از ابزارها، فناوری‌ها و زیرساخت‌ها اشاره دارد که برای ایجاد کردن، توسعه و تعالی یک تمدن لازم و ضروری هستند. این عناصر به شیوه‌ای طراحی شده‌اند که به پیشرفت چگونگی زندگی، افزایش بهره‌وری و حمایت از ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه کمک کنند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین عناصر تمدن‌ساز ابزاری اشاره می‌کنیم:

۴-۱- توسعه زیر ساخت‌های علمی و آموزشی

۴-۱-۱- مراکز علمی و آموزشی

مراکز علمی و آموزشی نقش بی‌همتایی در گسترش و پیشرفت هر جامعه‌ای ایفا می‌کنند، مخصوصاً در جریان تمدن‌سازی. با مطالعه و تحقیق درباره تاریخ علم و فناوری در اروپا به این مطلب پی می‌بریم که بعد از دوره رنسانس اروپائیان دست به پیشرفت‌های علمی زدند تا تمدن جدیدی برای خود بسازند. رهبری در این باره می‌فرمایند: از قرن شانزدهم و هفدهم میلادی اروپایی‌ها شروع کردند به شالوده‌ریزی یک تمدن جدید، و چون مادی بود از ابزارهای گوناگون بی‌محابا استفاده کردند؛ [از طرفی] به سمت استعمار رفتند، به سمت مغلوب کردن ملت‌ها رفتند؛ از یک طرف هم خودشان را در درون تقویت کردند، با علم و با فناوری و با تجربه، و این تمدن را بر عالم بشریت حاکم کردند. (سخنرانی مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۱۰/۰۸) جامعه اسلامی اگر می‌خواهد به تمدن نوین اسلامی دست پیدا کند، نیاز به همکاری مراکز علمی دارد؛ زیرا این مراکز علمی است که نقشه راه رسیدن به این تمدن نوین را پی ریزی و ترسیم می‌کنند. چنان که مقام معظم رهبری می‌فرمایند: همکاری دانشگاه‌های ما علم و فناوری را ارتقا بخشیده، زیربنای تمدن جدید را خواهد ساخت. (همان ۱۳۹۴/۱۰/۰۸)

۴-۱-۲- تربیت نیروی انسانی متخصص

یک نظام آموزشی توانا به پرورش نیروی انسانی با مهارت‌های لازم برای کارهای گوناگون کمک می‌کند. نیروی انسانی نه تنها کارگذار پیشبرد اهداف اقتصادی است، بلکه در طرح‌های اجتماعی و فرهنگی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. مانند معلمان که در تمدن‌سازی نوین اسلامی نقش کلیدی دارند. این معلمان و فرهیختگان هستند که با تربیت درست نیروی انسانی می‌توانند در تمدن‌سازی نقش ایفا کنند. چنانچه رهبری می‌فرمایند: برای یک کشور، برای یک تمدن، برای یک ملت، مهم‌تر از همه‌ی سرمایه‌ها، سرمایه‌ی انسانی است؛ یعنی اگر شما پول داشته باشید، اما سرمایه‌ی انسانی

درست و حسابی نداشته باشید، به جایی نمی‌رسید. (سخنرانی مقام معظم رهبری ۱۳۹۸/۰۲/۱۱) در ادامه به نقش معلمان اشاره نموده و معلمان را پایه‌ریز تمدن سازی نوین اسلامی معرفی می‌نمایند و می‌گویند: در واقع، شما معلمان پایه‌ریز تمدن نوین هستید؛ چون نیروی انسانی شایسته اگر نباشد، تمدنی به وجود نخواهد آمد. (همان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱) البته دیدگاه اسلام به نیروی انسانی، یک نگاه افزاروار نیست، بلکه نگاهی همگام با مهربانی و مهرورزی است؛ چرا که توجه به بزرگواری ذاتی نیروی انسانی در تشکیلات اداری و دوری از نگرش ابزاری به این نیرو باعث می‌شود که آنان در مراحل مختلف خدمت سازمانی، جایگاه حقیقی خویش را بازیافته و از پدیدار شدن احساس بیگانگی در محل خدمت جلوگیری شود. چنانچه امام علی(ع) در نامه ۵۳ به مالک اشتر می‌فرماید: *وَ أَشْعِرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ؛* دل خود را نسبت به زیردستانت سرشار از گذشت، مهرورزی و مهربانی کن و نسبت به ایشان همانند حیوان وحشی مباش که خوردن آنان را مغتنم شماری! زیرا، آنان دو دسته هستند، یا برادران دینی تو می‌باشند یا انسان‌هایی همتای تو در آفرینش. (شریف رضی، ۱۳۸۱: ۵۰۸)

۴-۲- تقویت زیرساخت‌های اقتصادی

زیرساخت اقتصادی یکی از ساز و کارهای کلیدی در تمدن‌سازی نوین اسلامی به شمار می‌رود و از دیدگاه رهبری، تأکید بر این موضوع در ایجاد یک جامعه پایا، مقاوم و توسعه یافته بسیار مهم است. رهنمودهای رهبری، بر این اصول زیر تأکید دارد.

اقتصاد مقاومتی یک رویکرد و روش اقتصادی است که توسط مقام معظم رهبری، طرح شده است. این سیاست به منظور تقویت پایه‌های اقتصادی کشور و پایداری آن در برابر آشفتگی‌ها و بحران‌های خارجی و داخلی طراحی شده است. این نظریه هم بر پایه توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی است و از منابع و پتانسیل‌های ملی به طور کامل استفاده می‌کند و هم بر پایه فعالیت در عرصه بین الملل است که در این زمینه مقام معظم رهبری می‌فرماید: ارکان اقتصاد مقاومتی یعنی درون‌زایی و برون‌گرایی را باید دنبال کنیم. ما، هم امکاناتی در درون داریم، هم امکانات بین‌الملل داریم. ما، هم می‌توانیم در داخل تولید کنیم و امکانات فراوان گوناگون علمی، اقتصادی و غیره بجوشد از داخل، هم می‌توانیم در عرصه‌ی جهان، عرصه‌ی بین‌الملل فعالیت کنیم. (سخنرانی مقام معظم رهبری ۱۳۹۹/۰۵/۱۰) لذا این نظریه یعنی اقتصاد مقاومتی با توجه به شرایط جامعه جهانی که تحریم‌های ظالمانه بر ملت ایران وضع می‌کنند، نسخه شفا بخش و در ادامه در تمدن سازی نوین اسلامی نقش ایفا خواهد کرد.

۴-۳- عدالت اجتماعی

در اهمیت برقراری عدالت، همین بس که یکی از اهداف مهم بعثت انبیا قرار گرفته است. *لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛* ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. (حدید: ۲۵) از مبانی تشکیل حکومت اسلامی اقامه عدل در جامعه اسلامی است. لذا باید به همراه مصوبات و برنامه ریزی‌ها یک پیوست عدالت

اجتماعی باشد. امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای هیئت دولت می فرمایند: به نظر من، هر مصوبه‌ای که شما تصویب می‌کنید، هر لایحه‌ای که در دولت تنظیم می‌کنید، هر بخشنامه‌ای که خود شما در دستگاه خودتان صادر می‌کنید، یک پیوست عدالت باید داشته باشد. (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۰۶/۰۶)

۵. عناصر تمدن ساز متنی

مقام معظم رهبری در سخنرانی‌ها و بیانات خود به تبیین عناصر و ساز و کارهای کلیدی در روند تمدن‌سازی پرداخته‌اند. این عناصر به عنوان پایه‌های اصلی برای ایجاد و پیشبرد یک تمدن اسلامی برشمرده می‌شوند. در ادامه به برخی از این عناصر اشاره می‌شود.

۵-۱- ایمان و معنویت

معنویت و امر معنوی غالباً در مقابل مادی، فیزیکی و بیرونی قرار داده شده است. عده‌ای از «معنوی» موضوعی گسترش یافته‌تر از «دینی» که کمتر نهادینه شده می‌فهمند. به عکس، دیگران معنویت را به عنوان مرکز و قلب دین می‌دانند. (هینلز، ۱۳۸۶: ۵۹۷) البته معنویت در اندیشه مقام معظم رهبری، دامنه وسیعی دارد. در اندیشه ایشان معنویت در زندگی فردی و اجتماعی معنی‌دار است و موجب شکوفایی و کامیابی در زندگی می‌شود و زندگی انسان را در افقی نورانی و متعالی جریان می‌دهد که در فرهنگ قرآنی به آن حیات طیبه می‌گویند. (خسروپناه، ۱۴۰۲: ۳۵۵) بنابر این دیدگاه معنویت، همه امور زندگی فردی و اجتماعی را شامل می‌شود، حتی موضوع راهپیمایی اربعین، نوعی معنویت گرایی و در راستای تمدن‌سازی نوین اسلامی قرار می‌گیرد. این مراسم (راهپیمایی اربعین) را هر چه می‌توانید و هر چه می‌توانیم، باید پُربارتر و معنوی‌تر کنیم؛ معنا و مضمون این مراسم را باید روزه‌روز بیشتر کنیم؛ اهل فکر، اهل فرهنگ، اهل اقدام فرهنگی و فکری، برای این حرکت عظیم بنشینند برنامه‌ریزی کنند. امروز هدف هر مسلمان باید ایجاد تمدن اسلامی نوین باشد. (سخنرانی مقام معظم رهبری ۱۳۹۸/۰۶/۲۷)

۵-۲- تقلید نکردن از غرب

۵-۲-۱- حفظ هویت فرهنگی و ملی

حفظ هویت فرهنگی و ملی و ترویج ارزش‌های انسانی و اسلامی از دغدغه‌های رهبری است. تمدن و فرهنگ غرب، دنبال از بین بردن هویت جوانان و ملت‌ها است. که ایشان در مناسبت‌های مختلف این نکته را گوشزده کرده و می‌فرمایند: فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هر جا وارد شود، هویت زدائی می‌کند؛ هویت ملت‌ها را از بین می‌برد. فرهنگ غربی، ذهن‌ها را، فکرها را مادی می‌کند، مادی پرورش می‌دهد؛ هدف زندگی می‌شود پول و ثروت؛ آرمان‌های بلند، آرمان‌های معنوی و تعالی روحی از ذهن‌ها زدوده می‌شود. (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳)

۵-۲-۲- استقلال فرهنگی

یکی از اهداف انقلاب اسلامی، دستیابی به استقلال در تمامی حوزه‌ها از جمله فرهنگ است. تقلید از فرهنگ غربی می‌تواند این استقلال را تهدید کند و جامعه را به وابستگی فرهنگی بکشانند. استقلال فرهنگی به معنای ایجاد و تقویت فرهنگی است که بر پایه ارزش‌ها و مبانی دینی و ملی بنا شده باشد. شرط رسیدن به قله تمدن نوین اسلامی این است که از سازکار تقلیدی فرهنگی دوری کنیم. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: فرهنگ غربی فقط هواپیما و وسائل آسایش زندگی و وسائل سرعت و سهولت نیست؛ این‌ها ظواهر فرهنگ غربی است، که تعیین‌کننده نیست؛ باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه‌ی اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. (همان)

راه رسیدن به این اهداف این است که در بُعد فرهنگ و معنویت در مقابل تهاجم فرهنگی دشمن نه تنها ایستادگی کنیم، بلکه باید مسئولین و دست‌اندرکاران فرهنگی با کمک مراکز علمی و آموزشی حوزه و دانشگاه، درصدد برنامه‌ریزی فرهنگی باشند به این معنا که نسل امروزی را از اهداف و پشت پرده‌های فرهنگ غرب آشنا کنند و جهاد تبیین را جدی بگیرند تا نسل امروز دچار سردرگمی فرهنگی نباشند.

۵-۳- سبک زندگی

از ابعاد زیر بنائی توسعه با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن. سبک زندگی پنداره‌ای وسیعی است که به شیوه زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در زمینه‌های مختلف اشاره دارد. محققین در تعریف سبک زندگی می‌گویند سبک زندگی به معنای مجموعه رفتارهایی است که از نگرش‌ها، هنجارها و باورهای فردی و اجتماعی برآمده است. سبک زندگی در هر جامعه‌ای شخصیت و هویت فردی و جمعی را آشکار می‌کند، به طوری که می‌توان تمایز فرهنگی و تمدنی جوامع را با یکدیگر بر اساس سبک زندگی آنان تشخیص داد. (موسوی گیلانی، ۱۳۹۴: ۹۹) مقام معظم رهبری قائل هستند؛ این چیزهایی که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهند، همان سبک زندگی است که بخش حقیقی و اصلی تمدن است که در اصطلاح اسلامی به آن عقل معاش نیز می‌گویند. (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳) لذا سبک زندگی ابعاد مختلف زندگی را شامل می‌شود. مانند رفتارهای اجتماعی به این معنا که افراد در همکنش‌های اجتماعی خود اعم از مراوده‌های خانوادگی، دوستانه و اجتماعی چگونه رفتار کنند یا بر اساس چه اصول اخلاقی همکاری داشته باشند و نیز شیوه درآمد اقتصادی و در نحوه خرج کردن بر چه روشی باشند و رویکرد افراد به علم‌آموزی و تحصیلات نیز بخشی از سبک زندگی آنان را تشکیل می‌دهد. توجه به علم و دانش و تلاش برای ارتقای سطح تحصیلی، می‌تواند نقش مهمی در پیشرفت فردی و اجتماعی داشته باشد.

بنابراین سبک زندگی نه تنها نقش پرداز چگونگی زندگی شخصی افراد است، بلکه نقشی کلیدی در ساختار و پویایی جامعه ایفا می‌کند. با توجه به آموزه‌های دینی و ارزش‌های فرهنگی بومی، می‌توان به سبک زندگی‌ای دست یافت که هم در آرامش فردی و هم در پیشرفت و رفاه جامعه و سرانجام در تمدن‌سازی نوین اسلامی مؤثر باشد.

نتیجه گیری

مقام معظم رهبری در بیانات خود همیشه به ضرورت احیاء و ایجاد تمدن نوین اسلامی اشاره داشته‌اند. این تمدن بر پایه ارزش‌های اسلامی و ایرانی بنیان‌گذاری شده و در صورت رسیدن به آن، جامعه به سوی آینده‌ای سرشار از پیشرفت، توسعه و عدالت رهنمون می‌شود. در نوشتار حاضر بعد از تحقیق و پژوهش درباره عناصر تمدن ساز در منظومه فکری مقام معظم رهبری، نتایج زیر بدست آمد:

عناصر تمدن‌ساز نوین اسلامی در منظومه فکری معظم له را به دو بخش، عناصر ابزاری و عناصر اصلی و اساسی تقسیم کردیم. در بخش ابزاری به توسعه زیرساخت‌های علمی و آموزشی، گسترش زیرساخت‌های اقتصادی و برقراری عدالت اجتماعی اشاره کردیم و در بخش اصلی و اساسی به ایمان و معنویت، تقلید نکردن از غرب و سبک زندگی پرداختیم. البته می‌توان هر کدام از زیر مجموعه‌های این عناصر را از ابعاد مختلف مانند؛ راهکارهای رسیدن به عدالت اجتماعی، روش‌های تقویت زیرساخت‌های اقتصادی یا شیوه‌های تقویت پایه‌های ایمان و معنویت در خانواده یا جامعه را مورد بررسی قرار داد.

منابع فارسی

قرآن کریم ترجمه مکارم شیرازی، چاپ انتشارات امیرالمؤمنین

- ۱- اعرافی، علیرضا، (۱۳۹۸ش)، بیداری و وحدت امت اسلامی، نشر موسسه اشراق و عرفان، قم- ایران.
- ۲- خسروپناه، عبدالحسین (۱۴۰۲ش) منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای (نظام بینشی، منشی و کنشی)، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران- ایران.
- ۳- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۹۰ش) لغت نامه دهخدا، ج ۱، نشر دانشگاه تهران، تهران- ایران.
- ۴- رضوانی، محمد جان، (۱۳۹۴ش) نقش مسلمانان در انتقال تمدن اسلامی به اروپا، نشر مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص) قم- ایران.
- ۵- عالمی، علیرضا، (۱۳۸۹ش) آسیب شناسی تمدن اسلامی مبتنی بر اندیشه های سید حسین نصر، نشر مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص) قم- ایران.
- ۶- عمید، حسن، (۱۳۶۳ش) فرهنگ عمید، ج ۱، نشر امیرکبیر، تهران- ایران.
- ۷- منصورنژاد، محمود، (۱۳۸۱ش) رویکردهای نظری در گفتگوی تمدن ها، نشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران- ایران.
- ۸- موسوی گیلانی، رضی، (۱۳۹۴ش) گفتمان مهدوی، نشر حوزه علمیه قم مرکز تخصصی مهدویت، قم- ایران.
- ۹- هینلز، جان راسل، (۱۳۸۶ش) فرهنگ ادیان جهان، ترجمه پاشایی و دیگران، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم- ایران.

منابع عربی

- ۱- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق) معجم المقائیس اللغه، ج ۵، نشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم- ایران.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- ۲- احمدنگری، عبدالنبی، (۱۳۹۵ق) جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون، ج ۱، نشر مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت- لبنان.
- ۳- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۴ ق،) ج ۲، الصحاح، نشر دارالعلم للملایین، بیروت- لبنان.
- ۴- شریف رضی، محمد، (۱۳۸۱ش) نهج البلاغه، ترجمه علی شیروانی، نشر نسیم حیات، قم - ایران.
- مقالات و سایتها
- ۱- ولایتی، علی اکبر، (۱۳۷۸) تجدید حیات فرهنگ و تمدن اسلامی، فصلنامه علمی قبسات، دوره ۴، ش ۱۴.
- ۲- سایت مقام معظم رهبری khamenei.ir

رسالت تمدنی انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم

قنبر علی صمدی^۱

۱- استاد همکار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (Samadi313@gmail.com)

چکیده

یکی از موضوعات مهم مطرح در «بیانیه گام دوم»، مسأله تمدن سازی و رسالت تمدنی انقلاب اسلامی است. در این بیانیه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)، آرمان بزرگ انقلاب اسلامی را ایجاد تمدن نوین اسلامی معرفی کرده است. در نگرش رهبر فرزانه انقلاب، مراد از تمدن نوین اسلامی، به‌کارگیری توانمندی‌های انسانی و استفاده از امکانات و ظرفیت‌های طبیعی برای پیشرفت و تعالی بشر و بهره‌مندی همه انسان‌ها از مواهب مادی و معنوی است که خداوند برای رشد و سعادت آنان در این عالم قرار داده است. نوشتار حاضر، با تأمل در فرازهای سند راهبردی «بیانیه گام دوم»، به بررسی و تبیین، مفهوم، اهداف و بایسته‌های حرکت تمدنی انقلاب اسلامی پرداخته است. یافته‌های مقاله بیانگر آن است که: ۱- نگرش جامع به ساحت‌های مادی و معنوی زندگی؛ ۲- پایداری بر شعارهای اصولی انقلاب اسلامی؛ ۳- توجه ویژه به عنصر عقلانیت؛ ۴- تلاش برای بسط عدالت به‌منابه راهبرد تمدنی؛ ۵- نگاه فراگیر و جهان‌شمول به عرصه تمدن و... از مهم‌ترین الزامات حرکت تمدنی انقلاب اسلامی شمرده می‌شود.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی، اهداف، الزامات، آیت‌الله خامنه‌ای

۱. مقدمه

یکی از رخدادهای مهم قرن اخیر که تأثیرات وسیعی در منطقه و جهان داشته، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران است. انقلاب اسلامی، تعریف نوینی از اسلام سیاسی و حکومت دینی در دنیا ارائه نمود و توانست جغرافیای قدرت را در جهان تغییر داد؛ بسیاری از بلوک‌های سیاسی را درهم شکست و محورهای جدید و بالنده‌ای را پدید آورد. انقلاب شکوهمند اسلامی، اگرچه با اهداف آرمانی خویش فاصله طولانی دارد؛ اما با توجه به جهت‌گیری‌ها و کارکردهای ثمر بخش آن در عرصه‌های مختلف، می‌تواند الهام بخش افق‌های روشن آینده و زمینه ساز شکل‌گیری گام‌های بلند برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و باشد.

براین اساس، رهبر حکیم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، پس از چهار دهه از کارکرد درخشان انقلاب اسلامی در عرصه داخلی و جهانی، در «بیانیه گام دوم» که منشوری برای دومین مرحله از حیات انقلاب اسلامی و توسعه و شکوفایی آن است، رهنمودهای روشنی را بیان نموده است که می‌تواند چراغ راه حرکت انقلاب اسلامی در مسیر تمدن سازی باشد. از این رو، مسأله تمدن سازی به دلیل اهمیت و تأثیرات شگرف آن در حرکت آینده انقلاب اسلامی، این موضوع

در سند راهبردی «بیانیه گام دوم»، مورد تأکید مضاعف رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است تا همه تلاش‌ها، به تحقق این هدف مهم معطوف گردد.

آیت الله خامنه‌ای، با صدور این بیانیه، در پی هدف گذاری و تعیین راهبرد آینده انقلاب اسلامی در عرصه تمدن سازی، پس از چله‌ی نخست تثبیت انقلاب است. از این رو، در این بیانیه، ایجاد تمدن نوین اسلامی را، آرمان بزرگ انقلاب اسلامی معرفی نموده و ظرفیت‌ها و الزامات گام برداشتن در این مسیر را، برشمرده است. در این نوشتار، با عنایت به فرازهای از «بیانیه گام دوم» و استمداد از دیگر بیانات رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه‌ای، به بررسی رسالت انقلاب اسلامی در ایجاد تمدن نوین اسلامی و ظرفیت‌ها و الزامات آن، می‌پردازد.

۲. معناشناسی «تمدن» و «تمدن نوین اسلامی»

واژه «تمدن» در لغت عرب از ریشه «مدن» به معنای اقامت گزیدن^۱ و خو گرفتن به اخلاق و شیوه‌ای زندگی شهری است.^۲ به شهر از آن رو «مدینه» گفته می‌شود که مردم در آن اقامت می‌گزینند.^۳ در محاروات عربی، از «تمدن» به «الحضاره» که به معنای سکونت در شهرها و جاهای آباد است، تعبیر می‌شود.^۴ در زبان فارسی نیز «تمدن» به معنای شهر نشینی^۵ و آشنا شدن با آداب و رسوم زندگی شهری، معنا شده است.^۶ در زبان انگلیسی به تمدن (Civilization) گفته می‌شود و ریشه لاتینی آن کلمه (Civitas) و به معنای شهر و شهروندی است.^۷ واژه (Civic) یا (Civitas) در زبان لاتین به مقام شهروندی اطلاق می‌گردد که بیانگر خروج از حالت بدوی و بیگانگی نیز هست.

در مفهوم لغوی تمدن، گرایش به عقلانیت، نظم پذیری و قانونمندی و داشتن اخلاق جمعی که لازمه زندگی شهری است، لحاظ شده است؛ زیرا «مدنیت» در برابر «بربریت» و به معنای همانند شهریان زندگی کردن و خروج از حالت انعطاف ناپذیری بادیه نشینی و نظام قبیلگی به حالت همگرایی شهروندی و تعاون و تعامل، برای فراهم ساختن اسباب آسایش و پیشرفت در زندگی است.

اصطلاح «تمدن نوین اسلامی» از ابتکارات رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای در دهه اخیر است و مفهوم و مراد از این اصطلاح در بیانات ایشان، بکارگیری نیروی خلاقیت و سازندگی برای ایجاد شرایط مطلوب و بهره‌مندی همه افراد جامعه از فرصت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی انسان‌ها در این عالم به

۱. «مَدَنٌ بِالْمَكَانِ؛ أَقَامَ بِهِ»؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴۰۲.
۲. «تَمَدُّنٌ؛ أَيْ تَخَلَّقَ بِأَخْلَاقِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ»؛ التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۱، ص ۵۵.
۳. «سمیت بذالك؛ لان اهلها حضروا الامصار و مساكن الديار التي يكون لهم بها قرار» (العین، ج ۳، ص ۱۰۱؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۷۶؛ تاج العروس، ج ۶، ص ۲۸۶).
۴. ر.ک: العین، ج ۳، ص ۱۰۱؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۷۶؛ تاج العروس، ج ۶، ص ۲۸۶).
۵. ر.ک: فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۱۳۹.
۶. ر.ک: لغتنامه دهخدا، ص ۹۴۲؛ اخلاق ناصری، ص ۱۵۴؛ فرهنگ نفیسی، ص ۹۰۶.
۷. ر.ک: فرهنگ انگلیسی فارسی، مترادف و متضاد، ج ۱، ص ۸۹.

وجود آورده است: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.^۱ از دیدگاه مقام معظم رهبری، «تمدن نوین اسلامی» عبارت از بکارگیری مظاهر، نمادها و دستاوردهای تعالی بخش بشر در حوزه های مادی و معنوی متناسب با آموزه های اسلامی برای رسیدن به زندگی عزتمندانه در تمامی زمینه ها است؛ همان هدف اساسی که نظام اسلامی در پی تحقق آن است.

کاربرد اصطلاح «تمدن نوین اسلامی» در سخنان آیت الله خامنه ای، بیانگر یک اندیشه راهبردی و نظام مند معطوف به اهداف متعالی جامعه اسلامی است که می تواند اهداف میان مدت و بلند مدت امت اسلامی را تبیین کند، رابطه آن با دیگر مفاهیم معطوف به مقوله پیشرفت و تحول در آینده را، روشن سازد و مفاهیم زیادی حول این محور، پدید آورد. آیت الله خامنه ای، با طرح نظریه تمدن نوین اسلامی، در پی ایجاد تحول بنیادی در عرصه های مختلف حیات فردی و اجتماعی برای شکل گیری جامعه دین مدار، رشد یافته و متمدن اسلامی است که رفاه مادی و ارتقای سطح معنویت، اخلاق، عقلانیت و کرامت انسانی، بخشی از ثمرات آن است و می تواند زمینه های رشد و شکوفایی جوامع اسلامی و تولید اقتدار برای جهان اسلام در تمامی عرصه ها را فراهم نماید. به همین دلیل آیت الله خامنه ای، گسترش این نگرش در آینده را، حتمی می داند و معتقد است: «سرنوشت حتمی عبارت است از این که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای این که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دل های نسل های نوری انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می فهمند و درک می کنند. به معنای رساندن یک پیام است به دلها، تا بتدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند. این امری است که شدنی است.»^۲

در نگاه آیت الله خامنه ای، «تمدن نوین اسلامی»، دارای دو وجه ظاهری (ابزاری) و حقیقی (محتوی) است.^۳ مراد از وجوه ظاهری تمدن، عناصر سخت افزاری تمدن و مجموعه اسباب و عوامل مادی و معنوی دخیل در شکل گیری و شکوفاسازی آن است؛ هر آنچه از حیث ساختاری و شکلی در ایجاد بنای تمدن نقش آفرین باشد، مانند: علم، صنعت،

۱. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در پایان اجلاس دو روزه خبرگان (۱۴/۰۶/۱۳۹۲).

۲. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۴/۰۷/۱۳۷۹.

۳. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۲۳/۰۷/۱۳۹۱.

فناوری، معدن، معماری، رسانه و دیگر ابزارها و امکاناتی که موجب پیشرفت علمی و صنعتی در جامعه شده و انسانها را در تسخیر طبیعت و توسعه زندگی قادر می‌سازد و به تولید قدرت اقتصادی و اقتدار سیاسی و اعتبار جهانی یک جامعه می‌انجامد، وجه ظاهری تمدن شمرده می‌شود.^۱ اما وجه حقیقی تمدن نوین اسلامی، ناظر به جنبه‌های محتوایی و اصلی آن است که در کلام رهبر معظم انقلاب، از آن به «سبک زندگی اسلامی» تعبیر گردیده و مصادیق آن را نیز برشمرده است.^۲ تعبیر «سبک زندگی اسلامی» عنوان جامعی است که مفهوم ژرف و فراخی دارد و مدل رفتاری یک انسان مسلمان در عرصه‌های مختلف زندگی را معین می‌کند و نوع نگرش و فرهنگ حاکم بر رفتار فردی و اجتماعی جامعه اسلامی را از جامعه غیر اسلامی متمایز می‌سازد.

نکته حائز اهمیت در سخنان آیت الله خامنه‌ای، توجه به اولویت‌ها در این حوزه است. به عقیده ایشان آنچه در این رابطه اهمیت مضاعف دارد، توجه ویژه به بخش محتوایی تمدن است که متن زندگی را تشکیل می‌دهد: «تمدن نوین اسلامی در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل می‌شود؛ اینها متن زندگی است»^۳ بنابراین، در تمدن سازی نوین اسلامی، ضمن اینکه به جنبه‌های ابزاری تمدن باید توجه شود، اهتمام اصلی می‌باید معطوف به جنبه‌های حقیقی تمدن و ارائه سبک زندگی اسلامی باشد. بدون شک، عدم جامع نگرسی و غفلت از اولویت‌ها در این عرصه، سبب بروز آفت‌ها و عقب ماندن جامعه از کاروان پیشرفت و تمدن می‌گردد.

۳. اهداف تمدنی انقلاب اسلامی در بیا به گام دوم

مهم‌ترین هدف و رسالت تمدنی انقلاب اسلامی در عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تحقق آرمان بلندی است که در «بیانیه گام دوم» و دیگر سخنان آیت الله خامنه‌ای، از آن به «تمدن سازی» و ایجاد «تمدن نوین اسلامی» تعبیر شده است.

نگاهی به متن «بیانیه گام دوم» و بیانات آیت الله خامنه‌ای پیرامون اهداف و آمان‌های انقلاب اسلامی، نشان از آن دارد که در منظومه فکری رهبر حکیم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای، مهم‌ترین موضوعی که می‌تواند موجبات پیشرفت جوامع اسلامی در عرصه‌های مادی و معنوی را فراهم سازد، مسأله تمدن سازی و ایجاد تمدن نوین اسلامی است و این موضوع، جایگاه ویژه‌ی در هدف گذاری آینده انقلاب اسلامی دارد. در بخشی از این بیانیه آمده است: «از میان همه‌ی ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همّت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.^۱

تأکید رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، نسبت به مسأله تمدن‌سازی، برای آن است که اهداف متعالی انقلاب اسلامی با رویکرد تمدنی و بسیج نیروها در این مسیر، قابل تحقق است. از این رو، خط سیر انقلاب اسلامی، می‌باید معطوف به مسأله تمدن‌سازی و ایجاد تمدن اسلامی باشد؛ به گونه‌ای که جهت‌گیری کلی، تلاش‌ها، برنامه‌ها و ظرفیت‌های جامعه اسلامی، برای تحقق آن، بکار گرفته شود: «خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است، خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است.»^۲

«بیانیه گام دوم»، در حقیقت نقشه راهی است که نقطه عطف بالندگی انقلاب اسلامی را، ایجاد تمدن نوین اسلامی برشمرده تا از این رهگذر انقلاب اسلامی «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است»^۳ نزدیک شود. از این رو، آیت الله خامنه‌ای، تمدن‌سازی را، گامی مؤثر در راستای نزدیک شدن به ظهور و مقدمه لازم برای رسیدن به آن هدف بزرگ می‌داند: «انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان برای تأمین آن هدف ظهور می‌کند، یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ بوده است. اگر این گام بزرگ را بر نمی‌داشتید، یقیناً ظهور ولی عصر به عقب می‌افتاد... شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سرمنزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی عصر شدید. شما یک قدم، این بار را به منزل نزدیک‌تر کردید. همین مقدار از اسلام را هرچه شما بتوانید در آفاق دیگر عالم، در کشورهای دیگر، در نقاط تاریک و مُظلم دیگر، گسترش و اشاعه بدهید؛ همان مقدار به ظهور ولی‌امر و حجّت عصر، کمک کردید و نزدیک شدید. اگر بتوانید در درون خود، جامعه‌تان- همان جامعه انقلابی- تقوا، فضیلت، اخلاق، دین‌داری، زهد، نزدیکی معنوی به خدا را در خود و دیگران تأمین کنید، پایه و قاعده ظهور ولی عصر را مستحکم‌تر کرده‌اید و هرچه بتوانید از لحاظ کمیت و مقدار، تعداد مسلمانان مؤمن و مخلص را افزایش بدهید، باز به امام زمان و زمان ظهور ولی عصر نزدیک‌تر شده‌اید. پس می‌توانیم قدم به قدم، جامعه خود و زمان و تاریخ خود را به تاریخ ظهور ولی عصر نزدیک کنیم.»^۴

بنابراین، رهبر معظم انقلاب، عمیقاً به عملی شدن مراحل نسبی آرمان تمدنی اسلام در این عصر باور دارد و این امر را نه تنها در جامعه امروز قابل تحقق می‌داند بلکه مهم‌ترین رسالت امروز جوامع اسلامی را تلاش برای برپایی شالوده

۱. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.

۲. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۴/۰۷/۱۳۷۹.

۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.

۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۵۹/۴/۶.

تمدن نوین اسلامی می‌داند.^۱ از دیدگاه ایشان، اگرچه تحقق کامل تمدن نوین اسلامی به مفهوم حاکمیت اسلام بر جغرافیای جهان را، در عصر غیبت کاری دشوار و ناشدنی می‌داند اما معتقد است که این امر تنها در عصر ظهور محقق خواهد شد، اما ایجاد الگوی تمدنی در بخشی از جغرافیای جهان و گسترش این فکر و پیام در دنیا برای معطوف نمودن نگاه‌ها بدین سو، نه تنها ممکن و شدنی می‌داند بلکه تحقق این امر را، سرنوشت محتوم جامعه آینده می‌شمارد: «سرنوشت حتمی عبارت است از این که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه‌ی عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای این که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند. به معنای رساندن یک پیام است به دلها، تا بتدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند. این امری است که شدنی است».^۲

بنابراین، از دیدگاه رهبر انقلاب، آن هدف آرمانی که همه ظرفیت‌های انقلاب اسلامی، می‌باید در راستای رسیدن به آن غایت و مقصود مهم، به کار گرفته شود، ایجاد تمدن نوین اسلامی است. و مهم‌ترین رسالت امروز و فردای امت اسلامی، اهتمام جوامع اسلامی به حرکت فراگیر برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و تلاش علمی و عملی در این راستا است: «دنیای اسلام امروز وظیفه دارد مثل خود اسلام و مثل خود پیغمبر، روحی در این دنیا بدمد، فضای جدیدی را ایجاد کند، راه تازه‌ای را باز کند. ما به این پدیده‌های که در انتظار آن هستیم می‌گوییم تمدن نوین اسلامی، ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم».^۳ بدون شک، این رویکرد تمدنی، انقلاب اسلامی را به سمت تحقق آرمان‌های بلند آن سوق خواهد داد.

۴. الزامات حرکت تمدنی انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم

«بیانیه گام دوم» در حقیقت ترسیم‌کننده نقشه راه حرکت انقلاب اسلامی در مسیر تمدن‌سازی و پیشرفت و تعالی جامعه‌ای اسلامی است. فرازهای «بیانیه گام دوم» بیانگر فصل جدیدی از حیات نظام اسلامی برای نقش‌آفرینی در عرصه خود‌سازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است.

۱. بیانات در دیدار با میهمانان کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، بمناسبت میلاد پیامبر(ص) و امام صادق(ع) ۱۳۹۴/۱۰/۸.

۲. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴.

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۴/۱۰/۰۸.

در این بیانیه، رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه‌ای (مدظله)، مهم‌ترین گام برای تمدن‌سازی و ایجاد تمدن نوین اسلامی را، ساختن ایران اسلامی دانسته و برخی از بایسته‌ها و الزامات حرکت در این مسیر را برشمرده است که به چند مورد اشاره می‌شود:

۴-۱ نگرش جامع به ساحت‌های مادی و معنوی زندگی

یکی از الزامات تمدن‌سازی نظام اسلامی در «بیانیه گام دوم»، نگرش جامع به ساحت‌های مختلف زندگی و توجه به نیازهای مادی و معنوی انسان، در عرصه‌های تمدن‌سازی است.

از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی؛ آغازگر تمدن جدیدی است که در آن - برخلاف تمدن‌های تک‌ساحتی و انسان‌محور رایج در دنیای مدرن مادی- دین و دنیا، رفاه و معنویت و سیاست، پیشرفت و عدالت، توأمان در جامعه رخ می‌نماید: «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم و واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشیندن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار میدهند، دست‌وپنجه نرم میکند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود»؛ «در تمدن نوین اسلامی، معنویت در کنار مادیت، عروج اخلاقی و معنوی و روحی و تضرع و خشوع، در کنار پیشرفت زندگی مادی است».^۱

بنابراین، تمدن‌سازی مبتنی بر تفکر دینی، نمی‌تواند صرفاً به وجوه ظاهری و پیشرفت‌های مادی و اقتصادی بسنده کند و از زوایای معنوی و محتوای زندگی، چشم‌پوشی نماید. از این رو، در نگاه آیت الله خامنه‌ای، میان جنبه‌های ایزاری و محتوایی تمدن، ملائمت و همسویی وجود دارد؛ به گونه‌ای که ثروت و رفاه مادی آمیخته با معنویت و فضیلت‌های اخلاقی و انسانی مد نظر است، پیشرفت و توسعه‌ی قرین با عدالت مطلوب است و علم همراه با عقلانیت سازنده است. در نگرش آیت الله خامنه‌ای، رویکر تمدنی انقلاب اسلامی، نگاه فراگیر به همه ابعاد زندگی انسان است: «انقلاب اسلامی با همه انقلاب‌های دیگر متفاوت است؛ نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است، نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی

۱. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱

۱۳۹۷.

۲. بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۹۸/۰۴/۲۰۱۲.

است، نه یک انقلاب صرفاً سیاسی است؛ یک انقلاب همه‌جانبه است. مثل خود اسلام است. همانطوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است؛ بعد اقتصادی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی در اسلام وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روز به روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است.^۱

براساس این نگاه، انقلاب اسلامی، در پی تمدن مبتنی بر نگرش دینی است. این ویژگی، انقلاب اسلامی را از دیگر پدیده‌های سیاسی و اجتماعی مشابه، متمایز نموده و به مثابه یک جریان فکری احیاگر و تمدن ساز تبدیل کرده است. موفقیت انقلاب اسلامی در این عرصه، درگرو تحقق اندیشه‌های تحول آفرینی است که دست‌یابی به اهداف بلند آن را ممکن می‌سازد و آن شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است: «انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست؛ انقلاب آنجایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود».^۲

۴-۲ پایداری بر شعارهای اصولی انقلاب اسلامی

در «بیانیه گام دوم»، یکی از الزامات گام برداشتن در مسیر عزت و تمدن‌سازی، ثبات قدم بر اصول ارزش‌ها و شعارهای فطری و جهانی انقلاب اسلامی، بیان شده است: «برای همه‌چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌های بدرخشد و در دوره‌های دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پابندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها».^۳

یکی از مصادیق و جلوه‌های بارز ثبات قدم بر شعارهای انقلاب اسلامی که در «بیانیه گام دوم» آن را ویژگی مهم انقلاب اسلامی برشمره است، دفاع مستمر از مظلومان عالم در برابر زورگویان عرصه جهانی ذکر کرده است: «انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند از آغاز تا... با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردن‌کشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطق‌های در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است».^۴

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) (۱۴/۰۳/۱۳۸۷).^۱

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۲/۰۹/۱۳۷۹.^۲

۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی،^۳

۱۳۹۷.

۴. همان.^۴

۴-۳ توجه به عنصر «عقلانیت» در رویکرد تمدنی

یکی از الزامات مهم در رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی، توجه به عقلانیت و منش عقلانی است. در «بیانیه گام دوم» عنصر «عقلانیت»، جزء بنیادهای نگرش تمدنی انقلاب اسلامی در کنار دیگر شعارهای اصولی آن، ذکر شده است.^۱ و نیز در دیگر بیانات آیت الله خامنه‌ای، این گزاره، مورد تأکید بیشتر قرار گرفته است.

مراد از «عقلانیت» در عرصه تمدن، دور اندیشی، محاسبات منطقی و نگاه هدفمند و معقول در تصمیم سازی‌ها و استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها برای ساخت تمدن اسلامی و ارتقای سطح زندگی است. «عقلانیت» مورد توجه در بیانات آیت الله خامنه‌ای، عقلانیت انقلابی است و این معنا از عقلانیت را می‌توان مبنای تحلیل مسائل گوناگون سیاسی، امنیتی و بین الملل قرار داد و براساس آن، به بررسی واقعیات موجود و حل مشکلات و مسائل فراروی جامعه پرداخت.

آیت الله خامنه‌ای، ضمن آنکه عقلانیت انقلابی را یک خط مشی معقول و مطلوب می‌داند، شاخص‌های عقلانیت انقلابی را نیز در سخنان خود بیان نموده است؛^۱ محاسبه‌گری منطقی و متناسب با اولویت‌هاست،^۲ رویکرد فعالانه، صریح و بدور از محاذظه کاری و انفعال،^۳ واقعیت‌نگری و توجه به واقعیات موجود، برخی از ویژگی‌های عقلانیت انقلابی و نگرش صحیح در این باب است که در بیانات رهبر انقلاب بدان تصریح شده است. از این رو، آیت‌الله خامنه‌ای، در باره عقلانیت در عرصه اقتدار ملی، تقویت قدرت دفاعی و توجه به امکانات نظامی را از جمله محاسبات عقلانی دانسته، می‌فرماید: «مبنای اقتدار در جمهوری اسلامی یک مبنای «عقلانیتی» است؛ یعنی ما اقتدار را بر اساس احساسات و عواطف و توهمات و مانند اینها دنبال نمی‌کنیم. محاسبه اقتدار ملی یک محاسبه عقلانی است».^۲

آیت الله خامنه‌ای، عقلانیت و نگاه عقلانی را منحصر در امور امنیتی و نظامی نمی‌بیند و لزوم تقویت این نوع تفکر و عمل را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز لازم دانسته و معتقد است: «فقط هم مسئله‌ی نیروهای مسلح و دستگاه دفاعی و قدرت دفاعی نیست که باید ناشی از عقلانیت باشد؛ نه، در همه‌ی مسائل مهم برای اداره‌ی یک کشور و بخصوص در جمهوری اسلامی که این همه اسلام بر روی عقل و تعقل و تفکر تکیه کرده، اگر بخواهیم کارها درست پیش برود، بایستی بر مبنای عقلانیت عمل کنیم. ما ظلم‌ستیزی را هم بر اساس عقلانیت می‌گوییم، عدالت‌خواهی هم باید بر اساس عقلانیت باشد، مبارزات اجتماعی ما هم باید بر اساس عقلانیت و محاسبه‌ی درست باشد؛ گرفتار حاشیه نشویم، اصل و فرع را هم اشتباه نگیریم».^۳

۱. همان

۲. بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح (۲۱/۰۷/۱۳۹۹).

۳. همان.

از منظر آیت الله خامنه‌ای، مسأله عقلانیت، پیش از آنکه یک مفهوم سیاسی و اجتماعی باشد، یک مفهوم بینشی است که رویکردهای مختلفی نسبت به آن وجود دارد. تشخیص رویکرد صحیح از نا صحیح در فهم و تفسیر عقلانیت، می‌باید باتوجه به آثار و نتایج مثبت آن، مورد توجه و بررسی قرار گیرد. «ما عرض کردیم، عقلانیت به معنای محاسبه‌ی درست است؛ محاسبه‌ی صحیح و درست و دستگاه محاسباتی سالم؛ عقلانیت به این معنا است»^۱.

براین اساس، عقلانیت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، به معنای محاسبات منطقی، نوگرایانه و مطابق با واقعیت‌هاست که نتایج منطبق با اولویت‌ها را بدست می‌دهد و این رویکرد می‌توان راهکار اساسی برای حل مشکلات و کاستی‌ها در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باشد. «عقلانیت» در نگرش رهبر معظم انقلاب، با منفعل بودن و محافظه‌کاری نسبتی ندارد. به همین جهت آیت الله خامنه‌ای، نگاه منفعلانه برخی به مفهوم عقلانیت را، قرائت نارسا و به دور واقعیت می‌داند و هدف از این نوع تفسیر را، توجیه رویکرد محافظه‌کارانه‌ی همراه با ترس، با استفاده واژه عقلانیت دانسته و در تخطئه رویکرد می‌گوید: «بعضی‌ها اسم عقل و عقلانیت را که می‌آورند، منظورشان از عقلانیت ترسیدن است؛ وقتی می‌گویند عاقل باشید، یعنی بترسید، یعنی منفعل باشید، یعنی از مقابل دشمن فرار کنید! نه، ترسوها حق ندارند اسم عقلانیت را بیاورند. ترسیدن و فرار کردن و میدان را خالی کردن، اسمش عقلانیت نیست، اسمش همان ترس و فرار و مانند اینها است؛ عقلانیت یعنی محاسبه‌ی درست»^۲. بنابراین، «عقلانیت» حقیقی نباید با «عقل نمایی» اشتباه شود. عقلانیت مبتنی بر محاسبات منطقی رهبر معظم انقلاب، یک مفهوم روشن و هدایت‌گری است که با محافظه‌کاری کاملاً متفاوت است. عقلانیت انقلابی مورد نظر رهبر معظم انقلاب، یک عقلانیت تحول‌خواه و روشن‌اندیش است که سبب ایجاد بصیرت می‌شود و روح اعتماد به نفس و خوداتکایی را در جامعه تزریق می‌کند.

در نگاه آیت الله خامنه‌ای، آنچه تحول‌آفرین و تمدن‌ساز است، محاسبه‌گری عقلانی و عاقل بودن است که در مقابل محافظه‌کاری مخرب قرار دارد: «عقلانیت و محاسبه‌ی که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را برنمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست؛ محاسبه‌ی عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود... بنابراین عقلانیت با محافظه‌کاری فرق دارد. محاسبه‌ی عقلانی را با محاسبه‌ی محافظه‌کارانه به هیچ‌وجه مخلوط نکنید؛ این‌ها دو چیز است»^۳. بنابراین، منشأ فکری عقلانیت رهبری مبتنی بر یک

۱. همان .

۲. همان .

۳. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۸/۶/۱۳۸۴

عقلانیت تعالی محور است که در کنار مسائل و موضوعات و آیات و روایات؛ مسئولیت پذیری، انتخاب بین خوب و بد، تدبیر و تجربه را مورد توجه قرار می دهند.

توجه به عنصر «عقلانیت» در فرآیند تمدن اسلامی، بدین جهت اهمیت مضاعف دارد که اساساً تمدن اسلامی بدون عقلانیت اجتماعی و تربیت و حضور مؤثر عناصر عاقل، به وجود نمی آید و عنصر عقلانیت، رکن مهم بر پائی تمدن اسلامی شمرده می شود. بنابراین، عنصر «عقلانیت» در کنار نوگرایی و سماحت اسلامی، نقش مهم و تأثیرگذاری در فرآیند جامعه سازی و ایجاد تمدن اسلامی داشته و جزء پایه های اصلی روند تمدن اسلامی شمرده می شود. برای این اساس، آیت الله خامنه ای، رشد عقلانیت در جامعه را اساس شکل گیری جامعه صالح دانسته و مهم ترین کارکرد حرکت اصلاحی پیامبر اکرم (ص) را، ارتقای عقلانیت اجتماعی می داند: «اولین کار پیامبر اکرم (ص)، اثاره عقل است؛ برشوراندن قدرت تفکر است. قدرت تفکر را در یک جامعه تقویت کردن؛ این حلال مشکلات است. عقل است که انسان را به دین راهبرد می دهد، انسان را به دین می کشاند. عقل است که انسان را در مقابل خدا به عبودیت وادار می کند. عقل است که انسان را از اعمال سفیهانه و جهالت آمیز و دل دادن به دنیا باز می دارد؛ عقل این است. لذا اول کار این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد؛ تکلیف ما هم این است»^۱.

بنابراین، مفهوم «عقلانیت» در نگاه آیت الله خامنه ای، علاوه بر وجه ایجابی، وجه سلبی نیز دارد. وقتی از عقلانیت سخن گفته می شود، باید عوامل ضد عقلانیت نیز مورد توجه قرار گیرد. اگر ما عقل را با غبار جهالت، تعصب، خودخواهی ببوشانیم، دچار تحریف در مفهوم عقلانیت می شویم. عقلانیت آنگاه ممدوح بوده و معنای حقیقی خود را خواهد یافت که در مقابل افراط و تفریط قرار داشته باشد.

۴-۴ اهتمام به تحقق عدالت به مثابه راهبرد تمدنی

اهتمام به «عدالت» و بسط و توسعه آن در جامعه، پایه و اساس شکل گیری تمدن نوین اسلامی و مهم ترین راهبرد تمدنی انقلاب اسلامی شمرده می شود.

آیت الله خامنه ای در «بیانیه گام دوم انقلاب»، در باره اهمیت راهبردی مسأله عدالت در تفکر دینی و جایگاه آن در تعیین اهداف نظام جمهوری اسلامی می فرماید: «عدالت در صدر هدف های اولیّه ی همه بعثت های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این کلمه مقدّس در همه زمان ها و سرزمین ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در سالروز عید سعید مبعث ۱۳۸۸/۴/۲۹

فریضه‌ای برعهده‌ی همه به‌ویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است.^۱

در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، همان‌گونه که تحقق عدالت، دغدغه دیرین بشر بوده و فقدان عدالت در طول تاریخ، رنج‌ها و ستم‌های بی‌شماری را بر بشریت تحمیل نموده است^۲، بسط عدالت در جامعه نیز، می‌تواند همه دردها را درمان کند و مشکلات و نارسائی‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره را، سامان بخشد. بنابراین، اهتمام به عدالت ورزی و مبارزه با بی‌عدالتی را، می‌توان از مهم‌ترین نتایج آینده‌نگری مبتنی بر نظریه مهدویت در اندیشه آیت الله خامنه‌ای برشمرد. در پرتو این نگاه، توسعه مبتنی بر عدالت، سبب می‌شود که حقوق همه اقشار جامعه، در نظامات اجتماعی مد نظر قرار می‌گیرد.

در این «بیانیه» رهبر معظم انقلاب اجرای عدالت را مستلزم مبارزه با فساد می‌داند و نسبت به پیامد بی‌توجهی به هدالت هشدار می‌دهد: «عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین(ع) کسانی را لغزاند».^۳

در نگاه آیت الله خامنه‌ای، فلسفه اصلی حکومت اجرای عدالت در جامعه است: «حکومت معنایش این است که انسان حقی را احقاق کند؛ عدل را بر پا بدارد. امیرالمؤمنین(ع) در آن صحبتی که معروف است و همه شنیده‌اید، فرمودند این حکومت به قدر این کفش یا بند این کفش برای من ارزش ندارد. بعد فرمودند: «إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا»^۴ مگر اینکه حقی را اقامه کنم. در این راه انسان هر چه بکشد و هر چه زحمت تحمل کند و هر چه اضافه کار کند و هر چه شب بی‌خوابی بکشد و هر چه از آن امکاناتی که به‌طور معمول افراد جامعه دارند، محروم بماند، حقش است، جا دارد و انسان در این صورت، ضرر نکرده است. باز از امیرالمؤمنین(ع) نقل شده است که در یکی از خطبه‌ها می‌فرماید: حاضریم - مضمون این است - در راه اینکه اقامه حقی کنیم و ابطال باطلی کنیم، بر روی خارهای سخت کشانده شوم. به‌هرحال، این آن چیزی است که مبنای کار ماست و باید به آن توجه داشته باشید».^۵

۱. متن «بیانیه گام دوم انقلاب»، ماهنامه آموزشی اطلاع‌رسانی معارف، شماره ۱۱۶، ۱۳۹۹.

۲. «درد بزرگ بشریت امروز همین مسأله فقدان عدالت است». بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه‌شعبان ۱۳۸۱/۰۷/۳۰.

۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۳۳

۵. بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۷۲/۶/۳.

براین اساس، در «بیانیه گام دوم» بر ضرورت پرهیز از تبعیض در کارکرد نظام اسلامی تأکید شده است: «در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به‌شدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به‌شدت ممنوع است. همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد»^۱.

بنابراین، تمدن‌سازی نوین اسلامی مورد توجه رهبر انقلاب، چیزی جز گسترش و تقویت گزینه‌های انسانی در سایه دین و عدالت نیست؛ زیرا تمدن مبتنی بر عدالت، سبب بروز قابلیت‌ها و استعدادهای انسان گردیده و زمینه را برای ایجاد ظرفیت‌ها و تحقق آرمان‌های بلند او فراهم می‌سازد.

۴-۵ نگاه فراگیر و جهان‌شمول به عرصه تمدن

در نگرش آیت الله خامنه‌ای، آنچه می‌تواند راهگشا و تحول‌آفرین باشد، آن است که مسأله تمدن‌سازی و رویکرد به تمدن، می‌باید با نگاه راهبردی و جهان‌شمول به مسائل زندگی، همراه باشد. از این رو، آیت الله خامنه‌ای، توجه به مسأله تمدن‌سازی و ایده تمدن نوین اسلامی را، یک رسالت دینی و جزء اولویت‌های مهم امروز و فردای جهان اسلام می‌داند و معتقد است که جوامع اسلامی می‌باید با خردمندی، تدبیر و استفاده از دانش و ظرفیت‌های عظیم جهان اسلام، برای ایجاد تمدن اسلامی، گام بردارند: «ما باید در صدد آن باشیم که در دنیای مرده‌ی امروز و در دنیای آفت‌زده‌ی امروز روحی بدمیم. امروز هم دنیا دچار ظلم است، دچار قساوت است، دچار تبعیض است. امروز هم مرگ فضیلت، عزای بزرگ آدمیان است. فضیلت‌ها به‌وسیله‌ی ابزارهای قدرت‌های مادی سرکوب می‌شوند؛ عدالت سرکوب می‌شود؛ انسانیت و اخلاق سرکوب می‌شود؛ خون انسان‌ها به دست قدرتمندان بی‌محابا بر زمین جاری می‌شود؛ ملت‌هایی به‌خاطر غارت‌زده بودن به‌وسیله‌ی قدرتها، از گرسنگی جان می‌دهند. این وضع امروز دنیا است. این هم مثل همان جاهلیت دوران قبل از ظهور اسلام است؛ این هم جاهلیت است. امروز، وظیفه‌ی امت اسلامی تنها این نیست که به یادبود ولادت پیغمبر یا بعثت پیغمبر جشن برپا کند؛ این کار کوچک و کمی است نسبت به آنچه وظیفه‌ی او است. دنیای اسلام امروز وظیفه دارد مثل خود اسلام و مثل خود پیغمبر، روحی در این دنیا بدمد، فضای جدیدی ایجاد کند، راه تازه‌ای را باز

۱. متن «بیانیه گام دوم انقلاب»، ماهنامه آموزشی اطلاع‌رسانی معارف، شماره ۱۱۶، ۱۳۹۹.

کند. ما به این پدیده‌های که در انتظار آن هستیم می‌گوییم «تمدن نوین اسلامی». ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم برای بشریت»^۱.

ملاحظه سخنان رهبر معظم انقلاب در طول دوران رهبری ایشان نیز، نشان می‌دهد که ایشان با نگاه راهبردی و جهانی به مسائل و نیازهای جوامع بشری می‌نگرد.^۲ این نگاه به ویژه در «بیانیه گام دوم» که در آن از ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور امام عصر(ع)، به عنوان آرمان بزرگ انقلاب اسلامی یاد شده است^۳، بیشتر مشهود و ملموس است. اهمیت نگاه راهبردی و جهان شمول آیت الله خامنه‌ای در باره تمدن نوین اسلامی، آنگاه روشن می‌شود که آثار درون دینی و جهانی این ایده، در عرصه‌های مختلف فرهنگ، سیاست، اقتصاد و غیره، به درستی مورد توجه قرار گیرد.

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، دست یابی به اهداف تمدنی نظام اسلامی، یک امر تدریجی و طولانی مدت است که با تلاش بی وقفه و عبور از موانع و چالش‌ها، امکان پذیر می‌گردد: «این نظام اسلامی از آغاز تشکیل، با چالش‌های خود، با مشکلات خود، با امکانات خود، حرکتی را آغاز کرده است و پیش می‌رود. این خط اگر با جدیت، با پشتکار، با شناخت آنچه که لازم است، با عمل به آنچه که وظیفه است، ادامه پیدا کند، سرنوشت حتمی عبارت است از این که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای این که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه؛ معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند؛ به معنای رساندن یک پیام است به دل‌ها، تا به تدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند. این امری است که شدنی است. با وضعی که امروز من در کشورمان مشاهده می‌کنم، با ریشه‌های عمیقی که تفکر اسلامی در کشور ما دارد، با حرکت بسیار وسیع و گسترده‌ای که از اوّل انقلاب در راه تعمیق این اندیشه آغاز شده است و امروز به جاهای خوبی هم رسیده است، به نظر می‌رسد که این آینده برای نظام اسلامی، یک آینده‌ی قطعی و اجتناب‌ناپذیر است»^۴.

آیت الله خامنه‌ای، تحقق تمدن نوین اسلامی را نه تنها شدنی بلکه یک امر اجتناب‌ناپذیر می‌داند که از نقطه‌های آغاز و تدریجاً فراگیر و جهانی خواهد شد: «بی‌شک تمدن اسلامی می‌تواند وارد میدان شود و با همان شیوه‌ای که تمدن‌های

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۴/۱۰/۰۸.

۲. «ما هم امروز از دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویّت. این وظیفه‌ی امروز ما است» بیانات در دیدار با میهمانان کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، بمناسبت میلاد حضرت محمد(ص) و حضرت امام صادق(ع) ۱۳۹۴/۱۰/۰۸.

۳. متن «بیانیه گام دوم انقلاب»، ماهنامه آموزشی اطلاع‌رسانی معارف، شماره ۱۱۶، ۱۳۹۹.

۴. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۳۷۹/۰۷/۱۴.

بزرگ تاریخ توانسته‌اند وارد میدان زندگی بشر شوند و منطقه‌ای را- بزرگ یا کوچک- تصرف کنند و برکات خود یا صدمات خود را به آنها برسانند، این فرآیند پیچیده و طولانی و پُرکار را بیماید و به آن نقطه برسد. البته تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. بعضی کسان خیال میکنند دوران ظهور حضرت بقیه‌الله، آخر دنیاست! من عرض میکنم دوران ظهور حضرت بقیه‌الله، اول دنیاست؛ اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است، با مانع کمتر یا بدون مانع، با سرعت بیشتر، با فراهم بودن همه امکانات برای این حرکت. اگر صراط مستقیم الهی را مثل یک جاده‌ی وسیع، مستقیم و همواری فرض کنیم، همه‌ی انبیا در این چند هزار سال گذشته آمده‌اند تا بشر را از کوره‌راه‌ها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، سیر تندتر، همه‌جانبه‌تر، عمومی‌تر، موفق‌تر و بی‌ضایعات یا کم‌ضایعات‌تر خواهد بود. دوره ظهور، دوره است که بشریت می‌تواند نفس راحتی بکشد؛ می‌تواند راه خدا را طی کند؛ می‌تواند از همه استعدادها موجود در عالم طبیعت و در وجود انسان به شکل بهینه استفاده کند.^۱ بنابراین، از یکی از پیش‌نیازهای حرکت تمدنی انقلاب اسلامی در نگاه رهبری، رویکرد فراگیر و جهان‌شمول به این موضوع است.

جمع بندی

از آنچه گذشت روشن گردید که در «بیانیه گام دوم» به مثابه سند راهبردی، جهت‌گیری حرکت کلی انقلاب اسلامی در چله‌ی دوم، به ایجاد «تمدن نوین اسلامی» معطوف گردیده و به عنوان آرمان بزرگ انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. طرح ایده تمدن نوین اسلامی در «بیانیه گام دوم» از سوی رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای، تأکید مضاعفی بر اهمیت رسالت انقلاب اسلامی نسبت به مسأله تمدن‌سازی، در رویکرد به آینده است.

انقلاب اسلامی، به دلیل ماهیت تمدنی و برخوردار از ظرفیت‌های عظیم انسانی و طبیعی، این فرصت را پدید آورده است که ایده تمدن نوین اسلامی و تحقق این رسالت مهم را امکان‌پذیر سازد و زمینه را برای ایجاد الگوی عینی تمدن اسلامی در این بخش از جغرافیای جهان، فراهم نماید.

استفاده از ظرفیت‌های موجود برای گام برداشتن در مسیر تمدن‌سازی، الزاماتی را می‌طلبد که در «بیانیه گام دوم» از سوی آیت الله خامنه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است؛ نگرش جامع به ساحت‌های مادی و معنوی زندگی در عرصه تمدن‌سازی؛ مقاومت و پایداری بر شعارهای اصولی انقلاب اسلامی؛ توجه به عنصر «عقلانیت» در رویکرد تمدنی؛ اهتمام و تلاش همه‌جانبه برای تحقق عدالت در جامعه و نگاه فراگیر به عرصه‌ی تمدن، بخشی از الزاماتی است که در «بیانیه گام دوم» بدان اشاره شده است.

۱. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۴/۰۷/۱۳۷۹.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق و تصحیح: میر دامادی، جمال الدین، بیروت- دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر، چاپ سوم: ۱۴۱۴ق.
۴. بختی، کامران، فرهنگ انگلیسی فارسی، مترادف و متضاد، تهران، نشر کلمه ۱۳۷۱.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی، متن «بیانیه گام دوم انقلاب»، ماهنامه آموزشی اطلاع‌رسانی معارف، شماره ۱۱۶، ۱۳۹۹.
۷. خلیل بن احمد بن عمر فراهیدی، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی - ابراهیم سامرائی، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، زیر نظر دکتر معین، تهران، شرکت چاپ افست گلشن، ۱۳۴۱.
۹. زبیدی، السید محمد مرتضی الحسینی، تاج العروس من جواهر القاموس؛ تحقیق: علی شیری، بیروت، دار الفکر، چاپ یکم، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۴م.
۱۰. سید رضی، نهج البلاغه، انتشارات هجرت، قم، چاپ اول: ۱۴۱۴ ه.ق.
۱۱. طوسی، نصیر الدین، اخلاق ناصری، چاپ چهارم، نشر فردوس، ۱۳۹۵ش.
۱۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ یکم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۴۰۲ق / ۱۳۶۰ش.
۱۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ چهارم، نشر زرین، ۱۳۸۸ش.
۱۴. نفیسی، سعید، فرهنگ نفیسی، صفی علیشاه، چاپ هفتم، ۱۳۷۵ش.

راهبردها و ظرفیت دانشگاه و مراکز آموزش عالی در تحقق تمدن نوین اسلامی

حسن فلاوندی^۱، سیاوش پور طهماسبی^۲، صمد زمانی^۳

۱-عضو هیات علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه ارومیه

۲-دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی دانشگاه ارومیه

۳-دانشجوی دکتری مدیریت منابع انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

چکیده

تحقق تمدن نوین اسلامی به عنوان یک حرکت عظیم در مقیاس جهانی، نیازمند تربیت و تأمین نیروی انسانی شایسته است. دانشگاه‌ها یکی از کنشگران اصلی برای تحقق تمدن نوین اسلامی به شمار می‌روند. نظام آموزش عالی تأثیر بسزایی در عملکرد نوآورانه کشور دارد. زیرا نقشی اساسی در رشد و توسعه جامعه در ابعاد مختلف آن دارد. محصولات نظام آموزش عالی، عناصر اساسی گردش چرخ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه خود به حساب می‌آیند. و نظامی مؤثر در تولید و انباشت دانش و نیز ابزار اصلی تمدن ساز و انتقال میراث فرهنگی به شمار می‌آیند. مقام معظم رهبری آینده دور انقلاب را ایجاد تمدن اسلامی می‌داند؛ تمدن نوین، متناسب با نیازها و ظرفیت‌های امروز بشریتی که از حوادث گوناگون قرن‌های اخیر زخم خورده است، و در این راه جوانان و به خصوص دانشگاهیان را هسته‌های مهم و اساسی اصلی در ایجاد این تمدن می‌داند. از این رو دانشگاه‌ها می‌بایست با تغییر نگرش و سبک، نه تغییر ماهیت، به همگرایی برسند و از مسیر غیر الهی فاصله بگیرند. ایجاد این همگرایی علوم می‌تواند به پارادایم مبتنی بر تمدن اسلامی و ظهور تمدن نوین علمی منجر شود.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، دانشگاه، تمدن نوین اسلامی، راهبرد

مقدمه

«تمدن نوین اسلامی» از اساسی ترین و پرمعناترین مفاهیمی است که در بستر گفتمان انقلاب اسلامی رویداده است و بعنوان یک مقصد و مطلوب آرمانی، از افق‌های بلند مد نظر مقام معظم رهبری است که چند سال اخیر در فرمایشاتشان بدان تاکید کرده و مردم و مسئولان را به ارائه راهکار و پیشنهاد، به سمت آن سوق داده اند. مقام معظم رهبری قشر جوان و فرهیخته را هسته اصلی در ایجاد این تمدن می‌داند. دانشجویان به دلیل پتانسیل بالا برای تولید علم و تکنولوژی، الگوسازی و ترویج اخلاقیات، فرهنگ سازی، شورآفرینی و جریان سازی، می‌توانند موتور محرکه این جریان در متن جامعه باشند. از این رو، دانشگاه‌ها در صف مقدم تمدن سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فناوری و فرهنگ، قرار دارند. همچنین نقش‌های تازه ای بر دوش دانشگاه‌ها قرار داده شده است زیرا نقش و وظیفه دانشگاه علاوه بر کارکردهای آموزش، پژوهش، خدمات، و کارآفرینی به حوزه‌هایی از قبیل حفظ و تقویت نقاط قوت

فرهنگی، و پیشبرد آن در سطح فرهنگ ملی و فرهنگ های فراملی و بین‌المللی، گسترش یافته است. و دانشگاه همچنین این توانایی را دارد تا مانند پلی میان حفظ و تولید تمدن قرار گیرند. از سویی دیگر تحقق تمدن در مقام عمل دارای چالش‌ها و موانع اساسی است.

گرچه فراگیری علوم اسلامی از نظر اسلام «فریضه» محسوب می‌شود و در تمدن اسلامی مسلمانان آن علوم را برای رفع نیازها و انجام فریضه‌ها محترم می‌شمرده‌اند (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۳۳). وارداتی بودن دانشگاه در ایران و چالش‌هایی که پاسخ بومی ندارند، مانع تکمیل تصویر تمدنی انقلاب اسلامی ایران خواهد بود. مساله تفرقه، تهاجم و تقابل فرهنگی، ظهور استعمارفرانو و مسائلی از این دست در مهندسی تحقق تمدن نوین اسلامی مداخله منفی خواهند داشت. به زعم جوادی آملی، اولین و آخرین حرف را در دانشگاه‌ها، علم می‌زند و تا زمانیکه دانش در دانشگاه مرتبط با اسلام نشود، نمی‌توان آنرا اسلامی خواند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۳، ص ۷). اگرچه مراحل به ترتیب از انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی و جامعه اسلامی به تمدن نوین اسلامی منجر می‌شود اما باید توجه داشت که میزان دستیابی به جامعه اسلامی به میزان نیل به دولت اسلامی محقق می‌شود. به زبان دیگر با تأثیر و تأثر متقابل دولت‌سازی بخشی و جامعه‌سازی بخشی در فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی روبرو هستیم.

حضرت علی (ع) در اشاره به این درهم‌تنیدگی دولت-جامعه می‌فرماید: «فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلْحِ الْوَلِيِّ وَلَا تَصْلُحُ الْوَلِيَّةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) ترجمه: رعیت اصلاح نمی‌شود جز آن که زمامداران اصلاح گردند، و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با استقامت رعیت. در تبیین این امر می‌توان از اشاره ظریف رهبر انقلاب استفاده نمود: «اگر ما خود را اصلاح کنیم، جامعه اصلاح شده است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰). ایشان در موقعیت دیگر می‌فرمایند: برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹).

از این رو از عرصه‌های بسیار مهم حکومت اسلامی در پرورش نیروی انسانی و ساختن تمدن نوین اسلامی دانشگاه‌ها هستند. دانشگاه‌ها علاوه بر شکل دهی و باز تولید تمدن‌ها در پویایی و استمرار آنها نیز نقش اساسی ایفا می‌کنند. دانشگاه درون داد اجتماعی کردن فرهنگ را به سطح عمومی جامعه انتقال می‌دهد. در این انتقال ملت هویت خود را به دست می‌آورد و در مسیر هئیت‌سازی حرکت، تلاش و میل به خودکفایی در او ایجاد شده، خلاقیت خود را به کار گرفته و از مسیر کارآفرینی، توسعه پایدار فراهم می‌شود. بر مدار این توسعه پایدار است که تمدن فراهم شده و استمرار می‌یابد و مدام پویا و بالنده حفظ شود (خرمشاد، ۱۳۸۸، ص ۱۷۴). بدون شک دانشگاه زمانی می‌تواند به تمدن‌سازی کمک کند که براساس باورها، اندیشه‌ها و اعتقادات اسلامی و بومی شکل بگیرد. در وضع کنونی دانشگاه‌ها نوعاً با کارکرد اصلی تولید علم و دانش یک مقوله غربی هستند. اصولاً دانشگاه با همه ویژگی‌هایش در تاریخ و فرهنگ ما تحقق نیافته بلکه از غرب اقتباس شده است. در تاریخ و فرهنگ اسلامی - ایران نظام آموزشی دارای خصوصیتی همچون پیوستگی علم و دین، پیوند تعلیم با تربیت، سهولت و انعطاف در کارهای مدیریتی و اداری و غیره بوده است که نظام دانشگاهی غربی فاقد این خصوصیات است (ملکی، ۱۳۹۶، ص ۵۷۲).

دانشگاه از منظر امام خمینی (ره) دانشگاه انسان ساز و تمدن ساز است (صحیفه نور، ج ۸، ص ۹۶). امام راحل در بحثی دیگر می‌فرماید: شما دانشگاهیان کوشش کنید که انسان درست کنید. اگر انسان درست کردید، مملکت خودتان را نجات می‌دهید. اگر انسان معتهد درست کردید، انسان امین، انسان معتقد به یک عالم دیگر، انسان معتقد به خدا، مومن به خدا، اگر این انسان در دانشگاه‌های شما و ما تربیت شد، مملکتتان را نجات می‌دهد.....

نگاه امام (ره) به دانشگاه از جهان بینی و مکتب اسلام ریشه می‌گیرد که در آن همه کس و همه چیز باید جهت‌خداایی داشته باشد. دانشگاهی که جهتش مادی و دنیا طلبی باشد همه اجزا و مولفه‌ی خود را در این راستی تنظیم م‌کین و چنانچه رسالت دانشگاه الهی شد در همه اجزای آن الهی بودن ساری و جاری می‌شود. در وضع کنونی دانشگاه‌های ما هنوز این فرهنگ و طرز تلقی به دانشگاه جای خود را باز نکرده است و برنامه‌ها، محتواها و جهتگیری‌ها در مجموعه‌ای از خواسته‌های مادی خلاصه می‌شود. بدون شک با این وضع، حرکت و پیشروی به سوی تمدن اسلامی - ایرانی جامعه عمل نمی‌پوشد. اصولاً ماهیت دانشگاه باید عوض شود ماهیت او را مولفه‌های تربیت یعنی اصول، محتوا و روش‌ها تشیکل می‌دهند.

دانشگاه تمدن ساز، دانشگاهی است که بر پایه اندیشه اسلامی، جهت‌گیری اسلامی و با محوریت هم سو با فلسفه تربیتی اسلام پایه‌گذاری شده باشد. در چنین دانشگاهی باید متون آموزشی اسلامی شده و برای مواجهه منطقی با پیشرفت‌های علمی در دنیای غرب آمادگی‌های فکری و روشی مناسب پدید آمده باشد. از سوی دیگر تولید علم در یک جامعه مسلمین موجب اسلامی شدن آن نمی‌شود، اهداف باید اسلامی باشند؛ پس از هجوم تمدن غرب و مدرنیته به جهان اسلام، نیازهای گوناگون و مشابه الگوی غربی در کشوری اسلامی پدید آمد. نمی‌توان گفت هر علمی که این نیازها را برطرف نماید اسلامی است. بلکه نیازها و ضرورت‌هایی که در یک جامعه اسلامی و برای تحقق اهداف اسلامی بروز و ظهور دارند مبنای داوری می‌باشند. هر علمی که برای تأمین این نیازها کارآمدی داشته باشد اسلامی محسوب می‌شود (ملکی، ۱۳۹۶، ص ۵۷۲).

تمدن اسلامی:

نظریه «تمدن نوین اسلامی»، دربردارنده دو بعد تمدنی و اسلامی است که درون خود اندیشه تعالی، تمدن برتر، تکامل و هویت را دارد (نجفی، ۱۳۹۹، ص ۱). تمدن نوین اسلامی را می‌توان به معنای پیشرفت همه جانبه مطرح کرد؛ به گونه‌ای که نباید این واژه با معنای توسعه به مفهوم رایج غربی نگریسته شود (اشکوری و موسوی، ۱۳۹۴، ص ۵). تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳: ۱۱۳). تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد... بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۱). به اعتقاد ابن‌نبی برای حصول تمدن اسلامی، باید مجموعه‌ای از شروط اخلاقی و مادی حاصل گردد. عناصر تمدنی در نگاه وی «انسان، خاک و زمان» است (بابایی، ۱۳۹۰: ۴۹-۴۶). به اعتقاد زرین کوب «... جامعه اسلامی جامعه‌ای بود متجانس که مرکز آن قرآن بود...» (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۲۹).

مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲). در این تعریف ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب به خدا می‌شود.

در جمع‌بندی آرای فوق، نکات ذیل را می‌توان بیان کرد:

- ۱) تمدن اسلامی بر اساس آیات قرآن و توسط پیامبر (ص) پایه‌ریزی شده است.
 - ۲) تمدن اسلامی همه ابعاد معنوی و مادی بشر در همه مکان‌ها و زمان‌ها را شامل می‌شود.
 - ۳) از آنجایی که تمدن اسلامی بر اخلاق دینی متکی است، دارای پویایی است.
- به طور کلی، مراد از تمدن اسلامی، همه دستاوردهای مسلمانان در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات است که از عصر پیامبر (ص) شروع شد و با گسترش قلمرو اسلامی از مرزهای غربی چین تا اندلس را در بر گرفت. بنابراین می‌توان در جمع‌بندی تعریف مفاهیم تمدن بیان کرد که شاخصه‌های تمدن در دیدگاه اندیشمندان اسلامی با توجه به مبانی فکری و شرایط محیط متفاوت است. یعنی تعدادی از شاخصه‌های تمدن در هر عصری بر اساس شرایط محیطی تغییرپذیر و دارای شدت و ضعف است.

روش پژوهش:

با عنایت به عنوان و سوال‌های مطروحه، پژوهش به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام شده است. کلیه منابع و مراجع مرتبط با آموزش عالی و تمدن اسلامی به عنوان جامعه پژوهش حاضر محسوب شده به علاوه در انجام پژوهش، نمونه‌گیری به عمل نیامده و کلیه منابع و مراجع موجود و در دسترس اعم از کتب، مقالات و گزارش‌های پژوهشی مورد بررسی واقع شده است. ابزار پژوهش فرم فیش برداری از منابع و مراجع مذکور بوده است. داده‌های حاصل از بررسی سه سوال اساسی پژوهش از نوع کیفی بوده بنابر این با ملاحظه ماهیت داده‌ها به طبقه‌بندی، تحلیل، استدلال و استنتاج منطقی آنها پرداخته شده است.

سوالات پژوهش:

سوال اول: منظور از تمدن نوین اسلامی چیست؟

تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه‌ی مؤلفه‌های آن بر محور دین اسلام می‌گردد. به دلیل وجود همین پسوندها پرمایه از یک سو، از قابلیت تجدید زمانی و تعریف معنایی برخوردار است؛ زیرا آغاز و انجامش مشخص است و از سوی دیگر، دارای گستردگی مفهومی و موضوعی بسیاری است که همه پیچیدگی‌ها، ظرایف و جهان‌شمولی دین اسلام را به عنوان دینی الهی در خود دارد، بدین ترتیب، تمدن اسلامی دارای همه‌ی ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر است و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و... است (جان احمدی، ۱۳۸۸، ص ۵۱).

تمدن نوین اسلامی که مورد عنایت مقام معظم رهبری هست به مثابه نظریه‌ای در حوزه تمدن است، رویکردی تمدنی است که بر چهار پایه توحید، عبودیت، کرامت انسانی و سبک زندگی استوار است. بزرگترین

ویژگی تمدن اسلامی، وجود زمینه های معرفتی آن است که برآمده از آموزه های وحیانی و تعالیم قرآنی خواهد بود. تمدن دینی، تمدنی برگرفته از آموزه های انبیاست که در مسیر تاریخ، متناسب با درک و اجرای آن در هر موقعیت زمانی و مکانی، صورت های متفاوت اما بنیانی پایدار خواهد داشت (متولی امامی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۷). منظور از تمدن نوین اسلامی، پیشرفت همه جانبه مظاهر مادی و معنوی مسلمانان در زمینه هایی مانند اختراعات، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین المللی، حاکمیت احکام و مبانی اسلام در همه مظاهر زندگی بر اساس عقلانیت دینی، اخلاقی، حقوقی و عقلانیت ابزاری در جهت پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی است (خسروانی، ۱۳۹۸، ص ۹۵). هدف غائی در پی ریزی تمدن نوین اسلامی، حیاتی است که در آن خردورزی، اخلاق، معنویت، انسان دوستی و روابط اجتماعی دین مدار و اخلاق مدار حاکم باشد (خسروانی، ۱۳۹۸، ص ۹۵).

تمدن نوین اسلامی، نه عین همان تمدن اسلامی نه تمدنی کاملاً متفاوت با آن است. بلکه تمدنی است که ریشه های خود را از اسلام و تمدن اسلامی می گیرد، اما از ابعاد جدید و نوظهور، متناسب با تغییرات و تحولات جامعه بشری نیز برخوردار است (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۳۴). این تمدن در شرایط جدید و نوظهور باید توان تطبیق با شرایط نوین و پاسخگویی به نیازهای روز را داشته باشد (دهشیری، ۱۳۹۶، ص ۹۵). مقام معظم رهبر یابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین الملل، صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشر را به عنوان شاخص های تمدن نوین اسلامی یاد کرده اند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۹/۲).

سوال دوم: اصول تربیتی دانشگاه تمدن ساز برای تربیت دانشجوی تمدن نوین اسلامی شامل چه مولفه

هایی است؟

نقش آموزش در بالندگی تمدن نوین اسلامی انکارناپذیر بوده است زیرا عمق پیام واقعی اسلام با علم آموزی عجین بوده است. علم یکی از اساسی ترین رکن و لایه شکل گیری تمدن است که در اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار است، و در قرآن تأکید زیادی بر آن شده است "قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (سوره زمر، آیه ۹)". آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟ در روایات نیز تأکیدات فراوانی بر این موضوع دیده می شود.

آموزش مناسب می تواند زمینه جامعه پذیری مطلوب را براساس اخلاقیات و اندیشه خلاق، سازنده و انتقادی، پیوند اخلاق و مذهب در نظام آموزشی و تقدیم تربیت بر تعلیم به گونه ای فراهم سازد که امت اسلامی بتواند آگاهانه جایگاه خود را بازباید. آموزش را می توان یکی از راهکارهای انتقال هنجارها و ارزش های منحصر به فرد فرهنگی و شناساندن فرهنگ و تمدن اسلامی به جامعه بین المللی دانست، به گونه ای که بر برداشت ها، ادراکات، افکار، انگاره ها، ایده آل ها، ارزش ها، ایستارها و باورهای دیگر تمدن ها تاثیر مثبت گذارد (دهشیری، ۱۳۹۴). با توجه به پیشینه و پیشگامی تمدن اسلامی در یادگیری و تحقیق و درنوردیدن مرزهای دانش، نقش آموزش را می توان در رشد درخشان و سریع تمدن اسلامی برجسته دانست. به ویژه آنکه از مسجد تا بیمارستان و از رصدخانه تا مدرسه همواره مکانی برای یادگیری مسلمانان بوده است. با توجه به ظرفیت دانشگاه ها می توان با بهره گیری از اساتیدی که در راستای تمدن سازی نوین اسلامی صاحب اندیشه هستند، به تربیت نیروی انسانی طراز تمدن نوین اسلامی، تعالی الگوی مدیریت و اصلاح سبک زندگی مبادرت کرد. در این رهگذر، پیوند نظام آموزشی مدرن و سنتی

در کشورهای اسلامی می تواند تمام ظرفیت آموزشی جهان اسلام را به منصفه ظهور برساند. توجه به دانشگاه تمدن ساز به عنوان نهاد فرهنگی علاوه بر نهادی آموزشی و پژوهشی، می تواند زمینه تربیت نسل جدیدی از شهروندان مسلمان و مسوولیت پذیر را فراهم آورد که ضمن دین آگاهی خواستار احیای عقل بر اساس حکمت یا حقیقت و با الهام از وحی الهی هستند (دهشیری، ۱۳۹۴).

نسل جوان، سرمایه و نیرو محرکه تمدن سازی اسلامی است. برای تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی، اولین اقدام تربیت نسل جوان با خصوصیات خاص می باشد. دانشگاه ها برای تربیت چنین نسلی باید برنامه های جامع و همه بعدی داشته باشند. به فرموده مقام معظم رهبری، علم پایه ی تمدن است؛ اما شرط کافی برای یک مدنیت درست نیست (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۲).

اصول هشتگانه زیر برای تربیت دانشجوی تمدن نوین اسلامی در نظر گرفت:

-گفتمان سازی و ترویج ادبیات «تمدن نوین اسلامی» در میان اعضای هیات علمی و دانشجویان .
-تغییر اساسی نگرش نسبت به وظیفه اصلی دانشگاه ها از تربیت علمی به تربیت چند بعدی (اخلاقی، معنوی، اجتماعی، علمی، سیاسی، زوچی روانی، رفتاری و ...) (وجدانی، ۱۳۹۶).

-تزریق روحیه خودباوری و آرمانگرایی به دانشجویان توسط مسئولان و اعضای هیات علمی

-تغییر جهت گیری دانشگاه ها از کمیت گرایی به معیارهای کیفی (وجدانی، ۱۳۹۶).

-ایجاد دغدغه خدمت مداری و خدمتگزاری به مردم در همه سطوح دانشگاه

-ایجاد چشم انداز بلند و جهانی اندیشیدن در میان اساتید و دانشجویان

-اهتمام جدی به تقویت تقوا، اخلاق مداری و معنویت در همه سطوح دانشگاه

سوال سوم: مولفه های ظرفیتی راهبردی آموزش عالی برای تمدن نوین اسلامی کدامند؟

وظایف و کار دانشگاه را می توان تحت شش عنوان کلی طبقه بندی کرد. تولید اندیشه، شکستن مرزهای دانش و تولید دانش جدید، آموزش افراد و تربیت نیروی متخصص، جامعه پذیر کردن افراد از طریق نهادینه کردن امور فرهنگی، کاربردی کردن علوم و تولید تکنولوژی، تدوین ایده های نوین توسعه و کنترل پارامترهای مهم اجتماعی (خدایی و همکاران، ۱۳۹۹). دستاورد فعالیت دانشگاه در دو بخش اول می تواند موجب تولید یا تغییر عناصر فرهنگی جدید شود و نتیجه فعالیت در سایر بخش ها می تواند تغییر یا تولید مظاهر جدیدی از تمدن را بدنبال داشته باشد دانشگاه می تواند همزمان در هر دو حوزه فعالیت کرده و معمار تمدن و مولد فرهنگ باشد. تنها کافی است که ابتدا عناصر فرهنگی جدید را ابداع و یا ضعف های فرهنگی گذشته را شناسایی و اصلاح کنیم .

در دانشگاه امروز جهت گیری به سمت گسترش و واگرایی علوم است. نگاه به موضوع علم باید با نگرش همگرا صورت گیرد و این موضوع در اندیشه فلسفه رئالیستی قابل مشاهده است، در این سیستم آموزشی است که افرادی چون حکیم ابوعلی سینا نیز به وجود می آید، کسی که اگر به مشکل علمی برخورد می کند، با اقامه نماز به پاسخ خود می رسد و یافته های علمی وی قرن ها مرجع علمی جهانی است. توجه مسئله فوق یعنی ارتباط متافیزیک و مسائل علمی در علوم امروزه لازم به واکاوی است. نمونه هایی در حوزه های مختلف علوم از شاگردان امام جعفر صادق (ع) تا علامه های بسیاری که متاسفانه در سده اخیر درصد پیدایش آنها رو به افول گذارده است، قابل بازشناسی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



است. مضامینی از این دست در حوزه علوم تجربی وجود دارد، جایی که ابوعلی سینا در شفا مطالعه علوم تجربی را عین مطالعه فقهی و منتج و ممزوج باهم می داند. این معنی مضمون اصلی دانشگاه اسلامی باید باشد که منجر به حکمت محوری در توسعه آموزش عالی است. برخلاف نگاه سکولار به دانش دانشگاهی، یعنی علمی که در مصادیق کاربرد اثری مستقیم از روابط الهی نمی بیند.

دانشگاه ها باید بتوانند با شیوه های فرا رشته ای و اجماع به تغییر سبک پرداخته و علوم را همگرا نمایند. یکی از مهمترین فعالیت های مورد نیاز در دانشگاه ها برای رسیدن به این هدف، ایجاد هسته های تفکر بین رشته ای است. در این خصوص می توان با ایجاد مراکز مشخص در دانشگاه ها موضوعاتی در قالب های پژوهشی با مضامینی ترکیبی از علوم مجاور ایجاد نمود و موضوعات تحقیقی برای دانشجویان معرفی کرد. از طرف دیگر در این مراکز می توان تحقیقات صورت گرفته در گذشته در دانشگاه ها را به شکل انتقادی مورد بازنگری و تحلیل بیشتر قرارداد، و از زوایای دیگر نیز بررسی نمود.

در تمامی این طرح ها، رشته های علوم انسانی و دینی از جمله فلسفه و عرفان الهی می تواند با نگرش های اسلامی و رئالیستی در کنار تمام شاخه های علمی و فنی به این امر کمک نماید. یکی از موضوعات مهم که در اندیشه های اسلامی به آن اشاره شده است تحقیق و تدبر در قرآن است. در واقع موضوعی که متأسفانه خلاف فرمایش پیامبر (ص) دیگران در عمل به آن از ما پیش افتاده اند، در این طرح می توان با تشکیل کارگروه های مختلف متشکل از اندیشمندان رشته های مختلف به طرح موضوعات مهم برگرفته از قرآن پرداخت و راجع به آنها تحقیق نمود و یا آنرا به پیوست الزامی برای تحقیقات تبدیل کرد. یکی از روش های مهم دیگر در رسیدن به این اهداف، تحقیق در سیره های انبیا و ائمه معصومین است که در واقع به عنوان افراد صاحب علوم کامله با تطبیق رفتار و سنت های آنان به نتایج علوم و حکمت عملی رسید و با تحقیق در این زمینه به ریشه برخی از آن موضوعات در حد فهم بشر رسید. به طور کلی بر مبنای مطالعات و بررسی های انجام شده، دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشور می توانند نقش های راهبردی ذیل را برای تحقق فرهنگ و تمدن نوین اسلامی ایفا کنند:

۱- بیداری اسلامی :

شناخت اصالت اسلام و تمدن اسلامی مهم ترین عامل تداوم بیداری جهان اسلام و احیای تمدن نوین اسلامی در دوران معاصر است. دانشگاه تلاش می کند با ایجاد بسترهای فکری و ارزشی در راستای فرهنگ حقیقی، زمینه های تحول فکری و ارزشی را فراهم کند. در عصر حاضر برای پویایی و بالندگی امت اسلامی و مقابله با جهان کفر، راهی جز پیمودن مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی نیست و از این رودانشگاه با رویکرد بیداری اسلامی با فراهم کردن بسترهای تمدن نوین اسلامی از جمله؛ احیای ارزش های اسلامی، تأسیس نظام بر پایه دین و عقلانیت، سبک زندگی اسلامی، وحدت و همبستگی، احیاء عزت و کرامت انسان مسلمان و انقلاب نرم افزاری که تمدن نوین اسلامی ظرفیت هایی برای تحقق آنها در متن و بطن خود دارد.

۲- پرورش و آموزش رهبران جهانی

بخش مهمی از مشکلات توسعه در جهان اسلام به چالش های درونی مانند عوارض ناشی از سوء مدیریت ها می باشد. خاستگاه تمدن اسلامی در نگاه حداکثری با قرائت شیعه، همان وحی است، مبانی آن توحید و معاد، اصول

آن ولایت و شریعت و عدالت و اهداف آن قرب به خدا، توسعه عبودیتف انسان سازی، تن دادن جامعه به سرپرستی یک انسان کامل و ایجاد حیات طیبه است (نجفی، ۱۳۹۹). تربیت رهبرانی همچون امام خمینی (ره)، امام خامنه ای، سیدحسن نصرالله، شهید سردار سلیمانی، شهید باکری و ... برای گسترش و تحکیم تمدن نوین اسلامی ضروری می باشد و دانشگاه تمدن ساز می تواند نقش موثری را در این زمینه ایفا نماید.

۳- آینده پژوهی فرهنگی:

یکی از مسائل مهمی که مهندسی فرهنگ کشورها با آن مواجهند، تهدیدها و آسیب هایی است که از درون و بیرون بر لایه های مختلف فرهنگ در انواع مختلف آن وارد می شود که باید قبل از رخنه و نفوذ، مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند؛ در غیر این صورت، مشکلات فرهنگی وارد جامعه خواهد شد. از این رو، نهادی باید مسئولیت شناسایی این مشکلات و حل آنها را بر عهده بگیرد تا با ساخت ابزارهای لازم، امکان مصونیت را برای جامعه فراهم کند و این مهم، تنها از مجامع علمی و دانشگاهی بر می آید.

۴- نهضت نرم افزاری، تولید علم و نظریه پردازی:

علم و دانش از مولفه های قدرت آفرین، قدرت ساز و مقوم کشورها در تمامی ابعاد محسوب می شود. بطوری که مقام معظم رهبری معتقدند در هر کشوری، شناسایی نیازها و تصمیم برای برطرف کردن آنها، تمدن ساز است و ابزار برطرف کردن این نیازها فکر و نیروی انسانی است و کلید اصلی هم علم و بر اثر علم فناوری است که در دانشگاه تولید می شود (مقام معظم رهبری، دیدار با مسئولان انرژی اتمی، ۱۳۸۵/۳/۲۵). از دیدگاه ایشان علم شرط لازم پیشرفت است. نظریه هایی مانند «برخورد تمدن ها» یا «خاورمیانه بزرگ» خیزش این نظریه ها در دانشگاه ها و مراکز علمی بوده است. لذا اندیشمندان اسلامی بر پایه فرهنگ اسلامی، نظریه هایی به تناسب شرایط ارائه کنند که البته نیازمند فعالیت و خلاقیت در حوزه های مختلف است و با تقلید صرف نمی توان به آن دست یافت. همچنین ایشان در دیدار شرکت کنندگان کنگره بین المللی «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی» می فرمایند: شرایط باید به واسطه پیشرفت علمی کشورهای اسلامی تغییر کند و دنیای اسلام می تواند بار دیگر در قله تمدن بشری قرار گیرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۲/۲۲)؛ چرا که روی دیگر دانایی، توانایی است (بیانیه گام دوم انقلاب). همچنین در تمدن نوین اسلامی همه علوم، نه صرفا علوم دینی و اسلامی، دارای شان و ارزش هستند (مقام معظم رهبری، دیدار با استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷)؛ ولیکن از نظر رهبری، علوم انسانی روح بخش است. پیشرفت جامعه منوط به پیشرفت علم، و پیشرفت علم منوط به پیشرفت فکر است. از این رو مبدا تحول، پیش از آنکه حاصل علم و تجربه باشد، حاصل فکر و اندیشه است و فکر و اندیشه حاصل علوم انسانی و نظریه پردازی است. تا زمانی که علوم انسانی اسلامی بسط و تعمیق نیافته یا در مرحله عینیت یافتگی قرار نگرفته باشد، قدم نهادن در مسیر شکل گیری تمدن نوین اسلامی، خود به خود منتفی است (غلامی، ۱۳۹۶، ص ۵۶).

۵- نهادینه سازی معنویت و اخلاق

پیشرفت در منطق تمدن مادی، تک بعدی و یک جهتی است؛ یعنی پیشرفت در ثروت، علم و فناوری است، اما در منطق اسلامی، در کنار پیشرفت مادی، پیشرفت در جنبه اخلاقی، معنوی و الهی است (همتی و قمی، ۱۳۹۸، ص ۶۸۲). مقام معظم رهبری به عنوان مبانی کارگشای تمدن نوین اسلامی «اسلام، خردورزی، اخلاق و حقوق را مایه اصلی

فرهنگ صحیح می‌داند و ما نیز باید به طور جدی به این مقولات بپردازیم و گرنه پیشرفت اسلام و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). معظم‌له در زمینه اینکه اخلاق چیست و وجود و عدم آن در جامعه چه نقش دارد؟ چه ارتباطی با عقلانیت و دیانت و علم دارد؟ می‌فرمایند: «اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند». اخلاق که از دیدگاه ایشان مهندسی و مدیریت لایه دوم وجود آدمی را بر عهده دارد، عبارت است از هوای لطیف، یعنی انسان‌ها به همان مقدار به اخلاق نیاز دارند که به هوا، نه به آب و نه به غذا (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹). بنابراین در سایه محیط سالم است که تمدن شکل می‌گیرد.

۶- کارآفرینی:

انسان‌ها برای اینکه بتوانند به درستی و با سرعت مسیر رشد و ترقی را طی کنند، باید از فرصت‌های پیش آمده به درستی استفاده کنند، و گرنه جز عقب ماندگی از قافله ترقی، نتیجه‌ای نخواهند گرفت. در این میان، جوامعی موفق عمل می‌کنند که با شناخت فرصت‌ها، به نحو مطلوب از آنها استفاده کنند. امروزه جوامع پیشرفته به خوبی به اهمیت این نکته پی برده و با تأسیس رشته‌های کارآفرینی و حتی دانشگاه‌های کارآفرین، به ترویج و تعمیق این مهارت‌ها همت گماشته‌اند (منافی شرف آباد و زمانی، ۱۳۹۲). از مهم‌ترین گام‌ها در این مسیر، شناخت مقوله توسعه، اقتصاد دانش محور و رویکرد اقتصادی آموزش عالی از مقولات مشابه است.

۷- تعلیم و تربیت اسلامی:

مهمترین نقش دانشگاه‌ها در مهندسی فرهنگی، تعلیم و تربیت اسلامی است که با تحقق آن، اهداف چهارگانه مذکور نیز محقق می‌شود. با تعلیم؛ بسترهای تصویری و تصدیقی مهیا شده، مسائل به درستی شناسایی می‌شوند و با تربیت؛ گزاره‌های علمی به حوزه‌های شخصی ورود پیدا کرده، در آنها نهادینه می‌شوند و بستر و ظرفیت لازم برای شکوفایی استعدادها و کشف آنها مهیا و فضای جامعه برای رشد و بالندگی آماده می‌شود. در این زمان است که علم با دین، تلاشگری با اخلاق، تضارب آرا با سعه صدر، تنوع رشته‌ها با وحدت هدف، کار سیاسی با سلامت نفس و تعمق و ژرفنگری با سرعت عمل همراه می‌شود و این نکته آغازین دانشگاه اسلامی است (بابایی، ۱۳۸۷، ص ۶۶-۶۸).

۸- تربیت حقوق شهروندی:

یکی از مهمترین کارکردهای نهادهای متولی امر تعلیم و تربیت در زندگی معاصر و جامعه کنونی، تربیت شهروندان فعال، خلاق، مسئولیت پذیر و مشارکتجو برای به عهده گرفتن نقش‌های شهروندی در جامعه محلی، ملی و جهانی است. آموزش عالی تنها زمانی می‌تواند در حوزه تربیت شهروندی گام بردارد که توجه عمیقی به برنامه‌های درسی خود معطوف دارد؛ دانشگاه با تقویت نیروی اکتشافی، نوآوری، خلاقیت، ابداع و گسترش روحیه انتقادی در میان تحصیل کردگان، به حل چالش‌های مختلف جوامع و اصلاح نارسایی‌های موجود در آنها کمک می‌کند (منافی شرف آباد و زمانی، ۱۳۹۲). تربیت شهروندی تدارک فرصت‌های کسب دانش و آگاهی، اتخاذ نگرش و تقویت توانمندی‌هایی است که فرد را در تعامل موثر با دیگر افراد جامعه و جهت مشارکت در زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی یاری می‌رساند. با توجه به مفاهیم شهروندی و تربیت شهروندی و مولفه‌های آن، دو

دهه اخیر را می توان دهه های توجه به تربیت شهروندی نامید. تربیت شهروندی تدارک فرصت های کسب دانش و آگاهی، اتخاذ نگرش و تقویت توانمندی هایی است که فرد را در تعامل موثر با دیگر افراد جامعه و جهت مشارکت در زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی یاری می کند. بدین ترتیب، در چنین شرایطی دانشگاه با نهادینه سازی ارزش ها، هنجارها و رفتارهای اصیل اسلامی - ایرانی، نظام ثابت اندیشه و رفتارها و به عبارتی دقیق تر؛ مهندسی فرهنگی، منطبق با هویت اصیل اسلامی - ایرانی در افراد جامعه شکل خواهد گرفت.

نتیجه گیری

به فرموده حضرت امام (ره) دانشگاه مبدا همه تحولات است. تمدن سازی هر ملتی نشانه تعالی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن ملت است و بیانگر رشد، توسعه و پیشرفت در همه عرصه های فعالیت آن جامعه می باشد. در دوران معاصر، به خصوص در دهه های اخیر، احیای تمدن اسلامی و ضرورت بازیابی اقتدار امت اسلامی، مورد توجه نخبگان و پژوهشگران جهان اسلام قرار گرفته که امری بایسته و شایسته ای است؛ ارتقاء سطح فرهنگ عمومی در جامعه و عمومی کردن ارزش ها و هنجارهای تمدنی، گفتمان سازی و ایجاد تمثیل ها والگوهای مبین و مقوم تمدن نوین اسلامی، و ترویج اخلاق و اخلاق مداری در جامعه را از پیامدها و تاثیرات دانشگاه ها در جهت تمدن سازی عنوان کرد و آنها را عاملی موثر در ایجاد فرهنگ و تمدن نوین اسلامی دانست. تحقق تمدن نوین اسلامی مستلزم رشد متوازن و همه جانبه ابعاد علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که در این مسیر، دانشگاه نقش پیشران و موتور محرک را بر عهده دارد. دانشگاه در هر جامعه معرف بالاترین سطح تفکر و علم آن جامعه محسوب می شود که هنجارها و ارزش های آن جامعه را در خود متجلی می سازد. جامعه ایرانی در انقلاب اسلامی، که جهان بینی اسلامی را مبنای طراحی تمدن نوین بشری قرار داده، خواهان آن است که آموزش عالی متناسب با ارزش ها و آموزه های اسلام داشته باشد. بر همین اساس برنامه ریزی درست برای تربیت دانشجو و جوانان یک مساله جدی بوده و یک نگاه عملیاتی، پیگیر و دلسوزانه می طلبد.

از منظر تمدن‌نگرایان، مشکلات پیش روی جهان اسلام متأثر از استکبار سلطه و عقبماندگی مسلمانان در تولید علم است؛ و معتقدند که برای حل مشکلات جهان اسلام باید یک "تمدن نوین اسلامی" را شکل داد. یافته های پژوهش نشان می دهد یک تمدن پارادایم ساز و مبتنی بر اصول غیراقتباسی، می تواند در دانشگاه ها با تغییر رویکرد به اصول اساسی توحیدی در معنای عام، عملی و بین رشته ای، که مضمون اصلی دانشگاه اسلامی بوده و می تواند منجر به حکمت محوری در توسعه آموزش عالی و تمدن سازی گردد، محقق شود. برخلاف نگاه سکولار به دانش، یعنی علمی که در مصادیق، اثری از روابط دیگر علوم و الهیات نمی بیند و جز انحراف در مسیر انسان نیست (رضایی فر، ۱۴۰۰، ص ۶۹). منظور از تمدن اسلامی، مجموعه افکار، عقاید، علوم، هنرها و صنایع است که با الهام از آموزه های دینی توسط مسلمین پدید آمده است (رحمانی، ۱۳۹۱). تمدن اسلامی با مجموعه ای از قوانین دینی که برگرفته از قرآن کریم و آموزه های نبوی است؛ همه ی ابعاد زندگی و دقایق حیات فردی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه اسلامی را دربرمی گیرد.

پیشنهادها:

-تعیین دانشگاه های پیشرو و مؤسسات آموزش عالی به عنوان آگاه ترین قشر جامعه، باید با ارزیابی و تحلیل علمی و منطقی وضعیت داخلی کشور و شرایط بی نالمللی، در طراحی و پیشنهاد مناسبترین الگوی مهندسی فرهنگی در جامعه پیشگام باشند.

-دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی باید علاوه بر ارائه آموزش های پیشرفته به منظور تربیت متخصصان و تربیت دانش آموختگان موفق، با ارائه آموزش های مادامالعمر و تعمیم آموزش برای همه، در ارتقای دانش عمومی، توسعه انسانی و تربیت شهروندان مسئول و به طور کلی عمل به رسالت فرهنگی خود کوشا باشند.

-شکل دادن باور به تحقق تمدن نوین اسلامی در بین دانشجویان در دانشگاه ها.

-ایجاد فضایی مبنی بر بروز توانمندی ها و نظریه پردازی در این زمینه در محیط های دانشگاهی.

-تحول در کیفیت برنامه ریزی های آموزشی و پرورشی بر اساس جهان بینی و تعلیم و تربیت اسلامی برالی

شکل گیری تمدن نوین اسلامی

-تجدید نظر، بازنگری و نوسازی در برنامه ریزی آموزش عالی و تبیین رابطه بین آموزش عالی با جامعه و

نیازهای آن، با توجه به مقتضیات کنونی

-سرمایه اجتماعی، باورها و اعتقادات درونی اعضای هیئت علمی به اصول و ارزش های اخلاقی، هم از منظر

توسعه فرهنگ سازمانی مبتنی بر اخلاقیات مهم می باشد.

-ارتقای بهداشت روانی دانشجویان از طریق مدیریت تنوع فرهنگی، می توانند با به کار بردن تفاوت های

ناشی از تنوع موجود، زمینه مساعدی را برای استفاده از تفاوت ها در راستای توسعه و پیشرفت جامعه فراهم کنند.

منابع:

۱- اشکواری، محمدجعفر؛ موسوی، سیده زهرا(۱۳۹۴)، عوامل و زمینه های احیاء تمدن اسلامی در گفتار رهبر معظم انقلاب، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی دانشگاه شاهد.

۲- اکبری، مرتضی و فریدون رضائی(۱۳۹۳)، واکاوی شاخصه های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، دو فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت ایرانی و اسلامی، شماره ۵.

۳- بابایی، محمد(۱۳۸۷)، نقش دانشگاه در مهندسی فرهنگی کشور، فصلنامه دانشگاه اسلامی، شماره ۳۸، تابستان.

۴- جان احمدی، فاطمه(۱۳۸۸)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف.

۵- جوادی آملی، عبدالله(۱۳۸۵)، آینده جهان از نظر اسلام، مجله الکترونیکی اسراء، شماره ۸.

۶- خدایی، ابراهیم؛ رضا محمدی و طاهره ظفری پور(۱۳۹۵)، مقدمه ای بر طراحی الگوی دانشگاه تمدن ساز،

کنگره ملی آموزش عالی ایران،

۷- خسروانی، عباس؛ عین القضاتی، پیمان(۱۳۹۸)، نقش علم در تمدن سازی نوین اسلامی از دیدگاه آیت الله

خامنه ای، فصلنامه دانش انتظامی مرکزی، شماره ۲۶.

۸- دهشیری، محمدرضا(۱۳۹۴)، تمدن نوین اسلامی؛ بنیادها و چشم اندازها، مجموعه مقالات دوهمین همایش

ملی تمدن نوین اسلامی، تهران، دانشگاه شاهد.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- ۹-رضایی فر، امید (۱۴۰۰)، تحلیل لزوم تغییر و همگرایی علوم دانشگاهی در ظهور تمدن نوین اسلامی، نشریه علمی علم و تمدن در اسلام، سال دوم، شماره هفتم، بهار.
- ۱۰-زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۴)، کارنامه اسلام، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۱۱-غلامی، رضا (۱۳۹۶)، فلسفه نوین تمدن اسلامی، تهران، انتشارات سوره مهر.
- ۱۲-مدیریت حوزه علمیه قم، (۱۳۸۳)، درآمدی بر آزاد اندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، قم: انتشارات مرکز حوزه علمیه قم.
- ۱۳-مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، آشنایی با علوم اسلامی، منطق و فلسفه، تهران: انتشارات صدرا
- ۱۴-ملکی، حسن (۱۳۹۶)، تحول در علوم تربیتی و تمدن نوین اسلامی، مجموعه مقالات دوهمین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران، دانشگاه شاهد.
- ۱۵-منافی شرف آباد، کاظم، زمانی، الهام (۱۳۹۲)، نقش نظام آموزش عالی در مهندسی فرهنگی جامعه، مجله مهندسی فرهنگی، سال هشتم، شماره ۷۷، پاییز.
- ۱۶-نجفی، موسی (۱۳۹۹)، نظریه تمدن نوین اسلامی از رویکرد فلسفی -نظری تا رویکرد تاریخی -نظری، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، شماره ۲.
- ۱۷-وجدانی، فاطمه (۱۳۹۶)، مبانی و اصول پرورش دانشجوی تمدن ساز (در ابعاد نگرشی و عملکردی) بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری، همایش بین المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی، مشهد مقدس.



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



بررسی نقش مدیریت فرهنگی در مواجهه با جهانی‌شدن فرهنگ

و ایجاد تمدن نوین اسلامی

مهران فرجی ۱، رقیه عطاری ۲

۱- نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت،

دانشگاه آزاد اسلامی تهران (شمال)، ایران

۲- کارشناس ارشد مطالعات زنان (گرایش زن و خانواده)، گروه علوم انسانی، دانشکده انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)

تبریز، ایران

چکیده

جهانی‌شدن فرهنگی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات عصر حاضر، فرصت‌ها و چالش‌های بی‌نظیری را پیش روی جوامع اسلامی قرار داده است. در این فرآیند پیچیده، حفظ هویت اسلامی و درعین‌حال بهره‌مندی از دستاوردهای تمدن بشری، به یک دغدغه جدی تبدیل شده است. این پژوهش باهدف بررسی نقش مدیریت فرهنگی در مواجهه با این پدیده و ایجاد تمدن نوین اسلامی انجام شده است. در این راستا، ابتدا به تبیین مفهوم جهانی‌شدن فرهنگی و تأثیرات آن بر جوامع اسلامی پرداخته شده است. سپس، با بررسی مفاهیم کلیدی مانند هویت فرهنگی، تمدن نوین اسلامی و مدیریت فرهنگی، چارچوبی نظری برای تحلیل ارائه شده است. در ادامه، با استفاده از روش‌های کیفی و کمی، مطالعات موردی و نظریه‌های مرتبط، نقش مدیریت فرهنگی در حوزه‌های مختلف از جمله تولید محتوا، آموزش، رسانه، دیپلماسی فرهنگی و... مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت فرهنگی مؤثر، با تقویت هویت اسلامی، ارتقای سطح آگاهی، حمایت از تولیدات فرهنگی بومی و ایجاد گفت‌وگوی بین‌فرهنگی، می‌تواند نقش محوری در مقابله با همسان‌سازی فرهنگی و ایجاد تمدن نوین اسلامی ایفا کند. درنهایت، بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهاداتی برای بهبود مدیریت فرهنگی در جوامع اسلامی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، جهانی‌شدن فرهنگی، دورگه‌سازی فرهنگی، مدیریت فرهنگی، هویت فرهنگی

مقدمه :

جهانی‌شدن فرهنگی، پدیده‌ای است که با سرعت فزاینده‌ای در حال تغییر چهره جهان است. این فرآیند، با گسترش ارتباطات و تبادل اطلاعات، به همگرایی فرهنگی و کاهش مرزهای سنتی منجر شده است. از سویی، این پدیده فرصت‌های بی‌نظیری را برای تبادل دانش، فرهنگ و ارزش‌ها فراهم آورده است؛ از سوی دیگر، چالش‌های جدی مانند همگن‌سازی فرهنگی، تضعیف هویت‌های محلی و ترویج سبک زندگی غربی را نیز به همراه داشته است. در این میان، جوامع اسلامی با توجه به ارزش‌های دینی و فرهنگی غنی خود، با چالش‌های ویژه‌ای در مواجهه با جهانی‌شدن مواجه

هستند. حفظ هویت اسلامی، تقویت ارزش‌های دینی و در عین حال بهره‌مندی از دستاوردهای تمدن بشری، از مهم‌ترین دغدغه‌های این جوامع به شمار می‌رود.

در این راستا، مدیریت فرهنگی به عنوان یک ابزار قدرتمند برای مقابله با چالش‌های جهانی شدن و ایجاد تمدن نوین اسلامی مطرح می‌شود. مدیریت فرهنگی با هدف حفظ و تقویت هویت فرهنگی، تولید و توزیع محصولات فرهنگی متناسب با ارزش‌های اسلامی و ایجاد گفت‌وگوی بین‌فرهنگی، می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌دهی آینده جوامع اسلامی ایفا کند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش مدیریت فرهنگی در مواجهه با جهانی شدن فرهنگ و ایجاد تمدن نوین اسلامی است. در این پژوهش، ابتدا به تبیین مفاهیم کلیدی مانند جهانی شدن فرهنگی، هویت فرهنگی، تمدن نوین اسلامی و مدیریت فرهنگی پرداخته می‌شود. سپس، با بررسی مطالعات پیشین و نظریه‌های مرتبط، چارچوبی نظری برای تحلیل ارائه می‌شود. در ادامه، با استفاده از روش‌های کیفی و کمی، نقش مدیریت فرهنگی در حوزه‌های مختلف از جمله تولید محتوا، آموزش، رسانه و دیپلماسی فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت، بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاداتی برای بهبود مدیریت فرهنگی در جوامع اسلامی ارائه می‌شود. اهمیت این پژوهش در آن است که با ارائه یک تحلیل جامع از نقش مدیریت فرهنگی، می‌تواند به سیاست‌گذاران فرهنگی، پژوهشگران و فعالان فرهنگی کمک کند تا برنامه‌های مؤثری برای مقابله با چالش‌های جهانی شدن و ایجاد تمدن نوین اسلامی طراحی کنند.

بیان مسئله و سوالات پژوهش:

جهانی شدن فرهنگی به عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات عصر حاضر، فرصت‌ها و چالش‌های بی‌ظنیری را پیش روی جوامع اسلامی قرار داده است. از یک سو، این پدیده موجب گسترش ارتباطات، تبادل دانش و ایده‌ها و در نتیجه پیشرفت جوامع شده است. از سوی دیگر، همگرایی فرهنگی، همسان‌سازی ارزش‌ها و هویت‌ها و ترویج سبک زندگی غربی، تهدید جدی برای هویت فرهنگی اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود.

در این میان، مدیریت فرهنگی به عنوان ابزاری برای حفظ و تقویت هویت اسلامی، تولید و توزیع محصولات فرهنگی متناسب با ارزش‌های اسلامی و ایجاد گفت‌وگوی بین‌فرهنگی، نقش محوری ایفا می‌کند. با این حال، سوال اساسی این است که چگونه می‌توان با استفاده از مدیریت فرهنگی، در برابر چالش‌های جهانی شدن فرهنگ ایستادگی کرد و به سمت ایجاد تمدن نوین اسلامی حرکت نمود؟ مسئله اصلی این پژوهش این است که با وجود اهمیت مدیریت فرهنگی، هنوز شناخت کافی از نقش و کارکرد آن در مواجهه با پدیده جهانی شدن و ایجاد تمدن نوین اسلامی وجود ندارد. و برای سوالات زیر هنوز پاسخ‌های روشنی نیافته‌اند:

- چگونه می‌توان هویت فرهنگی اسلامی را در مواجهه با همگن‌سازی فرهنگی تقویت نمود؟
- چگونه می‌توان گفت‌وگوی بین‌فرهنگی مؤثری را در راستای ایجاد تمدن نوین اسلامی برقرار کرد؟
- چه نقشه‌ای راهبردی برای مقابله با نفوذ فرهنگ غربی در جوامع اسلامی می‌توان ترسیم کرد؟

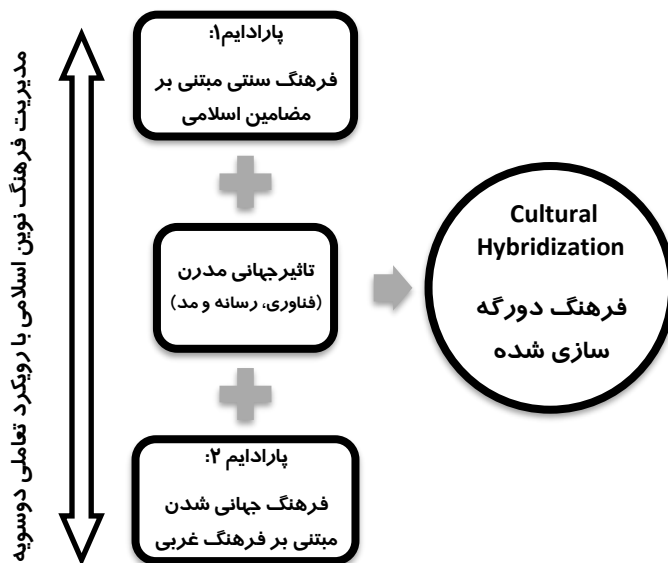
اهمیت پاسخ به این سوالات در آن است که با شناخت دقیق از نقش مدیریت فرهنگی، می توان برنامه های مؤثری برای مقابله با چالش های جهانی شدن و ایجاد تمدن نوین اسلامی طراحی کرد. همچنین، این پژوهش می تواند برای سیاست گذاران فرهنگی، پژوهشگران و فعالان فرهنگی چراغی هرچند کوچک روشن نماید تا در جهت تقویت هویت اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی گام های موثر تری بردارند. در این پژوهش تلاش می شود تا با بررسی ادبیات موجود، تحلیل داده های کیفی و کمی و ارائه یک مدل جامع، به این سوالات پاسخ داده شود.

مفهوم مدیریت فرهنگی در بستر جهانی شدن

در تعریف فرهنگ به منابع متعدد و معتبری می توان دست یافت اما به این جمله در راستای محوریت بحث مقاله بسنده می کنیم که « فرهنگ پیوند اصلی میان اعضای یک جامعه انسانی را تشکیل می دهد. فرهنگ شامل باورها، ارزش ها و نگرش های یک نظام اجتماعی است. فرهنگ، مفروضات پنهانی هستند که عمیقاً در هسته حافظه جمعی ما لنگر انداخته اند.» (Gharajedaghi, 2011: 32) اما اصطلاح مدیریت فرهنگی در زمینه جهانی شدن را در این مقاله با استنباط بر اینکه خواننده با مفهوم جهانی سازی و جهانی شدن، آشنایی لازم دارد را بدین شکل پی می گیریم که از آوردن تعاریف اصطلاحات مذکور به منظور رعایت اختصار کلام اجتناب ورزیده و اشعار می دارد که مدیریت فرهنگی در زمینه جهانی شدن شامل راهبردها و شیوه هایی است که با هدف حفظ، ارتقا و تکامل هویت های فرهنگی در میان پیوستگی فزاینده جهانی انجام می شود. « در واقع مرحله شتابان فعلی جهانی شدن نیز علاوه بر تأثیراتی که بر حوزه های سیاست و حکومت، اقتصاد و محیط زیست می گذارد به نظر می رسد که پیش و بیش از همه در حوزه فرهنگ تأثیر خود را نهاده است و گرایش بیشتری در این راه از خود نشان داده است به طوری که از آن گاهی به جهانی شدن فرهنگ یا جهانی سازی فرهنگی یاد می کنند» (فرهادی، ۱۰: ۱۳۹۰) لذا با تعامل و همگرایی فرهنگ ها، نیاز مبرمی به ایجاد تعادل بین حفظ سنت های محلی با تأثیرات فرهنگ جهانی وجود دارد. این پویایی اغلب به موضوعی منجر می شود که آن را با اصطلاح دورگه سازی فرهنگی *cultural hybridization* می شناسند. « هیبریداسیون فرهنگی (دورگه سازی فرهنگی) را می توان به عنوان پدیده ای تعریف کرد که در نتیجه تعامل بین فرهنگ های مختلف پدیدار می شود. این فرآیند با افزایش حمل و نقل جهانی، پیشرفت فناوری و استفاده گسترده از ابزارهای ارتباطی شتاب بیشتری به دست آورده است. در نتیجه نه تنها تغییرات فرهنگی بلکه شباهت ها و تفاوت های بین فرهنگ ها نیز بیشتر نمایان شده است. تعاملات بین فرهنگ ها می تواند به روش های مختلف، به ویژه از طریق گردشگری، مهاجرت، تجارت و رسانه ها رخ دهد» (Tuncer, 2023: 87).

با این توضیح در حقیقت می توان تأثیر گذاری و تأثیرپذیری متقابل فرهنگ و تمدن نوین اسلامی را از این دورگه سازی فرهنگی به نیکی دریافت و در نتیجه جایی که اشکال جدید بیان از ترکیب عناصر مختلف فرهنگی پدیدار می شود مدیریت فرهنگی مؤثر محیطی را تقویت می کند که در آن عبارات فرهنگی متنوع می توانند رشد کنند و در عین حال به موضوعاتی مانند تملک فرهنگی و کالایی شدن نیز پردازند. (شکل شماره ۱) براساس نمودار زیر، دو پارادایم

فرهنگ سنتی و فرهنگ جهانی شدن را مشاهده می کنیم که هر یک دارای الگویی مسلط و چارچوبی فکری و فرهنگی می باشند که گروه یا جامعه های هدف آن، «واقعیات» پیرامون خود را در چارچوب الگوواره ای که به آن عادت کرده است تحلیل و توصیف می کند. « بر این اساس پارادایم، یک مدل فکری است که عناصر درونی آن از زمره عقاید به جای حقایق است. این عناصر در خدمت اندیشمند قرار می گیرد تا با اتکای به آن ها حقایق جهان اجتماعی تشخیص داده شود. اگر امروز شاهد زمینه ها و رویکردهای متفاوت مانند لیبرالیسم، مارکسیسم، اومانیزم و غیره هستیم به علت وجود پارادایم های متفاوت فکری است این دیدگاه ها به آسانی به دست نیامده اند که به آسانی کنار گذاشته شود. مبنای این مکاتب جهان بینی های متفاوتی هستند که در آنها عناصر عقیدتی وجود دارند». (ایمان، ۱۴۰۰: ۴۹، ۵۰)



شکل شماره ۱ - روند هیبریداسیون فرهنگی (دورگه سازی فرهنگ) در تمدن نوین اسلامی و مدل
تأثیرگذار مدیریت فرهنگی نوین اسلامی بر فرهنگ نوپدید تمدن اسلامی

تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ اسلامی

جهانی شدن، هما-نطور که قبلاً ذکر شد، عامل مهمی است که تعامل بین فرهنگ های مختلف را تسریع می کند و ترکیب فرهنگی را افزایش می دهد. این فرآیند به فرهنگ ها اجازه می دهد تا با یکدیگر تعامل داشته باشند و هیبرید شوند. جهانی شدن به معنای حذف تفاوت بین فرهنگ ها نیست. در عوض، در نتیجه تعامل بین فرهنگ های مختلف، بیان ها و شکل های فرهنگی جدیدی به وجود می آید. این فرآیند فرهنگ ها را غنی می کند در حالی که به طور بالقوه هویت های فرهنگی را تغییر می دهد. به عنوان مثال، عناصر فرهنگی مانند عادات غذایی، سبک لباس، و موسیقی می توانند در نتیجه تعامل فرهنگی متمایز شوند یا ادغام شوند (Tuncer, 2023: 88). تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ اسلامی چند وجهی است و هم چالش ها و هم فرصت هایی را برای بیان فرهنگی ارائه می دهد. با گسترش شبکه های جهانی، جوامع اسلامی با جریانی از ایده ها و اعمال بیرونی مواجه می شوند که گاهی اوقات می توانند با باورها و

ارزش‌های سنتی در تضاد باشند. این تعامل می‌تواند منجر به دورگه‌سازی فرهنگی شود که در آن عناصر فرهنگ اسلامی با تأثیرات جهانی ادغام می‌شوند و در نتیجه اشکال هنری و شیوه‌های اجتماعی جدید ایجاد می‌شود. با این حال، این ترکیب‌نگرانی‌هایی را در مورد اصالت و رقیق شدن بالقوه اصول اصلی اسلامی ایجاد می‌کند. بنابراین، مدیران فرهنگی با ترویج ابتکاراتی که میراث اسلامی را اشاعه می‌بخشد و در عین حال از عبارات نوآورانه نیز استقبال می‌کنند، نقش مهمی در پیمودن این پیچیدگی‌ها ایفا می‌کنند. «علیرغم چالش‌ها، جهانی شدن فرصت‌هایی را فراهم می‌کند تا فرهنگ‌ها خود را ارتقا دهند. این شامل تقویت ارتباطات بین فرهنگی، ترویج شهروندی جهانی، تشویق تفکر انتقادی، پرورش بردباری و شمول، و توسعه حساسیت فرهنگی است.» (Beribe, 2023: 54) شاید بتوان یکی از راهکارهای این موضوع را در ایجاد گفت‌وگو بین سنت و مدرنیته بیان نمود تا اطمینان حاصل شود که فرهنگ اسلامی زنده و مرتبط در چشم‌انداز جهانی باقی می‌ماند.

راهبردهای مدیریت فرهنگی در مواجهه با جهانی شدن و ارائه چند راهکار

شاید در بیانی ساده و کوتاه، بتوان مدیریت فرهنگی را مدیریت بین ارزش‌ها بیان نمود. هرچند فهرست واحدی از ارزش‌ها وجود ندارد اما می‌توان آن را شامل عناصری از سنن فرهنگی و مذهبی و غربی و غیر غربی دانست. در نگاه اول این‌ها ارزش‌هایی کاملاً متفاوت به نظر می‌رسند. «با این وجود روح آنچه جان راولز فیلسوف آن را اجماع هم پوشان **Overlapping Consensus** می‌نامد می‌توان دید که ارزش‌های به ظاهر ناهمگون در مقطعی کلیدی تقارب پیدا می‌کنند.» (تقی زاده مطلق و سایرین، ۱۴۰۰: ۹۸) لذا وجوه مشترک آنها را می‌توان در سه ارزش احترام به شأن انسانی احترام به حقوق اساسی و شهروندی خوب نام برد و معرفی کرد. در این راستا مدیران فرهنگی در تمدن نوین اسلامی باید راهبردهایی اتخاذ کنند که جوامع محلی و سنتی آن ارزش‌ها را در حفظ و ارتقای میراث خود مشارکت دهند. این تعامل نه تنها حس هویت را تقویت می‌کند، بلکه باعث ایجاد همکاری بین هنرمندان و دست‌اندرکاران فرهنگی از پیشینه‌های مختلف می‌شود که آن را می‌توان با برگزاری رویدادهای فرهنگی و یا استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال، انتشار داده و فرهنگ اسلامی را قادر می‌سازد تا با حفظ جوهر منحصر به فرد خود، به مخاطبان جهانی منعکس گرداند. چنین ابتکاراتی می‌تواند با ایجاد فضاهایی برای گفت‌وگو و تبادل، به کاهش خطرات مرتبط با جهانی شدن کمک کند و در نهایت پیوندهای بین فرهنگ اسلامی و جهان گسترده‌تر را تقویت کند. این توازن سنت و نوآوری برای سرزندگی پایدار بیان فرهنگی در یک زمینه جهانی که به سرعت در حال تغییر است ضروری است.

«جهانی شدن فرایندی پیچیده است که با تغییر روابط انسان‌ها در عرصه فرهنگ و قدرت موجب پیامدهای ضد و نقیضی می‌شود یکی از راهکارهای شناخت جهانی شدن این است که این فرایند را بر حسب نحوه به کارگیری مفهوم هژمونی که آنتونیو گرامشی نظریه پرداز کرده است در مطالعات فرهنگی بررسی کنیم از نظر مطالعات فرهنگی که با الهام از نظریه هژمونی انجام گرفته است فرهنگ عامه نه یک فرهنگ اصیل تابع است و نه فرهنگی که صنایع فرهنگ سازی تحمیل کرده باشند بلکه موازنه‌ای مبتنی بر مصالحه بین این دو است.» (استوری، ۱۳۹۷: ۳۳۷) لذا ارائه

راهکارها برای مدیریت فرهنگی نیز به همان نسبت پیچیده است و یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت فرهنگی نقش محوری در مواجهه با چالش‌های جهانی شدن فرهنگی و ایجاد تمدن نوین اسلامی ایفا می‌کند. با تقویت هویت اسلامی، ارتقای سطح آگاهی، حمایت از تولیدات فرهنگی بومی و ایجاد گفت‌وگوی بین‌فرهنگی، مدیریت فرهنگی می‌تواند به صورت مؤثری در برابر همسان‌سازی فرهنگی مقاومت کند و به توسعه یک تمدن اسلامی پویا و مبتنی بر ارزش‌های دینی کمک کند.

پیشنهاداتی که این مقاله برای بهبود مدیریت فرهنگی در جوامع اسلامی، ارائه می‌دهد نیز در طول یافته‌های پژوهش در بدنه ی این مقاله اشاره شده است و در یک جمع بندی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- **ترویج گفت‌وگوی بین‌فرهنگی:** ایجاد فضاهای گفت‌گو و تبادل نظر بین فرهنگ‌های مختلف
- **تقویت دیپلماسی فرهنگی در سطح بین‌المللی:** معرفی فرهنگ اسلامی به جهان و ایجاد روابط فرهنگی با سایر کشورها
- **بومی‌سازی فناوری‌های نوین:** استفاده از فناوری‌های نوین برای ترویج فرهنگ اسلامی و مقابله با تهدیدات فرهنگی

علاوه بر آن برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی، ادغام برنامه‌های آموزشی متمرکز بر میراث اسلامی برای پرورش تمدن جدید اسلامی حیاتی است. مدارس و دانشگاه‌ها می‌توانند برنامه‌های درسی را اجرا کنند که بر مشارکت تاریخی دانشمندان اسلامی در زمینه‌های مختلف مانند علم، هنر و فلسفه تأکید دارد. با برجسته کردن این دستاوردها، ابتکارات آموزشی می‌تواند حس غرور و هویت را در بین دانش‌آموزان القا کند و ارتباط آنها را با ریشه‌های فرهنگی خود تقویت کند. علاوه بر این، مشارکت بین مؤسسات فرهنگی و نهادهای آموزشی می‌تواند کارگاه‌ها و سمینارهایی را تسهیل کند که تفکر انتقادی در مورد مسائل معاصر را از طریق دریچه اسلامی تشویق می‌کند. این مشارکت نه تنها درک دانش‌آموزان را غنی می‌کند، بلکه آنها را برای مشارکت مثبت در جامعه، تضمین می‌کند که ارزش‌های اسلامی حفظ شده و برای رویارویی با چالش‌های مدرن تطبیق داده می‌شود و در عین حال انسجام اجتماعی را در جوامع مختلف ارتقا می‌دهد. علاوه بر این، مدیران فرهنگی نقش مهمی در حمایت از سیاست‌هایی دارند که از هنرمندان و مؤسسات فرهنگی حمایت می‌کنند و تضمین می‌کنند که روایت‌های محلی تحت الشعاع روندهای مسلط جهانی قرار نمی‌گیرند. بنابراین، آنها به عنوان عوامل حیاتی در حفظ تنوع فرهنگی در جهانی به سرعت در حال تغییر عمل می‌کنند.

نتیجه‌گیری

جهانی شدن فرهنگی، به عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات عصر حاضر، فرصتها و چالش‌های بی‌نظیری را پیش روی جوامع اسلامی قرار داده است. در این فرآیند پیچیده، حفظ هویت اسلامی و در عین حال بهره‌مندی از دستاوردهای تمدن بشری، به یک دغدغه جدی تبدیل شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت فرهنگی مؤثر، می‌تواند با تقویت هویت اسلامی، ارتقای سطح آگاهی، حمایت از تولیدات فرهنگی بومی و ایجاد گفتگوی بین‌فرهنگی،



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



نقش محوری در مقابله با همسان‌سازی فرهنگی و ایجاد تمدن نوین اسلامی ایفا کند. به‌طور کلی، مدیریت فرهنگی با تأمین یک تعادل بین حفظ سنت‌های محلی و بهره‌گیری از مزایای فرهنگ جهانی، می‌تواند به ایجاد تمدن نوین اسلامی کمک کند.

منابع:

- Gharajedaghi J, *Systems Thinking: Managing Chaos and Complexity A Platform for Designing Business Architecture*, 3rd ed, ISBN 978-0-12-385915-0, USA Morgan Kaufmann is an imprint of Elsevier 2011 [1]
Tuncer, F;F. *Discussing Globalization and Cultural Hybridization*, Universal Journal of History and Culture ISSN: 2667-8179 Vol. 5, No. 2, 85-103, 2023 DOI: <https://doi.org/10.52613/ujhc.1279438> Research Article. [2]
Beribe, B, F, M. (2023). The Impact of Globalization on Content and Subjects in the Curriculum in Madrasah Ibtidaiya: Challenges and Opportunities. At-Tasyrih: Jurnal Pendidikan dan Hukum Islam, 9(1), 54-68. [3]
<https://doi.org/10.55849/attasyrih.v9i1.157>

۱. استوری، جان. ترجمه: پاینده، حسین. *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*، نشر آگه، تهران، چاپ پنجم ۱۳۹۷.
۲. فرهادی محلی، علی. *بررسی تحلیلی پدیده جهانی شدن با تمرکز بر حوزه فرهنگ*، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۲، شماره ۵ - شماره پیاپی ۵، اسفند ۱۳۹۰ - صفحه ۶۳-۹۶.
۳. ایمان، محمد تقی، *فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ ششم زمستان ۱۴۰۰.
۴. هاروارد بیزینس ریور، ترجمه سید محمد تقی زاده مطلق، *درباره مدیریت بین فرهنگ‌ها: مقدمه ای بر ماندنی‌ترین ایده‌ها درباره مدیریت از هاروارد بیزینس ریویو*، تهران، نشر هنوز، چاپ اول زمستان ۱۴۰۰.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



بررسی کارکرد گفتمان بینش تمدن گرا در جامعه دینی با تطبیق بر اندیشه تمدنی شهید مطهری

محمد حجت عسکری^۱، محمد عبداللهی نیا^۲، حسن عسکری^۳

۱- نویسنده مسئول، طلبه سطح ۳، دانشجوی کارشناسی ارشد مدرسی انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم

۲- طلبه درس خارج حوزه علمیه قم

۳- عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

یکی از مهم ترین ارکان ایجاد تمدن، همراهی فکری و کنشی آحاد جامعه با گفتمان آن تمدن است. به اعتقاد شهید مطهری، همراه سازی افکار عمومی بهترین ابزار برای رفع گسست اجتماعی در جامعه دینی است؛ که به دنبال آن مشروعیت و اکتنش حکومت اسلامی در انواع رخدادهای بین المللی پدیدار می شود. تحقیق حاضر باهدف بررسی کارکرد گفتمان بینش تمدن گرا در جامعه دینی از نظر شهید مطهری تدوین شده است. در این تحقیق جمع آوری داده ها با روش کتابخانه ای به دست آمده است. از جمله نتایج این تحقیق؛ تقابل معرفتی گفتمان بینش تمدنی با جریان روشنفکری و سنت گرایی افراطی می باشد.

واژگان کلیدی: بینش تمدن گرا، جامعه، شهید مطهری، گفتمان، افکار عمومی

۱. مقدمه

۱.۱ تبیین مسئله

بدیهی است که یکی از متفکرین صاحب نام در موضوع اندیشه اجتماعی و تمدنی، شهید مطهری است؛ با کمی دقت در آثار او می توان متوجه اهتمام ایشان در همراه سازی افکار عمومی با گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی شد؛ چراکه در نظر شهید مطهری، اولین گام جهت پیشرفت گفتمان تمدن اسلامی، توجه به هویت و خود آگاهی ملی در افکار عمومی است. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۶۳) انقلاب اسلامی برای تفوق بر گفتمان تمدنی غرب، ناگزیر به همراه سازی افکار عمومی ملت های مسلمان است. اما تا کنون پژوهش های عرصه تمدنی، سیاسی و اجتماعی فاقد این نکته بودند. حال ابتدا این پرسش پدیدار میشود که ایجاد بینش تمدنی در میان آحاد جامعه دینی چه فایده ای دارد؟ سپس، چگونه میتوان گفتمان بینش تمدن گرا را در جامعه دینی ایجاد کرد؟

۲.۱ ضرورت مسئله

ضرورت ایجاد میکند که اگر به دنبال ایجاد تمدن اسلامی هستیم، لازم است عموم مردم در هر صنفی در کنار مسئولین عالی رتبه، مشغول تقابل تمدنی در عرصه های رسانه ای، سیاسی، اجتماعی باشند؛ این مطلب متوقف است بر گفتمان سازی بینش تمدنی در میان آحاد جامعه دینی؛ در غیر این صورت، گفتمان تمدن غرب بواسطه

سلطه رسانه ای، برافکار عمومی ملت های مسلمان فائق خواهد آمد؛ که نتایجی مانند بحران هویت، خود تحقیری و عدم همراهی با واکنش های بین المللی حکومت اسلامی را در پی خواهد داشت.

۳.۱ پیشینه تحقیق

در رابطه با تبار شناسی تحقیق حاضر منابع ذیل موجود است:

۱. مقاله سنت گرایی، تجددگرایی، پساتجددگرایی در اندیشه‌ی شهید مطهری (تقیان ورزنه، رضا، ۱۳۸۶) در این مقاله نویسنده با تبیین معنای سنت و تجدد و پسا تجدد، به دنبال فهم نگاه تمدنی شهید مطهری از نسبت گفتمان الهی با این سه جریان بوده است.

۲. مقاله نقش دینی و ارزش های دینی در جلب افکار عمومی در ایران پس از انقلاب اسلامی (امیری فرد، پریسا، ۱۳۹۰) در این مقاله نویسنده با توجه به ادوار مختلف ریاست جمهوری، به دنبال فهم میزان پایداری به دین در افکار عمومی بوده است.

۳. مقاله چالش های تمدنی پیش روی انقلاب اسلامی ایران (بشیر، حسن، هادی غیائی فتح آبادی، ۱۳۹۹) در این مقاله نویسنده به دنبال معرفی برخی از چالش های تمدنی انقلاب اسلامی است مانند: ایجاد عقلانیت انقلابی، تربیت نیروی انسانی طراز تمدن اسلامی و تحول در علوم انسانی

مزیت و نوآوری تحقیق حاضر نسبت با دیگر پژوهش های انجام شده در این حوزه این است که تا کنون در زمینه نسبت افکار

عمومی با گفتمان انقلاب اسلامی در آثار شهید مطهری کار جدی و قوی صورت نگرفته است؛ همچنین در رابطه با جریان های چالش ساز برای گفتمان بینش تمدنی توجه دقیقی صورت نگرفته است که در این تحقیق به آن پرداخته شده است.

۴.۱. روش تحقیق

در این پژوهش جهت گردآوری اطلاعات، از روش کتابخانه ای استفاده شده است و هم چنین جمع آوری داده ها از طریق تحلیل محتوای کیفی در آثار شهید مطهری به دست آمده است. لازم به ذکر است، با توجه به عدم جمع آوری اندیشه تمدنی شهید مطهری در یک اثر جامع و کامل، ناگزیر به جست جو در سایت شهید مطهری به آدرس «

www.mortezamotahari.com شده ایم.

۲. ادبیات مفهومی:

۱.۲ تمدن:

معنای لغوی این واژه برای اولین بار در ادبیات ابوعلی مسکویه به کار رفته، که مراد او از تمدن، اجتماع شهری یا وضعیتی است که مردم بتوانند به نیکو بایک دیگر داد و ستد و همکاری داشته باشند. (مسکویه، ۲۰۰۱م، ص ۶۱) از نظر شهید مطهری، اصطلاح تمدن امروزه به معنی حاکمیت یک ایدئولوژی بر یک منطقه جغرافیایی است که نظامات

خاص اجتماعی را به دنبال دارد. از این رو استاد، به مسئله تمدن اسلامی در قرون گذشته توجه ویژه ای داشته اند. (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲) بنابراین، از نظر مطهری، مهم ترین مؤلفه یک تمدن، مکتب اندیشه ای آن است که در تحقق نظامات اجتماعی و قواعد خاص حکمرانی آن تاثیر گذار است.

۲.۲. بینش تمدن گرا:

از نظر شهید مطهری، وضع یک تمدن متوقف بر وجود «تفکر راهبردی» و «کاربردی» است؛ «راهبردی» از این جهت که تمدن از یک جهان بینی خاص که حاصل از یک مکتب فکری خاص است، به وجود می آید، و «کاربردی» به این معنا که نظامات خاص اجتماعی، قواعد حکمرانی و نوع روابط بین الملل در یک تمدن، وابسته به نوع «تفکر راهبردی» آن تمدن است. از این رو «بینش تمدن گرا» به معنی یک دگرگونی در رفتارها و درک و دریافت انسان در یک جهت کاملاً خاص و معین است؛ بی آنکه با محاسبه آگاهانه پیشینی صورت بسته باشد. (الیاس، ۱۳۹۳، ص ۲۸۵) بنابراین منظور نگارنده از ایجاد «بینش تمدن گرا» در جامعه، به جریان انداختن «عقلانیتی» است که تناسب میان انواع «کنش» افراد جامعه دینی با اهداف و راهبرد های تمدن اسلامی از نتایج آن عقلانیت محسوب میشود. هم چنین از ویژگی های «بینش تمدن گرا» درک مسائل تمدنی در جهان اسلام و دنیای امروز است. از واژگان همسو با معنای بینش تمدن گرا در آثار شهید مطهری میتوان به واژه هایی نظیر «هویت»، «خود آگاهی ملی» اشاره نمود؛ به عنوان نمونه شهید مطهری از «هویت» به عنوان ابزار مقابله گری با تمدن غرب یاد میکنند. (غلامی و جوانمرد، ۱۳۹۹، ص ۱۱) هم چنین «خود آگاهی ملی» را نوعی «اراده جمعی» برای پیشرفت و آبادانی کشور میدانند. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۶۳)

۳.۲. گفتمان:

ریشه واژه گفتمان از فعل یونانی^۱ به معنی حرکت سریع در جهات مختلف می باشد. (عضدانلو، ۱۳۷۵، ص ۱۶) اصطلاح گفتمان در نظر میشل فوکو به معنای قلمرو کلی اظهارات در قالب پاره گفتارها و متون معنادار اثرگذار بر جهان است؛ (شکرانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲) در واقع این معنا از رویکرد گفتمان انتقادی سرچشمه میگیرد. از نظر نگارنده گفتمان در این پژوهش به معنای کاربرد زبان در صورت بندی های اجتماعی-سیاسی-فرهنگی-اقتصادی به جهت شکل دهی به «کنش متقابل» افراد در جامعه می باشد. (فاضلی، ۱۳۸۳، ص ۸۳) توضیح این که، شهید مطهری شروع «حرکت تمدنی» و «تحول جهانی» یک ملت را از ایجاد دغدغه جمعی می داند که به آن «درد مشترک» نام میدهد. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵) بنابراین میتوان گفت منظور از «گفتمان بینش تمدن گرا»، خلق «مسئله همگانی» در جهت ایجاد تمدن اسلامی است، که «کنش جمعی» و تمدنی را به دنبال داشته باشد. البته این مهم با «جریان سازی» و «گفتمان سازی» و «هدایت گری» در جامعه صورت میگیرد.

۴.۲. جامعه دینی:

شهید مطهری قائل است هم فرد «حقیقت» دارد و هم جامعه؛ به این صورت که فرد و جامعه بریک دیگر تاثیر میگذارند. (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۸۰) هم چنین او معتقد است، همانطور که روح فردی دارای اهدافی است، روح جمعی

¹ *discurrere*

که جامعه را تشکیل می‌دهد نیز اهدافی را دنبال میکند. (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹) بنابراین منظور نگارنده از «جامعه دینی» در این پژوهش، مجموع افرادی است که دارای «اراده جمعی» هستند، و برای تحقق هدف مشترک، «کنش‌های هماهنگی» از آنها صادر میشود.

۵.۲. اندیشه تمدنی شهید مطهری :

با دقت در آثار شهید مطهری، میتوان به اختصار به مهم‌ترین گزاره‌ها از اندیشه تمدنی ایشان اشاره کرد :

۱. کنش جامعه مانند کنش تک تک افراد اصالت دارد، به این معنا که نوع بینش موجود در میان آحاد جامعه منجر به کنش‌های معطوف تمدنی میشود. از این نظریه به عنوان اصالت فرد و جامعه یاد میشود. (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۸)
۲. در نظر مطهری، راز اصلی حرکت تاریخ و ایجاد تمدن‌ها از قدرت انسان بر ابتکار و فطرت کمال‌جویی سرچشمه میگیرد. (همان، ص ۳۳۹)

۳. در نظر مطهری، تضاد مکتب‌ها و جهان‌بینی‌ها منجر به کنش‌های انقلابی و در نهایت تمدنی میشود، چرا که این تضاد و تضاد است که منتهی به تکامل میشود. (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰)

۳. یافته‌ها

۱.۳. ویژگی‌های گفتمان «بینش تمدن‌گرا» در بستر جامعه

در این بخش از پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که وجود «بینش تمدنی» در میان آحاد جامعه دینی چه تاثیری بر فرآیند «پیشرفت تمدن اسلامی» دارد؟ شهید مطهری در رابطه با این مسئله معتقد است ملتی که از اهداف و آرمان‌های مکتب خود «آگاه» باشد، و نسبت به آن چه در جهان در حال وقوع میباشد بی تفاوت نباشد، کمک شایانی به «پیشرفت تمدنی اسلام» میکند. (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۲۱۱) از این رو در این بخش به بررسی برخی از ویژگی‌های «بینش تمدن‌گرا» در بستر جامعه میپردازیم.

۱.۱.۳. «مشروعیت بخشی» اهداف حکمرانی اسلامی

یکی از اهداف «حکمرانی اسلام»، ایجاد «تمدن نوین اسلامی» است؛ و این مهم امکان‌پذیر نمیشود؛ مگر با «وفاق تمدنی» در «بینش و کنش امت اسلام». توضیح این که، «توجیه عقلانی» و «شرعی» اهداف راهبردی حکمرانی اسلام، متوقف بر «فهم تمدنی» امت اسلامی است. شهید مطهری از این موضوع به عنوان «درد مشترک» امت اسلامی یاد میکند. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۳۴) به این معنا که تا یک ملت یک «خواستار مشترک» نداشته باشد، و نخواهد برای تحقق آن هزینه کند، «گفتمان تمدنی» در آن ملت ریشه ندارد. البته لازم به ذکر است، از نظر مطهری این درد و «طلب مشترک» باید جهانی و فراتر از یک ملت باشد تا بتوان آن را «گفتمان تمدنی» حساب کرد برای مثال «ملیت خواهی آلمانی چون داعیه نژادپرستی و کشورگشایی داشت، هرگز برای سایر مردم روی زمین غیر از خود آلمانی‌ها سائقه و فروغی نداشته و ندارد و یا صهیونیسم که در ابتدا به نظر می‌رسید که برای رهایی یهودیان از آوارگی و تحقیر بین‌المللی شروع شده، اینک به یک ایدئولوژی متجاوز و نژادپرست و ستمکار بدل شده است که عموم ملت‌ها مخالف آن هستند» (همان) از این رو حکمرانی آلمان و اسرائیل فاقد «گفتمان تمدنی» میباشد. در نتیجه باید گفت مشروعیت «گفتمان

تمدنی» از اسلام متوقف بر وجود «تفکر تمدنی» در میان آحاد «امت اسلامی» است، مانند وفاق همگانی برای نابودی استکبار جهانی.

۲.۱.۳ رفع «گسست اجتماعی»

به اعتقاد شهید مطهری، چون اعضاء یک جامعه همانند اعضاء بدن اشتغال به یک فعالیت ندارند، بلکه در مناسبت های گوناگون کنش های متفاوتی را از خود صادر میکنند، اختلاف و «گسست اجتماعی» ایجاد میشود. (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۹۰) لازم به ذکر است، کنش های متفاوت در جامعه دینی که از «گسست اجتماعی» بروز پیدا میکند، بعداً موجب «بازدارندگی» اقدامات راهبردی نظام اسلامی در مسائل بین‌المللی میشود. برای مثال، حمایت جمهوری اسلامی ایران از مقاومت فلسطین که گاهاً برای حاکمیت و مردم هزینه بار است؛ نیازمند همراهی افکار عمومی آحاد مردم است. از این رو راه حل این مسئله در اندیشه تمدنی شهید مطهری، ایجاد «منطق عملی» ثابت در جامعه میباشد. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۵۷) به این معنا که همه مردم در حوادث گوناگون، در رفتارشان از یکسری اسلوب خاص پیروی کنند. در واقع ابتدا باید «گفتمان بینش تمدنی» برای جامعه دینی احراز شده باشد، تا در مواقع حساس، آحاد جامعه از «اقدامات راهبردی» نظام اسلامی حمایت کنند. در نتیجه میتوان گفت، جریان داشتن «بینش تمدن گرا» در جامعه دینی، اختلافات و دوگانگی ها را در مواقع حساس کنار زده و موجب وحدت و «اراده جمعی» میگردد. در بخش بعد، به راهکارهای ایجاد «اراده جمعی» و ایجاد «گفتمان بینش تمدن گرا» اشاره میشود.

در این بخش به این سوال پاسخ داده شده که وجود «بینش تمدنی» چه تاثیری بر پیشرفت تمدن اسلامی دراد؟ اشاره شد که «بینش تمدن گرا» موجب مشروعیت بخشی اقدامات راهبردی نظام اسلامی میشود، و هم چنین در اندیشه تمدنی شهید مطهری، یکی از عوامل وحدت آفرین در جامعه که گسست اجتماعی را نیز رفع میکند، «بینش تمدنی» آحاد جامعه است.

۲.۳ «گفتمان سازی» بینش تمدن گرا در جامعه دینی

در این بخش در پی پاسخ به این سوال هستیم که چگونه میتوان «بینش تمدن گرا» و «بینش تمدنی» را در جامعه «گفتمان سازی» کرد؟ همانطور که قبلاً اشاره شد، گفتمان سازی به معنی ایجاد مسئله ای فراگیر در جامعه است، که در پی آن کنش های همسویی صادر میشود، بنابراین مهم ترین اثر «گفتمان سازی»، هدایت «افکار عمومی» به جهت کنشی بهتر است؛ چراکه «افکار عمومی هر جامعه در بستر قالب های ارزش اجتماعی و فرهنگی آن جامعه شکل میگیرد». (لازار، ۱۳۹۰، ص ۱۲) در اندیشه تمدنی شهید مطهری، افکار عمومی وسیله ای برای شروع صلح، عدالت و یا شروع جنگ و ظلم، مطرح شده است. (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۳۲۰) در نتیجه در این قسمت به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که «گفتمان سازی» برای «تفکر تمدن گرا» امکان پذیر است؟

۱.۲.۳ کشف «من» اسلامی

شهید مطهری مهم ترین مسیر برای «گفتمان سازی» بینش تمدن گرا را کشف «من اسلامی» ذکر میکنند؛ به این معنا که در درون هر یک از افراد جامعه، غیر از من کارگر، من مهندس، من پزشک، یک من دیگر نهفته است به نام «من

مسلمان». (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۴۱) از نظر مطهری «منِ مسلمان» دارای چند ویژگی است: ۱. حاصل بیداری به معنای دشمن شناسی است. ۲. عامل اتحاد و یکپارچگی ملل مسلمان است. ۳. با تاریخ و ایدئولوژی اسلام آشنا است. بنابراین، کشف منِ اسلامی در جامعه دینی متوقف بر آشنایی هر فرد با تاریخ اسلام و ایدئولوژی اسلامی است؛ در حالیکه دشمن تمدنی اسلام از طریق رسانه و دیگر ابزارها میکوشد، تا حافظه تاریخی و تمدنی افراد جامعه دینی در مورد اسلام از بین رود.

تمدن غرب از طریق فریب رسانه ای مانند: اختلاف افکنی میان ملت های کشور های اسلامی، فرافکنی، پنهان کاری، بزرگ نمایی، تحریف، شایعه، سانسور و انگاره سازی؛ (رجبی، ۱۳۹۹، ص ۱۵) می کوشد تا مانع شکل گیری هویت اسلامی ویا در ادبیات شهید مطهری «منِ اسلامی» شود. از این رو رسانه، یکی از مهم ترین ابزار ها برای «گفتمان سازی» است که در ذیل به آن میپردازیم.

۲.۲.۳. نقش رسانه در گفتمان سازی بینش تمدن گرا

باتوجه به عصر تکنولوژی حاضر، یکی از مهم ترین ابزارها برای تأثیری گذاری و جهت دهی افکار عمومی، رسانه ها میباشد، چرا که موضوعات تعاملی میان انسان ها را سازمان بندی کرده و دسترسی به آن ها نیز آسان میباشد. (لازار، ۱۳۹۰، ص ۸۷۹) لکن در اندیشه تمدنی شهید مطهری، رسانه در دست غرب، بیشتر از آنکه نقش مثبتی در گفتمان سازی داشته باشد، نقش منفی دارد؛ همانطور که ایشان می فرمایند: «امروزه این رسانه های عمومی دارد انسان ها را مسخ میکند، یعنی انسان ها را آن طور میسازند که دل خودشان بخواهد، نه آنطور که مصلحت واقعی آنهاست». (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۴۱) در واقع رسانه غربی، امکان تفکر و تحلیل را از انسان گرفته است، چراکه یکی از نقش های رسانه ای، «برجسته سازی» است، به این معنا که با تمرکز بر یک موضوع، آن را تبدیل به یک ارزش غیر اغماض پذیر میکند. (قاسمی، ۱۳۸۶، ص ۷)

مثال های متعددی میتوان برای موضوع «برجسته سازی» در رسانه ذکر کرد: مانند حواشی فتنه آبان ۱۴۰۱ در مسئله آزادی، ویا فتنه ۱۳۸۸ در مسئله انتخابات. از این رو رسانه ملی برای تقویت «گفتمان بینش تمدن گرا» باید در راستای برجسته سازی تاریخ تمدنی

اسلام و ایدئولوژی اسلامی بکوشد؛ مسئله ای که تا کنون در عرصه صدا و سیما و فضای مجازی کم تر شاهد آن بوده ایم.

۳.۲.۳. چالش های مقابل بینش تمدن گرا در جامعه دینی

همانطور که قبلاً اشاره شد، بینش تمدنی به معنای درگیر شدن با مسائل تمدنی است؛ لکن در این میان بعضی از جریان های فکری مانع شکل گیری گفتمان «بینش تمدن گرا» در میان آحاد جامعه شده اند که به اختصار به آن میپردازیم:

۱.۳.۲.۳. روشنفکری و مدرانزیسیون

کم خوانی و بدخوانی از مدرنیته غربی از یک سو، عدم توجه به غرب شناسی و درک زمینه های ظهور مدرنیته و تفاوت های تاریخی و ماهوی آن از سرزمین شرق و جهان اسلام از سوی دیگر و مهمتر از همه بی میلی و اعراض از

سنت فرهنگی و دینی بومی، موجب پیدایش افرادی به ظاهر روشنفکر در جامعه دینی شده است که فاقد روایت تمدنی از اسلام و ایران هستند. (بابائی، ۱۴۰۲، ص ۱۴۸) شهید مطهری از جریان روشنفکری به عنوان آگاهی بدون هدف یاد میکند (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۱۸۶) چراکه او معتقد است، جریان روشنفکری در جامعه دینی مثل ایران به علت بی‌هدفی و فاقد جهان بینی اسلامی و تابع صلح کل بودن، اصلی‌ترین مانع برای تحول جامعه اسلامی و درک مسائل تمدنی است. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۲۰)

۲.۳.۲.۳. سنت گرای افراطی

سنت در معنای اصطلاحی به معنی افکار و اعتقادات و آداب و رسوم است که از گذشته و با تکیه بر مبانی وحیانی باقی مانده است. آنچه که منجر به تلقی افراطی از سنت میشود، عدم تمایز میان احکام ثابت و متغیر زمانی در سنت است؛ سهل‌انگاری در این مطلب سبب شده که «بعضی برای حفظ جان و مال و منال خود و به بهانه دفاع از حریم اعتقادات دینی، با جمود و تحجر، جامعه‌ای را به ایستایی و عقب ماندگی بکشانند؛ و جمعی نیز به بهانه پیشرفت فرهنگ و تمدن و به ناحق دین و اجزای مقدس سنت را عامل رکود و عقب ماندگی بدانند.» (تقیان ورز، ۱۳۸۶، ص ۵) در اندیشه تمدنی شهید مطهری، احکام و موضوعات موجود در سنت، ظرفیت تقابلی با تمدن غرب را دارد. از این رو مطهری در ارائه چهره یک جامعه اسلامی، افرادی را که برداشت تقلیل‌گرایانه و یا افراطی از سنت را داشته باشند، خشکه مقدس خطاب میکند و مسلمان نمیداند. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۸۳) چرا که این افراد به ظرفیت مبارزه سنت با تمدن غرب توجه ندارند.

آنچه در این بخش ذکر شد، پاسخی بود برای چگونگی شکل‌گیری گفتمان «بینش تمدن‌گرا» در جامعه دینی؛ در مطالب قبل ذکر شد که از نظر مطهری، اصلی‌ترین راه برای جریان‌سازی «بینش تمدن‌گرا»، کشف «من اسلامی»، جهت اتحاد و یکپارچگی عمل و بنیاد اتحاد جامعه دینی است. هم‌چنین اشاره شد مهم‌ترین موانع برای ایجاد چنین گفتمانی؛ فریب رسانه‌ها و جریان‌های روشنفکری و سنت‌گرایی افراطی است.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. منظور از گفتمان‌سازی برای «بینش تمدن‌گرا»، دغدغه‌آفرینی جهت‌کنش تمدنی اتحاد جامعه دینی است؛ شهید مطهری از این مطلب به عنوان «خودآگاهی ملی»، «هویت اسلامی» و «کشف من اسلامی» یاد میکنند.
۲. از جمله کارکرد های حضور «بینش تمدن‌گرا» در جامعه دینی، مشروعیت‌یابی انواع واکنش حکومت اسلامی در جدال تمدنی با غرب است.
۳. یکی دیگر از کارکرد های گفتمانی بینش تمدنی، رفع اختلافات و دو قطبی‌ها در جامعه دینی است که منجر به یکپارچگی و وحدت در عمل و نظر میشود.
۴. در اندیشه تمدنی شهید مطهری، «گفتمان بینش تمدن‌گرا» با چالش‌هایی نظیر: فریب رسانه‌ای تمدن غرب، روشنفکری و سنت‌گرایی افراطی مواجه است.

فهرست منابع

۱. بابائی، حبیب الله، ۱۴۰۲، طلبه تمدن گرا، چاپ دوم، کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۶۸ صفحه
۲. تقیان ورزنده، رضا، ۱۳۸۶، سنت گرایی، تجدد گرایی، پسا تجدد گرایی در اندیشه شهید مطهری، نشریه پیک نور، شماره ۲۰، ص ۱۰ تا ۲۴
۳. رجیبی، ابودر، ۱۳۹۹، بررسی حربه ها و مصادیق فریبکاری دشمن در سلطه بر جهان اسلام در چهل سال اول انقلاب، با محوریت بیانیه گام دوم انقلاب، فصلنامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی، (شماره ۴)، ص ۱۹۰ تا ۱۶۳
۴. شکرانی، ر، م، مطیع، ه، صادق زادگان، ۱۳۹۰، بررسی روش گفتمان کاوی و چگونگی کاربست آن در مطالعات قرآنی، مجله پژوهش، (شماره ۱)، ص ۹۳ تا ۱۲۲
۵. عضدانلو، حمید، ۱۳۷۵، گفتمانی درباره گفتمان ۱، نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی (شماره ۱۰۳)،
۶. غلامی، م، ع، جوانمرد، ۱۳۹۹، لزوم باز اندیشی در آرای شهید مطهری در عصر اطلاعات با تاکید بر بحران هویت، نشریه مطالعات منافع ملی، (شماره ۲۰)، ص ۴۷ تا ۶۶
۷. فاضلی، محمد، ۱۳۸۳، گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی، پژوهشگاه علوم انسانی اجتماعی، (شماره ۱۴)
۸. قاسمی، حاکم، ۱۳۸۶، جایگاه رسانه در مهندسی فرهنگی، مجله زمانه (شماره ۵۸)، ص ۳۸ تا ۴۵
۹. کتبی، مرتضی، ۱۳۹۰، افکار عمومی، چاپ هشتم، نشر نی، تهران، ۲۱۵ صفحه
۱۰. مسکویه، ابوعلی، ۲۰۰۱م، الهوامل والشوامل، دارالکتب العلمیه، بیروت
۱۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، یادداشت ها ج ۶، چاپ سوم، انتشارات صدرا، تهران
۱۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، آینده انقلاب اسلامی ایران، چاپ سی و سه، انتشارات صدرا، تهران
۱۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، بیست گفتار، چاپ سی و سه، انتشارات صدرا، تهران
۱۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، مقالات فلسفی، چاپ سیزدهم، انتشارات صدرا، تهران
۱۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، انسان در قرآن، چاپ سی و ششم، انتشارات صدرا، تهران
۱۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ چهل و یکم، انتشارات صدرا، تهران
۱۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، سیری در سیره نبوی، چاپ پنجاه و چهارم، انتشارات صدرا، تهران
۱۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، فلسفه اخلاق، چاپ سی و پنجم، انتشارات صدرا، تهران
۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، یادداشت ها ج ۱، چاپ پنجم، انتشارات صدرا، تهران
۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، آزادی معنوی، چاپ چهل و نهم، انتشارات صدرا، تهران
۲۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۶، جامعه و تاریخ در قرآن، چاپ اول، انتشارات صدرا، تهران
۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۷، انقلاب اسلامی از دیدگاه فلسفه تاریخ، چاپ اول، انتشارات صدرا، تهران



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۲۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۸، انحطاط و ترقی تمدن ها، چاپ اول، انتشارات صدرا، تهران

۲۴. نوربرت، الیاس، ۱۳۹۳، درباب فرآیند تمدن، نشر جامعه شناسان، تهران

تأملی بر نقش شبکه‌های اجتماعی؛ در ارتقاء همکاری و توانمندی حرفه‌ای معلمان مقطع ابتدایی

پروانه مهرجو*^۱، نسیم پرزیوند^۲

۱- استادیار و عضو هیات علمی گروه علوم تربیتی، رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: ایمیل: p.mehrjoo@pnu.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی، گرایش تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه پیام نور واحد

میاندوآب، میرآباد، ایران.

ایمیل: parzivandnasim65@gmail.com

چکیده

هدف از تحقیق کاربردی حاضر؛ بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در ارتقاء همکاری و توانمندی حرفه‌ای معلمان مقطع ابتدایی بود. روش پژوهش پدیدارشناسی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون است و جامعه آماری پژوهش را معلمان مقطع ابتدایی شهرستان میرآباد در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به تعداد ۶۸ نفر تشکیل دادند. بدین منظور از نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد و تعداد ۳۰ نفر از ۶۸ معلم مقطع ابتدایی این شهرستان انتخاب شده، وارد پژوهش شدند و در دو گروه همگن ۱۵ نفری کنترل و آزمایش با توجه به پیش‌آزمون‌های تحقیق گروه‌بندی شدند. در ابزار گردآوری پژوهش و بررسی متغیرهای ارتقاء همکاری و توانمندسازی حرفه‌ای معلمان از پرسشنامه استاندارد ۴۳ سوالی صفری (۲۰۱۷)، و برای بررسی فرضیه‌های پژوهش، از آزمون تحلیل کوواریانس و نرم‌افزار SPSS 24 استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که شبکه‌های اجتماعی در ارتقاء همکاری و توانمندی حرفه‌ای معلمان مقطع ابتدایی شهرستان میرآباد تأثیرات مثبت و معناداری رادارند. همچنین رسانه‌های اجتماعی نقش مهمی در تحولات نظام آموزش و پرورش دارند و به‌عنوان یک ابزار آموزشی همواره می‌توانند موجب تغییرات در دانش، نگرش و مهارت کنشگران مختلف آموزشی و بخصوص در بین معلمان گردند. همچنین ارتقاء همکاری، توسعه فردی و توانمندسازی حرفه‌ای معلمان باعث توسعه فردی و سازمانی نظام آموزش و پرورش می‌گردند و یکی از زمینه‌های اثرگذار در این زمینه، شبکه‌های اجتماعی می‌باشد.

واژگان کلیدی: توانمندی حرفه‌ای، شبکه اجتماعی، معلمان، مقطع ابتدایی، همکاری

۱- مقدمه

آموزش و پرورش از ارکان مهم پیشرفت کشورهاست؛ چرا که پایه‌ها و ریشه‌های تعلیم و تربیت نیروی انسانی خلاق، آموزش دیده و مسئولیت‌پذیر که سکان‌دار توسعه و ترقی جامعه هستند، از ابتدا در این دستگاه شالوده‌ریزی می‌شود (۲۵). در این بین، جوانی جمعیت و رشد بالای کشور ایران در دهه‌های گذشته، بر تعداد و نسبت جمعیت

دانش آموزی افزوده و دستگاه اصلی تعلیم و تربیت را گسترده تر، عظیم و پر حجم ساخته است. با وجود اختصاص درصد زیادی از بودجه کشور و تعداد انبوه نیروی انسانی این وزارتخانه، بی گمان این دستگاه یکی از پرمشکل ترین و پرمشغله ترین اجزاء جامعه نیز می باشد (۴). آموزش و پرورش از دیرباز، نقشی اساسی در تداوم و بقای جامعه بشری ایفاء کرده است. آداب و رسوم، اعتقادات و ارزش ها، نگرش ها و رفتارها، دانش ها و مهارت های جامعه از طریق فراگردهای پرورش و آموزش قابل انتقال و دوام بوده اند (۷). امروزه جریان پرورش کودکان، در خانواده آغاز می شود، ولی به زودی، سازمانی اختصاصی، یعنی مدرسه، مسئولیت ایفای این وظیفه را رسماً بر عهده می گیرد (۱۴). در این بین، نظام آموزشی در هر کشور پایه و اساس پرورش علم و تولید فناوری است و هسته مرکزی این نظام، معلمان هستند و نقش معلمان در این زمینه بسیار مهم و اساسی است (۳۸). هر چقدر رویکرد آموزشی یک نظام آموزشی به سمت رویکردهای آموزشی نوین و حرفه ای پیش برود، ثمره آن در چرخه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... نمود می کند (۳). در عصر فناوری و تکنولوژی، نظام آموزشی هر کشوری اگر به سمت و سوی نظام آموزشی حرفه ای پیش نرود، باعث عقب گرد آنها در همه زمینه ها می شود (۶). برای دستیابی به آموزش و پرورش مطلوب و هدفمند، باید با بینشی عمیق متکی بر مطالعات جامع و با حصول صلاحیت های کاملاً تخصصی و حرفه ای و فعالیت هایی جهت دار و با در نظر گرفتن جنبه های مختلف به برنامه ریزی پرداخت (۳۷). برای این برنامه ریزی باید پشتوانه ای عظیم از فلسفه، فرهنگ، دانش، مهارت و دستاوردهای نوین علوم و فنون و با بکارگیری ابزارها و روش های جدید، فراهم آورد؛ تا ضمن پاسخگویی به نیازها، مشکلات و تقاضاهای موجود، به نتایج بهتر و غنی تری دست یافت (۳۶). اگر آموزش و پرورش می خواهد پیشرفت نماید، باید دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت، به خصوص معلمانی که تعامل گسترده ای با فراگیران دارند، متحول شوند (۲). در واقع هر نوع بهبود معنی دار و اساسی در مدارس و نظام آموزشی باید از معلم شروع شود و ارتباط معنی داری بین بهبود مدرسه و عملکرد معلم وجود دارد، باید دانش و اطلاعات، شناخت ها، نگرش ها، مهارت ها و روش های کار آنها تغییر کند (۵). لازمه این کار، حرفه ای شدن امر تعلیم و تربیت و در سرلوحه آن، حرفه ای شدن تمام معلمان است (۴). چرا که معلم از کلیدی ترین اجزا نظام آموزش و پرورش است و کاستی و کمبود در سایر اجزا از این عنصر تأثیرپذیر است. معلمان به عنوان "عامل تغییر"^۱ در اقدامات آموزشی تلقی می گردند و توسط آنها است که مهمترین تأثیرات می تواند به وقوع بپیوندد. بنابراین توجه به کلیدی ترین جزء نظام آموزشی و ارتقاء دانش، نگرش و مهارت او ضروری است (۸).

مدارس که برای توسعه آموزش و یادگیری و ایجاد ارزش افزوده در دانش و توانمندی های دانش آموزان بنا شده اند (۱۸)، بدون همکاری^۲؛ بین معلمان قادر به انجام چنین رسالتی نخواهند بود (۹). بر همین اساس در دهه گذشته،

¹ Change agent

² Collaborative Professional Learning

کانون بحث و گفتگو پیرامون کیفیت مدارس، هرچه بیشتر متوجه همکاری بین معلمان، بوده است (۳۱). همکاری، خمیر مایه اصلی رشد حرفه ای معلمان و ارتقاء کیفیت مدرسه است (۳۳). هنگامی که رشد معلمان در مدرسه از طریق همکاری صورت می گیرد، انگیزه آنان از طریق کاهش فشار کاری، تاثیر مثبت بر روحیه معلمان، بهره وری بیشتر، برقراری ارتباط بیشتر، بهبود مهارت های فنی، کاهش انزوای فردی، در کنار مزایای دیگری از قبیل گرایش راهبردهای آموزشی، به سمت دانش آموز-محوری و توازن بین برنامه درسی واقعی و پنهان، حرکت می کنند، افزایش یافته است (۱۵). در واقع رشد از طریق همکاری، مدل جدیدی از آموزش معلمان، تحولی در آموزش و پرورش و حتی پارادایم جدیدی است که در آن، معلمان برای بهبود فرایند تدریس و یادگیری، با یکدیگر همکاری می کنند (۲۴). این نوع یادگیری، دارای ویژگی هایی است که آن را از سایر انواع یادگیری حرفه ای، مجزا می کند و معلمان را درگیر در گروه هایی می کند که در طول زمان، برای بهبود تدریس و یادگیری، با یکدیگر کار کنند (۲۶). هنگامی که معلمان با یکدیگر کار می کنند و می آموزند، آنها، هم، کار خود را و هم یادگیری دانش آموزان را بهبود می بخشند (۳۲). این نوع ارتقاء همکارانه با رشد فردی، از چند نظر، تفاوت دارد؛ رشد همکارانه مداوم و جاری است، توسط معلمان طراحی می شود، از کار کلاسی جاری، اهداف رشد حرفه ای و شخصی و نیز اهداف بهبود کیفیت مدرسه، حمایت می کند، تحت کنترل و حمایت مدیران مدرسه قرار دارد، از نظر محتوای آموزشی، متناسب با نیازهای دانش آموزان و معلمان است (۲۳). ارتقاء همکارانه، بهترین، کم هزینه ترین و حرفه ای ترین روش تشویق مدارس به بهبود وضعیت آموزشی خود است و شامل اقدامات جمعی معلمان جهت حل مشکلات، طراحی و بهبود روش تدریس، متون آموزشی، ارزیابی و دخالت آنها در فرایند یادگیری دانش آموزان می گردد (۳۴). توانمندی حرفه ای معلمان؛ نیز یکی از جنبه های کلیدی مورد نیاز برای اصلاحات آموزشی برای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در مدارس است (۱۰). تعاریف مختلفی از توانمندی حرفه ای معلمان وجود دارد؛ گروهی از محققین با استفاده از مدل معادلات ساختاری پیامدها و فرصت های توانمندی حرفه ای معلمان را بررسی کرده اند. سوندسون^۲ (۲۰۲۰)؛ سه ویژگی اصلی فعالیت های توانمندی حرفه ای، از جمله افزایش دانش، بهبود مهارت ها و تغییر شیوه های کلاس درس را شناسایی کردند. کراسنوا و شورینگین^۳ (۲۰۲۰)؛ اعتقاد دارند توانمندی حرفه ای دانش معلمان را افزایش داد، امکان استفاده از روش های تدریس فعال در کلاس را فراهم کرد و نمرات دانش آموزان را در آزمون های استاندارد بهبود بخشید. به طور کلی، ادبیات علمی توانمندی حرفه ای نشان می دهد که توانمندی حرفه ای معلم شامل ویژگی هایی مانند؛ تمرکز فراگیران بر ارتقای محتوا و دانش آموزشی، استفاده مستمر از روش های یادگیری فعال، یادگیری پایدار در طول زمان، توجه به ویژگی های منحصر به فرد دانش آموز، و... مدرسه، همکاری و مشارکت جمعی در بین معلمان است (۱۱).

¹ Professional ability of teachers

⁴ Svendsen

⁵ Krasnova & Shurygin

در این راستا؛ شبکه‌های اجتماعی^۱؛ را می‌توان کاربرد گروهی ابزار آنلاین و فناوری‌های تعریف کرد که مشارکت، محاوره، آزاداندیشی و اجتماعی شدن را در گروهی از کاربران تشویق و میسر می‌کند (۳۵). رسانه‌های اجتماعی، مجموعه کاربردهایی از ابزارهای نرم افزاری آنلاین است و شامل سایت‌های شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک، یوتیوب، توییتر، تلگرام همچنین سایت‌های اشتراک رمان، وبلاگ‌ها، پادکست‌ها و غیره است (۲۸). شبکه‌های اجتماعی نوین به عنوان یک رسانه تأثیرگذار در ایجاد فضایی باز و گسترده برای کاربران خود، به ویژه جوانان و نوجوانان نقش مهمی را ایفا کرده است (۲۹). تحلیل شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک تکنیک کلیدی و مهم در علوم ارتباطات اجتماعی، همانند یک موضوع محبوب در زمینه تفکر و مطالعه پدیدار شده است (۱). در طول دهه گذشته استفاده از رسانه‌های اجتماعی به طور معنی‌داری افزایش یافته است (۳۰). شبکه‌های اجتماعی مجازی^۲ از زمان ظهور در اواخر دهه ۹۰ در روند تکاملی خود تا سال ۲۰۰۳ میلادی و تاکنون به واسطه ایجاد امکان برقراری ارتباط سریع همزمان و غیرهمزمان، دسترسی به حجم زیادی از اطلاعات و انتشار گسترده‌ی آن کاربردهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بسیاری را در این جهان جدید رقم زده و توجه میلیون‌ها کاربر را از سراسر دنیا به خود جلب نموده اند (۲۷). این رسانه‌ها از طریق تحریک روانی؛ امکان تعاملات اجتماعی را در بین مخاطبان خود افزایش می‌دهند. از این رو به عنوان یکی از عوامل جامعه‌پذیری، نقش مؤثری در نهادینه کردن ارزش‌ها و هنجارهای اعتماد در بین مخاطبان خود دارند (۱۰). رسانه‌های اجتماعی در ترویج و اثربخشی یادگیری و همچنین ایجاد انگیزه در کاربران مؤثر بوده و از این رو استفاده از رسانه‌های اجتماعی در حال افزایش است (۱۲). رسانه‌های اجتماعی قادر به توزیع طیف گسترده‌ای از اطلاعات و به اشتراک گذاری محتوا در جامعه هستند (۲۰). رسانه‌های اجتماعی یادگیری کاربران را افزایش می‌دهند در نتیجه تجربه‌ای مثبت برای کاربر را رقم می‌زنند (۱۹) و رسانه‌های اجتماعی این قابلیت را دارند که دانش و اطلاعات روز را به مخاطبان خود انتقال دهند (۲۱). با پیدایش شبکه‌های اجتماعی، استفاده از این شبکه‌ها جزء جدایی‌ناپذیری از زندگی بسیاری از دانشجویان و دانش‌آموزان شده است و بر کلیه جوانب زندگی آنان، از جمله میزان مطالعه، عملکرد تحصیلی و سایر مهارت‌های تحصیلی آنها، تأثیر مستقیم داشته است (۲۲). به طوری که استفاده از وبسایت‌های شبکه‌های اجتماعی؛ از جمله شبکه‌های اجتماعی فیسبوک و توییتر بخشی از زندگی دانشجویان ایالات متحده گشته است (۲۱). در سالیان اخیر تلاش‌های زیادی در جهت بهبود کارایی و تحول در نظام آموزشی کشور صورت گرفته است اما به رغم تلاش‌های زیاد، هنوز سازمان‌ها و مراکز آموزشی از بسیاری جهات، از پایین بودن کیفیت رنج می‌برند و در مسیر بهبود آن، دچار مشکلات عمده‌ای می‌باشند (۳۲). لذا باید در مسیر حل مشکل، کانون توجه را روی عناصر اساسی و تأثیرگذار، که از مقیاس وزنی نسبتاً بالاتری

¹ Social Networks

² Virtual social networks

برخوردارند، متمرکز کرد. یکی از این عناصر کلیدی که در گسترش آموزش و پرورش نقش اساسی دارد، معلمان می باشند. بهبود قابلیت معلمان از طریق برنامه های رشد حرفه ای موجب بهبود یادگیری دانش آموزان می گردد (۱۳) و عدم توجه به ارتقاء همکاری و توسعه توانمندی حرفه ای معلمان، عواقب زیانباری را هم برای معلمان و هم برای دانش آموزان به دنبال خواهد داشت و باعث از بین رفتن نیروی انسانی، استرس شغلی و کاهش کارایی معلمان می شود. اهمیت همکاری بین معلمان به دلیل تشدید چالش های پیش روی آنان در حرفه معلمی و افزایش انتظارات مردم از کیفیت آموزش است (۱۶). این در حالیست که بسیاری از فرصت های حرفه ای به اصلاح بلندمدت برنامه های درسی منجر نمی شوند و نیازهای دانش آموزان را در جامعه برآورده نمی کنند (۱۷). همکاری؛ جزء مهمی از سیاست های بهبود کیفیت تدریس و یادگیری در مدارس کشورهای پیشرفته درآمده است و تمرکز اصلی آن بر روی معلمان قرار دارد تا عملکرد آنها را در مدرسه افزایش دهد، اما با توجه به تاکید آموزش و پرورش بر ترویج فرهنگ همکاری بین دانش آموزان، از طریق ارزش گذاری بر فعالیت های همکارانه دانش آموزی اهمیت فرهنگ همکاری برای معلمان کم رنگ است (۳۲). علیرغم اهمیت کیفیت در سیستم های آموزشی و اهمیت نقش معلمان در ارتقاء کیفیت فرایند یاددهی و یادگیری، تحقق این مهم همچنان با ضعف ها و کاستی هایی روبرو است؛ که تلاش جهت شناسایی این کاستی ها و یافتن راه هایی جهت بهبود و تضمین آن به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است. با توجه به آنچه بیان شد، سوال اصلی پژوهش حاضر بدین شکل مطرح می شود؛ آیا شبکه های اجتماعی می توانند در ارتقاء همکاری و توانمندی حرفه ای معلمان مقطع ابتدایی تاثیرگذار باشند؟

۲- روش تحقیق

روش پژوهش پدیدارشناسی^۱ با طرح پیش آزمون-پس آزمون می باشد که قصد دارد نقش شبکه های اجتماعی را در ارتقاء همکاری و توانمندی حرفه ای معلمان مقطع ابتدایی در شهرستان میرآباد واقع در استان آذربایجان غربی مورد مطالعه قرار دهد. جامعه آماری پژوهش در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به تعداد ۶۸ نفر از معلمان مقطع ابتدایی در شهرستان میرآباد می باشد. در این پژوهش، از نمونه گیری در دسترس استفاده شد و تعداد ۳۰ نفر از ۶۸ معلم مقطع ابتدایی این شهرستان انتخاب شده، وارد پژوهش شدند و در دو گروه همگن ۱۵ نفری کنترل و آزمایش با توجه به پیش آزمون گروه بندی شدند. در ابزار گردآوری پژوهش و بررسی متغیرهای ارتقاء همکاری و توانمندسازی حرفه ای معلمان از پرسشنامه استاندارد ۴۳ سوالی صفری (۲۰۱۷)، استفاده شد. این پرسشنامه خرده مقیاس های تسهیم تجارب، وابستگی متقابل، مسئولیت پذیری، ارزش ها و چشم انداز مشترک، تصمیم گیری و کنترل همکارانه و شرایط

^۱ مطالعه فلسفی ساختارهای تجربه زیسته و آگاهی پیرامون پدیده مورد مطالعه از دیدگاه افراد دست اول است (Phenomenology).

حمایتی را اندازه گیری می کند و برای بررسی فرضیه های پژوهش، از آزمون تحلیل کواریانس و نرم افزار SPSS 24 استفاده شد.

۳- یافته های تحقیق

در توصیف داده ها به تبیین و تفسیر میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در دو گروه کنترل و آزمایش پرداخته می شود. نتایج جدول (۱) نشان می دهد که میانگین و انحراف استاندارد نمره ارزش ها و چشم انداز مشترک در بین معلمان بعد از مداخله در گروه آزمایش $60/633/±37$ و در معلمان گروه کنترل $4/±62$ می باشد. همچنین نتایج جدول (۲) نشان می دهد که میانگین گروه آزمایش نسبت به کنترل در تمام زیرمؤلفه های پژوهش بعد از مداخله افزایش یافته است. در ادامه این بخش، به بررسی فرضیه پژوهش پرداخته می شود و برای بررسی فرضیه های پژوهش از آزمون تحلیل کواریانس استفاده شد. با توجه به یافته های به دست آمده، فرضیه پژوهش تأیید می شود و می توان نتیجه گرفت که شبکه های اجتماعی در ارتقاء همکاری و توانمندی حرفه ای معلمان مقطع ابتدایی شهرستان میرآباد تأثیرات مثبت و معناداری را دارند.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد پیش آزمون و پس آزمون

متغیرهای ارتقاء همکاری و توانمندسازی حرفه ای معلمان مقطع ابتدایی شهرستان میرآباد

متغیرها	مرحله	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
تسهیم تجارب	پیش	کنترل	۴۷.۲۵	۱.۱۳	۱۵
	آزمون	آزمایش	۵۱.۳۰	۲.۲۴	۱۵
	پس آزمون	کنترل	۵۱.۷۵	۳.۷۵	۱۵
		آزمایش	۶۴.۰۵	۳.۲۶	۱۵
وابستگی متقابل	پیش	کنترل	۵۶.۲۵	۲.۸۱	۱۵
	آزمون	آزمایش	۵۴.۳۰	۲.۹۴	۱۵
	پس آزمون	کنترل	۵۶.۱۰	۲.۷۶	۱۵
		آزمایش	۶۱.۸۰	۳.۱۶	۱۵
مسئولیت پذیری	پیش	کنترل	۴۴.۵۵	۳.۶۲	۱۵
	آزمون	آزمایش	۴۲.۹۰	۳.۴۳	۱۵
	پس آزمون	کنترل	۴۵.۱۵	۳.۷۱	۱۵
		آزمایش	۵۶.۲۵	۲.۶۲	۱۵

۱۵	۴.۵۸	۴۸.۹۴	کنترل	پیش	
۱۵	۴.۷۶	۴۹.۲۲	آزمایش	آزمون	ارزش ها و چشم انداز مشترک
۱۵	۴.۶۲	۵۰.۷۰	کنترل	پس آزمون	
۱۵	۳.۳۷	۶۰.۶۳	آزمایش		
۱۵	۲.۸۱	۵۶.۲۵	کنترل	پیش	
۱۵	۲.۹۴	۵۴.۳۰	آزمایش	آزمون	تصمیم گیری و کنترل همکارانه
۱۵	۲.۷۶	۵۶.۱۰	کنترل	پس آزمون	
۱۵	۳.۱۶	۶۱.۸۰	آزمایش		
۱۵	۳.۶۲	۴۴.۵۵	کنترل	پیش	
۱۵	۳.۴۳	۴۲.۹۰	آزمایش	آزمون	شرایط حمایتی
۱۵	۳.۷۱	۴۵.۱۵	کنترل	پس آزمون	
۱۵	۲.۶۲	۵۶.۲۵	آزمایش		

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد پیش آزمون و پس آزمون

متغیرهای ارتقاء همکاری و توانمندسازی حرفه ای معلمان مقطع ابتدایی شهرستان میرآباد

Sig	F	MS	df	SS	منبع تاثیر	متغیرها
۰.۱۶۶	۰.۳۰۹	۴.۷۵۸	۱	۴.۷۵۸	پیش آزمون	تسهیم تجارب
۰.۰۰۰	۴۳.۴۲۱	۲۰۴.۸۲۶	۱	۲۰۴.۸۲۶	گروه ها	
۰.۳۳۳	۰.۹۴۸	۳.۶۷۵	۱	۳.۶۷۵	پیش آزمون	وابستگی متقابل
۰.۰۰۰	۴۳.۴۲۱	۲۴۶.۸۱۵	۱	۲۴۶.۸۱۵	گروه ها	
۰.۴۲۶	۰.۶۵۳	۱۲.۴۳۰	۱	۱۲.۴۳۰	پیش آزمون	مسئولیت پذیری
۰.۰۰۰	۴۳.۷۲۴	۲۰۴.۸۲۴	۱	۲۰۴.۸۲۴	گروه ها	
۰.۳۳۲	۰.۹۷۸	۲۱۳.۷۵۲	۱	۲۱۳.۷۵۲	پیش آزمون	ارزش ها و

۰.۰۰۰	۲۴۶.۵۳۹	۲۱۴۴.۰۴۲	۱	۲۱۴۴.۰۴۲	گروه ها	چشم انداز مشترک
۰.۳۳۳	۰.۹۴۸	۳.۶۷۵	۱	۳.۶۷۵	پیش آزمون	تصمیم گیری و کنترل همکارانه
۰.۰۰۰	۴۳.۴۲۱	۲۴۶.۸۱۵	۱	۲۴۶.۸۱۵	گروه ها	
۰.۴۲۶	۰.۶۵۳	۱۲.۴۳۰	۱	۱۲.۴۳۰	پیش آزمون	شرایط حمایتی
۰.۰۰۰	۴۳.۷۲۴	۲۰۴.۸۲۴	۱	۲۰۴.۸۲۴	گروه ها	

۴- بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، ارتباط شبکه های اجتماعی با ارتقاء همکاری و توانمندی حرفه ای معلمان مقطع ابتدایی مورد بررسی قرار گرفت، با توجه به نتایج به دست آمده مشخص گردید که شبکه های اجتماعی در ارتقاء همکاری و توانمندی حرفه ای معلمان مقطع ابتدایی شهرستان میرآباد تأثیرات مثبت و معناداری را دارند؛ که با پژوهش های اشکانی (۱۴۰۳)، محمدزمانی و رهایی (۱۴۰۰)، علم بیگی و همکاران (۱۳۹۹)، لاورنز^۱ (۲۰۲۱)، انصاری و خان^۲ (۲۰۲۰)، رونفیل و همکاران^۳ (۲۰۱۵) همسو می باشد. در این راستا؛ نتایج پژوهش اشکانی (۱۴۰۳)، نشان داد که استفاده از اینترنت و شبکه های مجازی، روابط عاطفی اینترنتی و وضعیت نامطلوب اجتماعی-اقتصادی با نمرات بالاتر-DASS 21 و کاهش کیفیت زندگی در دانش آموزان همراه بود. تحقیقات رونفیل و همکاران (۲۰۱۵)؛ نشان داد، معلمانی که همکاری بهتری را در حوزه های آموزشی با معلمان دیگر دارند، دستاوردهای موفقیت بیشتری به دست می آورند. همچنین نتایج پژوهش بورتن^۴ (۲۰۱۵)؛ نیز حاکی از این بود که بکارگیری همکاری به عنوان الگویی برای رشد حرفه ای معلمان ارتباط میان تفکر آموزشی و بهبود آن را تقویت می کند. گودارد و همکاران^۵ (۲۰۰۷)، نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که همکاری معلم می تواند توانایی مدارس را در افزایش موفقیت دانش آموزان بهبود بخشد و همکاری بین معلمان رابطه مثبتی با موفقیت دانش آموزان دارد. با توجه به نتایج فوق، یکی از راه های افزایش دانش و تخصص معلمان، همکاری بین آنان است، یادگیری از طریق همکاری بین معلمان جزء کلیدی یادگیری معلم است. در رشد حرفه ای همکارانه معلمان دانش خود را از طریق تسهیم دانش و تجارب و ایجاد فرصت های ناب یادگیری به کمک همکاران افزایش می دهند. آنها کار دانش آموزان خود را برای یافتن روش های بهبود آن، با هم بررسی کرده و

¹ Lawrence, I.

² Ansari, J. A. N., & Khan, N. A.

³ Ronfeldt, M., Farmer, S., McQueen, K., & Grissom, J.

⁴ Burton, T.

⁵ Goddard, Y. L., Goddard, R. D., & Tschannen-Moran, M.

تدریس یکدیگر را مشاهده کنند و در آخر نیز روش هایی را بر اساس اطلاعات مختلف، برای بهبود تدریس خود، برنامه ریزی کنند. نتایج پژوهش حاضر و پیشینه های مطرح شده را می توان این گونه تبیین نمود که تغییرات شتابنده عصر حاضر، مسائل و چالش هایی را فرا روی این نظام و به ویژه کیفیت آموزشی و فرایند یاددهی و یادگیری قرار داده است که منجر به کاهش سطح تاثیرگذاری آن بر فراگیران شده است. بنابراین شناخت وضعیت موجود کیفیت فرایند یاددهی و یادگیری و کسب آگاهی از عوامل اثرگذار بر آن، اولین و مهمترین مؤلفه ای محسوب می شود که باید از سوی مدیران آموزشی به طور اعم و برنامه ریزان آموزشی به طور اخص مورد توجه قرار گیرد. در این بین؛ رسانه های اجتماعی اساساً شکلی از ارتباطات الکترونیک هستند که کاربران با استفاده از آنها می توانند جوامع آنلاینی ایجاد کنند تا ایده ها، نظرات، اطلاعات، پیام ها و سایر محتوا را در فرمت های مختلف از جمله متن، تصاویر و ویدیوها را به اشتراک بگذارند. با توجه به اهمیت رسانه های اجتماعی در میان مردم، این رسانه ها به ابزاری برای رشد و توسعه انسان ها تبدیل شده اند. همچنین ارتقاء همکاری، توسعه فردی و توانمندسازی حرفه ای معلمان باعث توسعه فردی و سازمانی نظام آموزش و پرورش می گردند و یکی از زمینه های اثرگذار در این زمینه، شبکه های اجتماعی می باشد.

۵- منابع

۱. اشکانی، سمیه. (۱۴۰۳). مطالعه ای بر تاثیر شبکه های اجتماعی و روابط عاطفی اینترنتی بر سلامت روان و کیفیت زندگی در دانش آموزان (مدل سازی معادلات ساختاری). رویکردی نو بر آموزش کودکان، ۶(۱)، ۶۱-۷۳.
۲. شانی، امیر، ۱۴۰۰، اخلاق حرفه ای، ششمین کنفرانس ملی نقش مدیریت در چشم انداز ۱۴۰۴، رشت.
۳. صفری، اکرم، عبدالمهی، بیژن، و صبوری، فاطمه. (۱۳۹۸). همکاری بین معلمان مدرسه و ارتقای کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری. مدیریت مدرسه (Journal of School administration)، ۷(۳)، ۱۷۹-۱۹۳.
۴. عرفانی زاده، فریبرز، و اردلان، محمدرضا، و نصیری، فخر السادات، و افضل، افشین، ۱۳۹۹، رهبری تنوع دانشجویان در نظام آموزش عالی: واکاوی پدیدارشناسانه دیدگاه های متخصصان، مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی، ۱۳ (۲ (پیاپی ۲۵))، صفحات ۳۴۷-۳۸۶.
۵. علم بیگی، امیر، اجاقی، سعیده، رضوانفر، احمد، شاه پسند، محمدرضا. (۱۳۹۹). شبکه های اجتماعی و احساس خودکارآمدی شغلی کارکنان ترویج کشاورزی در استان مازندران: کاربرد نظریه استفاده و رضامندی از رسانه، نشریه علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۱۶(۱).
۶. محمدزمانی، راضیه، رهایی، علی. ۱۴۰۰. چگونه توانستیم توسعه حرفه ای معلمان را در دوران دنیاگیری بیماری کرونا ارتقا دهیم: اقدام پژوهی معلمان دبستان خیام شهرستان شهرضا. توسعه حرفه ای معلم، ۶(۱)، ۱۰۷-۱۱۹.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۷. مختاری، سهیلا، و عدلی، فریبا، و احمدی، پروین، ۱۳۹۵، آسیب شناسی تنوع سرمایه انسانی در آموزش عالی، مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی، ۹ (۱۶)، صفحات ۸۵-۱۰۰.

8. Abdollahi, B., & Safari, A. (2016). Investigating the essential barriers to teacher professional development. *Educational Innovation*, 15(2), 134-99. [in Persian].
9. Ambrose, S. A., Bridges, M. W., DiPietro, M., Lovett, M. C., & Norman, M. K. (2010). *How learning works: Seven research-based principles for smart teaching*. John Wiley & Sons.
10. Balaji, M. S., Wei Khong, K., & Yee Loong C. A. (2016). Determinants of negative word-of-mouth communication using social networking sites. *Information & Management*, 53, 528-540.
11. Burton, T. (2015). *Exploring the impact of teacher collaboration on teacher learning and development* (Doctoral dissertation). Retrieved from <http://scholarcommons.sc.edu/etd/3107>.
12. Chu, R. J., & Chu, A. Z. (2010). Multi-level analysis of peer support, Internet self-efficacy and e-learning outcomes—The contextual effects of collectivism and group potency. *Computers & Education*, 55(1), 145-154.
13. Cohen, K., & Hill, C. (2000). Instructional policy and classroom performance: The mathematics reform in California. *Teachers College Record*, 102(2), 294-343.
14. Davis, P. J., Frolova, Y., & Callahan, W. (2016). Workplace diversity management in Australia: What do managers think and what are organisations doing? *Equality, Diversity and Inclusion*, 35(2), 81-98.
15. Egodawatte, G., McDougall, D., & Stoilescu, D. (2011). The effects of teacher collaboration in Grade 9 applied mathematics. *Educational Research for Policy and Practice*, 10, 189–209.
16. Ganser, T. (2000). An ambitious vision of professional development for teachers. *Nassp Bulletin*, 84(618), 6-12.
17. Goddard, Y. L., Goddard, R. D., & Tschannen-Moran, M. (2007). A theoretical and empirical investigation of teacher collaboration for school improvement and student achievement in public elementary schools. *Teachers College Record*, 109(4), 877-896.
18. Grogan, M. (2013). *The Jossey-Bass Reader on Educational Leadership*. John Wiley & Sons Inc.

19. Hong, J. C., Hwang, M. Y., Szeto, E., Tsai, C. R., Kuo, Y. C., & Hsu, W. Y. (2016). Internet cognitive failure relevant to self-efficacy, learning interest, and satisfaction with social media learning. *Computers in Human Behavior*, 55, 214-222.
20. Hocevar, K. P., Flanagin, A. J., & Metzger, M. J. (2014). Social media self-efficacy and information evaluation online. *Computers in Human Behavior*, 39, 254-262.
21. Junco, R., Loken, E., & Heiberger, G. (2011). The effect of Twitter on college student engagement and grades. *Journal of Computer Assisted Learning*, 27(2), 119-132.
22. Kirschner, P. A., & Karpinski, A. C. (2010). Facebook and academic performance. *Computers in Human Behavior*, 26(6), 1237-1245.
23. Killion, J. (2013). Collaborative professional learning in school and beyond: A toolkit for New Jersey educators. National Staff Development Council and New Jersey Department of Education.
24. Kundu, S. C., Mor, A., Bansal, J., & Kumar, S. (2019). Diversity-focused HR practices and perceived firm performance: Mediating role of procedural justice. *Journal of Asia Business Studies*, 13(2), 214-239.
25. Lawrence, I. (2021). Inclusion and diversity in the boardroom. In *The 'C-Suite' Executive Leader in Sport: Contemporary Global Challenges for Elite Professionals* (pp. 119-152). Emerald Publishing Limited.
26. Macià Golobardes, M., & García González, I. (2018). Professional development of teachers acting as bridges in online social networks.
27. Manca, S., & Ranieri, M. (2014). Teachers' professional development in online social networking sites. In *EdMedia+ Innovate Learning* (pp. 2229-2234). Association for the Advancement of Computing in Education (AACE).
28. Marin, A., & Wellman, B. (2011). Social network analysis: An introduction. In J. Scott & P. J. Carrington (Eds.), *The SAGE Handbook of Social Network Analysis* (pp. 11-25). Sage.
29. Milton, C. L. (2014). Ethics and social media nursing. *Science Quarterly*, 27(4), 283-285.
30. Moreno, M., Jelenchick, L., Koff, R., Eikoff, J., Diermyer, C., & Christakis, D. (2012). Internet use and multitasking among older adolescents: An experience sampling approach. *Computers in Human Behavior*, 28(4), 102-107.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



31. Richter, D., Kunter, M., Klusmann, U., Lüdtke, O., & Baumert, J. (2011). Professional development across the teaching career: Teachers' uptake of formal and informal learning opportunities. *Teaching and Teacher Education*, 27(1), 116-126.
32. Safari, A. (2017). Designing a model for teachers' collaborative professional development in Tehran city education (Doctoral Thesis). Kharazmi University. [in Persian].
33. Safari, A., Abdollahi, B., Naveh Ebrahim, A., & Zeinabadi, H. R. (2018). Investigating and explaining the advantages of collaborative professional development in educational organizations. *New Approach in Educational Management*, 9(3), 269-290. [in Persian].
34. Schmoker, M. (2005). Here and now: Improving teaching and learning. In *On Common Ground: The Power of Professional Learning Communities*, (pp. 137-138).
35. Schwarz, B., & Caduri, G. (2016). Novelties in the use of social networks by leading teachers in their classes. *Computers & Education*, 102, 35-51.
36. Sheppard, D. L. (2018). The dividends of diversity: The win-win-win model is taking over business and it necessitates diversity. *Strategic HR Review*, 17(3), 126-130.
37. Sykes, T. A., Venkatesh, V., & Gosain, S. (2009). Model of acceptance with peer support: A social network perspective to understand employees' system use. *MIS Quarterly*, 33(2), 371-393.
38. Ronfeldt, M., Farmer, S., McQueen, K., & Grissom, J. (2015). Teacher collaboration in instructional teams and student achievement. *American Educational Research Journal*, 52(3), 475-514.

مرجعیت علمی زبان فارسی و نظریه دفاع تمدنی

بهمن نزهت^۱

۱-استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه (b.nozhat@urmia.ac.ir)

چکیده

تمدن‌های اصیل و ماندگار بر پایه اندیشه‌های متعالی و کارآمد و انسان‌ساز شکل می‌گیرند. دفاع از تمدن نیز یک امر فطری و حیاتی برای تداوم و تکامل آن است و هر ملت صاحب تمدن جهت حفظ هویت خود ناگزیر از حفظ و صیانت آن است. در جوامع بشری برای حفظ و صیانت همه‌جانبه از مقولات تمدنی و هویتی عوامل متعددی اعم مسائل فرهنگی و اعتقادی، علمی و فناوری نقش عمده دارند. اما در این میان یکی از بنیادی‌ترین مقولات نظریه تمدنی و دفاع از ماهیت آن، کارآمدی زبان آن تمدن است که آموزه‌ها و عمیق‌ترین لایه‌های فکری و حیاتی آن را در روزگاران مختلف به تصویر می‌کشد و در عرصه چالش‌های فکری و فرهنگی، راهکارهای حیاتی و تعیین‌کننده‌ای را پیش روی مردمان خود قرار می‌دهد. در این نوشته ضمن طرح توانمندی زبان فارسی در بیان مفاهیم عقلی و علمی، به اهمیت آن به‌عنوان مرجعیت علمی در جهان اسلام نیز پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: ادبیات، تمدن، زبان فارسی، فرهنگ، نظریه دفاع تمدنی

مقدمه

زبان مهمترین ابزارارتباط انسانها در جوامع بشری است و بدون این وسیله امکان ارتباط، تعامل و تفاهم بین افراد بشری متصور نیست. براساس این نیاز و ضرورت، زبان و کاربرد الفاظ آن در روابط بشری امری ضروری است. از نگاه فیلسوف منطقی اگر برای آدمی میسر بود که اندیشه‌های ذهنی خود را برای مخاطب به غیر از لفظ بیان کند، نیازی به ابزار زبان و الفاظ نداشت. اما برای انسان محال است که معانی و مفاهیم ذهنی را بدون الفاظ مطابق آنها تصور کند. لفظ و معنی در اندیشه و زبان به قدری به هم وابسته اند که تفکر نوعی حدیث نفس با کلمات مخیل و تصور الفاظ در ذهن تلقی می‌شود. (ابن سینا: ۱۴۰۵، ۲۲/۱) در واقع اندیشه و زبان لازم و ملزوم هم‌اند. بدون اندیشه، لفظ حاصل نمی‌شود، افزون بر این اندیشه نیز با لفظ همراه است و بدون آن قابل ادراک نیست. به همین دلیل زبانشناسان معاصر زبان و عناصر سازنده آن را صرفاً یک امر قراردادی نمی‌دانند، بلکه آن را دستگاه یا یک نظام آوایی منظم و دارای منطقی معرفی می‌کنند که ارتباط عمیقی با اندیشه آدمی دارد. به همین دلیل فلاسفه تحلیلی بر این باورند که هر قدر مدارج معرفتی و علمی ما بیشتر باشد بر حجم و گستردگی نظام آوایی و الفاظ زبان خویش افزوده‌ایم (ضمیران: ۱۶۹، ۱۳۷۹).

با توجه به این که هر قومی بنابر شرایط روحی و محیطی خود، سبک و سلیقه خاصی در اندیشیدن و کاربرد الفاظ در بیان مفاهیم ذهنی را دارد، نامیدن هر شیء یا پدیده‌ای نیز در هر زبانی با جهان بینی، نوع تفکر و فرهنگ آن قوم رابطه تنگاتنگی دارد. تطبیق مفاهیم ذهنی با معنای حقیقی آنها در جهان خارج یک امر مهم در فهم زبان و ماندگاری آن است. دقت در نامیدن

اشیاء و پدیده‌های هستی موجب می‌شود که معنی کلمه‌ای با کلمه‌ای دیگری که نزدیکی معنایی دارد اشتباه نشود و مراد گوینده در امر تفهیم و تفاهم آسانتر و زودتر برآورده گردد. کلمه مانند ظرفی است که مفاهیم ذهنی و معانی را در خود حفظ می‌کند، و آن به گونه‌ای است که هیچ فاصله‌ای بین کلمه و معنا قابل تصور نباشد و مخاطبان هنگام شنیدن آن در فهم معنایش اختلافی با هم نداشته باشند، «حرف ظرف آمد درو معنی چو آب» (مولوی: ۱۳۸۲، ۱۷).

یکی از بنیادی‌ترین مقولات نظریه تمدنی و دفاع از ماهیت آن، کارآمدی زبان آن تمدن است که آموزه‌ها و عمیقترین لایه‌های فکری و حیاتی آن را در روزگاران مختلف به تصویر می‌کشد و در عرصه چالشهای فکری و فرهنگی، راهکارهای حیاتی و تعیین‌کننده‌ای را پیش روی مردمان خود قرار می‌دهد.

مرجع علمی زبان فارسی

زبان اصیل و کهن فارسی (باستان، میانه و نو (دری) یکی از زبانهای ماندگار و کارآمد در عرصه بین‌الملل است که از روزگاران گذشته تا عصر حاضر توانسته است هویت دینی و ملی مردم خود را در برخوردهای تمدنی حفظ نموده، گسترش دهد. زبان فارسی در یک مفهوم وسیع «خانواده زبان‌های ایرانی» (خانلری: ۱۳۶۵، ۱/دوازده) دارای پشتوانه غنی و استوار فرهنگی پیش از اسلام و بعد از اسلام است که با ورود دین مبین اسلام به این سرزمین پرمایه، شاهد شکوفایی و تعالی هر چه بیشتر آن بوده‌ایم. بنابر اذعان تاریخ نگاران و پژوهشگران با استناد به آثار باقی مانده از دوران باستان، میانه و دری (خانلری: ۱۶۳/۱-۳۲۰) این زبان در طول قرون متمادی ضمن این که در حفظ جامعیت و کفایت خود در بیان مفاهیم متعالی و پویایی فرهنگ و حیات اجتماعی مردم خود، نقش اساسی داشته، از حیث گستره جغرافیایی نیز توجه ملل دیگر از جمله شبه قاره هند تا آسیا صغیر و شبه جزیره بالکان را به خود جلب نموده است.

سرزمین ایران با وسعت و گستردگی ویژه‌ای که دارد به همان اندازه از وسعت فرهنگهای بومی و گویشهای محلی نیز برخوردار بوده و این امر در وسعت اندیشه و واژگان زبانی نیز تأثیر عمیق و ژرفی داشته و ظرفیت زبان فارسی را در بیان مفاهیم عمیق ذهنی و معرفتی دوچندان کرده است. مفاهیم و مقولات مهم حکمی، معرفتی، فلسفی و اخلاقی در آثار حکمی و ادبی که به زبان فارسی توسط دانشمندان و علمای ایرانی تألیف یافته است به نحو مقتضی و موثر بیان گشته به گونه‌ای که در عرصه پژوهشهای جهانی از آثار درجه اول محسوب شده و مورد استناد محققان بوده است.

نخستین تجربه‌های زبان فارسی در بیان مفاهیم علمی و عقلی در اوایل قرن چهارم هجری رخ داد. در همین قرن بسیاری از کتابهای معتبر در علوم مختلف به زبان فارسی به نگارش درآمدند (صفا: ۱۳۷۴، ۱۲۵) زبان فارسی با ترجمه و تفسیر قرآن کریم و همچنین در نثر و شعر توسعه یافت و آثار علمی اعم از طب، نجوم، ریاضیات، جغرافیا، پزشکی و فلسفه و حکمت به زبان فارسی تألیف شد.

ترجمه تفسیر طبری، تفسیر قرآن پاک، لسان التّنزیل و تفسیر سوراآبادی از نمونه‌های مشهور و معروف این‌گونه تفاسیرند. در این قرن دانشمندان ایرانی آثاری نیز در علم طب به زبان فارسی تدوین نمودند، الابنیه عن حقایق الادویه تألیف ابومنصور هروی، المعالجات البقراطیه تألیف احمد بن محمد طبری، هدایه المتعلمین فی الطب اثر ابوبکر اجوینی بخاری از جمله آثار علمی هستند که در کمال رسایی و سادگی تألیف یافته‌اند.

از آغاز قرن پنجم هجری اساس تدوین علوم عقلی و فلسفی توسط متفکران و اندیشمندان برجسته ایرانی پی ریزی شد. آثاری چون شرح قصیده فلسفی ابوالهیثم توسط ابو سعید نیشابوری، کشف المحجوب ابو یعقوب سجستانی؛ آثار فلسفی و کلامی ناصر خسرو نظیر جامع حکمتین، زاد المسافرین، وجه دین، گشایش و رهایش، و خوان الاخوان و اثر مشهور ابو علی سینا دانش نامه علایی که در حکمت و فلسفه مشایی است. شیخ اشراق (۵۴۹-۵۸۷) یکی از برجسته ترین شخصیت‌های حکمی و معرفتی فرهنگ اسلامی- ایرانی است که با عبارات نظیر «حکماء الفرس، الفارسیون و الفلویون» به منشأ پارسی و ایرانی حکمت و فلسفه اشاره کرده، رساله‌هایی را نیز در این زمینه به فارسی تألیف نموده است که از حیث رسایی مطلب «دقت بیان، تنوع رموز و استعارات و سلاست و روانی سبک» (سهروردی: ۱۳۸۰، ۱۱) در نوع خود بی نظیر است. از قرن ششم به بعد نگارش متون حکمی و فلسفی با ظهور آثاری نظیر رسائل و مصنفات بابا افضل کاشانی و نیز دو اثر مشهور اخلاقی و حکمی اخلاق ناصری و اوصاف الاشراف خواجه نصیر طوسی به عنوان یک جریان فکری به یک سنت علمی تبدیل شد و تا روزگار معاصر ادامه یافت.

این جریان سنت علمی و عقلی، آثار ادب فارسی و متون عرفانی را نیز تحت تأثیر خود قرار داد و متون منشور و منظوم ادبی - عرفانی در موضوعات حکمی و اخلاقی از آن بهره گرفتند. آثار مهم نثر فارسی در عرفان نظیر کشف المحجوب هجویری، اسرارالتوحید ابوسعید، شرح تعرف مستملی بخاری، آثار خواجه عبدالله انصاری، ترجمه فارسی رساله قشیریّه، و تفسیر بزرگ عرفانی قرآن کریم، کشف الاسرار میبیدی و یک نمونه نادر مندرج در آن النوبه الثالثه که ویژه تفسیر عرفانی آیات قرآن کریم است با لحنی عاطفی و لطیف به زبان فارسی ساده و شیوا نگارش یافته و منسوب به خواجه عبدالله انصاری (م ۴۸۱) است. کیمیای سعادت و نصیحه الملوک محمد غزالی، تمهیدات و نامه‌های عین القضاة همدانی که همه به نوبه خود در توسعه و تبیین عقلی مفاهیم عرفان تأثیر قابل توجهی در آثار بعد از خود داشته‌اند. از این روی زبان فارسی، زبان مهم علمی و عقلی در جهان اسلام است که آثار حائز اهمیتی را از حیث تمدنی و تمدن سازی به جامعه جهانی عرضه کرده است.

در این میان یک نمونه برجسته ادبی دیگر نیز داریم که زبان ادبی و حکمی را توأمان به نحو مطلوب و فاخر داراست و در اوایل شکل گیری زبان علمی و ملی فارسی، نشانه‌های تمدنی و هویت ملی و دینی را در خود به صورت پویا و پایا حفظ کرده است.

این اثر گرانسگ، کتاب شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی است. حکیم فردوسی از شخصیت‌های بزرگ حکمت و ادب فارسی است که تحت تأثیر اندیشه های فکری و فلسفی اندیشمندان و حکمای روزگار خود بوده و مطالب مهم و فخیم معرفتی را به زبان فارسی و به صورت هنری در قالب شعر بسیار رسا، مفهوم و تأثیر گذار بر مخاطبان عرضه داشته است.

در واقع شاهنامه نمونه فاخری از یک زبان زنده علمی و ادبی است که فرهنگ، تمدن و هویت ملی مردم ایران زمین را در تاریخ جهان زنده نگه داشته است. در این نوشته به اختصار کارآمدی زبان فارسی را با استناد به این اثر گرانسگ در تبیین و حفظ اندیشه های حکمی، دینی، اخلاقی و ملی به اختصار بیان می کنیم:

در هستی شناسی حکمت اسلامی، جهان با علم، حکمت، اراده و مشیت الهی آفریده شده است و اگر لحظه ای عنایت الهی از آن قطع شود، نابود می گردد. نظام موجود نظام احسن و اکمل است. جهان به عدل و به حق برپاست. این جهان بینی که از ایمان حقیقی نشأت گرفته در آثار بزرگان ادب فارسی به طور گسترده انعکاس یافته و در شاهنامه به شیوه منطقی و علمی چنان که منطبق با نظر اهل حکمت، بیان شده است.

حکیم فردوسی در شاهنامه موارد و مصادیق حکمت نظری و حکمت عملی را به زبان ادبی و رسا تبیین کرده است. حکمت عملی دانش اخلاقی است که در امتداد حکمت نظری و برای تکمیل آن ایجاد شده است و اصلی ترین تفاوتش با حکمت نظری ارتباط آن با اراده و عمل انسان است. حکمت نظری صرفاً دانستن احکام است و چون با اراده انسان ارتباط ندارد، موضوع آن فقط شناخت است و عملی در آن صورت نمی گیرد، اما در حکمت عملی با شناخت موضوعها می توان به آن عمل کرد در واقع، موضوع آن فعل ارادی انسان است که در مسیر سعادت واقعی او قرار دارد.

فردوسی در حدود ۱۰۰ بیت از مقدمه شاهنامه را اختصاص داده به هستی شناسی توحیدی و حکیمانه ای که در آثار حکما و فیلسوفان قبل از خود، نظیر فارابی آمده است. فردوسی دانش عمیق و اندیشه ژرف خود را در درباره ذات باری تعالی و آفرینش هستی چنین بیان می دارد:

به نام خداوند جان و خرد	کزین برتر اندیشه برنگذرد
خداوند نام و خداوند جای	خداوند روزی ده رهنمای
ز نام و نشان و گمان برتر است	نگارنده بر شده گوهر است

«خرد» در اینجا نخستین مخلوق است که در فلسفه اسلامی از آن تحت عنوان عقل یاد می شود. عقل از این نگاه نیز نخستین مخلوق است و در تعریف آن گفته اند که جوهری مجرد است که در تصرف و عمل بی نیاز از ماده است. «جان» یعنی نفس که باز از اشرف مخلوقات است و معرفت آن نیز از اشرف معارف. در تعریف آن گفته اند، جوهری است مجرد که تصرف و عمل نیازمند ماده است و به واسطه بدن تدبیر امور می کند. به گفته فردوسی عقل نخستین آفریده است که نفس و تن را تحت حمایت خود دارد:

نخست آفرینش خرد را شناس
نگهبان جان است و آن سه پاس

فارابی می گوید، جان آدمی مثل آینه است و عقل صیقل و جلا دهنده آن. زنگار نفس با نور معرفت عقل زایل شده حقایق عالم بالا و اسرار جبروت برای جان آدمی آشکار می گردد و جان شگفتیهای عالم ملکوت اعلی آیات عظیم الهی را مشاهده می کند (فارابی، ۱۳۹۲: ۲۳۲)

فردوسی تعریف دیگری از عقل دارد که دقیقا بسان تعریفی است که افلاطون در کتاب «جمهور» از عقل به دست داده است:

خرد چشم جان است چون بنگری تو بی چشم شادان جهان نسپری

در کتاب جمهور نیز «خرد» به عنوان چشم جان تلقی شده که همان بصیرت و چشم باطنی انسان است و چشم سر برتر و تواناتر است و با آن می توان به خیر اعلی و شهود آن رسید (افلاطون، ۱۳۸۱: ۵۰۹).

فردوسی همچنین از شناخت ذات خداوند سخن گفته و بر آن است که انسان با همه توان ذاتیش یعنی با عقل و نفس که دو گوهر گرانها هستند، نمی تواند او را بشناسد. چون ذات باری تعالی دارای ماهیت نیست و جنس، فصل و نوع ندارد، از این روی تعریف و شناخت او برای انسان مقدور نیست نه از طریق جان یا خرد که حس باطنی و معنوی است و نه از طریق زبان و بیان که حس مادی و ظاهری است:

به بینندگان آفریننده را نبینی مرنجان دو بیننده را

نیابد بدو نیز اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه

بدین آلت رای و جان و زبان ستود آفریننده را کی توان؟

فارابی می گوید، واجب تعالی مانند ندارد، ضد ندارد، جزء ندارد. اما آنچه با حواس خود در می یابیم آیا واجب تعالی است؟ نه، اگر این صورت ذهنی را رها کنی این عین ادراک خداوند است (فارابی، ۱۳۲). به گفته فردوسی صورت های ذهنی که به واسطه گمان، وهم و اندیشه آدمی حاصل می شود نمی توان به معرفت ذات خداوند برسد: «ز نام و نشان و گمان برتر است» یا «در اندیشه سخته که گنجد او». بنابراین چون خداوند را آنچنان که شایسته اوست، نمی توان شناخت به شایستگی هم نمی توان ستود. از این روی چیستی و چگونگی در ذات باری تعالی راه ندارد و می بایست به یگانگی او ایمان آورد و فرمانبردار شد:

به هستیش باید که خستو شوی ز گفتار بیکار یکسو شوی

سخن هیچ بهتر ز توحید نیست به ناگفتن و گفتن ایزد یکی است

ز روز گذر کردن اندیشه کن پرستیدن دادگر پیشه کن

این نکته آغاز حکمت عملی است که انسان باید خردمندانه با آموختن دانش و عمل به احکام دین و با تخلق به فضایل اخلاقی راه رستگاری را طی کند:

تو را دانش و دین رهاند درست ره رستگاری بیاید جست

فردوسی در ادامه سخنانش آغاز آفرینش جهان و مردم و چگونگی صدور موجودات را به اشکال مختلف بیان داشته و در این بحث نیز منطبق با دیدگاه های هستی شناسی فلاسفه و حکمای اسلامی سخن گفته است. عقل، نخستین مخلوق، از واجب

الوجود صادر شده است البته بدون واسطه ماده، ابزار و زمان. به گفته فردوسی خداوند از «ناچیز، چیز آفرید». با آگاهی عقل اول نسبت به خود، عقل دوم و نفس سپهر یا فلک اقصی به وجود آمد و این روند تا عقل دهم (عقل فعال) و نفس فلک نهم، عطار پیش رفت. با تأثیر عقل فعال و افلاک بر جهان، گرما، سرما، آب و آتش تشکیل شد، سپس معادن، گیاهان، جانوران و در نهایت انسان با ترکیبی بهتر و شایسته تر پدید آمد که اشرف مخلوقات است و هدف از آفرینش هستی نیز خلقت انسان به کمال رسیدن او بود:

ز آغاز باید که دانی درست	سر مایه گوهرا ن از نخست
که یزدان ز ناچیز چیز آفرید	بدان تا توانایی آمد پدید
فلکها یک اندر دگر ساخته شد	بجنید چون کار پیوسته شد
چو زین بگذری مردم آمد پدید	شد این بندها را سراسر کلید
نخستین فطرت پسین شمار	تویی خویشان را به بازی مدار

فردوسی راه رهایی از نقص و رسیدن به کمال و رستگاری را دانش یا شناخت عقلی و پیروی از دین بیان کرده و انسانهای کامل و راهنمای اصلی برای رسیدن به کمال را پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت او معرفی نموده است:

تورا دانش و دین رهاند درست	ره رستگاری بیایدت جست
به گفتار پیغمبرت راه جوی	دل از تیرگیها بدین آب شوی
چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی	خداوند امر و خداوند نهی
که من شارسانم علیم در است	درست این سخن گفت پیغمبر است
اگر چشم داری به دیگر سرای	به نزد نبی و وصی گیر جا

البته این راه رسیدن به کمال و راهنمای این راه را قبل از فردوسی، فارابی فیلسوف برجسته سده های نخستین ایرانی در کتاب فصوص الحکم خود به شیوه و ترتیب علمی و منطقی در فص ۳۳ با عنوان «انسان جامع دو عالم خلق و امر» تبیین کرده است (رک. فارابی، ۱۳۹۲: ۱۷۶).

با این همه فردوسی در اثنای داستانهای شاهنامه باز دیدگاههای حکیمانه اش را از زبان شخصیت های برجسته داستان هایش، شخصیت هایی نظیر رستم، زال، اسفندیار، سیاوش و کیخسرو بیان می کند. او با طرح نظریه دفاع تمدنی با تکیه بر حکمت نظری و عملی، روح مقاومت، شجاعت، ایستادگی، عدالت را در کالبد جامعه و مردم روزگار خود با زبان فارسی روان جاری کرد. او در سراسر شاهنامه اثبات می کند که زبان ملی ایرانیان، توانمندی بیان مفاهیم علمی و عقلی را جهت ارتقاء سطح دانش و فرهنگ مردم در تمام روزگاران داراست:

پی افکندم از نظم کاخی بلند که از باد و باران نیابد گزند

-مرجعیت زبان فارسی در عصر جدید

مرجعیت علمی را می توان چنین تعریف کرد که، نخبگان جامعه بر اساس مبانی قوی و اصیل فکری و معرفتی، نظریه های جدیدی را برای جامعه بشری ارائه دهند که در نهایت به یک مدل نو و مطلوب در علم منجر شود. از آنجایی که این علم جدید می تواند مسائل انسان را اعم اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حل کند، این نوع علم، علمی پیشرو و مطلوب عموم انسانها و قابل صدق برای جوامع مختلف بشری خواهد بود. این نوع علم مرجعیت می یابد و با مطلوبیت ویژه مورد توجه قرار می گیرد و جهت بهره برداری از آن پیوسته به آن مراجعه خواهند کرد.

در مطالعات تاریخی هر تمدنی، رابطه زبان با مظاهر و دست آوردهای آن تمدن رابطه منطقی و عقلانی دارد. یعنی با رشد و پیشرفت فکری و فرهنگی یک جامعه، پیشرفتهای مدنی جدید (تکنولوژی) توسعه و رفاه اجتماعی نیز حاصل می شود و مردم در اثر برخورد با یافته های جدید تمدنی سعی در واژه سازی و نامگذاری برای این مظاهر نو پدید دارد. با عنایت به آنچه در باب مرجعیت علمی ایام گذشته گفته شد ما در آن دوران در مسائل علم، فن و صنعت پیشرو بودیم و در عصر جدید نیز بر ماست که این پیشرو بودن را در سطح بین الملل، با نوآوری های علمی و ارائه نظریه های جدید حفظ نماییم.

مقام معظم رهبری در مورد گسترش و مرجعیت علمی زبان فارسی می گوید: از پیشرفت علمی در کشور برای گسترش و نفوذ زبان فارسی استفاده شود. زبان خیلی مهم است برادران و خواهران عزیز! اهمیت زبان ملی یک کشور برای خیلی ها هنوز دانسته و شناخته نیست. زبان فارسی باید گسترش پیدا کند. باید نفوذ فرهنگی زبان فارسی در سطح جهان روزبه روز بیشتر شود. فارسی بنویسید، فارسی واژه سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید. کاری کنیم که در آینده، آن کسانی که از پیشرفتهای علمی کشور ما استفاده میکنند، ناچار شوند بروند زبان فارسی را یاد بگیرند. این افتخاری نیست که ما بگوئیم حتماً زبان علمی کشور ما فلان زبان خارجی است. زبان فارسی اینقدر ظرفیت و گنجایش دارد که دقیق ترین و ظریف ترین علوم و دانشها میتوانند با این زبان بیان شوند. ما زبان پُرظرفیتی داریم. کما اینکه بعضی از کشورهای اروپائی هم نگذاشتند زبان انگلیسی تبدیل شود به زبان علمی آنها - مثل فرانسه، مثل آلمان - اینها زبان خودشان را به عنوان زبان علمی در دانشگاههایشان حفظ کردند. مسئلهی زبان، مسئلهی بسیار مهمی است؛ واقعاً احتیاج دارد به این که حمیت به خرج دهید. یکی از اهتمامهایی که دولتهای آگاه و هوشیار در دنیا انجام میدهند، تکیه بر روی گسترش زبان ملی شان در دنیا است. متأسفانه با غفلت خیلی از کشورها، این کار اتفاق نیفتاده؛ حتی زبانهای بومی را، زبانهای اصلی بسیاری از ملتها را بکلی از بین برده یا تحت الشعاع قرار داده اند. بنده از پیش از انقلاب، از اینکه واژه های بیگانه بی دریغ در دست و زبان مردم ما به کار میرفت و به آنها افتخار میکردند - کأنه کسی اگر چنانچه یک مطلبی را با یک تعبیر فرنگی بیان کند، این را یک افتخاری میدانست - همیشه رنج میبرد؛ متأسفانه تا امروز هم این باقی است! خیلی از سنتهای غلط پیش از انقلاب، با انقلاب از بین رفت؛ این یکی متأسفانه از بین نرفت! یک عده ای کأنه افتخار میکنند که یک حقیقتی را، یک عنوانی را با یک واژهی فرنگی بیان کنند؛ در حالی که واژهی معادل فارسی برای آن عنوان وجود دارد،

دوست میدارند از تعبیرات غربی استفاده کنند؛ بعد حالا یواش یواش این دیگر به دامنه‌های گسترده‌ای در سطوح پائین و سطوح عوامانه هم رسیده، که واقعاً رنج‌آور است». (۱۵/۰۵/۱۳۹۲).

مرجعیت علمی را در سه سطح از حیث وسعت جغرافیایی می‌توان مد نظر قرار داد: مرجعیت منطقه‌ای، قاره‌ای و سطح جهانی. «مرجعیت، قرار گرفتن زبان فارسی به عنوان یکی از زبان‌های رایج علم یا رایج‌ترین آنهاست. در این بیان، نیازی نیست نظریه پردازان و اندیشه‌ورزان داخلی، نظریات خویش را به زبان انگلیسی یا زبانی دیگر، به نگارش دریاورند بلکه پیامد طبیعی و خودبخودی تولید و ارائه نظریات جدی در عرصه علم، این است که افراد متقاضی فراگرفتن تولیدات و فراورده‌های بدیع علمی، برای فهم آنها به یادگیری زبان اصلی آن نظریات، اقدام کنند». (قلی پور، ۱۳۹۹: ۶۷)

شیوه‌های ترویج زبان فارسی نیز در دو حوزه قابل تصور است: ۱- در حوزه فناوری و تولید محصولات بر اساس علم نو که هر چه را بر اساس دانش و تجربه تولید کردیم، بالطبع نام‌گذاری اصطلاحات فنی و خاص هر شعبه از دانش فناوری به زبان فارسی و منطبق با فرهنگ و ذوق و روحیه اجتماعی آن خواهد بود. در این صورت نه تنها وفوری از اصطلاحات و واژگان غربی را در نوشته‌های فارسی نخواهیم دید. بلکه مراجعه‌کنندگان به نوشته‌ها و تحقیقات علمی ما بار کاربرد این واژگان فارسی، زبان فارسی را در سطح بین‌الملل رواج خواهند داد و زبان و واژگان فارسی این چنین مرجعیت یافته و ترویج خواهد شد.

۲- نوآوری در حوزه علوم انسانی و تولید واژگان و اصطلاحات مختص به این علوم به زبان فارسی و منطبق با ذوق و فضای فرهنگی جامعه خواهد بود و دیگر از کاربرد واژگان بیگانه در علوم انسان‌نیز بی‌نیاز خواهیم بود. البته رسیدن به مرجعیت علمی در این زمینه خود مستلزم توجه به علوم انسانی اسلامی است که بر اساس منابع غنی پیشین تمدن اسلامی بوده و با ایمان حقیقی جهت‌دار شده و نافع برای رشد و رستگاری انسان شود. این علم نیز می‌بایست منجر به تولید نظریه‌های علمی جدید و پیشرو (بی‌نیاز از علوم انسانی بر ساخته غرب) و ساختارمند و بنیاد قوی ارائه شود و مورد استناد و مراجعه اهل علم در دنیا قرار گیرد. این امر نظریه‌دفاع تمدنی را محقق خواهد کرد و زبان فارسی با بنیاد قوی و مستحکم نه تنها از تمدن درخشان گذشته خود دفاع خواهد نمود بلکه با استفاده از نظریه‌های اندیشمندان پیشین نظریه‌های کارآمد جهانی و ماندگار ارائه خواهد نمود.

البته شایان ذکر است که بر اساس «مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام» زبان فارسی از حیث تولید کمی علم مدارج قابل توجه و تحسین برانگیزی را در جهان طی نموده است. پژوهشگران در سال‌های اخیر با انتشار نتایج پژوهشی خود در مجلات معتبر نمایه شده فارسی و نیز کنفرانس‌های علمی به زبان فارسی در پایگاه بین‌المللی اسکوپوس و نیز افزایش نمایه‌سازی مجلات فارسی زبان توانسته‌اند جایگاه و اهمیت زبان فارسی را نمایان‌تر سازند.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



آخرین بررسی انجام شده در پایگاه استنادی اسکوپوس نشان می دهد که مدارک منتشر شده و کمیت تولید علم به زبان فارسی در ۴۰ سال اخیر با افزایش ۱۴۰ برابری و متوسط رشد سالانه ۱۳ درصد، بالاترین میزان رشد در میان سایر زبان ها به عنوان زبان علمی داشته است و با ۲۳ پله ارتقا از رتبه ۳۸ به رتبه ۱۵ در میان سایر زبان های دنیا رسیده است. امید که از حیث کیفی و مرجعیت علمی در جهان نیز این مدارج و رتبه های برتر با زحمات ارزنده و شایسته اندیشمندان و دانشمندان فرهیخته میهن عزیزمان حاصل شود.

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبد الله، اهوانی، احمد فواد، مدکور، ابراهیم بیومی، حسین، طه، زاید، سعید، و عفیفی، ابوالعلاء. ۱۴۰۵. الشفاء: المنطق. ۴ ج. قم ایران: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
- افلاطون، (۱۳۸۱)، جمهور ترجمه فواد روحانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- خانلری، پرویز (۱۳۶۵): تاریخ زبان فارسی، انتشارات نشر نو، تهران.
- سهروردی، شهاب الدین یحیی (۱۳۸۰) تصحیح و تحشیه و مقدمه، سید حسین نصر، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۴) تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ضیمران، محمد (۱۳۷۹) ژاک دریدا و متافیزیک حضور، انتشارات هرمس، تهران.
- فارابی، ابونصر (۱۳۹۲) فصوص الحکم، سید علی طباطبایی، انتشارات مطبوعات دینی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۸) شاهنامه، به تصحیح ژول مل، با مقدمه محمدامین ریاحی، چاپ اول، انتشارات علمی، تهران.
- قلی پور حسین (۱۳۹۹) ساخت دانشگاه در افق مرجعیت علمی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۸۲) مثنوی معنوی، تصحیح رینولد ا. نیکلسون، انتشارات هرمس. تهران.

اهمیت و جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی با تکیه بر بیانات مقام معظم رهبری

محمد شکری - مظاهر احمدیان

چکیده

مسئله علم و علم‌آموزی مورد تأکید دین مبین اسلام بوده و آیات و روایات متعددی بر این مطلب اشاره کرده است. ارزش این امر تا حدی است که اولین سوره نازل‌شده بر پیامبر(ص) امر به خواندن دارد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به مسئله علم‌آموزی اهمیت ویژه‌ای داده شد و در اولین اقدام نهضت سوادآموزی تأسیس شد تا حداقل خواندن و نوشتن را به مردم بیاموزد تا مقدمات علمی تمدن نوین اسلامی پی‌ریزی شود. اما بعد از رستاخیز علمی که نزدیک دو دهه است که شروع شده با حمایت‌های نظام اسلامی، پیشرفت‌های زیادی در عرصه‌های مختلف به دست آمد، از جمله اینکه نرخ بی‌سوادی نزدیک به صفر شده است، آمار مقالات علمی چاپ‌شده بسیار بالا رفته، اختراعات علمی زیادی به دست آمده و مدال‌های مختلفی در عرصه بین‌الملل کسب‌شده است، مدارک علمی چند برابر شده و... در علوم مختلف روز از جمله، نانوفناوری، هسته‌ای، سلول‌های بنیادی و... پیشرفت‌های زیادی به دست آمده و جزء کشورهای برتر دنیا بشمار می‌رود و با کمک علم در عرصه‌های مختلفی مانند پزشکی، فنی مهندسی، نظامی و... نیز پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته و در سطح اول دنیا حرف‌هایی برای گفتن دارد، اما با وجود این همه پیشرفت هنوز با قله‌های علمی جهان فاصله زیادی دارد ولی برای رسیدن به آن هدف‌ها، باید تلاش و کوشش نخبگان و دانشمندان چند برابر شود، یاس و ناکارآمدی از کشور مخصوصاً جامعه علمی دور شده و همه جامعه علمی با امید به کار خود ادامه دهند، و موانع سر راه دانشمندان و نخبگان برطرف شود تا به امید خدا پله‌های ترقی سپری شده و به قله‌های رفیع علمی مدنظر مقام معظم رهبری همان تمدن نوین اسلامی دست پیدا کنیم. این مقاله که باروش تحلیلی توصیفی نوشته شده است در تلاش است تا ارزش و جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: علم، اسلام، تمدن نوین اسلامی، ارزش علم، بیانات رهبری

مقدمه

ارزش علم و عالم بر هیچ کس پوشیده نیست و دانشمندان همیشه در جوامع مختلف مورد تکریم قرار گرفته اند، اسلام نیز بعنوان دین کامل و جامع مسئله علم آموزی را مورد تاکید قرار داده و اهمیت ویژه ای بر این امر قائل شده است، و حتی در برخی موارد طلب علم را واجب دانسته است، نزول آیات متعدد در شان علم و علم آموزی از یک طرف و صدور روایات زیادی در شان عالم، ارزش والای علم را در اسلام دو چندان کرده است، این موارد ذکر شده بیانگر این است که علم یکی از شاخصه های اصلی تمدن مورد نظر اسلام است. ایران اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به این مسئله بصورت ویژه ای پرداخته تا بتواند خود را به قافله علمی جهان نزدیکتر کند. قافله ای که به دلیل کم کاری مسئولین دوران قاجار و پهلوی از قافله علمی جهان بسیار فاصله گرفته بود و عقب ماندگی ایران در این عرصه کاملاً محسوس بود، ولی سرعت علمی بالای ایران بعد از انقلاب کمی این عقب ماندگی را جبران کرده است و باعث شده است که ما در رتبه شانزدهم دنیا قرار بگیریم و سرعت علمی ما نسبت به متوسط جهانی دوازده برابر شود. البته همین سرعت بالا باعث شده است که ما در قسمتهای مختلف علمی پیشرفتهای زیادی داشته باشیم و قسمتی از عقب ماندگی خود را جبران کنیم تا جایی که الان در عرصه های بین الملل در علوم مختلف جزء کشورهای برتر به شمار می رویم ولی باید با تلاش شبانه روزی مسئولین جامعه علمی و با مدد الهی و رهنمودهای

مقام معظم رهبری پله های ترقی بسوی ساختن تمدن اسلامی سپری شده و جایگاه رفیعی برای ایران اسلامی در این تمدن رقم بخورد.

ارزش علم در اسلام

دین مبین اسلام به مسئله علم و علم آموزی اهمیت ویژه ای قائل شده است و در قرآن و روایات نیز بر این مطلب تاکید فراوانی شده است، این امر از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند در اولین سوره ای که بر نبی مکرم اسلام حضرت محمد(ص) نازل می کند به ایشان دستور به خواندن می دهد «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق آیه ۱) بخوان به نام پروردگارت که آفرینش را آغاز کرد.

اولین توصیه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب که گام تمدن ساز است، توصیه به علم و پژوهش است که آن را آشکار ترین وسیله عزت و قدرت یک کشور معرفی می کند (ر.ک. بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری).

علم در لغت به معنی دانستن، آگاهی، و شناخت است. «علم، یعلم، علما، نقیض الجهل» (الفراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۲۲۱). در تعریف اصطلاحی علم هم آمده است: «هو الاعتقاد الجازم مطابق للواقع و قال الحكماء هو حصول صورة الشيء فی العقل» (جرجانی، میر شریف، ۱۴۱۲، ص ۶۷) علم همان اعتقاد جازم مطابق با واقع است حکماء در این باره گفته اند: علم حصول حصول چیزی در نزد عقل است.

با توجه به اهمیت تعلیم و تعلم در اسلام و وجود آیات و روایات فراوان در این مورد لازم است به چند مورد از آیات و روایات در ارزش و جایگاه والای علم اشاره شود:

علم در قرآن:

آیات فراوانی در مورد علم از طرف خداوند نازل شده است که بیانگر اهمیت این موضوع نزد خداوند متعال است، که به اختصار به چند مورد از آنها اشاره می شود: خداوند در آیه ۱۱ سوره مبارکه مجادله می فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله آیه ۱۱) خداوند کسانی را که ایمان آوردند و کسانی را که به آنها علم داده شده درجات عظیمی می بخشد. این آیه شریفه دلالت بر این مطلب دارد که عالمان نزد خداوند ارزش و درجات والایی دارند که این درجه را خداوند به خاطر علم به عالم عنایت فرموده است.

مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج نقل می کند؛ در زمان امام هادی(ع) یکی از فقهاء شیعه که در بحث با یک ناصبی منحرف، بر او غلبه کرده و حقانیت خود را بر او ثابت کرده بود وارد مجلسی شده که در آن مجلس علویون و بنی هاشم حضور داشتند، امام هادی(ع) آن فقیه را در بهترین جای مجلس نشاند، این احترام امام بر علویون و بنی هاشم بسیار گران آمد و بزرگ مجلس زبان به اعتراض گشود و عرض کرد: چرا این فرد را بر ما برتری دادی؟ امام (ع) فرمود: آیا بر داوری قرآن راضی هستید؟ عرض کردند بله. حضرت این آیه را تلاوت فرمودن: ارزش این شخص به خاطر بحث علمی و غلبه بر آن ناصبی از هر شرف

و نسبی بیشتر است سپس این آیه را تلاوت کردند: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (طبرسی، ۱۳۸۶، ترجمه مازندرانی، ج ۴، ص ۲۳۵).

این ارزش و احترام امام و استناد به این آیه شریفه نه بخاطر خود آن شخص است بلکه این مقام والا نزد خدا و امام بخاطر علم نافع که جامعه و تمدن ساز آن شخص است.

۲. خداوند در جای دیگر در قرآن کریم بر برتری عالم اشاره کرده و می فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر آیه ۹) بگو آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند برابرنند؟ امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه فرموده اند: «کسانی که می دانند ما هستیم و کسانی که نمی دانند دشمنان ما هستند و شیعیان ما خردمندان اند» (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۱۲) شاید منظور از این روایت این باشد که تمام علوم نزد ائمه (ع) هست و برای عالم شدن و دانستن مجهولات باید به ائمه رجوع کرد تا دانش خود را افزایش داد؛ و ائمه که مفسر دین کامل اسلام هستند باید زیر ساختهای تمدن اسلامی را به مسلمانان ارزانی بدارند.

۳. خداوند در آیه دیگر می فرماید: از اهل ذکر سوال کنید: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل، آیه ۴۳) اگر نمی دانید از اهل ذکر سوال کنید. امام علی (ع) می فرماید: اصل ایمان علم است و خداوند برای علم اهلی را معین کرده است که مردم را به اطاعت و سوال از آنها (اهل علم) دعوت کرده و فرموده است: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۸۰). سوال کردن مقدمه بر فهم و علم نافع و علم نافع نیز تمدن ایجاد می کند.

مطابق فرمایش امیر المومنین اهل علم مقام بالایی نسبت به سایرین دارد که مردم موظف به اطاعت از آنها هستند. البته این آیه را می توان از دو جهت بررسی کرد: الف) مقام بالای صاحبان علم و برتری آنها نسبت به سایر مردم به صورتی که کسانی که نمی دانند باید به آنها مراجعه کنند. (این مسئله در تمام علوم صادق است و هر کس در هر علمی که دارد نسبت به سایر مردم در آن علم برتری دارد) ب) تشویق به یادگیری و مراجعه به اهل علم به منظور فراگیری علم و عالم شدن.

علم در روایات:

برای علم آموزی در روایات ائمه نیز تاکید فراوانی شده است که به چند مورد از آنها اشاره می شود.

۱. پیامبر اسلام حضرت محمد(ص): «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ إِلَّا أَنْ يَحِبَّ بَغَاهُ الْعِلْمُ» (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۰) علم آموزی بر هر مسلمانی واجب است، همانا خداوند علم آموزان را دوست دارد. این روایت چنان ارزشی بر علم قائل شده است که طلب آن را بر هر مسلمان واجب دانسته است البته طبق نظر مراجع اعظام نیز طلب علم واجب کفایی بوده و در هر زمینه ای باید عده ای از مردم به علم و پژوهش بپردازد. (ر.ک. پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR) شاکله اصلی تمدن ها، جوامع انسانی آگاه و عالم است. اسلام هم اگر خواهد تمدنی داشته باشد باید جامعه خود را علمی بار بیاورد و حتی کل افراد جامعه باید نسبتی از علم لازم را دارا باشند که تمدن اسلامی شکل بگیرد.

۲. امیر المومنین(ع) در باره فضیلت علم فرموده اند: «ایها الناس اعلموا ان کمال الدین طلب العلم و العمل به و الا ان طلب العلم اوجب من طلب المال» (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۰) ای مردم بدانید که کمال دین در آموختن علم و عمل به آن است، آگاه باشید که علم آموزی از کسب مال بر شما واجب تر است. در این روایت ارزش علم به حدی است که امیر المومنین کمال دین (یعنی همان تمدن اسلامی) را در علم و عمل به آن می داند و حتی طلب علم را از طلب مال واجب تر معرفی می کند که نشان از ضرورت علم در ساختن تمدن دارد.

۳. در روایت دیگر از امام علی(ع) آمده است: «الحکمه ضاله المومن فخذ الحکمه ولو من اهل النفاق» (سیدرضی، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۲۵۰) دانش گمشده مومن است پس دانش بیاموز گر چه از غیر مسلمان باشد. ارزش علم آموزی به حدی است که یادگیری آن از غیر مسلمان هم اشکالی ندارد این یعنی اینکه در یادگیری علم هیچ بهانه ای قابل قبول نیست اگر از مسلمان نمی توانی یاد بگیری، یادگیری از منافق هم اشکالی ندارد یعنی یاد بگیر به هر نحو ممکن. پیامبر گرامی اسلام(ع) نیز در این باره فرموده اند: «اطلبوا العلم ولو بالصین» (محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۲) یعنی اینکه حتی اگر در طلب علم مجبور شوی به دور ترین کشور ها هم سفر کنی طلب علم کن و دنبال علم برو. این به این معناست که علم سلطان است و کسی که سلطه داشته باشد می تواند تمدن مخصوص خود را ایجاد کند.

۴. امام باقر(ع): «عالم یتتبع بعلمه افضل من سبعین الفا عابد» (مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۱۶۸) عالمی که از علمش استفاده شود بهتر از هفتاد هزار عابد است. مسئله مهم در این روایت جمله «یتتبع بعلمه» است، یعنی جامعه و آحاد مردم از این علم استفاده کنند و پیشرفت و شکوفایی به جامعه بیاد و رشد جامعه و شکوفایی آن بستری می باشد که تمدن اسلامی در آن شکل بگیرد.

۵. امیر المومنین علی(ع) می فرمایند: «العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸-۱۳۸۳، ج ۲۰، ص ۳۱۹) علم سلطان و اقتدار است هرکس آن را داشته باشد می تواند به مقاصد خود دست یابد و هرکس این اقتدار را نداشته باشد بسوی او یورش می برند. لازم لاینفک تمدن اقتدار و سلطه بر هر چیز است که آن هم با علم حاصل می شود.

مقام معظم رهبری در تفسیر این روایت فرموده اند: «باید علم پیدا کنید، علم که پیدا کردید پنجه قوی پیدا خواهید کرد، اگر علم نداشته باشید کسانی که دارای پنجه قوی هستند شما را می پیچانند، جوان هایتان را به علم تشویق کنید، این کار ممکن است ما در ایران این کار را کردیم، ما قبل از انقلاب در ردیفهای آخر علم دنیا قرار داشتیم که هیچ نگاهی به طرف ما جلب نمی شد امروز به برکت انقلاب، به برکت اسلام، به برکت شریعت، کسانی که در دنیا ارزیابی می کنند، گفتند و در دنیا منتشر شده که ایران امروز از لحاظ علمی در رتبه شانزدهم دنیاست. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۹/۲۱)

«نقطه قوت دیگر پیشرفت علمی، عزیزان من! پیشرفت علمی را دست کم نگیرید، این پیشرفت خیلی مهم است، علم پایه پیشرفت همه جانبه یک کشور است، این حدیث را یک وقتی می خواندم «العلم سلطان» علم اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشته باشد می تواند به همه مقاصد خود دست پیدا کند. این مستکبران جهانی به برکت علمی که به آن دست پیدا کرده اند

توانستند به همه دنیا زور بگویند البته ما زور نخواهیم گفت اما علم برای ما به عنوان یک پیشرفت حتما لازم است.» (بیانات مقام معظم رهبری ۱۴/۱۱/۱۳۹۰).

ایشان در جای دیگر فرموده اند: «این علم یک وقت منتهی به یک فناوری خواهد شد، یک وقت هم نخواهد شد. خود دانش مایه اقتدار است، ثروت آفرین است، قدرت نظامی آفرین است، قدرت سیاسی آفرین است، یک روایت هم هست که می فرماید: العلم سلطان - علم قدرت است - «من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه» یعنی مسئله دو طرف دارد اگر علم داشتید می توانید سخن برتر را بگویید دست برتر داشته باشید، صال یعنی این، اگر نداشتید حالت میانه ندارد «صیل علیه» پس کسی که علم دارد، دست برتر بر شما خواهد داشت. (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳/۱۱/۱۳۸۸).

با توجه به آیات و روایات روشن می شود که دین مبین اسلام ارزش والا و جایگاه رفیعی برای علم و علم آموزی در تمدن سازی قرار داده است و ارزش علم و عالم نزد خداوند هم بسیار بالا می باشد و البته پیشرفت هر کشور و جامعه ای در گرو پیشرفت علمی آن جامعه است، یعنی عالمان و دانشمندان یک کشور هستند که پیشرفت یک جامعه را در سایه آن علمی که آموخته اند برعهده دارند، هر قدر در یک جامعه به علم و عالم ارزش بدهند به پیشرفتهای زیادی دست خواهند یافت بخاطر اینکه علم قدرت و اقتدار است هر که این قدرت و اقتدار را داشته باشد به هر چه بخواهد می رسد. البته رستگاری دنیوی و اخروی یک جامعه در گرو دست یافتن به علوم و فناوری های روز دنیاست، در هر زمانی به مقتضای آن زمان علوم و فناوری های مختلفی وجود دارد که هر کشوری نیاز مبرم به آن علوم دارد و دست یابی به آن علوم باعث بی نیازی جامعه از کشورهای بیگانه خواهد شد. پس قدرت و اقتدار یک کشور در همه زمینه ها وابسته به علم آن جامعه است و بدون علم پیشرفت امکان نخواهد داشت.

جایگاه علم در نظام جمهوری اسلامی:

نظام مقدس جمهوری اسلامی که جزء مراحل تشکیل تمدن نوین اسلامی است از زمان پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به مسئله علم پرداخته سعی کرده است در حد توان مردم کشور را بسوی یاد گیری علوم در عرصه های مختلف سوق دهند و مردم را تشویق به علم آموزی کرده است. حضرت امام خمی (ره) در باره لزوم علم آموزی فرموده اند: «با اراده و عزم راسخ خود، به طرف علم و عمل و کسب دانش و بینش حرکت نمائید، که زندگی زیر چتر علم و آگاهی آنقدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته آنقدر خاطره آفرین و پایدار است که همه تلخی ها و ناکامی های دیگر را از یاد می برد، بشریت به همه پیشرفت هایش در علوم و فنون هنوز در گهواره طفولیت است تا رسیدن به بلوغ کامل راه طولانی در پیش است.» (موسوی خمینی، ج ۲۱، ص ۱۳۸)

مقام معظم رهبری نیز می فرمایند: «اگر از لحاظ علم پیشرفت نکنیم تهدیدات دشمنان تمدنی ما و دشمنان فرهنگی و سیاسی ما تهدیدات دائمی خواهد بود، آن وقت این تهدید متوقف می شود یا خطرش کم می شود که ما از لحاظ علمی پیشرفت کنیم.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان، ۲۵/۷/۱۳۹۷) پس پیشرفت کشور در گرو پیشرفت علمی خواهد بود و برای

مقابله با تهدیدات دشمن باید قدرت علمی خود را افزایش دهیم تا در هیچ تهدیدی و تحریمی نتواند در کشور تاثیر آنچنانی داشته باشد.

پیشرفتهای علمی بعد از انقلاب اسلامی:

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران حکومت قاجارها و پهلوی ها ما به لحاظ علمی از دنیا بسیار عقب ماندیم، همانطور که رهبر معظم انقلاب نیز در بیانیه گام دوم انقلاب به این مطلب اشاره کرده فرمودند: «در دوره قاجار و پهلوی، هنگامی که مسابقه علمی دنیا تازه شروع شده بود، عقب ماندگی شرم آور علمی ضربه های سختی بر ما وارد آورد و از این کاروان شتابان، فرسنگ ها عقب ماندیم. این عقب ماندگی در حدی بود که اکثریت افراد جامعه حتی از نعمت خواندن و نوشتن نیز محروم بودند، امام خمینی در این زمینه فرموده اند: «اکثر افراد جامعه ما از نعمت خواندن و نوشتن برخوردار نیستند چه رسد به آموزش عالی» (موسوی خمینی، ج ۱۱، ص ۴۴۶) به همین خاطر بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۷ دی ماه ۱۳۵۸ به دستور حضرت امام خمینی (ره) نهضت سواد آموزی تاسیس شد تا بسیج همگانی برای مبارزه با بی سوادی در کشور راه اندازی شود، حضرت امام در پیامی به مناسبت تاسیس نهضت سواد آموزی می فرماید: «ملت شریف ایران، از جمله نیاز های اولیه برای هر ملت در ردیف بهداشت و مسکن، بلکه مهمتر از آنها آموزش بر همگان است ... اکثر افراد کشور ما از نعمت خواندن و نوشتن برخوردار نیستند چه رسد به آموزش عالی، مایه بسی خجلت است که در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلام زندگی می کند که طلب علم را فریضه دانسته است، از نوشتن و خواندن محروم باشند» (موسوی خمینی، ج ۱۱، ص ۴۴۶). مردم ایران و به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی مردم به سمت علم سوق داده شدند، و با سرعت بسیار بالایی پله های ترقی را یکی پس از دیگری سپری کرده و یک رستاخیز علمی در کشور به راه انداختند، چنانچه مقام معظم رهبری فرموده اند: «نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده است و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیر کننده بود- یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان- به پیش رفته است، دست آورهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانده است و مایه شگفتی ناظران جهانی شده است و در برخی از رشته های حساس و نوپدید به رتبه نخست دنیا ارتقاء داد. همه و همه در حالی اتفاق افتاده است که کشور دچار تحریم مالی و علمی بوده است. (مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب). این پیشرفت ها و افتخارات در حالی بدست آمده است که قبل از انقلاب نزدیک به ۷۰ درصد بزرگسالان بی سواد بودند و کمتر از ۴۰ درصد کودکان می توانستند به مدرسه بروند، اکنون رقم باسوادی در کشور به عدد ۱۰۰ درصد نزدیک می شود و نزدیک به دو درصد دانشمندان جهان را جوانان ایرانی تشکیل می دهند. (خبرگزاری علم و فناوری، دست آوردهای علمی چهل ساله انقلاب اسلامی ایران) با یک مقایسه ساده قبل و بعد انقلاب ارزش علم در نظام جمهوری اسلامی روشن می شود، و معلوم می شود که جمهوری اسلامی به علم آموزی مطابق نظر دین مبین اسلام ارزش والایی قائل شده است. نرخ سواد از ۴۷ درصد سال ۱۳۵۵ به ۹۳ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است، پوشش متقاضیان تحصیل در دوره متوسطه از ۲۳ درصد به ۸۵ درصد رسیده است. جمعیت دارای تحصیلات عالی از ۳۱۰۰۰۰ نفر

به ۵۴۷۵۰۰ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است. تعداد دانشجویان دکتری تخصصی با رشد ۶۰ برابری از ۹۴۵۸ نفر به ۵۸۰۶۳۸ نفر افزایش داشته است. در سال ۱۳۵۵ رشد علمی ایران ۵۲ جهان بود که در سال ۱۳۹۰ به رتبه ۱۷ جهان رسیده است. (خبرگزاری علم و فناوری، دست آوردهای علمی چهل ساله انقلاب اسلامی ایران).

در طول ۴۰ سال پس از انقلاب، جایگاه ایران در آموزش، گستردگی تحصیلات تکمیلی، پژوهش و فناوری، و تولید علم با یک جهش روبرو بوده است، طی ۲۰ سال اخیر مدارک و مقالات علمی ثبت شده توسط پژوهشگران کشور از ۹۳۸ مدرک در سال ۱۳۷۶ به ۴۹ هزار و ۶۹۶ مدرک در پایان سال ۱۳۹۶ رسیده است این عدد، افزایش بیش از پنجاه برابری را نشان می دهد، همچنین با کسب جایگاه ۱۶ در فهرست تولید کنندگان علم جهان با رشد سالانه ۲۲ درصد طی دهه های اخیر به بزرگترین جهش علمی جهان در حوزه علوم فنی و مهندسی دست یافته است. همچنین در برخی رشته های علمی مانند فناوری زیستی و نانو تکنولوژی در رتبه تک رقمی ۷ و ۹ قرار داریم. (خبرگزاری تابناک، وضعیت تولید علم و جایگاه دانشگاهها در چهل سال گذشته).

تولید مقالات علمی:

در دوره پیش از انقلاب اسلامی، مقالات علمی به زبان فارسی و غیر فارسی در دانشگاههای بزرگ کشور معمول بوده است اما آماري که سایت تامسون رويترز (ISI) از میزان تولیدات علمی در این زمان ارائه می دهد بسیار ناچیز است، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وضعیت تولید علم در اثر وقوع جنگ تحمیلی و مشکلات ناشی از آن به شدت روبه کاهش گذاشت (اسکروچی، محمد حسن زاده، گوهری، جمشیدی ۱۳۸۸، ستوده، ۲۰۱۲، علیجانی و کرمی ۱۳۸۸) به نحوی که رشد منفی در تولید علمی در این دهه گزارش شده است (ستوده ۲۰۱۲) اما پس از پایان جنگ تحمیلی به تدریج با فعالیت دانشگاهها و همچنین تاسیس مراکز آموزش عالی جدید و موسسات تحقیقاتی به ویژه وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سامان بخشیدن به نشریات علمی بر روی هم موجبات افزایش تولیدات علمی ایران را فراهم آورد، سال ۱۳۷۷ را می توان نقطه عطفی برای تولیدات علمی ایران بشمار آورد چرا که برای اولین بار آمار تولیدات علمی از مرز ۱۰۰۰ مقاله گذشت و در طی سالهای ۱۳۷۷-۱۳۸۰ تعداد مقالات علمی ایران به ترتیب ۱۲۲۶-۱۰۳۴-۱۷۴۶ بوده است (همان) (مروتی اردکانی، مرضیه، تابع بردبار، هاجر ۱۳۹۴)

و اکنون ایران در رتبه اول علمی (تعداد مقالات) در منطقه و رتبه شانزدهم را در جهان کسب کرده است. این در حالی است که ایران قبل از انقلاب اسلامی در رتبه بندی مجلات بین المللی (ISI) هیچ جایگاهی نداشت. بنابراین سهم ایران در تولید علم از یک درصد در سال ۱۳۵۷ به ۸۷ درصد رسیده است یعنی افزایش ۱۸۰ برابری ایران در تولید علم، رشد ۵۵ برابری آمار تولید مقاله توسط محققان ایرانی طی سالیان بعد از پیروزی انقلاب نشان دهنده رشد چشم گیر علم در دوران بعد انقلاب است. (کیهان، ۲۲، ۱۳۹۸/۱۱، روایت چهاردهه پیشرفت در عرصه علم و فناوری).

رشد روز افزون و حضور فعال ایران در عرصه علمی به قدری با سرعت و چشم گیر است که تاکنون ۲۶۱۹۶ اختراع علمی از سوی دانش پژوهان جوان ایرانی به ثبت رسیده است که با کسب ۳۶۲ مدال علمی در المپیادهای مهم جهان همراه بوده است. بر این اساس طبق یافته های مرکز علم سنجی بین المللی، رشد علمی ایران با معیار جهانی تنها طی ۱۲ سال به ۱۸ برابر رسیده است و از این جهت ایران سریع ترین رشد علمی را در میان کشورهای جهان داشته است. (کیهان، ۱۳۹۸/۱۱/۲۲، روایت چهاردهه پیشرفت در عرصه علم ودانش)

فناوری نانو:

نانو تکنولوژی مطالعه ذرات در مقیاس اتمی برای کنترل آنهاست، هدف اصلی اکثر تحقیقات نانو تکنولوژی شکل دهی ترکیبات جدید یا ایجاد تغییرات در مواد جدید است.

علم نانو تحولات بزرگی در جهان ایجاد کرده است و در ایران این نوع علم از جایگاه خوبی برخوردار است. با توجه به حوزه های کاربردی نانو از قبیل تولید و انباشت دارو، تشخیص بیماری ها، سم زدایی از آب، افزایش بهره وری از کشاورزی، انباشت و نگهداری محصولات کشاورزی و مواد غذایی، کنترل آفات و سالم سازی هوا، در آینده این دستاورد در زندگی مردم قابل لمس خواهد بود در حال حاضر ۳۳۰ قلم محصول در حوزه فناوری نانو تولید شده است که این محصولات به ۱۵ کشور صادر می شود. (کیهان، ۱۳۹۸/۱۱/۲۲، روایت چهار دهه پیشرفت در عرصه علم و دانش).

مقالات در حوزه نانو: در سال ۲۰۱۵ میلادی ۶۶۹۰ مقاله مرتبط با فناوری نانو توسط محققان ایرانی به ثبت رسیده است ولی این مقالات در سال ۲۰۱۸ میلادی ۱۰۱۳۸ مقاله مرتبط با فناوری نانو توسط محققان ایرانی به ثبت رسیده است که معادل ۵/۸۵ درصد کل مقالات نانو منتشر شده در سال ۲۰۱۸ است. ایران با این سهم از انتشارات نانو در رتبه چهارم دنیا قرار گرفت. در حوزه اختراعات نانو؛ تعداد اختراعات نانو فناوری ایران تا پایان سال ۲۰۱۸ میلادی مجموعاً ۲۳۹ اختراع مرتبط با فناوری نانو در دفتر ثبت پتنت آمریکا و اروپا منتشر کرده است و در حال حاضر ۲۱۲ شرکت صنعتی دانش بنیان در زمینه نانو در کشور فعال هستند. (خبرگزاری صبح نو)

مقام معظم رهبری درباره فناوری نانو فرموده اند: خوشبختانه مسئله فناوری نانو تجربه موفقی است برای کشور ما، مهم این است که شما ببینید عوامل این پیشرفت چه بوده است، این عوامل را بایستی نگه دارید، وجود برنامه خوب، ثبات در مدیریت، اهتمام به فرهنگ سازی و گفتمان سازی. این مسئله هدایت کار به سمت بازار و ثروت که در این گزارشها ملاحظه کردم، خیلی مهم است، یعنی کاری بشود که این شرکت های دانش بنیان به معنای واقعی کلمه بتوانند از این محصول (نانو) استفاده کنند، از این فکر استفاده کنند این موجب می شود کار علمی شما و تحقیقات شما در محیط زندگی مردم تاثیر خود را نشان بدهد. این تضمین پیشرفت کار شماست ان شاءالله. (بیانات مقام معظم رهبری در بازدید از نمایشگاه پیشرفت فناوری نانو در حسینیه امام خمینی بهمن ۱۳۹۳)

از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ که در دوران ثبات توسعه و بازسازی کشور و اجرای برنامه های پنج ساله، سبب توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در ایران شد و همزمان با سرمایه گذاری بیشتر در امر تحقیقات و پژوهش توسعه علمی ایران با سیر صعودی با شیب بسیار تند افزایش یافت (معین ۱۳۸۳، ستوده ۲۰۱۲) افزایش مشارکت ایران در تولید علم جهان بر اساس نمایه های وب آوساینس به طور جدی از سال ۲۰۰۰ آغاز شد به گونه ای که در بخش علوم پایه از مشارکت ۱۴ درصدی در تولید علم در سال ۲۰۰۰ به مشارکت ۳۶ درصدی در سال ۲۰۰۴ و در حوزه علوم اجتماعی از مشارکت ناچیز ۳ صدم درصد در سال ۲۰۰۰ به مشارکت ۸ درصد ارتقاء یافت. (صبوری، پور ساسان ۱۳۸۳)

در مقایسه رتبه کشورها به لحاظ تولیدات علم نیز سرانه تولید علم کشور در سال ۲۰۰۳ رتبه ایران در بین پنجاه کشور اول جهان ۴۲ بوده و متوسط تعداد ارجاعات به مقالات ایران ۳ بود این در حالی بود که سال ۱۹۹۳ رتبه ۵۵ را در جهان داشت و در این سال به لحاظ سرعت رشد تولید علم رتبه اول را در جهان کسب کرد. (موسوی ۱۳۸۳) در سال ۲۰۰۴ ایران در بین کشورهای مسلمان جهان رتبه نخست را کسب کرد و ضریب تاثیر مجلاتی که مقالات ایرانیان در آن چاپ شده بود، بیش از متوسط جهانی بود. (صبوری، پور ساسان، ۱۳۸۳) در اوایل سال ۲۰۰۵ شمار تولیدات رشته های بیوشیمی، بیولوژی، و مواد افزایش چشمگیری یافت. (موسوی ۱۳۸۴) میزان مشارکت ایران در سال ۲۰۰۸ نسبت به سالهای قبل ۲۰ درصد افزایش یافته بطوری که از ۶۲ درصد به ۸۲ درصد رسیده است و تعداد مقالات نمایه شده ایران نسبت به سال قبل ۵۰ درصد افزایش یافته است. (صبوری ۱۳۸۷).

بررسی تولید علم در حوزه های مختلف نشان می دهد که علوم زیست پزشکی ایران در سال ۲۰۰۳ از مجموع ۱۱۵۷ مقاله نمایه شده در پایگاه مدلاین اکسیر بتامدیکا حوزه های موضوعی شیمی، بیوشیمی و دارو شناسی بیشترین مقالات علمی را داشته اند، تعداد مقالات علمی تولید شده در ISI در سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ برابر با ۱۳۱۷۵۵ مقاله می باشد که در مقایسه با ده سال پیش از انقلاب تفاوت چشمگیری کرده است که همگی گواه بر عزم علمی در جهت پیشرفت ویژه این انقلاب است. (مروتی اردکانی، مرضیه، تابع بردبار، هاجر)

انرژی هسته ای:

«پیشرفت و دست آوردهایی که تا به امروز به دست آمده اند در واقع بشارت و مژده ای برای ملت ایران است که می توانند راههای منتهی به قله های رفیع علم و فناوری را ببینند، بنابر این حرکت علمی هسته ای به هیچ وجه نباید متوقف یا حتی کند شود» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مدیران و متخصصان سازمان انرژی هسته ای، ۲۰/۱/۱۳۹۳).

شتاب و شیب حرکت رو به بالای توسعه دانش و فناوری هسته ای در کشور ما طی سالهای اخیر، چنان سریع و تند بوده که امروز ایران توانسته است جایگاه در خور توجه و قابل اعتنایی در میان کشورهای صاحب تکنولوژی هسته ای، برای خود فراهم کند، جایگاهی که متاثر از تلاش بی وقفه مدرسان، محققان و دانشمندان کشورمان است. این تلاش اکنون ما را به توانمندی های کارآمد در حوزه ای مختلف این دانش از جمله حوزه های پزشکی، کشاورزی، صنعت و... مجهز کرده است.

۲۰ فروردین ۱۳۸۵ ایران به فناوری غنی سازی اورانیوم و راه اندازی یک زنجیره کامل غنی سازی در نطنز دست یافت، ایران به لحاظ زمان دست یابی به انرژی صلح آمیز هسته ای یکی از دست آوردهای بزرگ انقلاب اسلامی است. پیشرفت های هسته ای ایران آنقدر چشم گیر بوده است که وحشت غرب را به دنبال داشت. جمهوری اسلامی ایران به رغم همه تحریم ها و تهدیدات، با تلاش و مجاهدت های جوانان و متخصصین خود به چرخه سوخت هسته ای دست یافته است و از نظر دانش علمی و فناوری در این عرصه در ردیف ۷-۸ کشورهای پیشرفته جهان قرار دارد. (خبرگزاری صدا و سیما، مروری بر دست آوردهای جمهوری اسلامی ایران در زمینه فناوری هسته ای). البته دست یابی به این دانش بسیار ارزشمند برای جمهوری اسلامی با از دست دادن چندی از دانشمندان هسته ای همراه بود و دانش هسته ای شهدایی را در این مسیر تقدیم انقلاب کرده است. در یک سلسله ترور های هدفمند علیه دانشمندان هسته ای ایران طی سالهای ۱۳۸۸-۱۳۹۰ شهید مجید شهریاری، شهید مصطفی احمدی روشن، شهید مسعود علی محمدی و شهید داریوش رضایی نژاد به مقام رفیع شهادت نائل آمدند. البته این ترورها نتوانست جلوی پیشرفت هسته ای ایران اسلامی را بگیرد و به برکت خون این عزیزان صنعت هسته ای ایران پله های ترقی را سپری کرده و به امید خدا با تلاش دانشمندان هسته ای به قله های پیشرفت خواه رسید.

سلولهای بنیادی: سلولهای بنیادی سلولهای اولیه ای هستند که توانایی تبدیل و تمایز به انواع مختلف سلولهای انسانی را دارند و از آن می توان در تولید سلولها و نهایتا بافتهای مختلف در بدن انسان استفاده کرد. بیش از ۱۲۰ شرکت ایرانی در حوزه سلولهای بنیادی کار می کنند و با پیشرفت حاصل شده در عرصه تولید سلولهای بنیادی جنینی علم شبیه سازی در ایران به دانش بومی تبدیل شده است و شبیه سازی حیواناتی چون بز، گوسفند و گوساله در سالهای اخیر باعث شده ایران در زمینه سلولهای در جمع کشورهای مطرح در این زمینه قرار گیرد.

امروز با گذشت چهار دهه از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی پیشرفت های چشمگیری در حوزه علم و فناوری صورت گرفته است و جهشی بزرگ در حوزه علم و فناوری و پژوهش در کشور ایجاد شده است (هاشمی، سید مهرداد، موفقیت های ایران در عرصه دانش های برتر)

پرفسور مجید سمعی برترین جراح مغز و اعصاب جهان و رئیس مرکز جراحی نور ساینس هانوفر آلمان در زمینه جایگاه دانشمندان ایرانی در جهان می گوید: «انشمندان ایرانی در عرصه های مختلف علمی مشهور هستند و آینده بسیار روشنی برای قشر تحصیل کرده ایران وجود دارد.» (هاشمی، سید مهرداد، موفقیت های ایران در عرصه دانش های برتر).

رهبر معظم انقلاب در این باره فرموده اند: «تلاش استعمار گران برای تحقیر ملت ایران و وجود احساس ناتوانی و حقارت در جامعه ایران در قرن های اخیر همچون سدی مانع از استفاده از مخزن عظیم استعداد های داخلی شده است اما تلاش های افتخار برانگیزی همچون دست یابی به دانش تولید، تکثیر و انجماد سلولهای بنیادی جنینی این گونه سدها را در هم می شکند و ایران را به مرحله استفاده از ظرفیت های بی پایان انسانی نزدیک می سازد». ایشان همچنین فرموده اند: «عزیزانی که با تلاش مومنانه به دستاوردهای ارزشمند نظیر تولید، تکثیر و انجماد سلولهای جنینی و دانش هسته ای دست یافته اند به عنوان پیشروان حرکت

علمی ملت ایران مورد تجلیل و قدردانی قرار گیرند تا راه برای ورود و شکوفایی استعداد های جوان باز شود (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از دست اند کاران جهش علمی اخیر کشور در بخش تولید، تکثیر و مراحل انجماد سلولهای جنینی (۱۳۸۲/۶/۱۱). این ها فقط بخشی از پیشرفتهای علمی کشور هست که بعد از انقلاب توسط دانشمندان ایرانی به آن دست یافته است موارد بسیار زیادی نیز وجود دارد که با پیشرفت علمی کشور به آنها دست یافته است از جمله در قسمتهای پزشکی، فنی مهندسی، نظامی و... رهبر معظم انقلاب نیز در این باره فرموده اند: «ما تقریباً یک درصد جمعیت جهان را داریم، یک درصد جغرافیای دنیای معمور را هم داریم، اما تولید علم ما نزدیک به دو درصد دنیا است، یعنی دو برابر آنچه انتظار می شود از کشور، تولید علمی داریم. بالاخره از ظرفیت دانش تا امروز برای پیشبرد کشور هم استفاده شده، حالا چند مورد را من اینجا یاد داشت کرده ام که فقط اینها نمونه است، البته خیلی بیش از اینها است: بالا بردن قدرت دفاعی کشور که از علم استفاده شده؛ پزشکی پیشرفته و درمان که امروز پزشکی ما کاملاً در منطقه ممتاز است؛ کنترل بیماریها؛ در مسائل فنی و مهندسی، [یعنی در] ساخت ها و کارهای بزرگ مهندسی که امروز در کشور انجام می گیرد؛ در زیست فناوری؛ در تولید محصولات بادوام با فناوری نانو؛ در فناوری صلح آمیز هسته ای و موارد متعدد دیگر. ما امروز توانسته ایم علم را در خدمت منافع کشور و پیشرفت های کشور، در این زمینه هایی که گفتم و شاید چند ده زمینه دیگر به کار بگیریم؛ اینها همه از برکات جمهوری اسلامی است.» (بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی، ۱۷/۷/۱۳۹۸)

همه این پیشرفتها به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی و رهبری معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه ای و تلاش های شبانه روزی دانشمندان در عرصه های مختلف در نظام جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است تا راهی باشد برای تمدن نوین اسلامی. اما با وجود این همه پیشرفت، رهبر انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب اشاره می کنند که ما هنوز به پیشرفت نیاز داریم تا به قله های پیشرفت دست یابیم، ایشان فرموده اند: «ما هنوز از قله های دانش جهان بسیار عقبیم و باید به قله ها دست یابیم باید از مرزهای کنونی دانش در مهمترین رسته ها عبور کنیم. (مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب)

راههای رسیدن به قله های دانش و فناوری:

۱. تلاش و کوشش دو چندان دانشمندان و نخبگان: برای رسیدن به قله های افتخار باید شرایط عملکرد بهتر نخبگان و دانشمندان فراهم گردد و جوانان و نخبگان کشور تلاش و کوشش خود را دو چندان کنند. مقام معظم رهبری در این باره فرموده اند: «اکنون انتظار این است که جوانان نخبه و نسل بعدی صدها مورد مانند نانو و پدیده های ناشناخته علمی زیست فناوری را کشف کنند و فقط به ادامه مسیر پیشرفت علمی بسنده نشود باید جوانان نخبه با کار و تلاش و پشت سر گذاشتن مشکلات بر ظرفیت وجودی خود بیفزایند و بدون توقف مسیر پیشرفت را ادامه دهند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از نخبه و صاحبان مدال در المپیاد های علمی جهان، ۱۶ مرداد ۱۳۹۸)

۲. کار با امید: در هر جامعه ای عده ای هستند که فعالین و نخبگان آن جامعه را از کارهایشان نا امید می کنند، اما نخبگان برای خشتی کردن این توطئه ها باید کارهای خود را با امید پیش ببرند و از یاس و ناامیدی به دور باشند تا افتخارات علمی کشور هر چه زود تر به هدف و قله ها برسد و عقب ماندگی از کشورهای تراز اول جهان جبران شود؛ رهبر معظم انقلاب در این باره فرموده اند: «متأسفانه یک جریانی در کشور وجود دارد که با پدیده‌ی جنبش علمی با بد دلی برخورد می کند؛ این جریان هست. اینکه من به شما دارم عرض می کنم برای این است که خود شما که عناصر تشکیل دهنده‌ی این جریان علمی هستید، توجه داشته باشید که در مقابل شما یک جریان بددلانه‌ای، بدخواهانه‌ای وجود دارد؛ شما مایوس نشوید؛ حرف من این است. یکی از کارهای آن جریانی که من تعبیر می کنم از آن به بددل یا بدخواه حرکت علمی، این است که اصل جنبش علمی را انکار می کند، اصلاً گویی که چنین چیزی نیست. من در یک جلسه‌ای که چند ماه قبل بود، قضیه‌ی آن دانشگاه استنفورد را اینجا مطرح کردم، گفتم که تصمیم دارند، اصرار دارند که بگویند: «نخیر هیچ اتفاقی نیفتاده»؛ در حالی که شما دارید اتفاق را جلوی چشم خودتان می بینید، خودتان در حال حرکت علمی و پیشرفت علمی هستید؛ اینها انکار می کنند، می گویند چنین چیزی نیست. اینکه شما می گویند حلقه‌ی واسطی بین دانشگاه و مردم به وجود بیاید - که یکی از دوستان الان اینجا گفتند - حالا ما اینجا داریم مدام اصرار می کنیم که «کار علمی، پیشرفت علمی، جهش علمی شروع شده» - که واقعیت هم هست - یک عده هم می گویند: «نخیر اتفاقی نیفتاده» که آن عده هم متأسفانه از داخل دانشگاه این حرکت بدخواهانه را دنبال می کنند، خب مردم دچار تردید می شوند. پس بنابراین یکی از کارهای آنها انکار است.» (بیانات در دیدار نخبگان و استعدادها برتر علمی ۱۳۹۸/۷/۱۷)

۳. برطرف کردن موانع: برای رسیدن به هر کاری موانع وجود دارد و برای رسیدن به هدف باید این موانع برطرف شود، در پیشرفت علمی کشور نیز موانعی وجود دارد که برای رسیدن به قله های علم و دانش و جبران عقب ماندگی ها باید موانع از سر راه دانشمندان و نخبگان علمی کشور برداشته شود و از آنها حمایت شود تا به امید خدا به اهداف نهایی و قله های افتخار، ایجاد تمدن نوین اسلامی دست پیدا کنیم رهبر انقلاب فرموده اند: «موانع را بر طرف کنند که بعضی از موانع را گفتند. اتفاقاً همین موضوع «شش ماه» را که یکی از این دوستان گفتند، دیروز اینجا به من گفته شد؛ یکی از این شرکتهای دانش بنیان گفتند که ما این محصول را - که یک محصول خیلی برجسته‌ی خوبی بود - در ظرف هشت ماه ساخته ایم که بسیار مدت کوتاهی است برای [ساخت] این محصول؛ شش ماه طول کشید که مجوز گرفتیم! یعنی مجوزی که مثلاً در ظرف یک هفته بایستی صادر بشود، شش ماه طول می کشد؛ اینها باید برداشته بشود. موانع کسب و کار اینها است، اصلاح فضای کسب و کار که بنده مکرراً تأکید کرده‌ام بر روی آن، یعنی اینکه موانع کار برداشته بشود، موازی کاری‌های غلط انجام نگیرد. البته انحصار هم بایستی برداشته بشود که در صحبت‌های دوستان هم مسئله‌ی انحصار بود.» (بیانات در دیدار نخبگان و استعدادها برتر علمی ۱۳۹۸/۷/۱۷)

نتیجه گیری: دین مبین اسلام ارزش بسیار بالایی بر علم و عالم قائل شده است و بر این مطلب در قرآن و روایات نیز بسیار تأکید شده است و طلب علم را بر مسلمانان واجب کرده است، در نظام جمهوری اسلامی که افق دید تمدن اسلامی را دارد، نیز علم آموزی از همان روزهای اول انقلاب مورد تأکید قرار گرفته است و پیشرفت های زیادی نیز در عرصه های مختلف



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
 October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



علمی بدست آمده است، از جمله، نرخ بی سوادی به شدت کاهش یافته، تعداد دانشگاهها و مدارس بسیار زیاد شده، آمار دانشجویان و دانش آموزان بسیار بالا رفته، آمار مقالات علمی به چاپ رسیده در علوم مختلف بسیار زیاد شده، در علوم روز از جمله، نانو تکنولوژی، هسته ای، سلولهای بنیادی و... پیشرفت زیادی داشته و جزء کشورهای تراز اول به حساب می آید و با کمک علم در قسمت های مختلف مانند پزشکی، فنی مهندسی، نظامی و... نیز به پیشرفت های چشم گیری دست یافته است که نشان از زیر ساختهای تمدن اسلامی است. اما با وجود این همه پیشرفت باید به سوی قله های پیشرفت حرکت کرده و به تراز اول علمی جهان دست یابیم و تمدنی را بر جهان عرضه کنیم که همچون دین اسلام جهان شمول بوده و ظرفیت های مغفول مانده جامعه بشری را شکوفا کنیم که بتواند سعادت دنیوی و اخروی انسانها را به ارمغان آورد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، فخر الدین عبد الحمید، (۱۳۷۸-۱۳۸۳ش) شرح نهج البلاغه، مکتبه آیه الله المرعشی

پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR

۲. جرجانی، میر شریف، (۱۴۱۲ق) **التعریفات**، ناصر خسرو، تهران، چاپ پنجم

۳. حسینی خامنه ای، سید علی، **بیانیه گام دوم انقلاب**

۴. خبرگزاری صبح نو

۵. خبرگزاری تابناک، وضعیت تولید علم و جایگاه دانشگاهها در چهل سال گذشته

۶. خبرگزاری علم و فناوری، دست آوردهای علمی چهل ساله انقلاب اسلامی ایران.

۷. طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۸۶ق) **الاحتجاج علی اهل اللجاج**، نجف اشرف، مطبعه العثمان، ۱۳۸۶ق

۸. الفراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۲۴ق) **العین**، بیروت، دارالکتب العلمیه

۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲ش) **الکافی**، اسلامیه، تهران. چاپ دوم

۱۰. کیهان، ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۹۸، روایت چهار دهه پیشرفت در عرصه علم و فناوری

۱۱. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق) **بحار الانوار**، موسسه الوفاء، بیروت،

۱۲. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۶ش) **دار الحدیث**، قم

۱۳. موسوی خمینی، روح الله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران

۱۴. **نهج البلاغه** (۱۳۸۰) سید رضی، ترجمه محمد دشتی قم، مشهور

۱۵. هاشمی، سید مهرداد، موفقیت های ایران در عرصه های دانش برتر

۱۶. صبوری، علی اکبر، (۱۳۸۲) **مروری بر تولید علم در سال ۲۰۰۳**، رهیافت، تابستان و پاییز، ۲۱-۲۳

۱۷. -----، (۱۳۸۷) **تولید علم در ایران در سال ۲۰۰۸**، رهیافت، تابستان و پاییز

۱۸. صبوری، علی اکبر، پورسازان، نجمه (۱۳۸۳) تولید علم در ایران در سال ۲۰۰۴ رهیافت زمستان
۱۹. معین، مصطفی، (۱۳۸۳) تولید علم در ایران، مجله آیین
۲۰. اسکروچی، رقیه، محمد حسن زاده، حافظ، گوهری، محمد رضا، جمشیدی، رضا، روند رشد مقالات علمی ایرانیان در حوزه پزشکی طی سالهای ۲۰۰۰-۱۹۷۸) مدیریت سلامت
۲۱. علیجانی، رحیم، کرمی، کرمی، نورالله (۱۳۸۳) بررسی بیست سال تولید علم ایران بر اساس پایگاه آی.ای.آی (۱۹۹۷-۲۰۰۶)
۲۲. موسوی، میر فضل الله، (۱۳۸۳) تولید علم در ایران مجله آیین

پویایی تمدن نوین اسلامی باسواد آموزی بانوان در منظر اسلام

مهرین شهریور - رقیه صادقی نیری

چکیده

رشد و پویایی هر فرهنگ و تمدنی در گرو سوادآموزی است، دین اسلام نیز عاری از این قاعده نیست و همه طرفدارانش از جمله بانوان را به خواندن و نوشتن دعوت کرده است؛ چراکه بانوان در ایجاد این فرهنگ و تمدن اسلامی نقش اساسی دارند. در این تحقیق این امر محقق شد که از دیدگاه اسلام بانوان نیز، همانند آقایان، مسئولیت‌پذیر هستند، و می‌توانند به افتخارات و کمالات دست یابند. اگر در هر تمدنی، به سوادآموزی بانوان کم‌توجهی شود نه تنها صاحب تمدن پویا و بالنده نمی‌شوند بلکه شخصیت اجتماعی و انسانی بانوان نیز از بین می‌رود. در پایان باید اعتراف کرد که فرهنگ و تمدن اسلامی نیز جهت دستیابی به اهداف والا و نوین خود، نیاز به ایجاد فضایی آرام و مناسب برای سوادآموزی بانوان دارد.

واژگان کلیدی: اسلام، تمدن نوین اسلامی، بانوان، سواد آموزی بانوان

مقدمه

دعوت به سوادآموزی و بالندگی از الزامات رشد و پویایی هر تمدنی می‌باشد، نه تنها تمدن اسلامی از این قانون مستثنی نیست، بلکه تأکید زیادی بر تحقق این امر در مورد بانوان دارد. از آنجایی که سابقه پر فروغ تمدن اسلامی، مخفی و کتمان نیست، آن چیزی که در زمان حال با آن رو در رو هستیم، قسمتی از نکات و آموزه های اسلامی می‌باشد که بر جای مانده است. بنابراین پالایش، و تقویت عقاید و نظرات، تا محقق شدن فرهنگ و تمدن نوین اسلامی، تلاش زیادی را خواهان است. تحکیم جایگاه و نقش متمر ثمر بانوان در تمدن اسلامی و اعلام حمایت اسلام از سوادآموزی آنان و نیز رد برخی از نظراتی که مانع سوادآموزی بانوان می‌گردد، از جمله مواردی است که در این پژوهش تحلیل و بررسی شده است. بنابراین باید توجه کرد که بانوان نیمی از

این جامعه هستند و سوادآموزی بانوان به عنوان یک رکن اساسی در جامعه اسلامی است که نقش زیادی در محقق شدن تمدن نوین اسلامی دارد.

در آغاز به بررسی و تحلیل معنا و مفهوم تمدن و استنباط نو بودن از آن و اینکه سوادآموزی چه ارتباطی با تمدن اسلامی دارد، می‌پردازیم. در ادامه با استخراج دیدگاه اسلام در مورد بانوان، تلاش در پیدا کردن جایگاه سوادآموزی بانوان، در تمدن نوین اسلامی را داریم. در این پژوهش با استناد به منابع تاریخی و اسلامی و... این موضوع بررسی شده است.

۱- تمدن اسلامی

۱-۱- تعریف تمدن

در لغت شناسی واژه تمدن از کلمه "Civitas" که معادل کلمه "Polis" می‌باشد، اخذ شده است. (ر.ک: کاشفی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۴۲)

ساموئل استاد زبان انگلیسی، تمدن را به معنی رفتار خوب، کیاست، ادب، نجابت و نزاکت می‌داند. ایشان، تمدن را بالاترین مرحله فرهنگ می‌شمارد. (ر.ک: مکی، ۱۳۸۳: ۲۶)

واژه تمدن در لغت عربی با کلمه حضارت (شهرنشینی)، به معنی ساکن شدن در شهر؛ در مقابل واژه بدایت، که به معنای زندگی کردن در بیابان می‌باشد، استعمال شده است. (ر.ک: صلیبا، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۳۱۳)

علاوه بر این در اصطلاح جامعه‌شناسان، تمدن حالتی است مترقی، که انسانها به خاطر آن تحت تأثیر تحولات جدید و پیشرفته قرار می‌گیرند. (ر.ک: خاکرند، ۱۳۹۰: ۵۵)

باتوجه به معنی لغوی تمدن؛ نمی‌توان تمدن را تنها وسیله دستیابی انسان به امکانات مادی تعریف کرد. بنابراین باید گفت، تمدن دارای دو قسم است: قسم مادی که شامل اکتشافات و اختراعات، و آنچه جهت رفاه زندگی شهرنشینی لازم است، محسوب می‌شود. قسم غیرمادی تمدن: عبارت از اهداف والای انسانی و تلاش در رسیدن به آنها می‌باشد. (ر.ک: کسمائی، ۱۳۵۴: ۲۳)

۱-۲- سوادآموزی و ارتباط آن با تمدن

ویل دورانت کلمه تمدن را چنین تعریف کرده است: "نظمی اجتماعی است که، که منجر به ایجاد خلاقیت فرهنگی شود" (حسینی، ۱۳۸۲: ۵۲) می‌توان گفت خلاقیت مهم‌ترین جزء ماهوی انسانها است و در واقع دانش، دانایی و اندیشه، لازمه خلاقیت است و همانطور که می‌دانیم هر کشور و ملتی که بتواند خلاقیت زیادی داشته باشد در صحنه تمدن‌سازی جایگاه برتری می‌یابد. (ر.ک: مهاجرانی، ۱۳۷۵: ۵) بنابراین علم، یکی از قدرتمندترین ابزار و عوامل تمدن ساز در عصر کنونی هست. چرا که سواد و آگاهی چرخهای تمدن را به پیش می‌برند و تمدن راه را برای سوادآموزی و ترویج علم هموار می‌کند.

۲- بانوان در تمدن اسلامی

۱-۲- بانوان قبل از دین اسلام

درباره جایگاه و منزلت بانوان در تمدنهای قبل از اسلام دو نظریه ضد هم وجود دارد. یک گروه معتقد هستند که بانوان پیش از اسلام صاحب جایگاهی بالا و ارزشمند، توأم با آزادی و استقلال داشتند و تصمیم گیری های مهم توأم با مشورت آنها انجام می شد. (ر.ک: ابراهیم حسن، ۱۳۷۶: ج ۱، ۳۹) (به عنوان مثال شوکت و مقام حضرت خدیجه (س)) (ر.ک: فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۴۳) (نظریه دوم که با اسناد سازگاری دارد مربوط به موقعیت دردناک بانوان در دوران جاهلیت و قبل از اسلام است که حضور اسلام باعث تعالی موقعیت بانوان شده است. به طوری ای که معتقد بودند، ارزش زندگی بانوان از آقایان کمتر است. (ر.ک: فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۳۷) متأسفانه از شأن و موقعیت کافی برخوردار نبودند. (ر.ک: ابوالقاسم پاینده، ۱۳۷۶: ۸۹) در این ایام بانوان به عنوان کالا در بازار، دادوستد می شدند. (ر.ک: شجاعی، ۱۳۷۸: ۳۸) و یا به خاطر زیبایی برای لذت بخشی واقع می شدند، و به عنوان فردی که اختیار نداشت تحت تکلف آقایان بودند. (ر.ک: مرتضوی، ۱۳۸۲: ۶۹) تاریخ ادیان بزرگ، این مطالب را تایید می کند، مثلاً برطبق آنچه در دین مسیحیت تحریف شده مطرح است، بانوان موجوداتی ناقص العقل و برده ای برای آقایان هستند و آقایان همیشه باید تلاش کنند تا از شر آنها در امان باشند. و نیز در آیین یهود تحریف شده، برای بانوان شخصیت و جایگاهی قائل نیستند. (ر.ک: فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۴۲)

۲-۲-۲- ارمغان اسلام برای بانوان

در تمدن اسلامی، بانوان و آقان هیچ تفاوتی با هم ندارند. در دین اسلام جنسیت (زن یا مرد) اصلاً مهم نیست؛ چرا که در دین اسلام، رسالت، همیشه بالاتر از جنسیت بوده و همواره حرف از تکامل می باشد. (فجر: ۲۸-۲۷) حضور بانوان در تمدن نوین اسلامی به معنی الگوگیری از فرهنگ و تمدن غرب نمی باشد، چرا که مسأله بانوان برای اولین بار در جهان غرب در قرن ۲۰ با عنوان "حقوق زن" در مقابل حقوق آقایان مطرح شد، و در کشور آمریکا در سال ۱۹۲۰م قانون تساوی بانوان و مردان در حقوق سیاسی مطرح و تصویب شد. (ر.ک: مطهری، ۱۳۵۷: ۱۳۴-۱۳۳) و از قرن ۱۹ به بعد بود که اوضاع بانوان کمی بهبود یافت. در اروپا حق رأی بانوان نیز در اواخر قرن ۱۹ بود که به تصویب رسید. از این رو به صراحت می توان ادعا کرد که قبل از اسلام، هیچ قانونی از جمله قوانین اجتماعی، در مورد ارزش واقعی بانوان، حفظ حقوق آنها وجود ندارد. (ر.ک: کمالی، ۱۳۷۱: ۲۶) در اوایل اسلام که نظم و انضباط اسلامی، حاکم بود، بانوان در مسایل مربوط به زندگی اجتماعی و سیاسی جامعه نقش حساس و مهمی را ایفا می کردند. و از شخصیت برتری، برخوردار بودند. (ر.ک: نقوی، ۱۳۹۹: ج ۲، ۶۱) دین اسلام بانوان را از حقارت و پستی نجات داد. (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۴: ج ۶، ۱۱۹) دین اسلام با اهدای مقام کوثر به حضرت فاطمه زهراء (س) (سوره کوثر) ایشان را تکریم و عزیز کرده، و با دادن حق رأی به بانوان در ایامی که بانوان در مسایل حکومت نقشی نداشتند ایشان را به عنوان اشخاصی مثر ثمر در اجتماع جلوه داد. پیامبر اکرم (ص)، با بانوان بیعت می کردند و دیدگاه و نظر آنها را به رسمیت می پذیرفتند. (ممتحنه ۱۲) (حضرت فاطمه زهراء (ص) و همچنین حضرت زینب کبری (س) از جمله بانوانی بودند که مسایل اجتماعی و سیاسی زمان خودشان را پیگیر بودند. اینچنین اسلامی باعث شد بعضی از بانوان در حالی مسلمان شوند که همسرانشان کافر

و یا ملحد بودند. مثل دختر ولید بن مغیره (همسر صفوان)، امّ حکیم دختر حارث (همسر عکرمه). (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۴: ۳۱)

۳-۲- دیدگاه دین اسلام در باره بانوان

دیدگاه اسلامی را در مورد بانوان را می توان دیدگاهی عالی و پیشرفته و در عین حال میان رو دانست. دین اسلام بانوان را همانند مردان، اشخاصی میدانند که سه اصل مهم انسانی ذکر شده در کتاب الهی، یعنی مسئولیت پذیر بودن، اختیار، و قدرت کمال و ارتقاء، را دارند. و همانند مردان، از تمامی امکانات رشد و پیشرفت برخوردار می باشند. (ر.ک: قنوتی، جلیل، ۱۳۷۷: ۵۵)

۳-۲-۱- قدرت اختیار

انسان می تواند با شناخت قوانین هستی و با "اختیار" و "اراده" شرایط را در جهت اهداف خود تغییر دهد. (ر.ک: ابراهیم: ۳۲-۳۴) بنابراین با این اوصاف تفاوتی بین زن و مرد نمی باشد. (احزاب: ۷۲) چرا که انسان مختار (اعم از زن و مرد) با قدرت اختیار و اراده می تواند در جایگاه احیاء کننده، پذیرش دهنده، انتقال دهنده و نگهدارنده یک تمدن، نقش مهم و اساسی را ایفاء کند، اگر این عوامل به عوامل دیگری مثل سستی، رخوت، نداشتن انگیزه، که منجر به فساد اخلاقی، دوری از رشد و تعالی، تفکر و اندیشه، و خلاقیت، شود، نمی تواند احیاء کننده، و انتقال دهنده تمدن خود باشد. (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۲: ۲۰۳) امام خمینی (ره) در این زمینه می فرماید: "زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیتهای خود را انتخاب کند." (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی با همکاری مرکز مطالعات، ۱۳۸۷: ۸۴)

۳-۲-۲- همانندی در کسب سعادت و فضیلت

هدف از خلقت زن و مرد رسیدن به سعادت و فضیلت است نه آن که سعادت مرد به تنهایی هدف آفرینش باشد و زن فقط ابزاری جهت کمال یابی مرد محسوب شود، پیامبران الهی در این راستا همه بندگان را به قیام جهت نیل به اهداف الهی به واسطه ایمان و کارهای شایسته فرا خوانده اند؛ زنان و مردان موظف اند که کارهای شایسته انجام دهند تا به سعادت نهایی خود برسند. (نحل: ۹۷) تا جایی که در میان زنان افرادی هستند که قرآن و احادیث آنها را همصحبت فرشتگان، و مورد توجه پیامبران، و مقدم بر بسیاری از انبیاء الهی (کوثر: ۱) از طرف خداوند می داند، که خود بیانگر والابودن شخصیت انسانی زنان و مراتب فضیلت آنان است. (ر.ک: مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰: ج ۴، ۵۷) همچنین زنان می توانند تا جایی که دارای توان و قدرت رسیدن به سعادت و فضیلت را دارند مخاطب الهامات خداوند (قصص: ۷) و مغفرت الهی واقع شوند. (احزاب: ۷۳) و وعده های الهی برای زنان و مردان یکسان می باشد. (توبه: ۷۲) خواه پاداش باشد (آل عمران: ۱۹۵؛ مؤمن: ۴۰) خواه عقاب. (بروج: ۱۰) البته گاهی در احادیث، به روایاتی برمی خوریم که ظاهراً با آنچه که مطرح شد، در تضاد است. اما بیشتر روایات بیان شده که شاهد بر وجود کم و کاستی هایی در بانوان می باشد، دال بر کمی و پستی بانوان در انسانیت نیست. این احادیث در واقع شاهد بر وجود

تفاوت‌های استعدادی بانوان و آقایان می‌باشد و بر وجود عیب در آفرینش بانوان دلالت نمی‌کند. در قرآن کریم در مورد اصل برابری "انسانیت" (بقره: ۳۲-۳۸)، و "موارد ارزشی" (احزاب: ۳۵) بانوان و آقایان یکسان هستند.
۲-۳-۳- مسئول پذیر بودن

بر اساس قوانین اسلامی، انسان‌ها دارای تکالیف و وظایفی هستند و در قبال هر کاری که مکلف شده اند، مسئول هستند. (اسراء: ۳۶) از جمله این مسئولیتها؛ نهاد خانواده و نظام اجتماعی است که هر دو آن لزوماً بر اساس تقسیم کار و همچنین توزیع مسئولیت بنا نهاده شده است. و کاملاً شفاف است که این موارد مختص مردان نیست بلکه شامل بانوان نیز می‌شود و صراحتاً می‌توان مدعی شد در هر زمینه، بانوان حضوری مسئولانه و سالم داشته باشند، پیشرفتشان در آن عرصه چندین برابر خواهد بود. (ر.ک: مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹: ۲۱۱)

۲-۴- تاثیر موثر بانوان در انحطاط و پیشرفت تمدن اسلامی
اکثر بزرگان و دانشمندان همواره این سؤال را مطرح می‌کنند که بعد از شکوفایی تمدن اسلامی، علت سیر منحنی آن در بین اعراب جاهلیت، چیست؟ و سؤالی ریز بیانیه تری که نقش بانوان در این زمینه چیست؟
در ادامه بحث به از این سؤالات چنین پاسخ داده شده است

۲-۴-۱- انحراف از آموزه‌های اصیل اسلامی
تمدن و فرهنگ اسلامی همواره وامدار آموزه‌هایی است که در آیات و سنت ریشه دارد؛ روایات اهل تشیع و تسنن، که برای شناخت اسلام، دومین منبع می‌باشند، متأسفانه در طول زمان از تحریف و جعل در امان نبودند. در این زمینه، به تالیفات اهل تسنن در خصوص روایات وضعی، (بر طبق نظر علمای شیعه) می‌توان اشاره کرد. علمایی چون: شیخ صدوق، شیخ مفید، مرحوم مامقانی، علامه شعرانی، کاشف الغطاء، آیت الله خویی، امام خمینی (ره). (ر.ک: قربانی، ۱۳۸۵: ۱۷)
السعداوی در این زمینه می‌فرماید: "بسیاری از احکام امروز که به نام اسلام بر زنان عرب فرض شده است، از اسلام نیست، بلکه میراث اندیشه‌های عمر بن خطاب و مردانی چون اوست، که خوی پدرسالارانه خودشان را در اسلام، بر جای گذاشته- اند." (مهریزی، ۱۳۸۶: ۲۴) مهریزی در کتاب "شخصیت و حقوق زن در اسلام" به بررسی احادیثی پرداخته است که مربوط به کاستی عقل زنان است. و یا احادیثی که مشورت با زنان را منع می‌کنند. پس از بررسی اسنادشان، آن احادیث را دال بر جعل بودنشان دانسته، و آنها را با صراحت رد می‌کند. (ر.ک: مهریزی، ۱۳۸۱: ۹۷-۹۸) و آنها را تحمیلی میدانند که به پیشوایان دینی نسبت داده شده‌اند (همان، ۱۰۶)

۳- کسب علم بانوان در فرهنگ و تمدن اسلامی
قبل از ظهور دین اسلام، نه تنها در هیچ جایی علم واجب نبود، بلکه در مناطقی ممنوع و قدغن بود. (ر.ک: خاکرند، ۱۳۹۰: ۴۸۶) جان برنال معتقد است: اسلام از همان ابتدا، دینی دانش دوست است. (ر.ک: جعفری، ۱۳۸۵: ۲۶) آنچه که تمدن اسلامی به آموزه‌های پیش از خودش اضافه کرده همان لحاظ توحید و وحدانی می‌باشد که به خاطر تسلیم عاشقانه و مشتاقانه به حکمت

و مشیت الهی، به مسلمانان این شایستگی را عطا کرد که مشعل علم و دانش را، که در اسکندریه و آتن، که مرده بود، مجدداً بیفزوند. قرآن کریم و احادیث که دو منبع اساسی و اصلی تمدن اسلامی محسوب می‌شود، بر اصل یادگیری دانش شدیداً تأکید دارند. (فاطر: ۲۵) در روایات نبوی چنین بیان شده که جستجوی معرفت و علم، تا آن اندازه که هر مسلمانی استحقاقش را دارد، واجب و فریضه است؛ (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۱، ۱۷۸، ح: ۵۵؛ ص: ۱۷۳، ح: ۲۸) این دستورات است که در این دوران، بزرگترین ملاک برای تعلیم و تعلم و همچنین اشاعه علم و دانش شده است. (ر.ک: نصر، ۱۳۵۰: ۵۳) در این آیات و روایات، اَمّت مسلمان - زن و مرد - مخاطب است. به این معنی که تعلیم و تعلم به گروه خاصی مختص نیست، و می‌توان صراحتاً مدعی شد که دین اسلام در این خصوص بین زن و مرد تفاوتی قائل نیست. (بقره: ۱۵۱) و آنچه که اسناد نشان می‌دهد در تمدن و فرهنگ اسلامی دختران و پسران هر دو تعلیم و تعلم می‌شدند، و عمدتاً این کار در مساجد صورت می‌گرفت. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۲۲)

همانطور که مطرح شد بانوان نیز همانند آقایان بایستی در انجام تکالیفی که از جانب خداوند بر آنها واجب شده، تلاش کنند. انجام این کارها بدون با سواد شدن چگونه امکان پذیر است؟ (ر.ک: رشیدرضا، بی‌تا: ج ۳، ۳۷۷) در آیات منوط به سوادآموزی هیچ اختصاصی برای آقایان نیست؛ چون که قرآن، تعلیم و تعلم را به روح انتساب کرده است. (روح نه مؤنث است و نه مذکر) و منبع کسب علم را دل و جان انسانها بیان می‌کند. (مجادله: ۱۱) پیامبر(ص) در باره علم فرمودند: "طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة؛ آموختن دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است". (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۱، ۱۷۸، ح: ۵۵) همچنین امام صادق(ع) می‌فرمایند که: "دانش طلبی، در هر حال واجب است". (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۲، ۲۸، ح: ۱۷۳) با وجود مباحث مطرح شده شایسته نیست که پس از این مطالب سوادآموزی بر بانوان حرام و قدغن باشد، بلکه از واجبات است. (ر.ک: رشیدرضا، بی‌تا: ج ۲، ۳۸۳) بانوان نیز همانند آقایان در شعور، ادراک، عقل و ذات مانند مردان هستند؛ (ر.ک: رشیدرضا، بی‌تا: ج ۲، ۳۷۶) تمام آیاتی از قرآن کریم که انسانها را به تدبیر در نظام آفرینش دعوت می‌کنند، مختص آقایان نمی‌باشد. (ر.ک: مرتضوی، ۱۳۸۲: ۸۱) به عنوان مثال: "ما آیات (خود) را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید." (حدید: ۱۷) و همچنین: "بدترین جنبندها نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند." (انفال: ۲۲)

۳-۱- حیطه سوادآموزی بانوان در فرهنگ و تمدن اسلامی

در رابطه با حیطه سوادآموزی بانوان سه دیدگاه گوناگون بیان شده است. برخی سوادآموزی بانوان را در زمینه وظایف بانوان بیان کرده‌اند از جمله علوم مربوط به تربیت فرزند و خانه‌داری و... رشیدرضا، شیخ محمد عبده، سیدجمال الدین و... از بانوان این نظریه‌اند؛ و معتقدند وجود تفاوت تکوینی بین زن و مرد از روی مصلحت و حکمت الهی است، که باید در راستای تکالیف خودشان آموزش ببینند. (ر.ک: اقلیدی نژاد، علی، ۱۳۸۰: ۸۲)

دومین دیدگاه در خصوص سوادآموزی بانوان در زمینه علوم دینی می‌باشد مثلاً می‌توان، بعضی از بانوانی که منسوب به علماء، فقها،... بودند؛ مانند امّ علی، که همسر کرانقدر شهید اول بودند، ویا فاطمه بانو امّ الحسن، که دختر شهید اول بودند و

آمنه بیگم، همچنین دختر خانم مجلسی اول و... که از این زمینه فراتر رفتند و صاحب مدارج و جایگاه علمی عالی می‌باشند، نام برد. (ر.ک: مهریزی، ۱۳۸۶: ۴۸). طبق نظریه دیگر بانوان همسان آقایان می‌توانند تمامی علوم (چه دینی و یا غیر دینی) را یاد بگیرند و محور این تفکر منوط به همسان نگری روح می‌باشد که در مقابل آیات الهی برابر می‌باشند؛ و تحصیل دانش بر هر مسلمانی، چه مرد و یا زن واجب است. (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۸۷) در این زمینه امام خمینی (ره) می‌فرماید: "در (کسب) علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد." (امام خمینی، ۱۳۷۲: ج ۱۹، ۱۲۱) بنابراین اسلام کسب علم را بر غلمان، کنیزان، نوجوانان، جوانان، پیران، زنان و مردان واجب کرده است. (ر.ک: خاکرند، ۱۳۹۰: ۴۸۶)

می‌توان ادعا کرد دیدگاه سوم دارای بینشی کلی و کاملی است چون که شایسته نیست ما علوم را به دسته دینی و یا غیر دینی تقسیم کنیم و یا اینکه علم را به جنسیت منتسب نماییم تا برای بعضی این سوء تفاهم مطرح شود که آن علومی که در میان مردم، به علوم غیر دینی منسوب است مد نظر اسلام نیست، از بدیهیات است که جامع و مانع بودن دین مبین اسلام آن را اقتضاء می‌کند که هر علم مفید و مثمر ثمری را که برای جامعه اسلامی و مسلمانان ضروری است، جزء علوم دینی محسوب شود. (ر.ک: صانعی، ۱۳۸۰: ۳۰۶) و علاوه بر این شایان ذکر است که در هر سه نظریه مسأله علم آموزی بانوان مورد پذیرش است.

۲-۳- موانع سواد آموزی بانوان

در متون اسلامی، احادیث مربوط به زندانی کردن زن در خانه زمینه ساز ممانعت از سواد آموزی بانوان شده است. در ادامه مبحث، این موانع بررسی خواهد شد.

در صحیح بخاری، روایتی است که: حضرت علی(ع) فرمودند: "مردان از خاک آفریده شدند و توجه آنان به زمین است و زنان از مردان خلق شده‌اند و بدانها توجه دارند. ای مردان، زنان را در خانه حبس کنید." (بخاری، ۱۳۹۲: ج ۶، ۴۱۹) مهریزی علاوه بر اینکه معتقدند این احادیث مرسل هستند بلکه سنت حضرت محمد(ص) را نقض کننده این حکم بیان می‌کند. (ر.ک: مهریزی، ۱۳۸۶: ۷۸)

همچنین امام خمینی(ره) در این زمینه می‌فرماید: "زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی‌شود، از چیزی که جلوگیری می‌شود، فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است" (امام خمینی، روح الله، ۱۳۷۸: ۸۵) استاد مطهری نیز در این مورد می‌فرماید: "توجه اسلام به مسائلی مانند حجاب مخالفتی با آزادی زنان نخواهد داشت و این به آن معنا نیست که زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود، زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست" (مطهری، ۱۳۷۶: ۸۰)

به این خاطر به دور از عدل می‌باشد که یک انسان، انسانی دیگر را به بردگی بگیرد. (ر.ک: رشیدرضا، بیتا: ج ۲، ۳۸۷) در این مورد آیت الله جوادی آملی معتقدند: "هیچ کسی حق ندارد افراد دیگر را تحت تسخیر خود در آورد اما خودش مسخر او نشود، کسی نمی‌تواند با داشتن قدرت و امکانات استعدادی یا غیر استعدادی از دیگران تسخیریک جانبه طلب کند بلکه "لیتخذ

بعضیها بعضاً سخریاً" یعنی تسخیر متقابل و خدمت‌های متقابل باید باشد تا نظام به احسن وجه اداره شود. و اگر تسخیر، متقابل نباشد همان استهزاء کردن و منافع دیگری را به سود خود رایگان بردن است که قرآن آن را نهی کرده و آن را به عنوان ستم، تحریم و محکوم کرده است، و این تفاوت هم برای تسخیر دو جانبه و متقابل است نه تسخیر یک جانبه و این تسخیر متقابل دو جانبه، نشانه فضیلت نیست. " (جوادی آملی، ۱۳۷۴: ۳۷۰) به این خاطر مقام معظم رهبری می‌فرمایند: " اگر چنانچه نگذارند زن به تحصیلات صحیح و به علم و معرفت دست پیدا کند، این ظلم است. اگر زن استعدادی دارد، مثلاً استعداد علمی دارد، استعداد برای اختراعات و اکتشافات دارد، استعداد سیاسی دارد، استعداد کارهای اجتماعی دارد، اما نمی‌گذارند از این استعدادها استفاده بکند و آن استعداد شکوفا بشود، مصداقی از ظالم می‌باشند. " (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸: ۳۰۱، به نقل از متن سخنان رهبری به مناسبت تولد حضرت زهرا (س)) از این رو باید گفت هر تغییری و تحولی که در حرکات و سکنات مسلمانان رخ داده، سوای اوامر قرآن و سنت پیامبر (ص) است. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۴: ج ۴، ۳۳۴) مثلاً از جمله مواردی که پس از رحلت پیامبر (ص) به طور بارزی قابل رویت است رفتار عمر، خلیفه دوم است که نگاهی بسیار تند، افراطی و خشن نسبت به بانوان داشتند؛ (ر.ک: مهریزی، ۱۳۸۱: ۲۷۷) در حالی که طبق نصح قرآن، آیه ای برای رد این چنین رفتارهایی است. (احزاب: ۵۸)

۳-۳- نتایج عدم سوادآموزی

مهجور و بی سواد بودن بانوان نتایج و عواقبی دارد که در ذیل بیان می‌گردد:

۳-۳-۱- تخریب شخصیت انسانی بانوان

جهت تضعیف و تخریب و نابود کردن شخصیت انسانی هیچ چیزی مثر تر از این نمی‌باشد که او را در جامعه و سرنوشت خودش بی‌ارزش و بی‌فایده بشناسند؛ در این صورت این شخص کوچکترین تلاشی در پیشرفت خودش نخواهد کرد، بلکه با غوطه‌ور شدن در شهوات مادی و حیوانی خود، سرمایه درون خود را از بین خواهد برد. (ر.ک: بازرگان، ۱۳۴۴: ۴۴)

۳-۳-۲- از یاد بردن توانمندیها

غفلت و فراموشی، راه‌های شناختی که خداوند برای انسان‌ها وضع کرده است، مسدود می‌کند. خداوند، در اختیار بانوان و آقایان، چشم، گوش و همچنین دل قرار داد که با استفاده از آنها، در مسیر شناخت صحیح و معرفت حرکت کنند، اما فرد غافل و ناآگاه در تشخیص صحیح از غلط از آن ابزارها استفاده نکرده، بلکه با پایین انداختن سرش، و بدون توجه به حق و باطل، عمل خواهد کرد؛ اینجاست که خداوند در باره آنان می‌فرماید: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ؛ آنان همانند چهار پایان هستند.» (اعراف: ۱۷۹) (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۵۱) و معنی این غفلت این است که نیمی از افراد جامعه، از تفکر باز مانده، بنابراین سرعت پیشرفت جامعه، با این حساب، نصف خواهد شد.

۳-۳-۳- خودناباوری و احساس نیستی

انسان ها با توجه به آفرینش برترشان از دیگر موجودات، از ویژگیهای برتری چون ظرفیت، استعداد، از زمینه رشد و پیشرفت بالایی برخوردار هستند، در صورت استفاده از توانمندیهای خود به نحو صحیح، می تواند به جایگاه خلیفه الهی رسیده و مسجود ملائکه شود. اما در اثر غفلت و فراموش کردن مقام واقعی خود، وبا غوطه ور شدن در لذت های دنیوی، به خود باختگی دچار شوند و از ارزشهای والای انسانی و گرایش های متعالی دور شوند، وماهیت حیوانی و حتی پست تری در اوظاهر شود.

نتیجه گیری:

با عنایت به اینکه ثابت شد اسلام بر عکس دیدگاه بسیاری از افراد؛ دین زن ستیز نیست بلکه با احترام به بانوان، جایگاهشان را در جامعه گرمی داشته است. و یکی از عوامل رشد، پویایی، و شکوفایی تمدن نوین خود را مبنی بر سواد آموزی بانوان به عنوان قشری از جامعه، مورد توجه و مذاقه قرار داده است و سرمایه گذاری های لازمه را در این زمینه انجام داده است؛ با توجه به دلایلی که اثبات شد بدون کسب سواد و خلاقیت که ارکان اساسی فرهنگ و تمدن می باشد، نه تنها هیچ تمدنی ایجاد نمی شود، بلکه در نبود آن عوامل مطرح شده، تمدن به کساد و خمودی و حتی به افول مبتلا می گردد، بنابراین با تقویت انگیزه کاوشگری، رشد و پویایی افکار و عقاید و سواد آموزی بانوان، احترام به مقام بانوان، تصفیه و تهذیب دیدگاههای واپسگراانه و تصحیح قوانین مربوط به مسائل بانوان، روحیه خودباوری را در ایشان تقویت کرده و صاحب فرهنگ و تمدن نوینی شد. البته با توجه به مباحثی که مطرح شد، فرهنگ و تمدن اسلامی در حد بالایی این ویژگی و ظرفیت را دارد که در امور بانوان همانند صدر اسلام پیشرو افکار و عقاید و فرهنگهای رو در روی خود باشد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ۱۴۱۸ ه.ق، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ایران، تهران.
- ابوالقاسم پاینده، حسن، ۱۳۷۶، تاریخ سیاسی اسلام، چاپ نهم، سازمان انتشارات جاویدان، ایران، تهران.
- اقلیدی نژاد، علی، ۱۳۸۰، اخلاق و تعلیم و تربیت اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، ایران، قم.
- بازرگان، مهدی، ۱۳۴۴، مسلمان اجتماعی و جهانی، تنظیم عبدالعلی بازرگان، قیام، ایران، قم
- بخاری، محمدبن اسماعیل، ۱۳۹۲، صحیح بخاری، چاپ سوم، انتشارات شیخ الاسلام، ایران، تربت جام.
- جعفری، محمدتقی، ۱۳۸۵، علم و دین در حیات معقول، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ایران، تهران. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۴، زن در آئینه جلال و جمال، چاپ چهارم، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ایران، تهران.
- حسینی، سیدمرتضی، ۱۳۸۲، زن از یونان باستان تا تمدن اسلام، ششمین جشنواره شیخ طوسی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، توحید، ایران، تهران.
- خاکرند، شکرالله، ۱۳۹۰، سیر تمدن اسلامی، بوستان کتاب، ایران، قم.
- خمینی، روح الله، ۱۳۷۲، صحیفه نور دفتر انتشارات اسلامی، ایران، قم.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، آزادی از دیدگاه امام خمینی، مرکز تحقیقات اسلامی، ایران، تهران.
- رشیدرضا، محمد، بی.تا، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، چاپ دوم، دارالمعرفه لبنان، بیروت.
- زیبایی نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۸، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، چاپ دهم، شورای عالی حوزه، مرکز مدیریت حوزههای علمیه خواهران، تابستان ایران، قم.
- شجاعی، محمد، ۱۳۷۸، در و صدف، چاپ سوم، محیی، ایران، تهران.
- صانعی، مهدی، ۱۳۸۰، تربیت اسلامی، سناباد، ایران، مشهد.
- صلیبا، جمیل، مترجم منوچهر صانعی دره بیدی، ۱۳۹۳، فرهنگ فلسفی، حکمت، ایران، تهران.
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۰ ه. ق، تفسیر المیزان، ج ۴، چاپ بیستم، دفتر انتشارات اسلامی، ایران، قم.
- فتاحی زاده، فتحیه، ۱۳۸۶، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، مؤسسه بوستان کتاب، ایران، قم.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۴، تفسیر نور، چاپ سوم، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ایران، تهران.
- قربانی، زین العابدین، ۱۳۸۵، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ دوم، سایه، ایران، تهران.
- قنوتی، جلیل، ۱۳۷۷، نظام حقوقی اسلام، چاپ اول، دفتر تحقیقات و تدوین کتب درسی مرکز جهانی علوم اسلامی، ایران، قم.
- کاشفی، محمدرضا، ۱۳۸۹، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ سوم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ایران، قم.
- کسمائی، علی اکبر، ۱۳۵۴، قرن دیوانه، نادانیهای دوران دانش، بحران تمدن و فرهنگ، چاپ دوم، بعثت، ایران، تهران.
- کمالی، علی، ۱۳۷۱، قرآن و مقام زن، اسوه، وابسته به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، ایران، تهران.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ه. ق، بحار ألانوار، چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، لبنان، بیروت.
- مرتضوی، مرضیه سادات، زن و آزادی، مجله شخصیت و حقوق زن در اسلام مجموعه مقالات برگزیده ششمین جشنواره شیخ طوسی، ۱۳۸۲، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ توحید، ایران، قم.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، به سوی خودسازی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ایران، قم.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۷، خداشناسی برای خودسازی، به سوی خودسازی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ایران، قم.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۵۷، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ هشتم، انتشارات صدرا، ایران، قم.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، مسئله حجاب، انتشارات صدرا، ایران، تهران.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، ایران، تهران.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، مجموعه آثار، چاپ ششم، انتشارات صدرا، ایران، تهران.
- مکی، محمدکاظم، ۱۳۸۳، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، چاپ اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ایران، تهران.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



مهاجرانی، عطاءالله، تمدن نوین اسلامی، فصلنامه راهبرد، زمستان ۱۳۷۵، شماره ۱۲.
مهریزی، مهدی، ۱۳۸۱، زن در اندیشه اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ایران، تهران.
مهریزی، مهدی، ۱۳۸۶، شخصیت و حقوق زن در اسلام، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ایران، تهران.
نصر، سیدحسین، ترجمه احمد آرام، ۱۳۵۰، علم و تمدن در اسلام، چاپ اول، اندیشه، ایران، تهران.
نقوی، علی محمد، ۱۳۹۹، سیری در اندیشه دینی، بیتا: موسسه فرهنگی، هنری و انتشارات بین المللی الهدی، ایران، تهران.
مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
۱۳۷۸، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی چاپ هفتم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ایران، تهران.

بازخوانی تجارب تاریخی اندیشمندان اسلامی در علم‌اندوزی، راهبردی بر توسعه علمی باهدف تحقق تمدن

نوین اسلامی

سعید حمیدی^۱

۱- استادیار گروه معارف اسلامی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران

چکیده

مطالعه تاریخ علم و بازکاوی مؤلفه‌های کارساز در ظهور و بروز اندیشه‌های نوآورانه در عرصه علم‌اندوزی بشریت، بازگوکننده این حقیقت تاریخی است که سرزمین‌های اسلامی از همان سده‌های اولیه هجری به واسطه تجارب اندیشمندان مسلمان در میداین علمی گوی سبقت را از دیگر ملل ربودند. بطوریکه بخش اعظمی از پیدایی و پویایی تمدن اسلام مرهون حیات علمی متفکران اسلامی است که سده‌های سوم تا پنجم هجری را به عصر طلایی تمدن اسلامی تبدیل نمودند. درگذر تاریخی امروز که تحقق تمدن نوین اسلامی از مطالبات مقام رهبری (مدظله العالی) و همچنین از آرمان‌های غائی برای جوامع اسلامی است، الگوگیری از تجارب ارزشمند و کهن اندیشمندان اسلامی به منزله نظام علمی حاکم بر سده‌های نخستین، می‌تواند جهت‌گیری دانشگاهیان و پژوهشگران را در راستای توسعه علمی عینیت بخشیده و سهم آنان را در راستای حصول تمدن نوین اسلامی دوچندان نماید. چراکه از الزامات متقن برای تمدن سازی در هر جامعه‌ای برخوردار از یک نظام علمی قانونمند، قدرتمند، پویا و زاینده خواهد بود. لذا این پژوهش با رویکرد توصیفی- تحلیلی به دنبال پاسخگویی بدین سؤال اصلی است که در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی، توجه به کدامیک از تجارب تاریخی اندیشمندان اسلامی به عنوان اصل حاکم بر توسعه علمی مؤثر خواهد بود؟ با استناد به منابع کتابخانه‌ای نتایج نشان می‌دهد؛ اگرچه تلاش در جهت فهم نظریه‌های گذشتگان و میراث داری از آثار پیشین راهبردی بر توسعه علمی است، لیکن عدم توقف بر دستاوردهای علمی گذشتگان و میراث سازی با نگاه نوآورانه از الزامات عرصه علمی در تحقق تمدن نوین اسلامی محسوب می‌گردد. ضمناً تبیین روش‌های جامع‌نگرانه در راستای کسب معرفت، عدم تعصب‌آمیزی در دستیابی به حقیقت علمی، تأسی به جدال احسن علمی و اصل حاکمیت دین در ساحت علم‌اندوزی از قواعد حاکم بر حیات علمی اندیشمندان اسلامی است که غفلت از آن‌ها حصول تمدن نوین اسلامی را با موانعی مواجه خواهد کرد.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، توسعه علمی، تجارب تاریخی

بیان مسأله

ارتباط بین اصطلاح «تمدن» و «علم» چنان نزدیک و درهم تنیده است که اساساً برخی از تاریخ نگاران با یکسان انگاری این دو، از تاریخ «علم و تمدن» سخن رانده اند. بدین معنا که نمی‌توان بین تمدن و علم و تاریخ تحولات این دو، حد و مرزی مشخص قائل شد. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان خواهد بود که اذعان گردد مهمترین عامل تمدن ساز در هر جامعه‌ای نظام علمی به معنای اعم آن است و به عبارت دیگر هر تمدنی از یک ساختار علمی قدرتمند، پویا و زاینده برخوردار می‌باشد. چنانچه فعالیت‌های پیشروانه دانشمندان برجسته، شاهد تاریخی در اثبات این مدعاست.

برای مثال شاخصه دوران شکوفایی تمدن یونان در قرن چهارم قبل از میلاد وابسته به افلاطون و ارسطو، سده سوم قبل از میلاد در گرو اقلیدس و ارشمیدس و در سده دوم میلادی از آن درخشش چهره‌های برجسته‌ای چون بطلمیوس و جالینوس

بود. این در حالی است که به رغم دیرپایی امپراطوری روم که از حدود قرن دوم قبل از میلاد تا قرن چهارم پس از مسیح به درازا کشید، لیکن جغرافیای وسیع، اقتصاد توانا، قدرت نظامی برتر و حتی نظام سیاسی مقتدر آنان نتوانست رومیان را، حداقل در مقام مقایسه با یونان، به عناصر تمدن ساز رهنمون نماید. در بیان تأثیر مقوله علم و اندیشه گران بر حوزه تمدنی، مطالعات دوره اسلامی نیز نشان می دهد که بی تردید یکی از دلایل شتاب و سرعت بالای پیشرفت تمدن اسلامی، توجه مسلمانان به دانش اندوزی و پیشرانی آنان در نهضت بزرگ علمی بوده است. نهضتی که توانست قرن ها زمینه ساز استیلای تمدن اسلام بر تمام نقاط جهان باشد.

بنابراین می بایست اذعان نمود که معرفی شیوه علم اندوزی نخبگان و شناساندن راهکارهای متقن آنان در امر توسعه علمی، توانمندی های ذاتی متفکران را به مثابه مولفه ای تمدن ساز، در اختیار جوامع انسانی قرار خواهد داد. بنابراین بازخوانی تجربه های تمدنی اندیشمندان مسلمان در دوران طلایی تمدن اسلامی با هدف تضمین زیرساختهای پیدایی و پویایی تمدن اسلامی امری ضروری بنظر می رسد.

لذا این پژوهش در صدد است تا طریق فردی و جمعی اتخاذ شده در کسب و انتقال معرفت علمی و روش تحقیق و شیوه کسب معرفت جدید دانشمندان مسلمان را مورد بررسی قرار دهد. چراکه مهمترین شاخصه نظام علمی سرزمین های اسلامی، سلوک اخلاقی، اسلوب فعالیت، قواعد کسب معارف جدید و در کل روش شناسی آنهاست. در همین راستا تلاش شده است تا از منابع علمی اصلی و گفتار دانشمندان پیشران بهره گرفته شود. البته غیر از توضیحات کوتاه، قضاوت به خواننده وانهاده شده است.

پیشینه پژوهش

بررسی ها نشان می دهد به دلیل اهمیت موضوع، پژوهش های ارزشمندی در شناساندن مولفه ها و الزامات تمدن نوین اسلامی صورت گرفته است.

رضا مقیسه، علیرضا کی قبادی و عبدالرحیم پدram (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «علائم پیدایش تمدن نوین اسلامی» هدف پژوهش خود را شناسایی و ارائه نشانه ها و علائم تمدن نوین اسلامی می دانند. عین الله کشاورز و مجتبی تسنیمی (۱۳۹۷) در مقاله «مولفه ها و پیشران های آینده نگاری تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر امام خمینی (ره)» از جمله مهمترین مولفه های شکل گیری تمدن نوین اسلامی را معنویت گرایی، وحدت و اتفاق می دانند که باعث تقویت قوای مسلمین می گردد و حتی می تواند قدرت های زورگو را از پای درآورد. حبیب زمانی محبوب (۱۳۹۵) در پژوهش «بایسته های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)» به ابعاد سیاسی تمدن نوین اسلامی پرداخته است. از نظر نویسنده، تمدن نوین اسلامی با بروز انقلاب اسلامی و دیدگاههای امام راحل (ره) در زمینه های مختلف از جمله پیوند سیاست و دیانت، استقلال، آزادی خواهی و بیداری مسلمین بنا شده است.

همچنین مظفری (۱۳۸۵) در مقاله «شاخص‌های تمدن‌سازی اسلامی در نگاه پیامبر(ص)» اصالت خداوند و کرامت انسان، علم و معرفت، پایداری و آمادگی و نیز اصلاح‌گری را از مهمترین آنها می‌داند. مجید جاودانی صبوری و سید مصطفی حسنی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «چیستی و شاخصه‌های تمدن اسلامی از منظر قرآن» امنیت، شایسته‌سالاری، پرورش عالمان متعهد و افراد خاشع را از ضروریات تحقق تمدن اسلامی بیان می‌دارد. مسعود مطهری نسب (۱۳۹۷) در بخشی از مقاله «کاربرد روش پژوهی در مطالعات تمدن اسلامی» تلاش دارد در ذیل مختصات تمدن اسلامی، به مولفه‌های اعتقادی جهت حصول به تمدن نوین اسلامی اشاره نماید. «شاخص‌های تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآنی» عنوان مقاله‌ای است که در آن محمد باقر سعیدی روشن (۱۳۹۳) تلاش نموده تا باستناد آیات الهی ایمان اعتقادی و داشتن فلسفه زندگی و ارزشهای اخلاقی را بعنوان ضروریات نرم افزاری تحقق تمدن اسلامی معرفی نماید؛ وی در ادامه عواملی چون اقتدار اقتصادی و صنعتی و قدرت نظامی را جزء الزامات سخت افزاری بیان می‌دارد. لیکن به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این تحقیقات، بصورت مستقل به شاخص‌های علمی در پیدایی و پویایی تمدن نوین اسلامی پرداخته‌اند. بطوریکه به نظر می‌رسد تأکید بر شناساندن تجارب اندیشمندان اسلامی به مثابه الزامی مهم در بررسی عوامل مورد نیاز تحقق تمدن نوین اسلامی نوآوری این پژوهش باشد.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. مفهوم راهبرد

واژه «راهبرد»^۱ - استراتژی - مشتق از کلمه یونانی «استراتگوس»^۲ به معنای ژنرال ارتش و مرکب از دو لغت «استراتوس»^۳ به معنای قشون و ارتش و «آگاس»^۴ به معنای راهنما و فرمانده است. در یونان قدیم فنون یا نقشه‌هایی که یونانیان و رومیان برای کسب پیروزی در جنگ‌ها بکار می‌بردند «استراتژوم»^۵ نامیده می‌شد. آلن بیرو^۶ می‌گوید استراتژی در معنای خاص، هنر فرماندهی بر یک ارتش و به ویژه بخشی از هنر نظامی است که در زمینه عملیات بزرگ جنگی بکار گرفته می‌شود. در معنای مجازی، استراتژی محاسبه و تنسيق مجموعه‌ای از تدارکات و اقداماتی است که در زمان طولانی جهت دستیابی به نتیجه‌ای غائی صورت می‌گیرد که در تقابل نیروهای رقیب جستجو می‌شود (بیرو، ۱۳۷۵: ۶۰۶). در حقیقت می‌توان گفت اصطلاح راهبرد در ابتدا صرفاً در معانی نظامی کاربرد داشته است. اما در گذر زمان، گستره کاربرد این مفهوم وسیع‌تر گردید و به امور سیاسی و کشورداری سرایت کرد.

¹. Strategy

². Strategus

³. Stratus

⁴. Agaugus

⁵. Strategum

⁶. Birou Alain

راهبرد از نظر مفهومی تعاریف متعددی دارد. (نک: Palit; 1966: 33؛ اسنایدر، ۱۳۸۴: ۸) انجمن تحقیقات نظامی وابسته به وزارت دفاع امریکا نیز با گسترش دامنه معنای این واژه، راهبرد را این چنین تعریف کرد: «علم و فن توسعه و کاربرد قدرت های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی یک ملت به هنگام صلح و جنگ به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست های ملی و افزایش احتمال پیروزی و تقلیل احتمال شکست.» (فارسی، ۱۳۶۳: ۳۳/۱)

بدین ترتیب مفهوم راهبرد از معنای یک سویه نظامی خود به «راهبرد ملی» تبدیل شد که امروزه نیز در مفهوم گسترده تری، «راهبرد جامع» یا «راهبرد کلان» نامیده می شود. راهبرد جامع، بیان گر فن، هنر یا دانش تصمیم گیری های منظم و حساب شده از طریق اطلاعات در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی است. (روشندل، ۱۳۷۰: ۲۳۵-۲۴۲) راهبرد در حکمرانی به معنای تعیین خط مشی کلی یک کشور یا سازمان یا حزب است که برنامه بلند مدت آن را مشخص می کند. در تعریف دیگر، راهبرد «علم و فن توسعه و بکار بردن قدرت های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و نظامی یک ملت، هنگام جنگ و صلح به منظور تأمین حداکثر حمایت از سیاست های ملی و افزایش احتمالات و نتایج مطلوب است. همچنین راهبرد به معنای هنر و یا علم توسعه و بکارگیری بهتر امکانات در جهت نیل به هدف در مقابل سایر بازیگران» تعریف شده است. (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۷۴: ۶۶۰)

بنابراین با توجه به بررسی مفاهیم راهبرد، بطور کلی راهبرد را می توان چنین تعریف کرد: «مجموعه ای از برنامه ها و منابع و مهارت های بکارگیری آنها در راستای رسیدن به اهداف مشخص و موفقیت از وضع موجود به وضع مطلوب. بنابراین هر حکومتی بر اساس منافع دنیوی و آخروی حکمرانی و ملت خود در راستای اهداف مورد نظر، سیاست های راهبردی خود را تدوین می کند. حکمرانی اسلامی نیز راهبردی های اصلی خود را بر پایه اهداف و منافع تعیین و سازماندهی می کنند. چنانچه حکمرانی اسلامی می بایست با الگوگیری از تجارب حکومت های پیامبران و امامان (ع) و تمدن های اسلامی پیش از خود، در راستای زمینه سازی برای کارآمدی حکمرانی خویش به تدوین استراتژی دست زنند. اینجاست که بازبینی تمدن اسلامی و الزامات تحقق آن بعنوان یک اصل مسلم مورد توجه حکمرانی اسلامی قرار خواهد گرفت.

۲.۱. واژه شناسی تمدن

واژه تمدن از ماده «مَدَنَ بِالْمَكَان» به معنای اقامت گزیدن در جایی گرفته شده است. (جوهری، ۱۳۷۶: ۲۲۰۱) در لغت به معنای شهرنشینی و خارج شدن یک جامعه از مرحله ابتدایی است. (لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل واژه تمدن) بنابراین می توان گفت متمدن شدن یعنی «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود.» (عمید، ۱۳۸۹: ۵۳۰)

بررسی آیات نشان می دهد از لغاتی چون حضر، مدن، مدینه و ملک مفهوم تمدن استخراج میگردد. همه این مشتقات که در ۱۶ سوره قرآن آمده به معنی حضور، وجود و استعداد است. (جعفری، ۱۳۷۳: ۳۵)

برای مفهوم اصطلاحی تمدن نیز تعاریفی بکار برده شده است. برخی نوشته‌اند: «تمدن مرحله یا نوعی خاص از فرهنگ است که در عصر معینی موجودیت یافته و حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور میباشد». (لوکاس، ۱۳۶۶: ۱۶؛ توین بی، ۱۳۷۶: ۴۸) همچنین بیان شده است: «تمدن نظامی اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر میشود و جریان پیدا میکند (دورانت، ۱۳۶۵: ۵)

هانتینگتون^۱ نیز میگوید: «تمدن بالاترین گروه بندی فرهنگی و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می آید». (هانتینگتون، بی تا: ۴۷) در بین اندیشمندان اسلامی، خواجه نصیرالدین طوسی و ابن خلدون تمدن را حالت اجتماعی شدن انسان (ابن خلدون، ۱۳۵۹: ۷۷) دانسته اند.

علامه جعفری تمدن را «تشکل هماهنگ انسانها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه های جامعه، در جهت پیشبرد اهداف مادی و معنوی آنان در همه ابعاد مثبت معنا کرده است. (جعفری، ۱۳۵۹: ۱۶۲) این متفکر معاصر بیان می کند: «تمدن عبارتست از برقراری نظم و هماهنگی در روابط افراد یک جامعه که تصادم ها و تزاخم های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آنها نموده اند. بطوریکه زندگی اجتماعی افراد و گروه های آن جامعه، موجب بروز و به فعلیت رسیدن استعدادهای سازنده آنان گردد». (همان، ۱۳۷۳: ۲۳۳)

با عنایت به مجموعه تعاریف می توان گفت: تمدن ظهور و بروز فراگیر، نظام مند و نهادینه شده یک فرهنگ خاص در یک جامعه مدنی و تعاملات و ابزارهای آن است؛ به گونه ای که پاسخگوی ابعاد متفاوت از نیازهای فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع انسانی باشد.

۳.۱. تمدن نوین اسلامی

از آنجاکه تمدن نوین اسلامی یکی از نظریات مطرح شده در ذیل گفتمان انقلاب اسلامی است و در عرصه احیاء و بازتولید تمدن اسلامی قرار دارد، بنابراین الزاماً تمدنی خواهد بود مبتنی بر افکار، باورها و فرهنگ اسلامی که از ساختار علمی و منطقی برخوردار است. چنانچه روابط بین فردی، ملی و بین المللی آن، بر محور نظم و قانون و اخلاق مبتنی بر فطرت الهی متکی است.

به بیان آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) تمدن نوین اسلامی همانند تمدن غرب امروزی نیست که فقط جنبه ابزاری و سخت افزاری داشته و نتوانسته نیازهای حقیقی انسان به مانند سعادت، امنیت^۲ و آرامش روانی و هدف مندی زندگی را برای جامعه غرب به همراه آورد. (بیانات رهبری در دیدار با جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳) به تعبیر ایشان، تمدن غرب^۳ بر اوماناسم استوار است؛ اما تمدن نوین اسلامی برخداگرایی اتکاء دارد. تمدن غرب بر نیازهای مادی می پردازد و از برآوردن نیازهای

^۱. Samuel Huntington

^۲. Security

^۳. Western Civilization

معنوی بی بهره است؛ لیکن محور اساسی تمدن نوین اسلامی معنویت است. در تمدن نوین اسلامی همه نیازهای مادی و معنوی آدمی برآورده می گردد و روابط چهارگانه انسان با خود، خدا، جامعه و هستی مد نظر است. عزت و کرامت انسان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و تکنولوژی احیا می گردد و پیشرفت همه جانبه و حرکت و تعالی در همه عرصه ها و جنبه های زندگی مادی و معنوی تحقق می یابد (همان)

۲. بازخوانی تجارب تاریخی در علم اندوزی اندیشمندان تمدن اسلامی

تجربه های علمی را می توان مجموعه ای از رفتار و گفتار و پندار محققان و دانشوران دانست که در طول زمان به انتقال، انباشت و خلق دانش مبتنی بر ارزش های فرهنگی و اصول اخلاقی جامعه همت می گمارند. در پژوهش حاضر نیز منظور از تجارب تاریخی در علم اندوزی اندیشمندان اسلامی، مجموعه گزاره هایی اعم از طریق فردی و جمعی کسب و انتقال معرفت، نوع نگرش به پدیده های طبیعی، نحوه مواجهه با موضوعات علمی، سیره و سلوک فردی و گروهی در محیط و نهادهای آموزشی، انگیزه ها و اهداف مشخص در پرداختن به مباحث علمی است. بطوریکه این تجربه ها ویژه یک یا چند دانشمند خاص نبوده، بلکه در راستای توسعه علمی مسلمین و در دوران اوج تمدن اسلامی، بر فعالیت های جمعی و نهادی حاکم بوده است.

در این مقاله فرض شده است که از متن تجربه های علمی دوره اسلامی می توان مجموعه قواعدی را استخراج نمود. قواعدی که امروزه قادرند ضمن جامع نگری نخبگان جامعه نسبت به مراتب علمی، با شناساندن شیوه های کسب معرفت و اصول جاری در فعالیت های علمی، قواعد حاکم بر پیشرفت را تضمین نمایند.

۲-۱. تبیین آثار و دستاوردهای علمی کهن (میراث داری از نتایج علمی پیشینیان)

نخبگان جوامع انسانی می بایست، پیش از آغاز هر فعالیت علمی و پژوهشی، دستیابی به میراث های گذشته و همچنین مطالعه دقیق و تبیین آخرین یافته های دانشمندان دیگر را در اولویت نظام علمی خویش قرار دهند. امری که به مرور پیشینه علمی^۱ مشهور است و پیش نیاز شروع هر فعالیت تحقیقاتی است. با همین هدفمندی، تمدنهای بالنده خود را میراث دار علوم و فنون و نقاط قوت میراث های پیشین می دانند؛ چنانچه مهمترین نماد آنرا باید در شناسایی و بهره گیری از آثار و تجربیات علمی و فنی موارث کهن جست. در تمدن اسلامی این موضوع در جغرافیای وسیع جهانی و در پهنه فراخ زمانی بیش از یک قرن رخ داد؛ جریانی که به نهضت گسترده و فراگیر ترجمه در تمدن اسلامی مشهور است و عینیت یافتن آن بهترین گواه تحقق این اصل است.

فرانس روزنتال در کتاب خود بنام نفوذ علوم یونان باستان در اسلام می گوید: «تنها انگیزه سود عملی و یا نظری بردن، نمی تواند علت پدیده ترجمه کتب بیگانه را در سطحی گسترده توسط مسلمین برای ما روشن کند. بلکه ناگزیر باید با موضع دین اسلام نسبت به علم و دانش آشنا شد... که همین موضع اسلام در قبال دانش نه تنها بزرگترین عامل تحرک در زندگی دینی،

¹ Literature Review

بلکه در جمیع حیات انسانی بود. همین موضع گیری اسلام بزرگترین انگیزه برای تلاش در راه علوم و فتح بابی برای رسیدن به معارف انسانی شد. اگر این انگیزه نبود، ترجمه به ضروریات زندگی عملی منحصر می شد و بس» (سزگین، ۱۳۸۸: ۳۰)

حنین بن اسحاق (۲۶۴-۱۴۹ق/۸۷۳-۸۰۸ م) نخستین کتاب چشم پزشکی را در تمدن اسلامی بنام کتاب العشر مقالات فی العین در سده سوم هجری (نهم میلادی) نوشته است. وی در این کتاب به جمع آوری و معرفی نظریات مختلف درباره چشم نزد دانشمندان یونانی پرداخته است. حنین در مقدمه کتاب خود نوشت: «من متجاوز از سی سال مشغول تنظیم و تألیف رسالات متعددی درباره چشم بوده ام که در آنها مسائل مختلف را که مردم درباره آن از من سوال می کردند دنبال کرده ام» (الگود، ۱۳۶۵: ۱۲) هر چند که حنین در این زمینه چیزی بر آنچه یونانیان به ویژه جالینوس عرضه کرده بود نیفزود (لیندبرگ، ۱۳۶۵: ۳۸)

اما وی نماینده دانشمندانی است که در جمع آوری آثار دانشمندان پیشین، تنظیم و تألیف جدید از آنها اهتمام می نمودند و زمینه ای را فراهم کردند که حدود یک قرن بعد (چهارم هجری) به نوآوری دانش چشم پزشکی در تمدن اسلامی توسط ابن هیثم منجر گردید.

بطوریکه می بایست تصریح نمود که مرحله انتقال و اقتباس علوم خارجی در اواخر قرن سوم ه.ق، عملاً پایان یافت و مرحله نقد و نوآوری آغاز گردید. بطوریکه بازخوانی تجربه های اندیشمندان اسلامی نشان می دهد که میراث داری علمی آنان فقط به حراست از دانش های منتقل شده، حفاظت از سنتهای بر جای مانده و انتقال آن به نسلهای آینده محدود نشد؛ بلکه تلاش وسیعی صورت گرفت تا تمام منابع منتقل شده با دقت علمی بی نظیر و نگاه نقادانه و موشکافانه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. چنانچه مضامین ذیل تأیید این ادعاست. ابن رشد می نویسد: «پس واجب است بر ما که بر نوع نظر گذشتگان در موجودات عالم و شیوه استدلال آنان مطابق موازین و شرایط برهان، نظر افکنده و با دقت نظر آنچه را که گفته اند و در کتب خود ثبت کرده اند مورد توجه قرار دهیم. آنچه درست است قبول کرده بدان مسرور شویم و سپس داریم و به آنچه که نادرست است به درستی واقف شده، از پذیرش آن عذر خواهیم و آنان را هم در این امر معذور داریم» (محمد بن رشد، ۱۴۱۲: ۱۲)

رازی میگوید: «هر چند اشتباهات جالینوس به سبب سهل انگاری و سهو در نوشتن و افتادگی می باشد؛ اما در آنجا مطالبی وجود دارد که بدلیل پیشرفت علوم غیر قابل قبول است» (سزگین، ۱۳۵۶: ۲۵)

ابوریحان بیرونی (۴۴۰-۳۴۲ق) در قانون مسعودی می گوید: «براستی که من همان کاری را کردم که بر هر انسانی واجب است در شغل خود انجام دهد. یعنی کوشش و تلاش گذشتگان را با منت پذیرا باشد بدون آنکه بزرگی و حشمت آنان مانع اصلاح معایبی گردد که با آنها روبرو می شود.. و آنچه برایش روشن شد و از نوشته های پیشینیان بدست آورد، برای یادآوری آیندگان و کسانی که در زمانهای بعد می آیند باقی گذارد» (همان، ۲۶). بیرونی همچنین در کتاب افراد المقال نوشت: «آنچه دانشمندان گفته اند جز در واژه ها و الفاظ تفاوت دیگری با سخن ارسطو ندارد. آنان نادرستی هایی را که در این نظریات دیده

می شود به گردن کسانی جز ارسطو می اندازند و اگر کسی نظریات ارسطو را در این کتاب خطای فاحش بداند و مثلاً نپذیرد که پائین تر از مدار رأس سرطان نیز آبادانی بر زمین وجود دارد، این گروه آشکارا به تکذیب او برمی خیزند». بیرونی در کتاب التفهیم گفت: «هر پژوهش گر برای دست یافتن به راستی می تواند بر هر نوشته ای شک نماید، اگرچه رأی چندین نفر باشد یا به تواتر به ما رسیده باشد و حتی نوشته خواص باشد. او می بایست هوشیار باشد و درستی کار خود را همیشه بیازماید و بر خود خُرده گیرد، از خودپسندی بپرهیزد و بر کوشش بیفزاید و از این کار خسته نگردد». (بیرونی، ۱۹۸۲: ۸۵)

در این راستا بیان ابن هیثم بنیان گذار روش علمی جدید و دانش نور شناسی (اپتیک) در مقدمه کتابش بنام الشکوک علی بطلمیوس آموزنده است: «حقیقت به ذات خود خواستنی است و هر چیزی که به ذات خود خواستنی باشد، خواهان آن چیزی جز وجود آن نمی خواهد. از طرفی شناخت وجود حقیقت دشوار است و راهیابی به سوی آن مشکل است؛ از طرفی حقایق در هاله ای از شبهات قرار گرفته اند و خوش بینی نسبت به دانشمندان، فطری همه انسان هاست. بنابراین کسی که کتب دانشمندان را مطالعه می کند، اگر فطرت و طبعش را آزاد و رها کند و هدفش فهمیدن و درک نوشته های ایشان باشد، حقایق یعنی معانی و نتایجی که مورد نظر آنها بوده است، برایش حاصل می شود. خداوند دانشمندان را از لغزش ها مصون نداشته و دانش ایشان از کاستی و عیب مبرا نیست. اگر چنان بود، دانشمندان در هیچ مسأله ای از علوم اختلاف نظر نمی داشتند و در حقایق امور، نظرات مختلفی ابراز نمی کردند. در صورتی که ضرورتاً چنین است. پس کسی که جوای حقیقت است آن کسی نیست که کتابهای پیشینیان را در حالیکه طبع خودش را با حسن ظن به دانشمندان، آزاد گذاشته مطالعه می کند. بلکه جوای حقیقت آن کسی است که درباره آنان بدگمان است و در آنچه از گفته ایشان می فهمد درنگ می کند و از دلیل و برهان پیروی می کند، نه از قول گوینده ای که او نیز انسان است و در سرشت وی انواع معایب و کاستی ها وجود دارد. نیز بر کسی که بر روی کتب دانشمندان مطالعه می کند، اگر هدفش شناختن حقایق است لازم است نه خود را مخالف هر چه مطالعه می کند بیندارد؛ لیکن متن و همه حواشی مطلب را خوب بررسی کند و از جمیع جنبه ها و جهات به دیده مخالف بنگرد و به خودش نیز در برابر آن مطالب خوشبین نباشد. نه چیزی را به خود تحمیل کند و نه به سادگی آنرا بپذیرد. وقتی که جوینده حقیقت این راه را طی کند، حقایق برایش کشف شود و به امید خود رسد و نقص و اشتباه کلام پیشینیان را درک کند»

ابوالوفاء بوزجانی (ریاضیدان قرن چهارم ه.ق) در مقدمه کتاب المجسطی نوشت: «اگرچه پیش از ما جماعتی از فضلالی متقدم مانند ابرخس و ابولونیوس (یحیی نحوی) و بطلمیوس و جز آنان، بدین موضوع پرداخته اند، ولی ما در این کتاب روشی پیش گرفته ایم که هیچ یک بدان اشاره نکرده اند؛ پس راه رسیدن بدین معلومات را هموار ساختیم و از ذکر روش هایی که فهم آنها برای متعلمان دشوار بود اجتناب کرده ایم؛ مانند روش چهار ضلعی و روش شش مقدار و کوشیدیم تا خواننده بتواند به آسانی و از نزدیک ترین راه، معانی مشکل و پیچیده را درک کند. آنگاه به ذکر راه هایی که پیشینیان آنها را ذکر نکرده بودند، بیان کردیم. علاوه بر این با دقت، استدلال های هندسی را از اعمال حساب متمایز ساختیم تا مهندس و محاسب هر کدام فقط با مطالب مربوط به رشته کار خود سروکار داشته باشند و نیاز به مراجعه به فن دیگری نداشته باشند...» (قریبانی، ۱۳۸۳: ۲۷)

در حقیقت در تمدن اسلامی چنین اندیشه و روشی غالب و اصولاً این نحو برخورد با آثار گذشتگان، منش حاکم بر دانشمندان مسلمان بوده است. چراکه بدون بهره‌گیری عالمانه و میراث‌داری نقادانه، زمینه برای میراث‌سازی آگاهانه فراهم نمیگردد.

۲-۲. خُرده‌گیری به اغلاط علمی گذشته و تلاش در جهت ارائه نتایج علمی جدید

دانشمندان مسلمان پس از انتقال، بررسی، تجزیه و تحلیل، هضم و جذب، نقادی و طرد اغلاط علمی آثار دانشمندان پیشین، به نوآوری در دانش موجود و پدید آوردن شاخه‌ها و آراء جدید همت گماشتند.

چنانچه جورج سارتن مورخ بزرگ علم هر نیم قرن را بنام یکی از دانشمندان شاخص، نوآور و مرز شکن در حوزه علم در مقیاس جهانی نامیده است. بطوریکه نامگذاری قرن دوم هجری (هشتم میلادی) تا قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) در انحصار دانشمندان مسلمان است.

سارتن در فصل سی و سوم از کتاب تاریخ علم درباره اندیشمندان مسلمان در قرن پنجم هجری می‌نویسد: «... رهبران بزرگ چندان فراوان بودند- ابن یونس، ابن هیثم، بیرونی، ابن سینا، علی بن عیسی، کرخی (کرجی) - که دست کم برای لحظه‌ای مورخ را مبهوت می‌سازند. گرچه همه اینان مردان ممتازی به شمار می‌رفتند، اما دو تن سر و گردنی از دیگران برتر بودند؛ بیرونی و ابن سینا. بی شک بخاطر اینان بود که آن عصر اینچنین درخشان و برجسته نمود. این دو تن که از قضا یکدیگر را می‌شناختند با هم فرق بسیار داشتند. بیرونی مبین روح پرتکاپو و نقاد بود و ابن سینا دارای روحیه ترکیبی. بیرونی بیشتر کاشف بود و از این لحاظ با آرمان علمی جدید نزدیک تر شد؛ ابن سینا ذاتاً یک سازمان دهنده، جامع‌العلوم و فیلسوف محسوب می‌شد. در واقع هر دو و حتی ابن سینا در وهله اول به یک اندازه اهل علم بودند و مشکل است یکی از آن دو را انتخاب کنیم...» (سارتن، ۱۳۶۳: ۵۵)

از آنجاکه داشتن خلاقیت و نوآوری در حوزه دانش، مستلزم اعتقاد به بی‌نهایتی تحقیقات علمی و مسیرهای کشف نشده است، لذا هر دانشمندی به مسیری گام می‌نهد که آن را نهایتی نیست. ملا محسن فیض کاشانی درباره حدیث نبوی (ص) «أطلبوا العلم من المهد إلى اللحد» می‌نویسد: «... انسان به هر مرتبه‌ای از دانش برسد و آنرا به دست آورد، واجب است مرتبه بالاتر آنرا تحصیل کند. و این وجوب تحصیل پایان نمی‌یابد و نهایتی ندارد» (حکیمی، ۱۳۷۵: ۶۳)

دانشمندان بسیاری در تمدن اسلامی در کتب برجسته و مرز شکن علمی، نخست نمونه‌ها و آرای دانشمندان پیش از خود را با دقت فراوان و اهلنت داری بی‌نظیر و با اعتماد به نفس کامل، ذکر و تشریح کردند و سپس به تبیین نوآوری‌های خود پرداختند.

در خصوص نحوه تدوین کتابی حاوی نوآوری‌های متعدد، مقدمه کتاب مفتاح الحساب کاشانی خواندنی است: «چون در فراگیری اعمال حساب و قوانین هندسه کوشش بسیار کردم، به حقایق آن رسیدم و از نکات باریک آن آگاه شدم. پیچیدگی‌ها و دشواریهای مسائل آنرا از میان برداشتم و قوانین و دستورهای بسیاری در آن یافتم که بدست آوردن آن برای حساب دانان پیش از من بسیار دشوار بود. آنگاه همه جداول زیج ایلخانی را از نو با دقتی ترین شیوه استخراج کردم و زیج خاقانی را در

تکمیل زیج ایلخانی وضع کردم... والرساله المحيطیه دربارهٔ نسبت قطر دایره به محیط آن و رسالهٔ وتر و جیب در استخراج وتر و جیب یک سوم (قوسی که وتر و جیب آن معلوم باشد) (یعنی محاسبه sina از روی sin3a این نیز از مسائلی بود که بر پیشینیان دشوار بوده است. چنانکه بطلمیوس گفته است که برای بدست آوردن آن راهی نیست. اما ابزاری رصدی موسوم به طبق المناطق اختراع کردم و کتاب نزهة الحدائق را در چگونگی و ساختن و شناختن آن نوشتم... همچنین جواب های مسائل بسیاری را، که محاسبان زبردست برای آزمودن من، یا برای آموختن خود با من در میان نهادند و حل آنها بوسیله معادلات شش گانه جبری حاصل نشده بود را استخراج کردم. در اثنای این اعمال به دستورهای متعددی دست یافتم که با آنها اعمال مقدماتی حساب به آسان ترین وجه و ساده ترین راه و کوتاه ترین روش و بیشترین فایده و روشن ترین وضع صورت می گیرد. پس بهتر دیدم که آنها را مدون کنم و بر آن شدم که به شرح آنها پردازم... و برای بیشتر اعمال، دستوری در جدول قرار دادم تا بخاطر سپردن آنها بر مهندسان (هندسه دانان) آسان باشد. همه جدول هایی که در این کتاب آمده پرداخته خود من است و مسئول آسانی و دشواری آنها من هستم. مگر هفت جدول که به قرار زیر است... چون کتاب را به پایان رسانیدم آنرا مفتاح الحساب نامیدم و از خداوند مسئلت دارم که مرا به درستی و راستی موفق گرداند و راه راست را به من بنمایاند. اکنون از کسی که به این کتاب نظر می افکند استدعا دارم که ضعف عبارات آن را بر من ببخشد و اگر لغزشی در آن روی داده بر من خرده نگیرد؛ چراکه من به ناتوانی و تقصیر خویش و سستی بیان و نوشته خود معترفم.»

(کرامتی، ۱۳۸۲: ۶۵)

همچنین بیرونی در کتاب استیعاب الوجوه الممكنه فی صنعہ الاسطرلاب نوشت: «از ابو سعید سجزی، اسطرلابی از نوع واحد و بسیط دیدم که از شمالی و جنوبی مرکب نبود و آنرا اسطرلاب زورقی می نامید؛ او را به جهت اختراع آن اسطرلاب تحسین کردم که اختراع آن متکی بر اصلی است قائم به ذات خود و مبنی بر عقیده مردمی است که زمین را متحرک دانسته و حرکت یومی را به زمین نسبت می دهند و نه به کره سماوی. بدون شک این شبهه ای است که تحلیل آن در نهایت، دشوار و قوی است که رفع و ابطالش در کمال صعوبت است. مهندسان و علمای هیئت که اعتماد و استناد ایشان بر خطوط مساحیه (مدارات و نصف النهارات و استوای فلکی و دایره البروج) است؛ در نقض این شبهه و رد آن عقیدت، بسی ناچیز و تهی دست باشند و هرگز دفع آن شبهه را اقامت برهان و تقریر دلیلی نتوانند نمود. زیرا چه حرکت یومی را از زمین بدانند و چه آنرا به کره سماوی نسبت دهند، در هر دو حالت به صناعت آنان زیانی نمی رسد و اگر نقض این اعتقاد و تحلیل این شبهه امکان پذیر باشد موقوف به رأی فلاسفه طبیعی دان است» (بیرونی، ۱۹۷۹: ۸۴)

بی تردید بیان فوق صریح ترین شک درباره نظریه زمین مرکزی و احتمال صحت نظریه خورشید مرکزی، قبل از کوپرنیک است. بعنوان نمونه دیگر، ابن هیثم فارغ از نظریات کارساز خود در حوزه دانش نورشناختی، نه تنها سازوکار فیزیکی بینایی را بیان داشت؛ بلکه چگونگی روند نرواپتلمولوژی^۱ بینایی را نتیجه برخورد نور تابیده بر شبکیه و انتقال آن توسط عصب بینایی^۲

¹ Neurophthalmology

² Optic Nerve

دانست. او به چنان ژرفای فیزیک نور دست یافت که اصول نظری ساخت عدسی های گوناگون را بنیاد نهاد که پس از سیصد سال بر همین اساس این عدسی ها در اروپا ساخته شد. (لیندبرگ، ۱۳۶۳: ۸۵)

۲-۳. جهت گیری نسبت به کسب علوم با مبنای هستی شناختی

بازکاوی آراء و تجربیات دانشمندان مسلمان نشان میدهد که در فعالیت های علمی آنان رویکردهایی کاملاً مشهود است. نخست آنکه شاخه های متعدد علوم را دارای مبادی مشترکی می دانستند و لذا در نگاه آنان به طبیعت و ماورای طبیعت و انسان، نوعی وحدت رویه حاکم بوده است. دیگر آنکه آنها هیچ گونه منافاتی بین علم و دین نمی دیدند، بلکه برعکس، آنها را سازگار و بهم پیوسته می دانستند. بطوریکه تقسیم بندی علوم و طبقه بندی آن به معنای گسسته بودن علوم طبیعی از غیرطبیعی (انسانی و اجتماعی) و دینی از غیر دینی نبود. بلکه الهام بخش بسیاری از تحقیقات علوم دقیقه، اصول و نیازهای شرعی بود و بسیاری از یافته های علمی خود را مرهون توسل به مفاهیم دینی و تمسک به احکام شرعی می دانستند.^۱

همچنین دانشمندان مسلمان در کسب معرفت علمی، خود را محدود به روش خاصی، حتی بعثت بی نیازی یک حوزه دانشی از حوزه های دیگر نمودند. آنها پدیده های طبیعی را از وجوه مختلف حسی و تجربی، عقلی و برهانی و شهودی و ذوقی مورد مطالعه قرار میدادند. نتیجه این تلاشهای جامع نگر پدید آمدن شاخه های منسجم و بهم پیوسته در حوزه های مختلف طبیعیات (و ریاضیات)، الهیات (و فلسفه و منطق) و عرفانیات (اشراق و تصوف) بود.

بعبارت دیگر دانشمندان مسلمان طبیعت را به مثابه صحنه اصلی کسب معرفت، مرتبه ای از هستی می دانستند؛ که در یک نظام سلسله مراتبی علی، در نهایت به واجب الوجود بالذات می رسد. دانشمندان مسلمان حوادث طبیعی (و اصولاً هر واقعه ای) را دارای علت و تابع قانون می دانستند؛ یعنی تمام رخدادهای طبیعی معلول علت یا عللی است که باید کشف شود. اصل علیت به معنای آن است که همه حوادث طبیعی دارای علتی است. به بیان دیگر قانون علیت بر اصل بنیادین «متحد الشکل یا یکنواخت بودن طبیعت^۲ استوار است. بدین معنا که جریان امور طبیعت در همه جا و همه وقت واحد است.

آنان حتی نظام طبیعت را توصیف پذیر با زبان ریاضی میدانستند. جابر بن حیان بنیان گذار شیمی نوین و از شاگردان مکتب امام جعفر صادق (ع) که در قرن دوم هجری می زیست، به وضوح بر آنست که این جهان از هر نظر بر پایه قانون علی استوار و قابل تبیین به زبان ریاضی است. وی میگوید «اگر بتوانیم علت خواص اشیاء را با اعداد و ارقام بیان کنیم، پایه درستی برای کارمان در عالم شیمی ثابت کرده ایم؛ چراکه مبدأ سنجش اشیاء یعنی مبدأ سنجش قطعی ریاضی برای اشیای عالم بر همین اساس است. بطوریکه این مبدأ نظام معقول اشیاء و همبستگی آنها را با هم روشن میکند و آن اساس و پایه، در هر چیزی از جهت خاصی روشن است. همانطوریکه این مبدأ از سویی دیگر تنها مدلول اساسی برای عالم است...» (سزگین، ۱۳۵۵: ۲۰۴)

² Uniformity of nature

این کل نگری و وحدت طلبی در عرصه کسب معرفت، جهان شناسی آنها را متفاوت از جهان شناسی تمدن های دیگر می ساخت. حکمای اندیشمند و نوآور اسلامی، طبیعت را قلمرو فیض الهی می دانستند. در این دیدگاه جهان هستی ساحتی است که انسان از منظرهای متفاوت به توصیف آن می پردازد. رشد و تکامل مستمر علم و اندیشه انسانی، تفسیر وی را به حقیقت نظام احسن الهی به تدریج نزدیک تر می سازد. از این منظر دانش تجربی نوعی تفسیر از جهان و تبیین از هستی است که همراه با دیگر نحوه های معرفت و گاه براساس آنها بعنوان ابزاری کارآمد برای شناخت قاعده مند طبیعت و تسلط بر آن شکل می گیرد. قرآن ترکیب این «شناخت» و «تسلط» را «تسخیر طبیعت» می نامد.

بعنوان نمونه ابن سینا قبل از ورود به مبحث علل چهارگانه، معرفت کامل را حاصل تلاش دو حوزه معرفتی می داند که حکمای الهی و حکمای طبیعی بدان مشغولند. وی مبحث ماده را بعنوان مثال انتخاب می کند و می گوید دانشمندان فقط به ماده پرداخته اند و از موجودی که در پس آن است و آنرا ماده اولیه یا هیولی می خوانند و موضوع مود بررسی حکمای الهی است غافل شده اند و دسته ای فقط به مباحث عقلی محض پرداخته اند و گمان برده اند که بحث آنها از توجه به ماده مستغنی است. (در اینجا منظور از ماده ثانیه یا ماده طبیعی است)... حال آنکه توصیف آنها نیز ناقص است. علم به جوهر هر شیء از جمع هر دو معرفت حاصل می شود. عثمان بکار فصل نسبتاً کوتاهی از کتاب خود را به «وحدت علم و معرفت، تجربه اسلامی» اختصاص داده است که معنای این اصل را به نیکی تشریح می کند. (البته چنین سستی نه مورد توافق تمام دانشمندان بود و نه در تمام قرون ادامه یافت. برای نمونه غزالی درباره طبیعیات می گوید: «اما در طبیعیات حق آلوده به باطل و صواب مشتببه به خطاست» (گلشنی، ۱۳۶۵: ۶۱) غزالی در کتاب فاتحه العلوم درباره ریاضی می گوید: همچنین است نظر در علم اقلیدس و المجسطی و دقایق حساب و هندسه و ریاضت در آنها که خاطر را تشحیذ و نفس را نیرومند می کند و با اینحال ما آن را به سبب یک آفت که در پی دارد منع می کنیم. زیرا از مقدمات علوم اوایل [علوم طبیعی و ریاضی و عقلی] است که مذاهب فاسدی در پی دارد و اگرچه خود هندسه و حساب مذهب فاسدی که متعلق به دین باشد وجود ندارد لیکن می ترسم بدان منتهی گردند» (بگاری، ۱۳۷۵: ۲۱۷)

۴-۲. تأکید بر احصاء مبادی عملی (کاربردی) در پژوهش ها

در حوزه طبیعی راهبردهای اصلی آثار دانشمندان مسلمان کاربردی بودن آنهاست. مصادیق چنان زیادند که به جرئت می توان گفت اکثر آنها با رویکرد کاربردی و به منظور استفاده مردم و اصناف ذی ربط نوشته شده است. در اینجا به کتاب جبر و مقابله خوارزمی به چند علت نظر می افکنیم. نخست اینکه از قدیمی ترین کتب ریاضی است. دوم اینکه در حوزه ریاضی است و لذا انتظار بیشتری بر نظری و مجرد بودن آن است. سوم اینکه نویسنده آن در این کتاب دانش جبر را بنیان گذاشته، بنابراین این کتاب نقطه عطفی در حوزه ریاضیات است و بالاخره دانشمندان و آثار ریاضی بعد از آن از این کتاب تأثیر پذیرفته اند. شایان ذکر است که اصولاً ریاضیات دوره اسلامی عملاً از کارهای خوارزمی و کتاب الجبر و المقابله وی آغاز می گردد. حدود سی درصد مطالب این کتاب به مباحث ریاضی اختصاص یافته است و قریب به هفتاد درصد آن مشتمل بر

کاربردهای بخش ریاضی است. کاربردها شامل معادلات، مساحات برای مساحتی، بخش مستوفایی در خصوص وصایا (کتاب الوصایا) و موارد عملی دیگر است. نمونه دوم کتاب فی ما يحتاج الیه الکتاب و العمال من علم الحساب، مشهورترین و مهمترین کتاب ریاضی ابوالوفا بوزجانی است و در ترجمه های کهن فارسی به اعمال هندسی مشهور است. این کتاب کاملاً رویکرد کاربردی دارد، به گونه ای که حتی عنوان آن بیانگر عملی بودن آن است. نوآوری های ریاضی بوزجانی عمدتاً در این کتاب درج شده است.

توجه به این نکته مهم است که اگرچه ارشمیدس مکانیک ریاضی را پدید آورد، که در دو اثر وی در خصوص ایستایی اجسام جامد و مایع درج شده است، هیچ گاه اثری در خصوص بکارگیری این دانش جدید به جای نهاد. کلم مولف کتاب تاریخ تکنولوژی غرب در خصوص آثار ارشمیدس پیرامون مکانیک می نویسد: «...در هر حال ارشمیدس نه بعنوان یک دانشمند علوم عقلی مانند ارسطو و نه یک مهندس مانند هرون شناخته نشده است. دل مشغولی اصلی وی ریاضیات بوده است نه مهندسی. هر چند که وی بارها به ویژه در حفاظت از شهر سیراکوز (موطن خود) در برابر مهاجمان، دستگاه های متعددی ساخته و بکار انداخته است. بررسی آثار او نشان می دهد که وی اصول مکانیک خود را کلاً بر اساس قیاس محض (Deduction) و مبتنی بر چند مشاهده و تعریف ساده استخراج نموده است. (Klemm;A)

(History of western Tecnology). نظر پیش گفته هومان راندل در اصل ششم در اینجا هم صادق است. (حکیمی، ۱۳۸۵: ۱۴۴))
نکته مهمی که می بایست بدان اشاره کرد آنکه اصطلاح «کاربردی» بودن در اینجا به معنای (عملی محض) نیست، بلکه بخش نظری «دانش ناظر به عمل» را نیز در برمی گیرد؛ هاند ریاضی یا فیزیک یا شیمی کاربردی امروز. برای مثال جبر و مقابله خوارزمی و اعمال هندسی بوزجانی، حاوی هر دو بخش نظری (ناظر به کاربرد) و عملی است. بطور مشابه، دانشمندان مسلمان دانش های پزشکی را نیز در دو بخش عمده نظری و عملی تقسیم کرده اند: الف) پزشکی نظری که به پنج بخش اصلی تقسیم گردید: (ر.ک بکار، ۱۳۷۵: ۱۴۴)

۱. وظائف الاعضا (یا علم امور طبیعیّه)؛ ۲. علم تشریح؛ ۳. علم احوال بدن (شناخت بیماری و سلامت)؛ ۴. علم الاسباب (علت شناسی)؛ ۵. علم بالدلائل (دانش نشانگان بیماری ها). برای مثال ابن سینا ده حالت نبض را برشمرده است: کمیت (تعداد)، نیرو، مدت حرکت نبض، وضعیت جدار رگ ها و نرمی و سفتی آنها، گنجایش، زمان توقف، ضربان نبض، فواصل زمانی و مدت نبض، توازن نبض، آهنگ)

ب) پزشکی عملی که به دو شاخه اصلی تقسیم شده است:

۱. حفظ الصحه (بهداشت)؛ پزشکی اسلامی برای حفظ بهداشت تن و روان شش اصل (ضروریات سته) را تعیین کرده است. هوا، خوردنی ها و آشامیدنی ها، تحرک (حرکت و سکون)، خواب، آرامش و تحرک عاطفی، جذب و دفع غذا.
۲. علم العلاج (درمان)؛ که به چهار شاخه تقسیم می گردد: علاج بالتدبیر (درمان منظم)، علاج بالغذا (تغذیه درمانی)، علاج بالدوا (دارو درمانی)، علاج بالید (جراحی) (ر.ک بکار، ۱۳۷۵: ۱۴۴)

البته به دو شاخه فوق باید حوزه طب روحانی را نیز افزود و زکریای رازی اولین کتاب را در این حوزه و با همین عنوان تألیف کرده است. ابوالحسن علی بن رضوان از پزشکان مشهور قرن پنجم هجری می گوید که دانشجوی پزشکی «پیش از فراگرفتن پزشکی باید به ادب و ریاضیات متأدب گردیده باشد؛ و اینکه «صناعت پزشکی صنعتی است که باید با عمل توأم باشد و تعلیم آن بدون برابر شدن با اعمال جزئی ممکن نیست». (همان: ۲۷۸) در انتها خاطر نشان می شود که در بینش اسلامی «علم کاربردی» به معنای «دانش سودمند» و دارای منفعت برای انسان است.

۶-۲. عدم خودشیفتگی و تصلب بر نظریه های علمی خویش

یکی از علل سرعت پیشرفت علم بین مسلمانان این بوده که در گرفتن علوم، فنون و صنایع تعصب نمی ورزیدند و علم را در هر نقطه و در دست هر کس می یافتند از آن بهره می بردند. مسلمانان با بهره گیری از آموزه های قرآن توانستند دانشمندان بسیاری را در علوم گوناگون به جهان معرفی کنند و بدین وسیله به علم و فرهنگ بشری کمک فراوانی کردند. گوستاولوبون می نویسد: «اسلام برای اکتشافات علمی از هر دینی مناسب تر و ملایم تر است؛ چون پیامبر آمد و یک قرن از ظهورش گذشت و سپس در هر شهری که پرچم اسلام در آن به اهتزاز درآمد، تمدن نیز با درخشندگی خیره کننده خود در آنجا تجلی نمود». (گوستاولوبون، ۱۳۱۶: ۱۴۳)

اخوان الصفا در یکی از آثار خود می نویسند: «بالجمله برادران ما را شایسته چنین است که با هیچیک از دانش ها دشمنی نوزند و نه کتابی از کتب فرو گذارند و نه با کیشی از کیش ها تعصب ورزند و سخت گیری کنند؛ زیرا رأی و مذهب ما همه مذاهب را در برمی گیرد و همه دانش ها را یکجا گرد می آورد و این بدان سبب است که اندیشه و مذهب ما عبارتست از نظر و پژوهش در همه موجودات؛ حسی و عقلی و از آغاز تا انجام. ظاهر و باطن و آشکار و نهان؛ و حقیقت را یاری می دهد از این جهت که همه از یک مبدأ و یک علت و یک جهان و یک محیط برآمده اند، اگرچه گوهرهای گوناگون گشته اند و جنس های متباین و شاخه های گوناگون و جزئیات متغایر یافته اند» (زنگی بخاری، ۱۳۶۰: ۳۶)

سید جمال الدین اسدآبادی معتقد بود علوم گوناگون را می بایست فرا گرفت و بر این باور بود که نحو، معانی و بیان، منطق، فلسفه، فقه و اصول باید متعلم را به درست گفتن، شیوا بیان کردن و بهم پیوسته دیدن اجزای نظام هدایت و احکام اداره جامعه اسلامی را بر سنن، قواعد شریعت و حکمت قوانین مبتنی کند. اگر علوم مذکور ویژگی فوق را نداشته باشند چه فایده ای دارند؟ سید جمال نتیجه می گیرد که مسلمانان علاوه بر اینکه علوم قدیم را باید کاربردی کنند، می بایست در میان علوم جدید و دیلنت منافاتی نبینند؛ زیرا علوم جدید مثل ریاضی از بدیهیات است و هر کس با آن مخالفت کند در حقیقت به مخالف بودن دین با بدیهیات اعتراف کرده است. (اسدآبادی، ۱۳۵۸: ۹۳-۹۶) البته سید جمال ضمن تأکید بر فراگیری علوم و فنون جدید، همواره به مسلمانان توصیه می کرد که این علوم و فنون را باید در خدمت اسلامیت و انسانیت بکار گیرند و در راه بدست آوردن آن، استقلال داشته باشند و از تقلید و وابستگی بپرهیزند. (صاحبی، ۱۳۶۷: ۹۴)

اگر مسلمانان به علم بصورت یک جانبه نگاه کنند و به علوم جدید و علمی که به مباحث غیر دینی می پردازند توجه نکنند، رکود علمی جوامع مسلمانان را در بر خواهد گرفت. امام موسی صدر نیز تعامل علمی و فرهنگی را از ویژگی های رشد علمی و فرهنگی معرفی می کند و با این پیش فرض، نحوه برخورد مسلمانان با علوم دیگر در قرن بیستم را که تعامل و یادگیری را کنار گذاشتند و تقابل را در پیش گرفتند، نکوهش می کند و دلیل آن را ضعف نظام فکری مسلمانان می داند. ایشان برای ادعای خود به مواضع امام صادق (ع) در خصوص جابر بن حیان برای یادگیری علوم طبیعی و هشام بن حکم و مومن الطاق برای یادگیری فلسفه و کلام اشاره می کند. (سریع القلم، ۱۳۹۰: ۵۱)

فواد زکریا (او فیلسوف معاصر مصری است که با اندیشه های اسلام گرایان سلفی، سنت گرا و گروه های افراطی مخالف است. وی جمود، تعصب و خشونت را که از جهل ناشی می شوند را عامل بحران و عقب ماندگی های جهان اسلام می داند. (زکریا، ۱۹۹۸: ۱۰۰) یکی از عوامل رکود علمی مسلمانان را عدم توجه مسلمانان به علوم جدید می داند. ایشان معتقد است امروزه ما برخلاف متکلمان قدیم که به مسائل جدید زمان خود می پرداختند، تنها مباحث قدیم آنان را مطرح می کنیم، بدون آنکه به مسائل نوظهور عصر خود بپردازیم و دلیل آن نیز توجه نکردن دین داران به علوم جدید است که معمولاً با حربه تحریم شرعی صورت می گیرد. ایشان سپس راهکار حضور دین در عرصه های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را باز کردن راه ارائه مباحث فلسفی در جامعه می داند که به وسیله آن تفکر دینی عمق می یابد؛ چراکه این فضا زمینه طرح مسائل و پرسش های جدید را که نگرش های سنتی و بسته دینی قادر به ارائه پاسخ مستدل و قانع کننده برای آن نیست فراهم می کند. (زکریا، ۱۹۶۸: ۶۲)

اهتمام اسلام به مباحث علمی و علمی بودن قرآن نوید بخش تحقق تمدن نوین اسلامی و حاکمیت اسلام بر جهان است که به این شاخص در دیدگاه اندیشمندان مسلمان نیز توجه شده است. در همین خصوص سید جمال معتقد بود ما وظیفه داریم از تفکر خود در فهم قرآن و احادیث بهره گیریم و برای حل مشکلات از آن استفاده کنیم. سید جمال دانش علمای سابق را نسبت به معارف عمیق قرآن و سنت همانند قطره ای از دریا می داند که این قطره مانع نمی شود ما برای حل مشکلاتمان از قرآن و سنت بهره نگیریم. (حلبی، ۱۳۵۶: ۵۵) مسلمانان همواره باید از دانش خویش برای دریافت راه حل مشکلات خود در قرآن و سنت تفقه کنند. بدیع الزمان سعید نوری (۱۸۷۶-۱۹۶۰م) (وی اندیشمند ترکیه ای است که در جهت احیای تمدن اسلامی گام های مهم برداشته اسن. نوری از کسانی است که لقب مجدد و احیاگر به او داده شد و او را پدر اسلام گرایی جدید و احیاگر اسلام در ترکیه می دانند (راد، ۱۳۸۲: ۸۶) با توجه به اهمیت علم در اسلام، برای علم و عقل جایگاه بالایی قائل بود و با توجه به محتوای عمیق علمی و عقلانی قرآن معتقد بود که قرآن بر این جهان حاکم خواهد شد؛ زیرا تمام دستورهای قرآن بر اساس این دو اصل است. (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۹۰) و این برجستگی علمی در قرآن نیز نمود چشمگیری دارد.

نتیجه گیری

مطالعات تمدن پژوهی در جوامع انسانی بیانگر این نکته است که علاوه بر ضرورت اقتدار سیاسی، کنش گری های دفاعی، الزامات فرهنگی و ...؛ پیوسته توجه به توسعه علم و دانش و همچنین تبعیت از نظام علمی پایدار و کارآمد از مولفه های ضروری در تمدن سازی محسوب می گردد.

همچنانکه مطابقت زمانی در اوج علم اندوزی مسلمین و تقارن ظهور اندیشمندان بزرگی چون خوارزمی و بیرونی و ... با عصر طلایی تمدن اسلام، این نکته را تصریح می نماید. بطوریکه همسویی معنادار و جهت بخش حیات علمی با شکوه تمدن عظیم اسلامی از حقایق غیر قابل اغماض مطالعات تاریخ علم در سرزمین های اسلامی به شمار می رود. بنابراین الگوگیری جوامع اسلامی از سنت های علمی حاکم بر قرون اولیه و بازخوانی تجارب اندیشمندان اسلامی که توانستند قرن های متمادی سیمایی از نهضت رو به رشد علمی را بر تارک تاریخ ماندگار نمایند، راهکاری کارآمد خواهد بود تا در مقام احیاء تمدن اسلامی و امروزه در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی جهت گیری امت اسلام را به سمت استقلال علمی معطوف نموده، توانایی های فکری و اندیشه ای آنان را در راستای حل مسائل جهان اسلام به استخدام گیرد. لذا معرفی اسلوب مطلوب در تحصیل علم و شناساندن مولفه های کسب معرفت هدف اصلی پژوهش حاضر بود؛ تا شاید بتواند با بازکوی تجارب اندیشمندان اسلامی در عرصه علم اندوزی، نخبگان و دانشگاهیان را بیش از گذشته با رسالت ذاتی و وظائف حیاتی خویش آشنا نماید. وظیفه ای خطیر که مسئولیت شناسی و مسئولیت پذیری در قبال آن می تواند راهکاری بر تحقق تمدن نوین اسلامی به شمار آید.

منابع

قرآن کریم

- ابن سینا، (بی تا)، رساله اضحویه، ترجمه از مترجمی نامعلوم، بی جا، اطلاعات.
- ابن سینا، (۱۳۶۰)، فن سماع طبیعی، ترجمه محمد علی فروغی، تهران، امیر کبیر،
- الگود، سیریل لوید، (۱۳۵۶)، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی، تهران، امیر کبیر.
- بکار، عثمان، (۱۳۸۸)، تاریخ و فلسفه علوم اسلامی، ترجمه محمد رضا مصباحی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چ سوم.
- بیرونی، ابوریحان، (۱۳۸۶)، آثار الباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران، امیر کبیر، چاپ پنجم.
- حکیمی، محمد رضا، (۱۳۸۵)، دانش مسلمین، تهران، دلیل ما.
- حسینی ایرانی، (۱۳۸۱)، حجت الحق، دو رساله خیامی، به کوشش سید حجت الحق حسینی ایرانی، تهران، موسسه فرهنگی اهل قلم،
- خلیلی و نجفی، هزاره بیرونی، بی جا، بی نا، بی تا.
- خوارزمی، محمد بن موسی، (بی تا)، جبر و مقابله، ترجمه حسین خدیو جم، تهران، اطلاعات.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- زکی، نجیب محمود، (۱۳۶۸)، تحلیلی از آرای جابر بن حیان، ترجمه حمید رضا شیخی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
- سارتن، جورج، (۱۳۸۳)، مقدمه ای بر تاریخ علم، جلد اول، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، علمی فرهنگی، چاپ دوم.
- سزگین، فواد، (۱۳۷۱)، گفتارهایی پیرامون تاریخ علوم عربی و اسلامی، ترجمه محمد رضا عطایی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- قربانی، ابوالقاسم و محمد علی شیخان، (۱۳۷۱)، بوزجانی نامه، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
- کرامتی، یونس، (۱۳۸۲)، در قلمرو ریاضیات، بازنویسی و تلخیص کتاب مفتاح الحساب اثر غیاث المدین جمشید کاشانی، تهران، موسسه فرهنگی اهل قلم
- کرامتی، یونس، (۱۳۸۱)، هواشناخت، بازنویسی و تلخیص سه رساله درباره آثار علوی، تهران، موسسه فرهنگی اهل قلم.
- گیدنز، بی (بی تا)، جهان رها شده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهان، بی جا.
- لیندبرگ، دیوید، (۱۳۷۷)، سرآغاز علم در غرب، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمد بن رشد، (۱۳۵۸)، فصل المقال فی ما بین الحکمه و الشریعه من الاتصال، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران، انجمن فلسفه ایران.
- ابن رشد، محمد (۱۹۳۸م)، تفسیر مابعد الطبیعه، تحقیق موريس بویژ، بیروت.
- اسدآبادی، سید جمال الدین (۱۳۵۸)، مقالات جمالیه، به کوشش لطف الله اسدآبادی، تهران، ایرانشهر.
- اسدآبادی، لطف الله (۱۳۲۶)، شرح حال و آثار سید جمال الدین اسدآبادی، تبریز، دین و دانش.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۵۶)، زندگی و سفرهای سید جمال الدین اسدآبادی، تهران: زوار.
- راد، علی (۱۳۸۲)، «بازشناسی پژوهش ها و اندیشه های قرآنی بدیع الزمان نوری»، معرفت، ش ۷۳.
- زکریا، فواد (۱۹۶۸)، الفلاسفه فی الوطن العربی المعاصر، قاهره، مکتبه المصر.
- زنگی بخاری، محمد بن محمود (۱۳۶۰)، گزیده متن رسائل اخوان الصفا و خلان والوفاء، ترجمه و نگارش علی اصغر حلبی، تهران: کتاب فروشی زوار.
- سربیع القلم، محمود (۱۳۹۰)، پیشوایی فراتر از زمان، تهران، امام موسی صدر.
- صاحبی، محمد جواد (۱۳۶۷)، اندیشه های اصلاحی در نهضت های اسلامی، تهران: کیهان.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۴۸)، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران.
- گوستاولویون (۱۳۱۶)، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه محمد تقی فخرداعی گیلانی، تهران: مجلس.
- نعمه، عبدالله (۱۳۴۷)، فلاسفه شیعه، ترجمه غضبان، تهران: کتابفروشی ایران.
- استنبرگ، لیف، (۱۳۹۹)، اسلامی سازی دانش، گروه مترجمان (محمد رضا قائمی نیک و همکاران)، قم: بوستان کتاب.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- اقبال، مظفر (۱۳۹۱)، اسلام و علم، ترجمه فرشته نصری و علی آخیشنی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- _____، _____ (۱۳۹۳)، جهان اسلام و خیزش آگاهی، گردآوری و تدوین یاسر عسگری، قم: دفتر نشر معارف.
- گمینی و کیقبادی، (۱۳۹۶)، «آیا علوم طبیعی در تمدن اسلامی برگرفته از اسلام بود؟»، نقد کتاب کلام و فلسفه و عرفان، سال چهارم، ش ۱۵ و ۱۶
- نصر، سید حسین، (۱۳۸۵)، دین و نظم طبیعت، ترجمه انشاء الله رحمتی، تهران: نشر نی.
- _____، _____ (۱۳۸۲)، نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میانداری، قم: نشر طه.
- نلینو، کرلو آلفونسو، (بی تا)، تاریخ نجوم اسلامی، ترجمه احمد آرام، تهران: کانون نشر و پژوهش های اسلامی.

واکاوی جایگاه تربیت دینی از منظر حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

مهدی ایمانی حسنلویی ۱، فاطمه کریم زاد، ۲، زهرا ایمانی حسنلویی ۳

۱- استادیار، علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نقده، نقده، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد، علوم تربیتی

۳- دانش آموخته روانشناسی بالینی

چکیده

هدف پژوهش حاضر واکاوی جایگاه تربیت دینی از منظر حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله العالی)، بود. تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش تحقیق کیفی با استفاده از استراتژی تحلیل مضمون انجام شد. جامعه و نمونه اطلاعاتی با استفاده از کلیدواژه‌های تربیت دینی، تربیت دینی از منظر حضرت امام(ره) و تربیت دینی مقام معظم رهبری(مدظله العالی)، در پایگاه علمی جستجو شد که این کار با استفاده از نرم‌افزار Publish or Perish انجام شد و بر اساس اشباع نظری در مطالعات و کدهای احصا شده نمونه اطلاعاتی ادامه یافت. در این مطالعه، به منظور برآورد میزان روایی، چک‌لیست مضامین مستخرج از معیار اعتبار پذیری (واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش)، با به‌کارگیری رویه‌های ویژه کدگذاری و تحلیل برای ارزیابی روایی استفاده شده است که نتایج نشانگر روایی مناسب بود. نتایج کدهای استخراج شده شامل مضامین سازمان دهنده برای سؤال شامل: تربیت فردی، خودسازی، تربیت الی الله، قرب الهی و توسل بود. همچنین مضامین فراگیر شامل تربیت دینی و تربیت نفس بود. کدهای استخراج شده مضامین سازمان دهنده برای سؤال سوم شامل: محیط آموزشی، محتوای آموزشی، شکوفاسازی فطرت و تربیت انقلابی بود. همچنین مضامین فراگیر شامل بافت آموزشی و تربیت فردی بود.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، حضرت امام(ره)، مقام معظم رهبری(مدظله العالی)

مقدمه و بیان مسئله

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیثی انسان‌ها را به معادن تشبیه کرده و فرموده است: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: مردم مانند معادن طال و نقره هستند؛ آنان که در جاهلیت بهترین مردم بودند، در اسلام نیز بهترین مردم هستند». تربیت به معنای پروردن، نشو و نما دادن و زیاد کردن و از ماده «ربو» است که به معنای بالا رفتن، اوج گرفتن، افزودن و رشد کردن است.

نهاد آموزش و پرورش، به عنوان یکی از نهادهای بسیار مؤثر و کلان در تمام کشورها، نقش بسیار حیاتی در تربیت نسل جوان و شکل‌دهی ارزش‌ها در جامعه دارد. این نهاد دارای مخاطبان فراوان و مستعدی است که به عنوان آینده‌ای پر اهمیت برای جامعه شناخته می‌شوند. بنابراین، ضرورت اختصاص ویژه‌ترین توجه به تربیت دینی در نهادهای آموزش و پرورش بسیار

واضح است. این ضرورت نه تنها بر اساس نیازهای انسانی و اجتماعی به تأکید افزوده می‌شود، بلکه از دیدگاه دینی و اخلاقی نیز دارای اهمیت بالایی است. وظیفه اصلی نهاد آموزش و پرورش در تربیت افراد، احیای فطرت دینی انسان‌هاست. رسالت این نهاد باید به عنوان یک عامل بیدار کردن فطرت انسان‌ها و پاک کردن غبار غفلت از آنها درک شود. این رسالت باعث می‌شود که انسان‌ها حضور خدا را در زندگی و از درون خود لمس کرده و گرایش به دین و اخلاق را در خود تجربه کنند. بدیهی است که این وظیفه نهاد آموزش و پرورش نیاز به برنامه‌ریزی جدی و مؤثر دارد تا بتواند به بهترین شکل ممکن انجام شود و به اهداف اخلاقی و معنوی جامعه کمک کند. فعالیت‌های تربیتی، از جمله فعالیت‌های اساسی است که در حیات فردی و جمعی انسان، تأثیری انکارناپذیر دارد و با توجه به اینکه، تربیت دینی به مفهوم فراگیر آن که به معنای آموزش و پرورش دینی است؛ می‌تواند کلیدی‌ترین نقش را در توسعه معنوی و کمال یک جامعه دینی ایفا نماید و از آنجایی که آموزه های دینی از جمله مباحث قرآنی و روایات اسلامی نقش ویژه ای را در تربیت فرزند ایفا می‌کند (کارآموز، ۱۴۰۱).

جامعه‌ها و نظام‌های آموزشی در سرتاسر جهان تلاش می‌کنند تا ارزش‌های اخلاقی و دینی را در نسل جوان نهادینه کنند و از آنها شهروندانی متعهد به اخلاقیات و ارزش‌های مشترک جامعه تربیت کنند. این ارزش‌ها و تجارب دینی به عنوان پایه‌های اصلی برای تشکیل رفتارها و اختیارات افراد در جامعه عمل می‌کنند. از آنجا که تربیت دینی می‌تواند تأثیرات عمیقی بر رفتارها و ارتباطات اجتماعی داشته باشند، طراحی و اجرای برنامه‌های تربیت دینی در نظام آموزشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این برنامه‌ها می‌توانند موجب ترسیم مسیرهای رشد دینی دانش‌آموزان شوند و به شکل‌گیری نسلی اخلاقی و متعهد به ارزش‌های اجتماعی کمک کنند. براین اساس در پژوهش فوق به دنبال واکاوی جایگاه تربیت دینی از منظر امام و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، خواهیم بود و پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سوال خواهد بود که در منظومه فکری امامین انقلاب جایگاه تربیت دینی چگونه است؟.

مبانی نظری

مفهوم شناسی تربیت

تربیت، فرایند یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد نهم تدریجی در گستره زمان در یکی ساخت‌های بدنی ذهنی، روحی و رفتاری است که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعدادها و یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد (امیدی و همکاران، ۱۴۰۰). تربیت بنابه ماهیت تعالی جوی انسان، فرایندی ارزش‌نگر محسوب می‌شود و شناسایی و شکوفایی همه جانبه استعدادها از سویی و تطابق آنها با هنجارها و ارزش‌های انسانی از سوی دیگر، تربیت را چه در محتوا و چه در اصول و روشهای آن به فراسوی مبانی ارزشی هدایت کرده است. در این راستا، بسترهای تربیتی خانواده و مدرسه و همه کنشگران آن در فرایند ی پویا و ارزشمدار، نقش دارند و تعامل‌های آنها علاوه بر اثرپذیری از هنجارهای ارزشی خود، متأثر از مداخلات دیگری است. با این وصف، دستاوردهای تربیتی خانواده و مدرسه نیز بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و هم‌ایندی یا تعارض میان آنها تعیین‌کننده موفقیت یا شکست کوشش‌هایشان خواهد بود. این

موضوع به ویژه درباره تربیت دینی که متکی بر هنجارها و ارزشهای دینی است، اهمیت فراوان دارد. ارزش ها و معیارهای خانواده و مدرسه، تبادل هایی همسو یا متعارض با یکدیگر دارند و از این طریق، تربیت دینی دانش آموزان در وضعیتی پیچیده قرار می گیرد؛ زیرا هدف از تربیت دینی صرفا انتقال دادن برخی گزاره ها و آموزه های دینی به افراد نیست؛ بلکه در اینگونه تربیت برای تحقق بخشیدن نظام تربیتی اسلام به منظور ساختن و پرداختن انسان تلاش میشود تا رشد همه جانبه وی در ابعاد جسمانی، عقلانی و روانی محقق شود (شاکری صفت و همکاران، ۱۴۰۲).

مفهوم تربیت دینی

تربیت دینی، رشد و تقویت عقاید دینی، حالت و عواطف مذهبی و تقلید به مناسک و آداب دینی را برای تحقق شخصیتی متمدن مدنظر دارد (کیومرثی، ۱۳۹۲). تربیت دینی، ناظر به ساخت نظام ارزشی باورهای متکی بر اصول و انگاره های مذهبی است و در این راستا باید به عوامل اجتماعی و فردی تعیین کننده در ساخت باورها توجه کرد. تربیت دینی به واقعیت که فرآیند تربیتی نه تنها به معلمان و سازمان های آموزشی بستگی دارد، بلکه به طور اساسی به محیط خانواده، فرهنگ و انگیزه های فردی نیز وابسته است، تاکید می کند. در این فرایند، عوامل اجتماعی و فردی نقش مهمی در شکل دهی به باورها و ارزش های دینی دارند. این عوامل شامل فرهنگ خانوادگی، تجربیات شخصی، رویدادهای اجتماعی، و تعاملات فرد با جوامع مذهبی می شود. در محیط خانواده، اعضای خانواده به عنوان اولین محیط تربیتی، نقش اساسی در انتقال باورها و ارزش های دینی به افراد دارند. این محیط می تواند از طریق فراهم کردن فضایی متناسب برای تبادل دینی، ارائه نمونه های مثبت و پیوسته، و تشویق به مشارکت در فعالیت های مذهبی، تأثیر بسزایی در شکل گیری باورها و ارزش های دینی داشته باشد. نظام تربیت دینی با در نظر گرفتن اهداف و محتوا براساس تربیت پرداخته و درصدد ارائه چشم اندازهای ارزشی و اخلاقی در سیر تربیت درآمده است (عوض زاده، ۱۳۹۹).

مبانی تجربی

ایمانی و همکاران (۱۴۰۲)، مولفه های اثرگذار بر شکاف نسلی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم منطقه چهار شهر تهران از منظر والدین و معلمان (با تاکید بر تربیت دینی) را بررسی کردند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که فهم ایستای دانش آموزان از ارزش ها به مثابه مهمترین عامل درونی و ضعف در انتقال ارزش های دینی/تربیتی به عنوان مهمترین عامل برونی منجر به بروز شکاف نسلی در بین آنها شده است. لذا، باید با طراحی مطلوب ابزارهای نرم آموزشی، انتقال ارزش های شناختی/مهارتی دین را در جهت کاهش این شکاف بکار گرفت.

کارگرخوش و همکاران (۱۴۰۲)، به ارائه الگوی بازی وارسازی تربیت دینی در دوره ابتدایی پرداختند. پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی بازی وارسازی تربیت دینی در مقطع ابتدایی انجام شد. یافته های بخش کیفی نشان داد، الگوی بازی وارسازی تربیت دینی، ۳۵ مضمون پایه و ۶ مضمون سازمان دهنده شامل اهداف، منابع روایت گری، محورهای روایت گری، اجزاء بازی،

طراحی و شخصی سازی است و یافته های بخش کمی نشان داد، برازش الگوی مذکور، مناسب است. نتایج پژوهش نشان می دهد بازی وارسازی ابزار مناسبی برای استفاده در تربیت دینی دانش آموزان مقطع ابتدایی است و با استناد به مضامین شناسایی شده، می توان نسبت به طراحی یک بازی در این راستا اقدام نمود. ۳

شاکری صفت و همکاران (۱۴۰۲)، به بررسی همایندی ادراک دانش آموزان درباره نقش متوازن خانواده و مدرسه در تربیت دینی: پژوهشی پدیدارشناختی پرداختند. یافته های پژوهش در چهار مقوله نقش خانواده و مدرسه در دین داری، همایندی/ تعارض میان آن ها، راهبرد دانش آموزان در مواجهه با تعارض و راهکار پیشنهادی جهت ارتقای همایندی دسته بندی شد. نقش خانواده در بُعد مثبت، شامل الگوی عمل گرا، جلب مشارکت خانوادگی و انعطاف پذیری در آداب دینی، و در بُعد منفی، مشتمل بر انفعال در تربیت دینی و تعارض های خانوادگی بوده است. نقش مدرسه در بُعد ثمربخش با توانمندی های معلم، انعطاف پذیری و احترام در رفتار مرتبط بوده و در بُعد تخریب کننده، رفتارهای خشن و تبعیض آمیز، و اجبار بدون آگاهی بخشی شناسایی شد. در بُعد همایندی مدرسه و خانواده، طیفی وسیع، از همایندی کامل تا اختلاف در روش های تربیتی و مبانی اعتقادی دیده شد و اهداف این دو بافت نیز دارای تنوع و طیفی وسیع بود. نتیجه همایندی، تقویت و رشد دانش آموزان در باورهای دینی و نتیجه ناهمایندی، سردرگمی آنان، اجبار به گزینش یک سو و گاه انحراف آن ها از مسیر برنامه ریزی شده به سمت دین داری بوده است. در بُعد راهبردها، سه شیوه قانون مداری، همراهی با خانواده و انتخاب مسیر بهینه دیده شد. جهت ارتقای همایندی، سه راهکار آگاهی از ویژگی های نوجوانان، تعامل بهتر خانواده و مدرسه، و تشویق دانش آموزان پیشنهاد شد.

قلی اف (۱۴۰۱)، پژوهشی با عنوان شیوه های مقاوم سازی فرزندان در تربیت دینی از منظر قرآن و احادیث و سیره معصومین (ع)، انجام داد. در پژوهش حاضر تعدادی از شیوه های تربیتی مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع با اعمال شیوه های محبت می توان نیاز اساسی انسان به محبت را برطرف ساخت و در مقابل آسیب های تربیتی مانند عقده حقارت وی را مصون کرد.

پرهیزگار (۱۴۰۱)، به واکاوی تجربه زیسته معلمان در تربیت دینی دانش آموزان دوره ابتدایی: یک مطالعه پدیدارشناختی پرداخت. نتیجه حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که تجارب زیسته معلمان از مقوله ی تربیت دینی دانش آموزان دوره ابتدایی در یازده مضمون به شرح مولفه های معطوف به دانش، نگرش، مهارت، توانمندی معلم، مولفه های ارتباطی، روان شناختی، محتوای آموزشی-تربیتی، عوامل تربیتی، زمینه های تربیتی و سیاست های آموزشی-تربیتی و چند بعدی بودن قرار گرفت.

کارآموز (۱۴۰۱)، به تبیین و بررسی شیوه های کاربردی تربیت و پرورش دینی فرزندان از منظر قرآن و روایت پرداخت. بنابر استدلال عقلانی و تحلیل نظری به این نتیجه رسیده که مهم ترین اصلی که باید در جریان تربیت و پرورش فرزندان بایست مورد توجه معلمان و مربیان قرار گیرد، اصل آگاهی بخشی است و اصول دیگر نیز با توجه به این اصل مهم و اساسی قابل اجرا می باشند و با استفاده از شیوه های تربیتی قرآن و روایات اسلامی از جمله پرداختن به داستان های دینی کاربرد

فنون تربیتی را در فرزندان لحاظ نمود و به فرزندان توانایی لذت بردن از زندگی و زیبا دیدن پدیده های آن را از منظر دینی در فرزندان تقویت نمود و سبب پرورش قدرت درک جنبه های تربیتی در آنان شد و در نهایت اینکه زبان داستان گونه روایات و آیات قرآنی یکی از مناسب ترین روش های تربیت و پرورش مفاهیم دینی به فرزندان می باشد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش تحقق کیفی با استفاده از استراتژی تحلیل مضمون می باشد. لذا از روش تحلیل مضمون، جهت تجزیه و تحلیل عوامل و روش های تربیت دینی از دیدگاه امامین انقلاب استفاده شده است. چرا که این روش فرایندی برای تحلیل داده های متنی پراکنده و متنوع است و آنها را به داده های غنی و تفصیلی تبدیل می کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶). از سوی دیگر، تحلیل مضمون ابزار تحقیقاتی منعطف و مفیدی است که به علت عدم وابستگی به چهارچوب های نظری قبلی از آن می توان در امور مختلفی استفاده کرد (عابدی و همکاران، ۱۳۹۰). با توجه به اینکه مضمون الگویی است که در داده ها یافت می شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه هایی از پدیده می پردازد (بویاتزیس، ۱۹۹۸). برای شناخت مضامین و الگوی داده های این پژوهش از روش استقرایی تحلیل مضمون که تنها مبتنی بر داده ها انجام می شود استفاده شده است.

یافته ها

سوال اول: مضامین پایه تربیت دینی از منظر حضرت امام (ره) کدامند؟

تحلیل مضمون کدهای جمع آوری شده از مطالعات و فیش ها که در ادامه نتایج تحلیل مضمون را در جدول 4 - 1 آورده شده است.

جدول 4-1. کدهای مرتبط با مضامین پایه تربیت دینی از منظر امام (ره)

ردیف	متن استخراج شده	کد استخراج شده
۱	«این تربیت هاست که یا همین فطرت را شکوفا می کنند؛ و یا جلوی شکوفایی فطرت را می گیرند. این تربیت هاست که یک کشور را ممکن است به کمال مطلوبی که از هر جامعه انسانی است برسانند و یک کشور کشور انسانی باشد؛ کشور مطلوب اسلام باشد. و همین تربیتها یا تعلیمهای بدون تربیت ممکن است که اینها در آن وقتی که مقدرات یک کشوری دست آنهاست و همه چیز کشور به دست آنهاست کشور را به تباهی بکشند» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۳).	تربیت مطلوب
۲	«انسان از اول این طور نیست که فاسد به دنیا آمده باشد. از اول با فطرت خوب به دنیا آمده؛ با فطرت الهی به دنیا آمده: که همان فطرت انسانیت، فطرت صراط مستقیم، فطرت	شکوفا ساختن فطرت

	اسلام، فطرت توحید است. این تربیتهاست که یا همین فطرت را شکوفا می کنند؛ و یا جلوی شکوفایی فطرت را می گیرند» (همان، ج ۱۴، ص ۳۳).	
پرورش دینی	«خدای تبارک و تعالی در مورد تزکیه، در مورد تعلیم، تربیت، آموزش و پرورش با تعبیر منت گذاشتن بر مردم می فرماید. منت گذاشته، و پیغمبر را برای آموزش و پرورش فرستاده، و پرورش را قبل از آموزش ذکر می فرماید: یُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ اول تزکیه است. البته آیه شریفه آیه ای است که اگر بخواهد در اطرافش بحث بشود، طولانی باید باشد. لکن من یک کلمه را عرض می کنم که وضع آموزش و پرورش را این آیه شریفه به ما می فرماید و محتاج به شرح و تفصیل است. با آن تعبیر مَنْ اللَّهُ عَلَي الْمُؤْمِنِينَ فرستادن پیغمبر، از این آیه شریفه استفاده می شود که اصل آمدن پیغمبر برای آموزش و پرورش بوده است. آیات را تلاوت کند، آیات را، علمی که از آن علوم به همه [چیز] به طور آیه نظر بشود. آیات را تلاوت کند بر ایشان و تزکیه کند آنها را. آنها را تطهیر کند» (همان، ج ۱۲، ص ۴۹۲).	۳
تزکیه	«تا تزکیه نباشد تعلیم کتاب و حکمت میسور نیست؛ باید تزکیه بشود نفوس از همه آلودگیها؛ که بزرگترین آلودگی عبارت است از آلودگی نفس انسان و هواهای نفسانی که دارد. مادامی که انسان در حجاب خود هست، نمی تواند این قرآن را که نور است و به حسب فرمایش خود قرآن نور است، نور را کسانی که در حجاب هستند و پشت حجابهای زیاد هستند، نمی توانند ادراک کنند» (همان، ج ۱۴، ص ۳۸۸).	۴
ارزش های الهی	«عالم، مدرسه است و معلمین این مدرسه، انبیا و اولیا هستند. و مربی این معلمین، خدای تبارک و تعالی است» (همان، ج ۱۳، ص ۵۰۳).	۵
شناخت خویشتن	از اول، هر کس، هر یک از انبیا که مبعوث شدند، مبعوث شدند برای انسان و برای تربیت انسان» (همان، ج ۸، ص ۳۲۴).	۶
انسان سازی و عدالت	«باید کوشش کنید مفسد فرهنگ حاضر را بررسی کرده و به اطلاع ملت ها برسانید و با خواست خداوند متعال آن را عقب زده و به جای آن فرهنگ اسلامی -انسانی را جایگزین کنید تا نسل های آینده با روش آن که انسان سازی و عدل پروری است تربیت شوند...» (دانشگاه و انقلاب فرهنگی از دیدگاه حضرت امام (س)، ص ۴۰).	۷
خودسازی دینی	آن چیزی که بر همه ما لازم است ابتدا کردن به نفس خودمان است و قانع نشدن به اینکه همان ظاهر درست باشد و از قلبمان شروع کنیم، مغزمان شروع کنیم و هر روز دنبال این	۸

	<p>باشیم که روز دوّممان بهتر از روز اوّلمان باشد. و امیدوارم که این مجاهده نفسانی برای همه ما حاصل بشود و دنبال آن، مجاهده برای ساختن یک کشور. و ما آن روز عید داریم که مستمندان ما، مستضعفان ما، به زندگی صحیح رفاهی و به تربیتهای صحیح اسلامی- انسانی برسند» (همان، ج ۱۵، ص ۴۹۱).</p>
تربیت معنوی	<p>از تمام رحمت ها کامل تر، نعمت تربیت های معنوی است که مخصوص بنی انسان می باشد، از قبیل فرستادن کتاب آسمانی و انبیای مرسلین» (ر. ک: صحیفه امام).</p>
کمال انسان	<p>تربیت دینی مقدمه تبدیل انسان های ناقص به انسان های کامل است و در این چیزهایی که هست، همه اینها برای این معنی است که انسان ناقصی را انسان کامل کند...» (ر. ک: صحیفه امام).</p>
شغل انبیاء	<p>معلمی، شغل پیامبران «تعلیم» سرمشق همه انبیاست که از طرف خدای تبارک و تعالی به آنها مأموریت داده شده؛ مأموریت خدا به انبیا همین است که بیایند و آدم درست کنند. و آنهایی که به انبیا نزدیکترند آنها به مقام آدمیت نزدیکترند» (همان، ج ۷، ص ۴۲۷-۴۲۸).</p>
سعادتندی	<p>«انبیاء- علیهم السلام- برای سعادت بشر مبعوث شده اند؛ یعنی سعادت همه جانبه بشر: سعادت دنیای بشر، سعادت حیات دیگر بشر. آنها می خواستند که انسانها را به کمال لایق به انسانیت برسانند» (همان، ج ۵، ص ۵۴۴).</p>
منشاء سلوک	<p>«لطفی است از جانب خدای تبارک و تعالی به بشر که قابل از برای این است که تربیت بشود. و تربیت بشر به وحی خدا و به تربیت انبیا این است که چیزهایی که رابطه بوده است ما بین آن عالم و این عالم، چیزهایی که اگر آن کارها را ما انجام بدهیم در تربیت معنوی ما دخالت دارد، آنها را به ما بیان کردند که این کارها را بکنیم» (همان، ج ۴، ص ۱۸۹).</p>
توسل به ائمه علیهم السلام	<p>«این خانه کوچک فاطمه- سلام الله علیها- و این افرادی که در آن خانه تربیت شدند که به حسب عدد، چهار- پنج نفر بودند و به حسب واقع، تمام قدرت حق تعالی را تجلی دادند، خدمتهایی کردند که ما را و شما را و همه بشر را به اعجاب درآورده است» (همان، ج ۱۶، ص ۸۷).</p>

سوال دوم: مضامین سازمان دهنده و فراگیر تربیت دینی از منظر امام(ره) کدامند؟

مضامین سازمان دهنده و فراگیر تربیت دینی از منظر امام(ره) کدامند؟

جدول ۴-۲. نتایج تحلیل مضامین سازمان دهنده و فراگیر تربیت دینی از منظر امام(ره)

مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
تربیت مطلوب	تربیت فردی	تربیت نفس
شکوفای ساختن فطرت		
شناخت خویشتن	خودسازی	تربیت دینی
خودسازی دینی		
انسان سازی و عدالت		
پرورش دینی	تربیت الی الله	تربیت دینی
تزکیه		
ارزش های الهی		
تربیت معنوی	قرب الهی	تربیت دینی
کمال انسان		
سعادت‌مندی		
شغل انبیاء	توسل	تربیت دینی
منشاء سلوک		
توسل به ائمه علیهم السلام		

سوال سوم: مضامین پایه تربیت دینی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) کدامند؟

جدول ۴-۳. نتایج تحلیل مضامین پایه تربیت دینی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

ردیف	متن استخراج شده	کد استخراج شده
۱	نوع کاری که در این دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی انجام می‌گیرد بایستی موجب تربیت دینی و انقلابی معلمان باشد. کاری کنید که مدرسه و کلاس، از معلمی بهره مند بشود که خود این معلم به معنای واقعی کلمه معلم دین و تقوا و پارسایی و انقلاب باشد(بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان - ۱۱/۰۲/۱۳۹۸).	نقش معلم در تربیت دینی
۲	با جوانگرایی در سپاه و توجه به نسل جوان و تربیت دینی و انقلابی نسل‌های دوم و سوم. نگذارید انقطاع نسلی به وجود بیاید(بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه ۰۱/۰۷/۱۳۹۸)	جوان گرایی

<p>رعایت تقوا</p>	<p>بیان چگونگی رعایت تقوا در مسائل خانوادگی و وظایف پدران و مادران در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان، بیان مصادیق تقوا در روابط زوجین و در مسائل مربوط به اسراف در جامعه (دیدار ائمه جمعه سراسر کشور با رهبر انقلاب - ۲۵/۰۴/۱۳۹۸).</p>	<p>۳</p>
<p>نقش دانشگاه در تربیت دینی</p>	<p>نوع کاری که در این دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی انجام می‌گیرد بایستی موجب تربیت دینی و انقلابی معلمین باشد. کاری کنید که مدرسه و کلاس، از معلمی بهره مند بشود که خود این معلم به معنای واقعی کلمه معلم دین و تقوا و پارسایی و انقلاب باشد (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان - ۱۱/۰۲/۱۳۹۸).</p>	<p>۴</p>
<p>نقش محیط فرهنگی</p>	<p>ما باید امروز تلاشمان را مصروف تربیت دینی و تربیت انقلابی جوانها بکنیم و این جریان عظیم نیروی انقلاب را هم که در بین جوانها خوشبختانه هست، تقویت بکنیم؛ بهشان امید بدهیم، بهشان پشتیبانی بدهیم و تقویت بکنیم این جریان را. این جور نباشد که جریان انقلابی تضعیف بشود، جریان مقابل آنها تقویت بشود؛ این نباید اتفاق بیفتد؛ نه در محیط دانشگاه، نه در محیط تبلیغات دینی، نه در محیط فرهنگی و امثال اینها (گزیده‌ای از بیانات در دیدار جمعی از مسئولان و فعالان فرهنگی استان‌های یزد - ۳۰/۰۵/۱۳۹۶).</p>	<p>۵</p>
<p>تربیت دینی معلم - تولید کتابهای دینی</p>	<p>اگر ما در داخل حوزه رشته تعلیم و تربیت داشته باشیم، در زمینه ی تعلیم و تربیت متخصص تربیت کنیم؛ بحث اخلاق و تعلیم و تربیت در حوزه جدی گرفته شود، آن وقت حوزه علمیه و روحانیت می تواند آموزش و پرورش را عرصه حضور خودش قرار دهد. نه اینکه ما برویم بشویم وزیر آموزش و پرورش؛ این اصلا کارساز نیست. بحث آموزش و پرورش، کتاب درسی است و ساختن معلم، تربیت معلم، تربیت دینی معلم و تولید کتابهای دینی و کتابهای غیردینی؛ یعنی کتاب فیزیک یا کتاب ریاضیات هم می تواند درس توحید بدهد، میتواند انسانها را بی دین کند؛ هم میتواند توحید و تدین و تعبد را به دانش آموز القا کند، هم میتواند او را بی دین کند، به مبدأ و معاد بی اعتنا کند. ما باید بتوانیم حوزه ی علمیه را آماده کنیم. الان حوزه ی علمیه آماده نیست. من هیچ گله ای از آموزش و پرورش ندارم؛ این را به شما عرض کنم. من حوزه ای هستم، خودم دارم حوزه را میبینم؛ حوزه الان آمادگی ای ندارد که ما بگوئیم آقا بیا وارد شو، مواد لازم را برای تربیت معلم و مواد لازم را برای تنظیم کتاب درسی بر طبق تفکر دینی و راهنمایی های دینی آماده کن. این کار هم جزو کارهای لازم حوزه است (بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم ۰۲/۰۸/۱۳۸۹).</p>	<p>۶</p>

غنی فرهنگ اسلامی	بیت دینی فرزندان به عنوان نمونه هایی از فرهنگ غنی اسلامی در میان مردم گسترش یابد(دیدار ائمه جمعه سراسر کشور با رهبر انقلاب - ۲۲/۰۷/۱۳۸۷).	۷
عدم تقلیدی بودن	این دو عیب بزرگ؛ یعنی اول، جنبه ی ضدیت با دین - حداقل مغایرت با مبانی دینی و اخلاق دینی و تربیت دینی - و دوم هم بشدت ترجمه ای بودن، وابسته بودن، تقلیدی بودن، از نیازهای حقیقی کشور و ملت ایران نجوشیده بودن، عیب اساسی آموزش و پرورش ما بود که ماند تا دوره ی انقلاب اسلامی(بیانات در دیدار مسئولان آموزش و پرورش سراسر کشور(۳۰/۰۵/۱۳۸۶).	۸
احیاء و رشد هویت دینی	برادران و خواهران عزیزی که اینجا تشریف دارید و همچنین بقیه ی اساتید، این را جز وظایف خودشان بدانند. احیاء و رشد بخشیدن به هویت اسلامی و دینی و ایرانی جوانان، یکی از مهمترین مسائل ماست و کمک فراوانی هم به پیشرفت کشور می کند(ه:بیانات در دیدار اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاهها - ۱۳/۰۷/۱۳۸۵).	۹
توجه به محیط دینی در دانشگاه ها	بهترین کسانی که میتوانند در مسائل دینی، اعتقادی، سیاسی، معرفتی، توحیدی، پرسشگری کنند، جوانان دانشجوی هستند. با این زمینه و استعداد، ما بایستی برای محیط دینی دانشجوی و فضای تربیتی، دینی و فرهنگی دانشگاه ها تلاش کنیم(بیانات در دیدار رؤسای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ۲۳/۰۵/۱۳۸۵).	۱۰
پرورش دانش آموزان متدین	اگر میخواهید کار معلمی شما مورد رضای خدا و نسلهای آینده قرار گیرد و در انجام وظیفه تان از شما به نیکی یاد شود، بچه ها را متدین بار بیاورید(بیانات در دیدار جمعی از معلمان استان کرمان - ۱۲/۰۲/۱۳۸۴).	۱۱
رشد فضیلت ها - تربیت معنوی	تربیت معنوی و اخلاقی مردم است. میگوید مردم را از لحاظ اخلاقی و معنوی باید تربیت کنی. از نظر اسلام، حکومتها نسبت به تربیت معنوی مردم بی تفاوت نیستند که بگویند خود مردم میدانند و هر کار که میخواهند بکنند، بکنند. همچنانکه پدر در یک خانواده نسبت به تربیت فرزندان خود بی تفاوت نیست که بگوید مثلا هر کار خواستند بکنند، بکنند. پدر و مادر مسؤولیتهایی دارند که باید انجام دهند. حکومت هم در جامعه در زمینه ی اخلاق و معنویت مردم و رشد فضیلتهای اخلاقی در آنها مسؤولیت هایی دارد(بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما - ۱۵/۱۱/۱۳۸۱).	۱۲

۱۳	انشاء الله سعی شما جوانان این باشد که هم در علم، هم در عمل، هم در تربیت دینی و هم در رفتار و معاشرت، خودتان را نمونه کنید. همچنان که در فراگیری قرآن الحمدلله نمونه هستید - و مردان و زنان نمونه آینده کشور باشید تا انشاءالله در هدایت عمومی کشور، ایمانهای شما نقش داشته باشد(بیانات در دیدار جمعی از حافظان و قاریان قرآن نونهال و نوجوان کشور ۲۸/۰۶/۱۳۸۰).	احیای فطرت
۱۴	جوان دانشجو و دانش آموز باید خودسازی کند. خودتان را با تربیت دینی بسازید(بیانات در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان - ۱۵/۰۸/۱۳۷۰).	خود سازی
۱۵	هر کدام از آحاد فرماندهان سپاه، تربیت نفسانی را برای خودش یک وظیفه بداند. شما بنا را بر این بگذارید که خودتان را با تربیت دینی و ریاضت دینی، ریاضت بدهید و تربیت کنید(بیانات در دیدار فرماندهان سپاه ۲۹/۰۶/۱۳۹۶).	تربیت نفسانی

سوال چهارم: مضامین فراگیر تربیت دینی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) کدامند؟

جدول ۴-۴. نتایج تحلیل مضامین سازمان دهنده و فراگیر تربیت دینی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
نقش معلم در تربیت دینی	محیط آموزشی	بافت آموزشی
نقش دانشگاه در تربیت دینی		
تربیت دینی معلم		
توجه به محیط دینی در دانشگاه ها		
نقش محیط فرهنگی		
تولید کتابهای دینی	محتوای آموزشی	تربیت فردی
انتقال فرهنگ غنی اسلامی		
عدم تقلیدی بودن		
احیاء و رشد هویت دینی		
پرورش دانش آموزان متدین	شکوفای سازی فطرت	تربیت فردی
رعایت تقوا		
تربیت معنوی		
خود سازی		

رشد فضیلت ها	تربیت انقلابی
جوان گرایی	
احیای فطرت	
تربیت نفسانی	

مضامین اصلی که در جداول آمده اند، با توجه به اشتراکات و تمایلات مشترک یا حول یک موضوع یا ویژگی خاص، ترکیب و گروه بندی شده اند تا مضامین سازمان دهنده را تشکیل دهند. به عبارت دیگر، مضامینی که به نظر می آمدند به طور موثر در یک دیگر تأثیر می گذارند و در یک بستر مشترک قرار دارند، باهم ترکیب شده اند تا یک مضمون سازمان دهنده را تشکیل دهند. این کار باعث شناسایی و تعیین مضامین اصلی و اساسی در مطالعه مورد بررسی می شود که پس از آن می توان به تحلیل و تفسیر عمیق تر داده ها پرداخت.

در مرحله بعد، با توجه به مضامین سازمان دهنده و با بررسی ادبیات مربوط به موضوع، مضامین فراگیر یا اصلی نیز شناسایی شده اند. این مضامین فراگیر، عناوین و مفاهیمی هستند که در تمامی مضامین سازمان دهنده حضور دارند و می توانند به عنوان نقاط کلیدی و اساسی درک و فهم موضوع اصلی مورد مطالعه محسوب شوند. این فرآیند از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا به تمرکز و تدوین دقیق تر اطلاعات کمک می کند و در انجام تحلیل های بعدی اساسی است.

لذا در جداول فوق پس از شناسایی و نامگذاری مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر شناسایی شدند. بدین منظور، ابتدا مضامین اصلی که وجه اشتراک زیادی باهم داشته یا حول یک موضوع یا ویژگی خاص بودند باهم ترکیب شده و یک مضمون سازمان دهنده را شکل دادند. حاصل این کار ۹ مضمون سازمان دهنده بود که در جداول ۴-۱ تا ۴-۴ ارائه شده است همچنین براساس مضامین سازمان دهنده و بر مبنای ادبیات پژوهش مضامین فراگیر احصاء شده است که در قالب ۴ مضمون فراگیر ارائه شده است.

بحث و نتیجه گیری

اسلام به تعلیم و تربیت اهمیت ویژه ای می دهد. در قرآن و احادیث، تعلیم و تربیت به عنوان یکی از مهم ترین وظایف پیامبران و رسولان ذکر شده و برنامه اصلی آنها قرار داده شده است. خداوند متعال برای انسان تعلیم و تربیت را فرمان داده و وظیفه انسان را در جهت کسب دانش و ترقی به مقام شایسته انسانی قرار داده است. اسلام به انسان توصیه می کند که با اختیار خود، با پیروی از دستورات پیامبران و پیگیری برنامه های الهی، به تعلیم و تربیت پردازد و سعی کند از طریق تلاش و کوشش به سرکشی غرایز حیوانی، روشنائی از ظلمات جهل و مهار خواهش های نفسانی دست یابد. این رویکرد اسلامی نشان دهنده اهمیت عظیمی است که اسلام به تربیت انسان و رسیدن به مقام شایسته او می دهد، و این تربیت را به عنوان راهی برای کنترل و مهار غرایز بدیهی و جلوگیری از وارد شدن در ظلمات جهل معرفی می کند. عوامل مختلفی در تربیت دینی مؤثر است که در

این مطالعه جایگاه تربیت دینی از منظر حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بررسی شد. مقام معظم رهبری به اهمیت ایجاد محیط‌های آموزشی مناسب و متناسب با اهداف تربیت دینی و معنوی افراد تأکید دارند. آنان به ایجاد محیط‌های آموزشی که از نظر فضایی، فرهنگی و اجتماعی با ارزش‌های دینی همخوانی داشته باشند، اهمیت می‌دهند. مقام معظم رهبری به اهمیت محتوای آموزشی دینی و معنوی در تربیت افراد تأکید دارند. آنان بر اهمیت ارائه محتوای آموزشی که از نظر محتوا و مضمون، با اصول و مفاهیم دینی و معنوی سازگار باشد، تأکید می‌کنند. همچنین به اهمیت شکوفا سازی فطرت و ارتقاء اخلاقیات و ارزش‌های معنوی در جامعه تأکید دارند. آنان با تأکید بر اینکه تربیت دینی و معنوی باید به منظور تقویت و توسعه فطرت انسانی و شکوفایی اخلاقیات افراد صورت گیرد، اهمیت این موضوع را بیان می‌کنند. مقام معظم رهبری به اهمیت تربیت انقلابی و پرورش افرادی که قادر به انقلاب در فکر، اعتقاد و رفتار خود هستند، تأکید دارند. آنان با تأکید بر اینکه تربیت دینی باید به منظور انقلاب در ساختارهای فکری و اجتماعی صورت گیرد، به اهمیت تربیت انقلابی در جامعه اشاره می‌کنند. مضامین فراگیر مرتبط با این سوال نیز می‌تواند شامل مواردی مانند بافت آموزشی و تربیت فردی باشد که از دیدگاه مقام معظم رهبری نیز اهمیت دارند. این مضامین با توجه به اهمیت آموزش و پرورش فردی و ایجاد بافت‌های آموزشی مناسب برای تربیت افراد، تأکیداتی است که در سخنان و تفکرات ایشان مشاهده می‌شود.

منابع

- کارآموز، سیده فاطمه. (۱۴۰۱)، تبیین و بررسی شیوه‌های کاربردی تربیت و پرورش دینی فرزندان از منظر قرآن و روایت، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور استان یزد، مرکز پیام نور مهریز. استاد راهنما: محمد سعید فیاض.
- امیدی، محمود؛ سبحانی نژاد، مهدی؛ میرزامحمدی، محمد حسن و ایمانی نایینی، محسن. (۱۴۰۱). طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی بر اساس دیدگاه آیت الله جوادی آملی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. ۳۰(۵۷): ۱۹۹-۱۵۱.
- شاکری صفت، فاطمه؛ حاج حسینی، منصوره؛ خدایاری فرد، محمد. (۱۴۰۲). همایندی ادراک دانش‌آموزان درباره نقش متوازن خانواده و مدرسه در تربیت دینی: پژوهشی پدیدارشناختی. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام. ۱۱(۲۰): ۳۳-۵.
- عوض زاده، ابوطالب؛ کریمی، آیت اله و رضایی، صادق (۱۳۹۹). آسیب شناسی تربیت دینی و تدوین الگویی برای دین پذیری مشتاقانه مطالعه موردی (دانش آموزان متوسطه دوره دوم استان کهگیلویه و بویراحمد) قرآن و طب. دوره ۵، شماره ۲، ۱۱۰-۱۲۲.
- ایمانی الهه، کلدی علیرضا، ساروخانی باقر (۱۴۰۲). مولفه‌های اثرگذار بر شکاف نسلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم منطقه چهار شهر تهران از منظر والدین و معلمان (با تأکید بر تربیت دینی) مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۸(۱): ۳۶-۷.

- قلی اف، رفعت. (۱۴۰۱)، شیوه های مقاوم سازی فرزندان در تربیت دینی از منظر قرآن و احادیث و سیره معصومین (ع). پایان نامه کارشناسی ارشد. جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) - مدرسه عالی حکمت و دین پژوهی. استاد راهنما: محمد مهدی قائمی امیری.
- کارگر خوش، سحر؛ طالب، زهرا؛ گلزاری، زینب. (۱۴۰۲). ارائه الگوی بازی وارسازی تربیت دینی در دوره ابتدایی. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام. ۱۱(۲۲): ۱۱۱-۱۳۹.
- کیومرثی، غلامعلی (۱۳۹۲). مبانی و اصول تربیت دینی و تفاوت آن با تعلیمات دینی. تهران: انتشارات مدرسه.
- Crespo, C.; Jose, P. E.; Kielpikowski, M.; and Pryor, J. (2013). "On Solid Ground": Family and School Connectedness Promotes Adolescents' Future Orientation. *Journal of Adolescence*, 36(5), 993-1002

نقش اجتماعی زنان در تمدن اسلامی در دوره میانه اسلامی

سیده کبری حسینی مومن^۱، فاطمه سادات هاشمی مقدم^۲، زهرا محبی آشتیانی^۳

۱-استاد راهنما، سطح سه، جامعه الزهرا (س)، قم.

۲-طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (س)، قم.

۳-طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (س)، قم.

چکیده

تمدن سازی یکی از مهم ترین مسائلی است که همواره در تاریخ اسلام مورد توجه بوده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان پایه گذار این تمدن، اقدامات فراوانی جهت فراهم سازی بستری مناسب برای پی ریزی آن انجام داده اند. زنان مسلمان نیز در اعصار مختلف با تاسی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، نقش چشم گیری در تمدن سازی داشته اند.

ظرفیت‌سازی و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن اسلامی، افق پیش روی انقلاب اسلامی است. این مهم از طریق پی‌ریزی کلیه مناسبات فرهنگی، سیاسی و توجه ویژه به نقش اجتماعی زنان محقق می‌شود. از این رو مقاله حاضر به تبیین نقش اجتماعی زنان در تحقق تمدن اسلامی پرداخته است. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و از منابع تاریخی استفاده شده است. بر اساس یافته‌های این تحقیق نقش تربیتی زنان در دو حیطه تربیت فرزندان و تقویت روحیه مردان، جهاد در عرصه‌های همسرداری و حضور در پشت جبهه‌های نبرد، نقش مشارکت در حمایت اقتصادی از دولت، تلاش در جهت زنده کردن هویت والای زن مسلمان، مشارکت در ریشه‌کنی ظلم اجتماعی و اشتغال زنان در عرصه‌هایی که داشتن شغل، مجاز و یا وظیفه زنان می‌باشد از جمله نقش‌های اجتماعی زنان در تمدن اسلامی در دوره میانه اسلامی می‌باشد.

واژگان کلیدی: نقش اجتماعی، خانواده، تمدن، تمدن اسلامی

مقدمه

تمدن هر قوم و ملتی تجلی همه دانش و بینش و توانمندی‌ها و در عین حال، نشان‌گر ارزش‌ها و آرمان‌های آنان و شاخص اساسی برای تعریف هویت جمعی و تاریخی آن مجموعه انسانی است. شکل‌گیری تمدن اسلامی، آرمانی است که سال‌ها دغدغه بزرگان دین بوده است. در واقع از همان ابتدای اسلام، این مسأله از موضوعات اصلی بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بدان توجه فراوانی داشته‌اند. با دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مکه و حکومت در مدینه، تمدن اسلامی شکل گرفت. تمدن اسلامی بیان‌کننده فرهنگ، تاریخ، سنن و باورهای دینی مسلمین می‌باشد. اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان دین و پیامبر خاتم، کامل‌ترین نسخه تمدن‌سازی را برای بشریت به ارمغان آورد که بخش کوچکی از این ظرفیت در عصر طلایی تمدن اسلامی به دست مسلمانان جلوه‌گر شد.

یکی از مهم‌ترین ارکان تمدن اسلامی، زنان می‌باشند. زنان اساس جامعه و عامل تعیین‌کننده‌ای در تمدن آن به حساب می‌آیند، چرا که زن به واسطه جایگاه تربیتی‌اش، محور کلیدی خانواده است و خانواده به عنوان مهم‌ترین عنصر نظام اجتماعی و هسته بنیادین تحولات آن، نهاد فعال جامعه‌ساز تلقی می‌شود؛ بنابراین زن در خانواده نقش بی‌بدیلی در انتقال تکامل‌گرایی به افراد خانواده و با واسطه به جامعه ایفا می‌کند. از دیدگاه اسلام «زنان» مانند مردان حق شرکت در امور مختلف جامعه را دارند و می‌توانند در عرصه‌های اجتماع حضور پیدا کنند، که مجاهدت‌های حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در سال‌های آغازین نشر و گسترش اسلام در دفاع از نهضت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از مصادیق روشن مسئولیت‌های اجتماعی زنان در اسلام بوده است و نشان‌گر حضور اجتماعی آن‌ها در جامعه است. با توجه به این که در بیشتر منابع این موضوع به صورت کلی مورد بررسی قرار گرفته است لذا این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای در صدد پاسخ به این پرسش است که نقش اجتماعی زنان در تمدن اسلامی در دوره میانه اسلامی چیست؟ و برای پاسخ به پرسش یاد شده نقش‌هایی چون نقش

تربیتی در دو حیطه تربیت فرزندان و تقویت روحیه مردان، جهاد در عرصه های شوهرداری و حضور در پشت جبهه های نبرد، نقش مشارکت در حمایت اقتصادی از دولت، مشارکت در ریشه کنی ظلم اجتماعی، تلاش در جهت زنده کردن هویت والای زن مسلمان و اشتغال زنان در عرصه هایی که داشتن شغل، مجاز و یا وظیفه زنان است را بررسی می کند.

پیشینه موضوع

در زمینه ی نقش اجتماعی زنان در تمدن اسلامی تحقیقاتی نوشته شده است؛ مانند مقاله «تبیین الگوی مفهومی نقش آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی» (یاسری، و اخوان نیلچی، ۱۳۹۷) و مقاله «زن، سبک زندگی و تمدن سازی نوین اسلامی» (خاتمی نیا، ۱۳۹۳) که نقش زنان در تمدن سازی اسلامی را به اختصار بررسی نموده است. هم چنین مقاله «مسئولیت اجتماعی زنان در شکل گیری تمدن نوین اسلامی» (لطیفی و هاشمی، ۱۴۰۰). کتاب زن و بازیابی هویت حقیقی (گزیده بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی») (کربلایی نظر و دیگران، ۱۳۹۰)؛ این کتاب به گردآوری جامع و منظمی از فرمایشات رهبر انقلاب (مد ظله العالی) در مورد زنان با موضوعات مختلف پرداخته است.

نقش اجتماعی زنان

دین از آن جهت که برای انسان یک هویت جمعی معتقد است، سلسله وظایفی را به عنوان مسائل اجتماعی مطرح می کند و مسلمان ها را به انجام آن وظایف فرا می خواند. برای پی بردن به جایگاه زن در جامعه اسلامی و چگونگی نقش پذیری اجتماعی آن ها در تمدن اسلامی در دوره میانه اسلامی، در ذیل به بعضی ابعاد اشاره شده است که عبارتند از:

نقش تربیتی

زن مسلمان به عنوان عنصر کلیدی و با اهمیت در روند تشکیل تمدن نوین اسلامی در لوای خانواده قلمداد می شود؛ چرا که اگر خانواده سالم در جامعه ای وجود داشته باشد، آن جامعه به سعادت دست خواهد یافت و موارث فرهنگی خود را به صورت صحیح منتقل خواهد کرد. اگر نسل ها بخواهند فرآورده های فکری و ذهنی خود را به نسل های بعد منتقل کنند، این مهم تنها در سایه خانواده و از طریق زن محقق می شود. چرا که نقش مهم تربیت بر عهده زن است. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) می فرماید: «خداوند متعال جنس زن را به گونه ای خلق کرده است که برخی امور عاطفی، تربیتی و حتی مدیریتی در خانه، فقط با ظرافت روحیه زنان، قابل انجام است» (خامنه ای، ۱۳۹۲/۲/۲۹).

در خصوص این موضوع شهید مطهری (رحمه الله علیه) نیز می فرماید: «زن اساس و ریشه ی همه نیکی هاست. نقش کلیدی مادران در فرهنگ سازی موجب شده تا در نظام تربیتی و حقوقی اسلام تأکید و اهتمامی ویژه به حقوق مادران شود. در آموزه های دینی ضمن تأکید بر مقام والای مادری و جایگاه زن به ضرورت احترام نسبت به برآوردن

حقوق مادران و توجه به سلامت جسمانی، روحی و روانی وی شده است؛ چرا که سلامت جامعه به سلامت خانواده و اقتدار و پویایی خانواده به مادر وابسته است» (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵).

۱-۱. تربیت فرزندان

تربیت و تعلیم اولیه افراد به دست مادران است. امام خمینی (رحمه الله علیه) می فرماید: «زن یکتا موجودی است که می تواند در دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه ها به استقامت و ارزش های والای انسانی کشیده شوند» (خمینی، ۱۳۸۹، ص ۳۲۰). اگر نخستین هسته وجودی یک انسان، با مادری متعهد شکل گیرد، چنین انسانی در زندگی آینده ی خود دچار انحراف دینی و اخلاقی نخواهد شد و می تواند زمینه ساز ایجاد تمدن در جامعه شود؛ به تعبیر امام خمینی (رحمه الله علیه)، «بچه هایی که پیش مادر تربیت اخلاقی بشوند، اگر یک بچه متعهد و دیندار شود، می تواند یک جامعه را اصلاح کند» (خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۹۶). بنابراین مادران با تربیت صحیح فرزندان خود می توانند زمینه ساز تمدن اسلامی گردند.

۱-۲. تقویت روحیه ی مردان

یکی از نقش های تربیتی زنان در کنار مادری، همسری است، که این نقش همسری تأثیرات اجتماعی دارد و یکی از این تأثیرات اجتماعی، تقویت روحیه ی مردان است که در ساخت تمدن نوین اسلامی بسیار موثر است. امام خمینی (رحمه الله علیه) حمله انقلاب و پیروزی آن را وام دار زنان می شمارد؛ چرا که آنان سبب تقویت روحیه و انگیزه انقلابی مردان شدند. ایشان می فرماید: «این پیروزی را ما از بانوان داریم قبل از اینکه از مردها داشته باشیم بانوان محترم ما، در صف جلو واقع بودند. بانوان عزیز ما اسباب این شدند که مردها هم جرات و شجاعت پیدا کنند. ما مرهون زحمات شما خانم ها هستیم» (خمینی، ۱۳۸۹، ص ۳۲۰). بنابراین یک زن وقتی به خوبی و با اخلاق پسندیده و با تدبیر آگاهانه با شوهر خود مراوده نماید و با همدلی و همراهی با همسر خود در ایفای وظایف او در جامعه اسلامی و کمک برای تحقق تمدن اسلامی در مسیر صحیح خود صبورانه او را یاری نماید، گامی موثر در ایجاد تمدن اسلامی برخواهد داشت.

۲. حضور در جهاد

بدون تردید پایه گذاری، تکوین و گسترش تمدن ها فقط در پرتو تلاش مستمر انسان ها میسر است و یکی از شاخصه های بارز تمدن ها، کوشش مستمر افراد آن است. در منابع اسلامی این تلاش مستمر مورد توجه تام قرار گرفته و از آن با عنوان مجاهدت یاد شده است که تأثیری بس عظیم در رشد و دوام تمدن اسلامی دارد و تفاوتی بین زن و مرد در قبال این وظیفه عمومی وجود ندارد. یکی از مسائلی که در تمدن سازی نوین اسلامی اهمیت زیادی دارد، حضور بانوان در جهاد است. در دین مبین اسلام به جهت حفظ و نگهداری جایگاه زن و لطافت روحی او و همچنین

حفظ حریم او در برابر نامحرمان، اجازه حضور فیزیکی در میدان جنگ نظامی داده نشده است اما راه های مختلفی برای جهاد وجود دارد که عبارتند از:

۱-۲. جهاد همسراری

هر تلاشی که یک مرد در میدان های مختلف انجام می دهد، به میزان زیادی مرهون همکاری، همراهی، صبر و سازگاری همسر اوست؛ در واقع این همراهی زن نقش جهادی برای او دارد. در روایتی نقل شده است که در صدر اسلام عده ای از زنان محضر پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) رسیدند و تقاضای اجازه حضور در جنگ و جهاد داشتند که حضرت در جواب می فرمایند: «جهاد المراه حسن التبعل؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۷۹۲) جهاد زن نیکو شوهرداری کردن است». بنابراین یک زن مجاهد با ایجاد محیط آرام در منزل و رفتار مدبرانه و ایفای صحیح وظایف خود می تواند گامی موثر در تحقق تمدن اسلامی بردارد.

۲-۲. حضور در پشت جبهه های نبرد

از دیگر صحنه های جهاد زنان در طول تاریخ، حضور آنان در پشت صحنه جبهه های جنگ بوده است. نقش هایی همچون پرستاری از مجروحین، امداد رسانی به مجاهدین، کمک های مالی، کمک های جانی برای تهیه تجهیزات جنگی، البسه و تغذیه مجاهدین و نهایتاً پر رنگ ترین نقش آنان صبر در برابر کشته شدن فرزندان و عزیزان خود می باشد. در همین زمینه آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) می فرمایند: «زن ها، ما را پیروز کردند، مادران شهدا، همسران شهدا، همسران جانبازان، همسران اسرا؛ مادران این ها با صبر خود یک فضایی را به وجود آوردند که آن فضا جوان ها را، مردان را، به حضور مصممانه تشویق می کرد و این در سراسر کشور گسترده شد و گسترده بود» (خامنه ای، ۱۳۹۱/۴/۲۱). بنابراین زنان با حضور در پشت صحنه های نبرد می توانند زمینه ساز تحقق تمدن اسلامی شوند.

۳. مشارکت در حمایت اقتصادی از دولت

خانواده در مصرف و امور اقتصادی، تابع زنان خانواده است. تغییر شیوه های زندگی خانواده ها از جمله راهکارهای موثر در تحقق اهداف اقتصادی خانواده و به تبع آن دولت هاست. اگر احساس وظیفه ی حفظ سرمایه های کشور در زنان ایجاد شود، این امر خود به خود عاملی برای ایجاد الگوی مناسب مصرف برای نسل های بعد خواهد بود. از نظر اسلام مصرف باید در چارچوب صحیح و متعادل و دور از اسراف و تبذیر صورت پذیرد، زن می تواند با پرهیز از اسراف، جلوی اتلاف و هدر رفتن امکانات را بگیرد و جامعه را به سوی مصرف صحیح راهنما باشد (ابراهیمی نسب، ۱۳۹۶/۱/۲۶). به عبارت دیگر، رشد و توسعه اقتصادی کشورها و دولت های اسلامی در قالب فرهنگ سازی خانواده ها آن هم از جانب رکن تربیتی آن یعنی زن امکان پذیر است. از دیگر مدیریت هایی که توسط زن در مدیریت اقتصادی دولت ها می تواند صورت بگیرد،

حمایت و استفاده زن از مصرف کالاهای داخلی کشور است. بی گمان هر تصمیمی که زن مسلمان در زمینه مصرف کالاهای داخلی بگیرد، در حرکت چرخ صنعت این مرز و بوم تاثیرگذار است. خداوند در آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء می فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» این آیه با صراحت تمام بیان می کند که جامعه اسلامی باید در صدد باشد که در زیر سلطه بیگانگان قرار نگیرد. و برای اینکه بیگانگان سلطه ای بر جامعه اسلامی نداشته باشند، باید به مرحله ای از تولید رسید که کلیه کالاهای مورد نیاز در جامعه تولید شود و کالای داخلی تولید شده به مصرف برسد. بنابراین زن مسلمان با حمایت از محصولات کشور اسلامی و بهبود سبک زندگی خود در پیشبرد اهداف جامعه و تمدن اسلامی گام می نهد.

۴. تلاش در جهت زنده کردن هویت والای زن مسلمان

زن باید شان انسانی و هویت والای اسلامی خود را در جامعه پیدا کند. باید کرامت و عزت نفس خود را حفظ نماید. در این مسیر، خود زن نقش اصلی را بر عهده دارد. این زن است که باید مسولیت ها، وظایف و جایگاه خود را در نظام اسلامی بیابد. زن باید از توانمندی های خود به بهترین نحو استفاده نماید و این استفاده از توانمندی ها و استعدادها، در واقع زمینه ی رشد هرچه بیشتر زن مسلمان و دستیابی او به هویت والای خود را فراهم می نماید. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در تبیین هویت اسلامی زن می فرمایند: «هویت اسلامی این است که زن در عین این که هویت و خصوصیات زنانه خود را حفظ می کند- که طبیعت و فطرت است و برای هر جنسی خصوصیات آن جنس ارزش است- یعنی آن احساسات رقیق را، عواطف جوشان را برای خود حفظ می کند، در عین حال، هم باید در میدان ارزش های معنوی- مثل علم، عبادت، تقرب به خدا و سیر وادی های عرفان- پیشروی کند، هم در عرصه مسائل اجتماعی و مقاومت و حضور سیاسی، شناخت کشور خود، شناخت آینده خود، شناخت هدف های ملی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملت های اسلامی، شناخت توطئه های دشمن، شناخت روش های دشمن باید روز به روز پیشرفت کند و هم در زمینه ایجاد عدل و انصاف و محیط آرامش و سکونت در داخل خانواده باید پیشرفت داشته باشد. اگر قوانینی لازم است زنان آگاه و با معرفت، در همه این میدان ها بایستی پیشروی کنند و الگوی زن را نشان بدهند؛ بگویند زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را حفظ می کند؛ هم از حق خود دفاع می کند و هم در میدان معنویت و علم و تقرب به خدا پیشروی می کند و شخصیت های برجسته ای را نشان می دهد و هم در میدان های سیاسی حضور دارد. این می شود الگویی برای زنان» (خامنه ای، ۱۳۷۹/۶/۳۰).

بنابراین زن مسلمان با تلاش در جهت زنده کردن هویت والای خویش، می تواند نقش اجتماعی خود

را در جهت تحقق تمدن اسلامی ایفا کند.

۵. مشارکت در ریشه کنی ظلم اجتماعی

قدرت ها و انسان های ظالم و متجاوز در همه اعصار تاریخی وجود داشته اند. و به موازات آن ها، انسان های مجاهد و ایثارگری بنابر انسانیت خود به دفاع از مظلوم برخاسته اند. این انسانیت و ریشه کنی ظلم اجتماعی را نمی توان محصور در مردان دانست، بلکه زنان نیز دوشادوش مردان به شیوه های مختلف در این ریشه کنی مشارکت دارند. برای مثال تشویق پسران و مردان برای حضور در جنگ های متعدد صدر اسلام مانند جنگ احد و حضور موثر در مخالفت با استعمارگر خارجی، مانند مشارکت فعال در نهضت تنباکو و نهضت مشروطه و... انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ایران از نمونه های بارز حضور موثر زنان در ریشه کنی ظلم اجتماعی است. مشارکت زنان در ریشه کنی ظلم اجتماعی، می تواند به اشکال مختلف صورت بگیرد، از جمله آن ها تشجیع همسران و فرزندان برای حضور در خطرناک ترین صحنه های ظلم ستیزی است که رهبر انقلاب اسلامی (مد ظله العالی) می فرمایند: «در این حرکت عظیم بیداری اسلامی، نقش زنان، یک نقش بی بدیل است و باید ادامه پیدا کند. زنان هستند که همسران خود را و فرزندان خود را برای حضور در خطرناک ترین میدان ها و جبهه ها آماده می کنند و تشجیع می کنند» (خامنه ای، ۱۳۹۱/۴/۲۱).

شایان توجه است نقش زن در بیداری اسلامی تنها در ابعاد ذکر شده خلاصه نمی شود؛ بلکه از دیگر نمادهای نقش اجتماعی زن در تمدن اسلامی، تشکیل جمعیت ها، اتحادیه ها، احزاب و سازمان های اسلامی در کشورهای اسلامی است که گرچه از نظر ساختار، پدیده ای جدید به شمار می آید، اما قدمتی به درازای تاریخ اسلام دارد. جلسات مذهبی خانگی، مکتب خانه ها، مجالس حزن و سرور یاد نبی اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل بیت (علیهم السلام) در واقع مراکز تجمع همراه با انسی برای زنان بودند که در مکتب سیاسی شیعه نمود بیشتری دارند (محمودی نسب و نیکو خصال، ۱۴۰۰، ص ۱۶). بنابراین زن مسلمان با مشارکت در ریشه کنی ظلم اجتماعی، می تواند نقش اجتماعی خود را در جهت تحقق تمدن اسلامی ایفا کند.

۶. اشتغال زنان

مکتب اسلام در پرتو راهنمایی های قرآن و سنت نبوی و عترت رسول مکرّم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به زن آن چه را که شایسته ی او بود اعطا نمود؛ و شرایط را به گونه ای فراهم آورد که زن بتواند با حفظ شؤون اسلامی و انسانی و با توجه به استعدادهای به ودیعت گرفته شده، در تمام میدان ها که نیاز به حضور اوست نقش ایفا کند. اصولاً از نگاه قرآن، زن نقش محوری را در تربیت افراد خانواده و در نتیجه جامعه دارد. اگر خداوند قوام اجتماعی و اقتصادی جامعه را بر عهده ی مرد نهاده است قوام تربیتی آن را بر دوش زن گذاشته زیرا، زن کانون عاطفه در عالم هستی است. زن در تمام صحنه های اجتماعی هم می تواند شرکت کند، درس بخواند، درس بدهد، کسب کند، شغل اداری بگیرد و تمام فعالیت های اجتماعی و سیاسی و مبارزاتی

را که مرد در جامعه انجام می دهد، زن هم با حجاب انجام دهد. عرصه های سه گانه ای که زنان می توانند به عنوان یک نقش مؤثر تربیتی در جامعه ایفای نقش کنند و جامعه ی اسلامی را به سمت تمدن اسلامی سوق دهند به شرح زیر است:

۶.۱. عرصه های مجاز برای زنان

شغل برای زن در عرصه ی اجتماع، امری کاملاً مباح و روا و مطلوب و جایز است که با حفظ حدود اسلامی می تواند به این امور نیز بپردازد. امروز در دوران جمهوری اسلامی تعداد دختران دانشجو و زنان تحصیل کرده در مراکز آموزش عالی، شمار زنان شاغل به کار در مراکز پزشکی و درمانی و نهادهای علمی و تحقیقاتی و نیز تعداد زنان حاضر در صحنه ی سیاست کشور و مجامع بین المللی با گذشته قابل مقایسه نیست. زن مسلمان ایرانی امروز در مجامع جهانی و کنفرانس های گوناگون علمی و سیاسی حضور قدرتمندانه ای دارد و از حقوق و نظر کشور و ملت خود دفاع می کند.

۶.۲. عرصه هایی که وظیفه زنان است

در برخی موارد اشتغال و وظیفه زنان است. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این زمینه می فرمایند: «خانم ها حق دارند در سیاست دخالت بکنند. تکلیفشان این است خانم ها، به معنای واقعی کلمه سربازان خط مقدم انقلاب بودند به عنوان یک مبالغه نمی گویم. اگر زن ها به این انقلاب باور نداشتند، مطمئناً این انقلاب واقع نمی شد. من به این معنا اعتقاد دارم. هم نیمی از گروه انقلابیون بودند و هم روی اعضا و محیط خانه - که زن در محیط خانه دارای تأثیر فرهنگی زیادی است - اثر می گذاشتند. این حضور آنها بود که توانست ستون فقرات دشمن را بشکند و مبارزه را به معنای واقعی کلمه پیش ببرد. زنان در دوران مبارزه انقلاب یک نقش مؤثر و بی جایگزین داشتند؛ که اگر در این اجتماعات نبودند، بلاشک این اجتماعات و تظاهرات عظیم آن اثر را نمی بخشید. در بعضی جاها مثل مشهد ما، اصلاً شروع این تظاهرات از زنان شد. یعنی اولین حرکت عمومی مردمی یک حرکت زنانه بود..... نقش زنان، یک نقش بی بدیلی است. آینده احتیاج دارد به این حضور زنانه نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه ی انقلاب کم رنگ بشود. دیگران در معارضة ی با انقلاب از عنصر زن و زنان کارآمد استفاده کنند؛ جبهه ی انقلاب زنان کارآمد و فعال و زبان آور و نویسنده و عالم و دانشمند بمراتب بیشتر دارد؛ خانم هایی که اهل اقدامند، اهل فکرند، اهل نگارش و نویسندگی و سخن گفتن اند، اهل فکر دادن اند صحنه ی انقلاب و دفاع از انقلاب را خالی نگذارند. امروز شما، زنان سنگربان ارزش های اسلامی در مقابل وضع جاهلی دنیای غرب هستید. در علم، در فرهنگ، در سیاست و در همه چیز زن باید پرورش اسلامی پیدا کند؛ در میدان های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و همه جا برود و پیشتاز باشد» (خامنه ای، ۱۳۹۸/۵/۱۶).

نتیجه گیری

زن مسلمان به عنوان، حیاتی ترین عنصر تشکیل دهنده یک خانواده، اساسی ترین رکن یک جامعه و مهمترین عنصر تشکیل تمدن نوین اسلامی است. انقلاب اسلامی برای دستیابی و تحقق تمدن نوین اسلامی ناگزیر از توجه به موضوع نقش اجتماعی زنان است؛ چرا که بر پایه نگرش توحیدی اسلام، رسالت تاریخی زنان به معنای حضور آن ها در تغییر ارزش ها، باورها و اخلاقیات جامعه دانسته می شود. بنابراین از آن جایی که آینده و تاریخ در دستان مادران و زنان یک جامعه شکل می گیرد، بررسی نقش اجتماعی زنان در تحقق تمدن اسلامی در دوره میانه اسلامی امری ضروری است. در این مقاله به بررسی نقش اجتماعی زنان در شش حوزه ی تربیت، جهاد، مشارکت در حمایت اقتصادی از دولت، تلاش در جهت زنده کردن هویت والای زن مسلمان، مشارکت در ریشه کنی ظلم اجتماعی و اشتغال زنان و تاثیر هر یک از این موارد در تحقق تمدن اسلامی اشاره شد. در حوزه تربیت، به نقش بانوان در تربیت فرزند و تقویت روحیه مردان اشاره شد. در حوزه جهاد نیز، جهاد خوب همسررداری کردن و حضور در پشت صحنه های نبرد مورد بررسی قرار گرفت و در زمینه نقش اشتغال نیز دو حوزه موارد مجاز و مواردی که اشتغال وظیفه زنان است مورد بررسی قرار گرفت.

منابع و ماخذ

قرآن کریم

۱. ابراهیمی نسب، ناهید، نقش زنان در اقتصاد خانواده و جامعه، روزنامه پیام استان سمنان، شماره ۴۴۵۶، ۱۳۹۶/۱/۲۶.
۲. خاتمی نیا، فاضه (۱۳۹۳)، «زن، سبک زندگی و تمدن سازی نوین اسلامی»، ماهنامه پیام زن، شماره ۳، ص ۴.
۳. خامنه ای، سید علی، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از بانوان، ۱۳۷۹/۶/۳۰.
۴. خامنه ای، سید علی، بیانات مقام معظم رهبری در جمع طلاب مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴.
۵. خامنه ای، سید علی، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با بانوان برجسته و فعال، ۱۳۹۲/۲/۲۹.
۶. خامنه ای، سید علی، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی (زنان و بیداری اسلامی)، ۱۳۹۱/۴/۲۱.
۷. خامنه ای، سید علی، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با بانوان، ۱۳۹۸/۵/۱۶.
۸. خمینی، روح الله (۱۳۸۹)، صحیفه ی امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۱۱. محمودی نسب، معصومه و نیکو خصال، معصومه (۱۴۰۰)، «نقش بانوان در ایجاد تمدن نوین اسلامی با تاکید بر قرآن کریم و منویات مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی تخصصی مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت، شماره ۸، ص ۱۶.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱)، زن و مسائل قضایی و سیاسی، تهران: صدرا.
۱۴. یاسری، زینب و اخوان نیلچی، نفیسه (۱۳۹۷)، «تبیین الگوی مفهومی نقش آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی»، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، شماره ۲، ص ۴.

نقش و جایگاه عدالت در تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

محسن الویری^۱، حسن عبدی^۲، کریم صفری^۳

۱- استاد دانشگاه باقرالعلوم قم

۲- استادیار دانشگاه باقرالعلوم قم

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه باقرالعلوم قم (نویسنده مسئول)

چکیده

تمدن به معنی تخلق به اخلاق شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت و مجموعه پیشرفت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، مادی و معنوی بشر در دوره‌های خاص یا در منطقه و سرزمینی خاص است و هنگامی ظهور و بروز می‌یابد که امنیت - اعم از امنیت اجتماعی و روانی - در جامعه استقرار یابد و ناامنی و هرج و مرج رخت بندد. تمدن اسلامی، تمدنی است که پایه و اساس آن بر محور دین و آموزه‌های دینی قرار دارد. با اینکه این تمدن در طول تاریخ طولانی و باشکوه خود دچار ضعف و رکودهایی شده ولی چندان نپاییده که با نظریات تمدنی اندیشمندان برجسته اسلامی جانی تازه گرفته است و به حیات خود ادامه داده است. در این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و در بستر مطالعات کتابخانه‌ای، باهدف کمک به تحقق تمدن نوین اسلامی انجام گرفته به این پرسش که در اندیشه و رویکرد تمدنی آیت الله جوادی آملی، عدالت چه جایگاهی دارد، پاسخ داده شده است.

واژگان کلیدی: آیت الله جوادی آملی، تمدن اسلامی، عدالت

۱- مقدمه:

واژه تمدن معانی مختلفی را در بر می‌گیرد. یکی از آن معانی که فرهنگ نامه نویسان برای تمدن آورده‌اند شهرنشینی و اقامت در شهر است. بر این اساس، تمدن به معنی تخلّق به اخلاق شهر، انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت و مجموعه پیشرفت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، مادی و معنوی بشر در دوره‌های خاص یا در منطقه و سرزمینی خاص است^۱. از دیگر معانی تمدن، تربیت و ادب است. از این رو، تمدن داشتن به معنی داشتن تربیت اجتماعی و به مرحله عالی تربیت اجتماعی رسیدن و نقطه مقابل آن وحشی‌گری و بربریت است^۲.

هنری لوکاس، تمدن را پدیده‌ای در هم تنیده می‌داند که همه مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فکری و حتی هنر و ادبیات، تفریحات، علم، اختراعات، فلسفه و دین را دربر می‌گیرد^۳. ویل دورانت، تمدن را نظامی اجتماعی می‌داند که در نتیجه آن خلاقیت فرهنگی جریان می‌یابد. وی معتقد است تمدن هنگامی در یک جامعه ظهور و بروز پیدا می‌کند که ناامنی و هرج و مرج از آن جامعه رخت بریندد؛ زیرا تنها آن هنگام است که کنجکاو و احتیاج به ابداع و اختراع به کار می‌افتد و زمینه تحصیل علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی فراهم می‌شود. از دیدگاه وی، نخستین قدم در راه تمدن، کشاورزی است. زمانی که انسان در سرزمینی به قصد کشاورزی و ذخیره کردن غذا برای روز مبادای خود مستقر شود و آتیه خود را تأمین کند فراغ خاطر و احتیاج تمدن شدن را احساس خواهد کرد^۴.

بنابر این، انسان و زمین، تمدن را به وجود می‌آورند و تمدن ساخته انسان و زمین از یک نسل به نسل دیگر به ارث گذاشته می‌شود و تداوم می‌یابد.

علی شریعتی هم بر میراث بشری بودن تمدن متمرکز شده و تمدن را مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی و میراث گذشتگان دانسته است^۵. آیت الله جوادی آملی در مورد تمدن معتقدند که تمدن به دو معناست:

أ. به معنای اجتماعی زندگی کردن؛ زیرا که خداوند ساختار بشر را به گونه‌ای آفریده که مجبور است برای رفع نیازمندی‌های خود با دیگران به سر ببرد.

ب. به معنای حق محور بودن و عدالت اجتماعی داشتن؛ که مقتضای فطرت اوست نه طبیعت وی. ایشان در توضیح این مطلب می‌فرمایند:

انسان فطرتاً متمدّن و خدانشناس و خواهان عدالت اجتماعی و کمک به هم‌نوعان خود است؛ لیکن از نظر طبع اوّلی که به طین و طبیعت بدنی بازمی‌گردد تا پیرو شهوت و غضب است، جز به استخدام و استعباد و استعمار دیگران نمی‌اندیشد، چون طبیعت او به حسّ و ماده نزدیک‌تر است و زمام امور فردی و اجتماعی او را برعهده گرفته و بر وی حکومت می‌کند، از همین رو همان طور که از جمادات، گیاهان و انواع حیوانات برای رفع نیاز خود بهره می‌جوید، می‌کوشد دیگران را نیز به استخدام یک جانبه خود درآورد. او از سویی نمی‌تواند تنها زندگی کند و از طرفی توقع متقابل هم‌نوع خود را می‌یابد، از این رو ناگزیر به خدمت متقابل و نیز به مراعات اجتماع تن می‌دهد؛ لیکن هرگاه به قدرت و حاکمیت رسد، همه قوانین و تعهدات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را زیر پا گذاشته و قوای علمی و عملی را به استخدام یا اسارت خویش در می‌آورد^۶.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۱. دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه دهخدا»، (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵)، ص ۷۸۰.
۲. البستانی، بطرس، ج ۶، «دائرة المعارف و هو قاموس عام لكل فنو مطلب»، (بیروت، دار المعرفة، الطبعة الثانية، ۱۹۷۷)، ص ۲۱۳.
۳. لوکاس، هنری، «تاریخ و تمدن اسلامی»، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، جلد ۱، (تهران، انتشارات سخن، چاپ هشتم، ۱۳۹۳) ص ۱۶.
۴. دورانت، ویل، «مشرق زمین گاهواره تمدن»، ترجمه احمد آرام، ج ۱، (تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۵)، ص ۴.

^۵ . شریعتی، علی، (۱۳۵۹)، «تاریخ تمدن»، تهران، انتشارات آگاه، چاپ دوم، ۱۳۵۹، جلد ۱، ص ۷.

^۶ . جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، تسنیم تفسیر قرآن کریم، قم، نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۵، جلد ۱۰ ص ۴۳۹-۴۳۸.

در هر حال، واژه تمدن که از ریشه مَدَن و از مدینه به معنی شهر، مشتق شده در بردارنده سه مفهوم کلی زیر است:

۱. به سوی عقلانیت و انسانیت گرائیدن
 ۲. نظم دادن به امور زندگی
 ۳. به اخلاق و خصائص شهری کشیده شدن^۱.
- امروزه این واژه صورت اصطلاحی به خود گرفته است. به طوری که مفاهیم زیر از آن انتزاع می شود:
۱. نوعی فرهنگ پدیدار شده در شهرها؛
 ۲. انقلاب شهری؛
 ۳. نظامی اجتماعی که در نتیجه آن خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان پیدا می کند
 ۴. مرحله یا نوع خاصی از فرهنگ که در عصر معینی موجودیت یافته^۲.

تقسیم بندی های متفاوتی از تمدن به عمل آمده است. بعضی آن را به تمدن عینی مشخص و تمدن ذهنی و درونی تقسیم کرده اند. منظور آنان از تمدن عینی، پیشرفت های ادبی، هنری، علمی و صنعتی است که در یک جامعه یا در جوامع مشابه، از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. تمدن ها را اگر به این معنی لحاظ کنیم، با یکدیگر متفاوت اند. هر تمدنی، محیطی مخصوص، مراحل مشخص و زبانی مخصوص خود دارد. و مقصود از تمدن ذهنی و درونی صفات پسندیده ای است که افراد جامعه به آنها متصف اند. از این جهت به جوامعی که مردمانش به صفات پسندیده و شایسته متصف باشند جوامع متمدن گفته اند.

تقسیم بندی دیگر تمدن به لحاظ جغرافیایی است که مشهورترین تقسیم بندی آن است. تمدن ها به لحاظ محیط جغرافیایی متفاوت اند؛ به عبارت دیگر، هر تمدنی، محیط، مراحل و زبانی مخصوص دارد. محیط هر تمدن، حدود جغرافیایی آن است؛ و مراحل آن، آثاری است که در یک جامعه واحد یا در جوامع مختلف بر هم انباشته می شود؛ و زبان هر تمدن، ابزار مناسبی است برای بیان افکار سیاسی، تاریخی، علمی و فلسفی. با توجه به این جهات است که می گویند تمدن چینی، تمدن اروپایی و تمدن اسلامی. بر این اساس، تمدن اسلامی، تمدنی است که در محیط کشورهای اسلامی و بر مبنای آموزه های اسلامی ساخته شده است. تمدن اسلامی، علاوه بر اصول و فروع اسلامی مشترک میان ملت های مسلمان، شامل مجموعه آداب و رسوم مشترک میان ملت های مسلمان نیز می شود. نباید پنداشت چون این تمدن، نام اسلامی به خود گرفته است مظاهر آن همگی برگرفته از قرآن کریم و سنت نبوی بوده و دگرگون پذیر نیست. این دقیقاً نقطه افتراق تمدن از حکم شرعی است. بدین رو، هر چند با گذشت زمان مظاهر تمدن تغییر یابد باز هم باید آن را تمدن اسلامی نامید. بنابر این، تمدن عصر چایپاری اسلامی بود و تمدن عصر ماهواره و اینترنت هم اسلامی است^۳.

۱. کاشفی، محمد رضا، «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی»، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۰، ص ۳۳.

۲. توین، بی، «بررسی تاریخ تمدن»، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۴۸.

۳. صاحب الزمانی، محمد حسن ناصرالدین، «سهم اسلام در تمدن جهانی»، تهران، نشر بعثت، چاپ اول، ص ۸۹

جان احمدی، تمدن اسلامی را تمدنی دینی معرفی کرده که همه مؤلفه‌های آن بر محور دین اسلام می‌گردد. به دلیل وجود همین پسوند پرمایه، از یک سو قابلیت تحدید زمانی و تعریف معنایی دارد؛ زیرا آغاز و انجامش مشخص است و از سوی دیگر، دارای گستردگی مفهومی و موضوعی بسیاری است که همه پیچیدگی‌ها، ظرایف و جهان‌شمولی دین اسلام را- به عنوان دینی الهی- در خود دارد. بدین ترتیب تمدن اسلامی دارای همه ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) است و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات و اصول دین است.^۱ چنانکه ملاحظه می‌شود ایشان عدالت را به عنوان یکی از مؤلفه‌های تمدن اسلامی بیان کرده‌اند.

۲- پیشینه تحقیق:

درباره چیستی تمدن اسلامی و عوامل پیشرفت و انحطاط آن در طول تاریخ آثار متعددی در قالب کتاب و مقاله و پایان‌نامه‌های دانشگاهی و حوزوی تدوین شده است که از این آثار می‌توان به کتاب «اصول و پایه‌های تمدن اسلامی» (۱۳۷۹) نوشته آیت الله سید محمد تقی مدرسی اشاره کرد. این کتاب به زبان عربی تألیف و توسط محمد صادق پارسا به فارسی ترجمه شده است. نویسنده در این کتاب به ویژگی‌های تمدن اسلامی، ارزش‌ها و ملاک‌های تمدن، بُعد الهی، ولایت خدا، مواجهه با ستیزه‌جویی‌ها پرداخته است.

در زمینه نظریه عدالت و دیدگاه‌های تمدنی آیت الله جوادی آملی به صورت مستقل تحقیقی یافت نشد. جز آنکه ابراهیم برزگر و شهلا بهمن‌آبادی در مقاله «عدالت اجتماعی در آرای آیت الله جوادی آملی از منظر وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی» عدالت اجتماعی را از دو منظر در اندیشه‌های آیت الله جوادی آملی مورد بررسی قرار داده بودند. بر اساس نتایج این تحقیق، آیت الله جوادی آملی، عدالت را «وضع کل شیء فی موضعه» و «إعطاء كل ذي حق حقه» دانسته و معتقدند که تحقق عدالت از غایت‌ها و نتایج متوسط فرد و حکومت است و انسان و حکومت یک سلسله وظایفی دارند که التزام به آنها واجب است و بدون پایبندی به آنها هدف مطلوب و مطلوب عدالت دست نیافتنی خواهد بود.^۲

۳- اهمیت و ضرورت تحقیق:

در حوزه وسیع تمدن اسلامی اقوام و ملل مختلف نظیر عرب، ایرانی، ترک، هندی، چینی، مغولی، آفریقایی زندگی می‌کنند. در واقع وعده‌های عدالت و برابری و برادری که در اولین پیام‌های مسلمانان در فتوحات سر داده شده چنان جذابیتی داشت که بسیاری از مردم نواحی مختلف نه تنها جذب اسلام شده بلکه در گسترش فکری، فرهنگی و پیشرفت تمدنی سهم بسزایی داشتند.

۴- عدالت و تمدن نوین اسلامی

۱. جان احمدی، فاطمه، «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی»، تهران، دفتر نشر معارف، چاپ ۴۶، ۱۳۹۷، ص ۵۲.

۲. برزگر، ابراهیم، بهمن‌آبادی، شهلا، «عدالت اجتماعی در آرای آیت الله جوادی آملی از منظر وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۱۳۹۷، شماره ۱۸، ص ۲۶-۷.

۴-۱- نگاهی به تعاریف عدالت :

عدل در لغت به معنی مساوات و برابری و ضد جور و ستم است. آن را به نهادن هر چیزی به جای خود، حد متوسط میان افراط و تفریط و تقسیم به طور مساوی معنی کرده‌اند. با این حال، در مورد عدالت، اغلب دو تعریف مصطلح است. تعریف اول، رعایت حقوق دیگران و رساندن هر حقی به صاحب حق است که تعریفی خاص و نسبتاً حقوقی است و تعریف دوم، نهادن هر چیزی در جایگاه مناسب است که تعریفی عام و در مقابل ظلم می‌باشد.^۱

عدالت معنی گسترده‌تری یافته و در میان محققان علوم مختلف معانی متعددی پیدا کرده است. علمای اخلاق، عدالت را به معنای عدالت در قوا (شهو، غضب، قدرت و ...) بیان می‌دارند. در میان علمای فقه و اصول شیعی ملکه‌ای است که موجب ترک کبائر (گناهان کبیره) می‌شود و قیودی همانند مروّت و ترک صغائر در آن دخالتی ندارد و بلکه مقتضای ادله آیات و روایات آن است که ارتکاب صغائر در صورت عدم اصرار بر آنها لطمه‌ای به عدل نمی‌زند.^۲ اما عدالت در حقوق به معنای رعایت حقوق دیگران در تمام احوال طبق موازین و مقررات است که به این ترتیب، بیشتر عدالت اجتماعی در آن مد نظر می‌باشد. از نظر کاتوزیان، عدالت دارای دو معنی عام و خاص است. عدالت به معنای عام، تقوای اجتماعی و به معنای خاص کلمه، برابر دانستن اشخاص و اشیا است و هدف آن همیشه تأمین تساوی ریاضی نیست. مهم این است که بین سود و زیان تکالیف حقوق اشخاص، تناسب اعتدال رعایت شود. پس در تعریف عدالت می‌توان گفت عدالت «فضیلتی است که برحسب آن، باید به هرکس آنچه را که حق اوست داد»^۳. این تعریف با سخنی که امام علی (ع) در باره عدالت بیان داشته‌اند وجه اشتراک زیادی دارد. وقتی از امام علی (ع) درباره برتری عدالت و سخاوت و جود پرسیدند آن حضرت فرمودند: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَ الْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا وَ الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ ..» یعنی عدالت از سخاوت برتر است؛ زیرا که عدالت هر چیز را در جای خود قرار می‌دهد و بخشش و سخاوت آن را از مسیرش خارج می‌سازد و عدالت، قانونی همگانی و فراگیر است.^۴ به نظر می‌رسد که این تعریف مذکور اخیر، همه تعاریف را در بر می‌گیرد. اگر عدالت اخلاقی، اعتدال جمیع قوای نفس و عمل کردن هر یک از آنها به وظیفه خاص خود و تبعیت قوای شهوی و غضبی از قوه عاقله باشد و عدالت سیاسی، عمل کردن هر یک از طبقات اجتماعی به وظایف خاص خود و عدالت اقتصادی، تقسیم اموال و امکانات بین مردم مطابق استحقاقشان بدون زیادتی و کاستی و عدالت اجتماعی، برخورداری شهروندان از حقوقشان باشد، همه اینها منطبق با تعریف مذکور است.^۵ با توجه به تعریف مذکور، عدالت در موضوعات و حوزه‌های زیادی مثل اخلاق، سیاست، اقتصاد، مدیریت، اجتماع، ورزش، مصداقیّت

۱. احمدی، علی اصغر، «عدالت اجتماعی در نهج البلاغه ابعاد سیاسی، اقتصادی و حقوقی»، قم، انتشارات بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۵۹.

۲. نجفی، زین العابدین، «مفهوم شناسی واژه عدالت در فقه امامیه»، نشریه انسان پژوهی، ۱۳۹۱، دوره ۹، شماره ۲۸، ص ۱۶۷.

۳. کاتوزیان، ناصر، «حقوق و عدالت»، مجله نقد و نظر، بهار و تابستان ۱۳۷۶، شماره ۱۰ و ۱۱، ص ۳۷.

۴. امام علی، «نهج البلاغه»، مترجم سید شریف رضی، تهران، انتشارات پیام عدالت، حکمت ۴۳۷.

۵. اترک، حسین، «معانی عدالت در اخلاق اسلامی»، فصلنامه نقد و نظر، دوره ۱۸، شماره ۶۹، فروردین ۹۲، ص ۱۱۷.

پیدا می‌کند که می‌توان از آنها به عدالت اخلاقی، عدالت سیاسی، عدالت اقتصادی، عدالت اداری، عدالت اجتماعی، عدالت ورزشی و... تعبیر کرد.

مهم‌ترین گونه عدالت، عدالت اجتماعی و اقتصادی است که از آن تعبیر به عدالت توزیعی می‌شود. عدالت توزیعی، نظامی است که در آن دولت باید بر اساس اصول، در تعیین حقوق و وظایف و تبیین توزیع و یا تقسیم مناسب منافع اجتماعی و ثروت به عنوان اصیل و ذی‌نفع دخالت کند. اهمیت عدالت و جایگاه آن اندازه است که تأمین عدالت اجتماعی و اقتصادی، بالاترین فلسفه تشکیل دولت در اسلام است.^۱ عدالت توزیعی به مفهوم مدرنش خواهان آن است که دولت تضمین کند دارایی به گونه‌ای در کل جامعه توزیع شود که همه از سطح مشخصی از امکانات مادی برخوردار شوند. بحث‌های جاری درباره عدالت توزیعی به طور معمول حول این متمرکز است که چه مقدار از امکانات باید تضمین شود و برای توزیع این امکانات به چه میزان از دخالت دولت نیاز است. دو موضوعی که با هم ارتباط دارند در نظریه های عدالت توزیعی سعی بر آن است از طریق نهادهای مناسب اجتماعی و حقوقی، سودها و زیان‌های اجتماعی به گونه‌ای منصفانه بین اعضای جامعه توزیع شود.^۲ انبیاء آمده‌اند تا زمین را اصلاح کنند و چیزی که باعث اصلاح زمین است قسط و عدل است. برقراری عدل در بین افراد اجتماع فسادها را از بین می‌برد و در صورت نقض پیمان توسط افراد این فساد دامن‌گیر خواهد شد مطلب شایان توجه آن است که خداوند متعال، قسط و عدل را «بقیه الله» معرفی می‌کند و آن را در زمره باقیات الصالحات قرار می‌دهد.^۳

۴-۲- عدل در دیدگاه تمدنی آیت الله جوادی آملی:

آیت الله جوادی آملی در آثار مختلفی از جمله در تفسیر تسنیم بارها از چیستی و انواع عدل سخن گفته‌اند. ایشان در تفسیر آیه شریفه « وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ » (انعام: ۱۱۵) بیان داشته‌اند که اگر هر چیزی در جای خود قرار گیرد عدل ناب حاصل می‌شود. بنابر این کلمات الله چون در جای خود قرار گرفته است عدل است. عدل در این آیه عدل ارزشی و پاداشی نیست که در برابر ظلم است، بلکه مراد همان هسته مرکزی اعتدال و بودن هر چیزی در جای خود است.^۴

یکی از انواع عدالت، عدالت قانونی یا حقوقی است. به این معنی که همگان در برابر قانون یکی‌اند. یعنی کسی فراتر از قانون نمی‌تواند باشد. بنابر عقیده آیت الله جوادی آملی، فرق است بین تساوی قانون و تساوی در برابر قانون. ایشان می‌فرمایند: دو مطلب اساسی متصور است که باید بین آن دو فرق گذاشت: یکی آنکه اصل آزادی و حق تعالی و بلوغ نصاب کمال، قانون صحیح و درستی است که مانع هرگونه تبعیض نارواست و این قانون عام و مشترک، برای همه افراد بطور تساوی قابل اجراست، چه اینکه همگان در برابر آن نیز مساوی‌اند؛ و دیگری آنکه بعد از سیر قافله آزاد انسانی و فعلیت رسیدن استعدادها گوناگون

۱. لشکری، علیرضا، «مبانی عدالت اجتماعی در اسلام»، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ ۱، سال ۱۳۹۴، ص ۲۲۶.

۲. بادینی، حسن، «فلسفه مسئولیت مدنی»، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۵۰۱.

۳. سعادت نیا و همکاران، «عدالت به عنوان یکی از شاخصه های تمدن اسلامی»، فصلنامه قرآنی کوثر اصفهان.

۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم تفسیر قرآن کریم، قم، نشر اسراء، چاپ پنجم، جلد ۲۶، ۱۳۹۸، ص ۶۰۶.

آنان، هر کدام به مقام خاص علمی و عملی می‌رسند که بدون تردید درجات کمالی آنها متفاوت خواهد بود و این تفاوت مرتبه به طور طبیعی و بدون تبعیض تحمیلی و ناروا پدید آمد و هیچ چاره‌ای جز آن نبود و نیست. البته کم کردن فاصله‌ها ممکن است ولی از بین بردن آن به طور کلی و به حدی که همگان بدون کمترین تفاوت در یک رشته خاص کوشا نشوند و به یک حد معین از کمال علمی و عملی برسند، میسر نخواهد بود. عدالت گاهی مقتضی تساوی قانون است و زمانی سبب تفاوت. البته همواره مقتضی تساوی در برابر قانون می‌باشد، و آنچه مهم است، اجرای عدالت است که از مهم‌ترین مبانی حقوقی است، زیرا حق همگان بر اساس عدل توزیع می‌شود نه بر مبنای تساوی. پس همه افراد بشر در برابر حق مساوی‌اند، گرچه حقوق آنان طبق اقتضای عدل متفاوت می‌باشد^۱. اینجاست که آیت الله جوادی آملی به معنی دیگر عدل یعنی «إعطاء كل ذي حق حقه» توجه کرده‌اند.

آیت الله جوادی آملی در تسنیم پس از بیان اینکه قرآن کریم همگان را به عدالت فرا می‌خواند و هر مکلفی در هر کاری باید قسط و عدل را رعایت کند، می‌فرماید: عدالت دو گونه است:

- ۱- نفسی و ذاتی: بر اساس این عدالت، هر مسلمانی در هر کاری باید عدالت را رعایت کند و از ظلم و تعدی بپرهیزد.
- ۲- نسبی و اضافی: بر این اساس، هر کسی قصد تشکیل خانواده دارد باید عدالت بین همسر یا همسرانش پاس دارد^۲. این تقسیم مربوط به مورد عدالت است و عدالت بنا به اعتبارات دیگر تقسیمات دیگری مثل عدالت فقهی یا قانونی، عدالت اخلاقی، عدالت اجتماعی و ... هم دارد. در جای دیگر، عدالت را به معنای حرکت میان افراط و تفریط دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که هیچ زیاده و نقصی بر آن وارد نباشد^۳.

ایشان معتقدند که عدل یک اصطلاح باردار «اشتراک لفظی» نیست. نمی‌توان گفت که عدل در کار خدا به معنایی خاص است و عدل انسانی به معنای دیگر؛ همان‌گونه که نباید پنداشت عدل اجتماعی و عدل سیاسی دارای دو معنای متمایزند و نیز پذیرفتنی نیست که این اقسام دارای تباین و اختلاف مفهومی باشند. حق آن است که عدل، مشترک معنوی است و در همه این اقسام به یک معناست؛ گرچه دارای تفاوت مصداقی است. تفاوت مصداقی هرگز با وحدت مفهومی ناسازگار نیست^۴ (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۶۰). همچنین ایشان بیان می‌دارند که «عدالت» برآیند تعادل در نیروهای سه گانه علمی، کششی و رانشی انسان است و هرگز عنوانی جداگانه برای حالتی مستقل به شمار نمی‌رود. آن کس که در جاده اصلی حرکت کند، «عادل» نام دارد. اگر کسی در یک یا دو نیرو از حالت میانه برخوردار باشد و در بقیه افراط یا تفریط کند، از عدالت کامل و حقیقی بهره ندارد. این اصطلاح بدین معنا، همان است که در فلسفه و «فقه اکبر» به کار می‌رود^۵ (همان: ۴۲)

۱. جوادی آملی، عبدالله، «فلسفه حقوق بشر»، به کوشش ابوالقاسم حسینی، قم، نشر اسراء، چاپ هفتم، ۱۳۹۳، ص ۱۵.

۲. جوادی آملی، عبدالله، «تفسیر تسنیم»، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۹، جلد ۱۷، ص ۲۶۴.

۳. جوادی آملی، عبدالله، «امام مهدی (عج) موجود موعود»، ترجمه سید محمد حسین مخبر، قم، نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۹۹، ص ۲۱۳.

۴. جوادی آملی، عبدالله، «روابط بین الملل در اسلام»، قم، نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۹۷، ص ۴۰.

۵. همان، ص ۴۲.

آیت جوادی آملی در تفسیر آیه « وَیَا قَوْمِ أُوْفُوا الْمِکْيَالَ وَالْمِیزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْیَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِینَ » (هود: ۸۵) بیان داشته‌اند که دستور ایفای مکیال و میزان بر اساس قسط و عدل تنها پرهیز از نفس در مکیال و میزان و دادن حق مردم نیست بلکه باید بر اساس عدالت باشد. با اینکه به ظاهر در پیمانانه و ترازوست یا حد اکثر معدود و ممسوح را نیز در بر می‌گیرد لیکن بع قرینه « وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ » یاد مکیال و میزان برای نمونه است و فرمان دوری از کم فروشی حکمی بین‌المللی و عمومی است و همه جنبه‌های زندگی و کارهای بشری را در بر می‌گیرد و این عبارت اخیر از اصول کلی و جوامع الکلم قرآن کریم است که شمول جهانی دارد و همه انسان‌های مسلمان و کافر را شامل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۹۳/۳۹). وقتی که رعایت عدالت برای عموم انسان‌ها چنین لازم دانسته شده برای انسان مؤمن به نحو مقتضی لازم‌تر است و البته انسان خداپرست و کسی که توحید را باور دارد از حریم عدل جدا نمی‌شود^۱ (همان: ۱۹۱)

مضمون آیه شریفه « وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لَیُؤْمِنُوا کَذَلِکَ نَجْزِی الْقَوْمِ الْمُجْرِمِینَ » (یونس: ۱۳) و آیات دیگر در این راستا، نشان می‌دهد که ظلم از موانع ویرانگر پیشرفت جامعه است همان گونه که در سوی دیگر، عدالت از اساسی‌ترین و مؤثرترین شرط‌های آن شمرده می‌شود. امروزه پس از فراز و نشیب‌های فراوان در هدف‌ها و راهبردهای پیشرفت و توسعه جامعه، اهمیت و ضرورت عدالت بر همگان آشکار شده است و این باور به وضوح به اثبات رسیده است که توسعه اجتماعی بدون عدالت امکان‌پذیر نیست و چنین توسعه‌ای اگر هم در کوتاه مدت حاصل شود در دراز مدت خسارت‌های جبران‌ناپذیری را تحمیل خواهد کرد از این رو عدالت در عرصه‌های عملی و نظری به دغدغه عمومی بشریت تبدیل شده است.

از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، عدل با توجه به هر دو تعریفش لازم است ولی در تمدن اسلامی و تعالیم اسلام هدف غایی نمی‌تواند باشد. انسان معتقدند که انسان پس از شناخت خود و خدای خود می‌تواند به مرحله عبودیت راه یابد و راهیابی او به این مرحله پس از خودشناسی و خداشناسی زمینه تقوآمداری و حق‌مداری او را مهیا می‌سازد. انسان خداترس و متقی در همه شؤون زندگی تقوا را مراعات خواهد کرد و چنین انسانی از راه حق تخطی نخواهد نمود و به حقوق دیگران تجاوز نخواهد کرد. چنین انسانی قائل به نهادن هر چیزی در جای خودش است که مهمترین برداشت از عدل ناب است و البته عادل شدن و قرار گرفتن در مسیر عدالت ورزی، غایت نهایی انسان نیست و بلکه هدف متوسط ارسال رسل است و هدف غایی همانا رسیدن به نقطه خلیفه الهی و نورانی شدن است که اگر انسان به این مقام برسد جمیع همه فضائل و بری از ردائل است^۲ (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۴۰).

نتیجه:

^۱. همان، ص ۱۹۱.

^۲. جوادی آملی، عبدالله، نسیم اندیشه دفتر سوم، ص ۲۴۰.

عدالت از دیرباز مورد توجه جامعه بشری بوده و می توان گفت بنیادی ترین آرمان های آدمی است و در صورت وجود در اندیشه و زندگی انسان به او ارزش خواهد داد. هرگاه عدالت نهادینه شود عامل وحدت و انسجام مردم خواهد بود و در جامعه ای که بر اساس عدالت باشد فتنه ها و آشوب ها پا نخواهند گرفت ولی در جامعه ای که عدالت مطرح نیست تبعیض ها سبب پیدایش فساد و اختلافات خواهد شد و جامعه رفته رفته نامتعادل خواهد گردید. آیت الله جوادی آملی وجود عدالت را برای تمدن نوین اسلامی بایسته شایسته دانسته، ولی آن را هدف غایی معرفی نکرده است. هدف غایی اسلام از دیدگاه ایشان، نورانی شدن انسان است که عدالت یکی از ابزارهای آن است. اصل عدالت سبب رشد و تکامل جوامع و پیدایش و شکوفائی تمدن ها خواهد بود. این اصل، هم مردم را در ارتباطشان با دیگران به ویژه حکومت و هم حکومت را در برابر مردم، ملزم به انجام وظایفشان می کند و تخطی از آنها را ظلم معرفی می کند که روند تمدن را از مسیرش بیرون می سازد.

منابع و مآخذ

الف) کتاب ها:

- قرآن کریم.
- امام علی، «نهج البلاغه»، مترجم سید شریف رضی، تهران، انتشارات پیام عدالت، حکمت ۴۳۷.
- ۱. البستانی، بطرس، «دائرة المعارف و هو قاموس عام لكل فن و مطلب»، بیروت، دار المعرفه، الطبعة الثانية، ۱۹۷۷.
- ۲. توین، بی، «بررسی تاریخ تمدن»، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- ۳. جان احمدی، فاطمه، «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی»، تهران، دفتر نشر معارف، چاپ چهل و ششم، ۱۳۹۷.
- ۴. جوادی آملی، عبدالله، «تسنیم تفسیر قرآن کریم»، قم، نشر اسراء، چاپ دوم، جلد ۱۰، ۱۳۸۵.
- ۵. جوادی آملی، عبدالله، «نسیم اندیشه، دفتر سوم»، قم، نشر اسراء، ۱۳۹۰.
- ۶. جوادی آملی، عبدالله، «فلسفه حقوق بشر»، به کوشش ابوالقاسم حسینی، قم، نشر اسراء، چاپ هفتم، ۱۳۹۳.
- ۷. جوادی آملی، عبدالله، «تسنیم تفسیر قرآن کریم»، قم، نشر اسراء، چاپ اول، جلد ۳۹، ۱۳۹۵.
- ۸. جوادی آملی، عبدالله، «روابط بین الملل در اسلام»، قم، نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۹۷.
- ۹. جوادی آملی، عبدالله، «تسنیم تفسیر قرآن کریم»، قم، نشر اسراء، چاپ پنجم، جلد ۲۶، ۱۳۹۸.
- ۱۰. جوادی آملی، عبدالله، «امام مهدی (عج) موجود موعود»، ترجمه سید محمد حسین مخبر، قم، نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۹۹.
- ۱۱. دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه دهخدا»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۱۲. دورانت، ویل، (۱۳۶۵)، «مشرق زمین گاهواره تمدن»، ترجمه احمدآرام، و عسگر پاشایی و امیرحسین آریان پور، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ویرایش دوم، ۱۳۶۵.
- ۱۳. شریعتی، علی، (۱۳۵۹)، «تاریخ تمدن»، تهران، انتشارات آگاه، چاپ دوم، ۱۳۵۹.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۱۴. صاحب الزمانی، محمد حسن ناصرالدین، «سهم اسلام در تمدن جهانی»، تهران، نشر بعثت، چاپ اول، ۱۳۵۳.
۱۵. کاشفی، محمدرضا، «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی»، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
۱۶. لوکاس، هنری، (۱۳۹۳)، «تاریخ و تمدن اسلامی»، ترجمه عبدالحسین آذرننگ، تهران، انتشارات سخن، چاپ هشتم، ۱۳۹۳.
۱۷. احمدی، علی اصغر، «عدالت اجتماعی در نهج البلاغه ابعاد سیاسی، اقتصادی و حقوقی»، قم، انتشارات بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۱۶۷.
۱۸. لشکری، علیرضا، «مبانی عدالت اجتماعی در اسلام»، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ ۱، سال ۱۳۹۴.
۱۹. بادینی، حسن، «فلسفه مسئولیت مدنی»، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ب) مقالات:
۲۰. نجفی، زین العابدین، «مفهوم شناسی واژه عدالت در فقه امامیه»، نشریه انسان پژوهی، ۱۳۹۱، دوره ۹، شماره ۲۸.
۲۱. کاتوزیان، ناصر، «حقوق و عدالت»، مجله نقد و نظر، بهار و تابستان ۱۳۷۶، شماره ۱۰ و ۱۱، ص ۳۷.
۲۲. اترک، حسین، «معانی عدالت در اخلاق اسلامی»، فصلنامه نقد و نظر، دوره ۱۸، شماره ۶۹، فروردین ۹۲.
۲۳. برزگر، ابراهیم، بهمن آبادی، شهلا، «عدالت اجتماعی در آرای آیت الله جوادی آملی از منظر وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۱۳۹۷، شماره ۱۸.
۲۴. سعادت نیا و همکاران، «عدالت به عنوان یکی از شاخصه‌های تمدن اسلامی»، فصلنامه قرآنی کوثر اصفهان، ۱۳۹۴، شماره ۵۳.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



مبانی قرآنی هجرت و دلالت‌های تربیتی آن در تمدن نوین اسلامی

خدیدجه جوان^۱، علی حمداله زاده گل^۲

۱- نویسنده مسئول، دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه ارومیه. kh.javan@urmia.ac.ir

۲- دکترای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مدرس دانشگاه پیام نور ارومیه

چکیده

هدف این پژوهش بررسی مبانی قرآنی هجرت و استخراج دلالت‌های تربیتی آن در تمدن نوین اسلامی است که از روش تحقیق «کیفی» استفاده شده است. بدین منظور کلیه آیات قرآن کریم و تفسیر نمونه در این موضوع مطالعه، فیش برداری و طبقه‌بندی شده و مورد تجزیه و تحلیل و تدبیر قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که هجرت به دو نوع هجرت درونی و هجرت بیرونی (مکانی) شامل می‌گردد. هجرت از نظر اسلام تنها هجرت مکانی و خارجی نیست بلکه هجرت پیش از آنکه جنبه برون‌ذاتی داشته باشد جنبه درون‌ذاتی دارد، نخست در درون دل و جان هجرتی باید کرد، هجرت از آلودگی‌ها به سوی پاکی‌ها، هجرت از شرک به ایمان و هجرت از گناه به طاعت پروردگار بزرگ. هجرت درونی سرآغازی خواهد بود برای تحول فرد و جامعه، و مقدمه‌ای برای هجرت برونی. هجرت نشانه ایمان به خدا و مرز کفر و ایمان و دوستی و دشمنی است و موجب تکفیر گناهان و زمینه‌ساز گشایش و توسعه در امورات است. هجرت از ویژگی‌های مؤمنین و مومنات؛ و از امتیاز برتری پیامبران (اسماعیل و یونس و لوط) در قرآن کریم ذکر شده است پذیرش مهاجران نیز مشمول بخشایش و روزی حسنه خواهند بود. از دیدگاه قرآن کریم هجرت از منطقه کفر و شرک و توطئه برای همه مسلمانان واجب است به جز مستضعفین.

واژگان کلیدی: هجرت، مهاجر، مستضعف، دلالت‌های تربیتی، تمدن نوین اسلامی

مقدمه:

از آنجاکه، هدف آفرینش انسان بندگی خدا است، همان بندگی که رمز آزادی و سرفرازی و پیروزی انسان در همه جبهه‌ها است، در آیه ۵۶ سوره ذاریات این هدف به صراحت بیان شده است که می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» ما جن و انسان خلق نکردیم مگر اینکه ما را عبادت کنند. هر گاه این هدف اساسی و نهایی انسان (عبودیت خدا) زیر پا بماند راهی جز هجرت نیست، زمین خدا وسیع است، و باید به نقطه دیگری قدم نهاد. خداوند سبحان در سوره عنکبوت می‌فرماید: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ» (۵۶)، ای بندگان من که ایمان آورده‌اید زمین من وسیع است تنها مرا پرستید و در برابر فشارهای دشمنان تسلیم نشوید. بنابراین هرگز نباید اسیر مفاهیمی همچون قبیله و قوم، وطن، و خانه و کاشانه شد و تن به ذلت و اسارت داد که احترام این امور تا زمانی است که هدف اصلی به مخاطره نیفتد. درست است که حب وطن و علاقه به زادگاه جزء سرشت انسان است ولی گاه مسائل مهمتری در زندگی مطرح می‌شود که این موضوع را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. حضرت علی(ع) در این مورد می‌فرماید: «لیس بلد باحق بک من بلد، خیر البلاد ما حمله»، هیچ شهری برای تو شایسته‌تر از شهر دیگری نیست، بهترین شهرها شهری است که تو را پذیرا گردد و وسائل پیشرفت تو را فراهم سازد (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۲).

هجرت در تاریخ مسلمانان از اهمیت خاصی برخوردار است. جالب این است که هجرت - آن هم نه برای حفظ خود بلکه برای حفظ آئین اسلام - مبدأ تاریخ مسلمانان است، و زیر بنای همه حوادث سیاسی، تبلیغی و اجتماعی ما را تشکیل می‌دهد. پیامبر (ص) در مورد اهمیت و پاداش هجرت می‌فرماید: «من فر بدینه من ارض الی ارض و ان کان شبرا من الارض استوجب الجنة و کان رفیق محمد و ابراهیم علیهما السلام»، کسی که برای حفظ آئین خود از سرزمینی به سرزمین دیگر حتی به اندازه یک وجب مهاجرت کند استحقاق بهشت می‌یابد و یار و همنشین محمد (ص) و ابراهیم (ع) خواهد بود زیرا این دو پیامبر بزرگ پیشوای مهاجران جهان بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص: ۹۴).

در تاریخ اسلام مسلمانان در زمان‌های مختلف دست به هجرت‌های متعددی زدند. اولین مهاجرت مسلمان به حبشه به سرپرستی جعفر طیار صورت گرفت که این هجرت مسلمانان مکه به حبشه که هم بذر اسلام را در بیرون جزیره عرب پاشید و هم سنگری برای تعدادی مسلمان نخستین در برابر فشار شدید دشمن بود. دومین و مهم‌ترین مهاجرت مسلمان، هجرت از مکه به مدینه بود. این هجرت پیامبر و مسلمانان نخستین به مدینه، و مهاجرانی که گاهی آنها را به مهاجرین بدر تعبیر می‌کنند از اهمیت فوق‌العاده‌ای در تاریخ اسلام برخوردارند، زیرا به‌ظاهر به‌سوی یک آینده کاملاً تاریک حرکت کردند، و در حقیقت برای خدا از همه سرمایه‌های مادی خود چشم پوشیدند. این مهاجران که از آنها به "المهاجرون الاولون" تعبیر می‌شود در حقیقت سنگ زیر بنای کاخ پر شکوه اسلام را تشکیل داده بودند، و قرآن از آنها باعظمت خاصی سخن می‌گوید چرا که از فداکارترین مسلمانان محسوب می‌شدند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص: ۲۶۲) هجرت بعدی مسلمانان که به هجرت ثانیه معروف است. هجرت گروهی از مسلمانان بعد از صلح حدیبیه و به‌دست آمدن یک محیط نسبتاً امن به دنبال این صلح صورت گرفت و گاهی به هجرت تمام کسانی که بعد از واقعه بدر تا زمان فتح مکه به مدینه مهاجرت کردند. با این عنوان گفته می‌شود.

مسئله هجرت یکی از مهم ترین مسائلی است که در آغاز اسلام اساسی ترین نقش را در پیروزی حکومت اسلامی ایفا کرد، و به همین دلیل پایه و سرآغاز تاریخ اسلامی شد، و در هر زمان دیگر نیز از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است که از یک سو مؤمنان را از تسلیم در برابر فشار و خفقان محیط بازمی دارد، و از سویی دیگر عامل صدور اسلام به نقاط مختلف جهان است. باتوجه به اهمیت هجرت در اسلام، «سال هجرت پیامبر (ص)» به عنوان مبدأ تاریخ اسلام انتخاب شد، زیرا می دانیم که هر قوم و ملتی برای خود مبدأ تاریخی دارند؛ مثلاً مسیحیان مبدأ تاریخ خود را سال میلاد مسیح قرار داده اند، و در اسلام با اینکه حوادث مهم فراوانی مانند ولادت پیغمبر اسلام، بعثت او، فتح مکه و رحلت پیغمبر (ص) بوده، ولی هیچ کدام انتخاب نشده، مسلمانان در زمان خلیفه دوم که اسلام طبعاً توسعه یافته بود، به فکر تعیین مبدأ تاریخی که جنبه عمومی و همگانی داشته باشد، افتادند، و پس از گفتگوی فراوان نظر حضرت علی (ع) را مبنی بر انتخاب هجرت به عنوان مبدأ تاریخ و تنها زمان «هجرت» رسول خدا (ص) به عنوان مبدأ تاریخ انتخاب شده است (پاینده، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۱۲). پس هجرت درخشنده ترین برنامه ای بود که در اسلام پیاده شد، و سرآغاز فصل نوینی از تاریخ اسلام گشت. مسلمانان تا در مکه بودند و دوران آموزش خود را می دیدند، در ظاهر هیچ گونه قدرت اجتماعی و سیاسی نداشتند، اما پس از هجرت بلافاصله دولت اسلامی تشکیل شد، و با سرعت فراوانی در همه زمینه ها پیشرفت کرد، و اگر مسلمانان به فرمان پیغمبر (ص) دست به چنین هجرتی نمی زدند، نه تنها اسلام از محیط مکه فراتر نمی رفت، بلکه ممکن بود در همان جا دفن و فراموش می شد.

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان و معجزه پیامبر اکرم (ص) است. از طرفی هجرت نیز در اسلام از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این راستا، به منظور بررسی مبانی هجرت در قرآن کریم و استخراج دلالت های تربیتی آن در تمدن نوین اسلامی از روش تحقیق «کیفی» استفاده کرده است. بدین منظور ابتدا کلیه آیات قرآن کریم و تفسیر نمونه در این موضوع مطالعه، فیش برداری و طبقه بندی شده و مورد تجزیه و تحلیل و تدبیر قرار گرفته است و سپس مبانی هجرت در قرآن کریم استنباط و استخراج گردیده و به استلزامات تربیتی آن پرداخته می شود. مطالب مقاله در قالب مباحثی چون مفهوم شناسی، مبانی قرآنی هجرت و انواع و مراتب هجرت سازمان دهی شده است و در پایان نیز استلزامات تربیتی و نتیجه گیری ارائه می گردد.

یافته های پژوهش

مفهوم شناسی هجرت

در لغت نامه دهخدا هجرت به معنی دوری، فراق، هجر آمده است. هجرت کردن در معانی ترک وطن و دوری از خانمان و مفارقت یاران و دوستان، بریدن از وطن و خانمان نیز معنی شده است. هجرت در اصطلاح مسلمین، ترک وطن کفار و انتقال به دارالاسلام است. در فرهنگ مطهر (ذکریایی، ۱۳۹۰، ص ۵۶۳). هجرت یعنی جداسدن، خود را جداکردن از آنچه به انسان چسبیده یا انسان خود را به آن چسبانده است. به طور کلی هجرت کردن، یعنی خانه و کاشانه و زندگی را رهاکردن، وطن را رهاکردن و به جایی رفتن که در آنجا ایمان نجات پیدا کند.

راغب اصفهانی (به نقل از خسروی حسینی، ۱۳۸۳) می‌گوید: هَجْر و هِجْرَان آن است که انسان از دیگری جدا شود خواه با بدن یا با زبان یا با قلب. گاهی به معنی مهجور و متروک بودن نیز آمده است (فرقان: ۳۰). مهجور ظاهراً به معنی متروک است. اصل مهاجرت به معنی متارکه غیر است و در عرف هجرت از محلی است به محل دیگر و در عرف قرآن هجرت از دار کفر است بدار ایمان مثل هجرت از مکه به مدینه در اوائل اسلام (بقره: ۲۱۸، نساء: ۱۰۰).

انواع هجرت:

از بررسی آیات و روایات اسلامی هجرت به دو نوع هجرت درونی و هجرت بیرونی (مکانی) تقسیم می‌گردد. هجرت بیرونی یعنی مهاجرت از منطقه کفر و شرک و توطئه، به سرزمین توحیدی است. اما هجرت از نظر اسلام تنها هجرت مکانی و خارجی نیست، بلکه باید قبل از این هجرت، هجرتی از درون آغاز شود، و آن «هجرت» و «دوری» از چیزهایی است که منافات با اصالت و افتخارات انسانی دارد، تا در سایه آن برای هجرت خارجی و مکانی آماده شود و این هجرت لازم است، تا اگر نیازی به هجرت مکانی نداشت، در پرتو این هجرت درونی در صف مهاجران راه خدا در آید. در اینجا اجمال هجرت درونی و هجرت بیرونی (مکانی) مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) هجرت درونی

مفهوم هجرت وسیع‌تر از جنبه مکانی آن است اساس آن انتقال فکر از محور کفر به محور ایمان است. بنابراین، «مهاجر به کسی اطلاق است که بتواند از سیئات، بدی‌ها، پلیدی‌ها، زشتی‌ها و صفات بد جدا شود. هجرت یعنی جدا شدن از زشتی‌ها که بر انسان احاطه پیدا کرده، آزاد کردن خود از پلیدی‌های مادی و معنوی که انسان را احاطه پیدا کرده است» (ذکریایی، ۱۳۹۰، ص ۵۱۸).

اصولاً روح هجرت همان فرار از «ظلمت» به «نور» و از «کفر» به «ایمان»، از «گناه و نافرمانی» به «اطاعت فرمان خدا» است، و لذا در احادیث می‌خوانیم: مهاجرانی که جسمشان هجرت کرده اما در درون و روح خود هجرتی نداشته‌اند، در صف مهاجران نیستند، و به عکس آنها که نیازی به هجرت مکانی نداشته‌اند، اما دست به هجرت در درون وجود خود زده‌اند، در زمره مهاجران‌اند. امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید:

«و يقول الرجل هاجرت، و لم يهاجر، انما المهاجرون الذين يهجرون السيئات و لم ياتوا بها»، بعضی می‌گویند مهاجرت کرده‌ایم درحالی‌که مهاجرت واقعی نکرده‌اند مهاجران واقعی آنها هستند که از گناهان هجرت می‌کنند و مرتکب آن نمی‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص: ۹۴). در واقع هجرت درونی یعنی هجرت به سوی خدا. حضرت ابراهیم (ع) می‌گوید: «فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»، پس لوط به او ایمان آورد و [ابراهیم] گفت: «من به سوی پروردگار خود روی می‌آورم، که اوست ارجمند حکیم.» (عنکبوت: ۲۶). چرا که این راه، راه پروردگار بود، راه رضای او، و راه دین و آئین او. البته بعضی احتمال داده‌اند که ضمیر "قال" به "لوط" بازگردد، یعنی لوط گفت: من به سوی خدای خودم هجرت

می‌کنم، ظاهر جمله نیز با این معنی سازگار است، ولی شواهد تاریخی و قرآنی نشان می‌دهد که مرجع ضمیر "ابراهیم" است، و هجرت لوط نیز به تبعیت ابراهیم بود.

ب) هجرت بیرونی (مکانی):

انسان هنگامی که حیات معنوی و حیثیت و اهداف مقدسی که از حیات مادی انسان ارزشمندتر است، به خطر افتاد، نمی‌تواند به عذر اینکه اینجا زادگاه من است تن به انواع تحقیرها و ذلت‌ها و محرومیت‌ها و سلب آزادی‌ها و از میان رفتن اهداف خود، بدهد؟! بنابراین، باید از چنین نقطه‌ای مهاجرت کند، و به محلی که آمادگی برای نمو و رشد مادی و معنوی او است، انتقال یابد. طبق این آیه و آیات فراوان دیگر قرآن، اسلام با صراحت دستور می‌دهد که اگر در محیطی به‌خاطر عواملی نتوانستید آنچه وظیفه دارید انجام دهید، به محیط و منطقه امن دیگری "هجرت" نمایید، زیرا با وسعت جهان هستی "نتوان مرد به ذلت که در اینجا زادم!" و علت این دستور روشن است، زیرا اسلام جنبه منطقه‌ای ندارد، و وابسته و محدود به مکان و محیط معینی نیست و به این ترتیب علاقه‌های افراطی به محیط تولد و زادگاه و دیگر علائق مختلف از نظر اسلام نمی‌تواند مانع از هجرت مسلمان باشد. «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء: ۹۷) کسانی که فرشتگان (قبض ارواح) روح آنها را گرفتند درحالی که به خویشتن ستم کرده بودند و به آنها گفتند شما در چه حالی بودید (و چرا با اینکه مسلمان بودید در صف کفار جای داشتید؟) گفتند ما در سرزمین خود تحت فشار بودیم، آنها (فرشتگان) گفتند مگر سرزمین خدا پهناور نبود که مهاجرت کنید؟ پس آنها (عذری نداشتند و) جایگاهشان دوزخ و سرانجام بدی دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱)

هجرت و جهاد:

بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که این دو موضوع دو عامل اصیل در پیروزی اسلام در برابر دشمنان نیرومند بوده، اگر هجرت نبود اسلام در محیط خفقان‌آور مکه از میان می‌رفت، و اگر جهاد نبود اسلام هیچگاه رشد و نمو نمی‌کرد. هجرت اسلام را از شکل منطقه‌ای بیرون آورد و در شکل جهانی قرار داد، و جهاد به مسلمانان آموخت که اگر تکیه بر قدرت نکنند دشمنانی که پایبند منطق و حرف حساب نیستند هیچ‌گونه حقی برای آنها قائل نخواهند شد! هم اکنون برای نجات اسلام از بن‌بست‌ها و شکستن موانع مختلفی که دشمنان از هر سو در برابر آن ایجاد کرده‌اند راهی جز احیای اصل "هجرت" و "جهاد" نیست، هجرت صدای آنها را بگوش جهانیان می‌رساند و دل‌های آماده و نیروهای سازنده و اقوامی را که تشنه حق و عدالت‌اند در اختیار آنها می‌گذارد و جهاد به آنها حرکت و حیات می‌بخشد و مخالفان لجوجی را که جز منطق زور به گوششان فرو نمی‌رود از سر راه خود بر می‌دارد (دایره معارف طهور).

مهاجر و مستضعف کیست؟

از بررسی آیات قرآن و روایات اسلامی استنباط می‌گردد که افرادی که از نظر فکری یا بدنی یا اقتصادی آن چنان ضعیف باشند که قادر به شناسایی حق از باطل نشوند، و یا اینکه با تشخیص عقیده صحیح بر اثر ناتوانی جسمی یا ضعف مالی و یا

محدودیت‌هایی که محیط بر آنها تحمیل کرده قادر به انجام وظایف خود به طور کامل نباشند و نتوانند مهاجرت کنند آنها را مستضعف می‌گویند. از علی (ع) چنین نقل شده است که:

نام مهاجر را بر کسی نمی‌توان گذاشت جز آن کس که حجت خدا بر روی زمین را بشناسد، هر کس حجت خدا را شناخت، و به امامت او اقرار کرد مهاجر است و نام مستضعف در دین، بر کسی که حجت بر او تمام شد، و گوشش آن را شنید، و قلبش آن را دریافت، صدق نمی‌کند (و معذور نیست) مشکل فهم برخی از احادیث عترت (ع) همانا کار ما (ولایت ما) اهل بیت پیامبر (ص) سخت و تحمل آن دشوار است که جز مؤمن دین‌دار که خدا او را آزموده و ایمانش در دل استوار بوده، قدرت پذیرش و حمل آن را ندارد، و حدیث ما را جز سینه‌های امانت‌پذیر، و عقل‌های بردبار فرا نگیرد. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۱، ص ۱۰۸) و از امام موسی بن جعفر (ع) پرسیدند که مستضعفان چه کسانی هستند؟ امام در پاسخ این سؤال نوشتند: «الضعیف من لم ترفع له حجة و لم يعرف الاختلاف فاذا عرف الاختلاف فليس بضعیف»، مستضعف کسی است که حجت و دلیل به او نرسیده باشد و به وجود اختلاف (در مذاهب و عقاید که محرک بر تحقیق است) پی نبرده باشد، اما هنگامی که به این مطلب پی برد، دیگر مستضعف نیست" (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۸۸) روشن است که مستضعف در دو روایت فوق، همان مستضعف فکری و عقیده‌ای است ولی در آیه مورد بحث منظور از مستضعف همان مستضعف عملی است یعنی کسی که حق را تشخیص داده؛ اما خفقان محیط به او اجازه عمل نمی‌دهد. در این قسمت به اجمال به مبانی قرآنی هجرت پرداخته می‌شود:

مبانی قرآنی هجرت:

مبانی عبارتند از تکیه‌گاه‌ها و پشتوانه‌هایی که با استفاده و اعتماد به آنها، می‌توان به اهداف مورد نظر دست یافت. برای رسیدن به هر هدفی یا اهدافی، نیاز به شناخت مبانی آنهاست. به همین دلیل، در سرآغاز هر فعالیتی ابتدا شناخت مبانی ضروری است (رستمی نسب، ۱۳۸۸). مبانی در این پژوهش، ویژگی‌های هجرت در قرآن کریم است در این قسمت به مبانی و ویژگی‌های هجرت در قرآن کریم پرداخته می‌شود:

الف) نشانه ایمان به خدا و مرز کفر و ایمان

خداوند متعال در آیات متعدد (نساء: ۸۹؛ انفال: ۷۲؛ انفال: ۷۵) هجرت را نشانه و معیار ایمان به خدا، مرز کفر و ایمان و مرزدوستی و دشمنی می‌داند. قرآن در سوره انفال آیه ۷۲ هجرت را نشانه و معیار ایمان به خدا و مرز کفر و ایمان معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَ إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»، کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده‌اند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد نموده‌اند و کسانی که [مهاجران را] پناه داده‌اند و یاری کرده‌اند، آنان یاران یکدیگرند؛ و کسانی که ایمان آورده‌اند ولی مهاجرت

نکرده‌اند هیچ‌گونه خویشاوندی [دینی] با شما ندارند مگر آنکه [در راه خدا] هجرت کنند؛ و اگر در [کار] دین از شما یاری جویند، یاری آنان بر شما [واجب] است، مگر بر علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است، و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (أنفال: ۷۲)

خداوند متعال در سوره نساء آیه ۸۹ هجرت را نشانه و معیار دوستی و دشمنی می‌داند. و می‌فرماید: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا»، همان گونه که خودشان کافر شده‌اند، آرزو دارند [که شما نیز] کافر شوید، تا با هم برابر باشید. پس زنه‌ار، از میان ایشان برای خود، دوستانی اختیار نکنید تا آنکه در راه خدا هجرت کنند. پس اگر روی برتافتند، هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان؛ و از ایشان یار و یوری برای خود مگیرید. (نساء: ۸۹)

در این آیه نیز هجرت مرز دوستی و دشمنی معرفی می‌گردد:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»، و کسانی که بعداً ایمان آورده و هجرت نموده و همراه شما جهاد کرده‌اند، اینان از زمره شما هستند، و خویشاوندان نسبت به یکدیگر [از دیگران] در کتاب خدا سزاوارترند. آری، خدا به هر چیزی داناست. (أنفال: ۷۵)

ب) تکفیر گناهان

هجرت باعث تکفیر گناهان است. یعنی هجرت عاملی است که باعث پاک‌ی گناه فرد می‌شود خداوند متعال در آیات متعدد (بقره: ۲۱۸؛ نحل: ۱۱۰؛ آل عمران: ۱۹۵) به این مساله اشاره کرده است. خداوند خطاب به کسانی که در ماه حرام از روی ناچاری به کفار حمله کردند سوره بقره آیه ۲۱۸ نازل کرد و فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»، آنان که ایمان آورده، و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، خداوند آمرزنده مهربان است (بقره: ۲۱۸).

باز خداوند متعال به بخشندگی و مهربانی خود نسبت به کسانی که در راه خدا متحمل زجر، هجرت، جهاد و صبر شدند یادآوری می‌کند و می‌فرماید: «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»، باین حال، پروردگار تو نسبت به کسانی که پس از [آن همه] زجرکشیدن، هجرت کرده و سپس جهاد نمودند و صبر پیشه ساختند، پروردگارت [نسبت به آنان] بعد از آن [همه مصایب] قطعاً آمرزنده و مهربان است (نحل: ۱۱۰).

باز خداوند در جواب درخواست آنها فرمود: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوَابِ»، من عمل هیچ عمل کننده‌ای از شما را، خواه زن باشد یا مرد ضایع نخواهم کرد، شما همگی هم‌نوعید و از جنس یکدیگر، آنها که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه‌های خود بیرون رانده شدند، و در راه من آزار دیدند، و جنگ کردند و کشته شدند سوگند یاد می‌کنم، که گناهان آنها را می‌بخشم، و آنها را در

بهشتهایی که از زیر درختان آن نهرها جاری است، وارد می‌کنم، این پاداشی است از طرف خداوند، و بهترین پاداشها نزد پروردگار است (آل عمران: ۱۹۵).

ج) زمینه‌ساز گشایش و توسعه

هر که در راه خدا هجرت کند بدون شک این مهاجرت زمینه‌ساز گشایش و توسعه او خواهد بود. بنابراین از نظر قرآن کریم (نساء: ۱۰۰) هجرت زمینه‌ساز گشایش و توسعه است که می‌فرمایند:

«وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»، و هر که در راه خدا هجرت کند، در زمین اقامتگاه‌های فراوان و گشایشها خواهد یافت؛ و هر کس به قصد مهاجرت در راه خدا و پیامبر او، از خانه‌اش به درآید، سپس مرگش دررسد، پاداش او قطعاً بر خداست، و خدا آمرزنده مهربان است (نساء: ۱۰۰).

د) سبب بخشایش پناه دهندگان و دریافت روزی حسنه

قرآن کریم پناه دهندگان و یاری کنندگان مهاجران را مؤمنین واقعی دانسته و برای آنها روزی حسنه عطا می‌کند. در زمینه خداوند متعال می‌فرمایند:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَأُ وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»، و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا به جهاد پرداخته، و کسانی که مهاجران را پناه داده و یاری کرده‌اند، آنان همان مؤمنان واقعی‌اند، برای آنان بخشایش و روزی شایسته‌ای خواهد بود (انفال: ۷۴).

ابن عباس می‌گوید: پیغمبر گرامی اسلام (ص) روز پیروزی بر یهود بنی نضیر به انصار فرمود: «اگر مایل هستید اموال و خانه‌هایتان را با مهاجران تقسیم کنید، و در این غنائم با آنها شریک شوید، و اگر می‌خواهید اموال و خانه‌هایتان از آن شما باشد و از این غنائم چیزی به شما داده نشود؟!». انصار گفتند: هم اموال و خانه‌هایمان را با آنها تقسیم می‌کنیم، و هم چشم داشتی به غنائم نداریم، و مهاجران را بر خود مقدم می‌شمیریم، آیه ذیل نازل شد و این روحیه عالی آنها را ستود (بیستونی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۰). که در آیه ۹ سوره حشر می‌فرمایند:

«وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»، و [نیز] کسانی که قبل از [مهاجران] در [مدینه] جای گرفته و ایمان آورده‌اند؛ هر کس را که به‌سوی آنان کوچ کرده دوست دارند؛ و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند؛ و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آنها را بر خودشان مقدم می‌دارند. و هر کس از خست نفس خود مصون ماند، ایشانند که رستگارانند (حشر: ۹). به‌این ترتیب خداوند سبحان سه ویژگی پر افتخار آنها را «محبت»، «بلندنظری» و «ایثار» بیان می‌کند.

ه) پاداش عظیم دنیوی و اخروی

هجرت کنندگان در راه خدا پاداش عظیم دنیوی و اخروی دریافت خواهند کرد پاداش آنها در این دنیا «جای نیکو» و «رزقی نیکو» و در جهان آخرت «رستگاری» خواهد بود. قرآن کریم در سوره نحل آیه ۴۱ و سوره حج آیه ۵۸ پاداش دنیوی برای مهاجران «جای نیکو» و «رزقی نیکو» مژده می‌دهد و می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَآجِرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»، و کسانی که پس از ستم‌پدگی، در راه خدا هجرت کرده‌اند، در این دنیا جای نیکویی به آنان می‌دهیم، و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت بزرگتر خواهد بود (نحل: ۴۱). باز می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَتَلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»، و آنان که در راه خدا مهاجرت کرده، و آن گاه کشته شده یا مرده‌اند، قطعاً خداوند به آنان رزقی نیکو می‌بخشد. و راستی این خداست که بهترین روزی‌دهندگان است (حج: ۵۸). قرآن کریم در سوره التوبه آیه ۲۰ پاداش اخروی برای مهاجران «رستگاری» معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»، کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند (توبه: ۲۰).

و) یکی از ویژگی مؤمنین و مومنات

از دیدگاه قرآن کریم هجرت یکی از ویژگی مؤمنین و مومنات است. بنابراین در سوره تحریم آیه ۵ به این مورد اشاره شده است. و می‌فرماید:

«عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلَمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ تَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا»، امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کار، عابد، هجرت‌کننده، زنانی غیرباکره و باکره! (تحریم: ۵).

حضرت علی (ع) نیز یکی از ویژگی‌های خود را پیش قدمی در هجرت می‌داند و می‌فرماید: «به زودی معاویه شما را به بیزاری و بدگویی من وادار می‌کند، ... ، اما هرگز در دل از من بیزاری نجوید که من بر فطرت توحید تولد یافته‌ام و در ایمان و هجرت از همه پیش قدم بوده‌ام». (نهج البلاغه، خطبه ۵۶، ص ۲۵). باز در توصیف یکی از مؤمنین فرمودند: «خدا خَبَاب بن اُرت را رحمت کند، با رغبت مسلمان شد، و از روی فرمانبرداری هجرت کرد، و با قناعت زندگی گذراند، و از خدا راضی بود، و مجاهد زندگی کرد». (نهج البلاغه، حکمت ۴۳)

ز) یکی از امتیازات برتری پیامبران (اسماعیل و الیسع و یونس و لوط)

قرآن کریم یکی از امتیازات برتری پیامبران الهی را هجرت معرفی می‌کند. و بیان می‌کند که حضرات اسماعیل و یونس و لوط این امتیاز را داشتند که دست به مهاجرت دامنه داری زدند و برای تحکیم آئین خدا برنامه هجرت را عملی ساختند، و ذکر جمله «كُلًّا فَضَّلْنَا عَلَي الْعَالَمِينَ» نیز می‌تواند اشاره به همین سیر آنها در جهان و در میان اقوام مختلف بوده باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۳۰). بنابراین در سوره انعام آیه ۸۶ می‌فرماید:

«وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيُسُفَ وَالْيُونُسَ وَ لُوطًا وَ كَلًّا فَضَّلْنَا عَلَي الْعَالَمِينَ»، و اسماعیل و یونس و لوط و هر یک را بر جهانیان برتری دادیم.

ی) وجوب هجرت از منطقه کفر و شرک و توطئه، برای همه مسلمانان بجز مستضعفین

از دیدگاه قرآن کریم هجرت از منطقه کفر و شرک و توطئه، بجز مستضعفین برای همه مسلمانان واجب است. بنابراین کسانی که توانایی هجرت داشتند؛ ولی از این دستور الهی خودداری کردند جایگاه شان دوزخ است. ولی افرادی که به اصطلاح قرآن کریم مستضعف بودند و توان هجرت نداشتند. خداوند آنها را مستثنی کرده است (در بخش بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد) خداوند متعال در سوره نساء آیات ۹۷ تا ۹۹ به این موارد اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۹۷) إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَ لَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (۹۸) فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَفُورًا غَفُورًا (۹۹)»، کسانی که فرشتگان (قبض ارواح) روح آنها را گرفتند درحالی که به خویشتن ستم کرده بودند و به آنها گفتند شما در چه حالی بودید (و چرا با اینکه مسلمان بودید در صف کفار جای داشتید؟) گفتند ما در سرزمین خود تحت فشار بودیم، آنها (فرشتگان) گفتند مگر سرزمین خدا پهناور نبود که مهاجرت کنید؟ پس آنها (عذری نداشتند و) جایگاهشان دوزخ و سرانجام بدی دارند. مگر آن دسته از مردان و زنان و کودکانی که به راستی تحت فشار قرار گرفته‌اند، نه چاره‌ای دارند و نه راهی (برای نجات از آن محیط آلوده) می‌یابند. آنها ممکن است خداوند مورد عفوشان قرار دهد و خداوند عفو کننده و آمرزنده است.

دلالات‌های تربیتی هجرت:

هجرت یکی از مهم‌ترین مفاهیمی اسلامی است که اساسی‌ترین نقش را در تعلیم و تربیت اسلامی داشته است. با تاملی بر هجرت و مولفه‌های تربیت متوجه می‌شویم که هجرت ارتباط بارزی با تعریف، روشها و اهداف تربیت دارد. هجرت می‌تواند هم سطح و مترادف تربیت تلقی شود. اگر تربیت را به معنای «فراهم کردن زمینه جهت رشد و شکوفایی استعداد های فطری انسان» بدانیم، آنگاه متوجه می‌شویم که فراهم کردن زمینه و تمهید مقدمات یعنی همان هجرت کردن است. هجرت دارای دو بخش درونی و بیرونی است در بخش درونی با مفهوم خودسازی در تعلیم و تربیت مورد نظر واقع می‌شود و یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت اسلامی محسوب می‌گردد. در این منظر انسان با طراحی برنامه تربیتی برای خود، از بدی‌ها به سوی نیکی‌ها هجرت نموده و در صدد رسیدن به حیات طیبه و پاک است. بنابراین او با طی کردن مراحل به این هدف مهم تربیتی یعنی

تهذیب نفس می‌رسد و این طهارت زمینه را برای لقاء الله و قرب الهی انسان فراهم می‌نماید. در بخش بیرونی، فرد با هجرت مکانی و دور شدن از محیط نامناسب و قرار گرفتن در محیط مناسب شرایط اولیه‌ی را مهیا می‌سازد. این در تعلیم و تربیت از اهمیت فراوانی برخوردار است و سبب گسترش و رواج مکتب انسان ساز اسلام در تاریخ اسلام می‌شود. چنانکه پیامبر اکرم با مهاجرت از مکه به مدینه موجب شکوفایی تمدن نوین اسلامی گردید. و علاوه بر آن پیامبر اکرم (ص) با ارسال مبلغان دینی به تعلیم و تربیت انسان‌ها براساس مکتب اسلام اهتمام ورزیده است. و انسان‌های مومن علاقمند به حق و حقیقت را پرورش می‌داد. بنابراین یکی از اهداف تربیتی هجرت تبلیغ دین مبین اسلام و ارشاد انسان‌های حق جو می‌باشد. با بررسی تاریخ اسلام نمونه‌های متعددی را مشاهده می‌کنیم که تبلیغ و ارشاد آنها عامل صدور اسلام به نقاط مختلف جهان شده است. برای مثال نمونه‌های از اعزام مبلغ و معلمان قرآن را در تاریخ اسلام ذکر می‌کنیم:

پیامبر اکرم (ص) زید بن ثابت را مامور تعلیم قرآن به مدینه، عبدالله بن سائب را به مکه، مغیره بن شهاب را به شام، ابوعبدالله سلمی را به کوفه و عامد بن عبدالقیس را جهت تعلیم مردم، اعزام کردند. اینان کسانی بودند که قرائت قرآن را مستقیماً از رسول خدا آموخته بودند (نیشابوری، ۱۳۸۷). باز اعزام چهل یا هفتاد تن از اصحاب خود که از قاریان قرآن و از انصار به همراه عامر بن مالک. اعزام هفت نفر از یاران خود به سوی طائفه‌های عضل و قاره (واردی، ۱۳۷۹). در سال نهم هجرت اعزام عروه بن مسعود ثقفی تازه مسلمان شده به سوی قبیله خود جهت تبلیغ آئین توحید و دین مبین اسلام و آموزش قرآن و احکام فقهی (دانشنامه اسلامی طهور)

یکی دیگر از کاربردهای تربیتی هجرت، می‌توان به علم آموزی و کسب علم و دانش بدون توجه به محدود مکانی اشاره کرد. چنان که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: اطلب علم ولو بالصین، علم را یادبگیرید گرچه در چین باشد. بنابراین مسلمان مومن با سرمشق از سخن پیامبر خویش و با توجه به اهمیت زیادی که دین مبین اسلام به علم آموزی دارد وطن خود را ترک نموده و در صدد کسب علم و دانش می‌باشند.

نتیجه‌گیری:

هجرت درخشنده‌ترین برنامه‌ای بود که در اسلام پیاده شد، و سرآغاز فصل نوینی از تاریخ اسلام گشت. در اسلام گوشه‌گیری و انزوا معنا و مفهوم ندارد. چنان که کسی که در محیط بسته و خفقان قرار گرفت و نتوانست وظایف دینی خود را به نحو احسن انجام دهد نباید منزوی شود بلکه بایستی موقعیت و محیط خود را تغییر دهد. چنان که پیامبر اکرم (ص) رهبانیت امت خود را در هجرت می‌دانند و می‌فرمایند: «رهبانیت امت من هجرت و جهاد و نماز و روزه و حج و عمره است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص: ۵۱۸). از بررسی آیات و روایات اسلامی هجرت به دو نوع هجرت درونی و هجرت بیرونی (مکانی) تقسیم می‌گردد. هجرت بیرونی یعنی مهاجرت از منطقه کفر و شرک و توطئه، به سرزمین توحیدی است. اما هجرت از نظر اسلام تنها هجرت مکانی و خارجی نیست بلکه «هجرت پیش از آنکه جنبه برون‌ذاتی داشته باشد جنبه درون‌ذاتی دارد، نخست در درون دل و جان هجرتی باید کرد، هجرت از آلودگی‌ها به سوی پاکی‌ها، هجرت از شرک به ایمان و هجرت از گناه به طاعت

پروردگار بزرگ. این هجرت درونی سرآغازی خواهد بود برای تحول فرد و جامعه، و مقدمه‌ای برای هجرت برونی» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص: ۱۰۷)

در سرآغاز هر فعالیتی ابتدا شناخت مبانی ضروری است. مبانی تکیه‌گاه‌ها و پشتوانه‌هایی که با استفاده و اعتماد به آن‌ها، می‌توان به شناخت دقیق و مورداعتماد دست‌یافت. مبانی و ویژگی‌های هجرت در قرآن کریم عبارت‌اند از:

الف) هجرت نشانه ایمان به خدا و مرز کفر و ایمان و دوستی و دشمنی است. خداوند متعال در آیات متعدد (نساء: ۸۹؛ انفال: ۷۲؛ انفال: ۷۵) هجرت را نشانه و معیار ایمان به خدا، مرز کفر و ایمان و مرز دوستی و دشمنی می‌داند.

ب) هجرت باعث تکفیر گناهان است. یعنی هجرت عاملی است که باعث پاکی گناه فرد می‌شود خداوند متعال در آیات متعدد (بقره: ۲۱۸؛ النحل: ۱۱۰؛ آل‌عمران: ۱۹۵) به این مسأله اشاره کرده است.

ج) هجرت زمینه‌ساز گشایش و توسعه است. هر که در راه خدا هجرت کند بدون شک این مهاجرت زمینه‌ساز گشایش و توسعه او خواهد بود. بنابراین از نظر قرآن کریم (نساء: ۱۰۰) هجرت زمینه‌ساز گشایش و توسعه است

د) پذیرش مهاجران موجب بخشایش آنها و دریافت روزی حسنه می‌شود. قرآن کریم پناه‌دهندگان و یاری‌کنندگان مهاجران را مؤمنین واقعی دانسته و برای آنها روزی حسنه عطا می‌کند (انفال: ۷۴). به این ترتیب خداوند سبحان سه ویژگی پر افتخار آنها را «محببت» و «بلندنظری» و «ایثار» بیان می‌کند.

ه) هجرت پاداش عظیم دنیوی و اخروی دارد. هجرت‌کنندگان در راه خدا پاداش عظیم دنیوی و اخروی دریافت خواهند کرد پاداش آنها در این دنیا «جای نیکو» و «رزقی نیکو» و در جهان آخرت «رستگاری» خواهد بود. قرآن کریم در سوره نحل آیه ۴۱ و سوره حج آیه ۵۸ پاداش دنیوی برای مهاجران «جای نیکو» و «رزقی نیکو» مژده می‌دهد (نحل: ۴۱).

و) از دیدگاه قرآن کریم هجرت یکی از ویژگی مؤمنین و مومنات است. قرآن کریم یکی از خصوصیات زنان خوب را «هجرت‌کننده» معرفی می‌کند (تحریم: ۵). حضرت علی (ع) نیز یکی از ویژگی‌های خود را پیش قدمی در هجرت می‌داند و می‌فرماید: «من بر فطرت توحید تولد یافته‌ام و در ایمان و هجرت از همه پیش قدم بوده‌ام» (خطبه ۵۶، ص ۲۵).

ز) هجرت یکی از امتیازات برتری پیامبران (اسماعیل و یسع و یونس و لوط) است. قرآن کریم یکی از امتیازات برتری پیامبران الهی را هجرت معرفی می‌کند و بیان می‌کند که حضرات اسماعیل و یسع و یونس و لوط این امتیاز را داشتند که دست به مهاجرت دامنه‌داری زدند و برای تحکیم آئین خدا برنامه هجرت را عملی ساختند، و ذکر جمله «كُلًّا فَضَّلْنَا عَلَي الْعَالَمِينَ» نیز می‌تواند اشاره به همین سیر آنها در جهان و در میان اقوام مختلف بوده باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۳۰).

ی) از دیدگاه قرآن کریم هجرت از منطقه کفر و شرک و توطئه، به جز مستضعفین برای همه مسلمانان واجب است. بنابراین کسانی که توانایی هجرت داشتند؛ ولی از این دستور الهی خودداری کردند جایگاهشان دوزخ است. ولی افرادی که به اصطلاح قرآن کریم مستضعف بودند و توان هجرت نداشتند. خداوند آنها را مستثنی کرده است. خداوند متعال در سوره نساء آیات ۹۷ تا ۹۹ به این موارد اشاره می‌کند و می‌فرماید: «کسانی که فرشتگان (قبض ارواح) روح آنها را گرفتند درحالی که به

خویشتن ستم کرده بودند و به آنها گفتند شما در چه حالی بودید (و چرا با اینکه مسلمان بودید در صف کفار جای داشتید؟) گفتند ما در سرزمین خود تحت فشار بودیم، آنها (فرشتگان) گفتند مگر سرزمین خدا پهناور نبود که مهاجرت کنید؟ پس آنها (عذری نداشتند و) جایگاهشان دوزخ و سرانجام بدی دارند. مگر آن دسته از مردان و زنان و کودکانی که به راستی تحت فشار قرار گرفته‌اند، نه چاره‌ای دارند و نه راهی (برای نجات از آن محیط آلوده) می‌یابند. آنها ممکن است خداوند مورد عفویشان قرار دهد و خداوند عفو کننده و آمرزنده است. از این آیه مفهوم مستضعف استنباط می‌گردد که منظور از مستضعف همان مستضعف عملی است یعنی کسی که حق را تشخیص داده؛ اما خفقان محیط به او اجازه عمل نمی‌دهد.

به طور خلاصه روشن است که "هجرت" یک حکم مخصوص به زمان پیغمبر (ص) نبوده است، بلکه در هر عصر و زمان و مکانی اگر همان شرایط پیش آید، مسلمانان موظف به هجرت هستند.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. بیستونی، محمد (۱۳۹۰). تفسیر مجمع البیان جوان (برگرفته از تفسیر مجمع البیان طبرسی)، ۱۰ ج. قم: بیان جوان؛ مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر.
۴. دانشنامه اسلامی طهور، به آدرس اینترنتی <http://tahoor.com/fa/Article/View/>
۵. ذکریایی، محمدعلی (۱۳۹۰). فرهنگ مطهر. تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۵۰۲ ق). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن، ترجمه و تحقیق، غلامرضا خسروی حسینی (۱۳۸۳). تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء ثارالجعفریه.
۷. رستمی نسب، عباسعلی. (۱۳۸۸). فلسفه تربیتی ائمه اطهار (ع). کرمان: انتشارات دانشگاه باهنر کرمان.
۸. طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲). تاریخ طبری، یا، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه
۱۰. نیشابوری، غلامرضا (۱۳۸۷). سرگذشت‌های تلخ و شیرین. قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۱۱. واردی، سید تقی (۱۳۷۹). روزشمار تاریخ اسلام، قم: حوزه علمیه.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



بررسی تاریخی تمدن اسلامی و نسبت تمدن تاریخی و تمدن نوین

حانیه جاویدان^۱

۱- دانشجوی مقطع کارشناسی، رشته تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز

چکیده

اسلام به عنوان دینی یکتاپرست و یکی از ادیان ابراهیمی جهان دارای قدمت و تاریخ ارزشمندی می باشد. تاکنون مطالعات زیادی درباره تاریخ جهان اسلام صورت گرفته است که این موضوع اهمیت تاریخ جهان اسلام را نشان می دهد. تاریخ اسلام از

شبه جزیره عربستان با بعثت حضرت محمد (ص) در سده هفتم میلادی آغاز شد. موضوع تاریخ در تمامی جوامع امری مهم به حساب می آید چراکه با بررسی تاریخ و سرگذشت انسان‌هایی که در گذشته میزیسته اند می توان نکات ارزنده‌ای را به دست آورد و این نکات برای جوامع بشری بسیار ارزشمند هستند چراکه اطلاعات مفیدی را از تصمیمات انسان‌های مهم به ما می دهد و این امر باعث می شود تجارب باارزشی در اختیار ما قرار بگیرد. این مطالعه در تلاش است با بررسی موضوع تاریخ جهان اسلام اطلاعاتی را از الزامات ایجاد تمدن اسلامی به دست آورد. همچنین در پایان نقش ایرانیان در تشکیل تمدن اسلامی نیز مورد بررسی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: تاریخ جهان اسلام، تمدن نوین اسلامی، الزامات تشکیل تمدن اسلام

مقدمه

روند حرکت دین مبین اسلام بیانگر آن است که از شاخصه های اساسی این دین «تمدن سازی» می باشد. مطالعه در ادوار تاریخ گواه این مطلب است که دین اسلام تمدنی بنیان نهاد که بسیاری از تمدن های قدرتمند آن زمان را در خود ذوب نمود. این تمدن سازی در برهه هایی از جمله قرن چهارم و پنجم در اوج اقتدار و بالندگی بوده است.

لذا، آنچه از ذات دین مبین اسلام و آموزه های آن می توان دریافت نمود، «تمدن سازی» به معنای حقیقی آن می باشد. اما با گذشت زمان ملاحظه میکنیم که این «تمدن سازی» رو به افول و ایستایی نهاده است. بررسی ریشه های این مطلب بحثهای جداگانه ای میطلبد. آنچه که در این میان به دنبال آن هستیم، بازگشت به دوران شکوفایی تمدن اسلامی میباشد. این اتفاق مهم نیازمند مقدماتی است که مهمترین آن با وقوع انقلاب اسلامی در ایران محقق شده است تا آنجا که فوکو از این انقلاب به روح جهان بی روح و امید جهان ناامید تعبیر نموده است (فوکو، ۱۳۷۹)

با مطالعه در راهکارهای ایجاد تمدنها به این نتیجه می رسیم که هر تمدنی که در طول تاریخ ایجاد شده، ذیل تشکیل حکومت بوده و بنای تمدن بدون حکومت، ممکن نیست از طرف دیگر و به طور کلی، هر حکومتی از سه ضلع، حاکم حکومت و جامعه تشکیل می شود و اگر یکی از اجزاء این اضلاع نباشد ایجاد تمدن ممکن نخواهد بود. در این میان ملاحظه میکنیم که در طول تاریخ اضلاع این مثلث در بسیاری از حکومتها جریان داشته است، ولی هیچ گاه حکومتهای آنان تمدن ساز نبوده اند. بر این اساس، این نتیجه حاصل می شود که حاکم، حکومت و جامعه شرط لازم برای ایجاد تمدن می باشد، اما شرط کافی نیست. بنابراین، باید اندیشید که چه الزامات دیگری برای به نتیجه رسیدن و قدم برداشتن در راه ایجاد تمدن در جامعه لازم است که جامعه بتواند تمدن ساز شود و این مطالعه، تلاشی در این راستا است (صدری فر و مولوی، ۱۳۹۹) در حوزه تمدن سازی، کتب و مقالات مختلفی نگارش یافته و همایشهای علمی گوناگونی برگزار شده است که نشان از اهمیت بسیار بالای بحث تمدن دارد. پژوهشگران در این زمینه، بسته به اندیشه و تفکراتشان تلاش نموده اند کتابها و مقالاتی را به جامعه علمی عرضه نمایند. از جمله همایشهایی که در این زمینه برگزار شده میتوان به؛ الف - دولت، تمدن اسلامی، ب- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران ج- اندیشه تمدنی از نگاه امیرالمؤمنین اشاره نمود. از پایان نامه هایی که به مطالعه در این زمینه پرداخته

است، میتوان از « بررسی مؤلفه های تمدن سازی اسلامی در نهج البلاغه و آموزه های علوی» نام برد. (ناصریان خلیل آباد، ۱۳۹۳)

تعریف تمدن و مبانی نظری آن

تمدن در لغت به معنای شهر نشینی آمده است و ناظر بر بیرون آمدن انسان از حالت وحشی گری و خارج شدن یک جامعه از مرحله ابتدایی میباشد (دهخدا، ۱۳۷۷) در اصطلاح عبارت است «از تلاش برای آفریدن جامعه ای که کل بشریت بتواند با همنوایی در کنار یکدیگر و به منزله ی اعضای یک خانواده ی کامل و جامع در درون آن زندگی کند» (توین بی، ۱۳۷۶). دکتر شریعتی در تعریف تمدن میگوید: «تمدن به معنای کلی عبارت است از مجموعه ساخته ها و اندوخته های معنوی و مادی جامعه انسانی (شریعتی، ۱۳۸۹). تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه ی مؤلفه های آن بر محور اسلام می گردد (احمدی، ۱۳۸۶).

ما مسلمانان معتقدیم که دین اسلام کاملترین دین آسمانی است، که برای جامعه بشری نازل شده تا او را به کمال برساند. کمال دین هم محدود نیست، بلکه ابعاد مختلفی را در بر میگیرد از جمله ابعاد کمالی دین را می توان در تمدن سازی جستجو نمود. عناصر تشکیل دهنده ی تمدن در دیدگاه اندیشمندان تفاوت دارد. ابن خلدون هفت عامل را در تشکیل تمدن مؤثر میداند: دولت و رهبر، قانون، اخلاق، کار، صنعت جمعیت و ثروت (رادمنش، ۱۳۶۰). ویل دورانت چهار رکن اساسی عوامل اقتصادی، سیاسی اخلاقی و عقلی و روحی را از عناصر مؤثر در تشکیل تمدن میداند (دورانت، ۱۳۷۶) مالک بن نبی معتقد است که هر تمدنی شامل سه مؤلفه ی انسان، خاک و زمان است که از ترکیب آنها تمدن ایجاد می شود، ولی به خودی خود و منهای دین منجر به پیدایش تمدن نمی شود (بن نبی، ۱۹۹۲) از دیدگاه مقام معظم رهبری، گسترش و ترقی تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته جمعی نیاز دارد که در سایه ی اخلاق، کار و تلاش، ایمان به خدا، عقلانیت توانایی، علمی اقتصاد شکوفا، برخوردار از رسانه های قوی و روابط بین الملل به وجود می آید. (اکبری و رضایی، ۱۳۹۶)

بنابراین، برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی میتوان دو بحث را از یکدیگر تفکیک نمود، بحث اول آن، مقدمات تشکیل تمدن می باشد که از سه عنصر اساسی تشکیل شده است و آن عبارت است از جامعه که بستر و ظرف تشکیل تمدن می باشد و بدون آن هیچ مظلوفی - از جمله تمدن - تحقق پیدا نمیکند. در مرحله ی بعد، میتوان استقرار حکومت در جامعه را نام برد به تعبیر دیگر، جامعه باید بستر ساز حکومت باشد و اگر حکومت شکل نگیرد، نمیتوان از جامعه به تنهایی و پراکندگی توقع ایجاد تمدن داشت و در مرحله ی سوم، تحقق تمدن مستلزم رهبری الهی می باشد. بدون رهبری الهی نمیتوان به تمدن نوین اسلامی دست پیدا نمود و مشاهده می شود که بسیاری از مشکلاتی که الان گریبان گیر جوامع بشری شده است به خاطر رهبران ناصالح و ناشایست می باشد. اما در حال حاضر به عنایت خدای متعال این سه عنصر در جمهوری اسلامی شکل گرفته است یعنی رهبر الهی، استقرار حکومت اسلامی و جامعه ی بستر ساز تمدن نوین اسلامی به عنوان شرط لازم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی که حاصل رنج و تلاشهای بزرگان و شهادت انسانها در ایجاد بستر جمهوری اسلامی فراهم شده است. اما این شرط

لازم هست و شرط کافی نمی باشد، برای ایجاد تمدن نوین اسلامی باید الزاماتی هم بین حاکمیت و جامعه برقرار باشد که با استقراء در آن چه اندیشمندان بیان نموده اند (صدری فر و مولوی، ۱۳۹۹)

ظرفیت تمدن سازی و پیشرفت در دین اسلام

با مراجعه به منابع تاریخی و مقایسه وضعیت جزیره العرب در دوران قبل و بعد از ظهور اسلام به وضوح مشاهده میشود که این دین الهی تحولات عظیم و تاثیرات شگرف فردی و اجتماعی را در اعراب آن روزگار ایجاد کرده است که گسترش ابعاد زمانی و مکانی آن به همراه عمق وسیعش همگی دال بر ایجاد یک تمدن جدید و درعین حال عظیم و جهانی است بعنوان شاهد مدعا در این خصوص «گوستاولوبن» شرق شناس معروف در این خصوص معتقد است: «هر اندازه بیشتر در تمدن غرب دقت کنیم و کتابهای علمی، اختراعات و صنایع ایشان را در نظر بگیریم حقایق تازه ای برای ما روشن میشود و بخوبی درک خواهیم کرد که اعراب در قرون وسطا دانشمند و فاضل بوده اند و تاریخ سراغ ندارد که در زمانی اندک آنهمه پیشرفتی که نصیب عرب شده نصیب دیگران شده باشد» (گوستاولوبن، ۱۳۷۴) هرمان راندول هم بر این عقیده است که: «مسلمانان در قرن دهم میلادی تمدنی در اسپانیا پدید آوردند که در آن علوم از شکل عقاید مبهم درآمده و با صنایع و فنون زندگی هماهنگی یافته بود.»

امام خمینی (ره) نیز بر این اعتقاد است که تمدن اسلام مقدم بر سایر تمدنهاست. همچنین شهید مطهری به نقل از برخی جامعه شناسان غربی، تمدن اسلامی را یکی از سه یا پنج تمدن مهم تمام دورانها برشمرده است. همچنین «گوستاولوبن» در ارتباط با پایه گذار تمدن اسلامی بیان میکند:

«معجزه ی کبری محمد این بود که توانست قافله ی پراکنده عرب را گردآورد و از این کاروان سرگردان و پریشان ملت واحد تشکیل دهد بدانسان که همه را در برابر یک دین خاضع کرده و مطیع و فرمانبردار یک پیشوا گرداند.»
با توجه به ظرفیت بالای تمدن سازی اسلام که اجمالا اشاره ی کوتاه به دیدگاه های مختلف دانشمندان صورت گرفت ذیلا به بررسی مقاطع تاریخ و عوامل موثر در رشد و افول تمدن اسلامی خواهیم داشت:

۱-قرآن، سرمایه اصلی تمدن اسلامی:

کار عظیم پیامبر اکرم (ص) پایه گذاری یک نظم اسلامی بسیار پیشرفته بود که نه فقط در طول تاریخ سابقه نداشت، خارج از قلمرو نبوت هم قابل تکرار نبود و علت منحصر به فردی این نظم نیز در این بود که پیامبر اسلام (ص) با پیوند دو ساحت مادی و معنوی حیات بشر و بناکردن جامعه بر اساس این پیوند مسیری را برای سعادت بشر به وجود آورد که هیچ یک از تمدنهای بشری قبل و بعد از آن قادر به باز کردن این مسیر نبوده و نیستند. حال این سؤال مطرح است که سرمایه پیامبر اکرم (ص) برای شکل دهی چنین حرکت منحصر به فردی چه بوده است؟ پاسخ وحی است. در حقیقت سرمایه پیامبر (ص) قرآن بود هر چند وجود خود پیامبر (ص) نیز با قرآن عجین است نقش اصلی را قرآن بر عهده دارد توجه فرمایید نقش قرآن تا جایی است که امام سجاد (ع) در روایتی می فرمایند «اگر تمام مردم در مشرق و مغرب عالم بمیرند و قرآن با من باشد من

هرگز دچار وحشت نخواهم شد.» این فرمایش ناظر بر جامعیت قرآن و قدرت بی بدیل آن در هدایتگری و حرکت دادن انسان به سمت سعادت حقیقی است. (غلامی، ۱۳۹۶)

علامه جعفری (ره) بر این باور است که وجود قانون در هر پدیده ای دلیل وجود عنصری ثابت است. که آن پدیده را به طور کلی اداره میکند. به عنوان مثال وقتی که ظلم و اشاعه ی جهل و فساد همواره مستلزم سقوط و اضمحلال تمدنها باشد روشن میشود که قانون به وجود آمدن و استمرار تمدنها ضرورت علم معرفت عدالت و اصلاح در جامعه است به این ترتیب تولد و مرگ تمدن به مثابه ی یک پدیده اجتماعی کلان تصادفی و بی قاعده نیست، بلکه از قوانین کلی و عام پیروی می کنند. علامه جعفری (ره) از میان عوامل نامبرده به تحلیل مدخلیت عامل ظلم در فروپاشی و اضمحلال تمدن ها علاقه نشان میدهد و مینویسد: «قرآن کریم در آیات فراوانی علت نابودی تمدنها و جوامع را ظلم تعدی معرفی کرده است.»

۲- تولد قانون مدنی پیشرفته، محصول حیات پیامبر اعظم(ص):

پیامبر اعظم (ص) در دوران ۲۳ ساله بعثت به ویژه پس از هجرت از مکه به مدینه و تشکیل مدینه النبی که از نظر ما همان لایه اولیه تمدن اسلامی است تک تک حلقه های این نظم اسلامی را بر اساس قرآن در دو عرصه نظر و عمل به هم متصل کردند و بخش مهمی از آنچه مسلمانان برای درک قرآن و پیاده سازی آن در عمل نیاز داشتند را ارائه کرده و از همه مهمتر وارد نمونه سازی نیز شدند. می توان گفت مهم ترین اتفاق در دوران ۱۰ ساله پس از هجرت تولد یک قانون مدنی بسیار پیشرفته است که حق و تکلیف در آن به هم می رسند و اتفاق بزرگی را رقم میزنند که با گذشت ۱۴۰۰ سال از آن دوره همچنان این اتفاق خیره کننده است. (غلامی، ۱۳۹۶)

۳- تاثیر ائمه(ع) بر تمدن اسلامی:

روشن بود که شان نبوت پیامبر گرامی اسلام(ص)، با رحلت ایشان پایان می پذیرد. اما شان امامت حضرت(ص)، نه فقط تمام نمی شود که تازه برای عبور دادن جامعه و امت اسلامی از گلوگاه های حساس و رساندن آن به مقصد شروع میشود؛ از این رو، قرآن مجید در سوره مانده آیه ۳ می فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». یعنی امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما به عنوان آیینی استوار و پایدار پذیرفتم. حرف اصلی این آیه که شأن نزول آن واقعه غدیر خم سال ۱۰ هجری قمری و معرفی حضرت علی بن ابی طالب (ع) به عنوان جانشین پیامبر (ص) و امام مسلمین بود، این است که اکمال دین خدا و تمام شدن این نعمت عظیم، یعنی اسلام، مشروط به وجود عنصر امامت است و بخش مهمی از این نظم اسلامی و اعتلای آن چه از جهت پایه گذاری و چه از جهت مواجهه با شرایط نوپدید، از سوی امام باید به وجود بیاید.

حرکت امامت با وجود سلب شدن شان حکومت از آن استمرار یافت و حتی در فرصت هایی که حکومت به آن ملحق شد، توانست نقش منحصر به فردی را در جهت تکمیل نظم اسلامی در ساحت عمل ایفا کند که نمونه ی بارز آن دوران کوتاه اما بسیار پربرکت حکومت امام علی(ع) بود. و بعد از آن شرایط به گونه ای شد که امام حسین (ع) نجات اسلام را تنها در گرو

قیام عظیم و تاریخی خود دانستند و سرانجام واقعه ی خونین عاشورای ۶۱ هجری قمری رقم خورد. بعد از امام حسین (ع) تا غیبت کبری، ما با چند نقطه عطف مهم رو به رو هستیم که هر یک از این نقاط در تشکیل لایه ی زیر بنایی تمدن اسلامی نقش منحصر به فردی دارد: اول، حرکت هدایتی امام سجاد (ع) در قالب ادعیه ی گوناگون بود. در گام بعد، نهضت علمی با شکوه امام باقر (ع) و امام صادق (ع) در شرایط غروب بنی امیه و ظهور بنی العباس، نقطه عطف دیگری است که تعالیم اسلامی را در دو عرصه ارائه طریق و ایصال به مطلوب گسترش داد و جامعه اسلامی را با جهش معرفتی چه در عرصه حیات فردی و چه در عرصه حیات اجتماعی مواجه کرد. نقطه عطف دیگر، مربوط به دوران امام رضا (ع)، عالم آل محمد (ص) است که در این دوره هم با ملاحظه مساعد شدن شرایط سیاسی و اجتماعی و علایق مأمون عباسی به تکریم علم و عالم گسترش محافل علمی باشکوه و همچنین، رویارویی با جریانات فکری معارض اسلام، شاهد رونق دوباره در عرصه های علمی و معرفتی هستیم. نقطه عطف دیگر که کمتر از آن صحبت به میان آمده، دوران ۳۳ ساله امامت حضرت امام هادی (ع) است که در این دوره نیز با وجود حصر و خفقان شدید. حضرت موفق شدند لایه های منحصر به فرد و بسیار ژرفی را از اندیشه اسلامی ظاهر کنند که نمونه بارز این لایه ژرف در زیارت جامعه کبیره بروز یافته است که می توان از آن به یک دوره کامل و بی نظیر امام شناسی تعبیر کرد.

۴ - عصر صفوی و جهش تمدنی در عالم اسلام:

بعد از یک دوره طولانی افول و غروب تمدنی، مجدداً در قرن ۹ و ۱۰ شاهد یک صعود تمدنی در عصر صفوی هستیم. البته مختصات عصر صفوی با عصر عباسی و تمدن دو قرن ۴ و ۵ به ویژه از جهت قلمرو جغرافیایی متفاوت است اما به اذعان بسیاری از تمدن شناسان عهد صفوی، عهد حیات دوباره تمدن اسلامی این بار با محوریت فرهنگ و اندیشه شیعی-ایرانی است.

نکته ی دیگر آن که صفویان تمام ظرفیت های اجتماعی و نهاد های مدنی ایران نظیر احساسات ملی و علایق صوفیانه، مشرب های عرفانی و گرایش های فکری و عقیدتی بهره بردند و از آنها برای دست یابی به قدرت سود جستند. (خضری، ۱۳۹۲)

در عهد صفوی نیز حضور علمای بزرگ نقش بی بدیلی را در اوج تمدنی بر عهده دارد؛ به نظر ما، بزرگانی مانند شیخ بهایی، میرداماد، علامه مجلسی و ملاصدرا، سهم بسزایی از شکوه تمدنی عصر صفوی را به خود اختصاص داده اند البته با این تفاوت که بسیاری از علمای عصر صفوی را به خود اختصاص داده اند البته با این تفاوت که بسیاری از علمای عصر صفوی در مسیر ارتقای نظم اسلامی این دوره، به حکومت نزدیکترند و حکومت در عرصه های سیاسی نیز از هدایت ها و حمایت های آنها بهره مند است. (غلامی، ۱۳۹۶)

الزام ایجاد تمدن نوین اسلامی

پس از تبیین پیش نیازهای تأسیس تمدن که در سطوح سه گانه حاکم بر جامعه و حکومت مورد بررسی قرار گرفت، این پیش نیازها شرط لازم برای تحقق تمدن است، اما کافی نیست. زیرا می بینیم در طول تاریخ حکومت هایی بوده اند که قرن ها بر مردم حکومت کرده اند اما هرگز نتوانسته اند تمدن ساز باشند. از این رو پس از استقرار دولت، اسامی بستری برای الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی باید فراهم شود حال به پاسخ به پرسش دوم می پردازیم که عبارت است از الزامات ایجاد تشکیل تمدن نوین اسلامی چیست؟ به عبارت دیگر بعد از شکل گیری حکومت اسامی در جامعه و ذیل حاکمیت حاکم اسامی چه الزاماتی باید در درون یک جامعه تحقق یابد تا تمدن نوین اسامی شکل بگیرد (صدری فر و مولوی، ۱۳۹۹).

ذکر این نکته ضروری به نظر میرسد که الزام در علم حقوق یک رابطه ی حقوقی است که به موجب آن انجام عملی یا عدم انجام عملی بر کسی نسبت به دیگری واجب میگردد (جمیل و صناعی دره بیدی، ۱۳۶۶) و مراد از الزام در اینجا این است که بعد از فراهم شدن مقدمات تمدن اسامی که ذکر شد جامعه باید اموری را بر خود لازم بداند به عبارت دیگر، تعهدی است که اجزاء حاکمیت و مردم باید برای تشکیل تمدن نوین اسامی بر خود لازم دانسته تا بتوان به سمت ایجاد تمدن نوین اسامی حرکت نمود.

نتیجه گیری

در جامعه ی اسلامی بر خلاف سایر تمدن های بشری، تمدن کاملاً با دین پیوند خورده است و در ادوار تاریخی تمدن اسلامی، حقیقتاً میراث بی بدیل فکر و فرهنگ اسلامی و علمای مسلمان همواره نقش تعیین کننده و منحصر به فردی را بر عهده داشته اند. میتوان گفت که هیچ عنصری در خلق قوه ی محرکه تمدنی، به پای اسلام نمیرسد و هر جا توفیقی در این زمینه حاصل شده، اسلام حضور پررنگی داشته است؛ حتی در آینده، معلوم نیست با غیبت اسلام، امکان شکل گیری یک تمدن عظیم، اثرگذار و فراگیر در دنیای اسلام وجود داشته باشد و هر تمدنی نیز که با نگاه سکولار متولد شود، بسیاری از ظرفیت های تمدن اسلامی را نخواهد داشت.

بررسی ادوار تاریخی تمدن اسلامی گویای این واقعیت است که افول و غروب تمدنی در جامعه اسلامی به منزله مرگ تمدنی نیست. در حقیقت، بر خلاف نظریه ی حرکت دوری ابن خلدون که برای هر تمدن تولد و مرگ قائل می شود، ما معتقدیم، تمدن اسلامی با وجود حرکت سینوسی خود، به طور میانگین جامعه ی اسلامی را به سمت تکامل سوق داده است و در نهایت، همین تکامل مقدمات شکل گیری تمدن نوین اسلامی را مهیا خواهد کرد. هر چند ما نظریه ی تکاملی در تمدن را تایید کردیم و معتقدیم خط تمدنی حتی در دوران افول تمدن اسلامی نیز به حیات ضعیف خود ادامه می دهد، تمدن نوین اسلامی به مفهوم احیای تمدن سابق نیست. در حقیقت، خط تمدن همواره در حال رشد و نمو است و هر چند از میراث نقاط عطف تمدنی بهره می برد، اما تمدن نوین اسلامی یک نوسازی است و نه احیا.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

- خضری دکتر سیدرضا-تشیع در تاریخ انتشارات دفتر نشر معارف قم ۱۳۹۲
- صدری فر، نبی اله، مولوی، محمد، مقدمات و الزامات ایجاد تمدن نوین اسلامی، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال نهم، شماره دوم، ۱۳۹۹.
- بن نبی، مالک (۱۹۹۲)، شروط النهضه، ترجمه: عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین، دمشق: دارالفکر
- فوکو، میشل (۱۳۷۹)، ایران روح یک جهان بی روح، ترجمه: نیکوسرخوش و افشین جهان دیده، تهران: نشر نی
- دورانت، ویل (۱۳۷۶)، تاریخ تمدن، ترجمه: احمد آرام، ع. پاشایی و امیر حسین آریان پرو، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- رضایی، رمضان: قهرمانی نژاد، شایق، بهاء الدین؛ اصغریان دستنایی، محمد، واکاوی نقش راهبردی دانشمندان و حاکمان در بالندگی تمدن اسلامی، الگو پیشرفت اسلامی ایرانی، ۱۳۷۹
- شریعتی، علی (۱۳۸۹)، تاریخ تمدن، تهران: نشر قلم
- توین بی، آرنولد (۱۳۷۶)، خلاصه دوره دوازده جلدی بررسی تاریخ تمدن، ترجمه: محمد حسین آریا، تهران: امیرکبیر
- اکبری، رضایی، مرتضی و فریدون، واکاوی شاخصه های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله) الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۱۰۸-۸۵، ۵، ۱۳۹۶.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۶)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج: ۱۰ تهران: دفتر نشر اسلامی
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم. تهران.
- گوستاولوین (لوبن گستاو ۱۳۷۴) تمدن اسلام عرب ترجمه سیدهاشم حسینی

اهمیت و نقش علوم تجربی در تحقق تمدن نوین اسلامی

زهرا اوروجی^۱

۱- استادیار، آنالیز مختلط، گروه ریاضی، دانشکده علوم، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران، رایانامه:

z.rouji@urmia.ac.ir

چکیده

تمدن نوین اسلامی، به عنوان یک ساختار فرهنگی، اجتماعی و علمی جدید در دنیای معاصر، به دنبال احیای ارزش های اسلامی و بهره گیری از علوم تجربی به عنوان ابزاری جهت تحقق این امر است. در این پژوهش ابتدا ارتباط بین مبانی اسلام و علوم تجربی بیان شده و سپس دوران عظمت علمی مسلمانان در طول تاریخ تمدن اسلامی و دلایل رکود آن، مطرح شده است. همچنین اهمیت و نقش علوم تجربی در توسعه تمدن نوین اسلامی، چالش ها و فرصت های موجود برای تحقق این هدف مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهای مورد نظر، ارائه شده است.

واژگان کلیدی: علوم تجربی، تمدن نوین اسلامی، علوم طبیعی، ارتباط علم و دین

۱. مقدمه

تمدن نوین اسلامی به عنوان یک مفهوم کلیدی در تلاش برای احیای ارزش‌های انسانی و اسلامی در دنیای معاصر و به دنبال ایجاد جامعه‌ای متوازن و پایدار است که علم، دین و اخلاق در آن در هم تنیده شده‌اند. در واقع تمدن نوین اسلامی به مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصولی اشاره دارد که بر مبنای تعالیم اسلامی و در تعامل با شرایط و نیازهای دنیای معاصر شکل می‌گیرد. در این راستا، اهمیت بررسی جایگاه علوم تجربی در تمدن نوین اسلامی به وضوح محسوس است، چرا که با توجه به چالش‌های گسترده‌ای که امروزه جوامع اسلامی با آن‌ها مواجه‌اند، این علوم می‌توانند به توسعه پایدار، ارتقای فناوری و بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی جوامع اسلامی کمک کنند. از جمله پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته است، می‌توان به (جوادی آملی، ۱۳۸۸)، (حسین نژاد محمد آبادی، ۱۳۸۵) و (زرین کوب، ۱۳۸۵) اشاره نمود. در این پژوهش به ارتباط بین علم و دین و نیز تاریخچه علوم تجربی در تمدن اسلامی، نقش و اهمیت آن‌ها پرداخته خواهد شد. همچنین، اهمیت و نقش علوم تجربی در توسعه تمدن نوین اسلامی، مانع‌ها و فرصت‌های موجود برای تحقق این هدف مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهای مورد نظر، ارائه شده است. در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که ضروری است همه جوانب علمی، اجتماعی و فرهنگی در کنار یکدیگر قرار گیرند تا به یک توسعه پایدار و همه‌جانبه دست یابیم. این رویکرد نه تنها به رشد و شکوفایی علوم تجربی کمک می‌کند بلکه می‌تواند به احیای ارزشهای اسلامی و ایجاد تمدنی پایدار و مترقی منجر شود.

۲. ارتباط بین دین و علوم تجربی

یکی از پایه‌های تمدن اسلام توجه به علم بود. زیرا علم و دانش یکی از مهمترین عوامل شکل‌گیری تمدن است که زمینه رشد مادی و معنوی انسان را فراهم می‌کند. شهید مطهری در مورد اهمیت علم بیان می‌دارد: «در واقع علم و دانش منبع همه خوبی‌ها است و اصلی که در دنیا تحول به وجود می‌آورد و همه کارها بر پاشنه آن می‌چرخد، علم است و چرخ زندگی بر محور علم قرار گرفته و همه شئون حیات بشر با علم وابستگی پیدا کرده است؛ به طوری که هیچ کار و شأنی در زندگی بشر را جز با کلید علم نمی‌توان انجام داد» (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۷۰).

آنچه که در مهندسی تمدن اسلامی باید بررسی و تحلیل شود، ارتباط بین مبانی دین و علم است. در آیات و روایات مختلفی، همواره فراگیری علم مورد توجه قرار گرفته است و قید خاصی در این زمینه وجود ندارد؛ بلکه هر نوع علم مفید در زندگی معنوی و مادی مورد توجه قرار گرفته است؛ تا جایی که در قرآن کریم ماده علم بیش از ۷۵۰ بار به شکل‌های گوناگون به کار رفته است. با توجه به حدیث «الحکمه ضاله المومن فاطلبوها ولو عند المشرک (طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۶۲۶) دانش گمشده شخص با ایمان است. پس آن را طلب کنید هرچند نزد مشرکان باشد.» روشن است آن علمی که نزد مشرکان یافت می‌شود، علوم الهی و معارف توحیدی نیست! بلکه علوم دیگری است که در زندگی به کار می‌آید. یا با توجه به حدیث «اطلبوا العلم ولو بالصین فان طلب العلم فریضه علی کل مسلم (شهید ثانی، ۱۳۷۱: ۱۰۳)؛ دانش را فراگیرید هرچند در کشور چین باشد؛ زیرا تحصیل دانش بر هر مسلمانی واجب

است. واضح است که دانشی که آن روز در چین یافت می‌شد، معارف دینی و قرآنی نبود، بلکه دانش‌های مفید دنیوی مورد نظر است. آیات و روایات مشابهی تأکید می‌کند که مومن باید علم و دانش را هر جا و نزد هر کس بیابد، فراگیرد و آنچه نزد اسلام ارزشمند است، علم است و در آموزه‌های اسلامی، علم به معنای عام آن فریضه شمرده می‌شود و فقط علوم دینی را در بر نمی‌گیرد. برخی به اشتباه علم را یاد گرفتن مسائل شرعی می‌دانند و نه فریضه‌های مستقل و به همین جهت به دنبال علوم دیگر نمی‌روند و در نتیجه «طلب العلم فریضه علی کل مسلم» را به معنای اخذ علمی از علوم دنیا نمی‌پندارند و به سادگی از کنار آن عبور می‌کنند (حسین نژاد محمدآبادی، ۱۳۸۵: ۶۰)؛ در حالی که یکی از دلایل سرعت پیشرفت علم در بین مسلمانان، عدم تعصب ورزی در یادگیری علوم، فنون و صنایع بود که در هر نقطه و در دست هر کس می‌یافتند، از آن استفاده می‌کردند.

متفکران مسلمان، به وحدت بین علوم قائل بودند و منشا همه علوم را خداوند می‌دانستند. لذا علوم طبیعی، علوم دینی و علوم تجربی را جدا از هم نمی‌دانستند و آن‌ها را کل واحد و هدف همگی را یکی می‌دانستند. به همین دلیل بود که آن‌ها همه علوم را یکجا تدریس می‌کردند و در همه حوزه‌های مختلف دینی و علمی تألیفاتی داشتند. شهید مطهری نیز همواره بر پیوند علم و دین تأکید داشت و معتقد بود که «باید ایمان را در پرتو علم شناخت تا از خرافات مصون ماند» (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۹: ۳۵). البته توجه به این نکته نیز بسیار ضروری است که علوم موجود نه تنها خود را از حکمت و فلسفه الهی بی‌نیاز می‌دانند، بلکه به یک «فلسفه الحادی» تکیه زده‌اند و تلاش می‌کنند بر اساس علم تجربی، خارج از محدوده تعریف شده خود نیز اعلام نظر کنند. آیت الله جوادی آملی در این باره می‌گوید: «شگفت اینکه برخی از شیفتگان این نگاه استقلالی به علم، پا را از مرزهای واقعی علم تجربی فراتر نهاده و دعوی فلسفه و جهان‌بینی الحادی را داشته‌اند، حال آنکه عقل حسی و تجربی در قالب محدوده خویش از اساس نمی‌تواند جهان بینی ارائه دهد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۰۸) لذا باید دنبال ارائه راهکاری برای اسلامی کردن و احیا علم موجود بود. در این راستا باید توجه داشت که این بحران‌ها و آفت‌ها ناشی از قرار گرفتن علوم در خدمت فلسفه‌های مادی است و متوجه ذات و ماهیت علوم نیست. لذا باید به دنبال رفع عیب و نقص همین علوم بود نه به دنبال تأسیس مجدد آن‌ها.

آیت الله جوادی آملی بر این عقیده است که: «یکی از عواملی که بر ذهنیت تعارض دامن می‌زند، تخصصی شدن و تکثر علوم و در نتیجه عدم وحدت و هماهنگی میان علوم می‌باشد. در حقیقت با جدایی ارتباط علوم از فلسفه به عنوان مادر علوم، وحدت و هماهنگی علوم از دست می‌رود، نظارت و حضور فلسفه در علوم حذف شده و زمینه تقابل علوم جدید با دین فراهم می‌گردد. در حقیقت این تعارض به ذات و ماهیت خود علوم و فلسفه مضافشان بر نمی‌گردد، بلکه به مبادی و اصول موضوع مادی‌شان برمی‌گردد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۹ الی ۲۹).

۳. نقش و اهمیت علوم تجربی در طول تاریخ تمدن اسلامی

علوم تجربی در تمدن اسلامی جایگاه ویژه‌ای داشته و مسلمانان در طول تاریخ به توسعه و گسترش این علوم کمک شایانی کرده‌اند. با شروع دوران طلایی تمدن اسلامی (قرن ۸ تا ۱۴ میلادی)، دانشمندان مسلمان با استفاده از ترجمه آثار یونانی، هندی

و ایرانی، و همچنین اضافه کردن پژوهش‌ها و اکتشافات خود، به شکل‌گیری علم مدرن کمک کردند. در دوران طلایی اسلام، در بغداد، دمشق و سایر شهرهای اسلامی، مراکز علمی پربرونقی پایه‌گذاری شد. در این دوران علوم تجربی از اهمیت بسیاری برخوردار بود و به پیشرفت‌های بزرگی در زمینه‌های پزشکی، فیزیک، شیمی، نجوم و ریاضیات دست یافت.

در دوران خلافت عباسیان مرکزی به نام دارالحکمه در بغداد تأسیس شد که یکی از مهم‌ترین مراکز علمی آن زمان بود. در این مرکز آثار علمی و فلسفی یونانی، ایرانی و هندی به عربی ترجمه شد. این ترجمه‌ها مبنای تحقیقات و مطالعات علمی بسیاری از دانشمندان مسلمان قرار گرفت. زرین کوب می‌نویسد: «در نهضت ترجمه که گفتگوی تمدن‌های پیشین با تمدن اسلامی محسوب می‌شد، میراث تمدن‌های گذشته به عالم اسلام منتقل گردید و پس از آن تمدن اسلامی چنان شکوفا شد که دیگر به ترجمه قانع نبود؛ بلکه به دنبال ایجاد نهضت جدیدی با عنوان تولید علم بودند؛ چون اکثر کتاب‌های دانشمندان یونانی، سریانی، هندی و ایرانی وقتی به جهان اسلام منتقل می‌شد، به دست اهلش می‌افتاد.» (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۴۹).

آنچه تمدن اسلامی را از سایر تمدن‌ها متمایز می‌ساخت، گستره عظیم جغرافیایی آن بود که قادر بود نژادها، فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف را تحت لوای مشترک خود، به اتحاد فرهنگی، علمی و مذهبی برساند. دانشمندان مسلمان در حفظ آثار علمی باستانی و انتقال آن به اروپا نیز نقش اساسی داشتند که در نهایت باعث شکل‌گیری رنسانس شد. هونکه معتقد است: «تمدن اسلامی که به وسیله مسلمانان آغاز شد نه تنها میراث یونان را از انهدام و فراموشی نجات داد و آنان را اسلوب و نظم بخشید و به اروپا داد؛ بلکه آنان پایه گذار علوم به مفهوم امروزی آن هستند. تمدن اسلامی تعداد زیادی کشفیات گرانبها و اختراعاتی در همه بخش‌های علوم به مغرب زمین هدیه داد؛ اما شاید ارزشمندترین آن‌ها روش‌های تحقیقات علم طبیعی است که منجر به شناخت قوانین طبیعت و کنترل آن‌ها گردید.» (صرفی، ۱۳۷۵: ۱۰۶).

مثال‌هایی از رد پای علم در تمدن اسلامی را می‌توان به صورت زیر بیان نمود که بسیاری از آن‌ها باعث دگرگونی در سیر تاریخ علمی شدند:

- (۱) تألیف اولین کتاب جبر توسط خوارزمی به نام «الجبر و المقابله» (۲) حل معادلات درجه اول، دوم و سوم توسط خیام (۳) بسط علم مثلثات به وسیله ابوالوفای بوزجانی (۴) دستاوردهای عظیم ابن سینا در زمینه‌های پزشکی و تألیف کتاب «قانون در طب» که سالیان سال در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شد. (۵) تألیفات و دستاوردهای جابر بن حیان در زمینه شیمی (۶) تألیف کتاب «الحاوی» توسط محمد بن زکریای رازی (۷) تصحیح رصد کواکب توسط ابو عبدالله بتانی مشهور به بطلمیوس عرب (۸) تألیف کتاب المناظر توسط ابن هیثم (پدر علم اپتیک) (۹) ارائه نظریه‌های گرانش توسط عبدالرحمان خازنی.

لذا مسلمانان با معلومات علمی که فرا گرفته بودند و با پرورش و بومی‌سازی آن‌ها، در مدت کوتاهی در راس جامعه علمی قرار گرفتند. از عوامل موثر در پیشرفت‌های علمی در تمدن اسلامی می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- (۱) تأکید نص صریح قرآن و روایات اسلامی به فراگیری علم در همه احوال



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



(۲) مباحثات علمی و کثرت مدارس عالی در بلاد اسلامی (منجمله دارالحکمه در بغداد و جندی شاپور در ایران) و

سیاست‌های تشویقی برخی از حکما و وزرا

(۳) استفاده از زبان عربی به عنوان کلید ارتباطی و زبان علمی تمدن اسلامی

(۴) رواج صنعت کاغذ در اواخر قرن اول هجری و تأسیس کتابخانه‌ها

(۵) فتوحات مسلمین و رواج صنعت ترجمه و ثروت‌های کلان بیت‌المال

در این میان اغراق نیست اگر بگوییم وجود فرهنگ ایرانی بدون اسلام، همانقدر غیر قابل تصور و محال است که فرهنگ

و تمدن اسلامی بدون ایران و ایرانیان. شهید مطهری نیز در کتاب معروف خود به این خدمات متقابل اشاره نموده‌اند. از

سوئی دیگر نفوذ بسیاری از رجال و دانشمندان معروف ایرانی به دربار تأثیر بسیار عمیقی در تمدن اسلامی گذاشت و چنانچه

بر شمردیم، بسیاری از مفسران و دانشمندان اسلامی از تبار ایرانیان بودند.

حال پرسش مهم اینجاست که با وجود چنین درخشش علمی بی‌نظیری در تمدن اسلامی، چرا این تمدن دچار رکود علمی

شد و زمینه برای پیشرفت و تسلط جوامع غربی فراهم شد و چطور به قول شهید مطهری «خواب آلودگی مسلمانان موجب شد

غربی‌ها به آسانی دستاوردهای تمدن اسلامی را به نفع خود مصادره کنند» (مطهری، ۱۳۶۲: ۲۷).

از مهمترین دلایل این رکود می‌توان موارد زیر را برشمرد که هر کدام در جای خود، نیاز به شرحی مفصل دارد: (۱) وجود

حکام و زمامداران نه چندان لایق در برهه‌های مختلف تاریخی و جلوگیری از تالیف کتاب (۲) حمله اقوام مختلف از

زردپوست‌های آسیای مرکزی و جنگ‌های صلیبی پس از آن (۳) حمله مغول در سه دوره متوالی (سه ساله، پنج ساله و هفت

ساله) و ویرانی‌های بسیار حاصل از آن به خصوص در خراسان و تخریب دارالحکمه (۴) دور شدن از معیارهای اصیل اسلامی

و تحجرگری (۶) تمرکز علمی به سمت الهیات و علوم دینی به جای تمرکز بر علوم طبیعی و تجربی.

با آنکه تمدن اسلامی در برهه‌ای از تاریخ رو به رکود نهاد، اما به مدد محورهای اصیل و تعالیم دینی، هرگز به پایان نرسیده

و نخواهد رسید. میراث باقیمانده از تمدن اسلامی همچنان قادر هست مردم این سرزمین را تحت لوای خود جمع کند؛ به شرط

آنکه تعارض‌ها و فرصت‌های پیش رو را بررسی نموده و در راستای احیای آن بکوشد. بدیهی است ایران به عنوان قلب این

تمدن، بیش از همه، قادر به احیای این تمدن بوده و بیش از همه باید در تلاش باشد.

۴. چالش‌های پیش روی علوم تجربی به عنوان اهرم سازنده تمدن نوین اسلامی

در راستای نقش حیاتی علوم تجربی در پیشرفت جامعه و تحقق کامل تمدن نوین اسلامی، مسأله‌ها و فرصت‌های متعددی وجود دارد

که باید به آن‌ها توجه شود. این عوامل می‌تواند به شکل‌گیری یا محدودیت‌های توسعه علمی و فناوری در جوامع اسلامی تأثیر بگذارند.

- (۱) یکی از معضلات مهمی که امروزه به آن دچار شده‌ایم، احساس بی‌هویتی است که تصور میکنیم غرب منشا تمام پیشرفت‌ها و علوم بوده و هر آنچه داریم وامدار آن‌ها هستیم! این تفکر نادرست گاهی آنچنان در اندیشه ما ریشه دوانیده که هویت و میراث عظیم فرهنگی و دستاوردهای پیشینیان خود را به فراموشی سپرده‌ایم. (صادقی، ۱۳۹۶: ۷۱۸)
- (۲) آفت دیگری که امروزه مشاهده می‌شود، تنزل مقام علم است که پیشرفت‌های علمی امروزه بیشتر به چشم ابزاری مشاهده می‌شود که قداست پیشین را ندارد. شاید چون در فقه، علم به صورت فریضه‌هایی همچون نماز، زکات و خمس تلقی نشده است (که با وجود تمام مشقت‌های پیش رو، مسلمین مجبور به حفظ آن باشند). برخی نیز علم را تنها در یاد گرفتن مسائل شرعی تصور می‌کنند و علم آموزی را به عنوان یک فریضه مستقل و اسلامی تلقی نمی‌کنند؛ تا جاییکه پاره‌ای از تفکرات سستی در جوامع اسلامی، علوم جدید و تجربی را تهدیدی برای ارزش‌ها و باورهای مذهبی تلقی کرده و باعث مقاومت در برابر پذیرش‌های علمی و فناوری‌های مدرن شده‌اند. (صادقی، ۱۳۹۶: ۷۱۹)
- (۳) یکی دیگر از مهم‌ترین موانع پیشرفت علوم تجربی در کشورهای اسلامی، کمبود سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه است. بسیاری از کشورهای اسلامی، به ویژه در دوران معاصر، به دلایل سیاسی و اقتصادی، سرمایه‌گذاری لازم برای تحقیقات علمی و پژوهش‌های تجربی را انجام نداده‌اند. طبق گزارش‌های مختلف، نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی در کشورهای اسلامی، به طور میانگین پایین‌تر از کشورهای پیشرفته صنعتی است و این امر باعث کاهش نوآوری‌های علمی و کاهش سطح تحقیقات علمی می‌شود.
- (۴) ضعف در زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی: کیفیت پایین نظام‌های آموزشی در برخی از کشورهای اسلامی، نظام آموزشی ناکارآمد که عمدتاً بر حفظ و تکرار مطالب متمرکز است، نبود امکانات مناسب تحقیقاتی، عدم حمایت کافی از پژوهشگران، و فرصت‌های محدود شغلی در زمینه‌های علمی، مانع از پرورش نسل جدیدی از دانشمندان و پژوهشگران خلاق در زمینه‌های علوم تجربی می‌شود. در این راستا لازم به ذکر است که در ایران، بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، پیشرفت‌های پرشتاب و چشمگیری در شاخه‌های مختلف علمی صورت گرفته است و اکنون در بسیاری از تحقیقات نوین علمی، دانشمندان ایران اسلامی جزو سرآمدان علمی جهان به شمار می‌آیند.
- (۵) تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی در جوامع اسلامی: در برخی از جوامع اسلامی نیز تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی باعث شده که تمرکز کافی بر توسعه علوم تجربی وجود نداشته باشد. این تفاوت‌ها ممکن است از نوع حکومت، سیاست‌گذاری‌های علمی، و حتی اولویت‌های اجتماعی و اقتصادی کشورها ناشی شود. برخی از کشورها به دلیل نبود ثبات سیاسی یا تمرکز بر مسائل اقتصادی، از سرمایه‌گذاری‌های جدی در حوزه‌های علمی غافل مانده‌اند.
- (۶) چالش‌های جهانی و رقابت‌های بین‌المللی: در دنیای معاصر، رقابت‌های بین‌المللی در حوزه علوم تجربی به شدت افزایش یافته است. کشورهای اسلامی ممکن است در این رقابت‌ها به دلیل عدم منابع کافی، تکنولوژی‌های پیشرفته و زیرساخت‌های مناسب، دچار آسیب‌های جدی شوند.

۵. فرصت‌ها، نقش و اهمیت علوم تجربی در تحقق تمدن نوین اسلامی

با وجود آسیب های ذکر شده، جهان اسلام همچنان دارای پتانسیل های بزرگی برای احیای علوم تجربی و بازگشت به دوران طلایی علمی است. این پتانسیل ها، شامل فرصت هایی برای توسعه علمی و تکنولوژیک در آینده و احیای تمدن نوین اسلامی میشود. یکی از لوازم مهم برای تحقق این امر، اعتقاد به ضرورت چنین نهضت و خیزش علمی است. امام خمینی (ره) در وصیت نامه سیاسی-الهی خود، در این زمینه چنین می گوید: «بدانید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را پیش دیگران دراز کنید و به در یوزگی عمر را بگذرانید، قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات، در شما شکوفا نخواهد شد... امید است که کشور خودکفا شود و از در یوزگی دشمن نجات یابد.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸: ۲۷).

لذا اولین قدم، باور هویت خویش و بازگشت به هویت اصیل و توجه به فریضه علم، و سپس گشایش و توسعه مراکز علمی و مراودات علمی بدون تعصب و تلاش برای تعمیم و بومی سازی آنها است که می تواند ما را در این راستا یاری نماید. نقش و اهمیت علوم تجربی در تمدن نوین اسلامی به چندین جنبه کلیدی بستگی دارد که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت:

(۱) **توسعه پایدار و حل مسائل اجتماعی کنونی:** علوم تجربی با ارائه راه حل هایی علمی و مبتنی بر داده ها، می توانند به حل مسائل اجتماعی و اقتصادی کمک کنند. در جوامع اسلامی، مواردی هایی مانند فقر، بیکاری و مشکلات بهداشتی وجود دارد که نیاز به تجزیه و تحلیل علمی و اقدامات موثر دارند. برای مثال، تحقیقات علمی در زمینه بهداشت و درمان می توانند به بهبود کیفیت زندگی و کاهش مرگ و میر ناشی از بیماری ها کمک کنند. همچنین، از طریق علوم تجربی، می توان به توسعه روش های کشاورزی نوین و پایدار پرداخت که به بهبود امنیت غذایی کمک می کند.

(۲) **ترویج فرهنگ آموزش علم و دانش با رویکرد اسلامی:** آموزش علوم تجربی با رویکرد اسلامی، نیازمند ایجاد سیستم های آموزشی است که مباحث علمی را با آموزه های دینی ترکیب کند. این نوع آموزش می تواند شامل به کارگیری منابع اسلامی در تدریس و یادگیری باشد و به جوانان کمک کند تا به اهمیت علم در زندگی و نیز به کارکردهای آن در راستای ارزش های اسلامی پی ببرند. ایجاد برنامه های آموزشی که بر اساس تفکر انتقادی و پرسشگری بنا شده اند، می تواند تاثیر مثبتی بر رشد علمی و فرهنگی جامعه داشته باشد.

(۳) **تاثیر علوم تجربی بر سیاست گذاری عمومی:** علوم تجربی به عنوان ابزاری برای شکل گیری سیاست های عمومی کشورهای اسلامی نقش بسزایی دارند. استفاده از داده های علمی در تصمیم گیری های کلان اجتماعی و اقتصادی می تواند به تدوین سیاست های موثر و کارآمد کمک کند. نمونه هایی از کشورهایی که با اتکای به داده ها و شواهد علمی به تدوین سیاست های بهینه پرداخته اند، می تواند به عنوان الگوهایی برای دیگر کشورها مورد توجه قرار گیرد.

(۴) **تحقق اهداف توسعه انسانی و تاثیر علوم تجربی بر اخلاق اجتماعی:** توسعه انسانی به معنای بهبود شرایط زندگی افراد، ارتقای سلامت، آموزش و دسترسی به فرصت های برابر است. علوم تجربی با ارائه دانش و فناوری های نوین، می توانند به تحقق این اهداف کمک کنند. برای مثال، در حوزه آموزش، استفاده از فناوری های نوین می تواند به ارتقاء کیفیت آموزشی و

فراهم کردن دسترسی بیشتر به منابع علمی کمک کند. همچنین، علوم تجربی می‌تواند تأثیرات عمیقی بر باورها و ارزش‌های اجتماعی داشته باشند. یافته‌های علمی می‌توانند به تغییر نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی کمک کرده و تقویت ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه را به همراه داشته باشند. این تغییرات می‌توانند به رشد یک جامعه از لحاظ علمی و اخلاقی کمک کرده و به توسعه پایدار در جوامع اسلامی منجر شوند. لازم به ذکر است که مستلزم تحقق این هدف، این است که پژوهشگران و دانشمندان اسلامی از قوانین اخلاقی اسلام پیروی کنند و علم را در خدمت به بشریت و ارتقای سطح زندگی انسان‌ها قرار دهند.

(۵) پاسخ به چالش‌های جهانی و همکاری‌های بین‌المللی: همکاری‌های بین‌المللی در حوزه علوم تجربی یکی از ابزارهای مهم برای پیشرفت و توسعه علمی در کشورهای اسلامی است. این همکاری‌ها به شکل‌های مختلفی می‌تواند صورت گیرد که از آن جمله می‌توان به تبادل دانشمندان و محققان، برگزاری کنفرانس‌های علمی، و پروژه‌های مشترک اشاره نمود. همچنین بررسی تجارب موفق کشورهای اسلامی در حوزه علوم تجربی، می‌تواند به ارائه نمونه‌هایی از پیشرفت‌های علمی و فناوری کمک کند. این کشورها که با بهره‌گیری از علوم تجربی به نوآوری‌های قابل توجهی دست یافته‌اند، می‌توانند الگوهایی برای دیگر کشورها در زمینه تحقیق و توسعه شناخته شوند.

(۶) نقش زنان در علوم تجربی: نقش زنان در علوم تجربی و فرصت‌های موجود برای آن‌ها در این حوزه، موضوعی است که نیاز به توجه دارد. توانمندسازی زنان در علوم تجربی و افزایش مشارکت آن‌ها در پژوهش‌های علمی می‌تواند به پیشرفت‌های قابل توجهی در جوامع اسلامی منجر شود. بررسی نمونه‌های موفق از زنان دانشمند در کشورهای اسلامی و تأثیر آن‌ها بر توسعه علوم تجربی می‌تواند به ایجاد الگویی برای دیگر زنان و دختران کمک کند.

۶. نتیجه‌گیری

در نهایت، نقش علوم تجربی در تمدن نوین اسلامی به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه و پیشرفت این تمدن قابل انکار نیست. با توجه به تاریخ غنی علمی جهان اسلام و اهمیت علم در تعالیم اسلامی، می‌توان بر این باور بود که توجه به علوم تجربی و بهره‌گیری از آن‌ها می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای با ثبات، پیشرفته و عادلانه منجر شود. با توجه به چالش‌های موجود در کشورهای اسلامی و نیاز به پیشرفت در زمینه‌های مختلف، لازم است که جوامع اسلامی با استفاده از فرصت‌های علمی و فناوری، به تقویت و گسترش علوم تجربی بپردازند و این علوم را در خدمت به احیای ارزش‌های اسلامی و بهبود کیفیت زندگی به کار گیرند. البته لازم به ذکر است که تغییر نگرش‌ها و رفتارها و گرایش دادن به سمت الگوهای مناسب و منطقی، جز از طریق آموزش، الگو گرفتن از پیشگامان معرفت و علم و نیز ممارست و تحمل‌پذیری اساتید و فرهیختگان، صورت نمی‌گیرد.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



منابع

- امام خمینی (ره)، (۱۳۶۸)، وصیت‌نامه سیاسی-الهی، تهران: انتشارات وزارت ارشاد
- جوادی آملی، ع، (۱۳۸۶)، اسلام و محیط زیست، قم: نشر اسرا
- جوادی آملی، ع، (۱۳۸۸)، علم نافع و هویت ساز، قم: مجله اسرا، سال اول، شماره اول، نشر اسرا
- حسین نژاد محمد آبادی، ح، (۱۳۸۵)، رابطه علم با فرهنگ و تمدن اسلامی از دیدگاه شهید مطهری، مجله اندیشه حوزه، ش ۶۰
- زرین کوب، ع، (۱۳۸۵)، کارنامه اسلام، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم
- صادقی، و، (۱۳۹۶)، علم اهرم تحقق تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی
- صرفی، م، (۱۳۷۵)، تمدن اسلامی از زبان بیگانگان، قم: دفتر نشر برگزیده، چاپ سوم
- طوسی، م، (۱۴۱۴ ق)، امالی، قم: دار الثقافة
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین ع، (۱۳۷۱ ق)، منیه المرید، تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه
- مطهری، م، (۱۳۶۲)، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- مطهری، م، (۱۳۷۲)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا، ج ۲۹
- مطهری، م، (۱۳۷۷)، ده گفتار، تهران: انتشارات صدرا

ملزومات و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی

ابوالقاسم ولی زاده^۱

۱-دانشیار دانشگاه ارومیه، ایمیل: a.valizadeh@urmia.ac.ir

چکیده

تمدن اسلامی فرازوفرودهایی داشته و با پیروزی انقلاب اسلامی، جهان اسلام به سوی بیداری حرکت کرد. مقام معظم رهبری برای توسعه تمدن اسلامی، نظریه جدید «تمدن نوین اسلامی» را مطرح کرده است. هدف از تحقیق بیان ملزومات و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی است. مقاله حاضر، ملزومات و مؤلفه نای های تمدن نوین اسلامی واکاوی گردیده و به پرسش‌هایی درباره تمدن نوین اسلامی پاسخ داده شده است، به نظر می‌رسد محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، تلاش و مجاهدت مداوم و مردم‌سالاری، مؤلفه‌های اختصاصی تمدن نوین اسلامی است. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، گسترش و حاکمیت تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته‌جمعی نیاز دارد که در سایه اخلاق، کار و تلاش، ایمان به خدا، عقلانیت، توانایی علمی، اقتصاد شکوفا، برخورداری از رسانه‌های قوی و روابط بین‌الملل به وجود می‌آید. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است که به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: حکومت اسلامی، تمدن نوین اسلامی، ملزومات، مولفه‌ها

مقدمه

در تمدن‌سازی اسلام شکی نیست؛ اما آنچه مهم و درخور دقت است و مقاله حاضر بدان اهتمام ورزیده، شناخت ویژگی‌های تمدن‌ساز اسلام است. به راستی اسلام با کدامین درون‌مایه‌های تمدنی توانست تمدن با عظمت اسلامی را بسازد؟ غلبه مسلمانان بر دو امپراتوری عظیم زمان خود، صرفاً غلبه ظاهری و نظامی نبود، بلکه فراتر از آن، از نوع تسخیر دل‌ها و جان‌ها و از نوع ایجاد انقلاب در افکاو حتی احساسات مردم بود. اسلام با ابزاری که در اختیار داشت، ارزش‌ها را متحول ساخت، ارزش‌های جدیدی را معرفی کرد، مردم را به تفکر و تأمل در خود و در هستی سوق داد، به آنان آموخت اهل کار، تولید، تحقیق و تحمل سختی‌ها باشند، به آنان تعلیم داد بر قدرت بیفزایند و از کاهلی و سستی بپرهیزند و در عین برخورداری از قدرت، متواضع باشند و از همه مهم‌تر در تمام احوال خدایی باشند و مقصد را جز او ندانند و راه وصول به او را نیز از خودش بچینند. اسلام، انسان را در جایگاه مناسب خودش قرار داد؛ نه همانند مسیحیت تحریف شده انسان را پست و گناهکار معرفی کرد و نه همانند غرب مدرن محوریت برای وی قایل شد. اسلام در عین حال که بر آخرت تأکید نمود، دنیا را نیز به عنوان مقدمه آخرت به رسمیت شناخت و فرمود: چنان کار کن که گویا تا ابد زنده‌ای و آن‌گونه به یاد آخرت باش که گویا به زودی مرگت فرار خواهد رسید. پس در عین اینکه به دنیا بها داد، آن را دارای اصالت ندانست؛ دنیا را مزرعه‌ای برای آخرت معرفی کرد و بدین‌سان، میان دنیا و آخرت رابطه تنگاتنگ برقرار نمود. اسلام قدرت و علم را در خدمت فضیلت و انسانیت قرار داد. اسلام به اندیشیدن بها داد، عقل و اندیشیدن را با عباراتی بی‌نظیر ستود. بدین‌سان، مسلمان بودن، با تفکر و تعمق، کار و تلاش، و با خدا بودن عجین

شد. مگر جز این است که خلّاقیت و در گستره کلان، تمدن‌سازی با اندیشه و فعالیت خستگی‌ناپذیر و با پرهیز از کاهلی و تبلی ارتباط ناگسستنی دارد؟ تمدن با عظمت اسلام که در مدت کوتاهی، به بلوغ رسید و ثمر داد، محصول این بن‌مایه‌ها بود. این ادعا که اسلام با زور شمشیر پیش رفت، با واقعیت‌های تاریخی همخوانی ندارد. اسناد تاریخی گویای آن است که ساکنان مناطق تصرف شده به دست مسلمانان با جان و دل اسلام را می‌پذیرفتند؛ هیچ‌گونه تحمیلی بر آنها نمی‌شد.

زور شمشیر نیز موجب پیشرفت قرآن نگشت؛ زیرا رسم مسلمانان این بود که هر کجا را فتح می‌کردند مردم آنجا را در دین خود آزاد می‌گذاشتند و اینکه مردم مسیحی از دین خود دست برمی‌داشتند و به دین اسلام می‌گرویدند و زبان عرب را زبان مادری خود انتخاب می‌کردند بدان جهت بود که عدل و دادی که از آن عرب‌های فاتح می‌دیدند مانندش را از زمامداران پیشین خود ندیده بودند و برای آن سادگی و سهولتی بود که در دین اسلام مشاهده می‌نمودند و نظیرش را در کیش قبلی سراغ نداشتند... پیشرفت قرآن تنها به وسیله دعوت و تبلیغ بود. همین تبلیغ بود که ملت‌های ترک و مغول را پس از ظهور اسلام، هنگامی که بر مسلمانان مسلط شدند مسلمان کرد. قرآن در هندوستان که فقط عبور عرب بدانجا افتاد، چنان پیش رفته که هم‌اکنون زیاده از پنجاه میلیون مسلمان در این مملکت وجود دارد و با اینکه دولت انگلستان که در وقت کنونی مملکت مزبور مستعمریه آنهاست و با وسایل بسیار مجهز و فرستادن کشیش‌های مسیحی مشغول تبلیغ مذهب مسیح گشته‌اند، روز به روز بر تعداد مسلمانان این سرزمین افزوده می‌شود. همچنین در مملکت پهناور چین که مسلمانان حتی به یک وجب زمین آنجا حمله نبردند، پیشرفت قرآن کمتر از هندوستان نبوده است.

تمدن اسلامی با بعثت رسول خدا (ص) و هجرت او به مدینه شکل گرفت. مسلمانان با اتکاء بر آموزه‌های قرآن و سفارش‌های پیامبر (ص) و ائمه (ع) آن را تا قرن پنجم هجری به اوج رساندند. با حملات صلیبیان، مغولان و سقوط اندلس و مشکلات داخلی جهان اسلام، تمدن اسلامی دچار انحطاط شد؛ ولی در عهد صفویان، عثمانی‌ها و گورکانیان هند، مجدداً رونق گرفت. در قرن نوزدهم، استعمارگران به مسلمانان حمله کردند و دوباره تمدن اسلامی دچار رکود گردید. متفکران اسلامی در ایران، مصر و سایر کشورها برای مقابله با تمدن غرب، بازگشت به اسلام راستین را مطرح کردند. بیداری اسلامی در ایران از عصر مشروطه شروع و با پیروزی انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۷ ه.ش به اوج رسید و باعث بیداری اسلامی در جهان عرب گردید. در منابع مربوط به تاریخ اسلام مانند «تاریخ طبری»، «الکامل»، «تاریخ ابن خلدون» و غیره به طور پراکنده درباره دستاوردهای تمدن اسلامی بحث شده است. در کتاب‌های پژوهشی مانند «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» تألیف جان احمدی، «فرهنگ و تمدن اسلامی» تألیف ولایتی و غیره مطالب فراوانی نوشته شده است. در برخی از کتب مذکور درباره بیداری اسلامی در ایران از دیدگاه شخصیت‌های سیاسی - مذهبی از جمله امام خمینی (ره) صحبت شده است؛ ولی بر اساس مطالعات نظام‌مند تاکنون مقاله، پایان‌نامه و کتابی درباره ملزومات و مولفه‌های تمدن نوین اسلامی تألیف نشده است. از این رو، در پژوهش حاضر این موضوع مورد توجه قرار گرفته است.

تعریف مفاهیم

واژه تمدن: واژه سیویلیزیشن^۱ معادل تمدن یا حضاره است. این واژه در زبان انگلیسی از لغت لاتینی سیویس^۲ به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت مورد استفاده قرار گرفته است که دستاورد شهرنشینی است یا برای پیشرفت و ترقی افراد و جمعیت‌هایی که در شهرها زندگی می‌کنند (سپهری، ۱۳۸۵: ۳۵). یونانیان با استفاده از واژه سیویلیزیشن شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱: ۹). در فرهنگ فارسی تمدن چنین تعریف شده است: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» (عمید، ۱۳۸۹: ج ۱، ۵۳۰). به تعبیر دیگر تمدن در عربی از «مدن» اخذ شده است که معنای آن اقامت کردن است و در زبان انگلیسی، امروزه واژه سیویلیزیشن را به این مفهوم اطلاق می‌کنند که آن نیز به معنای استقرار یافتن است و در تعریف اجتماعی، همان شهرنشینی است (ولایتی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۳۳).

در زبان عربی برای واژه تمدن «حضاره» به کار می‌برند و حضاره (شهر) را عکس بداوت (بادیه) می‌دانند. حاضر به شهرها، روستاها و ده‌ها گفته می‌شود و حضاره به معنای اقامت در حضر است. واژه حَضْرَ و مشتقات آن ۲۵ بار در قرآن بیان شده است. همه این مشتقات که در ۱۶ سوره قرآن بیان شده است، به معنی حضور، وجود و استعداد است. واژه حاضر و مشتقات آن در آیات ۱۶۳ سوره اعراف، ۱۵۸ بقره، ۱۸ و ۱۹ توبه، ۹ روم و ۶۱ هود بیان شده است (سپهری، ۱۳۸۵: ۳۰-۲۷). بعضی مدینه را از «دان یدین» دانسته و میم آن را زائد گرفته‌اند (اصفهانی، ۱۴۱۵ ه.ق: ج ۱، ۶۶۳، ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ۴۰۲، قرشی، ۱۳۸۳: ج ۶، ۲۴۴، فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ج ۸، ۵۳). افزون بر این، مؤلف کتاب «التحقیق» واژه «مدن» را مأخوذ از لغت عبری و سریانی و واژه مدین و مدینه را مشتق از ماده «دین» و به معنای پذیرش و خضوع در برابر برنامه‌ها، قوانین و مقررات دانسته است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱۱، ۵۵).

تعریف اصطلاحی تمدن: ابن خلدون مؤلفه‌های مدنیت را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصبیت دانسته است (آدمی، ۱۳۸۷: ۳۹). وی حضارت را یکی از مراحل زندگانی جامعه دانسته است که مرحله بداوت آن را به کمال می‌رساند (سپهری، ۱۳۷۵: ۳۱). ایشان درباره مدنیت بیان کرده است: «در این که اجتماع نوع انسان ضروریست و حکیمان این معنی را بدین سان تعبیر کنند که انسان دارای سرشت مدنی است، یعنی ناگزیر است اجتماعی تشکیل دهد که در اصطلاح ایشان آن را مدنیت گویند و معنی عمران همین است» (ابن خلدون، ۱۳۷۱: ج ۱، ۷۷). به اعتقاد ابن خلدون حضارت و بداوت همدیگر را کامل می‌کنند و حضارت به معنای تأسیس شهرها و شهرک‌ها و استقرار است که حکومت، مدنیت، مکاسب زندگی، صنایع و علوم، و وسایل رفاه و آسایش در آن پدید می‌آید (سپهری، ۱۳۸۵: ۳۲).

به اعتقاد علامه جعفری «تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تراحم‌های ویرانگر را متفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد

^۱ . civilization

^۲ . civic

و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعداد‌های سازنده آن‌ها باشد» (جعفری، ۱۳۷۳: ج ۶، ۲۳۳). لوکاس، فرهنگ و تمدن را یکی دانسته، ولی دامنه و زمان فرهنگ را محدودتر از تمدن تلقی کرده است. «فرهنگ [و تمدن]، راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان است (لوکاس، ۱۳۸۴: ج ۱، ۲۰). در اندیشه امام (ره) مفهوم تمدن در قالب تعریف مشخص و ثابتی ارائه نشده است و معانی مختلفی از آن برداشت می‌شود. ایشان تمدن را از فرهنگ متمایز کردند و آن‌ها را جداگانه به کار بردند که نشان می‌دهد معنای متفاوتی را از این دو مفهوم مورد توجه داشته‌اند: «فرهنگ یک ملت در رأس تمدن واقع شده، فرهنگ باید فرهنگی موافق با تمدن باشد». ایشان پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی در قالب آبادانی و تأسیس نهادها و ساخت ابزارهای جدید را مصادیق تمدن می‌دانند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۲). تعریفی که امام (ره) درباره تمدن بیان کرده‌اند، بیانگر دستاوردهای مادی بشر برای ادامه زندگی و توسعه و ترقی است. در این تعریف، فرهنگ که بیشتر دستاوردهای معنوی انسان را شامل می‌شود، مقدم بر تمدن است.

تعریف تمدن اسلامی

تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳: ۱۱۳). تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد... بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۱). به اعتقاد ابن‌نبی برای حصول تمدن اسلامی، باید مجموعه‌ای از شروط اخلاقی و مادی حاصل گردد. عناصر تمدنی در نگاه وی «انسان، خاک و زمان» است (بابایی، ۱۳۹۰: ۴۹-۴۶). به اعتقاد زرین کوب «... جامعه اسلامی جامعه‌ای بود متجانس که مرکز آن قرآن بود...» (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۲۹).

مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲). در این تعریف ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب به خدا می‌شود.

در جمع‌بندی آرای فوق، نکات ذیل را می‌توان بیان کرد:

- ۱) تمدن اسلامی بر اساس آیات قرآن و توسط پیامبر (ص) پایه‌ریزی شده است.
- ۲) تمدن اسلامی همه ابعاد معنوی و مادی بشر در همه مکان‌ها و زمان‌ها را شامل می‌شود.
- ۳) از آنجایی که تمدن اسلامی بر اخلاق دینی متکی است، دارای پویایی است.

به طور کلی، مراد از تمدن اسلامی، همه دستاوردهای مسلمانان در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات است که از عصر پیامبر (ص) شروع شد و با گسترش قلمرو اسلامی از مرزهای غربی چین تا اندلس را در بر گرفت. بنابراین می‌توان در جمع‌بندی تعریف مفاهیم تمدن بیان کرد که شاخصه‌های تمدن در دیدگاه اندیشمندان اسلامی با توجه به مبانی فکری و شرایط محیط متفاوت است. یعنی تعدادی از شاخصه‌های تمدن در هر عصری بر اساس شرایط محیطی تغییرپذیر و دارای شدت و ضعف است.

مولفه‌های تمدن اسلامی

مولفه‌های تمدن نوین اسلامی، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی و اندیشه پیشرفته، اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوین بشر، پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری، ربا، تکاثر و دفاع از مظلومان عالم است. ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل، صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری به عنوان مولفه‌های تمدن نوین اسلامی یاد می‌کنند که همین شاخصه‌ها قابلیت این را دارند که جهان‌بینی مادی ظالمانه غرب را به سوی سعادت برهاند.

محوریت قوانین قرآن

قرآن و جایگاه قوانین آن در تمدن اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» باشد. بدیهی است که اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن عظیم است. حضرت آیه الله خامنه‌ای عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی را همین موضوع یعنی محوریت قوانین الهی برگرفته شده از قرآن می‌داند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲۶). علت اهمیت بسیار قرآن کریم، جامعیت قوانین آن و جوابگویی آن به همه نیازهای فردی و اجتماعی بشر است. همچنین امام (ره) اعتقاد به محوریت قوانین قرآن را از پیش‌فرض‌های امت واحده و تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند (امام خمینی ره، صحیفه ج ۱۰: ۴۴۹).

نشانه‌های چهره دین در یک جامعه و تمدن، معطوف به قوانین آن است. تا زمانی که قوانین الهی در جامعه پیاده نشود، نمی‌توان به آن به صورت واقعی واژه دین محوری اطلاق کرد، لذا ضمن آنکه یکی از راه‌های احیای تمدن نوین اسلامی پیاده‌سازی قوانین الهی در جامعه است، از سوی دیگر باید گفت که بدون پیاده‌سازی قوانین الهی در در زندگی فردی و اجتماعی، نه تنها این مهم به وقوع نخواهد پیوست، بلکه اصولاً نمی‌توان به آن تمدن اسلامی اطلاق کرد. بنابراین یکی از راه‌های اصلی ایجاد تمدن نوین اسلامی تلاش برای پیاده‌سازی قوانین الهی در جامعه اسلامی است. این روند قدرت نفوذ معنوی و نرم تمدن نوین اسلامی را در بین ملت‌ها افزایش داده و جهان اسلام را آماده تبدیل شدن به یک قدرت همسو با منافع امت اسلامی می‌کند.

در واقع باید گفت که نمود عینی تمدن نوین اسلامی در پیاده سازی قوانین الهی متبلور، چهره جهانی امت اسلامی را برجسته تر خواهد کرد.

۱. ایمان و خدااباوری

اولین هدف بعثت پیامبران، دعوت انسان‌ها به یکتاپرستی و ایمان به خدا است. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، ۳۶). «و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده برانگیختیم تا خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید». رسالت پیامبر اعظم (ص) نیز در همین مسیر بود. ایشان در طی ۲۳ سال نبوت، لحظه‌ای از این هدف والا غافل نشد و همه جهادها، جنگ‌ها و دلسوزی‌هایشان برای همین هدف، یعنی خدامحوری و دعوت به سوی خداوند متعال بوده است. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در همه تمدن‌ها، عامل اساسی همه پیشرفت‌ها محسوب می‌شود.

جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی‌شوند. مقام معظم رهبری نقطه اصلی در تمدن اسلامی را ایمان به خداوند سبحان و به معنای عمیق توحید ناب معرفی می‌کنند و معتقدند یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است و ما باید به تعیین هدفی بپردازیم که به آن ایمان پیدا کنیم. ایشان معتقدند که بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی‌شود. اکنون آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). بنابراین، خدامحوری و ایمان به خالق انسان‌ها باید در همه سطوح جامعه اجرا شود و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر اساس آن شکل می‌گیرد.

۲. تعقل و خردورزی

غربی‌ها یکی از ویژگی‌های تمدن جدید غرب را عقل‌گرایی دانسته‌اند. آنها به دیگر ملل این ادعا را باورانده‌اند که گویا عقل از کشفیات آنها در چند سده اخیر بوده است و دیگر فرهنگ‌ها هرگز آن را نمی‌شناختند. در حالی که وقتی غرب در خرافات قرون وسطایی غوطه‌ور بود و جاهلان خردستیز در رأس قدرت با هر نوع خردگرایی به مثابه ضدیت با دین برخورد می‌کردند، اسلام عقل را در بالاترین جایگاه ممکن نشانده است. کدامین مکتب به اندازه اسلام انسان را به تدبّر و تعقل تشویق کرده است؟ در کدامین مکتب، تفکر یک لحظه به منزله عبادت هفتاد سال دانسته شده است؟ و بسیاری دیگر از تعبیر نظیر اینها که در روایات ما وجود دارد هرگز به قلم و بیان و حتی به مخیله هیچ فیلسوف غربی نرسیده است ما در مقابل ادعای عقل‌گرایی غربی‌ها بر این باوریم که به دنبال قرون وسطا همچنان عقل در غرب به گونه‌ای دیگر مهجور است. آثار این مهجوریت در جوامع غربی امروز بر ژرف‌اندیشان مخفی نیست. اگر در قرون وسطا عقل به طور کلی به کناری نهاده شد، در غرب مدرن نیز از سطوح سه‌گانه عقل تنها به سطح نازله آن یعنی به عقل ابزاری بها داده شده است. توجه خاص به عقل ابزاری گرچه آثار خود را در

تسخیر طبیعت و ساخت ابزارهای زندگی و به طور کلی در شکل‌دهی تمدن غربی نشان داده است، اما توجه صرف به بعد ابزارشناسی عقل موجب شده که امروزه غرب شاهد تمدنی کاملاً تهی از محتوای معنوی و تعالی‌بخش باشد. این تمدن، با تفسیر تک‌ساحتی از انسان به رغم صعود سریع، خیلی زود به سن کهولت رسید و دیگر آن پویایی گذشته را ندارد. انتقادهایی که نسبت به ایده‌های ارزش‌گریز، دین‌ستیز و سنت‌ستیز حاکم بر تمدن غرب ابراز می‌شود، همه علایمی هستند از این احساس خطر. ظهور نحل‌های ضد مدرن نظیر پست‌مدرن‌ها، سنت‌گرایان و گرایش مجدد به دین و نفوذ روزافزون اسلام در جوامع غربی علی‌رغم وجود تبلیغات منفی دامنه‌دار علیه آن، نشان‌های واضحی از این واقعیت هستند.

اسلام بر خلاف اندیشه رایج در غرب، هرگونه افراط و تفریط را نفی کرده و راهی را پیش‌روی بشریت قرار داده است که بر اساس آن، در عین حال که عقل و تجربه به عنوان ابزارهای شناخت به رسمیت شناخته شده است، اما هشدار داده که باید توقع از آنها متناسب با توانشان باشد. اسلام اجازه نمی‌دهد عقل ابزاری و تجربه جای عقل عملی، عقل نظری و وحی را بگیرد. اسلام عقل را به عقل ابزاری یا عقل معاش محدود نکرده است، بلکه توجه به سطوح برتر آن یعنی عقل نظری و عقل عملی را نیز لازم دانسته و هرگونه توجه ناقص به عقل را ضد عقل و ناشی از جهالت می‌داند. مهم‌تر از آن، وحی را نیز به عنوان مهم‌ترین منبع معرفت معرفی کرده است.

رهبر معظم انقلاب بر «خردورزی» به عنوان مهم‌ترین بن‌مایه سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. در لسان روایات، یک ساعت اندیشیدن در آغاز و فرجام زندگی و اعتقادات دینی که نوعی خردورزی است، از عبادت چندین ساله برتر شمرده شده است. خداوند در قرآن سیصد مرتبه انسان را به خردورزی دعوت کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ ج ۳، ۵۷). امام خمینی (ره) معتقد به سه سطح برای عقلانیت انسان هستند. الف: «عقلانیت معرفتی»؛ ب: «عقلانیت اخلاقی»؛ ج: «عقلانیت ابزاری» (معینی‌پور و لک‌زایی، ۱۳۹۱: ۶۶-۶۵). از دیدگاه ایشان مراد از عقل مستند به حدیث شریف «العقلُ ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ» (کلینی، بی تا: ج ۱، ۱۱) عقل سلیمی است که بتواند انسان را به ارزش‌های انسانی برساند؛ بنابراین، از دیدگاه ایشان، ممکن است شخصی دانشمند باشد، اما عقل نداشته باشد و دانش خود را صرف فساد و تباه کردن ملت‌ها کند.

مقام معظم رهبری عقلانیت را که یکی از مولفه‌های مهم تمدن اسلامی است، چنین تعریف کرده‌اند: «عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود. عقلانیت به معنای محافظه‌کاری، مسامحه و تساهل نیست». معظم‌له دوری روحانیت غربی از عقلانیت و خردورزی در دوره قبل از رنسانس را عامل اصلی پیدایش تمدن منحرف غربی معرفی می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲).

باید گفت که لازمه اصلی برای پیشرفت یک تمدن و نوسازی بنای آن متناسب با نیازهای زمان و مکان جدید، خردگرایی و ساز و کارهای قانونی است. ریشه تفرقه در بین امت اسلامی، دوری از روش‌های عقلایی و افتادن در دام افراط و تفریط است

که دشمنان جهان اسلام نیز به روش‌های مختلف سعی در هدایت امت اسلامی به سمت افراطی‌گری دارند. خردگرایی و پرهیز از افراطی‌گری سبب می‌شود که در وهله اول امت اسلامی با سرعت و دقت منافع واقعی خود را تشخیص دهند و با حفظ اعتدال و عقلانیت راه‌های وحدت و ریل‌گذاری برای حرکت تمدن نوین اسلامی را فراهم سازد.

۳. علم و آگاهی

سفارش‌های مکرر پیامبر (ص) درباره دانش‌افزایی مسلمانان بسیار فراوان است که گاهی موجب تعجب عموم پژوهشگران شده است (اکبری، ۱۳۹۱: ۲۰). روایاتی مانند «خداوند نیک‌بختی هر کسی را بخواهد، او را در دین دانا گرداند» (بخاری، ۱۹۸۱م، ج ۱، ۲۸)؛ «فرشتگان بال‌های خود را زیر پای دانشجویان می‌گسترانند» (کلینی، ج ۱، بی تا: ۳۴)؛ «دانشمندان وارثان پیامبران‌اند» و «نزدیک‌ترین مردم به درجات نبوت، اهل علم و جهاد هستند» (فیض کاشانی، ۱۳۶۱: ۱۴-۱۳) بیانگر اهمیت علم در اسلام و نزد آن حضرت است. «خوب پرسیدن نیمی از دانش است» (حرانی، ۱۳۸۷: ۹۵). «برای طلب و فراگیری دانش تا چین بروید، پس فراگیری علم برای همه مسلمانان واجب است» (مجلسی، بی تا، ج ۱، ۹۶). پیامبر (ص) برای آزاد کردن بعضی از اسرایی که در جنگ بدر اسیر شدند و پول کافی نداشتند تا خود را آزاد کنند، شرط گذاشت که اگر ده نفر از مسلمانان را باسواد کنند، از قید اسارت آزاد می‌شوند (حسن ابراهیم حسن، ۱۳۸۶: ۴۵۴). اهتمام ویژه اسلام به دانش‌پروری و نیاز به درک صحیح آموزه‌های اسلامی باعث گردید مسلمانان درصدد توسعه علم و دانش و گسترش فرهنگ و پیشرفت تمدن انسانی برآیند و به گسترش تعلیم و تربیت بپردازند (قربانی، ۱۳۷۰: ۶۵).

از این رو، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است. به اعتقاد مقام معظم رهبری، فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه‌آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. ایشان به میزان بسیاری تأکید می‌کنند که علم را باید فراگرفت و به تولید و صدور آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. روش‌شناسی تولید علم از دیدگاه ایشان، اجتهاد به معنای مصطلح، یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است. در این صورت تولید علم می‌تواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی باشد. به اعتقاد ایشان، تحجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

ارزش علم منوط به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هر گونه ارزشی است. زیرا علم بدون معنویت همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است. تمدنی که با روش‌های پیچیده علمی توانست موفقیت‌های بزرگی به دست آورد. اما به لحاظ معنویت دچار عظیم‌ترین خسارت‌ها گردید. تأکید رهبر معظم انقلاب بر علم همراه با معنویت به این دلیل است که علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه‌انگیزی می‌شود. بر عکس زمانی که معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می‌گیرد. مثال گویای سوءاستفاده از علم، استفاده

غیرانسانی ایالات متحده آمریکا از فناوری بالای هسته‌ای در قتل و عام مردم بی‌گناه هیروشیما و ناکازاکی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۲۰).

دیدگاه راهبردی امام (ره) در زمینه علم به عنوان یکی از ارکان و مبانی تمدن نوین اسلامی آن است که همه علوم با نیت الهی، «الهی» محسوب می‌شوند. همچنین تقارن علم با عمل، ضرورتی تام دارد؛ به طوری که علم و عمل دو بالی هستند که انسان را به مقام انسانیت می‌رسانند. بنابراین علم تنها اثر ندارد، بلکه گاهی مضر است و عمل بدون علم، بی‌نتیجه است (موسوی خمینی ج ۸، ۲۶۸). در آثار امام به میزان بسیاری تأکید شده است که علم غیر از ایمان است و تصریح می‌فرمایند: «ممکن است انسان، برهان داشته باشد، ولی در مرتبه کفر و شرک باقی بماند» (تقریرات اردبیلی، بی تا، ج ۳، ۳۵۴).

به جرأت می‌توان فاصله بین کشورهای پیشرفته و توسعه نیافته را در رویکرد آنها به حوزه‌های علمی و بهره‌گیری از دانش در حوزه‌های مختلف جستجو کرد. مهاجرت دانش از درون تمدن اسلامی به سوی غرب از قرون سوم و چهارم اسلامی باعث شد جهان غرب به سمت پیشرفت در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و ... حرکت کند و در مقابل جهان اسلام در یک دوره کم توجهی و بدون ایجاد ارتباط بین بدنه عمومی جامعه و مراکز علمی، مسیر رشد و توسعه را گم کرده و در نهایت راه‌های پیشرفت را در نگاه به غرب و تقلید ناقص از آنها جستجو کند که در این مسیر نیز راه به جای نبرده است.

امروز یکی از راه‌های اصلی احیای تمدن نوین اسلامی، اتکا به دانش دانشمندان جهان اسلام و حرکت در مسیر کشف راه‌های میانبر برای ارتقای علم در درون جوامع اسلامی است. بنابراین جامعه متمدن اسلامی ناگزیر است از مسیر دانش بومی شده، راه به سوی پیشبرد اهداف خود بگشاید و چهره خود را با دانش درون‌زا متحول سازد.

ابتکار و تولید شرط مهم تمدن‌سازی است. روشن است که بدون قرار گرفتن علم و عالمان در جایگاه شایسته، توسعه و پیشرفتی نخواهد بود. اسلام به عنوان خاتم ادیان الهی به بهترین نحو این مقدمه را فراهم کرده است. جایگاه والای علم و عالمان در اسلام، کاملاً روشن است. در حالی که اعراب جاهلی در جنگ‌ها به چیزی جز قتل، غارت و انتقام نمی‌اندیشیدند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فدیة برخی اسیران را که خواندن و نوشتن می‌دانستند، تعلیم اطفال مسلمانان قرار داد. حضرت برخی از اصحاب خود را به تعلیم زبان‌های غیرعربی از قبیل سریانی و عبری و فارسی تشویق کرد. عرب جاهلی که برای علم بهای ناچیزی قایل بود یکباره با کتاب آسمانی مواجه شد که به قلم و نوشتن سوگند یاد کرده بود (سوره قلم) و وحی آسمانی‌اش با «قرائت» و «تعلیم» آغاز می‌شد (سوره علق).

با نگاهی اجمالی به اوضاع حاکم بر زمان ظهور اسلام، عظمت انقلاب فرهنگی اسلام بیشتر روشن می‌شود. در حالی که در قلمرو دو قدرت بزرگ آن دوران، بخصوص ایران، علم طبقاتی و کانالیزه شده بود، اسلام از سویی، کلیه طبقه‌بندی‌ها در عرصه دانش‌اندوزی را برانداخت و فرمود: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» ۵۸ و از سوی دیگر، ضمن امحای کانال‌ها همه را به تدبیر در احوال کائنات و تأمل در آیات الهی دعوت کرد. اسلام به مسلمانان امر کرد حتی در برابر کفار زانوی تلمذ بزنید، از تن‌پروری و تن‌آسایی بپرهیزید و برای فراگیری علوم سخت‌ترین گردنه‌ها را پشت سر بگذارید و به دورترین نقاط عالم سفر

کنید، سخنان را خوب بشنوید و بهترین آنها را انتخاب کنید. با این آموزه‌ها استعدادها شکفته شد، مسلمانان به علم و فرهنگ رغبت پیدا کردند و به دنبال دانستن، هم فکر کردند و هم افکار سایر جوامع را ترجمه، نقد، پالایش و تکمیل کردند. بدین سان، اسلام فرهنگ تساهل در علم‌آموزی را میان مسلمانان ترویج کرد. آنها دیگر اهمیت نمی‌دادند که حکمت، علوم، فنون و صنایع و هنرها را از دست چه کسی یا کسانی می‌گیرند و به وسیله چه کسی ترجمه می‌شود. آنها تعصب‌ها را کنار گذاشتند و برای درک حقیقت و پیشبرد تمدن اسلامی سخت‌ترین زحمات را متحمل شدند. با این فرهنگ‌سازی، مسلمانان در مدت یک قرن و اندی مطالب و علوم به زبان عربی ترجمه کردند که رومیان در مدت چندین قرن از انجام آن عاجز بودند. آری، مسلمانان در ایجاد تمدن شگفت‌آور خود در غالب موارد به همین سرعت پیش رفته‌اند. مسلمانان حتی در فتوحات نیز با مغلوبان متکبرانه برخورد نمی‌کردند و از یافته‌های آنان بهره می‌گرفتند. با این روحیه بود که در همان قرون اولیه جوامع اسلامی به کانون تجمع اندیشمندان و نظریه‌پردازان علوم مختلف انسانی و طبیعی بدل گشت و اندیشمندان زیادی از جوامع مختلف گرد آمدند و یافته‌های خود را به مسلمانان عرضه کردند. مسلمانان نیز بدون آنکه مقهور آنان شوند، آنچه را که سازگار با فرهنگ اسلامی بود، پذیرفته و بسط دادند. بدین سان، اسلام مناسب‌ترین زمینه را برای اکتشافات علمی فراهم ساخت.

اخلاق

مهم‌ترین عامل موفقیت یک تمدن به این است که بتواند بیشترین تعداد افراد و جوامع را با خود همراه سازد. لازمه این مهم برخورداری از ویژگی‌های چندی است که به برخی از آنها اشاره شد. اما مهم‌تر از همه، توان نفوذ در دل‌هاست. این مهم تنها از طریق عقلانی بودن اندیشه میسر نمی‌شود. اصولاً توده مردم این بعد از اندیشه را یا نمی‌فهمند و یا دغدغه آن را ندارند. اسلام ضمن آنکه کاملاً عقلانی است و نخبگان را ارضا می‌کند، برای عموم مردم هم جذابیت دارد. در طول تاریخ نیز توده مردم بیشتر مجذوب این بعد از اسلام شدند. عموم مردم نه از طریق استدلال، بلکه بیشتر با ملاحظه رفتار کریمانه و مهربانانه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اصحاب و مسلمانان عامل به اخلاق کریمه، مسلمان شدند. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ.» (آل عمران: ۱۵۹) از این حیث، اسلام قدرت جذب بسیار بالایی دارد. فتوحات مسلمانان پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و پذیرش وسیع اسلام از سوی مغلوبان نیز بیشتر مدیون این بعد از اسلام بوده است. اسلام دینی است که از این نظر [میزان نفوذ] بزرگ‌ترین ادیان به شمار می‌آید و تأثیر آن را در دل‌های مردم از همه ادیان دیگر بیشتر و محکم‌تر می‌باشد.

اصولاً اسلام مروج ملکات اخلاقی بود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌خود فلسفه بعثت را اتمام مکارم اخلاق معرفی کرده است. اسلام فقط به جنبه‌های اخلاقی و نصیحت و دعوت ایمانی بسنده نکرد، بلکه موجبات کینه‌ها، حسدها و انتقام‌جویی‌ها را از بین برد و وحدت و الفت و یگانگی اجتماعی را در جامعه به وجود آورد. به فرموده ایشان: مثل مؤمنین از لحاظ علائق و عواطف

متبادل که بین ایشان هست، مثل یک پیکر است؛ یک عضو که به درد آید، سایر اعضا یکدیگر را به همدردی می‌خوانند و تب و بی‌خوابی پیدا می‌شود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فراتر از عدالت، اهل رأفت و رحمت بوده است. کسانی که از ظلم و جور صاحبان قدرت به ستوه آمده بودند، یکباره نه تنها شاهد شخصیت برجسته عدالت‌پیشه‌ای همچون نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شدند، بلکه ملاحظه کردند فراتر از آن، این شخصیت با عظمت تا چه میزان مهربان و دلسوز است و تا چه میزان دارای ملکات اخلاقی نیکویی است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به قدری دلسوز و غمخوار مردم بود که قرآن کریم در چندین آیه به آن تصریح فرموده است؛ از جمله می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه: ۱۲۷).

علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۴: ۱۶-۱۵). قرآن مسأله اخلاق را در ردیف اهداف اصیل عامه نبوت می‌داند و زندگی انسان را در ساحت اخلاق، زندگی سعادت‌مند و زندگی بدون اخلاق را متضرر می‌داند (عصر: ۱). اخلاق یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌های بارز تمدن نوین اسلامی است. رهبر انقلاب شرط اصلی ساختن یک تمدن پیشرفته و دارای کمترین اشکالات را معنویت متکی بر دین اسلام می‌داند و معتقدند که معنویت دینی زمینه‌ساز شناخت استعدادها و بهره‌گیری مناسب از آن‌ها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد و با کمترین آسیب خواهد بود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴).

ایشان در زمینه اینکه اخلاق چیست و وجود و عدم آن در جامعه چه نقش دارد؟ می‌فرمایند: «اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند». اخلاق که از دیدگاه ایشان مهندسی و مدیریت لایه دوم وجود آدمی را بر عهده دارد، عبارت است از هوای لطیف، یعنی انسان‌ها به همان مقدار به اخلاق نیاز دارند که به هوا، نه به آب و نه به غذا (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹). بنابراین در سایه محیط سالم است که تمدن شکل می‌گیرد.

۴. تلاش جهادی

پایه‌گذاری، تکوین و گسترش تمدن‌ها فقط در پرتو تلاش مستمر انسان‌ها میسر است و یکی از مولفه‌های بارز تمدن‌ها، تلاش و کوشش مستمر افراد آن است. در منابع اسلامی از این تلاش مستمر با عنوان مجاهدت یاد شده است که تأثیری بس عظیم در رشد و دوام تمدن اسلامی دارد. این واژه در فرهنگ قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته و در مقاطع مختلف دستور به مجاهدت در همه امور داده است. چنانچه مفسران واژه جهاد در آیه «فَلَا تَطْعَمُ الْكٰفِرِيْنَ وَجَاهِدُوْهُمْ بِجِهَادٍ كَبِيْرٍ» (فرقان/۵۲) را به معنی مجاهدت علمی دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۷، ص ۲۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۱۰۶؛ الوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۳۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۸۲). بر این اساس در بیان مقام معظم رهبری، واژه مجاهدت واژه‌ای استراتژیک است که با توجه به آثار عمیق آن در رشد و دوام تمدن نوین اسلامی، در مناسبت‌های مختلف همه را به مجاهدت در همه امور دعوت کرده‌اند. ایشان با استناد به آیه «وَالَّذِيْنَ جَاهَدُوْا فِیْنَا لَنُهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَاِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِيْنَ» (عنکبوت: ۶۹) معتقدند که در صورت

مجاهدت، حصول موفقیت و دریافت تأییدات الهی قطعی است. در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مجاهدت فوق با تلاش معمولی بسیار تفاوت دارد که اصلی‌ترین تفاوت آن با تلاش معمولی با استناد به آیه فوق، موضوع مهم اخلاص است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲ و ۱۳۹۱/۱۲/۱۴). در آیه فوق با توجه به قید «فینا» و تأکید «لَتَهْدِيَنَّهُمْ» به صراحت درباره همه امور جهادی که در جهت رضای الهی باشد، وعده موفقیت قطعی و نصرت الهی داده شده است. بنابراین، مجاهده یکی از ارکان شکل‌گیری تمدن اسلامی است. مقام معظم رهبری با مطرح کردن جهاد سیاسی، جهاد اقتصادی و جهاد علمی، مسلمانان را تشویق به مجاهدت می‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در اندیشه آن حضرت، جهاد در همه زمینه‌ها موجب پیشبرد اهداف متعالی می‌شود و در مقابل دشمن عقب‌نشینی نمی‌شود.

۵. مردمسالاری

مردم‌نقشی بی‌بدیل در تمدن اسلامی دارند. در مکتب سیاسی امام و رهبری، هویت انسانی، هم‌ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. از این رو، مردم‌سالاری در مکتب سیاسی امام که از متن اسلام گرفته شده است، مردم‌سالاری حقیقی است؛ مانند مردم‌سالاری امریکایی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگری ذهن‌های مردم نیست. مردم با رأی، اراده، خواست و با ایمان راه و مسئولان خود را نیز انتخاب می‌کنند. مقام معظم رهبری اوج مردمی بودن حکومت امام (ره) را در به رأی گذاشتن قانون اساسی در اوایل انقلاب می‌دانند و معتقدند که رأی مردم تعیین‌کننده است و این به دلیل کرامت آن‌هاست که به واسطه دین از ناحیه خداوند متعال به آنان واگذار شده است. مردم‌سالاری از متن دین برخاسته است. از «امرهم شوری بینهم» (شورا: ۳۸) و «هو الّذی ایدک بنصره و بالمؤمنین» برخاسته است.

۶. پرهیز از تحجر

تحجر یکی از موانع و بازدارنده‌های جدی نوآوری و شکوفایی در تمدن نوین اسلامی است که باید به شدت از آن پرهیز کرد. متحجر کسی است که در مقابل نوآوری و تحول انعطاف نشان نمی‌دهد و اندیشه‌های همسو با اندیشه خود را می‌پذیرد و از پذیرش اندیشه دیگران اجتناب می‌ورزد (مروتی، ۱۳۹۱: ۱۵۹). در تاریخ اسلام خوارج اولین گروهی بودند که به تحجر و مطلق‌انگاری مبتلا شدند. امام علی (ع) با تعبیر تندی درباره آن‌ها فرمودند: «من می‌کوشم که دردها را با شما درمان کنم، در حالی که شما خود درد بی‌درمان شده‌اید. کسی را مانند شده‌ام که خار در پایش خلیده است و او ناگزیر است با کمک خاری دیگر، خار را از پای بیرون کشد؛ و حال اینکه می‌داند آن خار در جای خار اول بشکند» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۲۰). مقام معظم رهبری دو عنصر اساسی را در ایجاد تمدن اسلامی، همانند سایر تمدن‌ها لازم می‌داند: یکی تولید فکر، دیگری پرورش انسان. رهبر انقلاب ضمن حمایت از طرح الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت آن را نیازمند جرأت، شجاعت و انگیزه بسیار قوی می‌داند که در این میان فکر و اندیشه، روح اصلی این حرکت است. «باید در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، بر چهار حوزه

فکر، علم، معنویت و زندگی تأکید شود که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه حوزه‌ها است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴).

۷. پویایی و رشد اقتصادی

از دیگر مولفه‌های تمدن اسلامی، ایجاد رفاه عمومی برای مسلمانان به نحوی عادلانه است. بدون شک رفاه عمومی از لوازم و زمینه‌های شکل‌گیری تمدن‌هاست است، مسلک اقتصادی اسلام خاص و فقط در اسلام وجود دارد و آن این است که سیاست کلی اقتصاد باید ایجاد رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در بین تک تک افراد جامعه باشد. به اعتقاد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «در واقع مؤلفه‌های این مجموعه مسئله ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان است؛ از قبیل رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی ...» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۵/۱۲ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

۸. عدالت اجتماعی

عدالت به عنوان یکی از والاترین ارزش‌ها همیشه بخش قابل توجهی از دغدغه‌ها و آرزوهای انسان را به خود اختصاص داده است. در دین مبین اسلام، عدالت چنان اهمیتی دارد که جزو اصول دین قرار گرفته است. بخش عظیمی از آیات و روایات مستقیم و یا غیر مستقیم به این موضوع اختصاص یافته است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در تعظیم عدالت می‌فرماید: عدالت میزان و ترازوی خداوند در زمین است، هر که آن را دریابد به بهشت رود و هر که آن را رها سازد به دوزخ افتد (حر عاملی، ج ۱۱، ۳۱۰).

ای مردم! به درستی که پروردگار شما یکی است و به درستی که پدر همه شما یکی است؛ همه شما فرزند آدم هستید و آدم نیز از خاک به وجود آمده است. عرب بر غیرعرب هیچ فضل و برتری ندارد و برتری فقط به تقواست (بن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۳۴).

ساعتی عدالت‌پیشگی از عبادت هفتاد سال که در آن شب‌هایش به ادای نماز و روزه‌هایش به روزه‌داری سپری شود، بهتر است. و ساعتی به جور حکم کردن در نزد خدا از گناهان شصت سال قبیح‌تر است (بن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۳۴). آن حضرت تنها از عدالت نگفت، بلکه بیش از همه در اجرای عدالت مصر بود. سیره عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تجلی‌گاه عدالت بود. علی‌علیه‌السلام درباره جریان عدالت در زندگانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: سیره او میانه‌روی و اعتدال، و سستش رشد و تکامل، و سخنش جداکننده حق از باطل، و حکم و فرمانش به عدل و درست‌کاری است (نهج البلاغه: خطبه ۹۳).

در عرصه اجتماعی، عدالت شرط احراز بسیاری از مسئولیت‌های اجتماعی است. به هر میزان مسئولیت سنگین‌تر باشد، متناسب با آن بر برخورداری از عدالت تأکید شده است. اسلام با پرچم عدالت‌خواهی در زمانه و زمینه‌ای ظهور کرد که ظلم و جور عالم‌گیر شده بود. سلاطین خود را به جای خدا نشانده بودند و به اسم خدا دست به هر جنایتی می‌زدند. زورمندان زیردستان را به استضعف و بردگی کشانده بودند. جنگ‌های خونین چندین و چند ساله با بهانه‌های واهی، انسان‌های زیادی را به خاک

مذلت نشانه بود و کینه، حسد، تفاخر و بسیاری از رذایل دیگر، در عمق فرهنگ‌ها ریشه دوانده بود. در چنین وضعیتی، مظلومان که در اکثریت بودند با شنیدن صدای دلتوازد عدالت‌گرایانه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، خود را به وی می‌رسانیدند و وقتی صداقت و پاکی را در تمام وجود آن حضرت می‌دیدند، عاشق و دلباخته وی می‌گشتند. بدین‌سان، رسول حق در مدت کوتاهی با تحمل سخت‌ترین مرارت‌ها توانست انقلاب عظیمی را در عصر جاهلیت بر پا کند. وی با نفی افکار، آیین‌ها و ارزش‌های ظالمانه جاهلی و قومی و قبیله‌ای، خونی و نژادی، مالی و طبقاتی، شرک و بت‌پرستی، و در هم شکستن ساختارها و مناسبات مبتنی بر آنها، اساس نظامی عادلانه و انقلابی را پی‌ریخت. نهضت او که یک انقلاب تمام‌عیار بود، به تغییرات عمیق و اساسی در ذهنیت‌ها و عینت‌های حاکم انجامید. این سخن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است که می‌فرماید: خداوند به سبب اسلام ارزش‌ها را تغییر داد. بهای بسیار چیزها را که در سابق پایین بود، بالا برد و بهای بسیار چیزها را که در گذشته بالا بود، پایین آورد. بسیاری از افراد در نظام غلط جاهلیت محترم بودند و اسلام آنها را سرنگون کرد و از اعتبار انداخت، و بسیاری در جاهلیت حقیر و بی‌ارزش بودند، اسلام آنها را بلند کرد. امروز مردم همان‌طور شناخته می‌شوند که هستند. اسلام به آن چشم به همه نگاه می‌کند که سفید و سیاه، قرشی و غیر قرشی، عرب و عجم همه فرزندان آدم‌اند و آدم هم از خاک آفریده شده است. گرچه تمام آنچه را که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله درصدد تعلیم و اجرای آن بود عملی نشد و بعد از رحلت وی انحراف بزرگی در اندیشه و عمل مسلمانان پدیدار گشت و بسیاری از افکار جاهلی مجدداً احیا شد، اما به همان میزان که از آموزه‌های الهی آن حضرت در میان افکار عمومی جامعه باقی ماند، آثار مبارک خود را نشان داد. مسلماً در نبود آن ارتجاع ویرانگر، همه عالم از چشمه گوارای اسلام سیراب می‌شدند و امروزه بشریت با این همه سیاه‌روزی مواجه نبود.

پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مسلمانان دست به فتوحات گسترده‌ای زدند. نحوه برخورد مسلمانان با مغلوبان بر خلاف رویه جنگ‌های مرسوم، توأم با عدالت و رأفت و احترام به آنها بود. این وضعیت برای ملل مغلوب بی‌سابقه و باور نکردنی بود. مسلمانان با آنان به گونه‌ای برخورد می‌کردند که حتی حاکمان و فرماندهانشان، چنین رفتاری با آنان نداشتند. رمز موفقیت مسلمانان در جنگ‌ها بیش از آنکه مبتنی بر زور شمشیر و تجهیزات نظامی باشد، متکی بر رفتار اسلامی بود. یکی از نویسندگان در مقایسه میان هجوم اسکندر به ایران و مسلمانان به ایران می‌نویسد: اسکندر ... شخصی بود جاه‌طلب، مادی، عیاش و خودسر. آنچه می‌کرد برای خود می‌کرد. ولی رهبر با عظمت عرب بزرگواری بود روحانی، ساده، بی‌غرض. آنچه می‌نمود در آن سعادت بشر را می‌خواست. اسکندر ... در پرسپولیس قتل عام نمود، سغد را ویرانه ساخت، گنجینه‌ها را غارت کرد، کاخ‌های شاهان و بزرگان را سوزاند و این نتیجه عداوت و نفرت و مادیت او بود. برعکس، رهبر عرب چون لشکری به عزم می‌فرستاد، سفارش می‌فرمود: زنان، کودکان، پیران، رهبانان را آزار نرسانند، جای کسی را بی‌لزم ویران نکنند، کشت را نسوزانند، درختان را تا مجبور نشوید قطع نکنید... اسکندر امپراتوری خود را وسیله اتحاد ملل تصور می‌کرد که تصور باطلی بود، ولی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله آموزش اسلام را اساس اتحاد بشر می‌دانست که عملی گشت. ملل مختلف و نژادهای گوناگون با زبان‌هایی که از همدیگر کاملاً جدا بودند، به نام مسلم یگانه شدند.

قرآن کریم غایت ارسال پیامبران را اقامه عدالت معرفی می‌کند. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). در این آیه عدالت را وصف کل مردم آورده است که خود دلیل اهمیت بسیار حضور روح عدالت‌ورزی در تمدن اسلامی است. در تاریخ یکی از عوامل اصلی زوال تمدن‌ها ظلم بوده است که نقطه مقابل عدالت است. اگر ما بگوییم کشور را ثروتمند می‌کنیم، اما ثروت‌ها در گوشه‌ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری از مردم نیز دست‌شان خالی باشد، با عدالت نمی‌سازد. پُر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم‌ترین و سخت‌ترین مسئولیت است و همه برنامه‌ریزان، قانون‌گذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این موضوع را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند. مقام معظم رهبری در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی درباره عدالت اجتماعی می‌فرمایند: «از همه این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص‌هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادی‌شان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به هیچ وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴ و ۱۳۸۳/۳/۱۸ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

۹. دوری از اقتصاد ربوی

در قرآن کریم، مسائل اقتصادی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مطرح شده است. در قرآن، اهداف اقتصادی (مانند عدالت اقتصادی، فقرزدایی و غیره) مبانی اقتصاد (پایان‌ناپذیری منابع)، محوریت انسان در منافع جهان، مالکیت حقیقی خداوند، تضمین روزی همگان، و اصالت آخرت، اصول اقتصادی (میان‌روی تعاون، همراهی اقتصاد با ارزش‌های الهی و اخلاقی و نفی ربا و غیره) و نیز نظریه‌پردازی اقتصادی (تأثیر امور معنوی در رشد اقتصادی و غیره) مطرح شده است (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۱). با توجه به آیات قرآن، اقتصاد و جمع‌آوری ثروت و ویژه‌خواری، هدف نیست، بلکه مقدمه رسیدن به اهداف عالی است. «ای اهل ایمان! یقیناً بسیاری از عالمان یهود و راهبان، اموال مردم را به باطل می‌خورند و همواره [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند؛ و کسانی را که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، به عذاب دردناکی مژده ده» (توبه، ۳۴). از دیدگاه قرآن، سرمایه وسیله تولید و کار است. از این رو نباید به صورت گنج ذخیره‌سازی شود یا وسیله رباخواری شود که مانع رشد اقتصادی است. «ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی‌مانده رها کنید. و اگر چنین نکردید به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید» (بقره: ۲۷۹-۲۷۸).

۱۰. تلاش، کار و ابتکار (خلافت)

اسلام هرگز کار و تلاش را جدا از پرستش و عبادت نمی‌داند. در این اندیشه انسان فعال مورد عنایت خداوند و اولیای او هستند و افرادی که از زیر کار شانه خالی می‌کنند، مورد طرد و لعن ایشان هستند. بر این اساس مقام معظم رهبری بیان کرده است: «کار به معنای وسیع کلمه، شامل کار یدی، کار جسمی، کار فکری و کار علمی و کار مدیریتی، در واقع محور پیشرفت و حرکت و حیات مستمر جامعه است. این را باید همه بدانیم. اگر کار نباشد، سرمایه، مواد و انرژی و اطلاعات، هیچ کدام برای انسان مفید نخواهد بود. کار است که مانند روحی می‌دمد در سرمایه، در انرژی، در مواد اولیه و آن را تبدیل می‌کند به یک موجود قابل مصرف تا انسان‌ها بتوانند از آن استفاده کنند. ارزش کار این‌هاست. در اسلام کار، عبادت و ارزش شمرده شده است.» در دنیای اقتصادی کنونی، فقط با کار و تلاش شبانه‌روزی و خلاقیت و ابداع و نوآوری می‌توان تمدن نوین اسلامی را پیش برد.

۱. رسانه‌های مدرن، هنر و سینما

مسجد در صدر اسلام به عنوان مهم‌ترین رسانه جمعی و محل انتشار اخبار و عقاید محسوب می‌شد، بنابراین، در گسترش تمدن اسلامی نقش مؤثری را ایفا کرد. بعد از آنکه تمدن اسلامی با رکود مواجه شد، تمدن غربی در صنعت رسانه‌های جمعی به پیشرفت‌های بزرگی نائل گردید. امروزه با وجود فناوری‌های پیشرفته ارتباطی که غالباً از سوی تمدن غربی گسترش می‌یابد، فاصله زمانی و مکانی بین جوامع از بین رفته است و تمدن غربی از این طریق به دنبال نهادینه کردن سبک زندگی غربی و اشاعه زشتی‌ها در میان سایر جوامع است. قرآن کریم درباره اشاعه زشتی در تمدن اسلامی این گونه هشدار داده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور، ۱۹)، «کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت [مانند آن تهمت بزرگ] در میان اهل ایمان شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت، و خدا [آنان را] می‌شناسد و شما نمی‌شناسید». از این رو، رسانه‌های مدرن و قوی برای مقابله با فرهنگ و سبک منحرف غربی و نیز برای صادر نمودن ارزش‌ها و مبانی اسلام در تمدن نوین اسلامی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. به همین دلیل مقام معظم رهبری در مناسبت‌های مختلف بر تقویت رسانه‌های مدرن در تمدن نوین اسلامی تأکید می‌کند و در خصوص حمله رسانه‌ای تمدن غربی هشدار می‌دهند. برای مثال اصطلاح «جنگ نرم» در نگاه معظم‌له بیانگر هجوم بی‌امان رسانه‌ای تمدن غربی برای استحاله فرهنگی کشورهای مسلمان و حتی سایر کشورها است.

ایشان درباره سوءاستفاده گسترده غرب از ابزار هنر به ویژه هنرهای نمایشی و سینما می‌فرمایند: «سیاستمداران غربی با استفاده از این روش، به دنبال سلیقه‌سازی و ترویج سبک زندگی غربی در سایر جوامع هستند». ایشان همچنین درباره اهمیت صنعت فیلم‌سازی برای انتقال فرهنگ‌ها بحث می‌کنند که تمدن غربی به اهمیت آن پی برده است و اکنون در حال پیاده‌سازی نیت درونی خود برای تسلط بر سایر فرهنگ‌ها هستند و در این کار بر اساس کار کارشناسی و با استفاده از جامعه‌شناسان، روانشناسان و مورخان، ضعف‌های ملت‌ها به‌ویژه ملت‌های اسلامی را بررسی می‌کنند. همچنین با شناخت راه‌های تسلط بر آن‌ها، ساخت

فیلم‌های خاصی را به فیلم‌سازان سفارش می‌دهند که در این زمینه همه مسئولان و مردم باید از فرهنگ اصیل خود و کشور مراقبت کنند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲).

۱۲. بهبود روابط بین‌الملل

ارتباطات بین جوامع در دنیای کنونی بسیار پیچیده شده است و جوامع به ناچار با یکدیگر ارتباط دارند. در تمدن‌های گذشته به علت محدودیت جمعیت و نیازهای آنان، اگر تمدنی به هر دلیلی با سایر تمدن‌ها ارتباط نداشت، شاید دچار اختلال‌های شدیدی در میان جامعه نمی‌شد. زیرا ارتباط جوامع با یکدیگر کم و در حد معاملات پایاپای بود. اما در دنیای کنونی وضعیت برعکس شده و میزان ارتباط جوامع با یکدیگر بسیار افزایش یافته است و بسیاری از صاحبان قدرت از این طریق بر سایر ملت‌ها تأثیر می‌گذارند. برای مثال در صنعت نفت که موضوعی جهانی است، منافع همه کشورها آنچنان درهم‌تنیده شده است که با کوچک‌ترین اتفاقی در جهان، بازار آن دچار نوسان می‌شود. بر این اساس در تمدن نوین اسلامی به دو دلیل به روابط با سایر تمدن‌ها نیاز است: موضوع اول همان بحث رفع نیازهای افراد جامعه است؛ زیرا ممکن است در تمدن اسلامی کالایی به اندازه رفع نیاز داخلی وجود نداشته باشد و از طریق این رابطه، به جبران آن کمبود پرداخت. اما موضوع دوم که از طریق روابط بین‌الملل باید آن را مورد توجه قرار داد، موضوع انتقال مبانی نظری انسان‌ساز و جامعه‌ساز اسلام است تا بدین وسیله مقدمه ظهور منجی عالم بشریت فراهم شود. همان ذخیره الهی که تمدن نوین اسلامی را تا درجه‌های پیش خواهد برد. مقام معظم رهبری با تأسی بر مبانی فکری و معرفتی امام خمینی (ره) بر دیپلماسی بین‌المللی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. ایشان از جهانی بودن مکتب سیاسی امام خمینی (ره) یاد می‌کنند که به دنبال صادر نمودن استقلال و عزت انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورها بود. به اعتقاد ایشان نوع صدور پیام مکتب اسلام توسط امام (ره) به بشریت با آنچه آمریکا و سایرین با زور و توسل به بمب اتم به دنبال آن هستند، بسیار تفاوت دارد. در مکتب سیاسی، امام فکر درست و سخن جدید خود را با تبیین در فضای ذهن بشریت رها می‌کند. معظم‌له حرکت‌های پدید آمده در فلسطین و سایر کشورها را تحت تأثیر پیام جهانی انقلاب اسلامی ایران می‌داند که توسط بنیانگذار انقلاب در پیکره تاریخ تنیده شده است. به همین جهت موضوع فلسطین در اندیشه ایشان، موضوعی شخصی بین فلسطین و اسرائیل نیست، بلکه به همه مسلمانان مربوط می‌شود (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۱۸).

۱۳. احکام فقهی جامع و متناسب با نیازهای بشر

دین اسلام که به عنوان دین خاتم معرفی شده است (احزاب، ۴۰) باید برای هر مسئله جدیدی که در تمدن نوین اسلامی در خصوص نیازهای بشر مطرح می‌شود، راهکار داشته باشد و این امر به جامعیت قوانین اسلام باز می‌گردد. مقام معظم رهبری نیز بر این نکته تأکید دارند که در حوزه‌های علمیه باید افرادی مسلط به دانش‌های مورد نیاز برای پاسخگویی به نیازهای جدید پرورش یابند. وی می‌فرماید: وقتی در جامعه ما صدها نفر شخصیت دارای دانش دین و مسلط بر منطق و استدلال دینی در فلسفه و کلام و فلسفه جدید و محاجه با شبهه‌افکنان وجود داشته باشند، ببینید چه اتفاق عظیمی در جامعه می‌افتد. وقتی به

وسیله همین مجموعه، هزاران کتاب، مجله و مقاله‌های علمی در سطح دنیا با زبان‌های مختلف منتشر شود، شما ببینید چه خورشید فروزانی از این نقطه عالم بر همه فضای فکری جهان بشری پرتو خواهد افکند. تحقق همه این امور میسر است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۳/۲۲).

مهم‌ترین مشکل تمدن کنونی غرب این است که نگاهش به انسان تک‌ساحتی است و همین نقیصه نیز آن را به ورطه سقوط سوق داده است. اضمحلال مارکسیسم که خود بخشی از تمدن غرب به شمار می‌آید، محصول همین نگاه تک‌ساحتی به انسان بود. همین عامل در لیبرالیسم نیز به گونه‌ای دیگر وجود دارد و آثار مخرب آن امروزه کاملاً نمایان شده است. اما در اندیشه اسلامی انسان صرفاً موجود طبیعی نیست. تفاوت انسان با حیوان به نحوه راه رفتن و یا به عقل ابزاری‌اش خلاصه نمی‌شود، بلکه تفاوت انسان با حیوان در بعد معنوی و برخوردارگی از روح جاودانی و داشتن عقل متعالی‌اش است که این دو عنصر موجب شد انسان از سویی مسئول رفتار و پیامدهایش باشد و با این ویژگی سعادت و شقاوت دنیوی و اخروی خود را پی‌ریزی کند و از سوی دیگر، به موجودی ابدی و زوال‌ناپذیر تبدیل گردد، به گونه‌ای که با مرگ بعد طبیعی‌اش، نابود نشود و همچنان باقی بماند. این نگاه به انسان نیز فرهنگ و تمدن خاصی را نتیجه می‌دهد. در این تمدن کلیه نیازهای فردی و اجتماعی و مادی و معنوی انسان مورد توجه قرار می‌گیرند و ابزارها و اقدامات متناسب با آن نیازها تدارک دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

از جمله مولفه‌های تمدن اسلامی که اندیشمندان و مورخان اسلامی در تاریخ اسلام بیان کردند عبارت‌اند از محوریت قوانین قرآنی، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت در راه خدا، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، دوری از ربا و تکاثر، ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل و صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری را مطرح نمودند تا تمدن اسلامی پویا شود و در رقابت با دنیای مدرن غرب باقی بماند و پویایی خود را حفظ کند. به نظر می‌رسد گسترش تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته‌جمعی نیاز دارد که در سایه وحدت، انضباط، کار، تلاش، ایمان به خدا، خلاقیت، عقلانیت، توانایی علمی و داشتن رسانه‌های قوی به وجود می‌آید. البته شاید بتوان گفت مولفه اصلی تمدن اسلامی بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمی: تهران، انتشارات پیراسته.
- نهج‌البلاغه، (۱۳۸۶)، ترجمه حسین انصاریان، تهران: پیام آزادی.
- آدمی، ابرقویی، (۱۳۸۷)، درآمدی بر دانشگاه تمدن ساز اسلامی؛ بایسته‌های نظری، مقدمه: محمدباقر، - خرمشاد، تهران: انتشارات دفتر برنامه ریزی و مطالعات فرهنگی.

- ابن کثیر، اسماعیل عمرو، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، جلد ۶، تحقیق: محمد حسین شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم، (۱۴۱۴ق)، لسان‌العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۷۵)، مقدمه؛ ترجمه محمدپروین گنابادی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۵ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم الدار الشامیه.
- اکبری، مرتضی، (۱۳۹۰)، درآمدی بر آموزش در اسلام و ایران. ایلام: جوهر حیات.
- امام خمینی (ره)، سید روح الله، (۱۳۷۷)، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- الوسی، سیدمحمود، (۱۴۱۵ق)، روح‌المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، جلد ۱۰، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بابایی، حبیب‌اله، (۱۳۹۰)، تمدن و تجدد، قم: پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.
- بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم، (۱۹۸۱م)، صحیح بخاری، جلد ۱، استانبول: انتشارات معاصر.
- حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (دام عزه العالی)، بیانات، (بر گرفته از سایت www.khamenei.ir)
- جان احمدی، فاطمه، (۱۳۸۸)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف.
- جعفری، علامه محمدتقی، (۱۳۷۳)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، جلد ۶. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حرّانی، شیخ ابو محمد، (۱۳۸۷)، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه صادق حسن زاده، چاپ دهم، قم: انتشارات آل علی.
- حسن، ابراهیم حسن، (۱۳۸۶)، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران: بدرقه جاویدان.
- دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی، (۱۳۸۴)، اخلاق اسلامی، قم: معارف، ویراست دوم.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۹۰)، مقاله: قرآن و اقتصاد، پژوهشنامه معارف قرآن کریم، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۱۱.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۴)، کارنامه اسلام، چاپ نهم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- سپهری، محمد، (۱۳۸۵)، تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران: نورالثقلین.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۳ و ۱۴، ترجمه: موسوی همدانی - سید محمد باقر، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۷، تحقیق: رضا ستوده، تهران: فراهانی.
- عمید، حسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران: انتشارات اشجع.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، العین، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت.
- فوزی، یحیی و صنم زاده، محمود رضا، (۱۳۹۱)، «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، سال سوم، شماره ۹.

- فیض کاشانی، محمدحسن بن‌الشاه مرتضی، (۱۳۶۱)، کتاب‌العلم (ارزش دانش و دانشمند در اسلام)، ترجمه اسدالله ناصح، بی‌نا.
- قربانی، زین العابدین، (۱۳۷۰)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی.
- قرشی، علی اکبر، (۱۳۸۶)، قاموس قرآن، چاپ پانزده، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی رازی، ابوجعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق، (بی‌تا)، اصول کافی، جلد ۱ و ۲، تعلیقات محمد آخوندی، تهران: حیدری.
- گوستاولوبون، (بی‌تا)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران: اسلامیه
- لوکاس، هنری، (۱۳۸۴)، تاریخ تمدن، جلد ۱، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، چاپ ششم، تهران: سخن.
- مجلسی، علامه محمدباقر، (بی‌تا)، بنادرالبحار، (بحارالانوار)، جلد ۱، ترجمه علی نقی فیض الاسلام، تهران: انتشارات فقیه.
- مدیریت حوزه علمیه قم، (۱۳۸۳)، درآمدی بر آزاد اندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، قم: انتشارات مرکز حوزه علمیه قم.
- مروتی، سهراب و فرشته دارابی، (۱۳۹۲)، «واکاوی بازدارنده‌های فردی خلاقیت در سبک زندگی اسلامی با رویکردی بر قرآن کریم و حدیث»، مجموعه مقالات برگزیده هفتمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی ۹۲، تهران: انتشارات اسوه.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معینی پور، مسعود و رضا لک زایی، (۱۳۹۱)، «ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
- ولایتی، علی اکبر، (۱۳۸۴)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: وزارت امور خارجه.

از تعالیم ائمه تا شکوفایی فرهنگ اسلامی: تحلیل تاریخی تمدن اسلامی

اعظم حسین پور اصل، رقیه صادقی نیری، سمانه عزیزی علویجه

چکیده

مقاله حاضر به بررسی تأثیر تعالیم ائمه معصومین بر شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی می‌پردازد. تعالیم ائمه به‌ویژه در زمینه‌های علم، اخلاق و هنر، نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت فرهنگی مسلمانان داشته است. با تأکید بر اهمیت علم و دانش، ائمه معصومین به ترویج مراکز علمی و آموزشی کمک کردند و به‌این‌ترتیب، پایه‌گذار پیشرفت‌های علمی در جوامع اسلامی شدند. علاوه بر این، تأکید بر رفتارهای نیکو و فداکاری در زندگی اجتماعی، تأثیر عمیقی بر اخلاق اجتماعی مسلمانان گذاشت. همچنین، تأثیرات تعالیم ائمه بر هنر و ادبیات اسلامی، منجر به خلق آثار ماندگاری شد که هنوز هم در فرهنگ اسلامی مورد توجه قرار دارند. این مقاله با تحلیل تاریخی این تأثیرات، به درک عمیق‌تری از نقش ائمه در شکل‌گیری و توسعه فرهنگ اسلامی می‌پردازد و به‌ضرورت بازنگری در آموزه‌های ایشان در دنیای معاصر اشاره می‌کند.

واژگان کلیدی: فرهنگ اسلامی، ائمه معصومین، علم، اخلاق، هنر، تمدن اسلامی

۱. مقدمه

تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی به‌ویژه در دوره‌های اولیه آن، به‌طرز چشم‌گیری تحت تأثیر تعالیم ائمه معصومین قرار داشته است. ائمه معصومین به‌عنوان الگوهای دینی و اخلاقی، نه تنها به ترویج آموزه‌های اسلامی پرداخته‌اند، بلکه نقش مهمی در شکل‌گیری و توسعه فرهنگی و علمی جوامع اسلامی ایفا کرده‌اند. به‌عنوان مثال، امام علی (ع) به تبعیت از قرآن در نهج البلاغه بارها بر اهمیت علم تأکید می‌کند. این نگرش به علم، موجب شکل‌گیری مراکز علمی و آموزشی در جوامع اسلامی شد که به گسترش علوم مختلف کمک کرد.

تأثیر تعالیم ائمه معصومین در زمینه‌های مختلف از جمله علوم طبیعی، ریاضی و فلسفی، به‌وضوح قابل مشاهده است. همچنین، این تعالیم در شکل‌دهی به هویت فرهنگی مسلمانان و ترویج ارزش‌های انسانی و اخلاقی، نقش اساسی ایفا کرده است. به‌عنوان مثال، امام حسین (ع) با قیام عاشورا، ارزش‌های انسانی و اجتماعی را تقویت کرده و مسلمانان را به رعایت اصول اخلاقی فراخوانده است.

با این حال، چالش‌هایی نیز در این زمینه وجود دارد. بررسی چگونگی تأثیر تعالیم ائمه بر رفتار اجتماعی و اخلاقی مسلمانان و مقایسه آن با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، نیازمند تحلیل‌های عمیق‌تری است. از این رو، مسأله اصلی این مقاله این است که چگونه تعالیم ائمه معصومین به‌عنوان منابع اصلی فکری و فرهنگی مسلمانان، نقش کلیدی در شکل‌دهی به هویت اسلامی و ترویج ارزش‌های انسانی ایفا کرده‌اند و نقش ائمه معصومین در شکل‌دهی به هویت فرهنگی مسلمانان چگونه بوده است؟ آیا تعالیم ائمه معصومین می‌تواند به‌عنوان الگویی برای جوامع معاصر در ترویج علم و اخلاق مورد استفاده قرار گیرد؟ این مقاله بر آن است تا با بهره‌گیری از مستندات تاریخی و فرهنگی، به تحلیل تأثیرات تعالیم ائمه معصومین بر شکوفایی فرهنگ اسلامی بپردازد و به درک عمیق‌تری از نقش آن‌ها در تاریخ اسلام دست یابد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱) فرهنگ

واژه فرهنگ که در زبان انگلیسی (culture) و در عربی ثقافه نامیده می‌شود، از واژه‌های پر بحثی است که تعاریف مختلفی برای آن بیان شده است. برخی از تعاریف مطرح شده برای فرهنگ عبارتند از: مایکل گیلسون، فرهنگ را «مجموعه‌ای از قواعد ناشناخته و چیزهایی که به عنوان امور طبیعی گرفته می‌شوند و در واقع به مسائل غیرعلمی بستگی دارند» می‌داند (گیلسون، ۱۹۸۰: ۲۳). رولف لنتون نیز مفهوم فرهنگ را به عنوان مسائل بنیادی می‌داند که ویژگی روشنی به افراد یک جامعه می‌دهند و آن‌ها را به صورت یک گروه متمایز با زبان، آداب و رسوم و دین خاص درمی‌آورد (لنتون، ۱۹۵۲: ۱۵).

در فرهنگ سخن، فرهنگ چنین تعریف شده است: «فرهنگ: پدیده کلی پیچیده‌ای از گرداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است» (انوری، ۲۰۰۵: ۸۶۹).
علی اکبر ولایتی در کتاب تاریخ و تمدن اسلامی، فرهنگ را مجموعه‌ای از سنت‌ها، آداب و اخلاق فردی یا خانوادگی اقوامی می‌داند که پابندی ایشان به این امور باعث تمایز آن‌ها از دیگر اقوام و قبایل می‌شود. (ولایتی، ۲۰۰۱: ۱۹).

۲-۲) تمدن

تمدن در زبان انگلیسی (civilization) و در عربی حصاره خوانده می‌شود و در لغت به معنای شهرنشینی و از ریشه مدینه و مدنیت گرفته شده و به معنای دیگر، متخلق شدن به شهرنشینی یا خوی و خصلت شهرنشینی به خود گرفتن است. «در زبان‌های بیگانه نیز کلمه تمدن (civilization) از کلمه (civita) که در مقابل وحشی گری قرار گرفته و از کلمه civilis که معنی شهرنشینی دارد، گرفته شده است.

برای واژه تمدن نیز همانند فرهنگ معانی و تعاریف گوناگونی وجود دارد:

ابن خلدون تمدن را حالت اجتماعی انسان می‌داند. از نظر او، جامعه‌ای که با ایجاد حاکمیت، نظم پذیرفته و مناصب و پایگاه‌های حکومتی تشکیل داده تا بر حفظ نظم نظارت نماید و از حالت زندگی فردی به سوی زندگی شهری و شهرنشینی روی آورده و موجب تعالی فضایل و ملکات نفسانی، چون علم و هنر شده، حایز «مدنیت» است (ابن خلدون، ۱۹۷۲: ۱۱).
انوری تمدن را «مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین یا حالات پیشرفته و سازمان‌یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است» می‌داند (انوری، ۲۰۰۵: ۳۳۷).

از دیدگاه دهخدا، تمدن عبارت است از: «تخلقی به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت» (دهخدا، ۱۳۷۵: ۴۵).

۲-۳) عناصر شکل‌گیری تمدن

برای شکل‌گیری یک تمدن، عناصر متعددی تأثیرگذار است، از جمله:

۱. علم: یکی از اساسی‌ترین ارکان شکل‌گیری تمدن است که در اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار است. قرآن تأکید زیادی بر آن دارد: « قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ بگو: «آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟» (زمر، ۹)

۲. نظم: یعنی آراستگی و قرار گرفتن هر چیزی در جای مناسب خود، به طوری که پیوستگی و هماهنگی ایجاد شده، مجموعه‌ای را به سوی هدف مشترک سوق می‌دهد.

۳. امنیت: به معنای آرامش و احساس راحتی است که در سایه حکومت و قانون و نظم حاصل می‌شود و تا این عنصر حاصل نگردد، به وجود آمدن تمدن ممکن نخواهد بود.

۴. وحدت: این عنصر در پیشرفت تمدن‌ها نقش عظیمی را ایفا کرده است؛ به گونه‌ای که اگر همکاری انسان‌ها منتفی باشد، جوامع از هم گسیخته و به بدویت منتهی خواهند شد.

۵. عناصر دیگر: در کنار عوامل فوق، می‌توان به رفاه نسبی، نگرش فرا قومی، اخلاق، صبوری و حلم اشاره کرد که در شکل‌گیری تمدن مؤثر می‌باشند.

با توجه به عوامل فوق، می‌توان گفت بدون این عناصر نمی‌توان تمدنی را انتظار داشت و دین اسلام به‌ویژه در قرآن و روایات تأکیدات فراوانی بر عناصر تمدن‌ساز داشته است.

۲-۴) قرابت معنای فرهنگ و تمدن اسلامی

به طور کلی، تمدن با واژه فرهنگ قرابت دارد و گاهی این دو به جای هم به کار می‌روند یا هر کدام طوری استعمال می‌شود که معنای دیگری در آن مشاهده می‌شود. هنگامی که این دو در مقابل هم قرار می‌گیرند، باید فرق این دو را شناخت. تمدن بیشتر به ظواهر زندگی اجتماعی توجه دارد، اما آنجا که پای معنا به میان می‌آید، با فرهنگ ارتباط پیدا می‌کند.

چون در زندگی اجتماعی اغلب این دو با هم هستند، جدا کردن حیثیت مادی از حیثیت معنوی آن مشکل است. بنابراین، وقتی می‌گوییم تمدن اسلامی، یعنی آن ویژگی‌های زندگی اجتماعی که متأثر از اسلام است. البته گاهی وقتی می‌گویند تمدن اسلامی، منظور تمدن مسلمان‌هاست و نسبت دادن به اسلام فقط از آن روست که کسانی که این کارها را انجام داده‌اند، مسلمان هستند.

مقام معظم رهبری در رابطه با فرهنگ فرموده‌اند: «منظور ما از فرهنگ، عقاید و اخلاق است. برخلاف ما که وقتی در محاوراتمان واژه فرهنگ را می‌گوییم، بیشتر آداب و رسوم و زبان فارسی و این حرف‌ها به ذهنمان می‌آید و وقتی ده درصد بودجه کشور را برای فرهنگ می‌گذارند، متأسفانه صرف همین‌ها می‌شود. بنابراین فرهنگ باورها و ارزش‌هاست و مسائل دیگر جنبه فرعی و ثانوی دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

۲-۵) عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ و تمدن

به نظر می‌رسد امری که بنیاد به عنوان فرهنگ تلقی شود، باید غالباً تحت یکی از عناوین پنجگانه‌ای که در ادامه می‌آید، قرار گیرد. بر این اساس، اموری را که از این پنج عنوان خارج هستند، اگرچه مرسوم و رواج‌یافته باشند، نوعاً نمی‌توان تحت عنوان فرهنگ قرار داد و آن‌ها را جزئی از فرهنگ جامعه قلمداد کرد؛ این پنج عنوان که اساس فرهنگ یک جامعه را تشکیل می‌دهند عبارتند از:

۱. **عقاید و باورها:** مراد از عقاید و باورها در اینجا، «باورهای قدسی» و عقایدی است که شامل ایمان به غیب می‌شوند، نه عقیده و باور به معنای «رأی و نظر». آگاهی و جهان‌بینی مقبول در یک جامعه و گرایش‌های فطری به امور معنوی، پایگاه اصلی سازنده عقاید دینی به حساب می‌آیند.

۲. نگرش‌ها: منظور از نگرش، برداشت، تلقی و قضاوت نهایی یک فرد درباره یک مفهوم، پدیده یا شخص است. نگرش ممکن است مطابق یا مغایر با برخی از آگاهی‌های فرد باشد و نوعی جمع‌بندی و برداشت منتخب از آگاهی‌ها است.

۳. علائق و گرایش‌ها: تمایلات و علاقمندی‌های افراد نیز جزء اموری است که می‌تواند به عنوان عناصر کلیدی فرهنگ تلقی شود. گرایش اگرچه یک امر درونی و شخصی محسوب می‌شود، ولی هنگامی که بروز و ظهور بیرونی پیدا می‌کند، قابل شناسایی خواهد بود.

۴. رفتارها و آداب شخصی: نوع رفتارهای شخصی افراد یک جامعه و آدابی که نحوه رفتار انسان را در موقعیت‌های مختلف زندگی شخصی تعیین می‌کنند، یکی از مهم‌ترین بخش‌های فرهنگ به حساب می‌آیند.

۵. آیین و رسوم اجتماعی: منظور آن دسته از آداب اجتماعی است که چگونگی تعاملات انسان را در مناسبات اجتماعی و زندگی جمعی تعیین می‌کند. رسوم مربوط به اظهار غم و شادی، سوگواری‌ها و اعیاد از اهم این آیین‌ها به حساب می‌آیند.

۳ تعالیم ائمه معصومین

تعالیم ائمه معصومین به‌عنوان الگوهای دینی و اخلاقی، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به فرهنگ اسلامی ایفا کرده است. این تعالیم نه‌تنها به ترویج آموزه‌های اسلامی پرداخته‌اند، بلکه به‌طور مستقیم بر توسعه علمی و فرهنگی جوامع اسلامی تأثیر گذاشته‌اند.

۱-۳. تأکید بر علم و دانش

تأکید ائمه معصومین بر علم و دانش نه‌تنها به‌عنوان یک آموزه دینی، بلکه به‌عنوان یک ضرورت فرهنگی و اجتماعی در جوامع اسلامی مطرح است. این تعالیم باعث شدند تا مسلمانان به‌دنبال علم و دانش بروند و در این مسیر، به پیشرفت‌های علمی و فرهنگی چشمگیری دست یابند. در واقع، این تأکید بر علم و دانش به‌عنوان یک پایه‌گذار برای توسعه تمدن اسلامی عمل کرده و به‌عنوان الگویی برای نسل‌های بعدی باقی مانده است.

۲-۳. علم به‌عنوان ارزش والای انسانی

امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «علم بهتر از مال است؛ «علم محافظت‌توست، اما مال را تو باید محافظت کنی» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۲). این بیان نشان‌دهنده ارزش والای علم در نظر ایشان است. علم به‌عنوان یک منبع قدرت و شناخت، فرد را قادر می‌سازد تا در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات زندگی به‌درستی عمل کند. به‌عنوان مثال، در زمان امام علی (ع)، ایشان بر اساس علم و دانش خود، در جنگ‌ها و قضاوت‌ها به‌خوبی عمل کرده و به‌عنوان یک رهبر عادل شناخته شدند.

۳-۳. تربیت و آموزش

ائمه معصومین به‌ویژه امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نقش کلیدی در تربیت دانشمندان و فلاسفه اسلامی داشتند. امام باقر (ع) به‌عنوان یک عالم بزرگ، به‌ویژه در زمینه‌های فقه و تفسیر قرآن، تأثیرگذار بود. او با تأسیس حوزه‌های علمی و تربیت

شاگردان، به گسترش علوم مختلف کمک کرد. به عنوان مثال، او به شاگردانی چون زید بن علی و ابوحنیفه آموزش داد و به نوعی پایه گذار فقه اسلامی شد.

امام صادق (ع) نیز با تربیت شاگردانی چون جابر بن حیان، به توسعه علم شیمی کمک کرد و به نوعی پایه گذار علم تجربی در اسلام شد. همچنین، او در زمینه های فلسفه و کلام نیز تأثیرگذار بود و به عنوان یکی از بزرگ ترین فلاسفه اسلامی شناخته می شود.

۳-۴. تأکید بر پرسشگری

ائمه معصومین همچنین بر اهمیت پرسشگری و تحقیق تأکید داشتند. امام صادق (ع) در یکی از سخنان خود می فرماید: «علم، نور است و نوری که در دل انسان می تابد، او را به حقیقت نزدیک می کند» (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۵). این رویکرد موجب شد تا مسلمانان به دنبال کشف حقایق علمی و فلسفی باشند و در این مسیر تلاش های زیادی انجام دهند. به عنوان مثال، در دوران شکوفایی علم در دوران عباسی، بسیاری از دانشمندان مسلمان تحت تأثیر تعالیم ائمه، به تحقیق و نوآوری در علوم مختلف پرداختند.

۳-۵. توسعه علوم مختلف

توسعه علوم مختلف تحت تأثیر تعالیم ائمه معصومین، نه تنها به گسترش دانش در جوامع اسلامی کمک کرد، بلکه زمینه ساز پیشرفت های علمی و فرهنگی در تاریخ اسلام شد. این تأکید بر علم و دانش به عنوان یک اصل اساسی در تعالیم ائمه، به ویژه در دوران های مختلف تاریخ اسلام، به عنوان الگویی برای نسل های آینده باقی مانده است. ائمه معصومین، به ویژه امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، نقش کلیدی در توسعه و گسترش علوم مختلف در تاریخ اسلام ایفا کردند.

۳-۶. تأسیس مکتب های علمی

امام باقر (ع) به عنوان یکی از پیشگامان علم در تاریخ اسلام، با تأسیس مکتب علمی در مدینه، به گسترش فقه و تفسیر قرآن پرداخت. او با تربیت شاگردانی چون زید بن علی و ابوحنیفه، به ترویج علوم دینی و فقهی کمک کرد.

۳-۷. توسعه علم کلام و فلسفه

امام صادق (ع) نیز به عنوان یک عالم بزرگ، در زمینه های کلام و فلسفه تأثیرگذار بود. او با تربیت شاگردانی چون هشام بن حکم و مؤمن طاق، به تبیین مباحث فلسفی و کلامی پرداخت. امام صادق (ع) در مباحثی چون وجود خدا، صفات الهی و معاد، نظریات جدیدی را مطرح کرد که به عنوان مبنایی برای تفکر فلسفی در جهان اسلام شناخته می شود.

۳-۸. پیشرفت در علوم تجربی

امام صادق (ع) به ویژه در زمینه علم شیمی و علوم طبیعی نیز تأثیرگذار بود. او به عنوان یکی از بنیان گذاران علم شیمی در اسلام شناخته می شود و جابر بن حیان، یکی از بزرگ ترین شیمی دانان تاریخ، از شاگردان او بود. جابر با استفاده از تعالیم امام

صادق (ع)، به تحقیق و نوآوری در علم شیمی پرداخت و اصول علمی جدیدی را معرفی کرد که پایه‌گذار علم تجربی در جهان اسلام شد.

۴- تحلیل تاریخی تأثیرات تعالیم ائمه معصومین بر فرهنگ اسلامی

تأثیرات تعالیم ائمه معصومین در دوران‌های مختلف تاریخی، از صدر اسلام تا عصر معاصر، قابل مشاهده است. این تأثیرات نه تنها به‌عنوان اصول اخلاقی و اجتماعی در تاریخ اسلام شناخته می‌شوند، بلکه به‌عنوان مبنای فکری و فرهنگی برای جوامع اسلامی عمل کرده‌اند.

۴-۱. دوران صدر اسلام

در دوران صدر اسلام، تعالیم ائمه معصومین به‌عنوان مبنای اخلاقی و اجتماعی در جامعه نوپای اسلامی عمل کرد. این دوران که با ظهور پیامبر اسلام (ص) و سپس جانشینی امام علی (ع) آغاز شد، شاهد شکل‌گیری اصول بنیادین دین اسلام و تأثیرات عمیق آن بر زندگی اجتماعی مسلمانان بود.

۴-۱-۱. نقش امام علی (ع)

امام علی (ع)، به‌عنوان نخستین امام و وصی پیامبر (ص)، با تأکید بر عدالت، علم و اخلاق، پایه‌گذار اصول اجتماعی و فرهنگی در جامعه اسلامی شد. او در خطبه‌های نهج البلاغه، به‌ویژه در خطبه ۱۳۲، به اهمیت علم و دانش تأکید کرده و می‌فرماید: «علم بهتر از مال است، زیرا علم نگهداری می‌کند و مال باید نگهداری شود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲، ترجمه: دشتی، ۱۳۷۷).

۴-۱-۲. تأثیرات اجتماعی تعالیم

تعالیم ائمه معصومین، به‌ویژه تعالیم امام علی (ع) و امام حسن (ع)، موجب شکل‌گیری یک جامعه متعهد به اصول اخلاقی و انسانی شد. امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر، بر اهمیت عدالت و انصاف در حکومت تأکید می‌کند و می‌گوید: «باید در برابر مردم، همچون پدر مهربان و دلسوز باشید» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ترجمه: دشتی، ۱۳۷۷).

۴-۱-۳. تعالیم امام حسین (ع)

تعالیم امام حسین (ع) نیز در این دوران تأثیر بسزایی داشت. او با قیام عاشورا، نه تنها علیه ظلم یزید قیام کرد، بلکه یک الگوی فرهنگی و اجتماعی برای نسل‌های آینده ایجاد کرد. امام حسین (ع) در سخنرانی‌های خود، بر اهمیت حقوق‌طلبی و ایستادگی در برابر ظلم تأکید می‌کرد و می‌فرمود: «هرگز نمی‌توانم زیر بار ذلت بروم» (مجلسی، ۱۴۰۳).

۴.۱.۴. تأسیس مراکز علمی

در این دوران، تعالیم ائمه معصومین به‌عنوان مبنای علمی و فقهی برای مسلمانان عمل کرد. امام علی (ع) و سپس امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به‌عنوان معلمان و راهنمایان دینی، نقش مهمی در آموزش و تربیت نسل‌های آینده داشتند. این امر به‌ویژه در دوران امام باقر (ع) و امام صادق (ع) توسعه یافت، که در آن‌ها مراکز علمی و فقهی شکل گرفت و تعالیم ائمه به‌عنوان مبنای آموزش علوم مختلف مورد استفاده قرار گرفت (آملی، ۱۴۰۰، ص ۴۵).

۱.۴.۵. تأثیرات فرهنگی

تعالیم ائمه معصومین در دوران صدر اسلام، به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، تأثیر عمیقی بر زندگی مسلمانان گذاشت. این تعالیم موجب شکل‌گیری آداب و رسوم خاصی در میان مسلمانان شد که هنوز هم در جوامع اسلامی مشاهده می‌شود. برای مثال، مراسم عاشورا به‌عنوان یک رویداد فرهنگی و اجتماعی، به‌ویژه در میان شیعیان، به‌عنوان نماد حق‌طلبی و مبارزه با ظلم شناخته می‌شود (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۰).

۲-۴ دوران اموی

دوران اموی (۶۶۱ق) به‌عنوان یکی از مقاطع حساس تاریخ اسلام، شاهد تحولات عظیمی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود. این دوره، که با خلافت معاویه بن ابی‌سفیان آغاز شد، به‌دلیل سیاست‌های استبدادی و فساد سیاسی، زمینه‌ساز بروز نارضایتی‌ها و قیام‌های متعددی در میان مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، شد. تعالیم ائمه معصومین در این دوران به‌عنوان ابزاری برای مقاومت در برابر ظلم و فساد حکام مورد استفاده قرار گرفت.

۱-۲-۴. استبداد و فساد در حکومت اموی

حکومت اموی به‌دلیل تمرکز قدرت در دست یک خاندان و نادیده گرفتن حقوق مسلمانان غیر عرب، به‌ویژه ایرانیان و سایر اقوام، با نارضایتی‌های گسترده‌ای مواجه شد. معاویه به‌عنوان نخستین خلیفه اموی، با استفاده از روش‌های استبدادی و سرکوب مخالفان، سعی در تثبیت قدرت خود داشت. او با ایجاد نظامی از ترس و ارعاب، مخالفان خود را سرکوب کرد و به‌ویژه شیعیان را تحت فشار قرار داد (بزرگ‌نیا، ۱۳۹۵: ۷۸).

۲-۲-۴. قیام عاشورا و تأثیرات آن

قیام عاشورا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ اسلام، نه‌تنها به‌عنوان یک حرکت سیاسی بلکه به‌عنوان یک الگوی فرهنگی و اجتماعی برای مسلمانان مطرح شد. امام حسین (ع) با قیام خود علیه یزید، به‌دنبال احیای اصول اسلامی و دفاع از حقوق مردم بود. او در خطابه‌ای پیش از قیام خود، به‌وضوح هدفش را بیان می‌کند: «من برای اصلاح امت جدم قیام کرده‌ام» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ ق: ۸۹/۴).

۳-۲-۴. نقش ائمه معصومین در مقابله با ظلم

تعالیم ائمه معصومین در این دوران به‌عنوان مبنای فکری و اخلاقی برای مقاومت در برابر ظلم و فساد حکام اموی عمل کرد. امام زین‌العابدین (ع)، پسر امام حسین (ع)، در این دوران به‌عنوان یک شخصیت محوری، با تأکید بر دعا و عبادت، به‌دنبال حفظ هویت اسلامی و شیعی بود. او در دعای معروف خود، «دعای ابوحمزه ثمالی»، به اهمیت استقامت و پایداری در برابر ظلم اشاره می‌کند و می‌فرماید: «خدایا، من به تو پناه می‌برم از ظلم و ستم» (طبرسی، ۱۳۸۷: ۲۱۰).

۴.۲.۴. تأسیس مکتب‌های علمی

دوران اموی همچون شاهد شکل‌گیری مکتب‌های علمی و فقهی بود که به‌ویژه تحت تأثیر تعالیم ائمه معصومین قرار داشتند. امام صادق (ع) و امام باقر (ع) با تأسیس مراکز علمی و تربیت شاگردان، به گسترش علوم اسلامی و فقه شیعه کمک کردند. این مکتب‌ها به‌عنوان پایگاهی برای آموزش و پرورش نسل‌های آینده عمل کردند و تأثیرات عمیقی بر توسعه علوم اسلامی گذاشتند (آملی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۲).

۵.۲.۴. قیام مختار

قیام مختار ثقفی به‌عنوان یک واکنش به ظلم امویان و به‌ویژه انتقام خون امام حسین (ع) شناخته می‌شود. مختار با تأسیس حکومتی در کوفه، تلاش کرد تا عدالت را برقرار کند و قاتلان امام حسین (ع) را مجازات کند. این قیام به‌عنوان نمادی از مقاومت در برابر ظلم و فساد حکام اموی، تأثیر عمیقی بر تاریخ اسلام گذاشت (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۶: ۱۴۵).

۳-۴. دوران عباسی

دوران عباسی (۷۵۰ق) یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخ اسلام است که با تحولات فرهنگی، علمی و اجتماعی قابل توجهی همراه بود. این دوره، به‌ویژه در زمینه گسترش علوم و فنون، تأسیس مراکز علمی و فرهنگی و همچنین بسط فرهنگ اسلامی، تأثیرات عمیقی را بر جوامع اسلامی و غیر اسلامی گذاشت. تعالیم ائمه معصومین در این دوران به‌عنوان مبنای فکری و اخلاقی برای مقابله با ظلم و فساد و همچنین گسترش علم و دانش عمل کرد.

۱-۳-۴. تأسیس خلافت عباسی

خلافت عباسی با سرنگونی حکومت اموی و تأسیس پایتخت جدید در بغداد آغاز شد. این شهر به‌سرعت به‌عنوان مرکز علمی و فرهنگی جهان اسلام شناخته شد و در آن زمان، محققان و دانشمندان از نقاط مختلف جهان به این شهر جذب شدند. عباسیان با تأکید بر علم و دانش، سعی در ایجاد یک دولت فرهنگی و علمی داشتند. آن‌ها به‌ویژه از تعالیم ائمه معصومین بهره‌برداری کردند تا اصول اسلامی را در سیاست و جامعه پیاده کنند (بزرگ‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۱۲).

۲-۳-۴. گسترش علم و فرهنگ

دوران عباسی به‌عنوان عصر طلایی علم و فرهنگ اسلامی شناخته می‌شود. در این دوران، مراکز علمی مانند بیت‌الحکمه در بغداد تأسیس شد که محل تجمع دانشمندان و محققان بود. امامان معصوم، به‌ویژه امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، به‌عنوان پیشگامان علم و دانش، تأثیرات عمیقی بر این روند داشتند. امام صادق (ع) به‌عنوان یک فقیه و عالم بزرگ، مکتب فقهی و علمی خود را تأسیس کرد که تأثیرات آن تا به امروز ادامه دارد (آملی، ۱۴۰۰: ۱۵۰).

۳-۳-۴. تأثیرات اجتماعی و سیاسی

در این دوران، تعالیم ائمه معصومین به‌عنوان مبنای اخلاقی و سیاسی برای حکومت عباسیان عمل کرد. عباسیان به‌دنبال مشروعیت بخشی به حکومت خود، به‌ویژه از طریق نسبت دادن خود به اهل بیت (ع) بودند. آن‌ها با استفاده از تعالیم ائمه معصومین، سعی در جلب حمایت مردم و ایجاد یک دولت اسلامی داشتند. (رحیم‌پور ازغدی ۱۳۹۶: ۲۰۰).

۴-۳-۴. قیام‌های شیعی

دوران عباسی همچنین شاهد قیام‌های متعددی از سوی شیعیان بود. این قیام‌ها به دلیل نارضایتی از ظلم و بی‌عدالتی‌های حکومت عباسی شکل گرفت. یکی از مهم‌ترین این قیام‌ها، قیام زید بن علی (ع) در سال ۷۴۰ میلادی بود که به دنبال احیای اصول اسلامی و حقوق اهل بیت (ع) صورت گرفت. زید بن علی (ع) در این قیام به‌وضوح بر حق‌طلبی و مبارزه با ظلم تأکید می‌کند و می‌گوید: «من برای احیای دین جدم قیام کرده‌ام» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۰).

۴-۳-۵. تأسیس مکتب‌های علمی و فقهی

در دوران عباسی، مکتب‌های علمی و فقهی به‌ویژه در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی و انسانی توسعه یافتند. امامان معصوم به‌ویژه امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) با تأسیس مراکز علمی و تربیت شاگردان، به گسترش علوم اسلامی کمک کردند. این مکتب‌ها به‌عنوان پایگاهی برای آموزش و پرورش نسل‌های آینده عمل کردند و تأثیرات عمیقی بر توسعه علوم اسلامی گذاشتند (آملی، ۱۴۰۰: ۱۷۵).

۴-۴. دوران معاصر

دوران معاصر اسلام، به‌ویژه از قرن نوزدهم میلادی به بعد، با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عمیق و متنوعی همراه بوده است. این دوره، شاهد بروز جنبش‌های اسلامی، تأسیس دولت‌های ملی، و همچنین چالش‌های جدیدی مانند استعمار و جهانی‌سازی است. تعالیم ائمه معصومین در این دوران به‌عنوان منبع الهام و راهنمایی برای بسیاری از جنبش‌های اسلامی و اصلاح‌طلبانه عمل کرده است.

۴-۴-۱. تأثیر استعمار و واکنش‌های اسلامی

در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، بسیاری از کشورهای اسلامی تحت تأثیر استعمار قدرت‌های غربی قرار گرفتند. این وضعیت باعث بروز نارضایتی‌های گسترده و شکل‌گیری جنبش‌های ضد استعماری شد. در این راستا، تعالیم ائمه معصومین به‌عنوان مبنای فکری برای مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی مورد استفاده قرار گرفت. به‌عنوان مثال، سید جمال‌الدین اسدآبادی (مشهور به افغانی) با تأکید بر وحدت مسلمانان و بازگشت به اصول اسلامی، سعی در احیای هویت اسلامی و مقابله با استعمار داشت (محمودی، ۱۳۹۸: ۴۵).

۴-۴-۲. بیداری اسلامی و جنبش‌های اصلاح‌طلبانه

دوران معاصر همچنین شاهد بیداری اسلامی و جنبش‌های اصلاح‌طلبانه بود. این جنبش‌ها به دنبال احیای ارزش‌های اسلامی و پاسخ به چالش‌های مدرنیته بودند. یکی از شخصیت‌های مهم این دوره، آیت‌الله خمینی (ره) بود که با تأکید بر اصول اسلامی و عدالت اجتماعی، به رهبری انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی پرداخت. او در سخنرانی‌های خود به‌طور مکرر به تعالیم ائمه معصومین اشاره می‌کرد و می‌گفت: «ما باید به اصول اسلامی و زندگی ائمه (ع) بازگردیم» (خمینی، ۱۳۶۰: ۱۱۲).

۴-۴-۳. تحولات اجتماعی و فرهنگی

تحولات اجتماعی در دوران معاصر، به‌ویژه در کشورهای اسلامی، شامل تغییرات در نظام‌های آموزشی، حقوق زنان و توسعه اقتصادی بود. بسیاری از اصلاح‌طلبان اسلامی به‌دنبال ایجاد توازن بین مدرنیته و اصول اسلامی بودند. به‌عنوان مثال، محمد عبده در مصر با تأکید بر ضرورت آموزش و علم، سعی در ایجاد تغییرات مثبت در جامعه اسلامی داشت (عبده، ۱۳۳۹: ۷۸).

۴-۴-۴. چالش‌های جهانی و واکنش‌های اسلامی

در قرن بیست و یکم، چالش‌های جدیدی مانند تروریسم، بنیادگرایی و اختلافات مذهبی در جوامع اسلامی به‌وجود آمد. در این راستا، بسیاری از علمای مسلمان به‌ویژه از میان شیعیان، به‌دنبال تبیین اصول اسلامی و مقابله با این چالش‌ها بودند. به‌عنوان مثال، آیت‌الله سیستانی در عراق با تأکید بر ضرورت وحدت مسلمانان و عدم خشونت، سعی در ایجاد یک رویکرد مسالمت‌آمیز در برابر چالش‌های موجود داشت (سیستانی، ۱۳۸۳: ۲۵).

۴-۴-۵. نقش رسانه‌ها و تکنولوژی

با پیشرفت تکنولوژی و ظهور رسانه‌های اجتماعی، تعالیم ائمه معصومین به‌راحتی در دسترس عموم قرار گرفته و به‌عنوان ابزاری برای ترویج فرهنگ اسلامی و مقابله با افراط‌گرایی مورد استفاده قرار گرفته است. این ابزارها به‌ویژه در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران، نقش مهمی در تبیین اصول اسلامی و گسترش آگاهی‌های دینی ایفا کرده‌اند (موسوی، ۱۴۰۱: ۹۰).

۴-۴-۶. راهکارهای بهره‌برداری از تعالیم ائمه معصومین در دنیای معاصر

بهره‌برداری از تعالیم ائمه معصومین در دنیای معاصر نیازمند تلاش‌های مشترک در زمینه‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی است. با اجرای این راهکارها، می‌توان به بهبود شرایط اجتماعی و فرهنگی جوامع اسلامی کمک کرد و به ترویج ارزش‌های انسانی و اسلامی پرداخت. بهره‌برداری از تعالیم ائمه معصومین در دنیای معاصر می‌تواند به بهبود شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع اسلامی کمک کند. در ادامه، چند راهکار عملی ارائه می‌شود:

۱. ترویج فرهنگ عدالت اجتماعی

آموزش و آگاهی: برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای تبیین مفهوم عدالت اجتماعی بر اساس تعالیم ائمه معصومین. فعالیت‌های اجتماعی: تشویق جوانان به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و خیریه با محوریت کمک به مستضعفان و نیازمندان.

۲. تقویت وحدت اسلامی

گفت‌وگوهای بین‌مذهبی: برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌ها برای گفت‌وگو و تبادل نظر بین مذاهب مختلف اسلامی. تأکید بر مشترکات: تولید محتوا و رسانه‌هایی که بر مشترکات اسلامی تأکید دارند و به ترویج همبستگی میان مسلمانان می‌پردازند.

۳. احیای ارزش‌های اخلاقی

برنامه‌های فرهنگی: راه‌اندازی برنامه‌های فرهنگی و هنری که به ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی ائمه معصومین بپردازند. تشویق به رفتارهای نیکو: ایجاد کمپین‌هایی برای تشویق رفتارهای اخلاقی در جامعه، مانند صداقت، احترام و حسن‌نیت.

۴. استفاده از فناوری‌های نوین

رسانه‌های دیجیتال: استفاده از رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آنلاین برای نشر تعالیم ائمه معصومین و تبیین آنها در قالب محتوای جذاب.

برنامه‌های آموزشی آنلاین: راه‌اندازی دوره‌های آموزشی آنلاین برای معرفی تعالیم ائمه معصومین به نسل جوان.

۵. پشتیبانی از عدالت قضایی

حمایت از نهادهای حقوق بشری: همکاری با نهادهای حقوق بشری برای ترویج عدالت و حقوق بشر در جوامع اسلامی.

آموزش حقوقی: برگزاری دوره‌های آموزشی برای وکلا و قضات بر اساس اصول اسلامی و تعالیم ائمه معصومین.

۶. توسعه روحیه خدمت به جامعه

تشویق به کار داوطلبانه: ایجاد فرصت‌های داوطلبانه برای جوانان تا بتوانند به جامعه خدمت کنند و از آموزه‌های ائمه معصومین در این راستا بهره‌برداری کنند.

حمایت از پروژه‌های اجتماعی: سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اجتماعی که به بهبود کیفیت زندگی مردم کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به بررسی تأثیر تعالیم ائمه معصومین بر شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی پرداخته و نشان داد که این تعالیم نه تنها به‌عنوان مبنای فکری و اخلاقی مسلمانان عمل کرده‌اند، بلکه به‌طور مستقیم بر توسعه علم، هنر و نظام‌های اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار بوده‌اند.

تأکید بر عدالت اجتماعی، اخلاق و فضایل انسانی، و همچنین ایجاد مراکز علمی و فرهنگی، اصولی هستند که در تاریخ اسلام به‌عنوان الگوهای موفق شناخته می‌شوند. قیام عاشورا و دیگر نهضت‌های اجتماعی نیز به‌عنوان نمادهایی از حق‌طلبی و مقاومت در برابر ظلم، تأثیرات عمیقی بر فرهنگ اسلامی گذاشته‌اند.

در دنیای معاصر، بهره‌برداری از این تعالیم می‌تواند به بهبود شرایط اجتماعی و فرهنگی جوامع اسلامی کمک کند. از طریق ترویج فرهنگ عدالت، تقویت وحدت اسلامی، احیای ارزش‌های اخلاقی و استفاده از فناوری‌های نوین، می‌توان به تحقق اهداف انسانی و اسلامی نزدیک‌تر شد.

به‌طور کلی، تعالیم ائمه معصومین به‌عنوان میراثی گرانبها برای نسل‌های آینده باقی مانده و همچنان الهام‌بخش حرکت‌های اجتماعی و فرهنگی در جوامع اسلامی هستند. این تعالیم می‌توانند به‌عنوان الگوهایی برای مواجهه با چالش‌های معاصر و ارتقاء سطح زندگی اجتماعی و فرهنگی مسلمانان مورد استفاده قرار گیرند.

منابع و مأخذ:

آملی، محمدحسن‌زاده. (۱۴۰۰) فقه اهل بیت. قم: انتشارات اسلامی.

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۹۷۲). مقدمه ابن خلدون. بیروت: دارالفکر.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق) تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق) مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهرآشوب)، قم، علامه.

ابن هشام، محمد. (۱۴۰۰) سیره النبی. بیروت: دارالکتب الاسلامیه.

انوری، مهدی (۲۰۰۵). فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

بزرگنیا، محمد. (۱۳۹۵) تاریخ تحولات سیاسی اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). بیانات در دیدار با جوانان. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۰) صحیفه نور. تهران: انتشارات امام خمینی.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۵). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رحیم‌پور ازغدی، حسن. (۱۳۹۶) تاریخ قیام‌ها و نهضت‌های اسلامی. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

سیستانی، علی. (۱۳۸۳) تبیین اصول اسلامی و اجتماعی. قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.

شهیدی، سید جعفر. (۱۳۹۲) تاریخ اجتماعی اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۷) مکارم الاخلاق. تهران: انتشارات اسلامی.

عبد، محمد. (۱۳۳۹) اسلام و مدرنیته. بیروت: دارالمعارف.

گیلسون، مایکل (۱۹۸۰). فرهنگ و فلسفه. نیویورک: انتشارات دانشگاه نیویورک.

محمودی، حسن. (۱۳۹۸) جنبش‌های اسلامی در عصر معاصر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

موسوی، محمد. (۱۴۰۱) رسانه‌های اجتماعی و فرهنگ اسلامی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳) بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

لنتون، رولف (۱۹۵۲). فرهنگ: مفهوم و تعاریف. لندن: انتشارات آکسفورد

ولایتی، علی اکبر (۲۰۰۱). تاریخ و تمدن اسلامی. تهران: انتشارات سروش.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



خاستگاه تعلیم و تربیت اسلامی در بستر تمدن اسلامی با تکیه بر مراکز آموزشی و کتابخانه‌ها

مهری بسناس^۱، پرویز صلاحی^۲

۱- استادیار، دکتری تاریخ، گروه معارف، الهیات، دانشگاه تبریز، ایران Email: m.basnas@tabrizu.ac.ir

۲- استادیار، دکتری علوم تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه شمس، تبریز، ایران Email: p.salahi@yahoo.com

چکیده

تعلیم و تربیت از دیرباز جزو جدانشدنی زندگانی مردم سراسر دنیا از ازل تا به امروز بوده است. با ظهور اسلام در سرزمین عربستان و توصیه‌های پدرانه پیامبر عظیم الشان اسلام به‌ویژه در امور تربیت و تعلیم و در بین مردم زمان پیامبر باعث شد که نگاه‌های جدیدی به این مقوله مهم حیات بشری پیدا شود. این نگرش‌های جدید و روش‌های عملی پیامبر اسلام موجب ایجاد یک مکتب جدید تربیتی در تمدن اسلامی شد. ایجاد مراکز متعدد آموزشی و راه‌اندازی کتابخانه در صدر اسلام نیز موجب شکوفایی علم و دانش به‌مرورزمان در پهنه گسترده کشورهای اسلامی به‌ویژه ایران نیز گردید. تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی زمینه هدایت افراد بشر است. در این مطالب از روش کتابخانه‌ای و منابع چاپی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: اسلام، تمدن، مراکز آموزشی، حوزه‌های علمیه، کتابخانه

مقدمه

از آنجایی که در این پژوهش تعلیم و تربیت اسلامی مد نظر است لذا نیم‌نگاهی به مکان شروع تعلیم اسلامی می‌تواند حائز اهمیت باشد.

شبه جزیره عربستان، بزرگترین شبه جزیره دنیا در منتهی الیه جنوب غربی آسیا، حدود ۳ میلیون کیلومتر مربع مساحت دارد و از نظر جغرافیایی به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود: ۱- شمال و غرب ۲- مرکز و شرق ۳- جنوب پیامبر (ص) به اعتقاد اهل شیعه و تسنن در سال ۵۷۰ م (عام الفیل) به دنیا آمدند. (دورانت، ۱۳۶۸: ۱۹۷) به رسم اعراب، فرزند برای تربیت به بادیه فرستاده می‌شد و پیامبر هم طبق این رسم به حلیمه سپرده شد و بعد از پنج سال نزد خانواده بازگردانده شد.

در سن ۴۰ سالگی در غار حرا به پیامبری مبعوث شد، با کلمه **بخوان** علم خدایی در وجودش جوشیدن گرفت. این علم اولی بود که از سوی خداوند به ایشان آموخته شد و رسیدن به این مقام باعث ایجاد مشکلاتی از طرف مشرکان باعث گردید شد مکه را ترک کرده به مدینه مهاجرت کنند که مبدأ تاریخ رسمی مسلمانان از این زمان محسوب می‌شود.

پیامبر اسلام از همان آغاز تشکیل حکومت با بنای مسجد آموزش را اولویت داده یارانی به این منظور پرورش دادند و فرمودند:

علم را حتی از چین هم باشد، بیاموزند.

در طول تاریخ افراد از خود گذشته‌ای به خاطر همگانی کردن تعلیم و تربیت قیام کرده، مراکز علمی مانند آکادمی «آتن»، «اسکندریه» و «لیسه» به همت ارسطو، بطلمیوس و سقراط بنیان‌گذاری شده بود و در این آکادمی‌ها تمامی علوم متداول عصر آن زمان، از الهیات و فلسفه گرفته تا ریاضیات و علوم طبیعی تدریس می‌شد و طالبان علم و دانش از نقاط مختلف دنیا به آن مراکز علمی می‌رفتند، به همین جهت فرهنگ یونانی و مصری و... در تمام نقاط مختلف جهان نفوذ کرده، مردم را با علوم مختلف آشنا می‌نمودند.

در قرن پنجم هجری قمری خواجه نظام الملک که علاقه زیادی به اهل علم و قلم داشت دست به تاسیس مدارس و دانشگاه‌هایی زد که می‌توان آنها را نخستین اقدام حکومت و دولت اسلامی در ایجاد موسسات علمی دانست. این مدارس به نظامیه شهرت یافت و بزرگترین نظامیه‌ها نظامیه بغداد است که در سال ۴۵۹ هجری قمری به بهره برداری رسید. مدرسه دیگری نیز به نام مستنصریه توسط خلیفه عباسی در شهر بغداد و در سال ۶۳۱ هجری قمری راه اندازی شد که مهم ترین امتیاز این مدرسه این بود که مختص یک مذهب نبود و پیروان چهارگانه اهل سنت هر کدام جلسات درسی داشتند.

در دوره تمدن اسلامی کتابخانه‌ها بیشتر در مساجد و نهادهای آموزشی وجود داشتند که کتابخانه بیت الحکمه نخستین کتابخانه در سطحی وسیع بود که توسط هارون الرشید پایه‌گذاری شده، توسط مامون غنی‌تر گردید و همچنین کتابخانه خزانه شاپور (دارالعلم) در سال ۳۸۱ هجری قمری به دست ابونصر شاپور فرزند اردشیر وزیر آل بویه در بغداد ساخته شد و حتی ابوالعلائی معری فیلسوف نامی بارها از این کتابخانه دیدن کرده، دل‌بسته آن شد.

از متون تاریخ‌نویسان مسلمان و غیر مسلمان برمی‌آید که اعراب از نظر تمدن و فرهنگ نسبت به کشورهای دیگر فقیر بودند و علوم متداولی داشتند که پایه و اساس تحصیل و تحقیق نداشته و مملو از افسانه بوده که دهان به دهان و با تجربیات شخصی شیوع پیدا کرده بود.

هنر اعراب شعر بود و گویا هیچ ملت متمدنی در ظرف چند قرن به اندازه آنها شعر نگفته اند. اعراب سواد نداشتند تا جایی که بسیاری از مورخان معتقدند «مقارن ظهور اسلام در مکه، ۱۷ و در مدینه، ۱۱ نفر سواد خواندن و نوشتن داشتند».

پیشینه تحقیق

در ارتباط با اسلام کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده و هر نویسنده با توجه به دیدگاه خود از زوایای متفاوتی به جنبه‌های اسلامی نگاه کرده است، به ویژه نگاهی متفاوت به امر تعلیم و تربیت اسلامی، روش‌های تعلیم و تربیت، مراکز آموزشی و کتابخانه‌ها داشته‌اند مانند:

قرآن کریم و اسلام و تعلیم و تربیت (محمد باقر حجتی)، تاریخ حیات آخرین پیامبر (مهری بسناس)، تاریخ آموزش و پرورش ایران (علی اکبر نصیری)، تاریخ آموزش در اسلام (احمد شلیبی). اما در این نوشتار سعی شده تا از منابع قابل دسترس استفاده‌های

مفیدتری به عمل آید.

ارزش علم و دانش در اسلام

مقارن ظهور اسلام، عربستان در جهالت و تعداد با سوادان در مدینه و مکه بسیار اندک بود، سواد در انحصار گروهی خاص که سعی می‌کردند، معلومات خود را آموزش ندهند و برای گروهی دیگر دانش، ارزشی نداشت. در این دوران خداوند، محمد (ص) را به رسالت برگزید و مسئولیت مبارزه با جهالت را به وی داد و وقتی برای نخستین بار فرشته وحی بر ایشان نازل شد، موضوع اولین ارتباط، خواندن بود (بسناس، ۱۴۰۱: ۴۳).

بخوان به نام پروردگارت که آفرید.... بخوان پروردگارت بزرگ است آنکه به وسیله قلم تعلیم داد (اقراء: ۱-۵). بار دیگر فرشته نازل شد، تأکید به همان جمله داشت: خداوند با سوگند به «قلم» آغاز کرد: سوگند به قلم و آنچه می‌نویسد (قلم: ۱).

این آیات نشان از اهمیت علم در اسلام دارد. برای پی بردن مردم به اهمیت علم، خداوند پرسید: کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرنند؟ فقط صاحبان خرد توجه دارند (زمر: ۹).

اسلام برای تشویق و ترغیب مردم برای کسب دانش در قرآن می‌فرماید:

«خداوند درجات کسانی از شما را که ایمان آورده‌اید، و آنان که دانش به آنان داده شده، بالا می‌برد.» (مجادله: ۱۱).

از دیگر نشانه‌های توجه اسلام به علم است که دستور می‌دهد، از خداوند درخواست فزونی دانش نمایید:

«پروردگارا، علم ما را افزون بفرما.» (طه: ۱۱۴).

از همه بالاتر اینکه دانش بهترین نعمت است:

«به هرکس علم نافع و حکمت داده شد، به طور قطع خوبی فراوان یافته.» (بقره: ۲۲۹).

بنابراین، اسلام، علم را بهترین عامل سعادت مردم می‌داند و تشویق می‌کند، همه از این گوهر گرانمایه بهره‌مند گردند.

روش‌های پیامبر اسلام (ص) در تعلیم و تربیت

رسول خدا بر تمامی روحيات جامعه واقف بود و با روش‌هایی خاص تعلیماتش را بر اساس کلامی و عملی، انجام می‌داد:

- ۱- تلاوت قرآن کریم: نخستین و آسان‌ترین روش، قرائت قرآن و بیان آن به صورت ساده بود و یکی از دلایل تأثیرگذاری، پاک و صادق بودن قاری آن نیز بود.
- ۲- خطابه و موعظه: هرچند که تمام حرکات و رفتار پیامبر(ص) تعلیم و تربیت بود، ولی به شیوه‌های تبلیغاتی هم توجه ویژه‌ای داشته، آن را به صورت خطابه و موعظه ایراد می‌نمود، در خطابه‌های نماز جمعه، آن علاوه بر استدلال‌های عقلی به تحریک عواطف و احساسات مردم نیز توجه خاصی داشتند.

- ۳- اعزام معلم و مبلغ: رسول اکرم در سال‌های اول بعثت به منظور رساندن پیام دلنواز خدا به گوش مردم، مبلغانی اعزام می‌نمود و بعد مسلمانی فردی، وی را تعلیم داده، به قبیله‌اش می‌فرستاد تا آنچه را فراگرفته، آموزش دهد.
- ۴- ارسال نامه و پیام: پیامبر(ص) با وجود نداشتن امکانات و نبودن وسایل ارتباط جمعی، با نامه، امپراطوران بزرگ و مردم را ارشاد می‌کرد. (فیاض، ۱۳۶۹: ۱۰۸).
- ۵- روش عملی: مهمترین روشی که پیامبر(ص)، در تعلیم و تربیت انجام داد، روش عملی بود که خود نیز عمل می‌کرد، با استفاده از این روش چنان پیش رفته بود که عملش سنت و یکی از منابع مهم فقهی گردید.
- رسول اکرم اسوه عمل بود و با سعی در تربیت دیگران برای مطابقت رفتارشان با سخنانشان نیز داشته تا در شنونده تأثیر مثبتی گذارد. در آیه ۳ سوره صف آمده: «موجب خشم شدید خداوند است که بگویند آنچه را به آن عمل نمی‌کنید». مسلمانان نیز چون می‌دیدند پیامبر(ص) به سخنان و عقاید خود پایبند است، به اسلام گرایش بیشتری نشان می‌دادند (وکیلان، ۱۳۸۱: ۴۴-۴۷).

وظیفه معلم

در خصوص تعلیم و تربیت، معلم مسئولیتی بسیار خطیر دارد و باید مطالب درسی هماهنگ با سن دانش‌آموزان را تهیه و در اختیارشان قرار دهد.

در این ارتباط امام زین العابدین (ع) می‌فرمایند:

«اما حق شاگردان این است که بدانی خداوند، در عوض آن دانشی که به تو داده و از گنجینه خویش دری بر تو گشوده تو را قیم و سرپرست آنان قرار داده، پس اگر نیکو در تعلیم و تربیت آنان بکوشی و با آنان بد اخلاقی نکنی، خداوند از فضل خویش بیشتر به تو خواهد داد و اگر دانش خود را از آنان دریغ داری و چون از تو دانش خواهند بر آنها تنگ خلقی کنی سزاست که خداوند دانش و آبروی آن را از تو بگیرد» (قربانی، ۱۳۸۲: ۳۶۱).

پیامبر می‌فرمایند:

«نزد مدعیان دانشی که شما را از یقین به شک و از اخلاص به ریا و از تواضع به کبر و از خیرخواهی به دشمنی و از زهد به دنیاطلبی می‌خوانند، نشینید و از بد آموزی‌های آنان بر حذر باشید و سعی کنید از آموزگاران که شما را از کبر به تواضع و از ریا به اخلاص و از شک به یقین و از دنیاطلبی به زهد و از دشمنی به خیرخواهی دعوت می‌کنند، بهره‌مند شوید.»

وظیفه شاگرد

همان‌طور که معلم در تربیت و تعلم وظایفی نسبت به شاگرد دارد، شاگرد نیز در برابر استاد وظایفی دارد. امام چهارم می‌فرمایند:

«حق معلم بر توست، بزرگش شماری، مجلسش را گرامی داری، به سخنانش با دقت گوش دهی، رو به جانبش بنشین و در برابرش بلند حرف نزن» (قربانی، ۱۳۸۲: ۲۶۴).

علی (ع) می فرمایند:

«حق معلم بر شاگردان است که زیاد پرسش نکنند، در پاسخگویی از مسایل از او سبقت نجوید، هنگامی که نخواست چیزی را بیان کند اصرار ننمایید، وقتی خسته شد، مجبور به ادامه بحث ننمایید، با دست و چشم به او اشاره ننمایید، در حضورش با کسی مشورت نکنند.» (قربانی، ۱۳۸۲: ۳۶۴).

اسلام رابطه معلم و شاگرد را به مقدس ترین روابط و احترام متقابل استوار کرده است. پیامبر اکرم وقتی معاذ بن جبل را به یمن برای تبلیغ و دعوت فرستاد توصیه فرمود که کاری کند که مردم مزایای اسلام را درک کنند و با میل و رغبت گرایش یابند (بخاری، بی تا: ۲۰۴).

تعلیم و تربیت زنان در اسلام

اسلام، از همان ابتدا کسب فریضه علم و دانش را برای زنان و مردان واجب دانسته و پیامبر از همان سال های نخست هجرت، زنان را به آموزش تشویق می کرد و روزی در هفته را برایشان در نظر می گرفت تا خدمت پیامبر (ص) برسند و در محضرشان بیاموزند زیرا نقش این گروه در حفظ بنیان خانواده انکارناپذیر است.

در منابع نام زنانی که در شعر و صرف و نحو، سیاست، طب و حدیث مشهورند و در تدریس قرآن و احادیث و ادبیات مشارکت داشته اند. بلاذری می نویسد در صدر اسلام، پنج زن خواندن و نوشتن می دانستند:

ام کلثوم دختر عقیقه، حفصه دختر عمر، شفا دختر عبدالله عدویه، عایشه دختر سعد و کریمه دختر مقداد (حجتی، ۱۳۵۸: ۱۰) اسلام تمام توان خویش را در راه از بین بردن نادانی به کار گرفته و برای دانش ارزش قایل است و هر انسانی را بدون توجه به قومیت و ملیت آنان به آموختن علم فرا می خواند. طبق تاکید پیامبر اسلام دانش آموختن بر زنان و مردان مسلمان واجب و فریضه است (مجلسی، بی تا: ۱۷۷) و ساعتی اندیشیدن از عبادت یکساله نیکوتر است. (ولایتی، ۱۳۸۴: ۲۵) باید در نظر داشت که دانش آموزی در اسلام شرایطی دارد که علم و اخلاق فاصله ای ندارد و با هم پیوند ناگسستنی دارند. (حکیمی، ۱۴۰۸ق، ولایتی به نقل از الحیاء، ۲۶)

این تشویق ها به علم باعث شد مسلمین با همت و سرعت بیشتری در جستجوی علم در هر جا و هر شرایطی داشته باشند و یکی از شکوهمندترین تمدن های تاریخ بشریت را بیافرینند که به نام تمدن و فرهنگ اسلامی شناخته شود. (مطهری، ۱۳۸۱:

۱۴۲)

تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت را نمی‌توان به صورت دو واژه مترادف به کار برد، به عبارتی این دو واژه گونه‌ای نیستند که هر یک از آنها بر مفهومی دلالت کند که واژه دیگر نیز بر همان مفهوم دلالت نماید.

تربیت چیست؟

تربیت به معنای برانگیختن استعدادهای گوناگون انسان و پرورش آنکه باید با کوشش و تلاش متربی توأم گردد، تا به کمال نسبی نائل شود. انسان با عوامل و انگیزه‌هایی در زندگی احاطه شده که نشاط و جنبش او را تحریک نموده، استعدادهای او را بیدار می‌کند.

بنابراین تربیت در صورتی ثمر بخش خواهد بود که با عمل همراه باشد، کوششی که شاگرد در غلبه بر مشکلات و هنگام برخورد با دشواری‌های زندگی روزمره و یا زندگی مدرسه‌ای به کار می‌برد، در عمل به او درس اخلاق می‌آموزد و می‌فهماند که چه نوع رفتاری درست یا نادرست است و به مرور اشتباهات اخلاقی را کاهش داده، بر توان و قدرتش می‌افزاید. بنابراین، تربیت، عملی که قوای جسمانی و روانی و عقلی انسان را شکوفا ساخته، آن قوا با نظام و سازمان ویژه‌ای، با استمداد از درون شاگرد و به کمک کوشش‌های او به میزان توانایی و استعداد خود پیشرفت نماید (حجتی، ۱۳۵۸: ۱۰).

تعلیم چیست؟

تعلیم، انتقال معلومات به شاگردان می‌باشد، معلم در حوزه وظیفه‌اش عمل می‌کند، به این صورت که شاگرد در برابر او ساکت می‌نشیند و گفته‌هایش را دریافت می‌کند و زمانی که در تربیت، متربی را وادار می‌کند تا عمل کند، برای حل مشکلاتش بیندیشد، تعلیم این نقش را بر عهده دارد که فقط اذهان شاگردان را با معلومات و کارائی فکری مجهز سازد. تعلیم در لغت: تکرار پی در پی مطلبی تا زمانی که اثر آن در نفس آموزنده آشکار شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق) نیز آموختن دانشی به کسی (انوری، ۱۳۸۱ش) و در اصطلاح سخن گفتن و القای کلمات معنا دار، تا یادگیرنده به معانی آن الفاظ پی برد. (امینی، ۱۳۸۶)

در تفاوت مفاهیم تعلیم و تربیت، از «ویلیام جمس» که قرن‌ها بعد از توجه دانشمندان اسلامی، یادآور می‌گردد: «تربیت عبارت از تنظیم قوای بشری که حسن رفتار، او را در جنبه‌های مادی و معنوی زندگی ضمانت می‌کند. ولی تعلیم، با معارفی محدود می‌گردد که معلم، به شاگردان القا می‌کند. لکن معارف و معلومات نمی‌تواند همیشه به‌عنوان یک عامل نیرومند و مؤثر برای عمل و رفتار باشد. آنگاه معلومات انسان می‌تواند سازنده و سامان بخش باشد که در زندگی و رفتارش استفاده شود.» (حجتی، ۱۳۵۸: ۱۷).

تربیت، رشد استعداد و مواهب الهی انسان، تهذیب وجدان، ایجاد عادات خوب و به ثمر رساندن عواطف لطیف و سرانجام به معنی نائل ساختن انسان به کمالات شایسته او در جنبه‌های مادی و معنوی است ولی تعلیم با مفهوم محدود آن به تنهایی نمی‌تواند بدینسان انسان را در مسیر اهداف عالی قرار دهد.

مراکز تعلیم و تربیت در ایران بعد از اسلام

بعد از اسلام مراکز به منظور تعلیم و تربیت و آموزش علوم و... در ایران به وجود آمد:

۱- مسجد، از فراگیرترین مراکز آموزشی که در شهرهای: سیستان بخارا، نیشابور، بردسیر، کرمان، یزد، شیراز بود و نخستین مرکز اجتماعات دینی محسوب می شد. (رشید منور، بی تا: ۱۱۵)

در سایر نقاط ایران مساجدی بود که به عنوان کانون درس بود و شاگردان به صورت، حلقه وار، دور استاد می نشستند. گاهی در مسجد چند حلقه دایر می شد و نیز در مساجد خیرین به طلاب و دانشجویان کمک هزینه می پرداختند. درس ها اوایل علوم دینی ولی بعدها علوم و فنونی که از همان معارف دینی ریشه می گرفت، راه یافت (همان: ۲۸-۳۰).

۲- حوزه های علمیه، از مراکز آموزشی دیگری بودند.

۳- مدرسه، ایرانیان مسلمان در ایجاد مدارس از همه ملت های اسلامی مقدم ترند.

مهمترین مدارس ایران دوره پیش از نظامیه: طایران طوس، نیشابور، سبزوار

مدارس ایران در دوره بعد از نظامیه

مدارس نظامیه (همان: ۳۴-۳۵)، از دیگر مراکز علمی و مشهور دوره اسلامی هستند که خواجه نظام الملک با ساخت مدارس در بغداد و نیشابور آنان را پدید آورد و به دلیل انتساب به وی، نظامیه نامیده شد. نظامیه بغداد، معروف ترین و بزرگترین نظامیه بود. (رشید منور، بی تا: ۱۱۴). خواجه نظام الملک به منظور تدریس در این نظامیه، دانشمندان بزرگی را دعوت کرد (کوشافر، ۱۳۸۲: ۱۲۶). نظامیه بلخ، رشید و طواط تحصیل می کرد. نظامیه اصفهان، به «صدریه» شهرت یافت. نظامیه هرات، جامی شاعر، تحصیلات ادبی خود را در همین مدرسه انجام داد (همان: ۳۷).

مدیریت نظامیه ها: هزینه های خود را از موقوفات تأمین می کردند. معلمان در نظامیه ها به سه گروه بودند: (مدرس، نایب مدرس و معید). در این مدارس، هر مدرس روش تدریس مخصوصی داشت. در نظامیه ها پرسیدن درس و امتحان مرسوم نبوده و استاد از طریق بحث و مناظره میان شاگردان، شناسایی می کرد (نصیری، ۱۳۸۴: ۱۴۵).

مدرسه مستنصریه، مهمترین امتیاز این مدرسه نسبت به نظامیه ها این بود که مختص یک مذهب نبود.

ابن بطوطه: در مدرسه استادی با وقار بر روی کرسی نشسته و دو نفر معید تکرار و املاء می کنند (همان: ۱۴۷).

۴- مکتبخانه، کانون هایی بود که مقدمات خواندن و نوشتن در آن تعلیم می شد.

۵- خانقاه، محل تجمع مراد و مریدانش بود (حجتی، پیشین: ۴۴).

۶- رباط، صوفیان و درویشان مجرد و غیر متأهل در آن بودند (همان: ۴۵).

۷- زاویه، بیشتر در بیابان ها و مکان های دوردست بنا می شدند (همان: ۴۶).

۸- بیمارستان، قسمت اعظم تعلیمات پزشکی در مارستان انجام می شد که ضمن درمان مرکز تحقیق پزشکان هم به شمار

می‌رفت در یکی از همین بیمارستان‌ها محمد بن زکریا غیر از طبابت و مداوای مردم، به تدریس و تحقیقات آموزشی مشغول بود (وکیلان، پیشین: ۴۴-۴۷).

۹- کتابفروشی، در آغاز به منظور کارهای بازرگانی گشایش یافته بودند، ولی بعد دانشمندان و ادیبان تصدی این امر را بر عهده گرفتند، به تدریج به محل گفت و شنوهای علمی تبدیل شد (همان: ۷۵).

۱۰- خانه، طبقات کم بضاعت و متوسط فرزندان خود را راهی مکتب می‌کردند ولی خانواده‌های مرفه تعلیمات کودکان را در خانه انجام می‌دادند، از مهمترین خانه‌ها (بوعلی سینا) بود، جرجانی می‌گوید:
«هر شب دانش‌پژوهان در خانه ابن سینا گرد می‌آمدند و من با او «شفا» می‌خواندم و دیگر بار کسی دیگر از «قانون» می‌خواند...» (شلیبی، ۱۳۷۰: ۶۴).

۱۱- کاخ، به معلم کاخ، مؤدب می‌گفتند، نه مکتب‌دار که در آموزش و هم در پرورش نقش مهمی داشته‌اند و تغییر اندکی در محتوای آموزشی به درخواست پدران بود و مریبان جایگاه رفیعی داشتند (وکیلان، پیشین: ۷۸).

۱۲- کتابخانه، از آغاز تأسیس کتابخانه‌ها به جنبه‌های فرهنگی کتابداران توجه خاصی می‌شد.

کتابخانه‌های اسلامی سه نوع بود: ملی و عمومی، نیمه ملی و نیمه عمومی، شخصی

دانشمندی درباره ارزش کتاب و کتابخوانی می‌گوید:

«تنها بوستانی که دیده‌ام می‌تواند در یک آستین جا گیرد و تنها گلستانی که انسان را تا هرجا می‌رود همراهی می‌کند کتاب است. کتاب زبان مردگان و آوای زندگان است. او مهمان شب هنگام است که هرگز نمی‌خوابد مگر تو بخوابی و هرگز سخنی نمی‌گوید جز آنکه تو را خوش آید. هیچگاه رازی را آشکار نمی‌سازد یا در امانت خیانت نمی‌ورزد. او باوفاترین همسایه، امین‌ترین دوست، فرمان‌پذیرترین یار، فروتن‌ترین استاد، کاردان‌ترین و سودمندترین هم‌نشین است که گرایشی به کشمکش و جدال و خسته کردن دارنده خود ندارد.» (شلیبی، پیشین: ۱۴۵-۱۴۶).

کتابخانه‌ها در سده‌های میانه

الف) کتابخانه‌ها و آموزش (ب) ارزش معنوی کتاب (ج) ارزش معنوی کتابخانه‌ها (د) ساختمان، سامان و شیوه کتابخانه‌ها (ه) فهرست‌ها (و) امانت گرفتن کتاب‌ها (ز) کارمندان کتابخانه

- کتابدار (رئیس کتابخانه) مترجمان - رونویسان (ورآقان) - جلدسازی.

وضع مالی کتابخانه‌ها

برای بازسازی ساختمان، بهای کتاب‌های تازه خریده شده و حقوق کارکنان پیوسته از وقفها بهره می‌گرفتند.

کتابخانه‌ها

۱- کتابخانه‌های همگانی

بیشتر در مساجد و نهادهای آموزشی بودند:

الف) کتابخانه بیت‌الحکمه ب) کتابخانه حیدری ج) کتابخانه «ابن سوار» در بصره د) خزانه شاپور (دارالعلم)
ه) کتابخانه دارالعلم شریف الدین و) کتابخانه مسجد زیدی ز) کتابخانه دارالعلم (دارالحکمه) قاهره ح) کتابخانه‌های مدارس
(رفیعی علا مرو دشتی، ۱۳۷۴: ۳۱)

۲- کتابخانه‌های نیمه همگانی

این کتابخانه‌ها نه همگانی بودند که همه لایه‌های مردم بتوانند از آنها بهره گیرند و نه خصوصی که ویژه دارندگانش باشند و دیگران بهره ببرند.

الف) کتابخانه الناصرالدین الله ب) کتابخانه مستعصم بالله ج) کتابخانه خلفای فاطمی

۳- کتابخانه‌های شخصی

دانشمندان و ادیبان برای کاربرد شخصی خود برپا ساختند مانند:

الف) کتابخانه فتح بن خاقان ب) کتابخانه حنین بن اسحاق ج) کتابخانه ابن خَشَّاب د) کتابخانه موفق مَطْران
ه) کتابخانه جمال الدین قَفْطی و) کتابخانه مبشر فاتک ز) کتابخانه افرائیم زغان
ح) کتابخانه عمادالدین اصفهانی (شلبی، پشین: ۱۶۸).

۱۳- رصدخانه، از مراکز علمی که اولین آن رصدخانه اسلامی به دستور مأمون در بغداد ساخته شد و بسیاری از یافته‌های دانشمندان اسلامی در این رصدخانه‌ها تحلیل می شد (ولایتی، ۱۳۸۴: ۳۳).

نتیجه‌گیری

با ظهور دین مبین اسلام و ترویج افکار و نظریه‌های پیامبر گرامی اسلام (ص) تغییرات وسیعی در بسیاری از امور به ویژه در امور فرهنگی و آموزشی رخ داد. روش‌های عملی رسول اکرم در آموزش عبارت بودند از: تلاوت قرآن کریم، خطابه و موعظه، اعزام معلم و مبلغ، ارسال نامه و پیام، و هم چنین تعیین کردن وظایف معلم و شاگرد و نیز اهمیت دادن به تعلیم و تربیت زنان و هم چنین وجود آمدن مراکزی به منظور تعلیم و تربیت مانند: مساجد، حوزه‌های علمیه در تمدن اسلامی ایران و عراق، مدرسه به ویژه مدارس نظامیه و مستنصریه، مکتبخانه، خانقاه، رباط، زاویه، بیمارستان، کتابفروشی، کاخ، رصدخانه و کتابخانه. در مراکز آموزشی کتابخانه افرادی چون: کتابدار، مترجم، رونویس یا وراق، جلد ساز مشغول به کار بوده اند. کتابخانه‌ها در سده‌های میانه به سه صورت همگانی، نیمه همگانی و شخصی بوده است.

هزینه نظامیه‌ها از طریق موقوفات بوده است. معلمین نیز به سه گروه تقسیم می‌شدند که عبارت بودند از مدرس، نایب مدرس، و معید. رابطه بین معلم و شاگرد بسیار مطلوب و احترام متقابل حاکم بود. مواد درسی شامل علوم رایج زمان خود بود از جمله ادبیات، نهج البلاغه، تفسیر قرآن، کلیله و دمنه، فقه، طب، و ریاضیات. در این مدارس نیز هر معلم روش تدریس خاص خود را داشت.

کتابخانه‌ها نیز به قدری اهمیت داشت که افرادی چون ابن مسکویه، ایبوردی، خواجه نصیرالدین، رئیس کتابخانه و افرادی مانند



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



جاحظ، و معری در کتابخانه وقت خود را سپری می‌کردند و همچنین ابن سینا نیز از کتابخانه سامانیان بهره فراوان می‌برده است.

منابع

قرآن

- امینی، حسن (۱۳۸۶)، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ اول، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ اول، تهران، سخن
- بخاری، محمد اسماعیلین ابراهیم، (بی‌تا)، صحیح، ج ۵.
- بسناس، مهری (۱۴۰۱)، تاریخ حیات آخرین پیامبر (ص)، تبریز، امیر نظام.
- حجتی، محمد باقر (۱۳۵۸)، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ ۲، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- حکیمی، محمدرضا (۱۴۰۸ق)، الحیاء، تهران، ج ۱.
- دورانت، ویل (۱۳۶۸)، تاریخ تمدن، عصر ایمان، ترجمه ابوالقاسم پاینده و دیگران، ج ۴، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، تحقیق و تصحیح: صفوان عدنان داوودی، چاپ اول، بیروت، دارالقلم، الدرالشامیه.
- رشید منور، جمال (بی‌تا)، قدیم اسلامی مدارس، لاهور، بی‌نا.
- رفیعی علا مرودشتی، علی (۱۳۷۴)، در آمدی بر دایره المعارف کتابخانه‌های جهان، قم، بی‌نا.
- شلبی، احمد (۱۳۷۰)، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمد ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فیاض، علی اکبر (۱۳۶۹)، تاریخ اسلام، تهران، دانشگاه تهران
- قربانی، زین الدین (۱۳۸۲)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، سایه.
- کوشافر، علی اصغر (۱۳۸۲)، تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اسلام، تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- مجلسی (بی‌تا)، بحارالانوار، ج ۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، تاریخ اسلام، قم، نشر معارف.
- نصیری، علی اکبر (۱۳۸۴)، تاریخ آموزش و پرورش ایران، تهران، آوای نور.
- وکیلان، منوچهر (۱۳۸۱)، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، تهران، پیام نور.

عزت و اقتدار تمدنی در پرتو اقتصاد مقاومتی از نگاه امام خامنه‌ای

قربان ابراهیمی^۱

۱- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، مهاباد ایران. ghorban_ebrahimi@pnu.ac.ir

چکیده

در منطق اسلام عزت و اقتدار از ویژگی‌های مخصوص مؤمنان و به تبع آن جامعه اسلامی است بر این بنیاد نیز رهبر معظم انقلاب همواره بر آن تأکید داشته و آن را از دستاوردهای اقتصاد مقاومتی که برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی است، می‌داند و از سوی دیگر اقتصاد مقاومتی می‌تواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه‌ی مسائل اقتصادی برآورده و مشکلات را برطرف کند و به‌ویژه تحریم‌های فلج‌کننده را که از سوی شیطان بزرگ به سبب استقلال‌خواهی مردم ایران بر آنان تحمیل و از حدود زمستان سال ۹۰ به جنگ تمام‌عیار اقتصادی مبدل شده، بی‌اثر نماید، لذا این همه آشنایی با مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از نگاه امام خامنه‌ای را ایجاب می‌کند. تحقیق پیش رو با این هدف و گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی و ریشه‌یابی اقتضائات آن در آموزه‌های اسلامی به عزت و اقتدار تمدنی پرداخته است.

روش پژوهش: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است. یافته‌های تحقیق: مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی ریشه در تعالیم بلند اسلام دارد و ره‌آورد آن نه تنها قدرت اقتصادی بلکه موجب تقویت روحیه و شخصیت و هویت ملی است، هم اقتدار سیاسی. خود استقلال و خوداتکایی را در پی دارد. دانش محوری، کار و تلاش، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، فساد ستیزی از جمله عناصر آن است.

کلمات کلیدی: امام خامنه‌ای، اقتصاد مقاومتی، عزت و اقتدار تمدنی

مقدمه

در منطق قرآن، عزت^۱ واقعی و کامل متعلق به خداوند و به پیامبر و متعلق به هرکسی است که در جبهه‌ی خدائی قرار می‌گیرد. در مصاف بین حق و باطل، بین جبهه‌ی خدا و جبهه‌ی شیطان، عزت متعلق به کسانی است که در جبهه‌ی خدائی قرار می‌گیرند اگرچه منافقان و کافردلان از درک آن عاجزند^۲ (فاطر ۱۰/؛ منافقون ۸) در سوره‌ی نساء، درباره‌ی کسانی که خود را متصل به مراکز قدرت‌های شیطانی می‌کنند، برای اینکه قدرت و حیثیتی به دست بیاورند، می‌فرماید: «آیا دنبال عزت‌اند این کسانی که به رقبای خدا، به دشمنان خدا، به قدرت‌های مادی پناه می‌برند؟ عزت در نزد خداست» (نساء/ ۱۳۹) بر این بنیاد نیز قرآن هم استیلا کفار بر مؤمنان را نفی می‌کند^۳ و هم رکون به ظالمین را برنمی‌تابد^۴ و هم مؤمنان را به جهاد کبیر و تبعیت نکردن از

۱- عزت یعنی اقتدار الهی؛ احساس اقتدار کردن و اعتزاز به خود. (بیانات در جمع مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، ۱، ۴؛ عزیز یعنی «الغالب الذی لا یغلب»... آن غالبی است که مغلوب نمی‌شود. البته مادام که به اسلام متمسک باشد. <https://khl.ink/f/19525> ۱۹/۰۵/۱۳۷۱) مادام که ما به اسلام متمسک باشیم و مادام که دنبال خط اسلام حرکت کنیم؛ (همان)

۲- مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا؛ وَاللَّهُ الْعِزَّةُ وَرَسُولُهُ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلِكِرِّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ.^۲

۳- وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء/ ۱۴۱)^۳

۴- وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ (هود/ ۱۱۳)^۴

کفار فرامی‌خواند «فَلَا تُطْعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان / ۵۲) و مهم‌تر آنکه قرآن ضمن تأکید بر ضعف مکر دشمنان (آل عمران / ۵۴)؛ و عدم آسیب‌رسانی آنان (آل عمران / ۱۱۱) علو و برتری را از آن مؤمنین می‌داند (آل عمران / ۱۳۹) و بر لزوم توانمندی و آمادگی همه جانبه که مؤلفه اصلی عزت و سربلندی است، فرمان می‌دهد «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال / ۶۰) به گفته مفسران ملاک در تأمین آمادگی «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ عَدُوَّكُمْ» است که در تعبیر رهبری مقصود از آن «همان چیزی است که در ادبیات سیاسی امروز به آن «قدرت بازدارندگی» می‌گویند.» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین، ۲۰/۰۲/۱۳۹۶، <https://khl.ink/f/36490>) چرا که «دشمن اگر نترسد، ... به خود جرئت می‌دهد که تجاوز بکند.» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان، ۱۵/۰۷/۱۳۹۴، <https://khl.ink/f/31024>) حضرت آقا در تفسیر «قُوَّة» می‌گوید: «حالا این قُوَّت در وهله‌ی اوّل، در نگاه اوّل، ممکن است قُوَّت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنه‌ی قُوَّت نظامی است. ابعاد قُوَّت ابعاد وسیعی است؛ ابعاد اقتصادی دارد، قُوَّت اقتصادی، قُوَّت علمی، قُوَّت فرهنگی، قُوَّت سیاسی - که زمینه‌ساز قُوَّت سیاسی، استقلال سیاسی است - و قُوَّت تبلیغی. باگذشت زمان، عرصه‌های دیگری برای تقویت کشور و ملت به وجود می‌آید» (سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، ۰۳/۰۱/۱۳۹۹، <https://khl.ink/f/45227>) البته بر اساس سنت الهی موفقیت در هر عرصه‌ای از عرصه‌های فوق‌الذکر وابسته به روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی^۲ (عنکبوت / ۶۹) و استقامت بر طریق است «وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن آیه ۱۶) و «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ» (فصلت / ۳۰) بر این اساس در روایات می‌خوانیم: «هرگز آدم زبون نمی‌تواند با ظلم مبارزه کند و جلو ظلم را بگیرد و هرگز به‌حق نمی‌توان رسید مگر با جدیت و کوشش» (دشتی، ۱۳۷۹: ص ۱۰۳) و «خداوند اختیار همه کارها را به مؤمن داده اما این اختیار را به او نداده است که دلیل باشد. مگر نشنیده‌ای که خداوند متعال می‌فرماید: «و عزّت از آن خداست و رسولش و مؤمنین است» پس مؤمن همواره عزیز است و هیچ‌گاه تن به خواری نمی‌دهد. مؤمن از کوه نیرومندتر است؛ زیرا از کوه با ضربات تیشه کم می‌شود، اما با هیچ وسیله‌ای از دین مؤمن نمی‌توان کاست.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۶۳)

حال سؤال این است از میان این همه مصادیق عزت و قدرت کدام یک امروز اولویت بیشتری دارد تا در سایه‌سار آن نقشه‌های شوم استکبار و آبادی آن که از ابتدای پیروزی انقلاب به سبب استقلال‌خواهی ملت ایران بر آنان تحمیل شده، نقش بر آب شود و مشکلات مزمن و پایداری‌مان حل و عزت و اقتدارمان روزافزون گردد و سرانجام کشورمان را به‌عنوان یک نمونه و الگویی برای ملت‌های منطقه درآورده و تمدن نوین اسلامی را پایه‌ریزی کند.

نیک میدانیم امروز دشمن برای اخلال در عزم ملت ایران به تحریم و فشار اقتصادی گوناگون بلکه به جنگ تمام‌عیار اقتصادی رو آورده است که رهبر حکیم و فرزانه انقلاب در این خصوص می‌فرماید: «تحریم‌ها از قبل بود، منتها این تحریم‌ها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست، یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است» (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۲۰/۱۲/۱۳۹۲، <https://khl.ink/f/25795>)

۱ - «قرآن این عدم تبعیت را «جهاد کبیر» نام نهاده است.» (بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، <https://khl.ink/f/33259>، ۱۴/۰۳/۱۳۹۵)

۲ - وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا

و مهم‌تر آنکه «اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد - یعنی در مسئله‌ی اقتصاد نتوانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد- استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند و اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد، بقیه‌ی حرف‌ها، جز حرف، چیز دیگری نیست» (بیانات در اجتماع کارگران کارخانه‌جات تولیدی داروپخش، ۱۰/۰۲/۱۳۹۱، <https://khl.ink/f/19516>) وانگهی مسئله معیشت و اقتصاد در آیین اسلام به اندازه‌ای مهم است که حضرت ابراهیم در خلوتگاه عبادت از خدای سبحان فراوانی رزق را برای ذریه اش می‌خواهد^۱ (ابراهیم/ ۳۸) درمقابل فقر و ناداری در روایات نوعی بلا دانسته شده که موجب نقصان دین سرگردانی عقل و عامل دشمنی است «بدانید که یکی از بلاها ناداری است» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۶۷، ص ۵۱) بنابراین از میان مصادیق عزت آفرین، رشد تولید و اقتصاد مقاومتی اولویت بیشتری دارد هرچند که همواره باید به مسائل فرهنگی که زیر بتای حرکت‌ها است و به قدرت نظامی عنایت ویژه‌ای داشت چنان‌که ظاهر آیه ۶۰ سوره مبارکه انفال بر آن تأکید دارد و یافته‌های عقلی و تجارب عینی نیز حکایت از آن دارد؛ علامه مطهری از یکی از فیلسوفان معاصر اروپا؛ نقل می‌کند که «پیمان‌ها بدون شمشیر جز کلماتی بر روی کاغذها نیستند.» و در توضیح آن می‌گوید: «سخنی بسیار اساسی است: تو به پیمان خودت وفادار باش اما اتکایت به وفای طرف نباشد. از ناحیه خودت وفادار باش ولی به وفای طرف هرگز متکی مباش. نیرویت مهیا باشد که اگر طرف خواست پیمان را نقض کند با نیرو با او روبرو بشوی.» (مطهری، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۳۱۷).

تحقیق حاضر باهدف آشنایی با اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن و ریشه‌یابی مؤلفه‌های آن در تعالیم اسلام به شیوه اسنادی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به روش توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده است.

پیشینه پژوهش : در خصوص اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری، تنها یک کتاب به صورت کامل و منسجم با عنوان اقتصاد مقاومتی سکوی پیشرفت و عدالت تبیین اقتصاد مقاومتی در بیان مقام معظم رهبری (مدظله) به نویسندگی محمد امیر هاشم‌پور نگاشته شده است؛ اما می‌توان مقالات متعددی را در این خصوص ذکر نمود؛ اسفندیاری صفا و دهقان، در مقاله ای با عنوان «مؤلفه های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری» را بررسی کردند. مقاله «شاخصهای اقتصاد مقاومتی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای» توسط غلامحسین فرجی و سایرین نگاشته شده است، مقاله «تبیین رویکرد جهادی در اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب» توسط سعید فراهانی فرد و مجتبی غفاری تدوین شده است. لذا در این موضوع و مسئله تحقیقات پیشین وجود دارد اما نقطه تمایز این مقاله با سایر موارد آن است که در پژوهش حاضر علاوه بر آشنایی با مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، به ریشه‌یابی این آموزه‌ها در آیات و روایات توجه شده است. این ویژگی، زاویه جدیدی در زمینه پژوهش مبانی قرآنی اقتصاد مقاومتی به روی پژوهش گران و اندیشمندان می‌گشاید.

مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی عبارت‌اند از: دانش محوری، کار و تلاش، حمایت از تولید، عدالت اقتصادی و اجتماعی، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، پرهیز از اسراف و فساد ستیزی

۱ - رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ^۱

اقتصاد مقاومتی: اصطلاح اقتصاد مقاومتی اولین بار، توسط امام خامنه‌ای در شهریور ۱۳۸۹ به کار برده شد. ایشان در ۲۹ بهمن ۱۳۹۲، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را که در مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین شد، به روسای قوای سه‌گانه دولت، مجلس و قضائیه ابلاغ کرد و دستور داد که «بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص» آن را اجرا کنند (ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»، ۲۹/۱۱/۱۳۹۲، <https://khl.ink/f/25370>) و هدف از آن را «تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله و لازمه اجرای آن را «رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا» دانست. (همان) با توجه به بیانات معظم له می‌توان آن را اینگونه تعریف کرد: اقتصاد مقاومتی اقتصادی است دانش‌بنیان، عدالت‌محور، متکی بر ظرفیت‌های داخلی، درون‌زا، برون‌گرا و انعطاف‌پذیر است که نه تنها توانایی رویارویی با بلایای طبیعی و تکانه‌های جهانی و توطئه‌های متخاصمان را دارد بلکه «در شرایط تحریم و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد». (بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۶/۰۵/۱۳۹۱، <https://khl.ink/f/20686>)

مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

دانش محوری در اقتصاد

دانش محوری، مهارت‌اندوزی و بهره‌مندی از تجربه‌ها برای نیل به مقاصد مطلوب فطری است و دانشمندان نزد همگان محترم‌اند از این رو عقل و نقل انسان را به دانش‌افزایی، استفاده از تجربه‌ها و مهارت‌ها و نظم و هدفمندی (تکمیل زنجیره‌ی تولید) فرامی‌خواند چه اینکه اختراعات و اکتشافات و استفاده‌های انسانی از دریا، صحرا، آسمان، زمین که همه از سوی خدا برای انسان «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره/۲۹) و تحت سیطره و نفوذ انسان‌اند «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ» (جاثیه/۱۳) در پرتو دانش دست‌یافتنی است. وانگهی آیات و روایات نیز از طرفی مسلمانان را به دانش‌اندوزی سفارش کرده و فراگیری آن را واجب می‌دانند، رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «دانش را فراگیرید، گرچه در چین باشد؛ زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۷، ص ۲۷) و اولین آیتی که بر پیامبر (ص) نازل شد با خواندن و تعلیم و تعلم دانش آغاز گردید و از طرف دیگر از کارهای بی‌فایده و کم‌فایده نهی می‌کنند، قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» شاید بتوان گفت اگر زنجیره تولید کامل دیده نشود و به تولید انبوه نرسد یا بازاریابی صورت نپذیرد آن تولید هرچند مبتنی بر دانش باشد کار لغو و کم‌فایده است. و از طرف سوم قرآن دانشمندان را ستوده «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله/۱۱) و علم را در کنار تعهد یکی از شرایط سپردن مسئولیت‌ها می‌داند «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف/۵۵) و مهم‌تر آنکه حضرت علی (ع) دانش را «سلطان» دانسته و می‌فرماید: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ» چراکه دانش و آگاهی و ثروت و قدرت دوروی یک سکه‌اند. رهبر فرزانه انقلاب در تبیین آن می‌گوید: «سلطان» یعنی اقتدار؛ علم، اقتدار است؛ هرکسی که آن را داشته باشد «صال»، یعنی دست‌قدرتمند را خواهد داشت؛ هرکس که آن را نداشته باشد «صیل‌علیه» یعنی دست‌قدرتمندی بر سر او خواهد آمد یعنی زیردست خواهد

۱ - دین اسلام، چون جامع دنیا و آخرت است، به همه علوم مورد نیاز جامعه و مؤثر در تدبیر و تمدن انسان توجه نموده است؛ لیکن فراگرفتن این علوم، گاه واجب عینی، گاه واجب کفایی و... است. بنابراین، حدیث فوق فیزیک، شیمی، ریاضی و... را نیز در برخواهد گرفت؛ لیکن اگر کسی فیزیک‌دان یا ریاضی‌دان بود، باید بدانند که نزدبان خوبی برای ترقی و بالا رفتن در اختیار اوست؛ نه اینکه مانند مقفی در چاه غفلت فرو برود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ۱۶۵ - ۱۶۷)

شد؛ این علم [است]. امروز شما این را مشاهده می کنید؛ آمریکایی ها و اروپایی ها به خاطر علمی که تحصیل کرده اند، توانسته اند همه ی دنیا را تصرف کنند. شما میدانید آمریکا، انگلیس، فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی — حتی کشورهای کوچک — سال های متمادی، بعضی شان قرن ها، توانستند کشورهایی را تصرف کنند، هستی های آن ها را به باد بدهند و نابودشان کنند؛ بر ملت ها اقتدار پیدا کردند و مسلط شدند، به خاطر علم؛ دنبال علم بودند. ما غفلت کردیم، از قافله ی علم عقب ماندیم، با آن سابقه ی تاریخی، با این استعداد درخشان! [اما] دیگران جلو افتادند؛ ما باید این را جبران کنیم» (بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی، ۲۶/۰۷/۱۳۹۶، <https://khl.ink/f/37949>) و بر این بنیاد نیز می فرماید: «پیشرفت مادی کشور در درجه ی اول، متوقف بر دو عنصر است: یک عنصر، عنصر علم است؛ یک عنصر، عنصر تولید است. اگر علم نباشد، تولید هم صدمه می بیند؛ کشور با علم پیش می رود. اگر علم باشد، اما بر اساس این علم و بر بنیاد دانش، تولید تحول و تکامل و افزایش پیدا نکند، باز کشور درجا می زند... بنیان گذاری کارهای اقتصادی بر پایه ی دانش، هم موجب تقویت روحیه و شخصیت و هویت ملی است، هم قدرت سیاسی. خود استقلال و خوداتکایی در یک کشور، قدرت سیاسی می دهد؛ علاوه بر قدرت اقتصادی که خب، طبیعی است و وجود دارد» (بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت های دانش بنیان، ۰۸/۰۵/۱۳۹۱، <https://khl.ink/f/20581>).

کار و تلاش

در منطق اسلام آدمی جوهره وجودی خویش را با سعی و تلاش آشکار ساخته و ارزش حقیقی خود را با کار تعیین می کند و انگهی عزت و استقلال هر فرد و ملتی در گرو همت و تلاش آن ملت است؛ چنان که فرومایگی و زبونی و فسردگی هر امتی، پیامد تنبلی و راحت طلبی و بیکاری اوست از این رو قرآن برای ترغیب انسان به کار از طرفی بیان می کند: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹-۴۰)؛ «إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا» (مزمّل/۷)؛ «وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا» (نبأ/۹) و از طرف دیگر یادآوری می کند که خدای سبحان هر آنچه را که در جهت کسب کمالات و تعالی روحی و مادی، ضروری بود مسخر وی ساخت: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (لقمان/۲۰) تا با کار و کوشش، هم به عمران و آبادانی زمین بپردازد: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود/۶۱) و هم با کارهای شایسته، به حکمت و وجودی خود پی ببرد و کرامت نفسانی خویش را تحصیل کند. در کلام ائمه معصومین (ع) نیز یکی از راه های تحصیل عزت کسب و کار بیان شده است؛ امام صادق (ع) به یکی از اصحاب فرمود: صبح هنگام، در محل کسب عزت خود، حضور یاب: «أَغْدُوا إِلَيَّ عَزْكَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۱۴۹) در اهمیت کار همین بس که کار در اسلام، صبغه عبادی و جنبه قدسی دارد؛ چون کسب حلال از برترین عبادت ها شمرده شده است؛ پیامبر اکرم (ص) فرمود: «عبادت هفتاد جزء است و برترین آن ها کسب حلال است» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۷، ص ۲۱) و امام صادق (ع) کارگر را در ردیف جهادگر در راه خدا قلمداد کرده است: «کسی که کار و کوشش می کند تا نیازهای عایله خود را تأمین کند، مانند مجاهد در راه خداست» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۸۸) علامه جعفری می نویسد: «آنچه را که ما از دلایل تجربی در زندگی انسانی و عوامل حیاتی سرگذشت بشری و منابع اولیه اسلامی می بینیم، این است که انسانی که حیاتش را از کار و کوشش دیگران تأمین می نماید، طفیلی مزاحم حیات دیگر انسان ها است که نه تنها بهره برداری او از مواد زندگی که با تلاش دیگران تهیه می شود، غصب و عدوانی است، بلکه حیات او از آن دیگران است و خود مرده ای بیش نیست» (جعفری، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۴۸) براین بنیاد نیز مقام معظم رهبری می فرماید: «فرهنگ کار باید در کشور یکجوری باشد که مردم کار را عبادت

بدانند؛ هر یک ساعت کار را با شوق بیفزایند در مدت و مقدار کاری که انجام می‌دهند. باید کارکرد. با بیکاری و بی میلی به کار و تنبلی و وادادگی، کشور پیش نخواهد رفت» (بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۶/۰۵/۱۳۹۰، <https://khl.ink/f/16889>).

حمایت از تولید و کار ایرانی

نیک پیدااست که اقتصاد بالنده و پویا مبتنی بر تولید و حمایت از آن است و این مهم به عنوان اصل عقلایی همواره در کلام و سیره رفتاری پیشوایان دین مورد تاکید قرار گرفته است؛ آنان هم خود به فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی می‌پرداختند هم پیروانشان را به آن سفارش می‌کردند هم به مهارت‌آموزی عنایت داشتند هم به صنعت و بازرگانی توجه داشتند؛ البته با توجه به اینکه در عصر رسالت و دوران ائمه معصومین (ع) کشاورزی از مهم‌ترین مشاغل تولیدی بود به آن بزرگواران در تمام موارد فوق سخنانی را گفته‌اند که ضرورت توجه به امر تولید را به خوبی نشان می‌دهد. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هرکه درختی بنشاند و آن درخت به بار نشیند، خداوند به اندازه‌ای که آن درخت میوه دهد، او را پاداش عطا فرماید.» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۳، ص ۶۶۰)؛ «هر مسلمانی درختی بنشاند، یا زراعتی بکارد و انسانی یا پرنده‌ای یا چرنده‌ای از محصول آن بخورد، برای وی صدقه محسوب شود» (بخاری، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۸۱۷) امیرالمؤمنین (ع) رحمت پروردگار به یک ملت را درگرو توجه مردم به امر تولید دانسته و می‌فرماید: «هر فرد و ملتی که با داشتن آب و زمین کافی برای تولید کشاورزی نیازمند باشد از رحمت خداوند متعال به دور خواهد بود» (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۱۱۵) امام صادق (ع) کشاورزان را گنج‌های مردم می‌داند «کشاورزان کنج‌های مردمند، بذر پاکیزه‌ای را می‌کارند که خداوند عزّ و جلّ آن را برآورده است مقام آنان در روز قیامت از همگان بهتر و قرب و منزلتشان از همه بیشتر است و «مبارک» خوانده می‌شوند» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۲۶۱) امام کاظم (ع) کشاورزی را شغل پیامبران خدا، جانشین آنان و مردان شایسته می‌داند: «علی بن ابی حمزه می‌گوید: امام کاظم (ع) را دیدم که در زمین کشاورزی خودکار می‌کرد و عرق می‌ریخت. عرض کردم: قربانت گردم! پس کارگران کجا هستند؟ فرمود: ای علی! بهتر از من و پدرم در این زمین با بیل کار می‌کردند عرض کردم آنان را معرفی بفرما حضرت فرمود: رسول خدا (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و پدرانم همه با دست خودکار می‌کردند کشاورزی شغل پیامبران خدا، جانشین آنان و مردان شایسته است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۸، ص ۱۱۵) همچنین سفارش رعایت حال کشاورزان و تولیدکنندگان نیازهای مردم به کارگزاران در سیره معصومین (ع) نمایان است. امام صادق (ع) در این باره راجع به امیرالمؤمنین امام علی (ع) می‌فرماید: «امیر مؤمنان همیشه کشاورزان را به عمال و کارمندانشان سفارش می‌نمود» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۳، ص ۲۱۶) امام موسی کاظم (ع) از کشاورزان و تولیدکنندگان مدینه زیاد حمایت می‌کرد، «شخصی می‌گوید: در نزدیکی مدینه صیفی‌کاری داشتم موقعی که فصل برداشت محصول نزدیک می‌شد، ملخ‌ها آن را نابود کردند من خرج مزرعه را با پول دو شتر بدهکار بودم نشسته بودم و فکر می‌کردم ناگهان امام موسی بن جعفر (ع) را دیدم که در حال عبور از آنجا بود و مرا دید، فرمود: چرا ناراحتی؟ عرض کردم: به خاطر این که ملخ‌ها کشاورزی مرا نابود کرده‌اند حضرت فرمود: چه قدر ضرر کرده‌ای؟ عرض کردم: یک صد و بیست دینار با پول دو شتر حضرت به غلام خود فرمود: یک صد و پنجاه دینار به او بده سی دینار سود به اضافه اصل مخارج و دو شتر هم به وی تحویل بده! آن مرد می‌گوید: وقتی این کمک را تحویل گرفتم، عرض کردم: وارد زمین من شوید و در حق من دعا کنید حضرت وارد زمین شد و دعا کرد، سپس از رسول خدا (ص) نقل کرد و فرمود: از بازماندگان مشکلات محکم نگه‌داری کنید» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ص ۱۶) همچنین

مهارت‌آموزی و کسب تجربه به‌عنوان یک اصل عقلایی در گفتار و رفتار ائمه علیهم‌السلام مشهود است « مطابق اخبار متعدد در سال دوم هجری و پس از غزوه ذوالعشیره، وقتی امیرالمؤمنین در منطقه یادشده فرود آمدند، برای مشاهده شیوه کارگری و کشاورزی قبیله بنی‌مدلج، همراه با عمار یاسر در کنار نخلستان‌ها حاضر شده و از شیوه کار کارگران دیدن کردند» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ج ۳، ص ۱۵۱) همچنین پیشوایان دین برای حمایت از تولید و تأمین نیازهای مردم به تجارت و صنعت توجه داشتند و این مهم را به‌روشنی از فرمان معروف علی (ع) به مالک اشتر می‌توان دریافت، در این فرمان به مالک توصیه می‌کند: « درباره تجار و صاحبان صنایع نخست به خودت توصیه کن (که مراقب حفظ و تقویت آنان باشی) و نیز دیگران را به خیر و نیکی با آنان سفارش نما. (در این توصیه) بین بازرگانانی که در مراکز تجاری اقامت دارند و یا آن‌ها که سیار و در گردش‌اند و نیز صنعتگران و کارگرانی که با نیروی جسمانی خود به کار می‌پردازند، تفاوت مگذار، زیرا آن‌ها منابع اصلی منفعت (مردم) و اسباب آسایش (جامعه) هستند و مال‌التجاره‌های مفید را از سرزمین‌های بعید و دوردست، از صحرا و دریا و سرزمین‌های هموار و ناهموار محل حکومت تو و از مناطقی که عموم مردم با آن سروکاری ندارند و (حتی) جرأت رفتن به آن را نیز در خود نمی‌بینند، گردآوری می‌کنند... کاره‌ای آن‌ها را پیگیری کن و سامان ده چه آن‌ها که در حضور تو (و مرکز فرمانداریت) زندگی می‌کنند و چه آن‌ها که در گوشه و کنار کشور هستند.» (مکارم شیرازی، بی‌تا: ج ۳، ص ۱۵۳) بر این اساس نیز رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲، <https://khl.ink/f/20831>) «علاج اصلی و بنیانی، عبارت است از تولید ملی» (بیانات در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۱۹، <https://khl.ink/f/21151>) «ما تا به کار ایرانی و سرمایه‌ی ایرانی احترام نگذاریم، تولید ملی شکل نمی‌گیرد و اگر تولید ملی شکل نگیرد، استقلال اقتصادی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند و اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد -یعنی در مسئله‌ی اقتصاد نتوانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد- استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند و اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد، بقیه‌ی حرف‌ها، جز حرف، چیز دیگری نیست. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به‌خود نکند، مستقل نکند، نمی‌تواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد» (بیانات در اجتماع کارگران کارخانه‌جات تولیدی داروپخش، ۱۳۹۱/۰۲/۱۰، <https://khl.ink/f/19516>) تولید، چه در عرصه‌ی صنعت، چه در عرصه‌ی کشاورزی، از اهمیت درجه‌ی اول برخوردار است. کشوری که تولید نداشته باشد، خواهی‌نخواهی وابسته است» (بیانات در دیدار کارگران نمونه سراسر کشور، ۱۳۸۹/۰۲/۰۸، <https://khl.ink/f/9275>)

عدالت اقتصادی و اجتماعی

دین اسلام که به تعبیر قرآن آیین حیات و زندگی است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال/ ۲۴) معتقد به جامعه غنی و سالم است لذا از طرفی همگان را به کسب و کار و تحصیل ثروت کرده و ره‌آورد آن را به خودشان اختصاص می‌دهد، «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء/ ۳۲) از طرف دیگر به عدالت اجتماعی یعنی «توزیع عادلانه ثروت» سفارش می‌کند یعنی آیین اسلام ضمن به رسمیت شناختن مالکیت خصوصی و عمومی به مالکیت حکومتی قائل است و «حکومت اسلامی از املاک خود در مواقع لزوم به‌صورت عادلانه به افراد می‌دهد تا اگر

مشکلی در جایی به وجود آمد حل گردد. اگر برنامه مالکیت‌های سه گانه به طور دقیق رعایت و عملی شود، معضل توزیع ناعادلانه ثروت حل می‌گردد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۷۲) و از طرف سوم به مبارزه با «تراکم» و «تکثیر» و «کنز» توصیه کرده و قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه/۳۴)؛ «يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» (توبه/۳۵) همچنین برای مبارزه با فقر و کم کردن فاصله طبقاتی در میان مسلمین و کمک به عمران آبادی قانون «زکات»، «خمس»، «انفاق‌های مستحبی»، «وقف» و «انفال» را تشریح کرده است. مصارف هشتگانه زکات اهمیت و نقش تشریح این حکم اسلامی را در ساختن یک اجتماع سالم منعکس می‌سازد. قرآن مجید این «موارد هشتگانه» را چنین شرح می‌دهد: «أَمَّا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ» (توبه/۶۰) همچنین قرآن پس از بیان موارد مصرف «فیء» که بخشی از انفال است فلسفه این تقسیم را هم بیان کرده و می‌فرماید: «ما أفاء الله على رسوله من أهل القرى فلله وللرسول ولذی القربی والیتامی والمساکین و ابن السبیل کی لا یكون دولةً بین الأغنیاء منکم» (حشر/۷) مفسران تفسیر نمونه در تفسیر آیه می‌گویند: «این آیه یک اصل اساسی را در اقتصاد اسلامی بازگو می‌کند و آن اینکه جهت‌گیری اقتصاد اسلامی چنین است که در عین احترام به مالکیت خصوصی "برنامه را طوری تنظیم کرده که اموال و ثروت‌ها متمرکز در دست گروهی محدود نشود که پیوسته در میان آن‌ها دست‌به‌دست بگردد. البته این به آن معنی نیست که ما پیش خود قوانین وضع کنیم و ثروت‌ها را از گروهی بگیریم و به گروه دیگری بدهیم، بلکه منظور این است که اگر مقررات اسلامی در زمینه تحصیل ثروت و همچنین مالیات‌هایی همچون خمس و زکات و خراج و غیر آن و احکام بیت‌المال و انفال درست پیاده شود خودبه‌خود چنین نتیجه‌ای را خواهد داد که در عین احترام به تلاش‌های فردی مصالح جمع تأمین خواهد شد، و از دوقطبی شدن جامعه (اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر) جلوگیری می‌کند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۰۷/۲۳) بر این بنیاد نیز مقام معظم رهبری می‌فرماید: «نظام اسلامی معتقد به یک جامعه ثروتمند است، نه یک جامعه فقیر و عقب‌مانده. معتقد به رشد اقتصادی است؛ ولی رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و برای رفاه عمومی، آنچه در درجه اول است، این است که فقیر در جامعه نباشد؛ محروم نباشد؛ تبعیض در استفاده از امکانات عمومی نباشد. هرکس برای خودش امکاناتی فراهم کرد، متعلق به خود اوست. اما آنچه عمومی است مثل فرصت‌ها و امکانات متعلق به همه‌ی کشور است و باید در این‌ها تبعیضی وجود نداشته باشد.» (بیانات در مراسم تنفيذ حکم ریاست‌جمهوری، ۱۳۷۲/۰۵/۱۲، <https://khl.ink/f/2678>) «اقتصاد مقاومتی، عدالت است؛ یعنی تنها به شاخصه‌ای اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمی‌کند؛ بحث این‌ها نیست که بگوییم رشد ملی این‌قدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی این‌قدر زیاد شد؛ که در شاخصه‌ای جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده می‌کنید. درحالی‌که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا می‌رود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخصه‌ای مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخصه‌ای علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخص‌ها هم توجه می‌شود، اما بر محور «عدالت» هم کار می‌شود.» (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱، <https://khl.ink/f/25993>) «شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به‌هیچ‌وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم» (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰، <https://khl.ink/f/25795>)

تکیه بر ظرفیت‌های داخلی

بر اساس تجارب حسی و یافته‌های عقلانی ملتی می‌تواند راه پریچ‌وخم استقلال و خودکفایی را طی کند که جایگاه خود را بشناسد و به داشته‌های خود واقف و از خودبیگانه نباشد و باتدبیر درست و توکل بر خدا و اعتماد به نفس و تکیه بر ظرفیت‌های خود از زرمردان اقتدارطلب قطع وابستگی کند. در منطق قرآن خودکفایی و حل مشکلات ره‌آورد گام نهادن و استقامت در مسیر الهی است؛ «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد/۷) و «وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن/۱۶) بر این اساس نیز قرآن نه تنها هرگونه وابستگی امت اسلام را به بیگانگان نفی می‌کند؛ «وَلَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نسا/۱۴۱) بلکه در اوصاف پیامبر اکرم (ص) و یاران او نسبت به کفار می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَّرِعٍ أُخْرِجَ شَطَاطُهُ فَاذْرَاهُ فَاسْتَعْظَمَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّرَّاعَ لَيَغِظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» (فتح/۲۹) «بخش اول این آیه کریمه، همراهی عبادی و همگامی سیاسی و نظامی یاران و همراهان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را بیان کرده، می‌فرماید: همراهان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) افزون بر عبادت (رکوع، سجود، شب زنده‌داری) نسبت به یکدیگر رحیم و مهربان و در برابر بیگانگان شدید و با صلابتند. ذیل آیه نیز هماهنگی و همراهی اقتصادی آنان را بیان کرده، آنان را به زرع تشبیه می‌کند که جوانه، ریشه، ساقه، شاخه و محصولش را خود برآورده، در همه شئون خودکفاست.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۳۹/۱) در حدیثی امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «آنگاه که فرد و جامعه‌ای مورد لطف الهی قرار گیرد، خداوند توفیق خودتکایی و خودکفایی به آن‌ها عنایت می‌کند.» و امام خمینی نیز می‌گوید: «وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال، با همه ابعادش به پیش، و بی‌تردید دست خدا با شما است» (خمینی، ۱۳۸۹: ۴۵۰/۲۱) بر این اساس نیز رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «علاج تحریم‌ها، عقب‌نشینی و مذاکره با دشمن نیست! بلکه علاج واقعی آن، تکیه بر توانایی‌های ملی، واردکردن جوانان به میدان و احیای ظرفیت‌های فراوان کشور، و در یک کلام عمل به ارکان اقتصاد مقاومتی یعنی درون‌زایی و برون‌گرایی است.» (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان، ۱۳۹۹/۱۰/۱۰، <https://khl.ink/f/46146>، «یک ملت اگر به قدرت خود، به توانایی‌های خود متکی بود، دیگر از احم یک کشور، از تحریم یک کشور متلاطم نمی‌شود؛ این را باید ما حل کنیم» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/۰۸/۱۲، <https://khl.ink/f/24378>) بلکه «در عرصه دیپلماسی هم آن کشوری موفق است که متکی باشد به نیروی درون‌زا» (همان)

پرهیز از اسراف

در تعالیم اسلام تقدیر معیشت و میانه‌روی در زندگی از خصوصیات مؤمنان و پرهیزگاران است، آنان نه زندگی را بر خود سخت می‌گیرند، و نه اسراف و تبذیر می‌کنند، زیرا اعتقاد به خدا مالکی و امانت‌داری انسان سبب می‌شود که ثروتمندان ثروت‌های خود را در مسیرهای مجاز که حدود و ثغور آن را خدا معین می‌کند، هزینه کنند. امام صادق (ع) در روایتی خطاب به «ابان بن تغلب» فرمود: «مال متعلق به خداست که نزد انسان به امانت می‌سپارد و به انسان‌ها اجازه داده است که از این اموال

۱- «ماء غدق» یعنی سیراب کردن از آب فروان و آب زلال که مفسرین می‌گویند کنایه از حلّ همه‌ی مشکلات زندگی است. اگر در این راه پافشاری کنید، استقامت کنید - استقامت یعنی منحرف نشدن - درست حرکت کنید، در همین طریق مستقیم حرکت بکنید، مسلماً مشکلات زندگی هم حل خواهد شد، گرفتاری‌ها برطرف خواهد شد. (بیانات <https://khl.ink/f/47366> در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۹/۱۱/۲۹،

مقتصدانه بخورند و بپاشند و لباس و مرکب تهیه نمایند و مقتصدانه ازدواج کنند و فراتر از آن را به نیازمندان باایمان بدهند و پریشانی آن‌ها را مرتفع سازند، آن‌کس که چنین کند، آنچه را که می‌خورد و می‌آشامد و برای خود مرکب تهیه می‌کند و با آن ازدواج می‌نماید، بر او حلال است، ولی کسی که از این حدود تجاوز کند، بر او حرام است. سپس امام این آیه را خواند «اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد...» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۶۶/۸) و انگهی عقل سلیم و وجدان پاک ضمن تأکید بر پیشرفت و تعالی در همه عرصه‌های زندگی روا نمی‌داند عده‌ای در حسرت اولیات زندگی بمانند وعده‌ای با ولخرجی و ولنگاری در مصرف، منابع را هرز و به هدر دهند و ثروتی که می‌تواند گره‌گشایی از مشکلات محرومان و عامل پیشرفت و تعالی کشور شود با اسراف و تبذیر به پستی و عقب‌ماندگی و سقوط بینجامد.

در پرهیز از اسراف و تبذیر همین بس که قرآن نه تنها اسراف‌کنندگان را محبوب خدا نمی‌داند: بلکه آنان را اصحاب آتش معرفی می‌کند: «وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (غافر/۴۳) و تبذیرگران را برداران (امثال و نظایر) شیطان: «إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (اسراء/۲۷). بر این بنیاد نیز مقام معظم رهبری مدیریت مصرف را یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی دانسته و می‌فرماید: «مسئله‌ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر... این قضیه‌ی اسراف و زیاده‌روی، قضیه‌ی مهمی در کشور است» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳، <https://khl.ink/f/20534>) «ما به مردم نمی‌گوییم که ریاضت بکشند ما می‌گوییم ریخت‌وپاش نباشد» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۷۰/۱۱/۱۹، <https://khl.ink/f/2579>) «یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته‌ای به سود تولید... امروز در کشور ما این‌جوری نیست.» (بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱، <https://khl.ink/f/6082>) «در مسئله اصلاح الگوی مصرف خطاب اول من متوجه به مسئولان است؛ در درجه‌ی اول و در حوزه‌ی مأموریت خودشان باید به جد از ریخت‌وپاش پرهیز کنند.» (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰، <https://khl.ink/f/25795>) «امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاه و السلام)، آن روزبه کسانی که مسئولیت امور کشور را بر عهده داشتند، سخت‌گیری را به‌جایی رساندند که به قول امروز، بخشنامه کردند: «ادقوا اقلامکم»؛ سر قلم‌های خودتان را که با آن می‌نویسید، ریز بتراشید. هم صرفه‌جویی در قلم، هم صرفه‌جویی در کاغذ، هم صرفه‌جویی در مرکب! «و قاربوا بین سطورکم»؛ سطوری را که در کاغذ می‌نویسید به هم نزدیک بنویسید و در کاغذ صرفه‌جویی کنید. «واقصدوا قصد المعانی»؛ مطالب لازم را بنویسید. از زیاده‌روی و زیاده‌نویسی پرهیز کنید.» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۰۳/۳۰، <https://khl.ink/f/2625>)؛ «امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه‌ی تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل الله را دارد.» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۰۳/۳۰، <https://khl.ink/f/2625>)

فساد ستیزی

بدون تردید هیچ‌یک از ادیان آسمانی به‌قدر اسلام راجع به امور اجتماعی، بالندگی و عظمت ملت سفارش ننموده است. اسلام مبارزه با فساد و بیدادگری و نهی از منکر را از وظائف حتمی پیروانش قرار داده و اصلاحات اجتماعی و دادخواهی و امربه‌معروف را در رأس واجبات دینی می‌داند. «در قرآن مجید، در چهل‌ویک مورد به شکل‌های مختلف، دستور به ریشه‌کن کردن فساد از روی زمین آمده است» (جعفری تبریزی، ۱۳۹۲: ۴۲۳) قرآن برای مبارزه با فساد نه تنها امربه‌معروف و نهی از

منکر را بر عموم مسلمین واجب دانسته بلکه از آن‌ها می‌خواهد تا گروهی را بدان منظور آماده و مجهز سازند؛ « وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ » (آل عمران/۱۰۴) و به‌ویژه این دو وظیفه بزرگ را از امتیازات و افتخارات مسلمین دانسته و می‌فرماید: « كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ » (آل عمران/ ۱۱۰)

پیغمبر اکرم (ص) کوشش در اصلاح امور مسلمین را از ارکان اسلام و علائم مسلمین شمرده می‌فرماید: «هرکس در امور اجتماعی جهان اسلام لایبالی باشد و اهتمام نرزد و کوشش نکند، اصلاً مسلمان نیست» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۳/۲) در منطق امیر مؤمنان علی (ع) «آن‌کس که نه با دست و نه با زبان و دل با فساد مبارزه نکند «مرده زنده نماست» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۸۳/۱) و در میدان عمل و برخورد با فساد نیز در نامه‌ای به «زیاد ابن ابیه» جانشین فرماندار بصره می‌نویسند: «همانا من، برآستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت‌گیرم که کم‌بهره شده، و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۶۶/۲). بر این اساس نیز مقام معظم رهبری می‌فرماید: «ما اگر می‌خواهیم مردم در صحنه اقتصاد باشند، باید صحنه اقتصادی امنیت داشته باشد؛ اگر امنیت را می‌خواهیم، بایستی دست مفسد و سوءاستفاده‌چی و دور زنده‌ی قانون و شکننده‌ی قانون بسته بشود؛ مبارزه‌ی با فساد این است؛ این باید جدی گرفته بشود.» (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰: <https://khl.ink/f/25795>) «امروز یکی از مهم‌ترین مسائل ما، مبارزه با فساد است. این را باید همه مسئولان کشور بفهمند. فساد یعنی چه؟ فساد یعنی این‌که کسانی با زرنگی، با قانون دانی، با زبان‌چرب و نرم و با چهره‌حق‌به‌جانب، به جان بیت‌المال این ملت بیفتند و کیسه‌های خود را پر کنند. این کار چند ضرر دارد: یکی این‌که خزانة این کشور که باید صرف مردم شود - صرف ساختن پل و راه و سد و آب‌رسانی و آباد کردن روستاها و سامان دادن به زندگی مردم شود - به جیب یک نفر یا یک جمع خاص می‌رود.... ضرر دوم این است: کسانی که می‌خواهند با پول خود در کشور فعالیت اقتصادی کنند - کارخانه تأسیس کنند، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند- وقتی دیدند از راه‌های نامشروع می‌شود این‌همه ثروت به دست آورد، آن‌ها هم تشویق می‌شوند که بروند کار نامشروع کنند» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹: <https://khl.ink/f/3101>) «ضرر سوم این است که آدم فاسد وقتی بخواهد از بیت‌المال مسلمانان استفاده کند... مجبور است به مدیران و مسئولان و هرکسی که سر راه او قرار دارد، رشوه بدهد. ضرر چهارم این است که وقتی پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زبندگان رایج شد، گناه رایج می‌شود؛ «أُمَّرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا» (اسرا/۱۶) ضرر پنجم این‌که وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل می‌شوند. دشمن خارجی از آدم‌های فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده می‌کند» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹: <https://khl.ink/f/3101>).

نتیجه‌گیری

اقتصاد مقاومتی که ریشه در تعالیم اسلام و قرآن دارد در سال ۱۳۸۹ شمسی هم‌زمان با اوج‌گیری تحریم‌های غرب علیه ملت مظلوم ولی مقتدر ایران برای اولین بار بر زبان رهبر معظم انقلاب جاری شد و از آن زمان به بعد همواره ضمن تشریح ابعاد آن بر آن تأکید داشته‌اند.

اقتصاد مقاومتی اقتصادی دانش بنیان، عدالت محور، متکی بر ظرفیت‌های داخلی، درون‌زا، برون‌گرا و انعطاف پذیر است که در شرایط خصومت های شدید می تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد. ره آورد پایبندی مسئولان و مردم به اقتضانات اقتصاد مقاومتی هویت بخشی، خود اتکایی، خود استقلالی، عزت ملی و اقتدار سیاسی است.

برای تحقق اقتصاد مقاومتی باید به دانش و تولید توأمان توجه شود بنیان‌گذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی تولید و دانش افزون بر تقویت هویت ملی اقتدار اقتصادی و سیاسی در پی دارد. و نیز باید فرهنگ کار و کوشش در کشور جنبه عبادی و قدسی بیاید و کار روح افزا و شوق آفرین شود. در تعالیم اسلام به این مهم تأکید شده و کسب حلال نه تنها وظیفه روزانه بلکه از برترین عبادت‌ها دانسته شده است وانگهی تجارب حسی مؤید این معنا است که عزت و استقلال هر فرد و ملتی ره آورد همت و تلاش اوست؛ چنان‌که فرومایگی و زبونی و فسردگی هر امتی، پیامد تنبلی و راحت طلبی و بیکاری اوست همچنین مسئولین و مردم از تولید و کار ایرانی حمایت کنند تا تولید ملی که علاج اصلی و بنیانی است، شکل بگیرد. روشن است که استقلال سیاسی و فرهنگی مبتنی بر استقلال اقتصادی است و آن متکی به تولید ملی است. حمایت از تولید به عنوان یک اصل عقلانی همواره مورد اهتمام ائمه معصومین (ع) بوده است.

آیین حیات بخش اسلام معتقد به جامعه ثروتمند توأم با عدالت اقتصادی و اجتماعی است. آیین اسلام نه تنها تبعیض در استفاده از امکانات عمومی را بر نمی‌تابد بلکه ضمن توصیه به توزیع عادلانه ثروت و مبارزه با تکاثر و انباشت سرمایه با وضع قوانینی مانند خمس، زکات، انفاق‌های مستحبی، وقف و انفال اقدام به کم کردن فاصله طبقاتی در میان مسلمین می‌کند.

تکیه بر ظرفیت‌های داخلی اعم از منابع طبیعی و نیروی انسانی و مواجه قدرتمندانه با اقتصادهای کشورهای دیگر علاج تحریم‌ها است در عرصه‌ی دیپلماسی هم آن کشوری موفق است که متکی به توانایی‌های ملی خود باشد. قرآن ضمن توصیه مؤمنان به توکل و استقامت در راه حق و ویژگی مؤمنان را نسبت به کفار صلابت مندی و غیرقابل نفوذ خوانده و در بعد اقتصادی یاران و همراهان پیامبر اکرم (ص) را به زرع تشبیه می‌کند که جوانه، ریشه، ساقه، شاخه و محصولش را خود برآورده، در همه شئون خودکفاست.

پرهیز از اسراف و تبذیر و تقدیر معیشت از ویژگی بارز پرهیزکاران است که خدا مالکی و امانت داری انسان مقتضی آن است و عقل و نقل روا نمی‌داند که عده‌ای در حسرت اولیات زندگی بمانند عده‌ای با ولخرجی و ولنگاری در مصرف، منابع را هدر دهند بلکه باید نسبت شایسته‌ای بین تولید و مصرف به سود تولید وجود داشته. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه‌ی تعادل در مصرف هم در زمینه فردی و هم در سطح ملی بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است. برای شکوفایی اقتصادی باید با مفسد و دور زننده‌ی قانون و شکننده قانون مبارزه شود و فساد اقتصادی افزون بر ضررهای متعددی که دارد مشروعیت و مقبولیت نظام را به چالش می‌کشد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۷۶ ش، الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديثه)، محقق / مصحح: قیومی اصفهانی، جواد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲ ش، الخصال، ج ۱، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین.
ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین.
اسفندیاری صفا، خسرو، دهقان، حبیب الله، ۱۳۹۵، «مؤلفه های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، مجله مدیریت نظامی، سال شانزدهم، شماره ۶۱.

خامنه ای، سید علی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای: <https://khl.ink/f>

جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۸ ش، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم.
جعفری تبریزی، محمد تقی، ۱۳۹۲ ه.ش. مجموعه آثار ۵- حقوق جهانی بشر و کاوش های فقهی، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ اول.

جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، مردم سالاری دینی ماهیت، ابعاد و مسائل مردم سالاری دینی، ج ۲، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول.
جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، تسنیم، ج ۱، محقق: حجت الاسلام علی اسلامی، قم، مرکز نشر اسراء.

حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۳، بیروت، دارالکتب العلمیه.
حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ج ۱۳، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

حمیری، عبد الله بن جعفر، ۱۴۱۳ ق، قرب الإسناد (ط - الحديثه)، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

خطیب بغدادی، احمد بن علی، ۱۴۱۷ ق، تاریخ بغداد، ج ۱۵، بیروت - لبنان، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
خمینی، روح الله، ۱۳۸۹ ش، صحیفه امام، ایران، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
دشتی، محمد، ۱۳۷۹ ش، ترجمه نهج البلاغه، محمد، نشر مشرقین، قم، چاپ هشتم.

شیخ طوسی، ابو جعفر، ۱۴۱۱ ه، مصباح المتهدج، ج ۲، لبنان، مؤسسه فقه الشیعه بیروت، چاپ اول.
فراهانی فرد، سعید و همکاران، ۱۳۹۵، «تبیین رویکرد جهادی د اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری انقلاب»، پژوهش های مقاومتی اقتصاد.

فرجی، غلامحسین، و دیگران، ۱۴۰۰، «شاخص های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه آیت الله خامنه ای»، پژوهش های اقتصادی مقاومتی، مطالعات فقه اقتصادی، دوره ۳، شماره ۲، ص ۱۵-۱.

قمی، عباس، ۱۴۱۴ ق، سفینه البحار، ج ۱، چاپ اول، قم، اسوه.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیه)، ذم محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ۵ تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار (ط - بیروت)، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۸، بیروت، دار
إحياء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۲، دانش نامه امیرالمؤمنین (ع) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۷، قم، موسسه علمی فرهنگی
دارالحدیث، چاپ اول.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۱، تفسیر قرآن ناطق، ج ۱، قم، موسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ چهارم. اقتصاد مقاومتی در بیان
مقام معظم رهبر، خیزش نو، چاپ سوم
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ ش، امام امیر المومنین علیه السلام، ج ۲ و ۹، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ ش، نمونه، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة، ایران، تهران، چاپ دهم.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۳ ش، اسلام در یک نگاه، ج ۱، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۷ ش، از تو سوال می کنند (مجموعه سوالات قرآنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله)، قم، امام
علی بن ابی طالب علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر، بی تا، ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه، ج ۳، قم، موسسه مطبوعاتی هدف، چاپ اول.
- نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم
السلام، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- هاشم پور، محمدمیر و سایر همکاران، ۱۳۹۵، اقتصاد مقاومتی سکوی پیشرفت و عدالت؛ خیزش نو.

تأثیر فرگشت زبان در تکوین و تکامل تمدن اسلامی

ناصر خدایاری شوطی^۱

nasserkhodayarishoti@gmail.com

چکیده

تمدن نوین اسلامی یکی از موضوعات مهم در گام دوم انقلاب اسلامی است که حامیان آن در پی ایجاد مبانی نظری و عملی هستند. تدوین آراء، ارائه الگوی همخوانی، آسیب شناسی و شناخت نظری تمامی ظرفیت های سخت افزاری و نرم افزاری مؤثر در روند شکل گیری تمدن اسلامی مورد توجه و توجه جدی نظریه پردازان قرار گرفته است. از جمله عوامل نرم افزاری تعیین کننده در شکل گیری و گسترش یک تمدن، زبان تمدن و مطالب پیرامون آن است. روند شکل گیری تمدن نوین اسلامی و برآمدن آن از نظریه تکامل و تولد زبان، پرسشی است که جای بررسی فراوان دارد. نوشتار حاضر بر آن است تا با روشی توصیفی- تحلیلی به ایستایی و پویایی یا تحول زبان تمدن اسلامی بپردازد. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی امکان تولد تمدن نوین اسلامی از طریق تحول زبان در آینده تاریخ بشری است. یافته های پژوهش این است که بین تکامل، تعامل و آمیختگی زبان ها و تولد تمدن نوین اسلامی رابطه معناداری وجود دارد. بر این اساس شایسته است در این زمینه گام های لازم برداشته شود و زبان تمدن ساز مورد نظر، زبانی جامع، به روز و در حال تحول باشد تا بتواند ظرفیت تمدن سازی در مقیاس و مقیاس را در خود پیدا بکند.

کلید واژه ها: فرگشت، زبان، تکوین، تکامل، تمدن اسلامی

۱. مقدمه

موضوع تحقیق حاضر مطالعه دایره تنوع زبانی جهان اسلام، به روز بودن و قدرت پاسخگویی آن در قبال نیازهای بشری در حال حاضر است. هدف بیان این حقیقت است؛ با توجه به اینکه هر تمدنی مرکب از مولفه های متنوعی از جمله؛ دولت، دین، اخلاق، قانون، اقتصاد، ارتش و خط و زبان می باشد منظور از زبان، زبان واحد است و یا منظور زبان های متنوع و متداول در ظرف جغرافیای فرهنگی ما آن هم زبان های به روز می باشد و بر این اساس باید اجزای زبانی تمدن اسلامی و تعامل فیما بین آنها و همچنین توان انطباق آنها با اقتضات زمان و مکان نیز بررسی شود که کدام زبانها نقش تعیین کننده ای در شکل گیری هویت تمدنی آینده مسلمانان خواهد داشت. و همچنین تکامل زبان و تاثیر آن در شکل گیری تمدن بسیار مهم می نماید. تمدن به فهرستی از ویژگیها تقلیل می یابد. برای نمونه به اخلاق، دین، زبان، سبک هنری، توان اقتصادی، فرهنگی، ساختارهای اجتماعی و سیاسی و...؛ البته با این آگاهی که در هر تمدن خاصی تنها برخی از این عوامل ممکن است مهم باشند (ملویش (۲۰۰۴): ص ۵۳۲). در گام دوم چگونگی ارتباط میان این عناصر باید تبیین شود. این امر کارویژه دانش تمدن شناسی است. در تمدن شناسی، همانند تاریخ، تمدن موضوع مورد مطالعه و شناسایی است؛ با این تفاوت که مطالعه با مشارکت در فرایند تمدن سازی رخ میدهد (نوروزی و خاتمی نیا (۱۳۹۹): ص ۲۰۰). ویل دورانت در مورد مبداء تمدن بشری بر این باور است: « کلمه و کلام را باید ابتدای مرحله انسانیت دانست؛ با همین وسیله بود که انسانیت آشکار شد. اگر این

^۱ عضو هیئت علمی گروه علوم پایه- دانشکده پیرایشکی- دانشگاه علوم پزشکی تبریز. در مرحله ارتقاء به دانشیاری.

اصوات عجیب و غریبی که به آنها نام « اسم عام» می دهیم نبود؛ در آن صورت، انسان نمی توانست طبقات و انواع مختلف اشیا را مجزای از فرد خود این اشیا تصور کند و صفات را متمایز از اشیا یا اشیا را متمایز از صفات درک نماید». (ویل دورانت (۱۹۳۰): ج ۱، ص ۳۳).

مطالعه تاریخ پیدایش تکلم، نیروی خیال انسانی را در فضاهای وسیعی به پرواز در می آورد، ممکن است نخستین شکل زبان گشودن انسان، شبیه فریاد عاشقانه یک حیوان به حیوان دیگری بوده است. برای انتقال اندیشه مردمان اولیه به ایما و اشاره توسل می جستند. پس از آن نوبت به کلماتی رسیده که همراه با اشاره برای نشان دادن جهت به کار می رفته است؛ سپس در موقع مناسب اصوات تقلیدی به کار گرفته شده است. با پیدایش لغات، وسیله جدیدی برای اتصال و پیوستگی افراد به یکدیگر پیدا شد به طوری که مذهب و عقیده واحدی توانست افراد یک ملت را در قالب متجانس واحدی قالب ریزی کند. بزرگترین فایده کلمات و الفاظ پس از توسعه فکر، تعلیم و تربیت است. مدنیت عبارتست از گنجینه عظیمی است از فرزاندگی و عادات و اخلاق که با مرور زمان فراهم آمده است (ویل دورانت (۱۹۳۰): ج اول، صص ۳۱-۱۱). در میان عناصر سازنده تمدنی، نقش زبان بسیار برجسته است. با توجه به اینکه ما در بررسی محدوده جغرافیایی تمدنی که موضوع بحثمان است، خاستگاه آن را کشور ایران فرض می کنیم نمی توان بدون بررسی ابعاد ایران فرهنگی که مساحت آن به بیش از ۱۰ یا ۱۱ میلیون کیلومتر مربع می رسید مطالعه خود را در ایران کنونی زیر دو میلیون کیلومتر مربع تمرکز کنیم، آنگاه در محدوده جغرافیایی مورد اشاره که سابقه تاریخی دارد (خدایاری و همکاران (۱۳۹۵): صص ۱۰۱-۱۹۲).

با توجه به اینکه محدوده جغرافیایی تمدن اسلامی اینتر جغرافیایی (بین جغرافیایی) است از این رو در این حدود باید سراغ بافت های زبانی و زبان های غالب رفت و نقش هر یک از زبانها را در گذشته تمدن اسلامی و همچنین در تحقق تمدن اسلامی مد نظر در آخرین مرحله از گام دوم انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار داد (خدایاری و همکاران (۱۳۹۵): ص ۲۷).

لازمه رشد و گسترش فرهنگ و تمدن جدید در جامعه مقصد، انتقال مفاهیم حاکم بر آن است. انتقال آثار مکتوب و توانایی بهره گیری از آن از ضرورت های این فرآیند است. مسلمانان، فتح اندلس را از سال ۲۵ ق آغاز و در سال ۲۲ ق کامل کردند. در سالهای نخست حضور در اندلس، انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی به ساکنان اندلس که اغلب مسیحی مذهب و گاه یهودی بودند به دشواری صورت می پذیرفت (اشرف و فاتحی نژاد (۱۴۰۰): صص ۲۸-۲۹).

از نظر نشانه شناسی، شکل گیری هر تمدنی علائمی دارد از جمله علائم آن اشاعه زبان تمدن ساز است. خانم فریبا عزبدفتری؛ استاد دانشگاه تبریز، در تحلیل کتاب « پیوندهای پنهان» از نگرش کاپرا و ارزش و اهمیت زیستشناسی استفاده و می گوید: « زمانی که یادگیری نباشد، حیات نیز متوقف خواهد شد. به گفته کاپرا نویسنده کتاب پیوندهای پنهان، موجود زنده، هر نوع تغذیه را از محیط خود میگیرد و روی محیط نیز اثر میگذارد. عزب دفتری در تشریح کتاب اظهار کرد: شاخصترین ویژگی موجود زنده "خودزایی" است، به این جهت که دائماً در حال ترمیم خود و تلاش برای زندگی است. این یعنی توسعه پایدار، که توسعه پایدار فقط متعلق به محیط زیست است» (عزب دفتری (۱۴۰۰)، قابل دسترس در : <https://www.tzccim.ir/News/4529>).

۲. پیشینه پژوهش

پیرامون مساله پژوهش پیش رو، پیشینه معتنا بهی یافت نشد، اما برخی از پژوهشهای جدید به موضوعات مرتبط پرداخته اند؛ از جمله مقاله «مفهوم هویت در زبانشناسی و جامعه شناسی و ارتباط آن با زبان» از حبیب احمدی که ضمن تشریح مفهوم هویت به ارتباط آن با زبان پرداخته است. مقاله «زبان و تفکر» نوشته منیره دانایی اثر دیگری است. درآمدی بر کارکردهای تمدنی... / شهناز کریمزاده سورشجانی، محسن الویری ۳۵۱ که نویسنده در آن تالش دارد صورتبندی منطقی از ارتباط زبان و اندیشه ارائه کند. زبان و تکوین تمدن اسلامی» از نوروزی فیروز و خاتمی نیا نیز اثر دیگری است که تنها نقش زبان را به صورت عمومی در تکوین تمدن اسلامی مطمح نظر قرار داده است، اما پژوهش حاضر مسیر متفاوتی پیموده و به زبان قرآن به عنوان تک سلولی تکامل یافته تمدن اسلامی می پردازد.

۳. درون مایه زبانی فرهنگ و تمدن

زبان به منزله ابزار معرفی قابلیت های فردی و اجتماعی در منابع دینی مورد توجه قرار گرفته است. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «سخن بگویند تا شناخته شوید» اشاره به این که اگر می خواهید مقامات علمی و فضل و کمال و ایمان و ارزش های وجودی شما آشکار گردد و مردم از آن بهره گیرند سخن بگویند تا شما را بشناسند و به شخصیت شما پی ببرند و جایگاه خود را در جامعه پیدا کنید و بتوانید فرد مفیدی باشید. زیرا زبان، ترجمان عقل و کلید گنجینه های روح آدمی است و «تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد». و اگر سکوت کنید ممکن است سالیان دراز در میان مردم باشید و شما را نشناسند و از وجودتان استفاده نکنند و در واقع مانند محتکری شوید که مواد مورد نیاز مردم را در انباری پنهان کرده و در آن را قفل نموده است.

آنگاه امام با تعبیر جالبی برای گفته خود استدلال می کند: «زیرا انسان در زیر زبان خود پنهان است» (نهج البلاغه/ حکمت ۳۹۲). نگاه دیگری که میتوان به زبان در میراث فرهنگی داشت؛ توجه به نقش و عملکردی است که به صورت زنده و پویا در تداوم حیات فرهنگی جوامع ایفا میکند. با الهام از جمله فوق می توان چنین نتیجه گرفت که شخصیت و هویت هر جامعه نیز به نوعی در زیر زبان نظم و نثری آن است که در طول تاریخ از طریق دانشمندان، فلاسفه و هنرمندان آن آفریده می شود. شاهکارهای ادبی، فرزنانگان ادیب ایرانی از فردوسی، سعدی، حافظ، نظامی، خاقانی، صائب تا شهریار گنجینه فرهنگی یک کشور و یا زبان انتقال موارث فرهنگی اند. نگاه دیگری که میتوان به زبان در میراث فرهنگی داشت؛ توجه به نقش و عملکردی است که به صورت زنده و پویا در تداوم حیات فرهنگی جوامع ایفا میکند. این عملکرد در دو شکل عمده نمود می یابد:

۱. برقرای ارتباطات انسانی در گستره زمان و مکان؛ در پهنه جغرافیایی یا در بستر مکانی، زبان میتواند ارتباطات درون و برون- فرهنگی جوامع را تحت تأثیر قرار دهد. نتیجه این عملکرد زبان، تقویت ارتباطات فرهنگی، قومی و ملیتی میان جوامع است. این تأثیر در ارتباطات گروههای کوچکتر اجتماعی مانند افراد یک شهر، روستا، محله و صنف نیز مطرح میگردد.

۲. انتقال فرهنگ و معانی مستتر در آن؛ زبان به عنوان محمل معنا، بخش مهمی از میراث زنده را با خود منتقل می کند. به تعبیر رینر، «زبان حامل حکمت نسلهاست» (ریهنر ۱۳۶۸: ص ۴). اشکال مختلف روشهای انتقال معنا در زبان همچون انواع روشهای شفاهی و کتبی، در جوامع معلول کیفیت و شرایط این انتقال است. این روشها خود واجد اهمیت و اصالت بوده و درخور حفاظتند (ایوبی و همکاران ۱۳۹۴: صص ۹۰-۹۱).

زبان گنج و پتانسیل پنهان تمدن و فرهنگ یک جامعه است. مولانا در این زمینه به زیبایی سخن گفته است:

آدمی مخفی ست در زیر زبان
چون که بادی پرده را در هم کشید
این زبان پرده ست بر درگاه جان
سر صحن خانه شد بر ما پدید
کاندر آن خانه گهر یا گندم است
گنج زر یا جمله مار و گژدم است؟
یا در آن گنج است و ماری بر کران
ز آنکه نبود گنج زر بی پاسبان^۱

مقصود حکایت مذکور این است که زیبایی، امری است درونی نه بیرونی، و این اصل از مبادی زیبایی شناسی در مثنوی معنوی است، بنابراین مولانا با این حکایت صورت پرستان را نقد میکند. او طبق اسلوب معهود خود در هر بخش از حکایت، نکاتی دقیق و عمیق بیان میدارد و از آن جمله: کشف بودن زبان، برتری بیش بر دانش، سبب سخی شدن برخی از آدمیان (دهقانان فرد و همکاران (۱۳۹۷): صص ۱۱۳-۱۱۱).

زبان قرآن به عنوان خاستگاه الهی تمدن اسلامی

در قرآن، بالغ بر ۵۱ مرتبه از کلمه «لسان» و مشتقات آن که در عربی به معنای زبان است، استفاده شده است، البته کلمه «قال» که در عربی به معنای گفتن است و در گفتن معمولاً از زبان استفاده میشود، بسیار زیاد در قرآن آمده است. قرآن در بعضی جاها از زبان به عنوان عضو و ارگانی در بدن انسان یاد میکند و در جایی از آن به عنوان وسیله‌های جهت هدایت انسانها و یا از تنوع زبان به عنوان نشانه الهی که باعث شناخت است و در معانی دیگری که به مناسبت به آن پرداخته میشود یاد شده است (اشرف کافی)^۲.

در سوره قصص به تأثیر نفوذ کلام این چنین اشاره می‌کند: «و برادرم هارون از لحاظ بیان و فصاحت کلام بر من برتری دارد، پس استدعا دارم او را برای تصدیق و تأیید من همراه من بفرست، چون که بیم دارم که مرا تکذیب کنند و من از عهده پاسخگویی بر نیایم» (سوره قصص/۴۳). با تامل در نخستین سوره نازل بر پیامبر اسلام (ص) و آیات مربوطه نیز به دو مولفه مهم شنیدن و خواندن که پایه زبان نوین عربی است پی می‌بریم.

راغب در مفردات در مورد بافت زبان می‌نویسد: کلمه (قرائت) به معنای ضمیمه کردن حروف و کلمات به یکدیگر در زبان است، و این کلمه را به هر ضمیمه کردنی نمی‌گویند، مثال در جمع کردن عده ای را به دور هم نمی‌گویند: (قراءت القوم)، دلیل این ادعا این است که تکرار یک حرف از حروف الفبا در زبان را هم قرائت نمی‌گویند. و به هر حال وقتی گفته می‌شود (قرات الكتاب) معنایش این است که از ضمیمه کردن چند حرف از آن، کلمه و از ضمیمه کردن کلمات آن با یکدیگر جمله‌هایی در آورده، مطالبی استفاده کردم. از این سیاق دو احتمال تأیید می‌شود: اول، این آیات اولین آیاتی است که از قرآن کریم بر پیامبر اسلام (ص)، نازل شده. دوم، تقدیر کلام (اقراء القرآن) و یا چیزی که این معنا را برساند می‌باشد (طباطبایی (۱۳۹۰): ج ۲ ص ۹۰۰).

۳. تمدن و ابزار زبانی آن

۱. مولوی « مثنوی معنوی » دفتر دوم، بخش ۲۱ .
۲. رجوع شود به: زبان در قرآن. قابل دسترس در
<https://vista.ir/w/a/16/tyil7>

با توجه به نقش مهم زبان در حوزه تمدن سازی و کارکردهای تمدنی که برای آن برشمرده شد، به نظر میرسد لازم است بیش از پیش به نقش و اهمیت زبان توجه کنند. تمدن نوین اسلامی زمانی محقق میشود که ابزار زبان تمدن ساز را با همه قابلیت‌های آن در اختیار داشته باشد. چنین ابزاری چه زبان عربی باشد که در صف امت اسلامی میتواند به خدمت گرفته شود و چه زبان فارسی در قلمرو تمدنی فارس زبانها باشد، قادر خواهد بود در انتقال موارث تمدنی گذشته، دفاع از هویت و سطوح تمدنی در حال حاضر و عرضه داشتن دستاوردهای جدید تمدنی به جامعه انسانی ایفای نقش کند. در راستای تقویت این ابزار ارتباطی، باید قابلیت‌هایی را که به صورت بالفعل در زبان تمدنی مدنظر، موجود است تقویت کرد و به زمینه سازی برای ایجاد قابلیت‌های لازم ولی مفقود در آن پرداخت (شورجانی (۱۴۰۱): ص ۳۶۵).

در بعضی آیات به این اشاره شده که در واقع صحبت کردن به زبان مردم، باعث فهم بیشتر میشود و در قرآن آمده است که علت نزول قرآن به زبان عربی که زبان معمول مردم آن زمان بوده است، آن است تا آن را فهمیده و در محتوای آن به تفکر پردازند. «ای پیامبر ما قرآن را به زبان مادری تو (که زبان عربی است) بیان فرمودیم تا آسان باشد و مردمان معانی را درک کنند و پند بگیرند» (سوره دخان/۷۵). «و پیش از آن، کتاب موسی (ع) که هدایت و رحمت بود و این قرآن مصدق تورات است و به زبان عربی ساده بیان فرموده شده و مقصد آنست که ستمکاران را هشدار و نیکوکرداران را بشارت دهد.» (سوره احقاف/ آیه ۵). ما هیچ پیامبری را جز اینکه به زبان قومش تکلم کند به پیامبری مبعوث نکردیم تا بتواند حقایق و مطالب دین را برای آنها به خوبی شرح دهد (سوره ابراهیم /۴).

۴. ارتباط تحولات زبانی با توسعه تمدن اسلامی

مارچینفسکی در مورد تحولات زبانی در صدر اسلام می نویسد: «در دوره نخست تمدن اسلامی، تحول زبانی یکی از اساسی ترین تحولاتی بود که در جهان عرب رخ داد. در این دوره زبان عربی چنان تغییر گسترده ای را تجربه کرد و به سطحی از قابلیت رسید که توانست محمل و ظرف تمدن باشد» (نوروزی و همکاران (۱۳۹۹): ص ۲۰۸). نهر، نخست وزیر فقید و دانشمند هندوستان در اثر فاخر خود، «نگاهی به تاریخ جهان» به زیبایی، تمدن و فرهنگ اسلامی در اندلس اشاره و وضعیت اروپای آن دوره را اینگونه به تصویر میکشد: «دوران ۴۰۰ ساله حکومت اعراب در اسپانیا بسیار حیرت انگیز است اما آنچه بیشتر جالب توجه است، تمدن و فرهنگ عالی و بزرگی است که عربهای اسپانیا که به مورها مشهور شده اند، به وجود آوردند.» یکی از مورخان که تحت تاثیر این تمدن قرار گرفته و تا اندازه‌های مجذوب آن شده است، می گوید: «مورها آن حکومت حیرت انگیز کوردووا (قرطبه) را به وجود آوردند که از شگفتیهای قرون وسطی بود و موقعی که سراسر اروپا در جهل و بربریت و جدال و زد و خورد غوطه میخورد به تنهایی مشعل دانش و تمدن را روشن نگاه داشت که پرتو آن بر دنیای غرب میتابید.» نهر و همچنین از قول یکی از مورخان میگوید در اسپانیا تقریباً همه کس خواندن و نوشتن را میدانست حال آن که در اروپای مسیحی، صرفنظر از طبقه روحانیون، حتی اشخاصی که از عالیترین طبقات هم بودند، در جهل کامل به سر میبردند (ریوف نیا، ۱۳۸۹).

عده ای معتقدند برای رسیدن جامعه به مرز تمدن، سواد داشتن زبان نوشتاری شرط لازم است و فرهیختگی شرط کافی است و در نتیجه فرهیختگی مقرون به سواد، شاخص نخست تمدن است. با این حال زبان باید دارای ویژگیهایی باشد تا در میدان تمدن قادر به عرض اندام و ایفای نقش باشد. چنین زبانی باید در یک بازه زمانی مراحل کمال خود را پیموده و در این گذر و

گذار، توانمندی پاسخگویی در زمان برای نیازهای روز بشر را کسب کرده باشد. علاوه بر آن، با خاصیت خالقیت و پویایی و دریافتی و پذیرا بودن، قابلیت به روزکردن خود در مقابل آورده های بشری و امواج مهاجم دارا باشد و بتواند نقاط ضعف را با استفاده از نقاط قوت زبانهای دیگر پوشش دهد و در خود حل و هضم کند. چنین زبانی باید در یک واحد بزرگ اجتماعی که اراده بنیان نهادن تمدن خاص خود را دارد، عمومیت یافته باشد و قابلیت ایفای نقش در پی ریزی و دوام و انسجام یک تمدن را داشته باشد، با چنین شروطی، در اصطلاح به آن زبان تمدن ساز گفته می شود (کریمزاده شورجانی و الویری (۱۴۰۱)، پیاپی ۶۰).

هرچه از زمان حضور مسلمانان در اندلس بیشتر میگذشت، ضرورت آموزش زبان عربی، نمایان تر می شد. مسلمانان پس از استقرار حکومت اسلامی در اندلس، مدارس و مکتبهایی به شیوه ی آنچه در شرق رایج بود، برای آموزش زبان و ادبیات عربی و علوم اسلامی به کودکان تأسیس کردند (ابن عذاری، ۱۳۹۳: ۲/۲۴۵). برای آموزش تعالیم دینی بویژه قرآن کریم و نیز تعلیم کتابت، از روایت و شعر نیز بهره میجستند و ضمن آن مهارتهای نامه نگاری و قواعد زبان عربی و خط و کتابت را آموزش میدادند (اشرف و فاتحی نژاد (۱۴۰۰): از ص ۱ تا ص ۲۸).

۶. زبان و تمدن اسلامی در عصر ارتباطات

زبان در صورتی که تحت تأثیر ایده هدایتگر تمدن باشد میتواند در بسط تمدن مؤثر باشد؛ زیرا جهان اجتماعی از جمله زبان و تمدن هر دو برساخته هستند؛ زبان در اجزا و کلیت خود از ایده هدایتگر تأثیر میپذیرد و پس از آن موج تقویت و بسط ایده هدایتگر تمدن در گستره تمدن میشود. این فرایند تا جایی که این ارتباط وجود داشته باشد استمرار مییابد؛ اما از زمانی که این چرخه با نفوذ زبانهای بیگانه یا به علت های مختلف برهم بخورد، سبب میشود که تمدن، رو به ضعف و افول رود. در تجربه تاریخی تمدن اسلامی در دوره نخست، ایده هدایتگر رونق زبان عربی را سبب شد و زبان محمل تمدن اسلامی و ایده هدایتگر آن یعنی آموزه های اسلامی شد. ارتباط زبان - همچنین سایر عناصر تشکیل دهنده تمدن - با ایده هدایتگر تمدن امکان بازتولید تمدن اسلامی را در پی خواهد داشت. نکته دوم آنکه صرفاً وحدت زبانی شرط رسیدن به تمدن نیست؛ بلکه یک تمدن می تواند از طریق تکثر و تعدد زبانی به بازتولید خود اقدام کند. اما در صورتی که افراد حاضر در یک گستره تمدن بتوانند به چند زبان به طور همزمان با یکدیگر ارتباط بگیرند - نظیر عصر صفوی، گورکانی و عثمانی - در این صور زبان سبب بازتولید تمدن خواهد شد؛ زیرا سبب افزایش ارتباط زبان ها هم در سطح، گستره و در عمق خواهد شد. در صورتی که امروز جامعه اسلامی به سمت استفاده از زبانهای تمدنی خود یعنی عربی، فارسی، ترکی و... برود و از قابلیتهای هر یک بهره مند شود، این امر میتواند زمینه حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی را محقق سازد (نوروزی فیروز و خاتمی نیا (۱۳۹۹): صص ۲۱۹-۲۲۰).

۷. مشترکات فرهنگی و تمدنی بر مبنای توحید

قرآن کریم در خصوص زبان مشترک میان پیروان ادیان آسمانی می فرماید: «بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم که به جز خدای یکتا را نپرستیم، و چیزی را با او شریک قرار ندهیم، و برخی برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. پس اگر از حق روی گردانند بگوئید: شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم» (سوره

آل عمران/ آیه ۴۲). طبق اعتقاد امام خمینی از جمله اموری که به فهم زبان دین کمک می‌کند و می‌تواند مشکلاتی که در آن مطرح شده است را حل کند، نظریه وضع الفاظ برای روح معانی است. به اعتقاد ایشان، زبان دین در بیان احکام شرعی و قوانین کلی، زبان عرفی است و شارع در بیان مراد خود از زبان خاصی غیر از زبان عرف و عقلا استفاده نکرده است و فرقی میان خطابات قرآنی و روایی نیست (امام خمینی (۱۳۷۸)، ج ۴، ص ۲۹۵).

نتیجه

از رهگذر مباحث متن مقاله می‌توان به نتایجی رسید. اول، زبان یکی از مولفه‌های مهم تمدن ساز محسوب می‌شود. منظور از زبان فرایندی است که از ابتدایی‌ترین شیوه‌های ارتباطی فیما بین انسانها برای ابراز عشق و علاقه به یکدیگر همانند زبان بدن، اشاره، ایما، فریاد، تا خلق اصوات، حروف و کلمه و جمله تا نوشتن و خط و زبان و ادبیات شفاهی و کتبی تا پیچیده‌ترین و بالنده‌ترین مراحل آن. به عبارت دیگر از تک یاخته‌ها و تک سلولی‌های زبانی تا شکل و ماهیت امروزی زبان دوم، زبان نوع اول، زبان متعارف در همه تمدن‌هاست، اما زبان مورد نظر در تمدن اسلام از نظر شکلی عربی صرف نیست، بلکه عربی مبین است از نظر ماهیت و سرچشمه آن در عرصه شنیدن و خواندن برابر محتوای آیات سوره علق، الهی و توحیدی است سوم، این زبان در بازه زمانی قرون متمادی توسعه و شکوفایی لازم را تجربه کرده و با ورود به هر حوزه تمدنی همچون ایران، عثمانی، شبه قاره هند ساخت‌های زبانی مرکبی را ایجاد و به غنای آنها انجامیده و خود زبان عربی نیز به دست غیر عربها از منظر دستوری سازمان یافته تر شده است. چهارم، منظور از زبان، محتوا و روح و زیر زبان یعنی اندیشه است که در کالبد و جسم زبانهای مذکور متبلور می‌شود. پنجم، ضمن عدم انکار ارتباط زبان و تکنولوژی نباید از اینکه تکنولوژی جبر تاریخ است غفلت کرد. ششم، اینکه تمدن اسلامی تمدن تک زبانه نیست. بلکه می‌تواند همانند یک روح در کالدهای متعددی باز تولید و به راه خود ادامه دهد اما پیوندهای بافت‌های زبانی در مقیاس و محدوده جهان اسلام و کشورهای اسلامی می‌تواند قدرت مانور آن را افزایش دهد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

اشرف محمد حسین، فاتحی نژاد عنایت الله (۱۴۰۰). نقش زبان و ادبیات عربی در انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی به اندلس (فارسی).

اشرف کافی، زبان در قرآن، قابل دسترس در: <https://vista.ir/w/a/16/tyi17> (عربی).

ایوبی رضا، یادگاری زهره، افاضت شهاب (۱۳۹۴). آسیب شناسی میراث زبانی از طریق بازشناسی جایگاه و عملکرد آن در میراث

فرهنگی. دوفصلنامه مرمت و معماری ایران، سال ششم، شماره ۳۳ (عربی).

حریری اکبری محمد. زبان آغاز تمدن است، قابل دسترس در: <https://www.tzccim.ir/News/4529> (فارسی).

خدایاری و همکاران (۱۳۹۵). درون مایه‌های فرهنگ و تمدن اسلام و ایران. تبریز. انتشارات مکیال (فارسی).

خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). تنقیح الاصول، ج ۴، ص ۲۵۹، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- دهقانیان فرد کاظم، حسینی کازرونی سید احمد، حمیدی سیدجعفر و پرهیزگار مریم (۱۳۹۷). بررسی تمثیلی زیبایی درون و برون
از دیدگاه مولوی و حافظ. فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر، شماره ۳۶ (فارسی).
- ریوف نیا حمید (۱۳۸۹). اندلس و تاللو تمدن اسلامی. یاد ایام ۱۳۸۹ تیر شماره ۵۸ (فارسی).
- عزب دفتری فریبا (۱۴۰۲). زبان آغاز تمدن است. قابل دسترس در: <https://www.tzccim.ir/News/4529/> (فارسی).
- کریمزاده شورجانی شهناز (۱۴۰۱). درآمدی بر کارکردهای تمدنی زبان. فصلنامه علمی «دین و ارتباطات»، سال بیست و نهم، شماره دوم، پایپی ۴۵ (فارسی).
- طباطبایی محمد حسین (۱۳۶۰). تفسیر المیزان، ترجمه ناصر مکارم شیرازی. ج ۵۰ (فارسی).
- موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع)، (۱۳۹۰). ترجمه و شرح حکمت ۳۲۵ نهج البلاغه: زبان، نشان شخصیت انسان (فارسی).
- نوروزی فیروز رسول، خاتمی نیا فضا (۱۳۹۹). زبان و حوزه اعتبار تمدنی جهان اسلام (فارسی).
- نوروزی فیروز رسول، خاتمی نیا فضا (۱۳۹۹). پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۴ (فارسی).
- وحیدی منش حمزه علی (۱۳۸۲). عناصر تمدن ساز دین اسلام. نشریه معرفت، شماره ۱۲۳ (فارسی).
- دورانت ویلیام (۱۳۸۲). تاریخ تمدن، جلد اول، ترجمه احمد آرام و همکاران، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم (فارسی).

برنامه راهبردی قرآن در تمدن سازی جهانی با تأکید بر آیه تألیف قلوب

سرحات آکتاش

چکیده

یکی از مهمترین دستورات اسلام در راه تمدن سازی جهانی حکم تألیف قلوب نسبت به غیر مسلمانان است. این حکم شرعی که از قرآن نشأت می‌گیرد، مسلمانان را نسبت به غیر مسلمانان به نیکی و احسان تشویق کرده است. هر چند حکم تألیف قلوب در باب زکات به عنوان یک حکم فرعی قلمداد می‌شود ولی ظرفیت تبدیل شدن به یک برنامه راهبردی برای تمدن سازی جهانی را دارد. این حکم ابداعی و شگفت آور قرآن، با هدف جذب و الفت غیر مسلمانان نسبت به اسلام طراحی شده



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



است. در ماهیت این حکم می توان گفت خداوند به مسلمانان دستور داده است که بخشی از درآمدهای خود را که با زحمت به دست آورده اند برای بهبود زندگی غیر مسلمانان خرج کنند. بدون شک جامعه ای به تمدن پیشرفته و رشد عقلانی دست پیدا خواهد کرد که در آن عدالت اجتماعی، صلح، امنیت، آرامش روحی، مساوات... وجود داشته باشد. بدون این ارزشهای اجتماعی تحقق تمدن پیشرفته و رشد عقلانی امکان پذیر نخواهد بود. در این تحقیق به این نکته توجه شده است که اولاً برای تمدن سازی حکم تألیف قلوب باید مبنا قرار گیرد. در این راستا گسترش حکم تألیف قلوب برای غیر مسلمانان و صراحت دادن آن به عرصه های مختلف اجتماعی نیاز به دلیل عقلی و فقهی دارد. به این خاطر امکان استناد به دلیل های مختلف فقهی از جمله قیاس منصوص العله و قیاس اولویت ممکن است. هم چنین امکان اجرای این حکم در زمان فعلی نیز بررسی شده و با ادله روائی به اثبات رسیده است که امروز نیز اصل اولی نسبت به غیر مسلمانان تألیف قلوب است. با این مبنا جنبه های اجتماعی این حکم و ارتباط آن با تمدن سازی جهانی بررسی شده و به اثبات رسیده است که این حکم ارتباط مستقیم با تمدن سازی جهانی دارد و تألیف قلوب به عنوان برنامه راهبردی قرآن نسبت به غیر مسلمانان از اصول اجتماعی متعددی نشأت می گیرد که می توان اصل صلح طلبی، نوع دوستی، همزیستی مسالمت آمیز و اصلاح گرائی... از آن قبیل شمرد که در عصر حاضر بیشترین نیاز بشریت قلمداد می شود.

کلمات کلیدی: راهبرد شناسی، تمدن سازی، تألیف قلوب

مقدمه

ادیان الهی همواره از مهمترین عوامل گسترش تمدن در جهان هستند که بشریت را در هر دوره و زمان به حقیقت، پیشرفت، تکامل و جهل زدائی هدایت می کنند. اسلام نیز به عنوان آخرین دین الهی که بعد از آن هیچ دین و آیینی نخواهد آمد، ادامه دهنده این رسالت مقدس است. بدون شک دعوت بشریت به آیین حق آثار و طبقات پر برکاتی در دنیا و آخرت خواهد داشت که می تواند مشکلات مادی و معنوی بشریت را سر و سامان دهد ولی دعوت به آیین حقیقت راه و روشهای متعددی دارد که برای گسترش آن توصیه های متعددی شده است. اینکه اسلام از چه روشی برای گسترش تمدن الهی استفاده می کند محل بحث است بعضی ها که خصوصاً مستشرقین مدافع آن هستند معتقدند روش اسلام خشونت و جنگ است و با این روش دنبال حاکمیت و گسترش قدرت خودش می باشد. آنها معتقد هستند که اسلام بالاچار مردم را وارد دین می کند. در مقابل این ادعا یک عده از متفکران مسلمان معتقدند اسلام قبل از گزینه جنگ با استفاده از روشهای متعدد به قلبها نفوذ می کند به طوری که

قبل از گسترش جغرافیای اسلام گسترش معنوی و عاطفی تحقق پیدا می‌کند. این دو نظریه مطرح شده چالش مهمی در شناخت اصل اولی اسلام در برخورد با غیر مسلمانان را به وجود آورده است. هر چند برای هر دو نظریه می‌توان در تاریخ اسلام نمونه‌های متعددی را پیدا کرد ولی شناخت اصل اولی در نظر اسلام به عنوان برنامه راهبردی اهمیت مسئله را دو چندان می‌کند. نباید فراموش کرد که در این بحث علمی باید بعضی از رفتارهای مسلمانان را که در تاریخ انجام دادند از دستورات اصیل اسلامی جدا کرد. همان گونه که در عصر حاضر شاهد جنایتهایی به نام اسلام هستیم که به دلیل انحرافات فکری و اعتقادی باعث گریزان شدن انسانها از اسلام شده است.

هدف این نوشته گسترش دادن قلمرو حکم تألیف قلوب از باب زکات به عرصه‌های مختلف اجتماعی است تا این حکم به عنوان برنامه راهبردی اسلام در مقابل غیر مسلمانان معرفی شود و در راه ساختن تمدن بزرگ جهانی به کار گرفته شود.

واژه شناسی

الف) راهبرد

راهبرد یا استراتژی (به انگلیسی: Strategy) به معنی تعیین اهداف و طرح نمودن برنامه‌ای برای رسیدن به آنها است. به بیان دیگر راهبرد طرح دراز مدتی است که برای نیل به یک هدف بلند مدت مشخص طراحی و تبیین می‌گردد. راهبرد مفهومی است که از عرصه نظامی نشأت گرفته و بعداً در سایر عرصه‌ها از جمله اقتصاد، تجارت و به ویژه عرصه سیاست و مملکت داری از کاربرد زیادی برخوردار شده است.

دو عنصر اصلی در راهبرد لحاظ شده است اولی تعیین هدف و دومی، برنامه ریزی برای رسیدن به آن هدف است. در اولی قرآن با حکم تألیف قلوب نسبت به غیر مسلمانان دنبال تنش زدائی در جوامع بشری است. در دومی، اعطای مال زکات به غیر مسلمانان را به عنوان روش اتخاذ شده است.

ب) تمدن

در لغت تمدن: به اخلاق مردم شهرنشین خوی گرفتن، از جهل و نادانی به شهریگری و انسانیت تغییر یافتن آمده است. در اصطلاح به معنای برخورداری از برکات انسانیت از قبیل علم و ادب دوری از زخمی و سنگدلی و دانستن حدود الهی و معارف دینی از جمله واجبات و مستحبات است.

ج) تألیف قلوب

کلمه تألیف از ریشه "أل ف" از باب تفعیل به معنای انضمام چیزی برای چیز دیگر است هم چنین به معنای انس گرفتن و محبت پیدا کردن و اجتماع نیز آمده است. در لغت عرب «الفت دلالت می‌کند بر ترکیب چیزی با چیز دیگر. به همین دلیل وقتی قلبهای پراکنده به هم دیگر نزدیک می‌شوند انگار چیزهای پراکنده و جدا با هم ترکیب شده وحدت پیدا می‌کنند.

در بعضی جاها «الفت از ا-ل-ف به پیمان بستن قوم با قوم دگر است» در این راستا "المؤلف" بر وزن اسم مفعول است، یعنی در نگاه بیرونی وجود واحدی داشته باشد ولی در درون از اجزای مختلفی به وجود آمده باشد. به همین دلیل «مولفه به آن چیزی گفته می شود که از اجزای گوناگون تشکیل شده است». "تألیف" با "قلوب" که به کار می رود معنای محبت، دوستی، اتحاد و صمیمیت پیدا می کند. با در نظر گرفتن این معنا "مولفه القلوب" که در قرآن یک اصطلاح جدید است نسبت به غیر مسلمانان و یا افراد ضعیف الایمان به همین معنا به کار رفته است. الان در این رابطه قرآن را بررسی می کنیم.

جایگاه و اهمیت تألیف قلوب

بدون شک اولین مرحله در پذیرش حق ارتباط روحی و عاطفی با مخاطب است. یک مسلمان اگر در این مرحله موفق نشود هیچ وقت درهای قلوب مخاطبان بر آن باز نخواهد شد. به بیان دیگر می توان گفت قبل از عرضه مطالب باید پیش داوری های منفی مخاطب را از جلوی راه برداشت و الفت معنوی برقرار کرد.

جایگاه این موضوع آن قدر مهم است که خداوند در قرآن کریم الفت گرفتن قلبها را به خودش نسبت می دهد به طوری که حتی خود رسول خدا همه دنیا را هبه کند این الفت صورت نخواهد گرفت. «و دلهای آنها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می کردی که میان دلهای آنان الفت دهی، نمی توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است!» و چه کسی غیر از خداوند قادر بر این الفت خواهد بود بعد از صدها سال دشمنی و خونریزی بین قبائل جاهلی در مکه و مدینه و برای جنگ و خونریزی از قبایل مجاور و یا از یهودیان کمک می گرفتند. «و از قبایل مضر آنان که در مجاورتشان بودند میانشان فتنه ها و جنگ ها بود و در این احوال هر کس از هم سوگند و پیمان خود، چه عرب و چه یهود، یاری می طلبید» بدون شک الفت پیدا کردن بعد از سالها دشمنی و خونریزی امکان پذیر بود زیرا بعد از تشریف به اسلام خداوند دلهای مومنین را متحد کرد و به دین اسلام عزت و عظمت بخشید. «...به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید!»

در این راستا به راحتی می توان فهمید که همان گونه که اراده خداوند به اتحاد قلوب مؤمنین تعلق گرفته است به همان صورت جلب و الفت غیر مسلمانان نیز تعلق گرفته است و خواسته است مومنین با اعطای اموال زکات دل کفار و غیر مسلمانان را به دست بیاورند. به این معنا که خداوند مستقیماً دستور داده است که نباید مسلمانان نسبت به کفار بی تفاوت باشند بلکه زمینه الفت و محبت را فراهم کنند و دانه های این محبت را با اعطای اموال و هدایا و به دل آنها بکارند. «زکاتها مخصوص فقرا و ... کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می شود ...» حتی خداوند برای جلب قلوب بعضی از غیر مسلمانان از آنها تعریف کرده و به آنها توصیه کرده است اگر حق را قبول نکنید نسبت به بقیه مسلمانان دو برابر پاداش در یافت خواهید کرد. «کسانی که قبلاً کتاب آسمانی به آنان داده ایم... و هنگامی که بر آنان خوانده شود می گویند: «به آن ایمان آوردیم... آنها کسانی هستند که بخاطر شکیبایشان، اجر و پاداششان را دو بار دریافت می دارند...»

هم چنین خداوند به پیامبرش توصیه می کند در مقابل آزار و اذیت غیر مسلمانان صبر پیشه کند و بدی را با خوبی جواب دهد و تا وقتی که علیه اصل دین اسلام کاری نکردند راه مدارا را با آنها پیش بگیرد تا شاید قلبهایشان به اسلام گرم شود. « بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد- که در وجود آنها ریشه دوانده- آرزو می کردند ما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند با اینکه حق برای آنها کاملاً روشن شده است. شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد خداوند بر هر چیزی تواناست.» ولی چرا خداوند تألیف قلوب غیر مسلمانان را از مسائل مالی شروع کرده است؟ زیرا اگر در تاریخ بررسی شود به راحتی دیده خواهد شد که دلیل حب و بعضی ها دوستی و دشمنی ها عوامل مالی و منافع اقتصادی بوده است. عمده دلیل جنگ هائی که در تاریخ به وجود آمده و در اثر آن خونها ریخته شده و حرمتها هتک شده بخاطر به دست آوردن منافع بیشتر بوده است و این باعث دشمنی و عداوت شده است و زمانی که افراد از حق و امتیازات خود گذشتند و با فداکاری به هم دیگر بخشیدند محبت و دوستی ایجاد شده و دشمنی از بین رفته است.

واژه الفت در قرآن

در قرآن کریم سه جا از تألیف قلوب سخن به میان آمده است که دو تای آنها در مورد مومنین است و محبت و دوستی بین آنهاست و دیگری مربوط به غیر مسلمانان است.

الف) محبت و دوستی بین مؤمنین

در این رابطه دو آیه نازل شده است که خداوند از تألیف قلوب بین مؤمنین با عظمت یاد می کند. در این آیه واژه " اَلْفَ " به کار رفته که از باب "تفعیل" است. این واژه در جائی استفاده می شود که الفت و دوستی دو طرفی باشد یعنی همه مؤمنین نسبت به هم دیگر الفت، انس و محبت پیدا کنند.

و در آیه دوم بین مومنین خداوند گذشته آنان را که پر از کینه و اختلاف بود یاد آوری می کند و بیان می کند که چگونه با نعمت اسلام همه دشمنی ها به دوستی و برادری تبدیل شده و اتحاد پیدا کردند. بدون شک این الفت و دوستی یکی از آیات الهی بود که عداوتهای قبلی را که بین مومنین از بین برده و با عنایت خداوند تبدیل به برادری شده است.

این آیه نیز شبیه آیه قبلی از واژه " اَلْفَ " استفاده کرده است و مضمون آن با آیه قبل یکی است یعنی الفت از دو طرف ناشی می شود. معنای باب تفعیل متعدی بوده نیاز به مفعول دارد که باید همه قلبها نسبت به هم الفت داشته باشند. همانگونه که در آیه می فرماید «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ» و در دلهای آنها الفت ایجاد کرد به گونه ای که دوستدار یکدیگر شدند

ب) محبت و دوستی غیر مسلمانان با اسلام

در قرآن حکم تألیف قلوب از مومنین فراتر رفته و غیر مسلمانان را نیز در بر گرفته است. آنجائی که هشت گروه مستحقین زکات را که بیان می کند یکی از آنها را به نام "مولفه القلوب" یاد می کند یعنی کسانی که برای جذب آنها از مال زکات به آنها بخشیده شود. کسانی که با اسلام دشمنی ندارند و زمینه گرایش به اسلام را دارند. در آیه این گروه را به شکل اسم مفعول به نام "مولفه قلوبهم" یاد کرده است یعنی کسانی که قلبهایشان الفت و انس گرفته است. در این راستا علامه طباطبائی می فرماید: مقصود از "مؤلفه قلوبهم" کسانی هستند که با دادن سهمی از زکات به ایشان، دلهایشان به طرف اسلام متمایل می شود و به تدریج به اسلام درمی آیند، و یا اگر مسلمان نمی شوند ولی مسلمانان را در دفع دشمن کمک می کنند، و یا در برآوردن پاره‌ای از حوائج دینی کاری صورت می دهند

لازم به ذکر است آیات زیادی در مورد غیر مسلمانان به طور فردی و یا اخلاقی نازل شده است بعضی از آنان توصیه های اخلاقی و حتی بعضی ها اجتماعی است ولی این آیه مربوط به شئون حکومتی محسوب می شود. می توان گفت این حکم سیاسی و راهبردی است. زیرا دریافت زکات و بهره گیری از امکانات اقتصادی در جهت جذب قلوب و تمایل ساختن انسانها به اسلام در حیطة حکومت است و اگر حاکم اسلامی به نحو و جوب حکم کند که زکات را به حاکم بپردازد تا در مصارف کلی هزینه کند، به اجماع فقها، دادن زکات به حاکم واجب می شود. همین بحث درباره انفال، خمس و خراج نیز مطرح است و تمام اینها از بودجه دولت اسلامی محسوب می شود و دستور به اعطای اموال به مولفه قلوبهم به عنوان حکم حکومتی و یا سیاست اصلی حکومت قلمداد می شود.

به دلیل اینکه هدف از این نوشته بررسی تألیف قلوب غیر مسلمانان به عنوان راهبرد قرآنی است به تألیف قلوب مومنین نمی پردازیم و هر کجا از تألیف قلوب سخن بمیان بیاید منظور جذب محبت غیر مسلمانان خواهد بود. در این راستا به چند ویژگی آیه اشاره می شود.

۱- دلالت آیه به تألیف قلوب برای غیر مسلمانان قطعی است و بین علمای اسلام در اصل موضوع هیچ اختلافی نیست.

۲- آیه همه غیر مسلمانان را در برمی گیرد یعنی جامع اهل کتاب و مشرکین و کفار است

۳- تنها آیه ای است که به مسلمانان دستور احسان مالی به غیر مسلمانان می دهد

۴- این آیه قابلیت گسترش به عرصه های مختلف زندگی را دارد یعنی در سیاست در اقتصاد در فرهنگ و مسائل اجتماعی کاربرد دارد. به میان دیگر ظرفیت تبدیل شدن به یک برنامه راهبردی را دارد.

۵- تنها آیه ای که نسبت به غیر مسلمانان احسان را واجب کرده است بقیه آیات یا اخلاقی است و یا دستور استجابی

۶- نکته مهم در این آیه این است که کفار با مسلمانان در یک ردیف قرار گرفته اند و در یک حکم فقهی شراکت

پیدا کرده اند

۷- از نظر فقهی می تواند گفت این آیه برای تعیین اصل اولی رفتاری اسلام نسبت به غیر مسلمانان مبنا قرار بگیرد.

۸- می تواند برای مبلغین و علمای اسلام تبدیل به یک گفتمان شود و بدین وسیله جلوی جریانهای افراطی گرفته شود.

قلمرو تألیف قلوب

در این که قلمرو حکم مولفه قلوبهم چه قدر است و اینکه آیا می توان این حکم را گسترش داد یا نه محل بحث است. در این پژوهش نظر به این است که حکم مولفه قلوبهم را به عرصه های مختلف جامعه می توان گسترش داد و این نیاز امروز مسلمانان است تا بتوانند اقوام مختلف جهان را به سوی اسلام جذب کنند. در یک حدیث بسیار روشن کننده از زراره می توان قلمرو مولفه قلوبهم را مشخص کرد.

«زراره می گوید: من و حمران به حضور امام باقر علیه السلام شرفیاب شدیم؟ به حضرت عرض کردم، ما ریسمان سنجش افکار و اعمال را بکار می بریم و معتقدات و اعمال افراد را اندازه می گیریم. هر کس با ما موافق بود او را دوست می داریم خواه از سادات علوی باشد و خواه از افراد عادی. و هر کس بر خلاف ما باشد از او بیزاری می جوئیم خواه علوی باشد یا غیر علوی. امام باقر علیه السلام فرمود: زراره، گفته خداوند از گفته تو صادق تر است و بواقع و راستی منطبق تر. اگر گفته تو صحیح باشد، پس موضع مردان و زنان مستضعف کجا است. آنان که نمی توانند راه سعادت خود را بیابند و خویشان را از استضعاف برهانند؟ پس موضع آنانی که سرنوشتی مجهول دارند و باید در امید و انتظار امر الهی باشند کجا است؟ موضع آنانی که کارهای خوب و بدشان به هم آمیخته و از پایان کار خویش آگاهی ندارند کجا است؟ موضع اصحاب اعراف کجا است؟ موضع کسانی که باید مورد حمایت مالی واقع شوند تا دلشان به حق الفت پذیرد (مولفه قلوبهم) و به دین الهی گرایش یابند کجا است؟ این روایت در کتابهای معتبر شیعه با طرق مختلف نقل شده است از جمله «تفسیر عیاشی، رجال کشی و وسائل الشیعه از زراره که جزء اعلام شیعه است به همان طریقی که کافی نقل کرده نقل شده است»

این روایت دقیقاً چیزی است که نگارنده دنبال اثبات آن است زیرا مومنین کسانی نیستند که تنها دنبال نجات خودشان باشند و غیر از خودشان را نادیده بگیرند و طرد کنند و از حیطة دوستی و حبشان خارج بکنند بلکه بین انسانها کسانی هستند که نیاز به کمک مسلمانان دارند و برای پیدا کردن راهشان راهنما می خواهند و این چیز محقق نمی شود مگر بوسیله تألیف قلوب، آن هم نه فقط در مسائل زکات بلکه در همه عرصه های اجتماعی تا بقیه کسانی که امام باقر ع شمرند را در بر بگیرد. به همین دلیل سوال مهمی که در اینجا مطرح می شود این است که: آیا می توان یک حکم شرعی را از حیطة فقهی خودش به عرصه های مختلف دیگر گسترش داد؟

در جواب این سوال با پذیرش امکان تحقق آن می توان به دو راه اصولی اشاره کرد که می تواند دلیلی برای گسترش قلمرو این حکم ملاک قرار بگیرد و آنها قیاس منصوص العله و قاعده اولویت است. الان به ترتیب بیان می کنیم.

روش تعیین و شناخت مقاصد الشریعه

بدون شک هدف از فرستاده شدن انبیاء، کتاب آسمانی، شریعت هدایت بشریت است. به این معنا که هدایت مردم یکی از مقاصد اصلی الشریعت و دین است به همین دلیل قرآن بارها این مقصد و هدف را در آیات مختلف گوشزد کرده است

« رمضان ماهی است که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است» در اسلام هر حکمی در راستای این هدف تشریح می‌شود و حکم مؤلفه نیز یکی از آن احکامی است که برای رسیدن به مقصد اصلی ناگزیر باید تحقق پیدا کند.

"به درستی که در نزد شیعه، تبعیت احکام از مصالح و مفاسدی که از وجود مقاصد پیش شارع حکایت می‌کند و طبق آن احکام تشریح می‌شود و هم چنین در نظر گرفتن این مقاصد دلیل گسترش و محدود کردن موضوع در قضایا می‌شود را مقاصد الشریعه گفته می‌شود»

به بیان دیگر مقاصد شریعت، غایات، اهداف و نتایجی است که شارع با وضع احکام شرعی تحقق آنها را در نظر داشته است. توجه به مقاصد شریعت، بهترین راه برای کابردی کردن فقه و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه معاصر است. همان طور که مشخص است در اصول فقه شیعه منابع استنباط احکام قرآن، سنت، عقل و اجماع است و فقهای شیعه با استفاده از این منابع به مقاصد شریعت پی برده و حکمت احکام الهی را با ادله معتبر بیان می‌کنند یعنی چیزی که به دلیل آن شارع حکم را واجب و یا حرام می‌کند.

فقها برای استنباط احکام شرعی به مقاصد شریعت توجه کرده و آن را اصل قرار داده‌اند. این توجه گاهی نصی را مقید کرده و گاهی آن را توسعه داده است. همچنین، از برخی احتیاطهای ناروا جلوگیری، و حیل‌های مخالف مقید شارع را نفی کرده و گاهی نیز از اجرای برخی اصول عملیه جلوگیری کرده است. همه اینها دربردارنده توسعه فقه امامیه است. در این موضوع محمد جواد مغنیه چنین می‌گوید

«من به طور یقین می‌دانم که مقاصد الشریعه همان مصلحت است و هر وقت وجود مصلحتی را کشف کردیم آن را قبول می‌کنیم... این، به معنای اجتهاد در مقابل نص نیست بلکه عمل به خود نص است زیرا علم به مقاصد الشریعه همان علم به نص است»

با توجه به مقاصد الشریعه در مورد گسترش حکم مولفه قلوبهم باید گفت قاعده اصولی داریم مبنی بر اینکه "تعلیق الحکم بالوصف مشعر بالعلیه" به این معنا که؛ معلوم است دادن زکات به کفار تعلیق به وصف تألیف قلوب شده بنابر این تألیف قلوب علت غائی این حکم است و از آنجائی که معلول از علت قابل تخلف نیست بنابر این از هر طریقی می‌توان برای این غرض مولی اقدام نمود و در نتیجه اگر از راههای مختلف غیر از زکات تحقق این امر میسر باشد مرضی شارع خواهد بود؛ این می‌شود یک سیاست راهبردی اسلام و معلوم است توقف احکام بر موارد خود در جاهائی صحیح است که یا مسئله تعبدی باشد یا خلاف اصل و غیر متعارف، و ما نحن فیه این گونه نیست.

با این نگاه باید تعریفی از حکم تألیف قلوب ارائه داد که بتواند در جهان کنونی همه بشریت را در بر گیرد تا حکم محدود به یک مورد خاص نباشد.

از جمله می‌توان گفت: مولفه قلوبهم کسانی هستند که زمینه پذیرش دین اسلام را دارند و با دل‌جویی‌های مادی و معنوی به سوی اسلام گرایش پیدا می‌کنند که زکات یکی از آن موارد است.

در این صورت نه به زکات محدود خواهد شد و نه به جنگ در نتیجه با گسترش حیطة کاربرد این حکم به موفقیت بیشتری در گسترش دین دست پیدا خواهیم کرد. و ادعای کسانی بر نسخ و تعطیلی این حکم بعد از زمان پیامبر از استحکام

لازم برخوردار نیست. به این دلیل اگر بی توجهی و غفلت از این حکم موجب تعطیلی و به فراموشی سپردن این حکم باشد مورد ملاحظه خواهد شد. به این دلیل ادله گسترش حکم مولفه القلوب را می توان چنین شمرد.

اول: قیاس منصوص العله

راه اول که می توانم برای تعمیم حکم از آن استفاده کرد قیاس منصوص العله است. یعنی با شناخت علت حکم آن را به موارد دیگری که آن علت را در خود دارند گسترش می دهیم. در این قاعده اصولی سه رکن اصلی وجود دارد اولی خود حکم، دومی متعلق و یا مصداق حکم و سومی علت حکم است. علت نیز دو نوع است یا از طرف شارع مشخص شده است مانند: الخمر حرام لانه مسکر و یا اینکه ما به یقین به علت حکم پی می بریم مانند: اعطای مال زکات به غیر مسلمان به دلیل تألیف قلوب. در هر دو صورت گسترش قلمرو حکم ممکن و جائز است.

«علت هر حکم، در حقیقت همان امری است که باعث تشریح حکم شده است. مثلاً علت حرمت خمر، مسکر بودن آن است زیرا شارع به جهت مسکر بودن، حکم حرمت را بر خمر، بار کرده است. البته دلیلی که حکم را ثابت می کند بر دو نوع است، گاهی علت حکم در خود آن دلیل ذکر شده که در این صورت حکم منصوص العله است و گاهی علت در خود دلیل ذکر نشده است، بلکه مجتهد با تکیه بر فهم و دانش خویش به کشف علت می پردازد. با این حال هر گاه دلیل مشتمل بر علت حکم باشد، تعمیم آن از موضوع اصلی به سایر موضوعات از باب منطوق یا مفهوم نیست، بلکه از باب الحاق است.»

با این بیان می توان گفت اولاً علت حکم را در هر حکم شرعی پیدا می کنیم و در مرحله دوم متعلق حکم را مشخص می کنیم و در مرحله سوم آن را به مواردی مشابه گسترش می دهیم. یعنی متعلق حکم خواه شراب خوردن باشد خواه مواد مخدر. حکم یکی است زیرا هر دوی آنان مسکر هستند. در ما نحن فیه علت اعطای زکات به کفار تألیف قلوب است و هر جا علت وجود داشته باشد حکم نیز تحقق پیدا می کند. متعلق حکم هر چه می خواهد باشد خواه اعطای زکات باشد و یا اخلاق حسنه. در هر صورت گسترش قلمرو حکم، با توجه به علت قطعی آن که در اصول به آن قیاس منصوص العله گفته می شود درست است.

راه دوم: قیاس اولویت

راه دوم برای گسترش قلمرو حکم تألیف قلوب قاعده قیاس اولویت است. در تعریف آن گفته اند: «سرایت حکم از موضوعی به موضوع دیگر به اولویت قطعی مانند اینکه خداوند فرموده: به پدر و مادر اف نگویند «وَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفُّ» که این جمله به اولویت قطعی، دلالت بر حرمت ناسزا گویی به آنان است»

قیاس اولویت دو شرط مهم دارد که بدون آن تحقق پیدا نمی کند اول: حکم در منطوق و مفهوم از یک سنخ باشد. مثلاً اگر حکم در منطوق وجوب است در مفهوم نیز چنین باشد و اگر در آن حرام است در مفهوم نیز حرمت باشد. دوم: ملاک حکم در مفهوم اقوی از ملاک حکم در منطوق باشد. مثلاً در آیه که فرموده «وَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفُّ...» "اف" گفتن به پدر و مادر مورد نهی

قرار گرفته است. دلالت این نهی به طور اولویت بر ناسزا آنان است. زیرا حکم در منطوق و مفهوم از سنخ حرمت است و ملاک حرمت در ناسزا گفتن و آزار دادن قطعاً قوی تر است.»

موضوع حکم مولفه قلوبهم در باب زکات تألیف قلوب غیر مسلمانان است که خداوند با پرداخت اموال بیت المال دستور داده است که دل غیر مسلمانان را به دست بیاورید و وقتی شارع برای این کار دستور به پرداخت زکات داده است به طریق اولی بدون پرداخت زکات به دست آوردن دل غیر مسلمانان اراده شارع خواهد بود. در این رابطه بعضی از مراجع نیز به قیاس اولویت تمسک جستند و تألیف بدون پرداخت مال را مقدم دانسته اند. «اگر تألیف بدون اعطای زکات تحقق پیدا کند مانند کمالات اخلاقی و یا مانند آن، ظاهر آن است که آن تألیف بر زکات مقدم است.»

در هر صورت گسترش قلمرو حکم "مؤلفه قلوبهم" به غیر زکات یا بوسیله قیاس منصوص العله و یا قیاس اولویت است. همانگونه که در باب زکات مؤلفه قلوبهم وجود دارد همانگونه در موارد غیر از زکات نیز گروهی به نام مؤلفه قلوبهم وجود خواهند داشت.

اصول اجتماعی تألیف قلوب در قرآن

هر برنامه راهبردی در راستای تمدن سازی نیاز به اصول متعدد اجتماعی دارد که از آن نشأت گرفته باشد. تبیین این اصول برای تحقق هدف راهبرد لازم و ضروری است به این دلیل برای شناخت برنامه راهبردی قرآن نسبت به غیر مسلمانان از یک سری اصول اجتماعی ریشه گرفته است و معتقد هستیم با شناخت آن اصول گستره راهبرد قرآنی بهتر فهمیده خواهد شد. در این بخش به اصول اجتماعی تألیف قلوب اشاره می شود.

الف) اصل صلح طلبی

یکی از اصولی که برنامه راهبردی قرآن در تمدن سازی جهانی از آن نشأت می گیرد که دستورات قرآنی در این راستا بسیار آشکار و روشن است. بدون شک راهبرد تألیف قلوب از صلح طلبی می گذرد زیرا گسترش صلح در جهان باعث محیط آرام و بی تنش شده و الفت و دوستی را در بر خواهد داشت.

در قرآن به مسئله صلح با غیر مسلمانان و عدم جنگ با کسانی که قصد تعرض به مسلمانان ندارند تأکید فراوان شده است. از جمله آیه ای که می فرماید: «و اگر (دشمنان) به صلح تمایل داشتند، (تو نیز) تمایل نشان بده و بر خداوند توکل کن، همانا او شنوا و داناست» با توجه به معنای لغوی آن که به معنای آشتی است و این کلمه از واژه مصالحه گرفته شده و در مذکر و مؤنث یکسان بکار برده می شود. در اصطلاح سیاسی به معنای پایان جنگ آمده است. به طور طبیعی «صلح در جایی به کار می رود که قبش دشمنی و نفرت باشد و این کینه را از بین ببرند». نزدیک به همین معنا در آیه دیگر، اصل را در صلح قرار داده است و همه مسلمانان را به عدم تنش با دیگر قبایل هر چند کافر باشند دعوت کرده است.

کفار هر چند صاحب اعتقادات باطل باشند ولی تا وقتی که سر جنگ با شما را نداشته باشند هیچ کس حق تجاوز و شمشیر کشیدن به آنان را ندارد. «...پس اگر آنان از شما کناره گرفته و با شما نجنگیدند و پیشنهاد صلح و سازش دادند، خداوند برای شما راهی برای تعرض و جنگ با آنان قرار نداده است» بدون شک اسلام در بعضی از موارد دستور به جهاد داده است ولی با دقت نظر روشن می شود که همه آن موارد یا دفاع از خود بوده و یا برای حفظ ارزشهای فطری بشر بوده است. زیرا عقل حکم می کند که جلوگیری از فساد بزرگتر لازم و ضروری است. نمونه های آن در قرآن فراوان دیده می شود به عنوان نمونه می توان گفت؛ برای از بین بردن فتنه و فساد با آنان بجنگید و اگر از انحرافات اعتقادی و اخلاقی دست برداشتند شما هم از جنگ دست بردارید. «و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید! زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست» و یا به خاطر دفاع از جان و ناموس مسلمانان است که در معرض خطر قرار گرفته و کفار نیروهایشان را برای حمله به مسلمانان بسیج کرده باشند» و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی دارد» پس نمی توان بدون دلیل جنگید زیرا در هر جای قرآن اگر سخن از جنگ و کشتن به میان آمده است در کنارش دلیل آن نیز ذکر شده است. یعنی اصل اولی صلح است و برای جنگیدن باید دلیل وجود داشته باشد. ناپسند بودن جنگ و دشمنی در پیشگاه خداوند به وضوح مشخص است. به طوری که حتی در جنگهای مشروع و مجاز نیز ممنوعیتهای زمانی و مکانی تعیین شده است. از جمله مسجد الحرام که مسلمانان حق جنگ در آن مکان را ندارند. «و با آنها، در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم)، جنگ نکنید! مگر اینکه در آن جا با شما بجنگند» هم چنین جنگ در ماههای حرام که مسلمانان اجازه شروع جنگ را ندارند «از تو، در باره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می کنند بگو: «جنگ در آن، (گناهی) بزرگ است» اسلام دین صلح است و تا وقتی که ضرورت و اجبار نباشد دستور به جنگ نداده است.

در سیره رسول خدا نیز چنین است زیرا سال پنجم هجرت که جنگ مسلمانان با مشرکین شدت گرفته بود رسول خدا نسبت به بزرگترین دشمن خودش که قبیله قریش به سرکردگی ابو سفیان بود به منظور دلجویی مقداری خرما و رطب هدیه فرستاد و ابوسفیان نیز در مقابل آن هدیه ای برای حضرت فرستاد در نتیجه می توان گفت هیچ وقت جنگ باعث تألیف قلوب نخواهد شد پس یکی از اصول اجتماعی مهم تألیف قلوب صلح طلبی با غیر مسلمانان است.

ب) اصل نوع دوستی

یکی دیگر از اصولی که مبنای تألیف قلوب قرار گرفته نوع دوستی است. اصل نوع دوستی یعنی محبتی عاری از دین، ملیت، نژاد و... به گونه ای که غیر از انسانیت انسان هیچ صفتی در نظر گرفته نشود. این محبت غیر از محبتی است که یک مومن نسبت به مومن دیگر دارد. در تعریف نوع دوستی چنین گفته اند. «دوست داشتن نوع انسان با این نگاه که انسان از همه آفرینش برتر است چرا که خداوند کمالات و زیباییها را در ایشان آفریده و همگان را به سوی آن متمایل ساخته است. پس دوستی

نوع انسان به معنای دوستی کمالات و زیبایی های وجودی انسان است. لذا طبق تعالیم اسلام، نوع دوستی عبارت است "ابراز دوستی و محبت به انسان و کرامت انسانی و تلاش و جدیت برای اعتلای محاسن و مکارم اخلاقی همنوعان" قرآن نیز انسان را بما هو انسان با ارزش دانسته و شایسته تکریم خداوند قرار داده است. به همین دلیل خداوند "ما آدمی را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم" شاید دلیل برتری انسان این باشد که خداوند ظرفیت بی نظیری به انسان بخشیده است و هر کدام از آحاد و اقوام بشری از هر رنگ و ملیت که باشند تکمیل کننده تمدن بزرگ جهانی است. و هم چنین توجه خداوند به نوع بشر در آیات خلقت جایگاهی خاصی دارد. این تعریف و تمجید خداوند از خلقت موجود به نام بشر بسیار شگفت انگیز است زیرا خداوند که قادر مطلق است از خلقت موجودی مانند انسان افتخار می کند این تعریف از انسان بما هو انسان است نه دینی در این آیه لحاظ شده است و نه ملیتی. در این راستا آیات متعددی را می توان به عنوان شاهد مثلا بیان کرد از جمله قتل یک انسان بی گناه برابر شمرده شده با قتل همه انسانها، هم چنین قتل یک دختر بچه در جزیره العرب از جنایاتی است که خداوند وعده داده است حساب آنها از قاتلین خواهد پرسید

در سیره اهل بیت نیز انسان به دور از اعتقادات و باورهای دینی به مورد احترام و ارزش دانسته شده است به عنوان نمونه؛ اولین جانشین پیامبر اسلام امیر المومنین(ع) در زمان حکومت خودش به والیانی که به بلاد مختلف می فرستادند سفارش به رعایت مردم می کردند. مانند نامه ای که به مالک اشتر نوشتند نوع دوستی را دستور العمل مالک قرار دادند و با در نظر گرفتن نوع انسان چنین فرمود "...مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده (منظور این که به قلبت بچسبان)، و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته اند، دسته ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می باشند اگر گناهی از آنان سر می زند یا علت هایی بر آنان عارض می شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر...» همچنین در این رابطه امام کاظم (ع) می فرماید: مردم جهان تا دوست هم باشند مورد رحمت خداوند قرار می گیرند « این کلمات آنچه انجمن جذاب و قشنگ است که هر انسانی بشنود خود بخود مجذوب اسلام و قشنگی های آن می شود. توجه به انسانیت انسان با عاری از ویژگی های مادی، اعتقادی و اجتماعی و ... عظمت اسلام را می رساند.

نوع دوستی اسلامی در جاهایی به اوج خودش می رسد به طوری که گاهی غیر مسلمان را به خاطر اینکه انسان هستند و نیاز به کمک دارند به خویشان مقدم می کنند و با کمال فداکاری و خودگذشتگی بر خود و خانواده خود مقدم می دارند. همان گونه که در سوره انسان نقل می کند، اهل بیت (ع) سه روز پشت سر هم تنها غذای خودشان را به مسکین و یتیم و اسیر می بخشند. نکته مهم در این آیات این است که آخرین سائلی که برای درخواست غذا آمده غیر مسلمان و اسیر بوده است. زیرا در روز سوم که سختترین روز اهل بیت(ع) بود سائلی اعلان کرد که اسیر است و نیاز به غذا دارد. و اسیر بودن آن نشان از غیر مسلمان بودن آن دارد که علامه طباطبائی می فرماید: «اسیر یعنی کسی که از اهل دار الحرب گرفتار مسلمین شده باشد» با این

حال تنها افطاری خودشان را به او بخشیدند و این آیات در تعریف و تمجید فعل آنها نازل شده است. «و غذای خود را با علاقه (و نیاز) به آن و از روی محبت خدا به فقیر و یتیم و اسیر انفاق می کنند» هم چنین در زمان خلافت امیر المومنین (ع) گدایی از کنار او گذشت، امام پرسید «این چیست؟» گفتند: ای امیر مؤمنان، مردی نصرانی است. گفت: «در جوانی از او کار کشیدید، و چون پیرو ناتوان شد او را رها کردید! (دستور داد) از بیت المال خرج او را بدهید» بدون شک این برخورد امام بدون توجه به عقیده و نژاد و دیگر عناوین جانبی با یک پیر مرد نصرانی نشان دهنده نوع دوستی اسلام است.

ج) اصل همزیستی مسالمت آمیز

انسان یک موجود اجتماعی است و نیاز به همزیستی مسالمت آمیز دارد. بدون شک تحقق تألیف قلوب در پرتو همزیستی مسالمت آمیز بشریت بوقوع خواهد پیوست. حکم اسلام در باره همزیستی مسالمت آمیز با ادیان دیگر بسیار روشن است. یقیناً اسلام و پیامبر خاتم که مروج توحید و منجی بشریت و منادی صلح است همیشه رفتار محبت آمیز نسبت به پیروان دیگر مذاهب داشته است. بدون شک چیزی که در یک جامعه باعث اختلاف و مشاجره می شود دو چیز است؛ اولی تفاوت های فکری و اعتقادی، دومی تفاوت های نژادی و ملیتی. راهی که اسلام برای از بین بردن اختلاف پیشنهاد داده است راه ارشاد و تعلیم است «در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، متمایز شده است» تا انسانها آزادانه تصمیم بگیرند. در کنار تفاوت های عقیده ای تفاوت های نژادی نیز وجود دارد که باعث مشاجره و جدائی می شود. اسلام برای فهماندن این مطلب که اختلافات ظاهری نه تنها یک نقص نیست بلکه یک کمال است به تمام بشریت می فرماید که «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرمی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است»

اصل همزیستی ایجاب می کند همه آحاد مردم به طور مسالمت آمیز زندگی کنند و تفاوت های نژادی، فکری و اعتقادی حتی برای کسانی که هنوز اسلام را اختیار نکردند و در کفر خودشان باقی هستند نباید باعث اختلاف و دشمنی شود. زیرا هیچ انسانی از رحمت و عطف اسلام و مسلمین خارج نیست. زیرا خداوند مسلمانان به عدالت و نیکی دعوت می کند «خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد» این شاید بهترین دلیلی قرآنی باشد برای تألیف قلوب و جذب غیر مسلمانان به دین اسلام می توان نتیجه گرفت کسانی که با اسلام قصد جنگ نداشته باشند و خوبی هائی متعددی از طرف مسلمانان ببینند و بدانند که این خوبی ها دستور خود اسلام است بدون شک باعث الفت و محبت آنها نسبت به اسلام خواهد شد. در این رابطه پیامبر رحمت بهترین الگو است زیرا در سیره ایشان همزیستی مسالمت آمیز را می توان به وضوح مشاهده کرد. یکی از نمونه های آن این است که حضرت وقتی به مدینه هجرت کردند با یهودیان و مشرکین ساکن مدینه قرار داد هم زیستی مسالمت آمیز بستند. ایشان با استفاده از نقاط مشترک بین احاد جامعه میثاق و عهدنامه ای بین قیایل مختلف نوشتند و

به نام "منشور مدینه" امضا کردند می توان گفت این عهدنامه اولین قانون اساسی دولت اسلامی بود که همه اقوام مدینه در آن شریک بودند. هم چنین می توان گفت این پیمان اولین قراردادی بود که بوسیله پیامبر و مشرکین و یهود بسته شد طبق این قرارداد رابطه بین یهود با مسلمانان و مسلمانان با کفار مشخص شد و هر کدام وظیفه خود را دانستند.

د) اصل اصلاح گرایی

نگاه اسلام به جامعه و افراد آن نگاه یک پزشک نسبت به بیمار است. تمام سعی و تلاش او اصلاح و بهبود یافتن آن است. تاریخ اسلام گواه است که آموزه های قرآن برای اصلاح جوامع، تعالی رشد فکری و کمال اخلاقی انسان افراد فراوانی را تربیت کرده است. به عنوان نمونه اولین خاستگاه اسلام که جزیره العرب بود، مردمش از تمدن و کمالات اخلاقی کمتری برخوردار بودند، خون ریزی و راهزنی جزء افتخاراتشان به حساب می آمد و خوراکشان خون و آب گندیده بود به یک جامعه علم دوست و اهل فضیلت تبدیل شدند. امیر المومنین در این رابطه چنین می فرماید: شما ملت عرب، بدترین دین را داشته، و در بدترین خانه زندگی می کردید، میان غارها، سنگهای خشن و مارهای سمی خطرناک فاقد شنوایی، به سر می بردید، آب های آلوده می نوشیدید و غذاهای ناگوار می خوردید، خون یکدیگر را به ناحق می ریختید، و پیوند خویشاوندی را می بردید، بت ها میان شما پرستش می شد، مفاسد و گناهان، شما را فرا گرفته بود. ولی به برکت اسلام از این موقعیت پست به مقامات عالی می رسیدند و با نور ایمان دلهایشان نورانی و صاحب فضائل اخلاقی شدند. خورد و خورکشان زیبا و پاک شده فداکاری، برادری و عدالت یاد گرفتند. همه این ارزشها را اسلام به آنان آموخت و جامعه را اصلاح کرد و به یک مقامی رسیدند که خداوند خطاب به مسلمانان و اهل کتاب چنین فرمود: «شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اند...»

اصلاح آنچنان مهم و پر اهمیت است که رسول خدا فرمودند کسی که دنبال اصلاح جامعه است مانند کسی است که در راه خدا جهاد می کند زیرا جهاد نیز دنبال اصلاح کردن کج روی ها و انحرافات است. «رسول خدا (ص) فرمود: پاداش کسی که میان مردم را اصلاح دهد مانند پاداش کسی است که به هنگام نبرد، جهاد کرده است.»

قوانین اسلام در راستای اصلاح جامعه تعیین شده است. با نگاه کلان می توان گفت اسلام یک برنامه جامعی است که برای اصلاح مسلمانان و غیر مسلمانان طراحی شده است زیرا هم آخرین دین و هم کاملترین دین است به همین دلیل اصلاحگری در تفکر اسلامی فرامکانی، زمانی و ملیتی است یعنی از منظر وسعت جغرافیایی و ملیتی تمام سرزمینها را در برمیگیرد. نگاه اصلاحی قرآن نسبت به غیر مسلمانان قابل انکار نیست و در آیات متعدد با تشویقات متعدد به آن اشاره شده است. «ای مردم! پیامبر (ی) که انتظارش را می کشیدید، حق را از جانب پروردگارتان آورد به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است!»

در سیره معصومین ع به وضوح دیده می شود که با فداکاری تمام سعی در اصلاح جامعه بودند و در جاهایی که می توانستند با بهانه های مختلف غیر مسلمانان را تحت فشار قرار دهند این کار را نمی کردند. همیشه اصل را بر صلح قرار می دادند. در صورت اشتباهاتی که از غیر مسلمانان دیده می شد فرصت جبران را برای آنان می دادند. به عنوان نمونه یهودیان خیبر بر علیه

مسلمانان خیانت کرده و یک مسلمان را کشته بوند بر خلاف ادله و شواهد قسم یاد کردند که ما این کار را نکردیم. رسول خدا برای جلوگیری فتنه، دیه مقتول را از مال خودشان بخشیدند و قبیله مقتول را آرام کردند. به این دلیل توصیه شده است که در خواست خوبی ها برای همه باشد و بدی ها از همه انسانها برداشته شود. مانند دعائی که در هر روز ماه رمضان توصیه به خواندن او شده است. «خدایا هر فقیر را بی نیاز گردان خدایا هر گرسنه را سیر گردان، خدایا هر برهنه را لباس پوشان خدایا دین هر مدیونی را ادا فرما، خدایا هر غمگینی را دلشاد ساز خدایا هر غریبی را به وطن باز رسان خدایا هر اسیری را آزاد گردان»

این رویه نسبت به غیر مسلمانان در تألیف قلوب نیز به چشم می خورد زیرا تألیف قلوب در زکات به معنای احسان و نیک به غیر مسلمانان است. نگاه گسترده اسلام در خوبی و نیکی کردن به غیر مسلمانان به طور فرا ملیتی و فرا دینی نشان از یک هدف مقدس است. آن هم تمدن سازی جهانی با محوریت دین الهی است.

نتیجه

در تمدن سازی جهانی جامعیت بسیار پر اهمیت است. زیرا با خارج کردن قشری از انسانها به دلیل اختلافات متعدد، نمی توان به آن هدف بزرگ و عالی دست یافت. باید از روشهایی استفاده کرد که همه بشریت را در بر بگیرد. قرآن دنبال تمدن سازی جدید با محوریت ارزشهای دینی و انسانی است. ارزشهای دینی برای کسانی است که اشتراکات اعتقادی دارند و ارزشهای انسانی برای کسانی است که در خلقت مشترک هستند. به این دلیل مهمترین راهبرد قرآن کریم جذب همه انسانها با اصل تألیف قلوب است. این راهبرد در قرآن به دو صورت بیان شده است. اولی، تألیف بین مسلمانان است و آنان به دلیل ایمانی که دارند به هم دیگر محبت می ورزند. دومی، تألیف برای غیر مسلمانان است. بدون شک قرآن به تألیف قلوب غیر مسلمانان اهمیت زیادی داده است و آن را به عنوان یکی از اهداف مسلمانان مشخص کرده است که یکی از موارد تحقق این هدف استفاده از اعطای زکات است. روشهای متعدد غیر مالی را نیز می توان به این مورد اضافه است. بدون شک هر برنامه راهبردی از اصول اجتماعی متعددی نشأت می گیرد که خاستگاه تألیف قلوب نیز به عنوان راهبر قرآن از اصول اجتماعی مانند صلح طلبی، نوع دوستی، همزیستی مسالمت آمیز و اصلاح گرائی... نشأت گرفته است. البته می توان به این گزینه ها موارد دیگری را اضافه کرد سخن نهائی این است که اگر حکم تألیف قلوب با توجه به تأثیر گذاری اجتماعی آن درست اجرا شود و هر مسلمان به سهم خودش به آن عمل کند و برای رسیدن به آن هدف در عرصه های مختلف زندگی تلاش کند بدون شک در جهان کنونی که انسانها تشنه محبت و دوستی هستند تمدن قرآن بر محوریت صلح، صمیمیت، دوستی و عشق حاکم خواهد شد و به تبع آن جنگ، فساد، بی رحمی و دشمنی ها از بین خواهد رفت.

منابع



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



قرآن کریم

ابراهیم کفعمی ، البلد الأمين والدرع الحصین، نور الجنان ، مؤسسه نور

ابن هشام، السیره النبویه، عبد الملک بن هشام الحمیری المعافری (م ۲۱۸)، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت، دار المعرفة، بی تا.

أبو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر ، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب ، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ط الأولى، ۱۴۱۲

تاریخ الأمم و الملوك ، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری (م ۳۱۰)، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم ، بیروت، دار التراث ، ط الثانية، ۱۹۶۷/۱۳۸۷.

تبریزی، جعفر سبحانی؛ الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف؛ ۳جلدی ، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۳ هـ، اول، قم خزائی، میثم؛ سیفی، عبد المجید؛ لیلی، محمد علی، اصل تالیف قلوب؛ مبانی فقهی و نقش آن در قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، حکومت اسلامی

راغب اصفهانی حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیة، بیروت، چاپ: ۱۴۱۲ ق، چاپ: اول رضا مهبیار، فرهنگ ابجدی عربی فارسی، اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ش

سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام، مؤسسه المنار- دفتر حضرت آیه الله، ۱۴۱۳، قم، ایران

سید رضی؛ نهج البلاغه؛ یک جلدی؛ هجرت؛ قم؛ ۱۴۱۴ ق؛ چاپ: اول

سید مهدی حجازی / سید علی رضا حجازی و محمد عیدی خسروشاهی، درر الأخبار با ترجمه، تک جلدی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۹ ق

السیره النبویه، عبد الملک بن هشام الحمیری المعافری (م ۲۱۸)، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت، دار المعرفة، بی تا.

شاهرودی، محمد ابراهیم جناتی، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، نرم افزار مؤسسه نور

شیرازی، ناصر مکارم، دائرة المعارف فقه مقارن، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ هـ، قم- ایران طباطبائی، محمد حسین؛ ترجمه تفسیر المیزان؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم؛ قم؛ ۱۳۷۴ ش؛

چاپ: پنجم

طبرسی فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، تهران، ۱۳۷۷ ش،

چاپ: اول



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



عاملی، حرّ، محمد بن حسن؛ تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه؛ ۳۰ جلدی؛ مؤسسه آل البيت عليهم السلام؛ ۱۴۰۹ هـ ق؛ چاپ اول؛ قم؛ محقق / مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليهم السلام
عبد الرزاق گیلانی، مصباح الشریعه-ترجمه عبد الرزاق گیلانی، پیام حق، تهران، ۱۳۷۷
عبد المحمد آیتی؛ ترجمه تاریخ ابن خلدون؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چ اول، ۱۳۶۳ ش. / ترجمه
علامه مجلسی؛ ایمان و کفر ترجمه عزیز الله عطاردی؛ دو جلدی؛ انتشارات عطارد؛ تهران، ۱۳۷۸ ش، اول
علی رضا صابری یزدی / محمد رضا انصاری محلاتی؛ الحکم الزاهره با ترجمه انصاری؛ مرکز چاپ و نشر سازمان
تبلیغات اسلامی؛ قم؛ ۱۳۷۵ ش
قاضی ابرقوه، سیرت رسول الله، ترجمه و انشای رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی قاضی ابرقوه (م ۶۲۳)، تحقیق
اصغر مهدوی، تهران، خوارزمی، چ سوم، ۱۳۷۷ ش.
کلینی؛ الکافی؛ دار الکتب الإسلامیه، تهران؛ چاپ چهارم؛ ۱۳۶۵ هـ ش
مصطفوی حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش
میریان، سید احمد... مقاله بررسی انگیزه های نوع دوستی بر اساس آیات قرآنی، مجله مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه ::
پاییز ۱۳۹۷، دوره چهارم - شماره ۳

مبانی نظری تمدن اسلامی

کریم صفری

چکیده



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و استقرار رسمی و قانونی نظام جمهوری اسلامی ایران در آغازین ماه ۱۳۵۸، رفته رفته معادلات حاکم بر زندگی جمعی مردم ایران دگرگون شد و بستر مناسبی برای اجرای احکام و اراده الهی پدید آمد تا اینکه مقام معظم رهبری با بیان این که امروز نوبت مسلمین است که باهمت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند، نظریه جدید تمدن نوین اسلامی را که پیش از ایشان هم توسط اندیشمندان عرب بیان شده بود، مطرح فرمودند. از سوی ایشان دستیابی به تمدن نوین اسلامی هدف غایی انقلاب اسلامی معرفی شد. تمدن نوین اسلامی از دیدگاه معظم له رسیدن به جامعه‌ای است که به خطوط آرمانی اسلام دست یافته و در آن علم، عزت، ثروت، عدالت و قدرت مواجهه با امواج جهانی دشمن وجود دارد و بشریت زخم خورده و غمگین و دچار یأس و افسردگی را به آفاق جدید می‌رساند و به انسان‌ها حیات طیبه و کرامت می‌بخشد. پرسش اصلی تحقیق پیشرو این است که بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری مبانی نظری تمدن نوین اسلامی با توجه به مباحث هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و غایت‌شناختی، کدام موارد و عوامل است. پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و در بستر مطالعات کتابخان‌های انجام گرفته، مبانی نظری مؤثر در ایجاد تمدن نوین اسلامی را استخراج و بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که رهبر معظم انقلاب به دقت تمام عوامل و مبانی تأثیرگذار ایجاد تمدن نوین اسلامی را در جلسات متعددی تبیین نموده و در میان مبانی نظری، مؤلفه‌های ایمان و دین محوری، مبانی عقلانیت، اهتمام به عدالت اجتماعی، اهتمام به دانش، فناوری و تلاش فناوران جوان، اهتمام به سرمایه‌های انسانی داخلی، خودباوری و امید، دستیابی به جامعه اسلامی، پرهیز از تقلید محض و کورکورانه و همچنین غفلت نکردن از حیل‌ها و آسیب دشمن - که در نهایت به صورت جنگ ترکیبی و مبارزه منفی علیه نظام، دولت، جامعه و تمدن اسلامی ظاهر شده - را بیشتر مورد توجه قرار داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تمدن، تمدن اسلامی، تمدن نوین، مطالعات تمدنی، بنیان‌های فکری، مبانی نظری، آیت الله سید علی خامنه‌ای.

مؤلفه‌های تمدن ساز نهضت عاشورا

قربان ابراهیمی^۱

چکیده

^۱ ghorban_ebrahimi@pnu.ac.ir - استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، مهاباد ایران.

نهضت حسینی یک نهضت عظیم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی است که ابعاد گونه‌گون حیات انسان را دربر دارد. حرکتی انسان‌ساز، جامعه پرداز و اقتدار آفرین و الهام‌بخش «تمدن نوین اسلامی» است. این تحقیق باهدف آشنایی با برخی مؤلفه‌های تمدن ساز قیام امام حسین (ع) صورت گرفته تا با بهره‌گیری از آن‌ها بتوانیم در رسیدن انقلاب اسلامی ایران به هدف والایش (ایجاد تمدن نوین اسلامی) سهیم باشیم. این پژوهش با روش توصیفی — تحلیلی به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی به دنبال پاسخ به این پرسش است که اساسی‌ترین مؤلفه‌های تمدن ساز در نهضت عاشورا کدام‌اند؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عناصر اصلی تمدن در قیام امام حسین (ع) عبارت‌اند از؛ تکلیف محوری، نورانی کردن جامعه در پرتو حاکمیت دینی، ظلم‌ستیزی و باطل براندازی، شهادت‌طلبی، جهاد تبیین.

کلید واژها: تکلف محوری، مبارزه با جهل علمی و جاهلیت عملی، حاکمیت دینی، ظلم‌ستیزی، شهادت‌طلبی

مقدمه

نهضت امام حسین (ع) شجره طیبه اسلام را که تحت تأثیر ستم و سرکوب و تحریف بنی‌امیه خشک و خاموش، بی‌رمق، بی‌برگ و بار بود، حیات و شادابی بخشید و در واقع کار امام حسین (ع) در کربلا، با کار جدّ مطهرش حضرت محمد (ص) در بعثت، قابل تشبیه و مقایسه است. همان‌طور که پیغمبر در آنجا، یک‌تنه با یک دنیا مواجه شد، امام حسین هم در ماجرای کربلا، یک‌تنه با یک دنیا مواجه بود. آن بزرگوار هم نترسید؛ ایستاد و جلو آمد. امام حسین هم نترسید؛ ایستاد و جلو آمد. حرکت نبوی و حرکت حسینی، مثل دایره‌ی متحدالمركز هستند. به یک‌جهت متوجه‌اند. لذا اینجا «حسین منی و انا من حسین» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۲۶۱) معنا پیدا می‌کند و جمله معروف «الاسلام محمدی الحدوث و حسینی البقاء» ناظر بر آن است. معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران نیز مکرر و با استناد و تأکید بر «انا من حسین» به نقش احیا توسط امام حسین (ع) تصریح کرده‌اند. (ر. ک: ۱۳۸۹: ۱۲۰/۱۰؛ ۳۳۰/۱۳)

سالار شهیدان جهانیان را در پرتو مصباح هدایت وجود خود به علم و معرفت و در سایه سفینه نجات خود، همه را به ساحل سعادت رهنمون است؛ لیکن انسان‌های ارزشمند در برابر این حقیقت والای هستی، تنها کسانی هستند که هم در پرتو آن مصباح، جهالت و نادانی را از صحنه وجود دور کرده و با برهان قاطع اندیشه و معرفت زنده‌اند و هم در ظل سفینه حسینی، از ضلالت و گمراهی رسته و با قوت انگیزه و عمل، بارگه‌های عمیق حیات پیوند دارند. آنان شایستگی هستند که دو بال علم و عمل از مکتب حسینی (ع) تحصیل کرده و به پرواز درآمده‌اند.

چنانچه در زیارت‌نامه‌ها می‌خوانیم حسین (ع) وارث پیامبران و پدر بزرگوارشان علی (ع) است و از طرف دیگر حضرتش فلسفه قیام خود را عمل به سیره جدش بیان کرده است؛ «أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۸۹) و سیره جدّ او همان سیره انبیای الهی است که خدای سبحان در قرآن بیان کرده است. پیامبران الهی از یک‌سوی مأمورند که با تعلیم کتاب، حکمت و تهذیب نفس دل‌های آماده را از جهل، نادانی و آلودگی‌های نفسانی پاک سازند؛ زیرا انسان هر گرامتی می‌دهد مربوط به این دو است؛ و از سوی دیگر آنان وظیفه داشتند برای اقامه دین که مطلوب فطری است (روم/۳۰) و رهایی مردم از چنگال ظالمان با طاغوتیان عصر خویش به مبارزه برخیزند البته تحقق این

دو مهم در پرتو حاکمیت دینی به رهبری زعیم الهی و با حضور صبورانه و شکورانه مردم متدین با یادآوری «ایام الله» حاصل شدنی است (ابراهیم/۵). پیداست از لوازم این حضور جهاد، بذل مال و جان و نهراسیدن از مرگ است. براین پایه نهضت حسینی (ع) سراسر عرفان است و حماسه؛ لیکن قیامی برآمده از دستور الهی، قیامی برای خدا و در راه خدا و برای اصلاح همه شئون مردم. این قیام همواره منشأ حرکت‌های آزادی‌بخش بوده و خواهد بود البته در زمان حیاتش با رهبری قیادی و در زمان مماتش با رهبری جاذبانه اش.

حال در این پژوهش بر آنیم که برای زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی به برخی از مؤلفه‌های این جهاد عظیم اشاره کنیم از آن جمله تکلیف محوری، رهایی از جهل علمی و جهالت عملی در پرتو حاکمیت دینی، ظلم‌ستیزی و باطل براندازی؛ شهادت‌طلبی و جهاد تبیین

پیشینه تحقیق: درست است که در خصوص اهداف، زمینه‌ها، پیامدها، درس‌ها و عبرت‌های نهضت عاشورا کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته شده است؛ اما از لحاظ تمدن‌سازی به آن کمتر پرداخته شده است. لذا از این جهت این پژوهش تازگی و طراوت دارد. گفتنی است برای این مقاله بیشتر از بیانات رهبر حکیم و فرزانه و رهیافته‌های حکیم متأله جوادی آملی به‌ویژه از کتاب شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، حماسه و عرفان، استفاده شده است.

مؤلفه‌های تمدن ساز نهضت عاشورا

۱- تکلیف محوری

محرك انسان به قیام و اقدام، گاه خودبینی و کام‌گیری‌های نفسانی و گاه حبّ به خیر و فضیلت و گاه انجام تکلیف و وظیفه الهی است.

گروهی انگیزه آنان در فعالیت‌ها، عوامل مادی و شخصی است، اینان دو دسته اند؛ دسته ای با رعایت آداب اخلاقی و موازین شرعی، بدون خیانت و تجاوز به حقوق دیگران برای تأمین منافع همواره در تلاش‌اند آنان مأجور و مصداق آیه «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً» (بقره/۲۰۱) هستند. دسته دیگر از راه مستقیم الهی منحرف شده و برای اشباع غرایز به هر کار و وسیله‌ای دست می‌زنند و فزونی طلبی شان آنان را کر و کور کرده دیگران را وسیله و خود را هدف می‌پندارند اینان مستحق سرزنش و کیفر هستند. «ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَمْتَعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»^۲ (حجر/۳).

گروهی انگیزه آنان در فعالیت‌ها حب خیر و نیکی است؛ عمل آنان برخاسته از فطرت و حب خیر است صاحب آن شایسته تحسین و تقدیر است همان‌طور که حُسنِ خیر و فضیلت و عدالت بالذات درک می‌شود، صاحب چنین عملی نیز بالذات محبوب و شرافتمند است. پیداست یکی از هدف‌های تربیت صحیح و دعوت انبیا این است که حب به خیر در آدمیان کامل شود و همه به‌سوی این نقطه، هدایت شوند تا هم مقاصد در یک نقطه متمرکز باشد و هم به کمال انسانیت نائل شوند.

صنف دیگر محرك در وجود و متصرف در امورشان خداست آنان بندگان حقیقی و خاص خدا هستند که غیر از بندگی و فرمان‌بری، هدفی ندارند. آن‌ها نه از مصلحت مأموریه و نه از مفسده منهی^۱ عنه می‌پرسند بلکه در پی جلب رضایت خدای

۱- پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن! و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما!

۲- بگذارشان تا بخورند و برخوردار شوند و آرزو[ها] سرگرمشان کند، پس به زودی خواهند دانست.

سبحان هستند «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»^۱ (بقره/۲۰۷) و آیه «عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ»^۲ (انبیا/ ۲۶-۲۷) در حق ایشان هم صادق است.

این گروه به هنگام نیایش با خالق هستی اینگونه راز و نیاز می کنند: «إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي»^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۸ / ۲۲۵)؛ «أَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُجِئُوا سِوَاكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ؟! وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ؟! لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا»^۴ (پیشین: ۹۸ / ۲۲۶)؛ «أَسْأَلُكَ حُبَّكَ، وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوَصِّلُنِي إِلَيْ قُرْبِكَ، وَأَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا سِوَاكَ»^۵ (منقی، ۱۴۱۹: ح ۳۷۱۸).

انبیا الهی و پیشوایان دینی که راهنمایان توحید خالص و پیشتازان کاروان خداپرستانند، نمونه و مصداق کامل این دسته‌اند که مطالعه سیره آنان عالی‌ترین درس توحید است به‌عنوان مثال حضرت ابراهیم (ع) پس از احتجاجات فراوان با مشرکان و بت پرستان فرمود «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۶ (انعام/۷۹). پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ»^۷؛ (انعام/۱۶۲). حضرت علی (ع) نیز کسی بود که «هرگاه دو کار برایشان پیش می‌آمد آن را اختیار می‌کردند که رضای خدا در آن بیشتر باشد.» (نهج البلاغه (صبحی صالح)، حکمت ۲۸۹).

قیام امام حسین (ع) بر ضد طاغوت عصر یعنی یزید و حکومت بنی‌امیه بزرگ‌ترین مظهر خلوص و حق‌پرستی است. امام حسین (ع) در این قیام، نه حکومت و مقام ظاهری و دنیوی می‌خواست و نه بسط نفوذ و مال و ثروت بلکه برای اطاعت خدا از بیعت با یزید خودداری کرد. این حقیقتی است که نامه‌ها، خطبه‌ها، وصیت‌نامه و تاریخ زندگانی امام حسین (ع) بیانگر آن است. کدام شاهد برای پاکی نیت، بهتر از این است که شخص در راه خدا با آغوش باز از مرگ استقبال کند، آماده بلاهای جانکاهی چون داغ فرزندان، برادران، اصحاب، اطفال و اسیری بانوان گردد.

دعای عرفه و ادعیه دیگر آن حضرت بیانگر احساسات روحانی و شهود عرفانی و جلوه ارتباط او با خداست. سالار شهیدان بنده‌ای بود که حقیقت معنای بندگی را دریافته بود و خواسته‌های خود را در جنب خواسته خدا به حساب نمی‌آورد. آن حضرت خدا را رقیب و نگهبان خود می‌دانست و با دیده ایمان، او را می‌دید و خطاب و کلامش با خدا این بود:

- ۱- و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد.
- ۲- [فرشتگان] بندگانی ارجمندند، که در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند، و خود به دستور او کار می‌کنند.
- ۳- خدایا! من در حال بی‌نیازی نیازمندم؛ پس چگونه در حال فقر نیازمند [تو] نباشم؟
- ۴- تویی که اغیار را از دل دوستانت بیرون کردی تا جز تو را دوست ندارند... آن که تو را ندارد چه دارد؟ و آن که تو را دارد چه ندارد؟! آن که دیگری را به جای تو گرفت زیان کرد و باخت.
- ۵- از تو خواهم دوستی خودت و دوستی دوستانانت و دوستی هر عملی که مرا به قرب تو واصل گرداند و تو را در پیش من محبوبتر از ماسوای تو قرار دهد
- ۶- من از روی اخلاص، پاکدلانه روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمانها و زمین را پدید آورده است؛ و من از مشرکان نیستم
- ۷- بگو: «در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است.

«عَمِيْتُ عَيْنٌ لَّا تَرَكَ عَلَيَّهَا رَقِيبًا، وَخَسِرْتُ صَفْقَهُ عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۶۳/۴) کور است چشمی که تو را بر خود ناظر و نگهبان نبیند و زیانبار است داد و ستد بنده ای که از محبت تو سهمی نداشته باشد.

۲- نورانی کردن جامعه در پرتو حاکمیت دینی

سخن رسمی سالار شهیدان (ع) این بود: می‌خواهم سیره جد و پدرم را ادامه دهم (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۴۴ / ۳۲۹) و سیره پدر ایشان، همان سیره جد او رسول اکرم (ص) بود؛ چون آن ذوات مقدس یک نورند (ابن بابویه، بی تا: ۱/۱۳۴) سیره جد او طبق سخن خدای سبحان در قرآن، نورانی کردن مردم است. قرآن «در تشریح چگونه نورانی کردن جامعه، حیاتی‌ترین مسئله اجتماع بشری را حکومت عدل الهی و تنها راه روشن ساختن مردم را در پرتو سیاست راستین رهبران آسمانی می‌داند و بدون حکومت دینی و سیاست‌گذاری پیامبران و حاکمیت سیاستمداران الهی، جامعه بشری را تاریک می‌شمارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۵۲). از این رو خطاب به پیامبران می‌فرماید: مردم را از تاریکی‌ها به نور خارج کنید؛ از ظلمت ستم‌پذیری و محرومیت‌های اجتماعی، انسانی رهایی بخشید. آنان را بزرگواری عطا کنید تا زیر سلطه کسی نباشند؛ آنان را از هرگونه گناهی که باعث ذلت دنیا و آخرت است، نجات بدهید؛ «هُوَ الَّذِي يُزِيلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتِ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ»^۲ (حدید/۹)، «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ»^۳ (ابراهیم/۵) جوادی آملی در تفسیر آیه اخیر می‌نویسد: «در سرزمین مصر فرعون‌ها حکومت ظالمانه داشتند و در بخش‌های گونه‌گون اعتقاد، اخلاق، حقوق و دستوره‌های فردی و اجتماعی گمراه بود. ما به موسای کلیم (ع) دستور دادیم که قیام کند و حکومت دینی تشکیل دهد و فراعنه را به کام دریا فرستادیم و سرانجام با مقاومت موسویان، نظام اسلامی در مصر تشکیل شد و این گونه، بساط زورمداران آل فرعون برچیده شد؛ «فَعَشِيَهُمْ مِّنَ الْآيْمِ مَا عَشِيَهِمْ»^۴ (طه/۷۸) و نیز بساط تزویر گران سامری به طعمه آتش کشیده شد؛ «لنحرقنه ثم لننسفنه في اليم نسفا»^۵ (طه/۹۷) بر پایه این آیات، راه نورانی کردن جامعه، همان راه موسای کلیم؛ یعنی نبرد با فرعونیان و ستیز با تفکر سامریان گوساله‌پرست است. باید تفکر گوساله‌پرستی و نیز اندیشه زورمداری را به کام دریا ریخت. یقیناً نورانی کردن جامعه، نیازمند رهبری الهی، پایداری و شکر فراوان توده مردم است. عنصر رهبری الهی را خداوند با جریان موسای کلیم تأمین کرد و پایداری و شکر فراوان امت را با آیه «و ذكركم بآيām الله ان في ذلك لآيāt لكل صبار شكور» تبیین کرد» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۷). در ادامه نیز می‌گوید: «اگر مردم نورانی شدند، حتماً اهل قسط و عدل هستند و راه روشن شدن جامعه نیز تشکیل حکومتی است که

۱- کور است چشمی که تو را بر خود ناظر و نگهبان نبیند و زیانبار است داد و ستد بنده ای که از محبت تو سهمی نداشته باشد.^۱

۲- او همان کسی است که بر بنده خود آیات روشنی فرو می‌فرستد، تا شما را از تاریکیها به سوی نور بیرون کشاند. و در حقیقت، خدا [نسبت] به شما سخت رؤوف و مهربان است.

۳- و در حقیقت، موسی را با آیات خود فرستادیم [و به او فرمودیم] که قوم خود را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن، که قطعاً در این [یادآوری]، برای هر شکیبای سپاسگزاری عبرت‌ناست.

۴- و دریا آنان را (در میان امواج خروشان خود) بطور کامل پوشانید

۵- آن را قطعاً می‌سوزانیم و خاکسترش می‌کنیم [و] در دریا فرو می‌پاشیم

همه امورش بر محور دین باشد. از این رو، می توان گفت که سیره حسین بن علی (ع) و هدف اصلی ایشان، تشکیل نظام اسلامی بوده است؛ که عناصر محوری آن معرفت صائب و محبت صحیح و رفتار مهربانانه و مطابق دستورهای وحی است. (پیشین/۲۰)

لیکن وظیفه پروراندن و تمرین جناح علم و اندیشه و تقویت آنچه عمل با تهذیب و ریاضت نفس، برای همیشه و همگان است تا در سایه سار آن هم مردم خدای یکتا را بپرستند و از طغیانگران و اشرار عالم کناره بگیرند: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ^۱ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل/ ۳۶) و هم برای اقامه دین مردم و وظیفه دارند نه تنها حکومت را از دست ظالمان بگیرند و به دست صالحان بسپارند بلکه صبورانه و شکورانه رهبران دینی را یاری دهند؛ زیرا بدون حضور و یاری مردم حاکمیت دینی تحقق نمی یابد و «مطالبه‌ی اسلام از مسلمین، ایجاد نظام اسلامی به نحو کامل است؛ مطالبه‌ی اسلام، تحقق کامل دین اسلام است.» (https://khl.ink/f/29151۲۱/۱۲/۱۳۹۳)

۳- ظلم ستیزی و باطل براندازی

آنچه به عنوان «بیت الغزل» تاریخ پرافتخار انبیا، بعد از توحید و پرستش خدای یگانه و یکتا مشهود است، همانا ظلم ستیزی و باطل براندازی برای برقراری حاکمیت دینی و صلح عادلانه جهانی است. برای نمونه قرآن در مورد حضرت ابراهیم (ع) می فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ»^۳ (ممتحنه/ ۴) حضرت ابراهیم (ع) با تحمل رنج توان فرسای: «قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ»^۴ (انبیاء/ ۶۸) از مبارزه با نمرد طاغی دریغ نکرد؛ همچنین حضرت موسی (ع) با شعار ظلم زدایی: «قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ»^۵ (قصص/ ۱۷) به صحنه سیاست دینی پا گذاشت. هنوز فرمان ظلم روبی: «أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى»^۶ (طه/ ۲۴) به سوی فرعون برو که او طغیان کرده است در سامعه تاریخ طنین افکن است و دستور ستم سوزی: «وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»^۷ (شعراء/ ۱۰) می خروشد؛ سیره ظلم ستیزی حضرت عیسی (ع) در دیوان الهی مضبوط است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي

^۱ - «توحید هم فقط به معنای این نیست که انسان در ذهن خود عقیده پیدا کند که خدا یکی است و دو تا نیست؛ خب بله این هم هست لکن توحید به یک معنای مهمی است که به معنای حاکمیت الهی است؛ توحید به معنای حاکمیت مطلق پروردگار بر عالم تشریح و عالم تکوین - هر دو - است که بایستی امر الهی نافذ دانسته بشود؛ هم در عالم تکوین - در همه‌ی حوادث وجود، «لا حول و لا قوة الا بالله» - و هم در عالم تشریح، همه‌ی این حوادث و همه‌ی حالات ناشی از قدرت واحد پروردگار است. خب این، هدف اصلی است» (خامنه ای، ۲۱/۱۲/۱۳۹۹: https://khl.ink/f/47510).

^۲ - و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید]: «خدا را بپرستید و از طاغوت [فریبگر] بپرهیزید
^۳ - قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سر مشقی نیکوست: آن گاه که به قوم خود گفتند: «ما از شما و از آنچه به جای خدا می پرستید بیزاریم. به شما کفر می ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید.»

^۴ - گفتند: «اگر کاری می کنید، او را بسوزانید و خدایان را یاری دهید.»

^۵ - [موسی] گفت: «پروردگارا به [پاس] نعمتی که بر من ارزانی داشتی هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود.»

^۶ - به سوی فرعون برو که او به سرکشی برخاسته است.»

^۷ - و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا درداد که به سوی قوم ستمکار برو

إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ»^۱ (صف / ۱۴) همچنين پیامبر اکرم (ص) در عین آن که «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» اند نسبت به کفار ستمگر و متجاوز «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» (فتح/ ۲۹) هستند و مسلمانان سراسر جهان رهروی چنین راه را در نمازها از خدا می طلبند: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» (فاتحه/ ۷)

حضرت علی (ع) نیز در آخرین سفارش خود به حسنین (ع) وصیت کردند: «و کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً»^۲ (همان، نامه ۴۷) امام خامنه‌ای در تفسیر «خصم» می فرماید: «خصم غیر از «دشمن» است. یک وقت کسی دشمن ظالم است؛ یعنی از ظالم بدش می آید و دشمن اوست. این، کافی نیست. «خصم او باش»، یعنی «مدعی اش باش» خصم یعنی «دشمنی که مدعی است»، «دشمنی که گریبان ظالم را می گیرد و او را رها نمی کند. بشریت بعد از امیرالمؤمنین علیه السلام تا امروز، به سبب نگرفتن گریبان ستمکاران، بدبخت و روسیاه شد. اگر دست‌های باایمان، گریبان ظالمان و ستمکاران را می گرفتند، ظلم در دنیا این قدر پیش نمی رفت؛ بلکه از بن برمی افتاد. امیرالمؤمنین این را می خواهد» (۱۳/۱۲/۳۷۲: <https://khl.ink/f/2705>).

بر این اساس نیز امام حسین (ع) در نامه‌ای به مردم کوفه، یکی از اهداف قیام خود را جلوگیری از ستمگری ظالمان و اجرای عدالت بیان می کند و می فرماید: «أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ بِقَوْلٍ وَلَا بِفِعْلٍ، كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ»^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴، ۳۸۱)؛ نیک می دانید که رسول خدا (ص) در زمان حیاتش فرمود: اگر کسی ببیند حاکمی در جامعه، بر سر کار است که ظلم میکند، حرام خدا را حلال می شمارد، حلال خدا را حرام می شمارد، حکم الهی را کنار میزند - عمل نمی کند - و دیگران را به عمل و اदार نمی کند؛ یعنی در میان مردم، با گناه، با دشمنی و با ظلم عمل میکند و با زبان و عمل، علیه او اقدام نکند، خدای متعال در قیامت، این ساکت بی تفاوت بی عمل را هم به همان سرنوشتی دچار میکند که آن ظالم را دچار کرده است.

۴- شهادت طلبی

«شهید، یعنی انسانی که در راه آرمان‌های معنوی کشته می شود و جان خود را - که سرمایه‌ی اصلی هر انسانی است - برای هدف و مقصدی الهی صرف می کند و خدای متعال هم در پاسخ به این ایثار و گذشت بزرگ، حضور و یاد و فکر او را در

^۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یاران خدا باشید، همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: «یاران من در راه خدا چه کسانی‌اند؟» حواریون گفتند: «ما یاران خداییم.» پس طایفه‌ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و طایفه‌ای کفر ورزیدند، و کسانی را که گرویده بودند، بر دشمنانشان یاری کردیم تا چیره شدند.

^۲- پیوسته دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید.

^۳- امام خامنه‌ای در تبیین این کلام می گوید: «این خطاب، خطاب به ما هم هست. خطاب به مؤمنین نیست، خطاب به آن عده‌ی همراهان فقط نیست؛ خطاب به بشریت است، نه فقط در آن زمان، در همه‌ی زمانها تا امروز. از قول پیغمبر نقل میکند، دارد فلسفه‌ی حرکت خودش را بیان میکند؛ میگوید من دارم به حرف پیغمبر عمل میکنم، پیغمبر به من دستور داده که این کار را بکنم.» (۲۱/۰۷/۱۳۹۸: <https://khl.ink/f/43767>)

^۴- ای مردم، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر مسلمانی با سلطان ستمگری مواجه شود که حرام خدا را حلال می کند و پیمان الهی را در هم می شکند و با سنت (و قانون) پیامبر (ص) به مخالفت برخاسته و در میان بندگان خدا، راه گناه و دشمنی در پیش گرفته است، ولی او در مقابل چنین حاکمی، با عمل یا با گفتار، اظهار مخالفت نکند، بر خداوند است که این فرد (ساکت) را به جایگاه همان طغیانگر، (در آتش جهنم) داخل کند.

ملکتش تداوم می‌بخشد و آرمان او زنده نگه می‌دارد. این، خاصیت کشته شدن در راه خداست. کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، زنده‌اند. جسم آن‌ها زنده نیست؛ اما وجود حقیقی آن‌ها زنده است» (۲۵/۰۵/۱۳۶۸: <https://khl.ink/f/2166>)
از نگاه قرآن مقام برتر نزد خدا و رستگاران واقعی از آن کسانی است که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، است؛ «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»^۱ (توبه/۲۰)

اساساً آیینی که سیاست و تدبیر جامعه را دربر دارد اگر جهاد نداشته باشد ضمانت بقا ندارد. آنچه یک آیین را سرپا و سرزنده نگه می‌دارد پیکار و بذل مال و جان در راه خداست. دینی که والاترین منزلت را مقام شهادت می‌شمارد هرگز شکست نخواهد. بر این بنیاد قرآن بالاترین تمجیدها را از شهیدان کرده و می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^۲ (آل عمران/۱۶۹) «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمْ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ...»^۳ (توبه/۱۱۱)

با عنایت به این مهم منادیان توحید از تهدیدات دشمنان به مرگ هراسی به دل را نمی‌دادند بلکه با شوق و شغف به استقبال آن رفته و شکر گذار بودند؛ قرآن کریم هنگام ذکر جریانات نظامی و سیاسی خلیل حق (ع) می‌فرماید: با آنکه او را به بدترین مرگ تهدید کردند «فَأَلْفَوْهُ فِي الْجَحِيمِ»^۴ (صافات/۹۷)؛ اما کمترین ترسی از مرگ در حرم هستی او راه پیدا نکرد. نمرودیان گفتند: «قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ»^۵ (انبیا/۶۸) در مقابل چنین ارعابی، خلیل حق می‌گفت: «أَفْ لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^۶ (انبیا/۶۷)

حضرت علی (ع) از خداوند سبحان، منزلت شهیدان، زندگی با سعادت‌مندان و مرافقت با انبیا را طلب نموده است؛ «سَأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ مُعَايِشَةَ السُّعَدَاءِ وَ مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ»^۷ (نهج البلاغه، خطبه ۲۳) همچنین فرمود: همانا ارجمندترین مرگ، کشته شدن است. سوگند به آن که جان پسر ابی‌طالب در دست اوست، هزار ضربت شمشیر بر من آسان‌تر است از جان دادن در بستر که با طاعت خدا همراه نباشد (همان / خطبه ۱۲۳). همچنین زمانی که پیامبر (ص) فرمودند: تو را در راه دین شهید می‌کنند، چگونه صبر می‌کنی؟ حضرت علی (ع) عرض کردند: «یا رسول‌الله! اگر مرا در راه دین شهید کنند و با خون سرم محاسنم را رنگین کنند، این جای شکر دارد» (پیشین / خطبه ۵۶)

امام حسین (ع) همچون پیامبران و پدر بزرگوارشان نه تنها از مرگ هراسی نداشت بلکه مرگ در راه خدا را «سعادت»، «گردنبندی برگردان زن جوان» (اربلی، ۱۳۸: ۲ / ۲۴۱) یا پلی می‌داند که بزرگ‌زادگان را از رنج و بدبختی به سوی بهشت‌های

۱- کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند.

۲- هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند

۳- در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است؛ همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشد و کشته می‌شوند.

۴- و در آتشش بیندازید

۵- گفتند: «او را بسوزانید و خدایانتان را یاری دهید.»

۶- اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا می‌پرستید. مگر نمی‌اندیشید؟

۷- از خداوند مقام شهیدان و همزیستی با سعادت‌مندان و همراهی با پیامبران را مسئله داریم.

پر گستره و نعمت جاویدان عبور می‌دهد (معانی الأخبار، ۱۳۷۷: ۲/۲۸۸) و زندگی تحت سیطره ظالمان را ذلت و خواری می‌شمارد که خدا و رسول او و مؤمنان و دامن‌های پاک و مطهر و دل‌های غیرتمند و انسان‌های بزرگ‌منش، این را بر ما نمی‌پذیرند که فرمان‌بری از فرومایگان را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح دهیم؛ «أَلَا وَإِنَّ الدَّعَىٰ ابْنَ الدَّعَىٰ قَدْ رَكَّزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السُّلَّةِ وَالذَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِمَّا الذَّلَّةُ يَا بِي اللَّهِ ذَلِكُنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطُهِرَتْ وَأَنْوَفٌ حَمِيَّةٌ وَنَفُوسٌ أُبِيَّةٌ مِنْ أَنْ تُؤَثِّرَ طَاعَةَ اللَّئَامِ عَلَىٰ مَصَارِعِ الْكِرَامِ» (ابن طاووس، ۱۳۸۰: ۹۷).

آن حضرت (ع) فرمودند: اگر کسی جز به لقای خدا می‌اندیشد، همراه ما نیاید و آن‌ها که فقط لقاءالله وطن آن‌هاست، با ما بیایند. من بامداد فردا عازم عراقم؛ مَنْ كَانَ فِينَا بَادِلًا مُهْجَتَهُ وَمُوطِنًا عَلَىٰ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَبْرَحْ، فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ (پیشین: ۱۲۶)

۵- جهاد تبیین

جریان ظلمانی، دنیاطلب و مقام‌پرست پر از تزویر و نیرنگ بنی‌امیه پس از استیلا بر حکومت با ارباب‌ها، تطمیع‌ها، تحریف‌ها، ایجاد شبهات، تبعیدها، کشتن‌ها و زنده زنده به گور کردن‌ها و مسموم نمودن اصحاب خاص حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) مردم را سبک مغر و به استضعاف فکری و فرهنگی کشاند و فرعون وار آنان را مطیع خود کرد؛ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ (زخرف/۵۴) و حتی امویان دین را هم به اسارت درآورده و با آن چون کالایی تجاری رفتار کردند. امیر مؤمنان (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر فرمود: «فإن هذا للدين قد كان أسيراً في أيدي الأشرار يعمل فيه بالهوى و تطلب به الدنيا» (نهج البلاغه، خ ۲۱۰)

«ابوریحان بیرونی» در کتاب تحقیق ماللهند، نوشته‌اند: پس از پیشرفت و گسترش قلمرو اسلام و فتح برخی از کشورهای مُشْرک و بت‌پرست، معاویه بت‌های زیبا و کمیاب را از آن کشورها فراهم می‌کرد و آن‌ها را پس از تزیین و ترصیع، به بهایی گزاف از راه دریا به حاکمان هندوستان می‌فروخت و بت فروشی از راه‌های رسمی درآمد معاویه بود» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۶۰)

پیداست که روش معاویه به‌طور کامل با روش ابراهیم خلیل (ع) و پیشوایان الهی ضدیت داشت؛ زیرا حضرت ابراهیم (ع) با تبرت‌ها که هلیه گمراهی مردم بودند تک تک کرد؛ «فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا» (انبیاء/۵۸). نیز علی بن ابی‌طالب (ع) پس از فتح مکه به دستور پیامبر اکرم (ص) بر شانه‌های آن حضرت پا نهادند و بت‌ها را از درون و بام کعبه به بیرون و پایین انداختند.

«در زمان معاویه، کار به جایی رسید که وقتی اسم علی را می‌شنیدند، واکنش بنی‌امیه، یا کشتن، یا قتل و غارت اموال و یا به کلی ساقط کردن بود. امام حسن (ع) نیز طبق آن مسائلی که تاریخ نوشته است. نمی‌توانست دست‌به‌کار شود؛ زیرا این‌ها از بین می‌رفتند و هنوز قضیه رفع مصاحف، یعنی «بلند کردن قرآن‌ها بر سرنیزه‌ها» در دل‌ها بود.» (جعفری، ۱۳۸۵: ۲۴۳)

امام حسین (ع) که شاهد این حوادث تلخ و جانکاه بود برای احیای دین باتدبیر مافوق عقول بشری اقدام به آن جهاد اعظم کرد و برای پیشگیری از هرگونه تحریفی از آن قیام که فقط برای خدا و در راه خدا بود خانواده خود به‌ویژه حضرت زینب کبرا (س) عقلیه بنی‌هاشم را برای جهاد تبیین همراه کاروانی که به‌سوی مرگ و اسارت پیش می‌رفت همراه ساخت. از این رو

۱- زیرا این دین اسیر دست اشرار بود با هوا و هوس درباره آن عمل می‌شد و به وسیله آن دنیا را طلب می‌کردند^۱

هنگامی که بعضی بزرگان قومش از جمله برادرش محمد بن حنفیه او را از همراه بردن زن و فرزند نهی کردند، حضرت فرمود:
«ان الله شاء ان يراهن سبايا» (سید بن طاووس، ۱۳۸۰: ۴۰)

برای پرهیز از اطاله کلام در خصوص جهاد تبیین به چند کلامی از رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اشاره می‌شود.
«صبر فوق العاده خاندان پیغمبر به پیشوایی زینب کبرا و امام سجاد (ع) بود که توانست حادثه کربلا را ماندگار کند و به معنای واقعی کلمه این تبیین مکمل آن فداکاری بود.» (<https://khl.ink/f/48746:5/7/1400>) اگر زینب کبرا و امام سجاد (ع) «مجاهدت نکرده بودند، نگفته بودند، تبیین نکرده بودند، حقایق را افشا نکرده بودند ... واقعه عاشورا تا امروز جوشان وزنده و مشتعل باقی نمی‌ماند.» (<https://khl.ink/f/2186:29/6/1368>) لذا، باید گفت «تلاش حضرت زینب فقط این نیست که از امام بیماری در کربلا حراست و پرستاری کرده است. حضرت زینب از روح کلی اسلام و جامعه آن روز مسلمین پرستاری کرد؛ پرستاری بزرگ او آنجاست» (<https://khl.ink/f/3075:3/5/1380>)

نتیجه گیری

قیام امام حسین (ع) قیامی همه جانبه و ریشه در بعثت نبی مکرم اسلام دارد و الهام بخش تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر به رهبری امامین انقلاب اسلامی ایران است.

امام حسین (ع) مشعل هدایتی است که خدا را با تمام وجودش دریافته و همواره خدا را نگهبان و رقیب خود و همه عالم می‌داند و غیر از او مؤثری سراغ ندارد. لذا در سکوت و اقدام، قیام و قعود تمام توجهش به خدا بوده و به‌غیر از بندگی و فرمان‌بری، انگیزه و مقصدی ندارد.

قیام حسین (ع) بر ضد امویان (طاغوت عصر) بزرگ‌ترین، خالصانه‌ترین قیام الهی است که افزون بر اجتهاد فکری و فرهنگی، جهاد نظامی و سیاسی هم بود.

قیام حسین (ع) همانند انبعاث پیامبران (ع) برای خارج کردن مردم از تاریکی‌های نفسانی، یوغ حکومت‌های طاغوتی و اصلاح تمام شئون زندگی است. این مهم بدون تشکیل نظام اسلامی و حاکمیت دینی امکان‌پذیر نیست. لذا مردم باید صبورانه و شکورانه در صحنه حضور فعال داشته باشند و در تحقق کامل دین که مطالبه اسلام از مسلمین است رهبران دینی خود را حمایت و حراست کنند.

افکار و آرمان‌های بزرگ که از اعماق جان‌ها و اهداف مقدس سر برآورده‌اند همواره دوست‌داشتنی و حرکت آفرین بوده‌اند و شهیدان کسانی هستند که برای بقای آن‌ها جان‌نثاری کرده‌اند. در منطق اسلام و قرآن هیچ آرمانی والاتر از ره‌آورد انبیا (دین) و حاکمیت دین نیست لذا پیشوایان دینی برای تحقق آن مخلصانه فداکاری کرده و جان و مالشان را به خدا فروخته و نه تنها از مرگ در راه خدا نترسیده‌اند بلکه آن را پلی دانسته‌اند که آنان را از سختی‌های بهشت برین می‌رساند. این پویندگان راه ابدیت علاوه بر اینکه در زمان حیاتشان مشعل هدایت برای پویندگان راه حق بوده‌اند بلکه مزارشان نیز حرکت آفرین و طاغوت برانداز است.

بدون تردید حادثه عاشورا از مقاطع عزیز، اثرگذار و حرکت آفرین است که همواره باید زنده نگه داشته شود. زنده نگه داشتن آن بقای اسلام ناب محمدی را تضمین می‌کند و به قول امام خمینی (ره) «ما هر چه داریم از محرم و صفر است.» آن حادثه بزرگ تا به امروز منشأ تمام حرکت‌های آزادی‌بخش در جهان شده است و به فضل الهی زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی است و به گفته رهبر عزیزتر از جانمان اربعین جهانی امروز «همان پیام عاشوراست که از حلقوم لبا عبدالله و حلقوم زینب کبرا در نهایت غربت و تنهایی صادر شد و امروز فضای عالم را فراگرفته است.» البته طاغوتیان دنیا طلب و شهوت‌پرست بانگیزه‌های خباثت آلودی همواره سعی در خاموشی آن دارند که این آرزوی خام با حضور شاکرانه و صبورانه مردم به یأس و عزا تبدیل و پرچم برافراشته شده به دست امامین انقلاب به صاحب اصیلی آن داد خواهد شد. «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف/۸) آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند.

منابع و ماخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین.
ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، مناقب، محقق / مصحح: آشتیانی، محمدحسین و رسولی، هاشم، ۴ ج، چاپ اول، قم، علامه.
ابن بابویه، محمد بن علی، بی تا، علل الشرایع، ۲ جلدی، قم - ایران، مکتبه‌الداوری.
ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۷ ه ش، معانی الأخبار، مصحح: غفاری، علی اکبر، ۲ ج، ایران - تهران، دار الکتب الإسلامیه.
اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ ه ق، کشف الغمّه، مقدمه نویس: سبحانی تبریزی، ۲ ج، جعفر، ایران - تبریز، بنی هاشمی.
امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۹ ه. ش، صحیفه امام، ۲۲ جلدی، ایران - تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
جعفری، محمد تقی، ۱۳۸۵، امام حسین شهید فرهنگ پشرو انسانیت، تنظیم علی جعفری، تهران، موسسه توین و نشر آثار علامه محمد تقی جعفری.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، هدایت در قرآن، محقق: علی عباسیان، چ دوم، قم، مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، محقق: سعید بند علی، چ پنجم، قم، مرکز نشر اسراء.
حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعّه، محقق / مصحح: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ج ۱۳، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.

خامنه ای، سید علی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای: <https://farsi.khamenei.ir>

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۴۰۶، الوافی، محقق: علامه، ضیاء‌الدین، ۲۶ ج، اصفهان - ایران، مکتبه الإمام
أمیرالمؤمنین علی (علیه السلام) العامه.

متقی، علی بن حسام‌الدین، ۱۴۱۹ ه. ق، کنز العمال، محقق: دمیاطی، محمود عمر، ۱۶ جلدی، بیروت - لبنان، دار الکتب العلمیه.
مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار (ط - بیروت)، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۸، بیروت، دار إحياء التراث العربی.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



تمدن سازی و ارتباط خانواده و حکومت اسلامی

دلبر شجاع اباجلو^۱، نادره حکمتی شیروانه ده^۲

۱- استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه ارومیه

۲- دانشجویی رشته حقوق خانواده در دانشگاه ارومیه

چکیده

تمدن نتیجه اجتماع، اجتماع زاینده خانواده و خانواده نیز ثمره ازدواج است. اگر ازدواج دستخوش تحولات فرهنگی و آسیبیها گردد، جامعه، فرهنگ و تمدن در معرض خطر قرار می گیرد. اصلی ترین و ریشه دارترین نهاد اجتماعی و زیربنای جوامع، منشا فرهنگها، تمدن ها در تاریخ بشریت، خانواده است. ماهیت نهاد خانواده از سایر نهادهای اجتماعی کاملاً متمایز است چرا که بقای نسل، برقراری آرامش و شکوفایی افراد در در گرو تحکیم بخشی آن است. در نوشتار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی به نقش نهادهای حکومتی در خانواده و بالعکس نقش خانواده در پرورش نسلهای آینده می پردازد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که خانواده و جامعه آینه تمام نمای یکدیگرند که اولین بازخورد تحولات اجتماعی در خانواده مشاهده می شود. تحقق خانواده مطلوب، نیازمند رصد دائمی حاکمان حکومت است. باید مطالعات مربوط به خانواده از جمله ازدواج، تشکیل خانواده، تعاملات زناشویی، فرزندآوری روابط والدین و فرزندان مورد توجه و برنامه ریزی قرار بگیرد. حکومت در قبال خانواده که نقش بسیاری در تربیت انسانها دارد، مسئول است.

کلیدواژه: ازدواج، حکومت، تحکیم خانواده

مقدمه

انسجام و منسجم بخشی جوامع همواره به عهده حکومتها بوده خانواده در جامعه نقش بسزایی دارد لذا سیاستهای حاکمیتی باید به گونه ای تنظیم شود که در جهت تقویت بنیان خانواده باشد. قانون اساسی ایران در اصل ۱۰ بیان می دارد: "از آنجا که

خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد "بر طبق این اصل و سایر تاکیدات قانونی روح حاکم بر تمامی برنامه‌ها باید در جهت تقویت بنیان خانواده باشد. هدف پژوهش تبیین مبانی و بررسی نقش مداخله حاکمیت در مسائل مربوط به تحکیم خانواده و ارائه راهکارهای کاربردی در جهت حمایت از کانون خانواده و تحلیل و بررسی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در عرصه خانواده است.

در این تحقیق به سوالات زیر پاسخ داده شده است:

مبانی فکری و حقوقی حکومت در عرصه خانواده چیست؟

جایگاه خانواده در جامعه تا چه حدی است؟

در ابتدای مقاله به مفاهیم من جمله ازدواج و حکومت پرداخته شده در ادامه دیدگاه‌های نظری الهی در زمینه حکومت و خانواده بیان شده سپس مسئولیت حکومت در خانواده مطرح شده و در انتها راهکارها و قوانینی برای تحصیل زندگی خانواده‌ها ارائه شده است.

ازدواج

تعاریف مختلفی برای ازدواج بیان شده اما در کل می‌توان گفت ازدواج قراردادی مشروع است که دو فرد ناهمجنس و معمولاً بالغ را به هم پیوند می‌دهد و برقراری ارتباط جنسی دائم یا موقت میان آنان را مجاز می‌گرداند. که ازدواج تشکیل دهنده خانواده است. (بستان، ۱۳۸۵، ص ۱۸)

حاکمیت

حاکمیت از اساسی‌ترین و مهم‌ترین ارکان علم سیاست و حقوق عمومی است ژان بدن حاکمیت را اینگونه تعریف نموده است: "که حاکمیت قدرت مطلق و لایزال دولت‌هاست که هیچ قدرتی و مقامی جز اراده الهی نمی‌تواند آن را محدود کند و حاکمیت صفت ذاتی دولت است که سایر گروه‌های اجتماعی فاقد آن می‌باشند و دولت بدون حاکمیت مثل کشتی بدون سکان و دستگاه هدایت است". (مدنی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱)

تعریف جامع حاکمیت بدین گونه است که "حاکمیت عبارت است از قدرت عالی که اولاً بر کشور و مردم آن برتری بلامنازع دارد به ترتیبی که همگان در داخل آن کشور از آن اطاعت می‌کنند و ثانیاً کشورهای دیگر آن را به رسمیت شناخته و مورد احترام قرار می‌دهند (هاشمی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱)

دولت دارای دو معنای عام و خاص است در معنای عام خود مترادف با حکومت است و شامل تمام دستگاه‌های اداری قانونگذاری و قضایی است و در معنای خاص خود به سازمان‌های اداری اجرایی کشور گفته می‌شود که زیر نظر رئیس جمهور اداره می‌شوند.

مسئولیت

مسئولیت به معنای الزام شخص به پاسخگویی و موظف متعهد بودن در برابر انجام کاری است و شخصی که به مسئولیت خویش عمل نکند بازخواست می‌شود. در حاکمیت اسلامی بایستی امکانات زیستاری نه تنها به بعد مادی و جسمانی بلکه به

بعد معنوی و روحی نیز اهمیت داده شود. حکومت اسلامی در قبال حوزه خانواده تکلیف دارد و مسئول جبران خسارت مادی و معنوی شهروندان است؛ زیرا تشکیل خانواده بارزترین مصداق خودسازی اخلاقی و گامی در جهت تحقق جامعه سالم و متمدن به وزان جامعه اسلامی محسوب می‌شود. چهارچوب مقاله بررسی رابطه حکومت و خانواده در تمدنسازی به منزله یک کل مجزا از اساسی‌ترین محورهای این نوشتار است.

دیدگاه‌های نظری مسئولیت حکومت در خانواده جامعه ای که در آن حکومت الهی جاری و ساری باشد خداوند از طریق وحی و ابلاغ آن به پیامبران خود به تشریح پرداخته و یا اینکه امر تشریح و وضع قواعد را به اشخاص یا خود مردم واگذار کرده است. (حکمت نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵) در حکومت‌های بر اساس دیدگاه الهی حق ولایت و حاکمیت و ذاتاً از آن خداوند است و هر کس بخواهد به مردم حکومت نماید باید مشروعیت الهی داشته باشد. به این معنا که از جانب خداوند متعال ماذون باشد. بهترین قانونگذار کسی است که بهتر از دیگران ویژگی‌ها تمایلات و راهکارهای تکامل سعادت انسان را بداند و متناسب با آن برنامه‌ریزی کند و راه سعادت و کمال که هدف خلقت است را به انسان عرضه نماید خداوند ما را خلق کرده و به استعدادها و جنبه‌های وجودی ما احاطه دارد پس هیچ چیزی نمی‌تواند مانع حکم کردن او گردد. (محمدی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۰۷) معاد از ارکان حکومت اسلامی است که معاد باوری مربوط به عرصه زندگی فردی نیست بلکه در حیطه زندگی اجتماعی تاثیر بسزایی دارد به طوری که مهمترین نتایج آن عمل به تکالیف اجتماعی، رعایت حقوق دیگران و جلوگیری از تعدی به حقوق دیگران است. عامل مهم در اهمیت پرداختن به مسائل و مشکلات خانواده و تلاش برای حفظ و حراست آن است مسئولان باید پاسخگوی اعمال خود در آخرت نیز باشند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۳۴۰)

دلایل مسئولیت در خانواده

انسان به منزله یک موجود اجتماعی دارای حقوقی است. حقوق برخورداری از کرامت انسانی و حفظ شخصیت افراد در جامعه است به طوری که هر انسانی که حرمتش حفظ نشود دچار اضطراب ناامیدی و ترس خواهد شد قرآن کریم نیز در آیه ۷ سوره اسرا به این مطلب اشاره فرمودند که "به انسان دو موهبت عظیم که کرامت و فضیلت عطا شده است". انسان در درجه‌ای از شأنیت و کرامت قرار دارد تا آنجا که اشرف مخلوقات نامیده شده است. آیا پسندیده است که تن به هر رذیلتی بدهد اسیر هوای هوس خویش شود؟

به همین جهت حکومت اسلامی مسئول است که به اصل کرامت انسانی توجه داشته و قوانین اسلام را به طور جدی در جامعه اجرایی نماید و سیاستگذاری‌های حوزه خانواده را به نحوی ریل گذاری کند که افراد جامعه مسیر سعادت و کمال را ببینند و همواره کرامت انسانی شان حفظ شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۸)

رویکرد الهی به مسئله خانواده موجب شکل‌گیری نظامات حقوقی و سیاسی است که تشکیل حکومت را ناشی از حکمت الهی و اراده خداوند می‌داند که کارگزاران و مدیران جامعه از جانب و به اذن خداوند جامعه را مدیریت می‌کنند از جمله مبانی نظریه

الهی انسان شناسی دینی است که موجب شده خانواده به منزله برترین و محبوبترین بنا نزد خداوند معرفی شود و همواره سعادت و شقاوت انسانها در گرو سلامت خانواده می باشد.

خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است باید همه قوانین و مقررات در راستای آسان کردن تشکیل خانواده پاسداری از قداست و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد و با محوریت قراردادن خانواده باشد. (قانون اساسی)

ازدواج بناى مقدس است که رسول الله فرمودند: "هیچ بنایی در اسلام نزد خداوند محبوبتر و عزیزتر از ازدواج نیست".
دین اسلام هم به فرد و هم به اجتماع اصالت بخشیده اما در صورتی که مصلحت اجتماع به خطر بیفتد مصلحت جمعی به مصلحت فرد ارجحیت دارد چرا که در صورتی که زوجین دچار اختلال شوند هیچ امیدی به آشتی نباشد طلاق مستحب است.
(عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۹)

از نظر قرآن خانواده مأمنی برای آرامش افراد است و در آیه ۲۱ سوره مبارکه روم خانواده را به اعتبار وجود همسر در آن مایه سکون و آرامش معرفی کرده است.

مهمترین هدف تشکیل خانواده تامین نیاز جنسی و حفظ پاکدامنی است دین اسلام با سرکوب نیاز جنسی مخالف بوده و آن را مذمت نمود است.

نقش خانواده در تامین نیازهای جنسی زوجین به قدری اهمیت دارد که هیچ چیزی جایگزین آن نمی شود. ارتباط نامشروع با جنس مخالف اگرچه میل جنسی را برای مدت کوتاهی برآورده می سازد اما نمی تواند کارکردهای خانواده را داشته باشد و ضررهای جبران ناپذیری را نیز به دنبال دارد.

میل به بقا و جاودانگی از امور فطری انسان است با تولید نسل که یکی از راههای بقای نسل است. با تشکیل خانواده به این نیاز فطری انسان پاسخ می دهد.

آیه ۷۲ سوره نحل خداوند می فرماید: "خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگان نهاد".

حفظ نظام جامع از واجبات مورد تاکید شریعت الهی است لذا حکومت اسلامی در قبال مسائل خانواده مسئولیت خطیری دارد و ضروری است که در امور حوزه خانواده به نحو سیاست گذاری و قانون وضع نماید که اجازه ندهد خانواده با روند سستی و تضعیف روبرو گشته و اختلافات آن موجب اخلال و بی نظمی در نظام اسلامی و ساز کردن پایه های نظام شود.

مهمترین مبانی حقوقی مسئولیت حکومت اسلامی در قبال خانواده نظم عمومی اصل حمایت از خانواده و تحکیم آن دفاع از انسانهای ضعیف و امر به معروف و نهی از منکر می توان نام برد.

حکومت به عنوان اصلی ترین نهاد قانونگذاری و سیاست گذاری روابط زن و مرد را تنها در چهارچوب ازدواج مشخص کرده است.

ضروریست که قانونگذار نسبت به تمامی جنبه های خانواده آگاهی لازم را داشته به طوری که بتواند قانونی جامع و کامل را در جهت تسهیل ازدواج و حفظ و حراست از کیان خانواده وضع نماید قانونگذار باید در این عرصه با احتیاط کامل برخورد نماید و از وضع قوانینی که منجر به ضعف و فروپاشی نهاد خانواده می شود پرهیز نماید.

حکومت زمانی در عرصه قضا وارد مسائل خانوادگی می شود که اعضای خانواده در صورت اختلاف به محکمه مراجعه نمایند تا به مرافعات آنها رسیدگی شود.

ازدواج از عناصر اصلی و سازنده نهاد اجتماعی ممتازی به نام خانواده است. (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۴)
فردگرایی، مسئولیت پذیری، لذت جویی از طریق نا مشروع همگی در تضاد با خانواده هستند.
اشتغال افراد بیشترین تاثیر را روی احساس خوشبختی انسان ها دارد.

دولت باید با استفاده از ظرفیت های قانونی تسهیل ازدواج جوانان مصوب ۱۳۸۴ و اصل ۱۰ قانون اساسی مبنی بر تسهیل ازدواج و تشکیل خانواده جامع عمل بپوشاند و با اتخاذ حمایت های دفاعی کالاهای اساسی و مورد نیاز شروع زندگی مستقل در زمان ازدواج را در اختیار آنها قرار دهد. از ظرفیت ها و امکانات رفاهی دستگاه های دولتی برای کاهش هزینه های تشریفات و برگزاری مراسمات جشن ازدواج استفاده نمایند. خوابگاه های متهالی را توسعه دهند و جوانانی که اقدام به برگزاری مراسمات ازدواج آسان می کنند را تشویق نموده و به آنها تسهیلات عطا نمایند.

حمایت های مالیاتی دولت تاثیر بسیاری در تولید تقویت انگیزه و رغبت مردم به ازدواج و تشکیل خانواده داشته باشد به طوری که قانونگذار با وضع قوانین و مقررات در زمینه تخفیف بخشودگی و حمایت های مالیاتی را انجام دهد. پرداخت کمک هزینه برای افراد نظیر حق عائله مندی و معافیت های مالیاتی را اعمال نمایند.

طبق اصل ۳۱ قانون اساسی فراهم کردن مسکن مناسب از وظایف دولت است و این به معنای تهیه مسکن توسط دولت نیست بلکه به افرادی که نیازمندترند اولویت تهیه مسکن را دولت باید بر عهده بگیرد.
مهمترین مسئولیت دولت در زمینه خانواده کوشش برای تحکیم روابط خانوادگی است.

در تعالیم دینی اصل اولی آن است که مشکلات خانوادگی درون خانواده حل و فصل شود و در صورت اختلاف با میانجیگری و حکمت و داوری افراد با تجربه جلوی انحلال و فروپاشی خانواده گرفته شود حتی خدا با جعل عده راهی برای دوباره بازگشتن زوجین به زندگی قرار داده است.

راهکارها

نهاد خانواده یکی از مخاطبان قانون است قانونگذاران برای صیانت از خانواده و تحکیم آن باید دقت و توجه بیشتری داشته باشند.

ماهیت روابط خانوادگی مدنی است و در حقوق خصوصی تعریف شده و اما این به معنای نفی ورود مسئولیت و دولت جهت پیشنهاد پشتیبانی و حمایت از نهاد خانواده نمی باشد.

آگاهی از حقوق و تکالیف زوجین و آیین همسر داری و برخورداری از امکانات لازم در این زمینه

آشنایی با معیارهای مناسب همسرگزینی و شناخت و انتخاب همسر

فرهنگ سازی و ترویج الگوهای مطلوب با استفاده از امکانات رسانه ملی و دستگاه های فرهنگی و آموزشی

توسعه و جهت دهی نظام آموزشی با توجه به نقش ها و ویژگی های اختصاصی زنان و مردان و توانمند کردن دختران جهت

ایفای نقش مادری و همسری و پسران جهت ایفای نقش پدری

نتیجه گیری

- ۱_ خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و از همین رو فراهم نمودن تمامی امکانات جهت رسیدن به مقصود از وظایف حکومت است.
- ۲_ حکومت باید مصالح کلان خانواده را محور سیاستها و برنامه‌های خود قرار دهند.
- ۳_ هدایت و حمایت از بخش‌های خصوصی و فعال نمودن سازمان‌های مردم نهاد برای فراهم نمودن تسهیلات اعتباری و قانونی برای فعالیت آنها در زمینه خانواده صورت بگیرد.
- ۴_ تصویب اعتبارات و بودجه‌های لازم برای برنامه‌های فرهنگی در زمینه خانواده و تربیت نسل فعلی و آینده.
- ۵_ از ظرفیت رسانه ملی در راستای تصویرسازی واقعیت‌های درست از ازدواج و مهارت‌های تحکیم خانواده نشان داده شود.
- ۶_ سبک زندگی بر پایه بردباری و قناعت و آینده نگری ترویج داده شود.
- ۷_ کتاب‌های درسی و متون آموزشی به گونه‌ای تدوین شود که محتوای آنها مهارت‌های زندگی بر اساس عصر حاضر باشد.
- ۸_ رشته مطالعات خانواده تاسیس و گسترش یابد
در مشاغل قضاوت وکالت مشاوران محاکم خانواده تربیت یافتگان این حوزه به کار گرفته شوند و تجارب ارزنده آنها مغتنم شمرده شود.
- ۹_ در نهایت می‌توان گفت که سلامت جوامع در گرو سلامت خانواده و اعضای آن بوده است و تحولات جامعه و خانواده بیشترین تاثیرات را بر یکدیگر دارند.

منابع

قرآن کریم

کتب

- ۱_ بستان (نجفی) حسین، ۱۳۸۵، اسلام و جامعه شناسی خانواده، ج ۲
- ۲_ جواد آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، احمد قدسی، تفسیر تسنیم، ج ۲، چ ۵، قم، اسرا
- ۳_ حکمت نیا، محمود، ۱۳۹۰، فلسفه نظام حقوقی زن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۴_ عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۲، قم، موسسه المعارف الاسلامیه
- ۵_ قانون اساسی
- ۶_ قانون طرح تسهیل جوانان ۱۳۸۴
- ۷_ کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۵، حقوق خانواده، ج ۱، چ ۶، تهران، شرکت‌های سهامی
- ۸_ محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۹، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ج ۱، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث



اولین همایش بین‌المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- ۹_مدنی، جلال‌الدین، ۱۳۷۷، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، تهران، پایدار
- ۱۰_مصباح یزدی، محمد تقی، حسین اسکندری، ۱۳۹۴، اخلاق در قرآن، ج ۸، موسسه آموزش پژوهشی امام خمینی
- ۱۱_هاشمی، سید محمد، ۱۳۹۳، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (حاکمیت و نهادهای سیاسی) ج ۱ و ۲، چ ۲۵.

نقش زنان در تداوم زندگی با محوریت مهریه در نگاه پیمایشی

فاطمه آقاپور - ابوالقاسم ولی زاده

چکیده

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد اختلاف و کشمکش‌های خانوادگی بالا بودن مهریه است. مهریه در جوامع گوناگون بر اساس تنوع فرهنگها و آسیب‌های زیرساختی خانواده‌ها ارتباطی دوسویه دارد. هدف از مقاله حاضر بررسی میدانی نقش مهریه در تداوم زندگی مشترک است. این مقاله به روش کیفی - پیمایشی با استفاده از نرم‌افزار spss نوشته شده است. کاوش در مسائل مهمی نظیر تاثیر مهریه سنگین در طلاق عاطفی زوجین، گسست ارتباط زوج‌های جوان شده با اقدام به اجرای مهریه و توقیف اموال از طرف زوجه بالا رفتن انتظارات زوجه با وجود مهریه سنگین که بر عهده زوج گذاشته شده احساس استقلال نمودن زوجه با اجرای مهریه و عدم رغبت به مسئولیت‌های زندگی مشترک و تربیت فرزندان. نتایج حاصل از این مقاله حاکی از آن است که بایستی با جهاد تبیین پیامدهای واقعی و عینی مهریه سنگین به زوجین و خانواده‌ها بیان شود تا هیچگاه خانواده‌ای با اصرار به گذاشتن مهریه سنگین عامل اصلی گسست پیوند زوجین نشود و در تعیین مهریه به شرایط اقتصادی مرد توجه شود و با تعیین مهریه زیاد، دختر و اساساً خود ازدواج و جهت اقتصادی پیدا نکند.

کلید واژه: مهریه، زندگی مشترک، عاملیت دوام، تحقیر زوج، طلاق عاطفی، مهریه سنگین، گسست خانواده، مهریه سنگین، طلاق زوجین، تداوم ازدواج



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



حکمرانی مطلوب و تمدن نوین اسلامی

هادی حسن زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

(h.hasanzadehh1@gmail.com)

علی خلیلی بندلی

مدرس دانشگاه، دکتری تخصصی مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت

(Khalili.ghavamin12@yahoo.com)

چکیده:

تمدن نوین اسلامی، حاکمیت اسلامی و حکمرانی مطلوب مفاهیم بنیادینی هستند که در تحلیل ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع اسلامی امروزی، نقش کلیدی دارند. تمدن نوین اسلامی به عنوان یک الگوی جامع و نوین، به بازنگری و بازسازی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی بر مبنای اصول اسلامی می پردازد. این تمدن به دنبال ایجاد یک جامعه متوازن و پایدار است که با تأکید بر عدالت اجتماعی، علم و فناوری، و تقویت هویت ملی و فرهنگی، به نیازهای انسانی در دنیای معاصر پاسخ دهد. در این راستا، ارزش های اسلامی و انسانی به عنوان مبنای تمامی تصمیمات اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته می شوند. حاکمیت اسلامی به معنای تأسیس یک نظام حکومتی است که بر اساس شریعت و آموزه های اسلامی بنا شده و هدف آن تأمین منافع عمومی و اجرای عدالت در جامعه است. این نوع حاکمیت، مستلزم وجود اصولی چون عدالت، شفافیت، و پاسخگویی در فرآیندهای تصمیم گیری و سیاست گذاری است. حاکمیت اسلامی به دنبال تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی، و کاهش نابرابری ها در جامعه است. حکمرانی مطلوب به عنوان یک رویکرد مدیریتی و اجتماعی، به مفهوم اداره مؤثر و شفاف کشور بر اساس اصول اخلاقی و اجتماعی است. این نوع حکمرانی، با تأمین شفافیت، مشارکت عمومی و اعتماد اجتماعی، می تواند به تقویت حس مسئولیت پذیری در میان نهادهای حکومتی و توجه به حقوق شهروندان کمک کند. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ به عنوان یک رویداد محوری تاریخی، مفهوم حاکمیت اسلامی را در سطح جهانی معرفی کرده و با تأسیس نظام جمهوری اسلامی، اصول و ارزش های اسلامی را به عنوان پایه های حکمرانی مطلوب قرار داد. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری (حضرت آیت الله خامنه ای) با ارائه طرح راهبردی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، با نگرشی مثبت به دین و با ارائه تفسیری نوین در تمدن اسلامی، و با جایگزینی جهان

بینی الهی در مقابل جهان بینی مادی و با احیای آموزه های اصیل اسلامی و تکیه بر توحید و خداپاوری و نگاه موحدانه به جهان، توانستند بنیادهای تمدنی نوین را معماری نمایند که هدف اصلی آن رسیدن انسان به سعادت و قرب الهی است. ایشان توانستند ارزشهای دینی را احیا، و بار دیگر دین را به عرصه زندگی مدنی انسانها بازگردانده و اسلام را محور اساسی ساختارهای زندگی اجتماعی قرار دهند و تمدن نوین اسلامی را بر پایه جهان بینی الهی بنا کنند. این نظام به دنبال برقراری توازن بین ارزشهای اسلامی و نیازهای مدرن جامعه بود. در نهایت، تمدن نوین اسلامی، حاکمیت اسلامی و حکمرانی مطلوب به عنوان سه مؤلفه کلیدی در شکل دهی به آینده جوامع اسلامی و تحقق یک نظام اجتماعی عادلانه و پیشرفته باید مورد توجه قرار گیرند. این مفاهیم نه تنها به عنوان اصول نظری بلکه به عنوان نیازهای عملی و ضروری در راستای پیشرفت و تعالی جوامع اسلامی، می توانند به ایجاد بستری مناسب برای تحقق اهداف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کمک کنند. دستیابی به این اهداف مستلزم همکاری و هم افزایی میان نهادهای دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. در این راستا، سرمایه گذاری در آموزش و پرورش، تقویت نهادهای مدنی، و ایجاد فضای مناسب برای نوآوری و خلاقیت از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین، لازم است که جوامع اسلامی به دنبال تقویت همبستگی اجتماعی و فرهنگی در راستای توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی شهروندان خود باشند.

واژگان کلیدی: حکمرانی، حاکمیت اسلامی، حاکمیت اسلامی در انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی، گام دوم انقلاب

اسلامی

مقدمه:

حکمرانی

حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت کنندگان اطلاق می شود (کریمی کلیمانی و همکاران، ۱۴۰۰) به عبارت دیگر، ساز و کاری که بتواند توانایی ها و ایده های بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی را هم افزایی کند و در تعیین هدف، تصمیم سازی و اجرای برنامه ها در سطح ملی و محلی مشارکت فعال داشته باشد، نوعی حکمرانی است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹).

پدیده حکمرانی، موضوعی است میان رشته ای بین شاخه هایی از حقوق، جامعه شناسی، مدیریت، اقتصاد و علوم سیاسی. از لحاظ تاریخی، مفهوم حکمرانی به اندازه تمدن بشری قدمت دارد و بسته به سطح آن (ملی، منطقه ای و محلی) مجموعه ای از بازیگران رسمی و غیر رسمی را در بر می گیرد که بر جریان تصمیم گیری تأثیر گذارند. حتی در تقسیم بندی حکمرانی، می توان جلوتر رفت و آن را به حکمرانی قضایی و حکمرانی دفاعی تقسیم کرد لذا ساختار حکمرانی به روش کلی و جزئی قابل ترسیم است. حکمرانی را می توان « نفوذ هدایت شده در فرایندهای اجتماعی » تعریف کرد که سازوکارهای مختلف و پیچیده ای در آن درگیر هستند و فقط از بازیگران بخش دولتی سرچشمه نمی گیرند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹).

در مفهوم جدید حکمرانی، حکومت تنها یکی از بازیگران چرخه زمامداری و حکمرانی است. شرکتهای سازمانهای غیر دولتی، موسسات تحقیقاتی، رهبران مذهبی، موسسات مالی، احزاب، نهادهای نظامی و امنیتی و ... سایر بازیگرانی هستند که در فرآیند حکمرانی دخالت دارند. هر چه کثرت و تنوع بازیگران بیشتر باشد، حکمرانی به مراتب پیچیده تر خواهد بود. در

سطح فرا ملی، علاوه بر بازیگران یادشده، قدرتهای خارجی، رسانه های بین المللی، گروههای فشار بین المللی، سرمایه گذاران بین المللی، شرکتهای چند ملیتی، نهادهای بین المللی و فراملیتی را باید به لیست بازیگران و کنشگران اضافه نمود. هر کدام از این عناصر به نوعی قادرند هم در اخذ تصمیمات و برنامه ریزی ها و هم در اجرای آنها موثر واقع شوند. بر اساس مطالب پیش گفته حکمرانی به رابطه میان حاکمیت، حکومت و جمعیت شهروندان که دو رکن اساسی دولت هستند، اشاره و تمرکز دارد علاوه بر این که حکمرانی به حوزه خصوصی و مدنی نیز توجه نشان میدهد (میرزاپور و همکاران، ۱۴۰۰) بنابراین، حکومتها برای این که بتوانند در داخل کشور به اجرای قوانین پرداخته و در خارج از کشور از حقوق جامعه دفاع کنند، نیازمند اقتداری هستند که از تعامل رفتارهای دولت مردان در حوزه های حکمرانی سیاسی، حکمرانی اقتصادی، حکمرانی اجتماعی، حکمرانی فرهنگی و نظامی ایجاد می شود (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹).

در کاربرد واژه حکمرانی باید به دو نکته توجه داشت. نخست اینکه، حکمرانی متفاوت از حکومت (Government) است. حکمرانی بعنوان یک مفهوم، مشخص می سازد که قدرت در داخل و خارج از اقتدار رسمی و نهادهای حکومت و در قالب سه گروه اصلی از بازیگران، حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی جریان دارد. دوم اینکه حکمرانی بر فرآیند تاکید دارد و مشخص می سازد که تصمیم ها با توجه به روابط پیچیده بین تعدادی از بازیگران با اولویت ها و سلاقی متفاوت گرفته می شوند. حکمرانی، توافقی را بین اولویت ها و سلاقی رقیب و متضاد برقرار می کند و این، اساس و شالوده مفهوم حکمرانی است.

سازمان ملل متحد نیز حکمرانی را این گونه تعریف می کند: حکمرانی مجموعه ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه ریزی و اداره مشترک امور است و فرآیند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است. "به این ترتیب باید گفت مفهوم حکمرانی بر همیاری حکومت و جامعه مدنی مبتنی است. این مفهوم بر این اصل بنیادی استوار است که حکومت ها به جای آنکه به تنهایی مسئولیت کامل اداره جامعه را در تمام سطوح آن بر عهده گیرند، بهتر است در کنار شهروندان، بخش خصوصی و نهادهای مردمی، به عنوان یکی از نهادها یا عوامل مسئول اداره جامعه محسوب شوند. با ورود شهروندان یا به مفهوم سازمان یافته تر آن، جامعه مدنی، به عرصه تصمیم گیری و سیاستگذاری، جریان اداره کشور از یک نظام اقتدارگرا و آمرانه به فرایندی مردم سالار و مشارکتی تبدیل خواهد شد.

حاکمیت اسلامی (حاکمیت متعالی)

منظور از حکمرانی اسلامی شیوه حکومتی است که در آن ابعاد روابط بین حکومت و مردم، تعامل اجزای تشکیل دهنده حکومت و رابطه آن با سایر حکومتها، در اهداف و سیاستها، قوانین و خط مشی ها، برنامه ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی بر اساس مبانی، اصول و روشهای اسلامی تنظیم میگردد. در این چارچوب، تشکیلات اداری که با نرم افزار حکمرانی اسلامی به ساماندهی امور عمومی مردم می پردازد، "دولت معیار" نامیده می شود. در یک تعریف، حکمرانی اصطلاحی است که بر اعمال قدرت در مجموعه ای از زمینه های نهادی دلالت دارد و در آن مفاهیم هدایت، کنترل و تنظیم فعالیتها در جهت منافع مردم یا همان شهروندان و رأی دهندگان و کارکنان نهفته است. با این تعریف مفهوم حکمرانی وسیع تر از مفهوم حکومت است.

حکومت به طور مشخص با نقش مقامات سیاسی در حفظ نظم اجتماعی در سرزمین معین و اعمال قدرت اجرایی در محدوده آن سر و کار دارد.

در حکمرانی اسلامی، حکومت و زیر مجموعه آن نقش محوری دارند. در عین حال مشارکت مردمی از طریق تشکل های مردمی و بخش خصوصی یعنی شرکتهای غیر دولتی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. به بیان دقیق تر، ساخت حکمرانی اسلامی اقتضا می کند که مردم همه جا در کنار حکومت حضور داشته باشند و نقش ها بین حکومت و مردم تقسیم شود. ممکن است گفته شود که فلسفه حکمرانی مدرن، گرفتن نقش محوری از دولت و دادن این نقش به مردم، جامعه مدنی یا بازار است لکن در لیبرالترین کشورها هم این حکومت است که سر بزنگاه نقش آفرینی بازیگران را کنترل میکند.

البته تجربه تاریخی از صدر اسلام تا الان گواهی می دهد که هرکجا مردم در کنار حکومت بوده اند موفقیت های چشمگیری رخ داده است و برعکس، هر کجا مردم به انزوا کشیده شده اند حاصل کار، شکست بوده است. بر همین اساس می توان گفت که حکمرانی اسلامی در اتمسفر نظام مردم سالاری دینی معنای واقعی خود را پیدا می کند و معلوم نیست در غیبت مردم سالاری دینی بتوان به حکمرانی مورد نظر اسلام رسید. با این حال، مشارکت مردمی در سطوح گوناگون باید از شعار خارج شود.

الگوی حکمرانی اسلامی، شیوه حکومتی است که بر اساس مبانی، اصول و روشهای اسلامی و متکی بر مطلوبیت ها و خواست های اسلام طرح ریزی شده است. این الگو که بر مبنای نظریه مردم سالاری دینی طراحی شده است، بدیلی برتر برای مدل "حکمرانی خوب" محسوب می شود و می تواند برای ادیان و مذاهب گوناگون مورد استفاده قرار گیرد. مولفه ها، اصول و شاخص های حکمرانی اسلامی در چارچوب سه رابطه اصلی "روابط حکومت و مردم"، "روابط حکومت با عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی" و "نظام اداری و روابط اجزای حکومت" قابل طراحی و تبیین است.

بر اساس تعریف فوق، هدف حکمرانی اسلامی را می توان زمینه سازی برای توسعه و تعمیق عقلانیت تهذیب یافته، اخلاق و معنویت گرایی دینی و رشد، تعالی و سعادت انسان و همچنین گسترش برخورداری از زندگی با نشاط، ایمن، سالم، عادلانه، آزاد و کریمانه دانست. بر این مبنا، از آنجا که مفاهیم و آموزه های اسلامی با فطرت انسانی هماهنگی دارد، این الگو می تواند برای ادیان و مذاهب دیگر نیز کارآیی داشته باشد.

بنابراین، الگوی حکمرانی اسلامی به عنوان بدیل برتر مدل حکمرانی خوب است. این الگو از همه تجارب بشری برای بهینه سازی نظام خود بهره می گیرد و تکنولوژی و روش های مصنوع انسانی را با معیار عقل و وحی سنجیده، سره را از ناسره تشخیص داده و در دستگاه و سیستم و اساس تقوا محور جدید جایابی نموده و کارکرد ویژه آن را باز تعریف می نماید. الگوی حکمرانی اسلامی با توجه به مقدرات و محدودیت های دوران موجود و تجارب بشری و البته مطلوبیت ها و خواستهای

اسلام شکل خواهد گرفت. با توجه به توضیحات ارائه شده؛ حکمرانی اسلامی شیوه و روش اعمال و تنظیم قدرت، سیاستگذاری و اجرای سیاستها برای تحقق آرمان حیات طیبه از طریق مشارکت، هم افزایی و عملکرد بهینه نظام اسلامی و ارزیابی و ترمیم سیاست ها است. اگر نظام اسلامی را دارای سازمان و سیستم بدانیم که سازمان آن ارکان تشکیل دهنده آن باشد، سیستم آن روش و فرایندهای اعمال قدرت و تنظیم روابط بین ارکان این نظام است. در نظام مردم سالاری دینی ارکان حکمرانی شامل حاکم اسلامی، مردم، قوای اجرایی، تقنینی و قضایی و نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و نظامی و امنیتی است.

بر اساس آن چه گفته شد، آرمان حکمرانی اسلامی، تحقق حیات طیبه در گستره پیشرفت علمی، معنویت و اخلاق، تولید و اقتصاد، عدالت محوری، استقلال و آزادی، عزت ملی و سبک زندگی اسلامی در جامعه اسلامی است که حیات طیبه دارای ابعاد فردی و اجتماعی متناسب با شئون مختلف زندگی است. حیات طیبه، شئون و ابعاد گوناگونی دارد که به صورتی منسجم و هماهنگ در تعامل با یکدیگر است. چنین جامعه ای مشخصات جامعه منتظر ظهور را دارد (کریمی کلیمانی و همکاران، ۱۴۰۰) و هدف زیربنایی حکمرانی اسلامی را میتوان شامل زمینه سازی توسعه و تعمیق عقلانیت تهذیب یافته، اخلاق و معنویت گرایی دینی و رشد، تعالی و سعادت انسان، گسترش برخورداری از زندگی با نشاط، ایمن و سالم، عادلانه، آزاد و کریمانه، دانست.

۱- حاکمیت اسلامی در انقلاب اسلامی

حرکت به سمت حکمرانی مطلوب یکی از دغدغه های نظام اسلامی است. انقلاب اسلامی، یک ایده جدید حاکمیتی بود که بدون هیچگونه تجربه ای در سده های اخیر و فقط با تکیه بر اندیشه حکمرانی رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) که متأسفانه جامعه امروز کمتر از آن اطلاع دارد یا مسئله های خود را در چارچوب منفعت عامه تعریف نمی کند و بعضاً شاهد رهاسازی و یا رفع تکلیفی در برخی از سیاست ها می شود، بنیانگذاری شده و البته توانسته است موفقیت های بیبدیلی را به دست آورد. در شرایطی که دشمنان انقلاب اسلامی در حد اشباع شده علیه انقلاب اسلامی فعالیت خود را به انجام رسانده اند، نظام جمهوری اسلامی ایران همواره با اقتدار در مقابل این هجمه ها ایستاده است، این هجمه ها نه تنها نتوانسته نظام را درگیر حاشیه کند، بلکه حرکت پیشرونده آن سبب شده است انقلاب اسلامی به مرکز گفتمان حکمرانی انقلابی تبدیل شود. از این رو به دلیل قوت و قدرت نظام اسلامی در حرکت های انقلابی، پذیرش سخن و نظریه انقلاب در جهان، انگیزه های جویای حقیقت و تقابل با کفر و استکبار را بیدار کرده و آنها را پروانه وار بر گرد انقلاب اسلامی به حرکت در آورده است.

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) توانست خیزشی عظیم و تحول بنیادین در ساختار سیاسی و حکومتی بوجود آورد و باعث برهم خوردن نظام دو قطبی جهان و ظهور ایده جدید حاکمیت جدیدی گردید که حاکمیت را از

آن خداوند می داند. این نظام اصول و چارچوب های خود را بر اساس ایدئولوژی اسلامی بنا نموده که آرمانها، اهداف، برنامه ها و سیاستگذاری ها بر مبنای آنها طراحی و اجرا می گردد. در همین راستا حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی طرح راهبردی بیانیه گام دوم انقلاب را به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ارائه نمودند، طرحی که در آن برای استمرار راه انقلاب اسلامی به تبیین دستاوردهای چهل سال گذشته پرداخته شد و در آن با هدف «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» توصیه هایی ارائه شد. در این بیانیه رهبر انقلاب، ملت ایران به ویژه جوانان را مورد خطاب قرار دادند و به توضیح و روشن کردن مسئله برداشتن «گام دوم» به سوی آرمان های انقلاب اسلامی پرداختند. بیانیه گام دوم انقلاب به صورت کلی در هفت فصل شامل (۱) علم و پژوهش (۲) معنویت و اخلاق (۳) اقتصاد (۴) عدالت و مبارزه با فساد (۵) استقلال و آزادی، (۶) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن، (۷) سبک زندگی، تنظیم شده است.

یکی از نیازهای اساسی برای حرکت در مسیر گام دوم انقلاب و تحقق حکمرانی اسلامی، شناخت و انطباق اهداف و شاخص های این دو مقوله است. آموزش تفکر راهبردی به مدیران جوان، انقلابی و واگذاری مسئولیت ها به آنها، در کنار بهره گیری از تجارب موفق گذشته، مدیریت کشور را آماده یک خیز بلند در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی خواهد کرد. اما باید دانست که تمدن نوین اسلامی یک تمدن منزوی و بدون تعامل با جهان نیست، بلکه می خواهد آینده ای بهتر برای تمام جهانیان بسازد. این جهان بهتر، در اولین گام نیازمند امنیت و ایجاد فضای مناسب برای شکوفایی استعداد های خدادادی انسان است که در سایه صلح و عدالت تحقق مییابد، در واقع شاخص مشترک در گام دوم و حکمرانی اسلامی است (کریمی کلیمانی و همکاران، ۱۴۰۰).

از اینرو در خصوص نوع و کیفیت حکمرانی در کشور اسلامی که مبتنی بر گام دوم باشد مفاهیم و مواضع را می توان به سه دیدگاه تفکیک نمود:

دیدگاه اول، برخی از روشنفکران جدید، حکمرانی اسلامی را همان حکمرانی مسلمین میدانند. به نظر ایشان وقتی توسط گروهی در یک جامعه مسلمان، حکمرانی صورت گیرد، میتوان به این حکمرانی قید اسلامی را افزود و سایر افزودنی ها جایگاهی ندارند.

دیدگاه دوم، برخی دیگر از اندیشمندان بر اساس نگاه حداقلی به دین و ولایت فقیه به مقولات و موضوعات می نگرند. در نظر این افراد، حکمرانی اسلامی در شکل تام خود نمی تواند وجود داشته باشد و اصلا دین اسلام سخنی در موضوعات متنوعی که در حوزه حکمرانی وجود دارد، نداشته و نخواهد داشت.

دیدگاه سوم، برخی دیگر از اندیشمندان دینی، بر اساس نگاه حداکثری به آموزه های دینی، موضوعاتی را که بر اساس چنین آموزه هایی مورد تحلیل قرار گیرد، با قید اسلامی مشخص می سازند. به باور این افراد، دین اسلام، آیینی کامل و شامل کلیه نیازهای انسان اعصار مختلف است. در این نگاه با این که بسیاری از آموزه های جزئی در دین

مطرح نشده است، ولی اعتقاد بر این است که با تحلیلی که مبانی و مقاصد مکتب در اختیار فقیه قرار می‌دهد، میتواند احکام و مقررات خرد را شناسایی کند.

نظامی که در آن، دین و شریعت مبنای اصلی اداره امور جامعه باشد و قوانین بشری در تطابق با قوانین الهی تهیه و تنظیم شود، نظام دینی است.

آنچه امروز موجب تفاوت و امتیاز جمهوری اسلامی ایران از دیگر کشورهای جهان شده است، تلاش این نظام برای تحقق اسلام ناب در ساحت‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی و حرکت بر مدار اسلام است. مدعای اصلی انقلاب اسلامی ارائه سبک جدیدی از زندگی، حکومت و حکمرانی است که در هدف و خط مشی های جامعه و حاکمیت، شیوه ها و روشهای حکمرانی، نقش و مشارکت مردمی، نظامات اداری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مانند آن، قوانین الهی و روح معنوی اسلام حاکم است و انتظار از نظام اسلامی آنست که بر مبنای آموزه های اسلام حرکت کند. این انتظار زمانی قابل تحقق است که الگوی مطلوب حکمرانی بر اساس مبانی اسلامی تدوین گردد و سپس معیارها و شاخصهای تحقق آن در مسیری بنام گام دوم (حیات چهل سال دوم انقلاب) مشخص شود.

۲- تفاوت حکمرانی اسلامی با سایر نظریه های حکمرانی

تفاوت حکمرانی اسلامی با سایر نظریه های حکمرانی مانند حکمرانی خوب عبارتست از:

(۱) با توجه به جامعیت دین در تعریف و شناخت انسان، اهداف حکمرانی اسلامی جامع تر و کامل تر از نظریه های غربی است که موفق به شناخت مناسب از انسان نشده اند.

(۲) نا گفته نماند مدل‌های حکمرانی غربی دارای مزیت هایی از قبیل: الف- مبتنی بر تجربه متراکم بشر، ب- دارای ظاهر کامل و شیک (در عین حال، وجود تشنت در روح حاکم بر مدل‌های حکمرانی) هستند.

(۳) اگر به مؤلفه های حکمرانی خوب، شامل: الف- مشارکت، ب- پاسخگویی، پ- کارایی و اثربخشی، ت- شفافیت، ث- عدالت، ج- حاکمیت قانون، چ- مسئولیت پذیری و ح- اجماع پذیری، نگاه کنیم، متوجه می شویم اگرچه در ظاهر با بسیاری از مفاهیم اسلامی قرابت دارد، اما تفسیر نهادهای بین المللی همچون بانک جهانی از این مفاهیم با آنچه اندیشمندان مسلمان ارائه می نمایند، تفاوت‌های بنیادین دارد. همچنین، برخی مولفه های دیگر همچون «رفق و مدارا» که از اصول اولیه انسانی است، در چارچوب های رایج غربی مشاهده نمی شود.

(۴) اما، تفاوت اصلی حکمرانی اسلامی با حکمرانی غربی، غلبه روح «رشد» فردی و اجتماعی در حکمرانی اسلامی در مقایسه با حکمرانی غربی است. در واقع، در سازوکارها و احکام اسلامی، بدون استثنا، یکی از اهداف اصلی ایجاد رشد در فرد و جامعه است (کریمی کلیمانی و همکاران، ۱۴۰۰).

تمدن نوین اسلامی

۱- تمدن

تمدن در لغت، چنین تعریف شده است: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود. در اصطلاح نیز تمدن عبارت است از؛ برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسانهای یک جامعه که تصادمها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آنها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروههای آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعدادهای سازنده آنها باشد. به عبارت دیگر، تمدن عبارت است از؛ تشکل هماهنگ انسانها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروههای جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسانها در همه ی ابعاد مثبت (محسنی، ۱۳۹۸).

۲- تمدن نوین اسلامی

تمدن اسلامی با بعثت پیامبر (ص) شروع شد و با دستاوردهای مختلفی که در زمینه‌های گوناگون به دست آورد، توانست جایگاه والایی به خود اختصاص دهد، اما به مرور زمان و با گذشت چندین قرن دچار رکود شد. آنچه تمدن اسلامی را به پیشرفت رساند همان تسامح، تساهل و توجه به تمام جنبه‌های مادی و معنوی بشر بود که به مرور زمان رنگ باخت و ضربه بزرگی بر پیکره تمدن اسلامی وارد ساخت. توجه به ابعاد انسانی و الهی زندگانی انسانها در دنیای امروز از جایگاه برجسته‌ای برخوردار نیست و این امر هم ناشی از دیدگاهی است که غربگرایان نسبت به این جهان و انسان دارند. بنابراین نیازهای حقیقی انسان مانند سعادت، امنیت و آرامش روانی و معنوی حلقه‌های مفقود در زندگی انسانهایی است که در دنیای امروز به سر می‌برند.

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) توانست خیزشی عظیم و تحولی بنیادین در ساختار سیاسی جامعه به وجود آورد؛ به گونه‌ای که با ساختار شکنی و برهم زدن معادلات جهانی و زدودن سیطره غرب و تفکرات مادی و الحادی، و با مبارزه همه جانبه با سکولار غربی برضد جمود مسلمانان شوریده، گرد و غبار اسلام را زدوده، و آنرا از اسلام قشری و به دور از صحنه و سیاست؛ به اسلامی اصیل، تحول آفرین و یاور مردم به خصوص محرومان مبدل سازد. ایشان با نگرشی مثبت به دین و با ارائه تفسیری نوین، و با جایگزینی جهان بینی الهی در مقابل جهان بینی مادی و با احیای آموزه‌های اصیل اسلامی و تکیه بر توحید و خدا باوری و نگاه موحدانه به جهان، توانستند بنیادهای تمدنی نوین را معماری نمایند که هدف اصلی آن رسیدن انسان به سعادت و قرب الهی است. ایشان توانستند ارزشهای دینی را احیا، و بار دیگر دین را به عرصه زندگی مدنی انسانها بازگردانده و اسلام را محور اساسی ساختارهای زندگی اجتماعی قرار دهد و تمدن نوین اسلامی را بر پایه آن بنا کند. در ادامه چنین تحولی، مقام معظم رهبری با مطرح نمودن قدرت تمدن سازی دین اسلام و با ارائه بایدهایی برای توسعه انقلاب نوپای اسلامی، نظریه جدید «تمدن نوین اسلامی» را مطرح نمودند.

. تمدن نوینی که در سایه آن، همه نیازهای مادی و معنوی انسان برآورده شود و این تمدن چیزی جز تمدن عظیم، منحصر به فرد و توحیدی اسلام نیست که این امر نشانگر ضرورت احیای چنین تمدن باشکوهی است و مسلمانان به گونه‌ای چشمگیر

به سوی هویت اسلامی میروند و تاکید دارند اسلام تنها راه حل آن است. احیای اسلامی، تلاشی برای یافتن راه حل، نه در ایدئولوژی غربی، بلکه در اسلام مدرن است که فرهنگ غربی را رد میکند و تعهد به اسلام را راهنمای زندگی در جهان مدرن میداند. با توجه به مطالب ارائه شده میتوان بیان کرد که تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه های آن بر محور اسلام میگردد و از همه ویژگی های تمدن الهی در چهارچوب آموزه های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (محسنی، ۱۳۹۸). مقام معظم رهبری، تمدن اسلامی را فضایی میداند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. (بنابراین تمدن نوین اسلامی، تمدنی است که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مادی انسانها بعد معنوی و روحی آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی میکند).

رهبر معظم انقلاب، رسیدن به یک پیشرفت همه جانبه و ایجاد یک تمدن نوین اسلامی را هدف انقلاب اسلامی و ملت ایران میدانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳) به اعتقاد ایشان، «امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت ها و کشورها باید به جایگاه تمدن مطلوب قرآن دست یابد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹). رهبر انقلاب اسلامی فرآیند شکل گیری تمدن نوین اسلامی را در پنج مرحله اساسی مطرح نموده اند. که بصورت یک زنجیره ی مستمر و سلسله وار بهم مرتبط میباشد که حلقه ی اول آن، انقلاب اسلامی است، حلقه دوم تشکیل نظام اسلامی، حلقه سوم تشکیل دولت اسلامی، حلقه چهارم تشکیل جامعه اسلامی و تشکیل امت اسلامی بعنوان حلقه پنجم این فرآیند است (مقام معظم رهبری).

مرحله اول، انقلاب اسلامی

به اعتقاد مقام معظم رهبری، برای اینکه تمدن نوین اسلامی تحقق پیدا کند، در درجه ی اول، ما یک حرکت انقلابی لازم داشتیم؛ برای اینکه بنای ضایع و پوسیده و کج و بد بنیان رژیم های استبدادی را از بین ببریم. این کار را ملت با کمال قدرت و با موفقیت کامل انجام داد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸).

مرحله دوم، تشکیل نظام اسلامی

نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. بعد از انقلاب اسلامی، حرکت بعدی این بود که یک نظام اسلامی؛ یعنی ترتیب اداره ی کشور، همانطوری که اسلام گفته است- در این کشور به وجود آید. این کار را هم ملت ما با موفقیت انجام داد. قانون اساسی تنظیم شد؛ آرایش و چینش سیاسی به وجود آمد؛ مردم سالاری دینی بر این مملکت حاکم شد و مردم مسئولان کشور را- از رهبری گرفته تا ریاست جمهوری تا دیگر مسئولان- مستقیم یا غیر مستقیم انتخاب کردند. دین، مایه و پایه و محور قانون و اجرا در انقلاب اسلامی است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱).

مرحله سوم، تشکیل دولت اسلامی

بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشنتر، تشکیل منش و روش دولت مردان - - به گونه ای اسلامی. مسئولان و دولت مردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸).

مرحله چهارم، تشکیل کشور اسلامی

کشور اسلامی؛ یعنی کشوری که اسلام حیات بخش، اسلام نشاط آور، اسلام تحرک آفرین، اسلام بدون کج اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت بخش به انسانها، و اسلام هدایت کننده ی انسانها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه ی پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود، عزت سیاسی هم می آورد؛ رفاه اقتصادی هم می آورد؛ فضایل اخلاقی هم می آورد؛ اگر کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸).

مرحله پنجم، تشکیل امت اسلامی

از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، نوبت تشکیل امت اسلامی است. از کشور اسلامی می شود دنیای اسلامی درست کرد الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می آید (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹ /۰۹/۱۲) وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت، فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱) همچنین مقام معظم رهبری برای رسیدن به پیشرفت همه جانبه و پیمودن مراحل پنج گانه برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، را نیازمند رعایت یک سری مبانی و الزاماتی میدانند که با سرلوحه قرار دادن آنها می توان با ثبات قدم بیشتری این مسیر پر فراز و نشیب را طی کرد.

الزامات تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، برگرفته از مبانی فکری امام خمینی (ره) است و به عبارتی ادامه ی راه آن حضرت و توسعه و تکامل آن است. چنانچه ایشان تصریح نمودند: «راه ما همان راهی است که امام بزرگوارمان ترسیم کردند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴).

الزامات شکل گیری تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری عبارت است از:

قرآن مداری، عقلانیت و خردورزی، مجاهدت علمی، توجه به عقل عملی و اخلاق، مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، توجه توأمان به دنیا و آخرت، تقویت روحیه ایمان و عنصر ایثار، آزاد اندیشی، خود باوری و پرهیز از تقلید، نوگرایی، پیشرفت مادی و توسعه اقتصادی، اصلاح سبک زندگی، پیوند میان دین و سیاست، تفکر.

نتیجه گیری:

تمدن نوین اسلامی، حاکمیت اسلامی و حکمرانی مطلوب به عنوان سه رکن اصلی در شکل دهی به آینده جوامع اسلامی، نقش کلیدی و تعیین کننده‌ای در فرآیند توسعه و پیشرفت اجتماعی ایفا می‌کنند. این سه مفهوم نه تنها بر مبنای اصول اسلامی و فرهنگی جوامع اسلامی بنا شده‌اند، بلکه به عنوان ابزاری برای پاسخ‌گویی به چالش‌های مدرن و نیازهای اجتماعی نیز مطرح می‌شوند. تمدن نوین اسلامی به دنبال ایجاد جامعه‌ای متعادل و پایدار است که در آن ارزش‌های اسلامی به طور کامل مورد توجه قرار گیرد و به تحقق عدالت اجتماعی کمک کند. حاکمیت اسلامی به عنوان بستر اجرایی برای تحقق این اهداف، باید بر اساس اصول عدالت، شفافیت و پاسخگویی بنا شود. برای رسیدن به این هدف، ضروری است که نهادهای دولتی به صورت مؤثر عمل کنند و با اتخاذ سیاست‌هایی منطبق بر منافع عمومی و نیازهای جامعه، اعتماد عمومی را جلب کنند. این حاکمیت باید به گونه‌ای عمل کند که حقوق تمامی اقشار جامعه به ویژه اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر تأمین شود و از تبعیض و نابرابری جلوگیری کند. به علاوه، حکمرانی مطلوب به عنوان رویکردی مدیریتی، نیازمند ایجاد فرآیندهای شفاف و مؤثر است که بتواند مشارکت اجتماعی را تقویت کند. برای تحقق حکمرانی مطلوب، لازم است که نهادهای مختلف به ویژه نهادهای مدنی و اجتماعی در تصمیم‌گیری‌ها و فرآیندهای سیاسی دخالت داشته باشند. این رویکرد می‌تواند به افزایش مسئولیت‌پذیری و شفافیت در نهادهای حکومتی و تقویت حس تعلق در میان شهروندان کمک کند. ارتقاء سطح آموزش و آگاهی عمومی در زمینه اصول اسلامی و حقوق شهروندی از الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی است. نظام آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شود که نه تنها به ترویج ارزش‌های اسلامی بپردازد، بلکه مهارت‌های تفکر انتقادی و توانمندی‌های لازم برای حل مسائل اجتماعی را نیز در دانش‌آموزان و دانشجویان تقویت کند. این امر می‌تواند به پرورش نسلی آگاه و متعهد به ارزش‌های اسلامی منجر شود که در آینده در راستای تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی کشور عمل نمایند. ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی نیز به عنوان یکی از ارکان اصلی در تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی باید در نظر گرفته شود. زیرساخت‌های اقتصادی باید به گونه‌ای طراحی شوند که نه تنها به رشد اقتصادی کشور کمک کنند، بلکه به تأمین عدالت اجتماعی و توسعه پایدار نیز بپردازند. به همین منظور، نیاز به برنامه‌ریزی جامع و یکپارچه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی احساس می‌شود تا از این طریق کیفیت زندگی شهروندان بهبود یابد. نکته دیگر این است که توسعه فرهنگی و اجتماعی باید به عنوان یک عنصر کلیدی در شکل دهی به حکمرانی مطلوب و حاکمیت اسلامی مد نظر قرار گیرد. ترویج فرهنگ گفت‌وگو و تفاهم میان اقشار مختلف جامعه می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند. از طریق برگزاری نشست‌ها، کارگاه‌ها و برنامه‌های فرهنگی، می‌توان به تبادل نظر و تجربیات میان شهروندان پرداخته و در نتیجه به افزایش همدلی و همکاری در جامعه دست یافت. همچنین، توجه به مقوله حقوق بشر و حقوق شهروندی در سیاست‌ها و قوانین، به ویژه در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رعایت حقوق بشر می‌تواند به عنوان یکی از اصول بنیادین حکمرانی مطلوب مورد توجه قرار گیرد و از بروز تضادها و نابرابری‌ها جلوگیری کند. این امر موجب تقویت اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی و ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان خواهد شد. نیاز به همکاری و هم‌افزایی میان نهادهای دولتی، بخش خصوصی و

جامعه مدنی برای تحقق اهداف حکمرانی مطلوب و حاکمیت اسلامی امری ضروری است. این همکاری می تواند به عنوان یک عامل کلیدی در تحقق تمدن نوین اسلامی عمل کند و به پایداری و پیشرفت جامعه کمک نماید. با ایجاد شبکه های همکاری بین این نهادها، می توان به ترویج و اجرای سیاست های مؤثر و جامع در راستای توسعه پایدار پرداخت. در نهایت، تمدن نوین اسلامی، حاکمیت اسلامی و حکمرانی مطلوب باید به عنوان یک سیستم یکپارچه و هماهنگ در نظر گرفته شوند. تحقق هر یک از این مفاهیم بدون دیگری امکان پذیر نیست و همگی در راستای دستیابی به یک جامعه عادلانه، پیشرفته و پایدار قرار دارند. بنابراین، تداوم تلاش ها برای تحقق این اهداف از اهمیت ویژه ای برخوردار است و مستلزم برنامه ریزی و اجرای دقیق سیاست های کلان در سطح ملی و محلی است. این رویکرد جامع می تواند به عنوان راهکاری مؤثر در جهت پاسخ گویی به چالش های معاصر جوامع اسلامی و دستیابی به اهداف عالی انسانی و اجتماعی عمل کند.

پیشنهادات علمی و کاربردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی و حکمرانی مطلوب:

۱. تدوین نظام آموزشی نوین و چندبعدی: ایجاد یک نظام آموزشی جامع و چندبعدی که به طور هم زمان به آموزش نظری و عملی پرداخته و بر ترویج تفکر انتقادی، خلاقیت و مهارت های اجتماعی تأکید کند. این نظام باید اصول و ارزش های تمدن نوین اسلامی را در *curricula* گنجانده و با هدف پرورش شهروندانی آگاه و متعهد به آرمان های اسلامی طراحی شود.
۲. تقویت و توانمندسازی نهادهای مدنی: ضرورت دارد که نهادهای مدنی به عنوان بازیگران کلیدی در توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تقویت شوند. این نهادها باید با برنامه های آموزشی، مالی و فنی تجهیز شوند تا بتوانند در نظارت بر حکمرانی و ارائه خدمات اجتماعی مؤثرتر عمل کنند و صدای اقشار مختلف جامعه را منعکس نمایند.
۳. ایجاد پلتفرم های بین المللی برای تبادل تجربیات: تأسیس پلتفرم های بین المللی و منطقه ای که به تبادل تجربیات و بهترین شیوه ها در زمینه حکمرانی مطلوب و تمدن نوین اسلامی بپردازند. این پلتفرم ها می توانند شامل کنفرانس ها، سمینارها و کارگاه های آموزشی بین المللی باشند که نمایندگان کشورهای اسلامی را گرد هم آورده و به تبادل نظر و تجارب مؤثر بپردازند.
۴. توسعه فناوری های نوین اطلاعات و ارتباطات: به کارگیری فناوری های نوین اطلاعات و ارتباطات (ICT) به منظور بهبود شفافیت، پاسخگویی و تعاملات میان دولت و شهروندان. این فناوری ها می توانند به ارائه خدمات الکترونیکی، دسترسی به اطلاعات عمومی و تسهیل ارتباطات اجتماعی کمک کنند، به طوری که ساختار حکمرانی به سمت بیشتر شفافیت و دسترسی پذیری حرکت کند.
۵. ایجاد مشاوره های حقوقی برای اقشار آسیب پذیر: تأسیس مراکز مشاوره حقوقی و خدمات اجتماعی برای اقشار آسیب پذیر به منظور ارتقاء آگاهی نسبت به حقوق شهروندی و ایجاد دسترسی به خدمات حقوقی و اجتماعی. این مراکز باید به صورت رایگان و با هدف حمایت از حقوق انسان ها فعالیت کنند و بتوانند در جهت تأمین عدالت اجتماعی گام بردارند.

۶. توسعه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای: تشویق به انجام پژوهش‌های بین‌رشته‌ای با رویکرد اسلامی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. این پژوهش‌ها باید به تحلیل عمیق چالش‌ها و فرصت‌های موجود در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی پرداخته و به سیاست‌گذاران در اتخاذ تصمیمات مستند و علمی یاری رسانند.
۷. ایجاد نهادهای نظارتی مستقل و کارآمد: تأسیس نهادهای نظارتی مستقل و توانمند برای بررسی عملکرد نهادهای دولتی و خصوصی. این نهادها باید به‌عنوان نهادهایی مستقل از دولت فعالیت کرده و با هدف ایجاد شفافیت، پاسخگویی و ارتقاء کیفیت خدمات عمومی نظارت کنند.
۸. توسعه و ترویج سیاست‌های توسعه پایدار: ضرورت اجرای سیاست‌های توسعه پایدار که به حفظ محیط زیست، منابع طبیعی و تقویت عدالت اجتماعی توجه ویژه‌ای داشته باشند. این سیاست‌ها باید با توجه به اصول اسلامی و نیازهای محلی طراحی و اجرا شوند و به بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک کنند.
۹. ایجاد و تقویت شبکه‌های همکاری‌های منطقه‌ای: راه‌اندازی و تقویت شبکه‌های همکاری میان کشورهای اسلامی به‌منظور تبادل تجربیات و به اشتراک‌گذاری بهترین شیوه‌ها در زمینه حکمرانی و توسعه. این همکاری‌ها می‌توانند به تقویت ظرفیت‌های محلی و منطقه‌ای در راستای تمدن نوین اسلامی و حکمرانی مطلوب منجر شوند.
۱۰. توجه به ترویج فرهنگ حقوق بشر و عدالت اجتماعی: طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و فرهنگی برای ترویج فرهنگ حقوق بشر و عدالت اجتماعی. این برنامه‌ها باید با هدف افزایش آگاهی عمومی و تقویت هنجارهای اجتماعی در زمینه حقوق بشر، برابری و انصاف میان شهروندان جامعه طراحی شوند.
۱۱. ترویج نوآوری‌های اجتماعی: تشویق و حمایت از نوآوری‌های اجتماعی به‌عنوان ابزارهایی مؤثر برای حل چالش‌های اجتماعی. این نوآوری‌ها باید شامل راه‌حل‌های خلاقانه برای بهبود شرایط معیشتی، ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش کیفیت خدمات اجتماعی باشند.
۱۲. تحکیم هویت اسلامی از طریق هنر و فرهنگ: برگزاری برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی به‌منظور تقویت هویت اسلامی در میان جوانان و نسل‌های آینده. این برنامه‌ها می‌توانند شامل جشنواره‌های فرهنگی، کنفرانس‌های هنری و نمایشگاه‌های هنری باشند که ارزش‌های اسلامی را ترویج دهند و به افزایش انسجام اجتماعی کمک کنند.
۱۳. تشکیل کمیته‌های مشورتی متشکل از نمایندگان اقشار مختلف: تشکیل کمیته‌های مشورتی متشکل از نمایندگان اقشار مختلف: تشکیل کمیته‌های مشورتی متشکل از نمایندگان اقشار مختلف جامعه به‌منظور مشاوره به نهادهای حکومتی در زمینه سیاست‌گذاری‌ها. این کمیته‌ها می‌توانند به تأمین نیازها و خواسته‌های واقعی مردم کمک کنند و فرآیندهای تصمیم‌گیری را به سمت شفافیت و پاسخگویی هدایت نمایند.

منابع:

- ۱) امیری، مهدی (۱۴۰۲) مدلی برای حکمرانی اسلامی، فصلنامه رهیافت های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره نهم، دوره سوم، بهار ۱۴۰۲.
- ۲) امامقلی پور، سارا؛ آسمانه، زهرا؛ شاخص حکمرانی در اسلام و تاثیر آن بر بروندهای سلامت در ایران، فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پانزدهم، تابستان ۱۳۹۵.
- ۳) زارعی، بهادر؛ احمدی، سیدعباس و علیبدی، محسن (۱۳۹۹)؛ الگویابی حکمرانی متعالی برای ارتقای اقتدار ملی در حکمرانی اسلامی.
- ۴) بابایی طلاطپه، محمدباقر، مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه امام علی علیه السلام، تهران: دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۸۴.
- ۵) جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، انتشارات نشر معارف، تهران.
- ۶) جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۷) حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱)، سبک زندگی: بخش اساسی پیشرفت و تمدنسازی نوین اسلامی، پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری.
- ۸) خانی، ابراهیم. (۱۴۰۲)؛ جایگاه و نقش عالمه طباطبایی (ره) در ساخت تمدن نوین اسلامی. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱ (۴۳).
- ۹) رنگریز، حسن (۱۴۰۲)، طراحی الگوی حکمرانی اسلامی مبتنی بر تعالیم دینی، فصلنامه علمی >> پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۴۶ بهار ۱۴۰۲.
- ۱۰) ساغری، جواد؛ صفوردی، سوسن؛ بخشایشی، احمد؛ حاتمی، محمدرضا (۱۴۰۱) مفهوم شناسی حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت الله العظمی خامنه ای. جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ۶، شهریور ۱۴۰۱.
- ۱۱) ساموئل هانتینگتون، تمدن ها و بازسازی نظام جهانی، ترجمه مینو احمد سرتیپ، تهران.
- ۱۲) صحرایی، علیرضا و محمودی نیا، امین، «الگوی حکمرانی خوب: چهارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی دولت هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸ - ۱۳۷۶)»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره هشتم، شماره ۲۸، پاییز ۱۳۹۷.
- ۱۳) عمید، حسن (۱۳۸۹)؛ فرهنگ فارسی عمید، اشجع، تهران.
- ۱۴) قلی پور، رحمت اله، «تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری»، فصلنامه فرهنگ مدیریت، سال سوم، ش ۱۰، پاییز ۱۳۸۴.
- ۱۵) کریمی کریمانی، مجتبی؛ امینی، سیدجواد؛ محمودزاده، ابراهیم؛ فرحی، سیدمهدی (۱۴۰۰)، حکمرانی متعالی، شماره ۱۸، آبان ۱۴۰۰.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- ۱۶) کمالی، یحیی، حکمرانی خوب چیست؟، ماهنامه تدبیر، شماره ۶۰۲، تیر ۱۳۸۸.
- ۱۷) میدری، احمد، خیرخواهان، جعفر، حکمرانی خوب؛ بنیان توسعه، تهران، مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۸۳.
- ۱۸) مرشد زاده، علی (۱۳۹۶)، حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی، فصلنامه علمی آینده پژوهی ایران، دوره ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
- ۱۹) متفکر، حسین؛ بهاروندی، سهیلا (۱۴۰۱). ارائه مدل مولفه ها و شاخص های حکمرانی اسلامی بر اساس تحلیل نظر خبرگان و کارشناسان حکمرانی مطلوب، بهار ۱۴۰۱.
- ۲۰) محسنی، طاهره؛ (۱۳۹۸) الزامات قرآنی تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات میان رشته ای تفسیر و کلام کوثر، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
- ۲۱) میرزاپور، بیتا؛ عسگری، ناصر؛ صمدی، نیلوفر (۱۴۰۰) الگوی شایستگی کارگزاران حکمرانی متعالی از منظر امام علی علیه السلام، حکمرانی متعالی، شماره ۱۸، آبان ۱۴۰۰.
- ۲۲) میرزاپور ارمکی، ابوالفضل؛ ارائه الگوی اسلامی-ایرانی دولت سازی با تاکید بر تجربه حکمرانی اسلامی، فصلنامه علمی-پژوهشی متعالیه، زمستان ۱۳۹۸.
- ۲۳) مجموعه بیانات و سخنرانیهای مقام معظم رهبری به نقل از سایت معظم له.
- ۲۴) نوری، عباس (۱۳۹۷)، ماهیت دولت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت الله العظمی خامنه ای، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۴.
- ۲۵) ویسی، هادی، درآمدی بر دولت محلی، تهران: سمت، ۱۳۹۲.

منابع خارجی:

- 1) Meehan, Elizabeth. Form Government to Governance, Civic Participation and 'New Politics'; The Context of Potential Opportunities for the Better Representation of Women, Queen's University Belfast, School of Politics and International Studies, October, 2003.

شناسایی اولویت‌های بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط با استعداد‌های برتر علمی کشور

فاطمه اردو^۱

چکیده

این پژوهش با هدف احصاء اولویت‌های استعداد‌های برتر علمی به انجام رسید. روش این مطالعه کیفی است که با رویکرد تحلیلی - تطبیقی به انجام رسیده است. به عبارت دیگر، این مهم با توجه به بیانات مقام معظم رهبری در دیدارها با اندیشمندان و استعداد‌های برتر علمی و پژوهشگران در ۲۰ سال اخیر (۱۳۸۳ تا ۱۴۰۳) به روش مطالعه اسنادی مورد شناسایی و اولویت‌بندی قرار گرفت. یافته‌های حاکی از آن است که ۶ اولویت اثرگذار در کشور شامل؛ حمایت و کرنش استعداد‌های برتر علمی، جهت‌دهی استعداد‌های برتر علمی جهت حل مسائل و نیازهای کشور، سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت استعداد‌های برتر علمی، یکپارچگی استعداد‌های برتر علمی با افزایش انجمن‌ها، سمن‌ها و کارهای گروهی آنان، استخدام استعداد‌های برتر علمی در مشاغل مدیریتی و حکمرانی کشور، و نیز مراقبت از مهاجرت استعداد‌های برتر علمی از کشور با تقویت انگیزه ملی آنان در بیانات مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته است. لذا پیشنهاد می‌گردد که هویت دینی، انقلابی، فرهنگی و ملی نخبگی تبیین و تقویت شده و در حفظ و مراقبت از استعداد برتر علمی در امر حکمرانی برنامه‌ریزی شود.

واژگان کلیدی: استعداد‌های برتر علمی، بیانات رهبری، شایسته‌سالاری.

۱- مقدمه

رهبر انقلاب اسلامی، دیدار با نخبگان جوان را جلسه‌ای شیرین و مطلوب و سرشار از امید به آینده و افق‌های پیش رو می‌خوانند و با تأکید بر اینکه نخبگان، نعمت‌های الهی هستند و باید شکر این نعمت را بجا آورد و می‌فرمایند که من عمیقاً و قویاً نخبه‌باور هستم و مسئولان نیز باید باور کنند که نخبه داریم و این نخبه‌ها می‌توانند سرنوشت کشور را تغییر دهند (عرفان‌منش، ۱۴۰۰). توجه به استعداد‌های برتر علمی همواره مورد توجه کشورهای مختلف دنیا است، اگرچه رویکردهای مختلف متفاوت‌اند، برنامه‌های اجرایی اختلاف‌چندانی با یکدیگر ندارند (شوشتری و اشکذری، ۱۳۹۷). در واقع اساس اقتدار و اعتبار کشورها به استعداد‌های برتر علمی وابسته است. عوامل دیگری نیز در این زمینه مطرح است، مهمتر از آن

^۱ استادیار دانشکده حکمرانی، دکتری تخصصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. F.ordoo@ut.ac.ir

نیروی انسانی زبده و توانمند است. اینکه چگونه بتوان از این سرمایه نخبگانی و استعدادهای برتر علمی در سطوح مختلف کشور استفاده بهینه نمود موضوع مهمی است. جذب و بهره‌برداری از این سرمایه انسانی، موضوعی پیچیده است که به مدیریت اثربخش در تمام مراحل چرخه استعداد دارد (موریس و همکاران، ۲۰۱۷). لذا در سالیان اخیر پژوهشگران سعی نموده‌اند که عوامل مؤثر بکارگیری اثربخش استعدادهای برتر کشور را شناسایی نمایند. از این رو در پژوهش پیش‌رو این امر مهم با استناد به بیانات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی الشریف مورد شناسایی و اولویت‌بندی قرار گرفته است.

۲- مبانی نظری

شایستگی و تبحر

ابتدا سعی می‌کنیم فرایند استخراج تعاریف عملیاتی تبحر و شایستگی را جهت مسائل مربوط به فرهنگ سازمانی دانشگاه تشریح کنیم. دو اصطلاح تبحر و شایستگی کاربرد نسبتاً مشابهی دارند، اما در بسیاری از مطالعات تفاوت این دو واژه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تبحر یعنی «مهارتی مهم که برای انجام کاری لازم است» اما شایستگی یا صلاحیت یعنی «توانایی انجام مطلوب یک کار» دانشگاه پرستاری اونتاریو از سازمان‌های نظام پرستاری در استان اونتاریو کانادا است که بر کار حدود ۱۶۷,۰۰۰ پرستار، شامل پرستار رسمی، بهیارهای رسمی، و پرستار متخصص نظارت دارد (مقباب و همکاران، ۲۰۱۸). این دانشگاه با بهره‌گیری از تبحر افراد، سعی دارد از مسیرهای چون؛ تعیین ضوابط ورود به حرفه، تدوین و ترویج معیارها و موازین کار، اجرای طرح شایستگی مستمر، اعمال موازین کاری و رفتاری در پاسخ به شکایات برای حمایت عمومی استفاده کند. اما این دانشگاه در بررسی اسناد، مکاتبات، و فرایندهای تبحر و شایستگی خود به تناقضاتی برخورد کرده است. مروری بر این اسناد حاکی از وجود تعاریف متفاوت از تبحر و شایستگی برای پرستاران رسمی تازه‌وارد، تبحر بهیاران رسمی در سطح ملی و تبحرهای اصلی پرستاران متخصص است. هم‌چنین، گروه‌های این دانشگاه در انتقال اطلاعات به متقاضیان و اعضای خود، اصطلاحات متفاوتی را به کار برده‌اند. پژوهش مقباب و همکاران (۲۰۱۸) در چند پایگاه داده Web of Science، CINAHL، PubMed، Social Science Index، Google Scholar، ERIC، و PsycInfo نتایج متفاوتی را در خصوص کلیدواژه‌های «شایستگی» و «تبحر» و مفاهیم مرتبطی مثل «استاندارد»، «ناشایستگی»، «عدم صلاحیت»، «سوءرفتار»، «سوء عملکرد»، نشان داده است.

این پژوهشگران (مقباب و همکاران، ۲۰۱۸) برای تحلیل مفاهیم شایستگی و تبحر از فرایند پیشنهادی واکر و آوانت (۲۰۱۱) سود برده‌اند. طبق این تعریف، تبحر مؤلفه‌ای از دانش، مهارت، و/یا قضاوت است که فرد در انجام بی‌خطر، اخلاقی، و اثربخش کار (حرفه‌ای مشخص) از خود نشان می‌دهد. بنا به تعریف، شایستگی یعنی قابلیت فرد در یک‌پارچه‌سازی مستمر دانش، مهارت، و قضاوت لازم برای انجام بی‌خطر، اخلاقی، و اثربخش کار. تبحر را می‌توان دانش، مهارت، و/یا قضاوتی مشخص دانست که در کار لازم است و شایستگی را می‌توان ترکیبی از دانش، مهارت، و قضاوت لازم برای کار دانست. این تعاریف برای مسئولان نظارت، آموزش، متقاضیان، و پرستاران مفید خواهند بود

شایسته‌سالاری

شایسته‌سالاری مفهومی جامعه‌شناختی است که با وجود تعریف نه‌چندان دقیقش در پژوهش‌های معاصر جامعه‌شناختی کاربرد گسترده‌ای دارد. شایسته‌سالاری در نگاه بسیاری، دست کم اسماً، به معنی نمونه آرمانی‌گزینش اجتماعی بر پایه دستاوردها، آرمان‌ها، و رقابت‌پذیری فرد است. (لو و همکاران، ۲۰۱۷: ۳۷).

نظریه شایسته‌سالاری

نظریه شایسته‌سالاری در بستر جهان غرب و پس از جنگ جهانی دوم پدیدار شد و نمونه بارزش انتشار کتاب برجسته مایکل یانگ با عنوان ظهور شایسته‌سالاری بود. البته انگاره «پیش‌برد امور به دست شایستگان» از قرن‌ها پیش وجود داشت و ریشه این انگاره در شکل امروزی‌اش به نوشته‌های فلاسفه دوران روشن‌گری برمی‌گردد که مهم‌ترینش انگاره‌های برگرفته از انقلاب فرانسه و اصلی ناپلئونی است که می‌گوید «راه برای استعدادها باز است». اما این انگاره تا ۷۰ سال پیش از چنین جایگاه ویژه‌ای در سیاست اجتماعی و جریان غالب نظریه اجتماعی برخوردار نبود و در این سال‌ها بود که تازه نظریه‌پردازان از کارکردگرایان ساختاری آمریکا گرفته تا نظریه‌پردازان بعدی در حوزه قشریندی اجتماعی و تحرک اجتماعی به این موضوع توجه نشان دادند (ساکس کاب و داگلاس^۱، ۲۰۲۴؛ ناپلتانو^۲، ۲۰۲۴).

۳- پیشینه پژوهشی

پژوهش‌های مرتبط بر اساس جدول ذیل به اختصار ارائه شده است؛

ردیف	عنوان و سال	پژوهشگران	نتایج
۱	اهداف راهبردی نظام نخبگانی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (۱۳۹۹)	مهدی‌زاده	در این طرح پژوهشی بررسی اهداف راهبردی نظام نخبگانی کشور در اندیشه مقام معظم رهبری. برای دستیابی به هدف مذکور، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. واحد تحلیل عبارت است از متون کلیه بیانات معظم‌له طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ در دیدار با نخبگان. از کدگذاری و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با موضوع تحقیق، ۶ مضمون فراگیر، ۱۱ مضمون سازمان‌دهنده و ۳۶ مضمون پایه به عنوان اهداف راهبردی نظام نخبگانی کشور شامل تقویت اثرگذاری نخبگان در عرصه‌های ملی، بین‌المللی، فرهنگی و اجتماعی، اصلاح و ارتقای انگیزه نخبگان، الگوسازی و تکریم از نخبگان، شناسایی به‌موقع و صحیح نخبگان همراه با توجه به مخاطرات شناسایی این گروه، پرورش نخبگان از سنین پایین (مرحله بروز استعداد) تا مرحله نخبگی و پشتیبانی فرصت‌آفرین از آن‌ها استخراج گردید.

¹ Sachs-Cobbe & Douglas

² Napolitano

<p>هدف این پژوهش مشخص کردن شاخص ها و معیارهای سنجش و ارزیابی عملکرد دستگاه های فرهنگی است. به همین منظور مجموعه سخنرانی های مقام معظم رهبری بین سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۳ مرور و نکات مرتبط با موضوع در حوزه های کلان سیاست گذاری، اجرا و نظارت بر دستگاه های فرهنگی، استخراج و در هشت مضمون سازمان دهنده و ۱۳۰ مضمون اصلی، به روش تحلیل مضمون دسته بندی شد.</p>	<p>سلطانی، محمد رضا، خانی، علی</p>	<p>استخراج معیارهای ارزیابی عملکرد دستگاه های فرهنگی مبتنی بر انتظارات و مطالبات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) (۱۳۹۵)</p>	<p>۲</p>
<p>در این مقاله تلاش شده الگویی از تحلیل راهبردی براساس اندیشه مقام معظم رهبری برای سازمان های دولتی ایران ارائه شود. نتایج این پژوهش نشان می دهد در نظر مقام معظم رهبری، در فرآیند تحلیل راهبردی، تحلیل گر با سه مقوله اهداف راهبردی، تبیین راهبردی واقعیت های اجتماعی و تفکر راهبردی مواجه است. بدین ترتیب، لازم است تحلیل گر راهبردی، ابتدا اهداف راهبردی نظام سیاسی (وضع مطلوب) را شناخته و سپس واقعیت های اجتماعی راهبردی (وضع موجود) را تبیین نماید. در نهایت، شیوه حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب (راهبرد) را با کمک تفکر راهبردی ترسیم کند. در اندیشه رهبر انقلاب، اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران شامل چهار ارزش بنیادین استقلال، آزادی، عدالت و معنویت است. واقعیت های اجتماعی راهبردی ایران نیز از سه قسمت ابزار مادی راهبردی، ابزار معنوی راهبردی و موانع راهبردی (مانند سابقه استبداد داخلی و وجود جبهه ی دشمن) تشکیل شده است.</p>	<p>محمدی لرد، عبدالمحمود</p>	<p>مدل تحلیل راهبردی در اندیشه مقام معظم رهبری (۱۳۹۲)</p>	<p>۳</p>
<p>نویسنده این نوشتار می کوشد میزان توجه مقام معظم رهبری دام ظلّه به عناصر تفکر راهبردی را بسنجد و تا حد امکان از این طریق به اولویت های الگوی تفکر راهبردی معظم له پی ببرد. شیوه این پژوهش، همه مولفه های چهارده گانه مطرح شده از سوی صاحب نظران تفکر راهبردی، مورد توجه مقام معظم رهبری دام ظلّه قرار گرفته و در الگوی تفکر راهبردی ایشان «</p>	<p>رستمی نیا، محمد اسماعیل</p>	<p>الگوی تفکر راهبردی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری (۱۳۹۷)</p>	<p>۴</p>

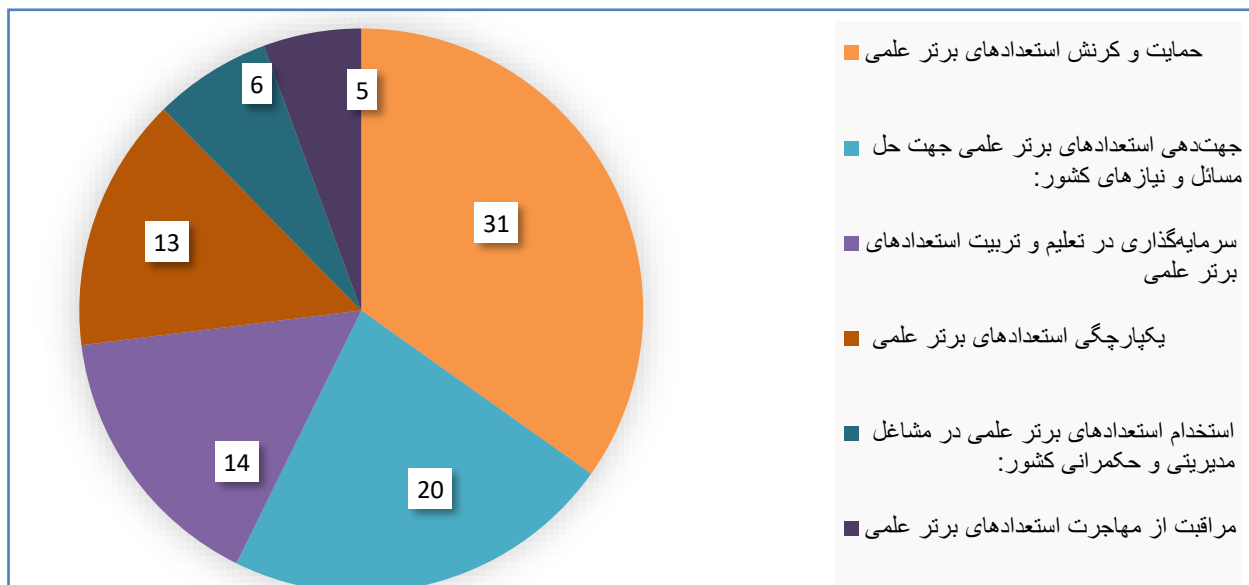
توجه به چشم انداز و تمرکز بر هدف» از درجه اهمیت بیشتری برخوردار است.			
این پژوهش نشان می دهد که راهبرد در گفتمان انقلاب به دلیل تاکید بر تفکر منظوم / - « پارادایم الهی ارزشی در بعد دیدگاه سازی مؤلفه را برای ارائه الگوی حل مسائل معرفی می کند. در « منظومه فکری را به منظور افزایش « علم محوری / تولید علم « بعد فرصت یابی مؤلفه درک فرصت ها، گسترش مرزهای دانش و غنی سازی ذهنی همراه با تزکیه فردی و جمعی را زمینه ساز جلب فرصت ها می داند.	مسلمی، حسین،فاضلی، سیدطاهر	مدل تحلیلی راهبرد در منظومه فکری مقام معظم رهبری (۱۳۹۷)	۵

۴- روش پژوهش

باتوجه به هدف این مطالعه که شناسایی اولویت های استعداد های برتر علمی است، ابتدا با رویکرد اسنادی واکاوی واژه هایی چون شایستگی و شایسته سالاری در بخش مبانی نظری مورد تأکید قرار گرفت، سپس این مهم با توجه به بیانات مقام معظم رهبری در دیدارها با اندیشمندان و استعداد های برتر علمی و پژوهشگران در ۲۰ سال اخیر (۱۳۸۳ تا ۱۴۰۳) به روش مطالعه اسنادی مورد شناسایی و اولویت بندی قرار گرفت. لذا روش مطالعه پیش رو کیفی است که با رویکرد تحلیلی - تطبیقی به انجام رسیده است.

۵- یافته ها و تحلیل و بررسی

بررسی و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در طی ۲۰ سال اخیر نشان می دهد که ایشان در دیدار با استعداد های برتر علمی کشور بر اهمیت و اولویت موضوعاتی تأکید نموده اند؛



نمودار شماره ۱: فراوانی اولویت‌های بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط با استعدادهای برتر علمی کشور

بر اساس نمودار شماره ۱ مؤلفه‌های؛ حمایت و کرنش استعدادهای برتر علمی با ۳۱ فراوانی، جهت‌دهی استعدادهای برتر علمی جهت حل مسائل و نیازهای کشور با ۲۰ فراوانی، سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت استعدادهای برتر علمی با ۱۴ فراوانی، یکپارچگی استعدادهای برتر علمی با افزایش انجمن‌ها، سمن‌ها و کارهای گروهی آنان با ۱۳ فراوانی، استخدام استعدادهای برتر علمی در مشاغل مدیریتی و حکمرانی کشور با ۶ فراوانی، و نیز مراقبت از مهاجرت استعدادهای برتر علمی از کشور با تقویت انگیزه ملی آنان با ۵ فراوانی و در مجموع ۸۹ فراوانی مورد شناسایی شناسایی و اولویت‌بندی قرار گرفت.

۱- **حمایت و کرنش استعدادهای برتر علمی:** مهم‌ترین و پرتکرارترین نگاه رهبری این مسأله است. موضوعاتی همچون؛ تشویق، اعتمادآفرینی و روحیه‌آفرینی استعدادهای برتر علمی، حمایت از ایجاد زمینه تحصیل و پژوهش، تکریم و الگوسازی آنان، حمایت مالی و مادی، مراقبت، حفظ و تشویق نخبگان در مقابل دسیسه‌های دشمنان، تسهیل امور نخبگان در بروکراسی اداری، حمایت و مراقبت از استعدادهای برتر علمی متدین و انقلابی در دانشگاه‌ها اشاره شده است.

۲- **سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت استعدادهای برتر علمی:** یکی دیگر از موضوعات مهم در ارتباط با استعدادهای برتر علمی از کشور بسیار تأکید قرار گرفت، توجه به سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت استعدادهای برتر علمی است که بسیاری از مسائل فرهنگی، اعتقادی و تحلیلی نسبت به انقلاب اسلامی و کشور، در آن مورد تأکید و توجه قرار گرفته است.

۳- **یکپارچگی استعدادهای برتر علمی با افزایش انجمن‌ها، سمن‌ها و کارهای گروهی آنان:** با بررسی و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در زمینه استعدادهای برتر علمی از کشور مشاهده می‌شود این است که در تربیت آنان و نیز در تشکیل شبکه نخبگانی تأکید دارند.

۴- **جهت‌دهی استعدادهای برتر علمی جهت حل مسائل و نیازهای کشور:** این مسأله در تحلیل و حل مسائل عمومی کشور، اهتمام به پیشرفت علمی و حرکت در مرزهای دانش، جهت‌دهی به تلاش‌ها و مقالات نخبگان در جهت رفع نیازهای کشور، ضرورت نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری نخبگان در اقتصاد مقاومتی، جذب و هدایت استعدادها به سمت موضوعات و طرح‌های کلان همچون هوافضا، ماهواره، انرژی هسته‌ای و امثال این‌ها، ضرورت تلاش علمی نخبگان زیر پرچم عدالت‌خواهی، انحصارشکنی، ستم‌ستیزی و رسیدگی به مسائل گوناگون مردمی، ضرورت نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری نخبگان در علوم انسانی، ضرورت نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری نخبگان در دیپلماسی عمومی، ضرورت نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری نخبگان در مسائل و اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور و نیز توجه به تلاش‌ها و مقالات آنان در جهت رفع نیازهای کشور، مورد تأکید قرار گرفته است.

۵- **استخدام استعدادهای برتر علمی در مشاغل مدیریتی و حکمرانی کشور:** از جمله موضوعاتی است که مورد تأکید و اشاره مستقیم مقام معظم رهبری قرار گرفته است و خواستار تعامل دوجانبه میان استعدادهای برتر علمی از کشور و نظام

مدیریتی کشور، اثرگذاری آنان در برنامه‌ریزی و پیشرفت کشور، فراهم‌سازی زمینه اشتغال و نیز استفاده از نخبگان متدین در چیدمان مدیریتی کشور می‌باشند.

۶- مراقبت از مهاجرت استعدادها برتر علمی از کشور به طور مطلق موضوعی منفی نیست، چراکه ممکن است نخبه‌ای در جهت کسب معلومات از کشور خارج شود و برگردد و برای جامعه مفید باشد. بنابراین، خروج استعدادها برتر علمی از کشور باید با برنامه‌ریزی هدفمند باشد. در واقع مراقبت از استعدادها برتر علمی از کشور در راستای دلسرد نشدن و جلوگیری از مهاجرت نخبگان و فرار مغزها است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف احصاء اولویت‌های استعدادها برتر علمی به انجام رسید و در نهایت شش اولویت اثرگذار در کشور در بیانات مقام معظم رهبری شامل؛ حمایت و کرنش استعدادها برتر علمی، جهت‌دهی استعدادها برتر علمی جهت حل مسائل و نیازهای کشور، سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت استعدادها برتر علمی، یکپارچگی استعدادها برتر علمی با افزایش انجمن‌ها، سمن‌ها و کارهای گروهی آنان، استخدام استعدادها برتر علمی در مشاغل مدیریتی و حکمرانی کشور، و نیز مراقبت از مهاجرت استعدادها برتر علمی از کشور با تقویت انگیزه ملی آنان مورد شناسایی قرار گرفت. لذا پیشنهاد می‌گردد که هویت دینی، انقلابی، فرهنگی و ملی نخبگی تبیین و تقویت شود و در مراحل شناسایی، هدایت، پرورش استعداد برتر و مجموعه‌های نخبگانی رعایت شود. به علاوه، اعتماد به نفس ملی، انگیزه، امید به آینده و احساس مسئولیت در جامعه نخبگان و صاحبان استعدادها برتر، با تأکید بر افتخارات و دستاوردهای کشور در گام اول انقلاب و الهام از مفاخر معنوی و ملی افزایش یابد. افزون بر آن؛ مقام معظم رهبری بر ایجاد شبکه‌های نخبگانی در دانشگاه‌ها با محوریت «اساتید برجسته و متعهد» تأکید دارند. لذا اهمیت دادن به جایگاه بنیاد ملی نخبگان و ابتکار، نوآوری و پویایی در فعالیت‌ها و شیوه‌ها، انجام فعالیت‌های امور نخبگان در ذیل بنیاد ملی نخبگان و عدم واگذاری آن به دانشگاه‌ها با حفظ و تقویت ارتباط بین این دو نهاد نیز ضرورت دارد.

منابع

سلطانی، محمد رضا؛ خانی، علی. (۱۳۹۵). استخراج معیارهای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های فرهنگی مبتنی بر انتظارات و مطالبات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، مدیریت اسلامی، ۲۴(۲)، ۱۰۵-۱۳۴.

طالب زاده شوشتی، لیلا؛ خادمی اشکذری، ملوک. (۱۳۹۷). مدیریت بهینه منابع انسانی نخبه با بررسی نیازها، موانع و مشکلات و راهکارهای پیشنهادی از دیدگاه خود آنها. پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی. ۱۰(۳)، ۲۱۵-۲۳۷.

عرفان منش، ایمان. (۱۴۰۰). نخبگان در اندیشه راهبردی رهبر انقلاب اسلامی: چشم‌اندازی با تأکید بر «نخبگان علوم انسانی» تمدن‌ساز، راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۱۰(۳)، ۴۵۵-۴۱۷.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



محمدی لرد، عبدالحمود. (۱۳۹۲). مدل تحلیل راهبردی در اندیشه مقام معظم رهبری. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۶(۶۲)، ۲۹-۷.

مسلمی، حسین؛ فاضلی، سیدطاهر. (۱۳۹۷). مدل تحلیلی راهبرد در منظومه فکری مقام معظم رهبری. فصلنامه علمی راهبرد، ۴(۲۷)، ۶۷-۹۴.

مهدی زاده، منصوره. (۱۳۹۹). اهداف راهبردی نظام نخبگانی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی). فصلنامه علمی راهبرد، ۱(۲۹)، ۱۳۱-۱۶۲.

Lu, J., Laux, C., & Antony, J. (2017). Lean Six Sigma leadership in higher education institutions. *International Journal of Productivity and Performance Management*.

Moghabghab, R., Tong, A., Hallaran, A., & Anderson, J. (2018). The difference between competency and competence: A regulatory perspective. *Journal of Nursing Regulation*, 9(2), 54-59.

Morris, S. S., Alvarez, S. A., Barney, J. B., & Molloy, J. C. (2017). Firm-specific human capital investments as a signal of general value: Revisiting assumptions about human capital and how it is managed. *Strategic Management Journal*, 38(4), 912-919.

Napoletano, T. (2024). Meritocracy, meritocratic education, and equality of opportunity. *Theory and Research in Education*, 22(1), 3-18.

Sachs-Cobbe, B., & Douglas, A. (2024). Meritocracy in the political and economic spheres. *Philosophy Compass*, 19(1), e12955.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



جهانی سازی و تمدن نوین اسلامی

سمیه ناصری سرای

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت راهبردی فرهنگ، دانشگاه جامع امام حسین(ع) تهران

(Naseri.sns@gmail.com)

مهدی ناظمی اردکانی

مدرس دانشگاه جامع امام حسین(ع) تهران

(Mnazemi32@yahoo.com)

چکیده

تمدن نوین اسلامی در سال های اخیر با بیداری اسلامی ملت های مسلمان جهان، روند رو به رشدی به خود گرفته و با محوریت انقلاب اسلامی ایران و با اتخاذ نگرشی نوین در فرایند تمدنی جهان، پیشرفت های شگرفی را ایجاد کرده است. عامل اصلی جهانی شدن در دوران جهانی سازی اسلامی ایدئولوژی بود ولی در قرون جدید موج نوینی از جهانی شدن، جهان را فرا گرفته است که عامل اصلی پیدایش آن فناوری است و جهانی سازی فن شناسانه که نتیجه بازتاب جهانی شدن در عصر جهانی سازی اسلامی در آینه تحولات اروپای غربی است که سراسر جهان را تحت تأثیر خود قرار داده و مقدمات لازم را برای آغاز موج سوم جهانی شدن که یک جهانی سازی تکنوایدئولوژیک است، فراهم آورده است. انقلاب صنعتی و پیشرفت فناوری با آمایش جهانی و رشد و نمو پیشرفت بین المللی و ارتقای سطح دانش مردم، زمینه ساز خودآگاهی تاریخی و خداآگاهی تاریخ گردیده است. با توجه به عدم اقتناع فکری و فرهنگی بشر از تمدن های موجود به دلیل دور بودن از فطرت، تمدن نوین اسلامی بانظر به ماهیت مکتب حیات بخش اسلام، با محوریت حق و عدالت، قابلیت آن را دارد که با استفاده از فناوری ارتباطات و با توجه به امکان پیوستگی نظام ارتباطاتی در عصر جهانی شدن و با فرماندهی علم توسط معنویت به عنوان نرم افزار تمدن، از

ظرفیت عصر دیجیتال برای تبیین ارزش ها و هویت اسلامی در جامعه جهانی استفاده نماید و جهانی سازی اسلامی قبل از ظهور را مقدمه ظهور و شکل گیری جهانی سازی دوران ظهور خواهد کرد.

واژگان کلیدی: تمدن نوین، هویت اسلامی، جهانی سازی، فناوری ارتباطات، نرم افزار تمدن

مقدمه

تمدن نوین اسلامی در سال های اخیر با بیداری اسلامی ملت های مسلمان جهان، روند رو به رشدی به خود گرفته و با الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران و با اتخاذ نگرشی نوین در فرایند تمدنی جهان، پیشرفت های شگرفی را ایجاد کرده است. به طو کلی وقوع انقلاب همه جانبه در عصر مدرنیته با محوریت دین، در اواخر قرن بیستم میلادی که نزدیک دو قرن از حاکمیت مطلق نظریات سکولاریستی در اروپا و گسترش آن در جهان اسلام سپری شده بود، در نظر بسیاری از جامعه شناسان جهانی امری عجیب به نظر می رسید.

پژوهشگران و محققان مطرحی مباحث بسیاری را در خصوص علل و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بازگشت مسلمانان به تمدن و فرهنگ اسلامی بیان نموده اند، ولی بی شک عدم توانایی پاسخگویی تمدن و فرهنگ مدرن اروپایی به نیازهای روحی و معنوی انسان ها، عوارض مخرب و منفی روند مدرنیته، نظیر استعمار، امپریالیسم، استثمار، تخریب محیط زیست و مواردی از این مقوله در بخش های وسیعی از دنیا و تحمیل ارزش های سکولار و غیر دینی به جوامع اسلامی، از جمله مهمترین این دلایل است (نوذری، ۱۳۷۹: ۵۰۳-۵۰۲)

از لحاظ تاریخی، سیر ظهور تمدن اسلامی را باید به سه دوره تقسیم کرد. دوره اول از زمان آغاز پیدایش اسلام در قرن هفتم میلادی تا سقوط بغداد به دست هلاکو، دوره دوم با پذیرش اسلام توسط مغولان و ایجاد حکومت هایی مانند صفوی و عثمانی تا اواسط قرن هجده میلادی و دوره سوم نیز که در پی قدرت یافتن قدرت های اروپایی و سلطه مستقیم یا غیر مستقیم آن ها بر سرزمین های اسلامی در دوره استعمار تا زمان حاضر بوده است. مورخان اوج شکوه و اقتدار تمدن اسلامی را در دوره اول عنوان می کنند یعنی زمانی که اسلام در طول چند قرن بر بیشتر سرزمین های آن روز جهان مسلط گردید و قسمت اعظم آسیا، آفریقا و بخشی از اروپا را تحت سلطه و اقتدار خود درآورد. همه این مناطق با فرهنگ و دین مشترکی به هم وصل شده بودند و ساکنان آن، خود را عضو تمدن واحد و وسیعی می دانستند که پایگاه روحانی و مذهبی آن مکه و مرکز فرهنگی و سیاسی آن شام و بغداد بود. در این میان آن چه باعث تمایز تمدن اسلامی از سایر تمدن ها میشد این بود که تمدن اسلامی روح معاضدت و تساهل را جانشین تعصبات دنیای باستان کرده و از لحاظ محتوا، ترکیبی بدیل از میراث تمدن های گذشته ایجاد نمود. تمدن اسلام به اینصورت وارث فرهنگ قدیم شرق و غرب شد و تقلید کننده صرف از فرهنگ های سابق و ادامه دهنده محض بود. این تمدن با همه مولفه هایش با جنبه الهی ترکیب شد و فرهنگ و تمدن اسلامی را شکل داد و دستورات خود را از قرآن گرفت (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۲۹).

پیامبر اکرم(ص) زمینه های پیدایش تمدن اسلامی را با دو راهبرد تثبیت قرآن در تاریخ یعنی بنیاد یک جامعه اسلامی و تاسیس جهان طراز قرآن که هدف آن ساختن انسان و جامعه و جهان طراز قرآن است، با اقدامات سیاسی، نظامی و فرهنگی که در زمان خود انجام داد، فراهم آورد و مأذنه ای به بلندای یک تمدن ساخت تا از فراز آن پیام قرآن به همه نسل ها و در همه دوران ها

برسد، ولی تلاش او برای تأسیس جامعه جهانی طراز قرآن و ساختن جهان طراز قرآن بی تردید توأم با موفقیت نبوده و این مأموریت هنوز پایان نیافته است. ۱۰۶ به عبارت دیگر دو راهبرد تثبیت و تأسیس، دو زنجیره تحولات و رخدادهای تاریخی را ایجاد نموده اند؛ در یک زنجیره که روشن ترین نقطه شروع آن فتح مکه است، رخدادهای تثبیتی قرار گرفته اند تا به انقلاب صنعتی و انقلاب های بزرگ عصر جدید منتهی می شود و در زنجیره دوم که مشخص ترین نقطه شروع آن واقعه غدیر است رخدادهای تأسیسی قرار می گیرد که در دوران ما به انقلاب اسلامی در ایران منتهی شده است. (زورق، ۱۴۰۰: ۱۱۵۹-۱۱۶۴)

پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن در شکل نظام جمهوری اسلامی به پدیدار شدن تحول گفتمانی در ایران منجر شده و سبب فراهم آوردن فرصتی برای مسلمانان شده که بتوانند با بازشناسی مجدد میراث گران بهای فرهنگی و تمدنی خود در حوزه های تفسیری، فلسفی، کلامی، فقهی، عرفانی و ... پاسخگوی نیازهای زندگی در عصر کنونی باشند. البته در این تحول، نقش علمای شیعه بی تأثیر نبوده است و با استفاده از اصل بی بدیل اجتهاد، پیشرو در این حوزه هستند (کمالی اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). میشل فوکو، فیلسوف پست مدرن فرانسوی با اشاره به نکته ای به طور دقیق نشان دهنده متفاوت بودن خاستگاه انقلاب اسلامی و قدرت نرم آن از سایر انقلاب ها و قدرت نرم غربی آن است، بیان می کند: «من قبول دارم که از قرن هجدهم به بعد هر تحول اجتماعی اتفاق افتاده است بسط مدرنیته بوده، اما انقلاب ایران تنها حرکت اجتماعی است که در برابر مدرنیته قرار دارد» (حاجتی، ۱۳۸۱: ۴۱). والسا رئیس جمهور پیشین لهستان نیز بیان می کند که پیروزی انقلاب اسلامی موجب احیای فرهنگ و فکر دینی حتی در سطح کشورهای مسیحی گردید (همان: ۵۴).

برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی در جهان، مراحل را باید در نظر گرفت که در ابتدای امر باید در جامعه بیداری و هویت یابی صورت گیرد که از آن به انقلاب تعبیر می شود و در ادامه، تشکیل دولت تمدن ساز، مشارکت اجتماعی فعال و حداکثری عامه مردم، شکل گیری دقیق از نظم و قانون در جامعه و توجه به پیشرفت همه جانبه، نظامند و جهشی و دستیابی به اندیشه و نرم افزار تمدن یعنی نیاز به فکر منسجم و کاربردی در جامعه که توان تولید نقشه راه کلان تمدن جدید را حتی با فرض فرآیندی بودن تمدن و توان پاسخگویی نیازهای جامعه را داشته باشد. در نهایت ایجاد تمدن نوین که خود تمدن نیز یک حالت پویا و در حال رشد است و توان صعود از سطحی به سطحی بالاتر را دارد. (غلامی، ۱۳۹۶: ۴۵-۴۶)

در جهان کنونی انسان ها در اثر فناوری ارتباطات و با توجه به امکان پیوستگی نظام ارتباطاتی در عصر جهانی شدن، این بستر فراهم شده است که با وجود فاصله مکانی، بی واسطه با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و صحبت کنند، از دیدگاه و افکارهای یکدیگر اطلاع یافته و بر یکدیگر تأثیرگذارند که امروزه قدرت رسانه های نوین به عنوان سلاح مؤثر فرهنگی شناخته می شود. تمدن نوین اسلامی قابلیت آن را دارد که برای تبیین ارزش ها و هنجارهای اسلامی در جامعه جهانی از ظرفیت عصر دیجیتال استفاده نماید. تمدن نوین اسلامی می تواند موجبات ایجاد و همراهی شهروندان شبکه ای را در دنیای جهانی شده را با برقراری ارتباط معنادار با مخاطبان خود و افزایش نفوذ فکری و معنوی به همراه اقناع عقلی و جذب مخاطبان را فراهم آورد که در این صورت، در فضای مجازی، مخاطب پژوهی به عنوان فرآیند ارتباطات نوین که با توجه به نیازها و منابع مختلف درون تمدنی و افکار عمومی جهانی از اهمیت خاصی برخوردار می شود.

در دنیای کنونی تنها غرب از عصر دیجیتال و در اختیار قرار گرفتن ابزارهای رسانه ای ذینفع نمی باشد، بلکه گسترش این ابزارها، در عین حال که به عنوان تهدید ممکن است مطرح باشد، فرصت مهمی را در اختیار دیگران نیز قرار می دهد تا رسالت

گفتمانی خود را در سطح جهان منتشر کنند. تمدن غرب به دلیل تفکرات تک بعدی و مادیگرایی خود با توجه به پیام تاریخی امام خمینی (ره) که ضمن بیان عجز تفکر مادی تمدن غرب در تأمین نیازهای بشر، تأکید می کنند که مکتب حیات بخش اسلام، تنها مکتبی است که با محور قرار دادن حق و عدالت میتواند کمال جویی و ظلم ستیزی را برای همه ملت ها به ارمغان آورد (خمینی، ۱۳۶۹: ۲۲۳-۲۲۲)، در نتیجه مکاتبی مانند اسلام که حقیقت بین، جهان شمول و جامع نگر می باشند فرصت خوبی برای جهانی کردن اندیشه خود می یابند و در این مسیر به بیان بنیانگذار انقلاب اسلامی، این انقلاب، مقدمه انقلاب جهانی حضرت ولی عصر (عج) گردیده و جهانی سازی اسلامی پیش از ظهور، مقدمه جهانی سازی اسلامی بعد از ظهور خواهد شد.

۱. شکل گیری تمدن اسلامی

پس از رحلت پیامبر و در عصر فتوحات، فضای نسبتاً باز سیاسی و فرهنگی در انتهای دوران امویان و آغاز دوران عباسیان پدید آمد در کنار رونق اقتصادی و امنیت اجتماعی و ثبات سیاسی و نهضت علمی که به وسیله امام باقر پایه گذاری شد و به وسیله امام صادق مؤسس اولین دانشگاه بزرگ در تاریخ اسلام و جهان گسترش یافت. دانشگاهی که در آن از فقه و کلام تا علوم تجربی و شیمی مورد بحث و بررسی و گفتگوی دانشجویان قرار می گرفت. بنا به گزارش منابع موجود، هزاران نفر در دانشگاه امام صادق به کسب علم و نشر آن مشغول بودند و ایجاد این دانشگاه فی نفسه گام بلند بشریت در راه شناخت زوایای تاریک رازهای طبیعت وجود و هستی بود و طلوع ظهور و طلوع تمدن درخشان اسلامی به حساب می آید. در این دوران علوم تجربی و پزشکی و ریاضیات به تدریج از فلسفه جدا شدند و رشته های علمی تخصصی به وجود آمد و کتابخانه هایی با هزاران جلد کتاب در نقاط مختلف جهان اسلام تأسیس شد و صدها ریاضیدان و متکلم و پزشک و دانشمند علوم تجربی و فقه و محدث و... پدید آمدند و بزرگترین دانشگاه ها در آن روز و روزگار تأسیس شد و جهان علم و دانش به ویژه در علوم تجربی، فیزیک، شیمی، مکانیک و نورشناسی شاهد تحولات روزافزونی شد و فرشته علم از آسمان عقل نزول کرد و در صحن زندگی و تاریخ بشریت ظهور یافت. تمدن اسلامی یک رستاخیز بزرگ علمی در جهان آن روز به وجود آورد و با ماهیت حقیقت طلبی دانشمندان مسلمان که به آفرینش تمدن اسلامی منجر گردید.

نهضت های آزادی خواهی و اسلام گرایی که منجر به سقوط بنی امیه شد و به ویژه در نخستین دوره امپراتوری عباسی آمیزش و آمیختگی قومی عمیقی بین اقوام مسلمان اعم از عرب و فارس و... صورت گرفت و از این آمیختگی انسان نوع قلمرو تمدن اسلامی پدید آمد که دارای ویژگی های نژادی خاص خود است و نتیجه نخستین مرحله جهانی سازی است که به وسیله اسلام صورت گرفته است. (زورق، ۱۴۰۰: ۲۱۵-۲۳۷)

۲. تمدن نوین اسلامی

منظور از «تمدن نوین اسلامی» بنا به نظر رهبر معظم انقلاب؛ پیشرفت همه جانبه مظاهر معنوی و مادی مسلمانان در دو بخش ابزاری و سخت افزاری، از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین المللی و... و بخش نرم افزاری تمدن اسلامی، به عنوان حاکمیت «سبک زندگی اسلامی» در همه جنبه های زندگی؛ بر اساس عقلانیت دینی معرفتی، عقلانیت ابزاری، عقلانیت اخلاقی حقوقی در جهت پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی (رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). از

ویژگی های تمدن نوین اسلامی می توان گفت که تمدنی دین بنیاد و حق گرا است که اگر حقیقت اسلام از این تمدن سلب شود، از بین میرود. همچنین عدالت محوری از ارکان تمدن نوین بوده و عدالت و ظلم ستیزی به عنوان ستون اصلی تمدن نوین نقش آفرینی می کند. این تمدن آزادی بنیان و آزادی زا و فرآیندی و تدریجی است (مکی، ۱۳۸۱: ۳۵).

تمدن نوین اسلامی با شاخصه های چون علم گرایی، خالق بودن، نوآوری، صلح گرایی و آرامش بخشی، آلام بشری را کاهش داده و به بسط و تعمیق صلح پایدار کمک می کند (غلامی، ۱۳۹۶: ۵۳-۵۲). به تعبیر یکی از اسلام شناسان غربی، «تنها بر اساس الگوهای دینی و اخلاقی و معنوی است که آرامش و ثبات برای انسان ها به وجود خواهد آمد و جهان امروز ما برای بسیاری از معضلات خود، تنها و تنها باید به سراغ دین برود و به سوی برابری و برادری همه انسان ها حرکت کند». (بوازار، ۱۳۶۹: ۲۵۲)

باتوجه به این نکته که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در سایر کشورها رهبر معظم انقلاب با اشاره به اهداف بلندمدت اسلامی در این زمینه به ایجاد تمدن درخشان اسلامی تاکید می کنند: «دومین نکته، لزوم ترسیم هدف بلندمدت برای بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان است؛ نقطه‌ی متعالی و والائی که بیداری ملت‌ها را باید سمت و سو دهد و آنان را به آن نقطه برساند. با شناسائی این نقطه است که میتوان نقشه‌ی راه را ترسیم کرد و هدفهای میانی و نزدیک را در آن مشخص نمود. این هدف نهائی نمیتواند چیزی کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد. امت اسلامی با همه‌ی ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه‌ی اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسانها از همه‌ی ظرفیتهای مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کار و ابتکار، میتوان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است. تمدن اسلامی میتواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه‌ی پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه‌ی بشریت هدیه دهد و نقطه‌ی رهائی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی غربند، باشد. (رهبری، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹)

با توجه به مطالب عنوان شده باید گفت که با وجود این که مسلمانان میراث تمدن های گذشته را گرفتند و جریان اسلامی کردن این میراث به مراتب فراتر از صرف جذب، ادغام و تغییر دادن صورت آنها بود. در طی این جریان، نیروهای خلاق بسیاری به ظهور رسید (اسپوزیتو، ۱۳۷۷: ۱۰۱). این امر باعث گردید که تمدن اسلام در اوج خود نوآورترین تمدن دنیا گردید (فیلیپ جی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۳۶).

انقلاب اسلامی ایران مظهر خودآگاهی تاریخی و خداآگاهی ملت ایران به عنوان هسته مرکزی شیعیان جهان و خودآگاه ترین و خداآگاه ترین نیرو در جهان اسلام بود و هست. این انقلاب به معنی به صدا درآمدن ناقوس پایان عصر سکولاریسم در تاریخ

است و عملاً پایان تاریخ سکولاریسم و آغاز عصر خودآگاهی تاریخی و خداآگاهی تاریخ را اعلام کرده است. اکنون دیگر عصر انقلاب های سکولار به پایان رسیده و عصر انقلاب های الهی آغاز شده است (زورق، ۱۴۰۰: ۱۷۹۴).
به بیان رهبر معظم انقلاب نیز که اشاره می کنند که باتوجه به اینکه زمانی که اسلام پرچمدار علم و دانش بود و کتاب های اسلامی در اقطار جهان و در حد همت ملت ها مورد استفاده قرار می گرفت، امروز نیز نظام اسلامی ایران در صدد تحقق همان فرهنگ و تمدن است (رهبری، ۱/۰۸/۷۵). البته در اندیشه رهبر معظم انقلاب بر اهمیت علم و لزوم مجاهدت علمی جهت شکل گیری تمدن نوین اسلامی تأکید بسیاری شده است. به اعتقاد ایشان؛ اسلام نسبت به علم، مهمترین حرکت و مهمترین تحریک و تحریر را داشته است. تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی که از روز اول در اسلام شروع شد، به وجود آمد. هنوز دو قرن به طور کامل از طلوع اسلام نگذشته بود که حرکت علمی جهش وار اسلامی به وجود آمد (رهبری، ۵/۰۷/۱۳۸۳). همان طور که در ادامه اشاره می کنند که ارزش علم منوط به معنویت است و علم، بدون معنویت فاقد هر گونه ارزشی است. زیرا علم بدون معنویت همان چیزی میشود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است. چراکه؛ علم با خود قدرت می آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه انگیزی میشود. بر عکس زمانی که معنویت، علم را فرماندهی کند، عامل سعادت میشود و در خدمت آرامش و امنیت مردم قرار میگیرد. (رهبری، ۲۰/۰۸/۱۳۸۵)

۳. جهانی شدن یا جهانی سازی:

۱.۳. مفهوم لغوی جهانی شدن و جهانی سازی

ابتدا لازم است میان سه مفهوم جهانی شدن (Globalization) به عنوان معلوم فرآیندی فراگیر با آثار ذو ابعاد و جهان گرایی (Globalism) به مثابه آرمان نهایی یک مکتب فکری که در بیشتر تمدنهای بزرگ دیده میشود و «جهانی سازی» (Globalizing) که شکل جدیدی از نظام سلطه و امروزه به مثابه نوعی غربی سازی است، تمایز قائل شویم. واژه (Global) به سه معنای «جهانی»، «فراگیر» و «کروی» استعمال می شود. واژه (Globalization) و نیز واژه (Globality) به معنای جهانیست که از ریشه (Global) به معنای جهانی و فراگیر اخذ شده اولین بار در سال (۱۹۶۱) در فرهنگ لغت «ویستر» متداول شد از دهه (۱۹۶۰) جهانی شدن به فرآیندهایی اطلاق شد که در آنها روابط اجتماعی از قلمرو جغرافیایی جدا می شوند؛ بدین معنا که انسانها گویی به صورت فزاینده ای در جهان به مثابه یک مکان واحد زندگی میکنند. به تعبیر دیگر، جهانی شدن فرآیند مستمری است که با کم رنگ شدن نقش موقعیت کشورها به ویژه مرز بین کشورها در جغرافیای سیر جهانی و تقریباً بدون مرز شدن سپهر اجتماعی همراه است. (امیدی، ۱۳۹۸: ۲۸)

به نظر برخی از صاحب نظران، جهانی شدن عبارت است از برقراری روابط متقابل و متنوع میان دولت ها و جوامع که منجر به ایجاد نظام جهانی کنونی شده است. با این فرایند، تصمیمات، فعالیت ها و حوادث در یک بخش از جهان می تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخش های دیگر جهان داشته باشد. (کومسا، ۱۸۳) جهانی شدن فرآیندی مستقل است که منطق و نیروی محرک خود را دارد که طی آن جهان به طور فزاینده ای به هم پیوسته و ملل به هم وابسته می شود و با نظم و سامان جهان ارتباط می یابد. (رابرتسون، ۱۲) و از نظر شولت مفهوم جهانی شدن در پنج دسته گروه بندی میشود: جهانی شدن

به مثابه بین المللی شدن، به مثابه فرایند آزادسازی، به مثابه جهان گستری، به مثابه نوسازی یا غربی کردن به ویژه با رویکرد آمریکایی شدن، به مثابه قلمروزدایی. (جان آرت، ۱۳۹۱: ۴۳).

تاکنون دوبار پدیده «جهانی شدن» در جهان رخ داده است. عامل اصلی جهانی شدن در دوران جهانی سازی اسلامی ایدئولوژی بود ولی در قرون جدید موج نوینی از جهانی شدن، جهان را فرا گرفته است که عامل اصلی پیدایش آن فناوری است و با آغاز سده هفدهم میلادی به تدریج آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است. جهانی سازی فن شناسانه که نتیجه بازتاب جهانی شدن در عصر جهانی سازی اسلامی در آینده تحولات اروپای غربی است سراسر جهان را تحت تأثیر خود قرار داده و مقدمات لازم را برای آغاز موج سوم جهانی شدن که یک جهانی سازی تکنوایدئولوژیک است، فراهم آورده است. جهانی سازی فن شناسانه باعث نزدیک شدن نژادها و اختلاط و آمیزش آن ها با یکدیگر گردیده و ثمره آن افزایش دامنه پیدایش انسان گونه تمدن اسلامی است. سازمان های جهانی ضمن تسهیل رفت و آمد و تجارت و امنیت و مبادلات فرهنگی و سیاسی اقتصادی در مقیاس جهانی بعد دیگری از پدیده جهانی شدن به شمار می روند. پیدایش فرهنگ جهانی و گسترش آن و پدیده وجدان جهانی و مسائل مربوط به مسئولیت جهانی که امروزه به طور جدی مطرح است نتیجه طبیعی وجود سیستم ارتباطات بین المللی است. رشد فناوری و فرآیند جهانی شدن در کنار مسئله نظم جهانی و پروژه جهانی سازی و نیازهای ملی و پیمان ها و قراردادهای بین المللی و نهادهای بزرگ ارتباطی در کنار هم مبانی و ضرورت های پیدایش سیستم ارتباطات بین المللی را توجیه و تبیین می کند. (زورق، ۱۴۰۰: ۱۰۱۰-۱۰۲۴)

یان بروف یادآوری می کند در جهان پیچیده و چندبعدی، جهانی شدن می تواند در جهات مختلف حرکت کرده و جهت حرکت آن تا حدودی به نوع درک ما از آن بستگی دارد. مسئله این است که به این حقیقت مهم توجه کنیم که انقلاب صنعتی و پیشرفت فناوری در دنیای امروز آمایش جهانی و رشد و نمو پیشرفت بین المللی در سراسر جهان را امکان پذیر کرده است و برای اولین بار در تاریخ جهان امکان پیدایش دنیای بی فقیر و جهان بی کویر ایجاد شده است و این تنها در صورتی محقق می شود که دنیایی داشته باشیم که در آن قدرت جهانی به صورت عادلانه به خدمت جهانیان دربیاید. جهانی سازی در دنیای امروز عملاً به معنی سکولار ساختن جهان بوده است. مدرنیته با درگیر کردن ذهن انسان با «سطح زندگی» او را از مسائل عمیق هستی غافل کرده است (همان، ۱۰۲۶)

مقام معظم رهبری نیز پدیده جهانی شدن و توصیه آمریکایی ها و اروپایی ها به ایران برای پیوستن به «خانواده جهانی را نمونه بارزی از بازتولید فرهنگ وابستگی و به نوعی آسیب تمدن اسلامی میدانند: «... امروز هم این توصیه هایی که غربی ها و آمریکایی ها در جلسات به ما می کنند این است که ایران خودش را با خانواده جهانی همراه کند، یکسان کند، جهانی بشود مرادشان همه وابستگی است، این همان است... جهانی شدن معنای دیگری دارد؛ جهانی شدن یعنی زیر بار فرهنگی که چند قدرت بزرگ توانسته اند بر اقتصاد دنیا، بر سیاست دنیا، بر امنیت دنیا تحمیل بکنند، رفتن زیر بار این سیاست، رفتن در این قالب، خود را جا کردن، این معنای جهانی شدن از نظر آن هاست. وقتی میگویند جهانی بشوید، وقتی میگویند وارد خانواده جهانی بشوید، معنایش این است؛ این همان وابستگی است. فرقی نمیکند مخالفت با پیوستن به آنچه طرف غربی جامعه جهانی می نامد به معنی مخالفت با ارتباطات خارجی نیست بلکه به معنای مقاومت در مقابل فرهنگ تحمیلی قدرت های بزرگ بر اقتصاد، سیاست و امنیت کشور است ... با وجود آن که انقلاب اسلامی، روحیه «ما می توانیم» را در مقابل روحیه «وابستگی»

زننده کرد و خود باوری را در جامعه ترویج داد، اما طرف مقابل به اقتضای طبیعت جنگ های عمیق که امروز جنگ نرم نامیده می شود، به بازتولید آفت فرهنگ وابستگی در شکل های جدید و به ظاهر جذاب روی آورده است. (مقام معظم رهبری ۲۸۰/۷/۱۳۹۵). در این میان، رهبری نیز ضمن اشاره به آسیب جهانی شدن از نگاه غربی ها، به نقش مهم فرهنگ در اینجا اشاره می کند و از آن جا که جهانی شدن روندی در حال رشد است، پیش بینی همه ابعاد و پیامدهای آن در عرصه های مختلف از جمله امور فرهنگی و تمدنی دشوار است؛ هر چند برای فرهنگ و تمدن اسلامی، این روند می تواند فرصت ها و تهدیدهای تازه ای ایجاد کند (رجائی، ۱۳۷۹:۱۰۵)

پس با این تعابیر، اصطلاح جهانی شدن از پدیده هایی است که حوزه های فرهنگ، اقتصاد، سیاست و اجتماع را تحت شعاع قرار داده و بر نظام های حاکم بر آنها تاثیر می گذارد. برخی آن را یک پروژه و برخی فرایند (پروسه) می دانند. دیدگاهی که جهانی شدن را فرایند تلقی می کند بر این باور است که جهانی شدن یکی از حلقه های روند تکاملی جامعه است. اما قائلان به پروژه، آن را برنامه ای از پیش تدارک شده می دانند که صاحبان ثروت و قدرت در جهان طراحی کرده اند بر مبنای تحقیق ما جهانی سازی بهترین عبارت برای بیان مراد این عده است.

باتوجه به نگاه برخی صاحب نظران که جهانی شدن را فرایندی می دانند که ناشی از تحول تدریجی و طبیعی جامعه بشری و یکی از مراحل پیشرفت تاریخی و معلول رشد دانش بشر و دستیابی به فناوری ارتباطات است؛ جهانی شدن روندی است که فضای باز و رقابت پذیری را فراروی همه فرهنگ ها و ملت ها گشاید و هر فرهنگ و ملتی میتواند متاع خویش را در این فضای باز به جهانیان عرضه نماید و مخاطب خود را بیابد بر اساس این تصویر جهانی شدن متضمن تسهیل روابط آزادی توسعه بیشتر علمی و رقابت فرهنگ هاست. (سلطانیه، ۱۳۹۹: ۸۷) همچنین باتوجه به بیان رهبر معظم انقلاب که به نقش بنیادین فرهنگ در تمدن اصلی اشاره می کنند که پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فن آوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است» (۱۳۷۳/۱/۱) بنابراین برای رسیدن به جایگاه جهانی در شأن و منزلت تمدن اسلامی چاره ای جز شناخت و شناساندن فرهنگ اسلامی به دیگران نیست و این امر با ارتباطات بین فرهنگی حاصل می شود. ماندن صحنه فرهنگ جهانی اولین گام برای غلبه در این عرصه است. جهانی شدن اقتصاد و فناوری شروع شده و مراحل را پشت سر گذاشته است. در حوزه فرهنگ تعاملات و ارتباطات فرهنگی در قالب گردشگری و رسانه های ارتباطی در حال افزایش است. اما از همه مهم تر کشف ظرفیت های اسلام برای جهانی سازی در عرصه تقابل فرهنگ هاست تا بتوان با مدیریت عرصه جهانی شدن را به این دین اختصاص داد برای این مهم باید آگاهانه گام برداشت و مداومت ورزید. (سلطانیه، ۱۳۹۹: ۲۶۹-۲۷۰) حوزه فرهنگ مهمترین جزء جهانی سازی محسوب می شود که با پیشبرد اهداف در این حوزه، اقتصاد و سیاست و اجتماع هم طبق آن گام برمی دارند.

۲.۳. تفاوت جهانی سازی اسلام با جهانی سازی غربی

جهانی سازی اسلام با مسئله جهانی شدن کنونی و جهانی سازی غربی در تعریف و در اهداف و روش ها، تفاوت های اساسی و بنیادین دارد. جهانی سازی غرب بر مبنای و زیرساخت ها و اصول فکری و فلسفی تمدن غرب شکل گرفته است که شامل تکیه بر عقلانیت خود بنیاد بشری و علم اثبات گرایانه؛ اومانیزم انسان محوری؛ لیبرالیسم تأکید بر آزادی مطلق انسان؛

سکولاریسم تأکید بر استغناء بشر از دین است و در مقابل مبانی جهانی سازی اسلامی که عبارتست از فطرت گرایی؛ ارج نهادن به عقل و علم؛ اعتقاد به وجود رابطه جهان هستی با مبدأ؛ غایت مندی نظام آفرینش و به ویژه انسان؛ اصل قانون مندی نظام تکوین و تشریح، اصالت تشریح و اصالت دین؛ و استمرار و تداوم نظام هدایت و رهبری الهی؛ اصل کرامت الهی انسان، اصل حاکمیت ارزشهای الهی، اصل آزادی و حق حیات و بهره مندی همه انسانها از مواهب طبیعی؛ اصل عزتمندی شرافت و نفی سلطه دیگران؛ اصل حق انتخاب راه و حق رشد و تعالی که از لوازم اصل کمال طلبی فطری است. (سلطانی، ۱۳۹۹: ۱۱۱-۱۱۳). البته ناسازگاری شدیدی بین جهانی شدن اسلامی و جهانی سازی غربی وجود دارد که نتیجه آن، نفی هر یک از این دو توسط دیگری است. ثمره این تنازع آن خواهد بود که بنیادگرایی اسلامی در پی احساس خطر حذف هویت اسلامی به بازتولید خود خواهد پرداخت. (سجادی، ۱۳۸۷: ۵۰۱). همچنان که اشاره شد چالش فرهنگ اسلام با جهانی سازی فرهنگ غرب قطعی است. مسئله ای که در این موضوع مهم جلوه می کند این است که اگر محور چالش را بنیان های فرهنگی نه ابزارها و فناوری قرار دهیم پیروز نهایی این مبارزه قطعاً فرهنگ اسلام است چون ویژگی های دین اسلام همانند کامل بودن جامعیت عقلانی بودن و انطباق با فطرت انسانی، زمینه های لازم برای جهانی سازی دین را مهیا خواهد کرد و مخاطب آن را همه انسان ها قرار خواهد داد.

درعین حال فرایندی و طبیعی بودن ظهور یک تمدن به این معنا نیست که یک جامعه یا ملت نتواند در دستیابی به تمدن برنامه ریزی داشته باشد، به عبارت دیگر برای شکل گیری یک تمدن، میتوان به هر دو جنبه فرایندی و پروژه ای در نظر داشت؛ هر چند بهتر است جنبه فرایندی را اصل و جنبه پروژه ای را فرع قرار دهیم. هرچند لازم به ذکر است که در گذشته اغلب به دلیل فقدان فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی، رویکرد پروژه ای به تمدن کمرنگ تر بود ولی در حال حاضر و با در نظر گرفتن ابزارهای جدید، رویکرد پروژه ای به تمدن تقویت شده است. بنابراین در این سال ها از شکل گیری تمدن به «تمدن سازی» تعبیر می شود که حاکی از رویکرد پروژه ای به تمدن است (غلامی، ۱۳۹۱: ۳۴). جهانی شدن نه تنها موجب تضعیف و طرد دین نخواهد شد، بلکه تقویت، انتشار دین و بیداری اسلامی در تمام نقاط زمین را به دنبال خواهد داشت. (قطب، ۱۳۸۷: ۱۲)

تمدن نوین اسلامی «گسترش یابنده و جهانی» است، و عامل این گسترش، نه زور است و نه صرفاً قدرت اقتصادی، بلکه احیای عقل فطری و هویداشدن آثارش و به طور کلی، جذابیت های منحصر به فرد اسلام است. (غلامی، ۱۳۹۶: ۵۳).

شکل گیری یک تمدن، از جمله تمدن نوین اسلامی، امری طبیعی، فرایندی و به تبع آن، تدریجی است؛ هرچند ملت ها و دولت ها می توانند با درک عمیق شرایط شکل گیری تمدن، به تقویت این فرایند کمک کنند. البته تقویت این فرایند، گاه خود جنبه پروژه ای دارد. (همان، ۲۴۳) بنابراین جهانی سازی تمدن اسلامی با بهره گیری از ابزار و امکانات دنیای امروز، سرعت بیشتری خواهد گرفت.

۴. بخش نرم افزاری تمدن نوین اسلامی

مقام معظم رهبری همیشه تأکید دارند که هدف انقلاب اسلامی ایجاد تمدن نوین اسلامی بوده است؛ تمدن اسلامی به معنای پیشرفت همه جانبه (رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). ایشان در تقسیم بندی کلان این تمدن را به دو بخش سخت افزاری و نرم افزاری، تقسیم کرده و تأکید می نمایند که مؤلفه حقیقی همه تمدن ها، بخش نرم افزاری آن هاست. که این مؤلفه شامل خرده عناصری

است که متن زندگی جامعه متمدن را تشکیل می دهد که از آن به عنوان «سبک زندگی اسلامی» نام می برند که با بررسی مفهوم سبک زندگی در می یابیم که این اصطلاح نام دیگر برای واژه «فرهنگ» است؛ زیرا از نظر مقام معظم رهبری این بخش در برگیرنده تمام الگوهای رفتاری و ارتباطی ما در حوزه های مختلف اجتماعی اعم از نهاد خانواده، جامعه، سیاست، دوستان، اقتصاد و... میباشد (همان) تمدن نوین اسلامی یا همان تمدن انقلاب اسلامی که ابتناش باید بر الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت باشد یعنی پیشرفتی همه جانبه باشد، شامل بخش های ابزاری و سخت افزاری (روبنها) و هم چنین بخش های حقیقی، اساسی و نرم افزاری (زیربنها) و بخش های مبنایی و مکتبی است. بخش ابزاری و سخت افزاری شامل علم، اختراعات، اقتصاد و پیشرفت های اقتصادی، پیروزی ها و پیشرفت های سیاسی، اعتبار بین المللی و قوت در دیپلماسی عمومی و اعتبار در اتحادیه هایی همچون اجلاس غیر متعهدها، اکو، پیشرفت های عمرانی، صنایع و.. می باشد. بخش حقیقی، اساسی و نرم افزاری تمدن نیز به مسائلی باز می گردد که متن زندگی انسان را تشکیل می دهد، این بخش زیربنایی را فرهنگ، سبک و شیوه زندگی بیان کرده اند؛ آن جا که تمدن سخن دارد برای اوقات فراغت، ساختارها و روابط اجتماعی، الگوی مصرف، معماری، پوشش و ابعاد گوناگون آن، آداب و رسوم، روحیه کار و....

اما بخش مبنایی تمدن از منظر رهبری، مکتب و ایدئولوژی است که هدایت گر و بنیان تمام تمدن ها در طول تاریخ بوده است. البته ممکن است برخی کشورها با تقلید از تمدنی دیگر مانند تمدن غرب و بدون بهره گیری از مکتب و ایدئولوژی خود به پیشرفت های ظاهری برسند، اما توان بنا نهادن بنیان تمدنی را نداشته و به تمدن تاریخی نخواهند رسید. موید این مطلب، تمام تجربیات تمدن سازی است که نشان می دهد در طول تاریخ، مکتب، هدایت کننده و اداره کننده حرکت های عظیم اجتماعی است؛ بنابراین بدون داشتن مکتب و بدون ایمان و تلاش مستمر و صرف هزینه های لازم، هیچ تمدنی امکان تحقق نمی یابد (ایرانمنش، ۱۳۹۲: ۵۷-۵۸)

بنابراین از نگاه مقام معظم رهبری عنصر اساسی هر تمدنی از جمله تمدن اسلامی «فرهنگ» است. زیرا این فرهنگ است که همه روابط نظام تمدنی را شکل می دهد، ارزش ها را تعیین می کند و جایگاه تمدنی خرده نظام را در مقایسه با دیگر خرده نظام ها مشخص می سازد.

از نظر ایشان، جای تردید نیست که اسلام با نفوذ و قدرت طبیعی اش بر اورنگ حکمرانی جهان خواهد نشست و شعاع جهان بخش خود را تا اعماق تاریکی هایی که بشریت گرفتار آن است، خواهد فرستاد و قدرت های مهاجم را خواه ناخواه مجبور به عقب نشینی خواهد کرد و آخر کار، سربلند و پیروز جلوه گری خواهد نمود (سید قطب، ۱۳۸۶: ۲)

به طوری که مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان خراسان شمالی، بر اصلاح سبک زندگی تأکید و سبک زندگی را بخش حقیقی تمدن اسلامی بیان کرده اند: «بخش حقیقی تمدن آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد که همان سبک زندگی است. این بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده سبک، ازدواج نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات مسئله خط و زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در ورزش رفتار ما در رسانه ای که در اختیار ماست رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر رفتار ما با فرزندان... اینها آن بخش های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است (رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳)

مطلب مهم در خصوص بخش نرم افزاری تمدن، این است که از نظر ایشان، مسئله سبک زندگی عنصر تمایز بخش و تعالی بخش در حرکت تمدنی به شمار می آید؛ یعنی اگر ما در این بخشی که متن زندگی است پیشرفت نکنیم، همه پیشرفتهایی که در بخش اول کردیم نمی تواند ما را به موفقیت برساند؛ نمی تواند به ما امنیت و آرامش روانی بخشد هر چه ما در صنعت پیش برویم هر چه اختراعات و اکتشافات زیاد شود اگر این بخش را ما درست نکنیم پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده ایم (همان) حضرت آیت الله العظمی خامنه ای با اشاره به توجیه عمیق اسلام به مفهوم سبک و فرهنگ زندگی می فرمایند در معارف اسلامی اصطلاح عقل معاش در مفهوم جامع خود مترادف مفهوم سبک و فرهنگ زندگی است و در قرآن کریم نیز آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد ایشان با تأکید بر این که بدون پیشرفت در بخش حقیقی تمدن سازی نوین اسلامی، یعنی سبک و فرهنگ زندگی، اهداف این تمدن بزرگ محقق نخواهد شد، اشاره می کنند: «متأسفانه ما در این بخش پیشرفت چشمگیری نداشته و مثل بخش اول، یعنی علم و صنعت و نظایر آن پیشرفت نکرده ایم» (همان)

ایشان پس از تبیین اهمیت عینی سبک و فرهنگ زندگی به مبانی کارگشای این مبحث از منظر اسلام میپردازد و تأکید میکند: «اسلام خردورزی، اخلاق و حقوق را مایه های اصلی فرهنگ صحیح می داند و ما نیز باید به طور جدی به این مقولات بپردازیم وگرنه پیشرفت اسلامی و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت (همان) ایشان در ترسیم چگونگی شکل گیری سبک و شیوه زندگی بر این باورند که فرهنگ زندگی، متأثر از تفسیر ما از زندگی است و هر هدفی را برای زندگی تعیین کنیم سبک خاصی را به همراه می آورد. ایشان تحقق هدف اصلی تعیین شده در هر مکتب و نظریه سیاسی اجتماعی و اقتصادی، را نیازمند اعتقاد و ایمان به آن هدف دانسته و معتقدند بدون اعتقاد جدی و تلاش هیچ هدفی محقق نمی شود. مقام معظم رهبری در بحث سبک و فرهنگ زندگی معتقدند: «اسلام عزیز همه نیازهای انسان را برآورده می سازد و دانشوران حوزه و دانشگاه باید علاوه بر تلاش در فقه و حقوق در بحث اخلاق اسلامی و عقل و سلوک عملی اسلام نیز کارهای مترکم و باکیفیت انجام دهند تا نتایج این تلاشها مبنای برنامه ریزی و تعالیم نسل ها قرار گیرد» (همان). معظم له پس از تبیین ضرورت ایمان به هدف به عنوان یکی از عوامل اساسی تمدن سازی، به پرهیز کامل از تقلید از سبک و سلوک زندگی در تمدن غربی تأکید می کنند (همان) و معتقدند: باید با فرهنگ سازی لازم یک حرکت تدریجی در زمینه اصلاح این مسئله ایجاد شود (همان)

تمدن نوین اسلامی که ما مدعیاش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی میخواهد آن را به وجود بیاورد بدون این بخش - درست کردن سبک زندگی - تحقق پیدا نخواهد کرد اگر آن تمدن به وجود آمد، آن وقت ملت ایران در اوج عزت است؛ ثروت هم دنبالش هست، رفاه هم دنبالش هست، امنیت هم دنبالش هست، عزت بین المللی هم دنبالش هست؛ همه چیز با او خواهد بود، همراه با معنویت. (رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳)

همانطور که اشاره کردیم رهبری در خصوص ضرورت تولید فکر و علم برای تمدن سازی، بر این باورند که پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فن آوری و علم که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است (رهبری، ۱۳۷۳/۰۱/۰۱). در واقع از منظر ایشان برخورداری یک امت از مکتب فکری، لازمه حرکت به سوی تمدن است؛ به گونه ای که باید گفت برای یک کشور خیلی مهم است که اولاً، نیازهای حقیقی و اساسی خودش را درست بشناسد و تصمیم بگیرد که این نیازها را برطرف کند؛ ثانیاً ابزار برطرف کردن این نیازها را که درجه اول، فکر و نیروی انسانی است، در اختیار داشته باشد این برای یک کشور خیلی مهم و تاریخ ساز است؛ این تمدن ساز است (رهبری، ۱۳۸۵/۰۳/۲۵). همچنین رهبر معظم انقلاب در توضیح تولید علم

به معنی عدم توقف در ترجمه و فراگیری میفرمایند: «چند سالی است که مسئله نهضت نرم افزاری را در محیط علمی کشور مطرح کرده ایم. این یعنی چه؟ یعنی ما نباید به فراگیری قانع باشیم؛ باید هدف تحقیق و آموزش ما تولید علم باشد؛ یعنی رسیدن به جایی که نوآوری های علمی در فضای موجود بشری از آن جا شروع می شود از لحاظ استعداد نسبت به کسانی که دانش را در دنیا تولید کردند، گسترش دادند، پیش بردند. براساس دانش، فناوری های پیچیده را به وجود آوردند، کمبود نداریم. البته تولید علم به معنایی که ما ترجمه و فراگیری را نفی کنیم، نه آن هم لازم است؛ بلکه نباید در ترجمه و فراگیری متوقف شد. (رهبری، ۸/۸۱۳۸۲) بنابراین توجه به این نکته ضروری می باشد که در عین حال که باید در مسیر شکل گیری تمدن اسلامی و جهان سازی اسلامی، حرکت جهشی علم را مدنظر قرار دهیم، باید رشد و پیشرفت این علم را با فرماندهی معنویت، به حد اعلی در جهان رساند.

۵. راهکارهای عملی برون رفت از جهانی شدن غربی

راهکارهای عملی برون رفت تمدن نوین اسلامی از جهانی شدن غربی را می توان موارد ذیل در نظر گرفت:

برای تبیین وجود بنیادهای متفاوت تمدنی و اهداف و غایات متمایز و تلاش همه جانبه برای پیشرفت و تعالی در عرصه های مختلف اجتماعی، استمرار بخشیدن به تجربه انقلاب اسلامی و حرکت جهادی و انقلابی در این مسیر، تمرکز بر مفهوم امت اسلامی برای شکل دهی ارتباطات شبکه ای اصیل و فرا مرزی و نفی ارزش های قومی، نژادی و جغرافیایی، دعوت مستمر به گفت و گوی اسلام و غرب استقبال از طرح تعامل و گفت و گوی صحیح و ثمر بخش میان ادیان فرهنگ ها و دولت ها و ممانعت از تیرگی فضای گفت و گو و تفاهم، تلاش رسانه ای و تبلیغی گسترده برای ارائه تفسیری منطقی از اسلام و مقابله با تفسیری که اسلام را معادل تروریسم، خشونت ورزی و قانون شکنی دانسته و مروج اسلام هراسی در جهان است. (امیدی، ۱۳۹۳ : ۲۷۴-۲۷۶) بنابراین با توجه به راهبردهای اصول اساسی دین اسلام و دشمن شناسی، می توان با برنامه ریزی هوشمندانه مانع ضربه خوردن از آسیب های اجتماعی جهانی شدن غربی ها گردید.

۶. عمده ترین موانع نظری و عملی جهانی سازی اسلام

در مسیر جهانی سازی اسلام دو نوع موانع نظری و عملی در پیش روی تمدن اسلامی باشد که عبارتست از رفتار نظام سرمایه داری در دخالت و تضعیف اقتصادی کشورهای جهان، رشد ملی گرایی و فرقه گرایی افراطی و گسترش اختلاف های داخلی جهان اسلام، غفلت جهان اسلام از تجهیز فرهنگی، علمی اقتصادی و تکنولوژیک در برابر سلطه همه جانبه غرب بر ممالک اسلامی، اطلاعات دروغین و بی بندوباری و هرزه نگاری های اینترنتی یا پورنوگرافی و تضعیف شدید اخلاق اسلامی، فرقه سازی به نام اسلام، ایجاد جنگ های فرقه ای و مذهبی، وقوع جنگ های نژادی، ملی و قومی، برخورد انجمادی با متن دین و سد باب اجتهاد، برخورد النفاطی با اسلام فقدان مدیریت فرهنگی و اجتماعی منسجم، تضعیف خط مقاومت مبتنی بر توحید، وحدت شکنی به نفع جبهه غرب، اولویت قائل نشدن برای مسائل عمومی مسلمانان از جمله مسئله فلسطین، تک بعدی برخورد کردن با اسلام و غفلت از جامعیت دین، محافظه کاری در برابر استبداد و استعمار، اهمیت دادن به امور جزئی و غفلت از

حیثیت امت اسلامی، تأکید بر تمایزها به جای تصریح به تشابه ها، بی توجهی به الگوهای عملی جهان اسلام و غفلت از الگوگیری متعالی، ارباب در برابر تهدیدهای غرب، تبعیت از الگوهای نادرست و ناقص، شیوع اجتهادهای شخصی از دین، شیوع کردارهای ناپسند و غیر اخلاقی و اجتماعی در جوامع اسلامی، شیوع بدگمانی و اتهام در میان دولتمردان یا رهبران مذهبی جوامع از یکدیگر، افزایش تعصب های ملی، قومی، مذهبی، حزبی، نژادی و جنسیتی. (امیدی، ۱۳۹۳: ۲۷۴-۲۷۲). باید در نظر داشت که باتوجه به هجوم عظیم تمدن غرب و نظام سرمایه داری در سراسر جهان با تمسک به آرمان های اسلام و انقلاب و مقابله هوشمندانه با مسائل مرتبط جهانی، می توان موانع پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی ایران در مسیر جهانی سازی اسلامی را از میان برداشت.

۷. شیوه های ترویج فرهنگ اسلام در فرایند جهانی سازی اسلامی:

آلویین تافلر میگوید ارتباطات به مثابه یکی از مهم ترین ابزار توسعه جهانی شدن در موج سوم تمدنی بشر در عصر دانایی موتوری محرک و راهی برای انتقال، کالا، خدمات نیروی کار سرمایه و اطلاعات میان ملت ها خواهد بود. (تافلر، ۱۴۰۲: ۰۸). جهانی شدن مانند شبکه های ارتباطی انسان های پراکنده را به یکدیگر متصل می کند از این رو تسریع حرکت اجتماعی و گسترش علوم و دانش بشری، افزایش ارتباطات امکان فزاینده تبادل دیدگاه ها درک متقابل فرهنگها و رفع سوء تفاهم میان ملت ها و ارتقای ارزش های مشترک را در پی دارد (هاروی، ۱۳۷۶: ۵۲).

لازم به ذکر است بیان کنیم که نگاه جهانی شدن اسلامی به فناوری، یک نگاه واقع بینانه است. باید توجه داشت که رویکرد جهانی شدن اسلامی به فناوری ها اعم از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی و مطلق فناوری، یک رویکرد واقع بینانه است. ما به طور کل می توانیم فناوری ها را به دو بخش عمده تقسیم کنیم. بخش اول فناوری هایی که متأثر از جهان بینی الحادی و افکار شرورانه، صرفاً کارکرد منفی و مضر دارند. به بیان دیگر، شالوده این فناوری ها که درصد کمی از فناوری ها را شامل می شوند، معارض فرهنگ و اندیشه اسلامی است. بخش دوم فناوری ها که عمده فناوری ها را شامل می شوند، فناوری هایی هستند که هرچند ممکن است متأثر از جهان بینی الحادی باشند اما صرفاً کارکرد منفی و مضر ندارند لذا می توان از آنها بهره مثبت و مفید داشت. ما معتقدیم در جهانی شدن اسلامی، باید از قسم دوم فناوری ها حداکثر بهره را به نفع اسلام و انقلاب اسلامی برد. البته نوآوری های فناورانه زیر چتر جهان بینی اسلامی موضوع دیگری است که در جای خود باید مورد توجه قرار گیرد. (غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

در بررسی شیوه های ترویج فرهنگ اسلام در فرایند جهانی سازی باید با شناخت دقیق ابزار و امکانات در عرصه جهانی، تمام عوامل اقتصادی، فرهنگی و مسائل بین المللی که مستقیم یا غیر مستقیم بر ترویج این فرهنگ تأثیر دارند در نظر گرفته شوند. از جمله میتوان موارد ذیل را در نظر گرفت:

نقش پررنگ رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی به عنوان مهم ترین ابزارهای مؤثر بر جهانی شدن، توسعه و گسترش صنعت گردشگری و جهانگردی و افزایش جذب گردشگران با هدف ارتباطات میان فرهنگی و تأثیر بر دیگر فرهنگها که منجر به شناخت بیشتر آنها از فرهنگ اسلام شود، تبادلات بین المللی علمی و فرهنگی در سطح دانشگاه ها از طریق بورسیه و پذیرش

دانشجویان خارجی برای تحصیل در دانشگاه های برجسته ایران جهت ایجاد فرصتی برای صدور فرهنگ اسلامی که تبدیل به ترویج فرهنگ اسلام در بیرون از مرزهای ایران شود، لزوم ایجاد واحدهای عمومی درسی با موضوع جهانی سازی فرهنگ و تمدن اسلامی؛ دیپلماسی فرهنگی به عنوان یکی از راه های مؤثر بر ترویج فرهنگ ها و دسترسی راحت دیگران به فرهنگ اسلام جهت ایجاد فرصت های تازه برای همکاری به دلیل ظرفیت بسیار بالای فرهنگ برای ایجاد درک و تفاهم میان مردم، تقویت و گسترش دفاتر و رایزنی های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جهان در راستای دانش افزایی درباره فرهنگ اسلام جهت فراهم آوردن زمینه جذب گردشگران و ترویج فرهنگ اسلامی در مقابل نظام سلطه، برگزاری همایش های بین المللی علمی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و صنعتی در جهت آشنایی با توانمندی و ذخایر فرهنگ اسلام، حضور و مشارکت فعال در ایجاد پایگاه های اطلاع رسانی جهانی (اینترنت) و معرفی و تبیین جنبه های گوناگون فرهنگ اسلام، استفاده از ابزارهای تصویری و هنری مانند تولید و ساخت فیلم های سینمایی و مستند در مقیاس جهانی و شرکت در جشنواره های جهان با محتوای اسلامی، برپایی نمایشگاه های علمی، هنری، اقتصادی و بازرگانی به عنوان راهکاری برای ترویج فرهنگ اسلامی، تولید نرم افزارهای فرهنگی با محتوا و رویکرد فرهنگ اسلامی.

جهانی سازی با محوریت انقلاب اسلامی، مقدمه جهانی سازی اسلامی در دوران ظهور منجی (عج)

جهانی سازی اسلامی را باید به دو بخش تقسیم کرد. بخش اول، جهانی سازی اسلامی پیش از ظهور مهدی موعود «ارواحنا فدا» و جهانی شدن اسلامی دوران ظهور. در این زمینه باید توجه نمود که در عین حال که جهانی سازی اسلامی پیش از ظهور، در طول جهانی شدن دوران ظهور است؛ جهانی سازی اسلامی قبل از ظهور، مقدمه ظهور و شکل گیری جهانی سازی در این دوران است. این را بارها امام(ره) فرمودند که انقلاب ما مقدمه انقلاب جهانی حضرت ولی عصر (عج) است و ما باید این امانت را به صاحب اصلی آن تحویل دهیم؛ ممکن است بین جهانی سازی اسلامی قبل از ظهور که محور آن انقلاب اسلامی است با دوران ظهور، دوره های متعددی سپری شود، ولی در هر صورت، انقلاب اسلامی مثل هر پدیده بزرگ تاریخی، نقش مقدمه ساز را برای انقلاب حضرت مهدی (عج) خواهد داشت؛ اگرچه جهانی سازی اسلامی پیش از ظهور در طول جهانی سازی اسلامی بعد از ظهور است و فتح بسیاری از قتل رفیعی که اسلام برای ما ترسیم نموده، تنها از با حضور معصوم (ع) و در دوران ظهور منجی (ع) محقق خواهد شد. همان طور که دیروز دستاوردهای تمدن اسلامی دست مایه بنای تمدن مادی غرب گردید؛ امروز دستاوردهای تمدن مادی غرب در ساختمان بنای تمدن نوینی که متعلق به هم بشریت است. به کار خواهد رفت و فردا را همه فرزندان آدم خواهند ساخت.

نتیجه گیری:

برای شکل گیری تمدن نوین در جهان باید ضمن دستیابی به اندیشه و نرم افزار تمدن، باید در جامعه ایجاد بیداری و هویت یابی صورت گیرد که از آن به انقلاب تعبیر میشود و عامه مردم مشارکت اجتماعی فعال و حداکثری داشته باشند و تمدن پاسخگوی نیازهای جامعه بوده و پیشرفت همه جانبه، نظامند و جهشی را در برگیرد. بنیانگذار انقلاب اسلامی امام خمینی(ره)

ضمن بیان عجز تفکر مادی در تأمین نیازهای بشر، تأکید داشته اند که مکتب حیاتبخش اسلام، تنها مکتبی است که با محور قرار دادن حق و عدالت میتواند کمال جویی و ظلم ستیزی را برای همه ملت ها به ارمغان آورد و با بررسی تاریخ تمدن اسلامی می بینیم که دو راهبرد تثبیت قرآن و تأسیس جامعه طراز قرآن، دو زنجیره رخدادها و تحولات تاریخی را پدیدار ساخته اند. در یک زنجیره که مشخص ترین نقطه شروع آن فتح مکه است، رخدادهای تثبیتی قرار گرفته اند تا به انقلاب صنعتی و انقلابات بزرگ عصر جدید منتهی می گردد. در زنجیره دوم که روشن ترین نقطه شروع آن واقعه غدیر است رخدادهای تأسیسی قرار می گیرد که در عصر ما به انقلاب اسلامی در ایران منتهی شده است. انقلاب صنعتی و پیشرفت فناوری در دنیای امروز با آمایش جهانی و رشد و نمو پیشرفت بین المللی در سراسر جهان و تعمیم آموزش و تسریع در انتقال اطلاعات و ارتقای سطح دانش حقوقی مردم، زمینه ساز خودآگاهی تاریخی و خداآگاهی تاریخ گردیده است. تاکنون دوبار پدیده «جهانی شدن» در جهان رخ داده است. عامل اصلی جهانی شدن در دوران جهانی سازی اسلامی ایدئولوژی بود ولی در قرون جدید موج نوینی از جهانی شدن، جهان را فرا گرفته است که عامل اصلی پیدایش آن فناوری است و با آغاز سده هفدهم میلادی به تدریج آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است. موج سوم جهانی شدن که یک جهانی سازی تکنوایدئولوژیک است، جهانی سازی فن شناسانه که نتیجه بازتاب جهانی شدن در عصر جهانی سازی اسلامی در آینه تحولات اروپای غربی است سراسر جهان را تحت تأثیر خود قرار داده و مقدمات لازم را برای آغاز موج سوم ایجاد می کند. رشد فناوری و فرآیند جهانی شدن در کنار مسئله نظم جهانی و پروژه جهانی سازی و نیازهای ملی و پیمان ها و قراردادهای بین المللی و نهادهای بزرگ ارتباطی در کنار هم مبنای و ضرورت های پیدایش سیستم ارتباطات بین المللی را توجیه و تبیین کرده و پیدایش فرهنگ جهانی و گسترش آن و پدیده وجدان جهانی و مسائل مربوط به مسئولیت جهانی که امروزه به طور جدی مطرح است نتیجه طبیعی وجود سیستم ارتباطات بین المللی است. باتوجه به عدم اقناع فکری و فرهنگی بشر از طریق پیروی و بهره گیری از تمدن های موجود به دلیل دور بودن از فطرت و عملکرد سوء استعماری غرب به عنوان نتیجه ماهیت و اندیشه غربی و فروپاشی های تدریجی نظام فکری، سیاسی و اقتصادی در غرب، تمدن نوین اسلامی با نظر به ماهیت مکتب حیات بخش اسلام، با محوریت حق و عدالت، قابلیت آن را دارد که با استفاده از فناوری ارتباطات و با توجه به امکان پیوستگی نظام ارتباطاتی در عصر جهانی شدن و با فرماندهی علم توسط معنویت به عنوان نرم افزار تمدن، از ظرفیت عصر دیجیتال برای تبیین ارزش ها و هویت اسلامی در جامعه جهانی استفاده نماید. با بیداری اسلامی اخیر، تمدن نوین اسلامی در مقابل تمدن غرب، قویتر و منسجم تر ظاهر شده و تمدن جستجو شده توسط جوامع امروز تمدن نوین اسلامی است که هم یادآور تمدن شکوفای عظیم گذشته بوده و هم پاسخگوی نیازهای امروز و فردای بشری خواهد بود که امروزه جهان بین الملل در جستجوی هویت خویش از طریق حرکت در مسیر تمدن سازی نوین اسلامی است. رهبر معظم انقلاب، ضمن بیان این نکته که پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فن آوری و علم که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است؛ مراحل شکل گیری تمدن نوین را به دو مرحله حقیقی و ابزاری تقسیم می کنند و احیای سبک زندگی اسلامی را از ملزومات حقیقی تحقق تمدن اسلامی می دانند و معتقدند بخش ابزاری تمدن اسلامی مقدمات رسیدن به بخش حقیقی تمدن اسلامی است و بخش حقیقی، سبک زندگی اسلامی را باید شاهره دست یابی به دولت اسلامی و در نهایت ساخت و ایجاد تمدن اسلامی دانست. از دیدگاه ایشان بخش ابزاری تمدن اسلامی نیز دارای الزاماتی است که از آن میان می توان به وجود دانشگاه تمدن ساز، نوآوری در عرصه علم، تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد،

نظام سازی و ایجاد مدیریت کارآمد اشاره کرد. می توان گفت این الزامات در واقع کارویژه هایی هستند که لازمه حرکت برای رسیدن به تمدن اسلامی شمرده میشوند که همراه با تلاش و جدیت توأمان عموم مردم و نیز مسئولان جامعه امکان پذیر است. نگاه جهانی شدن اسلامی به فناوری، یک نگاه واقع بینانه است. ما معتقدیم در جهانی شدن اسلامی، باید از فناوری هایی استفاده کرد که هرچند ممکن است متأثر از جهان بینی الحادی باشند اما صرفاً کارکرد منفی و مضر ندارند، حداکثر بهره را به نفع اسلام و انقلاب اسلامی برد. تمدن اسلامی میتواند با شاخصه های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه ی پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه ی بشریت هدیه دهد و تاریخ نوین با ظهور انسان خودآگاه و خداآگاه آماده می شود تا خدایی که انسان را آفریده است بشناسد و بپرستد نه خدایی که انسان او را آفریده است و اینچنین، جهانی سازی اسلامی قبل از ظهور، مقدمه ظهور و شکل گیری جهانی سازی دوران ظهور گردد.

منابع:

- اشتیگلپتیس، جوزف (۱۳۹۷)، تحقیق جهانی سازی، ترجمه آتنا عبدی نژاد، تهران: کتابستان معرفت
- اسپوزیتو، جان (۱۳۷۷)، اسلام و غرب، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: طرح نو.
- امیدی نقلبری، مهدی (۱۳۹۳)، اسلام و جهانی شدن و جهانی سازی، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی
- ایرانمنش (۱۳۹۲)، محمدهانسی، گذاری بر مبانی نظری تفکر فرهنگی امام خامنه ای، تهران: مرکز راهبردی جبهه فکری انقلاب اسلامی
- بوازار (۱۳۶۹)، مارسل، اسلام و جهان امروز، ترجمه مسعود محمدی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- تافلر، آلون (۱۴۰۲)، جابجایی در قدرت: دانایی و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: فرهنگ نشر نو.
- جان آرت، شولت (۱۳۹۱)، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- حاجتی، احمدرضا (۱۳۸۱)، عصر امام خمینی (ره)، قم: بوستان کتاب، چاپ پنجم
- خمینی، روح الله (۱۳۶۹)، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رابرتسون، دونالد (۱۴۰۲)، جهانی شدن: تئوریهای اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث
- رجائی، فرهنگ (۱۳۷۹)، پیده جهانی شدن، وضعیت بشری و نمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: آگاه
- رجیبی، اصغر (۱۳۹۸)، تمدن نوین اسلامی چالش ها و راهبردها، تهران: نشر معارف
- زورق، محمدحسن (۱۴۰۰)، اسلام و سکولاریسم از آغاز تا امروز، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲)، کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر.
- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۷)، درآمدی بر اسلام و جهانی شدن، تهران: موسسه بوستان کتاب
- سلطانیه، محمد (۱۳۹۹)، مولفه های جهانی شدن فرهنگ اسلام، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی
- غلامی، رضا (۱۳۹۶)، فلسفه تمدن نوین اسلامی، تهران: سوره مهر.
- غلامی، رضا (۱۳۹۱)، اسلام و جهانی شدن، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



فیلیپ جی، آدلر (۱۳۸۴)، تمدنهای عالم، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: امیرکبیر.
قطب، محمد (۱۳۸۷)، مسلمانان و مسأله جهانی شدن، ترجمه زاهد ویسی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
کمالی اردکانی، علی اکبر (۱۳۸۶)، «نقد سکولاریسم از دیدگاه امام خمینی (ره)»، در مجموعه مقالات بررسی و نقد مبانی سکولاریسم، تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و دانشگاه امام صادق (ع)
کومسا، ازفاو، جهانی شدن و منطقه گرایی و تأثیر آن بر کشورهای در حال توسعه، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی.
مکی، محمدکاظم (۱۳۸۱)، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، مترجم: محمدسپهری، تهران: سمت.
نوذری، حسینعلی (۱۳۷۹)، صورتبندی مدرنیته و پست مدرنیته، تهران: نقش جهان.
نقیب السادات، سیدرضا (۱۳۸۷)، جهانی سازی، تهران: کتاب صبح.
هاروی، دیوید (۱۳۷۶)، جهانی شدن جدید سرمایه داری و جهان سوم، ترجمه و پژوهش وحید کیوان، تهران: توسعه
مجموعه بیانات رهبری قابل دسترسی در سایت:

WWW.Khamenei.ir



حدود و ثغور دو تعارض دو حق در تصرفات منافی ناشی از اعمال حق شفعه

طاہر اعیادی مغانلو^۱، سلمان علیپور قوشچی^۲، سیامک جعفرزاده^۳

چکیده

حق به امتیاز، اولویت و اقتداری گفته می‌شود که شخص در برابر سایر اشخاص جامعه از آن برخوردار است ممکن است در اعمال حق خود، در تقابل با حق منافی قرار بگیرد و این تصرفات ممکن است موجب پیدایش تعارض دو حق منافی بشود، پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی به بررسی تعارض دو حق ناشی از تصرف منافی در حق شفعه می‌پردازد، به عنوان قاعده می‌توان گفت در صورتی که در یک عین دو حق منافی در تعارض هم قرار بگیرد برای حل موضوع تا جایی که ممکن است باید بین دو حق قائل به جمع شد، در غیر این صورت باید مراجعه به اعمال قاعده تراجیح کرد. تاثیر ترجیح یکی از دو حق بر دیگری در تصرفات منافی در حق شفعه موجب پیدایش اختلاف بین حقوقدانان در اعمال ضمانت اجرای تصرف حقوقی منافی با حق شفعه شده است، نتایج حاصل از این پژوهش نشان داده است که در صورت تعارض بین دو حق در جایی که حق شفعه ایجاد می‌شود باید قائل به ضمانت اجرای انفساخ شد. کلید واژه: شفعه، تراجیح، تصرف منافی، انفساخ.

مقدمه

حق شفعه یکی از حقوقی است که در راستای حفظ منافع شریک وضع شده است. بر مبنای این حق اگر دو نفر در ملکی شریک باشند و یکی از آنها سهم خود را به شخص ثالثی بفروشد شریک دیگر حق دارد هر زمان از بیع اطلاع پیدا کرد ثمن معامله را به مشتری بدهد و سهم فروخته شده را تملک کند، این تملک قهری مال دیگری امری استثنایی و خلاف

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول).

Taherayadi1995@gmail.com

^۲ استادیار فقه و حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. s.alipoor@hotmail.fr

^۳ دانشیار فقه و حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. s.jafarzadeh@urmia.ac

قاعده است لذا قانونگذار با پذیرفتن چنین تملکاتی به دنبال اعطاء حق ویژه به شریک است، ماده ۱۴۰ قانون مدنی شفعه را از اسباب تملک می‌داند، شفیع با اعمال حق شفعه خود مال مشاع قابل تقسیم را با دادن ثمن به صورت فوری؛ چرا که «درنگ او سبب اسقاط حق شفعه است» معامله به تملک خود در می‌آورد (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص ۵۰۳)، مبنای ایجاد چنین حقی توسط قانونگذار برای شریک در راستای جلوگیری از ضرر دیدن او است بنابراین قاعده لاضرر می‌تواند پشتیبان مستحکمی در جهت توجیه چنین تملک قهری باشد. لذا با عنایت به موارد ذکر شده می‌توان گفت اخذ به شفعه ایقاعی عینی است (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰، ص ۴۱۰).

قانون مدنی در مورد اخذ به شفعه تعریف دقیقی ارائه نداده است و در ماده ۸۰۸ ق مدنی فقط شرایط اخذ به شفعه رو گفته است ولی در تعریف آن می‌توان گفت شفیع می‌تواند با دادن ثمن مبیع فروخته شده را مسترد کند، در این نوع مورد هم ممکن است شریک سهم خود را به شخصی غیر از شریک خود فروخته باشد و بعد از معامله شریک استناد به حق شفعه‌ای که قانون به او داده است بکند، لذا تعارض بین دو حق به وجود آمده به وجود می‌آید، لذا حق شفعه یک عمل حقوقی از نوع ایقاع است که به دنبال خود با تمسک به ماده ۱۴۰ قانون مدنی تملک به بار می‌آورد منتها اخذ به شفعه ایقاع عینی است چرا که بدون اقباض ثمن پرداختی به مشتری محقق نمی‌شود. در صورتی که شرایط ماده ۸۰۸ قانون مدنی فراهم شد و شریک به دنبال اجرای حق شفعه خود بر آمد نوع تعارضات موجود بین ماده ۸۱۶ قانون مدنی با ماده ۸۱۹ قانون مدنی باعث ایجاد اختلاف بین حقوقدانان و نویسندگان حقوق شده است چرا که ماده ۸۱۶ قائل به بطلان معامله و ماده ۸۱۹ با پذیرفتن نمائات منفصل قبل از اخذ به شفعه برای مشتری به نوعی قائل به صحیح بودن چنین معامله ای است. لذا وجود چنین تعارضاتی در ماده قانونی به نظریات دکترین حقوقی نیز سرایت کرده است. برخی از حقوقدانان با پذیرفتن ضمانت اجرای غیرقابل استناد در صدد توجیه و جمع این دو ماده است چرا که پذیرفتن این نوع ضمانت اجرا «هر چند از لحاظ نسبی بودن با مفهوم متعارف بطلان ناسازگار به نظر می‌رسد. برعکس، تحلیل موضوع به عدم قابلیت استناد این گونه معاملات در برابر شفیع، هر چند از لحاظ نسبی بودن با مفهوم متعارف بطلان سازگار نیست، اما این حسن را دارد که عدم نفوذ آغازین معامله را در برابر شفیع به خوبی نشان می‌دهد و او را چنانچه ماده ۸۱۶ قانون مدنی مقرر داشته است، از اقامه دعوا و درخواست ابطال بی‌نیاز می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۹۷، ص ۲۹۰). برخی نیز با پذیرفتن ضمانت اجرای غیر نفوذ مراعی سعی در پیدا کردن ضمانت اجرایی در جهت حل تعارض برآمده است «معاملات مشتری قبل از اخذ به شفعه هر چند به طور صحیح منعقد شده است، به جهت وجود یک مانع که همان احتمال اعمال یا عدم اعمال حق شفعه است، با وضعیت مراعی روبه رو بوده است، لذا وضعیت قرارداد منوط به مشخص شدن وضعیت اعمال یا عدم اعمال حق شفیع است» که در صورت اعمال حق شفعه خود معامله از ابتدا باطل می‌شود (محقق داماد و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۷). وجود این اختلاف نظرها بین دکترین حقوقی ضرورت انجام پژوهش‌های بیشتر در این زمینه را در جهت رفع ابهام محسوس تر می‌کند، در این راستا هدف از این پژوهش بررسی «حدود و ثغور تعارض دو حق در تصرفات منافی ناشی از اعمال حق شفعه» است.

۲- مبنای حل تعارض دو حق در تصرفات منافی در قراردادها:

برای پیدا کردن مبانی نظری تعارضات دو حق به خصوص تقابل دو حق عینی می توان قائل بر این شد که در وهله اول بهترین گزینه استناد به قاعده جمع عرفی و در غیر این صورت به سراغ ترجیح یا تسقیط در تعارضات مستقر برویم، لذا ابتدا به بررسی موردی قاعده جمع و سپس به بررسی ترجیح می پردازیم

۱-۲. قاعده جمع در تعارضات حقیقین در قراردادها:

با استفاده از این قاعده می توان گفت که از آن جا که مدرک این قاعده حکم عقل است، لذا در جایی که بین دو حق تعارضی به وجود آمده که این دو نوع تعارض با استناد به قاعده جمع قابل حل باشد، لذا معنی ندارد حکم به کنار گذاشتن و تساقط داد. واژه «جمع» موجود در این قاعده که از نوع جمع دلالی یا جمع عرفی یا جمع مقبولی است یعنی؛ جمعی که مورد پسند عرف و بر پایه شاهد و قرینه لفظی است، برخلاف جمع تبرعی که فاقد شاهد و قرینه است. لذا وقتی به این قاعده استناد می کنیم باید به این مورد نیز توجه داشته باشیم که حتما قرینه ای برای استناد به این قاعده داشته باشیم. هدف از بیان ضمانت اجرا و حکم تصرفات منافی در بحث تصرفات منافی با حق شفعه؛ توجیه و اعمال قاعده جمع تا جایی که امکان دارد است، لذا پیرو این امر در جایی که ما در اعمال حکم تعارض و تصرفات منافی می پردازیم، قاعده جمع نقش بسزایی ایفاء می کند چرا که در اینکه برخی از بزرگان حقوق و فقه قائل بر بطلان یا غیر نافذ .. هستند، می توانند با نگرشی منطقی به قضیه تا حدی که امکان دارد بین دو حق جمع عرفی ببندند به طوری که ما اگر پیرو نظریه بطلان یا غیر نافذ به طور مطلق یا غیر نافذ مراعی هستیم، این بحث ایجاد می شود که در صورت تعارض معامله دوم باید از ابتدا باطل باشد در حالی که چنین نیست. وجود تعارضات بین دو حق در معاملاتی که در بنای آن برای شریک دیگر حق شفعه وجود دارد. براساس ماده ۸۱۶ قانون مدنی؛ اخذ به شفعه باعث می شود هر معامله را که مشتری قبل از آن و بعد از عقد بیع نسبت به اخذ به شفعه نموده اند را باطل می کند. مشتری بعد از بیع براساس قاعده تسلیط می تواند هر نوع تصرفی را در مورد معامله انجام دهد ولی این مشکل هست که شفیع بخواهد از حق شفعه خود که با وقوع بیع ایجاد شده استفاده نکند، در این صورت بین دو حق شریک مال و خریدار تعارض ایجاد می شود و این تعارضات باید به گونه ای حل بشود، ماده ۸۱۶ حق را به شفیع داده نه خریدار چون به صراحت ماده گفته شده؛ هر معامله ای که مشتری قبل و بعد از ایجاد حق شفعه کرده باطل است. لذا ایجاد چنین تعارضاتی بین دو حق ناشی از تصرف منافی باعث اختلاف نظر بین اساتید حقوق در زمینه حکم تصرفات منافی و ضمانت اجرای آن شده است، با این وجود اکثر نویسندگان یا به صراحت ماده ۸۱۶ قانون مدنی قائل به بطلان و یا قائل به غیر نافذ به صورت مطلق یا قائل به عدم نفوذ مراعی هستند (فلاحی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۵). جدا از نظریات گفته شده که در جای خود به طور مفصل بررسی خواهد شد این بحث ملاک است که تا جایی که امکان دارد باید بین تعارض دو حق عینی سازگاری ایجاد نمود. بدین ترتیب که وقتی ماده ۸۱۶ و ۸۱۹ قانون مدنی را در کنار یکدیگر قرار می دهیم، تعارضات بین این ماده باعث اختلاف نظر بین حقوقدانان نیز در اعمال ضمانت اجرای تصرفات منافی نیز می شود. کسانی که قائل به عدم نفوذ و یا بطلان معامله خریدار به دلیل وجود تعارض و تصرفات منافی هستند معتقدند که تصرفات منافی خریدار در صورت رد توسط شفیع در ضمانت اجرای عدم نفوذ یا ضمانت اجرای بطلان، معامله خریدار و حق ایجاد شده برای او از اول باطل می شود، با دقت در نظر این اساتید و هم چنین با عنایت به ماده ۸۱۹ قانون مدنی و نیز تمسک به قاعده جمع می توان گفت که تا زمانی که شفیع حق شفعه خود را اعمال نکرده است حق عینی به وجود آمده برای خریدار قابل احترام است و حق عینی او و مالکیت او از نوع مالکیت مستقر نیز نیست، لذا با

کمک قاعده جمع می توان قائل بر این نظر بود که تا زمان ایجاد اخذ به شفعه تعارضی بین دو حق عینی ایجاد نمی شود و با قاعده جمع می توان بین این دو حق سازگاری ایجاد کرد.

۲-۲. قاعده ترجیح:

در صورتی که دو تعارض مستقر وجود داشته باشند در این بین دو حالت وجود دارد: الف: اگر یکی از دو حق بر دیگری ترجیح داشته باشد باید آن را ترجیح بدهیم (ب). اگر یکی بر دیگری ترجیح نداشته باشند؛ قاعده اولیه این است که هر دو دلیل ساقط بشوند و به قواعد دیگر در این حالت باید رجوع کرد و از نظر شرعی باید معتقد به تخییر شد. لذا در حالتی که بین دو حق تعارض وجود دارد ممکن است حالت ترجیح رخ دهد یعنی یکی از دو حق متعارض بر حق دیگر ترجیح داده بشود، و این در صورتی اعمال می شود که متعارضین دو حق مساوی نباشد (تساقط در این حالت حاکم است) و امکان ترجیح باشد. در رابطه با پژوهش صورت گرفته وقتی بین دو حق متعارض ناشی از تصرفات منافی با حق شفعه تضادی ایجاد می شود باید تا جایی که امکان دارد توسط به قاعده جمع شد و بین این دو حق عینی رفع تعارض کرد در صورتی که قابل جمع نباشد و تعارض از نوع تعارض مستقر باشد باید ابتدا این مورد را بررسی کرد که آیا بین دو حق عینی می توان یکی را بر دیگری ترجیح داد یا نه؟ در صورتی که بین دو حق متعارض حالت تساوی و تعادل برقرار است باید آخرین گزینه یعنی تساقط را انتخاب کرد و حکم به سقوط هر دو حق متعارض داد که امکان سازگاری بین آنها وجود ندارد. یکی از مسائل مورد بحث در باب تعارض دو حق بحث تقدم زمانی است (قافی و همکاران، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۱۷۸)؛ به عبارتی باید قائل بر این عنوان شد که وقتی حالت تعارض بین دو حق ایجاد می شود و بین این دو حق وحدت زمان نیست و هر کدام از حق ایجاد شده در زمان های مختلف ایجاد شده اند، کدام یک از آنها ملاک اند؟ آیا می توان حکم به تساقط هر دو حق داد یا می توان یکی از حق عینی را بر دیگری ترجیح داد؟ در فقه بحث بر سر زمان یکی از مسائل مهم است، در احادیث متعددی آمده است که در صورت تعارض میان دو روایتی که از نظر زمانی تقدم و تأخر دارند، روایتی که زمان صدور آن مؤخر است بر دیگری ترجیح داده می شود. ولی در حوزه قراردادی مؤخر بودن زمان صدور متناسب با اعمال حقوقی فرق می کند اینکه بحث بر سر دو حق متعارض برای دو شخص متفاوت است، وقتی بحث از تعارض مستقر و واقعی است دیگر لزومی به حل قاعده با قواعدی چون تخصیص، حکومت، ورود و.. نداریم چرا که این قواعد در جایی است که تعارضات صورت گرفته از نوع واقعی نیست و صرفاً در ظاهر تعارض دیده می شود و در باطن هیچ مشکلی ندارند. در قراردادهای وقتی حق ولو متزلزل برای شخص ایجاد می شود و بعد از آن حقی دیگر ایجاد می شود بحث ترجیح بهتر از استناد به تساقط است. در اعمال حقوقی متعارض در دو زمان مختلف بخصوص در جایی که هر دو حق از نوع اعمال حقوقی رضایی است، ملاک با حق و مالکیتی است که از لحاظ زمانی مقدم است. بدین ترتیب باید اعتقاد بر این شد که در بحث تخییر که در اصول فقه در شریعت مطرح می شود در قراردادها نمی تواند معنی داشته باشد چرا که مختار بودن در انتخاب یکی از این دو حق باعث غرر و نادیده گرفتن حق مکتسبه می شود و خلاف عدالت نیز هست چرا که این که دو از جانب دو شخص متفاوت است این مشکل را ایجاد می کند که مکلف و کسی که باید تخییر را اعمال کند چه کسی است؟ لذا باید بر این باور بود که در حوزه قرارداد وقتی دو حق عینی متعارض از دو شخص متفاوت در تقابل هم قرار می گیرند و این تعارضات از نوع تعارضات واقعی و مستقر است باید دید که آیا قابل ترجیح است یک حق بر حق دیگر؟ اگر قابل ترجیح نیست در این صورت باید قائل به تساقط هر دو حق عینی شد. بنابراین در زمانی که شریکی سهم خود از مال مشاع قابل تقسیم را به ثالثی در قالب عقد بیع منتقل می کند، با توجه به اینکه قانونگذار حق شفعه

را حقی ویژه برای شریک (شفیع) بر مبنای قاعده لاضرر اعطاء می کند، بدین ترتیب چنین حقی به محض انعقاد عقد بیع برای شفیع ایجاد می شود، لذا حق شفیع مقدم تر از حق خریدار مال مشاع است، در بر مبنای قاعده ترجیح؛ حق شفیع از لحاظ زمانی مقدم تر از حق خریدار مال مشاع است که در این حق مقدم (حق شفیع) باید ترجیح داده بشود. منتها ترجیح حق شفیع چه آثاری بر معامله شریک با خریدار (بر مبنای تصرف حقوقی منافی) دارد؟ به عبارتی ماهیت ضمانت اجرای اعمال حق شفیع بر معاملات شریک با خریدار (تصرفات حقوقی منافی) چیست؟ برای انتخاب ضمانت اجرای متناسب با قاعده ترجیح (تقدم زمانی)، لازم است هر یک به صورت جداگانه بررسی شود:

۳. ضمانت اجرای تعارض بین دو حق در اعمال حق شفیع:

صحت عقد در ابتدا و بطلان آن بعد از اعمال اخذ به شفیع در حقوق امری نادر و استثنائی است. حق شفیع به عین مبیع تعلق گرفته نه به عقد، ولی معامله و فروش مشتری درست و صحیح است چرا که این نقل و انتقال خللی به حق او ایجاد نمی کند. و اعمال و اجرا حق شفیع مصادف با انفساخ است که متناسب با اراده طرفین و اصل صحت است نه عدم نفوذ (اعم از موقوف، مراعی) یا غیرقابل استناد. با اینکه در فقه این بحث مطرح است که تصرف در عین متعلق حق غیر ممنوع است و از باب این ممنوعیت باید قائل به عدم نفوذ شد، ولی نظر مشهور در فقه که مبنای قانون مدنی است مشتری در ابتدا مالک است و حق هرگونه تصرف را دارد و هنوز اخذ به شفیع اعمال نشده است و م ۸۱۹ قانون مدنی نیز موبد این است لذا تصرفات مشتری قبل از اخذ به شفیع صحیح می دانند و حتی برخی از فقهاء بر این مورد ادعای اجماع نیز کرده است (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۵۱).

۳-۱ نظریه عدم نفوذ:

با فروش توسط مشتری، حق شفیع ساقط نمی شود. بلکه می توان از مشتری اعمال شفیع کرد و معامله او فضولی است (امامی، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۳۹) و با توجه به اینکه حق شفیع به عین تعلق گرفته لذا تصرفات منافی عین، غیرنافذ است مگر به اذن صاحب حق، در حالی که اگر حق شفیع به عقد تعلق بگیرد معامله دوم صحیح است (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶ق، ج ۸، ص ۲۹۰؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۳). این نظر در جای خود ایراد را دارد که با تمسک به ماده ۸۲۱ قانون مدنی که اشاره به فوریت این حق دارد، اگر بعد از اطلاع از وقوع بیع به فوریت اعمال حق شفیع از سوی شفیع صورت نگیرد، حق شفیع او ساقط می شود در حالی که در عقد فضولی و غیرنافذ موقوف تا زمانی که شفیع رد یا تنفیذ نکرده اصلا معامله صحیح نیست.

۳-۲ نظریه مراعی:

مراعی در جایی است که حق ثالث احتمالی است و نسبت به حق او معامله می شود، در واقع مالکیت ثالث بالقوه است. و شاید طرفداران این نظریه بر این باور است که به محض انعقاد بیع، حق شفیع ایجاد می شود و قطعی است نه احتمالی، ولی اخذ به شفیع یعنی اجرای حق احتمالی است لذا این بالقوه بودن و احتمالی بودن و نیز وجود مانع که عقد را در حالت مراعی نگه می دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱) بهترین توجیه برای اعمال ضمانت اجرای غیرنافذ مراعی است. در جهت توجیه این نظر برخی بر این باورند که عبارت؛ معاملات مشتری از روز نخست باطل (به مفهوم اخص کلمه) می شود، اما در تحلیل اینکه چگونه می توان قرارداد صحیح را از روز نخست باطل دانست، باید گفت که معاملات مشتری قبل از اخذ به شفیع هرچند به طور صحیح منعقد شده است، به جهت وجود یک مانع که همان احتمال اعمال یا عدم اعمال حق شفیع است، با وضعیت مراعی روبه رو بوده است، لذا اگر مانع برطرف نشود معامله از ابتدا باطل می شود و اگر مانع برطرف شود معامله خود به خود صحیح

است (محقق داماد و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۷). ولی این نظر درست نیست چرا که در قبل از اخذ به شفعه ما معتقدیم که تصرفات مشتری درست است و استناد ما به تصریح قانون مدنی یعنی ماده ۸۱۹ است، و اصل بر صحت معاملات او هست در حالی که در مراعی وقتی مانع ایجاد شد معامله از اول باطل می شود، در حالی که این کشف به عقب و از ابتدای عقد باطل بودن، خلاف ظاهر قانون، اراده و توافق طرفین و خلاف اصل صحت است.

۳-۳ دیدگاه بطلان:

برخی با استناد به ظاهر ماده ۸۱۶ قانون مدنی و هم چنین به دلیل اینکه حق شفیع مقدم تر است معاملات معارض بعدی را باطل می دانند و شفیع با توجه به اینکه حق عینی بر مبیع دارد و این حق مقدم تر است و یکی از اوصاف اساسی حق عینی نیز این است که در برابر همگان قابلیت استناد دارد و همه افراد چنین حقی را محترم بشمارند، لذا بعد از بطلان معاملات معارض در دست هر کسی باشد می تواند مال خود را بردارد (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۷۳؛ محقق داماد، ۱۴۲۶ ق، ص ۸۶). این نظر دارای این ایراد در مسئله قبلی را دارد، یعنی اگر باطل بدانیم یعنی از اول باطل است و این درست نیست چون تصرفات مشتری قبل از اخذ به شفعه کاملاً صحیح است و هم چنین در ماده ۴۹۶ قانون مدنی بطلان در معنای انفساخ است نه در معنای خاص خود، پس بهتر است در این موارد نیز دست از ظاهر قانون کشید و بطلان در ماده ۸۱۶ قانون مدنی را بطلان در معنای عام خود در نظر گرفت.

۳-۴ نظر به عدم قابلیت استناد:

این نوع ضمانت اجرا نشانگر صحیح بودن تصرفات ناقله از سوی شریک است ولی از آن جا که حق شریک بر حق مشتری مقدم است، لذا معاملات منافی با حق شفعه در برابر شفیع قابل استناد نیست و شفیع می تواند از مشتری بگیرد، لذا معامله شریک با خریدار درست است و وجود حق شفعه مانع انعقاد و اجرا معامله صورت گرفته نیست متتهاء اگر شفیع اخذ به شفعه کرد معامله صورت گرفته در برابر شفیع قابلیت استناد ندارد و در دست هر شخصی باشد به دلیل تقدم حق او می تواند اخذ کند ولی معامله بین شریک و خریدار در جای خودش باقی و صحیح است، منتها لازمه امکان امکان اخذ به شفعه بعد از انتقال مبیع این است که قرارداد در برابر شفیع قابل استناد نباشد (کاتوزیان، ۱۳۹۷، ص ۲۳۴). این نوع ضمانت اجرا در محل خود دارای ایراد اساسی است که ماهیت برگرفته از فقه ندارد و برگرفته از حقوق غربی است و تا جایی که در کشور اسلامی با استناد به منابع فقهی ضمانت اجرا پیدا کرد بر مسئله حادث شده، بهتر از حقوق غربی کمک نگیریم و هم چنین این نوع ضمانت اجرا خلاف ظاهر ماده ۸۱۶ قانون مدنی است چرا که وقتی قانون گذار از کلمه بطلان استفاده کرده است در مقام بیان انحلال معامله است در حالی که در ضمانت اجرای غیر قابل استناد فقط معامله برای شفیع غیر قابل استناد است و کاری به سرانجام معامله صورت گرفته ندارد و این برخلاف ظاهر ماده ۸۱۶ قانون مدنی است.

۴- ضمانت اجرای پیشنهادی در رفع تعارض بین دو حق در این مورد:

برخی از حقوقدانان با عنایت به اینکه ضمانت اجرای انفساخ خلاف ظاهر ماده ۸۱۶ قانون مدنی است و خلاف کلمه «بطلان» که در ماده ۸۱۶ تصریح شده است، لذا قائل به رد این نوع ضمانت اجرا هستند (محقق داماد و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۴). ولی براساس مطالب ذکر شده معتقد بر این نظر شده ایم؛ در جایی که بین دو حق تعارضی وجود دارد در وهله اول سعی بر این باشد که تا جایی که ممکن است به قاعده الجمع استناد کنیم و سعی در جمع بین دو حق متعارض باشیم، برای حل تعارض بین دو حق پیدا کردن ضمانت اجرا در این زمینه بهتر است دنبال قرینه و اماره بگردیم، در این نوع تعارض حق عینی

بهترین گزینه برای تایید حکم وضعیت حقوقی معاملات متعارض باید به ماده ۸۱۹ قانون مدنی اشاره کرد که در جهت تفسیر کلمه «بطلان» می‌توان گفت که منظور بطلان در ماده ۸۱۶ قانون مدنی؛ بطلان در معنای اعم خود است نه در معنای اخص بطلان (که باعث می‌شود معامله صورت گرفته از ابتدا و از زمان انعقاد باطل باشد)، چون اخذ به شفعه از مشتری صورت می‌گیرد نه شریک (فروشنده)، انفساخ در این صورت از مراعی بهتر است. به عبارتی حق شفیع به عین مورد معامله تعلق می‌گیرد نه عقد صورت گرفته، لذا نباید در از بین رفتن حق شفیع تردید کرد چرا که این حق شفیع نیز همراه با عین است و فرقی نمی‌کند در دست چه کسی باشد، بنابراین در جایی که حق شخصی به مالی تعلق بگیرد و تصرفات ناقله در آن واقع شود، اگر این انتقال باعث از بین رفتن حق نگردد بین حق غیر و تصرف مالک تضادی نیست و حق شفیع بعد از انتقال نیز همراه با عین مورد معامله است لذا این انتقال شریک به خریدار صحیح است ولی وقتی اخذ به شفعه زمینه اش برای ظهور فراهم باشد، تضاد نیز ظاهر می‌شود چرا که شفیع بعد از اخذ به شفعه مالک واقعی تلقی می‌شود و تصرفات مشتری بعد از اخذ به شفعه شفیع باعث ضرر دیدن شفیع می‌شود که خلاف قاعده لاضرر است، به همین خاطر به محض اخذ به شفعه از سوی شفیع، معامله شریک با خریدار، خود به خود به دلیل تعارض با حق شفیع ساقط و منسوخ می‌شود چرا که حق عینی شفیع مقدم تر از خریدار است.

نتیجه

اشخاص در استفاده از حق خود و تصرفات ناشی از ملکیت خود ممکن است به دلیل تعارض قرار گرفتن با حق اشخاص دیگر به مشکل برخورد کند، یکی از این تعارض‌های بین دو حق عینی؛ بحث بر تعارض اعمال حق شفعه با تصرفات منافی خریدار است. براساس استناد به قاعده اقدام تا جایی که شفیع اعمال حق نکرده است، معاملات بین شریک (فروشنده) با خریدار صحیح است، لذا در اینجا تعارضی وجود ندارد و می‌توان به قابل جمع بودن بین دو حق عینی کرد. اما با اعمال حق شفعه از سوی شفیع، تعارض مستقر بین دو حق شفیع و خریدار ایجاد می‌شود که با استناد به قاعده تراجیح و محترم شمردن تقدم زمانی؛ برتری با حق شفیع است، لذا در خصوص ضمانت اجرای اعمال حق شفعه نسبت معامله معارض خریدار (تصرف منافی)، با استناد به ماده ۸۱۹ قانون مدنی باید قایل به پذیرش این نظر شد که منظور از کلمه «بطلان» در ماده ۸۱۶ قانون مدنی، بطلان در معنای عام خود است نه در معنای خاص خود، به عبارتی در صورت اعمال حق شفعه باید قائل به پذیرش ضمانت اجرای انفساخ شد؛ چرا که تا زمانی که شفیع حق خود را اعمال نکرده است معامله صحیح است و به تبع آن منافع منفصل نیز در این مدت از آن خریدار است (با الهام از ماده ۸۱۹ ق.م)، ولی بعد از اعمال حق شفعه به دلیل قاعده تراجیح و تقدم زمانی حق شفیع، معامله معارض خریدار (تصرفات منافی او) از آن لحظه به بعد از بین می‌رود و معامله منسوخ می‌شود و این نظر متناسب با ۱- جمع بین دو ماده ۸۱۶ و ۸۱۹ قانون مدنی ۲- اصل صحت ۳- اراده طرفین است.

منابع

- امامی، حسن (۱۳۷۹). حقوق مدنی، جلد سوم، تهران، انتشارات اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸). حقوق مدنی؛ رهن صلح، چاپ سوم، تهران؛ انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۴۰۰). مجموعه محشی قانون مدنی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴). تذکره الفقهاء، ج ۱۲، قم: موسسه آل‌البیت.

شریعتی، سعید، قافی، حسین (۱۳۹۳). اصول فقه کاربردی. ج ۳، چاپ دوم، انتشارات سمت.
طباطبایی قمی، سید تقی (۱۴۲۶). مبانی منهاج الصالحین، ج ۸، قم: قلم الشرق.
طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱). حاشیه المکاسب، ج ۲، چاپ دوم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۷). الدروس الشرعیة فی فقه الامیه، بیروت: دار التراث - الدار الاسلامیه.
فلاحی، آزاد (۱۳۹۵). بررسی وضعیت حقوقی مراعی و مقایسه آن با نهادهای مشابه در سایر نظام های حقوقی معاصر، رساله دکتری دانشگاه خوارزمی.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چاپ چهل و سوم، تهران، انتشارات میزان.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۷). ایقاع، نظریه عمومی - ایقاع معین، چاپ هفتم، تهران: انتشارات میزان.
محقق داماد، سید مصطفی، قبولی درافشان، سید محمد مهدی و ساعت چی، علی (۱۳۹۴). تحلیل وضعیت حقوقی معاملات مشتری، نسبت به مورد شفعه. آموزه های فقه مدنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۱، ۱-۲۰.

انسان به مثابه حرکت در تمدن نوین اسلامی

مرتضی شجاری، استاد گروه فلسفه دانشگاه تبریز

چکیده

در تمدن نوین اسلامی نگرشی نوین به خدا، هستی، قرآن و انسان ضرورت دارد؛ نگرشی که می توان پایه و اساس آن را از متفکران بزرگ دریافت کرد. کوشش نگارنده در این بحث ارائه نگرشی جدید به انسان با استفاده از حکمت صدرایی است. متفکران پیش از ملاصدرا در تعریف و حقیقت انسان اقوال گوناگونی داشته اند. متکلمان معمولاً انسان را موجودی دارای تکلیف می دانستند. فیلسوفان مشایی انسان را حیوان ناطق تعریف کرده اند و عارفان وجه خاص انسان را که او را از موجودات دیگر متمایز کرده است، عشق دانسته اند؛ چنانکه مثلاً آیت الله جوادی آملی - به عنوان یک عارف فیلسوف - انسان را «حی متألّه» تعریف کرده است. تمامی این تعریف ها دارای دو مغالطه است. یکی مغالطه کنه و وجه و دیگری خلط میان واقعیت و حقیقت. ملاصدرا انسان را «وجودی ثابت و سیال» می داند که دائم در حرکت است. چنین تعریفی واقعیت انسان را بیان کرده است که شامل تمامی انسان ها با هر خصوصیتی که دارند می شود. بنابر چنین تعریفی کمال انسان آن نیست که آدمی بدان رسیده و متوقف شود؛ بلکه کمال انسان حرکت دائمی است.

کلمات کلیدی: انسان، حرکت، تکلیف، اندیشه، عشق



تحلیل و بررسی ابعاد تفسیر اعجازی و علمی قرآن کریم در پیشرفت تمدن نوین اسلامی

مراد یوسفی [۱]

چکیده:

قرآن کتاب سعادت و هدایت بشریت است و چنانچه متناسب با آیات قرآنی اگر به مسائل علمی پرداخته می شود و اسرار و شگفتی های آفرینش آشکار می گردند، باید در راستای هدایت و سعادت، ارزیابی و تبیین گردند. اگرچه بررسی مباحث علمی قرآن کریم سابقه ای دیرینه در تاریخ دارد، اما زمانی که مسلمانان در تمدن سازی دچار انحطاط و عقب ماندگی گردیدند و پیشرفت های حیرت آور تمدن غرب را در سایه حشمت و جلال علوم تجربی دیدند، نیت دفاع از حریم مقدس قرآن، برخی از اندیشمندان و مفسران را بر آن داشت که رویکرد علمی به تفسیر، هم این کتاب الهی را از بزرگترین اتهام دوران خود یعنی غیرعلمی بودن، مصون سازد و هم باعث رفع تباین و تعارض علم و دین شود و با ایجاد شوری عالمانه در جوامع اسلامی، موانع تحقق تمدن نوین اسلامی را نیز برطرف می سازد. تفسیر علمی مطلوب، علاوه بر افزودن ایمان مومنان، به حکمت و قدرت آفریننده ی هستی و یقین بر حقانیت و وحانیت قرآن کریم، جامعه اسلامی را در کنار آموزش های اخلاقی و معنوی، با فرهنگ علم آموزی و دانش اندوزی و اندیشه ورزی های عالمانه بیشتر آشنا و مأنوس خواهد نمود. در این پژوهش با استفاده از مطالعه ی کتابخانه ای به تحلیل و بررسی ابعاد تفسیر اعجازی و علمی قرآن کریم در پیشرفت تمدن نوین اسلامی، پرداخته شده است که نتایج این بررسی، نشانگر اثرگذاری مستقیم این نوع دیدگاه بر روی پیشرفت تمدن نوین اسلامی بوده است.

واژگان کلیدی: تفسیر، اعجاز علمی قرآن، تمدن نوین اسلامی،

[۱] دانشجوی دکتری، رشته فلسفه دین، دانشگاه آزاد، تهران، ایران. morad.yosefi.99@gmail.com

۱. مقدمه

در دوران بلند قرون وسطی، تاریکی جهل، نادانی و خفقان ارباب کلیسا، بر بخش عظیمی از جهان سایه افکنده بود؛ که به حق می توان آن را یک شب هزار ساله نامید، عالمانی که نظراتشان با نظرات ارباب کلیسا مغایر بود، به انحاء گوناگون آزار، اذیت، شکنجه و حتی کشته و سوزانده می شدند، ولی سرانجام مساعی دانشمندان نتیجه داد و ارباب کلیسا از سریر قدرت و نخوت پایین افتادند، البته بی سبب نبود که اولین پژوهش های علمی پیرامون نحوه حرکت کرات منظومه شمسی، یعنی یک امر گزینش شده بود. می خواستند فرضیه «هیأت هیپارک^۱» را که کلیسا آن را پذیرفته بود، براندازند، چون با برانداختن آن خیلی از چیزها از جایگاهش بر می افتاد، ولی با فرونشستن نخوت قرون وسطایی ارباب کلیسا، متأسفانه کم کم علوم جدید دچار همان غروری شد که ارباب کلیسا بدان مبتلا بود: «پس از تجدید حیات علمی (رنسانس) واکنش طبیعی دانشمندان این شد که از مخالفان دیروز خود انتقام گیرند؛ انتقامی که در ایام ما هم پیگیری می شود. به حدی که اکنون در غرب صحبت کردن از خدا در یک محیط علمی خود را انگشتنما کردن است» (بوکای، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

با نهادینه شدن نگاه پوزیتیویستی به علوم جدید اصطلاح «علمی» پدیدار شد و آنچه که در محدوده حس و تجربه نبود، مارک غیر علمی خورده، تماماً خرافات انگاشته شدند؛ یعنی بسیاری از حقایق مثل روح، وحی، فطرت، دین، معاد ... با این بهانه که قابل حس و تجربه نیستند، افسانه و خرافه تلقی گردیدند، یعنی «علمی بودن» مساوی شد با درست و صحیح و «غیر علمی» مرادف گردید با نادرست و غلط. به عبارتی، مارک غیر علمی بدترین علامتی بود که وقتی به پیشانی هر اندیشه ای می خورد، نادرست و غلط تلقی شده، در ردیف افسانه ها قرار می گرفت و مارک علمی هم معیار تأیید همه چیز شد. لذا همگان سعی می کردند نشان دهند که اندیشه آنها علمی است. لذا بسیاری از اندیشمندان اسلامی و مفسران وقتی که به تدریج ابهت، حشمت و عظمت تمدن غرب، هیمنه علم و معرفت جدید و تعارض آشکار آموزه های ارباب کلیسا با علم دیدند؛ برای مصون نگه داشتن قرآن از مارک «غیر علمی» آنها را بر آن داشت که با نیت دفاع از حریم قرآن و دین، اما در بسیاری از موارد ناپخته و ناشیانه، اثبات نمایند که نه تنها تعارضی میان علم و قرآن نیست، بلکه بسیاری از واقعیات علمی را که امروزه کشف می شود، قرآن چهارده قرن پیش بیان داشته است.

به همین دلیل تفسیر علمی که یکی از اهدافش اثبات اعجاز علمی قرآن بود، به سرعت به عنوان یک رویکرد تفسیری متولد، رشد و توسعه یافت (هرچند به صورت اجمالی و جزئی در گذشته وجود داشت). اما هزاران سال به دلیل عدم آشنایی مفسران با جهان بینی، روش، محتوا و عناصر علوم تجربی و عدم تفکیک فرضیه های (تئوری ها و نظریه ها) علمی از قوانین علمی و همچنین به دلیل عدم توجه عمیق به معانی واژگان قرآنی و نبود نگرش سیستمی به آیات قرآن و سیاق های آن و... نه تنها

^۱ Hipparchus board

خدمت شایانی که انتظار می رفت، مشاهده نشد، بلکه خود باعث تطبیق و تأویل های نادرست گردید که هم با معانی واژگان و هم با سیاق های آیات مخالف بود.

ولی اکنون بعد از چهار و نیم قرن از تولد علم جدید، بسیاری از اندام هایش رشد نموده و مثل درختی که به بار نشسته، انواع میوه های سالم و ناسالم و حتی مسمومش معلوم و مشخص گردیده است. در سایه خدمات علوم تجربی است که زمین، این تنها زیستگاه بشر به تنگی نفس افتاده است. در طول ملیون ها سال به اندازه این چهار و نیم قرن با نابودی جدی مواجه نگردیده بود؛ خلاصه این که اگر محدودیت های علوم تجربی مشخص گردد، تفسیر علمی درست تعریف شود و بر اساس مبانی صحیح به صورت موضوعی-لجنه ای (در قالب گروه های تخصصی از مفسران و دانشمندان تجربی) البته روشمند ارائه شود، نه صرف تطبیق و تطابق آیات قرآن و حقایق و فرضیات علمی بر یکدیگر، می تواند نقش مثبت و مؤثری در باز فهمی صحیح آیات قرآن، رفع تعارض علم و دین و ایجاد شور علمی در میان عالمان ایفاء نموده، راه را برای تجدید حیات تمدن نوین اسلامی هموار نماید.

بنابراین در این پژوهش به تحلیل و بررسی ابعاد تفسیر اعجازی و علمی قرآن کریم در پیشرفت تمدن نوین اسلامی، پرداخته شده است.

۱.۱. اهداف

هدف اصلی

✚ تحلیل و بررسی ابعاد تفسیر اعجازی و علمی قرآن کریم در پیشرفت تمدن نوین اسلامی

اهداف فرعی

✚ بررسی نقش اساسی تفسیر علمی (علوم تجربی) قرآن کریم در ساختار تمدن نوین اسلامی

✚ بررسی تأثیر نگرش علمی به فهم و تفسیر قرآن در شکل گیری آسیب ها و چالش های احتمالی در روند

بازسازی تمدن اسلامی

۲.۱. پیشینه تحقیق

گرچه از همان ابتدای نزول قرآن، توجه به مسائل علمی قرآن در میان برخی مفسران اجمالاً وجود داشته و از اطلاعات علمی آن روزگار در تفسیر برخی از آیات قرآن بهره می گرفتند- که البته بسیاری از اطلاعات علمی آن روزگار نمی توانست صحیح و مطابق با واقع باشد- ولی هم روشمند نبود و هم یک رویکرد تفسیری به حساب نمی آمد. «در این میان فخر رازی را باید استثنا تلقی کرد، چون تفسیر علمی آشکارا یکی از جنبه های تفسیر او تلقی می شود. او که در غالب دانش های روزگارش دستی داشته است، درکنار مباحث ادبی، کلامی و... از آگاهی های علمی آن دوره نیز در تبیین مراد آیات بهره های

وافر برده است. اهتمام او به مباحث علمی، در تفاسیر پس از او دنبال نشد و این رویکرد به قرآن تا زمان معاصر جریان قابل توجهی نبوده است» (اسعدی، ۱۳۹۴: ۴۳۲).

تفسیر علمی در آغاز دوره جدید شکوفایی و تجدید حیات اسلام که با ظهور سید جمال الدین اسدآبادی شناخته می شود، به صورت یک جریان مستقل تفسیری پدیدار گشت و با سرعت مسیر کمال و بالندگی خود را پیمود. در این کتاب های مستقل تفسیری یا سایر نگاشته ها، اولاً جهان بینی، متد و اهداف علوم تجربی مورد کنکاش قرار نگرفته و دوم اینکه تفسیر علمی چه نقشی می تواند در احیاء و شکوفایی تمدن نوین اسلامی داشته باشد هیچ اشاره ای نشده است، که سعی خواهد شد رابطه و نسبت تفسیر علمی با تمدنسازی مشخص گردد.

۳.۱. روش تحقیق

روش انجام تحقیق در این پژوهش به صورت مطالعه ی کتابخانه ای و با استفاده از روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است.

۲. نتایج

۲-۱ اعجاز در لغت و اصطلاح

معجزه و اعجاز از ریشه عجز بوده و «عجز» در معانی مختلفی مانند تأخر از چیزی، ضعف در مقابل قدرت از دست رفتن چیزی، یافتن ضعف و ایجاد ضعف در دیگری البته وقتی که در باب افعال و تفعیل بکار رود: «عَجَزَ، اصلش درنگ کردن و تأخیر از چیزی است. عجز در سخن معمولی اسمی است برای کوتاهی کردن از انجام کار و نقطه مقابل قدرت و توانایی است. گفت: «أَعْجَزْتُ أَنْ أَكُونَ» (مائده/۳۱) (سخن یکی از پسران آدم است پس از اینکه دید کلاغ زمین را گود می کند، می گوید: آیا من از این کلاغ ناتوانترم؟!». «أَعْجَزْتُ فَلَانًا وَ عَجَزْتُهُ وَ عَجَزْتُهُ: او را ناتوان ساختم، در آیات: وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ (توبه/۲) وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ (عنکبوت/۲۲) وَ الَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ (حج/۵۱) که -مُعْجِزِينَ- هم خوانده شده، پس -مُعْجِزِينَ- یعنی کسانی که می پندارند و می اندیشند که ما را ناتوان می کنند، زیرا چنین حساب کرده اند که بعث و نشوری برای آنها، که پاداش و مجازاتشان دهد نیست (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۵۲ و ۵۳).

اصطلاح معجزه و اعجاز به کرات در کتب مختلف تعریف شده و دانشمندان اسلامی آن را امر خارق العاده ای که گواه و دلیل صدق ادعای نبوت نبی بوده که همراه تحدی و مبارزه طلبی و عجز از اتیان مانند آن می باشد، تعریف کرده اند. البته این امر خارق العاده باید از سوی خدا باشد نه اینکه در اثر ریاضت حاصل شود. دایره المعارف قرآن کریم به نحو مستوفی به بحث معجزه پرداخته است: «اعجاز و معجزه از اصطلاحات کلامی و به معنای امری خارق العاده همراه با تحدی و سالم از معارضه است که خداوند آن را به دست پیامبرش پدید می آورد تا نشان راستی رسالت وی باشد. اصطلاح معجزه و اعجاز به این معنا در قرآن کریم به کار نرفته؛ اما الفاظ دیگری آمده که بر معجزه حمل شده است؛ مانند: بینه و آیه (اعراف، ۷، ۷۳، ۱۰۶)، برهان (قصص ۲۸ و ۳۲)، سلطان (ابراهیم، ۱۴ و ۱۱)، بصیرت (انعام ۶ و ۱۰۴) و شیء مبین (شعراء، ۲۶ و ۳۰) ... به اعتقاد دانشمندان، هر

امر خارق العاده ای معجزه نیست، بلکه زمانی معجزه است که اولاً مدعی پیامبری، آن کار خارق العاده را شاهد صدق ادعای خود معرفی کند. ثانیاً مخاطبانش را به هموردی و معارضه فرا خواند. ثالثاً مخاطبان انگیزه معارضه داشته باشند. رابعاً از معارضه سالم بماند. این ۴ مورد را می توان مبانی یا ارکان اعجاز قرآن معرفی کرد. در قرآن کریم به آیاتی برمی خوریم که همه مخاطبان را دعوت کرده تا اگر در الهی بودن قرآن تردیدی دارند همانند آن یا ۱۰ سوره یا یک سوره مانند آن را بیاورند. (بقره، ۲ و ۲۳؛ هود، ۱۱ و ۱۳؛ اسراء، ۱۷ و ۸۸). قرآن خود به صراحت و قاطعیت بیان می کند که هرگز نمی تواند سوره ای همانند آن بیاورند (بقره، ۲ و ۲۴)، از اینرو اعجاز قرآن پیوندی ناگسستنی با تحدی دارد، به گونه ای که هر جا سخن از اعجاز باشد باید سخن از تحدی و هموردطلبی نیز به میان آید و لازم است تحدی به همان وجهی باشد که درباره آن ادعای اعجاز شده است» (دشتی و عزیز، ۱۳۸۲: ۵۵۸).

۲-۲ تفسیر علمی

تفسیر علمی گرچه در گذشته به نحوی وجود داشته است، البته نه به صورت یک رویکرد تفسیری، بلکه به صورت کلی و جزئی به تحلیل آیات علمی قرآن براساس علوم روز پرداخته می شد، لذا نه به تعبیر «تفسیر علمی» اشاره می شد و نه تعریفی از آن ارائه می شد. اما در دوره معاصر و بعد از سید جمال الدین اسدآبادی به صورت یک رویکرد تفسیری به رشد رسید. لذا تعریفی که از تفسیر علمی می شود، همه محصول دوره معاصر میب اشد: «تفسیر علمی توضیح دادن آیات [علمی] قرآن بوسیله علوم تجربی است» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰: ۲۲).

ایشان نظر ذهبی را در التفسیر والمفسرون چنین نقل می کند: «مقصود ما از تفسیر علمی، آن تفسیری است که اصطلاحات علمی را بر عبارات قرآنی حاکم می کند و تلاش می نماید علوم مختلف و نظریات فلسفی را از قرآن استخراج سازد». «به نظر می رسد امین خولی نخستین کسی است که به تعریف آن پرداخته است. او تفسیر علمی را عبارت از تحمیل اصطلاحات علمی بر قرآن و استخراج علوم و آرای فلسفی از آن دانسته است. بسیاری از کسانی که پس از او آمده اند به تکرار همین تعریف پرداخته اند یا در عبارتی مشابه، آن را بازگفته اند» (همان: ۴۷۴).

منظور از تفسیر علمی، تفسیری است که بر اساس علوم تدوین و تبیین گردیده و اصطلاحات علمی در آن بکار رفته است. در تفسیرهای علمی از علوم مختلف و متنوع استفاده گردیده و دانشمندان رشته های مختلف علمی از دانش و تخصص خود در شرح و بیان آیات الهی استفاده کرده اند. این علوم متنوع و مختلف اعم است از علوم دینی و اعتقادی و فقهی و اخلاقی و مانند اینها و سایر علوم نظری و انسانی و علوم تجربی. و چون قرآن مجید «تبیانا لكل شیء» است، مسلماً مشتمل بر دانش های ظاهری و باطنی است که با تدبیر و تفکر در آن می توان حقایق بسیاری را از آن استفاده و استفاضه نمود (جلالیان، ۱۳۷۸: ۲۸۸).

۳-۲ تمدن در لغت و اصطلاح

بحث پیرامون تمدن و فرهنگ و رابطه، محدوده و مرز هر کدام و نسبتشان با دین یکی از بحث‌هایی است که نیاز به اطلاعات بسیار زیادی دارد، اگر در مورد فلسفه و فیلسوف روزگاری می‌گفتند فیلسوف باید جهانی ذهنی شود، شبیه جهان عینی، باید همین نظر را در مورد بحث‌های مربوط به تمدن قایل شد. برای ورود به این بحث هم باید فلسفه بلد بود، هم تاریخ؛ هم روانشناسی، هم جامعه‌شناسی، هم حقوق، هم جغرافیا، هم تاریخ علم و... لذا به دلیل اینکه نیاز به احاطه در علوم مختلف دارد، تنها از عهده عده بسیار معدودی برمی‌آید. پرواضح است که به هیچ وجه اطلاعات و بضاعت بنده تناسبی با آن ندارد به همین خاطر سعی می‌شود بیشتر نقطه نظرات صاحب نظران مطرح شود.

«واژه فرهنگ از ریشه لاتین (culture) مشتق شده است و در اصل به معنای کاشتن، پروردن، آبادکردن و شکل منظم دادن و آراستن است، در معنای اصطلاحی نیز عبارت از ظریف و لطیف کردن قوای بدنی و عقلی انسان و اصلاح محیط اجتماعی او در شکلی که کمال جسمی و روحی انسان اقتضاء می‌کند. به عبارت دیگر؛ ترویج علوم و فنون و صنایع و معارف. تمدن در اصطلاح لاتین به civilization معروف است که از ریشه مدینه، مدنیت به معنای هم‌شه‌ریگری و هم‌وطنی است، که در برابر وحشیگری و بربریت به کار می‌رود. یعنی برون رفت آدمی از مرحله وحشیگری به جامعه مدنی و حیات منظم اجتماعی. درحقیقت مدنیت «تمدن» مجموع تشکیلات منظم سیاسی، اجتماعی است که افراد یک ملت را به تدریج برای یک زندگی منظم قانونی، خدمت و مسئولیت متقابل پرورش می‌دهد و ایشان را برای ترقی به یک مقام بلندتر اجتماعی که تمدن باشد، آماده و توانا می‌سازد» (احمدی، ۱۳۹۳: ۲۰ و ۲۱).

«تمدن در لغت یعنی به اخلاق اهل شهر آراسته شدن. انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و اُتس و معرفت، همچنین در شهر بود و باش کردن و انتظام شهر نمودن و مجازاً یعنی تربیت و آداب، این واژه با آنکه اصالتاً یک واژه عربی است ولی کار برد آن به این معنا، در میان خود عرب زبانان معمول نیست. آنها برای افاده این معنا، از واژه «حضاره» بهره می‌گیرند» (امینی، ۱۳۸۹: ۲).

صاحب مفردات، حضر را سکونت در شهر و مخالف «بدو» می‌داند و آن را در استعمال عام حاضر شدن در مکانی یا دیدار انسان یا غیر آن معنا کرده است (راغب اصفهانی، بیتا: ۲۴۱).

مصطفوی، حضر را در اصل استقرار، وجود و حضور می‌داند که سکونت و استقرار یافتن در شهر یکی از موارد استعمال واژه حضر می‌تواند باشد (معرفت، ۱۳۷۹).

«ویل دورانت، تمدن‌شناس معروف امریکایی می‌گوید: تمدن را میتوان به شکل کلی آن، عبارت از نظم اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکانپذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. در تمدن، چهار رکن و عنصر اساسی می‌توان تشخیص داد که عبارتند از پیشبینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر» (امینی، ۱۳۸۹: ۳).

۲-۴ تفسیر علمی و جایگاه تمدن‌سازی آن

قرآن کریم کمتر از دو قرن از زمان نزولش، توانست عرب جاهلی دور از تمدن و فرهنگ را که قرن ها در سختی و فلاکت زندگی می کردند و به حق متصف به جهل و خرافه پرستی، حمیت های جاهلی، انحراف های اخلاقی، جنگ و خونریزی و... بودند به جامعه متمدن تبدیل کند که شاید با قوانین عادی و سیر طبیعی و تاریخی تجربه و تفکر بشر در این مدت اندک، ممکن نبود به آن تمدن عظیم و درخشان دست یافت. قرآن با بیان عناصر کلی تمدن آن هم با آن موقعیت جغرافیایی و شرایط انسانی تحقق آن را ممکن ساخت «رسالت اصلی قرآن کریم هدایت بشر است و نباید انتظار داشت که به ارائه اصطلاحات تخصصی علوم مختلف بپردازد، با وجود این گزاره نیست، اگر بگوییم امکان اثبات اعجاز تمدنی قرآن کریم با بررسی کوتاه تاریخی مفهوم و اصطلاحی تمدن، قوت می گیرد. چرا که پیش از نظام یافتن و مورد توجه قرار دادن همه عناصر سازنده یک تمدن توسط صاحب نظران و اندیشمندان، قرآن کریم به همه عناصر این مجموعه عظیم توجه داشته و گزاره های متعدد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و علمی آن را تجویز نموده است» (علوی مهر و انجم شعاع، ۱۳۹۵: ۵۱-۷۴).

قرآن کریم برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی در کنار ارائه مسائل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... با ارائه راه های علمی عالم که در زمان نزول قرآن کسی از آنها مطلع نبود و قرن ها پس از نزول قرآن، برخی از آنها توسط علوم تجربی کشف شد و البته علم تاکنون نتوانسته است کاملاً پرده از رخ بسیاری از این راه های علمی براندازد و هنوز به صورت پیشگویی های علمی باقی مانده اند. مانند: گسترش جهان (ذاریات/۴۷) و آفرینش موجودات از آب (شوری/ ۲۹) و... گذشته از اینها قرآن مکرراً انسان را به تعقل، تفکر و تدبر در اوصاف وجودی خود انسان، حیوانات، و رازهای طبیعت و... فرا م یخواند تا علاوه بر تقویت ایمان به مبدأ و معاد، زمینه رشد علمی بشر را مخصوصاً در حوزه علوم تجربی افزایش داده، بهتر بتواند از مواهب خدادادی برای آرامش و آسایش خود و پیشرفت جامعه اسلامی استفاده کند.

تمدن اسلامی مانند یک پازلی است که از اجزاء بسیار زیادی تشکیل شده است که باید هرکدام درست و در جای خود قرار گیرند. تفسیر قرآن که می توانست بخش مهمی از پازل تمدن اسلامی را تکمیل نماید به دلیل انفرادی بودن و استفاده از شیوه سنتی «ترتیبی» متأسفانه تاکنون نتوانسته در تمدنسازی مؤثر باشد، لذا تفسیر علمی با ضوابط صحیح، روش درست و به صورت موضوعی و لجنه ای می تواند با ایجاد شور و اشتیاق علمی در میان مسلمانان، ایجاد ارتباطات میان رشته ای عمیق و همکاری دانشمندان در عرصه های مختلف علمی بالاخص شاخه های گوناگون علوم تجربی، خشیت آفرینی در پیشگاه خداوند و پرهیز از تکبندی نگری، می تواند در تکمیل پازل تمدن اسلامی ایفای نقش نماید. البته نباید از نظر دور داشت مهمترین بخش این تمدن مثل همه تمدن ها احترام و توجه جدی به عقلانیت است که شخصیت انسان، خلاقیت و ابداع را در پی خواهد داشت و علم هم در یک فضای کاملاً عقلانی رشد می کند. تاریخ نشان داده است هر زمان عقلانیت با تضعیف و تهدید مواجه شده است، علم جویی، خلاقیت و تمدن سازی مسلمانان نیز به همان میزان متوقف گردیده است.

۲-۵ اثرات مثبت تفسیر علمی در آفریند تمدن نوین اسلامی

برخلاف مخالفان تفسیر علمی، هواداران و موافقان این رویکرد، این جهت گیری تفسیری را- البته با مبانی و روش های عالمانه و مطلوب- نه تنها در افزایش ایمان و معرفت مومنان به مبداء و معاد و هماهنگی جلوه دادن دو مقوله علم و دین موثر می دانند، بلکه شوق محققان اسلامی نسبت به علم آموزی و واکاوی در آیات تکوینی و طبیعی را از آثار میمون و مبارک آن می دانند. امری که اگر در عمل نیز واقع گردد، مسلماً تأثیری شگرف در تحولات اجتماعی و تمدنی مسلمین خواهد داشت. مهمترین ادله و مبانی این گروه در توجیه نظریه خود، عبارتند از:

• اثبات اعجاز علمی قرآن

• اثبات توحید

• اثبات معاد

• شناخت صحیح طبیعت

• کشف هماهنگی و هدفمندی در طبیعت

• همه جانبه بودن هدایت در قرآن

• فهم دقیق بسیاری از آیات

• رفع تعارض علم و دین

• حفظ استقلال

• کشف زبان مشترک علوم مختلف

• ایجاد شور علمی در میان مسلمانان

مواردی از مطالب علمی قرآن که نوعی اعجاز علمی و یا حداقل از شگفتی های علمی قرآن است و می تواند شور علمی را در میان مسلمانان ایجاد نماید، عبارت اند از:

- انبساط عالم (ذاریات/ ۴۷)
- قرآن و آفرینش عالم (انبیاء/ ۳۰ و ۳۲؛ فصلت/ ۱۱؛ نازعات/ ۲۷-۳۳، حدید/ ۲۷؛ سجده/ ۵؛ معارج/ ۴)
- خلقت آدم علیه السلام و تعارض احتمالی قرآن و علم
- خلقت و حرکت زمین در قرآن (نازعات/ ۲۸؛ نمل/ ۸۸؛ حج/ ۲؛ زخرف/ ۱۰)
- قرآن و نیروی جاذبه عمومی (رعد/ ۲؛ لقمان/ ۳۱؛ انبیاء/ ۳۲)
- قرآن و کروی بودن زمین (زخرف/ ۳۸؛ معارج/ ۴۰؛ رحمن/ ۱۶۷)
- قرآن و حرکت منظومه شمسی (یس/ ۳۸-۴۰)

۲-۶ آسیب شناسی تفسیر علمی در فرآیند تمدن اسلامی

مخالفان رویکرد علمی به تفسیر قرآن و بالطبع منکران نقش و کارایی آن در شکلگیری و قوام تمدن اسلامی به ادله و یک سلسله مبانی خاص استاد می کنند، که به اهم آنها در این مختصر اشارتی می رود:

- ✚ غفلت از هدایت بخشی قرآن
- ✚ همسان پنداری کتاب تکوین و کتاب تشریح
- ✚ نادرستی اشتغال قرآن بر تمام علوم
- ✚ عدم رویکرد علمی مخاطبان اولیه قرآن به تفسیر علمی
- ✚ تأویل های غلط و استفاده از معانی جدید برای واژگان قرآن
- ✚ عدم توجه کافی به سیاق آیات و اسباب نزول

۳. نتیجه گیری

در یک نگاه کلی، حاصل مباحث مرتبط با تفسیر علمی و نقش آن در احیاء و شگوفایی تمدن اسلامی در این نوشتار، این چنین قابل جمع بندی خواهد بود:

۱- قرآن کریم کتاب هدایت و تزکیه نفوس است که هدف از نزول آن، هدایت انسان به خداواری و آخرتبینی و نیل آدمی به فضایل اخلاقی در مرحله اول و مکارم اخلاقی و فلاح و رستگاری در مرتبه بالاتر است.

۲- در اشارات آیات علمی قرآن نیز مانند سایر آیات و معارف، در راستای همان هدف مطلوب، یعنی خداواری و آخرتبینی و تکامل معنوی آدمی است.

۳- همانگونه که قرآن کریم کتاب تاریخ، فلسفه، منطق و ریاضی نیست، کتاب علمی به معنای تجربی آن هم محسوب نمی شود و عدم تعارض قرآن با علوم طبیعی به معنی یکسانی جهانبینی آن دو نخواهد بود. لذا اولاً نباید انتظار داشت که همه علوم، از قرآن قابل استخراج باشد و ثانیاً همه دستاوردهای علمی، مورد تأیید و قبول قرآن قرار گیرد و صد البته خداوند در مقام تشریح و راهبری مردم به مبدأ و معاد و در ضمن معرفی قدرت لایزال و بیانت های خویش از بسیاری از اسرار علمی پرده برداشته که بشر اخیراً در پرتو کشفیات جدید، اندکی به آن دست یافته است.

۴- در بیان اعجاز علمی قرآن، برخی به افراط گراییده و با انگیزه هماهنگ جلوه دادن وحی و دین، با اندک بهانه ای به تطبیق آیات قرآنی با قوانین و حتی فرضیه های علمی پرداخته و به معنای واژگان و سیاق آیات و روایات تفسیری توجه ای نداشته اند و برخی نیز راه تفریط در پیش گرفته و منکر هر نوع اعجاز علمی در قرآن کریم شده اند.

۵- رویکرد اضطراری و منفعلانه به تفسیر علمی، هم می تواند تطبیق قرآن بر فرضیات، تئوری ها و نظریات ثابت نشده علمی را در پی داشته باشد که خود از لغزشگاه های تفسیری محسوب میشود و هم نظریه استخراج همه علوم از قرآن را به جامعه القاء کند که این نیز پنداری ناسنجیده و غلط است.

- ۶- رویکرد اضطراری و منفعلانه به تفسیر قرآن بر دو مبنای لرزان بنا می گردد؛ ثابت و لایتغیر بودن یافته های علمی، که البته خود علم نیز این مدعا را ندارد، و اشتغال قرآن کریم بر همه علوم و قابل استخراج بودن همه پاسخ های دانش های گوناگون از آن، که این مسئله نیز نه از ادعاهای این کتاب شریف است و نه در حوزه اهداف و مقاصد عالی اش قرار دارد.
- ۷- آنچه مهم و صحیح به نظر میرسد، استفاده از دستاوردهای قطعی و مسلم علوم تجربی در فهم صحیح آیات قرآن کریم و معرفت و هدایت انسان و نیل به سعادت ابدی و هماهنگ دانستن آیات تکوینی و تشریحی الهی در نظام خلقت است، که این امر البته تنها در رویکرد ضرورت محور و فعال به تفسیر علمی حاصل خواهد شد.
- ۸- تفسیر علمی مطلوب و آرمانی، تنها با همکاری گروهی، ضرورت محور و فعالانه متخصصان خداباور علوم تجربی در شاخه های گوناگون آن با مفسران و آشنایان با زبان و منطق وحی سامان می یابد و کارساز می شود وگرنه تا زمانی که مفسران اغلب ناآشنا با علوم تجربی و دانشمندان علوم طبیعی بیگانه از معارف الهی، هریک جداگانه و اغلب از روی اضطرار و منفعلانه در مقابل پیشرفتهای علمی غرب، به تفسیر ظاهرا علمی قرآن بپردازند، این رویکرد تفسیری نه بازار فرهنگ معنوی و اخروی قرآن را رونق خواهد داد و نه در جنبه های مادی و دنیوی، تمدنی کارآمد را سامان خواهد بخشید.
- ۹- تفسیر علمی قرآن، اگر با مبانی و روش های صحیح و محققانه صورت پذیرد، علاوه بر اثبات هماهنگی علم و دین و مکمل بودن این دو در مسیر تکامل انسان، به نوعی شوری عالمانه را در جامعه اسلامی برخواهد انگیخت تا طبیعت خدا دادی را نیز با کاوش های علمی به سخن درآورند و ضمن بهره گیری از مواهب مادی آن و ساختن تمدنی مدرن و برخوردار، فهم عمیق تری نیز از آموزه های وحیانی پیدا کنند.
- ۱۰- عدم آشنایی با مبانی و روش های عالمانه تفسیر علمی، می تواند منعکس کننده عدم همخوانی علم و وحی باشد. از طرف دیگر اکتفا به روش تفسیر علمی و نادیده گرفتن سایر نگرش ها به مفاهیم قرآنی، جامعه را از پیام ها و درس های معنوی این کتاب آسمانی دور می سازد و همچنین توقع دستیابی به تمام قواعد و قوانین علمی و تجربی از لابلای وحی الهی، اندیشمندان مسلمان را از بهره گیری دانش بشری محروم خواهد ساخت.

منابع:

- قرآن کریم
ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد گنابادی، انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ آموزش عالی
احمدی، محمد مهدی (۱۳۹۳)، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، موسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی
اسعدی، محمد (۱۳۹۴)، آسیب شناسی جریان های تفسیری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۶۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، لبنان، بیروت: دارالکتب العلمیه، مشنورات محمد علی بیضون
بوکای، موریس (۱۳۸۹)، مقایسه ای میان تورات و انجیل و قرآن و علم، ترجمه ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
جلالیان، حبیب الله (۱۳۷۸)، تاریخ تفسیر قرآن کریم، ایران، تهران
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۹)، مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، مترجم غلامرضا خسروی حسینی، ایران، تهران
رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۰)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، لبنان، بیروت: دارالمعرفه
علومی مهر، حسین؛ انجم شعاع، محمد رضا (۱۳۹۵)، مجله قرآن و علم، سال دهم، شماره ۱۸
معرفت، محمد هادی (۱۳۷۹)، تفسیر و مفسران، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ایران: قم

جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی

محمد مهدی نژاد نوری^۱

چکیده:

تمدن نوین اسلامی دارای ویژگی‌های خاصی است که برگرفته از قرآن و تعالیم اسلامی است که قرائت‌های مختلفی برای آن وجود دارد که فصل الخطاب آنها قرائت‌های امامین انقلاب می‌باشد. برای برپایی و شکوفایی این تمدن ارکانی وجود دارد که باید به درستی درک و تبیین گردند و برای تقویت آنها برنامه‌ریزی و اقدام متناسب به عمل آید. علم از منظر معارف اسلامی و نظرات امام خمینی^(ره) و رهبر معظم انقلاب^(دام ظلّه العالی) به عنوان یکی از مهمترین ارکان و ابزار قدرت و تحقق آرمان‌های ترسیم شده در این تمدن محسوب می‌گردد. در بیانیه گام دوم انقلاب، علم و پژوهش برای برپایی تمدن نوین اسلامی و ظهور خورشید ولایت (عج) از جایگاه والا و فاخری برخوردار بوده و همگان در این دوران رستاخیز علمی برای جوشاندن چشمه‌های علم و پیشرفت جهشی با شتاب بالا در دستیابی به قله‌های علم و فناوری دنیا ترغیب و توصیه شده‌اند. بطور طبیعی برای تحقق این هدف والا و آرمانی، نیازمند سیاست‌ها و راهبردهای مناسب برای پیشرفت جهشی و کسب مرجعیت علمی می‌باشیم تا با استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و منابع به خلق فرصت و مقابله با تهدیدات پرداخته شود. بدیهی است این حرکت دارای الزاماتی است که پیاده‌سازی آن را میسر نماید و باید نحوه تعیین و تامین آنها به درستی شناخته شوند. این ارائه به مجموع مواردی که

^۱ استاد دانشگاه عالی دفاع ملی



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



گفته شد خواهد پرداخت تا رهیافتی باشد برای تاثیر عملی علم در برپایی هرچه سریعتر و با کیفیت برتر تمدن نوین اسلامی،
انشالله.

عدالت از منظر حقوق و در اسلام

مجتبی همتی

چکیده

عدالتخواهی وصف دینی و وجدانی است اما عدالت شناسی امری عقلی است و شناخت عقلی و علمی عدالت و ارکان و الزامات آن، از جمله اقتضائات عدالت است. عدالت به عنوان هدف قوه قضائیه و ضامن نظام سیاسی است. عدالت قضائی دارای سه الزام کلان است: هنجار (قوانین و مقررات) عادلانه، ساختار سازمانی و نهادی عادلانه و رسیدگی/دادرسی عادلانه. در صورتی که قانون و تشکیلات کارآمد و عدالت بنیان موجود باشد در آن صورت، تنها حلقه مفقوده عدالت، رفتار و عملکرد حرفه ای قضات خواهد بود که بحث اخلاق قضائی قضات را برجسته می سازد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و جمع آوری اطلاعات از طریق کتابخانه ای تلاش دارد تا به اهمیت، مبنا و مفهوم عدالت در اسلام بپردازد. نتایج تحقیق این است که عدالت از منظر قرآن، مطلق است که از کرامت ذاتی و برابری انسانها که حاکم بر سرنوشت فردی و اجتماعی خویش هستند نشات می گیرد. رکن مشترک در تعریف عدالت برابری است اما در حوزه های مختلف دارای مصادیق و اقتضائات متفاوتی است.

واژگان کلیدی: عدالت، عدالت قضائی، حقوق، قرآن، اسلام.

مقدمه

عدالتخواهی وصف دینی و وجدانی است یعنی یک مومن شیعه که عدل و عدالت یکی از اصول دین او ذکر شده، نمی تواند عدالت خواه نباشد و ملتزم عملی به عدالت نباشد یعنی عدل به اندازه ای بنیادین است که در کنار دیگر اصول دین بیان شده است. اما عدالت شناسی امری عقلی است و شناخت عقلی و علمی عدالت و ارکان و الزامات آن، از جمله اقتضائات عدالت است. از آنجایی که برخلاف گذشته، قاضی در جوامع مدرن در ذیل نهاد قوه قضائیه به ایفای وظایف خود می پردازد لذا باید به عقل و تدبیر سازمانی و عدالت نهادی و سازمانی در کنار عقل و عدالت فرد قاضی نیز به طور جدی اندیشید و آنرا پیاده سازی کرد.

عدالت قضائی دارای سه الزام کلان است: هنجار (قوانین و مقررات) عادلانه، ساختار سازمانی و نهادی عادلانه و رسیدگی/دادرسی عادلانه. قانون به عنوان ضابطه رفتار اجتماعی، تامین کننده عدالت^۱ است و رای قضائی، تامین کننده عدالت موردی است که در چارچوب یک ساختار و تشکیلات کارآمد و عدالت بنیان محقق می شود. در صورتی که قانون و تشکیلات کارآمد و عدالت بنیان موجود باشد در آن صورت، تنها حلقه مفقوده عدالت، رفتار و عملکرد حرفه ای قضات خواهد بود که بحث اخلاق قضائی قضات را برجسته می سازد.

این مقاله در تلاش است تا از طریق روش توصیفی- تحلیلی و جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای، اهمیت، مبنا و مفهوم عدالت را با تکیه بر آیات قرآنی بیان نماید.

(۱) اهمیت و ضرورت عدالت

^۱ . نظم هم نتیجه عدالت است چرا که مفهوم کلی عدالت، قرار دادن هر چیزی در جای خود است.

تحقق عدالت در عرصه عمومی و زندگی بر مدار آن، همواره یکی از مهمترین آرمان های زندگی بشر بوده است. همه حکومتها برای بقا و دوام حکمرانی خویش، نیازمند توجه به موضوع عدالت بوده اند و اندیشه ها، ادیان و مکاتب گوناگون نیز در پی تبیین و تفسیر این اصطلاح برآمده اند (فتاحی ظفرقندی، ۱۳۹۵: ۳). «اگرچه عدل یک مفهوم ارزشی است، اما در بستر هستی جاری است و حضور دارد. عدل در همه جهان جریان دارد. لیکن در مسائل ارزشی، مفهوم اعتباری است و در امور تکوینی، مفهومی حقیقی. پس نمی توان گفت که عدل در کار خدا به معنای خاص است و عدل انسانی به معنای دیگر؛ همان گونه که نباید پنداشت عدل سیاسی و عدل اجتماعی دارای دو معنای متمایزند و نیز قابل قبول نیست که این اقسام دارای تباين و اختلاف مفهومی باشند. بنابراین عدل مشترک مفهومی و در همه این اقسام به یک معناست اگرچه دارای تفاوت مصداقی است و این تفاوت مصداقی هرگز با وحدت مفهومی ناسازگار نیست» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۰۰).

از آنجایی که خلقت جهان بر مبنای عدالت است لذا در قرآن کریم نیز بر رعایت عدالت در تمام امور تاکید شده است: در آیه ۸ سوره مائده، چنان بر عدالت تاکید شده است که اولاد دشمنی با شخص یا جمعیتی هم مجوز بی عدالتی نیست؛ دوم ترک عدالت از یک طرف گناه و از طرف دیگر عدالت قسمی از تقواست و خداوند هم ناظر و آگاه از اعمال انسانهاست.^۱ در آیه ۹۵ سوره انعام بر رعایت عدالت در کیل و وزن (تجارت) و سخن گفتن ولو درباره خویشاوندان^۲، در آیه ۹ سوره حجرات بر برقراری صلح عادلانه بین منازعه کنندگان و رفتار عادلانه با دوست و دشمن و مبارزه با ظالمین تا زمان بازگشت به حق و عدالت^۳، در آیه ۱۳۵ سوره نساء، خطاب به اهل ایمان برپائی عدالت از آنها خواسته شده و رعایت عدالت فارغ از نسبت و رابطه پدر، مادر، خویشاوندی، فقر و غنا مورد تاکید قرار گرفته^۴، در آیه ۵۸ سوره نساء امر به داوری و

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ ۚ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا ۗ اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۖ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ : ای کسانی که ایمان آورده اید همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید، مبدا دشمنی با جمعیتی شما را به گناه ترک عدالت بکشاند، عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک تر است و از خدا بپرهیزید که خدا از آنچه انجام می دهید آگاه است.

۲. أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ۚ لَا تَكْلَفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۖ ۚ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ : به راستی و عدالت، کیل و وزن را تمام بدهید. ما هیچ کس را جز به قدر توانایی او تکلیف نکرده ایم. و هرگاه سخنی گوئید به عدالت گرایید هر چند درباره خویشاوندان باشد، و به عهد خود وفا کنید. این است سفارش خدا به شما، باشد که متذکر و هوشمند شوید.

۳. وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا ۚ فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ ۖ فَقَاتِلَا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَبْغِيَ إِلَىٰ رَبِّهِ ۚ فَإِنَّ اللَّهَ ۚ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ : و اگر دو طایفه از اهل ایمان با هم به قتال و دشمنی برخیزند البته شما مؤمنان بین آنها صلح برقرار دارید و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد با آن طایفه ظالم قتال کنید تا به فرمان خدا باز آید، پس هر گاه به حکم حق برگشت با حفظ عدالت میان آنها را صلح دهید و همیشه (با هر دوست و دشمنی) عدالت کنید که خدا بسیار اهل عدل و داد را دوست می دارد.

۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ ۚ إِنَّ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا ۚ ۚ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ ۖ أَنْ تَعْدِلُوا ۚ وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعَرَّضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا : ای اهل ایمان، نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد، (برای هر کس شهادت می دهید) اگر فقیر باشد یا غنی، خدا به (رعایت حقوق) آنها اولی است، پس شما (در حکم و شهادت) پیروی هوای نفس نکنید تا مبدا عدالت نگاه ندراید. و اگر زبان را (در شهادت به نفع خود) بگردانید یا (از بیان حق) خودداری کنید خدا به هر چه کنید آگاه است.

قضاوت عادلانه^۱، در آیه ۹۰ سوره نحل امر به عدل و احسان و اجتناب از ظلم^۲، در آیه ۱۵ سوره شوری بر مأموریت پیامبر از طرف خدا برای قضاوت و حکومت عادلانه^۳ تاکید شده است.

در آیات متعدد دیگری هم بر عدالت شاهدان تاکید شده است که از جمله آن آیات می توان به آیه ۱۰۶ سوره مائده^۴، آیه ۲ سوره طلاق^۵، آیه ۲۸۲ سوره بقره^۶، آیه ۱۲۹ سوره نساء^۷ اشاره کرد.

رعایت عدالت در هر حال و در برابر هر کس لازم است. بنابراین هم مبنای احکام، عدالت است و هم در اجرا باید عدالت رعایت شود. بر مبنای این منطق، حاکم، شاهد، کاتب و داور باید عادلانه رفتار نمایند (قاسم زاده و ره پیک، ۱۳۹۴: ۵۵۲).

۲) مبنای عدالت

از منظر حقوقی، عدالت به مفهوم وضع هر چیزی در جای مناسب و شایسته خود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۲۵۰۴) و هماهنگی انسان با جهان (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۴۴۴) به کار می رود. در جهان هستی، جایگاه انسان در جای مناسب و شایسته بدین شکل ترسیم شده است: اولاً به دلالت آیه ۷۰ سوره اسراء^۸ بر همه انسانها در جهان، کرامت و حیثیت ذاتی اعطا شده و دوم اینکه خداوند در اصل خلقت، همه انسانها را برابر آفریده است (برابری تکوینی) و آیات متعددی بر این امر دلالت

۱. **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۚ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا:** همانا خدا به شما امر می کند که امانتها را به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید. همانا خدا شما را پند نیکو می دهد، که خدا شنوا و بیناست.

۲. **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ ۗ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ:** همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می دهد و به بذل و عطاء خویشاوندان امر می کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می کند و به شما پند می دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید.

۳. **وَقُلْ أَمَرْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ ۖ وَأَمَرْتُ لِعَدْلِ بَيْنِكُمْ ۖ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۖ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ ۖ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ ۗ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا ۗ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ:** بگو که من به کتابی که خدا فرستاد (قرآن) ایمان آورده ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم، خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست، (پاداش) عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست (و پس از تبلیغ رسالت) دیگر هیچ حجت و گفت و گویی بین ما و شما باقی نیست. خدا (روز جزا برای حکم حق) میان ما جمع می کند و بازگشت همه به سوی اوست.

۴. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهِدُوا بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذُوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ: أَيِ أَهْلِ إِيمَانٍ،** چون یکی از شما را هنگام مرگ فرا رسید، برای وصیت خود دو شاهد عادل را گواه بگیرید که از خودتان باشند، یا دو تن دیگر از غیر خودتان.

۵. **وَأَشْهَدُوا ذُوَىٰ عَدْلٍ مِنْكُمْ:** و نیز (بر طلاق آنها) دو مرد مسلمان عادل گواه بگیرید.

۶. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ ۚ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ: أَيِ أَهْلِ إِيمَانٍ،** چون به قرض و نسیه معامله کنید تا زمانی معین، سند و نوشته در میان باشد، و بایست نویسنده درستکاری معامله میان شما را بنویسد.

۷. **وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ ۚ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ ۗ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا:** شما هرگز نتوانید میان زنان به عدالت رفتار کنید هر چند راغب و حریص (بر عدل و درست) باشید، پس به تمام میل خود یکی را بهره مند و آن دیگر را محروم نکنید تا او را معلق و بلا تکلیف گذارید. و اگر سازش کنید و پرهیزکار باشید همانا خدا بخشنده و مهربان است.

۸. **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا:** و محققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.

دارند که از جمله آنها می توان به آیه ۹۸ سوره انعام^۱، آیه ۶ سوره زمر^۲، آیه ۱۸۹ سوره اعراف^۳، آیه ۷ سوره سجده^۴، آیه ۸ سوره سجده^۵ اشاره کرد. سوم اینکه خداوند انسان را حاکم بر سرنوشت فردی (آیات ۳۹ تا ۴۱ سوره النجم)^۶ و اجتماعی خویش (آیه ۱۱ سوره رعد)^۷ ساخته است و همین ویژگی ها، او را جانشین خداوند بر زمین قرار داده است که آیات متعددی دلالت بر این امر دارند: آیه ۳۰ سوره بقره^۸، آیه ۲۶ سوره ص^۹، آیه ۱۶۵ سوره انعام^{۱۰}، آیه ۶۲ سوره نحل^{۱۱}.

۳) مفهوم عدالت

اگر عدالتخواهی امری دینی است اما عدالت شناسی امری عقلی است و آگاهی از اصول کلی حقوقی و حقوق شهروندان از جمله اقتضائات عدالت است. به نظر ارائه تعریفی مورد اتفاق از عدالت غیر ممکن است. با این حال، شاید بتوان به نقطه ای محوری که همانا ستون فقرات تمام نظریات در تعریف عدالت است دست یافت. ایده برابری، ایده ای است که در

۱. وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ : و هم اوست خدایی که همه شما را از یک تن در آرامگاه (رحم) و ودیعتگاه (صلب) بیافرید. ما نیکو آیات خود را برای اهل بصیرت مفصل بیان نمودیم.

۲. خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا : او شما را از یک تن (آدم) آفرید پس، از آن جفت او (حوّا) را قرار داد.

۳. هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا ۗ فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلٌ خَفِيًّا فَهَمَرَّتْ بِهِ ۗ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبُّهَا لَنْ أَنبِتَنَّ صَالِحًا لَنكونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ : اوست خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و از (نوع) او نیز جفتش را مقرر داشت تا به او انس و آرام گیرد، و چون با او خلوت کرد باری سبک برداشت، پس با آن بار حمل چندی بزیست تا سنگین شد، آن گاه هر دو خدا و پروردگار خود را خواندند که اگر به ما فرزندی صالح (و ندرست) عطا کردی البته از شکرگزاران خواهیم بود.

۴. الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۗ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ : آن خدایی که هر چیز را به نیکوترین وجه خلقت کرد و آدمی را نخست از خاک (پست بدین حسن و کمال) بیافرید.

۵. ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ : آن گاه خلقت نژاد نوع او را از چکیده ای از آب بی قدر (و نطفه بی حس) مقرر گردانید.

۶. وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى : و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست (۳۹)؛ وَأَنْ سَعِيَهُ سَوْفَ يُرَى : و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد (۴۰)؛ ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى : سپس هر چه تمامتر وی را پاداش دهند (۴۱).

۷. إِنْ اللَّهُ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ : و خداوند سرنوشت هیچ قومی (و ملت) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در (وجود) خودشان است تغییر دهند. و هنگامی که خدا برای قومی (به خاطر اعمالشان) بدی (و عذاب) بخواهد، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ و جز خدا، (نجات دهنده و) سرپرستی نخواهند داشت.

۸. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَتْ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ : و (به یاد آر) وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه ای خواهم گماشت، گفتند: آیا کسانی در زمین خواهی گماشت که در آن فساد کنند و خونها بریزند و حال آنکه ما خود تو را تسبیح و تقدیس می کنیم؟! خداوند فرمود: من چیزی (از اسرار خلقت بشر) می دانم که شما نمی دانید.

۹. يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ إِنَّ الدِّينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ : (و او را گفتیم که) ای داود، ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس میان خلق خدا به حق حکم کن و هرگز هوای نفس را پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه سازد و آنان که از راه خدا گمراه شوند چون روز حساب و قیامت را فراموش کرده اند به عذاب سخت معذب خواهند شد.

۱۰. وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ : و او خدایی است که شما را جانشین گذشتگان اهل زمین مقرر داشت و رتبه بعضی را از بعضی بالاتر قرار داد تا شما را در آنچه به شما داده (در این تفاوت رتبه ها) بیازماید، که همانا خدا زود کیفر و بسیار بخشنده و مهربان است.

۱۱. أَمَنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكَ خَلْفَاءَ الْأَرْضِ ۗ إِنَّ إِلَهَ مَعَ اللَّهِ ۗ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ : یا آن کس که دعای بیچاره مضطر را به اجابت می رساند و رنج و غم آنان را بر طرف می سازد و شما (مسلمین) را جانشینان اهل زمین قرار می دهد؟ آیا با وجود خدای یکتا خدایی هست؟ (هرگز نیست لیکن) اندکی متذکر (این حقیقت) هستند.

تمام مفاهیم عدالت به گونه ای مدخلیت دارد. بنابراین، مفهوم عدالت عبارت است از « رفتار برابر با برابرها و رفتار نابرابر با نابرابرها در ارتباط با میزان تفاوت های نسبی آنها» این مفهوم از عدالت گر چه مفهومی است کاملا شکلی، با این وجود، در تعریف اجمالی از مفهوم عدالت، نقطه شروعی است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۲: ۵۶).

اصل برابری در اندیشه حقوقی از دو منظر قابل بحث است: اول برابری حقوقی به معنای برابری که انسانها صرفنظر از تعلقات عارضی نظیر نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، تابعیت یا هر موقعیت دیگر به لحاظ اینکه دارای حیثیت و کرامت انسانی برابر هستند از حقوق و وظایفی برخوردار خواهند بود و تمایزات ظاهری دلیل بر امتیاز نیست که از آن به برابری شکلی تعبیر می شود. همچنین اصل برابری به مفهوم برابری در قانون که بر اساس آن، همه به طور برابر از حمایت قانونی برخوردارند و قانون نسبت به حقوق و تکالیف آنان بدون هیچ گونه تبعیض اجرا می گردد و از آن به برابری ماهوی تعبیر شده است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۰: ۳۸).

از نظر آندره هیوود، عدالت به عنوان یک ارزش، اندیشه ای است که بر توزیع اخلاقا توجیه پذیر پاداش ها یا کیفرها دلالت دارد. خلاصه اینکه عدالت در این خصوص است که بر هر شخص، آنچه که شایسته آن است داده شود. عدالت در این مفهوم را می توان نسبت به توزیع هر کالایی در جامعه اعمال کرد: آزادی، حقوق، قدرت، ثروت، اوقات فراغت و غیره (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۷۶).

از آنجا که عدالت یک ارزش است و مفاهیم ارزشی، مفاهیم اعتباری هستند و شناخت این مفاهیم ارزشی، مبنای عقلی (عقل جمعی بشری/قراردادی) دارد، لذا مفهوم عدالت در حوزه های مختلف، مصادیق و اقتضائات متفاوت خواهد داشت: عدالت شکلی/آئینی، عدالت ماهوی، عدالت حقوقی، عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی، عدالت طبیعی/رویه ای، عدالت مکفاتی، عدالت سیاسی، عدالت فرهنگی و غیره. یکی از این مفاهیم هم عدالت در دادرسی/رسیدگی یا دادرسی عادلانه است که هدف اصلی قوه قضائیه است و دارای سه الزام کلان است: هنجار(قوانین و مقررات) عادلانه، ساختار سازمانی و نهادی عادلانه و رسیدگی عادلانه. در صورتی که هر سه الزام کلان دادرسی عادلانه تحقق یابد، نتایج دادرسی عادلانه خواهد بود. رسیدگی عادلانه، با رفتار قضائی قاضی مرتبط است.

نتیجه گیری

ضرورت عدالت: از آنجایی که خلقت جهان بر مبنای عدالت است لذا در قرآن کریم نیز عدالت ارزشی مطلق بوده و بر رعایت عدالت در تمام امور تاکید شده است: در آیه ۸ سوره مائده، چنان بر عدالت تاکید شده است که اولاد دشمنی با شخص یا جمعیتی هم مجوز بی عدالتی نیست؛ دوم ترک عدالت از یک طرف گناه و از طرف دیگر عدالت قسمی از تقواست و خداوند هم ناظر و آگاه از اعمال انسانهاست. رعایت عدالت در هر حال و در برابر هر کس لازم است. بنابراین هم مبنای احکام، عدالت است و هم در اجرا باید عدالت رعایت شود. بر مبنای این منطق، حاکم، شاهد، کاتب و داور باید عادلانه رفتار نماید.

مبنای عدالت: مبنای عدالت، اولاً به دلالت آیه ۷۰ سوره اسرا از کرامت و حیثیت ذاتی همه انسانها و دوم از برابری تکوینی همه انسانها نشأت گرفته و سوم اینکه خداوند انسان را حاکم بر سرنوشت فردی (آیات ۳۹ تا ۴۱ سوره النجم) و اجتماعی خویش (آیه ۱۱ سوره رعد) ساخته است.

مفهوم عدالت: ایده برابری، ایده ای است که در تمام مفاهیم عدالت به گونه ای مدخلیت دارد. بنابراین، مفهوم عدالت عبارت است از «رفتار برابر با برابرها و رفتار نابرابر با نابرابرها در ارتباط با میزان تفاوت های نسبی آنها». این مفهوم از عدالت گر چه مفهومی است کاملاً شکلی، با این وجود، در تعریف اجمالی از مفهوم عدالت، نقطه شروعی است. از آنجا که عدالت یک ارزش است و مفاهیم ارزشی، مفاهیم اعتباری هستند و شناخت این مفاهیم ارزشی، مبنای عقلی (عقل جمعی بشری/قراردادی) دارد، لذا مفهوم عدالت در حوزه های مختلف، مصادیق و اقتضائات متفاوت خواهد داشت. یکی از این مفاهیم هم عدالت در دادرسی/رسیدگی یا دادرسی عادلانه است که هدف اصلی قوه قضائیه است و دارای سه الزام کلان است: هنجار(قوانین و مقررات)عادلانه، ساختار سازمانی و نهادی عادلانه و رسیدگی عادلانه. در صورتی که هر سه الزام کلان دادرسی عادلانه تحقق یابد، نتایج دادرسی عادلانه خواهد بود. رسیدگی عادلانه، با رفتار قضائی قاضی مرتبط است.

منابع و ماخذ

منابع فارسی و عربی

الف: کتب

۱. ادیبی مهر، محمد(۱۳۸۹)، *سلوک دادرسی در فرهنگ و تمدن اسلامی (اخلاق حرفه ای قضاء)*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۷۸)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد نخست، تهران: گنج دانش.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۸۶)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد پنجم، تهران، گنج دانش.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۸۷)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، *فلسفه حقوق بشر*، قم: مرکز نشر اسرا.
۶. شاه حیدری پور، محمدعلی و همی، مجتبی(۱۳۸۹)، *شرح اصول رفتار قضایی (بنگلور)*، تهران: خرسندی.
۷. فتاحی زفرندی، علی(۱۳۹۵)، گزارش پژوهشی آشنائی با مفاهیم حقوق عمومی: بررسی مفهوم عدالت، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان.
۸. قاری سید فاطمی، سید محمد(۱۳۸۲)، *حقوق بشر در جهان معاصر*، دفتر اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۹. قاسم زاده، سید مرتضی و ره پیک، حسن(۱۳۹۴)، *تبیان حقوق: قرآن پژوهی حقوقی*، تهران، انتشارات دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



۱۰. هیوود، آندره (۱۳۸۹)، کلید واژه ها در سیاست و حقوق عمومی، ترجمه سید باسم موالی زاده، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

ب: مقالات

۱۱. فرح زادی، علی اکبر، (۱۳۷۹)، «معرفی اجمالی اصول بنیادین دادرسی در اسلام»، فصلنامه دیدگاه های حقوقی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، دوره پنجم (۱۹ و ۲۰)، ۳۹-۸۰.

۱۲. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۰)، تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر: حق، تعهد، آزادی، برابری و عدالت، مجله تحقیقات حقوقی، (۳۳ و ۳۴)، ۲۰۹-۲۶۶.

۱۳. لی لی بارنا، دوروتیا جوهاز و سوما ماروک (۱۳۹۶)، ویژگیهای یک قاضی خوب: اصول اخلاق قضائی و رفتار

حرفه ای، ترجمه مهدی ناصری دولت آبادی و مصطفی صبوری، فصلنامه قضاوت، دوره ۱۷ (۹۱)، ۱۹۰-۱۶۳.

۱۴. همتی، مجتبی و داوودی، غلامرضا (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی استانداردهای رفتار قضائی (اسلام، ایران، آمریکا و چین) در پرتو اصول بنگلر، نشریه مطالعات حقوقی، دوره نهم (شماره ۲)، ۲۷۷-۳۱۰.

منابع لاتین

15. Thomas, J.B., 1988, "*Judicial Ethics in Australia*", Sydney, Law Book Company.
16. Opinion no. 3 of the Consultative Council of European Judges (CCJE) to the attention of the Committee of Ministers of the Council of Europe on the principles and rules governing judges' professional conduct, in particular ethics, incompatible behavior and impartiality November 2002, , para. 48i, available in: http://www.coe.int/t/dghl/monitoring/greco/evaluations/round4/CCJE%20Opinion%203_EN.pdf.



The Possibility Of The Revival Of Islamic Civilization and Its Integration With The Modern World

Assoc. Prof. Dr. Abdulhalim Oflaz¹

Abstract

The concept of civilization, which expresses the cultural, social, and economic structures that arise from the development of human societies, is derived from the Arabic word *medine*, meaning city, and signifies urbanity or being related to the city. It has also been suggested that this concept is related to the verb *dayn*, which has meanings of managing and possessing. Therefore, this concept has both social and political qualities and dimensions.

Throughout history, it is known that many civilizations have emerged, the exact number of which cannot be fully determined, with some developing while others have collapsed. Indeed, the famous British historian and philosopher of history, Toynbee (d. 1975), stated that sixteen of these civilizations have died, and five are at risk of being destroyed by Western civilization. However, today there are two distinct civilizational regions. One of these is Western Civilization, influenced by Christianity, Judaism, and other systems, while the other is Islamic Civilization, which continues to exert its influence in areas where Islam has spread. Islamic civilization is the name given to the civilization that originated in the Arabian Peninsula during the Middle Ages, particularly expanding across a wide geography from the 7th century onward through conquests. It developed collaboratively among Arabs, Turks, Persians, and other peoples who embraced Islam, reaching its peak in a short time. However, in the 20th century, it began to gradually weaken and decline in the face of Western civilization. One of the most important characteristics of this civilization is that it is religiously founded, based on religious texts such as the Quran and Hadith. These religious texts and teachings have played a decisive role in various areas, from daily life to law, art, and scientific endeavors. Among the many features that distinguish Islamic civilization from others are its emphasis on monotheism in belief and politics, commitment to the ideal of a classless and just world,

¹ Iğdır University Faculty of Theology, Department of Islamic History and Arts, Department of Islamic History
aoflaz74@gmail.com.tr.



importance placed on science and philosophy, understanding of social justice, openness to all arts that elevate human values, and dedication to peace. These elements are among the ultimate reasons for the enduring influence of Islamic civilization throughout history.

Islamic civilization remained at its peak from the 8th century to the mid-13th century, during which time world civilization was essentially synonymous with Islamic civilization. Therefore, it should come as no surprise that the most civilized and advanced countries in both Europe and the Near East during this period were Islamic nations. Islamic civilization, which held a prominent position for about six centuries, began to weaken and decline in the 14th and 15th centuries due to a combination of various factors. Among these factors are internal political divisions, economic difficulties, external invasions (particularly the Mongol invasions and the Crusades), scientific stagnation, and cultural-religious conflicts. These factors not only led to the weakening of Islamic civilization in the face of the West but also historically contributed to a pronounced power imbalance between the two civilizations. However, today we observe efforts for revival and integration in various fields. So, is the success of these efforts possible? In this presentation, we will focus on this issue and examine the feasibility of revitalizing Islamic civilization and its integration with the modern world.

Keywords: Civilization, Islamic Civilization, Western Civilization, Revival, Integration.

Introduction

The Islamic civilization, which has a multifaceted and rich cultural structure, is among the greatest civilizations in the world. Less than a century after its birth, the Islamic civilization spread over vast lands and had the opportunity to survive for long periods like the ancient Roman, Sassanid, Chinese and Indian civilizations. The first sparks of this civilization emerged in Mecca and later took root in Medina, emerging under modest political, economic and even cultural conditions. Despite this, it managed to achieve an impressive rise in a remarkably short period of time. While the Christian civilization had to wait centuries and endure great difficulties to achieve a similar success, the rapid success of the Islamic civilization can be attributed to its unique characteristics and originality.

There are some important characteristics that distinguish Islamic civilization from other civilizations. Some of them stem from the Islamic religion itself, which is the essence of this



civilization, and some stem from the cultures of the Islamic nations that have been kneaded with that religion. Without knowing and recognizing these characteristics, it is not possible to see the beauties that Islamic civilization brings and its superiority over other civilizations.

İslâm medeniyetini diğer medeniyetlerden ayıran önemli bazı özellikler vardır. Bir kısmı bu medeniyetin özü olan İslâm dininin bizatihi kendisinden bir kısmı da o dinle yoğrulan İslâm milletlerinin kültürlerinden kaynaklanmaktadır. Bu özellikleri bilmeden ve tanımadan İslâm medeniyetinin getirdiği güzellikleri ve diğer medeniyetlerden üstün olan tarafını görmek mümkün değildir. Bu özellikler ana hatlarıyla şunlardır:

A. Characteristics of Islamic Civilization

The essence of Islamic Civilization is Islam. The essence of Islam is also the belief in monotheism. Therefore, the foundation of Islamic civilization is the belief in monotheism. This belief provides social, cultural and individual gains in many aspects. This belief should be approached not only as a matter of faith but as an understanding that affects and encompasses the entire order of human life. This understanding is the insight to see unity in multiplicity.

The understanding of monotheism is an important factor that enables individuals, societies and cultures to coexist and live in peace. This belief, which accepts that each individual is a creation of Allah, develops tolerance and understanding between different cultures and beliefs, thus creating a sense of brotherhood. Thus, it strengthens emotional unity by repairing emotional ruptures, if any, between different ethnic and cultural groups.

The belief in monotheism also forms the basis of justice. Every human being is equal to other people because they were created only by Allah. Therefore, they must be subject to an equal and fair approach with others. This also ensures the realization of social justice. Thanks to this understanding, people strive to live a righteous and virtuous life with the sense of responsibility they have. Again, due to this understanding, a person lives a free and honorable life with the consciousness of being a servant only to Allah. Adopting the values mentioned above creates a strong sense of unity and morality both on an individual and social level.

Islamic civilization is also the harmony of revelation, reason and emotion. Islamic Civilization has the capacity to meet the needs of both individuals and societies by establishing a balance between the revealed and human elements. The most fundamental feature and unique aspect of Islamic civilization is its ability to provide harmony between these elements. The coexistence of these three elements allows for a better understanding of people, the creation of



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



a more just society, and the development of a deep knowledge base. The harmony of revelation, reason, and emotion has provided deep and positive gains in this civilization in many ways. While revelation provides people with divine information, reason provides the ability to understand and interpret this information. The harmony between these two allows the development of scientific research and philosophical thought. While revelation determines moral principles, reason and emotions guide the application of these principles. This helps individuals live more virtuous and responsible lives. Balancing emotions with reason allows individuals to have a healthy psychological state. This leads to the development of a more understanding and empathic approach in social relations.

The combination of these three elements provided balance and integrity at both individual and social levels. It was because of this balance and integrity that the first Muslims, who lived in a desert region and had limited and simple information, achieved civilized development at an unprecedented speed. They conquered a wide geography from the Gibel Tarik Strait to the Great Wall of China.

One of the most distinctive features of Islamic Civilization is the value it places on reason and knowledge. The Quran and the hadiths, the two fundamental sources of this civilization, carry powerful messages that encourage people to use their reason, think and question. In Islamic thought, reason holds an important place along with faith and guides Muslims in finding the right path. Indeed, the verses revealed in Mecca generally appeal to reason and invite people to contemplate the universe and creation. Because certain faith is the faith of the heart and mind. A person who contemplates the universe with a free will destroys the taghuts that mortgage his will and attains true freedom of thought.

Islam also stands out as a religion that places great importance on science. In fact, it would be right to say that Islamic civilization is a civilization of science. Science is mentioned in many verses of the Quran and in numerous hadiths, the search for knowledge is encouraged and the importance of the search for science is frequently emphasized. In fact, the scholar is considered superior to the warrior as a scientist. Therefore, Islam and science have developed an important relationship throughout history. During the Middle Ages, when science in Europe was mostly under the influence and domination of the church, Islamic civilization made great progress in this field. Muslim scientists made significant contributions to many fields such as astronomy, mathematics, medicine, chemistry and physics by making use of ancient Greek,



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



Indian and Persian sciences. Especially between the 8th and 14th centuries, the libraries and madrasahs established in the Islamic world became the centers of scientific studies and intellectual discussions. This period was also the brightest period of Islamic civilization in science and is called the Golden Age.

The Islamic scientific heritage has a rich past in terms of scientific thought and research. This heritage, which is a valuable resource not only for the Islamic world but for all of humanity, is a body of knowledge that has made significant contributions throughout history to science, philosophy, mathematics, medicine and many other fields. Muslim scientists have enriched the intellectual heritage of Islamic civilization throughout history and have made significant contributions to the development of scientific thought in many areas.

In the field of chemistry; Jabir b. Hayyan and Muhammad Zakariyya al-Razi are prominent names in the field of chemistry. These two names are considered the founders of modern chemistry. It is said that the spiritual school of chemistry called alchemy dates back to Imam Ja'far al-Sadiq. Ibn Nadim claims that Ibn Hayyan wrote 300 philosophy, 300 mechanics and 500 medical books, and 1300 treatises on arts and warfare. His works called Kitab al-Seb'in and Kitab al-Mizan are the fundamental books of this science.

In the field of physics; Ibn al-Heysem, al-Kindi, Avicenna, Fakhr al-Din al-Razi have extensive knowledge and studies. Known for his contributions to the development of optics, the greatest physicist of the Middle Ages, Ibn al-Heysem (d. 1040), whose Kitab al-Menazir forms the basis of modern optics.

In the field of medicine, which is one of the most respected and earliest developing sciences in Islamic Civilization, Avicenna has produced unforgettable works such as al-Qanun fi't-tıp. Tabari's most important student, al-Razi, has also written Kitab al-Hawi and many other medical works. Again, countless Muslim scientists such as Ibn Rushd, Ibn al-Nafis, al-Biruni have been interested in medicine and have made important contributions to this science.

Again, Muslim scientists have made valuable contributions to the development of many branches of science such as mathematics, philosophy, literature, botany, zoology, astronomy, geography, psychology, sociology, language-literature, music, and history, both in Islamic civilization and throughout the world. Indeed, Muslims are the discoverers of many branches and concepts in these fields. Research shows that zero, algebra, integral theorem, the sphericity



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



and rotation of the world, the compass, the theory of relativity, the use of anesthesia, measles, rocket technology, and many other systems were discovered by Muslims.

In Islamic Civilization, humans are at the center. The basic teachings of Islam focus on human dignity, rights and happiness. Throughout history, people have been divided into various classes in different civilizations. Different factors have played a role in this classification according to the understanding of the period. Distinctions such as slave-master, poor-rich, worker-boss, white-black have been the cause of many conflicts and unrest in human history and still continue to be so. In Islamic civilization, which is based on monotheism, these differences are not accepted as a reason for class, but rather as a reason for the wealth of society. And these differences are seen as layers of social life. Indeed, the understanding that the only reason for the existence of slaves, both in the society of ignorance and in other previous and current civilizations, is to serve free people has been completely destroyed in Islam. So much so that a slave child like Usama, whose father and mother both came from slavery, was appointed as the general commander of the army in which the prominent figures of Islamic society were located at a young age. A black slave like Bilal-i Habeshi was given the honor of being the Prophet's muezzin. In this context, I believe it would be more accurate to call the Islamic Civilization a civilization of brotherhood. However, throughout history, there have been societies that have implemented this understanding, as well as societies that have failed to do so. In fact, it can be said that Islamic societies in general have failed in this regard. As a simple example, while Muslims should have made the greatest effort to abolish slavery, it was ultimately non-Muslims who pioneered its complete abolition.

The Islamic civilization is built on the foundations of tolerance and understanding. This understanding of tolerance is evident in both religious and social life. Islam, which encourages respect for different beliefs, advises individuals to show love, respect and empathy towards each other. Indeed, the Messenger of Allah (pbuh) returned the copies of the Torah seized during the conquest of Khaybar to the Jews. Again, throughout history, Muslims have not been disturbed by the mosque-church-synagogue trio being in the same saddle. Tolerance is a virtue inherent in Islam and strengthens social peace and solidarity. For this reason, the Islamic civilization can be defined as the civilization of tolerance.

Islam has always encouraged peace efforts, seeing war as a last resort, and emphasizes that instead of hostility, peace and compromise should be sought. Islamic civilization is closely



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



tied to the understanding of peace and tranquility. This aims to ensure that individuals and societies live together peacefully. Islam emphasizes that peace is not only a goal, but also a way of life, and aims to spread this understanding to all aspects of individuals and societies. It is possible to look for this dynamic of Islam in the fact that people of different cultures and beliefs have lived in peace under the umbrella of Islam throughout history.

Islamic civilization has a structure that is shaped by universal values such as justice, equality, tolerance and mercy, scientific contributions and cultural interaction and appeals to all of humanity. Islamic Civilization is one of the three main universal civilizations that humanity has witnessed throughout history, along with the Greek-Roman Civilization and the Modern Western Civilization.

The Islamic civilization protects the life, property, mind, religion and lineage of every person of different beliefs and cultures, whose happiness it works for and is at its center. This approach of Islam contributes to the development of a sense of brotherhood among Muslims, both with the consciousness of the Ummah and those from different ethnicities and geographies, and among people around the world.

Islamic civilization has an anti-colonialist character through elements such as justice, equality and the protection of cultural identity. This expresses an understanding that defends the rights of both individuals and societies and stands against exploitation and oppression. Here, the Islamic understanding of conquest is completely different from the colonial understanding of imperial powers. First of all, the Islamic faith does not foresee colonization. In Islamic civilization, if the people in the conquered regions accepted Islam, they became a part of this civilization. Those who did not accept it and continued to follow their old beliefs were liable to pay taxes in return for the Islamic country protecting them and their families. It should be especially mentioned here that there are no deep gaps between the taxes paid by Muslims and non-Muslims. The conquered regions are not seen as a source of raw materials. There is no effort to transfer the wealth of these places to the government center, on the contrary, services are provided to these places from the center. So much so that they become centers of science, culture, art and, in short, civilization in a short time. The approach of the West is the exact opposite of the Islamic understanding of civilization. The wealth in colonized countries is transferred to the center, and these places are evaluated as consumer markets. There are also deep gaps between these regions and the quality of service received by the center. Even



comparing India, which was colonized by the British, with England, which the world has witnessed in the last three centuries, and Algeria, which was colonized by the French, with France in terms of development and services provided would be futile. On the other hand, places such as Cairo, Kairouan, Cordoba, Granada, Samarkand, Bukhara, etc. are not much different from the center in terms of development and services provided, and in a very short period of time, these places have become centers of science, culture, art, in other words, civilization.

Finally, Islamic civilization reflects a civilizational understanding based on law and justice. Islam, which accepts the provision of justice as one of the most important virtues, offers a comprehensive legal system that regulates the lives of individuals and societies. The Islamic legal system, Sharia, is based on the Quran and hadiths and is based on justice, equality and moral values. In this legal system, the rights and responsibilities of individuals are clearly defined. Law/fiqh is a principle that applies to everyone in Islam. It has a central place in both the individual and social lives of Muslims. Thanks to this, stability and order have generally been achieved in Islamic societies, from family life to individual, social and state relations, from commercial relations to personal expenses. There are many examples in the sources that everyone in Islamic civilization is equal before the courts regardless of their social status.

B. Reasons for the Collapse of Islamic Civilization

After the death of the Prophet, the first Muslims determined the form of government according to the conditions of the time. However, it was required to strictly adhere to principles such as justice, equality, consultation, and determining policies that were appropriate for the honor of the citizen. However, this understanding of government evolved into a monarchical understanding starting from the Umayyid rule. Both this situation and the introduction of a system of government based on the hereditary system instead of the republican state structure led to political instability, and civil wars and throne fights were never absent in the Islamic world in the following period.

The fact that after the Prophet and the Rashidun caliphs, distinctions were made between sciences and the basic Islamic sciences called ulûm-i 'âliye were emphasized while the natural and rational sciences were neglected were also factors that initiated the process of the decline of the Islamic Civilization. Especially after a few centuries, the increasing opposition to science and philosophy in the Islamic world led to intellectual regression, and thus scientific progress



came to a halt. In addition, the failure of academic institutions such as the madrasah, which were the highest educational institutions at the time and developed by Muslims, to renew themselves and develop themselves as required by the age, and the failure of Muslims to mass-produce technology, accelerated this process.

The dominance of the understanding of wealth and luxury instead of the understanding of asceticism among Muslims has been effective in the process of the decline of Islamic Civilization. The discovery of alternative routes to trade routes such as silk and spices and the new discoveries of Europe weakened the commercial importance of the Islamic world and caused economic hardship for Muslims. The industrialization drive carried out in the West in the nineteenth century, the fact that Muslims, on the contrary, could not industrialize and tried to continue their existence as an agricultural society, and despite this, agricultural productivity remained insufficient, had a negative effect on the Islamic world. This situation accelerated the weakening of Islamic Civilization against the West.

In addition to these internal reasons, some external reasons also caused the decline of Islamic civilization. The Crusades and the subsequent Mongol attacks in the 12th and 13th centuries caused much destruction in the Islamic world and caused great harm to Muslims in economic and cultural terms. Again, during the Renaissance and Reformation, Europe's advances in science, art and technology caused the decline of Islamic civilization. During this period, the West became considerably stronger militarily and economically. From the 19th century onwards, colonial activities called Western consolation and the industrialization drive in this century reduced economic and political independence in the Islamic world.

The factors mentioned above are among the main reasons for the collapse of the Islamic Civilization throughout history.

C. The Possibility of the Revival of Islamic Civilization and Its Integration with the Modern World

When we say Islamic civilization, we are not just talking about a heritage. We are talking about a civilization that is alive and has struggled to realize and protect its authenticity/pure identity in the face of new conditions, and has been trying to realize a process of revival and renewal, especially for the last two centuries. Although not at the desired level, we have been encountering activities aimed at the renewal of Islamic civilization since the 18th century. It has been going through many hardships and has been wanted to be beaten and taken over by



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



the West for a few centuries. In fact, the crisis experienced in the world of ideas and practices of Muslims is wanted to be transferred to Islamic civilization and through it directly to Islam itself. Unfortunately, some Islamic structures that have emerged with the claim that they represent Muslims in this regard are also helping them with some deeds and actions that are incompatible with Islam but are carried out in the name of Islam.

However, we should know that it is a historical reality that Islam's ability and capacity to build civilization is possible in every century. Because the strong spiritual roots of this civilization are present in the Quran. Mehmet Akif Ersoy, pointing out this fact, says in a poem he wrote: If the spirit of Islam did not contain an unlimited evolutionary potential, would the greatest civilization have emerged from it? Islamic civilization is universal with the unlimited evolutionary spirit inherent in it. Therefore, it has the ability and capacity to revive and restructure in accordance with needs and conditions at all times and in all places. So, how will this happen?

Although the revival of Islamic civilization and its integration with the modern world has great potential, this process requires multifaceted efforts and determined steps. Reforms in areas such as education, science, cultural awareness and social justice can support this revival and integration. The adoption and implementation of these values by societies will help the rich heritage of Islamic civilization to come to life again in the modern world. However, this process requires transformation at both the individual and societal levels.

In order to bring the rich heritage of the past together with the modern world, Muslim scientists make significant contributions in many areas, from education to research, from cultural studies to international collaborations. However, above all, a change in mentality is required in today's Muslims. Muslims should be equipped and adorned with the above-mentioned characteristics and moral principles by taking their inspiration directly from the Quran. They should have the consciousness of the Ummah. They should have the belief in monotheism.

Those who have the honor of being the Ummah of the Messenger of Allah are humble, merciful and kind towards the believers, as Allah has stated in the Quran. They display an honorable and determined stance towards the unbelievers.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



Muslims should be like limbs of a body and have the consciousness of being an Ummah. They should also be strong in every field, economically, culturally, technologically and scientifically.

Bibliography

- Mehmet S. Aydın, *Siyasetin Aynasında Kültür ve Medeniyet*, İstanbul: Kapı Publications, 2016.
- Andre Miquel, *Doğuşundan Günümüze İslam Medeniyeti*, Translated into Turkish by Ahmet Fidan-Hasan Menteş, İstanbul: Birleşik Dağıtım Publishing House, 2003.
- Cahit Baltacı, *İslâm Medeniyeti Tarihi*, İstanbul: MÜİFV Publications, 2010.
- Adnan Demirci, *İslâm Tarihi ve Medeniyeti*, Nobel Publications, 2019.
- Ziya Kazıcı, *İslâm Medeniyeti ve Müesseseleri Tarihi*, İstanbul: MÜİFV Publications, 2003.
- Corci Zeydân, *İslâm Uygarlıkları Tarihi*, Translated into Turkish by Nejdî Gök, İstanbul: İletişim Publications, 2009.
- Şemseddin Sami, *Medeniyet-i İslâmiyye*, İstanbul: Mihran Printing House, 1296.



THE ROLE OF JUDICIAL JURISPRUDENCE IN THE CONSTRUCTION OF A COMMON CULTURE

Prof. Dr. Abdurrahman Candan¹

Islamic law, with its universal and continuous form, has provided the opportunity for different views to be put forward. Islam, which is a tradition of ijtihad, benefit, purpose, meaning, interpretation, exegesis, sect, and mercy in disagreement, has provided the opportunity to interpret almost all issues except for religious issues. This opportunity has been utilized since the time of the Companions, and as a result, different schools and sects have emerged. Although there were those who adopted different methods, the basic principle adopted in disagreement has been “we help each other in the issues we agree on, and we excuse each other in the issues we disagree on”. From the early periods on, disagreements on jurisprudential issues and the attitudes of scholars towards each other have generally developed within this framework. In this paper, the contributions of the tradition, which accepts and respects the existence of different views in a way that takes this framework as a basis but also argues that it has its own view and is even more accurate, to unity and solidarity will be emphasized and the subject will be tried to be detailed with examples.

Key Words: Fiqh, Sect, Unity, Ijtihad

ORTAK KÜLTÜRÜN İNŞASINDA İÇTİHADIN ROLÜ

İslam hukuku, evrensel ve süreklilik formuyla, farklı görüşlerin ortaya konulmasına imkân sunmuştur. İctihat, maslahat, makâsıd, mana, te’vil, tefsir, mezhep, ihtilafta rahmet geleneği olan İslam, taabbudî konular dışında neredeyse bütün konularda yorumlanabilme imkânı sunmuştur. Sahabe döneminden itibaren bu imkân değerlendirilmiş ve bunun neticesinde de farklı ekol ve mezhepler oluşmuştur.

Farklı yöntemleri benimseyenler de olmakla birlikte ihtilaf hususunda esas alınan temel ilke “ittifak ettiğimiz konularda yardımlaşır, ihtilaf ettiğimiz hususlarda da birbirimizi mazur görürüz” şeklinde olmuştur. İlk dönemlerden itibaren fikhî konularda görülen ihtilaflar ve bilginlerin birbirine karşı tutumları genellikle bu çerçevede gelişmiştir.

Tebliğde bu çerçeveyi esas alacak bir şekilde farklı görüşün varlığını kabul eden, saygı gösteren ancak kendi görüşünün de bulunduğunu ve hatta daha isabetli olduğunu savunan geleneğin birlik beraberliğe katkıları üzerinde durulacak, konu örneklerle detaylandırılmaya çalışılacaktır.

Anahtar Kavramlar: Fıkıh, Mezhep, Birlik, İctihat

¹ Van Yüzüncü Yıl Üniversitesi İslami İlimler Fakültesi, abdurrahmancandan5@hotmail.com



İSLAM MEDENİYETİNDE BAĞIMLILIKTAN BAĞIMSIZLIĞA

Doç. Dr. Emel SÜNTER¹

Özet

İslam medeniyeti kavramsal olarak kadim bir medeniyet olarak pek çok kültür ve medeniyetin bir araya gelmesinden meydana gelmiş bir medeniyeti temsil eder. Bu medeniyeti temsil etme önceleri belli bir coğrafya için ifade edilse de günümüz için temsiliyet gücünün dünyanın çok yerine ulaştığını bilmekteyiz. Bu nedenle günümüz İslam medeniyeti için coğrafi anlamda belirli bir sınırlama yapamayız.

Tarihsel süreçte İslam medeniyetinin odak gücünü en çok Türk, Fars ve Arap kültürü belirlerken bugün için bu durum böyle mi sorgulamak lazımdır. Eğer hala bu durum geçerli ise bu kültürlerin günümüz için bir katkısı mevcut mudur ya da bu kültürler bir alternatif sunabilir mi? Bir halin geçerliliğini koruması o durumun süreci aktif olarak yönetmesi anlamına gelir ki bu çalışmanın ana sorunsallarından biri de budur. Bu da İslam dünyasının tahakküm gücünü belirlemek anlamına gelir. Yani İslam medeniyetinin alışkanlıklarının hala geçerliliğini devam ettirip ettirmediğidir. Bu alışkanlıkların faydacı mı yoksa tüketici mi bu sorunsalı tartışmak önemlidir. Alışkanlıkların bağımlılık düzeyi İslam medeniyetini bugün için ne kadar sıhhatli halde ayakta tutmaktadır? Yine bu çalışmanın ana problemi tarihsel okumalarımızdan hareketle İslam medeniyetinin bağımlılıklarını tespit edip günümüzde bağımsızlığa açılan bir kapıya düşünsel anlamda bir çözüm önerisi sunabilir miyiz bunu tartışmak üzerinedir. Amacımız modern islam medeniyetine kavramsal bir çerçevede bir çözüm arayışıdır.

Anahtar sözcük: İslam Medeniyeti, Tarih, İdeal, Kültür, Felsefe.

¹ Dokuz Eylül Üniversitesi, İlahiyat Fakültesi, Felsefe ve Din Bilimleri Bölümü, İslam Felsefesi Anabilim Dalı Öğretim Üyesi.



SOCIO-CULTURAL INTERACTION IN MODERN ISLAMIC CIVILIZATION

Dr. Muhammed Berdibek/Ankara University

Socio-cultural interaction in modern Islamic civilization is a dynamic process shaped by globalization, technological advancements, and diverse political, economic and cultural exchanges between the Muslim-Muslim and Muslim-non muslim societies. Overall, modern Islamic civilization is not static; it is shaped by ongoing cultural exchanges that reflect both the diversity within the Muslim world and the broader global context. Among the several key factors exchange and scholarship programs play a crucial role in shaping modern Islamic societies, particularly in the fields of education, economic development, social mobility, and international cultural exchange. These programs help create opportunities for students and academicians to acquire skills and knowledge that can contribute to the advancement of their communities and countries. In this study, the cultural, economic, political, and technological impacts of the education received by Muslim students studying abroad through scholarship and exchange programs in Muslim and non-Muslim countries on their home countries will be analyzed.

Key Words: *scholarship programs, exchange programs, role of education, Muslim countries, socio-cultural interaction*

MODERN İSLAM MEDENİYETİNDE KÜLTÜREL ETKİLEŞİM

Modern İslam medeniyetinde sosyo-kültürel etkileşim, küreselleşme, teknolojik gelişmeler ve Müslüman-Müslüman ve Müslüman-gayrimüslim toplumlar arasındaki çeşitli siyasi, ekonomik ve kültürel alışverişlerle şekillenen dinamik bir süreçtir. Genel olarak modern İslam medeniyeti statik değildir; hem Müslüman dünyasındaki çeşitliliği hem de daha geniş küresel bağlamı yansıtan sürekli kültürel alışverişlerle şekillenir. Birçok önemli faktör arasında değişim ve burs programları, özellikle eğitim, ekonomik kalkınma, sosyal hareketlilik ve uluslararası kültürel etkileşim alanlarında modern İslam toplumlarının şekillenmesinde hayati bir rol oynamaktadır. Bu programlar, öğrenciler ve akademisyenler için kendi toplumlarına ve ülkelerine katkıda bulunabilecek beceri ve bilgi edinme fırsatları yaratır.

Bu çalışmada, Müslüman ve gayrimüslim ülkelerde burs ve değişim programları aracılığıyla eğitim gören Müslüman öğrencilerin yurtdışında aldıkları eğitimlerin kültürel, ekonomik, siyasi ve teknolojik anlamda kendi ülkelerine nasıl yansıttıkları analiz edilecektir.

Anahtar Kelimeler: *burs programları, değişim programları, eğitimin rolü, Müslüman ülkeler, sosyo-kültürel etkileşim*



A COMPARATIVE ANALYSIS OF SOCIAL THOUGHT AND THE DOMINANT MATERIALIST THOUGHT IN THE FORMATION OF THE NEW ISLAMIC CIVILIZATION

Dr. Lecturer M. Kazım Kara
Igdir University

1. Entrance

Against the dominant Western Positivist thought method today, it has become inevitable to gain an awareness-raising perspective in revealing the scientific knowledge of the Tawhidi Thought, which has been forgotten or made to be forgotten for the last two hundred years. The comparative evaluation presented for this purpose also provides the opportunity to systematically criticize the opposing model. In the context of comparative civilization analysis, when the “unity civilization” and “modern western civilization” and their knowledge production processes are examined, there are two main fundamental perspectives. One of these is the materialist social thought that forms the foundations of the “modern” Western civilization, and the other is the unification thought (Şimşek, 2017: 37).

2. The Phenomenon of Thought

3. Monotheistic Thought

Tawhidi Thought addresses the perspective that expresses the regulation of society and its relations and the direction it gives to society in accordance with the Divine law from a social perspective.

In essence, Islam, centered on the Tawhid Thought, looks at all of humanity and the universe through the Tawhid understanding, on the axis of the “ oneness of unity” of the Tawhid understanding. For this reason, the necessity and responsibility of the adherence of man, existence and sciences to a single Tawhid law has been clearly stated in the Quran by saying “Lord of the Worlds” (Gürsoy 2008: 77). However, modern Western civilization is in a position that consciously prefers to be at a point far from the “unitarian” understanding of Tawhid truth through pure rationalism. Thus, Western civilization has adopted a pagan materialist understanding through contemporary pure rationalism. It has also constructed all of its modern social sciences accordingly.

The modern West, in reality, cannot escape the unity of matter and meaning of the Monotheistic Thought, but in terms of meaning, it combines its thought filled with abstract feelings with pure reason, and despite the claim of 'humanism' it puts forward, it does not hesitate to kill even defenseless and innocent people for the sake of colonialism.

4. Materialist Social Thought

Materialist philosophy explains the universe through visible material objects and attributes the meaning of a “creative” power to matter. Accordingly, the materialist understanding of the universe deals with the universe, humans and thought through concrete material perceptions such as mind, matter and observation (Şimşek 2009: 1142).

Concepts that are connected to modernity and contemporary thought that serve the materialist tradition are concepts such as secularization, democracy, laicism, Jacobinism, liberal-capitalism, industrialism. These constitute the system-building tools of the modern Western social thought understanding that is connected to the materialist tradition based on Ancient Greek thought . In the non-Western world, it has systematized the thought of the person called "intellectual" whose mindset is formed according to materialist social thought.

Table 1. Comparison of thought in terms of civilizations

THOUGHT

MATERIALIST THOUGHT	UNIFICATION OF SOCIAL THOUGHT
Human = Matter (Mind)	Human = Matter + Meaning
Nimrod	Prophet Abraham Dhul-Qarnayn
Pharaoh	Prophet Moses
Solon, Seneca, Augustine	Prophet Solomon
Nebuchadnezzar (Nebuchadnezzar)	Pythagoras
Ptolemy (Astronomy and Geography)	Companions of the Cave
Abu Jahl	Hz. Muhammad (City of Knowledge); Tawhidi Education and Ashab -i Suffa School, Hz. Ali (Gate of Knowledge)
The Barbarian Carolingian Empire of Europe	Cafer-i Sadık (The summit of knowledge)
Germanic Empire	Al- Battani (He also corrected Ptolemy's mistakes), Al -Khwarizmi (Astronomy - Mathematics)
Aquinas , Machiavelli	Ibn Sina, Farabi, Ibn Rushd , Imam Ghazali Ibn -ul Arabi, Ahmet Yesevi, Mevlana
Jean Buridan , Bede, Oresma (They remained loyal to the old doctrines, even if only a little, in the Middle Ages Europe)	Biruni, Omar Khayyam Nasireddin Tusi
Thomas More , Thomas Hobbes, Locke Descartes	S. Konevi, Ibn Khaldun, Omar Khayyam Shirazi (Shamsuddin Muhammad)
Galileo (could not explain his thoughts for fear of the Inquisition), Copernicus (based on El Battani)	Ali Kushchu, Sinan Pasha (Istanbul)
Enlightenment Thought (17th/18th century); Secularization of knowledge and readings on scientific developments in the Golden Age	Increased imperialist activities against the Ottoman Empire
The search for new colonies in Europe and the mass production of raw materials from the colonies	The period of wars in the Ottoman Empire
Positivism, Rationalism , Capitalism, Socialism, Secularism	Readings on Western Thought (19th Century); The Ottoman's Westernization Adventure
Producing technology based on the developments in science that have occurred in the past with imperialist motives	Conflict between Tawhidic thought and Positivist thought
Western imperialism is increasing its power in the region in order to maintain its dominance in the Middle East	Pain, blood, tears

Figure 1. Comparison of civilizations
Materialist Based on Monotheistic Thought



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
 ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
 October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran

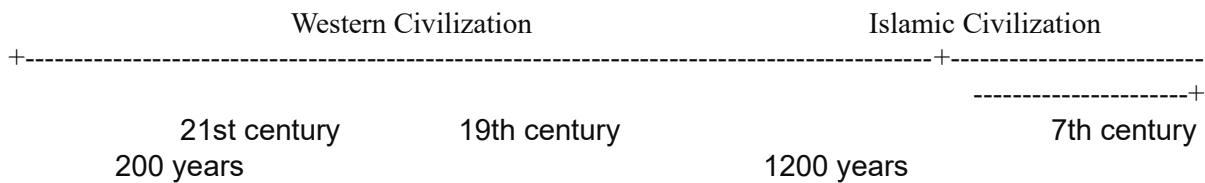


Table 2: Institutions in Terms of Social Structure

Institutions	Western Civilization	Islamic Civilization
Religion	Trinity	Tawhid
Economy	Liberal-capitalist monopolistic economic structure	Balance economy that ensures fair distribution between individuals and society
Education	One-world pragmatic liberal education mentality	A solidarity education mentality based on the holism of the world and the beyond
Politics	Representative democracy with liberal content	Justice-centered anti-monopoly democracy approach
Family	Egocentric and atomized family structure (Heteromorphic)	Solidarity and integrationist family structure (Isomorphic)

Simsek, O. 2017

5. Resources

Gursoy, K. Ethics and Sufism, Philosophical Dialogues, Prepared for Publication by; S. Yucel, Sufi Book, Timas, 2008, Istanbul.

Şimşek, O. Modern Entrepreneurial Mentality and Socio-Cultural Foundations of Turkish Entrepreneurship in the Context of Industry-Culture (Ahi-Sufism Modeling), International Davraz Congress-Global Dialogue, Süleyman Demirel University, 2009, Isparta.

Şimşek, O. Monotheistic Thought as a Civilization and System Builder, 2017, Gazi Bookstore, Ankara.

YENİ İSLAM MEDENİYETİNİN OLUŞUMUNDA TEVHİDİ İÇTİMAİ DÜŞÜNCE İLE HÂKİM MATERYALİST DÜŞÜNCENİN MUKAYESELİ ANALİZİ

Dr. Öğr. Üyesi M. Kazım Kara¹

1. Giriş

Günümüzde hâkim Batı Pozitivist düşünce yöntemine karşı, son iki yüz yıldır unutilan ya da unutturulan Tevhidi Düşüncenin ilmi bilgisini ortaya koymada bilinçlendirici bir bakış açısının kazandırılması artık kaçınılmaz bir hale gelmiştir. Bu amaçla ortaya konulan mukayeseli değerlendirme, aynı zamanda karşı modelin eleştirisini sistemsel olarak yapabilme imkânı da sağlamaktadır.

Mukayeseli medeniyetler analizi bağlamında “tevhit medeniyeti” ile “modern batı medeniyeti” ve bunların bilgi üretme süreçlerine bakıldığında, iki ana temel düşüncenin bakış açısı yer almaktadır. Bunlardan birisi “modern” Batı medeniyetinin temellerini oluşturan materyalist sosyal düşünce olup, diğeri de Tevhidi düşüncedir (Şimşek, 2017: 37).

2. Düşünce Olgusu

3. Tevhidi Düşünce

Tevhidi Düşünce, İlahi kanuna bağlı olarak, toplum ve toplumdaki ilişkileri düzenlemesini ve topluma yön vermesini ifade eden bakış açısını içtimai açıdan ele almaktadır.

Esasında Tevhidi Düşünce merkezli İslam, Tevhit anlayışının “ehadiyetçi birliği” ekseninde, tüm insanlığa ve varlık âlemine Tevhit anlayışı üzerinden bakmaktadır. Bundan dolayı Kuran’da “Âlemlerin Rabbi” denilerek insanın, varlığın ve ilimlerin tek bir Tevhit kanununa bağlılığının gerekliliği ve sorumluluğu kesin olarak ortaya konulmuştur (Gürsoy 2008: 77). Ancak modern Batı medeniyeti, salt akılcılık üzerinden, Tevhidi hakikatin “birlikçi” anlayışından uzak bir noktada bulunmayı bilinçli olarak tercih eden bir konumdadır. Böylece Batı medeniyeti, çağdaş salt rasyonalizm üzerinden pagan materyalist anlayışı benimsemiştir. Tüm modern sosyal bilimlerini de buna göre kurgulamıştır.

Modern Batı, hakikatte Tevhidi Düşüncenin madde ve mana birlikteliğinden kaçamamakta ama mana açısından soyut his duyguları ile dolu düşüncesini salt akıl ile birleştirerek ileri sürdükleri ‘hümanizm’ iddiasına rağmen sömürgecilik uğruna savunmasız, masum insanları dahi öldürmekten çekinmemektedir.

3.1. Materyalist Sosyal Düşünce

Materyalist felsefe, evreni görünen maddi nesnelere vasıtasıyla açıklayarak, maddeye, “oluşturucu” bir güç anlamı yüklemektedir. Buna göre materyalist düşüncenin kâinat anlayışı; akıl, madde, gözlem gibi somut materyal algılayışı ile evreni, insanı ve düşüncüyü ele almaktadır (Şimşek 2009: 1142).

Materyalist geleneğe hizmet eden modernite ve çağdaş düşünceye bağlı olan kavramlar; sekülerleşme, demokrasi, laisizm, jakobenizm, liberal-kapitalizm, endüstriyalizm gibi kavramlardır. Bunlar, Eski Yunan düşüncesi temelinden hareket eden materyalist geleneğe bağlı modern Batı sosyal düşünce anlayışının da, sistem kurucu araçlarını oluşturmaktadır. Batı dışı dünyada ise, materyalist sosyal düşünceye göre zihin yapısı oluşturulan “aydın” denilen insanın düşüncesini sistemleştirmiştir.

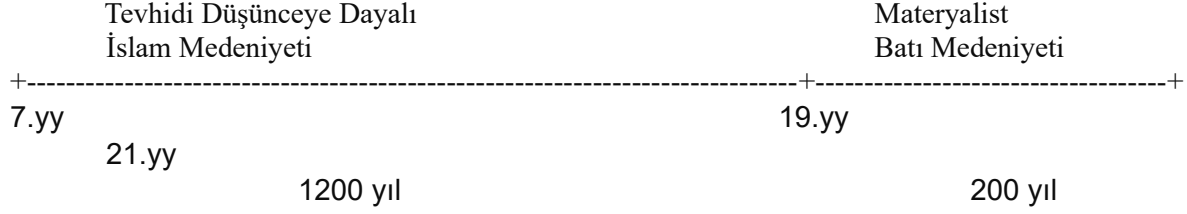
Tablo 1. Medeniyetler açısından düşüncenin mukayesesi

DÜŞÜNCE

¹ İğdır Üniversitesi Ziraat Fakültesi

MATERYALİST DÜŞÜNCE	TEVHİDİ İÇTİMÂİ DÜŞÜNCE
İnsan = Madde (Akıl)	İnsan = Madde + Mana
Nemrut	Hız. İbrahim Zulkarneyn
Firavun	Hız. Musa
Solon, Seneca, Augustino	Hız. Süleyman
Buhtunnasr (Nebukadnezar)	Pisagor
Batlamyus (Astronomi ve Coğrafya)	Ashab-ı Kehf
Ebu Cehil	Hız. Muhammed (İlmin Şehri); Tevhidi Eğitim ve Ashab-ı Suffe Okulu, Hız. Ali (ilmin kapısı)
Avrupa Barbar Karolenj İmparatorluğu	Cafer-i Sadık (İlimde zirve)
Cermen İmparatorluğu	El Battani (Batlamyus'un yanlışlarını da düzeltmiş), El Harizmi (Astronomi - Matematik)
Aquinaslı Thomas, Machiavelli	İbn-i Sina, Farabi, İbn-i Rüşd, İmam Gazali İbn-ül Arabî, Ahmet Yesevi, Mevlana
Jean Buridan, Bede, Oresma (Orta Çağ Avrupa- sında az da olsa eski öğretiyeye bağlı kalmışlar)	Biruni, Ömer Hayyam NasireddinTusi
Thomas More, Thomas Hobbes, Locke Descartes	S. Konevi, İbn-i Haldun, Ömer Hayyam Şirazi (Şemseddin Muhammed)
Galile (Engizisasyon korkusu ile düşüncesini açıklayamamış),Kopernik(El Battaniyi baz almış)	Ali Kuşçu, Sinan paşa (İstanbul)
Aydınlanma düşüncesi (17/18. Yy); Bilginin laikleşmesi ve Altın Çağdaki ilmi gelişmelere ait okumalar	Osmanlı Devleti'ne yönelik emperyalist faaliyetlerin artması
Avrupa'da yeni sömürge elde etme ve sömürgeler- den gelen hammaddelere ait seri üretim arayışları	Osmanlı devletinde savaşlar dönemi
Pozitivizm, Rasyonalizm, Kapitalizm, Sosyalizm, Laisizm	Batı düşüncesine ait okumalar (19. Yy); Osmanlı'nın Batılılaşma serüveni
Emperyalist Saiklerle, geçmişten beri bilimde meydana gelen gelişmelere göre teknoloji üretme	Tevhidi düşünce ile Pozitivist düşünce üzerine çatışma
Batı emperyalizmi Ortadoğu'daki hâkimiyetini sürdürmek adına bölgedeki gücünü artırıyor	Acı, kan, gözyaşı

Şekil 1. Medeniyetler mukayesesi



Tablo 2: Toplumsal Yapı Açısından Kurumlar

Kurumlar	Batı Medeniyeti	İslam Medeniyeti
Din	Teslis	Tevhit
Ekonomi	Liberal-kapitalist teknelci ekonomik yapı	Fert ve toplum arasındaki adaletli bölüşümü sağlayan denge ekonomisi
Eğitim	Tek dünyacı pragmatik liberal eğitim zihniyeti	Dünya ve öte dünya bütünselliğine dayalı dayanışmacı eğitim zihniyeti
Siyaset	Liberal içerikli temsili demokrasi	Adalet merkezli anti-teknelci demokrasi anlayışı
Aile	Egosantrik ve atomize olmuş aile yapısı (Heteromorfik)	Dayanışmacı ve bütünleşmeci aile yapısı (İsomorfik)

Şimşek, O. 2017

4. Kaynaklar

Gürsoy, K. Etik ve Tasavvuf, Felsefi Diyaloglar, Yayına Hazırlayan; S. Yücel, Sufi Kitap, Timaş, 2008, İstanbul.

Şimşek, O. Modern Girişimcilik Zihniyeti ve Sanayi-Kültür Bağlamında Türk Girişimciliğinin Sosyo-Kültürel Temelleri (Ahilik-Tasavvuf Modellemesi), Uluslararası Davraz Kongresi-Küresel Diyalog, Süleyman Demirel Üniversitesi, 2009, Isparta.

Şimşek, O. Medeniyet ve Sistem İnşa Edici Vasfıyla Tevhidi Düşünce, 2017, Gazi Kitabevi, Ankara.



SOCIAL CONSTRUCTION IN THE MODERN PERIOD WITHIN THE AXIS OF REASON AND COMPARISON AND AN EVALUATION ON THE FUNCTION OF UNIVERSITIES

Assoc. Prof. Dr. Sait YILDIRIM
Iğdır University, Department of Psychology

ABSTRACT

The history of humanity is also the history of civilization. In the history of civilization, people have sometimes lived under the leadership of their reason and sometimes under the determination of their faith. While reason and faith have come face to face in certain periods of history, they have also acted in solidarity in some periods. This study aims to address the process of social construction within the framework of reason and comparison and to address the scientific contribution of universities to this process in modern societies. Fundamentally, the existence of a need for a power and its source in terms of the nature and movement of things has attracted attention. The existence of the world, its formation and all questions related to it have actually provided clues showing that there is a creator. When humans and animals are compared, it shows that the development of civilization is shaped by the reasoning ability of humans. With these qualities, the existence of the creator has been open to discussions based on scientific developments at certain periods in the historical process. The Renaissance reform movements, which developed in response to the understanding of society that was suppressed by the church in the Middle Ages, developed positivism with the industrial and French revolutions, and the effect of religion on social and cultural life was minimized. However, it was ignored that religion in society played a regulatory, restorative, solidaristic and constructive role, not just as an element of oppression. Therefore, serious negativities were observed in the family structure in Europe with the industrial revolution process. While this study examines the existence of the creator on the axis of reason; the negative results of the value judgments that were neglected in this process were also evaluated. It has been possible to reach the existence of the creator by looking at the living and non-living entities in the universe with the focus of reason and comparison; and to reveal the relationship between events and facts by comparing them. For example, the fact that trees turn green again and bear fruit in the spring season; the fact that this process occurs for billions of trees every year makes it understandable that a magnificent formation like the universe acts on its own. Like this, the structure of man, the functionality of factories and the introduction of books indicate that there is a creator in everything that exists in the universe. The duty of humanity and servitude of the individual is to recognize, introduce and live accordingly with the builder of this change, transformation and production.

1. CREATIVITY AND CREATIVE THINKING IN THE AXIS OF REASON AND COMPARISON

Two basic explanatory approaches have dominated the social structure from the past to the present. The first of these is the conciliatory discourse and the other is the conflicting approach. In the development of civilization, people have first tried to survive and then to improve their living conditions. Postmodernism, which is considered as the aftermath of the modernization process from the survival process and today, some people have considered it their duty to



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



understand, explain and question nature, man, society, things that exist, are claimed to exist and are not claimed to exist (Yiğit, 2022). The name of this duty has been philosophy, wisdom, psychology, sociology or other disciplines depending on the subject and time. People who strive according to the hierarchy of needs have always sought answers to some questions, no matter what situation or period they are in. Who am I, where do I come from, why did I come and where am I going? The reason for asking these questions is due to the constant change in the world. The world that has existed for thousands of years, the coming and going of every living thing in this world every century is an important message. However, there is a difference between living things in these comings and goings. The first monkey and today's monkey are the same in terms of ability. So are all other living things. However, humans are distinguished from other living things as a representative of civilization. Humans have the ability to reason. They can develop and transfer, establish connections between events and situations and obtain new ideas. With these ideas, they can make their lives easier or make other people's lives harder. Humans desire infinity primarily intellectually. Based on this desire, they feel the need to believe, worship and connect. The effort to seek infinity has sometimes been attributed to mediators such as the moon, the sun, the stars, the earth, etc. (Aydoğan, 2015). In the past and still today, this worship focuses on one or more sources. Apart from these, the idea of not accepting anything has also been seen. Beliefs and logic are the triggers of every existing object and movement. The relationship between reason and belief has been discussed in terms of the philosophy of religion. The nature and movement of objects have been effective in the formation of belief within the boundaries of reason in this context (Korkmaz, 2006). When it is reduced to a simpler form, it explains the appearance of an object in a current place and then in another place after a while; almost everyone knows that someone moved it. Considering that the smallest object cannot move on its own based on the science of comparison, not attributing the functioning and continuity of all living and non-living beings and the flawless universe we are in to a power is an illogical explanation rather than a belief. By feeding on this partnership, the accuracy and importance of the harmony and functioning between logic and belief are briefly revealed.

The subject we want to focus on in our study will be shaped on the clues of a model that will be created by getting rid of the ideological debates fueled between science and religion in the current discussions. The age we are in reveals to what extent it is possible to believe in the above questions within the framework of reason without confronting science and technology, on the contrary, by drawing strength from them. The most important material of this process is shaped on comparison.

In the past, the emergence of positivism was popular in European civilization due to the rejection of religion and science and the formation of civilization on dogmas. However, with this opposition, it decided to reject faith and all beliefs, institutions and values altogether. As a matter of fact, today, European civilization has come to a point where it has been formed as a result of the rejection of social and moral institutions and has to impose moral and social rules through laws. The geography of the East and the Middle East, on the other hand, is captive to the understanding that adopts the acculturated and obsolete aspects of values and beliefs under the influence of positivist movements. In this state, it has neither been able to adopt a civilization model determined by laws nor has it been able to protect its historical heritage



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



under the shadow of values and beliefs. The most important problems of the era stem from the dysfunction of the social structure that exists in this chaos and indecision. Individuals, society, institutions, administrations and values have unfortunately been subjected to disinformation (İmamoğlu, 2011). In our age, where individualization is dominant, an effective, functional and sustainable operation is needed to address the mentioned problem and create a solution model. The most important actors of this process are universities (Bayan-Taşdemir, 2022). Universities and scientists are in a critical position for the construction and revival of this process. Each field of science must undertake a struggle to rebuild society and implement not only economic but also social and moral reform. In this process, the irresistible cooperation of science and religion must first be avoided. The application of the science of comparison as a method must be considered as an effective method of the process. In this context, the subjects evaluated with examples below provide examples for the method of comparison. Just as each pharmacist and pharmacy can produce many drugs that will cure diseases and be beneficial to people; ways of seeing the universe as a pharmacy must also be explored. It must be realized that more than four hundred thousand plants are offered to the service of humanity in jars, as it were, with the method of mikyasa. In this awareness process, it is necessary to see that those plants are unconscious and that this service consciousness is an artist.

In a clothing factory we see around us, thousands of clothes are woven from one material and thousands of different products emerge. When people put on and take off those clothes; that factory also shows a logo, brand, in short, its owner. Of course, everyone knows that there is an artist who produces these perfect fabrics. When we look at the universe with the mikyasa method, the flawless dressing of every living thing, trees, birds, fish and many more shows the existence of a perfect artist. This artist must have such power that he can decorate every tree according to its own nature every spring and constantly dress every living thing. When we think of a food warehouse, it is full of materials that will provide the needs, nutrition and survival of the people in that region. This warehouse indicates the existence of an owner and warehouseman. Again, with the mikyasa method, the provision of nutrients and protection for people, as well as various animals and plants in the universe and the continuity of this provision shows a tremendous warehouse owner and power. Billions of people who fill and empty the world every century, hundreds of thousands of species of fish in the sea, billions of animals on land, millions of birds in the air are fed day by day. This operation and continuity require an infinite power.

Just as the lamps that light up in the evenings during the 24 hours of day and night illuminate life, these lights need a source and power, the source of the sun and stars that illuminate the world also points to an infinite power by the scale method. When the power source required for the lamp is compared to the sun, there must be as much coal as mountains, as much wood as forests, and as much gasoline as oceans for the sun to meet these needs for a day. This light both illuminates the world and also mediates the warming and maintenance of all living things. The heat, water and other needs required for an apple to grow are necessary to build the entire spring. If that is the case, then those who cannot build an apple cannot build a whole spring, the world.

When a book is considered, just as every page, word and letter in it indicates an author; When the universe is considered as a book, years, seasons, months, days, hours, minutes and seconds

point to an author. Every spring is rewritten as a page every year and gives way to summer, summer to autumn, autumn to winter and many more...

As a factory, man is equipped with magnificent devices. With his limbs and functioning, he is in a state that contains and constantly operates perfect factories. However, he is also in a structure that operates these factories. Because he is as perfect as he is weak and willless. He runs to a doctor at the slightest pain and seeks a cure for his troubles. So, man does not own himself either, there is a perfect manager who builds him. If all this functioning and mechanism points to a power with the basis of reason, logic and faith and the scale method, denying this is not the way out, and it points to different questions. If there is a living being that sees and realizes this functioning and order, that is man. When all this functioning and wise organization is evaluated again with the scale method, it is normal to reach the knowledge that is claimed not to exist from the existing knowledge. It is also clear that the power that builds infinite power and art does not build anything without reason or need. The important issue here is who exists for what and what he should do. In order to reach these questions repeated at the beginning of the study step by step, it is necessary to proceed from the difference between humans and animals. Along with animals, other living beings also serve humans with all their glory. And if they all serve humans, what should humans serve and what should humans seek?

If humans were obliged to perform things such as eating, working, mating, etc., they would be no different from a chicken or a cow outside. Because they can do the same. On the contrary, animals are physically more efficient than humans. Meat, milk, eggs, skin and even feces are used in some way. However, human flesh cannot be eaten, milk cannot be drunk and their skin is useless. Therefore, humans have a different duty.

The duty of humans is to see works of art, benefit from them, get to know the artist and look at works of art with the perspective of an artist. They should be able to build all these processes within the body of reason, science, comparison, morality and faith (Çötök, Akbil, 2023). The absence of one of them will prevent reaching the truth. For this reason, universities are the most effective gateway to reach the truth and continue this journey. Scientists, as actors, should primarily adopt this process, put it into practice, be an example and make it live. It is clear that the understanding of science, adorned with faith and morality, will offer a strong future for the socio-economic well-being of societies and states.

REFERENCES

- Aydoğan, H. (2015).. "V1. Philosophy Of Religion Workshop: Reason And Faith". Sakarya University Faculty of Divinity Journal 17/31 (June 2015), 249-255.
- Bayır Taşdemir, S. (2022). Reason in Farabi, Ibn Sina and Ibn Rushd. Recep Tayyip Erdoğan University Faculty of Divinity Journal(22), 449-455.
- Çötök, T., & Kabil, O. (2023). PRACTICAL REASONING IN ARISTOTLE: LOGISMOS. Bingöl University Institute of Social Sciences Journal(26), 201-210.
- İmamoğlu, T. (2011). ON RELIGION and MODERN THOUGHT. Conservative Thought Journal, 7(27), 153-166.
- Korkmaz, Zeynep. "Reason And Belief: Introduction to Philosophy of Religion". Sakarya University Faculty of Theology Journal 9/15 (June 2007), 193-197.
- Yiğit, F. (2022). "Reason in Mevlana's Metaphysics". Tokat Scientific Journal 10/2, 683-702



The Place and Importance of Knowledge in Islamic Civilization

Prof. Dr. Zeki TAN¹

When we look at the dialogues between the first man and the first Prophet and the angels in the Quran, the prominent awareness of the first man is knowledge. The Qur'an says, "He taught Adam the names of everything..." (Baqara, 2/31), indicating that Allah, who "taught" the first human being, communicates with humans through knowledge. People learn new meanings and concepts with knowledge. He continues his life thanks to the concepts he produces. In fact, this method is also present in the revelation of the Quran. The Quran either used existing concepts in the society where it was first revealed or gave new meanings to the concepts. Taqwa, sin, goodness, knowledge and sincerity are a few of them. It is impossible to achieve social and political change in society without changing the concepts in the minds of individuals. For example; While the concept of mevali refers to a class within the tribe and being under the protection of this class, the fact that it means equalizing people and taking them all under the protection of Allah established the concept of equality in society. Otherwise, the slave-master dilemma would continue.

Even though Muslims' ties with knowledge are weakening in their practical lives, when we look at the references of the Quran and authentic sunnah, there are praises and references to knowledge and scientists. The Quran draws attention to the fact that Allah is the only one, that He is absolutely supreme and exalted, and that He makes the right decisions in every decision, firstly by Allah himself, by the angels, and then by the "people of knowledge" who maintain justice. (Âl-i İmrân, 3/18) Because knowledge is necessary for humans and society like air, bread, weapons, clothes and water.

Every civilization established throughout human history has prominent features. These civilizations have provided cultural, scientific, artistic and technological contributions to humanity like a flowing river. No civilization alone can solve humanity's problems. Just like

¹ Iğdır University, Faculty of Theology, Department of Fundamental Islamic Sciences, Faculty Member of the Tafsir Department, Orcid no: 0000-0001-8555-1167, zekitan64@windowslive.com; This text was prepared largely by making use of the book Tan, Zeki, *The Role of Science and Scholars in the Structuring of Society According to the Qur'an*, Ark Publications, Istanbul 2010, pp. 1-480.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



the rings of the chain, each civilization contributed to the ones that came later. In this context, it is not possible for anyone to develop the world alone. For example; For the Roman Civilization, it contributed to the legal civilization, for the Chinese Civilization, silk production, paper making and handicrafts, for the Ancient Greek Civilization, the philosophy civilization, for the Byzantine Civilization, the city civilization, and for the Islamic Civilization, it contributed to humanity with books and knowledge.

It should not be forgotten that scientists are the ones who build civilization. Managers prepare financial means. For example; The manager builds buildings, roads, bridges and airports. Scientists also use them when producing knowledge.

Every civilization is influenced and nourished by other civilizations. What makes a civilization different is its ability to live together with other cultures and civilizations. Considering the historical experience of the Islamic civilization, it cannot close its doors to other civilizations. The naming of philosophy as wisdom and the translations made show this.

The Middle East is an ancient civilization center where the deep traces of Assyria, Rome, Persia, Byzantium, Arab, Seljuk and Ottoman are still intact. In fact, it is incomprehensible that those who bear the traces of such a deep and meaningful civilization are not like him and follow in the footsteps of others. It is probably not easy to follow the footsteps of ancient civilization instead of carrying the past to the present. New additions need to be made in this regard. Trying to carry the culinary culture, education, art, architecture and music of the past with the ashes on the stove instead of carrying them with new and different forms will cause discomfort.

Science is the name of the effort to discover the laws that God has placed in the universe. Exploring the functioning of the universe through such a meaningful effort can further strengthen people's religious beliefs. Everything we discovered through scientific efforts in the universe already exists. These are part of the laws that God placed on the universe. As Erol Güngör stated: *"If it is possible for the Islamic world to rise again, we should look for the source of this in the field of contemplation, not in political developments... This means that the real burden of the Islamic cause falls on the shoulders of intellectuals. Muslim intellectuals*



and clergy, scholars, thinkers, -Nationalists must be aware of this responsibility. Civilization is not created by politicians; civilization is created by scholars and artists. A new Islamic civilization will certainly rise on the shoulders of those who create works of science, thought and art. If there is a revival and development among Muslims with their efforts, political goals will come naturally and the intellectuals will exhaust themselves and increase their energy. "They should stay as far away as possible from highly frustrating political conflicts, look down on daily events and think about permanent and radical solutions."

Dualism in Knowledge

In the Quran's view of the world, attention is drawn to the unity of the earth and the sky by saying, "He is the Lord of the heavens and the earth and all that is between them, and of all the places where the sun rises" (Saffat, 37/5). The verse particularly emphasizes that Allah is the Lord of all beings. Because, since there is no being that Allah has not created and provided for, there is no group of beings outside the scope of the divine scope. The fragmentation in past beliefs is not included in the thought system that the Quran wants to construct. The unity that Islam wants in social life is also wanted in knowledge. The Quran does not accept the distinction between religious and non-religious knowledge. Because when we look at the content of the Quran, there are verses that describe countless varieties and differences in the universe, from the honeybee (Nahl, 16/68) to the spider (Ankabut, 29/41), from the eclipse of the sun and moon (Qiyamah, 75/8) to the thunder (Ra'd, 13/12; Ar-Rum, 30/24), from the structure of the seas (Hajj, 22/65; Fatir, 35/12; Rahman, 55/19) to the formation of mountains (A'raf, 7/74; Hijr, 15/82). The Quran draws attention to the book of the universe outside of itself for those who read it. This is also taken into consideration in verses such as "do you not look" (Ar-Rum, 30/50; Abasa, 80/24-31; Qaf, 50/6), "do you not see" (Ibrahim, 14/19; Al-Hajj, 22/18; Furqan, 25/45), "do you not think" (Baqarah, 2/219; Al-An'am, 6/50; Ar-Rum, 30/8), "do you not reason" (Baqarah, 2/44; Al-Mu'minun, 23/80; Al-Ankabut, 29/43), "do you not consider" (Sa'd, 38/29).

One of our Usul scholars, Debbusi, says: "Allah's rights over people have four stages. First comes the stage of examining the verses/signs that indicate His existence, which is called "nazar" as mentioned above. Then comes the stage of "faith", which is the necessary result of



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



these verses and signs. This is followed by the stage of “worship/action”, which is required by the promise given to the Creator (A’raf, 7/172) and complete submission to Him (Baqarah, 2/131). (An’am, 6/132) The other stage is defined by “ajziya”, which means that if forbidden acts are committed, they will be punished immediately (Qasas, 28/84; Ghaffir, 40/40). The prototype of the scholar revealed by the revelation is Hz. It is one of the most important cultural revolutions in human history that emerged as a scientific leadership in a way that had not been seen before the Prophet. Because the Muslim scholar is not a Greek sophist. He is not a Roman jurist. He is not a Hindu Brahman either. The prototype of the jurist and scholar is a new type in the socialization process of the Islamic creed and in the struggle it entered into with other civilizations.

It should blend revelation with rational knowledge in such a way that this new type should constitute a leader in science on its own. This is one of the pillars of Islamic civilization, and today there is such a fragmentation. Neither the rule and rule alone nor the life of the heart alone should be a prototype that will exhibit the unity of the two. Currently, there is a lack of an intellectual who can speak on behalf of the Islamic world and convey this on every platform, who has that identity without being ashamed of it and who has a cultural structure that can confront it with the world. The absence of this and the failure to present intellectual production at the desired level make it impossible for the Islamic world to defend its mind. If we had serious literature contributions in this field today, an intellectual opening would be made against the analyses of the West and their prejudices against us. We are not at a point where the absence of intellectuals who will evaluate the resources and strategic situation of the Islamic world can contribute as a positive productive effect in international relations. The absence of a political elite integrated with its people that can evaluate all of these and reflect them in political relations leads to polarization in almost all political problems in the Islamic world.

It is not possible to reckon with the world without gaining superiority in terms of science. In this study, we have also talked about the qualities that scholars should have. Because these are the qualities that make a person superior. Today, many people whose name is Muslim carry the title of infidel and cannot progress as they should. Many people whose name is infidel are in an advanced position because they carry the title of Muslim. God Almighty did not create man, whom He created in the most beautiful way, as a game and toy, nor did He leave him



unattended. God has determined and determined what kind of behavior and lifestyle he should exhibit throughout his entire life. This lifestyle, the limits of which were determined by God, was conveyed to the societies to which the prophets were sent both verbally and in action. The lifestyle that should be lived was put into practice and put before them. It is very difficult for a religion that is not put into practice and is not put into practice to survive. The purpose of sending prophets is to transform theoretical knowledge into action.

Since no prophet will be sent after the Prophet (Ahzab, 33/40), the duty of enlightening and guiding societies falls on scholars who are the heirs of the prophets. The Prophet expresses this as follows; "... Scholars are the heirs of the prophets. The prophets leave neither dinar nor dirham as an inheritance. And whoever acquires knowledge has acquired a generous share." Therefore, scholars must undertake to be the spokesmen of the Quran with the clarity that the Prophet conveyed. They should do this by exhibiting a Quranic life on the scale of the Prophet. It should not be overlooked that solving the problems of the religious life in society at the intellectual level requires deep knowledge and contemplation. It does not seem possible to diagnose, detect and treat modern problems that disturb today's society based on some interpretations made in the past.

Universality of Science

Universality is the ability of a religion, a political doctrine, a legal or economic system or a philosophical doctrine to respond to the expectations of humanity on a timeless scale. When it comes to the universality of a religion, it is inevitable that the principles it puts forward will encompass everything and everyone. Being open and pluralistic is a feature that shows universality.

Carrying a flag taken from the past to the future corresponds to its universal nature. The Holy Quran expresses this as follows: "Say: "I am not one of the prophets..." (Ahkaf, 46/9) This work has brought the principle of embracing the future by establishing a connection with the past, which it did not invent. The Holy Quran emphasizes that a rootless future cannot be established. It is universal in the sense that it embraces all religions from Hz. Adam to Hz. Prophet. Because a believer has to believe not only in the Quran and Hz. Prophet, but also in



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



all the books and prophets that came before. However, it is not easy to find this belief in today's Judaism or Christianity. Islam is universal in the sense that it offers universal messages for the future. It is universal in the sense that it treats equally. It is also universal in the sense that it leaves a considerable space for action for people, and in the sense that it sets basic principles. Today, the answers given to the question "Why did you become a Muslim?" to those who embrace Islam are all of them are related to the characteristics of Islam that we have listed here. "I became a Muslim because Islam does not bring science and religion, contemplation and emotion face to face." The Prophet Muhammad expressed this issue as follows; "Even if knowledge is in China, seek it without fail." The understanding that recommends benefiting from it, even if it is in China, is important both in terms of revealing that there can be no boundaries in knowledge and in terms of revealing the universality of the messages it carries. "Wisdom is the lost property of the believer; he has the most right to take it wherever he finds it." When it is taken into consideration that the geography of Arabia was the place where all these statements were made, the importance of the issue and the perspective on events can be better understood.

Conclusion

Since the Quran was revealed by God, it has guided humanity, shed light and been a source of healing. And it continues to do so. The main purpose of the Quran is not to provide some theoretical information. As Muhammad Iqbal said; "The Quran is a book that emphasizes dynamism and action rather than ideas." It is to grant a perfect life to individuals and society and to reform society. It is to ensure the formation of a perfect person and a perfect society.

How will we understand the time period we live in well, how will we carry the picture of the external world in our inner world, how will we employ it to our advantage as comprehensive minds who will hear the voice of the society they live in in their heart and solve problems, how will we raise Ibn Sina, Farabi and Ghazali and what legacy will we leave to future generations? We have to take stock of this, even if it is brief. It can also be said that the Islamic world, which has been the victim and oppressed of the last two centuries, has been unable to produce anything significant for the benefit of humanity. This can only be eliminated by those who will reconsider the Quran every day and convey its "mercy" to humanity. In the



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



past, the igniting force of Islamic civilization has always been the Quran and the scholars who understand it. Today, the inability of intellectuals to interpret the Quran as it should have caused them to be unable to produce solutions that are in line with the spirit of the Islamic world.

The prototype of the scholar, which was not seen before the Prophet, and its emergence as a scientific leadership is one of the most important cultural revolutions in human history. Because the Muslim scholar is not a Greek sophist. He is not a Roman jurist. He is not a Hindu Brahman either. The prototype of the jurist and scholar is a new type in the socialization process of the Islamic creed and in its struggle with other civilizations. He should bring together the revelation and rational knowledge in such a way that this new type should constitute a scientific leadership on its own. This is one of the pillars of the Islamic civilization, and today there is a fragmentation of this type. There should be a prototype that will display the oneness of neither the rule nor the life of the heart.

Source

Ajluni, Ismail Muhammad, *Keşfu'l-Hafa and An Muzili'l-Ilbas Amme Istehere Mine'l-Ehadisi Ala Elsineti'n-Nas*, Musssetu'r-Risale, Beirut 1985.

Bawany, Ebrahim Ahmed, *Why Do We Prefer Islam*, trans. I. Ruhi Bolay, Ank. 1997.

Davudoğlu, Ahmet, "We Have Three Basic Issues", (Interview) *Altınoluk*, Issue:189, November, 2001, p. 20.

Debusi, Abu Zeyd Abdullah b. Muhammad, *Takvîmu'l-Edille fi'l-Usul*, Beirut, 2001.

Abu Davud, Suleyman Ibn al-Ash'as, *al-Sunen*, Beirut 1980.

Gungor, Erol, *Issues of Islam Today*, Otuken Publications, Istanbul 1981.

Ibn Mace, Abu Abdillah Muhammad, *al-Sunen*, ed. M. Fuad Abdulbaki, Egypt, 1985.

Tan, Zeki, *The Role of Knowledge and Scholars in the Structure of Society According to the Qur'an*, Ark Publications, Istanbul 2010.

Tirmidhi, Abu 'Isa Muhammad b. 'Isa, *al-Jamiu's-Sahih*, ed. A. Muhammad Shakir, Egypt, 1985.



İSLAM VE BATI ARASINDA BİR DÜŞÜNÜR: ALİYA İZZETBEGOVIÇ'İN FİKİRLERİ VE ETKİLERİ

Prof. Dr.Doğan KAPLAN¹

Bu bildiri, Bosnalı düşünür Aliya İzzetbegoviç'in İslam ve Batı arasındaki düşünce köprülerini nasıl inşa ettiğini ve bu iki kültür arasında nasıl bir etkileşim sağladığını incelemektedir. İzzetbegoviç'in düşünceleri, İslam'ın modern dünyadaki rolü ve Batı'nın etkisi altında nasıl bir yeniden değerlendirme süreci yaşadığı üzerinde durur. Bildiride, İzzetbegoviç'in İslam medeniyetine dair görüşleri, Batı ile olan çatışma ve uyum stratejileri, ve bu görüşlerin Bosna-Hersek'teki sosyal ve politik etkileri detaylı bir şekilde ele alınacaktır.

Anahtar Kelimeler: Aliya İzzetbegoviç, İslam ve Batı, İslam Medeniyeti, Batı etkisi, Bosna-Hersek, düşünce köprüleri

A THINKER BETWEEN ISLAM AND THE WEST: THE IDEAS AND INFLUENCES OF ALİYA İZZETBEGOVIÇ

This paper explores how Bosnian thinker Aliya Izzetbegovic built bridges between Islam and the West and facilitated interaction between these two cultures. Izzetbegovic's thoughts on the role of Islam in the modern world and the process of re-evaluation under Western influence are discussed. The paper will detail Izzetbegovic's views on Islamic civilization, strategies for conflict and harmony with the West, and the socio-political impact of these views in Bosnia and Herzegovina.

Keywords: Aliya Izzetbegovic, Islam and the West, Islamic Civilization, Western Influence, Bosnia and Herzegovina, Thought Bridges

یک متفکر میان اسلام و غرب: افکار و تأثیرات علیا ایزت بیگوویچ

این مقاله به بررسی چگونگی ساخت پل‌های فکری میان اسلام و غرب توسط متفکر بوسنیایی، علیا ایزت بیگوویچ، و نحوه ایجاد تعامل بین این دو فرهنگ می‌پردازد. افکار ایزت بیگوویچ درباره نقش اسلام در دنیای مدرن و فرآیند ارزیابی مجدد تحت تأثیر غرب بررسی می‌شود. این مقاله به تفصیل به دیدگاه‌های ایزت بیگوویچ درباره تمدن اسلامی، استراتژی‌های تقابل و هماهنگی با غرب و تأثیرات اجتماعی و سیاسی این دیدگاه‌ها در بوسنی و هرزگوین خواهد پرداخت.

واژه‌های کلیدی: علیا ایزت بیگوویچ، اسلام و غرب، تمدن اسلامی، تأثیر غرب، بوسنی و هرزگوین، پل‌های فکری

¹ Necmettin Erbakan University Ahmet Keleşoğlu Theology Faculty Basic Islamic Sciences, Dept. of History of Islamic Sects dkaplan@erbakan.edu.tr



Literary Presentation of Medical Knowledge in the Ottoman Empire and the Use of This Knowledge Today Zeynep Dinçer Berdibek¹

The Ottoman Empire was an important scientific center that inherited and advanced the medical knowledge of Islamic civilization throughout history. Medical knowledge, obtained through both scientific research and oral traditions, contributed to the creation of numerous medical texts, and significant physicians were trained in this field. This knowledge, which also appears in literary, sociological, and religious contexts, forms the basis of many methods used in modern medicine. This study will examine these methods, the dissemination of medical knowledge in the Ottoman Empire, the transfer of knowledge between public and palace physicians, and the impact of this knowledge today.

During the Ottoman period, medical knowledge was spread both through written sources and oral traditions among the public. While hospitals and madrasahs played a vital role in medical education, the works produced during this time have greatly influenced modern medicine. This study will evaluate key works, such as Ibn Sina's "Al-Qanun fi't-Tibb" and Şerafeddin Sabuncuoğlu's "Cerrahiyetü'l-Haniye," which were foundational medical texts in the Ottoman Empire. Furthermore, the study will focus on the diagnostic and treatment methods of Ottoman physicians, their contributions to pharmacology, and the modern assessment of their surgical practices.

Additionally, the resurgence of Ottoman medical practices in alternative medicine and natural treatment methods today will be discussed, including how traditional treatments like herbal medicines are integrated into modern medicine. In conclusion, the study will highlight that medical knowledge from the Ottoman period continues to be regarded as a reference point, especially in fields such as phytotherapy and surgical techniques, and remains relevant in contemporary medical practices.

Key words: Medicine, Ottoman Literature and Culture, Modern Medicine, Tradition.

Özet

Osmanlıda Tıbbî Bilgilerin Edebî Olarak Sunumu ve Bu Bilgilerin Günümüzde Kullanımı

Osmanlı İmparatorluğu tarihi süreçte, İslam medeniyetinin tıbbi bilgi birikimini devralıp geliştiren önemli bir bilim merkezi olmuştur. Hem ilmi hem de şifahi alanda elde edilen tıbbi bilgiler zamanla çeşitli kitapların yazılmasına vesile olmuş ve bu alanda önemli tıpçılar yetişmiştir. Edebi, sosyolojik ve dini alanda da karşımıza çıkan bu bilgiler günümüzde de kullanılan metotların temeli niteliğindedir. Bu çalışmada söz konusu bu metotlar, Osmanlı'da tıbbi bilgilerinin sunumu, halk ve saray hekimliği arasında bilgi aktarımı ve bu bilgilerin günümüzdeki etkileri incelenecektir.

¹ Assistant Professor, National Taiwan University, Taiwan zeynepdincer12@gmail.com



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



Osmanlı döneminde tıp, hem yazılı kaynaklarla hem de halk arasında sözlü olarak yayılmıştır. Şifahaneler ve medreseler, tıp eğitiminde önemli rol oynarken, bu dönemde yazılan eserler günümüz modern tıbbına ışık tutmuştur. Çalışmada, Osmanlı'nın tıbbi metinleri arasında öne çıkan İbn-i Sina'nın "El-Kanun fi't-Tıb" ve Şerafeddin Sabuncuoğlu'nun "Cerrahiyetü'l Haniye" gibi eserlerinden de değerlendirmeler yapılacaktır. Ayrıca, Osmanlı hekimlerinin hastalık teşhisi ve tedavi yöntemleri, farmakolojiye katkıları ve cerrahi uygulamalarının günümüzde nasıl değerlendirildiği üzerinde durulacaktır. Günümüzde, alternatif tıp ve doğal tedavi yöntemleri konularında Osmanlı'dan miras kalan uygulamaların yeniden canlanması, bitkisel ilaçlar ve şifalı otlar gibi geleneksel tedavi yöntemlerinin modern tıpta nasıl kullanıldığı tartışılacaktır. Sonuç olarak, Osmanlı dönemine ait tıbbi bilgilerin, modern tıpta özellikle fitoterapi ve cerrahi yöntemler gibi alanlarda hala bir referans noktası olarak kabul edildiği ve kullanım alanı bulduğu vurgulanacaktır.

Anahtar Sözcükler: Tıp, Osmanlı Edebiyatı ve Kültürü, Modern Tıp, Gelenek.

تعلیم و تربیت و تمدن نوین اسلامی، آسیب ها و راهکارها

داود زاده علی

چکیده

تمدن نوین اسلامی، که مبتنی بر قوانین قرآن، ایمان به یکتاپرستی و خداوند متعال است، و عدالت محوری در تولید و توزیع و مصرف در آن جایگاه برتری دارد، از جایگاه بلندی در میان سایر تمدن ها برخوردار است. در چنین تمدنی، ظلم و ستم و فاصله های طبقاتی ستمگرانه نفی و روابط اقتصادی انسان ها و ملت ها و کشورها با همدیگر بر اساس عدالت بنیان نهاده شده، و حقوق انسان ها مورد احترام قرار می گیرد و مبارزه دائمی با استکبار محروم کننده ملت ها از حقوق انسانی شان امری پراهمیت تلقی می گردد.

آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی با توجه به کارکردهایی که برای آن وجود دارد، می تواند در رشد و گسترش تمدن نوین اسلامی و محافظت از این تمدن، نقش بسزایی داشته باشد. البته، این تمدن با آسیب هایی نیز مواجه است که باید برای رفع آنها گام های اساسی برداشته شود و نقش آموزش و پرورش در این خصوص با تبیین راهکارهای مناسب و اجرای آنها غیر قابل انکار است.

کلید واژها: تعلیم و تربیت، تمدن نوین اسلامی، کارکرد، آسیب، راهکار، نهاد اجتماعی

مقدمه

تعلیم و تربیت از سپیده دم تاریخ بشر، همواره در جوامع مختلف- ابتدایی یا پیشرفته- در جریان بوده است. از این رو، هیچ جامعه ای را نمی توان یافت که تهی از اقدامات تعلیمی و تربیتی بوده باشد. با این حال، این نکته هم قابل چشم پوشی نیست که چگونگی و کیفیت تعلیم و تربیت، روش ها، ابزارها و وسایل این دو در این جوامع، متفاوت از همدیگر بوده است. در جوامع ابتدایی و در نبود مؤسساتی همچون مدرسه و دانشگاه، متعلمان و متریبان در ضمن کار و فعالیت در کنار دیگران، آنچه را که لازم بوده از آنها می آموختند و نیز با استفاده از اندوخته های خود، در جهت شکوفایی استعدادهای خویش تلاش می کردند. تربیت افراد جنبه تقلیدی داشته، بدون اینکه برنامه ای برای این امر وجود داشته باشد، و کوچک ترها آنچه را که از بزرگ ترهای خانواده و اجتماع می دیدند، به صورت تقلیدی به کار می بستند.

«در جامعه ساده ابتدایی، آموزش و پرورش هدف و منظور آگاهانه ای نداشت. هر فرد پس از تولد، به تدریج طی مراحل مختلف زندگی، متناسب با سن و موقعیت اجتماعی خویش، سازگاری های لازم با محیط اجتماعی را فراگرفته، از طریق یادگیری موازین اجتماعی و الگوهای رفتاری، طی ترتیباتی به زندگی بزرگسالی راه می یافت. مثلاً، در امر گردآوری خوراک- یافتن جانوران زخمی یا جمع آوری میوه ها و ریشه های گیاهی ماکول- نوجوان با پدر همراهی کرده، راه و رسم کار را یاد می گرفت. گردآوری خوراک به این طریق به مهارت خاصی نیاز نداشت. از این رو، کسب آمادگی برای انجام دادن فعالیت

های روزمره زندگی، هدف آموزشی یا پرورشی آگاهانه ای نداشت؛ هر نوجوان به خودی خود، همه این امور را به تجربه می آموخت.» (۱)

اما، با پیچیده تر شدن شرایط زندگی اجتماعی، انسان ها به مرور زمان دریافتند که برای آموزش و پرورش ابناء بشر، آنچه در جوامع ابتدایی انجام می پذیرفت، کافی نیست، و برای تأمین نیازهای جامعه باید اقدامات آموزشی و پرورشی برتر و فراتری انجام پذیرد. بنابراین با تحولاتی که در کمیت و کیفیت، اهداف و روش ها، وسایل و ابزارهای آموزشی و پرورشی به عمل آمد، راه پیشرفت آموزش و پرورش گشوده شد، و آموزش و پرورش به صورت امری نظام مند درآمد و برنامه ریزی برای انجام هرچه بهتر آن مورد توجه قرار گرفت. تا جایی که امروزه آموزش و پرورش به صورت مهمترین عامل پیشرفت جوامع انسانی در ابعاد مختلف، درآمده و هر جامعه ای که به این لحاظ عقب مانده باشد، در سایر جنبه های زندگی نیز با مشکلاتی مواجه است که باید عواقب دردناک ناشی از این مشکلات را هم تحمل نماید. گذشته از این، نقش آموزش و پرورش در تمدن سازی غیرقابل انکار است. هر جامعه ای که بخواهد تمدن مورد نظر خود را حفظ نموده و بگستراند، این کار از طریق آموزش و پرورش می تواند امکان پذیر شود. بنابراین، حفظ و گسترش تمدن ها نیز دلیل دیگری بر ضرورت توسعه آموزش و پرورش در نزد ملت ها می تواند باشد. آنچه تمدن ها در بطن خود دارند، به وسیله آموزش و پرورش، قابل انتقال به نسل های دیگر است. آموزش و پرورش، رشد و بالندگی تمدن ها را موجب می شود و می تواند آموزه های تمدنی را در میان سایر ملت ها و فراتر از مرزهای جغرافیایی انتشار دهد و آنها را به صورت یک امر جهانی درآورد.

تعریف و مفهوم تعلیم و تربیت

از نظر لغوی، تعلیم به معنای یاد دادن و آموختن، و تربیت به معنای پروراندن و به فعلیت رساندن استعدادها و نهفته در اندرون انسان است. اگرچه، در برخی معانی لغوی، تعلیم و تربیت را مترادف همدیگر قرار داده اند، ولی این دو به لحاظ معنا و مفهوم و کارکردهایشان مترادف هم نیستند، هرچند که ارتباط نزدیک آنها و تأثیر و تأثرشان از یکدیگر غیرقابل انکار است. از معنای لغوی تعیم و تربیت که بگذریم، در تعریف این دو، صاحب نظران مختلف، تعاریف مختلفی را ارائه داده اند که در اینجا بعضی از آنها را می آوریم.

دونالد باتلر در کتاب معروف خود «چهار مکتب فلسفه و جنبه اجرایی آنها در تعلیم و تربیت و مذهب» می نویسد: «تعلیم و تربیت، فعالیت یا کوششی است که در آن افراد مسن تر اجتماع انسانی یا آنهایی که بیشتر رشد کرده اند با افراد کم رشدتر برخورد می کنند تا رشد بیشتری را در آنها به وجود آورند و از این راه به پیشرفت زندگی انسانی کمک کنند.» (۲)

فیلیپ ج. فیلیکس استاد دانشگاه کلمبیا در کتاب «فلسفه تعلیم و تربیت»، تعلیم و تربیت را امری انسانی یا امری که فقط به انسان اختصاص دارد معرفی می نماید که به عنوان جریانی پیوسته فرد در آن شرکت دارد و این جریان کل شخصیت فرد را در برمی گیرد و از دوام و استمرار برخوردار است. (۳)

پروفسور برودی استاد تعلیم و تربیت دانشگاه ایلینویز در کتاب «بنای یک فلسفه تعلیم و تربیت» نوشته است: «تعلیم و تربیت کنترل یادگیری است. او یادگیری هایی را که خود به خود و بدون آگاهی یا به عبارت درست تر بدون فهم صحیح باشد، فاقد جنبه تربیتی می داند و از سه نوع تربیت، شامل تربیت محیطی، تربیت غیررسمی و تربیت رسمی نام می برد و در توضیح مفهوم هر کدام از آنها مطالبی را بیان می دارد.» (۴)

علی شریعتمداری، بر این باور است که هر تعریفی از تعلیم و تربیت باید خصوصیات زیر را در برداشته باشد:

- ۱) مفهوم تعلیم و تربیت را به طور آشکار مشخص سازد.
- ۲- مفهوم تعلیم و تربیت را با مفهوم اموری مانند کسب معلومات، فراگیری مهارت ها و ایجاد عادات در هم نیامیزد.
- ۳- مفهوم تعلیم و تربیت را طوری بیان کند که در مراحل مختلف زندگی یا مراحل مختلف تربیتی مثل کودکتان، دبستان، دبیرستان، دانشگاه و بعد از فراغ از تحصیل قابل اجرا باشد.
- ۴- مفهوم تعلیم و تربیت را طوری بیان کند که به عنوان اصل راهنمایی کننده در هر مرحله برای مربی یا معلم مورد استفاده قرار گیرد. (۵)

بعضی از مربیان نیز در اظهار نظرهای خود، تعلیم و تربیت را آشکار کردن و یا فعلیت دادن استعدادها و قوای پنهانی فرد می دانند. برخی دیگر از آنها تعلیم و تربیت را پرورش قوای ذهنی مثل قوه ادراک، حافظه، یادآوری، تداعی معانی، دقت، اراده، تخیل و تعقل عنوان می کنند. این تعریف از تعلیم و تربیت در شمول تعریف ماقبل (فعلیت دادن استعدادها) قرار می گیرد و نمی تواند برای خود تعریف مستقلی باشد. رشد قوه قضاوت صحیح، مفهوم دیگری است که برخی صاحب نظران برای تعلیم و تربیت برگزیده اند. از نظر آنها منظور از قضاوت صحیح، اظهار نظری است که با دلیل همراه باشد. (۶)

اکثر تعاریف یادشده، تعلیم و تربیت را به یک معنا گرفته و بیشتر به جنبه تربیتی آموزش و پرورش پرداخته اند، و نیز از ارائه یک تعریف جامع که همه جنبه های آموزش و پرورش را دربرگیرد، بازمانده اند. اگر آموزش و پرورش را با تمام ابعاد آن مورد توجه قرار دهیم، آنگاه در خواهیم یافت که می تواند نقش بسیار مهمی در تمدن سازی داشته باشد. تعلیم و تربیت انسان هایی با ویژگی هایی خاص در برخی مراکز تعلیمی و تربیتی دنیا برای استفاده از آنها در ایجاد تغییرات تمدنی در میان ملت ها و ممالک مختلف، گواه روشنی بر این مطلب است که تعلیم و تربیت از ابعاد گسترده ای برخوردار است و نقش تعیین کننده ای در وضعیت تمدن ها دارد. در عینیت زندگی انسان ها مشاهده می شود که تعلیم و تربیت در همه جنبه های زندگی آنان حضور دارد. مثلاً کسی که می خواهد در عرصه حکومت و سیاست به فعالیت بپردازد، نیازمند آن است که پیشاپیش علم حکومت داری و سیاست ورزی را بیاموزد و خود را به اخلاق متناسب با این امور تربیت نماید، آن کس که می خواهد به طبابت بپردازد، باید علم پزشکی را بیاموزد و به اخلاق پزشکی آراسته شود. شخصی که در صدد نشستن برکرسی قضاوت است، لازم است آموزش های مربوط به قضاوت را ببیند و برای عدالت ورزی در امر قضاوت به اخلاق قضا متصف گردد. صنعت گری که می خواهد در رشته ای از صنایع به فعالیت بپردازد، او هم نیازمند علم و اخلاق مرتبط با رشته مورد نظر خود می باشد. به این ترتیب، سیاستمداران، قضات، پزشکان، صنعتگران و... در دامان تعلیم و تربیت، رشد یافته و بالنده می شوند، و لذا، آموزش و پرورش در تمام عرصه های زندگی بشر، حضوری تعیین کننده داشته و دارد و نمی توان آن را محدود به اموری خاص نمود. پس، لازم است با درک معنای جامع آن، تعاریف مربوط به تعلیم و تربیت نیز بر اساس این درک و دریافت انجام پذیرد؛ آنگاه به نقش تعلیم و تربیت در حوزه تمدنی هر چه بیشتر پی خواهیم برد و از آن برای به وجود آوردن و حفظ و ارتقای تمدنی متعالی هر چه بیشتر بهره خواهیم جست.

علاوه بر تعاریفی که در باره تعلیم و تربیت از آنها یاد شد، تعاریف و توضیحات دیگری به شرح زیر را نیز می توان مورد توجه قرار داد:

از جمله اندیشمندانی که به مسئله تعلیم و تربیت پرداخته، افلاطون است، بدون اینکه در نوشته های او تعریف واحدی از تعلیم و تربیت ارائه شده باشد. با این حال، با واکاوی نظریات افلاطون می توان به نکاتی دست یافت که بیانگر تعریف وی از تعلیم

و تربیت هستند. افلاطون، تعلیم و تربیت را کشف استعدادهای طبیعی و شکوفا ساختن آنها می داند و معتقد است تنها کسانی باید به سوی تحصیل علم و حکمت سوق داده شوند که استعداد آن را داشته باشند. (۷) افلاطون، تعلیم را متفاوت از تربیت می داند. او تعلیم را نوعی تذکار به شمار می آورد و به همین علت خیر یا فضیلت را آموختنی می داند با این تفاوت که این آموزش در افراد مختلف به یک صورت نیست و در واقع به استعدادهای ذاتی آنان بستگی دارد. اما «تربیت» (پائیدیا) که به ظاهر در مقایسه با تعلیم دارای مفهومی وسیع تر و تعلیم جزئی از آن است، به نظر افلاطون معانی مختلف دارد. به نظر او تربیت فضیلتی است که کودک در آغاز کسب می کند، و آن عبارت از تشکیل عادت های نیک و ابتدایی ترین احساسات، یعنی لذت و مهر و الم و کینه به صورتی است که خود به خود با عقل که بعد از آن در کودک پدید می آید، هماهنگ گردد. (۸) ارسطو، از حکمای دیگر یونان باستان است که از نظر او آموزش و پرورش مجموعه اعمالی است که به وسیله خانواده یا دولت برای ایجاد فضایل اخلاقی و مدنی در افراد صورت می گیرد. (۹) ارسطو، آموزش و پرورش را دارای دو هدف مهم می داند که می توان یکی را هدف فردی یا طبیعی و دیگری را هدف اجتماعی یا سیاسی نامید و این دو هدف به غایت واحدی که همان سعادت است، منتهی می شود. به نظر او غرض از تعلیم و تربیت در غایت، ایجاد فضیلت در انسان است و مقصود از فضیلت، کمال فعالیت عقلی او یا علو مرتبه این فعالیت است. (۱۰) ارسطو، علاوه بر اینکه به پرورش جسم و عقل یا نفس ناطقه توجه دارد، تعلیم و تربیت را فنی می داند که باید فضیلت مدنی را به طفل القا کند و او را برای اتصاف به این فضیلت آماده سازد. فضیلت مدنی در شهروندان، بقای حکومت را تضمین می کند. ارسطو راه بقای حکومت ها را سازگار کردن روش تربیت با روح قانون اساسی هر کشور می داند، و می نویسد: بهترین راه بقای حکومت ها که کمتر دولتی به آن اعتنا می کند سازگار کردن روش تربیت با روح و سرشت قانون اساسی کشور است. اگر شیوه و نهاد زندگی شهروندان با شکل حکومت آنها هماهنگ نباشد، بهترین قوانین هر چند به اتفاق آرای مردم به تصویب رسیده باشد به پیشزی نمی آرد. (۱۱) بنابراین، در اندیشه تعلیمی و تربیتی ارسطو، نه تنها بعد فردی تعلیم و تربیت، بلکه بعد اجتماعی و سیاسی آن نیز مورد توجه قرار گرفته است.

ژان ژاک روسو، متفکر دیگری است که در باره تعلیم و تربیت به اظهار نظر پرداخته است. از دیدگاه روسو، تربیت هنر یا فنی است که به صورت راهنمایی و هدایت طبیعت متربی و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او و برای زندگی کردن تحقق می پذیرد. بدیهی است هرچه کودک در مراحل پایین تر رشد باشد، به حمایت و هدایت مربی بیشتر نیاز دارد، ولی هر چه به کمال جسمانی و روانی نزدیک تر شود از استقلال عمل بیشتری برخوردار خواهد شد و به هدایت و راهنمایی کمتری نیاز خواهد داشت. اما در همه حال، تربیت صحیح آن است که کمابیش با رضای خاطر و همکاری و مشارکت شخص متربی صورت گیرد و اصولاً تربیت تحمیلی، تربیت نیست. (۱۲)

روسو در عین حال که تعلیم و تربیت را دو عمل متفاوت می داند، اما تربیت را عمل اصلی و اساسی به شمار می آورد، و معتقد است در میان افراد انسانی آن کس از همه بهتر تربیت شده که بتواند خوبی ها و بدی های زندگی را تحمل کند. به نظر روسو، تربیت موجب تغییراتی در وجود آدمی می شود و ضعف های او را از بین می برد و تمام آنچه را که به هنگام تولد ندارد و در بزرگسالی به آنها احتیاج پیدا خواهد کرد، برایش فراهم می گرداند. از نظر روسو، غرض از تربیت، ایجاد صفاتی است که لازمه زندگی انسانی است. او تربیت را امری اجتماعی می داند و به این اعتبار این پدیده را تنها به حالات فردی احاله نمی کند.

تعلیم و تربیت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

در میان اندیشمندان اسلامی نیز تعلیم و تربیت از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است، و کسانی از آنان، که در این موضوع به بحث و اظهار نظر پرداخته اند، آن را امری اساسی و زیربنایی به شمار آورده اند، که از تأثیرات تعیین کننده ای در زندگی انسان ها برخوردار است. از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، تعلیم و تربیت از همدیگر تفکیک ناپذیر هستند، گرچه اهمیت تربیت، بیشتر از تعلیم است، و شاید به همین علت باشد که در بررسی های اندیشمندان اسلامی، تربیت، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در هر حال، تعلیم صحیح، زمینه ساز تربیت درست است. از این رو، ابتدا لازم است آنچه که انسان ها بر اساس آن تربیت خواهند شد، به آنها آموزش داده شود و سپس بر اساس آموخته ها، کار تربیتی انجام پذیرد.

تعلیم و تربیت، امری است که همه انبیای الهی از جانب خداوند متعال، مأمور به آن بوده اند. قرآن در آیه ۱۵۱ سوره بقره، می فرماید:

«چنانکه رسولی از خود شما برایتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را تزکیه کند و کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی دانستید به شما تعلیم دهد.»

در این آیه شریفه و آیاتی دیگر از قرآن کریم، تعلیم و تربیت انسان، امری با اهمیت تلقی شده و این دو توأم با هم مورد توجه قرار گرفته است. لذا اجمالاً می توان گفت: از دیدگاه قرآن، انسان رشد یافته، کسی است که به درستی تعلیم یافته و در مسیر درست تربیت شده باشد. تمدنی که به دست چنین انسانی بنیان نهاده شود، انسان ساز، و رهنمون به رستگاری خواهد بود و جامعه را از انواع بدی و زشتی ها پیراسته و به سوی نیکی ها که تأمین کننده خیر و صلاح بشریت باشد، رهنمون خواهد شد.

در ارزشمندی تعلیم همین بس که رسول اکرم(ص) در باره اهمیت طلب علم می فرماید:

«اطلبوا العلم من المهد الی اللحد»(۱۳)

«زگواره تا گور دانش بجوی»

این حدیث جایگاه تعلیم را- که اختصاص به علم خاصی ندارد و هر علم مفیدی را شامل می شود- در اسلام نمایان می سازد، و چون خطاب آن به همه مسلمین است، از این رو، تردیدی باقی نمی ماند که اسلام در صدد ساختن جامعه و تربیت انسان هایی عالم می باشد که در ساختن تمدن نقش پراهمیتی را بر عهده دارند.

و اما، اندیشمندان اسلامی که قرآن و تعالیم پیامبر اسلام(ص) و اهل بیت آن بزرگوار الهام بخش اندیشه های آنان می باشد، بحث های ارزنده ای در باره تعلیم و تربیت انجام داده اند که در اینجا به مناسبت این مبحث، اجمالاً نکاتی از اندیشه های بعضی از آنها را مورد اشاره قرار می دهیم.

فارابی که از او به معلم ثانی یاد می شود، آموزش و پرورش را امری اجتماعی می داند و معتقد است برای آموزش انسان ها باید اهداف اجتماعی در نظر گرفته شود. او رعایت استعدادها و تفاوت های فردی در آموزش و پرورش افراد را لازم می شمارد، و تعلیم و تربیت را عبارت از: هدایت فرد به وسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال، اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت، می داند.(۱۴)

خواجه نصیرالدین طوسی در خصوص ضرورت تعلیم و تربیت معتقد است: انسان دارای شئون وجودی گوناگون، توانایی ها، استعدادها و آمادگی های متنوع است و در درون وی گرایش به خیر و شر و سعادت و شقاوت نهاده شده و زمینه های صعود

و سقوط در سرشت او تعبیه شده است. به همین دلیل، به پرورش نیروها و هدایت گرایش ها و شکوفا سازی قوای خود نیازمند است تا به کمال علمی و عملی دست یازد و به سعادت نهایی و مقام قرب بار یابد. بدیهی است تعلیم و تربیت و هدایت مربیان و معلمان و هادیان در این زمینه راهگشاست. (۱۵)

استاد شهید مرتضی مطهری برای تعلیم و تربیت، اهدافی را بدین شرح برمی شمارد: پرورش عقل و نیروی تفکر، پرورش حس مسئولیت اجتماعی، پرورش نیروی ایمان و تعبد، پرورش اخلاقی، پرورش حس حقیقت جویی، پرورش نیروی اراده و اختیار و پرورش جسم. از دیدگاه شهید مطهری، رسالت تربیت به فعلیت رسانیدن استعدادهای نهفته در وجود انسان است. امام خمینی (ره) معتقد است تعلیم باید همراه تربیت و تزکیه باشد و نبود هر کدام سبب نقصان یا انحراف خواهد بود. ایشان، تعلیم را یکی از وظایف انبیا و در راستای انسان سازی و بیان حکمت می داند. امام خمینی، تربیت را وسیله پاکسازی جامعه از فتنه و فساد می داند. به اعتقاد ایشان پرورش افراد صالح و برپایی یک جامعه صالحه، در نتیجه تربیت امکان پذیر است. ابراهیم امینی می نویسد: تعلیم و تربیت غالباً با هم استعمال می شوند، به طوری که گویا مترادفند؛ در صورتی که هر یک از آنها دارای مفهوم جداگانه اند. تعلیم در لغت به معنای یاد دادن و آموزش است، و تربیت به معنای پرورش و نشو و نما دادن به کار می رود.

و آنگاه می نویسد: تعلیم عبارت است از انتقال علوم و فنون و به طور کلی انتقال دانسته ها به فراگیر و متعلم، و تربیت عبارت است از پرورش و استکمال تدریجی موجود و تبدیل استعدادهای درونی آن به فعلیت. (۱۶)

کارکردهای تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت به عنوان یک نهاد اجتماعی، کارکردهای مهمی را بر عهده دارد. از نظر فردی، به فعلیت رساندن استعدادهای فردی انسان ها از جمله وظایف مهم آموزش و پرورش به شمار می آید. استعدادهای عقلی، عاطفی، اخلاقی و جسمی انسان در نتیجه تعلیم و تربیت، فعلیت می یابند. همچنین، تعلیم و تربیت ابزارهای مهم تحقق اهداف و مقاصد اجتماعی به شمار می روند؛ لازمه نظم و پیشرفت اجتماعی هستند، سنت های اجتماعی مانند اطاعت از قانون، میهن دوستی و نظایر آن را حفظ و تقویت می کنند، موجبات رشد و توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه را فراهم می سازند، همبستگی ملی را تقویت می کنند، از فرهنگ جامعه محافظت می نمایند، وسیله پرورش انسان های مسئول در مقابل مردم، خانواده، دوستان و همسایگان هستند، از افکار و اعتقادات درست اجتماعی، سیاسی و دینی محافظت نموده و در تحکیم آنها مؤثرند، موجب حفظ ارزش ها و هنجارهای اجتماعی می شوند، در انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر اثرگذار هستند، اسباب پیشرفت های علمی، صنعتی، کشاورزی، تجاری و پزشکی را فراهم می گردانند، در حفظ نظام سیاسی حاکم بر جامعه مؤثرند، عهده دار پرورش انسان مبتکر و نوآور هستند، نگرش ها، ارزش ها، رفتارها و مهارت های افراد را شکل می دهند، با افزایش مهارت های فنی و حرفه ای، قدرت تولید جامعه را افزایش می دهند، اسباب همسازی و همنوایی فرد با ارزش ها، هنجارها و نگرش های گروهی و اجتماعی را فراهم می نمایند و با ارائه دانش و مهارت های اجتماعی لازم، افراد را برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی آماده می کنند. به طور کلی می توان گفت، تعلیم و تربیت، فرد و جامعه را به سوی کمال رهنمون می شوند، و انسان های عالم و وارسته و جامعه پیشرفته و متمدن در پرتو تعلیم و تربیت ساخته و پرداخته می شوند.

معنا و مفهوم تمدن

اگرچه برای تمدن تعریف واحدی وجود ندارد ولی به اجمال می توان آن را گذر از زندگی بدوی و پذیرش نظم و قانون و سایر شئون اجتماعی و همکاری افراد اجتماع با یکدیگر دانست. در شکل گیری یک تمدن عناصر متعددی تأثیرگذار است، مانند علم، نظم، امنیت، تعاون و همکاری، و پیشرفت های مادی و معنوی. برخی اندیشمندان، تمدن را با فرهنگ مترادف دانسته اند، اما عده ای دیگر حوزه معنایی آن دو را از یکدیگر جدا کرده اند. علامه محمدتقی جعفری ضمن تفکیک دو مفهوم یادشده، با رویکردی ارزش مدارانه، تمدن را تشکل هماهنگ انسان ها در حیات معقول به همراه روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه ها در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان در همه ابعاد مثبت تعریف می کند. (۱۷) ولی از دید او فرهنگ روش هایی است که انسان ها برای کیفیت زندگی خود برمی گزینند، که با گذشت زمان و کمک عوامل طبیعی، پدیده های روانی و رویدادهای اثرگذار در حیات یک جامعه پدید می آید. (۱۸) تمدن، محصول تعالی معنوی و التزام عملی به لوازم آن و نیز پیشرفت های مادی می باشد. یک جامعه متمدن از مشخصاتی برخوردار است که آن را از جوامع عقب مانده متمایز می گرداند. هر چند پیشرفت های مادی، معیار تمدن است، ولی، آن را تنها معیار تمدن دانستن، اشتباه بزرگی است که برخی مرتکب می شوند. جامعه ای که از ثروت و مکننت فراوان برخوردار، و در علم و صنعت پیشرفت های چشمگیری نموده، اما توجهی به ارزش های انسانی و معنوی ندارد، بلکه به مقابله با آنها برمی خیزد و به روش های مستکبرانه با انسان ها برخورد می کند، جنگ و خون ریزی و جنایت و آدم کشی را وسیله سلطه ظالمانه بر سرنوشت دیگران قرار می دهد، بهره ای از تمدن انسانی ندارد.

تمدن نوین اسلامی

تمدن اسلامی برگرفته از تعالیم قرآن و سنت رسول اکرم (ص) و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است. قرآن و تعالیم پیامبر (ص) بر جامعه اعراب صدر اسلام چنان اثر نهاد که توانست در مدت زمانی اندک از مردمانی که در جهالت به سر می بردند و انواع زشتی ها و کژی ها در میان آنها رواج داشت، ملتی متمدن بسازد که بخش مهمی از جهان را تحت تأثیر قرار دادند. آنان با الهام از تعالیم اسلام، پیشرفت های علمی و سجایای انسانی و اخلاقی را در میان دیگر ملت ها گسترده و هر جا که گام نهادند، انسان ها را از زیر یوغ ستمگران و ظالمان رهایی بخشیدند و رفتارهای انسانی را در میان آنها ترویج نمودند و مردم را به سوی خدا فراخواندند که سرآمد همه رستگاری هاست. هرچند که تمدن اسلامی که با دستان پربرکت پیامبر اکرم (ص) بنیان نهاده شد، بعد از رحلت آن حضرت، گرفتار حاکمان ستمگر بنی امیه و بنی عباس و دیگر حکومت های ظالم گردید و آنان جوامع اسلامی را به سوی انحطاط سوق دادند، اما این تمدن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی (ره)، احیاگر اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) بار دیگر خود را نمایان ساخت و نشانه های نفوذ آن در میان ملت های مسلمان جهان و بلکه غیرمسلمانان کاملاً آشکار است.

امام خمینی، تمدن اسلامی را متضمن پیشرفت و ترقی بر مبنای معیارها و شاخص های اسلامی معرفی می کند. (۱۹ و ۲۰) ایشان اسلام را دینی تمدن ساز و پایه گذار تمدنی بزرگ در جهان، و تمدن اسلامی را مقدم بر سایر تمدن های موجود می داند. (۲۱) و در عین حال، استفاده از تمام آثار تجدد و تمدن را مجاز می شمارد، مگر آنجا که فساد اخلاقی به بار آورد. اساسی ترین مبنای اعتقادی امام خمینی این است که اسلام کامل ترین دین الهی و تأمین کننده سعادت دنیوی و اخروی و پیشرفت

مادی و معنوی انسان هاست و با عمل به اسلام و حکومت مبتنی بر قوانین اسلامی، زمینه های شکل گیری و نوسازی تمدن اسلامی فراهم می آید. ایشان در سیر اندیشه تمدن سازی اسلامی بر حفظ استقلال مسلمانان و نفی سلطه مستکبران تکیه و تأکید داشتند. (۲۲)

رهبر معظم انقلاب، آیت الله خامنه ای، خلف صالح امام خمینی (ره)، نیز در باره تمدن اسلامی بیانات ارزنده ای دارند. ایشان، تمدن اسلامی را فضایی می داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد. انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت است. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است. (۲۳)

به این ترتیب، در تمدن اسلامی، علاوه بر توجه به جنبه های معنوی، جنبه های مادی زندگی انسان ها نیز مورد توجه قرار می گیرد و در همین راستا، انسان ها در جهت پیشرفت و رفاه مادی خود و جوامع انسانی باید در عمران و سازندگی طبیعت تلاش نمایند، و اینگونه نیست که تصور شود در تمدن اسلامی، فقط تکامل معنوی انسان مورد توجه است، و پیشرفت های مادی به بوته فراموشی سپرده می شود.

در اندیشه رهبر معظم انقلاب، شاخصه های تمدن نوین اسلامی، بهره مندی انسان ها از همه ظرفیت های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی و اندیشه پیشرفت، اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوین بشر، پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه خواری، ربا، تکاثر و دفاع از مظلومان عالم است که اینها وجه مشترک شاخصه های تمدن نوین اسلامی در دیدگاه معظم له و سایر اندیشمندان اسلامی است.

از دیدگاه مقام معظم رهبری تمدن نوین اسلامی، مبتنی بر قوانین قرآن، ایمان به یکتاپرستی و خداوند متعال است، و عدالت محوری در تولید و توزیع و مصرف در آن جایگاه برتری دارد. در چنین تمدنی، ظلم و ستم و فاصله های طبقاتی ستمگرانه نفی و روابط اقتصادی انسان ها و ملت ها و کشورها با همدیگر بر اساس عدالت بنیان نهاده شده، و حقوق انسان ها مورد احترام قرار می گیرد و مبارزه دائمی با استکبار محروم کننده ملت ها از حقوق انسانی شان امری پراهمیت تلقی می گردد. در تمدن نوین اسلامی که رهبر معظم انقلاب به توصیف آن می پردازد، جنگ های ظالمان علیه مظلومان و مستضعفان محکوم بوده و حمایت از مظلومانی که تحت ظلم مستکبران قرار دارند، وظیفه ای اجتناب ناپذیر برای همه مسلمین به شمار می آید. در چنین تمدنی، خردورزی به جای جهالت می نشیند، علم اندوزی و پیشرفت های علمی با اهمیت تلقی می گردد، اخلاق مداری از جایگاه مخصوصی برخوردار است، ابتکار و نوآوری و خلاقیت و کار و تلاش اقتصادی مورد ترغیب قرار می گیرد، به مردم و شخصیت و حقوق آنان احترام نهاده می شود، و رفتارهای ظالمانه همچون ربا و تکاثر در اقتصاد، مطرود می باشد. در اندیشه تمدنی آیت الله خامنه ای، دیانت و سیاست رابطه ای ناگسستنی با همدیگر دارند. در حالی که کوتاه فکران و دشمنان اسلام، تلاش های بسیاری انجام داده و می دهند تا اسلام را جدای از سیاست معرفی نمایند، اما ایشان چنین اندیشه ای را از بزرگ ترین مظاهر شرک می داند و در این مورد می فرماید:

«از بزرگ ترین مظاهر شرک در عصر حاضر، تفکیک دنیا از آخرت و زندگی مادی از عبادت و دین از سیاست است [...] این همان شرکی است که امروز مسلمانان باید با اعلام برائت، دامن خود و اسلام را از آن تطهیر کنند. آری، این اسلام آمریکایی

است که مردم را به دوری از سیاست و فهم و بحث و عمل سیاسی می خواند. ولی اسلام ناب محمدی (ص) سیاست را بخشی از دین و غیر قابل جدایی از آن می داند و همه مسلمین را به درک و عمل سیاسی دعوت می کند و این چیزی است که ملت های مسلمان باید همواره از امام فقید خود و زبان گویای اسلام به یاد داشته باشند.» (۲۴)

یکی از مظاهر مهم تفکیک ناپذیری اسلام از سیاست، تشکیل حکومت است، و این در حالی است که حکومت اسلامی وظیفه ایجاد نظم و امنیت، تنظیم روابط کشور اسلامی با دیگر ملل، تجهیز سپاه و نیروی نظامی جهت مقابله با تجاوزات احتمالی دشمنان، برقراری عدالت اجتماعی، مبارزه با طغیانگران داخلی، تلاش برای پیشرفت های علمی، اقتصادی، صنعتی، کشاورزی و تجاری و مواردی از این قبیل را که همه از مظاهر تمدن هستند بر عهده دارد. با این حال، جایی برای طرح جدایی اسلام از سیاست باقی نمی ماند.

اگر چه در مورد شاخصه های تمدن نوین اسلامی، فهرست وار مطالبی بیان شد، اما مناسب است با اندکی توضیح بیشتر در مورد برخی تعالیم تمدن ساز اسلام مطالبی را مطرح نماییم تا روشن گردد که اگر تعالیم این دین در میان ملت ها انتشار یافته و در عمل مورد استفاده قرار گیرد، می تواند سازنده بزرگ ترین تمدن انسانی باشد.

الف) پرهیز از انظلام

انظلام یعنی تن به ظلم دادن و زیر بار ستم رفتن، که ریشه بدبختی بسیاری از مردم و ملت هاست. اگر مردمان در مقابل ظلم و ستم ستمگران به پاخیزند و به دفع ستم آنان بپردازند، آنان دیگر نمی توانند ظالمانه بر سرنوشت ملت ها حاکم گشته و هر رفتار ظالمانه را علیه آنها به انجام رسانند. ریشه خیلی از روابط ظالمانه که میان طبقات مختلف مردم- در گذشته و حال- جریان داشته، ناشی از تن دادن افراد به ظلم بوده است.

اسلام که حکم به عدالت نموده و ظلم به انسان ها را بر نمی تابد، از آنان می خواهد از مبارزه با ظالم باز نایستند و برای دفع ظالمان از هیچ تلاشی فروگذار نباشند. به این طریق، ظلم بر می افتد، و صلح و سلم بر جامعه حاکم می گردد و حقوق انسان ها- از هر طبقه ای- محترم شمرده می شود.

ب) عدالت گستری

عدل هر چیزی را در محل درست خود قرار می دهد و انسان ها را مطابق استحقاقشان از حقوقی که دارند، برخوردار می گرداند. در منطق الهی، جایگاه عدالت آنچنان برتر است که خداوند متعال، تلاش برای برقراری آن را وظیفه همه انبیای خود قرار داده است. قرآن در سوره حدید، آیه ۲۵ می فرماید:

«ما پیامبران خود را بادلائل روشن فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.»

و در سوره نحل، آیه ۹۰ می فرماید:

«ان الله یأمر بالعدل»: «به یقین خدا به عدل فرمان می دهد.»

و در سوره نساء، آیه ۱۲۵ می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید برپادارندگان پیوسته عدالت باشید.»

علاوه بر مردم که باید قیام به عدالت نموده و برپادارندگان عدالت باشند، حاکمان نیز موظفند در اجرای عدالت سنگ تمام بگذارند و با استفاده از قدرت حکومت با مظاهر بی عدالتی مبارزه کنند. وقتی چنین باشد، امنیت و آسایش و آرامش بر جوامع حاکم می شود و حقوق آدمیان از گزند تجاوزات مصون باقی می ماند.

ج) اهتمام برای مستضعفان و محرومان

اسلام، عنایت خاصی نسبت به مستضعفان و محرومان دارد، گرچه طبقات دیگر مردم نیز در این دین مقدس به فراموشی سپرده نشده اند. اما، از آنجا که رفع گرفتاری ها و محرومیت های مستضعفان و محرومان جز از طریق توجه خاص حکومت و مردمانی که از مکتب و ثروت برخوردارند، به این دسته از مردمان امکان پذیر نیست، لذا اسلام اهتمام خاصی را نسبت به آنان مبذول داشته و عنایت به وضع و حال آنها را بیشتر مورد توجه قرار داده است و از حکومت و مردم دارای مکتب خواسته در رفاه حال محرومان تلاش کنند.

سلمان فارسی می گوید:

«حبییب رسول خدا(ص) مرا به هفت خصلت سفارش فرمود و اینکه در هیچ حالی آنها را ترک نکنم. اینکه به پایین تر از خود بنگرم و به آنکه برتر از من است ننگرم و اینکه مستمندان را دوست بدارم و به آنان نزدیک شوم.(۲۵)
لقمان حکیم به فرزند خود چنین نصیحت کرده است:

فرزندم، همنشین مسکینان باش و خود را وقف مستمندان و مسکینان مسلمان کن.(۲۶)

امیرالمؤمنین علی(ع) در عهدنامه مالک اشتر، خطاب به ایشان (و در حقیقت خطاب به همه حاکمان) می فرماید:

«خدا را، خدا را در مورد طبقه پایین، آنان که راه چاره ندانند و از مستمندان و نیازمندان و تهیدستان و از کار افتادگانند، که در این طبقه، هم کسانی هستند که دست سؤال دارند و هم افرادی که باید به آنها بدون پرسش بخشش شود. بنابراین به آنچه خداوند در مورد آنان به تو دستور داده عمل کن. قسمتی از بیت المال و قسمتی از غلات خالصجات اسلامی را در هر محل به آنها اختصاص ده و بدان آنها که دورند به مقدار کسانی که نزدیکند، سهم دارند و باید حق همه آنها را مراعات کنی. پس مبدا فرو رفتن در نعمت از پرداختن به آنان بازت دارد.»(۲۷)

در حکومت هایی که بر پایه منافع سرمایه داران و متمکین بنا نهاده شده اند، منافع این طبقات بر مصالح محرومان و مستضعفان ارجحیت دارد و لذا حکومت به بهای پایمال شدن طبقات محروم و افراد مستمند، تمام تلاش خود را به کار می بندد تا متمکین و سرمایه داران را هر چه بیشتر برخوردار گرداند. اما در حکومت اسلامی، این محرومان هستند که هر چه بیشتر باید مورد توجه قرار گیرند و در جهت رفع محرومیت های آنان اقدامات اساسی انجام پذیرد.

د) برقراری مساوات

در اسلام، رعایت مساوات در میان مردم در ارتباط با حقوقی که باید به صورت مساوی از آنها برخوردار باشند، ضروری دانسته شده است. لذا، اموری مانند انتساب به گروه و دسته و حزب و طبقه خاص نمی تواند مایه امتیاز میان مردم در حقوقی که آنها در برخورداری از آن حقوق برابرند، بشود. در صدر اسلام، آن گاه که مکه فتح شد و اسلام در حاکمیت کامل قرار گرفت، پیامبر اسلام(ص) خطبه ای خواند و مساوات اسلامی را به همگان اعلام فرمود:

«مردم، بدانید که نه عربی بر عجم و نه عجمی را بر عرب و نه سیاهی را بر سفید و نه سفیدی را بر سیاه برتری نیست، مگر به تقوا. آیا [این حقیقت را] ابلاغ کردم؟ گفتند: آری. فرمود: حاضران به غایبان ابلاغ کنند.»(۲۸)

در حالی که، اسلام از دسته بندی مردم به خاطر رنگ پوست، زبان، طبقه و انتساب آنها به قبیله و افراد متنفذ، جلوگیری می کند اما، مشاهده می کنیم در کشوری مانند آمریکا که خود را مهد تمدن می نامد چگونه سیاه پوستان را به خاطر رنگ پوستشان سلأخی می کنند.

ر) تعاون و مواسات

همکاری و تعاون در امور خیر و مساعدت و اهتمام برای رفع گرفتاری های مالی مسلمانان و مؤمنان از سفارشات مؤکد اسلام است، که علاوه بر اینکه موجب ترویج نیکوکاری در جامعه می شود، همبستگی اجتماعی را نیز تقویت می نماید. پیامبر اکرم(ص) فرموده است:

«مَثَلُ مُؤْمِنَانِ فِي بَيْتٍ وَدُوسْتِي وَ مَحَبَّتِي وَ رَحْمَتِي بِهَمْ [و اهمیت دادن به سرنوشت یکدیگر] مثل یک پیکر زنده است که اگر چیزی از آن به درد آید سایر اجزای پیکر با آن همدردی می کنند.»(۲۹)

محبت و دوستی، روح همبستگی و همیاری را در میان مؤمنان تقویت می کند و همین امر، زمینه ساز تعاون و همکاری آنها در امور خیر و اهتمام آنها در رفع مشکلات مالی شان می گردد.

از امام صادق(ع) روایت شده است:

«خدای عزّ و جلّ فرمود: خلق، خانواده و عیال من اند، پس محبوبترینشان نزد من کسی است که نسبت به آنها مهربان تر و در [برطرف کردن] حوائجشان کوشا تر باشد.»(۳۰)

بی تردید، تمدنی که بر مبنای اینگونه تعالیم بنا نهاده شود، تمدنی متعالی خواهد بود که بر هر تمدن دیگری برتری خواهد داشت. البته، شاید تصور شود اسلام بنای خود را بر اساس برپایی تمدنی بر مبنای معنویات بنیان نهاده است. در حالی که این تصور، یک تصور نادرست است و اگر آموزه های اسلام را به خوبی بنگریم، خواهیم دید که نگاه تمدن سازانه اسلام، هر دو جنبه معنوی و مادی آن را در برمی گیرد.

پیامبر گرامی اسلام(ص) در یکی از بیانات خود فرموده است:

«اطلبوا العلم ولو بالصحین فان طلب العلم فریضه علی کل مسلم»(۳۱)

«دانش را بجوید هر چند در چین باشد که طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است.»

منظور از دانش در اینگونه احادیث، هرگونه دانش مفیدی است که می تواند در رفع مشکلات جامعه اسلامی و پیشرفت آن در جنبه های مختلف از جمله جنبه مادی مؤثر افتد. به علاوه، نقش دانش در تمدن سازی، یک نقش غیرقابل انکار است، و زمانی که طلب آن در زبان پیغمبر اسلام واجب تلقی گشته و به دست آوردنش از دورترین نقاط جهان لازم دانسته شده است، پس معلوم می گردد اسلام به هر دو جنبه مادی و معنوی تمدن متوجه است. چرا که دانش به معنای گسترده آن نقش بسزایی در جنبه مادی تمدن دارد.

تعلیم و تربیت و تمدن نوین اسلامی

تعلیم و تربیت، مشتمل بر دو امر مهم است: علم آموزی و پرورش استعداد های نهفته در وجود انسان، که با این دو کار انسان را برای ایفای نقش های پراهمیتی در عرصه های مختلف اجتماعی آماده می گرداند. بدون تردید، تمدن کنونی بشر تأثیرات فراوانی از پیشرفت های تعلیمی و تربیتی پذیرفته است، و این تأثیرپذیری در آینده نیز تداوم خواهد داشت.

کارکردهایی که تعلیم و تربیت عهده دار آنهاست (و پیش از این، از آنها یاد کردیم) اگر به درستی مورد توجه قرار گرفته و در عمل به مرحله اجرا نهاده شوند، می توانند در تمدن سازی و تربیت افرادی که در ساختن و گسترش تمدن نوین اسلامی، نقش ایفا کنند، مؤثر باشند؛ به شرط اینکه، جهت گیری تعلیم و تربیت بر اساس تعالیم اسلام انجام پذیرد. اگر آموزه های اسلامی به درستی تعلیم داده شوند، و بر اساس همان آموزه ها در تربیت افراد، اقدامات لازم انجام پذیرد، همین امر در به وجود آمدن تمدنی متعالی، حفظ و گسترش دامنه آن در جوامع مختلف مؤثر خواهد افتاد.

حفظ و گسترش تمدن نوین اسلامی، مستلزم آموزش و پرورش انسان هایی است که حامل شاخصه های چنین تمدنی باشند و با اعتقاد و ایمان به آن شاخصه ها در مسیر تمدن نوین اسلامی تلاش کنند؛ و این کاری است که از دستگاه های تعلیمی و تربیتی کشور مانند مدرسه و دانشگاه برمی آید. اگر آموزش و پرورش کشور و دانشگاه ها با برنامه ریزی مناسب، در محتواهای تعلیمی و تربیتی خود موادی را بگنجانند که در رشد تمدن اسلامی مؤثر باشند و برای آموزش همان مواد، امکانات لازم را فراهم ساخته و از معلمان و اساتید متعهد استفاده کنند، می توان به پرورش نسلی امیدوار بود که در جهت تمدن سازی بر اساس اسلام تلاش کند.

دستگاه تعلیمی و تربیتی کشور (مدارس و دانشگاه ها) باید به گونه ای عمل کنند که هم آموزه های معنوی اسلام را در دل و جان متعلمان رسوخ دهند، و هم از آنان نسلی برای تحقق پیشرفت های علمی، صنعتی، کشاورزی، فرهنگی، اجتماعی و تجاری بسازند. و هرگاه اینگونه شود، تمدن نوین اسلامی در میان مردم کشورمان و در میان ملت های دیگر دامن خواهد گسترده.

در صدر اسلام، سنگینی تمدن سازی اسلامی، پیش و بیش از همه بر دوش پیامبر اسلام (ص) و سپس، یاران وفادار آن حضرت بود که با ایمان راسخ به ضرورت برپایی تمدن اسلامی، در مسیر آن تلاش می کردند، و اگر توانستند آوازه تمدن اسلامی را در بخش بزرگی از جهان منتشر سازند، به خاطر ایمان و اعتقادشان به آموزه های تمدنی اسلام و تلاش طاقت فرسایشان در مسیر تحقق آنها بود. امروز نیز آموزش و پرورش کشور اسلامی ایران باید نسلی را تربیت کند که با برخورداری از ایمان و اعتقاد لازم، آمادگی های ضروری را برای گسترش تمدن نوین اسلامی - در بُعد مادی و معنوی - داشته باشند. ایران می تواند در بُعد تمدنی بر دیگران پیشی گیرد، به شرط اینکه مقدمات و لوازم این امر به وسیله مدارس و دانشگاه ها فراهم گردد. دستگاه تعلیمی و تربیتی کشور باید برای مقابله با آسیب هایی هم که تمدن اسلامی را تهدید می کنند، برنامه داشته باشد. امروز جبهه ای متحد از دشمنان اسلام برای مقابله با اسلام و تمدن اسلامی فعالند، که اگر در برابر آنها اقدامات مناسبی انجام نپذیرد، برنامه های تمدن سازانه آموزش و پرورش با مشکلات متعددی مواجه خواهد شد.

آموزش و پرورش باید در تزکیه و تهذیب نفوس دانش آموزان و دانشجویان، و تربیت انسان هایی که سنخیت لازم با تمدن نوین اسلامی و گسترش آن داشته باشند، اقدام نماید. چرا که همین افراد هستند که می توانند در تمدن نوین اسلامی ایفاگر نقش باشند. همین طور، آموزش و پرورش می تواند در معرفی فرهنگ متعالی اسلام به نسل های جدید و انتقال این فرهنگ از نسلی به نسل دیگر نقش ایفا کند، در تربیت انسان هایی که در پیشرفت های علمی و صنعتی و پزشکی مؤثر باشند و نیز کسانی که در عرصه های سیاسی داخلی و بین المللی، مروج تمدن نوین اسلامی باشند، تلاش نماید، در انسجام و همکاری و تعاون اجتماعی و جلوگیری از بروز اختلافات قومی و زبانی و مذهبی اقدام و وحدت ملی را ترویج کند، در مقابل فرهنگ مهاجم و مبتذل غربی که متضمن به بیراهه کشاندن نسل می باشد، اقدامات مؤثری انجام دهد، عدالت و روح عدالت طلبی را در میان متعلمین رواج دهد، متعلمین را عنوان افرادی استکبار ستیز، حافظ استقلال سیاسی و ارضی مملکت بپروراند و فراگیران را نسبت به وحدت بین المللی مسلمانان و تشکیل امت واحده اسلامی ملتزم گرداند و راهکارهای این مهم را به آنها آموزش

دهد، روح اطاعت از قانون و ایمان به نظام حکومتی اسلام و التزام به ارزش های اسلامی و انسانی را به آنها بیاموزد و آنها را بر همین اساس تربیت کند، آمیختگی اسلام و سیاست و تفکیک ناپذیری این دو را به دانش آموزان و دانشجویان تعلیم دهد. این اقدامات و اقداماتی از این قبیل، در خدمت تمدن نوین اسلامی هستند و می توانند از آن محافظت نموده و آن را بگسترانند.

آسیب ها و راهکارها

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نه تنها رژیم ستمگر پهلوی را ساقط نمود، بلکه دست مستکبران بین المللی به ویژه آمریکا را نیز از ایران کوتاه کرد. آمریکا و دیگر مستکبرین، ایران را برای خود و به منظور بهره مندی ظالمانه از ثروت های ملی و منابع و معادن و ذخایر آن می خواستند. حکومت پهلوی حکومتی دست نشانده از جانب مریکا بود که هر آنچه را آمریکا اراده می نمود، همان را انجام می داد، اقتصاد ایران، اسیر دستان دولت های مستکبر اروپایی مانند انگلیس و آمریکا بود، ایران دوره پهلوی در عرصه سیاست استقلال نداشت و در این عرصه، آنچه آمریکا اراده می نمود، به وقوع می پیوست، وزرای دولت و نمایندگان مجلس با دخالت های دولت های مستکبر انتخاب می شدند، ارتش ایران در حکومت پهلوی، ابزاری بود در دستان آمریکا و از آن به نفع مقاصد خود در منطقه استفاده می کرد و... بنابراین، آنچه با پیروزی انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، کار به حقی بود که باید انجام می شد. اما، از آنجا که دولت های مستکبر، حقی برای ملت ایران به رسمیت نمی شناختند، از این رو با شکل گیری انقلاب اسلامی و پیروزی انقلاب اسلامی، به انواع توطئه ها علیه ایران، انقلاب، اسلام و نظام اسلامی متوسل شدند که از جمله می توان به توطئه فرهنگی آنان اشاره کرد که امروزه در قالب جنگ نرم ظهور پیدا کرده است. یکی از مسائلی که در جنگ نرم دشمن به پشتوانه امپراتوری رسانه ای آن انجام می پذیرد، تهاجم به اسلام و تمدن اسلامی است. آنان تبلیغات خود را به انواع دروغ ها، شبهات و تحریف ها می آریند تا شاید مخاطبین خود، مخصوصاً نسل جوان را فریب دهند؛ تمام تلاش آنها بر این اساس استوار است که مخاطبین خود را نسبت به آموزه های اصیل اسلام و تمدن اسلامی در غفلت نگه دارند و با وارونه معرفی نمودن اسلام و تمدن اسلامی، نسبت به آنها بدبینی ایجاد کنند.

با این بیان، از تهاجم فرهنگی غرب، می توان به عنوان یکی از آسیب های تمدن اسلامی یاد کرد. بی هیچ تردیدی می توان گفت که تمدن اسلامی یکی از باشکوه ترین، بالنده ترین و متعالی ترین تمدن هاست که در میان بشریت ظهور کرده است. این تمدن، به خاطر والایی هایش در مدت زمانی کوتاه بعد از ظهور اسلام، بخش مهمی از جهان را تحت تأثیر قرار داد. در زمانی که اروپائیان گرفتار برخی رفتارهای بدوی بودند، اسلام، اصول و ارزش های انسانی را در جهان گسترش می داد، آن زمان که اروپا از عقب ماندگی های علمی رنج می برد، مسلمین پیشتاز علم در جهان بودند و اندیشمندان اروپایی ریزه خوار سفره علمی مسلمین در زمینه های مختلف بودند. و آنگاه که ظلم و بی عدالتی در جوامع اروپایی دامن گستر بود، مسلمین، عدالت را ترویج و بر اساس آن رفتار می نمودند.

جان دیون پورت، دانشمند انگلیسی، ضمن تعظیم و تکریم از قرآن و پیامبر گرامی اسلام(ص)، می نویسد:
«اسلام، اصول عدالت مطلق را نه فقط میان پیروانش، بلکه در میان کسانی که مغلوب قوای اسلام می شدند و در پناه حکومت اسلامی زندگی می کردند، برقرار کرده، مالیات را تخفیف داد، علمای سایر ادیان را از پرداخت کلیه مالیات های ثابتی که به سود کلیسا و دستگاه روحانیت تحمیل شده بود و همچنین از انواع مالیات هایی که به طبقات بالاتر پرداخت می شد، معاف کرد.»(۳۲)

اسلام بر خلاف غربی‌ها که تاریخ گذشته و حال آنها نشان می‌دهد بدترین جنایات و خون‌ریزی‌ها را علیه ملت‌ها مرتکب شده و می‌شوند، در گسترش تعالیم خود و تمدن‌سازی اسلامی از شمشیر استفاده نکرده است. گوستاولوبون فرانسوی در این باره می‌نویسد:

«ما وقتی که فتوحات مسلمانان صدر اسلام را به دقت ملاحظه نماییم و اسباب و علل کامیابی آنها را در نظر بگیریم، می‌بینیم که آنها در خصوص گسترش دادن مذهب از شمشیر استفاده نکرده‌اند، زیرا آنها همیشه اقوام شکست‌خورده را در قبول اسلام آزاد می‌گذاشتند، این مطلب را تاریخ نیز ثابت می‌کند که هیچ مذهبی ممکن نیست به زور شمشیر پیرو پیدا کند.» (۳۳)

مسلمین حقیقت اسلام را به دیگران معرفی می‌کردند و آنها با طیب خاطر اسلام را پذیرفته و بدان گرایش می‌یافتند. اما دشمنان اسلام در صدد بوده و هستند با دروغ و تحریف به جنگ اسلام و تمدن اسلامی آمده و آنچه را خود می‌خواهند به دیگران تحمیل کنند. اگر ره آورد تمدن غرب، جنگ و خون‌ریزی و غارت و چپاول ملت‌ها و استعمار و استثمار آنها و پایمال نمودن حقوق بشر است، تمدن اسلامی مروج صلح و سلم در میان ملت‌هاست و تنها در مقابل تجاوز، جنگ را که از آن در زبان اسلام به جهاد تعبیر می‌شود، تجویز می‌کند. تمدن اسلامی، حافظ حقوق بشر است و از آن در مقابل تعدیات دفاع می‌کند. دشمنان اسلام، به شدت در صدد منحرف نمودن مسلمانان از مسیر تعالیم سیاسی اسلام هستند و بر همین اساس، تهاجم گسترده‌ای را علیه حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه شکل داده‌اند. در رویا رویی با تمدن اسلامی، ترویج آموزه‌های انحرافی مکتب‌های بشرساخته غربی به منظور بیرون راندن تعالیم نجات‌بخش الهی از صحنه زندگی مردم، یکی دیگر از تلاش‌های مخالفان تمدن اسلامی است، که در کشورهای اسلامی، غربزدگان مأموریت انجام این کار را بر عهده دارند. تفرقه و اختلاف افکنی در میان مسلمانان جهان، توطئه دیگری است که برای جلوگیری از اتحاد مسلمین و تشکیل امت واحده اسلامی، اقدامات گسترده‌ای در ارتباط با آن صورت می‌گیرد، و این امر از سابقه‌ای دیرینه برخوردار است. خودباختگی، آسیب دیگری است که متوجه تمدن نوین اسلامی است و در این راستا، کوشش دشمنان بر آن است که فرهنگ و پیشرفت‌های خودی را در زمینه‌های مختلف به هیچ‌انگارند، تا آنجا که مردم کشورمان، با خودتحقیری، حتی تحقیر پیشرفت‌های بزرگ انجام شده در کشور، چشم به سوی بیگانگان بدوزند. اجرای عدالت، هم در داخل کشور و هم از طریق القائنات دشمنان پیدا و پنهان، با موانع جدی مواجه است. اگر عدالت اسلامی، یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و گسترش تمدن اسلامی بوده، کوتاهی در تحقق آن و یا خروج از مسیر عدالت، می‌تواند آسیبی جدی برای تمدن نوین اسلامی به شمار آید. تحجرگرایی و دوری از عقلانیت و ترویج تفکر جدایی‌دین از سیاست نیز آسیب‌های دیگری هستند که متوجه تمدن نوین اسلامی می‌باشند.

راهکارها با نگاه به کارکردهای آموزش و پرورش

به اجمال و فهرست وار، می‌توان بعضی راهکارها را به شرح زیر برای دفع آسیب‌هایی که متوجه تمدن نوین اسلامی است، پیشنهاد کرد. لازم است آموزش و پرورش برای تحقق این راهکارها تلاش نماید.

الف) تقویت روح ایمان اسلامی در دانش‌آموزان و دانشجویان و تربیت انسان‌های مؤمن، تا آنجا که ایمان آنها ضامن رفتارهای درست آنان باشد و آنها را کجروی در عرصه‌های فردی و اجتماعی بازدارد..
ب) تربیت نسلی وارسته و تزکیه شده و ملتزم به آموزه‌های اخلاق اسلامی

ب) آشنا نمودن دانش آموزان و دانشجویان با تعلیمات اسلام در زمینه وحدت امت اسلامی و نیز آگاه ساختن آنها به نقشه ها و اهداف دشمنان برای ایجاد تفرقه در میان مسلمین

ت) تدوین کتاب های درسی به گونه ای که دانش آموزان و دانشجویان را با ارزش های اسلامی آشنا ساخته و آنان را ملتزم به دفاع از این ارزش ها بنماید.

ج) مقابله با تفکر انحرافی جدایی دین از سیاست و آگاهی دادن به متعلمین در باره تعالیم اسلام در خصوص حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه

چ) ایجاد و تقویت روح عدالت طلبی و مبارزه با ظلم و ظالم در نزد متعلمان

خ) دادن آگاهی به متعلمان در خصوص استکبار و علل و دلایل مقابله با آن

د) برنامه ریزی برای مقابله با غرب زدگی؛ غرب زدگان در همه دوره های تاریخی کشورمان، عاملان استعمار و استکبار بوده اند و به نفع استعمارگران و مستکبرین، زیان های جبران ناپذیری را به کشور و ملت وارد ساخته اند.

ذ) رفع بی عدالتی های موجود در مراکز علمی و آموزشی و تلاش برای رشد و استقرار عدالت در کشور

ر) آموزش و پرورش نسلی که بتواند با تعهد و مسئولیت شناسی و با کسب دانش و معلومات لازم ایفاگر نقش در پیشرفت های علمی، فنی، صنعتی، کشاورزی و پزشکی کشور باشد.

ز) تقویت روح همبستگی اجتماعی و اطاعت از قانون و وفاداری نسبت به کشور و حاکمیت اسلامی آن

ژ) مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان با تمسک به بیانات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

س) آگاهی بخشی به متعلمان در باره مکتب های غربی از طریق نقد علمی آنها و تبیین برتری های اسلام نسبت به آن مکتب ها

ش) مقابله با القانات انحرافی فضای مجازی از طریق قرار دادن متعلمین در معرض افکار درست سیاسی، اجتماعی و فرهنگی راهکارهای مذکور باید با نگاه نو و رفع معایب و نواقص برنامه های قبلی و بازنگری در آنها انجام پذیرد، طوری که تأثیر اقدامات در عمل و در نتیجه اجرای راهکارها قابل سنجش و تأیید باشد.

پی نوشت ها:

- ۱- علی، علاقه بند، جامعه شناسی آموزش و پرورش، بی جا، مؤسسه انتشارات بعثت، چاپ دهم، ۱۳۷۲، ص ۱۸.
- ۲- به نقل از: علی، شریعتمداری، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۷۵.
- ۳- همان، ص ۷۶.
- ۴- همان، ص ۷۷.
- ۵- همان، ص ۷۹.
- ۶- همان، صص ۸۱ و ۸۲ و ۸۸.
- ۷- فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه با همکاری جمعی از محققین، تهران: سمت، ۱۳۷۲، ص ۱۷۰.
- ۸- همان، ص ۱۷۱.
- ۹- همان، ص ۱۷۷.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



- ۱۰- همان، ص ۱۷۴
- ۱۱- همان، ص ۱۷۵.
- ۱۲- همان، ص ۲۱۴.
- ۱۳- ابوالقاسم، پاینده، نهج الفصاحه، تهران: جاویدان، ۱۳۵۴، ص ۶۴.
- ۱۴- فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه با همکاری جمعی از محققین، تهران، سمت، ۱۳۷۲، صص ۲۷۱ و ۲۷۲.
- ۱۵- محمد، بهشتی، مهدی، ابوجعفری و علی نقی، فقیهی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی و علوم انسانی دانشگاه ها، ۱۳۷۹، ص ۱۴۲.
- ۱۶- ابراهیم، امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۴، صص ۲۳ و ۲۸ و ۳۰.
- ۱۷- محمدتقی، جعفری، ترجمه و تفسیر تهج البلاغه، ج ۵، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۱۶۱.
- ۱۸- همان، ج ۱۶، صص ۲۳۲-۲۳۳.
- ۱۹- امام خمینی، صحیفه امام، ج ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۴.
- ۲۰- همان، ج ۸، ص ۱۰۲.
- ۲۱- همان، ج ۱۸، ص ۲۱۶.
- ۲۲- دانشنامه امام خمینی، ج ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۰۰، ص ۵۲۹.
- ۲۳- بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲.
- ۲۴- رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای، حدیث ولایت، ج ۱، ص ۲۰۸.
- ۲۵- بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۳۸۸.
- ۲۶- الاختصاص، ص ۳۳۷.
- ۲۷- نهج البلاغه، نامه ۵۳.
- ۲۸- تحف العقول، ص ۲۴.
- ۲۹- مسند احمد حنبل، ج ۴، ص ۲۷۰.
- ۳۰- مفاتیح الجنان، ص ۳۱۷.
- ۳۱- روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۱.
- ۳۲- علی، آل اسحق خوئینی، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، ج ۱، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۰، ص ۲۳۰.
- ۳۳- همان، ص ۲۶۰.



از جهان چندتمدنی به جهان چندقطبی: چالشی مفهومی در برابر جهانی شدن

علی انتظاری

دانشیار جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده: در حالی که بسیاری از متفکران بومی گرای ایرانی از تمدنی ایرانی اسلامی سخن می گویند و قاطبه متفکران جهان غرب به گونه ای بداهت آمیز جهانی شدن را مطرح می کنند به نظر می رسد جهان چند قطبی با واقعیات عینی جهان کنونی سازگاری بیشتری داشته باشد. با توجه به اینکه پیکربندی اجتماعی کنونی بر خلاف گذشته معطوف به از جاکندگی از زمان و مکان است شاهد هم پوشانی پیکربندی های اجتماعی نوینی خواهیم بود که اگرچه در ذخائر تمدنی ریشه دارند لکن به شدت فراملی شده اند. این پیکربندی های اجتماعی نوین که عنوان قطب بر آنها نهاده ام، در مقابل قطب غالب که خود را به عنوان جهان معرفی می کند قرار گرفته اند. اقتضای قطب «جهان نما» که بر مدرنیته و سرمایه داری صهیونیستی استوار است، مقاومت برانگیزی است؛ مقاومتی که بیشتر در فضاهایی مشاهده می شود که از ذخائر تمدنی برخوردارند و امکان ارائه آلترناتیوهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در ساحت فراملی دارند؛ آلترناتیوهای که پاسخگوی نیاز جوامع در جهان باشد. آنچه فرایند قطبی شدن و دستیابی به جهان چندقطبی را میسر و تسهیل می کند، علاوه بر مقاومت که انرژی اش را از عملکرد قطب «جهان نما» و ذخائر تمدنی می گیرد، دانشی بومی است که به تحول ذخائر تمدنی به آلترناتیوهای فراملی مدد می رساند. جایگاه علم در چنین جهانی علاوه بر روشننگری، در بروزرسانی ذخائر تمدنی قابل مشاهده است؛ همان گونه که در رخداد پیاده روی اربعین شاهد به روزرسانی یکی از برجسته ترین ذخائر تمدنی بوده ایم.

واژگان کلیدی: جهان چندتمدنی؛ جهانی شدن؛ جهان چندقطبی؛ جایگاه علم؛ آلترناتیوهای جهانی شدن؛ ذخائر تمدنی؛ پیاده

روی اربعین



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی ۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



نگاه منظومه ای به تحول علوم انسانی

ابوالقاسم فاتحی

دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی و رئیس پژوهشکده تحول علوم انسانی دانشگاه

چکیده

لازمه‌ی پویایی، روزآمدی، بوم گرایی و بویژه کارآمدی علوم انسانی تحول در علوم انسانی است. علوم انسانی علومی است که موضوع آن مطالعه انسان است. انسانی که برخوردار از ساحت‌های هویتی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، روانی، زیبا شناختی، زیستی و فرا زیستی است. این ساحت‌ها خود تحت تاثیر تغییرات علم و فناوری و تغییرات اجتماعی و نیز ایجاد نیازها و مسایل جدید تغییر می‌کند، پس لاجرم ناگزیر از تحول در علوم انسانی هستیم. علوم انسانی و تحول در آن لازم و ملزوم یکدیگرند و دو روی یک سکه‌اند. پدیده‌های انسانی و اجتماعی به صورت مستمر در فرایند دگرگونی و تغییر قرار می‌گیرند. با این توضیحات تعریف ما از تحول علوم انسانی نیز مشخص می‌شود. تحول در علوم انسانی یعنی بازتعریف روزآمد، کارآمد و بوم‌گرای علوم انسانی و زیر شاخه‌های آن در چهارچوب بنیان‌های معرفت دینی با هدف رسیدن به پیشرفت پایدار و متوازن و نیز رفع نیازها و حل مسایل اجتماعی. این تعریف از تحول علوم انسانی نشان می‌دهد طبعاً تحول علوم انسانی را باید امری فرایندی، چند وجهی فرهنگی، علمی، تاریخ‌مند، مسئله‌مند و روشمند دانست که دارای ابعاد و مولفه‌های نظری، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی دارد. اولین و مهم‌ترین سطح پایه‌ای تحول علوم انسانی به استادان که کنشگران اصلی تحول هستند بر می‌گردد. سپس گروه، دانشکده، دانشگاه و سپس سطوح سیاستگذاری مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دیگر نهادهای علمی ذی ربط که در تحول علوم انسانی سخنی برای گفتن دارند. اکنون این پرسش مطرح است که منظور از نگاه منظومه‌ای به تحول علوم انسانی چیست؟ منظور از نگاه منظومه‌ای به تحول علوم انسانی توجه به همه‌ی عوامل و بسترها و مولفه‌های نهادی، عاملیتی، ساختاری، فرهنگی، سیاستگذاری، نظارتی است که تحقق تحول علوم انسانی و اجتماعی را به تدریج اما برنامه‌ریزی شده، روشمند و هدفمند سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند و به صورت منظم و مستمر مورد پایش و نظارت قرار می‌دهند. نگاه منظومه‌ای رویکردی است برای پیشگیری از موازی کاری‌ها و گسست‌هایی که بین صف و ستاد در سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرا و نظارت و پایش وجود دارد.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



تبیین توانمندسازی دانشجویان در فرآیند دانشگاه تمدن ساز اسلامی
(با تأکید بر نقش اساتید)

اصغر منتظرالقائم

استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول): montazer@ltr.ui.ac.ir

چکیده

توانمندسازی، فرآیند قدرت بخشیدن به افراد است که در منظومه بلوغ تمدنی جایگاه ویژه‌ای دارد. اقدامات اساتید و مجموعه مدیریتی دانشگاه در تحقق این فرایند در ساختار فردی، سازمانی و سبک رهبری منجر به افزایش قدرت اندیشه، احساس خودکارآمدی و مهارت‌افزایی دانشجویان در تولید دانش در مواجهه با معضلات، چالش‌ها و تهدیدها است و موجب هویت‌یابی و بلوغ تمدنی دانشجویان می‌گردد.

هدف مقاله حاضر آن است تا با تحلیل نظری داده‌های تاریخی، پیش‌نیازها و فرآیند توانمندسازی در حوزه دانش مدیریت منابع انسانی، تدابیر لازم استادان در فرایند توانمندسازی دانشجویان را به بحث گذارد. فرضیه مقاله آن است که پیامد توجه اساتید دانشگاه برای بلوغ فکری و هدایت هوشمندانه دانشجویان در تلاطم فکری و فرهنگی حاکم بر جامعه و جهان، موجب توانمندسازی دانشجویان و تداوم جریان مأموریت دانشگاه تمدن‌ساز است. روش مقاله توصیفی تحلیلی با تکیه بر منابع تاریخی و مدیریتی و تمدنی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش شامل تقویت روحیه آزاد اندیشی و سبک تدریس انتقادی و کنجکاوی علمی، ایجاد روحیه پرسشگری و اجتهاد علمی درمیان دانشجویان، همراهی آموزش و پژوهش تفکرآفرین در فرایند تدریس، غنی‌سازی و روزآمدسازی و کارآمد سرفصل دروس، انتقال تجربه‌های آموزشی، رعایت شئون استادی و منشور اخلاق حرفه‌ای به طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب تغییر نگرش و رفتار دانشجویان می‌گردد و زمینه را برای تربیت نیروی متخصص و توانمند فراهم خواهد ساخت.

کلیدواژه‌ها: دانشگاه، اساتید، دانشجویان، توانمندسازی، تمدن‌سازی، فرهنگ‌سازی.



اولین همایش بین المللی جایگاه علم در تمدن نوین اسلامی
۸ و ۹ آبان ۱۴۰۳، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه

The First International Conference on the role of science in Modern Islamic Civilization
October. 29-30, 2024, Urmia University, Iran



فرهنگ نامیرای ایرانی و تحقق تمدن نوین اسلامی

فاطمه جان احمدی

استاد تاریخ گروه تاریخ دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

F.janahmadi@modares.ac.ir

چکیده

تمدن اسلامی تمدنی ریشه دار و پرمایه و بالنده است. دوام این تمدن نه به سازه های کالبدی آن، بلکه متکی بر فرهنگ دینی و غنای سویه های نمادین، آیین های پرمعنا، آداب متعالی، و سنن مبتنی بر قدمت و تجربیات نهادینه و در یک کلام هویت اسلامی آن است. فرایند شکل گیری این هویت به مثابه زیرساخت تمدنی، مرهون مجاهدت های ایرانیان اعم از اندیشمندان و پایوران فرهنگی در غنابخشی و عمق به مفاهیم آن است. فرهنگ ایرانی با ابعاد تاریخی کهن و درخشان در عین دینداری به رشد تکاپوهای علمی و بسترسازی برای ارتقاء معارف اسلامی و مفهوم سازی در سپهر علمی تمدن اسلامی کمک شایان توجهی نموده است. در این فرایند جدایی میان تمدن اسلامی و تمدن ایرانی مقدور نیست. لذا برای صورت بندی، بازساخت و تقویت تمدن نوین اسلامی، آگاهی از ظرفیت های تمدن ایرانی- اسلامی و بازتولید مفاهیم تاریخی آن مهم و تعیین کننده است. پایش مفاهیم و شاخص های ممتازی چون عدالت خواهی، استقلال طلبی، حق محوری، آزادی و آزادی خواهی، خودآگاهی، نفی سلطه غیر الهی، توجه به آموزه های اسلامی، انسان دوستی و صلح طلبی در کنار عقلانیت و علم خواهی ایرانیان که بخش مهمی از هویت فرهنگی تمدن اسلامی را شکل داده است می تواند در صورت بندی شاکله و هویت یابی تمدن نوین اسلامی و تحقق آن موثر باشد.

حال سوال اصلی مقاله حاضر این است که: میراث فرهنگی نامیرای ایرانی چه نقش، سهم و جایگاهی در شکل گیری و تحقق و استمرار تمدن نوین اسلامی دارد؟ با بیان دیگر هدف این است که در بیابیم، فرهنگ ایرانی اسلامی چگونه می تواند در شکل دهی زیرساخت های تمدن نوین اسلامی و در زایش بنیادهای علمی و فکری مسلمانان موثر باشد؟ آیا در این ساخت جهانی تمدن نوین اسلامی و در سپهر آن می توان جایگاهی متمایز برای فرهنگ علمی و اخلاقی و حتی سیاسی قائل بود؟ روش پژوهش در این وجیزه با رویکرد تحقیقات بنیادی، روش هرمنوتیکی و پدیدارشناسانه متکی بر توصیف ژرفنگرانه تاریخی و تحلیل دقیق جامعه شناختی است.